

دانلود کتاب



مثنوی معنوی

(جلد ۷)

نویسنده : مولانا جلال الدین محمد بلخی

شرح جامع
مشنوی معنوی

فہرست راہنما



کریم زمانی

شرح جامع

مشنوی معنوی

فہرست راہنما

تالیف

کریم زمانی

شرح جامع مثنوی معنوی (فهرست راهنما)
تألیف کریم زمانی

فهرست مطالب

۱۱	 مقدمه
۱۵	 آیات قرآن کریم
۵۳	 احادیث و روایات
۷۵	 دعاها و جملات دعایی
۷۷	 گفتار بزرگان و مشایخ صوفیه و مفسران و راویان
۸۳	 ضرب المثل های فارسی
۸۷	 ضرب المثل های عربی
۹۱	 اشعار فارسی
۱۰۱	 اشعار عربی
۱۰۷	 لغات و تعبيرات
۲۸۹	 اصطلاحات و کلید واژه ها
۳۰۳	 نام اشخاص و قبیله ها و فرقه ها
۳۳۱	 نام کتابها
۳۵۷	 نام جایها
۳۶۳	 کشف الایات (هر دو مصراع)
۸۶۷	 فهرست تفصیلی عنوان ها، حکایت ها و تمثیل های مثنوی

روزی سخن می‌گفتم میان جماعتی، و میان
ایشان هم جماعتی کافران بودند. در میان
سخن می‌گریستند و متذوّق می‌شدند و حالت
می‌کردند. سؤال کرد که ایشان چه فهم کنند و
چه دانند این جنس سخن را؟! مسلمانانِ گزیده
از هزار، یک فهم می‌کنند، ایشان چه فهم
می‌کردند که می‌گریستند؟! فرمود که: لازم
نیست که نفسِ این سخن را فهم کنند. آنچه
اصلِ این سخن است، آنرا فهم می‌کنند.

فیه مافیه



مدد از قادر ذوالجلال

این فهرست با تلاش های بی فتور تنی چند از دوستان گرامی فراهم آمده است. اگر در این کار، حسن و کمالی دیده می آید، نتیجه کوشش های پیگیر آنان است و اگر کاستی و زللی پیدا می شود، از این نگارنده است.

با سپاس فراوان از همکاران محترمی که در تهیه این فهرست مساعی بیدریغ خود را بذل نمودند:

* استخراج آیات قرآن کریم، احادیث و روایات و تنظیم آنها براساس حروف الفبا: آقای صالح زمانی، خانم شکوه السادات خوانساری نژاد.

* استخراج دعاها و جملات دعایی، گفتار بزرگان، ضرب المثلهای فارسی و عربی، اشعار فارسی و عربی، اعلام اشخاص، قبیله ها، کتابها، جایها و تنظیم آنها براساس حروف الفبا و فهرست تفصیلی عنوان ها و تمثیل ها و حکایت های مثنوی: خانم شکوه السادات خوانساری نژاد.

* استخراج لغات و تعبیرات مثنوی و تنظیم آنها بر اساس حروف الفبا: خانم شکوه السادات خوانساری نژاد، خانم طلحه حاجی عبدالباقی معمار، خانم فرحناز خوانساری نژاد، خانم سعیده حاجی عبدالباقی معمار، آقای مهدی نمازی.

* استخراج کلیدواژه ها و تنظیم آنها براساس حروف الفبا: خانم فرحناز خوانساری نژاد، خانم شکوه السادات خوانساری نژاد

در این فهرست، آیات قرآن کریم به ترتیب نظم سوره ها در قرآن آمده، نه براساس حروف الفبا. تنظیم احادیث براساس حروف الفباست. شماره های مقابل هر آیه و حدیث نمایانگر شماره دفتر و شماره بیت مربوط به آن است: یوسف: ۴ اذ قال یوسف... ۲۳۳۴:۳، یعنی: آیه ۴ سوره

یوسف مربوط به بیت ۲۳۳۴ دفتر سوم است و در بخش احادیث: کلّ آت... ۳: ۴۵۴۰ یعنی: حدیث کلّ آت... مربوط به بیت ۴۵۴۰ دفتر سوم است. در بخش‌های دیگر نیز به همین منوال است، الّا در بخش اشخاص و قبیله‌ها و فرقه‌ها، کتابها و جایها که به جای شماره ابیات، شماره صفحات آمده است: ابراهیم(ع): ۱: ۷۰، ... یعنی نام ابراهیم(ع) در صفحه ۷۰ و... دفتر اول شرح جامع مثنوی معنوی آمده است.

بخش کشف‌الابیات

- * استخراج مصراع‌های دفتر اول، دوم، سوم و دسته‌بندی کلی آنها براساس حروف الفبا: خانم فاطمه کیهانی
- * استخراج مصراع‌های دفتر چهارم، پنجم، ششم و دسته‌بندی کلی آنها براساس حروف الفبا: خانم فرحناز خوانساری‌نژاد.
- * تنظیم کلیه مصراع‌هایی که با حروف «الف، ب، پ، ت، ث، ج، چ، ح، خ، د، ذ» شروع شده است براساس حروف الفبا و تطبیق نهایی شماره‌های این مصراع‌ها: خانم فاطمه کیهانی.
- * تنظیم کلیه مصراع‌هایی که با حروف «س، ش» شروع شده است براساس حروف الفبا و تطبیق نهایی شماره‌های این مصراع‌ها: خانم بدرالملوک ناصح.
- * تنظیم کلیه مصراع‌هایی که با حروف «ز، م، ن، ه» شروع شده است براساس حروف الفبا: خانم فهیمه لولاگر.
- * تنظیم کلیه مصراع‌هایی که با حروف «ر، ک، و، ی» شروع شده است براساس حروف الفبا و تطبیق نهایی شماره‌های این مصراع‌ها: خانم نرگس معتمدیان.
- * تنظیم کلیه مصراع‌هایی که با حروف «ص، ض، ط، ظ، ع، غ، ف، ق، گ، ل» شروع شده است و نیز تطبیق مقدماتی و ویرایش نهایی بخش کشف‌الابیات: خانم شکوه‌السادات خوانساری‌نژاد.
- * تطبیق نهایی شماره‌های مصراع‌هایی که با حروف «ز، گ، ه» شروع شده است: آقای مهرداد خجسته و خانم بهار سپهربند.
- در بخش کشف‌الابیات، ابتدای هر بیت و هر مصراع دوم براساس حروف الفبا آمده و مقابل آن شماره دفتر و شماره بیت ذکر شده است. کلیه مصراع‌های دوم با علامت (*) مشخص شده است.

یادآوری این نکته ضروری است که شماره صفحات این فهرست بر مبنای شماره صفحات ویرایش دوم دفتر اول (از چاپ هفتم به بعد) و دفتر دوم (از چاپ ششم به بعد) تنظیم شده است.

همچنین از درایت و مدیریتِ مسؤول انتشارات اطلاعات، آقای زین‌العابدین مرتضویان سپاسگزاری می‌کنم و نیز از کارکنان محترم انتشارات اطلاعات بویژه آقای محمود عباسی و نیز از آقای رحیم رمضانی سرپرست واحد حروفچینی مؤسسه اطلاعات کمال تشکر را دارم. در پایان باید اذعان کنم که پایه‌گذار و فراهم‌آورنده و سرپرست گروه تهیه‌کننده این فهرست، همسر خانم شکوه‌السادات خوانساری‌نژاد است. برای ایشان و دیگر عزیزانی که به نحوی از انحاء در فراهم آمدن این اثر بذل عنایت و مساعدت فرمودند، از حضرت معشوق، خواهان حیات طیّبه و سعادت این سرا و سرای جاویدان هستم.

الحمد لله أولاً و آخراً

کریم زمانی

تهران - ۱۵ فروردین ۱۳۸۶

آيات قرآن كريم

فاتحه: ٤	مالك يوم الدين. ١٠٦٤:٢ *
فاتحه: ٥	اياك نعبد و اياك نستعين. ٢٩٣٠: ٤
فاتحه: ٦	اهدنا الصراط المستقيم. ١: ٣٣٩١
بقره: ٣	الذين يؤمنون بالغيب و يقيمون الصلوة و مما رزقناهم ينفقون. ١: ٣٦٢٨
بقره: ٧	ختم الله على قلوبهم و على سمعهم و على ابصارهم غشاوة و لهم عذاب عظيم.
	١: ٤٠٦، ٢: ٦٧٩، ٢: ٨٨١، ٣: ٢٠١٢، ٣: ٢٧٥٥، ٤: ١٩٢٣، ٤: ٢١٧٦، ٤: ٣٣٦٦
بقره: ١٨	صم بكم عمى فهم لا يرجعون. ٥: ١٦٨١
بقره: ١٩	يكاد البرق يخطف ابصارهم... ٢: ١٥٤٥
بقره: ٢١	الذى جعل لكم الارض فراشا و السماء بناء و انزل من السماء ماء فاخرج به من الثمرات رزقا لكم فلا تجعلوا لله اندادا و انتم تعلمون. ٣: ٤٤٠٤
بقره: ٢٣	و ان كنتم فى ريب مما نزلنا على عبدنا فاتوا بسورة من مثله و ادعوا شهدائكم من دون الله ان كنتم صادقين. ٣: ٤٢٤٣
بقره: ٢٤	...فاتقوا النار التى وقودها الناس و الحجارة اعدت للكافرين. ١: ١٣٧٧، ١: ٣٣٨٩، ٣: ٣٦٠٤، ٣: ٣٤٧٢
بقره: ٢٥	... ان لهم جذات تجرى من تحتها الانهار... ١: ٣٠٩١
بقره: ٢٥	...ولهم فيها ازواج مطهرة... ٥: ١٦٧٠
بقره: ٢٦	ان الله لا يستحيى ان يضرب مثلا ما بعوضة فما فوقها فاما الذين آمنوا فيعلمون انه الحق من ربهم و اما الذين كفروا فيقولون ماذا اراد الله بهذا مثلا يضل به كثيرا و يهدى به كثيرا و ما يضل به الا الفاسقين. ٤: ٤٦١، ٥: ٢٤٩٧

- بقره: ٣٠ واذ قال ربك للملائكة ائنى جاعل فى الارض خليفة قالوا اتجعل فيها من يفسد فيها ويسفك الدماء ونحن نسبح بحمدك ونقدس لك قال ائنى اعلم ما لا تعلمون. ١٩٤٣:١، ٢٦٤٩:١، ١٧١:٢، ٢٧٠٨:٢، ٣٢٦٩:٢، ٢٩٧٠:٤
- بقره: ٣٢ قالوا سبحانك لا علم لنا الا ما علمتنا انك انت العليم الحكيم. ١٤٩٠:١، ٣١٧٥:٢، ١١٣٠:٣، ٣٤٧:٤
- بقره: ٣٤ واذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا الا ابليس ابى واستكبر وكان من الكافرين. ١٢٤٧:١، ٢٦١٧:٢، ٢٩٩٧:٥
- بقره: ٣٥ وقلنا يا آدم اسكن انت و زوجك الجنة وكلا منها رغداً حيث شئتما ولا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظالمين. ١٢٤٩:١، ٣٧٠٠:٦
- بقره: ٣٦ فازلهم الشيطان عنها فاخرجهما ... ٢٨٤٩:٣، ٣٦١٩:٥
- بقره: ٣٧ فتلقى آدم من ربه كلمات فتاب عليه ... ٢٥٠٧:٢
- بقره: ٣٨ قلنا اهبطوا منها جميعاً ... ٩٢٦:١، ٣٦١٩:٥
- بقره: ٤٠ يا بنى اسرائيل اذكروا نعمتى التى انعمت عليكم ... ١١٨١:٥
- بقره: ٤٤ اتأمرون الناس بالبرّ وتنسون انفسكم ... ٤٨٧:٤، ٣٩٠٢:٦
- بقره: ٤٥ واستعينوا بالصبر والصلوة ... ٢٣٥٢:٣، ١١٨١:٤
- بقره: ٥٠ واذ فرقنا بكم البحر فانجيناكم و... ٢٠٤٠:٢، ٢٣٠٨:٢
- بقره: ٥٤ واذ قال موسى لقومه يا قوم انكم ظلمتم انفسكم ... ٣٧٤:٣
- بقره: ٥٧ وظللنا عليكم الغمام وانزلنا عليكم المنّ والسّلوى ... ٨٠:١، ٣٧٣٥:١، ٢٠٤١:٢
- بقره: ٥٨ واذ قلنا ادخلوا هذه القرية فكلوا منها ... ٢٩٩٨:٣
- بقره: ٦٠ واذ استسقى موسى لقومه فقلنا اضرب ... ٢٠٤١:٢
- بقره: ٦١ واذ قلت يا موسى لن نصبر على طعام واحد ... ٨١:١
- بقره: ٧٣ فقلنا اضربوه ببعضها كذلك يحيى الله الموتى ... ٣٨٩٩:٣
- بقره: ٧٤ ثم قست قلوبكم من بعد ذلك فهى كالحجارة ... ١٥٣٦:٥، ٣٦٠١:١
- بقره: ٨٥ ... وما الله بغافل عما تعملون. ٣٦٨٢:٤
- بقره: ٨٩ ولما جائهم كتاب من عند الله مصدق لما معهم ... ٣٨٣٩:٤
- بقره: ٩١ ... فلم تقتلون انبياء الله من قبل ان كنتم مؤمنين. ١٣٩٩:٢
- بقره: ٩٣ ... قالوا سمعنا وعصينا ... ٢٨٩٨:٤، ٣٦٤٣:٦
- بقره: ٩٣ ... واشربوا فى قلوبهم العجل بكفرهم ... ١٧٩١:٦
- بقره: ٩٤-٩٥ قل ان كانت لكم الدار الآخرة عند الله خالصة ... ولن يتمنوه ابداباً قدّمت ... ٣٩٦٨:١
- بقره: ١٠٦ ما ننسخ من آية او ننسها نأت بخير منها ... ٣٨٥٩:١، ٣٨٦٠:١، ١٦٧٣:١
- بقره: ١١٥ ولله المشرق والمغرب ... ١٣٩٧:١، ٣٥٠:٥، ٣٦٤٣:٦
- بقره: ١١٧ بديع السموات والارض واذ قضى امراً ... ١٧٨٩:١، ١٣٧٣:٣، ٣٣٩٨:٣

١٢٥: بقره:	...و عهدنا الى ابراهيم و اسمعيل... ٤٣٤:١
١٣٢: بقره:	... فلا تموتنَّ اِلاَّ و انتم مسلمون. ٨٠١:١
١٣٨: بقره:	صبغة الله و من احسن من الله صبغة... ٧٦٦:١
١٤٤: بقره:	قد نرى تقلب وجهك فى السماء... ٣٣٥٤:٢
١٤٥: بقره:	الَّذِينَ آتَيْنَاهُم الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ... ٣٦٦٣:٣
١٥٢: بقره:	فاذكرونى اذ كركم و اشكروالى ولا تكفرون. ١١٨٢:٥
١٥٦: بقره:	الَّذِينَ اِذَا اَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ... ١١٤١:١، ٢٤٧٩:١، ٣٩٣٦:١، ١١١٨:٣، ٢٩١٦:٤، ٤١٨١:٥
١٧٣: بقره:	اَنتَ حَرَمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَ لَحْمَ الْخَنزِيرِ و... ٣٤١٦:٢، ٥٢٠:٢، ٥٢٨:٦
١٧٤: بقره:	...ما يَأْكُلُونَ فى بطونهم اِلاَّ النَّارَ... ١٨٥٥:١
١٧٩: بقره:	ولكم فى القصاص حيوه يا اولى الالباب... ٣٨٨٨:١، ٢٥٠٣:٣، ٤٠٦٠:٦
١٨٦: بقره:	واذا سَأَلَكَ عِبَادى عَنِى فانى قريب... ٣٦٠١:٢، ٧٦٠:٥
١٨٩: بقره:	...وليس البرّ بان تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا... واتوا الْبُيُوتَ مِنْ ابْوَابِهَا... ٩٢٩:١، ١٤٦٢٨:١، ١٤٦٦:٣
١٩٥: بقره:	...ولا تَلْقُوا بايديكم الى التَّهْلِكَةِ... ٣٩٣٠:١، ٢٤٢٨:٥، ٤١٥٨:٦
٢٠١: بقره:	...ربنا آتانا فى الدنيا حسنة وفى الآخرة حسنة... ٢٥٥٢:٢
٢٠٦: بقره:	...ولبئس المهاده. ٣٦٢٠:٦
٢١٣: بقره:	كان النَّاسُ اُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ و مُنذِرِينَ... ٢٨٥:٢
٢١٦: بقره:	...وعسى ان تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ... ١٣٩:٢، ١٥٠٨:٣
٢٤٩: بقره:	...كم من فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةٌ كَثِيرَةٌ... ٤٩٠٩:٦
٢٥٥: بقره:	اللَّهُ لَا اِلهَ اِلاَّ هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ... ١٠٩٤:٣، ٢٠٩٩:٥، ٥٧٨:٦
٢٦٠: بقره:	و اذ قال ابراهيم ربِّ ارنى كيف تحى الموتى... ٣١:٥
٢٦١: بقره:	مثل الَّذِينَ يَنْفِقُونَ اَمْوَالَهُمْ فى سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ... ٢٩٨٠:٣، ١٧٦٢:٤
٢٦٤: بقره:	يا ايها الذين آمنوا لا تبطلوا صدقاتكم... ١٧٣٠:٤
٢٦٦: بقره:	...تجرى من تحتها الانهار... ٢٧١٨:١
٢٦٨: بقره:	الشَّيْطَانُ يَعْصِي الْفَقْرَ و يَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ... ٦٣٤:٢، ٤٣٢٧:٣
٢٧٥: بقره:	الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ... ٦٣٨:٢
٢٨٠: بقره:	و ان كان ذو عسرة فنظرة الى ميسرة... ٢١٣٩:٢
٢٨٥: بقره:	...لا نفرّق بين احد من رسله... ١٩٩٢:٣
٢٨٦: بقره:	لا يَكْفُفُ اللَّهُ نَفْسًا اِلاَّ وَسْعَهَا... ٥٧٩:١، ٢٤٨٣:٢، ٦٧٤:٣، ٢٩٦٩:٥، ٤١٠٤:٥

- آل عمران: ٦ هو الذى يصوركم فى الارحام كيف يشاء... ٣:٣٢٦
- آل عمران: ٧ ... و ما يعلم تأويله الا الله و الراسخون فى العلم... ٥:١٤٤٥
- آل عمران: ٨ ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا و... ١:٣٩٠٠
- آل عمران: ١٤ زين للناس حب الشهوات من النساء... ١:٢٤٢٥
- آل عمران: ١٧ الصابرين و الصادقين و القانتين و... ٦:١٧٥١
- آل عمران: ١٨ شهد الله انه لا اله الا هو... ١:٣٦٤٥، ٣:١٣٤٧
- آل عمران: ٢٦ قل اللهم مالك الملك تؤتى الملك من تشاء... ٢:١٦٢٢
- آل عمران: ٣٧ ... كفّلها دخل عليها زكريا المحراب وجد عندها رزقا. ٦:١٣٠٧
- آل عمران: ٤٠ ... كذلك الله يفعل ما يشاء. ٢:١٦١٩، ٤:٣١٩٨
- آل عمران: ٤١ ... آيتك الاتكلم الناس ثلاثة ايام الارمزاً... ٢:١٦٧٥
- آل عمران: ٤٩ ... اننى اخلق لكم من الطين كهيئة الطير... ١:٥٢٨، ٣:٢٥٨٠
- آل عمران: ٥٢ ... قال الحواريون نحن انصار الله... ١:٨٠١
- آل عمران: ٥٤ و مكروا و مكر الله و الله خير الماكرين. ٢:١٠٥٥
- آل عمران: ٦٧ ... ولكن كان حنيفاً مسلماً... ١:٨٠١
- آل عمران: ٨٣ ... و له اسلم من فى السموات والارض. ٢:٢٥٤٥
- آل عمران: ٨٤ قل آمناً بالله و ما انزل على ابراهيم... ١:٣٢٥، ٤:٤٠٦
- آل عمران: ٨٥ و من يبتغ غير الاسلام ديناً فلن يقبل... ٥:٢٦٦
- آل عمران: ٩٧ فيه آيات بينات مقام ابراهيم و من دخله كان آمناً... ٢:٢٩٨٤
- آل عمران: ١٠٣ واعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرّقوا... ٦:٣٤٩٢
- آل عمران: ١٠٦ يوم تبيض وجوه و تسود وجوه... ١:٣٥١١، ١:٣٥٢٤، ٥:٢٠٨٠
- آل عمران: ١٣٣ و سارعوا الى مغفرة من ربكم. ٣:٣٤٣٥
- آل عمران: ١٣٤ الذين ينفقون فى السراء والضراء... ١:٣٣٧٩
- آل عمران: ١٤٨ ... الله يحب المحسنين. ٦:٢٧٩١
- آل عمران: ١٥٩ ... و شاورهم فى الامر... ١:٣٠١٩، ٦:٢٦١١
- آل عمران: ١٦٧ ... يقولون بافواههم ما ليس فى قلوبهم... ٥:٢٤٥٧
- آل عمران: ١٦٩ ولا تحسبن الذين قتلوا فى سبيل الله امواتاً. ١:٣٩٣٣، ٢:٣٨٤، ٢:١٠٧٦، ٢:١٠٨٨، ٤:١٠٦٤
- آل عمران: ١٧٠-١٦٩ ولا تحسبن الذين قتلوا فى سبيل الله امواتاً... فرحين بما آتاهم الله... ١:٣٨٧٢
- آل عمران: ١٩٥ ... اننى لا اضيع عمل عامل منكم... ١:١٨٢٤
- آل عمران: ٢٠٠ يا ايها الذين آمنوا اصبروا و صابروا... ١:١٦٠٢، ٥:٥٨١
- نساء: ١٩ ... فعسى ان تكرهوا شيئاً... ٥:١٠٦

ان الله لا يغفر ان يشرك به... ٥:٥١٩	نساء: ٤٨
ان الذين كفروا باياتنا سوف نصليهم نارا... ٥:١٩٣٣	نساء: ٥٦
... ان كيد الشيطان كان ضعيفا. ٦:٢٧٩٨	نساء: ٧٦
اينما تكونوا يدرككم الموت ولو كنتم فى بروج مشيدة... ٤:٣١٠٢	نساء: ٧٨
... و ما اصابك من سيئة فمن نفسك... ١:٨٩	نساء: ٧٩
من يطع الرسول فقد اطاع الله... ١:٦٧٤، ٤:١٠٥٧، ٦:٣١٩٨	نساء: ٨٠
... قالوا الم تكن ارض الله واسعة... ١:٣١٨٢، ٤:١٠٨٨	نساء: ٩٧
... و كان الله بكل شىء محيطاً. ١:١٤٨٧	نساء: ١٢٦
... فلا تتبعوا الهوى ان تعدلوا... ١:٣٠٠٢	نساء: ١٣٥
ان المنافقين يخادعون الله و هو خادعهم... ٦:٢٢٣٤	نساء: ١٤٢
مذبذبين بين ذلك لا الى هؤلاء و لا الى هؤلاء... ٣:٢٣٥٥، ٦:١٤٢٧	نساء: ١٤٣
ان المنافقين فى الدرك الاسفل من النار... ١:٢٨٧	نساء: ١٤٥
يا ايها الذين آمنوا اوفوا بالعقود... ٢:٢١٣٩	مائدة: ١
... سمعنا واطعنا... ٦:٣٦٤٣	مائدة: ٧
قالوا يا موسى انا لن ندخلها ابداً ما داموا فيها... ٢:٢٤٨٤	مائدة: ٢٤-٢٦
قال فاتها محرمة عليهم اربعين سنة... ١:٣٧٣٧	مائدة: ٢٦
فبعث الله غرابا يبحث فى الارض... ٤:١٣٠٣	مائدة: ٣١
... يسعون فى الارض فسادا... ٤:٢٤٧٩	مائدة: ٣٣
... لكل جعلنا منكم شرعة و منهاجا... ٥:٢٥٥٦	مائدة: ٤٨
... فسوف يأتى الله بقوم يحبهم و يحبونهم... ١:١٧١٣، ١:١٧٤٠، ٣:٤٣٧٧	مائدة: ٥٤
... يجاهدون فى سبيل الله ولا يخافون لومة لائم... ٢:٤١٤، ٣:١٥١٩، ٣:٤١٢٦	مائدة: ٥٤
٣:٤٣١٩	
هل انتبئكم بشر من ذلك مثوبة عند الله... ٥:٢٥٩١	مائدة: ٦٠
... كلما اوقدوا نار اللحدب اطفأها الله... ٦:٣٥٣	مائدة: ٦٤
يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك... ٣:٣٠٨١، ٤:٣٥٨٥، ٥:٥٠٤	مائدة: ٦٧
لقد كفر الذين قالوا ان الله ثالث ثلاثة... ٣:٤٧٠٥	مائدة: ٧٣
... و احفظوا ايمانكم... ٢:٢١٣٩	مائدة: ٨٩
يا ايها الذين آمنوا لا تسئلوا عن اشياء... ٣:٣٣٠٢	مائدة: ١٠١
... اذ تخلق من الطين كهيئة الطير... ١:٨٦٥	مائدة: ١١٠
اذ قال الحواريون يا عيسى بن مريم هل يستطيع ربك ان ينزل علينا مائدة... ٥:٢٥٩١	مائدة: ١١٢

مائه: ١١٩	قال الله هذا يوم ينفع الصادقين صدقهم... ٧٤٠:٣، ١٤٢٦:٥
انعام: ٢	هو الذي خلقكم من طين ثم قضى اجلاً... ٢٥٩٤:١
انعام: ٥	فقد كذبوا بالحق لما جاءهم... ٣١٩٦:٦
انعام: ١١	قل سيروا في الارض ثم انظروا... ٢٧٣:٣
انعام: ١٤	قل اغير الله اتخذ ولياً فاطر السموات والارض... ٧٢٦:٥، ٧٢٨:٥، ٥٧٨:٦
انعام: ١٨	و هو القاهر فوق عباده و هو الحكيم الخبير. ٣١٦٢:٤، ٣٠٩١:٥
انعام: ١٩	قل اى شىء اكبر شهادة. ٣٦٤٣:١
انعام: ٢٨	بل بدلهم ما كانوا يخفون من قبل... ٣١٥٨:٣، ٢٢٨٧:٤
انعام: ٣١	... كذبوا بقاء الله حتى اذا جائتهم الساعة بغتة... ٢٥٤٦:٤
انعام: ٣٩	والذين كذبوا بآياتنا صم و بكم فى الظلمات... ٣١٩٦:٦
انعام: ٤٢-٤٣	ولقد ارسلنا الى امم من قبلك... ١٦٠٥:٥، ٩٩٤:٦
انعام: ٥٩	وعنده مفاتيح الغيب لا يعلمها الا هو... ١٨٩٩:٣
انعام: ٦١	وهو القاهر فوق عباده... ٣٠٩١:٥
انعام: ٧٠	... لهم شراب من حميم... ٣٥٩١:١
انعام: ٧٦-٧٩	فلما جنّ عليه الليل راكوباً. قال: هذا ربى فلما اقل، قال: لا احب الآفلين. فلما را القمر بازغا قال: هذا ربى. فلما اقل، قال: لئن لم يهدنى ربى لا كونن من القوم الضالين. فلما را الشمس بازغة، قال هذا ربى هذا اكبر. فلما اقلت، قال: يا قوم انى برى مما تشركون. انى وجهت وجهى للذى فطر السموات والارض حنيفاً وما انا من المشركين. ٤٢٦:١، ٢٩٨:٢، ٥٦٤:٢، ١٥٥٩:٢، ٣٠٧٧:٢، ١٤٢٩:٣، ١٤٣٠:٣، ١٤١٥:٦، ٢٨١١:٦
انعام: ٨٢	الذين آمنوا و لم يلبسوا ايمانهم بظلم... ٢١٣٩:٤
انعام: ٩٤	ولقد جئتمونا فرادى كما خلقناكم اول مرة... ٣١٣٧:١، ٢٦٣٣:٣، ٤٤٣:٦
انعام: ٩٥	ان الله فالق الحب والتوى يخرج الحى من الميت و مخرج الميت من الحى ذلكم الله فائى تؤفكون. ٥٥٠:٥
انعام: ٩٦	فالق الاصباح و جعل الليل سكناً... ٣٩٨:١
انعام: ١٠٣	لا تدركه الابصار و هو يدرك الابصار و هو اللطيف الخبير. ١١٣٥:١، ٢٢٠٤:٦
انعام: ١١٢	وكذلك جعلنا لكل نبى عدواً شياطين الانس والجن يوحى بعضهم الى بعض زخرف القول غرورا ولو شاء ربك ما فعلوه و ما يفترون. ١٢٢٠:٥
انعام: ١٢١	ولان كلوا ممّال يذكر اسم الله عليه وانه لفسق و ان الشيطان ليوحون الى اوليائهم ليجادلوكم و ان اطعموهم انكم لمشركون. ١٢٢٢:٥
انعام: ١٥١	قل تعالوا اتل ما حرم ربكم عليكم الا تشركوا به شيئاً و بالوالدين احساناً و لا تقتلوا

اولادكم من املاق نحن نرزقكم و اياهم و لاتقربوا الفواحش ماظهر منها و ما بطن و
لا تقتلوا النفس التى حرم الله الا بالحق ذلكم وصيكم به لعلكم تعقلون. ٢٦٩٤:١،
٢٠٠٦:٤

ان هذا صراطى مستقيما... ١٦١٠:٦
من جاء بالحسنة فله عشر امثالها و من جاء بالسئنة فلا يجزى الا مثله و هم
لا يظلمون. ١٤٩٤:١، ٨٩٦:٢، ٩٤٤:٢، ٣٨٣٦:٣، ١٢٠٤:٤، ٣٢٣٦:٥، ١٤٢١:٦
قل ان صلاتى ونسكى ومحياى ومماتى لله رب العالمين. ١٩١٠:٣، ٧٧١:٥، ٤٢:٦
... ولا تكسب كل نفس الا عليها ولا تزر وازرة وزر اخرى ثم الى ربكم مرجعكم
فينبئكم بما كنتم فيه تختلفون. ١٧٨٨:٣

وكم من قرية اهلكناها فجائها بأسنا بياتا او هم قائلون. ٢٨١٤:٣
والوزن يومئذ الحق فمن ثقلت موازينه فاولئك هم المفلحون. ١١٩٩:٥
... قال انا خير منه؛ خلقتنى من نار و خلقتنه من طين. ٣٢١٦:١، ١٩٢٥:٥
قال فيما اغويتنى لاقعدن لهم صراطك المستقيم. ١٤٨٨:١، ١٤٩٢:١، ١٣٩٣:٤
فوسوس لهما الشيطان ليبدى لهما ما ورى عنهما من سوءاتهما و قال ما نهيكما ربكما
عن هذه الشجرة الا ان تكونا ملكين او تكونا من الخالدين. ٢٧٩٠:١، ١٢٩:٢
قالا ربنا ظلمنا انفسنا و ان لم تغفر لنا و ترحمنا ل نكونن من الخاسرين. ١٤٨٩:١،
٢٧١٠:٢، ١٣٨٩:٤، ٤٠١٠:٥

يا بنى آدم لا يفتننكم الشيطان كما اخرج ابويكم من الجنة ينزع عنهما لباسهما
ليريهما سوءاتهما انه يراكم هو و قبيله من حيث لاترونهم... ٢٨٥٣:٣
يا بنى آدم لا يفتننكم الشيطان كما اخرج ابويكم من الجنة ينزع عنهما لباسهما
ليريهما سوءاتهما انه يريكم هو و قبيله من حيث لاترونهم انا جعلنا الشيطان اولياء
للذين لا يؤمنون. ١٧٨٠:٤

يا بنى آدم خذوا زينتكم عند كل مسجد و كلوا و اشربوا و لاتسرفوا انه لا يحب
المسرفين. ٢٢٠:٢، ٤٧:٥، ٥٨٢:٥، ١٤٠٧:٥، ٢٧٠٨:٥

ان الذين كذبوا بآياتنا و استكبروا عنها لاتفتح لهم ابواب السماء و لا يدخلون الجنة
حتى يلج فى سم الخياط و كذلك نجزي المجرمين. ٣٠٦٥:١، ٣٤٥١:٤
... و على الاعراف رجال يعرفون بسيماهم... ١٢٦٧:١

الا له الخلق والامر... ١١٠٣:٢، ٧٨:٦

ابلغكم رسالات ربي و انصح لكم و اعلم من الله ما لاتعلمون. ١٤١:٣

... و اذكروا اذ جعلكم خلفاء من بعد قوم نوح و زادكم فى الخلق بضطة فاذكروا آلاء
الله لعلكم تفلحون. ٣١٥٩:٢

- اعراف: ٧٨ فاخذتهم الرجفة فاصبحوا فى دارهم جائمين. ٢٥٣٩:١، ٢٣٦٩:٢
- اعراف: ٨٩ ... وانت خير الفاتحين. ١٠٩٠:٣
- اعراف: ٩٣ ... فكيف آسى على قوم كافرين ٢٥٥٨:١
- اعراف: ٩٦ ولوان اهل القرى آمنوا اتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء والارض... ٢٢٠٦:٣
- اعراف: ١٠٤ و قال موسى يا فرعون انى رسول من رب العالمين. ٢٣٠٩:٤
- اعراف: ١٠٧ فالقى عصاه فاذا هى ثعبان مبين. ١٢٤٠:١، ١٥٣٩:٥
- اعراف: ١١٠-١٠٩ ...ان هذا لساحر عليم يريد ان يخرجكم من ارضكم فماذا تأمرون. ١١٤٣:٢
- اعراف: ١١١ قالوا ارجه و اخاه و ارسل فى المدائن حاشرين. ١١٥٧:٣
- اعراف: ١١٦-١١٥ ... قالوا يا موسى اما ان تلقى و اما ان نكون نحن الملقين قال القوا... ١٦١٧:١
- اعراف: ١٢٥ ... انا الى ربنا منقلبون. ٣١٦٢:٥
- اعراف: ١٣٦ فانتقما منهم فاغرقتاهم فى اليم بانهم كذبوا بآياتنا وكانوا عنها غافلين. ١١٨٨:١، ٣١٠٣:١، ٣١٣٣:١
- اعراف: ١٤٣ ولما جاء موسى لميقاتنا وكلمه ربه قال رب ارنى انظر اليك. قال لن ترانى ولكن انظر الى الجبل فان استقر مكانه فسوف ترانى. فلما تجلّى ربه للجبل جعله دكاً وخزّ موسى صعقاً. فلما افاق قال سبحانك تبت اليك وانا اول المؤمنين. ٢٥:١، ٢٦:١، ٥٠٨:٢، ١٥:٣، ١٦:٣، ٢٤٤٥:٦
- اعراف: ١٥٦ ... ورحمتى وسعت كل شىء... ٣١٥٩:٣
- اعراف: ١٥٧ ... و يضع عنهم اصرهم والاغلال التى كانت عليهم... ٢٦٢:٥
- اعراف: ١٧٢ ...الست برّيكُم؟ قالوا: بلى شهدنا... ١٢٤١:١، ٤٥٤٣:٣، ٢٠٩٧:٤، ٢١٢٦:٥
- اعراف: ١٧٥-١٧٦ و اتل عليهم نبأ الذى آتيناه آياتنا فانسلخ منها فاتّبعه الشيطان فكان من الغاوين ولو شئنا لرفعناه بها ولكنّه اخلد الى الارض واتّبع هواه فمثله كمثل الكلب ان تحمل عليه يلهث او تتركه يلهث... ٣٧٣٩:٥
- اعراف: ١٧٩ ولقد ذرأنا لجهنم كثيرا من الجنّ والانس لهم قلوب لا يفقهون بها ولهم اعين لا يبصرون بها ولهم آذان لا يسمعون بها اولئك كالانعام بل هم اضلّ اولئك هم الغافلون. ١٤٠٥:١، ١٦٠٨:٢، ١١٠٩:٣، ١٥٢٢:٤
- اعراف: ١٨٢ والذين كذبوا بآياتنا سنستدرجهم من حيث لا يعلمون. ٣٠٤١:١
- اعراف: ١٨٩ هو الذى خلقكم من نفس واحدة وجعل منها زوجها ليسكن اليها... ٢٤٢٦:١
- اعراف: ١٩٨ ان تدعوهم الى الهدى لا يسمعون وترهبهم ينظرون اليك وهم لا يبصرون. ٣٤٧٩:٤
- اعراف: ٢٠٤ واذا قرئ القرآن فاستمعوا له و انصتوا لعلّكم ترحمون. ١٦٢٢:١، ٢٧٢٦:٣، ١٤٦٦:٤
- انفال: ١٧ ...وما رميت اذ رميت ولكنّ الله رمى... ٦١٥:١، ٣٧٨٩:١، ١٣٠٦:٢، ٢٥٣٠:٢

- ٣٦٥٩:٣، ٧٦٣:٤، ١٧٢٥:٤، ٢٩٤٧:٤، ٣١٩٧:٦، ٤٥٧٩:٦
 ...و ان الله موهن كيد الكافرين. ٣٥٢:٦ انفال: ١٨
- ان تستفتحوا فقد جاءكم الفتح وان تنتهوا فهو خير لكم وان تعودوا نعدون تغنى
 عنكم فتتكم شيئا ولو كثرت وان الله مع المؤمنين. ٤٤٨٦:٣ انفال: ١٩
- ان شر الدواب عند الله الصم البكم الذين لا يعقلون. ٣٠٤٠:٤ انفال: ٢٢
- ...واعلموا ان الله يحول بين المرء وقلبه... ٥٣١:١ انفال: ٢٤
- ...والله خير الماكرين. ٣٥٩٥:٤ انفال: ٣٠
- وما كان الله ليعذبهم وانت فيهم وما كان الله معذبهم وهم يستغفرون. ١٤٠٣:٢ انفال: ٣٣
- ان الذين كفروا ينفقون اموالهم ليصدوا عن سبيل الله فسينفقونها ثم تكون عليهم
 حسرة ثم يغلبون... ٢٢٣١:١ انفال: ٣٦
- ليميز الله الخبيث من الطيب ويجعل الخبيث بعضه على بعض فيركمه جميعا فيجعله
 في جهنم اولئك هم الخاسرون. ٢٥٤٦:٥ انفال: ٣٧
- ...ليقضى الله امرا كان مفعولا ليهلك من هلك عن بينة ويحيى من حي عن بينة وان
 الله لسميع عليم. ١٨٧٨:٦ انفال: ٤٢
- اذيريكم الله في مناكم قليلا ولو اريكم كثيرا لفشلتم ولتنازعتم في الامر ولكن
 الله سلم انه عليم بذات الصدور واذيريكموهم اذا التقيتم في اعينكم قليلا ويقللكم
 في اعينهم ليقضى الله امرا كان مفعولا و الى الله ترجع الامور. ٢٢٩٢:٢ انفال: ٤٣-٤٤
- واذا زين لهم الشيطان اعمالهم وقال لا غالب لكم اليوم من الناس واتى جار لكم...
 ٤٠٣٦:٣، ٤٠٤١:٣، ٤٠٥١:٣ انفال: ٤٨
- ...فاغرقناهم في اليم... ١١٨٨:١ انفال: ٥٤
- ثم انزل الله سكينه على رسوله وعلى المؤمنين وانزل جنودا لم تروها وعذب الذين
 كفروا وذلك جزاء الكافرين. ٣٨٧١:٣، ٤٠٣٩:٣ توبه: ٢٦
- يا ايها الذين آمنوا انما المشركون نجس فلا يقربوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا وان
 خفتكم عيلة فسوف يغنيكم الله من فضله ان شاء ان الله عليم حكيم. ٢٠٩٤:٣، ٢٩٦:٤ توبه: ٢٨
- لو خرجوا فيكم ما زادوكم الا خبالا ولا وضعوا خلالكم ييغونكم الفتنة وفيكم
 سماعون لهم والله عليم بالظالمين. ٤٠٢١:٣ توبه: ٤٧
- ومنهم الذين يؤذون النبي ويقولون هو اذن قل اذن خير لكم يؤمن بالله و يؤمن
 للمؤمنين ورحمة للذين آمنوا منكم والذين يؤذون رسول الله لهم عذاب اليم. ١٠٢:٣ توبه: ٦١
- فليضحكوا قليلا وليبكوا كثيرا جزاء بما كانوا يكسبون. ١٣٧:٥، ١٥٨١:٦ توبه: ٨٢

- توبه: ١١٠-١٠٧ والَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضَرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَارْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلِيَحْلِفْنَ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحَسَنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ أَنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحْيُونَ أَنْ يَمُوتُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ. أَفَمَنْ أُسِّسَ بِنْيَانُهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمِ مَنْ أُسِّسَ بِنْيَانُهُ عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ. لَا يَزَالُ بَنِيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ. ٢٨٢٥:٢
- توبه: ١١١ إِنْ اللَّهُ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ... وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ. ٢٧٠٩:١، ٢٤٣٨:٢، ٣٢٦٧:٢، ٣٢٣:٣، ٤١١٥:٣، ٣٥١٣:٤، ١٤٦٣:٥، ١٢٦٥:٦
- توبه: ١١٤ وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِابْنِهِ الْآعَنَ مُوعِدَةً وَعَدَهَا آيَةً فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّءَ مِنْهُ إِنْ إِبْرَاهِيمُ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ. ١٢٣٩:٥، ٨٨٤:٦
- توبه: ١٢٥ وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا. ١٤٧٤:٤، ١٥٢٧:٤
- توبه: ١٢٦ أَوْ لَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَرَّةً ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَّكَّرُونَ. ٧٤٥:٣
- يونس: ٥ هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابِ... ١٩:٤
- يونس: ٢٢-٢٣ هُوَ الَّذِي يَسِيرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرِينَ بَحْمٍ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرَجَوْهَا بِهَا جَاءَهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنْ أَنْجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ فَلَمَّا أَنْجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ... ٢١٨٣:٣
- يونس: ٢٥ وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَىٰ دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. ٣١٠٧:٣، ٧٢٣:٤، ٢٠٢٨:٤
- يونس: ٣٦ وَمَا يَتَّبِعْ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يَغْنَىٰ مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا... ٣٤٤٢:١، ٤١٠٥:٦
- يونس: ٣٩ بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ... ٣٥٨٠:٢
- يونس: ٤٩ قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ... ٦٠٥:١، ٦١٤:١
- هود: ١ كِتَابٍ أَحْكَمْتَ آيَاتِهِ ثُمَّ فَضَّلْتَ مِنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ. ٢٤٧٢:١
- هود: ٦ وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا... ٢٢٩٥:١، ٢٣٩١:٥
- هود: ٧ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ بِآيَاتِهِ أَحْسَنَ عَمَلًا... ٧٤:٢
- هود: ٢٤ مِثْلَ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَى وَالْبَصِيرَ وَالسَّمِيعَ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ. ١٧٥٥:٣

- هو: ٢٩ ويا قوم لا اسئلكم عليه مالا ان اجرى الآ على الله ... ٥٧٤:٢، ٢٧٠٨:٣، ٢٩٣١:٣
- هو: ٣٧ و اصنع الفلك باعيننا و وحيننا ... ٢٧٩٨:٣
- هو: ٣٨ و يصنع الفلك وكلما مرّ عليه ملأ من قومه سخروا منه قال ان تسخروا منا فانا نسخر منكم كما تسخرون. ٢٧٩٥:٣
- هو: ٤٢ وهى تجرى بهم فى موج كالجبال و نادى نوح ابنه و كان فى معزل يا بنى اركب معنا ولا تكن مع الكافرين. ١٣٠٩:٣
- هو: ٤٣ قال ساوى الى جبل يعصمنى من الماء قال لا عاصم اليوم من امر الله الا من رحم و حال بينهما الموج فكان من المفروقين. ٢٦٧٠:٢، ١٣١٣:٣، ١٣٣٠:٣
- هو: ٤٤ وقيل يا ارض ابلعى مائك و يا سماء اقلعى و غيض الماء ... ٢٣٦٩:٢
- هو: ٤٥-٤٦ و نادى نوح ربه فقال: رب ان ابني من اهلى وان وعدك الحق وانت احكم الحاكمين قال: يا نوح انه ليس من اهلك انه عمل غير صالح فلا تسئلن ما ليس لك به علم ائى اعطك ان تكون من الجاهلين. ١٣٣٤:٣
- هو: ٥٦ ... ما من دابة الا هو آخذ بناصيتها ... ٣٦٨٠:١
- هو: ٨١ ... اليس الصبح بقريب. ٤١١:٣، ٨٥٣:٦
- هو: ٨٢ فلما جاء امرنا جعلنا عاليها سافلها وامطرنا عليها حجارة من سجيل منضود. ٢٦٦٣:٢
- هو: ١٠٦ فاما الذين شقوا ففى النار لهم فيها زفير وشهيق. ٢٠٠٥:٢
- هو: ١١٢ فاستقم كما امرت و من تاب معك ولا تطفوا انه بما تعملون بصير. ١٣٨٥:١، ٧٤١:٣، ٢٦٦٨:٣
- هو: ١١٤ ان الحسنات يذهبن السيئات ... ١٢٤:٦
- هو: ١١٩ و كلا نقص عليك من انباء الرسل ما نثبت به فؤادك ... ٢٥٣٨:٣
- يوسف: ٤ اذ قال يوسف لايه يا ابت ائى رأيت احد عشر كوكبا والشمس والقمر رأيتهم لى ساجدين. ٢٣٣٤:٣
- يوسف: ٦ ... و يعلمك من تأويل الاحاديث ... ٣١٠٣:٦
- يوسف: ١٠ قال قائل منهم لا تقتلوا يوسف والقوه فى غيابة الجب يلتقطه بعض السيارة ان كنتم فاعلين. ٣٠٣١:٣
- يوسف: ١٢ ارسله معنا غدا يرتع ويلعب و انا له لحافظون. ٤١٧:٣
- يوسف: ١٥ فلما ذهبوا به و اجمعوا ان يجعلوه فى غيابة الجب و اوحينا اليه لتنبئتهم بامرهم هذا وهم لا يشعرون. ٤٠٥٨:٥
- يوسف: ١٧ يا ابانا انا ذهبنا نستبق وتركنا يوسف عند متاعنا فاكله الذئب ... ١٤١٠:٢
- يوسف: ١٩ وجاءت سيارة فارسلوا واردهم، فادلى دلوه قال: يا بشرى، هذا غلام ... ٢٧٨٧:١

٦٧٤:٤

- یوسف: ٢٠ و شروه بثمان بخش دراهم معدودة و كانوا فيه من الزّاهدين. ٣٣٤٥:٦
- یوسف: ٢٣ و راودته الّتی هو فی بیتها عن نفسه و غلّقت الابواب و قالت هیت لك. قال معاذ الله
- آته ربّی احسن مثنوی آته لا یفلح الظالمون. ١١٠٥:٥
- یوسف: ٢٨ فلما رأى قميصه قد من دبر قال آته من کیدکن ان کیدکن عظیم. ١٨٦:٤، ٢٧٩٨:٦
- یوسف: ٣١ فلما سمعت بمكرهنّ ارسلت اليهنّ واعتدت لهنّ متکنا و آتت کلّ واحدة منهنّ سکینا
- و قالت اخرج عليهنّ. فلما راينه اكبّنه و قطعن ايديهنّ و قلن حاش لله ما هذا بشرا ان
- هذا الاّ ملک کریم. ١٦٠٦:٣، ٣٧٠٥:٣، ٢٠٩٩:٤، ٣٢٣٧:٥
- یوسف: ٣٣ قال رب السجن احب الی مما يدعوننی الیه و الا تصرف عني کیدهنّ اصب اليهنّ و
- اكن من الجاهلين. ٢٧٩٥:٦
- یوسف: ٤٢ و قال للذی ظنّ آته ناج منهما اذ کرني عند ربّک فانساه الشّيطان ذکر ربّه فلبث فی
- السّجن بضع سنين. ٣٤٠٠:٦
- یوسف: ٤٣ و قال الملك ائی اری سبع بقرات سمان یا کلهنّ سبع عجاف و سبع سنبلات خضرو
- اخر یابسات یا ایها الملأ افتونی فی رؤیای ان کنتم للرّویا تعبرون. ٩٣٢:٥
- یوسف: ٤٦ یوسف ایها الصّدیق افتنا فی سبع بقرات سمان... ٣١٥٧:١
- یوسف: ٥٣ ان النّفس لامارة بالسّوء... ٢٤٦١:٥
- یوسف: ٧٦ ...و فوق کلّ ذی علم علیم. ٩٦٧:٣، ٣١٦٢:٤
- یوسف: ٨٢ و اسئل القرية... ٣٥٩٥:٥
- یوسف: ٨٧ یا بنی اذهبوا فتحسّسوا من یوسف و اخیه ولا تأسوا من روح الله آته لا یأس من
- روح الله الاّ القوم الکافرون. ٩٨٢:٣، ٢٩٢٢:٣، ٤٧٤١:٦
- یوسف: ٨٩ قال هل علمتم ما فعلتم بیوسف و اخیه اذ انتم جاهلون. ٢٣٣٩:٣
- یوسف: ٩٣ اذهبوا بقمیصی هذا فالقوه علی وجه ابی یأت بصیراً و اتونی باهلکم اجمعین.
- ٣٢٣٤:٢
- یوسف: ٩٤ فلما فصلت العیر قال ابوهم ائی لاجد ریح یوسف لولا ان تفقدون. ١٢٥:١،
- ١٢٠٥:٢، ٣٠٣٥:٣، ٨٥٠:٤، ١٨٤٦:٤
- یوسف: ٩٦ فلما ان جاء البشیر القیه علی وجهه فارتدّ بصیرا قال الم اقل لكم ائی اعلم من الله ما
- لا تعلمون. ١٣٥٣:١، ١٩٠٢:١، ٤٧٧٨:٣، ٣٢٢١:٤
- یوسف: ١٠١ ...توفنی مسلماً... ٨٠١:١
- یوسف: ١٠٨ قل هذه سبیلی ادعوا الی الله علی بصيرة... ١٦١٠:٦
- یوسف: ١١٠ حتّی اذا استیأس الرّسل و ظنّوا انهم قد کذبوا جاءهم نصرنا فنُجّی من نشاء و لا یردّ
- باسنا عن القوم المجرمین. ٢٠٣٣:٣

اللّٰهُ الَّذِى رَفَعَ السَّمٰوٰتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَّرَوْنَهَا... ٥:٣، ٤٥٤٤:٣	رعد: ٢
وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ. ٢٩٤٧:١، ٢٥٣٨:٣	رعد: ٧
وَيَسِيحُ الرِّعْدُ بِحَمْدِهِ... ٩٣٢:٦	رعد: ١٣
... اَلَا بِذِكْرِ اللّٰهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ. ١٣٥٠:٣، ٤٣٨:٤	رعد: ٢٨
طُوبٰى... ١٩٥٦:١	رعد: ٢٩
يَمْحُو اللّٰهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ اَمَّ الْكِتَابِ. ٢٩٦:١	رعد: ٣٩
وَ اِذْ تَاٰذَن رَّبِّكُمْ لَنْ شَكَرْتُمْ لَا زَيْدِنَكُمْ وَلَنْ كُفَرْتُمْ اَنْ عَذَابِىْ لَشَدِيدٍ. ٩٣٨:١	ابراهيم: ٧
٩٣٩:١، ٩٤٦:١، ٢٨٩٧:٣، ١٠:٤	
... قَالُوْا اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا... ٢٦٦:١	ابراهيم: ١٠
تُرِيدُوْنَ اَنْ تَصَدَّوْنَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ اٰبَاؤُنَا فَاتُوْا بِسُلْطٰنٍ مُّبِيْنٍ. ٢٢٩٨:٣	ابراهيم: ١٠
مِنْ وَّرَآئِهِ جَهَنَّمُ وَيَسْقٰى مِنْ مَّاءٍ صَدِيْدٍ. ٣٢٩٤:٣	ابراهيم: ١٦
اَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللّٰهُ مِثْلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ اَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِى السَّمَآءِ. ١٩٨٦:٣، ٤٣٨٨:٣، ٣٥٧٤:٤	ابراهيم: ٢٤
مُهْطِعِيْنَ مُّقْنَعٰى رُؤُسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَ افْتَدَتْهُمْ هَوَآءُ. ١٨٠٤:٥	ابراهيم: ٤٣
وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللّٰهِ مَكْرُهُمْ وَاِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ. ٩٥٢:١	ابراهيم: ٤٦
٤٥١:٥	
يَوْمَ تَبَدَّلَ الْاَرْضُ غَيْرَ الْاَرْضِ وَالسَّمٰوٰتُ وَ بَرَزَ اللّٰهُ الْوَاحِدَ الْقَهَّارُ. ١٠٤٤:٢	ابراهيم: ٤٨
٣٢٦٢:٤، ٦٥٧:٤	
ذَرْهُمْ يَأْكُلُوْا وَيَتَمَتَّعُوْا وَيُلْهِمُ الْاَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُوْنَ. ١٠٧٤:٤	حجر: ٣
اِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَاِنَّا لَهٗ لِحَافِظُوْنَ. ١١٩٧:٣، ٢٨٧٦:٤	حجر: ٩
اِنْ مِنْ شَيْءٍ اِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهٗ اِلَّا بِقَدْرِ مَعْلُوْمٍ. ٢٠٣٥:١	حجر: ٢١
... وَنَحْنُ الْوَارِثُوْنَ. ١٨٠٦:١	حجر: ٢٣
فَاِذَا سُوِيْتَهُ نَفَخْتَ فِيْهِ مِنْ رُّوْحِىْ فَقَعُوْا لَهٗ سٰجِدِيْنَ. ٣٢٠٣:٤، ٣٥٩٤:٦	حجر: ٢٩
فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ اِجْمَعُوْنَ ١٦١٤:٢	حجر: ٣٠
قَالَ رَبِّ فَاَنْظِرْنِىْ اِلَى يَوْمٍ يَّبْعَثُوْنَ. ٦٣٠:٢	حجر: ٣٦
اِنَّ عِبَادِىْ لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطٰنٌ اِلَّا مَنْ اَتَّبَعَكَ مِنَ الْغٰوِيْنَ. ٢٤٥٤:٥	حجر: ٤٢
وَ اِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ اِجْمَعِيْنَ لَهَا سَبْعَةُ اِبْوَابٍ لِّكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جِزْءٌ مَّقْسُوْمٌ. ٧٧٩:١	حجر: ٤٣-٤٤
لَعَمْرِكُ اَنْتُمْ لَفِىْ سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُوْنَ. ١١٢:٥	حجر: ٧٢
... وَ اَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ. ٨٨:٣	حجر: ٧٤
وَ مَا خَلَقْنَا السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا اِلَّا بِالْحَقِّ... ٢٩٩٨:٤	حجر: ٨٥

- حجر: ٩٩ و اعبد ربك حتى ياتيك اليقين. ١٨٢٣:١، ١٤٨٠:٦
- نحل: ٧ وتحمل اثقالكم الى بلد لم تكونوا بالفيه الا بشق الانفس ان ربكم لرؤف رحيم. ٤٦٦:٤
- نحل: ١٥ والقي في الارض رواسي ان تميد بكم... ٣٢٧٦:٢
- نحل: ١٦ و علامات و بالتجم هم يهتدون. ٥٣٦:٣
- نحل: ٣٦ ... فسيروا في الارض فانظروا كيف كان عاقبة المكذبين. ٢٩٥٠:١، ٣١٢١:١
- نحل: ٦٦ وان لكم في الانعام لعلوة نسقيكم مما في بطونه من بين فرث و دم لبناً خالصاً سائغاً للشاربين. ١:٢
- نحل: ٦٨-٦٩ و اوحى ربك الى النحل ان اتخذي من الجبال بيوتاً ومن الشجر ومما يعرشون. ثم كلي من كل الثمرات فاسلكي سبل ربك ذللاً يخرج من بطونها شراب مختلف الوانه فيه شفاء للناس ان في ذلك لاية لقوم يتفكرون. ١٠٠٩:١، ١٢٢٩:٥، ٢٩٢٦:٦
- نحل: ٧٧ و ما امر الساعة الا كلمح البصر او هو اقرب... ١١٤٨:١
- نحل: ٩٧ من عمل صالحا من ذكر و انثى وهو مؤمن فلنجينه حياة طيبة ولنجزينهم اجرهم احسن ما كانوا يعملون. ٣١٠٠:٢
- نحل: ١٢٠ ان ابراهيم كان امة قانتا... ٣٧٨٥:١
- نحل: ١٢٣ ثم اوحينا اليك ان اتبع ملّة ابراهيم حنيفا و ما كان من المشركين. ١٢٦٥:٥
- اسراء(بنی اسرائیل): ٧ ان احسنتم احسنتم لانفسكم و ان اسأتم فلها... ٣١٥٢:٥
- اسراء(بنی اسرائیل): ٨ عسى ربكم ان يرحمكم و ان عدتم عدنا وجعلنا جهنم للكافرين حصيرا. ٢٨٧٢:٣، ٤٠٠٨:٥
- اسراء(بنی اسرائیل): ١٣ و كل انسان الزمناه طائره في عنقه ونخرج له يوم القيامة كتاباً يلقاه منشورا. ١١٢١:٤
- اسراء(بنی اسرائیل): ١٥... ولا تزر وازرة وزر اخرى وما كنا معذبين حتى نبعث رسولا. ٧٣١:٢
- اسراء(بنی اسرائیل): ١٦ و اذا اردنا ان نهلك قرية امرنا مترفيا ففسقوا فيها فحق عليها القول فدمرناها تدميرا. ٢١٥٢:٤
- اسراء(بنی اسرائیل): ٢٣ و قضى ربك الا تعبدوا الا اياه و بالوالدين احسانا... ١٣٧٣:٣
- اسراء(بنی اسرائیل): ٣٦ ولا تقف ما ليس لك به علم، ان السمع والبصر والفؤاد كل اولئك كان عنه مسئولا. ٢١٥٢:٣
- اسراء(بنی اسرائیل): ٤٣ سبحانه و تعالى عما يقولون علوا كبيرا. ٢٢٤:٤
- اسراء(بنی اسرائیل): ٤٤ تسبح له السموات السبع و الارض و من فيهن و ان من شيء الا يسبح بحمده ولكن لا تفقهون تسبيحهم انه كان حليماً غفوراً. ٥١٣:١، ٢١٢٢:١، ٣٢٧٩:١، ١٠١٢:٣

- ۱۰۱۹:۳، ۱۰۲۲:۳، ۱۴۹۶:۳
 وقالوا اءذا كنا عظاما ورفاتا ائنا لمبعوثون خلقا جديدا؟. ۳۶۷۹:۱
 واستفرز من استطعت منهم بصوتك واجلب عليهم بخيلك ورجلك وشاركهم في
 الاموال والاولاد وعدهم وما يعدهم الشيطان الا غرورا. ۴۳۲۶:۳، ۲۷۲:۵
 ولقد كرمنا بنى آدم وحملناهم في البر والبحر ورزقناهم من الطيبات وفضلناهم
 على كثير ممن خلقنا تفضيلا. ۶۷:۲، ۳۷۷۴:۲، ۳۲۹۱:۳، ۳۳۰۰:۳، ۱۲۳۱:۵
 ۱۲۹۵:۵، ۳۵۷۴:۵، ۴۱۵۸:۵
 يوم ندعوا كل اناس بامامهم... ۶۹۸:۳
 ونزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين ولا يزيد الظالمين الا خسارا.
 ۲۷۵۳:۳
 قل كل يعمل على شاكلته فربكم اعلم بمن هو اهدى سبيلا. ۴۱۷:۲، ۱۷۵۳:۲
 ۱۶۱۸:۳، ۲۹۰۶:۳، ۲۰۹۰:۵
 ويسألونك عن الروح قل الروح من امر ربي وما اوتيتم من العلم الا قليلا. ۲۸۵۲:۱
 ۹۸۳:۶، ۲۸۷۸:۶
 قل لئن اجتمعت الانس والجن على ان ياتوا بمثل هذا القرآن لا يأتون بمثله ولو كان
 بعضهم لبعض ظهيرا. ۴۲۴۳:۳
 قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن اياما تدعوا فله الاسماء الحسنی... ۱۹۵۴:۲
 كهف: ۶
 فلعلك باخع نفسك على آثارهم ان لم يؤمنوا بهذا الحديث اسفا. ۲۰۱۲:۴
 كهف: ۷
 انا جعلنا ما على الارض زينة لها لنبلوهم ايتهم احسن عملا. ۴۱۶۵:۳
 كهف: ۱۷
 و ترى الشمس اذا طلعت تزاور عن كهفهم ذات اليمين و اذا غربت تقرضهم ذات
 الشمال وهم في فجوة منه... ۳۰۰۶:۱
 كهف: ۱۸
 وتحسبهم ايقاظا وهم رقود وتقلبهم ذات اليمين و ذات الشمال و كلبهم باسط
 ذراعيه بالوصيد لو اطلعت عليهم لوليت منهم فرارا ولملئت منهم رعبا. ۳۹۲:۱
 ۳۰۲۱:۱، ۳۱۸۹:۱، ۱۴۲۵:۲، ۲۹۴۹:۵، ۲۱۷:۶، ۲۱۸:۶، ۲۱۹:۶
 كهف: ۲۳-۲۴
 ولا تقولن لشيء ائني فاعل ذلك غدا الا ان يشاء الله... ۳۶۹۲:۶
 كهف: ۲۵
 وليثوا في كهفهم ثلاث مائة سنين و ازدادوا تسعا. ۳۸:۲
 كهف: ۲۸
 واصبر نفسك مع الذين يدعون ربهم بالغزوة والعشى يريدون وجهه... ۲۶۸۷:۱
 كهف: ۴۶
 والمال والبنون زينة الحياة الدنيا والباقيات الصالحات خير عند ربك ثوابا وخير
 املا. ۳۴:۳
 كهف: ۴۸
 وعرضوا على ربك صفًا... ۱۲۵۴:۴
 كهف: ۵۰
 فسجدوا الا ابليس كان من الجن... ۲۶۱۷:۲

- کھف: ٥٠ ... كان من الجن ففسق عن امر ربّه ... ١٩٢٧:٥
- کھف: ٦٠ واذ قال موسى لفته لا ابرح حتّى ابلغ مجمع البحرين او امضى حقبا. ١٩٦٨:٣
- کھف: ٦٥ ... وعلّمناه من لدنا علماً. ٨١٣:١
- کھف: ٩٠ حتّى اذا بلغ مطلع الشمس وجدها تطلع على قوم لم نجعل لهم من دونها ستراً. ٤٥:٢
- کھف: ٩٩ ... ونفخ في الصور ... ٧٤٦:١
- کھف: ١٠٣-١٠٤ قل هل ننبئكم بالاخسرين اعمالاً الذين ضلّ سعيهم في الحياة الدّنيا وهم يحسبون أنّهم يحسنون صنعا. ٣٣٨٦:١، ٢٨١٥:٥
- کھف: ١٠٩ قل لو كان البحر مداداً لكلمات ربّي لنفد البحر قبل ان تنفد كلمات ربّي ولو جئنا بمثله مداداً. ٣٥٤٣:٢
- کھف: ١١٠ قل انما انا بشر مثلكم يوحى الیّ ... ٣٦٥٩:١، ٣٧٧٧:٢، ٣٣٣٣:٣
- کھف: ١١٠ ... فمن كان يرجوا لقاء ربّه فليعمل عملاً صالحاً ... ٣٦١٥:١
- مریم: ١٦-١٨ واذ كرفی الكتاب مریم اذ انتبذت من اهلها مكاناً شرقياً فاتخذت من دونهم حجاباً فارسلنا اليها روحنا فتمثل لها بشراً سوياً قالت انّی اعوذ بالرحمان منك ان كنت تقياً. ٣٧٠٠:٣
- مریم: ١٩ قال انما انا رسول ربّك لاهب لك غلاماً زكياً. ٣٧٦٨:٣
- مریم: ٢٣ فاجانها المخاض الى جذع النخلة قالت ياليتنى متّ قبل هذا وكنت نسياً منسياً. ٩٨:٢
- مریم: ٢٥ و هزى اليك بجذع النخلة تساقط عليك رطباً جنياً. ٣٤٩٧:٤
- مریم: ٣٠ قال انّی عبدالله اتانى الكتاب وجعلنى نبياً. ١٧٩٤:٣، ٣٢٠٤:٣
- مریم: ٥٧ و رفعناه مكاناً علياً. ٢٦٧٢:٤
- مریم: ٧١-٧٢ وان منكم الا واردها كان على ربك حتماً مقضياً ثم ننجى الذين اتقوا ونذر الظالمين فيها جثياً. ٢٥٥٥:٢
- مریم: ٩٧ فانما یسرناه بلسانک لتبشّر به المتّقين و تنذر به قوماً لداً. ٢٤٨٨:٥
- طه: ٥ الرّحمن على العرش استوی. ٣٦٦٥:١
- طه: ١٠ اذا رآ ناراً فقال لاهله: امكثوا انّی آنست ناراً لعلّی آتیكم منها بقبس ... ٢٧٨٨:١
- طه: ١٧-٢١ وما تلك بيمينک يا موسى قال هی عصاى اتوکأّ علیها و اهشّ بها على غنمی ولى فيها مآرب اخرى قال القها يا موسى فالقها فاذا هی حیة تسعى قال خذها ولا تخف سنعيدها سيرتها الاولى. ٢٢٨٧:٢، ١١٠٦:٣، ٢٧٨٨:٣
- طه: ٢٥-٢٦ رب اشرح لی صدری ويسر لی امری. ١٩٢٤:٢
- طه: ٤٤ فقولاً له قولاً لينا ... ٣٥٩٣:٤

- طه: ٥٠ ... رَبَّنَا الَّذِي اَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى. ٢٣٤٢:١، ٢٤٤٧:١، ٢٤٥٧:٤
- طه: ٥٣ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْاَرْضَ مَهْدًا... ٤٧٥٦:٦
- طه: ٥٥ مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نَعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى. ٢٣:٣، ٢٣١٤:٤
- طه: ٥٦-٥٨ اجْتَنَّا لِمَخْرِجِنَا مِنْ اَرْضِنَا بِسِحْرِك يَا مُوسَى. فَلْنُأْتِيَنَّكَ بِسِحْرٍ مِثْلِهِ فَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَا نُخْلَفُهُ نَحْنُ وَلَا أَنْتَ مَكَانًا سُوًى. ١٠٨٥:٣
- طه: ٥٩ قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَأَنْ يُحْشَرَ النَّاسُ ضَحَى. ١٠٩٩:٣
- طه: ٦٨ قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْاَعْلَى. ٤٩٤:٣
- طه: ٧١ قَالَ آمَنَّا لَهُ قَبْلَ أَنْ أَدْنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السَّحَرَ فَلَا قُطْعَانَ اَيْدِيكُمْ وَارْجُلَكُمْ مِنْ خَلَاْفٍ وَلَا صَلْبَيْكُمْ فِي جَذْوَعِ النَّخْلِ وَلِتَعْلَمَنَّ اَيُّنَا اَشَدُّ عَذَابًا وَابْقَى. ١٧٢٢:٣
- طه: ٩٦ قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوْا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِنْ اِثْرِ الرَّسُولِ فَنبذتها وكذلك سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي. ٣٣٣١:٤
- طه: ٩٧ قَالَ فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ... ٣٤٣٤:٥
- طه: ١٠٧-١٠٥ يَسْتَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي لَنُفِثَ رِجْلُهَا قَاعًا صَفْصَفًا لَا تَرَى فِيهَا عِوَجًا وَلَا اَمْتًا. ١٨٥:٤
- طه: ١١٤ ... لَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَى إِلَيْكَ وَحْيُهُ... ١٤٣٠:٥
- طه: ١٢١ ... وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى. ٢١٤٠:١
- طه: ١٢٤ وَمَنْ اَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ اَعْمَى. ٣٥٤:٣
- طه: ١٣٢ وَأَمْرُ اَهْلِكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبْرِ عَلَيْهَا لَا نَسْتَلِكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى. ٤٥٤:٢
- انبيا: ٢٥ وَمَا اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ اِلَّا وَاَحْيَا اِلَيْهِ اَنْهَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنَا فَاعْبُدُون. ٢١٠٣:٤
- انبيا: ٣٠ اُولَئِكَ يَرْاكَ كُفَرُوا اِنَّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا... ٢٤٧٢:١
- انبيا: ٣٠ ...وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ اَفَلَا يُؤْمِنُوْنَ. ١٢٨٤:١، ٣٤٨٦:٣، ٢١٣:٥
- انبيا: ٦٩ قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلٰى اِبْرٰهِيْمَ. ٥٤٧:١، ٧٩٠:١، ١٠١٦:٣، ٤٢٩:٦
- انبيا: ٨١ وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحُ عَاصِفَةٌ تَجْرِىٰ بِاَمْرِ اِلٰى الْاَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيْهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِيْنَ. ٣١٠٣:٣
- انبيا: ٨٩ وَذَكَرْنَا اِذْ نَادٰى رَبُّهُ رَبِّ لَا تُذِرْنِيْ فَرْدًا وَاَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِيْنَ. ١٥٢٤:٥
- انبيا: ١٠٥ وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ اِنَّ الْاَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصّٰلِحُوْنَ. ١٤٩٩:٥
- انبيا: ١٠٧ وَمَا اَرْسَلْنَاكَ اِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِيْنَ. ٧١٧:١، ١٨٠٤:٣، ٤٤٧٩:٣، ١٠٨:٥
- حج: ٣ وَمَنْ النَّاسُ مِنْ يُجَادِلُ فِي اللّٰهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ. ٦٥٤:٢

- حج: ٥ يا ايها الناس ان كنتم فى ريب من البعث فانا خلقناكم من تراب... ٤٥٤:٣
- حج: ١١ ...خسر الدنيا والاخرة ذلك هو الخسران المبين. ٢٤٩٠:١
- حج: ١٧ ...ان الله يفصل بينهم يوم القيامة ان الله على كل شىء شهيد. ٢٩٢:٢
- حج: ٣٢ ذلك ومن يعظم شعائر الله فانها من تقوى القلوب. ٣١٥٦:١، ٣٧٠٦:١
- حج: ٣٤ ولكل امة جعلنا منسكا ليزكروا اسم الله على ما رزقهم من بهيمة الانعام فالحكم اله واحد فله اسلموا وبشر المختبين. ٢٩٩٢:٣
- حج: ٤٧ و يستعجلونك بالعذاب... ٢٨١٠:٤
- حج: ٦١ ذلك بان الله يولج الليل فى النهار ويولج النهار فى الليل و ان الله سميع بصير. ٥٥٢:٥
- حج: ٦٥ ...يمسك السماء ان تقع على الارض... ١١٧٧:٤
- مؤمنون: ٣٧ ان هى الا حياتنا الدنيا نموت ونحى وما نحن بمبعوثين. ٢٠٢٠:١
- مؤمنون: ٤٠ قال عما قليل ليصبحن نادمين. ١٦٢٣:٣
- مؤمنون: ٥٣ ... كل حزب بما لديهم فرحون. ٢٥٥٨:٥، ٣٢٢٧:٥
- مؤمنون: ١٠١ فاذا نفخ فى الصور فلا انساب بينهم يومئذ ولا يتساءلون. ٣٣٩٩:١
- مؤمنون: ١٠٧ ربنا اخرجنا منها فان عدنا فانا ظالمون. ٢٩٨٢:٣
- مؤمنون: ١٠٩ قال اخسئوا فيها ولا تكلمون. ٢٠٠٦:٢، ١٧٠:٣
- مؤمنون: ١١٠ فاتخذتموهم سخرياً حتى انسوكم ذكرى و كنتم منهم تضحكون. ١٦٧٤:١، ١٦٧٧:١
- مؤمنون: ١١٥ افحسبتم انما خلقناكم عبثاً... ٢٩٩٩:٤
- نور: ٢ الزانية والزانى فاجلدوا كل واحد منهما مائة جلدة... ٣٤٥١:٣
- نور: ٢٦ الخبيثات للخبيثين و الخبيثون للخبيثات والطيبات للطيبين و الطيبون للطيبات... ٣٠٤:١، ١٤٩٥:١، ٨٠:٢، ٢٧٢:٢، ٣٦٣٩:٢، ٢٧٦٨:٣، ٢٨٠:٤
- نور: ٣٠ قل للمؤمنين يغضوا من ابصارهم... ٢٧١٤:١، ٢١٠١:٣
- نور: ٣٥ الله نور السموات والارض مثل نوره كمشكاة فيها مصباح المصباح فى زجاجة الزجاجة كانها كوكب درى يوقد من شجرة مباركة زيتونة لا شرقية ولا غربية... ٢٩٣٦:١، ٨٢٠:٢، ١١٣٨:٣، ٣٠٦٧:٦
- نور: ٣٧ رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله... ٣٥٥٣:٢
- نور: ٣٩ والذين كفروا اعمالهم كسراب بقيعة يحسبه الظمآن ماء حتى اذا جاءه يجده شيئاً... ١٠٦١:١، ٣٢٢٨:٤
- نور: ٤٠ او كظلمات فى بحر لجى يغشاها موج من فوقه موج من فوقه سحاب ظلمات بعضها

آيات قرآن كريم ٣٣

فوق بعض اذا اخرج يده لم يكذب يراها ومن لم يجعل الله له نورا فماله من نور.

٢١٨٠:٢، ١٢٥٤:٤

ليس على الاعمى حرج... ١٧٠٦:٤

نور: ٦١

وقالوا مال هذا الرسول يأكل الطعام ويمشى فى الاسواق... ٢٦٦:١، ٢٧١١:٣

فرقان: ٧

...يا ليتنى اتخذت مع الرسول سبيلا. ٢٢٤٢:٤

فرقان: ٢٧

...لا يرجون نشورا. ٢٥٩٠:١

فرقان: ٤٠

ارأيت من اتخذ الله هواء... ٧٧١:٦

فرقان: ٤٣

الم تر الى ربك كيف مد الظل ولو شاء لجعله ساكنا ثم جعلنا الشمس عليه دليلا ثم

فرقان: ٤٥-٤٦

قبضناه الينا قبضا يسيرا. ٤٢٥:١

...وانزلنا من السماء ماء طهورا. ١٩٩:٥

فرقان: ٤٨

وهو الذى مرج البحرين هذا عذب فرات وهذا ملح اجاج وجعل بينهما برزخا و

فرقان: ٥٣

حجرا محجورا. ٢٩٧:١، ٤٣٤٤:٣

وعباد الرحمن الذين يمشون على الارض هونا و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما.

فرقان: ٦٣

١٨٦٧:١، ٨٣٤:٣، ٧٧١:٤، ٣٢٤:٦

انها ساءت مستقرا ومقاما. ١٨٠٣:٥

فرقان: ٦٦

الا من تاب و آمن وعمل عملا صالحا فاولئك يبدل الله سيئاتهم حسنات وكان الله

فرقان: ٧٠

غفورا رحيمًا. ٣٨٣٧:١، ٣٣٦:٢، ٣٤٧:٣، ٢٦٩٨:٦

قال الم ربك فينا وليدا ولبث فينا من عمرك سنين. ٢٣٢٠:٤

شعراء: ١٨

...بعزة فرعون انا لنحن الغالبون. ١٢٤٩:٣

شعراء: ٤٤

فالقوا حبالهم و عصيهم وقالوا بعزة فرعون انا نحن الغالبون فلقى موسى عصاه فاذا

شعراء: ٤٤-٤٥

هى تلقف ما يافكون. ٩١٩:٢، ٣٧:٣

...لا قطعن ايديكم و ارجلكم من خلاف ولا صلبنكم اجمعين. ١٦١٩:١

شعراء: ٤٩

قالوا لا ضير انا الى ربنا منقلبون. ٣٣٣٩:٥

شعراء: ٥٠

فاوحينا الى موسى ان اضرب بعصاك البحر فانفلق فكان كل فرق كالطود العظيم.

شعراء: ٦٣

٢٧٠٠:٣

يوم لا ينفع مال ولا بنون الا من اتى الله بقلب سليم. ٢٠٨٠:٢، ٢٣٧٤:٢، ٨٦٨:٥

شعراء: ٨٨-٨٩

فكذبوه فاخذهم عذاب يوم الظلة انه كان عذاب يوم عظيم. ٢١٧٦:٦

شعراء: ١٨٩

نزل به الروح الامين على قلبك لتكون من المنذرين. ٧٣٨:١

شعراء: ١٩٣-١٩٤

و توكل على العزيز الرحيم الذى يريك حين تقوم و تقلبك فى الساجدين. ١١٤٨:٣

شعراء: ٢١٧-٢١٩

- نمل: ١٢ و ادخل يدك فى جيبيك تخرج بيضاء من غير سوء فى تسع آيات الى فرعون وقومه انهم كانوا قوما فاسقين. ٢٠:٣٨
- نمل: ١٦ و ورث سليمان داود و قال يا ايها الناس علّمنا منطق الطير... ١:٣٤١٠:٢:٣٧٠٠:٤٠:١٤:٦
- نمل: ١٨ حتى اذا اتوا على واد النمل قالت نملة يا ايها النمل ادخلوا مساكنكم لا يحطمنكم سليمان وجنوده و هم لا يشعرون. ٤:٨٧٢
- نمل: ١٩ ... ربّ اوزعنى ان اشكر نعمتك التى انعمت علىّ و على والدئى... ٥:٣٦٩٥
- نمل: ٢٤ وجدتها قوما يسجدون للشمس من دون الله و زين لهم الشيطان اعمالهم فصدهم عن السبيل فهم لا يهتدون. ٤:٥٧٧
- نمل: ٢٩ - ٣١ قالت يا ايها الملأ انىلقى الى كتاب كريم انه من سليمان و انه بسم الله الرحمن الرحيم الا تعلوا علىّ و اتونى مسلمين. ٢:١٦٠٢:٤:٧٧٢
- نمل: ٣٧ ارجع اليهم فلنأتينهم بجنود لا قبل لهم و لنخرجنهم اذلة و هم صاغرون. ٤:٦١٤
- نمل: ٣٩ قال عفريت من الجن انا آتيك به قبل ان تقوم من مقامك و انى عليه لقوى امين. ٤:٩٠٣
- نمل: ٤٠ قال الذى عنده علم من الكتاب انا آتيك به قبل ان يرتد اليك طرفك فلما رآه مستقرا عنده قال هذا من فضل ربى ليبلونى الشكر ام اكفر و من شكر فانما يشكر لنفسه و من كفر فان ربى غنى كريم. ٤:٩٠٤
- نمل: ٤٤ قيل لها ادخلى الصرح فلما رأته حسبته لجة و كشفت عن ساقها قال انه صرح ممرد من قوارير قالت ربّ ائنى ظلمت نفسى و اسلمت مع سليمان لله ربّ العالمين. ٤:٧٦٤:٦:٣٢٣٩
- نمل: ٥٠ فانظر كيف كان عاقبة مكرهم انا دمرناهم و قومهم اجمعين. ٤:١٤٧٣
- نمل: ٦٢ ائمن يجيب المضطرّ اذا دعاه و يكشف السوء و يجعلكم خلفاء الارض ءاله مع الله قليلا ما تذكرون. ٣:٣٢٠٤
- نمل: ٨٠ ائك لا تسمع الموتى ولا تسمع الصمّ الدعاء اذا ولّوا مدبرين. ٣:٢٥٣٦
- نمل: ٨٨ و ترى الجبال تحسبها جامدة و هى تمرّ مرّ السحاب... ١:١١٤٦
- قصص: ٤ ... يذبح ابناهم و يستحيى نساءهم انه كان من المفسدين. ٣:٩٦٢
- قصص: ٧ و اوحينا الى ام موسى ان ارضعيه فاذا خفت عليه فالقيه فى اليم ولا تخافى ولا تحزنى انا رادّوه اليك و جاعلوه من المرسلين. ٢:٢٩٦٩
- قصص: ١٢ و حرّما عليه المراضع من قبل فقالت هل ادلكم على هل بيت يكفلونه لكم و هم له ناصحون. ٢:٢٩٧٠
- قصص: ١٥ و دخل المدينة على حين غفلة من اهلها وجد فيها رجلين يقتتلان هذا من شيعته و هذا من عدوه فاستغاثه الذى من شيعته على الذى من عدوه فوكزه موسى فقضى

- عليه قال هذا من عمل الشيطان انه عدو مضل مبين. ٢٣٣٠:٤
- قصص: ٣٠ فلما اتاها نودى من شاطئ الواد الايمن فى البقعة المباركة من الشجرة ان يا موسى انى انا الله رب العالمين. ٨٨٤:٢
- قصص: ٣١ و ان الق عصاك فلما رآها تهتز كأنها جان ولى مدبرا ولم يعقب يا موسى اقبل ولا تخف انك من الآمنين. ٣٥٧٦:٤
- قصص: ٣٢ اسلك يدك فى جيبك تخرج بيضاء من غير سوء... ٣٤٨٦:١
- قصص: ٥٦ انك لا تهدى من احببت ولكن الله يهدى من يشاء... ٢٧٣١:٣
- قصص: ٧٦ ... اذ قال له قومه لا تفرح ان الله لا يحب الفرحين. ٥٠٥:٣
- قصص: ٨٣ ... والعاقبة للمتقين. ٢٨٧:١
- قصص: ٨٨ ولا تدع مع الله الها آخر لا اله الا هو كل شىء هالك الا وجهه له الحكم واليه ترجعون. ٣٠:١، ٣٠:٥٢، ٢:٣٣٢١، ٣:٣٩٠٤، ٣:٤٦٦١
- عنكبوت: ١٤ ولقد ارسلنا نوحا الى قومه فلبث فيهم الف سنة الا خمسين عاما فاخذهم الطوفان وهم ظالمون. ١٠:٦
- عنكبوت: ٤١ ... وان اوھن البيوت لبيت العنكبوت... ٢٣١٩:١
- عنكبوت: ٤٥ ... ان الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنكر... ٣٧٩٦:١، ٣٥٧٤:٦
- عنكبوت: ٦٠ وكأين من دابة لاتحمل رزقها. الله يرزقها واياكم وهو السميع العليم. ٢٣٩٠:٥
- عنكبوت: ٦١ ولئن سالتهم من خلق السموات والارض و سخر الشمس والقمر ليقولن الله فأننى يؤفكون. ٢١٦٣:٥
- عنكبوت: ٦٤ وما هذه الحياة الدنيا الا لهو و لعب و ان الدار الآخرة لهى حيوان لو كانوا يعلمون. ٢٥٩٦:٢، ٤٧٢:٤، ٣٦٦٦:٤
- عنكبوت: ٦٥ فاذا ركبوا فى الفلك دعوا الله مخلصين له الدين فلما نجيهم الى البر اذا هم يشركون. ١١٤٢:٣، ٢٨٨٤:٣
- عنكبوت: ٦٩ والذين جاهدوا فىنا لنهدينهم سبلنا و ان الله لمع المحسنين. ٢٣٥٨:٦
- روم: ٧ يعلمون ظاهرا من الحياة الدنيا وهم عن الآخرة هم غافلون. ٩٣:٣
- روم: ١٩ يخرج الحي من الميت ويخرج الميت من الحي و يحيى الارض بعد موتها وكذلك تخرجون. ١٠١٩:٥
- روم: ٢٧ ... وله المثل الاعلى فى السموات والارض... ٦٨٩:١، ٦٩:٢
- روم: ٣٢ ... كل حزب بما لديهم فرحون. ٤٨٣:١، ٣٦١١:١
- روم: ٥٠ فانظر الى آثار رحمة الله كيف يحيى الارض بعد موتها ان ذلك لمحى الموتى وهو على كل شىء قدير. ٢٠١٩:١، ١٣٦١:٤

- لقمان: ٢ تلك آيات الكتاب الحكيم. ١٧٠:٣:٢
- لقمان: ١٠ خلق السموات بغير عمد ترونها... ٤٥٤٤:٣
- لقمان: ٢٢ ومن يسلم وجهه الى الله وهو محسن فقد استمسك بالعروة الوثقى... ١٢٧٤:٢
- لقمان: ٢٧ ولو ان ما فى الارض من شجرة اقلام والبحر يمده من بعده سبعة ابحر ما نفدت كلمات الله ان الله عزيز حكيم. ٣٥٤٤:٢
- لقمان: ٣٣ يا ايها الناس اتقوا... ٤١١١:٥
- لقمان: ٣٤ ... وما تدرى نفس ماذا تكسب غدا وما تدرى نفس باى ارض تموت ان الله عليم خبير. ٢٤٥٢:٦
- سجده: ٥ ... فى يوم كان مقداره الف سنة مما تعدون. ١٢١٤:٦
- سجده: ١٢ ولو ترى اذ المجرمون ناكسو رؤسهم عند ربهم ربنا ابصرنا وسمعنا فارجعنا نعمل صالحا انا موقنون. ١٨٠:٢:٥
- سجده: ١٦ تتجافى جنوبهم عن المضاجع يدعون ربهم خوفا وطمعا ومما رزقناهم ينفقون. ١٢٤٢:٥
- سجده: ٣٠ فاعرض عنهم وانتظر انهم منتظرون. ٢٠٦٦:٢، ٢٦٠:٥
- احزاب: ٤ ما جعل الله لرجل من قلوبين فى جوفه... ١٤٦٥:٥
- احزاب: ٢٣ من المؤمنين رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه فمنهم من قضى نحبه ومنهم من ينتظر وما بدلوا تبديلا. ٣٨٢٠:٥
- احزاب: ٣٣ ... انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت ويطهركم تطهيرا. ١٤٩:٥
- احزاب: ٤١ يا ايها الذين آمنوا اذكروا الله ذكر اكثيراً. ١٧١٥:٢، ٣٠٧٢:٤
- احزاب: ٤٥ يا ايها النبى انا ارسلناك شاهدا ومبشرا ونذيرا. ٣٨٢٤:١
- احزاب: ٥٣ يا ايها الذين آمنوا لا تدخلوا بيوت النبى الا ان يؤذن لكم الى طعام غير ناظرين اليه ولكن اذا دعيتم فادخلوا فاذا طعتم فانتشروا ولا متسائسين لحديث ان ذلكم كان يؤذى النبى فيستحيى منكم والله لا يستحيى من الحق... ٣٥٤٤:١
- احزاب: ٥٦ ان الله وملائكته يصلون على النبى يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه وسلموا تسليما. ٣٢٥٨:٦
- احزاب: ٧٠-٧١ يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله وقولوا قولا سديدا يصلح لكم اعمالكم ويغفر لكم ذنوبكم ومن يطع الله ورسوله فقد فاز فوزا عظيما. ١٨٥١:٥
- احزاب: ٧٢ انا عرضنا الامانة على السموات والارض والجبال فايين ان يحملنها واشفقن منها وحملها الانسان انه كان ظلوما جهولا. ١٠١٧:١، ١٩٥٨:١، ١٩٥٩:١، ٢٠٧:٦
- سبأ: ١١ - ١٠ ولقد آتينا داود منا فضلا يا جبال اوبى معه والطير والناله الحديد ان اعمل سابقات

- وقدّر في السّرد و اعملوا صالحا اتّى بما تعملون بصير. ٩١٥:٢، ٧٠٣:٣، ١٠١٤:٣، ١٤٧٣:٣، ١٤٧٦:٣، ٢٨٣٢:٣، ٢٢٤٨:٣
- سبأ: ١٢ وسليمان الرّيح غدوّها شهر و رواحها شهر و اسلنا له عين القطر و من الجنّ من يعمل بين يديه باذن ربّه... ٩١٦:٢، ١٠١٥:٣
- سبأ: ١٣ يعملون له ما يشاء من محاريب و تماثيل و جفان كالجواب و قدور راسيات... ٣٦٨٣:١
- سبأ: ١٣ ...و قليل من عبادى الشّكور. ٩٣٨:١
- سبأ: ١٥ ولقد كان لسبأ فى مسكنهم آية جتّان عن يمين و شمال كلوا من رزق ربّكم و اشكروا له بلدة طيبة و ربّ غفور. ٢٦٥٨:٣
- سبأ: ١٩ فقالوا ربّنا باعد بين اسفارنا و ظلّموا انفسهم فجعلناهم احاديث و مزّقناهم كلّ ممزّق انّ فى ذلك لآيات لكلّ صبار شكور. ٣٦٨:٣
- سبأ: ٥٣ وقد كفروا به من قبل و يقذفون بالغيب من مكان بعيد. ٣٢٢٧:٤
- فاطر: ١ الحمد لله فاطر السّماوات و الارض جاعل الملائكة رسلاً اولى اجنحة مثنى و ثلاث و رباع يزيّد فى الخلق ما يشاء انّ الله على كلّ شىء قدير. ٣١٩٤:٣، ٣٦٥٢:١
- فاطر: ١٠ ...اليه يصعد الكلم الطيّب و العمل الصّالح يرفعه... ٨٨٢:١
- فاطر: ١٥ يا ايّها النّاس، اتّمم الفقراء الى الله و الله هو الغنى الحميد. ٢٣٤٢:١، ٣٣٥٤:٣
- ٣٣٨٨:٦
- فاطر: ٢٤ انا ارسلناك بالحق بشيرا و نذيرا و ان من امة الا خلا فيها نذير. ٣٧٠٨:٢، ٢٥٣٨:٣
- فاطر: ٢٨ ... انما يخشى الله من عباده العلماء. ٣٦١٥:١، ٣٠٠٦:٣، ٢٩١٥:٦
- فاطر: ٢٩ انّ الذين يتلون كتاب الله و اقاموا الصّلاة و انفقوا ممّا رزقناهم سرّاً و علانية يرجون تجارة لن تبور. ٧:٢
- فاطر: ٣٢ ثمّ اورثنا الكتاب الذين اصطفينا من عبادنا... ٧٤٧:١
- فاطر: ٤٣ ...و لا يحيق المكر السّيء الا باهله... ٨٠٩:١
- فاطر: ٤٣ ...فلن تجد لسنة الله تبديلا ولن تجد لسنة الله تحويلا. ١٥٤٣:٥
- يس: ٨ انا جعلنا فى اعناقهم اغلالاً فهى الى الاذقان فهم مقمحون. ٣٢٤٢:١، ١١٢٠:٤
- ٢٨٩٨:٦
- يس: ٩ وجعلنا من بين ايديهم سداً و من خلفهم سداً فاغشيناهم فهم لا يبصرون. ٣٢٤٣:١
- ١٠٧٦:٥، ٧٥١:٥، ٢٩٠٤:٤، ١١٢٠:٤
- يس: ١٨ قالوا انا تطيرنا بكم لئن لم تنتهوا لرجعنكم و ليمسكنكم ممّا عذاب اليم. ١٤٠٠:٢
- ٢٨٣:٤

- يس: ١٩ قالوا طائركم معكم ائن ذكرتم بل انتم قوم مسرفون. ٢٩٥٥:٣، ٢٩٦٩:٣
- يس: ٢٦ قيل ادخل الجنة قال يا ليت قومى يعلمون. ٢٠١٦:٣، ٢٠١٦:٤، ٢٣١٦:٥، ٤١٢٣:٥
- يس: ٣٠ يا حسرة على العباد ما ياتيهم من رسول الا كانوا به يستهزؤن. ٣٤٢٩:١، ٢٥٦١:٤، ٣٤٦:٥
- يس: ٣٢ وان كل لما جميع لدينا محضرون. ٣٦٧٢:١، ٣٢٩٤:٣، ٤٤٤:٤، ٣٣٣١:٦
- يس: ٣٨-٤٠ والشمس تجرى لمستقر لها ذلك تقدير العزيز العليم. والقمر قدرناه منازل حتى عاد كالعرجون القديم لا الشمس ينبغي لها ان تدرك القمر ولا الليل سابق النهار وكل في فلك يسبحون. ٢٨٢٤:٤، ٢٨٠٦:٥
- يس: ٥١ ونفخ فى الصور فاذا هم من الاجداث الى ربهم ينسلون. ١٧٩٧:٥
- يس: ٥٩ وامتازوا اليوم ايها المجرمون. ٢٩٢:٢، ٣٢٠٦:٤
- يس: ٦٥ اليوم نختم على افواههم وتكلمنا ايديهم و تشهد ارجلهم بما كانوا يكسبون. ٢١٥٣:١، ٢٤٥٥:٣، ١٦٣:٦
- يس: ٦٨ ومن نعمته ننكسه فى الخلق افلا يعقلون. ٧١٥:٢، ٣٥٤٠:٣
- يس: ٧٨ وضرب لنا مثلا ونسى خلقه قال من يحيى العظام وهى رميم. ١٦٢٣:٥
- يس: ٨٢ انما امره اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون. ٢٤٦٦:١، ٣٣٩٨:٣، ٣٥٠١:٣
- صافات: ١٠-٦ انا زينا السماء الدنيا بزينة الكواكب وحفظا من كل شيطان مارد لا يسمعون الى الملأ الاعلى ويقذفون من كل جانب دحورا ولهم عذاب واصب الا من خطف الخطفة فاتبعه شهاب ثاقب. ٣٢٢٤:٤
- صافات: ٦٥ طلعتها كأنه رؤس الشياطين. ٦٧٥:٣
- صافات: ٩٨ ...فجعلناهم الاسفلين. ٥٣٧:١
- صافات: ١٠٢ فلما بلغ معه السعى قال يا بنى ائى ارى فى المنام ائى اذبحك فانظر ماذا ترى. قال يا ابت افعل ما تؤمر ستجدنى ان شاء الله من الصابرين. ٤١٧٤:٣
- صافات: ١٤٣-١٤٤ فلولا انه كان من المسبحين للبت فى بطنه الى يوم يبعثون. ٣١٣٦:٢
- صافات: ١٦٤-١٦٥ وما منا الا له مقام معلوم وانا لنحن الصافون وانا لنحن المسبحون. ٣٤١٥:١
- ص: ٥ اجعل الالهة الها واحدا ان هذا الشىء عجاب. ٧٦٠:٥
- ص: ٢٣ ان هذا اخى له تسع وتسعون نجمة ولى نجمة واحدة فقال اكفلنيها وعزنى فى الخطاب. ١٩٥٤:٣
- ص: ٢٦ ...لا تتبع الهوى فيضلك عن سبيل الله. ٢٩٥٧:١
- ص: ٢٧ وما خلقنا السموات والارض وما بينهما باطلا... ٢٥٩٧:٦

ص: ٢٧	...فويل للذين كفروا من النار. ١٣٩٦:٥
ص: ٣١-٣٢	اذ عرض عليه بالعشي الصافنات الجياد فقال انى احببت حب الخير عن ذكر ربى حتى توارت بالحجاب. ٢٦١٠:١
ص: ٣٥	قال رب اغفرلى وهب لى ملكاً... ٢٦٠٤:١
ص: ٣٧-٣٨	والشياطين كل بناء وغواص و آخرين مقرنين فى الاصفاد. ٤٦٣٧:٣، ١١٥٠:٤
ص: ٤٢	اركض برجلك هذا مفتسل بارد و شراب. ٢٠٩٦:١
ص: ٧١-٧٢	اذ قال ربك للملائكة انى خالق بشرا من طين فاذا سوّيته و نفخت فيه من روحي فقعوا له ساجدين. ٣٩٣٥:٣
ص: ٧٦	قال انا خير منه! خلقتنى من نار و خلقتنه من طين. ٣٣٩٦:١، ٣٩٦١:١، ٢٢٩٩:٣
ص: ٧٨	و ان عليك لعنتى الى يوم الدين. ٢٧٩٢:٣
ص: ٧٩	قال رب فانظرنى الى يوم يبعثون. ٧٦٩:٥
زمر: ١٠	قل يا عبادالذين آمنوا اتقوا ربكم... ٢٤٩٦:١
زمر: ١٠	...و ارض الله واسعة. ٢٣٨١:٤
زمر: ١٠	...انما يوفى الصّابرون اجرهم بغير حساب. ٤٨٢:٥
زمر: ٣٨	ولئن سألتهم من خلق السموات والارض ليقولن الله... ٤٩٧:٢
زمر: ٤٢	الله يتوفى الانفس حين موتها و التى لم تمت فى منامها فيمسك التى قضى عليها الموت و يرسل الاخرى الى اجل مسمى ان فى ذلك لآيات لقوم يتفكرون. ٣٨٨:١، ١٧٦٢:٣
زمر: ٥٣	قل يا عبادى الذين اسرفوا على انفسهم لاتقنطوا من رحمة الله ان الله يغفر الذنوب جميعا انه هو الغفور الرحيم. ٢٩٢٢:٣، ٣٢٧٥:٣، ١٩١٥:٦
زمر: ٥٣	لا تقنطوا من رحمة الله ان الله يغفر الذنوب جميعا. ٣٨٣٦:١، ٤٧٤٢:٦
زمر: ٥٦	ان تقول نفس يا حسرتى على ما فرطت فى جنب الله و ان كنت لمن الساخرين. ٣٤٣:٥، ٣٥٨٢:١
زمر: ٦٠	و يوم القيامة ترى الذين كذبوا على الله وجوههم مسودة اليس فى جهنم مثوى للمتكبرين. ٢٠٨٠:٥
زمر: ٦٣	له مقاليد السموات والارض والذين كفروا بايات الله اولئك هم الخاسرون. ٣٠٧٤:٣، ١٠٣:٦
زمر: ٦٧	وما قدروا الله حق قدره والارض جميعا قبضته يوم القيامة والسموات مطويات بيمينه سبحانه وتعالى عما يشركون. ١١٧٨:٤
زمر: ٧٣	و سبق الذين اتقوا ربهم الى الجنة زمراً حتى اذا جاؤها وفتحت ابوابها... ١٦٥:٢

- مؤمن (غافر): ١١ قالوا ربنا امّتنا اثنتين واحييتنا اثنتين... ٣٦٧٥:١
- مؤمن (غافر): ١٦ ... لمن الملك اليوم لله الواحد القهار. ٣١٥٧:٤
- مؤمن (غافر): ٣٢ يا قوم ائى اخاف عليكم يوم التّناد. ٣٥٨٢:١
- مؤمن (غافر): ٣٩ يا قوم انما هذه الحياة الدّنيا متاع وانّ الاخرة هى دارالقرار. ٤٣٩٠:٦
- مؤمن (غافر): ٦٠ وقال ربكم ادعوني استجب لكم انّ الذين يستكبرون عن عبادتى سيدخلون جهنّم داخرين. ١٧٩:٣، ٧٥٦:٣، ٢٣٠٤:٣
- فصلت: ٦ قل انما انا بشر مثلكم يوحى الى... ١٣٢٣:٥
- فصلت: ١١ ثم استوى الى السّماء وهى دخان فقال لها وللارض ائتيا طوعاً او كرها قالتا اتينا طائعين. ٥٩١:٣، ٤٤٧٢:٣
- فصلت: ١٦ ...لنذيقهم عذاب الخزى فى الحيوۃ الدّنيا ولعذاب الآخرة اخرى وهم لا ينصرون. ١٣٩١:٥
- فصلت: ٣٠ انّ الذين قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل عليهم الملائكة ان لا تخافوا ولا تحزنوا و ابشروا بالجنّة التى كنتم توعدون. ١٣٥٣:١، ١٤٢٩:١
- فصلت: ٤٠ ... اعملوا ما شئتم انه بما تعملون بصير. ١٣٢٦:٦
- فصلت: ٤٢ لا يأتية الباطل من بين يديه ولا من خلفه تنزيل من حكيم حميد. ٢٨٧٦:٤
- شورى: ٨ ولو شاء الله لجعلهم امة واحدة ولكن يدخل من يشاء فى رحمته والظالمون ما لهم من ولى ولا نصير. ١٥٠٤:٣
- شورى: ١٣ شرع لكم من الدّين ما وصى به نوحا والذى اوحينا اليك و ما وصينا به ابراهيم وموسى وعيسى ان اقيموا الدّين ولا تتفرّقوا فيه، كبر على المشركين ما تدعوهم اليه الله يجتبى اليه من يشاء ويهدى اليه من ينيب. ٢١٢٤:٣
- شورى: ١٦ والذين يحاجون فى الله من بعد ما استجيب له حجتهم داحضة عند ربهم وعليهم غضب ولهم عذاب شديد. ٢٦٢٤:٦
- شورى: ٢٨ وهو الذى ينزل الفيث من بعد ما قنطوا وينشر رحمته وهو الولى الحميد. ١٧٧٢:٥
- شورى: ٣٨ ...وامرهم شورى بينهم... ١٦٧:٥، ١٥٩٠:٦
- شورى: ٤٠ وجزاء سيئة سيئة مثلها... ١٣١٠:١، ٤٠٠٠:٥
- زخرف: ٣٢ ...نحن قسمنا بينهم معيشتهم فى الحيوۃ الدنيا و... ٩٥٣:١، ٣٠٤٢:٣
- زخرف: ٣٦ ومن يعيش عن ذكر الرحمن نقيص له شيطاناً فهو له قرين. ٦٠٢:٣
- زخرف: ٣٨ حتّى اذا جاءنا قال يا ليت بينى وبينك بعد المشرقين فبئس القرين. ١٣٣٥:٤
- ٢٦٣٣:٥

آيات قرآن كريم ٤١

- زخرف: ٥١ ونادى فرعون فى قومه قال يا قوم اليس لى ملك مصر و هذه الانهار تجري من تحتى افلا تبصرون. ١٠٥٤:٣
- زخرف: ٦٧ الأخلاء يومئذ بعضهم لبعض عدو إلا المتقين. ٩٦:٤، ١٥٠:١
- زخرف: ٧١ ... وفيها ما تشتهي النفس وتلد الأعين وانتم فيها خالدون. ٢٨٠:٢
- دخان: ٢٩ فما بكت عليهم السماء والارض و ما كانوا منظرين. ٣٤٧٩:٣
- جاثية: ٢٣ افرايت من اتخذ الهه هواه... ٢١٩١:٣، ٤٣٢:٣
- جاثية: ٢٤ وقالوا ماهى الاحيائنا الدنيا نموت ونحيا وما يهلكنا الا الدهر... ٢٣١٨:٢
- احقاف: ٢٠ و يوم يعرض الذين كفروا على النار اذهبتم طيبتكم فى حياتكم الدنيا واستمتعتم بها... ٤١٦:١
- محمّد: ١-٢ الذين كفروا وصدّوا عن سبيل الله اضلّ اعمالهم. والذين آمنوا وعملوا الصّالحات و آمنوا بما نزل على محمّد وهو الحقّ من ربّهم كفّر عنهم سيئاتهم و اصلح بهم. ٩٩٦:٥
- محمّد: ٧ يا ايّها الذين آمنوا ان تنصروا الله ينصركم ويثبت اقدامكم. ٢٣٤٧:٥، ٢٧٠:١
- محمّد: ١٢ ... يتمتعون و يأكلون كما تأكل الانعام والنار مثوى لهم. ٣٦٠٧:٤
- محمّد: ١٥ ... فيها انهار من ماء غير آسن و انهار من لبن لم يتغيّر طعمه... و انهار من عسل مصفى... ١٥٨٣:١، ٣٤٦١:٣، ٣٤٦٢:٣، ٢٥٢٢:٤
- محمّد: ١٥ ... و سقوا ماء حميما فقطع امعائهم... ٣٦٠٠:١
- محمّد: ١٨ فهل ينظرون الا الساعة ان تأتيهم بغتة فقد جاء اشراطها فانى لهم اذا جاءتهم ذكريهم. ٨٥٧:٤
- محمّد: ٢٤ افلا يتدبرون القرآن ام على قلوب اقفالها. ٢٩٠:١
- محمّد: ٣٠ ولو نشاء لاريناكم فلعرفتهم بسيماهم ولتعرفنهم فى لحن القول والله يعلم اعمالكم. ٧٩٠:٣
- فتح: ٤ ... والله جنود السموات والارض و كان الله عليما حكيما. ٧٨٣:٤
- فتح: ٦ ويعذب المنافقين والمنافقات والمشركين والمشركات الظّانّين بالله ظنّ السوء... ٣٠٣٧:١
- فتح: ١٠ ان الذين يبايعونك انما يبايعون الله يد الله فوق ايديهم فمن نكث فانما ينكث على نفسه و من اوفى بما عاهد عليه الله فسيؤتيه اجرا عظيما. ٢٩٧٢:٢، ٢٢٦:١
- ٢٧٩٥:٥، ٧٤٠:٥، ١٢٢:٥، ٣١٦٣:٤، ١٩١٨:٢

- فتح: ١١ سيقول لك المخلفون من الاعراب شغلنا اموالنا واهلونا فاستغفر لنا يقولون
بالستهم ما ليس فى قلوبهم... ٢: ٣٠٦٧، ٥: ٢٤٥٧
- فتح: ١٧ ليس على الاعمى حرج ولا على الاعرج حرج... ٢: ٧٠، ٢: ١٥٤١، ٣: ٦٧٦،
٥: ٢٩٧٠
- فتح: ٢٣ ... ولن تجد لسنة الله تبديلا. ٥: ٣١٨٣
- فتح: ٢٤ وهو الذى كف ايديهم عنكم وايدىكم عنهم بطن مكة من بعد ان اظفركم عليهم وكان
الله بما تعملون بصيرا. ٣: ٤٥٧٥
- فتح: ٢٥ هم الذين كفروا وصدّوكم عن المسجد الحرام والهدى معكوفاً ان يبلغ محله ولولا
رجال مؤمنون ونساء مؤمنات لم تعلموهم أن تطئوهم فتصيبكم منهم معرفة بغير علم
ليدخل الله فى رحمته من يشاء لو تزيلوا لعذبنا الذين كفروا منهم عذاباً أليماً.
٢: ٩٣٢، ٣: ٤٥٧٣
- فتح: ٢٦ اذ جعل الذين كفروا فى قلوبهم الحمية حمية الجاهلية فانزل الله سكينته على رسوله
وعلى المؤمنين... ٣: ٣٩٥
- فتح: ٢٩ محمّد رسول الله والذين معه اشداء على الكفار رحماء بينهم... ٢: ١٢٤، ٥: ٢٩٤٣
- فتح: ٢٩ ... سيماهم فى وجوههم من اثر السجود... ٤: ٢٤٤، ٥: ٢٠٨٢، ٦: ١٥٥٠
- فتح: ٢٩ ... كزرع اخرج شطأه فآزره فاستغلظ فاستوى على سوقه يعجب الزراع... ١: ١٣٤٥،
١: ٣١٦٨
- حجرات: ١٠ انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بين اخويكم واتقوا الله لعلكم ترحمون. ٤: ٤٠٦
- حجرات: ١٢ يا ايها الذين آمنوا اجتنبوا كثيرا من الظن ان بعض الظن اثم ولا تجسسوا ولا يغتب
بعضكم بعضا ايحبّ احدكم ان يأكل لحم اخيه ميتا فكرهتموه واتقوا الله ان الله تواب
رحيم. ٢: ٢٣٢، ٣: ١٠٧، ٥: ٢٢٩٣، ٦: ٢٥٦٩، ٦: ٢٢٩٩
- حجرات: ١٣ ... ان اكرمكم عند الله اتقيكم... ١: ٣٣٩٩
- ق: ٩ ونزلنا من السماء ماءً مباركاً فانبثنا به جناتٍ وحبّ الحصيد. ٣: ٤٣١٧
- ق: ١١ ... واحيينا به بلدةً ميثناً كذلك الخروج. ١: ٢٠١٤
- ق: ١٥ افعينا بالخلق الاول بل هم فى لبس من خلق جديد. ١: ١١٤٢، ١: ٢٠٣٦
- ق: ١٦ ... ونحن اقرب اليه من حبل الوريد. ١: ١١٢٠، ١: ٢١٩٦، ٥: ٥٧٢
- ق: ١٨ ما يلفظ من قول الا لديه رقيب عتيد. ٣: ٢٠٧٨
- ق: ٢٢ لقد كنت فى غفلة من هذا فكشفنا عنك غطاءك فبصرك اليوم حديد. ١: ١٦٩٠،
١: ٣٦٤٠، ٣: ١٢٠، ٣: ٢٨٢٧، ٦: ٤٦٤٤
- ق: ٣٠ يوم نقول لجهنّم هل امتلأت و نقول هل من مزيد. ١: ١٣٨٠، ٢: ١٢

ق: ٣٦ وكم اهلكنا قبلهم من قرن هم اشد منهم بطشا فنقبوا في البلاد هل من محييص.
٣٧٤٠:٢

ذاريات: ٧ والسماء ذات الحبيك. ١٠٨٥:٢
ذاريات: ٧-٩ والسماء ذات الحبيك انكم لفي قول مختلف يؤفك عنه من افك. ٢٩٠:٢:١
ذاريات: ١٧-١٨ كانوا قليلاً من الليل ما يهجعون وبالاسحار هم يستغفرون. ٣١٧٩:١
ذاريات: ٢١ وفي انفسكم افلا تبصرون. ١٠٧٢:٥، ١٧١٨:١
ذاريات: ٢٢ وفي السماء رزقكم وما توعدون. ١٩٥٦:٢، ٣٨٠٤:٢
ذاريات: ٢٨ والارض فرشناها فنعم الماهدون. ٣٠٧٤:٢، ٧٣:٢
ذاريات: ٢٩ ومن كل شيء خلقنا زوجين لعلكم تذكرون. ٥٢٣:٦، ٤٤٠:١:٣
ذاريات: ٥٦ وما خلقت الجن والانس الا ليعبدون. ٢٩٨٦:٣، ٢٩٨٨:٣، ٤١٦٥:٣

طور: ٢١ والذين آمنوا واتبعتهم ذريتهم بايمان الحقناهم ذريتهم وما التناهم من عملهم من شيء... ٣٤١٤:٣، ٣٨٩٧:٥

نجم: ١ والنجم اذا هوى. ٢٠٨٢:٤
نجم: ٣-٤ وما ينطق عن الهوى ان هو الا وحى يوحى. ١٧١٧:١، ٢٩٢٨:٣، ١٣٣٠:٥
١٤٣٠:٥، ٢٢٤٣:٥، ٨١٥:٦، ١٦٠٢:٦، ٤٦٧٠:٦
نجم: ١٤ عند سدره المنتهى. ١٧٨٨:٢
نجم: ١٥ عندها جنة المأوى. ٢٥٢١:٤
نجم: ١٧ ما زاغ البصر وما طغى. ٣٧٥٢:٢، ١٣٠٩:٤، ٣٦٠٤:٥، ٢٨٦١:٦
نجم: ٢٨ وما لهم به من علم ان يتبعون الا الظن وان الظن لا يعنى من الحق شيئاً. ١٥١٩:٣
نجم: ٢٨ ...ان الظن لا يعنى من الحق شيئاً. ٢١٢٦:١
نجم: ٣٩ وان ليس للانسان الا ما سعى. وان سعيه سوف يرى. ٧٥٣:٢، ٢٣٩٢:٣، ٢٥٤٥:٤
نجم: ٤٢ وان الى ربك المنتهى. ٩٦٧:٣، ١٤١٨:٣
نجم: ٤٣ وانه هو اضحك وابكى. ١٥١٢:١، ٣٩٥٣:٥

قمر: ١ اقتربت الساعة وانشق القمر. ١١٨:١، ٩٢١:٢، ١٦٠٦:٢، ١٠١٦:٣
قمر: ٢ وان يروا آية يعرضوا ويقولوا هذا سحر مستمر. ١١٦١:٣
قمر: ٣٧ ولقد راودوه عن ضيفه فطمسنا اعينهم فذوقوا عذابي... ٢٦٦٣:٢
قمر: ٥٥ في مقعد صدق عند مليك مقتدر. ٣٤٩٩:١، ١٧٦٩:٤، ٣٧٨٧:٤

رحمن: ١-٢	الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ. ٥٩٣:٣
رحمن: ٤	علمه البيان. ٣٦٩٤:٤
رحمن: ٦	والتَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ. ٢٠٥١:٣
رحمن: ٧-٩	وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ. ١٤٠٠:٥
رحمن: ١٩-٢٠	مَرْجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ. ٢٩٧:١، ٢٥٧٠:١
رحمن: ٢٦-٢٧	كُلٌّ مِنْ عَلَيْهَا فَأَنْ يُبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. ٣٠:١، ٤٨٦:٦
رحمن: ٢٩	... كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ. ١١٤٢:١، ١٨٢١:١، ٣٠٧١:٣، ١٦٤٠:٣
رحمن: ٣٣	يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا وَلَا تَنْفُذُوا إِلَّا بِأَسْطَانٍ. ١٩٢٤:١، ٤٥١٣:٦
رحمن: ٤١	يَعْرِفُ الْمَجْرُمُونَ بِسَيِّئَاتِهِمْ ... ٢٤٦٢:٣، ٢٤٥:٤، ١٧٧٣:٤
رحمن: ٥٤	مَتَكِّثِينَ عَلَى فَرْشٍ بَطَانَتُهَا مِنْ اسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ. ١٦٧٠:٥
رحمن: ٥٦	فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ. ٣٢٩٣:٥
رحمن: ٦٠	هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ. ٢٥٦٩:٢
رحمن: ٧٢	حُورَاتٌ مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ. ٣٢٩٣:٥
واقعه: ٤-٦	وَإِذَا رَجَّتِ الْأَرْضُ رَجًّا وَبَسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًّا. ١٢٨٢:١، ١٣٣٨:٢
واقعه: ٧-١١	وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً فَاصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ. ١٥٠٥:٤، ٣٧٣٩:٥، ١١٣٠:٦
واقعه: ٢٣	كَامِثَالِ اللَّوْلُؤِ الْمَكْنُونِ. ٢٧٩٤:٥
واقعه: ٦١	عَلَى أَنْ نَبْدِلَ أَمْثَالَكُمْ ... ١١٤٢:١
واقعه: ٧٩	وَلَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ. ١٢١١:٣، ٣٧٩:٥
واقعه: ٨٣-٨٥	فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ وَأَنْتُمْ حَائِثُونَ تَنْظُرُونَ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ. ١٠٧٢:٥، ١٧١٠:٥
حديد: ٣	هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ ... ١٤١٨:٣، ٥٩١:٥
حديد: ٤	... وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَمَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ. ١١١٩:١، ١٤٦٤:١، ٧٠١:٣
	٤١٨٣:٦، ٤١٨٠:٦، ٢٨٥٧:٦، ١٠٧٣:٥، ٧٥٧:٥، ٢٣٣:٤، ١٥٣:٤
حديد: ١٠	... وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ... ٢٨٣٣:٤
حديد: ١٢	يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ ... ٣٢:١
حديد: ١٦	أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ ... ٣١٦١:٥

آيات قرآن كريم ٤٥

- حديد: ٢٠ اعلموا انما الحياة الدنيا لهو و لعب و زينة و تفاخر بينكم و تكاثروا فى الاموال والا ولاد... ١: ٣٤٣١
- حديد: ٢٣ لكيلا تأسوا على ما فاتكم ولا تفرحوا بما آتاكم واللّه لا يحب كل مختال فخور. ٣: ٣٢٦٤، ٣: ٥٠٤، ٦: ٥٥٦
- مجادله: ١٢ يا ايها الذين آمنوا اذا ناجيتم الرسول فقدموا بين يدي نجويكم صدقة... ٤: ٣٤٧٧
- مجادله: ١٦ اتخذوا ايمانهم جنة فصدوا عن سبيل الله فلهم عذاب مهين. ٢: ٢٨٧٢
- حشر: ٩ ...و يؤثرون على انفسهم ولو كان بهم خصاصة... ٥: ٥٨
- حشر: ١٤ لا يقاتلونكم جميعا الا فى قرى محصنة او من وراء جدر باسهم بينهم شديد تحسبهم جميعا وقلوبهم شتى ذلك بانهم قوم لا يعقلون. ٣: ٢٠٠٢
- حشر: ١٦ كمثل الشيطان اذ قال للانسان اكفر فلما كفر قال انى برئ منك... ١: ١٨٧٦
- حشر: ١٨ يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله ولتنظر نفس ما قدمت لغد و اتقوا الله ان الله خبير بما تعملون. ٤: ١٥٦٦
- حشر: ٢٠ لا يستوى اصحاب النار و اصحاب الجنة اصحاب الجنة هم الفائزون. ٢: ٣٣٢
- حشر: ٢١ لو انزلنا هذا القرآن على جبل لرأيت خاشعا متصدعا من خشية الله. ٢: ٥٠١، ٢: ٥٠٩
- حشر: ٢١ ...و تلك الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون. ٣: ٢٧٨٥
- ممتحنة: ١ يا ايها الذين آمنوا لا تتخذوا عدوى وعدوكم اولياء تلقون اليهم بالمودة... ٥: ٦٩٢
- ممتحنة: ٤ قد كانت لكم اسوة حسنة فى ابراهيم و الذين معه اذ قالوا لقومهم انا براء و منكم و مما تعبدون من دون الله كفرنا بكم و بدا بيننا و بينكم العداوة والبغضاء ابدأ حتى تؤمنوا بالله وحده الا قول ابراهيم لايه لا استغفرن لك و ما املك لك من الله من شئ ربنا عليك توكلنا و اليك ايننا و اليك المصير. ٥: ١٢٦٥
- ممتحنة: ١٠ يا ايها الذين آمنوا اذ جاءكم المؤمنات مهاجرات فامتحنوهن... ٤: ١٥٧٢
- ممتحنة: ١٣ ...قد يشسوا من الآخرة كما يشس الكفار من اصحاب القبور. ٣: ٤٣٣٨
- صف: ١ سبّح لله ما فى السموات و ما فى الارض و هو العزيز الحكيم. ٥: ٣٨٥٩
- صف: ٢-٣ يا ايها الذين آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون كبر مقتا عند الله ان تقولوا ما لا تفعلون. ٤: ٤٨٦
- صف: ٦ ...مُبَشَّرًا برسول يأتى من بعدى اسمه احمد... ١: ٧٢٧
- صف: ٧ يريدون ليطفنوا نور الله بافواههم واللّه متمّ نوره ولو كره الكافرون. ١: ٢٥١٨
- ١: ٣٧٠٠، ٢: ١٨٧٤

- جمعه: ٤ ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء والله ذو فضل العظيم. ٥: ٣٢١٠
- جمعه: ٥ مثل الذين حملوا التوراة ثم لم يحملوها كمثل الحمار يحمل اسفارا... ١: ١٦١٢.
- ١: ٥٠٠: ٣٤٤٨: ٢
- جمعه: ٦ قل يا ايها الذين هادوا ان زعمتم انكم اولياء لله من دون الناس فتمنوا الموت ان كنتم صادقين. ١: ٣٩٦٧: ٣: ٣٩٣٧
- جمعه: ١٠ فاذا قضيت الصلوة فانثشروا فى الارض وابتغوا من فضل الله واذكروا الله كثيرا لعلكم تفلحون. ٥: ٢٣٨٤
- جمعه: ١١ واذراو تجارة او لهوا انفصوا اليها وتركوك قائما قل ما عند الله خير من اللهو ومن التجارة والله خير الرازقين. ٣: ٤٢٢: ٣: ٤٢٦: ٣: ٤٢٩
- منافقون: ٤ ... كأنهم خشب مستندة... ٦: ٣٤١٣
- منافقون: ٨ ... والله العزة والرسوله وللمؤمنين ولكن المنافقين لا يعلمون. ٣: ١٠٨٠: ٥: ٤٦٥
- تغابن: ٢ هو الذى خلقكم فمنكم كافر ومنكم مؤمن والله بما تعملون بصير. ٢: ٦٠٦
- تغابن: ٩ يوم يجمعكم ليوم الجمع ذلك يوم التغابن... ٢: ١٤١٢
- طلاق: ٢-٣ ... ومن يتق الله يجعل له مخرجا ويرزقه من حيث لا يحتسب... ٥: ٢٣٨٩
- طلاق: ٧ ... سيجعل الله بعد عسر يسرا. ٦: ٤٢٥٥
- تحريم: ٦ ... قوا انفسكم واهليكم نارا وقودها الناس والحجارة... ١: ٣٣٨٩
- تحريم: ٦ ... لا يعصون الله ما امرهم... ٢: ٢٦١٧
- تحريم: ٨ يا ايها الذين آمنوا توبوا الى الله توبة نصوحا... ٥: ٢٢٢٨
- تحريم: ٨ ... يوم لا يخزى الله النبى والذين آمنوا معه نورهم يسعى بين ايديهم و بآيمانهم يقولون ربنا اتمم لنا نورنا واغفر لنا انك على كل شىء قدير. ٤: ٦١١: ٦: ٢٨٩٢
- تحريم: ١٠ ضرب الله مثلا للذين كفروا امرأة نوح وامرأة لوط كانتا تحت عيدين من عبادنا صالحين فخانتاهما فلم يغنيا عنهما من الله شيئا وقيل ادخلا النار مع الداخلين. ٦: ٢١١٠
- ملك: ٢ الذى خلق الموت والحياة ليبلوكم ايكم احسن عملا وهو العزيز الغفور. ٥: ٤٢٠.
- ٥: ١٥٥٦
- ملك: ٣ الذى خلق سبع سموات طباقا... ٦: ٣٩٧٩
- ملك: ٣ فارجع البصر، هى ترى من فطور. ١: ٣٦٢٩

- ملک: ٣-٤ الذى خلق سبع سموات طباقا ما ترى فى خلق الرحمن من تفاوت فارجع البصر هل ترى من فطور ثم ارجع البصر كرتين ينقلب اليك البصر خاسئا وهو حسير. ٢١٨١:٦
- ملک: ٥ ولقد زيننا السماء الدنيا بمصابيح وجعلناها رجوما للشياطين و اعتدنا لهم عذاب السعير. ٧٥٧:١
- ملک: ١٠ وقالوا لو كنا نسمع او نعقل ما كنا فى اصحاب السعير. ٢٨٧٠:٥
- ملک: ١٣ واسروا قولكم او اجهروا به انه عليم بذات الصدور. ٣٤٩٨:٤
- ملک: ١٤ الا يعلم من خلق وهو اللطيف الخبير. ٤٧٩:٣
- ملک: ١٥ هو الذى جعل لكم الارض ذلولا فامشوا فى مناكبها وكلوا من رزقه واليه النشور. ٦٣٥:٦
- ملک: ١٩ اولم يروا الى الطير فوقهم صافات ويقبضن ما يمسكهن الا الرحمن انه بكل شىء بصير. ٣٥٦٣:٢
- ملک: ٢٢ افمن يمشى مكبا على وجهه اهدى امن يمشى سويا على صراط مستقيم. ١٥١٤:٣
- ملک: ٢٦ قل انما العلم عند الله و انما انا نذير مبين. ٢٥٨٧:٥
- ملک: ٣٠ قل ارايتم ان اصبع ماؤكم غورا فمن ياتيكم بماء معين. ١٢٠٦:٢، ١٦٣٣:٢
- قلم: ١ ن والقلم وما يسطرون... ١٩٦٤:٥
- قلم: ٤ وانك لعلى خلق عظيم. ٣٧٨٧:٤
- قلم: ١٦ سنسمه على الخرطوم. ١٤٢٨:٦
- قلم: ١٨ ولا يستثنون. ٤٩:١
- قلم: ٢٢ فانطلقوا وهم يتخافتون. ٤٧٧:٣
- قلم: ٥١ وان يكاد الذين كفروا ليزلقونك بابصارهم لما سمعوا الذكر ويقولون انه لمجنون. ٤٩٩:٥
- حاقه: ٦ واما عاد فاهلكوا بريح صرصر عاتية. ٧٨٤:٤
- حاقه: ١٢ لنجعلها لكم تذكرة وتعيها اذن واعية. ١٥٣١:٥
- حاقه: ١٧ والملك على ارجائها ويحمل عرش ربك فوقهم يومئذ ثمانية. ١٥٧٢:٥
- حاقه: ١٨ يومئذ تعرضون لا تخفى منكم خافية. ٢٩١٧:١
- حاقه: ١٩-٢٥ فاما من اوتى كتابه يمينه فيقول هاؤم اقرؤا كتابيه... واما من اوتى كتابه بشماله فيقول ياليتنى لم اوت كتابيه. ١٧٨١:٥
- حاقه: ٢٧ ياليتها كانت القاضية. ٣٩٩٢:٣

معارج: ٤	تخرج الملائكة والروح اليه فى يوم كان مقداره خمسين الف سنة. ١: ٣٤٤٠
معارج: ١٩	ان الانسان خلق هلو عا. ٥: ٢٨٦٦
معارج: ٢٠	واذا مسه الشر جزوعا. ٤: ٢٩١٥
معارج: ٢٣	الذين هم على صلاتهم دائمون. ٦: ٢٦٦٩
نوح: ٥-٦	قال رب انى دعوت قومى ليلا ونهارا فلم يزدنى دعائى الا فرارا. ٦: ١٠
نوح: ٧	وانى كلما دعوتهم لتغفر لهم جعلوا اصابهم فى آذانهم واستغشوا ثيابهم... ١: ١٤٠٤
نوح: ٢٦	... رب لا تذر على الارض من الكافرين ديارا. ١: ٣١٣١
جن: ١٨	وان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا. ٣: ١٤١٧
جن: ٢٨	ليعلم ان قد ابلفوا رسالات ربهم واحاط بما لديهم واحصى كل شىء عددا. ٣: ٤٨١
مزمل: ١-٢	يا ايها المزمل قم الليل الا قليلا. ٣: ١٥٠٣، ٤: ١٤٥٦، ٥: ١٢٨٢
مزمل: ٥	انا سنلقى عليك قولاً ثقيلا. ٣: ١٣٩٠
مزمل: ١٧	كيف تتقون ان كفرتم يوما يجعل الولدان شيبا. ٥: ٢٦٢٦
مزمل: ٢٠	... اقرضوا الله قرضا حسنا... ٥: ١٤٦
مدثر: ٢	قم فاندري. ٣: ١٥٠٣، ٤: ١٤٥٦، ٥: ١٢٨٢
مدثر: ٤	وثيابك فطهر. ١: ٣٨٨٠، ٤: ٢٣٨٥
مدثر: ٨	فاذا نقر فى الناقور. ٤: ٧٢٢
مدثر: ٩	فذلك يومئذ يوم عسير. ٣: ١٧٨٠
مدثر: ٣٠	عليها تسعة عشر. ٦: ٧١٠
مدثر: ٤٩-٥٠	كانهم حمر مستنفرة فرّت من قسورة. ١: ٣٣١٤
قيامت: ٢	ولا اقسم بالنفس اللوامة. ٥: ٢٠٦٢
قيامت: ٧-٩	فاذا برق البصر وخسف القمر وجمع الشمس والقمر. ٢: ١٦٣٠، ٥: ٦٩٦
قيامت: ١١	كلّا لا وزر. ٣: ٢٠١٨
قيامت: ١٦	لا تحرك به لسانك لتعجل به. ٥: ١٤٣٠
قيامت: ٢٩	والتفت الساق بالساق. ٣: ٣٣٨٠
دهر (انسان): ٣	انا هديناه السبيل اما شاكرا واما كفورا. ٤: ٢٩٨٦
دهر (انسان): ٥	ان الابرار يشربون من كأس كان مزاجها كافورا. ٤: ٣٢١٤، ٦: ٣٩٢٢

دهر(انسان): ١٢	وجزاهم بما صبروا جنة وحريرا. ٣٦٧٥:٤
دهر(انسان): ١٣	... لا يرون فيها شمسا ولا زمهيرا. ٥٨:٦
دهر(انسان): ١٤	... وذللت قطوفها تذليلا. ٣٤٦٩:٣
دهر(انسان): ١٧-١٨	ويسقون فيها كأسا كان مزاجها زنجيلا. عينا فيها تسمى سلسيلا. ٣٥٥٩:١، ٣٥٠٢:٦
دهر(انسان): ٢١	عليهم ثياب سندس خضر واستبرق وحلوا اساور من فضة وسقاهم ربهم شرابا طهورا. ١٣٧١:١، ٣٢١٩:٣، ٣٥٩٥:٥

مرسلات: ٢ فالعاصفات عصفا. ٢٤٨٨:١

نبا: ٦	الم نجعل الارض مهادا. ٤٧٥٦:٦
نبا: ٧	والجبال اوتادا. ٣٢٧٦:٢
نبا: ٩	وجعلنا نومكم سباتا. ٣٨٦٣:١، ٢٦٨٥:٤
نبا: ٤٠	انا انذرناكم عذابا قريبا يوم ينظر المرء ما قدمت يداه ويقول الكافر ياليتني كنت ترابا. ١٨٠٧:٢، ٤٠٨:٣

نازعات: ١٤	فاذا هم بالساهرة. ٣٣٥:٥
نازعات: ٢٣-٢٤	فحشر فنادى فقال انا ربكم الاعلى. ٢٤٥٥:١
نازعات: ٢٤	فقال انا ربكم الاعلى. ٧٧٨:٣، ١٨٠٩:٥، ٢٠٣٥:٥
نازعات: ٤٠-٤١	واما من خاف مقام ربه ونهى النفس عن الهوى فان الجنة هي المأوى. ٣٥٠١:٦

عبس: ١-٤ عبس وتولى ان جاءه الاعمى و ما يدريك لعله يزكى او يذكر فتنفعه الذكرى. ٧٣:٥، ٢٠٦٧:٢

عبس: ١٧ قتل الانسان ما اكفره. ٣٧٣:٣
عبس: ٣٤-٣٦ يوم يفر المرء من اخيه و امه و ابيه و صاحبه و بنيه. ٦١٣:٣، ٢١٧٠:٣

تكوير: ١	اذا الشمس كورت. ١٦٣٠:٢، ٩٧:٦
تكوير: ٦	و اذا البحار سجرت. ١٦٢٨:٢
تكوير: ٧	و اذا النفوس زوجت. ٣٢٠٦:٤
تكوير: ١٠	و اذا الصحف نشرت. ١٧٩٠:٥
تكوير: ٢٩	و ما تشاؤون الا ان يشاء الله رب العالمين. ١٤٣٨:٦

انفطار: ١٣-١٤ ان الابرار لفي نعيم و ان الفجار لفي جحيم. ٣٢٨٣:٤

٥٠ فهرست شرح جامع مثنوى معنوى

مطفّفين: ٧	... ان كتاب الفجار لفي سجّين. ٦٤٠:١
مطفّفين: ١٨	... ان كتاب الابرار لفي عليّين. ٦٤١:١
مطفّفين: ٢٥	... يسقون من رحيق مختوم. ٢٧٢٢:١
مطفّفين: ٢٥-٢٦	يسقون من رحيق مختوم ختامه مسك... ٣٢٣:١
انشقاق: ١	اذا السماء انشقت. ١٦١٥:٢
انشقاق: ١٠-١١	واما من اوتى كتابه وراء ظهره فسوف يدعوا ثبورا. ٩٣:٥
بروج: ١-٤	والسّماء ذات البروج واليوم الموعود وشاهد ومشهود قتل اصحاب الاخدود. ٧٤١:١
بروج: ١١	... جنات تجرى من تحتها الانهار. ٢٤٥٥:٢
بروج: ٢١-٢٢	بل هو قرآن مجيد فى لوح محفوظ. ١٠٦٤:١
طارق: ١-٣	والسّماء والطارق وما ادريك ما الطارق النجم الثاقب. ٧٢٨:٦
طارق: ٤	ان كلّ نفس لما عليها حافظ. ٢٠٧٨:٣
طارق: ٩	يوم تبلى السرائر. ٣٥٩٩:١، ١٣٩٥:٥، ١٧٩٩:٥، ٢٢١١:٥
طارق: ١٤	وما هو بالهزل. ٣٥٥٨:٤
طارق: ١٦	فمهل الكافرين امهلهم رويدا. ٢٤٦٦:٤
اعلى: ٤	والذى اخرج المرعى. ٣٢٤٣:٢
غاشيه: ١٣	فيها عين جارية. ١٧٦٧:٤
فجر: ٨-٦	الم تركيب فعل ربك بعاد ارم ذات العماد التى لم يخلق مثلها فى البلاد. ٢٧٢٢:٢، ٢٤٥٢:٤
فجر: ١٤	ان ربك لبالمرصاد. ١٠٩٤:٣، ٣٣٣٩:٤، ٤٥٢٩:٦
فجر: ٢٧-٣٠	يا ايّتها النّفس المطمئنّنة ارجعى الى ربك راضية مرضية فادخلى فى عبادى وادخلى جنتى. ٥٦٨:١، ٢٦٥٦:١، ٣٠٧٢:٤، ٣٤١٨:٤، ٥٥٧:٥
بلد: ١	لا اقسم بهذا البلد. ١٧٠٩:١
بلد: ٤	لقد خلقنا الانسان فى كبد. ١٧٠٩:١
بلد: ٦	بقول اهلك ما لا لبدا. ١٣٠:٣

والشمس وضحاها. ٥: ٥٥٤، ٥: ١٢٦٢	شمس: ١
فقال لهم رسول الله ناقة الله وسقياها. ١: ٢٥١٣	شمس: ١٣
ان سعيكم لشتى. ٥: ٢٥٦	ليل: ٤
فسيطره الليسرى. ٥: ٢٢٢٨	ليل: ٧
فسيطره للعسرى. ٥: ٢٢٢٨	ليل: ١٠
والضحى والليل اذا سجى ما ودعك ربك وما قلى. ٢: ٢٩٥، ٢: ٣٠٠، ٢: ٢٥٣٤	ضحى: ١-٣
واما السائل فلا تنهر. ١: ٢٧٤٧	ضحى: ١٠
الم نشرح لك صدرك ووضعنا عنك وزرك الذى انقض ظهرك. ٢: ٧١، ٣: ٢٣٥٦٦	انشراح: ١-٤
٥: ١٠٧١، ٦: ٢٨٦٣	
فان مع العسر يسرا ان مع العسر يسرا. ٣: ٩٩٠، ٣: ٣٢٥٥، ٣: ٣٧٦٣، ٥: ٣٦٠	انشراح: ٥-٦
٦: ٣٥٢١، ٦: ٤٢٥٥	
لقد خلقنا الانسان فى احسن تقويم ثم رددناه اسفل سافلين. ١: ٣٥٢٢، ٤: ١٢٧٦	تين: ٤-٥
٤: ١٥٢٦، ٥: ٩٦٢، ٦: ١٠٠٥	
الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات فلهم اجر غير ممنون. ٥: ٢٧٩٤	تين: ٦
الذى علم بالقلم علم الانسان ما لم يعلم. ٣: ٥٩٤، ٥: ٢٥٨٧	علق: ٤-٥
كلا ان الانسان ليطغى ان راه استغنى. ٣: ٢٦٧٦، ٣: ٣٠١٣، ٣: ٤٢٠١، ٤: ٣٢٦	علق ٦-٧
٦: ٤٧٦٣	
كلا لئن لم ينته لنسفعا بالناسية. ١: ١٠٠، ٣: ٦٠٤	علق: ١٥
كلا لا تطعه واسجد واقترب. ١: ٣٦٠٧، ٢: ١٢٠٩، ٣: ١٢٧، ٤: ١١	علق: ١٩
تنزل الملائكة والروح فيها... ٨: ٣	قدر: ٤
لم يكن الذين كفروا من اهل الكتاب والمشركين منفكين حتى تاتيهم البينة. ٣: ٣٠٦٠	بيته: ١
رضى الله عنهم ورضوا عنه ذلك لمن خشى ربه. ٣: ٢٨٦٩	بيته: ٨
اذا زلزلت الارض زلزالها. ١: ٣٢٧٦، ٤: ٢٤٢٠	زلزال: ١
يومئذ تحدث اخبارها. ١: ٣٢٧٧	زلزال: ٤

- زلزال: ٧-٨ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ. ٣: ٤٧٨٠، ٥: ٣١٤٠، ٦: ٤٣١
- قارعه: ٥ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ. ٢: ١٠٤٤، ٢: ١٦٢٩
- قارعه: ٨-٩ وَامَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأَمَّهُ هَٰوِيَةٌ. ١: ٨٧٧
- تكاثر: ٣-٧ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ، ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ. ٣: ٤١٢٢
- تكاثر: ٨ ثُمَّ لَتَسْتَلْنَّ يَوْمَئِذٍ النَّعِيمَ. ٦: ٣٢٥٩
- عصر: ٣ ... وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ٣: ١٨٥٣
- كوثر: ١-٣ أَنَا أَعْطَيْتُكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرِ إِنَّ شَاتِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ. ٥: ١٢٣٢، ٥: ٣٥٧٤
- كافرون: ٦ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ. ٥: ٣٩٤٠، ٦: ١٠٥٢
- نصر: ١ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ... ١: ١٣١٣
- مسد: ٤-٥ وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ فِي جَيْدِهَا حَبْلٌ مِنْ مَسَدٍ. ٣: ١٦٦٤، ٥: ٧٦٤، ٥: ٩٤٨، ٥: ١٠٩٩، ٦: ٢٩١٢
- توحيد(اخلاص): ٣ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ. ٢: ١٧٤٥، ٣: ١٣١٩، ٣: ١٤٣٥
- توحيد(اخلاص): ٤ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. ١: ٣٧٦٥، ٣: ٣٠٦٠
- فلق: ١-٥ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَ مِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ وَ مِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ وَ مِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ. ٤: ٣١٩٢، ٤: ٣١٩٥، ٥: ١٠٤٢

احاديث وروايات

آه من قلة الزاد و طول الطريق و بعد السفر و عظيم المورد. ٤: ٤٩*

ابتلى ايوب سبع سنين بلا ذنب. ٥: ٣٦٨٩

ابغض الحلال الى الله الطلاق. ٢: ١٧٥٢

ابواب الارزاق مقفولة والحركة مفتاحها. ٥: ٢٣٨٦

اتق شر من احسنت اليه. ٣: ٢٦٣

اتقوا فراسة المؤمن فانه ينظر بنور الله. ١: ١٣٣١، ١: ٢٦٣٤، ٢: ١٥٦٧، ٢: ١٥٨٠، ٣: ٢٧٠، ٦: ١١٤٢

اتقوا الظلم فان الظلم ظلمات يوم القيامة... ١: ١٣٠٩

اتى النبى بفرس معروى فركبه حين انصرف من جنازة ابن الدحداح و نحن نمشى حوله. ٢: ٧٢٨

اتيت النبى و اذا اصحابه كانوا على رؤسهم الطير. ٥: ٣٢٤٨

احذروا الدنيا فانها اسحر من هاروت و ماروت. ٤: ٣١٩٣

احيانا يأتينى مثل صلصلة الجرس و هو اشد على. ٣: ١٣٩٠

اخرج من غفلتك و زلاتك بخروجك الى منى ولا تتمن ما لا يحل لك. ٥: ٢٢١٤

اخروهن من حيث اخرهن الله. ٢: ١٨٥٦

اذا بلغ الماء قلتين لم يحمل الخبث. ٢: ٣٣٠٩

اذا جاء القدر عمى البصر. ٤: ٣٣٢

اذا جاء المقادير سلب التدابير. ٤: ٣٣٢

اذا دخل النور القلب انشرح و انفسح قيل و ما علامة ذلك قال التجافى عن دار الغرور و الانابة الى دار الخلود

و الاستعداد للموت قبل نزوله. ٤: ٣٠٨٣، ٥: ٢٤٤٧

* ٤٩: ٤ يعنى: دفتر چهارم شرح جامع مشنوى معنوى، بيت ٤٩.

- اذا قاتل احدكم اخاه فليجنب الوجه فان الله خلق آدم على صورته. ١١٩٤:٤
- اذا قال المؤمن اللهم اجرني من النار تقول النار اللهم اجرني منه. ٢٧١٥:٤
- اذا قضى الله لعبدا ان يموت بارض جعل له اليها حاجة. ٩٦٠:١
- اذكرني في الخلا اذكركم في الملاء الاعلى. ٩٥:٤
- ارحموا ترحموا. ٨٨٢:١، ٣٠٣٧:٢
- ارحموا ثلاثة غنى قوم افتقر و عزيز قوم ذل و فقيها يتلاعب به الجهال. ٨٢٣:٥
- ارحنا يا بلال. ١٩٨٦:١، ٢٢٤:٥
- ارقائكم ارقائكم اطعموهم ممّا تأكلون والبسوهم ممّا تلبسون فان جاؤا بذنب لا تريدون فيبيعوا عباد الله ولا تعذبوهم. ٣٩٧٥:٦
- استر ذهيبك و ذهابك و مذهبك. ١٠٤٧:١
- استعفف عن السؤال ما استطعت. ٢٤٢٤:٥
- استعينوا على انجاح الحوائج بالكتمان. فان كل ذي نعمة محسود. ١٧٦:١
- استفت قلبك و ان افتاك المفتون. ٣٨٠:٦
- اسلم شيطاني بيدي. ٢٨٩:٥
- اسماء الاودية والنبات و الشجر والجبال من الارض. ٢٩٧٠:٤
- اشد الناس بلاء الانبياء ثم الصالحون ثم الامثل فالامثل. ١٠٠:٤، ٢٠٠٧:٤
- اصحابي كالنجوم فبايهم اقتديتم اهتديتم. ٢٩٢٦:١، ٣٦٥٦:١، ١١٥٧:٦، ٢٦٤٣:٦
- اصدق كلمة قالها لبيد.... ٣٩٢٣:١
- الصراط كحد السيف او كحد الشعروان الملائكة يُنجون المؤمنين والمؤمنات. وان جبرئيل (ع) لاخذ
- بخجرتي و اني لا قول يارب سلم سلم. ٢٧٣١:١
- اعجبوا لهذا الانسان ينظر بشحم و يتكلم بلحم و يسمع بعظم و يتنفس من خرم. ٢٤٥١:٢، ١٨٥٤:٥
- اعدى عدوك نفسك التي بين جنبيك. ٩٠٦:١، ٤٠٦٦:٣
- اعرفوا الله بالله. ١٥٠٨:١، ١٣٤٧:٣، ٧٠٢:٦
- اعط كل بدن ما تعودده. ١٥٣:٥
- اعقلها و توكل. ٩١٣:١
- اعملوا فكل ميسر لما خلق له. ١٦١٨:٣
- اغتنموا برد الربيع فانه يعمل بابدانكم كما يعمل باشجاركم و اجتنموا برد الخريف فانه يعمل بابدانكم كما يعمل باشجاركم. ٢٠٤٦:١
- افر من قضاء الله الى قدر الله. ١٣٣٨:٤، ٣١٣٥:٥
- افضل الصدقة جهد المقل و ابدأ بمن تعول. ١١٠٣:٥
- افضل العباداة انتظار الفرج. ١٧٥٤:٥
- افضل العمل ادومه و ان فل. ٢٦٦٩:٦

- افضل الناس من عشق العبادة ٢: ٢٧٧٩
- اقبلوا على جيفة قد افتضحوا باكلها. ٥: ٣٥٩١
- اقولهم بمر الحق. ١: ١١٧٩
- اكثر اهل الجنة البله. ٤: ١٤٢٠، ٥: ٤١٢
- اكثروا من غراس الجنة. قالوا: و ما غراس الجنة يا رسول الله؟ قال: التسبيح والتهليل. ٣: ٣٤٥٧
- الاخذ ضامن والزعيم غارم. ٢: ٥٤٨
- الا اخبركم باهل الجنة كل ضعيف متضعف لو اقسم على الله لا يبره. ٣: ٤٥٧١
- الا ان الايمان يمان والحكمة يمانية واجد نفس ربيكم من قبل اليمن. ٤: ٢٥٤٠
- الاحسان ان تعبد الله كأنك تراه فان لم تكن تراه فإنه يراك. ٢: ١٢٥٣
- الاحمق عدوى والعاقل صديقي. ٤: ١٩٤٨
- الارواح جنود مجتدة فما تعارف منها ائتلف وما تناكر منها اختلف. ٢: ١٠٥٠
- الانسان سرى وانا سره. ٦: ١٦١١
- الا و ان اعطاء المال في غير حقه تبذير واسراف. ١: ٢٢٢٧، ٥: ١٤٨٣
- الذي لا يدركه بعد الهم ولا يناله غوص الفطن. ٣: ٣٧٢٢
- اللهم ارزقني عينين هطالتين تشفيان القلب بذروف الدمع من خشيتك قبل ان يكون الدموع دما والاضراس جمرًا. ٦: ٢٣٣٨
- اللهم ارني الاشياء كما هي. ١: ٢٦٣٣، ٢: ٤٦٧، ٤: ٦٧٥، ٤: ٣٤٠٠، ٥: ١٧٦٥
- اللهم اعط كل منفق خلفا، اللهم اعط كل ممسك تلفا. ١: ٢٢٢٣، ١: ٢٢٢٤، ١: ٢٢٢٥، ٢: ٣٨١
- اللهم اغفر لي الكثير من معاصيك واقبل مني اليسير من طاعتك. ٣: ٢٧٩١
- اللهم انك عفوّ تحب العفو فاعف عني. ١: ٣٢٥٣
- اللهم اني اعوذ برضاك من سخطك وبمعافاتك من عقوبتك واعوذ بك منك لا احصى ثناء عليك انت كما اثنيت على نفسك. ١: ١٢٨
- اللهم اهد قومي فانهم لا يعلمون ٢: ١٨٧١، ٢: ١٩٢٦
- الله هو الذي يتأله اليه كل مخلوق عند الحوائج. ٤: ١١٦٩
- الهي اين اطلبك؟ قال: عند المنكسرة قلوبهم. ٥: ٤٩٣
- اما أنه ليس بين الحق والباطل الا اربع اصابع. ٥: ٣٩٠٨
- اما القصاب فلا يهوله كثرة الاغنام. ٣: ٤١٤٥
- فان قضى الله بينهما ولدا لا يضره الشيطان شيئا ابدا. ٥: ٢٧٣
- انا افصح العرب. ١: ٢٠٠٤
- انا املح من اخي يوسف و يوسف اجمل مني. ١: ٢٠٠٤
- انا اولي بالمؤمنين من انفسهم فمن توفي من المؤمنين فترك ديننا فعلى قضاؤه و من ترك مالا فلورثته.

- انا عند المنكسرة قلوبهم لاجلى. ٥٣٢:١
 انا مدينة العلم و على بابها، فمن اراد المدينة والحكمة فليأتها من بابها. ٣٧٦٣:١، ٣٨٤١:١
 انا الميزان... ٢٥٥٠:١
 انا و انت ابوا هذه الامة ٢٧٢٧:١
 ان تمارضتم... ١٥٨٠:٣، ١٠٧٠:١
 انت مع من احببت. ٥٣٨:١
 انت منى بمنزلة هارون من موسى الا انه لانبى بعدى. ٣٨٣١:٤
 ان ابراهيم تمنى هناك ان يجعل الله مكان ابنه كيشا بامر يذبحه. ٢٢١٤:٥
 ان ابن آدم لحريص على مامنع. ٣٢٧٢:٣، ٦٩٧:٦
 ان الله اذا احب قوما ابتلاهم. ٤١٦٤:٣
 ان الله اذا اراد انفاذ امر سلب كل ذى لب ليه. ١١٩٤:١
 ان الله تعالى اصطفى من ولد ابراهيم اسماعيل و اصطفى من ولد اسماعيل بنى كنانة و اصطفى من بنى كنانة قريشا و اصطفى من قريش بنى هاشم و اصطفانى من بنى هاشم. ١٠٣٧:٤
 ان الله تعالى خلق خلقه فى ظلمة فلقى عليهم من نوره فمن اصابه من ذلك النور اهتدى و من اخطاه ضل.
 ٢٩٨:٤، ١٨٩:٢، ٧٦٠:١
 ان الله تعالى قال: من عادى لى وليا فقد اذنته بالحرب. ٢٥٢٠:١
 ان الله تعالى يحب العبد المؤمن المحترف. ٢٤٢٤:٥
 ان الله تعالى يحمى عبده المؤمن كما يحمى الراعى الشقيق غنمه عن مراتع الهلكة. ٢٣٢:٤
 ان الله جميل يحب الجمال. ٧٩:٢
 ان الله خلق آدم على صورته، فقال قاتلهم الله لقد حذفوا اول الحديث ان رسول الله (ص) مر برجلين يتسابان فسمع احدهما يقول لصاحبه قبح الله وجهك ووجه من يشبهك فقال يا ابا عبد الله لا تقل هذا لانيك فان الله عز وجل خلق آدم على صورته. ١١٩٤:٤
 ان الله عز وجل يقول يوم القيامة يا ابن آدم مرضت فلم تعدنى. قال يا رب كيف اعودك و انت رب العالمين؟ قال اعلمت ان عبدى فلاناً مرض فلم تعده اما علمت انك لو عدته لوجدتني عنده. ١٧٣٨:٢
 ان الله لا اله الا هو ليدفع بالصدقة الداء و الدبيلة و الحرق و الفرق و الهدم و الجنون و عدسعين بابا من السوء.
 ١٧٥٠:٤
 ان الله لا ينام و لا ينبغي له ان ينام يخفض القسط ويرفعه. ١٨٤٧:٦
 ان الله لا ينظر الى صوركم و اموالكم ولكن ينظر الى قلوبكم و اعمالكم. ١٧٥٩:٢، ٢٢٢٤:٣، ١٧٣٨:٤
 ان الله يؤيد حسان بروح القدس ما نافع عن رسول الله. ١١٩٩:٤
 ان الله يحب الابرار الاتقياء الاخفياء الذين ان غابوا لم يفتدوا و ان حضروا لم يعرفوا قلوبهم مصاييح الهدى يخرجون من كل غبراء مظلمة. ٣١٠٤:٣
 ان الله يحب السائل اللّوح. ١٤٨٥:٣

- أَنْ أَمْتِي أُمَّةٌ مَرْحُومَةٌ لَيْسَ عَلَيْهَا فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ أَنَّمَا عَذَابُهَا فِي الدُّنْيَا الْقَتْلُ وَالْبَلَابُ وَالزَّلَازِلُ. ٣١٢٠:١
- أَنَا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَمَرْنَا أَنْ نَكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدَرِ عَقُولِهِمْ. ٣٨١١:١، ٢٤١٠:٣، ٨٤٥:٤
- أَنْ بِالْمَغْرِبِ بَابًا مَفْتُوحًا لِلتَّوْبَةِ مَسِيرَتُهُ سَبْعُونَ سَنَةً لَا يَغْلُقُ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ نَحْوِهِ. ٢٥٠٤:٤
- أَنْ بِهَا نَظْرَةٌ فَاسْتَرْقُوبُهَا. ٤١٥١:٣
- أَنْ الْجَنَّةُ حَفَّتْ بِالْمَكَارِهِ وَأَنْ النَّارُ حَفَّتْ بِالشَّهَوَاتِ. ١٨٣٧:٢
- أَنْ رَجُلًا كَانَ يَكْتُبُ لِلنَّبِيِّ وَقَدْ كَانَ قَرَأَ الْبَقْرَةَ وَآلَ عِمْرَانَ. وَكَانَ الرَّجُلُ إِذَا قَرَأَ الْبَقْرَةَ وَآلَ عِمْرَانَ جَدَّ فِينَا. ١٣٩٢:٣
- أَنْ الرَّجُلَ لِيَذْنِبَ ذَنْبًا يَدْخُلُ بِهِ الْجَنَّةَ، قَالُوا: كَيْفَ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ يَكُونُ نَصَبًا بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَيَتُوبُ مِنْهُ. ٣٨٣٥:١
- ... أَنْ الرُّوحَ إِذَا قَبِضَ تَبِعَهُ الْبَصَرُ. ٦٨٦:٢
- أَنْ السَّيْفُ مَحَاءُ الذُّنُوبِ. ٤٠٦٠:٦
- أَنْ الشَّيْطَانَ ذَنْبُ الْإِنْسَانِ يَأْخُذُ الْقَاضِيَةَ وَالشَّاذَةَ. ٤٩٩:٦
- أَنْ الْعَبْدَ لِيَدْعُوَ فَيَقُولَ اللَّهُ تَعَالَى لِلْمَلَائِكَةِ قَدِ اسْتَجَبْتَ لَهُ وَلَكِنْ احْبِسُوهُ بِحَاجَتِهِ فَأَنِّي أَحِبُّ صَوْتَهُ ... ٤٢٢٣:٦
- أَنْ الْعَيْنَ حَقًّا. ٤١٥١:٣
- أَنْ الْعَيْنَ لَتَدْخُلَ الرَّجُلَ الْقَبْرَ وَالْجَمَلَ الْقَدْرَ. ٥١٠:٥
- أَنْ قُلُوبَ بَنِي آدَمَ كُلُّهَا بَيْنَ أَصْبَعَيْنِ مِنْ أَصَابِعِ الرَّحْمَنِ يَقْلَبُهَا كَيْفَ يَشَاءُ. ٧٥٩:١، ٢٧٧٧:٣، ٤٢٥٩:٣
- ١٠٥٦:٤
- أَنْ قَوْمًا عَبْدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتَلَكَ عِبَادَةُ التَّجَارِ؛ وَأَنْ قَوْمًا عَبْدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتَلَكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ؛ وَأَنْ قَوْمًا عَبْدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتَلَكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ. ١٩١٢:٣
- أَنْكُمْ سَتَرُونَ رَبِّكُمْ كَمَا تَرُونَ الْقَمَرَ لَيْلَةَ الْبَدْرِ. ١٦٨:٦
- أَنْ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامٍ دَهْرَكُمْ نَفَحَاتٍ لَا فَتَعْرُضُوهَا. ١٩٥١:١، ٣٠٣٠:٣
- أَنْ لِلشَّيْطَانِ لَمَّةٌ بَابَنِ آدَمَ وَلِلْمَلِكِ لَمَّةٌ. فَأَمَّا لَمَّةُ الشَّيْطَانِ فَايْعَادُ الْبَشَرِ وَتَكْذِيبُ الْخَيْرِ. وَأَمَّا لَمَّةُ الْمَلِكِ فَايْعَادُ الْخَيْرِ وَتَصْدِيقُ الْحَقِّ. فَمَنْ وَجَدَ ذَلِكَ فَلْيَعْلَمْ أَنَّهُ مِنَ اللَّهِ فَلْيُحْمَدِ اللَّهَ وَمَنْ وَجَدَ الْآخَرِيَّ فَلْيَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ. ٣٤٩٠:٣
- أَنْ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَبَطْنًا وَلِبْطَنُهُ بَطْنًا إِلَى سَبْعَةِ أَبْطَانٍ. ١٨٩٧:٣
- أَنْ لِكُلِّ شَيْءٍ قَلْبًا وَقَلْبُ الْقُرْآنِ يَسُ. ٥٣٣:٦
- أَنْ لِلَّهِ عِبَادًا لَيْسُوا بِأَنْبِيَاءَ لَكِنْ يَغِطُّهُمْ النَّبِيُّونَ وَالشَّهَدَاءُ لِقَرَبِهِمْ وَمَكَانُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ... ٤٧٢٠:٣
- أَنَا أَنَا لَكُمْ مِثْلُ الْوَالِدِ. ١٩٣٤:٣
- أَنَا خَلَقْتُ الْخَلْقَ لِيَرْبَحُوا عَلَى وَلَمْ أَخْلُقْهُمْ لَارْبِحَ عَلَيْهِمْ. ٢٦٣٧:٢
- أَنَا الْقَبْرُ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَوْ حَفْرَةٌ مِنْ حُفَرِ النَّيرانِ. ٣٥٣٦:٤
- أَنَا مِثْلُ الَّذِي يَتَصَدَّقُ بِصَدَقَةٍ ثُمَّ يَعُودُ فِي صَدَقَتِهِ كَمِثْلِ الْكَلْبِ يَقِينِي ثُمَّ يَأْكُلُ قَيْئَهُ. ٣٥٤٩:٦

- أَمَّا هِيَ مَتَاعُ أَيَّامٍ قَلِيلٍ يَزُولُ مِنْهَا مَا كَانَ كَمَا يَزُولُ السَّرَابُ أَوْ كَمَا يَتَقَشَّعُ السَّحَابُ. ٣٢٣:٦
- أَنَّ الْمَجُوسَ كَانَ لَهُمْ نَبِيٌّ فَقَتَلُوهُ وَكُتِبَ لَهُمْ قَوْلُهُ. ٣٩٢٢:١
- أَنَّ مُحَلِّىَ مِنْهَا مَحَلَّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَى. ٢١٢٩:١
- أَنَّ مِنْ أَجْلَالِي تَوْقِيرِ الشَّيْخِ مِنْ أَمْتِي. ٢٤٦٠:٦
- أَنَّ مِنَ الْبَيَانِ لِسَحْرًا. ٤٠٧٩:٣
- أَنَّ النَّبِيَّ (ص) بَعَثَ بِسَرِيَّةٍ فَلَمَّا رَجَعُوا قَالَ: مَرْحَبًا بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَصْفَرَ وَبَقِيَ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ. قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ قَالَ جِهَادُ النَّفْسِ. ١٣٧٣:١
- أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ أَنْزَلَ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرَفٍ. ٤٢٤٤:٣
- أَنَّ هَذَا الْقَلْبَ كَرِيشَةٌ بِفَلَاةٍ مِنَ الْأَرْضِ يَقِيمُهَا الرِّيحُ ظَهْرًا لِبَطْنٍ. ١٦٤١:٣
- أَنَّهُ لِيَفَانٌ عَلَى قَلْبِي حَتَّى اسْتَغْفَرَ اللَّهُ فِي الْيَوْمِ سَبْعِينَ مَرَّةً. ٣٣٠٠:٤
- أَنِّي جَعَلْتُ الرَّاحَةَ فِي تَرْكِ الدُّنْيَا وَالنَّاسَ يَطْلُبُونَهَا فِي اشْتِغَالِهَا. ٩٩٠:٣
- أَنِّي لَا جَدَ نَفْسِ الرَّحْمَنِ مِنْ قَبْلِ الْيَمَنِ. ١٨٣٤:٤، ١٦١:٣، ١٢٠:٣، ٢:٢
- أَوْذِيَتْ فِي اللَّهِ. ٢٠٠٧:٤
- ... أَوْصِيَكُمْ بِالنِّسَاءِ خَيْرًا فَإِنَّهُنَّ عَوَارٌ عِنْدَكُمْ... وَأَمَّا اخْذُ تَمْوَهْنٍ بِأَمَانَةِ اللَّهِ... ٣٩٥٥:٦
- أُولِيَانِي تَحْتَ قَبَابِي لَا يَعْرِفُهُمْ غَيْرِي. ٣٦٦٧:٣، ٩٣٢:٢
- أَوَّلَ رَأْيٍ الْعَاقِلِ آخِرَ رَأْيٍ الْجَاهِلِ. ٢١٩٧:٣
- أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ. ١٩٣٦:٦
- أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي. ٢٥٥٥:٤، ٩٠٩:٢
- أَهْلُ الدُّنْيَا كَرَكِبٍ يَسَارِبُهُمْ وَهُمْ نِيَامٌ. ١٧٣٣:٣
- أَيَا الذَّامَ لِلدُّنْيَا الْمَغْتَرَّ بِغُرُورِهَا الْمُنْخَدِعَ بِأَبَاطِيلِهَا اتَّغَتَّرَ بِالدُّنْيَا ثُمَّ تَذَمَّهَا أَنْتَ الْمَتَجَرِّمُ عَلَيْهَا أَمْ هِيَ الْمَتَجَرِّمَةُ عَلَيْكَ... إِنْ الدُّنْيَا دَارُ صَدَقَ لِمَنْ صَدَقَ... ١٥٩٣:٤
- أَيَّاكُمْ وَخَضِرَاءَ الدَّمَنِ. ٢٧٠:٢
- أَيَّاكُمْ وَاللَّوْفَانَ اللَّوْ يَفْتَحُ عَمَلَ الشَّيْطَانِ. ٧٣٧:٢
- أَيَّاكُمْ وَمَجَالِسَةَ الْمَوْتَى. قِيلَ وَمَنْ هُمْ؟ قَالَ الْاَغْنِيَاءُ. ٧٨٦:٥
- أَيَّاكَ وَمَصَادَقَةَ الْاَحْمَقِ يَرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيُضْرَكَ. ١٩٥١:٤
- أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارُ مَجَازٍ وَالْآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ فَخُذُوا مِنْ مَمْرَكُمُ لِمَمْرَكُمُ. ٣٢١٠:٤
- الْبَاطِلُ إِنْ تَقُولُ سَمِعْتَ وَالْحَقُّ إِنْ تَقُولُ رَأَيْتَ. ٣٩٠٨:٥
- بَصِيرًا إِذْ لَا مَنْظُورَ إِلَيْهِ. ٣١٧٩:٦
- بَعَثَتْ بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ بِالسَّيْفِ حَتَّى يَعْبُدَ اللَّهُ تَعَالَى وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَجَعَلَ رِزْقِي تَحْتَ رَمْحِي وَ
- جَعَلَ الذِّلَّ وَالصَّغَارَ عَلَى مَنْ خَالَفَ أَمْرِي. ٤٩٣:٦
- بَعَثَتْ لَا تَمُتْ مَكَارِمَ الْاِخْلَاقِ. ١١٧٦:٦

بكرُوا بالصدقة فان البلاء لا يتخطاها. ١٧٥٠:٤

بلال حدثني بارجع عمل عملته في الاسلام فاني سمعت دق نعليك بين يدي في الجنة. ٩٥١:٦
بل اندمجت على مكنون علم لوبحت به لاضطربتم اضطراب الارشية في الطوى البعيدة. ١٧٦٢:١
بلغوا عنى ولو آية وحدثوا عن بنى اسرائيل ولا حرج. ٢٢٥٢:٦

الثانى من الله والعجلة من الشيطان. ٣٤٩٧:٣

التاجر جبان محروم و التاجر الجسور مرزوق. ٣٠٨٩:٣

تحفة المؤمن الموت. ١٦٨١:٤

تخلقوا باخلاق الله. ٢٠٤:٥

تفكر ساعة خير من عباده ستين سنة. ٤٥٤:٥

تقدم يا محمد و تخلف عنى... فان تجاوزته احترقت اجنتى. ١٨٩٠:٤

تكلموا تعرفوا فان المرء مخبوء تحت لسانه. ١٢٧٠:١

تكلموا في خلق الله ولا تتكلموا في الله فان الكلام في الله لا يزداد صاحبه الا تحيرا. ٣٧٠٠:٤

تكلموا في كل شئ ولا تتكلموا في ذات الله. ٣٧٠٠:٤

تمن. قال اتمنى الجنة فسميت منى لامية آدم بها. ٢٢١٤:٥

تمام عيناي و لا ينام قلبى. ٣٧٩٦:٤

توقوا البرد في اوله و تلقوه في آخره. فانه يفعل في الابدان كفعله في الاشجار: اوله يحرق و آخره يورق.

٢٠٤٦:١

ثمرة الطمع ذل الدنيا والآخرة. ١٩٤٣:٥

ثمرة القناعة العز. ١٩٤٤:٥

ثم فتق ما بين السموات العلى فملاهن اطوارا من ملائكته. ٢٩٠٦:٤

جاهلهم مكرم و عالمهم ملجم. ٢٥٤٥:٥

جذبة من جذبات الرحمن توازى عمل الثقلين. ٦٨٤:١

جز يا مؤمن فان نورك اطفأ نارى. ١٢٤٩:٢، ٣٤٨١:٣

جعلت لى الارض مسجداً و طهوراً. ٣٤٢٨:٢

جف القلم بما هو كائن. جف القلم بما انت لاق. ٣٨٥١:١، ٣٣٠٣:٤، ٣١٣١:٥، ٣١٨٢:٥

جليس الخير نعمة، جليس الشر نقمة. ٢٦٣٩:٥

الجماعة رحمة و فى الفرقة عذاب. ٣٠١٧:١، ٣٢٩٤:٤

الجنة تحت اقدام الامهات. ٨٨٤:٥

الجوع ادم المؤمن و غذاء الروح. ٢٨٤٦:٥

- حبب الى النساء والطيب و جعل قرّة عينى فى الصلوة. ٣٢٣٥:٢
حبّك الشئ يعمى و يصم. ٢٦٤٥:١، ٢٧٢٤:٢
حبّ الوطن من الايمان ٣: ٣٨٠٧، ٤: ٢٢١١
الحرب خدعة. ٣: ٢٤١٠
حرّمت النار على عين دمعت من خشية الله. ٥: ١٥٩٦
حرمة مال المسلم كحرمة دمه. ٣: ١٥٧
الحزم سوء الظنّ. ٣: ٢٦٨، ٣: ٢٨٤١
حقّت الجنة بالمكاره و حقّت النار بالشّهوات. ٢: ١٨٣٧، ٥: ١٦٤، ٥: ٤٠٣٠
الحكمة ضالة المؤمن فحيث وجدها فهو احق بها. ٢: ١٦٦٩
الحمد لله الذى لبس العزّ والكبريا و اختارهما لنفسه دون خلقه... و جعل اللّعة على من نازعه فيهما من عباده. ١: ١٧٦٣، ٥: ٥٣٣
الحمية رأس الدّواء والمعدة بيت الدّاء. ١: ٢٩١١
الحياء خير كلّ. ٢: ١٣٦٨
الحياء شعبة من الايمان. ٥: ١٩٢٠
الحياء يمنع من الايمان. ٢: ١٣٦٨
خذ الحكمة انى كانت فان الحكمة تكون فى صدر المنافق فتلجج فى صدره حتى تخرج فتسكن الى صواحبا فى صدر المؤمن. ٢: ٣١٦
الخلق عيال الله. ٥: ٦٩٨
الخلق كلّهم عيال الله احبهم الى الله انفعهم لعياله. ١: ٩٢٧، ٣: ٨١
خلقت هؤلاء للجنة ولا ابالى و خلقت هؤلاء للنار ولا ابالى. ٥: ١٨٤٦
خمر طينة آدم بيده اربعين صباحا. ٦: ١٢١٦، ٦: ١٧٨٦
خمرت طينة آدم بيدي اربعين صباحا. ٦: ١٢١٦، ٦: ١٧٨٦
خمروا آنيّتكم. ١: ١٠٥٢
خير الامور اوسطها. ٢: ٣٥١٢
خير ما اعطى الناس خلق حسن. ٢: ٨١٠
خير الناس انفعهم للناس. ٦: ٤٨٢
داووا مرضاكم بالصدقة. ٦: ٢٥٩١
دع ما يريبك الى ما لا يريبك فان الصدق طمأنينه و ان الكذب ريبة ٢: ٢٧٣٤، ٦: ٢٥٨٠
الدعاء ترس المؤمن. ٤: ٣١٥٦
الدّعاء يردّ القضاء. ١: ١٦٦٩

دعوة في السرّ تعدل سبعين دعوة في العلانية. ٣٦٣٩:١
 الدنيا جيفة و طلائها كلاب. ١٠٤٢:٤، ٤٥٥١:٣
 الدنيا حلم و اهلها عليها مجازون و معاقبون. ١٧٣٣:٣
 الدنيا ساعة فاجعلها طاعة. ١١٤٢:١
 الدنيا سجن المؤمن و جنة الكافر. ١، ٦٤٠:١، ٩٨٢:١، ١٧٦٥:٤
 الدنيا مزرعة الاخرة. ٢٩٨٩:٤، ١٨٣١:٥، ٣٦٠٨:٥، ٣٥٣٢:٦
 الدين النصيحة لله و لرسوله و لكتابه و لائمة المسلمين و عامتهم. ٣٩٤٣:٣

ذكر ان الكتاب يصدق بعضه بعضا. ٣١٢٨:٥
 ذهاب البصر مغفرة للذنوب و ذهاب السمع مغفرة للذنوب و ماتقص من الجسد فعلى قدر ذلك. ١٥٣٧:٢
 رأيت الخضر في المنام قبل بدر ليلة، فقلت له: علمنى شيئا انصر به على الاعداء. فقال: قل يا هو يا من لا هو
 الا هو فلما اصبحت قصصت على رسول الله (ص) فقال: يا على علمت الاسم الاعظم. ٣٣٢٠:٦
 رأيت فرقة فعبدته لم اعبد رباً لم اره. ٦١:٢
 رد الشمس: اللهم ان عبدك علياً احتبس نفسه على نبيّه فردّ عليه شرّها. ٢٧٧٦:٥
 الرزق اشدّ طلباً للعبد من اجله. ٢٤٠٠:٥
 الرضا بالكفر كفر. ١٣٦٣:٣
 روى عن النبي من وجوه انه قال يدخل الجنة من امتى سبعون الفا لا حساب عليهم فقال عكاشة بن محصن
 يا رسول الله ادع الله ان يجعلنى منهم فقال انت منهم و دعاه فقام رجل آخر فقال يا رسول الله ادع الله
 لى ان يجعلنى منهم فقال سبقك بها عكاشة. ٢٥٨٤:٤

زكاة الجاه اغاثة اللفهان. ١١٦٣:١، ٢٦٩١:٦
 زويت لى الارض فاريت مشارقتها و مغاربها و سيبلغ ملك امتى ما زوى لى منها. ١٢٧١:٥

سألت ابا جعفر (ع) عما يردون ان الله خلق آدم على صورته. فقال هى صورة محدثة مخلوقة و
 اصطفاه الله و اختارها على سائر الصور المختلفة فاضافها الى نفسه كما اضاف الكعبة الى نفسه
 و الروح الى نفسه فقال بيتى و نفخت من روحى. ١١٩٤:٤
 سألت ابا عبد الله جعفر بن محمد الصادق فقلت الملائكة افضل ام بنو آدم فقال: قال امير المؤمنين على بن
 ابيطالب ان الله ركب الملائكة عقلاً بلا شهوة و ركب فى بنى آدم كليهما فمن غلب عقله شهوته فهو خير
 من الملائكة و من غلب شهوته عقله فهو شر من البهائم. ١٤٩٧:٤
 سألت ابا عبد الله عن البكاء فى الصلاة ايقطع الصلاة؟ فقال: ان بكى لذكر جنة او نار فذلك هو افضل
 الاعمال فى الصلاة. و ان كان ذكر ميتاً له فصلاته فاسدة. ١٢٦٥:٥

سألت ابا عبد الله (ع) عن الحطيم فقال هو ما بين الحجر الاسود و باب البيت قال و سألته لم سمي الحطيم قال لان الناس يحطم بعضهم بعضا هنالك. ٩١٨:٤

الساحر كافر. ١٦١٣:١

سافروا تصحوا و تنعموا. ٥٣٣:٣

سبقت رحمتي غضبي. ٥١٤:٥، ٢٦٤١:٢

السَّخَاءُ شجرة من اشجار الجنة اغصانها متدليات فى الدنيا فمن اخذ بغصن منها قاده ذلك الغصن الى الجنة والبخل شجرة من اشجار النار اغصانها متدليات فى الدنيا فمن اخذ بغصن من اغصانها قاده ذلك

الغصن الى النار. ١٢٧٣:٢

السَّعِيد من سعد فى بطن امه والشَّقَى من شقى فى بطن امه. ٣٥١٣:١

السلام عليك يا رسول الله و انا اسمعه. ٢٨٣٢:٤

السلام قبل الكلام. ١٤٢٧:١

سلمان منا اهل البيت. ١٧٥:٦

السَّماح رباح والعسر شؤم. ٣٥٧٢:٦

السَّنة فى التَّوره فى كل خمسة عشر يوما... من اتت عليه اربعون يوما ولم يتنور فليس بمؤمن ولا مسلم.

٣٣٢٨:٥

سيِّئة تسوؤك خير عند الله من حسنة تعجيبك. ١٦٤٨:١، ٣٨٣٠:١، ٤٣٤٢:٦

السَّيِّد المصمود اليه فى القليل والكثير. ٥٥١:٥

شاوروهَنَ فخالفوهَن. ٢٩٥٦:١

شعار المسلمين على الصَّراط يوم القيامة اللهم سلِّم سلِّم. ٣٦٩٦:٣

شفاعتى لاهل الكبائر من امتى. ١٧٨٣:٣

الشمس والقمر ثوران عقيران فى النار ان شاء اخرجها و ان شاء تركهما. ١٦٣٢:٢

الشَّهرة آفة والراحة فى الخمول. ١٦٥٩:٤

الشَّيخ فى اهله كالنَّبى فى امته. ١٧٧٤:٣

الصَّبْر كفيل الظَّفَر. ٢٤٦٩:٥

الصَّدقة تردَّ البلاء و تزيد فى العمر. ٣٣٤٢:٣

الصدقة دواء منجح. ٢٥٩١:٦

صدقة المؤمن تدفع عن صاحبها آفات الدنيا و فتنة القبر و عذاب يوم القيامة. ٣٣٤٢:٣

صديق كل امرئ عقله و عدوه جهله. ١٩٤٨:٤

الصراط كحدَّ السَّيف او كحدَّ الشَّعر و انَّ الملائكة ينجون المؤمنين والمؤمنات. و انَّ جبرئيل (ع) لاخذ

بحجزتى و اننى لا قول يا ربَّ سلِّم سلِّم. ٢٧٣١:١

الصَّلوة معراج المؤمن. ١: ١٥٨٠

الضيافة على اهل الوبر وليست على اهل المدر. ٦: ٢٣٩٩

الطرق الى الله بعدد انفس الخلائق. ٥: ٢٢٠، ٥: ٢٥٥٦، ٦: ١٧٣٨

طريق مظلم فلا تسلكوه وبحر عميق فلا تلجوه. ١: ٢٤٤٠، ٣: ١٣٨٥، ٥: ٣٢١٤

طلب الحلال واجب على كل مسلم، طلب الحلال فريضة بعد الفريضة، طلب الحلال جهاد. ٥: ٢٣٨٢

طوبى لمن ذل نفسه و طاب كسبه و حسنت سريره و كرمته علانيته و عزل عن الناس شره. ٣: ٣٧٩٤

طوبى لمن رآنى و طوبى سبع مرّات لمن رأى من رآنى. ١: ١٩٤٦

طوبى لمن كان عقله ذكرا و نفسه انثى. ويل لمن انعكس. ٥: ٢٤٦٣

العائد فى هبته كالكلب يقيئ ثم يعود فى قيئه. ٦: ٣٥٤٩

العالم من عرف قدره و كفى بالمرء جهلا ان لا يعرف قدره. ٤: ٢٠٨٨

عجلوا الصلاة قبل الفوت و عجلوا التوبة قبل الموت. ٢: ٢٦١٣

العدل يضع الامور مواضعها و الجود يخرجها من جهتها. والعدل سائس عام و الجود عارض خاص. فالعدل

اشرفهما و افضلهما. ٥: ١٠٩١

عرفت الله بفسخ العزائم و حل العقود. ٣: ٢٧٨١، ٣: ١٦٤٥، ٦: ٩١٥، ٦: ٣٦٨٣

العز فى نواصى الخيل والذل فى اذنان البقر. ٦: ٤٧٨٧

العقل ما عبد به الرحمن و اكتسب به الجنان. ٤: ١٩٨٦

العلم بلا عمل وبال والعمل بلا علم ضلال. ٦: ١٥٧١

العلم هو الحجاب الاكبر. ٤: ١٥٧٤

العلماء كنفس واحدة. ٤: ٤٠٦

على جيفة قد افتضحوا. ٣: ٤٥٥١

على اليد ما اخذت حتى تؤديه. ٢: ٥٤٨

عليكم بدين العجائز. ٦: ٤٨٢٨

عليكم بالسواد الاعظم. ٥: ٧٣٦

عن رجل قال قلت يا رسول الله متى جعلت نبيا قال و آدم بين الروح والجسد. ٣: ٤٥٤٢

العينان تزنيان و زناهما النظر ٤: ٦٤٥

الغائب يقضى عليه اذا قامت عليه البيّنة و يباع ماله و يقضى عليه دينه ... ٣: ٤٦٤٩

فاحب لغيرك ما تحب لنفسك و اكره له ما تكره لها. ٦: ١٥٦٩

- فاذا رأيتموها فلا تسبوا. ١٤٠:٤
- فاصبروا تظفروا. ٢٤٦٩:٥
- فالصورة صورة انسان والقلب قلب حيوان. ٢٥٩٤:٥، ٧٦١:٤
- فان سنع له الرجاء اذله الطمع. ١٩٤٣:٥
- فانما مثل الدنيا مثل الحية لين مسها قاتل سمها. ٢٩٤٤:٢
- فان يدالله على الجماعة واياكم والفرقة فان الشاذ من الناس للشيطان كما ان الشاذ من الغنم للذئب. ٥٠٠:٦
- فانى احذرکم الدنيا فانها حلوة خضرة. ١٦٠٠:١
- فاول من سكن الارض الجن فافسدوا فيها و سفكوا الدماء و قتل بعضهم بعضاً قال فبعث الله اليهم ابليس فى جند من الملائكة فهم هذا الحي الذى يقال لهم الجن فقاتلهم ابليس و من معه حتى احقهم بجزائر البحور و اطراف الجبال. ١٠٣٣:١
- فخلق الله آدم على صورته التى صورها فى اللوح المحفوظ. ١١٩٤:٤
- الفقر فخرى و به افتخر. ٢٣٤٢:١
- ... فوالذى نفسى بيده لو دعوت الله بها بعد ما تصلى هذه الصلوة فى دبرها هذه السورة ثم... ٥٣٣:٦
- فهو من معادن دينه و اوتاد ارضه. ٨٩٣:٥، ٣٢٧٦:٢
- ... فى الارض مجهولون و فى السماء معروفون. ١٦٥٩:٤
- فى تقلب الاحوال علم جواهر الزجال. ٧٨٩:٣
- فيقول يا عبدى رزقتك جاها فهل اعنت به مظلوما او اعنت به ملهوفاً. ٢٦٩١:٦
- القاضى جاهل بين العالمين. ٢٧٤٦:٢
- قال الله تعالى من لم يرض بقضائى ولم يصبر على بلانى فليتمس رباً سوى. ١٣٦٤:٣
- قال الله تعالى: اعددت لعبادى الصالحين ما لا عين رأت ولا اذن سمعت ولا خطر على قلب بشر. ٢٤٥:١، ٣٤٠٦:٣
- قال الله عز وجل: سبقت رحمتى غضبى. ٤١٦٦:٣
- قال داود(ع): يا رب لماذا خلقت الخلق؟ قال: كنت كنزاً مخفياً فاحببت ان اعرف فخلقت الخلق لكى اعرف. ٢٨٦٢:١، ٣٦٤:٢، ٣٠٢٩:٤، ٦٩٨:٦
- قال رسول الله من يتكفل لى بواحدة واتكفل له بالجنة قال ثوبان انا قال لا تسأل الناس شيئا قال نعم فكان لا يسأل. ٣٣٦:٦
- قال النبى(ص) كأنهم على رؤسهم الطير. ٣٢٤٨:٥
- قال النبى(ص) لحارثة: كيف اصبحت؟ قال اصبحت مؤمناً، قال لكل حق حقيقة، فما حقيقة ايمانك يا حارثه؟ فاجاب. وقال: عرفت نفسى عن الدنيا فاستوى عندى حجرها و مدرها و ذهبها و فصتها و اظلمات نهارى و اسهرت ليلى و كأتى انظر الى عرش ربى بارزا و انظر الى اهل الجنة يتزاورون فيها و اهل النار يتعادون. قال رسول الله: اصبحت فالزم.
- قال يا جبريل ما هذا قال هذا بلال المؤذن فقال نبى الله(ص) حين جاء الى الناس قد افلح بلال رأيت له كذا

وكذا. ٩٥١:٦

القبر اما روضة من رياض الجنة او حفرة من حفر النيران. ٣٤٣٧:٦

القبر حفرة من حفر النار او روضة من رياض الجنة. ٣٠٢٤:٢

القدرية مجوس هذه الامة. ٢٩١٢:٥

قدمتم من الجهاد الاصفر الى الجهاد الاكبر مجاهدة العبد هواه. ١٣٧٣:١

قديري الحول القلب وجه الحيلة و دونه مانع من امر الله و نهيه فيدعها رأى عين بعد القدرة عليها و ينتهز

فرصتها من لاجريجة له في الدين. ٤٥٧١:٣

قرن الطمع بالذل. ١٩٤٣:٥

القسم في النار. ٢٤١٠:٦

القناعة كنز لا يفنى. ٢٣٢١:١

قيل للنبي (ص) ان عيسى عليه السلام يقال انه مشى على الماء فقال لوزداد يقينا لمشى على الهواء.

١١٨٦:٦

كاد الفقر ان يكون كفراً. ٥١٧:٢، ٢٨١٩:٥

الكاسب حبيب الله. ٩١٤:١

كان ابو بكر معروف بالتجارة لقد بعث النبي و عنده اربعون الف درهم فكان منها و يقوى المسلمين حتى قدم

المدينة بخمسة آلاف درهم ثم كان يفعل فيها ما كان يفعل بمكة. ٥٧٦:٢

كان اذا تكلم بكلمة اعادها ثلاثا حتى تفهم عنه؛ و اذا اتى على قوم فسلم عليهم ثلاثا. ١:٣

كان الله ولم يكن معه شيء. ١٢٧٥:٣، ٣٠٦٠:٣

كان قد عبد الله سنة آلاف سنة لا يدري امن سنى الدنيا ام من سنى الآخرة. ٣٢٩٦:١

كان يستفتح و يستنصر بصعاليك المسلمين. ١٦٣٢:٦

الكبرياء ردائي والعظمة ازارى فمن نازعنى فيهما قصمته. ٥٣٣:٥

كتاب الله تبصرون به و تنطقون به و تسمعون به و ينطق بعضه ببعض و يشهد بعضه على بعض. ٣١٢٨:٥

كل آت آت. ٤٥٤٠:٣

كل شيء قطع من الحي فهو ميت. ١٩٣٥:٣

كل عامل ميسر لعمله. ١٦١٨:٣

كل متوقع آت. ٤٥٤٠:٣، ٤٨٦:٦

كل مسلم ارتد عن الاسلام... فان دمه مباح لمن سمع ذلك و امرأته بائنة منه يوم ارتد و يقسم ماله على

ورثته و تعتد امرأته عدة المتوفى عنها. ٣٠٦٤:٥

كل مولود يولد على الفطرة ثم ابواه يهودانه و ينصرانه و يمجسانه. ٢٩١٠:٣

كلكم راع و كلكم مسؤول عن رعيته. ٤١٤٦:٣

كلم الناس على قدر عقولهم. ٢٠٩٨:٣، ٨٤٥:٤، ٢٥٧٧:٤

كَلَمِينِي يَا حَمِيرَاء. ١٩٧٢:١
 كم من نظرة اورثت حسرة طويلة. ٦٤٦:٤
 كما تعرف اواني الفخار بامتحانها باصواتها فيعلم الصحيح منها من المكسور كذلك يمتحن الانسان بمنطقه
 فيعرف ما عنده. ٧٩٣:٣
 كما تعيشون تموتون و كما تموتون تحشرون. ١٧٧٤:٥
 كنت ابايع الناس و كان من خلقى الجواز. ٤٥٤:٥
 كنت نبيا و آدم بين الماء والطين. ٤٥٤٢:٣
 كنا مع رسول الله (ص) بمكة فخرج في بعض نواحيها فما استقبله شجر ولا جبل الا قال له: السلام عليك يا
 رسول الله. ٢٨٣٢:٤

لاعطين هذه الزايه غدا رجلا يفتح الله على يديه يحب الله ورسوله و يحبه الله ورسوله. ٤٥٠:٥:٣
 لاحصى ثناء عليك انت كما اثنيت على نفسك. ٣٧١٠:٤، ١٩٩٦:٣
 لا بأس ان يؤم الاعمى اذا رضوا به. ٢٠٨٧:٣
 لا تجتمع عزيمة و وليمة. ٨٣٥:٤
 لا تسبوا الذيك فانه يدعوا الى الصلوة. ٣٣٣١:٣
 لا تسبوا الذيك فانه يوقظ للصلوة. ٣٣٣٤:٣
 لا تسكن الكفور فان ساكن الكفور كساكن القبور. ٥١٨:٣
 لا تفضلوني على يونس بن متى. ٤٥١٢:٣
 لا تمارضوا فتمرضوا ولا تحفروا قبوركم فتموتوا. ١٠٧٠:١
 لا جبر ولا تفويض بل امر بين امرين. ١٤٦٥:١، ٢٩٦٣:٥
 لا ذل كذل الطمع. ١٩٤٣:٥
 لا رضا بالكفر بعد الاسلام. ١٣٦٣:٣
 لا سبق الا في خوف او حافر او نصل. ٢٨٦٨:٤
 لا صلوة الا بحضور القلب. ٣٨١:١، ١٧٦٩:١، ٢٦٢٥:١
 لا فتى الا على لاسيف الا ذو الفقار. ٢٣٠٠:٢
 لا يؤمن احدكم حتى يكون هواه تبعا لما جئت به من عند الله. ١٠٨٠:١
 لا يزول قدم ابن آدم حتى يسأل عن عمره فيم افناه و عن شبابه فيم ابلاه و عن ماله من اين اكتسبه و فيم
 انفقه و عما عمل فيما علم. ٢١٤٩:٣
 لا يسعني ارضى ولا سماني و يسعني قلب عبدی المؤمن. ٢٢٤٦:٢، ٢٦٥٣:١
 لا يشغله شأن عن شأن. ١٤٨٧:١
 لا يقبل الله صلوة بغير طهور. ٣٠٣٣:٣
 لا يلدغ المؤمن من حجر واحد مرتين. ٩٠٧:١

لا ينبغي لاحد ان يقول انا خير من يونس بن متى. ٣: ٤٥١٢
 لا ينقص سلطانك من عصاك ولا يزيد في ملكك من اطاعك. ٤: ١٦٦٤
 لطيف لا يوصف بالخفاء. ٥: ١٥٨٥
 لعن الله الراشي والمرتشي. ٣: ١٦٩٧
 لقلب المؤمن اشدّ ثقلًا من القدور في غليانها. ٣: ١٦٤٣
 لكل داء دواء فاذا أصيب دواء الداء برأ باذن الله. ٢: ٦٨٤
 لكل شيء عروس وعروس القرآن سورة الرحمن. ٥: ١٤٠٠
 لله تعالى كل لحظة ثلاثة عساكر فعسكر ينزل من الاصلاب الى الارحام وعسكر ينزل من الارحام الى الارض وعسكر يرتحل من الدنيا الى الآخرة. ١: ٣٠٧٥
 لم يجرفي بنى اسرائيل شيء الا ويكون في امتي مثله حتى الخسف والفسخ والقذف. ٥: ٢٥٩٤
 لن ينفع حذر من قدر ولكن الدعاء ينفع مما نزل ومما ينزل فعليكم بالدعاء عباد الله. ١: ٩٠٨
 لو ان ابن آدم فرّ من رزقه كما يفرّ من الموت لا دركه رزقه. ٥: ٢٤٠٢
 لو تعلمون ما اعلم لبكيتم كثيراً ولضحكتكم قليلاً ولخرجتم الى الصدقات تجأرون الى الله تعالى لا تدرون
 تنجون اولاً تنجون. ٢: ١٩١٣
 لو دنوت انملة لاحترقت. ١: ١٠٦٦، ٤: ١٨٩٠
 لو ضربت خيشوم المؤمن بسيفي هذا على ان يبغضني ما ابغضني. ٥: ١٩٩٧
 لو كان المؤمن في حجر ضب لقيض الله له من يؤذيه. ٢: ٥٩٣
 لو كانت الدنيا تعدل عند الله جناح بعوضة ما سقى كافراً منها شربة ماء. ٦: ١٦٤٠
 لو كشف الغطاء عني ما ازدددت يقيناً. ٥: ١٩٧٤
 لو كشف الغطاء ما ازدددت يقيناً. ٤: ١٤٨١، ٤: ٢٩٠٨
 لولاك لما خلقت الافلاك. ٢: ٩٧٤، ٤: ١٠٣٠، ٥: ١٢٨، ٦: ١٦٦١
 لولاك ما خلقت الجنة ولولاك ما خلقت النار. ٤: ١٠٣٠
 لو لم تذنبوا لذهب بكم و خلقت خلقاً يذنبون ويستغفرون فاغفر لهم. ١: ٢٦٧٣
 لو وزن خوف المؤمن ورجاؤه لا اعتدلا. ١: ٣٦١٥
 ... لها صورة كصورة وجه الانسان فتكون مع الانبياء... ٥: ٢٦٥١، ٦: ٣٧٥٠
 ليدخلن الجنة بشفاعتي رجل من امتي اكثر من بنى تميم. ٣: ١٧٨٧
 لي مع الله وقت لا يسعني فيه ملك مقرب ولا نبي مرسل. ١: ٣٩٥٣
 ما ارضى المؤمن ربه بمثل الحلم ولا سخط الشيطان بمثل الصمت ولا عاقب الاحمق بمثل السكوت عنه.
 ٤: ١٤٨٢
 ما اكثر العبر واقل الاعتبار. ٣: ٢٨٢٦
 ما انزل الله داء الا انزل له شفاء. ٢: ٨٦٤

- ما اودى نبى قط مثل ما اوديت. ٢٠٠٧:٤
- ما بعث الله نبيا الا رعى الغنم، فقال اصحابه وانت؟ فقال: نعم. كنت اربعا على قراريط لاهل مكة. ٣٢٨٨:٦
- ما بعث الله نبيا قط الا بتحريم الخمر. ٣٤٤٤:٥
- ما التوبة النصوح؟ ان يتوب التائب ثم لا يرجع فى ذنب كما لا يعود اللبن الى الضرع. ٢٢٢٨:٥
- ما دمت فى صلاة فانت تفرع باب الملك و من يفرع باب الملك يفتح له. ٤٧٨٢:٣
- ما رأيت شيئا الا ورأيت الله قبله و بعده و معه. ٣٢٧٨:٤
- ما رأيت فى الخير والشر كالיום انه صورت الجنة والنار حتى رأيتها دون الحائط. ١٣٥٩:٦
- ما شاء الله كان. ٣١١١:٥، ٣١١٥:٥
- ما شبهت خروج المؤمن من الدنيا الا مثل خروج الصبي من ذلك الغمر والظلمة الى روح الدنيا. ٣٥٥٦:٣
- ما شبع النبي من خبز بر ثلاثة ايام متوالية منذ بعثه الله تعالى الى ان قبضه الله. ٢٨٤٦:٥
- ما عبد به الرحمن و اكتسب به الجنان. ١٩٢٠:٥
- ما عجزت عن احياء الموتى كما عجزت عن اصلاح الاحمق. ٢٥٨٩:٣
- ما قطع من الهيمة و هى حية فهى ميتة. ١٩٣٥:٣
- ما كان له ذنب ... ٣٣٠٠:٤
- ما كلم رسول الله العباد بكنه عقله قط. و قال: انا معاشر الانبياء امرنا ان نكلم الناس على قدر عقولهم. ١٤٠٥:٣
- ما لابن آدم والفخر اوله نطفة و آخره جيفة ... ٩٨٣:٥، ١٨٥٦:٥
- ما من احد يموت الا ندم ان كان محسنا ندم ان لا يكون ازداد وان كان مسينا ندم ان لا يكون نزع. ٦٠٤:٥
- ما من اهل بيت يدخل واحد منهم الجنة الا دخلوا اجمعين الجنة. قيل وكيف ذلك؟ قال يشفع فيهم فيشفع. ١٧٨٧:٣
- ما من قطرة احب الى الله تعالى من قطرة دمع من خشية الله تعالى او قطرة دم اهرقت فى سبيل الله. ١٦١٩:٥
- مثل اهل بيتى مثل سفينة نوح من ركبها نجا و من تخلف عنها غرق. ٥٣٨:٤
- مثل الدنيا كمثل الحية لئن مسها و السّم الناقع فى جوفها يهوى اليها الغر الجاهل و يحذرها ذواللب العاقل. ٢٤٥:٦، ٩٩٤:٣
- مثل الدنيا والآخرة كمثل ضربتين بقدر ما ارضيت احدا هما اسخطت الاخرى. ٣٢٠٨:٤
- مثل المؤمن فى توادهم و تراحمهم و تعاطفهم مثل الجسد اذا شتكى منه عضو تداعى له سائر الجسد بالسهر والحمى. ٣٢٤٨:٤
- مثل المؤمن كمثل الزمار لا يحسن صوته الا بخلاء بطنه. ٤٢١٣:٦
- مثلى و مثلكم رجل اوقد نارا فجعل الجنادب والفراش يقعن فيها و هو يذبهن عنها و انا آخذ بحجزكم عن النار وانتم تفلتون من يدي. ٢٨٥٦:٢
- المجاز قنطرة الحقيقة. ٥٢٦:٣

- المخلصون على خطر عظيم. ٢١٤٩:٤
 المرء مع من احب. ٧٤٧:٥
 المرء فى طى لسانه لافى طيلسانه. ١٢٧٠:١
 المستشار مؤتمن ١٠٤٤:١
 المضمضة والاستنشاق سنة والاذنان من الرأس. ١٠٢٤:٦
 مع كل شىء لابقارته و غير كل شىء لابقارلة. ١٣٤٠:٣، ١٤٦٤:١
 من اخلص لله اربعين صباحاً ظهرت ينابيع الحكمة من قلبه على لسانه. ٥٤٩:١
 من اراد ان ينظر الى ميت يمشى على وجه الارض فليتنظر الى ابن ابي قحافة. ٧٤٨:٦
 من اعطى لله و منع لله و احب لله و ابغض لله و انكح لله فقد استكمل الايمان. ٣٨٠٣:١
 من ايقن بالخلف جاد بالعطية. ٨٩٦:٢، ٤١٠٣:٣
 من جعل الهموم هما واحدا كفاه الله هم دنياه و من تشعبت به الهموم لم يبال الله فى اى اودية الدنيا هلك.
 ٣١٣٧:٤
 من حفر لاختيه حفرة وقع فيها. ١٣٠٨:١
 من حيث ياتيه اجله. ٢٣٩٢:٥
 من خاف الله خافه كل شىء و من خاف غير الله خوفاً لله عن كل شىء. ١٤٢٥:١
 من رآنى فقد رأى الحق ٢٢٤٧:٢، ٣١٩٧:٦
 من زنى زنى به ولو بحيطان داره. ٣٩٩٩:٥
 من فسر القرآن برأيه فاصاب لم يوجر وان اخطأ كان اثمه عليه. ١٠٨١:١
 من قال لا اله الا الله... ٨٦٦:١
 من كان لله كان الله له ١٩٣٩:١، ٧٨:٤، ٧:٤
 من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فلا يترك عاتته فوق اربعين يوماً ولا يحل لامرأه تؤمن بالله واليوم الآخر
 ان تدع ذلك منها فوق عشرين يوماً. ٣٢٢٨:٥
 من طلب وجد وجد. ٦٢٨:١، ٢٠٤٧:٥، ٥٩٥:٦
 من طلب وجد وجد و من قرع الباب ولج ولج. ١٦٩٧:٢
 من طلبنى وجدنى و من وجدنى عشقنى و من عشقنى عشقته و من عشقته قتلتها و من قتلتها فعلى ديتة.
 ٢٩٦٣:٤، ١٠٦٠:٤
 من عرف الله بصفاته طال لسانه و من عرف الله بذاته كل لسانه. ٣٠١٣:٢
 من عرف نفسه فقد عرف ربه. ١١١٥:١، ٢١١٤:٥
 من عشق شيئاً اعمى بصره. ٢٧٢٤:٢
 من عشقنى عشقته و من عشقته قتلتها و من قتلتها فعلى ديتة. ١٧٥٠:١
 من قاد اعمى اربعين خطوة غفر له ما تقدم من ذنبه. ١٤٦٩:٤
 من قاد اعمى اربعين خطوة وجبت له الجنة. ١٤٦٩:٤

- من قال لا اله الا الله خلق الله من كل كلمة منها طيراً منقاره من ذهب و ريشه من مرجان. ٨٦٦:١، ٣٤٥٧:٣
- من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه. ٤٥٣٨:٦
- من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق. ٣٢٥٤:٦
- من مات فقد قامت قيامته. ٤٣١:٤
- من مات ولا يعرف امامه مات ميتة جاهلية. ٥٤٢:٤، ٨٦٩:٥
- من نظر فى عيب نفسه شغل عن غيره. ٣٦٨:٤
- من نكح المرأة لمالها و جمالها حرم جمالها و مالها و من نكحها لدينها رزقه الله مالها و جمالها. ٣١٤١:٤
- منهم من لا يمنع الفساد فى الارض الا مهانة نفسه و كلاله حده و نضيض وفرة. ٦٢٧:٥
- منهم من هو فى خلق الغمام الدلج. ٩٣٢:٦
- منهومان لا يشبعان طالب علم و طالب دنيا. ٣٩:٥
- الموت ريحانة المؤمن. ٨٦٠:١، ١٦٨١:٤، ٢٨٢٥:٥
- الموت غنيمة. ٢٨٢٥:٥
- موتوا قبل ان تموتوا. ١٩٨٥:١، ١٠٦٠:٤، ١٣٧٢:٤، ٣٨٣٧:٦
- المؤمن القوى خير و احب الى الله من المؤمن الضعيف و فى كل خير احرص على ما ينفعك و استعن بالله و لا تعجز و ان اصابك شيء فلا تقل لو ائى فعلت كذا و كذا ولكن قل قدر الله و ما شاء فان لو يفتح عمل الشيطان. ٧٣٧:٢
- المؤمن كفوا المؤمنة و المسلم كفوا المسلمة. ١٩٦:٤
- المؤمن كيس فطن حذر. ٢٩٣٨:٢
- المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضا. ٥٢٠:٦
- المؤمن مرآة المؤمن. ١٣٢٨:١، ٣١٤٧:١، ٧٥:٢
- المؤمن يألف و يؤلف و لاخير فيمن لا يألف و لا يؤلف و خير الناس انفعهم للناس. ٣٤٣٥:٥
- المؤمنون كرجل واحدة. ٣٧١١:٢
- المؤمنون كنفس واحدة. ٤١٨:٤
- المؤمنون لا يموتون بل ينقلون. ٣٤٩٥:١
- المؤمنون لا يموتون بل ينقلون من دار الى دار. ٧٤٦:٦
- الناس اعداء ما جهلوا. ٣٥٨٠:٢
- الناس بامرائهم اشبه منهم بآبائهم. ١٥٩٣:٥
- الناس ثلاثة: فعالم ربانى و متعلم على سبيل نجا و همج رعاع اتباع كل ناعق، يميلون مع كل ريح لم يستضيئوا بنور العلم و لم يلجأوا الى ركن وثيق. ٢٠:٣
- الناس معادن تجدون خيارهم فى الجاهلية خيارهم فى الاسلام اذا فقهوا. ٢٠٧٧:٢
- الناس معادن كمعادن الفضة و الذهب. ٩٩٩:٤

الناس نيام فاذا ماتوا انتبهوا. ١٧٣٣:٣، ١٣٧٠:٤

الناقص ملعون. ١٥٣٦:٢

نحن الآخرون السابقون يوم القيامة بيدانهم اوتوا الكتاب من قبلنا و اوتينا من بعدهم وهذا يومهم الذي

فرض عليهم فاختلفوا فيه فهدانا الله له فهم لنا فيه تبع فاليهود غداً والنصارى بعد غد. ٣٠٥٦:٢

نحن معاشر الانبياء لانورث دينارا ولا درهما وانما نورث العلم. ٢٦١٨:٦

نزل القرآن باياك اعنى واسمعى يا جارة. ٤٣٢٦:٣

نصرت بالصبا واهلك قوم عاد بالدبور. ٣٠٥٥:٤

النظرة سهم مسموم من سهام ابليس لعنه الله فمن تركها خوفا من الله آتاه الله عز وجل ايمانا يجد حلاوته

فى قلبه. ٦٤٦:٤

النظر سهم من سهام ابليس مسموم وكم من نظرة اورثت حسرة طويله. ٦٤٦:٤

نعم الادم الخل. ٢٦٠٢:١

نعم المال الصالح للرجل الصالح. ٩٨٤:١

نفس المرء خطاه الى اجله. ١٢٣:٣، ٨٨١:١

نفسك مطيئك فارفق بها. ١٥٣:٥

النوم اخ الموت. ١٧٨٨:٥

النوم اخو الموت ولا يموت اهل الجنة. ٤٠٠:١

نوم على علم خير من صلوة على جهل. ٣٨٧٨:٦

نهانى (رسول الله) عن نقرة كنقرة الديك واقعاء كاقعاء الكلب والتفات كالتفات الثعلب. ٢١٧٥:٣

نهى رسول الله (ص) عن الوصال. فقال رجل من المسلمين فانك يا رسول الله تواصل. قال رسول الله (ص)

وايكم مثلى. ائى ابيت يطعمنى ربى ويسقىنى. ٣٧٤٠:١، ٢٠٠٨:٦

و اذا مروا بآية فيها تخويف اصغوا اليها مسامع قلوبهم و ظنوا ان زفير جهنم و شهيقتها فى اصول آذانهم.

٣٥٤١:١

واعلم ان لكل ظاهر باطنا على مثاله فماتاب ظاهره طاب باطنه و ماخبث ظاهره خبث باطنه. ٣٨٩٥:٥

واعلم يا بنى ان الرزق رزقان رزق تطلبه و رزق يطلبك. ٢٤٠٠:٥

والله لابن ابيطالب انس بالموت من الطفل بشدى امه. ٢٥٣٢:٤

واياك ان توجف بك مطايا الطمع فتوردك مناهل الهلكة. ٢٣٩٧:٥

واياكم والفرقة فان الشاذ من الناس للشيطان كما ان الشاذ من الغنم للذئب. ١٩٩٩:٤

وجعل اللعنة على من نازعه فيهما من عباده. ٢٧٦٥:٤

وجعل الله لامرأه موسى صوف الماعز حريرا متصلا. ٢٥١٩:٣

الوحدة خير من جليس السوء والجليس الصالح خير من الوحدة. ١٣٠٠:١

وددت انى لقيت اخوانى. فقال اصحاب النبى (ص): اوليس نحن اخوانك؟ قال: انتم اصحابى ولكن اخوانى

- الَّذِينَ آمَنُوا بِي وَلَمْ يروْنِي. ٣٤٦٢:١
 ورحمتى وسعت كلَّ شئ. ١٨٩٩:١
 ... والسَّحَر حق... ٢٧٧:١
 و«سليمان» كان خاشعاً متواضعاً يخالط المساكين و يجالسهم و يقول مسكين يجالس مسكيناً. ٩٨٦:١
 و طويت عنها كشحاً. ١٥٣٢:٥
 وكل آت قريب دان. ٤٨٦:٦
 وكل متوقع آت قريب دان. ٧٦٥:٦
 وكمال توحيده نفى الصفات عنه. ١٧٥٥:٢
 ولئن اهل الله الظالم فلن يفوت اخذه. ٢٤٨٧:٣، ٢٤٦٦:٤
 ولقد دخل موسى بن عمران و معه اخوه هارون(ع) على فرعون و عليهما مدارع الصوف و بايديهما العصي.
 ٢٣٢٣:٤
 ولو كان شئ سابق القدر سبقته العين. ٥١٠:٥
 ولولا الاجل الذى كتب الله عليهم لم تستقر ارواحهم فى اجسادهم. طرفة عين شوقاً الى الثواب و خوفاً
 من العقاب. ٣٩٣٠:١
 و ما يزال عبدى يتقرب الى بالتوافل حتى احببته؛ فاذا احببته كنت سمعه الذى يسمع به و بصره الذى يبصر
 به و يده التى يبطش بها و رجله التى يمشى بها... ١٩٣٨:١، ١٧٣٩:٢، ٧٩:٤
 والمخلصون على خطر عظيم. ١٣١٣:٢
 ... و من سنَّ سيئة فعلية وزرّها وزر من عمل بها... ١٩٥٧:٥
 و من شاور الرجال شاركها فى عقولها. ١٠٤٣:١
 و من غيرها انك ترى المرحوم مغبوطاً والمغبوط مرحوماً. ٨١٩:١
 و منهم من قد خرقت اقدامهم تخوم الارض السفلى. ٢٩٠٦:٤
 ويتكالبون على جيفة مريحة. ٢٠١٥:٣، ٤٥٥١:٣
 ها ان ههنا لعلماء جما (واشاربيده الى صدره) لواصبت له حملة. ٢٢٣٢:٤
 همج رعا ع اتباع كل ناعق يميلون مع كل ريح. ٤٣١٠:٣
 هؤلاء فى الجنة ولا ابالى و هؤلاء فى النار ولا ابالى. ١٨٤٦:٥
 هى شفاء من كل داء الا السام. ٥٥٢:٦
 يأتى اقوام ابواب الجنة فيقولون الم يعدنا ربنا ان نرد النار فيقال مررتم عليها و هى خامدة. ٢٥٥٨:٢
 يا ابا هريرة زر غبا تزدد حبا. ٢٦٧١:٦
 يا اشباه الرجال ولا رجال. ٢٨٨٦:٥
 يا اهل الخلود و يا اهل البقاء انكم لم تخلقوا للفناء و انما تنتقلون من دار الى دار كما تقلتم من الاصلاب

الى الارحام. ٤٦١٢:٣

يا بلال حبذا الى ٩٥١:٦

يا بنى اياك و مصادقة الاحمق فانه يريد ان ينفعك فيضرك. ١٨٧٧:٢

يا جابر ان للقرآن بطنا و لبطنه ظهرا و ليس شيء ابعد من عقول الرجال من تفسير القرآن. ٤٢٤٤:٣

يا رب ما ميراث الجوع؟ قال: الحكمة و حفظ القلب و التقرب الى ... ٢٨٤٦:٥

يا رسول الله ما الديوث؟ قال: الذى تزنى امرأته و هو يعلم. ٤٠٠١:٥

يا على اذا تقرب الناس الى خالقهم فى ابواب البر فتقرب اليه بانواع العقل تسبقهم بالدرجات والزلفى

عند الناس و عند الله فى الآخرة. ٢٩٦٠:١

يا مقلب القلوب و الابصار و يا محول الحول و الاحوال، حول حالنا الى احسن الحال. ١٣٦٧:١

يتبع الميت ثلاثة فيرجع اثنان و يبقى واحد يتبعه اهله و ماله و عمله فيرجع اهله و ماله و يبقى عمله.

١٠٤٦:٥

يجاهدكم فى الله قوم اذلة عند المتكبرين فى الارض مجهولون و فى السماء معروفون. ٩٣٢:٢

يقال لجهنم هل امتلات و تقول هل من مزيد. فيضع الرب تبارك و تعالى قدمه عليها فتقول قط قط.

١٣٨١:١

يقول الله عز وجل انما خلقت الخلق ليربحوا على و لم اخلقهم لاربح عليهم. ٤١٧٤:٥

يؤتى بعبد يوم القيامة فيوقف بين يدي الله عز وجل فيأمر به الى النار فيقول اى رب امرت بى الى النار و

قد قرأت القرآن فيقول الله ... ٣٢٦٢:٦

دعاها و جملات دعایی

ارحم من رأس ماله الرجاء وسلاحه البكاء. ١٤٣:٥*

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم. ٥:٢٩٥٣، ٦:٥٥٢

اللهم اجعلني من التوابين والمتطهرين. ٢٢١٦:٤

اللهم ارني الاشياء كما هي. ٣:٣٠٩٢

اللهم اغفر لي وارحمني والحقني بالرفيق الاعلى. ٤:٢٥٨٨

اللهم ان عبدك عليا احتبس نفسه على نبيه فرد عليه شرها. ٥:٢٧٧٦

اللهم ان هذا يوم تبركت فيه بنو امية. ٦:٧٧٩

اللهم اهد قومي فانهم لا يعلمون. ٢:١٨٧١، ٤:٢٢١٦، ٦:١٦٩

اللهم طهر قلبي من النفاق و حصن فرجي من الفواحش. ٤:٢٢١٦

اللهم مولاي كم من قبيح سترته. ٥:١٨٣٦

الهي ترددي في الآثار يوجب بعد المزار فاجمعني عليك بخدمة توصلني اليك. كيف يستدل عليك بما هو في وجوده مفتقر اليك؟ ا يكون لغيرك من الظهور ما ليس لك حتى يكون هو المظهر لك؟ متى غبت حتى تحتاج الى دليل يدل عليك؟ و متى بعدت حتى تكون الآثار هي التي توصل اليك؟ ١:٥٦٩.

٣:١٣٤٧، ٥:٩٩١

الهي عاملني بفضلك ولا تعاملني بعدلك. ١:٦٠٩

الهي كم من طاعة بنيتها و حالة شيدتها هدم اعتمادي عليها عدلك بل اقالني منها فضلک. ١:٦٠٩.

٥:١٨٤٢

الهي نحمدك على بلائك كما نشكرک على نعمائك. ٥:٣٦٨٨

الهي هب لي كمال الانقطاع اليك و انر قلوبنا بضياء نظرها اليك حتى تخرق ابصار القلوب

حجب النور. ١: ١٥٩٩

بك عرفتک، وانت دللتنى عليك و دعوتنى اليك فلولاً انت لم ادر ما انت. ٢: ٢٨١٣، ٣: ١٣٤٧

تردّدى فى الآثار يوجب بعد المزار. ٥: ١٩٠٥

سخرت له البراق و عرجت بروحه. ١: ١٠٧٣

عميت عين لا تراک. ١: ١٤٠٧، ٦: ٤١٧٠

فلئن صيرتني للعقوبات مع اعدائك و جمعت بينى و بين اهل بلائک و فرقت بينى و بين احبائک و

اوليائك فهبنى يا الهى و سيدى و مولاي و ربى صبرت على عذابک فكيف اصبر على فراقک؟

٥: ٣٥٤١

فلک الحمد على حلمک بعد علمک. ٥: ٤١٥٣

فهبنى يا الهى و سيدى و مولاي و ربى صبرت على عذابک فكيف اصبر على فراقک. ١: ٣٩٠٢، ٥: ٤١١٣

لا اله الا هو. ٤: ٨٦٨

لا حول ولا قوة الا بالله. ٢: ٢٠٦، ٣: ٢٨٥٦، ٤: ٧٦٥

ليک اللهم ليک لا شریک لک ليک ان الحمد والنعمة لک والملك لا شریک لک. ٦: ٨٧٠

متى غبت حتى تحتاج الى دليل يدل عليك و متى بعدت حتى تكون الآثار هى التى توصل اليک عميت

عين لا تراک عليها رقيباً. ٦: ٦٠٨

و بعظمتک التى ملأت كل شىء... و باسمائک التى ملأت اركان كل شىء. ٥: ٢٣٠٨

و تواضعت الجبابرة لهيبته و عنت الوجوه لخشيته و انقاد كل عظيم لعظمته. ٤: ٧٩٧

و قلبى بحبك متيماً. ٦: ١٨٤٣

ولا يمكن الفرار من حكومتک. ٣: ٣٧٢٢، ٤: ٣٥٩٦

و هبنى صبرت على حر نارک فكيف اصبر عن النظر الى كرامتک. ٤: ٣٢١٣

و يحملنى و يجزئنى على معصيتک حلمک عنى و يدعونى الى قلة الحياء سترك على و يسرعنى الى

التوئب على محارمک معرفتى بسعة رحمتک و عظيم عفوک. ٥: ٢١٠٨

يا جابر العظم الكبير. ٤: ١٦٨٥

يا سند من لا سند له. ١: ١٦٣٠

يا من اسمه دواء و ذكره شفاء. ٦: ٢٨٠٦

يا من خفى من فرط ظهوره واستتر لشعاع نوره. ٥: ١٠٧٣

يا من دل على ذاته بذاته. ١: ١٥٠٨، ٢: ٢٨١٣، ٣: ١٣٤٧، ٥: ٥٦٩

يا من سبقت رحمته غضبه. ١: ٢٦٧٢، ٤: ٣٢٠٥

يا هو يا من لا هو الا هو. ٤: ٢٦١٤

گفتار بزرگان و مشایخ صوفیه و مفسران و راویان

- اجناس و معادنه كثيرة منها الیمن... واجودها الیمانیة و الرومیه فیها صفاء و اشراق. ۲۵۴۰:۴*
- اذا احب الله عبدا ابتلاه. ۱۹۹۳:۵
- اذا انقطع الاسباب فالسبب هو الدعاء. ۳۱۵۶:۴
- اذا تحیرتم فی الامور فاستعینوا من اهل القبور. ۱۱۷۵:۳
- اذا تم العشق هو الله. ۹۸۳:۶
- اذا جاوز الشیء حده انعكس ضده. ۶۶۶:۶
- اظهار العجز عن درک الادراک ادراک. ۳۶۴۹:۳
- اغنی الصباح عن المصباح. ۲۱۰۹:۴
- افشاء سرّ الربوبیة کفر. علم من علم و جهل من جهل. ۳۳۸۷:۳
- اقدروهم علی العقاب حیث لا یشرع المعاقب. ۳۵۹۵:۴
- اما الاشاعة فما علموا ان العالم کله مجموع اعراض فهو یتبدّل فی کلّ زمان اذا العرض لا یشقی زمانین. ۹۷۶:۲
- ان لا یجیبوا بعد ذلك دواعی النفس والشیطان والهوی بعد ما اجابوا الحق بالتلییة. ۸۷۱:۶
- انا اسمع و انا اقول لیس فی الدار غیرنا دیار. ۲۲۷۰:۶
- انا الحق. ۲۱۰۳:۴
- ان الاول تعالی لا یتکثر لاجل صفاته. ۲۱۵:۴
- ان لله تجلیین تجلی غیب و تجلی شهادة. ۱۶۶۶:۴
- ان الیهود سألت النبی عن الرعد ما هو فقال ملک من الملائكة موکل بالسحاب معه مخاریق من نار یسوق بها السحاب. ۹۳۲:۶
- انت حرّ لوجه الله / حررتک لوجه الله. ۳۸۱۶:۱

* ۲۵۴۰:۴ یعنی: دفتر چهارم شرح جامع مننوی معنوی، بیت ۲۵۴۰.

الانسان يحس من نفسه تفرقه ضرورية بين حركتى الضرورية و الاختيارية كحركة المرتعش و حركة المختار. ١٤٩٧:١

انشاء صنعة بلا احتذاء و اقتداء. ١٠٢٥:٥

انه ليس بمخلوق ولا محدث. ٤٢٨٧:٣

اننى اكلّم الله منذ ثلاثين سنة و اسمع منه و الناس يظنون اننى اكلّمهم و اسمع منهم. ١٦٨٣:٥

اننى قد بنيت لك بصنعاء بيتالم تبين العرب ولا العجم مثله. ٤٣٧٨:٦

اهل مقام الصفا الذين اخلصهم الله عن كدر التفرقة لخالصة و صافهم بعد ما صافهم. ٢:٥

اول مقام فى التوكّل ان يكون العبد بين يدى الله كالميت بين يدى الغاسل يقلّبه كيف يشاء لا يكون له حركة ولا تدبير. ٩١١:١

اى جعل الله الانسان الكامل العين المقصودة والغاية المطلوبة من ايجاد العالم و... ١٥٤:٦

اى فما فوقها فى تغيير النفوس بالانكار ان ماذا اراد الله بهذا مثلا. ٢٤٩٧:٥

اياكم و لذات الطاعات فانها سموم قاتلة. ٣٣٧:٢

بخدمة الشيخ العارف الكامل. ٧٣٦:٥

البلاء هم سبعة و من سافر من القوم عن موضعه و ترك جسدا على صورته حتى لا يعرف احد انه فقد. ٢٦٤:١

بسيط الحقيقة كلّ الاشياء وليس بشيء منها. ١٠٢:١، ٢٤٧٢:١، ٢٨١٣:١، ١٤٤٠:٦

تعرف الاشياء باضدادها. ٢٤٣:٤

تلك الغرائق العلى و ان شفاعتهن لترتجى. ١٥٢٩:٦

التوحيد اسقاط الاضافات. ٩٣٩:٦

التوكّل ترك تدبير النفس والانخلاع من الحول والقوة. ٢٣٨٨:٥

جازاهم على مكرهم. ٣٥٩٥:٤

الجوع طعام الله و طعام الاولياء. ٣٠٣٤:٣، ٢٨٤٦:٥

الجوع طعام الله يحيى به ارواح الصّديقين. ٢٨٤٦:٥

حسنات الابرار سيئات المقرّبين. ٢٢٠٧:١، ١٧:٢، ٢٨١٦:٢، ٢٩٨١:٤، ٤١٠٩:٥

حكم لا يكون طلبا و يكون تخيرا بين العقل و تركه. ٢٠٦٦:٦

حلاوة الطاعات و الشرک سواء. ٣٣٧:٢

خطوتان اذا تجاوزت وصلت. ١٥٤٩:٤

الذين عند الدراهم. ٢٣٤٠:٥

الذاتى لا يتخلف. ٨٦١:١، ٣٠٩٦:٥

الذوق ابقى من الوجد و اجلى من البرق. ٥٥١:١

ربما عبر عن الذات بالوجه. ٦٦٦:٦

الرضاع يغير الطباع. ٢٦٢٩:٢

- الرضا رفع الاختيار. ٢٣٨٠:٥
الزهد اسقاط الرغبة عن الشئ بالكليته. ٤٧٩:١
السؤال نصف العلم. ٣٠٠٨:٤
سبحاني ما اعظم شأنى. ٢:١٣٤٧، ٤:٢١٠٣، ٤:٢١٢٣
السحر عمل خفى سببه يصور الشئ صورته و يقلبه عن جنسه فى الظاهر. ٥:١٠٣٦
سرور القلب بمراقضاء. ٥:٢٣٨٠
سمى زين العابدين لفرط عبادته. ٤٠٩١:٦
سوق المعلوم مساق غيره. ٤:٣٠١٣
الشيخ فى قومه كالنبي فى امته. ٤:٥٤٢
الصبر مفتاح الفرج. ٢:٧٠
الصدق سيف الله فى ارضه ما وضع على شئ الا قطع. ٥:٢٧٧٦
الصعق هو الفناء فى الحق بالتجلى الذاتى. ٦:٢٤٣٩
الصعقة يغشى منها على من يسمعها او يموت. ٦:٢٤٣٩
الصوفى ابن الوقت. ٦:٢٧١٤
الصوفيته اطفال فى حجر الحق. ٣:٧٩
الضرورات تبيح المحظورات. ٢:٢٣٥٨، ٦:٥٣٠، ٦:٤٦٧٢
طلب الدليل بعد الوصول الى المدلول قبيح. ٤:٢٩٧٧
ظلوماً لنفسه بارتكاب المعاصى و جهولا بموضع الأمانة فى استحقاق العقاب على الخيانة فيها. ٣:٤٦٧٢
ظلوماً لنفسه و جهولا بامر الله و ما احتمل من الأمانة. ٣:٤٦٧٢
ظلوماً لنفسه و جهولا بعاقبة ما حمل. ٣:٤٦٧٢
العالم متغير. ١:١١٤٤
العبد و ما يملكه كان لمولاه. ٥:٤١٦١
عجبت لمن جرى فى مجرى البول مرتين كيف يتكبر. ٤:٨٩٠
العرض لا يبقى زمانين. ١:١١٤٤، ٢:٩٤٦
العشق افراط فى المحبة. ٥:٢١٨٤
العشق نار الله اذا وقع فى قلب العبد يحرق غير الله. ٥:٥٨٨
العطايات بقدر القابليات. ٤:١٠١، ٤:٢٤٥٧، ٥:١٥٣٨
العلة الغائى قبل الفعل ذهنا و بعده عينا. ٤:٥٣٠
علمه معانى الاسماء. ٤:٢٩٧٠
على من بعثت اليهم و على تكذيبهم و تصديقهم. اى مقبولا عند الله لهم و عليهم. ٦:٢٨٦٦
فاذا اخذه اليه سوى له مركبا غير هذا المركب من جنس الدار التى ينتقل اليها و هى دار البقاء لوجود
الاعتدال فلا يموت ابدا اى لا تفرق اجزاؤه. ٣:١٦١٣

- فالوهم هو السلطان الاعظم فى هذه الصورة الكاملة الانسانية. ١٥٦١:٣، ٣٩٤٦:٥
- فان صور التجلى مالها نهاية. ٢٣٨٢:٤
- فانه به ينظر الحق الى خلقه فيرحمهم فتم العالم بوجوده. ٩٧٤:٢
- فانه لولم يكن موجوداً به كان كجسد ملقى لا روح فيه. ١٤٥٤:٤
- فالتسليم اقرب الى التوحيد الذاتى و اعلى مرتبة فى السير فى الله و حصول الكمال و السعادة ١:٤٦٨
- فتمّ العالم بوجوده. ٣:٣٣٧
- الفتوة اسم لمقام القلب الصّافى عن صفات النفس. ٥:٢
- الفرار مما لا يطاق من سنن المرسلين. ٦:٤٩٦
- الفرج تحت التّرح. ٣:١١٣٤
- فلا يزال العالم محفوظاً مادام فيه هذا الانسان الكامل. ٥:٢٣٤٥
- فشهود الحقّ فى النساء اعظم الشهود واكمله. ١:٢٤٣٧
- القسر لا يدوم. ١:١١٤٣
- قصرن طرفهنّ على ازواجهن ولم يردن غيرهم. ٥:٣٢٩٣
- القلب جوهر نورانى مجرد يتوسط بين الروح والنفس الناطقة. ١:١٤٧٩
- قلت يا رب ما علم العلم قال علم العلم الجهل عن العلم. ٦:٨٢٣
- قيل ان الرعد هو الملك الذى يسوق السحاب و يزجره بصوته. ٦:٩٣٢
- كان الله و لم يكن اسم ولا رسم. ٤:٢٩٦٧
- كان الله و لم يكن كفر ولا اسلام. ٤:٢٩٦٧
- الكرامة حيض الرجال. ٤:٦٨٤
- كره امامة الاعمى لانه لا يتوفى النجاسة ولا يهتدى بنفسه الى القبلة. ٣:٢٠٨٧
- كل مسكر حرام. ٤:٣٦١٣
- كفنى عن الاشياء الا شكر نعمتك وكفنى عما يباع منك. ٥:٣٦٩٥
- لا امس و لا امس مادمت حياً. ٥:٣٤٣٤
- لان ابليس مظهر اسم المضل. ٥:١٩٢٨
- لان الموت جسر يوصل الحبيب الى الحبيب. ١:٣٩٢٦
- لان وصف عالم الجبروت و هو عالم الارواح غير وصف عالم الملكوت الذى هو عالم النفوس. ٤:١٨٨٨
- لا تقبل شهادة الاعمى و لا المملوك. ١:٣٨١٢
- لا صباح عند الله و لا مساء. ٦:٢٧١٤
- لامؤثر فى الوجود الا الله. ١:٦١٥، ٢:١٦٣٨، ٤:٣٨٢، ٦:١٠٢٣
- لا يلسع العاقل من حجر مرتين. ١:٩٠٧
- لا يصير الرجل من العارفين حتى يصير كل شعر منه عيناً. ٤:٢٤٠١
- لحوم العلماء مسمومة. ٥:٢٧٢٤

- اللسان اضرّ الجوارح. ١٦٥٨:١
- لقلع الجبال بالابر ايسر من اخراج الكبر من القلوب. ١٣٨٨:١
- لكل موسى فرعون و لكل محق مبطل. ٣٨١٥:٤
- لكل شيء صفوة و صفوة الصلوة التكبيرة الاولى. ٢١٤٢:٣
- لم اسمع السلسيل الا في القرآن. ٣٥٠٢:٦
- لم يمسخواقردة و انما هو مثل ضربه الله كما قال كمثل الحمار يحمل اسفارا. و حكى عنه ايضا انه مسخت قلوبهم فجعلت كقلوب القردة لا تقبل وعظا. ٢٥٩١:٥
- لو عرفتموني لسجدتموني. ٣٥٧٨:٦
- لو كان العرش و ما حواه في زاوية من زوايا قلب العارف ما احس به. ٨٧٢:٥
- لولا الاعتبار بطل الاحكام. ٣٦٥٨:٣
- لولا انه بلغني عن النبي (عليه السلام) انه قال: في آخر الزمان يكون زعيم القوم اردلهم ماتكلمت بكم. ٧٢٩:٣
- لولا البلاء من الله لم يكن للعبد اليه سبيل. ١١٠٨:٦
- ليس في الدار غيره ديار. ٣١٨٤:٦
- ليس في جنتي سوى الله. ٢١٢٤:٤
- المؤمنون حلويون. ٢٥٢٩:٥
- الماهية ما يقال في جواب ماهو؟ ٢٦٤١:١
- ما يعود على القلب من التجلي. ٩٣٩:٦
- المجاز قنطرة الحقيقة. ٢٧٦٠:١، ٧٠٠:٥، ٤٥٩٢:٦
- مشاهدة الابرار بين التجلي والاستتار. ٤٠١٩:٦
- المكر صرف الغير عما يقصده بحيلة و ذلك ضربان محمود و مذموم. ٣٥٩٥:٤
- العلامة ترك السلامة. ٢١٧٢:٤
- الملاطى هو الذى لا يظهر خيرا و لا يضر شرا. ٢١٧٢:٤
- من اراد ان يجلس مع الله فليجلس مع اهل التصوف. ١٣٠٢:٦
- من التزم بدين العجائز فهو فائز. ٣٣٥٥:٤
- من عرف الله كل لسانه. ٢١٤٤:٥، ٢٩٠٨:٥، ٣٢٤١:٥، ٢٠٣٤:٦
- من علا قدره عن اقرانه و ارتفعت همته في طلب المعاني عن همم اخوانه و حائز كل رتبة عليّة و بلغ كل فضيلة سنّية. ٢٢:٦
- من كان لله كان الله له. ٢٨١٠:٦
- الموت جسر يوصل الحبيب الى الحبيب. ١٧٦٠:٥
- نحن نحكم بالظاهر والله يتولى السرائر. ٢١٧٥:٤
- النذر المحكوم بوجوبه. ٣٨٢٠:٥

- نساء قصرن ابصارهنّ على ازواجهنّ لا ينظرن الى غيرهم. ٣٢٩٣:٥
 النسبتان اذا تعارضتا تساقطتا. ٦٥:٤
 النفس فى وحدتها كل القوى. ٣٢٣٦:٢
 النكاح السارى فى جميع الذرارى. ٣٩٥٢:٦
 نومهم نوم الفرقى. ٤٣٢٢:٣
 هرب اكثر الخلق من حمل اثقال الصبر فالتجوا الى الطلب والاسباب واعتمدوا عليها كانها لهم ارباب.
 ١٦٠٢:١
 هو الفعل الذى يقرب العبد الى الطاعة ويبعده عن المعصية. ١٦٦٥:٥
 هو التعهد بالمال من البرئ. ٥٣١:٦
 واما ارواح السموات السبع واعيانها فهو عنصرية فانها من دخان العناصر. ٧٨٥:٥
 والثياب عبارة عن النفس. ٢٣٨٥:٤
 وجه الشئ ذاته او حقيقته. ٦٦٦:٦
 الوجه يعبر به عن الذات. ٦٦٦:٦
 والسيف والخنجر ريحاننا
 اف على النرجس والآس ٣٩٤٤:١
 والعارف يخلق بالهمة مايكون له وجود من خارج محل الهمة ولكن لاتزال الهمة تحفظه. ١١٩٦:٣
 وقد كان الحق اوجد العالم كله وجود شبح مسوى لا روح فيه. ١٩١٥:٣
 وكما ان ظاهر صورة الانسان تشئ بلسانها على زوجها ونفسها والمدير لها كذلك جعل الله صورة العالم
 تسبح بحمده ولكن لانفقه تسيحهم. ٢٨٣٢:٤
 ولا يقبل القابل هذه الاعطية الا بما هو عليه. ١٥٣٨:٥
 الولي يعرف الولي. ٢٩٣٨:٦
 وليس وجود الا وجود الحق. ٦٠٢:١
 ومات لليلتين بقيتا من صفر. ٢٥٨٥:٤
 والنفس فى وحدته كل القوى. ١١٢٦:١
 الواحد لا يصدر عنه الا الواحد. ١٦٠٤:٦
 وهما اعلان لا يستغنى احدهما عن الآخر فمن اشار الى تفرقة بلا جمع فقد جهد البارئ ومن اشار الى
 جمع بلا تفرقة فقد انكر قدرة القادر واذا جمع بينهما فقد وحد. ٢٠٤١:٤
 وهو للحق بمنزلة انسان العين من العين الذى يكون به النظر ١:١. ١٦٧٩:١

ضرب‌المثل‌های فارسی

- آب در جوی داشتن. ۴۷۶۶:۶*
- آب در هاون سودن. ۱۰۹۹:۱
- آب زیرگاه. ۱۱۸۵:۱
- آب و روغن به هم نیامیزد. ۵:۵
- آزموده را آزمودن خطاست. ۳۴۷۱:۶
- آسمان و ریسمان. ۶۴۸:۶
- آنچه در آینه جوان بیند/پیر در خشت خام آن بیند. ۱۶۷:۲
- آهن سرد کوفتن. ۳۰۷۸:۳
- از ده ویران که ستاند خراج؟ ۱۸۹۲:۵
- از شاخی به شاخی پریدن. ۳۲۶:۴
- از ماست که بر ماست. ۶۰۴:۶
- از هر کسی کاری ساخته است. ۱۶۱۸:۳
- افتادن طشت از بام. ۳:۴۵۴۰، ۴:۱۶۷۵
- ابتدا تخت را استوار کن و سپس بر آن نقش بزن. ۶:۱۵۳۴
- اول برادری‌ات را ثابت کن بعد ادعای ارث کن. ۶:۱۵۳۴
- اول همسایه، بعد خانه. ۳۰۰۹:۶
- بار برگاو و ناله برگردون. ۲:۴۹۵
- برای یک بی‌نماز در مسجد رانمی‌بندند. ۱:۲۸۹۲
- بهر کیکی گلیم نتوان سوخت. ۱:۲۸۹۲

* ۴۷۶۶:۶ یعنی: دفتر ششم شرح جامع مثنوی معنوی، بیت ۴۷۶۶.

- پایت را به اندازه گلیمت دراز کن. ۳۶۰:۲
- تا مرد سخن نگفته باشد/عیب و هنرش نهفته باشد. ۴۷۶۳:۳
- تا نشان سَم اسبت گم کنند/ترکمانا نعل را وارونه زن. ۲۴۸۱:۱
- تیر چون از کمان سست آید/از کجا بر هدف درست آید؟ ۳۴۰۶:۴
- جنگ خرفروشان. ۲۴۷۳:۱
- جوینده یابنده است. ۱۴۱۲:۱
- چاقو دسته خود را نبرد. ۳۲۲۲:۱
- چه خوش گفت آن نهاوندی به طوسی/که مرگ خر بُود سگ را عروسی. ۳۳۱۳:۳
- چه مَکَن خود اُفتی. ۱۳۰۸:۱، ۸۱۱:۱
- خر بر یخ ماندن. ۳۲۰۰:۳
- خر در گل ماندن. ۳۲۰۰:۳
- خرش به گل ماندن. ۲۸۴۴:۱
- خشت بر دریا زدن. ۱۰۹۹:۱
- خون را با خون نمی شویند. ۴۷۲۷:۳
- در خانه اگر کس است/یک حرف بس است. ۲۹۰۰:۳، ۳۲۰۲:۳، ۲۷۷۰:۴
- دست بالای دست بسیار است. ۹۶۷:۳
- دستش به خر نمی رسد پالانش را می زند. ۷۲۳:۲
- دل به دل راه دارد. ۳۵۲:۱، ۴۳۹۰:۳، ۲۵۵۵:۶، ۴۹۱۶:۶
- دلو بدون ریسمان نیست. ۴۳۹۷:۳
- رگ زدن ملخ در هوا. ۲۳۲۴:۱
- رنگ رخساره خبر می دهد از سر ضمیر. ۱۲۷۱:۱، ۱۷۷۳:۴
- زدی ضربتی، ضربتی نوش کن. ۱۵۹۱:۲
- زیره به کرمان بردن. ۳۱۹۵:۱
- سر مار را همنشین، جز دم مار نیست. ۲۷۶۸:۳
- سرمه از چشم دزدیدن. ۲۳۸۰:۲
- سری را که درد نمی کند دستمال نمی بندند. ۹۷۸:۱
- سلام روستایی بی طمع نیست. ۳۳۵۹:۳
- سوراخ دعا گم کردن. ۲۲۲۲:۴
- سیاه شدن گلیم. ۲۷۰۶:۱
- سیلی نقد بهتر از حلوائی نسیه است. ۲۷۱۷:۶
- شتر بر ناودان. ۴۵۳۹:۳
- شتر بر نردبان. ۴۵۳۹:۳

- شخص خردمند را اشارتی کفایت کند. ۴۰۶:۴
- شتر در خواب بیند پنبه‌دانه. ۲۴۲۸:۶
- شغالی که مرغ می‌گیرد بیخ گوشش زرد است. ۲۷۶۳:۱
- شنیدن کی بود مانند دیدن. ۳۹۰۵:۵
- فیل کسی یاد هندوستان کردن. ۴۱۹۹:۳
- طاس اگر راست نشیند همه کس نژاد است. ۲۹۰۰:۴
- طشت از بام افتادن. ۱۵۶۵:۳
- عاقل را اشارتی بس است. ۱۸۹۲:۵
- کار از کار خیزد. ۷۶:۱
- کند همجنس با همجنس پرواز. ۱۸۹۴:۶
- کارد به استخوان رسیدن. ۲۴۴۵:۲
- کلوخ‌انداز را پاداش سنگ است. ۱۵۹۱:۲
- کوزه همیشه از آب، سالم و درست نیاید. ۱۷۳:۴
- کیسه دوختن. ۱۱۸۰:۴
- گردران با گردن است. ۱۶۳۸:۶
- گنج و مار و گل و خار و غم و شادی به هم‌اند. ۴۰۱۰:۳
- گلیم خود از آب بر آوردن. ۲۲۷۹:۴
- گندم‌نمای جو فروش. ۱۸۳۰:۵، ۲۹۳۲:۲
- گوشواره عزیز است، گوش عزیزتر. ۷۹۱:۶
- متاع کفر و دین بی‌مشتی نیست / گروهی این گروهی آن پسندند. ۱۶۳۳:۴
- مرغ بی‌وقت خوان را سر بُرند. ۱۱۵۹:۱، ۹۴۳:۱
- مرغی که انجیر می‌خورد نوکش کج است. ۲۷۶۳:۱، ۵۸۰:۱
- مستمع صاحب سخن را بر سر کار آورد. ۲۳۷۹:۱
- مگس را رگ زدن. ۲۲۶۲:۱
- موی بر کف دست برآمدن. ۱۴۸۳:۳
- نعل واژگون زدن. ۲۴۸۱:۱
- نقش بر آب زدن. ۱۰۹۴:۴
- هرکسی را بهر کاری ساختند. ۱۶۱۸:۳
- یک دست صدا ندارد. ۴۳۹۷:۳

ضرب المثل های عربی

- آخر الدواء الكى. ۲:۲۰۰۹*
- اتى مطر كافواه القرب. ۱:۱۴۵۴
- الاحسان بالاتمام. ۶:۲۸۹۱
- اذا جاء القضا ضاق القضا. ۳:۳۸۱
- اذا حان القضا ضاق القضا. ۳:۳۸۱
- اذا زينت فازن بالحره و اذا سرق فاسرق الدرّة. ۱:۲۸۰۵
- الاکرام بالاتمام. ۶:۲۸۹۱
- الیه فی بریه ماهی الالبلیه. ۲:۲۷۲۲
- الانتظار اشد من الموت الاحمر. ۵:۳۷۰۶
- الانسان حریص علی ما منع. ۳:۸۵۴، ۳:۲۹۸۱، ۶:۳۶۵۵
- امسیت کردیا و اصبحت عربیّا. ۱:۳۴۶۵، ۴:۲۱۱۵
- انما یتبین الاشیاء باضدادها. ۳:۷۸۴
- اول الدن دردی. ۱:۱۲۲۵
- البدر یلوح و الکلب ینوح. ۶:۱۳
- بعد خراب البصره. ۶:۵۳۶
- بعد اللّتیّا و التی لا اتزوج ابدا. ۳:۵۹۹
- تعرف الاشیاء باضدادها. ۱:۱۱۳۰، ۱:۳۲۰۲، ۳:۹۹۲
- ثبت العرش ثم النقش. ۶:۱۵۳۴
- جاء بالطم و الرم. ۴:۳۲۸۸

- الجزء يميل الى الكل. ٧٦٣:١
 الجنس يميل الى جنسه. ٧٤٥:١، ٢٨٩٩:٦، ٢٩٧٣:٦
 الجنون فنون. ١٣٨٤:٢، ١٨٩٤:٥
 الحديث ذوشجون. ٣٥٩٠:٤، ١٥٩٨:٦
 الحفنة تدل على البيدر. ١٤١:٤
 خالف تعرف. ٣٤٩٨:٥
 خير الكلام ما قلّ ودلّ. ١٢١٥:١، ٢٠٧٣:٤
 سقرته الشمس. ٢٧١٤:٥
 الصبر مفتاح الفرج. ٩٦:١
 الضدان لا يجتمعان. ٨٩٤:٥، ٣٤٠:٥
 طارت عصفير رأسه. ٣٢٤٨:٥
 طلب الكل فوت الكل. ١٤٠٢:٥
 الطير على الرأس. ٣٢٤٨:٥
 الظاهر عنوان الباطن. ١٢٧١:١
 العاقل يكفيه الاشارة. ٤٠٦:٤، ٢٧٧٠:٤، ١٢٤٨:٥
 عدم الوجدان لا يدل على عدم الوجود. ١١١١:٥
 العلم فى الصغر كالنقش فى الحجر. ٣١٩٤:٥
 على الهام لاعلى الاقدام. ١٦٠٢:١
 الفريق يتشبه بكل حشيش. ١٨١٧:١، ٢٨٠٣:١، ٢٤٦٤:٢
 فدارهم ما دمت فى دارهم
 فقلت الوعد سيدتى فقالت
 فى لتأخير آفات. ٢٧١٤:٦
 قامت الحرب على ساق. ٣٣٨٠:٣
 قلوب الاحرار قبور الاسرار. ١٧٥:١
 الكلام يجر الكلام. ١٦٤٦:٤، ١٥٩٨:٦
 كل شىء يرجع الى اصله. ٧٦٧:١، ٤٢٢٣:٣، ٣١٨٢:٦
 كلم الناس على قدر عقولهم. ٣٥٢٨:٦
 لسان الحال انطق من لسان المقال. ٩٣٢:١
 لقاء الخليل شفاء العليل. ١٥٣٦:١
 ليس الخبر كالمعاينة. ٢٠٦٥:٤
 ليس الدلو الا بالرشاء. ٤٣٩٧:٣
 المأمور معذور. ٥٧٠:٤
- وارضهم ما دمت فى ارضهم ٣٨١٣:٤
 كلام الليل يمحوه النهار. ٢٢٩٨:٤

ما الاحسان الا بالتمام. ۲۸۹۱:۶
مالا يدرك كله لا يترك كله. ۱۷:۵
مصائب قوم عند قوم فوائد. ۳۳۱۳:۳
المفلس في امان الله. ۲۷۵۵:۴
من جرب المجرب حلت به الندامة. ۴۰۰۶:۵، ۳۴۷۱:۶
من طلب شيئا وجدَّ وجد. ۱۴۱۲:۱
من القلب الى القلب روزنه. ۳۵۲:۱
من لم يذق لم يدرك. ۳۵۶۶:۲، ۲۹۴۳:۳، ۴۱۴۵:۵
النادر كالمعدوم. ۲۲۰۹:۴
النار اولى من العار. ۳۹۴:۳
النار ولا العار. ۳۹۴:۳
الناس عبيد العصا. ۲۴۳۹:۳
الناس عبيد الاحسان. ۲۸۰۲:۴، ۲۹۸۱:۳
الناس على دين ملوكهم. ۱۵۹۳:۵، ۷۳:۵
الولد سرّ ابيه. ۱۶۵۰:۴

اشعار فارسی

آنجا که براق، اسب رانده	افتاده خرِ مسیح در گل: ۱: ۲۸۴۴*
آن سرخ قبایی که چو مه پار برآمد آن ترک که آن سال به یغماش بدیدی آن یار همان است اگر جامه بدل کرد آن باده همان است اگر شیشه دگر شد آن شمع به صورت به مثل مشعله‌یی شد این نیست تناسخ سخن وحدت صرف است	امسال در این خرقة زنگار برآمد آن است که امسال عرب وار برآمد آن جامه بدل کرد و دگر بار برآمد بنگر که چه خوش بر سر خمار برآمد وین مشعله زین روزن اسرار برآمد کز جوشش آن قلزم زخار برآمد ۶: ۱۷۹
آن کره‌یی به مادر خود گفت: چونکه ما مادر به کره گفت: برو بپهده مگوی	آبی همی خوریم، صفیری همی زنند تو کار خویش کن که همه ریش می‌کنند ۳: ۴۲۹۲
آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند	آیا بود که گوشه چشمی به ما کنند ۶: ۲۸۰۷
ابله‌شان ز غایت خرد است گشته نادان ز غیر یار و یار	نه چنان ابلهی که خوار و رد است سخت دانا و آگه و بیدار ۱: ۲۹۲۶
از سحر تو احوال است دیده سحر تو نمود بره را گرگ	در دیده نهاده‌ای دوانی را بنمود ز گندمی جوئی را

سُوفسطائیم کرد سحرَت	ای تُـرک نـموده هـندوی را ۱۰۳۶:۵
اعیانِ حروف، در صورِ مختلف‌اند از رویِ تعین، همه باهم غیر‌اند	لیکن همه در ذات الف، مؤتلف‌اند وز رویِ حقیقت، همه عینِ الف‌اند ۲۹۱۴:۱
اعیان همه شیشه‌های گوناگون بود هر شیشه که سرخ بود یا زرد و کبود	کافتاد در آن پرتو خورشید وجود خورشید درو به آنچه او بود نمود ۲۶۴۱:۱
اگر ز باغ رعیت ملک خورد سببی به پنج بیضه که سلطان ستم روا دارد	برآورند غلامان او درخت از بیخ زنند لشکریانش هزار مرغ به سیخ ۷۲:۵
اگر شراب خوری، جرعه‌ای فشان بر خاک بر بسته و بر رسته غرق‌اند درین رسته	ز آن گناه که نفعی رسد به غیر، چه باک ۱۵۶۲:۱
برج‌ها دیدم که از مشرق درآوردند سر چون حمل، چون ثور، چون جوزا و سرطان و اسد	تا با همگان باشد از عین ابد خنده ۱۷۰۲:۴
بر سلیمان باد را کردیم رام بد مسخر یعنی او را در صعود راه یک مه رفت در هر بامداد همچنین پیمودی اندر شام راه	جمله در تسبیح و در تهلیل حی لایموت سُنبله میزان و عقرب، قوس وجدی و دلو و حوت ۷۵۰:۱
بعد از آن، وادی عشق آمد پدید	رفت راه دو مه اندر صبح و شام آن هواهای طبیعت از وجود در سلوک بندگی با سیر باد قدر ماهی در طریق انتباه ۲۶۶۱:۶
بگو سیمرغ و کوه قاف چه بود	غرق آتش شد کسی کآنجا رسید ۳۱۰۹:۳ ۲۷۳۴:۵
بمیرید بمیرید، در این عشق بمیرید بمیرید، بمیرید و زین مرگ مترسید بمیرید بمیرید و زین نفس ببرید یکی تیشه بگیرید پی حفره زندان	بهشت و دوزخ و اعراف چه بود ۱۴۶۳:۴
	در این عشق چو مُردید همه روح پذیرید کزین خاک برآید، سماوات بگیرید که این نفس چو بند است و شما همچو اسیرید چو زندان بشکستید همه شاه و وزیرید ۳۷۶۰:۳

بنی آدم اعضای یکدیگرند چو عضوی به درد آورد روزگار	که در آفرینش ز یک گوهرند دگر عضوها را نماند قرار ۳۲۴۸:۴
بود نور نبی خورشید اعظم	گه از موسی پدید و گه ز آدم ۴۰۶:۱ ۱۹۴۷:۱
بوی جوی مولیان آید همی در سبیده دم، نسیم مشکبوی ریگ آمو، و آن درشتی های او رود جیحون، با همه پهناوری	یاد یار مهربان آید همی کاروان در کاروان آید همی زیر پایم پرنیان آید همی خنگ ما را در میان آید همی ۳۸۶۱:۳
بهشتی بدی گیتی از رنگ و بوی	اگر مرگ و پیری نبودی در او ۱۷۶۰:۵
بهشت و دوزخت با توست در پوست	چرا بیرون زخود می جویی ای دوست؟ ۱۷۳۷:۵
به غیر عشق شمس الدین تبریز	نیرزد پیش بنده ترّه توتی ۲۷۱۶:۵
به هرچه بسته شود راهرو، حجاب وی است	تو خواه مصحف و سجاده گیر و خواه نماز ۲۴۲۵:۱
بیمارم و می دانی، پس فاتحه می خوانی	ای دوست نمی دانی کز فاتحه بیمارم ۳۳۵۵:۶
تا در طلب وصال جانانه شدیم او علم نمی شنید لب بر بستیم	اول قدم از وجود، بیگانه شدیم او عقل نمی خرید دیوانه شدیم ۱۴۲۴:۴
تا کی کنارگیری معشوق مرده را	جان را کنار گیر که او را کنار نیست ۳۱۵:۵
تا مرد سخن نگفته باشد	عیب و هنرش نهفته باشد ۱۸۶۸:۶
تا نشان سُم اسبت گم کنند	ترکمانا نعل را وارونه زن ۲۴۸۱:۱
تن تیره همچو زاغی و جهان تن زمستان به عذار جسم منگر که بپوسد و بریزد	که بهر غم این دوناخوش ابد با بهار بادا به عذار جان نگر که خوش و خوش عذار بادا ۲۰۱۷:۱

تو با دشمن نفس هم‌خانه‌ای	چه در بسند پیکار بیگانه‌ای؟ ۹۱۹:۱
تو پنداری جهانی غیر از این نیست	زمین و آسمانی غیر از این نیست
چون آن کرمی که در گندم نهان است	زمین و آسمانِ او همان است ۱۸۷۰:۴
تو خود را تا بکلی درن بازی	نماز تو کجا باشد نمازی ۲۲۰۴:۵
تو را تا کوه هستی پیش باقی است	جواب لفظ ارنی، لن ترانی است ۱۳۳۸:۲
	۴۶۲۲:۳
جانا ز لب آموز کنون بنده خریدن	کز زلف پیاموخته‌ای پرده دریدن ۳۶۹۹:۶
جز از حق نیست دیگر هستی‌الحق	هو الحق گوی و گر خواهی انا الحق ۲۱۱۵:۴
جمله چون بادی ز عالم می‌رویم	رفت او و ما همه هم می‌رویم ۱۵۹۹:۴
جهان، جمله فروغ نور حق دان	حق اندر وی ز پیدایی است پنهان ۱۴۰۰:۱
جهان چون زلف و خط و خال و ابروست	که هر چیزی به جای خویش نیکوست ۳۱۱:۵
جهان را نیست مرگ اختیاری	که آن را از همه عالم تو داری ۱۹۱۲:۱
جهان کلّ است و در هر طرفه العین	عدم گردد و لا یبقی زمانین ۱۱۴۲:۱
جهان، مادری گنده پیرست بر وی	مشو فتنه، گر درخور حور عینی
به مادر مکن دست از ایراکه بر تو	حرام است مادر اگر اهل دینی
جهانا من از تو هراسان از آنم	که بس بد نشانی و بد هم‌نشینی ۱۶۵۰:۴
چو بز تا چند خواهی از کمر جست	که خواهی کام و ناکام این کمر بست ۸۰۸:۳
چو جوهر قلزم اندر شد، نه پنهان گشت و نی‌تر شد	ز قلزم آتشی بر شد، درو هم لا و هم الا ۵۹۰:۵

چو کردی خویشان را پنبه کاری برآور پنبه پندارت از گوش ندامی آید از حق بر دوامت	تو هم حلاج وار این دم برآری ندای واحد القهار بنیوش چراگشتی تو موقوف قیامت ۱۳۴۷:۲
چون به غریبی بروی، فرجه کنی پخته شوی	باز بیایی به وطن باخبری پرهیزی ۲۸۸۲:۴
چون چنگ شدم جانا آن چنگ تو در واکن	صد جان به عوض بستان و آن شیوه تو باما کن ۳۴۸۵:۶
چون حجاب زلف او برداشت، دل گفت این عجب	در میان ما و او یک موی حائل بوده است ۳۴۷:۵
چون که شد حلاج بر دار آن زمان چون زبان او همی نشناختند زرد شد چون ریخت از وی خون بسی زود در مالید آن خورشید راه گفت: چون گلگونه مرد است خون تا نباشم زرد در چشم کسی هر که را من زرد آیم در نظر چون مرا از ترس یک سر موی نیست مرد خونی چون نهد سر سوی دار	جز انا الحق می نرفتش بر زبان چار دست و پای او انداختند سرخ کی ماند در آن حالت کسی؟ دست ببریده به روی همچو ماه روی خود گلگونه تر کردم کنون سرخ رویی باشم اینجا بسی ظن برد کاینجا بترسیدم مگر جز چنین گلگونه اینجا روی نیست شیر مردیش آن زمان آید بکار ۳۸۴۵:۳
حجاب چهره جان می شود غبار تنم	خوشا دمی که از این چهره پرده برفکنم ۴۰۶۱:۶
حضوری گر همی خواهی ازو غافل مشو حافظ	متی ما تلق من تهوی دَع الدنیا و اهلها ۲۹۳۴:۶
حلاج چو پیدا شد، اسرار هویدا شد حق گفت: غلط کردی حلاج کجا باشد؟	منصور شده الحق می گفت ز هوی وها او گفت و شنید از خود، حلاج شده رسوا ۲۰۳۵:۵
حلول و اتحاد آنجا محال است حلول و اتحاد از غیر خیزد	که در وحدت، دوئی عین ضلال است ولی وحدت همه از سیر خیزد ۲۰۳۸:۵
در بحر صفات ذات بی چون و چرا ملّاح ارادت است بر من حاکم	کشتی صفتیم فُتاده نه دست، نه پا گر وقفه وگر سیر کند در دریا ۱۸۷۹:۳

- در سخن، دُر بسبایدت سفتن
ورنه، گنگی به از سخن گفتن ۱۱۷۵:۵
- در کوی نیکنامی ما را گذر ندادند
حافظ به خود نپوشید این خرقه می آلود
گر تو نمی پسندی تغییر ده قضا را
ای شیخ پاکدامن معذور دار ما را ۲۹۰۲:۳
- در لحد مونس شوندت آن صفات با صفات
حله‌ها پوشد بسی از پود و تار طاعتت
در تو آویزند ایشان چون بنین و چون بنات
بسط جانب روضه گردد برون از این جهان
هین خمش کن تا توانی تخم نیکی کار تو
زانکه پیدا شد بهشت عدن ز افعال ثقات ۳۹۷۵:۵
- دریفا که بی ما بسی روزگار
بس آید بهار و وزد بادها
بروید گل و بشکفد نو بهار
که ما رفته باشیم از یادها ۳۴۹۵:۱
- درین صحیفه نخواندم خط خطا زان رو
که هر چه می نگرم، نقش کارخانه اوست ۲۷۷۶:۳
- دل بی خود از باد ازل می گفت خوش خوش این غزل
گر می فرو گیرد دمش این دم از این خوش تر زند ۲۰۹۷:۴
- دل گرچه در این بادیه بسیار شتافت
اندر دل من هزار خورشید بتافت
یک موی ندانست ولی موی شکافت
آخر به کمال ذره‌ای راه نیافت ۶۳۹:۶
- دل من پیر تعلیم است و من طفل زبان دانش
سر زانو دبستان است چو کشتی نوح آن را
دم تسلیم سر، عشر و سر زانو دبستانش
که طوفان جوش در داد است و جودی کرد دامانش
خود آن کس را که شد روزی دبستان از سر زانو
نه تا کعبش بود جودئ و نه تا ساق طوفانش
دبستان از سر زانو ست خاص آن شیرمردی را
که چون سگ در پس زانو نشاند سوز مردانش ۱۱۷۳:۳
- دنیا به مثال کعبتین نرد است
برداشتنش برای انداختن است ۹۳۶:۱
- دوست نزدیکتر از من به من است
چه کنم با که توان گفت که او
وین عجب تر که من از وی دورم
در کنار من و من مهجورم ۵۷۲:۵
- دوستان را کجا کنی محروم؟
تو که با دشمنان نظر داری ۲۰۹۷:۵
- ده بود آن، نه دل که اندر وی
گاو و خر گنجد و ضیاع و عقار ۵۱۸:۳

روزی ز سر سنگ عقابی به هواخاست در راستی بال نگه کرد و چنین گفت بر اوج چو پرواز کنیم از نظر تیز گر بر سر خاشاک یکی پشه بپرد بسیار منی کرد و ز تقدیر نترسید	پرواز پی طعمه به پرواز بیاراست امروز همه روی زمین زیر پر ماست بینیم سر موئی اگر در تک دریاست آن پر زدن پشه عیان در نظر ماست بنگر که از این چرخ جفا پیشه چه برخاست ۶۰۴:۶
زان می‌نگرم به چشم سر در صورت این عالم صورت است و ما در صورتیم	زیرا که ز معنی اثر است در صورت معنی نتوان دید مگر در صورت ۳۴۵۷:۱
ز زمین شده طغرای او ز آفتناهای او	سرکرده صورت‌های او، از بحر جان آبگون ۱۷۴۰:۵
زهی نادان که او خورشید تابان	به نور شمع جوید در بیابان ۲۷۲۱:۳
ستاره بامه و خورشید اکبر بگردان زان همه ای راهرو روی	بود حس و خیال و عقل انور همیشه لا احب الا فلین گوی ۲۶۵۱:۵
شاهدی بر حال امت ناگزیر	هم مبشر بر خلائق، هم نذیر ۲۸۶۶:۶
شرابی نی که در ریزی سحر مخمور بر خیزی	دروغین است آن باده از آن افتاد کوتاه دم ۲۶۹۲:۴
شیخ شیوخ عالم است آنکه تورا ست نومرید	آنکه گرفت دست تو خاصبک زمان بود ۱۷۸۹:۳
شیخ مرغان است لک‌لک، لک‌لکش دانی که چیست؟	حمد، لک، والامر، لک، والملک، لک یا مستعان ۱۶۶۲:۲
صوفیان در دمی دو عید کنند	عنکبوتان مگس قید کنند ۹۳۹:۶
ظهور جمله اشیاء به ضد است	ولی او رانه مانند و نه ند است ۱۱۳۱:۱
عاشقان هر چند مشتاق جمال دلبرند	دلبران بر عاشقان از عاشقان عاشق‌ترند ۴۳۷۷:۳
عشق اینجا آتش است و عقل دود	عشق چون آید گریزد عقل زود ۲۱۱۱:۴

غَم جان خور که آن نان خورده است	تالِب گور گرده بر گرده است ۳۷۵۱:۳
غَم خود خور ز دیگران مندیش	تو بر خویشتن بنه بر پیش ۳۷۵۱:۳
فرجۀ باغ می‌کنی شادی و لاغ می‌کنی	با صنمان شرمگین پرده شرم می‌دری ۲۸۸۲:۴
کدام دانه فرو رفت در زمین که نرُست	چرا به دانه انسانیت این گمان باشد؟ ۲۰۱۳:۱
کسی بر سر وحدت گشت واقف	که او واقف نشد اندر مواقف ۲۲۰۴:۱ ۱۹۶۱:۳ ۶۳۶:۶
کی عیب سر زلف بت از کاستن است	چه جای به غم نشستن و خاستن است
جای طرب و نشاط و می‌خواستن است	کاراستن سرو ز پیراستن است ۸۸۷:۴
گر در دل تو گُل گذرد گُل باشی	ور بلبل بی‌قرار بلبل باشی
تو جزوی و حق کلّ است اگر روزی چند	اندیشه کُل، پیشه کنی کل باشی ۲۷۹:۲
گفت: باد است، از این مباش حزین	گفت: آری، ولیک سوی تو این ۱۴۹:۴
بر من این درد، کوه پولاد است	چون تو فارغ شدی، تو را باد است ۴۶۸۵:۶
گیرم که مارچوبه کند تن به شکل مار	کو زهر بهر دشمن و کو مُهره بهر دوست ۱۷۰۱:۴
ما از حق و حق نیز زما نیست جدا	بنگر همه در خدا و در جمله خدا
بل هرچه ببینی همه خلق است، نه حق	لا بل همه حق نه خلق بیند بینا ۳۶۴۹:۱
ما در پیاله عکس رخ یار دیده‌ایم	ای بی‌خبر ز لذت شرب مدام ما ۳۶۴۳:۶
مرد حیران چون رسد این جایگاه	در تحیر مانده و گم کرده راه
گم شود در راه حیرت محو و مات	بی‌خبر از نور خود و ز کائنات
هرکه زد توحید بر جانش رقم	جمله گم گردد از او و نیز هم ۱۴۰۷:۴

منقار در آب شور دارد همه سال ۲۷۲۴:۱
۵۹۸:۵

بدانستی که دین در بت پرستی است
کجا در دین خود گمراه گشتی؟
به زیر کفر، ایمانی است پنهان
و ان من شیء گفت اینجا چه دَقّ است ۱۶۱۳:۱

مستی سُغراق احد با تو درآید در لحد ۲۱۰۸:۴

گفت آب آرند لشکر را ز چاه
گفت پر خون است چاه و نیست آب
مرتضی در چاه گفت اسرار خویش
لاجرم پر خون شد و آبش نبود ۲۲۳۲:۴

کف نان جوین را توشه کرده
چو گنجی در به روی خویش بسته
در آن خانه بود حلّوای صدرنگ ۷۱۶:۵

باید این دو خصم را در خویش جُست ۷۸۱:۱

ای برده مرا از سر و ای داده مرا می ۳۹۳۵:۶

سینه مشروح تویی بر در اسرار مرا
مرغ کُهِ طور تویی خسته به منقار مرا
قند تویی زهر تویی بیش میازار مرا
روضه امید تویی راه ده ای یار مرا
آب تویی کوه تویی آب ده این بار مرا
پخته تویی خام تویی خام بمگذار مرا ۸۰۷:۴

به گلشن لذت ترک تماشا می برد ما را ۴۰۴:۴

مرغی که خبر ندارد از آب زلال

مسلمان گر بدانستی که بت چیست
و گر مشرک ز بت آگاه گشتی
درون هر بتی جانی است پنهان
همیشه کفر در تسبیح حق است

مستی باده این جهان چون شب بخشی بگذرد

مصطفی جایی فرود آمد به راه
رفت مردی باز آمد پرشتاب
گفت پنداری ز درد کار خویش
چاه چون بشنید آن تابش نبود

منم روی از جهان در گوشه کرده
چو ماری بر سر گنجی نشسته
چو زنبوری که دارد خانه تنگ

موسی و فرعون در هستی توست

می گوید آن بید بدان باد ز خود پُرس

نوح تویی روح تویی فاتح و مفتوح تویی
نور تویی سور تویی دولت منصور تویی
قطره تویی بحر تویی لطف تویی قهر تویی
حجره خورشید تویی خانه ناهید تویی
روز تویی روزه تویی حاصل دریوزه تویی
دانه تویی دام تویی باده تویی جام تویی

نه بوی گل نه رنگ لاله از جا می برد ما را

نه ستم رفته به من زو و نه تلبیس	که مرا رشته نتاند تافتن ابلیس ۱۶۷۴:۶
هرکجا تخمی بکاری آن بروید عاقبت	برنروید هیچ از شه دانه احسان چرا؟ ۲۰۱۳:۱
هرگز دل من ز علم محروم نشد	کم ماند ز اسرار که مفهوم نشد
هفتاد و دو سال عمر حاصل کردم	معلوم نشد که هیچ معلوم نشد ۳۳۵۴:۴
هزل من هزل نیست تعلیم ست	بیت من بیت نیست اقلیم ست
گرچه با هزل، جد بیگانه ست	هزل من همچو جد هم از جان ست ۲۴۹۷:۵
وجود اندر کمال خویش ساری است	تعیّن ها امور اعتباری است ۶۰۲:۱
یار نزدیکتر از من به من است	وین عجب تر که من از وی دورم
چه کنم با که توان گفت که او	در کنار من و من مهجورم ۳۲۴۱:۴

اشعار عربى

ابشروا يا اهل نيسابور اذ جاء البشير	كاندر آمد، موكب ميمون منصور وزير ١٣٥٣:١
اتزعـم انك جـرم صـغير	وفيك انطوى العالم الاكبر ٢٦٤٨:١ ٣٢٨٧:١
اخال حضيضى الصحو و السكر معرجى	اليها ومحوى منتهى قاب سدرتى ١٧٨٨:٢
اذا رأيت نـيوب اللـيث بارزة	فلا تظنن ان اللـيث يبتسم ٣٠٣٩:١
اذا كان الغراب دليل قوم	سـيهدىهم الى دار البـوار ١٣١٠:٤
ارادوا ليخفوا قبرها عن محبها	وطيب تراب القبر دل على القبر ٢٨٢٩:٦
اثنى عليك ولى حال تكذبني	فيما اقول فاستحيى من الناس
قد قلت ان اباحفص لاكرم من	يمشى فخاصمنى فى ذاك افلاسى ١٧٣٩:٤
اسافر من علم اليقين لعينه	الى حقّه حيث الحقيقة رحلتى ٥٣٧:٤
اغار عليها ان اهم بحبها	واعرف مقدارى فانكر غيرتى ٦٩٤:٦
اقتلونى يا ثقاتى، ان فى قتلى حياتى	ومماتى فى حياتى و حياتى فى مماتى ٣٩٣٤:١ ٣٩٣٥:١ ١٠٩:٤

ولا تسقنی سراً اذا امکن الجهر ۲۰۷۸:۴	الا فاسقنی خمراً وقل لی هی الخمر
وکلّ نعیم لامحاله زائل ۳۹۲۳:۱ ۲۸۹۸:۶	الا کلّ شیء ما خلا الله باطل
فیمن یلوذ ویستجیر المجرم؟ ۳۳۵:۲	ان کان لا یرجوک الا محسن
کلیث غاب فی العرین قسورة ۱۹۴۱:۳	انا الّذی سمّتی امی حیدره
ومن طلب العلی سهر اللیالی ۲۹۱۲:۴	بقدر الکد تکتسب المعالی
۳۸۰۲:۵	سمّتی امی حیدره
فارفع بفضلک انی من البین ۴۶۲۲:۳	بینی و بینک انی ینازعنی
الفقر شفاء و سوی الفقر مرض الفقر من العالم کنز و غرض ۱۴۰۰:۶	الجوهر فقر و سوی الفقر عرض العالم کله خداع و غرور
۳۱۸۲:۶	خیال سلمی عن الاجفان لم یغب
و داؤک منک و ما تبصر وفیک انطوی العالم الاکبر بساخره یظهر المضر ۵۲۱:۴	دواؤک فیک و ما تشعر اتسزع منک جسم صغیر و انت الکتاب المبین الذی
فمطبوع و مسموع اذا لم یک مطبوع وضوء العین ممنوع ۱۵۴۵:۳	رأیت العقل عقلین ولا ینفع مسموع کما لاتنفع الشمس
وللارض من کأس الکرام نصیب ۱۵۶۲:۱ ۱۸۰:۲	شربنا و اهرقنا علی الارض فضلة
هیهات لیس کالعیان الخبر ۲۰۶۵:۴	عایت زیدا ایها المستخبر

عباراتنا شتى وحسبك واحد	وكل الى ذاك الجمال يشير ١٧:٤
علة فاعل بما هيته	معلولة له بانيتها ٥٣٠:٤
فارق ضلال الفرق...	٧٤٢:٤
فى دارت الافلاك فاعجب لقطبها اك	محيط بها، والقطب مركز نقطه ٢١٢٩:١
فى دارت الافلاك فاعجب لقطبها	المحيط والقطب مركز نقطه ٢٣٤٥:٥
فى الصحو بعد المحولم اك غيرها	وذاتى بذاتى اذ تجلّت وتحلّت ٢٤٠٨:٣
فقد رفعت تاء المخاطب بيننا وفى	رفعها عن فرقة الفرق رفعتى ٦٦٨:٦
فكلّ مليح حسنه من جمالها	معار له حسن كلّ مليحة ٥٩٣:٥
فلا فلک الا ومن نور باطنى	به ملك يهدى الهدى بمشيئى
ولا قطر الا ومن نور ظاهرى	به قطرة عنها السحاب سحت ٢٥٣٤:٥
فيغبط طرفى مسمعى عند ذكرها	وتحسد ما افنته منى بقيتى ٦٩٤:٦
قد تحيرت فيك خذ بيدي	يا دليلاً لمن تحير فيك ١٤٠٧:٤
قفانك من ذكرى حبيب ومنزل	بسقط اللوى بين الدخول فحومل ٣٩٨٦:٦
كل ما فى الكون وهم او خيال	او عكوس فى المرايا او ظلال ١٣٦٧:٤
لسان الفتى نصف ونصف فؤاده	فلم يبق الا صورة اللحم والدّم ٢٧٧:٢
لها صلواتى بالمقام اقيمها	واشهد فيها انها الى صلت
كلانا مصل واحد ساجد الى	حقيقة بالجمع فى كل سجدة ٢٢٦٠:٦

محجوبة عن كل مقله عارف	وهى التى سخرت و لم تتبرقع ٤٧٣٦:٣
نهاية اقدم العقول عقال وارواحنا فى وحشته من جسومنا و لم تستفد من بحثنا طول عمرنا	واكثر سعى العالمين ضلال وحاصل دنيانا اذى و وبال سوى ان جمعنا فيه قيل و قال ٣٣٥٣:٤
واثبت بالبرهان قولى ضاربا بمبتوعة ينبئك فى الصرع غيرها ومن لغة تبدو بغير لسانها	مثال محق والحقيقة عمدتى على فمها فى مسها حيث جنت عليه براهين الادلة صحت ٢١١٥:٤
وانسى و ان كنت ابن آدم صورة	فلى فيه معنى شاهد بابوتى ٥٢٧:٤
والسيف و الخنجر ريحاننا	اف على النرجس و الآس ٣٩٤٤:١
واين الفراق واللّه لو وجدته	لاذقت الفراق طعم الفراق ٣٥٩١:٣
و بدرى لم تأفل و شمسى لم تغب	وبى تهتدى كل الدارارى المنيرة ٥١٩:٤
وقد آن ان ابدى هواك و من به حليف غرام انت لكن بنفسه فلم تهونى مالم تكن فى فانيا فدع عنك دعوى الحب و ادع لغيره و جانب جناب الوصل هيهات لم يكن	ضناك بما ينفى ادعاك محبتي وابقاك و صفا، منك بعض ادلتى ولم تفن مالم تجتلى فيك صورتى فوادك و ادفع عنك غيىك باللتى وها انت حى، ان تكن صادقا مت ١٢٥٥:٥
و كم لله من لطف خفى و كم سر اتى من بعد عسر و كم امر تساء به صباحا اذا ضاقت بك الاحوال يوما	يدقّ خفاه عن فهم الذكى و فرج كربة القلب الشجى و تأتيك مسرة بالعشى فتق بالواحد الفرد العلى ٤٣٤٤:٦
ولا فلک الا و من نور باطنى	به ملك يهدى الهدى بمشيتى ٥٢٠:٤
واللات و العزى	و مائة الثالثة الاخرى

منها الشفاعة ترتجي ١٥٢٩:٦

فواحيرتي لولم تكن فيك حيرتي ١٤٠٧:٤

و من مشرعى البحر المحيط كقطرة ١٣٠٣:٣

ورقـاء ذات تعزز و تمنع ١٤٤١:١

يا قريب العهد من شرب اللبن
ديلمي الشعر رومى الذقن
من رأى روحين عاشا فى بدن؟!
غير ان لم يعرفوا عشقى بمن ٥٩:٢

فإذا جاء الشتاء انكره
قتل الانسان ما اكفره ٣٧٣:٣

فياليتنى كنت الطبيب مداويا ٢٦٩٣:١

اخى وابن عمى وابن خالى و خاليا ٣٢٨٧:٥

فانهن الغرائيق العلى

و ما احترت حتى اخترت حبيك مذهبا

و من مطلق النور البسيط كلمعة

هبطت اليك من المكان الارفع

يا صغير السن يا رطب البدن
هاشمى الوجه تركى القفا
روحه روحى و روحى روحه
صحّ عند الناس أنى عاشق

يتمنى المرء فى الصيف الشتا
فهو لا يرضى بحال واحد

يقولون لىلى بالعراق مريضة

يلوموننى فى حبّ لىلى عواذلى

لغات و تعبيرات

آب: اینجا به معنی لطافت و تازگی. ۴۳۶۳:۳*	در اصل بوده است آتی از فعل آتی یأتی ایشان.
آب حیوان: آب حیات. ۵۷۴:۱، ۲۲۵۱:۱	۴۵۴۰:۳
آب خضر: همان آب حیات است. ۴۳۰:۲، ۳	آتش پا: مجازاً به معنی شتابان و تیزرو. ۵۱:۴
آبخور: آبخور. ۲۷۰:۱، ۳۰۸۱:۲	مولانا در دیوان کبیر می‌فرماید:
آب خورد: محلی که از آن آب خورند.	شده‌ایم آتشین پا که رویم مست آنجا
آبخور، برکه: در اصل به معنی نصیب و بهره، مجازاً به معنی شراب. ۲۳۶۶:۶.	تو برو نخست بنگر که کنون به‌خانه هست او
۴۴۷۶:۶	حکیم سبزواری نیز می‌گوید: «آتش پا»
آبریز: مستراح. ۱۰۶۱:۴	کنایه از سرعت حرکت است.
آبست: آبستن. ۴۵۴۷:۶	آتش دل: دلسوخته، ناراحت و پریشان حال.
آب علم: علمی که همچون آب، حیات بخش است. اضافه تشبیهی است. ۳۷۴۶:۱	چنانکه در دیوان کبیر، آمده است:
آب کش: صفت مرکب فاعلی مرخم، به معنی آب کشنده، جذب کننده آب. ۱۰۹۰:۵	ای پاسبان، بردر نشین، در مجلس ما زه‌مده
آبگیر: برکه، استخر. ۲۲۰:۲، ۴	جز عاشقی آتش دلی، کاید ازو بوی چگر
آب معین: آب جاری و زلال، آب روان و گوارا. ۲۷۲۱:۶، ۲۰۴۵:۵	۳۷۳۴:۳
آب و روغن: تعبیری است از ظاهر سازی و مردم فریبی. ۲۵۶۱:۶	آتش زن: آتش زن، سنگ چخماق. «آتش زن»
آبی: پة، میوه‌ای شبیه سیب. ۶۸۰:۱	دل «اضافه تشبیهی از نوع اضافه مُشَبَّه به به
آب: آبنده، هر چیز و یا هر کس آمدنی. آب	مُشَبَّه است. یعنی دلی که مانند سنگ

۳۷۱۸:۳
 أَقِلْ: اُفول کننده، ناپدید شونده، زایل شونده.
 ۳۷۷۵:۳، ۷۵۰:۲
 آکِل: خورنده (اسم فاعل). ۷۱۸:۵، ۱۹۵۷:۴
 آگاه شد: در اینجا یعنی به هوش آمد، از مستی خارج شد. ۶۴۳:۶
 آگاه کن: آگاه کننده، صفت فاعلی مرکب مرخم.
 ۳۸۱۸:۴
 آل یاسین: حضرت رسول اکرم (ص) و خاندان مطهر وی و پیروان ایشان. ۲۲۰۳:۲
 آلا جُق: همان آلا چیق، نامی است ترکی به معنی خیمه‌ای که از پارچه‌های ضخیم سازند، کلبه‌ای به صورت خیمه‌های تاتار.
 ۱۴۷۶:۴
 آلتون: به ترکی یعنی طلا، از اسامی زنانه.
 ۳۰۵۶:۳
 آمده: رسیده، واصل. ۲۳۹:۶
 آمِنون: آسودگان، ایمان. جمع آمِن. ۴۳۶۴:۶
 آمینی: ایمنی، در امان بودن. با یای مصدری.
 ۴۱۴۹:۶
 آمون: آموی، دشت وسیعی است در شمال خراسان و نام رودی است که در آن دشت جاری است، آمو دریا. ۳۸۶۱:۳
 آن را مَمان: آنجا را ترک نکن. ۳۱۶:۳
 آن سَر: کنایه از عالم غیب، ذات حق. ۶۸۶:۱
 آن سَری: آنجهانی، عالم غیب. ۱۳۰۸:۵
 ۳۱۶۸:۶
 آنک: کلمه‌ای است که اشاره به دور دارد، آنگاه، آنجا. ۱۷۸۶:۱
 آوَه: اسم صوتی است که به هنگام شکایت از درد و یا تأسف و حسرت به کار می‌رود. به معنی دریغا، دردا، واحسرتا. ۲۶۹۲:۱
 ۲۸۶۵:۵، ۲۶۱۷:۳
 آه: کلمه‌ایست برای نشان دادن درد و رنج و تأسف. ۲۲۴۲:۴

سریع‌الاشتهال که زود آتش را به خود می‌گیرند.
 ۱۷۲۲:۱
 آتش کُنی: حاصل مصدر است به معنی آتش کردن، داغ شدن، و داغ کردن. ۴۱۶۲:۳
 آتشی: آتشین. آتش + یای نسبی. مجازاً به معنی خشمگین و آتشین مزاج. ۱۳۰۲:۱
 آخِرِین: عاقبت‌بین، چشمی که مفتون ظواهر نمی‌شود. ۲۵۸۳:۱
 آخِرِین: چشمی که فقط آخور علف (دنیا و مظاهر آن) را می‌بیند. ۲۵۸۳:۱
 آدَم‌کُده: جایگاه آدم. «کده» پسوندی است که به آخر اسم افزوده می‌شود و اسم مکان می‌سازد مانند می‌کده، دهکده و غیره.
 ۴۷۰:۴
 آدمی‌سوز: سوزانندهٔ انسانی، صفت مرکب فاعلی مرخم. ۳۹۲۱:۱
 آذر: آتش. ۷۹۶:۱
 آزر: آزر بت پرست را عده‌ای پدر ابراهیم پیامبر دانستند و عده‌ای عموی او. ۱۲۳۹:۵
 ۲۱۲۵:۶، ۱۶۸۵:۵
 آژنگ: چین و چروکی که در چهره و ابرو پیدا می‌شود، خواه از پیری و یا خشم و اندوه.
 ۲۵۸۰:۴
 آستین افشاندن: انعام و بخشش کردن؛ رقص نمودن، ترک دنیا کردن. ۱۶۵۹:۲
 آسیب: آزار، گزند، رنج، ضربه، کوب. مجازاً به معنی تجلی الهی و نیز مضراب. ۳۷۸:۵
 ۴۲۱۴:۶
 آشنا کردن: شنا کردن: آشنا: شنا. ۲۸۳۹:۱
 ۳۷۷۱:۵، ۳۳۵۶:۴، ۱۳۰۷:۳
 آشوفتن: آشفتن. ۵۳۰:۲
 آفاق: جمع اُفق به معنی کنارهٔ آسمان که در میدان صحرای وسیع از دور با زمین پیوسته به نظر آید. کنایه از عالم. ۷۹:۱
 آفتابِ مُسْتَطیل: آفتاب عظیم و گسترده.

اصول نوعی از حکم شرعی تکلیفی است که در آن، راه به روی مکلف باز نگاهداشته شده و به او آزادی و اختیار داده‌اند که هرچه می‌خواهد برگزیند. ۲۰۶۶:۶، ۲۰۷۴:۶
 اَبْتَرُ: دُم بُریده، آدم‌مقطوع‌النسل، عقیم، بی‌دنباله، بی‌فرزند، سترون، علیل و ناقص، جمع: بُتَر.
 ۸۰۶:۲، ۲۶۸۲:۲، ۱۶۱۶:۴، ۳۱۰۸:۴
 ۲۸۳۲:۶

اِبْتِشَار: شادی و فرح. ۱۷۵۲:۴
 اِبْتِغَاو: طلب کنید، بجوید. فعل امر از مصدر اِبْتِغَاء، از ریشه «ب غ ی». ۸۶۹:۵، ۲۳۸۴:۵
 اِبْتِهَاج: شادمانی. ۱۹۳۰:۲
 اِبْتِهَال: دعا از روی اخلاص و زاری. ۱۱۹۵:۱
 اِبْدَا: محقق ابداء. به معنی آشکار کردن.
 ۴۴۷۵:۶

اَبْدَالان: اولیاء خدا. این لفظ جمع در جمع است. «اَبْدال» جمع مَكْتَر «بَدَل» است که با «ان» فارسی مجدداً جمع بسته شده است. اینگونه جمع‌ها در متون کهن فارسی سابقه دارد.
 ۴۱۳۹:۶، ۱۴۳۴:۱، ۲۶۴:۱

اَبْرَاج: بُرج‌ها. ۳۴۴۴:۶
 اَبْرَار: نیکان. جمع بَر و بار. ۲۱۶:۶
 اِبْرَاهِم راد: ابراهیم صاحب هَمَت، ابراهیم جوانمرد و دلیر. ۲۶۵۰:۵
 اَبْرَص: کسی که پوست بدنش دارای لکه‌های سفید باشد، آنکه دچار بیماری پسی باشد.
 ۳۰۶۹:۱

اَبْرُکِی: زانو بز. سینه بر زمین بگذار. بُروک به معنی اقامت کردن و سینه نهادن بر زمین است. فعل امر مؤنث حاضر از فعل بَرَكَ یَبْرُکُ. ۳۸۰۱:۳، ۳۱۱۱:۶
 اَبْرِشْمُ بها: دستمزد نوازنده، مُزد ساز زدن و چنگ نواختن، به سبب آنکه قدما در سازهای زهی به جای سیم، ابریشم به کار می‌برده‌اند. ۲۰۸۷:۱، ۲۱۶۶:۱، ۲۱۸۳:۱

اَهْرَمَن: اهریمن، شیطان. ۳۹۱۸:۱، ۶۵۴:۳
 اَهْنَج: از مصدر اَهْنَجیدن (= کشیدن، برکندن، در آوردن، انداختن) گشوده. «جان اَهْنَج» ترکیب وصفی است. یعنی چیزی که جان را می‌کشد، قبض روح کننده. ۲۷۵۴:۳، ۱۷۴۵:۵

اَهْنُ خاییدن: کنایه از دشمنی و کینه‌ورزی زیرا اَهْنَخای به معنی اسب سرکش و قاتل و خونی است. ۳۸۱۵:۳

اَهْنِک: قصد و اراده، راه و رسم، قاعده و قانون و دیگر معانی که مناسب‌ترین آنها ذکر شد.
 ۴۶۶:۴

اَهْنُ گُسیل: گسلنده آهن. صفت مرکب فاعلی مرخم. ۱۵۸۴:۲
 آیان: آینده. ۴۶۸۳:۶

اَیْس: ناامید، مأیوس. از اَیْسَ یَیْسُ اِیْأَساً. ۳۶۵۹:۲، ۳۹۶۲:۳، ۴۹:۴، ۲۱۹۵:۴، ۳۰۷۳:۴، ۳۱۴۹:۵، ۲۲۸۰:۶

آینه آهن: صفحه‌های صیقلی آهن که در قدیم به جای آینه به کار می‌رفته است. ۹۵:۲

آیین بستن: آذین بستن شهر هنگام برپایی جشن و سرور، یا آمدن بزرگی. ۳۱۷۶:۴
 اِثْلَاف: به هم پیوستن، با هم پیوستن، پیوستگی، سازوار آمدن. ۲۹۱۵:۳، ۱۶۱۲:۳

اِثْنِیا: فعل امر مذکر تثنیه مهموز الفاء ناقص ثلاثی مجزّد. به معنی بیایید (شما دو نفر) ۴۴۷۲:۳
 آب: کسی که چیزی را پدید آوَرَد و به سامانش رساند، پدر. ۴۱۷:۳، ۱۹۳۱:۵

آبا: اگر الف را مفتوح بخوانیم می‌تواند به معنی پدر (به عربی) باشد؛ اگر الف را مکسور بخوانیم به معنی نانخورش (فارسی) است، آش، مطلق طعام. ۳۳۶۵:۱، ۱۳۷۹:۵، ۴۸۹۷:۶، ۳۶۳۴:۵

اِبَاحَت: اظهار کردن، مباح شمردن و جایز دانستن است. و اما در اصطلاح علمای فقه و

إِجْتَاؤُا: فعل امر جمع مذکر حاضر از باب
افتعال به معنی بروید. از فعل ثلاثی مجرد
جَازَ يَجُوزُ جَوْزاً (= رفتن، عبور کردن).
۳۱۶۵:۶

إِجْتِبَا: مخفف إِجْتِبَاء، مصدر باب
افتعال به معنی برگزیدن، انتخاب کردن. ۱۳۵۳:۲
إِجْتَذِبَ: فعل امر مفرد مذکر حاضر از باب
افتعال، به معنی جذب کن؛ إِجْتِذَاب: جذب
کردن، به سوی خود کشیدن. ۳۸۴۰:۳.
۱۶۳۹:۴

إِجْتِرَا: دلیر شدن بر کسی، دلیری. ۱۶۳۵:۵
أَجْرُنِي: پناهم ده. أَجَرَ (فعل امر باب افعال) + نون
وقایه + ضمیر متکلم وحده مفعولی.
۴۲۱۲:۶

إِجْرِي_گاه: در اینجا پیشگاه الهی. ۱۸۶۱:۴
أَجَل: مرگ و سرآمد هرکس. ۳۱۲۷:۴
أَجَلٌ: بزرگوarter، جلیل تر، صفت تفضیلی.
۳۴۶۸:۵، ۱۳۸۴:۲، ۳۸۷:۲
إِجْلَال: بزرگواری. اجلالی: گرانقدر. ۱۶۳۹:۱.
۳۹۵۲:۱

أَجِي: برادر، برادر بزرگ. لفظی ترکی است.
۱۶۹۷:۶، ۳۴۵۶:۶، ۳۴۹۰:۶
أَحْبَال: باروری ها، آبستنی ها، جمع حَبَل.
۱۸۱۸:۶

إِخْتِرَا: خویشتن داری کردن، حذر کردن، پرهیز
کردن، خودداری نمودن، پرهیزکاری،
احتیاط کردن، نهی کردن، خود را از چیزی
حفظ نمودن، مصدر ثلاثی مجرد آن حَرَزَ به
معنی حفظ کردن و نگاهداشتن است.
۲۵۳۰:۴، ۲۵۰۳:۴، ۸۵۵:۴، ۳۷۰۲:۲
۹۱۵:۵، ۲۱۰۹:۵، ۳۳۶۹:۵، ۲۳۸:۶.
۴۸۰:۶

إِخْتِرَاف: پیشه وری، صاحب حرفه شدن.
۱۴۲۴:۵
إِخْتِرَاق: در این بیت به معنی تب آمده و در اصل

إِبْرِيق: معرب آبریز، ظرف سفالین برای شراب.
آبدستان. ۴۷۴۴:۳

إِنكِ: گریه کن. فعل امر از بَكِي يَبْكِي. ۵۳۷:۶
إِبْلَعِي: فعل امر مفرد مؤنث حاضر یعنی قورت
بده، ببلع. ۳۸۰۲:۳

أَبْلَقَ: هرچیز دو رنگ، سیاه و سپید. ۳۳۷۶:۲
أَبْلُوج: قند سفید، شکر سفید، قند نرم و سوده
شده، شِکَر. ۶۲۵:۴

أَبْنَاءُ السَّبِيل: مسافران غریب و مانده در راه. از
اصطلاحات قرآنی است. منتهی در قرآن
کریم به صورت مفرد (إِبْنُ السَّبِيل) آمده
است. ۳۲۶۴:۶

إِبْنُ اللَّبُون: بچه شتر. ۱۴۰۹:۶
ابوتراب: کنیه ای که حضرت رسول (ص) به
امیرالمومنین علی (ع) عطا فرمود. ۳۸۰۱:۱
ابوجهل: پدر نادانی، کنیه عمرو بن هشام بن
مغیره مخزومی؛ این کنیه را مسلمانان بدو
دادند. ۷۸۲:۱

ابولهب: پدر زبانه آتش، کنیه یکی از عموهای
پیامبر (ص). ۳۵۵:۲
أَتْبَاع: پیروان، مفرد آن تَبِع است. ۴۵۳:۱.
۶۵۲:۱

إِتْجَار: داد و ستد کردن. ۱۷۶۶:۱
اتحاد: اینجا به معنی وحدت است ۱۰۳:۲
إِتْرَحُوا: غمگین شوید. ۳۴۳۷:۳

إِتَّقُوا: بترسید، تقوی پیشه کنید. فعل امر از مصدر
إِتَّقَا، و از ریشه «وقی». ۲۷۳۴:۵
أَتَقِيَاء: پرهیزگاران، جمع تَقَى. ۳۴۰۱:۱
اثرها می نمود: آثار خود را آشکار می کرد.
۱۷۳۱:۴

أَثِير: برگزیده و عالی و بلند، کُرّه آتش که بالای
کره هواست، آسمان، فلک، بالاترین مرتبه
عالم محسوسات. نیز منظور جهان برین معنا
و مقام الوهیت است. ۴۰۹۲:۳، ۴۲۲۲:۳.
۳۱۸۶:۶، ۱۸۷۵:۴

إِخْسَتْوْا: فعل امر از مصدر خَسَا به معنی طرد شدن و طرد کردن. ۲: ۲۰۰۶، ۳: ۱۷۰

أَخْشَم: آنکه به حَسّ بویایی اش خلل درآمده باشد و نتواند بوها را حَسّ کند. ۱: ۲۳۸۵، ۴: ۱۲۶۲، ۴: ۳۴۶۵، ۶: ۴۴۲۸

أَخْص: خاص تر، گزیده تر. ۶: ۲۷
إِخْصَا: مخفّف إِخْصَاء به معنی اخته کردن. ۴: ۳۶۶۷

أَخْضَر: سبز؛ أَخْضَرَى: أَخْضَر (= سبز) + یای مصدری به معنی سبزی و خرمی است. ۱: ۳۳۴۹، ۵: ۲۰۸۲، ۵: ۳۴۰۴
أَخْطَار: آفت ها، مشکلات، مهلکه ها، جمع خَطَر. ۶: ۴۰۷۱

إِخْوَان: جمع مَكْسَر أَخْ به معنی برادر، دوست، همراه. بعضی گفته اند إِخْوَان جمع أَخ است به معنی دوست. و إِخْوَة جمع أَخ است، به معنی برادر. اَمَّا أَخْوَان، تشبیه أَخ است به معنی دو برادر. گاه آنرا با جمع مَكْسَرش اشتباه می گیرند. إِخْوَانِ رِضَا: برادرانی که راضی اند به رضای حق. ۱: ۳۱۵۹، ۱: ۳۹۰۱، ۲: ۳۷۱۷، ۵: ۶۹، ۵: ۳۴۹

أَخِي: به مشایخ اهل قَتَوْت، اخی گویند. ۳: ۴۸۱۰
إِدْبَار: بخت برگستگی، روی گردانیدن اقبال، بدبختی، شقاوت؛ إِدْبَار رُو: نگون بخت، بدبخت. ۱: ۲۹۴۹، ۱: ۳۹۰۵، ۳: ۴۷۹۳، ۶: ۱۵۰۸، ۶: ۴۵۰۸

ادب گذاشتن: ترک کردن ادب. ۴: ۲۱۵۵
إِدْبِير: امالّه شده ادبار است. ادبار: بدبختی و بی دولتی ۱: ۲۶۸۶، ۳: ۱۳۲۹، ۳: ۲۹۹۱
أَدْخُلُو: داخل شوید. فعل امر جمع مذکر حاضر. ۳: ۱۹۰۰

إِذْرَار: مستمری، مقرری، تنخواه. ۳: ۹۲۴، ۵: ۲۷۳۰، ۵: ۴۰۴۸
أَدْعُوا: بخوانید. ۲: ۱۹۵۴
أَدْكُن: رنگ مایل به سیاهی، سیه تاب، تیره گون،

به معنی سوختن است. ۱: ۶۶، ۱: ۱۲۷۹، ۳: ۱۵۶۹

إِخْتِسَاب: حساب کردن، حسابگری. ۵: ۱۹۰۱، ۵: ۲۵۷۰

إِخْتِشَام: حشمت و بزرگی یافتن. ۵: ۱۰۶۰
إِخْتِمَا: خود را از چیزی نگاهداشتن، پرهیز کردن. ۱: ۲۹۰۹

إِخْتِيَال: حيله گری، حيله و مکر. ۲: ۷۷۰، ۵: ۱۲۱۵

أَحْدَاث: مدفوع ها، جمع حَدَث. ۵: ۱۱۶
إِخْذَرُوا: حذر کنید، پرهیزید؛ إِخْذَرُوهُمْ: برسید از ایشان، حَذَر کنید از ایشان. فعل امر حاضر إِخْذَرُوا + ضمیر مفعولِ هُمْ ۵: ۱۲۶، ۵: ۲۴۰

أَحْقَاد: کینه ها، جمع حَقْد. ۶: ۱۴۹۱
أَحْمَال: جمع حَمْل: بار. ۱: ۳۴۴۶
أَحْمَر: سرخ. ۶: ۳۹۳۲

أَحْوَل: لوچ، دوبین، کج چشم. مجازاً مراد کسی است که حقیقت را تجزیه کرده است. ۱: ۳۲۶، ۴: ۳۵۶۲، ۵: ۵۹۱، ۵: ۱۷۰۹، ۶: ۴۲۹، ۶: ۸۱۹، ۶: ۲۰۳۲، ۶: ۳۲۲۳، ۶: ۳۶۷۱

أَحْوَلِي: لوچی (لوچ بودن)، دوبینی (دوبین بودن)؛ أَحْوَل مردک: مرد حقیر کزین و لوچ. ۱: ۳۲۹، ۱: ۴۹۵، ۶: ۲۲۶۵، ۶: ۳۶۹۳

أَحْيَا: مخفّف أَحْيَاء. جمع حَيٍّ به معنی زنده. ۳: ۴۱۸۰

أَخ: از اصواتی که با آن لَذت و خوشی را اظهار می کنند. ۴: ۲۰۸۵

إِخْتِبَار: آگاهی یافتن از چیزی، آزمایش، تجربه، آزمودن. ۵: ۲۵۹۶، ۶: ۱۷۷۹

أَخْتَبَارُهُ: آنکه برج و باروی او سر به ستاره می ساید. ۲: ۲۳۴۱

إِخْتِلَاط: آمیزش، درهم آمیختن، حشر و نشر کردن. ۱: ۲۵۷۲، ۲: ۱۴، ۵: ۲۲۴

مجازاً پارچه‌های تیره. ۱۵۲۷:۶

اِدْنَد: عدد مبهم از ۳ تا ۹ را گویند. مانند اَنَد.

۳۹۶:۲

اَذْهَم: سیاه. ۳۵۷۳:۳

اَدیم: پوستِ دباغی شده. جمع: اُدُم و آدام؛ اَدیم طایفی: پوستِ دباغی شده منسوب به شهر طایف؛ طایف شهری است در حجاز جنوبی که پوست‌های دباغی شده آن بس مرغوب و مشهور است. ۱۴۸۷:۵، ۱۰۲:۴

اَذَا: همان اَذی به معنی اذیت و آزار است.

۲۹۸:۵

اَذَقَر: صفت مشبّهه عربی به معنی هر آنچه دارای بوی تند و تیز باشد. چه بوی خوش چه بوی ناخوش. ۱۴۰۸:۶

اَذْکُرْکُمْ: یاد کنم شما را. فعل متکلم وحده + ضمیر متصل منصوبی. ۱۱۸۲:۵

اَذْکُرُوا: یاد کنید. فعل امر جمع مذکر حاضر. ۱۱۸۲:۵

اِذْلال: خوار کردن، تحقیر نمودن. ۹۶۵:۵، ۴۳۴۶:۶

اَذْن: گوش. اَذْن هم صحیح است. جمع: اَذَان. ۳۴۳۰:۵، ۳۰۳۶:۴

اَذْناَب: دُم‌ها. جمع دَنْب به معنی زیردستان و حواشی خدمه نیز آمده است. ۳۹۷۵:۶

اَزْبَاح: جمع رِنَح به معنی سود و منفعت. ۳۴۸:۵
اِزْتَج: امیدوار باش. فعل امر حاضر از مصدر اَرْتَجاء. ریشه ثلاثی مجزوء آن (رجو) است. ۲۹۶:۵

اِزْتِجَاج: لرزیدن. ۱۵۷۱:۳

اِزْتِحال: کوچیدن، سفر کردن، کنار رفتن. ۲۲۱:۶، ۲۱۵۰:۴

اِزْتِعاد: لرزیدن، مضطرب شدن. ۴۵۱۹:۶
اِرتِعاش: لرزش، در اینجا به معنی پریشانی و اضطراب. ۵۷۴:۶

اِرتِفاع: بالا رفتن، والایی و رفعت جستن.

۳۳۱۶:۴

اِرتِفاق: دمساز شدن، همدم گردیدن، رفاقت کردن، همراهی و مدارا کردن، سازش نمودن. ۸۹۷:۵، ۴۴۳۴:۳

اِزْتِیاح: شادمانی، راحتی. ۱۹۷:۴

اَزْج: کرگدن. ۲۶۱۵:۵

اِزْجاء: در اصل به معنی تأخیر افکندن درانجام کاری است بی آنکه رشته امید در انجام آن قطع شود، مجازاً به معنی امید بخشی و امیدوار ساختن. ۱۸۴۵:۶

اِزْجعی: بازگرد. ۵۶۸:۱

اَزْجَمند: معانی متعدّد دارد و از جمله به معنی هوشیار و دانا نیز آمده است. در اینجا «صیاد ارجمند» یعنی صیاد ماهر و حاذق.

۲۲۷۷:۴

اَرْخُنا: ما را آسوده کن. اَرْخ، فعل امر مفرد مذکر از باب اِفعال به معنی آسوده کن است از ریشه (رَوَخ). و نا ضمیر متکلم مع الفی مفعولی به معنی ما، ما را. ۲۲۴:۵

اَرْدی: فعل ماضی مفرد مذکر غایب ناقص یایی باب افعال از رَدی (= هلاک شد) به معنی هلاک کرد و چون با حرف شرط «اِنْ» آمده معنی مضارع می‌دهد. ۳۲۶۴:۳

اَزْسلان: شیر، شیر درنده، دلیر، مرد شجاع. این واژه ترکی است. ۲۰۵۵:۳، ۱۴۴۱:۴، ۳۹۶۰:۶

اَرْضی: راضی کن، خشنود کن. فعل امر از مصدر اِزْضاء. «اَرْض» در مصراع دوم به معنی زمین است. ۳۸۱۳:۴

اَزْغُتون: معرّب اَزْگائِن، آلتی بوده است در موسیقی که مردم یونان و روم بکار می‌بردند و آن را در قدیم با سه مشک بزرگ از پوست گاو میش می‌ساختند و روی این مشک‌ها، نی‌هایی مسین و یا رویین و یا زرّین که در فواصل معین دارای سوراخ‌هایی

تُقُّ: چادر آبی، تعبیری از آسمان آبی است.
 ۱۵۴۳:۵، ۳۶۷۱:۵، ۱۰۸:۶، ۷۲۹:۶
 از سَر بُردن: بیهوش کردن، مست گردانیدن.
 چنانکه در دیوان شمس فرماید:
 می‌گوید آن بید بدان باد زخود پرس
 ای بُرده مرا از سر و ای داده مرا می
 در اینجا به معنی فریب دادن است. ۲۵۳۷:۵
 از صدرش نهان: صَدْر دارای ایهام است چه هم
 می‌تواند منظور از آن مقام و منصب باشد و
 هم پادشاه صدر جهان. ۳۶۸۶:۳
 از قوَّت مَلُند: از نیرومندی لاف مزین. ۳۳۲۶:۱
 از کمین: از درون، در نهان. ۲۵۶۳:۳
 از گزاف: به دروغ، از روی مجاز نه حقیقت.
 ۱۴۵۵:۲
 اَزْم: انگور. ۳۶۸۳:۲
 از هُدی است: از تأثیر هدایت حق تعالی است.
 ۲۷۳۱:۳
 اَرِیز: به جوش آمدن، بجوش آمدن دیگ،
 غلیان. ۱۳۸۰:۵، ۴۰۱۹:۵
 اسبابِ جُو: جوینده مال و ثروت. ۱۹۸:۴
 اسبابِ لقا: عوامل و سبب‌هایی که مانند طاعت
 و عبادت و عمل صالح انسان را به مقام
 قرب و شهود الهی می‌رساند. ۲۶۵۷:۳
 اَشْباب مرض: موجبات مرض مانند عفونت
 اخلاط و رسیدن ضربت به بدن و گزیدن
 مار. ۱۰۳:۱
 اسبِ تَوَسَن: اسب رام نشده، اسب سرکش.
 ۴۶۵:۴
 اسب و رخت کشیدن: کنایه از فرود آمدن و
 منزل گرفتن است. ۱۳۹۱:۱
 اُسْتَا: مخفّف اُستاد. ۴۱۴۲:۶
 استادی‌نما: صفت مرکب فاعلی مرخّم به معنی
 نمایاننده مهارت و استادی. ۳۶۷۵:۶
 استاقیل: انگور. ۳۶۸۴:۲
 اِسْتان: به پشت خوابیده، به اصطلاح طاقباز.

بود سوار می‌کردند. ۱۴۷۰:۳
 اَزْغَوَان: درختی است دارای برگهای گرد و
 گل‌های سرخ رنگ در اول بهار قبل از آنکه
 برگهایش برآید، گل می‌دهد و پُر از گل‌های
 سرخ می‌شود. این درخت انواعی دارد از
 جمله آن ارغوان چینی است. ۲۵۲۶:۱، ۲۴۷۳:۵
 اَزْکَانی: منسوب به آرکان. منظور عناصر اربعه
 (باد و آب و آتش و خاک) است. ۸۷۹:۱
 اَزْکَانیان: ارکان، جمع رُکن، به معنی پایه و ستون
 است. و این اصطلاح در مثنوی به معنی
 جسمانیان مقابل روحانیان است. ۳۴۲۱:۱
 اِرْکَبُوا: سوار شوید. فعل امر جمع مذکر حاضر
 ثلاثی مجزّء. ۸۰:۶
 اَزْمَغَان: تحفه و سوغاتی که مسافر برای دوستان
 و کسانش می‌آورد. ۱۵۵۱:۱
 اَزْتَب: خرگوش. جمع: اَرَانِب. ۱۴۵۷:۴
 اَزْنی: همان اَرنی است که به ضرورت شعری
 حرف «ر» ساکن آمده است. یعنی به من
 نشان بده. اَر (= نشان بده)، فعل امر از باب
 اِفعال و از مصدر «ارائه»، نی (= مرا)، نون
 وقایه + ضمیر متکلم وحده منصوبی.
 ۲۴۴۵:۶
 اَرِیاح: باده‌ها. جمع ریح. ۱۸۲۰:۶
 اِزار: هر جامه که تن را می‌پوشاند. ۲۰۳۲:۱
 از بهرِ فَن: برای دزدیدن. ۱۵۸۴:۴
 از جان دمار برآوردن: جان را به عذاب و
 هلاک دچار کردن. ۲۳۵۹:۴
 از حاجت باز خریدن: کنایه از برآوردن حاجت
 و نیاز. ۲۱۶۲:۱
 از خر افکندن: در محاوره به معنی دور ساختن
 از مطلوب بکار آید. مثلاً گفته شود: از خر
 مراد پیاده‌اش کرد. ۱۰۵۸:۱
 از خِلَافَت: از مخالفت با تو. ۱۰۷۰:۳
 اَزْرَق: کبود، آبی آسمانی؛ نیلگون، تیره؛ اَرزق

- تقسیم کرده و برای هر یک علاجی مقرر داشته‌اند. ۲۹۲۱:۳
- اِسْتِکْثَار: فزون شمردن، چیزی را زیاد پنداشتن، افزون طلبی. ۴۸۴۴:۶
- اِسْتِکمال: به کمال رسانیدن، کمال خواهی. ۳۲۱۲:۱
- اِسْتِمالات: کسی را به سوی خود متمایل کردن، دلجویی کردن. ۸۹۷:۵
- اِسْتِمَنا: ستمکار. ۱۳۶۴:۱
- اُسْتُن: ستون. ۱۱۷۸:۴، ۲۰۶۶:۱
- اِسْتِئْجا: مخفف استئْجا مصدر باب استفعال از ریشه «ن ج و» به معنی تطهیر خود پس از قضای حاجت است. ۲۲۱۶:۴
- اِسْتِشْاق: به بینی کشیدن مایع یا چیزی، بو کردن چیزی. مصدر ثلاثی مجرد آن نَشَق به معنی بو کردن است. ۲۲۱۴:۴
- اِسْتِوا: راست و معتدل شدن. ۲۶۱۰:۶
- اِسْتَوْدَه: ستوده، نکو و پسندیده. ۳۵۸۴:۶
- اُسْتور: ستور، حیوانی که بار کشد مانند اسب و الاغ و استر. ۳۶۴۷:۶
- اُسْتُون: ستون، عمود. ۷۱۰:۵
- اِسْتَوَى: راست ایستاد. فعل ماضی باب افتعال و از مصدر اِسْتَوَاء. ۱۳۴۵:۱
- اِسْتِيزَه نَهْد: جنگ و جهاد کند، دلاوری و جنگاوری از خود نشان دهد. ۳۶۱۳:۳
- اِسْتِیلا: غلبه و چیرگی. ۶۵۵:۱
- اَسْحار: جمع سَحَر: سپیده‌دم، بگاه. ۳۱۷۹:۱
- اَسْحَر: ساحر تر. ۳۲۶۰:۵
- اَسْد: شیر. ۳۱۵۹:۱
- اسرافیل وار: مانند اسرافیل. و اسرافیل یکی از چهار فرشته مقرب است که برای بیدار کردن به خواب رفته‌گان مرگ برای حضور در عرصه محشر در «صُور» می‌دمد. ۳۹۸:۱
- اِسْرَحی: به چَرا برو. چَرا کن. امر مفرد مؤنث حاضر از فعلی سَرَحَ یَسْرَحُ. ۳۱۱۲:۶
- ۲۵۵۵:۵
- استانید: ایستانید، متوقف کرد. ۱۵۸۸:۱
- اِسْتِبقاء: باقی نهادن، بقای چیزی را خواستن، خواهان بقا و ماندگار شدن. ۱۵۱۹:۴
- ۴۰۱۹:۶
- اِسْتِشاء کردن: به فحوای آیه ۱۸ سوره قلم به معنی ان‌شاء الله گفتن است. نیز آیه ۲۳ سوره کهف به پیامبر (ص) و همه مؤمنان می‌آموزد که هر کاری را متوقف بر مشیت الهی کنند. ۱۶۳۸:۳
- استسقاء: در لغت به معنی آب خواستن و آب کشیدن است و در اصطلاح طب قدیم بیماری و نقصانی است که شخص بر اثر آن، دائماً آب می‌خورد و سخت احساس تشنگی می‌کند. ۴۶۵۵:۶، ۳۸۸۴:۳
- اَسْتَر: قاطر. ۳۳۷۷:۴
- اُسْتَرَه: (بدون تشدید) به معنی تیغ سلمانی. ۳۵۳۳:۵
- اِسْتِظْهار: یاری خواستن، حمایت کردن، تأیید نمودن. ۲۰۹۶:۵
- اِسْتِعَاذَت: همان اِسْتِعَاذَه، مصدر باب استفعال به معنی پناه خواستن. یکی از معانی باب استفعال، طلب است. در اینجا چون فعل امر «خواه» آمده، استعاذه به معنی پناه است. ۳۱۹۲:۴
- استعباد: بنده‌داری، بنده گرفتن. ۳۶۳۳:۱
- اِسْتَعْلَظ: سبزشد. فعل ماضی باب استفعال و از مصدر استغلاظ. ۱۳۴۵:۱
- اِسْتِقاء: مصدر باب افتعال از سَقَى یَسْقِی سَقِیاً به معنی آب خواستن و آب نوشیدن است. اما اِسْتِسقاء مصدر باب استفعال و به معنی طلب کردن آب و باران است. در اصطلاح طب قدیم، نام مرضی است که مبتلای به آن هرچه آب می‌نوشد سیر نمی‌شود. اطبای قدیم استسقاء را به سه نوع لحمی، طبلی و زقی

أَسْرَى: متکلم وحده از فعل سَرَى یَسْرِی سَرِیَّةً
یعنی شبروی می‌کنم، شبانه راه می‌روم،
شاید کنایه باشد از تاریکخانه دنیا. ۱۹۶۹:۳
إِسْعَاد: خوشبخت کردن، یاری نمودن. ۳۱۱۰:۶
إِسْفَال: سُفال. ۴۳۶۰:۳
أَسْفَلَ: پایین تر، پست تر: اسفل السافلین:
پایین ترین مرتبت، پایین ترین مرتبه دوزخ:
أَسْفَلِین: جمع اسفل به معنی فروتر. ۵۳۷:۱
۲۴۸۴:۱، ۳۵۲۲:۴، ۱۲۷۶:۴، ۲۷۰۴:۴
أَسْقَمْتُ: فعل ماضی مفرد مذکر حاضر + ضمیر
متصل «ه» لفظاً یعنی بیمار کردی او را، اما
معنأً جنبه مصدری دارد، یعنی بیمار کردن تو
او را. ۲۹۹۳:۳
إِسْقِنِی: فعل امر حاضر إِسْقِ + نون وقایه +
ضمیر متکلم وحده. یعنی به من آب بده،
بنوشان. در اینجا یعنی به من شراب بنوشان.
۲۰۷۸:۴
اسکاف: کفشگر. ۳۰۴:۲
أُسْكُوه: کاسه گِلین، پیمانه‌ای بوده است برای
اندازه گیری دارو. ۴۱۹۶:۵
اسگنجبین: مَقْرَبِ سِرْکَنْجِین (= سرکه +
انگبین) و آن شربت‌ی است که از سرکه و
عسل و یا شکر می‌پزند. ۱۸:۶
إِسْکِیزه زَدَن: جفتک انداختن، لگد پراندن
چهارپایان. ۳۶۲۶:۴
اسماعیلیه: فرقه‌ای از شیعه که اساس آن در
اواسط قرن دوم هجری شکل گرفت، افراد
این فرقه، فدایی بودند و مرگ را ساده
می‌انگاشتند. ۴۱۰۱:۳
أَسْلَمَ: تسلیم شد، مسلمان شد. ۲۸۹:۵
اسم عَلَم: نام خاصی است که بر فردی
مخصوص نهاده می‌شود تا بدان اسم،
شناخته شود؛ مانند صالح، سیمین، رستم.
۲۱۸:۴
أُسُود: جمع أَسَد به معنی شیر. ۳۸۷۱:۵

أَسْوَدُ غَلَام: غلام سیاه. ۱۰۳۶:۶
اسیر: در اینجا به معنی مقید و تعین یافته.
۲۴۶۷:۱
أَشْبَاح: جمع شَبَح به معنی تن، کالبد، سیاهی‌ای
که از دور به نظر آید. مجازاً جسم و
جسمانیت، شخص. ۴۰۰:۴، ۸۴۶:۴
أَشْبَاه: همانندان، نظیر و مانند، نظایر، امثال،
همتاها، جمع شَبَه و شَبَه. ۲۷۱:۱، ۱۷۸۱:۴
۳۷۷۹:۶
أَشْتَرْدَل: ترسو، کینه توز. ۴۰۳۲:۳، ۵۰۵:۶
إِشْتَرَى: خرید. فعل ماضی از باب افتعال از ریشه
«ش ر ی» إِشْتَرَاء هم به معنی خریدن و هم
فروختن است. اما غالباً به معنی خریدن
بکار رود. ۴۱۱۵:۳، ۱۴۶۳:۵
أَشْتَلَمَ: تند، خشونت، تعدی، گرفتن به زور. در
اینجا به معنی غالب آمدن است. ۸۱۴:۶
إِشْتِهَار: شهرت و آوازه. ۱۵۴۵:۱
إِشْتَهَيْتُ: خواستم، مَا اِشْتَهَيْتُ که بوسیله «ما»ی
نافیه، منفی شده است: نخواستم.
أَشْر: خودبین، متکبر، سرمست. صفت مشبیه از
أَشْر به معنی شدت خوشحالی توأم با
هوسبازی. این کلمه در آیه ۲۵ سوره قمر
آمده است. ۲۶۳۷:۶
أَشْرَاط: جمع شَرَط به معنی علامت و نشانه
۸۵۷:۴
أَشْغَال تن: آنچه تن و جسم مادی بدان مشغول
شود. أَشْغَال، جمع شُغْل به معنی سرگرمی،
کار، پیشه. ۳۱۸۹:۱
أُشْغُر: خار پشتِ بزرگ تیرانداز. أُشْغُر (با سین)
نیز گفته‌اند. ۹۷:۴
إِشْكَ: خر، الاغ. (لفظی ترکی است). ۱۳۴۳:۵
۱۰۰۱:۶
أَشْكَال: شکل‌ها، صورت‌ها. جمع شَكْل. در
اینجا به معنی ظاهر فریبنده و رنگارنگ
است. ۳۴۶:۵

إشکال: از کلمه عربی شکال به معنی پای‌بند ستور. جمع آن شُکُل است. برخی همزه آن را مفتوح (= أَشکال) دانسته و آن را جمع مکتّر شِکُل (= رَسَن) فرض کرده‌اند.

۱۱۳۵:۳

اشک خواستن: کنایه از طلب سوز دل و زاری.

۸۲۲:۱

إشگرف: شِگَرَف، خوب، نیکو، بزرگ؛ إِشگَرَف بَرگ: برگ زیبا. صفت و موصوف مقلوب است.

۴۰۷۹:۶، ۲۲۰۲:۴

أشواق: جمع شَوْق به معنی اشتیاق و رغبت.

۳۸۴۹:۴

أشهب: خاکستری رنگ، مخلوطی از سیاه و سفید که رنگ سفیدش غالب باشد.

۱۱۱۸:۶

أشهد: فعل مضارع متکلم وحده به معنی «گواهی می‌دهم» در اینجا به معنی گواهی و شهادت است.

۳۳۱۶:۵

أشیاع: پیروان، جمع شِيعه. ۶۵۲:۱ إصابته: رسیدن به راه راست و مقصود.

۳۴۱۱:۱

أصباح: جمع صبح به معنی بامداد. باکسر همزه، مصدر باب افعال است و به معنی صبح کردن، روشن کردن، آشکار شدن. ۱۶۴۰:۳

۵۸۱:۵

إصبروا! صبر کنید.

إصْبِع: انگشت، انگشت دست یا پا؛ إصْبَعین: دو انگشت دست، مثنای اصْبِع. جمع: أصابع.

۷۵۹:۱، ۳۵۵۵:۱، ۳۵۷۰:۱، ۱۸۶۰:۳

۳۷۲۳:۴، ۳۶۸۸:۴

إصْبِع مَلْدُوغ: انگشتی که با نیش مار گزیده شده باشد. «إصْبِع» به معنی انگشت، و «مَلْدُوغ» به معنی مار گزیده است.

۴۲۶۳:۶

أصحاب شمال: یاران چپ، از تعبیرات قرآنی. از جمله سوره واقعه آیه ۲۷.

۲۵۳۲:۱

أصْطَرَلاب: صفحه‌ای است فلزی که منجمان

قدیم برای اندازه‌گیری ارتفاع و موقعیت

ستارگان بکار می‌بردند. ۳۶۸۵:۴، ۱۹۰۱:۵

اصْطَرلاب ریز: اصطرباب ریزنده، ریزنده

اصْطَرلاب، سازنده اصطرباب. ۱۹۰۲:۵

إصْطِکاک: به هم واكوفتن دو چیز، به هم

ساییدن. ۲۴۵۲:۵

إصْطِیاد: شکارکردن. مصدر باب افتعال از ریشه

«ص ی د». ۲۳۳۰:۵

إصْغاء: شنیدن، گوش فرادادن. مُخَفَّف اصْغاء

مصدر باب افعال. ۴۸۵:۳، ۴۶۹۹:۳

۱۲۳۹:۴

أصْغاد: جمع صَغَد به معنی قید و بندی که مانند

دستبند و پابند زندانیان باشد.

أصْغِیاء: مخفَّف أَصْغِیاء به معنی زبندگان، گزیدگان.

مجازاً بی‌غرضانِ هدایت‌خواه و مسترشد.

جمع صَفِیّ. ۳۲۹۵:۶

أصْلاب: جمع صُلَب به معنی تیره پشت مردان.

۳۰۷۳:۱

أصلْ جُو: کسی که اصل و ریشه هر چیز را

بجوید. مجازاً جوینده حقایق. ۶۲۸:۱

أصلْ دان: داننده اصل. صفت مرکب مرخَّم

فاعلی است. ۱۷۱۰:۵

أصْلَع: داغ سر، مردی که جلو سرش مو نداشته

باشد. ۹۶۹:۵

أصَم: کر، ناشنوا. ۲۳۸۴:۱

أصَوْب: درست‌تر. ۱۵۳:۵

أَضْحَك: خندانید. فعل ماضی باب افعال.

۱۱۲۰:۳

إضلال: گمراه کردن. ۳۱۲۳:۱

أطباق: جمع طَبَق به معنی پوشش، پرده،

سریوش، طبقه، لایه. مجازاً مراتب و

درجات. ۳۲۳۵:۵، ۴۶۳۰:۳، ۳۳۳۹:۱

أطْفَأ: خاموش‌کرد، فعل ماضی باب افعال.

۳۵۳:۶

إطلاق: روانی شکم، رهاکردن، از بندگشادن.

انداختن، هم آغوش شدن، مصاحبت.

۴۶۸۱:۶، ۴۶۱۸:۶، ۴۰۳۲:۶، ۴۴۱۷:۳

إِغْتِيَاضُ: عوض گرفتن. ۱۸۷۲:۳

أَعْجَمِي: أَعْجَم به معنی غیر فصیح است خواه عرب باشد و خواه غیر عرب. از عَجَمَه (= لکنت زبان داشتن). بنابراین أَعْجَم کسی است که نمی‌تواند مقصود خود را بروشنی بیان کند. عَلَتْ تسمیه حیوان به عَجَماء، عدم قدرت او بر تکلم است. گاه مقصود از أَعْجَمِي، نادان است. معنی دیگر آن، غیر عرب و مجازاً بیگانه است. ۱۹۲۱:۱، ۹۱۵:۳

إِعْذَارُ: بهانه کردن، عذر آوردن؛ نیز به معنی

ختنه سوران؛ أَعْذَارُ: جمع عُذْر. ۲:۳

أَعِذْنِي: مرا پناه ده. أَعِذْ فعل امر مفرد مذکر حاضر از باب افعال و از ریشه «ع و ذ» + نون وقایه + ضمیر متکلم مفعولی. ۳۶۹۴:۵

أَعْرَابِي: عرب صحرائشین، یک تن عرب بیابانی. ۳۳۹۰:۱، ۲۲۵۲:۱، ۱۴۱۳:۱

إِعْطَا: بخشیدن؛ أَعْطَى: عطا کن، بده، فعل امر از

مصدر إعطاء. ۳۸۱۳:۴، ۳۰۳۳:۱

إِعْلَامُ: مصدر باب افعال، آگاهانیدن، مصدر تأویل شده به اسم فاعل: آگاه‌کننده.

۳۱۰۸:۳

إِعْلَمُوا: بدانید. ۱۷:۵

أَعْمَشُ: چشمی که دچار آب‌ریزش و ضعف بینایی است. اطبای قدیم این بیماری را عَمَش و یساذمغه می‌گفتند. ۲۲۶۸:۱، ۳۶۵۵:۱

۱۶۰۵:۴

أَعْمَى: کور. ۱۶۸۸:۴، ۸۰۶:۶

أَعْنَاقُ: گردن‌ها، جمع عُنُق. ۳۲۹:۶

أَعْنَى: جمله شارحه عربی که مطلب قبل را شرح می‌دهد. به معنی قصد می‌کنم، منظورم

اینست. فعل مضارع متکلم وحده. ۴۸۴:۴

أَعْوَاضُ: جمع عَوَاضٍ، چیزی که به جای چیز

۵۴:۱

أَطْلَالُ: جمع طَلَل به معنی باقیمانده ویرانه.

۱۳۴۵:۳

أَطْلَسُ: دیبا، پرنیان، پارچه‌های ابریشمی، حریر منقوش. ۲۲۸۳:۵

أَطْلَسُ پُوش: پوشنده طلس و اطلس، جامه ابریشمی است که اکثر از نقش ساده باشد، بدین معنی در هندوستان نیز شهرت دارد.

۲۸۶۳:۱

أَطْهَرُ: پاکیزه‌تر. ۳۴۰۴:۴

أَطْيَارُ: جمع طَيْر به معنی پرنده. و جمع الجمع

طائر به معنی پرنده. ۳۱:۵

أَظْلَمُ: ستمکارتر. ۴۵۳۳:۶

أَظْهَرُ: ظاهرتر، آشکارتر. ۶۹۷:۶

إِعْتِبَارُ: عبرت‌آموزی، سرمشق قرار دادن،

پندگرفتن، عبرت گرفتن، احترام، راستی و

درستی، عبرت گرفتن و به اندیشه از

بی‌چیزی رفتن و چیزی را نیک انگاشتن.

۲۹۹:۱، ۹۴۱:۱، ۲۱۵۳:۴، ۳۲۰۸:۵

۴۱۵۵:۶، ۱۹۲۱:۶

اعتداد: آمادگی، تعدد و کثرت، به‌شمار آوردن،

به حساب آوردن، مصدر باب افتعال از عَدَّ

يَعْدُ عَدًّا (= شمردن). «زاعتداد» یعنی برای

وزن کردن، «از» به معنی «برای» نیز آمده

است.

إِعْتِلَالُ: بیماری، بیمارشدن، کسالت، علت،

عارضه، بهانه آوردن و علت و سبب چیزی

را آوردن، تیرگی روحی و حالت قبض.

۱۳۴۰:۳، ۲۳۰۵:۳، ۵۹۹:۴، ۱۷۹۵:۴

۱۷۰۱:۵، ۲۲۴:۵

إِعْتَفَرُ: فعل امر از «اعتفار» است. و اعتفار یعنی

خاک آلوده شدن و خاک آلوده کردن. هم

لازم است و هم متعدی. ۵۳۸:۶

إِعْتِنَاقُ: دربر گرفتن، دست به گردن کردن، در

آغوش کشیدن. دست در گردن یکدیگر

۲۰۵۵:۶
 اِفْتِشاش: تفتیش کردن. ۳۷۶:۴
 اِفْتِشَان: به فتنه افتادن، به فتنه افکندن، دچار فتنه شدن؛ گمراه کردن. ۱۲۲۱:۵، ۱۸۵۲:۶
 ۳۸۶۲:۶
 اِفْتِقَاد: جستجو، جُستن چیز گم شده، دلجویی کردن، گم کردن چیزی، فقدان قابلیت و استعداد لازم. اِفْتَقْدَه: آنرا بجو، طلب کن. فعل امر حاضر اِفْتَقَدْ + ضمیر متصل مفعولی «ه». ۳۵۰۵:۱، ۱۷۴۸:۴، ۲۵۷۲:۴، ۲۶۰۴:۴، ۲۹۶:۵، ۴۱۴۷:۵
 ۷۸۴:۶
 اِفْتِقَار: فقیر شدن، فقر و تنگدستی، تهیدستی و درویشی، نیازمندی، احتیاج. ۳۳۷۴:۴
 ۴۷۰۰:۶، ۲۴۲۳:۵
 اِفْتِکَار: اندیشیدن، تفکر کردن. ۴۳۴:۶
 ۳۳۹۲:۶، ۳۷۴۱:۶، ۴۴۶۳:۶
 اِفْرَحُوا: شادی کنید. ۳۴۳۷:۳
 اَفْزُونْ مایه: ثروتمند و یا کسی که دارای مایه‌های معنوی و اخلاقی باشد. ۱:۳۳۶۰
 افزونی: فضل و بزرگواری، بخشش. ۱:۳۹۲۴
 افسانه گشتن: مشهور شدن، آوازه‌یافتن، آوازه پیدا کردن. ۳:۱۱۴۸، ۵:۱۸۹۷
 اَفْسُرده: منجمد، یخ بسته، پژمرده. ۴:۲۹۰۱
 اَفْسوس: طنز و بازی و ظرافت، تمسخر، ریشخند، استهزاء، مضحکه. ۱:۵۲۸
 ۱:۸۱۴، ۵:۱۱۴۲
 اَفْسُوسیان: جمع افسوسی به معنی مسخره، مجازاً ظالم. ۱:۲۵۶۱، ۳:۷۸۰
 اَفْصَح: فصیح تر، سخنورتر؛ اَفْصَح مِنْ اَخِیک: گویاتر از برادرت. ۱:۱۲۰۴، ۱:۲۰۰۴
 اِفْضال: بخشیدن، احسان کردن. ۵:۴۹۰
 افلاکیان: اهل آسمان، آسمانیان. ۱:۲۳۸۷
 اِفْنا: مخفّف اِفْناء، مصدر باب افعال به معنی فانی کردن، نابود نمودن. نیز در صورت لازم

دیگر داده شود، بدل، خَلَف، جانشین. در اینجا منظور پول و کالا است که فروشندگان و خریداران با یکدیگر معاوضه می‌کنند. ۲۲:۴
 اَعُوذُ: پناه می‌برم. فعل مضارع، متکلم وحده، از غَاذِ یَعُوذُ. ۳:۳۷۸۰، ۴:۳۱۹۱، ۶:۵۲۲
 اَعُوْر: یک چشم، انسان یا حیوانی که یک چشمش نابینا باشد. جمع: عُوْر و عیران. ۴:۱۶۱۶، ۴:۱۷۰۹، ۶:۴۰۷
 اَعیان: مردمان بزرگ و شریف و اصیل و پاک‌نژاد. در اینجا افراد امین و مورد اعتماد خود، اشراف، ثروتمندان. ۲:۶۲۵
 اَعیان: جمع عَین. در اینجا مراد جوهر است. و ربطی به اعیان نایبه ندارد. ۵:۵۶۴
 اَعْلَاط: به اشتباه می‌اندازم. فعل مضارع متکلم وحده از باب مفاعله و از ریشه «ع ل ط». ۶:۶۶۹
 اِعْتَدَ: فعل امر مفرد مذکر حاضر از باب افتعال، یعنی تغذیه کن، غذا بخور. ۵:۲۹۶
 اِعْتِرَاب: غربت گزیدن، به غریبی افتادن، ترک وطن کردن. جدایی و مفارقت روح از جسم، دور شدن از وطن خود. ۴:۳۰۶۹، ۶:۴۱۳۱
 اِعْتِرَاف: آب برداشتن. ۴:۳۴۵۰
 اِعْتِفَار: آمرزش. ۵:۳۹۸۹
 اَعْصان: شاخه‌ها، جمع غُصْن. ۴:۷۰۸
 اِغْوا: مخفّف اِغْواء، مصدر باب افعال به معنی گمراه کردن است. مصدر ثلاثی مجزّء آن غَوَايَه به معنی گمراه شدن است. ۴:۳۵۸۸
 اَغْیاز رُو: بیگانه‌نما، کسی که ظاهراً غریب و بیگانه نماید. ۱:۱۴۴۳
 اَف: مخفّف اَفی اسم فعل مضارع است به معنی اَنْضَجَر (= ملولم، به ستوه آمده‌ام) کلمه‌ای که به هنگام دل‌تنگی گفته شود، آه. ۶:۱۵۹۰
 افتادن در نشیب: در اینجا مجازاً به معنی افسرد شدن و دلشکسته گشتن است.

۲۳۹۰:۵، ۲۵:۳
 اِکْتَبَاب: افسرده شدن، اندوهگین شدن. ۳۳۹۹:۶
 اِکْتَفُوا: اکتفا کنید، بسنده کنید. فعل امر جمع مذکر
 حاضر ناقص یایی از باب افتعال و از ریشه
 «ک ف ی». ۲۷۰۸:۵
 اِکْتَم: مکتوم می‌دارم. متکلم وحده از باب تفعیل.
 ۶۶۹:۶
 اِکْتِاف: پناه گرفتن، پناهگاه ساختن، احاطه
 کردن. ۱۹۲۹:۶
 اِکْدَر: تیره، تیره‌تر. ۳۳۹۷:۱
 اِکرام: گرامی داشتن. ۳۰۱۶:۱
 اِکرامُخو: کسی که صفت بخشندگی دارد؛
 اِکرام‌ساز: بخشنده، سخاوتمند. ۲۵۱:۶
 ۱۰۲۵:۶
 اِکرام فن: آنکه هنرش بخشندگی است. بخشنده.
 ۳۲۶۱:۶
 اِکْرَمْتَه: فعل ماضی مفرد مذکر حاضر + ضمیر
 متصل «ه» لفظاً یعنی گرامی داشتی او را. اما
 معنا، جنبه مصدری دارد. یعنی گرامی داشتن
 تو او را. ۲۹۹۳:۳
 اِکْسَاب: کسب‌ها. ۱۵۵۳:۵
 اِکْسَبُوا: کسب کنید. ۵۸۰:۵
 اِکْسیر: جوهری گدازنده که ماهیت اجسام را
 تغییر دهد و کاملتر سازد؛ مثلاً جیوه را نقره
 و مس را طلا سازد. هر چیز مفید و کمیاب.
 ۳۲۰۶:۲
 اِکْل: خوردنی، طعام. ۴۸۰۸:۶، ۷۲۸:۱
 اِکْمَل: کامل‌تر. ۱۷۰۹:۵
 اِکْمَه: کور مادرزاد و کسی که عقلش تباه باشد.
 جمع: کُمه. ۱۰۱۶:۵، ۳۰۶۹:۱
 اِکُول: پُرخور، بسیارخوار، بسیارخورنده.
 شکمبار. ۴۶۷۵:۶، ۳۵۴۹:۶، ۲۸۹:۵
 اِکُول: جمع «اِکْل» به معنی میوه‌ها، خوردنی‌ها،
 روزی‌ها. ۵۴:۳
 اَلاق: پیک، قاصد. اَلاق همان اَلاغ است. اَولاق

یعنی فنا و هلاکت. ۵۰۳:۵
 اَفواه: جمع فوه به معنی دهان. ۳۸۴۲:۴
 اَفْهَام کهن: فهم‌های کهنه و پوسیده که قابلیت
 درک نکته‌های عمیق و ظریف را ندارند.
 ۲۷۶۱:۱
 اَفیون: ماده‌ای مخدر که از عصاره خشخاش
 سیاه می‌گیرند، اینجا منظور شرابی که از
 افیون سازند و کنایه از عشق مجازی است.
 ۳۷۶۲:۶
 اِقْبَال: نیک‌بختی و سعادت؛ اِقْبَالِی: خوش‌قدم،
 مبارک‌قدم. ۲۴۴۰:۵، ۷۹۷:۱
 اِقْتِرَاب: نزدیکی جستن. ۴۱۴۸:۵
 اِقْتِرَاح: درخواستن، سؤال کردن، خواستن چیزی
 بی تأمل. ۱۶۰۰:۵
 اِقْتِنَاص: شکارکردن، شکار. در اینجا به معنی
 اسیر و گرفتار. معنی تحت‌اللفظ «زندانی در
 اقتناص» اینست: کسی که توسط زندان
 شکار شود. ۳۴۰۳:۶
 اَقْران: جمع قِرْن به معنی نظیر، مانند، همتا.
 ۲۷۶۴:۵
 اَقْصی: دورتر، دورترین نقطه. ۱۵۸۷:۱
 اِقْطَاع: مصدر باب افعال به معنی چیزی را از
 خود بریدن و به کسی دادن. اصطلاحاً به
 معنی تیول و بخشیدن زمینی به کسی که از
 درآمد آن زندگی کند، زمینی که شاهان به
 زیردستان خود بخشند. ۴۵۱۹:۳
 اِقْطع: دست بریده. ۱۷۰۴:۳
 اَقْل: کمتر. ۲۵:۶
 اِقْلیم: کشور، ولایت، مملکت. جمع: اَقالیم. در
 اینجا منظور مرتبه استکمالی انسان است.
 ۳۶۴۷:۴
 اَقْمِشَه: جمع قماش به معنی اسباب و اثاث،
 رخت. ۱۶۵۱:۳
 اَقنوم: اصل. ۱۱۹۷:۳
 اَکال: بسیار خورنده، پُرخور. صیغه مبالغه عربی.

و أَلَاغ هم همان است. کلمه‌ای است ترکی. اطلاق آن بر خر و اسب نیز بدین سبب است که این حیوانات وسیلهٔ پیک‌های قدیمی بوده‌اند. ۲۵۱۱:۶

أَلْبَ أَرْسَلان: مرد دلاور، شیردل، شجاع. نامی ترکی است. ۴۴۸۲:۳

أَلْبَ أَلْغ: دلیر و بزرگ، بزرگمرد، لفظی ترکی است. ۱۸۶۲:۶، ۸۴۵:۵

إِلْتِبَاس: اشتباه شدن، پوشیدگی کار. ۱۶۵۸:۵، ۶۶۷:۶

إِلْتِجَا: پناه جستن، پناه بردن. ۳۴۱۲:۳
إِلْتَمَسْنَا: درخواست کردیم، التماس کردیم. این فعل نیز لفظاً ماضی و معناً مضارع است. ۱۱۷۰:۴

إِلْحَاح: اصرار، پافشاری. ۲۷۸:۵، ۳۵۸۶:۴
أَلْحَذَر: هان، بپرهیز، در عربی با إعراب منصوب می‌آید که عاملش محذوف است و معمولاً مکرر آید: أَلْحَذَر أَلْحَذَر به معنی پرهیز کردن، ترسیدن، دوری کردن. ۲۶۰۰:۵، ۲۴۸:۶

الصَّلَا: صلا، مخفف صَلَاة (= نماز)، آتشی که عربان صحرائشین می‌افروختند تا راه گمشدگان به دلالت آتش آنجا روند و اطعام شوند، بدان نازِلِ الصَّيَافِه هم گویند. ۳۴۳۷:۳

أَلْغ: بزرگ، مهتر. ۴۰۲۷:۵
أَلْف: نخستین حرف از حروف فارسی که دراول و وسط و آخر کلمات می‌آید. اما در قاعدهٔ عربی الف، ساکن است و فقط حق دارد در وسط و آخر کلمات بیاید. الف متحرک را عربان همزه گویند. بنابراین الف «إِسْم» را همزه نامند. «بِسْم...»، مخفف «بِاسْم...» است. ۲۲۳۹:۶

إِلْف: الفت یافتن، خو گرفتن، دوستی: جمع: آلف. ۱۴۱۴:۶، ۱۲۹۴:۱

الْفَاطِ تر: سخنان تازه و نغز. ۱۴۰۸:۱

أَلْفَت: دوستی و خوگیری. ۲۶۵۹:۱
أَلْلَجُ شُوم: لجاجت، ناخجسته است. مولانا این مثل را در صفحه ۲۲ مجالس سبعة نیز آورده است. ۴۷۹۹:۳

أَلْهَأُكُم: فعل ماضی مفرد مذکر غایب ناقص واوی از باب افعال + ضمیر متصل جمع مذکر «كُم». به معنی سرگرم کرد شما را. اشاره به نخستین آیهٔ سورة تکاثر. ۴۱۲۲:۳

أَلْهَنَّا: پناه بردیم، تضرع کردیم. از مواردی است که ماضی به معنی مضارع است. ۱۱۷۰:۴
أَلِيف: خوگیرنده، دمساز، انس و الفت‌گیرنده، مونس، دارای الفت، همدم و مونس، سازگاری و تناسب. جمع: ألأف. مواد سازگاری و تناسب است. ۱۵۲۱:۴

۳۳۷۱:۵، ۳۲۰۶:۵، ۱۷۱۷:۵، ۹۱۷:۵
إِلْيَک: به سوی تو. ۴۳۴:۴
أَم: مادر و اصل هر چیز، جایگاه و پناهگاه. ۸۷۷:۱

أَلْأَمَان: کلمه‌ای است که به هنگام نزول بلا و رخداد ناگوار به جهت یاری خواستن گویند. این لفظ در اینگونه موارد مکرراً گفته می‌آید. ۳۷۶۴:۶

إِمْتِثَال: فرمانبرداری و اطاعت. ۵۷۵:۵
إِمْتِحَان: در اینجا به معنی محنت و بلیه است. ۳۱۷۴:۴

امتحان کن: صفت فاعلی مرکب مرخم به معنی امتحان‌کننده. ۴۰۴۹:۵

إِمْتِسَاک: نگاه داشتن، حفظ خود. ۳۰۹۶:۴
إِمْتِنَان: سپاس داشتن، نعمت دادن. ۵۳۳:۴
إِمْتِهَال: مهلت دادن. ۴۱۲۴:۳
إِمْتِهَان: بی‌ارزش کردن، خوارکردن، در اینجا خواری و ذلت. ۲۰۸۶:۶

أَمْرَد: آنکه صورتی صاف و بی‌موی دارد، جوانی که هنوز بر صورتش مویی نرویده باشد. ۳۸۴۳:۶، ۱۸۷۲:۱

دختران. جمع اُنْثٰی به معنی جنس ماده.

۶۲۳:۲، ۳۰۸:۵، ۴۱۱۶:۵، ۲۱۲:۶

اُنَادِی: ندا می‌کنم، صدا می‌زنم. مضارع متکلم
وحده از باب مفاعله و از ریشه «ن د و».

۶۶۹:۶

اَنَام: آفریدگان، مردمان. ۹۲۷:۵

اَنَامِل: جمع اَنَمَلَه و اَنَمَلَه به معنی سر انگشت، در
اینجا مطلقاً انگشت. ۱۶۰۴:۴

اَنباز: شریک. ۲۷۱:۵

اَنبازی: شرکت، رفاقت، مجازاً همراهی و
همفکری. ۴۶:۱

اَنبَاسط: گشاده‌رویی، گستاخی و بی‌ملاحظگی.
نازفروشی به سبب نزدیکی و صمیمیت:
گسترده‌گی، پهناوری مجازاً به معنی شوخی و
مزاح. ۱۷۳۱:۶، ۳۱۷۰:۵، ۲۶۷۰:۱

اَنبُه: مخفف اَنبوه. ۱۸۲۸:۳

اَنبُهی: مخفف اَنبوهی. ۱۸۹۸:۱

اَنبَیاه: بیداری، آگاهی، بیدارگردیدن. ۱۶۶۶:۲،
۲۰۵۶:۳، ۲۸۹۷:۳، ۱۵۷۲:۵، ۱۷۲۶:۵

۲۱۵۱:۵

اَنبَاج: طلب کردن آب و علف. مجازاً طلب
رزق و طعام. ۴۲۴۹:۶

اَنبَسال: توالد و تناسل. ۲۴۴۷:۴

اَنبشار: گستردن، پراکندن. مجازاً نمو و بالیدن
است. ۴۷۵۸:۶

اَنبَاص: نصیحت پذیرفتن. ۲۰۷:۴

اَنبَاش: نکو حال شدن، بهبودی. ۳۶۱۳:۶

اَنبَاقاد: در اصل به معنی تمیز دادن و جدا کردن
سکه‌های حقیقی از سکه‌های تقلبی است.
مجازاً جدا کردن کاه از گندم. ۱۴۳:۴

اَنْثٰی: جنس مؤنث. جمع: اَناث. ۲۴۶۴:۵

اَنبَاج: روا کردن و روا شدن حاجت ۲۷۱۴:۶
اَنبَاس: جمع نَبَس، نَبَس به معنی پلید و آلوده.
۵۹:۳

اَنبَلا: مخفف اَنبلاء به معنی روشن و

اَفْرَکُن: امر و مشیت الهی است. ۲۱۲۴:۱

۶۸۵:۶

اَمْرِمُر: حکم تلخ و دشوار، حکم قطعی و
لازم‌الاجراء. چنانکه در دیوان شمس
فرماید:

منم محکوم اَمْرِمُر، گه اُشتر بان و گه اُشتر
گهی لَت خواره چون طبلم، گهی شَقَّة عَلم باشم
اَمْرُو دَین: درخت گلابی. ۲۳۶۳:۱، ۳۵۴۰:۴

اَمَس: دیروز. ۱۱۹:۱

اِمساک: بُخل و خست کردن. ۲۲۲۶:۱

اِمعان: دقت نظر، دوراندیشی. ۲۱۸۰:۶،
۲۱۸۷:۶

اَمْلَک: دارایی‌ها، اموال، شهرهای تحت تصرف
شاه: جمع مُلک: شاهان: جمع مَلِک:
فرشتگان: جمع مَلْک. ۱۱۴۷:۴، ۲۹۰۶:۴،
۲۹:۵، ۱۵۸۰:۵، ۱۳۸۹:۶، ۳۶۳۰:۶

اَمْلَح: نمکین تر، بانمک تر. ۲۰۰۴:۱

اِمْلٰی: همان اِملاء به معنی تقریر کردن مطلبی
است تا دیگری آنرا بنویسد. مجازاً تعریف
کردن. ۱۲۷۳:۵

اُمْنِیَّت: اُمْنِیّه، آرزو، جمع: اُمَانِی. ۴۴:۵، ۴۸۵:۶
اُمْمَهاَت: جمع اُمّ به معنی اصل و سرچشمه هر
چیز، منشأ، مادر، اهل لغت گفته‌اند که اُمْمَهاَت
جمع اُمّ برای انسان و اُمّات برای حیوانات
است. ۳۰۷۳:۱، ۳۵۶۲:۳، ۴۲۲۵:۳

اَن: همان اَنّ از حروف مشبهه است که اسم را
منسوب و خبر را مرفوع می‌کند. به اصطلاح
مَخْفَف از مُثَقَّل است. ۱۷:۵

اَنّا: من، ضمیر، متکلم وحده عربی. ۳۳۴۲:۴،
۱۹۴۶:۵

اَنّاالنّار: منم آتش. ۱۳۴۹:۲

اِنسَابَت: توبه و بازگشت، رجوع. ۳۰۸۳:۴،
۴۷۹۲:۶

اَنات: وقار، آهستگی. ۵۳:۵

اِناث: آنان که جنس مؤنث دارند اعم از زنان و

- آشکار شدن. ۱۳۶۷:۶
 أَنْجُم: ستارگان. جمع نَجْم. ۱۳۷۰:۱، ۳۶۷۳:۱
 ۳۷۷۷:۱، ۴۱۸۵:۳، ۱۱۲:۶
 اِنْحِلال: گشوده شدنِ گِره. ۳۲۰۷:۴
 اَنْدای: مخفّف اندايدن به معنی اندودن، گِل مالیدن، کاهگِل کردن. ۲۰۷۷:۵
 اندر مَلا: ظاهر، در پیش چشم حاضران. ۳۵۶۸:۱
 اَنْدُهان: اندوه‌ها، غصه‌ها، غم‌ها، غم و اندوه، جمع اَنْدَه، مخفّف اَنْدوه. ۲۶۶۲:۲، ۲۰۲:۳، ۱۶۵۳:۴، ۲۸۸۲:۴، ۳۰۹۸:۴، ۴۴۹۷:۶
 اندیشه‌خو: دارای طبع و سرشت اندیشه و فکر. کسی که پیوسته در فکر است، اما نه فکر صواب، بل خیالات واهی. ۳۰۲۹:۱
 اندیشه‌کیش: کسی که مرام و مذهبش خیالات بی‌اساس است. ۷۶۵:۴
 اِنْزِلُوا: فرود آید، پایین بیايد. امر جمع حاضر ثلاثی مجرّد. ۸۱:۶
 اِنْسْتان: اِنْسَة (= انسان) + «ان» جمع فارسی. در برخی از نسخه‌ها جَنّیان و انسیان آمده است. ۴۲۴۳:۳
 اِنْشار: زنده کردن. ۸۹۳:۴
 اَنْصِتُوا: خموش باشید. اشاره به آیه ۲۰۳ سوره اعراف. امر از باب افعال. ۱۶۲۲:۱، ۳۶۹۲:۲، ۱۴۶۶:۴، ۱۶۲۲:۵، ۳۱۹۹:۵
 اَنْطاکیه: شهری است در ترکیه فعلی، از شهرهای باستانی است که سابقاً مقرّ سلوکیان بوده است. ۷۷۷:۶
 اِنْطَقًا: خاموش شد: فعل ماضی باب انفعال. در اصل بوده است اِنْطَقًا، اما به ضرورت قافیه همزه آن ساقط شده است. ۳۵۳:۶
 اَنْعام: چهارپایان، ستوران، جمع نَعَم. ۳۵۹۲:۵
 اِنْعام: بخشیدن چیزی به کسی از راه نیکوکاری، نعمت دادن. مجازاً آسایش‌بخشی و راحتی دادن به دیگری. ۱۳۷:۴
 اِنْفاق: بخشیدن مال. ۲۲۲۶:۱
 اَنْفَقُوا: انفاق کنید. ۵۷۹:۵
 اِنْقَلَقَ: شکافته شد. ۲۷۰۰:۳
 اِنْقباض: به معنی قبض است و مسلماً دلتنگی نیز از لوازم آن است. ۲۲۸۷:۳
 اِنْگِشْتک زدن: بشکن زدن. ۳۹۴۱:۶
 اَنْبَل: برسان. فعل امر مفرد مذکر حاضر از باب افعال و از ریشه «ن ی ل». ۳۶۹۴:۵
 اَنْوار: جمع نُور به معنی شکوفه و اگر جمع نور باشد به معنی روشنی است. ۳۳:۲
 اَنْهار: جمع نَهَر. رود، جویبار، قدما عادت داشتند که اسامی عربی را جمع ببندند. ۲۷۱۹:۲
 اَنْین: ناله و مویه. ۵۰۷:۵، ۳۵۲:۶
 اَنْسِنُ المُذْنِبین: ناله گناهکاران. ۳۶۲۵:۶
 ۴۲۱۸:۶
 اَوان: وقت، هنگام. جمع اَوْنَه. «بی‌اوان» یعنی بی‌موقع، نابهنگام. ۲۶۰۱:۶
 اَوّاه: صیغه مبالغه از اَوْها (= آه کشیدن)، بسیار آه کشنده. ۸۸۴:۶
 اَوْباش: مردم فرومایه و بی‌سر و پا. جمع وَبَش. در فارسی فقط صورت جمع آن بکار می‌رود و گاهی نیز معنی مفرد از آن اراده می‌شود. ۲۱۹:۲، ۳۰۷۲:۴
 اَوْجُز: بر اوج. ۱۲۱۶:۱
 اَوْخَد: یگانه، یکتا. ۸۰۶:۴
 اَوْحی: وحی کرد. فعل ماضی مفرد مذکر غایب از باب افعال. ۱۲۲۹:۵
 اَوْزَعنی: مرا الهام کن. اَوْزَع فعل امر مفرد مذکر حاضر از مصدر اِزاع (= الهام کردن) و از ریشه «وزع» + نون و قایه + ضمیر متکلم مفعولی. ۳۶۹۵:۵
 اَوْساخ: جمع وَسَخ به معنی چرک. ۳۱۱۵:۳
 اَوْشْتَخ: گستاخ، بی‌پروا. ۲۶۹:۳
 اَوْصال: جمع وُضِل و وُضِل به معنی پیوند و بند

به معنی عاقل است. ۱۶۶۷:۶
 أئى: حرف تفسیر است و به معنی «یعنی» است.
 مثلاً گفته می‌شود: رَأَيْتُ أَسَدًا؛ أئى شَجَاعًا
 «شیری دیدم: یعنی آدم شجاعی دیدم».
 ۴۰۴۱:۳

ایاب: بازگشتن، بازگشت. ۵۱۸:۴، ۲۲۹۴:۴
 آیاز: غلام ترک و از امرای محبوب سلطان
 محمود غزنوی. ایاز در فراست و هوش و
 جنگجویی و جمال مثل است. ۱۰۴۹:۲
 ایاک نَشْتَعین: فقط از تو یاری می‌خواهیم.
 برحسب ضرورت شعری تشدید «ایاک»
 ساقط شده است. ۲۹۳۱:۴

آینک: از نام‌های غلامان ترک است. ۳۰۸۱:۵
 آیتام: یتیمان. ۵۲۷:۶
 ایشار کُن: صفت فاعلی مرکب مرخم است. به
 معنی ایتارکننده و ایتارگر و فعل امر خواندن
 آن غلط است. ۸۱۰:۵
 ایجاد: عالم هستی. ۴۸۰:۱
 ایدَر: اینجا، اکنون. و اینجا منظور، زمین و عالم
 اسفل است. ۵۳۱:۴، ۳۸۰:۲

ایرا: از این رو. ۱۷۷۴:۱
 ایست: اسم مصدر یا ریشه فعل یا مصدر مرخم
 است به معنی ایستادن و قیام کردن به کاری
 و عملی. ۴۰۱۳:۶
 آیش: مخفف أئى شیء به معنی هر چیز.
 ۳۱۱۵:۵، ۲۹۲۹:۵

ای غلام: حرف ندا + منادی. از مخاطب‌های
 مبهم مثنوی. عبدالقادر گیلانی نیز در کتاب
 الفتح الربانی از اینگونه مخاطب بهره جسته
 است. ۱۷۲۸:۵

ایقَاط: بیداران، جمع یَقِط. ۲۱۷:۶
 ایقان: یقین آوردن. ۲۶۰۹:۶
 آیقُنُوا: یقین پیدا کنید. فعل امر جمع مذكر حاضر
 از باب افعال. مصدر ثلاثی مجرد آن یَقُن و
 یَقُن به معنی واضح شدن و روشن گشتن

اندام، اندام بدن. ۸۷۹:۴
 أوف: وفا کنیم. فعل متکلم وحده مضارع از باب
 افعال، که در اصل «أوفی» بوده است و چون
 جواب فعل امر واقع شده به جای جزم،
 حرف عله «ی» حذف شده است. ۱۱۸۳:۵
 أوفُوا: وفا کنید. فعل امر مذكر حاضر لفیف
 مفروق از باب افعال. ۱۱۸۳:۵
 أوقدُوا: برافروختند، فعل ماضی جمع مذكر
 غایب از باب افعال. ۳۵۳:۶
 أوقیه: وزنی است معادل چهل درم‌سنگ، هفت و
 نیم مثقال. جمع آن: أواقی. ۳۶۷۴:۳
 أولی: سزاوارتر. ۶۴۰:۵، ۱۳۹۶:۵
 أومید لیس: ترکیب وصفی است یعنی لیسنده
 امید، امیدوار. ۱۲۲۱:۴

إهاب: پوست، پوست دباغی‌نشده، جمع آن
 أُهَب. ۱۴۸۹:۳
 إهبطُوا: هبوط کنید، فرود آید. ۹۲۶:۱،
 ۲۷۹۶:۶، ۲۹۳۴:۶
 إهتراز: جنبیدن، تکان خوردن. ۲۱۵۱:۴،
 ۵۲۴:۶، ۲۲۰۰:۵

إهدنا: ما را هدایت کن. ۳۴۲۰:۴
 اهل تقلید و نشان: فلاسفه همعصر مولانا و
 معتزله که اقوال پیشینیان را مانند اصل مسلم
 پذیرفته بودند و از اثر بر مؤثر استدلال
 می‌کردند. ۲۱۲۵:۱

اهل خاطر: اهل دل. ۳۶۱۲:۲
 أهل دید: آنان که به بصیرت قلبی توجه دارند.
 کنایه از عارفان و صاحب‌دلان. ۱۳۶۸:۱
 اهل سبت: اصحاب شنبه، مراد از آن یهودیان
 است. ۲۵۹۸:۵

أهل ظن: آنان که به ظنون و گمان‌های بی‌اساس
 متشبث می‌شوند. کنایه از اصحاب قیل و
 قال. ۱۳۶۸:۱

أهل کار: متخصص، ماهر. ۴۲۴۳:۳
 اهل نهی: خردمندان، صاحبان عقول. جمع نُهیّه

کار بیفایده کند و سخن لغو گوید. ۱۰۹۱:۳.

۸۳۵:۶

بادِ تهی پیمودن: کنایه از کاری بی‌حاصل است.

چنانکه باد را نمی‌توان در پیمانه‌ها وزن

کرد. ۳۴۵۵:۴

بادگیر: مجرای که برای جریان هوا در سقف یا

دیوار سازند. ۹۹۰:۱

باد و بُروت: غرور و تکبر، خودنمایی.

۳۹۲۸:۵، ۴۶۳۳:۳

باد و بود: هستی مادی، وجود و لوازم آن، به

معنی غرور و خودبینی و تکبر، شکوه و

جلال ظاهری هم آمده است. ۲۲۹۶:۱.

۴۰۱:۵، ۱۸۰۰:۴

باده: شراب. ۳۲۳:۱

باده بخش: بخشنده شراب. صفت فاعلی مرکب

مرخم که در اینجا قائم مقام موصوف است.

۳۷۰۹:۶

بادی: آغازکننده. ۴۵۳۳:۶

بادیه: دشت، صحرا، بیابان. جمع: بادیات. از

ریشه «ب د و». ۳۲۲۴:۵، ۲۷۷۳:۶.

۴۷۸۳:۶

بار: رخصت و اجازه ورود و در آمدن پیش

کسی. ۲۲۱:۱، ۳۶۷۳:۱

بارد: سرد و خنک و ناخوشایند، نابجا. ۹۸۰:۱.

۱۲۸۹:۶، ۸۴۳:۶

بارد نفّس: آنکه نفّسی سرد دارد. ۴۷۸۸:۶

بارِعُوا: برتری جوید، پیش‌دستی کنید، از

«براعه» به معنی برتری یافتن و تفوق جستن

است. مولانا «برع» را به باب مفاعله برده

است که معمولاً این فعل به باب مفاعله

نمی‌رود مگر شاذاً. ۳۴۳۶:۳

بارق: درخشان، تابان، درخشنده، از برق و

برق به معنی درخشیدن و برق زدن.

۳۰۵۹:۶، ۵۸۶:۴

بارگه: مخفف بارگاه، سرای و خیمه بزرگ.

مطلب است. ۳۹۷:۴

ایلاج: وارد کردن، در آوردن چیزی از چیز

دیگر مصدر باب افعال از «ول ج». ۵۵۲:۵

ایماء: اشاره، اشاره کردن، اشاره کردن با دست و

ابرو و غیره از مصدر باب افعال از ریشه

«وم ء» و از مصدر ثلاثی مجرد و ثا که آن

نیز بدین معنی است. ۱۲۰۸:۱، ۲۰۶۰:۵.

۳۴۴۵:۶، ۲۶۳۱:۵

ایمان: جمع یمین. عهدها، سوگندها. ۱۱۷۸:۱.

۱۶۸۸:۳، ۲۸۷۵:۲، ۲۸۷۲:۲

ایمن: رستگار، محفوظ و در امان، سالم. ۱۷۲:۱

ایناس: مانوس کردن. مصدر باب افعال.

۲۱۲۰:۶

اینت: از اصوات تحسین و تعجب، به معنی این

تو را، تورا این. ۱۱۸۵:۱، ۱۱۲۹:۲.

۴۸۳۷:۶، ۴۰۳۲:۵، ۳۷۹۵:۴، ۳۰۹۲:۴

این سو: منظور دنیا است. ۵۱۲:۳

این نفّس: اکنون، این دم. ۱۲۵:۱

بأس: دلاوری، قدرت. ۴۰۰۲:۳

بش المهاد: بدجایگاهی است. ۳۶۲۰:۶

با امرساز: از دستور اطاعت کن. ۲۰۷۴:۴

باب: پدر. ۳۵۸۷:۶

بایل: شهری قدیم در بین‌النهرین (عراق کنونی)

که از مراکز ساحران بوده است. ۴۰۳۳:۳.

۴۱۱:۶

بایل: آبایل. ۷۸۶:۴

باتاب: درخشان، تابان. ۱۰۲۱:۱

باحث: جستجوکننده، پژوهنده. «باحثی» با یای

نسبی به معنی اهل بحث و مناقشه، متکلم.

۲۹۲۴:۲

باد بُروت: بُروت به معنی سبیل مردان است و

باد پروت، مجازاً به معنی تکبر و خودنمایی

است. ۲۳۱۹:۱

باد پیمودن: کار بیفایده و بیهوده کردن سخن

بیهودن گفتن. «بادیما» کسی را گویند که

طلوع‌کننده. از مصدر بَزَغ و بُزُغ. مقتبس از آیه ۷۶ انعام. ۱: ۱۵۰۸، ۲: ۱۴۶۹، ۳: ۲۵۳۲، ۳: ۳۹۷۴، ۶: ۲۶۳

بازووری: قدرتمندی و نیرومندی. بازو + پسوند اتصاف فاعلی وَر. ۶: ۳۷۲۶

بازی: حيله و نیرنگ. ۴: ۲۲۷۶

باز: باج، حراج. ۶: ۴۳۰۵

با ساز: آماده، مهیا، مرتب، «با ساز گشتن» یعنی آماده شدن، کوک شدن. ۲: ۵

باسط: گسترنده، گشاینده. ۵: ۲۹۴۹

باش: این کلمه در مثنوی غالباً به معنی اقامتگاه و مسکن بکار رفته است. ۳: ۳۵۹۰

بافیده: بافته شده. ۶: ۳۷۱۶

باگوره: میوه نوری و ناپخته، نوباه. ۲: ۱۳۱۸

باکی: گریه کننده من. باکی (= گریه کننده، اسم فاعل از فعلی بَکَى یَبْکِی) + ضمیر متکلم وحده ی به معنی من. ۶: ۵۳۷

باگشاد: در اینجا به معنی وسیع و جامع است. «دیدنِ باگشاد» یعنی نگرشی وسیع و همه جانبه. ۴: ۱۶۰۹

بالان: بالنده، نشو و نماکننده. ۶: ۳۷۲۳

بالایی: منسوب به بالا و صفت «جانها» و «جانهای بالایی» به معنی روح‌هایی است که دارای علو مقام و رفعت هستند. ۴: ۹۲۲

بالوعه: چاه فاضلاب، چاهی که در آن آب باران و آب‌های فاسد ریخته شود. ۳: ۸۱۲

باه: جماع، شهوت جنسی. ۵: ۵۲۰

بایدی: به دست‌ها. حرف جرّ ب + آیدی: جمع ید به معنی دست. ۵: ۲۴۲۸

باین: جدا. ۵: ۳۱۵۶

بَشَّ الدَّل: بدیلی ناپسند است. ۶: ۲۲۷۹

بَشَّ القَرین: بدهمنشین، بدیار و مصاحبی است. مَتَّخَذ از آیه ۳۸ سوره زخرف. ۶: ۲۶۳۱

۴۶۷۸:۶

بَسْت: صورت بست، شکل گرفت. ۴: ۲۸۸۷

مجازاً عالم خلق و آفرینش. مولانا این کلمه را به جای حضرت بکار برده است که در تعبیرات صوفیه به معنی هر یک از مراتب پنج‌گانه وجود است. ۱: ۶۱۲

بازگی: مطلق سُتور، اسب. ۳: ۳۹۹۱

بارگیر: حیوانی که بار حمل می‌کند، مرکوب، کجاوه. ۵: ۶۰

بازنامه: اسباب تجمل و حشمت و بزرگی، اجازه، تکبر، تفاخر، غرور و لاف‌زنی. پروانه بار یافتن به درگاه شاهان و امیران، اجازه‌نامه برای ورود به مجلس بزرگان. ۱: ۱۱۰۴، ۴: ۱۸۸۷، ۵: ۲۰۹

بازو: دیوار قلعه، حصار. ۵: ۱۰۱۴، ۶: ۱۳۱

باره: پسوندی که در ترکیب کلمات می‌آید و به معنی دوست دارنده است. شکر باره یعنی کسی که بسیار شکر می‌کند و عاشق شکر است. ۳: ۲۸۹۵

باری: به هر حال، به هر جهت (با ذکر این کلمه، گوینده صحبت را مختصر می‌کند). ۳: ۱۸۹۸

باریک حَرَف: مطالب پر قیل و قال، سخن پوچ و بی‌اساس، نکته دقیق و ظریف. ۲: ۳۲۱۴

باریک ریس: صفت فاعلی ترکیبی مرخم به معنی باریک ریسنده، کسی که دقیق می‌بافد. مجازاً کسی که در مسائل دقیق می‌اندیشد، نیز به معنی کسی است که حیران و سرگشته می‌شود؛ به معنی لاغر و نحیف هم آمده است. ۵: ۳۱۲، ۶: ۲۹۵، ۶: ۲۳۴۰

باز: گشاده، منبسط. کنایه از سبز و خرم. ۱: ۱۶۳۷

بازِ اَشْهَب: بازِ شکاری سفید یا خاکستری. ۶: ۶۳۶، ۲: ۳۰۰

بازجا: جای سکونت باز. ۲: ۱۱۴۱

بازگون: واژگون، برعکس. ۵: ۲۷۰۱

بازگونه: واژگونه. ۳: ۲۸۰۸، ۴: ۶۵۱

بازِغ: تابان، روشن، درخشان، فروزان،

بیست: بست. فعل ماضی مفرد. لیکن در اینجا چون عطف به فعل جمع شده معنی جمع می‌دهد. از اینگونه افعال در مثنوی فراوان دیده آید. ۶: ۲۸۵۰

بتاسانید: از تاسانیدن به معنی فشردن گلو، خفه کردن. ۳: ۴۰۸۲

بُتَکَر: بت‌ساز و بت‌تراش. ۱: ۷۷۶

بُتِ مَوَزُون: معشوق خوشایند و مناسب، محبوب خوش‌اندام. ۱: ۱۵۶۰

بجوش: در حال جوشیدن. ۱: ۳۵۳۶

بِجَه: فرار کن. ۶: ۱۴۳۶

بِجُک: کارد، لغت ترکی است. ۳: ۴۱۷۴

بَحْرُ الْحَيَات: دریای زندگی. منظور دریای حیات طیبیه و روحانی است. ۶: ۲۲۲۹

بَحْرُ دَسْت: اضافه تشبیهی و از نوع اضافه «مُشَبَّه» به «مُشَبَّه» است. یعنی دستی که در بخشش و گشادگی مانند دریاست. بسیار بخشنده. ۴: ۱۱۵۹

بَحْری: کسی که راههای دریا را بشناسد، ملاح. ۷۵: ۱

بُحور: دریاها. جمع بَحر. ۶: ۸۷۴

بَیْخ: از کلمات تحسین در عربی است. به معنی خوشا، آفرین، احسنت. هم با تشدید «خ» می‌آید و هم بدون تشدید. گاه بصورت مکرر نیز استعمال شود: بَیْخِ بَیْخِ. ۳: ۲۸۶۶

۴: ۲۶۰۰

بخار و گزد: کنایه از آثار و لوازم هستی دنیوی. ۱: ۲۲۹۶

بُخْتی: شتر قوی هیکل دو کوهانه، نوعی شتر قوی و سرخ رنگ. ۳: ۴۰۹۳، ۶: ۲۱۳۹

۶: ۲۴۸۰

بُخْش: سوراخ، منفذ. ۴: ۳۶۳۶

بُذ: گزیر، چاره. ۱: ۳۳۶۲، ۱: ۳۷۰۳

بَذَبَدگی: حالت بنده‌ای که به وظایف بندگی خود عمل نکند و از امر مولای خود

سریچی کند. ۱: ۱۵۶۴

بَذْ پیوند: بدرفتار. ۱: ۲۸۷۳

بَذَر: ماه شب چهاردهم که قرص کامل است. به معنی مطلق «ماه» نیز آمده است. ۴: ۱۴۶۴

بَذَرگ: بدنهاد، ناسازگار و خشمگین؛ بَذَرگی: بدنهادی، ناسازگاری، خشمگینی، بدطینتی. ۱: ۲۸۷۳، ۳: ۲۸۶، ۳: ۶۹۱، ۴: ۶۶۷، ۴: ۳۴۳۵، ۵: ۵۲۲، ۵: ۱۲۶۱، ۵: ۲۶۴۶، ۶: ۴۸۵۹

بَدَسْت: وجب. فاصله سرانگشت کوچک تا سرانگشت شست وقتی که پنجه کاملاً باز شود. ۲: ۲۱۶۶

بَدْگُسیل: بدره، ناسازگار. گُسیل هم معنی مصدری دارد و هم معنی وصفی. یعنی هم به معنی فرستادن است و هم به معنی رونده، راهی. ۶: ۳۹۵۴

بَدْگُلویی: شکمبارگی، حرص زدن در خوردن طعام. ۴: ۱۷۰۸

بَدَلِقا: بد منظر، بد دیدار. ۳: ۳۹۱۴

بَدمنش: بداندیش، بدنهاد. ۵: ۲۴۹۹

بَدَنشان: فرومایه، زشت خوی و بداصل. ۱: ۴۶۰۰

بَدَنعل: بدقدم، شوم، نکبت‌بار. ۱: ۲۵۶۲

بَذُو: آغاز. ۴: ۲۹۰۵

بُدور: جمع بَذَر به معنی قرص کامل ماه. ۳: ۲۸۳۶

بدیع افعال: کسی که کارهایش تماماً نو و تازه باشد، بدیع به معنی زیبا نیز بکار رود. ۵: ۱۶۴۸

بَر: میوه، حاصل، ثمره و نتیجه. ۱: ۸۴۵، ۱: ۱۶۴۶، ۲: ۳۱۷۳، ۴: ۲۵۹۲

بَر: خشکی، بیابان، مقابل بحر. ۶: ۳۷۰۴

بَر: نیکی. ۴: ۱۶۵۱، ۵: ۸۸۸، ۶: ۲۶۳۰، ۶: ۳۲۶۵

بُر: گندم. ۳: ۵۲۵، ۳: ۴۰۹۵، ۶: ۱۰۵۷، ۶: ۲۶۳۰

بَرَات: از برائت عربی به معنی نوشته‌ای که به

سرمای سخت است. ۱۱۳۲:۶، ۱۲۸۹:۶
 بُرُسته: اصیل و حقیقی. ۲۷۹۸:۴
 بررسید: جستجو کرد، سؤال کرد. ۱۸۱۰:۴
 بر زدن: حمله کردن. ۳۸۸۳:۵
 بر ساخته: جعلی، ساختگی. ۲۸۰۵:۳
 بر سر: به علاوه، اضافه بر آن. ۳۱۰۳:۶
 بر سر زدن: نکوهش کردن، سرزنش نمودن. ۲۳۴۲:۱
 بر سَری: اضافه بار، ظلمی که بر دیگر ظلم‌ها افزوده می‌شود؛ به علاوه، بیشتر، اضافه تر. ۴۴۱۱:۶، ۱۴۹۵:۴، ۴۱۰:۲
 بُرش: بُریدن، مصدر شینی. ۴۳۶۲:۶
 بر شکافیدی ز زور: یعنی از فشار درون و از بُرمایگی می‌شکافت. ۲۰۰۸:۳
 بُرُطْلَه: کلاه، کلاه قرمز. ۳۵۵۰:۴
 بُرُف باف: صفت مرکب فاعلی مرخم، در اصل بوده است «برف بافنده» به معنی پدید آورنده برف، بارنده برف. ۳۷۴۱:۴
 برگ: زاد و توشه، ساز و سرمایه، پوستی که قلندران مانند لُنگ بر میان می‌بسته‌اند، مجازاً به معنی نعمت. بی‌برگی: بی‌سروسامانی، فقر و درویشی. ۲۲۳۷:۱، ۴۲۱۱:۶، ۱۱۴۷:۵
 برگ بی‌برگی: سرمایه عدم تعلق، و آزادگی از بند هوئی و آویزش‌های دل به هر چه غیر خداست. ۲۲۳۷:۱، ۴۷۶۱:۳، ۲۰۵۵:۴
 برگ خود عرضه کردن: اسباب و توشه خود را به رخ کشیدن، قدرت نمایی کردن، عرض اندام نمودن. ۵۰۵۰:۵
 برگردان ورق: روی برگردان، «ورق برگشتن» مثلی است در فارسی که به معنی دگرگون شدن کار است. ۴۰۲۱:۳
 بر من مَران: با من مخالفت مکن، عکس «با من بران» که به معنی با من همراهی و موافقت کن است. ۲۳۴۳:۴

موجب آن پادشاه و یا دولت حواله وجهی دهد. کنایه از منشور و فرمان الهی است. ۲۹۸۴:۲، ۱۱۸۱:۴
 بُراق: مرکوب پیامبر (ص) در شب معراج. و هر چیز تندر و را بُراق گویند. ۱۰۷۳:۱، ۴۱۳۴:۵، ۵۵۲:۴، ۳۴۳۷:۱
 بُراقِ ناطقه: کنایه از زبان و گفتار است، زیرا براق به هر مرکوب تندر و گفته شود. ۳۶۰۸:۱
 بُران: صفت فاعلی از «بُردن» یعنی برنده. ۲۵۱۱:۲
 بر بخورد: برخوردار و کامیاب شد. ۱۴۹۰:۱
 بُر بسته: مطلق جماد: ساختگی و غیراصیل. ۴۷۱۱:۶، ۲۷۹۸:۴، ۲۵۶۷:۳
 بُرُبط: از سازهای قدیمی ایران و عرب که شبیه عود است. ۴۴۲۹:۶
 بر تابیدن: تحمل کردن، تاب آوردن، طاقت آوردن. ۱۴۰:۱
 بُرُتنی: بُتنی. از مصدر تَنیدن. ۳۵۲۶:۴
 برجای او: کنایه از انجام کاری بجا و به موقع. ۱۱۶۶:۱
 بُرُخ: پاره و حصه. ۲۰۹۸:۱
 بُرخود زَنَم: سعی فوق طاقت می‌کنم تا ناملایمات را تحمل کنم. نیکلسون می‌گوید: «برخود زَنَم، یعنی بی‌مساعدت دیگران، خود دست بکار می‌شوم». ۲۲۶۸:۴
 بر خورد: برخوردار شود، کامران گردد، دریابد. از مصدر برخوردن. ۴۶۴:۴
 بُرُذ: دور شو. دور باش. فعل امر از «بُردیدن». ۲۴۳۲:۲، ۱۵۶:۳، ۱۳۷۸:۵، ۲۴۶۸:۶
 بُرُذ: سرما. ۳۷۴۳:۴
 بُرُذُ الْعُجُوز: ترکیب اضافی است به معنی سرمای پیرزن. و آن هفت روز است. اولین روز آن تقریباً مطابق است با ۲۵ یا ۲۶ اسفندماه و پایان آن مطابق با دوم فروردین. کنایه از

بَرّه: خطا، گناه؛ بَرّه: همان بَرّه (بدون تشدید) به
معنی گناه و جُرْم. ۶۳۸:۵، ۶۶۴:۵

بِسَاط: هرچیز گسترده‌ای مانند فرش و سفره.
۲۶۷۰:۱

بِستان: بگیر. از مصدر بستاندن به معنی گرفتن.
۳۰۴۵:۱

بِستند: گرفت. از مصدر بستاندن؛ بستدم: گرفتم،
ستاندم. ۷۸۴:۱، ۲۸۴۱:۴، ۲۰۳:۵

بِستن: نسبت دادن چیزی برخلاف واقع.
۲۰۲۰:۱

بِستنِ بار: آماده شدن برای سفر. ۲۲۹۸:۴
بستن قید: کنایه از لگام زدن به توسن. (براق
ناطقه) ۳۶۰۸:۱

بُشر: خرما، نارس، هرچیز تازه. ۳۶۰:۵
بَسَطَت: گشایش، وسعت. «دریا بسطت» ترکیب
وصفی است. و «چشم دریا بسطت» اضافه
موصوف به صفت است. چشم (موصوف) +
دریابسطت (صفت ترکیبی). ۲۶۴۱:۴

بَسْک: ترکیبی است از بس (مخفف بسیار که
مجازاً به معنی به قدر کفایت و به قدرکافی
آید) + کاف ضمیر عربی. یعنی بس است
تورا، بسیار است تورا. ۴۶۲:۶

بِسْکُنت: گسسته شد، پاره شد، پشکُسته رگ:
کسی که رگش پاره شده. ۱۲۷۰:۵،
۱۲۹۴:۵، ۱۳۸۷:۵

بِسْکُل: بگسل، پاره کن؛ بَسْکُلْد: گسسته کند.
پاره کند؛ بَسْکُلْم: جدا شوم؛ بَسْکُلْنْد: پاره
کنند، بگسلند؛ بَسْکُلِی: جدا شوی، بریده
شوی. ۳۶۴۸:۱، ۲۱۶۴:۲، ۲۶۶۳:۴،
۷۶۴:۵، ۹۴۹:۵

بِسْمِل: ذبح کردن حیوان. وجه تسمیه‌اش اینست
که در آغاز ذبح، کلمه شریفه
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ را خوانند. مجازاً
کشتن حریبان در راه خدا. ۲۱۴۶:۳، ۳۳:۵،
۳۷۴۹:۵

بَر می تَنند: می پیچند، در اینجا یعنی ستیزه
می کنند. ۲۷:۴

بُرنا: جوان. ۲۰۹۶:۴، ۳۰۸۵:۴، ۳۲۸۸:۶
پَرُند: فعل امر از رَندیدن به معنی تراشیدن و رنده
کردن. در اینجا به معنی کندن و ویران کردن
است. ۴۸۳:۲

بَرَنَدِ حال: فعلاً، در هر حال. ۸۸۴:۴
بر نمی گردد سَرَم: عقیده‌ام عوض نمی شود. اگر
سِزَم نیز بخوانیم صحیح است. یعنی باطنم
دگرگون نمی شود. ۴۱۲۶:۳

بُرُو: فعل امر حاضر از روییدن. ۳۹۰۸:۳
بُرُوت: شارب، سبیل، موهای پشت لب مردان.
«باد و برُوت» کنایه از خودبینی و سرکشی
است. ۱۲۸۵:۱

بُرُون شو: گریزگاه، محل نجات. جای خلاصی.
«برون شو کردن» یعنی تلاش کردن برای
نجات. ۴۲۸۲:۳، ۳۲۶۱:۵

بَری: می بری. ۱۹۴:۱
بَرّی: منزّه در اصل به معنی بی گناه، بی تقصیر،
تبرئه شده. به صورت «بَرّی» نیز همین
معانی را دارد، اما در فارسی صورت اول
رایج است. ۱۳۰۸:۵

بَرّی خوردیم: میوه و ثمره‌ای خوردیم. در اینجا
ماضی در معنی مضارع آمده یعنی حتماً میوه
و ثمره‌ای خواهیم خورد. ۴۹۹:۳

بَرّیق: درخشش، درخشندگی، برقی که از ابر
می جهد. ۳۸۴۱:۵

بَرّین: بالاترین و بلندترین. «چرخ برین» یعنی
آسمان بالایی و منظور، عالم ما بعدالطبیعه
است. ۵۳۷:۱

بُرّین: قاش، بُرشی هلال مانند از خربزه و
هندوانه. ۱۵۱۵:۲

بُز گرفت: مسخره کردن، به بازی گرفتن.
۱۳۶۴:۵

بُزوغ: تافتن، تابیدن. ۱۸۳۲:۶

بِعال: مصدر باب مفاعله به معنی جماع کردن و زناشویی نمودن است. ۲۵۸۳:۲
 بُغْدُ الْمَشْرِقَيْنِ: فاصله میان مشرق و مغرب. در زبان عربی رسم چنین است که از دو لفظ مختلف الحقیقه، مثنی می‌سازند و یکی را بر دیگری غلبه می‌دهند. مانند شَمْسَيْنِ (خورشید و ماه)، وَالِدَيْنِ (پدر و مادر)، عِشَائِنِ (نماز مغرب و عشاء). ۱۳۳۵:۴
 بَغْر: پشتگل، سیرگین، پشتگل شتر یا گوسفند. ۲۰۸۵:۴
 بَقْلَتَانِ: جامه‌ای که جنگاوران قدیم به هنگام جنگ زیر زره می‌پوشیدند، بَزْگُستوان. فَرْجِی، قبا، کلاه. ۶۸۵:۳، ۳۹۱۰:۶
 بَغْنُودَه‌ی: خوابیده‌ای، آرمیده‌ای. از مصدر غَنُودَن. ۳۵۴۸:۴
 بَقَّ: پشه. ۱۸۹۴:۶
 بِقَاصِد: عمداً، از روی قصد. ۲۴۱۲:۵
 بِقَاع: اماکن، جاها، جمع بَقْعَه و بَقْعَه. ۳۰۹۳:۶
 بَقَال: سبزی فروش، تره‌فروش، غله‌فروش. ۳۰۶۲:۵
 بَقَر: گاو. ۲۸۶۲:۵
 بَقْعَه: خانه، سرا، جا، مکان، هم‌بَقْعَه: هم‌اتاقی، هم حجره. جمع آن: بِقَاع. ۸۶۹:۲، ۴۵۰۴:۳، ۲۴۸۵:۶، ۱۷۲۷:۴
 بَقْل: سبزه و گیاهی که از زمین بروید. ۴۶۴۹:۶
 بَقْیَا: بقا و جاودانگی. ۸۴۹:۴
 بُکَا: گریه، گریستن، مخفَفِ بُکاء. ۹۱۲:۳، ۷۷۹:۶، ۱۰۱۳:۴
 بِکَر: دوشیزه، دخترِ باکره. ۴۴۲۶:۶
 بُکْم: لالان، گنگان. مفرد: أَبْکَم. ۱۶۸۱:۵
 بَکْ: مخفَفِ بیگ، کلمه‌ای ترکی است به معنی بزرگ و شریف. این لقب را به نجباء و شاهزادگان و امیران سپاه می‌داده‌اند. امیر، بزرگ. ۱۲۳۴:۱، ۲۳۲۴:۱
 بگزید نَقْل: راهی شد، حرکت و کوچ را انتخاب

بِسُود: کوبید، زد، سایید. از مصدر سُودَن. ۲۵۰:۵
 بَسِیج: سامان. «چرخ بسیج» یعنی افلاک که براساس نظم گردش و دَوَران دارند. ۲۸۴۹:۴
 بسیط: فراخ، وسیع، واگستریده، گشاده و گسترده. مجازاً به معنی بزرگ، عام و شامل. ۱۷۲۶:۱، ۳۶۶۹:۲، ۳۷۱۲:۴، ۴۵۳۰:۶
 بَسِیم: خنده‌رو، خندان. ۲۳۰۶:۴
 بَشَار: بسیار مزه دهنده. ۱۸۴۵:۶
 بِشِستَه: مخفَفِ بِشِستَه. «آتشِ بِشِستَه» یعنی آتشی که فرو نشسته باشد. در برخی از نسخه‌ها «بِشِستَه» ضبط شده که فاقد تناسب و بلاغت است. ۳۸۷۳:۵
 بِشْکُهِد: بترسد. از مصدر شِکُوهیدن. ۳۸۷۴:۶
 بشیر: بشارت دهنده، نیز مراد پیامبر است. ۱۱۰۰:۶، ۱۶۵۹:۶
 بَصَر: مخفَفِ بَصَر فعل ماضی به معنی دید. لیکن این فعل بر وزن «بَصُر» و «بَصِر» آمده است. ۳۴۲۹:۵
 بَطَّ: مرغابی. جمع آن بُطوط و بِطاط: بَطَّ جرس: اضافه تشبیهی از نوع اضافه مُشَبَّه بِهِ به مُشَبَّه است. یعنی حرصی که مانند مرغابی است. ۲۰۱۷:۱، ۳۵۳۴:۲، ۳۹۳:۵، ۴۰۶۴:۶
 بَطَال: بیکاره، یاهو گو، دروغگو. ۱۸۲۱:۵
 بَطَانَه: آستر لباس. ۱۸۶۷:۶
 بَطْر: شادی مفرط، سرمستی، خودبینی، تکبر. ۴۸:۱، ۳۳۲۱:۱، ۱۶۹۶:۴
 بَطْر: شادمان، سرمست. ۳۵۱۵:۱
 بطرقه: بترکد: طرقدن صورت دیگر ترکیدن است. ۳۸۳۸:۱
 بَطْن: شکم. ۳۱۳۵:۲
 بِطِیخ: خربزه، بِطِیخ زار: جالیز، کشتزار خربزه و هندوانه و خیار و کدو. ۱۵۲۸:۲، ۳۸۲۴:۴

کرد. ۶۴۳:۳

بگشا پهن قَم: دهان را کاملاً باز کن. ۳۷۰۹:۶
بَگَلَر: امیر، بزرگ شهر. همان بیگلر ترکی است.
۳۰۱۲:۳

بَگَلَرَبَگ: امیر امیران: بَگَلَرَبَگ: سروری،
بزرگی، ریاست. بَگَلَر (=امیر، بزرگ) + بگ
(=امیر، بزرگ) + یای مصدری. «بگلربگ»
یعنی امیر امیران و خان خانان. ۲۴۳۷:۵
۴۰۲۷:۵

بلاغ: مصدر باب تفعیل به معنی رسانیدن، دلالت
کامل. بعضی گفته‌اند به + لاغ (=شوخی،
هزل) است. بلاغ، هم معنی لازم دارد و هم
متعَدی. یعنی هم به معنی رسیدن به نهایت
مقصد است و هم به معنی رساندن به
مطلوب. ۶۱۳:۴، ۲۷۲۱:۳

بلاغ مُبین: تبلیغ رسا و نمایان، ابلاغ آشکار.
۲۹۸۳:۲

بلاي مُحْتَزَز: بلای حتمی الوقوع و بلایی که به
هیچوجه از پیش آمدن آن جلوگیری نتوان
کرد. بلایی که هرچند وقوعش حتمی است
لیکن گریز از آن به شرط بکار گرفتن خرد و
تجربت، ممکن باشد. ۳۱۱۴:۱

بَلَّغ: فعل امر حاضر مفرد مذکر از مصدر تبلیغ
یعنی تبلیغ کن. ۳۰۸۱:۳، ۳۵۸۵:۴

بَلْغَم: ماده غلیظ لزجی که از دستگاه گوارش و
مجاری تنفسی، ترشح می‌شود و با سرفه و
استفراغ خارج می‌گردد. بلغمی کسی است
که فزونی ترشح بلغم داشته باشد. ۳۵۷۳:۳
بُلُق: آواز آب هنگامی که سنگ و کلوخ در آن
اندازند. ۱۲۱۴:۲

بَلْمَة: دراز ریش، کسی که دارای ریش دراز و
انبوه باشد. ۳۵۶۴:۳

بَلَوی: سختی، گرفتاری. ۳۰۱۳:۳

بَلَه: بلاهت و ابلهی ۷۱۷:۶

بلیس: مخفف ابلیس. ۳۲۹۰:۱

بَلِله: درختی است که در جنگلهای مرطوب هند
می‌روید و میوه آن اندکی دراز و پوست آن
زرد و نازکتر از هلیله است. پوست آن در
تسکین سرفه و بیماریهای چشمی و سردرد
مصرف شود. ۲۳۵۲:۴

بِمَان: تَوَقَّف کن؛ فعل امر از ماندن به معنی ترک
کن، رها کن. ۱۶۲۶:۳، ۱۴۶۲:۴، ۷۹۳:۵

بِمِیَزَد: بول کند، ادرار کند. ۲: ۴۷۰
بُن: ریشه، اصل، پایه، بنیاد. ۹۵۱:۱، ۲۰۴۲:۴
بِنَادِر: ندرتاً، به ندرت. حرف اضافه «به» + نادر
(=کمیاب). ۱۱۹۱:۴، ۱۸۸۴:۶

بَنَان: سرانگشت، سر انگشتان، انگشت.
۲۷۷۸:۳، ۳۱۸:۵، ۴۶۵۳:۶

بَنَد: سد، دیواری که جلو آب کشند؛ زنجیری که
بر پای مجرمان و اسیران می‌بستند. بند
بی‌امان یعنی زنجیر اسارتی که هرگز نداشته
نشود. به تعبیر امروز حبس ابد؛ نیز به معنی
ستون و تیری که معماران، پشت دیوار
می‌گذارند تا فرو نریزد؛ و نیز به معنی دسته
و بسته. ۴۸۳:۲، ۵۸۵:۲، ۱۲۱۹:۲
۲۴۵۷:۶

بُنْدُق: گلوله گِلین و مانند آن، گلوله‌ای که از گِل
و جز آن سازند و پرتاب کنند. در اینجا
یادآور بِسْجِل (=سنگ گِل) مذکور در
سوره فیل است. ۳۴۹:۲

بُن دَنان: از صمیم قلب. ۲۷۶۵:۲
بندی: اسیر، به بند درآمده. ۹۲۶:۱
بَنگ: شاهدانه، گردی که از کوبیدن برگ‌ها و سر
شاخه‌های گلدار شاهدانه گیرند که خاصیت
تخدیری دارد. ۶۶۴:۳، ۲۶۶:۴

بُنْگاه: منزل و مکان، جایی که نقد و جنس در
آنجا نهند، مرکز و مقام، مسکن؛ اساس و
بنیاد. ۳۷۷۲:۳، ۱۸۵۰:۵

بَنُم: در ترکی غربی، ضمیر شخصی مفرد متکلم و
اول شخص است. در ترکی امروز، آن را بَنِم

بُوَالْهَرَب: گریزان. ۱۴۵۳:۴
 بُوَيْطَر: سرمست، مغرور، «بُو» مخفف ابو
 (= پدر) در اینگونه مواضع به معنی صاحب
 و دارنده است. ۲۴۹۹:۶
 بویی: احساس بو. ۲۸۲۵:۶
 بوریا: حصیر. ۲۷۹۲:۵
 بوزینه طبع: مانند بوزینه، زیرا که بوزینه اعمال
 آدمی را تقلید می‌کند. ۲۸۱:۱
 بُوسُئِل: آگاه از جمیع راه‌ها، راه‌دان. «بُو» مخفف
 أَبُو و سُئِل جمع سبیل است. ۲۸۰۳:۳
 بَوش: توانایی، قدرت، کَر و قَر، خودنمایی،
 شکوه و جلال. ۱۱۰۴:۱، ۳۷۱۷:۱
 ۱۲۷۹:۴، ۱۲:۴، ۴۶۵۰:۳
 بُوْغ زَقَتْ: بقیچه بزرگ، فوطه و لنگ حمام.
 ۳۰۹:۶
 بُوقُحْط: کسی که دچار قحطی شده است. ۷۸:۵
 بوک: بوک، از ادات شک و تمنّی، مخفف
 «بودکه» به معنی شاید، مگر. ۳۱۵:۱
 ۴۱۷۶:۶، ۵۳۶:۶، ۳۲۶۹:۳، ۹۶۰:۱
 بُوک: امید، کاش. ۳۵۲۷:۵
 بَـوْل: ادرار. ۱۰۸۲:۱، ۳۴۰۹:۲، ۱۶۳۲:۴
 ۲۸۷۹:۵، ۲۳۷:۵
 بُوم: باشم. فعل اول شخص مضارع از مصدر
 «بودن»: بُوی: باشی. ۶۴۶:۵، ۲۳۶۸:۴
 بُومَرَّة: آبومَرَّة، کنیه ابلیس است، زیرا شجره
 وجود او میوه‌های تلخ، فراوان می‌دهد.
 ۶۷۵:۳
 بُومی: منسوب به بُوم (= جغد) به معنی
 بدشگونی و ناخجستگی. ۱۹۴۵:۴
 بَها: مخفف بَها، به معنی روشنی و درخشش.
 ۳۷۱۴:۴
 بَهاران: هنگام بهار. ۱۵۹۶:۴
 بهاریات: منسوب به بهار که عبارت از موسم
 گل باشد. این کلمه، ترکیبی است از بهار +
 یای نسبت + الف و تاء، علامت جمع مؤنث

تلفظ می‌کنند و آن، ترکیبی است از بن + م
 که ضمیر منفصل متلکم من و ضمیر متصل
 متکلم (م) است. ۳۶۸۳:۲
 بنمودنی: با یای نکره و وحدت به معنی جلوه‌ای
 از تجلّی حق. ۳۱۹۰:۶
 بَنُوش: مخفف بَنُوش، فعل امر از نبوشیدن به
 معنی گوش کردن، شنیدن. ۸۶۴:۳
 بَسُون: پسران، فرزندان، جمع این. ۶۷۴:۶،
 ۳۹۷۵:۶
 بُنِیت: اساس، بنیاد. باکسره «ب» نیز صحیح
 است. ۹۷۰:۲
 بُو: در تعبیرات مولانا، مطلق اثر است، خواه
 رایحه یا چیز دیگر؛ بوگزیدن: استدلال به
 آثار و پی بردن از اثر به مؤثر که روش
 حکما و متکلمین و بدایت کار صوفی است.
 ۱۷۷۰:۱
 بُو: شاید. ۲۵۹۰:۵
 بَوَالْحَزَن: اندوهگین، مایه حزن و اندوه.
 ۲۳۴۲:۱، ۱۳۳۳:۱
 بُوَالْحَكَم: ابوالحکم (= پدر حکمت‌ها و علم‌ها)،
 کنیه اصلی ابوجهل عمرو بن هشام است. اما
 چون علم او موجب فلاح او نگشت کنیه‌اش
 به ابوجهل تغییر یافت. ۲۵۰۴:۶
 بُوَالْعَجَب: هرچیز شگفت‌زا. ۱۵۰۶:۱
 بُوَالْعَلَا: مخفف ابوالعلاء به معنی صاحب علو و
 بلندی و مرتبه رفیع. ۳۹۱:۶، ۲۷۶۴:۶
 بُوَالْفُضُول: کسی که دارای فضیلت‌ها باشد. مثل
 ابوالفضل و ابوالفضائل؛ نادانی که خود را دانا
 نماید، کنایه از یاهوگو، فضول، کسی که به
 کارهای غیر ضروری می‌پردازد. ۱۳۷:۱
 ۴۹۱:۴، ۲۰۲۶:۲، ۳۲۳۱:۱
 بُوَالْكَرَم: صاحب کرم، بخشنده، جوانمرد.
 ۲۳۷۹:۳
 بُوَالْوَحُوش: پدر جانوران صحرایی، لقب
 گورخر، امیر وحشیان. ۹۱۰:۵

بی جگر: بی خون جگر، بی غصه و اندوه. ۹۹۵:۱
بی حاصل: تعلیم و تربیت نایافته و عاری از
کمال. ۵۶۲:۱

بی حفاظی: گستاخی، بی شرمی. ۴۷۸۸:۶
بی خاک پوش: ظاهر و آشکار. ۹۱:۵
بیخ آور: ریشه دار، درخت، پا برجا. ۲۰۸۲:۵
بیختن: چیزی را غریبال کردن. ۳۰۲۲:۴
بی خُردگی: در اینجا به معنی گستاخی است.
۳۱۳:۴

بی خویش رُو: صفت فاعلی مرکبِ مرخم، یعنی
بی خویش رونده، کسی که در سلوک، انانیت
و هستی خود را در حق مستهلک کرده و در
دستان خداوند است. ۲۱:۴
بید: نوعی درخت بی میوه و سایه دار که انواعی
دارد. ۳۵۸۵:۵

بیداد جا: جای ستمکاری. ۸۲۹:۳
بیدَر: خرمن گندم، زمین خرمنکوبی. ۳۰۲۳:۴
بیدَق: مُهره پیاده در شطرنج. ۵۳۵:۳
بیدل: بی دل، آزرده، دلتنگ، عاشق، ترسو؛
مجازاً بی صبر، بی قرار، مفلس و بیچاره.
۵۶۲:۱، ۲۳۵۴:۱، ۲۷۳۵:۴، ۲۴۶۷:۶
بیدَقی: بیدَق، مُهره پیاده در شطرنج. ۳۳۵۲:۶
بیرنگی: بی رنگ بودن. کنایه از وحدت.
۳۴۷۶:۱

بی روزی: محروم، بی نصیب، مجازاً مفلس.
۱۷:۱

بیرون شو: اسم مرکب به معنی مَخْلَص، راه
نجات، گریزگاه، محل خروج. ۳۰۴۹:۶،
۴۴۰۸:۶

بی رها: همراهان. بی راه، کسی که راه را گم کند.
۲۴۸۶:۱

بیزار گُن و بیداز گُن: هر دو صفت فاعلی مرکب
مرخم است. به معنی بیزارکننده و بیدار
کننده. ۴۵۹۲:۶

بیست: مخفّف بایست، درنگ کن، صبر داشته

سالم عربی. ۲۰۶۲:۱
به جل کردن: حلال کردن. ۴۳۹:۲
به دستوری: به اذن و اجازه. ۵۲۹:۶
بَهْر: بهره، قسمت، نصیب. مجازاً کالا و اجناس
است، در بعضی ابیات به معنی خبر و پیغام
آمده است. ۱:۱، ۱۶۹۰:۶، ۴۲۸۳:۶

بهر شکار: برای شکار. ۳۷:۱
بِهشت: حرف تأکید و زینت به + فعل ماضی
هشت، از مصدر هِشْتَن به معنی ترک کردن،
فرو نهادن، رها کردن، گذاشتن. ۱۲۷۳:۲،
۳۱۴۷:۴، ۲۳۸۱:۵

به صد دل: با رغبت و شیفتگی کامل. ۳۷۴:۵
به طبع آوردن: بر سر حال و نشاط آوردن.
۳۹۳۴:۶

بِهَل: رها کن، ترک کن، واگذار، فعل امر از مصدرِ
هَلیدن. ۲:۲، ۸۵۷:۲، ۲۴۴۰:۲، ۳۳۲۹:۲، ۲:۳،
۳۲۶۱:۴، ۱۱۱:۵، ۴۹۵:۵، ۶۹۵:۶

بهمن: اسم ماه یازدهم از سال شمسی؛ نباتی
است که در ماه بهمن گُل کند و بیخش در
دواها به کار رود. در اینجا مراد زمستان و
فصل برف است. ۴۰:۲

به ناکام: ناخواسته، بی آنکه بخواهد. ۳۶۳۷:۶
بِهی: روشن، تابان، زیبا. با تشدید «ی». صفت
مشبهه عربی. اما بهی به معنی نیکویی، خوبی
و صَـحّت است. ۱:۱، ۱۶۸۲:۶، ۲۷۴۳:۶،
۲۸۹۱:۶

بهی: نیکویی، خوبی، صحت. «مرد بهی» یعنی
شخص نیک و صالح. ۲۷۴۳:۶

بِهیمه: چهارپا. ۱۵۷:۲
بی آبان: بی آبرویان. ۲۹۵۲:۶
بیاض: سفیدی. ۳۸۶۶:۳

بی آلتی: در مصراع اول باید با یای نکره خواند
و در مصراع دوم با یای مصدری. ۲۶۹۸:۱
بی بُن: بی نهایت و بی پایان. ۵۲۴:۱
بی پا: مجازاً بی مغز و بی ثبات. ۲۸۷۴:۱

۱۵:۲، ۳۲۹:۲
 بیگاه کردن: باز داشتن، معطل کردن. ۵۸۵:۳
 بی‌گره: بدون اشکال. ۱۸۶۳:۳
 بیم دین: نگرانی از عمل خلاف شرع. ۲۶۰۸:۱
 بی‌مَر: بی‌شمار، بی‌حساب. ۲۷۸۹:۵
 بیم‌سَر: خطر بر باد رفتن سر و کشته شدن.
 ۲۶۰۸:۱
 بیم‌سَر: ترس از اشتغال دل به امور دنیا و تباه
 شدن باطن. ۲۶۰۸:۱
 یَئِنْ آیدِ: جلو دست‌ها. کنایه از پیش‌رُو و
 مقابل شخص. ۷۵۳:۵
 یَئِنْ یَئِن: میانه نیک و بد و میانه کوتاه و بلند و
 میانه سخت و نرم، میانه سبک و سنگین و
 متردد شدن میان دو چیز. ۲۱۹۱:۳
 ۱۶۹۰:۵
 بینش‌وری: بصیرت، بینش. ۴۴۱:۵
 بینی زدن: تکبر کردن، ناز و فخر نمودن،
 بی‌اعتنایی کردن و نیز به معنی انکار کردن
 آمده است. ۳۳۸۹:۴، ۹۴۴:۱
 بینی کردن: تکبر کردن، مغرور شدن. ۳۲۵۷:۱
 بی‌ورود: ناشایست. بعضی نوشته‌اند: ناآگاه.
 ۱۲۷۷:۶
 بُیوع: جمع بیع به معنی داد و ستد. ۳۵۴۳:۶
 بی‌وقوف: بی‌توقف. برخی آن را «ناآگاهانه»
 معنی کرده‌اند که وجهی ندارد. ۱۲۵:۳
 پا بست شدن: مقید شدن. ۱۷۳:۲
 پا بگش: صاحب برهان قاطع پای فرو کشیدن
 را کنایه از ماندن و توقف کردن دانسته است.
 بنابر این «پاکشیدن در کشتی» یعنی سوار
 شدن در کشتی و ماندن و خارج نشدن از
 آن است. ۵۵۷:۴
 پاتابه: پاپیج، پاپوش، کفش. ۱۷۳۰:۲
 پاچیله: کفش و پافزار، نوعی کفش که برای
 کوبیدن برف به پا کنند. ۱۷۶۸:۲
 پار: سال گذشته، پارسال، زمان قبل. ۹۴۰:۳

باش. فعل امر از مصدر ایستادن. برخی نیز
 بیست را همان عدد معروف (۲۰) گرفته‌اند و
 بکار گرفته شدن این عدد را در بعضی ابیات
 برای نشان دادن کثرت دانسته‌اند. ۲۴۷۹:۱
 ۱۴۱۱:۲، ۸۳۰:۳، ۱۵۹۳:۳، ۱۰۱۰:۴
 ۳۶۸:۵، ۳۱۰۹:۵، ۱۲۸۶:۶
 بیستم: مخففِ بایستم، توقف کنم. «حیران
 بیستم» مبهوت بمانم. ۱۳۸۴:۳، ۸۵۶:۵
 ۱۹۲۴:۵
 بیستند: مخففِ بایستند، یعنی زنده بمانند،
 فروزان باشند. ۴۴۹:۴
 بیست و چهار: شعب بیست و چهارگانه
 موسیقی است. ۲۱۹۴:۱
 بی‌سَر: بدون سر، مراد از آن، مقام فناء است که
 موجب اضمحلال جمیع رسوم و آثارِ «من»
 و «مای» می‌شود. ۲۹۸۰:۴
 بی‌سر و بی‌پا: کنایه از نامحدود و نامتعیّن.
 ۶۸۶:۱
 بی‌سُکُست: بی‌وقفه، ناگسستن. ۳۵۰۶:۳
 بش المهاد: بد جایگاهی است. ۳۶۲۰:۶
 بیش و کم کن: آنکه طبق غرض خود بر کلامی
 می‌افزاید و از آن می‌کاهد، تحریف‌کننده.
 ۱۱۹۸:۳
 بیض: جمع اَبَیض به معنی سپید. ۳۵۱۷:۱
 بَیْضه: تخم مرغ، تخم. ۲۴۸۲:۱، ۲۷۴۱:۵
 بَیْع: فروختن، خریدن، بیشتر به معنی فروختن
 استعمال شود. ۴۷۵۹:۶، ۲۵۴۸:۴
 بی‌فُتور: بدون سستی و خلل. ۵۰۰:۴
 بی‌کلال: بدون خستگی. ۲۷۸۰:۶
 بیگانه آندریم: در حال انجام کار بیهوده هستیم.
 ۵۵۶:۴
 بیگانه رُو: بیگانه، ناشناس. ۸۳۲:۱
 بی‌گاه: بیگه، دیر، بی‌هنگام، شبانگاه. ۲۱۹۴:۱
 ۲۸۱۴:۱، ۱۹۸۴:۳، ۴۰۲:۵
 بیگاه شدن: شب شدن، به پایان رسیدن روز.

- پای کم آوردن: کم آمدن. ۱۹:۶
 پایگاه: درگاه، کفش کن، جای ستوران. ۳۲۴:۴
 پایمرد: خواهشگر، میانجی، واسطه، مددکار، خدمتکار، وکیل. ۴۳۵:۳، ۳۸۶:۲
 پایندان: ضامن و کفیل، کفش کن و صفّینعال. برخی از لغت شناسان عقیده دارند که پایندان درست نیست بلکه پایندان صحیح است. ۴۰۴۵:۳
 پخته خوار: آماده خوار، کنایه از کسی که بی هیچ زحمتی طعام آماده‌ای را می‌خورد، گدا. ۳۷۳۶:۱
 پَخْسیده: گداخته، پژمرده. بخشیدن نیز به همین معناست. ۳۵۴۵:۳
 پَدْفُوز: نوزاد و کودک شیرخوار؛ لب و دهان. «خوش پدفوز» به معنی شیرین کام است. ۹۳۹:۶، ۴۶:۳
 پَر: بال پرنده، رویوش متشکل از قطعات ریز بدن پرندگان. ۲۱۹۱:۵
 پرافشاندن: کاری قوی کردن، تمام قوت فکر خود در کاری صرف کردن، آثار گمراهی و تن‌پرستی را مانند پره‌ای فاسد و فرسوده پرندگان از خود ریختن، عادات بد خود را از بین بردن. ۱۲۶۶:۲
 پراکنده گفتن: حرف‌های بی ربط، سخنان گسیخته زدن که از اذهان پریشان به ظهور آید. ۱۸۱۵:۱
 پُر باد بودن ریش: کنایه از غرور و خودبینی. ۲۷۱۵:۱
 پُر چشم: قانع. ۲۸۹۸:۳
 پَزْجَم: درفش، دُم گاو کوهی، کاکُل و زلف «پَزْجَم مُرده گندن» کنایه از ضعیف‌کشی و تعذّی به زیردست و زبون است. ۳۴۴:۲
 ۴۵۵۲:۳
 پَرده دار: دربان، کسی که در قدیم مراقب رفت و آمد اشخاص به حضور پادشاه بود. ۷۸۲:۴
- ۸۳۰:۵، ۸۰۹:۵
 پاره خوار: رشوه گیرنده. ۱۵۹:۳
 پاره‌زنی: پینه دوزی، وصله زنی. ۱۷۶۶:۳
 پارین: پارسال. پارینه. ۴۴۶۱:۶
 پاس داشتن: حرمت نگاه داشتن. ۳۰۳۱:۱
 پاک باز: پاک و خالص بیاز. باز فعل امر است. «پاک باز» را نباید صفت ترکیبی فرض کرد. ۴۷۳:۵
 پاک جیب: پاک دامن، عقیف، معصوم، پارسا. ۲۴۴۲:۴، ۳۷۰۸:۳، ۲۰۳۳:۱
 پالان شِکل: به شکل پالان. «پالان» پوششی است که آن را از کاه پُر می‌کنند و بر روی ستور می‌نهند تا کمر حیوان زخمی نشود. ۲۱۴:۶
 پالْدُم: دوالی پهن و پاره‌ای چرمین که دو سر آن را بر زین اسب یا پالان ستور دوزند و به زیر دُم در اندازند. ۲۰۷۵:۱
 پالْهَنگ: ریسمانی که بر یک جانب لگام اسب و الاغ بَندند. ۲۳۵:۲
 پالیز: باغ، بوستان، گلستان، کشتزار، زمینی که در آن خیار، خربزه، هندوانه و امثال آن کاشته شود. ۳۱۱۴:۶، ۲۳۵۰:۵
 پامُرد: حَقّ الْقَدَم، مزدی که از زحمت پا به دست آید، اجرت قاصد، مزدی که به پزشک دهند برای عیادت بیمار. مجازاً به معنی مزدگانی. ۱۱۶۰:۶، ۵۹۲:۲
 پا و دست: کنایه از وسیله و ابزار. ۲۱۳:۳
 پایان: در اینجا به معنی پای و پایه. ۴۳۹۹:۶
 پای چوبین: چوبی به شکل مخروط که پس از بریدن پای کسی آن را در قاعده آن مخروط قرار می‌دادند و رأس آن بر زمین کشیده می‌شد. ۲۱۲۸:۱
 پای عَلم: کنایه از محلّ اجتماع است، زیرا وقتی پرچم افراشته می‌شود همه قشون زیر آن گرد می‌آیند. ۲۳۳۱:۶

پَرده سازی: ساختن پرده، ساختن پرده نمایش.
 در اینجا منظور آفرینش جهان است. گویی
 که جهان همچون پرده ای نمایشی است که
 ساخته شده است. لفظ «پرده سازی» نباید
 ما را به این توهم گرفتار کند که شاید مراد
 بیان اولیای مستور است. ۲۸۸۳:۶
 پَرده شکاف: صفت فاعلی مرکب مرخم به معنی
 شکافنده پرده و حجاب. ۳۲۳۰:۴
 پُرْفَن: حاج ملاهادی سبزواری «پُرْفَن» را آکنده
 از اقسام درد و غم معنی کرده است. ۴۸۵:۳
 پُر قندَلَب: آنکه لبی بس شیرین دارد. کنایه از
 نقالی که با زبانی شیرین و بیانی دلنشین
 داستان نقل می کند. ۱۶۵۱:۶
 پُر مایه: خردمند، فرزانه، دانشمند. ۶۸:۱
 پُر مذاق: خوش چاشنی و بامزه؛ مجازاً مطلوب
 و موافق طبع. ۱۸۴۵:۱
 پَر نَهادن: خفض جناح، اظهار فروتنی. ۱۶۳۱:۶
 پَرِوا: توجه، التفات. ۱۳۱۵:۵، ۳۱:۱
 پَرِوا داشتن: در اندیشه کاری بودن، التفات.
 ۷۹۹:۱
 پروانه ران: صفت مرکب فاعلی مرخم است.
 یعنی کسی که پروانه ها را می راند. ۲۸۵۶:۲
 پروانه نسیان: اضافه تشبیهی است. یعنی
 فراموشی و نسیانی که مانند پروانه دائماً در
 حال رفت و آمد است. ۲۸۷۸:۳
 پرویزن: غربال، الک. ۵۰۹:۶، ۳۷۸۳:۵
 پروین گسِل: پراکنده، مانند ستاره پروین،
 پراکنده شده. ۳۹۹۲:۱
 پَرّه: برگ کاه، پره و چرخ آسیاب و دولاب. کنار
 و حاشیه، برگ درخت سپیدار و هر درخت
 بی باری مانند آن. ۱۷۷۸:۲، ۱۹۰۲:۳
 پَری: نوعی از زنان جن که خوشرو باشند.
 ۱۳۵۹:۱
 پَریر: یریروز، دو روز پیش. ۳۷۵۵:۳، ۳۱۱۷:۶
 پَرزش: اسم مصدر یا مصدر شینی از یختن. اما در

اینجا معنی وصفی دارد، به معنی مطبوع و
 پخته شده. ۴۰۲۹:۶
 پَرُولاندن: رنجاندن، معذب کردن. ۳۵۵۴:۶
 پَرُولیده: اسم مفعول به معنی پژمرده و افسرده.
 ۲۱۹۹:۵
 پَشت بنشین: آسوده بنشین، راحت بنشین، در
 اینجا یعنی عقب تر بنشین. ۲۱۴۶:۴
 پَست پَست: آهسته، آهسته. ۴۱۱:۵
 پَست گفتن: آهسته حرف زدن. ۴۰۰۷:۶
 پسِیج: همان بسیج به معنی سامان، آمادگی.
 ۲۹۶۳:۳
 پُشت: یاری، حمایت، پناه دهی. ۱۳۰۳:۱
 پُشت دار: حامی، پشتیبان، توکل کننده، متوکل.
 ۸۰۳:۶، ۲۰۳۶:۴
 پُشته: تپه و تلّ. ۷۰۳:۱
 پُشتی: حامی، پشت و پناه. ۹۸۵:۱
 پُشک: پشکل، سرگین و مدفوع گوسفند و بُز و
 امثال آنها. پشک نیز به همین معنی است.
 ۲۱۴:۲، ۲۹۶:۴، ۳۱۴۲:۴، ۳۴۶۵:۴
 ۲۴۷۱:۵، ۹۰۹:۵
 پشه گیر شدن: سخت ناتوان شدن. ۲۰۷۴:۱
 پُغو: بُف. ۲۰۸۲:۶
 پَگه: مخفّف پگاه به معنی صبح زود، بهنگام،
 زود. ۱۵۰۷:۵
 پَلاس: پَلاس، گلیم، فرش که از پشم به
 رنگ های مختلف می بافند. جامه پشمین
 خشن که درآویش می پوشند. ۱۰۳۹:۳،
 ۳۵۱۷:۶، ۳۹۷۳:۶
 پَلّیته: پنبه پالته تاب داده را گویند و معرّب آن
 فتیله است. ۱۲۵۵:۳
 پَنّاغ: تار ابریشم، ریسمن نازک، پَنّاغ نیز به
 همین معنی است. ۲۶۲۰:۳
 پنبه در گوش کردن: کنایه از بستن گوش و ترک
 شنیدن. ۵۶۶:۱
 پنجه زدن: ستیز کردن، درافتادن. ۵۲۱:۱

۹۷۶:۱

پندتوز: ناصح، نصیحت کننده. ۳۷۰۳:۶
 پَنگان زدن: عمل زدن بر روی مس. پنگان به
 معنی طاس و کاسه مسین است. ۲۴۵۳:۱
 پنهان‌پری: مصدر مرکب است. در اصل بوده
 است «پنهان پَردن» به معنی پریدن مخفیانه
 و پنهانی است. ۲۹۷۴:۶

۲۲۳۳:۴

پوره: پور، پسر. ۳۴۰۲:۱
 پُوز: گرداگرد دهان، لب. ۱۳۷۲:۱، ۶۰۰:۳
 پُوزبند: دهان بند حیواناتی که گاز می‌گیرند.
 ۱۰۱۴:۱

پوستین دوزی: شغل پوستین دوز، وصله زدن
 بر پوستین، در اینجا کنایه از اغماض و
 چشم‌پوشی از گناه. ۲۳۰۷:۵
 پوستین گردانیدن: کنایه از تغییر وضع و دگرگون
 کردن حال. ۴۶۷۸:۶
 پویا: پوینده، راه رونده. ۹۲۳:۱
 پُویان: صفت فاعلی به معنی رونده و دونده.
 ۱۷۹۷:۵

پهن اندر افتادن: مغلوب شدن. ۴۴۹:۵
 پیچاپیچ: بیجدار، مشوش، مجازاً به معنی
 پریشانی، درد. ۳۴۹۷:۲، ۳۹۹۵:۳
 پیچانی: اعتراض، شک و تردید. ۳۲۸۵:۱
 پیچ پیچ: تو در تو، پریچ و خم، گرفتار،
 گرفتاری و مشغله. خم در خم و سخت
 پیچیده، پریشانی و اضطراب. منظور اشتغال
 به گرفتاری‌های دنیوی است. ۲۲۷۸:۱،
 ۴۵۸۷:۳، ۴۴۹۸:۳، ۲۸۸۰:۳، ۲۱۸۵:۳

پیرایه: زینت، آرایش. ۶۷۲:۵
 پیرخر: خریدار و طالب پیر و مرشد. (صفت
 فاعلی مرکب). ۲۵۶۸:۱
 پیرخر: خر پیر و سالمند. (صفت و موصوف
 مقلوب) ۲۵۶۸:۱

پیر زال: پیر سفید مو، پیر فرتوت. ۷۹:۲
 پیر گردون: شخصی که با گذر روزگار پیر و
 سالمند شده باشد، پیر تقویمی. ۴۱۲۱:۶
 پیرو: مصغر پیر، یعنی پیر کوچک، اسم تصغیر یا
 برای تحقیر است یا تحبیب. ۲۱۶۹:۱
 پیروز روز: کامیاب و نیکبخت. صفت مرکب.
 ۱۳۸۸:۶

پیری: با یای مصدری به معنی پیر بودن و تجربه
 داشتن است. با یای نسبت نیز جایز است.
 ۲۱۶۲:۴

پیس: لکه‌های سفیدی که بر پوست افتد. آنرا به
 عربی برص گویند، که نوعی بیماری پوستی
 است. در اینجا مخلوطی از سیاه و سفید
 است. ۱۸۶۸:۶

پیسه: هر رنگی با رنگی دیگر آمیخته باشد.
 ۱۳۴۵:۲

پیشانها: پیش، جلو، آغاز، ازل. ۱۶۸۴:۱
 پیش‌توست: در پیش رو داری، در آینده دچار
 آن خواهی شد. ۳۱۷۰:۳
 پیش در شدن: جلو افتادن، پیشاپیش رفتن.
 ۱۱۸۱:۱

پیش‌دست: قبلاً، پیش از این. ۱۲۱۴:۴
 پیشی: در این بیت به معنی سبقت در کمال‌یابی
 و عشق حق است. ۱۹۵۶:۳
 پیک: قاصد، چاپار، کسی که خبر می‌رساند.
 ۱۲۹۴:۵

پی کردن: تعجب کردن، دنبال کسی افتادن.
 مجازاً طلب کردن و خواندن. ۹۱:۲
 پیک کار: قاصد کار آزموده، قاصد فعال و
 کاری. ۱۱۶۰:۳

پیله: پلک چشم. «پیلَه چشم برهم زدن» کنایه از
 بیدار بودن است. ۵۳۷:۴
 پیله بابا: صاحب‌المنهج القوی، آن را اجداد و
 اجداد اجداد معنی کرده است. ۳۳۴:۳
 پیمودن: اندازه گرفتن. ۱۶۸۹:۶

تایب: تائب، اسم فاعل به معنی توبه کننده.
۳۲۶۷:۴

تایق: مشتاق. صفتی از فعل تاقَ یُتَوَّقُ تَوَقَّأً (= اشتیاق پیدا کردن) طبق قاعده صرف عربی «تائق» است، ولی فارسیان همزه را به «ی» مشکول کنند. ۲۴۵۶:۵

تَبَاب: هلاکت، زیانکاری، تباهی. ۳۲۱۶:۵
تَبَار: اصل، نژاد، دودمان، نسب. ۳۹۸۳:۱، ۲۶۵:۶

تَبَخُّر: به خود بالیدن، سرمستی. ۲۹۶:۶
تَبَرَّأ: دوری جُستن، بیزاری جُستن، مصدر باب تَفَعَّل، در اصل، تَبَرَّی با یای ماقبل مکسور است که فارسیان، یا را منقلب به الف می‌کنند. ۲۵۶۴:۴

تَبِش: گرمی، حرارت. ۳۵۴۶:۳، ۵۰۲:۴
تَبَصَّرَت: بینش، تأمل، بینایی. ۲۳۸۰:۲
تُبَصِّرُون: می‌بینید. مضارع جمع مذکر حاضر از باب افعال. ۳۲۹۷:۵

تَبِع: پیرو، تابع، تبعیت: جمع: أَتْبَاع و اگر جمع تابع باشد به معنی پیروان است. «آید در تبع» یعنی به دنبال بیاید. ۴۵۹:۱، ۳۱۴۱:۴، ۴۷۶۵:۶، ۲۱۹۸:۶

تَبْغِیض: دشمنی ایجاد کردن میان دو کس، انگیزختن بغض و نفرت. ۳۶۶۰:۶
تُبْنَا: توبه کردیم. فعل ماضی متکلم مع الغیر از تابَ، یَتُوبُ. ۷۶۹:۵

تَبْرَاک: طبلی کوچک که کشاورزان برای راندن جانوران از مزرعه می‌زنند. ۴۰۹۷:۳
تَتَّق: چادر، پرده بزرگ، سرپرده. ۳۴۲۲:۱، ۳۵۷۸:۳

تُتْمَاج: نوعی آش که از آرد می‌پختند. مجازاً طعمه، مطلق غذا، غذای اندک و ناچیز است. ۳۲۴:۲، ۲۶۳۲:۴، ۲۹۴۴:۵، ۱۶۶۳:۶، ۱۹۰۲:۶

تتمه: تمامی چیز، بقیه و آخر هر چیز، مانده از

یَتَوَنَدی: اسم مصدر است از پیوند به معنی پیوسته و خویشاوند. پیوند به معنی پیوستگی و خویشاوندی نیز آمده است. ۱۲۰۵:۱

تا: در اینجا معنی زنهار و هشدار دارد. ۱۲۷۰:۴
تا: میر نورالله شارح مثنوی می‌نویسد که تایی کاغذ در محاوره قدما به معنی کتاب مرتب آمده. ۴۴۴۱:۳

تاب: تابش، فروغ و روشنی: نیز فعل امر حاضر از مصدر «تاییدن». ۵۴۳:۱، ۲۲۵۵:۱، ۱۳۸:۵

تابه: ماهی تابه، ظرفی پهن و مدور مخصوص سرخ کردن طعام. ۲۲۸۱:۴، ۳۴۹۵:۶
تَأْیید: جاوید کردن، جاودانه ساختن. ۴۵:۵
تاج‌دار: سردار، بالای دار، لایق دار. ۴۱۶:۵
تاجیک: مسلمانان اعم از عرب و ایرانی. ۲۱۰۹:۱

تا رگم جنبان بود: تا وقتی که جان در بدن دارم. ۶۶۸:۵
تاسه: اندوه و دلتنگی، اضطراب. ۹۹۹:۲، ۳۵۹۷:۳

تاسه‌گیر: خفقان آور، مجازاً چیزی که پریشانی و بی‌قراری آورد. ۱۸۰:۱

تاسیه: پریشانی، اندوه، اضطراب. در اینجا بیتابی. ۸۴:۲

تافته: تابیده. ۱۳۲۰:۱
تاک: درخت انگور. ۲۰۵۴:۱

تالی: از پی آینده، کسی و چیزی که بعد بیاید، بعدی، تابع، پیرو، اسم فاعل از مصدر تَلَوَّ. ۲۸۸۹:۴

تَأَمَّ: می‌توانم. ۲۹۱۷:۵
تَأَنَّى: درنگ کردن، آهستگی، تأخیر کردن. ۳۸۱۶:۵، ۵۸:۵

تَأویل: بیان مفاد کلام برخلاف ظاهر آن. ۳۱۲۵:۵

شرط «إِنْ» آمده معنی مضارع می‌دهد.
۲۹۵:۵

تحویل: برگردانیدن، از جایی به جایی رفتن.
۲۶۶۷:۱

تَحْوِيل: جابه‌جا کردن، «تحویل گام» یعنی جابه‌جا کردن پا. خلاصه یعنی راه رفتن و دویدن.
۳۶۷۴:۶

تَحِيَّات: جمع تَحِيَّة، مصدر باب تفعیل، معمولاً تَحِيَّة را سلام معنی کرده‌اند، اما تَحِيَّة اعم از سلام است و از ماده حیات، یعنی حیات و بقا بر تو باد.
۲۱۲۲:۳

تَخْتَه بُنْد: محبوس، زندانی، گرفتار در بند. «تخته بند شدن» یعنی بسته شدن. معنی دیگر «تخته بند» پارچه‌ای است که در شکسته بندی روی چند تخته وصل می‌کنند و تخته را به دست و پای شکسته می‌بندند تا استخوان‌ها جابه‌جا نشود؛ نیز دو تخته‌ای را گویند که کسی را در میان آن می‌نهادند تا نتواند تکان بخورد و سپس با اره دوباره‌اش کردند. تخته بندان: اسیران.
۴۷۲۱:۳، ۴۱۵:۵، ۶۶۱:۴

تَخْرِيج: بیرون آوردن، در معماری قدیم به ایوان، بالاخانه‌ها و شاه نشین‌ها تخریج می‌گفتند. و «شاه‌نشین» به قسمتی از اتاق‌های بزرگ می‌گفتند که سطح آن بالاتر از قسمت‌های دیگر بود و بزرگان بر آن می‌نشستند.
۳۵۰۹:۶

تَخْرِيق: دروغ‌گویی، پاره کردن، دریدن. مصدر ثلاثی مجرد آن خَرَق است. مجازاً مکر و حيله.
۸:۵، ۳۴۶۴:۶

تَخْلِيْط: هذیان گفتن. درهم آمیختن، مجازاً خرابی و تباهی. چنانکه عرب گوید: خَلَطَ فِي الْكَلَامِ، یعنی سخنان پریشان گفت. تَخْلِيْطُ جَوْ: دروغ‌گو، جوابای دروغ و سخنان باطل و درهم و برهم.
۱۲۱۹:۲

هر چیز، دنباله و ضمیمه. ۳۰۰۴:۵
تَجَافِي: قرار نداشتن درجا، دور شدن. از ریشه «ج ف و». این کلمه فقط یک بار آن هم به صورت فعل مضارع در قرآن کریم (سوره سجده، آیه ۱۶) آمده است. ۳۰۸۳:۴، ۲۴۴۷:۵

تَجَانَس: هم جنس بودن. ۲۸۱:۲
تَجَاوِيف: جمع تجويف به معنی خالی کردن، جوف، کاواک، مُغَارَه. مجازاً لایه‌های جَوّ. ۲۳۰:۶

تَجَبُّر: گردن کشی، نافرمانی. ۴۸۴۶:۶
تَجَشُّم: رنج کشیدن، با مشقّت کاری انجام دادن. ۱۱۶۵:۶

تَجَشُّش: بازی و عشق ورزیدن به کسی، اظهار لطف کردن. ۱۱۰۸:۶، ۳۷۷۱:۴
تَجَنُّس: جناس از صنایع بدیعی است و عبارت است از اتفاق دو کلمه در حروف و اختلاف در معنی، و اقسام آن بسیار است. ۱۴۹۴:۳
تَجَوُّع: گرسنگی. ۷۲:۳، ۲۵۷۳:۵

تَحْتَ الثَّرَى: زیرزمین. «ثری» را در اینجا به ضرورت قافیه باید «ثری» خواند. ۲۱۹۱:۵
تَحَزَّى: جستجو برای کشف حق و حقیقت، طلب صواب، جستجو. برگرفته از حَزَى (= شایسته). ۲۲۸۵:۱، ۳۴۰۴:۱، ۳۸۰۷:۱

۴۱۳۶:۶، ۲۶۰۷:۶، ۳۲۹:۵، ۲۲۷:۵
تَخْرِیض: برانگیختن، تحریک کردن. ۳۱۱۲:۵، ۳۶۶۰:۶

تَخْشِير: جمع کردن اموال بسیار، تنگ گرفتن و کم کردن نفقه بر اهل و فرزندان و دیگران. خست و تنگ‌چشمی. ۲۷۹۱:۵، ۱۶۹۱:۶، ۱۷۳۴:۶

تحلیل نماز: سلام نماز که موجب پایان یافتن نماز می‌شود و از آن پس امور جاریه بر نمازگزار حلال می‌شود. ۲۹۸۶:۵
تَحَمَّلْتُ: تحمل کردی. در اینجا چون با حرف

۱۸۷۸:۵، ۱۹۰۹:۵، ۴۳۷۰:۶

تُخْم صَرْع: تخمی که اگر با دانه گندم، آسیا شود و با آرد آن نان پخته گردد، طعم آن را بسیار تلخ و ناگوار می‌کند و موجب سرگیجه می‌شود. ۲۱۵۰:۱

تُخْمه: یا «تُخْمه» به معنی ناگواریدن طعام، پیر شدن معده و هضم نشدن غذا توأم با اسهال و استفراغ. اطبای قدیم به آن هیضه هم گفته‌اند. ۲۷۲۹:۲، ۲۲۲:۳، ۲۶۶۵:۳، ۱۹۹:۴

تخمین: برآورد کردن، وزن یا بهای چیزی را از روی حدس و گمان معین کردن. ۱۴۸۲:۵
تخیل: خیال کردن، خیال‌آرایی، کسی را به خیال افکندن، انگیزتنِ خیال، خیالبافی، گاه معادل خیال است. مصدر باب تفعیل.
تخیلات: خیالات. تخیلی: آدم خیالاتی.
۵۴۵:۱، ۳۸۰۶:۱، ۳۵۵۷:۴، ۳۷۰:۵، ۵۷۳:۵، ۲۶۴۰:۵، ۱۳۳۰:۶

تدریج آوری: اندک اندک کاری را انجام دادن. نیز منظور، قدم به قدم به سوی کمال مطلوب رفتنِ سالک. ۱۲۰۹:۶

تذکیر: مطلبی را به یاد کسی آوردن. ۱۶۷۵:۱
تُرَاب: خاک. ۹۲:۶

تَرَاْجُع: بازگشت. ۳۷۲۵:۳
تُرُید: ریشه گیاهی است صمغ دار و مانند نی، وزنی سبک دارد و در حوالی خراسان و هندوستان می‌روید. طبیعت گرم و خشک دارد و به عنوان مسهل بلغم از آن استفاده می‌شود. مولانا آنرا به عنوان مثالی از سبکی و ناچیزی آورده است، زیرا ریشه این گیاه توخالی و مجوف است. ۳۷۹۷:۴
تربیه: پرورش دادن، اینجا به معنی مُربّی: تربیت شده و پرورش یافته. ۲۵۸۸:۵

تَرْجُمَان: معرب ترزبان یا ترزقان است. به معنی کسی که زبان کسی را به دیگری بفهماند،

مترجم. ۹۸:۱، ۴۵۵۵:۶

تَرْحَال: مصدر ثلاثی مجرد از «رَحَلَ يَرْحُلُ» به معنی کوچیدن است. مجازاً مراد، کوچیدن از دنیا است. ۹۴۵:۴، ۵۸۷:۶

تَرْحِيب: خوشامدگویی. ۱۶۸۳:۶
تَرْدَد: دودلی، مُردد بودن، تردید داشتن، شک. ۱۴۵۶:۱، ۴۸۸:۳، ۱۶۲:۵، ۲۱۱:۶، ۴۰۸:۶
ترسا: نصرانی، ترسنده، عیسوی، پیرو حضرت مسیح(ع). ۳۶۳:۱، ۷۰۳:۱

تُرْشُ با: آش ترشی که با سرکه یا سماق و یا آب لیمو و نارنج و یا آلو می‌پزند. ۲۴۰۹:۱

تَرْشُح: تراویدن. ۲۰۶۹:۱
تَرْفَع: بلندی جُستن، کنایه از غرور و تکبر. برتری نمودن، بلندی گرفتن و بالا شدن. خود را بزرگ دیدن. ۳۳۴۲:۲، ۲۷۶۵:۴، ۲۹۵۳:۵

تُرْک: اینجا به معنی جنگاور و مجاهد دلاور. ۳۶۱۳:۳

تُرْکُتاز: حاصل مصدر و مخفف تُرْکُتازی است. به معنی تُدَتازی. تاختن با شتاب و بی‌خبر. چنانکه رسم ترکان قدیم بوده است. ۱۴۷۹:۱

تُرْک جُوش: ترک‌ها در قدیم عادت داشتند که گوشت را نیم پخته بخورند، زیرا معتقد بودند که این نوع گوشت خواص بیشتری دارد. گوشت نیم خام. ۳۷۴۹:۳، ۱۷۷۶:۶

تُرْکُش: تیردان، جعبه‌ای که جنگاوران در آن تیر می‌نهادند و با خود حمل می‌کردند. ۴۲۰:۱
تُرْکی تاز: تاخت و تاز، چنانکه صفت ترکان قدیم بود. ۱۸۲۶:۱

تِرْمَذ: ترمذ، شهری بود در ماوراءالنهر قدیم نزدیک ساحل رود جیحون که امروزه جزو جمهوری تاجیکستان است. حکایات دلقک و سید ترمذ روایات عامیانه‌ای است درباره احوال بعضی فرمانروایان محلی ترمذ.

۲۳۳۳:۲، ۳۵۰۷:۵

تُرُنَج: تُرُنَج، بالنگ، میوه‌ای از نوع مرکبات با پوستی زبر و ضخیم که از آن مربّا و ترشی درست می‌کنند. ۹۴۴:۵، ۲۵۵۲:۵
تُرُنَج تَخْت: گوئی‌هایی است زرّین و سیمین برای زیب تخت شاهان و امیران. بوته‌های بزرگی را که بر چهار گوشه چادر و جامه‌های رویین نقش می‌کنند تُرُنَج گویند. ترنج نام میوه‌ای است مشهور از نارنج بزرگتر. ۱۰۰۱:۴

تُرُنَجیدن: کشیده شدن و کوفته شدن، چین در چهره افکندن، در اینجا منظور اخم کردن است؛ تُرُنَجیده: درهم کشیده شده، پُرچین و شکم شده؛ تُرُنَجیدی: فعل ماضی استمراری از مصدر تُرُنَجیدن که گاه مناسب معنی انجماد و افسردگی است. ۲۶۳۶:۴، ۹۴۴:۵، ۳۸۵۷:۵

تُرّه: یکی از سبزی‌های خوردنی که ساقه ندارد و برگهای آن، دراز و تاخورده است، به آن گندنا هم گفته‌اند، مجازاً هر چیز حقیر. ۲۷۱۹:۵، ۱۰۸۴:۵، ۲۵۹۳:۱

تُرّهات: راههای باریک که از جاده و شاهراه جدا و منشعب گردد، جمع تُرّهه. مجازاً سخنان پوچ و بی‌فایده، بی‌ارزش و بی‌اهمیت. ۲۳۱۶:۱، ۱۰۸۴:۵، ۴۰۶۱:۵، ۹۶۴:۶

تُرّهَب: پارسایی، روش رُهبانیت را اختیار کردن. ۳۲۲:۵، ۲۶۲۰:۶

تُرِیاق: دوائی است مرکب از اجزای مختلف که در معالجه زهرهای حیوانی و امراض سخت استعمال می‌کرده‌اند و یکی از اجزای آن، گوشت افمی است که به پاریسی تریاک گویند. ۱۲:۱

تُرِیاق لان: «لان» از کلماتی (پسوندهایی) است که به معنی جای انبوهی و بسیاری است.

مانند سار، زار، ستا. بنابر این تریاق لان یعنی جایی که پُر از پادزهر باشد. ۳۴۶۴:۲
تزین و تسویل: معنایی نزدیک به هم دارند چه تسویل به معنی این است که کاری ناپسند را در نظر کسی زیبا و جذّاب جلوه دهند. ۷۲۴:۳، ۲۸۵۸:۳

تَسْأَلُ: به نشیب آمدن، فرو شدن. ۴۵۰۹:۳
تَشْبِیب: سبب سازی، سبب ساختن. ۳۰۹۴:۴
تَسْخَرُ: مخفّف تَسْخَرُ (مصدر باب تفعّل) که فارسیان تشدید آن را حذف می‌کنند، استهزاء و مسخره کردن، هزل و مسخره. ۲۵۶۵:۱، ۹۱:۲، ۲۲۰:۴، ۲۲۴:۴، ۲۹۲۹:۵، ۱۸۰۸:۵

تَسْخَرُکُنَان: مسخره‌کنندگان. ۸۳:۴
تَسْلُس: سالوسی و مکاری، ریا کردن. ۲۱۴۸:۱، ۳۴۹۹:۵، ۲۴۴:۵

تَسْلِیم کیش: کسی که راه و روش تسلیم را برگزیده است. ۸۷۳:۴

تَسْنِیم: چشمه‌ای در بهشت. ۳۵۰۱:۶
تَسُو: به عربی طسوج گویند، حبه، حصّه کوچک. ناچیز، پشیز، چهارجو، قیراط، یک بخش از ۲۴ بخش شبانروز، ربع دانگ درهم یا دو حبه از درهم. در مثنوی غالباً به معنی چیز ناقابل و خُرد و حقیر و کوچک و گاهی هم به معنی پشیز و پول خرد و ناقابل. ۱۵۵۹:۶، ۲۰۸۱:۵، ۳۷۵۷:۳، ۶۵۰:۲

تَسْوِیل: آراستن زشتی، عمل بدی را خوب جلوه دادن، قریب دادن. چنانکه در آیه ۱۸ سوره یوسف آمده است... بَلْ سَوَّلَتْ لَکُمْ أَنْفُسُکُمْ أَمْراً... «... بلکه نفس اماره‌تان کار زشتی را در نظرتان آراست...». ۳۲۹۵:۳، ۲۶۲۴:۵

تَشاور: رای زنی، مشاوره، با یکدیگر مشورت کردن. ۲۶۱۲:۶

تَشْتِکِی: فعل مضارع مفرد مذکر حاضر. ۳۴۸:۵

تَعْرِف: شناختن، آشنایی. ۲۱۲۳:۶
تَعْرِيس: وقتی است که مسافر از اوّل شب تا آخر شب در راه باشد و در پایان شب در محلی برای خوابیدن و استراحت فرود آید.
۱۹۸۹:۱

تَغْرِيش: بنا ساختن از چوب، سایبان ساختن از چوب، داربست زدن برای انگور. در اینجا به معنی سایبان و بزم شاهانه است.
۳۷۸۴:۴

تَعَزِيت: تعزیه، عزاداری کردن و سوگواری.
۲۱۵۲:۵، ۱۸۸۸:۳، ۵۲۰:۱

تَعْلِيق: جزوه‌نویسی و یادداشت برداشتن، نوشتن، کتابت کردن. ۳۷۳۶:۶
تَعْوِيقِ کار: منظور بازداشتن و متوقف کردن کار آموزش و تعلیم است. ۱۵۲۳:۳

تَغَار: ظرفی سفالین و یا گلی که در آن ماست و یا خمیرنان می‌ریزند. ۱۰۶۹:۵، ۲۰۹:۳
تَغَاوُل: خود را به غفلت زدن. ۳۵۸۵:۴
۳۶۸۱:۶

تَف: گرمی و پرتو، گرم، با حرارت، تب، حرارت. ۳۶۴۸:۱، ۱۴۰:۵، ۲۵۱۷:۵
۳۸۵۲:۶، ۳۰۸۱:۶

تَفَانِي: یکدیگر را نابود کردن. مصدر باب تفاعل از فَنَاء. ۵۷:۶

تَفْت: گرم، سوزان، گرمی، حرارت، باحرارت، شتاب، شتابان، تند، تیز، حرارتی که ناشی از خشم باشد، آو سوزان. ۴۲۱:۱، ۱۲۵۲:۱، ۱۳۰۶:۱، ۲۵۴۲:۱، ۲۶۹:۴، ۱۷۵۱:۴، ۳۰۷۰:۴، ۱۲۹۹:۵، ۲۰۵۷:۵، ۲۳۲۱:۵، ۲۴۰۳:۵، ۲۶۸۷:۵، ۳۲۷۴:۵، ۳۵۱۲:۵، ۳۸۱۷:۵، ۱۷۹۱:۶، ۳۹۶۴:۶

تَفْتِيش: پُرس و جُو، واری، تحقیق. ۲۸۵۵:۶
تَفْتِيق: شکافتن. ۸۴۰:۳
تَفْحُص: جستجو کردن. ۳۷۵۰:۵
تَفْرُج: گردش. ۴۱۱۲:۶

تَشْرِيف دادن: تشریف در لغت به معنی بزرگ گردانیدن و بزرگ داشتن است، اما در آثار قدما به معنی خلعت دادن پادشاه به زیردستان نیز فراوان استعمال شده است.
۱۲۴۵:۳

تَشْنُج: در اینجا به معنی چین خوردگی پوست آمده است. ۱۲۲۴:۲

تَشْنِيع: بدگویی کردن، ناسزاگویی. معایب کسی را آشکار ساختن، سخنان زشت گفتن؛ تَشْنِيعُ زَن: ناسزاگو، بدگو، صفت فاعلی مرگب مرخم. ۴۱۳:۲، ۲۴۱۸:۳، ۳۱۴۴:۳، ۱۷۲۲:۴، ۱۹۳۵:۴، ۱۷۶۷:۶، ۲۱۴۰:۶

تَصَارِيف: جمع تصریف، به معنی گردانیدن و تبدیل است. ۲۵۹۸:۱

تَصْحِيف: خطا کردن در کتابت، قرائت چیزی برخلاف آنچه که کاتب، آن را اراده کرده است. تغییر دادن معنای کلمات با دست بردن در نقطه‌های حروف، مثلاً بوسه را به توشه تبدیل کنند. ۴۷۵۳:۳

تَصْرِيف: تغییر دادن، گردانیدن، تصرف کردن در چیزی؛ تصریف هوا: تغییر اوضاع جوّی. ۱۵۴۱:۵، ۹۸:۶، ۲۷۶۰:۶، ۳۶۷۶:۶

تَصَلَّف: مخفف تَصَلَّفَ، فعل ماضی باب تفاعل است. و مصدر آن تَصَلَّفَ است به معنی خودستایی و لاف زنی است. ۱۲۹:۱

تَعَال: بیا. بالا بیا؛ تعالی: آمدن توأم با عزم و فکر؛ تعالوا: بیایید. ۲۰۰۴:۴، ۱۶۶۹:۵، ۴۱۸۲:۵، ۱۸۴۶:۶

تَعَب: رنج، سختی، درماندگی. ۲۷۷۶:۱، ۳۶۵۵:۲، ۵۱۴:۶، ۱۹۰۹:۶

تَعْبِيزُ خوان: خوابگزار. ۳۰۹۸:۴
تعبیر وقت: گذراندن وقت. ۸۳۳:۶
تَغْبِيه: آراستن لشکر، مقدمه‌سازی، فراهم آوردن. ۱۲۳۳:۱

تَغْذِيب: شکنجه کردن، عذاب دادن. ۲۳۷۴:۵

تَکَلُّف: رنج بر خود نهادن، رنج بردن. ۱۹۰۷:۳
تَکَيِّف: کیفیت پذیری، کیفیت داشتن. ۷۶۰:۴
تَگ: ته، عمق، ژرفا، پایین. ۳۲۱۹:۱، ۳۳۳:۵، ۳۱۴۶:۶

تَگ: دویدن، تاخت. ۳۷۱۸:۴، ۵۱۰:۵
تَلَاَبَد: تراود. از مصدر تَلَاَبَدَن یا تَرَاویدن به
معنی ترشح کردن آب و شراب و غیره. ۴۰۴۱:۶

تَلَاَق: ملاقات، دیدار. ۳۲۷۷:۵
تَلْبِیس: حيله گری، پنهان کردن حقیقت، پنهان
کردن مکر خویش، نیرنگبازی. «با تلبیس
شدن»، مصدر مرکب است به معنی حيله گر
شُـدَن. ۱۲۹:۲، ۱۶۲۳:۲، ۱۲۷۴:۴، ۱۷۳۷:۴

تَلَطَّف: مهربانی، لطف کردن. ۳۷۴۳:۵
تَلَقَّى: ملاقات می‌کنی، برخورد می‌کنی. از لَقِيَ
يَلْقَى لِقَاءً. در اینجا تَلَقَّى به معنی تَصِلُ (=
می‌رسی) است. ۶۹۸:۴

تَلَوْن: رنگ به رنگ شدن. تغییر حال. ۶۳۰:۶
تَلْوِیم: مبالغه در نگوشت کردن. اینجا ممکن
است مجازاً به معنی تقصیر و گناه باشد. ۴۸۵۰:۶

تَلْوِین و تَمْکِین: را نباید با اصطلاح صوفیان به
نام تَلْوِین و تَمْکِین اشتباه گرفت؛ در اینجا
معنی لفظی مورد نظر است. ۳۲۷۰:۲
تَعَام: با تمام وجود، با اخلاص باطن و رسوم
ظاهر. ۷۲۱:۴

تَغْثَال: تصویر، صورت، شبیه. در اینجا مناسب
معنی تجلّی است. ۱۸۱۰:۶
تَمْسَاح: تیره‌ای از سوسماران آبی، بعضی
تمساح را مرادف نهنگ دانسته‌اند، در حالی
که نهنگ اسم عام است برای پستانداران
عظیم‌الجثه دریایی. جمع: تَمَسَاح. ۴۰۸۲:۶
تَمْکِین: پا برجا بودن، اطاعت کردن.
«بی‌تمکین» یعنی نافرمان و سرکش.

تَفْرِیح: رهایی از اندوه. ۱۲۱۰:۶
تَفْس: گرمی، حرارت. ۳۶۸۴:۴
تَفْسِیدَه: گرم شده. ۳۵۴۵:۳

تُفَا: پرهیز کردن، احتیاط کردن. در اصل به
صورتِ تُفَى می‌نویسند مصدر ثلاثی مجزّد
از ریشه «وق ی». ۳۷۳۰:۵

تَقَاضَاگَر: درخواست کننده، تقاضا کننده. «گر»
پسوند فاعلی است. هرگاه به آخر اسم
«معنی» درآید، صفت فاعلی می‌سازد مانند
بیدادگر، ستمگر. ۱۴۹۰:۳

تَقْرِیرِخَام: بیانِ نارسا. ۲۱۲۷:۵
تقریر کردن: بیان کردن. ۱۱۰۷:۱

تَقْصِیر: فقر و تهیدستی. لیکن برای مبالغه در
صفت در اینجا در معنای اسم فاعل آمده
است. ۵۱۷:۲

تَقْطِیع: پاره پاره کردن؛ پاره کردن و بریدن جامه
و جامه را نیز گویند به طریق ذکر مصدر و
اراده مفعول که مَقْطَع است؛ یعنی جامه تقطیع
کرده شده. ۲۵۰۲:۲

تَقَلُّب: دگرگونه شدن، از حالی به حالی گشتن،
دگرگونی، جنبیدن، تصرف در امور.
۳۳۰۹:۶، ۲۷۸۲:۳، ۱۱۴۸:۳، ۳۱۸۷:۱

تَقْلِیب: زیر و رو کردن، دگرگون کردن، از حالی
به حالی در آوردن، واژگون کردن،
برگرداندن. ۱۶۴۲:۵، ۳۷۲۸:۴، ۳۹۳:۱، ۳۶۹۶:۶، ۳۱۴۹:۶، ۲۱۹:۶

تَقْوِی: در لغت به معنی خودداری و پرهیز از
نهادن هیزم بر آتش، تقوای مصطلح یعنی
تقویت نکردن آتش شهوت. ۳۷۰۵:۱
تُقَى: پرهیزگاری، تقوی. ۳۱۳۲:۴، ۳۶۶۰:۶، ۴۳۶۱:۶

تَک: ته، عمق، قعر، ژرفا. ۱۳۵۱:۱، ۲۵۵۱:۴
تَک راندن: با شتاب راندن. ۳۶۱۱:۱
تَک رفتن: دویدن، به شتاب رفتن. ۵۹۵:۳
تَکسیر: شکستن، ریز ریز کردن. ۱۶۶۲:۳

۲۱۲۸:۱، ۲۰۱۲:۴، ۱۹۹۱:۵

تَمُوز: ماه اوّل تابستان و ماه دهم از سال شامیان که آفتاب در بُرج سرطان است، گرمای سخت تابستان، در بعضی ابیات منظور تابستان است. به قیاس ذکر جزء و اراده کُلّ.

۱۸۱:۲، ۱۸۱۷:۳، ۱۲۸۹:۶

تَمُویه: زر اندود کردن، آب طلا دادن، آب نقره دادن. در اینجا به معنی ظاهر سازی و وارونه کاری. ۳۳۵۶:۶

تَمیِزِدِه: صفت مرکّب فاعلی. یعنی کسی که دهنده قوّه شناخت و معرفت است. ۲۶۲۹:۶
تَن: فعل امر از مصدر تَنیدن. این فعل با مشتقاتش که در مثنوی بسیار رایج است از روش کار بافتن در دستگاه بافندگی گرفته شده است. بدین سبب دلالت دارد بر «خود را به هر چیزی بستن، بر چیزی یا کاری مصمّم بودن، مدام به کاری یا چیزی مشغول بودن». ۳۳۲۲:۴

تن بزد: ساکت شد. ۱۹۳۷:۴

تَنجُو: نجات می‌یابی. «سوف تنجو» یعنی در آینده دور نجات خواهی یافت. ۲۹۵:۵

تَنجیم: ستاره‌شناسی. ۳۱۴۳:۶

تَنَدَد: تندی کند، از مصدر تَنَیدَن و تَنَیدِن به معنی غُرُلَنَد کردن، خشمگین شدن. ۱۴۹۵:۴
تَنَزَدَن: رها کردن، سکوت کردن، ساکت شدن، خاموش شدن، امتناع کردن، شانه خالی کردن، سر باز زدن؛ تن زدم: خاموش ماندم، صبر کردم؛ تن مز: خودداری مکن، شانه خالی مکن. ۱۹۱۶:۲، ۳۵۶۸:۲، ۲۱۳۹:۳، ۳۳۱۱:۳، ۱۷۶:۵، ۳۹۲:۵، ۱۸۱۸:۵، ۲۴۱۶:۵، ۳۴۱۰:۵، ۳۹۰۳:۶، ۴۰۶۵:۶

تَنَسُّک: پارسایی، زهد ورزیدن. ۱۸۳۰:۶

تَنقیه: پاک کردن، لایروبی جوی و قنات، اماله کردن. ۲۸۰۸:۵، ۳۸۵۹:۵

تَنُک: نازک، لطیف، تَنُک هم بدین معنی است.

۳۷۵۷:۴

تَنگ: بارِ ستوران، بار، لنگه بار، بارِ کالا. ۱۹۶۷:۱، ۷۰۰:۴، ۱۱۸۸:۴، ۲۵۲۶:۵

تَن می‌زند: زیر بار نمی‌رود، به روی خود نمی‌آورد، خودداری می‌کند، خاموشی می‌گیرند، صبر می‌کند. ۱۰۱۵:۴

تَنیدن: در اصل به معنی بافتن است. اما در اینجا به معنی به کاری پرداختن آمده. این فعل بدین معنی در مثنوی فراوان آمده است. به معنی ترتیب دادن نیز آمده است. ۱۳۷۰:۱، ۳۴۱۶:۱

تُو: لا، لایه. ۲۳۹۷:۴

تُوپَرِه: کیسه بزرگ. در متن روایت بُزْقَع (=نقاب)، با معنی نقاب مناسب تر آید. ۳۰۵۹:۶، ۳۳۲:۵

تُو به تُو: لایه به لایه. ۳۶۶:۵

توتیا: سنگی است معدنی و به رنگ‌های مختلف. اطبای قدیم آن را در معالجه بیماری‌های چشمی و تقویت بینایی بکار می‌برده‌اند. ۳۴۲:۴

تُوخْتَه: حاصل شده، جمع شده، جُسته، ادا شده، گذارده، فراهم شده. اسم مفعول از مصدر توختن. ۴۱۸۶:۶، ۳۰۲۱:۶

توزیدن: صورت دیگر توختن است به معنی اندوختن و گزاردن است «عدل توزیم» یعنی عدالت را اجرا می‌کنیم و آنرا در زمین می‌گستریم. ۳۴۲۳:۱

توزیع: قسمت کردن چیزی میان جمع، تقسیم کردن بهای کالا میان چند نفر تا آن را پرداخت کنند، بخش کردن و پراکندن چیزی، تقسیم رزق و روزی، گاه مراد مطلق بخشیدن است. ۴۲۴:۲، ۱۰۳۵:۳، ۲۱۰۳:۶، ۳۲۴۹:۶

تَوَسَن: اسب سرکش. ۲۳۹۴:۱، ۵۳۲:۶

تَوَسِیْط: واسطه کردن، میانجی‌گری کردن.

۲۵۴۲:۳

توفیر: بسیار شدن، افزودن، اندوختن مال و تمام دادن حق کسی، عطیه فراوان. «پرتوفیر» صفت «گنج» است. یعنی گنج فراوان و سرشار. ۱۰۶۴:۶، ۱۷۴۵:۴، ۳۸۱۶:۶

تَوَقیر: بزرگ داشتن. ۱۴۸۹:۲

تَوَقیع: امضاء کردن نامه و فرمان، فرمان و دستخط، فرمان شاه. ۲۱۰۳:۶، ۲۶۲۲:۶
تَوَلّا: دوستی کردن، دوستی و محبت. در اصل، «تَوَلّی» مصدر باب تَفَعّل بوده است که در فارسی، یای ماقبل مکسور را به الف منقلب کرده اند. ۲۹۶۲:۴

تون: آتشیخانه حَمّام، گُلخَن. ۴۰۴۷:۳، ۲۳۷:۴
تُونی: آتشدان حَمّام های قدیم را تُون گویند. تونی، کسی بوده که آتشدان حَمّام ها را روشن می کرده. این شغل از پست ترین مشاغل آن زمان به شمار می آمده است.

۲۰۳۱:۲

تَوّه تَوّه: لایه، لایه. ۳۳۹۳:۴

تَوّهیم: به گمان افکندن. ۱۲۵۰:۱

تَوّی: مقیم درجایی. ۵۴۱:۴

تَهّاوُن: سستی و سهل انگاری. ۴۱۰۴:۵

تَهْتُک: پرده دری. ۱۸۳۰:۶

تهدیداتِ نَفْس: منظور وسوسه های روانی و یا تهدیدهایی است که از ناحیه فرعون نسبت به شکنجه و قتل آنان صورت گرفت.

۱۷۲۴:۳

تَهْلُکَه: هلاکت، هلاک شدن، نابودی. یکی از مصادر ثلاثی مجرّد هَلَكَ يَهْلِكُ و يَهْلُكُ.

۴۱۵۸:۶، ۲۴۲۸:۵

تَهْلِيل: گفتن کلمه لا اِلهَ اِلا الله. ۲۶۶۹:۱

تهنیت: شادباش گفتن، شادباش، مبارکباد.

۱۸۸۸:۳

تهیج: به هیجان آمدن. ۶۳۹:۵

تهی رَو: کسی که بیهوده راه می رود. منظور

سالکی است که در امر سلوک، سطحی و

سرسری است. ۱۶۵۰:۶

تی: مخفّف تُهی، خالی. ۲۲۲۰:۱، ۳۵۶۷:۲

۴۷۲۶:۶، ۴۲۱۵:۶، ۳۳۴۰:۶

تیبا: عشوه و فریب، غمزه. نیز به معنی تأخیر و

درنگ است. ۳۰۶۵:۳، ۱۴۳۶:۶

تی تی: کلمه ای که مرغان را بدان خوانند. زبان کودکانه. ۱۶۲۵:۱

تیر خَدَنگ: اضافه بیانی است. تیری که از چوب درخت خدنگ می سازند. چوب این درخت به قدری محکم و سخت است که در قدیم از آن تیر و نیزه و زین اسب می ساختند.

۳۶۱۲:۶، ۳۷۳:۶

تیز: بی باک. ۲۱۸۲:۲

تیزتک: دونده سریع. ۲۹۵۳:۵

تیغ آبدار: شمشیری که از فولاد دمشقی سازند.

کنایه از تیزی و کارآیی بسیار آن. ۷۰۱:۱

تیغِ جِلْم: بردباری و حلمی که همچون شمشیر تیز کارا و برنده است. اضافه تشبیهی است

از نوع اضافه مُشَبّه به مُشَبّه به. ۳۷۴۶:۱

تیغ در غلاف کردن: کنایه از زبان را از گفتن باز

داشتن و ساکت شدن است. ۶۹۳:۱

تیمار: خدمت و غمخواری، پرستاری و نوازش

و مراقبت شخص. ۲۸۰۴:۱، ۳۸۷۵:۱

تین: انجیر. ۴۰۵۳:۶

تیه: در لغت به معنی حیرت و سرگردانی است و

از این رو به دشت و هامونی که مردم در آن

گم می شوند تیه گویند به فحوای آیه ۲۵

سوره مائده قوم ناسپاس بنی اسرائیل،

محکوم شدند که چهل سال در بیابان بزنند،

بیابان. با فتحه «ت» نیز صحیح

است. ۳۷۳۳:۱، ۳۶۵۷:۳، ۱۵۴۸:۴

۲۵۱۳:۴

تیهو: پرنده ای شبیه کبک، اما کوچکتر از آن.

۱۶۳۱:۶

ثِیَاب: جمع ثوب به معنی جامه، لباس. ۴: ۴۷۸
جابر: از جَبْر است به معنی شکسته‌بند و
پیونددهنده استخوان شکسته و یکی از
اسماء الهی. ۴: ۱۶۸۵

جائِم: بر زمین افتاده و هلاک شده، به زانو در
آمده. ۱: ۲۵۳۹

جار: همسایه، جمع: جیران. ۴: ۱۶۳۶، ۵: ۷۵۶
جارحه: عضو بدن انسان خصوصاً دست.
۱: ۳۷۴۸

جافی: جفاکار، ستمگر. ۳: ۲۹۸۳
جامگی: راتبه، ماهانه، مقرری و مستمری،
وظیفه و آنچه به ملازم، سپاهیان، نوکر و
غلام دهند به جهت جامه بها و
خوراک. ۲: ۱۰۴۸، ۵: ۴۰۵۱، ۶: ۵۸۴

جام لطیف آشام: جامی که باده لطیف می‌نوشد.
منظور از نوشیدن جام در این بیت اینست که
آن جام باده لطیف و خوشگوار در خود
دارد. ۳: ۴۷۳۹

جامه پیمودن: در اینجا به معنی خریدن لباس.
۶: ۸۳۵

جامه گن: جامه کننده، کسی که مردم را لخت
می‌کند، سارق، صفت مرکب فاعلی مرخم.
نیز محلی در حمام که لباسها را آنجا از تن
بیرون می‌آورند، سربینه. ۱: ۲۷۷۰، ۱: ۳۹۰۳،
۴: ۱۲۳۵، ۴: ۱۵۸۴

جامه نادوخته: منظور از جامه نادوخته، کفن
است که از سه قطعه پارچه به نام لنگ و
پیراهن و سرتاسری تشکیل می‌شود.
۶: ۴۴۶

جان پرداز: جان‌ستان، جان بخش. زیرا
«برداشتن» هم به معنی گرفتن و ربودن است
و هم به معنی دادن. اما با توجه به سیاق
ابیات معنی اول مناسب تر است. ۴: ۳۹۴

جان پناه: پناهگاه، سنگر. ۱: ۹۵۹
جان حیوانی: روح حیوانی. ۳: ۲۷۰۳

ثاکلی: سوگوار من. ثاکل (= مردی که پسرش
مُرده است. در اینجا به معنی سوگوار) +
ضمیر متکلم وحده‌ی. ۶: ۵۳۷

ثبات: پایداری. ۵: ۲۷۴۴
ثُبور: هلاکت، نابودی. «ای ثُبور» یعنی واهلاکا،
واویلا. ۴: ۹۶۶، ۶: ۵۳۹

ثری: در اصل با یای ماقبل مفتوح (ثری) است.
به معنی زمین، خاک، خاک نمناک، خاک
زمین، اعماق زمین. در تعابیر ادبی «از ثری
تا ثریا» به معنی از زمین تا آسمان است.
۲: ۳۷۶۱، ۳: ۱۳۵۵، ۴: ۳۷۳۷، ۱: ۳۹۹۹

ثَرید: پاره‌های نان که در آب گوشت می‌ریزند،
ترید، تلیت. کنایه از شی بی‌ارزش. ۳: ۲۹۶،
۴: ۵۷۳

ثُعبان: ازدها، جمع ثعابین. ۵: ۱۵۳۹
ثُغر: سرحد، مرز. ۱: ۳۶۳۷

ثِقَات: کسانی که در قول و فعل مورد اعتماد
دیگران باشند، افراد مورد اعتماد، بندگان
امین و خالص الهی. جمع ثَقَه. ۳: ۳۸۳۹،
۶: ۳۴۹۰، ۶: ۳۸۴۰، ۶: ۴۳۴۶، ۶: ۴۵۵۰

ثقیل: سنگین. ۶: ۴۶۸۵
ثُم: سپس. ۵: ۵۸۰
ثُم: آنجا، آن سو، با ثُم (= سپس) نباید اشتباه
شود. ۶: ۲۴۰۱، ۶: ۳۲۳۳

ثُمار: میوه‌ها، جمع ثَمَر. «دُر ثمار» اضافه
تشبیهی از نوع اضافه مُثَبَّه به مُثَبَّه است.
۶: ۴۵۴۶

ثَمَن: قیمت، بها، کنایه از بهشت و یا لقای ذات
الهی است. ۳: ۴۱۱۶، ۶: ۹۹۰، ۶: ۳۴۲۸

ثَمین: گرانبها، قیمتی. «حَبِ ثَمین» یعنی
دانه‌هایی که از نظر غذایی و غیره
ارزشمندند. مراد از «حَبِ ثَمین» دانه‌هایی
است که امروزه بدان «بذر اصلاح شده»
گویند. ۲: ۱۰۲۵، ۴: ۳۷۲، ۴: ۳۶۱۷،
۵: ۹۴۷، ۵: ۴۰۵۰

- جاندار: سلاح دار و محافظ، نگهبان. ۴۱۳۶:۳، ۳۲۷:۴
- جانِ سپار: جان سپارنده، جانباز و فداکار. صفت مرکب فاعلی مرخم. ۸۰۳:۶
- جانِ ستان: ستاننده جان، قبض روح کننده. ۲۵۲۴:۱
- جانِ شورِ تلخ: کنایه از جانی که به هوئی و هوس آلوده است و هنوز به تربیت الهی، پرورش نیافته. ۲۲۴۲:۱
- جانِ شیشه: مجازاً به معنی نازک دل، زودرنج، کسی که روحی ضعیف دارد. ۵۰۷:۶
- جانی: منسوب به جان. منظور امور روحانی و معنوی است. آنچه دارای روح و جان است، یا از عالم روح و جان است. ۳۴۰۰:۱، ۳۷۶۶:۶
- جائی باش: محل سکونت یا حضور داشتن. ۷۶۱:۲
- جایزه: اسم فاعل از فعل جازَ یَجوزُ به معنی روان شوند، درگذرند. ۳۵۶۶:۱
- جائی ساز گرفتن: مستقر شدن، قرار گرفتن. ۲۱۲۷:۲
- جائی گیر: صفت مرکب فاعلی مرخم. در اصل بوده است جای گیرنده. ۳۱۴۸:۵
- جَبَّار: جبر به معنی بستن استخوان شکسته؛ خداوند را از آنرو جَبَّار گویند که دل های شکسته را پیوند می دهد. ۱۰۷۱:۱
- جُبَّار: هدر رفتن، به هدر رفتن خون. ۱۵۱۰:۶
- جَبَّاری: مقام جباریت خداوند. جَبَّار + یای مصدری. ۶۱۷:۱
- جِبَالِ راسیات: کوه های پابرجا و استوار. جِبَال جمع جَبَل به معنی کوه، و راسیات، جمع راسیه به معنی ثابت و استوار. از فعل رَسَا، یَزُسُو. رَسُو (= ثبات و استواری). این کلمه یکبار در قرآن کریم، سوره سبأ، آیه ۱۳ آمده است. ۲۷۴۴:۵
- جَبان: ترسو. ۲۹۲۰:۴
- جَبَلت: خوی و سرشت، نهاد، فطرت. ۲۸۱۹:۶
- جَبَّه: لباس گشاد و بلندی که روی جامه های دیگر می پوشند. ۶۸۸:۴، ۲۱۲۵:۴، ۳۵۴:۵، ۴۶۱:۶
- جَبین: پیشانی. «آتش جبین» کنایه از سرخ رو. ۳۲۸۴:۱، ۳۹۶۱:۱، ۹۱۱:۳، ۱۳۸۹:۴
- جَعْد: انکار و ستیزه گری. ۹۹۱:۱
- جَعُود: انکار کردن و ستیز نمودن؛ جَعُود: بسیار انکارکننده. ۳۸۳۴:۱، ۳۹۹۳:۱، ۲۰۹۶:۶، ۳۷۳۸:۶
- جَحیم: دوزخ. ۲۵۶۷:۲، ۴۶۱۴:۶
- جَدّ: بهره و نصیب، عظمت و توانگری، بخت و اقبال. ۲۰۴۷:۵، ۲۷۲۹:۵، ۳۱۴۳:۵
- جَدّ: راستی و حقیقت، ضدّ هزل، تلاش و کوشش. ۲۹۱۶:۱، ۲۰۴۷:۵
- جُدّ: فعل امر مفرد مذکر حاضر از جَادَ یَجُودُ به معنی ببخش، کَرَم کن. ۳۸۴۰:۳
- جَدْب: خشکسالی. ۱۸۵۲:۶
- جَدْب: جذب. ۱۵۶۱:۴
- جَدُوب: بسیار کُشنده. بسیار جذب کننده. ۳۰۷۹:۱، ۸۲۹:۲، ۲۷۲۵:۳، ۱۶۳۹:۴، ۷۲۸:۵
- جُدُوع: جمع جَدْع به معنی تنه درخت خرما، و یا مطلقاً تنه درخت. ۳۲۰۶:۱
- جُرأت: گستاخی. ۹۲:۱
- جِرَاء: مخفّف إجراء به معنی حقوق و مستمری. ۱۴۹۲:۴
- جَرَّار: از جَرّ (= کشیدن) به معنی بسیار کشنده. ۱۵۶۲:۲
- جَرَح: زخم زدن، رد کردن شهادت، جرح شهود. ۱۹۱:۵
- جَرَس: زنگ، زنگی که بر گردن چهارپایان افکنند. ۱۲۶۸:۱، ۴۷۱۱:۶
- جُرعه نوش: می خواره و مست. ۱۸۳:۲

بِلندقد (از اضداد است)، حقیر و زبون.

۴۰۴۳:۳

جَعَد: گیسوی پربییج و خم، کنایه از کثرات و

تعیّنات دنیوی. ۳۸۵۰:۳

جُعَل: حشره‌ای سیاه شبیه سوسک که در

جا‌های کثیف زندگی می‌کند و مدفوع ذخیره

می‌کند و از بوی خوش، بی‌جان می‌شود و

چون به زباله‌دانی اندازند جان می‌گیرد،

سرگین گردانک. ۲۰۲۴:۱، ۲۹۴۳:۳،

۲۷۸:۴

جَفّ: خشکی. «جف کردن» به معنی خشکیدن و

تمام شدن است. ۲۲۵۰:۶

جَفّا: مخفّف جَفّاء به معنی آزرده و ستم کردن،

بی‌مهری و ستمکاری. مراد کلیّه خواهی‌های

ناپسند است. اما جَفّاء به معنی خاشاک و

کف مایعات است. ۲۳۲:۱، ۵۶۱:۱، ۷۶۵:۱،

۳۳۷۶:۱

جُفا: خاشاکی که سیل به کرانه افکند، کفی که از

سیل بر خاک بازماند، بیهوده و باطل و

نادرست. ۲۳۲:۱، ۳۹۰۹:۱

جُفتان: جمع جفت به معنی زوج، قرین،

همنشین. ۲۶۸۳:۳

جفت تاختن: با شتاب تاختن، چهار نعل رفتن.

۲۵۷۲:۳

جِگَرَبَند: مجموع جگر، شش و دل، خواه از

انسان و یا حیوانات. ۵۵۱:۲، ۲۸۷۲:۵

جگر سوختن: تحمّل رنج و تَعَب فراوان در

کاری. ۳۲۰۵:۲

جُلّ: پالان. در اینجا مراد جهاز شتر است.

۲۹۲۰:۴

جَلّا: مخفّف جَلّاء مصدر ثلاثی مجرّد از

جَلّا یَجْلُو به معنی صیقل دادن و زدودن

زنگ از فلزات و غیره. ۲۰۴۲:۶

جَلّاب: معرّب گلاب. به ضرورت وزن شعر

تشدید آن حذف شده؛ جَلّاب قند: شربت

جَرّ الکلام: کشیدن سخن. ۱۵۹۸:۶

جَرّ و مَدّ: فرو کشیدن و پیش آمدن آب دریا. در

اینجا منظور از جر همان جزر است.

۲۱۴۴:۱

جَرّه: سبّو، خمچه، کوزه. جمع: چَرار. ۳۴۴۷:۵،

۲۷۸۳:۶

جَرّی: دلیر و شجاع، وکیل و ضامن، گستاخ و

بی‌باک، در اصل جَرّی بوده است لیکن

فارسیان همزه آن را اسقاط می‌کنند. در

پاره‌ای از نسخه‌ها خَرّی (بدون نقطه) آمده

است که به معنی شایسته و سزاوار است.

حرف (ی) در هر دو کلمه دارای تشدید بوده

است. ۱۶۳۲:۳، ۸۹۲:۵، ۱۴۵۷:۵،

۲۴۶۵:۵

جَرّی: مخفّف و مُعالِ اجراء به معنی مستمری و

مقرّری است. ۱۷۲۸:۴، ۴۷۵۹:۶

جَریده: دفتر، دفتر اعمال. ۲۸۵۴:۳

جَریر: تُندزبان، گویا. ۳۲۲۴:۳

جَزَر: هویج، زردک. چَزَر هم صحیح است.

۲۴۸۷:۵

جَزَصدا: جز قالب ظاهری آن، در اینجا مقصود،

از روی غفلت است. ۲۸۲:۳

جَزَر و مَدّ: فرو نشستن و بالا آمدن آب دریا بر

اثر جاذبه ماه و خورشید. این حالت در

شبانه روز دوبار انجام می‌گیرد. چون ماه از

خورشید به زمین نزدیکتر است در جزر و

مدّ زمین اثر بیشتری دارد. ۳۳۲۳:۶

چِسَر: پُل. ۲۸۶۰:۲

جَشک: بلا، رنج و پریشانی. ۲۲۵۹:۱،

۲۶۸۶:۳، ۲۱۹۲:۳

جسمانه: مناسب جسم، جسمانی. مرکّب از

جسم + پسوند انه. ۱۷۹۰:۱

جسم تنگ: از آنرو که جسم، محدود است بدان

لُقب تنگ داده شده است. ۲۵۷۷:۱

جَعاشیش: جمع جُعشوش به معنی مرد کوتاه‌قد و

چَنَازَه: مرده، تابوت. با فتحه «ج» نیز صحیح است. ۳۲۴:۶

چَنان: قلب، دل. جمع آن: اَچَنان. چُنان: سپر. چَنان جمع جَنَّة: باغ و بوستان. برخی نیز آن را «چنان» خوانده‌اند. ۷۳:۴

چَنان: باغ‌ها، بهشت‌ها، جمع جَنَّة. چنان جمع مکسّر جَنَّة است، ولی فارسیان از آن معنی مفرد اراده می‌کنند. ۲۷۹۷:۱، ۲۲۱۵:۴، ۸۸۴:۵، ۹۶۶:۵، ۲۴۳۱:۵، ۲۹۹۴:۵، ۴۰۲۹:۵، ۲۸۰۱:۶، ۴۶۱۴:۶

جُنُب: کسی که آلوده به نجاست باشد، کسی که غسل جنابت بر او واجب باشد. ۲۳۶۵:۴
جَنَّتَان: جَنَّة (= جن، پری) + ان جمع فارسی. ۴۲۴۳:۳

جُنْدی: سپاهی، یک نفر از سپاهیان. ۱۵۰:۴
جُنَّه: سپر. ۲۸۷۲:۲

جَنِّتَنی: دیوانه‌ام کردی. ۱۹۱۲:۵
جواد: جوانمرد. ۱۱۱۶:۱

جِوار: مصدر باب مفاعله به معنی همسایگی است. ۲۴۳۸:۶

جَواری: جمع جاریه به معنی کنیز. ۲۳۱۲:۴
جَوال: کیسه بزرگ. کیسه بزرگی که از نخ و پارچه ضخیم درست کنند و با آن بار حمل می‌نمایند. جَوال نیز صحیح است. ۲۳۱۲:۱، ۱۵۷۴:۴، ۱۵۱۶:۵، ۱۴۲۹:۶، ۳۱۹۵:۶

جُود: بخشش. ۴۶۷:۱
جَوَز: معرَب گُوز به معنی گردو و گردکان است. «جوز و نیشکر» کنایه از نعیم بهشتی است.

۱۱۷۹:۵، ۶۸۷:۴، ۷۰۶:۱
جَوَزْبُن: درخت گردو. ۷۴۶:۴

جَوسَنگ: به مقدار یک جو، در کمی وزن و خُردی معادل یک جو. ۲۱۹۳:۴

جُوش: فعل امر از مصدر جوشیدن. یعنی بجوشان. در اینجا مولانا فعل لازم را به متعدی تأویل کرده است. ۱۲۱۲:۶

گلاب. ۵۶۸:۳، ۴۴۷:۱
جَلَّاد: میرغضب، مأمور شکنجه و اعدام محکومان. در اینجا مراد «میراننده» و قبض کننده روح از جسم است. ۱۶۹۴:۵

جَلَب: آنچه از شهری به شهر دیگر صادر کنند. چنانکه در خطبه ۲۲۳ نهج البلاغه به سپاه و لشکر، جَلَب اطلاق شده زیرا سپاه از سرزمینی به سرزمین دیگر کشانده می‌شود: وَاسْتَجَلَبَ جَلَبُهُ. به همین لحاظ به کالا نیز «جَلَب» گویند. اینجا معنی اخیر مراد است. ۴۲۳:۳

جَلَدی: چالاک، بی باکی، سرعت، جلد (صفت مشبیه عربی) + یای مصدری فارسی؛ جلدی کردن: چالاک و چابکی نمودن. ۹۰۳:۲، ۱۹۰۳:۳، ۳۹۹۳:۳، ۱۷۷۴:۴، ۴۰۷۲:۶، ۲۵۰۰:۶، ۳۷۸۴:۵

جِلَف: احمق، خمره بزرگ خالی؛ جمع: أَجَلَف و جُلُوف. ۲۲۱۳:۶، ۲۸۳۹:۵

جُلُود: جمع جِلْد به معنی پوست. ۳۶۷۶:۱
جَلّی: آشکار. از ریشه (ج ل و) ۲۷۳:۵، ۱۸۶۹:۶

جَلّیس: همنشین. ۳۶۰۲:۵
جمع ثقیل: سپاه گران، جمعیت فراوان. ۱۱۸۸:۱
جَمیلَ السَّيْرِ: اضافه صفت به موصوف است و «سیر» مصدر است، اما در این بیت به جهت مبالغه به معنی اسم فاعل آمده است. نصب جمیل به جهت این است که منادای مضاف واقع شده است. ۴۷۳۲:۳

جَناب: آستانه، درگاه؛ جمع: أَجَنِبَه. اما چَناب به معنی در کنار کسی یا چیزی راه رفتن است. ۳۸۳۶:۶، ۲۰۷۲:۶، ۱۷۱۶:۳

جَناء: جمع جانی، جنایتکار. ۳۸۸۸:۱
جَناح: معرَب گناه. در اینجا مراد زیان و ضرر است. دارُ الْجَناح یعنی خانه گناه و زیان. ۳۰۰:۳، ۴۲۸۶:۶

مصدر ثلاثی مجرّد از جَهَرُ يَجْهَرُ مصدر دوم
باب مفاعله نیز تواند بود. ۱۴۳۳:۶
۲۵۵۷:۶
جِهَاز: ساز و برگ، اسباب و لوازم خانه، آنچه
عروس از خانه پدر به خانه داماد می‌برد،
رخت عروس. ۵۳۲:۳، ۳۳۳۴:۳، ۲۰۲:۴
۴۳۸۲:۶
جِهَان: جهنده، مضطرب. ۲۶:۶
جهان آبیگون: جهان بی‌رنگ و تعین، و بی
صورت و بی‌نقش، جهان حقیقت که هیچ
رنگی ندارد. ۱۷۴۰:۵
جِهَانْ آرا: آرایش دهنده جهان. کنایه از گسترده
و جهان شمول. ۳۰۳۴:۱
جِهَانِ ساده: عالم غیب و مجردات که در آن
ترکیب راه ندارد و محلّ أعراض و عوارض
نیست. ۲۰۹۰:۱
جِهْد المَقِل: نهایت سعی و یا بخشش فرد
تهیدست و بی‌مایه. ۱۱۰۳:۵، ۲۴۱۹:۵
جِهْل پیچ پیچ: نادانی بسیار، جهل مرکّب.
۲۳۶:۴
جَهود: صورت دیگر است از کلمه یهود. ۳۲۴:۱
جَهول: بسیار نادان. صیغه مبالغه. ۹۹۶:۱
۴۶۷۲:۳
جِهیز: اماله یافته جهاز است. به معنی کشتی
بزرگ، و لوازم و اسبابی که عروس به خانه
داماد می‌برد. ۱۶۸۷:۱
جَیْب: گریبان، یقه. جمع: جُیوب. ۷۸۷:۱
۳۳۱۴:۴
جَیْحون: در اینجا رودخانه به طور مطلق.
۱۴۰۴:۴
جَیش: سپاه. جمع: جُیوش. ۳۶۹:۵
جِیفه: مُردار، لاشه. جمع: أَجیاف. ۴۵۵۱:۳
۳۴۷۵:۶، ۳۸۵:۵، ۲۹۹:۵، ۳۲۱۶:۴
جِیفه خواری: مصدر مرکّب به معنی خوردن
مُردار. ۴۱۳۸:۶

جوش کردن: سعی کردن زیاد. ۳۸۰:۱
جَوْشَن: زِرّه جنگی که به تن کنند. ۲۵۷۶:۲
جُوع: گرسنگی. ۴۶۵:۱
جُوعُ البَقَر: از بیماری‌های معده است و مبتلایان
بدان هرچه می‌خورند سیر نمی‌شود. از آنرو
این بیماری را این نام نهاده‌اند که گاو بدان
مرض بسیار مبتلا می‌شود، گرسنگی سخت.
۲۶۹۰:۶، ۲۸۵:۵، ۳۶۱۸:۴، ۲۴۰:۲
جُوعُ الْکَلْب: نوعی بیماری معده که شخص
هرچه می‌خورد سیر نمی‌شود. در اینجا
گرسنگی سخت. ۲۶۱۸:۵، ۲۸۱۷:۵
جَوَف: شکم، درون، داخل چیزی. جمع: أَجواف.
۲۱۸۵:۵
جَوَق: جمع، دسته، گروه، جماعت؛ جمع: أَجَواق؛
جَوَق جَوَق: دسته دسته، گروه گروه.
۳۰۲:۳، ۳۹۵۳:۳، ۹۲۳:۴، ۱۴۷۰:۴
۲۷۷۲:۶، ۸۱۳:۵، ۷۳۴:۵، ۴۳۳:۵، ۳۴۲:۵
جَوَقِ خوشان: گروه سرخوشان و شادمانان؛
جَوَقِ زنان: گروه زنان، دسته زنان. ۹۶۴:۵
۱۷۲۸:۶
جَوَلان: در اصل جَوَلان، مصدر ثلاثی مجرد
است. اما فارسیان فتحه «واو» را به سکون
بدل می‌کنند. «جَوَلانْ کُن» صفت فاعلی
مرکّب مرخّم است. یعنی جولان کننده،
گردش کننده، سیر کننده. ۱۸۸۲:۴
جُولاَه: بافنده، نساج؛ جُولاَهانه: بافنده‌وار، مثل
بافنده، جولاه + پسوند تشبیه و نسبت «انه»؛
جولاهگی: بافندگی، نساجی. ۱۱۵۴:۴
۳۳۲۱:۶، ۵۸۴:۶
جوهری: هرچیز جوهردار، صاحب جوهر،
جواهر فروش. در این بیت منظور اصیل و
بزرگوار و بزرگ‌منش است. ۷۷۳:۳
جُوی جُویان: جویندگان جُوی. صفت مرکّب
فاعلی مرخّم جمع. ۹۱۲:۶
جِهَار: آشکار، آشکار گردیدن، رو در رو دیدن.

پاس از روز است. و این در حالی است که روز را به چهار پاس تقسیم می‌کنند. یک قسمت از چهار قسمت روز، بنابراین چاشتگاه یعنی زمان و مکان خوردن چاشت. ۱:۹۵۶، ۳:۳۰۱، ۴:۱۶۰
چاشنی: مقداری اندک از خوراک که برای مزه کردن بچشند، مقداری اندک ترشی، آبغوره، سرکه و رب که به خوراک زنند تا طعم لذیذ پیدا کند. کنایه از لذت و حلاوت است. ۴:۴۰۳، ۴:۱۹۵۲
چاشنی گیر: حاکم مطبخ، کسی که کار و خدمت مطبخ بر او مقرر باشد؛ در عربی «چاشن گیر» و او ناظر طعام بوده است که با غذا سر سفره شاهان حاضر می‌شد و مهر از ظرف غذا بر می‌گرفت و لقمه‌ای می‌خورد تا زهر آلوده نباشد. ۲:۲۷۵۳
چاقاچاق: چَقَاچاق و چَقَاچق به معنی صدا و بانگ برخورد پیاپی تیر به جایی، آواز هر چیزی که از گسیختن آید. ۳:۱۰۴۶
چاق‌چاق: صدایی که از برخورد دو چیز به یکدیگر شنیده شود. از نظر دستوری جزو اصوات است. ۶:۳۹۴۷
چاک ران: شرمگاه زنان و سرین. ۱:۳۳۵۱
چالش: جنگ و جدال، زد و خورد، کشمکش، رفتار با ناز و تکبر و حرکت زیبا و ظریف. ۱:۲۳۲۵، ۲:۲۲۹۹، ۴:۱۰۱۱، ۵:۳۷۷۶
۵:۳۸۸۹
چالیش: چالش، زد و خورد، جنگ و جدال. ۳:۲۸۶۴، ۴:۱۵۳۲، ۴:۳۷۸۴
چاووش: پیشرو لشکر و کاروان. کسی که جلو قافله حرکت می‌کند و آواز می‌خواند. ۳:۷۹۴، ۴:۳۷۷۴
چاه بابل: چاهی است در بابل که هاروت و ماروت در آن محبوس‌اند. ۲:۲۴۶۹
چَب: چَب. طبق ضرورت شعری «چَب» آمده

چابُک تک: تیز دونده، کسی که در دویدن چابک باشد. ۵:۱۲۹۴
چار: مخفف چهار، اشاره به عناصر اربعه دارد. ۶:۱۸۱۲
چار پَره می‌پَری: بوسیله چهارپَر پرواز می‌کنی، بسیار سخت می‌دوی، با شتاب می‌دوی. ۴:۱۵۸۷
چارسو: چهارسو به معنی چهار راه میان بازار، چهار راه، مرکز عبور و مرور مردم. ۱:۳۴۶، ۳:۱۰۳۰، ۶:۴۴۸۷
چارطاق: چهارطاق، نوعی خیمه، سقف یا گنبدی که روی چهارپایه بنا شده و چهار طرف آن باز باشد. منظور آسمان و فلک است. ۱:۱۲۷۹، ۴:۱۵۹۸
چارُق: کفش چرمینی که بندها و تسمه‌های دراز دارد و بندهای آن به ساق پا پیچیده شود. این لفظ ترکی است. ۲:۱۷۲۱، ۴:۸۸۷، ۵:۱۸۵۷، ۵:۲۱۱۵
چارمیخ: چهارمیخ، و آن نوعی شکنجه است. که چهار دست و پای کسی را با چهار میخ به تخته‌ای بکوبند؛ چارمیخ شدن: کمال محکم بستن؛ چهارمیخ کردن: استوار کردن، راه جواب را بر خصم بستن. ۲:۲۷۵۸، ۳:۳۵۹، ۴:۱۷۰۷، ۴:۲۵۱۵
چاش: غَلّه پاک کرده شده، خرمن کوفته شده، محصول، خرمن. ۳:۲۵۱۸، ۵:۴۰۶۸، ۶:۸۰۷، ۶:۱۸۲۶
چاشت: اوّل روز، هنگام صبح، ساعتی از بامداد گذشته، غذایی که صبح پس از برخاستن از خواب می‌خورند. ۱:۱۱۶۸، ۱:۱۹۴۲، ۴:۱۷۲۲، ۴:۳۱۳۹
چاشت خورد: صبحانه. اینجا رزق و انعام الهی مورد نظر است. ۳:۳۴۱۱
چاشت ساز: ابزار و ندارک غذا. ۵:۱۱۳۷
چاشتگاه: چاشتگاه، بامداد، چاشت به معنی یک

چَرکِن: چرکین، ناپاک. ۳۱۱۲:۳
 چَریدن: چَرا کردن. در اینجا به معنی پرورش و
 رشد و کمال یافتن. ۲۱۹۰:۴
 چُشت: چالاک؛ چست تر: چالاک تر، زرنگ تر.
 ۴۴۸:۱، ۸۱۱:۱، ۱۰۴۱:۱، ۱۲۳۶:۱
 ۳۰۴۴:۱، ۲۱۰۶:۵، ۱۶۴۱:۶، ۱۶۷۵:۶
 چُست دُست: سبک دست، چالاک دست،
 سریع العمل. ۲۱۷۹:۶
 چُستی: چابکی، چالاکي. ۳۳۴۹:۶
 چُشش: چشیدن. ۸۸۷:۱
 چشم بَند: عمل چشم بندی و تردستی و
 حقه بازی. ۸۲۷:۱
 چشم پُر: بی نیاز، بی توقع، سیر. ۴۵:۴
 چشم جَو: جوینده چشم بینا. جوینده شخص
 روشن بین. ۳۹۸۴:۱
 چشم خُمار: چشم مخمور، چشمی که بر اثر
 مستی حالت خواب آلوده داشته باشد. مراد
 چشم معشوقان و زیبا رویان است. ۱۱۱۴:۵
 چشم در عین و غین افتادن: کنایه از سنگینی
 خواب و مستی که در آن حالت، قوه تمییز و
 تشخیص از میان رود. شاید بدان جهت که
 «ع» در حساب حروف ابجد (۷۰) و «غ»
 (۱۰۰۰) است. و تفاوت آن دو بسیار است.
 و هرگاه آدمی این دو را از هم تمییز ندهد
 معلوم می شود که قوه تشخیص ندارد. و
 شاید عین به معنی شخص و خود، و «غین»
 اشاره به غیر باشد. بنابر این در «عین و غین
 افتادن» کنایه از عدم تمییز خود از دیگری
 است. به هر حال (چشم در عین و غین
 افتادن) در اینجا کنایه از خماری و کلاپسه
 شدن است. ۳۹۶۱:۶
 چشم سیر: بی نیاز، مستغنی. ۸۰۳:۶
 چشم شُوخ: بی حیا، بی شرم، گستاخ. ۳۱۹۳:۵
 ۳۲۱۲:۶
 چشم مِرّیخی: نگاه غضبناک، چشم قهرآمیز و

است. ۶۰۲:۴
 چَغید: کوشید، سعی و تقلا کرد. ۳۹۵۹:۶
 چَرا: چراگاه. ۹۰۱:۱
 چراغ سَرخوش: چراغ درخشان و خوش سوز،
 زیرا «سرخوش» به معنی سرمست و
 خوشحال است. و در اینجا درخشندگی و
 خوش سوزی مجازاً به سرمستی و شادی
 تعبیر شده است. ۴۶۱:۵
 چَراگاه ستم: اضافه تشبیهی است از نوع اضافه
 مُشَبَّه به مُشَبَّه است. یعنی ستمی که
 همچون چراگاه، ستمگران را پروار می کند.
 ستم از آنرو به چراگاه تشبیه شده که
 ستمگران در آن می چرند و بر قدرت و
 صولت خود می افزایند. ۱۷۰۵:۱
 چَریش: چربی، روغن، پیه. ۱۰۸۲:۲، ۲۹۷:۳
 چَرَبَک: دروغ، بهتان، سخنی که به طریق
 تمسخر به کسی گویند. ۲۷۹۸:۳
 چَریدن: غالب آمدن، فرونی یافتن، چیره شدن؛
 چربید: غالب شد، پیروز شد. ۳۳۵۴:۱
 ۳۸۵۸:۳، ۹۲۸:۳
 چَرخ اَخَصَر: کنایه از سپهر و آسمان. ۲۸۲۰:۱
 چَرخ پُوش: پوشاننده آسمان صفت مرگب
 فاعلی مرخم. در اصل بوده است «چرخ»
 پوشاننده». ۳۲۰۲:۶
 چرخ دولاب: چرخ چاه. چرخ جوبین که با
 دوال و یا ریمان، آب از چاه می کشند.
 ۳۳۳۱:۱
 چرخ سرگردان: اشاره است به عالم افلاک.
 ۱۲۸۷:۱
 چرخ ناری: کره اثیر و عنصر آتش که به قول
 قدما از چهار عنصر خاک و باد و آب و
 آتش بالاتر است. ۶۴۸:۱
 چَرَد: بچرد، چَرا کند. ۲۷۲۷:۵
 چَرک: در اینجا به معنی کُود و پهن است.
 ۲۳۵۰:۵

سَفَاک. از آنرو که «مَرِیخ» را ستاره قهر و غضب و جنگ و خونریزی خوانده‌اند.
 ۴۸۶۶:۶
 چشم‌های پُر نطفه: کنایه از غلبه شهوت جنسی است. یعنی به قدری آتش شهوت در آنان شدت دارد که از چشمانشان آشکار می‌شود. ۳۸۵۷:۶
 چشمه مُشْرِق: مجازاً به معنی آفتاب عالم تاب است. ۱۷۹۹:۱
 چَغَز: زخم سرریسته و چرکین؛ قورباغه. ۲۶۳۲:۶، ۲۳۴۶:۴
 چَفَت: از مصدر چَفْتَن به معنی خمیده، منحنی و چفت به معنی متصل و پیوسته. ۲۴۴۴:۳
 چَفَس: بجسب، تمسک پیدا کن. ۳۴۸۵:۳
 چَفْسیده: چسبیده. در اینجا به معنی قرین شده؛ چفسیده‌ای: چسبیده‌ای. ۳۱۵۳:۳، ۳۴۶۵:۵
 چک چک: آواز صدای سوختن فتیله چراغ، وقتی که تر باشد. ۱۲۵۷:۲
 چَكْرَه: قطره، رشحه. ۱۸۸۰:۵
 چِگَل: ناحیه‌ای در ترکستان که مردمی بغایت زیبا دارد. در ادب پارسی به عنوان مظهر زیبایی بکار می‌رود. ۳۱۴۹:۲، ۴۱۳۱:۳
 چل ساله: چهل ساله، عدد چهل در اینجا نماینده کثرت است نه عددی معین. ۳۸۲:۱
 چِلَه: چله (با تشدید و تخفیف لام هر دو جایز است). چله‌نشینی. ۴۶۳۹:۶
 چَمین: مدفوع، بول، ادرار، سرگین، شاش. ۱۰۸۶:۱، ۱۱۹:۴، ۳۷۲:۴
 چنبیره: حلقه. ۳۶۲۷:۳
 چَنْدَل: در اصل همان سَنْدَلِ هندی است. درختچه‌ای است با گُل‌های سفید خوشه‌ای که به عربی صَنْدَل گویند. چوب آن مرغوب و معطر است و با آن صنایع چوبی گرانها و مواد خوشبو می‌سازند. ۱۷۰۴:۴
 چَنگ: از سازهای زهی است. در اینجا مطلق

ساز. ۵:۲
 چَنگَلوک: آنکه دست و پایش ضعیف و ناتوان است. ۳۵۵۵:۳
 چنگی: چنگ نواز. ۱۹۱۳:۱
 چوبدار: چماقدار، محافظانی که «دورباش» به دست می‌گیرند و مردم را از سر راه حاکم می‌پراکنند. ۲۴۶۵:۶
 چوب رَد: چوبی است که مرغان و ستوران را با آن می‌رانند، و چوب فراشان حکام را که با آن مردم را می‌رانند. ۲۴۸۰:۱
 چوبک: در لفظ به معنی چوب کوچک و آن چوب کوتاهی بوده که بر طبل می‌نواختند و نیز چوبی است که برای حفظ اصول ایقاع در موسیقی بکار آید. ۵۴۱:۶
 چوب گَز: درختی است وحشی که در شوره زارها و کنار رودخانه‌ها خاصه در مناطق گرمسیری می‌روید. ۱۲۰۱:۱
 چَوگانِی: اسبی که مناسب و لایق چوگان بازی باشد. نیز می‌تواند منسوب به چَوگان به معنی چوگان‌باز باشد. ۱۳۱۰:۲
 چُونی: چگونگی، کیفیت. ۱۱۸۲:۲
 حاجب: نگهبان، دربان. ۷۴:۱
 حاجِبَه: زنی که پرده دار و دربان سرایِ ملکه باشد. در اینجا به معنی ندیمه. ۲۲۵۳:۵
 حادث: حکمای الهی جمیعاً عالم را حادث می‌دانند اما در اینکه حدوث عالم از چه قسمی است اختلاف دارند، برخی مانند میرداماد عالم را حادث دهری می‌دانند، برخی مانند ملاصدرا به حدوث زمانی عالم عقیده دارند و بعضی نیز مانند حکیم سبزواری به حدوث اسمی عالم باور دارند: حادثی: با «ی» مصدری به معنی حادث بودن. ۲۸۳۳:۴، ۲۸۳۴:۴
 حادی: کسی که آواز حُدی می‌خواند. و حُدی سرودی است که ساربانان عرب ترنم

حَبّ: دانه و در اصطلاح پزشکی دارویی که به شکل دانه نخود درست کنند؛ جمع: حُبوب.

۱۸۶۳:۵، ۳۸۶۰:۱

حِبَال: جمع حبل به معنی ریسمان. ۵۹۷:۵
حَبْدًا: کلمه عربی است و در مورد ستایش و اعجاب بکار می‌رود. در فارسی: چه نیکو زهی، خوشا، چه خوب، معنی می‌دهد.

۲۱۷۲:۱، ۳۰۰:۵، ۹۵۱:۶، ۳۴۹:۵

۱۱۲۶:۶، ۱۳۰۷:۶، ۳۵۹۶:۶

حَبْر: دانشمند، مرگب. صاحب اقرب الموارد می‌گوید: حَبْر به معنی عالم است ولی حَبْر، فصیح‌تر است؛ زیرا جمع آن بر وزن أفعال (أخبار) است. حَبْر در اصل به معنی اثر مطلوب و گاه نیز بر زینت و آثار شادی و بهجتی که در چهره نمایان می‌شود اطلاق می‌گردد. از این رو به عالم و دانشمند، حَبْر می‌گویند زیرا آثار مطلوبی از آنها در جامعه باقی می‌ماند، جمع آن أخبار است. در قرآن کریم چهار مرتبه «أخبار» آمده است که به قرینه بر علمای یهود دلالت دارد. ۳۴۰:۴، ۳۵۴۶:۲، ۱۶۹۷:۳، ۳۷۳۴:۴، ۱۶۶:۵، ۳۱۹۶:۵، ۵۲۱:۶، ۲۹۶۶:۶

حَبْرُ فَصِيح: دانشمند زبان آور. «حبر» نیز به معنی دانشمند است. ولی به قول صاحب اقرب الموارد با کسره «ح» افصح است. در قرآن کریم چهار مرتبه «أخبار» آمده که به قرینه بر علمای یهود دلالت می‌کند.

۲۶۵۶:۶

حَبْل: ریسمان؛ جمع: حِبَال. ۷۶۴:۵، ۱۴۱۰:۵
حَبْلٌ مِنْ مَسَدٍ: ریسمانی از لیف تابیده خرما. اقتباس لفظی از آیه ۵ سوره تَبَّت. ۳۷۹۹:۲
حُجَام: مخفف حُجَام به معنی حجامت کننده.

۲۴۴:۱

حَجَر: سنگ. جمع آن أَحْجار. ۳۶۰:۱، ۳۷۰:۷

می‌کنند و شتران را به حرکت و هیجان در می‌آورند. ۱۱۰۲:۴، ۳۱۱۰:۶

حارث: کشاورز، زارع. ۲۳۹۱:۳

حَارِس: نگهبان، حراست کننده؛ حَارِسی: حاصل مصدر است به معنی نگهبانی و پاسداری. ۳۰۲۱:۱، ۱۹۷۴:۴

حَازِم: محتاط و زیرک، با تدبیر. ۴۷۵:۶

حَاسِدِي: با پای مصدري، حاصل مصدر است به معنی حسادت کردن. ۱۷۰۷:۴

حاشا: در اینجا معنی ردع و انکار می‌دهد. یعنی هرگز. ۲۳۲۴:۴

حَاشَ لِلَّهِ: جمله‌ای است که در مورد تنزیه بکار می‌برند؛ معنی لفظی آن اینست: پاکی و بی عیبی از آن خداوند است. اما اصطلاحاً به معنی «پناه بر خدا» است. ۲۳۶۲:۱، ۲۹۰۰:۱، ۲۸۷۰:۲، ۱۶۹:۴، ۲۵۴۸:۵

حَاشِيَت: حاشیه، اهل و عیال شخص، در اینجا منظور همان است که در شرح بیت آمده است. ۲۲۵۵:۲

حَاضِرِي: حضور، حاضر بودن، با پای مصدري؛ حَاضِرِي: حاضر بودنم. ۳۶۳۹:۱، ۱۶۲۸:۴

حَافِي: پابرهنه. ۳۵۳۸:۲

حَالِب: دوشنده شیر. در اینجا به معنی جوینده شیر. ۱۰۶۸:۵

حَالِي پَرَسْت: کسی که دم را غنیمت دارد و به عاقبت نیندیشد، اول بین، دنیاپرست، زیرا دنیا در زمان حال است، ظاهرین. ۱۶۲۰:۴

حَامِض: ترش. ۲۶۲۴:۶

حَاثُوت: دکان. در اینجا منظور خانه آن غریب است. ۴۳۲۵:۶

حَايِط: دیوار. جمع آن حِيطَان از ریشه (ح و ط). ۲۰۷۸:۵، ۲۹۵۱:۴، ۲۱۲۷:۳

حَايِك: بافنده، نَسَاج. همان «حانک» نعت فاعلی از حَوْك (= بافتن). ۲۴۲۲:۵

کسی که سخت بترسد. در اینجا به معنی دوراندیش و محتاط آمده است. ۲۲۳۵:۴
 حَذیر: ترسان. ۳۶۱۵:۱
 حَرّ: گرما، حرارت. ۱۷۸۸:۶
 حُرّ: آزاد، منظور کسی است که از قید تعلّقات آزاد باشد. ۲۲۲۴:۴
 حِرَاب: مصدر باب مفاعله به معنی جنگ، جنگی، پیکار و محاربه. ۳۰۲۴:۱
 ۱۶۸۱:۶، ۱۵۰۴:۴، ۱۶۰۷:۳، ۳۷۸۹:۱
 حَرارت: ترانه، نغمه. ۵۳۶:۲
 حرارت را گرو: رهین حرارت و سوز قلبی و درونی شوی. یعنی آتش طلب و عشق همیشه ملازم تو باشد. ۳۲۱۴:۳
 حراره: ترانه، سرود، آواز، گرمی. ۷۰۹:۶
 ۱۶۵۸:۶
 حراس: جمع حارس به معنی نگهبان: حراس الشَّهب: نگهبانانی از جنس شهاب.
 حُرّاقه: شمشیر بسیار تیز. ۱۰۳۸:۳
 حُرّاقه جنباند: معرکه را آغاز کرد. ۱۰۳۸:۳
 حَرَب: هلاکت، نابودی، ربودن و ستَدن مال. ۴۰۴۳:۳
 حَرَب: جنگ، پیکار. ۴۷۷۷:۶
 حَرَج: تنگی، تنگنا، گناه، سختی، فشار. راغب می‌گوید: اصل حرج به معنی محلّ اجتماع شیء است به نحوی که چنین گمان می‌رود که جا تنگ است. ۷۰:۲، ۹۶:۱، ۳۵۴:۵، ۱۸۵:۴، ۱۱۲۲:۳، ۲۱۲:۳، ۴۲۸۲:۶
 حَرَز: حفظ کردن، حدس، تخمین. ۳۵۲۷:۵
 ۴۴۰۴:۶
 حَرَس: نگهبانان، جمع مکرر حارس. ۹۷۷:۴
 ۶۰۵:۶
 حَرَصْ آوری: آزمندی کردن، حرص زدن. ۸۶:۱
 حَرَصْ جَمع: حریص بودن برای افزودن به تعداد مریدان و مقلدان خود. ۱۶۹۷:۴

حُجْرَه: اتاق و چهاردیواری. جمع آن: حُجُرَات و حُجَرَات. ۸۱:۵، ۸۱۱:۴
 حَجْرَه قمر: اشاره است به منزل و جایگاه ماه در میان مجموعه ستارگان در منطقه البروج یا نزدیک آن. ۳۶۲۷:۳
 حِجَی: عقل. جمع آن: أَخْجاء. ۱۱۳۱:۳، ۱۹۱۱:۵
 حِجیب: ممالِ حجاب است به معنای پرده. ۹۳۴:۱
 حَدَث: نجاست، مدفوع، ادرار، سرگین. جمع آن: أَخْداث. ۳۳۵:۴، ۳۲۲۴:۲، ۲۵۸۸:۱، ۲۲۲۰:۴، ۲۸۳۶:۴، ۹۰:۵، ۱۱۱:۵، ۳۰۴:۵، ۵۵۹:۵، ۱۶۶۵:۵، ۹۵۵:۶، ۲۶۹۳:۶
 حَدَث جای: مستراح. ۲۸۹۶:۲
 حدیث انداز: پُرگو و حَراف، آنکه در سخن نامربوط و خارج از موضوع گفتن خود را آزاد داند. ۳۱۷۷:۲
 حدیث خوش‌بَی: سخن نیک و فرخنده. ۳۳۶۸:۴
 حَدِیثِ مُسْتَفِیض: سخن فاش و منتشر: در علم الحدیث، مستفیض حدیثی است که گرچه از طرق مختلف روایت شده اما به حد تواتر نرسیده است. ۱۶۱۶:۵
 حَدید: آهن. ۲۸۹۸:۵، ۳۲۴۰:۱
 حَذَر: احتیاط کردن، بیم، احتیاط. الْحَذَر: هان، پرهیز، در عربی با اِعراب منصوب می‌آید که عاملش محذوف است و معمولاً مکرر آید: الْحَذَرُ الْحَذَرُ. پرهیز کردن، ترسیدن، دوری کردن. ۲۶۰۰:۵، ۱۰۳۴:۱، ۹۰۹:۱، ۲۴۸:۶
 حَذِر: پرهیز کننده، ترسنده، اجتناب ورزنده. صفت مشبّهه عربی. ۱۵۵۹:۵
 حَذَق: مهارت. ۱۴:۳
 حَذُور: صیغه مبالغه به معنی بسیار پرهیز کننده.

۱۱۸۴:۵

حَسَّاسه: درک کننده، حسّ کننده. ۱۰۹۰:۲

حَسَب: کافی. ۳۴۷۶:۶

حَسَب: بزرگی مرد از روی نَسَب، بزرگی در دین و مال، سربلندی‌ای که با تلاش شخص

حاصل آید نه با وراثت. ۴۹۰:۱

حُسبان: گمان کردن، پنداشتن، گمان، پنداشت.

مصدر ثلاثی مجزّد از حَسَبَ يَحْسُبُ یا

يَحْسِبُ. اَمَّا حُسبان به معنی شمردن، مصدر

ثلاثی مجزّد از حَسَبَ يَحْسُبُ است که در

آیه ۵ سوره رحمان نیز آمده است. در اینجا

«حُسبان» مناسب سیاق بیت است نه

حُسبان. ۳۶۹۸:۶

حِسَبَت: حساب و شمارش، مزد و ثواب،

محتسبی، پنداشتن ۱۲۵۶:۶

حَسِيس: صدایی که شنیده شود، اما کسی دیده

نشود. در اینجا منظور صدای چرک چرک

آتش است.

حَشَا: اعضای درونی بدن، امعا و أحشا، جمع آن:

أَحْشاء. ۳۸۴۱:۳

حَشَائِش: گیاهان خشک، مطلق گیاه، جمع

حَشِيش. ۴۰۸۰:۶، ۱۳۵۷:۴، ۲۴۶۴:۲

حَشَر: انبوهی، جمع انبوه، جمعیت، ازدحام،

لشکر، انجمن، مجمع، گروه، دسته. ۴۰۶:۲،

۱۱۸۷:۲، ۴۰۲۴:۳، ۴۵۵۴:۳، ۲۳۳۷:۴

حَشَم: خویشان، کسان و چاکران مرد. ۱۳۹۱:۱،

۱۰۴۷:۲، ۵۶:۵، ۳۸۳۸:۵، ۲۸۵۶:۶

۳۹۷۳:۶، ۳۸۹۳:۶

حَشُو: آنچه بدان درون چیزی را پُر کنند مانند

یشم و ینبه‌ای که درون شک و لحاف

می‌گذارند، کلام زائد. ۳۲۹۶:۴

حَشِيش: نوعی مادهٔ تخدیر کننده که از

سرشاخه‌های گل‌دار گیاه شاهدانه به دست

می‌آید. مطلقاً به معنی گیاه خشک، گیاه و

علف می‌آید. ۵۳۴:۱، ۲۹۵۳:۱، ۳۸۶۹:۱

حَرَض: در اصل به معنی ذوب شدن و هلاک

گشتن از اندوه و یا عشق است. گداختگی

جسم، تباهی. زمخشری در آیه ۸۵ سوره

یوسف در معنی این کلمه گفته است: مشرف

شدن به مرگ بر اثر بیماری. طبرسی علاوه

بر این معنی، تباهی جسمانی و عقلانی را نیز

ذکر می‌کند. ۳۶۹۲:۳، ۴۸۲:۵

حَرْف: پیشه‌ها، صنعت‌ها؛ جمع حرفه. ۱۶۳۱:۱

حرفِ پَکَر: سخن تازه و بدیع. ۱۰۸۰:۱

حرفِ نُوش: حرف گوش کن، حرف شنو. صفت

فاعلی مرکبِ مرخَم که در اصل بوده است

«حرفِ نیوشنده». ۷۲:۶

حُرَقه: سوزش، گرمی و حرارت. ۳۸۲۶:۶

حَرَكُوا: حرکت دهید. فعل امر از باب تفعیل.

۲۶۷۰:۳

حَرَم: اهل و عیال شخص، زنان عقدی و

صیغه‌ای مرد، اندرون خانه. ۴۰۰۵:۵،

۳۳۷۷:۶

حِرمان: نومیدی و بی بهره‌گی. ۱۸۵۹:۱

حَرَمَدان: چرمدان، چرمدان کیسه‌ای است

چرمین یعنی کیسه‌ای که از پوست دوزند و

در آن زر و سیم کنند. ۲۹۶۶:۲

حَرُون: اسب و استر سرکش و نافرمان، مرکوب

چموش و سرکش که از سوار اطاعت نکند.

مجازاً بر انسان‌های نافرمان نیز حَرُون

اطلاق شود؛ جمع: حُرُن. ۲۵۵۵:۱،

۳۰۶۸:۱، ۲۵۴۹:۳، ۴۴۴:۴، ۱۴۹۳:۴

۲۶۰:۵، ۲۵۴۱:۵، ۱۱۱۹:۶

حَرُونی: نافرمانی، سرکشی. ۱۱۲۶:۶

حریف: رفیق، همراه، دشمن، رقیب. ۱۵۶۰:۱،

۱۰۷۷:۳، ۱۱۶۵:۵، ۱۸۱۹:۴

حَزَم: دوراندیشی، احتیاط. ۲۳۳:۲، ۲۷۷۰:۵

حَزَن: اندوه، غم، اندوهمندی. ۳۱:۲، ۲۴۶۸:۲

۳۸۸۷:۶

حَزین: اندوهگین، غمگین. ۱۶۳۴:۱، ۱۵۰:۵

نی حصار کشند، آغل. در اینجا به معنی مزار است. ۴: ۱۹۳۰

حُفْرَه: گودال، مَقاک. ۱: ۳۷۹، ۱: ۹۸۱

حُفْرَه گِر: حفره بُر، نقب زن. ۳: ۱۶۶۱

حِفْظِ غِیْب: در غیاب کسی مراعات حال او کردن. ۱: ۳۶۳۳

حُفْنَه: مشتی از طعام گندم و نظیر آن. ۶: ۴۵۷۹
حَفّی: مهربان. از مصدر حِفَاوَه و حَفَاوَه. ۶: ۴۳۴۴

حَفِیْظ: حافظ، نگهدارنده، صفت مُشَبِّهه. ۵: ۷۳۴
حَقُّ الْمَعْرِفَه: معرفت حقیقی، شناخت آنطور که باید. ۵: ۲۷۶۳

حُقُب: جمع حَقَب، دوره و برهه زمانی. مدتی نامعین که شامل هشتاد سال یا چهل سال و یک دوره طولانی از زمان و یک سال یا چند سال می شود. ۳: ۱۹۶۹، ۶: ۱۱۲۸

حِقْد: کینه. ۱: ۳۳۶

حَقُود: بسیار کینه توز. (صیغه مبالغه). ۵: ۳۲۲۶
حَقّه: قوطی، ظرفی غالباً کوچک و مدوّر با دری جدا که از چوب یا عاج می سازند و در آن لعل و جواهر می نهند؛ جمع: حَقَق. ۵: ۹۰۹، ۶: ۱۰۴۵

حکم پیش: فرمان ازلی. ۳: ۴۴۰۱
حُکْم مُزّ: حکم تلخ، کنایه از حاکمیت و حکم قاطع. ۱: ۳۴۴، ۴: ۱۴۴۳

حلقه در گوش: مجازاً، فرمانبرداری و اطاعت؛ زیرا در قدیم، به گوش غلامان، حلقه زرین و سیمین و یا آهنین می افکندند. ۱: ۲۹۱۳

حُلّ: جمع حُلّه به معنی جامه فاخر و لباس نو، زیورها، پیرایه ها. ۴: ۲۸۱۳، ۵: ۴۱۷، ۵: ۵۳۸، ۶: ۱۶۱۸

حِلْم: بردباری. ۱: ۳۷۶۳

حُلْم: خواب. ۴: ۳۶۵۴

حِلْم آنَدیش: کسی که در اندیشه بردباری باشد. یعنی طالب بردباری بزرگان و محتشمان

۳: ۵۲۰، ۴: ۲۶۶، ۴: ۲۳۷۹، ۶: ۲۵۴۶، ۶: ۳۵۰۳

حَصَا: ریگ، سنگریزه. جمع حَصَیّات. ۱: ۲۱۳۰، ۵: ۳۷۸۵، ۹: ۳۸۰۹

حِصَاد: درویدن محصول زراعت، درو کردن. حَصَاد نیز به همین معنی است. ۶: ۲۰۹۲

حَصَص: کمی موی سر، کوتاهی موی سر. منظور در این بیت کنده شدن پر و بال پرند است. و می تواند حَصَص جمع حِصّه باشد به معنی نصیب و قسمت. یعنی مرغ می خواهد برای نجات از این نصیب ها و قسمت های نامطلوب، صد قفس دیگر هم در اطراف قفس خود داشته باشد. مولانا گوید:

صدقات شه ما حصّه درویشان است

عاشقان حصّه بر آن رخ و رخسار شدند

۳: ۳۹۵۹

حِصْن: دژ، قلعه؛ جمع آن: حُصُون. ۳: ۳۷۱۰

حِصّه: بهره، نصیب. ۱: ۸۹۹، ۵: ۱۷۹۵، ۶: ۱۸۷۲

حَصْن: سنگریزه. جمع آن. حُصَاة. ۲: ۱۶۵۰

حَصِین: محکم و استوار، دژ، قلعه. ۱: ۷۳۸

حِضَانَت: نگاهداری کودک به شیوه مادران و دایگان مهربان. ۴: ۴۸۴۲

حَضَر: اقامت در شهر، منزل، محلّ حضور. اقامت در موطن خود، مقابل سفر. ۳: ۱۶۱۶، ۶: ۴۱۷۶

حُطَام: آنچه از چیزی خشک بشکند، ریزه گیاه خشک شده، مال دنیا. در اینجا علف مراد است. ۴: ۳۶۰۵

حَطَب: هیزم. ۱: ۶۴۸، ۲: ۳۲۲۲، ۵: ۶۳۲، ۵: ۱۰۹۹، ۵: ۱۱۰۰

حَطِیم: به رأی غالب فقها محلی است بین حجرالاسود و باب کعبه. اما لفظاً «حطیم» به معنای درهم شکسته است. ۴: ۹۱۸، ۶: ۲۷۹۸

حَظِیرَة: محوطه ای که پیرامونش را با چوب و

باشد. در اینجا وصف آن دلقک بیچاره است
 که انتظار عفو سلطان داشت. ۲۵۹۲:۶
 حُلُو: شیرین. ۲۶۲۴:۶
 حُلَّه: لباس، لباس نو، سلاح، جامه ای که همه بدن
 را بپوشاند، بُرد یمانی، جامه فاخر؛ جمع:
 حُلُل. ۱۲۷۷:۱، ۱۵۸۱:۴، ۹۶۷:۵،
 ۴۷۸۳:۶، ۴۵۴۶:۶، ۴۰۴۱:۵
 حَلّ و عقد: گشودن و بستن. حل شدن نیز به
 معنی محو و فانی شدن است. «حَلّ و عقد»
 روی هم به معنی سر و سامان دادن امور
 است. ۲۳۲۷:۶، ۷۵۰:۶
 حَلِیه: زینت و زیور، رنگ و مشخصات ظاهری
 کسی. کنایه از اوصاف و شمایل؛ جمع:
 حُلّی. ۲۸۴۸:۶، ۱۸۳۷:۴، ۷۲۸:۱
 حَلِیه بشر: رنگ و رخسار و شکل ظاهری
 انسان. ۳۶۰۴:۵
 حِمَار: خر، الاغ؛ جمع: حُمُر. ۲۵۹۶:۵
 حِمَام: کبوتر؛ جمع: حَمائم و حمامات. اما حِمَام
 خواندن آن غلط است چون «حِمَام» به
 معنی مرگ است. ۳۶۶۲:۶، ۸۴۴:۶
 حِمَام: مرگ. ۵۰۸:۵، ۱۲۹۰:۴
 حَمایل: جمع حِمَالَة به معنی بند شمشیر، پارچه
 ابریشمین دوال مانند به رنگ های مختلف
 که از طرف شاهان به زیردستان خود اعطا
 می شد و آن پارچه ها نوعی تعیین درجه و
 مقام به شمار می آمد. و دارندگان این
 نشان ها در روز سلام، آنرا زیب خود
 می کردند. در تداول پارسیان «حمایل» به
 صورت مفرد نیز بکار می رود. ۱۰۰۰:۴،
 ۱۶۱۲:۴
 حَمْزَه پرست: کسی که آش آبغوره را بسیار
 دوست دارد. اما در اینجا کنایه از آدم
 شکمبازه است. ۱۳۳۱:۶
 حَمْزَه خوار: مجازاً به معنی شکم پرست. برای
 توضیح بیشتر رجوع شود به شرح بیت
 ۴۰۲۹:۶

۳۸۷۵:۶ (۳۷۷۶) دفتر پنجم.
 حِمْل: بار، جمع: اَحْمال. ۲۱۶:۶
 حمله: بار، دفعه. ۲۴۹۴:۵
 حَمُول: بسیار حمل کننده، کسی که تحمّل بسیار
 دارد. (صیغه مبالغه). ۹۸۴:۱، ۷۷۴:۴
 حَمِیَّت: حَمِیَّت، غیرت، فتوّت و جوانمردی.
 ۱۱۴۸:۵، ۳۹۵:۳
 حَمِیراء: اسم مصغّر حمراء و به معنی زن سپید
 است. و این لقبی است که حضرت
 رسول (ص) به عایشه داده است. حمراء،
 مونث اَحْمَر و به معنی سرخ است. ۱۹۷۲:۱
 حَمِیم: آب داغ و جوشان. چنانکه در آیات قرآن
 کریم از جمله آیه ۷۰ سوره انعام یکی از
 عذاب های دوزخیان ذکر شده است.
 ۲۵۲۵:۴، ۳۵۹۱:۱
 حَنَانه: ناله کننده. ۲۱۱۳:۱
 حَنْظَل: خربزه تلخ و بدطعم، هندوانه ابوجهل.
 ۵۳۹:۳
 حَنَوط: مواد خوشبویی که پس از غسل دادن
 میت بدان می زنند، که جسد را تا زمان های
 طولانی از پوسیدگی حفظ کند. ۲۸۱۸:۳
 حَنِیذ: دَلّ سوخته، داغیده. حَنید یا حَنِیذ در
 اصل به معنی گوسفند، گاو و گوساله بریان
 شده است. (چنانکه در آیه ۶۹ سوره هود
 نیز آمده است.) اما در اینجا همانطور که
 مذکور افتاد توسعاً و مجازاً به معنی دل
 سوخته است. ۴۶۳۸:۶
 حَنین: ناله و زاری، شیون، گریه و مویه، مجازاً
 به معنی آواز خواندن. ۲۱۴۲:۱، ۵۳۸:۲،
 ۲۷۰:۴، ۲۹۲۹:۴، ۸۲۰:۵، ۱۶۲۱:۵
 ۳۶۲۵:۶، ۱۸۸۵:۵
 حَوایج: دیگ افزار و آنچه برای پختن غذا لازم
 است، مواد غذایی که در طبخ غذا بکار
 می رود مثل سبزی، بُشن، گوشت و غیره.
 ۴۰۲۹:۶

حُوت: ماهی؛ جمع: حیتان. «بطن حُوتِ شب»
 اضافه تشبیهی از نوع اضافه مُشَبَّه به به مُشَبَّه
 است. یعنی شبی که همچون شکم ماهی،
 تاریک است. ۱۲۴۹:۵، ۲۳۰۶:۶
 حُوخُو: شیئه اسب. ۲۹۷۸:۵
 حُور: جمع مکسر آخُور و حُوراء صفت مشبَّه
 عربی به معنی زیباچشم، کسی که
 رنگ سفیدی و سیاهی چشمش بسیار باشد.
 در فارسی حُور را مفرد بکار می‌برند و در
 تداول فارسیان به معنی زن بغایت زیبا یا زن
 زیبای بهشتی است. و گاه آن را با حُوران
 جمع می‌بندند. ۴۱۴:۱، ۳۹۵۰:۱، ۶۰۹:۲،
 ۲۰۹۷:۳، ۶۹۱:۵، ۲۱۶۳:۵، ۱۴۳:۶،
 ۱۰۸۷:۶، ۲۳۱۰:۶
 حُوززاد: زاده حور. کنایه از زیباروی. ۳۹۵۸:۶
 حَوْل: پیرامون، گرداگرد. ۴:۶، ۴۳۵۶:۶
 حَوْل: لوچی، دوبین شدن. صفت مشبَّه آن،
 آخَوْل می‌شود. کنایه از دید واقع بین نداشتن
 است. ۱۴۵۳:۶، ۱۶۰۸:۶، ۳۱۸۴:۶
 حویج: مایحتاج منزل. ۲۶۲۰:۱
 حَى: بشتابید. از اسماء افعال در عربی است که
 متضمن معنی فعل امر است. ۱۷۲:۳
 حَیْدَر: شیر، اسد، یکی از القاب امیرمؤمنان
 علی(ع). ۵۸۰:۳، ۴۳۵۲:۳
 حَیْران کُن: صفت مرکب مرخَم فاعلی در اصل
 حیران کننده بوده است. ۳۸۲۸:۵
 حیز: نامرد و مخنث را گویند. البته اصل کلمه
 حیز به فارسی، هیز است، زیرا در فارسی
 این کلمه با «ه» صحیح است نه با «ح».
 مخنث نیز به معنی مردی است که حالات و
 اطوار زنان را داشته باشد؛ زن مانند، زن نما.
 ۳۳۸۰:۱، ۱۳۲۶:۴، ۳۹۱۷:۵، ۲۶۵۱:۶
 حیزگان: کاف در اینجا برای تحقیر و تخفیف
 شأن است با الف و نون جمع؛ نامردگان،
 مخنثان پست. ۲۹۳۸:۲

حَیْف: ستم، ستم کردن؛ «پُر حَیْف»: پُرستم،
 ستمکار. ۱۲۱۵:۵، ۱۴۰۶:۶
 حَیْل: حيله ها، جمع حيله. ۲۸۷۹:۳، ۳۶۱۰:۶
 حَیْلَت پَزِي: نیرنگ آوردن، حيله انگيختن،
 نیرنگبازی کردن. ۴۴۴۴:۶
 حیلَت سازه: حيله ساز، حيله گر. ۱۳۳۵:۵
 حيله پیچ: حيله ساز. ۴۴۷:۳
 حَیْن: مرگ. ۷۴۵:۳
 حین: زمان، وقت؛ جمع آخیان. ۳۶۰۶:۵
 حَائِف: ترسان، ترسنده. ۱۴۲۹:۱
 خاتم: انگشتر، نگین انگشتر را نیز گویند.
 ۳۵۷۹:۱، ۹۹۹:۴
 خائُون: بانوی عالی نسب، کدبانو. اسمی ترکی
 است. ۳۱۲۸:۴
 خارا: نوعی سنگ سخت. ۳۸۲۰:۱
 خازُن: بوتۀ خار. ۱۵۴۵:۴، ۲۹۲۶:۵
 خارجی: کسی که پیرو آیین و مرام خوارج باشد.
 ۲۲۰۳:۲
 خارخار: دغدغه، اضطراب، پریشانی و سوسه،
 دلواپسی که بر اثر تمایل و هوس به چیزی
 در انسان پیدا می‌شود. خلجان و اضطراب.
 ۱۰۳۸:۱، ۱۹۶۲:۱، ۳۴۲۰:۱
 خاززار: خارستان. ۲۵۲۱:۴، ۳۵۴۲:۴
 خارق: شکافته، پاره کننده. ۱۵۸۰:۲
 خارِه: سنگ خارا، سنگ سخت. ۲۸۹۸:۵
 خازِن: خزانه دار، حافظ و نگهبان. ۸۷۳:۳
 خافِض: فرو نهنده، پایین برنده، از مصدر خَفَضَ.
 ۱۸۴۷:۶
 خافِقین: غرب و شرق. اسم تشبیه، مفرد آن خافِق.
 ۵۹۱:۳
 خافِقیه: همان خافِقان، اسم تشبیه به معنی مشرق
 و مغرب است. در این بیت چون در حالت
 جرّ قرار گرفته با (یا و نون) آمده است. و
 طبق قاعده صرفی، نون تشبیه و جمع در
 حالت اضافه ساقط می‌شود. در این بیت

خانه یک در بود: یعنی در خانه بسته بود. برخی از شارحان به تَبِعْ معنی لفظی نوشته‌اند. که «آن خانه یک در داشت.» این معنی وجهی ندارد، زیرا در خانه‌ها معمولاً دو «لتی» است و چون بسته شود یک در به نظر آید. ۱۵۸:۴

خاوندگار: خداوندگار، در اینجا مراد خردمند صاحب‌دل است. ۲۸۶۷:۵
خایان: صفت فاعلی است به معنی جَوْنَدَه، در حال گاز گرفتن و جویدن. ۱۶۵۲:۱
خاییه: نوید، ناکام. از ریشه «خ ی ب». ۳۸۰۴:۶

خایش: فعل امر حاضر از مصدر خاییدن (= جویدن) + ضمیر مفعولی «ش». ۵۴۴:۵
خایف: ترسان و هراسان. ۲۵۰۸:۵
خاییدن: گاز گرفتن، جویدن. ۲۱۸۴:۱، ۲۳۴۵:۱
خَبَاط: حالتی شبیه دیوانگی، پریشانی مغز، شوریدگی مغز، راه رفتن به نحو بی‌ارادگی مانند راه رفتن مستان، شوریده مغزی، پری زدگی. ۲۵۵:۲، ۵۱۶:۲، ۹۴۷:۳، ۲۱۵۵:۴، ۴۸۵۲:۶، ۱۹۷:۵

خَبَال: تباهی، پریشانی. ۴۰۲۱:۳
خَبَث: پلیدی، نجاست، ناپاکی، زنگاری که از طلای ثقلی پس از حرارت دادن می‌ماند. ۱۱۹۹:۶، ۳۰۴:۵، ۱۶۰۲:۴، ۳۴۱۱:۲
خَبِث: پلیدی و ناپاکی. ۱۹۹:۵، ۲۶۰۱:۶، ۴۸۶۲:۶

خَبْثِ جوهر: پلیدی باطن، ناپاکی درون. ۲۶۰۲:۵
خَبْرَدَه: آنکه آگاهی بخشد، در اینجا حق تعالی. ۲۲۰۵:۱

خَبْط: اشتباه، کج روی. ۱۵۲۸:۱، ۱۰۴:۵
خَبیر: آگاه، باخبر. ۱۱۲۷:۵
خَبِیص: حلوانی که با روغن و خرما و یا عسل می‌پزند، بدان «افروشه» و یا

چون خاقین به ضمیر (ه) اضافه شده، نون آن حذف شده است. ۱۹۷۳:۳
خاقان: عنوانی که به شاهان چین و ترک می‌دادند. جمع: خواقین. ۳۶۸۸:۶
خاک بیختن: خاک الک کردن کنایه از انجام کارهای پست. ۶۰۲:۵
خاک بیز: کسی که خاک کوچه‌ها و بازارها را جاروب کند، کنایه از ناتوان و بی‌کس. ۱۵۶۲:۱

خاک تود: خاک توده. ۲۱:۵
خاکدان: زمین، کره زمین. ۲۰۱۴:۱، ۲۴۸۳:۱
خاک در چشم مُرَوْتُ کردن: ناجوانمردی کردن، تباه کردن جوانمردی. ۶۶۷:۳
خاک رنگ: به رنگ خاک. ۲۹۵۳:۲
خاک شدن: تعبیری است از فنا شدن. ۱۱۷۵:۲
خاکیان: اهل زمین، زمینیان، منظور آدمیان، زیرا که خمیره آغازین آنان را گِل و خاک بوده است. ۲۰۱۴:۱، ۲۳۸۷:۱

خاکِ سَرا: جهان مادی، زمین. ۲۶۱۹:۱
خال: دایی. ۶۹۷:۲، ۱۷۳۵:۲
خالو: دایی. ۵۱۱:۴
خام ریش: احمق، ابله، گول، کودن، نادان. ۲۵۴۶:۶، ۲۰۵۸:۶، ۱۰۳۳:۳

خام شوح: نادان گستاخ و بی شرم. ۲۳۸:۲
خام کار: کارنا آزموده، بی وقوف، بی تجربه. ۲۱۵۸:۳

خامِل: گمنام. ۱۶۵۹:۴
خام مرد: صفت و موصوف مقلوب به معنی شخصی خام و ناآزموده. ۴۵۸:۲
خامه: قلم. ۱۰۲۴:۱

خامیاز: خمیازه. ۳۲۹۹:۴
خان: خانه، سرا. ۹۶۵:۱
خانقه: مخفف خانقاه. ۲۵۱۷:۵
خانه سوز: مجازاً به معنی دزد است. ۴۲۷۲:۶
خانه‌شین: مخفف خانه‌نشین. ۵۴۴:۳

- ۲: ۱۸۶۰
 خَرُپُشته: پُشته بزرگ. ۳۷۵۸:۵
 خَرخاش: مجادله و گفتگو. ۱۵۶۷:۶
 خَرخَشه: غوغا، جنجال، آشوب. در اینجا به
 معنی ناراحتی و شرّ. ۱۶۴۹:۶
 خُرد و مُرد: اسم مرکب به معنی چیزهای خرد و
 ریز، ته بساط. ۲۵۶۴:۵، ۲۹۱۹:۵
 ۴۰۲۴:۵
 خرده دان: باریک‌بین. ۱۶۵۶:۴
 خُرده‌کاری: اشاره دارد به هنرهای ظریفی که در
 ساختمان تخت بلقیس بکار رفته بود مانند
 میناکاری و خاتم کاری. ۸۷۹:۴
 خر را خُموش راندن: کنایه از معاشات کردن.
 ۳۰۳۰:۱
 خُزن: دوخت و درز گرفتن. ۱۷۶۷:۳
 خُزَن: چوب یا تازیانه‌ای که به خر می‌زنند تا
 شتابان رود. ۲۱۲۸:۶
 خُرس: افراد گنگ و لال، جمع آخُرس. ۱۴۲۷:۵
 ۱۷۹۴:۶
 خَرَف: پیری که از شدت پیری عقلش کم شده
 باشد، پیر سبک مغز، کم عقل و پیر.
 ۳۵۵۱:۴، ۱۵۹۹:۴، ۳۰۸۴:۲
 خَرَق: پاره کردن. ۲۳۸۱:۴
 خرقه کالبد: اضافه تشبیهی است از نوع اضافه
 مُشَبَّهٌ به مُشَبَّه. یعنی کالبدی که همچون
 خرقه باید فرو افکند. ۴۴۱۹:۶
 خُرگاه: خیمه بزرگ، سرایرده. ۱۲۶۰:۱
 خُرگه: مخفَف «خرگاه» به معنی خیمه بزرگ،
 سرایرده. «هر آسمان‌ها خرگه‌زدن» کنایه از
 به اوج کمال معنوی رسیدن. ۸۳۱:۱
 ۲۶۰۸:۵، ۱۸۳۵:۴
 خُرما بُن: درخت خرما. ۹۸:۲، ۱۲۲۰:۳
 خَرّ مَغشِیّا: در حالی که بیهوش شده بود بر زمین
 افتاد. ۱۰۶۱:۶
 خرمن‌دان: خرمن‌شناس. ۱۵۰۰:۶
- «آفروشه» هم گویند. ۲۴۹۳:۶، ۱۳۹۹:۵
 خَب: خفه شو. فعل امر از خَبیدن. ۲۱۶۹:۳
 ختام: پایان کار. موم و گلی که با آن مهر می‌کنند.
 در اینجا معنی اخیر مراد است. ۳۲۳:۱
 ۳۳۶۶:۴
 خَدّ: چهره، رخسار، گونه. جمع: خُدود.
 ۳۷۱۶:۵، ۳۵۶۷:۵، ۳۱۴:۵، ۳۸۴۰:۳
 خِداج: نقصان در هر چیزی. ۱۲۷۹:۵
 خِداج: فریفتن، فریب. ۱۸۶۱:۱
 خَدَنگ: تیر، در اصل نوعی از چوب گز است که
 با آن زین و تیر می‌ساختند. ۳۷۲۱:۳
 خَدو: آب دهان، تُف. ۳۷۲۳:۱، ۳۹۷۶:۱
 خُدوک: پریشانی، پراکندگی خاطر از امور
 ناملایم. ۱۱۰۵:۲
 خدیو: پادشاه، امیر، امیرمصر. اصل آن از زبان
 پهلوی است. ۹۲۸:۳
 خَدُول: بسیار خوار کننده. ۴۶۷۵:۶
 خَرّ: افتاد. ۱۰۶۱:۶
 خِراج: مالیات، مالیاتی که از زمین و حاصل
 مزرعه یا درآمد دیگر گرفته می‌شود. با
 فتحه و ضمه «خ» نیز به همین معنی است.
 ۲۷۲۷:۴، ۳۹۷۳:۱
 خَرّاس: آسیابی که با خر و گاو و چارواگردانند.
 ۹۱۹:۶، ۲۸۱۵:۳، ۵۲۳:۳
 خَرِیط: غاز. پرنده‌ای است درشت‌تر از اردک و
 مانند مرغابی و اردک غذایش را در آب
 می‌جوید. ولی تمایلش به آب کمتر از
 آنهاست و بیشتر به خاک تمایل دارد. نیز
 کنایه از احمق، ابله و شکمبازه. ۴۳۳۲:۳
 ۱۱۳۰:۶، ۲۶۵۳:۵
 خَرَبنده: خادم الاغ، مهتر الاغ، خرکچی، آنکه
 خر را کرایه می‌دهد، مجازاً فرمانبردار هوای
 نفس. ۲۹۵۴:۱، ۱۸۵۵:۲، ۲۲۳۸:۳
 ۳۵۰۱:۵
 خَرَبها: هرچیز یا هرکس بی ارزش، بی عقل.

۴۴۳۰:۶، ۱۷۰۷:۶
 خَسَن: فرومایگان، زبونان: جمع خَس.
 ۱۰۵۷:۱، ۲۷۳۲:۱، ۱۷۳۳:۴، ۱۶۳۳:۵، ۱۹۸۲:۵، ۲۰۵۵:۵، ۳۱۷۶:۵، ۳۱۹۳:۵، ۴۰۸۵:۵، ۳۱۶۲:۶
 خُسبیدن: خوابیدن. ۲۲۶۳:۱
 خُسبیدنِ خون: خفتن خون. به کنایه پایمال شدن و به هدر رفتن خون است. ۲۱۲:۱
 خُسْتَن: آزدن، زخمی کردن. در اینجا مراد نیش زدن است: خُسْت: زخمی شد. فعل ماضی از مصدر خُسْتَن (= زخمی کردن و زخمی شدن) هم لازم است و هم متعدی. ۳۴۱۱:۱، ۳۱۷۱:۲، ۱۴۳۱:۴، ۲۴۴۰:۴، ۱۹۵۳:۵، ۴۰۰۷:۵، ۱۱۱:۶
 خسته کرد: زخمی نمود، مجروح کرد. ۱۰۹۳:۱
 خُسرو: پادشاه، در این بیت به معنی کامیاب و مَقْضی‌الْأَمْر است. ۳۵۱۶:۳
 خُسْف: خسوف، فرو بردن چیزی و یا کسی در دلِ زمین. چنانکه خداوند، قارون را اینگونه کفر داد، مجازاً از میان بردن. ۱۸۸۴:۱، ۳۳۰۸:۱، ۳۵۳۳:۱، ۲۸۳۰:۴
 خَسی: فرومایگی، پستی با یای مصدری «از خسی» یعنی از روی فرومایگی و پستی. ۲۲۶۵:۱
 خَسِیس: فرومایه، پست، حقیر و بی‌مقدار. ۱۹۸۳:۵، ۴۸۹:۵، ۲۲۹۱:۴، ۳۰۳۲:۱
 خُسْت: آجر خام و ناپخته. بنظر می‌رسد اینجا خُسْتِ گلین مورد نظر نیست؛ بلکه لوحه آهنینی است که هنوز صیقل نیافته و به آینه مبدل نشده است. ۱۶۷:۲
 خُسْت خُسْت: صدای جویدن موش و مانند آن. خُسْت، خُسْت هم صحیح است. ۳۹۴۵:۵
 خُسک آوردن: کنایه از اینست که کسی چیزی بداند و خود را به بی‌خبری بزند و چیزی نگوید. ۴۳۹۷:۶

خَرْمُهره: نوعی مهره بزرگ سفید یا آبی که آنرا برگردن خر و اسب و استر آویزند. ۱۰۰۱:۶
 خَرُوب: همان گیاه خَرُوب است که بوته‌ای است بیابانی و مرتفع و خاردار که در هر بنایی بروید آن را ویران کند. وجه تسمیه آن به خَرُوب نیز بدین جهت است که این لفظ از خَرَبِ یَخْرُبُ خراباً مشتق شده است. ۱۳۷۶:۴، ۳۸۷:۴
 خروج: خارج شدن. در اینجا مراد بیرون رفتن برای نیل به مقصود است. ۴۲۰۵:۶
 خَری: با یای نسبت به معنی خر بودن که عامه «خَریت» گویند. ۱۸۵۲:۲، ۴۴۱:۵
 خَریار: خریدار. ۲۱۱۸:۵
 خریدت از بلا: تو را از بلا و محنت حفظ کرده است. ۳۲۶۰:۳
 خریف: پاییز. ۴۴۷۹:۶
 خَر: حیوانی است که پوست گرانبهائی دارد. در اینجا مراد پوست آن حیوان است نه خودش. ۳۹۷۳:۶
 خَرَزْخَزان: نوعی صفتِ دوگانه و یا جُفتی است. زیرا در این صیغه، صفتِ مشبیه تکرار می‌شود. خَزان به معنی کسی است که در حالِ خزیدن است. خَزْخَزان، در اصل خَزان خَزان بوده که الف و نون از لفظِ اوّل حذف شده است. مانند لنگ لنگان و لرزلرزان. ۲۷۴۰:۳
 خَزَف: ظرف سفالی. ۶۷۶:۴
 خَس: خار و خاشاک، پست و فرومایه، خرده کاه، مرادف خار: جمع: خَسان. در اینجا کنایه از چیزی حقیر و بی ارزش با تشدید «س» به معنی کاهو، یا تره کاهو. ۱۵۳:۱، ۸۷۶:۱، ۱۰۸۸:۱، ۱۷۲۱:۱، ۲۰۸۳:۱، ۳۷۳۸:۱، ۱۳۲:۲، ۲۹۱۳:۴، ۳۸۵۰:۴، ۵۶۲:۵، ۲۷:۶، ۹۹۹:۶، ۲۴۷۰:۶، ۴۳۳۱:۶
 خَسار: زیانمندی، ضرر، زیان و خسران.

۳۰۰۰:۴
خَضْرَ: سبزی‌ها. جمع خُضْرَة. ۸۲۱:۱، ۱۸۹۳:۱.
۱۹۲:۳، ۱۳۶۰:۴، ۳۴۳۶:۵
خَضْرَا: مخفَّف خَضْرَاء به معنی سبزی. منظور از «بحر خضراء» همان دریای سرخ است.
۴۲۶۳:۳
خَضْرَايِ دِمْن: سبزه‌های رُسته «سِرگین‌زار».
کنایه از زن زیبایی که بدنهاد باشد و از تبار فرومایگان. ۲۹۶۸:۶
خَضْرَى: سبزی. ۲۸۲۰:۱
خَطّ: مجازاً اثر، انعکاس. ۲۷۶۸:۱
خَطَا: ناحیتی در چین شمالی، بدان خَتا هم گویند. ۱۶۶۶:۶
خَطَابَاتِ دُرُشت: خطاب‌ها و سخنان ناهموار و عتاب‌آمیز. ۱۸۳۴:۵
خَطَا در خَطّ: کنایه از عیبی آشکار و روشن است. زیرا در خط اگر خطایی رود، آن خط دیگر مقبول نیست. ۲۲۶۰:۱
خَطّ خوان: خواننده خط، صفت مرکب فاعلی مرخّم. ۳۱۶:۵
خَطَرَت: آنچه که بر دل گذرد، اندیشه. ۲۶۲۹:۶، ۳۸۸۹:۶
خُطوب: کارهای مهم و بزرگ؛ جمع خُطَب: نیز به معنی خطابه خواندن، سخنرانی کردن. ۳۰۷۹:۱، ۳۸۰:۶، ۴۱۶۳:۶
خُطُوَتَيْن: تثنیه خُطُوَة، دو قدم، دو گام. ۱۵۴۹:۴
خُطّه: ناحیه، سرزمین. ۱۵۵۱:۱، ۲۴۴:۳
خُطیر: ارجمند، بزرگ، مهم. ۴۰۰۱:۶
خَفّ: گیاهی خشک، سریع‌الاشتعال که بوسیله آن جرقه را از سنگ چخماق می‌گیرند و آتش می‌افروزند. ۳۲۱۹:۶
خَفَا: پنهانی و پوشیدگی. ۲۶۲۷:۱
خَفْتَه: خمیده. ۹۸۰:۳
خَفَض: پست کردن، پستی. ۳۳۴۲:۲
خَفَى: پنهان، نهان، پوشیده. ۳۳۸۵:۱، ۳۶۱۹:۱

خُشْک بَند: بستن زخم بدون دوا و مرهم. بند محکم، مجازاً به معنی مسدود کردن و خشکاندن چشمه است. ۲۹۷۶:۳، ۲۲۷۳:۶
خُشْک بند کردن: بستن زخم بی آنکه داروی تر بکار برند. در اینجا به معنی بازداشتن است. شارحی گفته است در محاوره توران، اسبی را گویند که در خانه نگه دارند و به صحرا نبرند. ۱۴۱۳:۵
خُشْک لب: در اینجا به معنی دل‌سیر و وازده است. ۳۹۸۶:۶
خُشْک می‌آوَرَد: به کنایه یعنی خاموش می‌ماند، اعراض می‌کند. چنانکه در دیوان شمس آمده است:
چون خیره شد، زین می‌سرم، خامش کنم، خشک آورم
لطف و کرم را نشمرم، کان در نیاید در عدد
۱۹۳۸:۴
خُشْکی: بی‌وست، خشک شدن مزاج که اطبای قدیم، آنرا غالباً با روغن بادام مداوا می‌کردند. ۵۳:۱
خُشَم جُهود: خشم جهودانه، کنایه از شدت و سختی چشم. ۷۰۰:۱
خُشوک: حرام زاده. در اینجا به معنی زشت. ۱۴۱۷:۲
خُشِيت: ترس. ۲۲۵۴:۵
خِصَام: مصدر باب مفاعله به معنی مخاصمه است. جمع خِصَم نیز خِصَام می‌شود. اما در اینجا معنی اول مناسب است. ۲۸۴۰:۴
خِصْمی: دشمنی، دشمنی کردن، خصم + یای مصدری. ۷۸۲:۴، ۱۳۱۳:۱
خِصِيّ: اخته شده. جمع: خِصِيّه، خِصیان. ۹۴۱:۵، ۵۷۷:۵
خِصِيّه: بیضه، خایه مرد، جمع: خِصِيّ. ۲۲۰۱:۵، ۲۲۱۷:۵
خِضَاب: ماده‌ای رنگین که موی سر و صورت و پوست بدن را با آن رنگ کنند مانند حنا.

گویند. ۳: ۳۱۰، ۴: ۹۹۹
 خَلَد: بهشت. البته در اصل به معنی جاودانگی است که از اوصاف بهشت محسوب می‌شود. ولی در فارسی غالباً صفت به جای موصوف استعمال شود. ۱: ۱۹۰، ۲: ۳۳۲، ۴: ۵۴۹، ۴: ۳۴۱۹، ۴: ۳۵۰۹، ۵: ۹۶۴، ۵: ۳۴۰۴، ۶: ۸۳، ۶: ۴۷۸۳
 خَلِش: اسم مصدر خلیدن، فرو بردن جسمی باریک و نوک تیز در چیزی، فرو رفتن خار و تیغ در بدن. مجازاً عذاب دادن و رنجاندن. ۱: ۲۹۹۶، ۶: ۲۸۹۶، ۶: ۳۷۶۷
 خَلَقْتُ: جامه فاخری که شاهان و امیران به کسی می‌بخشیدند. جمع آن: خَلَع. ۱: ۱۸۴، ۱: ۲۷۳۸، ۴: ۱۰۳۹، ۵: ۲۰۳، ۵: ۲۷۳۰، ۵: ۳۶۱۵
 خَلَف: پشت سر، قرن بعد قرن، گروهی که بعد گروهی آیند؛ جمع آن: خُلُوف. ۴: ۵۲۵، ۵: ۷۵۳
 خَلَقَ: صفت مشبّهه عربی به معنی کهنه و مندرس؛ جمع: خُلُقَان. ۱: ۱۵۷۹، ۱: ۳۰۴۰، ۴: ۲۳۲۳، ۵: ۱۰۵۹، ۵: ۲۹۲۸، ۶: ۴۰۷
 خُلُقَان: مردمان. ۱: ۸۰۳
 خَلَل: سستی، شکاف بین دو چیز، در اینجا منظور نقصان و خرابی است؛ جمع: خِلَال. ۶: ۱۹، ۴: ۴۷۷
 خِلْم: خشم و غضب. ۲: ۲۸۹۹، ۳: ۱۳۷۱، ۵: ۷۸۲
 خَلِنَا: ما را به حال خود واگذار، دست از ما بدار. خَلَّ (فعل امر حاضر باب تفعیل) + ضمیر متصل «نا». ۴: ۲۸۹۸
 خلوت آری: خلوت نشینی کردن. ۴: ۱۴۶۲
 خُلُود: جاودانگی، بقای دائمی. ۵: ۳۴۰
 خَلِیْتُم: فعل ماضی جمع مخاطب به معنی خالی گذاشتید. ۳: ۴۲۶
 خلیدن: گزیدن و نیش زدن. ۱: ۲۹۳

۱: ۳۸۵۴، ۱: ۳۸۹۵، ۵: ۳۴۰۲، ۶: ۱۳۰۰، ۶: ۴۳۶۶
 خَفِیر: نگهبان قافله، بدرقه. ۶: ۱۶۱۰
 خَفِیف: سبک. در اینجا به معنی سبک مغز و کم عقل است؛ جمع خِفَاف. ۴: ۱۷۱۶
 خُفِیه: نهانی، پنهانی، پوشیدگی. ۴: ۱۷۸۰، ۵: ۳۷۲، ۶: ۱۷۹۹، ۶: ۱۸۸۴، ۶: ۱۹۱۰
 ۶: ۳۵۳۹، ۶: ۳۶۸۱، ۶: ۴۰۷۰
 خَلَّ: سرکه. جمع آن: خِلَال. ۳: ۳۶۷۴، ۳: ۴۰۰۰، ۴: ۱۱۳۵، ۶: ۱۹، ۶: ۳۱۸۴
 خَلَا: خالی شدن، خالی شدن معده. ۳: ۷۲
 خلا: مُخَفَّفٌ خَلًّا، خَلًّا، خلوت، خلوت‌گاه، محل خالی، خالی شدن. ۳: ۷۲، ۳: ۳۷۰۱، ۴: ۹۵، ۵: ۲۱۶۵
 خَلَاب: گِل و لای. ۲: ۲۳۹۱
 خِلَابَة: به معنی فریفتن با لطایف الحیل است مصدر فعلی خَلَبَ یَخْلُبُ. ۳: ۳۴۹۳
 خِلَاعَت: تظاهر به تباهی، حقارت و سبکی. اما با کسر «خ» خِلَاعَت به معنی غم خوردن از مرض و پریشانی و ترسیدن از فراق عشق است. ۳: ۳۶۸۹
 خَلَّاق: آفریننده، بسیار خلق کننده. ۴: ۲۸۴۴
 خَلَاَقَت: کهنگی، کهنه شدن. در اینجا به معنی پیرمردگی و پریشانی است. ۵: ۲۹۲۷
 خِلَال: چوبی نازک که دندانها را با آن پاک می‌کنند. ۱: ۲۰۵۹
 خَلَّ الْكَلَام: سخن را رها کن. «خَلَّ» فعل امر مفرد مذکر حاضر از باب تفعیل است. ماضی آن: خَلَّى و مضارع آن: یُخَلِّي و مصدر آن: تَخْلِيَة و مصدر ثلاثی مجرد آن: خُلُوْ (خالی شدن و رها شدن) است. ۴: ۵۳۶
 خَلَّت: دوستی، عشق. ۳: ۴۵۹۱، ۶: ۳۳۷۱
 خَلْخَال: حلقه طلا و نقره که در پای کنند. حلقه‌ای فلزی که زنان برای زینت به میج یا می‌انداختند. آن را در فارسی، «پای‌پَرَنجَن»

خَلِيل: دوست. خليل الله، لقب حضرت ابراهيم (ع) است. چنانکه در آیه ۱۲۵ سوره نساء آمده است:....وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا. «و خدا ابراهيم را به دوستی گرفت.» ۴۲۶:۱ خُمَار: در اصل به معنی هرچیزی است که چیز دیگری را می پوشاند، ولی در عرف معمول، اختصاص یافته است به روسری و مقنعه زنان. جمع آن: خُمُر، این لفظ در آیه ۳۱ سوره نور آمده است. ۲۰۳۲:۱، ۳۲۲۱:۳ خُمَار: کلافگی و سردردی که بر اثر زوال حالت مستی پیش آید. ۴۷۸۲:۶ خُمْدَان: خمخانه، سردابی که خمره های شراب را در آنجا نگه می دارند. میکده. ۳۴۴۷:۵ خَمَرِ حَق: باده عشق خداوند که همه موجودات و عناصر جهانی بر حسب استعداد خود از آن برخوردارند. ۸۵۱:۱ خَمَر: شراب: خَمَرِ کَهَن: شراب کهنه. ۲۹۴۲:۱، ۴۰۰۰:۳ خَمْسِينَ آلَف: پنجاه هزار. ۲۱۸۱:۵ خُمُول: گمنامی، بی نام و نشانی. در اینجا به معنی تواضع و فروتنی آمده است. ۷۷۴:۴ خَمِيس: لشکر و قشون، از آنرو که در قدیم لشکر را به شکل پرنده ای بال گشوده آرایش می دادند و آنرا به پنج رکن تقسیم می کردند: مقدمه (جلوداران، به منزله سر پرنده)، مَیْمَنَه (جناح راست)، مَیْسَرَه (جناح چپ)، قلب (مرکزیت لشکر) و ساقه (رکن پایانی لشکر که به منزله دم پرنده بوده است) و معمولاً برای محاصره دشمن، دو بال لشکر را به هم وصل می کردند و خصم را در میان می گرفتند و قلع و قمع می نمودند. ۱۲۸۰:۶ خُنْب: ظرف سُفالی بزرگ که در آن آب و یا شراب و سرکه و یا چیز دیگر بریزند. خُم و خُمَب هم گویند. ۴۷۳۷:۳، ۲۶۹۲:۴

خُنْبَك زدن: دَنَبِک نواختن، کف زدن، خَنبک زدن. مجازاً به معنی مسخره کردن. کنایه از شور و غوغا کردن. «تَنبک» از سازهای کوبه ای و پوستی است که نوازنده آنرا زیر بغل می گیرد و با همه انگشتان می نوازد. ۱۷۲:۲، ۱۵۷۴:۲، ۴۷۳۷:۳، ۱۸۰۸:۵ خُنْثی: شخصی که تماماً دارای اندام تناسلی مردانه و زنانه باشد، یا هیچکدام را نداشته باشد. خُنْثی بر سه نوع است. یکی خُنْثی انثی که مراد از آن خُنْثایی است که در او حالت زنانه بر حالت مردانه غالب باشد و دیگر خُنْثی ذکر است که برعکس اولی است و سوم خُنْثی مشکل که مراد خُنْثایی است که حالت مردانه و زنانه در او یکسان باشد. ۱۴۲۵:۶ خَنْدَخَنْدَان: از نوع صفت دوگانه و یا جُفْتی است. زیرا در این صیغه، صفت مشبه تکرار می شود. به معنی کسی است که در حال خندیدن است. در اصل خندان خندان بوده است که الف و نون از لفظ اول حذف شده است مانند خَزَخَزَان (در حال خزیدن) و لرز لرزان (در حال لرزیدن) «خندخندان» قید است. ۳۶۹۳:۵ خَنْدُمِین: خنده آور، مُضْجِک. صفت فاعلی مرکب از خَنْد (مخفف خنده) + پسوند میم ماقبل مضموم + ین پسوند نسبت. ۱۶۹۹:۶ خَنْدَه لاله: کنایه از مردم سیاه دل و تیره باطن. ۷۲۰:۱ خندیدن بر سَبَلْت: بر سبیل خود خندیدن، مانند بر ریش خود خندیدن است و کنایه از مسخره کردن خود. ۴۱۲:۶ خُنْک: خوشا: نیک بختی. ۴۳۱:۱، ۸۱۸:۱، ۳۱۴۲:۱ خُنْگ: اسب سپیدموی، اسب سفید رنگ. ۳۳۰۰:۳، ۵۵۵:۴

خواست کرد: تقاضا نمود، درخواست کرد.

۱۵۵۰:۱

خواص: جمع خاص به معنی خدمتکاران و پرستاران ممتاز. اما برخی از شارحان آنرا به قوای علمی و عملی و روحی و نظری تأویل کرده‌اند. ۳۷:۱

خَوَاض: غوطه خورنده، غَوَاض. ۸۹۸:۲

خوان: سفره غذا، سفره، مائده. ۸۲:۱، ۸۰۰:۱، ۳۷۳۳:۱

خوان پاش: خوانسالار، کسی که سفره طعام بگسترد. ۱۸۹۵:۳

خوانش بر: برخوانش، خوانش پُر نیز درست است. ۱۸۹۵:۳

خواه: خواسته، مطلوب. ۴۰۳۳:۶، ۴۵۲۸:۶

خواه نفس: خواسته و خواهش نفس. ۲۹۲۹:۵

خوب خَد: زیبارو. ۱۹۳۷:۴

خود: کلاهخود، کلاه جنگی. ۳۷۸۴:۴، ۲۵۰۱:۵

خود خوردن: در اندیشه اندوهبار فرو رفتن و دم بر نیارودن. ۲۴۴۱:۱

خود را مَخَر: خودپسندی مکن، خواهان خود مشو. ۷۴۶:۳

خود گزین: خودپسند. ۳۸۹۴:۱

خور: خورشید. ۵۴۳:۱، ۷۵۰:۱، ۳۲۰۳:۶

خوردن خون: عملی بوده است که جنگاوران از روی خشم و کینه می‌کرده‌اند. ۲۱۸۸:۱

خورش: خورده‌اش، خوراکش. ۳۹۷۴:۵

خوش‌الْحان: خوش آواز. ۱۶۹۶:۱

خوش آیین آمدن: چیزی را با روی خوش و رضایت کامل پذیرفتن. ۶۴۰:۱

خوش پی: خوش رفتار، خوش قدم، راهوار، مبارک قدم. ۶۴:۲، ۴۰۱۴:۳، ۲۲۸۶:۵

خوش تگی: خوب دویدن. ۲۸۷۵:۱

خوش تنگ: مخفف خوی‌اش تنگ است. ۳۵۳۱:۵

خوش جِجال: خجله‌های زیبا. ۳۸۹۹:۵

خَنگِ رَخْش: اسب سفید و نژاده و اصیل. اضافه

وصفی از نوع اضافه صفت به موصوف

است. «خنگ» به معنی اسب سفید و

«رَخْش» به معنی اسب اصیل و نژاده. در

اینجا مراد از «خنگ رخس» بُراقِ جبرئیل

است که رسول خدا با آن به معراج رفت.

۱۵۶۱:۵

خَنُور: آلات و لوازم خانه از قبیل ظروف، کاسه،

کوزه. در اینجا مطلق ظرف. ۳۵۴۰:۶

خُنوس: آشکار شدن و سپس پنهان گشتن. نیز به

معنی واپس رفتن. از همین ریشه خَنَاس

ساخته شده که صیغه مبالغه است و دلالت بر

عادت دارد. یعنی کار خَنَاس، وسوسه‌گری

است، دائماً آشکار می‌شود و نهان می‌گردد.

پیش می‌آید و پس می‌رود. ۴۰۵۸:۳

۴۰۶۰:۳

خَو: کندن و بُریدن و درو کردن. ۲۶۹۸:۳

خوابِ حَسَی: همان خواب معمولی که از

عوارض بدن است. ۳۹۵:۱

خواب در: درخواب. ۱۶۷۰:۲، ۳۵۸۷:۲

خواجه: بزرگ، رئیس. ۱۵۹:۱

خواجه‌تاش: تعبیری است مرکب از خواجه

فارسی و پسوند تاشِ ترکی به معنی دو غلام

که متعلق به یک خواجه باشند. مثل

شهرتاش (= دو نفر همشهری) و خیل‌تاش

(= دو نفر سپاهی که در یک سپاه باشند).

همتا، رفیق. ۱۱۷۱:۱، ۸۸۹:۲، ۳۱۴:۳

۱۴۴۶:۶، ۱۶۸۰:۴

خواجه‌وش: مانند مهتران و بزرگان مورد احترام.

۲۵۱:۱

خواجیم أَجَل: خواجه مهین، سرور بزرگوار.

۳۷۹۹:۶

خوارِ تَن: کسی که دارای جسمی ضعیف و

ناتوان باشد. ۳۵۸۴:۱

خوازه‌گر: خواستگار. ۲۵۴:۶

خوش نَفَس: آنکه دم و نَفَس او مبارک است،
خیرخواه، خوش طینت، شیرین کام.
۳۳۹۰:۶
خَوْض: فرو رفتن در آب، تأمل بسیار کردن.
۲۸۲۴:۱
خَوَکَرْدَن: بُریدن شاخه های درخت. هَرَس کردن. به معنی وجین کردن نیز آمده است، اما وجه اول در اینجا مناسب تر است، زیرا «خَو» مطلق روییدنی است و شامل هر نوع گیاه و درختی می شود. ۱۰۸۶:۵، ۴۳۰۲:۶
خَوَگَر: انیس، انس گیرنده. ۳۸۰۳:۲
خَوَن پالا: قاتل، خون ریز. ۸۰۷:۲، ۲۵۲۴:۳
خَوَن خُسبیدن: به کنایه پایمال شدن و به هدر رفتن خون کسی است. ۲۴۸۸:۳
خَوَن رَز: شراب. ۶۹۹:۳
خَوَنی: قاتل، کُشنده، آدم کش. خون + یای نسبت. ۳۸۴۴:۱، ۳۹۲۴:۱، ۲۳۲۲:۴
خوی: به معنی عَرَق بدن و صورت. (بدون اشباع تلفظ شود. مانند تلفظ شهرستان خوی در آذربایجان غربی). ۲۷۹۴:۲، ۲۵۳۴:۶
خوی: عادت. در اینجا به معنی اُنس و الفت آمده است. ۱۴۱۵:۶
خویش از کسی درچیدن: از کسی کناره گرفتن، تحاشی کردن. ۴۱۴۳:۶
خویش را تأویل کردن: عبارت از آن است که طریق فکر و نظر را بگذاشته و به آنچه مراد خدا و رسول خداست ایمان آورده و از حضرت واهب العطیات، منتظر کشف آن باشد. ۳۷۴۴:۱
خِه: خنده و استهزاء، اما خِه خِه، کلمه تحسین یعنی خوشا و مرحبا، بَه بَه و بارک الله. ۸۷۴:۲
خَه خَه: بَه بَه، وه وه، خَه کلمه تحسین است، اما در اینجا جنبه تمسخر دارد. ۲۰۵۰:۶

خوش خَنین: خوش آواز. ۱۶۹۴:۱
خوش خَضاب: در اینجا به معنی «خوش رنگ» است. «خَضاب» هر آن چیزی است که موی سر و صورت را با آن رنگ می کنند. ۴۵۴۳:۶
خوش ذَقَن: خوش چانه. زیبا رو (از باب ذکر جزء و اراده کُل). ۴۲۳۰:۶
خوش رَگ: خوش جنس، نیک اصل، نرم، سازگار. در دیوان شمس «خوش رگ» صفت «چنگ» واقع شده. و «چنگ خوش رگ» یعنی سازی که سیم ها و اوتارش و به اصطلاح «مضرب خورش» خوب باشد. ۲۲۸۶:۵
خوش زاد: نزاده و اصیل، زیبا. ۳۲۴:۲
خوش عِذار: زیبا رُخسار. «عِذار» به معنی رخساره است. ۳۶۳۹:۶
خوش کام: زیبا دهان. در اینجا منظور معشوق و محبوب است. ۲۰۲۳:۵
خوش کیش: نیک آیین. و چون صفت آینه واقع شده به معنی آینه صیقلی و پاکی است که همه چیز را به خوبی در خود نشان می دهد. ۱۰۸۳:۶
خوش گرم دار: خوب و گرم نگهدارنده. «گرم دار» اسم فاعل مرکب مرخَم است و «خوش» صفت آن. بنابر این «خوش گرم دار» صفت و موصوف مقلوب است. ۱۶۲۴:۴
خوشگوار: غذایی که به آسانی هضم شود، لذیذ و خوشمزه. ۱۷۴۸:۵
خوش لَب: خوش آواز. ۲۶۵۷:۶
خوش مَساغ: خوش رفتار، خوش مدار، خوش خرام. «مَساغ» هم اسم مکان است به معنی گذرگاه و معبر و هم مصدر میمی است از ساعَ یَسوعُ. پس «آفتاب خوش مَساغ» یعنی خورشیدی که حرکت زیبایی دارد.

اضافه تشبیهی است. یعنی عدالتی که همچون عرش بر همه کس احاطه دارد.
 ۳۶:۴، ۱۵۳۷:۵، ۱۵۶۸:۵، ۳۲۵۹:۵، ۳۱۶۱:۶، ۴۵۳۰:۶
 دادخواست: تظلم خواهی کرد، دادخواهی کرد.
 ۱۵۵۴:۱
 دادر: برادر، دوست. از لغات فارسی ماوراءالنهر، جمع آن دادران است به معنی برادران.
 ۳۴۷۲:۵، ۲۷۵۱:۶، ۴۱۵۶:۶
 داد کردن: انصاف و عدل نمودن. ۲۴۷۳:۲
 دادغیب: قدرت تعریف عالم غیب. ۱۳۰۰:۲
 دادیزدان: عطای خداوند. ۲۷۹۰:۵
 دار: فعل امر مفرد مذکر حاضر از مصدر مداراة یعنی مدارا کن. ۳۸۱۲:۴
 دارالآمان: مقام جانی جانان که عاشق را از هجران و رنج فراق ایمن می‌سازد. ۳۸۷۲:۳
 دارالجنان: خانه بوستان‌ها، جایی که باغ و بوستان فراوان باشد. ۱۷۷۳:۳
 دارالحرب: جایی که باید در آن جنگ کرد. در اصطلاح فقهی به سرزمین کفاری گویند که به اطاعت مسلمین در نیایند. ۲۱۵۳:۵
 داردار: کسی را معطل کردن، ایجاد تأخیر در کار کسی. ۴۲۳۵:۶
 دارالسُرور: خانه شادی، آخرت. ۳۰۸۳:۴، ۳۱۸۷:۴
 دارالضرب: دارِ ضرب، ضرابخانه، محل ضرب سکه، دَرَم سرا. ۸۹۷:۱، ۱۶۰۹:۶
 دارالغیرار: خانه فریب. کنایه از دنیا است. ۱۳۲۴:۴
 دارالغرور: خانه غرور، دنیا. ۳۰۸۴:۴، ۳۱۸۷:۴
 دارالقرار: سرای ماندن. ۶۹۷:۵
 دارالسلام: سرای سرزنش. مراد دنیا است. «مَلام» مصدر میمی از فعل اجوف «لَا مَیْلُوم» است. ۱۱۳۵:۵
 دارالملک: پایتخت، از نظر دستوری ترکیب

خَی: این کلمه به معانی مختلف آمده از جمله خَی مصدر خَوِی یَخْوِی به معنی خالی شدن و تهی گشتن است. و خَوِی از همین اشتقاق به معنی گرسنه آمده است، همچنین خَی به معنی قصد و آهنگ است. منظور از حی و خَی ظاهراً اشاره دارد به توجه به لفظ و عدم التفات به معنا. ۱۷۷:۳
 خیال بستن: خیال کردن، مصور شدن نقش خیال در ذهن. ۱۲۸۶:۵
 خَیر: بهتر. صفت تفصیلی که در اصل، أَخیر بوده است. ۳۳۴۲:۴
 خیرالوری: بهترین آفریدگان. ۳۱۴۰:۳
 خیره چشم: بی حیا، بی شرم، گستاخ. ۱۷۲۶:۴
 خیره خند: کسی که بیهوده می‌خندد، در اینجا منظور دنیا است که به روی ابنای خود خنده هرزه و فریبنده‌ای می‌کند. ۱۵۸۰:۶، ۱۸۷۲:۶
 خیره سر: گستاخ، بی پروا، چموش، لجباز، پریشان، مجازاً حیران و سرگشته. ۱۱۱۷:۱، ۵۷:۲، ۱۹۹۸:۴، ۳۲۷۷:۴، ۳۸۷۳:۶
 خیره شدن: گستاخ شدن. ۲۴۶۴:۴
 خیره گشتی: بی محابا گشتن. مصدر مرکب است. یکی از معانی «خیره»، شجاع و بی‌باک است. ۴۰۰۳:۶
 خیز: جنبش، چستن، در اینجا به معنی طلوع کردن است. ۳۰:۴
 خیزخیز: برخاستن و برجستن. ۶۷۰:۵
 خَیَل: رمه اسب، مجازاً اسب سوار. سپاه، لشکر، سواره نظام و سوارکار مطلقاً به معنی گروه و دسته. ۴۱۷۶:۵، ۵۷۶:۵، ۱۹۹۳:۴، ۴۶۸۰:۶، ۳۶۵۵:۶، ۲۶۵:۶
 خیمه زدن: فرود آمدن و مقیم شدن. ۴۰:۲
 دأب: روش، طریقه، راه و رسم. ۴۸۳۸:۶
 داحض: باطل، حبط. ۲۶۲۴:۶
 داد: عدل، انصاف، عطا، بخشش و «تختِ داد»

داد است. مانند «هنرور»، «دانشور». لیکن دال دوم را برای رعایت تخفیف حذف کرده‌اند. «داور» از نام‌های خداست به معنی قاضی، عادل، دادگر هم آمده است. ۳۰۷۶:۵
داورکن: داوری کننده. ۷۵۸:۵

داهسی: زیرک، دانا و باهوش؛ جمع دُهاه. ۳۱۶۶:۴، ۲۹۴۷:۱

دایه: زنی که طفل را با شیر خود پرورش دهد. ۴۲۲:۱

دایهٔ بد: کنایه از هرگونه عامل نفسانی، خواه وسوس درونی و خواه، همراه کنندگانی که به جامهٔ ارشاد در می‌آیند. ۲۹۷۲:۲

دَبّ: خرامیدن، (چنانکه در لسان العرب آمده است: أَلَذَّهَابُ عَلَى الطَّرِيقِ بِالْأَذْبِ وَالْحَيَاءِ. یعنی با ادب و شرم راه رفتن)، نرم و آهسته رفتن. لواط کردن. کنایه از مجامعت. ۴۴۷۵:۶، ۳۸۴۸:۶، ۳۶۳:۵

دُبّر: سرین، نشیمن. جمع: آدبار. ۲۲۲۴:۴
دِبّس: شیرهٔ انگور و خرما، دوشاب. ۱۱۴۵:۲
دُبُور: بادی که از سمت مغرب می‌وزد، مقابل باد صبا که از مشرق وزان است. ۵۷:۳

دَبّوس: گرز آهنین، چوبدستی ستبر. جمع: دبایس. ۱۸۸۰:۲، ۳۵۰۲:۵، ۷۱۰:۶، ۴۶۸۷:۶

دُبُوسِ مَحْنَت: اضافه تشبیهی است از نوع اضافهٔ مُشَبَّهٌ بِهِ به مُشَبَّه. یعنی بلایی که مانند گرز، کوبنده است. ۳۷۲:۶

دَبّه: ظرفی برای روغن؛ لیکن برخی از شارحان مثنوی آن را در اینجا به معنی لافزن و بی‌مغز و چابلوس گرفته‌اند. برخی نیز دبه را در اینجا به معنی افزون طلب و طمع فرض کرده‌اند. ۶۶۵:۲

دبیرستان: مکتب‌خانه. ۱۱۷۳:۳، ۵۵۱:۳
دِثار: جامهٔ رویین، لباس رویی، شامل چادر و جُبّه و عبا نیز می‌شود. ۶۶۸:۲، ۲۶۳۸:۳

اضافی. ۱۱۵۶:۵، ۳۴۷۳:۵، ۴۱۳۴:۵، ۳۱۰۸:۶

داروگیر: مقلوب گیر و دار به معنی رزم، معرکه، بگیر و ببند، هنگامه. مجازاً حکومت و فرمانروایی. ۴۵۸:۱، ۳۴۲۶:۳، ۳۱۱۷:۵، ۳۵۱۷:۵

دارَین: دوخانه. تنبیه‌دار. ۴۷۰۱:۶
داعی الله: دعوت کننده به سوی خدا، مؤذن. ۸۶۲:۳

داعیّه: اسم فاعل از دَعَا یَدْعُو در اینجا به معنی خواسته و آرزوست. ۱۵۳۱:۵
دالّه: راهنما. ۱۶۶۹:۲

دامن از چیزی افشاندن: کنایه از دور ریختن و صرف نظر کردن. ۲۲۱۷:۱

دامن کسی تافتن: مجازاً توسل و استمداد. نظیر تعبیر دست به دامن شدن. ۴۲۷:۱

دامن کشان: خرامان، کنایه از خرامیدن و با ناز و کرشمه راه رفتن. ۳۵۶۷:۱، ۵۰۴:۵

دامن‌کشی: می‌خرامی، با تکبر راه می‌روی. ۱۳۹۶:۴

دانش‌کش: کشنده دانش. صفت مرگب فاعلی مرخم است. ۱۱۶۰:۱

دانگ: بخش، بهره، یک ششم درهم. معرب آن دائق است، برای وزن و مساحت. به معنی مقداری پول و یا پیشیزی ناچیز است و مطلقاً به معنی مال و سود. ۹۵۷:۳، ۱۵۸۸:۳، ۱۹۷۴:۵

دانگانه: اینجا به معنی پولی که تماشاگران معرکه به معرکه‌گیر می‌دهند. در اصل به معنی پولی است که جمعی روی هم می‌گذارند و هریک سهمی می‌دهند تا هزینهٔ سفر و سیاحت و گردش تأمین شود. ۱۰۰۴:۳

داو: به معنی نوبت بازی و قمار. در اینجا به معنی حيله و زیرکی. ۳۵۰۶:۶
داور: در اصل «داؤور» به معنی صاحب عدل و

و باریک در کوه. ۳:۴۸، ۴:۲۴۴۲
 دَرَبَندَان: جمع دَرَبَند به معنی قلعه و دژ. نیز به معنی عمل بستن در، در محاصره ماندن. مجازاً بسته شدن راه وصول به حق. ۱:۴۱۰، ۴:۲۴۴۵، ۴:۲۸۰۹
 دَرِپَاش: نثار کننده مروارید، پاشنده مروارید. کنایه از حس روحانی انسان. ۲:۴۷
 دَرِزَسْت: ترکیب وصفی است به معنی پرستنده در یعنی کسی که مراقب و امیدوار گشوده شدن در مقصود است. ۴:۵۱
 در پیچیدن: ستیز کردن. ۱:۱۰۴۲
 در تافت تاب: منظور اینست که تصویر آن دو در آب منعکس شد. ۱:۱۳۰۵
 دُرِّ تَمین: مروارید گرانبها. ۵:۳۳۲، ۵:۱۷۸۶
 دَرَج: اگر جمع «درجه» باشد به معنی نردبان و پله است. و اگر مفرد باشد به معنی راه و واسطه میان دو نفر برای صلح دادن است. درجه، پایه. ۲:۳۱۴۶، ۳:۴۵۰۹، ۶:۴۹۱۳
 دَرَج: پیچیدن چیزی در چیز دیگر، آغشتن و آلودن، نهفتن، شاخ خود برتن خصم فرو کردن. ۳:۲۶۰۲، ۳:۴۵۴۷، ۵:۵۱۸، ۶:۲۸۲۸، ۶:۲۹۳۰، ۶:۳۵۷۱، ۶:۴۵۷۸
 دُرَج: صندوقه جواهرات. دُرَج سر: صندوقه سر. اضافه تشبیهی از نوع اَصَافَةُ مُشَبَّهَةٍ به مُشَبَّه است یعنی سری که مانند حقه و صندوقه مروارید و جواهر است، از آنرو که مغز گرانبه است به مروارید و جواهر مانند شده است. ۱:۷۱۹، ۶:۱۸۳۷، ۶:۴۵۴۶
 دَرَحَم است: در خطر (ربودن) است، مورد تهدید است. ۲:۶۳۵
 دُرْد: اصطلاحاً احساس رنج شدید از نایافتن مطلوب. ۱:۶۲۸
 دُرْد: آنچه از مایعات خصوصاً شراب ته نشین می شود. رسوب مایعات، «حرف دُرْد» یعنی

دُجی: جمع دُجیه به معنی تاریکی و یا ظلمتی که ابر ایجاد می کند. از مصدر دَجُو به معنی تاریک شدن. ۳:۲۸۳۶
 دُخَان: دود. جمع: اَذَخْنَه. ۵:۵۷۱، ۵:۱۱۰۱، ۶:۹۷۳
 دَخَل: درآمد، محصول، نتیجه، عایدی. ۳:۲۳۹۲، ۵:۱۱۷۵، ۵:۱۴۷۸، ۶:۴۰۳
 دَخْمه: سرداب، جایی که مُردگان را دفن می کنند؛ قبرستان زرتشتیان؛ نیز به معنی گور، تابوت و شقیقه شتر. ۱:۱۹۲۸، ۳:۲۲۲
 دَخیل: کسی که جزو قبیله ای نباشد و بداندان بیوند. سالک مبتدی که تازه به اهل سلوک پیوسته است، بیگانه؛ دخیلانه: دخیل وار، مانند دخیل. ۱:۱۴۱۳، ۵:۲۷۷۱، ۵:۲۷۸۲
 دَد: جانور درنده مانند شیر و پلنگ. در اینجا جمع و به معنی ددان است. ۱:۲۷۴، ۵:۲۳۳۱
 دَدَه: دد، جانور درنده مانند شیر و پلنگ. ۴:۲۴۹۴، ۶:۴۳۸۲
 دَر: در این بیت به معنی نزد است. «درخرد» یعنی نزد عقل. و اگر حذف مضافی تقدیر کنیم یعنی در نزد خردمندان و صاحبان عقل. ۳:۴۴۰۴
 دُر: مروارید، مروارید درشت. ۱:۴۵، ۱:۷۱۹
 دَرَا: مَخْفَق «درای» به معنی زنگ بزرگ، جَرَس. ۳:۱۲۲، ۵:۲۵۲۷، ۶:۲۶۸۱
 دَرَاک: نیک دریابنده، بسیار درک کننده. صیغه مبالغه. ۳:۳۶۹۳
 دُرَبَار: بازنده مروارید، نثار کننده مروارید. صفت مرکب فاعلی مرَحَم. ۲:۹۱۲
 درباقتن: تار و بود را درهم کردم برای پدید آوردن پارچه. «اندر فرح درباقتیم» یعنی با شادی و فرح در آمیختیم. به عبارت ساده تر خوشحال و فرحناک شدیم. ۵:۲۲۸۹
 دَرَبَند: قلعه و حصار، راه پُر خطر. گذرگاه تنگ

خور شاهان است. ۲۱۰۵:۶
 دُرُشت: خشن، ناهموار، حجیم. ۴۰۶۱:۳
 دُرُ عَدَن: مروارید شعر عَدَن. عَدَن از شهرهای
 یمن که مرواریدهای مرغوب داشته است.
 ۳۵۳۹:۶
 در عُدُر آمدن: معذرت خواستن. ۲۰۸۶:۵
 دُرُفِشان: فشاننده مروارید، نثار کننده مروارید.
 صفت مرکب فاعلی مرخم. ۹۲۵:۲
 در قصِدِ سَرَسْت: آهنگِ آسیب زدن به جان و
 روان را دارد. ۶۵۱:۵
 درگاه: آستانه در، محل در ورودی که پایین ترین
 قسمت مجلس و منزل است، مقابل پیشگاه
 و صدر. ۱۵۲:۶
 در گرفتن: اثر نهادن. ۴۷۱۹:۶
 در گوش نهادن: گوش دادن، سخنی را پذیرفتن.
 ۱۱۶۱:۱
 دُرُگه: مخفّف درگاه. ۹۴۰:۱
 دُرُگهی: آنچه بر درگاه باشد. «مرکوب درگهی»
 اسبی زین کرده و عنان بسته و نیرومند و
 رهوار که همیشه بر درگاه شاه، آماده
 نگه داری می شده تا در اثر بروز هر
 حادثه ای از آن استفاده کنند. نیکلسون
 آورده است که رسم بستن اسب به درگاه
 قصر، از زمان منصور (خلیفه دوم عباسی)
 معمول شده است. ۱۴۴۴:۱
 درمان جای: مکانی برای یافتن درمان. ۶۶۶:۱
 درمان زفت: درمان بزرگ و مهم. نیز
 درمان کننده بزرگ و مؤثر. ۳۱۶۵:۴
 دِرْمَسَنگ: دِرْم (واحد وزن معادل دوازده
 قیراط) + سنگ (قطعه سنگی که برای وزن
 کردن در کفّه ترازو می گذارند). «دِه
 دِرْمَسَنگ» یعنی به وزن ده دِرْم. ۲۲۵۴:۴
 درمکش: در این بیت یعنی کناره گیری مکن،
 دوری مکن. چون «درکشیدن» معانی
 دیگری هم دارد که مناسب این بیت نیست.

ظاهر و صورت ظاهر آن اسم. ۱۲۲۵:۱
 ۲۰۰۲:۳، ۲۵۹۵:۴، ۲۶۹۳:۴، ۳۰۸۶:۴
 ۷۵:۵، ۳۵۶:۵، ۲۶۴۰:۵، ۳۲۹۹:۶
 در داد و داور کشیدن: زیر بار تکلیف کشیدن.
 ۳۹۷:۱
 دُرْدانه: دانه مروارید، عزیز. برخی مصراع دوم را
 «هَلْ تو در دانه» خوانده اند و چنین معنی
 کرده اند: تو در دانه معنا را بگذار و دانه گندم
 را بگیر. ۵۲۴:۳
 دُرْدَبیس: گنده پیر، سختی و بلا، مَهْرَه افسون.
 ۱۲۸۰:۶
 دُرُ دُرُست: مروارید سالم، دُرُست و کامل.
 ۱۲۰۸:۴
 دُرْدُرْد: بدزد. فعل امر از مصدر دزدیدن. در
 اینجا به معنی خلاص کردن است. ۱۶۴۱:۶
 دُرْدَناک: دُرْدآلود، آغشته به رسوب مایعات از
 قبیل شراب و غیره. ۳۶۱۷:۵
 دُرْدی: دُرْد (= ته نشین مایعات) + یای
 مصدری. «از دُرْدی» یعنی به جهت سنگینی
 و رسوب. ۱۶۱۶:۲
 دُرُر: جمع دُر به معنی مروارید. ۳۸۰:۵
 در رو مالیدن: به روی کسی آوردن. ۳۳۷۳:۳
 دُرُر سَر: فرق سر. ۱۱۸۹:۱
 در رَمَن: در زمان، در حال، آنّا. ۳۹۳۷:۶
 دُرُزی: خیاط، جامه دوز. در عربی نیز به همین
 نام است. ۴۱۹۷:۶، ۱۷۷۶:۵، ۳۲۰۵:۱
 در سَبَق: در پیشی گرفتن، در اینجا به معنی از
 حد گذشتن. ۱۳۰:۵
 دُرُست: کامل و بی کم و کاست. ۲۵۱۴:۱
 دُر سُفْتَن: سوراخ کردن مروارید. کنایه از تکلّم
 کردن و سخن ارزشمند گفتن. ۳۷۳۰:۴
 در سُکُست: فعل ماضی از مصدر سُکُستن به
 معنی گسستن. ۳۴۵:۴
 در سماع آوردن: شنیدن. ۱۴۰۸:۱
 دُرُ شاهوار: مروارید گرانها، مرواریدی که در

رقص‌کنان. ۴۷۴۳:۶
 دست آوردن: غالب شدن. دخل و تصرف کردن.
 ۱۵۲۳:۱
 دَسْتَبَاف: پارچه‌ای که با دست بافته شود، مجازاً ساخته شده، مفت، سهل و آسان.
 ۴۰۱۶:۶، ۲۶۵۱:۲، ۹۱۵:۲، ۴۹۲:۱
 دَسْتَبُرد: قدرت، تصرف، چابک دستی. ۲۱۶۰:۵
 دست بر دهان نهادن: اشاره به سکوت کردن
 شخص مقابل. ۲۰۸۳:۴
 دَسْت‌بُردی: چیره‌شدی. پیروز‌شدی فعل ماضی
 از مصدر مرکب دَسْت‌بردن. ۱۳۶۰:۱
 دَسْت‌پیمان: مهریه، شیربها. ۲۶۸:۶
 دَسْت‌خوش: کنایه از مغلوب و زبون. اکبرآبادی
 دست‌خوش را به معنی دست‌آموز نیز می‌داند و مصراع دوم را با فرض «گردی» به جای «گردی» چنین معنی کرده است:
 دست‌آموز استاد باش تا خمیر کردن را یاد بگیری. ۳۷۶:۶، ۳۴۵۵:۲
 دست دادن: غلبه دادن، حاصل شدن، میسر گشتن. کنایه از مهلت دادن. ۳۷۸۶:۱
 ۲۰۶۵:۴
 دست در گُتن: دست فروکن، در اینجا یعنی جستجوکن. ۴۰۱:۵
 دَسْتکار: مصنوع، ساخته شده. ۳۷۶۲:۴
 دَسْتک زدن: کف زدن طبق اصول و هماهنگی با حرکات پا. ۲۲۹۰:۵
 دَسْتک زَنان: در حال «دستک زدن» به معنی کف زدن بر طبق اصول و مناسب حرکات پاهاست. ۲۵۳۴:۵، ۳۹۱۱:۳
 دست کشیدن: لمس کردن، گدایی کردن، دست دراز کردن از روی طمع. در اینجا منظور طلب کردن است. ۱۴۶۵:۵
 دَسْتگاه: قدرت و جمعیت، کثرت اسباب و اموال، شکوه و جلال. ۲۴۰۶:۱، ۳۸۶۵:۳
 ۲۷۸۷:۵

۳۷۶۹:۳
 دَرِ مَكُون: مروارید مستور و نهفته، مقتبیس از آیه ۲۲ سوره واقعه: كَاثَلِ الثُّلُوهِ الْمَكُونِ «همچون مروارید مستور در صدف» وقتی که مروارید در صدف قرار گیرد و هیچ دستی به آن نرسد، گرانقدرتر و شفاف‌تر خواهد بود. ۲۳۹۰:۱
 در میان آوردن: ظاهر کردن، پدید نمودن. ۱۰۴۱:۱
 در نوشت: طی کرد، در نوردید، درهم پیچید. ۴۴۳۹:۶
 دُرُوگر: دُرودگر، نجار. ۵۴۶:۳، ۳۰۹۳:۵، ۳۳۳۷:۶، ۱۳۷۱:۶
 دِرّه: تازیانه، دوال: جمع دِر. ۳۷۴۲:۴، ۱۵۰۹:۶
 دِرّهَم: آشفته و شوریده. ۲۱۹۹:۵
 دریابار: کنار دریا، ساحل دریا. ۳۶۲۵:۵
 دُرِ یتیم: مروارید درشت و آبدار که به تنهایی در درون صدف پرورش یابد. مروارید گرانها. مروارید یک دانه. ۲۹۴۱:۱، ۹۹۰:۴، ۳۴۴۵:۶، ۲۸۶۴:۶، ۲۲۵۴:۴
 دریوزه: گدایی کردن. ۱۶۴۸:۲
 دُرْدی‌نامه: کتابی که در شرح احوال و کارهای دزدان نوشته شود. ۱۶۵۴:۶
 دِرْگُشا: گشاینده قلعه، فاتح دژهای دشمن، صفت فاعلی مرکب مرخَم است. ۱۹۵۵:۶
 دُرْم: افسرده، اندوهناک، سرمست، سیاه و تیره. ۲۰۶۹:۳، ۲۹۵۴:۲
 دست: نصرت، پیروزی، قانون، فرصت. ۱۰۲۲:۱
 دَسْت‌افشان: در حال دست زدن و رقصیدن. کنایه از شادمانی و شغف. ۳۶۳۳:۶
 دستان: مکر و حيله، تزویر، داستان، افسانه: نغمه، سرود. ۲۵۵۱:۳، ۱۵۱۱:۱
 دَسْت‌اندازان: در حال دست‌افشانی.

دَسْتَنَبُو: گلوله‌ای مرکب از عطریات که آنرا به دست گیرند و ببینند، میوه‌ای کوچک و خوشبو شبیه به گرمک. عرب بدان شَمَامَة گوید. ۲۵۶۳:۴

دست و دامن به کسی دادن: کنایه از تسلیم شدن. ۶۶۹:۱

دَسْتُور: معانی متعددی دارد از آن جمله به معنی صاحب دست و وزیر است. دَسْتُور نیز می‌خوانند. دست + پسوندِ دارندگیِ وَز. ۱۲۴۶:۴

دستوری پدر: مُضَاف و مُضَافُ إِلَیْهِ است. یعنی اذن و دستور پدر. حالت اضافه مضمراست. ۴۱۱۳:۶

دشمن‌کامی: عملی که مطابق میل دشمن است، توسعاً دشمنی کردن. ۳۳۸۲:۱

دَعَى: آنکه نَسَب مشکوک دارد، پسرخوانده، در آیه ۴ سورة احزاب به معنی اخیر آمده است؛ جمع آن: اَدْعِیاء. ۲۳۶۹:۲، ۲۸۶۳:۲

دَعَا: ناراست، نادرست، شخص حيله‌گر، فریبکار، مکر و فریب، حيله‌گری، نیرنگبازی. ۶۵۵:۲، ۱۶۵۰:۲، ۱۷۰:۳، ۲۳۵۸:۳، ۲۸۵۸:۳، ۱۸۳۰:۵، ۲۲۳۰:۵، ۴۷۷:۶، ۱۴۱۳:۶، ۱۶۹۹:۶، ۴۷۱۴:۶

دَعَلَ: غَلَ و غَش، ناسرگی، حيله‌گر، فریبکاری و نیرنگبازی، حيله و فریب. ۳۷۲۱:۱، ۱۲۷۴:۴، ۳۶۵۵:۴، ۱۵۲۰:۵، ۲۱۱۰:۵، ۱۶۸۲:۶، ۴۵۶۴:۶

دفع دادن: واپس زدن، از سر خود واکردن، بهانه آوردن. ۳۷:۱، ۱۳۷:۱

دَفْع گفتن: راندن، طرد کردن. ۳۳۹۰:۲، ۲۸۱۷:۵

دَقین: زیر خاک رفته، پنهان شده در خاک، مدفون، نهفته شده. ۲۶۶۶:۱، ۴۵۹:۳، ۱۵۸۲:۴، ۲۸۳۶:۴، ۲۹۴۵:۴، ۴۶:۵، ۲۱۲۶:۵، ۱۹۳۹:۶، ۳۷۷۶:۶، ۴۲۴۶:۶

دَقینه: گنجینه، گنجی که در جایی مدفون شده باشد؛ جمع: دَقائن. ۱۹۸۴:۵

دَق: کوفتن و اعتراض کردن. در سخن کسی، نکوهش و مؤاخذه، طعنه زدن. گدایی، ظاهراً مأخوذ است از دَقُّ الباب (= درکوفتن) که رسم گدایان باشد. ۳۸۵۳:۱، ۵۳۳:۲، ۳۰۰۵:۲، ۹۷۴:۵، ۱۲۴۰:۵، ۲۱۲۲:۶، ۳۴۶۸:۶، ۴۲۴۷:۶

دَق: نوعی از انواع تب است که بسیار سخت و جانکاه است. بکار بردن دق در مورد ماه از آن جهت است که ماه در نیمه دوم هر ماه تدریجاً رو به باریکی می‌نهد تا به مُحَاقِ کامل رود. ۱۲۸۰:۱، ۳۷۱۴:۳، ۱۰۸:۶، ۲۷۰:۶، ۱۳۳۷:۶

دَقُّ الحَصیر: بوریای کوبی، نوعی مهمانی برای خانه نو. در اینجا کنایه از تکلیف و زحمت. ۵۹۲:۲

دَق کردن: نکوهیدن، ملامت کردن. ۳۸۸۰:۳
دَقْل: خرماي کال که کم ارزش است. در اینجا مطلقاً به معنی میوه کال و نوباه است. ۱۰۶۸:۶

دل آرامی: آرامش دادن به دل. ۳۳۸۲:۱
دل از جا رفتن: ترسیدن. ۱۴۳۲:۱
دَلَاک: کیسه کش حَمَام. در روزگار پیشین، وظیفه دَلَاک، فقط کیسه کشیدن نبود، بلکه کارهایی دیگری از قبیل خسته کردن و حجامت و... برعهده داشت. ۲۹۸۳:۱

دَلال: ناز و کَرشمه و عشوه. کنایه از نازپروردگی. ۱۷۵۲:۱، ۳۱۷۴:۳، ۲۶۳۹:۴، ۳۲۰۷:۴، ۲۷۶:۴، ۱۷۲۲:۴، ۴۸۰۹:۶

دَلّاله: در اصل به معنی زنی است که زنان دیگر را بذرّاه کند، اما در اینجا به معنی واسطه و معزّف است. در قدیم زنانِ مَشاطه‌گر و قماش فروش بطور سیّار در محلّه‌ها می‌گشتند و به اندرون خانه‌ها راه می‌یافتند.

دهل. نقاره. مجازاً سخن شگفت‌انگیز
 پرآوازه و مهم. ۱۰۵۸:۱، ۱۰۹۴:۱، ۲۵۲:۲،
 ۲۴۹۵:۵، ۳۲۶۸:۳، ۳۱۵۷:۳، ۲۵۰۹:۲،
 ۲۴:۶، ۲۵۸۹:۵
 دَمَساز: رفیق و موافق. ۳۲۶:۱
 دَمَع: اشک. جمع دُموع. ۳۸۰۲:۳، ۱۵۸۲:۶
 دُمُغَزَه: بیخ دم و سرین. مرکب از دُم + غَزَه،
 مخفف غازه به معنی بیخ دم حیوانات از
 چرنده و پرند. ۱۹۵۷:۵
 دَم‌گردن: دمیدن و آتش بر اثر دمیدن شعله و رتر
 می‌شود. ۳۵۷:۳
 دَم‌گرفتن: تنگ آمدن نفس. ۲۹۹۱:۱
 دَمَگَه: دمگاه، محل کار گذاشتن دم در کنار
 کوره، کوره آهن‌گران و زرگران و مسگران.
 در این بیت منظور دهان و نطق و کلام است.
 ذکرِ محل و اراده حَال. ۳۷۱۶:۳
 دِمَن: جمع دِشَنه به معنی آثار خانه و منازل
 ویران شده. ۳۹۵:۳، ۱۳۴۵:۳
 دمیدن در قفس: کنایه از کاری بیحاصل کردن.
 ۳۰۷۸:۳
 دندان خاییدن: کنایه از عصبانی شدن، زیرا
 شخص به هنگام خشم دندانها را برهم
 می‌ساید و فشار می‌دهد. ۳۰۴۰:۵
 دندان‌زدن: گزیدن با دندان. کنایه از آزدن و
 آسیب‌رساندن. ۸۶۱:۱
 دندان‌کنان: در اینجا کنایه است از تحمل زجر و
 سختی. ظاهراً تعبیر «دندان روی جگر
 نهادن» معادل آن است.
 دَنگ: ابله، احمق، کودن، گیج و مات. گاه به
 معنی بی‌خویش و کسی که هویتش ربوده
 شده است. ۱۲۳:۲، ۱۹۷۵:۳، ۶۶۸:۴،
 ۹۱۱:۴، ۱۵۳۹:۴، ۳۶۱۲:۴، ۸۶:۵،
 ۹۸۸:۵، ۱۳۱۴:۵، ۱۳۷۰:۵، ۲۱۹۹:۵،
 ۴۰۸۰:۵، ۴۱۳۸:۵، ۲۵۲۷:۶
 دَنی: فرومایه و پست. ۳۱۱۳:۱، ۲۵۵۶:۲،

از اینرو خواستگاران به آنان سفارش
 می‌کردند که اگر دختر مناسبی یافتند به آنان
 خبر دهند، واسطه، مطلقاً به معنی راهنما و
 دلیل. ۸۵۸:۲، ۱۴۰۰:۳، ۶۳۰:۴، ۲۹۸۰:۵،
 ۳۹۲۳:۵
 دَلْبُردگی: عاشقی، عاشق شدن، دَل‌برده: عاشق.
 ۸۵۹:۶، ۱۷۵۱:۱
 دَل‌خوش: شادمان و خرم. ۷۲۳:۱
 دلداری: دلنوازی، غمخواری، تسلی خاطر
 دادن. ۲۷۸۹:۶
 دَلْدُل: استر پیامبر(ص) که حاکم اسکندریه برای
 ایشان فرستاده بود. ۳۴۳۷:۱
 دِلِستان: دل ستاننده، دلبر، دلریا، معشوق،
 محبوب. ۳۸۶۷:۱، ۴۶۰:۶
 دِل‌سِنْدان: دِل مانند سندان. اضافه تشبیهی است
 از نوع اضافه مُشَبَّه به مُشَبَّه‌بِه. ۵۳۱:۵
 دِل‌شَفِیق: موصوف و صفت است که به ضرورت
 وزن، کسره موصوف حذف شده است.
 ۱۷۹۹:۳
 دل شکسته شدن از تاب: یعنی آنقدر سخن او
 آتشین و پُر تاب بود که دل او را سوزاند و
 شکسته خاطرش کرد. ۲۸۳۷:۱
 دِل‌فشار: ترکیب وصفی در اصل «دل فشارنده»
 بوده است. به معنی آزار دهنده دل. ۳۰:۵
 دَلق: نوعی پشمینه درآویش، جامه زنده و
 وصله دار گاه به معنی پوستین آمده است.
 ۲۶۲:۱، ۲۲۶۳:۲، ۸۸۷:۴، ۳۳۴:۵
 دَلقک: مبدل «تلخک»، یکی از ظرفای دربار
 سلطان محمود غزنوی، کسی که در
 دربارهای قدیم کارهای خنده‌آور می‌کرد.
 ۲۵۱۰:۶
 دِمَاغ: مغز سر. ۳۰۸۸:۲
 دَم دادن: دمیدن، افسون خواندن بر مار، در اینجا
 فریب دادن. ۲۵۸:۲، ۲۹۴:۶
 دَمَدَمه: افسون، نیرنگ، فریب و مکر، آوازه،

دوران: آنان که از حقیقت دور و بعید هستند.

۱۷۶:۲

دُورباش: نیزه دوشاخه دارای چوبی مرصع که در قدیم پیشاپیش شاهان می‌برده‌اند تا مردم بدانند که شاه می‌آید و خود را کنار بکشند. اکبرآبادی می‌گوید نظیر این نیزه را در هندوستان، پیشاپیش پیلان مست می‌برند.

۲۱۱۴:۲، ۳۲۸:۴، ۳۷۷۳:۴

دُورپنهنا: بسیار فراخ و پهناور. ۳۰۹۳:۱

دُور دست: با بسط و تفصیل تمام. ۳۰۰۸:۳

دُور دَست: راه دور و دشوار. ۲۶۹:۵

دوزخی: با یای نسبت است. یعنی کسی که دوزخ‌صفت است. ۱۹۳۳:۵

دُوزیده: دوخته شده. صفت مفعولی از دوزیدن (= دوختن). ۳۲۰۵:۱

دوشت‌رُو: آشنا، دوست، یار مهربان، معشوق.

۳۸۳۷:۳

دُوستکام: یار مهربان، دوست خیرخواه، کسی که کار و حالش بر وفق مراد دوست باشد.

ضدِ دشمنکام. ۱۹۱۴:۴

دوسری: وجود دو رئیس، دو حاکم حکومت کردن. مصدر مرکب است. دو + سری.

۳۱۰۲:۱

دوسه گوی: معتقد و قائل به شرک و ثنویت.

۳۱۲:۲

دوش: دیشب. ۱۹۶۰:۱، ۲۷۹:۵

دُوشاب: شیرۀ جوشاندهٔ خرما یا انگور.

۳۰۰۱:۶

دوشاخه: یوغ، هر آلتی که به سر آن میله یا چوب دوشاخه باشد. ۲۰۵۳:۶

دو صدرنگی: دوپست رنگ بودن، کنایه از

کثرات عالم ماده. ۳۴۷۶:۱

دوغ: امیال باطل، خواهش‌های بیهوده، لهو و

بازی. ۲۱۳۳:۲

دُولاب: چرخشی است که روی چاه می‌گذارند و

۳۰۷۸:۵

دو: دویدن. ۱۳۳۰:۴

دَوادو: اسمی است مرکب به معنی دویدن، دَوَندگی دائمی، دویدن به هر طرف.

۱۶۹۱:۲، ۱۳۳۰:۴

دَوار: چرخش، دَوران؛ سرگیجه، سرگشتن.

۳۴۴۸:۶، ۳۳۱۵:۴

دو اسبه تاختن: کنایه از شتاب کردن و به شتاب رفتن؛ دو اسبه راندن: کنایه از شتابان رفتن.

۳۲۱۲:۱، ۱۴۵۰:۱

دوتو: خمیده، دولا، دوتا، مضاعف، دولایه، یکی از معانی تُو، پرده و لایه است منظور ابرهای متراکم و باران زاست؛ دوتو شدن: خمیده شدن. ۵۵۲:۱، ۲۳۷۳:۱، ۳۴۰:۳، ۱۱۴۰:۳، ۱۴۵۹:۳، ۳۳۷۰:۳، ۳۶۰۸:۳، ۲۷۳۳:۶

۳۰۷۹:۶

دو چار دانگ: دو ربع از چهار ربع، کنایه از قلت و کاستی؛ نیز به معنی زشت و ثقیل.

۳۳۷۹:۵، ۱۰۲۹:۴

دو چار زدن: مقابله کردن. ۲۱۳۷:۴

دُود برآوردن: کنایه از آتش زدن و نابود کردن.

۸۲۸:۴

دو دستِ ظلم بر ما گشاد: کنایه از این است که بیش از حد نسبت به ما ظلم کرده است.

۴۶۴۴:۳

دود و گرد از کسی برآوردن: کسی را هلاک

کردن. ۲۹۳۳:۴

دُوده: دودمان، خانواده. ۱۳۱۵:۳

دو دیده: دوین، اَحْوَل: ملاهادی سبزواری این کلمه را از باب صنعتِ ایهام دانسته است که متضمن دو معنی قریب و بعید است. او می‌گوید در اینجا معنی آن همان «دوین» است. ۱۷۵۴:۱

دور از او: حاشِ الله، مَعَاذَ اللَّهِ، پناه بر خدا.

جمله‌ای تزیینی است. ۳۹۳۱:۶

عظیم طیل. ۷۳۲:۴، ۲۸۰۳:۳
 دُهل زن: کنایه از قوّه ناطقه. ۳۶۱۰:۱
 دهلیز: راهرو، سرسرا، جلوخانه، جایی میان در
 و اندرون خانه. ۱۸۰:۵، ۱۴۵:۱
 دَی: ماه دهم از سال شمسی، ربّ التّوع جمادات
 و یخ و برف. مطلقاً به معنی زمستان است.
 ۱۸۰۱:۵، ۱۱۷۶:۴، ۱۸۱۷:۳
 دی: مخفف دیروز، مراد زندگی دنیوی است.
 ۱۷۸۵:۵، ۲۲۵۸:۴
 دیار: ساکن دیر، صاحب دیر، دیرنشین، کس،
 کسی، صاحب سرا و خانه، ساکن خانه.
 ۱۹۷۸:۶، ۲۸۰۳:۵، ۴۶:۱
 دَیان: قاضی، حاکم، حسابرس، جزادهنده،
 پاداش دهنده. از اسمای حق تعالی. «دَیانِ
 فرّده» یعنی پاداش دهنده یگانه. ۱۱۷۱:۴
 دیبا: پارچه حریر رنگارنگ. ۱۷۲۹:۲
 دیسباجه: نام جامه‌ای است نیمچه از دیبای
 خسروانی که پوشش خاص شاهان عجم
 بودو آن را بالای جامه دیگر می‌پوشیدند،
 پوشش و حجاب: آنچه در اول کتاب‌ها
 نویسند و مقدمه کتاب: نیز به معنی مقداری
 اندک. ۱۴۸۴:۲، ۱۲۱۲:۱
 دَیت: خونبها، بهایی که قاتل یا خویشان او به
 اولیای مقتول می‌پردازند. ۲۴۷۰:۳
 ۱۵۱۴:۶
 دیده بان: سرباز یا قراولی که روی برجی
 می‌ایستد و هرچه از دور می‌بیند گزارش
 می‌دهد. ۳۷۶۷:۱
 دیده‌گش: صفت فاعلی مرکب مرخم، به معنی
 دیده‌گشنده، بیرون آورنده چشم. ۳۲:۵
 دیده‌ور: آگاه و بصیر به حقایق و اسرار.
 ۲۱۲۹:۱
 دَیر: صومعه. ۳۳۸۰:۵
 دیرزی: مدّت دراز زندگی کن. جنبه دعایی دارد.
 معادل یَزَحْمُک الله. ۲۶۴۴:۲

آبرا بوسیله آن از چاه بر می‌کشند، چرخ
 چاه. ۸۲۱:۱، ۵۶۳:۳، ۲۹۰۵:۵
 دولت: گردش نیکی، پیروزی و مال و غنیمت.
 ۷۹۷:۱
 دولت‌با: آتش دولت، آتش نیکیبختی و سعادت.
 ۴۳۴۹:۳
 دولت‌قراز: بلند اقبال؛ بلند کننده بخت و اقبال،
 عالی مقام. ۲۷۶۶:۲
 دو مُسو: موی مخلوط سیاه و سفید، موی
 جوگندمی. ۱۷۹۲:۳
 دُون: پست، نازل و فرومایه. ۳۲۱۲:۴، ۲۹۳:۱
 دُون همت: کسی که همت کوتاه و پایینی دارد؛
 کسی که فقط به امور مادی می‌پردازد.
 ۳۸۷۷:۱
 دُونی: فرومایگی، پستی. ۳۲۰۹:۱
 دَوی: صدا، بانگ. ۴۶۴۶:۳
 دویی: دوگانگی، اثنایت. ۳۷۴۴:۴
 دَها: مخفف دَها به معنی زیرکی، هوشمندی
 ودیسی. ۲۲۰:۴، ۱۲۰۲:۴، ۳۰۶۵:۴
 ۳۱۳۰:۴، ۱۶۵:۵، ۱۳۱۲:۵، ۳۷۸۴:۵
 ۳۶۱۴:۶
 دَها: فعل دعایی است. از مصدر دادن. ۲۲۴۱:۵
 دَه دادن: ده دادن یعنی انگشتان دو دست را به
 قصد اظهار نفرت از هم گشودن و به سوی
 کسی فرود آوردن. ۳۱۳:۶
 دَه دله: مجازاً هوسباز، کسی که دلش هر دم
 هوای کسی کند، متلون، دورو، منافق، چند
 چهره، دم دمی مزاج. ۳۸۳۳:۶، ۴۴۵۴:۶
 ۴۸۹۵:۶
 دَذهی: زر و سیم خالص و تمام عیار. ۵۶۷:۴
 دَهِش: فعل امر حاضر از مصدر دَهِیدن (= دادن)
 + ضمیر «ش». ۲۲۶۵:۴
 دَهِشت: ترس و دغدغه. ۱۱۵۱:۱
 دَه کسه: ده نفره. در اینجا ده برابر. ۲۹۸۵:۵
 دُهل: طیل، طیل بزرگ. «تهدید دهل» یعنی بانک

دیر شدن روز: کنایه از ملال و دل‌تنگی. و می‌تواند به معنی دیر شدن وقت نیز باشد.

۱۷:۱، ۷۵۱:۲

دیگ پختن: مجازاً به معنی غذا پختن است، از باب ذکر ظرف و اراده مطروف. ۴۰۲۹:۶

دیگدان: جای گذاشتن دیگ، دیگپایه، اجاق، آتشدان. ۳۶۳۴:۵

دیگر گشتن: دگرگون شدن. ۱۶۴:۱

دیگی می‌پزم: نظیر این ضرب‌المثل است: «آشی برایت می‌پزم که یک وجب روغن داشته باشد.» این را در مقام تهدید گویند.

۱۰۷۱:۳

دیو: شیطان، ابلیس. ۲۷۴:۱

دیوان: عدالتخانه. ۹۶۴:۱

دیوان ادب: یکی از معانی «دیوان» اداره دولتی و وزارتخانه است. اداره دولتی یا وزارتخانه علوم: نیکلسون، آن را دیوان فرهنگ و یکی از دبیرخانه‌های رسمی مملکتی معنی کرده است. ۳۶۴۴:۲

دیوانه: شیطانی، ابلیسانه، ابلیس‌وار. برخی از شارحان، دیوانه را در این بیت به معنی مجنون و فاقد عقل گرفته‌اند که وجهی ندارد. بنابر این «چشم دیوانه» در این بیت یعنی چشم ظاهربین شیطانی ابلیس. ۲۷۶۰:۳

دیو جسم: اضافه تشبیهی است از نوع اضافه مُشَبَّهٌ به مُشَبَّه. یعنی جسمی که مانند شیطان است. ۲۸۹:۵

دیوچه: زالو. دیوچه وار، مانند زالو. ۴۷۶:۲
ذاتُ البرُوج: در اینجا مطلق آسمان. مقتبس از آیه ۱ سوره بروج. ۴۲۰۵:۶

ذاتُ الصدور: تعبیری است قرآنی به معنی اندیشه‌ها و حالات درونی، مضمرات درون، مستورات دل. ۳۰۵۸:۶

ذاک: آن. از اسماء اشاره عربی. ۳۷۹:۵

ذاهل: فراموش کننده، غافل. ۲۶۲۸:۶

ذباب: مگس، به انواع مختلف زنبور نیز ذباب گویند. در اینجا به معنی اخیر است: جمع

أَذْبَابٌ و ذَبَابٌ. ۳۵۶۷:۲، ۴۳۴۲:۳، ۷۳۱:۵

ذبال: فتیله‌ها، شعله‌ها؛ جمع ذباله و ذباله. از ذبول به معنی لاغر شدن. و چون فتیله، باریک و لاغر است بدین نام مرسوم شده است. اما در این بیت شعله منظور است. زیرا لازمه فتیله شعله است. ۳۷۷۰:۳، ۷۵۸:۶، ۳۳۸۹:۶

ذبول: افسردگی، پژمردگی، واسوختگی. مقابل رشد و نمو. ۴۲۹۳:۶

ذَر: فعل امر حاضر مفرد از وَذَرَ يَذَرُ به معنی رهاکن. ۳۶۶۶:۳

ذِرَاعِي: در اصل ذراع (= دست از آرنج تا انگشت) + يَن (علامت اسم تشبیه عربی در حالت نصب و جرّ) + ضمیر مذکر «ه» که به ضرورت وزن شعر حذف شده است. ۲۹۴۹:۵

ذَرِيَات: فرزندان، نسل‌ها. جمع ذَرِيَّة. ۸۰۹:۴، ۳۸۹۷:۵، ۱۳۹۵:۴

ذَقْن: چانه، زَنخ: جمع: اَذْقَان. ۱۸۳۷:۴، ۳۱۷۵:۴

ذکا: هوشیاری، زیرکی، تیزی طبع، افروخته شدن آتش. از فعل ناقص «ذَكَأ يَذْكُو ذُكَاءً» اما «ذُكَاء» به معنی آفتاب است. ۸۶۴:۲، ۱۱۰۹:۳

ذکات: آتش زدن یا کشتن و ذبح حیوان. ۳۴۳۲:۱

ذکاوات: تیزهوشی‌ها، هوشیاری‌ها. جمع ذکاوت. ۲۳۶۹:۶

ذکر: یاد. یکی از نامهای قرآن کریم. ۱۰۸۰:۱
ذکور: آنان که جنس مذکر دارند اعم از مردان و پسران؛ جمع ذَکَر. ۶۲۳:۲، ۳۰۸:۵، ۴۱۱۶:۵، ۲۱۲:۶

منافق است. ۱: ۳۲۱۴، ۶: ۱۴۲۹
 ذُوْفُون: کسی که هنرهای مختلفی دارد. مجازاً
 کسی که کمالات بسیار دارد یا تأثیرات و
 تصرفاتی که بت پرستان برای بت‌های خود
 قائل بودند و آنان را شافی و مُجیب و...
 می‌پنداشتند. ۴: ۵۲۶، ۴: ۹۷۸
 ذُوق: قوه ذائقه که بدان کیفیت طعم‌ها و مزه
 خوردنی را ادراک کنند. و صاحب ذوق
 یعنی دارنده ذوق ظاهری و یا باطنی، و ذوق
 در مسائل معنوی به معنی چشیدن روحی و
 قلبی است. ۱: ۲۷۶
 ذوقناک: گوارا و خوش. ۱: ۲۸۲۲
 ذُولِبَاب: صاحب مغز، خردمند. ذو (= صاحب،
 دارا) + لباب (= مغز). ۴: ۳۰۱۵، ۶: ۱۳۰،
 ۶: ۷۳۸
 ذُوْدَاد: صاحب دوستی و مودّت، دوست،
 مهربان. ۶: ۱۶۸۸
 ذُهَاب: رفتن. ۱: ۱۰۴۷
 ذُهَب: طلا، زر. ۱: ۱۰۴۷، ۱: ۲۸۹۰، ۱: ۳۲۹۴
 ۲: ۷۱۱، ۶: ۲۳۵۲، ۶: ۳۵۳۶
 ذُھول: فراموشی، در اینجا گم کردن مراد است.
 ۱: ۳۷۶۱
 ذَیْل: دامن، جمع: اذیال. ۵: ۱۵۷۰، ۶: ۴۶۸۰
 رابعه: دارای سود. مال رابع یعنی مال دارای
 سود. ۱: ۳۷۴۸
 رابع عَشْر: چهاردهم. ۳: ۲۷۴۲
 راتبه: مستمری، مقرری، وظیفه، رزق معنوی و
 روحانی که مستمراً برسد؛ جمع: رَوَاتِب.
 ۱: ۳۴۷۳، ۶: ۱۸۵۲، ۶: ۳۵۹۹، ۶: ۳۸۰۴
 ۶: ۴۷۶۱
 راتبه کردن: وظیفه و مقرری تعیین کردن. «راتبه
 کردن وصال». یعنی ملاقات را به وقت
 معینی موکول کردن.
 راجی: امیدوار، از رجا یَزْجُوا رَجَاءً. ۴: ۴۹
 راجِ رُوح: شراب روح، هرچه که روح را به

ذِکّی: زیرک، هوشیار، تیزهوش؛ در برخی از
 نسخه‌ها زَکی (= پارسا و پاک) آمده که
 تناسبی ندارد. ۱: ۳۴۳۲، ۲: ۸۷۳، ۳: ۱۵۳۳
 ذَلّ: خوار شد؛ ذَلّ: خواری و انکسار. ۵: ۱۰۶۱،
 ۵: ۱۹۴۳، ۶: ۳۵۶۹، ۶: ۴۳۴۶
 ذَلّ نَفْس: خواری نفس اماره که موجب کمال
 روحی شخص شود. ۵: ۲۶۸۰
 ذَلَّتْ نَفْسُهُ: خوار شدن نفس او. ذَلَّتْ فعل ماضی
 مضاعف از باب ثلاثی مجزء، نَفْسُهُ فاعل
 آن. ۳: ۳۷۹۴
 ذَمیم: مذموم، ناپسند، نکوهیده، مذمت شده، بد و
 زشت. ۴: ۲۷۰۵، ۵: ۳۱۰۱
 ذُنُوب: جمع ذَنْب به معنی گناه. ۴: ۳۲۰۱
 ذُو الْجَلال: دارنده شکوه و بزرگی و عظمت، به
 حضرت حق اطلاق شود. ۱: ۹۵۲، ۱: ۲۲۱۲،
 ۱: ۲۳۵۳، ۱: ۲۴۹۱، ۲: ۱۰۸، ۲: ۲۶۷، ۴: ۳۴
 ذُو الْحِکْم: دارای راهها. ۶: ۲۳۰۸
 ذُو الْخِمَار: لفظاً به معنی کسی که سر و صورت
 خود را با روسری بپوشاند. لقب سُبَّیح بن
 حارث بن مالک ثقفی از گردنکشان دوره
 جاهلیت عرب. ۶: ۱۸۹۵
 ذُو الْلُطْفِ الْخَفِی: دارنده لطف پنهان. ۶: ۴۳۴۴
 ذُو الْعَطَا: صاحب بخشش. کنایه از خداوند
 بخشنده. ۱: ۱۳۴۵
 ذُو الْفِطْن: صاحب هوشیاری‌ها. «ذو» از اسماء
 سته به معنی صاحب و دارا. و «فِطْن» جمع
 «فِطْنَه» به معنی فهم و هوشیاری. ۵: ۲۵۹۴
 ذُو الْکَرَم: صاحب کرم و بخشش. منظور
 حضرت پروردگار است. ۵: ۱۹۶۴
 ذُو الْمِنَّن: دارای نعمت‌ها و احسانها. ۱: ۲۷۵۹،
 ۵: ۲۶۲۹، ۵: ۲۹۳۵، ۵: ۳۸۲۹، ۵: ۴۲۰۴
 ذُو دَلال: دارای ناز و کرشمه، آنکه ناز و عشوه
 نشان می‌دهد. ذُو به معنی دارا و صاحب (از
 اسماء سته عربی) + دَلال به معنی ناز و
 کرشمه. در اینجا مراد شخص فریبکار و

سوارکار، گویی که نفس اماره همچون حیوان سرکش و چموشی است که باید او را تربیت کرد، مجازاً به معنی ریاضت کش و اهل ریاضت است. ۱:۲۵۶۷، ۲:۱۰۷۹، ۳:۲۰۷۸، ۶:۳۳۶۸، ۶:۳۶۷۵

رای زن: مشورت کننده. ۱:۱۰۴۴
رئسی: با یای مصدری به معنی ریاست. ۵:۳۵۲۸

رَبَاب: سازی است که در قدیم آن را با زخمه و ناخن و بعدها با کمانچه می‌نواخته‌اند؛ حسنعلی ملّاح در حافظ و موسیقی می‌نویسد: رَبَاب، سازی است از خانواده آلات رشته‌ای... ساز رَبَاب به ظاهر از طریق ایران و کشورهای عربی به مغرب زمین راه یافته... و سرانجام... به نام‌های ویولن و ویلن تسمیه شده است. ۲:۱۱۹۹

رَبَاح: سود بردن. دارُالرَبَاح یعنی خانه سود بردن و انتفاع. ۶:۴۲۸۶

رَبِّ‌آذَنی: پروردگار حقیر و نازل، منظور زورمندان و گردن‌کشان و هوس‌های بی‌ارزش دنیوی است. ۳:۳۰۰۵

رباط: کاروانسرای که برای اقامت مسافران بر سر راهها و منازل، شهرها می‌ساخته‌اند، خانه، سرا؛ فانی رباط: دنیای فانی. ۱:۲۵۷۲، ۱:۲۷۲۶، ۱:۳۲۵۹، ۵:۶۹۷، ۵:۸۰۳، ۶:۱۵۸۸

رَبِّع: سود. ۱:۲۰۴۱
رَبِّ سَلَم: پروردگارا سلامت بدار. «رَبِّ» نادای مضاف به یای ضمیر متکلم است که لفظاً حذف شده است. و «سَلَم» فعل امر مفرد مذکر حاضر از باب تفعیل است و مفعول آن به قرینه حذف شده است. یعنی پروردگارا پیامبران را سلامت بدار. ۴:۲۷

رَبِّع: خانه، اطراف خانه؛ جمع: رِبَاع. در اینجا به معنی ویرانه‌های مانده از خانه معشوق است

نشاط آورد. ۱:۱۶۹۶

راجله: در اصل به معنی مرکوب، ستور سواری‌دهنده و بارکش نظیر اسب و شتر و قاطر. اما مجازاً به بار و بُنه مسافر نیز گفته شود.

راد: حکیم، دانشمند، جوانمرد، بخشنده صاحب همت. ۳:۳۹۶۰، ۴:۲۹۷۵، ۵:۱۱۹۱، ۵:۲، ۵:۳۳۶۹، ۶:۱۳۵۷، ۵:۳۱۱۳

رازی و مروزی: دو چیز دور از هم و مخالف. ظاهراً به مناسبت آنکه مَرُو در مشرق ایران و ری در مغرب آن واقع است و یا به لحاظ تعصب اهل مرو در تَسَن و تعصب اهل ری در تشیع.

راست‌خوان: آنکه کتاب و نوشته را صحیح می‌خواند، عالم.

راغ: مرغزار، دامنه سبز کوه. ۳:۲۶۵۸

رافض: ترک کننده. ۳:۲۰۷۸

رافع: بردارنده، بالا برنده. ۶:۱۸۴۷

راکع: رکوع کننده. ۳:۳۶۰۸

راهُوا: خواستند، اراده کردند از مصدر رَوَم. ۴:۳۸۱۳

رامی: تیرانداز. اسم فاعل از مصدر رَمی. ۱:۱۶۶۵

راواق: شراب صاف و بدونِ دُرْد. معرَب «راوک»، راوَق نیز به همین معنی است. ۵:۳۸۱

راویه: مشکِ آب، توشه دان که جای سه مشک آب دارد. ۳:۳۱۳۹

راه بر: بر راه، در میان راه. ۵:۵۰۹

راهِ بَرُون‌شو: راه بیرون رفتن. ۱:۱۰۰۳

راهِ بین: بیننده راه، مرشدِ هدایتگر. ۲:۱۹۹۰

راه‌گَم: گمراه. ۲:۱۴۰۰

رایات: جمع رایَت: پرچم. ۱:۲۲۴۵، ۱:۲۵۶۷، ۳:۱۴۴۳

رایض: رام کننده اسب سرکش یا ستوران،

خالص. ۱۹۸۱:۱، ۲۷۲۲:۱، ۱۱۱۱:۳، ۳۰۶:۵، ۱۰۱۰:۵

رَحِيل: هم مصدر ثلاثی مجرّد به معنی کوچیدن، وهم صفت مشبه به معنی راجِل (= کوچنده، شتری که در راه رفتن نیرومند باشد و روی آن پالان بنهند). گاه «رحیل» معنی وصفی دارد، یعنی به معنی کوچنده است و گاه در معنی مصدری کنایه از مرگ است. ۲۲۵:۵، ۱۸۱۰:۵، ۱۲۸۵:۶

رُخام: گونه‌ای سنگ آهکی که تا حدّی شفاف است و قابلیت صیقل شدن دارد. ۱۷۱۷:۵، ۸۵۶:۶

رَخْت: شعاع، پرتو. مجازاً کالای بُنْجَل. برخی از شارحان، «رخت آوردن» را «رحل اقامت افکندن» معنی کرده‌اند. ۲۵:۴، ۹۲۱:۴
رخت برافشاندن: مرادف است با دست افشاندن که کنایه از رقصیدن و شادمانی کردن است. ۴۰۲۷:۶

رَخْت بُرْدَن: رفتن، سفر کردن، کوچیدن، راهی شدن. ۱۳۰۲:۶، ۳۷۰۸:۳، ۶۴۷:۱
رَخْتِ خود از راه برداشتن: کنایه از گذشتن از وجود مجازی خود. ۳۷۹۰:۱

رَخْش: اسب، اسب اصیل، اسب رستم. هر اسب قوی و نژاده. ۱۱۶۰:۵
رُخْشان: روشن، تابان، رَخْشان. ۵۸۸:۴
رَخْنه جُو: چاره‌گر، چاره‌جو، آنکه در کار دشوار، راه‌گریز بجوید. ۵۷۸:۱
رَخِیص: کم ارزش، ارزان. ۴۵۵۱:۳

رِداء: جامه‌ روین نظیر عبا و لِباءه، جامه‌ای که بر خود می‌پيچند؛ رِداء بصورت ردی نیز آمده است. ۲۰۳۲:۱، ۲۲۴۰:۲، ۵۳۳:۵
رِدِّ یاب: رانده و مردود درگاه حق تعالی، ملعون. ۹۲:۱

رِدِّ حَقِّ: آنکه از مظهر حق تعالی مردود است. ۳۲۴:۳

که برای عاشق به منزله یادگار است. ۳۲۵۵:۵

رَبُّ الْفَرْج: پروردگار گشایش. ۲۹۷۰:۵
رَبُّ الْفَلَق: پروردگار آفریدگان، پروردگار بامدادان. مقتبس از سوره فلق. ۹۱۱:۱، ۳۱۹۲:۴، ۳۴۵۸:۳

رَبُّ الْيَمْنِ: پروردگار نعمت‌ها. ۳۱۷۳:۲
رَبُّ الْوَرَى: پروردگار آفریدگان. «وَرَى» به معنی آفریدگان و مخلوقات است. ۲۶۸۳:۵
رُبُوَه: تپه و تل، گرفته شده از فعل ناقص رَبَا يَرْبُو رُبُو، به معنی زیاد شدن و چون تپه، توده‌ای زائد بر زمین هموار است آن را «رُبُوَه» گویند؛ رُبُوَه در این بیت نام محلی است مصفا بر دامنه کوه قاسیون نزدیک شهر دمشق. ۳۷۵۳:۳

ربیع: بهار. ۴۴۷۹:۶
رِتاج: در بزرگ: جمع: اَزْتاج. ۸۶۹:۶
رَتَم: رشته، نخ. ۲۹۴۶:۶
رَجَعَت: بازگشت، در اینجا بازگشت به حیات. ۱۱۴۲:۱

رَجْع سرنگون: بازگشت مذموم و قهقرای. ۴۱۸۱:۵

رُجْعی: بازگشتن. مصدر ثلاثی مجرد از رَجَعَ يَرْجِعُ. از نظر نحوی فاعل. ۱۱۲۰:۳
رُجُولِیت: مردی. رُجُولِیت نیز بدین معنی است. ۳۱۶۸:۲

رُجوم: جمع رَجَم به معنی سنگ، سنگسار کردن، طرد کردن، راندن. ۷۵۷:۱، ۳۶۵۶:۱، ۱۱۵۷:۶، ۲۸۲۴:۳

رَجِیم: مطرود، رانده شده، ملعون. ۳۸۳۸:۱، ۲۴۵۰:۵، ۱۲۰۰:۵، ۱۶۳۷:۴

رَخَلَت: کوچیدن، سفر کردن. ۴۱۳۴:۵
رَحْمَتُ نثار: نثار کننده رحمت. صفت مرگب فاعلی. ۴۲۳۹:۶

رَحِیق: شراب ناب و خوشبو، صاف و زلال و

رده: صف، دسته، گروه، قطار. ۳۶۷۴:۴، ۶۲۷:۵
 رذیل: پست و فرومایه. ۸۶۸:۵
 رَزْ: درخت انگور، تاکستان، باغ انگور. گاه به
 معنی باغ و درختزار و گاه به معنی مطلق
 درخت آمده. ۱۷۲۹:۱، ۶۳۲:۳، ۱۳:۴،
 ۱۳۶۰:۴، ۱۳۷۲:۴، ۲۵۳۷:۴، ۲۶۶۸:۵،
 ۲۸:۶

رَزَاق: بسیار روزی دهنده. ۲۸۴۴:۴
 رَزَان: جمع رَز (درخت انگور) ولی غالباً به
 جای مفرد به کار می‌رود. ۲۰۴۸:۱
 رِزْقِ جانی: کنایه از مکاشفات و وصال و فُبی
 است، نانی بی سفره، روزی بی رنج. ۲۵۴۴:۳
 رِزْقِ ده: روزی دهنده. صفت مرکب فاعلی
 مرخَم. ۳۲۶۹:۶

رَسَان: صفت فاعلی از رسیدن به معنی رسنده،
 بلند، «هرجا رسان» به هرجا رسنده، محیط.
 ۱۱۵۳:۶

رَسایل: همراهان، هم‌آوازان. جمع رَسیل. حاج
 مَلاهَدی «یارِ سابل» آورده که به معنی
 رفیقِ طریق و یارِ سیل و همدم است. به
 هرحال مقصود یکی است. ۱۹۱۷:۱
 رُست: روید، در اینجا به ظهور آمد. ۱۳۶۹:۶
 رُشته: اسم مفعول از مصدر رُستن (=رویدن) در
 این بیت به معنی مطلق گیاه. ۲۵۶۷:۳
 رَسته شده: نجات یافته، به راه هدایت آمده.
 ۳۲۳:۵

رَسَن: ریمان، طناب، این لفظ مشترک است در
 عربی و فارسی. ابوحاتم گفته است که رَسَن،
 فارسی است، ولی در دوران جاهلی، معرَب
 شده است. ۸۴۷:۱، ۱۲۷۶:۲، ۶۷۳:۴

رَسَن تاب: کنایه از کسی است که سیر قهقرایی
 می‌کند؛ زیرا وقتی که می‌خواهند نخ را تاب
 دهند، یکی کلاف را در دست می‌گیرد و
 دیگری، سرنخ را می‌گیرد و عقب عقب
 می‌رود تا نخ از کلاف باز شود. ۲۳۰۷:۱

رسیدن: شایستن، سزاوار بودن. ۳۸۵۶:۱
 رَسیل: همراه، هم‌آواز؛ جمع: رَسایل. ۳۲۲۵:۳،
 ۲۲۸۵:۶

رَش: پاشیدن، «رَشی نور» یعنی پاشیدن نور،
 افشاندن نور. ۲۹۸:۴، ۲۹۳۹:۶
 رَشاد: راستی، به راه راست رفتن. ۲۴۹۶:۱،
 ۹۷۰:۳، ۴۶۷۶:۳، ۲۹۴۹:۴، ۳۴۸۶:۴،
 ۴۱۲۱:۶، ۳۰۸۳:۶

رَشَد: راه راستی گرفتن، هدایت یافتن، راستی و
 درستی، «با رَشَد» هدایت یافته، راه یافته،
 مهتدی. ۲۵۸۰:۱، ۱۴۱۱:۴، ۵۴۹:۵،
 ۲۱۲۹:۵، ۲۸۶۴:۶، ۲۹۴۱:۶

رَشک: حسد. ۲۲۵۴:۱
 رَشکِ زُهره: آوای بسیار خوش که ستاره زهره
 را که رب النوع طرب است به رشک انگیزد.
 ۲۰۷۷:۱

رَشکِ مَند: حسود. ۱۲۲۴:۵
 رَشکین: غیور، رشک برنده. ۶۸۹:۶
 رَشَوَت: رشوه. ۱۶۴۰:۶
 رُشَوَت به دل قرار دادن: طمع رشوه داشتن،
 رشوه قبول کردن. ۳۳۵:۱
 رَشید: راهنما، هدایت کننده، رستگار، دارای
 رشد، کامل. ۳۰۴۹:۱، ۱۵۷۷:۴

رِصاص: قلع، سرب. ۱۴۸۶:۶
 رَصَد: مراقبت، در کمین نشستن، مراقب. برخی
 از شارحان آن را معادل سحر و افسون
 گرفته‌اند و گاه مراد کمین و بارگاه است.
 ۳۹۲۷:۳، ۲۷۶۸:۵، ۳۸۹:۶، ۲۷۰۱:۶،
 ۳۷۹۶:۶

رَضاع: شیر خوردن بچه از مادر یا هر زن دیگر.
 ۴۴۱۰:۳، ۴۳:۶، ۱۸۰۷:۶
 رِضوان: نام فرشته‌ای که موکل و نگهبان بهشت
 است، خشنودی و رضایت، منظور
 خشنودی حق تعالی از بندگان نیک است.
 ۳۳۸۴:۱، ۲۰۹۷:۳

رَضَى: خوشنود، جمع آن: أَرْضِيَاء. ۲۹۱۰:۳
 رَضِيع: بچه شیرخوار مجازاً به معنی مُرَضِعَه (= زن شیرده و دایه) است. ۹۱۶:۲، ۳۲۳۰:۳، ۹۳۸:۴
 رَطَب: صفت مشبیه به معنی تر و آبدار ۲۸۷۸:۶
 رَطْل: پیمانه. واحد وزن مایعات معادل ۸۴ مثقال جمع: أَرْطَال: ۱۷۴۴:۵
 رَطْلِ گِران: پیمانه بزرگ. «رطل» لفظی عربی است و واحد وزن و مقیاس وزن مایعات است. لیکن در فارسی به معنی پیمانه و پیاله شراب آمده است. ۲۰۲۲:۶
 رِعا: گله گاو و گوسفند و جز آن. اگر مخفف رِعا باشد به معنی چوپانان است و مفرد آن راعی. ۴۸۱۵:۶، ۳۲۹۵:۶، ۱۸۳۵:۶
 رَغَى: چرانیدن، مواظبت، چوپانی کردن. ۳۲۹۳:۶
 رَغْنَا: خوشگل، لطیف، نازنین و دلربا، خوش قد و قامت. ۳۴۵۸:۶، ۴۰۳۴:۳
 رَعِيب: در اینجا به معنی مُرَعُوب (= ترسیده، به وحشت افتاده) است، زیرا گاهی وزن فعیل در معنی این مفعول بکار می‌رود. ۲۷۸۹:۴
 رَعَدَ: ناز و نعمت. در اینجا با قرینه کاسه مناسب معنی غذاست و مراد از آن جنبه باطنی است. رَعَدَ جمع راعِد (= شخص پرورده در ناز و نعمت) نیز هست، ولی در اینجا معنی اول مراد است. ۳۲۹۹:۵
 رَغَم: خلاف میل کسی رفتار کردن. ۶۶۲:۵
 رَغَمِ آنف: به خاک رسانیدن بینی، مقهور کردن، مجازاً کاری به عکس کردن. ۲۰۲۳:۱، ۴۷۳۵:۳
 رَغِيف: قرص نان، گرده نان. جمع أَرْغِفَة. ۲۰۸۲:۱، ۴۸:۳، ۱۷۱۶:۴، ۲۸۱۸:۵، ۱۱۲۳:۶
 رُفَات: پوسیده، شکسته، متلاشی شده. ۴۸۶:۶
 رِفَاق: دوستان، رفیقان. جمع مُكْسِرِ رِفَقَه و رَفَقَه.

رُفَعَة: ۲۴۷۴:۶، ۲۱۷۳:۲
 رُفَعَة: روییده شده. ۳۱۰۷:۵
 رَفَعَة پیش: راه رفته، راه طی نموده. «شیخ رفته پیش» راهنمایی است که خود مراحل سلوک را در نور دیده باشد، به عبارتی شیخ و مرشد کمال یافته. ۱۷۷۴:۳
 رَفَس: ضربه زدن با پا بر سینه. اما در این بیت مطلقاً به معنی کوفتن و ضربه زدن است. رَفَس، مضاف به ضمیر متصل مفرد مذکر «ه» شده و فاعل یُرْدِی است. مرجع ضمیر «ه» نَفَس است، در حالی که «نَفَس» در دستور عربی مؤنث محسوب می‌شود، این بدان جهت است که لفظ آن مورد اعتبار است. ۳۷۹۴:۳
 رَفَض: دور انداختن، طرد کردن، ترک کردن. ۲۵۲۵:۳
 رَفَعَتْ: بلندی بر حسب مکان. ۵۹۰:۱
 رَفَق: نرمی، مدارا، لطف. ۱۹۱۸:۶
 رَفُو: مصدر عربی به معنی دوختن پارگی و سوراخ لباس و فرش. فارسیان آنرا «رُفُو» تلفظ می‌کنند. ۳۸۸۴:۱، ۱۵۱:۲، ۲۷۶۲:۴، ۱۴۰۷:۵، ۵۵۳:۵
 رِق: بسندگی، بر دگی. ۳۷۱۴:۳، ۱۰۸:۶، ۳۷۸۲:۶، ۲۳۱۵:۶، ۲۷۶۷:۶
 رُفَاق: نای نازک. ۲۷۸:۵، ۲۱۹۰:۲
 رَقَصُ الْجَمَل: رقص شتری، کار بی تناسب، ظهور عمل از کسی که از وی انتظار آن نمی‌رود. ۲۶۹۶:۴
 رُفَعَة: یک برگ کاغذ، نامه. نوشته، تکه کاغذی که روی آن بنویسند؛ جمع: رِقَاع. ۸۶۹:۲، ۴۷۵۵:۳، ۱۷۱۶:۴، ۱۸۶۴:۴، ۱۹۰۹:۶، ۲۴۸۵:۶
 رُقُود: جمع راقِد به معنی خوابیده و خفته است. ۲۱۷:۶، ۳۱۸۷:۱، ۳۹۲:۱
 رَقِيب: نگهبان، مراقب، حافظ. ۴۷۲۲:۶

- رَقِیَّت: بندگی. ۴۵۴۰:۶
رُکُون: آرامش، سکون؛ گراییدن، میل کردن.
۲۴۶۶:۵، ۳۸:۶
رَگ: رگ؛ رشته آب همراه با رشته دیگر، زه آب
مجازاً حق و باطل. ۷۴۶:۱
رُگُو: جامه کهنه و فرسوده. ۳۸۲۰:۶
رِم: زمین و خاک. اشاره به ضرب المثل عربی:
جاءَ بِالطِّمِّ وَالرِّمِّ. ۳۲۸۸:۴
رِمَاح: جمع رُمَح به معنی نیزه و سرنیزه.
۳۳۱۸:۱، ۳۸۱۸:۵
رِمَال: ریگ ها، جمع رَمَل. ۳۱۸۱:۲
رَمَان: رمنده. ۲۲۵۸:۱
رَمَد: درد چشم. ۴۰۹۶:۵
رَمِي: افکندن تیر. ۱۷۲۵:۴
رَمِیم: پوشیده، استخوان پوشیده. جمع: اَرِمَاء و
رِمَام. ۲۵۲۵:۴، ۱۶۲۳:۵
رَنَد: مردم زیرک و هوشیار، باده پرست،
میخواره. جمع آن رندان است که به معنی
اوباش و فاجر و لایبالی نیز می آید.
۳۴۱۹:۲، ۱۳۹۳:۲
رَنَگ ریخت: صفت مرکب مفعولی مَرخَم در
اصل بوده است «رنگ ریخته» به معنی رنگ
پریده. ۲۵۳۸:۵
رَنَگ گردانیدن: کنایه از ترسیدن. زیرا انسان
موقع غلبه ترس، رنگ چهره اش تغییر
می کند. ۱۴۲۰:۱
رُئُود: جمع رند. در اینجا به معنی حيله گر است.
۷۲۸:۴
رِوا: رونده، متحرک. ۴۳۶۳:۶
رُواة: جمع راوی به معنی روایت کننده، نقل کننده
حدیث. ۳۴۶۴:۱
رِواق: سرایرده، ایوان. جمع: اَزْوَقه و رِواقات.
۳۲۳۷:۵
روباه بازی: حيله گری کردن، نیز روبه بازی و
روبه شانگی به معنی حيله گری و نیرنگبازی
- و تزویر است. ۱۰۲۹:۱، ۳۱۳۷:۱، ۷۷۴:۵
رُوبَهاَنه: رُوبَه، مخفَفِ روباه + پسوند «آنه»
یعنی مانند روباه، یا روباه وار. ۲۳۴۹:۵
رُوبَهي: با یای مصدری به معنی «روباه بودن» و
این کنایه از حيله گری است. ۴۷۲:۵
رُوبِي: بروبی، جاروکنی. ۳۱۰۷:۵
رُوپوش: این کلمه در مثنوی بسیار آمده است.
از موارد استعمال آن بر می آید که صفت
مرکب فاعلی است که گاهی حالت اسم
مصدر را به خود می گیرد مرادف «ستر» و
«ساتر» عربی است. یعنی پرده پوشاننده.
۱۱۲۲:۱، ۱۳۴۹:۵
رُوح: آسودگی، آسایش. ۳۶۲:۵
روح: اینجا حضرت روح الامین، جبرئیل.
۲۸۲۰:۳
رُوحَت: فعل ماضی مفرد مذکر حاضر از باب
تفعیل. یعنی وزیدی، شادمان کردی.
۳۸۰۳:۳
رُوخَزار: جایی که روح بسیار باشد. روح + زار،
پسوند مکان که دلالت بر کثرت و انبوهی
دارد. ۳۶:۵
رُوحَت: خوشی، خوبی، خرمی. ۳۳۴۹:۶
رُوحی: روحم. برخی از مفسران این اضافه را
اضافه تشریفی دانسته اند. ۳۲۰۳:۴
روحی جسد: کالبد روحانی. یای «روحی» یای
نسبت است. و «روحی جسد» صفت و
موصوف مقلوب است. ۴۰۱۹:۶
رُود: تار، زه، سیم و تر در آلات زهی، مطلق
ساز. در اینجا معنی اخیر مورد نظر است.
۳۷۸۴:۴
رُود: همان رود است که برای ضرورت قافیه
بدین صورت آمده، در متون کهن فارسی در
موارد بسیار، «د» را به صورت منقوطة و
معجمه به شکل «ذ» می آورند و شاعران
قدیم، دال را با ذال قافیه نمی کردند.

و بر معنی مصدر دلالت می‌کند. در اینجا
مراد از «روش»، رشد و نمو است.
۲۱۵:۵، ۱۲۸۲:۳
روشناس: کسی که چهره مردان حق را از باطل
بازشناسد. مشهور و معروف. در اینجا مراد
از «رُو» ذات و حقیقت چیزی است. ۳۱۵:۱
روشن‌دیدگی: روشن‌بینی. ۷۶۳:۲
رَوْضَات: جمع رَوْضَه به معنی گلشن. ۱۷۶۰:۴
رَوْضُ الْکِرَام: مرغزار بخشندگان و کریمان. و
در عین حال «رَوْض» جمع «رَوْضَه» به
معنی باغ‌ها و گلشن‌ها نیز آمده است. اگر
مورد اخیر نیز فرض شود جایز است، چرا
که استعمال جمع در مورد مفرد برای ایفاد
مبالغه و احترام است. ۳۰۲۴:۶
رَوْضَه: گلشن، باغ، گلزار، بهشت؛ جمع:
رَوْضَات. ۱۶۹۶:۱، ۱۱۱۶:۲، ۱۷۷۳:۳،
۹۱۷:۵، ۲۳۱۶:۵، ۲۴۳۶:۵
روغنِ بادام: روغنی که از بادام شیرین می‌گیرند
و برای رفع خشکی مزاج مصرف می‌شود.
۵۳:۱
روغنِ گُل: روغن گل سرخ که خواص طبی
دارد. ۲۵۰:۱
رُوفُتَن: روبیدن، جاروکردن، پاک کردن.
۲۸۱۶:۵، ۲۵۵۱:۱
رُومُعَاف: با خیال آسوده و بدون تردید برو.
۴۹۲:۳
رُوم و رَنَگ: مراد، روشن و تیره و سفید و سیاه
است که در ادبیات فارسی بدان تمثیل شده
است. ۱۱۳۲:۱
رُومودن: روی آوردن، توجه کردن. ۷۴۰:۱
رُوی: می‌تواند مخفّف راوی (= روایت‌کننده)
باشد از فعلِ رُوی یَرُوی روایه. نیز می‌تواند
از فعلِ رُوی یَرُوی رَی به معنی سیراب و
تازه، دنباله رونده، سیراب‌کننده، خردمند و
تندرست، ساقی، آخرین حرف اصلی فافیه

۳۱۹۱:۴
رُوزِ آفتاب: آفتابِ روز. اضافه مقلوب است.
۴۰۴۴:۶
رُوزِ بار: روز بار رفتن. ۲۹۱۵:۶
رُوزِ روشن: در اینجا به معنی اجل و فرارسیدن
لحظه‌ای است که باید شب دنیا را ترک گفت
و قدم به عرصه روشن نشسته دیگر نهاد.
۴۳۰:۴
روزگارک: کنایه از عمر کوتاه. ۳۰۸۳:۲
روزگارم می‌بَرَنَد: یعنی وقتم را تلف می‌کنند،
مرا به بطلالت و بیکاری می‌کشند. ۲۶۴۵:۳
رُوزِ گَزَنَد: روزی که بدکاران بواسطه اعمال
ناشایست خود زیانمند و خاسر می‌شوند.
احتمالاً اشاره است به یَوْمُ التَّغَابُن (= روز
زیانمندی) و یا یَوْمُ الدِّین و یَوْمُ الجزاء.
۱۷۸۶:۳
رُوزَن: سوراخ، شکاف. ۷۵۰:۱
رُوزی تراش: رُوزی طلب، آنکه طالب رزق
است. صفت مرگب فاعلی. ۴۰۸۷:۶
رُوزَد: فعل مضارع از مصدر رُوزِیدَن به معنی
روشن شدن، تافتن، جوشیدن و تراویدن.
مولانا در دیوان شمس گوید:
تصوّر‌ها همه زین بوی بُرده
بُرون رُوزیده از دل چون دُراری
معنی «رویدن» نیز از آن مستفاد می‌شود.
این کلمه فقط یک بار در مثنوی آمده است.
۳۶۱۶:۴
رُوسپی‌زن: کسی که زن بدکار دارد، دیوث.
صفت و موصوف مقلوب نیست چنانکه
بسیاری از شارحان پنداشته‌اند. بنابراین
کسانی که در اینجا آن را «فاحشه» و
«زن بدکار» معنی کرده‌اند دچار لغزش
شده‌اند. ۲۶۶۱:۵
رُوش: اسم مصدر به معنی عمل رفتن و عمل
خرامیدن. اسم مصدر از فعل مشتق می‌شود

صفات نیک و تمرین دادن نفس برای
حصول صدق در نیت و گفتار و کردار.
۳۳۹۶:۳، ۲۳۲:۱
ریاضت باره: صفت مرگب فاعلی. پسوند «باره»
به معنی دوست دارنده و علاقمند است.
ریاضت باره به معنی کسی است که عاشق
تربیت مردم است. ۲۰۰۸:۴
رئیت: شک و تردید. ۱۱۵۲:۱
رئحان: سبزی و خرمی، هر گیاه سبز و خوشبو.
۱۶۹۶:۱، ۲۰۹۵:۱
ریزیده: سست و ناتوان صفت مفعولی از مصدر
ریزیدن که تلفظ دیگری از ریختن است.
۲۹۷۹:۱
ریش: زخم، جراحت، کنایه از احمق. ۳۲۲۲:۱
۲۰۵۰:۶، ۲۳۲۶:۵
ریش جُنْبانیدن: کنایه از اظهار وجود و عرض
اندام کردن است. ۳۹۰۵:۶
ریش سَر: زخم سر، کچلی. ۲۵۵۶:۱
ریش گندن: تشویش بیفایده کردن. کنایه از رنج
و محنت بی فایده کشیدن. ۲۸۵۵:۳
۴۲۹۹:۳، ۴۰۸۶:۳، ۳۶۲۶:۳
ریش گاو: احمق، نادان، زیون، مسخره و
دستاویز. ۵۳۳:۱، ۲۸۰۳:۱، ۳۱۹:۵
رَیغ: نمو کردن، بالیدن، افزونی محصول زراعی،
مطلق محصول و حاصل و ثمره، «رَیغ دادن»
یعنی میوه و ثمره دادن، «رَیغ تقصیر» یعنی
آنچه از تقصیر و کوتاهی انسان ناشی
می شود. ۴۸۶:۱، ۲۳۹۱:۳، ۳۵۱۴:۳
۳۷۷۲:۶، ۴۰۳:۶، ۳۴۲۱:۵، ۱۷۶۱:۴
رَیغ کُشت: محصول زراعت. ۴۱۸:۶
ریو: حيله و نیرنگ، مکر و فریب. ۱۶۱۱:۱
۱۸۷۰:۱، ۳۵۴۹:۱، ۲۵۴:۲، ۶۳۳:۲
۱۴۴۴:۲، ۱۱۵۰:۴، ۱۲۴۳:۴، ۲۴۳۷:۴
۴۷۲۷:۶
زاجر: برانگیزنده، منع کننده. ۳۳۱۶:۱

باشد. ۴۸۷:۳، ۱۱۶۵:۳، ۱۴۲۸:۴، ۲۶۴۹:۶
رُوی زرد: شرمگین و خجالت زده، شرمسار و
خجل. ۵۳۵:۱، ۲۱۰۵:۵، ۲۳۰۶:۵
رَه: مخفف راه، پرده و مقام در موسیقی.
۲۱۹۲:۱
رَه گرفت: مسدود کرد، راهش را بست.
۴۸۷۵:۶
رِهان: شرط بندی، گرو بندی و مسابقه. ۲۸۶۶:۴
۱۶۷۸:۶
رُهْبانان: رُهْبان (پارسا، ترسا) + ان (علامت
جمع فارسی)، رُهْبان جمع مکتسرِ راهب (=)
پارسا، ترسا) نیز هست. لیکن در اینجا معنی
مفرد آن مناسب است. ۳۴۵۴:۵
رَه زدن: بیراه کردن، فریب دادن. ۲۵۵۳:۳
رَهْط: عشیره، قوم. این کلمه، اسم جمع است.
جمع: آرهاط. راغب اصفهانی در مفردات،
ص ۲۱۰ تا چهل نفر را نیز رَهْط می داند.
۳۲۴۲:۴
رَه کردن: راه دادن، راه باز کردن. ۵۹۱:۱
رَهْن: گرو. ۱۸۴۶:۴
رَهْن برق: مرهون و گروی آذرخش، اسیر و
مقتید به صاعقه. ۴۰۹۷:۶
رَهی: غلام، بنده، روان، رونده، سالک، مجازاً به
معنی دلباخته، هواخواه، مطیع. ۶۶۷:۱
۲۴۴۷:۱، ۱۵۷۴:۳، ۳۰۷۰:۳، ۱۵۹:۴
۸۱۵:۴، ۱۲۲۴:۴، ۱۰۴۱:۵
رَهین: مرهون، گرو، گرو نهاده شده در اینجا به
معنی اسیر و مقتید. ۱۳۲۳:۴، ۱۹۷۹:۵
۴۴۴۱:۶
ریاض: جمع رَوْضَه: به معنی باغ، گلستان.
۳۵۸۸:۶، ۶۵۷:۳، ۳۸۵۵:۱
ریاضت: مصدر فعل راضٍ یروضُ به معنی رام
کردن ستور و تعلیم و تربیت اسب جهت
سوار شدن، ستوربانی، اما در اصطلاح
عبارت است از بدل کردن صفات بد به

زاهرة: درخشان، تابان، مصدر آن زهور
(=درخشیدن) است. ۲۸۳۶:۳
زَبَد: کف مایعات، دُرد زر و سیم که به وقت گداز
بر سر آید؛ جمع: اَزْبَاد.
زُبُر: جمع «زَبور» به معنی مکتوب‌ها و
نوشته‌هاست. ۱۵۷۸:۶
زَبَل: کُود، مدفوع، سیرگین. ۳۵۷۷:۶
زَبُور: کتاب آسمانی حضرت داود(ع)، مزامیر و
سروده‌هایی که با نی می‌خواندند. ۲۴۹۹:۳
زَبُون‌گیرا: ای کسی که ضعیفان و حقیران را
می‌گیری. «زَبُون‌گیر» صفت مرکب فاعلی
مرخّم است و الف آخر آن، الف نداست. به
معنی ضعیف‌کُش نیز می‌آید. ۷۴۸:۵
زَب: آسان، رایگان. «زَب» نیز صحیح است.
۱۸۰۵:۵، ۱۵۶۷:۴، ۳۵۶۷:۴
زُجاج: شیشه؛ نیز زُجاجَه به معنی شیشه و
حباب چراغ است. ۲۹۳۶:۱، ۳۹۷۹:۱
۱۲۷۹:۵، ۳۰۶۸:۶
زَجَر: بازداشتن، اذیت کردن، نهی و تنبیه، نهیب
زدن، در اصل به معنی منع کردن، اما در
فارسی به معنی آزار دادن است، مجازاً به
معنی کیفر و تأدیب است. ۶۲۰:۱
۲۴۷۳:۲، ۴۲۱:۳، ۱۵۱۰:۶، ۲۵۹۵:۶
زِحام: مصدر باب مفاعله به معنی در تنگنا قرار
دادن یکدیگر، فشار دادن به هم. اَمّا زِحام
مصدر ثلاثی مجرد به معنی فشار دادن و در
تنگنا قرار دادن است. در این بیت معنی
ثلاثی مجرّد آن مناسب‌تر است. ۴۵۶۸:۳
زُخَف: انبوه شدن و جمع شدن برای جنگ.
۳۵۱۰:۲
زَحیر: آه، ناله، تَضَرّع، پیچش دل، بی‌تابی، غم،
پریشانی، مجازاً مشقّت و رنجوری،
اضطراب. ۴۸۱:۱، ۵۹۹:۲، ۱۸۶۸:۲
۳۰۸۸:۲، ۱۰۲۹:۳، ۱۰۹۲:۵، ۱۷۹۸:۵
۲۸۴۳:۵، ۴۰۶۴:۵، ۵۷۴:۶، ۳۲۳۰:۶

زاد: خوراکی که در سفره با خود دارند، ذخیره
سفره. ۳۳۰۶:۳
زادَمَرَد: آزادمرد: «زاد» در اینجا مخفّف آزاد
است. شاید مراد از آن شخص ساده‌لوح
باشد. ۹۵۶:۱
زاد و بود: هم اسم مرکّب است و هم حاصل
مصدر. کنایه از هست و بود و تمام سرمایه
و اسباب و سامان، مَوْلد و مَسکن، زادگاه و
زیستگاه. ۹۵۸:۶
زاد و کُم: زادوا فعل ماضی جمع مذکر غایب
اجوف یایی به معنی افزودند، اما چون در
این بیت جواب شرط واقع شده معنی
مضارع می‌دهد. ۴۰۲۱:۳
زار: زارنده، نالنده، افسرده، غمگین، اندوه،
خراب و نابسامان. ۱۰۸:۱، ۷۱۴:۱
زاری: حالت کسی که مشرف به هلاکت باشد.
مجازاً ناله‌ای اندوهبار که از فرط اندوه و
سختی خیزد. ۱۰۸:۱، ۷۱۴:۱
ز اقتضا: از نظر مناسبت و قابلیت. ۲۱۱۲:۳
زاک: جسمی معدنی و بلوری شکل که چون
آب بدان رسد، سیاه شود. ۲۷۶۵:۱
زال: پیرسفيد موی، شخصی که موهای سر و
ابرو و مژگانش سفید باشد. در اینجا معنی
نخست مراد است. ۳۱۶۶:۴
زال‌پلید: گنده پیر. ۳۳۳:۲، ۲۶۳۱:۴
زالِ سَتیر: پیرزن عفیف. در اینجا جنبه طنز دارد
«زال» مطلقاً به معنی «زن» در مثنوی به
کُرّات بکار رفته است. پس «زن پاکدامن و
عفیف!» در اینجا طعنه‌آمیز است. ۱۳۶۰:۵
زان سَر: از آن جهان، از عالم الهی. ۴۶۰۰:۳
زان نباید کم: از آن نباید کمتر باشد، لااقلّ،
دست کم. ۱۵۷۴:۴
زاو: ماهر، چابک‌دست، نیرومند، معمار، استاد
ماهر. ۳۵۰۷:۶، ۴۷۸۷:۶
زاویه: کنج، گوشه، مجازاً جایگاه. ۸۷۷:۱

۱۰۵۲:۴، ۱۰۷۳:۴، ۱۱۴۸:۴، ۱۶۴۸:۴،
 ۱۷۸۲:۴، ۲۳۹۶:۴، ۹۰۳:۵، ۲۲۱۷:۵،
 ۳۳۸۹:۵، ۶۲۸:۶، ۲۵۷۲:۶، ۴۰۹۴:۶،
 زَرْقَلَب: طلای تقلبی، طلای ناخالص. ۲۹۹:۱
 زَرْگَشی: منسوب به زَرْگَش به معنی جامه‌ای که
 در آن تارهای زر کشیده باشند. ۱۵۱۵:۴
 زَرْگُزین: کسی که طلا را انتخاب می‌کند. کنایه
 از خواهان دنیا و زخارف آن. ۶۵۷:۴
 زِرِه: در اینجا مراد حلقه‌ها و دویری که بر سطح
 آب نمایان می‌شود. ۱۰۹۶:۱
 زَرْغَرَن: گیاهی است دارای گل‌های زرد و
 خوشبو، شبیه گل لاله عباسی که تارهای
 نازک زرد رنگ میان آن قرار دارد.
 ۲۵۲۶:۱
 زَرْعیم: کفیل، ضامن. ۱۸۴۵:۶
 زَرْغَبَه: نوعی موش زمستان خواب که در اینجا
 مراد «بآسانی» و «سهولت» است، زیرا
 موش براحتی و چابکی به سوراخش
 می‌رود. ۳۴۶۰:۴
 زِرَاف: مصدر ثلاثی مجزء از فعل زَفَّ يَزِفُّ است
 به معنی عروس را به خانه شوهر فرستادن.
 ۲۶۲۷:۳
 زَفْتُ: بزرگ، ستبر، قوی، نیرومند، درشت، چاق
 و فربه. مجازاً سرحال و بانشاط، رشید و
 نیرومند. ۹۸۷:۱، ۱۳۰۶:۱، ۲۶۳۷:۱،
 ۳۰۲۳:۱، ۳۰۴۴:۱، ۳۴۱:۳، ۱۸۷۵:۳،
 ۳۴۲۴:۳، ۶۰:۴، ۳۶۴۷:۴، ۳۷۴۳:۴،
 ۲۸۴:۵، ۱۱۷۷:۵، ۲۲۸۳:۵، ۲۳۱۲:۵،
 ۲۸۵۶:۵، ۴۰۱۰:۵، ۲۲۴۲:۶
 زَفْتی: چاقی، فربهی. زفت + یای مصدری.
 ۱۱۷۱:۱
 زَفیر: دم برآوردن از ریه، نالیدن. این لفظ سه بار
 در قرآن کریم (آیه ۱۰۶ سوره هود، آیه
 ۱۰۰ سوره انبیاء و آیه ۱۲ سوره فرقان)
 آمده است. ۳۶۶۰:۴

۳۹۳۹:۶
 زَخَم آورَد: موجب آسیب به دیگران و یا خود
 شخصِ احمق می‌شود. ۲۵۹۳:۳
 زَخْم خوار: زخم خورده، صدمه دیده. ۱۴۵۲:۳
 زخم‌گَش: بردبار، تحمل‌کننده ضربه. ۱۸۶۸:۱
 زَخْمَه: مضراب که به سیم‌های ساز می‌نوازند.
 ۲۴۵۴:۱
 زَد: مقابله کرد، تصادم کرد. ۱۰۹۱:۱
 زَد عَلَم: نشانه زد، پرچم زد. جلوه کرد، آشکار
 شد. ۳۵۸:۳
 زَدِن سَبیل: راه را بستن ۴۳۵۶:۶
 زَدِن عکس: منعکس شدن، معلوم شدن.
 ۳۰۲۷:۱
 زُدودن: پاک کردن، برطرف کردن زنگ آینه و
 شمیر و غیره. اما در اینجا به معنی
 «آشکار کردن» است، زیرا پاک کردن
 چیزی سبب ظهور آن شود. ۱۷۸۸:۵
 زَرَاد: زره‌ساز، زره‌گر، آن که زره می‌سازد
 صنعت زَرَاد به معنی صنعت زره‌سازی است.
 ۱۸۴۴:۳
 زَرَادخانه: کارگاه اسلحه‌سازی. ۷۱۶:۱
 زَرَاق: بسیار حیل‌گر و مُزور. ۱۴۲۳:۵،
 ۴۴۸۶:۶
 زَراندود: اندوده شده به طلا، سکه مسین که
 روکش طلا داشته باشد، سکه تقلبی. ۸۹۸:۱
 زَرِبَت پوش: پوشنده پارچه‌هایی که تارهای آن
 از زر باشد. ۱۸۳:۲
 زِر جعفری: زر خالص. ۲۷۷۸:۱
 زرد شد: شرمنده و مأیوس شد. ۳۳۸۳:۵
 زِر دَه‌دَهِ: طلای خالص، زر جعفری، زر ناب.
 ۱۴۱۸:۶، ۳۴۳:۶، ۷۴۴:۵
 زَرْق: ریا، نفاق، دورنگی، حیل و تزویر. به
 صورت زرق و برق به معنی شکوه و شوکت
 و درخشندگی است. ۱۵۱۲:۱، ۱۸۶۶:۲،
 ۲۹۲۵:۲، ۳۰۶۵:۲، ۶۰۱:۳، ۲۵۵۱:۳

ایمان در آمدن. کنایه از مسلمان شدن.
 ۳۹۸۰:۱، ۳۸۰۱:۲، ۲۴۸۴:۳
 زنبور خیال: اضافه تشبیهی از نوع اضافه مُشَبَّه‌به
 به مُشَبَّه است. یعنی خیالی که مانند زنبور،
 سمج و مزاحم است. ۷۳۲:۵
 زَن به مُزِد: دیوث، آنکه زن خود را در اختیار
 دیگری بگذارد و در مقابل پولی بگیرد،
 قلتبان، بی‌غیرت. ۲۸۰۳:۲، ۱۳۲۰:۴
 زنجبیل: گیاهی است خوشبو، واژه‌ای فارسی که
 در آیه ۱۷ سوره دهر آمده است. ۳۵۵۹:۱
 زنجیرنه: زنجیر نهنده. صفت مرکبِ فاعلی
 مرخم. ۷۶۸:۶
 زَنخ: چانه، نیز زَنخدان به معنی چانه است.
 ۳۸۴۶:۶، ۴۴۵:۶
 زنگ: سیاه‌پوست. ۲۱۰۹:۱
 زَنگاری: منسوب به زنگار، زنگار، زنگِ فلزات
 و آینه و جز آن است که به سبب رنگِ سبز
 آنها به این نام موسوم شده است. ۲۹۹:۲
 زنگی شب: شب که همچون زنگی، سیاه است.
 اضافه تشبیهی از نوع اضافه مُشَبَّه‌به به مُشَبَّه.
 ۴۴۶۸:۶
 زُو: مخفَف از او و یا مخفَف زود. ۱۵۳۹:۴
 ۱۷۳۳:۴
 زِواج: مصدر باب مفاعله به معنی ازدواج.
 ۱۹۶:۴
 زُوَبَعان: جمع زُوَبَعه نام شیطانی است یا رئیسی
 از پریان. ۳۲۰۴:۲
 زوتر: زودتر. ۴۲۳۱:۶
 زُوَتَر زُو: گذرنده‌تر، شتابان‌تر. ۳۴۰۱:۳
 زودخیز: صفت مرکب فاعلی مرخم به معنی
 آنکه و آنچه سریعاً برخیزد. ۲۱۶۷:۶
 زُور: دروغ و باطل، حرف یاوه. ۳۰۵:۲
 ۲۴۳۶:۵، ۳۶۴۱:۳
 زَه: زاییدن. ۸۹۷:۳
 زَه: چلّه کمان. ۱۲۷۶:۳

زَقوم: مشتق از زَقَم، فروبردن لقمه غذا با کراحت
 و مشقت؛ نام گیاهی تلخ و بدبو که در
 سرزمین تهامه می‌روید، در سه آیه قرآنی
 نام زَقوم آمده است. ۳۴۷۱:۳
 زَكَات: اسم عربی از «زَكا يَزْكُو زَكَاء» به معنی
 نشو و نما و پاک شدن است. و زکات به
 معنی قسمتی از مال انسان است که در راه
 خدا انفاق می‌شود و در قرآن کریم، زکات
 تنها به زکات واجب منحصر نشده، بلکه اعم
 از هرگونه مالِ انفاق شده است، از جمله
 صدقه. به معنی نخبه، برگزیده، طهارت و
 پاکیزگی در صورتی که مصدر در معنی
 صفت بکار رفته باشد. ۴۲۸۷:۳، ۳۱۵۴:۴
 زکی: پاک و پاکیزه. ۴۳۵۰:۶
 زَکین: هوشیار، با فراست. صفت مشبیه از مصدر
 زَكَن. ۲۱۶۸:۶
 زَلَّت: لغزش، خطا؛ جمع: ذَلَّات. ۴۹۱:۱،
 ۸۴۸:۱، ۱۵۷۹:۱، ۱۷۶۹:۱، ۳۶۹۷:۱
 ۱۴۶۸:۲، ۱۹۴۲:۴، ۵۲۰:۵، ۹۷۹:۵
 ۱۸۴۸:۵، ۳۵۵۰:۵، ۳۹۸۸:۵، ۴۰۱۱:۵
 ۴۱۰۹:۵
 زَلَق: لغزیدن. ۱۰۶۸:۳، ۱۳۴۴:۶
 زَلَه: باقیمانده غذایی است که مهمان با خود بَرَد.
 جمع: ذَلَّات. ۸۴:۱
 زَهْر: نی زدن، فلوت زدن. در اینجا مراد موسیقی
 مبتذل و لهوگونه است. ۲۲۵:۶
 زَمَن: زمان، روزگار، وقت، دوران. ۶۹۷:۱،
 ۹۴۹:۱، ۳۰۳۶:۱، ۳۸۸۷:۱، ۲۲۴۷:۴
 ۱۹۲۶:۵، ۲۱۱۳:۶، ۳۹۳۷:۶
 زَهْریر: سرمای سخت. در آیه ۱۳ سوره انسان
 (دهر). ۱۰۳۹:۳، ۱۲۷۸:۴، ۲۵۲۶:۴
 ۲۱۷۲:۶، ۱۸۲۰:۶
 زمین دانه‌گیر: زمینی که دانه را در خود پرورش
 دهد، زمین حاصلخیز. ۱۷۹۴:۵
 زُنار بُریدن: ایمان آوردن، از کفر توبه کردن و به

زیر دست: پنهانی، پوشیده، نهانی، پست و
فرو دست، خوار و ذلیل. ۳۰۱۰:۲،
۴۴۹۷:۳، ۱۹۲:۴، ۱۸۲۰:۴، ۳۹۰:۵،
۱۹۴۹:۶

زیر زیر: پنهانی، در خفا، در باطن. ۲۵۰۸:۵
زیر کسار: زیرک سر، باهوش. ۱۷۱۵:۱
زیر و زَبَر: مجازاً اضطراب و پریشان خاطری
است. ۲۲۹۱:۱

زُئِف: ناسرّه، پست، نادرست. ۱۷۹:۲
زُئِن: آراستن، زینت دادن، زینت؛ زُئِنْتُ: زینت
دادی. ۱۵۵۳:۶، ۱۹۱۲:۵، ۲۸۸۱:۴

زین العابدین: زینت پرستشگران، لقب مشهور
امام چهارم علی بن الحسین. ۴۰۹۱:۶
زینهار: زینهار، امان، پناهگاه، عهد و پیمان، کلمه
تنبیه به معنی برحذر باش. ۱۷۸۱:۳

زِی و قاف: الفاظی پراکنده و مهمل که مستان و
دیوانگان گویند، بیشتر در مورد فحش و
ناسزا بکار رود. ۱۴۵۵:۲

زی: زیست کنی، زندگی کنی. ۴۱۹۷:۶
ژاژ: سخن بیهوده، یاوه؛ ژاژ خاییدن و ژاژ
خایی: سخنان بیهوده گفتن، یاوه گویی.
۷۱۸:۲، ۲۹۳:۶، ۴۷۶۹:۶، ۳۳۹۸:۲،
۴۳۰۵:۶

ژاژخا: لفظاً به معنی بیهوده گو و یاوه سراسر است، اما
در این بیت به معنی بیکار و عاطل است.
۱۰۳۶:۳

ژاله: شبنم، قطره‌هایی که روی برگ گل یا گیاه
نشیند. ۲۵۴۴:۱

ژغاژغ: صدای بادام و گردو هنگامی که در
جایی ریخته شود. ۴۰۲۶:۳

ژغ ژغ: آواز و صدایی که در وقت خوردن
چیزی و یا بر اثر سرما از دندان‌ها برآید، نیز
صدایی که از برخورد و سایش گردو و یا
بادام بلند می‌شود. ۲۲۷:۳، ۱۱۰۵:۳،
۲۱۴۶:۵

زَهار: شرمگاه زن و مرد، در اینجا مراد دهانه
زَجم است. ۲۲۰۴:۵، ۳۴۱۹:۶
زَهْد: نشو و نما کند، می‌تراود، بیرون می‌آید.
۴۴۱۶:۳، ۲۸:۳

زَهْرآب: آب زهرآلود. ۵۴۵:۱
زَهْرِبَا: آتش زهرناک، آتش مسموم. بعضی
نوشته‌اند «آتش زهر» یعنی آشی که از زهر
درست شده. و این معقول نیست. ۱۴۱۴:۵
زَهْرِبَار: بر قیاس سبک، شوربا و غیره آشی
است که ماده اصلی آن زهر باشد، بارنده
زهر. این تعبیر گاه جنبه طنز دارد. ۲۴۵۷:۲،
۲۵۲۴:۴

زَهْرِستان: معدن زهر، مانند گلستان و دشتستان
و... ۲۵۵۴:۱

زَهْش: زهیدن، ظهور کردن. ۲۵۸۲:۲
زه کردن کمان: کنایه از آماده شدن برای
تیراندازی، کشتن یا زیان رسانیدن به کسی.
۴۰۰۲:۶، ۱۷۰۴:۱

زی: زندگی کن. فعل امر از زیستن؛ نیز به معنی
طرف، سو، جانب. ۱۶۷:۶، ۴۴۴۴:۶
زیادات: نام کتابی در فروع مذهب حنفیه تألیف
محمد بن حسن بن فرقد شیبانی، فقیه و
دانشمند حنفی مذهب قرن دوم هجری.
۳۷۴۹:۳

زیافت: ناسرگی زر و سیم، بی ادبی. ۳۸۹۳:۱
زُئِت: روغن زیتون، و هر روغن نظیر روغن
چراغ و روغن خوراکی و روغن عطر و
غیره: جمع: زُئُوت. ۲۹۹۴:۴، ۲۸۰:۵،
۴۴۲۷:۶

زَید: زندگی کند. ۱۰۷۸:۴
زید و بکر: کنایه از فلان و بهمان است. ۹۰۴:۱
زید و عَمَر: معادل فلان و بهمان. «عمر» در
اصل با واو فصل و بصورت «عَمرو» نوشته
می‌شود تا با «عَمَر» اشتباه نگردد. ۱۶۶۳:۱،
۴۱۴:۶، ۱۴۹۶:۵

سَافَرْتُ: مسافرت کردم. متکلم وحده از باب
مفاعله. ۱۹۷۳:۳
سَافِل: پایین، زیرین، پست. جمع آن: سُفَال، و
سُفُل. ۳۵۸۹:۳
سالارده: به کنایت، بهار یا خدای تعالی.
۱۸۹۴:۱
سَالِب: رباینده، سلب‌کننده جمع سُلَاب.
۲۴۶۴:۵
سَالِف: سالفه، پیشین، گذشته، ماضی. جمع:
سَالِفَان به معنی گذشتگان، پیشینیان.
۲۵۳۸:۳، ۱۶۵۲:۶، ۲۰۹۰:۶
سالوس: ریاکار، حيله گر، مکار. به معنی خدعه
و نیرنگ نیز می‌آید. ۱۰۷۵:۳، ۱۵۲۰:۵،
۲۰۵۴:۵
سَالُون: جمع سالی به معنی فراموش‌کار، سرگرم،
خرسند و بی‌غم. از فعل سَلَا يَسْلُو و سَلَى
يَسْلَى. ۸۵۰:۴
سامع: شنونده. ۲۲۰:۴
ساو: زرِ خالص. ۱۴۳۹:۲
سَاهِرَة: روی زمین، زمین قیامت عرصه محشر.
از ریشه سَهَر به معنی شب زنده‌داری کردن
است. عرب، بیابان را ساهرة نامد زیرا انسان
در آن وادی از ترس بیدار می‌ماند. همین‌طور
عرصه قیامت، عرصه بیداری است نه
خواب. ۲۸۹۲:۶، ۳۳۵:۵، ۲۸۳۶:۳
سایر: گردنده، سیرکننده. ۷۵۵:۱
سایس: ادب‌کننده، تربیت‌کننده چهارپایان.
۱۱۳۵:۶
سایق: راننده چاروا، ازاده‌ران. ۹۶۲:۲
سایه: در این بیت منظور بدن عنصری است.
۱۷۲۶:۳
سایه یزدان: ظلّ الله، ولی خدا، مرد کامل فانی
در حقّ مانند سایه که از خود وجود ندارد و
حرکت او تابع حرکت آفتاب است. ۴۲۲:۱
سَبَا: اسیر کرد. فعل ماضی ناقص یایی است سَبَى

ژندگی: بوسیدگی و کهنگی. ۱۰۷۶:۲
رُیان: خشمگین. ۹۹۴:۱
رُیغ رُیغ: صدایی که از باز و بسته شدن در پدید
آید. ۳۱۰۳:۴
سایح: شناگر. ۳۸۷۹:۶
سابق: پی: پیشقدم، شروع‌کننده. ۱۹۵۴:۵
سابقی: با یای مصدری به معنی سبقت است.
۳۲۰۵:۴
ساتر: پوشاننده: نیز ساتره به معنی پوشاننده.
«ساتری» با یای مصدری است. ۳۵۵۶:۱،
۳۰۶۱:۶
ساحل گرفتن: ساحلی را مسکن خود ساختن.
۱۰۳۳:۱
ساده زَنخ: آنکه در صورتش مو نرسته باشد.
۳۰۴۳:۲
ساران: جمع سار به معنی سر. ۱۱۵:۳، ۲۰۲۲:۵
سَارِعُوا: فعل امر حاضر باب مفاعله به معنی
بشتابید. ۳۴۳۵:۳
ساریّة: اسم فاعل از سَرى یَسرى به معنی:
شب‌رو، آنکه شب‌ها راه می‌سپارد. ۵۱۶:۳
ساز: منظور آمادگی روحی و قلبی است، لفظاً به
معنی ساختن و سامان است؛ راه و روش،
شیوه؛ آلت موسیقی. ۲۱۷۵:۳، ۹۰۶:۳،
۳۹۰۹:۶
ساز کردن: شروع کردن، قصد کردن، ترتیب
دادن؛ ساز کرد: قصد کرد، آهنگ کاری کرد.
۱۱۹۵:۱، ۱۵۴۸:۶، ۴۲۱۲:۶
سازِ گاو: شَلّاق، تسمه‌ای چرمین که بدان چارپا
را می‌رانند. ۱۴۳۶:۲
ساعی: کوشنده، سعی‌کننده. در مثنوی به معنی
نگهبان و مراقب نیز آمده است. ۴۱۴۶:۳
ساعَر: جام. ۱۶۸۶:۵
ساعر به دُور آوردن: جام می به نوبت دادن در
مجلس است. در اینجا کنایه از رسیدن نوبت
است. ۹۹۷:۱

سَبَبی و مصدر آن سَبَبی (= اسیر کردن)
 است. ۲۸۳۴:۳
 سُبَات: آرامش و استراحت؛ قطع، خواب.
 خواب، سبب قطع اعمال روزانه است.
 ۳۸۶۳:۱
 سَبَاح: شناگر ماهر. صیغه مبالغه سَابَح. ۱۶۰۷:۱.
 ۳۸۸۰:۶
 سِبَاحَت: شنا کردن در آب، شناوری. ۱۴۰۴:۴
 سِبَاق: سبَاقَت، پیشی گرفتن، سبقت جُستن.
 ۱۱۳۰:۶، ۱۷۰۷:۳
 سِبَال: سَبیل و شارب بُروت، مویی که پشت لب
 مردان روید، این لفظ مأخوذ از تازی است و
 در فارسی، به صورت مفرد استعمال
 می‌شود. و اگر آن را جمع مَكْسَرِ سَبَلَت
 بگیریم علاوه بر شارب و سبیل معنی جامه
 و قبا نیز می‌دهد. اکبرآبادی، معنی اخیر را
 انتخاب کرده است. ۲۲۳۵:۳، ۳۶۲۷:۳.
 ۲۴۵۰:۴
 سِبَال بُولَهَب: تَكْبَر و نخوت ابولهب. «سِبَال» در
 اینجا کنایه از تَكْبَر و قدرت است. «ابولهب»
 نیز مظهر قدرت و تفرعن است. ۳۰۲۵:۶
 سَبَب سوراخ کن: صفت مرکب فاعلی مرخَم به
 معنی سوراخ‌کننده سَبَب. ۱۵۵۲:۵
 سَبَت: بریدن و قطع کردن. ۲۶۸۵:۳، ۲۵۹۲:۵
 سُبْحَان: تنزیه کردن خدا از هر عیبی، به پاکی یاد
 کردن خداوند. ۳۱۴۰:۱
 سُبْحَه: تسبیح، مهره‌های ریزی که به نخ کشند و
 به دست گیرند و با آن ذکر گویند، دعا، ذکر.
 ۱۵۰۰:۳، ۲۰۶۷:۶
 سبز بودن: کنایه از طراوت و لطافت. ۱۳۴۱:۱
 سَبَط: فرزندان، نواده؛ جمع: أَسْبَاط. ۴۶۶:۵
 سَبَق: سبقت گرفتن، پیشی گرفتن. ۳۷۴۴:۴.
 ۲۱۳۹:۶
 سَبَق: درس و مقداری از کتاب که هر روز به
 شاگرد بیاموزند، جایزه مسابقه شترسواری

و اسب دوانی، ازل و قَدَم، قرآن کریم؛ جمع:
 اشباق؛ سبق دادن؛ درس دادن. ۳۲۲۹:۱.
 ۱۳۲۳:۲، ۱۱۹۷:۳، ۳۷۷۹:۳، ۳۸۴۷:۳.
 ۲۹۶:۴، ۸۵۲:۴، ۱۱۹۴:۴، ۱۶۴۵:۴.
 ۱۸۹۹:۴، ۲۰۱۷:۴، ۲۸۶۸:۴، ۳۱۰۳:۶
 سَبَق بردن: در مسابقه پیروز شدن، ظفر یافتن،
 سبقت گرفتن، پیشی گرفتن. ۲۹۰۱:۳.
 ۳۴۷۵:۴، ۱۹۶:۵
 سَبُک: چالاک، زود، سریع. ۳۳۴۶:۳
 سَبَلَت: موی پشت لب، سبیل. ۳۹۱۲:۶
 سَبُو: آوندی سفالین و دسته‌دار که در آن آب و
 شراب و جز آن ریزند، پیمانه، ساغر.
 ۷۷۷:۱
 سَبوی سبز و نو: به عقیده عامه، سفال سبز، آب
 را خنک نگه می‌دارد، برخلاف سفال
 سرخ‌فام که آب را گرم می‌کند. ۲۸۱۷:۱
 سَبَبی: اسیر کردن، اسیر. البته این لفظ بیشتر به
 زنان اسیر، اطلاق می‌شود، به مردان اسیر
 «أَسْر» گویند. و جمع آن: سَبَبی. ۲۳۰:۴
 سَبیل: راه، مجازاً به معنی مباح؛ جمع: سَبَل.
 ۳۳۱۲:۱، ۱۵۷۵:۵
 سبیل کردن: مباح کردن. ۳۰۶۴:۵
 سَبَر غَم: مخفَفِ سَبَر غَم به معنی ریحان و هر گیاه
 خوشبو. ۹۲۰:۵
 سَبَس: عقب. ۳۶۰۶:۶
 سَبَسند: دانه‌هایی که برای دفع چشم‌زخم دود کنند.
 ۴۰۲۱:۶
 سَبُوخت: فرو کرد. ۱۳۸۵:۵
 سَبوز: به معنی سَبُوختن و فرو کردن چیزی در
 چیز دیگر با فشار. ۱۳۳۶:۵
 سَبوس: سَبوس، پوست گندم و یا جو. ۱۳۲۸:۴.
 ۵۰۹:۶
 سَتَار: بسیار پوشاننده، از اسماء الله. ۳۲۹۳:۱
 ستاره آتش: جرقه و پاره‌های خُرد آتش که از
 آتش می‌جهد. ۳۸۴:۱

سِجَاف: فرجهٔ بین دو پرده، باریکه‌ای که در حاشیهٔ جامه دوزند. لحاف و پوشش. «آتش سِجَاف» یعنی کسی که در پوششی از خشم است. کنایه از آدم خشمگین. ۱۵۹۹:۳، ۳۵۱۵:۵، ۵۷۵:۶، ۳۳۰۹:۶

سِجَلْ: در اینجا به معنی مطلق نوشته. ۱۲۰۸:۱
سِجَن: زندان. جمع سُجون. ۶۴۰:۱
سِجَن خَرَب: زندان ویران. مراد جسم فانی است. ۳۶۰۷:۱

سَحَاب: ابر. ۲۰۳۰:۱، ۳۰۲۶:۶
سَحَاَرَه: بسیار جادوکننده. جایز است که «ة» را نیز برای مبالغه دانست، هرچند که به سبب تأنیث «دنیا» می‌توان آنرا تائیس نیز فرض کرد. ۳۱۹۳:۴

سِخْرِ حَلال: کلام جَدَّاب و هنرمندانه، کنایه از کلام فصیح و موزون که به منزله سحر باشد. ۳۵۹۹:۳، ۲۹۲۵:۶

سِخْرِ مُسْتَمِر: جادوی قوی و نیرومند، روان. «مستمر» معانی دیگری نیز دارد، اما در این بیت همان است که ذکر شد. ۱۱۶۱:۳

سِخْرِ مُطْلَق: سحری کارگر و مؤثر، بدون قید و شرطی، مجازاً کاری غریب و فوق عادت. ۶۵:۱

سَخُور: طعمایی که در سَخَر ماه رمضان می‌خورند. ۳۰۵۵:۵

سَحوری زدن: مصدر مرکب به معنی آواز برکشیدن و طبل و ساز نواختن بر در خانه‌ها به طلب طعام یا اجر به هنگام سحر ماه رمضان در قدیم. ۸۴۶:۶

سَخا: بخشش و جوانمردی. ۲۲۳۵:۱، ۲۲۵۰:۱، ۳۰۱۸:۱، ۱۲۷۱:۲، ۳۳۳۴:۶

سَخْتْ جان: در اینجا به معنی مقاوم و به اصطلاح پوست کلفت. ۱۹۶۴:۶

سَخْتْ رُو: بی‌شرم، گستاخ، پُررو. ۳۴۸:۴
سَخْتْ زَه: سخت‌کمان، جوانی که زه کمانش

سِتَان: بر پشت خوابیده، بر پشت غلطیده، طاقباز، از آداب خواب اینست که شخص یا مانند مُرده در لحد به پهلوی راست بخوابد و یا مانند محتضر به پشت. خوابیدن بر شکم و سینه روا نیست. ۳۰۶۸:۴، ۱۳۸۳:۵، ۳۱۰۷:۶، ۲۳۷۷:۵

سِتَر: پوشش، پرده، جمع سُتور و آشُتار. و سِتَر به معنی پوشاندن. ۲۰۷:۴
سِتُرْد: زدود، پاک کرد. ۷۴۰:۶

سُتْرَه: تیغ، آلتی که بدان موی سر و صورت و نقاط دیگر تراشند. تشدید آن بنا به ضرورت شعری است. مخفَفِ اُسْتْرَه از مصدر سِتُرْدن به معنی تراشیدن، زدودن، محو کردن. ۳۳۲۹:۵

سُتْم‌پَرْداز: آنکه به ظلم و تعدی دست می‌زند. صفت مرکب فاعلی مرخَم. ۳۹۴۳:۶

سُتْن: مخفَفِ سُتون. ۴۵۷۱:۶

سِتْنَبَه: زشت و کریه و زورمند. ۱۳۲۵:۴
سُتَوَه: خسته شدن، درمانده شدن، به تنگ آمدن. ۲۸۴۰:۴

سَتی: مخفَفِ سَتی به معنی بانو، خاتون، بعضی آن را سِتی نیز خوانند مخفَفِ سِتی که معنی‌اش یا سِتَّ جهاتی (= آی شش جهت من) کنایه از اینست که زن به مرد احاطه دارد. سَتی را نیز مخفَفِ سِیْدَتی گیرند. یعنی ای بانوی من. ۲۳۹۶:۱، ۷۰۲:۲، ۳۱۲۳:۳، ۲۷۶:۶

سَتیر: صفت مشبّه مذکر است هم به معنی «ساتر» است و هم «مستور». یعنی هم به معنی پوشانندهٔ معایب است و هم به معنی پوشیده و پاکدامن. ۱۹۹۲:۱، ۲۳۸۲:۱، ۱۲۸۶:۳، ۴۵۹۲:۳، ۳۰۶:۴، ۲۶۲۶:۴، ۲۵۸:۵، ۹۳۸:۶

سَتیره: پوشیده روی، زن. ۲۳۸۹:۱
سَتیری: مستوری و پوشیدگی. ۶۶۵:۵

روده گیر می‌کند و دفع نمی‌شود. این بیماری اگر در عروق پدید آید، مانع جریان خون می‌شود؛ و اگر در دستگاه گوارشی پدید آید مانع رسیدن آب به جگر می‌شود و نهایتاً دچار استسقا می‌گردد. ۲۹۲۰:۳
سَدید: درست، راست. «ناسدید» نادرست، ناراست. ۴۰۰۲:۳
سِر: فعل امر مفرد از سارِ یَسیرُ به معنی: حرکت کن. ۵۱۶:۳
سَرآپرده: خیمه بزرگ پادشاهی. ۱۲۰۲:۱
سِرَاج: چراغ. ۳۹۷۳:۱، ۳۰۶۹:۶
سِرار: مصدر باب مفاعله به معنی رازگویی و درگوشی حرف زدن است و در اینجا منظور «نہان» است. معانی دیگری نیز دارد از قبیل سه شب آخر ماه که ماه به کَلّی پنهان می‌شود. کنایه از ناپیدا و پنهان، باطن و نهان. ۲۵۵۷:۶، ۱۵۴۱:۶، ۲۹۸۹:۵، ۳۶۲:۴
سَرا عدل: مخفّف سَرایِ عدل به معنی عدالتخانه. ۹۵۶:۱
سَرِ آتبان گشادن: کنایه از کشف‌الاسرار، برملا کردن راز. ۱۴۷۹:۱
سَراندازی: سرباختن، کشته شدن، جان باختن. ۴۱۶۸:۶
سَرایِر: رازها، نهانی‌ها. جمع سَریره. ۳۲۲۰:۲
سَر بُرد: فعل مضارع از مصدر مرکب سَر بُردن به معنی طی کردن، به سَر بُردن، نجات یافتن است. اما در اینجا معنی تسلیم شدن و پناه جُستن می‌دهد. ۲۹۶۵:۴
سَرَبَند: پوشینه، آنچه سر و صورت را با آن ببندند. ۲۲۳۳:۵
سَر بیرون کردن: آشکار شدن. ۴۶۶:۳
سَر پُل: بی‌گمان همان رأس الطاق است که به تصریح مَقْدِسی آبادترین محله سمرقند بوده است. ۱۷۰:۱
سَر پوشیده: سر بسته، مبهم. ۱۰۵۱:۱

سخت کشیده شود. کنایه از پر قوّت بودن. ۳۴۲۴:۳
سُخته: سنجیده و موزون، از مصدر سَخْتَن و سَخْتَن. ۲۳۴۶:۶
سُخته کمان: تیرانداز نیرومند و ماهر. ۱۹۵۷:۶
سختیان: پوست بُز دباغی شده. ۱۴۸۷:۵
سُخره: به تسخیر درآمده، ذلیل و مقهور؛ بیگار، کار بی‌مزد؛ کسی که مورد بیگار و تمسخر دیگران شود؛ جمع: سُخرگان. ۵۶۵:۱، ۳۸۹۰:۱، ۵۰۳:۵، ۱۹۱۵:۵، ۲۵۴۱:۵، ۲۶۲۸:۶
سُخره کرد: به بیگاری گرفت، تحت سلطه قرار داد، مسخره کرد. ۳۹۳۸:۶
سَخْنُ خا: صفت مرکب فاعلی مرخم، در اصل بوده است سخن خاینده، به معنی کسی که حرف نشخوار می‌کند. کُلاًّ به معنی کسی که حرف می‌زند. ۲۱۸۶:۶
سَخْنُ خایی: اِطْناَب در کلام، سخن را پیچ و تاب دادن. ۷۲۰:۶
سَخْنُ شاشی: با یای مصدری به معنی پُرگویی، پُر حرفی. مولانا در اینجا «سَخْن» خود را به مَشْکِی پر از «شاش» تشبیه می‌کند. ۳۸۱۰:۴
سَخْنُ گش: کسی که سخن را جذب می‌کند و نکات را درمی‌یابد. ۱۳۱۹:۴
سَخُوط: غضب شده و ملعون؛ بسیار خشمگین. ۱۴۶۹:۵
سَخّی: بخشنده، سخاوتمند، جوانمرد. ۲۲۳۵:۱، ۸۲۹:۶، ۴۰۹۰:۵
سَدّ: بند، حایل میان دو چیز. ۳۴:۵
سَداد: راستی و درستی. ۵۱۲:۱، ۸۳۹:۳، ۴۷۹۵:۶، ۱۰۵۳:۵
سُدّه: نام مرضی است که بر کبد عارض می‌شود و مبتلای به آن نمی‌تواند درست تنفّس کند و هر چیزی که می‌خورد فضولات آن در

سَرْتِیز: تیز مغز، هوشمند و نکته‌دان، هرآنچه که دارای نوکی تیز باشد و در اجسام فرو رود، کنایه از نافذ. ۱۱۹:۶، ۳۶۵۳:۶
سِرْحان: گرگ، شیر. ۳۲۶۴:۳
سِرِّ حَقّی: راز نهران. دانای راز نهران، حق تعالی است. ۲۶۴۷:۱
سَرخوش: شادمان، مست، در اینجا بی‌خبر و غافل. جمع: سرخوشان به معنی سرمستان. ۳۰:۶، ۳۰۶:۵، ۳۶۶۷:۲
سَرخِیل: سردهسته، سرگروه، سرلشگر، مرکب از کلمه فارسی سَر و کلمه عربی خِیل. ۳۷۹۸:۱، ۲۹۳۶:۱
سِرِ دیگ: سرپوشی که روی دیگ می‌گذارند. ۴۸۹۷:۶
سَرزِشته: کسی که مبدأ عملی است. و به اصطلاح سرنخ کارها به دست اوست. ۲۹۳۷:۱
سررشته را یافتن: به کنایه، رسیدن به اصل و مبدأ، حلّ مشکل. ۲۰۴۰:۱
سَرزیر: پست، فرومایه. ۱۲۸۱:۴
سرزیر شدن: سرنگون شدن. در اینجا به معنی محو شدن و فروکش کردن است. ۳۰۸۳:۲، ۲۸۳:۵
سر زیر گیاه کشیدن: از ترس و بیم جان، خود را پنهان کردن به مناسبت آنکه کبک و تیهو و دُرّاج و نظایر آنها از بیم مرغان شکاری به زیر خاربنان و بوته‌ها پنهان می‌شوند. ۲۱۴۷:۱
سَرَسام: از بیماری‌های سَر و دِماغ است. این کلمه، مرکب است از سر (= راس) و سام (= وَرَم) یعنی آماس سر، جرجانی گوید: «و این از بهر آن گفته‌اند که این عِلّت (= بیماری) آماسی باشد که اندر گوهر دِماغ یا غشای دِماغ یا اندر هردو پدید آید.» سرسام دو نوع است: یکی سرسام گرم یا صفراوی و

دیگری سرسام خونی. ۳۹۸۳:۳، ۱۶۹۷:۵
سِرِشته عشق: آنکه با عشق درآمیخته باشد، عاشق. «سِرِ رشته» اسم مفعول از مصدر «سِرِشتن» به معنی مخلوط شده، آغشته و آفریده است. ۲۹۴۱:۶
سَرَفشانیدن: سرافشاندن، جنبانیدن سر از ناز کرشمه و یا از کبر و غرور. در این بیت به معنی توجه کردن است. ۷۱۵:۳
سَر کشیدن گوش: عبارت از رسیدن به سِر سخن و حقیقت کلام و صدق را از کذب دریافتن. ۱۰۲:۳
سِرگیگی: ترشی. ۱۷:۶
سَرگله: تاج سر، کلاه. ۶۰۰:۲
سِرگنجین: شربتی است که معمولاً از شکر و سرکه می‌پزند و گاهی هم در قدیم به جای شکر عسل بکار می‌بردند. اطباء قدیم آنرا دافع صفرا دانسته‌اند و معرّب آن سکنجبین است. ۵۳:۱
سِرکه فروختن: کنایه از ترش‌رویی کردن. ۲۳۷۵:۱
سَرگرانی: مستی و سرسنگینی. ۲۶۳۰:۱
سرگین: مدفوع چهارپایان. ۳۲۱۷:۱
سَرمد: همیشه و پیوسته؛ شیر سرمدی به معنی شیر جاودانه، شیر ابدی. مجازاً شیر حق، شیر خدا. ۳۱۲۹:۱
سَرمدی: همیشگی، ابدی، جاودانه. «سرمد» صفت مشبّهه عربی به معنی همیشه، پیوسته، جاوید. از اسماء الله است. ۳۴۱۷:۴، ۱۵۱۷:۴
سَرْمه: سنگی است معدنی، سیاه و بَرّاق که آنرا برای چشم و قوّه بینایی نافع می‌دانند، گردی که از سنگ بَرّاق اَثَمَد تهیه کنند و آن را به چشم کشند و چشم، نیروی بینایی‌اش افزایش یابد. ۱۵۳۴:۱، ۱۰۶:۲، ۲۸۶۳:۶
سُرنا: سازی است بادی که همراه دهل زنند.

۷۳۲:۴

سُرُنایی: سُرنا زننده. بهتر است در این بیت «ی» را نسبی فرض کنیم نه مصدری، بنابراین «سُرُنایی» صفت نسبی است. ۴۲۷۴:۳
سُرَنهادن: سُر خماندن، بوسیدن زمین در حالت سجده و عبادت و یا برای تعظیم و تکریم. ۹۷۰:۳

سُرُو: درختی است مخروطی‌شکل، برگهای باریک و درازی به شکل سوزن دارد و همیشه سرسبز و خرم است. ۲۱۱۷:۱
سُرُو روان: استعاره بالکنایه. یعنی خوش قد و قامت. ۴۸۷۸:۶

سُرُستان: جایی که درخت سُرُو در آن بسیار روید. ۳۸۲۸:۱

سُرُو سَهی: سُرُو راست رُسته. در اینجا مجازاً به معنی شخصی خوش قد و قامت است. ۴۴۵۷:۶

سُرُو قَد: اضافه تشبیهی است. دراصل بوده است «قَد سُرُو» یعنی قدی که در بلندی و رعنائی مانند درخت سُرُو است. ۳۸۷۴:۵

سُرُو پاک و خالص و گزیده. ۶۸۸:۱
سُرُهنگ: فرمانده، پهلوان، مأمور اجرای حکم کيفر، پیشرو لشکر. ۱۸۸۷:۳، ۶۳۲:۱

سُرُهنگِ دَر: سردار و امیر دربار سلطان. زیرا «دَر» مخفف دربار است. و چنین مقامی از همه به سلطان نزدیک‌تر است. ۶۸۲:۳

سُرُهنگِ قضا: اضافه تشبیهی است از نوع اضافه مُشَبَّه به مُشَبَّه‌به. یعنی قضایی که مانند سُرُهنگ است و سُرُهنگ به معنی سردار و فرمانده قشون است. پس در این بیت قضای الهی به فرمانده تشبیه شده است. معنی امروزین سُرُهنگ در اینجا مراد نیست. ۱۶۵۱:۵

سُرُهنگی: حالت و عمل سُرُهنگان، کنایه از بکار گرفتن زور و ضرب و امر و نهی.

۶۳۳:۱

سُرُو: سُر + یای مصدری به معنی سروری، ریاست. ۱۰۷۵:۴، ۲۰۲۹:۴، ۳۳۴۰:۴
سُرُو: شبروان، رونندگان در شب. جمع ساری از مصدر سُرُو. ۱۱۵۷:۶
سُریر: تخت، جمع آن: سُرُر. ۴۷۸:۴، ۱۷۶۸:۴، ۳۹۸۳:۶، ۹۱۲:۵

سُرِیه: دسته‌ای از یک لشکر. جمع: سُرایا. در تاریخ اسلام اصطلاحاً به نبردهایی گفته شود که رسول‌الله (ص) شخصاً حضور نداشت. مقابل غَزوه که خود آن حضرت شخصاً در میدان نبرد حاضر می‌شد. ۱۹۹۲:۴

سُسْت پَی: ضعیف، پست‌نژاد، تنبل و کندرو، در اینجا مراد سهل‌انگار است. ۳۹۵:۶، ۹۲۱:۶
سُسْت خُصو: سست عنصر، سست نهاد، ضعیف‌الاراده. ۲۵۹۰:۵

سُسْت ریش: احمق، نادان. ۱۰۵۹:۱، ۱۴۶۴:۳
سَطُوت: حمله، تهاجم، قهر، غلبه. ۲۱۳۲:۵، ۲۵۳۸:۶، ۲۹۵۶:۵

سُعاد: نام زنی است مرتبط با اشعار عاشقانه عرب. در اینجا احتمالاً به معنی نیکبخت است. ۱۹۴۲:۶

سَعَت: گشادگی، توانایی، دارایی. در اصل وُشع بوده است که حرف عله ساقط شد و عوض آن «ت» بدان ملحق گشت. در عربی سَعَة می‌نویسند. ۱۴۰۰:۶

سَعْتَری: زن بدکاره، زنی که میل دارد مانند مردان با زنان همبستر شود، از اینرو به خود چرمینه می‌بندد. ۲۹۹۶:۶

سَعْدانی: نیک‌بخت. ۳۴۰۰:۶

سُعُود: مبارکی، نیک‌بختی، خجستگی. ۱۹۳۰:۴
سَعیر: از نام‌های دوزخ و به معنی آتش فروزان و سوزان و به معنی زبانه آتش است، یکی از درکات دوزخ؛ جمع آن: سُعُر. این لفظ مکرراً در قرآن بکار رفته از جمله آیه ۱۱

۳۰۵:۴، ۱۷۹۴:۴، ۳۲۰۹:۴، ۱۵۳۵:۶

۲۵۸۶:۶، ۴۵۹۳:۶، ۳۶۷۲:۶، ۳۸۵۳:۶

سِقَايَه: پیمانه آب و شراب. ۳۹۶۰:۶

سَقَر: اسمی است غیر منصرف برای دوزخ. و در

اصل به معنی سوزاندن، داغ کردن و رنگ

چیزی را تغییر دادن است. مفسران قرآن

کریم آن را دَرَکَدای از دَرَکَاتِ جهنم

دانسته‌اند. و برخی گویند دری است از

درهای دوزخ. ۳۴:۴، ۲۷۱۴:۵

سَقَرُ پروردگان: دوزخیان، آنانکه طبع دوزخی

دارند. ۲۵۶۹:۱

سَقَط: دشنام، ناسزا. ۳۳۷۷:۱، ۲۶۹۳:۵

سَقَطه: افتادن، سقوط کردن. ۳۵۵۷:۱

سَقَم: بیماری. «بَلَوٌ و سَقَم» بیانی است از فقر

درویشانه. ۲۲۵۷:۲، ۳۰۱۳:۳، ۸۴۷:۴

۱۷۹۶:۴، ۳۰۱۱:۴، ۲۵۶۳:۵، ۳۶۳۰:۵

۱۶:۶، ۱۱۷۰:۶، ۲۷۵۵:۶

سُقُوف: سقف‌ها. ۸۰۴:۵

سُقْيَا: آب دادن، آب خواستن. ۸۴۹:۴

سُقِيم: بیمار، ناتوان، کنایه از نارسا و ابتر، بیمار

اخلاقی و باطنی، ناقص و مخدوش.

۱۱۵۷:۲، ۲۲۲:۳، ۱۷۳۱:۳، ۳۳۵۰:۳

۲۱۹:۴، ۲۳۴:۴، ۳۷۵۹:۴، ۳۸۸۸:۶

۴۷۰۲:۶

سُكَّان: جمع مَكْسَر ساکن به معنی مقیم، اقامت

کننده. ۶۵:۵

سَكْبَاج: آتش سرکه، آشی که در آن سرکه بریزند.

۴۸۹۸:۶

سُكْرَة: کاسه گلی، پیاله. ۲۶۰۴:۳

سُكْسْت: شکست، گسست. از سُكْسْتَن، هلاک

شدن، متلاشی شدن؛ سُكْسْتَن: شکستن،

گسستن. ۸۵۵:۱، ۳۹۹۵:۳، ۳۳۸۷:۴

سُكْسُك: اسب تیزرو، در اینجا مراد اسب

چموش است، ستوری که بد و ناهموار رود،

ضِدَّ راهوار. ۱۴۲۳:۲، ۴۰۱۳:۳، ۲۰۱۰:۴

سوره فرقان. و دوبار نیز به صورت جمع

استعمال شده است که در هردو مورد در

سوره قمر آیه ۲۴، ۴۷ است. ۲۰۵۶:۱

۳۴۸۰:۳، ۲۲۸۲:۴، ۲۵۲۶:۴، ۱۸۱۴:۵

سَعْيٌ مُجْتَهِدٌ: نهایت درجه کوشش. ۹۹۴:۵

سُعْبَه: فریفته و مفتون و مغلوب، بازی داده شده.

۲۴۹۴:۱، ۲۵۱۸:۱، ۳۲۹۸:۱، ۵۸۱:۳

سُغْرَاق: سُغْرَاق، کلمه‌ای ترکی، جام و قدح

بزرگ، کاسه، پیاله و کوزه لوله‌دار.

۲۹۴۲:۳، ۲۱۰۸:۴، ۳۵۰۱:۶

سَعْرِي: مخفَفِ ساغری، معنی پوست خر و

اسب. کنایه از پوست کلفت و ضخیم.

۲۶۲۲:۵، ۲۷۵۳:۵

سِفَانَاخ: اسفناج، همان سیزی خوردنی معروف.

۲۴۰۹:۱

سُقْنَن: سوراخ کردن؛ سُقْنَنِ گوهر: کنایه از

سخنان بکر و تازه گفتن است. لفظاً به معنی

سوراخ کردن جواهر است. ۱۷۰:۲

۱۷۲۸:۴

سُقْنَه: گفته، معمولاً اگر سقنن با دُر بیاید به معنی

سخنان خوب و پرنکته گفتن است. ۱۳۸۳:۶

سِفَر: کتاب. جمع: أَشْفَار. ۱:۵

سِفْل: پایین، فرودست. ۲۶۶۸:۴

سِفْلِي: پائینی، زیرین. سِفْلٌ یا سِفْلٌ + یای

نسبت. ۱۶۱۸:۲، ۶۲۱:۵، ۲۶۱۵:۶

سُقُول: پستی، حقارت، فرومایگی. ۵۳۸:۱

۱۹۵۷:۲، ۳۲۲۹:۳

سَفَه: نادانی. ۱۴۰۰:۲، ۴۸۵۷:۶

سَفَه فرما: فرمان دهنده به کارهای نابخردانه.

صفت مرگَب فاعلی مرخَّم. ۱۴۳۲:۲

سَقَا: مخفَفِ سَقَاء به معنی کسی است که دادن

آب به تشنگان پیشه‌اش باشد. ۴۰۲۸:۶

سِقَا: مخفَفِ سِقَاء به معنی مَشْكِ آب است.

۷۰۷:۵

سَقَام: بیماری؛ سَقَامَت نیز به معنی بیماری است.

سِکَلِیدن: پاره کردن، بُریدن. ۱۲۶:۲
سَکَن: ساکن شدن، آرمیدن، جای گرفتن در
خانه. ۲۲۸۵:۴

سِکِیزه می‌زند: جفتک می‌اندازد. ۱۰۹۴:۵
سِگَالِش: اسم مصدر به معنی اندیشیدن، اندیشه و
یا اندیشه بد. ۱۹۸۷:۵، ۲۰۷۴:۵، ۲۶۴۷:۵
سِگَالِیدن: اندیشیدن، پنداشتن، مشورت کردن.

۱۳۶۲:۱، ۳۰۳۵:۱، ۱۹۱۴:۴
سَگ پُوست: کسی که در پوست سگ رفته
باشد. کنایه از کسی که مانند سگ به این و
آن حمله می‌کند و آزار می‌رساند و کنایه از
افرادی که در نظر سطحی‌اندیشان از راه
حق بدورند. ۳۹۴۴:۳، ۲۱۰:۳

سَگساران: مانند سگساران، و سگساران، بر
قومی افسانه‌ای اطلاق می‌شد که سری
همانند سر سگ‌ها داشتند با ریش بُزی و
چشمانی همانند چشم‌خوک. ۲۵۶۴:۱
سَگ شیطَان: اضافه تشبیهی از نوع اضافه
مُشَبَّهٌ به مُشَبَّه است. یعنی شیطانی که مانند
سگ است. ۲۹۴۵:۵

سَگی کردن: کار ناپاک و پلید انجام دادن.
۱۱۹۷:۱

سَل: سؤال کن، جویاشو. ۳۵۰۲:۶
سَلَاخ: کَننده پوست، کسی که گوسفند را ذبح
می‌کند و پوستش را می‌کند. ۱۲۳۱:۴
سَلَام: سلامتی دهنده، از نقص و عیب مبرا. از
اسماء الله است. رک. آیه ۲۳ سوره حشر.
۶۳۰:۲

السَّلَام: مبتدایی است که خبرش حذف شده
است. یعنی اَلْسَّلَامُ عَلَیک. ۲۱۴۶:۴

سَلَح: اسلحه. ۴۳۳۳:۳
سَلَسِیل: نرم، روان، می‌خوشگوار، آب گوارا و
نام چشمه‌ای است در بهشت. واژه‌ای فارسی
که در آیه ۱۸ سوره دهر آمده. ۳۵۵۹:۱
سَلْسَل: به فتح هر دو سین، آب شیرین و سرد و

خوش که به گلو روان فرو شود؛ آب خوش؛
در پاره‌ای از نسخ از جمله شرح انقروی،
این کلمه را سَلْسِلَه خوانده‌اند که معنی آن
زنجیر است. ۱۹۸۷:۱

سَلْسِلَه: زنجیر، حلقه‌های فلزی پیوسته به هم؛
جمع: سَلَائِل: نام کتابی است از عبدالله بن
یوسف بن محمد جوینی ملقب به
رکن الاسلام، فقیه شافعی مذهب قرن پنجم
هجری در باب فقه شافعی. ۳۱۶۰:۱،
۱۳۸۲:۲، ۳۸۴۹:۳، ۱۱۱۷:۴، ۱۶۱۲:۴،
۱۷۲۶:۵، ۲۴۳:۶

سُلْطَان: قدرت، تسلط، پادشاه. ۵۲:۵
سِلْک: کشیدن چیزی در چیزی دیگر چنانکه
مروارید و مهره را در یک رشته می‌کشند.
بنابر این شریعت چطور ممکن است این نوع
حکم غلط را به رشته خود بکشد و آن را
جایز شمرد. ۲۳۲۸:۳

سِلْم: صلح و آشتی. ۸۲۳:۶، ۲۸۰۳:۶
سُلْم: نردبان. ۴۹۱۳:۶
سَلُوت: تسکین یافتن، تسلی یافتن. از همین
ریشه «سَلُوی» به معنی هرچیزی است که
مایه تسلی دل و آرامش خاطر شود. از سَلَا
یَسْلُو. ۴۸۰۳:۳، ۲۶۸۷:۶

سَلُوی: پرنده‌ای سرخ رنگ و خردک اندام بوده
است. ۸۰:۱، ۳۷۳۵:۱
سَلَه: سَبَد، زنبیل. کنایه از دام است. ۲۶۶۱:۳،
۲۴۸:۴، ۱۶۵:۵، ۴۴۸۶:۶
سَلِیح: جنگ‌افزار. مُمَالِ کلمه سلاح است.
۱۴۲۳:۱

سَلِیم: ساده لوح، ساده دل؛ مارگزیده، کسی که
توسط مار گزیده شده باشد. ۳۱۹:۱،
۲۶۶۹:۲، ۱۳۳۳:۳، ۳۲۷۶:۳، ۲۲۷۹:۴،
۳۰۶۴:۵، ۲۶۳۵:۵

سَلِیمانی کردن: فرمانروایی کردن. ۱۱۵۲:۴
سَمَا: مخفَف سَمَاء به معنی آسمان. ۲۴۸۵:۱

۷۰۷:۵

سَمَاء: آسمان. ۲۰۳۴:۱

سَمَاط: بساط، سفره، خوان. ۳۲۵۹:۱

سَمَاع: در اینجا مطلقاً شنیدن ساز و آواز.

۱۳۴۷:۱، ۱۹۱۷:۱، ۴۲۳:۲، ۱۹۷:۶

سُمُج: نقب و سرداب، مجرای زیرزمینی. ۱۸۲:۴

سَمُ الْخِیَاط: سوراخ سوزن، مأخوذ از آیه ۳۸

سوره اعراف. ۳: ۳۸۱۰

سَمَر: افسانه شب، حکایت، حکایتی که به هنگام

شب گویند، گفتگوهای شبانه، داستان

سرایی، قصه: جمع: اَشْمار. ۱۱۸:۱

۱۶۰۵:۳، ۶۷۸:۴، ۳۶۵۴:۵، ۱۶۵۴:۶

۲۰۰۶:۶، ۲۸۱۹:۶، ۲۹۷۵:۶، ۴۰۷۱:۶

۴۶۲۷:۶

سمرقند: شهری که پیشینیان به سبب سبزی و

خرمی و فراوانی نعمت و کثرت باغها و

مزارع یکی از چهار بهشت روی زمین

انگاشته‌اند، مولانا چندی در این شهر مقیم

بوده است. ۱۶۷:۱

سَمِعْنَا: شنیدیم. ۲۸۹۸:۴

سُمْعَة: انجام عمل خیر برای آنکه دیگران

بشنوند، توسعاً به معنی شهرت طلبی و

خودنمایی است. ۴۴۶۷:۶

سَمَك: ماهی. ۱۰۳۶:۲، ۲۷۰۹:۲، ۲۳۵۴:۴

سَمَن: گل سه برگه. ۱۶۵۷:۲

سَمَنَد: اسب زرد که بدان زرده هم گویند.

۴۲۳۴:۳، ۳۲۴:۶، ۳۰۳۸:۶

سَمَنَدَر: جانوری است از رده دُوحیاتین دُمدار.

قَدی متوسط (حداکثر ۲۵ سانتی متر) و

پوستی تیره رنگ با لکه های زردتند دارد.

در اماکن نمناک و تاریک و غارها زندگی

می‌کند و از حشرات و کرمها می‌خورد.

حیوانی است بی آزار ولی ماده ای لزج از

پوستش ترشح می‌شود که سوزاننده است.

گفته‌اند که وی در آتش نمی‌سوزد، و آن

اغراق آمیز است. ۲۲۹:۵

سَمَن زار: باغ یاسَمَن و جای انبوه از درختِ

یاسَمَن، آنجا سَمَن روید. ۱۸۶۳:۴

سَمُوم: بادی گرم و کُشنده که به مَسَامِ بدن

(= منافذ بدن) داخل می‌شود. مأخوذ از آیه

۲۷ سوره طور و آیه ۴۲ سوره واقعه: جمع:

سَمَانَم. ۲: ۳۷۹۰، ۳: ۲۶۹۳، ۴: ۱۳۴،

۶: ۱۸۵۴، ۶: ۴۸۳۱

سَمِی: جلیل القدر، عالی مرتبه، رفیع، صفت

مشبهه از مصدر سَمُو. ۱: ۳۳۱۷، ۶: ۱۹۳۵،

۶: ۲۸۷۷، ۶: ۴۳۹۸

سَمِین: چاق، فربه. ۱: ۳۱۰۵، ۳: ۷۶،

۴: ۹۹، ۶: ۳۱۳، ۶: ۳۵۹۲

سَنّا: روشنی، پرتو ساطع، کلمه ترکیبی سَنّا بَرَق

به معنی روشنی برق، مقتبس از آیه ۴۳

سوره نور: يَكَاذُ سَنّا بَرَقِه يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ.

«نزدیک است روشنی برقی آن، نور دیدگان

را از میان ببرد.» این کلمه فقط یک بار در

قرآن آمده است. ۲: ۹۱۰، ۶: ۲۱۴۵

سَنَام: کوهان شتر. جمع اَشْنَمَة. در اینجا به معنی

نشانه و علامت. ۵: ۸۰۵

سِنَان: سرنیزه، تیزی سرنیزه، نیزه، نوک نیزه،

جمع آن: أَسْنَنَة. ۱: ۳۵۰۳، ۲: ۱۷۴۳،

۴: ۱۴۳۹، ۴: ۱۷۹۰، ۵: ۹۷۰، ۵: ۱۲۴۳،

۵: ۱۶۸۲، ۵: ۱۶۸۴، ۵: ۳۸۰۴، ۶: ۱۵۴۲،

۶: ۲۹۸۰، ۳: ۳۴۲۶، ۶: ۳۷۶۷، ۶: ۳۸۹۹

سُنَّت: راه و روش خواه نیک و خواه بد، قانون:

سُنَّةُ اللَّهِ: در تعبیر قرآنی به قوانین ثابت و

لایتغیر حاکم بر جهان اطلاق شود. ۱: ۷۴۲،

۵: ۱۵۴۳

سَنَد: تکیه گاه، مورد اعتماد، پشتیبان، شخص

مورد اعتماد. ۱: ۳۰۲۷، ۴: ۳۲۲۱، ۴: ۳۲۷۴،

۵: ۶۶۱، ۵: ۸۷۶، ۵: ۱۷۵۸، ۵: ۱۸۸۶،

۵: ۲۶۵۸، ۵: ۲۷۹۲، ۵: ۳۱۷۲، ۶: ۸۸۶،

۶: ۲۶۹۳، ۶: ۲۸۳۶، ۶: ۳۱۷۰، ۶: ۴۸۸۷

سُنْفَر: پرنده‌ای است شکاری مثل باز که در هندوستان بواسطه حرارت نژد و این ترکی است. از اسامی متداول در عهد مولانا.

۳۰۵۵:۳

سنگ‌بست: میوه کال و نارسیده؛ سنگ‌بسته نیز به معنی سفت و سخت، کال. ۳۷۱۹:۲.

۳۰۵:۴

سنگِ نقش‌گند: سنگی که روی آن کنده‌کاری شده باشد. ۹۰۹:۴

سَنگین: سنگی. ساخته شده از سنگ. صفت نسبی است. در این بیت صفت «صورت» واقع شده است. پس «صورتِ سنگین» یعنی تندیس‌ای که از سنگ تراشیده شده باشد.

۳۷۶۵:۶

سَنی: رفیع، بلندمرتبه، بلند، بلند مرتبت، عالی، بزرگوار؛ سَنی‌تر: رفیع‌تر. ۱۰۸۱:۱، ۳۳۹۴:۲، ۲۹۸۸:۱، ۳۵۴۷:۱، ۱۴۲:۲، ۳۷۴:۳، ۲۸۰۲:۳، ۱۰۴۲:۴، ۱۳۵۵:۴، ۵۳۷:۵، ۷۱۵:۵، ۱۶۷۱:۵، ۱۶۸۴:۵، ۱۶۹۶:۵، ۲۴۳۹:۵، ۲۷۴۰:۵، ۳۱۹۶:۵، ۳۳۷۴:۵، ۱۲۹:۶، ۱۱۳۴:۶، ۳۱۰۸:۶، ۳۱۵۵:۶، ۳۵۹۸:۶

سَواد: سیاهی، سطوری که بر لوح نویسند؛ سیاهی شهر که از دور پدید آید، شهر، شهر بزرگ. ۳۱۸:۵، ۱۸۰۴:۴، ۳۸۶۶:۳

سَوادِ وجه: سیاهی چهره، سیاه رویی. ۴۵۳۴:۶

سَوءُ الْعَیْن: بدی چشم. ۴۹۸:۵

سَوءُ الْقَضَا: قضای بد، بدفرجامی. ۲۷۶۳:۳

سَوءُ الْکَلَام: مضاف و مضاف‌الیه از نوع اضافه صفت به موصوف. در اصل بوده است الْکَلَامُ السَّوءُ یعنی سخن بد، گفتار ناپسند. ۲۲۱۵:۵

سُور: بقیه چیزی، پس خورده که به فارسی بِشُخْوَار گویند. ۱۵۱۲:۲

سُوخته: کهنه و فتیله‌ای بود که قابلیت اشتعال زیادی داشت. هرگاه که سنگ چخماق و یا

آتش‌زنه را به کار می‌گرفتند «سُوخته» را نزدیک آن می‌بردند تا به محض تماس با جرقه‌های برخاسته مشتعل شود و سپس با شعله آن، شمع و یا چراغ و چیز دیگر را روشن می‌کردند، خُراقه، مجازاً عاشق سُوخته. ۱۷۲۱:۱، ۳۲۰۳:۱، ۳۵۸:۶، ۳۰۸۲:۶

سُود: اَسُود به معنی سیاه. ۳۵۱۷:۱

سُودا: خرید و فروش، تجارت، مجازاً کاری مفید و مقبول. ۲۶۹۸:۱

سودا: یکی از اخلاط چهارگانه (صفرا، سودا، بلغم و خون) که مبنای طب قدیم بود. غلبه سودا موجب امراض عصبی و خیالات واهی گردد. از ایزنرو مالیخولیا را نیز سودا می‌گفتند؛ سَوَدایی: کسی که مبتلا به مرض خیال است، دیوانه. منسوب به سَوَد؛ سودائیان: عاشقان. ۲۳:۱، ۳۵۷۳:۳، ۴۷۲۸:۳

سَوْداپز: صفت فاعلی مرکبِ مرخَم یعنی سوداپزنده. و «سودا پختن» به معنی خیالات و آرزوهای واهی و بی اساس کردن است. ۳۷۰۴:۴

سوداگر: مشتری، داد و ستد کننده. ۲۴۸:۱

سوداناک: آمیخته به خیالات بی اساس. ۳۵۶۲:۶

سودای عقل: در اینجا به معنی وجود عقل آمده است. ۱۱۰۹:۱

سور: جشن، مهمانی، ضیافت، عروسی، جشنی که برای ختنه برپا می‌دارند. ۴۲۸:۱

سُور: حصار، دیوار بلندی که پیرامون قلعه یا شهر می‌کشند. جمع: اَشوار. ۴۰۹۴:۶

سُوزَنگَر: آنکه سوزن می‌سازد. ۳۳۳۵:۲

سوزیده: سوخته. «سوزیده» صفت مفعولی از سوزیدن است که صورت دیگری از «سوختن» است؛ سوخته به معنی چوب‌های

۸۴:۶

سیخ: همان «سیخکی» است. و آن قطعه آهنی است دراز و تا حدی نوک تیز که خرکچیان به سیخگاه آن زبان بسته می‌زنند. تا چالاک برود. ۵۱۵:۶

سَیِّدا: ای سَیِّد، ای سرور. سَیِّدا، منادی است. ۳۵۹۰:۱

سَیِّر: جمع سیره به معنی سنت و روش. ۱۲۳۹:۵
سَیِّران: همان سَیِّرانِ عربی است که فارسیان، «یا» را به سکون خوانند. به معنی سیر و گردش و سفر. کنایه از التذاذ و خوش آمدن است. ۲۳۷۹:۴، ۱۶:۶، ۱۱۲۸:۶، ۲۷۵۳:۶، ۲۷۴۵:۶، ۳۰۹۱:۶

سَیِّرانِ درشت: حرکت و سیرخشن و ناهموار. «سَیِّران» همان «سَیِّران» است. مصدر ثلاثی مجزّد از سَارَیْسَیِّر، لیکن فارسیان عین الفعل را ساکن کنند. مانند سیلان که سیلان تَلَفْظ کنند. ۲۵۱۹:۶

سَیِّرانِ سُبُل: پیمودن راهها. سلوک در مذاهب و طرائق. سَیِّران، مصدر ثلاثی مجزّد عربی است که در اصل، سَیِّران بر وزن طَیِّران بوده است که فارسیان فتحه دوم را ساکن کرده‌اند. سُبُل نیز جمع سَبیل (= راه) است. ۳۷۵۵:۶

سَیِّرُوا بی: مرا با خود ببرید. فعل امر مذکر حاضر از فعل اجوف یایی سَارَیْسَیِّر و به معنی «سَیِّر کنید» و «حرکت کنید» است. معنی لازم دارد اما با حرف «جَر» «ب» متعدی شده است. و می‌توان «ب» را بای مصاحبت و معیت نیز گرفت. «ی» نیز ضمیر متکلم وحده به معنی «من» است. ۴۶۹:۴

سیری: دل سیری، دل‌نگی. ۷۸:۴

سیس: بر وزن «نیش» به معنی اسب چابک و تیز تک. ۴۷۴۴:۶

سیسَنُتَر: نوعی از نعناع. ۱۲۶۰:۲

خشک نازک سریع‌الاشتعال نیز هست.

۱۳۰۲:۱، ۳۸۴:۱

سُوفِسطایی: از کلمه سفسطه مشتق شده است و به معنی پوشاندن حقایق به کمک لفاظی است. ۵۴۸:۱

سَوّی: راست، مستوی، بی عیب، معتدل. ۴۱:۵، ۲۶۵۲:۶

سُوَیْدَاء: نقطه سیاه دل. و این کلمه مصغّر سوداست. و بدان حَبّة القلب هم گویند. به زعم صوفیان و عرفا، جایگاه انوار غیبی است. ۳۸۶۵:۱

سُها: نام ستاره‌ای است خُرد و بسیار پنهان که در قدیم قوّة بینایی را با آن می‌آزمودند. ۱۱۲۵:۱

سه تو: سه لا. در اینجا مراد مختلف و متنوع است. ۱۶۹۸:۵

سه ذرع کرباس: کنایه از بهای ناچیز و ثمن بخص. ۳۴۶۱:۶

سه گز قالب: مجازاً قالبی کوتاه و کم بهنا و محدود، منطوق عدد مراد نیست. ۲۶۴۸:۱
سَهْلُ کُن: آسان کننده. صفت مرگب فاعلی مرخم. ۲۵۵۱:۲

سَهْم: ترس، بیم (لغت پهلوی). تیر، نصیب (لغت عربی). ۱۷۷۹:۴، ۲۶۵۹:۵

سَهْم دادن: ترساندن، تهدید کردن. ۴۸۲۴:۶
سیاست: مجازات، کیفر، عقوبت. ۳۱۱۸:۱، ۳۰۴۹:۱

سیاست گستری: سیاست به معنی تنبیه کردن است. و سیاست گستری یعنی توسعه مجازات و تنبیه در جامعه. ۳۳۴۱:۳

سیاهابه: آب آمیخته با لجن. ۷۶۵:۱

سیاه‌اختر: کنایه از بدبخت. ۸۰۱:۲

سیستان: سیب‌زار، باغ سیب، جایی که سیب فراوان باشد. سیب + ستان، پسوند مکان که بر فراوانی و کثرت دلالت کند. ۱۴۵۲:۵

خوش است. خوشا. ۵:۵۸۵
شادباش: کلمه تحسین به جای تبریک و تهنیت.
امر به شاد بودن یعنی خوش باش، آفرین.
۵:۷۱۳

شادروان: سایبان، سرپرده. نام لحنی از الحان
سی گانه بارید که به شادروان مروارید،
معروف است: شادروان دولت: سرپرده
اقبال و سعادت. ۱:۳۴۲۲، ۶:۷۹۹

شارب: نوشنده. ۵:۸۱۵
شارد: رمنده، سرکش. ۳:۹۵۴
شارع: شروع کننده، راه رونده، راه، شاهراه، در
تداول امروزین عربی به معنی خیابان است.
۴:۲۴۴۶، ۶:۱۵۹۹

شارق: طلوع کننده، آفتاب در هنگام طلوع.
جمع شُرُق. از شَرُق و شُرُوق به معنی طلوع
کردن. ۴:۵۸۶، ۵:۳۴۰۱

شاطر: چالاک. ۵:۸۲۱
شانی: دشمن، بدخواه. در اصل شائنی بوده که
فارسیان همزه را اسقاط کرده اند از مصدر
شَتَّان. ۶:۳۲۹۶

شاهباز: گونه ای از باز که اندامی بسیار زیبا و
متناسب دارد و پنجه و منقارش بسیار قوی
است. ۳:۱۹۳۰

شاهد: زیبا رو، گواه. ۴:۳۲۹۳، ۶:۲۸۶۶
شایق: مشتاق، در اینجا به معنی عاشق. ۵:۳۵۴۵
شباک: پنجره ها. جمع شَبَکَه. و شبکه در اصل به
معنی تور ماهیگیری و دام صیادان است که
تجوّزاً در اینجا به پنجره اطلاق شده است.
۶:۳۰۹۱

شَبَاکَه: یکی از سوراخ های حصیر، پنجره،
سوراخ پنجره. ۱:۳۳۴۴

شب پَر: شب پره، حُفّاش، جانوری است به
اندازه موش، چشمانش تاب آفتاب را ندارد
برای همین، شب ها به پرواز در می آید.
۱:۲۶۹۵، ۶:۳۱۸۹

سَیْلانی کردن: جاری شدن آب با انبوهی و
شدّت و قدرتِ تمام. سَیْلان، اسم مصدر
است از مصدر عربی سَیْلان که پارسیان
حرف دوم را سکون داده اند. ۱:۱۷۴۳

سیلی باره: کسی که میل فراوانی به زدن سیلی
دارد. در اینجا مراد کسی است که خوی آزار
و تهاجم بسیار داشته باشد. ۶:۱۳۳۷
سیم: نقره. در اینجا مراد پول و سرمایه است.
۵:۱۰۳۸

سیما: نشانه ها و علامت های صورت از رنگ و
شکل. ۱:۱۲۶۷

سیماب: جیوه. ۴:۲۰۶۰، ۶:۳۰۳۵
سیم پَر: کسی که تنی سفید مانند نقره دارد.
۴:۲۴۷۰

سِیّه تاب: به رنگ سیاه، هرچیز که به رنگ
سیاهی بزند. ۶:۱۰۴۱

سیه کار: گنهکار، تباہکار، ستمگر. ۱:۳۳۵۰
سیه کاری: بدکاری، ظلم، فسق. ۵:۵۷۳
شاوُوا: خواستند. فعل ماضی از (ش ی ء) در
اینجا جایز است مؤوَل به مضارع شود.
۴:۳۸۱۳

شباباش: آفرین، احسنت، مخفّف شادباش،
پول ها و طلاهایی که در جشن عروسی بر
سر عروس و داماد و یا رقصندگان
می یاشند. ۲:۳۱۸۳، ۳:۳۲۹۶، ۵:۹۴۴
۵:۴۰۴۰

شات: گوسفند نر یا ماده. جمع آن: شِیَاه و شَوِی.
۳:۳۲۶۴

شاخ: تگّه، پاره، قسمتی از هر چیز، جویباری که
از رودخانه یا نهری بزرگ منشعب می شود.
۶:۲۸۶۴، ۶:۱۷۰۴، ۶:۲۴۴۰

شاخ افشان: افشاندۀ شاخ که صفت باد است،
زیرا باد شاخه ها را تکان می دهد. ۱:۹۴۲

شاخ شاخ: پاره پاره، تگّه تگّه. ۱:۲۰۹۹
شادا: شاد + الف تعظیم و تحسین یعنی چه

شَتَان: اسم فعل عربی است به معنی بَعْدُ (= دوراست) و اِفْتَرَقَ (= جداست) عمل نحوی آن اینست که اسم ظاهر را مرفوع می‌کند بنا بر فاعلیّت. ۶۴۷:۶

شِتای بُعد: زمستانِ دُوری. اضافه تشبیهی از نوع اضافه مُشَبَّه به مُشَبِّه است یعنی دوری و بُعدی که همچون سرمای زمستان، جمود آور است. مراد اینست که دوری از خدا موجب جمود روحی می‌شود. ۲۳۹۲:۶
شَتّی: جمع مکتسر شتیت به معنی پراکنده، معنی مصدری نیز دارد اما در اینجا معنی وصفی آن مورد نظر است. ۲۵۶:۵

شُجُون: جمع شَجَن، شاخه‌های درهم پیچیده و تودر تو؛ اندوه، اندوهگینی. ۳۵۹۰:۴، ۱۵۹۸:۶، ۱۸۹۴:۵
شُح: بُخل. ۳۱۳۰:۴

شُخْم: پیه. جمع: شُخُوم. ۳۷۸۸:۳، ۳۲۴۷:۴، ۱۹۴۸:۵، ۲۷۲۲:۵، ۱۴۶۱:۶

شِخْنَه: داروغه، پاسبان شهر، عَسَس، پلیس، نگهبان شهر؛ جمع: شِخَن؛ شِخْنِگی؛ داروغگی، نگهبانی شهر. ۲۵۱۴:۱، ۳۶۳۱:۳، ۳۰۰۳:۳، ۱۰۹۷:۴، ۱۰۱۵:۴، ۴۲۲:۶، ۳۰۵۸:۵، ۷۲۱:۵، ۱۹۸۵:۴، ۳۴۹۶:۶، ۴۷۰۱:۶، ۴۷۰۲:۶

شَحِیح: بخیل، تنگ چشم. از ریشه «ش ح ح». ۲۷۵۲:۵

شَخ: کوه، دامنه کوه. ۲۴۴۰:۶
شُد: رفت، گذشت، سپری شد. ۴۴۴۷:۶
شُدُق: کُنْج لب، گوشه دهان. ۱۱۰۶:۳
شُدْیَار: شخم زدن و شیار کردن زمین و آماده ساختن آن برای زراعت. ۴۸۸۶:۶

شَرار: شراره، جرقه آتش، پاره آتش، مطلقاً به معنی آتش است. ۵۴۴:۱، ۷۷۳:۱، ۲۴۲۰:۱، ۳۶۹۵:۳، ۱۱۷۶:۴، ۴۳۷:۵، ۳۹۶۵:۶، ۱۳۶۳:۵

شَب چَهره: آجیل و شیرینی و میوه که در شب نشینی معمولاً پس از شام می‌خورند، به معنی چریدن حیوانات نیز آمده است. ۳۱۰۷:۱

شَب خیز: صفت مرکب فاعلی به معنی شب خیزنده، شب زنده داری برای عبادت. ۳۳۶۸:۶

شَبْدِیز: سیاه فام، به رنگ سیاه، شب‌رنگ. دیز به معنی رنگ است. اسب خسروپرویز هم به خاطر سیاهی بدین نام موسوم بوده است. ۳۱۸۸:۳

شَبْر: وَجَب. ۳۱۴۳:۳
شَبْع: سیری. ۲۳۲:۵
شَبْکوک: گدایی که شب‌ها به گدایی رود و با بانگ ذکر و دعا مردم را متوجه خود کند. ۴۲۵۱:۶

شَبْگِزْدک: شبی که عروس و داماد به حجله می‌روند، شب زفاف. «گِزْدک» به معنی خَجَلَه عروس و داماد است. ۳۹۵۵:۶
شَبْگیر: حمله در شب، شب، سحرگاه، سفر کردن پس از نیمه شب و سحرگاه. معنی اوّل مورد نظر است. ۴۵۷۷:۳

شَبّه: سنگی سیاه و بَرّاق که در نتیجه تراکم ذرات کربن و تغییرات شیمیایی، نسبتاً سخت شده و در جواهرسازی مصرف می‌شود، به آن شَبَق هم می‌گویند. ۲۵۷۳:۱، ۱۸۶۰:۴، ۳۰۲۶:۴

شَبّه: تشدید «ب» برای ضرورت وزن است. و باید شَبّه (بدون تشدید) خواند. و آن نوعی سنگ سیاه بَرّاق است که به آن شَبَق نیز گویند. ۳۳۴:۵

شَبیکه: دام و کمند، تور صیادی. ۳۲۰۷:۴، ۱۹۵۰:۵
شِتا: مخفف شتاء به معنی زمستان. ۱۴۰۶:۶، ۱۸۰۱:۶

شیش پنچ زن: صفت مرکب فاعلی مرخم به معنی
قمارباز. گویا مأخوذ است از «شیش و پش»
در بازی نرد. ۴۵۶۳:۶

شُشتر: مخفف شوشتر، منظور حریر و دیبای
شوشتری است که به لطافت و نرمی مشهور
بوده است. ۴۶۱۸:۶

شَط: رود بزرگی که به دریا بریزد. در این بیت
منظور رود دجله است که بغداد را مشروب
می‌سازد. ۱۰۳۱:۳

شِعار: جامه زیرین، جامه‌ای که به شَعَر (موی
بدن) می‌چسبد. ۶۶۸:۲

شَعَر: مو، جامه ابریشمین، ابریشم، لباس نرم و
لطیف. ۴۶۱۸:۶، ۱۱۸۸:۴، ۲۸۱۵:۲

شَعْشاع: دراز و سبک و نیکو، خوب خلقت،
خوشنما، پریشان و متفرق، سایه تنگ و
پراکنده، نور و پرتو. معنی اخیر مراد است.
۳۶۴۷:۱

شَعْشَع: تابنده، تابناک؛ شَعْشعی: تابناک، شمع
+ «ی» نسبت. ۲۲۷۱:۱، ۹۶۹:۵

شَعْشعات: جمع شَعْشعه به معنی پراکنده شدن در
نور. ۵۹۶:۴

شَعْشعه: روشنی، درخشش. ۳۱۱۴:۶

شعله خوار: خورنده آتش، مجازاً کسی که قهر و
بلا را عاشقانه استقبال می‌کند. نیز تداعی
می‌کند مجالس ذکر برخی از سلاسل صوفیه
نظیر رفاعیه و قادریه را که در شب ذکر،
آتش‌های فروزان را در دهان خود می‌نهند
و خموش می‌سازند. ۳۰۹۰:۳

شَعیر: جَو. ۲۵۷۹:۴
شَغاف: پرده دل، پوست نازکی که قلب درون آن
قرار گرفته است. ۶۴۴:۳
شُغه: طعنه، نکوهش. ۱۹۴:۶

شَفَق: مهربانی، سرخی غروب در افق. اگر معنی
اول را ملحوظ کنیم جایز است مؤول به
مشق شود و به شفیق (= مهربان و دلسوز)

شِرار: بدان، مردم بد. جمع شَریر. ۶۲۲:۵
شَرِبتْ مَک: مکنده شربت. صفت مرکب.
۲۲۲۸:۶

شرح دادن مو به مو: دقیقاً چیزی را توضیح
دادن. ۲۹۵۵:۲

شَرَر: اخگر آتش، پاره آتش که به هوا می‌جهد.
۴۵۰:۱، ۳۰۵۹:۱، ۵۹۶:۴، ۳۳۹:۵

شَرُّ الطُّیور: بدترین پرندگان، به خفاش و شبکور
اطلاق شده؛ حقیقت ستیزانی که تاب دیدن
خورشید حقیقت را ندارند. ۱۲۰۳:۶

شَرْقه: صدای پا، هر صدا را نیز «شرفه» گویند.
۳۵۷:۶

شَرْق: برآمدن آفتاب، تابیدن آفتاب، جای
برآمدن آفتاب، خورشید، مشرق؛ جمع:

أشراق. ۴۱۰۴:۶، ۳۶۸۵:۵، ۸۳۹:۴
شرم شد: شرم و حیا از بین رفت. ۳۵۴۴:۱

شَرمین: شرمناک، باحیا. خجالت زده. ۲۰۷۴:۴،
۱۲۰:۵

شَر و شور: فتنه و غوغا. ۳۴۷:۱
شُرُوق: جمع شَرْق (= خورشید)، به صورت

مصدر نیز می‌آید. اما معنی اول مناسب
است. منتهی باید آنرا به معنی مفرد تأویل
کرد. ۳۲۱۱:۶

شَره: حرص و آز. ۵۲۲:۲، ۱۳۶۹:۵، ۲۸۳۴:۵،
۲۸۹۲:۵

شِری: خریدن، فروختن. اما بیشتر به معنی
خریدن می‌آید. ۲۵۴۸:۴، ۴۵۲۳:۶،
۴۷۵۹:۶

شَسنت: قلاب ماهیگیری. ۲۷۱۷:۱، ۴۶۷:۲،
۶۰۴:۲، ۱۶۹۵:۳، ۴۷۰۳:۳، ۱۲۷۰:۴،
۱۵۴۹:۴، ۱۶۳۴:۴، ۱۷۰۸:۴، ۲۳۵۴:۴،
۳۱۹۹:۴، ۱۳۷۶:۶

شِسنت: مُخَفَّف نشست؛ شِسنته: مخفف نیسته
است. ۲۰۰۶:۱، ۳۵۱۸:۲، ۳۳۸۰:۲،
۳۰۲:۳، ۳۲۵۶:۳، ۳۰۳۶:۶

مجازاً در ماندگان یا مریدان مبتدی. ۳۵۶۲:۲
 شکسته شاخ: مطیع، منقاد. زیرا «شاخ شکستن»
 به معنی ادب کردن و از خودسری باز
 آوردن است. ۳۲۴۵:۳
 شِکِفت: از شِکِفتن به معنی صبر کردن است. اما
 برخی آن را شگفت خوانده‌اند به معنی در
 کمال تعجب؛ در معنی تأخیر و درنگ نیز
 آمده است. ۸۴:۲، ۶۶۳:۳، ۱۰۴۳:۳
 شِکُوت: شکایت کردن، گله کردن، شکایت.
 ۴۸۴۱:۶، ۲۳۵۹:۵
 شِکُور: بسیار شکرگزار، بسیار سپاسگزار.
 (صیغه مبالغه). ۳۶۷۷:۱، ۲۳۵۹:۵
 شکوه: ترس و هیبت، بیم و هراس. ۱۵۴:۳
 ۲۰۳:۴، ۳۳۷۹:۴، ۲۶۲۷:۵، ۳۷۵۸:۵
 شِکِفتن: صبر و آرام. صبر کردن، آرام گرفتن.
 ۷۶:۲
 شِگال: شغال، بعضی نیز آن را با کسره شین
 خوانده‌اند به معنی پای‌بند ستور. با این
 ملاحظه می‌شود: این معانی مانند شیر و این
 الفاظ مانند قید و بند آن است. یعنی کلمات
 را در دام خود گرفتار و اسیر می‌کنند.
 ۹۷۵:۲
 شِگرف: نیکو و خوشایند، عجیب، زیبا، شگفت.
 ۲۷۹:۱، ۱۵۱۷:۱، ۲۸۴۷:۱، ۳۰۱۵:۱
 ۲۲۸۳:۵، ۳۳۳:۵، ۳۴۸۵:۲
 شِگفت: خندان، متبسم، خندید. ۱۵۹۳:۴
 شُله: شرمگاه زن. ۱۴۲۷:۶، ۴۳۰۰:۶
 شَم: بوکردن، بوییدن. در اینجا مراد حَسّ بویایی
 است. ۳۴۶۵:۴
 شِعال: چپ. مقتبس از اصحابُ الشّمال (= یاران
 چپ) که در آیه ۴۱ سوره واقعه آمده است:
 بادی که از شمال وزد، کنایه از باد جانبخش
 است. ۴۲۸:۵، ۱۷۸۵:۵، ۲۱۵۴:۵
 ۱۸۵۴:۶
 شمسِ جان: آفتاب روح، روح الهی که در کالبد

تعبیر گردد. و اگر معنی دوم را در نظر گیریم
 مراد شخص مؤمن است که قلبش
 مخزن الانوار است. ۲۷۲:۵، ۱۴۹۸:۶
 شَقّ: شکافتن، رنج کشیدن. ۹۳۰:۲، ۲۶۰۵:۶
 شَقّا: بدبختی و شقاوت. شقاء نیز به همین معنی
 است. ۲۲۶:۴، ۱۶۸۳:۴
 شِقاق: جدایی و دشمنی. ۳۵۱۶:۲
 شِقاوت: بدبختی. شِقاوت نیز به همین معنی
 است. ۱۲۵۵:۴
 شَقّ حَجَر: شکافتن سنگ. ۱۴۷۸:۱
 شَقی: مخفّف شَقی به معنی بدبخت. ۲۴۰:۱
 ۳۸۹۳:۱، ۱۵۵:۲
 شکار: صید، یغما و غارت، لقمه چرب و نرم.
 ۲۵۴۷:۳
 شِکال: مخفّف «اشکال» است به معنی دشواری
 و شبهه، در مثنوی گاه برای رعایت قافیه
 باید به صورت مُمال یعنی «شکیل» خوانده
 شود. ۷۸۶:۲، ۱۱۳۵:۳، ۱۲۹۰:۵
 شِکْزِبار: بارنده شکر. صفت مرکّب مرخّم
 فاعلی. «لعلّ شِکْزِبار» یعنی لبی که از آن
 سخنان شیرین و شکرین شنیده شود.
 ۳۳۱۱:۶
 شِکْزَلَب: شیرین لب، خوش گفتار. ۴۴۶۹:۶
 شکر و صبر: در این بیت کنایه از نعمت و
 بلاست. ۱۳۶۰:۳
 شکسته آمدن: مجازاً به معنی نگران و ترسان
 آمدن است. ۱۱۵۲:۱
 شکسته‌بند: به معنی جَبّار، یکی از اسماء‌الله
 است. ریشه این اسم، جَبَر است و جبر به
 معنی اصلاح شیء، توأم با قهر و غلبه است.
 اینکه به خداوند، جَبّار می‌گویند به واسطه
 این است که حق تعالی، تقایص ممکنات را
 با افاضه دائمی خود برطرف و جبران
 می‌کند. ۳۸۸۱:۱
 شکسته‌پایگان: آنان که پایشان شکسته است.

عنصری انسان‌های کامل و اولیاء الله قرار گرفته است. ۱۱۹:۱

شمس چارم: شمس چهارم، همین آفتاب است که کره خاکی ما جزئی از منظومه آن محسوب شود. و در تقسیمات هیأت قدیم، آنرا در آسمان چهارم قرار داده‌اند. ۱۲۳:۱

شَمْسُ الضُّحَى: آفتاب چاشتگاه. ۳۵۶۹:۵

شمع ریختن: ساختن شمع. سازنده شمع را نیز شَمَاع گویند. ۶۷۵:۵

شمع سَر بُریده: شمع‌ای که سوختگی‌های فستیل‌اش را زده باشند تا بهتر بسوزد. ۱۷۲۹:۵

شمع طراز: کنایه از خوبرویان و معشوقان زیبا رخسار. ۷۳۰:۶

شَمَن: بُت پرست. ۲۴۰۷:۱، ۳۵۰۸:۱، ۸۸۳:۲، ۲۰۳۳:۶، ۱۸۹۶:۴، ۷۶۷:۳

شُموس: جمع شَمَس به معنی خورشید. بعضی آنرا شَمُوس (= سرکش و متکبر و جموش) خوانده‌اند. با این تقدیر یعنی خورشید خورشیدها که عالی مقام و متکبر است. ۶۰۷:۴، ۳۶۶۱:۱

شَمَّه: چیز اندک، بخشی کم، در عربی این کلمه به معنی یک بار بوییدن است، از این رو در فارسی معنی اندک از آن گرفته شده است. ۱۸۲:۱، ۳۹۵:۱، ۳۷۴۵:۱، ۱۹۰۴:۲، ۸۷۷:۵

شَنار: ننگ و عار، شوم و زشت. ۹۴۶:۱

شَناعت: سرزنش کردن، زشتی و بدی؛ «در شَناعت آمدن» به معنی تشنیع و بدگویی کردن است. ۲۳۱۳:۱، ۵۵۷:۱

شُنعه: طعنه، درشتی. «شُنعه زدن» به معنی طعنه زدن و نکوهش کردن است. ۳۵۰۶:۲

شَنگ: ظریف و خوش منش. رعنا و شیرین رفتار. ۱۸۶:۱، ۲۷۰۰:۱

شِوا: مخفّف شِواء به معنی گوشتِ بریان، کباب.

شِواء نیز به همین معنی است. ۱۹۵۴:۴

شوخان: جمع «شوخ» به معنی گستاخ. ۱۴۲۴:۵

شوخ چشم: بی حیا. ۳۷۶۴:۵

شوخ و شَنگ: لطیف و زیبا، شیرین رفتار. ۳۱۳۳:۲

شُور: اضطراب و نگرانی خاطر. ۲۹۱۵:۱

شُوریا: آتش ساده که با برنج و سبزی پزند. ۲۴۱۵:۵

شورش: منقلب شدن، پریشان حالی. ۱۸۶۳:۱

شُور و شَرّ: فتنه و فساد. ۲۳۹۶:۵

شوره خاک: خاک پُر نمک. نمکزار، خاکی که کالبد آدم را از آن ساختند، تن و کالبد آدمی. در اینجا معنی بی حاصل و بی ثمر می‌دهد، زیرا در نمکزار، بذر مناسبی نمی‌توان کاشت. ۱۳۸۸:۲

شوریدن: پریشانی و اضطراب. ۹۰۹:۱

شُوق: رغبت و اشتیاق. ۵۵۱:۱

شُوم: شومی و نحوست، ناخجستگی. ۴۸۶۴:۶

شُوم‌رأی: آنکه فکر و نیت بد داشته باشد؛ شُوم فن: آنکه ترفند ناپسند بکار گیرد. ۷۳۵:۱

شُه: از اصواتی که کراهت و نفرت را اظهار می‌کند، اُف، تُف. ۲۰۵۲:۲، ۳۳۲۷:۲، ۱۳۰۸:۴

شُهب: شهاب. ۳۳۲۵:۴

شَه‌بچه: بچه شاه، شاهزاده. اضافه مقلوب است. ۴۰۰۰:۶

شَهْد: عسل، انگبین. ۲۵۵۳:۱، ۳۷۳۴:۱

شَهرتاش: همشهری، دو یا چند نفر که اهل یک شهر باشند. «تاش» ادات شرکت و مصاحبت است به معنی «هم». ۱۵۹:۱

شَهَناز: عروس. در اینجا به معنی زن و همسر است. ۲۷۱:۵

شَه‌نشان: مخفّف «شاه‌نشان» صفت مرگب فاعلی مرخّم به معنی نشاننده شاهان بر مسند سلطنت، جلوس دهنده شاهان بر

شیرزُرد: دلاور. ۱۹۳۲:۲
 شیرزُوش: نوشنده شیر، شیرخوار. ۱۶۲۳:۱
 شیری: شیر بودن، یای مصدری است. ۲۹۶۰:۱
 شیرین زفان: شیرین زبان، خوش سخن. ۲۴۰۱:۴
 شیشک: بره شش ماهه. ۵۰۰:۶
 شیشه جان: کسی که روحی نازک و شکننده دارد و روحیه خود را زود می یازد. ۳۰۸۹:۳
 شیشه دل: دل نازک، بی طاقت، زودرنج. ۸۱۶:۲
 شَین: زشتی، عیب، بدی، رسوایی. ۱۷۶۵:۱
 ۱۵۵۳:۶، ۱۳۳۵:۴
 شیوه کردن: نکو کردن کاری، در این بیت به معنی مبالغه و یا آنچه امروز گوییم «شیوه ای در کارش کرد.» به معنی فریب دادن و غدر کردن. ۴۱۴:۳
 صابون سلطانی: صابونی که از طرف حکومت بین مردم توزیع می شد و هیچکس اجازه نداشت نگیرد گرچه به کارش هم نمی آمد، کنایه از جنس بُنجل. ۳۶۶۳:۵
 صاحب بیان: قصه گو. ۲۹۸۱:۱
 صاحب تأویل باطل: کسی که تأویل هایش بی اساس است. ۱۰۸۸:۱
 صاحب دل: صاحب دل، پارسا، روشن ضمیر. ۱۶۰۳:۱
 صاحب دلق: زنده پوش. ۱۴۲۴:۱
 صاحب ژنده: زنده پوش. ۲۳۵۳:۲
 صارفی: صراف، آنکه زر و سیم سره را از ناسره باز می شناسد. ۲۰۵۵:۴
 صارم: شمشیر. ۳۷۷۲:۴
 صاع: پیمانه، معادل چهار مُد که امروزه تقریباً برابر سه کیلوگرم است. ۴۶۴۲:۶
 صاف: شراب صاف و زلال، بی غل و غش. ۳۲۹۹:۶، ۲۶۴۰:۵، ۳۵۶:۵، ۲۵۹۵:۴
 الصافون: جمع صافی به معنی صف زننده.

تخت پادشاهی. در اینجا مناسب معنی شاه شاهان است. مضاف و مضاف الیه مقلوب نیز تواند بود. یعنی در اصل بوده است «نشان شه» در اینصورت مراد کسی است که علامت های پادشاهی دارد. در هر دو مورد منظور خداوند است. ۲۷۹۵:۶
 شهوت می تند: شهوت می راند. «تندیدن» به معنی بافتن و تابیدن تار است. «شهوت تندیدن» یعنی تار شهوت را تابیدن و بافتن که منظور همان شهوت رانی است. ۲۳۰۱:۴
 شهر: جمع شهر به معنی ماه. ۲۵۸۹:۱
 ۱۷۲۰:۶
 شَهی: مطلوب، مرغوب. از «شَهوة»؛ شَهی تر: مطلوب تر، مرغوب تر، دوست داشتنی تر. ۹۴۱:۴، ۱۹۳۳:۳
 شهر: مشهور، پُر آوازه. ۳۳۲۱:۱
 شَیب: پیری. ۲۸۸۹:۲، ۵۱۳:۳، ۲۸۱۴:۶
 شَید: حيله و نیرنگ، مکر، تزویر، حيله گری؛ مصدر عربی از شَادَ یَشیدُ در اصل به معنی گج و آهک و غیره مالیدن به دیوار است. ۲۴۱۸:۲، ۶۶۴:۳، ۶۸۱:۳، ۲۳۷۰:۳
 شید: بر وزن «شیر» به معنی خورشید. ۷۰۶:۳
 ۲۸۶۲:۶، ۴۱۸۵:۳
 شیدا: سرگشته و شیفته. ۱۸۰۰:۱
 شَید آوردن: مکر و حيله ورزیدن. ۹۶۲:۶
 شیر پشمین: پیکره ای که ظاهرش مانند شیر است، اما از پارچه می سازند و درونش را با پشم پر می کنند. ۳۲۱:۱
 شیر ریانی: شیر خدایی. ۳۷۳۲:۱
 شیر ژیان: شیر خشمگین. ۲۹۸۴:۱
 شیرگرم: ملایم، گرم به اندازه گرمی شیر تازه دوشیده. ۲۱۲:۲
 شیرگیر: سرمست و سرخوش. ۳۹۴۱:۶
 شیرگیری: دلاوری، شکار کردن شیر که نشان شجاعت و دلاوری است. ۷۱۲:۳، ۱۰۲۹:۱

۲۰۲۳:۴

صافی: شراب صاف و زلال. ۲۶۹۳:۴، ۳۰۸۶:۴
صبا: بادی که صبحگاهان در وقت طلوع آفتاب
از مشرق بوزد. ۳۷۹۴:۲
صبا: کودکی، صباوت. ۲۲۵۴:۶
صَبَّار: صبور، بسیار صبر کننده. صیفه مبالغه.
۳۹۸۵:۶، ۶۳۹:۵

صَبَاغ: رنگرز. ۳۹۱۲:۱، ۳۹۵۴:۱

صَبَح کاذب: بامداد دروغین، صبحی است که
قبل از صبح صادق چند لحظه ظاهر و
سپس ناپدید می شود و دوباره تاریکی همه
جا را می پوشاند. به آن صبح اول و فجر
کاذب هم می گویند. ۳۷۷۵:۳

صَبْر: صبر در این بیت به معنی صبور است. چه
گاه مصدر به معنی اسم می آید تا مبالغه را
نشان دهد، مانند رَجُلٌ عَدْلٌ یعنی مردی بس
دادگر. ۳۷۶۱:۳

صِبْغَت: رنگ. ۷۴۰:۶

صبح: پگاه، بامداد، شرابی که در بامداد خورند.
۱۵۵۸:۱، ۱۸۰۹:۱، ۳۳۳:۳، ۲۰۲۰:۵

صَبُورِی: با پای مصدري است. ۳۲۱۲:۴

صَبَّی: کودک، طفل، پسر بچه؛ جمع: صَبَّیان،
صَبَّایا. ۳۱۰۱:۲، ۱۰۳:۳، ۱۲۸۴:۴،
۲۹۲۸:۴، ۱۶۳:۵، ۱۰۳۹:۶، ۱۵۱۸:۶،
۳۲۸۸:۶، ۲۲۵۵:۶، ۱۶۵۶:۶

صَبِیح: زیبارو، خوشگل؛ جمع آن: صَباح. در
اصطلاح صوفیان، صَبِیح الوجه به کسی
گویند که مظهر اسم جواد باشد. ۲۲۱:۴

صَحَّ: صحیح است. تصدیق و امضای چیزی؛
علامتی که بر سر توقیعات می گذاشتند که
نشانه صَحَّت و درستی توقیع و به معنی صَحَّ
ذَلِکَ بود ماضی فعل یَصِحُّ که زمان حال از
آن مراد می شود؛ بهی و برائت از هر چیز.
۲۶۲۲:۶، ۳۳۶۶:۱

صَحَابِی: یکی از اصحاب حضرت محمد(ص)؛

جمع آن: صحابیون. ۳۵۰۰:۱

صَحَافِ مثنوی: دفاتر مثنوی. صحاف، جمع
صَحیفه به معنی نامه و کتاب. ۴۲۲۷:۵
صَحایف: جمع صَحیفه به معنی کاغذ، نامه،
کتاب. ۳۷۳۳:۴
صَحْبَت جُوی: همنشین، مصاحب، عاشق.
۲۰۰:۱

صَحْبَت کُن: آمیزش کننده. ۲۵۹۷:۲

صحرائِ بی چون: کنایه از حالت خواب، عالم
غیب، عالم مثال. ۳۹۶:۱
صُخْف: جمع صحیفه، نوشته ها، کتاب ها، قرآن
کریم. ۱۵۹۰:۶

صُخْن: بشقاب؛ فضای درون خانه، ساحت
درون منزل. جمع: صُحان. ۸۲۱:۱، ۴۴۶:۵،
۲۳۹۷:۶

صَحَّه: سلامت باشی، عافیت باشی. مصدري
است عربی که آنرا مفعول مطلق گویند که
عاملش محذوف است. ۳۳۷۲:۱

صد: نماینده کثرت است نه عددی خاص.
۳۲۸۸:۴، ۱۹۶۷:۱

صدا: طنین و بازتاب صوت. ۲۱۵:۱، ۴۹۳:۲،
۱۲۵۳:۳، ۱۸۹۸:۵، ۴۶۵۹:۶
صُداع: سردرد، دردسر، زحمت و مشقت.
۸۰:۱، ۲۸۹۲:۱، ۴۷۲۲:۳، ۵۸۰:۴،
۴۰۶۴:۵، ۴۰۵:۵، ۶۸۲:۴

صَدْر: سینه، حاکم، رئیس، بزرگ، پیشگاه،
اصطلاحاً اعلی مرتبه کمال. مجازاً به معنی
بالای مجلس؛ جمع: صُدور. ۱۷۸۳:۱،
۱۹۶۱:۳، ۳۱۲۷:۴، ۵۴۸:۵، ۴۴۵۹:۶

صَدْرِ اَجَل: صدراعظم، وزیر اعظم، بزرگترین
وزیر. ۲۳۸۱:۴، ۳۱۲۵:۴، ۳۳۹۴:۴

صدرِ صدور: بزرگ بزرگان. ۳۸۱:۱
صَدْرَنَگ ریس: صفت مرکب فاعلی مرخم،
یعنی ریسنده صد نوع نخ. ۱۸۶۸:۶

صدور: جمع صدر به معنی سینه. سینه منزلگاه

صَغَب: سخت و دشوار. ۴۳۱:۱
 صَعِق و صَعَقه: مصدر است به معنی اصابت
 صاعقه؛ نیز به معنی بانگ مهیبی است که از
 شنیدن آن آدمی دچار بیهوشی یا مرگ شود.
 ۲۴۳۹:۶
 صَغَوَه: گنجشک و یا هر پرنده کوچکی که اندازه
 گنجشک باشد و بخواند. ۵:۵، ۵:۵، ۴۵۰:۵
 صَفّ: منظور صَفّ نِعال (= محلّ کفش کنی،
 پایین‌ترین قسمت مجلس) است. ۱:۱۱۵۳،
 ۳۸۶۵:۳
 صَفّا: فعل ماضی مفرد مذکر غایب ناقص واوی
 یعنی صاف و زلال شد. ۳۸۰۲:۳
 صَفْدَر (صَفّ در): صف شکن، صف درنده، دلیر،
 لقب حضرت امیرمؤمنان علی (ع)؛ صَفْدَری:
 حاصل مصدر است به معنی عمل و کیفیت
 درنده‌ی صف. ۳:۱۲۵۰، ۴:۷۹۸، ۵:۹۷۰،
 ۴۹۳:۶
 صِفْر: خالی، تهی، در علم حساب، نقطه یا دایره
 کوچکی است که نشانه خالی بودن محلّ
 است. ۱:۸۵۰، ۱:۲۲۴۱، ۶:۲۸۳۲
 صَفْرا: ماده‌ای است سرخ روشن و گاه سبز
 رنگ که در کبد تولید شود و در کیسه صفرا
 جمع می‌شود و برای آسانی هضم غذا بکار
 می‌رود، کنایه از خشم و عتاب، پریشانی و
 اضطراب. ۱:۵۳، ۱:۱۰۳۲، ۶:۴۲۵۵
 صَفْرائیان: کسانی که گرفتار مرض صفرا هستند،
 زرد رویان، خشمگینان. ۲:۱۸۶۵
 صَفْع: سیلی، سیلی زدن. ۲:۲۵۸۶، ۲:۳۶۴۸،
 ۵:۴۱۵۴، ۶:۱۵۶۰
 صَفّ نِعال: پای ماچان، کفش کنی. ۱:۳۶۶۸
 صَفَوْت: خلوص، پاکی، زُبدگی، صفا، خالص،
 بی آمیغ. ۳:۲۹۰۷، ۵:۳۵۹، ۶:۲۰۴۲
 صَفّه: ایوان سقف دار. ۲:۱۵۷
 صَفّی: برگزیده، صاف و زلال، صافی، (صفت
 مشبّه از ریشه ص ف و). ۱:۲۶۴۷

قلب است و قلب، تجلّی‌گاه حق. ۲۰۷۹:۱
 صَدید: چرکابه‌ای که با خون آمیخته و از زخم
 جاری می‌شود. و این تمثیلی است از طعام
 دوزخیان. ۳:۳۲۹۴
 صَدِیق: امین، درستکار، نیکومنش، صیغه مبالغه
 به معنی بسیار راست‌گو، کسی که حرف و
 عمل و پیمانش راست باشد. ۴:۷۲،
 ۴:۱۷۶۹، ۶:۳۹۸۱
 صد یکم شدن: رئیس دسته صدفری شدن، لفظ
 ترکی یوزباشی معادل «صدیکم» است. زیرا
 یوز به معنی صد و باش به معنی سر است.
 ۴:۳۶، ۳:۴۰۳۶
 صَرّاف: کسی که پول را تبدیل می‌کند، کسی که
 به ارزش پول‌ها واقف است، کسی که قدر و
 ارزش هرچیز را می‌داند. «صَرّاف مصر»
 یعنی حکمران و حاکم مصر. ۳:۱۱۵۸،
 ۴:۲۶
 صَرّافِ دِل: دلی که می‌تواند سَرّه را از ناسَرّه
 تمیز دهد. چنانکه صَرّاف به کسی گویند که
 می‌تواند سگه‌های تقلبی را از سگه‌های
 حقیقی باز شناسد. ۳:۳۴۹۲
 صَرخ: کاخ، ساختمان. جمع صُرُوح. ۶:۱۵۵۵
 صَرَصَر: بادی سخت و سرد. «صَرّ» در اصل به
 معنی بستن است از این رو همیان را «صُرّه»
 گویند زیرا معمولاً سرش را می‌بندند. و
 چون این باد موجب بسته شدن چشم و
 گوش می‌شود لذا بدین نام موسوم شده و سه
 بار در قرآن کریم آمده است: حاقّه آیه ۶،
 فصلّت آیه ۶۱، و قمر آیه ۱۹. ۳:۸۰۵،
 ۳:۱۶۴۱، ۴:۱۴۷۷، ۶:۲۶۶۰، ۶:۴۸۳۱
 صرف: برگردانیدن؛ در اصطلاح، علمی است که
 از اشتقاق کلمات، بحث می‌کند. ۱:۲۸۴۷
 صَرَفَه بَر: سودبرنده. صفت مرکّب مرخّم فاعلی.
 ۵۵:۵
 صَریر: صدا. ۵:۳۹۴۶

۳۳۸۵:۱، ۳۸۹۵:۱، ۵۶۹:۵، ۸۲۴:۵، ۴۳۶۶:۶، ۱۳۰۰:۶
 صَفیر: بانگ و آواز مرغان. ۳۱۷:۱، ۳۳۵۶:۱
 صَقَر: چرخ یا چرخ و هر پرنده از نوع باز و شاهین و جز آن. هر پرنده شکاری غیر از عقاب و کُرکس. جمع صُقُور و صِقار. ۱۵۲۸:۵، ۱۰۵۶:۳
 صَقَل: در اصل به معنی زدودن زنگ از فلز و آینه و امثال آن است. در اینجا منظور صفا و نورانیت باطنی است. ۱۸۶۱:۶
 صَلا: مخفَّف صَلاة (= نماز)، برای تناسب قافیه تایی آن حذف شده است. در اصل به معنی آتشی است که عربان صحرائین بر پشته‌ها می‌افروختند تا راه گمشدگان و مسافران به دلالت آتشی بدانجا روند و اطعام شوند. بدان «نَارُ الضِّیَافَةِ» هم گویند. سپس از آن، معنی بانگ زدن مستفاد شده است. ۲۶۳۱:۱، ۳۰۵۸:۳، ۳۲۳۸:۳، ۳۴۳۷:۳، ۶۰۷:۶
 صَلَات: نماز، نیایش، دعا. برخی از شارحان منظور از صَلَات را در این بیت سجده دانسته‌اند. عده‌ای از شارحان نیز آن را صَلَات، جمع صَلَه به معنی عطا و بخشش پنداشته‌اند. با این تقدیر «صَلَات کردیم» یعنی برای پیروزی خود، به پای بُتان نذر و عطیه کردیم. ۴۴۸۸:۳، ۲۴۹:۵
 صَلَات: جمع صَلَه به معنی عطا و بخشش و نیکویی، پیوستگی‌ها، پیوستن‌ها. ۱۰۵۹:۳، ۲۲۴۱:۶
 صَلَب: تیره پشت کمر. ۱۶۳۶:۱
 صَلَت: مصدر ثلاثی مجرَّد مثال واوی که واو آن برای تخفیف حذف شده است. به معنی پیوند دادن و وصل کردن. ۳۷۷۵:۶
 صَلَت: ظاهراً همان صَلَه (بدون تشدید) مورد نظر است. به معنی جایزه و انعام. صَلَت (با تشدید) معانی دارد که با این بیت مناسب

نمی‌آید. ۹۴۲:۳
 صَلَوَکَیْه: درود فرستید بر او. ۳۲۵۸:۶
 صَلَه: عطا و بخشش، پیوند، بدون تشدید لام به معنی جایزه و هدیه، نیز به معنی پیوستن و وصال: جمع: صَلَات. ۲۱۴۶:۲، ۸۴۸:۵، ۲۳۵۸:۵، ۳۸۳۳:۶
 صَلَه جَو: عطاخواه، کسی که چشم به عطا و انعام دیگران دارد. «صله» در اصل بدون تشدید است. لیکن در اینجا به ضرورت وزن شعر با تشدید آمده است. فارسیان در باب تشدید دو قاعده معمول دارند: یکی تشدید مخفَّف و دیگری تخفیف مشدَّد. یعنی گاه به ضرورت، حرف غیرمشدَّد را تشدید می‌دهند، و گاه تشدید را از حرف مشدَّد برمی‌دارند. اینجا قاعده نخست مرعی شده است. ۳۸۳۰:۶
 صَم: کران، ناشنویان. مفرد: أَصَم. ۱۶۸۱:۵
 صَفَت: خاموشی، سکوت. ۲۲۴۶:۶
 صَمَد: بی نیاز. ۳۰۷:۲، ۱۴۶۹:۶
 صُفْصام: شمشیر، شمشیر تیزی که کج نشود. ۳۴۴۴:۴
 صِنَاعَتْ گَر: صاحب حرفه و پیشه و هنر. با فتحه «صاد» نیز به همین معنی است. برخی گفته‌اند «صِنَاعَت» حرفه و پیشه معنوی است. و «صِنَاعَت»، حرفه و پیشه مادی. ۱۳۶۹:۶
 صَنَدَل: معرب چَنَدَن، چوب خوشبوی که آنرا معمولاً در معابد می‌سوزانند و بهترین آن سرخ یا سفید است. ۱۲۰۱:۱
 صُنْع: مصنوع، ساخته شده؛ صُنْعَت: مرکب از صُنْع + ت (= ضمیر مخاطب)، صُنْع تو. ۷۷۲:۶
 صَنَم: بُت. جمع: أَصْنَام. در تداول فارسیان به معنی دلبر و معشوق نیز می‌آید. ۱۳۸:۱، ۲۴۰۷:۱، ۱۴۸۰:۴، ۱۶۸۵:۵، ۳۰۲۴:۵

صَنِيعٌ مُّحْكَمٌ: مصنوع استوار، ساختمان محکم.
 ۳۵۹۵:۶
 صَوَافٍ: جمع صَافَه به معنی در صف ایستاده،
 صف زننده. در اصل به صف شتران گویند که
 دست‌ها و پاها را منظم و در یک خط نگه
 داشته باشند. ۳۶۰۵:۵
 صِوَانٌ: جِفاظ، جامه دان. معنی اخیر نیز با آن
 مناسب است زیرا جامه دان، البسه را
 محفوظ نگه می‌دارد. با فتحه و ضمه صاد
 نیز صحیح است. ۳۰۶۴:۶
 صَوْبٌ: جانب، طرف، سمت و سو. ۸۴۶:۴
 صورت: صورت را در اینجا نباید با چهره و
 رخساره اشتباه کرد، بلکه منظور هیأت
 ظاهر و قالب موجودات است. ۷۰۲:۲
 صورت‌آندر: در صورت، در ظاهر. ۱۲۶۶:۴
 صورتگر: نقاش، مجسمه‌ساز، تصویرساز.
 ۱۱۹۹:۵
 صوفی جان: اضافه تشبیهی است از نوع اضافه
 مُشَبَّهٌ به مُشَبَّه است. یعنی جانی که مانند
 صوفی، صاف و رهیده از رنگ تعلقات
 جسمانی و مادی است. ۴۱۵۰:۶
 صوفی رَمه: مراد جماعت صوفیان. ۵۱۹:۲
 صَوْلٌ: حمله، یورش. ۳۰۵۴:۶
 صَوْلُ أَفْرَا: صفت فاعلی مرکبِ مرخم که در
 اصل بوده است «صَوْلُ افزاینده». صَوْل به
 معنی حمله و پریدن و مغلوب کردن است
 پس «صَوْل افزا» به معنی کسی است که
 حمله و یورش فزاینده دارد. ۲۷۴۷:۶
 صَوْلَجَانٌ: معرَبِ چوگان. ۴۱۲۰:۵، ۲۶۶۴:۵
 صَوْمٌ: روزه. ۱۹۴:۵، ۷۲۸:۱
 صَهْرِيْجٌ: حوض آب. ۳۵۰۹:۶
 صَهِيلٌ: شبهه اسب، اما در اینجا مطلقاً به معنی
 بانگ و آواز است. «خوش صَهِيل» یعنی
 خوش آواز. ۲۲۵:۵
 صِيَامٌ: روزه. ۲۶۳۱:۱، ۱۹۳:۵، ۲۴۹:۵

صِيَتٌ: شهره، آوازه. ۱۶۵۹:۴
 صَيْرَفِيٌّ: صَرَاف. ۲۶۷۴:۲
 صَيْفٌ: تابستان. ۳۷۳۸:۳، ۱۴۰۶:۶، ۱۸۰۲:۶
 صَيْقَلٌ: تیزکننده شمشیر و زُداينده آن، زدودن
 چرک و زنگ از آيينه و فلزات و جز آن.
 ۶:۲
 صَيْقَلٌ گيره: صيقل‌پذیر. ۲۴۷۳:۴
 صَيْقَلِيٌّ: این کلمه هم به عنوان اسم بکار رود و
 هم صفت، به معنی درخشان و تابان، و
 هرچیز تابان و صيقل شده. صَيْقَلٌ مأخوذ از
 عربی است و در فارسی به معنی زدودن و
 گرفتن چرک و زنگ از آينه و فلزات و جز
 آن است. این لغت در عربی به عنوان صفت
 بکار رود به معنی تیز کننده شمشیر و
 زداينده آن. جمع: صَيَاقِلٌ. ۲۴۶۹:۴
 ضَالٌ: گمراه، کسی که منزلش را گم کرده باشد.
 ۳۷۵۷:۶، ۶۵۵:۶، ۳۴۲۷:۱
 ضَالَّهٌ: گمراه، گم شده. در اینجا معنی اخیر مراد
 است. ۴۵۰۷:۶
 ضايره: زیان زننده، خسارت آور. اسم فاعل از
 مصدر ضير. مؤنث آوردن آن به قیاس نحو
 عربی است. زیرا ریح (= باد) مؤنث
 محسوب شود. ۲۱۹۱:۶
 ضَبْطٌ کُنٌ: ضبط کننده، صفت مرکبِ مرخم
 فاعلی است. ۳۶۰۳:۵
 ضَجَرٌ: دلتنگی. ۳۵۳۴:۵
 ضَجْرَتٌ: دلتنگی، ملالت. ضَجْرَتٌ نیز به همین
 معنی است. ۵۰۲:۴
 ضَجِيعٌ: همبستر، همخوابه. ۳۱۸۶:۴
 ضَخَّاکٌ: بسیار خنده کننده، خندان. ۴۷۱۶:۶
 ضَخْکَه: کسی که بر او بسیار خندند، مایه خنده،
 خنده آور. ۳۴۸۱:۵، ۱۰۷۴:۳
 ضَحْنٌ: چاشتگاه، هنگام بلند شدن آفتاب، پیش
 از ظهر. ۳۰۷۰:۶، ۱۹۲۸:۴، ۲۹۵:۲

طاعِم: مزه کننده، چشنده. ۳۲۹۹:۵
 طاعُوت: سرکش، متجاوز، بسیار طغیان کننده،
 هر معبودی جز خدا. ۳۰۷۳:۲، ۱۴۰۵:۶
 طاق شدن: به نهایت بی صبری رسیدن، صبر و
 تحمل کسی به پایان رسیدن. ۴۰۵۶:۶
 طاق و طُرُم: مراد از آن، سر و صدای ظاهری و
 جلوه و عظمت ناپایداری است که عام حلق
 را مفتون می‌دارد. ۱۱۰۲:۲
 طاق و طُرُنُب: شکوه و جلال ظاهری، کَر و فَر.
 ۱۲۷۹:۴، ۱۴۲۹:۴، ۱۶۶۱:۴
 طالبِ جری: خواستارِ جیره و مستمری‌خواه
 جیره‌مادی یا معنوی بعضی «جری»
 خوانده‌اند به معنی گستاخ. ۱۶۰۵:۱
 طَالُ بَقَاش: در اصل همان جمله دعایی
 «طَالُ بَقَاءُهُ» است، یعنی دراز باد بقای او. به
 جای ضمیر عربی «هُ» ضمیر فارسی «ش»
 آمده است. ۱۶۵۸:۴
 طالع: تبهکار، بدکار، ضدِ صالح: ۲۵۱۲:۱
 طامات: در اینجا به معنی کارهای بی حاصل.
 ۱۹۵۸:۶
 طامع: طمع کننده، طمع کار و آزمند. ۲۱۰۲:۱،
 ۲۳۵۰:۱، ۳۰۶۶:۲، ۴۵:۵، ۷۹:۵
 طپانچه: سیلی، کشیده. ۱۶۶۲:۵
 طَبَع: گناه، نقیصه، زنگار. ۲۳۲:۵
 طَبَع: خوی و سرشت. ۲۲۳:۱
 طَبَق: سینی، مجمعه، ظرف غذا، در اصل به معنی
 خوانچه، و مجازاً به معنی انواع طعام.
 ۸۳:۱، ۱۶۶۲:۶، ۳۷۸۴:۶
 طَبَلِ باز: طبلی که وقت پروازِ باز به سوی صید
 یا وقت رجوع، می‌زده‌اند. مولانا در دیوان
 شمس می‌فرماید:
 شنیدم از هوای تو آوازِ طبلی باز
 باز آمدم که ساعد سلطانم آرزوست
 ۱۱۶۸:۲
 طَبَلِ خوار: مُفت خوار، شکمبار، پرخوار.

ضخم: کلفت، ستبر. ۷۵:۵
 ضَدَّان: دو ضد. ۳۷۱۸:۲
 ضَرَّ: زیان. ضَرَّ نیز به همین معنی است. ۶۱۴:۱،
 ۵۰:۶
 ضراب: مصدر باب مفاعله به معنی زد و خورد
 با شمشیر و پیکار کردن است. ۱۶۰۷:۳،
 ۴۱۶۹:۶، ۳۰۴۸:۶
 ضِرار: مصدر دوم باب مفاعله به معنی
 زیان رساندن به یکدیگر است. ۴۲۵۶:۶
 ضَرَّتَان: مثنایِ ضَرَّه به معنی هُوُو. ۳۲۰۸:۴
 ضَرَع: پستان. ۳۳۰:۳
 ضَرَّه: هُوُو. ۱۲۰۸:۵
 ضَریر: نایبنا، کور. جمع: ضَریران. ۵۱۳:۱،
 ۲۱۳۷:۱، ۴۸۵:۲، ۷۲۳:۲، ۲۰۷۶:۲
 ۲۷۵۳:۲، ۲۹۹:۳، ۱۸۳۵:۳، ۲۳۲۳:۳
 ۴۱۱۵:۶، ۳۸۴۲:۶، ۳۷۱:۶، ۲۲۰:۴
 ضِعاف: جمع ضعیف، به معنی ناتوان و بینوا.
 ۳۷۳۸:۵، ۲۷۴۵:۱
 ضِمان: کفالت، ضمانت. ۹۱۹:۳
 ضَمیر: قلب و باطن انسان، سرّ و راز، اندیشه و
 خاطر، اندرون دل، وجدان. در این بیت
 معنی لفظی آن مراد است. ۲۴۵۶:۳
 ضَنْت: بُخل و آز. ۳۴۰۴:۳
 ضَو: مخفّف ضَوء به معنی پرتو، نور و روشنی.
 ۴۱۱۶:۶، ۲۱۹۴:۵
 ضَوْفِشان: نورافشان، نوربار. ۱۹۳۳:۶
 ضِیاع: جمع ضِیعه به معنی املاک، زمین زراعتی،
 زمین غلّه خیز. ۱۶۱۸:۴، ۲۶۵۸:۳
 ضَیف: مهمان. جمع: ضِیوف و اَضِیاف. ۲۶۴:۵،
 ۱۷۵۶:۵، ۳۶۴۴:۵، ۳۶۸۹:۵، ۳۵۳۵:۶
 ضَیق: تنگ. ۴۷۵۸:۶
 ضَیمران: ریحان. ۳۶۴۰:۴
 طاخُون: آسیا. ۳۰۸۹:۱، ۳۱۷۱:۱
 طاس: ظرفی که در حَتام است و با آن آب
 برمی‌دارند و روی خود می‌ریزند. ۳۰۵۶:۳

طبل خواری: مفت خواری. ۲۰۶:۶، ۴۰۵:۲
 طبل خود را زدن: کار خود را انجام دادن.
 مزدور کسی نبودن. ۴۷۰:۳، ۶
 طبله: صندوق کوچک، صندوقچه. ۲۸۰:۲
 طبلی خوار: شکمبار، عبدالطن. ۸۰:۵
 طُرّاً: جمعاً، طُرّ به معنی همه، هر چیز و جمیع
 است. ۴۵۶۹:۶
 طَرّار: دزد، سارق، جیب‌بر. ۲۳۱۱:۳، ۶۶۴:۳
 ۶۲۶:۴، ۴۱۳۲:۳
 طَرّاری: با یای مصدری به معنی دزدی، سرقت.
 در اینجا به معنی حیل‌گری و تظاهر.
 ۱۹۱:۵
 طراز: با کسره و فتحه «ط» هر دو صحیح است.
 شهری بوده است تقریباً در هشتاد میلی
 سیرام به سوی شمال شرق که مردم آن از
 زن و مرد به خویرویی ضرب‌المثل بوده‌اند.
 ۷۱۶:۶، ۱۹۶:۱
 طراز: زینت و نقش و نگار جامه، جامه فاخر،
 روش و طریقه. جمع آن: طُرُز. ۲۱۴۰:۳
 ۵۴۲:۵، ۱۰۴۰:۴
 طَراق: صدا و آوازی که از کوفتن و شکستن
 چیزی مانند چوب و استخوان و جز آن
 برآید. تراک و طراک هم می‌نویسند.
 ۱۳۳۵:۶، ۱۳۸۲:۳
 طَرَح نهادن: دورانداختن، برانداختن. طَرَح
 مصدر ثلاثی مجرّد و به معنی انداختن و
 افکندن است. ۱۲۴۷:۴
 طَرَف: چشم، پلک چشم: طرف بستن: چشم
 فرو بستن و محروم کردن. معنی مرسوم و
 مصطلح آن در فارسی: سود بردن و انتفاع،
 بهره‌مند شدن. ۱۵۹:۶، ۹۸۸:۳، ۹۳۰:۲
 طَرَفه: عجیب، شگفت، نادر، تازه. ۱۱۸۷:۱
 ۱۸۲۰:۱، ۳۵۷۴:۱، ۹۳:۳، ۳۱۴:۵
 ۲۶۷۸:۵، ۲۷۷۳:۵، ۳۷۶۴:۵
 طَرُوب: شادان، آنکه همواره شادمان است.

۲۷۳۴:۲، ۳۳۰۹:۳، ۳۳۰۰:۵
 طَرُوق: شَبَر و آنکه شب درآید. صیغه مبالغه از
 طَرَق و طَرُوق (= شب در آمدن) ۱۹۲۳:۳
 طَرِی: تر و تازه. از فعل طَرَوَ یَطْرُو و طَرِی یَطْرِی
 طَرَاوَة (= تر و تازه بودن). ۱۱۳۹:۵
 ۱۱۰۴:۶
 طَرِیف: تر و تازه. ۱۱۲۸:۳
 طَرِیق: راه سلوک، طریقت، راه و روش. ۱۲۳:۱
 ۸۷۵:۱
 طشت از بام افتادن: کنایه از رسوا شدن و فاش
 گشتن راز درون و آوازه یافتن. ۱۵۶۵:۳
 طَقّانه: صیغه مبالغه است و تَای آن نیز برای
 تأکید در مبالغه است و نیازی نیست که تَای
 آن را تَأْنِیث بگیریم چنانکه برخی از
 شارحان چنین گمان کرده‌اند. طَقّانه یعنی
 کسی که کارش طعنه زدن به این و آن است،
 بر مرد و زن به یکسان اطلاق شود.
 ۴۳۳۲:۳
 طَعْن: در لغت به معنی نیزه زدن است. از اینرو
 گفتن کلام گزنده و نیشدار را نیز طعن گویند.
 ۳۸۵۳:۱
 طعنه زدن: مجازاً به معنی تمسخر و استهزاء
 کردن آمده است. اِثّا «طَعْن» و «طَعْنه» در
 اصل به معنی نیزه زدن است. ۳۳۰:۱
 طُفْلُزَا: زاینده کودک. در این بیت منظور رسیدن
 به حد بلوغ و رشد عقلانی است. ۴۱۱۱:۳
 طُقَیل: در اصل نام شخصی بوده که ناخوانده به
 مجالس سور می‌رفته است. مجازاً به کسانی
 گفته شود که خود را به بزرگان می‌چسبانند
 و به مجالس وارد می‌شوند. ۴۱۰۷:۶
 طُقَیلی: منسوب به طُقَیل به معنی مهمان
 ناخوانده، کسی که ناخوانده همراه شخص
 مهمان به مجلس مهمانی برود. ۳۴۳۸:۴
 طَقَطَق: صدای منظم چیزی مانند پا کوبیدن.
 ۲۸۰۰:۳

گنبدی است که صدا و آواز در آن بسیار
طنین می‌افکند. در این بیت مراد بام و بنای
رفیع است. ۲۲۱۵:۶
طَو: مخففِ طَوِي ترکی به معنی جشن مهمانی،
عروسی و جشن ختنه‌سوران و امثال آن.
۴۷۴۲:۶
طواشی: خواجه، مخنث، خایه برکنده (صفت
عربی است). ۱۷۱۷:۶
طوبی: پاک و پاکیزه، بهتر و پاکیزه‌تر. ۱۹۵۶:۱
۹۸۹:۳
طَوْر: نوع، صنف، هیئت، مرتبه. جمع: أَطْوَار.
۴۵۵۱:۶، ۲۱۶۵:۶
طُوع: اطاعت کردن، انقیاد، فرمانبرداری،
«بطوع» یعنی از روی میل و اراده خویش.
۲۹۱۴:۴، ۴۴۷۲:۳، ۱۰۹۳:۳
طَوَف: گشتن بر گرد چیزی، گشتن در کوچه و
بازار. ۲۲۰۴:۱
طَوُق: گردن بند؛ طوق شدن تقدیر، کنایه از
محتوم و مقدر شدن آن بر انسان است که
چون طوق، بر گردنش می‌افتد: جمع:
أَطْـُـوَق. ۳۸۹۱:۱، ۱۵۲۵:۱، ۴۵۲:۱
۱۶۴۱:۶
طُومار: نامه و صحیفه، نامه و مکتوب دراز.
۴۶۳:۱
طویلِه: رَسَنِ درازی که با آن، پای ستوران را
می‌بندند، اصطبل. ۲۰۷۷:۳
طَهْر: پاکی، پاکی از حیض. در اینجا مطلقاً به
معنی پاکی است. «طَهْر» نیز جایز است.
۱۶۳۷:۵
طَهوْر: پاک و پاک کننده. ۱۳۳۴:۱
طَبَّات: طعام‌های حلال و پاک. جمع طَبَّیه. لفظ
«طَبَّیات» از واژه‌های قرآنی است.
۳۱۲۹:۶، ۱۴۹۵:۱
طَبَّیت: خوش طبعی، مزاج. ۳۶۶۹:۵
طَیْر: پرنده، اگر جمع طائر باشد به معنی پرندگان

طَلَب: گروه طلب کننده، گروهی که در یک جا
جمع شوند. ۹۲۳:۴، ۱۶۳۶:۱
طَلِسْم: گره ناگشوده. ۴۳۵۴:۳، ۵۷۳:۳
طَلَق: درد زایمان. ۱۴۶:۴، ۹۹۵:۲
طَلَل: جای بلند، هیکل و جسم هرچیز. در اینجا
به احتمال قوی مراد از آن «شخص زنده»
است. ۳۸۹۸:۵
طَلُوب: خواستار، طالب. صیغه مبالغه. ۳۹۵۰:۶
طِمْ: دریا و آب فراوان، اشاره به ضرب‌المثل
عربی: جَاءَ بِالطِّمِّ وَالزِّمِّ. ۳۲۸۸:۴
طَمَاع: بسیار آزمند. صیغه مبالغه. ۷۱۵:۵
طَمُث: خون حیض، ازاله بکارت، «طامث» به
معنی زنی است که حیض می‌شود. در این
بیت به معنی جماع کردن است. این لفظ تنها
دوبار در قرآن کریم ذکر شده آن هم در
سوره رحمن - آیه ۵۶ و ۷۴. ۳۶۳۷:۳
۲۵۸۳:۴
طَمَس: محو شدن و محو کردن. (لازم و متعدی
آمده است) در اینجا به معنی لازم آن
مناسب تر است. ۱۸۲۲:۶
طَمَطْرَاق: شآن و شوکت، شکوه و جلال، کَر و
فر، خودنمایی. به معنی هیبت نیز آمده.
۱۸۹:۶، ۲۳۱۷:۱
طَمَعِ برگ: طمع رونق و نوا در امریدن. ۱۴۲:۳
طَمَعِ خام: تمنای امری که ممکن نباشد، توقع
بی‌جا. ۹۳۰:۱
طَنَاز: افسونگر، ناز کننده. ۳۴۰۹:۵
طَنَبُور: معرَب تنبور از آلات زهی که اوتار
(=سیم‌ها)ی آن از روی دسته‌ای بلند و
کاسه‌ای عبور نموده و با ضربه انگشتان
دست نواخته می‌شود. تنبور، ساز ایرانیان
محسوب می‌شده است. ۷۳۴:۴
طَنَطَنه: کَر و فَر، شکوه و جلال. ۲۷۲۸:۲
۲۴۹۵:۵، ۱۰۷۲:۴
طَنَگ: صدا و آواز. «قَبْهُ یُر طَنَگ» به معنی

ظلال: سایه‌ها، جمع ظِلّ. ۹۸۳:۶
 ظلام: تاریکی. ۵۹۲:۴، ۱۶۴۰:۴، ۷۵۷:۶
 ظَلَّت: از افعال ناقصه به معنی استمرار و صیروت
 بکار می‌رود. در اینجا به معنی «شد» و
 «گردید». ۳۴۸:۵
 ظَلَم: جمع ظُلُمَت به معنی تاریکی. ۵۱۵:۴
 ظُلُمات: جمع ظُلُمَت به معنی تاریکی و مجازاً
 سیاهی دل و دوری از معرفت. ۸۹:۱
 ظلم‌ساز: ستمگر. ۳۲۴:۱
 ظَلَفْنَا: ستم کردیم. ۱۳۸۹:۴
 ظُلوم: بسیار ستمگر، بسیار ستمکار. ۱۴۸۳:۲،
 ۴۶۷۲:۳، ۲۶۴۸:۳
 ظُله: سایبان، سایه هرچیز سایه‌دار، ابر سایه‌دار
 و سایه‌افکن. جمع آن: ظُل و ظِلال.
 ۲۱۷۵:۶، ۲۷۶۴:۳
 ظَمًا: مخفف ظَمًا به معنی تشنگی است.
 ۲۷۸۲:۶
 ظَنَّت: تهمت و بدگمانی. ۴۳۳۵:۶
 عابث: کسی که کارهای بیهوده می‌کند. ۲۳۲۰:۲
 عابِسن: جمع عابِس به معنی اخم آلود،
 ترش‌رو. مضاف الیه. ۱۱۲۰:۳
 عاجزی پیشه گرفت: ناتوانی را پیشه خود
 ساخته است. ۱۳۰۰:۲
 عَادَت: بازگشته. فعل ماضی مفرد مونث اجوف
 واوی ثلاثی مجزّد. ۸۴۶:۴
 عَارِض: صورت، چهره، ظاهر، آنچه غیرذاتی
 است. ۲۸۸۵:۱، ۱۲۷۹:۴، ۳۱۴:۵
 عَارِضُ حَالَت: حالتی سطحی و غیرذاتی، حالت
 بی دوام. ۴۹:۱
 عَارِضُ قَمَر: آنکه رخساره‌ای همچون ماه دارد،
 مَه‌وش، مجازاً به معنی زیبا رخسار.
 ۴۷۶۸:۶
 عاری: برهنه و مجزّد. ۴۰۰:۱
 عاریه: آنچه موقتاً بدهند و سپس باز پس گیرند.
 در اینجا موقتی، زودگذر. ۲۹۷۸:۶

است. ۴۶۶۶:۶
 طَبِزگی: خشمگینی، غضبناکی. ۳۲۸۵:۶
 طَبِره: خشم و غضب، آزرده‌گی، دل‌تنگی.
 ۳۹۵۴:۵، ۱۹۹۲:۵
 طَبِره شدن: خشمگین شدن. ۱۶۶۶:۶
 طَيّ مُضَحَف: میان قرآن، لای اوراق قرآن.
 «طی» هم مصدر است به معنی پیچیدن و
 تازدن، و هم اسم است به معنی لا و ضمن.
 ۵۳۹:۵
 طین: گِل، مخلوطی از آب و خاک. اشارت است
 به خلقت آدم از خاک و گِل. ۵۰۸:۱،
 ۳۹۶۱:۱، ۳۷۲۹:۲، ۲۷۵۹:۳، ۴۲۴۷:۳،
 ۳۴۵۲:۵، ۱۹۵۸:۵، ۱۷۸۱:۵، ۱۶۱۷:۴،
 ۱۱۳۹:۶، ۲۹۰۸:۶، ۲۹۵۲:۶، ۳۱۳۴:۶،
 ۴۵۸۹:۶، ۳۳۰۴:۶، ۳۲۱۷:۶، ۳۱۸۸:۶
 طینه: گِل. ۱۷۸۶:۶
 طَبّی: آهو. جمع آن: طِبَاء و طَبّی. ۲۳۰:۴
 ظریف: زیرک و دانا، لطیف و خوش‌نما، نجیب.
 ۱۱۲۸:۳
 ظَفَن: به معنی کوچیدن است. در این صورت
 ممکن است منظور از آن، دوری و
 بی‌توجهی مردم نسبت به آن سالک باشد.
 در برخی از نسخه‌ها ضَفَن (= کینه) آمده که
 با این بیت مناسبت روشنی دارد. یعنی کینه
 و عداوت مردم، وی را رنجیده نمی‌سازد در
 پاره‌ای از نسخه‌ها به تبعیت از «ظَفَن» واقع
 در مصراع اوّل همان کلمه تکرار شده است.
 هرچند بی مناسبت نیست، اما آرایشی
 صوری بیت را مخدوش می‌سازد. الله اعلم
 بالصواب. ۱۵۱۹:۳
 ظَعین: رونده، کوچ‌کننده. ۴۸۰:۳، ۳۸۱۳:۴
 ۲۷۵۳:۶
 ظَفَر: پیروزی، کامروایی، دست یافتن. ۳۴۹۶:۱
 ۴۰۵۹:۵، ۶۵۷:۵
 ظِلّ: سایه. جمع ظِلال. ۳۳۴۶:۴

مُشک و گلاب و زعفران و صندل. ۱۲۵۲:۴
عِتَاب: سرزنش. ملامت. ۳۵۸۹:۱
عُتْل: صفت مشبهه به معنی بدخوی خشن، شکمباره. چنانکه پیامبر (ص) «عُتْل» را «الشَّدِيدُ الْخُلُقُ وَ الشَّحِيحُ الْأَكُولُ» معنی کرده است. ۲۲۲۷:۴، ۲۲۱۳:۵
عُتُو: در اصل عَتُو، مصدر عربی به معنی ستمگری و تعدی و سرکشی است. به معنی بی ادبی و تربیت ناپذیری نیز می آید، چنانکه جمله عَتَا عَنِ الْأَدَبِ یعنی بی ادبی و بی تربیتی گردد. ۲۶۳۳:۴، ۳۴۶۳:۴، ۳۵۸۶:۴، ۱۷۸:۵، ۱۸۳۹:۵، ۳۵۲۹:۵، ۱۴۱۹:۶، ۲۰۵۸:۶
عَتِيد: آماده، تنومند. در این بیت معنی دلاور و زورمند می دهد. ۴۲۵۶:۳
عَتِيق: آزاد شده، از مصدر عِثَق به معنی آزاد شدن و آزاد کردن بنده. ۲۲۶۷:۴
عِثَار: لغزش، گناه. ۳۶۴۰:۲، ۳۲۲۰:۴، ۳۳۷۱:۴، ۳۷۰۹:۵، ۲۶۴۶:۶، ۲۸۰۰:۶
عُج: فعل امر مفرد از عَاج يَعُوجُ به معنی: بگرا، میل کن، منعطف شو. ۵۱۶:۳
عُجَاب: بسیار عجیب، شگفت انگیز. ۸۱۱:۴، ۴۱۹۷:۵، ۲۳۲۰:۶
عُجْب: خودبینی، خودپسندی. ۶۴۷:۵
عِجَل: گوساله. جمع عُجُول و عِجَال. ۱۷۸۹:۶، ۲۰۶۴:۶، ۲۰۷۳:۶
عَجُوز: زن پیر، پیرزن. جمع آن عجائز. فصحاى عرب بدین معنی عَجُوز گویند، ولی عوام عرب، عَجُوزَه استعمال کنند. ۲۶۵۰:۳
عَجِين: به معنی معجون، سرشته، آمیخته. ۲۱۲۲:۳
عُد: فعل امر حاضر از عَادَ يَعُودُ به معنی: بازگردد. ۱۷۶۲:۳
عُدَات: همان «عُدَاة» جمع «عادی» به معنی دشمنی، متجاوز. از مصدر عُدَّوان به معنی

عَادِل: سرزنش کننده، ملامتگر. ۹۸۲:۳، ۱۰۱۶:۳، ۴۰۱۹:۳، ۶۰۷:۶
عاشقا: ای عاشق. عاشق + الفِ ندا. ۲۶:۱
عاصفات: جمع عاصفه: تندباد، بادِ سرکش. ۲۴۸۷:۱
عاصِم: نگهدارنده، حفظ کننده. ۱۳۱۳:۳
عاصِيَة: سرکش. ۶۰۴:۳
عاق: نافرمان، سرکش. اسم فاعل از عَقَّ يَعُقُّ عُقُوق. ۱۱۵:۳، ۲۰۲۴:۳، ۲۸۹۲:۴، ۴۷۱۳:۶
عاقی: عاق (= سرکش، نافرمان) + یای مصدری. بنابراین عاقی، معادل عُقُوق، مصدر ثلاثی مجزء و به معنی سرکشی و نافرمانی است. ۳۲۶۱:۴
عاکف: مُقِم، معتکف. ۳۲۹۳:۲
عام: منظور عامه مردم، نادان. ۱۸۰۷:۳، ۲۸۹۹:۴
عايده: عطا، بخشش، مهربانی، نیکی، سود. معنی اخیر مراد است. ۱۰۶۹:۲
عایل: نیازمند، درویش. ۱۳۳۹:۳
عُبَاد: پرستشگران، پارسایان. جمع عابد. ۳۶۶:۵
عَبَث: بیهوده، بی نتیجه. ۱۰۶۹:۲، ۱۰۷۳:۲، ۱۳۱۳:۵
عَبْدُالْبَطُون: لفظاً به معنی بنده شکم هاست. اما در اینجا معادل شکم باره و شکم پرست است. ۱۸۹۶:۶
عبدالعزيز: بنده خداوند عزیز. ۳۲۳۱:۳
عَبْرَجُو: صفت مرکب مرخم فاعلی، کلمه عَبْر ممکن است صورت مخفف «عبیر» و یا «عنبر» باشد. و یا ممکن است منظور از آن مصدر ثلاثی مجزء «عَبِر» به معنی پسند گرفتن باشد. ۹۰۵:۵
عَبَس: ترش رویی، عبوسی. ۴۷۱۶:۶
عَبِيد: جمع عَبْد به معنی بنده. ۲۳۱۲:۴
عَبِير: نوعی ماده خوشبو که مرکب است از

عَرَجَ: فعل امر مفرد مذکر حاضر از باب تفعیل.
به معنی مکث کن، درنگ کن، پیاده شو
است. و اگر با حرف «عَنْ» بیاید به معنی
«رهاکن» است. ۲۹۳:۵
عَرَجُوا: فعل امر جمع مذکر حاضر از باب تفعیل.
به معنی عروج کنید. ۳۹۷۷:۳
عَرْجُون: شاخه درخت خرما از مقطع تنه درخت
تا محل انشعاب برگ‌ها؛ نیز مطلقاً به معنی
شاخه طبیعی درخت است. ۲۸۰۶:۵
۱۲۸۳:۶
عُرْس: طعانی که در مهمانی دهند. مهمانی‌ای که
بعد از آوردن عروس به خانه داماد برپا
کنند، نهایت شادمانی. ۴۲۸:۱، ۳۰۷۷:۶
عَرَشی و فرشی: هر دو با یای نسبت است.
یعنی آسمانی و زمینی. ۲۱۰۶:۲
عَرْصه: ساحت خانه، فضای جلو عمارت.
میدان؛ جمع: عَرَصَات. ۸۰۴:۵، ۲۰۷۸:۵
عَرَض: آنگونه که از ایات فوق بر می‌آید، از
جوهر، معنا را مراد کرده و از عَرَض صورت
را. و الا تعاریف متداول و رسمی آن در اینجا
مورد نظر نیست. ۹۴۵:۲
عَرَفَات: صحرای محدودی در چهار فرسخی
مکه و رشته کوه‌های کم ارتفاع عرفات نیز
در آن صحرا قرار دارد. در بعضی روایات
آمده که کوه عرفات پاره‌ای از کوه طور
است. ۲۴۳۸:۶
عَرَق: رگ، جمع آن عُرُوق. ۱۱۷۲:۳، ۲۶۵۵:۴
عُرُوض: کالاهای قیمتی. جمع عَرَض. ۴۴۸۵:۶
عُرُوق: جمع عَرَق به معنی رگ. ۳۷۱۵:۴
عَرِیش: کلبه، هودج، سایبان، نی بستی که بر آن
شاخ انگور افتاده. به معنی سایبان نیز آمده
است؛ جمع: عَرَائِش. ۱۷۰۵:۳، ۲۵۰۳:۶
عَرِین: بیشه، نیزار. جمع: عَرَائِن. ۵۰۷:۵
۲۶۳۳:۵، ۲۰۰۵:۵
عَرَبْ‌خانه: خانه‌ای که در آن افراد مجرد زندگی

دشمنی کردن. ۳۱۰:۴
عِدَاد: شمار، همتا، نظیر. ۲۲۲۷:۱
عُدَّت: فعل ماضی مفرد مذکر حاضر اجوف
واوی، یعنی بازگشتی. ۳۸۰۳:۳
عُدْتُم: بازگشتید. فعل ماضی مخاطب. لیکن با
حرف شرط «إِنْ» معنی مضارع یافته است؛
و نیز عُدْنَا (= بازگشتیم) چون جواب شرط
است معنی مضارع یافته است. ۴۰۰۸:۵
عَدَل: مصدر است ولی در اینجا در معنی اسم
فاعل آمده است. ۳۸۲۳:۱
عدل خسروان: عدالت شاهان. ۳۰۲۶:۱
عَدَن: شهری است معروف و بندری در یمن.
مروریدهای آن از قدیم مرغوب بوده است.
۵۷۷:۲، ۱۸۴۵:۴، ۲۹۳۶:۶
عَدُو: دشمن. ۱۰۹۲:۱، ۳۳۷۱:۱
عُدْوَان: تجاوز، ستم. ۲۶۰۷:۵
عِدی: دشمنان. جمعی است که مفرد ندارد. عُدی
نیز به همین معنی است. ۲۹۹۷:۵
عِذاب: جمع عَذَب، شیرین و گوارا. «بحر
عِذاب» کنایه از ذات حق تعالی است.
۵۹۶:۳، ۱۱۱۰:۱
عِذَار: افسار، مقداری از افسار که از دو طرف بر
صورت حیوان قرار می‌گیرد. جمع: عُدُر.
۳۶۷۳:۶
عَذَب: شیرین و گوارا. ۸۰۱:۱
عَرَابی: مخفف اعرابی به معنی عرب صحرانشین.
۳۱۷۶:۲
عِرَاق: یکی از دوازده برده موسیقی. ۲۱۹۲:۱
عَرَب: در اینجا مراد همان اعرابی (= عرب
صحرانشین) است، زیرا عَرَب غالباً به
شهرنشینان آن قوم اطلاق شود؛ جمع: اَعْرَب
و عُرُوب. لیکن بر خلاف تصوّر رایج
اَعْرَاب، جمع عَرَب نیست بلکه اسم جنس
است و به صحرانشینان قوم عرب گویند.
۴۷۷:۵

عَشِیق: هم به معنی عاشق و هم معشوق.
۲۷۳۳:۲، ۱۸۷۲:۵، ۲۰۳۷:۵، ۲۲۳۴:۵

۳۹۵۱:۶

عَصَات: جمع عاصی: به معنی سرکش. ۳۸۳۵:۱
عَضْر: فشردن. مجازاً به معنی شکنجه است.
۲۳۷۹:۲، ۱۰۱۵:۴

عُصْفُور: گنجشک: جمع: عَصَافِر. ۷۵۳:۵

عَصِيْنَا: عصیان کردیم. ۲۸۹۸:۴

عَضْد: بازو، کنایه از تکیه و تکیه گاه، یاور و پشتیبان. ۱۷۳۶:۳، ۵۵۰:۳

عُطَارِد: سیاره عطارد را خدای دبیری و کتابت دانسته اند، کنایه از کاملان فضل و بزرگان معرفت. ۳۸۸۰:۳

عَطَب: هلاک شدن و هلاکت. «با عَطَب» یعنی مُهْلَک. ۱۶۴۷:۳، ۶۴۸:۱، ۱۵۷۱:۵

عَطْن: جای خوابیدن گوسفندان و شتران و غیره، گندیدن پوست. ۱۳۵۳:۵

عِظَات: جمع عِظَة در اصل وَغْظ بوده که واو حرف عله را ساقط کرده و به جای آن (ة) در انتهای آن آورده اند. به معنی اندرز و پند است. ۳۲۳۵:۲

عِظَام: جمع عِظَم به معنی استخوان. ۳۶۷۶:۱

عِظَم: استخوان. ۴۸۱۹:۶

عُظَم: بزرگی. ۳۷۱۳:۴

عَفِن: گندناک و بدبو. ۱۲۸۳:۱

عَفْوَلَان: محل عفو و بخشش. عفو + لان، پسوندی که دلالت بر مکان دارد. ۴۰۹۵:۵
عَفِیفی: پاکدامنی. عَفِیف + یای مصدری. ۳۹۵۷:۶

عَقَار: متاع و اسباب خانه، مال برگزیده: املاک. ۴۲۰۶:۶، ۳۳۸۱:۶

عُقَار: می و شراب، گاه منظور شراب عشق و معرفت است. ۴۷۸۲:۶، ۱۹۰۲:۶، ۳۴۱۹:۲

عُقَال: زانو بند شتر. جمع: عُقْل. ۲۶۹۶:۴، ۲۷۶۳:۶، ۳۳۵۳:۴

کنند. ۳۸۴۵:۶

عِزَار: گول خوردن، غفلت، بی خبری. عِزَارَة نیز به همین معنی است. ۲۲۲۷:۳

عِزْرَائِيل: در این بیت به معنی قاتل و جانستان است. ۱۰۵۰:۳

عُزَى: لفظاً مُؤنث اَعَزَّ (= عزیزتر) و آن درختی بوده است که اعراب جاهلی غَطَفَان آن را می پرستیدند. رسول خدا، خالد بن ولید را مأمور می کند که آن بُت را قطع کند. ۳۲۳۱:۳

عُسْر: سختی. ۳۶۰:۵

عَسَس: شبگرد، گزمه، کسی که شب ها در محله ها می گردد و از منازل و اماکن مراقبت می کند. ۴۰:۴، ۲۲۳۳:۴، ۱۸۱۵:۵، ۲۰۶۸:۶
عَسَى: شاید، ممکن است. (از افعال مقاربه در عربی). در بیت فوق به اقتضای وزن شعر، مکسور شده است. ۹۸۷:۳

عَسِير: دشوار، سخت. ۱۸۲۰:۶

عُشْ: آشیانه پرندگان. عُشْ نیز صحیح است. جمع: عِشَاش و عَشْوَش. ۱۴۸۰:۶

عُشْر: ده یکی مال ستاندن، اشاره به زکات دارد که اگر ده یکی خرمن را به بینوایان نهد آن خرمن تلف شود. ۳۱۳۱:۱، ۱۲۱۳:۴، ۴۱۰۴:۶

عِشْرَت: کامرانی، خوشگذرانی. ۷۸۸:۱

عَشْرهای مُصَحَف: نشانه های مدوری که بر سر هر ده آیه قرآن می نگاشتند. معمولاً آن عَشْرها را با آب طلا می نهادند. ۱۲۷۱:۶

عَشْقِ عشق: یعنی ذات و حقیقت عشق. ۴۶۹۵:۳

عِشْوه: فریب و نیرنگ: عشوه دادن: فریب دادن. ۱۰۹۱:۳، ۳۰۰:۶، ۵۸۸:۶، ۳۶۱۴:۶، ۴۳۰۰:۶

عِشْوه ده: فریب دهنده، فریبنده. ۳۳۸:۱، ۳۸۶۳:۵، ۲۰۱۷:۲

عَقِبَ: پشت سر، پاشنه پا. جمع: أعقاب. ۲۰۳۶:۵
عَقَبَه: گردنه، راه بالای کوهستانی، گریوه، راه صعب العبور. ۴۳۱:۱، ۴۹۰:۳، ۳۲۳۳:۵، ۳۷۵۸:۵، ۵۰۴:۶
عَقْد: گردن بند، گلو بند. ۲۵۷۳:۱
عَقْد: گِره ها. جمع عَقْدَة. ۱۰۴۲:۵
عَقَر: پی کردن، بُردن دست و پای شتر به منظور ذبح و تخر او. ۶۰:۵
عَقْل کُهَن: عقل پیران؛ البته پیران عقلی نه پیران تقویمی. ۱۴۷:۳
عَقُور: گزنده، از مصدر عَقَر. ۱۸۳۱:۶
عَقُوق: نافرمانی. ۱۵۰۵:۶
عَقِیده: شیرۀ غلیظ و سفت. منظور از آن در اینجا مرَبَّاست. ۲۴۸۶:۵
عَقِیر: ناامید، مجروح، سرگشته. ۱۹۰۷:۶
عَقِیق: قسمی بلور معدنی که به رنگ های مختلف درآید. عقیق را انواعی است که مرغوب ترین آن، زرد صافی شفاف است. عقیق با خود داشتن را به فال نیک گیرند. ۱۴۵۱:۱
عَقِیم: بی دنباله، ابتر. ۵۲۸:۵
عکس: اینجا به معنی انعکاس است. ۳۲۵۲:۳
عُلا: بزرگی و شرف. ۲۴۸۴:۱، ۲۵۱۲:۴
۳۰۷۲:۶، ۱۱۵:۶
عَلال: آواز بلند، بانگ، شور و غوغا. ۱۲:۶
علامات: حالاتی است که بر اثر حدوث مرض در بدن بیمار پدید آید. مانند سردرد و تنگی نفس که بر اثر تب و سرماخوردگی حاصل شود. ۱۰۳:۱
عَلَامُ النَّیَان: بسیار دانای بیان. اما در اینجا به معنی بسیار آموزنده بیان است. ۳۶۹۴:۴
عَلَّت: بیماری، مرض. ۱۱۰:۱، ۹۲۱:۱
عِلَّتِی: منسوب به علَّت و سبب. موجودی که بقا و دوامش به علل مادی بستگی دارد. ۲۴۷۶:۱

عَلَم: کوه؛ پرچم؛ جمع: أعلام. ۳۷۳۶:۱
۲۸۳۳:۶
عِلْمُ اَنَدُود: علیم، دانا. کسی که غرق در علم است. «اَنَدُود» مصدر مرخَم است، اما در ترکیب، اندوده معنی می دهد مانند زَراندود و کِل اَنَدُود. ۴۱۵۳:۵
عَلَمُ الْاِنْسَان: بیاموخت انسان را. «عَلَّمَ» فعل ماضی باب تفعیل و ضمیر مستتر «هُوَ» فاعل، و «الانسان» مفعولِ اوّلِ آن است. ۲۵۸۷:۵
عَلَم به صحرا زدن: کنایه از افشای راز و کاری علنی کردن. ۴۱۶۸:۶
عَلَن: آشکار شدن، مصدر ثلاثی مجرد، و عَلِن صفت مشبّهه عربی به معنی آشکار، پیدا. در اینجا معنی وصفی آن مناسب است. اصولاً فارسیان معنی وصفی این لفظ را نیز به صورت مصدر آن تلفظ می کنند. ۱۶۵۶:۵
عُلُو: همان عُلُو به معنی بزرگی، رفعت، از حد گذشتن، زیاده روی کردن. گاه به معنی تکبر است. ۴۱۵۳:۶، ۱۸۵۸:۴
عُلُوق: باردار شدن؛ عُلُوق: جنین، مرگ، حادثه ناگوار. ۳۸۹۳:۵
عُلُوی: منسوب به عُلُو به معنی بالایی، فوقانی. ۲۶۱۵:۶، ۱۶۲۱:۲
عَلِیل: بیمار. ۱۰۲۹:۵
عم: عمو. ۱۷۳۵:۲
عَمّا: کوری. «برعما» قید است برای فعل «رود» در مصراع اوّل. ۴۰۷۳:۵، ۲۳۱۲:۶
۴۱۵۷:۶
عِماد: ستون، تکیه گاه؛ عِمَادُ الْمُلْک: تکیه گاه و ستون سلطنت و فرمانروایی. ۱۵۱۸:۴
۲۹۳۶:۴
عِمَارَت جَای: جای آباد، که بوده است جای عمارت. ۲۴۷۶:۱

- عِمَامَه: دستار، شالی که دور سر می‌پیچند. جمع آن: عِمَام و عِمَائِم. در افواه به غلط عَمَامه گویند. ۱۵۷۸:۴
- عَمَد: قایقی که از شاخ و برگ و تنه درخت سازند. ۱۰۸۵:۱
- عُمُد: ستونها، پایه‌ها؛ جمع عُمُود. در اینجا مراد الوار و تیرک‌های چوبی است. ۴۵۴۴:۳، ۳۸۸۰:۶
- عُمُرخواه: صفت مرکب مرخّم فاعلی. در اصل بوده است عُمُر خواهنده. ۷۶۷:۵
- عُمُرور: دارای عُمُر: «وَر» پسوند دارندگی و اتصاف است. ۳۳۹۹:۳
- عُمُر و بَکَر: دو اسم، اشاره به شخص مُبْهَم. مانند فلان و بهمان. ۴۷۶:۳
- عمر و زید: فلان و بهمان. ۳۶۳۴:۲
- عَمَش: ضعف بینایی، جاری شدن دائمی اشک از چشم به جهت بیماری. این بیماری را اِطْبَای قدیم «دَمْعَه» نیز نامیده‌اند. عرب، به کسی که دچار این بیماری باشد «أَعْمَش» می‌گویند. ۲۲۷:۴، ۳۶۳:۶
- عَمّی: کور، نابینا. جمع عُمُون. اکبرآبادی «ی» را ضمیر متکلم وحده دانسته و گفته است، «عمی» یعنی ای عموی من. این وجه نیز جایز است. ۴۱۱۷:۶، ۲۰۰۸:۵، ۱۶۱۹:۴
- عَمّی: کوری، نابینایی، کنایه از کوردلی و بسی‌خیری. ۲۶۷:۱، ۳۹۱۹:۱، ۲۶۰۸:۴
- ۴۸۴۷:۶، ۹۴:۶، ۲۵۷۶:۵، ۸۱۴:۵
- عُمّی: کوران، نابینایان؛ مفرد: أَعْمی. ۱۶۸۱:۵
- عَمّیا: مخفف عَمّیاء به معنی کور. صفت مشبّه مؤنث است. مذکر آن أَعْمی می‌شود. اما در تداول فارسیان در مورد مذکر و مؤنث یکسان می‌رود. ۴۱۴۲:۶، ۱۲۸۵:۵
- عُمّیان: جمع أَعْمی به معنی کور، نابینا. ۱۳۹۶:۳
- عَمّا: مخفف عَمّا به معنی رنج و سختی. ۶۴۸:۱
- ۹۲۴:۱، ۲۲۶۹:۱، ۳۵۹۶:۱، ۲۳۸۲:۳
- ۲۰۴۰:۵
- عِنَاق: مصدر باب مُفَاعَلَه به معنی دست در گردن یکدیگر کردن است. ۱۸۲۱:۳
- عِنان: لگام و دهنه اسب، دوال. ۳:۲، ۳۶۱۱:۱
- عَنانِ آسمان: پهنه آسمان، قسمتی از آسمان که نمایان است. ۱۹۸۶:۳، ۴۵۳۰:۳، ۱۸۸۴:۴
- ۲۵۵۶:۵
- عَنب: انگور؛ جمع: أَغْنَاب. ۳۶۸۳:۲، ۳۷۱۵:۲
- ۱۶۳۵:۵
- عَنْبَر: ماده‌ای است چرب و خوشبو که از داخل دستگاه گوارش ماهی عنبر می‌گیرند. عنبرخالص آن است که روی آتش تماماً بسوزد. ۲۸۱:۴
- عَنْت: در کار سختی افتادن. در اینجا معنی تَغْنِیت می‌دهد، و تعنیت به معنی کسی را دچار دردسر کردن و به زحمت انداختن است؛ مجازاً به معنی خطا کردن است. ۲۴۳۵:۴، ۱۵۷۴:۳
- عَنْدَلِیب: بلبل هزارستان. ۱۸۲۸:۱، ۲۳۹۳:۱
- عَنْف: درشتی و قساوت. ۱۱۶۷:۱
- عَنْق: گردن. جمع أَغْناق. ۱۲۱۴:۲، ۲۹۵۹:۵
- ۳۶۴۷:۵
- عَنْقًا: مخفف عَنْقَاء به معنی سیمرغ. ۳۷۸۴:۱
- ۱۴۵۰:۲، ۳۲۷۰:۶
- عَنْوُد: ستیزه‌گر، معاند. ۵۳۶:۱، ۹۹۹:۱
- ۳۱۸۷:۱، ۳۸۳۴:۱، ۱۰۶۸:۲، ۴۲۱۱:۳
- ۳۵۳:۴، ۲۴۲۵:۳، ۲۲۰۲:۴، ۲۴۴۲:۵
- ۲۵۳۸:۶، ۲۶۰۲:۵
- عَنْیَد: ستیزه‌گر، مُعاند. جمع: عُنُد. ۳۹۶۳:۱
- ۴۸۱۵:۶، ۱۶۰۷:۵، ۳۵۰۹:۳، ۲۷۹۹:۳
- عَنِیف: درشت، سخت، سختگیر. ۱۳۲۸:۳
- عَنِین: مردی که دچار ناتوانی جنسی باشد. ۴۴۲۶:۶، ۳۶۳۳:۵، ۱۹۴۷:۲
- عَوان: چنگ گیرنده، نگاه دارنده، سرهنگ و محصل دیوان، مأمور اجرا و عامل اوامر

نجات‌دهنده: ۸۶۵:۱
 عیسی دَم: صفت مرکب است. یعنی کسی که
 مانند حضرت عیسی (ع) دمی و نفسی پاک و
 معجزه‌گر دارد و مُردگان و یا مرده سیرتان
 را به حیات طیبه زنده می‌گرداند. ۷۹۴:۱
 عیش ساز: عشرت‌کننده، خوش‌گذران.
 ۱۳۵۴:۱
 عَین: چشم، چشم‌بیننده و شاهد؛ چشمه: جمع:
 عَیون. ۱۷۶۵:۱، ۲۳۱۶:۵، ۳۴۲۹:۵
 ۳۵۸۸:۶
 عینِ آیوُبی: چشمه‌ای که در زیرپای ایوب به
 فرمان خدا زهید. ۲۰۹۶:۱
 عین باغ در: در میان باغ. ۳۹۵۲:۳
 عَین جاریّه: چشمه روان. ۱۷۶۷:۴
 عَینین: دو چشم، تثنیه عَین. ۲۳۳۸:۶
 عَیوق: مخفف عَیوق، لفظاً به معنی بسیار
 بازدارند، صیغه مبالغه از عاقِ یَعوق، اما در
 نجوم ستاره‌ای است سرخ رنگ که پس از
 ثریا برآید و پیش از آن غروب کند. اما در
 اینجا مراد آسمان است. ۳۲۱۱:۶
 غابر: گذشته. ۱۹۵:۱
 غاتفر: نام محله‌ای از محلات سمرقند. ۱۷۰:۱
 غادیه: در اصل به معنی باران صبحگاهی و ابری
 که صبحگاهان پدید آید. در اینجا به معنی
 صبح. جمع: غادیات. از ریشه «غ دو».
 ۲۷۷۳:۶
 غارب: غروب‌کننده. ۳۲۶۴:۱، ۳۷۸۶:۴
 ۱۸۸۸:۶
 غارث ساز: صفت مرکب فاعلی، به معنی
 غارتگر. این صفت را باید به «ده» اضافه
 کنیم. ۱۰۰۶:۵
 غارتی: غارتگر، راهزن. ۲۸۷۵:۳
 غازی: جنگجو، پیکارکننده؛ مجاهد راه دین. از
 ریشه غَزو؛ غازی: جنگجویی. غازی +
 «ی» — صدری. ۳۴۳۴:۱، ۳۲۹۰:۳

شرطه که غالباً با ظلم و زور و خشونت
 مأموریت خود را انجام می‌دادند. ۸۰۶:۱
 ۵۸:۴، ۲۴۳۸:۱
 عِوَج: کجی و گودی. ۱۸۵:۴
 عَوْد: بازگشت. ۲۳۹۱:۶
 عود: مطلق چوب، درختی است در هند که
 چوب آن را می‌سوزانند برای بوی خوش
 آن. ۳۷۰۲:۱، ۲۸۲:۲، ۱۸۷۲:۲، ۳۴۵۱:۳
 ۴۰۲۱:۶، ۱۷۰۴:۴
 عَوْد: پناه بردن، مصدر فعل عَاذَ یَعُوذُ. ۳۷۰۰:۳
 عور: برهنه، لخت. توضیح آنکه این کلمه در
 اصل جمع است. مفرد آن اَعُور (= یک
 چشم) و عَوْرَاء (= بیابان بی آب) است.
 فارسیان این کلمه را از عربی گرفته و بدان
 مفرد داده‌اند و به لخت و برهنه اطلاق کنند.
 ۱۲۷۷:۱، ۲۹۴۹:۱، ۱۸۲۱:۵، ۲۴۰۶:۵
 عَوْرَت: هرچه از آن شرم کنند و نهان داشتنش
 بهتر باشد. مجازاً به زن گویند. ۵۳۶:۱
 عَوَز: نیاز، احتیاج، تنگدستی. ۱۱۶۶:۴
 عَوْن: یاور. ۶۷۶:۶
 عِیار: مخفف عِیار به معنی جوانمرد، زیرک،
 چالاک. در قرن دوم هجری به کسی عِیار
 گفته می‌شد که راه بر کاروانیان می‌بست و
 اموال آنان را می‌گرفت و به نیازمندان
 می‌داد. عِیاران از صفات جوانمردی و
 گذشت برخوردار بودند. ۹۵۵:۱، ۳۸۴۵:۳
 ۳۰۵۱:۶
 عِیار: وسیله سنجش و اندازه‌گیری مقیاس و
 اندازه، مقدار درصد طلا و نقره‌ای که در
 مسکوکات است. در اینجا «بی‌عیار» یعنی
 بی‌ارزش و اعتبار. ۲۹۹:۱، ۱۵۹۱:۴
 ۳۴۱۵:۵
 عِیال: خانوار. ۹۲۷:۱
 عِیان: آشکار. ۳۳۴۴:۱
 عیسی: از ریشه عبری یشوع به معنی

غذی: ممالِ غذاست. در برخی از نسخه ها غدی (با دال) آمده که ممالِ غذاء به معنی صبحانه و ناشتایی و جمع آن اَغْدِیَه است. در هر صورت در معنی و مقصود بیت تغییری رخ نمی‌دهد. ۴۵۳:۴

غَر: روسپی، قحبه. «مادر غَر» نوعی فحش است. ۱۵۷۱:۳، ۳۴۹۶:۵، ۲۸۱:۶، ۴۴۲۹:۶

غُر: بیماری فتق؛ در اینجا مجازاً به معنی عیب، بیماری؛ با ضَمّ اوّل و تشدید «راء» به معنی فریب. ۳۱۰۷:۴، ۳۴۰۴:۲

غُرَاب: کلاغ، کلاغ سیاه، زاغ. ۲۰۱۷:۱، ۱۳۰:۲، ۱۴۵۰:۴، ۳۵۶۷:۲

غُرَابُ الْبَیْنِ: کلاغ جدایی و مفارقت. کلاغی است سرخ پا و سرخ منقار که عربان مشاهده این پرنده را به فال بد می‌گرفتند. زیرا او را موجب جدایی یاران و خویشان می‌شمردند. در باور عامّه ایرانیان نیز دیدن کلاغ بدیمن است. عامه مردم بر این باورند که قارقار کلاغ در صبح حاکی از خبر خوش است و دیدن کلاغ به هنگام غروب شگون ندارد. ۲۹۴۴:۶

غِرار: گول خوردن، فریب خوردن. از فعل غَرَّ یَغُرُّ. ۱۱۳۳:۴، ۱۱۱۴:۵، ۳۵۴۳:۶

غَراره: غفلت. در اینجا معنی وصفی دارد یعنی مغرور. ۱۴۱۳:۴

غَرّام: عشق، شیفتگی. ۱۰۳۶:۶
غَرَر: در معرض نابودی قرار دادن. با غَرَر اینجا به معنی هلاک کننده. ۳۲۳۲:۴

غِرَر: جمع غِرَّة به معنی غفلت و بی خبری و غرور. ۳۱۱۲:۴

غِرْس: نهال، قلمه و غِرْس به معنی کاشتن و نشانندن است؛ جمع: اَغِرَاس. ۵۰۱:۳، ۳۴۱۸:۶

غُرَف: جمع غُرْفه به معنی اتاق. ۹۵۸:۳

۴۰۲۲:۳، ۲۲۲:۴، ۵۷۸:۵، ۱۰۱۵:۵، ۱۳۸۳:۶

غاشیه بر دوش: خادم، چاکر، غاشیه در اینجا به معنی پوشش زین اسب است. در قدیم خادمان، زین پوش خواجه خود را بر دوش حمل می‌کردند. ۲۷۵۶:۵

غایم: ابر پوشنده. در اینجا به معنی حجاب و پوشش. ۳۶۰۹:۵

غَبْن: در معامله سرکسی کلاه گذاشتن، فریب دادن، زیان در خرید و فروش. ۲۳:۴، ۷:۵، ۱۰۴۶:۶، ۱۴۵۱:۶

غَبّی: کودن، گول، احمق، نادان، سبک مغز، از مصدر غَبَاوَة؛ جمع: اَغْبَاء و اَغْبِیَاء. ۲۱۹۵:۲، ۱۴۵۰:۳، ۲۳۱۵:۳، ۷۶۴:۴، ۲۱۵۴:۴، ۳۵۳۲:۴، ۱۰۳۹:۶، ۴۲۷۷:۶، ۴۲۸۷:۶

غَبْن: زیان بردن در معامله، مغبون شدن، زیان دیده، مغبون، زیان، آدم ضعیف الرأی، کسی که رأی و نظری سست و بی اساس دارد. ۱۷۶۷:۱، ۲۰۴۱:۱، ۱۸۱۳:۲، ۲۷۶۸:۲، ۱۷۶۴:۵، ۱۷۰۷:۶، ۳۳۶۵:۶

غَدَا: فعل ماضی مفرد مذکر غایب ناقص واوی؛ مصدر آن غَدُو به معنی رفتن در بامداد است. ۴۸۰:۳

غَدَا: غَد به معنی فرد است. در این بیت مفعول فیه و منصوب است. ۴۸۰:۳

غَدَار: حيله گر، خیانت کار، بی وفا، عهدشکن. ۱۳۹۸:۲، ۲۳۲۲:۴

غَدَر: خیانت، حيله و فریب. ۱۹۶:۵، ۱۸۳۲:۵، ۱۶۷۱:۶، ۱۹۵۴:۵، ۱۸۴۷:۵

غَدَرْمَنْد: فریبکار، نیرنگباز. ۱۰۴۵:۵
غَدُو: در اینجا به معنی روز است. صورت متداول آن غَد به معنی فردا و یا یک روز معین در آینده است. ۳۳۳۵:۶

غَدیر: برکه آب. ۱۲۸۴:۱

پاک کننده است. غَسُول نیز به همین معنی است. ۲۲۱:۵

غَشّ: خیانت، آلودگی. ۲۳۱:۱
غَشّی: بیهوشی. در فارسی بدان «غش» گویند که مأخوذ از «غشی» عربی است. ۳۱۸۳:۴
غَشّیان: بیهوش شدن، بیهوشی. غَشّیان نیز صحیح است. اما مراد از آن در اینجا حالت صق و بی خویشی عارفانه است. ۲۴۴۶:۶
غُصون: جمع غُصن به معنی شاخه. ۲۰۱۶:۳، ۲۲۳۰:۶

غِطّا: پرده، پوشش. مخفّف غِطاء: جمع: اَغْطِیّه. ۴۳۰:۲، ۱۹۵۵:۴، ۳۶۰:۱، ۱۶۶۶:۶
غَفّار: بسیار پوشاننده؛ آموزگار، آمرزنده. از اسماء الهی. ۱۹۸:۵
غُلّ: زنجیر. جمع: اَغْلال. ۲۸۹۸:۶، ۳۵۶۹:۶
غَلْبیر: غربال. ۱۶۲۵:۳
غَلَس: تاریکی آخر شب. در اینجا منظور سایه ماه است. ۴۷۳۰:۶

غلط افکندن: غلط انداختن، ایجاد اشتباه کردن، ظاهر را برخلاف باطن نشان دادن؛ غلط افکن: سخنی که به وجه تعریض و کنایه گویند. ۱۰۵۱:۱، ۲۳۷۰:۳
غلط انداز: هر چیزی که انسان را به اشتباه اندازد، در اصل «غلط اندازنده» صفت فاعلی مرکّب مرخّم که پسوند «نده» حذف شده است. ۱۶۹۴:۴، ۴۵۸۵:۶
غَلَطْ دِه: غلط انداز، هر چیز که آدمی را دچار اشتباه کند. ۲۷۶۳:۳

غلط کم شو: کمتر اشتباه کن. ۳۰۷۸:۱
غُلّو: غُلّو، زیاده روی، افراط. ۴۲۹:۱، ۱۳۱۷:۱، ۲۷۰۴:۵

غُلّوب: غالب و چیره. صیغه مبالغه. ۳۹۵۰:۶
غُلّول: دزدی و خیانت، بی غُلّول مجازاً یعنی بی کم و کاست. ۱۳۷:۱
غُلّی: منسوب به غُلّ به معنی زنجیری که بر

غُرّفه: بالاخانه. جمع غُرّف. ۱۱۶۰:۶
غُرْم: زیان و مشقّت، غرامت، تاوان. ۱۹۲۱:۴
غَرور: بسیار فریبنده، فریفتار. ۱۷۲۰:۶
غُرّه: غریدن، غرش، بانگ، آواز بلند. و غِرّه به معنی فریفتن و گول زدن. ۱۱۵۶:۱، ۴۰۲۰:۳

غُرّه: نخستین روز از هر ماه، سفیدی پیشانی اسب، ابتدای هر چیز. ۲۷۴۱:۳
غُرّه شَباب: آغاز جوانی، عنفوان جوانی. ۲۲۳۳:۵

غِرّه شدن: مغرور شدن، فریب خوردن. ۱۹۰:۱
غُری: منسوب به غر به معنی فاحشه، مردم بددل، نامردی، غر به معنی فتق و یا شخص مبتلا به فتق. غر به معنی فریب خورده. ۲۸۹۰:۳، ۳۹۰۶:۶

غَریب: دور از وطن، دور از فهم و ادراک، شگفت و کمیاب. ۱۱۹:۱

غریب اِشمار: ترکیب وصفی است به معنی کسی که غریبه محسوب شود. ۳۷۲۱:۵

غَریم: وام دار، وام خواه. این کلمه از اضداد است. در اینجا معنی دوّم مراد است. ۳۲۵:۳
غَزّا: جنگ و کارزار، پیکار. ۲۲۶۱:۱، ۳۷۲۲:۱
غَزو: جنگ و هجوم. ۷۲۸:۱، ۲۲۶۰:۱

غَزو جُو: پیکارجو، جنگجو، مجاهد. ۳۸۲۷:۵
غَزو کُوش: صفت مرکّب فاعلی مرخّم در اصل بوده است «غزو کوشنده» یعنی کسی که در امر جنگ کوشا و جدّی است. جنگجو. ۳۷۸۷:۵

غَزّو: فعل امر حاضر از مصدر غَزیدن به معنی نشسته راه رفتن چنانکه کودکان و مردم زمینگیر روند. ۲۳۹۴:۴

غَزْغَزّان: خزان خزان، در حال خزیدن، صفت فاعلی از مصدر غَزیدن. ۱۱۸۱:۶

غَسَق: تاریکی، تاریکی غلیظ. ۷۵۹:۱، ۳۴۱۵:۶
غَسُول: صیغه مبالغه به معنی بسیار شوینده و

۳۸۴۰:۴، ۳۲۶۴:۶
 غُور: ژرفا و عمق هرچیز. ۱۵۶۸:۱، ۳۵۵۸:۱
 ۳۸۱۸:۱
 غُوط: در آب فرو رفتن. ۲۶۶۳:۲
 غوطه خوردن: فرو رفتن در آب. در اینجا کنایه
 از مخفی شدن، چنانکه وقتی کسی زیر آب
 رود پنهان می‌شود. ۳۴۷:۵
 غَوْغَا: مردم فرومایه، جمعیت مختلف مردم.
 ۱۰۷۴:۳
 غَوْل: سستی و دردرس، مستی، مشقت، زوال
 عقل. این کلمه یکبار در قرآن (سوره
 صافات، آیه ۴۷) بکار رفته است. ۱۴۷۶:۲
 غُوله: ظاهراً همان غوره است زیرا در کتب
 قدیمی درباره گیاهان چنین نامی یافت شده،
 علاوه بر این در برخی از نسخه‌ها نیز غوره
 آمده است. ۱۱۲۷:۴
 غَوّی: گمراه. صفت مشبه از غَوّی یَقَوّی غَوایة
 (= گمراه شدن). ۴۰۷:۱، ۲۷۲۱:۲
 ۱۷۴۷:۳، ۳۵۴۸:۳، ۴۳۲۷:۳، ۲۳۶۸:۴
 ۲۷۶۰:۴، ۲۸۷۷:۴، ۱۲۹:۵، ۴۷۵:۵
 ۲۵۶۹:۵، ۳۸۳:۶، ۲۰۵۹:۶، ۲۴۶۹:۶
 غَیّ: گمراهی. ۱۰۲۴:۳، ۴۲۳۴:۵، ۷۲۸:۶
 ۱۵۶۸:۶
 الْغِیَاث: کمک، یاری، فریادرسی. از نظر نحوی
 معمول عاملی محذوف است. یعنی به فریادم
 رس. از ریشه «غ و ث». ۱۰۴۳:۵
 غِیَاث: فریادرسی. فریادرس نیز معنی می‌دهد.
 ۲۰۰:۶
 غِیبت: در اصطلاح اهل الله عبارت است از
 تسلیخ جسم و تجرید. صورت بشری.
 ۲۹۸۷:۶
 غِیْب‌گیر: گیرنده پیام‌های غیبی. ۳۳۹۵:۱
 غَیْث پَرّی: حمیت. ۲۶۴۴:۲
 غِیشه: بروزن و معنی بیشه، جنگل، نیستان.
 ۵۰۷:۶

گردن زندانیان افکنند. ۲۰۵۳:۱
 غلیل: هم، مصدر است به معنی تشنگی شدید، و
 هم، صفت به معنی شخص تشنه. ۳۶۹۷:۴
 غَمَّاز: سخن چین، اشاره کننده به چشم و طعنه
 زننده. کنایه از آشکار کننده و نشان دهنده؛
 بسیار سخن چین، جاسوس، غمّازی یعنی
 سخن‌چینی و افشاگری. ۱۲۶۸:۱، ۳۳:۱
 ۳۴۹۲:۲، ۱۶۸:۳، ۱۶۷۹:۳، ۲۰۷۶:۵
 ۲۵۶۵:۶، ۲۷۲۳:۶، ۴۰۷۰:۶
 غَمَّازِ حال: آشکار کننده حال، حکایت کننده
 حال درون. اضافه فاعل به مفعول است.
 ۱۱۵۰:۶
 غَمَّازَه: در اینجا زنی خوش اندام، پُر غمزه،
 غمزه به معنی اشاره چشم و میزگان است.
 ۱۷۹۶:۱
 غَمَام: ابر. جمع: غَمَام، استعارتاً به معنی حجاب
 و پوشش. ۲۷۴:۵، ۹۹۲:۲، ۸۴:۶
 غُمَر: غافل، ناآزموده، گول، احمق؛ جمع: اَغَمَّاز.
 ۱۴۵۱:۴، ۱۸۶۴:۲
 غَمَز: در اینجا به معنی سخن‌چینی و خبر دادن
 است. اصل آن به معنی اشارت با چشم و
 ابروست. ۹۵۰:۳
 غمناکیان: اندوهگینان. ۱۷۹۸:۱
 غَنّ: فعل امر مفرد مذکر حاضر از باب تفعیل،
 یعنی ترنم کن، نغمه‌سرایی کن. ۳۸۰۱:۳
 غَنّا: مخفف غَناء از غَنّی یَغْنی به معنی ثروت و
 ثروتمند شدن. و غِنّی نیز به همان معنی
 است. ۳۲۸۲:۳
 غَنّج: ناز و عشوه کردن (مصدر ثلاثی مجرّد) و
 غَنّج به معنی ناز و کرشمه (اسم ثلاثی
 مجرّد) ۳۲۶۹:۱، ۹۶۱:۵
 غَوایت: گمراهی، گمراه شدن. ۳۵۸۹:۴
 غَوّث: فریادرسی، فریادرس. در این بیت معنی
 لفظی غَوّث مراد است نه معنی اصطلاحی آن
 که در تصوّف رایج است. ۴۲۱۵:۳

غَمِّم: ابر. جمع: غُموم. ۳۶۰۹:۵
 غُیُوث: جمع غُیْث به معنی باران. ۲۸۳۴:۴
 غُیُور: رشکمند، با غیرت، غیرتمند. ۲۱۶۳:۵
 فا: پیشوندی است که قبل از فعل می‌آید. گاهی آن را به جای «به» استعمال می‌کنند. ۴۲۶۴:۳، ۴۳۲۰:۳، ۲۶۱۵:۴، ۳۱۷۹:۴، ۹۵۶:۵
 فاپیش: معادل فراپیش است. فاپیشوندی است که قبل از فعل واقع می‌شود. گاهی آن را به جای «به» استعمال می‌کنند. ۷۴:۱
 فاتح: گشاینده. ۴۰۵۰:۶
 فاتر: سست، خموده. ۳۳۶۴:۵، ۳۴۷۰:۶
 فاخته: پرندۀ‌ای زیبا که پرهای خاکستری متمایل به آبی دارد. آوازش شبیه به اینست که می‌گوید: کوکو. ۲۲۹۳:۱، ۳۳۱۴:۶
 فارس: اسب سوار، سوار بر اسب، مجازاً کسی که به مقام و مستندی برسد؛ جمع: فُرسان و فُـسوارِس. ۳۸۲:۳، ۶۰۷:۴، ۱۰۷۷:۵، ۳۲۶:۶، ۳۷۳۸:۵
 فارسان: سواران؛ جمع فارس. ۳۶۷۶:۱
 فارغ: راحت و آسوده. ۱۷۲:۱
 فارِق: اسم فاعل به معنی فرق گذارنده، فرق گذارنده میان حق و باطل. ۲۰۸۹:۲، ۲۶۸۰:۶
 فاروق: بسیار فرق گذارنده، بسیار جداکننده، صیغه مبالغه فارِق: مرد بسیار ترسناک و لقب عُـمَر بوده. ۲۲۰۸:۱، ۲۰۸۹:۲، ۲۹۶۸:۲، ۲۶۸۰:۶
 فَاَسْتَقِمَّ: پس راست و مستقیم باش. فعل امر مفرد حاضر از مصدر استقامه به معنی عدول نکردن از راه راست. المنجد نیز آن را به معنی اعتدال می‌داند. ۷۴۱:۳، ۲۶۶۸:۳
 فَاَسْتَشِيقُوا: پس استنشاق کنید، پس بپوید. ۸۵۰:۴
 فاش: آشکار و ظاهر. ۱۵۹:۱

فاضِح: رسوا و برملا. ۳۶۰۹:۱
 فاضِحَه: رسواکننده «دیوفاضحه» یعنی شیطان رسواکننده. زیرا شیطان با گمراه کردن آدمی، او را رسوا و بی‌آبرو کند. ۵۵۲:۶
 فاطِن: دانا و زیرک. ۳۲۲۰:۲
 فاقه: تنگدستی و نداری، نیازمندی. ۲۵۱۵:۱، ۲۸۵۴:۱
 فائِقُ الْاَصْبَاح: شکافنده ظلمت شب با آوردن صبح. ۳۹۸:۱
 فانی نَمّا: صفت مرکب فاعلی. به معنی «نیست نشان دهنده». ۶۰۲:۱
 فایض: سرشار، بسیار، فیض رساننده و فایض التور به معنی روشنی بخش. ۹۲۴:۲
 فایق: مسلط، پیروز، چیره، برتر. ۳۷۴۳:۴، ۳۱۸۹:۵
 فُؤاد: قلب. ۳۷۲۸:۴
 فُتّا: همان فُتّی به معنی جوان، جوانمرد؛ جمع: فُتّیان. ۹۹۳:۵، ۲۳۸۵:۵
 فُتّاح: گشاینده، داور، حَکَم. از اسماءالله است. ۳۹۵۳:۵
 فُتّان: بسیار فتنه گر، بسیار آزماینده. ۱۹۱۱:۵
 فُتّح باب: گشودن در، کنایه از گشودن درهای معرفت. ۳۵۵۰:۲، ۲۸۱:۴
 فُتّراک: تسمه و دوالی که از پس و پیش زین اسب می‌آویزند و با آن چیزی به ترک می‌بندند، یا شکار را با آن می‌بندند. «فتراک گرفتن» کنایه از توسل جستن. ۲۹۲۳:۳، ۴۸۷۵:۶
 فتنه کاو: فتنه جو. ۳۵۰۰:۵
 فُتوح: در اینجا به معنی دستمزدی که مایه امرار معاش شود. ۲۲۲۸:۵
 فُتور: سستی. ۲۵۷۲:۵، ۱۰۱۹:۶
 فُتّی: جوان، جوانمرد، جمع: فُتّیان. ۷۱۱:۱، ۳۲۱۹:۱، ۳۶۱۸:۱، ۲۶۱:۵، ۶۴۷:۵، ۲۶۰۳:۵

غَمِّم: ابر. جمع: غُموم. ۳۶۰۹:۵
 غُیُوث: جمع غُیْث به معنی باران. ۲۸۳۴:۴
 غُیُور: رشکمند، با غیرت، غیرتمند. ۲۱۶۳:۵
 فا: پیشوندی است که قبل از فعل می‌آید. گاهی آن را به جای «به» استعمال می‌کنند. ۴۲۶۴:۳، ۴۳۲۰:۳، ۲۶۱۵:۴، ۳۱۷۹:۴، ۹۵۶:۵
 فاپیش: معادل فراپیش است. فاپیشوندی است که قبل از فعل واقع می‌شود. گاهی آن را به جای «به» استعمال می‌کنند. ۷۴:۱
 فاتح: گشاینده. ۴۰۵۰:۶
 فاتر: سست، خموده. ۳۳۶۴:۵، ۳۴۷۰:۶
 فاخته: پرندۀ‌ای زیبا که پرهای خاکستری متمایل به آبی دارد. آوازش شبیه به اینست که می‌گوید: کوکو. ۲۲۹۳:۱، ۳۳۱۴:۶
 فارس: اسب سوار، سوار بر اسب، مجازاً کسی که به مقام و مستندی برسد؛ جمع: فُرسان و فُـسوارِس. ۳۸۲:۳، ۶۰۷:۴، ۱۰۷۷:۵، ۳۲۶:۶، ۳۷۳۸:۵
 فارسان: سواران؛ جمع فارس. ۳۶۷۶:۱
 فارغ: راحت و آسوده. ۱۷۲:۱
 فارِق: اسم فاعل به معنی فرق گذارنده، فرق گذارنده میان حق و باطل. ۲۰۸۹:۲، ۲۶۸۰:۶
 فاروق: بسیار فرق گذارنده، بسیار جداکننده، صیغه مبالغه فارِق: مرد بسیار ترسناک و لقب عُـمَر بوده. ۲۲۰۸:۱، ۲۰۸۹:۲، ۲۹۶۸:۲، ۲۶۸۰:۶
 فَاَسْتَقِمَّ: پس راست و مستقیم باش. فعل امر مفرد حاضر از مصدر استقامه به معنی عدول نکردن از راه راست. المنجد نیز آن را به معنی اعتدال می‌داند. ۷۴۱:۳، ۲۶۶۸:۳
 فَاَسْتَشِيقُوا: پس استنشاق کنید، پس بپوید. ۸۵۰:۴
 فاش: آشکار و ظاهر. ۱۵۹:۱

فَجَّار: تباهکاران؛ جمع فاجر. ۱۶۳۶:۴، ۷۵۶:۵
فَجْفَج: سخن به آهسته گفتن و این مُعَرَّب یا مُبْدَل
بیچ بیچ است. ۲۲۸۲:۳، ۱۹۴۷:۶

فَجْفَجَه: بیچ بیچ ۲۸۲:۵
فُجَلَّ بِنِ الْفُجَلِّ: لفظاً به معنی تُرَبُّ تُرَبُّ زاده
است. «لام» بدون تشدید است و تشدید آن
بنا به ضرورت وزن شعر است. این تعبیر
جنبه تحقیر و تخفیف شأن دارد. ۱۴۰۲:۵،
۳۸۷۸:۵

فُحْشِ اجتهاد: تلاش بیش از حد. صفت و
موصوف مقلوب است. در اصل بوده است
«اجتهادِ فُحْشِ» و فحش نیز در اینجا به
معنی فاحش است. پس مراد «اجتهادِ
فاحش» است. ۲۵۲۱:۶

فَحْلٍ قَرِید: نر بی‌مانند، نر یگانه. ۳۳۹۱:۵
فَحْم: زغال. ۱۱۲۳:۴

فَحُول: دلیران، جمع فَحْل. ۳۴۲۱:۳، ۴۹۳:۶
فَح: دام. (با تشدید آخر): جمع: فُخاخ و فُخوخ.
۲۹۸۴:۳، ۳۴۸۰:۳، ۲۸۱۱:۴، ۱۱۲۱:۵،
۱۴۱۴:۵، ۲۲۶:۶، ۵۳۳:۶، ۴۶۵۷:۶

فَخْرِي: افتخارِ من. فَخْر + ی، ضمیر متکلم و حده.
۶۷۳:۵

فَدَد: بیابان. ۱۹۴۰:۶
فَر: فروغ ایزدی، شکوه و جلال. ۳۸۷۵:۶،
۴۵۴۸:۶

فرا: معانی متعدّد دارد، از آن جمله به معنی بلند
و عالی است. در این بیت به معنی بسیار
آمده است. «بود غالب فرا» بسیار غالب
است. ۳۸۵۸:۳

فُرَات: لفظاً به معنی آب شیرین و گوارا، نیز به
معنای مطلق رود آمده است. ۱۰۱۶:۶
فراز: بسته، باز. از لغات متضاد المعنی است.
۸۷:۱، ۲۲۰:۲، ۲۵۰۷:۴

فَرَاست: شناخت باطن با نگریستن به ظاهر،
هوشیاری، زیرکی. ۳۹۶۱:۵

فَرَّاش: گسترنده فرش و بساط. ۷۳:۲
فَرَّاش: بستر، همسر؛ جمع: فُرُش. ۳۱۸۶:۴،
۸۴:۵، ۳۱۳۷:۶

الْفَرَّاق: جدایی، کوچ. در این بیت عاملِ آن
حذف شده و در تقدیر بوده است: يَفْرُقُ
الْفَرَّاق. ۹۱۳:۳

فَرَّیه: بُرگوش، چاق. ۲۶۱۹:۳
فَرْت: سرگین، مدفوع. ۱۴۰۹:۶
فَرَج: لفظاً به معنی شکاف است و کنایه اندام
تناسلی مرد و زن. نام زشتِ آن «حِرّ» است.
۲۱۸۵:۵، ۱۶۹۶:۳

فَرَج: گشایش. ۱۱۲۲:۳، ۲۵۴:۵
فُرْجَه: شکاف میان دو چیز، تفرج، سیر و
گردش، تماشا کردن مناظر بدیع.
چنانکه در دیوان کبیر فرماید:

فُرْجَه باغ می‌کنی، شادی و لاغ می‌کنی
با صَنَمِ شرمگین، پرده شرم می‌دری
پس «فرجه کردن» مناسب معنی تفرج و
سیر و سیاحت است. ۲۷۸۶:۱، ۶۴۱:۲،
۶۷:۶، ۳۰۹۵:۶، ۲۸۸۲:۴، ۴۵۱۶:۶

فُرْجَه جُو: فُرْجَه به معنی شکاف و رخنه است. و
فُرْجَه جُو به معنی فرصت جوینده. ۲۴۰:۳
فُرُخ: جوجه؛ جمع: فُرُوخ و أَفْرَاح. ۳۱۱۴:۴،
۲۷۴۱:۵، ۳۴۷۳:۵، ۲۹۶۴:۶، ۲۹۹۷:۶،
۳۴۴۹:۶

فُرُخ پَی: خوش قدم، خجسته پا. ۷۰۲:۴
فُرْزین: مُهره وزیر در شطرنج. ۵۳۵:۳
فَرَس: اسب. ۱۲۶۸:۱، ۲۴۰۰:۲، ۱۵۹:۵،
۲۵۱۴:۶

فرستادن وَرَق: در اینجا یعنی نازل کردن
کتاب‌های آسمانی. ۲۸۴:۲

فَرَسَخ: واحدی در مسافت. ۵۳۵:۴
فرشته عقل: عقلی که مانند فرشته است. اضافه
«مُشَبَّه» به «مُشَبَّه» است. اما برخی آنرا
اضافه بیانی گرفته‌اند. ۱۲۵۷:۴

فَرِه: بسیاری، فراوانی، از حد گذشتن. ۱۳۳۳:۵
 فَرَعْکَش: حمل کننده شاخه، ظاهرین، ظاهرگرا. ۳۵۹۶:۴
 فرعونِ تن: یعنی تنی که مانند فرعون، سرکش و طاغی است، زیرا شهوات بر او مسلط است. اضافه تشبیهی است از نوع اضافه مُشَبَّه به به مُشَبَّه است. ۳۲۵۳:۴
 فَرُغَرده: پرورده. ۲۴۸۸:۵
 فَرَق: ترس، ترسیدن. جمع أَفْرَاق. ۱۸۴۵:۴
 فِرَق: جمع فرقه به معنی گروه و دسته‌ای که مذهب و مشرب واحدی داشته باشند. ۳۵۸۷:۴
 فَرَقان: جداکننده، فرق گذارنده میان حق و باطل، از نامهای قرآن کریم. گاه مصدر در معنی اسم فاعل بکار می‌رود. ۸۵۱:۲
 فُرَقَت: جدایی، فراق. ۲۶۳۳:۲، ۳۹۰۲:۱
 فَرَقَد: ستاره‌ای است در صورت فلکی دُبّ اصغر. و نزدیک آن ستاره دیگری است که هر دو را فَرَقَدان یا فَرَقَدَین (بتا و گاما) گویند. ۳۱۹۹:۶
 فَرَقِ گَش: سر و موی زیبا. «فَرَق» به معنی فرق موی سر، و «گَش» به معنی خوب و زیبا. ۹۶۹:۵
 فرمانِ مُر: حکم تلخ، منظور حکم قاطع است. ۳۱۳۷:۳
 فروخت و خرید: مصدر مرخّم. به معنی فروختن و خریدن ۸۰:۱
 فُرُوق: جمع فَرَق به معنی اختلاف و تمایز معنی مصدری نیز جایز است از فَرَقَ یَفْرُقُ فُرُوقاً. ۱۹۲۳:۳
 فَرِه: شأن و شوکت و شکوه، بزرگواری و عظمت. ۱۰۵:۴
 فِرِه: فراوان، بسیار؛ غالب، چیره؛ خوب و پسندیده، کمال، شکوه و جلال. ۲۷۱۱:۵
 ۴۱۷۰:۶، ۳۷۵۰:۶، ۳۵۴۷:۶

فِرِه دادن: فراوان دادن چیزی، رجحان دادن. دراین بیت امتیاز دادن. ۴۵۷۳:۳
 فرهنگ: در اینجا به معنی طرز رفتار و سلوک است. ۲۵۲۷:۶
 فَرِیزدانی: فرایزدی، پرتوی الهی که به دل هر که تابد از همگان برتری یابد. ۶۷۶:۶
 فَرِیق: دسته، گروه، گروهی از مردم. ۴۵۹:۱
 ۲۰۷۲:۵، ۸۷۵:۱
 فَرَع: ترس، بیم. ۲۸۶۱:۵
 فُسْتُق: معرّب پسته. ۱۳۸۸:۳، ۲۵۷۸:۴
 ۳۰۰۱:۶
 فُسْحَت: فراخی، گشادگی. ۵۰۲:۴
 فُسُردن: در اینجا به معنی سرما زدن و یخ بستن آمده است. ۵۲۰:۱
 فُسُق: بیرون رفتن از راه حق و صواب. ۳۳۴۴:۱
 فُسُقُ جُو: تباهی خواه، کسی که طالب ناموس دیگری است. ۳۹۹۹:۵
 فُسُون: مخفّف افسون در اینجا به معنی حرف و سخن مؤثر است، زیرا به کلماتی که افسونگران بر زبان جاری می‌کنند نیز افسون گویند. ۱۶۳۹:۵
 فسونگر: جادوگر، کسی که افسون می‌خواند. ۲۳۳۱:۱
 فُشار: بیهوده‌گویی و هذیان، ولی لفظ فصیح نیست بلکه عامیانه است. ۱۷۲۸:۲
 ۲۳۲۰:۳، ۱۴۵۸:۵، ۱۷۱۹:۵، ۱۴۳۵:۶
 ۳۰۴۴:۶، ۱۶۸۹:۶
 فشانِدِ دانه: افشاندن دانه. پس «فشانند» مصدر مخفّف «افشاندن» است. ۱۱۸۸:۵
 فشر: هذیان و بیهوده. ۹۶۰:۲
 فَصَاد: رگ زن، کسی که شغلش رگ زدن باشد. صیغه مبالغه. «فَصَادِ أَجَل» اضافه تشبیهی است. ۲۰۱۸:۵، ۱۸۱۵:۳
 فَصُد: به معنی رگ زدن و خون زائد بدن را دفع کردن است. اطّباء قدیم برخی از بیماری‌ها

فَرَعْکَش: حمل کننده شاخه، ظاهرین، ظاهرگرا. ۳۵۹۶:۴
 فرعونِ تن: یعنی تنی که مانند فرعون، سرکش و طاغی است، زیرا شهوات بر او مسلط است. اضافه تشبیهی است از نوع اضافه مُشَبَّه به به مُشَبَّه است. ۳۲۵۳:۴
 فَرُغَرده: پرورده. ۲۴۸۸:۵
 فَرَق: ترس، ترسیدن. جمع أَفْرَاق. ۱۸۴۵:۴
 فِرَق: جمع فرقه به معنی گروه و دسته‌ای که مذهب و مشرب واحدی داشته باشند. ۳۵۸۷:۴
 فَرَقان: جداکننده، فرق گذارنده میان حق و باطل، از نامهای قرآن کریم. گاه مصدر در معنی اسم فاعل بکار می‌رود. ۸۵۱:۲
 فُرَقَت: جدایی، فراق. ۲۶۳۳:۲، ۳۹۰۲:۱
 فَرَقَد: ستاره‌ای است در صورت فلکی دُبّ اصغر. و نزدیک آن ستاره دیگری است که هر دو را فَرَقَدان یا فَرَقَدَین (بتا و گاما) گویند. ۳۱۹۹:۶
 فَرَقِ گَش: سر و موی زیبا. «فَرَق» به معنی فرق موی سر، و «گَش» به معنی خوب و زیبا. ۹۶۹:۵
 فرمانِ مُر: حکم تلخ، منظور حکم قاطع است. ۳۱۳۷:۳
 فروخت و خرید: مصدر مرخّم. به معنی فروختن و خریدن ۸۰:۱
 فُرُوق: جمع فَرَق به معنی اختلاف و تمایز معنی مصدری نیز جایز است از فَرَقَ یَفْرُقُ فُرُوقاً. ۱۹۲۳:۳
 فَرِه: شأن و شوکت و شکوه، بزرگواری و عظمت. ۱۰۵:۴
 فِرِه: فراوان، بسیار؛ غالب، چیره؛ خوب و پسندیده، کمال، شکوه و جلال. ۲۷۱۱:۵
 ۴۱۷۰:۶، ۳۷۵۰:۶، ۳۵۴۷:۶

نظیر عرق النسا (= سیاتیک) را بدین وسیله درمان می‌کرده‌اند و آن را یکی از طرق حفظ صحت می‌دانسته‌اند. ۲۳۱۲:۲، ۳۴۱۶:۳

فَصِيح: زبان آور و رساننده سخن. ۶۵۶:۱
فَضَضْتُمْ: فعل ماضی جمع مخاطب از فَضَّ به معنی پراکنده کردن. در اینجا معنی فعل لازم می‌دهد. ۴۲۶:۳

فُضِّلَهُ: مدفوع، سرگین. ۱۶۰۱:۴
فُضِّلَهُ: پس مانده، باقیمانده از هر چیز. ۳۵۳۷:۶
فُضُوح: رسوایی. ۱۹۴۶:۴، ۲۶۵۵:۵

فُضُول: زیاده‌گو، کسی که به افعال غیر ضروری پردازد؛ صیغه مبالغه به معنی بسیار بخشنده و نکوکار (= کثیرالْأَفْضَال) ۱۸۶:۱، ۲۳۰۱:۱، ۲۸۶۱:۲، ۲۶۸:۳، ۱۸۹۳:۳، ۴۶۷۲:۳، ۱۳۵۹:۴، ۳۳۱۸:۴، ۲۰۳۸:۵، ۳۰۶۲:۵

فَطَرْتُ: سرشت، خلقت. ۱۱۶۰:۲
فَطَسَ: در اصل فَطَسَ، مصدر ثلاثی مجرد به معنی پهن شدن بینی است. در این بیت بنا به ضرورت وزن، با سکون «ط» آمده است. ۲۹۱۳:۳

فَطِنٌ: هوشیار، دانا. ۳۷۲۵:۴
فِطْنٌ: جمع فِطْنَتٌ به معنی زیرکی، هوشیاری. در اینجا به معنی فِطْن (= هوشمند و زیرک) صفت مشبّهه عربی است. ۳۲۲۰:۱، ۲۷۱۷:۵، ۲۳۶۹:۶

فِطْنَتٌ: زیرکی و هوشیاری. ۳۲۲۳:۲، ۴۰۹۸:۵، ۱۶۵۰:۶، ۳۵۸۳:۶، ۳۳۱۵:۶
فَطِيرٌ: نانی که خمیر آن درست ورنیامده باشد، خمیر. ۴۲۳۱:۶، ۲۶۳۵:۴

فَعَالٌ: کارها، اعمال، جمع فَعَلٌ. ۷۳۳:۶
فُقَاعٌ: شیشه و حباب، پیاله و کوزه؛ شربت، آبجو و شرابی که سُکرآور نباشد؛ در فقاع کردن: با حیلۀ در مخمسه انداختن. ۱۵۷۵:۲

فَقَدَ: مصدر ثلاثی مجرد به معنی از دست دادن است. اما در اینجا به معنی مفقود آمده است. ۴۴۲۴:۶، ۳۲۷۸:۴

فَكَكَ: جدا کردن دو چیز از هم، خلاص کردن. ۴۲۸۷:۶

فَكَكَّرَ: جمع فِكْرَتٌ به معنی اندیشه. ۲۷۶۲:۱، ۳۹۱۷:۵

فَلَا: هامون، بیابان. ۳۵۶۰:۶
فَلَا سَنَگَ: فلاخن، وسیله‌ای برای پرتاب سنگ. ۱۵۲۸:۱

فَلَقَ: شکافتن. در اینجا مراد شیار کردن و شخم زدن زمین است. ۲۴۷۸:۶
فَلَّکَ: کشتی. ۵۳۰:۳

فَلِیو: بیهوده و بی سود و بی نفع، بی فایده؛ احمق، گول. ۱۱۷۲:۴، ۳۴۰۹:۲

فَلِیوان: جمع فلیو به معنی بیهوده، بی خبر، بی فایده. ۲۳۰۲:۲

فَنَ: مأخوذ از تازی به معنی علم و هنر و صنعت و دانایی و فریبندگی، حیلۀ. ۳۷۹:۱، ۲۵۴۸:۳

فَنَاکُنْ: صفت مرکب فاعلی مَرَحَمٌ. در اصل بوده است فناکننده. ۳۷۷۴:۵

فَنَوَاتٌ: سپری شدن، از دست رفتن. «مَوْتُ الْفَوَاتِ» نیز به معنی مرگ ناگهانی و سکتۀ است. ۳۲۴۶:۵، ۱۷۱۴:۵

فَوَادٌ: مفردِ أَفْنَدَه از قَاد به معنی افروختن و بریان کردن. فواد همان قلب است و به اعتبار گرمای قلب این نام را یافته است. ۳۰۵۷:۴

فَوْرٌ: سرخ کم‌رنگ، بُور. ۱۱۲۱:۱، ۷۲۴:۳
فَوُزٌ: رستگاری، نجات. ۲۳۶۷:۶، ۳۶۲۱:۶
فَوُقیثی: برتری. ۱۹۶۳:۲

فهرست: تعدادی صفحه در ابتدا یا انتهای کتاب که در آن فصول و ابواب و یا صورت اجمالی و یا عناوین مطالب کتاب درج می‌شود. ۱۵۶۹:۴

قایل: گوینده. «سنی تر قایل» صفت و موصوف
مقلوب به معنی بلندمرتبه‌ترین گوینده است.

۱: ۹۳۷، ۶: ۱۲۹

قیاب: جمع قُبه به معنی گنبد، سقف برجسته و
مدور، آسمان. ۳: ۲۲۹۲، ۶: ۴۴۳۵.

۶: ۴۶۴۱

قَبْضُ أَعْمَى: گرفتن کور. از اصطلاحات فقهی
است. ۳: ۳۰۴۹

قَبْض: گرفتگی و خشکی روده، یبوست. ۱: ۵۴
قَبْض کن: بگیر. ۶: ۹۹۰

قبطی: مفرد کلمه قبط، نام مردم قدیم مصر.
۱: ۸۳۶

قَبْل: جانب، طرف. در اینجا «زین قبل» یعنی از
این قبیل. ۵: ۱۸۳۴

قُبْلَه: بوسه زدن. کنایه از طالب بودن است.
۱: ۲۲۰۷

قُبّه: سقف برجسته و مدور، گنبد، حُباب یا
گردباد که به شکل قُبّه نماید. ۱: ۲۴۸۶.

۴: ۱۶۴۷

قبیل: پذیرنده، ممال قابل. ۱: ۳۳۱۲
قَتول: بسیار کشنده، (صیغه مبالغه). ۲: ۲۳۱۰

قُج: مخفّف قوج. ۴: ۳۸۲۲، ۶: ۲۴۵۷
قحط ده سال: کنایه از خشکسالی و قحط

متوالی و گران. ۱: ۲۲۷۰

قَذَح: عیب‌جویی، بدگویی، طعن زدن در نَسب
کسی. ۱: ۱۸۶۲، ۴: ۱۱۹۹، ۶: ۱۰۹۰

قَدَح: کاسه‌ای بزرگ، سانگین. ۱: ۱۵۶۰
قَدَر: معانی بسیار دارد از آن جمله به معنی تنگ

کردن است، چنانکه در آیه ۳ سوره‌ایسراء به
همین معنی آمده. این بیت ظاهراً بدان نظر

دارد. ۳: ۲۱۹۴

قَدْزَالُ الْحَزَن: به تحقیق اندوه برطرف شد. حقاً
غم از بین رفت. ۵: ۲۲۹۰

قِدَم: قدیم بودن، ازلی بودن. ۵: ۱۳۱۴
قدم رنجه کردن: رفت و آمد. ۱: ۲۱۶۳

قَن: مخفّف قَنیه به معنی سایه: اموالی است که
بدون جنگ از کافران بگیرند، برعکس

«غنیمت» که با محاربه و قتال سته شود گاه
«قَن» و «غنیمت» به جای یکدیگر بکار

رود. ۱: ۳۶۵۹، ۲: ۱۸۱، ۲: ۱۱۰۹، ۳: ۴۳۷۱، ۶: ۲۲۵۶، ۱۰۷۲: ۳

قِنی الآخر: در آخر، سرانجام. ۴: ۸۸۰
قِنی جَرَمُ الْحَجَر: در جرم سنگ. ۵: ۳۱۹۴

فیما بَعْد: از آن پس. ۶: ۶
فیه: در او. قِنی + ضمیر «ه». ۴: ۳۲۰۳

قاپله: ماما. ۲: ۲۵۱۹
قَارِعَه، الْقَارِعَه: کوبنده، از نام‌های قیامت.

۳: ۲۸۳۵، ۶: ۳۹۶۳
قاروره: شیشه مدوری به شکل مثانه که ادرار

مریض را در آن می‌گرفتند. مجازاً به معنی
ادرار بیمارست. ۱: ۱۰۳، ۴: ۱۷۹۵

قازیان: دیگ بزرگ، پاتیل. ۳: ۱۶۴۳
قاسی: سخت، سفت. صفت فاعلی از فعل قَسَا

يَقْسُو قَسَاوَةً (=سفت و سخت شدن).
۵: ۱۶۰۶، ۵: ۲۷۴۷

قاصد: عمداً، از روی قصد. ۴: ۱۷۲۳، ۶: ۴۳۹۸
قاصداً: عمداً، از روی قصد. ۲: ۳۵۶۰، ۴: ۱۶۲۰

۵: ۵۴۲، ۵: ۲۴۰۸
قاصد کردن: کاری را عمداً انجام دادن. ۲: ۳۰۵۲

قاضی القضاة: کسی که از جانب خلیفه یا سلطان
به شغل قضا در همه کشور منصوب شود.

مقصود در اینجا حضرت حق است.
۱: ۲۷۰۱

قال: گفتار، گفتگو، سخن. ۱: ۵۵۱، ۵: ۲۶۵۳
قاموا: ایستادند، فعل ماضی اما در آیه مورد

اشاره با لفظ «إذا» معنی مضارع یافته است.
۶: ۲۲۳۴

قَانِت: خداترس، خاضع، نیایشگر. ۶: ۸۵۸
قَانِتات: جمع قَانِتَه به معنی زن فروتن، خداترس،

پرهیزگار. ۵: ۳۴۹

که دهنه افسار بر دهانشان ضربه می‌زد.
۳۶۷۴:۶

قَرَن: باب: کوبیدن در. ۳۰۹۲:۳، ۴۰۷۷:۶
قَرْن: مردم یک دوران، نسل، یک دوره صد
ساله. «قرن بر قرن» یعنی نسل به نسل.
۱۹۵۵:۵

قِرْن: همتا، قرین، مانند، نظیر، مُماتل. جمع:
أَقْران. ۳۶۰۷:۵، ۳۹۱۷:۵، ۳۷۶۵:۶
قِرناق: کنیزک. لفظی ترکی است. ۳۹۴۲:۶
قَرْنُفُل: گیاهی از دسته میخک‌ها که گل‌های آن
جنبه زینتی دارد و در باغچه کاشته می‌شود.
۲۴۷۴:۵

قرن قرن: نسل در نسل: زیرا «قَرْن» به معنی یک
دوره و نسل نیز آمده است. ۴۴۹:۵
قَرَوَقَر: تندر، آسمان غُرْمیه. ۱۰۵۷:۶
قُرُون: جمع قَرْن و قرن به معنی مردم یک
دوران، یک نسل، نسل بعد از نسل، دوره،
عصر، صد سال. ۳۱۴۴:۶

قِرئ: مهمانی، آنچه پیش مهمان نهند. ۲۳۹۸:۶
قَریر: کسی که از فرط خوشحالی چشمش
بدرخشد. ۲۹۶۶:۶، ۳۱۲۸:۶
قَرین: نزدیک، همدم، مصاحب. ۳۶۴۴:۱
قَر: ابریشم، پرینان. ۳۴۴۴:۳، ۱۵۲۷:۶
قَسام: بسیار تقسیم‌کننده (صیغه مبالغه).
۱۶۴۳:۴، ۲۳۵۸:۵

قِسَم: بهره‌ها و نصیب‌ها، سهم‌ها؛ جمع قسمت.
در اینجا مناسب معنی عطاودهن است.
۱۴۹۴:۶، ۲۷۲۷:۶

قَسَوَتی: قساوت، سخت‌دلی. قَسَوَت + یای
مصدری. برگرفته از آیه ۷۴ سوره بقره.
۴۹:۱

قِشَرِ أَفشار: صفت مرکب فاعلی مرخم. به معنی
فشارنده پوست. در اینجا مراد سوزاننده و
نابودکننده پوست است. ۳۹۲۸:۶

قِشَرِ گفتن: اضافه تشبیهی است از نوع اضافه

قُدوس: صیغه مبالغه به معنی بسیار پاک، از
صفات تزیهی حضرت حق است.

قدوم: وارد شدن، در آمدن به جایی، پیشرو
شدن، در اینجا مناسب امامت و پیشوایی در
امر ارشاد و سلوک است. ۲۶۴۳:۶
قُدَوَه: سرمشق، نمونه، کسی که بدو اقتدا می‌کنند.
۱۱۵۷:۶

قَدید: گوشت خشکیده نمک‌سود، مجازاً کهنه و
فرسوده. ۲۳۸۰:۴، ۷۱۹:۶، ۱۲۷۷:۶،
۱۷۷۶:۶، ۴۶۴۳:۶

قَدَر: پلیدی، پلید شدن، نجاست؛ جمع: أَقْدار
۲۰۸۶:۳، ۱۲۰۳:۵، ۱۸۵۵:۵، ۲۲۰۴:۵،
۴۱۸۷:۵

قَذَف: سنگباران، پرتاب سنگ. ۳۳۰۸:۱
قَذئ: خس، خاشاک، گرد و خاک. جمع: قَذئ و
أَقْداء. ۲۸۰۸:۵

قَراضه: ریزه‌های زر و سیم که از تراشیدن
بریزد. ۲۱۸۳:۱، ۳۲۸۷:۴

قِران: مقایسه؛ مقارنه و پیوستگی؛ قِرانات: جمع
قِران به معنی همدم شدن و همنشینی. قِران،
اصطلاح نجومی نیز هست. ۲۸۶۶:۴،
۱۴۴۲:۵، ۳۸۹۶:۵، ۲۶:۶

قَرَب: جمع قَرَبه به معنی مشک آب، خیک.
۳۱۳۰:۳

قربان: حیوانی که آن را برای تقرب به خدا سر
ببرند؛ نیز به معنی کمان دان و جعبه‌ای که
کمان را در آن نهاده و از پشت
می‌آویخته‌اند. ۱۱۷۵:۱

قُرْبانی: گوسفندی که در عید قربان در راه خدا
ذبح شود. ضمناً حاصل مصدر و به معنی
قربان شدن هم آمده است. ۷۱۵:۴

قُرَّةُ الْعَین: در اصل به معنی خنکی چشم است،
نور دیده «عین» در اینجا به صورت تشبیه
آمده است. ۳۵۸۵:۶

قَرَع: کوبیدن، کوفتن. مراد از «قَرَع لَگام» اینست

خاطر و تمرکز تام نسبت به حضرت حق.

۲۰۵۴:۳

قعرِ نار: زرفای آتش. ۹۴۶:۱

قِف: قیف. ۲۲۲۸:۶

قِفَا: پشت‌سر، پشت‌گردن، پشت. ۲۸۰:۱

۳۶۲۳:۳، ۱۶۵۰:۴، ۱۰۰۰:۵، ۱۰۶۱:۶

۲۷۱۴:۶

قِفَار: بیابان‌ها؛ جمع قَفَر. ۶۶۹:۶

قِفْصُ شَکْلِ: به شکل قفس. ۱۸۴۹:۱

قفل نهادن بر حلق: کنایه از امساک در طعام و

خودداری از پرخواری است. ۳۵۷۱:۲

قُلْ: بگو. فعل امر از قَالَ يَقُولُ. ۳۱۹۱:۴

قُلَّاب: آنکه سکه‌های تقلبی بزنند. زیرا کلمه قُلَّب

به معنی وارونه کردن است، دغلکار، متقلب.

گرداننده از سره به ناسره. ر.ک. ناظم‌الاطباء،

به ضم قاف نیز خوانده‌اند و آن را مأخوذ از

کلمه قُلَّب (حیله‌گر) گرفته‌اند که با دخل و

تصرف فارسی زبانان، فتحه آن اشباع شده.

۲۱۴۹:۱، ۱۴۰۴:۲، ۲۵:۴، ۱۵۲۰:۵

۳۱۴۹:۶

قَلَّابِی: تقلّب، زدن سکه‌های بدلی. ۱۷۲۶:۶

قَلَّاش: کلّاش، ولگرد، حیله‌گر، بی‌چیز و مفلس،

باده‌پرست، مقیم در میکده، خراباتی.

۶۴۸:۲، ۲۵۷۱:۲، ۳۰۷۲:۴، ۱۵۶۰:۶

۲۰۶۶:۶

قِلَاع: جمع قَلْعَه به معنی دژ. ۳۱۳۶:۴، ۳۶۵۶:۶

قِلَاوُوز: پیشاهنگ، بلدراه، دلیل راه، راهبر،

مقدمه لشکر، پیشرو سپاه. ۱۱۸۳:۱

۲۴۹۹:۱، ۲۹۴۴:۱، ۵۸۸:۳، ۱۴۲۹:۴

۱۱۲۷:۵، ۱۵۹۳:۵، ۳۴۸۶:۵

قِلَاوُوزِی: رهبری و هدایت. قِلَاوُوزِی (= طلایه

سپاه، لفظی ترکی است) + یای مصدری.

۳۹۷۸:۶

قِلَاوُوزِی کردن: راهنمایی کردن، دلیل راه شدن.

لغت «قِلَاوُوز» مأخوذ از ترکی است به معنی

مُشَبَّه به به مُشَبِّه یعنی سخن مانند پوست

است. ۱۱۷۷:۵

قُشُور: جمع قُشْر به معنی پوست. ۳۷۶۴:۱

۱۹۳۴:۵، ۲۹۸:۴

قُصَاص: قصه‌گو. نَقَالَ. ۱۶۷۲:۶

قُصَاص: مجازات قاتل، سزا دادن. ۳۸۵۴:۱

قُصْر: کوتاه کردن. ۲۹۳۱:۴

قُصْر مَشِید: کاخ بلند و استوار. برگرفته از آیه

۴۵ سوره حج. مراد علم دین و اسرار یقین،

علم و معرفت باطنی یا حریم قرب‌الهی

است. ۱۰۱۵:۱

قُصَص: جمع قُصّه، داستان، حکایت. بعضی در

اینجا از قصص معنی مفرد مستفاد کرده‌اند.

۲۰۱۵:۴

قُصُور: کوتاهی فهم، کم‌عقلی؛ قصرها، کاخ‌ها.

۴۴۳۵:۶، ۳۱۸۵:۶

قُصُورِ اَبْلَهَان: قاصرترین ابلهان. ۱۱۵۸:۱

قُصِیل: بوته سبز گندم و جو که به چهارپایان

دهند. جمع: قُصُلَان. در اینجا مطلقاً به معنی

علف است. ۲۴۸۵:۶، ۲۸۵۸:۵

قُضِیب: شاخه جدا شده. شاخه بریده شده،

شمشیر بُرا. جمع قُضْبَان. اما برخی از

شارحان، آنرا چوبدستی معنی کرده‌اند.

۲۷۹۲:۴

قَطّ: هرگز، از ظروف در زبان عربی که فقط

برای ماضی منفی می‌آید. ۱۱۲۱:۴

قَطَارِیق: هیاهویی که به هنگام برپا شدن جنگ

شنیده شود. ۳۷۳۷:۵

قَطَایف: نام حلوانی لطیف و خوش طعم.

۱۹۱۸:۳

قُطْب: محور، مدار؛ جمع: أَقْطَاب. ۲۶۵۳:۴

قَطْر: قطره؛ جمع: قِطَار. ۱۶۲۵:۶

قَطْره خون: سویداء. ۱۱۸۰:۲

قَطُوع: بسیار بُرنده. صیغه مبالغه از قَطَع. ۲۶۵:۳

قُعْدَه: نشستن. اینجا کنایه از حالت جمعیت

قَمْع: کوفتن، سرکوب کردن. ۴۳۵۲:۶
قَمِیص: پیراهن. جمع اَقْمِصَه و قُمُص. ۱۸۴۶:۴
۴۱۱۸:۶

قَنَدخا: خاینده قند، جَوْنده قند. «عقیق قَنَدخا»
کنایه از لبی که سخنان شیرین و دلپذیر
گوید. ۳۳۱۲:۶

قَنَدخُو: کسی که مهربان و ملایم باشد. ۲۰۸۱:۴
قندیل: چراغ، چراغدان، شمع، شمعدان. مراد نور
معرفت و مکاشفه است: جمع قنادیل.
۲۴۸۴:۱، ۲۸۰:۵، ۱۸۰۰:۵
۲۸۷۹:۵

قِنطار: واحدی در وزن که در مقدار آن اختلاف
وجود دارد. به هرحال در مقادیر فراوان
بکار رود: جمع: قَناطیر. ۱۶۲:۶
قَنُفَذ: خارپشت. ۴۰۵۹:۳

قُنُق: مهمان (لفظی ترکی است). ۱۵۶:۲، ۴۵۹:۴
۶۵:۵، ۲۹۵۹:۵، ۳۰۳۴:۵، ۳۶۴۷:۵
۷۶۰:۶

قُنوع: قناعت کردن، تکذی. ۶۱۰:۵
قَوَاد: قواده: کسی که زنان و مردان را برای
هم آغوشی به هم برساند، کسی که واسطه
شهوترانی دیگران است، پالانداز. ۳۹۹۹:۵
۴۶۶۲:۶

قَوَادِ عاق: بی ناموس نافرمان. ۱۳۳۵:۶
قَوَادکان: دیوثان حقیر و فرومایه. قَوَاد + کاف
تصغیر + ان (علامت جمع فارسی).
۳۵۶۰:۵

قَوَاسی: کمانگیری، کمان‌کشی، تیراندازی با
کمان. ۲۳۵۰:۶

قَوام: مرتب بودن، اعتدال، منظور از «خفته باشم»
در قَوام اینست که قیافه شخص خواب را
به خود می‌گیرم، و یا خود را به خواب
می‌زنم. ۲۵۸۰:۵

قَوام: کفیل، نگهدارنده، برپا دارنده. ۵۲۰:۴
قوام: حالت چیزی که رسیده و پخته باشد.

پیشرو لشکر، راهبر، پیشاهنگ. ۱۶۹۷:۴
قَلَب: وارونه کردن، طلای تقلبی، به زر و سیم
ناسره نیز گویند. ۳۲۹۴:۱، ۷۴۴:۲، ۹۷۷:۶
قلب آمیز: تقلبی، مغشوش. ۳۵۳۱:۱
قَلَب رَن: متقلب، کسی که سگه‌های تقلبی
می‌زند. ۱۷۲۶:۶

قَلَب ساز: دغل کار، متقلب، آنکه سکه تقلبی
می‌سازد. ۱۹۸۳:۵
قَلَتَبان: بی‌حمیت، بی‌غیرت، بی‌ناموس. ۶۷۷:۲،
۲۱۸۶:۲، ۲۸۰۴:۲، ۲۲۳۵:۳، ۲۴۴۷:۳
۳۵۵۶:۴، ۳۸۵۴:۴، ۳۵۰۹:۵، ۴۴۸۱:۶

قَلْزَم: دریای سرخ، در مثنوی غالباً به معنی
مطلق دریای ژرف و پهناور بکار رفته است.
۸۸۱۱:۱، ۳۳۰۸:۲، ۱۹۸۳:۳، ۳۶۲۶:۳
۴۰۵۲:۶، ۱۱۵۳:۶، ۱۴۶۰:۶

قَلْزَم اِکرام خُو: دریایی که صفت بخشنده‌گی دارد.
کنایه از سخاوت شگرف آن محسوب.
۳۰۲۳:۶

قَلْع: مصدر عربی به معنی کندن. ۵۴۲:۵
قَلَق: اضطراب، پریشانی، ناآرامی. ۸۱۱:۲
۳۵۱۶:۶، ۱۹۱۸:۶، ۳۱۹۲:۴

قَلْماشی: قلماشی لفظی ترکی است به معنی
بیهوده‌گویی. برخی نیز آن را مخفف قُل
مَاشِئْتُ (= هرچه می‌خواهی بگو) دانسته‌اند،
کنایه از سخنان یاهو. ۳۸۱۰:۴، ۱۶۳۷:۶
قَلِیه: مآخوذ از قَلِیَّة عربی به معنی پاره‌گوشت،
تکه گوشت بریان شده. در اینجا به معنی
مطلق غذا. ۱۲۱۲:۶

قَم: برخیز، فعل امر از قَامَ يَقُومُ. ۱۳۴۶:۲
قَمّا: اسم مفعولی یا ترکی به معنی کنیزک. ۶۷۵:۶
قُمّاش: اسباب و اثاثیه منزل، رخت و متاع
خانه. در اینجا شاید مراد از آن پارچه و
لباسی است که برای عروس و داماد تهیه
می‌شود. ۹۸۳:۱، ۲۶۸:۶

قَمَح گندم، نَخُو قَمَح: به سوی گندم. ۴۲۶:۳

فرمانروایی، شکوه و جلال. ۲۲۰:۱.
 ۴۴۳۳:۶، ۳۸۶:۵، ۷۰۲:۳
 کاریز: قنات، مجرای آبی در زیرزمین.
 ۲۵۹۱:۶، ۲۰۷۱:۵، ۴۳۰۱:۳
 کازه: سایانی که کشاورزان و پالیزبانان از
 چوب و گیاه می‌سازند تا به وقت باران در
 آنجا نشینند، کومه، کوخ، مطلق خانه، بر غار
 هم اطلاق می‌شود. ۱۳۹۳:۱، ۱۰۹۸:۶
 کاژ: لوچ و اخول. ۳۳۹۸:۲
 کاس: مخفف کأس به معنی جام، جام پُر. ۷۵۵:۲
 کاسید: بی‌رونی، بی‌آب و تاب، بی‌رواج و قدر.
 ۲۳۰۶:۱، ۴۳۶۲:۳، ۲۵:۴، ۱۷۳۳:۴.
 ۳۱۱۰:۵
 کاسه لیس: لیسنده کاسه، آنکه ته مانده غذاها را
 می‌خورد، ریزه‌خوار، چاپلوس. ۳۸۷:۵.
 ۲۳۴۰:۶
 کاسه لیس: پرخواری، آزمندی. ۲۰۶۰:۶
 کاشِفُ الْأَسْرار: آشکارکننده رازها. از اسما
 الهی. ۳۵۹۳:۱
 کاشِفُ السِّر: آشکارکننده راز. ۱۰۱۴:۴
 کاشِفی: حاصل مصدر، به معنی کشف شدن.
 ۳۰۰۷:۴
 کاغ کاغ: بانگ کلاغ، قارقار. ۷۶۷:۵
 کاغه: گول، نادان. ۳۷۲۰:۱
 کاف: به معنی شکاف و مخفف آن ابهام دارد به
 کاف کفر. ۱: ۱۲۳۰
 کاف ران: شرمگاه زن و مرد. ۲۳۰:۱
 کافور: به لغت هندی «کپور» گویند و آن صمغ
 درختی است که بیشتر در جزایر و سواحل
 دریاها روید. و آن به پاره‌ای نمک شبیه
 است. ۲۱۸:۴
 کَالْجِبَال: مانند کوه‌ها. حرف تشبیه کَ (از
 حروف جازه) + جِبَال: جمع جَبَل. ۴۵۱:۵
 کالج: تُرْشِرُو، اخم‌آلود. ۳۱۲۱:۴
 کاله: کالا، متاع. ۲۳۵۱:۱، ۲۶۵۲:۳، ۷۲۱:۵.

۱۵۰۲:۱
 قَوایم: قائمه به معنی یک پای یا یک دست
 ستور. ۱۴۸۷:۳
 قَوْد: به انتقام مقتول قاتل را کشتن، قصاص و
 کیفر. ۴۱۶۷:۵، ۳۱۶۳:۵، ۴۵۶۴:۳
 قَوْس: کمان. ۱۲۱۳:۳، ۱۹۴۱:۶
 قَوْصَره: زنبیل خرما، جمع قَوَاصِر. ۲۱۷۱:۴
 قولنج: نام مرضی است که در امعاء و احشا پیدا
 می‌شود و با دردی شدید توأم است. انواع
 آن در کتب طب قدیم آمده است. ۲۶۷۸:۴.
 ۱۶۹۷:۵
 قَوْمِ زَحیر: مردم بیمار و آزاردهنده. در برخی از
 نسخه‌ها «زحیر» به معنی منع کرده شده
 آمده است. یعنی قومی که از سرفرازی منع
 شده‌اند. ۲۹۹۶:۳
 قَهْر: نیرو، قدرت و غلبه. ۵۱۳:۱
 قَهْرِبَار: بارنده قهر. چیره و غالب. ۳۷۶۱:۴
 قَیْصَر: لقب سلسله‌ای از پادشاهان روم.
 ۲۰۷۶:۲
 قیوم: پاینده، قائم به تدبیر امور خلاق. ۴۱۷۳:۵
 کابین: مهریه و مبلفی که به هنگام عقد نکاح بر
 ذمهٔ مرد مقرر می‌شود. ۴۸:۴
 کاج: لوچ، دوپین، کاج نیز به همین معنی است.
 ۲۰۸۶:۴
 کارافزا: مایهٔ دردسر، مجازاً مشغله‌آور.
 گرفتارکننده، دست و پاگیر. ۲۳۶۶:۱.
 ۲۵۲۶:۳
 کاردبَر: برکارد. ۲۴۸۲:۳
 کاززار: جنگ و نبرد. ۷۱۴:۱
 کارگه: مخفف کارگاه. ۶۱۲:۱
 کار و بار: کار به معنی کشت و زراعت و بار به
 معنی نمر... مجازاً وضع مزاج و حالت
 معیشت را افاده می‌کند در محاورت
 امروزین. ۲۳۱۷:۱
 کار و کِیا: قدرت و سلطنت، توانایی و

- ۱۲۵۷:۵
 کَبَس: در اصل به معنی انباشتن چاه از خاک و امثال آن است. در اینجا مقصود انباشتن کیسه و جیب و بغل از زروسیم است.
 ۳۶۸۵:۶
 کَبوترخانه: بنایی که کبوتران در آن آشیان سازند، بُرج کبوتر. ۱۹۹۷:۶
 کَبُود: غالباً به صورت، «کُور و کبود» به معنی ناقص، زشت و رنج آمده است. ۱۱۲۶:۴
 کبودی زدن: خال کوبیدن، خالکوبی، بدین طریق که با سر سوزن، پوست را می‌خراشند و در محلّ خراش، سُرمه یا نیل و یا مرگَب می‌افشانند. خالکوب، نقش‌های مختلفی از قبیل حیوانات و گیاهان و یا چهره آدمی بر روی ساعد و یا سینه و شانه و پشت نقش می‌زنند. خالکوبی از زمانهای دیرین و در عصر جاهلیت مرسوم بوده و در اسلام، نهی شده است. ۲۹۸۲:۱
 کَب: گپ، گفتگو کردن. ۲۵۰۵:۶
 کَبی: بوزینه، میمون. کَبی نیز صحیح است. ۲۱۵۷:۵، ۳۵۵۳:۴
 کَبی خُوی: بوزینه صفت. ۱۸۲۸:۶
 کِث: مخفَف که تو را. ۲۱۷۹:۱، ۱۳۲۲:۴
 ۱۳۹۸:۴
 کُتَاب: دبیرستان، مکتب‌خانه. ۱۵۹۲:۳
 ۳۳۲۲:۴، ۲۵۷۸:۴، ۳۶۴۴:۳
 کُتِف: شانه، دوش. ۲۹۸۲:۱
 کُتَم: پوشاندن. مصدر ثلاثی مجرد. ۲۰۵۳:۵
 کُتیم: مَکُتوم، پوشیده شده، پنهان شده. ۲۲۵۴:۴
 ۱۵۸۶:۶
 کُتَبان: جمع کُتیب به معنی تپه شنی، تَلّ. ۳۱۳۵:۳
 کُتِیف: ستبر و غلیظ، درهم پیچیده و انبوه، چرکین و ناپاک. ۳:۵
 کُحَال: سُرمه کش، کسی که در قدیم چشم
- ۱۵۰۷:۵، ۸۳۴:۶، ۴۲۱۰:۶، ۴۲۸۴:۶
 ۴۸۷۹:۶
 کالیوه: حیران و سرگردان، پریشان، نادان و احمق. ۳۷۸۲:۱، ۴۱۴:۳
 کام‌بین: بیننده کام، کسی که در پی کامیابی خود است، آنکه به کام رسیده است. ۲۹۶۹:۶
 کام دشمن: اضافه مقلوب است یعنی «دشمن کام» و اگر اضافه مقلوب ندانیم و کام را مضاف به دشمن فرض کنیم بدین معنی است: موافق کام دشمن که نفس اماره است می‌رود. ۱۶۵۲:۳
 کامین: نهفته، پنهان. از مصدر کُمون. ۲۸۸۰:۴
 کامِنون: جمع «کامین» به معنی پنهان شده، نهفته شده. ۳۶۶۷:۳
 کاه دود: اسمی مرکب است و به معنی دودی است که از سوختن کاه برخیزد. علامه دهخدا در یادداشت خود می‌نویسد: در قدیم رسم بود که اگر بدهکاری بدهی خود را نمی‌پرداخت طلبکار مقداری کاه بر در خانه او می‌آورد و دود می‌کرد. بدین مناسبت کاه‌دود گذاشتن و کاه دود کردن کنایه از مطالبه جدی و سخت گرفتن بر بدهکار است. از مطالب فوق بر می‌آید که مراد از «کاه‌دود» سرعت و سماجت است. ۲۱۲۳:۶
 کاهِل: تنبل، سست. ۹۱۴:۱، ۳۱۲۰:۵
 کاهلی: سُستی، تنبلی؛ «در غزا کاهلی کرد» یعنی به کارزار ادامه نداد و دست از پیکار کشید. ۴۸۸۷:۶، ۳۷۲۵:۱
 کَاس: جام، جام بُر. ۳۷۲۵:۵، ۱۹۰۲:۶
 کُتیب: اندوهگین، دلتنگ. صفت مشبّه از مصدر کُتَب و کَآبَه. ۳۲۴۷:۶، ۴۷۹۷:۶
 کِبَار: بزرگان، جمع کبیر. ۷۰۶:۴، ۴۱۸۶:۶
 کَبِت: خوار کردن، بر زمین زدن. ۲۵۹۸:۵
 کَسَبَد: رنج و سختی. ۱۷۱۰:۱، ۴۳۷۷:۳

کرام: جمع کریم به معنی بزرگوار، بخشنده، جوانمرد. ۱۲۴۱:۳، ۱۸۸۱:۳، ۲۰۵۷:۳، ۲۹۸۲:۴، ۳۷۲:۵
 کران: ساحل، کناره، کرانه، انتها و پایان. ۵۳۵:۲، ۳۱۶۶:۴
 کرب: اندوه، دلگیر شدن. ۳۵۳۵:۳
 کرب: جمع کُربَه به معنی اندوه، سختی. جوهری گوید: اَلْقَمُّ الَّذِیْ یَأْخُذُ بِالنَّفْسِ. یعنی اندوهی که روح آدمی را دچار کند. ۲۵۵:۴، ۷۳۸:۴، ۴۷۷:۵، ۱۶۱۰:۵، ۱۳۹۷:۶، ۱۶۴۸:۶، ۱۸۵۰:۶
 کریاس: پارچهٔ پنبه‌ای سفید و ارزان قیمت. ۱۱۶۳:۳، ۳۰۸۳:۱
 کُرت: در اصل به معنی تاخت و تاز، اما مجازاً به معنی دفعه، مرتبه و بار است. ۴۳۲۵:۳، ۲۷۴۹:۵، ۳۹۹۷:۶
 کُزته: پیراهن. ۳۲۵۶:۵
 کُزج: قاش. ۱۵۱۶:۲
 کُرخ: نام محله‌ای است در بغداد، نیکلسون کرخ را در بیت فوق، لفظی آرامی دانسته و آن را معادل آزگ و کنایه از مطلق شهر می‌شمرد: شهر عشق، شهر معشوق. ۹۲۸:۲
 کردگار: بسیار کننده. از نام‌های خداوند. ۹۵۴:۱
 کُرشم: حرکات دل‌انگیز چشم و ابرو که معشوقان و زیبارویان به کار برند. ۱۷۹۶:۱
 کُزع: آشامیدن آب. دهان در آب و یا ظرف نهادن و نوشیدن. ۱۶۳۷:۵
 کُرم: در اینجا منظور معجزه و خرق عادت است که خداوند به عیسی عطا فرمود. این وجه نیز صحیح است: عیسی به سبب عطا کردن حیات به مُرده، او را زنده می‌کرد. ۱۰۶۵:۴
 کُرم: درخت انگور، تاک، باغ؛ جمع: کُروم. به معنی انگور نیز می‌آید. ۴۷۳۹:۶، ۲۵۳۹:۴
 کُرفنا: گرامی داشتیم. ۱۲۳۱:۵، ۳۲۹۱:۳
 ۱۳۹:۶

بیماران را مداوا می‌کرده، چشم پزشکی، بدان کُخلی نیز می‌گفتند. ۱۷۰۱:۵، ۳۵۲۶:۵
 کُخل: سرمه کشیدن به چشم. ۱۶۰۸:۶
 کُخل: سرمه. و آن در اصل سنگی است سیاه و بَرّاق بغایت ثقیل و همرنگ آهن، اطباء قدیم مصرف آن را برای تقویت چشم و اعصاب چشم مفید می‌دانستند. ۳۸۲:۳، ۴۵۷۰:۳، ۳۳۷۳:۴، ۳۴۶۴:۴، ۳۵۲۶:۵، ۴۶۴۷:۶
 کُخل عزیزی: سرمهٔ عزّت، سرمهٔ گرانبها، مراد از آن بینش و بصیرت باطنی است. «عزیزی» با یای مصدری و نسبی تواند بود. ۳۸۲:۳، ۴۱۱۷:۶
 کُخ: کُخ: صدای خنده. ۳۰۱۷:۳
 کُذ: در یوزگی، گدایی، تکذبی، مشقت، سماجت در گدایی، جدّ و جهد، کوشش، مجازاً طلب، اکتساب، اقتباس. ۶۰۸:۲، ۲۱۹۶:۴، ۲۲۴۴:۵، ۲۶۹۷:۵، ۳۷۴۵:۶، ۳۹۸۸:۶، ۴۲۳۴:۶، ۴۸۸۸:۶
 کُذر: تیره، ناصاف، نازلال. ۱۵۱۵:۱، ۳۳۸۵:۱
 کُذی: گدائی کردن، تکذبی. ۲۶۷۵:۵
 کُدیت: گدایی، در یوزگی. در اینجا به معنی درخواست است. ۴۲۴۱:۶
 کُذیه: گدایی، سختی روزگار، سماجت در گدایی؛ «کُذیه تَنَد»: یعنی گدایی کند، در گدایی پافشاری کند. ۱۰۳۵:۳، ۲۳۵۹:۳، ۱۱۷۲:۴، ۲۷۴۹:۵، ۲۸۰۲:۵، ۳۲۵۰:۶، ۴۲۵۰:۶
 کُذیه پَرست: آنکه گدایی را سخت دوست دارد. ۳۲۵۰:۶
 کُذیه ساز: تکذبی کننده. ۱۰۷۱:۵
 کُز: رفت و برگشت، تاخت و تاز کردن. ۳۰۳۰:۶
 کُزّاری: کُزّار (بسیار حمله برنده) + یای مصدری. به معنی جنگاوری. ۳۸۴۰:۴

کَر و قَر: رفت و آمد، جولان کردن، شکوه و جلال؛ در اصل به معنی حمله و گریز در

میدان نبرد. ۱۹۱۳:۱، ۳۲۱۶:۴

کُروم: جمع کُرم به معنی زر و درخت انگور است. نیز به معنی سبزه کنار جوی آمده است. با قرینه باغ و راغ می‌توان آن را سبزه‌زار معنی کرد، مجازاً باغ و بوستان.

۴۴۳۸:۳، ۴۷۹۹:۳

کُره: زشت، بد منظر. ۳۰۶۱:۵

کُزها: از روی بی‌میلی، از روی اکراه. ۴۴۷۲:۳

کِری: کِراء، به معنی کرایه، مال‌الاجاره.

۲۵۴۸:۴، ۲۵۵۷:۴

کُریه: بدمنظر، زشت. ۶۴۶:۵

کُزاه: کجاوه که به عربی هَوْدَج گویند، نشیمن اتاقک ماندی است که بر شتر و استر بار

کنند و در هر طرف آن یکی بنشینند. ۲۱۵:۶

کُزبان: سخن درهم و برهم و متناقض. ۷۳۷:۱

کُزدم: عقرب. ۹۰۵:۱

کُزدم نیش: ترکیبی وصفی است؛ یعنی کسی که آزار و اذیتش مانند نیش عقرب مردم را

دردمند و مجروح می‌سازد. ۴۷۵:۳

کُزفکرت: کج‌اندیش. ۴۴۴۳:۵

کُزْمُز: کج و ناراست. از نظر دستوری آنرا اتباع

گویند. ۲۰۵۷:۴

کُزْمُز دیدن: درهم و برهم و کج و راست دیدن

اشیاء، غلط دیدن، اشتباه دیدن. ۱۸۱۷:۲

کِسا: لباس؛ جمع: اَکْسِیه. ۳۰۶۳:۶

کُسالنی: جمع مَکْثَر کِیل و کُسلان به معنی

سست و تبیل. ۲۲۳۴:۶

کُسب: کُنْجَاله روغن، نخاله و نغاله هر دانه‌ای که روغن آن را گرفته باشند، مانند دانه کنجد،

به آن کُنْجَاله هم می‌گویند. ۳۹۳۸:۳

کُسر: شکستن. ۴۰۴۷:۵

کُسرده: شکسته از هر چیزی، کنایه از ناچیز.

۲۱۱۶:۳

کُسوف: کسوف خورشید، نوعی گرفتگی است

که ضمن آن، تمام یا قسمتی از خورشید،

تاریک به نظر می‌رسد. و این وضع زمانی

پیش می‌آید که ماه بین زمین و خورشید

قرار گیرد. ولی از نظر قدما افتادن خورشید

یا ماه است در یکی از عقدتین، عقده رأس و

عقدۀ ذنب، و همین تعریف با معنی کلمه

سقط (افتادگی و سقوط) تطابق دارد، البته

برای مصراع دوم وجوه دیگری نیز بر

شمرده‌اند که خالی از وجه است. حاج

مَلاهادی سیزواری گوید: سقط به معنی

افتادن است. انکساف ظاهری، به حیلولت

قمر است میانه شمس و بصر ناظرین و

انکساف باطنی، به احتجاب شمس عقل

است به قمر نفس. ۹۲:۱

کِشوه: جامه، لباس؛ جمع: کُسی. ۳۶۱۳:۵

۱۷۶۱:۶

کُسه: یک نفر. کُس + های نسبت. مانند پشمینه،

روزانه. ۱۰۳۸:۱

کُسی: کس بودن، شخصیت داشتن، دارای هویت

بودن، شخصیت در اصطلاح روانشناسی.

۱۷۳۵:۱

کُش: خوب و زیبا، خوش و خوشایند؛ زیرغل.

۱۸۶۹:۵، ۳۷۴:۵، ۳۶۳۳:۱

کُش: که + اش. موصول + ضمیر. یعنی که او را.

۱۰۹۰:۱

کُشان: که ایشان. ۱۰۹۵:۱

کُشش: اسم مصدر است از کشیدن، معنی عام

دارد. ۸۰۵:۱

کُشش: کشیش. ۳۲۵۷:۵

کُشش: اسم مصدر از مصدر کشتن به معنی قتل و

کُشتن. در اینجا برای سهولت معنی بهتر

است اسم مفعول یعنی کُشته معنی شود.

۱۱۱۲:۶

کُش مَکُش: غم و اندوه. ۹۰۰:۱

کُشوف: کشف‌ها، مکاشفه‌ها. ۲۶۵۴:۶
 کَظْم غِیْط: خشم خود را فرو بُردن. طبری
 گوید: اصل کَظْم به معنی بستن دهانِ مَشْکی
 است که پر از چیزی باشد. همین‌طور گاه
 درون انسان، پُر از خشم یا اندوه می‌شود.
 ولی دم برنمی‌آورد و به اصطلاح
 عکس‌العملی نشان نمی‌دهد. ۳۳۷۹:۱
 کَغَب: تاسی تخته نرد، استخوان غوزک یا که به
 آن قاب می‌گویند و قماربازان با تعدادی از
 آن بازی می‌کنند و به اصطلاح قاب
 می‌ریزند. در اینجا «طفلانِ کعب» یعنی
 اطفالی که به بازی مشغول‌اند. ۱۵۶۸:۴
 کَغَبَتین: دو طاس تخته نرد که معمولاً از استخوان
 می‌سازند. ۴۱۹۰:۵
 کَفَاتت: برابری، مساوات، از ریشه «ک ف ه» نه
 «ک ف و». ۳۷۱۷:۵
 کَفْتَه: اسم مفعول از مصدر کَفَتَن به معنی شکافته،
 شکفته. پس مراد از «شَلَه کَفْتَه» در اینجا
 طبق قاعده «ذکر جزء و اراده کَل» زن و
 معشوقه است. ۴:۲، ۴۳۰۰:۶
 کُفْتَه: مخفَف کوفته به معنی کوبیده شده.
 ۳۱۰۷:۵
 کَف در وی زند: به او بگردد و تابع او شود.
 ۲۵۶۴:۳
 کَف گزیدن: حسرت خوردن، دریغ خوردن.
 ۴۷۱۸:۶
 کِفَل: بهره، قسمت، هم وزن و معادل. ۴۰۹۷:۳
 کَفْلِیز: کفگیر. ۴۱۶۲:۳
 کَفُو: همتا، نظیر. ۳۰۲۰:۲، ۱۹۶:۴، ۴۱۱۱:۵
 ۲۶۲۳:۶، ۳۴۰۰:۵
 کَفُور: بسیار ناسیاس. ۳۲۵:۶
 کَفی: فعل ماضی مفرد مذکر غایب ناقص یایی،
 یعنی کافی شد. ۳۸۰۲:۳
 کَل: کجل، مجازاً به معنی بی‌برگ و نوا و فاقد
 سرمایه‌های روحی، فضل و کمال و علم و

معرفت است. اگر منظور کَل (واژه عربی)
 باشد به معنی کَلیلُ اللسان (= لال و بی‌زبان)
 است. ۲۵۲:۱، ۲۳۴۳:۱، ۲۷۸۷:۳
 ۴۸۵۷:۶
 کَلّا: حرف رَدَع و تنبیه به معنی نه چنین است.
 در مورد رَد سخن پیشین بکار رود.
 ۴۱۲۲:۳
 کِلاب: جمع کَلَب به معنی سگ. ۳۰۰۴:۳
 ۷۱۳:۵، ۱۰۷۶:۴
 کَلابه: کلاف، گلوله ریسمان. ۹۹۸:۲
 کَلال: خستگی، درماندگی. ۳۳۵۳:۴، ۱۸۴۶:۶
 کَلان: بزرگ، عظیم. ۳۵۹۲:۱
 کَلایسه شدن: مصدر مرکب به معنی خمار شدن
 چشم، تغییر حالت چشم به‌طوری که سیاهی
 چشم برود و سپیدی چشم به جای ماند. این
 حالت یا بر اثر لذت فراوان پیش آید و یا بر
 اثر ضعف و سستی. ۳۷۳۴:۵
 کَلَب: سگ؛ جمع: کِلاب. ۲۶۷۳:۲، ۲۰۰۹:۵
 ۴۲۹:۶
 کَلک: کَل (= کچل) + کاف تصغیر فارسی، یعنی
 کچل حقیر، کَجَلک. ۲۶۰۰:۴
 کِلک: قلم، قلم نویسندگی. ۲۷۷۸:۳، ۳۷۲۲:۴
 ۱۶۹۰:۵
 کَلَمّا: هرگاه که، هر وقت که. ۳۵۳:۶
 کَلَنَد: افزار نقب‌کنان و گِلکاران و سنگ‌تراشان
 که با آن چاه‌کنند و بناها را خراب کنند و
 سنگ‌تراشند، کَلنگ. ۱۳۳۶:۲، ۱۶۳۷:۲
 ۲۷۵۸:۴
 کَلُوا: فعل امر حاضر از أَکَل یعنی بخورید. در
 شعر الف آخر آن ساقط شده است.
 ۱۴۰۷:۵، ۵۸۲:۵، ۶۲۰:۲، ۲۵۸۶:۱
 کَلَه: مخفَف کلاه. «کَلَه بر زمین زدن» رسمی بوده
 به گاه نزول مصیبت، داغ‌دیده از شدت حزن
 و اندوه کلاه خود را بر زمین می‌کوفته است.
 نظیر رسم گریبان دریدن و یقه چاک کردن.

۳۳۱۱:۱
 گُمیز: ادرار، مدفوع. ۷۳۹:۴، ۹۲۴:۵، ۲۵۰۷:۶
 گَمین: به معنی مکمون و پوشیده است. وزن
 فعلیل گاه به معنی مفعول آید. ۹۱۳:۶
 گَمینه: کمترین، کمتر. ۵۸:۱، ۲۷۳۰:۴، ۴۹۷:۵
 کناران: اطراف بدن. جمع کنار به معنی طرف و
 گوشه. ۹۳:۱
 کَناس: همان کَناس به معنی جارو کش است. به
 معنی جارو نیز آمده است. ۴۸۰:۴
 کَنَدَن سِبَلَت: در اینجا به معنی کیفر دادن و
 عقوبت کردن است. ۱۶۱۰:۴
 کَندوری: دستار خوان که دست و دهان را با آن
 پاک می‌کند؛ دستمال سفره. ۳۱۱۴:۳
 کَنده: صفت مفعولی از مصدر کَنَدَن (= حفر
 کردن) به معنی حفر شده، گودال، خُفره.
 گودالی که پیرامون قلعه و شهر حفر
 می‌کردند که بدان «خندق» گویند، و
 «خندق»، مَقَرِب «کَنده» است. ۲۰۷۳:۵
 کَنده: تکه چوب کلفت، تنه بریده شده درخت،
 کُند. تکه چوب ستبری که با بند آهنین به
 پای زندانیان می‌بستند. ۲۲۸۰:۵، ۷۹۹:۶
 کَیشت: کلیسا، صومعه، بت‌خانه، معبد کَفّار، معبد
 یهودیان، آتشکده. با ضمه «کاف» نیز
 صحیح است. ۳۲۲:۵، ۲۹۱۵:۵
 کَنف: جانب، ناحیه، کرانه. ۱۴۵۸:۱
 کُنْ فَکَانَ: «کُنْ» اشاره به «مَشِیةَ اللّٰه» است.
 ۴۶۳۹:۳
 کَیَنگ: اَمَرَد درشت اندام، قوی هیكل، بی‌حیا،
 پست. ۳۱۵۵:۲، ۳۸۶۷:۶
 کَیَنگ اَمَرَد: صفت و موصوف مقلوب است. در
 اصل بوده است اَمَرَد کَیَنگ. یعنی نامرد ستبر
 و عظیم‌الجثه. ۳۰۴:۶
 کُنگره: شکل‌های مثلث یا نیم دایره از گل یا از
 آجر و سنگ که بالای دیوار یا بارو و برج
 قلعه می‌سازند. ۶۸۸:۱

مقابل «کلاه به هوا انداختن» که علامت
 شادی است. ۱۶۹۲:۱، ۴۸۵۷:۶
 کَلّه: پرده، حجاب: جمع: کِلَل. ۱۴۹۷:۶
 کَلّه‌دار: مخفّف کلاه‌دار، به معنی پادشاه،
 شاهزاده، بزرگ. ۳۶۳۴:۶
 کَلیچه: مطلق نان، کلوچه. ۲۶۶۵:۳
 کلیم: هم سخن، کلیم اللّٰه: لقب حضرت
 موسی(ع). ۳۵۵:۲
 کَلیل: درمانده، سست، عاجز: جمع: کِلال.
 ۱۸۳۸:۶، ۳۵۴۶:۳
 کم آمد: فروتنی، تواضع. ۲۸۴۷:۱
 کم اِشکم کردن: شکم را ناچیز شمردن، کنایه از
 کم خوردن. ۳۱۳۷:۱
 کمال کسی یا چیزی را کشیدن: کنایه از عهده
 برآمدن و تاب آوردن است. ۱۳۸۳:۱
 کَمپیر: سالخورده فرتوت. ۴۲۳۰:۶
 کَمپیرک: کَمپیر (= پیرزن) + کاف تصغیر.
 ۳۱۴۵:۴
 کم ده: مده. ۶۰۷:۶
 کم‌خدمت بستن: آماده شدن برای
 خدمتگزاری. ۲۴۲:۳
 کَم زَدَن: خود را کم انگاشتن، فروتنی و تواضع
 کردن، کاستن و کوتاه کردن. ۱۰۹۵:۳،
 ۳۷۱۵:۳
 کَم زَدَن: نیکلسون آن را در این بیت به ضمّ
 «کاف» خوانده و کَم زدن را مساوی آستین
 افشاندن و فرار کردن از کسی و پنهان شدن
 گرفته است. غالب شارحان آن را به پنهان
 شدن و مستور گشتن معنی کرده‌اند.
 ۳۸۱۸:۳
 کَم میزان: کم ارزش. ۱۳۶۳:۲
 کَمون: پوشیدگی، نهفتگی، پنهانی. «در کمون
 داشتن» ظاهراً یعنی منع کردن و بازداشتن.
 ۳۹۲۲:۶
 کَمی: نُقصان، کاستی. کم + یای مصدری.

است. ۳:۴۳۵۹
 کُور و کبود: ناقص، زشت و نادلپذیر، رنج، آفت و مشقت. این تعبیر در مثنوی فراوان بکار آمده است. ۱:۹۴۲، ۴:۱۰۹۹، ۵:۲۷۱۹، ۶:۴۱۱۶
 کُوس: نقاره، طبل بزرگ. ۱:۳۵۳۴، ۳:۳۳۲۲، ۴:۳۷۸۲
 کُوسه: کسی که ریشی تنک و کم‌پشت دارد، کنایه از آدم زیرک. ۶:۲۰۲۷، ۶:۳۸۴۳
 کوکنار: خشخاش. ۵:۱۸۰۱
 کُه: مخفَف کاه. ۱:۳۷۹۴، ۵:۱۴۷۶
 کُه: کوچک، مقابلِ مِه، غلامان یک آقا. ۱:۱۱۷۱
 کُه: مخفَف کوه. ۱:۱۲۸۲
 کِهان: جمع کِه به معنی خُرد و کوچک. ۴:۲۸۸۲
 کُهدانی: اهل آخر ستور، پست و حقیر. ۶:۴۲۹
 کُهگِل بَسْت: بسته شده با کاهگل، اندود شده با کاهگل، کاهگلی، صفت مفعولی مرکب مرخَم. ۴:۲۲۴۹
 کُهَل: مردی که سَنَس بین سی تا پنجاه سالگی باشد، کُهولت. ۳:۱۷۹۵
 کِهین: کوچک، کوچکتر. ۱:۲۵۰۶
 کئی: از حروف ناصیه که موجب نصب مضارع می‌شود و افاده تعلیل می‌کند. به معنی «برای اینکه» و «به جهت اینکه» و «تا اینکه» و امثال این معانی است. ۶:۴، ۶:۶۶۹
 کی: چه کسی؟ کدام کس؟ چه کس؟ ۱:۱۶۱
 کیا: بزرگ، سرور، حاکم، پادشاه. ۱:۹۷۵، ۳:۱۳۸۳، ۵:۱۹۳۷، ۶:۳۹۶۸
 کِیال: پیمان‌دار و پیمان‌گر. ۵:۱۵۸۷
 کیان: بزرگان؛ جمع کئی. ۱:۱۰۴۰
 کیان: چه کسان؛ جمع کئی. ۱:۱۰۴۰
 کِیس: زیرک. ۲:۲۹۳۸
 کیسه بُر: دزد، جیب‌بُر. در اینجا به معنی فریبنده. ۶:۴۲۷۲، ۶:۴۲۸۴
 کیسه دوختن: برای دریافت چیزی آماده شدن،

کَنود: بسیار ناسپاس. ۱:۳۶۷۷
 کُنوز: گنجها، گنجینه‌ها؛ جمع کَنز. ۵:۱۷۷۵، ۶:۲۵۱۲
 کُنیت: کُنیه در اصطلاح صرفی نامی است که در اول آن «أبو» و «أُم» و یا «ابن» و «بنت» بیاید مانند ابوالحسن، أُم سَلَمَه، ابن داوود و بِنْتُ الْهَدی. لیکن طبق این قاعده «سَرزَی» کُنیه نیست، بلکه لقب است. با این حساب مولانا «کُنیه» را در معنی لفظی بکار بُرده نه اصطلاحی. یعنی نامی که جنبه کنایی دارد. ۵:۲۶۶۷
 کُنیس: بُت‌خانه، معبد یهودیان، کنیسه، کُنِشت ۶:۴۵۸۵
 کو: راه تنگ. گُو (= گودال) نیز ضبط شده است و نیکلسون با اینکه ضبط اول را در متن آورده اما می‌گوید گُو مولوی وارتر است. ۴:۱۴۸۶
 کُو: مخفَف کِه + او. ۵:۱۶۸۵، ۵:۱۹۷۸، ۵:۲۷۶۶
 کُوب: صدمه، آسیب. مشتق از کوفتن. ۱:۱۰۳۵
 کُوته بَنان: کوتاه انگشت، کسی که دسترسی به مراتب بالای جهان هستی را ندارد. ۱:۳۸۷۷
 کُوته تَگی: کم عمقی، کم فهمی و بی‌فراستی و نارسایی، کم شعوری و بی‌کیاستی، کوتاه نظری، کوتاه‌بینی. «تگ» به معنی پایین و ته است. منظور اینست که عمق بینش این‌گونه افراد کم است. ۴:۲۱۶۶
 کُوته کردن گلیم: مجازاً مختصر کردن. ۱:۲۹۹۵
 کُودبان: جُلّی که روی کوهان شتر می‌اندازند و بر آن می‌نشینند. ۲:۳۴۵۱
 کُودک مَرخُوم او: کودک مورد علاقه او. ۳:۷۸
 کُور دُور: آنکه بصیرت باطنی ندارد و از وادی حقیقت دور افتاده است. در بیت (۱۷۶) دفتر دُوم نیز «دُور» به همین معنی آمده

توقّع و طمع داشتن. ۴۷۳:۵

کیش: مذهب، کیسه چرمین که تیرها را در آن گذاشته و به کمر می‌بسته‌اند. ۱۱۷۵:۱

کَيْفَ أَصْبَحْتَ: چگونه صبح کردی؟ ۳۵۰۰:۱
کیک: حشره‌ای است به اندازه شپش، بال ندارد و چون پاهاى عقب او بلند است بآسانی می‌جهد. خرطومى دارد که با آن، خون انسان را می‌مکد و گاهی باعث سرایت بیماری طاعون هم می‌شود. ۲۸۹۲:۱

کَيْل: پیمانه؛ جمع: اَکْیَال. ۱۵۷۰:۵، ۳۵۱۱:۴
کَيْلَه: پیمانه، پیمانه کردن، مصدر مَرَه به معنی یک‌بار پیمانه کردن. معیار و میزان. ۱۴۹۰:۶، ۱۲۱۴:۵

کیمیایی: بایای نسبت به معنی کیمیاگر و بایای وحدت به معنی یک نوع کیمیا. در مثنوی به خداوند، اطلاق کیمیاگر شده از آنرو که حضرت حق، صانع و خلاقى حاذق است. ۵۹۱:۴

کین: کینه. ۵۴۶:۱
کین‌کوشی: کینه‌توزی (مصدر مرکب). ۱۷۲۳:۶
کین وری: دشمنی، عداوت. ۱۱۲:۴
کینه‌کش: کینه توز، انتقام‌گیر. ۹۲۰:۱
کیوان: «برکیوان زدند» یعنی به عالی‌ترین مرتبه آسمان رساندند. ۶۷۸:۶، ۲۵۱۷:۳

کِی و کِی: ادات استفهام به معنی چه وقت؟ ۷۸:۲
گاز: قیچی، مقراض. ۱۷۳۰:۳، ۱۶۸۱:۴
گازُر: جامه‌شوی، رختشوی. ۳۰۸۲:۱، ۳۸۸۰:۱

گال: فریب. «گال دادن» یعنی کسی را بازی دادن، فریب دادن. ۳۰۰:۶
گان: جماع. ۲۹۹۵:۶، ۱۳۳۴:۵

گاوِ آبى: عنبر ماهی، جانوری آبرزی و عظیم‌الجثه نظیر وال یا بالن. این حیوان چون غالباً از جانوری به نام «ماهی مرکب» تغذیه می‌کند در دستگاه گوارشی او ماده‌ای

خاکستری و خوشبو به نام «عنبر» تولید می‌شود که به صورت مدفوع خارج می‌گردد. این مدفوع‌ها در سواحل نزدیک زیستگاه او جمع‌آوری می‌شود و به کارخانه‌های عطرسازی منتقل می‌گردد. گاه شکارچیان شکم این حیوان را تخلیه می‌کنند و نزدیک به بیست کیلو از این ماده معطر را از جداره معده و روده‌اش در می‌آورند. اما در حکایت مثنوی این حیوان همچون گاوِان شاخدار می‌چرد و به گاه خشم می‌دود و حمله می‌آورد. و این البته با آنچه که گفته آمد در نمی‌سازد. به هرحال آنچه مطمح نظر مولاناست بیان نکات عالی در قالب حکایات و افسانه‌هاست ولاغیر. ۲۹۲۲:۶

گَبَر: آتش‌پرست، زرتشتی. به معنی مطلق کافر. ۳۳۸:۱، ۴۸۴:۱، ۲۷۳۹:۱، ۳۹۸۰:۱
۶۰۵:۲، ۲۵۴۲:۲، ۸۳:۵، ۲۴۱۹:۶

گَبَری: کافری؛ گَبَر + «ی» مصدری. ۱۹۴۵:۵
گَبَرز: ستبر، درشت. ۳۹۹۷:۱، ۳۶۵۲:۲
۲۶۲۴:۳، ۳۵۵۹:۳، ۵۴۷:۴، ۸۴۲:۴
گَد: در یوزگی، گدایی کردن. ۳۲۱:۱
گداجشمی: حرص، چشم‌طمع به مال دیگری داشتن. ۲۴۳۷:۵

گدا رو: وقیح و سخت‌رو، آنکه در گدایی کردن اصرار می‌کند. ۸۷:۱
گُذّاره: اسم مصدر به معنی عبور و گذار و نیز صفت به معنی گذرنده و عبور کننده، ناقد و گذرنده، آنچه از حدّ درگذرد، گذرنده. اسم مکان به معنی معبر و گذرگاه نیز آمده است. ۱۴۸۱:۶، ۲۹۰۴:۴

گَز: کجلی. ۲۹۲۱:۲، ۱۵۱۴:۵
گَرّانک: غلامک، بنده کوچک. گَرّا (= بنده و غلام) + کاف تصغیر. همزه «گَرّا»، همزه اضافه است و جزو ساختمان اصلی آن

گِرْدَکان: گردو. ۲۴۸۷:۵
 گردن مَتَاب: سرپیچی مکن، رُخ مَتَاب. ۱۵۷۱:۴
 گردون: ازابه، گاری، چرخ. ۲۷۷۵:۶، ۴۹۵:۲
 گرفت: گرفتن، مؤاخذه کردن، بازخواست.
 مصدر مَرَحَم از گرفتن. ۲۸۵۵:۶، ۳۹۸:۵
 گرفته خلق را: گلویشان را فشرده و نفسشان را
 برانده است. ۴۳۳۷:۳
 گرگین: کچل. گر + پسوند گین. مجازاً به معنی
 فاقد کمال و فضل است. ۱۹۴۳:۴، ۵۶۶:۶، ۳۲۲۴:۴
 گُرم: غم و اندوه سخت. ۱۵۷۲:۳، ۲۳۲۲:۵، ۳۹۹۲:۵
 گرم‌دار: غم‌خوار، دوست، رفیق. صفت مرکب
 فاعلی مَرَحَم. در اصل بوده است گرم
 دارنده. ۳۹۶۷:۶، ۱۴۵۸:۵
 گرم رُو: آنکه گرم و شتابان راه برود. صفت
 مرکب فاعلی مَرَحَم. ۱۱۲۷:۶
 گرو بستن: شرط بستن. ۲۰۳۲:۲
 گِرِه: عقد و آفتی که در جواهرات افتد، بی‌گره،
 کنایه از پاک و خالص. ۶۸۷:۱
 گِرِه برآب بستن: کاری محال انجام دادن.
 ۳۳۸:۱
 گریبان تاب دادن: استعاره از توجه دادن.
 ۳۵۴۳:۱
 گریز: فرار کن، فعل امر از مصدر گریختن.
 ۴۴۶۱:۶
 گریوه: گردنه، زمین سرعشایب، پشته بلند.
 ۳۳۷۸:۴
 گَز: مقیاس طول، واحد طول که در قدیم معادل
 ۲۴ انگشت بود و امروز معادل حدود یک
 متر است، بدان دُرُغ نیز گویند. ۸۷۳:۱،
 ۳۴۴۷:۲، ۸۱۳:۳، ۱۵۵۹:۳، ۱۵۹۰:۴،
 ۱۸۸۲:۴، ۷۲۶:۶، ۱۹۶۰:۶، ۳۴۷۳:۶
 گزاف: بیهوده و هرزه، بی‌حساب، بی‌حد.
 ۵۸۶:۲، ۲۷۳۶:۵، ۳۲۹۹:۶

نیست. ۲۸۳:۶
 گرازیدن: نازیدن، با ناز و تکبر راه رفتن.
 ۱۳۲۱:۳
 گِران: سنگین، قوی، غلیظ. در اینجا مراد گِران
 جان (= فرومایه) است. ۴۱۲۶:۶
 گرانجان: کنایه از مردم فاقد ذوق و عشق.
 ۱۷۵۵:۱
 گرانجانی: سستی، پیری. ۱۷۵۵:۲
 گُزُبُز: زیرک و هوشیار، حیل‌گر. ۲۶۹:۴، ۳۶۹۳:۶
 گُرد برآوردن: پایمال کردن، ویران کردن و
 هلاک ساختن. ۲۵۶۸:۴
 گُرج: اقوام ساکن گرجستان. در این بیت رومیان
 و گرجیان، مظهر دلاوری و زورمندی به
 شمار رفته‌اند. ۱۱۰۳:۳
 گُرجُفتمی: زمان حال شرطی است. از این قبیل
 افعال در مثنوی و دیوان شمس بسیار آمده
 است. ۲۷:۱
 گر خدا خواهد: همان‌ان شاء الله گفتن است. که در
 آیه ۲۳ و ۲۴ سوره کهف از آن سخن رفته
 است. ۴۸:۱
 گرداب: گودال، ورطه. ۹۸۲:۶
 گردان گشتن: مشهور شدن، آوازه یافتن.
 «گردان» در بیت فوق، فعل امر نیست، بل
 صفت فاعلی است به معنی گردنده. ۲:۶
 گردانیدن رنگ: تغییر رنگ چهره. کنایه از
 ترسیدن. ۳۸۹۷:۶
 گرد ران: صفت مرکب مقلوب. در اصل بوده
 است «ران گرد» که به قسمت پُر گوشتِ ران
 گاو و گوسفند و جز آن اطلاق کنند.
 ۳۴۲۲:۵
 گرد رُوب: صفت مرکب فاعلی مَرَحَم در اصل
 بوده است «گرد رُوبنده» به معنی زداینده
 گرد و غبار. ۴۰۶۰:۶
 گُزدک: حَجَله عروس و داماد. ۳۰۲:۶، ۳۹۶۶:۵

گولخن. ۱۲۶۳:۵، ۲۶۸:۲
گُلَخَن تاب: آن که آتش خانه حمام را گرم می ساخت. این کار از نازل ترین مشاغل بود.

۲۶۶۴:۳

گلشکر: انگبین، شربتی از ترکیب برگ گل سرخ و شکر، به آن گُلَقَنْد هم گویند. ۲۳۷۶:۱، ۲۳۴۶:۳، ۱۷۷۶:۴

گل عارض: آنکه صورتی مانند گل، لطیف و زیبا دارد، خوش چهره. عارض به معنی صفحه رخسار است. ۲۰۵۶:۴

گل عذار: آنکه چهره‌ای مانند گل دارد، گُلمرو، گلچهره، زیبارو. ۵۴۰:۳

گل کاو: صفت مرکب فاعلی مرخم. در اصل بوده است «گل کاونده» یعنی کسی که گل را جستجو می کند. در اینجا مراد شخص ظاهربین است. ۲۹۳۷:۶

گلگونه: مانند گل، چهره سرخ، سُرخاب که زنان به صورت می مالند. ۱۶۵۸:۴

گمان انگیز: کسی که دائماً دچار توهم و خیال پردازی است. ۵۴۶:۱

گم کردن: مفقود کردن، گمراه کردن. ۱۵۸۷:۶
گنبد چهارم: آسمان چهارم. ۹۲۰:۲
گنبد کردن یا گنبدی کردن: جست و خیز کردن، جهیدن. ۳۸۸۵:۵، ۱۷۸۹:۲

گنبدی کرد: خیز برداشت و جهید. ۲۵۶۶:۵
گنج: اسم مصدر است از گنجیدن به معنی قرار گرفتن چیزی در چیز دیگر بی کم و کاستی، گنجایش، ظرفیت. ۱۲۲:۱
گنج آگن: صفت مرکب مرخم فاعلی، اندوزنده مال و ثروت. ۳۳۵:۱

گنجور: صاحب گنج، گنج دار، گنج. ۱۲۲۸:۵
گندگان: جمع گنده به معنی گندیده و متعفن و بویناک. ۲۰۷۳:۵

گندنا: تره، از سبزی های خوردنی. ۳۷۳۸:۱، ۱۸۰۱:۵، ۳۲۵۱:۴، ۸۶۷:۴

گرافه: بسیار، بی حد و حساب. ۲۰۴۰:۴
گَز کُند: اندازه بگیرد، به اصطلاح متر کند. ۱۰۴۰:۵

گزیدن ساعد: کنایه از پشیمان شدن. ۲۵۳۳:۱
گزین آینه: صفت و موصوف مقلوب. یعنی آینه‌ای که ممتاز است. ۴۵۸:۵

گستاخ آمدند اندر زمین: روی زمین به تباهی و گستاخی دست زدند. یکی از شارحان گفته است: گستاخانه به دنیا آمدند. و این غلط است زیرا کسی گستاخ به دنیا نمی آید. ۲۷۳:۲

گستاخ رُو: ترکیب وصفی. به معنی جسور، گستاخ، پُرزو، با فتحه «ر» نیز جایز است: گستاخ رُو به معنی کسی است که رفتار و منش جسورانه داشته باشد. ۳۱۶۵:۵

گستاخ مَرَكَب تاختن: کنایه از گستاخی کردن است. ۲۴۱۱:۱

گش: خوب و زیبا، خوش، بسیار، فراوان. ۴۱۴۰:۶، ۱۰۵۵:۲، ۱۴۳۸:۲، ۲۵۲:۶، ۸۰۰:۶، ۳۴۵۸:۶، ۴۱۴۰:۶

گشی: زیبایی. گش (= خوب، یا ناز، خوش) + یای مصدری. ۳۳۴۹:۶
گفت: گفتار. آنرا مصدر مرخم نیز گویند. ۳۹۲۷:۶

گفت کوتاه: سخن کوتاه و مجمل. ۱۲۱۵:۱
گفتمی: می گفتم. ماضی استمراری. ۷۵۹:۶
گلابه: مخلوط گل و آب، کنایه از جسم و کالبد. در برخی از نسخه ها گلابه به معنی کلاف و نخ است که گردد دوکِ نخ ریزی پیچیده شود. ۲۹۶۹:۴

گل انداینده: کسی که گل کاری و گل مالی می کند: حضرت حق که وجود آدمی را از گل پدید آورده است. ۴۷۸:۳

گلبن: بوته گل. ۲۲۱۵:۴
گُلَخَن: تون، آتش خانه حمام های قدیمی.

و پاش چینه مرغان وحشی بر پشت بام
بروید؛ کنایتاً کسی یاجیزی که مورد توجه
نباشد و کسی پروای آن ندارد به مناسبت
آنکه گیاه بام را آب و کود نمی‌دهند و
اندیشه بالیدن و خشکیدن نمی‌کنند.
۱۸۳۴:۱

گیرا: گیرنده، تأثیرکننده. ۱۳۱۸:۳، ۹۲۳:۱
گیراننده: شعله‌ور سازنده. ۳۷۰:۶
گیرودار: بگیر و ببند، غوغا و همهمه، پیکار،
رتق و فتق امور، اخذ و ضبط کردن،
حکمرانی. نیز به معنی نفوذ و اعتبار و شکوه
و حشمت و بزرگی است. ۱۷۷۰:۴، ۴۱۰۷:۶، ۳۷۷۸:۴
گیهان: کیهان، جهان، دنیا. اصل آن پهلوی است.
۱۴:۵

لا: در عربی ادات نفی است، در تعبیرات صوفیه
نفی ما سوی الله و نفی غیر و غیریت.
۱۴۶۹:۶، ۱۳۱۱:۳، ۱۷۵۹:۱
لأبالی: در اصل فعل منفی مضارع متکلم وحده
عربی به معنی باکی ندارم، اما در فارسی به
صورت صفت و قید استعمال شود. به معنی
بی‌پاک، بی‌پروا، بی‌توجه. ۱۸۴۷:۵، ۴۰۵۵:۶، ۲۷۳۴:۵، ۲۸۹۶:۶
لأبالی پألحمام: پروا ندارم. پاک ندارم از مرگ.
«لأبالی» فعل مضارع منفی متکلم وحده از
باب مفاعله. و «حمام» به معنی مرگ است.
لأبالی وار: رحمت کردن بدون غرض. ۱۸۴۶:۵
لأخصی: به شمار در نمی‌آورم، احصاء نمی‌کنم.
۳۷۱۰:۴

لأین: لامکان. ۴۲۱۵:۶
لایس: پوشنده لباس. ۱۶۱۰:۳
لابه کردن: زاری کردن و درخواست نمودن.
۸۵:۱
لأتخافوا: نترسید. فعل نهی. ۱۴۲۹:۱، ۳۰۳۹:۲
لأتخف: نترس. فعل نهی از خاف یخاف.

گنده‌پیر: پیرزنی که از غایت کهنسالی و پیری
بویناک شده باشد. ۳۳۳:۲، ۳۱۵۰:۴
گنگل: هزل، مسخرگی، شوخی. ۸۳۶:۶
گو: گودال، مفاک. کنایه از دوری و خارج بودن
از دسترس. ۲۸۱۷:۱، ۳۸۰۶:۲، ۲۲۳۴:۳، ۲۶۹۹:۳، ۳۶۵۴:۳، ۶۰۱:۴، ۳۳۹۳:۴، ۲۰۷۲:۵، ۴۷۴۳:۶

گوئرو: یکجا، وزن نکرده. این کلمه ترکی است.
۳۹۶:۲

گود: بگوید. ۳۷۶۶:۱، ۴۰۹:۶
گور: گورخر. ۱۰۰۹:۱
گوزینه: حلوانی که از مغز گردو و شکر
می‌سازند. ۱۱۴۸:۲، ۲۰۶۴:۵
گوش کشیدن: کنایه از توجه دادن، آگاه نمودن و
تنبیه کردن است. ۱۷۴۲:۱، ۳۹۱۱:۶

گوش گران: گوشی که سنگین است. ۳۳۶۱:۱
گوش مالیدن: کنایه از تأدیب کردن. ۱۱۵۴:۱
گوش‌ور: شنوا. گوش + ور، پسوند دارندگی و
اتصاف. ۱۲۷۳:۵

گول: ابله، احمق، کودن، نادان. ۲۹۴۶:۱، ۴۱۲:۵، ۲۸۴۵:۴، ۲۰۸۸:۴
گولخن: گُلخن، آتش‌خانه حمام‌های قدیم که
سوختش از مدفوع و سرگین تأمین می‌شد و
بسیار کثیف و دودآلود بود. مولانا به کزات
در مثنوی دنیا را به گولخن تشبیه کرده
است. ۱۰۴۴:۴، ۱۷۳۹:۵، ۳۵۳۹:۵، ۴۸۹۳:۶

گول‌گردی: بیهوده این طرف و آن طرف رفتن،
ولگردی کردن. ۲۰۵۲:۶
گول‌گیر: ابله‌شناس، شکارکننده آدم‌های احمق.
۴۸۹۴:۶، ۱۷۰۸:۵

گوله: مفاک و گودال، کوزه آبخوری. ۲۸۲۱:۱
گه خونریز: هنگام فرار سیدن مرگ. ۱۲۰:۳
گیا: گیاه. ۹۰۳:۱
گیا بام: علفی که از دانه‌های کاه‌گل و با ریخت

۱۵۱۸:۶

لَا تُرَى: نمی بینی. ۱۸۵:۴

لَا تُسْرِفُوا: اسراف مکنید. ۵۸۲:۵، ۱۴۰۷:۵

لَا تُضِلُّوا: گمراه نشوید. و اگر آن را از باب افعال (لَا تُضِلُّوا) هم فرض کنیم جایز است.

یعنی گمراه نکنید. ۲۸۳۸:۳

لَا تُطْرُقُ: راه درست مکن. ره میروی. ۳۵۰۲:۶

لَا تُعْذِرْ: باز مگرد، رجوع مکن. فعل نهی از غَاذَ یُعْذِرُ. ۴۶۲:۶

لَا تُفْرَحُوا: شادی مکنید. ۵۰۴:۳

لَا تُقَلِّ: مگو، حرف نزن. ۳۱۶۲:۲

لَا تُتْلُوا: فعل نهی از باب افعال یعنی میفکنید، نیندازید. اشاره به آیه ۱۹۴ سوره بقره.

۲۴۲۸:۵، ۳۴۳۴:۳

لَا تُلْمُ: سرزنش مکن. فعل نهی از لَامَ یَلْمُ. ۱۳۴۶:۲

لَا تُنْجِ: نوحه و شیون مکن. فعل نهی. ۵۳۸:۶

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. «نیرو و قدرتی نیست مگر خدا را». ۲۰۶:۲، ۱۶۰۰:۳

لاش: مخفف لَاشِئ، به معنی معدوم و نیست آمده است. اما استاد فروزانفر این نظر را

ضعیف می داند، هیچ چیز، ناچیز و بی مقدار.

۱۴۶۷:۱، ۲۰۷۶:۱، ۱۵۷۰:۳، ۲۴۴۱:۶

۱۴۴۰:۶، ۱۵۶۰:۶

لا شُدی: نابود می شد. لا (حرف نفی عربی) +

شدی. (ماضی استمراری). ۵۰۳:۵

لا شِئ: مخفف لَاشِئِء: معدوم، نیست، هیچ.

۹۸۹:۱، ۸۳۳:۳، ۱۵۹۵:۴، ۲۱۶۴:۴

۴۳۱۹:۶

لاغ: هزل و ظرافت، شوخی، هرزه، بیهوده،

مسخره. «رنجوری به لاغ» یعنی خود را

بیمار نشان دادن، تمارض. ۱۰۷۰:۱،

۲۰۹۴:۱، ۲۴۰۳:۲، ۱۳۶۹:۴، ۱۸۴۴:۴

۳۰۹۲:۴، ۱۱۳۷:۵، ۱۲۷۳:۵، ۲۸۸۹:۵

۳۱۹۹:۵، ۱۱۰۹:۶، ۱۶۹۷:۶، ۱۸۰۵:۶

۳۹۴۰:۶

لاف: گفتار بیهوده. یاوه: لاف کم زن: یاوه گویی

مکن. ۱۰۰۶:۱، ۱۷۹۳:۴

لاف کِذْب آمیغ: لاف دروغ آمیز، دعوی دروغین. ۴۱۵۱:۶

لاف کِشِی: کسی که مذهب و مرامش لاف زدن

است. لاف زنی، «ی» گویی. ۲۰۶۰:۶

لافی: لاف زن، لافنده. لاف + «ی» نسبت. ۱۷۷۳:۴

لاَقَتْ: ملاقات کرد، دیدار کرد. فعل ماضی مفرد

مؤنث از باب مفاعله (ملاقاة) و چون فاعل

(الاشباح)، اسم ظاهر و جمع است، فعل آن

لفظاً مفرد و معناً جمع است. و تأنیث فعل به

جهت جمع مکسر بودن فاعل آن است.

۸۴۶:۴

لا لا: لَیْلَه، مربی اطفال بزرگان و اعیان، ندیم و

مصاحب. ۳۱۴۷:۲، ۳۳۰:۴، ۴۰۰۳:۵

لا لَنُگ: باقیمانده غذا که از میهمانی با خود

می برند، زَلَه، طعامی که گدایان و فرودستان

از مجلسی برگیرند و ببرند. ۳۳۴۵:۳

۷۸۸:۶

لاله: گیاهی است از تیره سوسنی ها که دارای

پیاز است و برگ هایش طویل است و ساقه

گل دهنده از وسط برگ ها خارج می شود.

۱۲۶۰:۲

لامع: درخشان؛ لامعه نیز به معنی درخشان

است. ۳۲۶۸:۴، ۴۶۶۴:۶

لَا تَسْتَعِینَ: یاری نمی جویم. ۲۹۲۹:۴

لَا تُسَلِّمُ: تسلیم نمی شویم. ۱۸۷۵:۳، ۲۰۳۱:۴

لَا یُتْرَکُ: ترک نشود. ۱۷:۵

لَا یُجْزُ: جایز نیست. فعل مضارع منفی اجوف

واوی. ۶۱۸:۶

لایحید: برکنار نمی شود، کناره نمی گیرد. فعل

مضارع منفی از حَاذَ، مصدر آن حَیْد و

حُیود. ۱۶۴۰:۳

و حرف نزدن است. ۲۱۸۶:۶
 لَبْد: نمد. ۲۹۶۱:۶
 لَبْس: جامه، لباس. ۳۰۷۸:۶
 لَبْس: پوشش. ۴۶۱۸:۶
 لَبَق: خوش خلق، خوش رفتار، نکته سنج. از
 مصدر لَبَق و لَبَاقَه. «عذر لَبَق» یعنی پوزشی
 موجه و مقبول. ۱۴۱۰:۲، ۳۵۵۵:۶
 لَبْ گزان: لب گزنده، بسیار شیرین، میوه‌ای که از
 فرط شیرینی، لب را بگذرد. ۱۲۹۵:۳
 لَبْ گزیدن: کنایه از دعوت کردن شخص مقابل
 است به سکوت؛ لب گزید: اشاره به سکوت
 کرد. ۲۰۸۲:۴، ۳۵۲۷:۱
 لَبْ گشودن: در این بیت به معنی آشکار شدن
 است. ۲۷۸۸:۳
 لَبَن: شیر. ۱۳۴:۵
 لَبِيب: خردمند، عاقل. ۲۷۲۷:۳، ۱۲۹۳:۶،
 ۲۵۰۶:۶
 لَبِیک: کلمه ایجاب است و به معنی ایستاده‌ام در
 خدمت تو و حاضرم در اطاعت و
 فرمان‌برداری تو. معمولاً خادم به مخدوم
 می‌گوید. حُجَّاج وقتی لباس احرام پوشیدند
 و به میقات رسیدند، بعد از نیت، واجب
 است که لبیک اللهم... گویند. اما گاه مطلقاً به
 معنی ایجاب است. ۱۹۰:۳، ۸۷۰:۶
 لَث: سیلی، سیلی خوردن. در اینجا به معنی
 کتک. ۱۳۳۰:۴، ۳۵۰۱:۵، ۴۳۲۵:۶
 لِحَاف: روکش، روانداز. ۵۷۵:۶
 لَحْم: گوشت. جمع: لَحُوم. ۳۷۸۸:۳، ۳۲۴۷:۴،
 ۱۹۴۸:۵، ۲۷۲۲:۵، ۱۴۶۱:۶، ۴۶۶۶:۶
 ۴۸۱۹:۶، ۴۷۰۷:۶
 لَحْن: آواز، نیز به معنی خطا در سخن و آواز
 خوش است. بنابراین «لَحْن خواندن» یعنی
 خواندن نامناسب و غلط». ۳۳۵۶:۱
 ۱۷۵:۳
 لَحْنُ الثُّمُور: آوای رستاخیز. ۳۸۰۱:۳

لَا يُدْرِكُ: به دست نیاید. ۱۷:۵
 لَا يُدْرِكُ: یاد کرده نشود. ۲۹۰۱:۱
 لَا يَزِيدُ: افزون نمی‌شود. ۲۳۸۰:۴
 لَا يُعَدُّ و لَا يُحْصَى: خارج از شمارش و حساب.
 ۱۸۳۸:۶
 لَا يَعْلَمُونَ: نمی‌دانند. ۲۶۴۳:۳
 لَا يَفْقَهُونَ: نمی‌دانند. ۱۲۹۳:۵
 لَا يَمَسُّ: مَس نمی‌کند. چون فاعل آن اسم ظاهر
 و جمع است، معنی جمع می‌دهد. این جمله
 با اینکه خبری است اما کسانی که با استناد
 به روایاتی مَسِّ قرآن کریم را بدون وضو
 جایز نمی‌دانند آنرا نازل به منزله نهی تلقی
 کرده‌اند. ۳۷۹:۵
 لَا يَنْفَعُ: در اصل بوده است لَا يَنْفَعُ (= سود
 ندارد، بی‌فایده است) در اینجا «لَا يَنْفَعُ»
 جنبه وصفی دارد و به معنی بی‌فایده و
 بیهوده آمده است. ۳۴۳۶:۱
 لَا يَنْقَسِمُ: قسمت نمی‌پذیرد. در اینجا جنبه
 وصفی دارد و صفت «شارق» است. یعنی
 قسمت‌ناپذیر. ۳۴۰۱:۵
 لَا يُؤْفَى: وفا نمی‌کند. در اینجا به صورت وصفی
 بکار آمده است. یعنی بی‌وفا و پیمان‌شکن.
 ۲۱۶۸:۲
 لَا يَبْدُنَ: بیهوده گفتن. ۳۳۹۸:۲
 لِسَام: جمع لثیم: پست و فرومایه. ۷۵۴:۳،
 ۱۲۵۵:۴، ۳۶۴:۵، ۴۰۳:۵، ۲۴۶۱:۶
 لَثِيم: پست و فرومایه. ۷۴۴:۱
 لُبَاب: برگزیده و خالص هر چیز، مغز چیزی
 مانند مغز گردو و بادام و امثال آن، مغز، عقل
 و خرد، برخی «لُبَاب» خوانده و آن را جمع
 لُب (= مغز) دانسته‌اند. ۳۷۶۴:۱، ۵۸۷:۴،
 ۱۴۵۹:۴
 لُبَاد: مخفف لُبَادَه، قبای پشمین ۳۸۲۲:۶
 لِبَان: شیرخوارگی، شیردادن. ۳۶۴۱:۴
 لَبْ خایی: گزیدن لب، و کنایه از خاموش شدن

لُخْیانی: کسی که ریشی دراز و انبوه دارد. کنایه از آدم احمق. ۲۰۲۷:۶

لُخْتُ: پاره، تکه. «احمق یک لخت» یعنی آدمی که یکپارچه حماقت است. ۳۹۱۸:۳، ۴۰۸۶:۳، ۴۱۴۴:۳

لُخْتُ لُخْتُ: پاره پاره، جزء جزء، مجازاً به معنی نوع به نوع. ۳۲۰۵:۶، ۳۳۲۷:۱

لُخْتِه: بسته، منعقد. در اینجا مراد جا افتادن غذا به سبب خوب پخته شدن است. ۴۰۲۹:۶
لُدُّ: جمع مَكْتَر «الْدُّ» است و الْدُّ کسی است که در دشمنی و کینه توزی سرسخت باشد. ۱۵۷:۴

لُدِیغ: گزنده. ۳۱۰۳:۴
لَدَیْهِ: نزد او. لَدَیْ (از اسماء لازم الاضافة عربی به معنی نزد، پیش) + ضمیر متصل هُ.
۵۸۳:۵، ۱۱۶۹:۴

لَذْتُ گِیر: گیرنده لَذْتُ و خوشی، جذب کننده لذت و خوشی. ۴۰۵:۴

لَزِب: چسبیده. ۱۲۰۹:۲
لَسین: زبان آور، سخنور. لَسین نیز به همین معناست. ۳۷۴۲:۲

لُطاف: جمع لطیف. ۳۸۱:۵
لُطْفِ حَقِّی: آن لطفی که سببش معلوم نباشد. ۳۷۵۵:۱

لُعاب: آب دهان. ۳۹۸۲:۳
لُعْب: بازی، لهو و یکی از معانی بازی مکر و حيله است. و قهراً انتساب مکر و حيله مصطلح به حضرت حق نارواست. از اینرو آن را به «تدبیر» تأویل کرده اند. ۳۵۹۵:۴، ۳۹۵۱:۶، ۳۷۳۳:۶، ۴۴۴:۵

لُعْبُ: بازیچه. ۳۶۶۶:۴، ۳۴۳۲:۱
لُعْبَت: بازیچه، عروسک، اسباب بازی. پیکر، تمثال، در فارسی به معنی معشوق و دلبر است، مجازاً صورت خیالی را گویند. ۲۲۵۳:۶، ۴۰۸۰:۵، ۳۸۶۲:۵، ۱۲۰۳:۵

لُعْبِ مَعْکُوس: بازی وارونه. تَلَفُظِ «لُعْب» نیز به همین معنی است. ۴۶۷:۵

لَعْلُ: شایا.. از حروف مشبّهه به فعل عربی که بر ابتدا و خبر در می آید. مبتدا را منصوب و اسم خود می کند و خبر را مرفوع. مانند لَعْلُ سَعِيداً نَاجِح. ۲۷۲۸:۵

لَعین: ملعون، لعنت شده. ۱۶۴۱:۱، ۱۶۱۵:۱، ۳۸۹۴:۱

لَعَز: سوراخ موش دشتی که بسیار پیچاپیچ است، راههای کج و معوج. در اینجا مراد کمینگاه است. ۳۸۸۵:۵

لُعُوب: رنج و درماندگی. ۳۱۸۴:۲
لَقَا: مخفَف لقاء، به معنی دیدار. ۹۶۴:۱
لُقْمه خای: جویده لقمه، خورنده لقمه غذا. ۱۱۰۶:۴

لُقْمه رَنَد: لقمه رُبا. رَنَد به معنی ربودن و دزدیدن است. ۳۲۷۳:۲

لُقوه: کُز دهانی، کُز رُویی، این بیماری موجب فلج و کجی عضله های چشم و صورت و دهان می شود. اطبای قدیم برای درمان این بیماری، تجویزهایی خاص داشته اند و معمولاً از زنجبیل و عسل و زعفران و غیره معجونی می ساختند و سحرگاهان به بیمار می دادند و این تدای تا یک هفته بطول می انجامیده است. ۲۹۱۴:۳

لُقْیَه: یک بار دیدن. ۴۳:۴، ۴۵۶۰:۶
لُک: برای تو. لام جَزَ + ضمیر مخاطب، «بَخ لُک» یعنی خوشا به حالت، یا آفرین بر تو. ۳۰۷۵:۴، ۲۶۰۰:۴، ۳۵۶۷:۳

لُگْدکُوب: اسم مصدر است به معنی لگدکوبی، مجازاً رنج و آفت. ۴۱۱:۱

لُفْتر: لفظاً به معنی چاق و قَرَبه است. لیکن در اینجا مجازاً به معنی نادان است. زیرا حماقت و نادانی کنایه از فربهی و گُندگی مستفاد می شود. ۲۸۴:۵، ۹۷:۴، ۴۸۵:۲

را به حق درآمیختن و زشتی را جامه زیبا پوشاندن است. ۱۴۹۴:۱، ۴۴۵:۱
 لوطی: لواط کار، به معنی جوانمرد و بی‌باک نیز آمده است ولی در اینجا معنی اول مناسب است. ۲۴۹۷:۵
 لُوک: آنکه به زانو و دست راه رود از شدت ضعف و سستی، عاجزی و زبونی. ۹۸۰:۳
 لَوم: سرزنش، ملامت. ۸۴۷:۴
 لَوْن: رنگ. ۱۹۶۰:۱
 لَوْنَد: شهوت پرست و عشوه گر، کاهل، هیچکاره. ۳۰۹:۳، ۳۲۱۷:۳
 لَوِيشه: ریسمانی که به شکل حلقه بر سر چوبی نصب کنند و لب‌های اسب و خر چموش را در آن حلقه نهند تا حرکتِ نابجا نکند. ۱۵۸:۵
 لَهَب: شعله و زبانه آتش. ۳۰۵۹:۴، ۶۳۳:۵
 ۲۱۲۳:۵، ۲۸۸۱:۵، ۴۸۶۴:۶
 لَهْف: دریغ، اندوهگین شدن، حسرت خوردن. «محبوس لَهْف» کسی که دچار اندوه و دریغ بر کارهای ناروای پیشین خود باشد. ۳۷:۲
 ۲۹۳۹:۳
 لی: برای من. لام جَزَ + ضمیر متکلم وحده. ۳۰۷۵:۴، ۳۵۶۷:۳
 لَیل: شب. ۳۵۸۶:۱
 لَین: نرم. ۳۸۱۵:۴
 مَاب: محلّ بازگشت، مراد قیامت است که بازگشت همگان به سوی حق است. ۱۵۵۲:۶
 مآزار: مخفّف میازار، آزارنده. ۱۹۷۸:۴
 ما: مخفّف ماء به معنی آب، و می‌تواند به معنی ضمیر مشترک فارسی ما باشد. ۹۵۱:۲
 ۸۳۴:۲
 ماء: آب. ۳۰۵۵:۶
 مَاكَفَّرَه: صیغه تعجّب است. شگفتا از ناسپاسی او. آن را افعَل التّعجّب نیز می‌گویند. ۳۷۳:۳

۱۱۸۵:۵، ۲۸۶۰:۵، ۳۱۷۰:۵
 لَمَعَ: جمع لَمَعَه به معنی درخشش، پرتو، نور. ۵۷۰:۲، ۲۴۳۱:۴، ۱۲۸۱:۵، ۳۹۱۴:۵
 ۴۷۶۵:۶
 لَمَعَان: مخفّف لَمَعَان به معنی درخشیدن، درخشندگی. ۲۰۲۵:۱
 لَمَعَة دُرْپاش: نوری که دُر و مروارید می‌باشد، مبالغه در نورافشانی. ۱۰۷:۶
 لَمْ يَزُفْ لُوكُ: فعل جحد + كاف ضمير. فعل جحد معنی ماضی منفی می‌دهد، اما چون حرف شرط «إِنْ» بر سر آن درآمده معنی مضارع می‌دهد. مرجع ضمیر این فعل، «ملوک» در مصراع اول است. ۶۹۸:۴
 لَمْ يَطْفُ: طواف نکرده است. فعل جحد. لَمْ (از حروف جازمه) + فعل يَطْفُ. حرف عِلَّة «واو» در حالت جزم، اسقاط شده است و حرف آخر مجزوم گردیده است. ۴:۶
 لَنج: لب و گرداگرد دهان. ۳۹۹۶:۱، ۹۴۴:۵
 ۳۵۲۵:۵، ۳۲۴۲:۵
 لَوَاه: بسیار سرزنش کننده. ۲۰۶۲:۵
 لُوت: طعام، غذا، خورش، انواع خوردنی‌ها. ۲۷۵۵:۱، ۳۰۹۶:۳، ۳۳۴۴:۳، ۱۱۰۶:۴
 ۱۶۰۱:۴، ۳۶۱۸:۴، ۲۸۴:۵، ۲۸۶۷:۵
 ۴۳۲۵:۶، ۳۷۸۴:۶، ۳۵۲۰:۶، ۲۴۰۵:۶
 لوت و پوت: انواع و اقسام خوردنی؛ غذا و طعام خانقاه. ۳۰۲۵:۳، ۴۰۱:۳، ۵۲۱:۲
 لوح محفوظ: نیکلسون می‌گوید منظور از لوح محفوظ، قضا و قدر است که عقول بشری مانند جبرئیل که بدون واسطه از همان منبع، علم خود براسرار الهی را اخذ می‌کند، حصّه روزانه ادراکات و تصورات خود را در نهایت امر از آن می‌گیرند. ۳۱۷:۵
 لوزینه: نوعی باقلواست که با مغز گرد می‌پزند، حلوايي که از مغز بادام ساخته باشند. و تعبیر «سیر در لوزینه کردن» کنایه از باطل

- ماءِ معین: آب روان و گوارا. ۱۲۰۶:۲، ۲۱۵۹:۵
 مات: در اصطلاح شطرنج‌بازان، گرفتار و مقید شدن شاه شطرنج است. سرگشته؛ ظاهراً مات، همان فعل ماضی زبان عربی یعنی مَاتَ (= مُرد) است ولی بر اثر کثرت استعمال، تاءِ آن را به وقف می‌خوانند. ۱۲۷۵:۱، ۲۸۶:۱
 ماتم: سوگ و عزا. ۱۵۶۷:۱
 مأخولیا: مالیخولیا، یک نوع بیماری عصبی که باعث خیالات بیهوده می‌شود و گمان می‌کند که خیالاتش حقیقت دارد. ۲۲۲:۲، ۱۰۸۲:۶
 مار: اینجا به معنی مال و ثروت. ۲۳۵۹:۱
 مارج: پریشان و جُنْبان، آمیخته و مختلط. ۱۹۲۷:۵
 ماسَبَق: آنچه گذشته، پیشینه. ما (موصول) + فعل ماضی سَبَقَ (پیشی گرفت، گذشت). مجازاً به معنی ازل. ۲۲۲۵:۵، ۴۲۰۰:۶
 ماش: مخففِ مَاش. پس «بر محک مَاش زن» یعنی آنرا با معیار ما مقایسه کن. ۲۹۶۸:۶
 ماش با: آشی ماش. ۳۳۶۵:۱
 ماشطه: زنی آرایشگر، زنی که دیگر زنان را بَزَک کند. ۳۴۴۹:۱
 ماعَبَرُوا: آنچه که تعبیر کرده‌اند. مای موصول + فعل ماضی جمع مذکر غایب از باب تفعیل. ۳۷۱۷:۳
 ماغ: بخاری تیره که هوای نزدیک به زمین را اشغال کند، مه. ۶۱۳:۴
 ماقلی: ترک نکرد و دشمن نداشت. قَلَى به معنی بغض شدید و ترک کردن است. ۳۰۱:۲
 ماکر: مکر کننده، فریبکار. ۳۰۱۱:۳
 ماکو: افزاری که ماسوره جرخ خیاطی و بافندگی را در آن جای می‌دهند. ۳۳۲۱:۶
 مالش: مالیدن، منس مال. در اینجا گوشمالی و تنبیه. ۱۹۸۷:۵
 مالیدن: گوشمالی دادن. ۴۸۲۴:۶
 مَالِئْسَ يُطَاق: آنچه از طاقت کسی فراتر باشد. ۲۳۹۳:۴
 مام: مادر. ۳۵۸۷:۶
 مامَضی: آنچه گذشته و سپری شده است، آنچه گذشت، گذشته. ۲۷۴:۳، ۱۷۵۳:۴
 ۱۸۱۸:۶، ۱۲۹۱:۶
 مانا: ادات تشبیه و تردید به معنی گویی، پنداری، مثل اینکه. ۲۲۸۵:۳، ۳۱۴۲:۳، ۸۳۱:۴
 ۳۷۹۴:۴
 مائِد: شبیه است. از مصدرِ مانستن به معنی مانند بودن و شباهت داشتن. ۳۷۱۷:۶
 ماند دیر: تأخیر کرد. ۱۰۵۶:۱
 مانند: به مانند. فعل مضارع از مصدر «ماندن» ۲۳۴۱:۵
 ماوَدَعَكَ: تو را ترک نکرد. از مصدر تودیع. ۳۰۰:۲
 ماهی خاکی: شکل و صورت ماهی که از گِل سازند و یا بر خاک کشند؛ ریگ ماهی. و آن سَقَنْقُور است و سَقَنْقُور، جانوری است از جنس بُزْجِه که در آب و خشکی تواند زیست. ۲۷۵۴:۱
 ماهیی کردن: کارِ ماهی کردن، مانند ماهی شدن. ۳۵۹۶:۳
 مایده: مانده، طعام، سفره طعام، سفره پر از نعمت؛ جمع: مَوائد و مائدات. ۸۰:۱، ۱۹۵۰:۴
 مایه اذواق: هرچه به مذاق‌ها خوش آید. ۲۷۲۲:۱
 مَأْبُون: مردی که دبگران با او لواط کنند. ۳۵۴۷:۴
 مَأْثَر: اثر، نشان. ۵۹۱:۴
 مَأْكُول: خورده، خورده شده (اسم مفعول). ۲۷۲۶:۵، ۷۱۸:۵

مُتَوَّارِی: پنهان شونده؛ متواریه نیز به معنی پنهان شونده است. ۲۹۷۸:۶، ۱۳۰۵:۶، ۳۲۸۳:۵
 مُثَاب: مأجور، پاداش یافته. ۱۰۲۴:۶
 مُثَلَّه: در اینجا به معنی عذاب سخت و قطعه قطعه شدن اندام‌ها از گزند باد صرصر است. ۴۸۱۸:۶
 مَثْوِی: جایگاه، منزل، قرارگاه. ۲۴۵۴:۶
 مَجَاعَت: گرسنگی. ۱۶۷۱:۳، ۳۶۲۳:۴، ۸۳۶:۵، ۱۷۵۲:۵، ۲۴۱۰:۵، ۲۸۲۰:۵، ۳۶۷۱:۵، ۴۲۴۹:۶
 مَجَال: میدان، محل تاخت و تاز. ۳۰۴۶:۳
 مُجْتَبِی: برگزیده. ۳۷۰۲:۶
 مُجْتَهِد: اسم مفعول از باب افتعال، اجتهاد کرده شده. ۱۵۵۶:۶
 مِجْرَه: کهکشان. ۴۷۱۸:۳
 مِخْصَص: گنج اندوده، گنج کاری شده. ۴۱۸:۵
 مِخْمَر: منقل، آتشدان. ۳۲۷۶:۵، ۳۸۹۱:۶، ۴۲۱۸:۶
 مُجْمَل: سربسته و مختصر. ۱۷۵۸:۱
 مُجْمِل: زینت دهنده، آراینده، نیکوکننده. ۱۹۴۸:۳
 مُجَمَّد: جامد شده، منجمد شده. ۱۱۸:۶
 مِجَنّ: سپر. جمع: مَجَان. ۶۵۳:۵
 مَجْهُود: توانایی و طاقت، کوشش. در اینجا مصدر در صیغه اسم مفعول آمده است. ۲۷۰۳:۱
 مَجْهُول داد: کنایه از ظالم. کسی که عدل و دادش گم و ناپیدا باشد. ۱۵۷۶:۶
 مُجِيب: اجابت کننده. ۲۲۹۳:۱
 مَجِيد: بزرگووار. صفت مشبهه. ۳۹۸۵:۶
 مُجِير: پناه دهنده، یکی از اسماء الله. ۳۲۹۳:۱، ۱۹۱۱:۵، ۳۳۸۶:۵، ۲۱۷۲:۶
 مَحَاء: بسار محوکننده، بسیار زداینده، صغفه مبالغه از اسم فاعلی ماحی (= محوکننده). ۴۰۶۰:۶

مَأْلَفَت: مصدر میمی است به معنی آلفت. ۳۲۰۳:۶
 مَأْمَن: جای امن، پناهگاه. ۲۰۲۶:۱
 مَأْوِی الْقُرُون: پناهگاه نسل‌ها و امت‌ها. ۳۳۳۱:۶
 مَبَا: مخفف مباد. ۴۷۹۴:۶، ۲۲۶۹:۱
 مُبْتَدِع: بدعت‌گزار. ۳۲۲۱:۵
 مُبْدِع: پدید آورنده، آفریننده مخلوقی بدون پیروی از نمونه قبلی. ۱۰۲۵:۵، ۱۶۳۰:۱
 مُبْدَل: اسم مفعول از باب افعال، دگرگون شده، بَدَل یافته؛ مُبْدَل شدن: دگرگون شدن. ۳۳۳:۱، ۱۰۳۹:۱، ۱۲۰۱:۱، ۱۲۳۶:۱، ۱۲۹۰:۶
 مُبْدِل: بَدَل کننده، تغییر دهنده. ۱۵۳۷:۵
 مَبْرَز: مستراح، آبریزگاه. ۲۷۰۲:۲، ۳۹۴۱:۶
 مُبْرَم: ثابت و قاطع. ۲۵۳۱:۱
 مُبَشِّر: بشارت داده شده. اسم مفعول از مصدر تَبَشِير. ۷۴۴:۵
 مَبْغُوض: مأخوذ از تازی به معنی ناپسند و مطرود. ۲۹۱:۱
 مُبْل: تر و آب‌ریزان. اسم فاعل از مصدر اِبْلَال (باب افعال) و از ریشه «ب ل ل». بَلّ و بَلَل به معنی تری و نمناکی است. ۴۲۸۰:۶
 مُبِين: آشکار. ۲۹۹۰:۶
 مُبَيَّن: بیان کرده شده، آشکار کرده شده. اسم مفعول باب تفعیل. ۸۹۹:۴
 مَبَا: نایست، پای فشار. فعل نهی از مصدر پایدن. ۳۲۹:۶
 مَتْسَع: فراخ، طولانی. ۱۰۹۲:۳
 مَتَّكَ: تکیه گاه. ۲۳۶۵:۳، ۲۲۷۷:۶
 مَتَّكِي: تکیه زننده، پشت برجایی دهنده. ۳۱۵۸:۱
 مَتْن: ناب، از تین. «زُرُق تیدن» یعنی حيله ساختن. ۱۷۸۲:۴، ۳۵۵۲:۴
 مَتْنِم: عاشق بی ناب و درمانده. ۱۸۴۳:۶

اقامه نماز: صدر مجلس و شریفترین قسمت مجلس؛ نیز به معنی آوردگاه یا محل پیکار با شیطان. ۱۷۶۵:۱، ۱۷۲۸:۵
مِحْرَک: وسیله و ابزار حرکت دادن؛ نیز به معنی جنباننده و بسیار حرکت دهنده. ۱۶۳۹:۵
مُخْرِق: سوزاننده، اسم فاعل از مصدر اخراق. ۳۷۳۸:۳، ۱۷۸۹:۴
مُحَرَّم: تحریم شده، حرام شده. اسم مفعول از باب تفعیل. ۸۲۹:۶
مُحْسِنِی: با یای مصدری به معنی احسان. ۲۸۳۱:۲
مُخْصَد: اسم مکان از مصدر خَصَد و حِصَاد (= درویدن) به معنی کشتمند و محل درودن غلات. و اگر با کسره میم و فتحه صاد خوانده شود به معنی ابزار درودن نظیر داس و غیره است. ۴۳۴۲:۶
مُخْصُون: در قلعه پناه داده شده و محفوظ. اسم مفعول از مصدر خَصَن. ۲۸۱۶:۴
مُخْضَرُون: حاضر کرده شدگان. اسم مفعول از مصدر اخضار. ۴۴۵:۴
مُحْضِ کَرَم: کرم محض، بخشش خالص. صفت و موصوف مقلوب است. ۱۸۴۱:۵
مُخْفُوف: فرا گرفته شده، پوشیده شده. ۱۶۴:۵
مُحِق: حق دار، دارای حقیقت، آنکه حق به جانب اوست. ۴۱۳۴:۶
مُحَقَّق: سزاوار. ۲۸۸۴:۱
مُحَک: سنگی که طلا و یا نقره را بدان می مالند و عیار آنها را آزمایش می کنند: در فارسی به آن سنگ زر هم می گویند. ۳۱۴۸:۱
مُخْلَب: جای دوشیدن شیر (اسم مکان) و مِخْلَب، ظرفی که در آن شیر بدوشند (اسم آلت). ۱۰۶۸:۵
مُخَمَّده: ستایش، خصلت نیک. ۲۹۸۲:۶
مُخِیل: کجاوه که بر شتر بندند، هَوْدَج در اینجا مراد مرکوب است؛ جمع: مَحَامِل. ۲۷۲:۴

مُحَابَا: طرفداری کردن، مجازاً مدارا و نرمش. ۲۹۹۳:۱
مُحَاکَات: حکایت کردن. در اینجا به معنی گفتگو آمده است. ۲۶۶۸:۶
مُحَال: ناممکن و ناشدنی. نیز می تواند با تشدید لام، جمع محل ها باشد. ۹۷۹:۱
مُحِبَّ: دوستدار. ۳۲۵۳:۱
مُحْتَاجِی: احتیاج. محتاج + یای مصدری. ۳۷۲۶:۶
مُحْتَالُ إِلَیْهِ: کسی که مردم در چاره کارهای خود بدو رجوع کنند. ۳۲۵۸:۶
مُحْتَالُ زَن: زن حيله گر. صفت و موصوف مقلوب. در اصل بوده است زنی محتال. ۳۴۱۶:۵
مُحْتَسِب: زندانی شونده. ۳۳۷۱:۶
مُخْتَرَز: محفوظ شده و حفاظت یافته از چیزی. «ضرب نامحترز» یعنی ضربه ای که نشود از آن محفوظ ماند. ۲۸۱۵:۴
مُخْتَرَز: دوری کننده، پرهیزکننده، خویشان دار. ۴۵۶۷:۶، ۴۳۳:۵
مُخْتَرَف: پیشه ور، صاحب حرفه و صنعت. در اینجا به معنی هنرمند. ۱۶۰۷:۴
مُحْتَسِب: مأمور حاکم که وظیفه اش امر به معروف و نهی از منکر است. ۲۱۷۷:۱
مُخْتَشَم: با حشمت و بزرگواری، بزرگوار. ۱۰۲۶:۵، ۳۸۲۹:۱
مُخْتَقَر: پست، فرومایه، کمینه. ۱۴۷۲:۱
مُخْتَوِی: حاوی، جمع کننده. ۴۴۲۵:۶
مُخْجَب: پوشیده شده. ۶۵۸:۳
مُخْجَب: پوشاننده، به حجاب افکننده. اسم فاعل از باب افعال. ۴۴۲۳:۶
مُخْجُوب: در پرده پوشیده شده. ۲۳۷:۱
مُخَدِّث: گوینده. با اصطلاح علم الحدیث اشتباه نشود. ۴۱۶۳:۶
مُخْرَاب: جایی که امام جماعت می ایستد برای

مَخْسُوفٌ تر: به زمین فرو رفته تر. از مصدرِ
خَسَفَ به معنی به زمین فرو بُردن. ۴۳۸۱:۶
مُخَلَّلٌ: هر چیزی که دارای رخنه و سوراخ
متعدد باشد، دارای شکاف و رخنه.

۱۵۵۳:۴، ۱۳۸۱:۴
مُخَلَّلٌ گشتن: خُرد و خمیر شدن، در اینجا
سخت علیل شدن. ۲۵۷۹:۵
مُخَلَّدٌ: جاودان. ۲۸۲۶:۵، ۳۲:۳
مَخْلَصٌ: راه خلاصی، محل گریز و خلاصی،
پناهگاه: خلاصه کلام. «به مخلص رساندن»
یعنی به پایان رساندن، تمام کردن. ۴۶۶:۱،
۳۱۳۵:۲، ۲۹۶۶:۱، ۲۶۱۶:۱، ۱۰۰۲:۱،
۲۱۰۹:۳، ۳۸:۴، ۱۷۹۵:۵، ۳۰۰۴:۵،
۱۴۹۰:۶، ۲۹۶۹:۶، ۳۶۱۲:۶

مُخْلِصٌ: باخلاص، پاک و بی آلایش. ۲۶۱۶:۱
مَخْمَصَةٌ: از خَمَصَ به معنی فرو رفتن و لاغر
شدن شکم بر اثر گرسنگی. ۳۴۱۵:۲
مُخَنَّتٌ: نامرد، مردی که احوال و اطوار زنانه
دارد. کنایه از مرد بدکار. ۴۰۱۹:۳، ۶۸۶:۳
۲۹۹۵:۶، ۱۷۵۲:۶، ۲۵۱۰:۵، ۳۵۴۸:۴

مُخَنَّتٌ گوهر: کسی که سرشتی نامرد و پست و
ضعیف دارد. ۵۰۸:۶
مَخْمُورٌ: آنکه از نوشیدن شراب مست شده است
کسی که به سبب زایل شدن نشگی شراب
دچار کسالت و سردرد می شود، خمار.
۲۴۳۶:۵، ۳۴۳۹:۵

مَخُوفٌ: ترسناک، بیمناک. ۵۱:۵، ۱۴۵۳:۱
مَخِيطٌ: دوخته شده. اسم مفعول از خَاطَ يَخِيطُ
خَيطًا (= دوختن) در اینجا مناسب معنی
دوخت و دوز است. ۷۸۸:۵
مُخَيَّلٌ: خیال پرداز، صاحب خیال، کسی که
خیال می کند. اکبرآبادی به صیغه مفعول
(مَخَيَّلٌ) خوانده است به معنی
«مشهود خیالی» در مقابل «مشهود حقیقی».
۳۹۱۴:۵

۳۷۴۸:۴

مَحْمُولٌ: حمل کرده شده. ۱۲۹۵:۵
مَحْنَتٌ: رنج، بلا، ستمی؛ جمع آن: مَحَنٌ.
۱۱۴۹۱:۱، ۱۱۴۲:۳

مَحِيدٌ: محلی که از راه کناره می گیرند، از مصدر
حید (= کناره گرفتن از راه). ۲۴۰۱:۶
مَحِيصٌ: هم مصدر میمی است از حَاصٍ يَحِيصُ
به معنی عدول کردن و کناره گرفتن و نجات
یافتن و هم اسم مکان است به معنی راه
چاره و فرار. ۳۳۲۱:۳

مَحِيضٌ: مصدر میمی از حَاضٍ يَحِيضُ حَيْضًا به
معنی حیض شدن است. ۲۹۳۴:۶
مُخْيِي الموتي: زنده کننده مردگان، از صفات
حضرت حق. ۳۱۶۵:۶

مَخَازِي: جمع مَخْرَآة به معنی علت خواری و
ذلت و یا رسوائی. ۲۸۳۵:۳
مُخْبِرٌ: خبر، آگاهی. هم مصدر ثلاثی مجزء است،
و هم اسم مکان به معنی آگاهی یافتن و
محل تجربه است. ۲۰۵۶:۴، ۲۳۹۲:۴،
۱۴۹:۶

مُخْبِرٌ: آگاه کننده، اسم فاعل از مصدر اخبار، خبر
دهنده، گزارش دهنده، «مُخْبِرِي» با یای
وحدت است. ۲۶۳۵:۱، ۶۵۵:۳، ۲۸۷۱:۴،
۴۸۹۲:۶، ۱۳۱۲:۶، ۱۳۴۰:۵

مُخَيِّطٌ: آشفته و بریشان. ۷۳۶:۱
مُخْتَبِيٌ: پوشیده و پنهان. اسم فاعل از باب
افتعال. ۴۰۶۹:۶، ۸۶۴:۶

مُخْتَصِمٌ: دشمنی کننده، دشمن. ۲۶۷۰:۲
مَخْدُومِيٌ: با یای مصدری به معنی مورد خدمت
واقع شدن. ۴۶۵:۵

مَخْدُولٌ: خوار شده. ۱۴۷۷:۳
مَخْرُجٌ: محل خروج، برون شو، جای نجات و
خلاصی. ۷۲۰۶:۴

مُخْرِجُ الْحَيِّ: بیرون آورنده زنده. ۵۵۱:۵
مَخْرَقَةٌ: دروغ، افترا. ۲۰۳۳:۴

مدّت: مرکّب. ۱۲۹۲:۶
مدار: جایگاه گردش و دَوَران. ۳۸۰۸:۱
مُدّام: اسم مفعول از مصدر ادامه، به معنی همیشه، جاوید، به شراب انگوری و مستی آور نیز همین نام را داده‌اند از آن رو که شرابخوار از آن سیر نمی‌شود و پی‌درپی می‌خورد و بدان معتاد می‌گردد. باران را نیز مُدام گویند به جهت تداوم در نزول آن. ۱۱۷۲:۲، ۴۷۴۱:۳، ۳۲۹۳:۵، ۳۴۴۵:۵، ۲۷۶۶:۶
مَدْبُوع: دَبّاغی شده. ۱۰۴:۴
مِدْحَت: ستایش. ۳۲۰۴:۶
مُدْخَل: جای داخل کردن، محل وارد کردن. اسم مفعول از مصدر تَدْخیل. اسم مکان در ابواب ثلاثی مزید بر وزن اسم مفعول آنهاست. ۲۷۹۰:۳
مَدَد اَنْدَر مَدَد: پیوسته، لاینقطع. مدد به معنی یاریگری، نصرت، و کمک است. اصل آن به معنی زیادت و فراوانی است. با توجه به معنی اخیر منظور این است که امواج دهش و بـخـشـش الـهـی، بسیار فراوان می‌رسد. ۱۴۶۹:۳
مَدَر: گِل، کلوخ، شهر. گاه به روستا هم «مَدَر» گویند. ۱۲۱۲:۲، ۴۸۲:۶، ۲۳۹۸:۶
مُدْرَج: ضمیمه شده در چیز دیگر. ۶۱۷:۵
مِذْرَک: آلت درک، محلّ درک. ۱۸۵۴:۵
مُدْرَک: ادراک شده، اسم مفعول است، لیکن گاه اسم مفعول در ابواب مزید معنی مصدر را افاده می‌کند. در این صورت «مُدْرَک» به معنی درک یا ادراک است. مجازاً مطلوب و مراد. ۲۷۱۳:۶، ۲۳۷۶:۴
مُدْمَغ: احمق، گول، کسی که قوه دماغی‌اش دچار نقصان باشد. ۲۸۱۰:۱، ۳۰۹۵:۲، ۲۷۳۵:۳
مَدّی: نهایت، غایت، انتها. در این بیت به معنی

مدّت است. ترکیب مَدّی به معنی همه روز و همه وقت است. ۱۹۷۳:۳
مَدیح: سخنی که در ستایش گویند، مدیحه، چکامه، قصیده. ۱۸۶۰:۱، ۱۷۳۵:۴
مَدید: کشیده، گسترده، دراز، طولانی، در معنی ممدود. ۲۶۵۸:۱، ۸۲۹:۵، ۱۷۷۶:۶
مَذاق: طعم، مزه، چشیدن گاه. ۲۹۴:۱
مُذِلّ: خوارکننده، اسم فاعل از باب افعال. ۱۹۲۰:۴
مَذَلّت: خواری و ذلّت. ۲۶۹۳:۵، ۲۶۹۷:۵
مَذْهَب: رفتن، محلّ رفتن، راه و روش اعتقادی و قلبی. ۳۸۶۳:۳، ۳۵۱:۵
مَر: حساب، شمار. «بی‌مَر» یعنی بی‌شمار، بی‌اندازه. ۷۱۲:۶
مُرّ: تلخ. «جَهْدُمُر» یعنی تلاش رنج‌آور و فراوان. ۳۱۸۶:۴، ۳۲۱:۵
مِرآت: آینه. ۳۵۲۳:۳
مِراء: مخفّف مِراء یکی از مصادر باب مفاعله به معنی ستیز و جدال. ۳۳۴۱:۱، ۳۱۴۴:۴
مُراهِق: بالغ. ۲۵۳:۶
مُرایی: ریاکار. ۲۶۳۱:۱، ۳۷۹۸:۵
مُرَبّط: جای بستن چهارپایان و غیره. جمع: مَرابِط. در اینجا مطلق جایگاه. ۲۷۹۶:۶
مُرَبوب: پروریده، آفریده. ۴۱۲۹:۵
مُرْتَبِس: فربه و تنومند، درشت و گوشت‌آلود و توانگر. ولی استاد نیکلسون آن را به معنی خوشه‌چین و جمع‌کننده و فراهم‌آورنده میوه‌های درختان ترجمه کرده است. ۱۷:۳
مُرْتَجّا: کسی که بدو امید رود، محلّ امید، مایه امید دیگران. ۴:۲، ۴۲۴۱:۶
مُرْتَجّی: کسی که بدو امید رود، امیدگاه. ۱۹۱۱:۵، ۳۲۶۲:۶
مُرْتَد: بازگشت‌کننده، تشدید دال بنا به ضرورت شعری حذف شده، اسم فاعل از مصدر اِزْدَاد. اما در اینجا فقط معنی لفظی آن مورد

نظر است و نه اصطلاح شرعی و فقهی آن.
بنابر این منظور اینست که لشکریانت
سرکش و یاغی می‌شوند. ۷۸۱:۴
مُزْتَدی: کسی که رداء پوشیده باشد؛ مجازاً کسی
که در حجاب خودبینی فرو مانده باشد.
۲۲۰۴:۱

مُزْتَشی: رشوه‌گیرنده. در وجه استعمال این واژه
در این بیت، حاج ملّاهادی سبزواری
می‌گوید: مردمان همه رشوت‌گیرنده‌اند زیرا
خوشی‌ها و لذت‌های مادی و حیوانی مانند
رشوه و پاداشی است که به آنها داده می‌شود
تا زیر بار اعمال بروند. ۱۹۷۸:۱

مُزْتَضی: پسندیده و برگزیده برای صحبت و
خدمت، خشنود، راضی، اسم فاعل از مصدر
إِزْتَضَء. ۲۵۸۴:۶، ۲۷۴:۳، ۳۵۹۰:۱

مَزْتَعه: چراگاه. منظور بازار عطّاران است که
محلی خوشبو و دلنواز است. ۲۶۲:۴
مُزْتَقَد: محلّ خوابیدن، خواب‌جای. اسم مکان
ابواب مزید بر وزن اسم مفعول آنها می‌آید.
۳۸۵۱:۶

مَزْتَهَن: در گرو واقع شده، به گرو نهاده شده.
۱۱۸۳:۳، ۲۹۵۶:۶

مَرَج: چمنزار، چراگاه، مرتع. جمع: مُرُوج.
۱۸۷۴:۶، ۲۶۱۵:۵، ۲۵۶۴:۵، ۳۷۳۶:۲،
۲۴۷۶:۶، ۲۵۴۶:۶، ۲۷۵۴:۶، ۲۹۲۸:۶،
۴۰۸۴:۶

مَرَج: در اینجا مارج به معنی درآمیخته،
مخلوط‌کننده، که ناظر است بر آیه ۱۹ و ۲۰
سوره رحمن. ۴۲۸۲:۶

مَرَجان: نوعی مروارید، جانوری گیاه شکل که
در قسمت‌های کم عمق دریاها و گرم زندگی
می‌کند. در کتب قدما مرجان‌ها را حد واسطه
معدن و گیاه دانسته‌اند، در تنسوخ‌نامه
ابلیخانی آمده: «واسطه میان معادن و نبات».
۱۵۰۱:۱، ۴۵۰۱

مَرَج‌گاه: مرتع. ۳۸۷۵:۵
مَرَجُوم: مطرود، ملعون، رانده شده، سنگسار
شده، از مصدر رَجَم به معنی طرد کردن،
سنگ زدن، سنگسار کردن. ۳۸۳۸:۱،
۱۴۶۸:۵

مَرَج: شادی بسیار. ۳۰۹۹:۴
مَرَحَبُ: در فارسی کلمه تحسین (آفرین)
محسوب شود. امّا در عربی به صورت
منسوب (مرحباً) در استقبال مهمان و مسافر
گویند. به معنی خوش آمدید. ۳۴۴۱:۶
مَرَحَباً: مفعول مطلق است که عامل آن حذف
شده. یعنی خوش آمدی. ۳۸۰۳:۳
مَرَحُوم: کسی که مورد رحمت و شفقت قرار
گیرد. ۳۹۶:۴

مَرَحَمَه: مهربانی. ۳۶۱۴:۱
مَرَخ: درختی است وحشی و بیابانی که آنرا به
بارسی بیددشتی گویند. و تازیان از چوب
آن، آتش‌زنه می‌ساخته‌اند. ۸۵۰:۱
مُزْدَ رِیگ: مخفّف مرده ریگ به معنی میراث و
مالی است که از مُرده به جای می‌ماند. در
اینجا به معنی دیرین و برجای مانده از
زمانهای پیشین است که مراد حادثه طبیعی
زلزله است. نیز گفته‌اند هرگاه به صورت
وصف استعمال شود مفید معنی نفرت و
تحقیر است. ۱۲۸۲:۱

مَرْدِ غَر: مردی که به فحشاء تن می‌دهد، مُردنما.
«غَر» به معنی فاحشه است. ۱۸۸۲:۶
مَرْدِ کار: آن که کارها را به وجه احسن انجام
دهد. ماهر، استاد، حاذق، لایق، مردکار
الهی. ۱۱۴۹:۳، ۱۸۶۵:۳، ۹۳۵:۵

مَرْدُمُک: سباهی میان دایره چشم که عکس
اشیاء و اشخاص در آن می‌افتد. ۱۰۰۳:۱
مُرْدَه باش: بمیر. در این بیت «مُردن عارفانه
مورد نظر است. یعنی قمع و سرکوب
هواهای نفسانی و آرزوهای درازآهنگ».

۳۷۶۰:۳

مُرده ریگ: چیزی که از مرده باقی می ماند. در مثنوی غالباً به معنی چیزهای حقیر و زبون است، میراث. «دیگ مرده ریگ» کنایه از آدمی است که معلوم نیست درون آن چه چیزی می جوشد. صداقت می جوشد یا تزویر و ریا. ۱۹۶۸:۱، ۶۲۷:۲، ۳۱۹۹:۲، ۱۰۶۰:۳، ۴۷۷۵:۳، ۶۷۱:۴، ۵۴۶:۶

مُرز: نشستگاه، مقعد. ۱۱۲:۳

مُرسل: فرستاده شده، ارسال شده، رسول. نبی مبعوث به سوی مردم. ۲۹۷۸:۴، ۳۹۸۴:۶، میرصاد: راه گشاد و فراخ، کمینگاه. ۳۰۴۸:۳، ۴۵۲۹:۶، ۳۳۳۹:۴

مَرصد: جایگاه رَصد ستارگان. در اینجا به معنی مرتبه و مقام. ۳۸۰۱:۴

مُرَصَّع: آراسته به جواهر. ۷۷۸:۳

مُرَضِع: زنی که طفل را شیر می دهد. ۱۰۳:۳

مَرعا: چراگاه. ۳۵۲۲:۶، ۴۳۹۴:۶

مَرعی: چراگاه. ۵۲۴:۵، ۴۷۴۴:۶

مرغ بی وقت: مرغ بی هنگام، خروس بی محل. ۱۱۵۹:۱

مَرغزار: سبزه زار و علفزار، زمینی که در آن گیاه مَرغ، فراوان باشد، مَرغ نوعی سبزه است که آن را فَرزَد گویند. ۴۰۲:۱، ۱۳۴۰:۱

مرغزی و رازی: مَروزی و رازی، اهل مرو و اهل ری، دو چیز دور از هم و مخالف. ۲۳۷۹:۶، ۳۸۱۴:۴، ۲۸۸:۱

مَرکَب تازی: اسب عربی، اسب نژاده و اصیل. ۲۳۶۹:۵

مرگ سیاه: مرگ سخت و هول انگیز. این تعبیر با اصطلاح صوفیه «موتِ آشود» که تحمّل آزار خلق است ارتباطی ندارد. ۱۸۹۵:۱
مرگ فُجا: مرگ ناگهانی. فُجاء و فُجاء به معنی ناگهان وارد شدن است. ۱۷۴:۴

مَرَم: مگریز، فرار مکن، فعل نهی از رسیدن.

۳۹۲:۱، ۲۱۷۹:۱

مُرمَد: چشمی که درد کند، کسی که دچار درد چشم است. اسم مفعول از مصدر اِرمَد. ۹:۵
مُرند: می میرند. ۴۴۹:۴
مِرَوَحَه: بادبزن. اسم آلت از رَاح یَرَوُح. ۱۲۶:۴، ۱۳۷:۴

مُرود: اِمُروِد، به معنی گلابی. ۱۶۳۴:۳
مُرَوَّض: اسم مفعول از باب تفعیل به معنی اسب و ستور تربیت شده. ۲۰۰۷:۴

مُرَوَّع: ترسانیده شده. اسم مفعول از فعل ثلاثی مجرد رَاعَ یُرَوِّعُ این فعل هم معنی لازم دارد و هم متعدی. یعنی رَاعُ هم به معنی فَرَع (= ترسید) و هم به معنی أَفَرَع (= ترسانید) است. اما با کمال تعجب یکی از شارحان متأخر می نویسد: «مُرَوَّع از این ریشه در لغت عرب به صورت اسم مفعول از ثلاثی مجرد درست نیست.»! ۱۶۲:۴

مَرَهَم: دارویی که روی زخم می نهند. ۳۲۲۵:۱
مِری: ممالِ مِراء به معنی مجادله و ستیز. ۲۸۱:۱، ۱۶۱۵:۱، ۲۹۷۵:۲، ۳۴۳۶:۲، ۲۶۲۴:۶، ۱۰۱۳:۵، ۵۱۰:۵، ۳۶۲۱:۲

مِری: مخفف مِراء به معنی ستیز و جدال. ۱۶۰۵:۱، ۶۹۰:۱

مُری: ریاکار. در اصل «مُری» است. ۷۱۵:۶
مِریخ: یکی از ستاره های منظومه شمسی است. مدار آن بین مدار زمین و مشتری است. مِریخ یا بهرام معروفترین ستارگان است. ۱۱۱:۶، ۷۵۳:۱

مَرید: مَرید در اصل به معنی عاری از خبر است. به همین جهت عرب به درخت خالی از برگ و جوانی که بر رخساره اش موی نرسته «أمرَد» گویند: نیز به معنی نافرمان، سرکش، شیطان. ۶۵۴:۲، ۴۳۹:۳، ۲۳۴۸:۵، ۲۹۴۹:۵، ۲۱۹۹:۵

مِزاج: کیفیتی در بدن که از آمیزش عناصر و

درک کردن است. ۱۳۱۰:۵
 مِساس: جماع کردن. ۲۵۹۷:۲
 مِساغ: هم مصدر میمی است و هم اسم مکان، به
 معنی روان شدن و جای روان شدن. یعنی
 انوار چراغ‌ها بطور ساده و روان درهم
 می‌آمیزد. ۴۳۹۲:۳
 مِساقي: هم مصدر میمی و هم اسم مکان از فعل
 ساقَ یَسوقُ به معنی راندن چهارپایان و یا
 جایگاه راندن است. ۷۹۰:۳
 مِصْبَع: محل حیوانات درنده، دَوستان. ۵۰۱:۶
 مُسْتَأَصِّل: ریشه‌کن شده، از بیخ و بن برکنده
 شده. ۲۸۰۶:۶
 مُسْتَبْدَل: در اینجا به معنی دگرگونی است.
 «مستبدل» در اصل به معنی آن چیزی است
 که به عوض چیزی گرفته شود. ۳۱۷۶:۶
 مُسْتَبین: واضح و آشکار. ۲۱۲۵:۵
 مُسْتَبِر: پوشیده، پنهان شده. ۲۲۸۳:۳
 مُسْتَبَر: پوشیده شده، استتار شده. ۷:۶
 مُسْتَر: پوشیده در حجاب، مستور شده، اسم
 مفعول از مصدر تَسْتیر. ۱۲۰۳:۶، ۳۳۳۲:۱
 مُسْتَمِم: تمام‌کننده، به انجام رساننده. تام و تمام.
 ۲۷۹۷:۶، ۲۵۱۱:۶
 مُسْتَجَار: کسی که از او پناه خواسته شود،
 پناهگاه، از اسماء حُسْنای الهی است.
 ۴۲۱۹:۶، ۴۲۲۵:۶، ۳۴۳۲:۶
 مُسْتَجَدّ: تازه شده. اسم مفعول از مصدر اِسْتَجَداد
 و از ریشه «ج د د». ۱۸۱۹:۶
 مُسْتَجیر: پناه‌جوینده، پناه‌خواه. اسم فاعل از
 باب استفعال و از ریشه «ج و ر». ۷۳۲:۱
 ۱۷۸۰:۵، ۲۱۰۸:۵
 مُسْتَجیز: جایز شمارنده. ۳۶۸۰:۴، ۲۷۹۴:۶
 مُسْتَحَثّ: برانگیخته شده، مطلوب و مرغوب.
 ۱۹۳۰:۵
 مُسْتَحَقّ: سزاوار، مستوجب. اسم فاعل از مصدر
 اِسْتَحَقاق. ۲۳۱۵:۶

اجزای اصلی پیدا می‌شود، آمیزش و در
 اصطلاح اطباء کیفیتی که از آمیختن چیزها
 به هم رسد... آمیزش عناصر در بدن. ۶۵:۱
 ۱۷۴۵:۳
 مِزاج: شوخی، مصدر باب مفاعله (مراح) نیز
 مناسب بیت فوق است، زیرا به معنی شادی
 بسیار است و شادی و شنگولی از احوال
 مستانه است. ۶۳۸:۶
 مِزاد: به معنی مزایده و به معرض فروش نهادن
 است. ۱۸۳۵:۱
 مِزبَله: جای ریختن خاکروب. ۳۲۶۸:۱
 مُزْدَجِم: ازدحام کننده و انبوهی کننده. در اینجا
 مزاحم. ۲۰۷۵:۲
 مُزَن: ابر سپید و درخشان. ۳۰۵۵:۶
 مُزَوَّر: ساختگی، دروغین. ۲۲۸۷:۱
 مُزَوِّر: حیل‌گر، مکار، دروغگو. ۶۲۷:۶
 مِزْهَر: نوعی از عود (ساز معروف) است
 ۴۲۱۳:۶
 مَزید: هم اسم مفعول است و هم مصدر میمی از
 زَادَ یَزیدُ، افزون کرده شده، زیاد کردن،
 افزونی و زیادتی. نیکلسون کلمه مزید را
 اشاره می‌داند به این روایت: یحیی معاذ
 رازی نامه‌ای نوشت به بایزید که چه
 می‌گویی در حق کسی که قدحی خورد و
 مست ازل و ابد شد؟ بایزید جواب نوشت
 که: اینجا مرد هست که در شبانروزی دریای
 ازل و ابد در می‌کشد و نعره هَلْ مِنْ مَزید
 می‌زند. ۲۹۳۱:۱، ۹۲۷:۲، ۳۹۸۰:۳، ۹:۴
 ۲۴۲۶:۵، ۳۰۰۵:۵، ۴۳۶۵:۶
 مزید بخشیدن: فراوان بخشیدن. ۲۷۴۹:۱
 مُزْدَهَوَّر: نوید بخش، مزده دهنده. پسوند «وَر»
 علامت دارندگی و اتصاف و مبالغه است.
 ۱۷۴۰:۴، ۲۰۴۳:۴
 مِسا: مخففِ مِساء به معنی شامگاه. ۲۷۷۳:۶
 مِساس: لمس کردن، مَس نمودن. در اینجا مراد

مُسْتَحَقَّن: محبوس، زندانی شده، مقید. مصدر ثلاثی مجرد آن حَقَّن (= زندانی کردن) است. لیکن این مصدر به باب استفعال نرفته است. ۱۸۶:۶

مُسْتَحِيل: محال، ممتنع؛ دگرگون شده، از حال خود برگشته؛ مُسْتَحِيل شدن: تبدیل شدن، تغییر یافتن. ۱۰۸۲:۶، ۲۷۷۱:۵، ۱۴۷۵:۱، ۲۹۵۶:۶

مُسْتَحَفَّ: اسم مفعول از باب استفعال به معنی سبک و حقیر کرده شده، حقیر و خوار شده. ۳۱۶۸:۴

مُسْتَدَلّ: طالب دلیل، استدلال کننده، برهان آورنده، استدلالی. در اینجا به صورت مذموم و طنزآمیز بکار رفته است. ۳۷۱۹:۶
مُسْتَرَدّ: پس گرفته شده، پس داده شده. اسم مفعول از مصدر اِشْتَرَداد. ۱۱۹۶:۵، ۳۵۵۱:۶، ۲۵۷۴:۵

مُسْتَرَدّ نِخْلَه: واپس گیرنده عطا و بخشش. مُسْتَرَدّ اسم فاعل از مصدر اِشْتَرَداد، و «نِخْلَه» و «نُخْلَه» به معنی بخشش و عطیه. ۳۵۴۹:۶

مُسْتَرْضِع: شیرخوار، شیرخورنده. ۴۳:۶
مُسْتَرَقّ: از ریشه (رق ق) به معنی اسیر کرده شده. شارحی آنرا از ماده «سرق» گرفته که ناصواب است. ۳۸۱۵:۱

مُسْتَرَزاد: افزون شده، زیاد شده. اسم مفعول از باب استفعال. از فعل ثلاثی مجرد زَادَ یَزِيدُ. ۲۱۱۹:۵، ۲۱۱۲:۴

مُسْتَسْقَى: کسی که دچار بیماری اِشْتِشَاء شده باشد. اِشْتِشَاء در لغت به معنی آب خواستن و آب کشیدن است و در اصطلاح طَبّ قدیم بیماری و نقصانی است که از ضعف جگر پدید می آید و بر اثر آن، شخص بیمار دائماً آب می خورد و سخت احساس تشنگی می کند در حالی که واقعاً نیاز به آب ندارد.

۳۸۸۴:۳، ۶۷۱:۶، ۲۶۷۱:۶

مُسْتَشَار: آنکه طرف مشورت قرار می گیرد، مشاور. ۱۰۴۴:۱

مُسْتَشْرِف: بلندقدر، گرانبها. ۴۲۸۴:۶
مُسْتَصِحِب: خواهان مصاحبت. اسم فاعل از باب استفعال. ۱۱۸۸:۶

مُسْتَضَى: پرتو گیرنده، طالب نور. ۱۵۰۷:۱
مُسْتَطَاب: پاک و پاکیزه، مطلوب، خوش آمده، دلنشین. ۱۳۷۶:۳، ۱۹۰۷:۳، ۴۱۸۴:۳، ۱۹۱۳:۵، ۲۴۳۷:۶، ۳۱۶۷:۶، ۳۳۲۹:۶

مُسْتَعَار: عاریه گرفته شده، غیر اصیل، مجازاً اعتباری در مقابل حقیقی. ۳۲۲۳:۴، ۶۹۷:۵
مُسْتَعَان: از اسماء حسناى الهی به معنی یاریگر، کسی که همه از او یاری می خواهند. ۴۶۸۸:۶، ۲۲۱۲:۵

مُسْتَعِجِل: شتابنده، خواهان شتاب، عجله کننده. ۱۵۰۱:۶

مُسْتَعِجِلُ تَگی: به شتاب دویدن. ۲۲۸۹:۶
مُسْتَعِجَلِی: شتابکاری، تعجیل. مستعجل + یای مصدری. ۲۵۸۳:۶

مُسْتَعْمَل: به کار گماشته شده، به کار گرفته شده. ۲۹۴۶:۴

مُسْتَعْمِر: عاریه خواهند. اسم فاعل از مصدر استعاره و از ریشه «ع ور» اما «مُسْتَعْمِر» از ریشه «ع ی ر» به معنی اسب فریه و گورخر است که ربطی به بیت فوق ندارد. ۱۶۲۴:۳، ۹۹۳:۵

مُسْتَعین: یاری جوینده. ۵۱۶:۴
مُسْتَعَاث: اَلْمُسْتَعَاث شخصی که از وی فریادرسی می خواهند، دادرس. ۶۲۳:۲، ۴۱۱۶:۵، ۳۰۸:۵، ۱۰۴۳:۵

مُسْتَفِیْث: فریاد خواه. «غیاثُ الْمُسْتَفِیْثین» از اسماء الهی است به معنی فریادرس فریادخواهان. ۲۰۰:۶

مُسْتَفید: کسی که فایده طلب می کند، فایده

سکون قاف) به معنی فهمیدن سخن و درک حدیث است. از اینرو ناقه هم به معنی بیماری است که وارد دوران نقاهت شده و هم به معنی کسی که حدیث را خوب می‌فهمد. و مُسْتَنْقِه کسی است که در طریق فهم مطلب و یا حدیث می‌کوشد و حدیث را خوب می‌فهمد. پس ملاحظه می‌شود که این معانی هیچکدام با بیت موردنظر در نمی‌سازد. مگر آنکه تسامحاً بهبودی بیمار را به معنی پاکی فرض کنیم که در آن صورت باید آن کلمه را مُسْتَنْقِه (از باب افتعال) بخوانیم. اکبرآبادی معتقد است که مُسْتَنْقِه همان مُسْتَنْقِی از مصدر نَقَو و نَقَاوَة (= تمیز شدن، خالص شدن) و به معنی پاک و نظیف است. و (های) آنرا بدل از (یا) دانسته است و یا گفته است که احتمالاً این (ه) به انتهای آن کلمه اضافه شده تا قافیه

جور شود. ۱۱۲۱:۴

مُسْتَنْکَر: زشت، ناپسند. ۲۹۵۲:۳

مُسْتَنْبِر: نور جُوینده، روشن، درخشان.

۴۰۳۶:۵، ۳۲۳۲:۱

مستور: پوشیده شده. ۳۶۱۱:۱

مُسْتَوْبِع: گسترده. ۱۷۶۱:۴

مُسْتَوِی: راست، برابر، هموار، مستقر، یکسان،

مستقیم، اسم فاعل باب افتعال از ریشه

(س وی)، حکیم سبزواری مقصود از عمر

مُسْتَوِی را عمر طبیعی می‌داند. ۲۵۳۱:۴،

۳۷۵۳:۴، ۴۸:۶، ۱۸۳۹:۶، ۳۱۸۰:۶،

۴۷۰۱:۶، ۳۴۰۱:۶

مُسْتَوِی شدن: در این بیت بهبود یافتن.

۲۵۷۷:۳

مُسْتَهَام: دلباخته، بیدل. اسم مفعول از مصدر

استهَامَه: از ریشه «ه ی م». ۱۵۹۸:۶

مُسْتَهَان: خوار کرده شده، خوار و ذلیل، اسم

مفعول از مصدر اِسْتَهَانَه و از ریشه «ه و ن».

خواهنده، خواهان منفعت. ۲۰۳:۲،

۳۱۶۹:۳، ۳۰۱۲:۴، ۹۰۰:۵، ۱۳۰۱:۵،

۴۱۹۴:۶

مُسْتَفِیض: خبر واحدی است که روایانش در هر

طبقه بیش از سه نفر باشند. و بعضی نیز

زیاده از دو نفر را نوشته‌اند. اما خبر متواتر

خبری است که روایانش در هر طبقه از اول

و وسط و آخر و در سایر مراتب به حدی از

کثرت برسد که وفاق ایشان برکذب محال

باشد. ۴۶۴۹:۳

مُسْتَقْدَر: کثیف، چرکین، کثیف شمرده شده. اسم

مفعول از باب استفعال. بسیاری از شارحان

آنرا به صیغه فاعلی آورده‌اند که با معنی این

بیت سازگار نیست، زیرا صیغه فاعلی آن به

معنی کسی است که چیزی را کثیف و ناپاک

شمرد و از آن نفرت داشته باشد. مصدر

ثلاثی مجزّء آن قَدَر به معنی چرکین کردن و

چرکین شدن است. یعنی هم معنی متعدّی

دارد و هم لازم. ۱۱۲۱:۴

مُسْتَقَر: محل قرار گرفتن، جایگاه و محل

استقرار. ۸۱۸:۶، ۱۸۰۳:۵

مُسْتَلَد: لذت جُوینده. ۱۹۰۸:۳

مُسْتَمِرّ: پیوسته. ۳۳۸۷:۵

مُسْتَنْبِه: هوشیار، بیدار، جُوینده آگاهی و

بیداری. ۳۸۷۸:۶

مُسْتَنْجِم: روشن، تابیده، افروخته. ۳۵۶۹:۳

مُسْتَنَد: اسم مفعول به معنی تکیه کرده شده،

جایی که بدان تکیه کنند، قابل اتکاء.

۱۸۶۰:۳، ۳۰۸۸:۵، ۱۶۳۹:۶، ۴۲۲۰:۶

مُسْتَنْقَا: پاک شده. از ریشه «ن ق و». ۲۶۰۱:۶

مُسْتَنْقِه: بسیاری از شارحان این لفظ را از مصدر

نَقَه گرفته‌اند و کلمه مورد نظر را پاک، نظیف

معنی کرده‌اند. در حالی که نَقَه به معنی بهبود

یافتن از بیماری و مرضی است که هنوز

ضعف در تن وجود داشته باشد. و نَقَه (با

مَشَاعِر: حواس پنجگانه، جمع مَشْعَر. ۱۳۱۲:۶
 مُشَاع: پخش و پراکنده، مشترک. ۲۸۱۳:۶
 مَشَام: همان مَشَام، جمع مَشَم به معنی محلّ قوّه
 شامه، بینی. اما در فارسی تشدید میم را
 ساقط کرده و «مشام» را که صیغه جمع
 مکتّر است به معنی مفرد استعمال می‌کنند،
 قوّه شامه، محلّ قوّه شامه. ۲۶۳۶:۱
 ۲۲۲۸:۴، ۳۳۶۱:۳
 مُشَبَّک: دارای شبکه، سوراخ سوراخ. ۳۶۳۲:۵
 مُشَبَّه: تشبیه کننده. ۱۳۵۵:۲
 مُشْتَبَه: اسم مفعول از مصدر اشتباه به معنی
 اشتباه شده. ۱۶۵۹:۵
 مُشْتِ خَاک: اشاره دارد به پرتاب مشتی خاک و
 سنگریزه توسط حضرت رسول اکرم (ص)
 در جنگ بذر به سوی مشرکان. ۳۶۶۱:۳
 مُشْتَقَل: هرچه بدان مشغول و مأنوس شوند.
 ۳۲۰۰:۱
 مُشْتَهَا: مُشْتَهَى، آنچه بدان میل شود، خواهش،
 خواسته، آنچه بدان رغبت نشان داده شود.
 اسم مفعول از مصدر اِشْتَهَاء. از فعل ناقص
 واوِ شها يَشْهُو شَهْوَه. ۱۶۰۱:۱، ۲۹۵۴:۳
 ۳۳۶۳:۵
 مُشْتَهَى: اسم مفعول از باب افتعال. مصدر ثلاثی
 مجرد آن «شَهْوَة» است. اما در اینجا معنی
 مصدری می‌دهد. یعنی به معنی اِشْتِهَاء آمده
 است. ۲۰۷۸:۴
 مُشْتَهَى: خواهشگر، میل کننده، دارای میل و
 شهوت، خواهان. کنایه از حاجت خواه
 است. ۴۲۲۱:۶، ۳۸۴۸:۶، ۱۴۴۴:۱
 مُشْتَهَر: نامور، مشهور. مُشْتَهَر. ۷۵۵:۱
 مُشْتَهَر: پرآوازه، مشهور. ۱۱۶۱:۳
 مَشْرَب: جای آشامیدن، آشامیدنگاه. ۳۴۶۴:۱
 مُشْرِف: رئیس دیوان، کسی که از سوی شاه
 برای مراقبت کار دیگران گمارده شود،
 نظارت دارنده. ۳۱۵۲:۱، ۱۵۸۶:۵

۷۳۴:۱، ۱۶۳۶:۲، ۱۸۲۸:۲، ۷۳۲:۳
 ۱۷۲۹:۶، ۸۲۰:۳
 مُسْتَهْزِیان: مسخره کنندگان. ۱۱۴۲:۵
 مسجدگُنان: سازندگان مسجد. صفت مرگب
 فاعلی. ۳۰۲۶:۲
 مَسْخ: مبدل شدن صورت زیبا به صورتی زشت،
 انتقال نفس انسان از بدن وی به بدن حیوانی
 که در اوصاف، مشابه او باشد. مانند انتقال
 روح مرد دلیر به بدن شیر. ۵۳۵:۱، ۲۹۵۳:۳
 مَسْرَح: چراگاه؛ جمع: مَسَارِح. ۲۲۲:۶
 مَسْرَح مشروح: چراگاه وسیع و چمنزار پهناور
 و انبوه. «مَسْرَح» اسم مکان از مصدر سَرَح
 به معنی چرا رفتن و یا به چرا فرستادن
 چهارپایان است. هم لازم و هم متعدی.
 ۱۸۴:۶
 مَسْعُود دَر: صفت و موصوف مقلوب. یعنی در
 مسعود. ۹۸۸:۴
 مُشْکِر: مستی آور. اسم فاعل از مصدر اِشْكَار.
 ۴۵۱۶:۶
 مَسْکُل: جدا شو، مَکْسَل، فعل نهی از مصدر
 سَکَلِیدن که در اصل به معنی گسلیدن و
 گسیختن و پاره شدن است. مجازاً به معنی
 دست برمدار و صرف نظر مکن آمده است.
 ۴۲۶۲:۶، ۵۴۲:۴
 مَسْلَخه: سلاخ خانه، جای پوست کردن حیواناتی
 نظیر گاو و گوسفند. ۳۸۲۵:۴
 مَسْلَک: راه، طریقه، محلّ عبور؛ جمع: مَسَالِک.
 ۱۷۸۵:۴، ۴۶۳:۱
 مِسْمَار: میخ؛ جمع: مَسَامِیر. ۱۸۱۲:۵
 مَسْمَع: گوش؛ جمع: مَسَامِیع، نیز جایگاه شنیدن.
 ۱۸۵۴:۵، ۱۶۳۰:۴
 مَسْنَد: تکیه گاه؛ جمع: مَسَائِد. «مَسْنَد، چشم تو»
 یعنی با تکیه بر بصیرت و بینایی تو.
 ۱۷۱۲:۴، ۲۱۱۵:۱
 مَسْنَد: تکیه گاه. ۱۶۳۰:۱

شدن؛ در اصطلاح علم صرف اسمی که فعل
از آن مشتق می‌شود. ۳۹۶۵:۳، ۷۹۵:۳
مصدوق حال: حقیقت حال. ۳۱۷۹:۲
مضر: در اصل به معنی حد و مرز و میان دو چیز
و یا دو قطعه زمین است. شهر را از آن رو
مصر گویند که محدود است. راغب، مصر را
به هر شهر محدود اطلاق کرده است.
۱۰۷۵:۳
مُصِرّ: اسم فاعل از مصدر اصرار به معنی
اصرارکننده. در این بیت منظور اصرار کننده
بر گناه و لغزش است. ۲۱۹۸:۳
مُصَرّف: دگرگون کننده، گرداننده. ۴۱۹۶:۶
مُضَقَّل: صیقل یافته. ۲۳۷۰:۱
مُضَلّا: جانماز. ۲۷۳۱:۱
مَضروع: آنکه دچار ضروع و غش است. ۲۶۸:۴
مُضَوَّر: صورت داده شده، نقاشی شده. ۳۲۷۷:۵
مَضی: گذشت، فعل ناقص واوی و یایی
«مَامَضی» یعنی «آنچه گذشت»، پیش از این.
۷:۴
مَضاجک: سخنان و کارهای خنده‌آور؛ جمع
مَضَحَکَه. ۳۹۴۰:۶
مُضَاعَف: دو برابر، اما در اینجا منظور ده برابر
است. ۱۲۲۹:۴
مُضِج: ضجه آور، ناله‌انگیز. در اینجا به معنی
دردناک. ۱۸۵۱:۶
مُضَجِّع: خوابگاه؛ جمع: مَضاجِع. ۳۳۴۶:۴
مُضِرّ: زیان آور. ۳۸۶۸:۱
مُضْطَرّ: درمانده، بیچاره. ۳۰۷۰:۱، ۳۳۵۹:۲
۱۲۰۷:۵
مُضِلّ: گمراه کننده. اسم فاعل از مصدر إِضْلال.
۶۵۶:۶، ۳۴۸۹:۱
مُضْمَر: اسم مفعول از باب افعال به معنی پوشیده
شده. نهان گردیده، پوشیده و نهفته و پنهان.
۲۵۸۴:۱، ۲۶۲۷:۱، ۲۲۶۴:۲، ۲۷۱۱:۲
۲۱۰۳:۳، ۳۲۱۸:۳، ۴۳۰:۵، ۵۴۷:۵

مُشَرّف: شرف یافته. ۳۶۱۳:۱
مُشْرِق: خاور زمین. ۱۷۹۹:۱
مُشْعَلَه: مشعل؛ جمع: مشاعل. ۲۱۸۸:۴
۲۶:۵، ۲۳۶۳:۴
مُشْغِل: سرگرم کننده، بازدارنده. ۵۰۶:۳
مُشْغَلَه: قیل و قال، داد و فریاد. ۲۶۱۶:۳
مُشْفِق: مهربان. ۳۷۳۸:۳
مُشْک: ماده‌ای معطر که از نافه آهوی خُتن
می‌گیرند. ۳۳۶:۴
مُشْکات: چراغدان، جا چراغی. ۱۹۴۱:۱
۳۰۶۸:۶، ۸۲۰:۲
مُشوب: مخلوط، آمیخته. ۱۰۵۱:۱
مُشَوّق: هر آنچه مورد اشتیاق است. در اینجا به
معنی معشوق. ۳۵۴۵:۵
مُشْهَد: قبر، محلّ شهادت. احتراماً به مزار
بزرگان گویند. ۱۹۴۰:۶
مُشید: برافراشته، استوار و بلند. ۱۴۱۰:۴
۳۷۳۰:۶
مُشیر: مشورت کننده، در اینجا به معنی مدبّر
است. ۳۳۳۱:۱
مُصاب: مصیبت دیده، کسی که دچار حادثه
ناگواری می‌شود. ۳۳۲۳:۳
مَصاییح: چراغ‌ها، جمع مِصْبَاح. ۲۶۱۳:۶
مَصاف: جمع مَصَفّ (= محل صف کشیدن و
عرصه پیکار) اما فارسیان تشدید مَصاف را
اسقاط و معنی مفرد از آن اراده می‌کنند.
۱۴۲۱:۱، ۱۸۵۱:۳، ۲۸۲۰:۳، ۳۷۳۵:۳
۳۷۳۸:۵، ۶۳۸:۵، ۱۷۷۴:۴، ۴۵۳۷:۳
مِصْبَاح: چراغ فروزان. ۲۹۳۶:۱، ۳۱۳۶:۶
مُضَحَف: صحیفه، نوشته، کتاب. در اینجا منظور
قرآن کریم است. ۲۸۷۱:۲
مِصْدَاقِ خواه: خواهان مصداق. و مصداق در
اصل به معنی چیزی یا کسی است که گواه
صدق کسی باشد. ۴۳۴۹:۶
مُضَدَّر: محلّ صدور، محلّ بازگشت، جای صادر

مَطْوُوق: طوق دار. در اینجا به معنی مقید و وابسته. ۳۰۹۱:۴

مَطْوِی: در نور دیده شده، طی شده، درهم پیچیده شده. ۱۱۷۸:۴، ۱۶۲۱:۲

مُطَهَّر: پاک و پاکیزه. ۳۷۲۱:۱

مِطَهَرَه: آفتابه. ۱۰۹:۵

مُظَالَم: جمع مَظْلَمَه: ستمی که بر کس وارد شود. مظلمه بُردن، دادخواهی، شکایت بُردن.

۴۱۰:۲، ۳۷۲۲:۵، ۳۵۰۴:۶

مُظْلِم: تاریک، بسیار تاریک. ۱۳۰۹:۱

۲۵۷۵:۱، ۳۵۷۹:۶، ۴۰۹۸:۶

مظلوم کُش و ظالم پرست: ترکیب وصفی است.

خصلت عمومی مردمان چنین است. ضعیف

را پایمال می‌کنند و ستمگران را یاری

می‌دهند و به مدح و ستایش آنها می‌پردازند.

ضرب المثل عرب می‌گوید: أَلْتَأَسُّ

عبيدَالْعَصَا. ۲۴۳۹:۳

مُظْهَر: اسم مفعول از باب افعال به معنی آشکار

کرده شده. در اینجا معنی مصدری نیز

می‌دهد. یعنی می‌توان آن را اظهار معنی کرد.

۱۷۰۵:۴

مُظْهَر: ظاهر کننده. ۲۶۳۵:۱

مَعَارِج: بالا رفتن‌ها. جمع مَعْرَج (مصدر میمی از

عَرَجَ يَقْرُجُ) اسم مکان و اسم آلت نیز تواند

بود. به معنی محل و وسیله عروج. ۲۷۶۵:۶

مُعَايِن: اسم مفعول از مصدر معاينه به معنی

«دیده شده» است. ۲۵۶۶:۶

مَعْتَبَر: هم مصدر میمی است به معنی عبور و هم

اسم مکان به معنی گذرگاه. ۶۰۹:۵

۲۹۴۲:۵، ۳۸۳۱:۶

مُعْتَرَض: مصدر میمی به معنی اعتراض و

ستیزه جویی. ۱۳۳۲:۵

معتمصم: پناه برنده، چنگ درزننده به چیزی برای

طلب یاری. ۳۸۷۳:۵

مُعْتَق: اسم مفعول از مصدر اعتاق به معنی بنده

۱۶۶۸:۵، ۱۳۱۵:۶

مَضِيق: تنگنا، جای تنگ؛ جمع: مضایق. ۵۰۲:۶

۱۶۲۶:۶

مَطَار: محل پرواز و طَیْران، پرواز کردن. هم

مصدر میمی است و هم اسم مکان از طَارَ

یَـطِیرُ. ۳۸۰۸:۱، ۳۹۶۲:۳، ۶۸۱:۶

۳۴۳۲:۶، ۳۷۷۱:۶، ۴۳۳۰:۶

مُطَاع: آنکه مورد اطاعت باشد، آنکه از امر او

اطاعت کنند، فرمانبرداری شده. ۲۴۹۴:۶

۳۶۳۲:۶

مُطَاعُ الْأَمْرِ: کسی که فرمانش اطاعت شود.

۱۶۵۳:۵

مَطَاف: جای طواف و گردش. ۴۶۹۴:۳

مَطْبَخَه: آشپزخانه؛ مَطْبَخِي: آشپز. مطبخ + «ی»

نسبت. ۱۷۱۷:۴، ۳۸۲۵:۴

مَطْبُوخ: به معنی پخته شده. در اصطلاح، دارویی

است که بپزند و شیره آن را به بیمار بدهند؛

مانند جوشانده. ۱۸۶۳:۱

مِطْحَن: آسیا. اگر مِطْحَن بخوانیم به معنی محل

آسیاست. ۶۰۶:۶

مَطَر: باران؛ جمع: اَمْطَار. ۲۷۳۹:۱، ۲۴۶۸:۵

۳۲۶۷:۶

مُطَرَّب: به طرب آورنده، نوازنده، خواننده.

۱۹۱۳:۱

مَطَرَحَه: جای انداختن چیزی، جای ریختن

آشغال و زباله، زباله‌دانی. ۳۰۱۷:۲

مَطْعَم: غذا، خوردنی؛ جمع: مَطَاعِم. اسم مکان

نیز هست اما در اینجا وجهی ندارد.

۱۸۵۶:۴

مَطْعُون: کسی که مورد اصابت نیزه قرار گرفته

باشد، سرزنش شده. ۱۷۸۹:۴

مُطْمِع: به طمع در آورنده، کسی که دیگری را به

طمع وامی‌دارد. اگر منظور صیغه مفعولی آن

«مطمع» باشد به معنی کسی است که طمعش

انگیخته شده، آزمند. ۱۶۷۸:۶، ۱۸۹۸:۶

۳۷۹۹:۴
 مُعْطِی الْمُنَى: دهنده آرزوها، عطا کننده
 خواسته‌ها، برآورنده خواهش‌ها. ۳۵۶۴:۶
 مُعْقَل: به بند کشیده شده. «مُعْقَل کردن» به بند
 درکشیدن. ۲۷۶۳:۶
 معکوس رَو: صفت مرکب فاعلی مرخّم. به
 معنی وارونه کار، کسی که معکوس حرکت
 می‌کند. ۴۴۴۳:۶
 مَعْمُور: آباد کرده شده، آباد شده، آباد.
 ۳۱۲۰:۲، ۳۸۸۶:۱
 معموری: آبادانی. «معموری تن» به مسائل
 جسمانی و نفسانی اهتمام ورزیدن. ۳۰۵:۱
 معنی لان: جای معنی. ۲۵۷۳:۲
 مَعْنَى وَر: دارنده معنی، اهل معنویت. معنی +
 پسوند دارندگی «وَر». ۱۸۹۹:۶
 مَعِيب: عیب دار. ۱۵۰۹:۵
 مُعِيد: اعاده کننده، تکرار کننده، بازگو کننده
 درس استاد برای دیگر شاگردان. ۳۴۶۱:۱
 مُعِيل: عیالوار، عیالمند. ۳۴۱۱:۵
 معین: آب زلال و روان. ۱۲۰۶:۲، ۲۴۳۶:۶
 مَعْيُوبٌ خَر: صفت مرکب فاعلی مرخّم، به معنی
 معیوب خرنده، کسی که جنس معیوب را
 می‌خرد. ۹۰۱:۵
 مَغ: زرف و عمیق. لفظ مَغاک نیز از همین کلمه
 است. ۱۱۸۴:۱
 مَغَارِس: جمع مغرس و آن به معنی قلمستان و
 جای نهال کاری است. ۱۳۶۴:۶
 مَغْبُون: فریب خورده و زیان دیده. ۴۴۱۶:۶
 مُغْتَذَا: اسم مفعول از مصدر إغْتِذَاء (= غذا
 خوردن) که به معنی مصدري آن آمده است،
 نیز به معنی غذا تواند بود. ۱۶۹۸:۶
 مُغْتَذَى: غذا خورنده، غذاخور. ۱۳۳۹:۳
 مُغْتَسِّل: جای شست و شو. ۲۰۹۶:۱، ۴۱۹۲:۵
 مُغْتَنَم: غنیمت شمرده شده، در اینجا به معنی
 ارزشمند. ۳۷۲۳:۵

آزاد شده، مجازاً رها شده از قید و بند
 تکالیف شرعی: کودک نابالغ مکلف به
 احکام شرعی نیست. ۶۷۲:۳، ۲۶۵:۵،
 ۲۳۱۵:۶
 مُغْتَكِف: در اصل به معنی کسی که به جهت
 عبادت گوشه نشینی اختیار می‌کند. مجازاً به
 معنی جای گیرنده و یا قرارگیرنده، در کمین
 نشسته. ۵۸۲:۶، ۳۳۳۷:۶
 مُغْتَلِف: علف خورنده، در اینجا فقط به معنی
 خورنده است. ۵۸۲:۶
 مُغْتَجِب: خودبین، خودپسند، معجبی: خودبینی.
 ۱۰۰۷:۱، ۳۲۱۵:۱، ۶۴۷:۵
 مُغْتَمَد: کسی که مورد اعتماد باشد. ۳۰۵۶:۱
 مُغْتَنَى: اعتنا کننده، اهتمام کننده. ۳۴۹۸:۳
 مُغْجَز: عاجز کننده. ۷۶۷:۶
 مُعَدّ: اسم مفعول از مصدر إغْداد به معنی آماده
 شده. ۲۲۷۴:۳
 مُغْدَلَّت: عدل و داد، با فتحه دال نیز صحیح است
 به معنی به عدالت رفتار کردن. ۳۰۴۲:۱،
 ۱۶۲۸:۵، ۴۶۲۵:۳
 مِغْرَاج: نردبان، وسیله عروج. در اصطلاح
 اعتقادی عروج پیامبر(ص) با کالبد مبارک
 خود از مکه و از خانه اُمّ هانی (خواهر
 حضرت علی) به سوی مسجد اقصی به
 بیت المقدس و از آنجا به سوی آسمان‌ها تا
 آخرین مرتبه قرب الهی. ۱۵۸۰:۱، ۴۱۸۸:۳
 مُعْرِف: آنکه در قدیم نزد بزرگی می‌ایستاد و
 میهمانان را به او معرفی می‌کرد. ۲۶۲:۶،
 ۴۴۰۱:۶
 مَغْزُول: عزل شده. ۲۰۶۷:۴
 مُعَسَّر: دشوار، هر امر دشوار شده، این لفظ و
 لفظ فوق مأخوذ است از آیه ۱۰ سوره لیل.
 ۴۸۹:۱
 مُغْسِر: تنگدست و فقیر. ۲۱۳۹:۳، ۲۲۸۴:۶
 مُغْطَى: عطا کننده، اسم فاعل از مصدر إغْطَاء.

مُغِيث: فریادرس، اسم فاعل از مصدرِ إِغَاثَه و از ریشه «غ و ث». ۳۳۰۳:۲، ۲۴۰۰:۶
مُغِير: غارتگر. اسم فاعل از مصدرِ إِغَازَه. در اینجا مناسب معنی طاعی است. نیکلسون «رَه زن» معنی کرده و انقروی علاوه بر معنی یغماگر، «غیرگیرنده» و «ذوغیر» را نیز احتمال داده است. ۳۴۳۳:۶، ۳۳۷۷:۶
مُغِيلَان: درختی خاردار که در ریگستان می‌روید. ۱۹۶۸:۱

مُغَاذ: پیروز گردانیده شده ۵۳۲:۴
مُغَاذَه: بیابان بی آب و علف. هامون: محل نجات. ۲۷۰۶:۱، ۱۴۷۳:۲، ۵۳۲:۴
۳۱۲۴:۴، ۳۳۶۵:۵، ۴۰۹۸:۶
مُغَاض: اسم مکان از مصدرِ إِفَاضَه (باب افعال) به معنی محل فیض رسانی، جامه افاضه. ۳۱۱۲:۶

مِفْتَاح: کلید. ۲۳۵۸:۵، ۳۱۳۶:۶
مُفْتَن: مورد امتحان قرار گرفته، آزمون شده، شیفته، فریفته، مفتون. ۴۱۲۰:۳، ۴۱۴۹:۵، ۳۸۸۷:۶
مُفْتَرَض: اسم مفعول از باب افتعال به معنی واجب گردیده، واجب، لازم، فریضه شده، فرض. ۴۵۵:۵، ۶۷۷:۵، ۳۶۵۲:۶، ۳۹۵۲:۶
مُفْتَرَى: افترا زننده. ۷۱۶:۴، ۳۴۵۴:۴
مُفْتَقَد: گم کرده شده. اسم مفعول از باب افعال. ۴۰۲:۴

مُفْتَكِر: اسم مفعول از باب افتعال که در اینجا به معنی اندیشه و افکار است. ۱۷۷۴:۶
مفتوح: گشوده شده، ۴۰۵۰:۶
مُفْتَى: فتوی دهنده. اسم فاعل از مصدرِ إِفْتَاء. ۵۳۰:۶، ۱۲۶۵:۵

مِفْرَش: آنچه روی زمین بگسترانند. ۲۰۷۸:۱
مُفْرَش: هر چیز گستردنی؛ جمع: مَفَارِش، مِفْرَش نیز به معنی بستری است که می‌گسترند. ۳۲۳۵:۵

مُفْرَس: محل کاشتن نهال، قلمستان. ۲۷۸۱:۶
مُفْرَس: قلمستان، جای نهال کاری. مراد از «خوش مُفْرَس»، خوش جنس و مرغوب است. ۲۳۳۷:۲، ۴۵۸:۵، ۱۹۶۱:۵، ۱۱۶۶:۶

مُغْرِف: به کف دست آب گیرنده، کسی که با کف دست آب برمی‌دارد. در اینجا به معنی سیراب کننده است. ۱۵۸۶:۵
مُغْرَم: مصدر میمی است و در اصل به معنی ثبوت و ملازمت است. نیکلسون با استناد به آیه ۶۵ سورة فرقان، «مغرم» را عذاب دائم دانسته، در حالی که در آن فقط به معنی «دائم» است نه عذاب. ۳۴۸:۵

مَغَز: فعل نهی از مصدر غیزیدن به معنی خزیدن، چهار دست و پا مانند کودکان راه رفتن، به روی زانو نشسته راه رفتن. ۱۲۳۳:۲، ۱۸۹۷:۴

مَغْشِيَا: بیهوش ۱۰۶۱:۶
مَغْض: درد شکم. دل پیچه، پیچش ناف و شکم. منظور پیچش و مالشی است که بر اثر گرسنگی پدید می‌آید. ۱۶۹۴:۳، ۳۹۸۳:۳
مِسْفَر: کلاهخود، زرهی که زیر کلاهخود می‌گذاشتند، در اینجا به معنی سر است جمع: مَغَاوِر. ۲۶۳۷:۴، ۱۹۸:۵

مُغْفَل: آنکه دچار غفلت باشد. ۳۳۵۰:۱
مُغْفَل: نادان، کم هوش، کودن، سبک مغز. «مُغْفَل کردن» یعنی خود را به غفلت و نادانی زدن. ۳۰۹:۳، ۲۷۶۳:۶

مُغْفَل: اغفال کننده. ۷۵۲:۵
مِغْلَق: چفت در، گُلون. قُفْل: جمع: مغالِق. ۳۸۵۳:۶

مُعْمَر: کسی که با چشم و ابرو اشاره می‌کند. در فارسی به معنی دلاک و مشت و مال دهنده نیز آمده است. ۴۱۸۶:۵
مُعْنَى: بی‌نیازی دهنده. ۳۹۱۲:۱

مَكَان: به معنی محل کشتن و کشته شدن.
 کنایه از نقاط حساس بدن از قبیل قلب و
 مغز است که اصابت تیر بدان نواحی سبب
 مقتول شدن شخص می‌شود؛ جمع: مَقَاتِل.
 ۳۳۳۵:۳، ۳۷۸۲:۵، ۴۸۶۹:۶
 مُقْتَنِع: قانع. ۴۴۰:۶
 مَقْدِرَت: مصدر میمی ثلاثی مجزّد به معنی
 قدرت و توانایی. با فتحه و ضمه دال نیز
 صحیح است. ۲۲۰۷:۴، ۲۶۵۳:۴
 مَقْدَم: وارد شدن، از سفر بازگشتن، مصدر میمی
 است. اسم مکان دانستن آن نیز صحیح
 است. ۸۶۳:۵
 مِقْرَاض: قیچی. «مقراض ریاضات» اضافه
 تشبیهی است از نوع اضافه مُشَبَّهٌ بِهِ، به مُشَبَّه.
 ۳۰۶۶:۱، ۱۴۹۱:۶، ۱۷۲۰:۶
 مُقْرَى: خواننده و تعلیم دهنده قرآن کریم، معلّم
 قرآن، قاری قرآن. ۱۶۳۳:۲، ۱۹۲۰:۲،
 ۲۴۹۹:۳، ۴۸۲۴:۶
 مَقَرّ: محل قرار گرفتن، قرارگاه. ۳۹۶۵:۳،
 ۳۲۱۰:۴
 مقعد صدق: جایگاه راستی. ۱۷۶۹:۴
 مُقِلّ: تهیدست، فقیر، کم کننده، اسم فاعل از
 مصدر إقلال (=تهیدست شدن). «جُهدالمقل»
 به معنی نهایت سعی و تلاش و یا بخشش
 فرد تهیدست و بی‌مایه است. ۲۱۱۵:۳،
 ۳۳۷۲:۳، ۲۸۱۰:۵، ۳۸۰۶:۶، ۲۲۱۰:۶،
 ۴۱۳۸:۶
 مُقَلِّب: دگرگون کننده، واژگون کننده. ۲۷۶۳:۳
 مقلوب: وارونه، برعکس. ۲۸۵۸:۲
 مُقْنِص: شکارچی. اسم فاعل از مصدر إقْنِص.
 مصدر ثلاثی مجزّد آن قُنْص
 (=شکارکردن). ۱۳۱۵:۲
 مُقَوِّم: راست کرده شده، قائم شده. اسم مفعول از
 مصدر تَقْوِم. ۳۵۷۴:۴
 مَقِيل: هم اسم مکان است به معنی خوابگاه؛

مُفْرِط: از حد درگذرنده، فراوان. ۳۶۴۲:۴
 مُفْضِحَات: رسوا کنندگان. مفرد: مُفْضِحَة.
 ۲۸۹۲:۶
 مُفْضِل: بسیار بخشنده، احسان کننده. ۲۳۹۷:۳،
 ۳۳۰۳:۶
 مَفْضُول: کسی که در فضیلت از دیگری کمتر
 باشد. ۲۴۲۳:۶
 مُفْلِح: رستگار. ۳۱۷:۳
 مُفْلِس: تنگدست، بیچاره، بینوا، عاجز،
 تهی دست: مفلسی: فقر و درماندگی، با یای
 مصدری. ۱۴۶۲:۱، ۶۴۳:۲، ۲۳۳۰:۲
 مُفْلِسِف: فلسفه‌دان. ۳۳۵۴:۴
 مُفِیق: کسی که از حالت محو و بی‌خویشی به
 درآمده باشد، خوابیده‌ای که بیدار شده باشد،
 هوشیار، به هوش آینده. ۱۲۹:۱، ۱۴۴۵:۲،
 ۱۱۹۸:۴
 مَقَال: گفتار، گفتگو، از ریشه «ق و ل». ۴۱۳:۱،
 ۲۹۳۵:۶
 مقالید: کلیدها، جمع مَقْلِد و مَقْلَاد. ۱۰۳:۶
 مَقَام و مُقَام: هم معنی مصدری دارد و هم اسم
 مکان: ایستادن و جای اقامت. مَقَام، مصدر و
 یا اسم مکان از قام يَقُومُ قِیام، و مَقَام اسم
 مکان از أَقَامَ يُقِیمُ إِقامَة است. ۱۵۹:۱،
 ۲۸۹:۱، ۱۷۵۵:۳
 مُقْبِل: نیک بخت، صاحب اقبال، سعادت‌مند.
 ۴۵۶:۱، ۷۲۶:۱، ۷۶۰:۱، ۲۱۴۵:۱
 ۲۱۸۵:۴، ۳۷۸۲:۵، ۴۱۸۰:۵، ۶۱۱:۶
 مَقْت: بغض. ۲۵۹۲:۵
 مُقْتَبَس: اسم مفعول از مصدر اِقْتَبَس، نور داده
 شده. مُقْتَبِس اسم فاعل از اِقْتَبَس، نور
 گیرنده. ۸۸۰:۶
 مُقْتَرِن: یار و همراه. ۱۲۸۳:۱
 مُقْتَفَى: از پی کسی رونده، در پی آینده، پیروی
 کننده. ۲۶۲۶:۳
 مَقْتَل: هم مصدر میمی به معنی کشتن و هم اسم

مُکْرِم: اِکرام کننده، احترام کننده، احسان کننده.
۱۱۵۷:۴

مُکْرَم: محترم داشته شده، بزرگ محسوب داشته شده.
۱۶۱۶:۱

مُکْرَمَت: بزرگی، جوانمردی؛ مَکْرَمَت: بخشندگی، جمع: مَکَارِم. ۲۶۷۱:۵
۲۹۰۳:۵، ۳۲۷۰:۶

مَکْرَناک: مکرآمیز، فریبنده. «حُبُوب مَکْرَناک» دانه‌های فریبنده. مراد همان طعمه است.
۴۰۸۸:۶

مَکْرُوب: اندوهگین، سختی کشیده. ۱۹۷۵:۶
مَکْرُوه: ناپسند، نامطلوب. ۶۹۱:۴
مُکْرَه: اسم مفعول از مصدر اکراه + یای مصدری. مکرهی یعنی اکراه و اجبار.
۱۳۹۷:۴

مَکْسَب: مصدر میمی از کَسَب یَکْسِبُ به معنی کسب کردن و یا آنچه که کسب می‌شود، کسب و اکتساب و پیشه. ۳۷۶۶:۳، ۷۲۶:۲، ۲۶۸۷:۶، ۴۱۹۸:۶، ۳۶۸۸:۶، ۲۴۲۰:۵
مَکْسَبی: منسوب به مَکْسَب به معنی آنچه از کسب به دست آید. ۱۹۶۰:۴

مَکْشُوف: بی‌پرده، آشکار. ۱۳۷:۱
مُکَلِّم: تکلم کننده، سخن گوینده. ۱۵۶۴:۵
مَکْمَن: کمینگاه، پناهگاه. کنایه از نهانخانه دل و احوال قلبی است که از دیگران مستور است؛ جمع: مَکَامَن. ۱۶۶۰:۳، ۲۰۴۱:۴، ۲۹۷۶:۶، ۲۲۰۵:۶، ۲۸۱۵:۵، ۲۱۴۹:۴

مِکْناس: جارو. ۴۷۹:۴
مُکْنِف: پوشاننده. ۲۹۷۳:۴
مَکِید: نیرنگ، خدعه، مصدر میمی از کاذبیکیدُ کَیداً. ۳۶۳۸:۶، ۲۵۹۷:۶، ۳۸۲۴:۶
مِکِیس: مُعَالِ «میکاس» است که در عربی مصدر باب مفاعله است. به معنی چانه زدن در معامله. ۱۰۴۳:۶

مَکِین: دارای عزّت، عزیز و بزرگوار. ۹۴۳:۳

نیمروزی، جای خواب و هم مصدر میمی است از ریشه «ق ی ل» به معنی خوابیدن در نیمروز. به هر حال این خواب کنایه از غفلت است. ۲۹۳۵:۶، ۲۱۲۴:۶
مُقِیم: در اینجا به معنی دایم و همیشگی است. ۳۵۵:۲

مَکّار: کشت و زراعت مکن. فعل نهی از مصدر کاریدن و کاشتن. ۳۸۶۷:۵
مَکّاره: جمع مَکْرَهَه به معنی سختی، ناگواری، ناخوشی و هرآنچه برای آدمی ناخوش و ناگوار آید. ۱۶۴:۵، ۱۸۵۷:۴
مُکّاری: کسی که خر و اسب و شتر و نظایر آنها را کرایه دهد. ۳۳۸۲:۴

مِکّاس: چانه زدن در تقلیل بهای چیزی، در محاورات عامیانه به معنی «چک و چانه زدن» است. ۴۲۹۸:۶، ۱۲۶۵:۶
مُکافی: مکافات دهنده. ۱۵۰۲:۶
مُکِبّ: نگونسار. ۱۵۱۴:۳

مُکْتَسِب: به خاک انباشته، پوشیده شده بوسیله توده خاک، مدفون. ۲۲۷۴:۶
مُکْتَم: پوشیده، پنهان. ۳۷۳۱:۶، ۳۰۵۱:۴
مُکْتَم: مکتوم، پوشیده، پنهان. ۳۷۹۰:۶
مُکْتَسِب: پوشنده، اسم فاعل از مصدر اِکْتَسَاء. از ریشه «ک س و». ۲۱۸۴:۶

مُکْتَسِس: خس و خاشاک روبنده، پوشنده، روبنده، در اینجا مستور و پوشیده. ۲۰۷۸:۲
مُکْتَنَف: پناهگاه، اسم مکان ابواب مزید بر وزن اسم مفعول آن می‌آید. در اینجا مراد منزل و مقصد است. ۱۱۲۵:۶

مُکْتَنِف: پناه جوینده. در اینجا به معنی پنهان و مستور است. ۲۲۴۵:۶

مُکْثِر: پُرگو. ۳۵۱۶:۲
مکر بستن: نیرنگ به کار بستن، حيله‌گری کردن. ۵۴۹:۱

مَکْرَکِیش: حيله‌گر، نیرنگ‌باز. ۲۸۱۸:۶

مُلک: پادشاهی، سلطنت، فرمانروایی. ۳۶:۱
مُلکَت: سلطنت، پادشاهی. تَای آن مصدری
است نه ضمیر مخاطب، کنایه از جاه و مقام.
۳۹۹۰:۶

مِلَت: دین و آیین. ۱۶۱۳:۱
مَلِی: مخفف مَلِی، به معنی پُر، بی‌نیاز و غنی،
توانگر. ۱۴۵۴:۳، ۱۴۱۶:۴
مَلِیح: نمکین، زیبارو. ۳۱۸۱:۴، ۱۷۷۲:۶
مَلِیس: فعل نهی از لیسیدن به معنی بوسیدن و
شیفته شدن. ۱۶۱۰:۳

مَلِیک: صاحبِ مُلک، پادشاه، فرمانروا، از
اسماء الهی است؛ جمع: مُلکا. «ملیکِ دین»
کنایه از حضرت حق تعالی. ۸۳۴:۱
۲۷۶۶:۳، ۲۳۲۴:۴، ۲۶۵۸:۶، ۳۹۸۹:۶
مَمات: مُردن، مُردگی، مرگ. ۳۶۸۸:۱، ۳۶۱:۵
مُمارات: مصدر باب مفاعله به معنی جدال و
ستیزگری. مصدر دیگر از همین باب «مِراء»
است. ۷۷۵:۴

مُفْتَح: نابوده شده، محو شده، منظور اینست که
انسان‌های والا در این دنیا مجهول‌القدرند.
۸۶۷:۵

مُفْتَحَن: اسم مفعول از باب افتعال به معنی
آزموده، محنت‌زده و رنج‌کشیده، کسی که
مورد امتحان قرار گرفته. ۱۱۰۹:۵
۳۲۲۳:۵، ۲۳۷۶:۶، ۳۱۰۶:۶، ۳۸۵۴:۶

مُفْتَن: رفیع، محال. ۱۰۰۷:۶
مُفْتَنَن: پست، ناچیز. در اینجا به معنی محو و
گم. ۳۷۷۲:۵

مُفْسِک: بخیل و تنگ چشم. ۲۲۲۵:۱
مَمَر: محل عبور، گذرگاه، مجری. ۳۲۱۰:۴
۸۱۸:۶

مُمِیز: تمیزدهنده، کسی که دارای قوّه شناخت
است و حق و باطل را از هم بازمی‌شناسد.
کنایه از عاقل و بالغ. ۱۲۷۳:۴، ۴۷۳۱:۶
مُمِیز: جدا شده، تمایز یافته. ۷۴:۶

مَگر: در این بیت، معنی تحقق می‌دهد نه حرف
استثناء. ۱۹۱۹:۳

مُل: شراب. ۱۹۰۰:۱
مَلال: دلنگی. ۲۳۷۴:۱
مَلام: سرزنش. ۲۳۳۶:۳

مَلَبَس: لباس، جامه؛ جمع: مَلایس. ۱۰۶۱:۵
مَلَبُوس: پوشیده شده، مشتهبه شده. ۲۱۳۰:۶
مَلَبُوسات: جمع ملبوس و ملبوسه؛ جامه،
پوشیدنی. ۳۵۶۴:۱

مَلَبَس: پوشنده. ۳۳۷۱:۶
مَلْتَجِی: پناهگاه، مأوی. اسم مکان از مصدر
الْتِجاء. ۱۱۳۴:۵

مَلْتَحَد: پناهگاه. ۱۰۵۰:۵
مَلْتَقَط: برگیرنده، برچیننده، کسب‌کننده. ۱۲:۳
مَلْتَوِی: به خود پیچیده، پیچ در پیچ‌شونده،
پیچیده شده؛ از مصدر باب افتعال. ۷۲۵:۳
۳۶۶۶:۶

مُلْجِد: بی‌دین، کافر. ۲۷۵۶:۵
مُلْحَمَه: جنگ خانمانسوز، کارزار سخت، حادثه
ناگوار، حماسه منظوم، کارهای برجسته و
فوق‌العاده، کنایه از چون و چرا؛ جمع:
مَلاجِم. «كَزَّ وَفَرَّ مُلْحَمَه» یعنی تاخت و تاز
در جنگ و کنایه از شأن و مرتبت.
۲۵۳۷:۱، ۱۰۳۶:۴، ۲۳۷۱:۴، ۳۲۴۲:۴
۲۱۴۴:۶، ۳۷۸۰:۶، ۴۳۹۵:۶

مَلَق: چاپلوسی، تملق. اگر مَلَق بخوانیم به معنی
چاپلوس و مکار است، در اینصورت بنا به
ضرورت شعری تغییر حرکت یافته. ۲۳۴:۳

مُلَقِّن: تلقین‌کننده، آموزنده، فهماننده. ۴۹۰۹:۶
مَلِک: پادشاه، یکی از صفات خداوند است به
اعتبار آنکه قادر بر ایجاد است و جهان و
جهانیان، زیر فرمان او هستند. ۵۰۴:۱

مَلِک: مالک شدن، مالکیت. مصدر ثلاثی مجزئ.
با فتحه و ضمه «م» نیز صحیح است.
۳۷۰۰:۳، ۶۹۷:۵

منبسط: یهن و گسترده و گشاده. «روح منبسط»
یعنی روحی که از تعلقات جسمانی رها شده
است. ۱: ۳۹۹، ۱: ۶۸۶، ۱: ۱۲۸۹

منبل: مرهم، نام گیاهی که جهت بهبود زخم‌ها و
جراحات‌های تازه بکار برند؛ کاهل و تنبل.
۲: ۲۰۹، ۳: ۶۹۱، ۳: ۱۴۵۲، ۵: ۲۰۱۶،
۵: ۳۱۸۸

مُنْتَجِب: برگزیده، نجیب و بزرگوار. ۵: ۲۸۵۶،
۵: ۳۶۵۴، ۶: ۳۸۴۴، ۶: ۴۴۰۷

مُنْتَجَب: برگزیده. ۳: ۳۶۸۰
مُنْتَجِع: جایی پر آب و علف، چراگاه، جایی که
نیکی از آن انتظار رود، مرتع. ۵: ۲۸۶۱،
۶: ۴۱۹۶

مُنْتَجِم: تا دیرپای و گذران، دارای طلوع و
غروب منظم، تابان و روشن. ۱: ۳۰۰۶،
۳: ۹۰۱

مُنْتَحَس: شوم، بدشگون، منحوس. ۶: ۴۲۵۷
مُنْتَعِش: آنکه پس از افتادن برمی‌خیزد، نامُنْتَعِش
در این بیت به معنی سست و نالاستوار آمده
است. ۳: ۱۶۲۹

مُنْتَقَد: نقادی شده، از زواید پیراسته شده، ناب.
۳: ۳۴۹۹
مُنْتَهَک: رسوا، در بعضی از نسخه‌ها «مُنْهَک»
به معنی پُرده‌در و هتک‌کننده آمده است.
۶: ۱۷۴۹

مُنْتَهَی: به پایان رسیده، کمال یافته، مقابل
مُبْتَدی. ۵: ۵۶۰، ۵: ۲۷۳۸، ۶: ۳۳۳۹
مُنْتَنی: خمیده، دوتا. نعمت فاعلی از مصدر اِثْنَاء.
۳: ۳۲۵۸، ۵: ۳۹۳، ۵: ۱۱۹۸، ۵: ۳۰۵۲،
۵: ۳۲۵۸

مُنْجَسِم: جسم یافته، جسمانی، تجسم‌پذیر.
۵: ۳۴۰۱

مُنْجَم: اخترشناس، اخترنگار، کسی که اختران و
افلاک را بیشتر از جهت تأثیر آنها در زمین
مورد مطالعه قرار می‌دهد و کار او تنجیم و

مَنْ: کسی که، کنایه از حضرت حق است.
۳: ۲۸۳۴، ۵: ۲۰۹۹

مَنْ: ماده‌ای صمغ مانند که بر درختان نشیند و
مزه‌ای همچون انگبین و عسل دارد ۱: ۸۰،
۱: ۳۷۳۵

مُنَاخ: خوابگاه شتر، استراحتگاه شتر، مجازاً
محل اقامت، حصار. ۲: ۲۰۷۴، ۳: ۱۳۵۲،
۵: ۳۵۳۲، ۶: ۲۲۲۲

مُنَادِی زَدَن: ندا کردن، امر حاکم شهر را بوسیله
ندا و آواز بلند بر مردمان ابلاغ کردن.
۲: ۶۴۹

مُنَادِی گاه: ترکیب عربی و فارسی است به معنی
جایی عمومی و پر رفت و آمد که معمولاً
جارچیان در آن‌جا ندا دهند مانند مصلی‌جا
و منزلگاه. ۱: ۳۴۶

مَنَازِل: جمع مَنَزَل است. شاعران و دبیران
پارسی قدیم جمع‌های عربی را با ادات‌ها و
ان جمع می‌بستند و مولانا بدین شیوه عمل
کرده است. ۱: ۱۴۳۹

مَنَاص: مصدر میمی و اسم مکان از نَاصِ یُنَوِّصُ
به معنی پناه بُردن و پناهگاه و گریختن و
گریزگاه است. عربیان در وقت گریز از
حوادث هولناک و بویزه در جنگ‌ها این
کلمه را تکرار می‌کردند. ۳: ۱۵۰۲، ۴: ۴۴۳،
۴: ۲۰۳۸، ۶: ۲۱۹۵، ۶: ۲۳۶۰

مَنَاصِب: جمع مَنَصَب. مقام و پایه. ۱: ۳۶۸۵
مُنَاصِر: یاور و پشتیبان. ۳: ۳۱۹۵
مَنَاع: بسیار منع‌کننده. این لفظ در آیه ۱۲ سوره
قلم آمده است. ۵: ۲۰۳۳

مَنَام: خواب. ۶: ۲۴۵۳
مَنَاهِج: راههای روشن. در اینجا مراد راههای
مواصلاتی است: جمع مَنَهَج. ۶: ۳۶۵۶
مُنْبِت: محل رویدن گیاه، جایی که گیاه دارد.
۳: ۳۷۳۷

مُنْبَگاد: رُستگاه. ۶: ۴۲۴۳

مُنْسَجِب: کشیده شده. از مصدر اِنْسَحَاب به معنی

روی زمین کشیده شدن. ۲۹۴۵:۶

مُنْسَى: اسم فاعل از مصدر اِنْسَاء (باب اِفعال) به

معنی فراموشی آورنده است و اِنْسَاء مصدر

تلاشی مجرّد آن است. ۳۳۰۱:۴

منسوخ شد قانون: استاد همایی می‌گوید: شاید

نخستین بار باشد که اصطلاح «نسخ قانون»

به همین معنی که امروزه در فارسی متداول

است در نظم فصیح دیده می‌شود. حقیر به

خاطر ندارم که قبل از مولوی این اصطلاح

را در آثار فصحای فارسی دیده باشم.

۳۸۹۵:۶

مُنْسَى: مُبْدِع، نویدآورنده، مبتکر. ۱۱۶۵:۳

مُنْصَرَف: اسم مکان از باب انفعال است به معنی

بازگشتن، گریزگاه و مَفَرّ. و مصدر میمی از

باب انفعال به معنی انصراف و گشتن،

حرکت. ۱۱۰۵:۵

مَنْصُورُ خَيْلٍ: لشکر ظفرمند، سپاه پیروز. خَیْل به

معنی رمه اسبان و مجازاً بر سواران اطلاق

شود. در اینجا مطلقاً به معنی لشکر است.

۲۰۳۰:۴

مُنْصَرَّ: تر و تازه، شاداب. ۳۳۲۵:۱

مُنْطَفَى: خاموش. اسم فاعل از مصدر اِنْطِفَاء. در

اصل بوده است مُنْطَفَى. ۴۶۰۸:۶

مُنْطَمِس: محو شده، خاموش. اِنْطَمَسَ النَّجْمُ

یعنی ستاره ناپدید شد یا نورش محو شد.

۲۰۷۹:۶

مُنْطِيق: خوش سخن، زبان‌آور، صیغه مبالغه از

«نطق» بر وزن مفعیل، به معنی بسیار

گوینده، آنکه فراوان سخن گوید. ۳۲۱۰:۵

۱۶۰۳:۶

مَنْظَر: در اینجا مصدر میمی به معنی نظر است نه

اسم مکان. ۳۴۸۶:۶

مُنْغَدِم: نیستی‌پذیر، عدم‌پذیر، منعدم در اینجا به

جای مصدوم به کار رفته. ولی این دو کلمه

صدور احکام نجومی است. ۸۴۱:۳

۱۱۲:۶

مِنْجَل: داس. مجازاً درو کردن است. ۳۵۳۲:۶

۴۱۶۰:۶

مَنْجَنِيْق: معرّب کلمه یونانی منجنیک. فلاخنی

است بزرگ که در جنگ‌های قدیم با آن

سنگ‌های عظیم را به سوی بُرج و باروی

دشمن پرتاب می‌کردند. ۶۸۹:۱، ۱۲۴۴:۴

۳۸۴۱:۵

مُنْحَنَى: خمیده. ۸۸۱:۵

مَنْحُوت: تراشیده شده، اسم مفعول از مصدر

نَحَت (= تراشیدن) متخذ از آیه ۹۵ سوره

صافات. ۷۷۶:۱

منحوش دست: آنکه دستی شوم و نحس دارد،

گُجسته دست. ۴۲۶۱:۶

مُنْخَزَم: از ریشه خَزَم (= مرواریدها و غیره را

به صورت منظم درآوردن)، خِزَام و خِزَمَه به

معنی حلقه‌ای است که در بینی شتر کرده و

افسار را به آن می‌بندند. بنابراین منخزم به

معنی مقهور و مطیع است. به معنی غارت

شده نیز آمده است. ۴۵۶۷:۳

مُنْخَسِف: پوشیده شونده، ماه گرفته. در اینجا

خورشید گرفته. ۹۳۶:۶

مُنْدَرَج: درج شده، نهفته شده. ۳۵۷۰:۶

مُنْدَك: متلاشی شده. اسم مفعول از مصدر

اِنْدَكَكَ، تشدید «ک» به ضرورت شعری

حذف شده است. ۳۷۶۸:۴، ۱۷۵۲:۶

۴۷۵۰:۶، ۳۷۶۸:۶، ۳۰۴۱:۶

مُنْدِيل و مُنْدِيل: حوله. ۳۰۵۶:۳

مُنْزَجَر: بازداشته شده. اسم مفعول از باب انفعال

که در اینجا معنی مصدري دارد. و به معنی

بازداشتن و خودداری است. ۶۵۷:۵

مَنْ زَشْتَرُو: «موصوف و صفت است و به

ضرورت وزن، کسره موصوف ادا نمی‌شود.»

۷۷:۲

رسوایی باک نداشته باشد. ۱۵۵۶:۳.
۱۷۴۹:۶

مَنی: انانیت، خودبینی. ۱۳۹۳:۵، ۷۳۲:۶
مِنی: موضعی است در مگه که حاجیان در آن
محلّ قربانی می‌کنند. ۷۷۵:۳
مُنیّة: آرزو، خواسته؛ جمع: مَنی. ۳۸۰۱:۳.
۴۵:۵

مُنیر: روشنگر، روشن. ۱۰۴:۲
مَنْ یَزید: لفظاً یعنی چه کسی می‌افزاید؟ مَنِ
استفهامی، به معنی چه کسی + یَزیدُ، فعل
مضارع اجوف یایی به معنی می‌افزاید. اما
این جمله استفهامی در فارسی معانی
دیگری یافته است. از قبیل معامله، مزایده،
حراج، بازار خرید و فروش و غیره.
۴۵۳۶:۶

مَنیوش: گوش مکن. فعلی نهی از نیوشیدن
(=گوش کردن و پذیرفتن). ۲۵۶:۲
مِنهاج: راه روشن و آشکار، روش، راه راست؛
جمع: مَناهج. ۲۰۳۹:۴، ۱۸۲۹:۶، ۴۱۱۹:۶
مَنهَج: راه آشکار و روشن؛ جمع: مَناهج.
۱۲۴۱:۵، ۴۳۴۲:۶
مَنهَزِم: گریزان، شکست خورده. ۲۰۱۴:۴
مَنهَل: آبشخورگاه، سرچشمه. جمع: مَناهِل.
۱۲۷۸:۵

مَنهی: نهی کرده شده، بازداشته شده. اسم مفعول
از نَهی یَنهی. ۳۷۰۰:۶
مَنهی: خبرچین، جاسوس. اسم فاعل از مصدر
إنهأ (=خبررساندن). ۸۵۸:۵
مُواسا: یاری دادن، کمک کردن، مجازاً همراهی
و نرمش، مخفف مُواساة مصدر باب مفاعلة.
۲۴۸۷:۳، ۲۹۹۳:۱

مو به مو: در کمال دقت، دقیقاً، تعبیری است در
مورد بحث از جزئیات و دقت نظر فراوان.
۳۶۹:۱

مُوتَفک: دروغگو. معانی دیگری نیز دارد ولی

در معنا با هم فرق دارند. زیرا متعده اسم
فاعل از باب انفعال است و معنی مطاوعه را
می‌سازد؛ و در مطاوعه، شرط این است که
موضوع، باقی باشد در حالی که مصدوم
چیزی است که، هستی خود را از دست
بدهد و بقایی نداشته باشد. ۲۶۴۵:۱

مُنعم: اسم مفعول از باب افعال به معنی نعمت
داده شده، نعمت خوار. ۱۰۰۷:۵، ۳۱۶۵:۶
مَنقَد: سوراخ و مجری، روزنه. ۲۷۱۱:۱

مُنقیق: آنکه اتفاق می‌کند. ۲۲۲۴:۱
مَنقَبَت: آنچه مایه ستایش دیگران و فخر و
مباهات باشد، هنر و فضل شخص؛ جمع:
مناقب. ۴۰۱۸:۶

مُنقَبِض: گرفته، دچار قبض شده. ۲۰۱۵:۴
منقَصت: کاستی و نقصان. ۲۵۹۷:۵
منقلب: واژگونه، معکوس، مبدل. ۳۸۰۹:۴
مُنقَلَب رَو: کسی که در راه رفتن یکسان قدم
برندارد. ۷۵۸:۱

مَنقی: پاک کرده شده. ۳۱۱۶:۳
مَنکَدِر: تیره و تار. ۲۵۳۴:۱
مُنکَر: زشت. زشتی، کار ناپسند؛ ناشناس.
۱۶۸۶:۱، ۳۸۴۷:۱، ۴۲۶۸:۶

مُنکری: با یای مصدری به معنی انکار است.
۱۰۱۵:۴، ۲۸۷۱:۴
مُنکَرِ خطاب: بدسخن، آنکه حرف زشت
می‌زند. ۲۳۱۹:۳

مَنکُوس: سرنگون، وارونه. ۱۱۸:۳، ۴۵۴۳:۳
مَنگید: آهسته و زیر لب حرف زد. ۶۹۷:۴
مَنگیدن: گزافه‌گویی، زیر لب حرف زدن.
۴۵۲۶:۳

مُنیم: سخن‌چین. اسم فاعل از مصدر إنمام.
۲۵۶۵:۶

مُنُوب: نیابت کرده شده، کسی که نیایی برای
خود دارد. ۶۷۴:۱

مُنهتک: بی پروا، شخصی که از بی‌پردگی و

۴۱۷۶:۶

مَوَكِب: دسته، گروه پیادگان یا سواران که دسته جمعی حرکت کنند؛ جمع آن: مَوَاكِب. «موکب زدن» کنایه از مخالفت و مبارزه. سبزواری گوید: مقصود آن است که موجب

ازدحام شدند. ۱۱۶۷:۳

مَوَكِّل: وکیل گردانیده شده، کسی که کاری را به او واگذارند؛ اما با کسرة (کاف) به معنی وکیل گرداننده، کسی که دیگری را بر کاری گمارد.

در این بیت معنی اول مراد است. ۲۴۵۶:۳

مَوَكِّل: مأمور اجرای حکم دیوانی. ۸۰۵:۱

مُول: فاسق، مردی که بطور غیرشرعی و یا غیرعرفی با زنی رابطه برقرار کند. ۳۵۴۴:۴
مَوْلِد: هم اسم زمان است و هم اسم مکان به معنی: زمان و مکان زاییدن است. اما در این بیت به معنی زمان انعقاد نطفه است. ۸۴۵:۳
مَوْلَع: اسم مفعول از مصدر ایلع به معنی آزمند و حریص، آنکه حرصش بر چیزی انگیزه شده باشد. ۲۹۷۱:۲، ۳۰۶۶:۲، ۳۷۳۳:۲

۱۷۰۷:۶، ۳۰۵۹:۳

مَوْلُ مَوْل: مول به تنهایی یعنی تأخیر، مکث و درنگ. تکرار آن یعنی درنگ از پی درنگ، «مولامول» هم گویند. چنانکه مولانا در دیوان شمس فرماید:

برای تو یهان در انتظارند

سبکتر رو چرا مَوْل مولی؟

۲۱۰۳:۱، ۱۸۲۵:۵، ۲۸۵۲:۵، ۳۹۰۰:۵

مَوْلَه: حیران، سرگشته. از ریشه «ول ه».

۱۷۰۳:۶

مَوْلِی: آقا، سرور، بنده. از اضداد است. در اینجا

معنی اخیر مراد است. ۶۸۴:۱

موم: شمع، ماده‌ای نرم و جامد که برای

روشنایی بکار رود. ۶۷۵:۵

مَوْنَت: خرج، هزینه. ۱۰۲۶:۶

مَوْهَبَت: عطا، بخشش. ۳۱۷۱:۵

مناسب ترین آن همین معنی است. ۳۸۸:۶

مَوْتَلَف: پیوند یابنده، چیزی که با چیز دیگر

پیوند خورد، الفت گیرنده. «نامَوْتَلَف» یعنی

ناپیوسته و ناهماهنگ. ۱۷۶۶:۴، ۳۲۷:۵

۳۳۳۷:۶

مَوْتَمِر: فرمان بردار، مشورت کننده. اسم فاعل

از مصدر اِئْتَمَار. ۱۵۵۹:۵

مَوْتَمِر: مأمور شده. ۳۲۹۲:۶

مَوْتَمِن: شخص مورد اطمینان و اعتماد، امین.

۱۰۴۴:۱، ۱۹۰۵:۴، ۱۳۰۳:۵، ۲۷۱۸:۵

۵۲۷:۶

مَوْتَر: اسم فاعل از مصدر اِثَار. ۵۸:۵

مَوْتَقَه: مورد اطمینان و وثوق. ۳۶۹۳:۲

مَوْتَم: کسی که گناهکار و مجرم شناخته شود،

کسی که مورد اتهام گناه و جرم قرار گیرد.

اسم مفعول از مصدر تَأْتِم. ۲۹۶۲:۳

مَوْجِد: به وجود آورنده، پدید آورنده. ۱۴۸۲:۱

۳۹۱۲:۱

مَوْزَه: چکمه. ۳۶۶۵:۵

مَوْزَه دوزی: چکمه دوزی. ۳۳۵۱:۴

موزون صُقَه: ایوان مناسب و متعال. ۹۶۶:۲

موشانه: مانند موش. موش + پسوند آنه که

معنی نظیر و مانند می دهد. ۲۹:۵

موش خوار: خورنده موش. جانوران متعددی

موش می خورند، ولی تغلیباً با گربه بیشتر

تناسب دارد. ۳۰۰۰:۶

مَوْصِل: از شهرهای شمالی عراق کنونی واقع در

کرانه غربی رود دجله. ۳۸۳۱:۵، ۴۱۱:۶

۷۱۶:۶

مَوْصَل: پیوند زده. ۲۴۵۷:۱

مَوْفُور: فراوان. ۵۸۹:۴

مَوْقِن: کسی که به مرتبه یقین رسیده است، بر

یقین. از مصدر اِيقَان و از ریشه «ی ق ن».

۳۱۴۷:۱، ۳۶۷۰:۴، ۲۹۱۳:۵

مَوْقُوف: منوط. بسته، متوقف. ۱۶۲۹:۱

تصدیق کننده نیز باشد. زیرا در قدیم، از نگین انگشتری به عنوان امضا نیز استفاده می‌شد. ۱۳۶۳:۳
 مَهْرَاس: نترس. فعل نهی از مصدر هراسیدن. ۳۱۹۷:۵
 مَهْرَب: گریزگاه. ۴۴۷۷:۶
 مَهْرُوی: زیبارو. ۲۰۰:۱
 مَهْره ربودن: نجات یافتن و غلبه کردن ۲۷۸۳:۵
 مهره‌مار: قطعه استخوانی بیضی شکل سر مار که در طب قدیم به عنوان پادزهر استفاده می‌شده است. ۲۲۸۳:۶
 مَهْل: آهستگی، آرامی، مهلت دادن. ۵۳:۵، ۷۷۵:۵
 مَهْل: ترک مکن، فرومگذار. فعل نهی از مصدرِ هَلِیدن. ۴۸۳:۶
 مَهْلُول: ترسناک، هولناک، هراس‌انگیز. ۳۸۴۰:۴، ۳۸۴۳:۵، ۱۹۴:۶
 مَهی: یک ماه. ۶۶۷:۱
 مَهیب: سهمگین و ترسناک. مَهیب (اسم فاعل از مصدر اِهابه نیز به همین معنی است). ۱۱۳۷:۲، ۵۵۸:۲
 مَهین: خوار و حقیر، صفت مشبیه از مصدر مَهَانَة: جمع: مَهْنَاء. ۷۴۷:۳، ۲۵۴۹:۲، ۱۲۶۱:۵، ۱۳۰۹:۳، ۴۰۴۶:۳، ۱۲۸:۵، ۳۶۶:۶، ۲۲۰۳:۵
 مَهین: بزرگترین، بزرگ، یعنی هم به معنی صفت عالی است و هم صفت مطلق. ۱۴۷۷:۴، ۲۵۰۵:۳، ۱۹۵۰:۳
 مَهین: خوار، زبون. ۲۳۲۰:۳
 میان: کمر. در اینجا مراد بدن است. ۴۴۳۲:۶
 میان بستن: کمر بستن، کنایه از آماده شدن برای انجام کاری. ۱۵۵۸:۵، ۲۱۷:۲
 میان را چُست بستن: کنایه از باشتاب آماده شدن. ۱۶۱۸:۵

موی عانَه: مویی که در اطراف شرمگاه می‌روید. موی زهار. ۳۳۲۷:۵
 مَه: حرف نفی و نهی است به معنی نه. ۷۳۳:۲، ۱۵۷۴:۳
 مِه: بزرگ، والا، سردار قوم، بزرگتر؛ جمع: مِهان. ۱۹۸:۱، ۱۴۱۸:۱، ۲۶۲۲:۳، ۲۷۶:۴، ۱۷۹۲:۴
 مِها: بزرگا، ای بزرگ. مِه + الفِ ندا. ۱۶۷۳:۱، ۳۸۵۹:۱
 مَهَابَت: شکوه، عظمت. ۳۷۶۹:۴
 مَهار: چوبی کوچک که در پره بینی شتر کنند و ریسمانی بر آن بندند، عنان، افسار. تَلَقُظْ عربی آن مَهار است، اما فارسیان مَهار تَلَقُظْ کنند. ۳۴۳۶:۲
 مِهان: جمع مِه به معنی بزرگ، پیشوا، رئیس. نقیض کِه. ۱۳۶۵:۱، ۱۵۵۸:۱، ۳۴۲۷:۲، ۳۰۰۵:۳، ۲۶۸۸:۵، ۱۸۵:۵
 مَهان: خوار و ذلیل، خوار کرده شده. اسم مفعول از مصدر اِهانت و از ریشه «ه و ن». ۳۰۰۶:۶، ۱۷۲۶:۶، ۲۹۴۶:۳، ۳۴۳۵:۱
 مَه‌ایست: توقف مکن. فعل نهی از مصدر اِستادن. در رسم الخط‌های قدیم گاهی حرف نهی را از فعل جدا می‌نوشتند. ۳۷۰۸:۶
 مَهْتَدی: هدایت شونده. ۳۰۲۵:۵
 مَهْتَر: رئیس و سردار قوم، بزرگ. ۱۸۸:۱، ۸۶:۱
 مَهْجَع: خوابگاه؛ جمع: مَهاجِع. ۳۳۴۶:۴
 مَهْجُور: دورافتاده، متروک. ۳۶۵۶:۶
 مَهْجُوری ساختن: دوری جستن؛ اسم مصدر است از کلمه مهجور عربی. ۲۱۸۱:۱
 مَهْدَب: پاکیزه شده از عیب و نقص، خوش اخلاق، لیکن در اینجا به معنی تربیت شده است. ۱۳۴۷:۵
 مَهر: نگین و خاتم. در این بیت به معنی صحیح و مسلّم آمده. و می‌تواند به معنی تأیید کننده و

میزان: ترازو. ۹۸۳:۱، ۳۵۴۵:۱
میزر: دستار، پارچه‌ای که به کمر بندند. در این
بیت منظور همان دستمال سفره است.
۳۱۲۵:۳
میزک: ادرار، بول. ۳۹۴۱:۶
می‌زَھاند: می‌زایاند؛ زَھیدن به معنی زاده شدن
است و زَھانیدن متعدی آن است. ۷۷۷:۱
می‌زَھد: می‌تراود، نشأت می‌گیرد. ۳۳۹۵:۶
میزیدن: ادرار کردن. ۳۴۰۵:۲
مُیَسَّر: آسان، هر امر آسان شده. ۴۸۸:۱
می‌شُکُست: می‌شکست، از مصدر شُکُستن به
معنی گُستن. ۱۰۴۶:۳، ۴۶۹:۴، ۲۴۳۴:۶
مُیَسَّر: آسان شده، سهل و آسان؛ جمع: مَیاسیر.
در اینجا به معنی تسهیل درمان. ۲۴۲۴:۴
میش: گوسفند ماده. در اینجا مطلقاً به معنی
گوسفند است. ۲۲۴۶:۴
می‌شاید: شایسته و رواست. ۳۰۶۶:۵
می‌شُخول: از مصدر شُخولیدن به معنی نالیدن،
فریاد زدن. ۷۵۷:۳
می‌شُکُنجد: وشگون می‌گیرد. «شُکُنجدن» به
معنی گرفتن عضوی با سر ناخن است.
۱۱۰۵:۶
میخ: ابر. ۲۵۴:۱، ۱۷۲۳:۱، ۲۵۱۱:۱، ۳۷۹۳:۱،
۶۱۳:۴، ۲۵۴۶:۴، ۲۳۹۹:۵، ۸۰۵:۶
۳۷۶۸:۶
می‌غُزّی: فعل مضارع از غَزیدن (= خزیدن، بر
شکم راه رفتن مانند خزندگان و کودکان).
۱۳۸۶:۴
میقات: وقت، هنگام، وعده‌گاه، وقتی که برای
انجام کاری تعیین می‌شود؛ جمع: مَوَاقیت.
۳۵۱۱:۵، ۳۸۹۷:۵، ۲۶۳۳:۶
میکائیل: نام یکی از فرشتگان بزرگ مأمور
تقسیم ارزاق است. ۳۲۶۹:۶
می‌کُنی اَلْواح را: یعنی تو [خدا] اذهان آنان را
لوحی ساده و عاری از نقش می‌سازی.

مَی‌بارِه: کسی که شراب بسیار دوست داشته
باشد. ۳۴۳۹:۵
می‌پرداختند: رفع می‌کردند، می‌زدودند.
۱۲۹۳:۴
می‌تند: از مصدر تنیدن. این فعل با مشتقاتش که
در مثنوی بسیار رایج است از روش کار
بافتن در دستگاه بافندگی گرفته شده است.
بدین سبب دلالت دارد بر «خود را به
هرچیزی بستن، برچیزی یا کاری مصمّم
بودن، مدام به کاری یا چیزی مشغول بودن».
۳۳۲۲:۴، ۵۵۰:۵
مَیْتُون: جمع مَیّت به معنی مُرده. در اصل مَیْتُون
بوده زیرا اجوف واوی است از مَات مَیْمُونُ
واو مکسور را قلب به (ی) کردند و سپس دو
حرف (ی) درهم ادغام شد. ۲۵۳۶:۳
می‌چَر: چرا کن. ۲۴۳۰:۵
میخ‌دوز: دوخته به میخ، کسی که او را با میخ بر
زمین می‌بستند. ۲۵۰۱:۱
می‌خَلَد: فرو می‌رود. ۱۰۳۷:۱
می‌دُرود: درو می‌کرد. از مصدر دُرودَن به معنی
دِرَویدن. ۳۱۵۱:۴
مَیْدَنَه: همان «مَیْدَنَه» به معنی جای اذان گفتن،
گلدسته، مناره، که فارسیان همزه را به «ی»
تبدیل کرده‌اند؛ جمع: مَآذِن. ۲۲۵:۵
میر: بزرگ، فرمانروا، مخفّف امیر. ۴۵۹:۱،
۲۳۲۴:۱، ۱۷۴۵:۴، ۴۱۶:۶
میرِ آخَر: مخفّف «امیرِ آخَر» یا «امیرِ آخور»
کسی که مأمور رسیدگی به امور اصطبل
است. و این در قدیم یکی از مناصب دربار
شاهان مشرق زمین به شمار می‌رفته است.
۲۳۶۴:۵، ۲۰۰۵:۴
میرداد: مخفّف «امیرداد»، ترکیب اضافی است به
معنی رئیس عدلیه، قاضی القضاة. ۴۰۴۹:۵
میرگُون: امیر جهان هستی، مراد انسان و اشرف
مخلوقات است. ۳۰۲:۵

ألواح را کندن: نقوش و خواطر را از الواح
ذهن ها کندن. ۳۸۸:۱
میل: معرّب «مایلیا» ی لاتینی است. واحدی
است در مسافت که مقدار آن را مختلف
نوشته اند. تقریباً معادل یک فرسنگ است.
گاهی مراد «سال» است. هر چند «مرحله»،
«مرتبه» نیز مناسب می آید. الله اعلم.
۴۱۰:۱، ۵۳۵:۴
میلاد: زمان تولّد، روز تولّد. ۳۶۳۲:۴
می لافد: لاف می زند. ۱۳۴۸:۲
میلان: همان میلان عربی است. به معنی رغبت
کردن و حُبّ و مایل شدن نسبت به چیزی و
کسی است. اما در اینجا به معنی دنبال هوی
و هوس رفتن آمده است. ۵۲۸:۲، ۳۳۲:۱
می مُری: می میری. ۳۷۹۷:۵، ۴۴۹:۴
می مزد: می چشد، از مصدر مزیدن. نیز به معنی
لذت بردن. می مژند: می میکند، لذت می برند؛
می مزی: مزه می کنی، می چشی. ۲۸۸۷:۱
۱۷۰۰:۶، ۴۴۱۲:۳
می مُنصور: مجازاً حالتی است که از شهود
حقیقت و غلبه معرفت پدید آید؛ شور و
شوق درون که موج دریای جان است و از
مشاهده جمال لَمْ یَزَلْ منبعث می گردد.
۱۸۰۹:۱
مِیَمَنَه: خجستگی، مبارکی. ۴۹۱۶:۶
میناگر: کسی که آبگینه و چیزهای دیگر را با
لعلاب های رنگین، لاجورد و طلا و نقره و
جواهر نقاشی می کند، میناساز. گاه کیمیاگر
مورد نظر است. ۱۸۸۱:۵، ۳۰۷۴:۴
میناگری: میناکاری. مینا به معنی آبگینه است. و
میناگر کسی است که روی آبگینه و یا
ظروف طلائی و نقره ای را با لاجورد و یا
لعلاب آبی رنگ نقاشی و تزیین می کند. گاه
به معنی کیمیاگر است. و گاه ظرافت در
آفرینش. ۵۹۳:۴، ۶۹۵:۲

می نمی: از نمیدن به معنی میل کردن، توجّه
نمودن. ۱۱۴۱:۳
ناب: دندان نیش. جمع: آنباب و نیوب. از ریشه
«ن ی ب». ۳۰۴۸:۶
نابِت: روینده. ۴۱۶۸:۵
نایکار: بدکار، شریر، فرومایه، فاحشه، فاجره.
۲۵۸۲:۵، ۱۶۵۱:۳
ناحْمُولی: حاصل مصدر است و به معنی تحمّل
نکردن. ۷۷۷:۴
ناخَلَف: فرومایه بدتر زاد و بدسرشت و بدکار.
۵۴۱:۱
ناخواه: ناخواسته، طلب نکرده، نامطلوب.
«خواه» در اینجا اسم مفعول است و به معنی
خواسته و مطلوب. «خواه» به معنی خواهنده
نیز آمده است، امّا در اینجا وجه اوّل
مناسب تر است. ۲۲۰۶:۴
ناداد: ظلم، منع و امساک. نا در اینجا پیشوندی
است که غالباً بر صفات و مشتقات
درمی آید. مثل نادان، ناآگاه. البته بر غیر
صفت نیز درآید. مانند ناجنس، ناشکر.
۱۷۱۶:۱
نادرُگیا: در اینجا یعنی گیاه عجیب. ۱۳۷۴:۴
نادِرِه: هر چیز عجیب و شگفت انگیز. ۳۳۱۴:۱
نادی: انجمن؛ نداکننده، فراخواننده. ۳۰۵۷:۲
۵۰۶:۵
نادیدگی: مفلسی، ندید بدید بودن. ۲۴۳۷:۵
نادیده: آزمند، حریص. ۱۶۳۸:۱، ۸۷:۱
نادیه: انجمن. از ریشه «ن دو». ۳۲۲۴:۵
نار: آتش؛ جمع نیران. ۱۱۰۷:۵، ۳۳۹۷:۱
نارُالله: آتش خدا، منظور قهر خداست. متخذ از
آیه ۶ سورة هُمزه: نَارُاللهِ الْمُوقَدَةُ «آتش
فروزان خدا». ۱۳۳۲:۱
نارُدانگ: آب انار، شربت ترش و شیرین
خوشمزه. ۷۰۸:۱
نارد سَبَق: دسترسی پیدا نکند. ۲۸۸۱:۴

شکیفتن به معنی صبر کردن است. ۶۳۷:۴،
۳۵۸:۵، ۱۶۱۵:۴، ۴۲۵۵:۶

ناشناخت: بی‌معرفت، ناآگاه، ناشناس، نامعلوم
صفت مفعولی است. و اگر «شناخت» مصدر
مرخّم فرض شود جایز است به صفت
تأویل گردد. با این فرض «ناشناخت» به
معنی ناشناسنده بی‌معرفت و ناآگاه است.
۴۳۵۱:۶

ناصح: خوش قلب، خیرخواه. در اینجا به معنی
نصیحت‌کننده نیامده. ۲۹۵۶:۴
ناصیه: موی جلوی سر. ۶۰۴:۳
ناعش: حیات دهنده، نشاط آور، از مصدر ثلاثی
مجرّد نَعَش. ۱۴۰۹:۶
ناقر: رمنده، گریزان. ۲۹۶:۵

ناقفا: مخفّف ناقفاء به معنی موش که از سوراخی
وارد می‌شود و از سوراخی دیگر خارج
می‌گردد. ۷۹۷:۵

نافِ مُشک: کیسه‌ای به اندازه یک نارنج که در
زیر شکم آهوی نر خُتن قرار دارد و از منفذ
آن ماده‌ای قهوه‌ای رنگ و چرب خارج
می‌شود که بسیار معطر است و به مُشک
معروف است. ۲۰۸۴:۴

ناقل: جابجاکننده، مجازاً هر چیزی که سبب
انحراف از حق شود. ۲۹۶۱:۱

ناکس: با فتحه و کسرة «کاف» به معنی پست،
بی‌لیاقت و حقیر، بی‌قدر، بدسرشت. ۸۱۰:۱
ناکس: سرفروود افکننده. اسم فاعل از مصدر
عربی نَكَس (= سرفروود افکندن). بنابراین
لفظ فارسی ناکس در اینجا مطمح نظر
نیست. ۲۲۱۸:۴، ۳۸۲۰:۶

ناگسان: فرومایگان. مفرد: ناکس. ۱۶۳۳:۵
ناگزیر: آنچه مورد حاجت است و از آن بی‌نیاز
نتوان بود، ضروری، لازم. ۵۲۱:۱

نالش: نالیدن. ۲۳۲۵:۱
نام سَنی: اسم اعظم. ۱۴۲:۲

نارسان: خام‌ها، ناقص‌ها؛ جمع نارس.
۱۰۵۷:۱

نارسان: چیزی که حاصل نشود و به دست
خواهان آن نرسد. مجازاً به معنی کسانی
است که امکان ثروت و قدرت ندارند.
۳۲۷۹:۱، ۳۲۸۱:۳

نارگون: آتشین، برسان آتش. ۱۲۷۸:۱
نارنجات: نیرنگ‌ها. ۴۶۶:۳

ناری: «ی» را در ناری می‌توان مصدری،
وحدت و نسبت گرفت. ۴۴۲۵:۳
نازان: نازکننده، رعنا. ۹۷۰:۵

نازش: به خود بالیدن. ۱۹۰۸:۱
نازک‌مغز: ظریف، حسّاس، کم تحمّل، زود رنج.
۲۰۲۴:۱

نازکن: به خود بیال، افتخار کن. ۱۹۱۰:۴
نازکی: زودرنجی، لطافت؛ دقیق، خطیر، مهم،
مجازاً به معنی عزّت و ارجمندی. ۳۳۰۷:۱،
۱۳۱۸:۳

نازنازان: در حال ناز کردن، مخفّف نازان نازان.
۳۶۷۵:۱

ناشور: زخمی که آب کشیده و چرک و ورم
کرده باشد، زخم سخت علاج و چرکین.
۲۶۱۰:۴، ۲۴۲۴:۴، ۲۵۱۶:۲، ۳۲۵۳:۱

ناسی: فراموش کننده، فراموش‌کار، از مصدر
نَسِیان. ۳۵۴:۶، ۳۶۵۰:۴

ناشته: ناپاک. ۲۶۵۳:۳

ناشته رُو: کسی که قلب و باطن خود را از
پلیدی‌ها پاک نکرده، ناپاک، آلوده،
فاسدالاخلاق، ناتمیز، نادان، در تداول مردم
جنوب به معنی بی‌شرم، بی‌سروپا، بی‌حیا.
۳۳۴۰:۲، ۲۶۰۶:۳، ۲۶۵۳:۳، ۳۰۳۳:۳،
۲۱۱:۵، ۳۶۰۴:۴، ۲۱۴:۴

ناشِف: اسم فاعل از مصدر نشف به معنی جاذب
رطوبت. ۲۲۳۳:۶

ناشیکُفت: بی‌صبر، ناآرام، بی‌صبرانه، از مصدر

ناموس: آوازه، شهرت، نیک نامی، سرافرازی، خودبینی، تکبر، به معنی حرمت و احترام هم آمده است. ۱۰۱۳:۱، ۲۱۴۸:۱، ۱۳۸۸:۴
 ناموس گوش: ترکیب وصفی است. به معنی کسی که در ناموس داری سعی می‌ورزد. ۳۹۶۸:۵
 ناموسی کردن: تظاهر به تقوی و پارسایی. ۷۸۳:۳
 نامه خدا: منظور پیغام و وحی الهی است. ۲۴۰۲:۳
 نامی: نم‌کننده، گیاه. ۳۶۴۱:۶
 نامیات: جمع نامیه به معنی نم‌کننده، روینده، گیاه. ۳۸۵۵:۵
 نانبا: نانوا. ۳۹۴۶:۶
 نان خورش: خورش نان. هر چیز که با نان خورند. ۲۲۵۴:۱
 نان فخره: نان سبوس دار، نان کپک زده، نانی که همراه با نخاله‌های گندم و جو پخته شده باشد. در اینجا مراد نان نامطلوب است. ۲۸۳۴:۵
 نان‌کور: بخیل و ناسپاس، فرومایه. ۱۹۶۴:۱
 نان‌کور و آب‌کور: ناسپاس، کنایه از آنکه از نعمت‌ها بی‌نصیب و بی‌بهره است، بخیل. ۲۵۱۰:۱
 نان و خوان: کنایه از معانی غیبی و حقایق الهی. ۲۲۷۶:۱
 ناوک: نوعی تیر کوچک که آن را در غلاف آهنین یا چوبین که مانند ناوی باریک بود می‌گذاشتند، تیر، تیری که با کمان اندازند. اسم مصغر ناو. «ناو» به هر چیزی گفته شود که دراز و میان تهی باشد. ۱۶۸۸:۵، ۴۵۷۸:۶
 نایزه: نایزه، لوله، لوله ابریق و آفتابه و جز آن. ۳۵۶۶:۱
 نایم: شخصی که در خواب است، خوابیده.

۳۶۵۴:۴
 نَبَا: در اصل همان نَبی به معنی قرآن است که به جهت ضرورت قافیه منقلب به الف شده است. ۱۸:۴
 نَبْتُ: گیاه، رُستنی. ۲۸۵۴:۳، ۱۳۱۷:۴، ۳۰۷۷:۴، ۲۸۹۵:۴
 نَبْرَد: جهاد، سعی و تلاش. ۳۱۲۰:۳
 نَبْض: رگ جنبنده در بالای مج دست از طرف انگشت نر که پزشکان بدان از حالت بیمار آگاه می‌شوند. ۱۰۳:۱
 نَبْع: جوشیدن آب از چشمه، برآمدن آب از چاه. ۱۹۶۶:۴
 نبود آن را سَبَق: تأثیر و نفوذ نکرد. ۲۵۹۰:۳
 نَبی: قرآن کریم. ۱۶۷۷:۱، ۲۲۳۱:۱، ۲۵۳۹:۱، ۲۹۴۸:۱، ۳۷۴۰:۲، ۲۶۴۳:۳، ۳۸۳۶:۳، ۴۲۴۶:۳، ۱۷۸۰:۴، ۲۰۲۰:۴، ۳۳۶۱:۴، ۶۱:۵، ۲۷۲:۵، ۴۹۹:۵، ۱۳۹۱:۵، ۱۶۰۴:۵، ۲۱۸۶:۵، ۳۸۲۰:۵، ۹۵:۶، ۲۲۳۴:۶، ۶۵۶:۶
 نَبید: شراب خرما، شراب انگور و یا کشمش، نبیذ. ۱۱۹۵:۲، ۳۴۱۸:۲، ۶۷۱:۳، ۲۴۴۶:۵
 نَبیل: نجیب، اصیل، بزرگوار، شریف، هوشمند، از مصدر نَبَالَه. ۳۶۲۰:۲، ۲۱۴۵:۳، ۳۰۶۴:۵، ۸۵۵:۶، ۳۲۶۴:۶، ۳۷۱۱:۶
 نَبیه: شریف، آگاه، از مصدر نَبَه: جمع آن نَبَاه. ۳۱۱۶:۴، ۳۵۶۳:۳
 نَبَاج: بچه، فرزند. در اینجا مظهر و نمونه. ۱۲۵۴:۳
 نَبَاح: رستگاری، پیروزی. ۳۵۷۲:۶
 نَبْجَه: یاری. ۳۵۷۷:۵
 نَبْجَس: مصدری است که در معنی وصفی بکار آمده و نَبْجَس، صفت مشبیه به معنی پلید و آلوده است و هر چیز که طبع آدمی از آن نفرت داشته باشد. ۲۰۹۴:۳
 نَجْم ثاقب: ستاره فروزان. ۴۵۳۳:۳

چهارپایان است. و استعمال آن در مورد انسان، جنبه استعاری دارد و به معنی گردش کردن و لذت بردن است. ۴۱۶:۳
نَرَد باختن: نردبازی کردن. «نرد دغا باختن» به حيله و نیرنگ پرداختن. ۲۸۶۰:۲
نَرِد مُلک باختن: پادشاهی کردن. ۱۸۴۸:۴
نَرُگدا: گدای سمج و پُرو. ۲۷۵۴:۵، ۲۳۳۰:۶، ۴۶۵۹:۶
نَرُگستان: کشتزار نرگس، باغ نرگس. ۳۹۴۴:۱
نَرُگس چشم: اضافه تشبیهی از نوع اضافه مُشَبَّهٌ به به مُشَبَّه است، یعنی چشمی که مانند گُلِ نرگس است. ۱۶۰۵:۴
نَرُمساز: لطیف. ۳۷۹۵:۴
نَرَمه جارو: جارو نرمه، نوعی جارو که از گیاهی نرم و لطیف می‌سازند و با آن گردگیری می‌کنند. ۱۳۵۳:۵
نَرزار: لاغر، ناتوان؛ نزار: ضعیف. ۳۲۰۸:۱، ۱۴۳۳:۶، ۳۳۸۳:۱
نَرُذ: نزدیک، پیش. ۲۴۰۳:۵
نَرُوع: معنی اصلی آن کندن است و اصطلاحاً به حالتِ جان کندن و کنده شدن روح از بدن نیز اطلاق می‌شود. ۱۲۳۶:۳، ۱۹۱۸:۳، ۹۰۹:۵، ۱۸۲۹:۵، ۱۹۶۷:۵
نَرُوع جان: کندن جان، جان کندن. ۳۷۴:۶
نَرُزل: طعامی که برای مهمان فراهم کنند. ۱۴۲۹:۱
نَرُزه: پاک، پاکیزه. ۴۱۰:۳
نَرُزَهت: پاکیزگی، نکویی. ۳۳۱۵:۶
نَرُزند: اندوهگین، افسرده، پژمرده، غمگین. ۳۳۱۰:۱، ۲۶۱۹:۳، ۴۲۳۸:۳، ۶۷۷:۴
نَرُز: ۱۷۴۳:۴، ۲۵۸۱:۴، ۱۶۷۲:۵، ۲۴۸۴:۶، ۴۱۰۶:۶، ۴۲۴۳:۶
نُس: به معنی گرداگرد لب و دهان. استاد نیکلسون این کلمه را در یک جا، دانشمند و دانا و زیرک، و در جای دیگر، کلام، نطق و

نَجی: نجات یافته، رستگار. ۳۵۵:۵
نُح: نوحه و شیون سر ده. فعل امر از نَحَ یُنُوحُ. ۵۳۸:۶
نُحُر: مقابل هم قرار گرفتن، رویاروی کسی شدن، نزدیکی، قرب. ۳۴۹۴:۱
نُحس: شوم، بدشگون. ۲۶۸۸:۴
نُخل: زنبور عسل. ۱۲۲۹:۵
نُحْنُ الْمُتَّقُونَ: ماییم پرهیزگاران. ۱۸۰۲:۵
نُخو: روش و طریقه. ۲۸۴۶:۱
نُحوس: جمع نُحس، ضد سعد و مبارکی. ۳۷۷۹:۴
نُحول: لاغری در اینجا به معنی ضعف و خستگی آمده است. ۳۵۳۷:۲
نُخاس: برده فروش، دلال ستوران و چهارپایان. ۳۰۴۰:۳، ۳۴۹۲:۳
نُخَیر: شکار، در اینجا مطلق حیوانات وحشی و شکاری. ۹۰۰:۱
نخل و بید: استعاره از نیکبخت و بدبخت. ۳۵۳۰:۱
نُخیل: درخت خرما، خرما بُن. نخل، به معنی مطلق درخت نیز می‌آید. ۱۴۱۳:۱، ۳۵۸۶:۶
نَد: همتا، نظیر. جمع: آنداد. ۱۶۱۸:۶، ۱۸۶۰:۶
نَدَم: پشیمانی و ندامت. ۱۴۰۹:۵، ۴۴۱۶:۶
نَدی: باران، تری، رطوبت، شبنم. ۳۰۱۰:۴
نَدید: همتا، نظیر، مُعَاتِل، مانند. جمع: نُدَداء. از ریشه «ن د د». ۳۰۱۹:۱، ۳۰۴۷:۱، ۲۲۱۳:۲، ۲۷۵۹:۳، ۴۲۴۶:۳، ۴۵۲۰:۳، ۷۴:۵، ۱۵۸۵:۵، ۱۹۸۹:۵، ۲۴۲۶:۵، ۳۹۸۲:۵، ۱۱۸۰:۶، ۳۷۶۹:۶، ۴۷۶۱:۶
نَدیم: مصاحب، همدم و همنشین. ۱۸۹:۱، ۹۳۷:۲، ۳۶۵۹:۲، ۲۹۳۳:۴
نَر: آلت تناسلی جنس مذکر. ۱۳۳۵:۵
نَرُوع: گردش می‌کنیم. به گفته راغب اصفهانی رُوع در اصل به معنی علف خوردن

عروس می‌دهد که یادگار عروسی باشد.
۲۶۸:۶

نَشَف: جذب کردن رطوبت مانند جذب آن
بوسیله هوله و دستمال و غیره. به خود
کشیدن و جذب کردن. ۸۷۹:۱، ۲۲۲۹:۶
نَشْكَهْد: مضارع منفی از شکوهیدن به معنی
ترسیدن. ۳۷۵۴:۲

نَشْكَهْنْد: نترسند. از مصدر شکوهیدن. ۳۵۴۶:۶
نَشْكِيفْتِد: صبر نکردید. از مصدر شکیفتن به
معنی صبر کردن، شکیبایی نمودن. طاقت
نیاوردید که در حق او خیانت و طمع بکار
نگیرید. ۹۱۷:۳

نَشْو: رُشد و نمو، روییدن، مجازاً به معنی زنده
شدن. ۳۸۲۵:۴، ۱۵۶۷:۵
نَشْوَر: زنده کردن و یا زنده شدن مردگان.
۱۶۲۳:۴

نَشِید: سرود، آواز، بلندکردن صدا، در اینجا به
معنی نوحه. ۳۲۶۳:۶
نِصَاب: لفظاً به معنی اصل، ریشه، بازگشتگاه و
دسته کارد و ابتدای هرچیز است. اما در
اینجا مراد سرمایه و دستاویز است.
۴۱۷۲:۶

نصرانی گداز: دشمنی کننده با نصرانی‌ها، آزار
دهنده نصرانی‌ها. نصرانی، پیرو حضرت
مسیح(ع) را گویند. نصرانی، نسبت است به
ناصره اما برخلاف قیاس صرفی. ناصره را
به غلط زادگاه عیسی(ع) دانسته‌اند. از اینرو
او را عیسای ناصری گفته‌اند. اما طبق
روایت انجیل، عیسی(ع) در بیت اللحم متولد
شد، منتهی چون در شهر ناصره اقامت
طولانی داشت ناصری لقب یافت. ۳۲۴:۱
نُضار: زروسیم خالص، زرخالص، خالص از
هرچیز، مرغوبترین چوب که از آن ظرف و
آوند سازند. ۱۳۸۷:۶

نَطع: سفره، فرش چرمین، در اینجا منظور

بیان ترجمه کرده است. به معنی عقل و
هوش نیز آمده است. ۱۱۵۹:۴، ۳۱۴۹:۴
نَسَاخ: رونوشت نویسی، نویسنده، نسخه‌نویس،
کاتب وحی. ۳۲۲۸:۱

نَسْتَد: نگرفت. از مصدر سِتَدَن. ۳۷۴۱:۵
نَسْخ: نسخه‌برداری از روی کتاب، نوشتن، محو
کردن، باطل کردن. ۲۷۸۱:۳، ۳۱۲:۵
نَشْرین: نام گلی سپید و کوچک و صبرگ از
جنس گل سرخ. ۱۲۶۰:۲

نَشَف: درهم کوبیدن، از بیخ برکنندن، بنا را از
پایه و بنیاد کندن و ویران ساختن. ۱۸۸۴:۱،
۲۸۳۰:۴

نَشْفَعَن: فعل مضارع متکلم مع‌الغیر از «نَفَع» به
معنی گرفتن و محکم کشیدن است در قرآن
به جای نون تأکید، مختوم به الف شده
(النَّشْفَعُ) تا حکم وقف بر الف داشته باشد.
۶۰۴:۳

نَسَق: نظم و ترتیب، شیوه. ۲۳۱۴:۱، ۲۴۱۸:۱،
۴۶۰۱:۶، ۲۴۱۲:۳

نَسْک: عدس. ۲۲۵۹:۱
نَشْكَلد: نمی‌گسلد. نمی‌برد. در اینجا یعنی دست
برنمی‌دارد و جدا نمی‌شود. ۲۶۰۶:۵
نَشِیان: فراموشی. ۱۶۷۵:۱

نَسِیب: عالی نَسَب، نژاده، اصیل، خویشاوند،
فامیل. ۱۵۰۹:۵، ۳۰۲۰:۶

نَسِیج: منسوج، بافته. ۳۹۱۰:۶
نُشَاب: جمع نَشَابَه به معنی تیر. ۳۳۱۸:۱

نَشَاف: جنون، دیوانگی، خبط قوّه دماغ.
۵۵۸:۶، ۱۶۵۳:۱

نشان: در اینجا به معنی «امر» است و به امر
شاهان نشان گویند. ۵۱۱:۱

نشانند: به نشستن واداشت، خاموش کرد.
۷۴۱:۴

نشانی: زیوری نظیر حلقه و انگشتری و
سینه‌ریز که داماد به هنگام عروسی به

نَغْمَ الْأَمِيرِ: نکو فرمانرواست. ۳۶۲۴:۶
 نعمت بر طَبَق: کنایه از نعمت‌های فراوان و آماده است. ۲۵۰۷:۳
 نَغْمَ الدَّوَا: نکو دارویی است. ۲۸۰۶:۶
 نَغْمَ الرَّفِيقِ: چه نکو دمسازی است. ۱۴۳۳:۱
 نَغْمَ الْعَوَضِ: نکو عوضی است. ۹۲۲:۱
 نَغْمَ عَوْنٍ: چه یاری خوبی است! ۱۶۶۷:۵
 نَغْمَ السُّعِيلِ: نیکوکفیل و سرپرست خانواده اوست. ۲۲۹۵:۱
 نَغْمَ الْمُعِينِ: نکویاور. «نَغْم» از افعال مدح است. ۸۲۵:۶
 نَغَز: خوب، نیکو، لطیف، بدیع. ۷۰۶:۱، ۳۱۴۰:۱
 نَغُول: ژرف و عمیق. ۱۳۹۰:۱، ۱۸۹۰:۱
 ۱۳۵۹:۴، ۷۴۵:۴، ۳۵۴۲:۱
 نَقَائِث: جمع نَقَاثَه به معنی بسیار دمنده. اگر تایی آن را تأنیث فرض کنیم (غالب مفسران آن را برگزیده‌اند.) به معنی زن جادوگر است. و اگر تایی مبالغه بگیریم به معنی بسیار دمنده است، اعم از زن و مرد. ۳۱۹۵:۴
 نَقَّاح: بسیار دمنده. (صیغه مبالغه)، اما در اینجا به معنی افاضه‌کننده آمده است. ۲۴۳۳:۶
 نَفَاد: سر آمدن، تمام شدن. ۱۵۴۹:۵
 نَفَاذ: نفوذ کردن. ۲۳۳۶:۲
 نَقَاط: ظرف مسین که در آن نفت ریزند؛ کسی که در آن نفت می‌ریزد. در اینجا به معنی نفت‌انداز و آتش‌باز، آتش‌افروز. ۱۳۱۱:۲
 نَفْتْ‌أَنْدَاز: صفت مرکب مرخَم فاعلی در اصل بوده است «نفت‌اندازنده» به معنی کسی که آتش می‌بارد. ۴۲۳۱:۵
 نَفَعَت: بوی خوش؛ مراد عنایات و رحمت‌ها و دم مبارک خداوندی است. ۱۹۵۱:۱
 نَفَخ: دمیدن. ۱۵۵۲:۶
 نَفَخْتُ: دمیدم. فعل ماضی متکلم وحده. ۳۵۹۴:۶، ۳۲۰۳:۴، ۳۹۳۵:۳
 نَفَخَتَيْنِ: دونفخه، دو دمیدن، دو دَمِش ۱۵۵۳:۶

صفحه شطرنج زندگی است. ۲۵۰۸:۲
 نَظَار: مَخْفَف نَظَار به معنی نگرنده، نگاه‌کننده، بسیار نگرنده و بینا. ۱۶۶۱:۶، ۲۹۱۵:۶
 نَظَّارَه: دیدن، تماشا. این معنی را پارسیان از آن لفظ عربی ساخته‌اند. نَظَّارَه در عربی به معنی جمع نظرکنندگان و بینندگان و تماشاکنندگان است. ۸۳۲:۶، ۳۶۲۳:۱
 نَظَّارَه‌وار: مانند بیننده، تماشاگرانه. ۳۷۵۶:۴
 نُعَاس: چُرت، پینکی، ابتدای خواب، مطلقاً به معنی خواب. ۵۵۹:۴، ۱۱۴۱:۴، ۳۲۳۷:۴
 ۱۰۳۳:۵
 نُعَت: وصف کردن، وصف، خصلت؛ جمع: نُعُوت. ۲۹۶۳:۱
 نَعَجَه: میش. ۱۹۵۴:۳
 نَعْل: کفش، نعلی که به پای چهارپا کوبند. جمع: نِعَال. در اینجا معنی اول مراد است و حاجتی به معنی دوم نیست چنانکه شارحی گمان کرده است. ۲۹۵۴:۴
 نَعْلَبَتْنِد: آنکه ستوران را نعل کند، نَعْل‌گر. ۲۳۷۸:۵، ۱۳۳۹:۵
 نعل در آتش نهادن: کنایه از بیقراری و بیتابی در محبَّت است. ۱۹۷۳:۱
 نَعْل رِیختن: کنایه از به شتاب دویدن. ۳۶۶۸:۱
 نَعْل‌رِیز: صفت مرکب فاعلی مرخَم (=مَخْفَف) در اصل نعل ریزنده بوده است. کنایه از کسی که تند و شتابان می‌دود. در دیوان شمس آمده است:
 تا چند نعل ریز کند ییک ماه نیز؟
 تا چند زُهره بخش کند جامِ اخمری؟ ۲۵۶۷:۵
 نعل معکوس: نعل وارونه. ۱۶۳۵:۶
 نَغْم: از افعال مدح که مانند سایر افعال عربی صرف نمی‌شود. یعنی نیک است، خوش است. ۳۸۰۳:۳
 نَعْماء: ناز و نعمت؛ جمع آن: أَنْعُم. ۱۱۶۵:۴

نَقَر: گروه، جماعت، در مثنوی بسیار آمده است.
۱۱۶۹:۱، ۳۶۸۵:۲

نَفَس بستن: خاموش و ساکت شدن. ۳۵۴۶:۱
نَفْس و نَفْسِی: خودم و خودم، مَنَم مَنَم زدن.
نفس + یای ضمیر متکلم عربی. ۳۹۱۸:۱
نَقْل: غنیمت، غنیمتی که از دشمن برای مصالحه
می‌گیرند. در اینجا به معنی عطیه و دهش
است. ۲۹۲۶:۶

نُفُور: بسیار رمنده، گریزنده. (صیغه مبالغه).
۱۰۲۳:۱، ۱۰۴۹:۴، ۱۳۵۲:۴، ۲۷۰۸:۴

نُفُور: رمیدن، نفرت داشتن. ۴۱۵۹:۶
تَغییر: نوعی از آلات موسیقی که کوچکتر از کرنا
و بوق است و غالباً قلندران و دراویش با
خود دارند؛ سر و صدا و فریاد، ناله و زاری؛
رمیدن، ترسیدن، گریختن، گریزان، رمنده،
دور شونده. ۸۹۵:۱، ۲۱۳۷:۱، ۳۲۲۵:۱،
۲۶۹۲:۳، ۳۴۰۲:۳، ۴۶۰۳:۳، ۲۰۲۶:۴،
۲۲۸۷:۶

نَفِیس: گرانبها، مرغوب. ۳۴۱۵:۴
نَفِیسی: نفاست، گرانبهای. نفیس + یای
مصدری. ۳۲۷۷:۶

نَقَا: مخفّف نَقَا به معنی پاکیزگی، خلوص. مصدر
ثلاثی مجرد ناقص واوی از ریشه «ن ق و».
۲۳۹:۴

نَقَاد: آنکه زر و سیم سره و ناسره را از هم
بازشناسد. ۲۱۰۴:۵

نَقَب: راه باریکی که در زیرزمین حفر می‌کنند؛
جمع: نِقَاب. ۲۸۲۴:۶

نَقْد: زر و سیم، نیز به معنی سره و ناسره زر و
سیم را بازشناختن است. ۳۱۴۹:۱،
۳۵۳۱:۱

نقدحال: سخن یا قصّه یا هر چیزی که مناسب
حال گوینده یا شنونده باشد، هر سخن یا
قصه‌ای که احوال آدمیان را مورد نقد و
بررسی قرار دهد. ۳۵:۱

نَقْدِ دَغَل: سگّه تقبلی. ۲۸۵۹:۱
نَقْدِ روان: گنج روان، گنجی از مسکوک رایج،

گنج قارون. ۱۸۱:۱
نَقْره گین: نقره‌ای. گین پسوند دارندگی و اتصاف
است مانند شرمگین، خشمگین. ۶۵۷:۴
نَقَش: منظور در این بیت ظواهر دنیوی و مظاهر
مادی و صورت‌های گذرنده دنیایِ دون
است. ۳۷۰۰:۳

نَقَش بند: نقش آفرین، نقّاش، کسی که صورتی را
نقش می‌زند، گلدوز، زردوز. ۳۰۷۵:۴،
۲۶۴۹:۵

نقش‌پدید ناپدید: تعبیری است درباره خیال. و
این تعبیر بنا بر آن است که صُورِ ذهنی چنان
نیست که آثار خارجی بر آن مترتب گردد
و یا پایدار باشد. و نظیر آن است که فرمود:
«نیست و ش باشد خیال اندر روان». ۴۱۶:۱
نَقْشِین: منقوش، دارای نقش و نگار. نقش + ین
پسوند دارندگی و اتصاف. ۱۱۴۴:۶،
۴۷۰۶:۶

نَقْض میثاق: شکستن پیمان. ۲۵۹۱:۵
نَقْل: انتقال دادن، در اینجا به معنی رحلت و جان
سپردن است، زیرا خداوند روح را از این
دنیا به آن دنیا می‌برد. ۲۵۸۶:۴

نُقْل: آنچه جهت تغییر ذائقه بر سر شراب خوردند.
بدان مزه شراب نیز گویند. اما برخی از
لغت‌شناسان می‌گویند نُقْل (با ضمه نون)
بدین معنی غلط مشهور است. معنی دیگر
نُقْل نوعی شیرینی است که در میان آن بادام
و پسته می‌گذارند. ۲۰۹۸:۴، ۱۸۸۰:۶

نُقْلان: انتقال، جابه جا شدن. ۳۵۵۶:۳،
۶۰۵:۵، ۳۹۷۳:۳

نُقْل و زاد: شیرینی و توشه. مراد میوه درختان
است. ۹۴۲:۱

نَقَم: نقیمت‌ها، عقوبت‌ها. ۲۸۳۷:۶
نَقَمَت: عذاب، کیفر، رنج و سختی، عقوبت، با

نِگار: محبوب، معشوق. ۱۷۷۳:۱، ۶۰۲:۲، ۲۳۴۵:۶، ۳۸۳۲:۵

نگارستان: جایی که دارای انواع نقوش و صورت‌ها و کارهای نقاشی باشد، کارگاه نقاشی، در اینجا منظور رنگ‌های مختلف گل‌ها و گیاهان و اشجاری که نگارخانه طبیعت است. ۱۷۷۱:۴

نَلْعَبُ: بازی می‌کنیم. ۴۱۶:۳
نَما: رشد و نمو، رویدن، مخفّف نَما. ۲۸۱۲:۲، ۴۴۶۲:۶، ۱۱۷۵:۵

نماز دیگر: اصطلاحی است فارسی، معادل نماز عصر. ۴۱۱:۲

نَقد افکندن: مستقر شدن، مقیم شدن. ۴۳۳۶:۳
نَمر: پلنگ؛ جمع: نِمار و آنمار. ۱۶۶۳:۱، ۲۳۸۴:۵

نَقط: طریقه، روش، نوع، اسلوب. ۴۹۹:۱، ۹۹۲:۱، ۳۳۷۷:۱، ۱۱۱:۵، ۸۹۸:۶، ۴۷۹۱:۶، ۲۵۱۴:۶

نمکسار: نمکزار. ۱۸۵۸:۶
نمک‌لان: نمکزار. ۱۳۴۴:۲

نُمودن: نمودار، مثل، نماینده، علامت. ۳۸۶۸:۶
ننگین مُناخ: جایی که به ننگ آلوده است. ۱۷۶۸:۵

نوشد: گوش نکند، نشنود. مخفّف نَیوشد از مصدر نَیوشیدن. ۲۶۸۵:۵

نُوشم: نشنوم. مخفّف نَیوشم از مصدر نَیوشیدن به معنی شنیدن، گوش کردن. ۳۵۳:۱، ۲۶۳۰:۵

نَوادر: جمع نادره به معنی کمیاب. «نَوَادِرُ الْكَلَامِ» یعنی سخنان عجیب و بلیغ و نیکو. ۲۷۳:۵
نَوال: عطا و بخشش، عطیه، بهره و نصیب. ۲۰۸۴:۱، ۲۷۵۶:۱، ۳۹۲۷:۱، ۳۹۹:۲، ۸۷۷:۵، ۲۰۸۹:۵، ۳۰۱۸:۶

نَواله: لقمه و توشه، عطا و بخشش، مجازاً به معنی نعمت. ۲۹۷۷:۱، ۱۰۰۶:۴، ۱۷۵۳:۵

فَتْحَةُ «ن» نیز صحیح است. ۲۵۲۳:۱، ۲۵۰۷:۵، ۵۱۵:۵

نُقود: جمع نَقْد به معنی زر و سیم سره و رایج. در اینجا شامل زر و سیم سره و ناسره و رایج و غیر رایج است. ۲۱۰۴:۵

نَقَى: صفت مشبّهه عربی به معنی پاکیزه و نظیف، پاک. ۲۴۹۶:۴، ۲۲۱۹:۴

نَقِیب: مهتر قوم، رئیس قوم، پیشوا، بزرگ؛ مجازاً منظور گارد امنیتی حاکم است. ۲۷۷۴:۱، ۴۷۹۷:۶، ۲۴۶۵:۶

نَقِیر: سوراخ پشت هسته خرما. تعبیری قرآنی از ناچیزترین چیز، ذره‌ای ناچیز. ۳۵۴۸:۶

نَک: اینک، بلکه، اکنون. ۱۸۸:۱، ۹۶۱:۱، ۳۲۲۴:۴

نَکال: عقوبت، کیفر، مجازات سخت، بازداشتن و منع کردن، کسی را مایه ترساندن دیگران ساختن. در اصل به معنی بازداشتن و منع کردن، از نکل به معنی قید و بند محکم. پرنکال: پسر از شکنجه و عذاب، قهار. ۲۸۲۱:۴، ۲۱۵۲:۴، ۱۱۴۱:۴، ۲۹۵۳:۳، ۲۴۷:۶، ۲۵۲۳:۶، ۲۸۹۴:۶، ۳۹۶۵:۶، ۴۴۹۱:۶

نَکته: مطلب دقیق و باریک، سخن ظریف و انبساط‌آور، مجازاً سِر و لطیفه. ۴۴۷:۱

نَکته گفتن: لطیفه گفتن. ۲۴۸:۱
نَکَر: ناسپاسی، شگفت و ناخوش و ناشایسته. ۱۲۷۲:۱، ۳۳۷۰:۱

نَکَر: مخفّف نوکر. ۲۱۶۱:۶
نَکَس: عود کردن بیماری. ۲۷۲۷:۳

نَکَسْتُ: شکاف برنداشت، از مصدرِ کَفَتَن. ۳۲۷۱:۶

نَکَل: خودداری کردن، در اینجا به معنی فراموش کردن. ۴۵۰:۶

نَکُول: بازایستادن از دشمن، باز ایستادن از سوگند و امتناع کردن. ۲۸۸۸:۴

۳۳۹۵:۶

نُوبت: گردش روزگار، گردش جام شراب در مجلس. ۱۳۶۸:۱

نوبت زدن: طبل و نقاره و دُهل و کرنا زدن، نقاره‌ای که هنگام پنج وقت نماز بر سرای شاهان می‌زدند، مجازاً به معنی اعلام کردن. ۱:۲۴۵۳، ۴:۲۸۰۱، ۶:۹۴۱

نوبت‌گه: جایی که طبل و نقاره و دُهل می‌زنند. ۳:۴۰۹۸

نُوحه: شیون و زاری. ۱:۲۵۴۳

نوحه‌گر: نوحه‌خوان. ۲:۴۹۱

نَوْخَط: نوجوانی که تازه موی بر صورتش رُسته است؛ نوآموز، کودکی که تازه به مکتب رفته و خط و کتابت را شروع کرده است. ۴:۲۰۵۶

نورتاب: صفت فاعلی مرخّم به معنی نورتابنده و درخشان. ۶:۹۳۶

نُورجُو: جوینده نور. صفت فاعلی مرکّب مرخّم. ۴:۲۷۱۳

نُورِد: پیچیدن، لا، پیچ و تاب‌ی که در چیزی افتد. «بگشاید نورد» لاو پیچ آن باز شود، کنایه از به فعلیت رسیدن. ۳:۲۸۹۲، ۵:۲۹۸۱، ۶:۲۸۷۸

نور شرق: نور آفتاب که از خاور می‌تابد. ۱:۲۰۹۷

نورکار: روشنی‌بخش، مُبیر. ۴:۲۸

نُوش: عسل، شهد و انگبین، شیرین، هر چیز گوارا، مراد رزق است. ۲:۱۰۸۲، ۵:۳۸۷، ۶:۳۲۳۱، ۶:۳۹۷۰

نُوشَد: مخفّف نیوشد، به معنی، بشنود. ۳:۲۱
نُوشَم: بپذیرم. از نیوشیدن به معنی گوش کردن و پذیرفتن؛ بخورم. از نوشیدن. ۳:۳۳۶۲، ۴:۶۷۹

نوکُن: صفت مرکّب فاعلی مرخّم به معنی نوکننده، تازه‌کننده است. ۶:۱۰۹۵

نُول: منقار. ۵:۲۷۲۶

نُوم: خواب. معنی اصلی نوم، قطع است. زیرا خواب سبب قطع اعمال روزانه می‌شود. نیز منظور خواب غفلت و یا مقتضیات حیات حیوانی است. یعنی انسان‌های حیوان سیرت مقهور شرایط بهیمی‌اند. ۱:۳۸۶۳، ۴:۱۵۲۳
نُومَرید: مرید مبتدی و تازه راه افتاده. ۴:۳۶۴۲
نون: ماهی. ۲:۳۱۳۶

نُوی: دوری، فراق. ۶:۵۳۹

نُوید: مژدگانی، خبر خوش، گویا در این بیت به معنی شادمانی و خوشی و مجلس ضیافت آمده است. ۳:۷۳۴

نُهاد: سرشت و طبع، خلقت، اساس و بنیاد، رسم و روش، وضع و هیأت، مجازاً جثّه و هیکل، طبیعت مادی و محسوس. ۱:۱۵۱، ۱:۲۴۳۵، ۱:۳۶۶۰، ۶:۲۴۸۳

نُهاد: شکل و قد و قامت، حالت و خوی. ۳:۱۲۶۲

نُهال: درخت جوانِ نورُسته، درختی که تازه کاشته شده باشد. ۴:۴۵، ۵:۳۸۵۸
نُهاله: درخت نو کاشته، نهال. با فتحه نون نیز صحیح است. ۵:۱۹۶۱

نُهالی: فرش، تشک، بستر، بالش. ۵:۱۶۷۰
نُهالین: زیراندازی چارگوشه، تشک، نهالی هم گفته‌اند. ۱:۲۲۵۵

نُهبه: غارت. ۶:۵۰۴
نه چیز: شکل دیگر است از کلمه (ناچیز) به معنی بی‌ارزش و اهمیت. ۱:۲۳۶۸
نُهشت: فرو نهاد، ترک نکرد. فعل ماضی منفی از مصدر هشتن است. ۱:۳۴۲۰

نُهَمَت: حرص، آرزو، نیاز، همت. ۱:۱۴۴۲
نُهی: جمع نُهیه به معنی عقل. «ذا» به معنی «دارا» و «صاحب». همان «ذو» است، و چون اینجا منادای مضاف واقع شده طبق قاعده اعراب به حروف منصوب شده است:

نینداید: اندوده نکند از مصدر انداییدن به معنی کاهگل گرفتن بام و دیوار، گِل مالیدن. در اینجا مجازاً به معنی حجاب دل است. ۸۸:۶
نسیم نعل: کنایه از چیز حقیر و بی ارزش. ۱۴۶۷:۵

و آنکهان: حرف ربط عطفی است به معنی بعد از آن، به علاوه، از این گذشته. ۱۷۳۸:۴
و اثبور: ثبور در اصل به معنی هلاکت و تباهی است: و اثبور: واویلا، وای بر من. ۹۳:۵
واجبی: وجوب، واجب بودن. واجب + یای مصدری. ۳۷۷۳:۶

واحرَب: کلمه‌ای است که در عزای مردگان و برای ابراز ناراحتی گویند. حَرَب به معنی هلاکت و نابودی است. «وا» حرف ندایی است که بر سر منادای مندوب می‌آید. ۳۵۱۸:۳

واحد کالالف: یکی مانند هزار. ۲۲:۶، ۳۵۶۴:۶
واحشر تا: ای دروغ، ای حسرت. وا (حرف ندا) + حسرتا منادای مندوب مختص اظهار حزن بر مصیبت وارده است. ۱۰۴۸:۶

واحشر تا: منادای مندوب است که به هنگام رخ دادن مصائب گویند. و از ادوات نداست. ۱۳۷۱:۴، ۳۵۴۱:۱

واداد عطا: پس دادن و رد کردن بخشش و عطا. ۳۷۴۲:۱

واداد کَرَم کردن: پس دادن و رد کردن بخشش و عطا. ۷۵۱:۳

وادادن: پس زدن، رد کردن. ۲۴۷۸:۱
وارد: جایز و روا. ۹۸۰:۱
وارد: وارد شونده به آب، کسی که پیشایش کاروان به طلب آب و گیاه حرکت کند. در اینجا به معنی پیشاهنگ و پیشواست. ۴۵۶۱:۶

واژود: سرد شود، از شوق و شور بیفتد. ۴۲۲۴:۶

«اصحاب نُهی» یعنی خردمندان. ۳۵۷۹:۳، ۳۹۴۰:۳، ۴۳۸۷:۳، ۱۳۱:۴، ۵۵۴:۴، ۲۴۸۳:۶، ۱۰۵۶:۵

نهیب: ترس، گزند، قهر. «آسمان با نهیب» در اینجا به معنی آسمان باشکوه و هیبت است. نیکلسون گوید: راجع است به تأثیرات خوفناکی که تصور می‌رفته است از سیارات نهمین فلک سماوی ناشی می‌شود. ۲۴۲۹:۱، ۳۵۸۷:۱، ۱۲۳۴:۳، ۲۶۲۷:۵، ۲۴۴۱:۶، ۱۹۳۴:۶

نیاز بُردن: عرض حاجت کردن، اظهار نیاز کردن. ۸۶۲:۳

نیستی: در اینجا به معنی فروتنی و نادیده گرفتن خود. ۲۳۹۶:۱

نیش: مخفَف «نی‌اش» یعنی نیست او را، ندارد. ۳۵۲۶:۵

نیفه: لیفه شلوار، بند شلوار. ۱۷۰۰:۶
نیک پی: مسعود و مبارک، نیک‌بخت. ۳۹۲۲:۳
نیکویی: خجسته، مبارک، مبارک قدم. ۴۱۴۰:۶، ۱۱۰۷:۶، ۱۸۴۸:۱

نیکو دَم: صفت و موصوف مقلوب به معنی دَم و نَفَس خوب و خوش. ۱۸۵۲:۳

نیکو مَقال: خوش سخن، سخنور. ۳۹۰۷:۵
نیل: ماده‌ای است آبی‌رنگ که از برگ درختچه نیل به دست می‌آید و در نقاشی و خوش رنگ کردن لباس‌ها بکار می‌برند. ۳۴۸۱:۵
نیلوفر: گیاهی است آبی که در مناطق گرم و معتدل می‌روید و انواعی دارد. نیلوفر در تداول امروز قسمی پیچک است و گل آن مانند شیپوری است. ۳۹۰۸:۳

نسیم بیدار: کسی که خوابش سبک است. ۲۸۰۰:۳

نیم‌جان: جان انسانی که بر اثر مجاهدت و تربیت درست به نور معرفت روشن نگشته و به مراتب کمال نرسیده است. ۲۴۵:۱

واِزِر: اسم فاعل از فعلِ مِثَالِ واوِی وَزَرَ یَزُرُ به
معنی گناهکار، بردارنده بارگران و گناه.

۱۷۸۸:۳، ۷۳۱:۲

واصِف: وصف‌کننده. ۳۳۵۷:۱

واعی: شنونده و حفظ‌کننده از مصدر وَغَى.

۳۰۳۶:۴

واعیّه: اسم فاعل از مصدر وَغَى است. و در اصل
«وَغَى» به معنی نگهداشتن چیزی در قلب
بوده است، و سپس به شنیدن و حفظ کردن
نیز «وَغَى» اطلاق شده و چون در اینجا
«واعیّه» صفتِ اُذُن (= گوش) واقع شده به

معنی شنواست. ۱۵۳۱:۵

وَأَفْرَحْتَ: کلمه‌ای است که در مقام اظهار شادی

گویند، خوشا. ۴۶۵۰:۶

وَأَفِقْ: فعل امر مفرد مذکر از باب مفاعله، یعنی

همراهی کن. ۲۹۷:۵

وافی: وفادار، بسنده، کافی، وفاکننده به عهد.

۸۳۰:۶، ۱۳۰۱:۵، ۱۱۶۵:۵، ۳۱۰۹:۴

واقِعَات: جمع واقعه به معنی آنچه در خواب و یا

خواب و بیداری دیده شود. ۲۴۲۵:۴

واقعه: حادثه، پیکار؛ از مصطلحات صوفیه و

عرفاست. ۴۶۶۴:۶، ۳۹۹۶:۳

واکَشِدِنِ خود: کَفَّ نَفْس، خویشتن‌داری.

۳۸۷۴:۵

واکَفَد: شکافته گردد. کفیدن به معنی شکافتن

است. ۳۱۳:۳

واکْفِید: از کفیدن به معنی شکافته شد. ترکید.

۱۳۸۷:۳

والِدّه: مادر. ۲۹۲۳:۴

والّه: حیران، سرگشته. ۱۵۳۰:۱

وامُجو: خواهان وام، قرض‌خواهنده. ۳۰۲۳:۶

وامرو: باز نگرد. ۱۷۲۴:۵

وامی: منسوب به وام یعنی وامدار، بدهکار.

۳۸۶:۲

وآنگهان: حرف ربط عطفی است و به معنی بعد

از آن، به علاوه، از این گذشته. ۱۷۳۸:۴
وَأَوَيْسَلْتَا: کلمه‌ای است برای اظهار حزن و

افسوس، از نظر نحوی بدان منادای مندوب

گویند. معادل وای، فریاد. ۴۶۹:۶

واهِب: بخشنده. ۳۷۴۸:۱

واهی: سست. ۱۶۴۷:۴

واهی ادب: نافر هیخته. این معنی برای صفت

ترکیبی مذکور از مرحوم استاد همایی در

صفحه ۲۲۴ دژ هوش ربا اخذ شده است.

(رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ رَحْمَةٌ وَاسِعَةٌ). واهی در لفظ

به معنی سست آمده است. ۴۷۷۳:۶

واهی القری: دستگیره سست. ۱۳۷۵:۲

وای: از اصواتی است که در حال اضافه معنی

ترخم و شفقت را افاده کند. ۳۱:۱

وَبَالَ: سختی، شدت، عذاب، درد و رنج،

گرفتاری. ۲۰۳:۱، ۹۷۰:۱، ۲۷۳۹:۳

۶۶۷:۵

وَبَر: پشم، پشم شتر. «أَهْلُ الْوَبَر» یعنی

بادیه‌نشینان، صحرائیان، از آنرو که در

خیمه‌های پشمین سر کنند. ۲۳۹۸:۶

وَتَد: میخ، جمع آن اوتاد. ۱۶۴۸:۳، ۱۴۸۷:۶

وتیره: طریقه، راه و روش، ۵: عنوان ۱۷۶۰

وِثاق: اتاق، خانه، حجره. ۳۲۷:۱، ۲۱۷۳:۲

۴۶۰۲:۳، ۱۸۴۳:۴، ۳۴۳۱:۴، ۱۲۱:۵

۶۰:۶، ۲۷۷۴:۶، ۳۱۱۶:۶، ۴۵۸۳:۶

وَتَن: بت؛ جمع: اوتان. ۲۸۹۰:۱، ۷۰۴:۶

وَجَا: مَخْفَفِ وَجَاء، مصدر عربی از فعل وَجَأ و

يُوجَأُ به معنی زدن با دست و کارد، گردن

زدن و دیگر معانی که معنی ترس و خوف

در آن وجود ندارد، اما برخی از شارحان

مثنوی از جمله نیکلسون، از آن معنی بیم و

ترس استنباط کرده‌اند. بعضی نیز از آن معنی

درد و عذاب و رنج را فهمیده‌اند. وجا نیز

همین معانی را دارد. ۱۱۷۶:۳

وَجَدْنَا: یافتیم. این فعل نیز معنی مضارع می‌دهد

وَزَّاق: کاغذفروش، کتاب فروش، کتاب نویس.
 ۱۹۰۹:۶، ۱۹۲۳:۶
 وَزَد: گُل. گُل سرخ، ۱۸۹۷:۱، ۲۰۹۵:۱.
 ۳۸۳۱:۱، ۳۸۶۰:۱، ۹۱۶:۴، ۳۷۲۲:۴.
 ۱۱۶۱:۶، ۴۲۹۱:۶
 وَزَد: آبشخور، آبخورگاه. ۳۸۰۲:۳
 وَزِد مَرَّتَبی: گُلشکر، گُل قند. ۳۹۹۶:۱
 وَرَق برگشتن: کار دگرگون شدن. تغییر یافتن
 اوضاع، تبدیل یافتن امور. ۳۳۰۷:۲
 ورق در حکم (کسی) بودن: دفتر یا کتاب
 در تسلط کسی بودن، معادل آنچه امروز
 می‌گوییم: برگ برنده در دست ماست یا
 برگ برنده در دست فلانی است، حاکم بر
 امری یا موضوعی بودن. ۱۰۸۲:۳
 وَرُود: مصدر فعل وَرَدَ یَرُدُّ به معنی وارد شدن به
 سرچشمه و آبشخور و یا مطلق وارد شدن و
 حاضر شدن است. در این بیت منظور چراگاه
 است. ۱۱۱۹:۳
 وَرِی: إمالة ورئ به معنی مخلوقات و آفریدگان
 است. ۲۵۰۴:۴
 وَرِیب: اُریب، کج و معوج، منحرف. ۱۷۸۰:۲
 وَزَر: پناهگاه. و در اصل به معنی کوه است،
 عرب وقتی دچار خوفی می‌شد می‌گفت:
 الْجَبَل، الْجَبَل، یعنی پناه ببریم به کوه، به
 تعبیری نوعی پناهگاه کوهستانی است.
 لیکن مطلقاً به معنی پناهگاه و دژ نیز هست.
 ۲۰۱۸:۳
 وَزَر: اسم و مصدر ثلاثی مجزء به معنی گناه و
 گناه کردن، بار گران. ۵۴۴:۱، ۷۳۱:۲.
 ۲۴۶۹:۶، ۱۷۸۸:۳
 وَسَادَه: بالش و بالین، متکا و بستر، خوابگاه،
 مسند، تخت و اورنگ. ۳۱۵۸:۱
 وَسَخ: چرک، جمع: أَوْسَاخ. ۲۰۶۸:۱، ۱۷۶۲:۶
 وَسَن: خواب سنگین، مسلط شدن خواب بر
 انسان، چُرَت: جمع آن: أَوْسَان. ۱۲۲۶:۳

زیرا از امری معتاد و همیشگی سخن
 می‌گوید. چه آدمی به گاه نیاز به درگاه الهی
 می‌رود. ۱۱۷۰:۴
 وَجَع: درد. ۱۶۶۶:۱، ۲۱۹۸:۶
 وَجَل: ترس و بیم؛ جمع: أَوْجَال. ۱۶۶۵:۱،
 ۲۴۰:۶
 وَجُوه: جمع وَجْه به معنی صورت، روی، چهره،
 رخسار. از نظر نحوی مفعول و مضاف.
 ۱۱۲۰:۳، ۳۶۵۰:۶
 وَجْهُ الْقَرْب: بزرگ و روشناس عرب. ۲۷۷۶:۱
 وَخْدَان: یکی، واحد. ۲۰۳۰:۶
 وَحِش: وحشت‌زا، مهیب، ترسناک. ۳۲۹۶:۲
 ۲۳۰۷:۶، ۳۴۱۶:۶
 وَخْشَت: در اینجا ضد محبت و دوستی است،
 یعنی نفرت و جدایی. ۲۶۴:۳
 وَحِش رُؤ: ترکیب وصفی است. یعنی کسی که
 چهره‌ای ترسناک دارد. ۲۳۰۹:۶
 وَحَل: گِل و لای. جمع: أَوْحَال. ۳۳۵۷:۲،
 ۵۳۸:۵، ۶۰۳:۵، ۱۹۲۵:۵، ۱۱۴۴:۶
 وَحِید: یکتا و یگانه. ۲۴۲۰:۱، ۳۳۵۵:۶
 وَحِیْ كَش: صفت مرکب فاعلی مرخم در اصل
 بوده است وَحِیْ كَشَنده، به معنی حامل
 وحی. ۴۸۵۳:۶
 وَخْش: شهری بوده در ماوراءالنهر کنار رود
 جیحون. ۳۳۱۹:۴
 وَخِم: وبا آور، ناگوار، ناسالم، ناسازگار،
 ناموافق. ۳۶۹۱:۳، ۳۹۶۷:۳، ۳۴۱۶:۶
 وَدَّ: دوستی. ۴۰۷۴:۵
 وَدَاد: دوستی، مهربانی. وِدَاد نیز صحیح است.
 ۲۹۱۶:۶، ۲۶۴۸:۶، ۲۲۸۲:۶، ۹۹۸:۵
 وَدَاد: دوستی و محبت. ۱۸۳۰:۱، ۲۴۳۵:۱،
 ۴۰۰:۵
 وَدُود: دوستدار، بسیار مهربان. از اسماء الله.
 ۳۳۱۶:۱، ۴۹۶:۴، ۳۰۴۳:۴، ۳۲۱۵:۴
 ۲۱۰۶:۵، ۹۴۹:۶

وَعْ وَغْ كُنَان: بانگ سگ و گرگ را «وع وع»
گویند. «وع وع کنان» ترکیب فاعلی است.

۱۴۶۶:۴

وَعَا: جنگ و پیکار، داد و فریاد. ۳۵۰:۲،
۲۳۵۴:۲، ۶۸۶:۳، ۲۸۲۳:۳، ۴۰۱۹:۳،
۲۵۶۸:۵، ۳۰۳۰:۵، ۳۷۳۷:۵، ۲۰۸:۶،
۱۷۴۸:۶، ۳۵۸۴:۶

وَعْنی: جنگ، داد و قال. ۳۵۳:۶
وِفَاق: همراهی کردن، سازگاری کردن، موافقت
کردن و همکاری کردن. مراد از آن «وصال»
است که ملزوم وفاق است. ۴۱۱۴:۳،
۲۱۲۳:۱، ۷۳۷:۲، ۱۳۸۲:۳، ۳۶۸۰:۳،
۱۳۰۰:۵، ۷۹۳:۴

وَفُود: گروه، دسته: جمع: وُفُود. ۲۴۰۱:۶
وَفُوق: سازگار شدن، سازگاری، سازوار و موافق،
مطابقت میان دو چیز. «گریه‌یی می‌کرد وفق
آن عزیز» یعنی در همراهی و همنوایی با آن
عزیز گریه می‌کرد. ۱۲۹۷:۵، ۲۸۹:۱
وُفُود: جماعت‌ها، جمع‌وافد (= پیک خبر)؛
معنای دیگر آن دسته و گروه است و جمع
وَفُود به معنی هیأتی که به نمایندگی اعزام
می‌شود. ۴۳۹۷:۶، ۱۶۵۵:۶

وِقَاع: آمیزش جنسی. ۳۷۳۳:۶
وُكْر: آشیانه پرنده، لانه پرندگان: جمع: اَوْکار.
مجازاً به معنای دهان. ۱۱۴۳:۲، ۳۲۹۲:۲،
۳۳۲۹:۳

وَكْس: منزل ماه که در آن کسوف پذیرد، کم
کردن و کم شدن. ۲۵۱۵:۲
وَلَا: دوستی، محبت، نزدیکی. اصل آن وِلَاء (با
همزه آخر است). ۲۶۳۱:۱، ۴۰۱:۴،
۲۱۴۹:۴، ۲۹۵۰:۴، ۳۰۱۱:۴، ۳۴۱۱:۴،
۱۲۵۳:۵، ۵۷۲:۵

وِلَاء: دوستی و پیوستگی. ۲۶۸۹:۳
وِلَاد: زاییدن، زاییده شدن و تولد، مصدر ثلاثی
مجزود وَلَدَ يَلِدُ. ۴۶۹۱:۳، ۱۴۶:۴، ۳۰۴۴:۴

۱۲۶۸:۴

وسواس: اندیشه بد که بر دل بگذرد. ۳۰۳۱:۱
وسواس تن: وسوسه‌هایی که بر اثر غلبه شهوات
جسمانی و امیال جنسی پدید می‌آید.
۱۵۹:۴

وسیط: یکی از کتابهای مهم فقهی امام محمد
غزالی. ۲۲۱۰:۲

وُشَات: سخن‌چینان، دروغ‌گویان؛ جمع واشی، از
مصدر وَشَى (= دروغ به سخن درآوردن)،
اما در اینجا منظور کسانی است که در
معاشرت‌ها سخنانی یاوه می‌گویند. رَغْمِ
وُشَات یعنی برخلاف میل مخالفان.
۳۸۳۷:۱، ۲۲۲۹:۶

وَشْت: خوب، زیبا؛ نیز به معنی صغیر و سُوت و
صدایی که از انقباض لب‌ها پدید آید.
۱۷۸۲:۶، ۷۸۱:۶

وَشَق: حیوانی است به اندازه سگ و شبیه پلنگ
که از پوستش، پالتو و پوستین گرم و زیبا
درست می‌کنند و در فارسی بدان رودک
گویند. در اینجا مراد از «وَشَق» پوستین گرم
و نرم است. ۲۱۷۴:۶

وَضَلَّت: پیوستگی. ۳۷۳۱:۶
وُضَلَّت: پیوند خوردن، اتصال، وصال، در عربی
معنی جمع نیز می‌دهد به معنی رفقا و
همسفران: جمع: وُضَل. ۱۹۹۷:۵، ۴۱۸۰:۵،
۶۲۲:۶

وَضْم: ننگ و عار، شتاب. ۱۵۶۷:۶
وَصَى: کسی که به او سفارش و نصیحت شده.
۹۴۱:۵

وَصِيد: آستانه در خانه و غار: جمع: وُصْد.
۲۹۴۹:۵

وِطَا: مخفّف وِطَاء و وِطَاء به معنی فرش و
زیرانداز. مأخوذ از مصدر ثلاثی مجزود وِطَأَ
به معنی لگدکوب کردن. ۳۸۹۸:۶
وظیفه: مقرّری، مستمری. ۹۰۲:۱، ۴۷۸۱:۶

هَبِطًا و صَعِدًا: از مصدر هَبِط و صُعِد
(= فرود آمدن و بالا رفتن) فعل ماضی مفرد
است نه تثنیه، زیرا الف آن، زائده است.

۴۸۱:۳

هَجَأَ: هجی کردن حروف تهجی، تقطیع کردن
حروف. ۱۱۳۱:۳

هَجَأَ: مخفَف هِجَاء به معنی بدگویی و هجو کردن
است. ثلاثی مجرد از هَجَأَ، يَهْجُو. ۱۰۹۰:۶
هَجَر: دوری، هجران. ۱۷۲۴:۱، ۲۱۱۳:۱
۴۱۱۴:۵، ۴۱۱۶:۵

هَجُو: بدگویی کردن. ۱۸۵۸:۱

هَذَمَ: ویران کردن، ویرانی. ۱۳۸۲:۴

هَدَى: هدایت، مصدر است، اما به معنی اسم
فاعل هم آمده است. گاه مصدر برای مبالغه
به معنی اسم فاعل بکار می‌آید. ۳۸۳۵:۳
۹۴:۶

هَذَا رَبِّ: اینست پروردگار من. ۳۰۷۷:۲
هَزَلَه: تند راه رفتن، حالتی بین راه رفتن و
دویدن. ۱۷۸۹:۶

هَرِيسَه: طعامی که از گندم و گوشت مرغ یا
بوقلمون می‌پزند، حلیم. ۳۴۶۰:۵
هَزَل: شوخی، مقابلِ جدی، غیر جدی. ۲۹۱۶:۱
۳۵۵۸:۴، ۱۲۱۳:۵

هَزَه: تکان دادن، در اینجا به معنی تحریک و
وسوسه. ۵۹:۵

هَزِیمَت: شکست و فرار. ۱۸۹۲:۱، ۲۶۱۸:۳

هُزِر: شیر بیشه. ۳۴۲۱:۳

هَسْتُ كُنْ: هست کننده، هستی دهنده. صفت
فاعلی مرکب مرخَم. ۱۹۶۰:۵

هَسْتی نواز: منظور حق تعالی است. ۳۰۱۱:۱
هُسْ: هوش، زیرکی، فراست. ۵۸۵:۱، ۱۹۵۲:۱
هِشْت: فعل ماضی از مصدر هِشْتَن به معنی
نهادن، گذاشتن. ۳۱۴۹:۴

هَشْت جَنَّت: هشت بهشت. ۲۷۱۴:۵

هَشْتَنَد: ترک کردند. ۲۶۱۸:۳

۴۰۰:۵

وَلَه: شیدایی، حیرت، سرگشتگی، واله گشتن،
مجازاً به معنی بیهوشی است. ۱۹۳۹:۱

۷۰۵:۴، ۱۰۵۴:۴

وَهَاب: صیغه مبالغه به معنی «بسیار بخشنده». از
اسماء الهی. ۲۲۴۷:۱، ۲۸۵۸:۱، ۲۰۰۳:۲

۲۷۲۶:۶، ۳۵۹۴:۶

وَهْن: سست کردن، سست شدن، سستی.
۱۶۷۱:۵

وَيْل: به بدی دچار آمدن، نابودی. کلمه ویل
در باره کسانی بکار رود که مستحق عذاب
باشند. ۱۳۹۷:۶

هائم: سرگشته از هَیم و هَیم به معنی راه رفتن از
روی عشق و ندانستن مقصد. ۴۲۶:۳

هاتف: آواز دهنده و آواز کننده. فرشته که از عالم
غیب، آواز دهد. ۵۱۲:۲

هازل: بیهوده گو. در اینجا منظور کسی است که
همه چیز را شوخی می‌گیرد. ۳۵۵۹:۴

هامون: دشت، صحرا. ۱۱۸۶:۱

هاویه: سقوط کننده، صفت فاعلی از مصدر هَوَى
(سقوط کردن) و یکی از نام‌های دوزخ.
۸۷۷:۱

هایل: ترساننده، ترسناک. در اینجا به معنی
شکوه‌مند و با هیبت. ۳۷۳۲:۴

هایل بَقَعه: جایگاهی هولناک. صفت و موصوف
مقلوب است. ۲۶۷۳:۶

هَبَا: مخفَف هَبَاء به معنی گردِ پراکنده، ذراتی که
همراه با شعاع خورشید از منفذی پراکنده و
دیده شود، مجازاً سست شدن و وادادن،
حقیر و ناچیز، بی‌ارزش، ناکار آمد و بیهوده.
این لفظ متخَذ از آیه ۶ سوره واقعه است.
۳۰۶:۲، ۱۳۵۴:۴، ۲۲۴۴:۴، ۲۴۱۰:۴
۴۶۶۸:۶

هَبَاء: غباری که غالباً همراه با پرتو خورشید از
روزنه‌ای پدیدار می‌شود. ۳۶۹۱:۳

داروهای لیت دهنده و روان کننده مزاج است. ۱:۵۴، ۴:۲۳۵۲

هُما: پرنده‌ای است از راسته شکاریان روزانه دارای جثه‌ای نسبتاً درشت. قدما این مرغ را موجب سعادت می‌دانستند و می‌پنداشتند که سایه‌اش بر سر هرکسی افتد او را خوشبخت کنند. ۱:۱۰۸۹، ۲:۱۱۶۱، ۳:۱۶۲۰، ۳:۲۷۳۵

هُمام: مهتر، جوانمرد، پادشاه بزرگ همت، صاحب اراده، عالی همت، بزرگوار، سرور. ۲:۱۰۰۵، ۲:۳۴۹۳، ۳:۱۸۰۷، ۴:۲۲۴۵، ۴:۳۱۳۵، ۶:۳۱۷۷، ۶:۴۹۱۱

هُمباز: انباز، شریک. ۱:۳۰۸۳

هُم‌تگی: شرکت در دویدن، همگامی. مجازاً مناسبت. ۱:۷۵۱

همدلی: یک‌رایی، هم‌جهتی، هم‌اندیشی. ۱:۷۲۶

هُم‌سنگ: هم وزن، همتایی، هم مرتبگی، در اینجا مصاحبت. ۲:۱۲۳

همشیره: خواهر، مجازاً به معنی موافق و سازگار، همراه و دمساز. ۱:۱۲۸۴، ۱:۱۶۴۱

هُم‌کاسه: کسی که با دیگری در یک ظرف غذا بخورد. کنایه از یار و همدم. ۵:۲۶۷

هُم‌نفس: مجازاً به معنی هم فکر. ۱:۲۷۷۱

هُموم: اندوهها. جمع هَم. ۶:۱۵۹۵

هُنا: اسم اشاره به نزدیک به معنی اینجا. ۵:۲۰۹۹

هُنبازی: انبازی، مشارکت. ۵:۲۴۲۳

هُنجار: راه و روش، اسلوب. ۴:۳۰۳۴

هندوی شب: شب سیاه. اضافه تشبیهی است و از نوع اضافه مُشَبَّه‌به به مُشَبَّه است. یعنی شبی که مانند هندو سیاه است زیرا هندو به معنی سیاه نیز آمده است. انقروی «هندوی شب» را کنایه از طبیعت بشری داند. ۴:۴۵۷

هُنگ: قدرت، وقار و شکوه، سپاه و لشکر معنی

هشته: رها کرده، رها شده، ترک شده، از هِشْتَن. انقروی هُشته را نیز جایز دانسته که آن را به معنی دهان باز کرده و دندان فشرده معنی کرده است. ساخته شده و ساختگی نیز گفته‌اند. ۳:۶۵۱، ۴:۱۹۱۶

هِشته‌یی: فرو نهاده‌ای، ترک کرده‌ای. از مصدر هِشْتَن. ۲:۳۶۷۰، ۴:۲۹۴۷

هَطَّالَتین: تشبیه هَطَّالَه (= بسیار بارنده) از مصدر هَطَّل و هَطَّلان. ۶:۲۳۳۸

هَفَّتْ‌آندام: هفت عضو بدن: سر، سینه، شکم، دو دست و پا، منظور مجموعه اعضای بدن است. ۱:۱۴۲۳، ۳:۲۶۲۴

هَکْذَا: بدین سان. ۵:۳۳۵

هِل: رها کن، ترک کن، از مصدر هِلیدن. ۱:۱۵۲۴، ۲:۱۸۵۴، ۴:۱۴۰۴، ۴:۲۲۴۸، ۵:۱۰۷۴، ۵:۱۱۸۸، ۵:۱۵۶۲، ۶:۲۹۵

هَلَا: کلمه تنبیه، آگاه باش. ۴:۲۱۴۹

هِلا: از ادات تنبیه است. هان. ۶:۳۶۱۳

هَلْ‌آتی: آیا آمد. ۴:۹۰۰

هِلال: ماه نو و ماه دو شبه تا شب سوم یا شب هفتم. ۱:۶۹

هَلَاهِل: زهر گُشنده. ۳:۳۹۴۱

هِلد: ترک گوید، بگذارد، از مصدر هِلیدن. ۱:۲۳۱، ۵:۲۶۰۶

هِلم: به حال خود واگذارم، رها کنم، ترک گویم، از مصدر هِلیدن. ۴:۲۶۵۸، ۶:۱۶

هَله: حرف تنبیه، هَلَا، آگاه باشید، ای، هان، مجازاً به معنی محققاً و براستی. ۳:۲۶۱۶، ۳:۲۶۷۰، ۴:۱۶۱۲، ۴:۲۱۰۵، ۴:۳۵۵۰

هِلیدن: رها کردن؛ واهلیدن نیز همین معنی را دارد. ۱:۲۹۵۳

هِلِله: میوه درختی است بزرگ، دارای برگ‌های بلند و باریک که میوه آن به شکل خوشه است و انواع آن عبارتند از: کابلی، زرد، هندی و سیاه چینی. و هلیله از انواع

هَيْجَا: جنگ، نبرد. هَيْجَاء نیز به همین معنی است. ۴۰۲۰:۳

هَيْضَه: اسهال شدید توأم با استفراغ در اثر سوء تغذیه. ۳۳۷۹:۳

هَيْكَل: تعویذ، آنچه بر خویش حمایل کنند از قبیل جِزْز و تعویذ: کالبد، پیکر. در اینجا مراد بت است. ۱۱۸:۵

هین: آگاه باش، تکرار آن نیز جهت تأکید است. ۲۳۳۶:۱، ۳۸۰۲:۴

يَا لَهْوَن: پناه می جویند، تَضَرَّع می کنند. ۱۱۶۹:۴
يَا مُمُوسَى أَرْضِي: ای مادر موسی، او را شیر بده. أَرْضِي فعل امر مفرد مؤنث حاضر است از باب اِفعال. اُمّ، منادای مضاف است، از اینرو واجب النصب است. ۲۹۷۱:۲

يَا بَس: خشک. ۲۸۷۸:۶
یا ربّا: ای پروردگارم، در این قبیل مواضع استعاره از شگفتی و تعجّب است. مانند جمله تعجّبی جَلَّ الْخَالِق. ۱۱۸۳:۶

يَا رَجُوء: صفت فاعلی مرکّب مرخّم به معنی جوینده یار. ۲۵۲۲:۴

یارِ غار: ابوبکر که در غار ثَوْر همراه رسول خدا بود، و مجازاً رفیق یک رنگ و موافق. ۲۲۵۲:۲

يَا رَكَان: یار (=دوست) + کاف تصغیر + الف و نون جمع به معنی دوستان حقیر و کوچک. ۴۵۲:۶

یاری: یار + یای نکره نه یای مصدری. ۲۶۰۰:۵

یاری گر: یاور، پشتیبان. ۱۱۵۲:۲
یاس: ناامیدی. در اصل یَاس است. اما در فارسی این قبیل همزه ها را خصوصاً اگر در قافیه آید به الف تبدیل می کنند. مانند شَان که می شود شان. ۴۶۷۱:۶

یاسمین: گلی است خوشبو به رنگ زرد یا کبود و یا سفید. ۲۱۰۶:۶

رایج امروزی آن مورد نظر نیست. ۲۴۴۹:۴
هَنگامه: غوغا، شلوغی، جمعیت، معرکه، جمعیتی که برای تماشا جمع می شوند. ۱۶۵۴:۶، ۲۸۴۰:۴

هوا: هوی، عشق. ۴۱۶۷:۶
هوارانی: هوس رانی. ۹۰۶:۵

هَوَامّ: جمع هائمه که گاهی به حشرات غیرکشنده اطلاق شود، و غالباً به حیوانات زهردار مانند مار و عقرب و رتیل گویند. در اینجا مراد حشرات ریزی است که روی دوغ و ماست کپک زده جمع می شوند. ۲۰۶۷:۵

هوش بند: عمل بیکار کردن هوش، مولانا آنرا بر قیاس چشم بند، ساخته است. ۸۲۷:۱

هوش پُوش: پوشاننده هوش. صفت فاعلی مرکّب مرخّم. ۳۶۱۱:۴

هَوَل: ترس. در اینجا منظور عظیم و شکوهمند است. ۲۸۷:۵

هَوَل: ترس، ترسیدن: هولناک. ۲۵۷۷:۵، ۴۶:۶
هَوْن: آسانی. مجازاً منظور مقدار اندک است. بنابر این نسبت به نعمت های الهی باید شادمانی خود را در حدّ اعتدال حفظ کرد و راه سرمستی و غرور نیمود. ۵۰۶:۳، ۸۳۴:۳

هَي: کلمه تنبیه و هشدار و آگاه کردن، های. ۲۰۱۸:۲، ۱۸۷۰:۵، ۲۴۴۰:۵

هَي: کلمه ای است برای آگاه کردن و تنبیه نمودن مانند های. آن را هَي (با فتح ه) نیز می خوانند. ۷۷۸:۲

هَي اند: مخفّف هستند. ۷۰۲:۴
هَيِّت: ترس و بیم. ۱۴۱۷:۱

هَيِّت: مخفّف هَيِّت از اسماء افعال عربی است که معنی امری می دهد. به معنی «شتاب کن» و «بیا» آمده است. این اسم فعل با فتحه و ضمه و کسره «ت» و ضمائر مختلف استعمال می شود، مانند هَيِّتْ لَکِ. ۲۷۴۵:۶

یاسه: یاسا، رسم و قاعده، قانون، لفظی مغولی
است. ۳: ۸۵۰، ۶: ۳۸۱۱

یاغی: نافرمان و سرکش. ۱: ۲۲۳۰

یافه: یاوه، حرف بیهوده. ۴: ۱۷۷۶

یاقوت زکات: یاقوت پاکیزه و آبدار و بی‌رگه.
۱: ۲۹۲۴

یاوه: گم شده، مفقود، تباه و تلف، مجازاً بر سخن
هرزه و هذیان اطلاق شود. ۱: ۱۱۱۵،
۵: ۱۱۸، ۶: ۱۶۷۶

یاوه تاز: صفت فاعلی مرکبِ مرخم در اصل
«یاوه تازنده» بوده است به معنی کسی که
دوندگی و تلاش بیهوده می‌کند، شخص بی
قدر و حقیر. ۲: ۶۱۶، ۵: ۲۰۷۶، ۶: ۲۲۸۸
یاوه گشت: گم شد، تباه شد، از میان رفت.
۵: ۲۲۴۶، ۵: ۲۵۷۳

یُؤْمِنُوا: فعل مضارع از باب افعال و مصدر آن
ایمان به معنی پناه دادن و زینهار دادن. نون
جمع آن ساقط است. زیرا جواب فعل امر
(صَدِّقُوا) است. ۳: ۲۸۳۵

یَتَلَوْهُمْ: آزمایش می‌کند ایشان را. فعل مضارع
ناقص واوی + ضمیر متصل منصوبی.
۵: ۳۳۵

یُبُوسَت: خشکی. ۱: ۵۰۳

یَبْتَئِلُوا: میدان عمومی شهر که محل نزول
کاروانیان و مرکز داد و ستد است. بازار
عمومی. مرحوم نیکلسون این لفظ را ترکی
می‌داند. با این ملاحظه حدس استاد همایی
کاملاً صحیح است. استاد بی آنکه به مأخذ
نیکلسون رجوع کرده باشد می‌گوید: «به
نظر این حقیر محتمل است که این کلمه اصلاً
از لغات ترکی باشد نه فارسی اصیل».
رحمة الله علیه. ۶: ۴۲۸۳

یتیم بی‌وصی: یتیمی که قیم و سرپرست نداشته
باشد. ۶: ۵۲۶

یَخْنی: نوعی غذا شبیه آبگوشت که از گوشت‌های

چربی‌دار می‌پختند. در تهران قدیم نیز رایج
بود، گوشت پخته سرد شده. ۱: ۳۱۰۶،
۶: ۲۴۸۹

یدِ بیضاء نمودن: معجزه کردن. ۲: ۲۲۸۸
یُزْدی: فعل مضارع مفرد مذکر بابِ افعال
(=ازدء) یعنی هلاک می‌کند. مفعول این فعل
متعدی محذوف است و آن ضمیر متصلی
است که قاعداً باید به «یردی» متصل شده
باشد. در نحو گاهی مفعول حذف می‌شود.
۳: ۳۷۹۴

یُزْغَا: ستوری که راهوار و تیزرو باشد. ۴: ۲۰۱۰
یزدان بَر: خداوند نکوکار. «بَر» به معنی نکوکار،
درستکار، صفت مشبیه و از اسماء حُسنی
الهی است. ۶: ۱۸۹۸

یزدان‌بین: صفت فاعلی مرکبِ مرخم است، یعنی
بیننده یزدان. ۵: ۴۶۲

یَسَار: چپ، فراخی نعمت، ثروت. ۲: ۱۳۰۲،
۵: ۱۷۸۱، ۵: ۲۰۶۹، ۶: ۲۱۸، ۶: ۲۲۸۴

یُسْر: آسانی. ۵: ۳۶۰

یَشْرَبُونَ: می‌نوشند. ۴: ۳۲۱۴

یَشْفَعُ: فعل مضارع مفرد مذکر غایب به معنی
شفاعت می‌کند. ۵: ۲۰۹۹

یَشَم: نوعی سنگ قیمتی سبزرنگ معدنی که از
چین یا هند می‌آورند و گویند هر که آن را با
خود داشته باشد از صاعقه ایمن خواهد بود.
مطلقاً به معنی سنگ. ۱: ۵۱۵، ۱: ۱۲۰۰،
۲: ۱۰۹

یَشْوِی: فعل مضارع مفرد مذکر غایب لفیف
مقرون. به معنی کباب می‌کند، بریان می‌کند.
۳: ۳۸۴۱

یَطُوفُ: طواف کند. فعل مضارع مفرد مذکر
اجوف واوی که توسط «کی» منصوب شده
است. ۶: ۴

یُطَهِّرُكُمْ: پاک کند شما را. فعل مضارع یَطَهِّرُ (از
باب تفعیل) + کُم ضمیر متصل منصوبی.

یَمُشِی: فعل مضارع مفرد مذکر غایب ناقص
یایی. به معنی راه رفت، در این بیت چون
در جواب فعل شرط آمده، معنی مضارع
می‌دهد. ۳۸۴۱:۳

یَمین: راست، دست راست، مقتبس از اصحاب
الیمین (= یاران راست) که در آیه ۲۷ سوره
واقعه آمده است. نیز کنایه از قدرت است.
۱۱۷۸:۴، ۲۵۵۴:۳، ۱۶۸۸:۳، ۱۳۰۲:۲،
۴۲۹:۵، ۱۷۸۱:۵، ۲۰۶۹:۵، ۲۱۵۴:۵،
۲۱۸:۶

یَنَابِیعُ الْحِکْم: چشمه‌های حکمت، مقتبس است
از حدیثی که مبنای کار صوفیه در
چله‌نشینی‌ها و اربعینات است. ۱۰۱۶:۶
یَنْبُوع: چشمه، چشمه آب؛ جمع: یَنَابِیع.
۳۵۹۷:۶، ۲۶۵۴:۶، ۴۲۸۹:۳، ۳۲۳۶:۱

یَنگه: یَنگه، زن یا زنانی که در قدیم نوعروس را
با وظایف زناشویی آشنا می‌کردند. «یَنگه»
برای عروس، به منزله «ساقی‌دوش» برای
داماد است. «یَنگه» و «یَنگه» لفظی ترکی
است. ۳۹۵۵:۶

یَواش: در اصل ترکی است به معنی اسب راهوار
و مجازاً به معنی رفتار آرام و بی‌صدا آید.
۴۹۱۰:۶

یُواش: اسب نرم رفتار و تربیت شده. ۲۰۱۰:۴
یُوزتگه: جای بودن، منزلگاه. «یورت» کلمه‌ای
ترکی و به معنی جا و مکان است. ۳۷۱۱:۳

یُوز: یوزپلنگ که بسیار تند می‌دود. ۹۹۶:۱
یوسفان: مجازاً به معنی زیبارویان است. ۸۶۰:۱
یُوغ: چوبی که برگردن گاو شخم زن می‌نهند.
۳۱۰۲:۵

یُومُ التَّنَاد: یکی از اسامی روز رستاخیز. تناد، در
اصل تنادی بوده. کسره دال علامت حذف
«یاء» است. درباره اینکه چرا روز قیامت را
روز تنادی خوانده‌اند، این است که
دوزخیان، یکدیگر را با ویل و هلاکت ندا

۱۴۹:۵

یَغْرِفُ: می‌شناسد، اشاره به آیه ۱۴۵ سوره بقره:
«آنان که بدادیمشان کتاب آسمانی، او را
(محمّد) می‌شناسند چنانکه فرزندان‌شان را،
و گروهی از ایشان با آنکه حق را می‌دانند
آن را می‌پوشانند.» ۳۶۶۶:۳

یَغْرِفُونُ: می‌شناسند. فعل مضارع جمع. طبق
قاعده عرب، هرگاه فاعل، اسم ظاهر باشد،
فعل، مفرد می‌آید، اما در این بیت ضرورت
شعری اقتضایی دیگر کرده است. «الانبیاء»
مفعول مقدّم و «أَشْدَادُهُمْ» فاعل مؤخّر
است؛ و این مورد یکی از موارد تقدّم مفعول
بر فاعل در نحو است؛ زیرا ضمیر متصل به
فاعل راجع است به مفعول. ۳۶۶۳:۳

یَغْمَاجِی: یغماگر، چپاول کننده، در اینجا به معنی
دزد است. ۴۸:۵

یُغَوِی: گمراه می‌کند. فعل مضارع از مصدر
إِغْوَاء. مصدر ثلاثی مجرد آن، غَوَى و غَوَايَه
(= گمراه شدن) است. ۳۶۶۱:۶

یَقْظُتْ: بیداری. ۵۸۸:۶، ۴۴۶۳:۶

یَقْظَه: بیداری. ۳۸:۲، ۱۵۲۴:۴

یَقِی: فعل مضارع لفیف مفروق از ریشه «وقی»
به معنی «محافظت می‌کند» است. جمله
«یَقِی» صفت است برای «سلطان». ۲۳۱:۶

یَکَرَنگی: مجازاً به معنی دوستی بی‌غرض و
نفاق است. ۵۰۲:۱

یکی‌گوی: معتقد و قائل به توحید. ۳۱۲:۲
یکیتی: با یای مصدری به معنی واحد بودن،
یگانگی. ۲۶۸۳:۶

یُلْقُوا: فعل مضارع از باب افعال و مصدر آن إلقاء
(= افکندن) است. ۲۸۳۶:۳

یَم: دریا، در اصل با تشدید است، کنایه از
وحدت ذات الهی. ۸۲۶:۲، ۳۵۳۲:۲،
۱۸۶۰:۴، ۲۶۱۹:۴، ۳۸۱۵:۵، ۸۱۳:۶،
۴۱۰۹:۶

یَوْمِ دین: روز جزا، روز قیامت، روز رستاخیز.
۲۷۹۲:۳، ۲۱۱۹:۱

کنند و نیز گفته‌اند بهشتیان و دوزخیان،
یکدیگر را ندا کنند. ۳۵۸۲:۱

اصطلاحات و کلید واژه‌ها

آب: ۲۳۵*	ابابیل: ۱: ۱۳۱۴	اخلاط اربعه ۲: ۳۵۱۲، ۳: ۳۵۷۳.
آب حیات ۱: ۵۷۴، ۱: ۳۸۶۳	أبدال ۱: ۲۶۴، ۲: ۸۲۰	۴: ۱۴۲
آب حیوان ۱: ۵۷۴	ابدال سبعة ۳: ۱۹۸۵، ۴: ۲۱۵	أَدَب ۱: ۷۸، ۲: ۳۲۲۰
آب صفا ۳: ۱۸۲۶	ابرّه ۱: ۱۳۱۴، ۶: ۴۳۷۸	إدراک حسی ۵: ۳۰۲۲
آب و روغن ۴: ۳۴۶	أَبْلَه ۱: ۲۹۲۶	إدراک وجدانی ۵: ۳۰۲۲
آب و گل ۲: ۱۸۱۷	ابلیس ۲: ۲۶۱۷	أَذَان ۶: ۱۰۹۹
آثار قدم ۲: ۱۶۰	ابن الوقت ۱: ۱۳۳، ۳: ۱۴۲۶	ارتباط روح و جسم ۱: ۳۲۶۷
آخر الزمان ۱: ۴۲۴	أَبُو الْوَقْت ۳: ۱۴۲۶	أَرْضُ اللَّهِ الْوَاسِعَة ۳: ۳۵۵۹
آدم ۱: ۲۶۵۵	إِتْحَاد ۲: ۱۰۳	ارکان ۶: ۱۸۵۱
آدم مسجود ۱: ۵۴۰	إِتْحَاد ظَاهِر وَ مَظْهَر ۲: ۱۷۳۷،	إِرَم ۲: ۳۷۲۲
آسمان چهارم ۱: ۶۴۹، ۱: ۲۷۸۹	۷: ۲-۱۰، ۶: ۳۹، ۶: ۴۰، ۶: ۴۸۷۰	ازلی العدم ۱: ۱۲۳۶
آسمان هفتم ۴: ۱۵۱۷	إِتْحَاد عَاقِل وَ مَعْقُول ۶: ۸۱۲	أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ۳: ۱۱۵۰
آل یاسین ۲: ۲۲۰	اثبات ۱: ۲۹۶، ۱: ۵۷۵	اسباب سَنَة ضروری ۴: ۴۲۷
آیه تطهیر ۵: ۱۴۹	أَثِير ۱: ۱۲۱	اسپند ۶: ۹۴۵
آینه کلی ۱: ۱۳۲۸، ۲: ۹۷	أَجَل ۱: ۲۵۹۴	إِسْتِثْنَاء ۱: ۴۹
	إِخْتِرَاق ۱: ۶۶، ۱: ۷۵۴	إِسْتِدْرَاج ۱: ۳۰۴۱، ۳: ۵۰۸
	أَحَد ۱: ۳۴۹۰	۵: ۱۹۳۳
ائمه اسماء ۳: ۱۹۸۵، ۳: ۲۰۰۴.	اختران (ستارگان) ۱: ۷۵۳	إِسْتِشْقَاء ۳: ۳۸۸۴
۴: ۲۱۵	أَخْتَرَسُوز ۱: ۶۶	إِسْتِفْرَاق ۱: ۵۷
ائمه سبعة ۳: ۱۹۸۵، ۴: ۲۱۵	اختیار ۱: ۶۱۵، ۱: ۱۴۶۳، ۴: ۴۰۳	استفتاح ۲: ۶
آب ۱: ۲۷۲۷، ۵: ۱۹۳۱		

اسرار حروف ۱: ۲۹۱۶	اَللّٰه ۲: ۹۰۹، ۴: ۱۱۶۹، ۵: ۱۵۷۸	اهل تقلید و نشان ۱: ۲۱۲۵
اسرافیل ۱: ۱۹۱۶، ۳: ۴۶۹۵	۶: ۷۵۲	اهلِ دُول ۴: ۱۲۷۴
اسلام ۱: ۸۰۱	اَلِف ۲: ۳۰۸۴	اهل صبر ۵: ۲۳۵۸
اسطربلاب ۱: ۱۱۰	اِلْهَام ۱: ۲۲۳، ۱: ۱۰۰۸	اهل فتوت ۵: ۲
اِسْم ۱: ۱۲۳۵، ۲: ۳۶۷۳	اِمَاله ۱: ۶۶۹	اهلِ قُل ۴: ۳۲۵۹
اسماء اصلی الهی ۱: ۱۲۳۵	اِمَامَتین ۲: ۸۲۰	اَهْلِ مَجَاز ۲: ۲۹۰۰
۲: ۳۶۷۳، ۳: ۱۹۸۵، ۴: ۲۱۵	اُمّت ۵: ۲۵۹۴	ایاک اَعْنی ۳: ۴۳۲۶
اِسْمِ اَعْظَم ۲: ۱۴۲	اُمّتِ مرحومه ۱: ۳۱۲۰	ایمان ایجابی ۱: ۲۴۴۷
اِشْتِرَاک لفظی ۶: ۶۴۹	اَمْرِ ایجابی ۲: ۲۶۳۰	ایمانِ ایجادی ۱: ۲۴۴۷
اِشْتِرَاک معنوی ۶: ۶۴۹	امر ایجادی ۲: ۲۶۳۰	
اِصْبَغَتین ۳: ۲۷۷۷، ۶: ۴۵۷۵	اُمّ ۱: ۸۷۷	باد ۲: ۱۸۵
اصحاب اُخْدود ۱: ۷۴۱	اُمُّ الْکِتَاب ۱: ۲۹۶	بادِ جنوب ۴: ۱۴۰
اصحابُ الشِّمَال ۴: ۲۴۹۷	اُمّی ۱: ۵۲۹	بادِ دُبُور ۴: ۱۴۰
اصحاب صفه ۲: ۱۵۹	اَنَّا الْحَقّ ۲: ۱۳۴۷، ۴: ۲۱۰۳	بادِ شمال ۴: ۱۴۰
اصحاب ضروان ۳: ۴۷۴	۴: ۲۱۱۵	بادِ صَبَا ۴: ۱۴۰
اصحاب فیل ۲: ۲۹۰۳	اِنْبِسَاط ۱: ۲۷۲۶	باد و بود ۱: ۶۰۵، ۶: ۸۷
اصحاب کُھف ۲: ۳۷	انديشه ۲: ۲۷۷، ۲: ۳۵۶۱	بادِ وِلاد ۴: ۱۴۶
أصول (علم) ۱: ۲۸۳۰	اِنْسَانِ کَامِل ۱: ۱، ۱: ۴۲۵	بازِ اَشْهَب ۴: ۱۷۰۰
اصولی ۱: ۲۸۳۰	۱: ۲۶۵۵، ۲: ۹۷، ۲: ۱۶۷	بَجَوَهَر ۱: مقدمه ۱۶۰۳
اضغات احلام ۱: ۳۸۸	۲: ۳۱۰۷، ۲: ۳۲۴۹، ۲: ۳۷۰۷	بحر ۵: ۸۰۲
اِعْتِزَال ۲: ۶۱	۴: ۸۰۷، ۵: ۳۶۰۱	بحر تلخ ۱: ۲۹۷
اِغْرَاء ۴: ۳۲۳۶	اِنْعِكَاسَاتِ نَظَر ۴: ۶۷۵	بحر شیرین ۱: ۲۹۷
اَعْيَانِ ثَابِتَه ۱: ۲، ۱: ۲۶۴۱	اَنگَلِیون ۱: ۳۶۴	بَحْرِ قَلْرُم ۱: ۱۱۸۸، ۲: ۳۳۰۸
۲: ۱۶۸، ۲: ۹۷۰	اَنوَارِ عَلٰی ۱: ۱۱۲۵	بحرِ قند ۳: ۱۱۵۶
افاضه وجود ۴: ۱۶۶۴	اَوْتَاد ۱: ۲۱۲۹، ۲: ۸۱۸، ۲: ۸۲۰	بُخْرَان ۵: ۳۶۱۱، ۶: ۱۴۵۷
اَفَرَنگ ۵: ۲۲۶۹	اَوُج ۱: ۱۲۸۸	۶: ۲۰۰۰
اَفسون ۳: ۹۷۷، ۳: ۲۵۷۸	اَوَسَط ۱: ۱۲۸۸	بحرانِ محمود ۵: ۳۶۱۱
افلاطون ۱: ۲۴	اولیایِ مَشْتُور ۱: ۲۲۴، ۱: ۲۹۶۹	بحرانِ مذموم ۵: ۳۶۱۱
اَفیونِ چَشیدن ۲: ۲۵۹	۱: ۲۹۷۰، ۲: ۹۳۲	بدحال ۱: ۵
اِکسیر ۲: ۶۹۵	اُوم ۲: ۲۳۹۲، ۶: ۱۹۲۲	یَذَر ۱: ۳۱۶۳
اِلَّا ۱: ۱۷۵۹	اَوِیسی (خداپرورده) ۱: ۴۹۴	بدنِ مثالی ۳: ۱۶۱۳، ۳: ۱۷۶۸
اَللّٰت ۱: ۱۲۴۱، ۳: ۴۵۴۳	۱: ۲۹۷۸	بدیع ۵: ۱۶۴۸

تحریمه ۵: ۲۹۸۶	پای ماچان ۱: ۱۶۳۵	بُراق ۱: ۱۰۷۳، ۴: ۵۵۲
تحلیل نماز ۵: ۲۹۸۶	پایگاه ۴: ۳۲۴	بَرَبسته ۴: ۱۷۰۲
تُخمه ۵: ۱۷۴۷	پرچم خورشید ۲: ۳۴۴	بُرُج ۱: ۷۵۰، ۴: ۱۴۲
تَرَبیع ۳: ۴۷۲	پَزده ۱: ۱۱	بُرُج آتشی ۴: ۳۷۶۳
تَسبیح جمادات ۱: ۵۱۳	پَرسه زدن ۲: ۵۲۳	برج جَدی ۲: ۱۵۹۷
۱: ۲۱۵۹	پروین ۱: ۳۹۹۲	برج عتاب ۲: ۱۵۹۷
تَسْلُسُل ۳: ۳۸۵۰	پری خوان ۵: ۳۲۴	بَرُسته ۴: ۱۷۰۲
تَسْلیم ۱: ۴۶۸، ۱: ۹۱۶، ۳: ۱۸۷۵	پَری دار ۵: ۳۲۴	بَرَزَخ ۱: ۳۵۳۵
تَسُو ۵: ۲۰۸۱	پِلِ صراط ۲: ۲۵۵	بُرهانِ اِنّی ۴: ۱۵۴
تصعید ۶: ۱۱۲۴	پنج نوبت ۱: ۲۱۴۲، ۴: ۲۸۰۱	بُرهانِ صِدّیقین ۳: ۱۳۴۷
تصوف ۲: ۱۵۹، ۳: ۳۲۶۱	پَنج و شش ۵: ۳۶۳۷، ۶: ۵	بُرهانِ لَمّی ۴: ۱۵۴
تصویر شیطان ۲: ۱۰۶	۶: ۳۱۶۱	بَرَهْم ۱: ۲۴۷۰، ۶: ۵۹
تَطْیِر ۳: ۲۹۶۲	پَنگان زدن ۱: ۲۴۵۳	بَسَط ۲: ۲۹۶۱
تَعَال ۴: ۲۰۰۴	پیر ۲: ۱۶۷	بِشارت ۲: ۶۸۱
تعبیر خواب ۳: ۸۴۱، ۳: ۱۷۳۲	پیمان شکنی ۵: ۲۵۹۱	بَلَاذُر ۴: ۱۵۳۰
تعلق روح به بدن ۱: ۱۵۲۴		بلوغ ۱: ۳۴۳۰
تعلیق ۶: ۳۷۳۶	تاویل ۱: ۱۰۸۰، ۲: ۳۲۴۷	بَلّی ۴: ۲۲۸۳
تعمّق ۵: ۵۵۸	تَبَتَّل ۳: ۴۲۳۵	بَم (صوت) ۴: ۷۳۸
تَعْيِنِ اوّل ۲: ۹۰۹	تَبَدّلِ امثال ۱: ۱۱۴۲، ۱: ۱۱۴۴	بُو ۲: ۲۹۲۸
تَقَالَ ۳: ۲۹۶۲	۱: ۲۰۳۶، ۳: ۴۶۳، ۴: ۵۳۱	بوالعلا ۶: ۲۷۶۴
تَفَرّقه ۴: ۲۰۴۱	۴: ۱۴۸۱، ۶: ۷۶۱	بوگیرانِ گردون ۳: ۱۶۵
تفرقه خاطر ۴: ۷۴۲	تَثلیث ۳: ۴۷۰۵	بهشت ۴: ۴۷۵
تقاطع ذَنب و رأس ۶: ۹۳۱	تَجَدّد امثال ۱: ۱۱۴۲، ۱: ۲۰۳۶	بِهالیل ۱: ۲۳۸
تفرقه خیال ۴: ۷۴۲	۳: ۴۶۳، ۳: ۴۶۹۲، ۴: ۵۳۱	بیت ۵: ۳۶۸۶
تقدیر تعلیقی ۲: ۲۸۲۴	۴: ۱۴۸۱	بیت‌العتیق ۴: ۱۱۳۸
تقدیر تنجیزی ۲: ۲۸۲۴	تَجَسّم اعمال ۱: ۱۶۹۰، ۱: ۲۵۸۹	بیرنگی ۱: ۲۴۶۷، ۱: ۲۴۷۰
تَقْلُب ۳: ۱۱۴۸	تَجَسّم ملکوتی اعمال ۳: ۱۷۶۸	بیست و چار (موسیقی) ۶: ۱۶۵۷
تَلْییه ۶: ۸۷۰	۳: ۲۷۹۱	بیعتِ وَلوِیه ۱: ۶۶۹
تلقین ۱: ۱۰۷۰	تَسْجَلّی ۱: ۱۷۳۱، ۴: ۵۸۵	بی‌گوشه ۳: ۱۱۳۸
تلوین ۱: ۱۹۸۰	۵: ۱۵۳۸، ۵: ۲۶۵۱	بَینِ اِضْبَعَتَین ۳: ۲۷۷۷، ۶: ۴۵
تَمَثّل ۳: ۳۷۰۶	تَجَلّی شُهودی ۴: ۵۸۵، ۴: ۱۶۶۶	بی‌ناخُن بودن ۲: ۱۱۲۲
تمکین ۱: ۱۹۸۰، ۴: ۲۱۰۳	تَجَلّی غیبی ۴: ۱۶۶۶	بی‌نشان ۲: ۵۱۲

جود ۱۰۹۱:۵، ۱۲۷۱:۲	جانِ دَوم ۱۲۷۴:۳	تَناسُخ ۳۹۳۴:۳
جُوع ۳۰۳۴:۳، ۴۶۵:۱	جانِ مَجْرَد ۱۵۲۴:۱	تَناسُخِ اِتِّصَالِ ۳۹۰۶:۳
جُوعُ الْکَلْب ۴۸۱:۵	جاه ۳۹۶:۵، ۳۹۵:۵	۳۹۳۴:۳
جولقی ۲۵۹:۱	جَبَر ۱۴۶۳:۱، ۶۳۶:۱، ۶۱۵:۱	تَناسُخِ اِنْفِصَالِ ۳۹۳۴:۳
جوهر ۲۱۱۰:۱	۱۴۶۵:۱، ۱۴۶۷:۱	تَناسُخِ حَقِیقِی ۳۹۳۴:۳
جهاد اکبر ۳۰۰۲:۱، ۱۲۷۳:۱	۴۰۳:۴، ۱۴۸۱:۱	تَناسُخِ مَجَازِی ۳۹۳۴:۳
جَهانِ آبگون ۱۷۴۰:۵	جبرئیل (جبریل) ۶:۳، ۱۰۶۶:۱	تَناسُخِ مَلکُوتِی ۳۹۳۴:۳
جهان مُنَبِّط ۱۲:۳	۱۵۷۱:۵، ۱۵۶۴:۵، ۶۷۵:۳	تَناسُخِ مَلکی ۳۹۳۴:۳
جَهْدُ الْمُقِلِّ ۱۱۰۳:۵	جبرِ خاصه ۱۴۶۳:۱، ۱۴۶۴:۱	تَناسُخِ ناسُوتِی ۳۹۳۴:۳
جهل ۱۶۱۲:۱	۴۰۳:۴، ۱۴۶۵:۱	تَنقیحِ مَنَاط ۷۱۷:۶
جَهُول ۴۶۷۲:۳	جبرِ عامه ۱۴۶۳:۱، ۱۴۶۴:۱	تواتر ۴۴۰۶:۶
	۴۰۳:۴، ۱۴۶۵:۱	توبه ۲۲۰۵:۱، ۴۶۵:۱
چار یار ۱۸۹۵:۶	جذب (سبب) ۸۹۲:۱	تُوتِیا ۳۴۲:۴
چارجو (چهارجو) ۱۵۸۳:۱	جَذَبه ۱۵۶۱:۴، ۳۱۹۱:۱	توحید ۳۰۰۹:۱
۱۶۳۰:۵، ۳۴۶۱:۳	جَزَ ۱۹۵:۲	توکل ۴۶۸:۱، مقدمه ۹۰۰
چَرخِ نُهَم ۱۸۵۱:۵، ۱۱۰۲:۲	جَز و مد ۱۵۵۱:۲	۹۰۱:۱، ۹۱۱:۱، ۹۱۲:۱
چشم زدن ۴۱۵۱:۳	جَسَدِ هَوَزَقْلِیائی ۱۶۱۳:۳	۲۰۹۸:۴، ۱۰۵۶:۴، ۹۱۳:۱
چشم صفی ۱۳۵۷:۴	۳۳۰۷:۶	تَوَلَد ۳۱۸۱:۱
چشمِ نرگس ۷۵۴:۲	جسمانیة الحدوث ۱۵۲۴:۱	تولد دَوم ۷۲۳:۶، ۱۴۸۱:۴
چله نشینی ۱۳۰۰:۱، ۵۵۰:۱	جسمِ نوری (هاله آتشی)	تولید ۱۶۶۱:۱
۵۷۴:۵	۳۲۵۲:۳	تهدیداتِ نَفْس ۲۰۸۳:۳
چنگ ۵۹۸:۱	جَعْد ۳۸۵۰:۳، ۳۷۶۱:۳	تیرِ امان ۳۷۰:۵
چوبک ۵۴۱:۶	جَقُوفِ قَلَم ۳۱۳۱:۵، ۳۸۵۱:۱	تیرِ شَه ۳۷۰:۵
چهار طبع ۱۶۲۵:۲	جَمْع ۲۰۴۱:۴	تَیْه ۱۵۴۸:۴
چهارمین ۲۲۲:۶	جَمْعِیَّتِ خاطر ۷۴۲:۴	
چهار عنصر ۱۶۱۸:۲	جَمْعِیَّتِ خیال ۷۴۲:۴	ثَریا ۲۹۱۳:۱
	جَنَّت ۳۴۱۸:۴	
حادث ۱۷۴۷:۲، ۲۰۲۰:۱	جَنَّةُ الْمَأْوِی ۲۵۲۱:۴	جابر ۱۶۸۵:۴
حادثِ ازلی ۱۶۸:۲	چِنَس ۲۵۸۲:۲	جالینوس ۲۴:۱
حادثِ زمانی ۱۷۴۷:۲	جنونِ ادواری ۱۸۸۸:۵	جام ۷۵۵:۲
حاشِ لِلَّه ۲۹۰۰:۲، ۲۳۶۲:۲	جنونِ دَوْرِی ۱۸۸۸:۵	جان ۵۲۵:۱
حال ۱۴۳۵:۱، ۵۵۱:۱	جواسیسُ الْقُلُوب ۱۴۷۸:۲	جاندار ۳۲۷:۴

خدمت ۴۶۹:۱	حشرِ ملکات و صفات ۱۴۱۳:۲	حالمیّه ۲۴۲۸:۶
خراج ۱۷۶۵:۲	حَضَرَاتِ خَمْس ۲۸۶۲:۱	حاملان عرش ۱۵۷۲:۵
خر عیسی ۱۸۵۰:۲	حَضِیض ۱۲۸۸:۱	حَبْدًا ۳۴۹:۵
خِرْقَه ۶۸۵:۱	حَطِیم ۹۱۸:۴	حَبْسِ دَم ۴۳۸:۴
خرقه ارادت ۶۸۵:۱	حَقِّ مخلوق ۱، ۱۸۹۹:۱، ۳۳۳۵:۱	حَجَّ ۲۲۱۸:۲
خرقه تبرک ۶۸۵:۱	حَقِیْقَت ۱، ۱۷۳۱:۱، ۳۲۴۶:۲	حِجَاب ۱، ۱۳۹:۱، ۱۵۹۹:۱
خرقه‌افکنی ۱، ۶۸۵:۵، ۱۰۰۸:۵	۱۴۰۵:۳	حِجَابِ ظَلَمَانِی ۱۵۹۹:۱
خرقه تهی کردن ۶: ۴۱۵۰	حَقِیْقَتِ شَخْصِیّه ۴۰۶:۱	حِجَابِ نَوْرَانِی ۱، ۱۵۹۹:۱
خرقه مَرْمَرَه ۵: ۱۰۰۸	حَقِیْقَتِ مُحَمَّدِیّه ۱، ۱۷۳۱:۱	۱، ۲۴۲۵:۲، ۳۳۸:۵، ۲۶۵۱:۵
خُسوف ۱: ۲۴۵۲	۹۰۹:۲	حِجَبِ نَفْسَانِی ۱: ۵۶۷
خِشْت ۲: ۱۶۷	حَقِیْقَتِ نَوْعِیّه ۱: ۴۰۶، ۲: ۸۱۵	حُجْرَةُ قَمَر ۳: ۳۶۲۷
خِضْر ۱: ۲۲۴، ۲: ۲۲۳۱	۲: ۳۷۰، ۳: ۹۷۱، ۳: ۱۲۵۱	حَدَّ ۵: ۵۶۴
۶: ۲۶۴۰	حَقُّ الْیَقِین ۲: ۸۶۰	حَدِیبِیّه ۳: ۴۵۰
خِضْرِ وَقْتُ ۲: ۲۲۳۱	حَکْمَتِ عَلَوِیّه ۱: ۷۸۱	حَدِیْث ۳: ۱۱۹۹
خِضْرِیَان ۴: ۶۷۸	حُلُولِیّه ۵: ۲۰۳۸	حَدِیْثِ رَدُّ الشَّمْس ۵: ۲۷۷۶
خِطَائِن ۶: ۴۱۸۲	حَمَل ۲: ۱۵۹۳	حَدِیْثِ کَنْز ۱: ۱۵۲۴، ۱: ۲۸۶۲
خُطُوَتِین ۴: ۱۵۴۹	حَوْقَل ۵: ۱۳۷۵	۴: ۲۵۴۰، ۴: ۲۹۶۷
خِطْلَط ۲: ۳۵۱۲، ۳: ۳۵۷۳	حَنْبَلِیَان ۱: ۱۲۵۰	حَدِیْثِ غَدِیر ۶: ۴۵۳۸
۴: ۱۴۲	حَوَاسِ بَاطِنه ۱: ۳۵۷۶	حَذَر ۱: ۹۰۹
خَلْع ۳: ۳۸۵۲	۲: ۳۷۰، ۶: ۳۵۵۱	حَرَارَه ۶: ۷۰۹
خَلْقِ بَه هَمَّت ۱: ۱۶۶۹	حَوَاسِ ظَاهِره ۶: ۳۷۰	حَرکَتِ جَوْهَرِیّه ۱: ۱۱۴۲
خَلْقِ جَدِید (خَلْقِ مَدَام)	حِی بن یَقْظَان ۱: ۳۲۷۱	حَرکَتِ نَزْوِلی و صَعُوْدی اِنْسَان
۱: ۲۰۳۶، ۳: ۴۶۹۲، ۶: ۴۶۴۳	حِیرت ۱: ۳۱۳، ۴: ۱۴۰۷	۱: ۶۸۹
خَلوْتُ ۱: ۱۳۰۰، ۳: ۲۴۱۵	خَادِم ۲: ۲۰۵	حُرُوفِ (عِلْم) ۱: ۲۹۱۶
خَلوْتُ نَشِینِی ۱: ۵۴۹	خَارِجِی ۲: ۲۲۰۳	حُرُوفِ مُقَطَّعَه ۴: ۳۵۱۶
خَمَّ صَفَا ۱: ۵۰۱	خَال ۲: ۱۹۱	حَسَامِی نامَه ۶: ۲
خِناق ۵: ۲۰۰۰	خَانَقاه ۲: ۱۵۶	حَسَد ۱: ۴۳۱، ۴: ۴۳۲، ۴: ۲۶۸۱
خَنَاس ۳: ۴۰۵۸	خَانَه ۵: ۳۶۸۶	حَسَّ حِیَوَان ۲: ۶۵
خَنْبِک زدن ۲: ۱۷۲	خَبَرِ مَتَوَاتِر ۶: ۴۴۰۶	حَسَّ دِیْگَر ۲: ۶۶
خُنُوس ۳: ۴۰۵۸	خِدا پَرورده (اویسی) ۱: ۴۹۴	حَسَّ مَشْتَرک ۲: ۶۷، ۲: ۳۳۲۸
خَوَاب ۱: ۶۲، ۱: ۴۰۰، ۱: ۳۸۸	۱: ۲۹۷۸	۴: ۴۲۷، ۵: ۲۶۵۱
۴: ۳۰۶۳		حَشَرِ قَبْلِ از نَشْر ۴: ۲۳۱

خواب صادق ۳۸۸:۱	دُور ۳: ۳۸۵۰: ۵، ۳۶۰۰	رضا ۱: ۱۵۷۴: ۳، ۱۸۷۹
خَوَاطِر اربعه ۱۰۳۸:۱	دُوران ۴: ۸۷۱	رضوان ۴: ۷۲۱
خورشید ۵: ۲۶۵۱	دُورِ قَمَر ۲: ۳۵۴	رُقْعَةُ تَعْوِید ۴: ۱۵۱
خوش جَوَاز ۵: ۴۵۴	دوزخ ۱: ۷۷۹، ۱: ۸۷۸، ۵: ۱۳۷۵	رَمَل ۲: ۱۷۸۲
خوش چشمان ۳: ۲۵۱۵	۴: ۴۷۵	رنگ و بو ۴: ۲۵۷۵
خوش حال ۵: ۱	دَهْر ۲: ۲۳۱۸	روح ۲: ۲۹۸۲، ۴: ۴۱۰، ۶: ۲۸۷۸
خَوْف ۱: ۳۶۱۵	دیباچه ۳: ۱۹۲۴	۶: ۳۳۰۷
خَیال ۱: ۷۰، ۱: ۷۱، ۱: ۳۰۹۵	دیگجوش ۲: ۵۲۱	روح اعظم ۲: ۹۰۹
خیال اجتماع ۴: ۷۴۲		رُوحُ الْأَمین ۱: ۷۳۸
خَیبر ۲: ۱۲۴۴	ذبیح الله ۳: ۴۱۷۴	روح انسانی ۲: ۱۸۸
	ذکر ۲: ۲۷۱، ۴: ۴۳۸	روحانیه البقاء ۱: ۱۵۲۴
دَارُ الْأَمَان ۳: ۳۸۷۲	ذکر اوم ۱: ۵۶۷، ۶: ۱۹۲۲	روح حیوانی ۲: ۱۸۸
دَارُ الْحَرْب ۵: ۲۱۵۳	ذکر جَلی ۲: ۲۷۱	روح سلطانی ۶: ۷۹۷
دَارُ السَّلَام ۴: ۷۲۳، ۶: ۵۶	ذکر خفی ۲: ۲۷۱	روح طبیعی ۲: ۲۹۸۲
دایره مُنَدَل ۱: ۸۵۷	ذکر مَجْمَعُ الْبَحْرین ۴: ۸۶۸	روح الْقُدُس ۳: ۱۲۹۸
دَجَال ۱: ۳۷۳	ذَنب ۱: ۳۹۹۱، ۶: ۹۳۱	روزِ اسْتِفْتاح ۲: ۶
درویش ۳: ۳۶۶۹	ذوالفقار ۲: ۲۳۰۰	روزِ حَشَر ۴: ۴۳۱
دریا ۱: ۵۷۱، ۱: ۲۲۱۳	ذوق ۱: ۵۵۱، ۲: ۳۲۳۹	روز غَرَض ۴: ۱۲۵۴
دریای تلخ ۱: ۲۹۷	ذوقِ حضور ۲: ۳۲۳۹	زُوزَن کردن ۳: ۲۴۰۴
دریای شیرین ۱: ۲۹۷		روزه سه گانه ۲: ۵۲۳
دریای محیط ۲: ۳۶۶۹	رابطه ۵: ۵۶۶	رویا ۱: ۶۲، ۱: ۳۸۸، ۲: ۳۵۸۹
در یوزه ۲: ۵۲۳	رابطه عذاب دنیا و ریاضت	۳: ۱۷۳۲، ۴: ۲۴۸۷، ۴: ۳۰۶۳
دستگاه ۴: ۷۳۳	عارفان ۲: ۲۴۶	زَهْبَانِیت ۵: ۵۷۴
دعا ۳: ۱۷۹، ۳: ۷۵۶	ربط حادث به قدیم ۶: ۱۶۰۴	ریاضت ۱: ۴۶۵، ۳: ۳۳۹۶
دِقّ ۳: ۳۷۱۴، ۴: ۱۷۹، ۴: ۱۸۰	۶: ۳۷۱۲	ریاضت اجباری ۳: ۳۳۹۶
۶: ۱۳۳۷	رَجاء ۱: ۴۶۸، ۱: ۳۶۱۵	ریاضت اختیاری ۳: ۳۳۹۶
دل ۱: ۱۴۷۹، ۲: ۳۱۰۹	رجوع اجباری ۱: ۴	زَیْبُ الْمَنُون ۳: ۱۱۴۵
دلایل برتر بودن معنا ۱: ۱۰۲۴	رجوع اختیاری ۱: ۴	
دِمَاع ۴: ۱۴۲۷	رُخْصَت ۲: ۱۷۹۷، ۶: ۲۰۶۶	زاغ ۲: ۳۵۶۷، ۲: ۳۷۵۲
دَم ۴: ۴۳۸	رَدُّ الشَّمْس ۵: ۲۷۷۶	زُحَل ۲: ۱۷۴
دُم عَقْرَب ۴: ۸۸۳	رزق جانی ۳: ۲۵۴۴	زخمه ۱: ۵۹۸
دَوَار ۴: ۳۳۱۵	رَصَد ۳: ۹۳۲	زر جعفری ۱: ۲۷۷۸

زُفاف ۲۶۲۷:۳	سُخن ۳۲۴۷:۲، ۱۱۴۰:۱	سُوسن ۲۱:۳
زُقُوم ۳۴۷۱:۳	سِیْدَرَةُ الْمُنْتَهَى ۱۰۶۶:۱	سُوسن زبان ۲۱:۳
زُلف ۳۷۶۱:۳	۱۸۹۶:۶، ۱۷۸۸:۲	سُوقِطَائِي ۳۰۱۵:۵، ۳۵۰۰:۲
زُلفین ۳۷۶۱:۳	سِیْر ۲۹۳:۲	سوفیست ۳۰۱۵:۵، ۳۵۰۰:۲
زَلَه ۸۴:۱	سِیْرُ الْإِخْلَاص ۲۱۲۶:۵	سوی اختر ۵۴۰:۱
زَمَان ۱۱۵۲:۳	سِرْسَام ۱۶۹۷:۵	سویداء ۱۰۱۷:۱
زُنَار ۳۵۹:۱	سِیْرُ الْقَدَر ۲۱۲۶:۵	سُها ۱۶۲۴:۲
زنبور هوا ۳۲۱۵:۳	سِرْمَه ۲۸۶۳:۶	سهیل ۴۸۶۰:۶
زهد ۴۷۹:۱	سَعْد ۱۲۸۸:۱	سیاه آبه ۲۶۶۳:۲
زهره ۷۵۲:۱	سَعَه وجودی ۳۱۹۳:۳	سِیر و سَفَر ۱۵۶:۲
زیر (صوت) ۷۳۸:۴	سُغْرَاقِ أَحَد ۲۱۰۸:۴	سِیْمِرْخ ۱۷۱۸:۱، ۵۴:۲
زیر افکند ۲۱۹۳:۱	سُغْرَاقِ زَفَت ۲۱۰۸:۴	۴۰۱۶:۶، ۴۶۹۴:۳
زین العابدین ۴۰۹۱:۶	سَفَرِ تَعَب ۱۹۶۲:۳	سیمیا ۵۱۶:۱
	سَفَر در وطن ۴۱۳۲:۶، ۵۴۰:۴	
سابقه ازلی ۱۱۷۳:۲	سفر روحانی ۴۱۳۲:۶	شاخ تر ۱۸۳۸:۲
ساحر ۸۴۱:۳، ۱۶۱۳:۳	سفرهای روان ۱۴۳۹:۱	شاهباز ۱۹۳۰:۳
سالک ۳۱۹۱:۱	سَفَر ۲۷۱۴:۵، ۲۹۸۶:۳	شب قدر ۲۹۳۵:۲
سالک مجذوب ۳۱۹۱:۱	سُكْر ۲۲۰۰:۱، ۵۷۵:۱، ۴۰۴:۱	شبِ تَغْرِیس ۱۹۸۹:۱
۱۵۶۱:۴	سَلْسِیل ۳۵۵۹:۱	شُرور ۴۶۳۶:۳
سامری ۲۰۴۳:۲، ۲۲۵۸:۱	سَمَاع ۷۴۳:۴، ۷۴۲:۴، ۱۳۴۷:۱	شریعت ۱۴۰۵:۳
سبب و مُسَبِّب ۲۵۱۴:۳	سِیْمَاک ۵۸۷:۱	شَشْدَرَه ۶۱۳:۲
سَبَب ۲۵۹۲:۵	سَمَتِ الرَّأْس ۳۲۷۱:۶	شش فتیله ۴۲۷:۴
سبحانی ما اعظم شأنی ۱۳۴۷:۲	سَمَك ۳۴۸۷:۱، ۵۸۷:۱	شَطْ ۲۲۱۲:۴
۲۱۱۵:۴، ۲۱۰۳:۴	سَمَنْدَر ۲۲۹:۵	شَطَحِیَّات ۲۱۰۳:۴، ۲۸۸۲:۱
ستارگان، ستاره ۷۵۳:۱	سَنَت ۴۸۳:۶	شطرنج ۶۰۰:۱
۲۶۵۱:۵	سَنَةِ اللَّهِ ۱۵۴۳:۵	شعیب ۱۶۴۶:۲
ستاره سهیل ۴۸۶۰:۶	سَنَتِ تَقْرِیرِ ۴۸۳:۶	شُغْلِ بَرَزَخ ۷۴:۲
سِجِّین ۶۴۰:۱	سَنَتِ فَعْلِی ۴۸۳:۶	شُغْلِ رَابِطَه ۷۴:۲
سجده قرب ۱۲۰۹:۲	سَنَتِ قَوْلِی ۴۸۳:۶	شفاعت ۱۷۸۴:۳
سِیْخَر ۸۴۱:۳، ۲۷۷:۱	سُنَى ۶۱:۲	شِقِّ الْقَمَر ۲۸۳۱:۴
سِیْخَر مَطْلُوق ۲۵۳۶:۵	سُودَاء ۱۰۷:۱	شُكْر ۹۳۸:۱
سَخَاء ۱۲۷۱:۲	سودائیان ۳۱۸:۵	شمس ۱۲۳:۱

شمع جان ۱: ۱۹۴۹	صديق ۱: ۱۷۶۹، ۴: ۲۷۰۳	طلسم ۱: ۴۳۴، ۳: ۵۷۳
شورگز ۵: ۲۱۵۰	صراط ۲: ۲۵۵	طوبی ۱: ۱۹۵۶، ۴: ۳۳۴۵
شؤله ۴: ۸۸۳	صرف (علم) ۱: ۲۸۴۷	طور سئنا ۲: ۱۳۳۲
شهوت کلبی ۵: ۴۴۸	صغق ۳: ۴۶۱۷	طوطی ۲: ۳۷۵۶
شهوت خفیه ۱: ۲۴۲۵، ۲: ۳۳۸	صغقه ۶: ۲۴۳۹	طهارت ۳: ۳۰۳۳
شیخ ۳: ۱۷۷۴، ۳: ۱۷۸۹	صفا ۵: ۲	طی الأراض ۴: ۵۳۲
شیخ الاسلام ۵: ۳۴۷۴	صفراء ۱: ۱۰۷	
شیخ الشیوخ ۳: ۱۷۸۹	صفه ۲: ۱۵۹	ظاهر بودن حق ۲: ۱۲۷۹
شیر علم ۱: ۶۰۳	صلا ۱: ۲۲۷۸، ۵: ۲۵۳۲	ظل ۱: ۴۲۵، ۲: ۳۱۰۷
	صلای ماجرا ۱: ۱۶۳۵	ظلم ۳: ۴۶۷۲
صابر ۵: ۲۳۵۸	صنت (خاموشی) ۱: ۲۸	
صاحب حال ۴: ۲۱۳۲	صند ۵: ۵۵۱	عاشورا ۶: ۷۷۹
صاحب زمان ۴: ۲۱۳۲	صناعة الحیل ۵: ۲۷۶۳	عاقله ۳: ۲۴۷۰، ۶: ۱۵۱۴
صاحب سیر ۲: ۳۶۸۷	صنع ۳: ۱۳۶۱	عالم اصغر ۴: ۵۲۱
صاحبقران ۴: ۲۱۳۲	صور (اسرافیل) ۱: ۱۹۱۶	عالم اکبر ۴: ۵۲۱
صاحب قرن ۴: ۲۱۳۲	صورت بی صورت بی حد غیب	عالم أمر ۲: ۱۱۰۳
صاحب وقت ۴: ۲۱۳۲	۱: ۳۴۸۶	عالم خلق ۲: ۱۱۰۳
صادر اول (عقل کل) ۱: ۱۸۹۹	صوفی ۲: ۱۵۹، ۳: ۳۲۶۱	عالم دَر ۱: ۱۲۴۱، ۳: ۴۵۴۳
۱: ۳۳۳۵، ۲: ۹۰۹، ۲: ۹۷۸		عالم سفلی ۵: ۶۲۱
صافی ۳: ۱۴۲۶، ۳: ۱۴۳۳	ضد ۱: ۱۱۳۰، ۱: ۱۱۳۱	عالم علوی ۵: ۶۲۱
صبار ۵: ۲۳۵۸	ضروان ۳: ۴۷۴	عالم معانی ۱: ۲۶۴۰، ۲: ۹۷۰
صبح صادق ۴: ۱۶۹۲	ضفیره شمسیه ۳: ۱۱۳۸	عالم هاهوت ۴: ۲۹۶۷
صبح کاذب ۴: ۱۶۹۲	ضمان ۶: ۵۳۱	عبدالعلی ۶: ۲۲
صبر ۱: ۱۶۰۲، ۵: ۲۳۵۸	ضیاء ۴: ۱۹	عبادت تکوینی ۲: ۲۵۴۵
صِبْغَةُ اللَّهِ ۱: ۷۶۶		عدل ۵: ۱۰۹۹
صَحْبَت ۱: ۱۵۳۶، ۱: ۲۶۸۷	طارق ۶: ۷۲۸	عَدَم ۱: ۱۴۴۸، ۱: ۳۰۳۹
صحرای تیه ۲: ۲۴۸۴	طاق و جفت ۱: ۱۰۴۵، ۲: ۲۸۲۶	۲: ۶۸۸، ۳: ۲۹۴۲، ۳: ۲۴۰۲، ۳: ۳۰۲۴
صخو ۱: ۴۰۴، ۱: ۵۷۵، ۱: ۲۲۰۰	طالع ۱: ۷۵۲	۳: ۳۷۷۱
صذر ۳: ۱۹۶۱	طب روحانی ۳: ۲۵۷۸	عَدَن ۲: ۵۷۷
صِدْق ۱: ۲۷۰۳، ۱: ۳۱۵۷	طرد و عکس ۶: ۴۱۸۰	عَرَش ۱: ۳۴۸۷
صَدَقَه ۳: ۳۳۴۲	طریقت ۳: ۱۴۰۵	عَرَض ۱: ۲۱۱۰
صدور ۱: ۱۱۳۳	طَلَب ۲: ۳۰۰۱	عَزْوَةُ الْوُثْقَى ۲: ۱۲۷۴

اصطلاحات و کلیدواژه‌ها ۲۹۷

عَنْقَاءُ ۲: ۵۴، ۳: ۴۶۹۴، ۴: ۴۲	عقیق ۴: ۲۵۴۰	عروج طبیعی ۱: ۱۵۸۰
عید ۶: ۹۳۹	عکس و طرد ۶: ۴۱۸۰	عروج وضعی ۱: ۱۵۸۰
عیسی ۲: ۱۸۵۰	عَلَّتْ ۳: ۲۶۷۷	عزازیل ۱: ۹۲
عیسی دم ۱: ۷۹۴	عَلَّتْ أُولَى ۲: ۱۶۲۵، ۳: ۳۵۷۷	عزرائیل ۳: ۱۱۳، ۴: ۱۷۵
عین الیقین ۲: ۸۶۰	عَلَّتْ صُورَى ۵: ۱۷۹۱	۵: ۱۵۶۴، ۵: ۱۵۷۱
غازی ۴: ۲۲۲	عَلَّةُ الْعِلَلِ ۴: ۱۵۳	عُزِّلَتْ ۱: ۱۳۰۰، ۳: ۲۴۱۵
غُرَاب ۵: ۷۶۷	عَلَّتْ غَايَى ۴: ۵۳۰	عزیمت ۲: ۱۷۹۷، ۶: ۲۰۶۶
غرانیق ۶: ۱۵۲۹	علم ابدان ۳: ۲۶۵۴	عُشْر ۲: ۱۷۶۵
غربت اولیاء الله ۳: ۸۱	علم ادیان ۳: ۲۶۵۴	عَشْرَةٌ مُبَشَّرَةٌ ۵: ۷۴۴
غَفَّار ۵: ۱۹۸	علم تقلیدی ۲: ۳۲۶۶	عَشْرَةٌ مَشْتُومَةٌ ۵: ۹۶۲
غفلت پسندیده ۴: ۱۳۳۰	علم حروف ۱: ۲۹۱۶	عَشْرَةٌ مَنَحُوسَةٌ ۵: ۹۶۲
غَمَزَه ۱: ۱۷۹۶، ۲: ۶۸۰	علم الحیل ۵: ۲۷۶۳	عِشْق ۱: ۱۰، ۱: ۱۱۰
۳۷۱۲: ۳	علم فراست ۳: ۲۷۰۲	عُطَارِد ۲: ۱۵۹۸، ۳: ۳۸۸۰
غَمُوث ۱: ۲۱۲۹، ۲: ۸۱۸	علم لَدُنَّی ۱: ۸۱۳، ۱: ۳۴۴۹	۶: ۳۴۴۲
۲۸۲۵: ۳، ۸۲۰: ۲	علم نارسانجات ۵: ۲۷۶۳	عَطَايَايَ اَسْمَانِی ۳: ۷۵۶
غول ۱: ۳۶۶، ۱: ۳۴۵۵، ۲: ۲۱۴	۵: ۲۷۶۴	عَطَايَايَ ذَاتِی ۳: ۷۵۶
غیب ۴: ۲۵۴۰	علم های گدایان ۲: ۳۱۵۴	عِفْرِیت ۴: ۹۰۳
غیب الْغُیُوب ۴: ۲۵۴۰، ۴: ۲۹۶۷	علم هیأت ۵: ۲۷۶۲	عُقْدَتَین ۶: ۹۳۱
غیبت (اصطلاح اهل اللّه)	علم الیقین ۲: ۸۶۰	عُقْل ۱: ۱۱۰۹، ۴: ۲۱۷۹
۲۹۸۷: ۶	علوم تحقیقی ۱: ۳۴۵۱، ۲: ۴۸۶	۵: ۲۶۵۱
غیب مَغِیْب ۴: ۲۹۶۷	تا ۲: ۴۹۴، ۲: ۳۲۶۶	عقل ایمانی ۴: ۱۹۸۶
غیب مکنون ۴: ۲۹۶۷	علوم تقلیدی ۱: ۳۴۵۱	عقل جزوی ۱: ۱۱۰۹
غَمِیرَت ۱: ۱۷۱۳، ۱: ۱۷۶۳	۲: ۲۴۳۶، ۲: ۲۴۳۷، ۲: ۳۲۶۵	عقل عملی ۱: ۱۱۰۹
۳۳۵۱: ۲	علیها ۶: ۷۱۰	عقل فعال ۴: ۱۴۹۸
فارِس ۳: ۳۸۳	عَلَّیْن ۱: ۶۴۱	عقل کَسْبِی ۴: ۱۹۶۰
فاعِل بِالتَّجَلَّى ۱: ۱۴۵۲	عُثْرَه ۲: ۲۲۱۸	عقل کُلّ (صادر اوّل) ۱: ۱۸۹۹
۱۸۱۲: ۱	عمل (موسیقی) ۶: ۱۶۵۸	۱: ۳۳۳۵، ۲: ۹۰۹، ۲: ۹۷۸
فاعِل بالتولید ۱: ۱۶۶۱	عناصر اربعه ۱: ۱۲۷۶، ۱: ۱۲۸۹	۴: ۳۲۵۹
فاعِل بالطبع ۱: ۱۸۱۲، ۵: ۱۶۰۸	۴۸: ۶	عقل کُلّی ۳: ۳۱۹۳
فاعِل مباشر ۱: ۱۶۶۱	عِنَايَتِ لَمْ یَزَلِی ۲: ۱۱۷۳	عقل نظری ۱: ۱۱۰۹
	عنصر ۱: ۸۳۰	عقل وَهْبِی ۴: ۱۹۶۰
		عقولِ عَشْرَه ۲: ۱۶۲۵

فتح باب ۱: ۱۳۹۹	قاب قوسین ۶: ۱۱۲۷	قَلْب ۱: ۱۴۷۹، ۲: ۳۱۰۹
فَتَرَت ۴: ۹۵۸	قاصِرَاتُ الطُّرُف ۵: ۳۲۹۳	۱۱۳۸: ۳
فُتُوْتُ ۱: ۷۱۱، ۱: ۳۷۱۵، ۵: ۲	قاف (کوه) ۱: ۲۲۴۶، ۲: ۵۴	قَلْعَةُ سُلْطَان ۲: ۲۵۴۶
فُتُوح ۱: ۱۴۴۱، ۵: ۲۵۰۴	قالب مثالی ۶: ۳۳۰۷	قُم ۳: ۱۵۰۳
فتوح مکاشفه ۱: ۱۴۴۱	قَبْض ۲: ۲۹۶۱	قُمَیر ۶: ۹۲۴
فراق اول ۶: ۴۰۱۸	قَبْضِ اَعْمٰی ۳: ۳۰۴۹	قَنَاعَت ۱: ۲۳۲۰، ۱: ۲۳۲۱
فراق بعدالمحو ۶: ۴۰۱۷	قُتُو ۳: ۱۴۱۴	قَوْس و قَرْح ۲: ۱۶۰۰
فراق ثانی ۶: ۴۰۱۸	قَدَر ۱: ۲۴۴۰	قَهْر ۱: ۱۲
فَرَزِیْن بَنْد ۲: ۱۳۱، ۲: ۲۶۶۸	قدم جَبَّار ۲: ۱۱۷۵	قیاس ۱: ۲۱۳۶، ۳: ۳۵۸۱
فرس الحیات (اسب جبرئیل)	قَدَم حق ۱: ۱۳۸۱	قیاسِ اِقتِرانی ۵: ۵۶۸
۳۳۳۱: ۴	قُدُوس ۵: ۵۳۵	قیامت ۴: ۱۴۸۱
فرشتگان ۴: ۱۴۹۸	قَدِیم ۱: ۲۰۲۰	قیامتِ اول ۴: ۱۴۸۱
فَرْق ۳: ۲۷۸۰	قَذَف ۵: ۱۹۹۲	قیامتِ صُغْرٰی ۴: ۴۳۱
فسون ۳: ۲۵۷۸	قِران ۱: ۲۲۶۷، ۴: ۱۴۳۸	قیامتِ طَبِیعی ۴: ۱۴۸۱
فسونِ غیب ۳: ۲۵۷۸	قُرْب ۲: ۱۲۰۸	قیامتِ کُبْرٰی ۴: ۴۳۱، ۴: ۱۴۸۱
فِطام ۳: ۴۹	قرب فرایض ۱: ۱۹۳۸	قیامتِ ماوراء الطبیعی
فَقْر ۱: ۱۶۰۲، ۱: ۲۳۴۲	۲: ۱۲۰۸، ۴: ۲۱۰۳	۱۴۸۱: ۴
۶: ۱۴۰۰	قُرْبِ نَوَافِل ۱: ۱۹۳۷، ۱: ۱۹۳۸	قیامتِ وُسطٰی ۴: ۱۴۸۱
فِقْه ۱: ۲۸۳۱، ۱: ۲۸۸۱	۲: ۱۲۰۸، ۴: ۲۱۰۳	قَیَوم ۵: ۴۱۷۳
فقیر ۱: ۲۳۴۲	قُرُونِ مَاضِیه ۱: ۳۱۱۸	
فلسفی ۲: ۱۶۳۶	قُش و دُش ۵: ۲۱۹۵	کارکُن ۲: ۷۵۹
فَناء ۱: ۵۷، ۱: ۵۷۵، ۱: ۵۹۸	قصر ۱: ۱۴۳۹	کارگه ۲: ۷۵۹
۱: ۱۷۳۵، ۱: ۳۲۰، ۲: ۶۸۸	قَضَا ۱: ۲۴۴۰، ۳: ۱۳۷۳	کالبد نوری (نشئه جنانی)
۳: ۳۶۶۹، ۳: ۴۶۶۲، ۴: ۵۵۶	۳: ۱۳۸۵	۳: ۳۲۵۲، ۶: ۲۹۳۸
۷۹۲: ۵	قَضایِ تَکْلِیفی ۳: ۱۳۷۳	کِتْمَانِ سِرِّ ۱: ۱۷۶۲
فنا فی الله ۱: ۱۴۶۵، ۱: ۲۸۴۱	۴: ۱۳۳۸	کُخْل ۳: ۳۸۲
۲: ۱۳۴۷، ۳: ۴۶۱۷، ۵: ۷۹۲	قَضایِ تَکْوِینی ۳: ۱۳۷۳	کَرَامَت ۱: ۱۶۷۱، ۲: ۳۲۲۹
فَنایِ افعالی ۱: ۵۹۸	۴: ۱۳۳۸	۳: ۵۰۸
فُؤاد ۴: ۳۰۵۷	قَضِیه ۵: ۵۶۶	کَرَامَتِ حَسٰی ۲: ۳۲۲۹
فیروزه ۵: ۱۸۸۹	قُطْب ۱: ۲۱۲۹، ۲: ۸۱۸، ۲: ۸۲۰	کَرَامَتِ مَعنوی ۲: ۳۲۲۹
فیضِ اقدس ۵: ۱۵۳۸	۵: ۲۳۳۹	کُرُسی ۱: ۳۴۸۷
فیض مقدس ۵: ۱۵۳۸	قَعْدَه ۳: ۲۰۵۴	کَرَشْم ۲: ۶۸۰

اصطلاحات وکلیدواژه‌ها ۲۹۹

کَرَشَمِ آمُوختن ۲۵۱۵:۳	گام و طواف ۱۶۴:۲	لَوْحِ محفوظ ۱:۲۹۶، ۱:۱۰۶۴
کرکس ۷۵۴:۲	گاو آوردن ۶۶۶:۲	۲۷۴۴:۶، ۹۷۴:۲
کُروبیان ۲۳۴۲:۲	گاو بردن ۵۸۷:۲	لولاکی ۲:۴۹۷۴، ۳۰:۵۱۰۳، ۲۷۳۷:۵
کسب ۱: مقدمه ۱۴۸۰	گَیَر ۲:۲۵۴۲	۶:۱۶۶۱، ۳:۲۱۰۳
کُسوف ۱:۹۲، ۱:۳۵۵۷	گردنامه ۶:۴۰۵۰	ماءِ مَعین ۲:۱۲۰۶
کَشَفِ مُجَرَّد ۴:۲۴۸۷	گفت و رنگ ۱:۲۷۰۰	ماجرا ۱:۱۶۳۵
کَشَفِ مُخَيَّل ۴:۲۴۸۷	گِلِ اَنداینده ۳:۴۷۸	مَازَمِیَّتِ اِذْرَمِیَّتِ ۲:۱۳۰۶
کعبه ۴:۱۱۳۸	گِلِ خواری ۳:۴۴	۳:۳۶۵۹، ۴:۲۹۴۷، ۶:۱۵۲۳
کلام ۳:۴۲۸۷	گوش ۱:۵۶۷	۶:۳۱۹۷، ۶:۴۵۷۹
کلام فعلی تکوینی ۲:۳۵۴۵	گوشِ رَشَد ۴:۳۰۳۸	ماشاءالله کان ۵:۳۱۱۱
کلام لفظی تدوینی ۲:۳۵۴۵	گوشهٔ دل ۳:۱۱۳۸	ماه ۵:۲۶۵۱، ۶:۹۲۴
کَلِم ۱:۸۸۲	لا ۱:۱۷۵۹	ماهِ کَریم ۳:۲۸۲۹
کَلَمی ۶:۹۲۶	لا اِشْمی و لا رَشْمی ۴:۲۹۶۷	ماهی ۱:۱۷، ۱:۵۰۳
کَلَمَاتِ ۱:۱۲۷۶، ۱:۱۲۸۹	لازم ۱:۱۵۰۷	مَاهِیَّتِ ۱:۲۶۴۱، ۲:۱۶۸
۶:۹۲۶	لامساس ۵:۳۴۳۴	۲:۵۳۰، ۴:۹۷۰
کَلِم ۲:۳۵۵	لامکان ۱:۱۵۸۲	مُباح ۶:۲۰۶۶
کَنَزِ مخفی ۱:۲۸۶۲، ۴:۲۵۴۰	لاهوت ۲:۱۷۹۰	مُبارا (مبارات) ۳:۳۸۵۲
۴:۲۹۶۷	لَب ۱:۱۸۰۰	مُبیع ۵:۱۰۲۵
کُن فَکان ۱:۱۷۸۹، ۱:۲۴۴۰	لَبِ دریا ۱:۱۷۵۹	مُتَصَوِّر ۵:۲۳۵۸
۱:۲۴۶۶	لَذت ۱:۵۰۲	مُتَقابِل ۳:۳۶۵۸
کُن وجودیه ۱:۱۴۴۷، ۱:۱۷۸۹	لطایف سبعه ۶:۳۳۰۷	مُتَناقِض ۳:۳۶۵۸
۱:۳۰۷۹	لطف ۱:۱۲	مُثال ۳:۱۹۴۲
کوثر ۱:۱۹۰۱	لطف جلی ۲:۲۴۴۳، ۶:۴۳۶۰	مُثَل ۳:۱۹۴۲
کور و کبود ۱:۵۱۸	۶:۴۳۶۱	مُثَل ۳:۱۹۴۲
کوکب ۵:۲۶۵۱	لطف خفی ۲:۲۴۴۳، ۶:۴۳۶۰	مُثَل افلاطونی ۱:مقدمه ۲۰۱۲
کَوْنِ جامع ۱:۱	۶:۴۳۶۱	۴:۱۰۹۰
کَوْنِ و فساد ۱:۱۹۲۷	لَطِیف ۱:۱۴۵۱، ۱:۱۵۶۸	مُثَلَّث ۴:۱۴۲
کوه قاف ۶:۴۰۱۶	۵:۱۵۸۵	مُثَلَّثه ۴:۱۴۲
کَهْکَشان ۱:۳۶۷۰	لَقَرُک ۵:۱۱۲	مُجاز ۲:۳۲۴۶
کیس ۳:۳۸۵۱	لف و نشر ۶:۱۳۴۸	مُجاهده ۱:مقدمه ۱۶۰۳
کیمیا ۱:۵۱۶	لقبِ طریقتی ۲:۳، ۲:۴	مُجذوبِ (سَالک) ۱:۳۱۹۱
کیوان ۲:۱۷۴		

مَعْنَى ۱: ۸۳۸، ۱۴۶۵	مرگ تبدیلی ۶: ۷۴۱	۴: ۱۵۶۱
۶: ۴۱۷۸	مروارید ۱: ۲۱، ۱: ۳۱۶۴	مِجْرَة ۳: ۴۷۱۸
معنیت قیومی ۴: ۲۳۳، ۴: ۴۰۳	۲: ۵۶۸	مَجْمَعُ الْبَحْرَيْنِ ۳: ۱۹۶۸
مُعَان ۵: ۸۵۵	مَرِيخ ۱: ۷۵۳	۶: ۱۱۲۷
مَقْرَبِي ۴: ۱۸، ۲۰	مِزاج ۲: ۳۷۹۰، ۶: ۱۸۵۱	مَجُوس ۱: ۳۹۲۲
مُقَاز ۴: ۵۳۲	مُسْتَحَاضَه ۲: ۱۷۹۷	محاسبه ۴: ۱۵۶۶
مُقَازَه ۲: ۱۴۷۳، ۴: ۳۱۲۴	مُسْتَشْقَى ۳: ۳۸۸۴، ۶: ۶۷۱	مُحَاق ۱: ۳۱۶۲، ۶: ۹۲۴
مقام (دستگاه) ۴: ۷۳۳	مسجد الاقصی ۴: ۳۸۸	میخراک ۵: ۱۶۳۹
مَقَام ۱: ۵۵۱، ۱: ۱۴۳۴	مَسْخ ۳: ۲۹۵۳، ۵: ۲۵۹۱	مَحْرَكِ اَوَّل ۴: ۱۵۳
۱: ۱۴۳۵، ۱: ۱۴۳۹	۵: ۲۵۹۴	مُخْسِن ۲: ۱۲۵۳
مَقَامِ اَحْدِث ۴: ۳۲۲۲	مسخ قلب (باطن) ۱: ۵۳۸	محموده ۶: ۳۲۰۹
مقام رضا ۱: ۱۵۷۴، ۳: ۱۸۷۹	۵: ۲۵۹۴	مَحْمُول ۵: ۵۸۳، ۵: ۵۶۶
مقام قدس ۱: ۱۴۴۰	مسلمان ۱: ۸۰۱	مَحْو ۱: ۲۹۶، ۱: ۵۷۵، ۱: ۲۲۰۰
مقام واجِدِث ۴: ۳۲۲۲	مَسْلَمَه ۱: ۳۲۱	۱: ۲۸۴۱
مَقْضَى ۱: ۱۵۰۷	مُسْتَلَمَه كَذَاب ۱: ۳۲۱	مُحِيط ۵: ۱۴۹
مَقْضَى ۳: ۱۳۶۷	مُشَاكَلَه ۵: ۴۴۸	مرابق ۱: ۱۴۵۵
مَكْر ۴: ۳۵۹۵	مشاهده ۱: مقدمه ۱۶۰۳	مُرَاقِبَه ۲: ۱۵۸، ۴: ۲۴۶۰
مگس ۳: ۲۰	مُشَبَّه ۲: ۵۷	مِرَاقِبَةُ الْمُرَاقِبَه ۴: ۲۴۶۰
ملا متیه ۴: ۲۱۷۲	مشترک معنوی ۶: ۶۴۹	مزامیر ۱: ۱۹۵۰، ۴: ۷۳۳
مُلْجِد ۲: ۱۸۸۷	مَشْتَرَى ۲: ۱۵۴۹	مُرْدِگَانِ بِي خَنْوَط ۳: ۲۸۱۷
ملزوم ۱: ۱۵۰۷	مَشْرِقِي ۴: ۲۰۱۸	مُرْدَه رِیْگ ۲: ۶۲۷
مَلِكُ الْمَوْت ۳: ۱۱۳، ۴: ۱۷۵	مصدر ۳: ۷۹۵	مرغ آبی ۲: ۳۳۰۸
۵: ۱۵۷۱	مصنوع ۳: ۱۳۶۱	مرغابی ۳: ۳۴۸۷
مَلِكِ مُهَيَّن ۳: ۳۱۹۳	معاد ۳: ۱۷۶۸	مرغ بی هنگام ۱: ۹۴۳
مَنْ اَلْاٰخِر ۶: ۷۲۷	مُعَبَّر ۳: ۸۴۱	مرغ خاکی ۲: ۳۳۰۸
مُنْجِم ۳: ۸۴۱	معجزه ۱: ۲۷۷	مرغ زیرک ۱: ۵۳۱
منازل جان ۱: ۱۴۳۹	معجزه حضرت عیسی ۵: ۲۵۹۱	مرغ گردونی ۱: ۹۷۴
منزل ۱: ۱۴۳۹	۶: ۱۳۰۶	مُرْقَع ۵: ۳۶۳
منزل بی نقل ۴: ۲۶۸۹	مُعْتَزَلَه ۲: ۶۱، ۲: ۶۵	مرگ ۱: ۸۶۰
مَنْسُوخ ۱: ۳۸۵۹، ۱: ۳۸۶۰	مِغْرَاج ۱: ۱۵۸۰، ۴: ۵۳۵	مرگ اجباری ۱: ۴، ۱: ۱۳
منطق الطیر ۱: ۳۴۱۰	۴: ۵۵۲، ۴: ۵۵۴	مرگ اختیاری ۱: ۴، ۱: ۱۳
مَوَالِد ۱: ۱۶۶۱	مُعَوِّذَاتَان ۴: ۳۱۹۲	۴: ۲۵۳۳، ۵: ۷۹۲، ۶: ۷۲۳

اصطلاحات و کلید واژه‌ها ۳۰۱

موالید ثلاثه ۱، ۱۲۷۶: ۵، ۹۸۸: ۵	نُجَبَاء ۲: ۸۲۰	نفس ناطقه ۱، ۱۱۲۶: ۱، ۱۵۲۴: ۱
۹۲۶: ۶	نَجَس ۴: ۲۹۶	۲۸۷۸: ۶
مَوْت ۳: ۳۸۳۴	نجم ۳: ۲۰۵۱	نَفْسِ وَنَفْسِ زدن ۱: ۳۹۱۸
مَوْتِ اَبْيَض ۳: ۳۰۳۴، ۳: ۳۸۳۴	نَجْمِ ثاقِب ۳: ۴۵۳۳	نُجَبَاء ۱: ۲۷۷۴، ۲: ۸۲۰
مَوْتِ اَخْرَج ۱: ۱۹۱۲، ۳: ۳۸۳۴	نُجُومِ احْكَامِي ۱: ۷۵۱، ۱: ۷۵۲	نَقِيب ۱: ۲۷۷۴، ۲: ۸۲۰
مَوْتِ اَخْضَر ۳: ۳۸۳۴	۷۵۳: ۱	نَقْل ۴: ۲۰۹۸
مَوْتِ اَسْوَد ۳: ۳۸۳۴	نَحْس ۱: ۷۵۴، ۱: ۱۲۸۸	نَقْل ۴: ۲۰۹۸
موسیقی ۱: ۱۹۵۰، ۳: ۷۳۳	نَحْو ۱: ۲۸۳۲	نَکال ۳: ۲۹۵۳
موضوع ۵: ۵۶۶، ۵: ۵۸۳	نزع دائمی ۳: ۱۲۳، ۶: ۷۶۱	نَکیر و مُنْکَر ۳: ۱۰۹
موقف ۱: ۱۴۳۹	نَشِخ ۱: ۳۸۵۹، ۱: ۳۸۶۰	نماز ۲: ۲۷۷۰
مُؤْمِن ۴: ۴۰۷	نَشْناس ۴: ۷۶۱	نمازِ آیات ۴: ۵۸۰
مَذْرویان ۱: ۷۲	نسبت ۳: ۳۶۵۸	نماز جمعه ۶: ۴۸۰
مَی ۲: ۷۵۵	نَشْتَه جَنَانِي ۶: ۲۹۳۸	نوبت ۱: ۲۱۴۲
میزان ۵: ۱۴۰۰	نَص ۳: ۳۵۸۱	نورِ صاف ۲: ۹۰۹
می منصور ۱: ۱۸۰۹	نصاب ۶: ۱۰۳۳	نوع ۲: ۲۵۸۲
میکائیل ۵: ۱۵۶۴، ۵: ۱۵۶۹	نَظَرِيَّة اِنْطِباع ۴: ۳۶۹۱	نهی تحریمی ۱: ۱۲۴۹
نَاقُورِ کُل ۴: ۷۳۲	نَظَرِيَّة خروج شعاع ۴: ۳۶۹۱	نهی تنزیهی ۱: ۱۲۴۹
نار ۲: ۹۰۹	نعمات افلاک و کواکب ۴: ۷۳۳	نی ۱: ۱، ۱: ۱۱
نارالضیافه ۱: ۲۲۷۸	نَفْخِ صُور ۱: ۷۴۶، ۱: ۲۰۷۹	نیاز ۵: ۲۵۰۴
نارالقری ۱: ۲۲۷۸	نَفْخَه بَعث ۱: ۱۹۱۶	نیستان ۱: ۲
ناس ۴: ۷۶۰	نَفْخَه صَعق ۱: ۱۹۱۶	نَیْسْتی ۱: ۳۲۰، ۲: ۶۸۸
ناسیخ ۱: ۳۸۵۹، ۱: ۳۸۶۰	نَفْخَه قَرْع ۱: ۱۹۱۶	۳: ۴۶۶۲، ۴: ۵۵۲
ناسوت ۲: ۱۷۹۰	نَفس ۱: ۳۶۶، ۱: ۱۳۷۶	نیل ۲: ۶۹۴
ناف ۱: ۱۴۷۰	۱: ۲۴۴۲، ۲: ۲۹۸۲، ۳: ۳۳۹۶	
نافی ۱: ۱۵۰۷	۴: ۴۱۰	واحد ۱: ۳۴۹۰
ناقه صالح ۱: ۲۵۱۰، ۱: ۲۵۲۶	نفس اماره ۱: ۴۶۵، ۱: ۱۳۷۵	واسطه الفیض ۵: ۲۳۳۹
۳: ۴۶۹۱	نفس راضیه ۱: ۲۴۴۲	واصل ۱: ۲۲۲۹
نامه اعمال ۵: ۱۷۸۱	نَفسِ رَحْمَانِي ۱: ۱۸۹۹	واقعه ۲: ۲۹۰۶، ۶: ۱۹۰۸
نبض شناسی ۴: ۲۶۵	۱: ۳۳۳۵	وجد ۱: ۲۸۸۲، ۲: ۲۰۳
نبوات ۱: ۳۸۸	نَفسِ لَوَامِه ۵: ۲۰۶۲	وجود به شرط لا (وجود
نبوت ۶: ۲۴۳۸	نفسِ مُسَوِّله ۵: ۱۱۹۹	لا بشرط) ۱: ۳۳۳۵، ۲: ۹۰۹
	نَفسِ مُطْمَئِنَّه ۱: ۲۴۴۲، ۵: ۵۵۷	وجود محض ۱: ۳۳۳۵

هفت درِ دوزخ: ۱، ۷۷۹	ولایت ۶: ۲۴۳۸	وَجُود مطلق: ۱، ۶۰۲، ۶۱۰
هفت دریا: ۱، ۱۳۷۶، ۲: ۱۶۱۲	ولایت تکوینی: ۱، ۱۶۶۹	وَجُود مُنْبَسِط: ۱، ۱۸۹۹
هِلال، ۱، ۳۰۹۶، ۳۱۶۲: ۱	ولایت جزئی: ۲، ۹۷	۳۳۵: ۱
۹۲۴: ۶، ۳۱۶۳: ۱	ولایت شمسیه: ۲، ۹۷، ۲: ۳۷۰۷	وَجْهُ اللَّهِ: ۱، ۱۳۹۷
هُما: ۵، ۱۶۴۳	ولایت قمریه: ۲، ۹۷، ۲: ۳۷۰۷	وجه ربّی (موجود): ۱، ۱۹۴۰
هُمام: ۳، ۱۸۰۷	ولایت کلیّه: ۲، ۹۷	وجه حقّی: ۳، ۱۳۶۱
هَمّت: ۴، ۲	ولایت مُطلقه: ۲، ۹۷	وجه خَلْقی: ۱، ۱۹۴۰، ۳: ۱۳۶۱
هَمّتِ افاقه: ۴، ۲	ولایت نِسبیه: ۲، ۹۷	وحدت: ۲، ۱۰۳
هَمّتِ آنفه: ۴، ۲	وَلَى: ۱، ۴۲۵، ۲۰۰۵، ۲: ۹۷	وحدت و جُود: ۱، ۵۷، ۱، ۶۸۹
هَمّتِ عالی: ۴، ۲	۴۱۰: ۴، ۳۱۰۷، ۲: ۸۱۵	۲۴۷۲: ۱
هُوَ: ۱، ۴۷۳	وَهُم: ۳، ۱۵۶۱	وَخَى: ۱، ۱۴۶۱، ۴: ۱۳۰۰
هُوهُ: ۲، ۲۳۹۲		وَزَق برگرداندن: ۳، ۱۰۸۱
هُوِیت: ۴، ۲۶۱۴	هَاتِف: ۲، ۵۱۲	وصال اکتسابی: ۴، ۱۵۶۱
هَيْضَه: ۵، ۱۷۴۷	هاروت و ماروت: ۱، ۵۳۵	وصال کُنْبی: ۱، ۶۸۴
هَيُولَى: ۵، ۳۹۷۹	هاله آتشی: ۳، ۳۲۵۲، ۶: ۲۹۳۸	وصال مَوْهُوب: ۴، ۱۵۶۱
	هاوِیه: ۱، ۸۷۷	۲۱۹۶: ۵
یَد: ۲، ۱۹۱۸	هست و نیست: ۱، ۳۲۰۱	وَصَال وَهْبی: ۱، ۶۸۴
یَد بیضا: ۱، ۳۴۸۶، ۴: ۳۳۱۴	۴۶۶۲: ۳، ۶۸۸: ۲	وصل: ۱، ۲۲۲۹، ۲: ۱۲۰۸
یَقین: ۲، ۸۶۰	هشت بهشت، ۱، ۳۴۹۸	وَقْتُت: ۱، ۳۹۵۳
یَمَن: ۴، ۲۵۴۰	۱۷۳۷: ۵	وَقْتُت خرمگاه: ۴، ۱۴۸۴
یوم النشور: ۱، ۲۵۹۰	هفت آسمان: ۵، ۸۷۲، ۵: ۳۴۰۷	ولادت دوم: ۴، ۱۴۸۱، ۶: ۷۲۳

اشخاص و قبيله ها و فرقه ها

آرامی ها ۱:۱۱۰۷	آدم(ع) ۱:۱۷۳ *	۱:۴۱۴، ۱:۴۱۳، ۱:۲۲۳
آریایی ها ۴:۱۹۰	۱:۴۱۵، ۱:۴۷۷، ۱:۴۷۸، ۱:۵۲۱، ۱:۶۰۳	
آزر ۵:۳۴۶، ۵:۴۶۳، ۶:۵۷۴	۱:۶۱۶، ۱:۶۵۲، ۱:۶۸۸، ۱:۷۲۳، ۱:۷۲۴	
آسمودایی ۱:۱۰۲۳	۱:۷۲۶، ۱:۷۷۵، ۱:۷۸۵، ۱:۷۸۷، ۱:۷۸۹	
آسیه ۳:۲۶۸، ۴:۷۳۶، ۴:۷۳۷، ۴:۷۳۸، ۴:۷۴۳	۱:۸۲۱، ۱:۹۳۰، ۱:۹۵۰، ۱:۱۱۰۱، ۱:۱۱۰۲	
۴:۷۵۲، ۴:۸۱۳	۱:۱۱۰۳، ۱:۱۱۲۴، ۲:۱۹، ۲:۲۳، ۲:۲۴، ۲:۲۵	
آصف بن برخیا ۴:۲۸۴، ۴:۲۸۵، ۵:۸۹۴	۲:۶۰، ۲:۶۱، ۲:۸۶، ۲:۹۵، ۲:۱۰۰، ۲:۲۵۱	
آل موسی ۴:۳۰	۲:۲۵۲، ۲:۴۰۸، ۲:۴۶۰، ۲:۵۳۳، ۲:۶۲۳	
آل یاسین (یاسین) ۲:۵۵۳	۲:۶۲۴، ۲:۶۴۹، ۲:۶۵۵، ۲:۶۶۸، ۲:۶۷۴	
آنه ماری شیمل ۱:۹۸، ۶:۱۰۴۰	۲:۸۰۱، ۳:۲۶۳، ۳:۳۱۸، ۳:۶۹۴، ۳:۶۹۵	
اباجعفر(ع) (امام باقر(ع)) ۳:۱۰۸۵	۳:۷۰۵، ۳:۷۲۱، ۳:۷۲۲، ۳:۷۲۳، ۳:۸۱۲	
اباضیه ۲:۹۲۶	۳:۹۰۱، ۳:۱۰۸۵، ۳:۱۰۸۸، ۳:۱۱۵۶	
ابراهیم(ع) (سه خلیل) ۱:۷۰، ۱:۱۱۸، ۱:۱۴۶	۳:۱۱۵۷، ۴:۱۰۹، ۴:۱۲۳، ۴:۱۵۵، ۴:۱۷۳	
۱:۱۷۳، ۱:۱۷۵، ۱:۲۰۷، ۱:۲۷۸، ۱:۲۹۹	۴:۲۳۷، ۴:۲۵۹، ۴:۲۶۱، ۴:۳۱۵، ۴:۳۴۲	
۱:۵۱۳، ۱:۵۴۹، ۱:۵۷۶، ۱:۷۷۵، ۲:۱۹، ۲:۴۶	۴:۴۰۹، ۴:۸۱۷، ۴:۹۶۲، ۵:۵۸، ۵:۲۸۱	
۲:۱۱۰، ۲:۱۳۲، ۲:۱۷۴، ۲:۲۴۳، ۲:۲۵۲	۵:۲۸۳، ۵:۴۲۹، ۵:۵۳۹، ۵:۵۷۵، ۵:۵۷۶	
۲:۳۹۶، ۲:۴۱۹، ۲:۴۶۰، ۲:۶۵۹، ۲:۷۵۱	۵:۷۲۱، ۵:۸۲۲، ۵:۹۵۳، ۶:۶۱، ۶:۶۲، ۶:۶۳	
۲:۸۱۲، ۲:۸۱۵، ۳:۲۴، ۳:۲۳۳، ۳:۲۵۰	۶:۱۲۹، ۶:۱۳۰، ۶:۳۸۷، ۶:۳۸۸، ۶:۳۸۹	
۳:۳۶۴، ۳:۵۵۱، ۳:۵۵۶، ۳:۵۹۷، ۳:۶۳۶	۶:۶۵۷، ۶:۶۹۷، ۶:۷۳۴، ۶:۷۳۵، ۶:۸۳۱	
	۶:۹۵۷، ۶:۹۵۸	

۸۱۳:۳	۱۰۳۶:۳	۱۰۳۷:۳	۱۰۴۲:۳
۱۰۸۵:۳	۱۱۹:۴	۲۱۳:۴	۲۶۱:۴
۴۱۰:۴	۴۱۲:۴	۷۶۰:۴	۷۶۱:۴
۹۸۱:۴	۱۰۱۰:۴	۵۸:۵	۱۵۱:۵
۲۳۰:۵	۲۳۱:۵	۲۷۵:۵	۲۷۶:۵
۲۷۹:۵	۲۸۰:۵	۲۸۳:۵	۵۲۹:۵
۵۳۸:۵	۶۲۹:۵	۶۴۰:۵	۸۱۳:۵
۶۰:۶	۶۱:۶	۶۲:۶	۱۳۰:۶
۸۲۹:۶	۹۲۱:۶		
ابن ابی الحدید	۲۵۸:۳	۱۰۶۹:۳	۱۰۳۹:۵
ابن اثیر	۱	۹۳۳:۱	
ابن اسحق	۶	۳۲۰:۶	
ابن بابویه	۳	۱۰۱۰:۳	
ابن بطوطه	۲	۹۲۵:۲	۴۰:۳
ابن تیمیه	۱	۸۳۸:۱	
ابن جوزی	۴	۶۵۲:۴	۴۶۷:۶
ابن حجر	۱	۸۳۸:۱	
ابن حزم	۲	۳۷۹:۲	
ابن خلدون	۲	۷۶:۲	۸۸۷:۴
ابوعماره (حمزه سیدالشهدا)	۳	۸۷۴:۳	
ابویعلی (حمزه سیدالشهدا)	۳	۸۷۴:۳	
ابن داود اصفهانی	۲	۳۶۱:۲	
ابن دحداح	۲	۲۱۲:۲	
ابن سعد	۲	۱۴۳:۲	
ابن سیرین	۴	۷۰۹:۴	
ابن سینا (ابوعلی سینا)	۱	۷۰:۱	۹۱:۱
۳۷۹:۱	۴۶۲:۱	۵۴۳:۱	۳۳۷:۳
۳۹۸:۳	۴۴۸:۳	۴۵۳:۳	۷۷۳:۳
۹۵۱:۳	۹۶۸:۳	۱۲۰:۴	۷۱:۴
۱۶۶:۴	۱۶۷:۴	۵۲۸:۴	۸۶۲:۴
۵۸۷:۶	۱۹۴:۶		
ابن طفیل	۱	۹۴۳:۱	
ابن عامر	۳	۷۶۸:۳	
ابن عباس	۱	۳۶۲:۱	۱۱۰:۲
۵۲۹:۳	۵۵۳:۲		
۶۳۷:۳	۷۸۵:۳	۷۸۸:۳	۱۰۶۷:۳
۱۹۱:۴	۲۶۰:۴	۳۱۵:۴	۳۴۲:۴
۶۹۲:۴	۸۳۷:۴	۸۳۹:۴	۸۴۶:۴
۲۷:۵	۲۸:۵	۱۲۴:۵	۱۳۴:۵
۲۱۴:۵	۲۳۰:۵	۲۷۴:۵	۳۴۶:۵
۴۲۶:۵	۴۳۵:۵	۶۰۶:۵	۶۰۷:۵
۷۲۸:۵	۷۲۹:۵	۷۳۰:۵	۴۴:۶
۲۷۰:۶	۲۷۱:۶	۳۸۸:۶	۴۸۶:۶
۵۸۰:۶	۵۸۱:۶	۶۱۰:۶	۶۵۷:۶
۱۰۲۸:۶	۱۰۶۵:۶		
ابراهیم ادهم	۲	۱۲۹:۲	۲۵۷:۲
۷۸۹:۲	۷۹۱:۲	۷۹۲:۲	۲۱۷:۴
۲۳۴:۴	۲۳۵:۴	۲۴۶:۴	۲۶۳:۴
۴۸۶:۶	۸۶۷:۴		
ابراهیم بن شیبان کرمانشاهی	۴	۱۹۷:۴	
ابراهیم بن محمد بیهقی	۲	۷۶۳:۲	
ابراهیم خواص	۱	۵۱۱:۱	۷۴:۲
ابرقوهی	۱	۵۰۴:۱	۱۰۸:۲
۲۹۲:۲	۷۲۵:۲	۷۳۱:۲	۵۸۹:۴
ابرهه	۱	۴۲۹:۱	۴۳۰:۱
۷۱۴:۳	۷۲۰:۶	۷۲۱:۶	
ابقرط	۱	۶۴:۱	
ابلیس	۱	۸۶:۱	۸۷:۱
۳۵۲:۱	۴۱۳:۱	۴۲۲:۱	۹۳۰:۱
۱۱۰۲:۱	۱۱۱۸:۱	۱۱۱۹:۱	۹۵:۲
۱۹۰:۲	۱۹۲:۲	۱۹۳:۲	۱۹۴:۲
۱۹۶:۲	۴۱۰:۲	۴۱۱:۲	۵۳۲:۲
۶۴۵:۲	۶۴۶:۲	۶۴۸:۲	۶۴۹:۲
۶۵۱:۲	۶۵۲:۲	۶۵۵:۲	۶۵۶:۲
۶۵۸:۲	۶۵۹:۲	۶۶۰:۲	۶۶۱:۲
۶۶۶:۲	۶۶۷:۲	۶۶۸:۲	۶۶۹:۲
۶۷۲:۲	۶۷۴:۲	۶۷۷:۲	۶۷۹:۲
۶۸۴:۲	۶۸۵:۲	۷۴۴:۲	۷۴۵:۲
۱۷۱:۳	۲۶۳:۳	۳۴۷:۳	۶۰۱:۳
۶۹۵:۳	۷۰۵:۳	۷۲۲:۳	۷۹۸:۳

اشخاص و قبيله‌ها و فرقه‌ها ۳۰۵

- ابو امامه ۲۷۵:۵
 ابوبکر ۷۱۲:۱، ۷۹۴:۱، ۱۷۷:۲، ۲۵۵:۲، ۵۱۴:۲، ۱۱۷:۴، ۱۶۱:۴، ۱۶۳:۴، ۴۷۴:۴، ۴۷۵:۴، ۵۰۰:۴، ۷۵۱:۴، ۸۴۰:۴، ۱۸۶:۵، ۲۲۴:۵، ۲۷۳:۶، ۲۷۴:۶، ۲۷۵:۶، ۲۷۶:۶، ۲۹۹:۶، ۳۰۰:۶، ۳۰۲:۶، ۳۰۴:۶، ۳۰۵:۶، ۳۰۸:۶، ۳۰۹:۶، ۳۱۰:۶، ۳۱۴:۶، ۳۱۸:۶
 ابوبکر بیکندی ۱۹۷:۴
 ابوبکر ریابی ۴۸۰:۲
 ابوبکر عتیق بن ابی قحافه ۶۲۸:۱
 ابوبکر عتیق بن محمد سورآبادی ۲۳۷:۱
 ابوبکر محمد بن محمد (ابن ابی ثلج) ۱۰۳۴:۵
 ابوبکر نساج ۱۱۱۶:۳
 ابوتراب (علی (ع)) ۱۰۷۷:۱
 ابوتراب نخشی ۱۲۹:۲
 ابوثمامه (ابوحزمه) ۷۹۲:۳
 ابوجهل (عمرو بن هشام بن مغیره مخزومی) ۲۷۶:۱، ۳۴۸:۱، ۳۵۰:۱، ۴۸۱:۱، ۴۸۲:۱، ۴۹۱:۱، ۶۵۷:۱، ۶۵۸:۱، ۶۵۹:۱، ۷۱۲:۱، ۹۷۵:۱، ۲۲۸:۲، ۴۰۶:۲، ۵۱۵:۲، ۶۵۹:۲، ۱۱۶:۴، ۷۹۳:۴، ۲۲۶:۵، ۳۳۰:۵، ۳۳۱:۵، ۵۲۳:۶، ۱۰۷۹:۶
 ابوحاتم ۳۲۹:۳، ۲۹۵:۱
 ابوحازم مدنی ۴۹۴:۳
 ابوالحسن اشعری ۲۸۹:۱، ۴۷۴:۱، ۴۷۵:۱، ۴۷۶:۱، ۴۷۹:۱، ۴۱۲:۲، ۷۹:۴، ۸۷۰:۶
 ابوالحسن خرقانی ۵۶۷:۶، ۵۷۱:۶، ۵۷۲:۶، ۵۷۴:۶، ۵۷۶:۶
 ابوالحسن علی بن احمد واحدی ۹۳۳:۱
 ابوالحسن علی بن حبیب بصری بغدادی
 شافعی (ماوردی) ۷۶۶:۵
 ابوالحسن قفطی ۱۸:۴
 ابوالحسن مسلم بن حجاج نیشابوری ۹۹۰:۱
 ابوالحسن علی رزین هروی ۱۹۷:۴
 ابوالحسن نوری ۱۸۶:۳، ۹۴۸:۵
 ۵۹۴:۳، ۸۲۷:۳، ۸۷۷:۳، ۹۲۹:۳، ۱۱۸۸:۳، ۲۸۴:۴، ۳۲۷:۴، ۷۵۹:۴، ۹۴۷:۴، ۴۸:۵، ۲۳۴:۵، ۳۹۶:۵، ۶۵۷:۵، ۶۸۵:۵، ۷۴۱:۵، ۹۷۳:۵
 ابن عبدالبر ۹۳۳:۱
 ابن عربی (محبی الدین عربی) ۵۲:۱، ۶۶:۱، ۷۸:۱، ۸۳:۱، ۲۲۲:۱، ۲۲۵:۱، ۲۲۶:۱، ۲۳۷:۱، ۲۹۷:۱، ۳۴۵:۱، ۵۳۳:۱، ۵۷۰:۱، ۶۵۰:۱، ۷۲۶:۱، ۷۵۱:۱، ۷۷۳:۱، ۷۸۵:۱، ۷۹۹:۱، ۸۵۳:۱، ۸۵۵:۱، ۹۰۶:۱، ۹۶۰:۱، ۱۸:۲، ۸۴:۲، ۲۳۱:۲، ۲۳۴:۲، ۲۵۲:۲، ۲۵۳:۲، ۲۶۸:۲، ۳۰۷:۲، ۳۲۹:۲، ۵۹۴:۲، ۷۹۲:۲، ۲۹۷:۳، ۳۹۸:۳، ۴۰۹:۳، ۴۹۴:۳، ۸۹۹:۳، ۹۱۶:۳، ۱۰۱۴:۳، ۱۳۳:۴، ۱۸۷:۴، ۲۴۰:۴، ۲۸۴:۴، ۲۸۵:۴، ۳۳۰:۴، ۴۲۵:۴، ۴۸۸:۴، ۵۴۹:۴، ۶۸۴:۴، ۶۹۱:۴، ۶۹۲:۴، ۷۰۱:۴، ۷۵۹:۴، ۷۹۵:۴، ۷۹۶:۴، ۹۰۱:۴، ۹۷۸:۴، ۱۵۸:۵، ۲۳۴:۵، ۲۵۸:۵، ۴۲۳:۵، ۴۴۵:۵، ۵۳۰:۵، ۵۸۱:۵، ۵۹۷:۵، ۶۴۱:۵، ۶۴۳:۵، ۶۴۴:۵، ۷۰۵:۵، ۱۰۷۹:۵، ۶۱:۶، ۷۴:۶، ۳۱۹:۶، ۱۰۷۶:۶
 ابن فارض (مصری) ۴۵۱:۲، ۸۳:۲، ۶۵۰:۱، ۶۱۱:۳، ۶۱۰:۴، ۱۷۷:۴، ۲۲۲:۴، ۲۴۰:۴، ۶۱۴:۴، ۱۸۴:۵، ۶۴۴:۵، ۶۹۵:۵، ۷۵۰:۵، ۲۰۷:۶، ۶۰۴:۶
 ابن قمنه ۶۷:۶
 ابن کثیر ۱۶۲:۴
 ابن مالک ۱۰۷:۵
 ابن مسعود ۳۲۷:۴، ۶۸۵:۵
 ابن هشام ۹۷۵:۵، ۳۲۰:۶
 ابن هيثم ۳۷۹:۱
 ابن یمن ۶۱۰:۲
 ابواحمد آمدی (آمدی) ۵۳۵:۵، ۵۷۸:۵، ۱۸۱:۶
 ابواسحاق اصطخری ۳۵۸:۳
 ابواسحق ابراهیم بن علی حصری ۹۱۵:۱

- ابو حفص ۱: ۶۸۹، ۱: ۱۰۳۲، ۴: ۵۱۰، ۵: ۱۸
 ابو حفص عمر بن احمد (ابن شاهین) ۵: ۷۶۶
 ابو الحکم (ابو جهل) ۶: ۶۶۱
 ابو حمدون قصار ۴: ۶۲۹
 ابو حمزه ثمالی: ۲: ۶۹۱
 ابو حنیفه (ابی حنیفه) ۱: ۸۲۹، ۲: ۸۱۲، ۳: ۶۷۰، ۳: ۲۵۶، ۵: ۹۸۲
 ابو حیان توحیدی ۲: ۳۷۷، ۳: ۳۱۱
 ابو الخیر اقطع (تیتانی) ۳: ۴۱۳، ۳: ۴۱۴
 ابو الخیر نیشابوری ۳: ۴۱۲
 ابو برداء ۶: ۳۲۸
 ابوذر ۲: ۷۵، ۳: ۴۶، ۶: ۳۷۹، ۶: ۷۰۳
 ابوریحان بیرونی ۱: ۲۶۵، ۱: ۷۴۰، ۱: ۹۱۸، ۲: ۷۵، ۳: ۶۴۶، ۳: ۱۲۰، ۴: ۵۹، ۴: ۲۷۱، ۴: ۲۴۵، ۵: ۱۰۴، ۶: ۲۷۶
 ابوسعید (آبی) ۱: ۴۰۱، ۱: ۸۷۷، ۲: ۳۸۰
 ابوسعید خرگوشی ۶: ۷۹۰
 ابوسعید ابی الخیر (ابوسعید) ۱: ۳۲۴، ۲: ۱۳۰، ۲: ۱۳۱، ۴: ۱۶۶، ۴: ۴۱۸، ۴: ۵۹۶، ۵: ۱۰۴۷، ۶: ۲۲۶
 ابوسلیمان دارانی ۴: ۶۳۲
 ابوطالب مکی ۳: ۳۲۰، ۳: ۴۹۲، ۵: ۱۰۰۷
 ابوطالب (ع) ۴: ۲۹۰، ۴: ۷۸۳، ۵: ۱۰۳۹، ۶: ۷۵، ۶: ۷۷، ۶: ۷۶
 ابو عامر راهب ۲: ۶۹۶، ۲: ۷۰۳
 ابو العباس احمد بن عبد المؤمن شریسی ۴: ۱۸
 ابو عبد الرحمن (ابو الحسام) ۴: ۳۶۲، ۶: ۱۱۲
 ابو عبد الله خفیف ۳: ۴۰
 ابو عبد الله قلانسی ۳: ۴۰
 ابو عبد المنعم بن محمد بن محمد بن ابی المضاد دقوقی ۳: ۴۹۹
 ابو عبیده جراح ۵: ۲۲۴
 ابو علی ایوب ۱: ۹۱۵
 ابو علی جوزجانی ۱: ۵۳۱
 ابو علی قالی ۴: ۴۵۲
 ابو علی محسن بن علی التنوخی ۱: ۹۱۵، ۶: ۷۹۰
 ابو الفلاح حنبلی ۶: ۱۰۵۷
 ابو الفتوح (ـ رازی) ۱: ۷۸۹، ۲: ۳۷۲، ۲: ۴۱۵، ۳: ۱۱۰۸، ۴: ۲۶، ۴: ۲۹۰، ۴: ۶۶۰، ۴: ۶۸۵، ۴: ۷۵۹، ۴: ۹۷۶، ۵: ۱۵۵، ۵: ۴۷۲، ۵: ۵۵۲، ۵: ۸۸۶، ۶: ۲۸۵، ۶: ۲۲۸، ۶: ۲۰۹
 ابو الفرج ابن جوزی ۳: ۴۱۲
 ابو الفرج عبد الرحمن بن جوزی ۱: ۸۷۸
 ابو القاسم میرفندرسکی ۵: ۶۶۶، ۵: ۶۸۳
 ابو لهب (ابی لهب، عبد العزی) ۲: ۱۳۸، ۲: ۳۱۸، ۲: ۶۵۹، ۲: ۸۳۲، ۳: ۱۷۵، ۳: ۴۲۴، ۳: ۵۳۱، ۳: ۳۱۳، ۵: ۲۲۹، ۵: ۶۳۷، ۳: ۵۳۲
 ابولیت سمرقندی ۲: ۵۸۷
 ابو مرّة (شیطان) ۳: ۱۷۱
 ابو موسی ۶: ۵۱۲
 ابونصر سراج (ـ طوسی) ۱: ۸۲، ۱: ۱۰۰۵، ۴: ۵۸۹، ۵: ۱۱۲۶، ۶: ۲۶۷
 ابونصر فارابی ۱: ۵۰۹، ۱: ۶۰۵
 ابونعیم (ـ اصفهانی) ۵: ۷۶۹، ۵: ۹۸۶
 ابونواس ۱: ۳۶۸، ۴: ۵۹۹، ۴: ۶۶۴
 ابو هاشم صوفی ۱: ۴۴۸
 ابو الهذیل علاّف ۳: ۳۹۴
 ابوهریره (عبد الرحمن بن صخر دوسی) ۱: ۹۴۷، ۱: ۹۷۳، ۳: ۸۲۱، ۵: ۷۶۹، ۶: ۷۰۳
 ابی بن خلف ۵: ۴۴۸
 احمد اسرائیل ۱: ۹۱۵
 احمد ایوب ۱: ۹۱۵
 احمد بن ابی الحواری ۵: ۹۸۶
 احمد بن عاصم انطاکی ۲: ۳۸۲
 احمد بن فاتک ۲: ۳۶۲
 احمد چلبی ۶: ۳۹۱
 احمد حنبلی ۱: ۲۲۴
 احنف بن قیس ۴: ۲۷۹
 احیمر ۱: ۱۰۸۸
 اخفش ۳: ۲۸۳

- اخوخ ۷۵۹:۴
 ادریس (ع) ۶۵:۱، ۲۳۷:۱، ۷۵۹:۴، ۷۶۰:۴، ۷۸۲:۶، ۷۴:۶، ۷۳:۶
 ادوارد کارپنتر ۷۹۴:۲
 ادیب صابر ۶۶۴:۴
 ارسطو ۱:۹۱، ۳:۲۹۳، ۳:۱۰۰۲، ۴:۶۳، ۴:۱۰۳۸
 ۷۹۹:۵، ۷۵:۵
 اِرم ۱:۲۹۶، ۱:۹۰۶، ۲:۹۰۷
 ارم بن اوس بن سام ۴:۲۵۳
 ارمیا ۳:۴۵۲
 ارنت ۶:۲۴۳
 ازوپ (ازوپس) ۳:۱۸۳، ۶:۶۹۱
 اسامة بن زید ۴:۵۷۵، ۴:۵۷۶
 اسامة بن شریک ثعلبی ۵:۸۹۱
 اسباط ۱:۱۴۶
 اسپینوزا ۶:۱۹۵
 اسحق (اسحاق) ۱:۱۴۶، ۲:۵۸۶، ۳:۱۰۶۷
 استعلامی ۶:۱۱، ۶:۲۲۲، ۶:۲۲۸، ۶:۸۵۶
 ۱۰:۱۰۲، ۶:۱۰۱۵، ۶:۱۰۳۱، ۶:۱۰۳۷
 ۶:۱۰۴۰، ۶:۱۱۱۰، ۶:۱۱۱۷، ۶:۱۱۵۷
 ۶:۱۲۱۶، ۶:۱۲۳۵، ۶:۱۲۴۲
 اسرافیل ۱:۱۶۳، ۱:۵۹۶، ۱:۵۹۷، ۲:۲۳۰، ۳:۲۳
 ۳:۱۷۴، ۳:۹۱۹، ۳:۹۲۰، ۳:۹۲۹، ۳:۹۷۵
 ۳:۱۱۹۴، ۳:۱۱۹۵، ۴:۲۶۵، ۴:۴۳۱، ۵:۱۹۳
 ۵:۳۷۱، ۵:۴۳۲، ۵:۴۳۳، ۵:۴۴۷، ۵:۴۴۸
 ۵:۴۴۹، ۵:۴۵۱، ۵:۴۵۲، ۵:۴۵۳، ۵:۱۱۳۲
 ۶:۱۹۳، ۶:۵۸۴
 اسکندر (مقدونی، کبیر، الکساندر)
 ۲:۳۳، ۴:۱۰۳۶، ۵:۸۰۰، ۶:۷۰۴
 اسماء (بنت عمیس) ۵:۷۶۶
 اسماعیل (ع) ۱:۱۱۸، ۱:۱۴۶، ۱:۱۷۵، ۲:۲۴۳، ۲:۲۵۳، ۳:۵۵۶، ۳:۱۰۴۹، ۳:۱۰۶۷، ۴:۳۱۵، ۵:۶۰۶، ۵:۶۰۷، ۶:۳۸۹، ۶:۶۵۶، ۶:۶۵۷
 ۶:۱۰۲۸
 اسماعیل بن حماد جوهری ۶:۳۹۱
 اسماعیل حاکمی ۳:۱۰۵۶
 اسماعیلیه ۳:۱۰۴۹، ۴:۶۱۷
 اسود عنسی (سهلة بن کعب بن عوف ~)
 ۶:۵۲۴
 اشعریان (اشاعره) ۲:۴۲
 اشکانیان ۳:۷۶
 اشموئیل ۳:۵۰۸
 اصحاب ایکه ۶:۵۸۴
 اصحاب صفه ۲:۷۵
 اصحاب الکلفة ۴:۱۷
 اصحاب کھف (جوانمردان کھف) ۱:۱۶۵
 ۱:۳۴۹، ۱:۸۷۵، ۱:۸۸۰، ۲:۲۹، ۲:۳۰، ۲:۱۱۱
 ۲:۳۶۸، ۲:۳۶۹، ۲:۵۰۳، ۲:۵۱۴، ۲:۵۹۳
 ۲:۶۴۰، ۲:۸۵۹، ۳:۷۲، ۳:۹۸، ۳:۷۴۴، ۴:۲۰۳
 ۴:۸۰۱، ۵:۵۵۲، ۵:۷۱۸، ۵:۸۱۲، ۵:۸۱۳
 ۵:۹۹۵
 اصطخری ۳:۴۵، ۴:۸۸۶
 اُغز (غز) ۵:۴۲
 افضل الدین خاقانی ۳:۲۹۲
 افلاطون ۱:۶۴، ۱:۶۲۹، ۱:۸۲۷، ۲:۹۰۹، ۳:۱۲۹
 ۳:۳۱۱، ۳:۹۴۲، ۴:۳۳۰، ۴:۵۵۹، ۴:۶۳۲
 ۴:۱۰۶۷
 افلاکی ۲:۱۷، ۲:۱۲۰، ۳:۳۸۰، ۳:۶۹۷، ۳:۹۲۲
 ۳:۱۰۸۰، ۵:۲۶۴، ۵:۵۵۲، ۶:۷۴، ۶:۴۹۵
 اقبال لاهوری ۵:۴۷۶
 اقلیدس ۳:۹۴۲، ۴:۲۳۶
 اکبر آبادی ۱:۵۳، ۱:۵۵، ۱:۷۷، ۱:۱۵۴، ۱:۱۷۰
 ۱:۱۹۸، ۱:۲۳۵، ۱:۲۶۵، ۱:۳۳۵، ۱:۳۶۵
 ۱:۳۷۶، ۱:۳۸۵، ۱:۳۸۷، ۱:۴۱۰، ۱:۴۱۳
 ۱:۴۳۳، ۱:۴۶۴، ۱:۴۹۹، ۱:۵۰۸، ۱:۵۳۳
 ۱:۵۴۱، ۱:۵۴۵، ۱:۵۴۶، ۱:۵۵۴، ۱:۵۵۶
 ۱:۵۶۵، ۱:۵۷۸، ۱:۵۸۹، ۱:۶۰۹، ۱:۶۲۶
 ۱:۶۷۱، ۱:۶۷۲، ۱:۶۸۳، ۱:۷۳۱، ۱:۷۵۴
 ۱:۷۶۸، ۱:۷۸۲، ۱:۸۰۱، ۱:۸۱۲، ۱:۸۱۵
 ۱:۸۴۹، ۱:۹۲۳، ۱:۹۴۰، ۱:۹۴۴، ۱:۹۴۷

۴۶۴:۵، ۵۱۷:۵، ۵۳۱:۵، ۵۳۲:۵، ۵۳۵:۵،
۵۶۶:۵، ۵۸۱:۵، ۵۹۷:۵، ۶۰۰:۵، ۶۰۱:۵،
۶۱۸:۵، ۶۲۷:۵، ۶۴۱:۵، ۶۴۲:۵، ۶۵۱:۵،
۷۴۲:۵، ۷۵۶:۵، ۷۶۴:۵، ۸۲۵:۵، ۸۴۳:۵،
۸۴۸:۵، ۸۵۲:۵، ۸۶۴:۵، ۸۸۴:۵، ۸۹۲:۵،
۹۱۸:۵، ۱۰۰۹:۵، ۱۰۳۴:۵، ۱۰۶۲:۵،
۱۰۶۸:۵، ۱۰۷۲:۵، ۱۱۲۸:۵، ۴۷:۶، ۵۹:۶،
۶۱:۶، ۶۲:۶، ۶۳:۶، ۸۶:۶، ۱۹۲:۶، ۱۹۸:۶،
۲۰۴:۶، ۲۲۱:۶، ۲۲۲:۶، ۳۱۷:۶، ۴۸۰:۶،
۶۰۷:۶، ۶۳۰:۶، ۶۷۶:۶، ۷۲۴:۶، ۷۵۱:۶،
۸۳۰:۶، ۸۷۴:۶، ۱۰۱۲:۶، ۱۰۴۵:۶، ۱۰۶۵:۶،

۱۰۷۹:۶، ۱۰۸۰:۶

الپ ارسلان ۱۱۳۹:۳

المیاس ۲۳:۲

الیاس ۷۳:۶، ۷۴:۶

امام ابوحنیفه ۸۶۷:۵، ۷۶۲:۶

امام باقر(ع) ۱۱۸۳:۳، ۱۱۹۳:۳، ۳۶۰:۴، ۷۵۱:۴،

۱۰۳۱:۴، ۱۸۱:۵، ۷۸۷:۵، ۶۸۴:۶

امام جعفر صادق(امام صادق(ع)، حضرت

صادق) ۱۳۰:۱، ۲۴۵:۱، ۳۶۷:۱، ۴۴۴:۱،

۴۸۳:۱، ۳۲۷:۳، ۳۵۳:۳، ۱۱۰۶:۳، ۱۱۸۳:۳،

۲۱۳:۴، ۴۴۰:۴، ۸۳۵:۴، ۸۸۵:۴، ۹۳۳:۴،

۱۰۳۱:۴، ۲۵۷:۵، ۳۵۶:۵، ۵۲۷:۵، ۶۰۷:۵،

۸۱۶:۵، ۱۰۱۰:۵، ۱۱۲:۶، ۲۷۱:۶،

۲۷۶:۶، ۲۷۷:۶، ۲۹۱:۶، ۲۹۸:۶،

۵۲۳:۶، ۱۰۹۱:۶

امام الحرمین ابوالمعالی عبدالله بن ابی محمد

عبدالملک جوینی ۵۲۸:۱

امام جواد ۱۶۹:۵

امام حسن(ع) ۵۶۵:۴، ۵۶:۵، ۴۳۵:۵، ۳۴۴:۶،

امام حسین(ع) (سیدالشهداء) ۲۱۵:۱، ۲۲۶:۱،

۴۵۴:۱، ۵۵۳:۲، ۳۳۷:۳، ۵۶:۵، ۲۸۸:۵،

۳۶۸:۵، ۴۳۵:۵، ۴۴۸:۵، ۵۰۳:۵، ۵۲۳:۵،

۱۸۶:۶، ۲۴۳:۶، ۲۴۶:۶، ۱۰۷۵:۶

امام رضا(ع) ۳۵۹:۴، ۵۶۴:۴، ۹۷۱:۴

۱۰۰۶:۱، ۱۰۴۵:۱، ۱۰۴۸:۱، ۱۰۷۵:۱، ۲۱:۲،
۲۲:۲، ۳۰:۲، ۳۱:۲، ۳۴:۲، ۳۵:۲، ۳۶:۲، ۳۸:۲،
۴۱:۲، ۵۱:۲، ۵۴:۲، ۸۲:۲، ۸۴:۲، ۸۸:۲،
۱۰۰:۲، ۱۰۲:۲، ۱۰۴:۲، ۱۰۵:۲، ۱۰۶:۲،
۱۱۱:۲، ۱۳۲:۲، ۱۳۳:۲، ۱۴۶:۲، ۱۸۳:۲،
۱۸۹:۲، ۲۱۸:۲، ۲۶۴:۲، ۲۶۹:۲، ۳۰۹:۲،
۳۲۶:۲، ۳۲۹:۲، ۴۲۱:۲، ۴۲۴:۲، ۴۳۰:۲،
۴۳۲:۲، ۴۶۷:۲، ۴۹۲:۲، ۵۲۰:۲، ۵۷۹:۲،
۷۰۰:۲، ۷۰۸:۲، ۷۱۲:۲، ۷۱۷:۲، ۷۲۰:۲،
۷۳۰:۲، ۷۳۸:۲، ۷۶۴:۲، ۷۹۳:۲، ۸۰۰:۲،
۸۰۶:۲، ۸۱۶:۲، ۸۴۳:۲، ۸۴۶:۲، ۸۶۰:۲،
۸۶۲:۲، ۸۶۷:۲، ۹۲۴:۲، ۳۰:۳، ۴۷:۳، ۵۵:۳،
۵۷:۳، ۱۰۳:۳، ۱۳۷:۳، ۱۶۲:۳، ۲۴۴:۳،
۲۷۳:۳، ۲۷۶:۳، ۲۸۳:۳، ۳۱۷:۳، ۳۲۱:۳،
۳۲۸:۳، ۳۶۶:۳، ۳۹۸:۳، ۴۶۰:۳، ۴۸۴:۳،
۵۳۲:۳، ۵۰۶:۳، ۵۲۴:۳، ۵۴۸:۳، ۶۰۹:۳،
۶۱۰:۳، ۶۴۴:۳، ۶۵۹:۳، ۷۳۱:۳، ۷۸۰:۳،
۸۱۸:۳، ۸۲۵:۳، ۸۵۰:۳، ۸۵۳:۳، ۸۶۱:۳،
۹۱۵:۳، ۹۲۶:۳، ۹۳۰:۳، ۹۵۱:۳، ۹۵۲:۳،
۹۵۵:۳، ۹۶۷:۳، ۹۷۰:۳، ۹۷۳:۳، ۹۷۹:۳،
۱۰۰۶:۳، ۱۰۵۲:۳، ۱۰۵۹:۳، ۸۴:۴، ۸۹:۴،
۱۱۰:۴، ۱۳۵:۴، ۱۴۴:۴، ۱۴۸:۴، ۲۰۳:۴،
۳۰۷:۴، ۳۳۰:۴، ۳۸۸:۴، ۴۱۹:۴، ۴۵۸:۴،
۴۷۵:۴، ۴۸۰:۴، ۵۴۱:۴، ۵۵۰:۴، ۵۸۳:۴،
۵۹۰:۴، ۶۱۹:۴، ۶۴۳:۴، ۶۶۴:۴، ۶۶۹:۴،
۶۷۸:۴، ۶۷۹:۴، ۶۸۰:۴، ۶۸۳:۴، ۶۹۷:۴،
۷۰۳:۴، ۷۱۸:۴، ۷۲۴:۴، ۷۲۸:۴، ۷۳۲:۴،
۷۴۰:۴، ۷۵۰:۴، ۷۵۷:۴، ۷۶۵:۴، ۸۰۳:۴،
۸۰۷:۴، ۸۲۰:۴، ۸۴۸:۴، ۸۶۱:۴، ۸۶۲:۴،
۹۰۷:۴، ۹۲۸:۴، ۹۳۴:۴، ۹۵۱:۴، ۹۵۳:۴،
۹۶۴:۴، ۹۸۵:۴، ۱۰۰۳:۴، ۱۰۱۸:۴، ۱۰۵۴:۴،
۱۰۵۹:۴، ۱۰۶۵:۴، ۱۰۶۹:۴، ۱۰۷۰:۴،
۱۰۷۱:۴، ۲۲:۵، ۲۸:۵، ۷۰:۵، ۸۹:۵، ۹۷:۵،
۱۰۰:۵، ۱۰۱:۵، ۱۰۴:۵، ۲۱۰:۵، ۲۱۴:۵،
۳۳۴:۵، ۳۶۹:۵، ۳۸۰:۵، ۴۲۲:۵، ۴۵۴:۵

اشخاص و قبيله‌ها و فرقه‌ها ۳۰۹

۱۸۳:۲، ۱۸۶:۲، ۳۴۰:۲، ۴۲۰:۲، ۴۳۱:۲
 ۴۳۳:۲، ۴۵۹:۲، ۴۶۶:۲، ۵۲۲:۲، ۶۲۸:۲
 ۱۱۱:۳، ۱۹۳:۳، ۲۳۳:۳، ۲۵۰:۳، ۲۸۳:۳
 ۳۰۴:۳، ۳۱۳:۳، ۳۱۷:۳، ۳۶۳:۳، ۵۲۴:۳
 ۵۴۵:۳، ۵۶۰:۳، ۶۰۹:۳، ۶۱۲:۳، ۶۳۷:۳
 ۶۴۵:۳، ۶۶۰:۳، ۷۱۸:۳، ۸۲۱:۳، ۹۵۱:۳
 ۹۵۵:۳، ۹۶۵:۳، ۹۷۹:۳، ۱۰۳۲:۳، ۱۰۷۵:۳
 ۱۱۹۷:۳، ۱۷:۴، ۴۳:۴، ۵۹:۴، ۱۲۱:۴، ۱۵۱:۴
 ۱۵۳:۴، ۱۶۷:۴، ۱۷۴:۴، ۱۸۱:۴، ۱۸۴:۴
 ۱۸۵:۴، ۲۲۹:۴، ۲۳۶:۴، ۲۳۷:۴، ۳۸۸:۴
 ۴۵۸:۴، ۴۸۱:۴، ۶۱۹:۴، ۶۳۶:۴، ۶۴۳:۴
 ۶۶۹:۴، ۶۷۸:۴، ۶۸۰:۴، ۶۸۳:۴، ۷۲۴:۴
 ۷۲۸:۴، ۷۴۰:۴، ۷۸۲:۴، ۷۸۷:۴، ۸۰۵:۴
 ۸۰۷:۴، ۸۱۳:۴، ۸۱۸:۴، ۸۳۹:۴، ۸۴۸:۴
 ۸۵۲:۴، ۸۶۲:۴، ۸۶۸:۴، ۸۷۴:۴، ۹۰۷:۴
 ۹۱۸:۴، ۹۱۹:۴، ۹۳۰:۴، ۹۵۳:۴، ۹۶۴:۴
 ۹۷۴:۴، ۹۸۲:۴، ۹۸۵:۴، ۹۹۵:۴، ۱۰۱۱:۴
 ۱۰۵۴:۴، ۱۰۶۵:۴، ۱۰۶۹:۴، ۱۰۷۲:۴، ۱۸:۵
 ۲۷:۵، ۵۲:۵، ۵۷:۵، ۶۸:۵، ۷۰:۵، ۸۹:۵
 ۱۰۰:۵، ۱۰۱:۵، ۱۳۰:۵، ۲۱۴:۵، ۲۲۵:۵
 ۳۸۰:۵، ۴۱۸:۵، ۴۲۲:۵، ۴۹۳:۵، ۵۱۶:۵
 ۵۳۱:۵، ۶۰۰:۵، ۶۱۶:۵، ۶۲۱:۵، ۶۴۲:۵
 ۶۵۱:۵، ۶۵۶:۵، ۶۵۷:۵، ۶۸۶:۵، ۶۹۰:۵
 ۶۹۴:۵، ۷۰۵:۵، ۷۰۶:۵، ۷۱۷:۵، ۷۴۲:۵
 ۷۵۱:۵، ۷۸۷:۵، ۸۳۴:۵، ۸۳۹:۵، ۸۴۰:۵
 ۸۵۲:۵، ۸۵۷:۵، ۸۶۳:۵، ۸۷۱:۵، ۸۸۴:۵
 ۸۹۱:۵، ۹۱۸:۵، ۹۷۷:۵، ۹۹۹:۵، ۱۰۶۴:۵
 ۹۰:۶، ۱۱۱:۶، ۱۷۲:۶، ۲۰۴:۶، ۲۱۸:۶
 ۲۲۱:۶، ۲۲۲:۶، ۲۴۶:۶، ۲۷۰:۶، ۲۹۰:۶
 ۳۱۱:۶، ۴۸۰:۶، ۴۸۱:۶، ۵۱۲:۶، ۶۰۶:۶
 ۶۱۸:۶، ۷۵۶:۶، ۸۳۱:۶، ۸۵۶:۶، ۸۷۵:۶
 ۹۲۷:۶، ۱۰۱۲:۶، ۱۰۴۵:۶

انوری ۹۳۱:۵، ۷۴۱:۵، ۶۶۴:۴

انوشیروان ۷۰۴:۶، ۲۱۹:۳

اوحدالدین رازی ۵۱:۱

امام زمان ۲۳۰:۲
 امام سجاده (ع) (زین العابدین، حضرت سجاده)
 ۱۰۳:۲، ۶۹۱:۲، ۳۳۷:۳، ۳۱۶:۴، ۱۰۵۷:۶

ام سلمه ۲۰۹:۶، ۱۰۶۱:۳

ام کلثوم (دختر پیامبر) ۲۵۵:۲

امام فخر رازی (فخرالدین رازی) ۴۳۹:۱

۳۴۳:۳، ۱۱۸۸:۳، ۱۱۹۷:۳، ۷۰:۴، ۱۷۶:۴

۲۸۳:۴، ۳۸۵:۴، ۹۴۸:۴، ۹۴۹:۴، ۳۴۶:۵

۱۱۲۴:۵، ۱۱۲۵:۵، ۲۸۵:۶

امام قشیری ۴۲۵:۱، ۷۵:۲، ۱۰۳:۲، ۴۸۷:۳

۵۸۹:۴، ۲۰۴:۶

امام کاظم (ع) ۴۶۱:۴

امام محمد غزالی (غزالی) ۴۳۸:۱، ۹۹۸:۱

۱۰۵۹:۱، ۱۰۳:۲، ۵۵۴:۲، ۶۸۰:۲، ۷۱۹:۲

۲۷۸:۳، ۳۲۰:۳، ۳۴۱:۳، ۳۴۳:۳، ۳۹۴:۳

۴۷۳:۳، ۴۸۷:۳، ۵۶۲:۳، ۶۵۲:۳، ۹۳:۴

۲۴۰:۴، ۶۳۰:۴، ۶۴۱:۴، ۶۴۴:۴، ۷۶۲:۴

۸۸۹:۴، ۱۳:۵، ۱۲۵:۵، ۶۵۹:۵، ۲۰۴:۶

امتای (متا) ۷۶۷:۲

امرو القیس ۱۱۰:۳، ۱۰۲۹:۶، ۱۰۳۰:۶، ۱۰۳۱:۶

۱۰۳۲:۶

ام‌هانی (خواهر حضرت علی (ع)) ۵۰۳:۱، ۱۶۷:۴

امیه بن خلف ۵۱۶:۲، ۱۰۷۸:۵، ۲۷۴:۶

امیرحسین آریانپور ۶۹۲:۶

امیرحسین هروی ۳۸۰:۲

امیر خسرو ۵۴۵:۴

امیر عبدالفتاح ۱۵۱:۴

امینی، علامه ۷۶۶:۵

آنس (بن مالک، مالک) ۶۲۳:۱، ۵۳۷:۲

۳۴۹:۳، ۷۹۱:۳، ۷۹۴:۳، ۴۱۷:۴، ۷۵۹:۴

انقروی، اسماعیل ۵۱:۱، ۵۸:۱، ۷۶:۱، ۸۷:۱

۳۲۶:۱، ۴۴۶:۱، ۵۵۵:۱، ۵۶۹:۱، ۵۸۳:۱

۶۳۲:۱، ۶۵۴:۱، ۷۰۱:۱، ۷۲۲:۱، ۱۰۳۷:۱

۲۵:۲، ۳۲:۲، ۳۴:۲، ۳۶:۲، ۷۷:۲، ۸۲:۲

۱۰۵:۲، ۱۰۹:۲، ۱۳۳:۲، ۱۳۸:۲، ۱۶۵:۲

بحرالعلوم، عبدالعلی ۱۱۲۱:۵
 ۱۶:۴، ۲۶:۳، ۳۲۴:۱، ۳۸۸:۴، ۳۲۴:۴، ۳۲۳:۴، ۲۳۵:۴، ۱۵۳:۴، ۳۹۵:۴، ۴۳۴:۴، ۵۴۱:۴، ۵۵۰:۴، ۵۹۰:۴، ۷۲۲:۴، ۷۰۳:۴، ۶۷۸:۴، ۶۶۹:۴، ۶۱۹:۴، ۸۳۳:۴، ۸۴۸:۴، ۸۶۲:۴، ۹۳۴:۴، ۱۰۶۵:۴، ۱۰۶۹:۴، ۱۱۵:۵، ۱۰۱:۵، ۹۸:۵، ۵۲:۵، ۲۸:۵، ۲۱۴:۵، ۲۷۴:۵، ۲۸۷:۵، ۸۶۴:۵، ۹۶۳:۵، ۱۰۶۵:۶، ۱۸۷:۶، ۷۵:۶، ۵۹:۶، ۳۳:۶
 بخاری ۱۱۲۹:۵، ۸۹۲:۵، ۷۶۶:۵، ۴۸۱:۴، ۶۶:۳، ۱۳۰:۴
 بخت النصر ۳۶۲:۳
 بدرالدین تبریزی ۳۵:۶
 بشار بن برد ۵۱۰:۴
 بصریان ۱۶۶:۶
 بطليموس ۲۳۶:۴، ۷۴۴:۱
 بقرات ۷۰:۴، ۱۰۱۹:۳
 بکیارق (برکیارق) ۹۱۸:۵
 بلاذری ۴۴۹:۴
 بلال (سحبشی، سبن ریاح) ۶۱۵:۱، ۶۱۶:۱، ۷۵:۲، ۶۵:۳، ۶۶:۳، ۸۹۷:۳، ۸۹۸:۳، ۸۹۹:۳، ۹۰۰:۳، ۹۰۲:۳، ۲۷۳:۶، ۲۷۴:۶، ۲۷۵:۶، ۲۷۶:۶، ۲۷۷:۶، ۲۷۸:۶، ۲۷۹:۶، ۲۸۸:۶، ۲۹۰:۶، ۲۹۱:۶، ۲۹۴:۶، ۲۹۸:۶، ۲۹۹:۶، ۳۰۲:۶، ۳۰۸:۶، ۳۰۹:۶، ۳۱۰:۶، ۳۱۱:۶، ۳۱۲:۶، ۳۱۳:۶، ۳۱۴:۶، ۳۱۵:۶، ۳۱۶:۶، ۳۲۱:۶، ۳۲۲:۶
 بلعم باغور ۱۹۰:۳، ۹۵۱:۱، ۹۵۰:۱، ۵۱۵:۱، ۱۰۲۳:۵، ۸۱۴:۴، ۱۲۱۷:۳
 بلقیس (ملکہ سبا) ۹۱۳:۲، ۴۰۶:۲، ۴۰۵:۲، ۱۸۶:۴، ۱۸۷:۴، ۱۸۸:۴، ۱۸۹:۴، ۲۰۲:۴، ۲۰۴:۴، ۲۱۴:۴، ۲۱۵:۴، ۲۳۰:۴، ۲۳۱:۴، ۲۳۴:۴، ۲۵۲:۴، ۲۵۶:۴، ۲۵۷:۴، ۲۵۹:۴، ۲۶۴:۴، ۲۶۵:۴، ۲۶۶:۴، ۲۶۷:۴، ۲۷۰:۴، ۲۷۱:۴، ۲۷۲:۴، ۲۷۳:۴، ۲۷۴:۴، ۲۷۵:۴

اوحدالدین کرمانی ۷۸۳:۱، ۹۸۸:۱، ۳۹:۲، ۱۸۵:۵
 اوریا ۵۰۹:۳، ۵۰۸:۳
 اؤس ۱۰۷۵:۴، ۹۰۶:۲، ۹۰۵:۲
 اويس (سقرنی) ۱۸۱:۴، ۶۲:۳، ۳۱۳:۲، ۲۶:۲، ۹۷۶:۴، ۵۳۵:۴
 اویسی ۲۶:۲
 ایاز ۵۱۰:۵، ۵۰۹:۵، ۲۷۷:۴، ۲۸۲:۲، ۲۸۱:۲، ۵۱۱:۵، ۵۱۲:۵، ۵۱۳:۵، ۵۱۴:۵، ۵۱۵:۵، ۵۱۶:۵، ۵۱۹:۵، ۵۲۱:۵، ۵۴۰:۵، ۵۴۷:۵، ۵۴۸:۵، ۵۴۹:۵، ۵۶۱:۵، ۵۶۳:۵، ۵۶۶:۵، ۵۷۲:۵، ۵۷۷:۵، ۵۷۹:۵، ۵۸۰:۵، ۵۸۳:۵، ۵۸۴:۵، ۵۸۵:۵، ۸۹۳:۵، ۹۱۸:۵، ۹۲۱:۵، ۹۴۵:۵، ۹۹۷:۵، ۱۰۱۴:۵، ۱۰۹۹:۵، ۱۱۰۴:۵، ۱۱۰۵:۵، ۱۱۰۹:۵، ۱۱۱۲:۵، ۱۱۱۶:۵، ۱۱۱۷:۵، ۱۱۲۷:۵، ۱۱۲۹:۵، ۱۱۳۶:۵، ۸۷:۶، ۸۸:۶، ۸۹:۶، ۱۲۵:۶، ۱۲۶:۶، ۱۲۸:۶
 ایکار ۳۹۱:۶
 ایلغازر (عازر) ۹۰:۵
 ایلیا (الیاس) ۷۳:۶
 ایوب (ع) ۱۰۱۰:۵، ۸۰۳:۵، ۱۲۶:۳، ۶۴۲:۱
 بایزید بسطامی (بایزید، ابایزید، ابویزید) ۶۶۶:۱، ۶۸۹:۱، ۲۱۰:۲، ۲۵۶:۲، ۵۵۰:۲، ۵۵۷:۲، ۵۵۸:۲، ۵۵۹:۲، ۵۶۱:۲، ۵۶۲:۲، ۵۶۳:۲، ۵۶۴:۲، ۱۷۴:۳، ۴۳۱:۳، ۴۳۲:۳، ۴۸۸:۳، ۴۹۹:۳، ۶۴۳:۳، ۶۷۰:۳، ۸۴۲:۳، ۲۸:۴، ۴۵۷:۴، ۴۶۰:۴، ۵۲۵:۴، ۵۲۷:۴، ۵۲۸:۴، ۵۲۹:۴، ۵۳۱:۴، ۵۳۲:۴، ۵۳۳:۴، ۵۳۴:۴، ۵۳۶:۴، ۵۳۸:۴، ۵۳۹:۴، ۵۴۰:۴، ۵۶۰:۴، ۶۰۹:۴، ۶۱۰:۴، ۶۱۱:۴، ۶۱۲:۴، ۶۱۵:۴، ۶۱۷:۴، ۶۱۸:۴، ۶۱۹:۴، ۶۲۰:۴، ۶۸۸:۴، ۲۵۸:۵، ۴۶۲:۵، ۵۵۴:۵، ۵۹۶:۵، ۹۱۹:۵، ۹۲۱:۵، ۹۲۲:۵، ۹۲۷:۵، ۹۳۱:۵، ۹۳۲:۵، ۹۳۳:۵، ۹۳۴:۵، ۹۳۵:۵، ۹۴۰:۵

اشخاص و قبيله‌ها و فرقه‌ها ۳۱۱

بهاء‌الدین ولد (بهاء ولد، سلطان ولد، پسر
مولانا) ۱:۹۸، ۳:۳۲۲، ۵:۲۴، ۵:۴۶، ۵:۱۲۹،
۵:۱۷۵، ۵:۱۷۹، ۵:۴۸۸، ۵:۴۹۱، ۶:۷۴،

۶:۱۰۲۰

بهاء ولد (پدر مولانا) ۳:۷۷۵، ۵:۷۳۶، ۵:۷۳۷

بهلول ۳:۱۷۶، ۳:۴۸۸، ۳:۴۸۹

بهمنیار ۱:۵۹۴، ۳:۱۰۱۰

بیضاوی ۳:۲۱۳

بیهقی ۴:۷۹۵

پاراکلیتوس (فاراقلیط) ۱:۲۵۶

پیلاطس ۱:۸۱۹

تاج زید ۵:۷۳۷

تارح (تارخ) ۵:۳۴۶

ترمذی ۶:۲۸۵

تلمذحسین ۶:۱۷۲

تهامه ۲:۷۱۱

تیتوس ۴:۱۳۱

ثعلبی ۱:۳۴۰، ۳:۳۷۰، ۴:۷۱۳

ثقیف ۱:۱۴۱، ۵:۱۰۵۱

ثمامة بن أثال ۵:۳۸

ثمود ۱:۷۵۱، ۱:۷۵۵، ۱:۷۵۸، ۱:۹۵۲، ۱:۱۰۸۸،

۲:۷۲۲، ۳:۱۱۶، ۳:۷۱۵

ثمودیان ۳:۱۱۶

ثوبان بن بجدد ۶:۱۱۲، ۶:۱۱۳

جابر ۳:۱۰۸۵، ۴:۷۵۵

جابر بن سمره ۲:۲۱۲

جاحظ ۱:۸۸۹، ۲:۱۴۳، ۲:۸۷۲، ۳:۸۱، ۴:۳۰،

۵:۲۳۰

جالوت ۳:۳۶۰، ۴:۲۵۴

جالینوس ۱:۶۴، ۱:۹۱، ۱:۲۰۰، ۱:۲۰۱، ۲:۸۶،

۲:۵۲۵، ۲:۵۲۶، ۳:۱۰۱۹، ۳:۱۰۲۰، ۳:۱۰۲۱،

۴:۲۷۶، ۴:۲۷۷، ۴:۲۷۸، ۴:۲۸۳، ۴:۲۸۴،

۴:۲۸۵، ۴:۳۱۶، ۴:۳۲۲، ۴:۳۲۳، ۴:۳۲۵،

۴:۳۳۶، ۶:۸۴۵، ۶:۸۴۶

بنی‌اسد ۵:۱۵۵، ۶:۱۰۲۹

بنی‌اسرائیل ۱:۸۳، ۱:۸۴، ۱:۳۰۰، ۱:۳۱۲،

۱:۳۱۹، ۱:۹۵۰، ۱:۱۰۶۳، ۲:۱۵۳، ۲:۲۲۲،

۲:۳۷۱، ۲:۵۱۱، ۲:۵۱۲، ۲:۵۷۵، ۲:۶۱۸،

۲:۸۲۵، ۳:۲۱۱، ۳:۲۱۴، ۳:۲۱۵، ۳:۲۱۶،

۳:۲۱۸، ۳:۲۱۹، ۳:۲۲۰، ۳:۲۲۲، ۳:۲۲۸،

۳:۲۳۰، ۳:۲۸۸، ۳:۳۶۰، ۳:۳۷۰، ۳:۶۳۶،

۳:۷۵۷، ۳:۷۵۸، ۳:۷۶۶، ۴:۱۳۰، ۴:۱۳۱،

۴:۴۵۵، ۴:۵۵۸، ۴:۶۵۲، ۴:۶۷۰، ۴:۶۹۸،

۴:۷۷۳، ۴:۸۱۵، ۵:۴۲۰، ۵:۱۴۳، ۵:۲۷۸،

۵:۳۳۳، ۵:۴۴۵، ۵:۶۱۳، ۵:۷۱۴، ۵:۷۱۵،

۵:۷۱۷، ۵:۹۴۳، ۶:۵۵۹، ۶:۵۶۰، ۶:۶۹۵

بنیامین ۳:۵۹۶

بنی‌امیه ۲:۴۰، ۵:۱۸۶

بنی‌هاو ۱:۱۰۲۳

بنی‌حنیفه ۵:۳۸

بنی‌سعد ۴:۲۹۷

بنی‌عامر ۳:۱۱۴۵

بنی‌عمرو بن عوف ۲:۶۹۵

بنی‌غنم بن عوف ۲:۶۹۵

بنی‌غنم ۴:۷۳۲

بنی‌قریظه ۲:۹۰۵، ۳:۱۱۳۷، ۳:۱۱۴۵، ۳:۱۱۴۶،

بنی‌کلب ۴:۵۷۵

بنی‌کنانه ۳:۱۰۳۶، ۴:۳۱۵

بنی‌نضیر ۲:۹۰۵، ۳:۱۱۴۵، ۳:۱۱۴۶،

بنی‌هاشم ۴:۳۱۵

بنی‌هذیل ۴:۵۷۵

بنی‌یهود ۳:۱۱۴۶

بودا ۲:۲۵۷

بوزرجمهر ۱:۶۱۹

بولس ۱:۱۴۴

بهاء‌الدین نقشبند ۱:۱۹۰

۴۶۱:۱، ۶۶۸:۱، ۲۵۶:۲، ۳۶۱:۲، ۵۵۰:۲،
۱۷۴:۳، ۱۸۶:۳، ۴۹۹:۳، ۵۵۱:۳، ۶۷۰:۳،
۶۸۴:۳، ۱۱۰۴:۳، ۳۴۹:۵، ۵۸۶:۵، ۶۵۳:۵،
۱۰۳۴:۵، ۷۸۵:۵، ۸۹۰:۵

جیلی ۲۳۷:۱

چلبی علاءالدین (پسر مولوی) ۱۲۰:۲
چنگیزخان ۷۳۲:۱
چینیان ۱۹۳:۱، ۹۹۴:۱، ۹۹۵:۱، ۹۹۷:۱، ۲۷۳:۳،
۱۱۲۲:۳، ۸۴۸:۴

حاتم اصمّ ۱۲۹:۲
حاتم طائی ۶۸۲:۱، ۷۷۳:۵، ۶۸۱:۶، ۷۸۹:۶،
۸۵۴:۶، ۸۵۵:۶، ۸۷۵:۶، ۸۷۷:۶
حاج امدادالله (مهاجر مکی) ۱۶:۴،
۲۰:۴، ۳۷:۴، ۴۸:۴، ۱۲۱:۴، ۷۳۷:۴، ۷۳۸:۴،
۷۶۵:۴، ۵۵۴:۵، ۵۸۸:۵، ۶۵۱:۵، ۶۹۲:۵،
۸۷۳:۵، ۴۷:۶

حاج سیدنصرالله تقوی ۱۰۱۰:۳
حاج ملاهادی (مهسزواری، حکیم سبزواری)
۵۳:۱، ۵۵:۱، ۵۶:۱، ۸۷:۱، ۱۷۲:۱، ۱۷۵:۱،
۲۹۲:۱، ۳۱۵:۱، ۳۲۱:۱، ۳۲۴:۱، ۳۵۵:۱،
۳۶۳:۱، ۳۷۸:۱، ۳۸۱:۱، ۳۸۸:۱، ۳۹۵:۱،
۴۰۹:۱، ۴۳۲:۱، ۴۳۳:۱، ۴۷۵:۱، ۴۸۵:۱،
۴۸۷:۱، ۴۹۹:۱، ۵۳۳:۱، ۵۳۶:۱، ۵۳۸:۱،
۵۴۲:۱، ۵۵۳:۱، ۵۵۳:۱، ۵۵۵:۱، ۵۶۶:۱،
۵۶۹:۱، ۵۷۹:۱، ۵۸۷:۱، ۵۹۷:۱، ۵۹۸:۱،
۶۰۸:۱، ۶۱۳:۱، ۶۱۸:۱، ۶۵۹:۱، ۶۶۹:۱،
۶۷۳:۱، ۷۰۰:۱، ۷۰۱:۱، ۷۰۶:۱، ۷۷۰:۱،
۷۷۷:۱، ۷۸۳:۱، ۸۴۸:۱، ۸۹۵:۱، ۸۹۷:۱،
۹۸۷:۱، ۱۰۱۳:۱، ۱۰۱۷:۱، ۱۰۱۹:۱،
۱۰۴۲:۱، ۲۱:۲، ۳۷:۲، ۲۸۰:۲،
۵۹۲:۲، ۶۰۸:۲، ۶۲۱:۲، ۶۹۲:۲، ۶۹۴:۲،
۷۰۴:۲، ۷۶۰:۲، ۷۷۶:۲، ۷۹۴:۲، ۸۲۷:۲،
۸۲۸:۲، ۸۶۵:۲، ۸۶۷:۲، ۸۷۱:۲، ۸۷۸:۲

۱۰۲۲:۳، ۵۸:۵، ۴۸۳:۵، ۹۹۵:۵
جامی (عبدالرحمن) ۵۱:۱، ۵۳:۱، ۷۰۶:۱،
۸۵۲:۱، ۱۷:۲، ۱۲۱:۲، ۲۴۲:۲، ۹۱۹:۲، ۴۰:۳،
۲۸۳:۳، ۴۱۴:۳، ۱۷۱:۴، ۲۸۵:۴، ۳۳۰:۴،
۵۵۲:۵، ۶۴۵:۵

جبرئیل (روح الامین، روح القدس) ۱۸۴:۱،
۲۵۸:۱، ۳۶۳:۱، ۵۴۹:۱، ۷۵۷:۱، ۱۱۱۴:۱،
۴۵۱:۲، ۴۷۷:۲، ۵۱۲:۲، ۲۳:۳، ۲۴:۳، ۱۱۵:۳،
۱۷۱:۳، ۳۲۴:۳، ۳۲۷:۳، ۷۱۴:۳، ۷۱۵:۳،
۸۲۱:۳، ۸۲۳:۳، ۸۵۴:۳، ۹۴۷:۳، ۹۴۸:۳،
۹۴۹:۳، ۹۵۱:۳، ۹۵۲:۳، ۹۵۳:۳، ۹۵۴:۳،
۹۵۵:۳، ۹۶۶:۳، ۹۶۷:۳، ۹۶۸:۳، ۹۶۹:۳،
۱۰۷۷:۳، ۲۸۴:۴، ۳۶۲:۴، ۳۸۵:۴، ۴۲۴:۴،
۴۴۱:۴، ۴۴۳:۴، ۵۴۹:۴، ۵۵۰:۴، ۵۵۱:۴،
۷۵۰:۴، ۷۶۷:۴، ۸۳۷:۴، ۸۵۷:۴، ۹۴۲:۴،
۹۴۳:۴، ۱۰۴۹:۴، ۱۰۵۰:۴، ۱۰۵۱:۴،
۱۰۵۳:۴، ۱۰۵۴:۴، ۱۰۵۶:۴، ۱۰۵۷:۴،
۱۰۵۹:۴، ۱۰۶۱:۴، ۱۰۶۲:۴، ۱۰۶۳:۴،
۱۰۶۴:۴، ۱۰۶۵:۴، ۹۶:۵، ۱۰۲:۵، ۲۸۲:۵،
۳۹۶:۵، ۴۲۹:۵، ۴۳۰:۵، ۴۳۱:۵، ۴۳۴:۵،
۴۳۵:۵، ۴۳۶:۵، ۴۵۳:۵، ۶۰۶:۵، ۷۴۹:۵،
۷۵۰:۵، ۹۱۱:۵، ۹۱۲:۵، ۹۷۳:۵، ۹۷۴:۵،
۱۰۸۷:۵، ۵۴۳:۶، ۸۲۴:۶

جدیس ۹۵۲:۱

جرجانی (سید اسماعیل) ۱۳۵:۱، ۳۱۸:۱،
۳۶۷:۳، ۹۵۱:۳، ۹۶:۴

جرجیس ۳۴۹:۵

جریر ۱۱۱۴:۱

جعفر برمکی ۳۶۸:۱، ۸۱۶:۱

جعفر طیار (جعفر بن ابیطالب) ۸۷۰:۲، ۶۰۷:۴،
۳۷۹:۶، ۷۹۵:۶، ۷۹۶:۶، ۷۹۷:۶

جعفر عیار ۸۷۱:۲

جعفری (استاد) ۲۷۲:۱، ۵۳۰:۱

جمال الدین ابوالحسن قفطی ۱۸:۴

جنید (بغدادی) ۱۸۳:۱، ۴۵۵:۱، ۴۵۶:۱

اشخاص و قبيله‌ها و فرقه‌ها ۳۱۳

کوفی ۷۶۶:۵
حافظ ابوجعفر احمد بن صالح مصری ۷۶۶:۵
حافظ ابو عبدالله محمد بن یوسف کنجی
شافعی ۷۶۶:۵
حافظ ابونعیم اصفهانی ۲۹۸:۱
حافظ قاضی عیاض ابوالفضل مالکی اندلسی
۷۶۶:۵
حام ۳۲۸:۳
حیش ۵۱۷:۲
حیشیان ۶۳۸:۳
حجاج بن یوسف (ـثقفی) ۲۵۷:۳، ۱۸۶:۵
۱۰۵۱:۵، ۹۸۷:۵
حجر غسانی ۶۸۲:۱
حُجر کندی ۱۰۲۹:۶
حرث بن هشام ۳۴۸:۳
حسام‌الدین (حسام‌الدین چلبی، ضیاء‌الحق)
۱۰۵۲:۱، ۵۶:۱، ۹۵:۱، ۹۶:۱، ۹۷:۱، ۹۸:۱، ۹۹:۱
۱۰۰:۱، ۱۷۳:۱، ۳۹۰:۱، ۵۴۱:۱، ۵۴۶:۱
۵۶۸:۱، ۵۶۹:۱، ۸۵۷:۱، ۹۹۰:۱، ۱۱۲۴:۱
۱۱۲۵:۱، ۱۱۲۶:۱، ۱۷:۲، ۱۸:۲، ۱۹:۲، ۲۰:۲
۳۹:۲، ۲۹۵:۲، ۲۹۷:۲، ۵۷۰:۲، ۵۷۱:۲
۵۷۲:۲، ۲۱:۳، ۲۲:۳، ۲۴:۳، ۲۶:۳، ۴۵۳:۳
۵۴۷:۳، ۵۴۹:۳، ۵۵۰:۳، ۱۲۲۱:۳، ۱۹:۴
۲۰:۴، ۲۱:۴، ۲۲:۴، ۲۳:۴، ۲۴:۴، ۲۵:۴، ۲۹:۴
۳۰:۴، ۳۱:۴، ۱۸۱:۴، ۱۸۵:۴، ۲۴۵:۴، ۲۴۶:۴
۵۹۹:۴، ۶۰۰:۴، ۶۱۴:۴، ۹۶۴:۴، ۹۶۵:۴
۱۰۶۶:۴، ۱۰۷۱:۴، ۱۰۷۲:۴، ۱۷:۵، ۱۸:۵
۱۹:۵، ۲۰:۵، ۲۱:۵، ۲۲:۵، ۲۳:۵، ۲۴:۵، ۲۵:۵
۲۷:۵، ۵۱۶:۵، ۵۲۱:۵، ۶۴۲:۵، ۸۶۴:۵
۸۸۷:۵، ۱۱۴۳:۵، ۱۹:۶، ۲۰:۶، ۴۳:۶، ۴۴:۶
۴۸:۶، ۷۱:۶، ۷۳:۶، ۷۴:۶، ۷۵:۶، ۲۶۰:۶
۳۵۰:۶، ۳۵۱:۶، ۵۴۲:۶، ۵۴۳:۶، ۵۴۴:۶
۵۴۵:۶، ۵۴۶:۶، ۵۴۷:۶، ۵۴۸:۶، ۶۰۶:۶
حسان بن ثابت (ابوالولید) ۳۶۲:۴
حسن بصری ۴۰:۲، ۲۲۲:۴، ۴۶۱:۴

۹۲۰:۲، ۲۲:۳، ۲۵:۳، ۲۹:۳، ۳۰:۳، ۵۶:۳
۱۰۲:۳، ۱۷۷:۳، ۲۴۴:۳، ۲۴۸:۳، ۲۷۱:۳
۲۸۵:۳، ۳۰۲:۳، ۳۱۸:۳، ۳۲۱:۳، ۴۰۹:۳
۴۷۲:۳، ۵۱۶:۳، ۵۱۹:۳، ۵۲۲:۳، ۶۰۹:۳
۷۰۴:۳، ۹۶۸:۳، ۱۰۱۳:۳، ۱۰۵۸:۳، ۱۰۹۵:۳
۱۱۷۶:۳، ۳۸:۴، ۴۰:۴، ۴۸:۴، ۱۱۱:۴، ۱۳۷:۴
۱۳۸:۴، ۱۴۴:۴، ۱۴۷:۴، ۱۵۷:۴، ۱۷۳:۴
۱۹۳:۴، ۳۹۵:۴، ۳۹۷:۴، ۴۳۲:۴، ۴۴۰:۴
۴۶۰:۴، ۵۴۸:۴، ۵۵۰:۴، ۶۲۶:۴، ۶۴۲:۴
۶۴۳:۴، ۶۸۴:۴، ۶۹۱:۴، ۷۰۰:۴، ۷۱۸:۴
۷۲۴:۴، ۷۴۱:۴، ۷۶۳:۴، ۷۶۵:۴، ۷۸۲:۴
۷۹۰:۴، ۷۹۶:۴، ۸۱۱:۴، ۸۲۰:۴، ۸۳۳:۴
۸۳۴:۴، ۸۶۲:۴، ۹۱۸:۴، ۹۱۹:۴، ۹۶۳:۴
۹۶۴:۴، ۱۰۲۲:۴، ۱۰۴۴:۴، ۱۰۶۰:۴
۱۰۶۸:۴، ۱۹:۵، ۲۸:۵، ۵۲:۵، ۶۸:۵، ۱۰۰:۵
۱۱۸:۵، ۲۱۶:۵، ۲۵۸:۵، ۲۷۸:۵، ۳۱۶:۵
۳۲۸:۵، ۳۳۱:۵، ۳۳۷:۵، ۳۵۴:۵، ۳۹۸:۵
۴۲۲:۵، ۴۴۸:۵، ۴۷۷:۵، ۴۸۷:۵، ۵۰۱:۵
۵۳۱:۵، ۵۴۰:۵، ۵۴۴:۵، ۵۹۶:۵، ۵۹۷:۵
۵۹۸:۵، ۶۰۰:۵، ۶۴۳:۵، ۶۴۴:۵، ۶۵۷:۵
۷۰۲:۵، ۷۰۳:۵، ۷۳۳:۵، ۷۴۱:۵، ۷۷۱:۵
۸۴۷:۵، ۱۰۶۴:۵، ۳۳:۶، ۳۹:۶، ۴۸:۶، ۶۸:۶
۱۷۲:۶، ۲۱۵:۶، ۲۲۱:۶، ۲۳۷:۶، ۵۱۶:۶
۵۲۹:۶، ۵۹۲:۶، ۶۴۴:۶، ۶۴۵:۶، ۷۵۴:۶
۸۳۱:۶، ۹۲۸:۶، ۹۶۲:۶، ۱۰۵۰:۶، ۱۰۷۹:۶
حاجی خلیفه ۱۳۰:۱، ۱۷۵:۱
حارث ۱۱۴۵:۳
حارثه (ـبن مالک بن نعمان انصاری)
۱۰۰۶:۱
حارثه بن طائی ۱۱۰۶:۳
حاطب ۴۲۰:۲
حاطب بن بلتعنه ۲۰۹:۵
حافظ ۴۹۸:۱، ۶۰۹:۳، ۷۳۷:۳، ۱۶۷:۴، ۷۶۹:۶
۸۲۷:۶
حافظ ابوالحسن عثمان بن ابی‌شبهه عبسی

خزرج ۱۰۷۵:۴، ۷۹۲:۳، ۹۰۶:۲، ۹۰۵:۲
 خشایارشا ۳۹۸:۱
 خضر (بلیان بن ملکان) ۱۱۷:۱، ۷۰:۱، ۸۶۶:۱، ۸۴۱:۲، ۴۳۶:۲، ۵۶۱:۲، ۸۰۰:۲، ۸۵۹:۲، ۸۶۰:۲، ۸۶۲:۲، ۷۰:۳، ۱۸۱:۳، ۲۲۳:۴، ۲۸۴:۴، ۷۷۸:۴، ۲۱۷:۵، ۱۰۰۶:۵، ۷۳:۶، ۸۴۷:۶، ۶۹۵:۶، ۶۹۴:۶، ۳۲۴:۶، ۷۴:۶
 خسرویه، شیخ احمد (احمد خسرویه) ۶۸۹:۱، ۱۲۹:۲، ۱۳۰:۲، ۱۳۱:۲، ۱۴۱:۲، ۵۵۹:۲، ۱۰۳۴:۵، ۱۰۳۵:۵
 خواجه ابوالقاسم هاشمی ۱۸۱:۶
 خواجه ایوب ۲۳۷:۴، ۲۷۹:۴، ۶۶۴:۴، ۸۳۳:۴، ۱۰۷۰:۴، ۱۰۷۱:۴، ۱۰۱۵:۵، ۷۴۲:۵، ۸۴۸:۵
 خواجه بهاءالدین نقشبند ۱۷۸:۴، ۷۰۱:۴
 خواجه عبدالخالق عنجدوانی ۱۷۸:۴
 خواجه عبدالله (انصاری) ۱۸۱:۱، ۱۸۶:۱، ۲۱۰:۱، ۸۱۰:۱، ۸۹۰:۱، ۶۲۴:۵
 خواجه نصیر (الدین طوسی) ۶۳:۱، ۷۳۲:۱، ۵۹۲:۲، ۳۴۳:۳، ۱۱۷۶:۳، ۷۲۱:۴
 خوارزمشاه (سلطان محمد) ۶۶۳:۶، ۶۶۹:۶
 خوارزمی ۲۹۹:۱، ۱۸:۲، ۲۵:۲، ۳۳:۲، ۷۹:۲، ۸۹:۲، ۱۶۰:۲، ۱۷۴:۲، ۸۴۶:۲، ۸۵۳:۲، ۸۷۵:۲، ۳۲:۳، ۳۵:۳، ۵۱:۳، ۵۶:۳، ۸۷:۳، ۱۲۸:۳، ۱۳۹:۳، ۱۴۱:۳، ۱۵۳:۳، ۱۶۲:۳، ۱۷۳:۳، ۱۷۵:۳، ۱۸۵:۳، ۱۸۸:۳، ۱۹۳:۳، ۱۹۷:۳، ۱۹۹:۳، ۲۰۷:۳، ۲۱۸:۳، ۲۴۲:۳، ۲۷۲:۳، ۲۹۳:۳، ۲۹۷:۳، ۳۰۰:۳، ۳۰۲:۳، ۳۱۷:۳، ۳۱۸:۳، ۳۲۱:۳، ۳۲۳:۳، ۳۲۸:۳، ۳۵۷:۳، ۳۶۱:۳، ۳۸۰:۳، ۴۳۵:۳، ۴۴۱:۳، ۴۵۲:۳، ۴۶۳:۳، ۴۹۵:۳، ۵۱۰:۳، ۵۱۲:۳، ۵۱۳:۳، ۵۱۴:۳، ۵۲۵:۳، ۵۳۷:۳، ۵۴۴:۳، ۵۴۸:۳، ۵۵۵:۳، ۵۶۰:۳، ۵۷۱:۳، ۵۸۳:۳، ۶۱۲:۳، ۶۳۶:۳، ۶۳۹:۳، ۶۴۶:۳، ۶۵۶:۳، ۶۵۸:۳، ۶۶۸:۳، ۶۷۸:۳، ۶۸۰:۳، ۶۹۳:۳، ۶۹۷:۳، ۶۹۸:۳، ۶۹۹:۳، ۷۰۱:۳، ۷۱۳:۳

حسن مؤدب ۱۳۱:۲، ۱۳۰:۲، ۵۹۴:۱
 حسین بن خالد ۳۵۹:۴
 حسینعلی سلطانزاده پسیان ۶۹۲:۶
 حسینعلی مداح ۳۱۳:۲
 حکیم سبزواری رک. حاج ملاهادی سبزواری
 حکیم نظامی ۳۸۰:۲
 حلاج (منصوره، حسین بن منصوره بیضاوی) ۸۴۴:۱، ۱۰۳۷:۱، ۱۱۱۱:۱، ۱۱۲:۲، ۲۵۶:۲، ۳۴۶:۲، ۳۶۱:۲، ۳۶۲:۲، ۶۲۶:۲، ۶۲۷:۲، ۶۵۵:۲، ۱۷۵:۳، ۴۹۹:۳، ۹۸۲:۳، ۹۸۵:۳، ۹۸۶:۳، ۱۰۷۰:۳، ۱۰۷۶:۳، ۱۱۱۶:۳، ۱۱۷۶:۳، ۶۱۵:۴، ۷۵۱:۴، ۵۱۱:۵، ۵۵۸:۵، ۵۵۹:۵، ۶۹۶:۵، ۱۱۲۱:۵، ۵۶۷:۶
 حلیمه (سعیده) ۲۸۹:۴، ۲۹۰:۴، ۲۹۱:۴، ۲۹۲:۴، ۲۹۳:۴، ۲۹۴:۴، ۲۹۵:۴، ۲۹۶:۴، ۲۹۷:۴، ۳۰۲:۴، ۲۹۹:۴
 حماد ۴۱۴:۳
 حمدالله مستوفی ۵۲۹:۴
 حمزه (بن عبدالمطلب هشام، سیدالشهداء) ۷۲۴:۱، ۵۰۵:۳، ۸۷۳:۳، ۸۷۴:۳، ۱۰۳۰:۵، ۳۷۹:۶
 حمیر ۲۷۲:۱، ۲۵۹:۱
 حنبلیان ۳۰۷:۶، ۴۱۴:۱
 حنفیان ۳۰۷:۶، ۱۰۷۹:۱
 حوا ۴۱۳:۱، ۴۷۷:۱، ۷۲۳:۱، ۷۲۴:۱، ۷۲۶:۱، ۷۸۷:۱، ۳۱۸:۳، ۷۲۲:۳، ۱۱۵۶:۳، ۵۸:۵، ۲۷۹۶:۶، ۹۵۷:۶، ۳۸۷:۶، ۲۸۳:۵
 حواریان ۳۴۷:۶
 حی بن یقظان ۹۴۳:۱
 حیدر ۱۵۳:۳
 خاقانی (خاقانی شروانی) ۹۱۵:۲، ۴۹۴:۱، ۹۱۶:۲
 ختلان ۲۵۷:۲
 خزاعه ۱۱۴۱:۳

اشخاص و قبيله‌ها و فرقه‌ها ۳۱۵

دهخدا ۲: ۲۶۴
 دیو جانس (دیوژن) ۲: ۳۷۹، ۵: ۷۹۹، ۵: ۸۰۰
 ذبیح‌الله رک. اسماعیل (ع) ذوالقرنین ۲: ۳۳
 ۲: ۱۱۰، ۴: ۱۰۳۵، ۴: ۱۰۳۶، ۴: ۱۰۳۷، ۴: ۱۰۴۲
 ذونواس ۱: ۲۵۹، ۱: ۲۶۰، ۱: ۲۷۲، ۳: ۶۳۸
 ذوالنون (ثویان بن ابراهیم) ۲: ۳۵۸، ۲: ۳۵۹
 ۲: ۳۶۰، ۲: ۳۷۰، ۲: ۳۷۴، ۲: ۳۷۵
 ۲: ۷۶۷، ۲: ۸۴۹
 ذوالنون (مصری) ۱: ۱۰۳۷، ۵: ۳۲۸، ۵: ۶۴۸
 ۵: ۶۵۴، ۵: ۶۵۶، ۵: ۷۶۶

رابعه عدویه ۳: ۴۹۳، ۴: ۴۰۱
 راغب (اصفهانی) ۲: ۷۲۳، ۲: ۸۳۴، ۳: ۲۸۳
 ۴: ۲۰۱، ۴: ۲۸۴، ۴: ۴۲۴، ۴: ۹۱۴، ۴: ۹۱۹
 ۵: ۱۰۴۵، ۵: ۱۰۵۴
 رامسس دوم ۴: ۷۳۶
 ربیعہ ۶: ۳۹۱
 رحمن الیمن (عہلۃ بن کعب) ۶: ۵۲۴
 رستم ۳: ۲۰۶، ۵: ۱۰۷۳
 رستم زال ۱: ۷۲۴
 رقیہ (دختر پیامبر) ۲: ۲۵۵
 رمضان ۵: ۶۵۱
 روبیل ۵: ۴۴۳
 روح الامین ۱: ۲۵۸، ۳: ۷۱۴، ۳: ۷۱۵
 روح القدس ۲: ۳۱۰، ۳: ۹۵۲، ۳: ۱۱۹۷
 رودکی ۳: ۹۹۳
 روزبہان بقلی (شیخ شیرازی) ۱: ۵۹، ۱: ۸۴۳
 ۱: ۸۴۴
 رومیان ۱: ۹۹۳، ۱: ۹۹۴، ۱: ۹۹۵، ۱: ۹۹۶، ۱: ۹۹۷
 ۳: ۲۶۸، ۳: ۲۷۳، ۴: ۸۴۸
 رویم بن احمد ۱: ۱۸۶

زمخشری، جارالله ۱: ۲۳۵، ۱: ۳۶۲، ۱: ۳۷۹
 ۱: ۴۱۱، ۱: ۴۲۹، ۱: ۵۳۲، ۱: ۷۷۴، ۱: ۸۳۲

۳: ۷۱۹، ۳: ۷۲۱، ۳: ۷۴۳، ۳: ۷۵۱، ۳: ۷۶۷
 ۳: ۷۷۰، ۳: ۷۷۲، ۳: ۷۷۳، ۳: ۷۸۶، ۳: ۷۸۷
 ۳: ۸۰۵، ۳: ۸۱۰، ۳: ۸۱۵، ۳: ۸۱۸، ۳: ۸۳۳
 ۳: ۸۵۳، ۳: ۹۲۰، ۳: ۹۲۷، ۳: ۹۳۰، ۳: ۹۳۴
 ۳: ۹۳۶، ۳: ۹۳۸، ۳: ۹۹۴، ۳: ۱۰۲۱، ۳: ۱۰۵۰
 ۳: ۱۰۵۳، ۳: ۱۰۸۷، ۳: ۱۰۹۲، ۳: ۱۱۰۷
 ۳: ۱۱۰۹، ۳: ۱۱۱۴، ۳: ۱۱۱۶، ۳: ۱۱۱۷
 ۳: ۱۱۳۴، ۳: ۱۱۴۸، ۳: ۱۱۵۰، ۳: ۱۱۵۲
 ۳: ۱۱۶۹، ۳: ۱۱۷۲، ۳: ۱۱۸۴، ۳: ۱۲۰۴
 ۳: ۱۲۰۹
 خیمۃ بن عبدالرحمن ۳: ۸۲۲

داریوش ۲: ۲۳
 دانتہ ۶: ۶۹۱
 دانتی ۶: ۳۹۱
 دانیال نبی (ع) ۲: ۴۵۰
 داود (ع) ۱: ۶۰۵، ۱: ۷۷۲، ۱: ۷۷۳، ۱: ۸۳۸
 ۱: ۹۷۷، ۲: ۱۵۳، ۲: ۲۳۵، ۲: ۲۸۷، ۲: ۹۲۳
 ۳: ۳۶۹، ۳: ۳۷۰، ۳: ۳۷۱، ۳: ۳۷۴، ۳: ۳۷۵
 ۳: ۳۷۶، ۳: ۳۷۹، ۳: ۴۷۹، ۳: ۵۰۸، ۳: ۵۰۹
 ۳: ۵۹۱، ۳: ۶۰۴، ۳: ۶۰۵، ۳: ۶۰۶، ۳: ۶۰۷
 ۳: ۶۰۸، ۳: ۶۱۰، ۳: ۶۱۱، ۳: ۶۱۲، ۳: ۶۱۳
 ۳: ۶۱۴، ۳: ۶۱۵، ۳: ۶۱۶، ۳: ۶۱۷، ۳: ۶۱۸
 ۳: ۶۲۵، ۳: ۶۲۷، ۳: ۶۲۹، ۳: ۶۳۰، ۳: ۶۳۲
 ۳: ۶۴۵، ۳: ۶۴۹، ۳: ۷۱۷، ۳: ۷۸۸، ۳: ۸۵۶
 ۳: ۱۰۹۰، ۳: ۱۰۹۱، ۳: ۱۱۸۱، ۴: ۱۲۹، ۴: ۱۳۰
 ۴: ۱۳۱، ۴: ۱۳۲، ۴: ۶۹۲، ۵: ۷۱۵، ۵: ۹۴۳
 ۶: ۶۹۹، ۶: ۷۰۰

دحیۃ بن خلیفہ بن فروہ کلبی ۳: ۹۴۹، ۴: ۱۰۵۰
 ۴: ۱۰۵۴
 ددال ۶: ۳۹۰، ۶: ۳۹۱
 دشتکی ۶: ۳۲۰
 دقیانوس ۱: ۱۶۵، ۲: ۳۰، ۵: ۵۵۲
 دمیری ۶: ۸۰۱
 دوس ۵: ۷۴۱

سامانی ۲۸۱:۳	۹۰۵:۱، ۷۵:۲، ۵۸۶:۲، ۷۷۳:۲، ۹۰۷:۲
سامری ۵۱۴:۲، ۵۱۲:۲، ۵۱۱:۲، ۵۱۰:۲، ۶۸۵:۱	۲۸۵:۲، ۶۲۵:۳، ۱۱۰۵:۳، ۱۱۴۰:۳، ۱۱۸۸:۳
۶۶۱:۶، ۹۴۳:۵، ۹۴۳:۴، ۹۴۲:۴	۲۸۳:۴، ۳۸۵:۴، ۱۰۰۵:۴، ۸۸:۵، ۱۴۹:۵
سبأ ۶۵۷:۳، ۱۱۸:۳، ۱۱۴:۳، ۱۰۹:۳، ۹۳:۳، ۹۱:۳	۱۵۵:۵، ۲۸۰:۵، ۳۴۶:۵، ۴۳۵:۵، ۵۴۱:۵
۶۸۲:۳، ۶۷۴:۳، ۶۷۳:۳، ۶۷۱:۳، ۶۵۸:۳	۵۷۱:۵، ۶۱۸:۵، ۶۴۵:۵، ۶۵۷:۵، ۶۸۶:۵
۷۴۷:۳، ۷۴۰:۳، ۷۳۶:۳، ۷۱۸:۳، ۷۰۲:۳	۹۰۴:۵، ۹۱۵:۵، ۹۴۴:۵، ۱۰۴۳:۵، ۱۰۴۵:۵
۲۶۶:۴، ۲۶۵:۴، ۲۶۴:۴، ۲۱۶:۴، ۱۹۰:۴	۲۲:۶، ۴۷:۶، ۱۳۴:۶، ۲۰۶:۶، ۲۷۱:۶، ۲۸۵:۶
۲۷۰:۴	۴۲۴:۶، ۵۸۴:۶، ۶۲۷:۶، ۷۳۳:۶، ۷۵۰:۶
سبطی ۷۶۶:۳	۷۶۲:۶
سبطیان ۹۶۷:۴، ۷۹۲:۴، ۷۹۱:۴، ۶۷۰:۴، ۴۸۰:۴	زال (پسر سام و پدر رستم) ۱۲۸:۲، ۱۲۷:۲
۲۶۴:۶، ۱۰۱۱:۴، ۹۶۸:۴	۲۰۶:۳
سبکی ۶۳۰:۴	زبیدی ۷۵:۲
سبيع بن حارث ۵۲۳:۶	زبیر ۲۲۴:۵، ۲۰۹:۵
سُبيح بن حارث بن مالک ثقفی (ذوالخمار)	زرتشت (زردشت) ۱۱۰۷:۱، ۱۹۰:۴، ۱۹۰:۵، ۲۵۴:۵
۵۲۳:۶	زرتشتیان ۷۲:۵
سدیو ۱۰۲۳:۱	زرکشی ۸۳۸:۱
سراج طوسی ۵۵۵:۵	زرین کوب ۸۳۲:۱، ۱۰۰۶:۱، ۱۸:۲، ۱۹۲:۲
سراقه بن مالک ۱۰۳۸:۳، ۱۰۳۶:۳	۵۵۱:۲، ۵۸۲:۲، ۷۷۱:۲، ۸۷۱:۲، ۹۱۶:۲
سریانیان ۸۸۷:۴	۳۵۸:۳، ۹۲۸:۶
سقراط ۶۲۶:۲، ۳۷۹:۲	زکریا (ع) ۴۲۵:۲، ۴۲۶:۲، ۴۱۳:۳، ۶۶۷:۴
سکرویس ۳۹۰:۶	۹۲:۵، ۴۱۷:۵، ۳۸۰:۶
سعدالدین حمویه ۵۱۰:۱	زکی قوال ۲۴۰:۴
سعدالدین شرف الحکما کافی بخاری ۱۶۵:۵	زلیخا ۷۷۰:۱، ۱۰۸۳:۳، ۲۷۲:۵، ۳۱۵:۵، ۸۸۹:۵
سعدین ابی وقاص ۶۷:۶، ۲۲۴:۵	۹۰۶:۵، ۱۰۵۶:۵، ۱۰۶۲:۵، ۳۷۳:۶، ۹۴۲:۶
سعدی ۴۱:۵، ۹۱۵:۴، ۱۰۴۷:۳، ۳۱۹:۱، ۱۶۷:۱	۱۰۴۰:۶، ۱۰۴۱:۶، ۱۰۴۲:۶، ۱۰۴۳:۶
۱۱۳۵:۵، ۹۲۷:۵، ۶۹۹:۵، ۵۷۳:۵، ۱۶۲:۵	زهری ۵۲۹:۳
۷۱۱:۶، ۲۶۸:۶	زیدبن حارثه ۱۰۰۵:۱، ۱۰۰۷:۱، ۱۰۰۸:۱
سعید الدین فرغانی ۶۱۴:۴، ۱۷۷:۴	۱۰۱۶:۱، ۱۰۱۸:۱، ۱۰۳۰:۱، ۱۰۳۹:۱
سعیدبن جبیر ۳۹۶:۵، ۲۳۱:۵، ۵۲۹:۳	۱۰۴۵:۱، ۸۷۰:۲
سعیدبن زیدبن نفیل ۲۲۴:۵	زین العابدین رک. امام سجاد (ع)
سعید شرتونی ۲۲۴:۶	
سفیان ثوری ۴۹۳:۳، ۲۹۸:۱	ژوستین ۱۳۱:۴
سلطان العلماء (بهاء الدین ولد) ۴۱۹:۲	
سلطان سلجوقی ۲۲۴:۱	سالم بن ابی سلمه ۷۰۵:۳
سلطان سنجر ۱۰۳۱:۵، ۱۱۶:۴	سام ۳۲۸:۳

اشخاص و قبيله‌ها و فرقه‌ها ۳۱۷

۲۷۷:۴ ۲۷۶:۴ ۲۷۵:۴ ۲۷۳:۴ ۲۷۲:۴
 ۳۳۵:۴ ۲۸۵:۴ ۲۸۴:۴ ۲۸۳:۴ ۲۷۸:۴
 ۳۴۶:۴ ۳۴۵:۴ ۳۴۴:۴ ۳۳۷:۴ ۳۳۶:۴
 ۳۷۸:۴ ۳۷۶:۴ ۳۷۵:۴ ۳۷۳:۴ ۳۷۱:۴
 ۴۰۶:۴ ۳۸۷:۴ ۳۸۱:۴ ۳۸۰:۴ ۳۷۹:۴
 ۵۵۶:۴ ۵۵۵:۴ ۵۵۴:۴ ۵۵۳:۴ ۴۰۷:۴
 ۸۹۴:۵ ۸۷۵:۵ ۸۷۴:۵ ۳۹۹:۵ ۵۵۷:۴
 ۱۰۳۷:۶ ۱۰۳۶:۶ ۸۴۶:۶ ۴۳۵:۶
 سلیم بن قیس ۵۵۳:۲
 سنایی (ـ غزنوی، حکیم ـ) ۵۱۱:۱ ۵۱۰:۱
 ۴۶۳:۳ ۱۴۰:۳ ۹۱۶:۲ ۶۲۹:۱ ۵۸۹:۱
 ۱۰۹۶:۳ ۱۰۸۱:۳ ۱۰۸۰:۳ ۹۶۱:۳ ۶۹۷:۳
 ۶۸۸:۴ ۴۵۸:۴ ۲۰۷:۴ ۶۱:۴ ۱۰۹۸:۳
 ۷۴۱:۵ ۶۸۵:۵ ۹۴۷:۴
 سنقر ۹۱۸:۵
 سوسفطانیان ۵۸۶:۶
 سويدبن غفله ۴۷۲:۵
 سهروردی رک. شیخ شهاب‌الدین سهروردی
 سهل بن عبدالله (ـ تستری، عبدالله تستری)
 ۳۲۰:۴ ۶۶۸:۱ ۳۱۷:۱ ۳۱۶:۱ ۱۸۲:۱
 ۱۱۲۴:۵ ۲۴۱:۵ ۶۰۶:۴
 سهل بن مالک فزازی ۱۱۰۶:۳
 سیبویه ۳۵۳:۴ ۶۷۰:۳ ۲۸۳:۳ ۸۶:۳
 سید ابوالوفا ۶۱۴:۴ ۹۹۰:۱
 سید اسماعیل جرجانی ۹۶:۴ ۹۵۱:۳ ۷۰:۱
 سید برهان‌الدین محقق ترمذی ۱۸۶:۵
 سید بن باقی ۶۹۱:۲
 سید بن طاووس ۳۶۰:۴
 سید جعفر سجادی ۲۵۰:۶
 سیدالشهدا رک. امام حسین، حمزه
 سید قطب ۹۴۳:۵ ۶۸۵:۴
 سید محسن حکیم ۵۴۳:۳
 سید مرتضی ۴۳۴:۶ ۴۱۷:۴
 سیوطی ۲۳۸:۶ ۴۱۶:۴ ۳۹۳:۴ ۴۸۹:۱

سلطان علاءالدین کیقباد سلجوقی ۶۸۷:۴
 سلطان علیشاه گنابادی ۷۴۸:۱ ۲۷۵:۱
 سلطان محمد خوارزمشاه (خوارزمشاه)
 ۲۵۶:۵ ۲۵۴:۵ ۲۵۳:۵ ۲۵۱:۵
 سلطان محمود (ـ غزنوی، محمود غزنوی)
 ۲۷۷:۴ ۸۲:۴ ۱۰۴۷:۳ ۲۸۲:۲ ۲۸۱:۲
 ۵۰۹:۵ ۵۱۱:۵ ۵۱۲:۵ ۵۱۴:۵ ۵۱۵:۵
 ۵۴۷:۵ ۵۴۸:۵ ۵۴۹:۵ ۵۶۳:۵ ۵۷۰:۵
 ۵۷۲:۵ ۵۷۷:۵ ۵۷۸:۵ ۵۸۴:۵ ۸۹۳:۵
 ۱۱۰۱:۵ ۱۱۰۰:۵ ۱۰۹۹:۵ ۹۲۱:۵ ۹۱۸:۵
 ۱۱۱۲:۵ ۱۱۱۱:۵ ۱۱۰۴:۵ ۱۱۰۳:۵
 ۱۱۱۶:۵ ۱۱۱۷:۵ ۱۱۲۷:۵ ۱۱۲۹:۵
 ۱۱۳۶:۵ ۸۷:۶ ۸۸:۶ ۱۲۵:۶ ۱۲۶:۶
 ۱۲۷:۶ ۴۰۱:۶ ۴۰۲:۶ ۷۳۹:۶ ۷۴۰:۶
 ۷۴۵:۶ ۷۴۴:۶
 سلطان ملکشاه ۱۰۳۱:۵ ۹۱۸:۵
 سلطان ولد ۸۵۶:۱
 سلمان ۷۰۱:۶ ۷۰۰:۶ ۳۷۹:۶ ۶۹:۶ ۷۵:۲
 سلمی ۸۲۷:۶
 سلیمان (ع) ۳۳۳:۱ ۳۳۲:۱ ۳۳۱:۱ ۲۳۷:۱
 ۳۳۴:۱ ۳۴۰:۱ ۳۴۱:۱ ۳۵۱:۱ ۴۰۱:۱
 ۴۰۲:۱ ۴۰۳:۱ ۴۰۴:۱ ۴۰۵:۱ ۴۰۶:۱
 ۴۰۷:۱ ۴۱۵:۱ ۴۹۴:۱ ۵۳۸:۱ ۷۷۲:۱
 ۷۷۳:۱ ۷۷۴:۱ ۷۷۵:۱ ۸۰۷:۱ ۹۷۷:۱
 ۱۰۲۳:۱ ۱۰۳۳:۱ ۱۰۳۴:۱ ۱۰۳۵:۱
 ۱۰۴۹:۱ ۶۷:۲ ۲۵۳:۲ ۲۷۹:۲ ۴۰۵:۲
 ۴۰۶:۲ ۹۰۱:۲ ۹۰۲:۲ ۹۰۹:۲ ۹۱۱:۲
 ۹۱۲:۲ ۹۱۳:۲ ۹۱۷:۲ ۹۲۳:۲ ۹۲۴:۲
 ۱۲۹:۳ ۲۵۰:۳ ۶۵۹:۳ ۷۸۸:۳ ۹۹۸:۳
 ۱۱۷۷:۳ ۱۱۷۸:۳ ۱۱۷۹:۳ ۱۱۸۱:۳
 ۱۱۸۲:۳ ۱۱۸۳:۳ ۱۱۸۴:۳ ۱۳۰:۴ ۱۳۶:۴
 ۱۳۸:۴ ۱۵۵:۴ ۱۵۸:۴ ۱۸۶:۴ ۱۸۷:۴
 ۲۰۲:۴ ۲۱۴:۴ ۲۱۵:۴ ۲۱۶:۴ ۲۳۰:۴
 ۲۳۱:۴ ۲۳۴:۴ ۲۵۲:۴ ۲۵۹:۴ ۲۶۴:۴
 ۲۶۵:۴ ۲۶۶:۴ ۲۶۷:۴ ۲۷۰:۴ ۲۷۱:۴

- شافعی ۹۸۲:۳، ۸۱۲:۲، ۸۲۹:۱
شافعیه ۱۰۷۹:۱
شاه داعی (سه الله شیرازی) ۸۳:۲، ۴۰:۲، ۵۶:۱
۳۳۴:۳، ۳۲۴:۳، ۳۵:۳، ۱۸۳:۲، ۱۲۶:۲، ۸۵:۲
۸۱۰:۳، ۵۰۰:۳، ۴۳۵:۳
شبستری، شیخ محمود ۳۸۷:۱، ۲۲۳:۱، ۵۲:۱
۳۸۹:۱، ۴۵۳:۱، ۵۱۵:۱، ۵۴۷:۱، ۵۹۱:۱
۶۰۴:۱، ۶۶۸:۱، ۶۷۱:۱، ۷۳۷:۱، ۹۴۱:۱
۵۳:۲، ۲۵۱:۲، ۳۴۶:۲، ۶۸۴:۳، ۷۶۰:۳
۱۱۷۶:۳، ۴۲۷:۴، ۴۳۲:۴، ۶۱۲:۴، ۶۱۵:۴
۹۷۱:۴، ۷۶:۵، ۹۹:۵، ۵۵۹:۵، ۶۰۵:۵، ۱۹۳:۶
شبلی (ابوبکر) ۹۸۶:۳، ۴۳:۳، ۳۵۸:۲
۱۰۴۳:۵، ۴۵۶:۴
شدادین عاد ۹۰۸:۲
شریف لاهیجی ۲۸۵:۶
شعبی ۶۵۲:۴
شعرانی، ابوالحسن ۴۷۳:۵، ۷۰۴:۳
شعیب ۳۴۹:۵، ۸۳۰:۲، ۸۲۶:۲، ۴۱۹:۲، ۴۱۸:۲
۵۸۴:۶
شغاد ۲۰۶:۳
شفیعی کدکنی، محمدرضا ۹۳۱:۵، ۸۲:۲
۲۲۲:۶
شقیق بلخی ۲۵۷:۲، ۶۸۹:۱
شمر (بن ذی الجوشن) ۲۴۳:۶، ۵۵۳:۲
۲۴۵:۶
شمس الدین آملی ۱۹۶:۱
شمس الدین افلاکی ۳۰:۴، ۸۳۵:۱، ۵۶۸:۱
۴۱۷:۴
شمس الدین تبریزی (شمس تبریز، کامل
تبریزی، شمس، شمس پرنده، شمس الدین
محمد بن علی بن ملک داد تبریزی) ۵۶:۱
۵۱۰:۱، ۴۳۷:۱، ۱۷۳:۱، ۱۰۰:۱، ۹۶:۱، ۹۵:۱
۵۴۱:۱، ۵۴۵:۱، ۷۸۳:۱، ۸۴۴:۱، ۹۳۸:۱
۹۴۵:۱، ۹۸۸:۱، ۱۰۰۲:۱، ۱۴۵:۲، ۲۹۴:۲
۲۹۷:۲، ۲۲:۳، ۲۱۲:۳، ۹۱۳:۳، ۴۰۱:۴
- ۱۶۰:۵، ۱۷۳:۵، ۱۷۵:۵، ۱۸۵:۵، ۲۲۲:۵
۵۱۱:۵، ۵۲۱:۵، ۶۴۲:۵، ۷۴۹:۵
شهرین حوشب ۷۲۲:۳
شهرستانی ۳۷۹:۲
شهید ثانی ۵۳:۴
شهیدی، سیدجعفر ۱۱۱۵:۱
شیبان راعی ۲۹۸:۱
شیه ۳۰۲:۴، ۵۱۶:۲
شیث (ع) ۷۷۵:۵، ۲۵۲:۲، ۷۷۵:۱، ۶۸۸:۱
شیخ ابوالحسن خرقانی (شیخ حسن خرقانی)
۱۹۰:۱، ۵۳۱:۱، ۵۲۵:۴، ۵۲۷:۴، ۵۲۸:۴
۵۲۹:۴، ۵۳۰:۴، ۵۳۶:۴، ۵۳۷:۴، ۵۳۹:۴
۵۴۰:۴، ۵۵۹:۴، ۵۶۰:۴، ۵۶۱:۴، ۷۵۰:۵
۵۵۵:۶، ۵۵۶:۶، ۵۵۷:۶، ۵۵۹:۶، ۵۶۱:۶
۹۲۰:۶
شیخ احمد خضرویه (ابوحامد) رک. خضرویه.
شیخ احمد
شیخ احمد رومی ۷۶۹:۲، ۳۹۱:۲
شیخ احمد غزالی ۵۱:۱
شیخ اشراق رک. شیخ شهاب الدین سهروردی.
صاحب حکمة الاشراق
شیخ اقطع ۴۳۲:۳، ۴۲۸:۳
شیخ بهایی ۶۴۱:۴، ۹۶۸:۳، ۸۹۹:۱، ۷۲۵:۱
شیخ روزبهان (سه بقلی شیرازی) ۸۴۳:۱
۸۴۴:۱
شیخ شهاب الدین سهروردی (شیخ اشراق،
صاحب حکمة الاشراق) ۳۴۳:۳، ۳۸۱:۱
۵۲۱:۴، ۹۶۸:۳، ۴۰۹:۳
شیخ شهاب الدین سهروردی (سه شافعی،
صاحب عوارف المعارف) ۷۶:۲، ۹۱۲:۱
۶۴۱:۴، ۶۲۹:۴، ۳۲۰:۳، ۱۶۹:۳، ۶۸۰:۲
۵۶۱:۶، ۵۶۰:۶
شیخ صالح عمرکی مروزی ۸۴۳:۱
شیخ صدرالدین قونوی ۹۶۰:۱
شیخ صدوق ۳۹۴:۴، ۴۱۳:۱

۵۷:۵، ۶۰:۵، ۹۴:۵، ۱۶۱:۵، ۲۰۸:۵، ۳۳۳:۵،
 ۳۳۷:۵، ۳۴۰:۵، ۴۱۷:۵، ۴۳۹:۵، ۴۴۱:۵،
 ۵۳۸:۵، ۵۳۹:۵، ۵۴۳:۵، ۵۷۵:۵، ۵۷۶:۵،
 ۷۲۰:۵، ۷۲۱:۵، ۷۲۵:۵، ۸۰۹:۵، ۸۱۰:۵،
 ۸۱۱:۵، ۸۱۲:۵، ۸۱۳:۵، ۸۱۸:۵، ۸۱۹:۵،
 ۸۲۰:۵، ۸۲۱:۵، ۸۲۴:۵، ۸۳۳:۵، ۹۵۳:۵،
 ۹۶۳:۵، ۱۰۱۰:۵، ۱۱۴۵:۵، ۲۵۴:۶، ۲۶۷:۶،
 ۳۸۷:۶، ۴۸۸:۶، ۵۵۸:۶، ۷۶۹:۶، ۸۸۳:۶،
 ۸۸۴:۶، ۸۹۶:۶، ۹۳۶:۶، ۹۳۷:۶، ۹۳۸:۶،
 ۹۴۴:۶، ۹۹۹:۶، ۱۰۰۰:۶، ۱۰۳۶:۶

صالح (ع) ۷۵۱:۱، ۷۵۲:۱، ۷۵۳:۱، ۷۵۴:۱،
 ۷۵۵:۱، ۷۵۶:۱، ۷۵۷:۱، ۷۵۸:۱، ۷۵۹:۱،
 ۷۶۱:۱، ۹۵۲:۱، ۱۰۸۸:۱، ۱۱۶:۳، ۱۱۸۷:۳،
 ۱۱۹۳:۳، ۷۵۱:۴، ۸۳۵:۴

صدرالدین شیرازی ۳۲۱:۱

صدرالدین قونوی ۱۸:۲، ۹۱۲:۱

صفا، ذبیح الله ۳۷۸:۲

صفورا (همسر موسی) ۶۳۷:۳، ۸۰۶:۶

صلاح‌الدین زرکوب (شیخ صلاح‌الدین)

صلاح‌الدین (۵۶:۱، ۵۴۱:۱، ۳۳۸:۲، ۳۴۰:۲،
 صهیب ۳۷۹:۶)

ضحاک ۱۱۱۴:۱، ۲۷:۵

ضروان ۱۳۰:۳

طالوت ۶۳۰:۳

طباطبایی، علامه محمدحسین ۳۸۵:۴

طبرانی ۸۲۷:۳

طبرسی ۲۶۲:۱، ۳۰۶:۱، ۳۲۹:۱، ۳۷۹:۱، ۵۳۲:۱،

۷۸۹:۱، ۹۷۰:۱، ۱۰۳:۳، ۲۸۳:۳، ۸۷۲:۳،

۸۸۵:۳، ۹۴۸:۳، ۱۱۰۳:۳، ۱۱۰۸:۳، ۱۱۱۵:۳،

۱۱۸۸:۳، ۱۱۹۷:۳، ۲۶:۴، ۲۰۱:۴، ۲۷۰:۴،

۲۸۴:۴، ۳۳۸:۴، ۳۸۵:۴، ۶۶۰:۴، ۶۸۵:۴،

۷۳۳:۴، ۹۳۳:۴، ۹۷۶:۴، ۱۰۰۵:۴، ۱۰۴۹:۴،

۲۷:۵، ۶۰:۵، ۱۳۹:۵، ۱۴۹:۵، ۱۵۵:۵، ۱۸۱:۵،

شیخ عباس قمی ۶۴۱:۴، ۵۷۸:۵، ۹۱۳:۵

شیخ عبدالقادر گیلانی ۹۱۴:۳

شیخ عطار (عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین

عطار) ۱۹۰:۱، ۵۱۲:۱، ۵۱۷:۱، ۶۸۱:۱،

۸۸۹:۱، ۱۱۷:۲، ۳۷۸:۲، ۵۵۷:۲، ۶۱۰:۲،

۴۱۳:۳، ۶۴۳:۳، ۷۹۰:۳، ۹۸۶:۳، ۹۸۷:۳،

۱۰۴۶:۳، ۱۱۷۷:۳، ۹۴:۴، ۱۹۷:۴، ۲۳۳:۴،

۴۰۱:۴، ۴۱۳:۴، ۴۷۰:۴، ۶۱۳:۴، ۶۴۷:۴،

۶۸۸:۴، ۵۱۰:۵، ۵۲۴:۵، ۷۵۰:۵، ۱۸۲:۶،

۴۰۲:۶، ۴۰۳:۶

شیخ عبدالله مغربی (ابوعبدالله محمدبن

اسماعیل مغربی) ۱۹۷:۴، ۱۹۸:۴، ۱۹۹:۴،

شیخ فخرالدین عراقی ۲۴۲:۲

شیخ محمد سررزی ۷۳۵:۵، ۷۳۶:۵، ۷۳۷:۵،

۷۳۸:۵، ۷۴۲:۵، ۷۵۴:۵، ۷۵۸:۵

شیخ نجم‌الدین کبری ۵۵۲:۵

شیرویه ۲۱۹:۳

شیطان ۸۶:۱، ۱۵۴:۱، ۱۵۷:۱، ۱۵۸:۱، ۱۶۹:۱،

۱۷۳:۱، ۳۰۳:۱، ۳۴۷:۱، ۳۵۳:۱، ۳۹۹:۱،

۴۷۷:۱، ۵۱۴:۱، ۵۲۳:۱، ۵۵۲:۱، ۵۷۱:۱،

۵۸۲:۱، ۵۸۳:۱، ۶۱۵:۱، ۶۲۸:۱، ۶۴۹:۱،

۶۵۲:۱، ۶۵۴:۱، ۹۴۶:۱، ۹۴۹:۱، ۹۵۰:۱،

۹۵۱:۱، ۹۶۲:۱، ۹۷۴:۱، ۹۷۵:۱، ۱۰۵۱:۱،

۱۰۵۲:۱، ۱۰۸۴:۱، ۱۱۰۱:۱، ۱۱۰۲:۱،

۱۱۱۸:۱، ۱۱۱۹:۱، ۵۴:۲، ۶۰:۲، ۶۲:۲، ۹۸:۲،

۹۹:۲، ۱۱۴:۲، ۱۵۵:۲، ۱۸۰:۲، ۱۹۰:۲،

۱۹۱:۲، ۱۹۲:۲، ۱۹۴:۲، ۲۱۴:۲، ۲۱۵:۲،

۲۱۷:۲، ۴۹۱:۲، ۵۳۲:۲، ۵۴۳:۲، ۶۴۷:۲،

۶۴۸:۲، ۶۵۸:۲، ۶۷۹:۲، ۷۲۸:۲، ۷۷۳:۲،

۸۰۹:۲، ۸۳۲:۲، ۶۹:۳، ۱۷۱:۳، ۱۷۵:۳،

۱۷۶:۳، ۷۲۲:۳، ۷۲۳:۳، ۷۲۴:۳، ۷۳۱:۳،

۷۳۲:۳، ۷۳۳:۳، ۸۹۲:۳، ۱۰۳۵:۳، ۱۰۳۶:۳،

۱۰۴۱:۳، ۱۱۰۵:۳، ۱۱۰۶:۳، ۱۱۰۷:۳،

۱۱۰۸:۳، ۱۱۰۹:۳، ۱۱۸۰:۳، ۱۲۱۷:۳،

۱۹۰:۴، ۳۷۵:۴، ۳۷۶:۴، ۳۷۷:۴، ۱۰۰۳:۴،

- عبدالله تستری رک. سهل بن عبدالله تستری
عبدالله بن یوسف بن محمد جوینی ۹۸۸:۳
عبدالله بن عباس (عبدالله عباس) ۱۱۱۴:۱.
۳۷۰:۳، ۲۱۱:۳
عبدالله بن مسعود ۱۰۵۰:۴
عبدالله قلانسی ۴۰:۳، ۳۹:۳
عبد الحمید بن معین الدین محمد بن محمد هاشم
قتالی رفاعی تبریزی ۶۲۲:۱
عبد الرحمن ابن ملجم مرادی (ابن ملجم)
۱۰۸۷:۱، ۱۰۸۸:۱، ۱۰۸۹:۱، ۱۰۹۰:۱
عبد الرحمن بن عوف ۲۲۴:۵
عبد الرحمن سلمی ۹۸۶:۵، ۲۵۸:۲
عبد الرزاق کاشانی ۱۸۳:۱، ۵۰۱:۱، ۱۸:۵.
۲۶:۶، ۱۷۲:۵، ۱۹:۵
عبد العزیز ۸۲۱:۳
عبد الفتاح ۸۴۸:۵، ۸۰۳:۴، ۶۶۱:۴، ۵۴۳:۴
عبد القادر گیلانی ۲۴۷:۶، ۴۷۵:۵، ۴۹۸:۴
عبد القاهر بغدادی ۹۴۸:۱
عبد القدوس گنگھی ۴۷۴:۵
عبد الکریم سروش ۸۷۱:۲، ۱۰۵۵:۱
عبد اللطیف ۱۰۳:۴، ۱۶:۴، ۲۷۸:۳، ۲۸:۳
۷۴۱:۴، ۱۰۱۱:۴، ۲۱۴:۵، ۹۹۸:۵، ۱۹۹:۶
۱۰۷۹:۶، ۱۰۱۲:۶، ۲۲۷:۶، ۲۲۱:۶
عبد المطلب ۳۰۲:۴، ۲۹۰:۴، ۲۸۹:۴، ۷۱۲:۱
۳۰۳:۴، ۳۱۴:۴، ۷۵:۶، ۷۶:۶
عتبه (بن ربيعة) ۵۱۶:۲، ۵۲۳:۶
عتبه بن ابی وقاص ۷۶:۶
عبد الملک مروان ۲۵۷:۳
عبید زاکانی ۴۶۷:۶، ۷۶۳:۲
عثمان (بن عفان، ذوالنورین) ۸۲۱:۱
۹۳۳:۱، ۲۵۵:۲، ۹۳۴:۱، ۶۴۶:۲، ۱۶۱:۴
۱۶۲:۴، ۱۶۳:۴، ۲۲۴:۵، ۵۲۳:۶
عثمان بن عطا ۷۹۵:۴
عدی بن رفاع عاملی ۱۸:۴
عذرا ۷۰۴:۶
- ۵۴۱:۵، ۴۳۵:۵، ۴۳۳:۵، ۳۱۵:۵، ۲۹۹:۵
۵۶۳:۵، ۶۱۸:۵، ۶۴۵:۵، ۶۵۵:۵، ۶۵۷:۵
۶۸۶:۵، ۷۱۲:۵، ۷۱۶:۵، ۷۷۲:۵، ۷۷۴:۵
۹۰۳:۵، ۹۱۵:۵، ۹۴۴:۵، ۹۸۷:۵، ۱۰۱۲:۵
۱۰۴۵:۵، ۱۱۷:۶، ۱۳۴:۶، ۲۰۶:۶
۲۷۱:۶، ۲۸۵:۶، ۴۳۴:۶، ۸۶۵:۶، ۸۸۶:۶
۱۰۷۵:۶
طبری ۹۴۸:۳، ۱۰۲۳:۱، ۵۰۵:۱، ۳۵۲:۱
طریحی ۶۰۶:۵، ۵۷۸:۵، ۱۸۱:۴
طسم ۹۵۲:۱
طلحه ۲۲۴:۵
طیفوریان ۶۶۶:۱
عاد ۹۵۲:۱، ۹۰۶:۱، ۹۰۵:۱، ۲۹۷:۱، ۲۹۶:۱
۹۵۹:۱، ۶۵۸:۲، ۷۷۳:۲، ۹۰۷:۲، ۱۷۴:۳
۸۵۹:۴، ۶۹۹:۴، ۶۹۱:۴، ۲۵۳:۴، ۵۷:۴، ۷۱۵:۳
عاص بن وائل ۱۰۷۸:۵، ۴۴۸:۵
عامر ۴۲۰:۲
عایشه (حمیرا) ۶۱۱:۱، ۶۱۲:۱، ۶۲۳:۱، ۶۲۸:۱
۶۲۹:۱، ۶۳۵:۱، ۸۳۶:۲، ۵۲۹:۳، ۷۳۴:۴
۲۱۴:۵
عبادی ۹۲۶:۲، ۹۲۵:۲
عباس دبس (عباس دوس) ۷۴۵:۵، ۷۴۱:۵
۷۶۰:۵
عباسیان ۲۹۶:۵، ۸۲۱:۱
عباس بن عبد المطلب (عموی پیامبر) ۸۲۰:۱
۵۱۶:۲، ۸۲۱:۱
عبدالله انصاری ۱۴۳:۲
عبدالله بن ام مکتوم (ابن ام مکتوم) ۵۱۶:۲
۲۰۹:۶، ۵۱۹:۲
عبدالله بن حمدان ۱۰۵:۵
عبدالله بن زید خزرچی ۳۲۱:۶
عبدالله بن سعد بن ابی سرح ۹۳۳:۱
عبدالله بن سنان ۴۴۰:۴
عبدالله بن عمر ۷۶۸:۳

اشخاص و قبيله‌ها و فرقه‌ها ۳۲۱

۲۳۰:۲، ۲۵۶:۲، ۲۵۸:۲، ۳۱۳:۲، ۳۱۴:۲، ۳۲۲:۲، ۴۴۴:۲، ۴۶۳:۲، ۵۱۸:۲، ۵۵۲:۲، ۵۵۳:۲، ۵۷۴:۲، ۵۷۵:۲، ۶۱۱:۲، ۶۴۶:۲، ۶۷۱:۲، ۶۹۱:۲، ۷۰۴:۲، ۷۲۲:۲، ۸۰۳:۲، ۸۲۳:۲، ۸۷۰:۲، ۸۷۴:۲، ۹۱۵:۲، ۹۲۷:۳، ۵۴:۳، ۱۲۹:۳، ۱۵۳:۳، ۲۰۰:۳، ۲۰۱:۳، ۲۴۵:۳، ۲۵۷:۳، ۳۲۶:۳، ۳۳۵:۳، ۳۳۷:۳، ۳۴۷:۳، ۳۹۴:۳، ۴۲۰:۳، ۴۳۹:۳، ۵۰۵:۳، ۵۲۶:۳، ۵۶۷:۳، ۶۲۸:۳، ۷۰۱:۳، ۷۱۶:۳، ۸۱۲:۳، ۹۵۳:۳، ۹۵۴:۳، ۱۰۳۶:۳، ۱۰۶۰:۳، ۱۰۶۱:۳، ۱۱۰۱:۳، ۱۱۱۱:۳، ۱۱۵۶:۳، ۱۱۵۹:۳، ۳۸:۴، ۱۰۲:۴، ۱۱۹:۴، ۱۲۰:۴، ۱۲۱:۴، ۱۲۲:۴، ۱۳۸:۴، ۱۷۲:۴، ۱۷۶:۴، ۲۴۷:۴، ۲۵۶:۴، ۲۶۳:۴، ۳۹۴:۴، ۴۳۲:۴، ۴۳۳:۴، ۴۴۰:۴، ۴۴۱:۴، ۴۶۱:۴، ۴۶۹:۴، ۴۸۶:۴، ۴۸۷:۴، ۵۶۵:۴، ۵۶۷:۴، ۵۷۷:۴، ۵۸۲:۴، ۶۰۳:۴، ۶۴۷:۴، ۶۷۹:۴، ۷۰۳:۴، ۷۱۹:۴، ۷۲۲:۴، ۷۵۵:۴، ۷۵۶:۴، ۷۵۷:۴، ۷۸۰:۴، ۷۹۵:۴، ۸۱۷:۴، ۸۱۸:۴، ۸۸۹:۴، ۹۰۳:۴، ۹۰۴:۴، ۹۲۵:۴، ۹۷۶:۴، ۱۰۳۳:۴، ۱۰۷۳:۴، ۳۰:۵، ۵۶:۵، ۸۹:۵، ۱۵۴:۵، ۱۷۲:۵، ۱۷۷:۵، ۱۸۶:۵، ۱۹۳:۵، ۲۰۹:۵، ۲۱۰:۵، ۲۴۸:۵، ۲۸۶:۵، ۳۱۱:۵، ۳۶۳:۵، ۴۰۸:۵، ۴۱۹:۵، ۴۳۵:۵، ۴۳۸:۵، ۴۳۹:۵، ۴۷۲:۵، ۵۰۲:۵، ۵۰۶:۵، ۵۰۷:۵، ۵۳۵:۵، ۵۴۵:۵، ۵۴۹:۵، ۵۷۸:۵، ۶۵۸:۵، ۶۶۰:۵، ۶۶۷:۵، ۶۸۷:۵، ۷۰۱:۵، ۷۱۷:۵، ۷۲۶:۵، ۷۴۰:۵، ۷۶۶:۵، ۷۸۷:۵، ۷۹۸:۵، ۸۱۶:۵، ۸۵۷:۵، ۸۶۰:۵، ۸۸۲:۵، ۹۰۷:۵، ۹۷۵:۵، ۹۸۳:۵، ۹۸۶:۵، ۱۰۳۹:۵، ۱۰۶۶:۵، ۱۰۷۰:۵، ۱۱۱۷:۵، ۱۱۳۳:۵، ۲۳:۶، ۷۵:۶، ۹۰:۶، ۱۰۸:۶، ۱۴۰:۶، ۱۵۳:۶، ۱۵۷:۶، ۲۷۹:۶، ۲۸۰:۶، ۲۸۵:۶، ۳۱۴:۶، ۳۴۴:۶، ۳۷۹:۶، ۵۱۰:۶، ۵۴۷:۶، ۸۲۶:۶، ۸۴۲:۶، ۸۶۵:۶، ۸۸۵:۶، ۹۵۲:۶، ۱۰۳۳:۶

عمار یاسر ۱۰۸۸:۱

عزالدين محمود کاشانی (عزالدين کاشانی)
۸۲:۱، ۶۹۱:۱، ۹۴۴:۱، ۷۶:۲، ۶۸۰:۲، ۶۴۱:۴

عزازيل ۸۷:۱، ۶۸۳:۲، ۵۲۸:۵

عزرائيل ۱۱۰:۱، ۳۳۱:۱، ۳۳۲:۱، ۳۳۳:۱، ۳۳۴:۱، ۳۳۵:۱، ۷۹۸:۱، ۹۶۹:۱، ۲۸۳:۲، ۲۳:۳، ۵۱:۳، ۵۲:۳، ۲۰۵:۳، ۸۵۶:۳، ۹۹۸:۳، ۱۰۱۵:۳، ۱۰۲۶:۳، ۶۹:۴، ۴۲۹:۵، ۴۳۲:۵، ۴۳۴:۵، ۴۵۴:۵، ۴۵۵:۵، ۴۵۶:۵، ۴۵۹:۵، ۴۶۱:۵، ۴۶۴:۵، ۴۶۵:۵، ۴۶۶:۵، ۴۶۹:۵، ۴۷۰:۵، ۶۲۲:۵، ۷۲۳:۵

عزى ۱۱۴۱:۳، ۲۸۹:۴، ۲۹۶:۴، ۲۹۷:۴، ۲۹۸:۴، ۴۳۳:۶

عزير ۱۰۳۳:۱، ۴۵۱:۳، ۴۵۲:۳، ۴۵۳:۳، ۸۴۶:۴، ۹۲۳:۴، ۹۲۴:۴، ۹۲۵:۴

عزيز مصر ۳۷۳:۶، ۷۳۲:۶

عزيزالدين نسفى ۱۰۵۲:۱، ۵۹:۱، ۷۰۳:۲، ۲۳۱:۴، ۱۷۱:۴، ۷۳۲:۴، ۷۳۳:۴

عكرمه ۹۷۵:۱، ۳۷۰:۳، ۸۲۷:۳

علاءالدوله سمنانى ۱۷۱:۴

علاءالدين كيقباد ۹۱۱:۱

على (ع) (امير مومنان، مولى الموحدين، على بن ابيطالب، مولى العارفين) ۱۳۰:۱، ۶۶:۱، ۱۳۰:۱

۱۸۴:۱، ۲۸۷:۱، ۳۰۵:۱، ۳۴۷:۱، ۳۵۶:۱، ۳۵۸:۱، ۳۹۵:۱، ۴۱۴:۱، ۴۱۸:۱، ۴۶۹:۱، ۴۷۶:۱، ۴۸۳:۱، ۵۰۵:۱، ۵۰۸:۱، ۵۱۵:۱، ۵۲۴:۱، ۵۴۸:۱، ۵۵۷:۱، ۵۵۸:۱، ۶۵۰:۱، ۶۷۴:۱، ۷۰۰:۱، ۸۲۸:۱، ۷۸۴:۱، ۷۸۵:۱، ۸۰۴:۱، ۸۶۴:۱، ۸۹۴:۱، ۹۴۷:۱، ۹۴۹:۱، ۱۰۱۵:۱، ۱۰۱۷:۱، ۱۰۵۹:۱، ۱۰۶۰:۱، ۱۰۶۱:۱، ۱۰۶۵:۱، ۱۰۶۶:۱، ۱۰۶۷:۱، ۱۰۶۹:۱، ۱۰۷۱:۱، ۱۰۷۴:۱، ۱۰۷۵:۱، ۱۰۷۷:۱، ۱۰۸۲:۱، ۱۰۸۵:۱، ۱۰۸۷:۱، ۱۰۸۸:۱، ۱۰۸۹:۱، ۱۰۹۱:۱، ۱۱۰۳:۱، ۱۱۰۸:۱، ۱۱۱۰:۱، ۱۱۱۲:۱، ۱۱۱۳:۱، ۱۱۲۱:۱، ۱۱۲۲:۱، ۱۱۲۳:۱، ۲۶:۲، ۳۹:۲

۴۷۰:۲، ۴۶۹:۲، ۴۶۷:۲، ۳۶۳:۲، ۱۴۷:۲
 ۹۶:۳، ۹۵:۳، ۸۸۱:۲، ۸۸۰:۲، ۸۷۹:۲، ۷۴۲:۲
 ۴۶۲:۳، ۳۱۸:۳، ۲۵۰:۳، ۱۹۷:۳، ۱۰۴:۳
 ۶۵۴:۳، ۶۵۳:۳، ۶۵۲:۳، ۶۵۱:۳، ۵۵۱:۳
 ۸۱۵:۳، ۸۱۴:۳، ۶۵۷:۳، ۶۵۶:۳، ۶۵۵:۳
 ۱۰۸۹:۳، ۱۰۸۸:۳، ۹۴۷:۳، ۸۹۳:۳، ۸۵۶:۳
 ۳۲۴:۴، ۳۲۳:۴، ۱۲۰:۴، ۱۱۹:۴، ۵۴:۴، ۵۳:۴
 ۷۵۹:۴، ۶۷۹:۴، ۵۴۰:۴، ۴۴۳:۴، ۴۲۷:۴
 ۱۷۸:۵، ۹۰:۵، ۵۵:۵، ۸۵۷:۴، ۷۶۴:۴، ۷۶۰:۴
 ۳۹۳:۵، ۳۵۹:۵، ۳۵۸:۵، ۲۶۵:۵، ۲۱۴:۵
 ۷۱۵:۵، ۷۱۴:۵، ۶۸۷:۵، ۴۳۵:۵، ۴۲۴:۵
 ۳۸۰:۶، ۳۴۷:۶، ۷۴:۶، ۱۰۸۷:۵، ۹۵۰:۵
 ۱۰۶۳:۶، ۱۰۴۴:۶، ۶۳۱:۶، ۵۴۳:۶
 عین القضاة (همدانی) ۶۵۵:۲، ۹۰۹:۳
 ۵۳۰:۵، ۹۲۹:۳

غرانیق (لات، عزى، منات) ۴۳۴:۶، ۴۳۳:۶
 غَزْ (أَغْز) ۱۱۷:۴، ۱۱۶:۴، ۷۴۵:۲
 غزالی ۲۹۸:۱، ۳۳۲:۱، ۷۵:۲، ۳۱۲:۳، ۴۶۱:۴
 ۵۶۰:۶، ۵۹۷:۴
 غزنویان ۶۱۸:۴
 غیاث الدین بن علاء الدین ۲۲۴:۱
 فارابی ۱۰۰۲:۳
 فارس عیسی بغدادی ۱۲۲:۲
 فاروق (عُمر) ۱۱۴۷:۵
 فاطمه (ع) ۴۴۱:۲، ۶۶:۳، ۵۶:۵، ۱۸۶:۵، ۲۰۹:۶
 فاطمه بنت اسد ۱۰۳۹:۵
 فخرالدین اسعد گرگانی ۷۶:۳
 فخرالدین معلم ۱۲۰:۲
 فخر رازی رک. امام فخر رازی
 فردوسی ۱۰۴۷:۳
 فرهاد (کوه کن) ۴۷۳:۱
 فرعون ۱۶۵:۱، ۱۶۶:۱، ۲۰۰:۱، ۲۰۱:۱، ۲۷۶:۱
 ۳۱۹:۱، ۳۹۷:۱، ۳۹۸:۱، ۵۱۶:۱، ۵۱۷:۱

عُمر (فاروق، خلیفه دوم) ۸۳:۱، ۴۴۹:۱، ۴۵۰:۱
 ۴۵۱:۱، ۴۵۵:۱، ۴۵۶:۱، ۴۵۷:۱، ۴۵۸:۱
 ۴۵۹:۱، ۴۶۰:۱، ۴۶۲:۱، ۴۶۳:۱، ۴۸۱:۱
 ۴۸۵:۱، ۴۹۳:۱، ۵۹۴:۱، ۶۴۴:۱، ۶۵۹:۱
 ۶۶۰:۱، ۶۶۱:۱، ۶۶۲:۱، ۶۶۶:۱، ۶۶۹:۱
 ۱۰۵۴:۱، ۱۰۵۵:۱، ۱۰۵۶:۱، ۱۰۸۳:۱، ۵۷:۲
 ۵۸:۲، ۲۵۵:۲، ۴۲۰:۲، ۵۱۷:۲، ۵۱۸:۲
 ۶۴۶:۲، ۱۷۵:۳، ۱۳۱:۴، ۱۶۱:۴، ۱۶۲:۴
 ۱۶۳:۴، ۱۸۶:۵، ۲۲۴:۵، ۱۱۴۷:۵، ۵۲۳:۶
 ۸۴۲:۶، ۵۶۰:۶
 عمران (پدر موسی) ۲۱۹:۳، ۲۲۰:۳، ۲۲۲:۳
 ۲۲۳:۳، ۲۲۴:۳، ۲۲۵:۳، ۲۲۶:۳، ۲۲۷:۳
 ۲۳۳:۳، ۲۳۲:۳
 عمران (پدر مریم) ۹۶۹:۳، ۹۲:۵
 عمر بن عبدالعزیز ۱۸۶:۵، ۵۱۰:۵
 ۹۸۷:۵

عمر بن هیبره ۹۸۲:۳
 عمر بن عثمان بن قنبر ۸۶:۳
 عمر بن هشام (ابوجهل) ۶۶۱:۶
 عمرو عاص ۴۲۰:۲
 عنصری ۲۷۷:۴
 عوج بن عنق (عاج بن عنق) ۵۷۵:۲، ۴۲:۵
 عوفی ۹۱۳:۴
 عهله بن کعب بن عوف عنسی (اسود عنسی،
 ذوالخمار) ۵۲۴:۶
 عیاشی (العیاشی) ۷۵۱:۴، ۸۴:۶، ۶۹۵:۶
 ۹۷۱:۶، ۹۵۵:۶
 عیسی (ع) ۶۵:۱، ۸۴:۱، ۸۵:۱، ۱۴۳:۱، ۱۴۴:۱
 ۱۴۵:۱، ۱۴۶:۱، ۱۵۲:۱، ۱۵۳:۱، ۱۵۴:۱
 ۱۷۹:۱، ۱۹۱:۱، ۱۹۲:۱، ۲۰۰:۱، ۲۰۱:۱
 ۲۰۸:۱، ۲۱۵:۱، ۲۳۶:۱، ۲۳۷:۱، ۲۳۸:۱
 ۲۴۹:۱، ۲۷۹:۱، ۲۸۱:۱، ۳۰۱:۱، ۵۰۸:۱
 ۵۴۹:۱، ۶۰۰:۱، ۶۲۴:۱، ۶۹۳:۱، ۷۷۵:۱
 ۸۱۹:۱، ۸۹۲:۱، ۱۹:۲، ۶۵:۲، ۶۶:۲، ۶۷:۲
 ۶۸:۲، ۶۹:۲، ۱۱۲:۲، ۱۴۴:۲، ۱۴۵:۲، ۱۴۶:۲

اشخاص و قبيله‌ها و فرقه‌ها ۳۲۳

۱۶۴:۱، ۱۹۸:۱، ۲۲۶:۱، ۲۴۴:۱، ۲۶۲:۱،
 ۳۲۴:۱، ۳۲۵:۱، ۳۵۹:۱، ۳۷۳:۱، ۴۰۳:۱،
 ۴۳۹:۱، ۴۷۰:۱، ۴۸۴:۱، ۴۹۸:۱، ۵۴۵:۱،
 ۵۵۳:۱، ۵۵۵:۱، ۵۵۸:۱، ۵۸۷:۱، ۵۸۹:۱،
 ۶۲۳:۱، ۶۴۶:۱، ۶۵۳:۱، ۶۵۷:۱، ۷۰۱:۱،
 ۷۲۳:۱، ۷۲۵:۱، ۷۴۳:۱، ۷۸۰:۱، ۸۷۱:۱،
 ۵۷:۲، ۴۱۹:۲، ۴۲۰:۲، ۴۳۵:۲، ۴۸۶:۲،
 ۵۲۹، ۶۶۴:۲، ۲۱:۳، ۳۹:۳، ۸۱:۳، ۱۸۳:۳،
 ۴۱۵:۳، ۵۰۰:۳، ۷۹۸:۳، ۱۰۲۹:۳، ۱۰۴۷:۳،
 ۱۶۶:۴، ۲۲۲:۴، ۲۷۸:۴، ۲۷۹:۴، ۴۶۵:۴،
 ۵۵۳:۴، ۶۳۰:۴، ۶۵۲:۴، ۷۱۳:۴، ۷۲۱:۴،
 ۷۳۳:۴، ۷۵۵:۴، ۷۶۶:۴، ۸۲۲:۴، ۸۲۵:۴،
 ۸۴۵:۴، ۹۱۳:۴، ۹۹۱:۴، ۳۸:۵، ۸۹:۵، ۹۳:۵،
 ۱۱۲:۵، ۱۳۹:۵، ۱۴۷:۵، ۱۶۵:۵، ۱۷۸:۵،
 ۲۱۴:۵، ۲۲۵:۵، ۲۷۱:۵، ۳۴۹:۵، ۳۷۴:۵،
 ۴۸۳:۵، ۵۱۰:۵، ۵۵۴:۵، ۶۱۲:۵، ۶۱۳:۵،
 ۶۵۶:۵، ۶۶۱:۵، ۷۳۶:۵، ۷۳۷:۵، ۷۸۵:۵،
 ۸۹۱:۵، ۹۰۱:۵، ۹۱۱:۵، ۹۲۱:۵، ۹۲۶:۵،
 ۹۴۸:۵، ۹۷۳:۵، ۱۰۳۴:۵، ۱۰۴۳:۵، ۱۰۵۰:۵،
 ۱۱۳:۶، ۱۳۸:۶، ۱۸۱:۶، ۲۶۱:۶، ۲۷۴:۶،
 ۳۲۸:۶، ۴۸۰:۶، ۴۹۱:۶، ۵۰۸:۶، ۶۳۲:۶،
 ۶۹۲:۶، ۷۶۶:۶، ۷۹۰:۶، ۸۵۶:۶، ۸۹۶:۶،
 ۹۲۵:۶، ۱۰۴۰:۶، ۱۰۸۶:۶

فضل بن عباس ۸۳۵:۴

فضیل عیاض، ابوعلی ۴۵۶:۳، ۸۶۶:۵

فلوطین ۷۴۰:۱

فیثاغورث (فیثاغورس) ۴۳۷:۱، ۲۳۶:۴

فیض الاسلام ۲۸۰:۶، ۲۸۵:۶، ۱۱۱۵:۶

فیلیپ دوم ۳۳:۲

القائم بامرالله ۱۶۶:۶

القادر بالله ۱۶۶:۶

قابیل ۳۸۳:۴، ۳۸۴:۴

قابوس وشمگیر ۷۰:۱

قارون ۳۰۱:۱، ۹۵۲:۱، ۱۰۴:۳، ۱۳۷:۳، ۲۵۰:۳

۵۲۲:۱، ۵۸۱:۱، ۷۳۰:۱، ۷۳۱:۱، ۷۳۳:۱،
 ۷۳۵:۱، ۷۳۶:۱، ۷۳۷:۱، ۷۴۴:۱، ۸۰۸۳:۱،
 ۱۱۲:۲، ۱۲۳:۲، ۱۴۵:۲، ۱۴۶:۲، ۲۲۰:۲،
 ۲۲۱:۲، ۲۲۲:۲، ۲۵۴:۲، ۳۰۱:۲، ۳۴۶:۲،
 ۵۱۰:۲، ۵۷۶:۲، ۶۲۶:۲، ۶۵۹:۲، ۷۲۲:۲،
 ۳۲:۳، ۴۴:۳، ۷۱:۳، ۱۹۷:۳، ۱۹۸:۳، ۲۱۱:۳،
 ۲۱۲:۳، ۲۱۳:۳، ۲۱۴:۳، ۲۱۵:۳، ۲۱۶:۳،
 ۲۱۸:۳، ۲۱۹:۳، ۲۲۰:۳، ۲۲۱:۳، ۲۲۲:۳،
 ۲۲۳:۳، ۲۲۴:۳، ۲۲۶:۳، ۲۲۷:۳، ۲۲۹:۳،
 ۲۳۱:۳، ۲۳۰:۳، ۲۳۲:۳، ۲۳۴:۳، ۲۳۵:۳،
 ۲۳۷:۳، ۲۳۸:۳، ۲۵۸:۳، ۲۶۱:۳، ۲۶۳:۳،
 ۲۶۴:۳، ۲۶۵:۳، ۲۶۶:۳، ۲۶۷:۳، ۲۶۸:۳،
 ۲۸۷:۳، ۲۸۸:۳، ۲۸۹:۳، ۲۹۰:۳، ۲۹۱:۳،
 ۲۹۳:۳، ۲۹۶:۳، ۳۰۶:۳، ۳۰۷:۳، ۳۰۸:۳،
 ۳۹۷:۳، ۴۳۵:۳، ۴۳۶:۳، ۴۴۰:۳، ۴۴۱:۳،
 ۴۴۲:۳، ۴۴۳:۳، ۵۸۹:۴، ۷۱۴:۳، ۷۱۵:۳،
 ۷۶۶:۳، ۱۰۸۸:۳، ۲۵۳:۴، ۳۲۴:۴، ۳۲۵:۴،
 ۳۲۶:۴، ۳۶۹:۴، ۳۷۰:۴، ۳۷۱:۴، ۴۸۰:۴،
 ۵۵۸:۴، ۵۵۹:۴، ۵۹۰:۴، ۶۰۷:۴، ۶۶۵:۴،
 ۶۶۷:۴، ۶۶۸:۴، ۶۶۹:۴، ۶۷۰:۴، ۶۷۱:۴،
 ۶۷۳:۴، ۶۷۴:۴، ۶۷۷:۴، ۶۷۸:۴، ۶۷۹:۴،
 ۶۸۷:۴، ۶۹۳:۴، ۶۹۴:۴، ۶۹۵:۴، ۶۹۶:۴،
 ۶۹۸:۴، ۶۹۹:۴، ۷۰۰:۴، ۷۰۱:۴، ۷۰۲:۴،
 ۷۰۷:۴، ۷۰۸:۴، ۷۰۹:۴، ۷۱۳:۴، ۷۱۴:۴،
 ۷۱۵:۴، ۷۱۸:۴، ۷۲۸:۴، ۷۲۹:۴، ۷۳۰:۴،
 ۷۳۱:۴، ۷۳۲:۴، ۷۳۶:۴، ۷۳۷:۴، ۷۳۸:۴،
 ۷۴۳:۴، ۷۴۶:۴، ۷۵۲:۴، ۷۶۸:۴، ۷۷۱:۴،
 ۷۷۲:۴، ۷۷۳:۴، ۷۸۱:۴، ۷۸۸:۴، ۷۸۹:۴،
 ۹۷۰:۴، ۱۰۰۰:۴، ۱۰۰۳:۴، ۱۰۰۴:۴،
 ۱۰۰۵:۴، ۱۰۰۶:۴، ۱۰۱۳:۴، ۱۰۶۷:۴،
 ۱۰۶۸:۴، ۵۶:۵، ۵۵۸:۵، ۶۷۱:۵، ۷۳۲:۵،
 ۷۸۳:۵، ۸۵۳:۵، ۸۶۷:۵، ۹۱۵:۵، ۱۱۱۹:۵،
 ۱۱۲۰:۵، ۱۱۲۱:۵

فروزانفر، بدیع الزمان ۵۳:۱، ۵۵:۱، ۵۶:۱

۵۷:۱، ۷۶:۱، ۸۸:۱، ۱۱۲:۱، ۱۳۹:۱، ۱۶۲:۱

- کیومرث ۱: ۳۲۷
 قاسم غنی ۱: ۵۰۱
 قانع طوسی ۱: ۴۰۲
 قباد ۳: ۲۱۹
 قبط ۱: ۳۰۰
 قبطی ۳: ۷۶۶
 قبطیان ۳: ۲۶۷، ۲۸۸، ۲۹۰، ۳۰۰، ۴۸۰، ۹۶۸، ۹۶۷، ۷۹۲، ۷۹۱، ۶۷۰، ۵۱۸، ۲۶۴
 قتاده ۳: ۵۲۹، ۱۱۰۳، ۴۸۵، ۸۳۵، ۲۷، ۶۸۵، ۲۳۱
 قریش ۱: ۱۴۱، ۸۲۰، ۵۱۸، ۱۱۴۱، ۳۱۵، ۳۲۸، ۵۰۰، ۴۹۹
 قزوینی، محمد ۳: ۴۹۹، ۵۰۰، ۳۲۸، ۱۰۳۱
 قطب الدین شیرازی ۵: ۱۱۲۴
 کاشفی سبزواری ۱: ۶۶۷
 کراخاتون (همسر مولانا) ۴: ۴۱۷
 کسائی ۱: ۱۰۲۳
 کعب الاحبار ۵: ۵۵۲
 کعب بن اسد ۳: ۱۱۳۷
 کعب بن اشرف ۳: ۱۱۴۵
 کعب بن زهیر ۶: ۱۵۶
 کفافی ۲: ۱۸، ۲۱، ۲۶، ۳۱، ۳۲، ۱۳۸، ۱۶۵، ۱۸۳، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۲۱، ۶۴۷، ۷۲۹، ۹۲۲، ۹۲۴
 کلب الروم ۱: ۴۵۰
 کلدانیان ۴: ۸۸۷، ۷۹
 کلینی ۴: ۸۸۵، ۴۷۲
 کمیل (بن زیاد) ۱: ۶۶، ۵۴۸، ۱۳۸
 کنعان ۳: ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲
 ۳: ۳۳۳، ۳۳۹، ۵۹۶، ۷۶۷، ۴۱۴
 ۴: ۴۱۵، ۵۳۸، ۹۵۰، ۹۵۱، ۵۶۵
 کوروش (کبیر) ۲: ۳۳، ۱۳۱، ۱۰۳۶
 گاندی، مهاتما ۱: ۱۹۱، ۱۱۲۳
 گولپینارلی ۱: ۳۶۳، ۵۵۴، ۱۳۸، ۴۶۸، ۴۰۱، ۱۷۱، ۸۶۱، ۸۶۲، ۹۱۸، ۱۰۳۹، ۱۰۷۰، ۲۱۵، ۲۸۷، ۳۱۹، ۶۰۱، ۶۱۹، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۹۳، ۹۰۶، ۴۷۶، ۱۱۴۰، ۱۰۳۴، ۶۹۴، ۱۲۱، ۲۲۲، ۳۹۱، ۴۷۷، ۴۸۰، ۶۱۸، ۶۹۸، ۷۸۳، ۸۵۶، ۸۹۸
 گوهرین، صادق ۵: ۵۴۰، ۱۰۲۰، ۶۱، ۶۴
 لائوتزو ۵: ۵۸۶، ۵۵۲
 لات ۳: ۱۱۴۱، ۴۳۳
 لاهوری (محمد رضا) ۱: ۱۷۲، ۲۲۶، ۵۰۸، ۴۴۴، ۴۴۶، ۴۴۵، ۱۰۱۳، ۱۱۰۹، ۹۱۵، ۱۰۳۲، ۳۹۰، ۶۵۶، ۹۶۴، ۲۸، ۱۰۱، ۷۶۲، ۸۸۴، ۸۶، ۱۹۸، ۳۱۷
 لاهیجی، شیخ محمد ۱: ۵۲، ۳۸۳، ۵۴۳، ۸۴۴، ۹۴۱، ۶۸۰
 لیبیدن ربیعہ (عامری) ۱: ۱۱۰۸، ۷۵۹
 لخم ۲: ۵۱۸
 لقمان (حکیم) ۱: ۶۰۷، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۳۷۷، ۳۸۰، ۳۸۳، ۳۸۵، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۵، ۴۷۹، ۴۸۰، ۱۰۲۹
 لوط ۱: ۹۵۲، ۴۱۹، ۶۵۹، ۴۵، ۱۱۷، ۵۷۱، ۴۰۵
 لویس معلوف یسوعی ۶: ۲۲۴
 لیلی ۱: ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۵، ۱۸۴، ۱۵۰، ۴۳، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۷، ۴۵۸، ۵۵۰، ۵۵۳، ۵۵۴، ۷۵۰، ۸۹۳، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳
 ۵: ۸۹۳، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳

ماروت ۱۲۹:۳	محمد بن زکریای رازی ۹۶:۴، ۵۲۵:۲
مارى شيملرک. آنه مارى شيمل	محمد بن يحيى نيشابورى ۵۵۴:۲
ماسينيون ۶۱۵:۴	محمد عوفى ۶۸۱:۱
مالک بن انس ۳۵۸:۲	محمد مير ۱۰۱۲:۶
مالک دينار (مالک بن دينار) ۵۲۹:۲، ۸۴۹:۲	محمود غزنوى ۷۴۵:۱
۴۷۱:۴، ۸۵۰:۲	محيط طباطبايى ۴۱۶:۲
مالک بن صعصعه ۷۵۹:۴	محيى الدين بن عربى ۳۹۰:۴، ۳۸۲:۴
مانويان ۲۵۲:۱	مخضرمين ۱۱۰:۳
مانى (نقاش) ۱۵۴:۱	مرحب ۱۱۴۵:۳
مأمون ۶۸۱:۱	مروان ۱۸۶:۵
متنبى ۲۲۶:۶، ۹۱۳:۳	مریم (ع) ۱، ۱۴۴:۱، ۶۰۰:۱، ۶۲۴:۱، ۵۲:۲، ۳۱۰:۲
مجاهد ۷۱۶:۵، ۲۳۱:۵، ۳۶۲:۱	۸۸۱:۲، ۲۱۱:۳، ۲۱۲:۳، ۸۱۴:۳، ۸۱۵:۳
مجدالدین بغدادى ۹۱۹:۲	۹۴۷:۳، ۹۴۸:۳، ۹۴۹:۳، ۹۵۰:۳، ۹۵۱:۳
مجلسى، محمدباقر ۷۰۵:۳، ۱۸۲:۴، ۱۷۶:۴	۹۶۶:۳، ۹۶۷:۳، ۹۶۸:۳، ۹۶۹:۳، ۹۷۳:۳
۳۰۳:۴، ۳۶۰:۴، ۳۹۴:۴، ۴۱۷:۴، ۷۹۵:۴	۱۳۱:۴، ۸۵۷:۴، ۹۰:۵، ۹۲:۵، ۷۱۵:۵
۵۳۵:۵، ۴۷۲:۵، ۲۵۲:۵، ۲۴۸:۵، ۹۳:۵، ۸۹:۵	۳۸۰:۶، ۳۷۴:۶، ۱۰۵۷:۵
۷۶۶:۵، ۷۱۷:۵، ۵۷۸:۵	مستملی بخارى ۴۲:۲
مجنون (بن بنى عامر، قيس عامرى) ۱۶۶:۱	مسعود سعد ۴۹۹:۳
۱۶۷:۱، ۷۹۵:۱، ۱۵۰:۳، ۴۵۱:۴، ۴۵۲:۴	مسعودى ۸۷۵:۲، ۶۲۲:۵، ۷۲۱:۵، ۱۵۱:۶
۴۵۳:۴، ۴۵۴:۴، ۴۵۶:۴، ۴۵۷:۴، ۵۵۰:۵	۷۵۳:۶
۵۵۱:۵، ۵۵۳:۵، ۷۵۰:۵، ۸۹۳:۵، ۹۰۱:۵	مسلم ۲۲۴:۱، ۳۶۰:۴، ۴۸۱:۴، ۱۱۲۹:۵، ۸۳۳:۶
۹۰۲:۵	مسلمه مجريطى ۲۱۳:۳
محدث ارموى ۵۴۵:۵	مسیح (ع) ۷۳:۱، ۱۵۶:۱، ۴۳۱:۱، ۵۴۹:۱
محقق داماد ۴۴۲:۲	۵۹۹:۱، ۶۰۰:۱، ۶۹۳:۱، ۹۲۲:۱، ۱۰۵۷:۱
محمد مهدى نراقى ۶۲:۲	۶۸:۲، ۱۳۸:۲، ۱۴۵:۲، ۱۴۸:۲، ۲۵۱:۲
محمد افضل ۴۸۰:۶	۲۵۴:۲، ۳۱۰:۲، ۳۶۳:۲، ۳۶۴:۲، ۸۷۹:۲
محمد جرير طبرى ۴۱۲:۶، ۱۰۳۴:۵	۲۵۰:۳، ۶۵۳:۳، ۶۵۴:۳، ۶۶۳:۳، ۷۱۴:۳
محمد بن ابى بکر ۴۷۲:۵	۸۵۷:۴، ۱۱۹۷:۳، ۲۱۲:۴، ۸۰۶:۴، ۸۵۶:۴
محمد بن احمد بن ابراهيم (ابوبکر مفيد)	۵۵:۵، ۲۶۵:۵، ۶۸۷:۵، ۷۱۴:۵، ۹۵۰:۵
۱۰۳۴:۵	۶۹۹:۶، ۴۴۹:۶، ۵۴۳:۶، ۶۴۹:۶
محمد بن ادريس شافعى ۲۹۸:۱	مسيلمه کذاب ۱۴۱:۱، ۱۴۲:۱
محمد بن اسماعيل بخارى ۹۹۰:۱	مصطفى کمال پاشا (آتاترک) ۸۲:۴
محمد بن حسن بن فرقد شيبانى ۹۸۸:۳	مصعب بن سعد ۷۶۸:۳
محمد بن على حکيم ترمذى ۱۰۵۴:۱	مُضَرَّ ۳۹۱:۶
محمد بن عمر بن مسعود ۹۴۲:۳	معاذ بن جبل ۶۱۴:۵

ملک الموت ۳:۵۲، ۳:۵۰، ۴:۶۹، ۵:۴۸۳	معاویه ۱:۷۲۵، ۲:۶۴۵، ۲:۶۴۶، ۲:۶۴۷، ۲:۶۴۸
مناة (بت) ۳:۱۱۴، ۶:۴۳۳	۲:۶۴۹، ۲:۶۵۷، ۲:۶۶۱، ۲:۶۶۶، ۲:۶۶۹
منصور (عباسی) ۱:۴۶۳، ۳:۹۸۲	۲:۶۷۲، ۲:۶۷۳، ۲:۶۷۷، ۲:۶۷۹، ۲:۶۸۴
موپاسان ۱:۴۳۳	۳:۹۴۹، ۳:۱۰۳۶، ۵:۸۱۳
موسی (ع) ۱:۶۵، ۱:۸۳، ۱:۸۴، ۱:۱۱۷، ۱:۱۲۰	معاویه بن عمار ۴:۲۹۱
۱:۱۳۱، ۱:۱۴۳، ۱:۱۴۵، ۱:۱۴۶، ۱:۱۴۹	معتز ۱:۹۱۵
۱:۲۷۲، ۱:۲۰۸، ۱:۲۰۱، ۱:۲۰۰، ۱:۱۶۶	معتزله ۲:۴۰
۱:۲۷۶، ۱:۳۰۰، ۱:۳۰۱، ۱:۳۰۲، ۱:۳۱۹	معتضد (عباسی) ۵:۹۴۸، ۵:۹۴۹
۱:۳۹۷، ۱:۴۱۱، ۱:۴۶۷، ۱:۵۱۶، ۱:۵۱۷	معروف کرخی (ابومحفوظ) ۲:۲۵۷
۱:۵۷۶، ۱:۶۵۲، ۱:۶۸۵، ۱:۷۳۰، ۱:۷۳۱	معزی ۴:۶۶۴
۱:۷۳۲، ۱:۷۳۴، ۱:۷۳۵، ۱:۷۳۶، ۱:۷۳۷	معین الدین پروانه ۱:۹۱۱، ۴:۶۸۷
۱:۷۴۴، ۱:۸۱۸، ۱:۸۶۶، ۱:۹۵۰، ۱:۹۵۱	مغولان ۳:۲۱۶، ۳:۲۱۷
۱:۹۹۸، ۱:۱۰۲۱، ۱:۱۰۶۲، ۲:۱۹، ۲:۴۲	مغیره بن شعبه ۶:۳۲۸
۲:۶۸، ۲:۱۱۲، ۲:۱۲۳، ۲:۱۲۴، ۲:۱۲۵	مقاتل ۳:۱۱۸۸
۲:۱۲۶، ۲:۱۴۱، ۲:۱۴۵، ۲:۱۴۶، ۲:۲۲۱	مقداد ۶:۳۷۹
۲:۲۲۲، ۲:۲۵۱، ۲:۲۵۴، ۲:۲۵۸، ۲:۳۰۱	مقدس اردبیلی ۳:۵۴۳
۲:۳۴۱، ۲:۳۴۲، ۲:۳۷۱، ۲:۳۷۲، ۲:۴۳۵	مقدسی ۳:۷۹۸
۲:۴۳۶، ۲:۴۳۷، ۲:۴۳۸، ۲:۴۴۳، ۲:۴۴۴	مقوقس ۲:۴۲۰
۲:۴۴۸، ۲:۴۴۹، ۲:۴۵۰، ۲:۴۵۱، ۲:۴۵۲	المکتفی بالله ۵:۱۰۵۰
۲:۴۵۳، ۲:۴۵۸، ۲:۴۵۹، ۲:۴۹۵، ۲:۵۰۹	ملاسلطان محمد قطب (سلطان علیشاه
۲:۵۱۰، ۲:۵۱۱، ۲:۵۱۲، ۲:۵۱۶، ۲:۵۴۲	گنابادی) ۱:۷۴۸
۲:۵۵۹، ۲:۵۷۱، ۲:۵۷۶، ۲:۵۹۳، ۲:۶۱۸	ملاصدرا (صدرای شیرازی) ۱:۱۵۹، ۱:۲۶۱
۲:۶۱۹، ۲:۶۲۰، ۲:۶۲۱، ۲:۷۰۷، ۲:۷۲۷	۱:۳۲۱، ۱:۳۸۷، ۱:۴۴۵، ۱:۴۴۶، ۱:۴۸۷
۲:۷۲۸، ۲:۸۰۰، ۲:۸۰۱، ۲:۸۵۹، ۲:۸۶۰	۱:۵۳۶، ۱:۷۳۸، ۱:۸۴۸، ۱:۸۹۹، ۳:۲۸۴
۲:۸۶۲، ۳:۳۲، ۳:۴۴، ۳:۶۷، ۳:۶۸، ۳:۱۱۰	۳:۳۲۷، ۳:۳۴۳، ۳:۴۰۹، ۳:۴۵۳، ۳:۶۶۷
۳:۱۹۰، ۳:۱۹۹، ۳:۲۱۱، ۳:۲۱۲، ۳:۲۱۳	۳:۸۸۶، ۳:۹۰۲، ۳:۹۶۸، ۳:۱۰۱۳، ۴:۱۴۴
۳:۲۱۴، ۳:۲۱۶، ۳:۲۱۹، ۳:۲۲۰، ۳:۲۲۱	۴:۱۸۳، ۴:۲۲۳، ۴:۲۳۱، ۴:۳۹۳، ۴:۵۴۸
۳:۲۲۳، ۳:۲۲۴، ۳:۲۲۶، ۳:۲۳۲، ۳:۲۳۳	۴:۷۹۶، ۴:۱۰۲۲، ۵:۱۷۴، ۵:۱۰۸۷، ۶:۳۹۳
۳:۲۳۴، ۳:۲۳۵، ۳:۲۳۶، ۳:۲۴۸، ۳:۲۵۰	ملافتح الله کاشانی ۶:۲۸۵
۳:۲۵۹، ۳:۲۶۰، ۳:۲۶۱، ۳:۲۶۴، ۳:۲۶۵	ملا متیه ۴:۶۲۸، ۴:۶۲۹
۳:۲۶۶، ۳:۲۶۷، ۳:۲۶۸، ۳:۲۸۷، ۳:۲۸۸	ملا محسن فیض ۳:۹۵۱، ۳:۹۶۸، ۳:۱۰۸۴
۳:۲۹۰، ۳:۲۹۱، ۳:۲۹۳، ۳:۲۹۴، ۳:۲۹۵	۳:۱۰۵۸، ۴:۶۴۱، ۴:۶۴۴، ۵:۸۹، ۵:۶۰۷
۳:۲۹۷، ۳:۳۰۰، ۳:۳۰۱، ۳:۳۰۲، ۳:۳۰۳	۶:۱۰۶۷
۳:۳۰۴، ۳:۳۰۵، ۳:۳۰۶، ۳:۳۰۷، ۳:۳۰۸	ملکا ۱:۱۴۴
۳:۳۱۷، ۳:۳۱۸، ۳:۴۳۵، ۳:۴۳۶، ۳:۴۴۰	ملکانیه ۳:۱۱۹۷

مؤمل بن مسرور عمرکی ۴۷۱:۴	۵۱۴:۳	۵۱۳:۳	۵۱۲:۳	۵۱۰:۳	۴۴۲:۳
مهدی (ع) ۲۳۰:۲	۶۳۷:۳	۶۳۶:۳	۶۱۲:۳	۵۸۹:۳	۵۵۱:۳
میبدی ۴۳۵:۵	۷۵۷:۳	۷۱۵:۳	۷۰۴:۳	۷۰۳:۳	۶۳۸:۳
میدانی ۱۱۱:۳	۸۳۷:۳	۷۸۸:۳	۷۶۶:۳	۷۶۰:۳	۷۵۸:۳
میرخانی ۴۲۸:۱	۸۴۲:۳	۸۴۱:۳	۸۴۰:۳	۸۳۹:۳	۸۳۸:۳
میرداماد ۷۹۶:۴	۸۶۳:۳	۸۶۲:۳	۸۴۷:۳	۸۴۴:۳	۸۴۳:۳
میرزا حسن اصفهانی (صفی‌علیشاه) ۷۹۸:۱	۸۶۵:۳	۸۶۶:۳	۸۶۷:۳	۸۸۱:۳	۲۹:۴
۷۵۰:۶	۳۶۹:۴	۳۲۷:۴	۳۲۵:۴	۳۲۴:۴	۱۳۰:۴
میرسید شریف جرجانی ۱۱۶:۱	۴۸۷:۴	۴۸۶:۴	۴۸۰:۴	۴۵۵:۴	۳۷۰:۴
میر عبدالفتاح ۱۰۷:۴	۵۹۰:۴	۵۵۸:۴	۵۴۰:۴	۴۹۰:۴	۴۸۹:۴
میر نورالله ۱۱۲۹:۳	۶۶۹:۴	۶۶۸:۴	۶۶۷:۴	۶۶۵:۴	۶۰۷:۴
میشل ۴۳۳:۵	۶۷۴:۴	۶۷۳:۴	۶۷۲:۴	۶۷۱:۴	۶۷۰:۴
میکائیل ۴۳۳:۵	۶۸۷:۴	۶۸۴:۴	۶۷۹:۴	۶۷۸:۴	۶۷۷:۴
۴۳۲:۵	۷۰۱:۴	۷۰۰:۴	۶۹۷:۴	۶۹۴:۴	۶۹۳:۴
۴۳۰:۵	۷۱۸:۴	۷۱۵:۴	۷۱۴:۴	۷۱۳:۴	۷۰۷:۴
۴۳۹:۵	۷۳۳:۴	۷۳۱:۴	۷۳۰:۴	۷۲۹:۴	۷۲۸:۴
۴۳۸:۵	۷۴۳:۴	۷۳۹:۴	۷۳۸:۴	۷۳۶:۴	۷۳۴:۴
۴۳۷:۵	۷۷۳:۴	۷۷۱:۴	۷۷۰:۴	۷۶۸:۴	۷۵۲:۴
۴۳۴:۵	۷۹۳:۴	۷۸۹:۴	۷۸۸:۴	۷۸۱:۴	۷۷۸:۴
میمونه ۲۰۹:۶	۸۴۶:۴	۸۴۵:۴	۸۲۳:۴	۸۲۲:۴	۸۱۳:۴
مینوس ۳۹۰:۶	۹۱۹:۴	۸۹۲:۴	۸۵۱:۴	۸۵۰:۴	۸۴۷:۴
ناصر خسرو (قبادیانی) ۱۰۸۵:۳	۹۶۸:۴	۹۴۲:۴	۹۳۷:۴	۹۲۸:۴	۹۲۷:۴
۸۱۲:۳	۹۹۷:۴	۹۸۷:۴	۹۸۶:۴	۹۷۱:۴	۹۷۰:۴
۴۸۳:۴	۱۰۰۳:۴	۱۰۰۱:۴	۱۰۰۰:۴	۹۹۹:۴	۹۹۸:۴
ناظم الاطباء ۶۵۴:۱	۱۰۱۰:۴	۱۰۰۶:۴	۱۰۰۵:۴	۱۰۰۴:۴	۱۰۰۴:۴
نجاشی ۶۳۸:۳	۱۰۲۴:۴	۱۰۲۳:۴	۱۰۱۳:۴	۱۰۱۱:۴	۱۰۱۱:۴
نجم‌الدین احمد بن علی بن الرّفعه ۵۵۴:۲	۱۰۷۳:۴	۱۰۶۸:۴	۱۰۶۷:۴	۱۰۶۶:۴	۱۰۶۶:۴
نجم رازی (نجم‌الدین دایه رازی) ۶۹۰:۱	۲۱۴:۵	۲۱۲:۵	۱۸۶:۵	۱۷۵:۵	۱۵۳:۵
۱۷۲:۵	۴۲۳:۵	۳۹۳:۵	۳۷۱:۵	۳۶۹:۵	۲۷۸:۵
نسائی ۲۸۵:۶	۹۱۵:۵	۹۱۲:۵	۸۶۷:۵	۷۶۵:۵	۴۳۵:۵
نسطور ۱۴۴:۱	۳۲۰:۶	۱۱۲۱:۵	۱۰۷۷:۵	۱۰۷۲:۵	۹۴۳:۵
نسطوریه ۱۱۹۷:۳	۶۳۱:۶	۶۱۵:۶	۵۳۱:۶	۳۸۱:۶	۳۳۴:۶
نظام ۸۸۴:۵	۸۰۰:۶	۶۶۱:۶	۶۴۶:۶	۶۴۳:۶	۶۴۲:۶
نظامی عروضی ۲۷۷:۴	۸۵۶:۶	۸۰۷:۶	۸۰۶:۶	۸۰۵:۶	۸۰۱:۶
نظامی (گنجوی) ۴۵۶:۱	۸۵۸:۶	۸۵۷:۶			
۴۷۳:۱					
۶۹۷:۳					
۳۳۸:۵					
نصاری (نصارا) ۲۹۶:۵					
نصوح ۶۳۰:۵					
نفیل بن حبیب خثعمی ۷۲۱:۶					
نقشبندیه ۸۶۷:۲					

نکیر و منکر ۵۷:۳، ۵۰:۳

نمرود ۱۳۲:۲، ۵۱۳:۱، ۳۹۸:۱، ۳۹۷:۱، ۲۰۷:۱

۶۵۹:۲، ۸۱۲:۲، ۶۳۷:۳، ۷۱۵:۳، ۱۳۴:۵

۱۰۶۷:۶، ۱۰۶۵:۶، ۱۳۵:۵

نوح(ع) ۵۷۶:۱، ۴۵۴:۱، ۲۹۶:۱، ۱۶۴:۱

۹۰۶:۱، ۹۰۷:۱، ۹۰۸:۱، ۹۷۵:۱، ۱۹:۲

۱۲۳:۲، ۱۴۶:۲، ۱۷۶:۲، ۲۵۲:۲، ۵۱۰:۲

۵۷۶:۲، ۶۵۸:۲، ۶۶۰:۲، ۴۴:۳، ۱۰۲:۳

۱۰۳:۳، ۳۲۷:۳، ۳۲۸:۳، ۳۲۹:۳، ۳۳۰:۳

۳۳۱:۳، ۳۳۲:۳، ۳۳۳:۳، ۳۳۴:۳، ۳۳۶:۳

۳۳۹:۳، ۳۴۰:۳، ۷۰۶:۳، ۷۰۷:۳، ۷۰۹:۳

۷۱۴:۳، ۷۸۸:۳، ۸۵۳:۳، ۹۱۴:۳، ۹۲۸:۳

۹۲۹:۳، ۹۳۵:۳، ۱۷۸:۴، ۱۸۴:۴، ۲۵۳:۴

۳۲۵:۴، ۳۴۲:۴، ۴۱۴:۴، ۴۱۵:۴، ۷۵۹:۴

۹۵۰:۴، ۹۵۱:۴، ۱۰۰۱:۴، ۱۰۵۸:۴، ۲۱۴:۵

۲۷۱:۵، ۴۳۵:۵، ۷۳۱:۵، ۷۹۸:۵، ۲۲:۶، ۲۳:۶

۷۳:۶، ۲۶۰:۶، ۵۶۵:۶، ۵۷۱:۶، ۵۸۸:۶

۵۹۲:۶، ۶۹۸:۶، ۶۹۹:۶

نویری ۶۵۷:۱

نیکلسون، رینولد (نیکلسن) ۵۷:۱، ۵۳:۱، ۵۱:۱

۵۸:۱، ۶۴:۱، ۶۷:۱، ۸۱:۱، ۸۲:۱، ۸۳:۱، ۸۷:۱

۹۳:۱، ۱۱۰:۱، ۱۱۱:۱، ۱۲۳:۱، ۱۳۵:۱

۱۳۷:۱، ۱۳۹:۱، ۱۴۸:۱، ۱۵۳:۱، ۱۶۷:۱

۱۷۲:۱، ۱۷۹:۱، ۱۹۸:۱، ۲۰۵:۱، ۲۱۱:۱

۲۲۴:۱، ۲۲۵:۱، ۲۲۶:۱، ۲۳۱:۱، ۲۳۲:۱

۲۳۶:۱، ۲۴۶:۱، ۲۵۱:۱، ۲۷۲:۱، ۲۹۶:۱

۳۰۰:۱، ۳۰۷:۱، ۳۱۸:۱، ۳۳۵:۱، ۳۵۷:۱

۳۸۵:۱، ۳۹۱:۱، ۴۴۳:۱، ۴۴۸:۱، ۴۶۲:۱

۴۶۸:۱، ۴۷۱:۱، ۵۰۷:۱، ۵۳۳:۱، ۵۴۶:۱

۵۵۱:۱، ۵۶۴:۱، ۶۷۱:۱، ۶۸۹:۱، ۷۱۲:۱

۷۴۲:۱، ۷۸۱:۱، ۸۰۳:۱، ۹۱۲:۱، ۱۰۰۳:۱

۱۰۱۳:۱، ۱۰۳۹:۱، ۱۰۶۷:۱، ۱۰۷۲:۱

۱۰۹۵:۱، ۱۰۲۷:۱، ۲۰:۲، ۲۱:۲، ۲۲:۲، ۳۲:۲

۴۶:۲، ۸۰:۲، ۸۳:۲، ۱۳۸:۲، ۲۰۵:۲، ۲۴۰:۲

۲۵۶:۲، ۲۵۷:۲، ۲۷۱:۲، ۳۰۵:۲، ۳۰۷:۲

۳۲۶:۲، ۴۴۷:۲، ۴۸۸:۲، ۵۹۲:۲، ۶۱۲:۲

۶۴۶:۲، ۷۴۷:۲، ۷۹۸:۲، ۸۰۶:۲، ۸۱۶:۲

۸۸۸:۲، ۴۴:۳، ۱۸۳:۳، ۲۹۳:۳، ۳۲۶:۳

۳۲۷:۳، ۳۴۲:۳، ۸۳۴:۳، ۱۰۰۲:۳، ۱۰۶۵:۳

۸۴:۴، ۹۰:۴، ۹۸:۴، ۱۰۳:۴، ۱۲۱:۴، ۱۲۷:۴

۱۶۵:۴، ۲۰۲:۴، ۲۳۶:۴، ۲۷۴:۴، ۳۱۱:۴

۳۱۳:۴، ۳۳۵:۴، ۳۵۱:۴، ۳۸۰:۴، ۳۹۷:۴

۴۰۴:۴، ۴۰۶:۴، ۴۲۱:۴، ۴۴۳:۴، ۴۴۵:۴

۴۵۳:۴، ۴۶۷:۴، ۴۹۸:۴، ۵۳۰:۴، ۵۳۸:۴

۵۸۱:۴، ۶۱۵:۴، ۶۳۳:۴، ۷۲۱:۴، ۷۲۴:۴

۷۳۷:۴، ۷۴۰:۴، ۷۴۱:۴، ۷۶۵:۴، ۷۷۳:۴

۷۷۵:۴، ۸۰۵:۴، ۸۱۳:۴، ۸۱۶:۴، ۸۳۴:۴

۸۳۹:۴، ۸۴۷:۴، ۸۵۴:۴، ۹۰۷:۴، ۹۲۸:۴

۹۵۳:۴، ۹۶۴:۴، ۹۷۳:۴، ۹۸۵:۴، ۱۰۰۳:۴

۱۰۱۲:۴، ۱۰۳۸:۴، ۱۰۶۵:۴، ۱۰۷۲:۴

۱۰۷۴:۴، ۱۸:۵، ۲۰:۵، ۲۷:۵، ۶۸:۵، ۷۶:۵

۹۲:۵، ۹۵:۵، ۹۶:۵، ۹۹:۵، ۱۰۲:۵، ۱۱۹:۵

۱۵۱:۵، ۲۱۴:۵، ۲۴۳:۵، ۳۳۹:۵، ۳۷۴:۵

۳۹۸:۵، ۴۱۸:۵، ۴۲۲:۵، ۴۷۱:۵، ۴۸۷:۵

۵۱۶:۵، ۵۱۷:۵، ۵۴۳:۵، ۵۵۴:۵، ۵۶۶:۵

۵۸۱:۵، ۶۰۰:۵، ۶۰۱:۵، ۶۰۶:۵، ۶۱۳:۵

۶۴۱:۵، ۶۴۲:۵، ۶۵۶:۵، ۶۸۱:۵، ۶۹۳:۵

۶۹۴:۵، ۷۰۵:۵، ۷۴۱:۵، ۷۵۶:۵، ۷۶۴:۵

۸۲۵:۵، ۸۳۴:۵، ۸۴۰:۵، ۸۴۸:۵، ۸۵۷:۵

۸۷۲:۵، ۹۵۲:۵، ۱۰۳۰:۵، ۱۰۳۱:۵، ۱۰۳۴:۵

۱۰۶۲:۵، ۱۰۶۴:۵، ۱۱۳۷:۵، ۲۵:۶، ۸۶:۶

۹۰:۶، ۱۶۸:۶، ۱۷۲:۶، ۱۹۲:۶، ۱۹۹:۶

۲۰۷:۶، ۲۱۲:۶، ۲۱۳:۶، ۲۱۸:۶، ۲۲۲:۶

۲۳۷:۶، ۲۵۵:۶، ۲۷۰:۶، ۳۱۱:۶، ۳۹۲:۶

۴۶۸:۶، ۴۸۱:۶، ۵۶۵:۶، ۵۸۷:۶، ۶۳۰:۶

۶۴۹:۶، ۶۹۱:۶، ۶۹۲:۶، ۷۳۶:۶، ۷۸۲:۶

۸۲۸:۶، ۸۴۲:۶، ۸۷۳:۶، ۸۷۵:۶، ۹۰۰:۶

۱۰۱۲:۶، ۱۰۱۳:۶، ۱۰۴۷:۶، ۱۰۵۵:۶

۱۰۵۸:۶، ۱۰۷۹:۶

اشخاص و قبيله‌ها و فرقه‌ها ۳۲۹

همای (جلال‌الدین ~، استاد ~) ۳۸۷:۱
 ۴۲۵:۱، ۱۰۷۹:۱، ۷۱۹:۲، ۷۹۲:۲، ۱۰۱۳:۵
 ۹۲۸:۶، ۹۳۱:۶، ۹۴۰:۶، ۹۵۴:۶، ۹۵۸:۶
 ۱۰۴۴:۶، ۱۰۴۵:۶، ۱۰۵۰:۶، ۱۰۶۵:۶
 ۱۱۰۹:۶، ۱۰۷۹:۶
 هوازن ۵۵۳:۲
 هود(ع) ۲۹۶:۱، ۲۹۷:۱، ۹۰۶:۱، ۵۷:۴، ۵۸:۴
 ۲۵۳:۴
 هیرو دیس ۱۳۱:۴

یافت بن نوح ۶۲۲:۵
 یاقوت حموی ۹۲۶:۲، ۳۲۸:۳، ۵۲۹:۴، ۸۸۷:۴
 ۵۵۶:۶، ۲۹۶:۵
 یثرب بن قانیه ۱۰۵۸:۴
 یحیی(ع) ۵۷۶:۱، ۴۲۵:۲، ۴۲۶:۲، ۸۷۹:۲
 ۸۸۰:۲، ۸۸۱:۲، ۸۸۲:۲، ۲۵۰:۳، ۳۵۸:۵
 ۳۵۹:۵
 یحیی معاذ (~ رازی) ۶۸۹:۱، ۲۵۶:۲، ۴۸۳:۵
 یزید (~ بن معاویه) ۶۸۹:۱، ۲۴۳:۶، ۲۴۵:۶
 یسع ۷۴:۶
 یعقوب(ع) ۹۵:۱، ۱۴۶:۱، ۲۸۱:۱، ۵۸۹:۱
 ۱۸۵:۲، ۲۴۳:۲، ۲۵۳:۲، ۳۱۴:۲، ۳۶۵:۲
 ۷۹۳:۲، ۲۴۱:۳، ۲۴۲:۳، ۵۹۶:۳، ۷۶۷:۳
 ۷۶۸:۳، ۷۶۹:۳، ۷۷۰:۳، ۹۰۵:۳، ۹۰۶:۳
 ۱۰۸۳:۳، ۱۱۵۲:۳، ۱۲۱۵:۳، ۵۳۱:۴، ۵۳۲:۴
 ۱۰۷۷:۵، ۲۶۹:۶، ۷۲۲:۶، ۷۲۳:۶، ۷۲۴:۶
 ۱۰۵۰:۶

یعقوب چرخي ۵۱:۱، ۶۰:۱، ۶۱:۱، ۶۶:۱
 یعقوبی ۱۶۲:۴
 یعقوبیه ۱۱۹۷:۳
 یمامه ۱۴۱:۱
 یوسف(ع) ۹۵:۱، ۲۸۱:۱، ۵۸۸:۱، ۵۸۹:۱
 ۵۹۰:۱، ۶۲۰:۱، ۷۷۰:۱، ۸۱۸:۱، ۹۱۵:۱
 ۹۱۶:۱، ۹۱۷:۱، ۹۱۸:۱، ۹۱۹:۱، ۹۲۵:۱
 ۱۰۶۷:۱، ۱۸۵:۲، ۲۴۳:۲، ۲۵۴:۲، ۲۸۷:۲

واسطی ۷۵:۲، ۱۲۱:۲
 واصل بن عطا ۴۰:۲
 وامق ۷۰۴:۶
 ولید بن مغیره ۵۱۶:۲، ۱۰۷۸:۵، ۴۱۱:۶
 وهب بن منبه ۲۱۱:۳، ۷۵۹:۴، ۴۴۳:۵
 ویس و رامین ۷۶:۳، ۵۳۴:۴، ۳۳۸:۵
 ویلیام دروموند ۹۹:۵
 وینفیلد ۱۰۰۲:۳

هابیل ۳۸۳:۴
 هاروت و ماروت ۲۰۳:۱، ۲۰۴:۱، ۹۵۶:۱
 ۹۶۱:۱، ۹۶۲:۱، ۹۷۹:۱، ۶۱۵:۲، ۱۲۹:۳
 ۲۰۱:۳، ۲۰۲:۳، ۲۰۸:۳، ۲۱۰:۳، ۴۳۱:۳
 ۳۷۳:۴، ۷۶۰:۴، ۸۹۲:۴، ۸۹۸:۴، ۱۹۱:۵
 ۷۸۵:۶، ۹۹۳:۵، ۸۹۵:۵، ۱۹۲:۵
 هارون (برادر موسی) ۱۹۹:۳، ۲۵۹:۳، ۲۸۸:۳
 ۲۹۰:۳، ۲۹۱:۳، ۵۸۹:۳، ۶۶۴:۴، ۶۷۱:۴
 ۹۱۹:۴، ۱۰۰۴:۴، ۱۰۷۳:۴، ۱۷۵:۵
 هارون (~ الرشید) ۳۹۷:۵
 هاشم (~ بن عبدمناف) ۷۱۲:۱، ۳۰۲:۴
 هامان (وزیر فرعون) ۳۹۸:۱، ۳۶۹:۴، ۳۷۰:۴
 ۳۷۱:۴، ۴۸۰:۴، ۷۱۴:۴، ۷۴۳:۴، ۷۴۶:۴
 ۷۵۲:۴، ۷۶۸:۴، ۷۷۰:۴، ۷۷۱:۴، ۷۷۳:۴
 ۷۷۴:۴، ۷۷۵:۴، ۷۸۱:۴، ۱۰۰۰:۴

هجوری ۳۷۹:۲، ۲۲۲:۴، ۱۱۳:۵، ۹۸۶:۵
 هدهد ۹۱۳:۲
 هذیل ۵۱۷:۲، ۱۱۴۱:۳، ۵۷۵:۴، ۵۷۷:۴، ۵۸۶:۴
 هراکلیت ۲۸۳:۶
 هگل ۱۹۵:۶
 هلاکو خان ۷۳۲:۱، ۷۳۳:۱
 هلال (صحابی پیغمبر) ۳۲۷:۶، ۳۲۸:۶، ۳۲۹:۶
 ۳۳۶:۶، ۳۳۷:۶، ۳۳۹:۶، ۳۴۰:۶، ۳۴۱:۶
 ۳۴۲:۶، ۳۴۳:۶، ۳۴۴:۶، ۳۴۵:۶، ۳۴۶:۶
 ۳۴۸:۶، ۳۵۱:۶، ۳۵۲:۶
 هلن مسیحی ۱۳۱:۴

۸۹۵:۶	۹۴۲:۶	۹۹۷:۶	۱۰۴۰:۶	۱۰۴۱:۶
۱۰۴۲:۶	۱۰۴۳:۶	۱۰۵۲:۶	۱۰۶۲:۶	
یوسف بن احمد مولوی	۴۷:۳	۴۸:۳	۷۲:۳	
۷۷:۳	۲۷۸:۳	۲۸۳:۳	۲۸۴:۳	۲۸۶:۳
۳۲۵:۳	۳۶۵:۳	۳۷۹:۳	۴۴۲:۳	۴۵۷:۳
۵۴۱:۳	۵۶۰:۳	۶۲۵:۳	۶۳۳:۳	۶۳۷:۳
۶۴۰:۳	۷۰۰:۳	۸۴۰:۳	۱۶:۴	۲۱:۴
۲۷۹:۴	۷۸:۵	۶۰۰:۵	۸۸۹:۵	۸۹۴:۵
۸۹۵:۵	۲۱:۵			
۳۳:۶	۴۷:۶	۱۱۱:۶		
یوشع بن نون	۶۹۵:۶			
یونس(ع) (سـ بن متی)	۷۶۷:۲	۷۶۸:۲	۷۶۹:۲	
۱۱۴۷:۳	۱۱۴۸:۳	۳۴۹:۵	۴۴۳:۵	۴۴۴:۵
۴۴۵:۵	۴۴۶:۵	۶۱۴:۶		
یونگ	۹۰۰:۶			
یهودا	۸۷۲:۶			
۳۱۴:۲	۳۲۹:۲	۳۶۴:۲	۳۶۶:۲	۳۶۸:۲
۵۰۲:۲	۵۲۹:۲	۶۳۰:۲	۷۶۷:۲	۷۹۳:۲
۱۱۵:۳	۱۱۹:۳	۱۴۴:۳	۲۱۳:۳	۲۴۱:۳
۲۴۲:۳	۴۰۶:۳	۴۰۷:۳	۵۹۴:۳	۵۹۵:۳
۵۹۶:۳	۶۰۲:۳	۷۶۷:۳	۷۶۸:۳	۷۶۹:۳
۷۷۰:۳	۷۷۱:۳	۸۰۷:۳	۸۷۸:۳	۹۰۵:۳
۹۰۶:۳	۹۴۸:۳	۹۷۷:۳	۱۰۸۳:۳	۱۱۵۲:۳
۱۱۹۲:۳	۷۲:۴	۲۱۸:۴	۲۶۸:۴	۴۱۸:۴
۵۳۱:۴	۵۳۸:۴	۹۰۶:۴	۹۱۷:۴	۹۵۹:۴
۱۰۲۲:۴	۱۴۵:۵	۲۷۲:۵	۲۷۳:۵	۳۱۵:۵
۳۱۶:۵	۳۸۰:۵	۳۸۱:۵	۳۸۲:۵	۵۴۹:۵
۶۹۳:۵	۸۱۸:۵	۸۱۹:۵	۱۰۵۶:۵	۱۰۶۱:۵
۱۰۶۲:۵	۱۰۷۷:۵	۱۱۰۰:۵	۳۷۳:۶	۷۲۲:۶
۷۲۳:۶	۷۳۲:۶	۷۳۴:۶	۷۳۵:۶	۸۰۰:۶
۸۰۷:۶	۸۰۸:۶	۸۰۹:۶	۸۱۰:۶	۸۷۲:۶
۸۷۳:۶	۸۸۳:۶	۸۸۴:۶	۸۸۵:۶	۸۸۶:۶

کتابها

- آداب الحرب ۱: ۱۰۲*
- آداب المريدين ۱: ۵۱۱، ۷۹۴
- آراء فلسفی ملاصدرا ۶: ۲۵۰
- آنسندراج (فرهنگ) ۱: ۶۸، ۱۹۶، ۲۲۲، ۸۳۹، ۱: ۹۷۰، ۲: ۳۱، ۲: ۳۷، ۲: ۱۸۹، ۲: ۲۶۴، ۲: ۴۵۴، ۲: ۶۷۲، ۲: ۷۸۵، ۲: ۸۴۳، ۳: ۲۸، ۳: ۵۲، ۳: ۱۳۲، ۳: ۲۵۴، ۳: ۲۵۹، ۳: ۳۹۹، ۳: ۴۳۲، ۳: ۵۰۰، ۳: ۷۷۶، ۳: ۸۲۹، ۳: ۹۱۸، ۴: ۳۵۱، ۴: ۶۳۷، ۴: ۶۲۴، ۴: ۶۰۵، ۴: ۴۹۰، ۴: ۳۹۰، ۴: ۷۱۵، ۴: ۸۸۱، ۵: ۷۷، ۵: ۱۱۸، ۵: ۳۹۱، ۵: ۴۴۶، ۵: ۴۵۱، ۵: ۴۷۱، ۵: ۵۱۹، ۵: ۵۴۰، ۵: ۵۶۷، ۵: ۶۰۶، ۵: ۶۳۰، ۵: ۶۶۹، ۵: ۷۴۱، ۵: ۸۳۶، ۵: ۹۵۵، ۶: ۶۱، ۶: ۶۴، ۶: ۱۱۸، ۶: ۲۹۲، ۶: ۴۸۰
- الابنية عن حقایق الادوية ۴: ۴۴۹، ۵: ۵۸۸، ۶: ۱۳۲
- الاتقان فی علوم القرآن ۱: ۱۰۹۲، ۳: ۳۴۷
- احادیث مشنوی ۱: ۸۶، ۱: ۹۶، ۱: ۱۰۶، ۱: ۱۲۱، ۱: ۱۲۲، ۱: ۱۵۸، ۱: ۱۶۳، ۱: ۲۳۵، ۱: ۲۶۷
- ۱: ۳۰، ۱: ۳۱۵، ۱: ۳۱۶، ۱: ۳۲۱، ۱: ۳۳۲، ۱: ۳۳۹، ۱: ۳۵۶، ۱: ۳۶۴، ۱: ۳۸۶، ۱: ۳۹۲، ۱: ۳۹۹، ۱: ۴۲۷، ۱: ۴۳۲، ۱: ۴۳۳، ۱: ۴۴۴، ۱: ۴۴۶، ۱: ۴۵۸، ۱: ۵۵۸، ۱: ۶۰۲، ۱: ۶۱۱، ۱: ۶۷۳، ۱: ۷۰۰، ۱: ۷۰۵، ۱: ۷۲۵، ۱: ۷۸۰، ۱: ۷۸۴، ۱: ۸۳۸، ۱: ۸۵۱، ۱: ۸۶۳، ۱: ۸۶۴، ۱: ۸۷۹، ۱: ۸۹۴، ۱: ۹۰۵، ۱: ۹۳۹، ۱: ۹۷۳، ۱: ۹۸۹، ۱: ۱۰۰۹، ۱: ۱۰۳۹، ۱: ۱۰۴۳، ۱: ۱۰۶۴، ۱: ۱۰۷۷، ۱: ۱۰۷۹، ۱: ۱۰۸۳، ۱: ۱۰۸۵، ۱: ۱۰۹۰، ۱: ۱۱۱۶، ۲: ۴۸، ۲: ۱۰۲، ۲: ۱۱۴، ۲: ۱۱۸، ۲: ۱۴۸، ۲: ۱۶۵، ۲: ۱۷۱، ۲: ۱۸۲، ۲: ۲۰۱، ۲: ۲۱۲، ۲: ۲۱۴، ۲: ۲۲۸، ۲: ۲۴۸، ۲: ۲۵۸، ۲: ۲۸۲، ۲: ۳۲۸، ۲: ۳۳۷، ۲: ۳۵۱، ۲: ۳۸۲، ۲: ۳۹۱، ۲: ۴۱۳، ۲: ۴۲۵، ۲: ۴۴۰، ۲: ۴۴۳، ۲: ۴۴۵، ۲: ۴۶۸، ۲: ۴۸۰، ۲: ۵۱۹، ۲: ۵۶۴، ۲: ۶۳۴، ۲: ۶۴۹، ۲: ۶۵۴، ۲: ۶۷۱، ۲: ۶۹۲، ۲: ۶۹۹، ۲: ۷۰۲، ۲: ۷۲۱، ۲: ۷۴۷، ۲: ۷۹۴، ۲: ۸۱۲، ۲: ۸۳۶، ۲: ۸۳۷، ۲: ۸۵۹، ۲: ۹۰۳، ۳: ۲۱، ۳: ۶۱، ۳: ۸۶، ۳: ۸۸، ۳: ۱۱۱، ۳: ۱۴۰، ۳: ۱۴۴، ۳: ۳۴۱، ۳: ۳۴۹، ۳: ۳۶۵

۵۷۶:۲، ۷۴۱:۲، ۷۴۲:۲، ۸۷۵:۲، ۳۲۸:۳
 ۷۲۱:۵، ۶۲۲:۵، ۷۵۵:۵، ۷۲۲:۳، ۳۵۸:۳، ۳۳۳:۳
 اخبار الطوال ۷۱۲:۲، ۱۳۱:۴
 ادوار فقه ۸۲۹:۱، ۱۵۱:۶، ۱۵۲:۶، ۳۲۲:۶
 ۳۲۳:۶
 الاذکیاء ۶۵۲:۴
 الارشاد ۵۲۸:۱
 ارمغان مثنوی ۵۴۷:۳، ۵۶۵:۳، ۵۶۶:۳، ۶۴۹:۳
 اساس الاقتباس ۶۸۲:۱، ۶۵۱:۱، ۶۳۹:۲
 ۲۰۱:۶، ۹۳۲:۳
 اساس البلاغة ۷۵:۲
 اساس التوحید ۱۰۰۰:۱، ۲۵۰:۶، ۲۵۳:۶
 اسباب النزول ۹۳۳:۱
 استیعاب (الاستیعاب) ۹۳۳:۱، ۷۳۲:۴، ۷۹۵:۶
 أسد الغابة ۸۲۱:۱، ۹۳۳:۱، ۸۷۴:۳، ۳۶۲:۴
 ۷۹۵:۶، ۳۲۸:۶، ۵۷۶:۴
 اسرار التوحید ۴۵۰:۱، ۵۹۴:۱، ۱۳۰:۲، ۳۷۸:۲
 ۱۸۱:۶، ۵۱۰:۵، ۱۶۶:۴
 اسرار الحكم ۷۰۴:۳، ۷۴۸:۳، ۱۰۹۵:۳، ۵۴۸:۴
 ۴۷۳:۵، ۸۳۸:۴، ۶۴۳:۴، ۶۴۲:۴
 اسرار نامه ۱۴۶:۱، ۱۱۷۷:۳، ۹۴:۴، ۷۴۱:۵
 اسفار ۵۴۸:۴
 اسکندرنامه (نظامی) ۹۹۴:۱، ۳۸۰:۲، ۵۸۶:۲
 اسکندر و ادبیات ایران ۲۳:۲
 اشعة اللغات ۵۰۹:۱، ۲۴۲:۲
 اصطلاحات الاصول ۹۱۳:۳، ۲۲۴:۶
 اصطلاحات الصوفیه ۶۷:۲، ۲۷۹:۳، ۴۶۱:۳
 ۵۱۴:۳، ۵۱۸:۳، ۶۱۳:۳، ۶۷۵:۳، ۷۶۹:۳
 ۲۶:۶، ۱۸:۵، ۴۳۳:۴، ۴۰۸:۴، ۳۸۶:۴
 الاصول العشرة ۵۱۱:۱
 اصول الفقه ۸۲۸:۱، ۲۲۴:۶
 اصول فلسفه و روش رئالیسم ۱۰۲۸:۴
 اصول کافی ۳۵۳:۳، ۶۱۲:۳، ۴۰۰:۴، ۲۲۶:۴
 ۳۶۰:۴، ۵۹۷:۴، ۱۰۳۱:۴، ۱۶۹:۵، ۲۵۳:۵
 ۴۷۲:۵، ۲۵۷:۵

۴۲۰:۳، ۴۳۹:۳، ۴۵۶:۳، ۴۹۰:۳، ۵۰۳:۳
 ۵۵۷:۳، ۵۶۲:۳، ۵۶۷:۳، ۷۸۵:۳، ۷۸۹:۳
 ۸۲۲:۳، ۸۴۰:۳، ۸۵۴:۳، ۸۶۰:۳، ۸۷۱:۳
 ۸۸۲:۳، ۸۹۰:۳، ۸۹۲:۳، ۹۰۶:۳، ۹۴۶:۳
 ۹۷۴:۳، ۹۷۶:۳، ۱۰۱۵:۳، ۱۰۲۹:۳، ۱۰۶۵:۳
 ۱۱۴۷:۳، ۱۱۵۶:۳، ۱۱۶۳:۳، ۱۱۷۴:۳
 ۱۲۱۶:۳، ۴۹:۴، ۸۵:۴، ۱۴۰:۴، ۱۷۸:۴
 ۲۱۳:۴، ۳۱۵:۴، ۳۱۶:۴، ۴۲۹:۴، ۴۳۳:۴
 ۴۴۰:۴، ۴۹۲:۴، ۵۶۴:۴، ۵۸۰:۴، ۵۹۲:۴
 ۶۳۰:۴، ۷۱۱:۴، ۷۲۱:۴، ۷۳۲:۴، ۷۳۴:۴
 ۷۵۵:۴، ۷۷۰:۴، ۸۴۱:۴، ۸۶۸:۴، ۸۸۴:۴
 ۸۹۸:۴، ۹۰۳:۴، ۹۱۵:۴، ۹۳۱:۴، ۹۳۳:۴
 ۹۸۹:۴، ۱۰۲۰:۴، ۱۰۳۳:۴، ۳۹:۵، ۸۹:۵
 ۹۴:۵، ۱۳۹:۵، ۱۵۳:۵، ۱۵۷:۵، ۱۷۹:۵
 ۱۸۸:۵، ۲۲۵:۵، ۲۳۵:۵، ۲۴۵:۵، ۲۶۱:۵
 ۳۰۲:۵، ۳۱۴:۵، ۴۴۷:۵، ۵۰۴:۵، ۶۵۴:۵
 ۶۵۶:۵، ۸۷۷:۵، ۸۹۱:۵، ۹۴۴:۵، ۱۰۹۰:۵
 ۲۶:۶، ۱۱۳:۶، ۱۲۴:۶، ۱۵۲:۶، ۱۵۵:۶
 ۱۵۷:۶، ۱۶۲:۶، ۲۹۰:۶، ۳۰۷:۶، ۳۵۳:۶
 ۳۹۳:۶، ۴۶۱:۶، ۴۶۴:۶، ۶۰۱:۶، ۶۲۲:۶
 ۶۳۷:۶، ۷۰۷:۶، ۸۳۳:۶، ۸۵۸:۶، ۹۱۸:۶
 ۱۰۲۵:۶، ۱۰۵۰:۶، ۱۰۸۹:۶، ۱۰۹۱:۶
 احیاء العلوم (احیاء علوم الدین غزالی) ۱۳۹:۱
 ۲۸۶:۱، ۲۹۸:۱، ۳۳۲:۱، ۴۳۸:۱، ۴۹۸:۱
 ۸۰۵:۱، ۹۹۴:۱، ۹۹۸:۱، ۱۰۰۶:۱، ۱۱۱۴:۱
 ۳۵۸:۲، ۵۲۹:۲، ۱۵۰:۳، ۳۱۲:۳، ۳۲۰:۳
 ۳۹۴:۳، ۴۷۹:۳، ۴۸۷:۳، ۸۲۷:۳، ۳۹۳:۴
 ۶۳۰:۴، ۶۴۱:۴، ۶۴۲:۴، ۶۴۴:۴، ۶۵۲:۴
 ۸۲۲:۴، ۱۰۳۹:۴، ۱۰۴۹:۴، ۸۹:۵، ۱۲۵:۵
 ۱۵۱:۵، ۲۷۵:۵، ۳۴۹:۵، ۶۱۲:۵، ۹۴۸:۵
 ۵۷۶:۶، ۷۹۰:۶
 احیای فکر دینی ۴۷۴:۵
 اخبار الحکما قفطی ۳۷۹:۲
 اخبار حلاج ۳۶۲:۲
 اخبار الزمان ۲۱۹:۱، ۸۱۹:۱، ۸۲۰:۱، ۹۹۹:۱

- اعلام زرکلی ۱:۶۱۵، ۱:۶۸۲، ۱:۷۹۵، ۱:۹۷۵، ۳:۶۶، ۳:۱۱۰، ۳:۲۵۷، ۳:۷۹۲، ۳:۹۴۹، ۳:۹۸۲، ۴:۳۰۳، ۴:۴۴۹، ۴:۵۷۵، ۴:۷۳۲، ۶:۱۱۲، ۶:۵۲۴، ۶:۱۰۳، ۶:۱۰۵۷
- اعلام قرآن ۱:۲۷۶، ۱:۲۹۷، ۱:۳۰۱، ۱:۳۹۸، ۱:۶۰۹، ۱:۶۸۵، ۱:۷۷۲، ۱:۹۵۲، ۱:۱۰۲۱، ۱:۱۱۰۷، ۲:۱۳۸، ۲:۱۵۳، ۲:۳۴۱، ۲:۴۱۹، ۲:۷۶۸، ۲:۹۰۷، ۳:۲۳، ۳:۲۵۰، ۳:۶۳۰، ۴:۱۳۱، ۵:۴۳۳، ۵:۴۴۵، ۶:۷۳، ۶:۱۲۲
- اعلام النبوة ۵:۷۶۶
- اعلام الوری ۴:۷۳۳، ۶:۱۰۵۷
- الاغانی ۳:۲۵۵
- اقرب الموارد ۱:۹۷۶، ۲:۲۶۴، ۲:۷۲۳، ۲:۹۲۶، ۴:۱۰۴۲، ۵:۵۴۲، ۵:۹۴۳، ۶:۶۴۵
- اکمال الدین صدوق ۴:۶۵۲
- الف ليلة ۳:۱۰۱۰
- الفیة ۵:۱۰۷
- الهی نامه (عطار) ۲:۶۵، ۳:۶۹۷، ۳:۹۶۱، ۴:۷۲۸، ۵:۷۹۱
- امالی شیخ مفید ۱:۸۶۶
- امتاع الاسماع ۶:۱۵۱
- الامتاع والموانسة ۲:۳۷۷
- امثال و حکم (دهخدا) ۱:۸۲، ۱:۲۱۸، ۱:۳۲۷، ۱:۳۲۸، ۱:۳۷۲، ۱:۳۹۱، ۱:۳۹۶، ۱:۴۱۸، ۱:۴۵۵، ۱:۷۱۵، ۱:۷۴۴، ۱:۸۱۳، ۱:۸۳۴، ۱:۸۴۶، ۱:۹۲۶، ۱:۹۳۱، ۱:۹۹۰، ۱:۱۱۰۲، ۲:۷۹، ۲:۱۲۵، ۲:۱۵۴، ۲:۲۱۱، ۲:۴۰۲، ۲:۴۰۳، ۲:۴۷۱، ۲:۵۰۳، ۲:۶۶۸، ۲:۶۷۸، ۲:۷۱۸، ۲:۸۱۱، ۳:۲۳۶، ۳:۳۷۷، ۳:۳۹۹، ۳:۴۱۵، ۳:۷۳۶، ۳:۷۸۱، ۳:۸۱۳، ۳:۱۰۳۰، ۳:۱۰۷۳، ۳:۱۰۹۹، ۳:۱۱۱۹، ۳:۱۱۲۱، ۳:۱۱۵۶، ۳:۱۲۰۳، ۳:۱۲۱۲، ۴:۱۰۹، ۴:۱۳۶، ۴:۳۳۱، ۴:۳۵۶، ۴:۴۷۹، ۴:۴۹۰، ۴:۵۱۸، ۴:۶۵۹، ۴:۶۶۴، ۴:۹۶۱، ۵:۲۰، ۵:۱۵۰، ۵:۳۳۱، ۵:۵۰۱، ۵:۵۲۰، ۶:۱۶۶، ۶:۲۰۰
- ۱۲۱۴:۶، ۲۴۶:۶
- امل الآمل ۴:۶۴۱، ۶:۱۰۵۷
- انباء الرواة ۴:۱۸
- انجيل ۱:۱۴۴، ۱:۱۴۵، ۱:۱۵۳، ۱:۱۵۴، ۱:۱۸۱، ۱:۷۵۳، ۳:۳۲۴، ۳:۶۴۳، ۳:۸۱۳، ۳:۸۱۵، ۵:۹۰، ۵:۵۳۱، ۶:۳۴۶
- انجيل برنابا ۱:۲۵۶، ۵:۹۵۱
- انجيل لوقا ۲:۸۷۹
- انجيل متى ۱:۲۰۹، ۱:۲۱۵، ۱:۴۳۱، ۱:۶۹۴، ۱:۷۳۵، ۱:۸۹۲، ۱:۱۰۵۷، ۲:۳۶۳، ۳:۶۵۳، ۳:۶۶۳، ۴:۱۱۹، ۴:۲۱۲، ۵:۵۵، ۵:۲۶۵، ۵:۴۱۸، ۵:۷۱۴، ۶:۳۴۷
- انجيل مرقس ۲:۳۶۳، ۶:۳۴۷
- انجيل یوحنا ۱:۲۵۶، ۵:۹۰، ۶:۳۸۰، ۶:۴۴۹
- انساب الاشراف ۴:۴۴۹
- الانسان الكامل ۱:۵۲، ۱:۵۹، ۴:۲۰
- انوار التنزيل (تفسير بیضاوی) ۵:۲۷
- انیس المریدین ۳:۱۰۴۷
- اوپانیشاد ۱:۲۱۳، ۱:۲۱۴، ۱:۷۳۸، ۱:۷۴۰، ۲:۶۰۱، ۴:۱۴۶، ۴:۱۵۲، ۵:۲۳۹، ۵:۳۵۵، ۵:۷۲۹، ۶:۳۵، ۶:۲۵۴، ۶:۴۱۵، ۶:۴۵۵، ۶:۷۰۸، ۶:۵۲۹
- اوستا ۵:۲۵۴
- با یونگ و هسه ۶:۴۹۳
- بحار ۲:۶۹۱، ۳:۷۰۵
- بحارالانوار ۱:۴۴۴، ۱:۸۶۰، ۳:۲۲۵، ۳:۱۰۲۹، ۴:۱۷۶، ۴:۱۸۲، ۴:۲۹۱، ۴:۳۰۳، ۴:۳۶۰، ۴:۳۹۴، ۴:۴۱۷، ۴:۵۵۰، ۴:۶۴۷، ۴:۷۹۵، ۵:۸۹، ۵:۹۳، ۵:۱۳۹، ۵:۲۱۴، ۵:۲۴۸، ۵:۲۵۲، ۵:۳۵۹، ۵:۴۳۹، ۵:۴۷۲، ۵:۵۲۷، ۵:۵۳۵، ۵:۵۷۸، ۵:۶۰۷، ۵:۷۱۷، ۵:۷۶۶، ۵:۷۸۷، ۵:۸۱۶، ۵:۹۱۳، ۵:۹۵۱، ۵:۱۰۱۰، ۵:۱۰۹۱، ۶:۷۹۵
- بحی در تصوف ۱:۹۷۷

- بحر در کوزه ۱: ۱۰۰۶، ۶: ۳۳۰، ۶: ۳۶۲، ۶: ۳۸۴، ۶: ۹۲۸
- البحر المحيط ۲: ۵۵۵
- بحورالانحان ۱: ۶۶۵، ۴: ۲۳۶
- بخاری رک. صحیح بخاری
- البخلاء (جاخط) ۳: ۸۱
- البداية و النهاية ۴: ۱۶۲
- برهان قاطع ۱: ۶۱۹، ۱: ۹۷۰، ۴: ۱۸۳، ۴: ۳۹۰، ۵: ۷۷، ۵: ۴۷۹، ۵: ۹۵۵، ۶: ۲۲۴، ۶: ۲۹۲
- بستان العارفين ۲: ۵۸۷
- بلوغ الارب ۱: ۱۵۴
- بگوت گیتا ۱: ۱۶۱، ۱: ۲۱۳، ۱: ۶۴۸، ۱: ۶۷۳، ۱: ۶۹۵، ۱: ۷۵۳، ۱: ۸۴۲، ۱: ۹۲۵، ۲: ۳۰
- ۳: ۴۶۹، ۳: ۵۴۵، ۳: ۵۷۲، ۳: ۹۸۴
- بوستان ۶: ۷۱۱
- بهین سخن ۲: ۴۶، ۲: ۱۶۶
- بیان السعادة ۱: ۲۷۵
- البيان والتبيين ۲: ۱۴۳
- پرتوی از قرآن ۱: ۴۲۹، ۱: ۱۰۹۳
- پژوهشی در تاریخ قرآن کریم ۳: ۳۴۷
- الثانية الكبرى ۲: ۴۵۲، ۳: ۶۱۱
- تاج العروس ۲: ۷۵
- تاریخ ابن اثیر ۱: ۱۴۱، ۳: ۱۱۳۷، ۶: ۷۹۵
- تاریخ ادبیات عرب ۳: ۳۳۶
- تاریخ بلعمی ۱: ۳۲۷، ۲: ۶۸۳
- تاریخ بیهقی ۶: ۸۷۲، ۶: ۸۵۶، ۶: ۱۱۴۶، ۶: ۱۲۱۹، ۶: ۱۲۳۵
- تاریخ تصوف در اسلام ۱: ۵۰۱، ۱: ۵۱۱
- ۱: ۶۶۸، ۱: ۷۰۶
- تاریخ سکه ۴: ۸۰۶
- تاریخ سیاسی ساسانیان ۲: ۶۳۱
- تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام ۱: ۸۲۱، ۱: ۹۴۸
- تاریخ طبری ۳: ۳۲۸، ۳: ۱۱۳۷، ۴: ۷۳۳، ۶: ۷۹۵
- تاریخ الطبری ۶: ۷۲۲
- تاریخ قرآن ۱: ۱۴۱، ۳: ۳۴۷، ۳: ۳۵۰
- تاریخ یعقوبی (تاریخ الیعقوبی) ۱: ۳۰۰
- ۱: ۶۱۹، ۲: ۵۷۲، ۲: ۶۴۶، ۲: ۷۰۴، ۲: ۸۷۱، ۲: ۹۰۵، ۳: ۱۱۳۷، ۳: ۱۱۴۵، ۴: ۱۶۲، ۶: ۱۰۲۰
- تبصره ساوی ۶: ۲۰۱
- تجريد الاصول ۱: ۸۲۹
- تحفة العراقین ۱: ۴۹۴
- تحقیقی در مسائل کلامی ۱: ۴۷۴، ۲: ۴۲، ۲: ۸۲۱، ۲: ۳۱۴، ۲: ۵۳۱، ۲: ۱۲۹، ۲: ۱۳۰، ۲: ۳۱۴
- ۲: ۳۵۸، ۲: ۳۷۱، ۲: ۵۵۷، ۲: ۷۸۸، ۲: ۸۴۹، ۳: ۴۳۱، ۳: ۴۵۶، ۳: ۹۸۸، ۴: ۱۹۸، ۴: ۲۳۳، ۴: ۴۰۱، ۴: ۴۵۶، ۴: ۴۶۰، ۴: ۵۲۸، ۴: ۵۵۶، ۴: ۶۰۹، ۴: ۸۲۴، ۵: ۴۸۳، ۵: ۷۴۲، ۵: ۷۸۵، ۵: ۸۶۶، ۵: ۹۲۱، ۵: ۱۰۳۴، ۶: ۵۵۶
- ترجمه اصطلاحات الصوفیه ۳: ۹۸۳، ۴: ۲۰
- ترجمه تفسیر طبری ۱: ۳۲۱، ۵: ۲۱۰، ۵: ۴۳۰، ۵: ۶۳۹، ۵: ۶۴۰
- ترجمه رساله قشیریه ۱: ۲۰۸، ۱: ۲۱۰، ۱: ۲۱۶، ۱: ۴۲۵، ۱: ۴۳۸، ۱: ۵۴۲، ۲: ۷۵، ۲: ۷۶، ۲: ۹۰، ۲: ۱۰۳، ۲: ۳۱۵، ۲: ۳۲۸، ۲: ۷۲۵، ۴: ۵۸۹، ۴: ۶۰۶، ۶: ۲۰۴
- ترجمه شرائع الاسلام ۱: ۹۵۵، ۱: ۱۰۸۰، ۳: ۶۲۴، ۳: ۹۸۹، ۳: ۱۱۸۳، ۴: ۷۴، ۵: ۸۳۶، ۶: ۱۱۵۷
- ترجمه قانون ۳: ۹۴۵، ۳: ۹۵۱، ۴: ۷۰
- تصوف در اسلام ۲: ۲۳۱
- تعريفات ۱: ۳۱۸، ۱: ۳۶۷، ۱: ۳۹۷
- التعريفات ۱: ۱۱۶، ۱: ۱۳۵
- تعليقات حذیقة الحقیقة ۵: ۷۴۱
- تفاسیر قرآن کریم ۳: ۱۳۰
- تفسیر ابن کثیر ۶: ۱۱۹۱، ۶: ۱۱۲۴
- تفسیر ابوالفتوح (سرازی، ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان) ۱: ۷۴، ۱: ۸۴، ۱: ۱۳۰، ۱: ۲۰۳، ۱: ۲۹۷، ۱: ۳۲۱، ۱: ۴۴۵، ۱: ۷۸۹، ۱: ۹۷۲، ۱: ۱۰۰۶، ۱: ۱۰۲۶، ۱: ۱۰۶۲، ۱: ۱۱۱۴، ۲: ۸۳۹، ۳: ۱۵۰، ۳: ۲۶۸، ۳: ۳۲۸

۱۰۰۴:۶ ۱۰۱۷:۶ ۱۰۳۲:۶ ۱۰۳۷:۶
۱۰۴۵:۶ ۱۰۴۶:۶ ۱۰۵۰:۶ ۱۰۹۳:۶
۱۰۹۵:۶ ۱۱۳۳:۶ ۱۱۴۷:۶ ۱۱۵۵:۶
۱۱۶۳:۶ ۱۱۶۴:۶ ۱۱۷۹:۶ ۱۱۹۷:۶
۱۲۱۲:۶ ۱۲۱۶:۶ ۱۲۱۷:۶ ۱۲۱۹:۶
۱۲۴۰:۶ ۱۲۴۵:۶

تفسیر المنار ۱:۹۰، ۱:۱۱۰-۱۱۱، ۲:۲۸۳

تفسیر میبدی ۵:۴۶۲

تفسیر المیزان ۱:۱۱۷، ۱:۲۵۸، ۱:۲۶۰، ۱:۳۰۴،
۱:۳۶۷، ۱:۷۹۸، ۱:۹۱۶، ۱:۹۹۹، ۲:۳۰، ۲:۶۷،
۲:۲۶۹

تفسیر نسفی ۲:۶۱۸، ۲:۷۰۷، ۲:۹۰۸، ۳:۳۲۸،
۴:۸۱۵

تفسیر نمونه ۲:۲۳، ۲:۳۷۲، ۲:۶۲۹

تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی ۱:۲۷۲، ۱:۳۸۴،
۱:۳۸۹، ۱:۴۳۱، ۱:۵۳۰، ۱:۱۰۰۰، ۱:۱۰۳۶،
۱:۱۱۰۸، ۲:۱۷۲، ۲:۲۵۰، ۲:۶۱۸، ۲:۹۲۶،
۳:۸۷، ۳:۴۳۹، ۳:۵۸۱، ۳:۶۱۳، ۳:۹۱۳،
۳:۲۴۴، ۳:۲۹۱، ۳:۴۸۴، ۳:۵۳۶، ۳:۵۴۴،
۳:۵۶۰، ۳:۶۲۹، ۴:۱۰۴۴، ۴:۵۳، ۴:۱۱۴،
۶:۱۹۵، ۶:۸۳۱، ۶:۱۰۱۰، ۶:۱۰۳۷، ۶:۱۱۰۵،
۶:۱۱۰۹، ۶:۱۱۱۷، ۶:۱۱۶۸، ۶:۱۲۱۳،
۶:۱۲۴۲

التفهیم لائائل صناعة التنجیم ۱:۷۹، ۱:۹۱،
۱:۲۶۵، ۱:۴۲۲، ۱:۹۱۸، ۳:۱۲۰۰، ۴:۵۹

۴:۶۰، ۴:۴۹۵، ۵:۱۰۰۹، ۵:۱۰۱۳

تقویم البلدان ۲:۸۹۲، ۲:۹۲۵، ۳:۳۵۸، ۵:۷۵

تقویم الصحة ۴:۵۹، ۶:۲۴

تلیس ابلیس ۳:۴۱۲، ۴:۱۲۰

تلمود بابلی ۱:۱۰۲۳، ۴:۳۴۵، ۶:۱۰۳۶

تمهیدات (عین القضاة) ۱:۵۹۹، ۱:۹۲۲، ۲:۱۴۳،
۳:۱۵۰، ۵:۵۳۰، ۶:۱۲۴

تنزیه الانبیا ۶:۴۳۴

تسنوخننامه ایلخانی ۱:۶۳، ۱:۷۳، ۱:۱۹۵،
۱:۴۶۵، ۱:۴۸۰، ۱:۵۶۲، ۱:۷۶۹، ۱:۹۱۸

۳:۳۷۰، ۳:۴۳۰، ۳:۴۷۹، ۳:۵۰۹، ۳:۵۲۷،
۳:۶۳۶، ۳:۷۱۴، ۳:۷۲۲، ۳:۷۵۵، ۳:۷۵۶،
۳:۷۵۹، ۳:۷۶۹، ۳:۸۶۵، ۳:۹۷۱، ۳:۱۰۲۹،
۳:۱۰۷۷، ۳:۱۱۰۸، ۳:۱۱۴۱، ۳:۱۱۴۵، ۴:۲۶،
۴:۳۰، ۴:۱۲۹، ۴:۱۳۰، ۴:۲۹۰، ۴:۳۲۷،
۴:۳۷۳، ۴:۳۸۲، ۴:۴۶۳، ۴:۶۶۰، ۴:۶۸۵،
۴:۷۵۹، ۴:۹۷۶، ۴:۱۰۳۵، ۴:۱۰۷۵، ۵:۲۷،
۵:۱۵۵، ۵:۱۵۷، ۵:۲۱۰، ۵:۲۹۹، ۵:۳۹۶،
۵:۴۳۶، ۵:۴۴۴، ۵:۴۶۳، ۵:۴۷۳، ۵:۶۱۵،
۵:۶۸۵، ۵:۷۱۵، ۵:۷۴۹، ۵:۸۸۲، ۵:۱۰۶۱،
۶:۷۴، ۶:۲۸۵، ۶:۳۰۱، ۶:۴۱۲، ۶:۸۴۶،
۶:۸۸۶، ۶:۱۰۲۷، ۶:۱۱۲۳

تفسیر بیضاوی ۱:۱۱۲۰

تفسیر الجلالین ۳:۲۸۸

تفسیر شریف لاهیجی ۳:۲۸۸، ۴:۴۵۶، ۵:۴۴۴،
۶:۲۸۵

تفسیر الصافی ۱:۳۶۷، ۳:۱۰۸۴، ۳:۱۰۸۵،
۴:۳۵۴

تفسیر صفی ۶:۷۰۰، ۶:۷۵۰

تفسیر طبری ۱:۲۰۳، ۲:۸۷۹، ۳:۳۳۳، ۳:۶۳۶،
۳:۷۲۳، ۳:۹۴۸، ۴:۳۷۳، ۵:۴۲۹

تفسیر عیاشی (تفسیر العیاشی) ۱:۳۶۷، ۲:۳۷۲،
۳:۱۰۸۵، ۳:۱۱۰۶، ۳:۱۱۹۳، ۴:۸۳۵

۴:۱۰۷۶، ۶:۱۷۰

تفسیر کبیر ۱:۴۳۹

التفسیر الکبیر ۳:۹۶۲، ۳:۱۱۸۸، ۳:۱۱۹۷، ۴:۲۶،
۴:۷۰، ۴:۱۵۵، ۴:۱۷۶، ۴:۲۸۴، ۴:۳۸۵

۴:۸۹۸، ۵:۳۴۶، ۶:۶۶، ۶:۲۸۵، ۶:۱۱۲۴

تفسیر گازر ۳:۲۸۸، ۳:۵۰۹، ۳:۵۱۳

تفسیر مثنوی معنوی ۲:۳۶۹

تفسیر مثنوی معنوی مولوی ۱:۱۵۳

تفسیر مثنوی مولوی (دز هوشربا) ۱:۱۹۶،
۱:۲۴۹، ۱:۲۹۱، ۱:۲۴۹، ۶:۹۳۰، ۶:۹۳۱

۶:۹۳۹، ۶:۹۴۰، ۶:۹۴۸، ۶:۹۴۹، ۶:۹۵۴،
۶:۹۵۸، ۶:۹۶۷، ۶:۹۷۷، ۶:۹۸۱، ۶:۱۰۰۲

۳۶۱:۳، ۳۶۶:۳، ۳۶۸:۳، ۳۸۰:۳، ۴۱۴:۳،
 ۴۲۵:۳، ۴۲۵:۳، ۴۳۵:۳، ۴۴۱:۳، ۴۴۳:۳، ۴۶۳:۳،
 ۴۶۶:۳، ۴۷۱:۳، ۴۷۲:۳، ۴۷۳:۳، ۴۹۵:۳،
 ۵۱۱:۳، ۵۱۱:۳، ۵۲۵:۳، ۵۳۷:۳، ۵۴۴:۳، ۵۴۵:۳،
 ۵۴۸:۳، ۵۵۳:۳، ۵۵۶:۳، ۵۶۰:۳، ۵۷۱:۳،
 ۵۸۳:۳، ۵۸۹:۳، ۶۱۰:۳، ۶۱۲:۳، ۶۳۶:۳،
 ۶۳۹:۳، ۶۴۶:۳، ۶۵۶:۳، ۶۵۸:۳، ۶۶۹:۳،
 ۶۷۸:۳، ۶۸۰:۳، ۶۸۴:۳، ۶۹۳:۳، ۶۹۷:۳،
 ۶۹۹:۳، ۷۰۲:۳، ۷۰۳:۳، ۷۱۳:۳، ۷۲۰:۳،
 ۷۲۹:۳، ۷۴۳:۳، ۷۵۱:۳، ۷۶۷:۳، ۷۷۰:۳،
 ۷۷۲:۳، ۷۷۳:۳، ۷۸۷:۳، ۷۸۸:۳، ۸۰۲:۳،
 ۸۰۵:۳، ۸۱۰:۳، ۸۱۵:۳، ۸۱۸:۳، ۸۳۱:۳،
 ۸۳۳:۳، ۸۵۳:۳، ۹۲۰:۳، ۹۲۷:۳، ۹۳۰:۳،
 ۹۳۴:۳، ۹۳۶:۳، ۹۳۸:۳، ۹۷۰:۳، ۹۷۲:۳،
 ۹۹۴:۳، ۱۰۱۸:۳، ۱۰۱۹:۳، ۱۰۲۱:۳،
 ۱۰۵۰:۳، ۱۰۵۳:۳، ۱۰۵۸:۳، ۱۰۶۰:۳،
 ۱۰۸۶:۳، ۱۰۸۸:۳، ۱۰۹۲:۳، ۱۰۹۷:۳،
 ۱۱۰۷:۳، ۱۱۰۹:۳، ۱۱۱۴:۳، ۱۱۱۶:۳،
 ۱۱۳۴:۳، ۱۱۴۸:۳، ۱۱۵۲:۳، ۱۱۵۳:۳،
 ۱۱۶۹:۳، ۱۱۷۲:۳، ۱۱۷۵:۳، ۱۱۸۵:۳،
 ۱۱۸۶:۳، ۱۲۰۰:۳، ۱۲۰۴:۳، ۱۲۱۰:۳

چهارمقاله (عروضی) ۷۰:۱، ۲۷۷:۴

حافظ و موسیقی ۳۱۳:۲

حدودالعالم (من المشرق الى المغرب)

۹۲۵:۲، ۳۵۸:۳، ۹۳۰:۴، ۹۳۹:۴

حذیقه (الحقیقه و شریعة الطریقه سنایی)

۵۱:۱، ۶۹۲:۱، ۶۶۴:۲، ۶۹۷:۳، ۶۹۸:۳

۹۶۱:۳، ۶۱:۴، ۲۰۷:۴، ۴۱۷:۴، ۹۴۷:۴

۴۴۸:۵، ۷۴۱:۵، ۱۰۹۵:۵، ۵۴:۶

حسامی نامه ۱۹:۶

حق الیقین ۷۰:۳

حقایق (ملاحسن فیض کاشانی) ۴۶۱:۴

حکمت الهی ۲۸۴:۳

۴۵:۲، ۸۴۵:۲، ۱۱۲:۳، ۱۷۸:۳، ۶۴۶:۳،
 ۱۱۶۳:۳، ۹۹:۴، ۱۱۴:۴، ۷۲۱:۴، ۷۲:۵،
 ۵۱۹:۵، ۶۱۰:۶، ۷۴۹:۶

توحید ۳۹۴:۴

تورات ۸۴:۱، ۵۱۵:۱، ۶۸۵:۱، ۱۰۰:۲، ۱۵۳:۲

۴۱۹:۲، ۵۸۸:۲، ۷۶۷:۲، ۲۱۱:۳، ۳۲۸:۳

۶۳۶:۳، ۶۴۳:۳، ۵۰۸:۳، ۵۱۲:۳، ۱۰۶۷:۳

۱۵۵:۴، ۴۴۵:۵، ۷۱۷:۵، ۲۲:۶، ۷۳:۶

توضیح الملل ۳۸:۲

جامع التمثیل ۷۴۱:۵

جامع الحکایات ۷۴۱:۵

جامع الحکمتین ۸۱۲:۳

جامع السعادات ۵۲۶:۱

جامع الصغیر (الجامع الصغیر) ۳۹۳:۴، ۴۱۶:۴

۷۳۴:۴، ۲۲۵:۵، ۲۳۸:۶، ۳۲۷:۶

جستجو در تصوف ایران ۵۱:۱، ۲۵۶:۲، ۲۵۷:۲

۵۵۹:۲

جلاء العیون ۱۰۵۷:۶

جوامع الحکایات (عوفی) ۳۳۲:۱، ۴۰۱:۱

۶۸۱:۱، ۳۷۸:۲، ۵۴۶:۲، ۵۸۷:۲، ۴۰:۳

۹۱۳:۴، ۶۵۲:۴

جواهر الاسرار ۲۹۹:۱، ۳۰۲:۱، ۱۸:۲، ۲۵:۲

۳۳:۲، ۷۹:۲، ۸۳:۲، ۸۹:۲، ۱۶۰:۲، ۱۷۴:۲

۲۲۷:۲، ۵۹۲:۲، ۷۱۸:۲، ۸۳۳:۲، ۸۳۷:۲

۸۴۰:۲، ۸۴۶:۲، ۸۵۳:۲، ۸۵۹:۲، ۸۶۱:۲

۸۷۵:۲، ۸۸۱:۲، ۹۱۴:۲، ۱۱:۳، ۲۱:۳، ۲۵:۳

۲۸:۳، ۳۲:۳، ۳۶:۳، ۴۲:۳، ۵۱:۳، ۶۲:۳

۶۸:۳، ۷۴:۳، ۸۷:۳، ۱۱۸:۳، ۱۳۸:۳، ۱۳۹:۳

۱۴۱:۳، ۱۴۶:۳، ۱۵۳:۳، ۱۶۲:۳، ۱۷۶:۳

۱۸۶:۳، ۱۸۸:۳، ۱۹۷:۳، ۱۹۹:۳، ۲۰۷:۳

۲۴۱:۳، ۲۷۲:۳، ۲۸۲:۳، ۲۹۱:۳، ۲۹۲:۳

۲۹۳:۳، ۲۹۶:۳، ۲۹۸:۳، ۳۰۰:۳، ۳۰۲:۳

۳۱۶:۳، ۳۱۷:۳، ۳۱۹:۳، ۳۲۱:۳، ۳۲۳:۳

۳۲۴:۳، ۳۲۸:۳، ۳۲۸:۳، ۳۳۹:۳، ۳۵۷:۳

کتابها ۳۳۷

ذخیره خوارزمشاهی ۱:۷۰، ۳:۹۱۰، ۴:۶۱،
۴:۹۶، ۴:۵۹۱، ۴:۶۰۵، ۴:۶۲۵، ۶:۱۱۹۷

ذیل القرب الموارد ۶:۲۲۴

رازگشا ۲:۱۹، ۲:۲۰، ۲:۵۲

راهنمای مذهب شافعی ۶:۱۱۵۷

ربیع الابرار ۱:۸۳۲، ۱:۸۹۹، ۲:۴۶۳، ۲:۵۸۶،
۳:۶۵۲، ۵:۹۲۶

رحلة ابن بطوطه ۳:۴۰

رسائل اخوان الصفا ۱:۵۹، ۱:۹۱، ۱:۱۳۰،
۱:۶۰۵، ۱:۱۰۷۲، ۲:۹۰، ۴:۲۳۶، ۴:۴۴۲

۵:۱۹۱، ۵:۲۵۸، ۵:۵۰۴، ۶:۲۸۳

رسائل حکیم سبزواری ۳:۲۳، ۳:۶۳۰، ۳:۸۱۱،
۴:۶۱۱

رساله اضحویه ۳:۴۴۸، ۳:۴۵۳، ۳:۷۰۴

رساله برزخیه ۴:۵۴۹

رساله بوارق ۱:۵۱

رساله حق الیقین ۴:۴۳۲

رساله خلغیه ۶:۱۰۶۷

رساله سه اصل ۱:۶۹۱، ۲:۸۴۶، ۳:۶۶۸، ۵:۱۷۴،
۶:۲۵۰

رساله صناعیه ۵:۶۶۶، ۵:۶۸۳

رساله ضیافت ۱:۵۸

رساله عرشیه ۱:۲۶۱، ۳:۴۴۷، ۳:۸۸۶، ۴:۱۵۶

رساله عقل و عشق ۱:۸۹۰

الرسالة الغلیة ۱:۶۶۸، ۲:۷۲۰، ۳:۸۵۶

رسالة فی السیر و السلوک ۱:۶۶، ۱:۴۵۲،
۱:۵۵۷

رسالة قشیریه ۱:۶۶، ۱:۳۱۷، ۱:۶۱۴، ۱:۷۰۶،
۱:۷۹۴، ۱:۸۷۵، ۱:۱۰۳۲، ۲:۱۳۰، ۲:۳۵۸

۲:۳۸۲، ۲:۸۴۹، ۳:۴۵۵، ۳:۴۷۵، ۳:۴۸۷

۴:۳۲۰، ۴:۷۳۲، ۴:۸۲۲، ۴:۸۲۶، ۶:۶۹۸

رسالة مشواق ۳:۹۵۱، ۳:۹۶۵

رسالة معراجیه ۶:۵۸۷

رساله نائیه ۱:۵۱، ۱:۵۳، ۱:۶۰، ۱:۶۱، ۱:۶۶

حکمة الاشراق ۱:۳۸۱، ۱:۶۴۵، ۱:۷۸۳، ۳:۴۰۹،
۵:۱۱۲۴، ۶:۱۰۶۷

حلیة الاولیاء ۱:۳۳۲، ۱:۱۱۱۴، ۲:۴۳۶، ۲:۸۲۵،
۲:۸۴۹، ۳:۳۹، ۳:۴۵۵، ۳:۱۱۴۷، ۴:۱۱۹

۴:۱۲۹، ۴:۶۵۲، ۴:۸۴۵، ۵:۵۱۰، ۵:۹۸۶

حیاة الحیوان ۲:۸۷۲، ۳:۳۰، ۵:۲۳۰، ۵:۳۹۷،
۶:۴۶۷، ۶:۸۹۲

حی بن یقطان ۱:۹۴۳

خاندان نوبختی ۲:۴۰

خسرو و شیرین ۱:۴۷۳، ۵:۳۳۸

خفی علانی ۱:۴۲۰، ۲:۹۷، ۲:۶۷۲، ۲:۷۹۳،
۳:۳۳، ۳:۷۳۹، ۳:۸۷۳، ۳:۹۵۱، ۳:۹۹۹

۴:۴۴۹، ۴:۵۹۱، ۴:۶۲۵، ۵:۱۴۹، ۵:۴۶۶

۶:۱۱۰

خلاصه شرح تعرف ۱:۲۱۶، ۱:۱۰۳۲، ۲:۱۰۳

خوابگزاری ۳:۴۳۸

خیانت در گزارش تاریخ ۶:۴۳۴

دائرة المعارف تشیع ۲:۲۹، ۲:۱۶۰، ۲:۵۵۳

دائرة المعارف (فرید وجدی) ۱:۶۴

داراب نامه ۶:۷۶۶

دانشنامه ایران و اسلام ۳:۳۲۰

الدعوة الكبيرة بیهقی ۳:۸۲۷

دقایق الحقایق ۲:۳۹۱، ۲:۷۶۹، ۳:۸۴۲

دلایل النبوة (ابونعیم) ۱:۱۰۵۴، ۱:۱۱۱۴، ۳:۷۹۸

۳:۸۲۷، ۴:۷۹۵، ۵:۷۶۹، ۵:۹۷۳

دوره تاریخ ایران ۲:۷۴۶

ده رساله فارسی ۱:۷۳۳، ۵:۹۹۱

دیوان حافظ ۳:۷۵۰

دیوان خاقانی شروانی ۲:۹۱۶

دیوان سنایی ۲:۵۱۰

دیوان کبیر رک کلیات شمس

دیوان مثنوی معنوی ۳:۷۵۰

- رساله ناثیه (چرخ) ۵۱:۱
رسالة النور ۵۵۴:۵، ۵۵۷:۲
روح المعانی ۱۱۲۴:۶
روضة الفریقین ۴۷۱:۴، ۱۱۰۴:۳، ۸۴۳:۱
رونق المجالس ۶۱۳:۵
ریحانة الادب ۹۴۸:۴، ۹۸۸:۳، ۴۳۲:۳، ۸۶:۳
زاد العارفين ۸۱۰:۱
زاد المسافرين ۳۸۰:۲
زیده مفاتیح الجنان ۱۰۳:۲
زیور: ۲، ۱۵۳:۳، ۶۳۰:۳، ۶۴۳:۳
زندگانی مولانا جلال الدین ۷۸۳:۱
زُهرُ الآداب ۴۹۱:۶، ۶۶۴:۲، ۹۱۵:۱
زیادات ۹۸۷:۳
زینت المجالس ۷۴۱:۵
ستارگان و سپهرنوردی ۱۹۳:۴
سرّ الاسرار ۴۵۵:۶، ۲۴۷:۶، ۹۱۴:۳
سرچشمه تصوف ۲۵۲:۱
سرزمینهای خلافت شرقی ۵۲۹:۴
سرّ نی ۲۲۰:۲، ۴۲:۲، ۳۷:۲، ۲۰:۲، ۱۸:۲
۲۹۲:۲، ۳۹۹:۲، ۵۵۱:۲، ۵۸۲:۲، ۷۷۲:۲
۷۷۳:۲، ۷۷۶:۲، ۷۹۰:۲، ۷۹۵:۲، ۸۳۲:۲
۸۶۰:۲، ۸۷۱:۲، ۹۱۶:۲، ۹۲۲:۳، ۴۷:۳، ۴۸:۳
۱۴۰:۳، ۲۲۲:۳، ۲۷۶:۳، ۳۱۷:۳، ۳۵۸:۳
۳۶۵:۳، ۴۰۶:۳، ۴۲۹:۳، ۴۴۰:۳، ۴۹۶:۳
۷۳۲:۳
سعد السعود ۳۶۰:۴
سفر پیدایش ۷۱۷:۵، ۳۲۸:۳، ۱۰۰:۲
سفر چهارم ۱۶:۴
سفر خروج ۲۱۲:۳، ۹۹۸:۱، ۸۴:۱
سفر لاویان ۷۱۷:۵
سفرنامه ابن بطوطه ۴۵:۳، ۹۲۶:۲
سفينة البحار ۳۵۹:۴، ۴۰۰:۴، ۵۱:۳، ۶۸۲:۲
۶۴۱:۴، ۲۰۴:۵، ۲۱۵:۵، ۵۷۸:۵، ۷۸۷:۵
- ۸۵۱:۶، ۷۴:۶
سلافة العصر ۱۰۶۷:۶
سلسله ۹۸۷:۳
سندبادنامه ۱۵۷:۲، ۴۰۱:۱
سنن ابن ماجه ۷۴:۴
سنن ترمذی ۱۱۰۶:۱
سیارات ۸۹۲:۶
سیرالعباد ۹۱۶:۲، ۵۱:۱
سیرالملوک ۷۴۵:۶
سیرت رسول الله ۷۳۵:۴، ۸۷۴:۳
سیر حکمت در اروپا ۶۴:۱، ۷۴۰:۱، ۶۲۶:۲
۸۲۷:۵، ۸۵۴:۲
سیره ابن اسحاق ۴۳۴:۶، ۱۱۳۷:۳
سیره ابن هشام (السيرة النبویه لابن هشام،
السيرة النبویه) ۲۰۹:۱، ۶۷۶:۱، ۱۱۳۷:۳
۱۷۶:۴، ۵۷۶:۴، ۳۸:۵، ۹۷۴:۵، ۳۲۳:۶
۱۱۲۴:۶، ۷۹۵:۶، ۴۳۴:۶
شاهنامه ۴۸۳:۵، ۱۰۴۸:۳
الشجاعة ۱۰۲:۱
شذرات الذهب ۱۰۵۷:۶
شرح احمد بن حنبل ۳۹:۵
شرح اسرار ۲۹۲:۱، ۱۷۲:۱، ۸۷:۱، ۵۵:۱، ۵۳:۱
۳۵۵:۱، ۳۳۶:۱، ۳۲۷:۱، ۳۲۴:۱، ۳۱۵:۱
۳۶۲:۱، ۳۷۸:۱، ۳۸۰:۱، ۳۸۸:۱، ۳۹۵:۱
۴۰۸:۱، ۴۰۹:۱، ۴۱۴:۱، ۴۳۲:۱، ۴۴۳:۱
۴۵۱:۱، ۴۵۹:۱، ۴۷۵:۱، ۴۸۵:۱، ۵۳۳:۱
۵۳۸:۱، ۵۴۰:۱، ۵۴۲:۱، ۵۴۵:۱، ۵۵۴:۱
۵۶۷:۱، ۵۷۰:۱، ۵۷۹:۱، ۵۸۷:۱، ۵۹۷:۱
۵۹۹:۱، ۶۰۲:۱، ۶۰۸:۱، ۶۱۰:۱، ۶۱۱:۱
۶۱۳:۱، ۶۱۸:۱، ۶۲۱:۱، ۶۵۹:۱، ۶۶۹:۱
۷۰۱:۱، ۷۰۶:۱، ۷۵۰:۱، ۷۷۰:۱، ۷۷۷:۱
۷۸۳:۱، ۸۴۸:۱، ۸۹۵:۱، ۸۹۷:۱، ۹۴۲:۱
۹۸۷:۱، ۱۰۱۳:۱، ۱۰۱۷:۱، ۱۰۱۹:۱
۱۰۲۳:۱، ۱۰۴۲:۱، ۱۰۴۶:۱، ۱۱۰۸:۱، ۲۱:۲

۵۰۱:۵، ۵۳۱:۵، ۵۴۰:۵، ۵۴۴:۵، ۵۹۶:۵
 ۵۹۸:۵، ۶۰۳:۵، ۶۴۳:۵، ۶۴۴:۵، ۶۵۷:۵
 ۷۰۳:۵، ۷۳۳:۵، ۷۴۱:۵، ۷۷۷:۵، ۸۴۸:۵
 ۸۵۰:۵، ۱۰۶۴:۵، ۳۳:۶، ۳۹:۶، ۴۱:۶، ۴۸:۶
 ۶۰:۶، ۶۸:۶، ۱۵۴:۶، ۱۷۲:۶، ۲۰۷:۶، ۲۲۲:۶
 ۲۳۷:۶، ۲۹۸:۶، ۳۲۲:۶، ۳۶۱:۶، ۴۵۷:۶
 ۵۱۶:۶، ۵۲۹:۶، ۵۹۴:۶، ۶۴۴:۶، ۶۴۶:۶
 ۶۸۶:۶، ۷۵۴:۶، ۸۲۷:۶، ۸۳۱:۶، ۸۷۵:۶
 ۹۲۸:۶، ۹۶۳:۶، ۱۰۱۹:۶، ۱۰۵۰:۶، ۱۱۲۱:۶
 ۱۱۲۹:۶، ۱۱۷۴:۶

شرح اسماء الحسنی (حاج ملاهادی سبزواری)
 ۴۶۲:۱، ۴۹۹:۱، ۵۳۶:۱، ۷۹۰:۱

شرح زادالمسافر ۱۴۴:۴

شرح بحرالعلوم ۸۳۶:۴

شرح التعرف لمذهب التصوف (شرح تعرف،
 شرح التعرف) ۵۰۴:۱، ۴۲:۲، ۷۶:۳، ۴۵۹:۳
 ۱۰۹۵:۳، ۶۷:۶، ۱۰۴۰:۶

شرح حاج امداد الله مکی ۸۷۱:۵، ۹۵۲:۵

شرح حاج ملاهادی سبزواری ۶۹۱:۲

شرح خوارزمی ۵۳۳:۱

شرح سروری ۹۹۸:۵

شرح سید میرمعزالدين بن میرمسیح
 اصطهباناتی ۶۹۱:۲

شرح شطحات ۸۴۴:۱

شرح شیخ محمدابراهیم بن مولی عبدالوهاب
 سبزواری ۶۹۱:۲

شرح علامه حیدرقلی خان (سردار) ۶۹۱:۲

شرح علی المأة کلمة ۵۴۵:۵

شرح فصوصالحکم ۵۲:۱، ۵۳:۱، ۴۶۲:۱
 ۶۸۹:۱، ۷۵۱:۱، ۷۸۷:۱، ۷۹۱:۱، ۹۰۶:۱
 ۷۹:۲، ۸۴:۲، ۲۵۲:۲، ۲۵۳:۲، ۲۵۴:۲، ۲۶۸:۲
 ۳۲۹:۲، ۴۱۹:۲، ۵۹۴:۲، ۷۹۸:۲، ۱۰۳:۳
 ۱۹۳:۳، ۵۹۵:۳، ۱۰۱۴:۳

شرح غرالحکم و دررالکلم ۴۳۲:۴، ۸۱۸:۴
 ۵۳۵:۵، ۵۳۶:۵، ۵۷۸:۵

۳۶:۲، ۳۷:۲، ۱۲۶:۲، ۱۵۰:۲، ۲۲۶:۲، ۲۳۰:۲
 ۲۶۱:۲، ۲۸۱:۲، ۳۰۸:۲، ۳۲۷:۲، ۳۳۰:۲
 ۳۳۱:۲، ۳۴۲:۲، ۳۶۶:۲، ۴۶۵:۲، ۴۹۴:۲
 ۵۰۲:۲، ۵۸۰:۲، ۵۹۰:۲، ۵۹۲:۲، ۵۹۵:۲
 ۶۰۸:۲، ۶۱۶:۲، ۶۱۹:۲، ۶۲۱:۲، ۶۳۱:۲
 ۶۳۸:۲، ۶۴۲:۲، ۶۵۴:۲، ۶۵۵:۲، ۶۶۲:۲
 ۶۶۳:۲، ۶۷۳:۲، ۶۹۰:۲، ۶۹۲:۲، ۶۹۴:۲
 ۷۱۷:۲، ۷۵۲:۲، ۷۶۰:۲، ۷۶۹:۲، ۷۷۶:۲
 ۷۷۷:۲، ۷۹۳:۲، ۷۹۴:۲، ۷۹۹:۲، ۸۱۵:۲
 ۸۱۷:۲، ۸۱۸:۲، ۸۲۰:۲، ۸۲۷:۲، ۸۲۸:۲
 ۸۳۷:۲، ۸۴۴:۲، ۸۶۵:۲، ۸۶۷:۲، ۸۶۸:۲
 ۸۷۱:۲، ۸۷۸:۲، ۸۹۴:۲، ۹۲۰:۲، ۹۲۳:۳، ۲۵:۳
 ۲۶:۳، ۲۹:۳، ۳۰:۳، ۳۱:۳، ۴۳:۳، ۴۴:۳، ۵۴:۳
 ۵۶:۳، ۱۰۲:۳، ۱۱۴:۳، ۱۳۰:۳، ۱۳۳:۳
 ۱۷۱:۳، ۱۷۷:۳، ۱۷۸:۳، ۲۱۵:۳، ۲۴۸:۳
 ۲۵۱:۳، ۲۷۰:۳، ۲۷۱:۳، ۲۸۵:۳، ۳۰۲:۳
 ۳۰۳:۳، ۳۱۸:۳، ۳۲۲:۳، ۳۴۰:۳، ۴۳۶:۳
 ۴۶۲:۳، ۴۶۵:۳، ۴۷۲:۳، ۵۱۶:۳، ۵۲۰:۳
 ۵۲۲:۳، ۵۳۸:۳، ۶۰۹:۳، ۶۴۱:۳، ۶۹۹:۳
 ۷۸۷:۳، ۸۱۷:۳، ۸۵۹:۳، ۹۴۷:۳، ۹۶۹:۳
 ۱۰۲۰:۳، ۱۰۷۴:۳، ۱۱۵۷:۳، ۱۱۷۶:۳
 ۱۱۹۴:۳، ۱۱۹۷:۳، ۱۲۰۲:۳، ۳۸:۴، ۴۱:۴
 ۴۸:۴، ۱۱۱:۴، ۱۱۳:۴، ۱۳۸:۴، ۱۴۷:۴
 ۱۵۷:۴، ۱۹۳:۴، ۲۴۸:۴، ۳۸۱:۴، ۳۹۶:۴
 ۳۹۷:۴، ۴۰۳:۴، ۴۱۴:۴، ۴۴۰:۴، ۴۶۰:۴
 ۴۶۹:۴، ۴۸۷:۴، ۵۴۵:۴، ۶۲۷:۴، ۶۸۴:۴
 ۶۹۱:۴، ۷۱۸:۴، ۷۲۴:۴، ۷۴۱:۴، ۷۵۰:۴
 ۷۶۳:۴، ۷۷۴:۴، ۷۸۲:۴، ۷۹۰:۴، ۸۰۳:۴
 ۸۰۵:۴، ۸۱۱:۴، ۸۳۳:۴، ۸۳۴:۴، ۸۶۱:۴
 ۹۱۸:۴، ۹۶۳:۴، ۱۰۲۹:۴، ۱۰۴۴:۴، ۱۰۶۰:۴
 ۱۹:۵، ۲۲:۵، ۲۸:۵، ۵۲:۵، ۶۸:۵، ۸۲:۵، ۸۳:۵
 ۱۰۰:۵، ۱۱۸:۵، ۱۶۳:۵، ۲۰۴:۵، ۲۱۶:۵
 ۲۵۸:۵، ۲۵۹:۵، ۳۱۶:۵، ۳۲۸:۵، ۳۳۲:۵
 ۳۳۷:۵، ۳۵۴:۵، ۳۶۳:۵، ۳۹۸:۵، ۴۲۲:۵
 ۴۳۲:۵، ۴۴۸:۵، ۴۷۷:۵، ۴۸۷:۵

شرح فصوص الحکم (بالی آفندی) ۴۷۸:۱
شرح فصوص الحکم (خوارزمی) ۶۹۲:۴
۷۹۵:۴، ۷۶۰:۴

شرح قطب الدین شیرازی ۱۰۶۷:۶

شرح کبیر انقروی ۵۳:۱، ۵۷:۱، ۵۸:۱، ۸۱:۱
۸۷:۱، ۲۸۰:۱، ۳۲۶:۱، ۳۷۴:۱، ۳۸۹:۱
۳۹۱:۱، ۵۱۶:۱، ۵۲۱:۱، ۵۴۰:۱، ۵۴۶:۱
۵۴۸:۱، ۵۶۹:۱، ۵۷۲:۱، ۵۷۶:۱، ۵۷۸:۱
۵۸۷:۱، ۵۹۷:۱، ۵۹۹:۱، ۶۰۶:۱، ۶۱۶:۱
۶۱۷:۱، ۶۱۹:۱، ۶۲۰:۱، ۶۲۲:۱، ۶۳۱:۱
۶۵۳:۱، ۶۵۴:۱، ۶۷۳:۱، ۶۷۸:۱، ۶۹۴:۱
۶۹۶:۱، ۷۰۱:۱، ۷۱۱:۱، ۷۲۲:۱، ۷۲۹:۱
۷۷۷:۱، ۸۰۳:۱، ۸۰۵:۱، ۸۰۹:۱، ۸۹۸:۱
۹۵۶:۱، ۹۵۸:۱، ۹۶۰:۱، ۹۶۱:۱، ۹۸۱:۱
۱۰۱۸:۱، ۱۰۳۶:۱، ۱۰۴۷:۱، ۱۰۷۱:۱
۱۰۸۵:۱، ۱۱۲۴:۱، ۱۱۲۶:۱، ۱۹:۲، ۲۱:۲
۲۲:۲، ۲۴:۲، ۲۵:۲، ۲۷:۲، ۲۸:۲، ۳۲:۲، ۳۴:۲
۳۶:۲، ۳۷:۲، ۳۹:۲، ۴۳:۲، ۴۷:۲، ۴۸:۲، ۵۳:۲
۶۰:۲، ۸۲:۲، ۸۳:۲، ۸۴:۲، ۸۵:۲، ۸۸:۲، ۹۱:۲
۱۰۵:۲، ۱۰۷:۲، ۱۰۹:۲، ۱۱۱:۲، ۱۲۴:۲
۱۲۵:۲، ۱۳۳:۲، ۱۵۰:۲، ۱۵۵:۲، ۱۶۰:۲
۱۶۹:۲، ۱۷۴:۲، ۱۸۱:۲، ۱۸۵:۲، ۱۸۶:۲
۱۸۸:۲، ۱۹۶:۲، ۱۹۷:۲، ۱۹۹:۲، ۲۰۳:۲
۲۰۵:۲، ۲۰۷:۲، ۲۲۶:۲، ۲۴۴:۲، ۲۴۹:۲
۲۶۵:۲، ۲۶۸:۲، ۲۶۹:۲، ۲۷۲:۲، ۲۸۵:۲
۲۸۹:۲، ۲۹۷:۲، ۳۰۶:۲، ۳۰۷:۲، ۳۰۸:۲
۳۱۶:۲، ۳۱۹:۲، ۳۲۲:۲، ۳۲۴:۲، ۳۲۷:۲
۳۳۳:۲، ۳۳۹:۲، ۳۴۱:۲، ۳۴۴:۲، ۳۴۹:۲
۳۵۰:۲، ۳۵۲:۲، ۳۵۴:۲، ۳۵۵:۲، ۳۵۹:۲
۳۶۰:۲، ۳۶۴:۲، ۳۶۹:۲، ۳۷۰:۲، ۳۷۲:۲
۳۷۳:۲، ۳۹۳:۲، ۳۹۵:۲، ۳۹۶:۲، ۳۹۷:۲
۴۰۰:۲، ۴۰۱:۲، ۴۰۲:۲، ۴۰۵:۲، ۴۰۷:۲
۴۱۱:۲، ۴۱۲:۲، ۴۱۹:۲، ۴۲۱:۲، ۴۲۳:۲
۴۲۹:۲، ۴۳۰:۲، ۴۳۳:۲، ۴۳۹:۲، ۴۴۸:۲
۴۵۹:۲، ۴۶۰:۲، ۴۶۵:۲، ۴۶۶:۲، ۴۶۹:۲

۴۸۹:۲، ۴۹۲:۲، ۵۱۲:۲، ۵۲۲:۲، ۵۲۶:۲
۵۶۲:۲، ۵۶۶:۲، ۵۶۹:۲، ۵۷۱:۲، ۵۷۹:۲
۵۸۱:۲، ۵۸۲:۲، ۵۸۸:۲، ۵۹۰:۲، ۵۹۲:۲
۵۹۵:۲، ۶۰۱:۲، ۶۱۰:۲، ۶۱۲:۲، ۶۲۰:۲
۶۲۱:۲، ۶۲۷:۲، ۶۲۸:۲، ۶۳۲:۲، ۶۳۳:۲
۶۴۰:۲، ۶۴۱:۲، ۶۵۱:۲، ۶۵۲:۲، ۶۵۳:۲
۶۵۴:۲، ۶۵۵:۲، ۶۵۶:۲، ۶۶۳:۲، ۶۶۵:۲
۶۶۶:۲، ۶۶۷:۲، ۲۲:۳، ۹۷:۳، ۱۱۰:۳، ۱۱۱:۳
۱۱۴:۳، ۱۱۷:۳، ۱۲۳:۳، ۱۲۹:۳، ۱۳۴:۳
۱۳۸:۳، ۱۵۰:۳، ۱۵۴:۳، ۱۶۴:۳، ۱۷۱:۳
۱۷۸:۳، ۱۸۰:۳، ۱۸۵:۳، ۱۹۴:۳، ۱۹۶:۳
۱۹۹:۳، ۲۰۲:۳، ۲۰۶:۳، ۲۰۸:۳، ۲۰۹:۳
۲۲۸:۳، ۲۳۳:۳، ۲۳۶:۳، ۲۴۳:۳، ۲۴۵:۳
۲۴۹:۳، ۲۵۰:۳، ۲۵۵:۳، ۲۵۶:۳، ۲۶۱:۳
۲۶۴:۳، ۲۶۶:۳، ۲۷۱:۳، ۲۷۴:۳، ۲۷۵:۳
۲۷۷:۳، ۲۷۹:۳، ۲۸۰:۳، ۲۸۴:۳، ۲۸۹:۳
۲۹۶:۳، ۳۰۲:۳، ۳۰۳:۳، ۳۰۴:۳، ۳۱۴:۳
۳۱۵:۳، ۳۱۷:۳، ۳۱۹:۳، ۳۲۳:۳، ۳۲۵:۳
۳۲۶:۳، ۳۳۸:۳، ۳۵۷:۳، ۳۵۹:۳، ۳۶۱:۳
۳۶۴:۳، ۳۶۶:۳، ۳۸۶:۳، ۴۲۵:۳، ۴۳۱:۳
۴۳۷:۳، ۴۴۳:۳، ۴۵۴:۳، ۴۵۷:۳، ۴۶۰:۳
۴۶۳:۳، ۴۶۵:۳، ۴۶۶:۳، ۴۶۸:۳، ۴۶۹:۳
۴۷۱:۳، ۴۸۴:۳، ۴۸۵:۳، ۴۸۶:۳، ۴۸۷:۳
۴۹۴:۳، ۵۱۰:۳، ۵۱۷:۳، ۵۱۸:۳، ۵۱۹:۳
۵۲۰:۳، ۵۲۲:۳، ۵۲۳:۳، ۵۲۴:۳، ۵۳۴:۳
۵۳۸:۳، ۵۴۱:۳، ۵۴۲:۳، ۵۴۵:۳، ۵۴۸:۳
۵۶۰:۳، ۵۶۱:۳، ۵۶۶:۳، ۵۶۹:۳، ۵۷۹:۳
۵۸۱:۳، ۵۸۳:۳، ۵۹۷:۳، ۵۹۸:۳، ۶۰۱:۳
۶۰۷:۳، ۶۰۹:۳، ۶۱۰:۳، ۶۱۲:۳، ۶۲۰:۳
۶۲۵:۳، ۶۲۷:۳، ۶۳۷:۳، ۶۴۱:۳، ۶۴۲:۳
۶۴۳:۳، ۶۴۷:۳، ۶۴۹:۳، ۶۵۵:۳، ۶۶۰:۳
۶۶۳:۳، ۶۷۰:۳، ۶۸۳:۳، ۶۸۶:۳، ۶۹۱:۳
۶۹۶:۳، ۷۰۰:۳، ۷۰۴:۳، ۷۱۵:۳، ۷۲۹:۳
۷۵۷:۳، ۷۶۴:۳، ۷۶۸:۳، ۸۱۵:۳، ۸۱۸:۳
۸۲۷:۳، ۸۵۲:۳، ۸۵۵:۳، ۸۶۳:۳، ۸۸۰:۳

.6.07:6 .6.06:6 .090:6 .088:6 .067:6
 .827:6 .821:6 .82. :6 .723:6 .7.3:6
 .88. :6 .806:6 .849:6 .844:6 .831:6
 .11.9:6 .1.40:6 .1.12:6 .910:6 .9.07:6
 12.1:6 .1149:6 .1132:6

۳۲:۲ ۳۱:۲ ۳۰:۲ ۲۹:۲ ۲۸:۲ ۲۶:۲ ۲۵:۲
 ۴۷:۲ ۴۶:۲ ۴۴:۲ ۴۳:۲ ۳۷:۲ ۳۶:۲ ۳۴:۲
 ۹۲:۲ ۸۵:۲ ۸۴:۲ ۸۲:۲ ۵۳:۲ ۴۸:۲
 ۱۴۶:۲ ۱۳۲:۲ ۱۲۴:۲ ۱۲۲:۲ ۱۰۹:۲
 ۱۷۲:۲ ۱۶۹:۲ ۱۶۰:۲ ۱۵۲:۲ ۱۵۰:۲
 ۲۰۵:۲ ۱۹۵:۲ ۱۸۹:۲ ۱۸۶:۲ ۱۸۲:۲
 ۲۲۰:۲ ۲۱۹:۲ ۲۱۱:۲ ۲۰۷:۲ ۲۰۶:۲
 ۲۴۹:۲ ۲۴۱:۲ ۲۴۰:۲ ۲۳۱:۲ ۲۲۸:۲
 ۲۶۵:۲ ۲۵۸:۲ ۲۵۵:۲ ۲۵۲:۲ ۲۵۱:۲
 ۲۸۹:۲ ۲۷۲:۲ ۲۷۱:۲ ۲۷۰:۲ ۲۶۸:۲
 ۳۰۴:۲ ۳۰۳:۲ ۲۹۷:۲ ۲۹۶:۲ ۲۹۳:۲
 ۳۳۳:۲ ۳۲۷:۲ ۳۲۴:۲ ۳۰۸:۲ ۳۰۶:۲
 ۳۴۹:۲ ۳۴۳:۲ ۳۴۱:۲ ۳۴۰:۲ ۳۳۹:۲
 ۳۶۴:۲ ۳۶۳:۲ ۳۶۰:۲ ۳۵۲:۲ ۳۵۰:۲
 ۳۹۶:۲ ۳۹۴:۲ ۳۸۱:۲ ۳۷۰:۲ ۳۶۹:۲
 ۴۰۴:۲ ۴۰۲:۲ ۴۰۱:۲ ۳۹۸:۲ ۳۹۷:۲
 ۴۳۳:۲ ۴۲۷:۲ ۴۲۳:۲ ۴۲۱:۲ ۴۰۵:۲
 ۴۶۲:۲ ۴۶۰:۲ ۴۵۹:۲ ۴۴۴:۲ ۴۴۲:۲
 ۴۶۹:۲ ۴۶۷:۲ ۴۶۶:۲ ۴۶۵:۲ ۴۶۴:۲
 ۴۹۲:۲ ۴۸۹:۲ ۴۸۱:۲ ۴۸۰:۲ ۴۷۰:۲
 ۵۲۲:۲ ۵۱۸:۲ ۵۱۷:۲ ۵۱۲:۲ ۵۰۶:۲
 ۵۶۱:۲ ۵۶۰:۲ ۵۵۵:۲ ۵۳۵:۲ ۵۲۶:۲
 ۵۹۵:۲ ۵۹۲:۲ ۵۷۹:۲ ۵۷۱:۲ ۵۶۳:۲
 ۶۱۰:۲ ۶۰۹:۲ ۶۰۱:۲ ۵۹۷:۲ ۵۹۶:۲
 ۶۲۷:۲ ۶۲۶:۲ ۶۲۰:۲ ۶۱۹:۲ ۶۱۱:۲
 ۶۳۸:۲ ۶۳۷:۲ ۶۳۳:۲ ۶۳۲:۲ ۶۲۸:۲
 ۶۵۶:۲ ۶۵۵:۲ ۶۵۴:۲ ۶۴۶:۲ ۶۳۹:۲
 ۶۷۶:۲ ۶۷۳:۲ ۶۷۱:۲ ۶۶۷:۲ ۶۶۳:۲
 ۷۱۱:۲ ۷۰۹:۲ ۶۹۸:۲ ۶۹۷:۲ ۶۸۳:۲

.907:3 .908:3 .888:3 .883:3 .882:3
.936:3 .931:3 .929:3 .916:3 .911:3
.904:3 .903:3 .943:3 .941:3 .938:3
.989:3 .973:3 .967:3 .960:3 .962:3
.1040:3 .1006:3 .990:3 .991:3 .990:3
.1069:3 .1058:3 .1053:3 .1052:3
.1113:3 .1102:3 .1090:3 .1087:3
.1193:3 .1109:3 .1147:3 .1129:3
.22:4 .1201:3 .1198:3 .1196:3 .1194:3
.143:4 .142:4 .130:4 .14:4 .28:4 .24:4
.213:4 .209:4 .203:4 .170:4 .101:4
.229:4 .229:4 .264:4 .237:4 .230:4
.202:4 .244:4 .236:4 .231:4 .230:4
.493:4 .470:4 .406:4 .419:4 .418:4
.612:4 .097:4 .090:4 .031:4 .499:4
.704:4 .680:4 .666:4 .644:4 .643:4
.737:4 .724:4 .722:4 .711:4 .709:4
.782:4 .760:4 .700:4 .741:4 .740:4
.836:4 .813:4 .807:4 .802:4 .786:4
.928:4 .918:4 .907:4 .887:4 .839:4
.1011:4 .982:4 .964:4 .909:4 .931:4
.07:0 .1074:4 .1072:4 .1067:4 .1062:4
.226:0 .170:0 .101:0 .83:0 .70:0 .69:0
.422:0 .418:0 .397:0 .287:0 .260:0
.031:0 .020:0 .016:0 .487:0 .462:0
.606:0 .642:0 .621:0 .077:0 .073:0
.702:0 .694:0 .693:0 .670:0 .660:0
.826:0 .766:0 .742:0 .718:0 .700:0
.891:0 .871:0 .802:0 .839:0 .834:0
.20:6 .1074:0 .1064:0 .998:0 .918:0
.90:6 .60:6 .43:6 .38:6 .37:6 .36:6
.204:6 .180:6 .172:6 .123:6 .111:6
.234:6 .228:6 .222:6 .221:6 .218:6
.311:6 .282:6 .270:6 .200:6 .246:6
.046:6 .040:6 .012:6 .480:6 .438:6

۴۰۷:۱ ۴۳۵:۱ ۴۳۹:۱ ۴۴۸:۱ ۴۶۱:۱
 ۴۶۵:۱ ۴۶۹:۱ ۴۷۱:۱ ۴۷۳:۱ ۴۷۵:۱
 ۴۷۹:۱ ۴۸۴:۱ ۴۹۸:۱ ۵۰۲:۱ ۵۰۵:۱
 ۵۱۰:۱ ۵۱۴:۱ ۵۲۱:۱ ۵۲۷:۱ ۵۳۶:۱
 ۵۴۱:۱ ۵۴۲:۱ ۵۴۴:۱ ۵۴۵:۱ ۵۴۷:۱
 ۵۴۸:۱ ۵۵۳:۱ ۵۵۶:۱ ۵۶۰:۱ ۵۶۵:۱
 ۵۶۸:۱ ۵۷۴:۱ ۵۷۷:۱ ۵۸۶:۱ ۵۸۷:۱
 ۵۸۹:۱ ۶۰۳:۱ ۶۰۶:۱ ۶۱۱:۱ ۶۱۲:۱
 ۶۱۴:۱ ۶۱۹:۱ ۶۲۰:۱ ۶۲۲:۱ ۶۲۴:۱
 ۶۲۸:۱ ۶۳۸:۱ ۶۳۹:۱ ۶۴۰:۱ ۶۴۱:۱
 ۶۴۲:۱ ۶۴۷:۱ ۶۴۹:۱ ۶۵۰:۱ ۶۵۳:۱
 ۶۵۴:۱ ۶۵۷:۱ ۶۶۲:۱ ۶۷۰:۱ ۶۷۳:۱
 ۶۷۵:۱ ۶۷۷:۱ ۶۸۴:۱ ۶۸۸:۱ ۶۹۰:۱
 ۶۹۶:۱ ۶۹۹:۱ ۷۰۱:۱ ۷۰۲:۱ ۷۰۹:۱
 ۷۱۳:۱ ۷۲۱:۱ ۷۲۳:۱ ۷۳۱:۱ ۷۳۴:۱
 ۷۳۷:۱ ۷۴۱:۱ ۷۴۲:۱ ۷۴۵:۱ ۷۴۸:۱
 ۷۴۹:۱ ۷۵۲:۱ ۷۵۳:۱ ۷۵۴:۱ ۷۵۵:۱
 ۷۶۰:۱ ۷۶۳:۱ ۷۶۴:۱ ۷۷۱:۱ ۷۸۳:۱
 ۷۸۴:۱ ۷۸۵:۱ ۷۸۶:۱ ۷۸۷:۱ ۷۹۵:۱
 ۷۹۷:۱ ۸۰۳:۱ ۸۰۴:۱ ۸۰۵:۱ ۸۱۱:۱
 ۸۱۳:۱ ۸۱۴:۱ ۸۲۳:۱ ۸۲۶:۱ ۸۲۷:۱
 ۸۵۲:۱ ۸۵۶:۱ ۸۵۹:۱ ۸۶۸:۱ ۸۷۰:۱
 ۸۷۵:۱

شرح مثنوی معنوی ۳:۶۸، ۳:۳۲۴، ۳:۳۳۴،
 ۳:۴۳۵، ۳:۵۰۱، ۳:۸۱۰، ۴:۸۰۲، ۵:۱۸۵،
 ۵:۶۸۱

شرح مثنوی معنوی (شاه داعی) ۲:۳۹، ۲:۴۰،
 ۲:۴۶، ۲:۴۹، ۲:۵۴، ۲:۸۳، ۲:۸۴، ۲:۸۵،
 ۲:۱۰۹، ۲:۱۲۶، ۲:۱۶۵، ۲:۲۰۲، ۲:۲۰۵،
 ۲:۳۰۶، ۲:۴۵۲، ۲:۷۳۷، ۲:۸۱۵، ۲:۸۸۲،
 ۳:۲۱، ۳:۲۷، ۳:۳۵، ۳:۱۹۴، ۳:۳۲۵، ۳:۳۲۷،
 ۳:۳۳۸، ۳:۵۱۸، ۳:۶۰۴، ۳:۹۲۵، ۳:۹۷۳،
 ۳:۱۰۸۶

شرح مثنوی معنوی مولوی ۱:۵۲، ۱:۵۳، ۱:۵۷،
 ۱:۵۸، ۱:۶۲، ۱:۶۴، ۱:۶۷، ۱:۷۳، ۱:۸۱، ۱:۸۲

۷۱۲:۲ ۷۱۶:۲ ۷۱۷:۲ ۷۱۹:۲ ۷۲۳:۲
 ۷۲۹:۲ ۷۳۲:۲ ۷۵۹:۲ ۷۹۰:۲ ۷۹۳:۲
 ۷۹۵:۲ ۷۹۷:۲ ۷۹۸:۲ ۷۹۹:۲ ۸۰۴:۲
 ۸۰۷:۲ ۸۱۵:۲ ۸۲۰:۲ ۸۴۵:۲ ۸۴۷:۲
 ۸۵۰:۲ ۸۶۱:۲ ۸۶۲:۲ ۸۶۷:۲ ۸۷۲:۲
 ۸۹۹:۲ ۹۰۹:۲ ۹۱۲:۲ ۹۱۵:۲ ۹۲۰:۲
 ۹۲۲:۲ ۹۲۴:۲

شرح گلشن راز ۱:۵۲، ۱:۲۱۰، ۱:۳۷۷، ۱:۳۸۳،
 ۱:۴۵۳، ۱:۵۱۶، ۱:۵۴۳، ۱:۵۴۸، ۱:۵۶۶،
 ۱:۵۶۷، ۱:۵۹۱، ۱:۶۲۱، ۱:۶۷۱، ۱:۶۷۲،
 ۱:۶۸۳، ۱:۷۳۷، ۱:۷۸۷، ۱:۸۴۴، ۱:۹۴۱،
 ۱:۹۶۰، ۲:۵۴، ۲:۸۷، ۲:۲۳۱، ۲:۲۵۱، ۲:۳۴۳،
 ۲:۳۴۶، ۲:۶۸۰، ۲:۸۱۶، ۳:۵۱۳، ۳:۶۸۴،
 ۳:۹۵۱، ۳:۹۶۵، ۳:۱۱۹۴، ۴:۶۱۵، ۵:۷۳۰

شرح لاهوری ۵:۵۷۳

شرح لمعات ۲:۲۴۲

شرح مثنوی (شهیدی) ۱:۱۰۵۵، ۱:۱۱۰۶

شرح مثنوی شریف ۱:۵۵، ۱:۵۶، ۱:۵۷، ۱:۵۹،
 ۱:۶۳، ۱:۷۵، ۱:۷۶، ۱:۸۰، ۱:۸۴، ۱:۸۸، ۱:۹۳،
 ۱:۹۴، ۱:۹۶، ۱:۱۰۱، ۱:۱۰۲، ۱:۱۰۵، ۱:۱۰۶،
 ۱:۱۱۰، ۱:۱۱۲، ۱:۱۱۶، ۱:۱۲۰، ۱:۱۲۱،
 ۱:۱۲۶، ۱:۱۳۳، ۱:۱۳۹، ۱:۱۴۸، ۱:۱۵۱،
 ۱:۱۵۴، ۱:۱۵۶، ۱:۱۵۹، ۱:۱۶۲، ۱:۱۶۵،
 ۱:۱۶۹، ۱:۱۷۲، ۱:۱۷۶، ۱:۱۸۳، ۱:۱۸۴،
 ۱:۱۸۶، ۱:۱۹۲، ۱:۱۹۳، ۱:۱۹۷، ۱:۱۹۸،
 ۱:۱۹۹، ۲:۰۱، ۲:۰۶، ۲:۰۷، ۲:۱۶،
 ۲:۱۷، ۲:۱۹، ۲:۲۲، ۲:۲۳، ۲:۲۴،
 ۲:۲۷، ۲:۳۱، ۲:۳۴، ۲:۳۷، ۲:۴۰،
 ۲:۴۴، ۲:۵۱، ۲:۵۲، ۲:۶۲، ۲:۷۳،
 ۲:۷۵، ۲:۷۶، ۲:۸۲، ۲:۸۸، ۲:۹۱،
 ۲:۹۴، ۲:۹۵، ۲:۹۸، ۳:۰۰، ۳:۰۵،
 ۳:۰۸، ۳:۱۶، ۳:۲۲، ۳:۲۴، ۳:۲۵،
 ۳:۳۶، ۳:۴۰، ۳:۴۷، ۳:۴۸، ۳:۵۰،
 ۳:۵۲، ۳:۶۱، ۳:۷۳، ۳:۷۹، ۳:۸۱،
 ۳:۸۴، ۳:۸۵، ۳:۸۷، ۳:۸۸، ۳:۹۴

کتابها ۳۴۳

۵۸۱:۵، ۶۰۰:۵، ۶۰۱:۵، ۶۰۶:۵، ۶۴۲:۵،
 ۶۹۳:۵، ۶۹۴:۵، ۷۴۱:۵، ۷۵۶:۵، ۸۳۴:۵،
 ۸۴۰:۵، ۸۷۲:۵، ۹۱۸:۵، ۱۰۳۰:۵، ۱۰۳۱:۵،
 ۱۰۳۴:۵، ۱۰۶۲:۵، ۱۰۶۴:۵، ۱۱۳۷:۵،
 ۱۱۴۱:۵، ۱۲:۶، ۲۵:۶، ۳۷:۶، ۳۸:۶، ۴۴:۶،
 ۴۵:۶، ۴۶:۶، ۴۸:۶، ۵۹:۶، ۸۶:۶، ۹۰:۶،
 ۱۱۲:۶، ۱۷۲:۶، ۱۹۰:۶، ۱۹۹:۶، ۲۱۴:۶،
 ۲۱۸:۶، ۲۲۲:۶، ۲۲۸:۶، ۲۷۰:۶، ۲۸۰:۶،
 ۳۴۷:۶، ۳۹۲:۶، ۴۲۱:۶، ۴۴۹:۶، ۴۶۸:۶،
 ۴۷۹:۶، ۴۸۱:۶، ۴۸۴:۶، ۵۳۱:۶، ۵۳۳:۶،
 ۵۴۰:۶، ۵۶۵:۶، ۵۸۸:۶، ۶۰۴:۶، ۶۰۶:۶،
 ۶۳۰:۶، ۶۴۹:۶، ۶۹۲:۶، ۶۹۸:۶، ۷۰۲:۶،
 ۷۲۳:۶، ۷۲۶:۶، ۷۳۶:۶، ۷۷۲:۶، ۷۸۲:۶،
 ۸۰۱:۶، ۸۲۸:۶، ۸۴۲:۶، ۸۷۳:۶، ۸۷۵:۶،
 ۹۰۰:۶، ۹۲۷:۶، ۹۵۶:۶، ۱۰۱۶:۶، ۱۰۲۴:۶،
 ۱۰۳۷:۶، ۱۰۴۵:۶، ۱۰۵۵:۶، ۱۰۵۸:۶،
 ۱۰۷۷:۶، ۱۱۱۵:۶، ۱۱۲۹:۶، ۱۱۳۲:۶،
 ۱۱۴۲:۶، ۱۱۴۸:۶، ۱۱۶۴:۶، ۱۲۰۴:۶،
 ۱۲۳۷:۶، ۱۲۴۳:۶

شرح مثنوی مولوی ۲۱:۲

شرح مثنوی ولی محمد اکبر آبادی ۵۳:۱، ۵۵:۱

۵۷:۱، ۶۰:۱، ۷۷:۱، ۸۱:۱، ۱۵۴:۱، ۱۷۰:۱،
 ۱۹۲:۱، ۱۹۷:۱، ۱۹۸:۱، ۲۰۲:۱، ۲۱۶:۱،
 ۲۴۴:۱، ۲۴۸:۱، ۲۵۳:۱، ۲۷۵:۱، ۳۱۷:۱،
 ۳۲۷:۱، ۳۳۵:۱، ۳۶۵:۱، ۳۶۷:۱، ۳۸۰:۱،
 ۳۸۲:۱، ۳۸۷:۱، ۴۰۰:۱، ۴۱۰:۱، ۴۱۳:۱،
 ۴۱۹:۱، ۴۲۴:۱، ۴۳۳:۱، ۴۵۲:۱، ۴۵۸:۱،
 ۴۶۴:۱، ۴۹۹:۱، ۵۰۵:۱، ۵۰۸:۱، ۵۲۱:۱،
 ۵۴۱:۱، ۵۴۳:۱، ۵۴۶:۱، ۵۵۳:۱، ۵۵۴:۱،
 ۵۵۵:۱، ۵۵۶:۱، ۵۶۲:۱، ۵۶۵:۱، ۵۶۶:۱،
 ۵۷۱:۱، ۵۷۵:۱، ۵۷۸:۱، ۶۰۱:۱، ۶۰۲:۱،
 ۶۰۵:۱، ۶۰۶:۱، ۶۲۰:۱، ۶۲۲:۱، ۶۲۴:۱،
 ۶۷۲:۱، ۶۸۳:۱، ۷۱۳:۱، ۷۲۱:۱، ۷۳۱:۱،
 ۷۴۳:۱، ۷۵۴:۱، ۷۶۵:۱، ۷۶۸:۱، ۷۷۵:۱،
 ۷۸۱:۱، ۷۸۲:۱، ۸۰۱:۱، ۸۰۹:۱، ۸۱۲:۱

۸۳:۱، ۸۷:۱، ۹۳:۱، ۱۰۷:۱، ۱۱۰:۱، ۱۱۱:۱،
 ۱۱۳:۱، ۱۳۵:۱، ۱۳۷:۱، ۱۳۹:۱، ۱۴۸:۱،
 ۱۵۹:۱، ۱۶۲:۱، ۱۶۷:۱، ۱۷۲:۱، ۱۷۴:۱،
 ۱۷۹:۱، ۱۹۲:۱، ۱۹۸:۱، ۱۹۹:۱، ۲۰۶:۱،
 ۲۰۸:۱، ۲۱۱:۱، ۲۲۴:۱، ۲۲۵:۱، ۲۳۲:۱،
 ۲۳۶:۱، ۲۳۷:۱، ۲۴۰:۱، ۲۴۶:۱، ۲۵۱:۱،
 ۲۵۲:۱، ۲۶۶:۱، ۲۷۲:۱، ۲۷۶:۱، ۲۷۹:۱،
 ۲۸۸:۱، ۲۹۶:۱، ۲۹۸:۱، ۳۰۰:۱، ۳۰۷:۱،
 ۳۱۸:۱، ۳۳۶:۱، ۳۴۳:۱، ۳۵۷:۱، ۳۸۳:۱،
 ۳۸۵:۱، ۳۸۶:۱، ۳۹۱:۱، ۴۴۸:۱، ۴۶۳:۱،
 ۴۶۸:۱، ۴۷۲:۱، ۴۷۸:۱، ۵۰۷:۱، ۵۳۳:۱،
 ۵۴۶:۱، ۵۵۱:۱، ۵۵۳:۱، ۵۶۷:۱، ۵۹۹:۱،
 ۶۷۱:۱، ۶۸۸:۱، ۷۸۱:۱، ۸۸۴:۱، ۹۱۲:۱،
 ۹۹۸:۱، ۱۰۰۳:۱، ۱۰۱۳:۱، ۱۰۳۹:۱،
 ۱۰۴۴:۱، ۱۰۶۷:۱، ۱۰۷۳:۱، ۱۱۲۰:۱، ۱۲۳:۲،
 ۳۲:۲، ۴۶:۲، ۸۲:۲، ۱۲۸:۲، ۲۰۱:۲، ۲۴۰:۲،
 ۲۶۳:۲، ۲۷۱:۲، ۳۰۵:۲، ۳۲۶:۲، ۳۳۲:۲،
 ۴۲۹:۲، ۴۴۷:۲، ۴۸۸:۲، ۵۹۲:۲، ۷۹۸:۲،
 ۸۰۶:۲، ۸۱۶:۲، ۸۴:۴، ۹۰:۴، ۹۸:۴، ۱۰۳:۴،
 ۱۲۷:۴، ۱۶۵:۴، ۱۶۹:۴، ۱۷۴:۴، ۲۰۳:۴،
 ۲۶۹:۴، ۲۷۴:۴، ۳۱۱:۴، ۳۱۳:۴، ۳۲۴:۴،
 ۳۳۶:۴، ۳۴۲:۴، ۳۸۱:۴، ۳۸۲:۴، ۳۸۸:۴،
 ۳۹۷:۴، ۴۰۴:۴، ۴۰۶:۴، ۴۲۱:۴، ۴۲۳:۴،
 ۴۳۴:۴، ۴۴۵:۴، ۴۵۳:۴، ۴۶۷:۴، ۴۷۹:۴،
 ۴۹۹:۴، ۵۳۰:۴، ۵۷۸:۴، ۵۸۱:۴، ۶۰۰:۴،
 ۶۳۲:۴، ۶۳۳:۴، ۶۵۷:۴، ۷۱۸:۴، ۷۲۰:۴،
 ۷۲۴:۴، ۷۳۷:۴، ۷۳۸:۴، ۷۴۰:۴، ۷۴۱:۴،
 ۷۷۳:۴، ۷۷۵:۴، ۷۷۹:۴، ۷۸۲:۴، ۸۰۵:۴،
 ۸۱۳:۴، ۸۱۶:۴، ۸۲۷:۴، ۸۳۴:۴، ۸۳۹:۴،
 ۹۰۷:۴، ۹۲۸:۴، ۹۴۰:۴، ۹۵۳:۴، ۹۶۴:۴،
 ۹۷۳:۴، ۹۸۵:۴، ۱۰۰۳:۴، ۱۰۱۲:۴، ۱۰۳۸:۴،
 ۱۰۶۲:۴، ۱۰۷۲:۴، ۱۰۲۵:۵، ۱۰۲۵:۵، ۱۰۲۵:۵،
 ۹۹:۵، ۱۰۲:۵، ۱۱۹:۵، ۱۵۱:۵، ۱۹۲:۵،
 ۳۰۸:۵، ۳۲۰:۵، ۳۲۹:۵، ۳۷۴:۵، ۳۹۷:۵،
 ۴۱۸:۵، ۴۵۲:۵، ۴۸۷:۵، ۵۱۷:۵، ۵۴۴:۵

کتابها ۳۴۵

شرح منازل السائرين ۱: ۱۸۱، ۱: ۱۸۲، ۱: ۱۸۳،
۱: ۱۸۶، ۱: ۲۱۰، ۱: ۳۱۸، ۱: ۵۰۱، ۱: ۷۰۶،
۳: ۸۶۸، ۳: ۱۰۸۲، ۴: ۲۰، ۵: ۱۸، ۵: ۱۹، ۵: ۱۷۲

شرح ميرنورالله ۵: ۹۶۳

شرح نهج البلاغه ۲: ۴۳۶، ۲: ۴۹۹، ۳: ۲۵۸،
۴: ۶۵۲

شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحديد) ۲: ۸۲۴،
۳: ۱۰۶۱، ۵: ۱۰۳۹

شرح نهج البلاغه (ابن میثم) ۳: ۱۵۷، ۵: ۲۶۳،
۵: ۵۴۵، ۵: ۱۰۶۶

شرف النبی ۴: ۷۳۳

شفا (الشفاء) ۱: ۱۰۲، ۳: ۴۵۳، ۳: ۷۳۳، ۴: ۸۶۲،
۵: ۷۶۶

شکوه شمس ۱: ۹۸، ۱: ۱۱۰۹، ۶: ۳۷، ۶: ۱۰۴۰،
الشواهد الربوبیه ۱: ۹۲، ۱: ۲۶۱، ۱: ۴۴۵، ۱: ۵۳۶،
۱: ۷۳۰، ۱: ۷۳۸، ۱: ۷۶۹، ۲: ۹۹، ۴: ۱۴۴،
۴: ۱۵۶، ۴: ۳۹۳

الصحاح ۶: ۳۹۱، ۶: ۴۰۵

صحیح (بخاری) ۵: ۷۶۶، ۵: ۱۱۲۹، ۶: ۸۳۳،
صحیح بخاری ۱: ۶۴۶، ۱: ۹۹۰، ۱: ۱۱۰۶،
۳: ۷۹۸، ۳: ۱۰۲۹، ۳: ۱۰۴۴، ۴: ۵۹۲، ۶: ۲۹۰،
۶: ۴۳۴

صحیح (مسلم) ۴: ۳۶۰

صحیح مسلم ۱: ۹۹۰، ۱: ۱۱۱۴، ۲: ۵۷، ۳: ۷۹۸،
۳: ۱۰۲۹، ۴: ۵۹۲

صغیر سیمرغ ۶: ۱۰۶۷

صورة الارض ۳: ۳۵۸

طب سنتی ۶: ۸۳۶

الطبقات الشافعية ۴: ۳۶۰

طبقات ابن سعد (طبقات، الطبقات الكبرى)
۱: ۱۰۸۸، ۲: ۱۴۳، ۲: ۱۷۷، ۴: ۱۷۶، ۴: ۳۰۰

۶: ۲۷۴، ۶: ۷۹۵

طبقات الاطباء والحکماء ۱: ۶۴

۳: ۱۰۷۸، ۳: ۱۰۸۱، ۳: ۱۰۹۶، ۳: ۱۱۳۱،
۳: ۱۱۳۴، ۳: ۱۱۹۴، ۳: ۱۱۹۶، ۳: ۱۲۰۰،
۳: ۱۲۰۱، ۳: ۱۲۰۳، ۳: ۱۲۰۶، ۳: ۱۲۰۷، ۴: ۳۷،
۴: ۳۸، ۴: ۸۹، ۴: ۱۱۵، ۴: ۱۳۴، ۴: ۱۳۵،
۴: ۱۳۸، ۴: ۱۴۲، ۴: ۱۴۳، ۴: ۱۴۸، ۴: ۱۵۳،
۴: ۱۸۳، ۴: ۱۸۴، ۴: ۱۹۰، ۴: ۱۹۲، ۴: ۲۰۳،
۴: ۲۱۳، ۴: ۲۶۸، ۴: ۳۰۸، ۴: ۳۳۰، ۴: ۳۳۲،
۴: ۳۳۳، ۴: ۳۳۶، ۴: ۳۴۴، ۴: ۳۹۰، ۴: ۳۹۵،
۴: ۴۱۹، ۴: ۴۷۵، ۴: ۴۷۶، ۴: ۴۸۰، ۴: ۴۹۵،
۴: ۴۹۸، ۴: ۵۱۶، ۴: ۵۱۸، ۴: ۵۳۱، ۴: ۵۴۹،
۴: ۵۷۲، ۴: ۵۸۳، ۴: ۶۰۵، ۴: ۶۰۶، ۴: ۶۲۲،
۴: ۶۳۹، ۴: ۶۵۶، ۴: ۶۶۴، ۴: ۶۹۵، ۴: ۷۰۱،
۴: ۷۰۳، ۴: ۷۲۸، ۴: ۷۴۰، ۴: ۷۵۱، ۴: ۸۰۳،
۴: ۸۰۷، ۴: ۸۲۰، ۴: ۸۳۶، ۴: ۸۶۱، ۴: ۸۹۳،
۴: ۹۰۷، ۴: ۹۱۸، ۴: ۹۲۸، ۴: ۹۳۱، ۴: ۹۴۳،
۴: ۹۵۳، ۴: ۹۶۴، ۴: ۹۸۲، ۴: ۹۹۶، ۴: ۱۰۵۳،
۴: ۱۰۶۵، ۴: ۱۰۶۶، ۴: ۱۰۶۹، ۴: ۱۰۷۱، ۵: ۲۲،
۵: ۲۸، ۵: ۵۲، ۵: ۷۰، ۵: ۸۳، ۵: ۹۷، ۵: ۱۰۱،
۵: ۱۵۸، ۵: ۲۱۰، ۵: ۲۲۶، ۵: ۲۶۲، ۵: ۲۸۷،
۵: ۳۳۴، ۵: ۳۶۹، ۵: ۴۶۴، ۵: ۵۱۶، ۵: ۵۱۷،
۵: ۵۲۹، ۵: ۵۳۱، ۵: ۵۷۳، ۵: ۵۸۱، ۵: ۶۲۴،
۵: ۶۲۷، ۵: ۶۴۲، ۵: ۷۴۲، ۵: ۸۲۵، ۵: ۸۴۷،
۵: ۸۵۲، ۵: ۸۶۴، ۵: ۸۶۷، ۵: ۸۸۴، ۵: ۹۱۸،
۵: ۹۹۴، ۵: ۱۰۰۷، ۵: ۱۰۰۹، ۵: ۱۰۶۲،
۵: ۱۰۶۸، ۵: ۱۰۷۲، ۵: ۱۰۷۴، ۵: ۱۱۲۸، ۶: ۳۰،
۶: ۳۱، ۶: ۳۷، ۶: ۵۷، ۶: ۵۹، ۶: ۶۰، ۶: ۶۱، ۶: ۶۲،
۶: ۶۳، ۶: ۸۶، ۶: ۱۹۰، ۶: ۱۹۱، ۶: ۲۲۱، ۶: ۲۲۲،
۶: ۲۹۵، ۶: ۲۹۷، ۶: ۳۲۲، ۶: ۳۲۳، ۶: ۳۲۵،
۶: ۴۲۱، ۶: ۴۲۴، ۶: ۴۳۸، ۶: ۴۸۰، ۶: ۴۹۹،
۶: ۶۰۶، ۶: ۶۰۷، ۶: ۶۳۰، ۶: ۶۷۶، ۶: ۷۰۲،
۶: ۷۲۹، ۶: ۷۵۱، ۶: ۸۲۰، ۶: ۸۳۰، ۶: ۸۴۴،
۶: ۸۷۵، ۶: ۹۵۱، ۶: ۹۶۴، ۶: ۹۸۲، ۶: ۱۰۳۷،
۶: ۱۰۴۵، ۶: ۱۰۶۵، ۶: ۱۰۸۰، ۶: ۱۲۲۳

شرح مشکلات دیوان انوری ۴: ۶۶۴

شرح مقامات حریری ۴: ۱۸

- طبقات الصوفیه (خواجہ عبداللہ انصاری) ٧٤:٢، ١٢٩:٢، ٢٥٧:٢، ١٩٧:٢
طبقات الصوفیه (عبدالرحمن سلمی) ٢٥٨:٢، ٩٨٦:٥
طرائق الحقایق ٢٦:٢، ٢٦:٢، ٣١٤:٢، ٨٦٥:٦
طبیعیات دانشنامه علایی ٣٠٦:٦
- غیاث اللغات ١٠٧:١، ١٣٢:١، ١٣٦:١، ١٤٠:١، ٢٦٤:٢، ٨٠٣:٢، ٩١٥:٢، ٧٧٦:٣، ٩١٨:٣، ٢٧٩:٤، ٦٠٦:٤، ٦٥٨:٤، ٨٨٠:٤، ٧٧:٥، ١١٨:٥، ٤٥٢:٥، ٤٧٧:٥، ٤٨٧:٥، ٦٠٦:٥، ١٧٢:٦، ٢١١:٦، ٢٢٧:٦
- فاتح الایات ٦٣٠:٢
الفتح الربانی ٤٧٤:٥
فتوت نامہ سلطانی ١٠٥٦:١، ٢٤٤:١، ٢٤٥:١
فتوح البلدان ٤٤٩:٤، ٤١١:٤
فتوحات مکیہ (الفتوحات المکیہ) ٦٦:١، ٧٨:١، ٨٣:١، ١٨٢:١، ٢٣٧:١، ٣٤٥:١، ٤٦٢:١، ٧٩٩:١، ٨٥٣:١، ١١١٤:١، ٧٩٢:٢، ٢٤٠:٤، ٦٩٢:٤، ٧٩٦:٤، ١٥٨:٥، ٧٤:٦، ١١٦٣:٦، ١٢٢٨:٦
- فرائد الادب (ضمیمہ المنجد) ٧٥٤:٣، ٦٦٤:٤
فرائد السلوک ٨٧٨:١، ٤٨٦:٢، ٨٨٧:٢، ٩٢٦:٥
فرائد اللآل (فی مجمع الامثال) ٧٥٤:٣، ١١٠٦:٣، ٥٩٦:٤، ٩٢٩:٤
الفرج بعد الشدة ٢٧٤:٢
فردوس الحکمة ٧٠:١، ٢٧٣:٢، ٣٨٩:٣
الفرق بین الفرق ٩٤٨:١
فرہنگ اساطیر یونان و روم ٣٩١:٦
فرہنگ اصطلاحات نجومی ٧٩:١، ٢٦٤:١، ٢٦٥:١، ٦٨٧:١، ٧٣٢:١، ٨٥١:١، ٩٠٠:١، ٩١٨:١، ١٠١٩:١، ١٠٤٦:١، ١١٢٤:١، ٨١:٢، ٣٩٤:٢، ٤٠٣:٢، ٤٠٤:٢، ٤٠٥:٢، ٤١١:٢، ١٢٩:٣، ٢١٣:٣، ٢٢٩:٣، ٥٢٣:٣، ٢٧٦:٤، ٦١٨:٤، ٢٥٨:٥، ٤٩:٦
- فرہنگ فارسی معین (معین، فرہنگ معین) ٧٣١:٢، ٧٨٥:٢، ٤٥٣:٥، ٦٧٨:٥، ٦٩٢:٦
فرہنگ لغات و اصطلاحات و تعبیات عرفانی ١٠٥٦:١، ٦٧:٢، ٢٠٠:٢
فرہنگ لغات و تعبیات مثنوی ٦٣٥:١، ٧٠١:١، ٨٠١:١، ٨١٩:١، ٩٣٤:١، ١٠٠١:١
- عہد العاشقین ٥٩:١
عجایب نامہ ١٠٨٦:٦، ٨٨٧:٢، ٣٣٢:١
عدۃ الداعی (ابن فہد حلّی) ٨٥٦:٣، ٤١٦:١
عشق و عقل ٤٨١:١
العقد الفريد ٤٣٥:٢، ٥٨٦:٢، ٤٧٩:٣، ٦٤٧:٤، ١٣٨:٦
عقل سرخ ١٠٦٧:٦
علل الشرائع ١٠١٠:٥، ٢٩١:٤
علم النفس (ابن سینا) ٤٣:٢، ٣٩٨:٣، ٤٣٧:٣، ٩٥٩:٦
عوارف المعارف ٧٤:٢، ٧٦:٢، ٩١:٢، ١٦٧:٢، ٦٨٠:٢، ١٦٩:٣، ٣٥٧:٣، ٤٦١:٣، ٤٦٥:٣، ٥٠١:٣، ٦١٣:٣، ٩١٩:٣، ٩٩٩:٣، ٦٢٩:٤، ٥٦١:٦، ٢٥:٥، ٦٤١:٤
عہد جدید ٣٦٣:٢
عہد عتیق ٣٦٣:١
عیون الاخبار (ابن قتیبہ) ٣٦٨:١، ٤٣٦:٢، ٧٨٠:٢
عیون الانباء فی طبقات الاطباء ٦٤:١
عیون المسائل ١٠٠٢:٣
- غایۃ الحکیم (مسلمہ مجریطی) ١٣٠:١، ١٧٥:١، ٢١٣:٣
الغدير ٧٦٦:٥، ١١٦١:٦
غرر الحکم (سو دررالکلم) ٥٧٨:٥، ٥٣٥:٥، ٧٢٦:٥، ٦٧٧:٥
غزالی نامہ ٥٥٥:٢
الغفران (معزی) ١٠٠٦:١
غوطہ دمشق ١٠٥:١

- ۱۰۲۷:۱، ۵۱:۲، ۱۶۶:۲، ۱۸۱:۲، ۱۸۶:۲، ۱۸۹:۲، ۱۹۳:۲، ۲۵۷:۲، ۳۰۹:۲، ۳۱۷:۲، ۳۴۲:۲، ۳۵۹:۲، ۳۸۳:۲، ۴۵۸:۲، ۴۷۰:۲، ۵۱۹:۲، ۵۳۴:۲، ۵۸۸:۲، ۶۰۷:۲، ۶۲۲:۲، ۶۵۵:۲، ۶۷۷:۲، ۶۸۳:۲، ۷۲۷:۲، ۷۸۱:۲، ۷۸۹:۲، ۸۸۸:۲، ۸۹۸:۲، ۳۳:۳، ۱۷۴:۳، ۱۸۷:۳، ۲۶۴:۳، ۲۸۹:۳، ۳۰۶:۳، ۴۰۵:۳، ۴۸۳:۳، ۹۷۹:۳، ۱۰۶:۴، ۳۲۸:۴، ۳۵۱:۴، ۵۱۷:۴، ۶۲۷:۴، ۶۵۳:۴، ۷۶۵:۴، ۱۰۵۷:۴، ۴۸۰:۶، ۶۴:۶، ۵۴۰:۵
- فرهنگ نفیسی ۱۹۶:۱، ۱۷۵:۱، ۱۵۷:۱، ۸۴:۱، ۲۵۰:۱، ۲۷۴:۱، ۳۲۲:۱، ۳۶۸:۱، ۴۴۰:۱، ۴۴۳:۱، ۴۷۸:۱، ۶۱۹:۱، ۶۶۳:۱، ۶۷۰:۱، ۶۹۵:۱، ۸۱۶:۱، ۸۲۹:۱، ۸۳۵:۱، ۹۱۷:۱، ۹۱۸:۱، ۹۸۳:۱، ۱۰۲۰:۱، ۱۰۶۶:۱، ۸۳:۲، ۱۶۹:۲، ۱۷۲:۲، ۱۸۲:۲، ۱۸۵:۲، ۱۸۷:۲، ۱۸۸:۲، ۱۹۹:۲، ۲۴۵:۲، ۲۴۶:۲، ۲۸۱:۲، ۲۸۳:۲، ۲۸۶:۲، ۳۱۰:۲، ۳۱۲:۲، ۳۱۴:۲، ۳۱۶:۲، ۳۲۰:۲، ۳۲۵:۲، ۳۳۶:۲، ۳۶۷:۲، ۳۸۱:۲، ۳۸۸:۲، ۴۰۰:۲، ۴۲۳:۲، ۴۳۸:۲، ۴۴۶:۲، ۴۴۹:۲، ۴۵۲:۲، ۴۶۳:۲، ۴۷۵:۲، ۵۱۸:۲، ۵۵۳:۲، ۵۷۴:۲، ۶۲۵:۲، ۶۳۶:۲، ۶۷۲:۲، ۷۰۸:۲، ۸۲۸:۲، ۸۳۳:۲، ۸۳۵:۲، ۸۵۳:۲، ۹۲۶:۲، ۳۱۳:۳، ۵۰۰:۳، ۸۲۹:۳، ۱۷۹:۴، ۳۱۳:۴، ۴۸۳:۴، ۷۰۴:۴، ۶۶۹:۵، ۸۳۸:۶
- فرهنگ نوادر لغات و تعبيرات و مصطلحات
رک. کلیات شمس ضمیمه جلد هفتم، فرهنگ
نوادر لغات و تعبيرات و مصطلحات
فصوص الحکم ۵۲:۱، ۲۹۷:۱، ۵۰۹:۱، ۵۳۳:۱، ۷۲۶:۱، ۷۵۱:۱، ۷۷۳:۱، ۷۸۶:۱، ۷۸۷:۱، ۸۵۵:۱، ۱۸:۲، ۲۵۲:۲، ۲۵۳:۲، ۲۶۷:۲، ۲۹۷:۳، ۳۴۴:۳، ۳۹۸:۳، ۴۰۹:۳، ۴۲۴:۳، ۸۹۹:۳، ۴۸۸:۴، ۶۸۴:۴، ۷۵۹:۴، ۸۴۸:۴، ۹۰۱:۴، ۹۷۸:۴، ۲۳۴:۵، ۲۵۸:۵، ۵۸۲:۵
- ۷۵۶:۶، ۶۱:۶، ۱۰۷۹:۵، فقیه ۷۰۵:۳، فکوک (الفکوک) ۱۹۳:۳، ۱۸:۲، فلسفه هگل ۱۹۵:۶، فی حقیقه العشق ۱۰۶۷:۶، فیزیولوژی انسانی ۱۵۰:۵، ۱۸:۲، فی ظلال القرآن ۳۰۴:۱، ۱۰۹۷:۱، ۴۲۵:۴، ۹۴۳:۵، ۶۸۶:۴، ۳۵۹:۱، ۱۹۱:۱، ۱۶۱:۱، ۹۹:۱، ۷۶:۱، ۳۸۵:۱، ۴۰۴:۱، ۴۳۲:۱، ۴۳۳:۱، ۴۹۰:۱، ۵۱۰:۱، ۵۴۷:۱، ۵۶۰:۱، ۷۰۷:۱، ۷۶۹:۱، ۷۷۷:۱، ۷۷۸:۱، ۸۰۳:۱، ۸۳۹:۱، ۸۹۷:۱، ۹۸۷:۱، ۱۰۵:۲، ۲۶۱:۲، ۲۶۳:۲، ۳۴۶:۲، ۳۶۰:۲، ۶۰۶:۲، ۶۸۱:۲، ۷۱۶:۲، ۷۹۷:۲، ۸۰۱:۲، ۲۳۷:۳، ۲۴۷:۳، ۳۵۳:۳، ۳۶۳:۳، ۳۸۲:۳، ۶۲۱:۳، ۶۶۹:۳، ۶۷۰:۳، ۷۵۵:۳، ۷۷۶:۳، ۸۰۳:۳، ۸۱۴:۳، ۸۱۵:۳، ۸۱۶:۳، ۸۷:۴، ۲۶۶:۴، ۲۷۹:۴، ۳۱۴:۴، ۳۵۹:۴، ۳۹۲:۴، ۳۹۳:۴، ۴۰۳:۴، ۴۵۲:۴، ۶۳۰:۴، ۸۳۶:۴، ۸۴۷:۴، ۱۷۴:۵، ۲۶۵:۵، ۴۰۰:۵، ۵۵۴:۵، ۷۰۴:۵، ۷۳۶:۵، ۷۳۷:۵، ۷۴۲:۵، ۷۷۳:۵، ۸۸۵:۵، ۸۹۰:۵، ۹۸۲:۵، ۱۰۷۱:۵، ۱۳۹:۶، ۲۳۰:۶، ۵۱۷:۶، ۸۲۰:۶، ۸۲۱:۶، ۱۰۲۱:۶
- قاموس (کتاب مقدس) ۱۵۳:۲، ۳۹۸:۱، قاموس قرآن ۴۳۶:۱، ۹۲۱:۱، ۹۷۰:۱، ۹۹:۲، ۳۴۱:۲، ۴۷۶:۲، ۵۰۲:۲، ۵۷۸:۲، ۷۲۳:۲، ۸۳۴:۲، قانون (در طب) ۸۵۹:۲، ۹۲۶:۲، ۷۱:۴، ۹۶:۴، ۲۰۴:۶، قانونچه ۱۰۲۴:۳، ۷۰:۴، ۵۲۴:۴، ۷۶۱:۴، ۱۰۶۱:۴، ۴۶۶:۵، ۱۱۰:۶، ۵۱۳:۶، القیسات ۵۸۹:۳، ۲۹۳:۳، قرون ماضیه ۲۶:۳، قصص الانبیاء (تعلی) ۲۰۳:۱، ۲۹۷:۱، ۳۹۸:۱

۱۱۱۰:۳، ۱۱۴۰:۳، ۱۱۸۸:۳، ۲۵:۴، ۱۵۵:۴،

۲۸۴:۴، ۲۹۰:۴، ۳۵۴:۴، ۳۷۸:۴، ۳۸۵:۴،

۵۷۹:۴، ۶۶۰:۴، ۶۸۵:۴، ۷۵۹:۴، ۸۱۵:۴،

۸۹۸:۴، ۹۰۲:۴، ۱۰۰۵:۴، ۸۸:۵، ۱۴۹:۵،

۱۵۵:۵، ۱۸۱:۵، ۲۸۰:۵، ۳۴۶:۵، ۴۳۵:۵،

۴۷۸:۵، ۵۴۲:۵، ۵۶۴:۵، ۵۶۹:۵، ۵۷۱:۵،

۶۱۸:۵، ۶۴۵:۵، ۶۵۷:۵، ۶۸۶:۵، ۹۰۴:۵،

۹۱۵:۵، ۹۴۴:۵، ۱۰۴۵:۵، ۱۱۳۳:۵، ۲۲:۶،

۴۷:۶، ۶۶:۶، ۱۳۴:۶، ۲۰۶:۶، ۲۲۸:۶، ۲۸۵:۶،

۴۱۱:۶، ۴۲۴:۶، ۵۲۰:۶، ۵۶۹:۶، ۵۸۴:۵،

۵۹۱:۵، ۶۲۷:۵، ۶۸۴:۶، ۶۹۵:۶، ۷۰۲:۶،

۷۳۳:۶، ۷۵۰:۶، ۷۵۳:۶، ۷۶۲:۶، ۸۰۰:۶،

۸۴۶:۶، ۱۱۲۴:۶

کشاف اصطلاحات الفنون ۷۹:۱، ۳۴۵:۱

۴۲۲:۱، ۵۰۹:۱، ۶۵۰:۱، ۸۱۶:۱، ۳۸:۲،

۲۱۸:۲، ۴۵۰:۲، ۴۵۱:۲، ۴۵۴:۲، ۷۲۰:۲،

۷۹۲:۲، ۲۱۳:۳، ۴۸۵:۳، ۲۰:۴، ۳۵۳:۴،

۴۱۹:۴، ۴۲۱:۴، ۴۴۱:۴، ۴۵۷:۵، ۶۴۱:۵،

۷۶۱:۵، ۱۰۰۹:۵، ۱۱۰:۶، ۲۲۴:۶، ۲۷۱:۶،

۲۸۷:۶، ۳۰۹:۶، ۵۶۱:۶، ۱۰۷۹:۶، ۱۱۳۰:۶

کشف الاسرار (وعدة الابرار) ۳۷۹:۱

۷۹۸:۱، ۹۰۶:۱، ۲۸۸:۳، ۵۰۹:۳، ۵۱۲:۳،

۱۱۸۸:۳، ۴۱۷:۴، ۵۱۷:۴، ۴۳۵:۵، ۴۶۲:۵

کشف اسرار معنوی در شرح ابیات مثنوی

۶۲۲:۱

کشف الظنون ۱۳۰:۱، ۱۷۵:۱، ۱۹۶:۱، ۱۵۲:۳،

۲۱۳:۳، ۷۵۰:۳

کشف المحجوب ۴۴۸:۱، ۶۶۸:۱، ۷۸۶:۱،

۱۱۷:۲، ۳۵۸:۲، ۳۷۹:۲، ۸۴۹:۲، ۸۵۰:۲،

۲۲۲:۴، ۵۸۹:۴، ۶۲۹:۴، ۸۹۰:۵، ۹۸۶:۵

کلیات شمس (دیوان کبیر) ۵۲:۱، ۶۲۴:۱،

۶۲۵:۱، ۶۲۹:۱، ۳۹:۲، ۳۰۵:۲، ۳۱۵:۲،

۲۵۵:۳، ۴۶۱:۳، ۹۵۸:۳، ۳۸:۴، ۱۰۹:۴،

۱۱۰:۴، ۱۷۷:۴، ۲۴۰:۴، ۲۵۸:۴، ۴۶۷:۴،

۴۹۸:۴، ۵۶۲:۴، ۶۰۵:۴، ۶۰۶:۴، ۶۱۲:۴،

۴۰۱:۱، ۴۰۳:۱، ۱۰۲۶:۱، ۱۳۲:۲، ۶۴۶:۲،

۸۷۹:۲، ۳۷۰:۳، ۴۷۹:۳، ۵۵۳:۴، ۷۱۳:۴،

۱۰۳۵:۴، ۳۷۳:۶، ۸۰۱:۶، ۹۴۲:۶، ۱۲۳۵:۶

قصص قرآن ۷۶۸:۲

قصیده تائیه ۸۳:۲، ۱۷۷:۴، ۲۲۲:۴، ۲۴۰:۴،

۶۱۴:۴، ۱۸۴:۵، ۳۵۳:۵، ۶۴۴:۵، ۶۹۵:۵،

۲۰۷:۶، ۲۱۶:۶

قصیده عینیه ۴۶۲:۱، ۵۴۳:۱، ۱۲۰۵:۳

قوت القلوب (قوت القلوب فی معامله

المحبوب) ۳۲۰:۳، ۴۹۴:۳، ۱۰۰۷:۵، ۶۹۸:۶

کامل التعبير ۲۱۳:۳، ۴۳۸:۳، ۷۰۹:۴، ۸۷۶:۴،

۱۰۸:۶

کافی (اصول کافی) ۷۰۵:۳، ۸۸۵:۴، ۱۳۹:۵

کتاب الاذکیاء ۸۷۸:۱

کتاب الاربعین ۶۵۹:۵

کتاب الاسراء الى مقام الاسرى ۱۰۶۷:۶

کتاب الحيوان ۸۸۹:۱، ۱۰۵۵:۶

کتاب الصيدنه ۷۲۱:۴

کتاب اللمع فی التصوف (اللمع فی التصوف)

۸۲:۱، ۱۴۰:۱، ۱۸۳:۱، ۱۸۶:۱، ۲۱۰:۱،

۵۱۱:۱، ۷۰۶:۱، ۱۰۰۵:۱، ۱۰۳۲:۱، ۳۵۸:۲،

۴۱۳:۴، ۵۸۹:۴، ۱۸۵:۵، ۵۵۵:۵، ۶۴۸:۵،

۶۵۴:۵، ۶۵۶:۵، ۱۱۲۶:۵، ۲۶۷:۶

کتاب المتوکلۃ ۲۳۵:۱، ۱۰۱۹:۱

کتاب المشاعر ۷۳۸:۱

کتاب الهند ۷۴۰:۱، ۷۵:۲

کشاف (الكشاف) ۲۳۵:۱، ۲۶۹:۱، ۳۶۲:۱،

۳۶۵:۱، ۳۷۹:۱، ۴۱۱:۱، ۴۱۴:۱، ۴۲۹:۱،

۵۳۲:۱، ۶۰۷:۱، ۷۷۴:۱، ۸۱۹:۱، ۳۶۵:۲،

۴۵۱:۲، ۵۱۶:۲، ۶۲۹:۲، ۶۹۶:۲، ۷۱۹:۲،

۷۷۳:۲، ۹۰۸:۲، ۲۴:۳، ۲۱۱:۳، ۲۸۴:۳،

۳۲۳:۳، ۳۶۰:۳، ۳۸۳:۳، ۴۵۲:۳، ۵۰۹:۳،

۵۱۳:۳، ۵۲۹:۳، ۷۵۶:۳، ۷۵۹:۳، ۸۲۴:۳،

۹۶۲:۳، ۱۰۳۷:۳، ۱۰۴۱:۳، ۱۱۰۵:۳

کتابها ۳۴۹

۶۱۹:۴، ۷۶۵:۴، ۷۶۶:۴، ۷۸۶:۴، ۸۱۰:۴
 ۱۰۱۰:۴، ۸۶:۵، ۱۰۱:۵، ۱۱۰:۵، ۱۸۳:۵
 ۳۱۵:۵، ۴۸۷:۵، ۶۹۶:۵، ۷۰۷:۵، ۷۴۹:۵
 ۷۶۹:۵، ۷۹۹:۵، ۹۶۰:۵، ۹۷۱:۵، ۹۸۲:۵
 ۱۰۱۱:۵، ۱۰۵۹:۵، ۱۰۶۸:۵، ۱۰۶۹:۵
 ۱۰۸۵:۵، ۱۱۴۱:۵، ۶۱:۶، ۷۰:۶، ۲۲۰:۶
 ۴۸۰:۶، ۸۵۶:۶، ۹۳۴:۶، ۱۰۱۵:۶
 کلیات شمس، فرهنگ نوادر لغات و تعبيرات و
 مصطلحات، ضمیمه جلد هفتم ۱۸۱:۲، ۳۰۵:۲
 ۷۴۸:۲، ۱۸۱:۳، ۹۵۲:۳، ۹۶۴:۳، ۴۳۴:۴
 ۵۶۲:۴، ۶۹۶:۵، ۱۰۵۹:۵، ۱۱۲۴:۵، ۲۲۰:۶
 ۴۸۰:۶، ۳۱۱:۶
 کلیات قانون ۱۱۲۴:۵
 کفایة الطالب ۷۶۶:۵
 کليلة و دمنه ۳۰۹:۱، ۳۱۲:۱، ۲۶۸:۲، ۷۷۴:۲
 ۸۸۲:۲، ۸۸۳:۲، ۸۸۷:۲، ۶۸۹:۳، ۶۳۸:۴
 ۷۰۸:۵، ۶۳۶:۵، ۶۳۹:۴
 کمدی الهی ۱۰۰۶:۱
 کنز العمال ۱۱۰۶:۱، ۶۶۰:۵، ۶۶۶:۵، ۷۸۰:۵
 ۱۰۶۸:۵، ۲۱۷:۶، ۶۵۳:۶
 کنوز الحقایق ۱۱۴۷:۳، ۳۹۳:۴، ۸۳۳:۶
 الکواکب الدریة ۴۴۸:۱
 کیمیای سعادت ۳۲۵:۱، ۴۳۸:۱، ۷۰۷:۱، ۸۴۱:۱
 ۹۲۰:۱، ۱۰۵۹:۱، ۱۰۶۰:۱، ۳۵۸:۲، ۲۷۸:۳
 ۳۱۲:۳، ۳۴۱:۳، ۵۶۲:۳، ۹۳:۴، ۲۴۰:۴
 ۲۰۴:۶، ۷۶۲:۴، ۴۶۱:۴
 گزیده غزلیات مولوی ۳۱۲:۲
 گلستان ۱۶۷:۱، ۶۹۹:۵، ۹۲۷:۵
 اللآلی المصنوعة (سفی الاحادیث
 الموضوعه) ۴۸۹:۱، ۶۲۳:۱، ۴۳۶:۲، ۷۵۵:۴
 لباب الالباب ۷۰۵:۱، ۹۴۲:۳، ۱۶۵:۵
 لب لباب مثنوی ۵۵:۱، ۷۶:۱، ۴۳۷:۱، ۵۱۲:۱
 ۷۰۰:۱، ۷۰۵:۱، ۷۹۴:۱، ۸۶۰:۱، ۳۱۵:۲

۳۱۶:۲، ۳۲۸:۲، ۶۸۰:۲، ۷۲۶:۲، ۷۳۴:۲
 ۷۲۵:۵، ۵۵۰:۵، ۷۶۹:۳، ۶۱۳:۳، ۶۷:۳، ۷۹۴:۲
 لطائف (عبید زاکانی) ۸۳۱:۱، ۵۹۹:۲، ۹۱۱:۵
 لطائف الحیل ۷۴۱:۵
 لطائف المعنوی (لطائف) ۷۶۳:۲، ۲۸:۳، ۸۵:۳
 ۲۱۳:۴، ۲۸۳:۴، ۱۷۵:۵، ۹۹۸:۵، ۶۰:۶، ۶۱:۶
 ۱۹۹:۶، ۲۲۱:۶، ۲۲۷:۶، ۴۶۷:۶
 لغتنامه دهخدا (لغتنامه) ۱۷۵:۱، ۲۹۵:۱، ۳۵۶:۱
 ۴۸۲:۱، ۹۲۶:۱، ۱۳۷:۲، ۳۹۹:۲، ۴۴۵:۲
 ۴۵۲:۲، ۵۱۸:۲، ۵۵۸:۲، ۵۷۵:۲، ۶۱۵:۲
 ۷۸۵:۲، ۸۱۹:۲، ۹۲۶:۲، ۲۱۹:۳، ۹۳۶:۳
 ۱۰۷۳:۳، ۱۱۸۵:۳، ۵۵۰:۴، ۴۷۲:۶، ۵۷۳:۶
 لمعات ۱۱۷۷:۳
 اللؤلؤ المرصوع و رواشع مساویه ۷۳۳:۴
 مآخذ قصص و تمثيلات مثنوی ۷۰:۱، ۱۴۵:۱
 ۲۸۵:۱، ۲۹۷:۱، ۲۹۸:۱، ۳۱۳:۱، ۳۳۲:۱
 ۳۶۸:۱، ۴۰۲:۱، ۴۵۰:۱، ۴۹۴:۱، ۵۹۵:۱
 ۶۲۴:۱، ۶۴۶:۱، ۶۸۲:۱، ۸۳۲:۱، ۸۷۸:۱
 ۸۸۹:۱، ۹۱۶:۱، ۹۳۴:۱، ۹۹۴:۱، ۱۰۰۶:۱
 ۱۰۲۶:۱، ۱۰۵۴:۱، ۱۰۸۷:۱، ۱۱۱۵:۱، ۵۷:۲
 ۶۶:۲، ۱۳۱:۲، ۱۴۱:۲، ۱۴۴:۲، ۱۵۸:۲
 ۱۶۴:۲، ۱۷۷:۲، ۱۸۰:۲، ۳۵۸:۲، ۳۷۸:۲
 ۳۸۰:۲، ۴۱۶:۲، ۴۱۹:۲، ۴۳۶:۲، ۴۷۴:۲
 ۴۸۶:۲، ۴۹۹:۲، ۵۰۹:۲، ۵۲۵:۲، ۵۲۹:۲
 ۵۳۷:۲، ۵۴۶:۲، ۵۵۸:۲، ۵۸۶:۲، ۵۸۷:۲
 ۵۹۹:۲، ۶۴۶:۲، ۷۶۳:۲، ۷۷۴:۲، ۷۷۵:۲
 ۷۸۰:۲، ۸۲۵:۲، ۸۳۹:۲، ۸۵۰:۲، ۸۷۹:۲
 ۸۸۸:۲، ۹۱۹:۲، ۴۰:۳، ۶۵:۳، ۸۱:۳، ۱۵۰:۳
 ۱۸۴:۳، ۲۰۴:۳، ۲۶۸:۳، ۳۱۱:۳، ۳۴۵:۳
 ۳۷۰:۳، ۳۸۹:۳، ۴۱۲:۳، ۴۱۳:۳، ۴۴۵:۳
 ۴۵۶:۳، ۴۷۵:۳، ۴۷۹:۳، ۴۹۹:۳، ۶۳۶:۳
 ۶۳۷:۳، ۶۵۱:۳، ۷۷۶:۳، ۷۹۸:۳، ۸۲۷:۳
 ۸۹۱:۳، ۸۹۷:۳، ۹۴۲:۳، ۱۰۱۰:۳، ۱۰۴۷:۳
 ۱۰۹۸:۳، ۱۱۷۷:۳، ۵۳:۴، ۹۳:۴، ۱۲۰:۴

۶۱۹:۴ ۵۹۵:۴ ۵۹۰:۴ ۵۴۳:۴ ۵۱۹:۴
 ۶۶۶:۴ ۶۶۴:۴ ۶۶۲:۴ ۶۵۶:۴ ۶۲۸:۴
 ۷۲۴:۴ ۷۲۲:۴ ۷۰۳:۴ ۶۸۸:۴ ۶۸۰:۴
 ۷۸۲:۴ ۷۶۵:۴ ۷۵۰:۴ ۷۳۸:۴ ۷۳۷:۴
 ۸۴۸:۴ ۸۳۴:۴ ۸۳۳:۴ ۸۰۴:۴ ۷۸۶:۴
 ۱۰۰۶:۴ ۹۹۹:۴ ۹۲۸:۴ ۹۱۸:۴ ۸۶۳:۴
 ۲۸:۵ ۲۰:۵ ۱۰۷۲:۴ ۱۰۶۹:۴ ۱۰۶۵:۴
 ۲۲۶:۵ ۱۱۵:۵ ۱۰۱:۵ ۹۸:۵ ۸۳:۵ ۵۲:۵
 ۴۸۳:۵ ۴۱۸:۵ ۳۹۱:۵ ۳۷۶:۵ ۳۳۹:۵
 ۷۴۲:۵ ۷۱۱:۵ ۶۹۴:۵ ۶۹۲:۵ ۵۸۸:۵
 ۱۱۱۷:۵ ۹۶۳:۵ ۸۷۶:۵ ۸۷۳:۵ ۸۶۴:۵
 ۴۸۰:۶ ۲۵۱:۶ ۱۹۹:۶ ۱۶۶:۶ ۷۵:۶ ۳۳:۶
 ۱۱۴۹:۶ ۱۰۳۷:۶ ۱۰۱۲:۶ ۸۲۳:۶ ۵۳۳:۶
 ۱۱۵۷:۶

مجالس سبعة ۵۴:۱ ۱۱۹۷:۳ ۱۲۱۹:۳
 مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه
 فردوسی مشهد ۱۰۵۶:۳
 مجله یغما ۱۱۹:۵
 مجمع الامثال ۶۷۱:۲ ۱۱۱:۳

مجمع البحرين ۳۶۵:۱ ۵۰۴:۱ ۸۷۴:۱ ۱۰۸:۲
 ۷۳۱:۲ ۷۲۵:۲ ۲۹۲:۲ ۲۳۱:۲ ۲۳۰:۲
 ۵۱۴:۳ ۱۸۲:۴ ۵۸۹:۴ ۵۷۸:۵ ۶۰۶:۵
 ۳۲۴:۶

مجمع البیان ۷۴:۱ ۸۳:۱ ۸۴:۱ ۸۷:۱ ۱۳۰:۱
 ۱۴۲:۱ ۱۷۲:۱ ۱۸۷:۱ ۲۵۸:۱ ۲۶۲:۱
 ۲۶۹:۱ ۳۰۴:۱ ۳۰۶:۱ ۳۲۱:۱ ۳۲۹:۱
 ۳۶۲:۱ ۳۷۹:۱ ۴۱۴:۱ ۴۲۹:۱ ۴۴۵:۱
 ۵۳۲:۱ ۵۸۸:۱ ۷۷۴:۱ ۷۸۹:۱ ۹۵۷:۱
 ۹۷۲:۱ ۱۰۶۲:۱ ۱۱۰:۲ ۳۶۵:۲ ۵۱۲:۲
 ۷۰۸:۲ ۷۱۲:۲ ۷۲۳:۲ ۲۴:۳ ۹۲:۳ ۱۰۳:۳
 ۱۲۰:۳ ۱۳۷:۳ ۲۱۲:۳ ۲۵۸:۳ ۲۸۲:۳
 ۲۸۴:۳ ۲۸۸:۳ ۲۸۹:۳ ۳۲۴:۳ ۳۲۸:۳
 ۳۳۳:۳ ۳۴۸:۳ ۳۶۰:۳ ۳۸۳:۳ ۳۸۵:۳
 ۴۱۹:۳ ۴۵۲:۳ ۴۶۰:۳ ۵۰۹:۳ ۵۲۷:۳
 ۵۲۹:۳ ۵۳۳:۳ ۵۹۵:۳ ۵۹۹:۳ ۶۳۰:۳

۱۲۹:۴ ۲۰۸:۴ ۲۲۲:۴ ۲۳۳:۴ ۴۰۱:۴
 ۴۵۲:۴ ۵۱۰:۴ ۵۲۸:۴ ۶۱۰:۴ ۶۳۸:۴
 ۶۴۵:۴ ۶۵۲:۴ ۷۱۳:۴ ۸۲۲:۴ ۸۲۶:۴
 ۸۴۵:۴ ۸۷۳:۴ ۱۰۳۶:۴ ۱۰۳۹:۴ ۱۰۴۹:۴
 ۱۱۲:۵ ۱۴۷:۵ ۲۵۲:۵ ۲۷۵:۵ ۳۴۹:۵
 ۳۷۴:۵ ۴۸۳:۵ ۵۱۰:۵ ۶۱۲:۵ ۶۶۲:۵
 ۷۸۵:۵ ۷۹۱:۵ ۸۷۰:۵ ۹۰۱:۵ ۹۱۱:۵
 ۹۲۱:۵ ۹۲۶:۵ ۹۴۸:۵ ۹۷۳:۵ ۱۰۳۴:۵
 ۱۰۴۳:۵ ۱۰۵۰:۵ ۱۰۹۹:۵ ۱۰۹۹:۵ ۱۳۸:۶
 ۱۴۸:۶ ۱۸۱:۶ ۲۶۱:۶ ۳۲۸:۶ ۴۶۷:۶
 ۴۹۱:۶ ۶۳۲:۶ ۶۵۲:۶ ۷۴۳:۶ ۷۶۶:۶
 ۷۹۰:۶ ۸۰۱:۶ ۸۵۶:۶ ۸۹۷:۶ ۹۲۷:۶
 ۱۰۱۳:۶ ۱۰۴۰:۶ ۱۰۸۶:۶ ۱۱۴۱:۶ ۱۲۲۴:۶

مبادی فقه و اصول ۱۵۲:۶ ۵۶۱:۶
 مبانی نجوم ۱۹۳:۴
 مبدأ و معاد (المبدأ والمعاد) ۱۵۹:۱ ۲۶۱:۱
 ۸۹۸:۳ ۱۵۶:۴
 متفکران اسلام ۳۹۰:۶

مثنوی (استعلامی) ۳۹:۲ ۴۷:۲ ۹۲:۲ ۱۸۹:۲
 ۱۹۶:۲ ۲۰۷:۲ ۲۰۸:۲ ۲۵۶:۲ ۷۰۷:۲
 ۷۰۹:۲ ۷۲۲:۲ ۷۷۶:۲ ۳۰۸:۲ ۳۲۶:۲
 ۳۵۲:۲ ۳۶۳:۲ ۴۰۰:۲ ۴۲۰:۲ ۵۶۹:۲
 ۵۹۵:۲ ۲۶:۳ ۴۳:۳ ۴۷:۳ ۱۰۱:۳ ۱۳۴:۳
 ۲۶۱:۳ ۲۹۱:۳ ۴۳۵:۳ ۴۳۷:۳ ۴۵۷:۳
 ۴۸۶:۳ ۵۳۸:۳ ۵۴۰:۳ ۵۶۰:۳ ۵۸۸:۳
 ۶۹۱:۳ ۱۰۷۲:۳ ۶۸۰:۴ ۴۷۵:۵ ۷۰۷:۵
 ۲۲۲:۶

مثنوی (نسخه قونیه) ۱۱۰:۵:۵
 مثنوی مولوی معنوی ۲۱:۳ ۲۴:۳ ۲۶:۳
 ۴۳:۳ ۲۰:۴ ۲۲:۴ ۳۷:۴ ۴۸:۴ ۱۰۱:۴
 ۱۰۷:۴ ۱۲۶:۴ ۱۴۲:۴ ۱۴۹:۴ ۱۵۱:۴
 ۱۵۳:۴ ۱۵۶:۴ ۱۷۴:۴ ۲۰۴:۴ ۲۰۹:۴
 ۲۳۷:۴ ۲۴۶:۴ ۳۲۴:۴ ۳۳۶:۴ ۳۸۶:۴
 ۳۹۵:۴ ۴۱۷:۴ ۴۳۴:۴ ۴۹۵:۴ ۴۹۹:۴

مجمع التواريخ والتقصص ١٠٥٠:٥، ٤٧٩:٣
محاضرات (راغب) ٤٩٩:٢، ٧٦٣:٣، ٦٥١:٣
محاضرات الادباء ٨٧٧:١، ٨٢٥:٢
المحاسن والمساوى ٧٦٣:٢
المحجة البيضاء ٣٧٨:٣، ٤٠٠:٤، ٤٤١:٤
٦٠٧:٥، ٨٩:٥، ٨٨٩:٤، ٨٨٥:٤، ٤٤٤:٤، ٤٤٢:٤
المحيط ٧٥:٥، ٥٥٤:٢
مرآة المثنوى ٨٨:١، ١٩٢:٢، ٧٠٣:٢، ٢٥٥:٣
٢٢١:٦، ١٧٢:٦، ١١٨٧:٣
مختارنامه ١١٢٤:٥
مختصر صحيح مسلم ٣٥١:٢، ٤٦٣:٣، ٧٦٨:٣
٥٢٧:٥، ٣٦٠:٤
مختصر نافع ٩٥٥:١، ٧٤:٤، ٨٣٦:٥
مخزن الادويه ٣٣:٣
مخزن الاسرار (نظامي) ١٠٩٥:٥
مخلاة ٧٢٥:١
مراحل السالكين ٨٦١:١
مرزبان نامه ١٤٦:١، ٣٩٦:١
مرصاد العباد ٤٢٥:١، ٦٩٠:١، ٧٢٦:١، ٨٦١:١
٤٣٨:٣، ٤٧٠:٣، ٥٩٥:٣، ١٦٩:٥، ١٧٢:٥
٧٣٠:٥، ٤٨١:٥
مروج الذهب ١١٣٧:٣، ١٣١:٤، ١٥١:٦، ٧٥٣:٦
مزامير ٦٠٥:١، ١٥٣:٢، ٤١٢:٥
مسالك و ممالك ١٧٧:٢، ٩٢٥:٢، ٤٥:٣
٨٨٦:٤، ٣٥٨:٣
المستجد من فعلات الاجواد ٩١٥:١
مستدرک الوسائل ٥٣:٤
المستطرف ١٠٥٠:٥، ١٦٤:٢
مسجد الاقصى ٣٣٦:٤، ٣٤٤:٤، ٣٨٠:٤، ٤٠٠:٤
٤٠٦:٤
مسند (احمد حنبل) ٨٢١:٣، ١١٤٧:٣
٧٢١:٤، ٧٣٢:٤، ٩٣:٥، ٢٢٥:٥، ٧٦٦:٥
٨٩١:٥، ١١٣:٦، ٢١٤:٦، ٣٠٧:٦
مشارق الدراري ٦٥٠:١، ٧٨٠:١، ٨٦١:١
٤٥٢:٢، ٣٢٦:٣، ٦١١:٣، ٦٨٠:٣، ١٧٧:٤

٦٣٨:٣، ٧١٤:٣، ٧١٨:٣، ٧٣٨:٣، ٧٤٨:٣
٧٥٥:٣، ٧٥٩:٣، ٧٦٦:٣، ٨١٤:٣، ٨٢٤:٣
٨٤٥:٣، ٨٦٥:٣، ٨٧٢:٣، ٨٧٧:٣، ٨٨٥:٣
٨٨٧:٣، ٩٤٧:٣، ٩٤٨:٣، ٩٧١:٣، ٩٩٦:٣
١٠٠٢:٣، ١٠٢٦:٣، ١٠٣٧:٣، ١٠٤١:٣
١٠٦٧:٣، ١١٠٥:٣، ١١٠٨:٣، ١١٠٧:٣
١١١٥:٣، ١١١٩:٣، ١١٤١:٣، ١١٤٥:٣
١١٥٣:٣، ١١٦٥:٣، ١١٨٨:٣، ١١٩٧:٣، ٢٦:٤
٣٠:٤، ٦٩:٤، ١٠٢:٤، ١٣٠:٤، ١٤٨:٤، ١٥٥:٤
٢٠١:٤، ٢٣١:٤، ٢٣٦:٤، ٢٤٦:٤، ٢٧٠:٤
٢٨٤:٤، ٢٩٠:٤، ٣١٧:٤، ٣٢٧:٤، ٣٣٨:٤
٣٤٢:٤، ٣٥٤:٤، ٣٥٦:٤، ٣٧٢:٤، ٣٧٨:٤
٣٨٤:٤، ٣٨٥:٤، ٤٢٤:٤، ٤٦٣:٤، ٦٠١:٤
٦٢٥:٤، ٦٤٩:٤، ٦٦٠:٤، ٦٧٠:٤، ٦٨٥:٤
٧٥٩:٤، ٧٦٥:٤، ٧٩٥:٤، ٨١٥:٤، ٨٣٥:٤
٨٩٨:٤، ٩٠٢:٤، ٩٣٣:٤، ٩٤٧:٤، ٩٧٦:٤
١٠٠٥:٤، ١٠٢٩:٤، ١٠٥٠:٤، ١٠٧٥:٤، ٢٧:٥
١٠٤٨:٥، ٦٠:٥، ١١٠:٥، ١٣٣:٥، ١٤٩:٥، ١٥٥:٥
١٨١:٥، ٢١٠:٥، ٢٢٦:٥، ٢٣١:٥، ٢٣٤:٥
٢٧٨:٥، ٢٨٠:٥، ٢٩٥:٥، ٢٩٩:٥، ٣١٤:٥
٣١٥:٥، ٣٣١:٥، ٣٤٦:٥، ٣٨٧:٥، ٣٩٦:٥
٤١٢:٥، ٤٢٣:٥، ٤٣٤:٥، ٤٣٥:٥، ٤٤٤:٥
٤٦٣:٥، ٤٧٨:٥، ٤٨١:٥، ٥٤٦:٥، ٥٦٩:٥
٥٧١:٥، ٥٨٤:٥، ٦١٤:٥، ٦١٥:٥، ٦١٨:٥، ٦٤٤:٥
٦٥٥:٥، ٦٥٧:٥، ٦٨٥:٥، ٧١٢:٥، ٧١٥:٥
٧١٦:٥، ٧٤٩:٥، ٧٧٢:٥، ٧٧٤:٥، ٨٨٢:٥
٩٠٣:٥، ٩٠٤:٥، ٩١٥:٥، ٩٤٤:٥، ٩٨٧:٥
١٠١٢:٥، ١٠٢٤:٥، ١٠٤٥:٥، ١٠٦١:٥
١٠٦٧:٥، ١١٣٣:٥، ٤٥:٦، ٤٧:٦، ٦٦:٦، ٧٤:٦
٨٦:٦، ١١٧:٦، ١٣٤:٦، ١٧٠:٦، ١٩٣:٦
٢٠٦:٦، ٢٢٨:٦، ٢٧١:٦، ٣٠١:٦، ٤١١:٦
٤٣٤:٦، ٤٩٣:٦، ٦٩٥:٦، ٧٥٣:٦، ٨٤٦:٦
٨٦٥:٦، ٨٧٣:٦، ٨٨٣:٦، ٨٨٦:٦، ٩٠٥:٦
٩٥٥:٦، ١٠٢٧:٦، ١١٢٣:٦، ١١٥٥:٦
مجمع الفرس ٨١٧:١

المعجم المفهرس لالفاظ الحديث النبوی
 ۳۴۱:۳، ۳۴۸:۳، ۴۳۰:۳، ۴۵۸:۳، ۵۲۱:۳
 ۶۱۲:۳، ۷۳۸:۳، ۷۵۰:۳، ۷۶۸:۳، ۸۵۲:۳
 ۱۰۲۸:۳، ۱۰۶۰:۳، ۱۰۶۴:۳، ۱۰۸۴:۳
 ۱۱۳۸:۳، ۵۹:۴، ۷۴:۴، ۲۱۲:۴، ۳۰۵:۴
 ۳۶۰:۴، ۵۱۶:۴، ۵۸۰:۴، ۸۵۹:۴، ۹۸۹:۴
 ۱۱۲۹:۵، ۴۴۰:۵، ۲۴۸:۵، ۴۸۲:۵، ۱۱۲۹:۵

معلقات سبع ۱۰۵:۲

معین (فرهنگ فارسی معین) ۱۵۴:۱، ۹۱:۲
 ۹۹:۲، ۱۱۰:۲، ۳۲۵:۲، ۵۳۱:۲، ۵۶۵:۲
 ۵۸۸:۲، ۸۱۱:۲، ۹۶۵:۳، ۷۷:۵، ۱۰۵۲:۵
 ۱۲۰۲:۶

معین، اعلام (فرهنگ فارسی معین، اعلام)
 ۳۰۰:۱، ۲۰۳:۲، ۲۸۲:۲، ۵۷۴:۲، ۶۵۰:۲
 ۷۴۵:۲

مغازی واقدی ۶۱۶:۱، ۷۹۵:۶

مفاتیح الجنان ۶۴۱:۴

مفاتیح العلوم ۹۱:۱، ۲۲۲:۱، ۸۲۹:۱، ۱۲۹:۳
 ۴۲۱:۴، ۶۰۰:۴

مفاتیح الغیب ۲۶۱:۱، ۳۵۴:۱، ۶۰۷:۱، ۹۹:۲
 ۵۲۱:۴، ۴۴۱:۴، ۲۳۱:۴، ۱۵۶:۴، ۳۶۶:۲

مفردات راغب (المفردات فی غریب القرآن)
 ۱۳۰:۱، ۸۰۴:۱، ۱۹۱:۲، ۷۹۷:۲، ۹۲۶:۲
 ۱۱۹:۳، ۱۲۴:۳، ۲۸۳:۳، ۴۵۸:۳، ۷۵۸:۳
 ۸۴۵:۳، ۸۶۵:۳، ۷۲:۴، ۱۰۲:۴، ۲۳۱:۴
 ۲۴۷:۴، ۲۸۳:۴، ۳۳۸:۴، ۳۵۴:۴، ۴۲۴:۴
 ۷۶۳:۴، ۹۱۴:۴، ۱۰۰۵:۴، ۴۸:۵، ۲۹۶:۵
 ۵۳۱:۵، ۷۱۶:۵، ۱۰۴۵:۵، ۱۱۳۳:۵، ۲۰۶:۶

المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام ۱۱۲۴:۶
 مفلس کیمیا فروش ۹۱۳:۵

مقاتل الطالبین ۵۰۵:۳

مقالات شمس ۱۳۹:۱، ۲۰۹:۱، ۲۷۶:۱، ۴۳۷:۱
 ۵۱۰:۱، ۹۳۸:۱، ۹۴۵:۱، ۱۰۰۲:۱، ۱۴۶:۲
 ۵۵۷:۲، ۶۶۴:۲، ۷۷۵:۵، ۸۳۹:۲، ۹۱۹:۲
 ۲۱۲:۳، ۳۴۵:۳، ۴۴۵:۳، ۶۵۲:۳، ۱۰۱۹:۳

۴۱۳:۴، ۶۱۴:۴، ۶۹۵:۵، ۲۱۶:۶، ۶۰۴:۶
 ۱۰۳۹:۶

المشاعر ۴۶۵:۱، ۵۸۸:۱، ۹۵۹:۱، ۴۴۱:۴

مشکاة الانوار ۶۷۷:۵

مصایب حلاج ۳۶۲:۲

مصباح الشریعه ۶۰۷:۵

المصباح فی التصوف ۵۱۰:۱، ۲۷۹:۳

مصباح (المتهد) ۶۹۱:۲

مصباح الهدایه ۷۶:۱، ۸۲:۱، ۱۸۲:۱، ۲۰۹:۱

۲۴۵:۱، ۲۸۶:۱، ۳۲۵:۱، ۳۵۴:۱، ۶۱۴:۱

۸۳۳:۱، ۹۲۲:۱، ۹۸۶:۱، ۹۴۴:۱، ۱۱۱۷:۱

۷۳:۲، ۷۵:۲، ۷۶:۲، ۸۶:۲، ۹۰:۲، ۳۱۵:۲

۳۹۵:۲، ۶۸۰:۲، ۷۶۰:۲، ۷۳۱:۲، ۷۱۲:۲

۷۶۰:۲، ۸۴۶:۲، ۲۷۹:۳، ۴۶۱:۳، ۴۷۰:۳

۵۵۵:۳، ۶۸۰:۳، ۵۸۹:۴، ۶۲۹:۴، ۶۴۲:۴

مصطلحات فلسفی (صدرالدین شیرازی) ۲۵۰:۶

۵۸۷:۶

مصنّفات (علاء الدوله سمنانی) ۱۷۱:۴

مصیبت نامه (عطار) ۶۸۱:۱، ۸۸۹:۱، ۵۱۰:۵

۱۰۹۹:۵، ۳۹۹:۶، ۴۰۱:۶، ۴۰۳:۶

المطالب العالیه ۲۹۳:۳

معارف (بهاء ولد) ۴۱۹:۲، ۳۲۲:۳، ۷۷۵:۳

۲۷۸:۴، ۴۶:۵، ۱۲۹:۵، ۱۷۵:۵، ۱۷۹:۵

۴۰۰:۵، ۴۸۸:۵، ۴۹۱:۵، ۱۸۲:۶، ۲۲۶:۶

معارف (یدر مولانا، سلطان العلماء) ۴۱۹:۲

۷۳۶:۵، ۷۳۷:۵، ۷۴۲:۵، ۱۱۸۲:۶

معارف (برهان محقق) ۱۳۹:۱

معارف گیاهی ۳۲۸:۴، ۴۴۸:۴، ۶۷۷:۴، ۶۷۸:۵

۸۳۶:۶، ۲۸۹:۶

معالم البلاغه ۷۹۷:۲

معتقدات و آداب ایرانی ۵۱۹:۵

المعجم الاوسط ۸۲۷:۳

معجم البلدان ۵۱۷:۲، ۵۱۸:۲، ۶۵۰:۲، ۹۲۶:۲

۳۲۸:۳، ۳۵۸:۳، ۲۹۶:۳، ۹۶۲:۳، ۵۲۹:۴

۵۳۸:۴، ۸۸۷:۴، ۱۰۵۸:۴، ۲۵۲:۵، ۵۵۶:۶

کتابها ۳۵۳

۶۴۲:۵، ۶۶۷:۵، ۲۱:۶، ۷۱:۶، ۷۴:۶، ۲۲۲:۶،
 ۴۹۵:۶، ۴۰۶:۶
 منتهی الارب ۲:۲۶۴
 المنجد ۲:۳۸۱، ۲:۵۹۴، ۳:۲۰۰، ۳:۲۵۵، ۳:۲۵۹،
 ۴:۲۲۴، ۴:۲۲۴
 المنجد، اعلام ۲:۳۴۱، ۲:۸۱۱، ۵:۱۰۵۲
 المنجد (فراندا لادب) ۲:۲۵۴
 منطق الطیر ۲:۳۷۸، ۲:۷۳۴، ۲:۹۱۴، ۲:۹۱۶،
 ۴:۴۱۳، ۴:۶۴۷، ۵:۵۲۴، ۵:۸۶۹، ۶:۱۸۲
 من لا يحضره الفقيه ۳:۵۴۲، ۳:۱۰۲۹
 منهج الصادقين ۳:۵۰۹، ۳:۷۵۶، ۴:۹۰۰، ۶:۲۸۵
 المنهج القوى ۲:۱۷۲، ۲:۲۹۲، ۳:۲۲۳، ۳:۲۴۴،
 ۳:۲۵۵، ۳:۴۵۳، ۳:۴۶۳، ۳:۴۷۳، ۳:۴۸۳، ۳:۷۷۳،
 ۳:۸۷۳، ۳:۱۰۲، ۳:۱۶۴، ۳:۲۷۸، ۳:۲۸۳،
 ۳:۲۸۴، ۳:۲۸۶، ۳:۳۱۶، ۳:۳۱۸، ۳:۳۲۵،
 ۳:۳۳۵، ۳:۳۶۵، ۳:۳۷۶، ۳:۳۷۹، ۳:۴۱۴،
 ۳:۴۲۷، ۳:۴۴۲، ۳:۴۵۷، ۳:۴۸۰، ۳:۴۸۶،
 ۳:۵۰۴، ۳:۵۰۶، ۳:۵۴۱، ۳:۵۵۲، ۳:۵۶۰،
 ۳:۵۸۳، ۳:۶۲۵، ۳:۶۳۳، ۳:۶۳۷، ۳:۶۴۰،
 ۳:۶۹۵، ۳:۷۰۰، ۳:۷۰۴، ۳:۷۱۲، ۳:۷۲۳،
 ۳:۷۷۲، ۳:۷۸۱، ۳:۷۸۲، ۳:۸۳۱، ۳:۸۴۰،
 ۳:۹۳۶، ۳:۱۱۳۰، ۳:۱۱۹۷، ۴:۱۷، ۴:۱۹۹،
 ۴:۲۱، ۴:۸۱، ۴:۹۰، ۴:۲۷۹، ۴:۹۸۳، ۵:۱۸،
 ۵:۲۱، ۵:۶۲، ۵:۷۸، ۵:۹۳، ۵:۹۴۰، ۵:۹۶۰،
 ۶:۲۱، ۶:۳۰، ۶:۳۳، ۶:۳۶، ۶:۳۸، ۶:۴۳، ۶:۴۴،
 ۶:۳۹۸، ۶:۱۱۴۸، ۶:۱۱۴۹، ۶:۱۱۵۷،
 ۶:۱۱۶۴، ۶:۱۱۶۵، ۶:۱۱۷۰، ۶:۱۲۰۱

المنية ۴:۵۳

الموسيقى الكبير ۱:۶۰۵

مولوی نامه ۱:۷۸، ۱:۲۰۹، ۱:۳۷۶، ۱:۳۸۰،
 ۱:۳۸۷، ۱:۴۲۶، ۱:۴۶۹، ۱:۴۷۰، ۱:۴۸۴،
 ۱:۴۸۵، ۱:۵۰۴، ۱:۷۴۱، ۱:۹۲۵، ۱:۱۰۰۲،
 ۱:۱۰۷۹، ۲:۴۱، ۲:۲۳۰، ۲:۳۳۵، ۲:۳۴۶،
 ۲:۴۱۷، ۲:۴۴۰، ۲:۴۴۳، ۲:۶۱۶، ۲:۷۱۹،
 ۲:۷۹۲، ۲:۸۱۲، ۲:۸۶۹، ۳:۲۴، ۳:۴۳، ۳:۱۹۳

۴۰۱:۴، ۴۴۴:۴، ۶۷۵:۴، ۱۱۲:۵، ۶۱۲:۵،
 ۶۱۳:۵، ۷۴۲:۵، ۱۱۰۰:۵، ۲۶۱:۶، ۵۰۸:۶،
 ۶۳۲:۶، ۸۹۶:۶، ۹۲۵:۶
 مقامات العرفاء یا زندگانی شمس العرفاء ۲:۲۳۰
 مقایسات ۳:۳۱۱
 مقدمه (ابن خلدون) ۱:۷۸، ۱:۱۳۰، ۱:۱۹۶،
 ۱:۴۶۷، ۱:۵۲۵، ۱:۶۱۲، ۱:۸۵۳، ۲:۷۶، ۲:۸۶،
 ۲:۲۰۰، ۲:۴۵۰، ۲:۶۹۳، ۲:۷۰۶، ۳:۱۴۰،
 ۳:۳۴۹، ۳:۴۳۸، ۴:۱۳۱، ۴:۸۸۷، ۵:۱۵۵
 مقصد اقصى ۱:۵۳، ۱:۹۲۴، ۱:۹۲۵، ۴:۱۷۱
 مقدمه رومی و تفسیر مثنوی معنوی ۱:۴۱۰،
 ۱:۵۶۴، ۱:۷۱۳، ۱:۷۳۵، ۱:۷۴۱، ۱:۷۴۲،
 ۱:۷۵۰، ۱:۷۸۶، ۱:۸۵۶، ۱:۹۸۶، ۱:۱۰۰۰،
 ۱:۱۰۹۵، ۲:۷۹، ۲:۸۰، ۲:۸۳، ۲:۸۶، ۲:۲۰۵،
 ۲:۲۰۶، ۲:۲۰۸، ۲:۲۳۱، ۲:۳۰۷، ۲:۵۷۲،
 ۲:۶۳۰، ۲:۶۳۲، ۲:۶۵۵، ۲:۶۵۶، ۲:۷۴۷،
 ۲:۷۹۴، ۲:۷۹۶، ۲:۷۹۷، ۲:۸۷۸، ۳:۵۶،
 ۳:۳۰۸، ۳:۳۲۵، ۳:۳۲۶، ۳:۳۲۷، ۳:۳۴۲،
 ۳:۱۰۰۲، ۳:۱۰۶۵
 مکاشفات رضوی ۱:۱۷۲، ۱:۲۰۲، ۱:۲۶۶،
 ۱:۳۴۸، ۱:۶۲۲، ۱:۴۴۶، ۱:۴۵۳، ۱:۴۶۴،
 ۱:۵۰۸، ۱:۱۰۱۴، ۱:۱۱۰۹
 مکتوبات ۱:۶۰۶، ۳:۷۷۶، ۴:۴۵۲
 ملل و نحل (شهرستانی) ۱:۴۷۹، ۲:۳۷۹
 المنار ۴:۱۰۰۵
 منازل السائرین ۳:۴۸۶
 مناقب الصوفیه ۱:۲۴۵، ۱:۷۹۴، ۱:۷۹۸، ۱:۸۷۴،
 ۴:۵۱۷

مناقب العارفين ۱:۵۹، ۱:۴۳۸، ۱:۵۶۹، ۱:۷۴۳،
 ۱:۸۱۱، ۱:۸۳۵، ۱:۹۸۸، ۲:۱۷، ۲:۱۲۰،
 ۲:۳۵۱، ۳:۳۶۲، ۳:۳۸۰، ۳:۴۵۳، ۳:۶۹۷،
 ۳:۱۰۸۰، ۴:۳۰، ۴:۱۸۵، ۴:۲۰۳، ۴:۲۴۰،
 ۴:۲۵۰، ۴:۴۰۹، ۴:۴۱۷، ۴:۴۸۷، ۴:۵۹۹،
 ۴:۸۰۱، ۴:۹۶۵، ۵:۱۵۲، ۵:۱۶۰، ۵:۱۷۳،
 ۵:۱۷۵، ۵:۱۸۵، ۵:۲۲۲، ۵:۴۷۵، ۵:۵۵۲

نخبة الدهر (في عجائب البر والبحر) ٤٥:٣
٣٥٨:٣

نزهة الناظرين ٨٢١:٣، ٧٩٨:٣

نصوص الحكم بر فصوص الحكم ٥٠٩:١

نشوار المحاضرة ١٠٥٠:٥، ٤٠:٣

نفايس الفنون ١٩٧:١، ١٩٧:١، ٦٦٥:١، ٨٥٣:٢، ٤٥٠:٢
١٠٧٩:٦، ٧٦١:٥، ٢١٣:٣

نفحات الانس ١٥١١:١، ٦٨٩:١، ٧٠٦:٢، ١٧:٢

٧٤:٢، ١٢١:٢، ١٢٩:٢، ٢٥٦:٢، ٢٥٧:٢

٣٥٨:٢، ٣٥٩:٢، ٣٦١:٢، ٩١٩:٢، ٤٠:٣

٤١٤:٣، ٤٩٣:٣، ٢٨٣:٣، ١١٩٧:٣، ٣٠:٤

١٩٧:٤، ٤٥٦:٤، ٥٢٨:٤، ٥٥٢:٥، ٧٨٣:٥

٨٦٦:٥، ١٠٣٤:٥، ١٩٠:٦، ١٠٦٧:٦

نقد النصوص ٥٢:١، ٧٧٣:١، ٨٣٩:١، ٨٥١:١

١٠٤١:١، ٢٥١:٢، ٢٥٢:٢، ٢٥٣:٢، ١٧١:٤

١٨٧:٤، ٣٣٠:٤، ٤٢٥:٤، ٤٢٢:٥، ٥٣٠:٥

٦١:٦، ٧٤:٦، ٢٣٥:٦، ٣٠١:٦، ٦٤٥:٦

نقش الفصوص ٣٣٠:٤، ٦٤٥:٦

نقد و تفسير و تحليل مثنوى ٣٨:٢، ٢٦١:٢

النوادر ٤٥٢:٤

نوادراصول ١٠٥٤:١، ٣٢٨:٦

نهاية ابن اثير ٥٩٢:٤، ٧٣٤:٤، ١٣٩:٥، ١٧٨:٥
٨٩١:٥

نهاية الارب ٦٥٧:١

نهاية الاقدام ٤٧٩:١

نهج البلاغه ١٣٠:١، ٢٨٧:١، ٣٠٥:١، ٣٥٦:١

٣٩٥:١، ٤١٨:١، ٤٦٩:١، ٤٧٦:١، ٥٠٥:١

٥١٠:١، ٥٢٤:١، ٥٥٧:١، ٥٥٨:١، ٦٣٢:١

٦٧٤:١، ٧٠٠:١، ٧٠٦:١، ٧٢٨:١، ٧٨٤:١

٩٤٩:١، ١٠١٥:١، ١٠٨٢:١، ١١١٠:١

١١١٣:١، ٢٥٨:٢، ٣٠٩:٢، ٤٤٤:٢، ٤٦٣:٢

٤٧٢:٢، ٦١٢:٢، ٦٧١:٢، ٧٢٢:٢، ٨٠٣:٢

٨٢٤:٢، ٨٧٤:٢، ٩١٥:٢، ٢٨:٣، ٥٤:٣، ١٢٠:٣

٢٠٠:٣، ٢٤٥:٣، ٢٥٨:٣، ٣٣٥:٣، ٣٤٧:٣

٤٢٠:٣، ٤٣٩:٣، ٤٩٣:٣، ٥٢٦:٣، ٧٠١:٣

٢٩٨:٤، ٣٩٢:٤، ٥٧٢:٤، ٣٧٧:٥، ٥٣٢:٦

الميزان ١٣٥:١، ٢٤:٣، ٢٢٥:٣، ٣٨٥:٤، ٨٩٨:٤

ميزان الحكمة ٦٦٠:٥، ٦٦٢:٥، ٦٦٦:٥، ٦٧٧:٥

٧٢٦:٥، ٧٨٠:٥، ١٠٦٨:٥، ٢١٤:٦، ٢١٧:٦

٧٠٧:٦، ٦٥٣:٦، ٤٤٧:٦

نابغه علم و عرفان ١٩:٢، ٢٠:٢

نامه هاى عين القضاة ٩٢٩:٣، ٩٠٩:٣

نثر الدرر ٤٠١:١، ٨٧٧:١، ٣٨٠:٢، ٦٦٤:٢، ٦٥٢:٤

نثر و شرح مثنوى شريف ٣٦٣:١، ٥٥٤:١

٩٢:٢، ١٢٠:٢، ١٤٨:٢، ١٨٨:٢، ١٨٩:٢

١٩١:٢، ١٩٦:٢، ٢٠٥:٢، ٢٧٢:٢، ٣٠٨:٢

٣١٧:٢، ٣٢٤:٢، ٣٣٩:٢، ٣٥٠:٢، ٣٥٢:٢

٣٦٣:٢، ٣٨٧:٢، ٣٩٨:٢، ٤٠٣:٢، ٤٠٤:٢

٤٠٨:٢، ٤٢٠:٢، ٤٢١:٢، ٤٣٠:٢، ٤٤٩:٢

٤٦٥:٢، ٤٦٨:٢، ٥٥٣:٢، ٥٥٥:٢، ٥٦٣:٢

٥٦٩:٢، ٥٨٨:٢، ٥٩٥:٢، ٥٩٧:٢، ٦٠٠:٢

٦٢٧:٢، ٦٢٨:٢، ٦٣٣:٢، ٦٥٢:٢، ٦٥٦:٢

٦٧٠:٢، ٦٧٣:٢، ٦٧٦:٢، ٧٠٩:٢، ٧١٨:٢

٧٢٢:٢، ٨٢٠:٢، ٨٥٢:٢، ٨٨٣:٢، ٢٦:٣، ٣٧:٣

٥٤:٣، ٥٦:٣، ٧٢:٣، ٧٥:٣، ١٠١:٣، ١٢٩:٣

١٣٠:٣، ١٤٥:٣، ٢٦١:٣، ٢٦٦:٣، ٢٩٦:٣

٣٠٨:٣، ٣١٤:٣، ٣٢٦:٣، ٣٣٦:٣، ٣٧٢:٣

٤٠١:٣، ٤٣٧:٣، ٥٣٤:٣، ٥٣٨:٣، ٥٣٩:٣

٥٤٨:٣، ٥٦٠:٣، ٥٨٦:٣، ٦٢٤:٣، ٦٤٧:٣

٦٩١:٣، ٨٤٩:٣، ٩٢٩:٣، ١٠٦٧:٣، ١٢٢١:٣

١٨:٤، ٣٣٣:٤، ٦٤٧:٤، ٧٠٩:٤، ٨١٣:٤

٩١٨:٤، ١٣٨:٥، ١٨٦:٥، ٥٢٧:٥، ٦٠١:٥

٦١٩:٥، ٦٢١:٥، ٦٩٣:٥، ٦٩٤:٥، ١٠٣٤:٥

١١١٧:٥، ٩٠:٦، ١٢١:٦، ١٦٦:٦، ٢٢٢:٦

٣١١:٦، ٣٩١:٦، ٤٧٧:٦، ٤٨٠:٦، ٦٩٨:٦

٨٣١:٦، ٨٤٤:٦، ٨٥٦:٦، ٨٩٨:٦، ٩٥١:٦

١٠١٢:٦، ١٠٣٧:٦، ١١١٠:٦، ١١١٧:٦

١٢٤٣:٦، ١١٣٣:٦

- وجه دین ۱۰۸۵:۳
 وسائل الشیعه ۱:۱۳۱، ۱:۱۱۰۷، ۳:۱۰۲۹،
 ۳:۱۱۸۳، ۴:۷۴، ۴:۴۴۰، ۴:۵۱۲، ۵:۳۵۶،
 ۵:۸۴۰
 الوسیط ۲:۵۵۴
 ولدنامه ۱:۹۸، ۵:۲۴
 هدایه مرغینانی ۱:۱۰۷۹
 هزار و یکشب ۶:۳۹۰
 همه مردم برادرند ۱:۱۹۱، ۱:۱۱۲۲
 یادداشت‌های قزوینی ۵:۱۰۳۱
 یازده رساله فارسی ۱:۱۸۴، ۲:۸۹۳، ۳:۵۱۳،
 ۵:۴۳۶
 یذکر فیه حماقة اهل الاباحه (کتاب ~) ۱:۳۳۲،
 ۳:۶۵۲
 یواقیت العلوم (و دراری النجوم) ۳:۲۴۱،
 ۳:۶۵۳، ۳:۷۵۰
 ۳:۷۱۶، ۳:۹۵۴، ۳:۱۰۵۰، ۳:۱۱۰۱، ۳:۱۱۵۶،
 ۳:۱۱۵۹، ۳:۱۱۶۳، ۴:۳۸، ۴:۲۴۷، ۴:۴۶۱،
 ۴:۴۸۶، ۴:۴۸۷، ۴:۵۶۵، ۴:۵۷۷، ۴:۶۰۳،
 ۴:۶۴۷، ۴:۶۷۹، ۴:۷۰۳، ۴:۷۱۹، ۴:۷۲۲،
 ۴:۷۸۰، ۴:۸۱۷، ۴:۴۴۱، ۴:۴۶۹، ۴:۴۹۹،
 ۵:۳۰، ۵:۱۵۴، ۵:۱۶۳، ۵:۱۷۲، ۵:۱۹۳،
 ۵:۲۶۳، ۵:۲۸۶، ۵:۳۱۲، ۵:۳۶۳، ۵:۴۰۸،
 ۵:۴۳۸، ۵:۵۰۶، ۵:۵۰۷، ۵:۵۳۶، ۵:۵۴۹،
 ۵:۶۵۸، ۵:۶۶۰، ۵:۷۱۷، ۵:۸۵۷، ۵:۷۹۸،
 ۵:۸۸۲، ۵:۱۰۷۱، ۶:۲۴، ۶:۹۱، ۶:۱۰۸،
 ۶:۱۴۰، ۶:۱۴۱، ۶:۱۵۳، ۶:۱۵۸، ۶:۲۳۸،
 ۶:۲۸۰، ۶:۲۸۵، ۶:۳۱۴، ۶:۴۴۴، ۶:۴۸۰،
 ۶:۸۲۶، ۶:۹۵۲، ۶:۱۱۱۵
 نه گفتار در تاریخ ادیان ۵:۲۵۵
 واژه‌نامه موسیقی ایران زمین ۱:۲۲۲، ۴:۲۳۷،
 ۴:۲۳۸، ۴:۱۰۵۷، ۶:۱۶۷، ۶:۴۶۹
 وافق ۳:۷۰۵، ۵:۸۹

جایها

آتن ۱:۶۴*	الموت ۲:۸۴۵
آسیا ۱:۶۵۰	انطاکیه ۳:۴۱۳، ۶:۲۴۳، ۶:۲۴۴، ۶:۲۴۵
آمو (آمون، آموی) ۳:۹۴۲، ۳:۹۹۳	آنقره (آنکارا) ۶:۱۰۳۰
آمو دریا ۳:۹۹۳	ایران ۱:۷۳۲، ۴:۱۳۱، ۴:۳۲۸
آناطولی ۵:۶۹۴، ۵:۱۰۳۰	ایله، ایلات ۵:۷۱۵
ابخاز ۵:۲۹۶	باب کعبه ۶:۷۳۴
أبَّله (بصره) ۱:۱۰۵	بابل ۱:۳۹۸، ۳:۱۰۳۵، ۴:۱۳۰، ۴:۳۷۳
ابوقیس ۵:۲۱۴	۴:۸۸۷، ۵:۱۹۱، ۶:۱۳۱، ۶:۱۰۵۷
أحد ۲:۱۶۰، ۳:۱۱۴۵، ۴:۱۰۷۵	باور ۵:۸۶۶
احقاف ۴:۲۵۳	بحر احمر ۵:۲۷۸
اخیم مصر ۲:۳۵۸	بحرالمیت ۳:۴۵
اردن ۲:۶۴۶، ۳:۴۵، ۵:۷۹	بـخارا ۳:۲۸۱، ۳:۹۴۲، ۳:۹۷۳، ۳:۹۷۸
ارم ۲:۹۰۷	۳:۹۹۰، ۳:۹۹۴، ۳:۹۹۷، ۳:۱۱۱۶، ۳:۱۱۱۹
اریحا ۳:۷۵۸	۴:۹۳۰، ۶:۹۸۳
ازبکستان ۴:۹۳۰	بدر ۲:۵۷۲
استانبول ۶:۳۹۱	بسطام ۴:۵۲۸، ۴:۵۲۹
استرآباد ۴:۵۲۹	بصره ۲:۵۱۷، ۲:۵۱۸، ۲:۵۵۷، ۳:۷۹۲، ۵:۹۴۹
اسکندریه ۲:۹۰۷، ۳:۴۱۲	۶:۱۶۶
افریقا ۳:۵۱۳	بغداد ۱:۶۸۰، ۱:۸۰۲، ۱:۹۸۸، ۲:۲۵۶، ۲:۳۶۱
افغانستان ۱:۱۲۷، ۴:۸۸۶، ۵:۷۳۸	۳:۲۳۹، ۳:۲۴۷، ۳:۲۵۳، ۳:۱۲۰۹، ۴:۵۴۸
أق میدانی ۶:۳۹۱	۴:۶۸۲، ۵:۲۹۶، ۵:۳۲۶، ۵:۱۰۵۱، ۶:۱۶۶

تیہ (صحرا) ۱:۱۰۶۲، ۲:۶۱۸، ۴:۴۵۵، ۴:۴۵۶، ۶:۶۶۳، ۶:۶۶۵، ۶:۶۷۰	۶:۱۰۸۵، ۶:۱۰۸۶، ۶:۱۰۹۵، ۶:۱۱۰۰، ۲:۱۲۹، ۴:۱۱۶، ۴:۲۳۳، ۵:۵۷۶، ۵:۹۵۸، ۶:۴۸۶، ۶:۵۵۶
ثبیر ۵:۹۷۳	البلدان ۲:۱۷۷
ثور ۴:۸۴۰	بلعنبر ۶:۱۰۵۵
	بلغار ۳:۳۵۸
جذام ۲:۵۱۸	بہشت ۱:۱۳۴، ۱:۳۲۱، ۱:۵۲۱، ۱:۶۰۷، ۱:۷۶۳، ۱:۸۱۹، ۱:۸۲۱، ۱:۸۲۲، ۱:۸۹۲، ۱:۱۰۰۶، ۱:۱۰۰۸، ۱:۱۰۱۴، ۱:۱۰۱۹، ۱:۱۰۶۴، ۲:۲۰، ۲:۱۱۹، ۲:۲۶۶، ۲:۴۲۰، ۲:۴۶۳، ۲:۶۲۳، ۲:۶۲۴، ۲:۶۳۴، ۲:۶۴۲، ۲:۶۶۸، ۲:۷۷۰، ۲:۸۰۵، ۲:۸۲۱، ۲:۹۰۸، ۳:۷۲۳، ۵:۱۰۸۷، ۶:۷۳۵
جلیل (دریا) ۵:۷۱۴	بیت الحرام ۳:۱۲۰۹
جیحون ۱:۸۰۱، ۱:۸۰۳، ۵:۹۶۵، ۶:۶۶۵	بیت اللحم ۱:۱۴۵
چاہ بابل ۳:۱۲۹، ۵:۹۹۳	بیت اللہ ۳:۶۳۸
چگل ۲:۷۷۱	بیت المقدس (مسجد الاقصی) ۱:۱۴۴، ۱:۳۳۱، ۱:۵۰۳، ۲:۹۱۳، ۳:۴۵۲، ۳:۴۵۳، ۳:۷۵۸، ۳:۷۵۹، ۴:۱۳۰، ۴:۱۳۱، ۴:۲۷۶، ۴:۴۰۸، ۵:۹۲۵، ۵:۹۹۰
چین: ۱:۱۹۱، ۱:۹۹۳، ۲:۷۴۵، ۳:۲۲۱، ۵:۵۸۶، ۶:۵۵۲، ۶:۱۰۷۰، ۶:۱۰۷۱	بین النهرین ۳:۱۰۳۵
چین شمالی ۵:۶۷۸، ۶:۴۷۶	
حبشہ ۲:۸۷۰، ۳:۶۳۸	پاکستان ۱:۱۲۷، ۲:۴۴۵
حجاز ۴:۵۷۵، ۵:۱۸۶، ۶:۳۹۱	پلا ۲:۳۳
حجر الاسود ۴:۲۹۱، ۴:۲۹۲، ۶:۷۳۴	تاجیکستان ۱:۱۲۷، ۵:۹۶۵، ۶:۶۶۵
حـدیـبہ ۳:۱۱۴۴، ۳:۱۱۴۵، ۳:۱۱۴۶	تبریز ۶:۸۱۰، ۶:۸۱۱
۴:۱۱۶۴، ۴:۴۶۳، ۵:۲۲۴	تبوک ۲:۵۱۷، ۲:۶۹۵، ۲:۶۹۶، ۶:۱۰۲۹، ۶:۱۰۳۱
حراء ۱:۲۰۹، ۴:۱۰۵۰، ۵:۹۷۳	ترکستان ۵:۲۶۱، ۵:۸۱۳
حضر موت ۱:۲۹۶، ۲:۹۰۷، ۴:۲۵۳، ۶:۱۰۲۹	ترکستان چین ۵:۶۷۸
حطیم ۴:۲۹۱، ۴:۲۹۲، ۴:۲۹۵، ۶:۷۳۴	ترکستان شرقی ۲:۶۵۰، ۵:۶۷۸
حلب ۶:۲۴۳	ترکیہ ۳:۲۱۶
حماة ۳:۴۹۹	ترمد (ترمذ) ۲:۵۸۲، ۵:۹۶۵، ۵:۹۶۶
حنانہ ۳:۱۰۹۲	تھامہ ۳:۸۸۵
حنین ۳:۹۹۶، ۶:۵۲۳	
حیرہ ۱:۵۹۴	
ختن (ختا) ۱:۱۲۸، ۲:۶۵۰، ۵:۶۷۸، ۵:۸۱۳، ۶:۴۶۶، ۶:۴۷۶	
خراسان ۱:۵۰۱، ۲:۱۲۹، ۳:۹۹۳، ۴:۱۰۶۱، ۵:۳۲۶، ۵:۸۶۹، ۶:۵۵۶	
خرقان ۴:۵۲۷، ۴:۵۲۹، ۶:۵۵۵	

سوریه ۳:۴۵:۹۶۲	خیبر ۲:۳۲۲:۸۷۰:۳:۱۵۳:۵:۱۸۶:۵:۷۶۶
سوف ۵:۲۷۸	داروم ۴:۵۷۶
سومنا ۱:۷۴۵	دارالسلام ۶:۷۳۵:۶:۸۱۰
سیستان ۲:۱۲۷	دارالندوه ۴:۴۲۵
سینا ۲:۶۱۸:۴:۴۵۵	دجله ۱:۶۸۰:۱:۸۰۱:۱:۸۰۲:۱:۴۵:۳:۲۳۹
سینوپ ۵:۷۹۹	۵:۱۰۵۲
شام ۱:۶۸۲:۱:۱۱۱۷:۲:۵۱۸:۲:۴۵:۳:۶۴۶:۲	دریای روم ۳:۵۱۳
۳:۵۴۴:۳:۱۰۲۹:۴:۶۸۱:۵:۱۸۶:۶:۱۱۲	دریای سرخ ۱:۳۹۷:۲:۸۱۱:۵:۲۷۸
۶:۳۹۱	دریای سیاه ۲:۷۴۵:۵:۷۹۹
شط ۱:۸۰۳	دریای فارس ۲:۹۲۵:۳:۵۱۳
شط العرب ۲:۵۱۸	دمشقق ۱:۲۹۸:۲:۵۱۸:۲:۶۴۶:۳:۷۹۲
شعب یوان ۱:۱۰۵	۳:۹۶۲:۳:۹۶۳:۴:۹۳۰
	۶:۱۰۲۹:۱۰۲۹
صغد (سمرقند) ۱:۱۰۵	دوزخ ۱:۱۳۴:۱:۲۳۵:۱:۲۷۵:۱:۳۰۴
صفین ۳:۱۰۳۶	۱:۴۴۵:۱:۴۴۶:۱:۸۲۲:۱:۹۷۲:۱:۱۰۰۶
صنعا ۲:۷۱۱:۲:۷۱۲:۲:۹۰۷:۳:۱۳۰:۳:۶۳۸	۱:۱۰۰۸:۱:۱۰۱۴:۱:۱۰۲۹:۲:۱۱۹
	۲:۲۶۶:۲:۶۳۴:۲:۸۰۵:۶:۸۱۵
ضرار ۲:۶۹۵:۲:۶۹۶	
	ربوه ۳:۹۶۲
طالقان ۶:۵۵۵:۶:۵۵۶	رصدخانه مراغه ۱:۷۳۲
طائف ۳:۲۵۷:۳:۱۱۴۱	رمله (شام) ۲:۷۴:۶:۱۱۲
طبس ۵:۳۲۶	ری ۳:۵۴۴:۳:۱۰۰۹:۳:۱۰۱۰:۴:۵۲۹
طنجه ۳:۵۱۳	۴:۱۰۶۷:۶:۱۲۵
طور ۱:۳۰۲:۱:۶۸۵:۱:۲۶:۳:۵۱۲:۳:۱۰۹۰	
۵:۷۶۵	سیا ۳:۹۲:۴:۲۷۱:۴:۲۸۳:۴:۲۸۵
طور سینا ۲:۳۴۱:۴:۱۹۸	سبزووار ۵:۲۵۰:۵:۲۵۱:۵:۲۵۲:۵:۲۵۳
طوس ۴:۱۱۶:۶:۱۸۱	۵:۲۵۴:۵:۲۵۷:۵:۲۵۸:۵:۲۶۲:۵:۲۶۳
	سدوم ۳:۴۵
عَدَن ۲:۱۷۷:۳:۵۳۸	سراة ۶:۱۱۲
عراق ۱:۵۰۱:۱:۱۱۱۷:۲:۵۱۸:۳:۸۱	سرنیدیب (سراندیب) ۲:۸۸۸:۳:۷۲۳
۳:۲۴۰:۳:۲۵۵:۳:۲۵۹:۳:۱۰۳۵:۳:۱۱۷۷	سمرقند ۱:۶۹:۱:۱۰۴:۱:۱۰۵:۱:۱۰۸
۴:۵۱۰:۴:۶۸۱:۵:۱۰۵۱:۵:۱۰۵۲:۶:۱۳۱	۴:۵۴۸:۴:۹۳۰:۵:۸۶۶:۶:۶۶۵
عربستان ۴:۵۳۸	سند ۱:۸۰۱:۲:۴۴۵
عربستان جنوبی ۲:۹۰۷:۳:۹۲:۴:۱۹۰	سوئز ۲:۳۴۱:۲:۸۱۱:۳:۵۱۴

کربان ۱:۹۲۶، ۳:۱۰۱۰	۲۷۶:۴
کعبه ۱:۱۹۱، ۱:۶۶۷، ۲:۵۵۸، ۲:۵۶۰، ۲:۵۶۳	عربستان سعودی ۱:۴۵۰
۲:۵۶۴، ۲:۷۱۱، ۲:۷۱۲، ۲:۸۶۳، ۲:۹۲۵	عرفات ۶:۶۴۵
۳:۶۳۸، ۳:۱۱۴۰، ۴:۲۸۹، ۴:۲۹۱، ۴:۳۰۵	عربستان ۳:۲۸۸
۴:۳۱۴، ۴:۳۴۲، ۵:۱۸۱، ۵:۸۸۵، ۵:۹۹۰	عقبه ۲:۳۴۱، ۳:۵۱۴
۶:۲۶۶، ۶:۴۳۳، ۶:۱۰۶۸	عماره ۳:۸۷۴
کوثر ۱:۱۰۱۴، ۵:۳۴۵	عمان ۱:۲۹۶، ۴:۲۵۳
کوفه ۱:۶۸۱، ۳:۱۱۰	عیر ۴:۱۰۷۵
گرجستان ۱:۲۲۴	غزنین ۵:۷۳۵، ۵:۷۳۸، ۵:۷۴۳
گنگ ۵:۷۹	غزه ۲:۸۱۲
گیلان ۶:۳۶۲	
لبنان ۳:۴۵	فارس ۱:۹۱۵
	فدک ۵:۱۸۶
ماوراءالنهر ۳:۲۸۱، ۳:۹۷۳، ۴:۱۱۶، ۵:۹۶۳	فـرات ۱:۸۰۳، ۳:۱۰۳۵، ۳:۱۰۳۶، ۴:۸۸۷
۵:۹۶۵، ۶:۶۶۵	۵:۷۹، ۶:۳۴۶، ۶:۳۴۷
مدائن ۳:۲۸۸	فرقد ۶:۸۳۴
مدیترانه ۲:۳۴۱	فلسطين ۲:۳۴۱، ۳:۴۵
مدین ۲:۴۱۹	قتو ۵:۲۶۱
مدینه (مدینه النبی) ۱:۴۵۰، ۱:۵۹۳، ۱:۶۴۰	قَرَن ۴:۵۳۵
۱:۶۵۹، ۱:۷۲۴، ۱:۸۲۰، ۲:۱۷۷، ۲:۳۲۲	قریظه ۳:۱۱۴۵
۲:۵۷۲، ۲:۶۹۶، ۲:۶۹۷، ۲:۷۰۴، ۳:۱۱۴۱	قسطنطنیه ۶:۱۰۳۰
۳:۱۱۴۴، ۳:۱۱۴۵، ۴:۳۰۲، ۴:۷۳۲	قسطنطنین ۴:۱۳۱
۴:۱۰۵۸، ۵:۳۸، ۵:۱۸۶	قصار (قلعه) ۳:۱۱۴۵
۳:۸۱، ۳:۹۴۲، ۴:۱۱۶، ۴:۱۰۶۷، ۶:۴۸۶	قفقاز ۵:۲۹۶
۶:۵۵۶	قلزم ۵:۲۷۸
مسجد اقصی (مسجدالاقصی) ۱:۵۰۳	قلیزمه ۲:۸۱۱
۴:۱۲۹، ۴:۱۳۰، ۴:۱۳۶، ۴:۱۳۸	قموص ۳:۱۱۴۵
مسجدالحرام ۳:۱۱۴۴، ۳:۱۱۶۴، ۴:۱۳۰	قونیہ ۱:۹۱۱، ۳:۴۹۹
۴:۳۴۲	
مسجد گنج ۳:۱۰۱۰	کابل ۳:۲۰۶، ۴:۸۸۶، ۴:۸۸۷
مسجد ماشاءالله ۳:۱۰۱۰	کاشان ۶:۸۴۳، ۶:۸۴۱
مصر ۱:۳۰۰، ۲:۲۰۳، ۲:۳۱۴، ۲:۴۲۰، ۲:۵۱۱	کتابخانه فاتح ۳:۴۴۵
۳:۵۸۶، ۳:۲۱۶، ۳:۲۵۸، ۳:۲۸۸، ۳:۲۸۹	کربلا ۵:۴۴۸

جاہا ۳۶۱

نہرالعاصی ۲۴۳:۶
 نیشاپور (نشابور) ۱۶۶:۴، ۱۳۰:۲، ۵۹۴:۱
 نیل ۹۷۱:۳، ۷۶۶:۳، ۵۷۶:۲، ۲۰۳:۲، ۳۹۷:۱
 ۹۷۲:۳، ۷۹۱:۴، ۳۰:۴، ۲۹:۴، ۹۷۲:۳
 ۷۹۴:۴، ۷۹۱:۴، ۹۶۵:۴، ۹۱۶:۴، ۸۴۱:۴، ۷۹۴:۴
 ۹۶۹:۴، ۱۰۰۰:۴، ۱۰۰۳:۴، ۷۹:۵، ۲۷۸:۵
 ۲۸۱:۶، ۲۶۴:۶، ۱۱۲۰:۵، ۳۴۵:۵

نینوا ۱۰۵۲:۵، ۷۶۷:۲

وادی القرى ۵۱۸:۲

ہاویہ ۳۰۴:۱

ہرات ۶۸۲:۴، ۱۱۶:۴

ہندوچین ۸۴۴:۲

ہندوستان (ہند) ۳۳۱:۱، ۱۹۱:۱، ۱۲۷:۱
 ۳۳۲:۱، ۳۳۳:۱، ۳۳۴:۱، ۳۳۵:۱، ۴۹۳:۱
 ۴۹۵:۱، ۴۹۶:۱، ۵۰۶:۱، ۵۰۷:۱، ۵۲۶:۱
 ۳۶۱:۲، ۸۸۸:۲، ۸۸۷:۲، ۸۴۴:۲، ۸۸۹:۲
 ۳۲۸:۴، ۴۹۹:۴، ۶۸۲:۴، ۸۶۴:۴، ۸۶۷:۴
 ۸۸۶:۴، ۸۸۷:۴، ۱۰۶۱:۴

یثرب ۱۰۵۸:۴، ۳۰۲:۴، ۶۵۹:۱، ۶۴۰:۱
 یمن ۳۱۳:۲، ۱۷۷:۲، ۲۶:۲، ۲۵۹:۱، ۱۹۱:۱
 ۳۱۴:۲، ۷۱۱:۲، ۶۱:۳، ۱۳۰:۳، ۶۳۸:۳
 ۱۸۱:۴، ۵۳۸:۴، ۷۲۱:۴، ۱۰۳۶:۴، ۷۴۱:۵
 ۷۲۱:۶، ۷۲۰:۶، ۱۱۲:۶

یونان ۱۳۱:۴، ۸۲:۴، ۱۰۱۹:۳، ۹۴:۱، ۶۴:۱
 ۳۹۰:۶، ۷۹۹:۵

۴۱۴:۳، ۵۹۶:۳، ۷۶۹:۳، ۹۴۹:۳، ۶۷۰:۴
 ۱۸۶:۵، ۲۷۲:۵، ۶۹۳:۵، ۱۰۴۹:۵، ۱۰۵۲:۵
 ۱۰۵۳:۵، ۱۰۸۹:۵، ۱۰۹۳:۵، ۱۰۹۴:۵
 ۱۱۲۰:۵، ۳۷۳:۶، ۳۹۱:۶، ۷۳۲:۶، ۷۳۳:۶
 ۱۰۸۵:۶، ۱۰۸۶:۶، ۱۰۹۴:۶، ۱۰۹۵:۶
 ۱۱۰۰:۶

مغرب ۴۱۴:۳

مقام ابراہیم ۶۰۴:۶

مقدونیہ ۳۳:۲

مقطم ۴۲۰:۲

مکہ ۸۲۱:۱، ۸۲۰:۱، ۶۷۰:۱، ۵۰۳:۱، ۴۲۹:۱
 ۹۷۵:۱، ۱۱۰:۲، ۵۵۸:۲، ۵۷۲:۲، ۶۴۶:۲
 ۷۱۱:۲، ۷۱۲:۲، ۱۱۴۰:۳، ۱۱۴۱:۳
 ۱۱۴۴:۳، ۱۱۵۱:۳، ۱۱۶۴:۳، ۱۱۶۵:۳
 ۳۰۲:۴، ۵۷۵:۴، ۷۹۵:۴، ۲۰۹:۵، ۲۲۶:۵
 ۴۳۰:۵، ۹۷۳:۵، ۱۱۲:۶، ۲۷۳:۶، ۶۴۵:۶
 ۷۲۱:۶

مُنف ۶۷۰:۴

مینی ۴۲۹:۱

موصل ۱۰۵۲:۵، ۱۰۵۱:۵، ۱۰۵۰:۵، ۱۰۴۹:۵
 ۱۰۵۳:۵، ۱۰۵۴:۵، ۱۰۵۵:۵، ۱۰۵۶:۵
 ۱۰۶۲:۵، ۱۰۹۱:۵، ۱۰۹۲:۵، ۱۳۱:۶

۲۲۶:۶، ۲۲۳:۶

میقات (حج) ۲۶۷:۶

ناصرہ ۱۴۵:۱

نجد ۳۹۱:۶، ۶۸۲:۱

نجران ۶۳۸:۳، ۲۵۹:۱

نطاة ۱۱۴۵:۳

کشف‌الایات

(هر دو مصراع)

آب، پیدامی شود ۱۸۲۷:۳	آب، اندر زیر کشتی ۹۸۵:۱	آ
آبِ تُتْمَاجِ ست ۲۹۴۷:۵	آبِ اندر ناودان ۲۴۹۱:۵	آبِ آتش خو ۳۳۵:۳
آبِ تُتْمَاجِش دهد ۲۶۳۵:۴	آبِ ایمان ۷۸۱:۱*	آب، آتش را کُشد، زیرا ۳۶۹۶:۱
آبِ تُتْمَاجِش نگیرد ۲۶۳۶:۴	آبِ این خُم ۲۵۲۰:۱*	آب، آتش را کُشد، کآتش
آبِ تُتْمَاجِی ۱۶۶۳:۶	آبِ این دریا ۲۶۷۳:۶	۳۴۸۶:۳
آبِ تلخ ۲۷۵:۱*	آبِ باران است ۲۷۰۴:۱	آب، آتش را مدد شد ۵۴:۱*
آبِ توبه‌ش ۲۲۲۲:۵*	آبِ باران، باغ ۲۴۹۳:۵	آب آمد ۹۵۹:۴*
آب، تیره شد ۴۰۰۱:۱*	آبِ باران بر سر ۶۳۳:۳*	آب آوردم ۲۷۹۷:۱
آبِ تیز ۲۷۹۳:۴*	آبِ با روغن ۲۴۷۱:۱*	آب از بالا ۴۵۷:۳
آب، جنسِ خاک ۱۱۷۱:۲*	آب باشد ۳۰۲۸:۳*	آب از جوشش ۳۱۵۱:۳
آبِ جو را ۲۹۰۰:۵*	آبِ باغ ۱۰۸۸:۵	آب از چشمش ۱۶۰۷:۵*
آبِ جوشان گشته ۳۳۰۳:۴*	آبِ بد ۱۰۵۱:۴*	آب از سر ۱۷۲۶:۴
آبِ جو نسبت ۳۵۳۲:۲	آبِ بر رُو ۱۷۲:۵	آب ازو ۴۸۸:۲*
آبِ جوید هم ۱۷۴۱:۱*	آبِ بر سر ۱۱۸۵:۶*	آب، از هرسو ۹۵۵:۵
آبِ جویش ۷۴۹:۴*	آب، بگذارید ۳۷۱۴:۱	آبِ استاده ۱۰۹۲:۴
آبِ جیحون پیش او ۳۸۶۱:۳*	آب، بهر این ۱۹۹:۵	آب، أَقْرَبُ مِنْهُ ۳۲۴۱:۴*
آبِ جیحون را ۶۶:۶	آبِ بی حد ۲۲۸۶:۴	آب اگر در روغن ۳۸۱۶:۴
آبِ چشمش ۴۲۱۶:۶*	آبِ بیرون ۳۶۰۲:۶*	آب اندر ابر ۲۴۹۱:۵*
آبِ چون آمیخت ۷۳۹:۴	آبِ پاک ۳۴۶۸:۴*	آب، اندر حوض ۸۷۹:۱
آبِ چون آبّه تر ۳۳۰۰:۲	آب، پنهان ست ۵۱۲:۵	آب، اندر دلو ۷۲۶:۶*

۱. مصراع‌های دوم با علامت * مشخص شده است.

آب، چون پیگار ۲۰۰:۵	آب در غوره ۲۶۰:۱:۱	آب رحمت خورده ایم
آب حاضر باید ۱۳۸۰:۵	آب، در کشتی ۹۸۵:۱	آب ۲۶۲۳:۲
آب حاضر، تشنه یی ۱۲۲:۴	آب دریا، جمله ۱۳۳۵:۱	آب رحمت را ۳۳۵۳:۲
آب حق را ۲۵۱۱:۱	آب دریا را حکم ۲۱۶۴:۶	آب رحمت، عارفانه ۲۰۹:۳
آب حلم ۸۵۲:۱	آب دریا، مُرده را ۲۸۴۲:۱	آب روح شاه ۷۲:۵
آب حیوان آمده ۱۱۰۴:۴	آب در یم جو ۱۱۸۲:۴	آب رُوها را ۲۹۴۶:۵
آب حیوان از رخ ۲۷۸۷:۱	آب دِه این ۱۰۸۶:۵	آب رویانید ۳۱۵۲:۳
آب حیوان از کجا ۵۷۴:۱	آب دیده او ۱۳۰۹:۵	آب رویش آبروها ۱۶۱۶:۶
آب حیوان است ۲۵۹۵:۱	آب دیده بنده ۲۳۳۷:۶	آبروی شاه ما ۹۱۸:۳
آب حیوان بود در ۴۳۲۵:۶	آب دیده پیش تو ۱۵۹۶:۵	آب رویش پیش ۱۱۷۷:۳
آب حیوان بود و دریای	آب دیده، تا چه دید ۱۲۶۸:۵	آبروی صد ۱۷۱۳:۶
۲۲۵۱:۱	آب، ذکر حق ۴۳۷:۴	آبروی مرد ۷۶۰:۳
آب حیوان، جفت ۳۶۹۱:۱	آب را آبی ۱۲۷۴:۳	آب، زرد و گنده ۳۶۹۰:۳
آب حیوان خوان ۲۵۹۶:۱	آب را آرند ۱۰۹۶:۳	آب زن بر ۲۸۹۵:۶
آب حیوان در ۶:۴۸۳	آب را آریم ۱۵۳۸:۲	آب زور ۱۲۲۲:۲
آب حیوان را ۱۶۱۱:۶	آب را از جوی ۳۹۱۲:۳	آب، سرگین ۳۲۱۸:۱
آب حیوان، روح ۱۲۵۳:۲	آب را بیرید ۳۰۸:۱	آبشان خون ۳۵۸۰:۴
آب حیوان شد ۴۲۲۱:۵	آب را بر سر ۳۴۲۵:۵	آب شوری، جمع ۱۰۴۹:۴
آب حیوان قبله ۴۲۱۹:۵	آب را بستود ۲۴۵۶:۵	آب شوری، نیست ۴۳۰۶:۶
آب حیوان گر رسد ۲۶۸۵:۳	آب را بگشا ۵۶۳:۱	آب شیرین تا ۸۲۲:۳
آب حیوانی ز دریای	آب را چون ۴۲:۱	آب شیرین چون ۲۵۲۳:۵
۳۶۶۹:۲	آب را در جوی ۳۰۸۹:۱	آب شیرین را ۲۴۴۸:۵
آب حیوانی که مانند ۳۳:۳	آب را در چشمه ۱۶۳۵:۲	آب شیرین و سبوی ۲۸۱۷:۱
آب خضر از ۴۳۰۲:۳	آب را در غورها ۱۶۳۴:۲	آب صاف و عظم ۴۴۷۳:۶
آب خضرست ۳۲۴۳:۶	آب را دیدی که ۷۸۴:۴	آب صافی دان ۳۲۱۷:۱
آب خوانش ۱۶۴۳:۱	آب را دیدی نگر ۱۲۷۳:۳	آب صافی، در گلی ۱۵۱۶:۱
آب خود روشن ۱۵۰۶:۶	آب را گویی: عسل ۲۹۰۴:۳	آب، صافی کن ۲۸۱۰:۵
آب خود، شیرین ۱۰۵۱:۴	آب را گیری ۳۲۱۶:۳	آب صافی می رود ۴۱۹:۲
آب خوش را ۱۱۹۸:۱	آب را و، خاک را بر هم زدی	آب صبرت ۳۴۶۱:۳
آب خوش، کو ۱۲۸۴:۱	۶۹۶:۲	آب ظلم ۲۵۲۵:۴
آب دادی ۱۶۳۷:۵	آب را و خاک را بر هم زنی	آب عشق تو ۴۲۲۱:۵
آب دارد ۱۲۰۱:۶	۳۴۲۶:۵	آب علمت ۳۷۴۶:۱
آب در پستی ۷۴۸:۴	آب را هر دم ۱۸۳۰:۳	آب، غالب شد ۲۴۲۹:۱
آب در جو ز آن ۴۸۹:۲	آب رحمت بایدت ۱۹۴۰:۲	آب، کاهی را ۱۱۸۶:۱
آب در جوی من ۴۷۶۶:۶	آب رحمت بر ۱۲۵۲:۲	آب کش تا ۴۳۰۱:۳

آتش ار خورشید ۳: ۴۵۰	آب و آتش، رزق ۵: ۱۷۳۲*	آبکش داد ۲: ۵۱۵
آتش از استیزه ۱: ۳۷۱۱	آب و آتش، مرتورا ۱: ۱۸۴۰*	آب کم جو ۳: ۳۲۱۲
آتش از بی هیزمی ۴: ۲۰۰۱*	آب و ابر ۵: ۳۹۷۰	آب کوثر ۵: ۲۱۲۳*
آتش از قهر خدا ۴: ۳۷۴۲	آب وحی ۴: ۱۶۵۷	آب کوزه ۳: ۳۹۱۳
آتش است این بانگ ۱: ۹	آب و دانه ۳: ۳۹۷۲	آب کی ترسید ۲: ۳۳۴۴*
آتش افگندی ۶: ۲۵۴۶*	آب و روغن ترک ۴: ۳۴۶*	آب گرداند ۵: ۲۸۹۸*
آتش اندر آب ۶: ۳۵۷۰*	آب و روغن نیست ۳: ۱۱۱	آب گردد ساقی ۳: ۴۷۴۵
آتش اندر بو ۵: ۴۰۸۱*	آب و روغن هیچ ۲: ۲۷۳۵*	آب گشتی ۵: ۳۴۳۲
آتش اندر زن به گرگان ۲: ۱۲۷	آب وصلش ۱: ۱۹۹	آب گفت ۲: ۱۳۶۶
آتش اندر زن به هر ۱: ۲۲۰۲	آب و گل انکار زاد ۴: ۹۰۰*	آب گل ۳: ۲۲۵۴
آتش او اندر ۶: ۳۹۵۸*	آب و گل چون ۱: ۸۶۵	آبگیری را ۴: ۲۲۸۵*
آتش، او را سبز ۴: ۳۵۷۱	آب و گل را تسیره روی	آبگینه زرد ۱: ۳۹۵۸
آتش او ریشهاشان ۲: ۱۳۸۹*	۳: ۲۹۰۶*	آبگینه هم ۵: ۱۲۸۱
آتش اول ۳: ۳۶۱۶*	آب و گل را داد یزدان	آب، ما را ۳: ۴۳۳*
آشت اینجا ۳: ۳۴۷۳	۴: ۲۳۱۳*	آب ما، محبوس ۳: ۲۲۵۱
آشت را ۳: ۹۷۵	آب و گل کو ۳: ۲۷۳۴*	آب، مُبَدَل شد ۶: ۳۱۷۸
آتش ترک ۳: ۳۷۶	آب و گل می دید ۶: ۱۱۳۸	آب مردی ۳: ۴۰۱۸*
آشت زنده ست ۳: ۳۴۸۲*	آب و گل می گفت ۴: ۹۰۱	آب، مؤمن را ۶: ۱۴۴۳*
آتش توحید ۲: ۳۷۵۳*	آب ها از چشمه ها ۴: ۳۲۶۵*	آب می آورد ۱: ۳۵۹۶*
آتش تو، قصد ۳: ۳۴۷۴	آبها بر پاک کردن ۶: ۳۲*	آب می بردش ۴: ۲۲۷۴*
آتش جان ۶: ۲۲۳۶*	آب ها در چشمه ها ۲: ۱۳۳۱*	آب می ترسید ۱: ۳۷۰۹
آتش چه؟ ۲: ۱۳۵۵	آب هُش را ۵: ۱۰۸۵	آب می جو دایماً ۳: ۱۴۳۹*
آتش حرص ۲: ۲۵۶۳	آب هم او را ۴: ۱۸۰۹*	آب می خوردی ۳: ۴۱۶۵
آتش خشم ۲: ۲۵۶۲	آب هم نالد ۳: ۴۳۹۸	آب می خور زعفرانا ۴: ۱۰۸۶
آتش پنهان ۱: ۱۸۵۶	آب هوش ۵: ۱۰۸۵*	آب می زد بانگ ۲: ۱۱۹۷
آتش جوشد ۱: ۲۴۲۹*	آب، یکرنگی خود ۶: ۶۹*	آب نطق ۶: ۲۶۵۵*
آتش سوزد ۱: ۲۳۵۶	آبی و خاکی ۶: ۲۳۹۰*	آب نگذارد ۲: ۴۱۸*
آتش شوق ۳: ۴۲۷۲*	آتش، آب توست ۵: ۴۳۸*	آب نور ۲: ۱۲۵۷
آتش شهوت ۲: ۲۵۶۱	آتش آن را رام ۳: ۳۱۰۲	آب نوشان ۳: ۳۱۹۰*
آتش صورت ۵: ۶۷۹*	آتش آن عشق ۵: ۳۲۷۱*	آب نیل از ۲: ۱۰۷۵
آتش طبعیت اگر شادی ۱: ۸۳۵	آتش، ابراهیم را دندان ۱: ۸۶۱	آب نیل است و به ۴: ۳۳
آتش طبعیت اگر غمگین ۱: ۸۳۴	آتش، ابراهیم را نبود ۲: ۳۳۱۰	آب نیلست این ۴: ۳۴۳۰
آتش ظلم ۲: ۱۸۱۹	آتش، ابراهیم را نی ۱: ۱۸۴۲	آب و آتش آمد ۴: ۲۸۵۹
آتش عشق از نواها ۴: ۷۴۴	آتش ارچه سُرخ ۱: ۴۵۰	آب و آتش، ای خداوند
آتش عشق است ۱: ۱۰	آتش ارخرمن ۶: ۴۰۶۸*	۱: ۱۳۳۵*

آتش عشقش ۳۸۷۶:۵	آتشی در ما زَند ۴۰۸۱:۳	آخِرُ الْأَمْرِ، آن ۵۴۶:۵
آتشی قهرش ۵۴۵:۴	آتشی در وی ۳۳۴۷:۱	آخِرُ الْأَمْرِ از ۱۸۷۶:۴
آتشی ما هم ۲۸۸:۶	آتشی دید او ۲۷۸۸:۱	آخِرِ اندیشی ۹۳۳:۱
آتشم را ۲۷۱۰:۴	آتشی دیدی ۲۲۳۶:۶	آخر او مغلوب ۱۶۰۶:۴
آتشم من، گر تو را شد ۱۳۵۲:۲	آتشی را شکل ۴۴۵:۵	آخر این اقرار ۳۳۶۹:۴
آتشم من، گر تو را شک ۱۳۵۱:۲	آتشی را گفت ۱۶۲۳:۲	آخر این تدبیر ۱۵۷۷:۲
آتش نمرود، ابراهیم را ۲۰۴۲:۶	آتشی زد شب ۲۵۱۱:۲	آخر این جان ۱۱۷۹:۲
آتش نمرود را ۲۴۱۴:۴	آتشی کاصلاح آهن ۸۲۷:۲	آخرت، قَطَار ۳۱۴۲:۴
آتش و آبی ۱۶۵۴:۲	آتشی کاوُل ز آهن ۱۸۷۴:۴	آخرست جامه ۴۴۶:۶
آتش و پنبه ست ۳۷۲۹:۵	آتشی کز شعله اش ۱۸۴۹:۵	آخرش بشکست ۴۷۵۷:۳
آتش و در قهر حق ۲۵۲۳:۴	آتشی کو باد ۱۲۸۵:۱	آخرش رسوا ۱۰۵۸:۶
آتش و دود ۷۸:۳	آتشی گیر ۲۵۵۹:۲	آخر عَقِبَه ۱۷۵۱:۳
آتش و سواس ۳۴۶۹:۴	آتشی گر نامه ۱۷۳۲:۲	آخر والعصر ۱۸۵۳:۳
آتش و نقطی ۲۶۵۴:۲	آتشین است ۲۲۳۵:۶	آخِرُونَ السَّابِقُونَ ۱۱۲۸:۳
آتشی آید، بسوزد ۱۷۳۱:۲	آتشی یا باد ۷۸۹:۵	آخر هر گریه ۸۱۹:۱
آتشی از شاه ۸۸۴:۳	آتافی دارِ دُنْیا نا ۲۵۵۲:۲	آخری را پُر ۸۳۴:۵
آتشی از عشق ۱۷۶۳:۲	آتافی دارِ عَقَبانا ۲۵۵۲:۲	آخرین قرن ها ۳۰۵۶:۲
آتشی از کیر ۱۳۸۵:۵	آخر آدم زاده ای ۵۴۱:۱	آخرین کَرَّت ۲۵۲:۳
آتشی افتاد ۳۷۰۷:۱	آخر آن از تو ۶۷۱:۴	آدم، آن اَلْف ۲۶۶۳:۱
آتشی باید ۳۸۷۳:۵	آخر آن بحث ۲۷۳۱:۶	آدم، ابلیس را ۲۵۷:۲
آتشی بودش ۱۲۵۱:۵	آخر آن خیمه ۱۶۴۷:۴	آدم، تونیستی ۳۳۲:۴
آتشی بودند مؤمن سوز ۸۷۶:۱	آخر آن راهم ۲۴:۲	آدم از خاکست ۳۹۸۳:۵
آتشی بود و چو هیزم ۴۲۱۹:۳	آخر آن روید ۱۰۶۱:۲	آدم از فردوس ۱۶۳۵:۱
آتشی پُر ۱۲۲۶:۶	آخر آید ۲۵۵۷:۴	آدم از تنگش ۹۴۱:۵
آتشی خاکستری ۳۶۹۱:۳	آخر چون دُم ۱۶۰۸:۴	آدم است ۲۴۰۶:۴
آتشی خوش ۱۸۴۸:۵	آخر از استاد ۱۴۲۷:۵	آدم، اَصْطِرْلَاف ۳۱۳۸:۶
آتشی داند ۳۵۱۷:۶	آخر از بازار ۳۷۱۳:۵	آدم، معنی ۳۷۱۰:۶
آتشی در پنبه ۶۹۲:۳	آخر از پشه ۳۴۷:۲	آدم اَنِیْئُهُم ۳۲۶۹:۲
آتشی در جانسان ۳۴۰۳:۳	آخر از روزن ۱۵۸۸:۲	آدم حُسْن ۹۶۲:۵
آتشی در جان من ۳۵۰۶:۴	آخر از عینُ الکمال ۴۸۷۵:۶	آدم خاکی برو ۱۶۲۴:۲
آتشی در خَفَ فتاد ۳۲۱۹:۶	آخر از گور ۳۱۳۲:۲	آدم خاکی ز حق ۱۰۱۲:۱
آتشی در دین ۳۷۶۵:۶	آخر از ناشکری ۲۴۴۷:۳	آدم مسجود ۵۴۰:۱
	آخر از وی جَست ۳۶۹۸:۳	آدم و حوّا کجا ۱۲۷۶:۳
	آخر از وی ذره بی ۲۹۱۹:۳	آدم و حوّا نُرسته ۴۵۴۲:۳
	آخر اَعْمَش ۱۶۰۵:۴	آدمی آنست ۲۸۸۵:۵

آزروی جملتان ۲: ۳۶۸۸*	آدمی راهست حس ۴: ۳۷۵۹	آدمی اندر بلا ۶: ۴۷۹۶
آزروی گل ۳: ۳۲۸۵	آدمی راهست در ۳: ۲۹۸۷	آدمی اول ۴: ۱۱۸۹
آزروی مرگ ۱: ۳۹۶۹*	آدمی سازد ۳: ۴۰۷۳*	آدمی با این ۱: ۷۷۴*
آری این اسب ۱: ۱۱۱۹	آدمی سر ۳: ۵۹۱*	آدمی با حذر ۱: ۱۰۳۴*
آزمایش پیش ۴: ۳۵۹*	آدمی سوز ۱: ۳۹۲۱*	آدمی باش ۵: ۲۵۴۷
آزمایش چون ۴: ۱۱۲۸	آدمی شکند ۴: ۱۵۰۵*	آدمی بر خنگ ۳: ۳۳۰۰
آزمودم باز ۵: ۴۰۰۶*	آدمی صدار ۳: ۴۲۵۶*	آدمی بر قد ۶: ۱۳۸
آزمودم چند ۶: ۶۰۸*	آدمی فربه ز عزت ۶: ۲۹۰*	آدمی بی‌وهم ۳: ۱۵۵۹*
آزمودم عقل ۲: ۲۳۳۲	آدمی فربه شود ۶: ۲۹۱	آدمی پنهان‌تر ۳: ۴۲۵۵*
آزمودم مرگ ۳: ۳۸۳۸	آدمی کومی نگنجد ۱: ۱۹۷۱	آدمی چون زاده ۴: ۲۴۱۰
آزمودم من ۳: ۳۸۰۰	آدمی کوهی ست ۳: ۹۹۹	آدمی چون کشتی ۳: ۲۵۵
آزموده رای ۶: ۳۳۶۹*	آدمی که ۲: ۲۷۰۸	آدمی چون نور ۲: ۱۳۵۳
آزمودی تو ۳: ۳۰۷	آدمی کی ۳: ۳۰۲۶	آدمی، حیوان ۳: ۴۴۴۳
آزمودی که ۶: ۳۸۱*	آدمی، مخفی ۲: ۸۴۵	آدمی خوارند ۲: ۲۵۱
آزمون را ۱: ۱۹۱۲*	آدمی مرمار ۲: ۲۳۰	آدمی خو ۲: ۱۰۴۱*
آزمون کن ۲: ۱۳۵۱*	آدمی منکر ۳: ۱۴۹۷	آدمی داند ۲: ۲۳۲۰
آزو و حرص ۵: ۱۴۰۱*	آدمی نزدیک ۳: ۴۲۵۷	آدمی در حبس ۲: ۶۵۳
آز و نسیانش ۴: ۲۲۹۲*	آدمی و جانور ۱: ۱۲۷۵*	آدمی دید است، باقی ۶: ۸۱۲
آستان و صدر ۱: ۱۷۸۴	آدمی همچون عصای ۳: ۴۲۵۸	آدمی دید است و ۱: ۱۴۰۶
آستین بر ۲: ۳۸۰۷*	آدمی همچون فسون ۳: ۴۲۵۸*	آدمی را اندک ۳: ۳۵۰۲
آستین پیرهن ۶: ۱۷۶۲	آرد اقرار ۴: ۳۴۱۳*	آدمی را او ۱: ۱۹۴۳
آستین و گردگان‌ها ۶: ۶۰۳*	آرد را پیدا ۲: ۲۰۹۰	آدمی را این ۲: ۱۲۹*
آسمانا، چند ۳: ۱۹۶۶*	آرد سازد ۶: ۲۲۸۵	آدمی را با همه ۵: ۲۶۱۰
آسمان پیموده‌ای ۱: ۳۸۳۰*	آرد گشتی ۵: ۱۴۷۷	آدمی را پوست ۴: ۱۰۴
آسمان در ۲: ۱۸۳	آردم ز آنجا ۶: ۲۵۱۲*	آدمی را آخر ۳: ۴۰۷۳
آسمان راداد ۳: ۲۹۰۶	آرد و بر خلق ۵: ۱۵۵*	آدمی را دشمن ۱: ۱۰۳۴
آسمان را مسکن ۱: ۲۳۸۷*	آرد و کمپیر ۶: ۴۲۳۱*	آدمی را زین ۱: ۱۰۳۱
آسمان شو ۵: ۲۴۹۰	آرزو بگذار ۶: ۳۸۱	آدمی را شیر ۴: ۱۶۴۲
آسمان قدرست ۲: ۲۳۴۱*	آرزو جستن ۶: ۳۷۷	آدمی را صوت ۳: ۱۴۷۱*
آسمان گوید ۳: ۴۴۰۳	آرزو مند ۵: ۲۳۷۳*	آدمی را عجز ۳: ۳۲۸۳
آسمان مرد ۳: ۴۴۰۴	آرزو می‌برد ۲: ۳۵۵*	آدمی را عقل ۴: ۴۰۹*
آسمان می‌گفت ۳: ۴۷۱۶	آرزو می‌بود ۵: ۳۳۷۴*	آدمی را فربه‌ی ۲: ۵۹۴
آسمان نسبت ۵: ۲۱	آرزو می‌خواه ۱: ۱۴۰	آدمی را کس ۵: ۲۹۶۹
آسمان و آفتابی ۱: ۲۰۳۵*	آرزوی از ققص ۳: ۳۹۵۸*	آدمی را که ۳: ۱۵۷۹*
آسمان‌ها بنده ۶: ۲۱۰۲		آدمی را مدح‌جویی ۴: ۱۱۹۵*

آفتابی حبس ۳۵۸۲:۵	آفتاب اندر فلک کز ۹۳۰:۶	آسمانها سجده ۲۰۶۹:۶
آفتابی خویش ۱۳۹۶:۲	آفتاب او را ۳۰۰۵:۱	آسمانها و زمین ۱۸۶۹:۴
آفتابی دان ۱۵۹۳:۲	آفتاب، گر بگیرد ۵۷۹:۴	آسمانی بس ۵۶:۳
آفتابی درج اندر ۱۹۸۳:۳	آفتاب جان ۲۹۰۸:۶	آسمانی شمع ۱۷۷۲:۳
آفتابی در جنون ۲۴۱۹:۲	آفتاب جانش ۱۰۲۲:۴	آسمانی که بود ۲۹۴۶:۲
آفتابی در سخن ۲۷۱۹:۳	آفتاب چرخ بیمایی ۷۵۸:۲	آسیای چرخ ۴۴۳۲:۶
آفتابی در میان ۶۸:۱	آفتاب چرخ را ۳۷۷۹:۱	آشکارا دانه ۳۲۱:۶
آفتابی در یکی ذره ۴۵۸۰:۶	آفتاب حق برآمد ۲۰۷۰:۶	آشکارا گردد ۲۲۸۰:۱
آفتابی دید او ۳۱۹۱:۶	آفتاب حق و خورشید	آشنا بگذار ۱۳۰۷:۳
آفتابی را چنین ۱۷۳۰:۲	۳۵۵۳:۱	آشنا کردیم ۳۳۵۶:۴
آفتابی رارها ۴۱۲:۵	آفتاب دولتی ۱۷۵۵:۵	آشنا هیچست ۳۳۵۷:۴
آفتابی را که ۵۸۸:۴	آفتابش آن زمان ۳۷۷۵:۱	آشنایی عقل ۲۶۸۹:۳
آفتابی رفت ۱۰۹۸:۶	آفتاب شاه ۱۵۹۷:۲	آشنایی که ۷۴۸:۲
آفتابی کز وی ۱۴۱:۱	آفتابش چون ۳۰۰:۲	آشنایی گیر ۴۲۳۰:۵
آفتابی کو برآید ۱۲۷۸:۱	آفتاب شرق ۲۳۰۳:۶	آشنایی نفس ۲۶۹۰:۳
آفتابی که بتابد ۳۳۵۰:۲	آفتاب عقل ۱۴۲:۵	آفتاب آفتاب ۲۸۱۳:۳
آفتابی که بگرداند ۳۶۲۳:۳	آفتاب عمر ۱۲۶۵:۲	آفتاب آمد ۱۱۶:۱
آفتابی که دم ۲۵۱:۴	آفتاب گرمسیرش ۱۰۴۲:۳	آفتاب آن ذره ۱۶۱۱:۲
آفتابی که ضیا ۳۳۹۵:۶	آفتاب گنبد ۷۲۹:۶	آفتاب آن رنگها ۷۲۳:۳
آفتابی مخفی ۱۳۹۵:۲	آفتاب لطف ۳۴۵۱:۶	آفتاب آن روی ۴۰۴۴:۶
آفتابی نام تو ۳۰۸:۴	آفتاب ما ۱۱۰۷:۲	آفتاب، آن سنگ ۲۵۲:۴
آفت ادراک ۴۷۲۷:۳	آفتاب مشرق ۳۹۳۶:۶	آفتابا، با چوتو ۳۴۳۱:۶
آفت او ۲۴۶۵:۵	آفتاب معرفت ۴۳:۲	آفتابا، ترک ۴۲:۲
آفت این در ۱۰:۲	آفتاب نیر ۳۴۰۳:۵	آفتاب از آفتابش ۳۰۱۵:۲
آفت این ضربت ۳۹۸۸:۵	آفتاب و ماهتاب ۵۶:۳	آفتاب از امر حق ۵۷۸:۴
آفت سرهای ۷۰۵:۱	آفتاب و ماه دو ۹۱۹:۶	آفتاب از برف ۴۰۱۹:۶
آفت مرغست ۲۹۶۹:۶	آفتاب و ماه را ۱۹۶۷:۳	آفتاب از جودشان ۱۸۳:۲
آفتی آمد ۲۸۱:۱	آفتاب و ماه و این ۳۲۷۸:۲	آفتاب از ذره کی ۳۷۹۰:۴
آفتی آید ۲۵۲۴:۱	آفتاب و مه چو ۱۶۳۲:۲	آفتاب از ذره بی ۳۵۸۱:۵
آفتی در دفع ۵۰۷:۶	آفتابی اندرو ۲۷۵۸:۳	آفتاب از شرق ۶۶:۱
آفتی را نبود ۳۴۲۶:۴	آفتابی بر حدثها ۲۶۹۳:۶	آفتاب از هر دو ۷۰۷:۳
آفتی نبود بتر ۳۷۸۱:۳	آفتابی تاج ۲۶۰۰:۴	آفتاب، أعواض را ۲۲:۴
آفرید او ۹۰۷:۲	آفتابی چون ازو ۲۷۶۵:۵	آفتابا کم مشو ۱۹۰۲:۴
آفریدم تا ۲۶۳۶:۲	آفتابی چون خراسی	آفتاب اندر فلک دستک
آفریدم در تو ۱۴۹۱:۱	۲۸۱۵:۳	۲۵۳۴:۵

آمد و در سبط ۶: ۴۲۵۹	آمد از حضرت ۳: ۱۸۶۵	آفرید و کرد ۴: ۱۵۲۱*
آمد و دید ۲: ۳۴۱۳	آمد از حق ۲: ۲۱۵۶	آفریده کیست ۵: ۲۲۰۶*
آمده از ره ۵: ۱۱۳۵*	آمد از حَمَام ۶: ۳۱۱	آفرین آن ۶: ۱۰۸۳*
آمده اوّل ۴: ۳۶۳۷	آمد از غم ۴: ۹۸۶	آفرین ای اوستاد ۵: ۱۰۳۶
آمده بُد ۶: ۴۸۶۹*	آمد از وی ۲: ۲۲۵۱	آفرین بر دست و بر بازوت باد
آمده پُرسان ۴: ۳۲۷۱*	آمد اسرافیل ۵: ۱۶۲۱	۱: ۱۳۶۱*
آمده تا ۶: ۴۳۷۵*	آمد اکنون ۴: ۲۷۹۰*	آفرین بر دست و بر بازوی تو
آمده در خاطرش ۶: ۴۵۹۱	آمد الهام خدا ۳: ۲۰۵۳	۲: ۱۷۹۰*
آمده در قصد ۵: ۳۸۷۰	آمد الهامش ۳: ۱۷۱۲	آفرین بر عشق ۲: ۳۷۲۷
آمده‌ست از بهر ۶: ۳۷۷۵*	آمد اندر انجمن ۳: ۷۶۰	آفرین بر عقل ۳: ۲۸۳۳
آمده‌ست از حضرت	آمد اندر ظلّ ۴: ۹۵۳*	آفرین‌ها بر آنای ۵: ۴۱۴۰*
۵: ۱۳۲۰*	آمد اندر قهقهه ۵: ۳۹۴۷*	آفرین‌ها بر تو ۵: ۲۳۱۴
آمده‌ست از مصطفیٰ ۶: ۲۴۶۰*	آمد اندر گوش ۳: ۳۰۵۸*	آفرین‌ها بر چنین ۵: ۳۳۹۳*
آمده‌ست اندر خبر ۴: ۲۲۱۳*	آمد اندر هر نمازی ۱: ۳۳۹۱*	آفل از باقی ۲: ۱۵۴۲*
آمده سیر ۳: ۴۵۳۱*	آمد اندر یارب ۶: ۴۲۳۸*	آکل و مأکول آمد آن ۵: ۷۲۵
آمده عبّاس ۱: ۲۷۹۴	آمد او آنجا ۱: ۱۴۱۵	آکل و مأکول آمد جان
آمده کِانا ۲: ۱۴۱۰*	آمد او با خویش ۶: ۴۷۹۲	۴: ۳۶۰۵
آمدی اندر ۵: ۱۱۰۹	آمد او با صد ۱: ۲۱۷۵	آکل و مأکول بود ۵: ۷۲۰
آمدی در ۳: ۴۱۸۴	آمدش آواز ۵: ۱۴۵۳	آکل و مأکول را ۳: ۳۶
آمدیم آخر ۲: ۳۰۵۵*	آمدش بی‌قام ۳: ۴۵۰۳	آکل و مأکول، کئی ۵: ۷۲۷
آمدیم اکنون ۵: ۳۹۵	آمدش مهمان ۵: ۳۴۴۳	آکل و مأکولی ۵: ۷۱۸*
آمدیم اندر ۱: ۶۹۴	آمدم ای مه ۴: ۳۱۵*	آگهم ۳: ۱۶۰۲*
آمدیم اینجا ۳: ۴۶۰۱	آمدم با طبع ۶: ۳۹۶۸*	آلت آورد ۲: ۹۶۷*
آن ابو جهل از پیمبر ۴: ۳۵۰	آمدم بر چشمه ۶: ۳۳۲۷	آلت اسکاف ۲: ۳۰۴
آن ابو جهل از محمد ۲: ۸۰۸	آمدم تا برگشایم ۴: ۳۱۶۹	آلت اشکار ۱: ۲۸۷۶
آن اثر بنماید ۲: ۳۳۷۲*	آمدند از بهر کدّ ۶: ۳۷۴۵*	آلتِ حقّی ۱: ۳۸۵۳
آن اثر می‌ماندّت ۱: ۱۸۶۰	آمدند از بهر نظّاره ۱: ۳۶۲۳	آلتِ خود را ۱: ۳۸۵۸
آن اثر هم ۱: ۱۸۶۱	آمدند از رَغَم ۶: ۳۷۰۳	آلتِ زرگر ۲: ۳۰۳
آن احد ۶: ۸۹۱*	آمدن در آب ۶: ۲۷۲۹	آلتِ شاهد ۶: ۲۸۶۷
آن ادب سنگ ۵: ۳۰۰۶*	آمدند و دست ۵: ۲۴۰۸	آلتش بشکست ۵: ۳۸۲۳
آن ادب کردن ۳: ۳۵۰	آمدند و مجمعی ۶: ۳۸۴۳*	آلتی کو ۵: ۱۶۸۵*
آن ادب که ۶: ۲۵۸۳	آمدندی ۵: ۱۴۷۵*	آلی موسی شو ۴: ۳۴۵۵
آن اساطیر ۳: ۱۱۵۰	آمدن را راه ۵: ۱۱۱۰*	آلی موسی کو؟! ۶: ۲۰۶۴
آن اسیران اجل ۴: ۳۱۲۶	آمدنشان ۱: ۲۱۱۱*	آمد آن ۵: ۳۷۵۰
آن اسیران، با هم ۳: ۴۵۲۶*	آمد و در را ۳: ۱۵۶۶	آمد از آفاق ۱: ۳۱۵۷

آن آشیر ۶: ۲۶۳۷	آن بُرد دوزخ ۵: ۴۰۲۹	آن به صد ۵: ۳۱۶۳*
آن ایشک ۶: ۱۰۰۱*	آن بُرون ۴: ۱۳۶۲*	آن به ظاهر ۶: ۱۲۰۹*
آن اصولِ دین ۳: ۲۶۵۵	آن برهنه گفت: آو ۳: ۲۶۱۷	آن به قاصد ۳: ۴۵۶۶
آن اگر سحرست ۳: ۱۱۸۰	آن برهنه گفت: ترسان ۳: ۲۶۱۴	آن به مثلِ لقوه ۳: ۲۹۱۴*
آن الف چیزی ۶: ۲۳۳۱	آن بُریده بِه ۶: ۴۱۶۹*	آن به مثلِ لنگی ۳: ۲۹۱۳*
آن الف در بسم ۶: ۲۲۴۰	آن بزرگ و تو ۴: ۳۰۴۴*	آن به مهر ۳: ۵۴۴*
آن امیر از بندگان ۲: ۳۲۱۲	آن بزرگین گفت: ای اخوانِ خیر	آن به نسبتِ باطل ۵: ۳۹۰۹
آن امیر از حال ۶: ۱۱۳۷	۶: ۳۸۹۲	آن، به نسبتِ با کمال ۱: ۳۹۱۱
آن امیر از مکر ۶: ۴۳۶۷	آن بزرگین گفت: ای اخوانِ من	آن بیابان است ۳: ۳۷۰*
آن امیران در ۱: ۵۵۷	۶: ۴۰۵۴	آن بیابان، پیشِ او ۳: ۳۸۶۲
آن امیرانِ دگر ۱: ۷۰۱	آن بُز کوهی بر ۳: ۸۰۸	آن پدر بهر ۶: ۴۱۱۴
آن امیرانِ عرب ۴: ۲۷۷۹	آن بُز کوهی دود ۳: ۲۷۰	آن پدر در ۴: ۳۲۵۵*
آن امیر دیگر ۱: ۶۹۹	آن بکن ۵: ۱۶۳	آن پدر را خونِ بها ۶: ۱۵۱۶*
آن امینان بر در ۵: ۲۰۵۰	آن بگوای ۶: ۷۱۴	آن پدر، سگ ۴: ۳۲۵۶
آن امینان جمله ۵: ۲۰۸۶	آن بگوکان ۳: ۴۱۳*	آن پری و، دیو ۴: ۲۴۰۴
آن آتایی وقت ۲: ۲۵۲۲	آن بگوید: دود ۵: ۳۰۱۲	آن پسر با خویش ۴: ۳۱۷۴
آن آتا در وقت ۲: ۲۵۲۲*	آن بگوید: زید ۴: ۷۲	آن پسر را ۱: ۲۲۴
آن آتا را ۵: ۲۰۳۶	آن بلادِ رهای ۵: ۲۱۰۶	آن پشیمانی ۲: ۳۳۸۰
آن آتا فرعون ۲: ۲۵۲۳*	آن بلال ۳: ۱۷۲	آن پناهم ۳: ۳۷۸۰
آن آتا مکشوف ۵: ۴۱۴۶*	آن بلیس از جان ۶: ۱۵۵	آن بی روح ۶: ۱۳۰۵*
آن آتا منصور ۲: ۲۵۲۳	آن بلیس از خمر ۴: ۳۶۱۴	آن تأسف ۲: ۲۷۸۲
آن آتایی ۵: ۴۱۳۱	آن بلیس از تنگ ۲: ۸۰۶	آن، تحرّی ۶: ۴۱۳۶
آن او ۶: ۲۹۰۷*	آن بنایِ انبیا ۴: ۱۱۳۶	آن تُرش را ۵: ۳۶۹۶*
آن آياز ۵: ۱۸۵۷	آن بُود آورده ۱: ۱۶۴۲*	آن تُرشِ رویی ۶: ۱۵۸۳
آن بین کز ۳: ۴۲۶۱*	آن بُود کآن ۶: ۲۲۳۰*	آن تَعَالی او ۵: ۱۶۷۰
آن بین که بحر ۳: ۴۲۶۳*	آن بُود لطف ۶: ۴۳۶۰	آن تعدی ۵: ۴۰۰۵*
آن بیموده ۳: ۱۱۶۳*	آن به آید که زنج ۶: ۴۴۵*	آن تعلقِ ما ۱: ۲۶۶۰*
آن بُتِ شیرین ۵: ۳۸۹۰	آن به آید که شوم ۵: ۶۴۶	آن تعلق هست ۴: ۳۶۹۶*
آن بُتِ منحوت ۱: ۷۷۶	آن به آید که کنم ۶: ۴۴۴*	آن تعمق ۵: ۱۲۹۰
آن بخاری غصه ۳: ۳۸۵۵	آن بهاران، لطف ۲: ۲۹۵۹	آن تفاوت ۳: ۱۵۳۷
آن بخاری نیز ۳: ۴۳۷۷	آن بهاران مُضمرست ۲: ۲۲۶۴	آن تقاضا کرد ۴: ۲۳۵۴
آن بخور ۴: ۲۶۴	آن بهاری ۱: ۲۰۳۹	آن تقاضای ۲: ۸۷
آن بد ۴: ۳۴۱۳	آن به امر ۵: ۳۷۰۲*	آن تکبر ۴: ۲۲۲۶
آن بر او ۳: ۱۲۶۳*	آن به خاک ۱: ۲۰۰۳	آن تکلف ۳: ۳۴۸۳
آن براهیم ۶: ۱۷۳۷	آن به دین ۶: ۱۶۵*	آن تنش ۵: ۲۸۶۰*

آن تنی را ۵:۵۹۳	آن جهان گر ۵:۱۲۶۹	آن چنان دیده ۶:۴۱۷۰*
آن تو افگندی ۳:۳۶۶۰	آن جهود از ۵:۲۸۸۳	آن چنان دیوانگی ۲:۱۳۸۵
آن تو با توس ۳:۱۹۶۶	آن جهودِ سگ ۱:۷۶۹	آنچنان رخ را ۵:۵۵۴*
آن تو زفت ۳:۱۳۰۳	آن جهود و مؤمن ۶:۲۳۷۷	آنچنان رُو که غلامان ۵:۳۰۳۷
آنِ توس ۳:۳۳۸۲*	آنچ ازو گُم ۲:۲۹۹۱*	آنچنان رُو که همه ۳:۶۰۱
آن تو کُل ۶:۱۳۴۷	آن چپ دانیش ۵:۲۱۵۶*	آن چنان رویی ۵:۵۵۴
آن تو همها ۲:۲۰۴۴	آن چَرا بر جمله ۱:۹۰۱*	آنچنان زین آخرت ۴:۲۸۰۳
آن توی که بی بدن ۳:۱۶۱۳	آن چراغ او ۴:۱۴۷۷	آنچنان زینت ۶:۹۹۴
آن توی، و آن ۱:۱۳۲۱	آن چراغ این ۴:۴۲۶	آنچنان سوزد ۳:۳۵۹۴*
آن تهیج ۵:۶۳۹*	آن چراغ شش قتیله ۴:۴۲۷	آنچنان شادند اندر ۳:۴۵۱۰*
آن جزایِ دلنواز ۵:۵۸۵*	آن چریده ۴:۲۰۸۷*	آنچنان شادند در ۳:۴۵۱۸
آن جزای کارزار ۲:۱۸۴۰*	آنچنان آرد ۶:۳۲۹۲*	آنچنانش اُنس ۶:۳۴۱۵
آن جزای لقمه‌یی ۲:۱۸۳۹*	آنچنان آمد ۴:۱۸۵۰*	آن چنانش تنگ ۴:۱۷۴
آن جسد را ۱:۴۳۳*	آنچنان ابری ۵:۷۰۵	آن چنان شد ۱:۳۳۰۰*
آن جفا ۳:۴۰۱۱	آنچنان افگند ۴:۱۵۵۳	آن چنانش شرح ۳:۱۸۹۴
آن جُلود ۱:۳۶۷۶	آنچنان باشد ۶:۴۴۱۶	آنچنان عقلی ۶:۲۶۱۷*
آن جماعت را ۵:۱۱۹۲	آنچنان بانگی ۴:۳۳۳۴*	آنچنان علمی ۶:۳۸۷۷*
آن جماعت کِت ۱:۱۸۷۰	آنچنان بر خاک ۵:۳۲۶۹	آنچنان غم ۴:۳۰۹۴*
آن جماع طفل ۱:۳۴۳۴	آن چنان بر خود ۳:۱۲۳۲	آنچنان فرخ ۴:۲۸۴۵
آن جمالِ صنعت ۱:۳۲۰۸*	آن چنان بگشایدت ۴:۲۵۸۴	آنچنان کَآدم ۲:۲۵۰۷
آن جمال و قدرت ۵:۹۸۵	آنچنان بنما ۲:۴۶۷*	آنچنان کَآن خواجه ۶:۱۱۱۴
آن جُنود ۳:۴۰۳۹	آنچنان پا، در ۶:۴۱۷۴	آن چنان کَآن طعمه ۳:۴۱۸۹
آن جنین ۳:۳۹۶۹	آنچنان پایی ۶:۴۱۷۳	آنچنان کاری مکن ۳:۲۹۶۳*
آن جوابات ۲:۳۵۲۸	آنچنان بُر شد ۴:۳۰۸۸	آنچنانک از ظنّ ۳:۴۱۲۴*
آن جوادی ۱:۵۱۲	آنچنان بُرگشته ۱:۳۹۵۲	آنچنان کاندِر دل ۶:۳۷۱۶
آن جوال ۶:۳۶۱۴*	آن چنان پنهان ۳:۲۲۹۴	آنچنانک اندر زمستان ۴:۹۶۶
آن جوانمردی ۲:۸۹۱*	آنچنان پیلان ۳:۲۸۲۴	آنچنانک اندر صباح ۵:۷۰۶
آن جهاد ۲:۲۲۹۵*	آنچنان جان ۵:۲۷۱۰*	آنچنان کردش ۳:۱۵۵۶*
آن جهان است ۶:۶۰	آنچنان خندانش ۶:۲۵۳۳	آنچنان کرد و، از ۳:۱۲۱۴
آن جهان‌انگیز ۳:۳۳۹۲*	آن چنان خواهش ۶:۳۳۸۶*	آنچنان کرد و خدایش
آن جهان جز ۶:۵۶	آنچنان خوش ۴:۱۳۹۷	۱۷۰۱:۳*
آن جهان چون ۵:۳۵۹۱	آنچنان دل را ۵:۸۸۹*	آنچنان کر شد ۶:۱۱۰۳
آن جهان سوز ۱:۸۲۳*	آنچنان دلها ۵:۱۵۳۶	آنچنان کَرّه ۶:۳۴۴۰*
آن جهان شهری ۲:۲۵۹۵	آنچنان دوزد ۳:۱۷۶۷*	آنچنان کز آب ۴:۴۴۰
آن جهان، صورت ۶:۱۸۸۶	آن چنان دیدند ۳:۱۱۵۸	آنچنان کز شرق ۳:۳۷۰۳*

آنچنانکه یار ۵:۳۲۶۲*	آن چنانکه سوز ۴:۴۳۴	آنچنان کز صقل ۶:۱۸۶۱
آنچنانکه یوسف از ۶:۳۴۰۰	آنچنانکه شادم ۴:۵۷*	آنچنان کز عطسه ۴:۳۲۹۹
آنچنانکه یوسف صدیق ۳:۲۳۶۵	آنچنانکه عارف ۶:۴۱۳۲	آنچنان کز عکس ۴:۲۵۲۳
آن چنان کین ۴:۱۷۶	آنچنانکه عاشقی بر رزق ۵:۲۴۰۰	آنچنان کز قرهی ۳:۲۶۲۳
آن چنان گرم ۶:۴۵۵	آن چنانکه عاشقی بر سروری ۳:۱۶۱۷	آن چنان کز فقر ۳:۲۲۰۵
آنچنان گوشی ۴:۳۰۳۶*	آن چنانکه عور ۴:۴۳۵	آنچنان کز نیست ۳:۱۲۸۹
آن چنان گوید ۳:۲۷۷۱	آنچنان که فاضل ۳:۱۸۹۳	آنچنان کس را باید ۵:۳۸۰۴
آنچنان لرزد ۶:۳۶۲۶	آنچنانکه قُرب ۴:۱۰*	آنچنان کس را که ۲:۳۲۷۰
آن چنان لقمه ۲:۳۰۱۹*	آنچنان که کاتب ۱:۳۳۵۵	آنچنانک کاندرب عبا ۵:۳۴۴۸*
آن چنان مستی ۳:۷۱۰	آنچنانکه کاروانی ۶:۱۱۳۱	آنچنان کن از عطا ۶:۲۷۲۷
آنچنان مطلوب ۶:۲۸۶۵*	آنچنانکه گفت او از ۲:۸۸۶*	آن چنان کن که ۳:۱۸۳
آن چنان معمور ۲:۲۳۱۸	آنچنان که گفت پیغمبر ۴:۳۰۸۲	آن چنانکه آب ۳:۲۲۶۲
آنچنان مِفتاح ها ۶:۴۶۵۳	آنچنانکه گفت جالینوس ۳:۳۹۶۰	آنچنانکه آتش ۴:۷۴۴*
آنچنان مهتاب ۶:۹۹۵	آنچنانکه گفت مادر ۶:۴۹۰۳	آنچنانکه آن ۶:۳۱۶۶*
آنچنان نامۀ پلید ۵:۲۱۵۴	آنچنانکه گیرد ۶:۲۵۷۵*	آنچنان که انبیا ۶:۳۲۹۵
آنچنان نامی ۶:۲۶۵۱	آنچنانکه لُمع ۶:۱۰۷	آنچنانکه بر سرت ۵:۳۲۴۶
آنچنان نَبود ۶:۳۴۵۴*	آنچنانکه مادران ۶:۲۷۷	آن چنان که پار ۳:۹۴۰
آنچنان نزدیک ۳:۸۱۲	آنچنانکه مادری ۵:۳۲۶۴	آن چنان که پاک ۶:۱۹۷۰*
آنچنان وافی ۵:۲۹۴۴*	آنچنان که ماند ۶:۱۰۳۰	آنچنان که پرتو ۱:۳۲۷۳
آن چو اِخصا ۴:۳۶۶۷*	آن چنانکه مرتبه ۱:۲۴۹۴	آنچنانکه پیشی تو ۴:۳۵۶۸*
آن چو بیضه ۵:۲۷۴۱*	آنچنانکه می رود تا ۶:۴۱۳۰	آنچنانکه تاج ۴:۱۹۰۷*
آن چو زَرِ سرخ ۲:۴۹۰*	آنچنانکه می رود شب ۶:۴۱۳۱	آنچنانکه تاخت ۴:۵۵۸*
آن چو لاشرقی ۴:۱۵۴۴*	آن چنانکه ناگهان ۳:۲۲۰۲	آنچنان که تشنه ۶:۴۲۷۶*
آنچه آبست ۲:۱۰۵۴	آنچنان که نیش ۲:۲۵۲۶	آنچنانکه جان ۵:۱۷۸۱
آنچه آن خر ۲:۲۳۹۰	آنچنانکه وجه ۶:۴۱۸۵	آنچنانکه چار ۳:۳۹۷۱
آنچه آن دم ۶:۱۰۱۵	آنچنان که وقت ۴:۲۲۵۷	آن چنانکه حق ۳:۲۹۹۸
آنچه آن را ۶:۳۹۷۰	آنچنانکه هست در خدعه سرا ۵:۱۷۶۵*	آنچنانکه حکم ۴:۱۹۲۴*
آنچه ابرو ۳:۴۱۳۲	آنچنانکه هست در علم ۶:۴۱۳۵*	آنچنانکه خلق ۶:۲۹۸۹
آن چهارم ۲:۳۰۳۲	آنچنانکه هست می بینیم ۴:۳۴۷۳*	آنچنانکه خون ۵:۱۲۵
آنچه از دریا ۱:۷۶۷		آنچنانکه خویش ۶:۳۷۸۲*
آنچه از وی ۳:۳۴۷۳*		آنچنانکه داد ۴:۳۴۸۹
آنچه اصل ست ۵:۳۹۸۷		آنچنان که در تن ۶:۱۸۸۵
آنچه اندر گفت ۱:۳۵۷۷*		آن چنانکه در نماز ۵:۲۲۱۷
آنچه اندر وهم ۳:۳۹۰۵*		آن چنان که را ۵:۲۶۵۲*
		آنچنانکه رای تو ۶:۱۵۰۹*

آنچه عادت ۴: ۲۷۶*	آنچه خواهد بود بعد ۴: ۳۳۹۵	آنچه او اندر ۶: ۴۶۴۶
آنچه عیسی ۶: ۴۰۳۹	آنچه خواهد بود تا محشر	آنچه او بیند ۵: ۱۳۱۰
آنچه عین ۴: ۲۹۸۲	۴: ۲۹۰۷*	آنچه او خواهد ۲: ۶۸۰
آنچه فردا ۵: ۱۵۰۴*	آنچه خورد آن ۵: ۲۰۸۳	آنچه او فرمود ۶: ۴۸۸۲*
آنچه فرموده‌ست ۶: ۱۴۹۹*	آنچه خوردی آن ۶: ۷۱۹*	آنچه اوّل ۴: ۱۶۶۶*
آنچه فوق ۳: ۳۶۵۵*	آنچه خوردی، واده ۱: ۱۸۹۵	آنچه او نوشیده ۵: ۱۲۴۶
آنچه قوت ۵: ۲۸۱	آنچه خوف دیگران ۲: ۱۳۸۰	آنچه این فرعون ۳: ۸۸۷
آنچه کآن ۵: ۳۹۲۰*	آنچه خو کرده‌ست ۵: ۱۵۳*	آنچه باد است ۶: ۱۰۲۲
آنچه کردم ۵: ۳۰۵۸*	آنچه دادی تو ۴: ۲۹۴۹	آنچه بازت ۴: ۱۸۲۵*
آنچه کردی اندرین ۴: ۳۶۵۸	آنچه دادی، دادم ۵: ۲۱۷*	آنچه با معنی ۱: ۷۰۹
آنچه کردی ای جهان ۵: ۱۰۱۱	آنچه داری ۳: ۷۴۱*	آنچه بتر ۳: ۸۵۳*
آنچه کردی با من ۵: ۳۳۸۷	آنچه داغ ۳: ۲۵۹۴	آنچه بر تو ۶: ۴۵۲۸
آنچه کفو ۲: ۳۰۲۰*	آنچه دانسته ۳: ۴۵۳۸*	آنچه بر دستت ۴: ۲۲۵۱
آنچه کوسه ۳: ۳۵۶۴	آنچه در آینه ۶: ۳۷۷۷	آنچه بُردی ۲: ۲۹۵۵*
آنچه گفت آن ۲: ۲۱۹۸	آنچه در جو ۶: ۳۱۹۵	آنچه بر صورت ۲: ۷۰۴
آنچه گفتم از جنون ۲: ۱۹۰۸*	آنچه در خرگوش ۳: ۲۷۸۴	آنچه بر فرعون ۴: ۷۸۵
آنچه گفتم از غلطهات ۶: ۱۳۸۲	آنچه در دل ۵: ۲۸۰۰	آنچه بر ما ۶: ۶۰۴*
آنچه گفتند ۵: ۲۳۰۲	آنچه در ده ۴: ۲۹۰۲	آنچه بسپردم ۲: ۵۴۶*
آنچه گفتی کاندرین ۶: ۸۶۱	آنچه در ره دید ۶: ۲۰۴۶	آنچه بَدَّ الْقَسْرِ ۶: ۳۵۲۱
آنچه گفتی من ۶: ۳۵۲۴*	آنچه در ره رفت ۶: ۲۱۳۵*	آنچه بیند ۵: ۳۲۷۵
آنچه گفتی، و آنچه ۱: ۱۶۵۱*	آنچه در فرعون بود ۳: ۹۷۱	آنچه پَنَجَه ۶: ۳۹۱۰
آنچه گُل را گفت ۳: ۴۱۲۹	آنچه دی خوردم ۳: ۶۶۹	آنچه پنهان ۶: ۲۰۰۱*
آنچه گندم ۲: ۱۰۵۳	آنچه دید او ۶: ۲۴۲۲*	آنچه پوشیدیم ۶: ۲۲۶۸*
آنچه گولی ۴: ۲۸۴۶*	آنچه دیدند ۱: ۹۷۲*	آنچه پیدا ۲: ۱۳۰۹
آن چه گوید آن ۶: ۴۱۴۴	آن چه دیدی برتر ۱: ۳۷۳۱	آنچه تو در آینه ۲: ۱۶۷
آنچه گوید نفس ۲: ۲۲۶۶	آن چه دیدی بهتر ۱: ۳۷۲۸	آنچه تو گنجش ۱: ۲۴۷۵
آنچه گیرند ۶: ۳۸۰۲*	آن چه دیدی که چنین	آن چه چشم است ۲: ۴۷۷
آنچه لِحْيَانِي ۶: ۲۰۲۷	۱: ۳۷۲۹	آنچه چشم محرمان ۶: ۴۶۴۵*
آنچه محسوس ۲: ۷۰۶	آن چه دیدی که مرا ۱: ۳۷۳۰	آنچه چندین صدر ۵: ۴۰۳۲
آنچه معشوق ۲: ۷۰۳	آنچه روید ۶: ۳۲۰۷	آنچه حق آموخت کرم
آنچه معلوم ۵: ۴۱۵۶	آنچه زد ۳: ۴۱۳۰	۱۰۱۱:۱
آنچه مقصودست ۵: ۱۳۶۰	آن چه سُرْمه‌ست؟ ۶: ۳۴۷۴	آنچه حق آموخت مر ۱: ۱۰۰۹
آنچه من خوردم ۲: ۲۱۸۷	آنچه شیرین ۱: ۷۰۸	آنچه حق ریزد ۵: ۳۲۸۵*
آنچه من دیدم ۵: ۲۶۲۶	آنچه صاحب‌دل ۳: ۳۵۶۵	آنچه حق‌ست ۶: ۲۳۵۳
آنچه منصب ۴: ۱۴۴۱	آنچه طُورَش ۶: ۳۰۶۷	آنچه خواندی ۶: ۱۵۷۱*

آنچه می خوانی ۱۸۵۹:۳	آن حوالی ۲۳۲۹:۵	آن خَضر جان ۷۱۷:۳
آنچه می دانست ۹۹۵:۲	آن حیات و ذوق ۳۴۸۸:۶*	آن خطاباتِی ۱۰۶۶:۶
آنچه می دانم ۹۳۷:۲	آن حَبَث ۱۶۳۲:۴*	آن خطا دیدن ۳۷۴۳:۱
آنچه می دیدم ۱۴۱۱:۳	آن خبیث ۳۳۹۸:۲	آن خفاش ۱۰۶۰:۳*
آنچه میراث ۷۴۷:۱*	آن خیبری ۱۸۷۰:۳	آن خلائق ۶۶۷:۱
آنچه می کردند ۳۹۷:۳*	آن، خدا را می رسد ۳۶۱:۴	آنِ خلقان ۱۷۷۲:۱*
آنچه می گوید: در این ۳۰۸۵:۲	آن خدا گوینده ۲۸۶۳:۴	آن خلیفه زادگان ۱۷۶:۶
آنچه می گوید ز مکر ۱۱۴۹:۲	آن خداوندان ۴۳۲۰:۳	آن خلیفه کرد ۳۹۴۲:۵
آنچه می مالید ۸۱۰:۱	آن خداوندی که از ۹۰۷:۲	آن خلیفه گول ۳۹۲۵:۵
آنچه می ماند ۳۸۴:۵	آن خداوندی که دادند ۲۷۷۷:۴	آن خموشان ۴۷۶۴:۳*
آنچه نآمد در زبان ۱۳۰۵:۳*	آن خداوندی، که دزدیده ۲۷۷۶:۴	آنِ خود دانستش ۳۴۰۹:۳*
آنچه نآمد در کتاب ۱۳۰۶:۳*	آن خداوندی، که نبُود ۲۷۷۵:۴	آنِ خود دیدی؟ ۲۳۳۶:۱*
آنچه نپسندی به خود ۱۵۶۹:۶	آن خدایست ۳۳۵۲:۳*	آنِ خود گفتی ۲۹۶۳:۵*
آنچه نی را کرد ۴۱۳۱:۳	آن خدایی کز ۳۰۴۴:۳	آن خورَد، زاید ۲۷۳:۱*
آنچه یعقوب ۳۰۳۰:۳	آن خدایی که تو را ۲۶۲۱:۵	آن خورَد، گردد ۲۷۲:۱*
آنچه یوسف ۳۳۹۹:۴*	آن خدایی که فرستاد ۹۰۶:۲	آنِ خورشید ۱۸:۴*
آن حبیب ۲۲۶۷:۶	آن خدو زد ۳۷۲۴:۱	آن خورنده ۳۰۵۵:۵*
آن حسد از ۲۶۴۲:۲*	آن خراسی ۲۱۹۵:۶	آن خوشی ۲۶۹۹:۲
آن حسد خود ۱۴:۵*	آن خر، آن را ۲۳۸۰:۵	آن خیالات ار کبد ۳۲۷:۵
آن حسد که ۲۶۷۶:۴*	آن خران را طالع ۳۶۷۲:۴*	آن خیالاتی که دام ۷۲:۱
آن حَسَن نام و حَسَن ۱۱۶۳:۴*	آن خری بیچاره ۲۴۰:۲*	آن خیالاتی که دیدندی ۹۵۸:۴
آن حَسَن نامی ۱۲۳۷:۴	آن خری عیسی ۱۸۵۸:۲	آن خیالاتی که گم ۱۴۵۳:۶*
آن حسودان ۱۵۶۹:۲	آن خری مسکین لاغر ۲۳۵۳:۵*	آن خیال از ۱۷۹۲:۵
آن حسی که ۲۲۰۶:۶	آن خری مسکین میان ۲۳۵:۲	آن خیال او بُود ۲۱۲۰:۳
آن حشایش ۱۳۵۷:۴*	آن خری نر ۱۳۳۴:۵	آن خیالِ باغ ۱۳۶۴:۴
آن حقیقت دان ۱۶۱۲:۳*	آن خروس جان ۳۳۳۷:۳*	آن خیالَت ۱۴۴۷:۶*
آن حقیقت کآن ۳۲۴۸:۲	آن خروس و سگ ۳۳۱۵:۳*	آن خیالِ زشت ۴۹۰۸:۶*
آنِ حقّی ۳۹۷۸:۱*	آن خروشنده ۳۷۳:۲*	آن خیالش اندکی ۱۵۳۰:۳
آن حکیم خارجین ۱۵۷:۱	آن خری شد ۹۱۳:۵	آن خیالش سوی ۳۹۱۱:۵*
آن حکیمش ۲۴۸۵:۱	آن خزان ۲۰۵۱:۱	آن خیالِ نفس ۲۱۳۷:۶*
آن حکیم غیب ۳۷۵۰:۳*	آن خسان ۱۹۸۲:۵	آن خیالِ نور ۳۹۱۲:۵
آن حکیمک ۲۲۱۸:۶	آن خسیان ۴۰۵۱:۵*	آن خیالی که شه ۷۳:۱
آن حکیمی را ۲۱۸۸:۶		آن در آید ۸۱۷:۴*
آن حکیمی گفت: ۲۱۰۳:۲		آن دراز و کوتاه اندر ۲۹۳۸:۳*
		آن دراز و کوتاه، اوصاف

آن دماغی ۴۷۷۸:۳	آن دگر را خود ۱۵۷:۴ *	۱۹۷۸:۳
آن دم خوش ۲۱۴۷:۴ *	آن دگر را ضدّ ۱۶۲۹:۴ *	آن دراز و کوهی ۲۹۳۸:۳
آن دم سوگند ۱۶۸:۳	آن دگر را کرد ۸۶۴:۲ *	آن درِ اوّل ۳۱۶:۳
آن دم لولای ۱۶۶۱:۶	آن دگر را کی ۱۷۰:۱:۲ *	آن درختان ۳۴۶۹:۳
آن دم نطق ۱۵۲۲:۱	آن دگر کوری ۱۹۹۵:۲ *	آن درختِ بد ۱۲۳۶:۲
آن دمی را که ۱۷۳۲:۱	آن دگر گفت: آسمان ۲۴۸۷:۱	آن درختِ هستی ۳۵۴۱:۴
آن دمی کز آدمش ۱۷۳۱:۱	آن دگر گفت: ار نبود	آن درختی جُنبد ۴۷۷۴:۳
آن دمی کز وی ۱۷۳۳:۱	۱۷۶۱:۵	آن درختی را که ۱۵۶۴:۲
آن دمی و آدمی ۳۶۱۹:۴ *	آن دگر گفت: ای گروه ۲۸۲۲:۶	آن درختی کو ۳۴:۲
آن دو اشتر ۳۰۱۲:۲	آن دگر گفتی که: برنه ۳۹۲۸:۳	آن درختی گشت ۳۴۷۱:۳ *
آن دو انبازان ۳۰۸۲:۱	آن دگر گفتی که: سحرست	آن درِ رحمت ۸۷:۱ *
آن دو خصم ۲۷۴۷:۲	۳۹۲۷:۳	آن درم ۲۲۳۵:۱
آن دو دمساز ۳۲۶:۱ *	آن دگر گوید: دروغست	آن دروغ از ۲۹۳۰:۲ *
آن دو، دیده ۳۱۹۹:۳	۲۸۴۴:۳	آن دروغت ۳۰۳۱:۴
آن دورنج ۲۴۰:۵:۲ *	آن دگر هم گفت: آری	آن دروغست ۲۸۰۵:۳
آن دو رویی ۳۸۴۶:۴ *	۳۳۸۲:۵	آن دروغش ۲۹۹۳:۲ *
آن دو ساحر ۱۱۷۱:۳	آن دلِ ابدال ۲۲۴۸:۳ *	آن دروگر حاکم ۳۰۹۳:۵
آن دو سه تار ۳۸۷۵:۶	آن دل از جا ۱۴۳۲:۱	آن دروگر روی ۵۴۶:۳
آن دو سه مو ۳۸۷۱:۶ *	آن دلالت ۱۰۲۶:۳ *	آن دعا از ۲۲۴۲:۵
آن دو فاضل ۲۴۹۱:۶	آن دلِ چون سنگ را ۳۶۰۲:۱	آن دعاش ۲۳۰۵:۳ *
آن دو قوم ۱۵۰۴:۴	آن دلِ چون سنگش ۱۰۳۰:۶ *	آن دعا، حق ۲۲۲۰:۳
آن دو کس ۲۴۰۴:۶	آن دلِ قاسی ۲۷۴۷:۵	آن دعا زو نیست ۲۲۱۹:۳ *
آن دو گفتندش: ز قسمت	آن دلِ کز ۱۶۹:۳	آن دعا که ۲۴۶۳:۲ *
۲۴۱۰:۶	آن دلِ کور ۲۵۸۹:۲ *	آن دعا و آن ۲۲۲۰:۳ *
آن دو گفتندش که اندر	آن دلِ مردی ۳۱۲۹:۳	آن دعای بی حدّ ۲۳۶۶:۳ *
۴۳۸۶:۶	آن دلی آور ۸۸۷:۵	آن دعای بیخودان ۲۲۱۹:۳
آن دو گفتندش نصیحت	آن دلی باشد ۳۱۲۹:۳ *	آن دعای کهنه‌ام ۲۳۱۳:۳
۴۰۷۱:۶	آن دلی کز ۲۲۴۸:۳	آن دَغَلِ کاری ۱۸۰۹:۵
آن، دهان ۸۱۲:۱	آن دلی کو عاشق ۲۲۶۷:۳	آن دَغَلِ کَوْن ۱۵۹۴:۴ *
آن دهد حقشان ۲۷۰۲:۶	آن دلی کو مطلع ۱۶۵:۲	آن دقوی داشت ۱۹۲۴:۳
آن دهد کو ۱۹۳۴:۱ *	آن دلیل آمد ۲۰۸۴:۲ *	آن دقوی در ۲۱۷۶:۳
آن دَهْل را ۳۱۵۹:۲	آن دلیل قاطعی ۲۷۵۷:۶	آن دقوی، رحمة الله ۱۹۷۳:۳
آن ذکی را ۸۷۳:۲	آن دلیل ناگلابی ۲۰۸۶:۲ *	آن دکان ۲۳۶۵:۶
آن رَجیم ۱۳۳۷:۵ *	آن دلیلی که تو را ۲۵۰۷:۵	آن دگر باشد ۱۵۰۱:۱ *
آن رُخام ۱۷۱۷:۵	آن دم از ۲۹۵۷:۴ *	آن دگر را خواند ۱۹۳۷:۴

آن زُخی ۹۶۸:۵	آن زری که ۴۳۶۴:۳	آن زمان کایمانت ۴۶۹۸:۶
آن رَسَن ۲۳۱۲:۵	آن زری کین ۴۳۶۳:۳	آن زمان کِت ۳۸۷:۴
آن رسول از خود ۱۵۲۹:۱	آن ز زخم ۱۰۵۹:۶	آن زمان کز ۳۵۰:۶
آن رسول از رشک ۴۷۵۲:۳	آن ز سردی ۱۸۰۸:۴	آن زمان که او ۳۶۸۷:۵
آن رسول اینجا ۱۵۳۱:۱	آن ز سرمی یابد ۳۷۵۸:۶	آن زمان که بحث ۱۵۰۳:۱
آن رسول حق، قلاووز ۱۵۹۳:۵	آن ز سوزن ۳۸۰۵:۵	آن زمان که بود ۳۸۹۸:۶
آن رسول حق و صادق ۳۱۲۰:۱	آن ز صیدی ۴۶۴:۵	آن زمان که پیش ۱۴۸۵:۱
آن رسول حق و نور ۳۶۴۲:۳	آن ز عشقِ جان ۲۱۷۹:۵	آن زمان که حرص ۵۳۵:۶
آن رسول مجتبی ۲۲۴۵:۵	آن ز عکس ۳۳۵۳:۱	آن زمان که خفته ۱۱۸۷:۳
آن رسول مهربان ۲۸۴۹:۲	آن ز فرعونی ۴۶۶:۵	آن زمان که دست ۹۴۲:۲
آن رگی فلسف ۳۲۸۶:۱	آن ز فقر ۳۱۳۳:۴	آن زمان که دیو ۵۴۰:۶
آن رهد ۱۳۱۴:۲	آن زکات ۳۵۷۵:۶	آن زمان که می شوی ۶۲۴:۱
آن رهی که بارها ۲۹۴۴:۱	آن زکاتی ۴۸۳:۳	آن زمان کین ۹۴۳:۲
آن رهی که زر ۳۷۸۰:۱	آن زلیخا ۴۰۲۱:۶	آن زمان گردد ۳۹۹۷:۳
آن ز ابدال ۳۲۵۵:۱	آن زمان، آن فحم ۱۱۲۵:۴	آن زمانِ لاف ۴۰۴۴:۳
آن ز اختر ۳۴۷۷:۱	آن زمان از ترس ۵۵۰:۶	آن زمان مالید ۳۱۷۲:۳
آن ز اخلاصات ۱۱۳۸:۴	آن زمان بایست ۵۴۰:۶	آن زمان می گو ۵۳۵:۶
آن ز استغراق ۲۰۶۳:۳	آن زمان بست ۵۵۱:۶	آن زمان یک چاه ۳۶۰۳:۶
آن ز باغ ۳۹۷۲:۳	آن زمان چوبک ۵۴۱:۶	آن زمانی که ۱۷۶۱:۳
آن زبانِ صدگزش ۲۵۵۰:۳	آن زمان چون فرصتی ۲۸۷۲:۵	آن زما هر ۸۴۸:۵
آن زبان ها ۳۸۴۳:۳	آن زمان چون مادران ۲۲۱۷:۳	آن زمرد ۲۸۴۲:۶
آن ز بی باکی ۸۹:۱	آن زمان حق ۲۱۰۴:۱	آن زمن بینید ۳۳۵۴:۱
آن ز پایان ۱۳۵۸:۶	آن زمان، خود جملگان ۴۶۹۹:۶	آن زمن دان ۲۸۳۵:۶
آن ز تیزی ۱۱۴۶:۱	آن زمان خود سرکشان ۴۶۹۹:۶	آن زمینی ۱۸۳۰:۴
آن زُجاجی ۲۸۷۹:۵	آن زمان داند ۲۶۳۵:۳	آن زنان از ۳۸۶۴:۶
آن ز حکمت های ۲۸۷۹:۴	آن زمان، دستار ۳۱۱۳:۳	آن زنان با ۹۴۴:۳
آن ز حیوان ۱۵۱۴:۴	آن زمان دیده ۲۱۸۳:۳	آن زنان چون ۳۲۳۷:۵
آن ز خدمت ۴۶۵:۵	آن زمان را محشر ۱۶۶۹:۶	آن زنانِ قابله ۹۴۹:۳
آن ز خود ۳۴۴۱:۳	آن زمان، زاری ۴۷۰۰:۶	آن زنت ۲۴۷۶:۳
آن ز دُور ۳۹۹۴:۳	آن زمان ساکن ۳۲۲۵:۱	آن ز نیکوهای ۳۴۰:۶
آن ز زاندود ۱۶۸۷:۴	آن زمان کافان ۱۹۳۳:۲	آن زنی می خواست ۳۵۴۴:۴
آن ز رشک ۱۷۹۱:۴		آن زنی هر سال ۳۳۹۹:۳
آن زیره ۳۷۸۴:۴		آن ز وصف ۵۵۴:۳
		آن زهر که ۳۵۹۱:۲
		آن ز همسایه ۳۲۵۶:۱

آن زیان ۳:۳۲۱۹*	آن سرشته عشق ۶:۲۹۴۱	آن سیاهی فحم ۴:۱۱۲۳
آن سبا ز اهل ۳:۳۶۴	آن سرش را ۲:۴۸۶*	آن سیه، حیران ۳:۳۱۶۴
آن سبا ماند ۳:۲۶۰۱	آن سرش گوید ۴:۲۸۹۸	آن سیه کاخر ۴:۱۶۸۲*
آن سبب بهر ۴:۳۶۰۱*	آن سر میدان ۶:۶۶۱	آن شب آنجا ۵:۳۶۵۹
آن سبب ها ۱:۸۴۴*	آن سر و دم ۳:۱۷۶۴*	آن شب اندر ۵:۳۶۴۸*
آن سبورا او ۱:۲۸۶۴*	آن سری کز جهل ۴:۵۰۹*	آن شب گردک ۶:۳۹۵۵
آن سبورا بر ۱:۲۸۵۲*	آن سری که نیست ۶:۴۴۹۸	آن شبهش ۴:۱۸۶۰*
آن سبورا پُر ۱:۲۸۵۳*	آن سزد از تو ۲:۱۸۷۰	آن شتریان ۳:۳۱۳۷
آن سبوی آب، دانش‌های	آن سفر جوید ۵:۲۲۴*	آن شتر قصد ۵:۳۰۵۰*
۲۸۴۸:۱	آن سکون ۶:۳۸۷۹	آن شخولیدن ۳:۴۲۹۴
آن سبوی آب را ۱:۲۸۱۵	آن سگ اصحاب ۵:۲۵۹۷	آن شده آواز ۳:۲۰۶
آن سَپَد ۵:۳۶۲۲	آن سگان را ۳:۳۰۰۲	آن شراب حق بد آن ۶:۶۴۶
آن سپرده ۶:۳۵۶۳*	آن سگانش ۳:۲۹۰*	آن شراب حق، ختامش ۱:۳۲۳
آن سپیدی مو ۴:۲۱۶۶	آن سگ عالم ۲:۲۳۶۲	آن شرار از آب ۱:۷۷۳*
آن سپیدی و آن سیه	آن سگی در کو ۴:۱۰۴۵	آن شرر گر ۲:۱۹۶۷
۲:۱۵۹۸*	آن سگی شد ۴:۳۲۵۸*	آن شعاع آفتاب ۴:۱۸۴۳
آن ستاره‌ش را ۶:۳۵۶*	آن سگی که باشد ۳:۵۷۶	آن شعاعی بود ۳:۵۵۲
آن ستاره نحس ۶:۳۱۵۹	آن سگی که می‌گزد ۳:۱۸۰۲	آن شغالان ۳:۷۷۲
آن ستون را ۱:۲۱۱۹	آن سگی می‌مرد ۵:۴۷۷	آن شغال رنگ ۳:۷۶۶
آن ستون‌های ۲:۱۹۳۵	آن سلاح ۲:۳۱۷۱	آن شغالی ۳:۷۲۱
آن ستیزه رُو ۴:۲۷۲۱	آن سلاح علم ۳:۴۳۳۵*	آن شفاعت و آن ۳:۱۹۲۰
آن ستی گوید ۳:۴۲۰۳	آن سلام ۱:۱۵۸۸*	آن شفاعت هم ۵:۴۱۶۰*
آن سخا و رحم ۶:۳۱۳۲	آن سلیمان، پیش ۲:۳۷۸۲	آن، شفای ۲:۲۹۸۱
آن سخن بُد ۶:۳۴۷۹*	آن سلیمانی دلا ۴:۱۱۵۳	آن شفیعان ۵:۳۵۶۳
آن سخن بر ۴:۱۲۴۴*	آن سمعی تو ۳:۴۶۹۹	آن شقایق‌های ۶:۴۴۶۱*
آن سخن را او ۴:۱۲۴۷*	آن سنا برقی ۲:۹۱۰	آن شکایت ۴:۷۷۶
آن سخن را بایزید ۴:۲۱۲۳*	آن سوار آن ۲:۱۸۷۹	آن شکر لب ۶:۴۴۶۹*
آن سخن را پیشوای ۲:۳۵۸۸*	آن سواری ۱:۲۱۳۱	آن شکسته بِه ۶:۴۱۷۲*
آن سخن را کرد ۱:۱۶۷۲*	آن سوم گفت ۲:۳۰۳۱	آن شکسته گشته ۱:۳۸۵۸*
آن سخشان ۶:۷۶۲	آن سوم و آن ۳:۱۵۳۱	آن شکم ۳:۷۵۳
آن سخن که نیست ۳:۱۲۷۷*	آن سوم هیچ ۲:۲۴۰۷	آن شکوفه ۱:۲۹۳۰*
آن سخن‌های ۳:۳۴۷۵	آن سه دیگر ۶:۱۵۶۲*	آنش گوید ۱:۱۸۵۲
آن سر بی‌دانش ۵:۳۴۹۶*	آن سه کوری ۲:۲۰۰۲*	آن شَلِ ۳:۱۸۷۴
آن سر پیغمبران ۱:۷۲۷	آن سیاست را ۶:۴۸۲۱	آن شناسد ۵:۳۹۷۷
آن سرش از تن ۵:۳۱۵۶*	آن سیاهی زو ۴:۵۷۹*	آن شنیدستی که الملک ۵:۵۲۸

آن شنیدستی که در ۱: ۱۹۱۳	آن طرف کآن ۶: ۲۰۷۵*	آن عقابش را ۳: ۳۲۶۲
آن شنیدی تو ۳: ۶۹	آن طرف که از نما ۵: ۸۰۶*	آن عقوبت ۵: ۸۳۸*
آن شنیدی داستان ۴: ۱۸۰۲	آن طرف که بود ۶: ۲۳۸۸	آن علف تلخ‌ست ۳: ۳۷۴۳
آن شود ۲: ۱۶۶۶	آن طرف که بهر ۶: ۳۳۱۹	آن عمادالملک ۶: ۳۳۸۳
آن شهادت ۵: ۲۶۲	آن طرف که دل ۶: ۳۳۲۰	آن عمارت ۱: ۱۰۴*
آن شدِ شطرنج ۳: ۲۸۴۹	آن طرف که عشق ۳: ۳۸۳۲	آن عنایت بود ۲: ۲۲۹۴
آن شدِ والتَّجْم ۴: ۲۰۸۲	آن طمع را ۶: ۴۱۹۲	آن عوان بدرید ۳: ۱۶۸۴
آن شهی ۶: ۱۱۶۸	آن طمع ز آنجا ۶: ۴۱۹۱	آن عوان پیوند ۴: ۶۴۴*
آن شیاطین بر ۳: ۴۵۳۰	آن عتاب ۶: ۴۸۷۴	آن عوان را، آن ۶: ۴۶۶۳
آن شیاطین خود ۵: ۱۲۱۸	آن عجایب را ۴: ۱۹۳۴*	آن عوان را چون ۱: ۱۳۶۲*
آن صحابی را ۲: ۲۲۱۳*	آن عجایب‌ها ۴: ۹۹۲	آن عیان ۲: ۱۷۶
آن صحابی زین ۶: ۳۳۵	آن عجب کو ۶: ۳۴۴۶	آن غبارت ۳: ۳۸۳*
آن صدف‌ها ۱: ۱۶۸۳*	آن عداوت ۶: ۳۱۵۱	آن غبین ۲: ۲۷۷۰
آن صفای ۱: ۳۴۸۵	آن عدم ۱: ۳۶۸۲	آن غذا را ۲: ۱۰۸۸*
آن صفت چون ۳: ۳۴۶۵*	آن عدو در ۴: ۱۹۱۷	آن، غذای ۲: ۱۰۸۶
آن صفت در امر ۳: ۳۴۶۸	آن عدوی کز ۳: ۲۸۴۸	آن غرابان ۱: ۲۰۱۸*
آن صلاح توس ۳: ۳۷۳۴*	آن عدوی نور ۵: ۲۰۳۷*	آن غریب از ۲: ۳۶۰۱
آن صُور ۶: ۳۷۳۲	آن عذاب ۳: ۴۰۶۸*	آن غریب شهر ۳: ۴۲۱۲
آن ضعیف ۵: ۱۶۵۰	آن عرابی ۱: ۲۷۷۳	آن غریب ممتحن ۶: ۳۱۰۶
آن ضَمان ۶: ۱۵۲۴	آن عرب را بینوایی ۱: ۲۸۷۸	آن غریبی ۲: ۷۳۹
آن ضمیر روئرش ۵: ۳۶۹۶	آن عرب را داد ۱: ۲۸۵۴	آن غُزان ۲: ۳۰۴۶
آن ضیاء دلق ۵: ۳۴۷۲	آن عرض باشد ۴: ۸۰۸*	آن غلامان را ۵: ۳۱۷۵
آن ضیا هم ۵: ۳۴۷۶*	آن عَرَض، زنجیر ۲: ۹۸۰*	آن غلامان میوه‌های ۱: ۳۵۸۷
آن طیبیان آنچنان ۶: ۳۶۷۹	آن عَرَض نه ۲: ۹۸۱*	آن غلامان و کنیزان ۴: ۸۶۴
آن طیبیان را ۳: ۲۷۰۷	آن عَرَض‌ها از ۲: ۹۷۷	آن غلامش ۳: ۳۳۳۸
آن طیبیانِ طبیعت ۳: ۲۷۰۱	آن عرض‌ها نقل ۲: ۹۶۱	آن غلامک دم ۶: ۲۷۲
آن طیبیان غذا ۳: ۲۷۰۳	آن عزیز مصر ۵: ۹۳۲	آن غلامک را ۲: ۸۶۴
آن طیبیان مَرَض‌های	آن عصا از ۱: ۲۱۳۸*	آن غم آمد ۳: ۳۲۸۴
۱۹۳۵:۲*	آن عصا را خُرد ۱: ۲۱۳۷*	آن فراختی ۳: ۳۵۴۹
آن طیبیم گفت ۶: ۱۳۳۲*	آن عصا را قصد ۳: ۱۱۸۷*	آن فراست ۵: ۳۹۶۱
آن طیب و آن ۳: ۲۹۶۶	آن عصاکی دادشان ۱: ۲۱۳۶*	آن فراغت ۲: ۲۷۵۰*
آن طبیعت ۲: ۳۷۶۸*	آن عصاگرد ۳: ۱۰۱۳*	آن فرج ۲: ۵۹۹
آن طرف از بهر ۶: ۸۹۵*	آن عصایِ حَزْم ۳: ۲۷۷	آن فرشته‌ست ۴: ۱۴۹۸*
آن طرف اتم ۵: ۲۹۱۷*	آن عطارد را ۲: ۱۵۹۸	آن فرشته عقل ۴: ۱۲۵۷
آن طرف چون ۲: ۱۹۳۴	آن عظیم‌المرش ۶: ۴۵۳۰	آن فزونی ۲: ۳۵۱۶

آنکه آن اصحاب ۴: ۲۰۹۸	آن کز او ۶: ۲۱۵*	آن فسون ۵: ۲۵۲۰
آنکه آن هست ۶: ۶۴۱*	آن کزی ۳: ۱۷۱*	آن فضیحت‌ها ۵: ۲۲۰۹*
آنکه آید خوش ۳: ۴۶۰۹*	آن کسی را کیش چنین ۱: ۲۴۲۲	آن فقیران عرب ۶: ۴۳۸۲*
آنکه ارزد ۵: ۴۰۹	آن کسی را کیش خدا ۳: ۳۲۳۷	آن فقیران لطیف ۲: ۳۴۹۶
آنکه اَرْضُ الله ۱: ۳۱۸۲	آن کسی را کیش مُعْرِف ۳: ۳۲۳۶	آن فقیری بهر ۲: ۳۴۹۷
آنکه از بادی ۱: ۳۷۹۵	آن کسی کیش ۲: ۸۱۳	آن فقیری کو ۳: ۳۰۲۳
آنکه از پنجه ۱: ۱۳۵۶	آن کسی که او ۲: ۸۸۴	آن فقیه از ۶: ۳۹۶۴
آنکه از جُوعُ الْبَقَر ۵: ۲۸۵	آن کسی که بانگ ۴: ۸۷۱	آن فقیه افتاد ۶: ۳۹۵۸
آنکه از حق ۱: ۲۲۵	آن کسی که گوهر ۵: ۲۶۵۱*	آن فلان خانه ۲: ۹۶۶
آنکه از دادش ۶: ۳۳۷	آن کَشَنده‌گا ۳: ۲۵۰۶	آن فلان روزت خریدم ۳: ۶۱۵
آنکه از غیری ۵: ۶۶۹	آن کَشَنده می‌کشد ۳: ۴۴۵۴*	آن فلان روزت نگفتم ۵: ۲۹۹۴
آنکه از کبرش ۱: ۲۴۲۲	آن کَشیدش ۶: ۴۲۲۳*	آن فلان شب ۳: ۲۷۴۸
آنکه از نازش ۱: ۲۴۲۳	آن کَشیدن چیست ۳: ۲۲۵۶	آن فلان قبه ۶: ۱۹۴۰
آنکه از نور ۶: ۸۶۵*	آن کَشیدن زیر لب ۳: ۲۰۵	آن فلانی ۲: ۱۹۶۲
آنکه از وی ۱: ۱۵۲۰	آن کَفَش را ۱: ۲۸۸۴	آن فلیوان ۲: ۲۳۰۲*
آنکه افزون ۱: ۱۷۱۳*	آن کَلامت ۶: ۴۵۹۳	آن قراری ۵: ۳۶۵۸
آنکه اندر سَیر ۳: ۱۹۴۴	آن کلامی که ۴: ۱۲۴۱	آن قَسَم ۶: ۱۴۹۹
آنکه اندر عقل ۶: ۲۴۲۴	آن کلید ۶: ۳۳۱۲*	آن قضیب ۴: ۲۷۹۲*
آنکه اندر وهم ۳: ۱۰۹۷*	آن کمان و تیر اندر ۳: ۶۴۵	آن قفا واگشت ۶: ۱۳۴۳*
آنکه انکار ۶: ۳۶۹۷	آن کمان و تیر در ۳: ۶۳۱*	آن قفاها ۶: ۱۶۴۲
آنکه او از آسمان ۱: ۹۲۸	آن کند با او ۱: ۳۳۴۲*	آن قفص را ۳: ۳۹۵۶*
آنکه او از پرده ۴: ۲۱۶۹	آن کند در خاطر ۳: ۴۳۶۱*	آن قفص که ۳: ۳۹۵۲
آنکه او از مخزن ۱: ۳۹۴۹	آن کُند کز مرد ۱: ۲۸۲*	آن قیاس حال ۱: ۳۴۲۵
آن که او افراشت ۴: ۳۶۶	آن کند که نآید ۵: ۴۲۰۱*	آن قیاسش ۴: ۱۶۴
آنکه او باشد حسود ۲: ۱۱۲۸	آن کنم با تو ۱: ۱۷۲*	آن قیامت دیده ۵: ۲۸۷۶
آنکه او باشد مراقب ۴: ۱۵۳۷	آن کنیزک، از قضا ۱: ۴۰*	آن قیامت زخم ۲: ۱۳۳۹*
آنکه او بسته ۱: ۱۷۹۲	آن کنیزک از مرض ۱: ۵۲	آن قیام و آن رکوع ۳: ۲۰۵۰
آنکه او بعد از ۵: ۸۲۶	آن کنیزک جَست ۵: ۲۱۹۸	آن کبوتر ۶: ۱۹۹۰
آنکه او بی‌درد ۲: ۲۵۲۱	آن کنیزک را ۱: ۱۹۸*	آن کدر باشد ۱: ۳۳۸۵*
آنکه او بی‌نقش ۱: ۳۱۴۶	آن کنیزک زنده ۵: ۲۱۷۰	آن کدو پنهان ۵: ۱۴۲۱*
آنکه او پنجه ۱: ۳۹۴	آن کنیزک شد ۱: ۲۱۶*	آن کدو را ۵: ۱۴۲۰*
آنکه او ترس ۶: ۲۲۱۶*	آن کنیزک می‌شد ۵: ۱۴۰۳	آن کرامت‌های ۵: ۱۱۹۵
آنکه او تن را ۱: ۳۹۴۵	آنکه آتش را ۶: ۱۷۴۰	آن کَرَم ۴: ۲۵۷۲
آنکه او خواهد ۵: ۲۹۳۶	آنکه آدم را ۳: ۳۱۹۸	آن کری ۱: ۳۳۶۰
آنکه او را چشم دل ۶: ۴۴۰۵		آن کز آدم ۲: ۹۱۱

آنکه او را نبود ۲۱۲۲:۱	آنکه بیند حیلۀ ۱۰۵۵:۲	آن که خواهی کز ۱۶۰۱:۵
آنکه او شاه ۱۸۲۰:۱	آنکه بی‌وزرست ۱۷۸۹:۳	آنکه خواهی گفت ۲۷۱۳:۶
آنکه او کف ۲۹۱۱:۵	آنکه بی‌همت ۲۷۴۳:۱	آنکه خود را فتح‌ها ۴۵۵۸:۳
آنکه او گاهی ۱۴۳۱:۳	آنکه بی‌یَسْمَع ۱۷۳۹:۲	آنکه خوفِ جان ۸۷۷:۳
آنکه او کُلُّ عارض ۲۰۵۶:۴	آن کُهِ پست ۱۳۵۲:۳	آنکه خوفش ۱۴۳۱:۱
آنکه او مسجود ۳۱۸۹:۶	آنکه پوشیده ۶۹۰:۶	آنکه خُو کرده‌ست ۳۵۸۷:۵
آنکه او مغلوب اندر ۴۰۱:۴	آنکه تخمِ خار ۱۵۳:۲	آنکه دارد شیخ ۳۳۵۸:۵
آنکه او مغلوبِ غالب ۲۹۲۵:۵	آنکه ترسد ۴۳۸۲:۳	آنکه داند این ۴۵۱۸:۶
آنکه او موقوف ۱۴۲۵:۳	آنکه تن را جان ۱۷۴۴:۶	آنکه داند دوخت ۳۸۸۵:۱
آنکه او هُشیار ۱۷۲۵:۱	آنکه تن را مَظْهَر ۲۲۰۸:۶	آنکه داند نیمِ شب ۶۶۶:۳
آنکه او یکبار ۲۸۹۷:۶	آنکه تنها، خوش ۵۱۷:۶	آنکه دانسته ۹۹۴:۲
آنکه ایمان ۳۳۹۸:۵	آنکه تنها در رهی ۵۱۲:۶	آنکه دامن ۳۳۱:۳
آنکه باشد ۱۱۶۶:۲	آنکه تو ۳۴۳:۲	آنکه در اندیشه ۳۱۰۷:۲
آنکه با شوریده ۴۷۴۸:۳	آنکه جان بخشد ۲۲۶:۱	آنکه در تُون ۲۵۶:۴
آنکه بُد نزدیک ۱۲۴۲:۱	آنکه جان بوسه ۴۱۵:۲	آنکه در جنگت ۲۵۷۱:۴
آنکه بدهد ۳۳۵۲:۳	آنکه جان پنداشت ۹۱۸:۱	آنکه در جور ۲۴۲۴:۱
آنکه بر افلاک ۱۴۸۲:۲	آنکه جان در ۴۱۴:۲	آنکه در چَه زاده ۳۵۰۰:۶
آنکه بر خلوت ۲۴:۲	آنکه جانش ۲۳۳۱:۴	آنکه در خوابش ۱۱۰۷:۶
آنکه بر دیوار ۳۴۵۴:۶	آنکه جانی داشت ۲۰۴۵:۱	آنکه در ذاتش ۳۷۰۱:۴
آنکه بر نگذشت ۳۸۱۱:۴	آنکه جو دید ۸۰۵:۶	آنکه در فتوی ۱۹۴۳:۳
آنکه پِشْتد ۳۰۳۶:۳	آنکه جوینده‌ست ۹۷۸:۳	آنکه در وهمت ۲۴۵:۱
آنکه بکشد ۲۵۰۸:۳	آنکه جوی و چشمه‌ها ۳۵۱۴:۴	آنکه در هر چه ۱۲۷۴:۱
آنکه بنده ۲۴۲۱:۱	آنکه چُشتش ۱۲۳۶:۱	آنکه دزد ۳۰۴۵:۵
آنکه بود اندر ۲۹۰۶:۶	آنکه چشمش بست ۳۶۹۳:۶	آنکه دل ۱۲۲۳:۳
آنکه بوده‌ست ۸۷۷:۱	آنکه چشمش شب ۲۸۵۳:۶	آنکه دوگفت ۳۱۱:۲
آنکه بهر خود ۱۵۱۵:۶	آنکه چندین ۲۸۵۵:۶	آنکه دولت ۳۱۴۳:۱
آنکه بی‌آن ۱۶۸۲:۲	آنکه حافظ ۴۵۲۹:۳	آن که دیدندش ۲۸۶۵:۱
آنکه بی‌تعلیم ۳۰۴۱:۴	آنکه حس ۲۶۳۴:۱	آنکه دیده ۲۸۹۵:۶
آنکه بی‌جفت ۳۱۰:۲	آنکه حفره ۹۸۱:۱	آنکه دیدی ۲۶۴۶:۵
آنکه بیدارست ۲۲۳۶:۲	آنکه حق باشد ۲۰۸۳:۲	آنکه دین ۳۵۰:۱
آنکه بیرون از طبایع ۱۸۴۳:۲	آنکه حق پُشتش ۲۲۹۸:۲	آنکه رمزی ۲۴۶۲:۴
آنکه بیرون است ۷۶۱:۲	آنکه حق گفت ۱۷۳۷:۲	آنکه روزی شاهد ۸۱۹:۵
آنکه بیند او مسبب ۳۷۸۷:۲	آنکه حق و راست ۴۴۸۷:۳	آنکه روزی نیستش ۴۷۸۷:۳
آنکه بیند این ۱۶۶۹:۳	آنکه خصمِ اوست ۶۷۱:۵	آنکه رویانید ۳۹۱۴:۱
		آنکه زاوَل ۲۸۱۹:۲

آنکه زرق ۵:۹۰۳	آنکه گفت ۲:۱۷۳۸	آنکه هرگز ۶:۸:۴۵۰
آنکه زلف ۱:۲۳۴۴	آنکه گُل آرَد ۶:۱۷۴۱	آنکه هستت ۴:۳۰۴۷
آنکه زو هر ۶:۱۷۴۲	آنکه گُل را شاهد ۵:۲۱۵۸	آنکه یابد ۳:۱۶۱
آنکه زیرک تر ۱:۲۵۸۵	آنکه گندم ۳:۴۳۰	آنکه یک دم بیندش ۳:۱۹۹۵
آنکه زین قنديل ۲:۸۲۰	آنکه گوید: جمله ۲:۲۹۴۲	آنکه یک دم کم ۳:۱۴۲۹
آنکه سازد ۶:۳۵۱۷	آنکه گوید راز ۴:۸۷۲	آنکه یک دیدن ۳:۱۹۹۴
آنکه سرها ۴:۱۸۵۸	آنکه گوید: مال ۴:۲۵۳	آن کُهی کو ۴:۲۷۵۸
آنکه سَنَت ۶:۵۰۱	آنکه گویند ۳:۴۲۵۰	آن گدا چشمی ۵:۲۸۴
آنکه شد ۶:۱۷۴۳	آنکه مادر ۳:۳۳۰	آن گدا در ۶:۱۲۵۶
آنکه شهوت ۴:۱:۲۳۰*	آنکه مانند ۱:۸۹۴	آن گُداز ۶:۴۵۹۷
آنکه صد حلواست ۵:۲۵۲۰*	آنکه محمولست ۵:۱۲۹۵*	آن گدا گوید ۲:۴۹۸۰
آنکه صد میلش ۵:۳۳۶۴	آنکه مُرداری ۳:۶۷۱	آن گذشت ۲:۳۵۷*
آنکه طاعت ۲:۳۳۹۲*	آنکه مردن ۳:۳۴۳۴	آن گرامی پادشاه ۳:۱۸۷۰*
آنکه عاشق ۶:۳۶۴۴	آنکه مردی ۵:۹۷۲	آن گرفتن را ۲:۳۳۹۰*
آنکه عاقل ۴:۲۲۰۶	آنکه مست ۵:۴۱۹۸*	آن گرفتی ۵:۲۹۹۸
آنکه عالم ۱:۲۴۲۸	آن که مُعْرِض ۴:۱۱۸۴	آن گروهی کز ادب ۳:۴۰۱۸
آنکه غافل ۱:۱۸۳۸	آنکه معصوم آمد ۳:۳۳۳۷	آن گروهی کز فقیری ۶:۱۵۳۷
آنکه قَرِبه تر ۱:۲۳۰۳*	آنکه معصوم ره ۶:۱۶۰۱	آن گروهی که ۶:۱۹۴۸*
آنکه فرزندان ۴:۳۴۷۷	آنکه مُلکش ۱:۱۳۷۰	آن کُرّه بابات ۵:۲۹۹۷
آنکه فرموده ۳:۴۲۹۲	آنکه می ترسی ۳:۳۴۴۱	آن گیره دان ۴:۶۲۲۲*
آنکه فضل ۴:۹۹۳	آنکه می دَرِید ۱:۸۱۱	آن گیره کوزد ۶:۲۲۹۳
آنکه کَالاً نعام ۲:۳۰۸۲	آنکه می گریی ۲:۱۶۸۱	آن گیره های گران ۴:۳۱۷۳
آنکه کرد او ۵:۹۸۸	آنکه می گفت این ۵:۷۶۰	آن گریز عیسی ۳:۲۵۹۸
آنکه کردی عقل ها ۶:۳۳۱۳*	آنکه می گفتی اگر ۵:۷۵۹	آن گشادیشان ۱:۲۶۵۱
آنکه کرمی ۲:۲۲۸۵*	آنکه می گفتی که کو؟ ۳:۲۷۱	آن گُل از ۱:۲۰۲۲*
آنکه کَس بود ۶:۱۱۵۳	آنکه می لرزد ۵:۳۱۴۳	آن گل سرخ ۱:۲۳۸
آنکه کُشْتَسَم ۱:۲۱۲	آنکه می نگذاردت ۳:۴۴۵۵*	آن گلو از ۵:۲۷۰۴*
آنکه کف را دید، سِرْ ۵:۲۹۰۸	آنکه ناپیداست ۱:۶۰۴*	آن گلوی ۵:۲۷۰۹
آنکه کف را دید، نیت ها ۵:۲۹۰۹	آنکه نازاده ۱:۳۵۱۹*	آن گمان انگیز ۱:۵۴۶
آنکه کف ها دید ۵:۲۹۱۰	آنکه نَبَرَسْتد ۱:۸۲۵*	آن گمان و ظن ۱:۳۹۵۷
آنکه گر بر چشم ۲:۱۱۲۵	آنکه نشناسد ۶:۴۰۴۵	آن کُنه اوّل ۵:۲۱۰۰
آنکه گر خواهد ۴:۶۵۶	آنکه نگذارد تو را ۳:۳۰۶۹	آن گنه هاشان ۵:۱۶۰۶*
آنکه گردانید ۵:۱۴۷۱	آنکه نگذارد کزین ۳:۳۰۷۰	آن گواهی ۵:۱۷۸*
آنکه گستاخ ۳:۲۷۳	آنکه نو دید ۵:۸۱۲	آنکه آرامد ۱:۳۰۱*
	آنکه واقف ۲:۱۴۸۱	آنکه آن می ۵:۳۱۰۶

آن مگس زو ۲: ۲۱۲۵*	آن محمد خفته ۳: ۴۵۳۱	آن که از خاکش ۴: ۱۲۱۷
آن مگس نبود ۱: ۱۰۹۰	آن محمد را ۴: ۹۵۶*	آنکه از پستی ۳: ۴۵۷*
آن مگیر ۴: ۲۰۰۱	آن مُخِیل ۵: ۳۹۱۴*	آنکه از حکمت ۵: ۲۰۶۱*
آن ملالت ۶: ۴۲۹۷*	آن مدان ۳: ۸۸۶	آنکه از شهر ۳: ۴۱۵۸
آن ملانک ۶: ۱۵۳	آن مدد ۳: ۳۹۷۰*	آنکهان با ۶: ۳۱۳*
آن ملک باشد ۱: ۳۶۵۴	آن مرادت ۱: ۱۷۵	آنکهان بنگر ۱: ۳۵۹۳
آن ملک برخاست ۶: ۳۹۸۹	آن مُرای ۱: ۲۶۳۱	آنکهان بیخواب ۳: ۴۵۸۸*
آن ملک چون ۳: ۳۱۹۴	آن مُرید ۶: ۲۰۵۵*	آنکهان تنبل ۵: ۳۱۱۴
آن ملیحان ۶: ۱۷۷۲	آن مریدان ۴: ۲۱۲۶	آنکهان تو ۲: ۱۱۶*
آن مناره ۶: ۱۱۴۰	آن مرید ذوالفقار ۶: ۲۱۱۷	آنکهان خدد ۳: ۱۹۱۴
آن منافق با ۱: ۲۸۵	آن مرید ساده ۵: ۱۲۹۷	آنکهان خواهی ۴: ۱۵۸۸*
آن منافق مُشک ۲: ۲۶۸	آن مزاج ۶: ۱۲۸۹*	آنکه اندر ۱: ۱۸۷۷
آن من بر چرخ ۳: ۴۵۱۳	آن مسلمان، ترک ۲: ۲۰۶۴	آنکهان روزیش ۳: ۴۲*
آن منجم ۲: ۱۹۰۲	آن مسلمان سر ۲: ۲۰۱۲	آنکهان سازد ۵: ۶۳۶*
آن من شد ۶: ۴۳۲۷*	آن مسلمان می‌نهد ۳: ۲۳۷۲*	آنکه او بنیاد ۳: ۱۰۵۵
آن «منم خُم» ۲: ۱۳۴۷	آن مسیحا ۲: ۴۲۱	آنکه او ساکن ۱: ۱۳۸۱*
آن من نبود ۵: ۲۸۰۵*	آن مسیحی کز ۲: ۱۱۸۵*	آنکاهش ۶: ۴۰۱۷*
آن منی و هستیت ۴: ۳۵۷۳	آن مسیحی نه ۲: ۱۱۸۵	آنکهم از خود ۱: ۳۴۷
آن موالید، ارجه ۱: ۱۶۶۲*	آن مُشَبَّک ۵: ۳۶۳۲*	آنکهی آید ۳: ۴۶۷۷*
آن موالید از تجلی ۶: ۱۸۱۳	آن مصیبت‌ها ۳: ۳۴۱۲*	آنکهی بر وی ۲: ۱۸۲۷*
آن موالید از رَو ۶: ۱۸۱۲	آن معیت ۶: ۴۱۷۸	آنکهی بینید ۱: ۳۴۴۴
آن موالید است ۱: ۱۶۶۸*	آن مُقَلَّد چون ۴: ۲۱۶۷	آنکهی جان ۲: ۱۲۹۰*
آن موکل را ۳: ۳۸۲۰*	آن مُقَلَّد سخره ۶: ۳۱۴۸	آنکهی کاراد ۳: ۴۵۳۸
آن مهابت ۴: ۳۷۷۱	آن مُقَلَّد، شد ۲: ۲۹۹۶	آن لب و چانه ۲: ۱۹۲۹*
آن میسر ۱: ۴۸۸	آن مُقَلَّد صد ۵: ۲۴۸۰	آن لِجَاج ۶: ۱۸۲۹
آن نبات ۲: ۲۷۱	آن مُقَلَّد هست ۵: ۱۲۸۹	آن لطافت پس ۲: ۱۶۱۷
آن نباشد شیر ۱: ۱۰۹*	آن مقیم ۲: ۳۵۰۳	آن لطافت‌ها ۲: ۱۶۶۵
آن نباشد، لیک ۵: ۲۷۴۶*	آن مکن که کرد ۵: ۱۶۳*	آن لَکُم دین ۵: ۳۹۴۰*
آن نباشد مات ۶: ۲۷۶۴*	آن مکن که می‌سگالید	آن مبشر ۴: ۱۷۱*
آن نبد ۲: ۳۰۰۹	۴: ۱۹۱۴*	آن مثالت ۳: ۲۷۹۱
آن نبشته ۲: ۳۳۸۲*	آن مگر سلطان ۵: ۱۵۱۹	آن، مثال نفس ۱: ۲۶۱۷
آن نباید ۱: ۳۴۴۹*	آن مگر مانند ۱: ۸۹۳*	آن مثل ۳: ۲۷۸۶
آن نتایج ۵: ۳۸۹۶	آن مگس، اندیشه‌ها ۱: ۳۲۲۴	آن مجاز است ۲: ۳۱۱۰
آن تار دل ۳: ۲۲۷۴*	آن مگس بر برگ ۱: ۱۰۸۲	آن مجازش ۱: ۲۷۶۰*
آن تار میوه ۳: ۲۶۶۰	آن مگس رابخت ۱: ۱۰۸۹*	آن میَحَک ۴: ۳۸۵۳

آن همه بگذارد ۷۱:۶*	آن نواله ۱۷۵۳:۵*	آن نجاست نیست ۲۰۹۴:۳*
آن همه جبر ۲:۵۴۶	آن نوای ۱:۲۰۷۷	آن نجاست هست ۲۰۹۵:۳*
آن همه خون ۲:۷۶۹	آن نود ساله ۴:۳۱۴۹	آن نجاست ۳:۲۰۹۲*
آنهمه سختی ۳:۳۴۴۷	آن نوی ۶:۱۸۶۰*	آن نخواهد ۵:۵۲۷
آن همه، گه ۴:۲۵۰۷	آن نه از وی ۳:۱۶۴۴*	آن ندامت ۴:۲۲۹۶
آن همی دیدی ۴:۲۴۸۸	آن نه‌ای کان ۲:۸۷۵	آن ندای ۲:۱۹۵۸
آن هنر فی جیدنا ۶:۲۹۱۲	آن نه بازی ۳:۴۱۸	آن ندایی ۱:۲۱۰۷
آن هنرمندان ۶:۲۴۹۰	آن نه حُسن ۴:۱۱۲۵*	آن ندم ۴:۲۲۹۸
آن هنرها جمله بدبختی	آن نه عقل ۱:۲۳۲۹*	آن ندیدی ۴:۹۷۸
۶:۲۹۱۰*	آن نه کانگشتان ۳:۴۵۳۲*	آن نزد ۳:۴۰۱۳*
آن هنرها جمله غول ۶:۲۹۱۴	آن نه، کو بر هر ۳:۳۹۵۰	آن نسوزد ۶:۱۷۳۸
آن هنرها گردن ۶:۲۹۱۱	آن نه که ترسا ۶:۴۷۶۲	آن نسیمی ۶:۴۸۹۳
آن هنرهای دقیق ۴:۱۶۶۰	آن نیاز ۳:۳۲۰۴	آن نشان پای ۲:۱۶۶۵*
آن هوا خندان ۳:۱۸۳۰*	آن نی‌ام ۵:۲۹۳۰*	آن نشان دید ۴:۳۰۸۰
آن یخی ۵:۳۴۳۴	آن نیوشیدن ۳:۴۷۰۰	آن نشانی‌ها ۲:۳۱۱۵
آن یقین ۲:۱۸۲۲	آن وَّجَع‌ها ۱:۱۶۶۷	آن نَصوح از ۵:۲۲۵۴
آن یکی آدم ۶:۲۱۵۵*	آن وزیر از ۱:۶۴۳	آن نَصوح رفته ۵:۲۲۹۱
آن یکی آمد به ۳:۱۶۲۴	آن وزیرک ۱:۴۳۷	آن نصیب ۳:۱۱۱۳
آن یکی آمد دَر ۱:۳۰۵۶	آن وصیت‌ها ۴:۲۱۰۸*	آن نصیحت ۳:۳۹۴۳*
آن یکی آمد زمین ۴:۲۳۴۱	آن وظیفه پار ۶:۴۵۵۴	آن نظاره ۶:۸۳۲*
آن یکی آهن‌ربا ۵:۲۱۲۸*	آن وظیفه لطف ۶:۴۷۸۱	آن نظر در بخت ۶:۴۲۹
آن یکی از توست ۶:۴۴۸۲*	آن ولی توست ۵:۹۰۳*	آن نظر که بنگرد ۲:۱۵۵۱
آن یکی از جمع ۲:۲۷۷۶	آن ولی کم ازو ۲:۸۱۹*	آن نظر که ببند ۱:۱۰۸۶*
آن یکی از حقد ۳:۴۷۷۲	آن هزاران حجت ۵:۱۸۱۲	آن نظر که کرد ۶:۲۹۹۳
آن یکی از خشم ۲:۷۷۶	آن هزاران گَر ۳:۸۱۳	آن نظر‌ها که ۴:۶۲۲
آن یکی از رنج ۳:۴۷۷۲*	آن هلال از ۶:۱۲۰۹	آن نکاح زن ۲:۹۵۱
آن یکی اسپی ۶:۱۱۱۸	آن هلال و بدر ۶:۱۲۰۸	آن نکردی ۵:۱۲۵۳*
آن یکی افتاد ۴:۲۵۷	آن هلیله پروریده ۴:۱۸۳۱	آن نگر ۳:۴۲۶۲*
آن یکی الله ۳:۱۸۹	آن هلیله رُسته ۴:۱۸۳۲	آن نماز او ۵:۱۲۶۶
آن یکی اندر بلا ۶:۸۷۶	آن هلیله و آن ۴:۲۳۵۲	آن نماید ۳:۳۹۱۸*
آن یکی با دلق ۴:۱۷۳۹	آن هم از تأثیر ۵:۷۷۲	آن نمکسار ۶:۱۸۵۹
آن یکی بازی ۲:۲۶۴۶	آن هم از دستان ۲:۳۰۸۵*	آن نمک، کز ۱:۲۰۰۴
آن یکی با شمع ۵:۲۸۸۷	آن همان رنج ۳:۲۵۹۱	آن نمی‌بینی ۵:۶۴۲
آن یکی بانگ این ۴:۱۶۲۷	آن همه از بهر ۲:۹۷۳*	آن نمی‌خواهد ۶:۲۱۸۲
آن یکی بانگش ۴:۱۶۲۳	آن همه اندیشه ۱:۱۶۸۴	آن نمی‌دانست ۴:۱۷۳

آن یکی بر پشت ۱۲۶۵:۳	آن یکی دو دست ۲۵۲۲:۶	آن یکی کرباس ۳۰۸۳:۱
آن یکی بس ۲۶۰۹:۳	آن یکی دیگر ۳۶۸۲:۲	آن یکی کرمی ۱۸۷۱:۴
آن یکی بگذشت ۲۰۱۳:۲	آن یکی ذره ۳۷:۶	آن یکی کیش ۳۶۷۲:۲
آن یکی بودش ۳۸۱۵:۵	آن یکی را بهر ۳۷۴۴:۵	آن یکی کف ۲۶۱:۴
آن یکی بیچاره ۱۸۳۴:۶	آن یکی را بیگهان ۳۶۴۷:۵	آن یکی کمپیر ۴۲۳۰:۶
آن یکی پُران ۲۱۱۱:۲	آن یکی را تو ۷۱۸:۲	آن یکی کوچک ۲۳۱۲:۱
آن یکی پُردرد ۴۷۷۰:۳	آن یکی را چون ۲۴۰۶:۲	آن یکی کورم ۲۳۶۱:۳
آن یکی پرسید از ۱۲۶۵:۵	آن یکی را در ۲۱۵۱:۵	آن یکی گستاخ ۳۱۶۵:۵
آن یکی پرسید اُستر ۲۴۴۰:۵	آن یکی را دست ۱۲۶۳:۳	آن یکی گفت: ار ۴۵۲۰:۳
آن یکی تاکبه ۳۵۳۸:۲	آن یکی را روی ۳۱۴:۱	آن یکی گفتا که هر ۲۴۲۲:۶
آن یکی ترکی ۳۶۸۳:۲	آن یکی را سر ۲۴۶۶:۶	آن یکی گفت: اندرین ۱۱۳۲:۶
آن یکی جودش ۲۷۴۹:۱	آن یکی را قبله ۵۸۴:۶	آن یکی گفت: ای عُمَر
آن یکی چشمش ۳۰۴۸:۶	آن یکی را کرده ۲۳۲۳:۶	۱۱۳:۲
آن یکی چون ۱۶۳۶:۴	آن یکی را کف به ۱۲۶۲:۳	آن یکی گفت: ای گروه فن
آن یکی حرص ۱۹۵۸:۳	آن یکی را کف چو ۱۲۶۴:۳	۲۸۲۰:۶
آن یکی خر ۴۱:۱	آن یکی را نام ۳۶۷۳:۲	آن یکی گفت: ای گروه مکر
آن یکی خورشید ۲۱۰۷:۲	آن یکی را نعمت ۲۳۵۵:۱	۲۸۱۸:۶
آن یکی خوش ۳۲۷۵:۴	آن یکی را یار ۱۴۰۶:۳	آن یکی گفت: این به
آن یکی دالش ۱۲۶۷:۳	آن یکی رنجور ۱۲۹۳:۶	۳۶۸۱:۲
آن یکی در پاک ۳۵۳۹:۲	آن یکی رومی ۳۶۸۴:۲	آن یکی گفتش ادب ۳۳۰۵:۲
آن یکی در پی ۲۵۷۱:۳	آن یکی ریگی ۱۰۶۲:۱	آن یکی گفتش که از ۷۷۷:۲
آن یکی در چشم ۶۰۲:۲	آن یکی زاهد ۲۴۰۱:۵	آن یکی گفتش که اندر
آن یکی در خانه‌ی ۲۵۳۸:۵	آن یکی زد ۱۳۸۰:۳	۲۳۳۹:۲
آن یکی در خواب ۴۶۲۸:۶	آن یکی زن ۱۷۵۸:۶	آن یکی گفتش که پینمبر
آن یکی دُرد ۲۶۹۳:۴	آن یکی زیرک تر ۱۵۲۶:۳	۲۷۷۳:۲
آن یکی در ذوق ۳۵۱۳:۳	آن یکی سرسبز ۱۸۰۲:۵	آن یکی گفتش که هَی
آن یکی در عهد ۱۴۵۰:۳	آن یکی شاخ دگر ۲۴۳۸:۶	آن یکی گل ۱۱۴۴:۶
آن یکی در کُنج ۳۴۲۱:۶	آن یکی شاخش ۲۴۳۶:۶	آن یکی گوشش ۲۴۶:۲
آن یکی در مرغزار ۳۰۵۰:۳	آن یکی شاخ که ۲۴۳۵:۶	آن یکی گوید: بُریده ۲۹۲۰:۲
آن یکی در وقت ۲۲۲۱:۴	آن یکی شخصی به ۴۸۷۷:۶	آن یکی گوید: درین ۲۸۴۳:۳
آن یکی درویش ز اطراف	آن یکی شخصی تو ۳۶۷۴:۲	آن یکی گوید: شتر ۲۹۲۱:۲
۳۰۱۴:۶	آن یکی طوطی ۱۶۵۶:۱	آن یکی ماهی که ۲۱۰۹:۲
آن یکی درویش گفت ۶۷۸:۴	آن یکی عاشق ۱۲۴۲:۵	آن یکی، ماهی همی ۳۷۵۲:۱
آن یکی درویش هیزم ۶۸۹:۴	آن یکی غمگین ۴۷۶۶:۳	آن یکی مرد دو مو ۱۳۷۶:۳
آن یکی دستش ۲۶۳:۴	آن یکی قُج ۴۶۷:۶	آن یکی مردی ست ۳۸۳۰:۵

آن یکی مرغی ۲۲۴۵:۴	آن یهودی ۸۰۷:۱	آه و زاری پیش ۱۵۹۷:۵
آن یکی موری ۲۹۵۷:۶	آه آه است ۵۹۶:۱	آهوی لنگیم ۵۷۶:۶
آن یکی می خورد ۲۸۳۴:۵	آه آه و ناله ۱۵۸۳:۳	آهویی را ۸۳۳:۵
آن یکی می دید ۱۴۴۵:۵	آه آهی می کند ۱۶۰۰:۳	آیت اَشْفَقْنَ ۲۰۷:۶
آن یکی می رفت بالای ۳۰۷۷:۵	آه از آن روزی ۱۴۲۶:۵	آیت اَنْسَوْکُمْ ۱۶۷۴:۱
آن یکی می رفت در ۲۷۷۱:۲	آه از آن صفرایان ۱۸۶۵:۲	آیت حمدست ۱۷۶۶:۴
آن یکی می زد سحوری ۸۴۶:۶	آه از آن نقش ۴۱۶:۱	آیتِ محجوبی ۴۴۰:۴
آن یکی می شد ۱۷۲۷:۶	آه از درد ۲۳۹۴:۲	آیتی از روح ۱۹۰:۵
آن یکی می گفت: ای ۲۷۹۷:۳	آه او گوید ۸۳۲:۵	آید آن اِسکنجبین ۱۹:۶
آن یکی می گفت خواهم ۲۳۳۹:۲	آه او می داد ۲۷۷۵:۲	آید آنجا ۲۹۳۱:۶
آن یکی می گفت: خوش ۱۷۶۰:۵	آه را جز ۴۰۰۸:۶	آید آن جُفتش ۲۸۷۳:۳
آن یکی می گفت در ۳۳۶۴:۲	آه، سیری ۱۹۵۹:۳	آید از آنفاسشان ۲۰۴۳:۱
آن یکی می گفت: گردون ۲۸۴۲:۴	آه سوزانش ۴۳۷۸:۳	آید از جانان ۲۷۲۶:۳
آن یکی می گفت: من ۱۱۱۹:۵	آه کردم، چون ۲۳۱۱:۵	آید از خواجه ۱۴۹۴:۲
آن یکی می گفت: هَی ۱۸۷۰:۵	آه کز یاد ۲۱۹۲:۱	آید از دریا ۳۶۲۴:۵
آن یکی می گیر ۴۰۳:۵	آه کز یاران ۲۱۸۰:۲	آید اندر سینه ۳۶۷۶:۵
آن یکی نایی ۷۶۹:۴	آه که چون ۱۸۴۸:۲	آیدت از هر ۹۲۳:۴
آن یکی نحوی ۲۸۳۵:۱	آه، گر داد ۲۵۶۴:۴	آیدت زان ۱۶۶:۴
آن یکی نسبت ۳۰۹۶:۴	آه می کردم ۲۴۶۸:۲	آید و ریزد ۱۴۶:۳
آن یکی نوری ۲۱۰۸:۲	آه می کرد و نبودش ۳۲۳۹:۱	آید و گیرد ۲۷۷۴:۶
آن یکی واعظ ۸۱:۴	آهن آن را ۳۱۰۳:۳	آید و منعمش ۱۹۸۵:۴
آن یکی وافی ۱۰۴۵:۵	آهن ارچه ۲۴۷۱:۴	آيسان را ۲۲۸۰:۶
آن یکی و همی ۳۷۲۴:۳	آهن از داود ۷۰۳:۳	آینه آوردت ۳۱۹۹:۱
آن یکی همراه ۱۴۶:۳	آهن اندر دست بافش ۹۱۵:۲	آینه آهن ۹۵:۲
آن یکی یاران ۱۰۴۶:۵	آهن اندر دست تو ۲۴۹۸:۳	آینه‌ات، دانی ۳۴:۱
آن یکی یاری ۳۴۹۴:۳	آهن سردی ست ۳۶۲۳:۴	آینه بیرون ۳۲۰۰:۱
آن یکی ز آن ۲۰۳۴:۶	آهنش را ۳۳۸۱:۲	آینه بی نقش ۲۶۶۶:۵
آن یکی یک ۳۳۰۳:۲	آهن و سنگ از ۳۵۷۹:۶	آینه تاند ۳۵۰۵:۵
آن یکی نه ۲۶۸۳:۶	آهن و سنگ است ۷۷۳:۱	آینه تو جست ۳۵۴۵:۱
آن یکی یوسف ۲۱۱۰:۲	آهن و سنگ ستم ۸۴۱:۱	آینه جان ۹۶:۲
آن یتابیع ۱۰۱۶:۶	آهنی بر سنگ ۸۸۴:۳	آینه خالص ۱۳۱۵:۲
	آهنی کآینه ۲۴۷۸:۴	آینه خوبی ۳۲۰۴:۱
	آهواز وحشت ۸۳۵:۵	آینه در پیش ۳۱۵۵:۱
	آه و افغان ۴۳۱:۲	آینه دل، چون ۷۲:۲
	آهوانه در ۲۴۷۳:۵	آینه دل را ۳۴۸۸:۱

آینه دل صاف ۲:۲۰۶۳	ابر را گوید ۵:۲۱۹	ابلهی باشد ۴:۵۷۸*
آینه روشن ۳:۱۴۰۴	ابر را می‌کش ۳:۱۴۵۸*	ابلهی دان ۶:۳۴۲*
آینه سیمای ۲:۹۵	ابر را هم ۶:۹۳۲	ابلهی شو ۴:۱۴۲۱*
آینه صافی ۱:۳۲۰۳	ابر رحمت ۳:۳۲۱۸*	ابلهی صیاد ۱:۴۱۸
آینه، غماز ۱:۳۳	اُبْرُکی یا ناقتی تَم ۳:۳۸۰۱*	ابلهی فریاد ۴:۲۳۴۱*
آینه کلّی ۲:۱۰۰	اُبْرُکی یا ناقتی طاب ۶:۳۱۱۱	ابلهی کو ۴:۱۴۲۲*
آینه، کو عیب ۴:۳۸۵۴	ابر گردون ۳:۳۱۴۷*	ابلهی نه ۴:۱۴۲۲
آینه نَبود ۴:۳۸۵۵	ابر گرید ۶:۱۵۷۹*	ابلهی، وز عاقلان ۴:۱۲۴*
آینه و میزان کجا بندد ۱:۳۵۴۶	ابر ما را ۵:۶۹۰	ابنِ عَمٍ من ۶:۴۵۳۹*
آینه و میزان کجا گوید	ابر موسی ۱:۳۷۳۵	ابنِ کَس نی ۳:۱۴۳۴*
۳۵۴۵:۱*	ابر می‌بارید ۲:۳۸۰۷	اتحاد از روی ۴:۴۲۱۱*
آینه و میزان، مسح‌های	ابر می‌غُرید ۵:۱۶۰۹*	اتحاد انبیا ۶:۲۴۴۷*
۳۵۴۷:۱	ابروان بر چشم ۱:۲۰۷۵*	اتحاد هر دو ۴:۵۴۶*
آینه و میزان و آنکه ۱:۳۵۴۹*	ابروان چون ۲:۱۲۲۳	اتحاد یار ۱:۶۸۲
آینه هر مستحق ۶:۱۵۱۲*	ابر و خورشید ۴:۲۸۲۳	اتحادی شد ۲:۳۷۰۳*
آینه هستی ۱:۳۲۰۱	ابروی ۶:۱۶۴۵*	اتصالاتی ۳:۱۹۹۳
	ابرها گندم ۱:۳۷۳۴	اتصالی بی ۴:۷۶۰
الف	ابرها هم ۳:۲۱۰۷*	اتصالی که ۵:۸۸۰
ائتلاف خرقه ۵:۷۸۸*	ابره با ۶:۴۳۷۵	اتفاقاً اندر آن ایام ۶:۴۲۶۴
ائتیا طوعاً بهار ۳:۴۴۷۲*	أبشروا یا ۶:۱۰۹۷	اتفاقاً اندر آن شب‌های
ائتیا طوعاً صفا ۳:۴۵۹۰*	ابفض الاشياء ۲:۱۷۵۲*	۴۲۵۶:۶
ائتیا کرهاً مقلد ۳:۴۵۹۰	ایک لی قَبْل ۶:۵۳۹	اتفاقاً دختر ۴:۱۹۲*
ائتیا کرهاً مهار ۳:۴۴۷۲	ایک لی یا ۶:۵۳۷	اتفاقاً شاه ۱:۳۷
ابتدای کبر و کین ۲:۳۴۵۸	إِئْلَمی یا ۳:۳۸۰۲	اتفاق افتد ۳:۱۲۱۸
ابتلاام ۶:۲۱۲	ابله است ۳:۳۶۲۶*	اتفاقی نیست ۳:۳۹۴۰
ابتلا رنجی ست ۳:۲۵۹۳	ابلهان، از ۶:۲۳۷۴*	إِتَّقِ مِنْ شَرِّ ۳:۲۶۳*
ابجد و هَوَز ۱:۲۷۲۸	ابلهان تعظیم ۲:۳۱۰۹	إِتَّقُوا إِنْ الْهَوَىٰ ۶:۲۹۳۵*
ابر بر ناید ۱:۸۸	ابلهان سازیده‌اند ۴:۳۴۹۳*	إِجْتَذِبْ رُوحی ۳:۳۸۴۰*
ابر پُر آتش ۵:۱۶۰۸*	ابلهانش ۱:۲۵۰۷	اجتهاد گرم ۴:۳۶۳۵
ابر تاب ۵:۱۰۸۱*	ابلهان گفتند مجنون ۵:۳۲۸۶	اجتهادی ۵:۳۵۲۷
ابر تن ۵:۶۸۷*	ابلهان گفتند مردی ۱:۲۵۰۸	أَجْعَلِ الْخَضِرَ ۳:۱۹۶۹
ابر را راند ۳:۱۴۵۹*	ابلهان گویند ۲:۳۶۰۷	إِحْتِشَامِ او ۵:۱۰۶۰*
ابر را سایه ۵:۶۸۳	ابلهانند ۴:۱۴۲۳	احتمأ اصل ۱:۲۹۱۱
ابر را گر ۵:۳۶۹۷	ابله طَرَار ۳:۲۳۱۱*	إِحْتِمَاكِن، إِحْتِمَا ۱:۲۹۰۹
ابر را گفته ۶:۴۸۱۳	ابلهی آوردت ۳:۳۸۷۹*	إِحْتِمَاكِن قوّه ۱:۲۹۱۱*

احتمال ۳۰۳۲:۵	احتمقم گیر ۴۳۳۴:۶	اختلاف مؤمن ۱۲۵۸:۳
احتماها ۲۹۱۰:۱	احمقی ام ۳۲۰۰:۲	اختیار آمد ۳۲۸۷:۳
احتیاج خود ۳۷۴۷:۶	احمقی او ۲۲۸۰:۴	اختیار آن را ۶۴۹:۵
احتیاطش کرد ۵۱۶:۲	احمقی باشد ۲۴۲۹:۵	اختیارات ۳۰۸۷:۵
احتیاطش لازم ۱۷۱۳:۲	احمقی رنجی ست ۲۵۹۳:۳	اختیار اندر ۲۹۷۵:۵
احتیاطی کرده ۱۰۴۰:۳	أَحْمَقُ لَانَهُ ۲۰۳۶:۶	اختیار این ۲۹۸۷:۵
احتیاطی کن ۳۴۸۹:۳	أَحْوَلُ دَوِیْن ۳۲۳۱:۶	اختیارات خود ۴۱۰۷:۵
اِحْذَرُوهُمْ ۲۴۰:۵	احول دَه بینی ۳۲۳۱:۶	اختیارات را ۲۰۸۱:۳
احسن التقویم، از عرش او	احولی از ۲۲۶۵:۶	اختیارات کرد ۱۸۸:۱
۱۰۰۶:۶	احولی بگذار ۳۲۹:۱	اختیارات نیست ۳۰۷۳:۵
احسن التقویم، از فکرت	احولی چون ۳۱۲:۲	اختیارات هست ۳۱۰۴:۵
۱۰۰۶:۶	احولی ها ۸۲۶:۲	اختیار جنگ ۳۰۷۲:۵
احسن التقویم در ۱۰۰۵:۶	أَخْ أَخَى ۲۰۸۶:۴	اختیار خفته ۲۹۸۱:۵
اَحْفَظُوا اَیْمَانَكُمْ ۲۱۳۹:۲	اختران اند ۷۵۴:۱	اختیار خویش ۱۳۹۴:۴
احمد آخر ۲۵۸۵:۴	اختران با ۴۲۳۲:۵	اختیار خیر ۲۹۸۵:۵
احمد، اینجا ۲۰۷۹:۲	اختران بسیار ۳۰۴۱:۶	اختیارست ۳۰۸۶:۵
احمد، چون ۴۶۷۱:۶	اختران چرخ ۹۲۱:۶	اختیارش اختیار ۳۰۸۸:۵
احمد، خود ۳۵۳:۲	اختران چشم ۹۲۲:۶	اختیارش چون ۳۰۸۷:۵
احمد، دیدی ۲۰۷۰:۲	اختران در ۲۹۸۸:۶	اختیارش را ۳۰۹۱:۵
احمد اربگشاید ۳۸۰۰:۴	اختراندر ۳۶۵۵:۱	اختیارش زید ۳۰۹۲:۵
احمد کم ۳۹۴۱:۵	اختران را ۲۹۹۰:۶	اختیار و جبرایشان ۱۴۶۸:۱
احمد، نزد ۲۰۷۶:۲	اختران ز آن سان ۱۸۸۶:۳	اختیار و جبر در ۱۴۷۳:۱
احمد، ورثه ۲۲۹۴:۲	اختران، هر یک همه	اختیار و داعیه ۲۹۷۶:۵
احمد چون ۵۰۰:۵	۲۹۲۶:۱	اختیاری را ۴۰۳:۴
احمد، درمانده ۴۰۶:۳	اختران هستند ۳۳۲۹:۶	اختیاری کرده بی ۳۰۶۹:۵
احمد و بوجهل، خود	اختران هم ۹۲۰:۶	اختیاری می‌کنی ۲۰۸۲:۳
۱۰۱۹:۱	اخترانی ۱۲۷۹:۱	اختیاری نبود ۶۲۵:۵
احمد و بوجهل در بتخانه	اخترت گوید ۱۷۲۵:۶	اختیاری نیست ۳۰۱۹:۵
۸۱۶:۴	اختر حق ۵۱۵:۴	اختیاری هست در ظلم
احمق ار حلوا ۱۹۵۱:۴	اخترگردون ۵۱۵:۴	۲۹۷۴:۵
احمقان را ۳۴۹۲:۴	اختری بودی ۳۴۲۲:۴	اختیاری هست در ما ۳۰۰۵:۵
احمقان سرور ۱۴۵۲:۴	اختلاط جانها ۲۵۷۷:۱	اختیاری هست ما را ۲۹۶۷:۵
احمقانه از سنان ۱۶۸۳:۵	اختلاف از ۱۲۶۸:۳	اِحْسِنُوا آید ۱۷۰:۳
احمقانه در فتاد ۳۹۱۹:۳	اختلاف خلق ۳۶۸۰:۲	اِحْسُوا بر ۲۰۰۶:۲
احمق ست و مرده ۱۸۶۸:۴	اختلاف عقلها ۱۵۳۹:۳	اخگر از حرص ۱۱۲۴:۴

از خگر از رنگِ ۴: ۱۱۲۲*	از امیران کیست ۱: ۶۶۸*	از برای جُستنِ ۲: ۳۶۶۵*
اَدْخُلُوا الْاَبْيَاتَ مِنْ اَبْوَابِهَا	از انا چون ۵: ۴۱۴۰*	از برای چارهٔ ۱: ۳۳۹۱*
۱۶۲۸:۱	از انار ۵: ۲۵۵۲*	از برای چشمِ بد ۵: ۳۴۵۰*
اَدْخُلُوا الْاَيَّاتَ مِنْ اَبْوَابِهَا	از آنایِ پُر ۵: ۴۱۳۰*	از برای چشمِ تیز ۶: ۱۶۶۱*
۳۳۲۷:۴	از انایی ۵: ۴۱۳۸*	از برایِ حج ۲: ۲۲۱۸*
اَدْخُلُوا الْاَوْطَانَ مِنْ اَبْوَابِهَا	از آنسِ فرزند ۳: ۳۱۱۰*	از برایِ حُرْمَتِ ۴: ۴۸۹*
۱۴۶۶:۳	از اویس ۴: ۱۸۲۹*	از برای حفظِ گنجینه ۳: ۱۱۳۳*
اَدْخُلِي تُو ۴: ۳۴۱۸*	از ایاز این ۵: ۱۸۷۹*	از برایِ حفظ و یاری ۶: ۴۹۱*
اَدْخُلِي فِي ۴: ۳۴۱۸*	از بُتان و از ۳: ۴۴۸۶*	از برای حق، شمایید ۴: ۲۶۶۲*
اَذْكُرُوا اَذْكُرْكُمْ ۵: ۱۱۸۲*	از بُتِ نفسش ۱: ۷۷۱*	از برای حقِ صحبت ۱: ۱۲۶*
اَذْكُرُوا اللَّهَ شاه ۲: ۱۷۱۵*	از بُخارِ آن ۶: ۴۸۹۸*	از برای حکمتی ۶: ۴۱۹۳*
اذکروا الله کار ۴: ۳۰۷۲*	از بخارا یافت ۳: ۳۸۶۳*	از برایِ خاطرِ ۴: ۳۸۵۴*
اَذْنُ مُؤْمِن ۴: ۳۰۳۶*	از بخارست ابر ۵: ۳۹۸۱*	از برای خدمت ۱: ۷۷*
اِذْهَبُوا اَنَّى ۳: ۴۰۴۱*	از بخار و گردِ ۱: ۲۲۹۶*	از برایِ خنده ۶: ۱۶۹۱*
إِرْجِعِي بِر ۴: ۳۰۷۲*	از بدن ناشی ۶: ۱۶۲۵*	از برایِ خوانِ ۵: ۱۷۵۴*
ارجعی بشنود ۵: ۱۲۶۲*	از بد و نیکی ۶: ۳۹۵۶*	از برایِ خویش ۱: ۱۳۱۱*
ارزد این ۳: ۱۵۸۸*	از بدی چون ۴: ۲۴۶۴*	از برای دفعِ تهمت ۴: ۳۰۴۴*
ارزشان از ۵: ۳۷۱۴*	از بر او سوی ۳: ۵۰۲*	از برایِ دفعِ حاجات
ارمغان، بهرِ ۱: ۳۱۷۸*	از برای آب ۱: ۲۵۱۰*	۳: ۳۲۰۹*
ارمغان دادند ۵: ۳۷۴۱*	از برای آزمون ۳: ۳۹۳۲*	از برایِ دلبر ۳: ۵۴۱*
ارمغان کو ۱: ۳۱۷۲*	از برای آن ایاز ۵: ۱۹۸۹*	از برای دیدنش ۳: ۱۲۶۰*
ارمغانی در نظر ۱: ۳۱۹۳*	از برای آن دلِ ۵: ۸۸۸*	از برای دیدهٔ ۱: ۲۳۸۳*
ارمغانی روزِ ۱: ۳۱۷۴*	از برای ابتلا و ۵: ۶۲۴*	از برای رَشکِ ۶: ۱۰۴۱*
از ادب پُر ۱: ۹۱*	از برای ابتلايِ ۵: ۱۵۵۶*	از برایِ رویِ پوش ۵: ۲۷۹۲*
از ادب نبود ۱: ۱۲۲۲*	از برای التماس ۲: ۴۵۷*	از برای زرگرِ ۱: ۱۸۶*
از ازل آن ۶: ۱۸۵۹*	از برای امتحان آن ۵: ۲۴۰۳*	از برایِ سایه ۵: ۳۲۲۰*
از اسیر ۵: ۳۷۶۳*	از برای امتحان، خوار ۳: ۸۲*	از برای شاه ۲: ۱۵۷۷*
از اشارت‌ها دلِ ۶: ۲۸۸۸*	از برای انبیا ۲: ۷۸۶*	از برایِ طَهْرِ ۵: ۱۶۳۷*
از اشارت‌های ۴: ۲۰۶۳*	از برایِ این شکم‌خواران	از برایِ عام ۴: ۳۷۷۶*
از اُصُولِینت ۳: ۲۶۵۶*	۵: ۲۸۴۸*	از برایِ عرضه ۱: ۱۲۱۰*
از اَلْمِ نَشْرَحِ ۶: ۲۸۶۳*	از برایِ این قَدْر ۶: ۲۵۴۶*	از برای غصهٔ نان ۵: ۲۸۴۴*
از الوهیت ۵: ۵۱۹*	از برایِ بندگانِ ۱: ۳۱۴۱*	از برایِ غصه و، قهرِ ۳: ۳۶۲۳*
از امیدش ۲: ۱۶۸۷*	از برایِ پختگی ۴: ۱۰۸۴*	از برای فایده ۱: ۱۵۱۹*
از امیدِ عود ۶: ۲۳۹۱*	از برایِ پخته ۱: ۳۷۳۶*	از برایِ کَشم ۵: ۲۰۵۳*
از امیران خُفیه ۲: ۹۹۰*	از برایِ توسل ۱: ۲۴۰۰*	از برایِ گوش ۱: ۲۳۸۴*

از برای لشکر ۲۰۳۰:۴*	از بَطَر خوردند ۳۳۲۱:۱*	از پسِ آن محو ۲۰۶۹:۳
از برای لطف ۲۶۳۲:۲	از بغل او ۷۰۰:۱	از پسِ آینه عقل ۱۴۳۸:۵
از برای لقمه‌ای ۱۹۶۲:۱	از بقیه خور ۴۰۸۳:۶	از پسِ آینه می‌آموزدش ۱۴۳۴:۵
از برای مزدگانی ۲۹۲۲:۲	از بلا بگریختی ۳۸۷۹:۳	از پسِ پشتِ دَقوقی ۲۲۸۳:۳*
از برای مشتری ۱۴۶۰:۵	از بلال او ۱۱۱۲:۶	از پسِ در ۲۶۰۹:۲
از برای مصلحت ۱۴۹۷:۲	از بلا و فقر و از رنج ۱۷۶۷:۶*	از پسِ ده سال، او ۳۶۸۸:۳
از برای مونسِ‌اش ۳۷۵۳:۶*	از بلا و فقر و خوف ۳۸۹۳:۶*	از پسِ ده سال بلکه ۳۳۹۹:۴
از بر حق، بهر ۲۷۸۰:۱*	از بلایِ نفسِ ۳۲۸۳:۳*	از پسِ صد سال ۲۰۲۵:۶
از بر حق می‌رسد ۱۳۶۷:۱	از بلیس او ۲۱۶۴:۴	از پسِ ظلمت ۲۹۲۵:۳*
از بَرَم ای ۳۵۹۴:۲*	از بُن دندان برویاند ۲۸۱۴:۴	از پسِ کَلّا ۴۱۲۲:۳*
از برون آدم، درون ۳۱۵۸:۲*	از بُن دندان بگفتش ۲۷۶۵:۲	از پسِ گربه ۷۵۹:۳
از برون، آوازشان ۱۵۴۳:۱	از بُن دندان در ۴۶۸۹:۶*	از پسِ هر پرده ۸۲۲:۲
از برون، بر ظاهرش ۱۳۶:۳	از بُن دندان کُمن ۳۰۷۱:۲*	از پشیمانی ۳۵۱۴:۶*
از برون پیرست ۳۱۰۱:۲	از بُن طشت ۳۶۱۶:۵*	از پُف و دَم‌هایِ ۲۸:۴*
از برونِ جامه کن ۲۷۷۰:۱*	از بهاران ۱۹۱۱:۱	از پَگه، تا جانبِ ۸۶۷:۳*
از برون جوید ۳۳۶۱:۲*	از بهاری خار ۱۱۱۰:۳*	از پَگه حَمال ۴۴۹۰:۶
از برون حسّ ۳۴۳۲:۳	از بهاری صد هزار ۳۳:۲*	از پناه حق ۳۷۱۱:۳
از برون حوض ۱۱۹۸:۶	از بهانه شاخ ۳۲۶:۴*	از پنیر و قُسْتُق ۳۰۰۱:۶*
از برون خون ۱۴۷۰:۱*	از بهشت آورد ۲۵۶۹:۱	از پیِ آب، او ۱۱۹۳:۲*
از برون دان ۳۱۴۵:۶	از بهشت است این ۳۴۵۶:۶*	از پیِ آنکه ۱۱۶۷:۳
از برون درگلشنی ۳۵۵۱:۳*	از بهشت انداختش ۲۷۰۹:۲	از پیِ آن گفت حق، خود را بصیر ۲۱۵:۴
از برون زنجیر ۸۲:۵	از بهشتش سُخره ۲۸۴۹:۳*	از پیِ آن گفت حق، خود را سمیع ۲۱۶:۴
از برون شهر، آن ۳۶۰۹:۲	از بهیمه ۲۰۴:۲*	از پیِ آن گفت حق، خود را علیم ۲۱۷:۴
از برون شهر، او ۳۶۰۸:۲*	از بیانِ حالِ ۱۸۲۸:۱*	از پیِ اِدبارِ ۳۴۳۵:۴*
از برونِ مشرق است ۳۷۶۰:۲*	از پدر آموزای ۱۳۸۹:۴	از پیاز و سیر ۱۶۷:۳*
از برون نشید ۳۰۶:۶*	از پدر آموز، کادم ۳۲۴:۴	از پیاز و گندنا ۱۸۰۱:۵
از بَرِ وی تا ۴۸۷:۲*	از پدر او ۳۷۲۶:۵	از پیِ استیزه ۲۸۵:۱*
از برهنه کردن ۲۳۴۸:۱*	از پدر چون ۲۷۵۱:۶	از پی‌اش آمد ۱۲۹۹:۵*
از برهنه کی ۲۳۹۷:۲*	از پدر و ز مادر ۵۱۱:۲	از پیِ اظهار ۲۶۷۳:۱
از بُردن عاجزی ۳۴۹۰:۵*	از پدر یابید ۴۸۵۴:۶	از پیِ الصَّبَرِ ۲۱۴۸:۶*
از بزرگی ۸۷۸:۴	از پَر تو ۵۴۰:۵*	از پیام اندر ۴۱۵:۳
از بسیط ۱۷۲۶:۱*	از پری کی ۲۱۱۷:۴*	
از بشر بگرفت ۱۴۳۶:۵	از پُری میوه ۲۶۶۰:۳*	
از بشر جز ۱۴۳۶:۵*	از پسِ آن پرده ۳۲۸۲:۵*	
از بصیرت ۱۲۹۰:۵*	از پسِ آن سال‌ها ۱۸۴۹:۴	

از بی او ۷۸۴:۲*	از بی هم‌شان ۲۶۷۷:۶*	از تو بود آن ۲۶۶۳:۲
از بی این عاقلان ۲۶۴۳:۳	از بی هیضه ۲۸۲۹:۵*	از تو تهدید ۲۴۶۵:۲
از بی این عیش ۲۲۱۸:۱	از بی هیکل ۱۲۱:۵	از تو جان‌گنده‌ست ۱۰۱۵:۲*
از بی این گنج ۲۲۸۸:۶*	از تبار و خویش ۳۵۲۸:۳*	از تو جانم ۲۷۶:۵
از بی پیغمبر ۲۷۶۶:۲*	از تب و قولنج ۱۶۹۷:۵*	از تو جمله ۱۸۷۱:۲*
از بی تأخیر ۱۸۴۴:۶*	از تجبیر ۴۸۴۶:۶*	از تو چیزی در نهان ۱۵۰۵:۲*
از بی تدبیر ۳۶۳۱:۶*	از تجلی ۲۴۴۲:۲*	از تو چیزی فوت ۵۵۵:۶*
از بی تعبیر ۸۳۳:۶*	از تحیر ۳۱۷۷:۳*	از تو خواهم ۵۴۷:۲
از بی تعلیم آن ۳۳۱۷:۲	از ترازو کم کنی ۱۹۰۰:۴	از تو دارد آرزو ۴۲۲۱:۶*
از بی تعلیم، او ۱۳۰۵:۴*	از ترازو و آینه ۳۵۸۳:۱*	از تو دارند ای ۳۶۱۰:۳*
از بی تقلید ۲۵۶۷:۱	از تُرُش رُویی ۴۱۴:۲*	از تو دارند و، سخاوت
از بی تکمیل ۴۴۱۹:۳*	از ترهب نهی کرده ۴۷۹:۶	۴۰۹۰:۵*
از بی تنزیه ۶۰:۲*	از ترهب، وز شدن ۲۶۲۰:۶*	از تو داهی تر ۲۹۴۷:۱*
از بی تو در ۴۴۱۴:۶*	از تشنج ۱۲۲۴:۲	از تو رُسته‌ست ۳۴۴۳:۳
از بی توزیع ۳۲۴۹:۶	از تصاریف ۲۵۹۸:۱*	از تو رُو اندر ۴۰۹۷:۶*
از بی روپوش عامه ۱۸۵۳:۴	از تعجب ۹۶۶:۱*	از تو سازد شه ۳۲۹۱:۴*
از بی روپوش می‌گفت ۱۳۴۹:۵	از تف خورشید ۲۶۱۷:۴*	از تو عالم ۳۶:۵
از بی سوراخ ۲۲۲۷:۴	از تقاضای تومی‌گردد ۴۲۱۵:۵*	از تو کل در سبب ۹۱۴:۱*
از بی شادی ۳۴۷۸:۱*	از تقاضای مُکافی ۱۵۰۲:۶*	از تو ما را سرد ۸۷۵:۲*
از بی صافی ۱۶۰۰:۶*	از تکبر جمله ۲۰۳۳:۴	از تو ما، صدگون ۲۴۹۴:۳*
از بی صورت ۳۰۰۰:۶*	از تکبر می‌رود ۱۸۵۳:۱*	از تو من اومید ۲۳۹۵:۱*
از بی طاق ۱۱۰۴:۲	از تکبر نی ۱۲۱۱:۱	از تو می‌خواهند ۶۴۵:۲
از بی طومارهای ۷۳۶:۱*	از تگ دریا غباری ۹۵۵:۵*	از تو می‌دزدیدی ۳۰۰۲:۲
از بی فرزند ۷۷:۳	از تگ دریا چه دُر ۹۳۹:۲*	از تو نوشند ۳۰۸:۵
از بی کامی ۷۶۲:۵*	از تن بی جان ۱۸۰۱:۱*	از تو هم بجهد ۳۶۹۹:۳*
از بی گندم ۴۳۱:۳	از تنش صد ۹۶۶:۶	از تو هم‌ها و ۱۷۲۴:۳*
از بی مدلول ۵۷۰:۵*	از تنور ۳۹۴۹:۶*	از تیمم ۲۲۷:۵
از بی مردم‌زبایی ۲۱۲۴:۵	از تو آید ۱۸۶۹:۱*	از ثریا ۱۲۱۹:۴
از بی من ۲۴۲۱:۳*	از تواضع ۴۶۱:۳	از ثمار باغ ۳۲۹۷:۲*
از بی نظاره ۳۹۵۰:۱	از توأم تهدید ۱۳۹۲:۶*	از جدایی باز ۳۱۷:۴
از بی نفرین ۲۲۸۳:۲*	از توای بی نقش ۵۷:۲	از جدایی‌ها ۱:۱*
از بی نقصان ۴۳۲۰:۶*	از توای سرد ۲۰۴۲:۲*	از جری‌ام آیدش ۱۷۱۸:۴*
از بی هر آدمی ۲۶۰۶:۵	از تو این آید ۲۷۸۶:۲*	از جز آن، جان ۱۹۵۵:۴*
از بی هر درد ۶۸۴:۲*	از تو بُد ۴۱۰۶:۵*	از جز تو ۱۴۳۵:۶
از بی هر مُشکلش ۳۵۲۹:۲*	از تو بر من ۳۷۵۹:۱	از جز حق ۱۶۹۴:۶*

از چه گردی ۵: ۲۶۶۲*	۳: ۲۶۵۸*	از جَزَر، وز سیب ۵: ۲۴۸۷
از چه گریی ۶: ۱۳۸۹	از چپ و از راست می‌جست	از جفایِ آن ۱: ۱۷۷۳*
از چه گشتست ۴: ۳۵۳۷*	۴: ۲۲۷۹	از جماد و از ۳: ۳۵۶۲*
از چه گیرد ۶: ۲۵۷۰*	از چنو شاعر ۴: ۱۱۵۹	از جَمادی بُرشد ۳: ۴۱۸۹*
از چه محفوظست ۴: ۱۸۵۱*	از چنین جانی ۲: ۱۱۸۶*	از جمادی بیخبر ۵: ۸۰۰
از چه مُنکِر ۶: ۳۴۴۴*	از چنین خوش ۳: ۳۷۶۹*	از جمادی، جان ۵: ۱۱۴۳*
از چه می‌پرسی ۲: ۲۴۰۲*	از چنین شُست ۴: ۲۳۵۵*	از جمادی چونکه ۴: ۸۹۶
از چه می‌جوشد؟ ۱: ۱۲۱۸*	از چنین ظالم ۲: ۲۲۰۷*	از جمادی عالم ۳: ۱۰۲۱
از چه نام ۶: ۱۳۷۸	از چنین عذر ۵: ۳۰۶۴	از جمادی مُردم ۳: ۳۹۰۱
از چَه و جَوَر ۶: ۲۷۸۸*	از چنین ماران ۶: ۲۱۵۰*	از جمادی هم ۵: ۳۲۷۳*
از چَهی بنموده ۵: ۳۸۷۱	از چنین محسن ۳: ۲۹۲۳	از جماعت گم شدی ۶: ۳۰۴۹*
از چی است این ۶: ۴۳۸۱*	از چو ما بیچارگان ۲: ۲۴۴۶	از جمال ۲: ۶۸۰*
از حجاب ۵: ۶۸۶	از چو من لاغر ۲: ۲۳۵۹*	از جنابِ حق ۶: ۱۸۴۶*
از حجامت ۲: ۱۸۳۲	از چه آخر ۲: ۳۰۴۹*	از جَنابِ من بُردی ۶: ۳۸۳۶*
از حُجُب چون ۶: ۱۹۲۰	از چه آمد ۶: ۱۶۰۸*	از جنوب و از ۳: ۵۷
از حَدَث شُستم ۴: ۲۲۲۰	از چه؟ از اِنَا ۶: ۴۲*	از جنون خود ۲: ۲۳۴۶
از حُدُوث ۳: ۴۵۴۴	از چه؟ از زهر ۵: ۱۶۳۱*	از جنون می‌کُشت ۳: ۹۶۳
از حدیث این ۳: ۶۸۳	از چه افکندی؟ ۱: ۳۷۲۷*	از جوابِ نامه ۶: ۲۵۵۶*
از حدیثِ پستِ ۶: ۱۲۴۲*	از چه ای کل ۱: ۲۶۱	از جوارِ نفس ۵: ۷۳۷*
از حدیث شیخ ۲: ۳۶۹۹	از چه بس بی‌پاسخ ۴: ۳۴۸۲	از جوالش ۵: ۱۵۱۷
از حدیثِ نو ۴: ۲۴۷۰*	از چه بسته گشت ۳: ۳۸۱۹*	از جوانمردی ۲: ۳۷۶*
از حَرَجِ راهی ست ۳: ۱۱۲۲*	از چه بود این ۲: ۴۱۰*	از جهاتِ شش ۱: ۲۴۸۵*
از حروفِ مُصَحَّف ۳: ۱۳۹۷*	از چه تاریک ۴: ۱۷۶۵	از جهاز ۶: ۴۳۸۲
از حریصی عاقبت ۲: ۱۵۴۷	از چه حَیران ۲: ۳۴۴۵*	از جهالت زهریابی ۲: ۲۴۵۷*
از حریصی کم ۵: ۶۱۰	از چه دادندت ۲: ۳۴۹۳*	از جهالت قلب ۳: ۵۵۶*
از حریصی وز هوای ۵: ۱۴۵۷	از چه داری بر ۵: ۱۹۸۰*	از جهانِ او ۴: ۵۶۰*
از حَریصی هیچ کس	از چه در دهلیز ۵: ۱۷۶	از جهان دو بانگ ۴: ۱۶۲۲
۵: ۲۳۹۸*	از چه رُو، رُو راکنم ۳: ۱۸۱۹*	از جهانِ زندگی ۳: ۳۹۴۶*
از حسد بر ۲: ۱۴۰۷	از چه رو فایده ۴: ۲۹۹۷	از جهانِ کهنه ۶: ۱۰۹۵*
از حسد تا ۵: ۱۲۰۹*	از چه رَه آمد ۴: ۳۶۹۱*	از جهانِ مرگ ۵: ۱۱۴۷
از حسد جوشان ۲: ۱۵۷۰	از چه ره می‌آید ۴: ۳۶۹۰	از جهانی کاتش ۱: ۷۸۹*
از حسد خویشان ۵: ۱۲۰۲*	از چه؟ ز آن رُو ۲: ۳۳۲۷*	از جهت‌های ۲: ۱۰۷۱*
از حسد دو ضَرّه ۵: ۱۲۰۸*	از چه زار ۵: ۲۳۷۲*	از جُهود و از جُهودی ۱: ۳۵۹
از حسدشان خُفیه ۲: ۳۰۶۴*	از چه قارون را ۴: ۲۴۱۷*	از جُهود و مشرک ۶: ۱۸۶۲
از حسد قولنجش ۴: ۲۶۷۸*	از چه قِیطی ۴: ۲۴۱۵*	از چپ و، از راست از

از حسد می خواست ۸۰۷:۲	از خدا لایه ۱۵۰:۴	از خمیری ۴۷۱۸:۶
از حسد میرد ۴۱۳:۴*	از خدا می خواست ۱۸۴۱:۶*	از خود ای ۱۲۸۹:۱
از حسودی نیز ۱۲۱۹:۵*	از خدا می خواه تا ۴۲۰۹:۳	از خود و از ریشی ۲۰۲۰:۶*
از حَشَم هر ۳۸۹۳:۶	از خدا می خواه دفع ۲۶۸۱:۴	از خورش او ۱۷۵۷:۳
از حشیش ۵۲۰:۳*	از خدا یابی ۱۹۲۸:۲	از خوش آوازی ۴۲۲۸:۶*
از حضور اولیا ۲۱۶۴:۲	از خرابی خانه ۲۵۴۱:۴*	از خوشی آن ۱۲۴۱:۴*
از حضور نور ۲۴۶۰:۲	از خراج ار جمع ۶۷۱:۴	از خوشی که ۱۵۱۶:۲
از حطب بشناس ۱۱۰۰:۵	از خراج اومید ۱۸۹۲:۵*	از خیال آن ۳۲۳:۵
از حقارت ۳۸۹۳:۱*	از خرد غافل ۳۶۸۱:۴	از خیالات نَماست ۳۲۲۷:۴*
از حق انّ الظنّ ۳۴۴۲:۱	از خر عیسی ۱۶۱:۶	از خیال بد ۶۱۰:۲
از حقایق راه ۱۰۴:۲*	از خری او را ۲۴۳۴:۵	از خیال حرب ۳۹۱۶:۵
از حکایت گیر ۳۶۱۵:۲*	از خری او نباشد ۲۵۷۷:۵*	از خیال خویشتن ۳۱۴۸:۶*
از حکایت های ۱۶۹۰:۶	از خری باشد ۳۶۸۱:۶	از خیال دشمن ۳۹۱۳:۵
از حکیم غزنوی ۳۷۴۹:۳*	از خریداران خود ۴۵۵۲:۶*	از خیال رُوش ۳۸۳۷:۴*
از حلاوت ها ۱۵۶۸:۱	از خریداران فراغت ۱۱۱۸:۵*	از خیال زشت ۲۶۴۲:۵
از حلیمه ۹۸۳:۴*	از خزانه حق ۲۹۵۴:۲*	از خیال سیم ۲۲۷۸:۳
از حماقت اندرین ۲۸۳۷:۴*	از خزینه دُر ۴۳۱۳:۳*	از خیال وصل ۴۷۸۰:۳*
از حماقت چشم ۴۳۸:۲*	از خزینه قدرت ۱۸۸۶:۱*	از خیال و وسوسه ۲۰۳۹:۲
از حَمَلَنَاهُم ۳۷۷۴:۲*	از خسان محفوظ ۲۰۵۵:۵*	از خیال و وهم ۲۷۸۸:۶
از حوادث تو ۲۲۲۰:۴*	از خَسان و نعره ۳۵۴۱:۱*	از خیالی دوست ۱۳۱۹:۶
از حواس اولیا ۳۲۸۰:۱*	از خس و خاشاک ۲۸:۲*	از خیالی کرد ۱۶۲:۴*
از حیاتِ خُلد ۹۰۱:۶*	از خضر درویش ۳۵۳۰:۲	از خیالی که ۲۴۸۰:۳*
از حیل، آن کوز چشم ۹۶۳:۳*	از خطا و سهو ۱۸۵۵:۴*	از خیالی گشته ۳۲۰:۵
از خبیثی شد ۳۰۰۰:۶*	از خطر پرهیز ۳۶۵۲:۶	از خیانت ۹۱۷:۳*
از خجالت باز ۲۵۳:۳	از خطر هاروت ۲۴۶۹:۲	از دُخان نزدیک تر ۵۷۲:۵*
از خجالت پیرهن ۴۰۹۲:۵*	از خلاص خود ۱۳۴۶:۶*	از درازی خایم ۲۱۴۹:۲*
از خجالت جمله ۲۰۸۸:۵	از خلاص و قوز ۳۶۲۱:۶*	از در افتادن ۴۵۵۷:۳*
از خدا اومید ۳۵۵۵:۶	از خلافت، مردمان ۱۰۷۰:۳*	از در اهلِ دلان ۲۹۴:۳*
از خدا اینجا ۶۱۲:۴*	از خلافت، آن کریم ۱۲۶۶:۶*	از درختان، بس ۲۰۵۰:۳*
از خدا بویی ۲۲۷۲:۱	از خلیفه حق ۳۷۰۹:۲*	از درخت اَئی ۲۸۸۴:۲
از خدا جویم ۷۸:۱	از خلیل آموز گان ۳۹۳:۵*	از درختِ بخت ۱۲۶:۶*
از خدا چاره ستش ۳۰۷۳:۲	از خلیل حق ۱۲۳۹:۵	از درِ دعوی ۱۱۷۳:۵*
از خدا خواه ۲۰۱۹:۶	از خلیلی ۲۹۸:۲	از درِ دل ۲۹۳:۳
از خدا شرمیت کو؟! ۳۰۷۸:۵*	از خُمارِ صد ۲۷۶۶:۶*	از درِ دوزخ بهشت ۴۸۰۶:۳*
از خدا غیر ۷۷۳:۵	از خُمارِ می ۳۹۷۵:۵*	از درِ ما ۹۳:۴*

از دِهانش می‌جهد ۱: ۲۸۸۰*	از دل هر ۵: ۴۰۸۴*	از دِرَم‌ها ۱: ۱۱۰۵*
از دهانِ غیر برخوان ۳: ۱۸۲*	از دلِ یعقوب ۵: ۳۹۳۳*	از دروغ و عِشوه ۲: ۲۵۸۳*
از دهانِ غیر کی ۳: ۱۸۲*	از دلیلِ چون ۱: ۱۵۰۸*	از درونِ جو رنگِ ۱: ۷۶۴*
از دهانِ لقمه ۳: ۱۹۰۰*	از دلیل و راهشان ۲: ۳۳۱۳*	از درونِ خویش این ۲: ۷۵۳*
از دهانی ۳: ۱۸۴*	از دَمِ اهلِ دل ۲: ۳۷۲۳*	از درونِ خویشتن ۴: ۱۹۶۸*
از ذکر باقی ۵: ۲۲۰۲*	از دَمِ تو غیب ۳: ۲۵۰۰*	از درونِ شاه ۶: ۴۷۵۹*
از دَهاب ۱: ۱۰۴۷*	از دَمِ تو، می‌کند ۴: ۱۷۷۵*	از درونِ کعبه آمد ۴: ۹۹۶*
از رَجم زادن ۱: ۳۹۲۹*	از دَمِ جبریل ۵: ۳۹۸۲*	از درونِ کعبه آوازش ۴: ۱۰۳۳*
از رُخْت این ۶: ۱۲۸۴*	از دَمِ حُبِّ الوطن ۴: ۲۲۱۱*	از درونِ کوزه ۴: ۱۸۰۸*
از رسالت باز ۳: ۳۶۰۴*	از دمِ دیو ۲: ۲۵۳*	از درونِ من نجُست ۱: ۶*
از رسالتشان ۳: ۳۶۰۷*	از دَمِ سحر ۵: ۴۴۷*	از دریچه ۱: ۲۵۸۲*
از رَسَن غافل ۲: ۱۲۷۷*	از دَمِ غم ۴: ۳۰۹۲*	از دعاها ۱: ۲۷۳۵*
از رسولش رُو مگردان	از دَمِ ما، گردد ۱: ۱۹۴۲*	از دعایِ او شدند ۳: ۳۰۶*
۱: ۲۳۰۱*	از دَمِ من، او بماند ۴: ۱۰۶۷*	از دکان و پاره دوزی
از رضا که ۳: ۱۸۸۱*	از دَمِ من، جُغدها ۲: ۱۱۶۲*	۴: ۲۵۵۲*
از رُطوبت‌ها ۴: ۱۰۴*	از دُم و دُمگاه ۱: ۲۹۹۱*	از دکانی ۵: ۳۰۶۰*
از رکوع و ۳: ۲۱۵۷*	از دو آن‌گیری ۳: ۲۸۴۲*	از دگر انجم ۱: ۳۷۷۷*
از رمه انبه ۶: ۳۰۵۲*	از دوا بدتر ۴: ۸۹۳*	از دگر جُوها ۶: ۳۲۴۶*
از رمه چوپان ۳: ۴۱۴۷*	از دوارِ چرخ ۴: ۷۳۳*	از دگر خوبان ۱: ۴۰۸*
از رُو آتش بُود ۱: ۲۸۵۶*	از دوانیدن ۶: ۲۵۱۴*	از دلِ آدم ۲: ۲۷۳۹*
از ره پنهان ز عینین ۶: ۳۵۸۶*	از دو پاره ۲: ۲۴۵۱*	از دلایل ۵: ۵۶۹*
از رُو پنهان، صلاح ۲: ۱۴۲۱*	از دو چشم ۲: ۲۷۶۸*	از دلِ بوزینه ۵: ۲۵۹۵*
از ره پنهان که ۱: ۳۷۷۹*	از دوسه سُسِت ۲: ۲۸۴۴*	از دلِ پُر ۱: ۹۸۷*
از ره تقلید آن ۲: ۵۳۸*	از دو صد خورشید ۶: ۳۳۵۱*	از دلت در ۳: ۱۷۹۳*
از ره تقلید تو ۳: ۱۷۳۴*	از دو صد رنگی ۱: ۳۴۷۶*	از دلِ تو ۲: ۲۶۲۰*
از ره حسّ ۳: ۹۸۵*	از دو عالم پیشتر ۶: ۱۹۳۶*	از دلِ دیوار ۴: ۳۸۴۴*
از ره خشک ۱: ۲۸۵۶*	از دو عالم ناله ۱: ۱۷۷۴*	از دلِ سنگش ۵: ۳۵۵۹*
از ره سرّ ۵: ۲۵۹۹*	از دویدن در شکارِ ۱: ۴۲۱۱*	از دلِ سوراخ ۲: ۱۵۸۱*
از رَو غیرت ۵: ۱۸۸۳*	از دُوی و اعدادِ ۳: ۱۲۵۷*	از دلش چندان ۳: ۴۷۱۳*
از رَوِ فرعون ۴: ۳۴۴۶*	از دویی دورآند ۶: ۱۲۰۸*	از دلش می‌روفت ۶: ۱۹۸۹*
از رَوِ مردان ندیده ۵: ۱۴۲۳*	از دهانِ آدمی ۳: ۳۳۶۱*	از دلِ قطبی ۴: ۳۵۰۴*
از رَوِ معنیست ۶: ۲۹۵۲*	از دهانِ او دوان ۶: ۱۰۱۶*	از دلِ من، تا دلِ ۱: ۳۵۲*
از ره و رهزن ۵: ۲۴۵۰*	از دهانت ۳: ۲۱۰۲*	از دلِ من کی رود ۵: ۲۳۲۲*
از ره و منزل ۳: ۱۹۷۷*	از دهانش بس ۶: ۱۰۱۰*	از دل و از ۱: ۳۲۱۵*
از رهی که ۴: ۱۷۸۱*	از دهانش می‌برآمد ۵: ۳۵۶۲*	از دل و دین ۱: ۵۵۸*

از ریاضت رسته ۴: ۱۵۰۸	از سخن گویی ۴: ۳۳۱۶	از سلیمان تا سلیمان ۴: ۱۲۶۷
از ریاضت گشته ۱: ۵۵۲	از سخن می‌گویم ۳: ۱۰۷۹	از سلیمان چند ۲: ۱۶۰۲
از ریاضِ حُسن ۶: ۳۶۴۱	از سخن و آواز ۱: ۱۱۳۹	از سلیمان کور ۳: ۲۶۰۹
از ریای چشم ۱: ۲۵۶۸	از سرِ استیزه ۵: ۳۷۵۲	از سلیمان هیچ ۵: ۳۱۸۵
از زبان تا ۴: ۵۱۲	از سرافرازان ۳: ۳۷۶۹	از سماع و از بشارت ۲: ۶۸۱
از زبان، تلبیس ۴: ۱۷۳۷	از سرِ افسوس ۶: ۱۰۳۴	از سَموم بادیه ۲: ۳۷۹۰
از زبان تنها نه ۲: ۶۴۲	از سرِ اکرام ۱: ۵۵۴	از سَموم نفس ۳: ۲۶۹۳
از زبانِ حق ۲: ۳۶۰۱	از سرِ امروزین بنماید ۴: ۳۵۴۰	از سَموم و صَرَصَر ۶: ۴۸۳۱
از زبانِ خود ۲: ۳۳۱۷	از سرِ امروزین من ۴: ۳۵۵۶	از سواد ۶: ۲۲۸۴
از زراعت ۲: ۹۵۰	از سرِ اندیشه ۲: ۲۵۳۴	از سوار ۲: ۱۸۵۹
از زراندود ۳: ۵۵۶	از سرِ بام ۴: ۳۵۰۲	از سویِ این سوی ۶: ۳۵۰۹
از زِرِ سرخ ۴: ۱۱۵۷	از سرِ تقصیر ۲: ۵۱۹	از سویِ بام ۴: ۳۳۲۸
از زمین باشد ۳: ۳۵۶۸	از سرِ جلدی ۲: ۲۴۸۳	از سویِ تن ۴: ۳۱۰۵
از زمین بر ۳: ۳۷۰۳	از سرِ رُبُوَه ۳: ۳۷۵۳	از سویِ خانه ۱: ۲۵۱
از زمین بیگانه ۶: ۲۹۹۸	از سرِ سوزن ۱: ۲۹۸۲	از سویِ دوزخ ۳: ۴۵۸۰
از زمین در عرصه ۱: ۳۱۸۱	از سرش بیرون ۵: ۲۳۳۸	از سویِ دیگر ۶: ۶۹۶
از زمینم ۶: ۱۰۸۱	از سرِ گُهِ بانگ ۳: ۲۷۴۱	از سویِ عرشی ۶: ۲۷۹۶
از زنانِ ۵: ۱۶۰۵	از سرِ گُهِ جانب ۵: ۲۳۵۳	از سویِ معراج ۱: ۹۵۱
از زن دیگر ۶: ۱۴۳۴	از سرِ گُهِ سیل‌های ۱: ۷۶۸	از سویِ میدان ۳: ۸۹۲
از زن و زر ۶: ۳۳۸۱	از سرِ گُهِ من ۴: ۳۳۹۳	از سه گز کرباس ۶: ۳۴۶۱
از زیان مال ۳: ۳۳۴۸	از سرِ ما ۳: ۴۳۵	از سیاهی دل ۴: ۳۴۹۴
از زیان‌ها ۱: ۱۶۰۸	از سرِ مهر ۱: ۲۶۷۹	از سیاهی وز سپیدی ۳: ۲۵۳۲
از سبب اندیشه ۳: ۱۷۰۰	از سر و از دُم ۶: ۱۳۱	از سیه‌رویان کند ۳: ۱۰۷۹
از سبب دانی ۵: ۷۹۵	از سعادت ۶: ۱۵۴	از سیه‌کاریِ خود ۶: ۴۷۸۰
از سبب سوزیش ۱: ۵۴۸	از سُعودش ۵: ۴۲۲۹	از سِبِ همچون ۶: ۲۳۰۸
از سبب گفتن ۲: ۱۹۲۵	از سفرِ بیدق ۳: ۵۳۵	از شتاب او ۶: ۲۵۲۱
از ستاره دیده ۶: ۹۸	از سَفَه: اِنَا ۲: ۱۴۰۰	از شراب قَهَر ۱: ۱۱۹۹
از ستاره سوی ۱: ۳۷۷۴	از سَفَه، وَغْ وَغْ کُنَان ۴: ۱۴۶۶	از شراب لایزالی ۶: ۲۷۶۸
از ستمکاریِ شو ۶: ۴۴۵۷	از سَقَر تا خود ۶: ۳۴۸۵	از شَرَر نه ۵: ۱۳۷۹
از ستیزه‌خواجه ۲: ۷۹۶	از سکون ۴: ۳۶۷۹	از شش و از پنج ۶: ۴۵۶۷
از سجود و از ۳: ۷۸۱	از سگان و وعوَعِ ۲: ۴۱۶	از شُعاعِ آفتابِ ۲: ۳۱۲۹
از سجود و، واده ۳: ۲۱۵۹	از سگ و از اسب ۶: ۳۴۵۱	از شُعاعِ جوهرِ ۲: ۷۹۴
از سخن، باقی ۴: ۳۲۸۶	از سلامِ حق ۳: ۲۲۷۳	از شفاعت‌های من ۳: ۱۷۸۶
از سخن، تا او ۱: ۱۶۲۴	از سلامِ عَلَیکِ شان ۲: ۲۵۱	از شقاوت ۴: ۱۵۰۱
از سخن صورت ۱: ۱۱۴۰	از سلیمان آن ۴: ۸۴۳	از شکافِ در بیدید ۵: ۱۳۴۴

- از شکافِ در بُرون ۳: ۲۶۲۴*
 از شکافِ روزن ۴: ۱۷۷۸*
 از شکافی ۴: ۱۷۷۹*
 از شکر گر ۱: ۲۸۸۷*
 از شکستِ توبه ۴: ۳۳۸۶*
 از شکسته‌بند ۴: ۱۶۸۶*
 از شما پنهان ۴: ۱۷۹۰*
 از شما کی کُدیهِ ۴: ۶۵۹*
 از شما کینه‌گشم ۴: ۱۷۷۰*
 از شما مقصود ۴: ۲۰۴*
 از شناسِ زَرِ خوش ۶: ۴۳۰۸*
 از شهابِ مُخْرِق ۴: ۱۷۸۹*
 از شهان، بابِ ۳: ۲۹۹۸*
 از شهانم ۱: ۱۴۱۹*
 از شهان ناموخته ۵: ۱۴۲۴*
 از شه و ساقی ۶: ۳۹۱۷*
 از شهنی تو ۴: ۱۹۴۰*
 از صحابه ۲: ۲۱۴۱*
 از صحافِ ۵: ۴۲۲۷*
 از صحیفه ۶: ۲۶۴۹*
 از صدا آن ۳: ۲۸۳*
 از صدا هم ۲: ۲۱۸۸*
 از صدف دُری ۲: ۱۰۲۲*
 از صدف مگسَل ۲: ۵۶۸*
 از صفاتِ حق ۴: ۳۷۳۱*
 از صفاتش ۳: ۴۱۸۲*
 از صفات و از طریقه ۴: ۱۸۳۹*
 از صفا گر ۱: ۱۰۴۶*
 از صفایِ ۲: ۱۱۹۶*
 از صفت و ز نام ۱: ۳۴۵۴*
 از صفیری ۲: ۱۵۳۴*
 از صلابت ۳: ۲۰۰۲*
 از صیادی ۳: ۲۵۶۵*
 از ضرورت ۳: ۳۲۴۵*
 از ضریر و لنگ ۳: ۲۹۹*
 از ضعیفی چون ۲: ۲۷۲۹*
 از ضعیفی رأی ۴: ۳۳۸۴*
 از ضمیر او ۶: ۲۱۳۴*
 از ضمیرِ جانِ ۱: ۲۴۰۲*
 از ضمیرِ چون ۶: ۴۹۱۵*
 از ضمیرِ خاک ۱: ۲۰۱۶*
 از ضمیر من ۳: ۲۰۵۹*
 از ضیاءُ الحَق ۱: ۴۲۸*
 از طیبیان پیش تو ۱: ۳۳۶۶*
 از طیب و علّت ۳: ۳۵۷۵*
 از طیبی تو ۲: ۳۰۹۴*
 از طرب گشته ۵: ۱۳۶۳*
 از طَرَب گوید ۲: ۱۳۴۶*
 از طَرَب یک دم ۴: ۲۷۴۸*
 از طعامُ الله ۵: ۱۷۴۸*
 از طمع بُرند ۳: ۲۶۱۷*
 از طمع می‌گفت ۶: ۳۲۴۹*
 از طمع می‌گوید ۱: ۱۸۵۷*
 از طمع هرگز ۱: ۲۳۶۱*
 از طمع همدردِ ۲: ۲۹۹۲*
 از طوبله مُخْلِصان ۶: ۳۷۰۰*
 از طهاراتِ ۵: ۲۲۳*
 از عبادالله ۳: ۳۱۲۶*
 از عتابش خشمگین ۳: ۴۰۴۸*
 از عتابی شد ۵: ۳۶۲۰*
 از عثار ۳: ۱۷۵۳*
 از عجب گفتم ۱: ۹۶۸*
 از عجب‌هایِ ۴: ۳۷۳۴*
 از عجوزی در ۶: ۴۸۲۹*
 از عدم آنگه ۶: ۱۳۷۲*
 از عدم پَران ۳: ۳۵۰۳*
 از عدم چون ۴: ۲۱۷۹*
 از عدم ما را ۲: ۲۶۲۴*
 از عدم‌ها ۱: ۱۸۸۹*
 از عرب ۱: ۶۶۵*
 از عروج ۳: ۱۶۹۸*
 از عروض و سیم ۶: ۴۴۸۵*
 از عزا چون ۵: ۳۲۷۱*
 از عَزیرِ ما ۴: ۳۲۷۳*
 از عصا ماری ۱: ۲۱۴۲*
 از عطائش ۱: ۲۲۴۸*
 از عطارد ۵: ۲۵۸۶*
 از عطا‌هایِ ۱: ۳۰۳۴*
 از عطایِ بی‌حدّت ۶: ۲۸۱۲*
 از عطای شاه ۳: ۸۹۴*
 از عطش اندر ۴: ۳۴۳۱*
 از عظیمی وز مهابت ۴: ۳۷۰۸*
 از عقیق و لعل ۵: ۱۸۷۰*
 از علم‌هایِ ۲: ۳۱۵۴*
 از علی‌آموز ۱: ۳۷۲۱*
 از علی میراث ۵: ۲۵۰۲*
 از عمل، آن نَقَمَتِ ۵: ۲۵۰۷*
 از عنایت گر بگوید ۶: ۳۹۳۲*
 از عنایت‌هاش ۶: ۴۰۱*
 از عوانی مرورا ۴: ۵۷*
 از عوانی و، سگی‌اش ۴: ۵۸*
 از غبار ار پاک ۶: ۱۴۹۷*
 از غبار مرکب ۶: ۴۶۴۷*
 از غباری تیره ۳: ۴۷۵۴*
 از غبین و درد ۲: ۲۷۶۸*
 از غذایِ خاک ۴: ۲۳۱۶*
 از غذایِ مختلف ۴: ۲۴۳۳*
 از غرض حُرَم ۱: ۳۸۱۲*
 از غروری ۴: ۳۳۵۶*
 از غری ریش ۶: ۳۹۰۶*
 از غریو کودک ۲: ۴۰۶*
 از غریو و نمره ۵: ۲۲۹۰*
 از غزا باز ۵: ۲۳۷۷*
 از غضب بر ۱: ۲۳۵۸*
 از غضب شُربایِ ۴: ۲۶۳۷*

از غضب، وز جِلْم ۶: ۲۵۹۷*	از فضیحت ۴: ۱۴۴۱*	۱۵۹۴:۳
از غفوری ۵: ۴۰۹۳	از فطام خون ۳: ۵۱	از قضای آسمان، در ۱: ۱۵۵۳*
از غلام و بندگان ۱: ۳۸۱۵*	از فقیر است ۶: ۲۱۰۹	از قضیه تازہ ۵: ۴۰۴۲*
از غلامی، وز ۳: ۲۳۳۶*	از فلان خطّه ۳: ۲۴۷*	از قفاگاه تو ۳: ۱۳۸۳*
از غلط ایمن ۱: ۳۷۶۱	از فلان راهب ۵: ۳۴۴۶	از قفای صوفی ۶: ۱۵۶۴*
از غم بی آلتی ۳: ۱۰۵۳*	از فلک آویخته ۲: ۲۲۸۳	از قفّ تن ۶: ۲۲۲۸*
از غم بیگانگان ۳: ۱۵۶۸*	از فلکشان ۴: ۱۷۹۱*	از قفص اندر ۶: ۴۵۱۱*
از غم و احوال ۵: ۴۰۶۶*	از فناش ۵: ۷۹۶*	از قلاع ۶: ۳۶۵۶*
از غم و از خجلت ۵: ۳۶۷۳*	از فنا و نیست ۶: ۱۳۷۴*	از قناعت در دل ۱: ۲۳۶۲*
از غم و اندوه ۳: ۸۹۶*	از فنِ تمسّاح ۶: ۴۰۸۷*	از قناعت غرقِ ۱: ۲۳۷۵*
از غم و شادی ۱: ۱۸۰۳	از فنِ زالی ۶: ۲۷۹۷*	از قناعت کی ۱: ۲۳۲۰
از غمِ هر مُشتري ۵: ۱۴۶۳*	از قوّاتِ جُمْلہ ۳: ۱۷۷۰*	از قناعت‌ها ۱: ۲۳۲۰*
از غیورِ ۶: ۶۷۳*	از قوّاتِ حَظّ ۵: ۵۷*	از قناعت هیچ ۵: ۲۳۹۸
از فتاده کشتگان ۳: ۱۰۴۸*	از قدح گر ۶: ۳۶۴۳	از قیاس آنجا ۳: ۳۵۸۲*
از فدایی ۵: ۳۵۴۲	از قدح‌های ۶: ۳۷۰۸	از قیاس، اللّٰهُ ۱: ۳۴۰۶*
از فرازِ عرش بر ۶: ۳۱۱۵*	از قدومِ این ۲: ۲۲۵۵*	از قیاسش ۱: ۲۶۲۰
از فرازِ عرش تا ۵: ۲۱۹۱*	از قدیم این ۲: ۲۰۶*	از قیاسی که بگرد ۱: ۳۳۹۳
از فراش ۵: ۸۴	از قدیم و حادث ۶: ۳۹۵۲	از قیاسی گوید ۵: ۲۴۷۰*
از فراقِ او بیندیش ۳: ۳۶۹۷*	از قرین بی قول ۵: ۲۶۳۶	از کباب آراستند ۴: ۱۸۴۷*
از فراقِ او نخوردی ۶: ۱۴۱۴*	از قُرَح در ۶: ۹۶	از کباب پیل ۳: ۱۵۳
از فراقِ این ۳: ۳۶۹۰	از قِسْمِ راضی ۶: ۱۴۹۴*	از کبابش مانع ۳: ۱۴۷
از فراقِ زرد ۴: ۳۰۲	از قُش خود ۵: ۲۱۹۵	از کبد فارغ ۱: ۱۷۱۰
از فراقِ تلخ ۱: ۲۴۱۴	از قُصور ۴: ۳۲۲۰	از کبی خُویانِ ۶: ۱۸۲۸
از فراقِ حال ۱: ۵۵۱*	از قضا آن لحظه ۴: ۱۵۵۴*	از کتاب و اوستاد ۴: ۱۹۶۱
از فراقِ مرگ ۵: ۲۶۷۳*	از قِضاءِ اللّٰه ۳: ۲۰۲۰*	از کجا آرم ۶: ۴۵۷۷
از فراق و هجر ۵: ۴۱۱۴	از قضا این ۱: ۱۲۳۳	از کجا آمد ۴: ۱۲۳۴*
از فرح خلقی ۵: ۲۶۸۷	از قضا بسته ۳: ۳۸۸۳*	از کجا آموختی ۱: ۳۱۰۹
از فرح گوید ۴: ۵۰۳*	از قضا بی شک ۶: ۴۶۴۴*	از کجا آورده‌اند ۲: ۱۶۶۴
از قَرَس آگه ۱: ۱۲۶۸*	از قضا حلوا، ۳: ۳۸۰*	از کجا آید ۳: ۲۱۰۶*
از فروغِ وَهْم ۳: ۱۷۲۸*	از قضا دان ۱: ۱۲۳۳*	از کجا این ۵: ۱۱۴۳
از فرونی آمد ۳: ۱۰۰۰*	از قضا رنجور ۶: ۱۱۵۰	از کجا جوییم سلّم ۶: ۸۲۳*
از فُسوق و کُفر ۳: ۳۷۸*	از قضا سر کنگبین ۱: ۵۳	از کجا جوییم سیب؟ ۶: ۸۲۴*
از فسونِ او ۱: ۱۴۴۹	از قضا کمپیرکی ۴: ۳۱۴۵	از کجا جوییم علم ۶: ۸۲۳
از فسون و از ۵: ۲۳۳۸	از قضا موشی ۶: ۲۶۳۲	از کجا جوییم هست ۶: ۸۲۴
از فُضولی ۶: ۲۳۵۰	از قضای آسمان، اُستاد	از کجا؟ دانند ۳: ۲۱۰۸*

- از کجا می آئی ۵: ۲۴۴۰*
 از کجا میل غزا؟! ۵: ۳۷۹۰*
 از کجا نوشم ۴: ۶۷۹۰*
 از کجاها در رسید ۴: ۸۸۸۰*
 از کجاها گرد ۶: ۲۳۸۹۰*
 از کجا یابد ۴: ۱۰۷۵۰*
 از کجایی؟ چونی ۱: ۲۷۷۶۰*
 از کدامین بند ۳: ۱۶۵۸۰*
 از کدامین ره ۱: ۳۷۷۸۰*
 از کدامین شیخ ۲: ۲۱۸۳۰*
 از کدامین می ۵: ۳۹۷۶۰*
 از کرم، این دم ۳: ۳۱۶۰۰*
 از کرم دان اینکه ۱: ۱۲۶۱۰*
 از کرم دانست ۳: ۵۸۳۰۰*
 از کرم دریا ۱: ۱۱۶۵۰*
 از کرم شیر ۴: ۹۱۳۰۰*
 از کرم عهدت ۵: ۱۱۸۱۰۰*
 از کرم کن ۱: ۲۴۵۹۰*
 از کرم، گرچه ۶: ۲۷۰۹۰*
 از کرم لیبک ۶: ۱۹۸۶۰*
 از کرم من ۶: ۶۸۰۰۰*
 از کساد ۶: ۳۵۴۴۰*
 از کسل و زبخل ۴: ۱۹۹۶۰*
 از کسی که جان ۴: ۲۹۵۳۰*
 از کسی نشنیده ۲: ۳۶۰۰۰*
 از کسی یاری ۴: ۲۹۲۶۰*
 از کشش‌های ۳: ۴۴۲۶۰*
 از کف، ابله ۴: ۱۴۲۳۰*
 از کفِ انا ۶: ۱۶۶۰۰*
 از کفِ او چون ۶: ۳۷۶۰۰*
 از کفِ این جانِ جان ۵: ۵۹۴۰۰*
 از کفّت بگریخته ۲: ۲۹۱۲۰*
 از کفِ قایل ۶: ۴۴۷۱۰*
 از کفِ لقمان ۱: ۱۹۶۲۰*
 از کلوخ و خشت ۴: ۳۵۳۴۰*
 از کلوخی کس ۵: ۲۹۶۸۰*
 از کلبله ۱: ۸۹۹۰۰*
 از کلیم ۳: ۱۹۶۲۰*
 از کم آمد ۶: ۳۷۵۹۰*
 از کمال حزم ۳: ۴۵۷۲۰*
 از کمال دیگران ۴: ۲۶۸۰۰*
 از کمال رحمت ۴: ۱۴۸۹۰*
 از کمالِ طالع ۲: ۱۰۴۹۰۰*
 از کمالِ قدرت ۶: ۳۰۶۶۰*
 از کمال و از جمال ۶: ۳۷۴۴۰*
 از کمی اجرای ۴: ۱۸۵۹۰*
 از کمی عقل ۴: ۲۲۹۱۰*
 از کمین سگ سان ۳: ۲۴۳۹۰*
 از کمینگاهِ بلا ۶: ۳۶۵۳۰*
 از که؟ از شمس ۲: ۱۱۱۲۰*
 از که این سو ۳: ۲۵۷۵۰*
 از که باشد ۱: ۳۳۳۴۰*
 از که برباییم؟ ۱: ۹۷۰۰۰*
 از که بگریزیم ۱: ۹۷۰۰۰*
 از که پنهان می‌کنی ای رشک
 خو ۶: ۶۹۰۰۰*
 از که پنهان می‌کنی ای رشک‌ور
 ۶: ۶۹۲۰۰*
 از که خوردم ۲: ۲۶۲۸۰*
 از که دل پُرسوز ۶: ۴۸۰۰۰*
 از که عاصم ۶: ۲۳۶۷۰*
 از که کار ۵: ۲۹۳۶۰*
 از که نالم ۴: ۹۷۲۰۰*
 از کهی که ۶: ۲۶۵۷۰*
 از گدایی توس ۵: ۲۴۳۷۰*
 از گدایی گیر تا ۶: ۳۳۸۸۰*
 از گر آن ۴: ۱۹۴۶۰*
 از گرانجانی ۲: ۱۷۵۵۰*
 از گرفتِ من ۴: ۶۱۹۰۰*
 از گرافه کی شدند ۳: ۱۱۲۱۰*
 از گزافه هر خسی ۲: ۲۹۲۲۰*
 از گشایش پر ۱: ۲۱۰۰۰*
 از گلاب آمد ۴: ۲۶۲۰۰*
 از گلاب آید ۴: ۲۷۸۰۰*
 از گلابِ عشقِ او ۳: ۳۸۶۸۰*
 از گلاب و از ۴: ۳۱۸۴۰*
 از گلابه آدمی ۴: ۲۹۶۹۰*
 از گلستان ۵: ۲۵۵۱۰*
 از گلو ۳: ۱۶۹۷۰*
 از گلیمی ۳: ۲۰۱۰۰*
 از گمانِ بد ۳: ۳۳۸۰۰*
 از گمان و از ۳: ۴۱۲۶۰*
 از گمان و شک ۴: ۲۸۵۸۰*
 از گناه نو ۵: ۴۰۱۱۰*
 از گناه و جرم ۶: ۳۸۲۳۰*
 از گنه آنگاه ۴: ۱۳۴۶۰*
 از گنه در تیه ۲: ۲۴۸۴۰*
 از گواه و از ۵: ۱۲۱۲۰*
 از گواهی ۵: ۲۲۱۷۰*
 از لثیمی، حق ۳: ۲۹۷۷۰*
 از لثیمی سیم ۵: ۱۸۶۴۰*
 از لباس ۴: ۲۴۵۰۰*
 از لبِ تو ۴: ۳۶۷۱۰*
 از لبِ شکر ۲: ۸۴۴۰۰*
 از لبش می‌شد ۳: ۳۷۷۰۰*
 از لجاج ۵: ۱۷۹۰۰*
 از لُعب خویش ۴: ۴۶۳۰۰*
 از لُعبی خیمه ۳: ۳۹۸۲۰*
 از لعب بیرون ۱: ۳۴۳۲۰*
 از لقای ۲: ۱۰۹۱۰۰*
 از لقب و ز نام ۴: ۱۲۸۵۰*
 از لگدهااش ۴: ۲۰۰۸۰*
 از مبدل بین ۵: ۷۹۳۰۰*
 از مبدل هستی ۵: ۷۹۱۰۰*
 از مثال و مثل ۳: ۱۹۴۲۰*

- از مَثَل وز ریش ۲۰۵۵:۶
از مَجَاعَت سَکَتَه ۲۴۱۰:۵
از مَجَاعَت شَد ۱۶۷۱:۳
از مَجَاعَت و اَشْتَهَا ۸۳۶:۵
از مَحَبَّتِ تَلَخِهَا ۱۵۲۹:۲
از مَحَبَّتِ، دَرْدَهَا شَافِی ۱۵۳۰:۲
از مَحَبَّتِ دُرْدَهَا صَافِی ۱۵۳۰:۲
از مَحَبَّتِ، شَاه ۱۵۳۱:۲
از مَحَبَّتِ مَرْدَه ۱۵۳۱:۲
از مَحَبَّتِ، مَسْهَا ۱۵۲۹:۲
از مُحَقِّق ۴۹۳:۲
از مُرَادِ خَشَمِ ۳۸۹۴:۳
از مُرَادِ دَل ۲۳۵۷:۶
از مُرَاقِب ۲۴۶۸:۴
از مُرَوَّت ۲۶۸۸:۶
از مُزَارِعِ شَان ۳۵۸۱:۴
از مُسَبِّبِ لَا جَرَمِ ۳۷۸۶:۲
از مُسَبِّبِ مِی رَسَد ۱۵۵۴:۵
از مُسْلِمَانَانِ فِکَنْد ۶۱:۴
از مُسْلِمَانَانِ نِهَان ۶۰:۱:۳
از مُسْلِمَانِی ۳۳۸۳:۵
از مُشَارِق ۲۷۲۷:۴
از مُشَامِ فَاسِدِ ۴۸۹۵:۶
از مُعَانِی، وَز عِلُومِ ۱۹۶۱:۴
از مُعَرَّفِ پَرَسَد ۲۶۲:۶
از مُفْلِسِ ۲۲۲۳:۶
از مُقَالَ وَ از جَمَالِ ۴۴۵۵:۶
از مُقَامَاتِ تَبَتَّلِ ۴۲۳۵:۳
از مُقَامَاتِ وَحْشِ ۲۳۰۹:۶
از مُقَامِ بَا خَطَرِ ۲۲۳۵:۴
از مُقَامِ خُفْتَنَشِ ۱۱۸۶:۳
از مُقَامِ وَ خَوَاجْگَانِ ۱۵۹:۱
از مُقَامِ وَ رَاهِ ۹۴:۱
از مُقَامِی، کَانَ ۳۲۳۴:۴
- از مَلَخِ هَایِ ۳۵۸۱:۴
از مُلْکِ بَالَا سَتِ ۲۳۲۵:۲
از مُلُوکِ خَاکِ ۶۴۱:۳
از مُلُولِ کَالَه ۸۳۴:۶
از مُلُولِ یَارِ ۱۹۹۳:۱
از مُلِیکِ لَا یَزَالِ ۳۰۷۱:۶
از مَن آگِه ۴۵۰:۱:۶
از مَن آمُوزَنْدِ ۲۰۸:۲
از مَن آن آَمَدِ ۳۳۷۴:۳
از مَن اَر کُورِی ۴۱۱۸:۶
از مَن اَر کُوهِ ۵۱۰:۲
از مَنَازِلِ خَفْتَه ۱۱۲۵:۵
از مَنَازِلِ هَایِ ۱۴۳۹:۱
از مَن اَسْتِ اَینِ ۳۳۵:۴
از مُنَافِقِ عَذْرِ ۲۴۵۷:۵
از مُنَافِقِ کَمِ ۳۹۲۹:۵
از مَن اَوِ ۱۸۳۶:۴
از مَنَّتِ اَینِ هَر دُو ۱۷۶۱:۶
از مُنَجِّمِ ۸۴۱:۳
از مُنَشِ وَ اَخِرِ ۱۰۲۶:۶
از مَن غَرَقَه شَدَه ۲۰۱۹:۶
از مَنی بُوْدِی ۱۸۵۶:۵
از مُؤَذَنْ ۲۸۶۴:۴
از مُؤَنَّثِ ۱۹۷۶:۱
از مُهَابِتِ گُشْتِ ۳۷۶۹:۴
از مُهَمَّاتِ ۲۴۸:۳
از مُهَنْدَسِ ۹۶۷:۲
از مِی اَحْرَارِ ۳۹۲۲:۶
از مِیَانِ آبِ ۴۲۶:۵
از مِیَانِ بَر جَسْتِ ۴۵۹:۲
از مِیَانِ پَایِ ۱۱۸۰:۶
از مِیَانِ پِیْشَهَا ۳۰۷۰:۵
از مِیَانِ جَانْتَانِ ۲۹۵۵:۳
از مِیَانِ چَرخِ ۴۷۵۳:۶
از مِیَانِ دُورَه ۳۵۸:۲
- از مِیَانِ زَهْرِ ۱۷۲۰:۵
از مِیَانِ فَالِ ۲۹۵۹:۳
از مِیَانِ قُفْلِهَا ۲۰۵۲:۵
از مِیَانِ مُشْتِ ۲۱۵۸:۱
از مِی پُر زَهْرِ ۲۷۴۷:۴
از نَبَاتِ وَ دَارُو ۱۸۹۵:۱
از نَبِیَّاشِ ۴۲۷۷:۶
از نُبِی بِر خَوَانِ تَا ۱۶۷۷:۱
از نُبِی بِر خَوَانِ رَجَالِ ۳۸۲۰:۵
از نَبِی بِر خَوَانِ کِه دِیُو ۱۷۸۰:۴
از نُبِی بِر خَوَانِ کِه شَیْطَانِ ۱۲۲۰:۵
از نُبِی بِشَو ضَلَالِ ۲۹۴۸:۱
از نَبِی بِشَو کِه ۶۱:۵
از نُبِی خَوَانِ ۳۸۳۶:۳
از نُبِی ذَا جَاءِ ۱۳۱۳:۱
از نُبِی لَا غَاصِمِ ۳۳۶۱:۴
از نَتِیجَه قَهْرِ ۵۱۶:۵
از نَتِیجَه کِبَرِ ۱۲۱:۳
از نَجِسِ پَاکِی ۵۰:۳
از نَدَامَتِ ۳۴۴:۶
از نَزَاعِ ۳۷۴۱:۲
از نَزَادِ ۳۱۳۸:۴
از نَسِیمِ ۳۱۰۹:۶
از نَشَاطِ از ۷۲۶:۳
از نَشَاطِ دُورِیْنِی ۳۷۳۱:۲
از نَشَاطِ دِه شَدَه ۵۳۷:۳
از نَصِیحَتِ بَازِ ۱۵۹۲:۴
از نَصِیحَتِ هَا کَنْدِ ۲۰۶۴:۵
از نَصِیحَتِ هَایِ تُو ۷۷۱:۶
از نَظَرِ چُونِ ۴۷۶:۱
از نَظَرِ شَانِ ۵۰۷:۵
از نَظَرِ گَاهِ اَسْتِ ۱۲۵۸:۳
از نَظَرِ کِه ۱۲۶۷:۳

از نظره‌های ۱۸۲:۶	از وظیفه ۱۱۷۹:۱	۲۳:۳:۳
از نفاق و ظلم ۱۳۲۰:۱*	از وفا و خجلت ۳۶۹۲:۵	از همه گزویان ۲۰۷۶:۶
از نفوس و از ۴۵۱:۶	از وفای جاهلان ۱۸۷۶:۲*	از همه گویندگان ۵۶۰:۲*
از نفیر و فتنه ۲۵۲۳:۶	از وفای حق ۱۱۸۲:۵	از همه لرزان تری ۲۵۰۸:۵*
از نماز شام ۱۶۱۳:۵	از وفور شهوت ۱۳۳۳:۵*	از همه لنگی ۳۷۶۵:۲*
از نمازش کرد ۲۹۳۴:۶*	از وفور عفو ۴۰۹۵:۵*	از همه محرومتر ۳۶۲۱:۳
از نماز و صوم ۶۳۶:۲	از وفور مدح ۱۸۶۷:۱	از همه مُردار ۲۲۹۴:۱*
از نماز و وردها ۳۰۶:۳*	از وقاحت ۶۱۷:۲*	از همه مردم بتر ۹۰۶:۱*
از نمایش، وز دغل ۷۴۲:۳*	از وی ار سایه ۱۱۷:۱	از همه نومید ۲۱۷۲:۳
از نواحی ۴۲۸۳:۶*	از وی اش پوشید ۱۰۰:۵*	از هنر وز دانش ۱۲۰۹:۱*
از نواز ۴۶۳۸:۶	از وی این دنیای ۷۸۴:۲	از هوا آید، بیابد ۳۱۸:۱*
از نوایت ۳۹۱۱:۶	از هراس و ترس ۱۲۰۴:۳	از هوا آید، شود ۲۶۶۰:۲*
از نوایش ۲۰۷۳:۱	از هزاران اندکی ۵۳۴:۲	از هوا باشد ۴۰۷۷:۶*
از نهان خانه ۲۹۲:۵	از هزاران جُرم ۲۳۰۳:۵*	از هوا بشنید ۹۱۹:۴
از نهایت، وز نخست ۱۵۶۷:۲*	از هزاران کس بُود ۱۰۳۸:۱*	از هوارانی ۹۰۶:۵
از نهیب این ۱۱۷:۳*	از هزاران کوشش ۳۸۶۹:۶*	از هوا زیر ۱۳۰۵:۴
از نهیب حمله ۶۴۸:۳*	از هزاران می‌نگویم ۳۲۶۹:۴	از هوا شد ۴۱۲۷:۶
از نهیب دود ۲۸۹۷:۲*	از هزاران نعمت ۴۸:۳*	از هوا من ۲۷۵۴:۲
از نهیب سیل ۶۳۵:۳*	از هزاران یک ۴۵۰۵:۶	از هواها کی ۳۴۵۳:۱
از نیاز، آن در دل ۳۴۷۸:۶*	از هلاک آدمی ۲۶۰۵:۵*	از هوای این ۳۹۶۰:۳*
از نیاز و اعتقاد ۱۶۴۷:۲	از هلیله ۵۴:۱	از هوای حق بُود ۳۶۲۸:۶*
از نیام ظلمت ۲۳۰۲:۶*	از همانجا کآمد ۷۶۷:۱*	از هوای خوش ۳۴:۲*
از وبای ۶۲۸:۶	از همایونی ۲۴۳۷:۶*	از هوای مُشتری بی ۱۴۶۲:۵
از وجود او ۱۸۰۶:۲	از همه اومید ۲۱۸۷:۳	از هوای مُشتری و ۱۴۵۸:۵
از وجودم ۳۷۷۱:۳	از همه او هام ۲۱۴۶:۶	از هوس آن ۱۱۲۹:۴
از وجودی ۱۴۴۷:۶	از همه، بر بام ۳۴۱۵:۱*	از هوس او را در ۴۴۹۸:۶*
از ورای آن همه ۴۵۶۸:۶*	از همه پیغمبران ۱۱۱۹:۵*	از هوس گر ۲۰۷۹:۳
از ورای این دو ۲۱۹۶:۵*	از همه خَلق جهان ۱۰۰:۴*	از هوس وز حرص ۳۷۳۲:۳
از ورای پنج و شش ۱۱۲۶:۵*	از همه دل‌ها ۱۶۷۲:۱	از یخی برداشتی ۳۴۳۱:۵*
از ورای تن ۳۳۴۰:۵*	از همه طاعات ۲۹۶۸:۱	از یَطَهِّرْکُمْ ۱۴۹:۵*
از ورای خیر و شر ۱۸۳۷:۵*	از همه عاقل تری ۱۰۸۳:۳*	از یک اِشکم ۱۶۱۱:۶
از ورای راست ۱۸۳۹:۵*	از همه عیش ۲۳۷۸:۴	از یک اندیشه ۱۰۲۹:۲
از وزیر شوم رای ۷۳۵:۱*	از همه کار جهان، بی‌کار	از یکی چشمی ۱۶۱۵:۲*
از و سَوس ۲۶۳۴:۶*	۲۱۲۰:۱	از یکی چون ۳۶۷۰:۶
از وطن پرسید ۳۱۷۸:۲	از همه کار جهان پرداخته	از یکی دست تو ۴۳۹۷:۳*

از یکی رُو ضدّ ۲۹۱۶:۱	اسب بی راکب ۱۲۹۱:۲	اسب هم حوحو ۲۹۷۸:۵
از یکی رُو، هَزَل ۲۹۱۶:۱*	اسب تازان بگذرند ۳۴۳۹:۱*	استخوانت ۲۰۰۰:۴
از یکی کوزه ۳۲۹۰:۵	اسب تازی برنشست ۱۹۲:۱	استخوان حرصِ ۲۸۹۲:۳
از یکی ما ۳۹۴۲:۳	اسب تازی را عرب ۲۰۰۴:۴*	استخوان خورده ۱۰۵۲:۳*
از یمن زادی ۳۱۸۱:۳*	اسب جان‌ها ۴۰۰:۱	استخوانشان را ۲۷۴:۳*
از یمن می‌آیدم ۱۸۲۷:۴*	اسب خود را ای ۳۶۱۲:۳	استخوان و باد ۱۰۲۳:۶
اژدها از قوتِ ۲۸۳:۵*	اسب خود را یاوه داند آن ۱۱۱۶:۱	استخوان و پشم ۳۱۲۱:۱
اژدها بُد، سرّ ۲۷۸۸:۳*	اسب خود را یاوه داند وز ۱۱۱۵:۱	استخوان و کله‌هاشان ۲۷۳:۳*
اژدها بُد مکر ۹۶۴:۳		استخوان و موی ۱۸۹۱:۶
اژدها بر خویش ۱۰۴۳:۳*		استخوان‌ها پهن ۲۸۸۸:۳*
اژدها بود ۹۶۶:۳	اسب داند اسب ۱۲۸۵:۲	استخوان‌ها دید ۱۴۱:۲*
اژدها در قصه ۲۹۵۶:۳*	اسب داند بانگ ۳۶۱۸:۳	استخوان‌ها را بد آن ۱۴۳:۲*
اژدها را اژدها ۲۳۵۷:۴	اسب در جَوَلان ۱۳۰۳:۲*	استخوان‌ها رفته ۳۴۵۸:۵
اژدها را او ۱۹۷۱:۲*	اسب را بفروخت چوَن ۳۳۱۴:۳	استخوان‌ها زار ۲۶۲۰:۳*
اژدها را دار ۱۰۵۷:۳		استخوان‌هاشان ۲۹۵۰:۱
اژدها را دست ۳۷۸۶:۱*	اسب را بفروخت و جَست ۳۳۱۹:۳	استخوانی را دهی ۳۲۹۰:۲*
اژدها را مُتکا ۲۲۷۷:۶*		استخوانی سوي ۹۱۳:۴*
اژدها را هست ۱۹۷۲:۲	اسب زیر ران ۱۰۷۷:۵	استعادت خواه ۳۱۹۲:۴*
اژدها گردد ۱۳۲۸:۵	اسب زیر کسار ۴۴۵۸:۳	استعانت جوید او ۱۲۲۱:۵*
اژدها گشت و ۱۵۵۷:۳*	اسب، ساقط گشت ۶۷۴:۳*	استعانت جویی از ۹۵:۴*
اژدها گشته است ۲۲۸۵:۲	اسب سرکش ۵۲۴:۵	اَسْتَعِیْذُ اللّٰه مِمَّا یَفْتَرُونَ ۱۰۵:۱*
اژدها و مار ۲۲۸۶:۲	اسب سُکُک ۱۴۲۳:۲	استعیداللّه من شیطانہ ۶۳۷:۲
اژدهایِ جَهل ۲۵۳۸:۴*	اسبش اندر خندق ۳۶۱۳:۳*	استعینوا فی الحرف ۱۰۵۶:۵
اژدهایِ زَفَت ۱۱۷۵:۴*	اسب کُشت ۳۸۲۴:۵	اِسْتَعِیْنُوا مِنْهُ ۱۱۸۱:۴*
اژدها یک لقمه ۱۰۵۱:۳	اسب کش گفتی ۳۳۱۷:۳	استماع هَجَرِ ۴۸۲:۳*
اژدهای کوهی ۲۸۰۷:۴	اسب هَمّت ۵۴۰:۱	اُسْتَنِ آب ۴۹:۶*
اژدهای هفت سر ۴۶۵۷:۶	اسب یاغی ۲۷۲۹:۴	اُسْتُن این ۲۰۶۶:۱
اژدهایی چون ۱۰۰۴:۳	اِسْپَر آهَن ۲۴۶۹:۵	اُسْتَنِ حَنّانه آید ۱۰۱۷:۳*
اژدهایی خرس ۱۹۳۲:۲	اسب را اندر ۳۴۳۹:۶	اُسْتُن حَنّانه از ۲۱۱۳:۱
اژدهایی زشت ۱۰۴۷:۳*	اسب را در منظرِ ۳۴۶۰:۶*	اُسْتَنِ دنیا ۱۳۸:۵*
اژدهایی گشت ۶۲۳:۶*	اسپرِت باشم ۳۶۱۲:۶	اُسْتُن من ۱۱۷۸:۴
اژدهایی مرده ۹۹۶:۳	اسپر خود ۱۰۱۸:۶	اِسْتَوِی عِنْدی ۳۸۶۶:۵*
اژدهایی می‌شود ۲۸۰۶:۴	اسب رَوگو، نه که ۴۰۶۲:۵*	اُسْجُدوا لِلآدم ۲۲۶۴:۶
اژدهایی ناپدید ۶۲۴:۶	اسب سنگین ۳۳۵۸:۶	اَشْحر از هاروت ۳۲۶۰:۵*
اسب این خواجه ۳۳۱۲:۳	اِسْپَش افتاد ۸۴۶:۵*	اَشْرَحی یا ناقتی ۳۱۱۲:۶

۴۷۷:۵	اُشتری ام ۲۱۴:۶	اِسْقِنِی خَمْرًا ۲۰۷۸:۴
اشک می‌بارید هر ۳۷۶۸:۶	اُشتری بُد ۴۰۹۳:۳	اَسْلَمَ الشَّیْطَانُ اَنْجَا ۳۶۴۹:۶
اشک می‌راند ۷۶۰:۵	اُشتری را ۳۳۷۷:۴	اَسْلَمَ الشَّیْطَانُ نَفْرَمودی
اشک می‌راند او ۴۷۸۷:۶	اُشتری سرخی ۲۹۱۹:۲	۲۸۹:۵
اشک می‌رفت ۲۲۱۸:۳	اُشتری گُم کرده است	اسم خواندی ۳۴۵۷:۱
اشک و خون بر ۲۸۵۴:۴	۲۹۹۰:۲	اسم را چون دُریدی ۳۵۷:۵
اشک خون‌ست ۴۸۸:۵	اُشتری گُم کرده بی ۲۹۷۳:۲	اسم مشتق ۲۱۹:۴
اَشْهَد آمد ۳۳۱۷:۵	اُشتری گُم کردی ۲۹۱۱:۲	اسم هر چیزی، بِرِ خالق
اَصْبَعْتُ در ۱۸۶۰:۳	اِشْتها آید ۳۹۳۲:۶	۱۲۳۹:۱
اَصْبَع لطف‌ست ۲۷۷۸:۳	اِشْتها ام نیست ۹۱۴:۵	اسم هر چیزی بر ما ۱۲۳۹:۱
اَصْبَع مَلْدوغ ۴۲۶۳:۶	اِشْتها صادق ۲۵۸۷:۶	اسم هر چیزی تو ۱۲۳۸:۱
اصطلاحاتی است ۳۴۰۹:۱	اِشْتهای ۲۰۵۲:۶	اسم هر چیزی چنان ۱۲۳۵:۱
اصطلاحاتی میان ۴۰۰۹:۶	اِشْتهی داری ۱۱۳۸:۵	اِشْپیش و موش ۲۲۴۰:۱
اصلِ آبِ ۳۵۲۱:۱	اِشْربِی یا نَفْسُ ۳۸۰۲:۳	اِشْتباهی و گمانی ۲۵۰۴:۱
اصلِ آن درد و بلا ۱۶۹:۱	اشک از آن ۲۶۳۸:۴	اِشْتباهی هست ۶۴۸:۶
اصلِ آن شاخ‌ست ۱۱۰۱:۵	اشکِ تر باشد ۱۶۳۳:۱	اُشْتَر آمد ۱۹۶۶:۱
اصلِ ایشان ۸۷۴:۱	اشک خواهی ۸۲۲:۱	اُشْتَرانگ ۱۹۶۷:۱
اصلِ این ترکیب ۱۷۲۸:۳	اشکِ خون ۲۵۴۴:۱	اِشْترا از چُستی ۳۴۳۷:۲
اصلِ این شاخست ۱۱۰۱:۵	اشک دیده ۵۹۶:۱	اِشْترا از قُوت ۲۳۵۱:۳
اصلِ بیند ۱۷۰۹:۵	اشک را در فضل ۱۶۱۹:۵	اِشْتراکِ کُبر ۶۴۹:۶
اصلِ بینی پیشه‌کن ۳۱۶۳:۶	اشکش از دیده ۲۰۵۶:۶	اِشْتراک لفظ ۶۴۹:۶
اصلِ جُرم و آفت ۱۳۹۲:۴	اشک، غلطان ۲۷۷۲:۵	اُشْترا نِ بُختی ۲۱۳۹:۶
اصلِ خود جذب است ۱۴۷۷:۶	اشک کآن از ۱۷۸۰:۱	اُشْترا ندر ۲۴۳۲:۵
اصلِ دان آن ۳۷۰۷:۵	اِشْکُم پُر ۴۷۲۸:۶	اِشْترا نشان ۳۱۳۴:۳
اصلِ دین، ای بنده ۲۴۰۴:۳	اِشْکُم تی ۴۷۲۶:۶	اِشْترا نِ مصر ۲۵۲۷:۵
اصلِ روزی از خدا ۱۴۹۰:۵	اِشْکُم خالی ۴۷۲۷:۶	اِشْترا ن و هر کسی ۳۱۴۶:۳
اصلشان بد ۲۶۵۷:۳	اِشْکُمش گفتی ۷۳۶:۳	اُشْتَر بُختی ۲۴۸۰:۶
اصلِ صافِ آن ۲۸۸۳:۱	اِشْکُم نانِ خواه ۲۷۵۸:۵	اُشْتَر تو از ۲۹۱۳:۲
اصلِ صد یوسف ۳۲۳۹:۵	اشکِ من باید ۲۳۴۱:۶	اُشْتَرِ خود را که ۲۹۹۶:۲
اصلِ ظلم ۴۶۳۸:۳	اشک می‌بارد ۱۸۱۹:۵	اُشْتَرِ خود نیز آن ۲۹۹۴:۲
اصلِ غیرت‌ها ۱۷۷۲:۱	اشک می‌بار و همی ۱۷۲۹:۵	اِشْتراش بردند ۶۵۹:۲
اصلِ کینه ۲۷۴:۲	اشک می‌بارید مانند ۳۶۶۲:۲	اُشْتَرِ کُردی ۶۵۷:۲
اصلِ لشکر ۱۹۹۴:۴	اشک می‌بارید و می‌بُزید	اِشْترا کوری ۱۳۲۳:۴
اصلِ مارا ۳۳۳۴:۳	۳۶۵۸:۲	اُشْترا مِ من ۴۱۶۵:۶
اصلِ ما و اصلِ ۲۳۱۵:۴	اشک می‌بارید و می‌گفت	اِشْترا و گاو ۲۴۵۷:۶

اَصْلِ ماهی ۳: ۳۰۷۲	اعتمادی کرد ۶: ۳۷۹۵	اَقْتُلُوا اَنْفُسَكُمْ ۳: ۳۷۴
اَصْلِ مِحْنَتِها ۵: ۳۵۴۱*	اعتمادی کن به ۴: ۳۵۶*	اَقْتُلُونِی اَقْتُلُونِی ۳: ۳۸۳۹
اَصْلِ نِعْمَتِها ۳: ۴۶۰	اِعْتِنَاقِ بِي حجابش ۶: ۴۶۱۸*	اَقْتُلُونِی یا ثِقَاتِی ۱: ۳۹۳۴
اَصْلِ نَقْدَش ۲: ۲۶۳۱	اعجمی تُرکی ۶: ۶۴۳	اَقْبِشْه وَاَمْلَکِ ۳: ۱۶۵۱*
اَصْلِ وِ سرچشمه ۲: ۲۴۵۵	اعجمی چون ۳: ۳۳۴۲	اکثر اهل ۴: ۱۴۲۰
اَصْلُها ثابِت ۳: ۴۳۸۸*	اعجمی زد ۶: ۳۸۸۰	اِکْرِموهُمْ ۳: ۲۸۳۷*
اَصْلُها مَرِّ فرعها ۱: ۸۷۸*	اَعْجَمِی سازید ۳: ۱۲۴۲*	اکمه و ابرص ۱: ۳۰۶۹
اَصْلُه ثابِت ۴: ۳۵۷۴*	اَعْطِ ما شَاؤُا ۴: ۳۸۱۳	اَلْاَمَانُ وَاَلْاَمَانُ ۶: ۳۷۶۴*
اَضْحَکَ الرَّجْعِی ۳: ۱۱۲۰*	اِعْلَمُوا اَنْ ۵: ۱۷*	اَلِیْسُوهُمْ کُفْتُ ۶: ۳۹۷۴*
اضطرابِ ماه ۳: ۲۸۰۹	اعمشی کو ۱: ۳۶۵۵	البقیة ۲: ۲۵۰۳
اضعف مرغان ۳: ۲۸۱۹	اعمی روشندل ۲: ۲۰۸۰	اَلْبَیْلا ی قَهْرِیْنِیا ۳: ۳۴۳۷*
اَطْعَمُوا اَلْاَذْنَابَ ۶: ۳۹۷۵*	اعور آن باشد ۴: ۱۷۱۰	اَللَّجَافِی مِنْکَ ۵: ۲۴۴۷*
اَطْفَأَ اللّٰه نَارَهُمْ ۶: ۳۵۳*	اِغْتَدَ بِالْاَوْر ۵: ۲۹۷	النفاتش نیست ۴: ۲۹۲۷*
اطلاع از حال ۴: ۲۸۴۱*	اغلبِ آن ۶: ۳۹۴*	اَلْجَمَاعَه رَحْمَه ۶: ۲۶۳۶*
اَطْلُبِ الدَّر ۵: ۱۰۵۷	اغنیا مانده ۴: ۲۴۰	اَلْحَذَرُ از مَکَرِ ۳: ۸۶۳*
اطلبوا اَلْارْزاقَ ۳: ۱۴۶۶	افتخار از ۴: ۲۵۷۶	الحذر ای کِلِ پرستان ۳: ۲۸۵۶
اطلس تقوی ۴: ۱۷۶۶	افتخارِ هر نبی ۱: ۳۷۲۳*	الحذر ای مرگِ بینان ۳: ۳۴۳۶
اطلس چه ۶: ۱۶۹۷	افتد اندر دام ۴: ۳۸۵۰	اَلْحَذَرُ ای مُؤْمِنان ۱: ۳۲۸۷
اطلسِ عمرت ۶: ۱۷۲۰	افتد اندر هفت ۱: ۱۵۷۷*	الحذر ای ناقصان ۶: ۲۴۸
اعتبارِ آن عصا ۶: ۴۳۵۵*	اِفْتَقِدُهُ ۵: ۲۹۶*	اَلْحَذَرُ دَعِ ۱: ۹۰۸*
اعتبار از قومِ نوح ۴: ۲۱۵۳*	افت و خیزان ۳: ۱۵۱۲	اَلْحَذَرُ زِ آن ۳: ۷۸*
اعتبار اَلْاِعْتِبار ۵: ۴۳۴*	افَرَحُوا هَوْنًا ۳: ۵۰۶	الحق اندر ۶: ۳۴۴۰
اعتبارش راز دلها ۶: ۴۳۵۴*	اِفْرَحُوا یا قَوْمُ ۶: ۱۰۹۷*	اَلْحَیاءُ یَنْعَعُ ۲: ۱۳۶۸*
اعتراض او ۱: ۳۸۵۶	افعی بر پشت ۳: ۲۹۷۰	اَلْخَبِیثاتِ لِاَلْخَبِیثِینِ، حکمت
اعتراض و لا تُسَلِّمَ ۴: ۲۰۳۱*	افعی پُر زهر ۶: ۲۴۵*	۱: ۳۶۰۴
اعتقاد اوست ۴: ۲۰۳	افکن این تدبیر ۲: ۱۰۶۰	اَلْخَبِیثاتِ لِاَلْخَبِیثِینِ را ۴: ۲۸۰
اعتمادِ جمله ۱: ۴۶۱	افکند در پیشِ ۳: ۶۸۴*	اَلْخَبِیثاتِ لِاَلْخَبِیثِینِ زد
اعتمادِ زن ۴: ۱۶۳	افکند در قعر ۱: ۲۱۲۵*	۲: ۳۶۳۹*
اعتمادش بر ثبات ۳: ۴۶۸	افکنید آن مکرها ۱: ۱۶۱۸*	اَلْخِیاطَةُ ۵: ۳۶۴*
اعتمادش بر هزاران ۵: ۳۱۷۱	افکند اندر جهان ۲: ۱۵۹۵*	السَّماءُ اَنْشَقَّتْ ۲: ۱۶۱۵
اعتمادش بود ۳: ۲۳۳۵	افکند مر بنده ۵: ۵۴۳*	السَّماحُ ۶: ۳۵۷۲*
اعتمادش نیز ۵: ۲۸۲۷	اقتدا کردن به تو ۳: ۲۰۶۴*	الشَّقِیُّ مِنْ شَقِی ۱: ۳۵۱۳
اعتمادش نیست ۵: ۵۲	اقتدا کردند ۳: ۲۱۴۱	الصَّلا ی جمله ۳: ۸۴۷
اعتمادی بودشان ۱: ۳۳۲۲	اقتدایِ جمله ۱: ۴۶۱*	الصَّلا ی لطفِ بینان ۳: ۳۴۳۷
اعتمادی داشت ۳: ۲۳۳۷	اقتضای ۳: ۲۴۸۹	الصَّلا ساده ۱: ۲۲۷۸

امتناع پیل ۲۷۴۵:۶	اُمّتِ او صفدرانند ۴۹۳:۶	الصّلا گفتیم ۷۲۱:۴
اُمّتِ وحدی ۳۷۸۵:۱	امتحان بر ۷۴۶:۳	الضّیافه للغریب ۲۳۹۹:۶
امر آمد ۳۵۸۴:۴	امتحان کرد غیرت ۶۷۹:۳	الضّیافه والقری ۲۳۹۸:۶
امر آید: در صور ۷۷:۶	امتحان تو اگر ۱۲۳۸:۳	الْعَجَل ای حشر بینان ۳۴۳۶:۳
امر آید هر یکی ۱۷۷۲:۵	امتحان چشم ۳۱۱:۴	الغیث المُستغاث ۱۰۴۳:۵
امراء القیس آمده‌ست ۳۹۸۸:۶	امتحان حق کند ۳۶۰:۴	الغیث ای ۲۰۰:۶
امراء القیس از ۳۹۸۶:۶	امتحان خود، چو ۳۶۸:۴	الفتی می‌بود ۲۶۵۹:۱
امر اعرض ۲۰۶۶:۲	امتحان خود را کن ۳۶۷:۴	إلف داده است ۱۲۹۴:۱
امر امر ۳۱۲۱:۵	امتحان را ۲۶۸۰:۱	الف ما انوار ۲۶۶۲:۱
امر او کز بحر ۱۶۷۶:۵	امتحان زین ۲۴۱۸:۵	الکیاسه ۲۳۹۸:۶
امر او گیرند ۳۶۲۴:۶	امتحان ست ۲۷۱۷:۳	الله از تن ۱۳۹۵:۵
امر بَلِّغ ۳۵۸۵:۴	امتحان کم کن ۳۴۷۱:۶	الله، اُشتری ۴۷۳۱:۳
امر حق آمد ۲۱۷۶:۶	امتحان گر کنی ۳۷۵:۴	الله الله الله ۱۳۰۱:۵
امر حق باید ۴۶۴۶:۳	امتحان شیر ۲۶۷۳:۲	الله الله این جفا ۵۶۱:۱
امر حق بشنو ۱۳۶۱:۴	امتحان کرد آن ۲۲۲۸:۲	الله الله این چه ۳۷۶۲:۵
امر حق جان‌ست ۲۶۹۴:۵	امتحان کردم ایاز ۳۹۷:۶	الله الله بر رو ۳۲۳۶:۴
امر حق را باز جو ۲۲۲۹:۱	امتحان کردم درین ۳۶۳:۴	الله الله پامنه ۳۳۰۵:۱
امر حق را در نیابد ۲۲۲۹:۱	امتحان کن، امتحان ۳۳۸۲:۶	الله الله جمله ۲۴۱:۳
امردی را بست ۳۰۲:۶	امتحان کن جمله ۳۵۹۱:۱	الله الله چونکه ۶۵۷:۶
امردی و کوسه‌یی ۳۸۴۳:۶	امتحان کن حفره ۲۰۷۱:۵	الله الله، خلق را ۵۶۴:۱
امر را طاق ۱۱۰۳:۲	امتحان کن فقر را ۲۳۷۳:۱	الله الله در ۳۸۷۶:۳
امر را و نهی را ۱۴۷۹:۶	امتحان کن و آنکه ۲۹۳۷:۲	الله الله رُو تو هم ۴۹۱۰:۶
امر سلطان ۴۰۷۶:۵	امتحان ما مکن ۲۴۹۸:۲	الله الله ز آن ۳۶۳۵:۶
امر شاوَرهم ۳۰۱۹:۱	امتحان می‌کردشان ۸۰۶:۳	الله الله زود ۲۶۲۲:۴
امر، شد بر ۳۰۸۸:۵	امتحان نقد و قلم ۲۶۷۳:۲	الله الله زین ۴۰۱۳:۵
امر شه بهتر ۴۰۷۵:۵	امتحان‌ها از تو ۲۱۱۱:۵	الله الله قسم ۱۴۸۰:۵
امر عاجز ۳۱۰۱:۵	امتحان‌ها هست ۷۴۴:۳	الله الله گِرْد ۳۶۲۵:۵
امر غُضّوا ۲۱۰۱:۳	امتحان‌های ۲۹۵۱:۲	الله الله هیچ ۲۶۲۳:۴
امر فرمانده ۵۷۱:۴	امتحان همچو من ۳۵۲:۴	النّبی ۷۲۸:۲
امر قُل زین ۳۱۹۸:۵	امتحان همچون ۳۸۰:۴	الوداع ای ۶۴۷:۱
امر کردن سنگ ۳۰۲۶:۵	امتحانی گر بدانست ۳۸۲:۴	اُمّتِ احمد ۳۷۳۹:۱
امر کردن، هیچ ۳۳۳۱:۲	امتحانی می‌کنی ۷۹۲:۳	اُمّةُ الْإِیمانِ ۹۹۶:۵
امر کردی ۱۶۴۷:۵	امتحانی نیست ۲۶۰۸:۱	اُمّةُ العشق ۸۴۷:۴
امر کن تو ۲۶۸۱:۱	اُمّتِ خود ۲۸۵۹:۶	اُمّةُ الکفران ۹۹۶:۵
امر کُن یک ۳۱۰۰:۱	اُمّتِ مرحومه ۳۱۲۰:۱	اُمّتان را دور ۳۲۵۸:۱

اَمْرِ لَا تُلْقُوا ۳: ۳۴۳۴*	انبیا بردند ۳: ۲۶۶۸*	اِنَّ تَبْرِيرَ لَنَا ۶: ۳۱۱۲*
امر ما پیش ۵: ۴۰۸۷	انبیا بودند ۶: ۲۴۴۷	ان تَبْرِيرَ مُنَاخَاتُ ۶: ۳۱۱۱*
امر ما را افکند ۱: ۱۱۵۵*	انبیا چون جنس روحند ۴: ۲۶۹۷	اَنْتَ سِرٌّ ۵: ۳۳۰۹
امر معروف او ۶: ۲۰۹۳	انبیا چون جنس علّیین ۱: ۶۴۱	انتظار این قضای ۳: ۸۱۶*
امر معروف و ز منکر ۶: ۴۸۰*	انبیا در قطع ۳: ۲۵۱۷	انتظار چیستی ۵: ۱۸۲۲
امر می آمد ۱: ۲۱۰۲	انبیا در کار ۱: ۶۳۷	انتظار حشرت آمد ۳: ۳۴۷۷*
امر نور اوست ۶: ۹۸۳*	انبیا را امتحان ۴: ۳۱۰	انتظار دود ۳: ۳۱۱۴*
امر و فرمان ۵: ۲۷۱۰	انبیا را تنگ ۳: ۳۵۳۸	انتظار رستخیزت ۳: ۳۴۷۶*
امر و نهی این ۵: ۳۰۱۸*	انبیا را حق ۶: ۳۷۷۰	انتظار روز می دارد ۱: ۳۲۹۴*
امر و نهی جاهلانه ۵: ۳۰۳۱*	انبیا را داد ۳: ۳۱۴۳	انتظار شاه ۶: ۳۹۶۲*
امر و نهی و خشم ۵: ۲۹۷۳	انبیا را در درون ۱: ۱۹۱۹	انتظارم، تا شیم ۲: ۲۷۲۶*
امر و نهی و ماجراها ۵: ۳۰۲۳*	انبیا را در نظرشان ۶: ۹۹۷*	انتظار مرگِ دارِ ۶: ۳۴۰۴*
اَمْرُهُمْ سُورِی بخوان اندر ۶: ۱۵۹۰	انبیا را ساحر و کز ۵: ۱۹۸۲*	انتظارم کُشت ۴: ۱۲۲۵
اَمْرُهُمْ سُورِی بخوان و کار ۵: ۱۶۷۰*	انبیا را کار ۱: ۶۳۸	انتظار نان ۵: ۱۷۵۱
اَمْرُهُمْ سُورِی برای ۶: ۲۶۱۲	انبیا را کی ۴: ۳۱۹۷*	انتظار وقت ۳: ۱۲۴۴*
امشب ار امکان ۶: ۴۴۶۷	انبیا را گفته ۲: ۱۴۰۰	اَنْتَ عَقْلِی ۶: ۶۶۷
امشب باران ۳: ۶۲۷	انبیا را واسطه ۲: ۸۱۱	اِنَّ تَغِبَّ ۱: ۹۹*
امشبش بنهیم ۶: ۲۴۰۴*	انبیا ز آن ۵: ۳۵۸۸	اَنْتَ فَجْرٌ ۵: ۳۳۰۹*
آمن در فقرست ۴: ۲۷۵۷*	انبیا شان ۶: ۹۹۶	انتقام و ذوقِ آن ۶: ۲۵۸۵*
آمن دیدی ۶: ۴۳۶۶	انبیا طاعات ۲: ۲۶۸۵	اَنْتَ کَالْمَاءِ ۵: ۳۳۱۰*
آمنشان از ۶: ۴۳۶۵	انبیا گفتند آن ۲: ۲۳۱۹*	اَنْتَ کَالرَّیْحِ ۵: ۳۲۱۱
آمن مأکولان ۵: ۷۲۸	انبیا گفتند آوه ۳: ۲۷۵۳	اِنَّ تَكَلَّفَ ۱: ۱۲۹*
اُمّةُ الایمان ۵: ۹۹۶*	انبیا گفتند با خاطر ۳: ۳۰۷۷	اِنَّ تَمَارَضْتُمْ ۳: ۱۵۸۰*
اُمّةُ العشق ۴: ۸۴۷	انبیا گفتند: با عقل ۲: ۲۲۶۹*	اَنْتُمْ الْبَاقُونَ ۴: ۸۴۹*
اُمّةُ الکُفْران ۵: ۹۹۶	انبیا گفتند در ۳: ۲۶۷۷	اَنْتَ مَوْلی ۱: ۱۰۰
اِنَّ اَتَى السِّرْحَانَ ۳: ۳۲۶۴*	انبیا گفتند فال ۳: ۲۹۵۵	اَنْتَ وَجْهِی ۶: ۶۶۶
اِنَّ اَرَدْتُمْ ۳: ۳۹۰۰*	انبیا گفتند کآری ۳: ۲۹۰۹	اَنْجُمِ آن شمس ۶: ۱۸۲*
انبساطی ۵: ۳۱۷۰	انبیا گفتند کین ۳: ۲۷۱۵	اَنْجُمِ پنهان شده ۱: ۳۶۷۳*
لَنْ بَعْضَ الظَّنِّ ۶: ۲۵۶۹	انبیا گفتند نومییدی ۳: ۲۹۲۲	اندر آسرار ۱: ۷۹۰
ابّه و پیروز ۳: ۴۰۹۲*	انبیا گویند ۳: ۲۱۶۷	اندر آ کنون ۱: ۳۸۲۷
آبّهی از ۶: ۴۲۷۰	انبیا و اولیا را ۱: ۱۵۳۹*	اندر آ ای ۱: ۷۸۶
آبّهی هُش ۶: ۳۰۵۲*	انبیا و کافران را ۴: ۸۱۸*	اندر آب از شیر ۱: ۱۳۰۵*
انبیا با ۴: ۲۷	انبیا هر ۵: ۲۷۰۰	اندر آبِ زندگی ۲: ۲۶۹۷*
	انبیای رهبر ۱: ۱۵۴۲*	اندر آب شور ۵: ۵۹۸*
		اندر آب و، بی خبر ۵: ۱۰۷۹*

اندر آتش افگنی ۳۲۱۵:۴	اندر آمد شادمان ۱۹۱:۱	اندر آن رقعہ نبشته ۱۹۳۹:۶
اندر آتش دید ۱۷۱۵:۲	اندر آمد کور ۲۳۵۶:۲	اندر آن روضہ ۴۸۱۰:۶
اندر آتش، صورتِ ۱۱۹۸:۱	اندر آمد مست ۴۳۹۲:۶	اندر آن رَہ ۵۹۶:۳
اندر آتش کی ۲۲۹:۵	اندر آمد ناگهان ۱۹۹۹:۵	اندر آن زندان ۳۴۱۸:۶
اندر آتش همچو ۳۸۹۶:۶	اندر آ من ۳۸۴۱:۱	اندر آن ساحل درآمد
اندر آتش هم نظر ۲۹۰۲:۵	اندر آمیزیم ۲۷۳۴:۶	۲۱۷۶:۳
اندر آ، تو تا ۸۲۹:۱	اندر آن اقبال ۴۱۱۹:۶	اندر آن ساحل شتایدم
اندر آخر ببند ۳۳۷۲:۳	اندر آن ایام کِش ۱۲۱۶:۲	۱۹۸۵:۳
اندر آخر جملہ ۲۳۷۷:۵	اندر آن ایام و ازمانِ ۱۸۲۰:۶	اندر آن سَلَّہ نیایی ۴۴۸۶:۶
اندر آخر، حرفِ ۹۷۲:۲	اندر آن بازار ۵۰:۲	اندر آن سودا ۱۹۷:۲
اندر آخر حمزہ ۳۴۱۹:۳	اندر آن بازی ۴۳۶۱:۳	اندر آن شادی ۱۲۷۷:۵
اندر آخر، خواجہ ۹۷۴:۲	اندر آن باغ ۳۴۱۴:۳	اندر آن شب خواب ۳۵۲۳:۶
اندر آخر کردش ۸۳۳:۵	اندر آن بحر ۱۰۹۰:۴	اندر آن صحرا کہ آن ۲۹۹۴:۲
اندر آخر، و آمد ۱۱۷۳:۶	اندر آن بستان ۴۱۷۹:۳	اندر آن صحرا کہ رُست
اندر آ در بحرِ ۳۷۷۰:۲	اندر آن بودیم ۴۰:۴	۴۰۷۶:۳
اندر آ در جو ۴۰۸۱:۵	اندر آن تابان ۳۱۷۲:۶	اندر آن صف تیغ ۳۷۷۵:۵
اندر آ در سایہ آن ۲۹۶۱:۱	اندر آن تاریکی اش ۱۲۶۱:۳	اندر آن صف‌ها ۴۱۹۴:۵
اندر آ در سایہ نخلِ ۲۹۶۰:۱	اندر آن تقریر ۱۲۶۲:۲	اندر آن صندوق ۴۴۹۱:۶
اندر آرد جسم ۳۷۲۱:۶	اندر آن تنگی ۳۴۶۳:۶	اندر آن صورت ۳۵۸۱:۳
اندر آرد زلزله اش ۱۲۸۱:۱	اندر آنجا ذکر ۲۸۷۹:۲	اندر آن ظلمت ۱۲۶۰:۳
اندر آ زود و، مگو ۳۱۰۹:۳	اندر آنجا زر ۱۸۵۹:۵	اندر آن عالم ۴۰۷۵:۳
اندر آ کآزاد ۳۸۲۶:۱	اندر آنجا هیچ ۲۸۷۹:۲	اندر آن فکری ۹۳۴:۶
اندر آ مادر بین ۷۸۸:۱	اندر آن جبری شدی ۶۳۶:۱	اندر آن قلعه ۳۷۰۴:۶
اندر آ مادر به حق ۷۹۶:۱	اندر آن حلقہ زرب ۳۵۳۲:۳	اندر آن کاری ۱۱۹۸:۵
اندر آ مادر کہ ۷۹۷:۱	اندر آن حلقہ مکن ۱۵۹۲:۶	اندر آن کَفَّہ ۶۳۴:۴
اندر آ مادر، مَدَّہ ۷۹۷:۱	اندر آن حَمَام ۲۲۴۶:۵	اندر آن کُہ ۱۶۳۴:۳
اندر آمد آن عصا ۱۲۳۱:۳	اندر آن حملہ ۲۷۹۵:۲	اندر آن گِل ۱۲۱۶:۶
اندر آمد او ۱۱۷۹:۶	اندر آن خانہ ۱۲۵۶:۶	اندر آن گورِ ۲۳۱۷:۴
اندر آمد بحرِ ۶۱:۱	اندر آن خُم کرد ۷۲۱:۳	اندر آن مَزْرِع ۴۰۹۵:۳
اندر آمد بیست ۳۸۱۰:۵	اندر آن دستی ۴۱۷۲:۶	اندر آن مُسْتَعِجَلی ۲۵۸۳:۶
اندر آمد پیشِ ۶۷۰:۶	اندر آن دل ۴۳۹۵:۳	اندر آن مسجد چہ ۴۳۲۱:۳
اندر آمد جو حی ۴۴۷۹:۶	اندر آن دم ۴۴۷۷:۶	اندر آن منزل ۳۶۵۹:۲
اندر آمد چون ۱۱۸۳:۱	اندر آن دہ ۲۶۱۹:۳	اندر آن می ۳۴۴۸:۵
اندر آمد در بخارا ۳۸۷۲:۳	اندر آن ذرہ شود ۳۳۹۵:۵	اندر آن وادی ۳۱۳۰:۳
اندر آمد دیگری ۱۵۵۳:۳	اندر آن رقعہ ثنای ۱۷۲۸:۴	اندر آن وحی ای ۳۳۹۴:۱

اندر آن وهم ۴۸۶:۴	اندر افتد گاو ۲۸۵۹:۵	اندر و نِ توس ۱۷۱۸:۱
اندر آن ویران که ۱۱۳۳:۳	اندر افتم ۳۱۲۶:۳	اندر و نِ خانه اش ۷۷۱:۲
اندر آن ویرانه شان ۶۴۷:۳	اندر افکند آن لعین ۵:۲۶۱۰*	اندر و نِ خویش ۴۷۶۳:۶
اندر آن هر قطره ۵:۶۱۷*	اندر افکندم قُج ۵:۲۱۷۷*	اندر و نِ زهر ۴۳۴۴:۶
اندر آن هنگامه ۶:۱۶۶۶	اندر افکندی به راز ۳:۲۳۹۷*	اندر و نِ سُر ۳۴۳۷:۶
اندر آن یک حُجره ۴:۱۵۹*	اندر افگن ۳:۳۱۱۲*	اندر و نِ، قهر ۵:۴۱۷*
اندر آ و آب بین ۷۸۹:۱	اندر اِکرام، و سخای ۱:۶۰۹*	اندر و نِ گاو ۶:۳۵۸۱
اندر آ و، بنگرش ۳:۵۷۲*	اندر اَلها کُم بَجو ۳:۴۱۲۲	اندر و نِ می شوردش ۱:۳۲۳۸
اندر آ و دیگران ۱:۸۰۰	اندر اَلها کُم بیان ۳:۴۱۲۵	اندر و نِ نورِ ۶:۳۵۷۹*
اندر آوردش بر ۶:۱۵۰۸	اندر امنِ سرمدی ۵:۳۳۴۱*	اندر و نِ حیل ۲:۱۹۱۵
اندر آوردش به پیشِ ۱:۱۹۵*	اندر انبان ۵:۴۹	اندر و نِ هر ۲:۲۷۱۱
اندر آید تا ۶:۴۳۶۸	اندر اندازی ۲:۵۵۱*	اندر و نِی آب ۳:۲۱۰۰*
اندر آید دخلِ ۲:۲۵۹۴*	اندر او آبِ حواس ۱:۲۷۰۸*	اندر و نِ کاندرون ۱:۲۰۸۰
اندر آید زُغبه ۴:۳۴۶۰*	اندر او از سَعد ۱:۱۲۸۸*	اندر و هر سو ۴:۲۴۷۰*
اندر آید کوه ۳:۱۲۶*	اندر او جز عشق ۵:۲۸۰۳	اندر و هفتاد و دو ۳:۴۷۱۹*
اندر آید لیک ۴:۳۴۶۱	اندر او صد فکرت ۵:۲۹۴۵*	اندر ایشان خیر ۵:۶۲۶*
اندر آیند اندر ۱:۱۳۷۷*	اندر او صد نقشی ۵:۲۹۲۰*	اندرین آتش ۱:۷۹۴
اندر آبی باغِ ۲:۲۱۸۲*	اندر او هم قُوت ۵:۳۲۹۸*	اندرین آخِر ۴:۲۸۰۴
اندر آید ای مسلمانان ۱:۸۰۱	اندر او یک ۵:۱۸۰۷	اندرین آهنگ ۴:۴۶۶
اندر آید ای همه ۱:۸۰۲	اندر ایشان بنگر ۱:۲۴۹۹	اندرین اشتر ۲:۲۹۹۰
اندر آینه بر آینه ۶:۳۱۵۴*	اندر ایشان تافته ۱:۱۳۲۰	اندرین اُمت ۵:۲۵۹۴
اندر آینه چه ۶:۲۰۲۶	اندر ایشان حرص ۴:۲۴۱	اندرین اندیشه بیرون ۶:۴۲۵۲
اندر ابر آن نورِ ۵:۶۹۵*	اندر اینجا آفتاب ۶:۱۶۳۰	اندرین اندیشه تشویش
اندر احمد ۴:۳۷۸۶	اندر این چُستی ۶:۱۶۷۳*	۱۸۳۸:۳
اندر استغنا ۳:۱۳۹۵	اندر این کاروانسرا ۶:۲۳۹۱*	اندرین اندیشه خوابش
اندر استکمالِ خود ۱:۳۲۱۲*	اندر و آید، شود ۵:۸۷۲*	۲۸۹۵:۲
اندر افتادند از ۵:۲۰۶۷	اندر و اشکال ۳:۶۵۵	اندرین اندیشه می بود ۱:۳۶۲۰
اندر افتادند چون زن ۵:۴۴۹*	اندر و تخم ۲:۲۵۶۵*	اندرین ایام ۱:۱۹۵۱*
اندر افتادند چون صَعوه	اندر و حیوان ۵:۲۴۳۳*	اندرین باران ۵:۳۶۶۴
۵:۴۵۰*	اندر و خلق ۳:۲۶۰۷	اندرین بازار چون ۳:۳۱۰۱*
اندر افتادند چون گرگان ۳:۱۴۵	اندر و شادی ۱:۸۳۵*	اندرین بازارِ یَقَع ۶:۲۹*
اندر افتادند در دَلقِ ۲:۱۱۳۷*	اندر و سُوری ۵:۱۲۳*	اندرین بحث ۵:۴۱۴۴
اندر افتادند در لُوت ۴:۳۶۱۸	اندر و صد نعمت ۳:۵۴*	اندرین بِطَیخ ۲:۱۵۲۸*
اندر افتادن ز حیوان ۳:۶۵۳	اندر و گاوی ست ۵:۲۸۵۵*	اندرین بوته ۴:۸۲۰*
اندر افتد باز ۳:۲۱۶۰*	اندر و مهمان کشان ۳:۳۹۲۶*	اندرین بود او که الهام ۶:۲۳۴۷

اندرین بود او که شیخ ۲۱۲۶:۶	اندرین کوچه ۹۵۱:۳	اندرین بود ۳۲۳۸:۳	اندرین کون ۱۵۹۴:۴	اندرین بود ۳۲۳۸:۳	اندرین کون ۱۵۹۴:۴
اندرین بهره ۸۰۲:۱	اندرین گر می‌نداری ۳۳۸۲:۶	اندرین بهره ۸۰۲:۱	اندرین گفتن ۱۳۳۰:۳	اندرین بهره ۸۰۲:۱	اندرین گفتن ۱۳۳۰:۳
اندرین پستی ۱۹۵۶:۲	اندرین لابه ۲۳۱۸:۳	اندرین پستی ۱۹۵۶:۲	اندرین لقب‌اند ۳۹۵۰:۶	اندرین پستی ۱۹۵۶:۲	اندرین لقب‌اند ۳۹۵۰:۶
اندرین تنگی ۱۷۹:۵	اندرین مجلس سؤالم ۱۳۰:۶	اندرین تنگی ۱۷۹:۵	اندرین محضر ۴۶۶۳:۳	اندرین تنگی ۱۷۹:۵	اندرین محضر ۴۶۶۳:۳
اندرین جا ضایع ۸۶۷:۵	اندرین معنی بیرس ۴۷۴۷:۳	اندرین جا ضایع ۸۶۷:۵	اندرین معنی بی‌آمد ۹۷۶:۲	اندرین جا ضایع ۸۶۷:۵	اندرین معنی بی‌آمد ۹۷۶:۲
اندرین جو آنچه ۳۲۴۵:۶	اندرین منزل ۲۴۸۹:۲	اندرین جو آنچه ۳۲۴۵:۶	اندرین من می‌شوم ۹۸۹:۶	اندرین جو آنچه ۳۲۴۵:۶	اندرین من می‌شوم ۹۸۹:۶
اندرین جو غنچه ۳۲۳۶:۶	اندرین مهلت ره‌اند ۲۲۹۸:۵	اندرین جو غنچه ۳۲۳۶:۶	اندرین مهلت که دادم ۲۱۴۹:۳	اندرین جو غنچه ۳۲۳۶:۶	اندرین مهلت که دادم ۲۱۴۹:۳
اندرین جو، ماه بین ۳۲۴۲:۶	اندرین می‌شوم ۹۸۹:۶	اندرین جو، ماه بین ۳۲۴۲:۶	اندرین نشأت دمی ۷۳۷:۶	اندرین جو، ماه بین ۳۲۴۲:۶	اندرین نشأت دمی ۷۳۷:۶
اندرین چّه، این رَسَن ۸۴۷:۱	اندرین منزل ۲۴۸۹:۲	اندرین چّه، این رَسَن ۸۴۷:۱	اندرین نشأت نگر ۷۴۹:۶	اندرین چّه، این رَسَن ۸۴۷:۱	اندرین نشأت نگر ۷۴۹:۶
اندرین چّه گشته‌اند ۶۲۱:۵	اندرین من می‌شوم ۹۸۹:۶	اندرین چّه گشته‌اند ۶۲۱:۵	اندرین وادی ۴۲۶:۱	اندرین چّه گشته‌اند ۶۲۱:۵	اندرین وادی ۴۲۶:۱
اندرین حضرت ۱۳۲۳:۳	اندرین مهلت که دادم ۲۱۴۹:۳	اندرین حضرت ۱۳۲۳:۳	اندرین یم ۳۵۹۶:۳	اندرین حضرت ۱۳۲۳:۳	اندرین یم ۳۵۹۶:۳
اندرین خواب ۳۶۵۹:۴	اندرین نشأت دمی ۷۳۷:۶	اندرین خواب ۳۶۵۹:۴	اندرین آب بر ۱۳۳۳:۱	اندرین خواب ۳۶۵۹:۴	اندرین آب بر ۱۳۳۳:۱
اندرین درگاه ۱۳۱۸:۳	اندرین نشأت نگر ۷۴۹:۶	اندرین درگاه ۱۳۱۸:۳	اندرین آب را ۲۵۹۶:۳	اندرین درگاه ۱۳۱۸:۳	اندرین آب را ۲۵۹۶:۳
اندرین دشمن ۸۶۴:۵	اندرین وادی ۴۲۶:۱	اندرین دشمن ۸۶۴:۵	اندرین ابر ۱۶۱۵:۵	اندرین دشمن ۸۶۴:۵	اندرین ابر ۱۶۱۵:۵
اندرین دنیا نشد ۲۳۵۳:۳	اندرین یم ۳۵۹۶:۳	اندرین دنیا نشد ۲۳۵۳:۳	اندرین از کَرَم ۴۶۶۴:۳	اندرین دنیا نشد ۲۳۵۳:۳	اندرین از کَرَم ۴۶۶۴:۳
اندرین دو دوستی ۲۰۳۰:۵	اندرین آب بر ۱۳۳۳:۱	اندرین دو دوستی ۲۰۳۰:۵	اندرین تا بینی ۸۸۰:۱	اندرین دو دوستی ۲۰۳۰:۵	اندرین تا بینی ۸۸۰:۱
اندرین دَوْر ای خلیفه ۴۱:۵	اندرین آب را ۲۵۹۶:۳	اندرین دَوْر ای خلیفه ۴۱:۵	اندرین جمع شد ۳۶۳:۱	اندرین دَوْر ای خلیفه ۴۱:۵	اندرین جمع شد ۳۶۳:۱
اندرین روزن بود ۳۲۰۲:۶	اندرین ابر ۱۶۱۵:۵	اندرین روزن بود ۳۲۰۲:۶	اندرین جهد کن ۴۹:۳	اندرین روزن بود ۳۲۰۲:۶	اندرین جهد کن ۴۹:۳
اندرین ره ترک ۱۴۲۹:۴	اندرین از کَرَم ۴۶۶۴:۳	اندرین ره ترک ۱۴۲۹:۴	اندرین خاکِ چّه ۲۰۴۶:۵	اندرین ره ترک ۱۴۲۹:۴	اندرین خاکِ چّه ۲۰۴۶:۵
اندرین ره دُوری ۶۰۹:۶	اندرین تا بینی ۸۸۰:۱	اندرین ره دُوری ۶۰۹:۶	اندرین خشک ۷۱۴:۲	اندرین ره دُوری ۶۰۹:۶	اندرین خشک ۷۱۴:۲
اندرین ره، سوي ۵۰۹:۳	اندرین جمع شد ۳۶۳:۱	اندرین ره، سوي ۵۰۹:۳	اندرین خوی ۲۱۸۴:۴	اندرین ره، سوي ۵۰۹:۳	اندرین خوی ۲۱۸۴:۴
اندرین رَه مَخْلَصی ۴۶۶:۱	اندرین جهد کن ۴۹:۳	اندرین رَه مَخْلَصی ۴۶۶:۱	اندرین در دل ۲۰۴:۱	اندرین رَه مَخْلَصی ۴۶۶:۱	اندرین در دل ۲۰۴:۱
اندرین ره می‌تراش ۱۸۲۲:۱	اندرین خاکِ چّه ۲۰۴۶:۵	اندرین ره می‌تراش ۱۸۲۲:۱	اندرین دزد ۸۸۱:۱	اندرین ره می‌تراش ۱۸۲۲:۱	اندرین دزد ۸۸۱:۱
اندرین سوراخ ۳۹۷۸:۳	اندرین خشک ۷۱۴:۲	اندرین سوراخ ۳۹۷۸:۳	اندرین رخت ۲۹۲:۵	اندرین سوراخ ۳۹۷۸:۳	اندرین رخت ۲۹۲:۵
اندرین شهر ۳۸۵۷:۱	اندرین خوی ۲۱۸۴:۴	اندرین شهر ۳۸۵۷:۱	اندرین عذر ۱۵۰۵:۶	اندرین شهر ۳۸۵۷:۱	اندرین عذر ۱۵۰۵:۶
اندرین طَوْرست ۴۵۵۱:۶	اندرین در دل ۲۰۴:۱	اندرین طَوْرست ۴۵۵۱:۶	اندرین فهم ۳۱۸۴:۴	اندرین طَوْرست ۴۵۵۱:۶	اندرین فهم ۳۱۸۴:۴
اندرین عالم ۲۲۹۱:۱	اندرین دزد ۸۸۱:۱	اندرین عالم ۲۲۹۱:۱		اندرین عالم ۲۲۹۱:۱	
اندرین فتنه ۷۳۱:۱	اندرین رخت ۲۹۲:۵	اندرین فتنه ۷۳۱:۱		اندرین فتنه ۷۳۱:۱	
اندرین فَنسَخ ۴۳۸۴:۶	اندرین عذر ۱۵۰۵:۶	اندرین فَنسَخ ۴۳۸۴:۶		اندرین فَنسَخ ۴۳۸۴:۶	
اندرین فکرت ۱۴۲۶:۱	اندرین فهم ۳۱۸۴:۴	اندرین فکرت ۱۴۲۶:۱		اندرین فکرت ۱۴۲۶:۱	
اندرین قلمه ۱۲۹۸:۱		اندرین قلمه ۱۲۹۸:۱		اندرین قلمه ۱۲۹۸:۱	
اندرین کاشانِ پُرخوف ۳۲۳۵:۶		اندرین کاشانِ پُرخوف ۳۲۳۵:۶		اندرین کاشانِ پُرخوف ۳۲۳۵:۶	
اندرین کاشانِ خاک ۳۲۳۲:۶		اندرین کاشانِ خاک ۳۲۳۲:۶		اندرین کاشانِ خاک ۳۲۳۲:۶	

او بگردانید ۱۹۵:۶ *	او ازین خواهش ۱۴۸۴:۳ *	إِنَّ فَضْلَ اللَّهِ ۱:۳۹۲۳ *
او بگردد ۷۷:۳ *	او اسیر حرص ۳۵۳۴:۲ *	انفطارِ آسمان ۱۱۶۰:۲ *
او بگفتی خانه ۲۸۰۲:۵	او اگر دیوانه ۳۵۰۰:۵	أنفقوا گفته ۵۷۹:۵
او بگفتی مرتورا ۳۶۰۸:۶ *	او اگر معزول ۱۲۷۷:۴	انَّ فِي الْجُوعِ ۵:۲۹۶
او بگفتی: نیست ۳۲۲۳:۶ *	او آیازی بود و شه ۱۰۴۹:۲ *	إِنَّ فِي الْوَسْوَاسِ ۳:۴۰۷۴ *
او بگفتی یارب ۱۹۵۲:۳	او پیژد ناخنش ۲۶۲۸:۴ *	إِنَّ فِي قَتْلِي حَيَاتًا فِي حَيَاتِ
او بگوید رو ۳۲۲۲:۶ *	او ببیند ۴۴۳:۵	۳۸۳۹:۳ *
او بگوید زآنکه ۲۹۷۵:۳	او بپوشد ۱۴۸۶:۲	إِنَّ فِي قَتْلِي حَيَاتِي دَائِمًا
او بگوید: شربتی ۳۳۶۵:۱ *	او بخفت و، بخت ۱۲۱۴:۳ *	۳۹۳۴:۱ *
او بمانده در ۸۴۴:۵	او بخواهد گفت ۳۳۶۴:۱ *	إِنَّ فِي مَوْتِي حَيَاتِي مِی زدی
او بمانده دور ۲۸۰۷:۱	او بد آن قوت ۲۳۴۳:۳ *	۲۶۷۵:۵ *
او بی دندان ۲۵۴۵:۳ *	او بدادی و بدانستی ۲۷۹۹:۵ *	إِنَّ فِي مَوْتِي حَيَاتِي مِی زنم
او بود حاضر ۸۶۹:۶	او بداند منزل ۹۴۵:۴ *	۴۰۶۲:۶ *
او بود ساقی ۴۷۴۲:۳ *	او بداند هر چه ۳۰۲۸:۱ *	إِنَّ فِي مَوْتِي حَيَاتِي يَا قَتْلِي
او بود محروم ۳۷۳۶:۲	او بدان مشغول، خود	۳۹۳۵:۱
او بود مقصود ۱۶۱:۱ *	۴۵۶۱:۳ *	إِنَّ فِي نَجْوَايَ ۳:۴۷۹ *
او بهارست ۵۰۷:۳ *	او بدان مشغول شد ۱۵۰۴:۲ *	انقطاع و خلوت ۱۴۶۲:۴ *
او بهانه باشد ۱۳۵۹:۳ *	او بدوزد ۶۸۵:۱ *	انقلی یا ۱۹۲۸:۳ *
او بهانه ساختی ۲۴۷:۳	او بدی بینای من ۴۳۳۳:۶ *	إِنَّكُمْ فِي الْمَغْصِيَةِ ۱:۳۳۸۹ *
او بهانه کرده ۱۷۵۲:۱ *	او بدین دو عاریت ۱۷۹۲:۱ *	انگبین داروی ۱۶۳۶:۵
او بهانه می جود ۱۴۸۷:۶ *	او بدین سو ۳۰۷۰:۳ *	انگبین گر ۱۹:۶
او به بینی ۳۴۹۹:۳	او برآرد از کدورت ۳۴۷:۳	إِنَّمَا الْخَيْرَاتُ ۶:۳۵۷۳ *
او به پیش آتشش ۴۵۰:۳ *	او برآرد همچو ۳۲۸۸:۲ *	إِنَّمَا الدُّنْيَا ۶:۴۳۹۰ *
او به پیش آن ۸۳۵:۵ *	او بر این در ۲۷۵۱:۱ *	إِنَّمَا الْمِنْهَاجُ ۵:۲۹۳ *
او به پیش ما ۳۷۸۳:۲ *	او بزد، زین هر سه ۴۸۷۹:۶ *	إِنَّ مَنْ لَمْ يَعْصِهِنَّ ۱:۲۹۵۶ *
او به تحت الأرض ۴۳۵۷:۶ *	او برفت، این جمله ۳۹۸:۶ *	أَنَّهُ لَا رَبَّ ۱:۳۶۴۵
او به تسبیح ۳۱۳۷:۲	او برون انداخت ۳۷۴۱:۵ *	إِنَّهُمْ تَحْتَ ۳:۳۶۶۷
او به تفصیلش ۱۲۴۶:۵ *	او برهنه آمد ۲۶۳۳:۳	إِنَّ هُوَ إِلَّا ۶:۴۶۷۰ *
او به تقلید تو ۲۹۷۸:۲ *	او برهنه کی شود ۳۷۶:۴ *	او آخذ می گفت ۸۹۰:۶ *
او به تیغ ۳۹۸۸:۱	او برین دیگر ۷۳:۴ *	او آخذ می گوید ۹۶۶:۶ *
او به جان ۲۴۸۲:۵ *	او بسی کوتاه ۳۴۷۵:۵	او ادب ناموخت ۲۹۷۵:۴
او به جای آرد ۳۲۹۳:۶ *	او بسی مردم ۱۱۵۹:۳	او از آن خورشید ۴۵۹۶:۶ *
او به جای پا ۴۷۱:۲ *	او بفرمودستان ۲۹۲۸:۳	او از آن دقت ۳۲۳۸:۴ *
او به جای سنگ ۶۳۴:۴ *	او بکوشد ۳۸۳۹:۱	او از و صد ۲۴۶۷:۳
او به جد ۱۱۶:۵	او بگرداند ز تو ۴۹۰۵:۶ *	او ازین تشنیع ۱۴۸۲:۳

او به حُسن ۱۵۶۵:۳	او به هر شهری ۲۲۱۹:۲	او چو آتش بود ۳۱۳۰:۱
او به حکم ۶۰:۳	او به هر کشتی بُود ۳۹۹۸:۶	او چو آمد ۴۶۵۷:۳
او به حَمَام ۲۲۳۰:۵	او به هندستان شدن ۹۶۸:۱	او چو بیداری ست ۱۲۶۸:۴
او به خود ۲۴۵۱:۳	او به یک مشتم ۱۴۸۶:۶	او چو ببند ۱۸۵۳:۱
او به خویش ۴۱۵:۱	او بیابد ۴۷۲:۲	او چو جان است ۱۷۶۴:۱
او به دادِ کیل ۱۵۷۰:۵	او بیان می‌کرد ۳۶۴:۱	او چو ذوق ۷۶۵:۳
او به دریا ۳۳۸۹:۳	او بریر از ۳۱۱۷:۶	او چو عقل ۲۳۴۳:۵
او به دعوی ۷۴۸:۳	او پس از تو ۱۷۸۳:۶	او چو فارغ ۳۰۱:۳
او به زخمِ چوب ۹۷:۴	او پلیدی ۲۰۹۰:۳	او چو فرعونست ۳۶۲۵:۴
او به سر، با ۴۶۸۲:۶	او پیازِ گنده ۳۳۵۵:۳	او چو فرعون و ۷۷۴:۲
او به سِرّ، دَجَال ۳۷۳:۱	اوت گوید ۲۵۴۹:۱	او چو کُهِ در ۱۶۱۵:۶
او به سوی آسمان ۲۳۳۱:۳	او تُو است اما ۳۷۷۴:۶	او چو ما و بدر ۶۰۱:۴
او به سوی سُفل ۲۱۵۳:۲	او تویی خود ۱۹۸۷:۲	او چو مرغی ماند ۳۱:۱
او بهشته، سر فرو ۴۷۹۶:۳	اوت هر روزی ۲۲۸۰:۲	او چو می‌خواند ۹۰:۲
او به شهوت ۸۲۱:۳	اوج را بر مرغ ۲۸۱۱:۴	او چو نورست ۸۱۹:۲
او به صدرِ صُفّه ۱۵۷:۲	او جمیل است ۷۹:۲	او چه اندیشد ۲۲۰۳:۳
او به صد نوعم ۲۰۷۶:۴	او جوابِ خویش ۱۰۵۴:۱	او چه ترسد ۴۰۶۰:۵
او به صنعت ۱۶۸۵:۵	او جوابش گفت ۱۳۷۵:۴	او چه داند امر ۳۴۹۷:۵
او به ظاهر ۳۶۵:۱	او جوان‌تر ۱۲۳۹:۲	او چه داند جای ۲۷۲۴:۱
او به عکس ۳۹۲۱:۳	او جهان را ۴۵۰۶:۶	او چه داند چیست ۲۱۷۱:۴
او به قاهاقاه ۳۶۱۵:۶	او جُهودانه بکردی ۳۵۴:۱	او چه داند قیمت ۱۸۳۸:۱
او به قصد ۲۲۸۴:۱	او جهودانه بماند ۴۱۱۵:۶	او چه داند لطف ۳۵۰۰:۶
او به قوتِ کَی ۲۹۹:۵	او چرا آید شفیع ۲۹۵۹:۴	او چه کرد آخر ۷۷۸:۲
او به قول ۱۹۸۴:۱	او چرا با من کند ۲۲۷:۲	او چه کرد آنجا ۱۸۲۹:۱
او به گفت و او ۵۲۴:۶	او چرا حیران ۱۰۰۲:۳	او چه گوش‌ات ۱۷۴۲:۱
او به ماندن کم ۳۷۰۳:۱	او چراغ ۹۹۳:۵	او چه می‌بیند ۱۷۰۰:۲
او به مسخرگی ۲۵۶۱:۶	او چنان بد ۳۷۸۸:۳	او حکایت ۳۱۱۱:۳
او به معنی پس ۱۱۱۷:۳	او چنان غرق ست ۷۲۳:۵	او حملناهم ۱۲۹۵:۵
او به مکتبِ گاه ۲۰۵۶:۴	او چنان لرزان ۳۵۱۰:۵	او خداونداخت ۳۷۲۳:۱
او به ناکفوی ۳۷۱۹:۵	او چنان محتاج ۸۹:۵	او خروس ۱۹۷۳:۵
او به نسبت ۳۹۹:۴	او چنین پیری ۲۹۴۱:۱	او خود از لَب ۲۱۸۵:۶
او به نورِ حق ۲۱۶۹:۴	او چنین خوش ۱۵۱۸:۲	او خورد از ۱۱۴۵:۲
او به نورِ وحی ۱۲۳۰:۵	او چنین شعله ۳۱۳۱:۱	او خورد حلوا ۴۵۳۲:۳
او به هر حیل ۲۰۱۵:۲	او چنین و کودکان ۳۴۲۹:۱	او در آتش یافت ۴۲۷:۵
او به هر سالی ۲۴۶:۳	او چو آب ۲۳۳۹:۶	او در آخر ۳۷۴۲:۳

او در آمد، از ره: ۵: ۲۶۸۷ #	او ز تو رُو: ۲: ۳۲۰ #	او ز یک تصدیق: ۱: ۲۶۸۸ #
او در آمد، گفت: ۳: ۱۵۵۰	او ز جُمْلَه: ۵: ۱۲۵۹	او ز یکرنگی: ۱: ۵۰۰
او در این دیوانگی: ۲: ۲۳۴۲ #	او ز جِرس و جمله: ۱: ۲۲ #	او سبوانداخت: ۵: ۳۴۹۳ #
او در خانه: ۵: ۳۹۹۸ #	او ز حق در: ۶: ۳۰۶۱	او ستادانِ صفا: ۵: ۲ #
او درخت: ۳: ۴۳۷۱	او ز حیوان ها: ۴: ۱۵۱۳	او ستادان کودکان: ۵: ۳۰۰۶
او درون، تن را: ۱: ۳۵۷۱ #	او ز خشم آمد: ۳: ۲۳۱۴	او ستادِ جمله: ۲: ۲۶۵۶ #
او درون خویش: ۱: ۳۲۳ #	او ز خویش: ۲: ۱۲۲۲ #	او ستادِ علم: ۵: ۲۱۰۴ #
او درونِ دام: ۲: ۱۰۵۶	او ز دانش ها: ۳: ۳۸۵۶ #	او ستادی بر گزفتی: ۵: ۱۴۲۲ #
او درین اِِدبار: ۶: ۴۵۰۸ #	او ز دولت می گریزد: ۲: ۲۵۹۱ #	او ستا ناگشته: ۵: ۱۴۱۹ #
او درین حیرت: ۶: ۳۴۳۸	او ز دید رنج: ۳: ۱۶۰۴ #	او ست بس، اَللَّهُ: ۴: ۲۹۴۹ #
او درین دین: ۲: ۱۴۳۱ #	او ز رم داد: ۶: ۳۱۲۷	او ست تنها: ۳: ۱۸۳۹
اَوْدَعَ الرَّحْمَنُ: ۶: ۲۳۹۹ #	او ز روی: ۳: ۳۶۸۴	او ست جمله شر: ۴: ۲۹۲۶ #
او دلت را: ۳: ۴۴۵۹	او ز زخمِ چوب: ۴: ۹۸ #	او ست جمله، هم کشنده
او دلیل و پیشوای: ۴: ۲۱۸۸ #	او ز سِحْرِ خویش: ۳: ۴۰۶۹ #	۴: ۴۸۷۰ #
او دَنی و قبله گاه: ۴: ۱۶۵۴ #	او ز سرماها: ۳: ۱۰۰۷	او سِتَد آن آه: ۲: ۲۷۷۷ #
او دو آلت: ۶: ۱۴۲۵	او ز سُکْرِ سِخَر: ۴: ۳۱۵۲ #	او ست دیوانه: ۲: ۲۴۲۶
او دوان است: ۲: ۳۲۹۳ #	او ز شادی بی دل: ۶: ۱۱۵۸ #	او ست کادَم را: ۶: ۱۳۴۱ #
او دو صد جان: ۳: ۳۸۳۵	او ز شرّ عامّه: ۲: ۱۴۳۴	او ستورم داد: ۶: ۳۱۲۷ #
او ذَکَر را: ۶: ۱۴۲۶	او ز شرم این: ۱: ۳۱۹۲ #	او ستیزه: ۵: ۳۳۶۹
او رسول ذوالجلال: ۳: ۱۱۸۹ #	او ز صیّادان: ۳: ۸۱۵	او سِر بازست: ۶: ۱۳۷۰ #
او روان است: ۲: ۳۲۹۳	او ز ظُلْمَت: ۱: ۳۳۹۸ #	او سِر پُل گفت: ۱: ۱۷۰ #
او روان کرده: ۶: ۱۰۱۹ #	او ز عار: ۲: ۱۴۳۵	او سِر خود: ۴: ۱۹۹۷ #
او رَوْد فرسنگها: ۱: ۲۹۵۳ #	او ز غم پُر بُود: ۵: ۶۱۶ #	او سزای قرب: ۴: ۱۸۶۱ #
او ز اوّل گفته: ۱: ۱۷۱۶ #	او ز فعلِ حق: ۱: ۱۴۸۹ #	او سگ قرخ رخ: ۳: ۵۷۵
او ز اهلِ عاقبت: ۴: ۱۶۲۱ #	او ز قعر: ۱: ۱۶۰۸	او سگِ قحطست: ۳: ۳۸۱۶ #
او ز بامی بیندش: ۳: ۲۹۷۰ #	او ز کوری گوید: ۶: ۱۱۰۴ #	او سگی بودی: ۱: ۲۳۴ #
او ز بانگ: ۲: ۱۲۱۴	او ز گوری: ۶: ۴۴۹۹ #	او سلیمان است: ۱: ۲۶۱۳ #
او ز بحرِ عَذَب: ۲: ۱۱۱۸	او ز ما به داند: ۴: ۲۰۷ #	او سَمایی نیست: ۶: ۴۵۱۵ #
او زبون شد: ۵: ۲۹۲۵	او ز ما یابید: ۶: ۴۸۵۵ #	او سوارِ باد، پَران: ۳: ۳۷۲۱ #
او ز بَیْتُ الله: ۶: ۸۶۸ #	او ز موسی آن: ۲: ۱۹۸۱	او سواره: ۶: ۳۳۴۶
او ز بی چونی: ۶: ۱۱۹۴	او ز موسی از: ۲: ۱۹۸۰ #	او ش پَرها ند: ۲: ۲۶۵۰ #
او ز پاکی خویش: ۲: ۱۳۶۲ #	او ز نا کرد: ۳: ۳۴۵۱	او شده اطفال: ۴: ۱۹۱۷ #
او ز پندت می کند: ۵: ۱۵۳۲ #	او ز نحسی سویی: ۲: ۱۵۵۱ #	او شده تسلیم: ۳: ۴۵۲
او ز تقوی: ۲: ۳۳۹۹ #	او ز ننگِ عاقلان: ۲: ۱۴۳۴ #	او شریفی: ۲: ۲۱۹۳
او ز تو آهن: ۳: ۳۸۱۵	او ز هر شهری: ۱: ۱۳۹۹ #	او شفیع است: ۶: ۱۶۷

اوّل دزدید ۲: ۲۳۸۰	او کیش را می‌بیند ۵: ۳۲۸۱	او شکر پندارد ۴: ۱۴۷۴
اوّل ار شد ۶: ۱۲۲۰	او کلوخ زفت‌تر ۲: ۱۲۱۳	او شکسته ۳: ۱۹۲
اوّل از بهر ۴: ۲۸۹۲	او کله بخشید ۶: ۳۱۲۶	اوش گفتی: این ۶: ۱۲۳۶
اوّل استعداد ۶: ۴۴۳۴	او کند از بیم ۳: ۴۰۳۰	اوش لغزاید سخت ۶: ۱۳۴۴
اوّل‌گوید که ۱: ۱۹۲۵	او کند طوفان ۶: ۲۲۰۹	اوش لغزاید و او ۶: ۱۳۴۳
اوّل او بُد ۴: ۳۵۷۹	او کند هر خصم ۳: ۱۰۹۰	اوش می‌زد ۲: ۱۸۸۹
اوّل او را ۵: ۲۲۹۷	او که امین ۵: ۴۰۰۳	او شناسد آب خوش ۱: ۲۷۶
اوّل وقت ۶: ۸۴۸	او که تیره کرد ۱: ۴۰۰۲	او شناسد بوی ۲: ۱۶۶۸
اوّل او لیک ۴: ۱۲۹۷	او که را می‌گوید ۳: ۱۳۴۶	او شنیده ۴: ۳۱۶۰
اوّل ای جان ۱: ۳۸۰	او که مضطر ۴: ۹۸۲	او صَفِیّاً عالِماً ۵: ۸۲۴
اوّل ست او ۳: ۱۱۲۹	او گدا چشم است ۲: ۵۸۸	او صله‌ست ۶: ۲۲۴۲
اوّلش پوشیده ۳: ۲۱۹۹	او گدایی خواست ۵: ۲۶۹۶	او ضعیفی چون ۲: ۲۷۲۹
اوّلش تنگی ۶: ۱۴۳۷	او گرو بست ۶: ۱۶۷۸	او طَبَقِ بُنْهَاد ۲: ۳۹۸
اوّلش دو ۴: ۱۳۳۱	او گریزند ۴: ۲۹۱۵	او طلبگار ۲: ۲۹۹۷
اوّلش علم‌ست ۵: ۱۰۵۵	او گریزاید ۳: ۳۳۳۹	او طمع فرمود ۵: ۲۶۹۴
اوّل صف ۶: ۱۳۵۶	او گلستانی ۳: ۳۸۶۹	او عجب مانده ۳: ۳۰۵۲
اوّل فکر آخر آمد در عمل	او گلوئی بُریده ۴: ۲۷۷۲	او عجب می‌ماند ۳: ۲۰۲۲
۲: ۹۷۰	او گمان برده که این ۳: ۱۷۳۷	او عدوّ خصم ۵: ۳۰۴۳
اوّل فکر آخر آمد در عمل	او گمان برده که لشکر ۶: ۴۳۸۳	او عدوّ خویش ۲: ۷۹۱
۴: ۵۳۰	او گمان برده که من ۱: ۲۸۳	او عدوّ ماست ۴: ۱۹۴۷
اوّل این ۶: ۲۱۰	او گمان دارد که با من ۲: ۲۰۹۴	او عصاتان ۱: ۲۱۳۸
اوّل و آخر بیاید ۲: ۳۵۴۱	او گمان دارد که می‌گوید	او عوان را ۴: ۶۳
اوّل و آخر ببیند ۴: ۳۶۳۶	۵: ۱۴۳۹	او فتادم بر سر ۳: ۱۹۹۹
اوّل و آخر تویی ما ۴: ۳۵۰۱	او گناهی ۳: ۴۳۸۰	او فتاد و مُرد ۱: ۱۵۸۹
اوّل و آخر تویی و ۳: ۲۱۷۳	او گیا بُرد ۱: ۳۸۶۰	او فتاده از وی ۶: ۲۰۵۸
اوّل و آخر در آرز ۴: ۱۶۱۳	اول آن پند ۴: ۲۲۴۹	او فرازِ اوج ۲: ۳۴۸۹
اوّل و آخر ز پیش ۳: ۴۷۰۳	اول آن کس ۱: ۳۳۹۶	او فرو افکند ۵: ۲۶۷۲
اوّل و آخر، غم ۶: ۴۳۹۳	اوّل آمد، سویی ۳: ۱۴۹	او فسون بر مار ۱: ۲۳۳۳
اول و آخر نشان ۲: ۳۵۴۳	اوّل اخوان ۲: ۳۷۱۵	او فضولی ۳: ۲۲۸۷
اول و آخر هُبوب ۶: ۲۷۹۹	اوّل بر بست ۶: ۳۰۸۴	او فغان برداشت ۳: ۳۱۴۴
اول هر آدمی ۳: ۵۲۷	اوّل برجه ۳: ۴۷۳۰	او قبا بخشید ۶: ۳۱۲۶
اول هر میوه ۳: ۵۲۸	اوّل بشنو که چون ۳: ۴۷۰۳	او قدم بس سست ۴: ۱۸۷۴
اولیا اصحاب ۱: ۳۱۸۷	اوّل بشنو که خلق ۱: ۲۹۱۴	او قرینِ توس ۵: ۷۵۷
اولیا اطفال ۳: ۷۹	اوّل ابلیسی ۵: ۲۳۰۵	او قفا اش ۶: ۱۳۳۰
اولیا را خواب ۳: ۳۵۵۳	اوّل خرگاه ۳: ۵۲۹	او کجا بود ۵: ۱۹۲۶

اولیا را داشتی ۳: ۳۴۷۶	او نبیند جز که قِشِرِ ۴: ۲۳۷۸*	او نگردد سیر ۶: ۳۸۸۲*
اولیا را هست ۱: ۱۶۶۹	او نبیند، غیرِ او ۶: ۴۵۳۵*	او نگردد گرم ۳: ۱۵۱۷
اولیا را همچو ۱: ۲۶۵*	او نبیند غیردستاری ۶: ۲۶۲	او نگفت این ۶: ۳۱۴۹
اولیاشان قصد ۶: ۳۸۶۴*	او نبیند، من ۶: ۶۸۷*	او نگفتت ۶: ۲۳۴۹
اولین بار است ۴: ۱۶۸*	او نیاید ۲: ۳۲۲	او نماید ۱: ۶۸۵
اولین بنیاد ۲: ۱۸۳*	او نترسد از جهانِ ۳: ۴۱۴۳*	او نمرُد الحق ۴: ۱۲۳۰*
اولین خلعت ۳: ۴۶۹۶	او نخواهد جز ۱: ۲۹۱۹*	او نمودت بندگی ۶: ۱۰۵۰
اولین خون ۶: ۴۴۷۱	او نخواهد شد ۴: ۳۶۲۴*	او نمودت تا طمع ۲: ۳۶۵*
او مجال ۲: ۲۴۰۳	او نخواهد هیچ کس ۵: ۱۱۷۲*	او نمی بیند تو را ۶: ۶۸۶*
او محک می خواهد ۴: ۳۸۵۲	او ندارد از غم ۱: ۲۷۶۶*	او نمی بیند ز گنجی ۲: ۱۶۱۰*
او محمد خُوست ۵: ۱۲۳۵*	او ندارد خواب ۶: ۵۷۸	او نمی خندد ۲: ۱۵۹۰
او محمدوار ۵: ۶۷۲*	او ندارد هیچ ۵: ۳۶۱۲*	او نمی داند بجز ۶: ۴۲۲۰*
او مختث گردد ۶: ۲۹۹۵*	او ندا کرده ۱: ۲۲۷۷	او نمی داند که آن سَدِ
او مددهای ۳: ۴۳۱۳	او نداند در ۶: ۴۰۴۸*	۱: ۳۲۴۴*
او مذلت ۵: ۲۶۹۶	او نداند، طوطی ۵: ۱۴۴۰*	او نمی دانست کاندَر ۴: ۲۶۲
او مرا از جانِ ۵: ۱۶۷۸*	او نداند قدر ۶: ۴۲۰۸	او نمی دانست کایشان ۳: ۱۷۲۵
او مرا بکشد ۲: ۴۰۸*	او نداند کآن رطوباتی ۳: ۳۹۷۰	او نمی دانست گیرد ۳: ۳۸۶
او مرا غماز ۲: ۲۶۸۹	او نداند کآن نشان ۲: ۱۷۰۰*	او نمی گوید ۶: ۳۶۹۸
او مع الله ۶: ۳۳۲۱	او نداند که تو ۳: ۳۵۵۱	او نه از عرش است ۳: ۱۷۹۸*
او مَقَرّ ۳: ۳۹۶۵*	او نداند که هزاران را ۱: ۱۸۵۴	او نهان و، آشکارا ۵: ۳۳۱۲*
او مقلدوار ۵: ۱۲۹۸	او ندید از آدم ۶: ۲۶۰*	او نه اینست ۴: ۲۱۴۳
او مکرّر کرد برزن ۴: ۳۵۵۵	او ندیده جز مگر ۴: ۲۳۷۴*	او نه پیرست و ۳: ۱۷۹۷*
او مکرّر کرد رقعہ ۴: ۱۹۳۸*	او ندیده هیچ جز کفر ۴: ۲۳۷۳*	او نه در خورد چنین ۵: ۴۰۲۰*
او مگر مر خرس ۲: ۲۰۳۴*	او ندیده هیچ جز مکر ۴: ۲۳۷۵*	او نیآرد بُرد ۶: ۱۶۷۴*
او مگر یَنْظُرُ ۱: ۳۵۲۰	او نشان ۲: ۲۹۷۹	او نیآرد توبه ۱: ۳۲۳۸*
او منم، من او ۵: ۱۸۷۷*	او نشد این را ۳: ۲۵۹۱*	او نیاز و جان ۳: ۲۳۶۱*
او مهذب ۶: ۲۳۹	او نشسته بر ۲: ۳۱۷۷	او نیفتد ۳: ۱۵۱۹
او میانِ اختران ۱: ۳۰۱۸*	او نشسته خوش ۱: ۳۳۸۷	او و ناظم ۶: ۳۱۳۰
او میان بست ۵: ۱۵۵۸	او نظر می کرد ۵: ۳۴۵۳	او و دعوی ۳: ۳۶۸۲*
او میانجی ۲: ۳۷۰۳	او نکرد این ۴: ۳۱۱۲	او و زیری ۱: ۳۳۸
او نباشد ۱: ۲۶۱۴	او نگشش ۱: ۲۲۳	او و وظیفه ۶: ۳۱۲۹
او نبردِ آن ۱: ۲۸۵۱*	او نگردد جز به ۳: ۲۵۶۰*	او و کعبه ۶: ۴۳۸۱
او نبردِ این ۴: ۲۹۴۳*	او نگردد دردمند ۳: ۱۵۱۹*	او همان را ۱: ۳۲۲۹*
او نبودِ آدم ۲: ۲۱۲۱*		او هم ات ز آن ۶: ۳۲۲۸
او نبیند جز که اصطبل ۴: ۱۵۰۱		او هم از تخت ۶: ۳۹۹۶*

اهل دنیا عقل ۱۹۷۶:۵	او همی گوید که امر ۳۰۱۹:۵	او هم از نسل ۷۷۹:۳
اهل دین را باز ۳۷۱۹:۱	او همی گوید که صبرم ۴۰۵:۳	او همان دست ۱۶۰۸:۳
اهل دین را کیست؟ ۲۱۳۱:۱*	او همی گوید مُردم ۲۰۴:۴	او همان نورست ۳۴۱۱:۲*
اهل دیوان ۴۲۶۹:۶	او همی لرزید ۹۶۶:۴*	او همه تاریکی ۲۰۳۴:۵*
اهل رأی و مشورت ۱۱۵۷:۳*	او همی مرده ۱۰۰۶:۳	او همه جسم است ۲۹۸:۴*
اهل زندان در شکایت ۶۱۴:۲*	او همین داند ۱۰۶۸:۱*	او همه رد کرد ۱۷۲۱:۴*
اهل زندان نیستم ۲۶۹۰:۲*	او همین گفت ۴۰۵۰:۵	او همه نور است ۱۱۳۳:۲
اهل شرق ۲۳۸۱:۶*	او ی اورفته ۲۱۱۵:۴	او همی افتد ۳۸۴۹:۱
اهل شهر ۲۷۸۹:۴*	او یکی تن دارد ۳۴۰۵:۵*	او همی بانگی ۲۸۴:۳
اهل صفّ ۸۲۳:۲	او یکی جان ۳۴۰۵:۵	او همی بیند ۱۱۹:۳
اهل صورت ۲۷۴۲:۱	او یکی دزدست ۴۷۶:۶	او همی پنداشت ۱۷۲۳:۳
اهل صیقل ۳۴۹۲:۱	اهبطوا افگند جان را در بدن	او همی جُستی ۹۹۵:۳
اهل کشتی از ۲۱۸۲:۳	۲۹۳۶:۶	او همی جوشید ۲۲۸۲:۴
اهل کشتی را ۳۰۳۱:۶*	إهبطوا افگند جان را در	او همی جوید تو ۳۸۱۵:۳*
اهل کشتی همچنین ۱۴۸:۴	حضيض ۲۹۳۴:۶	او همی خندد ۱۵۹۰:۲*
اهل معنی ۲۷۴۲:۱*	اهد قومى انهم لا يعلمون	او همی خواهد کزین ۳۹۵۹:۳
اهل موسی ۸۶۳:۱*	۱۹۲۶:۲*	او همی خواهد که ۲۶۱:۳
اهل نار و اهل ۲۵۷۱:۱	إهد قومى انهم لا يعلمون	او همی داند چه ۴۰۶۸:۵*
اهل نار و خلد ۲۵۷۰:۱	۱۶۹:۶*	او همی دانست ۷۲۹:۴
اهل نعمت طاغیند ۳۰۱۱:۳*	إهدنا گفتی ۳۴۲۰:۴	او همی دیدش ۶۱۱:۳
اهل و فرزندان ۴۹۸:۳	اه، که را باشد ۳۶۴:۴*	او همی شد بی سر ۳۱۷۵:۳
ای اجل وی ۱۰۰۶:۵	اهل آن عالم، چون ۱۶۵۱:۴	او همی شد و ازدها ۱۱۰۰:۳
ای أخافُ الله ۴۰۴۱:۳	اهل آن عالم مُخلّد ۳۲:۳*	او همی گرداند از من ۲۶۶۱:۴*
ای اخی در دفتر ۴۸۱۰:۳*	اهل الهام ۳۲۹۵:۳	او همی گرداندم ۹۰۹:۶
ای اخی دست ۲۳۴۴:۶	اهل بینش ۶۴:۲*	او همی گفت از ۲۲۸۳:۴
ای اخی من ۲۷۲۶:۶	اهل تسویل ۳۲۹۵:۳*	او همی گفت این ۲۷۹۸:۳
ای اسیران ۸۵۵:۳	اهل تن را ۵۹۴:۳	او همی گفتش ۶۱۷:۳
ای امام ۲۰۸۶:۳	اهل جنت پیش ۳۵۳۹:۱	او همی گوید بکُش ۳۸۴۷:۱
ای امیر آب، ما ۴۷۳:۲*	اهل جنت در ۴۵۷۱:۳*	او همی گوید: ز ابدالیم
ای امیر صبر ۱۴:۴*	اهل حاجت ۲۷۳۷:۱*	۲۲۷۳:۱*
ای امیر کاذبان ۳۳۲۲:۳*	اهل خود را دان ۳۹۹۹:۵*	او همی گوید: ز من ۳۳۶۲:۲*
ای أمین الدّین ۳۱۵۵:۵	اهل دل دانند ۲۹۳۷:۶*	او همی گوید عجب این ۳۵۶:۳
ای امین و پارسا ۵۲۹:۶*	اهل دنیا جملگان ۳۴۰۴:۶	او همی گوید: عجب! گوشش
ای آیاز آن پوستین ۱۸۵۶:۵*	اهل دنیا ز آن ۸۱۵:۵	۴۶۲۶:۶*
ای آیاز از تو ۳۳۵۳:۵	اهل دنیا سجده ۲۹۹۹:۳	او همی گوید که از ۳۴۶:۵

ای بسا شوخان ۱۴۲۴:۵	ای برادر رَو بر ۴۹۴:۵	ای ایاز از عشق ۱۸۹۶:۵
ای بسا شیرین روان ۳:۴۷۶۳*	ای برادر صبر کن ۱:۳۰۰۲	ای ایاز استاره ۵:۳۴۳۷
ای بسا شیرین که ۱:۲۵۸۴	ای برادر طفل ۲:۴۴۳	ای ایاز اکنون بگو ۵:۳۶۳۵*
ای بسا صیاد ۵:۶۴۳	ای برادر عقل ۱:۱۸۹۶	ای ایاز اکنون بیا ۵:۲۱۲۱
ای بسا طوطی ۳:۴۷۶۳	ای برادر قصه ۲:۳۶۲۲	ای ایاز اکنون نگوئی ۵:۴۰۵۴
ای بسا عالم ۳:۳۰۳۸	ای برادر! گر بر ۳:۴۹۳*	ای ایاز این کار ۵:۲۱۳۳
ای بسا علم ۶:۲۳۶۹	ای برادر مر تو را ۲:۲۰۱۳*	ای ایاز این مهرها ۵:۳۲۵۱
ای بسا قاضی ۳:۱۶۹۷	ای برادر من ۳:۴۲۱۸	ای ایاز پاک ۵:۲۱۰۹*
ای بسا کارا ۳:۲۹۲۴	ای برادر موضع ۲:۲۲۶۲	ای ایاز پُرنیاز ۵:۳۷۰۸
ای بسا کاریز ۶:۳۵۹۱	ای برادر! واژه ۱:۷۸۲*	ای ایاز شیر نر ۵:۴۰۳۱
ای بسا کز ۲:۲۶۲۵	ای برادر ۴:۲۷۶۰*	ای ایاز گشته ۵:۴۱۴۸
ای بسا کس را که بنهاده‌ست	ای بر این ۲:۲۶۶۷	ای بریده رخت ۲:۵۲
۳۸۲۱:۴*	ای برون از ۵:۳۳۱۸	ای بریده عقل ۴:۵۶۸
ای بسا کس را که صورت	ای بریده آن ۶:۲۰۹۸	ای بیسته بر من ۶:۳۸۳۵*
۱۱۷۸:۲	ای بسا آبا که کرد ۶:۱۰۰*	ای بیسته خواب ۶:۶۱۵
ای بسا کس رفته ۴:۲۳۷۳	ای بسا از ۳:۵۴۰	ای بُخارا ۳:۳۸۶۴
ای بسا کس همچو ۲:۴۶۴	ای بسا اصحاب ۱:۴۰۵	ای بخورده از ۳:۷۱۳
ای بسا کفار ۱:۲۲۴۶	ای بسا اِمساک ۱:۲۲۲۶	ای بخورده خون ۱:۲۱۸۸
ای بسا کوزین ۲:۳۴۰*	ای بسا اهل، از حسد ۲:۸۰۹*	ای بداده ۳:۲۲۱۲
ای بسا که ۱:۱۲۸۲	ای بسا بُنیادها ۶:۳۱۳۷	ای بدیده در ۳:۴۶۶۷
ای بسا گنج ۱:۵۳۳	ای بسا بیدار چشم ۳:۱۲۲۲	ای بدیده عکس ۱:۱۳۲۷
ای بسا گولان ۴:۹۰۹*	ای بسا حَمال ۳:۵۴۱	ای بدیده لذت ۵:۴۰۳۳
ای بسا ماهی ۳:۱۶۹۵	ای بسا خامی ۵:۳۸۲۲	ای بدیده لُوت‌های ۴:۱۶۰۱
ای بسا مُخلص ۶:۴۲۱۷	ای بسا دانش ۲:۱۹۸۳	ای بدیع‌أفعال ۵:۱۶۴۸*
ای بسا مرد ۳:۱۶۰۷	ای بسا در ۶:۳۰۱۲	ای بدی که ۱:۱۵۶۵
ای بسا مرغی پریده ۳:۱۶۹۳	ای بسا دو تُرک ۱:۱۲۰۶*	ای برادر این ۴:۳۴۴۵
ای بسا مرغی ز معده ۳:۱۶۹۴	ای بسا دولت ۳:۲۷۶۱	ای برادر بر تو ۱:۳۲۵۵
ای بسا مستور ۳:۱۶۹۶	ای بسا ریش سپید ۴:۲۱۶۱*	ای برادر بود ۳:۲۳۶
ای بسا مسجد ۴:۱۱۳۷	ای بسا ریش سیاه ۴:۲۱۶۱	ای برادر تو ۲:۲۷۷
ای بسا مسّ ز رانده‌ده ۴:۲۱۷۳	ای بسا زجری ۶:۲۶۰۰	ای برادر چون ببینی ۱:۱۳۹۴
ای بسا معشوق ۳:۲۷۶۲	ای بسا زَرّاق ۵:۱۴۲۳	ای برادر خود ۳:۳۱۲۸
ای بسا مهتر ۶:۲۵۸	ای بسا زَرّ سیه ۴:۲۱۷۲	ای برادر دان که ۴:۳۱۸۹
ای بسا نازآوری ۵:۵۴۶	ای بسا زر که ۶:۲۹۲۱	ای برادر در کف ۵:۳۹۵۳*
ای بسا نازا ۵:۵۴۳	ای بسا سرمست ۵:۱۳۶۶	ای برادر دست ۱:۳۶۴۲
ای بسا نان ۶:۹۹*	ای بسا سگ ۳:۲۱۰	ای برادر دوستان ۵:۳۹۹

ای بسا نفس ۳۸۲۶:۵	ای تنِ کز فکرت ۴۴۴۳:۶	ای تو نور ۱۲۸۶:۳
ای بسا هندو ۱۲۰۶:۱	ای تنِ گشته ۴۵۸۳:۶	ای جفات ۱۵۲۵:۵
ای بسی بسته ۳۲۴۰:۱	ای تنِ من ۹۰۰:۶	ای جفای تو ز دولت ۱۵۶۶:۱
ای بسی شه ۲۰۸:۱	ای تواز حال ۲۲۰۶:۱	ای جفای تو نکوتر ۱۸۷۵:۲
ای بسی ظلمی ۱۳۱۹:۱	ای تواضع ۲۲۲۵:۴	ای جمالت ۲۸۳۸:۲
ای بسی ناورده ۵۰:۱	ای تو افلاطون ۲۴:۱	ای جهان را ۱۰۷۹:۶
ای بظلمت ۲۳۱۰:۳	ای تو اندر توبه ۳۱۵۸:۳	ای جهان کهنه ۱۸۰۱:۱
ای بکرده اعتماد ۱۶۴۶:۴	ای توانگر ۵۱۸:۲	ای جهودان ۳۹۷۰:۱
ای بکرده یار ۲۳۱۷:۶	ای تو این سو ۷۱۴:۳	ای چو بحر از ۳۲۶۷:۶
ای بگشته خویش ۲۸۵۰:۵	ای تو بسته ۱۳۶۹:۱	ای چو خربنده ۲۲۳۸:۳
ای بگشته ۱۹۶۹:۱	ای تو بنده ۶۵۲:۴	ای چو رزق ۳۲۶۵:۶
ای بگفته ۴۱۵۱:۶	ای تو پاک از ۴۱۵۷:۵	ای چو مرغی ۳۴۷۱:۵
ای بلال افراز ۱۹۸۷:۱	ای تو جویای ۱۷۷۵:۶	ای چو میکائیل ۳۲۶۹:۶
ای بلال خوش نوا ۲۲۵:۵	ای تسو چون خورشید ۳۱۹۸:۱	ای حریفانِ بت ۱۵۶۰:۱
ای بلیس آتشی ۱۶۲۴:۲	ای تو خاص ۱۲۳۹:۳	ای حریفان من ۴۱۰۰:۳
ای بلیس خلق سوز ۲۷۱۳:۲	ای تو خورشید ۱۲۰۳:۶	ای حسام الدین ۲۰۷۷:۴
ای بُمرده من ۴۲۱۵:۵	ای تو در اطباق ۴۶۳۰:۳	ای حطیم امروز آرد ۹۲۱:۴
ای بنازیده ۴۵۳۹:۳	ای تو در پیکار ۸۰۳:۴	ای حطیم امروز آید ۹۲۰:۴
ای بها ۱۸۰۰:۱	ای تو در دین ۱۰۱۳:۶	ای حطیم امروز بی ۹۲۲:۴
ای به ده دست ۲۴۶۲:۳	ای تو در کشتی ۱۲۷۳:۳	ای حُمیرا آتش ۱۹۷۳:۱
ای به زربفت ۴۴۶:۶	ای تو را اَظافِ ۸۱۳:۱	ای حیاتِ دل ۱:۶
ای به صورت ۸۱۰:۶	ای تو را خانه ۲۳۱۹:۱	ای حیات عاشقان ۱۷۵۱:۱
ای به قافِ ۳۲۷۰:۶	ای تو زه کرده ۱۷۰۴:۱	ای خبرهات ۲۲۰۵:۱
ای به هر رنجی ۱۸۶۵:۳	ای تو سبحان ۳۹۹۱:۵	ای خجسته رنج ۲۲۵۶:۲
ای به همت ۳۹۹۳:۶	ای تو سلطان ۴۱۵۱:۵	ای خجسته، وای ۲۴۷۹:۲
ای به یادت ۱۷۲۴:۲	ای تو شیری ۱۳۵۱:۱	ای خدا آخر ۱۸۸۸:۲
ای به یک برگی ۲۵۳۷:۴	ای تو صدر ۱۷۸۳:۱	ای خدا آزار ۱۸۲۳:۵
ای به یک دم ۱۸۱۶:۲	ای تو عشقِ عشق ۴۶۹۵:۳	ای خدا آن کن ۲۲۶۲:۵
ای پدر آلا انتظار ۱۷۵۴:۵	ای تو کام ۱۸۱۴:۴	ای خدا آن نور ۲۳۶۵:۲
ای پس سوء القضا ۳۷۵۷:۱	ای تو کرده ۱۵۰۲:۶	ای خدا ای ۱۸۸۰:۱
ای تبرای تو ۲۴۰۶:۱	ای تو مات ۳۵۱۶:۵	ای خدا بگمار ۴۵۰۳:۶
ای تقاضاگر ۱۴۹۰:۳	ای تو مهماندار ۶۵:۵	ای خدا بنمای ۱۷۶۵:۵
ای تن آلوده ۱۳۶۱:۲	ای تو میر ۶۷۱:۶	ای خدا تو رحمتی ۴۸۰۵:۳
ای تن اکنون ۴۵۹۵:۶	ای تو نازسته ۲۷۲۶:۱	ای خدا جان را ۳۰۹۲:۱
ای تن صد کاره ۴۴۴۸:۶		ای خدا سنگین ۱۹۹۲:۲

ای خود ما ۴۶۸۳:۳	ای خُـنک آن را که بیند	ای خدا! فریادرس ۳۷۳:۱*
ای خورنده خون ۱۵۶:۳	۱۹۰:۱:۲	ای خدا فریاد زین ۲۱۹۵:۱
ای خیال‌اندیش ۲۷۳۲:۲*	ای خُـنک آن را که پایش	ای خدا فریاد ما ۲۷۰۴:۲*
ای در ابرویت ۳۲۶۹:۶	۴۹۰:۳*	ای خدا و ای ۲۲۷۱:۵
ای دُر از اِشکستِ ۳۴۳:۴	ای خنک آنرا که پیش ۱۳۷۲:۴	ای خداوند ای قدیم ۳۳۱:۳
ای در این حبس ۱۱۰:۱:۶	ای خـنک آن را که ذاتِ	ای خداوند این ۲۷۰۹:۱
ای دروغی ۲۲۲۲:۶	۳۳۴۱:۵	ای خداوندِ خداوندانِ ۴۳۲:۲*
ای دریده پوستینِ یوسفان	ای خنک آن را که ذَلْتُ نَفْسُهُ	ای خداوندِ عرب ۹۵۰:۴*
۳۶۶۲:۴	۳۷۹۴:۳	ای خداوند و شهنشاه ۱۹۰۳:۲
ای دریده پوستینِ یوسفان	ای خنک آن را که ذَلْتُ نَفْسُهُ	ای خدا، وی مستغاث ۲۰۶:۳*
۳۱۸۰:۵	۲۷۴۶:۴	ای خدایا ۲۲۲۵:۱
ای دریغ آن ۲۷۵۸:۳	ای خـنک آن را که روی	ای خدای با ۲۱۸۹:۱
ای دریغا اشک ۱۷۱۴:۱	۱۸۸۶:۲*	ای خدای بی‌ظنیر ۳۰۵:۵
ای دریغا ای دریغا ۱۷۲۳:۱	ای خنک آن کس که داند	ای خـدای رازدانِ خوش
ای دریغا بودِ ۲۵۶۱:۴	۸۸۵:۵*	۱۳۵۳:۴
ای دریغا پیش ۶۰۳:۵	ای خنک آن کس که عقلش	ای خدایِ رازدانِ می‌دانی‌ام
ای دریغا رهنان ۳۳۹:۴	۲۴۶۳:۵	۳۴۸:۱*
ای دریغ از چون ۲۴۳۰:۳*	ای خُـنک آن کِش حسد	ای خران را تو مزاحم ۴۸:۲*
ای دریغا صبح ۱۷۰۷:۱	۴۳۱:۱*	ای خران کور ۵۱۲:۳
ای دریغا عرصه ۱۳:۳	ای خنک آن کو جهادی	ای خِرَد برکش ۲۴۲۰:۴
ای دریغا کآن ۲۸۳۹:۲	۲۴۷۳:۲	ای خِرَد کو ۳۹۰۴:۶
ای دریغا که دوا ۲۷۵۴:۳	ای خنک آن کو زاوَل ۱۶۳۰:۴	ای خِرَد و رایتان ۳۰۳۴:۱
ای دریغا گر ۱۰۰۷:۲	ای خنک آن کو نکوکاری	ای خروسان ۱۹۷۴:۵
ای دریغا لقمه ۳۹۹۰:۱	۱۲۵۷:۱	ای خری زاستیزه ۲۸۱۴:۵
ای دریغا مر تو را ۲۳۷۷:۱	ای خنک آنکه قدا ۳۵۴۳:۵	ای خری کین ۶۹۴:۳
ای دریغا مرغ خوش آواز	ای خنک آن مرد ۱۵۳۵:۱	ای خطیب این ۱۰۹۴:۴*
۱۶۹۵:۱	ای خُـنک او را که ۳۴۸۶:۶*	ای خلیفه زادگان ۲۸۴۷:۳
ای دریغا مرغ خوش الحان	ای خُـنک جان کو ۴۲۷۷:۳*	ای خلیل از بهرِ ۹۳۸:۵*
۱۶۹۶:۱	ای خنک جانی ۳۰۳۴:۲	ای خلیل اندر ۳۴:۵
ای دریغا مرغ خوش پرواز	ای خنک جفدی ۱۱۶۴:۲	ای خلیل اینجا ۴۳۷:۵
۱۷۰۸:۱	ای خنک چشمی که آن ۸۱۸:۱	ای خلیل حق ۷۶۵:۵*
ای دریغا مرغ، کارزان ۱۶۹۸:۱	ای خنک چشمی که عقلستش	ای خنک آن را کزین ۱۱۰۰:۴
ای دریغا، نورِ ۱۷۰۷:۱*	۲۹۶۶:۶	ای خُـنک آن را که او ۱۲۱۵:۲
ای دریغا وقتِ ۱۴۸۴:۴	ای خنک زشتی ۱۳۴۱:۲	ای خُـنک آن را که این
ای دریغا هدم ۱۶۹۵:۱*	ای خُـنک عقلی ۳۲۶۳:۳*	۱۲۰:۱:۴*

ای زنده ۱۳۳۹:۶	ای رفیقان، پاس ۲:۲۱۸۵*	ای دریغ این جمله ۳:۹۷۲
ای زنگِ عقل تو ۱:۲۳۲۸*	ای رفیقان راهها ۶:۵۷۶	ای دعا ناگفته ۵:۳۰۹
ای ز هست ۳:۴۶۸۳*	ای رفیقان زین ۶:۲۹۳۵	ای دغا گندم نمایی ۵:۱۸۳۰*
ای ز هو قانع ۱:۳۴۵۳*	ای رفیقِ راهِ اعلیٰ ۴:۲۵۸۸*	ای دقوقی با ۳:۲۳۰۱
ای سپاه اشکن ۱:۳۷۸۴*	ای روانِ پاک ۲:۱۹۰۲	ای دقوقی تیزتر ۳:۲۰۴۵
ایستاد او منتظر ۳:۳۳۰۵*	ای رها کرده ۲:۳۳۶۸*	ای دقوقی مَفخر ۳:۲۰۵۷*
ایستادند انتظار ۲:۳۷۹۵	ای رهیده تو ۱:۲۳۶۸*	ای دل آنجا ۲:۲۵۷۶
ایستاده بر ۳:۳۲۲۷	ای رهیده جان ۱:۱۷۸۵	ای دل، اختروار ۶:۹۱۴*
ایستاده پیشِ سلطان ۶:۳۴۳۵	ای زبان تو ۱:۱۶۹۹	ای دل از کین ۴:۱۷۳۶
ایستاده پیشِ یزدان ۳:۲۱۴۸	ای زبان که ۶:۳۹۰۳	ای دلا منظور ۳:۲۲۴۳
ایستاده رازِ ۶:۳۳۸۵	ای زبان هم آتش ۱:۱۷۰۰	ای دلِ بی خواب ۶:۶۰۵
ایستاده مُفلسان ۶:۳۸۰۹*	ای زبان، هم رنج ۱:۱۷۰۲*	ای دلت پیوسته ۶:۳۲۷۰
ایستادی تا ضحیٰ ۴:۱۹۲۸*	ای زبان، هم گنج ۱:۱۷۰۲	ای دلت خفته تو ۵:۳۹۲۷*
ای ستورانِ ۴:۲۰۱۱*	ای زبونِ شش ۶:۳۱۵۰*	ای دل ترسنده ۳:۳۱۱۸
ای ستیره ۱:۲۳۸۹	ای زبون گیر ۵:۷۴۹	ای دلِ ما خاندان ۶:۶۱۷*
ای سخنِ بخشِ نو ۳:۱۳۴۴*	ای ز تو خوش ۲:۶۲۳	ای دل و جان ۳:۲۱۱۱*
ای سرافیل ۳:۴۶۹۵	ای ز تو رویم سیه ۱:۲۱۸۸*	ای دلی که ۶:۳۹۰۲
ای سعادت بخش ۳:۴۰۷	ای ز تو کس ۴:۲۲۱۸	ای دلالت گنده تر ۶:۲۵۰۶
ای سگ دیو ۵:۲۹۵۱	ای ز تو مر آسمان ۲:۱۸۷۵	ای دلیلِ تو ۶:۲۵۰۸
ای سگ طاعن ۳:۴۲۸۲	ای ز تو ویران ۶:۵۷۰	ای دَمِ تو ۲:۲۲۸۹*
ای سگ گرگین ۳:۷۸۸	ای ز خوبی ۴:۱۵۹۶	ای دوای ۱:۲۴
ای سلامتِ جو ۲:۱۳۷۵*	ای ز دلِ ها ۶:۳۹۰۵	ای دو دیده، دوست ۱:۱۷۵۴*
ای سلیمان بهرِ ۱:۱۲۱۹	ای ز دودی ۳:۲۸۱	ای دو دیده سوی ۳:۴۵۳۴
ای سلیمان در ۴:۷۷۹	ای ز دوزخ ۵:۴۱۷۲	ای دو صد بلقیس ۴:۷۸۰
ای سلیمان مسجدِ ۴:۱۱۱۳	ای زده بر ۴:۲۱۳۸	ای دهان تو ۲:۱۲
ای سلیمانِ مَه ۶:۲۶۶۴*	ای زرانده ۴:۱۶۸۸	ای دهان غافل ۶:۴۶۸۹
ای سلیم گول ۶:۲۴۹۲	ای زِ خالص، من ۴:۱۶۷۹*	ای دُهلِ های ۳:۴۳۴۷
ای سِماک از تو ۱:۵۸۷*	ای ز غم مرده ۲:۳۰۸۷	ای دهندهٔ عقلِ ها ۶:۱۴۳۸
ای سواره ۲:۲۴۰۰*	ای ز غیرت ۱:۲۸۶۶	ای دهندهٔ قُوت ۵:۱۱۹۷
ای شتر که ۴:۳۳۸۹	ای ز فرزین ۲:۲۶۶۸	ای ذُکور از ابتلات ۶:۲۱۲*
ای شده اندر ۱:۱۹۳	ای ز کوری پیشِ ۶:۸۰۸*	ای رُخِ چون ۵:۳۵۶۹
ای شده تو ۵:۱۹۷۹	ای ز مکرش مکرِ ۵:۴۹۵*	ای رِخِ شاهان ۶:۳۳۵۲
ای شده در دوغِ ۵:۴۲۰۶*	ای ز من دزدیده ۵:۱۴۰۵	ای رسولان ۴:۶۵۳
ای شده در وَهْم ۵:۱۲۹۶*	ای زن ار طَماع ۱:۲۳۷۱	ای رسول ما ۳:۱۲۰۸
ای شده عاجز ۵:۳۷۵۷	ای ز نسل ۴:۲۵۵۵	ای رسیده دستِ ۳:۲۲۱۰*

ای شده غِزّه ۵:۴۱۲۵*	ای ضیاء الحق حسام الدّین راد	ای عجب کولعلی ۶:۳۳۱۱
ای شغلان ۳:۷۷۱	۳:۲۱۱۰	ای عجب مرده ست ۵:۲۴۰۷
ای شفا و رحمت ۵:۱۶۴۴	ای ضیاء الحق حسام الدّین که	ای عجب منسوخ ۶:۳۸۹۵*
ای شقی بی ۶:۱۲۲۸*	نور ۶:۱۲۰۲	ای عجب یک ۴:۳۰۹۵
ای شما بوده مرا ۲:۲۱۷۹*	ای ضیاء الحق حسام دین و دل	ای عجوزه ۶:۱۲۹۱
ای شهان کُشتیم ۱:۱۳۷۳	۶:۲۰۱۰	ای عدم، کو مرعدم ۱:۲۰۱۰*
ای شِه پیروز جنگ ۶:۱۹۵۵*	ای طیبِ جمله ۱:۲۲*	ای عَدُوّ آفتابِ آفتاب
ای شِه سرمایه ده ۵:۲۱۸*	ای طیبِ رنج ۱:۳۲۵۳*	۳:۳۶۲۸*
ای شهنشه ۵:۴۲۰۰	ای طبعی ۶:۴۸۲۳	ای عدوّ آفتابی ۳:۳۶۲۹
ای شئیء ۱:۳۶۴۳*	ای طمع در ۶:۴۱۹۰	ای عدوّ شرم ۶:۶۱۴
ای صفات آفتاب ۲:۵۳	ای عجب آنجا ۴:۱۹۳۶*	ای عزیز مصر ۶:۲۷۹۰
ای صفات در ۴:۲۹۴۵*	ای عَجَب آن خادم ۲:۲۲۲*	ای عظیم از ۳:۲۲۱۴
ای صِقالِ روح ۶:۱۸۳*	ای عجب آن روز ۴:۳۱۷۷*	ای علی که ۱:۳۷۴۵
ای ضیاء الحق به حذقی ۳:۱۴	ای عجب آن عهد ۱:۱۵۶۳	ای عَلِیمُ البَیْر ۴:۱۰۳۲*
ای ضیاء الحق تو دیدی ۴:۳۵	ای عجب از ۳:۳۶۳۱	ای عمر بر ۱:۲۱۶۴
ای ضیاء الحق حسام الدّین	ای عجب این است ۵:۳۴۰۶	ای عَمی کُحل ۶:۴۱۱۷*
برانش ۶:۱۹۹۱	ای عجب این بند ۳:۱۶۶۲	ای عَناصر ۳:۱۰*
ای ضیاء الحق حسام الدین	ای عجب این مُعْجَبِی	ای غریب عرش ۶:۱۱۸۳*
بگیر ۱:۲۹۳۴	۶:۲۳۲۷*	ای غریب فرد ۳:۴۲۷۲
ای ضیاء الحق حسام الدّین بیا	ای عجب با من کند ۶:۴۷۳۹*	ای غلام اکنون ۳:۳۱۶۳
۱۸۲:۶	ای عجب بینم به ۳:۳۹۶۶*	ای غلامت ۵:۳۵۷۶
ای ضیاء الحق حسام الدّین توی	ای عجب چندین ۳:۲۰۴۱	ای غلام رأی ۳:۹۳۳*
۴:۷۵۴*	ای عجب چون زهرهات	ای غلام و چاکران ۳:۸۰۰*
ای ضیاء الحق حسام الدّین	۴:۲۶۰۵*	ای غلط انداز ۶:۴۵۸۵*
در آرزو ۴:۳۸۲۴	ای عجب چونست ۶:۱۱۷۰	ای غمِ ارزاقی ۶:۳۲۶۵
ای ضیاء الحق حسام الدّین راد	ای عجب چون می نبیند	ای فدای ۲:۱۷۲۴
۲:۵	۳:۱۱۰۸	ای فرو رفته ۶:۱۷۱۱
ای ضیاء الحق حسام الدّین بگیر	ای عجب چه ۶:۲۷۷۰	ای فزون از وهم ها ۲:۵۵*
۴:۳۴۲۳	ای عجب حُسنی ۵:۵۹۲	ای فسانه ۶:۱۷۰۹
ای ضیاء الحق حسام الدّین بیا	ای عجب خوردی ۶:۲۴۹۳*	ای فسرده ۳:۳۹۱۰
۲:۲۲۸۲	ای عجب در ۳:۴۶۳۴	ای فنان از ۶:۲۹۵۰
ای ضیاء الحق حسام الدّین بیار	ای عجب زین دو ۵:۳۴۰۸*	ای فقیران ۶:۳۲۶۶
۱:۳	ای عجب کز ۳:۴۵۷۹	ای فلان تو ۴:۳۵۴۸*
ای ضیاء الحق حسام الدّین	ای عجب کو آن دم ۶:۳۳۱۳	ای فلان ما ۲:۳۰۶۹
تویی ۴:۱	ای عجب کو آن عقیق ۶:۳۳۱۲	ای فلک از ۲:۲۳۱۳

ای فلک بر ۴: ۵۶۰	ای که چشم بد ۴: ۳۱۱*	ای گمان برده ۵: ۳۱۸۹*
ای فلک پیمای ۴: ۱۸۱۸	ای که چون تو ۱: ۵۶۴	ای گواره ۶: ۴۷۵۸
ای فلک در ۲: ۲۳۱۱	ای که خاک ۵: ۷۸۳	ای لطیفه روح ۱: ۱۷۸۵*
ای فلک سجده کُنان	ای که خلقتان را ۱: ۲۸۴۴	ای لطیفی ۵: ۴۰۹۲
۶: ۳۲۷۹*	ای که خُلقت به ۱: ۲۴۱۷*	ای لَمُتَرک ۵: ۱۱۲
ای فنا پوسیدگان ۱: ۱۹۳۵	ای که خود را ۵: ۲۹۶۱	ای لقای ۱: ۹۷
ای قدم‌های تو را ۶: ۲۷۱۴*	ای که در رُوتان ۱: ۲۷۷۸	ای مبارک خنده‌اش ۱: ۷۱۹
ای قراری ۵: ۲۸۹۹	ای که در معنی ۵: ۳۱۹۰	ای مبارک درد ۲: ۲۲۵۶*
ای قصاب ۵: ۳۴۲۲*	ای که شیران ۳: ۵۷۷	ای مبارک ساعتی ۲: ۱۸۹۷
ای قلم بنگر ۳: ۲۷۷۹	ای که صبرت نیست از پاک	ای مُبَدِّل شهوت ۶: ۱۱۲۲*
ای قناعت کرده ۵: ۲۸۷*	۲: ۳۰۷۶	ای مُبَدِّل کرده ۵: ۷۸۰
ای قیامت تا قیامت ۶: ۷۵۲*	ای که صبرت نیست از دنیای	ای محال و ای ۶: ۲۰۳۱
ای کریم ابن‌الکریم ۵: ۳۵۶۶	دون ۲: ۳۰۷۴	ای محدث ۶: ۴۱۶۳
ای کریم و ای ۳: ۲۲۱۱	ای که صبرت نیست از دنیای	ای مخنث ۵: ۲۵۱۰
ای کریم و، سرور ۳: ۱۶۸۶*	دون ۴: ۳۲۱۲	ای مُدَمِّع ۲: ۳۰۹۵
ای کریمی ۵: ۴۰۹۱	ای که صبر نیست از ناز و نعیم	ای مرا تو راهزن ۱: ۲۱۸۷*
ای کزی که ۱: ۲۸۸۶*	۲: ۳۰۷۵	ای مرا تو مصطفی ۱: ۷۷
ای کشیده ۶: ۳۵۹۲	ای که عَصرت ۴: ۳۸۱۸*	ای مروّت را ۶: ۱۷۵۸*
ای کم از زن شو ۵: ۳۲۳۹*	ای که عقلت ۳: ۳۸۸۰	ای مری کرده ۱: ۱۶۱۴
ای کم از سگ از ۲: ۱۴۲۸*	ای که لطفت ۵: ۴۱۹۱*	ای مُرَوِّر تا ۱: ۳۲۹۵*
ای کُسم از سگ، نیست	ای کُهِ معنی ۳: ۱۱۳۹*	ای مُرَوِّر چشم ۶: ۶۲۷
۲: ۱۵۸۳*	ای که من زشت ۶: ۲۷۰۵	ای مسافر ۴: ۲۲۱۰
ای کمان و تیرها ۶: ۲۳۵۴	ای که مَه در پیش ۵: ۳۵۷۲*	ای مسلمانان ۳: ۲۳۲۱
ای کُتنده دوزخی ۲: ۳۲۸۹*	ای که نُصح ۳: ۲۹۶۹	ای مسلمان بایدت ۳: ۴۱۷۷*
ای که اندر ۱: ۲۷۲۵	ای که هر صبحی ۱: ۱۷۹۹	ای مسلمان خود ۴: ۷۷۱
ای که با شیر ی ۱: ۱۰۴۲	ای که یک دیدارتان ۱: ۲۷۷۹	ای مسیحانِ نهان ۶: ۴۵۸۴*
ای که برآیم ۴: ۱۱۷۹*	ای گدایان ۲: ۳۲۸۱	ای مُشیر ۶: ۲۸۸۸
ای که بس خَرَبنده ۱: ۲۹۵۴*	ای گدایِ رنگِ ۵: ۳۵۶۹*	ای مُطَاعُ الْأَمْرِ ۵: ۱۶۵۳*
ای که تو از ۱: ۱۳۱۱	ای گران جان ۱: ۱۷۵۵	ای مُعَافِ ۲: ۱۷۸۶
ای که تو بر ۳: ۴۵۶۵	ای گرفتار ۵: ۱۵۴۷	ای مُغفَل ۳: ۳۰۹
ای که تو طالب ۴: ۷۲۵	ای گرفته جمله ۵: ۴۱۵۲*	ای مُقَلَّد از ۵: ۱۲۹۲
ای که تو هم ۲: ۷۱۰	ای گرفته همچو ۳: ۷۱۲	ای مُقَلَّد تو ۳: ۱۵۴۹
ای که جانِ خیره ۵: ۷۸۴	ای گروه مؤمنان ۶: ۴۵۴۲	ای مقیم ۳: ۲۲۳۷
ای که جان را ۱: ۱۷۲۰	ای گروهی جهل ۳: ۴۲۸۴*	ای ملامتگر ۲: ۱۳۷۵
ای که جُزو ۳: ۴۵۳	ای گشاینده ۳: ۲۳۲۵*	ایمن آبادست آن ۵: ۵۴۵

ایمن آبادست دل ۵۱۵:۳	این الف وین میم ۲۳۳۰:۶	این بُرد ظن ۲۱۹۶:۲
ایمن آ، که مرگِ ۳۹۹۹:۳	این آلم وحم ای پدر ۱۳۲۰:۵	این برون از ۱۱۲۵:۱
ای من آن پیلی ۲۱۱:۱	این آلم وحم این ۱۳۱۶:۵	این بَسْتَنَش ۳۷۱۹:۳
ای من آن روباه ۲۱۰:۱	این امانت در ۲۵۱۹:۲	این بَطانه ۱۸۶۷:۶
ایمن آید از ۱۴۱۹:۶	این امانت زان ۵۱۰:۱	این بقاها ۷۹۶:۵
ایمن از شرّ ۷۳۲:۱	این امانت واگزار ۱۸۲:۵	این بگفتند و روان ۳۹۸۰:۶
ایمن از فتنه ۷۳۱:۱	این انا هو ۲۰۳۸:۵	این بگفتند و قضا ۸۳۰:۳
ایمن از فرعونِ ۴۷۲۵:۶	این آنایی سرد ۴۱۳۸:۵	این بگفت و چشم ۳۴۰۷:۴
ایمنان را ۴۳۸۴:۳	این بیاید کاستن ۱۴۵:۵	این بگفت و خیر ۱۴۳:۳
ای منزّه از بیان ۱۷۸۹:۱	این بین باری ۱۳۶۲:۶	این بگفت و دست ۱۹۱۶:۶
ایمن ست از خواجه ۵۵:۵	این بیوشیده ست ۲۰۶۰:۳	این بگفت و رفت ۲۱۶:۱
ایمن ست از فوت ۵۴:۵	این بجز تقلیب ۳۱۴۹:۶	ایمن بگفت و گریه در شد
ایمن ست او، ۲۵۹۸:۳	این بُخارا ۳۷۹۱:۳	۴۷۱۲:۳
ایمنش کرد ۱۴۲۸:۱	این بخورد آن را ۹۶۶:۳	ایمن بگفت و، گریه در شد
ای من و صد ۳۲۷۲:۶	این بُخور گرم ۱۵۲:۵	های های ۲۳۹۸:۳
ایمن و غافل ۱۰۴۰:۲	این بدان ماند ۲۷۳۸:۳	ایمن بگفت و گریه در شد
ایمنی از تو ۶۹۲:۲	این بدان و آن بدین ۶۵۹:۶	های های ۲۷۷۲:۵
ایمنی امت ۴۳۵۷:۶	این بدان بی امتحان ۳۷۱:۴	ایمن بگفت و گریه کرد
ایمنی بگذار ۲۳۳۱:۲	این بداند کآنکه ۳۶۱۲:۲	۲۵۹۹:۴
ایمنی را خوف ۱۶۴۸:۶	این بدان که گنج ۱۱۶۹:۶	این بگو کای ۲۵۵۱:۲
ایمنی روح سازد ۵۴۷:۱	این بدان ماند ۲۷۹۳:۲	این بلا از ۲۴۶۳:۴
ایمنی وز تو ۱۷۸۵:۲	این بدن خرگاه ۴۵۵:۲	این بلندی نیست ۱۹۶۰:۲
ای مِ تابان ۳۵۷۲:۵	این بدن مانند ۳۰۵۴:۴	این بلندی هاست ۱۹۶۰:۲
ای میسر ۴۶۶:۲	این بدن مر روح ۳۸۲۱:۵	این بُردن فهم ۷۴۵:۶
این اثر چون ۱۸۶۴:۱	این بُده ست ۲۱۲:۴	این بمنگیدند ۴۵۲۶:۳
این اثر یا از هوا ۱۵۲۷:۳	این بدی دادن ۲۵۳۶:۲	این بنا ز آب ۴۷۶:۴
این از آن آمد ۱۱۴۳:۳	این بُدی کآن یار ۴۰۲۳:۶	این بود آن لحظه ۴۰۰۴:۶
این از آن لطف ۲۰۶۲:۱	این بدین سو ۴۸۹:۳	این بود اظهار ۱۳۹۵:۵
این از آن و، آن ۹۸۲:۲	این بر آن مدهوش ۲۶۷۸:۶	این بُود انصاف ۲۴۷۱:۳
این ازینجا ۳۲۲۵:۶	این بُراتی باشد ۲۹۸۴:۲	این بُود پیوندی ۱۵۱۳:۲
این اسد غالب ۲۴۱۳:۶	این برادر را چنین ۳۴۷۸:۵	این بود تأویل ۱۰۲۷:۳
این اشارتهاست ۳۵۴۲:۱	این برادر ز آن برادر ۴۶۳۶:۶	این بُود تقریر ۹۳۷:۶
این اعوذ آن ۲۹۵۴:۵	این پراهیم از شرف ۱۷۳۷:۶	این بود حق من ۲۳۳۶:۴
این اَعُوذ و این ۲۹۵۶:۵	این برای خاص ۳۷۷۵:۴	این بود خوی لثیمان ۲۹۷۸:۳
این اگر گریه ست ۳۴۱۸:۵	این برای گرم ۳۱۲۷:۵	این بُود که ۲۰۳۴:۳

این بود معنی ۳۱۸۲:۵*	این پیمبر گفت و ۱۳۶۳:۳*	این تکلف نیست، نی تزویری
این بُود یارب ۲۲۱۶:۴*	اینت آتش ۱۳۷۹:۱*	۳۳۸۱:۶*
این بُود یاری ۹۲۳:۳*	اینت افتاده ۱۱۲۹:۲*	این تکلف نیست، نی ناموس
این بُود یَسْعُونَ ۲۴۷۹:۴*	این تانی از پی ۳۵۰۶:۳*	۲۷۹:۵
این بهارت را ۲۷۴۰:۴*	این تانی بیضه ۳۵۰۸:۳*	اینت لاف ۱۱۵۰:۲*
این بهار نو ۳۹۷۱:۵*	اینت باطل ۲۸۱۰:۱*	اینت لطف ۳۹۹۲:۱*
این به اصل ۴۷۷:۴*	این تب لرزه ۲۸۵۴:۵*	اینت لمب ۴۰۴:۵*
این بهانه بود ۳۴۷۸:۶*	این تجلی مه ۱۴۶۴:۱*	اینت مالیخولیای ۱۱۵۰:۲*
این بهانه کرد ۲۷۸۳:۵*	اینت جهل ۲۰۵۱:۲*	این تمنی ۲۲۹۵:۴*
این بهانه هم ۱۹۲:۶*	این تحرّی از پی ۳۶۲۵:۱*	این تن تو ۲۱۳۶:۴*
این بهایی ۲۴۲۷:۲*	اینت خرگوشی ۱۱۸۵:۱*	این تنم از تیر ۳۷۸۳:۵*
این به تقدیر آمده ۵۱۱:۴*	اینت خورشیدی ۲۵۰۲:۱*	این تور را باور ۱۶۳۲:۶*
این به تقدیر سخن ۵۱۰:۴*	اینت درد ۱۱۲۹:۲*	این تور را مکروه تر ۱۷۶۶:۶*
این به تقلید ۲۸۳۷:۴*	اینت دریای ۲۵۰۳:۱*	این تور را و آن ۱۰۵۲:۶*
این به چَرَبک‌ها ۲۷۹۸:۳*	این ترازو ۱۸۹۹:۴*	این توقف ۳۴۴۱:۲*
این به حيله ۳۴۰۰:۵*	این تردّد حبس ۴۸۸:۳*	این توکی باشی ۸۰۶:۴*
این به خون ۱۳۰۳:۴*	این تردّد عقبه ۴۹۰:۳*	ای نثار ۲۷۷۹:۱*
این به دستِ توست ۳۰۹۷:۶*	این تردّد کی ۴۰۸:۶*	این ثنا گفتن ۵۱۷:۱*
این به صورت ۱۵۴۵:۶*	این تردّد هست در ۲۰۸:۶*	این جزا تسکین ۳۶۶۷:۴*
این به قدر ۳۷۹۸:۶*	این تردّد هست که ۴۱۱:۶*	این جسد ۴۳۲:۱*
این به من بگذار ۱۲۱۸:۴*	اینت زیبا ۲۱۷۷:۳*	این جفا دیدیم ۳۲۴۷:۳*
این به و به ۶۳۳:۴*	این تسافل پیش ۴۵۰۹:۳*	این جفا، گر بشنود ۱۹۹۰:۵*
این به هنبازی ست ۲۴۲۳:۵*	این تَسْفُطُ ۳۶۹۶:۶*	این جفای ۱۵۲۱:۵*
این بیابان خود ۱۸۹۱:۴*	اینت شیر ۳۷۹۵:۴*	این جگر که ۳۵۱۵:۴*
این بیابان در ۱۰۹۱:۴*	این تصوّر ۴۱۱۲:۳*	این جگرها خون ۳۸۲۱:۱*
این بیان اکنون ۳۲۰۰:۳*	این تعلّق را ۳۶۹۹:۴*	این جگرها را ۹۳۷:۴*
این بیانِ بَطّ ۳۹۳:۵*	این تعلّق‌ها ۱۱۸۲:۲*	این جلالت ۳۷۲۰:۳*
ای نبی و ای ۱۷۴:۳*	این تغیر آن تن ۳۷۹۱:۴*	این جنایت ۲۰۹۴:۵*
این پدیدست ۳۲۵۲:۲*	این تقانی ۵۷:۶*	این جنیدت ۲۱۸۳:۲*
این پذیرفتی ۱۶۲۶:۴*	این تفاوت ۴۵۹:۵*	این جنین تا ۳۷۷۷:۱*
این پسر را با پدر ۲۴۱۰:۴*	این تقاضاهای ۹۹۷:۲*	این جنین در ۳۷۷۶:۱*
این پشیمانی پهل ۱۳۳۹:۴*	این تکبّر از کجا ۷۲۶:۳*	این جنین مرآن ۳۶۰۵:۲*
این پشیمانی قضای ۱۳۳۹:۴*	این تکبّر از نتیجه ۱۹۴۰:۵*	این جواب آن کس ۳۹۷۶:۳*
این پلیدی ۱۴۹:۵*	این تکبّر چیست؟ ۱۹۴۱:۵*	این جوابات ۳۳۶۹:۱*
این پیمبر گفت چون ۱۱۹۹:۴*	این تکبّر زهر ۲۷۴۷:۴*	این جواب ماست ۴۴۹۱:۳*

این جوان زین ۳۴۳۳:۶	این جهان کوه است و فعل	این چگونه شمع‌ها ۱۹۸۸:۳
این جوانی را ۲۵۷۹:۴*	۲۱۵:۱	این چگونه و چون ۱۶۲۴:۶*
این جهاد ۳۸۰۲:۵	این جهان کوه است و گفت	این چنین آب سیه ۳۲۳۶:۱*
این جهان از بی‌جهت ۶۸۷:۲	۲۱۸۸:۲	این چنین آبش ۲۷۰۷:۱*
این جهان از شرم ۲۶:۶*	این جهان گوید ۱۶۸:۶	این چنین آتش ۳۶۳:۶
این جهان از عطر ۱۸۷۲:۲*	این جهان محدود ۵۲۶:۱	این چنین آدم ۱۲۴۸:۱
این جهان با این ۱۸۵۳:۶	این جهان منظم ۸۲۷:۶	این چنین آسان ۴۲۴۲:۳*
این جهان بازی ۲۶۰۰:۲	این جهان، نفی ۲۲۴۱:۱	این چنین آشوب ۲۵۴۰:۶*
این جهان بر ۳۱۵۳:۴	این جهان نیست ۱۲۸۰:۲	این چنین آمد زاصل ۱۹۱۳:۳
این جهان بنمایدت ۲۳۷۲:۴*	این جهان و آن جهان با	این چنین آمد وصیت ۲۲۶۷:۲*
این جهان پر آفتاب ۴۷۹۶:۳	۷۴۶:۵*	این چنین آینه ۳۸۵۵:۴*
این جهان پرده‌ست ۳۵۳۰:۶*	این جهان و آن جهان بر	این چنین است ۱۸۳۵:۲*
این جهان پر ز نقل ۴۰۸۶:۶	۲۶۵:۵*	این چنین اکسیرها ۶۹۵:۲*
این جهان تاریک ۲۷۶۷:۲*	این جهان و، آن جهان را	این چنین اندوه ۲۲۶۰:۵
این جهان تن ۱۵۶۰:۲	۳۲۰۸:۴*	این چنین انصاف ۱۳۸۸:۴*
این جهان تیه است ۲۴۸۴:۲	این جهان و آن جهان زاید	این چنین باده ۳۴۶۱:۵
این جهان جادوست ۱۰۳۹:۵	۱۰۰۰:۲	این چنین باشد الهی ۳۵۷۲:۴*
این جهان جنگ است ۳۶:۶	این جهان و اهل ۱۶۴۹:۴	این چنین باشد چو ۳۶۱۶:۵
این جهان چون جنت ۳۲۶۳:۴*	این جهان و راهش ۲۱۰۱:۱	این چنین باشد عطا ۱۴۴۶:۴*
این جهان چون خس ۱۳۰۰:۲	این جهان و ساکنانش ۳۱:۳	این چنین باشد وفای ۱۵۵۷:۱
این جهان حُجره‌ست ۸۱۱:۴*	این جهان و عاشقانش ۳۲:۳	این چنین بهتان ۳۳۰۷:۲
این جهان خُم‌ست ۸۱۱:۴	این جهان ویران ۲۰۶۵:۱	این چنین بی‌عقلی ۳۶۶:۶*
این جهان خوابست ۱۷۲۹:۳	این جهان همچون خراب	این چنین بی‌هوش افتادی
این جهان خود ۵۲۵:۱	۳۱۲:۴	۳۷۶۳:۵*
این جهان دامست ۳۷۸:۶	این جهان همچون درخت	این چنین بی‌هوش گشتی
این جهان، در چشم ۵۸۲:۲*	۱۲۹۳:۳	۳۷۶۲:۵*
این جهان دریاست ۳۱۴۰:۲	این جهان یک ۹۷۸:۲	این چنین پیچند ۳۹۵۰:۶
این جهان دید ۱۶۱۷:۴*	این چرا بندیم ۲۰۲۰:۱*	این چنین تبدیل ۲۵۳۹:۴*
این جهان را پُر کنم ۵۴۲:۱*	این چراغ ۴:۳	این چنین تخلیط ۱۸۷۸:۵*
این جهان را که ۱۷۳۳:۳	این چرا کردم ۱۵۹۲:۱	این چنین تلبیس ۱۲۹:۲
این جهان زندان ۹۸۲:۱	این چرا کردی ۱۷۰۷:۳	این چنین تهدیدها ۱۵۵:۵
این جهان زی‌دین ۱۶۷:۶*	این چرا گفتن ۲۹۹۶:۴	این چنین جان را ۳۰۵۰:۱*
این جهان زین ۴۷:۶	این چرا نفع است ۱۶۰۴:۶*	این چنین جانی ۴۵۸۲:۶
این جهان شهوتی ۸۱۸:۴	این چرا نوش است ۱۶۰۶:۶*	این چنین جذبی ست ۱۵۶۱:۴
	این چرا هشیار ۱۶۰۵:۶*	

این چنین مستی است ۸۰۲:۳	این چنین فکر ۳۱۸۴:۲	این چنین جستی ۲۵۴۴:۶
این چنین مشکین ۳۷۸۴:۳	این چنین قسمت ۳۱۰۸:۱	این چنین چشم شقی ۴۴۸:۲
این چنین معدوم ۳۹۸:۴	این چنین قفل ۲۴۴۷:۲	این چنین حس‌ها ۲۷۱۹:۱
این چنین مه را ۳۰۱۸:۱	این چنین قندی ۴۵۴۸:۳	این چنین خاصیتی ۲۴۳۲:۱
این چنین مَهری ۲۰۴۲:۳	این چنین قولی ۲۷۰۶:۳	این چنین خوابی ۱۷۲۵:۵
این چنین مَی را ۲۶۹۲:۴	این چنین کرده‌ست ۲۸۵۱:۳	این چنین دان ۲۳۸۵:۴
این چنین می‌گفت ۳۵۰۲:۴	این چنین کُربازی در ۲۸۲۶:۲	این چنین در مانده‌ایم ۴۴۸۳:۳
این چنین میناگری‌ها ۶۹۵:۲	این چنین کُربازی می‌باختند ۲۸۲۸:۲	این چنین دستار ۳۱۲۳:۳
این چنین ناگنج ۱۹۹۹:۲	این چنین کس اصلش ۳۵۹۲:۳	این چنین دعوی ۴۱۵۵:۶
این چنین نامه ۲۱۶۲:۵	این چنین کس گر ۲۵۶۸:۳	این چنین دل ۸۷۳:۵
این چنین نخلی ۳۷۸۳:۳	اینچنین کن، گر کنی ۲۸۶۹:۳	این چنین دندان ۶۵۰:۳
این چنین نفرین ۱۲۳۵:۶	این چنین که چارپَره ۱۵۸۷:۴	این چنین ذوالنون ۱۳۸۶:۲
این چنین نقدِ ۲۸۵۹:۱	این چنین کُهِ را ۱۳۳۶:۲	این چنین راهی ۲۷۷۱:۴
این چنین واجُست ۲۹۷۲:۵	این چنین گُرانگی ۲۸۳:۶	این چنین رخصت ۲۲۱۰:۲
این چنین هم‌ره ۵۰۶:۶	این چنین گردد ۷۰۸:۵	این چنین رسوا ۶۸۱:۳
این چنین هوشی ۳۷۷۵:۵	این چنین گستاخ آن ۲۷۲۵:۴	این چنین رنجور را ۱۳۲۶:۶
این چو سازنده ۴۳۷۵:۳	این چنین گستاخ ز آن ۵۰۷:۲	این چنین رنجوری ۲۴۷۷:۲
این چهار اُطیارِ ۳۱:۵	این چنین گستاخ نندیشم ۳۸۹۸:۱	این چنین زشتی بدان ۳۸۴:۵
این چه اولی‌تر ۱۶۲۱:۶	این چنین گستاخی ۲۱۱۳:۶	این چنین ژازی ۲۹۳:۶
این چه باشد ۱۶۷۹:۲	این چنین گفتند پَنجه ۴۰۵۲:۵	این چنین ساحر ۴۰۷۴:۳
این چه بلبل ۱۵۷۳:۱	این چنین گفتند جمله ۱۳۰۹:۱	این چنین سَگری ۲۶۲۲:۵
این چه بود؟ ۱۶۹۴:۱	این چنین گو ۱۳۵۹:۵	این چنین سوزان ۳۸۶۷:۵
این چه بُهتانست ۱۴۴۹:۲	این چنین گيجی ۱۴۷۹:۳	این چنین سَیری‌ست ۱۵۶۰:۴
این چه ترتیبِ ۲۰۵۲:۳	این چنین گیرد ۶۸۱:۳	این چنین شد ۲۲۹۷:۱
این چه حَقْد است؟ ۱۰۱۱:۶	این چنین لطفی ۳۷۸۵:۳	این چنین شَه ۳۰۱۷:۱
این چه حکمت ۴۳۳۹:۶	این چنین لعب ۴۴۴:۵	این چنین شیرِ ۳۰۰۱:۱
این چه دُم ۹۶۲:۴	این چنین لقمه ۲۹۴۶:۳	این چنین طبلِ ۴۱۶۷:۶
این چه رمز است؟ ۲۱۵۸:۲	این چنین ماهی ۲۵۴۶:۴	این چنین طعنه ۴۲۳۷:۳
این چه ژاژست و چه کفر ۱۷۲۸:۲	این چنین مجمع ۷۸۵:۶	این چنین ظَنّ ۳۰۳۶:۱
این چه ژاژست و چه هرزی ۲۸۰۷:۲	این چنین مخدول ۱۴۷۷:۳	این چنین عقل ۳۱۸۷:۲
این چه سَرست ۴۳۲:۲	این چنین مدبر ۱۴۷۸:۳	این چنین عمری ۱۲۳۳:۶
این چه سَفری ۲۷۵۳:۵	این چنینم ده ۳۴۱۳:۳	این چنین فربه ۷۱۹:۳
این چه سودا ۱۹۰۸:۵		این چنین فرمود آن ۳۳۵۸:۴
		این چنین فرمود سلطانِ ۷۳:۵
		این چنین فرمود ما ۲۲۷۲:۴

این چه شیدست؟ این چه	این حسودی ۲: ۲۰۱۷*	این خریداران ۲: ۲۴۴۰*
#۲۴۱۸:۲	این حشر ۲: ۱۱۸۷*	این خسان چه ۵: ۴۰۸۶*
این چه شیدست این که	این حصیری ۶: ۵۲۲	این خطا از ۲: ۱۷۶۷*
#۵۶۹:۳	این حضانت ۶: ۴۸۴۲	این خطا اکنون ۳: ۱۷۳*
این چه صبرست ۲: ۱۵۲۲	این حقیقت ۲: ۲۹۲۷	این خفیر ۶: ۱۶۱۰*
این چه ظنّ است ۲: ۴۷۸*	این حکایت بشنو از بهر	این خلاف ۱: ۴۶۴*
این چه عباسی ۵: ۲۷۵۵*	#۱۹۳۱:۲	این خلاق ۳: ۲۰۳۱*
این چه عشقست ۳: ۱۹۵۰*	این حکایت بشنو از صاحب	این خمار اشکوفه ۵: ۳۹۷۷*
این چه غفل ۳: ۹۰۴*	۲۹۸۱:۱	این خمار غم ۳: ۲۲۵۹*
اینچه گفتید ۳: ۲۹۰۰*	این حکایت را بدان ۴: ۲۱۱	این خموشی ۶: ۴۶۲۴*
این چهل روزش ۳: ۱۰۹۳	این حکایت را که ۴: ۳۷	این خود آثار ۵: ۹۷۳*
این چه مانند ۳: ۲۸۱۱	این حکایت گر ۴: ۳۹	این خود آن ۶: ۲۰۰۱*
این چه مدح ۲: ۱۷۱۹*	این حکایت گفته ۱: ۲۸۹۷	این خود اجزا ۱: ۱۲۷۶*
اینچه می‌گویم به ۳: ۲۰۹۸	این حکایت نیست ۳: ۱۱۴۹	این خود اکرامی ۵: ۱۱۹۴*
این چه می‌گویم مگر	این حلالی‌ها ۵: ۲۲۹۹	ای نخود می‌جوش ۳: ۴۱۷۸*
#۲۸۱۳:۳	این حلیمه ۴: ۹۵۳	این خورد زاید ۱: ۲۷۳*
این چه می‌گویم، نه ۲: ۱۷۹۱*	این حمیرا ۱: ۱۹۷۴	این خورد گردد ۱: ۲۷۲*
این چه می‌گویی ۳: ۲۳۱۷	این حیات از ۶: ۱۵۵۴	این خوشی را ۵: ۳۵۸۷*
این چه ناشکری ۵: ۵۴۱	این حیات را ۳: ۱۲۸۲*	این خوشی‌ها ۵: ۳۵۸۹*
این چه نسبت ۳: ۲۷۳۷	این حیاتی ۵: ۴۱۳۵	این خیال اندیشگان ۴: ۱۴۷۲*
این چه یاری ۲: ۱۹۳۷	این خبر در گوش ۴: ۳۱۲۸*	این خیال اینجا ۵: ۱۷۹۰*
این حجاب ۵: ۶۰۹*	این خبر می‌از پیمر ۱: ۱۳۲۸*	این خیال توست ۲: ۳۳۰۷*
این حدّث بر ۴: ۲۴۹۲	این خبرها از ۴: ۲۰۶۶	این خیالِ سمع ۵: ۳۹۱۹*
این حدیث آخر ۱: ۳۳۴۳	این خبرها پیش ۴: ۲۰۶۷*	این خیالِ منکری ۱: ۳۲۸۲*
این حدیثِ راست ۴: ۲۲۱۲*	این خبرها ز آن ۶: ۴۱۳۳*	این خیال و وهم ۵: ۲۶۴۴*
این حدیثش ۲: ۲۷۰۶	این خبرها، وین امانت	این خیالی گشته ۶: ۱۵۳۵*
این حدیث مُقَلَّب ۴: ۳۸۰۹	#۵۱۲:۱	ای ندانسته ۴: ۳۶۷*
این حروف حال‌ها ۳: ۲۷۸۱	این خبرها وین روایات	این در آموزی پدر ۶: ۶۴۲*
این حریصان جمله ۵: ۱۴۲۷*	۴۱۳۴:۶	این در آن حیران شده ۵: ۳۲۶*
این حسد اندر کمین ۲: ۱۴۰۷*	این خراب، آباد ۲: ۱۱۴۱	این در آن حیران که ۵: ۲۵۵۹*
این حسد در خلق ۲: ۲۳۱*	این خران را طعمه ۴: ۳۶۷۰*	این در آید ۴: ۸۱۷*
این حسد در فعل ۲: ۱۴۰۹*	این خران را کیمیای ۴: ۳۶۷۱	این درازست ۲: ۲۸۴۷*
این حسد را مانند ۱: ۲۶۰۵*	این خر پزمرده ۲: ۱۸۶۰*	این دراز و کوتاهی ۴: ۵۳۴*
این حَسَن را سوي ۲: ۹۴۴*	این خرد از ۴: ۳۳۱۲	این درازی در سخن ۴: ۱۴۸۸*
این حَسَن کز ۴: ۱۲۳۸	این خِردها ۶: ۲۶۱۳	این درازی مدّت ۱: ۱۱۴۸*

این روا و آن ۲۶۵۱:۳	این دم سرد ۱۳۲۶:۳	این درختان بین ۱۳۶۰:۴
این رَوشِ خصم ۳۲۲۶:۵	این دوا خواهند ۲۰۹۶:۲	این درختان را ۲۰۵۲:۳
این روش‌ها ۳۲۵:۵	این دو انبازند ۶۵۹:۶	این درختانند ۲۰۱۴:۱
این رهاکن زآنکه ۱۲۰۶:۴	این دواها ۲۹۱۵:۳	این درخت تن ۳۵۷۶:۴
این رهاکن صورت ۵۲۴:۳	این دو در تکمیل ۴۵۵:۵	این درختِ علم ۳۶۶۸:۲
این رهاکن عشق آن ۴۴۴۸:۳	این دو دزد آویخت ۳۳۰۳:۱	این درشت است ۱۷۶۵:۶
این رهاکن عشق‌های ۷۰۲:۲	این دو دعوی ۳۵۷۵:۲	این درشت و زشت تر ۱۷۶۶:۶
این ریاضت‌های ۳۳۴۹:۳	این دو را پَرچَم ۳۳۰۴:۱	این دِرَمَتان ۳۶۸۹:۲
این زباران‌های ۲۰۶۱:۱	این دو را گیرد ۴۷۹۱:۳	این درون ۳۶۰۶:۵
این زبان از عقل ۳۳۱۴:۵	این دو را مشهور ۳۳۰۲:۱	این دریغاها ۱۷۱۱:۱
این زبان پرده ۸۴۵:۲	این دو روزک ۱۲۶۶:۲	این دعا بسیار ۴۴۸۸:۳
این زبان چون ۱۵۹۳:۱	این دو ضدِ با ادب ۳۶۸۰:۳	این دعا تو ۲۳۱۹:۶
این زبانه ۶۸۲:۵	این دو ضد را دید ۱۴۱۷:۱	این دعا چون ۲۲۲۳:۴
این زبسیاری ۶۳۳:۶	این دو ضد عرضه ۲۹۸۹:۵	این دعا کی ۲۳۲۸:۳
این زحد و اندازه‌ها ۳۷۲۷:۶	این دو ظلمانی ۲۹۰۳:۱	این دعا گر ۲۵۰۶:۲
این زر ظاهر ۴۳۵۹:۳	این دو علّت ۴۴۸۲:۶	این دعا می‌خواهد ۱۶۵۶:۳
این زر من ۶۱۵:۴	این دوم فانی است ۱۰۵۸:۲	این دعا می‌کرد با ۱۴۸۵:۳
این ز عشقش ۳۰۳۱:۳	این دو وصف ۳۷۶۴:۳	این دعا می‌کرد دایم ۱۴۵۱:۳
این ز غیب افتاد ۲۱۰۵:۱	این دو همره ۱۵۴۴:۴	این دعا، نی از برون ۲۲۸۴:۳
این زکات و روزه ۱۸۸:۵	این دویی ۸۱۹:۶	این دعا هم ۲۴۴۹:۲
این زکات و هدیه ۱۸۴:۵	این دهان بریند ۱۱:۲	این دعایِ خویش ۲۳۲۰:۶
این زمان آیند ۱۱۵۸:۱	این دهان بستی ۳۷۴۷:۳	این دکان بریند ۶۱۲:۲
این زمان او ۱۲۳۰:۴	این دهان خود ۴۷۰۵:۶	این دگر مردی ۳۸۳۰:۵
این زمان این احمق ۳۹۱۸:۳	این دهانش ۳۶۰۲:۵	این دل از غیر ۶۶۹:۳
این زمان این تنگی ۷۰۳:۴	این دهان گردد ۳۲۹۹:۴	این دل سرگشته ۳۷۱:۵
این زمان بشنو ۱۹۶:۲	این دهد گنجیت ۳۷۵۷:۳	این دلم باغ است ۱۵۷۹:۶
این زمان بگذار ۱۳۱:۱	این دُهلُ زن را ۳۶۱۰:۱	این دلم هرگز نلرزد ۲۰۲۲:۲
این زمان بیند ۲۹۰۲:۴	این ده و این ۴۶۰:۱	ایسن دلم هرگز نمی‌گوید
این زمانت ۲۹۹۶:۵	این رئیسان ۲۰۷۱:۲	۲۷۵۶:۶
این زمان جز ۷۳۷:۶	این رئیس زفت ۷۸۵:۶	این دلیل اختیارست ۳۰۲۴:۵
این زمان چندانکه ۵۵۱:۶	این رجا و خوف ۳۶۱۶:۱	این دلیل راه ۳۳۱۲:۲
این زمان چون خر ۲۸۴۴:۱	این رَسَن‌های ۸۴۹:۱	این دَم آن دَم ۱۵۵۵:۶
این زمان در ره درآ ۳۱۷۰:۳	این رسولان ۳۶۰۵:۳	این دم ابدال ۲۰۴۲:۱
این زمان در عشق ۹۵۴:۶	این روا باشد که خر ۱۵۶۰:۶	این دم از یارانت ۱۵۰۳:۵
این زمان زنده ۳۳۹۱:۳	این روا باشد که من ۱۵۵۶:۱	این دم او را ۱۴۹۹:۵

این زمان سرها ۱۸۶۸:۶	این سبب را من ۸۷۷:۴	این سخن پایان ندارد ای جواد
این زمان غم ۲۵۶۴:۴*	این سبب گو خاصّ ۱۲۹۷:۱*	۳۷۸۵:۴
این زمان قائم ۳۲۷۵:۳	این سبب‌ها آن ۳۴۶۳:۳	این سخن پایان ندارد ای عمو
این زمان کافر ۴۸۴۸:۶	این سبب‌ها بر ۱۵۵۱:۵	۱۹۷۲:۳
این زمان کردت ۷۷۴:۶*	این سبب‌ها چون ۳۴۶۴:۳	این سخن پایان ندارد ای غلام
این زمان که ۳۴۶۵:۶	این سبب‌ها نسل ۱۰۰۲:۲*	۲۸۱۴:۱
این زمان گر ۲۰۲۷:۴	این سبب هم ۹۱۲:۱*	این سخن پایان ندارد ای فلان
این زمان ما خانه ۱۶۳:۴*	این سبب همچون چراغ	۲۷۳۳:۵
این زمان ما را ۲۹۹۹:۵	۱۸۴۵:۲*	این سخن پایان ندارد ای قباد
این زمان و امی رسم ۱۹۲۵:۶*	این سبب همچون طیب	۱۳۲۰:۶
این زمان هر یک ۵۵۶:۲*	۱۸۴۵:۲	این سخن پایان ندارد ای گروه
این زمان همچون ۳۵۵۶:۵*	این سبب را ۳۲۰۶:۶	۳۶۵۰:۶
این زمان همدرد ۳۰۰۱:۲	این سبب را ۲۱۰۰:۳	این سخن پایان ندارد باز ران
این زمان هیهای ۵۵۰:۶*	این سبب ۲۷۰۵:۱	۳۵۲۳:۱
این زمان یا اُمّ ۲۹۷۱:۲*	این سپاه ۱۴۴۳:۳*	این سخن پایان ندارد باز ران
این ز مُلک شهر ۳۸۴۷:۵*	این ستاره ۱۰۵:۶	۱۰۴:۳
این زمین از حلم ۱۸۰۳:۲	این سخا شاختی ۱۲۷۳:۲	این سخن پایان ندارد بازگرد
این زمین از فضل ۲۳۶۷:۲*	این سخن آخر ۱۸۵۹:۴	۳۱۰۱:۱
این زمین با سکون ۱۲۸۱:۱	این سخن از ۳۶۳۵:۵	این سخن پایان ندارد بازگرد
این زمین باشد ۳۲۷۶:۱*	این سخن اشکسته ۳۴۱:۴	۳۱۶۹:۱
این زمین پاک ۲۷۴:۱	این سخن اندر ۱۱۸:۴*	این سخن پایان ندارد بازگرد
این زمین چون ۴۷۵۵:۶	این سخن با جنّ ۴۵۱۳:۶*	۸۶۳:۲
این زمین را از ۲۳۸۷:۱	این سخن بر ۴۳۳۵:۶	این سخن پایان ندارد بازگرد
این زمین را ریع ۱۷۶۲:۴	این سخن پایان ندارد آن عرب	۱۸۳۳:۴
این زمین را اگر نبودی ۲۴۱۷:۴	۱۶۸:۵	این سخن پایان ندارد بازگرد
این زمین و آسمان ۳۵۴۳:۳	این سخن پایان ندارد آن غریب	۳۲۸۵:۴
این زمین و چرخ ۱۷۲۶:۲*	۳۲۴۷:۶	این سخن پایان ندارد بازگرد
این زمین و سختیان ۱۴۹۰:۵	این سخن پایان ندارد آن فریق	۳۴۲:۶
این زنان سه ۲۴۱۰:۲*	۳۶۹۹:۶	این سخن پایان ندارد تیز
این زنانی ۱۲۰۸:۵	این سخن پایان ندارد آن فقیر	۲۰۸۴:۳
این زن و مردی ۲۶۱۸:۱	۱۶۷۱:۳	این سخن پایان ندارد خیز
این سبب چه بود ۸۴۷:۱	این سخن پایان ندارد آن گروه	۳۶۰۸:۱
این سبب را آن ۸۴۵:۱	۳۷۶۰:۶	این سخن پایان ندارد در
این سبب را باز گو ۱۷۴۹:۳	این سخن پایان ندارد ای پدر	۳۹۳۷:۵
این سبب را محرم ۸۴۶:۱	۳۲۰۰:۵	این سخن پایان ندارد زُئد

۲۲۱۱:۲	این سخن چون نقش	۳۶۶۷:۱
این سزای آنکه اندر ۶۳۸:۳	۱۰۹۷:۱	این سخن پایان ندارد قاضیش
این سزای آنکه بی تدبیر ۶۴۳:۳	این سخن حقست ۱۵۱۲:۴	۴۵۰۰:۶
این سزای آنکه تخم ۳۷۹۴:۶	این سخن خایی ۷۲۰:۶	این سخن پایان ندارد کن
این سزای آن که شد ۶۳۷:۳	این سخن در سینه ۱۱۷۵:۵	۲۵۶۳:۵
این سزای آنکه یابد ۴۷۰:۲	این سخن در گوشت ۲۶۰۳:۴	این سخن پایان ندارد گشت
این سزای داد ۴۷۷۳:۶	این سخن را بعد ۴۴۵۴:۳	۱۲۶۲:۱
این سزای ما ۶۳۶:۳	این سخن را ترجمه ۴۱۹۰:۳	این سخن پایان ندارد گفت
این سزید از ۱۸۶۹:۲	این سخن را ترک ۳۲۰۰:۵	۲۶۶۵:۶
این سفال ۱۲۵۵:۳	این سخن را کثر ۳۴۰۸:۲	این سخن پایان ندارد لیک
این سفرگیری ۲۰۵۰:۶	این سخن را که ۴۰۱۲:۵	۶۴۲:۱
این سگان پیر ۱۲۳۱:۶	این سخن را نشنود ۲۱۹۵:۳	این سخن پایان ندارد مارگیر
این سگان را حصه ۱۸۷۲:۶	این سخن را نیست پایان و	۱۰۲۹:۳
این سگان را هم در ۱۸۰۳:۳	۷۶۵:۵	این سخن پایان ندارد مصطفی
این سگان شصت ۱۲۳۰:۶	این سخن را نیست پایانی	۲۶۱:۵
این سگان کزاند ۱۴۶۶:۴	۳۹۷۴:۱	این سخن پایان ندارد مکرهاش
این سلاح ۶۴۷:۵	این سخن شیرست ۲۳۷۸:۱	۹۶۱:۳
این سؤال ۱۳۷۹:۳	این سخن گرچه ۲۵۴:۴	این سخن پایان ندارد موسیا
این سوم دفتر ۱:۳	این سخن، لیکن بجو	۳۶۱۶:۴
این سوم هست ۱۵۰۲:۴	۲۶۳۹:۱	این سخن پایان ندارد موسیا
این سه تاریکی، غلط ۶۶۰:۳	این سخن ناقص ۱۷۰۵:۲	۳۶۶۸:۴
این سه تاریکی و ۲۱۸۰:۳	این سخن نه ۳۰۷۰:۲	این سخن پایان ندارد موشی ما
این سه کس ۳۷۵۳:۱	این سخن و آواز ۱۱۳۷:۱	۲۹۴۰:۶
این سیاه و این ۲۵۳۳:۳	این سخن‌ها خود ۱۱۸۹:۲	این سخن پایان ندارد و آن
این سیه اسرار ۱۰۵۱:۶	این سخن‌هایی ۱۸۹۹:۱	خفیف ۱۷۱۶:۴
این شب است و ۱۸۷۰:۶	این سخن همچون ۱۰۴:۶	این سخن پایان ندارد و آن فقیر
این شعاع باقی آمد ۶۷۷:۵	این سخن هم راستست	۱۹۰۷:۶
این شعاع باقی و آن ۶۸۱:۵	۳۶۴۹:۳	این سخن پایان ندارد هر سه یار
این شقایق ۴۴۶۲:۶	این سخن هم ناقص ۱۲۷۷:۳	۲۴۲۱:۶
این شکایت ۷۷۳:۴	این سرت وارست ۳۶۸:۲	این سخن پایان ندارد هوش دار
این شکوه ۴۳۳۹:۳	این سر خر در میان ۳۸۲۱:۴	۱۰۲۷:۱
اینش گوید من ۱۸۵۰:۱	این سر خر را در آن ۳۸۲۴:۴	این سخن پایان ندارد هین بتاز
اینش گوید نیست ۱۸۵۱:۱	این سر خم ۱۸۲۴:۴	۳۰۷۶:۱
این شمال ۱۴۰:۴	این سزای آنکه از ۳۳۳:۲	این سخن پیدا ۱۹۳۷:۶
این شناس، اینست ۱۶۳:۶	این سزای آنکه از یاران	این سخن چون پوست ۱۰۹۷:۱

این شندی ۲۴۰۷:۲*	این طلب در ما ۱۳۳۷:۱	این عصایی ۲۸۱۰:۴
این شنو که ۴۲۱:۳	این طلب مفتاح ۱۴۴۳:۳	این علف او ۲۴۵۹:۶*
این شنید، از توبه ۹۵۲:۶*	این طلب همچون ۱۴۴۴:۳	این علف‌ها ۲۶۷۶:۲
این شنیدم ۱۶۲۹:۳	این طمع را کرده‌ام ۲۳۶۱:۱*	این عللهایی ۲۵۲۹:۴
این شنید و آن ۳۳۲۵:۳	این طمع را ماند ۲۳۷۲:۱	این عُمَر با بُولِ حِکَم ۱۵۰۳:۱*
این شنیده باشی ۳۱۵۰:۱*	ای نظرتان ۴۰۷۷:۵	این عُمَر را نان فروش، ای
این شنیدی ۲۵۹۵:۱	این عبارت ۲۷:۶	۳۲۲۵:۶*
این شه ترمد ۲۵۳۹:۶	این عجایب ۸۶۹:۱	این عُمَر را نان فروشید
این شه دیگر ۷۴۲:۱*	این عجب بلبل ۱۵۷۲:۱	۳۲۲۱:۶*
این شهیدان ۱۰۱۵:۵	این عجب تر ۲۰۰۹:۳	این عمل نکند ۴۰۳۸:۶*
این صدا جان ۸۹۶:۳	این عجب قرنی ست ۹۷۹:۴	این عمل وین ۱۰۵۳:۵
این صدا در ۱۳۲۷:۲	این عجب که جان ۲۰۳۴:۴	این عوان در ۱۱۰:۴
این صدف پُر ۲۰۱۷:۵*	این عجب که جبر ۱۶۴۳:۴*	این عیادت از ۲۲۱۲:۲
این صدف‌ها نیست ۳۰۲۶:۴	این عجب که دام ۱۶۴۸:۳	این عیادت نیست ۳۳۸۲:۱*
این صَدَف‌های ۱۰۲۳:۲	این عجب که سر ۱۵۰۰:۲*	این غبار از پیش ۱۶۲۷:۲*
این صد و چندین ۱۴۷۴:۳	این عجب که نیستی ۷۰۶:۶	این غرضها را برون ۷۶۶:۶*
این صفت کردن ۹۵۷:۲	این عَجَب که هم ۲۹۴۸:۴*	این غُرور آن ست ۱۳۶۷:۴
این صفت‌ها ۳۱۸۰:۶	این عجب، کین رنگ ۲۴۷۰:۱	این غریب ۳۷۲۱:۵*
این صفت هم ۱۹۲۱:۲	این عجب کین میش	این غضب ۳۰۹۷:۲*
این صلات ۲۴۹:۵	۱۲۹۲:۱*	این غلامان ۱۴۹۳:۲
این صُور چون ۳۷۳۷:۶	این عجب می‌داری ۱۸۶۱:۳*	این غلط ده ۲۷۶۳:۳
این صُور دارد ۳۷۳۸:۶	این عجب نبُود ز ۴۲۳۰:۳*	این غمان ۲۲۹۷:۱
این ضیا اندر ۳۴۷۴:۵*	این عجب نبُود که کور ۲۷۵۹:۶	این فرح زخم‌ست ۳۷۵۲:۳*
این طبیبان بدن ۱۷۹۴:۴	این عجب نبود که میش	این فرستادن ۲۴۲۳:۴
این طبیبان را ۲۷۳۲:۳	۱۲۹۲:۱	این فرشته پاک ۲۷۴:۱*
این طبیبان نوآموزند ۱۷۹۹:۴	این عدم را ۱۰۳۵:۵	این قُروع‌ست ۲۷۶۵:۴
این طپانچه ۱۶۶۳:۵	این عرض با ۹۸۲:۲	این فریب ۵۷۸:۱*
این طراق از ۱۳۸۳:۳	این عَرَض‌ها که فنا ۹۴۵:۲*	این فسونِ دیو ۲۰۹۱:۴*
این طرف رسوا ۱۰۷۷:۳*	این عرض‌ها نقل ۹۶۱:۲	این فُشار ۱۴۳۵:۶*
این طرف رفته ۲۸۰۳:۲*	این عَرَض‌های تو ۹۸۳:۲*	این فضیلت ۱۰۰۶:۴
این طرف، فَخْرُ الْبَتَر	این عرض‌های نماز ۹۴۶:۲	این فغان ۲۸۰۲:۲*
۳۱۴۰:۳*	این عسس ۲۴۲۶:۲*	این فقیر ۲۶۹۲:۶
این طُرُق را ۳۶۶۸:۶	این عصا از ۲۸۰۸:۴	این فلان شیخ ۱۶۸۳:۳
این طریق پکر ۲۱۴۵:۱	این عصا چه ۲۱۳۶:۱	این فناجا ۳۳۹۳:۳
این طلب در راه ۱۴۴۲:۳*	این عصا را ۱۰۷۱:۴	این فناها ۳۳۲۳:۲

این که دیر ایشگفت ۱۲۲۷:۴*	این قیامت ۱۳۳۹:۲	این فواید ۲۸۸۸:۴*
اینکه زیرِ رانِ ۱۱۱۸:۱*	اینک این خلعت ۱۸۹:۱	این قبولِ ۱۷۹۷:۲
این که فردا ۳۰۲۴:۵	اینک این دریا ۱۰۸۴:۱	این قَدَر اِرشاد ۱۸۸۱:۱
این که کَرَمناست ۱۲۳۱:۵	اینک این طومار، برهان ۶۹۸:۱	این قدر از بهر ۲۱۶۶:۱
این که گفتم هم ضرورت ۳۱۱:۱*	اینک این طومار و ۶۵۶:۱	این قَدَر از من ۲۴۰۵:۱*
اینکه گفتم هم بُد ۸۴۱:۲*	این کباب و این ۴۷۰۶:۶	این قدر اندیشه ۲۸۰۱:۵*
اینکه: مَنهومان ۳۸۸۳:۶*	این کرامت بهر ۱۷۱۸:۳	این قَدَر پستان ۲۱۶۵:۱*
اینکه موسی ۱۵۳۹:۵	این کرامت را ۱۷۱۵:۳	این قَدَر بشنو ۱۹۰۵:۳
این که نبود ۲۱۸۰:۴*	این کرم چون ۸۹۲:۴	این قَدَر تخمی ۱۲۶۷:۲
این کی‌آت آموخت ۳۲۲۴:۳	این کَری ۲۵۴۹:۴	این قَدَر تعظیم ۱۶۱۹:۱
این کی اندیشد؟ ۴۹۶:۱*	این کَواوه ۲۱۵:۶	این قَدَر خود ۲۱۴۴:۶
این گدا چشمی ۲۴۳۷:۵	این کسی داند ۵۹۴:۵	این قَدَر عقلی ۹۴۵:۱
این گذشت، الله ۸۴۴:۴*	این کسی دیده‌ست کز یک ۳۱۴۸:۳	این قَدَر گفتیم ۱۴۷۵:۶
این گذشتن ۳۴۵۲:۲	این کسی دیده‌ست کز یک ۳۱۴۹:۳	این قَدَر گویم ۹۷۳:۴*
این گرفتاریِ دل ۴۶۰۰:۳*	این کشاکش ۱۱۰۶:۶	این قَدَر هم ۱۸۸۶:۵
این گرفتِ ما هم ۲۸۵۵:۶*	این کلیدِ صبر ۳۸۹۵:۶	این قدم حق ۱۳۸۳:۱
این گرفتن ۳۳۶۰:۲*	این کلبله و دمنه ۳۶۲۱:۲	این قراءت ۲۰۳۴:۳
این گرفته پای ۲۶۷۸:۶	این کمان را، بازگون ۱۳۸۴:۱*	این قُش و دُش ۲۱۹۶:۵
این گروه مجرمان ۴۱۸۹:۵	این کمینه جهد ۱۷۰۲:۳	این قصاص ۳۶۶۵:۴
این گریزد ۵۷۰:۵	این کند از ۲۸۴:۱	این قضا ابری ۱۲۵۵:۱
این گشایش ۳۰۷۴:۳*	این کند با خویشتن ۱۷۱۸:۶*	این قضا بر ۲۸۸۵:۶
این گُل گویاست ۱۸۱۶:۶	این کند در عشق ۴۰۳۷:۶*	این قضا خود ۵۵۷:۲*
این گلوی ۷۷۵:۶	این کند علم ۱۴۰۸:۵*	این قضا را گونه‌گون ۲۷۶۰:۶
این گله زان ۹۳:۴	این کنم یا آن کنم او ۴۰۹:۶	این قضا را هم ۲۲۸۴:۲
این گمان آید ۲۱۱۵:۲*	این کنم یا آن کنم؟ هین ۱۶۲:۵*	این قضا صد ۱۲۶۰:۱
این گمان بد ۳۴۰:۳	اینکه با جُنبد ۱۵۳:۴*	این قضای گفت ۸۳۶:۳
این گمان بردند ۱۹۸۳:۵*	این که بخشیدت ۲۳۹۱:۳	این قضایی بود ۴۰۱۶:۵*
این گمان بر روح‌های ۱۷۹۲:۴*	اینکه بر کار است ۱۲۸۲:۲	این قفص پیدا ۲۹۶۵:۶
این گمان سَر برزند ۳۸۵۰:۴*	این که تو کردی ۲۷۵:۵	این قلاووز خِرَد ۳۴۸۶:۵*
این، گناه از ما ۱۵۹۳:۳*	این که جانِ ۲۶۶۵:۱	این قلاووزی ۱۶۹۷:۴
این گواه فعل ۲۴۱:۵	این که در وقت ۳۶۰۷:۵	این قلم داند ۲۷۸۳:۳
این گواهی ۲۴۶:۵	این که دل‌گیرست ۳۵۱:۳*	این قناعت ۲۳۲۲:۱
این گهر از ۱۰۰۰:۶		این قیاسات ۳۴۰۴:۱
		این قیاسِ ناقصان ۳۶۷۷:۳
		این قیاس و این ۳۴۰۵:۱*

این گهی بخشد ۱۹:۳	این معانی ۱۱۰۲:۲	۶۳۸:۶*
این لباسی ۲۱۷۲:۶	این مُعاین ۲۵۶۶:۶	این ندانی که بی من ۱۵۷۰:۶
این لبِ نانی ۳۳۱۰:۳	این مَعِیت با حق ۱۴۶۴:۱	این ندانی که ز عقل ۳۲۵۵:۲*
این لَعِب تنها ۳۹۵۱:۶	این مَعِیت را، کی ۴۱۸۳:۶*	این نَسَب خود ۱۰۳۷:۴
این لقب شد فاش ز آن	این مگر باشد ۲۰۷۸:۴	این نشانی آن ۱۶۸۰:۲
۳۵۵:۵*	این مگر خویش ۱۵۹۱:۱	این نشان باشد ۱۶۷۶:۲*
این لقب شد فاش و ۳۵۶:۵	این مگر دو ۱۵۹۱:۱*	این نشانی پختگی ۲۰۵۲:۴*
اینما قد ۴۸۱:۳	این مگوای ۳۰۵۴:۵*	این نشان چون ۲۹۸۵:۲
این مباحث ۴۶۲۰:۶	این مگیر از ۱۷۲۴:۴	این نشانی خسف ۳۳۰۸:۱
این متیم ۱۸۴۳:۶	این من و ما ۱۷۸۷:۱	این نشان در ۱۷۰۱:۲
این مثال آمد ۴۶۳۳:۶	این منی و هستی ۳۵۶۲:۴	این نشان راست ۱۱۹۱:۳
این مثال آورد ابلیس ۲۷۹۲:۳	ای نموده تو ۳۸۰۴:۲	این نشانی زر ۲۴۸:۵
این مثال آورد قارون ۲۷۹۳:۳	ای نموده ضد ۷۹۲:۴	این نشانت ۲۸۰۸:۲*
این مثال بس رکیک ۴۵۷۶:۶*	این نباشد آدمی ۸۳۱:۴*	این نشان ظاهرست ۳۲۲۹:۲
این مثال را ۲۷۹۴:۳	این نباشد جُست ۳۱۱۹:۵*	این نشان ها تلک ۱۷۰۳:۲*
این مثال جان ۴۵۶:۴	این نباشد ما چه ۳۵۵۱:۱	این نشانها گویدش ۱۶۷۹:۲
این مثال چار ۴۳:۵*	این نباشد مذهب ۴۰۴۳:۶*	این نشانی ها بلاغ ۲۹۸۳:۲*
این مثال نور ۴۶۱:۴	این نباشد، وریا شد ۴۷۸۶:۳*	این نشانی ها که ۳۱۲۶:۲
این مَثَل از ۱۱۹۸:۴	این نباشد وری بود ۳۳۰۸:۲	این شاید ۲۴۴۱:۳
این مَثَل اندر ۲۳۶۳:۶	این نبود و او ۲۲۱۶:۶	این نشسته ۴۶۲۹:۶
این مَثَل بر جُمْلَه ۲۱۲۹:۲*	این نجاست ۲۰۹۶:۳	این نصیب کور ۵۰۵:۴
این مَثَل بشنو ۲۷۹۹:۳	این نجاست ۲۰۹۲:۳	این نصیحت راستی ۳۹۴۴:۳
این مَثَل چون ۲۲۸:۵	این نجوم ما ۲۹۶۵:۳	این نصیحت می کنم ۲۰۷۵:۲*
این مَثَل نالایق است ۳۷۱۹:۶	این نجوم و طب ۱۲۹۴:۴	این نصیحت ها ۲۵۱۹:۲*
این مثل ها کفو ۳۴۰۰:۵*	این نخواندی ۱۵۹۸:۶	این نظر از ۶۴۶:۴
این مُحالی باشد ۹۶۹:۶*	این نخوانم ۱۱۹۶:۶*	این نظر با ۲۸۶۴:۳
این مُحَبَّت ۱۵۳۲:۲	این نخواهد شد به روزی	این نفس جان ۱۲۵:۱
این مُحَبَّت حق ۴۵۹۱:۳	۱۰۸۶:۳	این نکرده ست ۱۸۷۶:۵
این مُحَبَّت دایه ۴۵۹۲:۳	این نخواهد شد به گفت	این نکردی ۲۹۴۵:۴
این محک قرآن ۲۳۰۴:۴	۲۹۰۲:۳*	این نگر که ۳۰۴۴:۲
این مُخالِف ۶۱:۶	این ندارد آخر ۱۴۳:۱	این نگه دار ۲۳۴۲:۵*
این مزاجت ۱۲:۳	این ندارد حد ۲۰۷۱:۱	این نماز ۱۸۳:۵
این مسلمان از ۲۸۰۰:۲	این ندانستند ۲۶۷:۱	این نماید ۴۳۷۴:۳
این مسلمان را ۲۴۱۹:۳*	این ندانم و آن ندانم بهر ۶۳۹:۶	این نمط بیهوده ۱۷۲۵:۲
این مُطَوَّق شکل ۳۰۹۳:۴*	این ندانم و آن ندانم پیشه	این نمط، وین ۴۹۹:۱

این همه وهم ۲۶۴۱:۵	این وعید و وعده‌ها ۲۹۶۵:۲	این نمک اندر شد ۲۰۰۳:۱
این همه هست ۱۷۸۹:۱	ای نهاده رحم‌ها ۲۵۰۵:۲	این نمک باقی ۲۰۰۵:۱
این همی آمد ۲۱۹۵:۳	ای نهاده هوش‌ها ۳۵۶۷:۶	این نمکسار جُسوم ۱۸۵۸:۶
این همی جُستم ۲۳۸۲:۳	این هزاران سُنبل ۳۶۶۸:۶	این نمکسارِ معانی ۱۸۵۹:۶
این همی دانم ۳۲۹۸:۴	این هم از تأثیر آن ۲۶۸۳:۳	این نمی‌بینی که در ۳۴۲۳:۶
این همی دیدم ۴۵۴۶:۳	این هم از تأثیر حکم ۱۶۴۶:۳	این نمی‌بینی که قرب ۷۰۲:۳
این همی زارید ۲۲۶۸:۵	این همان باد است ۴۶۸۶:۶	این نمی‌بینیم ما ۲۲۳۴:۳
این همی گفتش ۱۴۸۰:۳	این همان نان است ۴۲۹۳:۶	این نمی‌دید او ۳۶۰:۶
این همی گفتند ۳۴۱۹:۱	این همه الله ۱۹۰:۳	این نوشته ۳۵۸۵:۲
این همی گفت و دل ۱۹۸۹:۵	این همه اوصافشان ۱۲۴:۶	این نوی را ۱۸۶۰:۶
این همی گفت و ذبالة ۳۷۷۰:۳	این همه بازار ۳۳۵۶:۳	این نه آن جان است کافزاید
این همی گفت و رُخش ۳۵۲۰:۳	این همه بشنید ۱۶۷۲:۵	۱۹۷۷:۱
این همی گفتی ۱۹۴۷:۳	این همه تخیل ۳۵۵۷:۴	این نه آن جان است کز
این همی گوید جهان ۳۰۱۷:۵	این همه ترسند‌اند ۲۲۰۳:۶	۱۹۷۶:۱
این همی گوید که: آن ۱۵۰۳:۳	این همه تعظیم ۳۸۴۷:۴	این نه آن شیرست ۴۲۸۳:۳
این همی گوید که‌ای ۲۱۱۲:۲	این همه چون ۱۶۱۷:۶	این نه آن کُست ۱۹۳۹:۳
این همی گویند ۳۳۶۲:۲	این همه خواندی ۳۸۳۵:۴	این نه‌اند ۲۸۹۰:۴
این هنرها ۲۳۵:۵	این همه خوش‌ها ۹۸۸:۳	این نه‌انست ۳۷۳۳:۵
این هوا با ۱۲۸۳:۱	این همه دارند ۳۱۰۵:۳	این نه جبر ۶۱۷:۱
این هوا را ۲۹۵۸:۱	این همه دانست ۱۲۴۹:۱	این نه زورِ ما ۳۵۶۰:۱
این یقین خواهی ۸۶۱:۲	این همه دولت ۳۱۴۲:۱	این نه کارِ توست ۳۴۲۰:۵
این یقین دان کز ۶۲۵:۳	این همه رَشک‌ست ۱۲۱۶:۵	این نه مردان‌اند ۲۸۸۶:۵
این یقین دان که ۱۵۲۳:۵	این همه روی ۲۲۸۵:۵	این نه میراث ۳۴۰۰:۱
این یقین دان گر ۱۹۵۲:۴	این همه زین است ۱۵۵۳:۶	این نه‌نگ ۲۳۰۳:۶
این یکی اسب ۳۳۷۸:۶	این همه عالم ۷۴۳:۲	این نه وقت ۲۷۴۵:۲
این یکی بار ۲۱۵۰:۵	این همه عکس تو ۲۲۹۷:۶	این نه همچون ۴۳۷۳:۳
این یکی بدی ۳۱۷۹:۳	این همه علم ۱۵۱۸:۴	این و آن را تو ۱۳۶۸:۶
این یکی حُکمت ۱۵۷۲:۶	این همه غم‌ها ۲۲۹۶:۱	این وسط در ۳۵۴۰:۲
این یکی خالی ۲۷۰:۱	این همه کردیم ۹۱۰:۳	این وسط را گیر در ۲۷۷۱:۵
این یکی قبله‌ست ۳۲۱۸:۶	این همه که ۱۹۹۵:۴	این و صد چندین مر او را
این یکی نقشش ۳۶۰۱:۵	این همه گفتند ۴۱۵۹:۶	۱۴۷۴:۳
ای وِیالم در ربیع ۴۴۷۹:۶	این همه گفت و به ۲۰۲۴:۲	این و صد چندین و چندین
ای وِرای عقل‌ها ۱۰۹۴:۶	این همه گفتیم ۱۸۷۸:۱	۲۰۴۲:۲
اینْها السَّالون ۸۵۰:۴	این همه مُردن ۳۸۲۱:۵	این و صد چندینی ۱۸۹۲:۳
	اینهمه معنی است ۴۵۹۱:۶	این وصیت‌های ۳۷۲۸:۵

اینها العُشاقُ اقبال ۱۰۹۵:۶	باب، گه روزن ۴۶۴۲:۶	با تو ما چون ۱۳:۴
اینها العُشاقُ السُّقَّیا ۸۴۹:۴	با بهشتی در حدیث ۴۷۴:۴	با تو ما را ۵۸۷:۱
ایها المحبوس ۲۹۵:۵	با بهشتی در سؤال ۴۷۸:۴	با توم چون ۴۴۰:۳
ای هُدی چون کوه ۱۴۶۳:۴	با بیانی ۷:۶	با تومی خوانند ۲۴۹۹:۳
ای هزاران جبرئیل ۴۵۸۴:۶	با پدر از ۳۲۵۵:۴	با تومی گفتم ۱۳۴۴:۳
ای هزاران فتنه ها ۲۶۶۴:۲	با پدر چون ۳۲۵۸:۴	با تو نتوان ۲۷۶۸:۵
ای هزاران کعبه ۴۵۸۵:۶	با پدر کردش ۳۳۰:۳	با تو یادِ ۱۸۸۰:۱
ای هُزیرِ صف‌شکن ۳۴۲۱:۳	با پَر من پَر ۳۷۷۲:۶	با ثنائی حق ۵۵:۴
ای هلاکت ۱۶۲۵:۵	با تائی ۳۵۰۰:۳	با جدِ آن ۲۷۴۵:۶
ای همایون روی ۳۳۲۶:۶	با تَبَر نوری ۱۶۴۰:۲	با جزا و عدل ۴۲۷:۶
ای هُمایی ۴۰۹۰:۵	با تحیر ۱۰۴۵:۳	با جماعت کرد ۲۷۷۳:۲
ای همه پوسیده ۱۹۲۷:۱	با ترددها ۴۰۲۹:۳	با جماعِ رُستمی ۳۴۳۴:۱
ای همه دریا ۳۵۷۱:۵	با ثُرُش ۳۶۹۸:۵	با جمالِ ۳۸۵۷:۳
ای همه یَنْظُرُ ۲۷۸۰:۱	با تو آن عاقل ۳۶۳۹:۳	با جنازه مردی ۲۰۱۲:۱
ای همیشه ۵۹:۱	با تواتر ۴۴۰۶:۶	با جَوال ۴۳۵۷:۳
ای هوارا تازه ۱۰۷۸:۱	با تو آند آن ۲۰۰۵:۱	با چنان اقبال ۲۳۳۹:۶
ای هوارا طَبَّ ۱۳۴۰:۶	با تو اندر خواب در شرح	با چنان انکار ۳۹۴۱:۵
ای هواشان ۸۸:۶	۳۵۸۷:۲	با چنان چشمی ۴۳۷:۲
ای یَرانا ۲۸۸۹:۶	با تو اندر خواب گفته	با چنان دست ۳۱۱۸:۳
ای یگانه ۲۰۸۵:۳	۱۳۰۱:۳	با چنان رحمت ۲۶۸۵:۶
ب	با تو او چون ست ۸۸۴:۵	با چنان رُستم ۳۲۱۳:۶
	با تو ای خشم آور ۳۵۱۵:۵	با چنان شه ۹۲۲:۲
با ابوجهل ۲۱۶۵:۶	با تو ای ماه ۵۸۸:۱	با چنان شیری ۳۸۸۹:۵
با اجابت یا رد ۲۳۴۴:۶	با تو باشد آن ۳۷۵۸:۳	با چنان عِزّی ۱۴۶۸:۳
با ادب تر نیست ۳۶۷۹:۳	با تو باشد؟ چون ۳۶۸۰:۴	با چنان قادر ۵۲۲:۱
با ادب گفتند ۱۴۴۸:۲	با تو باشد در ۳۴۶:۳	با چنان قَوّت ۲۶۱۰:۱
با ازل، خوش ۴۱۳:۲	با توبی لب ۴۶۸۴:۳	با چنین اِستارهای ۴۲۳۰:۵
با اَصابع ۳۵۷۰:۱	با توبی من، او ۲۴۱۵:۱	با چنین اکرام ۱۸۶۴:۵
با اِمَامُ النَّاسِ ۲۱۲۰:۶	با تو دیوارست ۱۶۶:۲	با چنین برهان که باشد
با امیرت ۴۰۱۳:۵	با تو، روحُ الْقُدُس ۱۲۹۸:۳	۲۵۸۲:۳
با اِنابت چیز ۴۷۹۲:۶	با تو سنگ ۱۶۶:۲	با چنین برهان و این ۲۰۳۷:۳
با انیس ۱۳۷۳:۶	با تو قُلَمَاشیت ۱۶۳۷:۶	با چنین پنهانی بی ۶۸۹:۶
با آياز ۲۰۷۷:۵	با تو کَل زانوی ۹۱۳:۱	با چنین تقوی ۱۹۴۵:۳
باب اَطْطاکیه ۷۷۷:۶	با تو گویم ۱۷۳۱:۱	با چنین جاه ۱۹۶۳:۳
بَابُ زنده ۳۵۹۰:۵	با تو گویند ۲۷۴۴:۵	با چنین حالت ۸۱۷:۵

باد، پَر را ۱۶۴۲:۳	با خلیش چون ۲۴۱۴:۴	با چنین خرسی ۲۰۲۱:۲
باد، پنهان است ۱۲۹۶:۶	با خُمارِ ماهیان ۲۶۷۳:۶	با چنین دانش ۳۸۶:۳
باد، تَندست ۳۱۰۸:۴	با خواصِ خویش ۳۷:۱	با چنین دُرّ یتیم ۲۹۴۱:۱
باد جان‌افزا ۳۶۹۱:۳	با خواصِ مُلکِ ۳۳۶۲:۶	با چنین دلدار ۲۹۵۵:۴
باد جُنبانی‌ست ۱۲۵:۴	با خود آ از بسی خودی	با چنین زهره ۳۷۶۸:۵
باد جنس آتش آمد ۱۱۷۲:۲	۴۶۶۷:۳	با چنین صد ۳۶۹۲:۱
باد، جنس آتش‌ست ۲۶۹۸:۴	با خود آ، ای شهبوار	با چنین غالب ۵۳۰:۱
باد جویی ۳۳۱۹:۶	۱۱۱۹:۱	با چنین قهری ۳۷۴۳:۴
باد چون بشنید ۴۶۵۴:۳	با خود آ، زین ۲۵۵۵:۴	با چنین گیزی ۲۶۲۴:۳
باد حرصِ ۸۵۹:۱	با خود آمد او ۴۷۸۲:۶	با چنین ناقابلی ۴۷۴۰:۶
باد، حَمال ۱۰۱۵:۳	با خود آمد گفت ای ۳۵۶۷:۶	با چنین نوری ۱۴۱۷:۴
بادِ خرکُزه ۶۸۰:۳	با خود آمد گفت را ۲۴۱۴:۳	با چنین‌ها ۴۰۲۰:۳
بادِ خشم ۳۷۹۶:۱	با خود اندر دیده ۲۱۳۷:۴	با چو تو ناخوش ۳۱۴:۶
باد داده کآن بُود ۳۲۰۶:۲	با خودی با ۲۱۳۷:۴	باحثی مرگفت ۲۹۲۴:۲
باد دادی رخت ۴۵۷:۶	با خور و با خواب ۴۲۸:۴	با حدث که ۲۶۹۹:۶
باد در مَرْدُم ۱۱۰۱:۱	با خیالاتِ خوشان ۵۹۶:۲	با حضور آفتابِ با کمال
باد درویشی ۹۸۸:۱	با خیالاتی ۲۲۶۸:۳	۳۳۸۹:۶
بادِ دَم را ۱۳۵:۴	با خیالِ دزد ۱۶۸۱:۶	با حضور آفتاب خوش
بادِ دَم که ۲۶۶۳:۶	با خیال و وهم ۱۸۰۳:۱	۳۳۹۰:۶
باد را اندر ۴۶۸۳:۶	با خیالی ۲۱۳۵:۳	با حضور آبی ۳۲۲۱:۲
باد را بشکن ۴۶۷۹:۶	باد آتش را ۲۵۱۱:۲	با حقارت ننگرید ۱۶۰۳:۲
باد را بی چشم ۲۴۱۲:۴	باد، آتش می‌شود ۸۵۱:۱	با حکیم او ۵۹:۱
باد را، پس کردنِ ۱۴۷:۴	باد آمد ۱۶۷۴:۳	با حماقت عهد ۲۲۸۷:۴
باد را پوشید ۱۰۲۷:۵	باد، آن را ۳۱۰۳:۳	با حماقت گشت ۲۲۸۱:۴
باد را حق ۱۳۲:۴	باد آن میوه ۲۶۶۲:۳	با خبر گشتند ۴۴۶۶:۳
باد را دان عالی ۱۲۸۳:۲	بادِ آهی ۸۸۴:۶	باخت دست ۳۵۱۱:۵
باد را دیدی که با ۷۸۴:۴	باد از جا ۳۷۹۳:۱	با خدا با ۲۱۸۴:۳
باد را دیدی که می‌جُنبد ۱۲۵:۴	بادِ اِصرار ۳۵۷:۳	با خدا در جنگ ۱۳۹۵:۴
باد را فرموده ۹۶۳:۱	باد ای والی! ۱۶۹۰:۳	با خدا سامانِ ۱۶۹۲:۳
باد را گفته ۴۸۱۲:۶	باد با حرفم ۹۷۰:۴	با خدا گرد ۳۸۵:۴
باد را نی، جز ۱۰۲۹:۵	باد بخت ۱۵۳۳:۳	با خدا گفתי ۲۶۵۷:۲
باد درختِ خوش ۲۶۹۸:۲	باد بر تخت ۱۸۹۷:۴	با خدا نردِ ۲۸۶۰:۲
باد درش بود ۳۰۲۱:۶	بادِ بویِ آور ۱۸۰۹:۴	با خِصالِ بد ۱۰۱۸:۲
باد درشتی ساز ۳۰۱۱:۲	بادبیزن تا ۱۲۷:۴	با خلیفه ۳۹۰۳:۵
بادِ رُوا التَّعْلیمِ ۱۰۵۸:۵	بادبین چُشمی ۱۲۸۴:۲	با خلیل، آتش ۴۲۹۱:۶

بادِ سبلیت ۲۰۲۱:۶	با دو صد دلداری ۳۹۹:۵	بادِ خاصی ۱۷۶۹:۵
بادِ سزگردان ۹۱۸:۶	با دو صد طُلُب ۹۹۷:۴	بادِ شیطان ۳۴۶۹:۵
بادِ سوزانست ۴۲۲۱:۳	با دو صد فرهنگ ۲۰۵۱:۵	بادیه نارفته ۷۷۵:۳
بادش اندر ۱۳۴۹:۶	با دو صد مهر ۲۷۶:۶	بارِ آخر ۴۳۰۱:۶
بادِ طوفان ۲۱۹۲:۶	با دو عالم ۴۷۱۹:۳	بارِ آنها جمله ۵۶۳:۴
بادِ عُمرت ۱۸۷:۶	با دو عقل، از ۱۲۶۴:۴	بارِ اسبان ۱۴۵۳:۳
با دغایان ۲۸۶۵:۲	با دو کهنه ۳۲۵۳:۵	بارِ اوّل از ره ۱۲۷۴:۵
بادِ قهرست ۱۳۱۲:۳	با دو گُمره ۲۳۷۸:۶	بارِ اوّل قهر ۱۶۹:۴
باد، کار ۲۰۴۵:۱	بادِ آبِ جان ۴۷۴۳:۳	بارِ بازرگان ۱۵۰۸:۲
بادِ کُزّه خود ۶۹۳:۳	بادِ از تصویر ۱۰۶:۲	بارِ باشد علم ۳۴۴۸:۱
باد، کشتی ۲۸۳۸:۱	بادِ از غیبست ۳۳۰۵:۵	بارِ بر خلقان ۳۲۷:۶
باد، کُزّه را ۶۹:۶	بادِ از ما ۱۸۱۲:۱	بارِ بردارد ۹۳۵:۱
بادِ کی حمله ۱۸۷۴:۲	با دهان خویشتن ۱۸۵:۳	بارِ برگاوست ۴۹۵:۲
با دگر کس باز ۴۵۶۶:۶	با دهانی ۱۸۰:۳	بارِ برگیرند چون ۶۷۶:۳
با دگر کس سازگاری ۵۲:۶	بادها و ابرها ۲۹۵۲:۲	بارِ برگیرند و ۳۴۵۰:۱
بادِ گوید ۴۶۹۲:۶	بادِ او در ۱۹۱۵:۵	بارِ بعضی را ۶۹۸:۲
با دلِ خودشه ۳۵۰۵:۶	بادِ بود آن وقت ۳۴۴۴:۵	بارِ جا، و خوف ۳۶۱۵:۱
با دلِ خود گفت ۲۳۲۲:۵	بادِ جان ۱۵۰۲:۱	با رَحِیق ۱۰۱۰:۵
با دلِ خوش ۹۱۳:۳	بادِ حق ۶۸۹:۳	بارِ خود بر ۳۲۸:۶
با دلِ صاحبِ دلی ۸۳۹:۲	بادِ خاصی ۱۷۶۹:۵	بارِ دیگر آمدَم ۱۹۱۶:۵
با دلِ من گفت ۴۱۲۹:۳	بادِ در جام ۳۷۰۸:۶	بارِ دیگر از ۳۹۰۵:۳
با دل و با اهل ۳۰۶۳:۲	بادِ در جوشش ۱۸۱۱:۱	بارِ دیگر برگمان ۳۴۸:۶
با دلِ یوحنا ۳۷۷۷:۲	بادِ را ختمش ۳۲۳:۱	بارِ دیگر حمله ۳۸۱۲:۵
با دِما و بودِ ما ۶۰۵:۱	با دهر خُراطوم ۱۲۶۲:۴	بارِ دیگر، خوب ۳۹۱۵:۱
با دُمِ شیر ۳۳۴۱:۲	بادِ سرمایه ۳۵۶۵:۵	بارِ دیگر سوخت ۳۴۹:۶
با دمی نربایدم ۴۳۰۹:۳	بادِ شان کم ۳۴۴۵:۵	بارِ دیگر سوی ۲۸۷۶:۳
با دِ نَشَفش می کند ۸۷۹:۱	بادِ شیطان ۳۴۶۹:۵	بارِ دیگر شاعر ۱۱۸۵:۴
با دو پا در ۴۶۰۴:۶	بادِ کاندر ۳۵۷۰:۵	بارِ دیگر کوفتندش ۳۱۶۶:۱
با دو پَر بر ۱۵۱۵:۳	بادِ که بُود ۱۸۱۰:۱	بارِ دیگر کُی ۲۸۷۷:۵
با دو چشم و گوش ۶۹۴:۶	با دهم گفت ۱۸۹۸:۴	بارِ دیگر گِرِد ۲۱۷۳:۱
با دو خاک ۸۳۸:۱	با دمی بایستشان ۳۴۴۴:۵	بارِ دیگر ما به ۱۵۰۹:۱
با دو دیده ۱۷۰۹:۴	با دمی را می بود ۲۱۲۰:۴	بارِ دیگر ما غلط ۵۹:۱
با دو سه درویش ۴۲۴:۳	با دمی کآن ۳۴۵۶:۵	بارِ دیگر نیتت ۴۴۶۳:۳
با دو سه عریان ۴۴۸۲:۳	بادِ جان را ۱۵۰۲:۱	بارِ سنگی ۱۳۷۷:۵
با دو صد اقبال ۹۹۷:۴	بادِ حق ۶۸۹:۳	با رسولِ اهل ۲۱۵:۲

باز از آن صقّه ۶:۲۴۳۹	باری، این امید ۶:۲۵۴۴	بار صبر و شکر ۲:۷۳۰
باز از بعد ۵:۲۹۸۸	باری این مُقبل ۵:۳۵۴۶	بار رفیقان بی‌گمان ۶:۵۱۷
باز از پستی ۳:۴۶۳	باز آتش ۴:۳۷۶۲	بار رفیقان سیر ۶:۵۱۲
باز از حیوان ۴:۳۶۴۶	باز آرد ۵:۲۲۳	بار رفیق خود ۱:۱۱۶۸
باز از فرعون ۴:۳۵۲۶	باز آغازید ۵:۱۶۲۱	بارکن بیگار ۵:۱۰۹۳
باز از نوع ۵:۱۶۷۳	باز آمد آب ۶:۹۴۰	بار که نهد ۳:۶۷۵
باز از و همش ۵:۱۸۷۴	باز آمد او ۴:۳۵۰۳	بارگاه ماله ۱:۳۷۶۵
باز از وی ۵:۳۳۰۲	باز آمد تا بگیرد ۲:۱۱۳۶	بار گوناگونست ۶:۳۲۴۰
باز از هندوی ۴:۴۵۷	باز آمد سوی آن ۴:۹۳۰	بار که پُر ۵:۳۴۷۷
باز از یادش ۶:۳۵۲	باز آمد سوی منزل ۱:۱۶۴۹	بارگیر صبر ۵:۶۰
باز ازین سو ۳:۳۴۴۳	باز آمد شاه ما ۶:۹۴۰	بارنامه انبیا ۱:۱۱۰۴
باز اسپیدم ۲:۲۷۸۸	باز آمد کای علی ۱:۳۹۳۸	بارنامه روح ۴:۱۸۸۷
باز اسپیدی ۴:۲۶۲۸	باز آمد کای محمد ۱:۸۱۳	باروان ۱:۱۵۳۷
باز استادی که او محو ۱:۲۸۳۳	باز آمد، گفت ۶:۳۹۴	بارها از ۲:۱۲۴۱
باز استادی که او نحوی	باز آن ابلیس ۴:۱۳۹۱	بارها بروی ۳:۴۴۹۵
۱:۲۸۳۲	باز آن افیون ۵:۲۱۰۷	بارها بنگر، بین ۲:۲۹۴۷
باز استسقات ۶:۴۶۵۵	باز، آن باشد ۲:۱۱۳۱	بارها بنگر چو ۲:۲۹۴۸
باز اشتهب را ۶:۳۰۰۲	باز، آن جان چون که ۱:۳۱۶۸	بارها پوشد ۴:۱۷۰
باز اگر باشد ۶:۱۳۶	باز آن جان‌ها ۴:۲۷۰۲	بارها خوردی ۶:۴۲۹۳
باز اگر بیگانه‌یی ۵:۲۹۴۲	باز آن عین ۶:۴۳۴۱	بارها در پای ۲:۱۲۴۰
باز امروز ۶:۲۵۳۵	باز آن غشیان ۶:۲۴۴۶	بارها در دام ۳:۲۸۷۰
باز املاک ۶:۲۴۴۸	باز آن نقش ۲:۱۳۲۵	بارها زن ۴:۱۷۲۰
باز اندر چشم ۱:۲۵۵۹	باز آن هاروت ۴:۲۶۷۳	بارها گفتند ۴:۵۶۶
باز اندر خاطرش ۶:۱۹۲۸	باز، آن یک ۳:۱۹۹۲	بارها گفتیم ۶:۴۲۹۲
باز اندر رُو فتد ۳:۲۱۵۸	باز آوردند می ۴:۸۹۰	بارها من امتحانش ۵:۴۰۱۵
باز او آن خشک ۱:۳۰۸۴	باز آوردن مر ۵:۲۵۷۴	بارها من خواب ۶:۴۳۱۴
باز او آن عَشْرها ۶:۱۲۷۴	باز آوردی فن ۵:۲۶۲۴	بارها می‌شد ۶:۳۳۷۴
باز او لا حَوْل ۶:۲۱۲۱	باز آید جان ۵:۱۷۷۴	بار هش آرَد ۵:۱۳۶۷
باز ایمان، خود ۵:۳۳۶۳	باز آید چون ۳:۱۷۶۲	باری، آن امر ۵:۱۶۷۱
باز ایمان قشر ۴:۳۲۸۲	باز آید سوی او ۵:۱۷۸۳	باری، آن حلوا ۶:۲۴۸۹
باز این اندیشه ۳:۴۴۹۲	باز آید سوی دام ۱:۲۷۹۱	باری از دُوری ۲:۳۳۵۲
باز اینجا نزد ۶:۱۶۳۱	باز آحد ۶:۸۹۶	باری از من گوش‌دار ۱:۱۲۴۳
باز این در ۳:۲۹۵	باز اِخوان ۵:۳۳۰۱	باری اعرابی ۱:۲۸۵۰
باز این دل‌های ۲:۸۳۹	باز ارجاء ۶:۱۸۴۵	باری افزون ۶:۸۶
باز این را بند ۴:۷۰۷	باز از آن خوابش ۴:۳۶۵۱	باری اکنون ۶:۱۷۹۴

باز حس ۴:۲۳۹۴	باز بگریزی ۳:۴۳۳۵	باز این را می‌هل ۵:۴۰۴
باز حیوان ۴:۱۵۲۸	باز بودم ۶:۷۶۹*	باز این سستی ۵:۳۹۶۸
باز خاک آمد ۳:۲۵	باز بهر ۳:۳۱۶۹	باز این مستی ۳:۸۳۰
باز خاکی ۳:۲۳	بازی الهام ۲:۳۵۷۹	باز با خود آمدم ۶:۲۴۴۲
باز خر خود ۴:۱۵۷۶*	بازی شرمی ۳:۷۳۰*	باز با خود گفت: صبر ۳:۱۸۴۶
باز خر ما را ۲:۲۴۴۵	بازی صورت ۶:۳۷۴۵	باز با خود گفته ۱:۲۴۶۰
باز خرّم گشت ۶:۹۴۵	باز پَر از ۳:۶۹۶	باز باش ای باب، بر ۱:۳۷۶۴
باز خوان: فَأَيِّنَ ۱:۱۹۵۸*	باز پَران ۶:۸۴۴	باز باش ای باب رحمت
باز خوان مِن ۱:۱۶۷۳*	باز پرس از ۶:۳۹۱*	۳۷۶۵:۱
باز خواهد از تو ۵:۱۴۲۶*	باز پُرسش ۶:۲۷۳*	باز باشد آن در ۴:۲۵۰۵*
باز خود پیدا ۵:۳۵۳۹	باز پرسیدند ۴:۱۷۳۹*	باز باشد تا قیامت ۴:۲۵۰۴*
باز خود را ۵:۳۵۳۸	باز پندش ۶:۸۹۷	بازبان حال زر ۱:۳۲۹۵
باز داند جمله ۲:۱۴۴۳*	باز پنهان ۲:۱۲۶۱	بازبان حال گفتی ۲:۲۳۸*
باز داند حیرَکان ۲:۲۹۳۸*	باز پیغمبر ۲:۲۸۸۷	بازبان حال می‌گفت ۲:۲۳۸*
باز دانی از ۶:۱۲۹۹*	بازت آن تَوَاب بگشاد ۳:۲۸۷۷	بازبان حال می‌گفتی ۶:۷۵۳
باز داودش به پیشی ۳:۲۴۲۸*	بازت آن تَوَاب لطف ۳:۲۸۷۱	بازبان سبز ۱:۲۰۱۶
باز در بستندش ۴:۵۱	باز، تا سالی ۱:۲۵۹۳*	بازبان شَطَّاهُ ۱:۱۳۴۴
باز در تن ۴:۳۷۶۳	باز تَرّه ۱:۲۵۹۳	بازبان گرچه ۱:۲۱۵۳
باز در خُم ۱:۲۶۰۲	باز توبه ۴:۳۳۸۷	باز بانگش ۲:۲۴۱۶
باز در دل ۲:۲۸۹۱	باز جان چون ۶:۱۲۸	باز بانگی ۳:۴۳۳۴
باز در دوزخ ۳:۲۹۸۲*	باز جانش از عجز ۱:۲۰۷۴*	بازبان معنوی ۲:۲۱۱۲
باز در گوشش ۱:۱۴۵۳	باز جانش را خدا ۵:۲۲۷۶*	باز با هوش ۳:۲۰۰۰
باز، در ویران ۲:۱۱۳۲*	بازِ جانم ۴:۲۶۴۸	باز باید کرد ۶:۴۷۶۸*
باز دریا ۳:۲۱۰۸	باز، جانها ۶:۸۱	باز باید گشت ۲:۱۵۶۲*
باز، دست ۱:۲۲۹۴	باز جوید روزگارِ ۱:۴۰*	باز بخشد ۳:۱۸۷۱
بازِ دل را ۶:۲۸۱۲	باز جویی ۴:۳۰۰۵*	باز بر پَرَد ۳:۱۵۱۱*
باز دِه آنچه ۲:۵۴۷*	باز چادر ۶:۱۲۷۵	باز برزن ۱:۲۴۳۴
باز ده آن خرّقه ۶:۴۴۱۷	باز چون آید ۴:۳۷۸۰	باز بر فرعون ۴:۱۰۷۰*
باز ده دو ۳:۱۸۶۴	باز چون ابری ۵:۶۸۵	باز بر موجود ۱:۱۴۵۰
باز دیدم طور ۶:۲۴۴۲*	باز چون پروانه ۳:۲۸۷۸	باز بر نمرودیان ۶:۴۲۹۱*
باز دیوانه ۲:۱۳۸۱	باز چون تجدید ۴:۳۵۲۶	باز بر هُودش ۴:۱۳۳*
باز را از جِلْم ۴:۸۵۵*	باز چون خورشید ۴:۴۶۰	باز بستانند ۴:۲۷۷۷*
باز را گوید ۳:۴۳۵	باز چون شب ۵:۲۸۶۵	باز بعضی را ۲:۶۹۸
باز راند این ۲:۲۴۱۷	باز چون طفلان ۶:۳۴۷*	باز بعضی صافی ۴:۲۹۸۶*
باز، رحمت ۵:۲۳۰۷	باز چون من ۳:۲۰۲۸	باز بفرستادت ۵:۲۶۳۳

باز رستم ۳۳۸۴:۵	باز شد قفل ۱۱۰۶:۵	باز کن آن را ۱۵۸۸:۴
باز رست و شد ۲۱۸۸:۶*	باز شد که آنا ۹۱۴۱:۱*	باز کن آن هدیه ۱۵۸۷:۴*
باز روتا ۲۵۵۸:۶	باز شکل ۱۰۳۱:۲	باز کن درهای نو ۴۶۵۸:۶*
باز رو تختش ۸۶۴:۱*	باز شه از ۱۱۳۷:۵	باز کن دستار ۱۵۸۶:۴*
باز رو خلعت ۱۸۴:۱*	باز صبری ۱۶۷۳:۳*	باز کن سر نامه ۱۵۷۱:۴
باز رو در قصه ۲۷۳۳:۵*	باز صف ۲۰۲۰:۴	باز کن طب ۷۹۶:۴
باز رو در کان ۳۴۳:۶	باز صندوقی پُر ۱۳۹۸:۳	باز کوراست ۱۱۳۱:۲*
باز رو سوی ۳۹۲۴:۱	باز صندوقی که ۱۳۹۹:۳	باز، کوهی ۴۰۷۰:۳*
باز رویاند ۳۹۱۴:۱*	باز صوفی ۲۰۱:۴	بازگاهی ۸۴۵:۱*
باز ره دایم ۳۷۰۷:۵*	باز، صید آرد ۴۶۶۷:۶	باز گرد از بحر ۲۲۵۳:۶
باز زاری ۳۳۷۳:۳	باز عزم ۴۳۳۲:۳	باز گرد از هست ۶۸۸:۲
باز زفت ۲۸۶۰:۵	باز عقل از ۳۲۵۴:۲	باز گرد اکنون ۱۴۴۵:۶
باز زنبیل ۲۳۲۸:۶*	باز عقلش ۳۱۸۴:۶	باز گرد، امروز ۲۳۸۵:۲*
باز ستر ۲۰۷:۴	باز عقلی ۳۳۲۰:۱	باز گردان قصه ۱۹۱۸:۵
باز، سرپیش ۳۷۵۴:۲*	باز عیسی ۸۳:۱	باز گردانید ۳:۲*
باز سلطان است ۹۵۵:۶	باز غمّازان ۹۵۶:۳*	باز گرد ای خواجه ۱۲۶۱:۲*
باز سلطان دیده ۳۴۱۲:۶*	باز غیر ۴۱۰:۴	باز گرد خانه ۳۰۶۰:۱*
باز سلطان عزیز ۱۵۲۹:۵	باز فردا ۲۶۹۷:۳*	باز گردد ز آن صفت ۱۱۷:۴*
باز سلطانم ۴۱۴۰:۶	باز فرمان آید از ۱۸۹۴:۱	باز گردد سویی او ۲۱۴:۱*
باز سودایی شدم ۱۳۸۱:۲*	باز فرمان آیدش ۲۱۵۹:۳	باز گردد سویی باکی ۲۲۲:۵*
باز سوگندان ۲۵۶:۳	باز فرمان می‌رسد ۲۱۵۷:۳	باز گرد شمس ۱۱۱۰:۲
باز سوگند دگر ۲۸۷۷:۲	باز فرمود او ۱۳۶۴:۳	باز گرد و حال ۲۱۶۱:۱
باز سویی آستانه ۲۸۲۱:۲*	باز فرمودش ۲۱۵۹:۲	باز گرد و قصه ۱۳۲۱:۶
باز سویی خارج ۸۰۱:۵*	باز قزوینی ۲۹۹۶:۱*	باز گردید از عدم ۱۹۳۵:۱*
باز سوی عقل ۸۰۱:۵	باز کارد ۱۴۸۴:۵*	باز گردید ای ۶۱۴:۴
باز سویی غیب ۳۶۴۱:۵*	باز کافر ۳۲۹۴:۳	باز گردی، دست‌های
باز سوی قصه ۱۹۳۸:۶	باز کاوید ۲۴۸۱:۳*	۱۱۰۰:۱*
باز شاخی ۲۴۵۷:۱	باز کرد از ۲۸۷۸:۶	باز گردی، کیسه ۲۶۰۰:۲*
باز شان حکم تو ۱۸۸۸:۱*	باز کرد استیزه ۱۰۳۲:۶	باز گستاخان ۸۴:۱
باز شان زنده ۳۹:۵	باز کردش حرص ۳۴۹:۶*	باز گشت آن زر ۹۷۷:۶*
باز شان وقت ۴۱۷۸:۵	باز کردند آن ۲۰۶۶:۵*	باز گشت از مصر ۴۳۳۶:۶
باز شب اندر ۲۸۶۱:۵	باز کرده بیهوده ۸۰۲:۴*	باز گشت از موصل ۳۸۷۵:۵
باز شب منسوخ ۳۸۶۲:۱	باز، کرده خرق ۱۵۴۵:۵*	باز گشتش روز ۶:۲*
باز شد آن در ۹۶:۵*	باز کرده هر زبانه ۲۴۹:۴*	باز گشت عاریت ۳۳۹۳:۳*
باز شد آن هفت ۲۰۴۶:۳*	باز کز ۱۹۰۳:۴*	باز گشت و گفت ۱۵۷۶:۵*

بازگشته از ۱۷۰:۶	بازگونه، ای ۶۵۱:۴	باز می‌جویی ۲۹۱۸:۲
بازگشته با ۳۷۴۰:۵	بازگونه رفت خواهی ۱۲۷۶:۴	باز می‌دید آن ۲۲۳:۲
بازگفت ار آرد ۱۹۳:۴	بازگونه زین ۳۱۲۰:۵	باز می‌دیدم ۱۹۹۱:۳
بازگفت از جای ۱۶۵:۱	بازگونه کرده‌یی ۲۸۰۸:۳	باز می‌رو ۱۱۱۷:۶
بازگفت او این ۲۵۹۷:۴	بازگونه می‌روی ۱۲۷۵:۴	باز می‌زارید ۲۸۹۳:۲
بازگفت او را ۳۸۰۳:۴	بازگونه نعل ۱۵۸۸:۶	باز میکایل ۱۵۶۹:۵
باز، گفت ای ۳۴۲:۲	بازگو و درمزد ۱۱۱۵:۶	باز می‌گردم ۲۶۱۵:۱
بازگفتش: ای ۳۱۸۶:۲	بازگوید اختلاط ۸۹۹:۳	باز می‌گردند ۹۸۶:۵
بازگفتش من ۲۰۲۷:۲	بازگوید با تو ۱۳۱۶:۴	باز می‌گردیم ۱۵۸۵:۱
بازگفتند: ار ۵۷۰:۴	باز، گوید بطّ را ۴۳۲:۳	باز می‌گشتم ۵۶۱:۲
بازگفتند: این ۲۰۷۰:۵	بازگوید: خشم ۲۶۴۷:۴	باز می‌گشتند ۲۰۷۹:۵
بازگفتندی ۴۴۹۶:۳	بازگوید: سر ۲۱۶۱:۳	باز می‌گفت: آدم ۲۲۹:۲
بازگفته پیش ۲۹۹۱:۶	بازگوید کور ۲۲۱۵:۶	باز می‌گفت او ۲۲۸۴:۴
بازگفتی بعد ۶۰۳:۴	باز، گوید: من ۱۱۳۸:۲	باز می‌گفت: ای عجب ۲۲۶:۲
بازگفتی: جان ۴۸۰۴:۶	بازگویم، دفتری ۵۲۳:۵	باز می‌گفت این ۲۳۲:۲
بازگفتی حرم ۲۳۳:۲	بازگویم، گفت ۱۲۱۵:۱	باز می‌گفتند ۲۴۸:۲
بازگفتی: دُور ۱۸۷۸:۵	بازگویم مختصر ۴۲۱:۵	باز می‌گوید ۱۹۹۱:۵
بازگو آزار ۶۱۵:۲	بازگوید ۶۵۴:۴	باز می‌گویم ۲۰۳۲:۳
بازگو آن پند ۲۲۶۲:۴	بازگویم ۶۴۲:۱	باز می‌گویی ۱۳۲۴:۳
بازگو ای باز پَر ۳۷۸۳:۱	بازگیرد ۱۷۰:۴	باز می‌مالید ۳۳۴:۲
بازگو، ای باز عرش ۳۷۵۰:۱	باز لطف آید ۴۱۷۰:۳	بازمین، آن ۱۳۵۴:۳
بازگو ای باز عتقاگیر ۳۷۸۴:۱	بازمانده ۱۸۰۴:۵	بازمین هموار ۲۴۴۱:۶
بازگو، ای بنده ۳۷۸۵:۱	باز مرغان ۱۴۱۳:۵	باز ناید رفته ۲۲۴۴:۴
بازگو تا چون ۱۳۶۲:۱	باز مرغی فوق ۲۸۶۲:۳	باز، نان را ۳۱۶۷:۱
بازگو، تا قصّه ۱۳۶۳:۱	باز، مرغی کآن ۲۸۶۵:۳	باز نستانیم ۱۰۰۸:۵
بازگو، تا مَرَهَم ۱۳۶۳:۱	باز مست و سرکش ۶۸۲:۶	باز، نسیان ۳۴۵:۶
بازگو حالی ۱۲۶:۱	باز مستی ۶۴۵:۶	باز نفسش از ۴۲۴۹:۶
بازگو دانم ۳۷۴۷:۱	باز منزل‌های ۸۰۴:۵	باز نفسش حمله ۲۱۲۳:۶
بازگو، دفعم ۱۳۷:۱	باز منشوری ۱۵۹۹:۲	باز نگرفتی ۲۰۸۴:۱
بازگو رأیی ۱۰۴۲:۱	باز منکم ۶۰۶:۲	باز نور ۱۱۲۷:۱
بازگو، صبرم ۲۵۷۳:۴	بازم و حیران ۱۱۶۱:۲	باز نوسوگندها ۲۸۸۵:۲
بازگو کآن ۴۳۲۱:۳	باز موسی ۳۳۰۱:۳	باز واپرسد ۱۲۷۶:۵
بازگو، کز ۱۳۶۴:۱	باز می‌پُرسید از جوَر ۱۴۹:۱	باز وَاللَّیْل ۲۹۹:۲
بازگون بر ۲۷۰:۱۵	باز می‌پُرسید حال ۱۵۸:۱	باز وحی ۹۵۹:۳
بازگونه از تن ۲۱۲۸:۴	باز می‌جوید ۲۶۱۶:۱	بازوَش بست ۲۰۰۳:۵

باشد افزون ۳۳۲۹:۲	با سلیمان یک ۱۲۱۰:۱	باز وقت صبح ۱۸۹۱:۱
باشد اندر دستِ صُنْع	با سنان ۱۶۸۴:۵	بازوی شیر ۲۵۰:۲
۳۸۲۹:۵	با سوادِ ۴۵۳۴:۶	باز هجران آوردی ۳۵۳۷:۵
باشد اندر دستِ طفلان	با سه کرکس ۴۸۴۹:۶	باز هر سالی ۲۵۰:۳
۲۹۴۱:۵	با سیاست‌های ۲۰۴۰:۶	باز هر شب ۳۴۲۳:۱
باشد اندر غایتِ ۲۰۸۱:۶	باش اندر امتحانِ ۳۲۹۳:۱	باز هر یک ۲۰۰۳:۳
باشد اندر غصه ۸۲۰:۵	با شبِ تن گفت ۳۰۰:۲	باز هستی، تنگتر ۳۰۹۶:۱
باشد اندر کار ۱۲۵۰:۴	باش تا اجزای ۳۵۱۰:۳	باز هستی جهان ۳۰۹۷:۱
باشد اندر گور ۱۰۹:۳	با شتاب او ۲۵۷۲:۳	باز هم آن باد ۳۳۳۷:۱
باشد او در ۸۸۰:۲	باش تا بر هر ۴۶۵۵:۳	باز هم آن سوي ۳۰۹۶:۴
باشد اولی ۳۷۱:۶	باش تا جس‌های ۱۰۳۹:۱	باز هم از حق ۱۳۶۷:۱
باشد این جانها ۱۵۱:۶	باش تا خورشید ۱۰۰۹:۳	باز همت ۳۷۵۲:۲
باش در آسحار ۱۱۷۹:۱	باش تا روزی که آن ۱۰۴۳:۲	باز هم ز امرش ۷۷:۶
باش در روزه ۱۷۴۹:۵	باش تا روزی که محمولان	بازی آن ۳۹۱۳:۶
باشدش ز اخبار ۳۸۵۷:۳	۳۴۳۹:۱	بازیابی ۳۶۸۰:۶
باشدش قصد ۳۴۶۶:۴	باش تا شیران ۲۵۵۹:۳	بازی خصمت ۲۹۶۴:۵
باشد و هم صورتش ۳۲۹۲:۴	باش تا که من ۳۲۶۹:۱	بازی خود ۲۹۶۴:۵
باش ذَلَّتْ نَفْسُهُ ۴۸۵۹:۶	با شتر مر موش ۳۴۴۹:۲	بازی دید ۲۵۱۰:۲
با شریف آن ۲۲۰:۳	باش چون دولاب ۸۲۱:۱	بازی دیگر ۸۰۹:۳
با شیعار نو ۶۶۸:۲	باشد آن فهرست ۱۵۷۰:۴	باز گونه رفت ۲۹۵۵:۴
باش فارغ ۲۸۴۷:۵	باشد آن کفران ۳۶۵:۳	بأشهُم ۴۰۰:۲
با شیکر ۳۸۷۰:۳	باشد آنگه ۳۴۲۹:۵	با سبب‌ها ۳۱۵۴:۳
باش کشتیان ۱۴۵۸:۴	باشد از بد خو ۷۷۴:۴	با سپاهی ۴۰۹۲:۳
با شما از حفظ ۳۳۳:۳	باشد از بهر ۴۴۵۸:۶	با سخن ۲۴۸۴:۵
با شما نامحرمان ۱۰۱۹:۳	باشد، از تدبیر ۳۲۶۹:۳	با سربِ بی مو ۲۵۹:۱
باش و، آمیزش ۱۰۸۵:۴	باشد از تصویر ۱۰۲۸:۳	با سیرشکِ ۱۵۸۴:۵
با شهان ۳۰۶۳:۲	باشد از حیوانِ ۳۳۱۱:۱	با سعادت ۴۳۰:۱
باش همچون ۳۶۸۷:۵	باشد از سالِ ۲۱۸۲:۵	با سگان از ۲۳۲۵:۱
با شهنشاهان ۳۴۵۷:۲	باشد از سودا ۳۵۷۳:۳	با سگِ کُهِف ۳۱۴:۳
باش و با ساعدش ۳۷۸۳:۱	باشد از غلیانِ ۹۱۷:۶	با سلاح ۵۴۷:۶
باشی اندر بی خودی ۶۸۴:۵	باشد از قَلاب ۱۴۰۴:۲	با سلیمان باش ۱۵۳۲:۶
با ضعیفان ۱۹۲۱:۲	باشد از یارت ۳۱۴۰:۵	با سلیمان، پای ۳۷۸۱:۲
با ضیاء الحق ۲۰۷۵:۴	باشد آشهَد ۲۲۱۸:۵	با سلیمان خو کن ۳۷۶۳:۲
با طیبِ ۱۳۲۱:۶	باشد اصل ۳۰۶۷:۴	با سلیمان گشته ۱۲۰۴:۱
با طَرَب تر ۱۵۶۵:۱	باشد اغلب ۸۱۷:۳	با سلیمان گفت ۱۲۲۱:۱

باطل آمد بی ز صورت ۶۸:۲*	باغبان مُلک ۱۵۶۳:۲	با قضا پنجه مزن ۹۱۰:۱
باطل آمد، در نتیجه ۵۶۷:۵*	باغبان هم ۲۹۲۵:۱	با قضا من چون ۳۸۴۸:۱*
باطلان بر بوی ۲۹۳۳:۲*	باغبانی ۲۱۶۷:۲	با قضا هر ۹۰۶:۶
باطلان را ۲۰۵۵:۲	باغ پنهان ۱۰۲۷:۴	با قضای آسمان ۴۴۷:۳*
باطلست این ۱۵۴۲:۳	باغ چون جنت ۳۶۹۲:۳	باقیات الصّالِحات ۳۴:۳
باطلند و می نمایند ۲۸۹۹:۶	باغ چه بود؟ ۲۱۷۹:۲	باقی اخترها ۵۹۴:۴
با طمع کی ۵۷۹:۲*	باغ دل را ۱۸۹۷:۱	باقی اش از دفتر ۲۱۷۸:۶*
باطنِ آن ۲۱۵۰:۱*	باغ را باران ۲۰۳۸:۱*	باقی اش چون ۲۷۳۹:۶
باطناً بهر ۵۲۲:۴*	با غریب ۳۵۲۱:۶*	باقی اعضا ۴۴۶۰:۶
باطناً مغلوب ۲۴۳۱:۱*	باغ سبز ۱۷۹۳:۱	باقیان از باقیان ۸۲:۲*
باطنِ تو ۱۰۲۴:۴*	باغ گفتم ۳۴۰۵:۳	باقیان این خلق ۲۳۳۹:۵*
باطنش باشد ۳۷۶۷:۴*	با غلیظی ۵۱۳:۶	باقیان در دولت ۵۳۴:۲*
باطنش چون گوهر ۱۰۰۸:۴*	با غم و شادیت ۲۲۱۰:۶*	باقیان را بُرده ۸۶۲:۱*
باطنش را از همه ۹۹۸:۴*	باغ می یابد ۱۲۰۱:۲*	باقیان را بس ۲۴۲۵:۶*
باطنش گوید که ۱۰۱۰:۴*	باغ و بُستان را کجا ۳۲۳۰:۲*	باقیان را مُقْبِل ۳۰:۳*
باطنش گوید: نکوبین	باغ و بُستان های ۲۴۵۴:۲*	باقیان زین ۱۵۰۹:۳
۱۰۰۹:۴*	باغ و بیشه ۳۵۴۵:۲	باقیانش ۱۶۶۶:۳
باطنِ ما گشته ۵۲۰:۴*	باغ ها از خنده ۲۰۱۲:۶*	باقیان فی بُس ۲۰۳۶:۱*
باطن و ظاهر ۳۰۸۵:۴*	باغ ها دارد ۵۷:۳*	باقیان هم ۱۶۳۱:۱
با عدو آفتاب ۳۶۲۸:۳	باغ ها در مرگ ۱۵۸۰:۶*	باقی ای خواجه ۲۱۱۵:۵*
با عدو از دوست ۲۳۵۹:۵*	باغ ها و سبزه ها ۱۳۶۳:۴	باقیت شَحْمَتِ ۱۴۶۱:۶*
با عدو خوش ۱۹۲۰:۴*	باغ ها و قصرها ۸۶۵:۴	باقی غم ها ۳۱۳۷:۴*
با عروسِ صدق ۳۵۷۸:۳*	باغ ها و میوه ها ۱۳۶۵:۴	باقی مردم ۸۶۹:۶*
با عزیزانم ۱۸۲۱:۳*	با فتنل و روغن ۴۲۹:۴*	باقی، سبزی ۳۴۰۴:۳*
با عصا، کوران ۲۱۳۲:۱	با فراقت ۴۰۸:۳	باکی آنگاه است ۳۶۲۵:۱
با عطا ۳۱۶۴:۶*	با فروغ ۲۸۵۵:۲*	با کیی خویان ۱۸۳۰:۶*
با علاماتی ۱۹۲۴:۶*	با فساد بیخ ۱۱۶۸:۵*	با کدام استاد ۱۵۷۹:۲
با عناصِر ۴۴۹:۶*	با فصاحت ۳۷۹۳:۵*	با کدامین رُوی، چون ۲۳۷۱:۳
با عنایات ۳۷۷۸:۶*	با فقیهان ۳۸۰۶:۶*	با کدامین روی می آیی
با عوام این ۳۵۳۵:۴	با فقیه او ۲۲۰۵:۲*	۲۶۲۲:۵
با عوانان ۹۵۷:۳	با قبول و ردِّ خلقات ۸۴۵:۶*	با کریمان کارها ۲۲۱:۱*
باغبان را ۱۲۵۲:۱	با قبول و ردِّ خلقتش ۲۹۳۰:۳*	با کریمی ۲۹۸۰:۳
باغبان ز آن ۳۸۶۸:۱	با قبول و نا قبول ۹:۶*	با کسی جُفت ۷۴۵:۵*
باغبان گوید: اگر ۲۶۹۶:۲	با قُبجِ قربان ۲۴۷۶:۶*	با کفش دریای ۸۷۹:۵
باغبان گوید: خُمش ۲۶۹۴:۲	با قضا پنجه زدن ۹۷۶:۱	با کفش نامستحقّ ۲۳۱۵:۶

با کفِ گل ۸۲۵:۴*	با مَحَکَ ۱۷۸۲:۴*	با نفاق ۱۸۶۶:۲*
با کلام ۲۸۸۴:۲*	با محمّد ۲۷۳۷:۵*	بانگِ آب آمد ۱۱۹۴:۲*
با کلوخ ۳۰۲۷:۵*	با مخالف او ۳۴۷۰:۲*	بانگِ آبِ جو ۳۲۱۵:۳*
با کلیم ۲۴۸۷:۶*	با مخالف این ۲۵۸۱:۲*	بانگِ آبش ۳۲۶۶:۴*
با کمال احتیاج ۲۰۲۹:۳*	با مدادان آمدند ۱۵۹۸:۳*	بانگِ آبم ۵۹۱:۶*
با کمال تیرگی ۲۴۸۶:۴*	با مدادان از ۳۳۰۵:۳*	بانگِ آب و تشنه ۵۹۲:۶*
با کمالی ده ۲۶۱۲:۱*	با مدادان اطلسی ۱۶۸۲:۶*	بانگِ آمد: از میان ۲۲۷۲:۵*
با کنایت ۴۰۰۷:۶*	با مدادان چون ۳۰۹۴:۳*	بانگِ آمد، رَو ۲۶۷۸:۵*
با کنیزک خلوتش ۲۱۶۴:۵*	با مدادان خویش ۲۴۱۶:۶*	بانگِ آمد سمع ۲۳۳۸:۳*
با کنیزک گفت ۲۱۶۹:۵*	با مِ را کوشنده ۷۲۵:۶*	بانگِ آمد، کار ۸۷۲:۱*
با که خفتی ۲۰۰۷:۶*	با مریدان آن ۲۱۰۲:۴*	بانگِ آمد که ۲۲۵۲:۵*
با که گویم در جهان ۵۱۴:۱*	با مریدان، جانبِ ۱۸۰۳:۴*	بانگِ آمد مرعُمر ۲۱۶۲:۱*
با که گویم؟ در همه ده ۱۱۶۲:۵*	با مُریدان داده ۱۳۲۲:۲*	بانگِ آمد ناگهان ۲۲۸۸:۵*
با که می‌گویی ۱۷۳۵:۲*	با م، زیرِ زید ۱۱۵۳:۳*	بانگِ آمد نه ۱۱۳۳:۶*
با گروهی طوطیان ۱۶۵۵:۱*	با مسلمانان به کافر ۳۸۱۱:۱*	بانگِ آید از ۸۱:۶*
با گروهی قوم ۲۸۱۶:۶*	با مسلمانان به کَر ۳۸۱۷:۵*	بانگِ اسبان ۴۷۷۱:۳*
با گره کم ۳۷۳۸:۲*	با معبرِ گفت ۸۴۳:۳*	بانگِ اشکسته ۷۹۴:۳*
با گِل انداینده ۴۷۸:۳*	با ملائک گفت ۳۲۸۷:۶*	بانگِ اشکوفش ۱۶۲۵:۴*
با گیاه و برگ‌ها ۱۳۹:۳*	با مَلاّیک از هنر ۲۴۹۱:۶*	بانگِ او آگه ۲۵۷۴:۶*
با گیاهی گشتم ۴۴۰:۶*	با ملاّیک، چونکه ۲۶۷۲:۴*	بانگِ او تو ۲۲۵۸:۶*
با لثیمان بسته ۶۱۰:۳*	با مَلیک گفتند: ۳۹۸۷:۶*	بانگِ او چون ۱۲۰۰:۲*
با لثیمان، تا نهد ۳۰۰۹:۳*	با مناجات ۳۸۹:۳*	بانگِ او زین کوهِ ۱۳۲۸:۲*
با لثیم نفس ۳۰۱۰:۳*	با من از بهر ۱۱۶۹:۱*	بانگِ بازانِ ۱۷۰۰:۴*
با لثیمی ۲۹۸۱:۳*	با منافق ۲۸۶:۱*	بانگِ بر درویش ۲۶۰:۱*
با ل، بازان ۱۴۴۴:۶*	با من اند ۱۸۲۰:۳*	بانگِ بر رُسته ۱۷۰۲:۴*
با لبِ بسته ۴۶۴۵:۳*	با من این را ۲۳۳۴:۲*	بانگِ بر زد بر عَوان ۱۶۸۲:۳*
با لب دمساز ۲۷:۱*	با منجم این همه ۱۱۲:۶*	بانگِ بر زد در زمان ۲۰۰۳:۵*
با لَبَن ۱۴۱۵:۶*	با مُنجم روز ۹۳:۶*	بانگِ بر زد شیر ۱۱۵۳:۱*
با ل، زاغان ۱۴۴۴:۶*	با من و تو ۸۳۸:۱*	بانگِ بر زد غیرتِ ۳۸۹۵:۱*
با لَعِطِیَۃ ۴۱۰۳:۳*	با مَهی ۲۸۱۱:۳*	بانگِ بر زد: هَی ۱۴۴۷:۲*
با لغان ۴۷۵۵:۶*	با نبی، اندر ۱۳۸۷:۱*	با نَگ برزن بر سَگ
با لَمکارِه ۱۶۴:۵*	با نبیِ رویان ۱۸۳۰:۶*	۲۹۵۴:۵*
با ل نی ۳۰۲۲:۳*	با نبی می‌باختند ۲۸۲۶:۲*	با نَگ بر زن، چه گرفت
با ل ویر ۸۶۵:۱*	با نَزادِ صالحانِ ۳۱۴۴:۴*	۳۹۰۹:۶*
با مَجاَعت ۴۲۹۶:۶*	با نشاط آن ۴۵۴۹:۳*	با نَگ بر لشکر ۳۹۰۹:۶*

بانگ بر وی زد به هیبت	بانگ زد کای سگ ۳: ۲۱۹۱#	بانگ می آمد ز سوی ۳: ۲۰۱۷
۱۲۱: ۴	بانگ زد گوساله بی ۲: ۲۰۴۳	بانگ می آمد ز غیرت ۳: ۲۰۱۸
بانگ بر وی زد نمودار	بانگ زد، هم ۴: ۱۵۹۳#	بانگ می آمد که ای ۱: ۲۷۴۴
۳۷۶۸: ۳	بانگ زد یارش ۱: ۳۰۶۲	بانگ می آمد، همی دید
بانگ بهر حق ۵: ۱۹۷۴#	بانگ زشتم ۲: ۱۹۹۷	۷۴۶: ۴#
بانگ چاووشان چو ۳: ۸۵۲	بانگ سگ اندر ۵: ۱۴۵۵	بانگ می آید تعالوا ۵: ۴۱۸۲
بانگ چاووشان و آن ۴: ۳۷۷۴	بانگ سگ هرگز ۲: ۴۲۲	بانگ می آید که ۳: ۷۹۵
بانگ چاووش ست ۳: ۷۹۴#	بانگ سلطان ۳: ۴۳۴۳#	بانگ می دارد ۲: ۷۴۹
بانگ چنگ ۶: ۴۴۲۹#	بانگش آمد ۴: ۱۹۳۲	بانگ می دارند ۴: ۱۴۶۵#
بانگ حق آمد ۱: ۱۹۳۳#	بانگشان در ۵: ۳۸۹۹	بانگ می زد آتش ۵: ۴۳۵
بانگ حق اندر ۱: ۱۹۳۴	بانگ شومی ۳: ۳۹۵#	بانگ می زد بی خبر ۴: ۹۰۱#
بانگ حق بشنید ۲: ۲۸۸۳#	بانگ شیر ۵: ۳۰۰۲	بانگ می زد در ۱: ۸۰۳
بانگ حیزان ۶: ۴۸۹۶	بانگ صُورش ۵: ۱۵۶۷	بانگ می زد کای امیر ۲: ۱۸۸۴
بانگ خار او ۴: ۱۶۲۵#	بانگ طاوسان ۳: ۷۷۶	بانگ می زد کای حمال
بانگ در بشنو ۶: ۳۴۸۶	بانگ طبلش رفته ۶: ۲۰۶۰#	۴۴۹۱: ۶#
بانگ در دان ۶: ۳۴۸۲	بانگ طبل غازیان ۵: ۳۷۸۷	بانگ می زد کای خدای
بانگ در در گوش ۵: ۲۱۹۷#	بانگ طُرفه ۵: ۲۶۷۸#	۲۱۸۵: ۱
بانگ در محسوس ۶: ۳۴۸۳	بانگ طشتِ دین ۴: ۱۶۷۶#	بانگ می زد کای مُبَیّر ۴: ۳۲۷۶
بانگ درویشان ۳: ۸۶۴	بانگ طشتِ سحر ۴: ۱۶۷۶	بانگ می زد نک ۳: ۳۰۱۵
بانگ، دو کردم ۴: ۲۷۷۰#	بانگ غُولان ۲: ۷۴۸	بانگ می زد وائُورا ۵: ۹۳
بانگ دیگر: بنگر ۴: ۱۶۲۷#	بانگ غولی آمدش ۳: ۶۴۳#	بانگ وصیتی ۴: ۱۶۵۹
بانگ دیوان است ۱: ۱۰۹۴#	بانگ قُمری ۱: ۲۹۰۶#	بانگ ها زد ۴: ۲۷۲۴
بانگ دیوان، گله بان ۳: ۴۳۴۳	بانگ کرد او ۱: ۲۹۹۴	بانگ هدهد ۴: ۱۷۰۱
بانگ رویِ زرد ۱: ۱۲۷۲#	بانگ کردند ۲: ۳۴۹۳	بانگ هر چیزی ۱: ۱۲۶۹
بانگ زد آن دزد ۴: ۱۶۸	بانگ، کم زن ۱: ۲۷۴۷#	بانگ هر مرغی ۴: ۸۵۱#
بانگ زد آن شه ۳: ۴۶۵۲	بانگ کوس ۳: ۴۰۹۴	با نماز او ۲: ۱۷۹۸
بانگ زد آن طفل ۱: ۷۸۵	بانگ گردش های ۴: ۷۳۴	با نماز ضالّین ۱: ۳۳۹۲#
بانگ زد باری ۲: ۲۴۰۹#	بانگ گرگی ۲: ۱۹۵۹#	بَانَ مِنگُم ۱: ۳۵۹۹#
بانگ زد بر روزن ۴: ۸۳۱	بانگ گفت بد ۶: ۳۴۸۵	با نوا و فربه ۵: ۲۳۶۹#
بانگ زد بر ساقیش ۶: ۳۹۶۷	بانگ لَو رُدّوا ۴: ۲۳۰۰#	با نیازی ۶: ۳۴۰۰#
بانگ زد بر وی ۶: ۲۰۶۸	بانگ ما استاد ۳: ۱۵۸۷#	با وجودِ آفتاب ۵: ۲۱۳۴#
بانگ زد خرگوش ۱: ۹۹۷#	بانگ مرغان است ۲: ۲۶۵۸#	با وجودِ تو ۲: ۲۴۲۲
بانگ زد در ۳: ۴۶۶۵	بانگ مرغان بشنوی ۳: ۴۷۷۱#	با وجودِ زال ۴: ۳۲۰۷
بانگ زد: سُنْفَر ۳: ۳۰۵۵#	بانگ مظلومان ۲: ۱۹۳۴	باورت نآید ۲: ۹۳۷#
بانگ زد کای جان ۳: ۱۱۸۳	بانگ مَه ۱: ۳۷۶۱#	باورش نآمد ۵: ۳۳۸۲

بحث عقل و حس ۱: ۱۵۰۶	با یزید ار این ۵: ۳۴۱۹	با وفاتر از عمل ۵: ۱۰۵۱
بحث عقلی ۱: ۱۵۰۱	با یزید از بهر ۳: ۱۶۹۹	با وکیل ۲: ۶۱۴
بحث کردند ۶: ۲۷۳۱	با یزید اندر سفر ۲: ۲۲۳۱	با ولی گُل ۵: ۲۹۴۳
بحث کم جوید ۴: ۳۷۰۰	با یزید اندر مزیدش ۲: ۹۲۷	با ولی نعمت ۳: ۳۱۸
بحث می کردند ۴: ۲۸۳۹	با یزید وقت بودی ۶: ۲۲۰۷	با وی است ۱: ۱۶۸۱
بحر آن دانی ۱: ۱۱۳۸	با یکی پر ۳: ۱۵۱۲	با هر استسقا ۶: ۲۶۹۰
بحر، آن را رام ۳: ۳۱۰۲	با یکی جغدی ۲: ۲۱۰۶	با هزاران آرزومان ۳: ۵۰۱
بحر اسرار ۱: ۲۸۴۳	با یکی ز آن دو ۲: ۸۴۳	با هزاران پا و سر ۶: ۴۶۰۵
بحر افکنده‌ست ۶: ۱۴۵۷	با یکی سر ۶: ۴۶۰۴	با هزاران ترس ۳: ۱۷۳۹
بحر اندر قطره‌اش ۵: ۳۳۹۴	بُت بر آن بت پرست ۵: ۳۸۵۱	با هزاران حزم ۳: ۴۶۷
بحر او از بهر ۴: ۳۷۹۸	بُت بود هر چه ۴: ۴۷۴	با هزار اندیشه ۲: ۶۹۷
بحر، با موسی ۳: ۱۰۱۵	بت پرستان چون ۲: ۳۴۶۱	با هزاران رستم ۵: ۳۸۳۸
بحر، بی شک ۴: ۳۱۶۳	بُت پرستانه بگیر ۶: ۱۰۵۱	با هزار انکار ۳: ۴۴۸۰
بحر بی قمرست ۵: ۲۱۱۲	بُت پرستش گفت ۲: ۱۶۰۸	با هزاران ناز ۵: ۹۲۰
بحر تلخ ۱: ۲۹۷	بت پرستی ۱: ۲۸۹۳	با هلاک جان ۵: ۲۶۷۶
بحر تن بر ۲: ۱۳۷۱	بترین قهرش ۵: ۱۶۶۷	با همه، آن شاه ۶: ۲۰۵۶
بحر جان افزا ۶: ۴۲۸۲	بت ستودن ۶: ۱۵۲۹	با همه بنشین ۲: ۸۷۲
بحر جان و جان بحر ۲: ۹۳۴	بت سُجود آرد ۴: ۸۱۵	با همه تمکین ۳: ۱۴۷۵
بحر جو و ترک ۴: ۲۲۳۴	بت سیاه‌آبه‌ست ۱: ۷۷۵	با همه سالوس ۵: ۳۵۶۱
بحر دیدم ۴: ۳۵۱۱	بت شکستن ۱: ۷۷۸	با همه لَت ۶: ۲۷۴۶
بحر را پوشید ۵: ۱۰۲۷	بت شکستی ۵: ۲۵۰۵	با همه نیکو ۲: ۹۰۲
بحر را پیمود ۵: ۴۱۹۶	بت شکن بوده‌ست ۴: ۸۱۴	با همین خواجه ۳: ۲۴۷۶
بحر را حق کرد ۱: ۳۵۵۸	بُت شکن دعوی ۶: ۷۷۱	با هوئی و آرزو ۱: ۲۹۵۷
بحر را گنجای ۱: ۳۸۱۰	بُت از تو ۶: ۲۶۲۹	با یُجُهم ۵: ۲۱۸۶
بحر را گویم ۲: ۱۶۲۸	بُت از جانش ۶: ۳۱۵۰	باید آن خو ۶: ۳۱۵۲
بُخر را ماء ۵: ۲۱۵۹	بُت از دل ۳: ۴۳۱۴	باید اُستا ۶: ۴۱۴۲
بحر را نیمیش ۱: ۲۵۷۴	بُت بیرون آر ۳: ۲۱۷۵	باید افشردن ۶: ۲۵۶۲
بحر رحمت، جذب ۳: ۲۲۵۱	بُت می لرزد ۱: ۲۴۴	باید اوّل طالب ۲: ۲۲۲۱
بحر رحمت در نمی آید	بحث املاک ۴: ۲۹۰۶	باید این دو خصم ۳: ۱۲۵۳
۴۴۲:۲	بحث با توجیه ۲: ۵۴۶	بایدت گفتن ۵: ۳۹۵۸
بحر، رحمت کرد ۵: ۳۶۲۳	بحث جان اندر ۱: ۱۵۰۲	بایدش از پند ۴: ۳۵۸۸
بحرِشان آموخته ۳: ۳۵۹۹	بحث جانی ۱: ۱۵۰۶	بایدش برکند ۲: ۱۲۶۴
بحر شه که ۶: ۴۷۷۱	بحثشان بسیار ۵: ۲۴۲۷	بایدش در ۲: ۵۴۸
بحر علمی ۵: ۳۵۷۹	بحثشان شد ۶: ۵۲۴	با یزید آمد که ۴: ۲۱۰۲
بحر قُلُوم دید ۳: ۲۷۰۰	بحث عقل است ۱: ۱۵۰۰	با یزید آن ۲: ۲۲۵۰

بَدَقَصص‌ها مختلف ۶:۲۹۶۴*	بخش کن این را ۱:۳۱۱۶*	بَحْرِ قَلْزُوم را ۲:۳۳۰۸*
بَد کجا آید ز ما ۱:۳۴۱۹*	بخش کن این مُلک ۴:۲۷۸۰*	بحر کف پیش ۲:۱۹۵
بَد کسی باشد ۵:۷۷۶*	بخشمش اینجا ۶:۴۴۱۱*	بحر کوآبی ۱:۱۱۶۴
بَد کند با تو ۳:۲۹۷۸*	بخش می کردند ۳:۱۶۷۸*	بحر گوید ۳:۲۲۵۲
بَد گرفته ۳:۹۰۶*	بُخل بر خوان ۵:۳۰۸۰*	بحر معنی عِنْدَهُ ۱:۲۹۶*
بَد گلوبی ۴:۱۷۰۸*	بُخل، بگذارید ۱:۳۷۱۴*	بحر معنی‌های ۱:۳۳۳۸*
بَد گمان باشد ۵:۱۹۸۱*	بُخلِ تن بگذار ۲:۱۲۷۱*	بحرِ مَکَّارست ۲:۲۲۹۰
بَد گمان بُردیم ۵:۲۲۹۳*	بُخلِ من لَیْلَه ۱:۳۸۰۵*	بحرِ مَکری ۲:۲۶۶۹
بَد گمان گردد ۱:۲۴۰*	بخل می آرد ۶:۳۳۳۴*	بحر می جوید ۴:۲۰۶۲*
بَد گمانی کردن ۱:۸۶*	بُخل، نادیدن ۲:۸۹۸*	بحر می داند ۲:۳۷۷۹*
بَد گمانی مرد را ۲:۲۰۲۴*	بُد برایشان ۶:۱۷۹۱*	بحر می گوید ۲:۱۱۱۹
بَد گمانی می دود ۵:۱۶۴۲*	بَدِ نَبایی بود ۳:۱۵۸۵*	بحرِ وُحْدان است ۶:۲۰۳۰
بَد گمانی نعل ۶:۱۶۳۵*	بَد به نسبت باشد ۴:۶۵*	بحر و کان ۱:۲۲۴۶
بَد گهر را ۴:۱۴۳۶*	بَد بیندیشد ۵:۲۴۹۹*	بحرها در شورشان ۳:۹۸*
بَد مبین، ذکر ۳:۳۸۵۲*	بَد تر از زندان ۳:۱۶۶۰*	بحریان را خامشی ۶:۴۶۲۴*
بَد محالی ۱:۹۷۹*	بَد چه باشد سرکشی ۲:۳۳۴۵*	بخت با جامه ۶:۱۰۴۹
بَد محمد نام ۵:۲۶۶۷*	بَد چه باشد مِس ۲:۳۳۴۳*	بختِ بَد دان ۴:۳۸۴*
بَد میان زاهد ۵:۲۶۸۳*	بَد چه می گویی ۲:۳۳۴۲*	بخت، بهتر ۶:۴۳۳۴*
بَد ندانی ۴:۱۳۴۵*	بَد دلان ۴:۲۹۱۷*	بخت غیر توست ۴:۱۱۰۹*
بَد نشانی می دهد ۳:۹۰۸*	بَد ر، بر صدر ۴:۱۴۶۴*	بخت ما را ۳:۴۴۸۴*
بَد نماند چون اشاره ۶:۳۳۹*	بَد ر را دیدی ۴:۱۵۹۸*	بختِ نو بخشد ۳:۱۴۷*
بَد نماند چونکه ۶:۱۲۴*	بَد ر را کَم ۵:۶۹۱*	بخت نو دریاب ۲:۱۹۴۹*
بَد نماید، زان که تلخ ۱:۱۸۶۲*	بَد رگی و منبلی ۳:۶۹۱*	بخت و اقبال ۵:۱۴۷۱*
بَد نه عَم است ۱:۱۳۲۷*	بَد ر می جویم ۳:۳۸۶۵*	بخت و دولت ۶:۱۰۴۸*
بَد نیندیشیده ام ۵:۲۵۰۰*	بَد رَم تان ۵:۸۵۲*	بخت و روزی آن ۲:۲۸۱۹*
بَد هدت آن نفع ۳:۲۵۴۲*	بَد ز دَلاکَتی زن ۵:۲۲۲۸*	بخت و روزی را همی
بَد هدت بی این دو ۶:۳۱۶۷*	بَد ز رنجوریش ۶:۱۱۵۱*	۲۶۱۶:۶*
بَد هدش آن شمع ۵:۳۴۱*	بَد ز صندوق ۶:۴۴۹۵*	بُختی بَد پیش رَو ۳:۴۰۹۳*
بَد هلال، اُستاد دل ۶:۱۱۳۵*	بَد ز فعل ۶:۴۲۸*	بخشد این غوره ۶:۴۷۴۰*
بَد هم ار دزد ۶:۱۶۷۹*	بَد ز گستاخی ۱:۹۲*	بخشدت نخلی ۵:۱۱۸۹*
بَد هم این ۴:۶۹۳*	بَد سگالیدی ۴:۱۴۹۱*	بخشش بسیار ۵:۱۲۹۶
بَذلِ جان ۳:۲۷۲۸*	بَد عتی چون ۶:۴۷۹*	بخشش محض ست ۴:۷۱۷*
بَذلِ شاهانه ۴:۷۱۷*	بَد عُمَر را ۱:۱۲۴۱*	بخشش محضی ۵:۱۸۴۰
بذل می کردند ۶:۲۵۳*	بَد قَفا نشان ۴:۲۸۳*	بخششی دِه ۴:۶۸۴*
بر اسیرِ حکمِ حق ۱:۳۸۸۹*	بَد قضاگردان ۳:۳۳۴۷*	بخش کردم بر یتیم ۴:۱۷۴۹*

برترتر از هفت انجمش	بر بخیلی، عاجزی ۴: ۱۱۷۲*	بر اسیر شهوت ۴: ۳۱۲۵
۱۳۷۰:۱*	بر بدان و مُفسِدان ۴: ۸۲*	بر امید آتش ۵: ۳۳۸
برتراند از عرش ۱: ۳۴۹۹	بر بدن زَجری ۲: ۲۴۷۳*	بر امید آن، روان ۶: ۲۲۲۱*
برترست از خوش ۴: ۳۲۸۴*	بر بد و بر نیک ۶: ۱۸۶۵*	بر امید آنکه از ۱: ۴۳۸
بر تفاوت دان ۱: ۲۰۴۰*	بر بد و نیک از عموم ۱: ۳۶۱۴*	بر امید آنکه تو ۴: ۳۳۶۸*
بر تَفِ رِیگ ۳: ۳۱۳۳*	بر بَد و نیک‌اند مُشْفِق	بر امید او ۶: ۳۰۲۰
بر تنِ با سلسله ۵: ۱۷۲۶*	۳: ۴۵۲۵*	بر امید بخشش ۴: ۱۲۰۷*
بر تنِ خود می‌زنی ۴: ۲۱۳۸*	بر بدی‌های ۱: ۳۴۱۶	بر امید حال ۳: ۱۴۲۸*
بر تنِ ما می‌نهد ۲: ۲۹۶۳*	بر برادر این چنین ۲: ۲۳۲*	بر امید خدمتِ ۳: ۵۴۶*
بر تنِ مرده ۳: ۲۵۸۷	بر برادری گناهی ۵: ۷۰	بر امید خشک ۳: ۳۰۸۷*
بر تنِ موسی ۳: ۹۵۵*	بر بُراقِ عِزّ ۴: ۱۲۱۰*	بر امید خلعت ۴: ۱۱۵۶*
بر تنم یک ۵: ۳۷۸۳	بر بُراقِ ناطقه ۱: ۳۶۰۸*	بر امید راست ۲: ۲۹۳۱
بر تن و دست ۱: ۲۹۸۲	بر بُرون، عکسش ۴: ۱۳۶۳*	بر امید راه ۵: ۱۷۲۸
بر تو آرد حمله ۵: ۳۰۵۲*	بر برونِ کُ ۶: ۴۷۵۱	بر امید زنده سیمایی ۳: ۵۴۵*
بر تو آسان ۱: ۴۸۱	بر بزرگان ۶: ۳۹۹۸	بر امید زنده‌یی ۳: ۵۴۷
بر تو آسیبی ۱: ۱۰۳۶*	بر بقا چفیده‌یی ۵: ۷۹۷*	بر امیدش روشنی ۶: ۳۱۰۸*
بر تو افتد ۵: ۳۰۴۱*	بر بقایِ جسم ۵: ۸۰۷*	بر امید شفقت ۲: ۲۸۰۱
بر تو او، از ۳: ۴۰۶۸	بر پِلالش ۶: ۹۵۱*	بر امید عِزّ درخواری
بر تویی کاری ۲: ۹۹۹*	بر پلیس، ایرا ۵: ۲۹۸۸*	۲: ۱۱۰۴*
بر تو تاوان ۶: ۱۵۱۰*	بر بلیس و دیو ۱: ۳۲۹۰	بر امید عِزّ ده ۲: ۱۱۰۵
بر تو جمع ۵: ۸۱۳*	بر بناگوشِ ۳: ۷۶۶*	بر امید قتل من ۴: ۲۳۳۴*
بر تو چون ۵: ۳۶۶۳*	بر بهارش ۴: ۱۷۷۱	بر امید قُلُومِ ۶: ۳۰۲۳*
بر تو خندید ۶: ۱۳۴۱	بر بهانهٔ مسجد ۳: ۴۰۸۲*	بر امید کفّ ۶: ۳۲۹۸
بر تو خود را ۲: ۳۱۴۳	بر پدر من اینت ۶: ۴۸۳۷*	بر امید کُلِ عِذارِ ۳: ۵۴۰*
بر تو خون ۵: ۱۲۳۳*	بر پَرَد بر ۶: ۴۰۷۴*	بر امید گوهر ۵: ۳۳۲
بر تو دل می‌لرزدم ۲: ۲۰۲۱	بر پَرَم ۲: ۳۵۶۳*	بر امید لطفِ ۱: ۲۷۸۲*
بر تو زندان آمد ۳: ۳۵۴۹*	بر پَرید ۵: ۳۶۱۵*	بر امید مرغ ۱: ۲۷۹۲*
بر تو زندان، بر من ۲: ۳۵۵۳	بر پری و دیو ۱: ۳۵۷۸*	بر امید مهتری ۵: ۱۱۱۵*
بر تو سرگین ۵: ۱۳۷۲	بر پیمبر ۶: ۲۶۱۱*	بر امید و بوکِ ۳: ۳۰۹۴*
بر تو سرهنگانِ ۱: ۶۳۲*	بر تبسم‌هایِ ۱: ۳۰۳۹*	بر امید و بُویِ ۴: ۱۲۰۸*
بر تو شب ۲: ۳۵۵۲*	بر تر از اندیشه‌ها ۲: ۳۵۵۶*	بر امید وصلِ تو ۵: ۴۱۱۷
بر تو شد ۶: ۴۷۸۹*	بر تر از عیسی پریده ۳: ۷۷۸*	بر امید وصلِ چَغَزِ ۶: ۲۹۴۱*
بر تو شیرین ۱: ۴۸۰*	بر تر از کُرسی ۵: ۲۶۹۹	بر امید وعدهٔ آن ۶: ۵۹۹*
بر تو طفلِ ۵: ۳۷۲۲*	بر تر از نوبت ۱: ۱۳۷۱	بر امید وعدهٔ هاتف ۶: ۴۲۴۵
بر تو قبضی ۳: ۳۴۹*	بر تر از وی در زمینِ ۶: ۶۳۶*	بر امیر ۴: ۱۸۹۵

- بر توکل تا چه آید ۴: ۲۹۰۰
 بر توکل می کنی ۳: ۳۰۸۳
 بر توکل می نهد ۴: ۲۸۹۹
 بر توگر پیدا ۴: ۱۳۳۵
 بر توگر ده ۳: ۳۸۱۸
 بر تو من مُشفق ترم ۱: ۱۷۳
 بر تو می انداختم ۲: ۳۱۶۷
 بر تو می خندد ۲: ۳۱۰۵
 بر تو می خندند ۵: ۳۲۰۱
 بر تو می ننهم ۴: ۲۹۴۴
 بر تو نقشِ گرگ ۱: ۳۷۵۵
 بر تو وسواس ۶: ۲۰۵۳
 بُرجِ آبی ۳: ۴۴۰۶
 بُرجِ آتش ۳: ۴۴۰۸
 برج بادی ۳: ۴۴۰۷
 برج خاکی ۳: ۴۴۰۶
 بُرج زندان را بهی ۵: ۱۷۱۷
 برج زندان را شکست ۵: ۱۷۱۵
 بُرج سنگین ۵: ۳۸۴۲
 بر جگر آتش ۵: ۳۶۲۳
 بر جمادات ۶: ۱۳۰۵
 بر جمادی ۲: ۱۵۳۴
 برج مه باشد ۳: ۱۴۳۲
 بر جنازه آن ۶: ۴۶۳۴
 بر جنازه هر که ۶: ۳۲۶
 بر جنین ۳: ۳۵۶۰
 بر جوانی ۳: ۵۱۳
 بر جهان نهاد ۲: ۹۹۵
 بر جهانیدش ۳: ۸۷۹
 برجه ای عاشق ۶: ۵۹۲
 بر جَهْد چون ۳: ۲۵۷۹
 بر جهد ز آوازشان ۱: ۱۹۳۱
 بر جهد سرمست ۳: ۸۱۱
 بر جهد و آن ۱: ۱۵۵
 بر جهم ۲: ۲۲۵۸
 برجهند ۵: ۱۷۹۶
 برجه و بر کاسه ۶: ۲۴۹۲
 برجه و، بر کودبان ۲: ۳۴۵۱
 برجهید آن ترک ۶: ۷۱۰
 برجهید آن دلک ۵: ۳۵۱۲
 برجهید آن کشته ۳: ۳۸۹۹
 برجهید از جا ۴: ۲۶۰۰
 برجهید از خواب ۶: ۳۵۵۸
 برجهید ای ۵: ۱۶۲۴
 برجهید و بانگ ۳: ۴۳۵۳
 برجهید و بر طیب ۳: ۴۶۹۳
 برجهید و زد کُله ۱: ۱۶۹۲
 برجهید و زود ۴: ۲۹۳۷
 برجهید و سنگ ۲: ۱۴۵۶
 برجهید و کون برهنه ۵: ۳۸۸۲
 برجهید و می کشانید ۳: ۱۵۶۲
 بر چنان افسوسیان ۱: ۲۵۶۱
 بر چنان خاطر ۵: ۴۰۷۴
 بر چنان دریا ۵: ۱۷۴۸
 بر چنان نقاش ۴: ۳۸۱۴
 بر چنین خوانی ۱: ۳۰۵۷
 بر چنین صاحب ۴: ۱۲۳۹
 بر چنین گلزار ۶: ۴۶۴۸
 بر چنین مُردار ۳: ۴۵۵۱
 بر چنین طعی ۲: ۲۵۰۸
 بر چه بگشادی ۶: ۲۲۷۹
 بر چه می گری ۱: ۲۵۶۲
 بر چیم بیدار ۲: ۲۷۱۳
 بر حدث چون ۵: ۱۳۱۴
 بر حُدوث ۴: ۲۸۵۰
 بر حدیث آمد ۲: ۱۰۱۷
 بر حذر شو ۲: ۱۴۱۶
 بر حقوق ۳: ۳۲۴
 بر حواس ۳: ۱۷۷۱
 بر حوالی ۵: ۳۰۶۳
 بر حیات ۶: ۳۴۸۷
 بر خداوندیش ۲: ۲۵۴۳
 بر خدای ۱: ۲۳۵۶
 بر خران پشت ۳: ۱۴۵۳
 بر خر سیرگین پَرست ۵: ۹۲۳
 بر خطا و جُرم ۵: ۴۱۹۰
 بر خط و فرمان ۲: ۲۵۷۲
 بر خلاف قول ۳: ۱۵۴۰
 بر خلافِ کیمیای ۲: ۱۵۵
 بر خلاف موم ۵: ۶۸۰
 بر خود آن ساعت ۱: ۱۳۲۱
 بر خود این رنج ۲: ۲۴۷۴
 بر خیال آن ۵: ۳۶۵
 بر خیالِ حرب ۵: ۳۹۱۷
 بر خیالش بندها ۴: ۲۶۵۶
 بر خیالش گر روی ۵: ۳۶۶
 بر خیالِ قبله ۵: ۳۲۹
 بر خیال و حيله ۵: ۴۶۸
 بر خیال و خواب ۶: ۴۳۱۳
 بر خیالی از حقی ۴: ۳۳۰۷
 بر خیالی پَر ۳: ۲۱۳۸
 بر خیالی صلحشان ۱: ۷۱
 بر خیالی می کنند ۴: ۱۳۶۹
 بُرد آنکه ۶: ۲۳۹۷
 بُرد او را بعد ۶: ۴۸۶۵
 برد او را پیش ۴: ۹۴۸
 بُرد او را زخم ۲: ۱۸۸۱
 بُرد او را که نبود ۱: ۳۷۹۶
 بُرد بر اوج ۶: ۲۴۸۸
 بُرد بیند خویش ۴: ۱۰۹
 بُرد بیند، کی شود ۵: ۱۹۹۳
 بُرد پاره پاره ۶: ۱۷۲۰
 برد تا حق ۵: ۱۶۹۳
 بُرد تا دارُ الخِلافه ۱: ۲۷۳۶
 بُرد حلوا ۶: ۲۳۹۶

بر دُخان افتاد ۴: ۵۹۱#	بر در و دیوار ۵: ۳۸۰۷#	بُرد گنج و دُرّ ۱: ۴۵#
بُرد خرا ۵: ۲۸۷۰#	بر دروغان ۲: ۳۶۳۹#	بر دل آن ۵: ۳۳۳۷#
بُرد خرگوشیش ۶: ۳۱۴۶#	بر دروغ تو ۴: ۱۷۴۳#	بر دلِ او از عَمی ۵: ۲۵۷۶#
بُرد در غیرت ۱: ۱۷۶۳#	بر دروغ ریشی ۵: ۲۵۱۰#	بر دلِ او زد، تورا ۵: ۳۳۲۴#
بر در آن صومعه ۳: ۳۰۰#	بر دروغ و صدق ۳: ۱۵۹۷#	بر دلِ او زد که رَوّ ۶: ۱۹۱۶#
بر در آن مُنعمان ۳: ۲۹۶#	بر درِ یاران ۱: ۳۱۷۱#	بر دلِ تاریک ۱: ۲۵۶۳#
بر در، ارجویی ۳: ۲۶۲۷#	بر دریچّه ۳: ۱۷۲۵#	بر دلت زنگار ۲: ۳۳۷۱#
بر دَران ای ۱: ۱۰۹۵#	بر درید آن ۳: ۳۹۱۳#	بر دلِ تو ۳: ۴۶۱۱#
بر دَران تو پرده‌های ۲: ۵۶۹#	بر درید از ۵: ۱۳۸۷#	بر دلِ خلق ۲: ۵۸۶#
بر درانید ۳: ۱۵۳#	بَر دریده پرده‌های ۴: ۲۸۶۶#	بر دلِ خود ۲: ۴۵۴#
بر درِ این خانقه ۲: ۴۰۴#	بر دریده جنبش ۴: ۱۸۷۳#	بر دلش آن جُرم ۲: ۳۳۷۹#
بر درِ این خانه ۲: ۳۱۰۸#	بَر دریدی؟ چه کنم ۴: ۲۳۴۹#	بَر دِلطفش ۴: ۳۷۴۳#
بر دَرِ تو چون ۶: ۲۳۳۶#	بر دریدی در ۴: ۵۵۹#	بر دلِ عاقل ۱: ۲۰۵۹#
بر درِ حق ۵: ۲۰۴۸#	بر دریدی هر کسی ۵: ۱۲۱۰#	بَر دلِ عیسی ۲: ۴۵۱#
بر درِ خانه ۲: ۲۱۹۱#	بُرد سوي ۱: ۹۶۳#	بر دلِ کاشی ۶: ۳۲۲۴#
بر درختان ۵: ۲۵۶۱#	بُرد سیلم ۴: ۳۵۱۰#	بر دلم بنهاد ۱: ۱۷۹۶#
بر درخت جبر ۴: ۱۳۹۴#	بُردش آن ۱: ۲۷۸۹#	بر دلم زد ۳: ۴۱۳۵#
بر درختِ جوز ۴: ۷۴۵#	بُرد شاعر ۴: ۱۲۰۷#	بر دلم می‌زد ۴: ۶۹۹#
بر درختِ گندم ۶: ۳۷۰۰#	بُردشان بر گور ۳: ۱۱۷۵#	بر دلِ موران ۲: ۲۳۱۳#
بر درخت و برگِ ۱: ۲۲۹۲#	بُردشان و، کردشان ۱: ۲۹۴۹#	بر دلِ موسی ۲: ۱۷۷۳#
بر درخت و میوه‌اش ۲: ۳۶۴۳#	بُرد صوفی ۵: ۳۷۴۷#	بر دل و بر عقلی ۲: ۱۵۴۷#
بر درِ خرگاه ۵: ۲۹۴۸#	بُرد قارون ۶: ۲۱۶۹#	بر دل و جان ۵: ۱۰۹۳#
بر درِ خرگه ۱: ۸۳۱#	بر دُکان آمد ۴: ۳۴۵#	بر دل و دین ۶: ۸۰۲#
بر درِ خود ۳: ۲۵۵۸#	بر دُکانِ او ۳: ۲۳۸#	بر دلی کو ۳: ۲۰۶۱#
بر درِ دارُالْخِلافه ۱: ۲۷۷۳#	بر دکان بنشست فارغ ۱: ۲۵۱#	بُردم از ۱: ۱۶۵۳#
بر دَرَد ز آن ۴: ۳۷۷#	بر دکان بنشسته بُد ۱: ۲۵۷#	بَر دماغ حُور ۳: ۲۰۹۷#
بر درستی ۵: ۱۲۴۷#	بر دکان بودی ۱: ۲۴۸#	بر دماغ هم‌نشینان ۳: ۱۶۸#
بر درش بنهاد ۵: ۲۹۴۰#	بَر دُکان‌ها نیسته ۳: ۳۳۵۶#	بر دمد آن ۵: ۳۹۷۳#
بر درش بودن ۱: ۱۷۶۷#	بَر دکانها طالبِ ۶: ۱۳۶۳#	بُرد مقناطیست ۴: ۱۶۳۵#
بر دَرَش، کای ۳: ۳۹۲۸#	بر دکان، هر ۱: ۳۲۹۲#	بر دَم و بر چاپلوس ۴: ۱۶۴۶#
بر درش ماندند ۳: ۶۰۸#	بر دگر اطفال ۴: ۱۱۳۴#	بر دم و دندان ۱: ۲۵۶۴#
بر در کُهِف ۵: ۲۹۵۰#	بر دگر ساده ۲: ۳۰۴۳#	بر دمید اندیشه‌ای ۳: ۱۵۴۳#
بر دَرَم ساکن ۵: ۴۱۳#	بر دگرکس آن ۶: ۴۵۲۸#	بَر دو پا ۴: ۳۲۵#
بر درِ موسی ۳: ۳۳۶۷#	بر دگرکس دست ۲: ۷۷۵#	بر دَوَد ۳: ۸۰۸#
بر درِ ناموس ۶: ۶۱۲#	بر دگرکس، ظَنّی ۲: ۷۷۲#	بُرد و در اِشکال ۵: ۱۲۹۱#

بر دو کوری ۱۹۹۹:۲	بر زمان خوش ۲۱۴۸:۴	بر ستیز و تَنَسُّر ۲۵۶۵:۱
بر دو کون ۳۰۷۶:۶	بر زمانِ رفته ۸۶۲:۴	بر سرِ آب ایستاده ۲۷۹۴:۴
بُرد و مات ۶۰۰:۱	بر زمین آهسته ۸۳۴:۳	بر سرِ آب جهان ۹۸۸:۱
بر دُوم پایه ۴۹۴:۴	بر زمین آییَم ۳۴۲۲:۱	بر سرِ آتش، به ۲۲۸۱:۴
بر دویدی ۱۲۱۸:۶	بر زمین، باران ۸۲۸:۳	بر سرِ آتش کسان ۳۷۱۰:۱
بر دَهان بُنهاد ۳۴۴۱:۴	بر زمین پهلوت ۲۰۴۵:۴	بر سرِ آن ۲۵۵۰:۱
بر دَهان توسَت ۲۰۷۹:۴	بر زمینِ خاک ۳۷۲:۵	بر سرِ استیزه رُویان ۲۸۴:۱
بَر دَهانش گشته ۱۸۱۲:۵	بر زمین رفتن ۱۴۸۲:۲	بر سرِ اغیار ۱۲۵:۲
بر دَهانم ۱۹۱۲:۴	بر زمین زد خرقه ۱۵۹۱:۴	بر سرافیلَت ۱۵۶۶:۵
بر دَهان و بر ۱۹۹:۳	بر زمین زد سوزن ۳۰۰۰:۱	بر سرِ اَمُر و دِین ۲۳۶۳:۱
بر دَهان و چشم ۲۵۶۴:۱	بر زمین زن ۲۷۲۷:۳	بر سرِ این دار ۴۱۳۳:۵
برده‌ای از خویش ۶۹۹:۲	بر زمین گر ۱۵۵۹:۳	بر سرِ این شوره ۳۹۰:۵
بُرده باشد ۳۹۰:۵	بر زمین مان‌اند ۱۰۵۰:۱	بر سرِ بارو ۱۳۱:۶
بُرده در دریای ۲۳۲۲:۶	بر زمین ماندی ۳۰۹۶:۲	بر سرِ بامی ۲۵۴:۴
بُرده ظَنی ۳۴۱۲:۱	بر زمین، می شد ۱۹۲۵:۳	بر سرِ تاجش ۱۵۸۰:۱
بُرَد همجنسی ۲۹۸۰:۶	بر زمین و چرخ ۱۴۰:۶	بر سَرَت تابان ۳۲۲۸:۳
بر دِه ویران ۱۷۶۵:۲	بر زمین هم ۳۸۲۷:۴	بر سَرَت چندان ۹۶۴:۶
بر رَحیق ۱۰۱۰:۵	بر زنج سه ۳۸۶۸:۶	بر سرِ تخته ۸۹۰:۵
بر رُخ خفته ۲۱۲۷:۲	بر زند از ۱۳۰۸:۶	بر سرِ تختی ۸۲۹:۴
بر رُخ صوفی ۳۷۶۰:۵	بر زند بر پات ۱۶۱:۵	بر سَرَت دُبُوس ۳۷۲:۶
بر رُخ نقره ۲۸۷۴:۴	بر زند بر دل ۱۳۰۰:۶	بر سَرَت ریزیم ۱۰۱۲:۵
بر رسولان بند ۲۷۴۳:۳	بر زند بر مَه ۴۲۷۸:۶	بر سرِ توقیعش ۲۶۲۲:۶
بر رسول حق ۲۸۴۸:۲	بر زند در پیش ۳۵۴۴:۴	بر سرِ جانم ۲۴۳۹:۱
بر رسولِ صدق ۴۴۷۵:۳	بر زند از بَحر ۱۸۹۱:۱	بر سرِ چاهی ۴۶۹:۶
بر رواق ۳۲۳۷:۵	بر زن و بر فعل ۲۱۹۴:۲	بر سرِ حرف ۱۵۰۱:۶
بر ره نَأَمین ۴۹۱:۶	بر زن و بر مرد ۳۸۶۱:۶	بر سرِ خاکستر ۳۲۶:۴
بر رِه یزدان ۱۵۱۶:۳	بر زنی از خاک ۱۶۲۵:۵	بر سرِ خاکش ۴۰۸۸:۶
بر زبان الحمد ۱۷۳۷:۴	بر سبِو لرزان ۲۷۳۰:۱	بر سرِ خرقه ۲۲۹۶:۶
بر زبان بیخ ۲۰۸۵:۵	بر سبویِ ما ۳۵۵۳:۵	بر سرِ خرمن ۱۴۳:۴
بر زبانِ زهر ۲۵۶۳:۱	بر سپاه ۲۵۶۲:۱	بر سرِ خُفته ۹۴۲:۱
بر زبان، نام ۲۶۹:۲	بر سپه بگزیدش ۱۳۸۵:۶	بِر سَرِ خَوانِ شهنشاهان
بر رُجاجة ۳۹۷۹:۱	بر سپیدی آن سیه ۳۳۷۳:۲	۲۰۸:۳
بر زدندی ۳۰۴۷:۶	بر ستانِه خاکِ تو ۲۷۲۸:۴	بر سرِ خَوانِ مُصیبت ۳۸۹۰:۶
بر زده با سوز ۳۸۹۱:۶	بر سَئوران ۵۳۲:۳	بر سرِ دریا همی ۱۰۸۵:۱
بر زده بر قلب ۳۸۸۳:۵	بر ستیز قول ۳۷۰۲:۶	بر سرِ دریایِ بیچون ۱۶۱۷:۶

بر ستر زد ۲:۳۴۳۸	بر سر مُلک ۶:۳۱۰۳	بر سرِ دیگ ۳:۴۱۶۰*
بر شَجَرِ سابق ۳:۱۱۲۸*	بر سَرَم مال ۶:۳۳۸۰*	بر سرِ دیوار، تشنه ۲:۱۱۹۲*
بَر شد و بنشست ۴:۴۹۰*	بر سرِ منبر ۱:۲۱۱۵*	بر سرِ دیوار عالی ۳:۱۵۶۰
بر شده خوش ۳:۱۹۸۶*	بر سرِ منکر ۲:۳۴۱۶*	بر سرِ دیوار هر ۲:۱۲۱۲
بر شدی ۶:۱۲۱۹*	بر سرِ نور ۴:۸۲۶*	بر سرِ راهی ۱:۳۴۶*
بر شما احسان ۳:۸۴۸*	بر سر و بر پای ۴:۱۷۴۵*	بَر سرِ راهیم ۲:۲۸۶۳*
بر شمارِ ۶:۱۶۲۲	بر سر و بر چشم ۶:۱۱۸۲*	بر سرِ زر ۴:۵۶۵
بر شما شد ۲:۲۵۵۸*	بر سر و پشتم ۲:۱۴۳۶*	بر سرِ سرمستِ ۶:۴۴۰۹*
بر شما کرد او ۱:۱۵۵۴	بر سر و جانِ ۵:۳۶۶۴*	بر سرِ شاخی ۳:۱۶۷۳
بر شما محتوم ۱:۳۵۸۲*	بر سر و رویِ رونده ۳:۲۶۶۳*	بر سرش بنشسته ۳:۶۰۲*
بر شما من ۲:۲۸۵۴*	بر سر و رُوش ۳:۲۸۶۸	بر سرش چفسیده ۵:۱۱۵۲*
بر شه و بر قصرِ ۳:۱۱۶۷*	بر سر و ریشِ ۳:۲۳۱۷*	بر سرش ریزد ۱:۱۸۳۶*
بر شیاطینِ ۳:۴۶۲۵*	بر سرِ هر ریش ۱:۳۲۲۳	بر سرش زد سیلی ۵:۲۲۰۳
بر صدایِ خوبِ ۴:۳۹۴*	بر سرِ هر ژاژخا ۳:۱۱۲*	بر سرش زد، گشت ۱:۲۵۲*
بر صدف آمد ۱:۲۵۱۷*	بر سرِ هر کوی ۶:۶۳۱*	بر سرِ شطرنج ۲:۱۳۰۰
بر صدف آید ۱:۳۴۹۶*	بر سَره و بر قلب‌ها ۶:۴۲۸۵*	بر سرش کوبد ۲:۲۱۳۸
بر صُطْرلابش ۶:۳۱۴۰	بر سرِ هیزم ۶:۲۱۲۷*	بر سرش کوبی ۵:۳۰۶۱
بر صُور آن حسن ۵:۳۲۷۸*	بر سَری جفانش ۲:۱۱۳۵	بر سرِ عیسی ۵:۱۰۹۴
بر صُور، و اشخاص ۳:۲۱۲۵*	بر سرِ سرِ سر ۴:۱۷۶۸	بر سرِ فرزند ۱:۳۸۹۱*
بر ضعیفان، صَفَع ۶:۱۳۴۰*	بر سَرِیر شاه ۵:۹۱۲*	بر سرِ کنعان زد ۳:۱۳۳۰*
بر ضعیفان، ضربت ۶:۴۲۶۱*	بر سُعود و رقصِ ۶:۱۷۲۴*	بر سرِ کوریش ۴:۱۴۷۴
بر ضعیفان، قدرِ ۱:۵۷۹۰*	بر سَقامِ تو ۴:۱۷۹۴*	بر سرِ کوهی ۲:۱۱۲۰*
بر ضعیفی گیاه ۱:۳۳۲۶	بر سگانِ کور ۳:۲۴۲۳	بر سرِ که ۵:۲۶۷۰
بر ضمیرِ آتشیت ۳:۲۴۶۳*	بر سگانم ۳:۱۸۰۱	بر سرِ گنج، از گدایی ۶:۴۳۲۳
بر ضمیرِ تو ۳:۲۴۵۵*	بر سگان و، سایلان ۳:۳۳۴۶*	بر سرِ گنجِ وصالم ۳:۴۱۵۶*
بر ضمیرِ جانِ ۶:۱۳۰۸*	بر سگِ نَفست ۳:۲۵۴۷*	بر سرِ گورت ۵:۱۰۴۹*
بر طَبَقِ آن ذوق ۴:۱۶۰۲*	بر سگ و خواهند ۳:۳۳۲۴*	بر سرِ گورش ۱:۶۶۳*
بر طمعِ خامیِ ۳:۱۴۶۳*	بر سماعِ راست ۱:۲۷۶۳	بر سرِ گورم ۶:۲۷۱۰
بر ظَلامی زد ۴:۵۹۲۰*	بر سَمِعًا ۶:۳۶۶۳*	بر سرِ لاشی ۳:۲۵۸۷*
بر عبادالله ۴:۳۴۴۸*	بر سَواری ۴:۱۵۵۶*	بر سرِ ما دستِ ۲:۲۶۲۶
بر عدم باشم ۵:۳۱۵	بر سَوم پایه ۴:۴۸۹*	بر سرِ ما سایه ۲:۱۳۳۸*
بر عدم تحریرها ۵:۳۱۸	بر سهیلی ۶:۴۸۶۰*	بر سرِ ما گُستَران ۱:۵۵۵*
بر عدم‌ها ۱:۱۴۴۸	بر شَبِ ظلمات ۵:۳۹۱۲*	بر سرِ مَبَرَز ۲:۲۷۰۰*
بر عرب اینها ۲:۲۰۷۱*	بر شترِ بنشست ۲:۶۶۰	بر سرِم جانا ۶:۵۶۰*
بر عرب حق‌ست ۴:۹۵۲	بر شترِ چشم ۵:۵۰۸	بر سرِ میس‌های ۱:۲۷۸۱*

- بر عروقم ۳۷۱۵:۴
بر عس کرده ۴۲۵۹:۶
بر عما آن ۴۱۵۷:۶
بر عمامه ۲۰۲۹:۱
بر عمر عطسه ۲۱۷۵:۱
بر عوام ۳۰۰۷:۴
بر عوانی ۳۸۲۲:۳
بر غبی بند است ۴۲۸۷:۶
بر غلام خاص ۱۵۶۱:۲
بر غلام و بنده ۱۹۴۰:۴
برف را خنجر ۹۲:۶
بر فراز آسمان ۶۴۹:۱
بسر فراز چرخ، خرگاهت ۱۲۶۰:۱
بر فراز چرخ دارد ۶۸۹:۵
بر فراز چرخ مه ۳۲۹۴:۶
بر فراز عرش ۴۶۲:۳
بر فراز قلّه ۲۳۵۹:۶
بر فراز گنبد ۹۲۰:۲
بر فروزید ۸۹۶:۶
بر فزاید ۱۰۴۰:۴
بر فرود از آسمان ۱۳۸:۶
بر فروده خویش ۳۲۰۴:۲
بر فرودی ۶۵۵:۵
بر فزون بنما ۳۵۴۸:۱
بر فساد او ۲۲۱۲:۵
بر فشان بر ۲۷۱۳:۶
بر فشاندن ۱۶۵۹:۲
بر فشانم ۱۲۴۸:۳
بر فقیر ۲۲۳۵:۶
برف گوناگون ۲۳۹۲:۶
بر فلان وادی ۹۳۳:۶
بر فلک، پرهاست ۴۳۸۸:۳
بر فلک پیدا شد ۹۰۲:۳
بر فلک تازد ۴۶۴:۶
- بر فلک زایشان ۲۱۹۰:۳
بر فلک صد ۲۷۰۲:۵
بر فلک، محمودی ۳۸۲۷:۴
برف ها ز آن ۴۱۱۶:۳
برق، آفل ۱۵۴۲:۲
برق آینه ست ۳۲۶۸:۴
برق اگر نوری ۴۵۱:۱
برق خندد ۱۵۴۳:۲
بر قه خواجه ۱۲۴۱:۶
بر قدوم ۱۷۵:۶
بر قرائت ۱۸۶۲:۳
برق را خو ۱۵۴۵:۲
بر قرارم پیش ۳۵۳۱:۴
بر قراضه ۳۲۸۷:۴
برق را گفته ۴۸۱۳:۶
بر قرون ۳۱۱۸:۱
بر قرینه ۴۵۰۵:۳
بر قرین خویش ۳۵۱۴:۲
بر قضا شاهد ۲۸۸۵:۶
بر قضا کم ۴۱۳:۶
بر قضا هر ۹۳۵:۳
بر قضای عشق ۹۱۰:۶
برق عقل ۳۳۲۱:۴
بر قفای تو ۱۳۸۲:۳
بر قفای صوفی ۱۳۳۱:۶
بر قفای قاضی ۱۵۶۴:۶
برق می انداخت ۱۶۰۹:۵
بر قمیص ۴۱۱۸:۶
برق نور ۴۰۹۵:۶
برق و فر ۴۷۱۵:۶
بر قیاس ۵۶۸:۵
بر کر و بر کور ۲۵۸۵:۳
بر کریمانش ۲۳۶۷:۴
بر کریمی ۳۲۶۲:۶
بر کزئی آن ۵۱۸:۲
- بر کزئی بی حد ۲۵۰۱:۲
بر کس ما ۳۳۹۲:۵
بر کسی تهمت ۱۹۱۳:۴
بر کسی که داد ۱۲۲۵:۵
بر کسی که دل ۱۵۴۳:۲
بر کسی من ۳۴۴۹:۳
بر کشانیدش ۳۹۷۹:۶
بر کشد ۱۲۷۴:۲
بر کشم ۴۱۵۰:۶
بر کشنده گاو ۲۵۰۶:۳
بر کشیدش، بود ۳۴۱۶:۵
بر کشیدش فوق ۲۹۷۳:۶
بر کشید و داد ۳۲۹۵:۶
بر کشیده ۷۰۱:۱
بر کف دریا ۱۵۴۶:۲
بر کفش برداشت ۹۱۶:۴
بر کفش چون ۲۲۵۲:۴
بر کف عیسی ۱۰۶۶:۴
بر کف من ۲۰۱۷:۶
بر کف میلش ۱۱۸۳:۴
بر کلوخی دل ۷۰۹:۲
بر کلوخی مان ۴۷۳۲:۶
بر کمان کم زن ۱۷۲۳:۴
بر کن آن موضع ۱۹۴۲:۶
بر کنار بام، محبوس ۱۶۹۴:۳
بر کنار بامی ۲۱۴۶:۴
بر کنار کنگره ۲۱۵۲:۴
بر کنار و دست ۴۱۸۵:۵
بر کن از بن ۳۸۳۶:۵
بر کن از بیخس ۱۳۸۵:۴
بر کند آن جمله ۳۸۷۳:۶
بر کند از بنده ۲۳۴۶:۱
بر کند از دستان ۴۶۸۰:۶
بر کند جان ۸۲۳:۳
بر کند، ز آن سو ۲۶۹۰:۴

بر گشاید بی حجابی ۱۰۴۳:۲	بر گذشته حسرت ۲۲۴۴:۴	بر کند ز آن نور ۳۹۹۱:۶
بر گشاید چشم ۳۳۳۸:۴	بر گذشته ز آسمان ۱۹۱۹:۲	بر کند ما را ۱۱۴۳:۲
بر گشاید قفل ۲۵۱۶:۴	بر گرفت آتش زنه ۳۵۷:۶	بر کنش که نبود ۴۱۷۱:۶
بر گشاید راه ۴۷:۳	بر گرفت آن ۲۱۲۸:۲	بر کنم، آیم ۱۲۰۶:۲
بر گشاید کف ۴۵۲۴:۶	بر گرفت از کوه ۲۱۲۶:۲	بر کنم پیرا که ۶۵۱:۵
بر گشایند آن ۲۳۸۲:۲	بر گرفت از نار ۹۰۹:۲	بر کنم پیرا و حُسنش ۷۰۰:۵
بر گشایی ۴۹۶:۵	بر گرفتند از پی ۳۶۹۹:۶	بر کنم من پرچم ۳۴۴:۲
برگِ کاهم ۹۰۳:۶	بر گرفت و، بُرد ۳۶۱۰:۲	بر کنم من میخ ۷۶۲:۵
بر گلوی بسته ۱۶۶۳:۳	بر گرفت و رفت ۳۰۵۷:۳	بر کنی، اندازیش ۵۳۸:۵
بر گلوی ما ۳۶۷۸:۶	بر گرفته، تیز ۱۳۰۴:۴	بر کنی دندان ۲۵۲۷:۲
بر گمان آن ز شادی ۱۱۵۹:۶	بر گرفته چون ۲۷۸:۱	بر کنیزک ۳۹۴۴:۶
بر گمان آنکه ۱۶۰۸:۳	بر گروه عاد ۱۳۳:۴	بر که افتی ۴۰۹۹:۶
بر گمانی کین ۱۳۶۸:۴	بر گروهی شهد ۱۳۶:۴	بر که آند ۱۰۴۷:۴
برگ‌ها بر شاخ‌ها ۹۹:۳	بر گریبان ۲۰۲۹:۱	بر که رحم ۴۷۹۷:۶
برگ‌ها چون ۱۳۴۳:۱	برگِ زرد ریش ۲۰۵۳:۴	بر که سنگین ۲۵۸۶:۳
برگ‌ها را برگ ۲۷:۳	برگِ زردی ۳۰۲:۴	بر که می‌خندی ۱۰۷۲:۱
برگ‌ها کف زن ۳۲۶۷:۴	برگزید آن فقر ۳۲۱۴:۲	بر کهی دیگر ۸۱۰:۳
برگ‌ها همرنگ ۳۵۱۳:۳	برگزیدش، بُرد ۲۷۰۶:۴	برگِ او فنی گردد ۴۳۷۱:۶
برگ‌های جسم‌ها ۳۵۱۴:۳	برگزیده بود ۱۰۴۷:۲	برگِ بی برگی بود ۳۹۲۷:۱
برگ‌های زرد ۲۰۵۲:۴	برگزیدی بر ظفر ۲۹۹۱:۳	برگِ بی برگی به ۴۷۶۱:۳
برگ‌های سبز ۲۰۸۴:۵	برگزین تو ۲۹۶۵:۱	برگِ بی برگی، تو را ۱۳۷۸:۲
برگ‌های نو ۲۰۵۴:۴	برگزین، خود ۲۷۸۰:۵	برگِ بی برگیش ۲۲۳۷:۱
برگ هم گم ۲۰۰۴:۳	برگزیند، پس ۴۰۷۹:۵	برگِ بی برگی نشانِ طوبی ۹۸۹:۳
برگ یک گل ۲۹۲۰:۱	برگزیند یک یک ۲۸۲:۲	برگِ بی برگی نشان عارفی ۲۰۵۵:۴
بر لب انگشتی ۳۲۴۹:۵	برگِ سیما هم ۲۰۸۲:۵	برگِ بی برگی، همه ۴۵۱۹:۳
بر لب بام ۳۷۲۹:۶	برگشا از دست ۳۰۶۸:۵	برگ تن بی برگی ۱۴۵:۵
بر لب جو بخل ۸۹۴:۲	برگشا از نور ۲۰۰۹:۱	برگِ حس ۱۸۲۳:۳
بر لب جو بُرد ۳۶۱۸:۱	برگشاد آن خوش ۲۱۳۶:۶	برگِ خود ۵۰۵:۵
بر لب جو بود ۱۱۹۲:۲	برگشاد از معرفت ۲۸۵۶:۶	بر گذر زد ۴۰۹۱:۳
بر لب جو صوفی ۱۳۲۹:۶	برگشا در اختیار ۳۲۸۶:۳	بر گذر زین ۲۹۸:۱
بر لب جو گشته ۲۶۳۲:۶	برگشا دستت ۲۰۸۲:۳	بر گذر، که نورت ۲۷۰۹:۴
بر لب جو من به جان ۲۷۲۸:۶	برگشاد و، کرد ۳۰۸۵:۶	بر گذشتند از همه ۲۷۶۴:۵
	برگشاده آب ۱۰۱۸:۶	بر گذشتند و، بدیدند ۲۲۰۴:۴
	برگشاده ست ۲۴۴۷:۴	
	برگشا زین ۲۶۲۹:۵	

بر لب جو من تو را ۲۶۶۷:۶	بر مشوران ۲۴۸۱:۴	بر مَه کامل ۲۵۸۰:۲
بر لب جویِ نهان ۴۶۸۵:۳	بر مُصلّی ۴۲۹۰:۶	بر میانش ۲۴۹۸:۵
بر لب خشکم ۴۴۸۱:۶	بر مطیعان ۴۵۸۹:۳	بر نبشتند ۱۸۴۷:۴
بر لب دریا خُمش ۱۳۵۶:۲	بر معلّم ۱۵۱۸:۶	بر نبشت و سوی ۱۱۶۴:۴
بر لب دریای ۱۰۴۱:۴	بر مقام او ۱۲۱۱:۴	بر نبیِ خویان ۱۸۲۸:۶
بر لب شط ۱۰۳۱:۳	بر مقامش ۶۹۵:۱	بر نبی کم نه ۱۷۲۵:۴
بر لبش قفل ست ۲۲۳۸:۵	بر مقام صبر ۴۱۶۱:۶	بر نتابد، پِسکَلَد ۳۶۴۸:۱
بر لب گور ۱۷۱۰:۶	بر مکن آن پَر خلد ۶۱۲:۵	بر نتابد چشم ۳۶۳۷:۱
بر مثالِ آبِ دریا ۲۵۷۶:۱	بر مکن آن پَسَرِ رهیمای ۶۱۲:۵	بر نتابد دو ۳۰۹۹:۲
بر مثالِ اُستِران ۲۴۹۸:۱	بر مکن آن پر که ۵۵۳:۵	بر نتابد سیب ۱۸۷۲:۴
بر مثالِ برگ ۱۶۸۹:۲	بر مکن پر ۵۷۴:۵	بر نتابد کوه ۱۴۰:۱
بر مثالِ چوب ۱۹۹۸:۱	بر مکن تو خویش ۲۴۸۱:۲	بر نتابد نه زمین ۳۰۷۵:۶
بر مثالِ دایره ۴۸۱۷:۶	بر مکن یکبارگیم ۲۴۴۳:۱	بر نُجوم، آن دیگری ۳۲۴:۵
بر مثالِ راستِ خیز ۲۱۴۸:۳	بر مگس ۲۱۲۸:۲	بر نجفسانم ۳۵۶۴:۲
بر مثالِ سامری ۱۲۵۸:۱	بر ملایک تُرکنازی ۳۳۴۱:۲	بر نخواهم ۳۰۸۵:۳
بر مثالِ سنگ ۳۷۶۰:۴	بر ملایک خُفیه ۱۷۲:۲	بر نزد ۶۷۸:۲
بر مثالِ عنکبوت ۴۶۲:۴	بر ملایک گشت ۱۸۲۴:۲	بر نشان پای ۱۷۷۸:۲
بر مثالِ موج ها ۱۸۵:۲	بر ملولان ۳۶۰۲:۳	بر نشانِ مرگ ۱۷۸۷:۵
بر مَثَل ها ۱۰۸۰:۴	بر من آرد ۴۴۱:۵	بر نشست او ۱۵۵۷:۶
بر مُجَبَّان ۲۶۴۲:۵	بر من آسان ۱۴۸۴:۶	بر نشست و تابه ۲۵۱۳:۶
بر محبّت های سیر ۲۶۲۸:۱	بر من آمد ۳۹۹۷:۵	بر نشستی ۶۷۳:۲
بر محبّت های مُضَمَّر ۲۶۲۷:۱	بر منادی ۳۴۶:۱	بر نظر ۲۸۷۳:۶
بر مَحکِّ امر ۲۵۰:۵	بر مناره رَو ۲۵۳۲:۵	بر نفیر ۱۶۶۴:۵
بر مَحک زن ۳۰۲۵:۲	بر مناره شاه ۱۱۴۰:۶	بر نکندی ۸۷:۳
بر مراتب ۳۶۵۲:۱	بر من از عشقت ۱۲۴۴:۵	بر نگرדם ۲۱۸:۶
بر مرادِ او روانه ۱۸۸۷:۳	بر من از هستی ۲۰۲۳:۵	بر نگردي ۳۱۱۶:۵
بر مرادِ او رَوَد ۱۸۸۵:۳	بر مناسب شادی ۷۱۹:۲	بر نمد آن ۴۰۱۲:۳
بر مراد تو ۳۴۴۰:۴	بر من است امروز ۲۱۳:۱	بر نمد چوبی ۴۰۱۲:۳
بر مراد دل ۱۳۲۸:۶	بر منافق، مات ۲۸۷:۱	بر نمی داری ۳۲۳۲:۲
بر مرادِ مرغ ۳۳۵۷:۱	بر منافق، مُردن ۱۰۷۶:۲	بر نوشت آن ۴۹۹:۱
بر مُراد و امر ۳۵۶۶:۱	بر من این کشف ۲۳۰۲:۵	بر نوشته چشم ۳۱۴:۵
بر مسلمانان، پُل ۱۰۷۰:۴	بر منِ محجوبِشان ۱۹۴۹:۳	بر نوشته میر ۳۱۲۵:۴
بر مسلمانان زیان ۳۳۷۰:۳	بر من مسکین ۲۱۴۰:۵	بر نوشته هیچ ۱۹۶۱:۵
بر مسلمانان، شود ۶۰:۴	بر منی و خویش ۳۴۱۶:۱	بر نوشتی، فتنه ۳۱۱:۵
بر مسلمانان نمی آری ۳۲۴۷:۴		بر نویس احوال بیر ۲۹۳۸:۱

بر نویس احوالِ خود ۴: ۳۴۲۹	بر هزاران آرزو ۴: ۳۲۸۸	بر یکی لطف ۶: ۴۲۸۸
بر نویس اکنون ۳: ۲۱۲۱	بر همان صورت ۳: ۱۲۷۹	بُرُ گرفتن ۵: ۱۳۶۴
بر نویس، اَللهُ ۳: ۱۱۹۱	بر همان اُمید ۴: ۵۱	بزم جان ۶: ۸۷۲
بر نویسد بر صحایف ۴: ۳۷۳۳	بر همان بُو ۱: ۳۹۹۹	بُز مرا، که ۱: ۳۰۴۵
بر نویسد بر وی ۲: ۱۸۲۸	بر همان در ۳: ۳۱۹	بزم، مخلص ۶: ۲۶۰۴
بِر نه آرد همچو ۱: ۴۸۶	بر همان دَم ۵: ۳۲۲۸	بزم و زندان ۶: ۲۶۰۴
بر نهد بر پاش ۱: ۴۰۱	بر همه آفاق ۲: ۳۵۱	بُز نترسیدی ۳: ۲۶۶۶
بر نهد سر دیگ ۵: ۳۲۵۰	بر همه اشیا ۶: ۹۳۸	بسا در گور ۶: ۳۰۱۲
بر نهی پنبه ۳: ۳۶۷۲	بر همه اَصافشان ۵: ۱۱۹۲	بس اشارت‌های ۱: ۹۳۵
بر نیایی با وی ۲: ۲۲۷۶	بر همه بُردند ۶: ۱۴۷۱	بس انامِل ۴: ۱۶۰۴
بر نیامد با خود ۳: ۸۸۲	بر همه تسخرکنان ۴: ۸۳	بس بجوشیدی ۶: ۱۷۷۶
بر نیامد باوی ۶: ۳۹۴۵	بر همه جُوها ۶: ۲۲۴۲	بس بدیدم ۶: ۴۸۰۶
بر نیوردی ز تلوین ۶: ۱۶۴۶	بر همه درس ۵: ۲۵۰۹	بس بدیدی ۶: ۱۵۴۶
بر نیوردی ز چَه ۶: ۴۱۱۳	بر همه دل‌های ۱: ۱۶۷۵	بس بر آن ۲: ۳۰۲۶
بر نیایم یک ۲: ۲۱۷۰	بر همه زنجیر ۱: ۳۱۶۱	بس بکوشیدی ۳: ۷۲۹
بر نیفتد ۳: ۳۱۰۵	بر همه زهر ۴: ۶۴	بس بکوشی و به ۴: ۳۳۵۳
بر نبی گشته ۲: ۲۳۴۰	بر همه شاهان ۱: ۲۶۱۱	بس بگفتندش ۲: ۱۲۲۸
بر وِساده ۲: ۳۱۵۸	بر همه طفلان ۱: ۲۷۲۸	بس بلا ورنج بایست ۴: ۲۹۸۵
بر وظیفه دادن ۶: ۳۲۹۸	بر همه کافر دِلان ۴: ۸۳	بس بلا ورنج می‌باید ۴: ۲۹۸۳
بر وفاق سُنّیان ۳: ۱۵۳۹	بر همه کَفّار ۳: ۱۸۰۰	بس بلند و بس ۲: ۳۶۶۹
بر وفاقِ گریه ۵: ۱۳۰۰	بر همه مَی ۴: ۲۱۵۸	بس بلند و پهن ۲: ۳۶۵۲
بر ولادات ۳: ۴۴۱۰	بر همین در ۴: ۱۰۸۲	بس بلیسانه ۳: ۲۳۵۸
بر وی آن ره ۶: ۵۱۴	بر همین فکرت ۳: ۱۵۴۶	بس بمالید ۳: ۳۱۱۷
بر وی افتاد ۴: ۴۳	بر هوا انداخت ۳: ۱۵۵	بس بود خورشید ۱: ۳۶۴۳
بَر وی اَلرَّحْمَن ۱: ۳۶۶۵	بر هوا بُردی ۶: ۴۸۱۹	بس بهانه ۳: ۴۳۹
بر وی انبوهی ۵: ۴۱۶	بر هوا تاویل ۱: ۱۰۸۱	بس پذیرفتی ۳: ۴۷۰۱
بر وی، او دُرّی ست ۴: ۹۹۴	بَره یی ۶: ۱۴۲۱	بس پراکنده ۲: ۴۳۳
بر وی این جَوَر ۶: ۱۴۳۴	بر یکی اشتر ۶: ۲۶۸۱	بس پشیمان ۵: ۱۵۱
بَره پیش ۶: ۱۴۲۲	بر یکی حَبه ۶: ۴۴۲۵	بست آن سوگندها ۵: ۱۵۷۵
برهد از موشی ۲: ۲۴۳۴	بر یکی خر، بارِ سنگ ۶: ۳۲۴۱	بس تا نئی ۵: ۵۸
بر هدف انداخت ۳: ۲۲۲۶	بر یکی خر، بارِ لعل ۶: ۳۲۴۱	بست باید ۶: ۲۷۳۳
بر هر آنچه یافتی ۳: ۱۹۶۰	بر یکی رحمت ۲: ۱۹۴۱	بست چندین ۴: ۵۹۳
بر هر آن چیزی ۳: ۵۵۳	بر یکی زهرست ۵: ۴۲۳۶	بستدم جمله ۴: ۱۷۴۹
بر هر آن عَضُوش ۶: ۳۳۴۸	بر یکی قند ۶: ۴۲۸۸	بِسْتَدَم خِلْمَت ۵: ۲۰۳
		بستدیم ۴: ۱۲۳۳

بستر آن سوی ۵: ۳۶۵۷#	بسته کرد آن ۴: ۷۱۱#	بس سپاه و جمع ۲: ۲۶۷۱#
بسترش کردم ۶: ۴۸۱۱#	بسته گی کردند ۲: ۲۶۳۰#	بس سپه بنهاد ۶: ۳۷۴۴#
بستر ما ۵: ۳۶۵۰#	بسته می آریمتان ۳: ۴۵۷۹#	بس ستاره آتش ۱: ۳۸۴۱#
بستگان خشک ۵: ۲۱۵#	بسته می دارد ۵: ۱۸۶۰#	بس ستاره سعد ۲: ۲۶۷۱#
بستگی نطق ۶: ۲۶۳۸#	بسته و موقوف ۶: ۴۱۸۵#	بس سرای ۶: ۸۶۶#
بستن این دزد ۲: ۲۷۹۹#	بسته هر جوینده ۵: ۳۶۸#	بس سرب بی تن ۵: ۳۷۷۳#
بس تن بی سر ۵: ۳۷۷۳#	بسته بی در بیدلی ۶: ۳۵۶۸#	بس سوال ۵: ۲۶۸۳#
بس توان آسان ۶: ۹۹۲#	بس تنایت ۲: ۱۹۰۵#	بس شدستم ۱: ۱۴۲۱#
بسته از جوق ۶: ۱۷۲۸#	بس جفا گویند ۵: ۳۱۵۰#	بس شکنجه ۳: ۴۷۵۰#
بسته اسباب ۴: ۲۳۸۰#	بس جگرها گردد ۴: ۲۷۶۹#	بس شناسایی ۴: ۳۸۳۳#
بسته است او ۳: ۳۰۶۸#	بس جوال ۵: ۸۵۳#	بس شهان آن ۶: ۲۵۳۸#
بسته است و در ۲: ۲۱۹۵#	بس جهند ۱: ۹۱۷#	بس ضعیفند ۳: ۷۶#
بسته ام من ۶: ۱۸۱#	بس جهودی ۶: ۲۴۵۰#	بس طپید آن ۶: ۳۹۴۵#
بسته اند اندر ۳: ۲۰۷۷#	بس چنین ۶: ۲۱۹۲#	بس ط دیدی ۳: ۳۶۳#
بسته اند این بی حیایان ۴: ۱۷۰۳#	بس خجسته ۱: ۳۸۳۱#	بس طتاب ۵: ۴۱۶#
بسته اند اینجا ۵: ۶۲۰#	بس خرابی در فتادی ۱: ۲۰۶۴#	بس هندستان ۴: ۳۰۷۸#
بسته ای در گردن ۳: ۲۲۴۰#	بس خرابی ها ۵: ۱۰۶#	بس عجایب ۵: ۲۶۶۹#
بسته بود اندر ۳: ۸۳۶#	بس خوش است ۶: ۳۱۶#	بس عجب آمد از آن ۵: ۱۳۴۴#
بسته بودش ۳: ۱۰۴۰#	بس خیالات ۱: ۳۲۸۱#	بس عجب آمد و را ۵: ۱۴۴۷#
بسته بودی ۳: ۲۶۶۴#	بس درازست این حدیث ۱: ۱۸۱۴#	بس عجب در ۲: ۲۲۳۵#
بسته بهر او ۶: ۴۵۳۴#	بس درازست این حکایت ۴: ۳۱۷۲#	بس عجب فرزند ۴: ۱۰۱۷#
بسته پای ۳: ۱۲۸۰#	بس درشت ۶: ۱۷۶۲#	بس عداوت ها ۵: ۱۰۶#
بسته جسمی ۱: ۲۰۰۷#	بس دریغست ۵: ۴۰۴۵#	بس عریض ۶: ۳۰۷۶#
بسته داری ۳: ۱۰۶۴#	بس درین صندوق ۶: ۴۵۲۷#	بس عزیزی ۳: ۲۶۸۸#
بسته در زنجیر ۱: ۶۳۱#	بس دعاها رد ۳: ۱۶۹#	بس عظیم ۳: ۲۶۰۵#
بسته درهای ۱: ۱۶۷۰#	بس دعاها کان ۲: ۱۴۰#	بس عنایت هاست ۴: ۲۵۹۸#
بسته دندانهاش ۵: ۲۴۱۴#	بس دل چون ۱: ۵۳۱#	بس غذای سکر ۳: ۲۹۴#
بسته روزن ۳: ۲۸۲۹#	بس دویدیم ۳: ۷۶۲#	بس غذایی ۳: ۲۶۸۷#
بسته شد پایم ۵: ۲۶۲۸#	بس رباطی ۱: ۳۲۶۰#	بس غریبی ها ۵: ۴۱۸۳#
بسته شد راه ۳: ۳۹۸۱#	بسرشد ۶: ۳۹۴۷#	بس غلط ۳: ۴۷۷۵#
بسته شیر ۳: ۱۲۸۵#	بس زَر و زَر بفت ۶: ۲۸۴۷#	بس غیورند ۴: ۷۰۶#
بسته عشق ۳: ۴۶۱۵#	بس زیادت ها ۱: ۳۸۷۱#	بس فساد ۲: ۵۲۰#
بسته عقل ۵: ۲۳۴۳#		بس فسانه ۵: ۱۸۹۷#
بسته فصلست ۴: ۳۶۹۹#		بس فواید ۲: ۲۱۴۹#
بسته قهر ۳: ۴۵۴۷#		بس کس از عقد زنان قارون

بشنو از بنده ۶: ۲۵۵۹ #	بس گریست ۶: ۳۲۴۷ #	۳۶۸۹:۶
بشنو از عقل ۵: ۱۵۲۶	بس گش و رَغْناسْت ۶: ۳۴۵۸ #	بس کس از عقدِ زنانِ مدیون
بشنو از فوق ۲: ۱۹۴۲ #	بس گُلَابِ لطف ۱: ۲۷۷۴ #	۳۶۸۹:۶
بشنو از میناگران ۴: ۳۰۷۴ #	بس گلوها ۵: ۲۸۱۸ #	بس کسا، عزمی ۴: ۳۲۳۴
بشنو از نی ۱: ۱	بس گمان و وهم ۶: ۲۵۶۸	بس کسا که ۳: ۴۷۹۲
بشنو اکنون اصل ۱: ۲۹۰۴	بس لطیف و با فروغ ۵: ۳۳۶۱ #	بس کس اندر ۴: ۲۱
بشنو اکنون این ۳: ۴۳۴۹	بس لطیفی ۲: ۱۰۰۶ #	بس کسان را ۲: ۳۱۶۸
بشنو اکنون داد ۶: ۳۵۳۳	بس مبارک ۳: ۴۳۶۶ #	بس کسان صَفْعِ اش ۲: ۳۶۴۸
بشنو اکنون در بیان ۵: ۴۰۳۴ #	بس مثال و شرح ۲: ۸۴۰	بس کسان که ۱: ۳۳۸۴
بشنو اکنون صورت ۲: ۲۰۲	بس مُرودِ کوهی ۳: ۱۶۳۴ #	بس کسان گفتند ۲: ۳۶۴۸
بشنو اکنون قصه آن بانگ	بس مُطَوَّق ۴: ۳۰۹۱ #	بس کسی از ۶: ۳۶۸۸
۳: ۴۳۴۵	بسمل ایشان ۵: ۳۳	بِسْکُلِ این جلی ۵: ۷۶۴ #
بشنو اکنون قصه آن رهروان	بِسْمِلْش را ۵: ۳۷۴۹ #	بِسْکُلْدِ اِشْکال ۳: ۱۱۳۵ #
۳: ۱۸۷۸	بس مناسب ۶: ۳۵۰۷	بِسْکُلْنْد ۶: ۲۳۸۳ #
بشنو اکنون قصه ضعیف	بس نباشد ۲: ۲۶۹۴ #	بس کن، از شرحی ۳: ۳۰۰۸
۶: ۱۱۱۱ #	بس نکو گفت ۵: ۴۵۴	بس کن ای دون ۱: ۳۸۷۷
بشنو اکنون ماجرای ۵: ۱۶۳۹	بس نمودم ۴: ۲۶۶۱	بس کن ای موسی ۴: ۲۵۶۸
بشنو الفاد ۳۴۲۶	بس نهان از ۵: ۳۳۰۶	بس، کنم خود ۴: ۲۷۷۰
بشنو انم طبل ۱: ۳۵۰	بس وصیت کرد ما ۳: ۲۶۲	بس کنم، دلبر ۳: ۳۸۴۴
بشنو ای غافل ۱: ۲۱۱۸ #	بس وصیت کرد و تخم	بس کنم، گر ۱: ۳۸۲۰
بشنو این اِشْکالِ ۲: ۷۸۸	۵: ۱۵۳۰	بس که آن شیر ۱: ۹۰۱
بشنو این افسانه ۳: ۲۳۵ #	بس وصیت‌ها ۵: ۱۴۷۹	بس، که از شرم ۱: ۲۱۸۵ #
بشنو این بند ۱: ۱۹۰۵	بس همایون رای ۶: ۳۳۶۹	بس که افزود ۶: ۸۸۷
بشنو از تخیج‌های	بشکن آن شیشه ۱: ۳۹۵۹	بس که اندر ۳: ۳۹۲۴
۲: ۳۱۳۸ #	بشکند پل ۲: ۲۸۴۳ #	بس که تیغ قهر ۳: ۸۳۳ #
بشنو این زاری ۶: ۲۸۰۰	بشکند توبه ۴: ۳۳۸۳ #	بس که خود را ۴: ۲۳۵۶
بشنو این قصه ۲: ۵۱۳	بشکند سوگند ۲: ۲۱۳۲ #	بس که خوردم ۱: ۱۴۲۲
بشنود آن ۱: ۳۱۸	بشکند صد ۵: ۲۵۸۹ #	بس که ظلمت ۶: ۳۶۲
بشنوم؟ یا ۴: ۳۵۹۶	بشکند کَلّه ۶: ۳۰۲۸ #	بس که غَدِر ۶: ۱۶۷۱
بشنو، معنی ۳: ۳۶۲۵ #	بشکند گفتش ۶: ۲۸۸۰ #	بس که کردید ۱: ۲۵۴۹
بشنوی از خویش ۳: ۱۳۰۱	بشکند نرخ ۵: ۱۸۵۵ #	بس که لابه ۵: ۱۵۷۶
بشنوی از قال ۳: ۴۷۶۸	بشگفاند کهنه ۳: ۲۶۹۹ #	بس که می افتاد ۳: ۲۶۵۹
بشنوی از نوربخش ۶: ۲۷۳۹ #	بشمرند آن ۶: ۷۸۰	بس گران‌بندی ۴: ۳۴۰ #
بشنوی تو ۳: ۴۲۸۰	بشنو آینه ۶: ۳۰۷۷ #	بس گرفتی ۳: ۳۴۱
بشنوید از من ۶: ۳۶۵۲ #	بشنو از اخبار ۱: ۳۸۱	بس گریزند ۱: ۹۱۷

بشنوید آسارِ ۱: ۳۶۰*	بعد از آن برداشت ۴: ۷۰۹	بعد از آن در نوحه ۵: ۶۱۳*
بشنوید ای دوستان ۱: ۳۵	بعد از آن بر رو ۴: ۳۵۶۹	بعد از آن دیدم درختان ۳: ۲۰۴۸
بشنوید ای طوطیان ۵: ۲۵۲۷*	بعد از آن بر ساختش ۱: ۳۱۰*	بعد از آن دیدم که ۶: ۲۴۳۳
بشنوید این طبلِ ۲: ۳۷۴۳*	بعد از آن برگیر ۴: ۳۵۷۷*	بعد از آن رَجَعَت ۵: ۴۱۸۲*
بشنوی غم‌های ۳: ۴۸۴	بعد از آن بر ماست ۵: ۱۹۸۷*	بعد از آن، رُو ۱: ۳۱۰۴
بشنوی و، ناشنوده ۴: ۲۴۵۴*	بعد از آن بگرفت ۶: ۱۰۵۹	بعد از آن، زان گور ۵: ۳۲۷۳
بشنوی یکبار ۳: ۱۳۲۷*	بعد از آن بگشاد لب ۶: ۱۶۸۹*	بعد از آن، زان نور ۶: ۲۴۳۰*
بطّ حرص آمد ۵: ۴۶	بعد از آن بگشاده ۳: ۲۹۲۴*	بعد از آن سرها ۳: ۴۵۹*
بطّ حرص ست ۵: ۴۴	بعد از آن پرسیان ۶: ۲۱۱۵	بعد از آن سوگند ۳: ۱۵۳۵
بطّ رازشکستن ۶: ۴۰۶۴	بعد از آن پَر یابد ۲: ۳۲۸۷	بعد از آن سويِ ۶: ۳۹۸۱*
بطّ رالیکن ۵: ۳۲۹۴*	بعد از آن تاجش ۴: ۱۹۰۷	بعد از آتش، از ۱: ۱۸۲۵
بطّ عاقل ۳: ۴۳۳	بعد از آنت جان ۴: ۱۸۸۹	بعد از آتش با ۱: ۱۶۴۰*
بطّ، قوی ۲: ۱۳۸۰*	بعد از آن ترسا ۶: ۲۴۵۳	بعد از آتش داد ۴: ۱۲۲۶
بطن چارم ۳: ۴۲۴۶	بعد از آن تنها ۲: ۲۹۹۸	بعد از آن شد ازدها ۳: ۱۲۳۳
بطّ و طاوس ست ۵: ۴۳	بعد از آن تو ۴: ۴۳۹	بعد از آن شد پیشِ ۱: ۱۰۵۵*
بعث را جو ۶: ۸۲۰*	بعد از آن جام ۶: ۴۸۸۰*	بعد از آتش کز ۴: ۱۹۰۸
بعدِ آن، عقلش ۴: ۳۶۸۱*	بعد از آن جان ۳: ۵۲۷*	بعد از آن، شهری ۱: ۱۶۲۰*
بعد آن مِحنَت ۵: ۲۳۲۵	بعد از آن، جمله ۶: ۲۸۴۱	بعد از آن صبرش ۶: ۳۰۸۵
بعد از آن، آتش ۱: ۸۷۳	بعد از آن چل ۱: ۶۶۲	بعد از آن صدیق ۶: ۹۵۳
بعد از آن آمد به سوی ۱: ۳۴۸۰	بعد از آن، چندان ۴: ۴۴	بعد از آن عالم ۱: ۳۵۸۰
بعد از آن آمد کسی ۵: ۲۳۱۷	بعد از آن چیزی ۲: ۱۲۶۰	بعد از آن قَوّت ۵: ۳۸۱۹
بعد از آن، ابلیس ۵: ۲۳۰۵*	بعد از آن خلوت ۶: ۸۹۳	بعد از آن قومی ۳: ۱۷۱۰۰
بعد از آن از بانگ ۳: ۳۲۱۵	بعد از آن خواهی ۴: ۴۴۱	بعد از آن کامیخت ۱: ۳۹۹۹*
بعد از آن از بهر ۱: ۲۰۲	بعد از آن خود ۲: ۱۶۲۰*	بعد از آن کودک ۶: ۳۸۶۶
بعد از آن، اطلاق ۳: ۱۲۳۶	بعد از آن خوفی ۵: ۲۲۸۷	بعد از آنکه بند ۶: ۳۷۸۳*
بعد از آن افتد ۱: ۳۴۵۲*	بعد از آن دادش ۵: ۴۰۴۳	بعد از آن گر ۵: ۲۰۲۷
بعد از آن امر ۵: ۲۷۸۶*	بعد از آن دامانِ ۳: ۲۲۳۶*	بعد از آن گفت از برای ۳: ۸۷۰
بعد از آن، اندر رسد ۱: ۲۵۲۷*	بعد از آن داود ۳: ۲۴۲۵	بعد از آن گفت: از طبیبان ۱: ۳۳۷۳
بعد از آن اندر شب ۶: ۳۰۲	بعد از آن دَرَبَست ۴: ۴۸*	بعد از آن گفت ای ۴: ۷۰۶
بعد از آن، او خوشه ۳: ۴۵۸*	بعد از آن در پیشِ ۱: ۱۰۲*	بعد از آن گفتش بدان ۵: ۲۴۲۸
بعد از آن این دو ۶: ۶۶۳	بعد از آن در جو ۱: ۳۰۸*	بعد از آن گفتش: بیا ۳: ۲۴۸۵
بعد از آن این نار ۱: ۳۶۹۷	بعد از آن در زیر ۱: ۳۴۵	بعد از آن گفتش: چه ۱: ۳۳۷۲
بعد از آن بر جای ۴: ۴۹۶	بعد از آن در سِرّ ۲: ۱۷۷۲	بعد از آن گفتش سخن‌های ۶: ۲۱۳۶
بعد از آن برخاست آن ۱: ۱۸۲	بعد از آن، درمان ۳: ۴۴۵	
بعد از آن برخاست و ۳: ۴۳۵۶	بعد از آن در مُشکل ۶: ۲۱۳۶	

بعد از آن هر جا روی مشرق	۱۴۳۳:۱
۴۶:۲	بعد از آن گفتش سلام
بعد از آن هر جا روی نیکو	*۱۸۴۵:۱
۴۵:۲	بعد از آن گفتش که آن ۳۱۷۹:۲
بعد از آن هر صورتی ۵۸۰:۳	بعد از آن گفتش که ای جان
بعد از آن هم از بلندی	*۱۵۲۰:۲
۳:۱۷۵۰	بعد از آن گفتش که ای سالار
بعد از آن یا حسرتا ۳۵۸۲:۱	۴۸۳:۵
بعد از آن یمشی ۱۵۱۴:۳	بعد از آن گفتش که ای صمصام
بعد از این، این ۶۲۰:۶	*۳۴۴۴:۴
بعد از این باشد ۱۰۷۶:۱	بعد از آن گفتش که چادر
بعد از این با گفت ۶۴۶:۱	۱۳۵۸:۵
بعد از این بر وی ۳۳۷۴:۲	بعد از آن گفتش که در ۲۲۵۴:۴
بعد از این تان ۳۶۲۸:۶	بعد از آن گفتش که گندم ۵۲۶:۶
بعد از این حرفی ۱۵۳۲:۶	بعد از آن گفتند: ای بابا
بعد از این دستوری ۶۴۶:۱	۱۱۷۶:۳
بعد از این دیوانه ۲۳۳۲:۲	بعد از آن گفتند: ای مادر
بعد از این ز آن ۱۱۷۸:۱	۱۱۷۴:۳
بعد از این شد عقل ۱۰۶۵:۱	بعد از آن گفتند با ۳۱۲۱:۳
بعد از این، فرمان ۱۰۷۵:۱	بعد از آن گفتند کای ۱۰۴۱:۱
بعد از این کد ۲۶۹۷:۵	بعد از آن گفتند: کین ۳۴۱۰:۳
بعد از این ما ۲۳۱۱:۶	بعد از آن گفتند: ما ۲۰۶۴:۳
بعد از این می‌ده ۲۷۸۷:۵	بعد از آن گوشت ۱۰۹۷:۴
بعد از او، خود ۱۹۵۵:۵	بعد از آن گوید اگر ۴۱۸۳:۶
بعد از این از ۲۷۹۴:۵	بعد از آن گوید: خیالی
بعد از این باریک ۸۲:۶	*۳۵۰۱:۲
بعد از اینت ۴۶۲۲:۶	بعد از آن لا تُسْرِفُوا ۵۸۲:۵
بعد از این خون ریز ۷۳۹:۱	بعد از آن لذت ۵۲۸:۳
بعد از این گر ۱۷۷۵:۲	بعد از آن ما را ۳۵۹۲:۱
بعد از این جمله ۲۳۸۴:۳	بعد از آن مهر ۴۱۸۱:۶
بعد بسیار ۳۷۸۷:۶	بعد از آن مهمان ۳۶۵۵:۵
بعد پیری ۱۶۰۰:۴	بعد از آن می‌راندشان ۳۵۹۵:۱
بعد توبه ۱۴۹۱:۱	بعد از آن می‌گفت ۱۲۴۷:۳
بعد تو مرگیست ۲۸۹۴:۶	بعد از آن نوحه‌گری ۵۵۹:۶
بعد چندین ۱۸۳۵:۴	بعد از آن ویرانی ۳۰۶:۱
بعدِ حینی ۱۸۶۶:۱	
بعدِ دَرکت ۲۶۹۵:۳	
بعد درماندن ۵۳۴:۶	
بعد ده سال ۲۵۸:۳	
بعد دیری ۲۰۵۴:۳	
بعد سالی باز ۴۵۵۳:۶	
بعد سالی چند ۱۱۶۶:۴	
بعد سالی گفت ۳۱۸۵:۴	
بعدِ سلطانی ۱۲۱۵:۴	
بعد سه روز از ۲۵۲۳:۱	
بعد سه روز دگر ۲۵۲۴:۱	
بعد سه روز و سه شب حیران	
۲۵۷:۱	
بعد سه روز و سه شب که	
۸۵۹:۵	
بعد شکر ۱۲۱۵:۴	
بعد ضدّ ۳۷۶۳:۳	
بعدِ طوفانِ ۵۳۹:۶	
بعد غیبت ۲۹۸۷:۶	
بعدِ فردا شد ۱۵۹۹:۴	
بعد قبضِ ۳۷۶۴:۳	
بعد قصّه ۳۱۷۰:۱	
بعدِ کشتن ۷۰۶:۱	
بعدِ «لا» آخر ۲۰۹۷:۶	
بعد ما ضاعَتْ ۱۸۹۳:۵	
بعد ماهی چون ۵۹۸:۳	
بعد ماهی گفت ۶۶۸:۱	
بعدِ مرگ ۳۶۴۰:۱	
بعد نصف اللیل ۶۰۰:۶	
بعد نومیدی، بسی ۲۹۲۵:۳	
بعد نومیدی ز بیرون ۳۲۷۴:۴	
بعد نومیدی و آه ۱۶۱۵:۵	
بعد نه سال ۲۹۷۸:۶	
بعد نه مه ۹۳۸:۳	
بعد یک دم ۲۷۴۹:۴	

بَلْ ز کشتی هاش ۲۲۲۴:۶	بگرویدند ۲۸۴۰:۳	بَعْدِ یَکدیگر ۷۹۲:۵
بَلْ زِیَان دارد ۳۰۹۰:۳	بَلْ اِغَاظُهُمْ ۶۶۹:۶	بَعْدِ یَک ساعت بدیدند
بَلْ عَدُوّ خویشت ۳۶۱۹:۳	بَلْ بَرای قهر ۲۹۹۲:۴	۳۱۳۸:۳
بَلْ عَقُول ۳۵۸۰:۳	بَلْبِلَا تَرْکِ ۱۸۱۶:۶	بَعْدِ یَک ساعت برآورد
بَلْعَمْ باعور را ۳۲۹۸:۱	بَلْبِلْ از آواز او ۱۹۱۴:۱	۳۱۱۵:۳
بَلْعَمْ باعور و ابلیس لعین	بَلْبِلْ از آوازِ خوش ۲۸:۶	بَعْدِ یَک ساعت به دست
۷۴۷:۳	بَلْبِلَان پنهان ۴۰:۲	۴۰۴۹:۵
بَلْعَمْ باعور و ابلیس لعین	بَلْبِلَان ذکر ۲۵۶۶:۲	بَعْدِ یَک ساعت عُمَر ۱۴۲۶:۱
۴۷۸۹:۳	بَلْبِلَان را جای ۲۱۱۶:۲	بَعْدِ یَک ساعت که ۲۵۳۰:۶
بَلْ قِضَا حَقِّست ۴۰۷:۶	بَلْبِلَان را عشقِ بازی ۷۶۳:۱	بَعْر را ای ۲۰۸۵:۴
بَلْک از آن مستان ۷۱۱:۳	بَلْبِلَان گِرد ۲۵۶۲:۵	بِفُسْرَد عشقِ ۹۷۳:۶
بَلْک از و کن ۷۷:۴	بَلْبِلَانه نمره ۷۰۰:۶	بِفِگَن از من ۲۱۶:۶
بَلْک بویشت ۲۰۹۷:۳	بَلْبِلْ ایشان ۳۷۵۵:۲	بِکُشْدَش، یا ۲۷۵۱:۴
بَلْ کزو بگریزد ۱۶۱۹:۶	بَلْبِلْی زینجا ۸:۲	بِکُشْمَش یا ۸۴۰:۵
بَلْکَه آتش ۷۹:۱	بَلْبِلْی کُل دید ۲۶۳۹:۶	بِگُذَر از انسان ۱۸۸۸:۴
بَلْکَه آن آهو ۳۰۰۶:۳	بَلْبِلْی مفروش ۱۸۱۵:۶	بِگُذَر از اینها ۱۰۵۱:۲
بَلْکَه آن غِذَار ۲۳۲۹:۴	بَلْ به جامه ۲۳۴۷:۱	بِگُذَر از زر ۲۰۶۰:۴
بَلْکَه آن مغزست ۳۲۳۱:۲	بَلْ به جای خوان ۲۴۸۹:۲	بِگُذَر از مستی ۳۰:۶
بَلْکَه از آینه ۲۰۹۴:۲	بَلْ بِي آن ۳۴۹۷:۲	بِگُذَر از ناموس ۱۳۳۱:۲
بَلْکَه از اعمال ۴۷۵:۴	بَلْ جفا را ۳۱۵۲:۵	بِگُذَر از نقشِ سَبو ۱۰۲۱:۲
بَلْکَه از بهرِ غرضها ۲۷۷۸:۶	بَلْ جُنُون ۱۸۹۴:۵	بِگُذَران از جان ۳۹۰۱:۱
بَلْکَه از بهرِ مقام ۲۹۹۰:۴	بَلْ جَهْد از کون ۳۹۵۰:۳	بِگُذَراند مر تو را ۲۰۱:۲
بَلْکَه از جمله ۸۰۵:۲	بَلْ چنان داند ۳۶۳۱:۴	بِگُذَران زین آب ۳۴۵۰:۲
بَلْکَه از چفسیدگی ۱۱۴۹:۵	بَلْ چنین حیران ۳۱۳:۱	بِگُذَرانم صد هزاران ۳۴۵۲:۲
بَلْکَه از دجله ۲۸۵۲:۱	بَلْ چو اسماعیل ۴۱۰۱:۳	بِگُذَرانید از تَکِ ۹۰۸:۲
بَلْکَه از وسواس ۷۶۵:۴	بَلْ چو معراج ۵۵۴:۴	بِگُذَرانید این تمنا ۳۹۷:۱
بَلْکَه از وی زشت ۱۳۷۲:۳	بَلْ حقیقت ۱۶۳۶:۶	بِگُذَرای مؤمن ۲۷۱۰:۴
بَلْکَه اغلب ۲۹۱۶:۳	بَلْ رَمَد زان نی ۳۶۶۲:۶	بِگُذَر از چپ ۲۱۶۱:۵
بَلْکَه اکنون شاه ۱۸۷۱:۵	بَلْ زبانه ۳۹۸۲:۱	بِگُذَر از زین ۲۳۷۷:۴
بَلْکَه امرست ۳۳۲۰:۴	بَلْ ز بیمش ۱۱۹۰:۶	بِگُذَر این ۲۰۷۲:۲
بَلْکَه اندر مَشْرِب ۳۴۶۴:۱	بَلْ ز جايِ دیگر ۴۱۹۱:۶	بِگُذَر زین ۲۶۰۹:۱
بَلْکَه اندر ملک ۲۶۰۷:۱	بَلْ ز چشمت ۲۸۰۷:۶	بِگُذَر که لَا حِبُّ ۱۵۵۹:۲
بَلْکَه او از تو ۲۴۷۹:۱	بَلْ ز چشم دل ۴۴۰۶:۶	بِگُذَری از کفر ۶۲۲:۱
بَلْکَه او همدرد ۵۷۵:۳	بَلْ زر مضروب ۴۳۶۲:۳	بِگُذَری ز آن ۱۴۳:۶
بَلْکَه ایشان را ۱۷۸۷:۳	بَلْ ز صد ۳۹۸۹:۱	بِگُرویدستی ۲۲۲۷:۵

بلکه این خنده ۴: ۳۶۶۰	بلکه خود را ۳: ۱۳۱	بلکه همچون ۵: ۲۲۹۵
بلکه این ز آنست ۲: ۲۳۶۶	بلکه در هاروت ۳: ۱۶۹۸	بلکه یتبوع ۶: ۲۶۵۴
بلکه این شادی ۴: ۴۱۳	بلکه دفعش ۱: ۲۴۸۸	بل مثال ۱: ۵۰۲
بلکه این میراث‌های ۱: ۳۴۰	بلکه رزقی ۳: ۲۵۴۱	بل مکان و لامکان ۱: ۱۵۸۳
بلکه باغ ۳: ۵۰۳	بلکه زهری ۵: ۷۱۲	بلغمه از خانه ۳: ۳۵۶۴
بلکه با وصف ۳: ۴۰۱۱	بلکه سنگ ۶: ۲۴۲۰	بل نرفت آن ۶: ۱۷۹۹
بلکه باید ۶: ۳۱۶۰	بلکه سوي خويش ۶: ۴۱۴۶	بل هم آحياء ۱: ۳۹۳۳
بلکه بر آقطار ۶: ۳۱۷۹	بلکه سوی عاجزان ۲: ۳۷۵۰	بل همان سانسست ۴: ۱۶۶۴
بلکه بر خورشيد ۵: ۲۷۷۶	بلکه شاگرد ۴: ۳۳۴۰	بند آهن را بدرآند ۱: ۳۲۴۷
بلکه بر دریای ۵: ۲۷۷۵	بلکه شرط ۵: ۱۵۳۸	بند آهن را توان ۱: ۳۲۴۸
بلکه بود از اضطرار ۳: ۶۰۹	بلکه شکر ۵: ۱۵۱۶	بند او ناموس ۱: ۳۲۴۶
بلکه بهر ۴: ۲۸۸۲	بلکه صاحب خانه ۶: ۸۶۴	بند باید کرد ۱: ۱۶۵۹
بلکه بی چون ۳: ۱۳۴۰	بلکه صد قرن ۶: ۲۲	بند بگسل ۱: ۱۹
بلکه بیرون ۳: ۳۵۷۹	بلکه صورت ۴: ۷۴۳	بند پنهان ۱: ۳۲۴۷
بلکه بی علت ۳: ۳۱۵۲	بلکه طبعاً خصم ۵: ۲۶۰۵	بند تقدیر ۳: ۱۶۵۹
بلکه بی گردون ۳: ۱۲۸۸	بل که طبع او ۳: ۱۹۰۷	بند چشم اوست ۵: ۱۰۸۲
بلکه بینی ۴: ۲۵۳۳	بلکه عالم یاوه ۴: ۹۷۶	بند چشم توسست ۵: ۱۱۱۴
بلکه پیش ۴: ۱۸۰۱	بلکه عکس ۱: ۳۲۸۲	بند حرفی ۱: ۱۵۸۱
بلکه تا بر بندگان ۲: ۱۷۵۶	بلکه فرع نقش ۴: ۳۸۴۳	بند حس ۱: ۵۶۶
بلکه تا گرگش ۲: ۱۹۰۰	بلکه گرد را ۳: ۱۵۲۰	بند رقیّت ۶: ۴۵۴۰
بلکه تاگیری ۳: ۴۱۶۳	بلکه گردونی ۳: ۱۳۰۲	بندشان می کرد ۳: ۱۹۹۰
بلکه تحریض ۵: ۳۱۱۲	بلکه گفتم ۴: ۵۷۴	بند طبعی ۵: ۲۷
بلکه تقلیدست ۵: ۲۴۴۹	بلکه گیرد ۱: ۲۸۸۹	بند عزّ ۵: ۱۹۴۴
بلکه تو دزدی ۲: ۲۸۰۹	بلکه لاغر گردد ۶: ۱۷۹۸	بند غیبی ۱: ۳۲۴۸
بلکه توفیقی ۶: ۸۷۱	بلکه مر بیننده ۳: ۱۰۲۵	بند فرع‌ست ۴: ۱۸۶۷
بلکه جمله تن ۵: ۳۹۲۲	بلکه مرغ دانش ۴: ۳۰۰	بندقم در فعل ۲: ۳۴۹
بلکه جمله ماهیان ۴: ۱۱۷۴	بلکه مرغش ۶: ۳۸۴۱	بند کردندش ۲: ۱۳۹۰
بلکه جمله مردگان ۳: ۳۳۹۱	بلکه معنی ۵: ۳۱۳۸	بند کرده‌ست ۳: ۴۳۳۷
بلکه چون آب است ۱: ۲۸۹۹	بلکه من پز هائم ۴: ۶۴۹	بند کردی راو ۳: ۳۰۴۷
بلکه چون معراج ۴: ۵۵۳	بلکه می آفتی ۳: ۱۵۶۱	بند کن چون ۱: ۱۷۴۳
بلکه چون نطفه ۵: ۴۱۴۹	بلکه می داند ۶: ۱۶۳۴	بند کن مشک ۴: ۳۸۱۰
بلکه حال ۴: ۳۳۹۶	بلکه نیست آن ۱: ۲۴۷۸	بندگان او ۳: ۲۴۳۱
بلکه خاک ۴: ۱۱۷۶	بلکه هاروتی ۳: ۴۷۱	بندگان حق ۳: ۲۲۲۲
بلکه خواهان ۴: ۲۵۳۲	بلکه هستش ۶: ۱۴۵۱	بندگان خاص ۲: ۱۴۷۸
بلکه خود از ۲: ۱۴۲۲	بلکه هفتاد ۳: ۱۴۹۸	بندگان خويش ۶: ۱۷۴۹

بندگان دارند ۱۵۹۲:۵	بنده بنده خود ۳۶۳۲:۱	بنده یاغی ۲۳۲۱:۴
بندگان را جز او ۲۳۲۵:۴	بنده بودن ۳۱۷۹:۵	بنده یک ۶۴۰:۳
بندگان مان ۲۷۳۵:۴	بنده پروردن ۳۱۶۸:۵	بنده بی دارم ۱۰۲۷:۶
بندگان، و اسبان ۱۲۴۶:۳	بنده پرور! گوش ۴۶۹۷:۳	بنده بی کش ۱۹۱۵:۳
بندگان و خسروان ۳۴۵۷:۵	بنده تو باشم ۳۴۴۰:۴	بنده بی گردد ۲۹۸۱:۳
بندگان هستند ۱۰۱۳:۵	بنده تو گشته ام ۳۳۸۷:۵	بنده بی می شد ۳۱۳۹:۳
بنده گوش ۱۰۸۳:۵	بنده حقم ۳۷۸۷:۱	بنگر آخر چونکه ۴۵۰۵:۳
بنده گیتی آدم ۳۳۴۳:۴	بنده خاین ۳۵۹۰:۱	بنگر آخر در ۷۶۷:۳
بنده گیتی او ۳۳۴۲:۴	بنده خود ۲۴۹۶:۱	بنگر آن سالوس ۳۴۰۲:۲
بنده گی بر ظاهرش ۱۴۸۴:۲	بنده دایم ۲۷۳۰:۵	بنگر آن سردی ۱۵۹۶:۴
بنده گی بند ۴۷۲۲:۳	بنده را در خواجه ۳۲۱۵:۶	بنگر آن فضل ۳۳۶۳:۴
بنده گیتی توش ۴۴۱۳:۶	بنده راکه در نماز ۱۵۹۹:۵	بنگر آنها راکه آخر ۱۶۹۰:۴
بنده گی در غیب ۳۶۳۳:۱	بنده راکی ۳۶۰:۴	بنگر آنها راکه حالی ۱۶۹۱:۴
بنده گی را ۳۳۵۴:۵	بنده را مقصود ۱۷۴۵:۶	بنگر از صورت ۱۰۲۰:۱
بنده گی کسبی ست ۲۷۲۸:۵	بنده زاده ۲۳۱۲:۴	بنگر اکنون ۱۳۴:۳
بنده گی کن تا تو ۲۵۲۶:۳	بنده هستی نیست ۳۰۲۰:۳	بنگر اندر اصل ۲۶۵۵:۳
بنده گی کن تا شوی ۲۷۲۸:۵	بنده سوی ۲۸۰۶:۱	بنگر اندر بول ۲۳۷:۵
بنده گی کن، ژاژ کم خا ۷۱۸:۲	بنده شهوت، پتر ۳۸۱۵:۱	بنگر اندر جوی ۳۲۹۹:۲
بنده گی ناکرده ۳۶۰۴:۴	بنده شهوت ندارد ۳۸۱۷:۱	بنگر اندر حال ۳۱۸۸:۲
بنده گیتی و سلطنت ۴۷۲۴:۳	بنده فرعون ۲۳۲۰:۴	بنگر اندر خانه ۹۶۵:۲
بنده محکم بود ۲۴۶۶:۲	بنده فرمانم، بدانم ۱۰۸۸:۳	بنگر اندر خسر ۲۹۴۵:۲
بنده معقولات ۲۵۲۷:۳	بنده فرمانم که ۲۶۹۱:۵	بنگر اندر خود ۹۶۴:۲
بنده آزادی ۲۷۲۹:۵	بنده فرمانم، نیارم ۱۶۷۶:۵	بنگر اندر صلح ۲۵۷۱:۴
بنده آن ماه ۱۴۲۰:۳	بنده گردی ۱۲۴۳:۴	بنگر اندر عزم ۲۸۹۵:۱
بندها بگسست ۱۰۴۷:۳	بنده گشته ۴۵۹:۱	بنگر اندر عشق ۱۴۳۷:۳
بندهات چون ۹۸۱:۲	بنده گشتی ۳۰۷۶:۳	بنگر اندر کاغذ ۳۸۴۹:۵
بندها را بگسلد ۲۳۲۰	بنده گوید ۱۸۳۵:۵	بنگر اندر مَصْحَف ۴۸۶۲:۶
بنده ام، اِمهال ۱۰۸۷:۳	بنده ما را چرا ۳۵۵۵:۵	بنگر اندر من ۲۳۹۸:۴
بنده امر تواند ۱۴۹۴:۳	بنده ما را ز حاجت ۲۱۶۲:۱	بنگر اندر نَخودی ۴۱۵۹:۳
بندهای بسته را ۲۶۲:۵	بنده ما را ز ما ۱۷۵۰:۲	بنگر اندر نزع ۱۲۳:۴
بنده ای داریم ۲۱۶۳:۱	بنده مومن ۴۲۲۰:۶	بنگر اندر هَمَّت ۱۴۳۸:۳
بنده این ۲۹۳۴:۵	بنده می نالد ۹۱:۴	بنگر او را کوش ۱۶۴۰:۴
بنده باش و بر ۳۲۴:۶	بنده نشکید ۳۳۱۹:۵	بنگر اوّل ۷۱۴:۱
بنده بدمنکر ۸۸۹:۶	بنده وافکنده ۴۱۵۲:۳	بنگر ای از جهل ۴۱۵۲:۶
بنده بر وفق ۲۴۰۸:۱	بنده و بسته ۱۹۴۸:۳	بنگر ای شیکور ۳۰۷۶:۴

بنگر اینجا ۲: ۳۴۰۷	بوالفضولی از ۴: ۲۰۳۱	بود با ایشان ۴: ۳۶۷۷*
بنگر این کشتی ۶: ۶۲۳	بوالفضولی گفت او ۵: ۲۸۸۸	بود با خواهندگان ۶: ۳۷۹۹*
بنگر اینها ۶: ۶۲۲	بوالفضولی گفت ای ۳: ۵۶۹	بود بازرگان ۱: ۱۵۴۷
بنگر این هر ۵: ۱۱۷۹	بوالفضولی گفت صوفی ۳: ۱۸	بود با ما دوش ۶: ۲۸۵۴*
بنگرد در ۳: ۴۲۷۸	۳: ۱۸	بود بر مضمون ۴: ۶۹۶*
بنگرم از ۱: ۱۲۱۷	بو برند از تو ۴: ۱۷۹۶	بود بر من ۴: ۱۷۴۰*
بنگرم در غوره ۳: ۴۵۴۱	بو حنیفه ۳: ۳۸۳۲*	بود بقالی ۱: ۲۴۷
بنگرم در نیست ۳: ۴۵۴۱*	بود آخر ۶: ۱۱۷۴	بود بی حد ۱: ۱۰۸۶
بنگرم سیر ۳: ۴۵۴۲	بود آدم ۲: ۱۸	بود بیگه، گشته ۳: ۱۹۸۴*
بنگری اندر کف ۴: ۸۸۲*	بود آرایش ۶: ۲۶۹۶	بود پیشش ۴: ۶۹۵
بنگری تا که چه ۵: ۱۲۶۷*	بود آنجا دام ۶: ۴۳۵*	بود جان کشت ۴: ۴۶۸۶*
بنگرید آن ۶: ۶۸۳	بود آن خود ۶: ۴۳۱۵*	بود جنسیت ۶: ۲۹۸۵
بنگرید ای ۳: ۲۸۱۷	بود آن گوهر ۴: ۲۲۵۵*	بود چنگی ۱: ۱۹۱۳*
بنگری در ۲: ۱۶۹۴	بود ابدال ۱: ۳۲۹۶*	بود چون شیر ۵: ۳۶۹۲*
بنگریدند ۵: ۲۰۶۹	بود ابر ۵: ۷۰۸	بود خالص ۲: ۴۶۸*
بنگرید و پند ۱: ۳۱۲۱*	بود از آنفاس ۳: ۱۶۱۵*	بود در انجیل ۱: ۷۲۷
بنگریدی، تا شد ۱: ۹۶۵*	بود از دیدار ۳: ۶*	بود در باطن ۳: ۱۶۰۳*
بنگ و افیون ۳: ۶۶۴*	بود از گنج ۶: ۲۳۶۲*	بود در تأویل ۲: ۱۵۳۶*
بنهد اندر روی ۶: ۳۰۵۷	بود از مستی ۵: ۱۳۶۱	بود در تبریز ۶: ۳۰۱۵*
بنهد اندر مزج ۶: ۲۹۲۲*	بود از یوسف ۵: ۳۳۰۳*	بود در حمام ۵: ۲۱۶۸
بنهم اندر شهر ۳: ۲۳۹۰*	بود اطلس ۳: ۱۰۰۱*	بود در خلوت ۱: ۵۵۰*
بنیت ۲: ۹۷۰*	بود افطارش ۵: ۲۶۶۸	بود در قدمت ۶: ۲۱۵۱*
بوالبشر کو ۱: ۱۲۳۴	بود آلتحق ۶: ۱۰۲۹*	بود درویشی به ۳: ۱۶۱۴
بوالحسن از ۴: ۱۹۲۵*	بود امیری خوش ۵: ۳۴۳۹	بود درویشی درون ۲: ۳۴۷۸
بوالحسن، بعد ۴: ۱۸۴۹*	بود امیری را ۶: ۳۳۴۵	بود دو خانه ۱: ۳۴۷۱
بوالحکم آخر ۶: ۲۵۰۴	بود اناالحق ۲: ۳۰۵	بود ذکر جلیه‌ها ۱: ۷۲۸
بوالحکم، بوجهل ۱: ۱۵۰۴*	بود اناالله ۲: ۳۰۵*	بود ذکر غزو ۱: ۷۲۸*
بوالحکم نامش ۲: ۸۰۹	بود اندر باغ ۴: ۴۱	بود در او جز ۵: ۲۴۵۸*
بوالحکم هم ۲: ۲۶۶۶*	بود اندر عهد ۴: ۱۶۷۳	بود روی ۵: ۲۲۲۹
بوالعجب افتادن ۶: ۲۷۵۹*	بود اندر منظره ۱: ۶۷	بود سبیطی ۴: ۲۷۰۵*
بوالعجب، من عاشق ۱: ۱۵۷۰*	بود او خندان ۴: ۳۲۴۲*	بود سقایی ۵: ۲۳۶۱
بوالعجب میناگری ۴: ۵۹۳	بود او را بیم ۵: ۴۰۷۰	بود سنقر ۳: ۳۰۵۹
بوالعجب نادر ۳: ۱۰۳۲*	بود او را مردی ۵: ۴۰۲۵*	بودش از پستی ۴: ۱۵۲۷*
بوالفضولا، معرفت ۲: ۲۰۲۶*	بود او گنده دهان ۲: ۸۶۶*	بودشان تمییز ۴: ۱۷۰۵
بوالفضولانه ۳: ۲۲۸۵*	بود اول ۳: ۴۷۵۷	بودشان حرص ۳: ۸۵۴

- بودشان قربان ۱:۲۲۳۳*
 بود شاهی، بود ۴:۱۴۹۰*
 بود شاهی در جهودان ۱:۳۲۴*
 بود شاهی در زمانی ۱:۳۶*
 بود شاهی، شاه ۶:۳۵۸۳*
 بود شب‌های ۶:۴۲۵۷*
 بود شخصی ۲:۵۸۵*
 بود شهری ۳:۲۶۰۴*
 بود شیخ اسلام ۵:۳۴۷۵*
 بود شیخی دایما ۲:۳۷۶*
 بود شیخی، رهنمایی ۳:۱۷۷۲*
 بود شیخی، عالمی ۲:۳۶۵۹*
 بود صایم روز ۶:۲۴۰۲*
 بود عارف ۵:۴۰۶۷*
 بود عَبْدُ الْقَوْتُ ۶:۲۹۷۴*
 بود عمران ۳:۸۷۶*
 بود قبطی ۴:۲۷۰۵*
 بود کمپیری ۶:۱۲۲۲*
 بود کوتاه قد ۵:۳۴۷۳*
 بود کوری ۲:۱۹۹۳*
 بود گبری ۵:۳۳۵۶*
 بود لقمان بنده ۲:۱۴۸۴*
 بود لقمان پیش ۱:۳۵۸۴*
 بود لقمان در ۱:۳۵۸۶*
 بودم از گنج ۴:۲۵۶۳*
 بودم امیدی ۵:۱۸۳۹*
 بودمان، تا این ۶:۳۷۸۱*
 بودم اندر ۴:۲۵۶۲*
 بودم اومید، ای کریم ۵:۱۸۴۰*
 بود مایه جمله ۶:۲۸۸۳*
 بود محتاج ۵:۳۱۶۹*
 بود مرد کد خدا ۵:۳۴۰۹*
 بود مردی پیش ۵:۲۲۲۸*
 بود مردی، صالحی ۵:۱۴۷۳*
 بود مغلوب ۶:۲۴۱۵*
- بود موزون ۲:۹۶۶*
 بود مؤمن ۶:۲۴۰۳*
 بودمی آگه ۶:۲۳۲۶*
 بود واقف ۲:۱۴۹۶*
 بو، دواي ۱:۱۹۰۲*
 بود و، ز آن پس ۶:۲۹۷۹*
 بود وقت شور ۶:۳۰۸۱*
 بوده آدم ۳:۳۱۹۷*
 بود هاروت ۵:۳۶۲۰*
 بود هامان ۴:۲۷۰۶*
 بوده اند از شیر ۱:۹۰۰*
 بوده پنهان ۵:۱۸۱۵*
 بود هر روزیش ۶:۲۶۵۲*
 بود هم این ۶:۲۵۲*
 بوده منشی ۳:۱۱۶۵*
 بوده هر محتاج ۶:۳۳۷۲*
 بوده‌یی، گردی ۴:۲۷۳۰*
 بودی آن در همتش ۶:۳۰۱۹*
 بودی اندر هر ۴:۲۶۰۶*
 بود یک سال ۵:۲۸۹۷*
 بود یک میرانی ۶:۴۲۰۶*
 بوز موضع جو ۴:۲۲۲۹*
 بوستان از ابر ۱:۱۶۳۷*
 بوستان با ۴:۱۱۰۳*
 بوستان، گه حله ۱:۱۲۷۷*
 بوستان‌ها باغ‌ها ۳:۵۵*
 بوسه‌اش می داد ۳:۵۶۷*
 بوسه افشان ۶:۱۷۰۸*
 بوسه باران کرده ۳:۸۸۰*
 بوسه جایش نعل ۴:۳۱۵۰*
 بوسه دادندی ۱:۷۳۰*
 بوسه ده بر تیر ۲:۱۳۰۸*
 بوسه ده بر مار ۳:۴۰۱۰*
 بوسه گاهی یافتی ۳:۲۲۳۸*
 بوسه می دادند بر ۵:۲۲۹۲*
- بوسه می دادند خوش ۳:۵۶۵*
 بوسه‌های عاشقانه ۳:۳۱۷۱*
 بوشناسانند ۴:۱۷۷۴*
 بو عصا آمد ۴:۲۴۶*
 بو قلاووز است ۱:۱۹۰۱*
 بوک آن عیب ۲:۳۰۳۸*
 بوک استادی ۲:۱۹۸۹*
 بوک بخت ۶:۱۹۵۵*
 بوک بر اجزای ۲:۱۳۳۷*
 بوک بر خیزد ۶:۱۶۴*
 بوک بصره ۶:۵۳۶*
 بوک بنده ۱:۹۶۰*
 بوک، حیوانات ۳:۳۲۶۹*
 بوک، دروی ۲:۱۳۳۷*
 بوک، روزی ۳:۳۰۹۵*
 بوکند ۳:۳۴۹۸*
 بوکنم دانم ۶:۲۸۳۰*
 بوکه آن گوهر ۵:۳۶۹۹*
 بوکه از تأثیر ۴:۲۵۱۷*
 بوکه از عکس ۴:۲۵۲۲*
 بوکه ببند ۶:۳۸۲۹*
 بوکه توبه ۵:۲۵۹۰*
 بوکه دستی ۲:۲۰۰۳*
 بوکه ز آن خوش ۴:۲۵۱۶*
 بوکه فیما ۶:۶*
 بوکه قطبی ۲:۲۱۴۴*
 بوکه گردی ۱:۳۱۵*
 بوکه مصباحی ۶:۲۶۱۴*
 بوکه موقوفست ۶:۴۱۷۶*
 بوکه نجمی ۵:۳۷۰۳*
 بوگزیند ۱:۱۷۷۰*
 بول گیرش ۴:۷۴۰*
 بول و قاروره‌ست ۵:۲۸۷۹*
 بولهب هم ۲:۲۶۶۶*
 بومسيلم را بگو ۴:۱۶۹۶*

بوی یوسف ۱: ۱۹۰۳ *	بوی خون ۳: ۲۴۴۵ *	بومسيلم را لقب احمد ۱: ۳۲۱ *
بِه از آن زنده ۵: ۴۰۲۸ *	بوی را از باد ۴: ۱۸۰۵ *	بومسيلم را لقب کذاب ۱: ۳۲۲ *
بِه ازین، دل ۵: ۸۹۱ *	بوی را پوشیده ۴: ۱۸۲۱ *	بومسيلم گفت ۴: ۱۶۹۵ *
بِه بُود از صد ۶: ۴۴۰۳ *	بوی رامین ۴: ۱۸۲۸ *	بُو بُرد از ۵: ۲۲۳۱ *
بِه بُود زین حيله هاي ۲: ۳۱۹۹ *	بوی، رسوا ۳: ۱۶۰ *	بو بُردند ۴: ۶۶۷ *
بِهتر آید ۲: ۲۵۸۵ *	بوی سبیش ۵: ۲۴۵۸ *	بو بُردی ۵: ۲۰۱۱ *
بِهتر از سی ۶: ۳۸۶۸ *	بوی شیرِ خشم ۳: ۳۸۹ *	بوی، آن بویی ۱: ۱۴۴ *
بِهتر از صد حَتّٰی ۳: ۱۷۷ *	بوی صدقش ۶: ۴۲۷۵ *	بوی آن دلبر ۳: ۳۸۴۳ *
بِهتر از صد قیصر ۲: ۲۰۷۶ *	بوی صدق و بوی ۶: ۴۸۹۴ *	بوی آن گلزار ۱: ۱۸۹۹ *
بِهتر از صد منزل ۲: ۱۶۴ *	بوی عطرش ۴: ۲۵۸ *	بوی افزون جوی ۲: ۳۲۳۲ *
بِهتر از طاووس ۲: ۳۷۵۷ *	بوی فقر آید ۱: ۲۸۸۱ *	بوی، او را جانبِ ۱: ۴۴۰ *
بِهتر از عام ۳: ۶۹۳ *	بوی کبر و بوی ۳: ۱۶۶ *	بوی ایشان ۱: ۲۰۲۳ *
بِهتر از مادر ۳: ۱۹۳۳ *	بوی کردن گیر ۳: ۹۸۱ *	بوی بد، مرديده ۱: ۱۹۰۳ *
بِهتر از ماهی ۱: ۲۴۵۲ *	بوی گُل باشد ۴: ۲۲۱۵ *	بوی بر، از جزو ۳: ۹۹۲ *
بِهتر از مهری ۲: ۱۸۷۷ *	بوی گُل، بر سقف ۴: ۱۸۴۴ *	بوی بر از صدّ ۳: ۹۹۲ *
بِهتر از وی ۵: ۳۲۸۷ *	بوی گل بهر ۴: ۲۲۲۸ *	بوی بُرد از ۲: ۲۹۸۹ *
بِهترست ۲: ۲۰۷۸ *	بوی گل دیدی ۱: ۱۹۰۰ *	بوی، بُردی ز اشترم ۲: ۲۹۸۶ *
بِهترش دیدی ۲: ۱۴۶۳ *	بوی گُل را از که ۱: ۶۷۲ *	بوی بُردی هیچ ۶: ۱۶۲۷ *
بِهترم چون عود ۳: ۴۲۱۶ *	بوی گُل شد ۱: ۲۸۰۶ *	بوی پیراهان یوسف را ۳: ۴۵۲۹ *
بِهترین رنگها ۲: ۱۰۹۹ *	بوی گُل، قوتِ ۶: ۳۰ *	بوی پیراهان یوسف کن ۴: ۳۲۲۱ *
بِهترین هر چهاری ۵: ۱۵۷۲ *	بوی لافِ کز ۴: ۱۷۵۶ *	بوی پیراهانِ یوسف می نیافت ۳: ۳۰۳۶ *
بِهترین هست ها ۴: ۳۹۸ *	بوی لطفِ ۱: ۲۷۸۳ *	بوی پیراهانِ یوسف یافته ست ۱: ۱۲۵ *
بِهتر آتش ۴: ۲۴۰ *	بوی مَجْمَر ۶: ۴۲۱۸ *	بوی پیغمبر ۶: ۱۱۷۵ *
بِهتر آزار ۱: ۳۵۴۶ *	بوی مُشک آرد ۴: ۲۵۶ *	بوی جانی ۶: ۹۵۰ *
بِهتر آن آمد ۵: ۳۶۲۸ *	بوی مُشکستش ۵: ۲۴۷۱ *	بوی جَنّت ۴: ۲۲۱۴ *
بِهتر آن است امتحان ۱: ۲۳۳ *	بوی می آمد ۳: ۱۵۲ *	بوی جنسیتِ پی ۶: ۱۱۷۷ *
بِهتر آن است این ۱: ۲۳۲ *	بوی می بُرد ۵: ۱۵۷۴ *	بوی جنسیتِ کند ۶: ۱۱۷۶ *
بِهتر آن پیغمبر ۵: ۲۱۱۴ *	بوی می کرد ۳: ۱۵۰ *	بوی خشم ۴: ۱۷۳۱ *
بِهتر آن تا در رحمِ ۱: ۳۰۷۳ *	بوی نانش ۳: ۳۰۳۵ *	بوی خوش آمد ۴: ۱۸۰۴ *
بِهتر آن، تاره ۱: ۱۲۱۱ *	بوی نانم ۱: ۲۷۹۷ *	بوی خوش را ۴: ۱۸۰۶ *
بِهتر آن داده ۵: ۲۱۱۶ *	بوی نیک ۳: ۱۶۳ *	
بِهتر آنک ارزد ۵: ۳۵۴۳ *	بوی هر هیزم ۱: ۱۰۷ *	
بِهتر آن کردی ۳: ۴۸۰۷ *	بوی یارِ ۶: ۹۵۰ *	
بِهتر آن کوثر ۵: ۴۲۴ *	بوی یزدان ۴: ۱۸۲۸ *	

بهرِ آن گُل #۱۲۶۱:۴	بهرِ این کرده‌ست #۲۶۲۰:۶	بهرِ چه دادت خدا #۴۴۵۱:۶
بهرِ آن لطفی #۱۵۶۳:۵	بهرِ این گفت آن خداوند	بهرِ چه سازد #۳۳۹۷:۴
بهرِ آن میل‌ست #۴۴۱۴:۳	۲۲۵۲:۶	بهرِ چه؟! گو: زهر خند
بهرِ آن نبوّد #۳۱۱۱:۵	بهرِ این گفت آن رسول #۷۵۴:۶	#۳۴۹۲:۵
بهرِ آن یاسه #۸۵۰:۳	بهرِ این گفت آن نبی #۹۲۵:۵	بهرِ حاضر نیست #۲۰۶۶:۴
بهرِ اسبان #۴۲۹۳:۳	بهرِ این گفتست #۱۴۲۰:۴	بهرِ حالی #۲۷۷۸:۶
بهرِ استبقای آن #۴۰۱۹:۶	بهرِ این گفتند #۲۲۶۴:۱	بهرِ حرمت #۲۲۹۷:۵
بهرِ استبقای حیوان #۱۵۱۹:۴	بهرِ، این لفظ #۲۱۲۵:۵	بهرِ حس کرد #۲۳۸۵:۱
بهرِ استعداد #۴۴۳۷:۶	بهرِ این مُرده #۱۴۸۸:۶	بهرِ حق از طَمَع #۸۷۷:۶
بهرِ اُستورانِ #۲۰۰۵:۴	بهرِ این مرغانِ کور #۳۵۹۵:۵	بهرِ حق این خلق #۸۶۲:۶
بهرِ اظهارست #۳۰۲۸:۴	بهرِ این معنی #۳۱۱۷:۴	بهرِ حق این را #۵۳۱:۳
بهرِ اَلله #۱۵۶۲:۵	بهرِ این مقدار #۳۴۶۸:۴	بهرِ حق، پیشش #۱۹۱۷:۳
بهرِ او بنهاده‌ام #۳۵۵۲:۶	بهرِ این مؤمن #۲۲۳۴:۱	بهرِ حق کُشتید #۲۵۱۴:۲
بهرِ او خود #۳۶۰۷:۴	بهرِ این نیک و بدی #۲۹۶۵:۲	بهرِ حق مگذارم #۶۳۳:۳
بهرِ او دولت #۲۰۴۹:۵	بهرِ بنده #۴۱۶۴:۵	بهرِ حکمت را #۳۱۹۳:۳
بهرِ اوصافِ #۳۱۴۰:۶	بهرِ بُو، اَلقوا #۳۲۳۴:۲	بهرِ حکمت‌هاش #۴۰۵۴:۳
بهرِ او گفتیم #۲۱۶۸:۴	بهرِ بینش کرده‌ای #۱۰۲۳:۳	بهرِ خرگیری #۲۵۴۴:۵
بهرِ اهل بیت #۴۳۸۳:۶	بهرِ پختن #۳۲۲۹:۶	بهرِ خشنودی حق #۳۲۳۳:۵
بهرِ ایشان کرد #۱۹۸۵:۵	بهرِ پُرسش #۱۴۴۸:۲	بهرِ خشنودیِ شاهِ #۱۷۷۸:۱
بهرِ این آتش #۴۱۶۵:۳	بهرِ پیکارِ #۱۲۱۲:۳	بهرِ خُفاشی #۳۳۵۰:۲
بهرِ این آمد #۲۰۷۲:۴	بهرِ تحریض‌ست #۳۱۳۱:۵	بهرِ خلوت سخت #۴۴۶۶:۶
بهرِ این آوردمان #۲۵۰۱:۶	بهرِ تحریکِ عروق #۲۹۸۴:۵	بهرِ خواری #۴۱۶۴:۳
بهرِ این بعضی #۳۶۶:۱	بهرِ تحریکِ هوای #۵۴۰:۵	بهرِ خود او #۳۲۸۸:۱
بهرِ این بو #۳۲۳۵:۲	بهرِ تخیلاتِ #۵۳۷:۵	بهرِ خود، چه می‌کنی #۱۳۱۲:۱
بهرِ این پرسش #۳۰۰۴:۴	بهرِ تسکینِ #۱۸۸۷:۵	بهرِ خود کوشد #۲۱۹۹:۶
بهرِ این پرها #۶۴۳:۵	بهرِ تعلیم‌ست #۲۴۰۹:۳	بهرِ خود یک #۳۴۳۶:۴
بهرِ این خاتمِ #۱۷۱:۶	بهرِ توارِست #۲۱۴۷:۶	بهرِ خوردنِ #۲۳۲۸:۵
بهرِ این دگانِ #۱۷۵۴:۶	بهرِ توست این #۱۱۴:۶	بهرِ خویشم #۲۳۹۸:۱
بهرِ این دنیاست #۲۹۷۸:۴	بهرِ تو نعره‌زنانِ #۳۲۰۲:۵	بهرِ دارو #۱۳۴۲:۶
بهرِ این فرمود آن #۳۱۱۶:۴	بهرِ تهدیدست #۲۰۶۱:۱	بهرِ دخترِ #۲۵۴:۶
بهرِ این فرمود با #۳۶۴۲:۶	بهرِ تهدیدِ لثیمانِ #۳۷۴۲:۴	بهرِ دردِ #۶۸۵:۲
بهرِ این فرمود پیغمبرِ #۵۳۸:۴	بهرِ جاسوسی به دنیا #۱۱۶۸:۶	بهرِ دزدیِ #۱۲۲۹:۳
بهرِ این فرمود حقِ #۲۵۹۴:۱	بهرِ جاسوسی فرستاد #۹۴۹:۳	بهرِ دعویِ #۱۷۴:۵
بهرِ این فرمود رحمانِ #۱۸۲۱:۱	بهرِ جانِ #۴۰۲۰:۶	بهرِ دوشیدنِ #۷۷:۵
بهرِ این فرموده است #۵۲۶:۴	بهرِ جنگِ کافرِ #۱۹۹۲:۴	بهرِ دیدِ شیخِ #۲۰۴۵:۶

بهر نادر ۶: ۴۲۰۰	بهرِ فرق ۶: ۲۱۸۹	بهر دیده روشن ۶: ۳۶۴۰
بهر نازش ۳: ۱۲۲۱	بهر فرمان ۵: ۷۶۶	بهرِ دیگ ۳: ۴۳۸۳
بهر ناموسِ مزور ۱: ۲۲۸۷	بهرِ فسقی ۳: ۱۵۸۲	بهرِ رازِ یَفْعَلُ ۳: ۴۶۸۶
بهر نان در ۵: ۲۷۵۸	بهر فقر ۲: ۲۰۶۸	بهرِ رُشدِ ۴: ۳۱۱۹
بهر نان، شخصی ۱: ۲۷۸۵	بهرِ قدرِ وصل ۲: ۲۶۳۳	بهرِ رنگینِ سنگ ۵: ۴۰۸۷
بهرِ نانی چند ۲: ۱۶	بهرِ قمعِ ۱: ۲۷۹۴	بهر روز ۳: ۳۷۶۰
بهر نقصان ۲: ۱۵۴۱	بهرِ کارِ ۶: ۵۸۶	بهرِ زر ۳: ۴۲۰
بهره جویی ۶: ۱۹۶۹	بهر کتمان ۳: ۲۱۱۴	بهرِ سرما ۳: ۲۸۸۷
بهره چشم ۲: ۷۲۲	بهرِ کُدیهِ ۵: ۲۷۴۹	بهر سوگندان ۲: ۲۸۷۲
بهرِ هَدمِ ۲: ۲۹۰۲	بهرِ کردنِ نیست ۱: ۴۷۰	بهرِ شاولِ ۶: ۴۱۴۵
بهرِ هر دریا ۴: ۳۴۲۹	بهرِ کرم و طعمه ۶: ۴۰۸۷	بهرِ شرح ۴: ۳۰۸۴
بهرِ هر میحنت ۵: ۳۵۴۱	بهرِ کِشتنِ ۲: ۱۶۴۶	بهرِ شیخ ۲: ۳۴۱۷
بهرِ هر مظلوم ۶: ۳۳۶۶	بهرِ کنعانی ۳: ۱۳۵۶	بهرِ صدقِ ۶: ۴۳۵۰
بهرِ یاری ۳: ۹۹۴	بهرِ کُورانِ ۲: ۳۲۲۳	بهرِ صورت‌ها ۵: ۴۰۶۴
بهرِ یزدان بود ۵: ۲۷۰۳	بهرِ کیکی تو ۱: ۲۸۹۲	بهرِ صیتِ ۶: ۲۰۴۴
بهرِ یزدان می‌زید ۳: ۱۹۱۰	بهرِ کیکی نو گلیمی ۲: ۸۷۱	بهرِ صیدِ ۲: ۸۰
بهرِ یزدان می‌مُرد ۳: ۱۹۱۰	بهرِ گاوی ۳: ۲۴۶۶	بهرِ طاعت ۲: ۳۰۲۷
بهرِ یغما ۲: ۳۰۴۶	بهرِ گبر و مؤمن ۱: ۲۷۳۹	بهرِ طبلی ۲: ۳۱۶۰
بهرِ یک جان ۲: ۸۹۳	بهرِ گریه ۱: ۱۶۳۴	بهرِ طفلان ۶: ۴۷۵۶
بهرِ یک کرمی ۵: ۲۴۴۵	بهرِ گز ۶: ۱۵۲۷	بهرِ طفل نو ۲: ۳۳۱۵
بهرِ یوسف ۶: ۲۷۵۰	بهرِ گستاخی ۳: ۴۷۰۲	بهرِ طمعِ ۲: ۲۹۷۷
بِه ز بسیاری ۳: ۴۰۲۵	بهرِ گندم ۳: ۴۲۷	بهرِ عارف ۲: ۱۶۵
بِه ز جهدِ ۶: ۳۸۷۹	بهرِ گوشی ۶: ۸۵۱	بهرِ عشق ۵: ۲۷۳۷
بِه ز چله ۵: ۲۷۰۵	بهرِ لحمِ ما ۳: ۳۷۴۳	بهرِ عقلِ ۴: ۲۰۵۳
بِه ز حق ۶: ۸۷۹	بهرِ لقمه ۱: ۱۹۶۱	بهرِ عید ۳: ۳۸۹۶
بِه ز دَقیانوس ۲: ۳۷	بهرِ ما غُرسِ ۳: ۵۰۱	بهرِ عیسی ۱: ۳۵۵
بِه ز دوراه ۶: ۲۰۴	بهرِ مائی ۲: ۲۵۰۴	بهرِ عینِ خط ۴: ۲۸۸۶
بِه ز صد آحیا ۶: ۳۰۱۲	بهرِ محجوبان ۳: ۴۲۲۹	بهرِ عینِ غم ۳: ۴۵۰۹
بِه ز صد جیحونِ ۶: ۳۶۰۳	بهرِ مَحْشَرِ ۴: ۱۸۵	بهرِ عینِ کاسه ۴: ۲۸۸۵
بِه ز صندوقی ۳: ۱۳۹۹	بهرِ مخمورِ ۵: ۳۵۹۵	بهرِ عینِ کوزه ۴: ۲۸۸۴
به ز ما می‌داند ۴: ۲۰۸	بهرِ مظلومان ۳: ۳۹۶	بهرِ غسل ۱: ۱۰۳۶
بِه که آید علم ۴: ۱۴۳۷	بهرِ من از همدان ۳: ۴۲۷۱	بهرِ فخر ۱: ۳۷۱۷
بِه که از آن تن ۳: ۴۴۲۲	بهرِ مهمانِ گستر ۵: ۳۶۵۰	بهرِ فُرجه ۱: ۲۷۸۶
بِه که اندر حاضری ۱: ۳۶۳۹	بهرِ مهمانِ گوشت ۵: ۳۴۱۱	بهرِ فردا ۶: ۲۴۰۵
بِه که با اهل ۳: ۴۰۲۴	بهرِ مهمانیِ ۶: ۴۸۳۶	بهرِ فرزندانِ ۳: ۲۴۹

بی‌که بر فرقِ ۳: ۶۴۰*	بی‌تردد کن ۶: ۲۱۱*	۴: ۳۶۹۲*
بی‌که شاهِ ۳: ۳۷۹۹*	بی‌تردد می‌رود ۳: ۴۹۱*	بی‌چراغی ۳: ۱۸۷۷*
بی‌اثر پاک ۵: ۴۱۸۸*	بی‌تعلق ۴: ۳۶۹۵*	بی‌چگونه ۶: ۱۶۲۳*
بی‌اجابت ۶: ۱۹۸۶*	بی‌تغیّر ۴: ۳۷۸۷*	بی‌چنین آیین ۶: ۳۰۷۵*
بی‌ادب باشد ۳: ۳۶۸۱*	بی‌تف آتش ۴: ۳۶۲۲*	بی‌چنین خون ریز ۵: ۳۸۴۵*
بی‌ادب تر ۳: ۳۶۷۹*	بی‌تفکّر ۳: ۴۷۴۸*	بی‌حجاب ۶: ۷۳۸*
بی‌ادب تنها ۱: ۷۹*	بی‌تکبر ۵: ۷۶۵*	بی‌حجابِ مادر ۴: ۳۰۴۲*
بی‌آدب، چون ۱: ۳۱۳۲*	بی‌تکلف ۱: ۵۸۴*	بی‌حجایی آب ۲: ۸۳۲*
بی‌ادب، حاضر ۲: ۱۳۶۰*	بی‌تماشای صفت‌های ۲: ۳۰۷۹*	بی‌حجایی حق ۶: ۱۸۷۴*
بی‌ادب را سرنگونی ۴: ۳۷۰۵*	بی‌تماشایِ گل ۲: ۳۰۸۰*	بی‌حدی تو ۲: ۲۵۰۰*
بی‌ادب را می ۴: ۲۱۵۶*	بی‌تنِ خویشم ۱: ۳۹۴۳*	بی‌حدیِ خویش ۲: ۲۵۰۱*
بی‌ادب گفتند ۱: ۸۱*	بی‌تو بر من ۶: ۱۰۷۸*	بی‌حدّر ۲: ۹۱۳*
بی‌ادب گفتن سخن ۲: ۱۷۴۰*	بی‌تو شیرین ۳: ۳۸۰۰*	بی‌حس و بی‌گوش ۱: ۵۶۸*
بی‌ادب محروم ۱: ۷۸*	بی‌توقف بر جهانَد ۳: ۳۵۰۴*	بی‌حفاظی ۶: ۴۷۸۸*
بی‌از این دو بر نیاید ۶: ۱۸۴۷*	بی‌توقف، بی‌تأمل ۳: ۱۴۸۸*	بی‌حقیقت ۲: ۲۹۳۴*
بی‌از این دو نیست ۶: ۱۸۴۸*	بی‌توقف مردم ۳: ۳۵۰۵*	بیخ اگر ۵: ۲۰۸۴*
بی‌ازو ندهد ۵: ۸۷۷*	بی‌توقف، هم بر آن ۴: ۷۰۷*	بیخ او در ۲: ۱۵۷۲*
بی‌اشارت ۶: ۳۵۲۵*	بی‌تو گردند آخر ۱: ۵۶۲*	بیخ او را از ۲: ۱۵۷۱*
بی‌آمانی تو، آمانی ۱: ۳۴۱۸*	بی‌تو ما را ۱: ۵۸۸*	بی‌خبر از پاکِی ۱: ۳۴۲۱*
بی‌آمانِ تو کسی ۱: ۳۹۰۴*	بی‌تو نظم ۳: ۱۴۹۳*	بی‌خبر از حالِ او ۳: ۱۵۰۳*
بی‌امید نفع ۴: ۲۸۸۱*	بی‌تو و بی‌بادبیزن ۴: ۱۲۸*	بی‌خبر از حالتِ ۵: ۱۲۷۵*
بی‌بصیرت پانهاد ۵: ۱۴۵۸*	بیت‌ها در نامه ۷: ۱۴۰۷*	بی‌خبر از حق ۲: ۲۳۷۱*
بی‌بصیرت، عمر ۵: ۵۶۶*	بی‌جنایت ۲: ۱۸۸۷*	بی‌خبر از ذوقِ ۲: ۳۷۸۵*
بی‌بهارت ۴: ۳۵۱۹*	بی‌جنون نبوّد ۱: ۳۲۸۴*	بی‌خبر از راه حیران ۳: ۱۹۷۴*
بی‌بهارش غنچه‌ها ۲: ۴*	بی‌جوابِ نامه ۴: ۱۸۹۱*	بی‌خبر از راه و از بالا ۵: ۱۱۲۵*
بی‌بهار و بی‌خزان ۱: ۱۷۹۴*	بی‌جوابی شد ۵: ۶۱۵*	بی‌خبر از راه، وز منزل ۵: ۱۱۲۴*
بی‌بهارِ کِی ۶: ۱۸۰۵*	بی‌جهاد و صبر ۳: ۲۱۱*	بی‌خبر از گفتِ ۵: ۱۴۲۹*
بی‌بِهانه، سویی او ۱: ۲۶۸۹*	بی‌جهازی ۴: ۲۰۲*	بی‌خبر از مستی ۱: ۳۴۲۹*
بی‌بیانِ معجزه ۱: ۲۱۴۴*	بی‌جهانِ خاک ۴: ۶۶۴*	بی‌خبر از مکرِ ۵: ۱۴۳۳*
بی‌بریدن ۶: ۴۱۲۹*	بی‌جهت، آن ذاتِ ۱: ۲۰۰۸*	بی‌خبر از نو شدن ۱: ۱۱۴۴*
بی‌بناهِت شیر ۴: ۱۴۵۷*	بی‌جهت بُد ۴: ۳۶۹۴*	بی‌خبر از یکدگر ۳: ۱۴۹۸*
بی‌بناهِت غیر ۱: ۳۹۰۲*	بی‌جهت تر باشد ۴: ۳۶۹۳*	بی‌خبر ایشان ز غدر ۵: ۳۱۴۶*
بی‌تأمل ۲: ۸۴۹*	بی‌جهت دان عالم امر ای صنم ۴: ۳۶۹۳*	
بی‌تجارت ۳: ۱۴۷۸*	بی‌جهت دان عالمِ امر و صفات ۶: ۴۶۷۳*	

- بی خبر باشند ۱۷۸۷:۴*
 بی خبر با ما ۲۳۷۰:۲*
 بی خبر بود او ۳۷۲۸:۴*
 بی خبر بودند از جان ۲۰۵۰:۱*
 بی خبر بودند از حال ۱۰۵:۱*
 بی خبر، بی پا ۲۸۷۴:۱*
 بی خبر چون ۳۹۷:۵*
 بی خبر، ذاتِ الیمین ۳۱۸۸:۱*
 بی خبر راکی ۲۹۹۴:۶*
 بی خبر ز آن، کو ۱۷۳۷:۳*
 بی خبر ز آن لابه ۲۲۲۱:۳*
 بی خبر زین ۳۱۹۰:۱*
 بی خبر کآزار ۲۵۲۰:۱*
 بی خبر، کآن شاه ۱۹۱:۱*
 بی خبر کآن عکس ۴۱۹:۱*
 بی خبر کز بام ۱۵۶۵:۳*
 بی خبر که اصل ۴۱۹:۱*
 بی خبر کین ۱۷۰۷:۶*
 بی خبر گشتم ۲۴۷۸:۲*
 بی خبر گفت ۱۶۹۹:۲*
 بی خبر، ناگه بدید ۱۸۲۷:۱*
 بی خبر بُود ۲۹۱۸:۶*
 بیخ پنهان ۳۶۰:۳*
 بیخ جُغْدستان ۱۱۵۳:۲*
 بی خدا آب ۷۷۱:۵*
 بی خداوندیت ۵۷۱:۶*
 بی خداوندی کی آید ۳۶۵:۶*
 بیخ را تیمار ۱۱۶۶:۵*
 بیخشان از ۲۰۰۷:۳*
 بیخِ عمرت ۲۲۲۳:۵*
 بی خلاف و کینه ۳۷۵۰:۲*
 بی خُمارِ اشکن ۲۰۴۶:۴*
 بی خود از وی ۲۲۱۸:۳*
 بی خودانه ۲۸۶۵:۱*
 بی خود و بی اختیار ۳۱۰۵:۵*
- بی خود و سرمست ۱۰۱۰:۶*
 بی خودی بی ابری ۶۸۴:۵*
 بی خودی شو ۱۵۲۲:۶*
 بی خودی نآمد ۴۱۰۷:۵*
 بی خور و بی خواب ۴۲۸:۴*
 بیخ و شاخ ۵۲۳:۵*
 بی خوشی بُود ۱۹۷۸:۱*
 بیخ‌های ۱۲۲۶:۲*
 بیخ هر یک ۲۰۰۶:۳*
 بی خیال من ۱۱۵۷:۲*
 بی خیالی ۲۲۶۱:۶*
 بی خیانت این ۳۹۴۵:۳*
 بی خیانت جنس ۵۰۹:۱*
 بی دُخان ما ۵۷۱:۵*
 بی درنگی ۴۲۴۳:۶*
 بی دریغ از بیخ ۵۳۷:۵*
 بی دریغی در عطا ۳۰۸:۵*
 بی‌دلان مان دُلُـخراش ۲۷۳۵:۴*
 بی دل و بی جان ۲۷۷۶:۴*
 بی دل و جان ۲۶۲۷:۵*
 بی دماغ و دل ۱۷۵:۲*
 بی دو چشمِ غیب ۳۴۱۵:۳*
 بی دو چشمِ یار ۱۷۱۴:۴*
 بی ذکاتِ روح ۳۴۳۲:۱*
 بی رُجولیت ۳۱۶۸:۲*
 بی رضا و امر ۱۸۹۰:۳*
 بی رضای حق ۱۹۳۰:۶*
 بی‌ره و بی‌یار ۵۰۲:۶*
 بی ز استعداد ۴۴۲۵:۶*
 بی زبان، چون گلستان ۴۵۴۳:۶*
 بی زبان چون ماه ۳۷۵۹:۱*
 بی زبان شد ۲۸:۱*
 بی زبان گویند ۴۵۴۴:۶*
- بی زبان معلوم ۹۳۲:۱*
 بی زبان می‌گفت اومیدش ۱۹۸۹:۶*
 بی زبان می‌گفت: من کردم ۳۳۴:۲*
 بی زبان و بی حقیقت ۳۲۴۶:۲*
 بی زبان و لب ۱۱۶۵:۴*
 بی ز تاویلی ۳۶۵۴:۳*
 بی ز تبدیلی ۳۷۸۹:۴*
 بی ز تغییری ۳۷۸۹:۴*
 بی ز تقلیب ۳۷۲۸:۴*
 بی ز تقلیدی ۳۳۴۴:۶*
 بی ز تکرار ۳۴۸۳:۱*
 بی ز جان ۴۴۳۸:۶*
 بی ز جمعیت ۵۱۱:۶*
 بی ز جهدی ۱۸۳۶:۶*
 بی ز چاه و بی ز حَبَل ۳۷۹۹:۲*
 بی ز چون ۳۰۷۳:۶*
 بی ز دستی ۳۷۱۵:۶*
 بی زراعت ۲۵۱۸:۳*
 بی زره، او گنجی ۲۶۷:۶*
 بی ز رشوت ۲۲۱۲:۳*
 بی زره بافی ۱۴۷۶:۳*
 بی زره سرمست ۳۴۱۹:۳*
 بی زریشی، بس ۱۷۸۱:۶*
 بی ز زاد و راجله ۴۱۳۰:۶*
 بی ز زره، هَمیان ۲۵۳۴:۳*
 بی ز ضدی ۲۱۵۲:۶*
 بی ز مُرد کی ۳۸۴۲:۶*
 بی ز مفتاح ۴۰۷۷:۶*
 بی زمین کی ۴۴۱۳:۳*
 بی سبب بیند، چو ۱۸۴۲:۲*
 بی سبب بیند نه ۱۸۴۴:۲*

- بی سبب، بی واسطه ۴: ۳۵۱۷*
 بی سبب کی شد ۱: ۸۴۳*
 بی سبب گر ۵: ۱۵۴۶*
 بی سبب مر ۳: ۲۵۱۸*
 بی سبب نبود ۲: ۲۸۱۸*
 بی سپاه و جنگ ۲: ۱۷۵*
 بی سپاه و لشکرت ۴: ۳۵۱۸*
 بیست از دزدان ۳: ۱۶۷۸*
 بیست بار آن ۶: ۲۹۳۰*
 بیست چندان خود ۶: ۳۵۵۳*
 بیست چندان سیم ۴: ۵۶*
 بیست چندانم که ۳: ۱۳۳۸*
 بیست چندان ملک ۶: ۴۴۱۱*
 بیست سله چرک ۴: ۲۴۸*
 بیست عباس اند ۵: ۲۶۹۷*
 بیست فرزند ۳: ۲۴۰۳*
 بیست کزّت ۵: ۳۸۱۸*
 بیست مرده اختیار ۵: ۳۰۷۱*
 بیست مرده جنگ ۴: ۱۳۹۸*
 بیست مصباح ۶: ۲۶۱۳*
 بیست همچندان ۳: ۱۰۶۳*
 بی سخن من ۴: ۲۴۵۵*
 بی سر و بی پایدیم ۱: ۶۸۶*
 بی سر و بی پاسفر ۱: ۲۰۹۳*
 بی سفرها ماه ۳: ۵۳۴*
 بی سگ و بی دام ۵: ۳۰۹۲*
 بی سگ و بی دلّی ۵: ۳۰۳۴*
 بی سلاحی ۶: ۴۱۵۸*
 بی سلیح، این ۱: ۱۴۲۳*
 بی سواره اسب ۲: ۱۲۸۶*
 بیش از استحقاق ۳: ۲۲۱۳*
 بیش از این از ۱: ۱۴۲*
 بیش از این با ۱: ۳۸۱۰*
 بیش از این ما ۱: ۵۵۴*
 بیش، از شش مه ۳: ۳۳۹۹*
- بی شبان دانسته اند ۴: ۲۳۰۰*
 بی شبانی ۶: ۳۲۸۹*
 بی شب و بی روز ۴: ۳۰۶۰*
 بیشتر آمد بر او ۴: ۲۹۱۰*
 بیشتر، احوال ۵: ۱۵۴۴*
 بیشتر اصحاب ۶: ۲۳۷۰*
 بیشتر در ۴: ۷۴۸*
 بیشتر رفته ست ۵: ۴۰۲*
 بیشتر زان ۴: ۲۵۷۰*
 بیشتر کارد ۵: ۱۴۸۵*
 بیش رنجد ۵: ۳۳۳۸*
 بی شریکی ۱: ۱۶۶۲*
 بیش، زندانش ۲: ۶۵۱*
 بی شکار و رنج ۳: ۲۳۰۷*
 بی شک از غیبت ۴: ۱۸۱۳*
 بی شمار و حدّ ۱: ۱۳۳۸*
 بی شما من ۶: ۲۲۷۵*
 بیش و کم کن ۳: ۱۱۹۸*
 بیشه ها از عین ۶: ۲۲۵۱*
 بیشه یی آمد ۲: ۱۴۱۶*
 بیشه یی بر شوسن ۶: ۴۸۰۸*
 بی صحیحین ۱: ۳۴۶۴*
 بی صداع باغبان ۳: ۲۵۴۱*
 بی صداع صورتی ۵: ۴۰۶۴*
 بی صداع و بی فروخت ۱: ۸۰*
 بی صداع و نقل ۴: ۶۸۲*
 بی صدا ماند ۳: ۱۳۵۳*
 بی ضرورت، چون ۶: ۲۶۸۵*
 بی ضرورت خون کند ۴: ۲۴۳۷*
 بی ضرورت، کیش هوا ۳: ۳۲۴۶*
 بی ضرورت گر خوری ۶: ۵۳۰*
 بیضه گنجشک ۳: ۳۵۱۱*
 بیضه مار ۳: ۳۵۱۱*
- بیضه ها زرین ۵: ۲۵۵۴*
 بی طلب، تو ۱: ۱۳۳۸*
 بی طلب، نان ۵: ۲۳۸۷*
 بی طلسمی ۵: ۲۶۱۵*
 بی طمع بود ۶: ۳۳۶۸*
 بی طمع شد ۲: ۲۹۹۵*
 بی طمع نشیده ام ۳: ۳۳۵۹*
 بی عثاری ۴: ۳۳۹۰*
 بی عدد لا حول ۵: ۲۰۷۵*
 بی عصاکش بر سر ۳: ۲۷۸*
 بی عصاکش، چون ۱: ۵۵۳*
 بی عصا و بی ۱: ۳۹۲۰*
 بی عقال این ۴: ۲۶۹۶*
 بیع ما زیر گلیم ۶: ۴۵۲۳*
 بی عنایات حق ۱: ۱۸۷۹*
 بی عنایات خدا ۱: ۱۸۷۸*
 بی عنایت، هان ۶: ۳۸۴۱*
 بیع و بخشش ۳: ۲۳۲۹*
 بی عوض، آن بحر ۳: ۲۱۰۴*
 بی غذا آجرات ۳: ۱۷۶۰*
 بی غرض داده ست ۳: ۳۷۴۴*
 بی غرض در عشق ۳: ۴۵۹۴*
 بی غرض گردم ۱: ۲۷۹۹*
 بی غرض می کرد ۴: ۳۳۵۵*
 بی غرض نبود ۱: ۲۸۰۰*
 بی فتور ۳: ۲۳۴۹*
 بی فیتل و روغنش ۴: ۴۲۹*
 بی فروغت ۴: ۱۴۵۷*
 بی فن من ۶: ۱۸۳۶*
 بی قدر یادت ۶: ۱۹۳۱*
 بی قرارم ۶: ۵۶۲*
 بی قضا ۳: ۱۸۹۹*
 بی قفس کش ۶: ۲۹۶۵*
 بی قلاووز ۱: ۲۹۴۴*
 بی کتاب و اوستا ۴: ۳۵۱۹*

- بی کتاب و بی مُعید ۱: ۳۴۶۱*
 بی کسش یابد ۲: ۲۱۶۵*
 بی کسی بهتر ۲: ۲۶۲*
 بی گشده ۱: ۲۳۷۸*
 بی کلید، این ۵: ۲۳۸۷*
 بی کمال ۶: ۷۲۴*
 بی کمین و دام ۳: ۲۷۲*
 بی کُناس ۴: ۴۸۰*
 بی گرانی ۶: ۳۵۴۶*
 بی گِره بودیم ۱: ۶۸۷*
 بی گمان با جان ۳: ۲۷۷۴*
 بی گمان باید ۵: ۱۸۸۸*
 بی گمان بر صورت ۲: ۱۴۱۲*
 بی گمان ترک ۶: ۳۳۹۱*
 بی گمان که هر زبان ۶: ۴۸۹۰*
 بی گمان منصور ۲: ۱۳۹۸*
 بی گمان و بی مگر ۳: ۱۵۱۵*
 بی گمانی، این بنا ۴: ۲۸۴۲*
 بی گناهان را مگو ۴: ۲۷۳۸*
 بی گناهی، بی گزند ۵: ۲۶۱۱*
 بی گناهی که: پَرُو ۶: ۲۴۶۷*
 بی گناهی کی ۵: ۳۹۸۶*
 بی گنه او را ۲: ۳۶۳۰*
 بی گنه را تو نظر ۵: ۲۰۹۷*
 بی گنه لعنت ۲: ۲۷۲۰*
 بیگه است ۳: ۲۱۰۵*
 بی گهر جانی ۵: ۴۰۷۹*
 بی لباس این ۳: ۱۷۴۴*
 بی لب و دندان، شکر
 ۱: ۲۰۹۳*
 بی لب و دندان، ولی ۳: ۴۲۷۵*
 بی لب و ساحل ۳: ۱۱۵۶*
 بی لب خربندگان ۵: ۳۵۰۱*
 بی مجاعت ۴: ۳۶۲۳*
 بی مُعابا، بی مُواسا ۱: ۲۹۹۳*
 بی محابا رُو ۲: ۱۷۸۶*
 بی مَحک آن نقد ۲: ۲۹۰۹*
 بی محک پیدا ۴: ۲۳۰۳*
 بی مَحک زر ۲: ۷۴۵*
 بی مَحک هرگز ۱: ۲۹۹*
 بی مدد، چون ۳: ۳۴۳*
 بی مرادان ۳: ۴۴۴۴*
 بی مرادت کرد ۳: ۴۴۵۹*
 بی مراد تو ۴: ۶۶۳*
 بی مرادش داد ۵: ۱۱۹۱*
 بی مرادی شد ۳: ۴۴۶۷*
 بی مرادی مؤمنان ۶: ۴۲۳۷*
 بی مُرادی نئی ۱: ۱۷۴۸*
 بی مرض دیدیم ۶: ۳۷۸۲*
 بی مزاج آب ۶: ۱۷۷*
 بیم سَر با بیم ۱: ۲۶۰۸*
 بی معانی ۴: ۲۹۹۳*
 بی مفرگاهی ۴: ۲۰۴۶*
 بی مکان باشد ۳: ۳۵۷۹*
 بی ملولی ۶: ۴۳۰۰*
 بی من این آلوده ۲: ۱۳۶۷*
 بی مَنّت آبی ۲: ۱۵۸۵*
 بی مُنَجّم ۶: ۳۱۴۲*
 بی من و مایی ۵: ۲۶۶۴*
 بیم و ترس ۵: ۵۴۷*
 بی موکل ۱: ۸۰۵*
 بی مؤونت ۶: ۱۰۲۶*
 بی مَه و خورشید، ماه
 ۴: ۳۰۶۱*
 بی مَه و خورشید، نورش
 ۲: ۱۴۶۹*
 بَینِ اَیدی خَلَف عَصْفوری
 ۵: ۷۵۳*
 بین ایدی خَلَفهُم ۵: ۷۵۱*
 بین ایدی سَد ۵: ۳۸۶۹*
 بین به چشم ۴: ۷۵۰*
 بین جزای آن ۱: ۱۱۹۰*
 بین جمادی ۱: ۳۸۶۱*
 بَینَ جَنبِیکُم ۳: ۴۰۶۶*
 بین چه افتاده‌ست ۳: ۴۷۱۱*
 بین چه می‌گوید ۳: ۱۹۶۲*
 بیند آن معشوقه ۴: ۵۴*
 بیند از خورشید ۱: ۳۵۵۵*
 بیند اُشتر ۵: ۵۰۹*
 بیند اندر ذَرّه ۶: ۱۴۸۲*
 بیند اندر قطره ۶: ۱۴۸۲*
 بیند اندر نار ۲: ۱۵۵۷*
 بیند او اسرار ۳: ۳۵۶۶*
 بی ندایی می‌کنیم ۶: ۸۷۰*
 بی نشان از لطف ۲: ۵۱۲*
 بینش زنجیر ۱: ۶۳۰*
 بینش عالی ۴: ۳۳۹۲*
 بی نصیب آبی ۳: ۲۸۲۹*
 بی نصیب از باغ ۳: ۴۶۲۷*
 بی نصیب از وی ۶: ۱۲۰۵*
 بی نظیر و ایمن ۴: ۳۱۶۱*
 بین که اندر ۳: ۴۵۵*
 بین که این آذر ۱: ۷۹۶*
 بین که با این جمله ۶: ۱۷۳۵*
 بین که با بسیاری ۶: ۱۷۳۱*
 بین که حرفش ۴: ۱۵۶۵*
 بین که خون آلود ۵: ۱۵۸۸*
 بین که را بگذاشتی ۳: ۴۲۸*
 بین که می‌پَخسانَد ۶: ۴۶۱۰*
 بینمت در دست ۶: ۱۳۹۲*
 بی نمک ۶: ۵۵۲*
 بی نوا از ذوق ۲: ۳۱۳۰*
 بی نوا از نان ۱: ۲۲۷۶*
 بی نوا ایشان ۳: ۵۹۸*
 بینواگردی ۳: ۴۳۲۸*

بی نوا ماندند ۲۳۳۱:۵	بیهشان را ۳۶۷۴:۱	پادشاهی دو ۸۴۳:۲
بی نوا هر دم ۱۷۵۲:۵	بیّهشی خاصگان ۳۸۰۵:۴	پادشاهی را ۲۱۹۳:۶
بینوایان ۲۴۴۹:۳	بیّهشی ها ۳۸۰۶:۴	پادشاهی فوت ۳۵۸۱:۱
بی نواییم ۶۶:۵	بی همه طاق ۱۱۰۲:۲	پادشاهی کن، بیخش ۳۵۶۶:۵
بی نهایت آمد ۳۵۱۸:۶	بی هوانهی ۵۷۸:۵	پادشاهی کن بر او ۳۲۸۴:۳
بی نهایت چون ۳۵۴۲:۲		پادشاهی کن، که ۴۴۰۸:۶
بینهایت حضرت ست ۱۹۶۱:۳	پ	پادشاهی کن، مرا ۲۲۶۴:۵
بی نهایت کی شود ۲۹۰۴:۳	پا بیخشد ۲۶۷۳:۳	پادشاهی که ۳۱۴۲:۵
بی نهایت کیش ها ۳۷۲۸:۶	پا بر آورد ۱۳۸۵:۵	پادشاهی مست ۳۹۱۴:۶
بی نهایت گردد ۲۷۱۳:۱	پا برهنه تن ۳۱۹۴:۲	پادشاهی نیست ۶۶۲:۴
بی نهایت لطف ۱۷۹۲:۶	پا برهنه جانب ۵۵:۱	پار اندر ۴۵۶۵:۶
بینی آن باشد ۴۴۰:۱	پا برهنه چون ۸۳۵:۳	پارسی گو، گر ۳۸۴۲:۳
بینی آنجا دو عدو ۱۶۶۸:۶	پا برهنه کین ۸۹۱:۳	پارسی گویم، هین ۲۸۳۹:۳
بی نیاز از نقش ۷۲۰:۲	پا برهنه می روی ۱۹۷۵:۳	پارسی گویم: یعنی ۸۸۷:۱
بی نیاز است ۳۱۴۰:۱	پا برین که ۲۵۰۳:۱	پارود سوي ۲۳۲۵:۵
بینی از گند ۳۲۷۱:۱	پا بکشد پیش ۳۷۹۷:۶	پار هاند ۲۲۲۷:۳
بی نیازی از غم ۲۶۹۱:۶	پا بکشد در ۵۵۷:۴	پاره این کُل ۴۸۹:۵
بینی ام بشکاف ۳۴۴:۱	پا بکشد، زیر ۳۶۰:۲	پاره بر وی ۲۵۵۴:۴
بینی اندر دل، علوم ۳۴۶۱:۱	پا بنه مردانه ۳۴۴۱:۲	پاره پاره دل ۱۵۸۲:۴
بینی اندر دل ۱۶۵۰:۳	پا چون بود ۲۲۲۹:۳	پاره پاره کردش آن ۲۸۷۰:۵
بینی طفلی ۳۶۲:۲	پا در او بنهاد ۳۴۴۴:۲	پاره پاره کردشان ۳۱۷۸:۵
بینی و، گوش ۹۲۶:۳	پادشاهها جز ۹۵۹:۲	پاره پاره کردمی ۲۱۱۱:۶
بینی هر دم ۲۴۶۰:۴	پادشاهان بین ۱۲۰۲:۵	پاره پاره کرده بود ۳۷۹۵:۳
بی وجوهم ۲۷۷۷:۱	پادشاهان جهان ۶۶۷:۴	پاره پاره کرده درزی ۲۳۴۸:۴
بی و سین بی او ۲۲۴۵:۶	پادشاهان خون ۲۴۳۵:۴	پساره پاره کرده ساعدهای
بی وصال روی ۱۷۷۶:۱	پادشاهان را ۳۱۵۰:۱	۱۶۰۶:۳
بی وصیت ۳۹۹:۶	پادشاهان لب ۲۷۲۸:۴	پاره پاره گردمت ۳۵۹۳:۴
بی وفائی چون رواداری	پادشاهان مظهر ۳۱۷۴:۶	پاره پاره می شکست ۸۵۵:۱
۳۲۲:۳	پادشاهم ۳۹۶۹:۶	پاره خاک ۱۰۱۱:۳
بی وفایی چون سگان ۳۲۲:۳	پادشاهی این ۳۶۴۳:۲	پاره دوزم ۴۳۸۵:۳
بیوفایی دان ۳۲۴:۳	پادشاهی بر ۲۹۳۳:۴	پاره دوزی چیست ۲۵۵۳:۴
بی وفایی را مکن ۳۲۰:۳	پادشاهی بس ۱۵۷۶:۲	پاره دوزی می کنی ۲۵۵۰:۴
بی وفایی و فن ۱۰۱۱:۵	پادشاهی، بندهای ۱۰۴۷:۲	پاره شد ۴۷۵۱:۶
بییده چه ۱۸۲۵:۵	پادشاهی چون ۶۶۲:۴	پاره کرده ۱۷۴۷:۱
بییده نسبت ۳۵۹۵:۶	پادشاهی داشت ۳۰۸۵:۴	پاره، گر بازش ۲۶۳۷:۳

پاره گشتن بهر ۶: ۴۷۵۰*	پاشکسته ۳: ۱۱۲۲	پانصد استسقا ستم ۶: ۲۶۹۰
پاره گشتی ۶: ۳۰۷۹*	پاک آنکه ۶: ۴۷۳۳	پا نلرزانم ۳: ۴۱۲۸*
پاره‌ها از پشت ۲: ۲۲۱۱*	پاک از آرز ۱: ۳۴۸۴*	پا نهاده ۱: ۲۵۶۷*
پاره‌ها را اجتماعی ۳: ۱۷۶۵*	پاک الهی ۵: ۱۲۰۶	پا نهم گستاخ ۳: ۴۱۲۸
پاره‌های نان ۳: ۳۳۴۵	پاکبازان ۶: ۱۹۷۳*	پا و پرت ۶: ۴۳۰۹
پاره‌یی اطلس ۶: ۱۷۰۰	پاکبازی ۶: ۱۹۷۲*	پا و دست ۶: ۳۹۱۲*
پاره‌یی برکن ۴: ۲۵۵۶	پاک باشد ۴: ۲۱۶۵*	پا و رویش ۲: ۱۸۹۱*
پاره‌یی دزدید ۶: ۱۶۹۴	پاک برخیزند ۱: ۲۷۰۳*	پا و زانو آش ۳: ۱۷۴۱
پاره‌یی راه‌ست ۴: ۵۰۰۴*	پاک بتائی ۶: ۳۴۸۱	پای استدلایان ۱: ۲۱۲۸
پاره‌یی گفتم ۳: ۲۹۰۳*	پاک بود از ۱: ۲۳۵۰	پای او را ۱: ۳۳۶۸
پاره‌یی نان ۳: ۳۳۰۶*	پاک بیند ۱: ۲۷۱۲*	پای او گوید ۴: ۲۸۹۸*
پاس آن ذوقی ۴: ۳۴۸۴*	پاک چون کعبه ۴: ۴۶۷۰*	پای او گیرد ۶: ۴۰۸۹*
پاس آن که کردمش ۴: ۳۴۸۳*	پاک، حق ۴: ۲۲۴۰*	پای او می‌سوخت ۶: ۱۷۲۸
پاسبان آفتابند ۳: ۳۳۳۳	پاک خوردندش ۳: ۱۴۵۰*	پای برگردون ۱: ۳۱۱۲*
پاسبان آفتابیم ۳: ۳۳۳۲	پاک دار ۱: ۲۷۱۰*	پای بسته، پشکسته
پاسبان بر ۲: ۳۵۲۲	پاک دان ۲: ۱۸۴۶*	۵: ۲۲۸۰*
پاسبان توسه از ۶: ۱۲۰۲*	پاک سبحانی ۶: ۸۴۰	پای بسته چون ۴: ۳۴۰۰
پاسبان توسه نور ۶: ۱۲۰۳	پاکشان کرد ۲: ۹۰۸۰	پای بند مرغ ۳: ۲۹۸۴*
پاسبان عهد ۶: ۵۹۳۰*	پاک شد ۱: ۲۰۹۷*	پای پیر از ۴: ۲۰۵۸
پاسبان کوچه ۳: ۵۷۳۰*	پاک کن خود را ۱: ۳۴۵۸*	پای پیش و پای پس تا
پاسبان من ۲: ۱۱۵۶	پاک کن دو ۲: ۱۹۴۴	۶: ۴۲۵۴
پاسبان و، چابک ۳: ۳۱۹۰*	پاک کواز ۲: ۱۳۶۲	پای پیش و پای پس در
پاسبان و حارس ۳: ۲۸۸۰	پاک کی گردد ۲: ۱۳۶۱*	۳: ۲۳۵۵
پاسبان و حاکم ۴: ۱۹۸۶*	پاک گردانید تا ۲: ۳۴۲۸*	پای تا سر ۴: ۲۰۳۵
پاسبانی ۶: ۵۴۲۰	پاک گردانیدیم ۲: ۲۵۵۰*	پای تودر ۲: ۳۵۵۴
پاسخ خصم ۳: ۴۶۵۳*	پاک گشته ۳: ۲۲۴۹	پای جانش ۱: ۱۹۶۵*
پاسخش آریم ۴: ۳۰۱۳*	پاک می‌بازد ۶: ۱۹۷۰	پای چوبین ۱: ۲۱۲۸*
پاسخش این ۳: ۳۰۶۶	پاک می‌دانستش ۵: ۱۸۷۴	پای خلق ۲: ۱۲۲۹*
پاسخش دادند ۳: ۸۷۱۰	پاک و اسپید ۳: ۳۱۱۵*	پای خود بر اوج ۴: ۱۲۶۴*
پاسخم دادند ۳: ۲۰۶۰	پاک هم ۲: ۱۷۵۸*	پای خود بر فرق ۳: ۳۵۷۶*
پاس دار این ۶: ۴۶۶۰*	پاک اجسام ۲: ۱۳۶۳*	پای خود را بر سر ۱: ۱۵۰۰*
پاس دارد ۱: ۳۶۳۶	پاک این ۲: ۱۳۶۳	پای خود را وا کشیدی
پاس دارم ۴: ۳۴۳۹*	پاک محدود ۲: ۱۳۶۵	۴: ۱۳۲۶*
پاس عقل ۴: ۳۴۸۶*	پاکش از کار ۲: ۷۳۵۰*	پای خود زو ۵: ۱۵۱۳*
پاش را می‌خواست ۳: ۱۶۸۱*	پاک ندارد ۱: ۲۸۹۸*	پای خود و پس ۳: ۴۰۴۰*

پای دار اکنون ۲:۲۲۰۶	پختگی جو ۲:۸۶۰	پرتو ساقی ست ۳:۴۷۴۶
پای دار ای سگ ۱:۸۷۲*	پختگی ز آتش ۲:۸۳۲*	پرتو شیخ ۵:۱۲۷۸
پای، داری ۱:۹۳۱	پخته پندارد ۴:۱۱۲۷*	پرتو عاریت ۱:۳۲۶۱*
پای در دریا ۲:۱۳۵۶	پخته شد ۱:۳۰۶۰	پرتو عقل است ۲:۷۱۱
پای درویشان ۲:۱۲۳۰*	پخته طبل ۳:۴۰۹۶*	پرتو غیری ۱:۳۲۶۳*
پای را بر بست ۴:۱۵۵۵	پخته گردانی ۴:۳۰۰۶*	پرتو گنج است ۶:۳۴۲۶
پای را واپس ۱:۱۲۶۴*	پخته گرد و، از ۲:۱۳۱۹	پرتو مَرَهَم ۱:۳۲۲۶*
پایشان از ۳:۴۴۲۹	پخته می ریزد ۳:۲۰۱۴*	پرتو مستی ۴:۲۱۵۴
پای طاووسان ۲:۳۷۵۷	پخته نبود ۶:۴۷۳۶*	پرتو و سایه ۲:۴۲۲۲*
پای ظاهر ۵:۳۶۰۵	پخته و شیرین، بی زحمت	پرتوی بر ۲:۷۴۵
پای کثر ۲:۸۴۲	۱:۳۷۳۵*	پرتوی بود ۵:۹۸۴*
پایکش بست ۲:۳۲۵	پخته و شیرین کند ۱:۳۷۳۴*	پَر جلوه ۳:۷۸۵*
پای، کفشی ۵:۱۷۷۹	پَر آن مرغی ۲:۳۷۶۰	پَر حَدَث ۵:۹۰*
پائی کوبان جان ۳:۳۸۳۷*	پَرافشانی بکن ۲:۱۲۶۶*	پَر خلاق ۶:۲۴۴۳*
پائی کوبان، دست ۱:۳۶۷۵	پَر امید و چُست ۵:۳۱۲۵*	پَر خماران ۶:۶۶۰*
پای گاو اندر ۶:۳۵۰۶	پَر او با ۶:۴۱۳۸*	پَر خود می کند ۵:۵۳۶*
پای گوید ۵:۲۲۱۴	پَر بُدند ۲:۳۶۸۶*	پَر خوری ۵:۱۷۴۷*
پائی ماچان ۱:۱۶۳۵*	پَر برآرد ۶:۲۷۸۹*	پَر خیالی ۱:۲۷۶۴*
پائی مرد آمد ۶:۳۲۵۱	پَر بروید بر گمان ۱:۳۷۶۸*	پَر د از تن ۳:۳۸۰۳*
پائی مرد از درد ۶:۳۲۴۸*	پَر بسوخت او ۳:۴۳۶۶	پَر درخت ۶:۴۸۰۸*
پائی مردا، مست ۶:۳۵۵۹*	پَر بود اجسام ۵:۶۸	پَر دلان ۴:۲۹۱۸*
پائی مردش ۶:۳۵۱۹	پَر بیابان ۴:۳۲۵۱*	پَر دولت ۳:۱۶۲۰*
پای معنی، فوق ۵:۳۶۰۵*	پَر پی غیرست ۵:۷۱۰*	پَر ده آن ۶:۴۷۷۹*
پای معنی گیر ۱:۶۸۲*	پَر تشنج روی ۶:۱۲۲۲*	پَر ده ای ستار ۱:۳۲۹۳
پای موسی ۶:۳۲۸۱*	پَر تو آتش بُود در ۱:۳۲۷۲*	پَر ده باشد ۶:۲۸۷۱*
پای می شناخت ۳:۳۱۷۵*	پَر تو آتش بُود، نه ۳:۴۲۲۱*	پَر ده بذریده ۱:۲۴۴۱*
پای نایبنا ۱:۲۱۳۰	پَر تو آن ۱:۳۲۳۰	پَر ده بردار ۱:۳۸
پای هاشان ۵:۲۳۷۸	پَر تو ابدال ۱:۳۲۷۳*	پَر ده بیچون ۵:۱۰۱*
پای های پَر ۵:۴۱۸۵	پَر تو اندیشه اش ۱:۳۲۳۳	پَر ده پاکان ۴:۲۳۸۴*
پایه پایه بر توان ۶:۱۲۱۱*	پَر تو حالی ۴:۷۰۱	پَر ده پندار ۵:۴۱۸*
پایه پایه بر رود ۲:۱۵۵۸	پَر تو حق است ۱:۲۴۳۷	پَر ده خود ۳:۲۴۵۲*
پایه پایه تا عَنان ۵:۲۵۵۶*	پَر تو خورشید بر ۲:۷۰۸	پَر ده خورشید ۶:۱۲۰۵
پایه پایه تا ملاقات ۳:۴۲۳۵*	پَر تو خورشید شد ۵:۹۸۷	پَر ده دار ۴:۷۸۲
پایه پایه رفت ۱:۹۳۰	پَر تو دانش ۱:۵۰۸	پَر ده دَر باشد ۵:۷۰۵*
پختگان راه ۳:۶۸۳*	پَر تو روح است ۱:۳۲۷۲	پَر ده در پنهان ۱:۲۳۸۱*

پُر غم و رنجند ۳: ۴۵۰۷*	پُر زگرد ۵: ۲۰۷۹*	پرده دیگر ۳: ۴۷۲۶*
پَر فزود ۲: ۳۲۶*	پُر زگوهرهای ۱: ۱۶۳۹*	پرده را بردار ۲: ۲۴۴۴*
پَر فکرت زن ۱: ۲۸۷۰*	پُر ز مُشک ۵: ۱۴۸*	پرده را برداشت ۱: ۳۴۸۰*
پَر فکرت شد ۱: ۲۸۷۱*	پَر زنان ایمن ۵: ۴۱۸۱*	پرده شد ۶: ۳۴۲۷*
پُر کند ۳: ۴۸۰۲*	پَر زنان بار دگر ۵: ۴۱۷۹*	پرده صد ۱: ۳۸۹۷*
پُر کنش ۱: ۹۹۰*	پَر زنان بر اوج ۶: ۱۹۹۳*	پرده کرد ۶: ۳۴۸۰*
پُر گیره باشی ۲: ۲۲۰۲*	پَر زنان پَرید ۶: ۶۸۱*	پرده کوچک ۶: ۴۸۹۱*
پَر گشاد و بسط ۳: ۲۰۶۹*	پَر سَبک دارد ۳: ۳۸۲۹*	پرده می خندد ۲: ۱۵۸۲*
پَر گشاده بسته ۴: ۶۲۰*	پرس پَرسان کین به چند ۶: ۸۳۳*	پرده نسیان ۴: ۲۲۸۹*
پَر گشاید پیش ۶: ۲۳۸۵*	پرس پَرسان کین مؤذن ۵: ۳۲۷۲*	پَرده‌ها در بحر ۵: ۹۵۴*
پَر گشاید هر دمی ۶: ۲۳۸۶*	پرس پَرسان می شد ۶: ۷۸۴*	پَرده‌ها را ۵: ۳۲۷۹*
پَر مردم ۶: ۱۳۴*	پرس پَرسان می کشیدش ۱: ۹۵*	پَرده‌های آسمان‌ها ۲: ۱۱۵۹*
پَر مرغ ۳: ۴۷۵۵*	پَر سر مقطوع ۶: ۴۱۶۶*	پَرده‌های جهل ۲: ۱۵۸۰*
پَر مساز از کاغذ ۶: ۱۳۵۴*	پَرسم از وی ۴: ۷۱۰*	پَرده‌های دیده ۲: ۷۱*
پَر مشوک آسب ۶: ۴۲۱۴*	پَرسم این ۳: ۲۴۰۰*	پَرده‌هایش پَرده‌های ۱: ۱۱*
پَر معاصی ۵: ۲۱۵۲*	پَر شد از تیزی ۴: ۱۸۲۳*	پَرده‌های غیب ۴: ۱۹۱۱*
پَر معانی ۱: ۳۵۸۶*	پَر شد اکنون نسل ۳: ۲۵۳۵*	پَرده‌های گنده ۴: ۴۶۲*
پَر من ابرست ۵: ۶۹۹*	پَر شد این قَدیل ۵: ۲۸۰*	پَرده‌های لا اُبالی ۳: ۳۴۲۵*
پَر من بگشای ۵: ۱۴۵۲*	پَر شده آفاق ۱: ۳۹۵۰*	پَرده‌های نور دان ۲: ۸۲۱*
پَر من رُسته‌ست ۲: ۳۵۶۴*	پَر شده از نور ۵: ۳۴۰۷*	پَرده هوشست ۴: ۳۶۱۲*
پَر نباشد ۴: ۱۳۸*	پَر شده حَمّام ۵: ۲۲۹۰*	پَرده‌یی بر روی ۶: ۳۴۲۸*
پَر نتانی ۵: ۷۱۷*	پَر شده کُغان ۴: ۱۸۴۶*	پَرده‌یی بندد ۲: ۱۵۸۱*
پَر نجُبانَد ۳: ۱۹۰۲*	پَر شده نور ۴: ۴۹۸*	پَرده‌یی، کز ۶: ۸۵*
پَر نگارش ۶: ۳۰۳*	پَر شدی ز آن میوه ۳: ۲۶۶۲*	پَر ز تشبیهات ۶: ۶۸۸*
پَر نگه دار ۳: ۲۱۳۷*	پَر شدی ناخواست ۳: ۲۶۶۱*	پَر ز تشنّیع ۴: ۱۹۳۵*
پَر وِبالِ بی‌گنه ۲: ۳۷۴۹*	پَر شود از کوزه ۱: ۲۷۱۳*	پَر زدن پیش ۳: ۴۴۳۳*
پَر و بالت ۲: ۹۴۲*	پَر شود از وصف ۵: ۲۰۲۶*	پَر ز سر تا ۵: ۱۸۰۸*
پَر و بالش بی‌گناهی ۶: ۹۵۶*	پَر شود او از صفات ۵: ۲۰۲۵*	پَر ز سرهای بُریده خندقی ۶: ۴۱۵۲*
پَر و بالش را به صد ۳: ۳۹۹*	پَر شود این عالم ۵: ۱۶۲۶*	پَر ز سرهای بُریده زین ۶: ۴۱۵۳*
پَر و بال مُرده ۵: ۳۵۵۸*	پَر شود ز آن باد ۴: ۱۱۹۶*	پَر ز عشق و لَحْم ۵: ۲۷۲۲*
پَر و بال نازنینش ۲: ۱۱۳۵*	پَر شود محشر ۵: ۱۶۲۳*	پَر ز غنچه وُرد ۱: ۱۸۹۷*
پَر و بالی ۳: ۳۸۲۸*	پَر شود، ناطق ۴: ۳۰۳۷*	پَر ز کُردم‌های ۲: ۳۵۴۲*
پَر و پای ۶: ۱۸۹۲*	پَر طاوست ۵: ۴۹۸*	پَر ز کشتی‌ها ۱: ۲۷۱۷*
پرورد در آتش ۱: ۵۴۷*		
پرورش دادم ۶: ۴۸۳۵*		

پس بدان مشغول ۱۵۰۷:۲	پس بُرس از ۱۲۸۶:۴	پرورش کی یافتندی ۱۷۸:۱*
پس بدانی احمق ۶۴۳:۴*	پس بسپرسیدش که آبت	پرورش مر باغ ۳۱۰:۱:۶
پس بدانی چونکه ۲۴۰۰:۴	۳۷۹۸:۲	پرورش یابد ۲۵۱۸:۴*
پس بدانی کَاهِلِ ۳۶۹:۴*	پس پیرسیدش که این ۱۸۱۱:۴	پرورنده هر صفت ۱۴۲۱:۶*
پس بدانی کز تو بود ۱۳۲۴:۱*	پس پیرسیدند از او ۳۲۷۳:۴	پروریدش ۲۵۱:۶
پس بدانی کز تو من ۶۲۴:۴*	پس پیرسیدند چون ۳۷۶۱:۵*	پروریدم طفل ۴۸۰۹:۶*
پس بد مطلق ۶۵:۴	پس پیرسیدند ز آن ۲۸۳۶:۶	پروریده، کرده ۲۴۹:۶*
پس بدو گفت آن ۲۰۹۶:۲	پس پیوشید ۱۳۳۷:۴	پُر و مالا مال ۳۴۱۰:۲
پس بدو گفتند ای ۵۴۴:۶	پس پیمود ۱۶۸۹:۶	پَر همان ۳۰۰۶:۶
پس بدو گفتند زین ۲۴۰۷:۶	پس بجنبانم ۳۷۱۷:۴	پر همی بیند ۸۶۵:۶
پس بدو گفتند می خواند	پس بجنبد ۲۹۸۰:۵	پُر همی بینم ۳۴۳۲:۳*
۳۱۴۰:۳	پس بجوشیدند ۸۶۷:۳	پُر همی شد ۸۰۳:۱*
پس بدو گفتند یا ۲۷۷۶:۱	پس بخارایی ست ۳۷۹۱:۳*	پُر همی گردد ۷۸۱:۶*
پس بدو گویی ۲۹۷۳:۳	پس بخسپم ۳۷:۲	پُر هنر را نیز ۲۵۹:۶
پس بدید او ۲۸۷۶:۶	پس بختند ۲۴۱۶:۶	پس ادب کردش ۳۴۱۳:۶
پس بدیدی دید ۱۱۲۳:۱*	پس بخندد چون ۱۲۸۲:۵*	پس ادب کن ۱۲۸۷:۲
پس بدیدی گاو ۶۵:۲	پس بخوان آن ۱۹۱۱:۶*	پس از آن عالم ۱۴۹۵:۲
پس بدیشان گفت ۳۶۳۲:۶	پس بخوان قامُوا ۲۲۳۴:۶	پس از آن لولاک ۲۸۸۴:۶
پس بدین داور ۳۰۷۶:۵	پس بدآن دیده ۳۴۷۵:۶*	پس از آن یاری ۲۵۵۶:۶
پس برآرد ۲۱۷۲:۳*	پس بدادش ۴۸۳۳:۶	پس از این فرمود ۲۷۴۷:۱
پس برآرم ۲۲۶۹:۴	پس بدان احوال ۱۳۱:۴	پس ازین رُو ۲۵۴۳:۲
پس برآمد ۷۲۲:۳	پس بدان از دُور ۲۷۲۲:۶*	پس ازین یُعْوِی ۳۶۶۱:۶
پس بر آن مالِ ۲۶۳۹:۳*	پس بدان این ۶۲۸:۱	پس اشارت ۱۸۶۲:۵
پس بر آن مسجد ۳۰۲۶:۲	پس بدان بی امتحانی ۳۷۰:۴	پس اَعُوذ ۲۹۵۳:۵
پس بر او افسوس ۱۱۵۶:۵*	پس بدان بی دست ۷۵۸:۵*	پس اگر گویی ۳۶۴۱:۳
پس بر او پنهان ۲۸۷۹:۶*	پس بداند او ۱۷۴۰:۳*	پس اَلَمْ نَشْرَحْ ۱۰۶۶:۵*
پس بر او تَف کرد ۲۲۷۷:۴*	پس بداند زود ۳۳۷۷:۲	پس امام ۸۱۷:۲
پس بر او تکلیف ۶۷۴:۳*	پس بداند سِرَ ۳۶۴۴:۴*	پس امیرش ۳۵۸:۴
پس برای کَفَه ۶۳۵:۴	پس بداند که ۱۸۶۳:۴	پس اَنَالِ التَّار ۱۳۴۹:۲*
پس بر عطار ۶۲۶:۴	پس بدان رنجت ۳۹۸۸:۵	پس ایاز ۴۰۸۸:۵
پس برو خاموش ۳۳۴۸:۴	پس بدانستیم ۴۵۲۴:۳	پس پُرْمُشان ۲۱۷۰:۲*
پس برو شیرین ۴۱۹۲:۳	پس بدان، کَاب ۴۳۱۷:۳	پس بیستش ۳۰۸۲:۵
پس برون آری ۳۲۱۷:۴*	پس بدانکه در ۳۳۴۰:۶*	پس ببیند ۳۱۴۹:۱*
پس برون آیند ۱۸۷۴:۶	پس بدان که شمع ۴۳۷۳:۳	پس ببین کین ۵۳۹:۱
پس برون جَسَتْ او ۴۳۹۱:۶	پس بدان که صورت ۱۰۱۸:۲	پس ببینی تو ۷۹۵:۴*

پس بماندی ۴: ۱۰۷۹	پس بگفتندش که احوال	پس برون جستند ۳: ۱۵۹۱
پس بُمردی ۴: ۱۰۷۷*	۴: ۱۷۴۳	پس برون رَوُ ۶: ۱۹۱۲*
پس بمیرد ۴: ۳۷۷۹	پس بگفتندش که از ۶: ۱۶۷۵	پس بُرونِ کارگه بی‌قیمتی
پس بناش ۶: ۳۱۷۹	پس بگفتندش که تو ۴: ۸۳۴	۲: ۶۹۰*
پس بنالی ۴: ۶۶۶	پس بگفتندش که خدمت‌ها	پس برونِ کارگه پوشیدگی
پس بنای خلق ۶: ۵۰	۶: ۳۶۶۳	۲: ۷۶۳*
پس بنوشند از ۴: ۳۶۷۵*	پس بگفتندش که خشمینی	پس بُرو هم ۴: ۳۲۹۲
پس بنه بر ۳: ۱۲۷	۵: ۳۷۴۲	پس برهنه ۱: ۲۳۴۵*
پس بنی آدم ۲: ۶۷	پس بگفتندش که طاوسان	پس بزرگان ۱: ۲۰۰۰
پس بود دل ۳: ۲۲۶۶	۳: ۷۷۴	پس بسوزد ۳: ۱۳۹۱*
پس بود ظلمات ۴: ۱۲۵۴	پس بگفتندش که واللّه	پس بسوزم ۶: ۴۴۸۷*
پس بود کالاشناسی ۲: ۲۹۴۰	۶: ۲۴۹۸	پس بشر آمد ۵: ۹۳۵
پس بهار، او را ۱: ۲۹۲۱*	پس بگفتندش که بی ۶: ۲۸۱۷	پس بشر فرمود ۴: ۲۶۷۰
پس به پهلوی ۲: ۲۴۰	پس بگفتندش مبارک ۴: ۱۷۵۱	پس بفرمودش ۴: ۳۰۱۵
پس به تأویل ۱: ۲۰۵۴	پس بگفتندی چه ۵: ۲۸۰۱	پس بقاصد ۵: ۲۴۱۲
پس به تو میراث ۱: ۳۹۶۳*	پس بگفتندی درون ۶: ۳۰۹۲	پس بکش تو ۴: ۱۴۷۰
پس به جِدِّ جَدِّ ۳: ۲۵۷۳*	پس بگفتی او ۲: ۳۶۸۸	پس بکن دفعش ۶: ۳۷۳
پس به جد جُستن ۵: ۲۲۵۰	پس بگفتی تا ۴: ۱۲۴۳	پس بگریان ۲: ۴۴۴*
پس به جد می‌جُست	پس بگفتی قبض ۶: ۴۸۰۲	پس بگفت آن مرد ۵: ۳۴۱۶*
۶: ۴۲۵۷*	پس بگفتی: نام ۴: ۱۲۸۸*	پس بگفت: اِنّی ۳: ۴۰۵۱*
پس به چنگال ۴: ۱۳۰۶	پس بگفتی هر ۴: ۱۲۹۰	پس بگفت: ای زن ۳: ۸۸۳*
پس به چه نام ۶: ۱۷۴۹	پس بگو کو ۶: ۱۴۵۷	پس بگفتش: بر ۵: ۲۴۹۸*
پس به خود خواند ۵: ۴۰۱۷	پس بگوید آفتاب ۱: ۳۲۶۴	پس بگفتش کآن ۶: ۱۱۶۷
پس به درویشان ۵: ۲۶۸۱*	پس بگوید: اُقْتُلونی ۴: ۱۰۹*	پس بگفتم ۴: ۶۹۰
پس به دست ۴: ۲۵۳۴	پس بگوید تُونی ۴: ۲۴۸	پس بگفتند آن ۶: ۴۰۱
پس به دندان ۴: ۲۸۱۵	پس بگوید خر ۴: ۱۴۹۶	پس بگفتند این ۵: ۲۴۱۰
پس به دیوان ۶: ۲۵۱۵	پس بگوید: ران ۴: ۷۱۵*	پس بگفتندش به ۳: ۱۲۴۹
پس به رسم دعوت ۵: ۹۱۳*	پس بگویم ۱: ۳۴۸	پس بگفتندش چه ۴: ۳۲۴۳
پس به سرهنگان ۶: ۳۳۶۳	پس بگویی خواجه ۳: ۱۶۳۱	پس بگفتندش فلان ۴: ۱۱۶۳
پس به سوراخی ۳: ۴۰۵۶*	پس بگویش ۴: ۷۲۳	پس بگفتندش که آن دستور
پس به سوي حق ۶: ۳۳۳۰*	پس بگویی راست ۲: ۲۹۸۳	۴: ۱۲۲۸
پس به شوهر ۴: ۳۵۴۵	پس بگیرم بعد ۵: ۲۳۳۵	پس بگفتندش که آنکه
پس به صورت آدمی ۴: ۳۷۶۶	پس بِلالش گفت ۳: ۳۵۱۸*	۶: ۲۴۹۳
پس به صورت عالم ۴: ۵۲۱	پس بلرزید ۱: ۱۶۹۱*	پس بگفتندش که آوردیم
پس به ضِدِّ نور پیدا ۱: ۱۱۲۸*	پس بماند آب ۶: ۹۷۶	۵: ۳۷۴۴

پس به ضد نور دانستی	پس پیمبر زوی ۶: ۱۱۸۲	پس تو رُوبه ۱: ۳۱۱۳*
۱۱۳۳:۱	پس پیمبر گفت استفتوا ۶: ۳۸۰	پس تو سرهنگی ۱: ۶۳۳
پس به عالم ۲: ۸۹۹	پس پیمبر گفت بهر ۵: ۱۰۵۱*	پس تو شک ۱: ۱۰۷۷*
پس به عهد ما ۳: ۴۶۳۵*	پس تبسم ۳: ۱۷۰۸	پست و کز ۱: ۱۰۸۱*
پس به غیبت ۱: ۳۶۳۹	پست بنشین ۴: ۲۱۴۶*	پس تو که بختی ۴: ۱۱۱۱*
پس به غیر او ۳: ۳۵۲۵*	پست تر گردد ۲: ۱۲۰۷*	پس تو ناصح ۳: ۲۹۶۲*
پس به قهر ۳: ۴۵۲۲	پس تجسس ۶: ۳۳۵۰	پس تو و عقلت ۴: ۳۶۸۵
پس به گورستان ۴: ۱۳۷۱	پس، تحرّی بعد ۶: ۲۶۲۶*	پس تو هر جفتی ۱: ۳۶۰۵
پس به معنی آن ۴: ۵۲۴	پس ترازوی خِرد ۴: ۳۷۹*	پس تو هم آجار ۶: ۳۰۱۰
پس به معنی این ۶: ۲۴۲۶*	پس تردّد ۶: ۴۱۲	پسته را یا ۶: ۲۵۶۳
پس به معنی باغ ۶: ۳۲۳۹	پس ترقّی جُست ۶: ۲۴۳۱*	پستی دیوار ۲: ۱۲۰۸
پس به معنی سوی ۶: ۳۷۵۴	پس تضرع ۶: ۷۶۹	پس ثمر ۲: ۱۹۶۹*
پس به معنی عالم ۴: ۵۲۱*	پس تفحص کرد از ۲: ۶۲۵*	پس جدا اند ۴: ۴۴۹*
پس به معنی می‌روی ۶: ۳۷۵۲	پس تفحص کرد کین ۴: ۱۱۶۲	پس جز او ۳: ۳۵۲۶
پس به هر دستی ۱: ۳۱۶*	پس تفسطط ۵: ۳۰۱۵	پس جزای ۶: ۳۴۰۶
پس به هر دوری ۲: ۸۱۵	پست گفتندی ۶: ۴۰۰۷*	پس جلیس الله ۶: ۱۳۰۲
پس به یکساعت ۱: ۳۸۸۶*	پست منگر ۴: ۳۳۶۳	پس جوابِ احمقان ۴: ۳۲۹۷*
پس به یک سوزن تهی شد	پست می‌گویم ۱: ۳۸۱۱	پس جوابِ احمقِ اولی‌تر
۴۰۰۷:۳*	پس توان زد ۴: ۳۲۹۰*	۱۸۶۶:۴*
پس به یک سوزن، تهی گردی	پس توانم ۵: ۲۸۳۶	پس جوابُ الْأَحْمَقِ ای
۷۱۹:۳	پس تو ای ادبار ۳: ۴۷۹۳	۱۴۸۲:۴*
پس بی‌آمد زود ۵: ۲۶۰۰	پس تو ای ناشسته رو ۲: ۳۳۴۰	پس جواب او ۲: ۲۷۱۷
پس بی‌آوردم ۴: ۹۳۸*	پست و بالا ۴: ۲۵۳۴	پس جوابش ۶: ۱۰۳۹
پس بی‌آمد با ۳: ۳۱۷۶	پس تو جان ۳: ۵۶۶*	پس جوابم بهر ۳: ۳۹۷۵*
پس بی‌آموز و پیده ۵: ۳۰۶۶*	پس تو چون ۴: ۴۹۲	پس جوابم گوی ۳: ۱۳۸۱*
پس بیفتادند ۳: ۱۴۸	پس تو حیران ۴: ۳۷۴۸	پس جهاد ۲: ۲۳۷۹
پس بی‌فزا ۲: ۳۲۸۰	پس تو خود ۵: ۴۰۶	پس جهان، بی‌فایده ۲: ۱۰۷۰*
پس پذیرشان پیش ۴: ۳۲۷۲*	پس تو را اولی ۵: ۴۰۲۲*	پس جهان زاید ۲: ۱۱۸۷*
پس پدر، مر ۶: ۱۳۹۳*	پس تو را باطن ۵: ۲۸۱۳	پس جهانی را ۱: ۳۱۲۹*
پس پذیرا گشتم ۳: ۴۲۰۴*	پس تو را بیرون ۴: ۲۵۵۸	پس جهنّم ۶: ۱۵۸۵*
پس پشیمانیّت ۴: ۱۳۴۳*	پس تو را خود ۵: ۳۴۸۰	پس جهود آورد ۶: ۲۴۲۷
پس پلاسی پستندی ۲: ۲۸۱۵*	پس تو را سرگشته ۱: ۲۹۴۶*	پس چرا از ۲: ۱۰۳۷
پس پیایی جمله ۲: ۳۲۴۲*	پس تو را کی ۵: ۱۷۱۰*	پس چرا ایمن ۳: ۱۶۴۵
پس پیایی گرددش ۶: ۱۹۲۲*	پس تو را هر غم ۴: ۱۹۱۳	پس چرا بدظن ۶: ۳۶۸۷*
پس پیمبر دفع ۴: ۳۷۰۴	پس تو را هر لحظه ۱: ۱۱۴۲	پس چرا پُر بود ۳: ۱۳۳۳*

- پس چرا پنهان ۳: ۴۲۵۲
 پس چرا تو ۳: ۳۴۲۳
 پس چرا جان‌های ۴: ۱۷۸۷
 پس چرا چشمت ۵: ۲۴۳۶
 پس چرا چون ۳: ۴۴۱۲
 پس چرا خشکی ۵: ۱۲۳۲
 پس چرا داود ۴: ۲۴۱۶
 پس چرا در چاه ۵: ۶۵۹
 پس چرا در حبله ۳: ۴۷۴
 پس چرا در طعن ۱: ۱۵۲۳
 پس چرا در کار ۳: ۳۰۹۹
 پس چرا در نفي ۶: ۳۷۳۷
 پس چرا در وی ۱: ۲۹۴
 پس چرا دی بودت ۲: ۲۸۲۳
 پس چرا ز آثار ۶: ۱۳۱۸
 پس چراشان ۲: ۷۸۷
 پس چرا شش ۶: ۱۲۱۴
 پس چرا صد ۵: ۳۱۱۶
 پس چرا علمی ۳: ۱۱۲۶
 پس چراغ حس ۴: ۴۵۵
 پس چرا کارم ۳: ۴۸۰
 پس چرا گوید ۳: ۱۹۱۹
 پس چرا لابه ۳: ۱۹۱۶
 پس چرا محروم ۱: ۹۴۹
 پس چنان بحری ۶: ۱۶۲۵
 پس چنان کن ۵: ۲۲۱۸
 پس چنین گفتست ۴: ۲۷۶
 پس جو آهن ۴: ۲۴۶۹
 پس جو از تسبیح ۳: ۱۰۲۶
 پس جو تن باشد ۶: ۲۰۹۲
 پس جو حکمت ۲: ۳۵۹۱
 پس جو دانستی ۶: ۳۷۲
 پس جو دید آن ۶: ۲۸۷۹
 پس جو سیرکه ۱: ۱۵۲۶
 پس جو صیادان ۴: ۲۲۴۱
 پس جو عادت ۶: ۴۶۹۷
 پس جو کافر ۲: ۱۸۰۵
 پس جو می‌بینی ۲: ۱۰۳۴
 پس جو وحشی ۱: ۳۳۱۷
 پس جو یعرف ۳: ۳۶۶۶
 پس چه از در خورد ۶: ۱۹۰۵
 پس چه امید ۳: ۱۷۷۸
 پس چه اندر خرج ۳: ۴۴۲۰
 پس چه باشد حکمت ۱: ۳۵۹۸
 پس چه باشد عشق ۳: ۴۷۲۳
 پس چه باشد مُردن ۵: ۱۸۲۹
 پس چه باشد مَگه ۱: ۳۹۵۶
 پس چه پیوندندشان؟ ۱: ۲۸۱۳
 پس چه ترسم؟ کی ۳: ۳۹۰۲
 پس چه چاره باشدم ۳: ۱۳۶۶
 پس چه چاره جز ۲: ۳۳۸۶
 پس چه خوانیمت ۳: ۷۷۳
 پس چه خود ۲: ۳۰۳۹
 پس چه داند پشه ۵: ۱۳۱۲
 پس چه داند ظلمت ۵: ۱۳۱۱
 پس چه دستم گیرد ۵: ۲۹۳۵
 پس چه زاید ۳: ۴۴۱۳
 پس چه زُرْغَباً ۶: ۲۶۸۱
 پس چه سود ۳: ۳۵۴۷
 پس چه شخص ۶: ۸۳۸
 پس چه عرضه ۶: ۳۷۴۷
 پس چه عزت ۱: ۳۳۱۴
 پس چه کَرْمَناً ۳: ۲۴۰۷
 پس چه ماند؟ ۶: ۲۰۹۶
 پس چه مشغولی ۶: ۵۴
 پس چه می‌کردی ۶: ۵۴۶
 پس چه واسع ۴: ۱۷۶۰
 پس حدیثش ۵: ۲۴۸۳
 پس حسد ۲: ۸۱۴
 پس حقایق را ۲: ۳۰۲۲
 پس حق حق ۳: ۳۲۹
 پس حقیقت بر ۶: ۲۲۰۴
 پس حقیقت حق ۶: ۳۷۵۵
 پس حقیقت روز ۲: ۲۹۳
 پس حکم کرد ۶: ۲۱۶۱
 پس حکیمان ۴: ۷۳۳
 پس حکیمش ۱: ۱۹۸
 پس حلیمه ۴: ۹۴۶
 پس حنوط آن ۳: ۳۲۳۴
 پس حواس ۳: ۱۸۳۲
 پس حیات ۳: ۴۹
 پس خبر بردند ۴: ۶۷
 پس خبر کردند ۶: ۱۹۴۸
 پس خدا آن ۵: ۲۵۹۳
 پس خدا بنمودشان ۱: ۴۸
 پس خدای ۲: ۱۵۹۱
 پس خداوند ۴: ۲۱۱۷
 پس خروشت ۳: ۳۳۱۱
 پس خریدار ۶: ۲۹
 پس خزان او ۱: ۲۹۲۴
 پس خزانه ۵: ۱۰۲۴
 پس خضر کشتی ۵: ۷۱۴
 پس خطر باشد ۵: ۲۴۵۰
 پس خلیفه‌اش ۲: ۹۱۱
 پس خلیفه ساخت ۶: ۲۱۵۳
 پس خلیفه‌ش ۶: ۱۳۸۵
 پس خلیفه طَیره ۵: ۳۹۵۴
 پس خلیفه کرد ۵: ۱۱۲
 پس خموشی ۴: ۳۲۹۷
 پس خودی را ۶: ۱۵۲۲
 پس در آب اکنون ۶: ۳۶۴۵
 پس در آتش ۴: ۲۵۳۶
 پس درآ در ۲: ۷۶۲

پس در آن اقبال ۵: ۱۲۱۷	پس دهان دل ۱: ۹۹۰	پس ز دَرْد ۶: ۱۴۷۴
پس در آن رنجوری ۶: ۳۴۶۷	پس رجال از ۴: ۲۵۹۳	پس ز دستِ ۵: ۷۳۹*
پس در آویزم ۳: ۱۷۲۲*	پس رسول آن ۳: ۴۵۳۵	پس ز دفع این ۱: ۲۴۹۰
پس در امرِ توسست ۳: ۳۴۷۰*	پس رسولش شکر ۳: ۳۲۴۷	پس ز دفع خاطر ۱: ۲۴۸۹
پس در انگوری ۲: ۳۷۲۵	پس رسولش گفت ۳: ۳۲۳۰	پس ز دَه یار ۵: ۷۴۴
پس در حَمّام ۵: ۲۲۴۸	پس رفو باشد ۱: ۳۸۸۲*	پس زدی اشراق ۶: ۳۲۲۴
پس درست آید ۳: ۴۶۱۳*	پس رمیدندی ۵: ۳۲۱۶	پس زر و گوهر ۵: ۹۴۵
پس دروغ آمد ۵: ۲۲۱۶	پس روان شد ۴: ۱۰۳۴*	پس زره سازید ۳: ۱۸۵۰
پس دروغ و عشوه‌ات ۲: ۲۷۴۰	پس روان گردد به ۵: ۱۸۱۴	پس ز زیر ۵: ۲۷۹۳
پس درین ترکیب ۴: ۱۵۲۱	پس روان گردد چو ۵: ۱۸۱۱	پس ز سیرکۀ ۶: ۲۱*
پس درین قسمت ۶: ۳۸۸۵	پس روان گشتند ۶: ۲۸۵۰	پس ز شرح ۳: ۳۶۹۶
پس درین مُردار ۵: ۱۲۱۶	پس رَوی کن ۴: ۱۶۹۷*	پس ز شهوت ۱: ۴۱۴*
پس دعاشان ۴: ۹۰*	پس ره پند ۲: ۲۰۶۶	پس ز شید ۳: ۷۲۹*
پس دعای خشک ۵: ۱۱۸۸	پس رهی ۱: ۲۹۴۵	پس ز صدقِ ۶: ۴۲۷۴*
پس دعایِ خویش ۵: ۲۲۴۴*	پس ریاضت ۳: ۳۳۹۶	پس ز طین ۵: ۲۹۳۲*
پس دگر مشنو ۵: ۲۲۶۷*	پس ریای ۲: ۳۶۹۸	پس ز ظاهر ۶: ۱۳۱۱*
پس دل پژمرده ۵: ۸۹۰	پس ز بام افتاد ۵: ۳۹۰۴*	پس ز عَرشِ ۵: ۱۶۳۰
پس دلِ خود ۳: ۲۲۴۷*	پس زبان بگشاد ۵: ۱۵۶۰	پس ز علمت ۵: ۲۴۸۸*
پس دل عالم ۲: ۸۳۶	پس زبان مَخرمی ۱: ۱۲۰۷	پس ز کُنچ ۶: ۱۱۸۱
پس دلم می‌لرزد ۳: ۴۲۹۷	پس زیونِ ۴: ۱۲۲۳*	پس ز کوزه ۶: ۴۰۴۱*
پس دلِ من ۲: ۱۵۸۶	پس زیبی جوعی است ۶: ۴۲۹۷	پس ز گرمی ۴: ۵۰۰
پس دمی مردار ۱: ۲۸۷۵	پس زیبی عقلی ۶: ۴۳۲۱*	پس ز لرزه ۴: ۹۶۵
پس دَوان شد تا ۴: ۱۵۸۵*	پس زیبی می‌بیند ۴: ۲۹۰۸	پس ز لیلی دُور ۴: ۱۵۴۷*
پس دوان شد سویی ۵: ۲۱۷۱*	پس ز ترسِ ۳: ۲۶۴۱*	پس ز مَحَنّت ۴: ۳۱۷۳*
پس دواي رنجش ۴: ۲۷۷*	پس ز تلخی‌ها ۳: ۴۱۹۵*	پس ز مختاری ۵: ۳۰۵۱*
پس دوباره ۲: ۱۹۹۴	پس ز جالینوس ۳: ۳۹۷۴	پس ز مستی‌ها ۳: ۸۲۸
پس دو بیند ۵: ۲۸۸۴*	پس ز جان ۲: ۱۱۸۶	پس، ز مَطَبَح ۱: ۳۱۷۶*
پس دو تا باید ۱: ۳۰۸۰	پس ز جنس ۵: ۱۴۳۳	پس ز مکتب ۱: ۲۷۹۳
پس دو چشم ۴: ۳۳۷	پس ز چشم ۴: ۷۷*	پس ز مِن پستان ۴: ۲۵۰۹*
پس دوّم کَرّت ۵: ۱۲۷۶*	پس زحق ۵: ۱۸۲۱	پس ز من زایید ۴: ۵۲۹
پس دو نیمه ۴: ۲۸۳۱*	پس ز حلقه ۴: ۸۹۸*	پس ز مَه تا ۳: ۴۱
پس دهان بَر بند، ما ۱: ۳۶۴۱*	پس ز خاکش ۱: ۳۱۶۵*	پس زمین بوس ۶: ۱۱۶۱
پس دهان بر بند و گفتن ۶: ۶۹۵*	پس ز خوفِ ۲: ۳۱۶۴*	پس زمین تیره ۲: ۲۹۴۹
پس دهان در مدح ۵: ۴۰۴۸*	پس ز دادش ۵: ۱۵۶۸*	پس زمین دل ۴: ۱۳۱۸
	پس زد انگشتک ۵: ۹۵۷	پس زمین را ۳: ۱۲۴۴

پس شناسدشان ۳:۵*۳۰۰	۴۶۳۲:۳	پس زمین و چرخ ۳:۴۴۱۱
پس شوی مستغنی ۳:۱۲۸۳*	پس سلیمان گفت ای پشه	پس ز میوه زاد ۴:۵۲۹*
پس شهیدان ۲:۳۸۴	۴۶۵۵:۳	پس زنان گفتند ۶:۲۶۶
پس صفات ۳:۴۶۲	پس سلیمان گفت ای پیکان	پس ز نقش ۶:۶۵۵
پس صفای ۶:۲۱۵۴	۷۲۲:۴	پس زنی گفتش ۶:۳۰۸۷
پس صله ۲:۲۱۴۶	پس سلیمان گفت: ای خواجه	پس زیانش ۵:۶۵۳
پس ضیا ۴:۲۰*	۹۵۷:۱*	پس سبا گفتند ۳:۳۶۸
پس طیب آمد ۵:۲۰۰۱	پس سلیمان گفت ای زیبا	پس سبب در راه ۵:۱۵۵۰*
پس طیبیان از ۴:۱۲۹۲	۴۶۴۶:۳	پس سبب، گردان ۶:۳۶۹۰
پس طیبیان الهی ۴:۱۷۹۷	پس سلیمان گفت ای نیکو	پس سید را ۶:۳۲۰۸
پس طیبش ۲:۳۰۹۷	۱۲۲۰:۱	پس سبو برداشت ۱:۲۷۲۹
پس طفیل آمد ۲:۱۷۶۱*	پس سلیمان گفت ای هدهد	پس سپاس او را ۱:۳۱۱۷
پس طلب کن ۴:۳۲۰۲*	۱۲۲۵:۱	پس سپاهی ۳:۴۰۲۴
پس طمع در ۶:۴۱۹۹	پس سلیمان گفت: بادا	پس ستردن ۵:۳۳۳۱*
پس طمع کر ۲:۶۷۶*	۱۸۹۷:۴*	پس ستون این ۴:۱۳۳۰
پس طوافی کرد ۶:۴۳۸*	پس سلیمان گفت: عزرائیل	پس ستون خانه ۲:۲۵۱۰*
پس ظَلَمْنَا ۵:۱۹۷۰*	۹۶۴:۱*	پس سخا از ۲:۹۰۰
پس عجب در ۲:۲۲۳۵	پس سلیمان گفت گر ۴:۸۸۰	پس سخن کوتاه ۱:۱۸*
پس عدم گردم ۳:۳۹۰۶	پس سلیمان همتی ۱:۲۶۰۹	پس سر این ۲:۳۳۲۴
پس عدو ۴:۲۶	پس سلیمانی ۴:۱۱۵۲	پس سرش را ۶:۲۷۶
پس عرب گفتش ۲:۳۱۹۶	پس سؤالش ۴:۴۹۱	پس سری که ۲:۹۷۴
پس عروسی ۴:۳۱۱۳	پس سیوم بار ۶:۷۰۴	پس سیقام ۶:۴۵۹۴
پس عزرا بر ۶:۷۹۶	پس سه روزه ۳:۱۱۷۵*	پس سگ شیطان ۵:۲۹۴۵
پس عزازیلش ۲:۲۷۸۰	پس سیاحت ۲:۳۶۵۴	پس سلامش کرد در ۴:۱۳۷۵
پس عصا انداخت ۴:۹۶۴*	پس سیه کاری ۵:۵۷۳	پس سلامش کرد گرم ۶:۱۶۸۳
پس عقاب آن ۳:۳۲۴۴	پس سیه کردی ۲:۳۳۸۵*	پس سلامش کرد و پرسید
پس علیکش ۱:۱۴۲۸	پس شتابیدند ۴:۲۲۰۵	۵:۲۳۶۵
پس عمادالملک ۶:۳۴۵۷	پس شدند ۳:۴۴۶۹	پس سلام گرم ۵:۲۳۵۴
پس عمر ز آن ۱:۲۱۶۷	پس شدی اوصاف ۳:۴۱۸۳*	پس سلح بر ۳:۴۳۳۳
پس عمر گفتش که ۱:۲۱۹۹	پس شدی درمان ۵:۳۴۳۳	پس سلیمان آن ۴:۱۳۷۹
پس عمر گفتش: مترس	پس شفاعت ۱:۲۶۱۲	پس سلیمان از ۴:۸۷۰
۱:۲۱۷۹	پس شکر را واجب ۶:۱۷*	پس سلیمان اندرونه ۴:۱۹۰۶
پس عوانان آمدند ۳:۹۵۲	پس شکر کی ۱:۱۹۸۰*	پس سلیمان بحر ۲:۳۷۸۰
پس عوانان بی ۳:۹۵۶	پس شکستن ۱:۳۸۸۴	پس سلیمان دید ۴:۱۳۷۳
پس عوان که ۴:۱۱۶	پس شما خاموش ۲:۳۶۹۲	پس سلیمان گفت ای انصاف

پس عوض دیدن ۲: ۸۹۷#	پس قرین می کرد ۴: ۵۵	پس کمال پادشاهی ۴: ۱۰۷۹#
پس عیان بودی ۲: ۹۸۶	پس قرین هر ۱: ۳۶۵۴	پس کمان ۶: ۱۹۴۳
پس غذای ۴: ۷۴۲	پس قضا آمد ۵: ۳۹۴۴#	پس کمند انداخت ۶: ۲۸۴۴
پس غزازین ۴: ۱۴۳۹	پس قضا را ۳: ۱۳۶۸	پس کمند هست ها ۲: ۳۲۷۹
پس غلام ۶: ۲۶۹	پس قضیب انداخت ۴: ۲۷۹۲	پس کنم ناگفته تان ۲: ۱۹۱۵#
پس غنیمت ۴: ۷۱۳	پس قلم بنوشت ۵: ۳۱۳۲	پس کنیزک آمد ۵: ۱۴۱۷
پس فنادم ۶: ۲۷۹۷	پس قیاس ۱: ۳۳۹۸	پس کنیزک از ۵: ۸۱#
پس فند آن ۳: ۱۱۱۹#	پس قیامت بودی ۲: ۹۸۸	پس کنیزک جمله ۵: ۱۳۵۱
پس فراقِ آن دو ۲: ۸۹	پس قیامت، روز ۱: ۲۹۱۷	پس که داند جای ۳: ۳۰۴۵#
پس فراقِ آن مقر ۴: ۳۲۱۰#	پس قیامت شو ۶: ۷۵۶	پس که داند راه ۳: ۳۰۴۵
پس فراموشش شود چون	پس قیامت نقد ۴: ۳۲۶۲	پس که هدم ۴: ۱۳۸۲
۳۶۲۷:۴	پس کجا بود ۲: ۲۵۵۶#	پس گدایان ۱: ۲۷۵۰
پس فراموشش شود هولی	پس کجا بی صیقل ۱: ۲۹۸۰#	پس گرفت اندر ۲: ۱۶۹۸#
۲۵۷۷:۵	پس کجا داند ۵: ۱۳۱۳#	پس گرفتش ۴: ۲۲۷۷
پس فرستاد از ۵: ۳۸۴۳#	پس کجا زارد ۲: ۳۳۵	پس گریانش ۳: ۲۴۱۳
پس فرستادت ۶: ۳۲۲۶#	پس کجا شد ۳: ۳۱۷۸#	پس گریز از ۶: ۱۳۷۷
پس فرستادند ۳: ۱۲۳۷	پس کدامین راه ۴: ۳۱۰۲#	پس گریزان است ۲: ۱۲۵۴
پس فرستاد و بیاورد ۶: ۱۰۲۹	پس کدامین شهر ۳: ۳۸۰۹	پس گریزان شد ۳: ۴۰۵۲#
پس فرشته ۵: ۲۹۸۴	پس کراحت ۵: ۳۳۲۸#	پس گریزد ۶: ۲۹۲۹
پس فروپوشان ۴: ۳۶۷۳	پس کرم کن ۵: ۳۰۶۸	پس گریزند و تو ۳: ۴۰۳۳
پس فرود آمد ۳: ۴۶۱۹#	پس کرمهای ۲: ۳۰۵۵	پس گریزند و دل ۳: ۴۰۲۳#
پس فرو رفت ۴: ۱۳۵۹	پس کریم آنست ۳: ۳۳	پس گلاب و آب ۶: ۳۱۲۲
پس فروشد ۶: ۳۴۶۳	پس کسانی ۴: ۴۴۲	پس گلوئی جمله ۶: ۲۰۹۵#
پس فروز از ۲: ۳۳۲۸	پس کسی باشد ۳: ۴۴۶۸#	پس گلوئی گاو ۳: ۱۴۸۸
پس فرد اندر ۶: ۳۴۷۶#	پس کسی در ناکی	پس گناه من درین ۵: ۱۹۰۹#
پس فقیر آن است ۲: ۸۳۵	۱: ۱۷۳۵#	پس گواهی با تناقض ۵: ۲۵۷
پس فقیر آن شیخ ۲: ۳۵۲۶	پس کسی گفتش ۶: ۲۱۱۶	پس گواهی بایدم ۱: ۲۶۹۹
پس فقیهش ۴: ۱۵۸۶	پس کشیدندش ۶: ۳۹۱۶	پس لباس ۵: ۱۰۶۱
پس فگندش ۴: ۱۲۲۲	پس کلابه ۲: ۹۹۸	پس لیش رَدش ۱: ۲۵۸۶
پس فلک، ایوان کی ۵: ۱۷۴۱#	پس کلام اللیل ۴: ۲۲۹۸#	پس لَهُ الْخَلْق ۶: ۷۸
پس فلک قشربست ۲: ۳۲۵۲	پس کلام پاک ۲: ۳۱۶	پس مترس از جسم ۳: ۱۶۱۳#
پس فنا جو ۵: ۷۹۸#	پس کُلُوا از ۵: ۵۸۲	پس مثال ۴: ۸۹۷
پس فنا چون ۲: ۲۹۸#	پس کلوخ ۵: ۲۱۳۹	پس مثل بشنو ۶: ۳۴۲۹
پس فنون باشد ۲: ۱۳۸۴	پس کلیم الله ۶: ۳۲۸۳#	پس مجاهد ۲: ۲۹۶۱
پس قیایت ۶: ۱۷۱۸	پس کمال الیر ۶: ۲۸۹۱	پس مجواز ۵: ۲۴۵

پس نظرگاه شعاع ۸۳۸:۲	پس ملایک با ۴۲۱۹:۶	پس مجو پیشی ۱۱۲۷:۳
پس نقوش ۲۹۹۸:۴	پس ملایک را ۳۶۴۹:۱	پس محال از ۳۶۰۰:۳
پس نقیان ۲۷۷۴:۱	پس ملایک رَبِّ ۲۷:۴*	پس مَحَبَّت ۲۱۸۷:۵
پس نکاح ۱۳۷۵:۵	پس ملک گوید ۲۵۵۷:۲	پس مُجَبِّ حق ۴۵۹۵:۳
پس نکو گفت ۲۵۶۶:۴	پس ملک می‌گفت ۲۶۵۹:۱	پس محک می‌بایدش ۲۹۶۷:۲
پس ننگجد اندر ۳۳۰۲:۲*	پس مناسب دانش ۲۷۷۵:۳*	پس مَحَلِّ ۱۴۶۱:۱
پس نگون کرد ۳۲۴۲:۳*	پس منافق ۲۱۷۷:۴	پس محمد ۷۵۰:۶
پس نماز ۳۰۲۳:۲	پس من اُولی‌تر ۱۳۴۶:۵*	پس مرا آنجا ۴۳۲۲:۶*
پس نمائد اختلاف ۳۵۱۷:۱	پس موکل‌های ۲۴۶۱:۳	پس مرادست ۱۹۱۹:۲
پس نمادی این ۱۳۲۴:۴*	پس میان ۳۷۷۰:۵	پس مرا ز آن ۶۸۳:۴
پس نمودش ۳۰۳:۶*	پس میفزای ۱۹۳۷:۵	پس مراقب ۱۵۸:۲
پس نهاد آن ۲۹۰:۴*	پس نبات ۴۵۵۰:۶*	پس مرا گفت ۲۴۸۷:۶
پس نهادش ۴۰۳۶:۵*	پس نباشد ۱۶۷۹:۱*	پس مرا و را امن ۱۴۰۲:۲*
پس نهانی‌ها ۱۱۳۱:۱	پس نبخشد ۱۶۳۹:۶*	پس مرا و را ز انبیا ۲۷۳۸:۵*
پس نه‌یی طاموس ۷۷۶:۳*	پس نبود اُستا ۱۵۲۰:۶*	پس مرا هر دم ۱۳۸۳:۲*
پس نیاری ۳۲۴۷:۵	پس نبی فرمود ۳۰۱۷:۲	پس مَزَن ۳۰۰۵:۲*
پس نیم‌کلی ۱۴۱۶:۳	پس نبیند ۲۸۷۴:۶	پس مسافر ۲۷۷۹:۶
پس ورا از چشم ۷۴:۴*	پس نتایج ۵۲۳:۶*	پس می‌رسوا ۹۷۸:۶
پس ورا بینم ۲۱۹۷:۱*	پس نثاری ۵۶۲:۴	پس مسلمان ۲۴۸۶:۶
پس وزیرش گفت ای ۲۵۵۹:۶	پس نخواندی ۱۳۶۶:۴*	پس مشو عریان ۳۲۳۹:۶*
پس وزیرش گفت کین ۱۱۵۸:۴	پس ندا از غیب ۳۰۱۸:۴*	پس مشو همراه ۴۰۳۲:۳
پس وصال ۳۲۰۹:۴	پس ندانی اصل ۳۹۸۵:۵*	پس مُصَوِّر گردد ۳۰۷۱:۴*
پس وفاگر ۳۸۴۳:۱	پس ندانی خر ۱۸۵۲:۲*	پس مُعافم از ۶۷۷:۳*
پس هلاک ۱۲۵۰:۲	پس نشان پا ۸۰۲:۵*	پس معانی را ۴۰:۳
پس هماره ۳۰۹۷:۶	پس نشان دادند ۱۲۱۹:۳	پس معرف پیش ۴۴۰۷:۶
پس همان درد ۳۲۰۸:۵	پس نشاندش ۱۱۳۴:۵	پس معرف گفت ۴۶۳۶:۶
پس هم انکارت ۸۹۹:۴	پس نشان نَشَف ۲۲۳۰:۶	پس مُقر گشتند ۲۷۹۶:۴*
پس همان کس ۲۴۶۰:۳	پس نشانی‌ها ۱۷۰۴:۲	پس مُقَلَّد ۱۲۷۷:۵
پس هم اینجا ۲۴۵۵:۳	پس شاید ۲۰۳۴:۵	پس مقیم ۳۵۰۲:۲*
پس همه اجسام ۳۲۹۷:۵	پس نشین ای ۱۰۱۶:۲	پس مگو جمله ۲۹۳۴:۲
پس همه پستی ۱۷۵۲:۳	پس نشیند ۲۱۶۳:۳	پس مگو دنیا ۱۶۱۱:۴
پس همه خلقت ۳۳۱۹:۲	پس نصیحت کردن ۱۰۷۹:۲*	پس مگو کس را ۱۴۸۱:۱*
پس همه دانسته‌اند ۱۵۲:۴	پس نظر بگذار ۳۳۱۵:۴*	پس مگو که ۹۵۶:۲
پس همی گفتند با ۱۲۷۵:۴	پس نظر کرد ۹۰۸:۴	پس مگو کین ۲۹۳۳:۲
	پس نظرگاهِ خدا ۸۳۸:۲*	پس ملامت ۲۹۵۶:۴

پنج حسی از درون ۱:۳۵۷۶*	پشم بُز ۳:۲۵۱۹*	پس همی گفتند کای ۱:۳۴۲۱
پنج حسی هست ۲:۴۹	پشم بگزینی ۴:۳۱۴۳	پس همی گویند ۱:۲۹۲۷
پنج دانگِ مستی‌اش ۶:۴۴۲۰*	پشم رنگین ۳:۷۲۳	پس همی مُنگید ۴:۶۹۷
پنج در، در بحر ۶:۳۷۰۴*	پشه آمد ۳:۴۶۲۴	پس همین حیران ۴:۳۷۵۱
پنج روز آن ۳:۱۶۷۲	پشه افغان ۳:۴۶۵۲*	پس هنر آمد ۵:۶۴۸
پنج ساله رنج ۳:۶۲۲	پشه باشد ۳:۴۶۲۸*	پس یقین در ۴:۱۵۳
پنج ساله قصه‌اش ۶:۲۶۳۷*	پشه بگرفت ۳:۴۶۵۴*	پس یقین را باز ۱:۳۱۴۸*
پنج کَرَت ۳:۴۳۲۵	پشه بگریزد ۵:۱۳۱۲	پس یقین شان ۳:۱۲۳۵
پنج گوهر ۶:۱۸۳۷	پشه را داریم ۳:۲۷۳۵*	پس یقین شد ۲:۱۶۲۲
پنج ماهه ۵:۳۷۲۶*	پشه زنده ۳:۲۷۶۷*	پس یقین گردد تو را ۲:۲۹۸۰*
پنجمین شب ۳:۶۱۸	پشه کی داند ۲:۲۳۲۱	پس یقین گردد صفا ۲:۲۹۰۷*
پنج نوبت می‌زنند از ۱:۲۱۴۲*	پشه مرده ۳:۲۷۶۶	پس یقین گشت این ۱:۶۲۷
پنج نوبت می‌زنندش ۴:۲۸۰۱	پشه نمرود ۱:۱۱۸۹	پس یقین گشتش که جذبه
پنج و شش می‌دید ۶:۱۱۳۸*	پشه‌یی کی داند ۳:۳۶۴۸*	۶:۳۳۵۷
پنج وقت آمد ۶:۲۶۶۹	پشه‌یی گردد ۳:۱۰۵۶*	پس یقین گشتش که مطلق
پنجه، ای بهمن ۶:۴۸۱۴*	پُف‌کنی کو ۲:۲۳۰۳*	۴:۳۱۵۶
پنجه‌ای زد، کرد ۲:۴۵۹*	پنبه آن گوش ۱:۵۶۷	پس یعینم بُرد ۳:۱۶۸۸*
پنجه را گر ۳:۳۷۶۵	پنبه اندر ۱:۵۶۶	پس یهودان ۱:۳۹۷۳
پنجه زد با آدم ۱:۳۲۹۷	پنبه در آتش ۵:۲۱۷۷	پُشت او خم ۱:۲۰۷۵
پنجه زد با موسی ۱:۳۳۰۰	پنبه را از ریش ۳:۹۵*	پشتِ او در ۶:۱۹۴۰*
پنجه می‌زد ۱:۵۲۱*	پنبه را پرهیز ۵:۳۷۳۰	پشت با وی ۶:۱۹۴۱
پنجه‌یی مانع ۴:۱۲۸۰*	پنبه و سواس ۲:۱۹۴۳	پشت تابوتی‌ش ۶:۱۵۵۷*
پند او را ۲:۲۰۸۰*	پنبه‌یی اندر ۲:۱۷۲۸*	پشت خر دگان ۲:۷۲۶
پند تو در ۶:۱۰۲*	پنج از آن چون حسِ باطن	پشت دارت ۵:۴۱۰۹
پند دادی ۴:۴۸۴	۶:۳۷۰۵*	پشت‌دار جمله ۳:۸۳
پند را اُذنی ۵:۱۵۳۱*	پنج از آن چون حس به	پشت‌دار و جان ۶:۸۰۳*
پند را در جان ۱:۵۹*	۶:۳۷۰۵	پشت ریش، اِشکم ۵:۲۳۲۶*
پندشان ده ۱:۲۵۴۷*	پنج حس، با ۲:۳۲۳۶	پشت، زیرِ پایش ۴:۱۰۲۳*
پندِ فعلی ۴:۴۸۵	پنج حسِ دیگری ۶:۱۸۳۷*	پشت، زیسر و، می‌روم
پند کم ده بعد ۶:۶۰۷*	پنج حس را در کجا ۳:۲۱۵۱*	۴:۲۲۶۹*
پند کم ده ز آنکه ۳:۳۸۳۰*	پنج حسِ ظاهر و پنج اندرون	پشت سوی ۵:۴۰۸۰
پند گفتن ۴:۲۲۶۴	۴:۲۰۲۳	پشتش از بار ۵:۲۳۶۲
پند ما در ۶:۱۰۲	پنج حسِ ظاهر و پنجِ نهان	پشتِ صد لشکر ۵:۳۶*
پند من بشنو ۲:۱۲۷۰	۶:۵۶۷	پشت ما گرم ۶:۳۲۶۸
پند موسی ۳:۳۲۸۱	پنج حسی از برون ۱:۳۵۷۶	پُشت و پهلوی ۲:۵۰۵*

پند می‌دادند ۳:۲۴۲۸*	بوستین و چارق آمد ۶:۲۳۴	پیر ایشان ۲:۱۶۸
بندها دادم ۶:۹۶۷	بوستین و چارق از ۵:۱۹۶۶*	پیراین بشنید ۱:۲۱۸۴
بندها می‌داد ۵:۳۳۷۵*	بوستین و چارقش ۵:۱۸۵۷*	پیر باشد ۶:۴۱۲۵
بور آن بوجهل ۱:۲۴۰۲	بوستین یوسفان ۳:۳۹۷	پیر با صد تجربه ۳:۱۵۴۳*
بورِ آدم ۲:۹۲۹	پهلوانان را ۶:۳۸۷۴*	پیر باید، پیر ۴:۲۰۴۹*
بورِ پیلی ۳:۱۴۴*	پهلوان تن ۵:۳۸۶۴	پیرِ بینا ۲:۳۵۷۰*
بور سلطان ۵:۳۱۵۶	پهلوان، چه ۵:۳۸۶۰	پیر، پیر عقل ۴:۲۱۶۳
بوره آن نوح ۱:۳۴۰۲*	پهلوان در ۱:۲۹۸۸	پیر، تابستان ۱:۲۹۳۹
بوز، بالا کرد ۵:۲۳۷۱*	پهلوان شد ۵:۳۸۳۸	پیرتر اولی‌ست ۶:۲۴۷۵*
بوزبندِ وسوسه ۵:۳۲۳۰	پهلوان مردانه ۵:۳۸۸۶	پیر، تنها بُرد ۶:۳۸۱۶*
بوزبندی ساخت ۱:۱۰۱۴*	پهلوانی ۵:۳۸۳۵	پیر جویم، پیر جویم ۶:۴۱۲۴*
بوزسگ دایم ۳:۵۷۰۰	پهلوی آتش ۱:۷۶۹*	پیر جنگی ۱:۲۱۷۲
بُوز و زانو ۴:۳۳۸۱*	پهلوی آرامگاه ۴:۲۰۳۶*	پیرِ حکمت ۵:۷۴۱*
بوست از ۴:۱۰۲	پهلوی تو، پیشِ ۱:۴۰۵*	پیرِ خرنای ۱:۲۵۶۸
بوست افزون بود ۵:۱۱۷۸	پهلوی جنسی ۳:۳۲۵۴*	پیر، دامن ۱:۲۲۱۷
بوست باشد ۱:۱۰۹۸	پهلوی دیوار ۴:۳۱۷۰*	پیر دندان‌ها ۴:۹۶۵*
بوست بشکافد ۴:۲۱۷۰*	پهلوی شور ۲:۱۳۸۸*	پیر را بگزین، که ۱:۲۹۴۳
بوست، بنده ۶:۲۰۹۴*	پهلوی عیسی ۱:۶۴۹	پیر را بگزین و عینِ ۱:۲۹۳۸*
بوست بنماید ۶:۳۴۶۱*	پهلوی من ۲:۷۴۰*	پیر سگ را ۶:۱۲۳۱
بوستِ تازه ۱:۳۰۹*	بی بر از وی ۴:۱۳۱۵*	پیر، عشق ۵:۳۲۷۶
بوست، چه بُود؟ ۱:۱۰۹۶	بی بری، باشد ۳:۴۷۰۷*	پیر عقل آمد ۳:۲۲۸۰
بوست دان تن ۳:۳۴۱۷*	بی بُریدندش ۱:۲۵۰۹*	پیر عقلت ۵:۷۳۷
بوست دُنبه ۳:۷۳۲	بی پایی ۴:۳۶۹۸	پیر کرد ۴:۹۵۰*
بوست را بشکافت ۱:۳۰۹*	بیج بیج ۵:۳۲۲۳*	پیر گردون نی ۶:۴۱۲۱*
بوست را ز آن روی ۵:۱۹۴۹*	بیجشِ هر یک ۶:۳۹۵۳*	پیر گشتم من ۴:۹۷۹*
بوستشان برکن ۱:۱۰۹۵*	بیجشی چون ۶:۳۹۵۲*	پیر گفت: از من تویی ۶:۳۸۱۴*
بوست، لاغر شد ۵:۱۱۷۸*	پیر آمد خانه ۲:۲۲۲۷*	پیر مردی ۴:۹۳۶
بوست‌ها بر ۵:۱۹۳۸	پیر، از فرقت ۳:۳۶۹۴*	پیر می‌بیند ۶:۲۰۲۵*
بوست‌ها شد ۳:۱۳۸۷*	پیر، اندر خشت بیند بیش از آن	پیروان را غولِ ۴:۱۴۴۹*
بوست‌ها گفتیم ۴:۳۱۹	۲:۱۶۷*	پیرو پیغمبرانی ۳:۴۳۱۹
بوستین آن ۵:۳۲۰۹	پیر اندر خشت بیند بیش از آن	پیر و حالش روی ۱:۲۲۱۶*
بوستین بهر دای ۲:۲۵*	۶:۳۷۷۷*	پیرو نور ۴:۲۱۸۹
بوستین را ۱:۳۸۹۶	پسیر اندر خشت می‌بیند	پنی روی ۲:۲۹۸۶*
بوستین شیر ۳:۷۸۸*	۵:۳۲۷۵*	پیره طفلان ۶:۱۷۱۶
بوستین، گوئی که ۵:۳۲۵۶*	پیر اندر گریه بود ۵:۱۲۷۱*	پیرهن در ۴:۱۸۴۶

- پیش از این کردیم ۱:۶۶۱*
پیش از این گفتیم ۳:۲۳۰۸*
پیش از پیدا شدن ۳:۳۸۷۴*
پیش از عثمان ۱:۳۲۲۸*
پیش ازین اندر ۶:۴۱۸۷*
پیش ازین بر ریش ۶:۳۹۰۶*
پیش ازین بر من ۳:۲۰۵۸*
پیش ازین تن، بود ۲:۱۰۵۰*
پیش ازین تن عمرها ۲:۱۶۹۰*
پیش ازین رمزی ۶:۱۳۶۸*
پیش ازین ز آن ۳:۷۹۷*
پیش ازین طوفان ۳:۱۳۴۳*
پیش ازین ما ۲:۲۸۵*
پیش ازین هرچند ۱:۳۵۱۲*
پیش ازدرها ۳:۳۴۳۰*
پیش استاد اصولی ۱:۲۸۳۰*
پیش استاد فقیه ۱:۲۸۳۱*
پیش اسرافیل ۵:۱۶۴۰*
پیش اِضْبَع ۴:۳۶۸۸*
پیش اصل ۳:۲۰۷۰*
پیش افتد آن ۳:۱۱۲۰*
پیش اِلَّا اللّٰه ۳:۹۶۹*
پیش امرش موج ۶:۹۱۸*
پیش امر و حکم ۱:۴۵۴*
پیش انوار ۱:۳۳۹۶*
پیش او آمد ۴:۲۱۳۵*
پیش او آبی به ۶:۳۰۳۳*
پیش او آید ۴:۳۳۳۰*
پیش او استارگان ۶:۲۹۸۸*
پیش او بر رُست ۳:۳۷۰۲*
پیش او بر، کای ۱:۲۱۶۵*
پیش او بنشست دختر ۶:۳۱۱*
پیش او بنشست، می پرسید
۲۲۳۷:۲
پیش او بنوشت ۱:۴۵۶*
- پیش احمد او فصیح ۶:۵۵۸*
پیش احمد عاشقی ۶:۸۵۹*
پیش از آغاز ۱:۱۷۱۷*
پیش از آن او ۶:۴۴۴۱*
پیش از آن بایست ۶:۵۳۴*
پیش از آن بر ۶:۳۶۰۷*
پیش از آنک اشکسته ۶:۵۴۱*
پیش از آن کاشکنجه ۶:۱۹۵۱*
پیش از آنک این ۳:۴۲۲۷*
پیش از آن کِت ۶:۴۷۷۹*
پیش از آن کز آب ۳:۴۵۴۵*
پیش از آن کز دست ۵:۱۵۰۸*
پیش از آن کز فوت ۵:۲۲*
پیش از آن کز هَجَر ۳:۴۳۰۰*
پیش از آن کو بجهد ۳:۳۶۹۹*
پیش از آن کو پاسخی ۶:۱۹۸۵*
پیش از آنکه آنچنان ۳:۳۹۹۰*
پیش از آن که ایام ۲:۱۲۲۰*
پیش از آنکه بیخ ۲:۲۳۱۵*
پیش از آنکه روز دین ۲:۱۰۶۴*
پیش از آنکه روزگار ۵:۱۵۰۶*
پیش از آنکه شب ۶:۴۵۸*
پیش از آنکه عُمر ۵:۱۵۱۱*
پیش از آنکه مرگ ۴:۱۰۹۶*
پیش از آنکه نقش ۴:۳۸۳۶*
پیش از آن کین باده‌ها
۱۸۸۴:۱
پیش از آن کین خار ۱:۱۹۷۰*
پیش از آن کین خاک‌ها
۱۸۸۴:۱
پیش از آن کین قبض ۳:۳۵۱*
پیش از آن کین مُهلت ۴:۲۵۵۷*
پیش از آن کین نفس ۲:۱۷۳*
پیش از افکندن ۴:۳۵۷۸*
پیش از این دیده ۱:۱۴۴۱*
- پیری و پژمردگی ۳:۲۹۳۵*
پسه گاوانِ بَسلانِ ۶:۱۸۷۵*
پسه‌ها یک‌رنگ ۲:۱۳۴۵*
پیش آبت آب ۵:۴۲۱۸*
پیش آب زندگانی ۵:۴۲۱۸*
پیش، آب و پس ۵:۱۰۷۶*
پیش آتش، چون ۱:۲۴۶۲*
پیش آتش مر وَحَل ۵:۱۹۲۵*
پیش آتش می‌کنید ۳:۴۵۵۶*
پیش آدرکار ۲:۱۲۳۳*
پیش آرد هر دمی ۴:۳۶۱۰*
پیش آرد هَنَی ۵:۱۵۸*
پیش آمد این چنین ۲:۵۵۸*
پیش آمد، پنجه ۱:۳۰۴۸*
پیش آمد پیش او ۱:۴۷۹*
پیش آمد، دست ۱:۲۰۲۸*
پیش آن انوار ۳:۲۰۰۲*
پیش آن بُت ۱:۷۸۳*
پیش آن چشمی ۲:۲۳۴۸*
پیش آنچه ۳:۴۰۹۹*
پیش آن خدمت ۱:۱۷۶۹*
پیش آن خورشید ۶:۴۵۸۱*
پیش آن رنجور ۱:۳۳۶۹*
پیش آن ساده ۵:۲۳۵۴*
پیش آن سر ۲:۳۳۲۴*
پیش آن سلطان ۳:۳۸۲۵*
پیش آن شادی ۱:۲۷۶۸*
پیش آن شمعی ۳:۱۹۸۹*
پیش آن صدر ۳:۳۷۹۷*
پیش آن فریادرس ۱:۳۲۵۲*
پیش آن قوم ۱:۶۹۶*
پیش آن کسب ۲:۲۵۹۶*
پیش آن کس که ۲:۲۹۸۷*
پیش آن مسخ ۱:۵۳۹*
پیش آن مهمان ۱:۷۴*

پیش او بنیادِ ۶: ۳۰۴۱*	پیش ایشان مُرده ۱: ۴۴۳*	پیش آید هر طرف ۴: ۱۹۹۹*
پیش او، جانست ۵: ۵۹۵*	پیش این الماس ۱: ۶۹۲*	پیش تبدیلِ خدا ۵: ۸۰۸*
پیش او جیحون‌ها ۶: ۲۳*	پیش این جمعی ۴: ۱۴۶۲*	پیش تختِ آن آلف ۵: ۴۰۸۸*
پیش او چون نارِ ۶: ۴۶۴۰*	پیش این خورشیدِ جسمانی ۶: ۴۳۳*	پیش تخت صف ۶: ۱۳۹۰*
پیش او چه ۳: ۴۰۹۷*	پیش این خورشید کو ۶: ۷۰۲*	پیشتر از بحر ۲: ۱۷۰*
پیش او حجاج ۵: ۳۵۹۶*	پیش این خورشید کی ۶: ۳۲۱۳*	پیشتر از خلقت ۲: ۱۸۰*
پیش او در ۱: ۴۶۲*	پیش این دم، هر که ۱: ۳۱۲۶*	پیشتر از دانه‌ها ۲: ۱۷۴*
پیش او دعوی ۲: ۳۵۸۰*	پیش این شاهان ۵: ۳۱۴۶*	پیشتر از کشت ۲: ۱۶۹*
پیش او روباه بازی ۱: ۳۱۳۷*	پیش بازرگان ۵: ۱۰۳۷*	پیشتر از نقش ۲: ۱۷۰*
پیش او زاریِ کس ۵: ۱۶۵۵*	پیش با همت ۵: ۲۰۵۵*	پیشتر از واقعه ۳: ۳۹۹۶*
پیش او سجده کنان ۳: ۲۳۳۴*	پیش بدبختی ۳: ۲۷۶۲*	پیشتر از وضع ۲: ۳۶۰۲*
پیش اوصافِ ۲: ۲۵۷۰*	پیش بزازان ۶: ۱۵۲۷*	پیشتر بنگر ۴: ۱۷۲۶*
پیش او عادل ۵: ۵۹۶*	پیش بلقیس ۴: ۶۵۴*	پیشتر رفتن ۳: ۱۹۹۷*
پیش او کوثر ۴: ۲۵۹۴*	پیش بنگر ۵: ۷۵۶*	پیشتر رُو ۴: ۱۸۸۷*
پیش او گوساله ۳: ۴۰۰*	پیش بیحد ۲: ۳۳۲۱*	پیشتر ز افلاک ۲: ۱۷۴*
پیش او مرغان ۱: ۱۲۰۲*	پیش بی دولت ۳: ۲۷۶۱*	پیش تُرک آینه ۳: ۳۴۴۰*
پیش او معکوس ۴: ۳۸۱۱*	پیش بیمار ۳: ۱۱۸*	پیشتر می‌غز بدو ۲: ۱۳۷۲*
پیش او مکشوف ۲: ۱۴۷۹*	پیش بینا شد ۴: ۲۰۷۲*	پیش تو آرم؟ بکن ۱: ۳۲۸*
پیش او مهمان ۳: ۱۸۳۶*	پیش بینایان چرا ۴: ۳۲۱*	پیش تو آرم، چو ۱: ۳۱۹۷*
پیش او ننداخت ۱: ۲۲۷۶*	پیش بینایان حدّث ۲: ۳۲۲۴*	پیش تو آن ۶: ۸۵۸*
پیش او، نه روز ۴: ۳۰۵۹*	پیش بینایان خبر ۴: ۲۰۷۱*	پیش تو آید ۵: ۲۴۰۲*
پیش او نه مستعار ۶: ۱۱۴۹*	پیش بینایان کُنی ۲: ۳۲۲۲*	پیش تو آیند ۵: ۴۱۸۰*
پیش او هر ۵: ۳۲۶۷*	پیش بینی ۴: ۳۳۱۱*	پیش تو اُستون ۶: ۸۵۹*
پیش او هیچ است ۲: ۶۱۸*	پیش پاتان ۳: ۸۳۰*	پیش تو او بس ۳: ۲۶۸۲*
پیش او یکسان شده ۵: ۲۷۲۰*	پیش پاشان ۴: ۴۷*	پیش تو این حالت ۴: ۲۷۳۹*
پیش او یکسان هویدا ۲: ۱۵۷۹*	پیش پایِ اسبِ ۲: ۱۱۷۴*	پیش تو، این نام‌ها ۱: ۲۷۲۷*
پیش او یک شد ۵: ۴۰۵۹*	پیش پایِ چپ ۱: ۳۸۴۲*	پیش تو برگند ۴: ۱۶۱۰*
پیش او یک گشت ۱: ۶۷۵*	پیش پایِ نَره بیلانِ ۴: ۱۴۷۶*	پیش تو بس ۵: ۱۵۹۸*
پیش او یک یک ۱: ۱۲۰۳*	پیش پایِ هر شَقّی ۵: ۴۲۵*	پیش تو بنهند ۵: ۱۱۴۴*
پیش اهل تن ۲: ۳۲۱۹*	پیش پیش آن ۳: ۳۷۵۹*	پیش تو پُر درد ۶: ۴۳۲۹*
پیش اهل دل، ادب ۲: ۳۲۲۰*	پیش پیش از خاک ۱: ۲۶۶۵*	پیش تو، چرخ ۴: ۳۲۶۲*
پیش اهل دل، یقین ۲: ۲۳۸۱*	پیش پیشت ۴: ۶۱۰*	پیش تو خون است ۶: ۸۵۵*
پیش ایشان خوار ۶: ۱۹۸*	پیش پیغمبر درآمد ۳: ۳۲۲۱*	پیش تو شسته ۱: ۲۰۰۶*
پیش ایشان شمع ۶: ۹۹۶*	پیش پیغمبر سخن ۴: ۲۰۶۴*	پیش تو گُهِ ۶: ۸۵۷*
		پیش تو گرد ۳: ۱۷۶۴*

- پیش تو گستاخ: ۱: ۲۴۱۱*
پیش تو گلزار: ۶: ۴۳۳۰*
پیش تو همچون: ۳: ۲۳۷۵*
پیش تو یاد: ۲: ۲۴۹۴*
پیش جزر و مد: ۶: ۲۷۷۰*
پیش جزوی، کو: ۱: ۳۰۰۷*
پیش چارُق: ۵: ۳۳۵۱*
پیش چشم آتشینش: ۵: ۳۸۷۹*
پیش چشم از عشق: ۴: ۸۶۵*
پیش چشم او خیال: ۲: ۵۸۰*
پیش چشم او نه کم: ۲: ۴۹۹*
پیش چشم بسته: ۴: ۲۱۶۶*
پیش چشمش: ۱: ۱۳۲۹*
پیش چشم خود: ۴: ۳۱۱۱*
پیش چشم خویش: ۵: ۲۲۵۵*
پیش چشم دیگران: ۴: ۳۵۳۳*
پیش چشمش آمد: ۶: ۱۹۲۴*
پیش چشمش این: ۴: ۳۵۳۳*
پیش چشمش هر دمی: ۶: ۴۶۴۳*
پیش چشمش همچو: ۴: ۸۶۴*
پیش چشم عاقبت‌بینان: ۶: ۸۶۶*
پیش چشم غیب: ۵: ۳۹۳۶*
پیش چشم کافران: ۱: ۳۵۳۵*
پیش چشم کاملان: ۳: ۳۶۵۱*
پیش چشم ما: ۴: ۸۸۹*
پیش چشم چون: ۴: ۳۲۴۹*
پیش چشم کل: ۳: ۴۵۴۰*
پیش چشم نقش: ۴: ۳۴۸۱*
پیش چوب: ۴: ۹۰۹*
پیش چوپان: ۵: ۳۳۲۰*
پیش چوگان‌های: ۱: ۲۴۶۶*
پیش چون من: ۱: ۳۰۴۷*
پیش چه بود: ۵: ۱۸۲۹*
پیش حاضر: ۱: ۲۹۷۷*
پیش حالی بین: ۴: ۱۶۹۲*
پیش حرف: ۱: ۵۲۹*
پیش حضرت: ۱: ۱۲۴۴*
پیش حق آتش: ۱: ۸۳۹*
پیش حق بودی: ۱: ۱۲۴۲*
پیش حق گوید: ۵: ۳۶۹۰*
پیش حق، محبوب: ۳: ۱۰۷۸*
پیش حق موجود: ۱: ۱۲۴۳*
پیش حکمت: ۱: ۲۴۱۰*
پیش خاصان: ۴: ۷۱۱*
پیش خاطر آمد او: ۲: ۲۴۶۰*
پیش خاطر آمدش: ۲: ۲۴۶۱*
پیش خاکش سر نهاد: ۲: ۱۶۱۴*
پیش خاکش سر نهد: ۲: ۱۶۱۳*
پیش خاین: ۶: ۱۴۱۸*
پیش خر خر مهره: ۶: ۱۰۰۱*
پیش خر، قطار: ۶: ۱۶۲*
پیش خلقان: ۳: ۱۰۷۸*
پیش خلق، ایشان: ۳: ۴۲۵۱*
پیش خلق این: ۳: ۲۳۷۵*
پیش خوارشاه: ۶: ۳۴۳۹*
پیش خورشید: ۶: ۴۳۴*
پیش خویشان: ۲: ۲۵۸۰*
پیش دام حکم: ۱: ۳۸۹۲*
پیش دانا برده‌بی: ۴: ۲۰۸۴*
پیش داود پیمبر: ۳: ۲۴۱۷*
پیش داود نبی: ۶: ۸۵۶*
پیش درد من: ۶: ۴۱۶۶*
پیش در شد: ۳: ۲۱۴۰*
پیش درشو: ۱: ۱۱۸۱*
پیش دشمن: ۳: ۳۴۳۹*
پیش دشنه: ۲: ۹۱۴*
پیش دل، جوز: ۵: ۳۳۴۳*
پیش دیده غیب‌دان: ۶: ۲۱۳۱*
پیش دیگر فهم‌ها: ۵: ۲۰*
پیش رفت این: ۴: ۲۲۷۶*
پیش رو آینه: ۶: ۱۲۶۹*
پیش رُو او توبره: ۶: ۳۰۵۹*
پیش روشن‌دیدگان: ۵: ۱۷۱۱*
پیش رَه را بسته: ۶: ۱۷۲۷*
پیش زخمِ آن: ۴: ۳۶۶۵*
پیش زنگی، آینه: ۳: ۳۴۴۰*
پیش زیرک: ۲: ۳۵۸۱*
پیش سُبحان: ۱: ۳۱۴۴*
پیش سگ انداز: ۴: ۳۵۹۸*
پیش سگ چون: ۳: ۳۴۹۸*
پیش سگ شد: ۳: ۳۳۱۴*
پیش سگ که: ۲: ۳۰۴*
پیش سلطانان، مه: ۱: ۱۴۱۸*
پیش سلطان بود: ۶: ۳۳۶۷*
پیش سلطان، خوش: ۳: ۱۴۰۵*
پیش سلطان در دوید: ۶: ۳۳۸۳*
پیش سلطان، شافع: ۶: ۳۳۷۲*
پیشش آمد بعد: ۵: ۳۵۴*
پیشش آمد پنجه: ۱: ۳۰۴۸*
پیشش آمد زاهدی: ۵: ۳۴۶۲*
پیشش آن آوازا: ۳: ۴۷۷۳*
پیشش اختر: ۶: ۲۸۷۵*
پیشش افگند: ۶: ۱۶۸۵*
پیششان بردم: ۳: ۱۱۱۱*
پیششان شِمری: ۴: ۱۱۸۸*
پیششان یک روز: ۳: ۲۹۳۹*
پیش شاهان در: ۳: ۳۳۴۱*
پیش شاهان گر: ۲: ۱۳۷۳*
پیش شاهد باز: ۶: ۴۲۳۰*
پیش شاهی: ۵: ۳۱۴۸*

- پیشِ شِخنه ۱۶۸۴:۳ #
 پیشِ شِه خاک ۱۷۲۰:۴ #
 پیشِ شهر ۵۲۳:۳
 پیشِ شه رفتند ۲۰۸۷:۵ #
 پیشِ شه شه‌زادگان ۳۵۸۵:۶
 پیشِ شه گردد ۳۴۰۱:۶ #
 پیشِ شه گوید ۴۱۷۲:۳ #
 پیشِ شیخ آمد ۴۰۷:۲
 پیشِ شیخِ خانقاهی ۳۵۰۶:۲ #
 پیشِ شیخی ۳۷۹۲:۳
 پیشِ شیر آمد ۳۸۸۶:۵ #
 پیشِ شیر، اَبْلَه ۳۱۳۴:۱ #
 پیشِ شیرِی ۳۶۷۶:۳
 پیشِ صد سگ ۵۵۲:۲ #
 پیشِ صورت‌ها که ۳۸۳:۴ #
 پیشِ صورت‌های ۱۴۲:۶
 پیشِ ضعفم ۲۹۸۱:۴ #
 پیشِ طبع تو ۹۰۴:۵ #
 پیشِ ظاهر بین ۲۱۷۱:۴
 پیشِ عارف کی ۶۵۷:۶ #
 پیشِ عاشق این ۳۸۰۷:۳ #
 پیشِ عاقل او ۴۸۴:۶ #
 پیشِ عاقل، باشد ۳۳۴۲:۵ #
 پیشِ عدلش ۳۷۷:۶ #
 پیشِ عشق ۳۹۸۵:۶ #
 پیشِ عطاری ۶۲۵:۴
 پیشِ عقل این ۲۵۰:۴
 پیشِ عقلِ کُل ۲۵۸۵:۵ #
 پیشِ عَینان ۳۶۳۳:۵ #
 پیشِ عیسی ۵۲۸:۱ #
 پیشِ فرعون ۹۵۷:۳ #
 پیشِ قاضی ۴۵۵۴:۶ #
 پیشِ قطبی خون بُود ۳۰۲۸:۳
 پیشِ قطبی خون شد ۳۴۳۴:۴ #
 پیشِ قدرت، خلق ۶۱۲:۱
 پیشِ قدرت ذَرّه‌ی ۵۲۴:۱ #
 پیشِ قرآن ۳۱۲۹:۵
 پیشِ کارِ خویش ۳۳۹۴:۴ #
 پیشِ کافر ۳۳۵۹:۶
 پیشِ کش می‌آرمت ۳:۶
 پیشِ کفرش ۱۵۷۹:۱ #
 پیشِ کن آن ۳۶۹۰:۱ #
 پیشِ گاوی ۲۰۵۰:۲
 پیشِ گورِ بچه ۳۲۶۴:۵ #
 پیشِ گیری پیشه ۲۵۳۶:۴ #
 پیشِ لات ۴۴۸۸:۳ #
 پیشِ لقمانِ کریم ۱۸۵۰:۳ #
 پیشِ آمدِ مصطفی ۲۴۸۶:۶ #
 پیشِ ما باشی ۳۹۹۲:۶
 پیشِ ما چندی ۸۴۹:۵ #
 پیشِ ما خورشید ۱۱۰۷:۳ #
 پیشِ ما رسواست ۳۲۲:۴ #
 پیشِ ما صد ۲۹۳۷:۳
 پیشِ ما فرج و گلو ۳۹۳۹:۵
 پیشِ محسن ۱۱۸۶:۴ #
 پیشِ محمولی ۳۱۸۶:۱ #
 پیشِ مردان ۳۴۰۲:۳
 پیشِ مریم ۳۶۱۳:۲
 پیشِ مستی ۸۲۰:۳ #
 پیشِ مشرق ۹۶۵:۶
 پیشِ معشوق ۳۸۷۲:۳ #
 پیشِ معنی ۳۳۳۰:۱
 پیشِ من آوازت ۷۵۹:۴
 پیشِ من افلاسِ او ۶۵۲:۲
 پیشِ من این ۳۹۴۳:۱
 پیشِ من، بنشین ۲۱۸۱:۱
 پیشِ من، پیدا ۳۵۱۰:۱ #
 پیشِ من، تو ۱۱۷۲:۱ #
 پیشِ من چندین ۳۱۳۷:۵ #
 پیشِ من لافی ۱۲۲۶:۱ #
 پیشِ موسی بر زمین ۱۲۴۰:۳ #
 پیشِ موسی چون ۳۲۶۳:۲ #
 پیشِ موسی سر نه‌د ۳۶۲۵:۴ #
 پیشِ مؤمن کی ۷۹۱:۶
 پیشِ مؤمن ماتم ۷۹۲:۶
 پیشِ مهمان ۳۴۱۳:۵ #
 پیشِ می‌آمد ۸۹۷:۳
 پیشِ می‌آورد ۱۹۵۸:۵ #
 پیشِ می‌بند ۲۹۰۸:۴ #
 پیشِ نقش ۲۷۵۳:۱ #
 پیشِ نور ۵۸۹:۴ #
 پیشِوا ابلیس ۱۹۵۰:۵
 پیشِوا چشمست ۳۴۰۳:۴
 پیشِ واصل ۲۹۸۴:۴ #
 پیشِواکن ۳۹۷۷:۶ #
 پیشِوا و رهنمای ۳۳۴۹:۵ #
 پیشِوای بد ۳۳۴۶:۵
 پیشِ و پس سَدّ ۳۲۴۳:۱ #
 پیشِ و پس کم بیند ۳۸۶۹:۵ #
 پیشِ و پس یک دَم ۱۴۸۴:۱ #
 پیشِ وحيِ کیریا ۸۶۱:۴ #
 پیشِ و هَم این ۳۲۷۰:۴
 پیشِش‌اش اندر ۱۶۹:۶
 پیشِش او خَسْتِ ۱۴۳۱:۴ #
 پیشِش اوّل ۲۶۱۹:۲
 پیشِش هر حَقّام ۶۶۲:۲
 پیشِش هر محروم ۳۹۳۷:۵ #
 پیشِش زرگر ۱۶۸۶:۱
 پیشِش هستِ او ۵۱۸:۱
 پیشِش هست، جانِ ۲۰۰۶:۱ #
 پیشِش و فرهنگ ۱۶۸۵:۱
 پیشِش‌ها و اندیشه‌ها ۱۶۸۹:۱
 پیشِش‌ها و خُلُق‌ها از ۱۶۸۸:۱
 پیشِش‌ها و خلق‌ها همچون ۱۶۸۷:۱

پیشه‌هایی ۳: ۳۹۸۰	۴۷۱۳: ۶	تا ازین حاجت ۲: ۳۲۸۲
پیشه‌یی آموختی ۲: ۲۵۹۲	تا ابد باقی بُود بر عابدین	تا ازین ره ۲: ۲۲۳۰
پیشه‌یی آموز ۲: ۲۵۹۴	۴۷۱۲: ۶	تا ازین طوفانِ خون ۴: ۳۵۲۹
پیشه‌یی، بی اوستا ۴: ۱۳۰۰	تا ابد بر خلق ۲: ۹	تا ازین گرداب ۳: ۴۱۵۶
پیش یعقوبست ۳: ۳۰۳۲	تا ابد بر کیمیا ۶: ۸۷۳	تا ازینها ۵: ۱۶۳۸
پیش یک آینه‌دار ۳: ۱۳۷۶	تا ابد بیهوش ۴: ۳۸۰۰	تا ازین هم ۱: ۱۹۵۴
پیشی و خویشی ۲: ۲۵۷۶	تا ابد جانا ۶: ۹۴۶	تا اگر ابری ۶: ۳۲۰۲
پیش یوسف ۱: ۱۹۰۸	تا ابد در امن ۴: ۲۲۸۶	تا آلیه ۱: ۸۸۲
پیک اگرچه ۵: ۱۲۹۴	تا ابد در ایمنی ۴: ۲۱۳۹	تا امام ۳: ۲۸۶۶
پیک ماه اندر ۶: ۱۰۸	تا ابد در عهد ۴: ۱۶۵۱	تا امان دیدی ۳: ۳۸۲۶
پیل اندر ۳: ۱۲۵۹	تا ابد رست ۵: ۴۲۰	تا امان یابد به ۱: ۱۰۰۱
پیلان را نشنود ۳: ۴۲۰۲	تا ابد فرعون ۴: ۲۴۹۸	تا امان یابد سر ۱: ۳۸۶۷
پیل باور ۳: ۲۷۵۱	تا ابد کار ۵: ۶۷۰	تا امیران را ۱: ۳۹۴۶
پیل باید ۴: ۳۰۶۸	تا ابد معمور ۳: ۴۲۲۰	تا امیر، او ۲: ۱۰۱۶
پیل بچگان ۳: ۷۵	تا ابد معنی ۶: ۴۸۷۳	تا امیری ۱: ۳۹۴۷
پیل بچه‌خواره ۳: ۱۵۸	تا ابد هرچه ۱: ۲۶۴۹	تا امین گردد ۵: ۲۸۰۹
پیل بچه می‌خوری ۳: ۱۵۹	تا ابد هر نقش ۱: ۳۴۹۱	تا امین مخزن ۲: ۱۴۶
پیل چون ۳: ۴۲۰۲	تا ابد یا حَسْرَتَا ۴: ۲۵۶۱	تا اهابش ۳: ۱۴۸۹
پیل خود ۳: ۲۸۱۸	تا اَحَبَّ لِلّٰه آید ۱: ۳۸۰۳	تاب ابر ۵: ۶۹۳
پیل داند بوی ۳: ۱۶۰	تا اَحَبَّ لِلّٰه آیی ۵: ۱۲۳۶	تا بپخشد حال ۲: ۳۸۰۰
پیل را با پیل ۶: ۱۸۹۴	تا ادب‌هاشان ۳: ۳۶۰۷	تا بپخشندت ۱: ۳۱۸۰
پیل را بدرید ۳: ۲۸۱۹	تا از آن جامد ۶: ۱۳۰۶	تا بپُرد بیخ ۶: ۷۶۳
پیل را سوراخ ۳: ۲۵۲۲	تا از آن راحت ۲: ۳۳۵۳	تا بپُرم خلقت ۳: ۴۱۷۵
پیل زاده ۳: ۷۴	تا از آن رخنه ۶: ۲۵۸۹	تا بپُرم زود ۴: ۳۵۰۵
پیلِ نر ۶: ۲۷۴۸	تا از آن صَفَوَت ۵: ۳۶۲	تا بپُرم از ۲: ۳۸۰۱
پیل و گرگ ۴: ۱۱۷۵	تا از آن صورت ۱: ۲۷۶۹	تا ببندد این ۴: ۳۵۹۴
پیل به بابایانتان را ۳: ۳۳۴	تا از آن نئی ۱: ۱۶۷۱	تا ببندم بهر توبه ۵: ۲۲۶۶
پیل هست این ۳: ۷۴	تا از آن واقف ۴: ۳۰۰۶	تا ببندم خدمت ۳: ۲۴۲
پیه‌پاره ۵: ۱۸۵۳	تا از اینجا ۶: ۷۸۸	تا ببندم‌شان بِحَبْلِ ۵: ۹۴۸
	تا از این طوفان بیداری ۱: ۴۰۴	تا ببندی پور ۴: ۳۱۳۰
	تا از این مستی ۱: ۵۷۶	تا ببندی لب ۴: ۲۱۶
	تا ازل ۳: ۲۷۸۴	تا ببیند آنچه ۱: ۶۷
	تا از نور ۵: ۷۴۲	تا ببیند اشرفی ۲: ۲۹۱
	تا ازین اشجار ۳: ۲۰۱۹	تا ببیند جنس ۴: ۲۶۶۴
	تا ازین بند ۳: ۱۶۶۸	تا ببیند چارقی ۵: ۱۹۱۹

ت

تا ابد از ۳: ۲۸۲۵
تا ابد اندر ۵: ۴۹۷
تا ابد با خویش ۱: ۳۹۰۶
تا ابد باقی بود بر جان

- تا ببیند خلق، تبدیل ۴: ۳۶۰۰*
 تا ببیند خلق ظاهر ۵: ۲۵۹۸*
 تا ببیند خویشتن ۵: ۱۰۵*
 تا ببیند دشمن ۱: ۳۳۸۳*
 تا ببیند صدق ۵: ۲۴۱۲*
 تا ببیند طعم ۲: ۲۹۷۲*
 تا ببیند عین ۴: ۵۰۱*
 تا ببیند لطف ۶: ۴۸۳۹*
 تا ببیند مؤمن ۶: ۴۴۸۸*
 تا ببیند هر کسی ۱: ۳۰۷۵*
 تا ببینم این ۴: ۹۴۱*
 تا ببینم تو ۴: ۳۰۶*
 تا ببینم چون ۲: ۲۳۳۶*
 تا ببینم حُسنِ مه را ۵: ۷۰۰*
 تا ببینم در بشر ۳: ۱۹۸۲*
 تا ببینم روضه ۶: ۲۱۶*
 تا ببینم صورت ۲: ۸۷۲*
 تا ببینم غایت ۴: ۳۶۴*
 تا ببینم قُلزُمی ۳: ۱۹۸۳*
 تا ببینم کاهلی ۶: ۴۸۸۵*
 تا ببینم مر تو ۴: ۳۷۵۶*
 تا ببینند اهل ۵: ۱۱۹۴*
 تا ببینی آفتابی ۴: ۵۸۴*
 تا ببینی این علامات ۲: ۲۷۹۶*
 تا ببینی باغ ۲: ۱۹۴۴*
 تا ببینی بی حُجُب ۳: ۱۲۸۷*
 تا ببینی پادشاهی ۵: ۴۱۹۷*
 تا ببینی جامعی ام ۳: ۱۷۶۹*
 تا ببینی جنبش ۳: ۱۰۰۹*
 تا ببینی چاشنی ۵: ۴۱۴*
 تا ببینی حال ۲: ۲۷۹۷*
 تا ببینی خویش ۴: ۲۳۰۵*
 تا ببینی خیر ۴: ۳۵۷۷*
 تا ببینی در تجلی ۶: ۵۷۹*
 تا ببینی دستبرد ۵: ۲۱۶۰*
- تا ببینی دشت‌ها ۳: ۴۳۲*
 تا ببینی ذات ۱: ۳۴۶۰*
 تا ببینی رخنه ۶: ۲۵۸۸*
 تا ببینی روی ۱: ۳۱۹۸*
 تا ببینی زیر ۱: ۶۸۳*
 تا ببینیشان ۱: ۱۰۳۹*
 تا ببینی شَعْشَعه ۶: ۴۵۸۸*
 تا ببینی شهر ۳: ۱۰۱*
 تا ببینی صُنع ۲: ۷۶۲*
 تا ببینی عالم ۲: ۱۲۷۹*
 تا ببینی عشرت ۱: ۷۸۸*
 تا ببینی عون ۴: ۵۴۴*
 تا ببینی فسق ۲: ۳۴۰۰*
 تا ببینی قدرت و صُنع ۴: ۳۱۷۱*
 تا ببینی قدرت و لطف ۱: ۷۹۸*
 تا ببینی کیست ۵: ۴۴۴*
 تا ببینی کین ۴: ۶۷۳*
 تا ببینی لشکر ۴: ۷۹۶*
 تا ببینیم ۳: ۱۵۹۶*
 تا ببینی نور ۲: ۲۲۴۹*
 تا ببینی هر ۵: ۱۱۰۴*
 تا بیالاییم ۲: ۲۹۵۰*
 تا بیرسم زین ۱: ۱۴۵*
 تا بیرسم، نی ۳: ۱۸۴۰*
 تا برسید ۱: ۱۶۷*
 تا پوشاند ۱: ۳۵۵۷*
 تا پوشد او ۲: ۱۸۰۴*
 تا پوشد حُسن ۱: ۲۹۲۳*
 تا پوشد عقل ۵: ۲۵۸۱*
 تا پیوندد ۲: ۸۵*
 تا بتابد بر پِلاد ۴: ۳۱*
 تا بتابد نور ۱: ۲۷۰۲*
 تا بتابدن تابستان ۲: ۲۹۵۱*
 تا بترسد او ۲: ۳۰۵۱*
- تا بترسم من ۲: ۳۰۵۴*
 تا بجنباند ۴: ۳۰۳۴*
 تا بجنبد اختیار ۵: ۲۹۸۳*
 تا بجنبد جان ۱: ۳۷۷۳*
 تا بجنبد سوی ۳: ۷۵۴*
 تا بجوشد آب ۳: ۳۲۱۲*
 تا بجوشد، بر ۱: ۲۳۳*
 تا بجوشد در ۲: ۳۲۸۰*
 تا بجوشد زین ۶: ۸۷۴*
 تا بجوشد شیرهای ۲: ۱۹۵۴*
 تا بجویم ۳: ۱۶۳۱*
 تا بجویند اصل ۵: ۱۶۳۳*
 تا بجویند اوّلش ۵: ۲۲۴۸*
 تا بجویی زو نشاط ۵: ۳۵۸۰*
 تا بجویی یار ۵: ۱۵۱۷*
 تا بر حرص اَر رفت ۴: ۱۱۳۱*
 تا بر حرص از ۴: ۱۱۳۲*
 تا بخارات ۳: ۴۴۰۷*
 تا بخارای ۵: ۱۲۹۳*
 تا بخُسم ۳: ۱۵۷۵*
 تا بخُسی در ۲: ۲۰۲۹*
 تا بخواند بر ۱: ۳۱۹۰*
 تا بخوانی ۳: ۲۰۳*
 تا بخواهد ۱: ۳۴۵*
 تا بخور بگدازدش ۱: ۵۴۳*
 تا بخورد او ۳: ۳۹*
 تا بخورد و پیش ۱: ۲۰۲*
 تا بخوردیم ۳: ۴۰۴۷*
 تا بخورشیدی ۴: ۱۶۵۹*
 تا بدآن اَمرو دُبُن ۴: ۳۵۶۰*
 تا بدآنجا ۶: ۴۷۷۰*
 تا بدآن جنسیتش ۴: ۱۶۴۱*
 تا بدآنش از ۶: ۲۵۷۸*
 تا بدآن شد ۵: ۱۲۶۸*
 تا بدآن ضد ۶: ۴۵۰۶*

تا بدان مُرْسَل ۶: ۲۱۷۷*	تا بدانی کآسمانها ۶: ۱۹۳۵*	۵: ۲۵۷۲*
تا بدان آن بحر ۱: ۵۰۶*	تا بدانی کآن ازو ۳: ۱۷۶۲*	تا بدین دام ۵: ۹۵۰*
تا بدان پَر ۳: ۲۱۳۵*	تا بدانی کآن صلابت ۲: ۳۴۳۳*	تا بدین سالوس بدنامش
تا بداند اصل ۴: ۳۵۹۶*	تا بدانی کآن همه ۶: ۴۷۱۰*	۱: ۱۸۷۲*
تا بداند او ۱: ۱۴۳۴*	تا بدانی کالْقَدَر ۴: ۲۴۵۱*	تا بدین سالوس خود ۵: ۳۴۹۸*
تا بداند در ۴: ۸۸۸*	تا بدانی کانیا ۱: ۳۳۰۷*	تا بدین شیوه ۳: ۸۶۱*
تا بدان درگاه ۱: ۲۸۷۸*	تا بدانی کو حکیمست ۴: ۲۴۲۹*	تا بدین ضد ۱: ۱۱۳۰*
تا بداند سَمَد ۲: ۳۵۴*	تا بدانی کوست ۴: ۲۴۲۸*	تا بدین گُرز ۵: ۳۴۹۶*
تا بداند طالبی ۵: ۱۵۴۹*	تا بدانی که تن ۳: ۱۶۱۰*	تا بدین معراج ۳: ۴۱۸۸*
تا بداند کآن خیال ۵: ۱۳۶۸*	تا بدانی که خبیرست ۴: ۲۴۵۷*	تا بدین مُلکی ۴: ۶۴۸*
تا بداند کان حُلُل ۵: ۹۸۴*	تا بدانی که خدای ۵: ۱۰۱۳*	تا بدین ناموس ۴: ۱۵۸۳*
تا بداند کودک ۳: ۳۶۴۰*	تا بدانی که زیان ۳: ۳۳۹۵*	تا بُدی یا نیکئی ۲: ۹۹۶*
تا بداند که ۴: ۶۵۵*	تا بدانی که طمع ۲: ۵۷۸*	تا بر آراید ۵: ۲۸*
تا بداند گندم ۵: ۲۱۱۸*	تا بدانی که ندارم ۳: ۱۵۷۳*	تا بر آرد کوره ۱: ۲۳۲*
تا بداند مِلک ۵: ۶۹۷*	تا بدانی که همانم ۳: ۳۱۸۸*	تا بر آرد موسِم ۴: ۳۲۸۵*
تا بداند هرکسی ۲: ۹۴*	تا بدانی، کین ۳: ۲۱۷۴*	تا بر آرم از ملایک ۳: ۳۹۰۳*
تا بدان راهی ۲: ۲۷۸۴*	تا بدانی لَج ۴: ۳۸۳۵*	تا بر آرم بی سپاس ۴: ۱۹۰*
تا بدانم حال ۶: ۴۸۸۵*	تا بدانی ناله ۳: ۴۲۷۵*	تا بر آردند ۲: ۶۳۳*
تا بدانم حدّ ۶: ۴۸۸۹*	تا بدانی نخل ۵: ۲۱۱۷*	تا بر آمد آفتاب ۲: ۲۸۷*
تا بدانم که ۲: ۸۸۸*	تا بدانی نقد ۳: ۲۲۷۶*	تا بر آمد بعد ۳: ۲۴۵*
تا بدانم من که پنهان ۴: ۳۰۳۴*	تا بدانی هر ۱: ۲۱۲۰*	تا بر آمد بی خود ۴: ۳۵۸۲*
تا بدانم من که چون ۳: ۱۷۴۹*	تا بدواندر ۲: ۲۷۹۵*	تا بر آمد عُشر ۴: ۱۱۶۰*
تا بدانی آفتِ ۲: ۵۱۳*	تا بدوینا ۴: ۲۱۹۲*	تا بر آمد هر ۱: ۷۰۰*
تا بدانی اصل ۵: ۱۴۹۵*	تا بدوشانیم ۶: ۴۴۵۰*	تا بر آن اُمت ۱: ۲۵۱۳*
تا بدانی بانگ ۱: ۱۲۶۹*	تا بدید از ۲: ۱۰۰۳*	تا بر آنجایی ببینی ۴: ۳۵۴۲*
تا بدانی پیش ۴: ۲۸۱۷*	تا بدیدم دست ۵: ۴۲۲۳*	تا بر آنجایی نماید ۴: ۳۵۴۱*
تا بدانی تو ۲: ۱۱۱*	تا بدیدم روی ۵: ۲۶۲۴*	تا بر آن سِر ۳: ۲۴۴۳*
تا بدانی جبر ۱: ۱۴۹۶*	تا بدیدی جُرم ۴: ۱۴۹۴*	تا بر آورد ۱: ۱۸۴۲*
تا بدانی حق ۲: ۳۶۸*	تا بُدی که ۱: ۳۱۳۵*	تا بر آید از نشیب ۴: ۲۱۹۸*
تا بدانی در ۵: ۱۰۱۷*	تا بدین، بس ۱: ۱۸۸۱*	تا بر آید در ۵: ۹۴*
تا بدانی زیرِ کم ۴: ۲۲۴۸*	تا بدینجا بهر ۱: ۲۷۸۴*	تا بر آید سر ۴: ۲۵۵۶*
تا بدانی سِر ۵: ۳۱۸۷*	تا بدینجا بیش ۵: ۱۰۴۹*	تا بر آید کارها ۱: ۲۳۰۸*
تا بدانی عجز ۶: ۴۱۹۵*	تا بدین حد بی وفا ۴: ۳۱۸۶*	تا بر آید ناگهان ۴: ۳۶۵۵*
تا بدانی قدر ۵: ۶۰۰*	تا بدین حد چیست ۶: ۲۵۸۲*	تا بر آیم، صبر ۶: ۴۹۱۳*
تا بدانی قَوّت ۴: ۲۸۱۴*	تا بدین حد می ندانستم	تا برادر ۳: ۶۱۳*

تا بر او آو ۲۱۱۸:۳	تا بزیاد ۱۰۰:۱:۲	تا بگوید قصه‌ی ۴۸۸۴:۶
تا بر او روید ۵۴۸:۴	تا بسازی ۲۱۴۷:۶	تا بگوید هر یکی ۲۸۱۸:۶
تا بر او نقشی ۱۵۳۴:۶	تا بسوزد ۱۹۶:۱	تا بگویم آنچه ۱۹۴:۲
تا بر ایشان ۲۲۹۳:۲	تا بش خورشید ۷۹۲:۲	تا بگویم بند ۲۲۶۳:۴
تا بَرَد از ۱۹۰۳:۵	تا بَشُستش ۲۰۱:۵	تا بگویم زشت ۲۶۸۹:۲
تا بَرَد او آب ۲۹۴۶:۵	تا بشش ۱۲۶۰:۵	تا بگویم شرح این ۱۲۸۳:۴
تا بَرَد او را ۱۱۸۳:۱	تا بش عاریتی ۷۰۸:۲	تا بگویم شرح درد ۳:۱
تا بَرَد او ما ۱۱۴۶:۲	تا بِشُویم ۱۰۹:۵	تا بگویم: کاشکی ۴۷۹۹:۶
تا بَرَد بگرفته ۳۰۹۰:۵	تا بَع استاد ۱۶۳۱:۱	تا بگویم که ۲۵۴۳:۶
تا بَرَد بوی، آنکه ۳۴۰۷:۳	تا بَعِ تصریف ۱۲۹:۴	تا بگویم مرثیه ۷۸۷:۶
تا بَرَد شاخ ۱۲۷۵:۲	تا بَع خویش ۲۱۸۹:۴	تا بگویم من ۳۰۸۱:۵
تا بَرَدشان ۳۶۷۳:۴	تا بَقا یابد ۴۴۱۵:۳	تا بگویم وصفِ آن ۱۸۸۴:۵
تا بَرَدش سوی ۲۷۵۱:۶	تا بَقایِ خود ۳۳۵۰:۳	تا بگویم وصفِ خالی ۱۹۰:۲
تا برون آرد ۲۹۵۳:۲	تا بَقایِ روح‌ها ۴۴۵:۴	تا بگویند ۱۴۵۸:۶
تا برون آرند ۲۳۷۹:۵	تا بکار ۱۹۶۴:۵	تا بگویی آنکه ۶۳۹:۶
تا برون آید ۹۹:۵	تا بکرد آن ۲۲۴۶:۲	تا بگویی: دوزخست ۲۸۱۲:۴
تا برون آیم ۳۰۶۶:۳	تا بکرد او ۲۰۰:۳	تا بگویی که ۲۸۱۳:۴
تا برون آیند ۱۹۴۷:۲	تا بکلی ۱۲۶۹:۲	تا بگویی و نگیرم ۲۶۷۴:۱
تا برون نآیی ۳۵۴۷:۳	تا بکوشد ۱۰۹۴:۳	تا بگیرد او ۹۷۷:۳
تا برون ناید از آن ۴۸۱۶:۶	تا بگردد چشم ۴۱۵۱:۳	تا بگیرد حاصلم ۳۳۷۷:۶
تا برون ناید ازین ۳۵۳۲:۵	تا بگردد حکم ۷۶۷:۲	تا بگیرد خاطر ۳۳۸۳:۱
تا برونی ۲۷۷۱:۱	تا بگردیدش ۲۵۸:۴	تا بگیرد دست ۱۱۳۰:۳
تا بِرُو و چشم ۳۵۲۱:۳	تا بگیراند ۳۶۱:۲	تا بگیرد کوزه ۲۷۱۱:۱
تا بروید برگ ۳۶۸۰:۵	تا بگیرد ۳۳۲۱:۴	تا بگیرد ناامیدان ۳۱۲۷:۵
تا بروید در زمان ۸۶۷:۶	تا بگفتند: ای پیمبر ۱۷۳:۳	تا بلاد دُور ۳۹۹۷:۶
تا بروید در عَوْض ۱۴۶:۵	تا بگفته ۳۵۷۲:۶	تا بلا زیشان ۱۶۰:۵
تا بروید زین ۱۲۶۷:۲	تا بگفتی ۳۵۳۶:۵	تا بِ لاشَرَقی ۱۱۳۸:۳
تا بروید عبرت ۷۶۳:۶	تا بگوید او چه ۲۳۷۹:۲	تا ب لطفش ۳۴۵۲:۶
تا بروید هر یکی ۱۴۹۱:۵	تا بگوید او علامت‌های ۲۳۷۸:۲	تا بمالد ۲۶۴۶:۴
تا بریزد بر سرت ۳۱۱۸:۵	تا بگوید او که ۲۶۴۷:۶	تا بمالی ۲۳۳۹:۳
تا بریزد شیر ۱۳۷:۵	تا بگوید با حریفان ۲۸۱۹:۶	تا بماند آن ۳۱۱۸:۴
تا بریزم ۳۳۸۱:۱	تا بگوید بی شکجه ۲۳۸۵:۳	تا بماند بر جهان ۳۰۳۸:۱
تا بریزند آن ۳۵۵۰:۶	تا بگوید چون ۶۷۴:۴	تا بماند بر شما ۱۴۸۱:۵
تا بریزندش ۲۴۱۱:۵	تا بگوید سَر ۲۵۷۵:۶	تا بماند جانت ۲۲۸:۱
تا بَری زین ۹۷۶:۳		تا بماند دور ۱۵۵۵:۵

تا به بغداد آمد ۳: ۱۰۳۰	تا بود کز دیدگان ۲: ۷۵۶	تا بماند دو قضیه ۶: ۳۵۵۷
تا به بغداد و سمرقند ۴: ۸۸۳	تا بود کز لطف ۴: ۲۵۱۵	تا بماند شاهی ۲: ۳۲۰۹
تا به بوگیران ۳: ۱۶۵*	تا بود کز هر ۴: ۳۱۰۹	تا بماند، لیک ۴: ۲۶۰۸*
تا به بی حد ۵: ۵۶۵*	تا بود که بر جهد ۵: ۱۸۱۷*	تا بمانی ۲: ۳۶۷۸*
تا به بیداری ۳: ۱۱۱۴*	تا بُود که زین ۳: ۱۱۷۰*	تاب نآرد ۲: ۸۲۴*
تا به بیماری ۱: ۳۶۶۳*	تا بود که سالکی ۴: ۳۲۳۷	تا بنالد ۲: ۳۳۷۷*
تا به بینی ۱: ۳۷۷۲	تا بود کین بند ۳: ۳۹۵۵*	تا بنالید و شود ۲: ۱۹۵۳*
تا به پاسخ جزو ۳: ۲۷۹۱*	تا بُود گرمابه ۴: ۲۴۱۰*	تا بنالی یا ۴: ۵۸۱*
تا به پایان ۱: ۱۲۳۵*	تا بُود گریان ۱: ۱۶۳۴*	تا بنجهد ۱: ۳۰۶۱*
تا به پای خویش ۲: ۲۳۰۲	تا بود محبوب ۵: ۳۲۱۸*	تا بندهی ۵: ۱۸۰*
تا به پشت آدم ۴: ۱۰۳۶	تا بُود ممکن ۳: ۳۶۲۵*	تا بَنر باید ۵: ۴۰۹۹*
تا به پشتِ تو ۱: ۱۳۰۳	تا بود هر ۶: ۴۸۴۰*	تا بنشکافد ۴: ۳۲۹*
تا به پشتِ همدگر ۱: ۳۰۱۴	تا بُود همراز ۴: ۹۸۷*	تا بنشکافی ۴: ۲۳۴۶
تا به تون ۴: ۲۵۲*	تا بوم ایمن ۵: ۶۴۶*	تا بنشناسد ۶: ۴۵۵۶
تا به جای او ۱: ۶۶۹	تا بوی پیوسته ۵: ۳۷۰۴*	تا بنگزینی ۴: ۳۰۴۸*
تا به جای نعمت ۳: ۴۱۷۳	تا به آخر برکشی ۲: ۱۸۳۱*	تا بنگشاید ۱: ۳۷۶۷
تا به جنس آید ۴: ۲۶۷۰*	تا به آخر چون ۶: ۳۵۱۴	تا بِنتهی ۶: ۷۲۷*
تا به جنسیت ۴: ۲۶۶۹*	تا به آواز ۲: ۲۸۷۹*	تاب نور ۲: ۱۱۸۰
تا به جهد ۴: ۲۲۷۹*	تا به از جان ۳: ۴۱۱۰*	تا بنوشد ۵: ۳۳۵۲
تا به چالش ۲: ۲۲۹۹*	تا به آسفل ۱: ۳۵۲۲*	تا بُود از غبن ۴: ۲۳*
تا به چیزی ۵: ۳۴۹۸*	تا به اصلاح ۴: ۲۳۵۷*	تا بُود با چون ۲: ۲۱۷۷*
تا به حرص ۶: ۲۱۹۳*	تا به افسون ۳: ۲۲۳۴	تا بُود بر خوان ۴: ۸۸۶*
تا به حشر ۶: ۷۴۹*	تا به اکنون بازگویم ۳: ۳۱۸۷*	تا بود تابان ۱: ۲۹۲۸
تا به خانه ۶: ۱۶۴۳*	تا به اکنون پاس ۲: ۲۹۹۹*	تا بُود تکمیل ۳: ۴۴۱۴*
تا به خایه ۵: ۱۳۸۶*	تا به آلا و خلاقیها ۲: ۳۷۰۸*	تا بود خورشید ۴: ۴۵۹*
تا به خدمت ۵: ۱۹۲۴*	تا به انباری ۴: ۱۴۴*	تا بود دارو ۶: ۲۲۴۷
تا به خر ۲: ۵۴۱*	تا به اندک ۵: ۲۵۶۹*	تا بُود دستور ۲: ۲۹۶۸*
تا به خواب ۴: ۳۰۷۰*	تا بهانه ۳: ۴۰۸۳	تا بُود روز ۲: ۳۸۷*
تا به خواری ۳: ۳۷۹۲*	تا به بادش ندهی ۵: ۲۵۷۸*	تا بُود شاهیش ۶: ۲۱۵۳*
تا به دام ۲: ۱۴۲۷*	تا به باطل ۱: ۴۳۷*	تا بُود شرم اشکنی ۱: ۲۶۹۴*
تا به دریا ۶: ۴۶۲۲	تا به باطن ۲: ۳۲۲۹*	تا بُود غیب ۲: ۹۸۴*
تا به دست ۲: ۲۲۸۷*	تا به باغ جان ۲: ۲۴۵۳*	تا بُود کارت ۲: ۱۵۰۱*
تا به دعوی ۲: ۱۱۹*	تا به بالا بر ۳: ۴۶۴۰	تا بُود کافلاس ۲: ۶۵۳*
تا به دَلالی ۶: ۳۰۷۴	تا به بالای ۱: ۱۳۴۳*	تا بود کان ۵: ۲۲۹۸
تا به دم، اوشان ۳: ۳۰۰*	تا به بحرینش ۶: ۱۱۲۷*	تا بود کز بانگ ۳: ۳۲۶۷

تا به دَم بفریدت ۱۲۸:۲ *	تا به غُرَبَت ۱۴۹۰:۲ *	تا به مَسْکَن ۳۲۶۰:۱ *
تا به دیر انگشت ۲۹۹۹:۱ *	تا به غَرَب خود ۱۸۸۸:۶ *	تا به مُشْک ۲۷۳۲:۳ *
تا به دیری بی خود ۱۰۶۲:۶ *	تا به غیب ایمان ۴۶۹۸:۶ *	تا به مصر ۱۲۱۶:۳ *
تا به دیری، شورش ۱۸۶۳:۱ *	تا به غیر ۱۰۶۶:۲ *	تا به مطلب ۱۸۸۸:۶ *
تا به دیوار ۲۰۶۳:۵ *	تا به فرعون آمدند ۲۴۵:۳ *	تا به مکتب ۱۶۹۳:۵ *
تا به رَجعت ۳۳۴۷:۶ *	تا به فرعون و به ۲۱۶۲:۶ *	تا به مَکْرَم ۱۰۰۰:۱ *
تا به روز آن ۳۰۸:۶ *	تا به فقر اندر ۲۳۷۳:۱ *	تا به مُلْکِ ۱۲۶۱:۱ *
تا به روز مرگ ۲۸۲۶:۵ *	تا به فهم ۲۷۴۵:۵ *	تا به نام احمد ۳۸۳۹:۴ *
تا به رَوَضات ۳۲۴۴:۲ *	تا به قُرب عصر ۴۹۶:۴ *	تا به ناموس ۲۱۴۸:۱ *
تا به زانویی ۱۰۷۵:۵ *	تا به قرنی ۲۵۳۷:۳ *	تا به نزدیک آمدن ۲۵۶۵:۵ *
تا به زَر ۸۵۶:۵ *	تا به قمر ۱۸۰۰:۴ *	تا به نزدیک تو ۲۵۶۹:۵ *
تا به زُناری ۳۵۹:۱ *	تا به قلعه ۳۷۰۲:۶ *	تا به نزدیکم ۲۵۸۰:۵ *
تا به زیر چرخ ۶۴۸:۱ *	تا به «قُل» مشغول ۷۰۱:۶ *	تا به نسرین ۲۷۰۰:۶ *
تا به زیر کوه ۲۵۶۷:۵ *	تا به قَوْت ۴۹۵:۶ *	تا به نعمت ۴۶:۳ *
تا به سالی ۳۱۵۰:۴ *	تا به کُشتی ۲۸۵۰:۳ *	تا به نفس ۳۵۹۱:۴ *
تا به سعد ۱۷۱۶:۶ *	تا به کی این ۲۱۳:۶ *	تا به نمرود ۲۱۵۸:۶ *
تا به سوزن ۱۳۸۸:۱ *	تا به کی باشم ۱۷۵۹:۶ *	تا به نور آن ۴۲۵:۴ *
تا به شب آن ۲۸۵۹:۵ *	تا به کی عکس ۴۶۶۴:۶ *	تا به نُه مَه ۹۳۴:۳ *
تا به شب، افغان ۶۵۹:۲ *	تا به کئی نوشی ۱۷۱۲:۶ *	تا به هر حیوان ۳۶۴۱:۶ *
تا به شب بودی ۳۸۰۰:۶ *	تا به گاه ۳۷۱۰:۳ *	تا به هر سو ۳۶۳۹:۶ *
تا به شب بی خویش ۱۲۳:۶ *	تا به گردی ۲۰۷۲:۶ *	تا به هفتم آسمان ۱۰۱۲:۱ *
تا به شب تَرحال ۵۸۷:۶ *	تا به گرمابه ۳۰۵۶:۳ *	تا به هم آیم ۲۷۳۴:۶ *
تا به شب چون ۴۲۶۷:۶ *	تا به گفتم و گوی ۵۶۹:۱ *	تا به هم در مَرَج ها ۲۷۵۴:۶ *
تا به شب گفتند ۶۷۸:۲ *	تا به گِل ۲۹۳۶:۶ *	تا به هوش آید ۳۷۶۰:۵ *
تا به شب محبوس ۴۱۷۸:۵ *	تا به گوش ابر ۱۴۵۴:۱ *	تا به یزدان ۹۶۷:۳ *
تا به شخص ۴۲۰:۴ *	تا به گوشات آید ۱۹۴۳:۲ *	تا به یکبارت ۱۵۰۶:۶ *
تا به شش ۳۵۰۰:۳ *	تا به گوشات گویم ۲۱۸۱:۱ *	تا به یکسو ۲۳۸۰:۶ *
تا به شیشه ۱۲۱۲:۵ *	تا به گوش خاک ۱۴۵۵:۱ *	تا به بیاراید رخ ۱۲۶۹:۶ *
تا به صبری ۱۸۴۰:۳ *	تا به گوش شیر ۱۱۰۸:۱ *	تا به بیارند اسب ۳۳۶۳:۶ *
تا به صَحّت ۲۰۱:۱ *	تا به لعلی ۲۰۳۹:۵ *	تا به بیامد خِشت ۳۹۸۷:۶ *
تا به ضد ۱۱۳۴:۱ *	تا به ما، ما را ۳۶۲:۴ *	تا به بیاموزند عام ۲۰۶۹:۲ *
تا به طمع ۴۴۶۳:۳ *	تا به ماه و، تا ۲۹۱۳:۱ *	تا به بیاید زاغ ۴۰۸۹:۶ *
تا به ظاهربینی ۲۷۵:۳ *	تا به ماهی احمق ۵۲۰:۳ *	تا به بیاید آن ۲۴۲:۶ *
تا به ظاهر مِثْلُکُم ۳۷۷۷:۲ *	تا به ماهی عقل ۵۱۹:۳ *	تا به بیاید او ۲۱۹۵:۶ *
تا به ظَنوا ۲۰۳۳:۳ *	تا به محشر ۳۵۱۳:۴ *	تا به بیاید ز آن ۲۶۰۸:۲ *

تا تو با من باشی ۴: ۱۵۴۷	تا پدید آید صفات ۴: ۱۶۶۸	تا بیابد طالبی ۳: ۳۲۰۸
تا تو با من روشنی ۴: ۱۹۰۰	تا پدید آید که این ۵: ۱۱۵	تا بیابد فاتح ۶: ۴۰۵۰
تا تو بر مالی ۵: ۳۷۷۶	تا پدید آید که تو ۱: ۳۰۴۳	تا بیابد کآن قُج ۶: ۴۶۸
تا تو بستیزی ۵: ۲۶۰	تا پدید آید که حیوان ۲: ۲۶۷۶	تا بیابد نخل ۱: ۳۸۶۸
تا تو بودی ۱: ۱۸۷۵	تا پدید آید گهر دانه ۵: ۲۲۵۳	تا بیابد نطق ۱: ۲۵۶
تا تو بیهوشی ۵: ۳۴۸۲	تا پذیرا ۳: ۱۲۸۷	تا بیابد هر ۳: ۹۴۱
تا تو تاریک ۱: ۱۶۴۱	تا پذیرد ۱: ۳۱۵۴	تا بیابی از ۲: ۱۹۴۶
تا تو تن را ۲: ۲۶۵	تا پرش در ننگند ۵: ۶۵۲	تا بیابی بوی ۴: ۵۵۱
تا تو چون خُفاش ۶: ۳۴۰۹	تا پر میل ۳: ۲۱۳۷	تا بیابی حکمت ۵: ۲۴۷۵
تا تو خود ۴: ۳۰۱۶	تا پری و دیو ۳: ۴۷۱	تا بیابد آن ۵: ۳۵۴۰
تا تو در چاهی ۳: ۴۷۹۸	تا بزد آن دیگ ۵: ۱۳۸۰	تا بیابی در بهای ۴: ۲۶۱۹
تا تو دیوی ۵: ۳۱۸۴	تا پس این پرده ۱: ۳۶۱۶	تا بیابی در تن ۱: ۱۹۰۵
تا تو را آن ۴: ۲۲۱۵	تا پشیمانی ۲: ۲۲۶۸	تا بیابی در جزا ۱: ۳۳۷۹
تا تو را از ۶: ۲۷۳۰	تا پلیدان ۵: ۱۹۹	تا بیابی در قیامت ۳: ۶۲۷
تا تو را اسم ۲: ۲۴۰۸	تا پناهت ۱: ۱۸۴۴	تا بیابی صد ۵: ۳۳۵۷
تا تو را بیرون ۱: ۱۵۴۵	تا پناهی ۱: ۱۸۴۰	تا بیابی همچو ۴: ۷۲۶
تا تو را پُر باده ۲: ۲۵۷۷	تا تجارت ۳: ۴۹۱۱	تا بیارد آن ۲: ۲۱۹۱
تا تو را چون ۳: ۲۸۸۱	تا ترو تازه ۱: ۲۱۱۷	تا بیازارند ۱: ۲۵۱۹
تا تو را در آب ۳: ۳۴۸۷	تا تقلب ۳: ۱۱۴۸	تا بیامد آیت ۵: ۵۰۲
تا تو را در حلقه ۳: ۴۵۶۶	تا ت گوید ۵: ۳۵۰۶	تا بیامد بر ۲: ۳۴۳۹
تا تو را در زیر ۲: ۳۱۱۷	تا تو آهن ۴: ۱۶۳۴	تا بیامزد ۵: ۳۲۵۸
تا تو را فرمان ۴: ۱۱۵۰	تا تواز بالا ۴: ۷۴۹	تا بیاموزد ز تو ۲: ۳۳۱۸
تا تو را مشغول ۴: ۲۱۸۷	تا تواند زخم ۳: ۲۴۳۷	تا بیاید خضر ۲: ۲۲۳۱
تا تو را ناچار ۵: ۱۵۲۲	تا تواند کرد ۶: ۴۷۵۸	تا بیایم بر در ۵: ۲۹۵۵
تا تو را واقف ۲: ۵۵۹	تا تواند کشتی ۴: ۲۷۶۶	تا بیایم نیم شب ۶: ۵۹۷
تا تو رشوت ۲: ۲۷۵۳	تا توانم با تو ۴: ۳۲۹۴	تا بیفتادم ۳: ۱۹۹۸
تا تو طفلی ۳: ۴۱۱۲	تا توانم من ۶: ۲۷۴۱	تا بیک جرعه ۲: ۳۰۹۹
تا تو عالم ۶: ۴۲۳	تا توانی بنده شو ۱: ۱۸۶۸	تا بیندازی سر ۴: ۳۳۷۳
تا تو می بینی ۱: ۳۹۶۲	تا توانی پا ۲: ۱۷۵۲	تا بیندازیم ۶: ۱۱۳۲
تا تو ندھی ۳: ۲۳۲۵	تا توانی در ۵: ۲۳۴۰	تا بیندیشم ۶: ۲۱۴۰
تا تو یاری ۶: ۳۴۱۰	تا تو ای دزد ۲: ۲۹۶۰	تا پدید آرد ضمیر ۵: ۳۹۷۳
تا تنای ۳: ۲۷۲۹	تا تو با خود ۱: ۱۷۸۷	تا پدید آرد عوارض ۲: ۲۹۵۲
تا تاج از آن ۵: ۵۳۴	تا تو باشی در ۵: ۲۷۶۱	تا پدید آمد ۵: ۲۰۰۰
تا جُدا گردد ۴: ۱۴۴	تا تو باشی وارث ۵: ۱۴۹۹	تا پدید آید حسد ۲: ۸۱۱
تا تاجران انبیا را ۶: ۸۸۶		تا پدید آید سگالش ۵: ۱۹۸۷

- تاجرانِ انبیاء کردند ۲: ۲۹۴۳
تاجران باشند ۲: ۲۹۳۹
تاجرانِ دیو ۶: ۴۷۲۸
تاجران را ۴: ۲۴
تاجرانِ رنگ ۲: ۲۹۴۳
تاجرانِ ساحر ۶: ۴۷۲۹
تاجر ترسنده ۳: ۳۰۸۹
تاجرش داند ۶: ۲۹۳۷
تاجری بر ۶: ۲۹۲۸
تاجری دریا ۳: ۵۴۴
تاج زر ۵: ۳۴۵۶
تاج شاهان ۴: ۱۷۰۲
تاج، شیخ‌اسلام ۵: ۳۴۷۳
تاج عقل ۵: ۱۱۵۹
تاجِ کَرمناس ۵: ۳۵۷۴
تاجِ جلا باشد ۵: ۴۵۶
تاجمادات ۴: ۲۸۲۶
تاجمادی سوخت ۱: ۳۸۶۲
تاجماعت ۶: ۳۰۰
تاج، ناطق ۴: ۱۹۱۰
تاجنون ۲: ۱۴۳۲
تاجنینی ۳: ۱۲۹۷
تاجوابِ سرد ۳: ۱۳۲۵
تاجوارِ کعبه ۶: ۲۴۳۸
تاج و امی گشت ۴: ۱۹۰۸
تاج و پیرایه ۳: ۲۸۵۲
تاجهان حسّ ۴: ۵۵۶
تاجهان، گه ۱: ۱۲۷۷
تاجهان لرزان ۶: ۱۸۵۴
تاجهودی ۲: ۲۸۶۲
تاجرا آمد ۶: ۲۵۲۰
تاجَرَد آن ۳: ۳۵۵۹
تاجگونه باشد ۵: ۳۸۱
تاجگونه زاید ۱: ۳۵۱۵
تاجنان آهی ۲: ۲۷۸۴
- تا چنان برقی ۱: ۳۷۲۹
تا چنان داند ۴: ۱۵۷۰
تا چنان شد کآب ۵: ۲۰۰
تا چنان شد کآن ۱: ۸۰۶
تا چنان گردد ۲: ۲۵۸۹
تا چنان نوید ۳: ۴۳۳۸
تا چنین جوهر ۶: ۹۹۹
تا چنین حیز ۳: ۴۰۱۹
تا چنین خدمت ۳: ۲۸۸۴
تا چنین سیل ۵: ۲۲۵۷
تا چو بجهند ۴: ۳۶۷۴
تا چو بینی ۱: ۳۱۹۹
تا چو خشخاش ۶: ۴۸۲۰
تا چو خورشیدی ۱: ۳۵۲۹
تا چو داود آب ۲: ۳۷۸۱
تا چو دل شد ۳: ۴۳۱۵
تا چو زن، عشوه ۲: ۲۵۸۳
تا چو سود افتاد ۳: ۴۱۰۵
تا چو سی کودک ۳: ۱۵۳۲
تا چو شیشه ۵: ۹۹۱
تا چو طفلان ۴: ۱۴۱۵
تا چو عقل ۴: ۲۱۷۸
تا چو فرصت ۳: ۴۰۶۲
تا چو قصّایی ۲: ۲۵۸
تا چو مالک ۵: ۱۹۳۷
تا چو مردم ۱: ۲۱۱۹
تا چو نحلی ۳: ۳۲۹۳
تا چو واگردد ۵: ۳۶۹۰
تا چو هدیه ۱: ۲۷۱۲
تا چه آتش ۶: ۲۵۲۴
تا چه آرد ۶: ۱۵۷۳
تا چه آید ۴: ۲۳۳۳
تا چه با پهناست ۱: ۱۱۰۹
تا چه باشد حال ۵: ۴۰۶۵
تا چه باشد ذات ۱: ۷۳۸
- تا چه باشد شرّ ۶: ۲۴۶۹
تا چه باشد قوّت ۱: ۱۴۷۶
تا چه باشد هوش ۵: ۳۴۷۱
تا چه پیدا ۶: ۳۴۳۸
تا چه تشویش ۶: ۲۵۱۷
تا چه چیزست ۳: ۱۹۹۷
تا چه حد، حسّ ۴: ۳۷۵۸
تا چه خواهد بر ۴: ۹۸۰
تا چه خواهد، زیرکی ۶: ۲۳۷۳
تا چه خواهد کرد ۳: ۲۰۴۴
تا چه خواهی ۵: ۳۹۲۸
تا چه دارد ۲: ۲۷۰۴
تا چه در ۶: ۳۴۸۴
تا چه دوزخ ۶: ۱۳۹۷
تا چه دیدی این ۱: ۳۷۵۰
تا چه دیدی خواب ۶: ۳۵۶۰
تا چه رنگم؟ ۲: ۹۲
تا چه زاید؟ ۱: ۳۸۷۴
تا چه زلّت ۵: ۹۷۹
تا چه سخت ۴: ۳۲۱۱
تا چه شد احوال آن ۱: ۱۸۱۴
تا چه شد احوال گرگ ۱: ۳۱۰۱
تا چه شیرین ۲: ۱۵۱۷
تا چه صورت ۶: ۳۷۲۱
تا چه عالم‌هاست ۱: ۱۱۰۹
تا چه فرمایی ۵: ۲۰۹۰
تا چه قدر ۲: ۲۱۰۴
تا چه کین دارند ۲: ۲۲۰۴
تا چه گفت از ۴: ۱۸۳۳
تا چه گفتش ۶: ۳۹۹۵
تا چه گل ۱: ۱۹۶۸
تا چه گوید ۶: ۱۰۶۸
تا چهل سال آن ۱: ۳۷۳۷

تا چهل سالش به ۱۷۵۸:۳	تا خوری می ۳۴۸۰:۵	تا درختِ عمر ۲۲۲۳:۵
تا چهل سالش کند ۳۵۰۲:۳	تا خیالات ۲۸۱۶:۵	تا درِ قلعه ۳۰۳۰:۶
تا چه مستی‌ها بود ۸۲۴:۳	تا خیال دوست ۲۵۷۳:۲	تا دُرُوگر اصل ۳۲۰۶:۱
تا چه مستی‌ها کند ۸۰۲:۳	تا خیالش را ۲۱۱۸:۳	تا درونِ چشمه یابی این
تا حجب ۱۵۵۲:۵	تا خیالِ عِجَل ۱۷۹۱:۶	۲۷۴۲:۳
تا حدث در ۲۶۹۵:۶	تا خیالِ کز ۸۹۸:۱	تا درونِ چشمه یابی زین
تا حدیث ۲۴۸۵:۵	تا خیال و فکر ۲۸۹:۶	۲۷۴۸:۳
تا حروفش ۱۸۵:۶	تا در آب از ۴۳۵:۴	تا درید او ۱۳۵۹:۶
تا حریم ۴۳۷۶:۶	تا درآمدِ امتحانات ۱۶۳۷:۳	تا دریدی لحم ۴۸۱۹:۶
تا حلیمی ۲۱۶۹:۶	تا درآمد حکم ۲۱۶۶:۵	تا درین شهر ۲۴۲۰:۲
تا خبر یابد ۴۴۵۷:۳	تا درآمدِ موزید ۴۸۳۴:۶	تا درین ظلمت ۳۶۳۰:۱
تا خبریابی ۳۱۸۸:۵	تا در آنجا ۳۲۴۴:۲	تا درین گلشن ۱۷۲۳:۵
تا ختن آورد ۶۳۰:۵	تا در آن عالم ۲۴۷۶:۲	تا درین مدّت ۲۵۴۹:۴
تا خداوندیت ۲۷۷۸:۴	تا درآید آنکه ۸۵۹:۳	تا درین ویرانه ۱۲۵۷:۶
تا خدایت ۲۶۸۱:۴	تا درآید اوّل ۱۵۴۷:۳	تا دعای ۳۶۶۱:۲
تا خدایش ۴۰۰۲:۱	تا درآید در تصور ۱۲۲:۱	تا دکانِ ۱۲۶۵:۶
تا خراز هر ۵۵۵:۲	تا درآید در گلو ۳۷۴۱:۱	تا دلاله ۳۹۲۴:۵
تا خرامد ۳۶۸۱:۵	تا درآید شادی ۳۶۷۹:۵	تا دلت آینه ۲۴۷۰:۴
تا خر خواجه ۵۳۱:۳	تا درآید نصر ۳۷۵۱:۴	تا دلت حیران ۴۱۹۴:۶
تا خرد اَبُلُوج ۶۲۵:۴	تا در آبرو ۴۴۴:۳	تا دلت زین ۱۷۳۵:۵
تا خرد او ۳۹۵:۲	تا در اسباب ۱۶۸۵:۱	تا دلِ خود ۲۶۵۲:۴
تا خَرَد این ۴۵۰۲:۶	تا در اُشتر ۲۹۷۷:۲	تا دلِ داود ۲۳۹۸:۳
تا خری پیری ۳۵۸۲:۶	تا در افتاده‌ست ۳۰۴۴:۲	تا دلش را ۱۰۶۶:۵
تا خطاب ۵۶۸:۱	تا در افتد بعد ۱۹۵۶:۵	تا دلش شورید ۳۳۷۸:۳
تا خلیفه گفت ۴۲۵۸:۶	تا در افتد صید ۴۳۷:۶	تا دلِ مردِ ۳۱۱۲:۲
تا خُمِ یکرنگی ۱۸۵۵:۶	تا در افکند ۲۷۹۴:۲	تا دل و جانتان ۱۳۸:۳
تا خنک ۶۱۶:۶	تا در اندازد اسوداً ۳۸۷۱:۵	تا دلیر اندر ۲۳۰۱:۲
تا خورد آب ۲۲:۳	تا در اندازد به ۲۶۰۹:۵	تا دَمِ آخر، دَمی آخر ۱۸۲۳:۱
تا خورد از ۳۴۳۶:۴	تا در اندازم در ۳۴۷:۱	تا دَمِ آخر، دَمی فارغ
تا خورد او بیست ۳۸۱۳:۵	تا در او آشکال ۲۴۷۴:۴	۱۸۲۲:۱
تا خورد او خار ۱۵۷۲:۱	تا در او باشد ۲۵۷۸:۶	تا دَمِ آن ۲۳۵۸:۴
تا خورد مرگوشت ۲۶۰۶:۶	تا در او راند ۲۳۰۷:۲	تا دماغِ ۳۲۳۴:۳
تا خورید از خوان ۲۲۷۸:۱	تا در این سُکزی ۵۷۶:۱	تا دَمّت ۱۳۲:۳
تا خوری دانه ۱۴۰۸:۵	تا در تویه ۹۶۸:۶	تا دمِ عیسی ۱۹۱۰:۱
تا خوری زشت ۶۲:۵	تا درخت، استغلف ۱۳۴۵:۱	تا دمی از ۲۲۵:۶

تا دو پَر باشی ۱۵۵۴:۲	تا رمیدی ۴۰۹:۳	تا رهد جانِ ریزه‌اش
تا دو سال این ۲۷۸۶:۵	تا روان و جان ۱۷۱۶:۵	۱۴۳۳:۴
تا دو سه روزک ۶۹۳:۴	تا روپود ۱۷۵۷:۳	تا رهد جانم ۱۲۲۴:۴
تا دو سه میدان ۲۷۹۴:۲	تا رَوَد آن ۳۴۲۷:۴	تا رهد دستان ۳۴۳:۶
تا دُوی برخیزد ۳۷۲۴:۲	تا رود از تو ۲۸۹۹:۳	تا رَهَد زین ۳۶۴۹:۴
تا دهان ۶:۲۵۸۰	تا رود از جسمت ۱۳۲۳:۶	تا رهد مار ۲۵۲۷:۲
تا دهد بَر ۵:۱۰۵۵	تا رود انصاف ۱۸۹۹:۴	تا رهند ارواح ۱۵۹۹:۲
تا دهد تدبیرها ۳۱۶:۵	تا رود بالای ۴۲۱۸:۶	تا رهند از حرص ۳۷۳۳:۳
تا دهد جان ۲۶۳۴:۲	تا رود دود ۴۲۱۷:۶	تا رهی از ترس ۲۸۴۵:۳
تا دهد خنده ۷۱۸:۱	تا رود عِلّت ۲۹۴:۶	تا رَهی از فکر و وسواسِ کُهن
تا دهد دُوغم ۵:۲۳۶۰	تا رود فرق ۶۸۹:۱	۴۳۸:۴
تا دهد مر راستی ۱۰۴۶:۲	تا رود نیم ۱۳۳۶:۵	تا رَهی از فکر و وسواس و
تا دهد نخل ۱:۳۹۴۷	تا رَوَم من ۳:۲۴۰۰	۲۶۹۶:۴
تا دُهل ترسد ۳:۴۳۴۶	تا رَوی از ۶:۳۸۲	تا رهی از نیش ۱:۳۰۰۲
تا دُهل وار ۶:۲۵۷۳	تا رَویم ۴:۳۲۳۱	تا رهی در دامن ۱:۴۲۴
تا دهم پندش ۱:۳۶۶۷	تا رَوی هم ۲:۳۷۷۶	تا رهیدیت ۲:۲۰۴۰
تا دهم کار ۶:۴۵۵۹	تا ره‌اند پاش ۳:۳۲۶۳	تا رهی ز آن ۱:۲۹۶۷
تا رساند سوی ۵:۲۲۰	تا ره‌اند زین ۶:۱۶۶۴	تا رهی زین ۴:۳۱۹۲
تا رسد از بامها ۶:۴۲۵۱	تا رهانم‌شان ۳:۱۷۸۴	تا رهیم از ۳:۱۵۲۵
تا رسد از تو ۱:۳۷۶۴	تا رهانم عاشقان ۳:۴۲۸۹	تا رهی همچون ۵:۲۹۸
تا رسد در کام ۵:۱۳۸۴	تا رهانم مر شما را از نَدَم	تا رهی یابم ۳:۴۲۰۰
تا رسد در هم‌رهان ۲:۵۴۲	۱۴۱:۳	تا ریاضت‌ان ۴:۲۰۰۶
تا رسد والی ۳:۴۵۶۴	تا رهانم مر شما را از هلاک	تا ز آتش ۵:۲۳۰
تا رَسَن بازی ۳:۴۲۱۴	۳:۴۵۵۳	تا ز افزونی ۳:۱۵۴۴
تا رسی از چاه ۲:۳۴۵۳	تا رهانم من ۳:۲۹۷۶	تا زبان‌تان ۲:۳۶۹۲
تا رسی از گام ۳:۴۹۲	تا رهد آن روح ۴:۲۹۸۵	تا زبانم چون ۴:۳۱۴
تا رسی اندر جماعت ۲:۲۷۶۶	تا رَهَد آن شیر ۴:۳۴۲۴	تا زبانِ مرغ ۳:۳۲۲۷
تا رسی اندر نفوس ۴:۳۲۰۶	تا رهد آن گوهر ۳:۳۹۳۶	تا ز برگ ۵:۲۷۶۰
تا رسی تو ۴:۲۸۹۳	تا رَهَد از درد ۱:۳۸۷۰	تا ز بس هَمّت ۶:۲۸۰۹
تا رسید آن شب ۳:۸۴۵	تا رهد از دست دوزخ	تا ز بسیاری ۶:۳۵۴۶
تا رسید آن شومی ۳:۱۶۸۹	۵:۲۹۱۴	تا ز بُعد ۳:۲۹۳۲
تا رسید آن کِزج‌ها ۲:۱۵۱۶	تا رَهَد از دستِ هر ۴:۲۱۷۲	تا زیون بینیش ۲:۲۲۹۱
تا رسیدن ۴:۳۸۱۴	تا رهد از مُدبری‌ها ۴:۷۹	تا زیون گردد ۴:۵۹۶
تا رگی ۴:۳۶۹۸	تا رهد از مرگ ۳:۴۶۰۶	تا ز بیم ۴:۵۳
تا رماند مار ۲:۱۸۷۹	تا رهد این جان ۴:۱۲۲۵	تا ز تبدیل ۵:۲۷۴۳

تا ز تلخی‌ها ۴۹۱۳:۳*	تا ز رِزْقِ ۱۸۷۲:۶	تا ز مغرب ۲۵۰۵:۴
تا ز تو این ۳۲۱۵:۱*	تا ز رنج ۲۴۷۴:۲	تا ز من آتش ۱۷۲۱:۱*
تا ز تو چیزی ۱۵۰۷:۲*	تا ز روح ۸:۳*	تا ز زمین باقی ۲۶۹۷:۶*
تا ز تورا ضی ۱۴۳۴:۴*	تا ز روز و شب ۳۵۰۳:۱	تا ز زمین شد ۲۲۶۵:۶*
تا ز تو فارغ ۳۴۸۲:۲*	تا ز زخمِ تیغ ۲۷۴۶:۳*	تا ز زمین گردد ۱۸۸:۶*
تا ز جانم ۲۳۷۷:۱*	تا ز زخمِ لختِ گاوی ۱۴۳۸:۲	تا ز زمین و آسمان ۱۲۷:۱
تا ز جان‌ها ۱۰۱:۴	تا ز زخمِ لختِ یابم ۱۴۳۷:۲	تا ز مینی ۳۸۲۸:۴
تا ز جذب ۲۷۳۲:۶*	تا ز زهر ۴۹۸:۱	تا ز نار ۳۷۰۲:۱
تا ز جرمت ۳۵۵۰:۵	تا ز سحر آن ۳۸۰۸:۵	تا ز ند بر عالمی ۳۵۲۱:۴*
تا ز جنت ۴۴۳۴:۶*	تا ز سرهای ۷۰۳:۱*	تا ز ند بر موسی ۴۳۵۶:۶*
تا ز جهل ۳۷۸۳:۲	تا ز سُکسُک ۴۰۱۴:۳	تا ز ند بر وی ۲۹۳۳:۴*
تا ز جرخ ۳۱۴۱:۶	تا ز شر ۲۳۷۰:۶*	تا ز ند پهلوی ۲۹۲۲:۱*
تا ز چشم ۴۲۵۰:۳*	تا ز شهدم ۲۶۳۶:۲*	تا ز ند تیری ۳۱۶۵:۲
تا ز چونی ۱۱۹۵:۶	تا ز صحنِ ۸۲۱:۱*	تا ز ند تیغی ۶۵۸:۵*
تا ز چه فن ۲۳۲۲:۶*	تا ز صد ۲۰۱۳:۶*	تا ز ند گر ۶۲۹:۳*
تا ز حرص اهل ۷۱۶:۵*	تا ز صفا ۱۸۹۲:۲*	تا ز نَزَع ۴۱۱۱:۶*
تا ز حق آید ۱۳۷۸:۱*	تا ز صندوق ۴۵۰۳:۶*	تا ز نر و ماده ۳۰۷۴:۱*
تا ز حلقه لعل ۲۰۴۳:۵*	تا ز ضید، ضید ۷۳۶:۶*	تا ز نزع ۷۶۴:۶*
تا ز حیرانی ۴۲۴:۴*	تا ز طعّاعان ۷۱۵:۵*	تا ز نعل ۱۹۷۳:۱*
تا ز خاص ۳۴۴۶:۵*	تا ز ظلمت ۴۲۵۰:۶*	تا ز نقصان ۳۴۸:۳*
تا ز خان ۱۱۴۲:۲*	تا ز عُسری ۲۲۹۶:۲*	تا ز نم با دشمنان ۳۱۳:۴*
تا ز خُمِر ۴۲۳۷:۵*	تا ز غمزه ۲۳۱:۴	تا ز نم من ۴۱۶۴:۵
تا ز خواری ۲۷۴۲:۵*	تا ز غیرت ۱۲۶:۲	تا ز نو دیدن ۳۲۶۴:۴*
تا ز خود خالص ۱۳۱۳:۲*	تا ز فرزند ۳۵۸۷:۶	تا ز نورش ۳۵۸۸:۳*
تا ز خود هم ۳۰۹:۳*	تا ز قاروره ۱۷۹۵:۴	تا ز نید آن ۲۷۸۱:۱
تا ز خیاطی ۴۱۹۷:۶*	تا ز کاهش ۳۱۵۱:۴*	تا ز وَاَسْجُد ۱۲۷:۳*
تا ز د اندر ۳۷۰۸:۱*	تا ز گوهر ۱۷۷۹:۱*	تا زه باش ۳۷۳۹:۳*
تا ز داید ۹۱۵:۴*	تا ز گی و جنبش ۱۹۵۶:۱	تا زه تر ۱۰۹۲:۴*
تا ز درد بی دوا ۳۳۸۷:۲*	تا ز گی هر ۲۷۲۵:۶	تا زه زوما ۱۰۳:۳*
تا ز درویشی ۳۷۷۰:۱	تا ز گی یابد ۲۵۲۰:۴*	تا ز هستان ۴۷۲۵:۳*
تا ز دلدارِ ۲۷۸۹:۶	تا ز لاف ۷۲۸:۳*	تا ز هستی اش ۱۷۹۱:۳*
تا ز ز اندودیت ۸۹۸:۱	تا ز لالی ۴۱۵:۳*	تا ز هستی‌ها ۳۲۱۴:۶*
تا ز راه ۱۶۴:۶	تا ز لالا ۳۱۴۸:۲	تا زه کن ایمان ۱۰۷۸:۱
تا ز رحمت پیشت ۳۷۴۸:۴*	تا ز لُعبت ۲۲۵۴:۶	تا زه ماند آن ۲۵۸۰:۴*
تا ز رحمت گردد ۴۱۶۶:۳*	تا ز مستی ۸۱۳:۳*	تا زه می باشد ۳۵۸۸:۶*

تازه می‌گیر ۸۰۹:۵	تا سؤال ۱۳۷۴:۳	تا شناسیم ۲۶۳۳:۱
تازه و شیرین ۲۹۳۶:۳	تا سیوم، چارم ۲۸۸۸:۴	تا شنیدم ۳۱۱۸:۱
تا زیادت ۴۵۵۰:۶	تا سوی اصلت ۸۶:۶	تا شود آن حل ۲۰۶۶:۳
تا زیارب ۳۱۵۹:۴	تا سوی باغش ۶۰۰:۳	تا شود آن ریزه ۲۲۷۱:۳
تا زیان چون ۳۸۸۴:۵	تا سه آوردت ۸۸:۲	تا شود از زخم ۱۴۴۵:۲
تا زیانِ خصم ۲۵۱۲:۲	تا سه تو جذب ۸۵:۲	تا شود استاره ۳۵۹:۶
تا زیان را وقت ۲۳۷۵:۵	تا سه تو شد ۹۹۹:۲	تا شود امر ۱۸۷۳:۶
تا زیانه آیدش ۱۱۴۸:۴	تا سه روز ۳۱۸۲:۴	تا شود اندر ۳۶۴۶:۱
تا زیانه از ۳۳۶:۶	تا سه شب ۱۶۷۶:۲	تا شود ایقان ۴۱۹۵:۶
تا زیانه‌اش ۲۱۲۸:۶	تا سه می‌آرد ۸۹:۲	تا شود ایمن ز تاراج ۲۹۲۱:۶
تا زیانه بر زدی ۱۷۸۹:۲	تا سه‌لیت ۴۸۶۱:۶	تا شود ایمن زدزد ۱۵۲۷:۵
تا زبانی کرده ۷۹۷:۲	تا ش از سر ۲۳۵۹:۱	تا شود ایمن زر ۴۲۷۱:۶
تا زید ۱۰۷۸:۴	تا شبان شد ۱۴۲۴:۲	تا شود این دوزخ ۱۲۵۸:۲
تا سبک گردد ۳۱۸۳:۲	تا شبانگه ۱۸۹۲:۲	تا شود این نار ۱۳۳۴:۱
تا سپارد ۹۱۷:۴	تا شبی بنمود ۳۴۰۴:۳	تا شود بر آب ۲۹۷۲:۴
تا ستانند ۱۴۳۹:۴	تا شبی در ۱۵۶:۲	تا شود بر تنت ۲۱۷۳:۶
تا سحر جمله ۲۳۰۰:۶	تا شیش جُویم ۳۳۲۱:۵	تا شود بیدار ۳۶۲:۲
تا سحرگه ۴۳۵۶:۳	تا شتابان ۴۳۴۰:۶	تا شود پاک ۱۰۵:۴
تا سخن‌های ۱۰۴۰:۱	تا شد اکنون ۳۶۴۷:۴	تا شود پیدا شما ۱۱۸۵:۳
تا سرِ خر ۳۸۲۵:۴	تا شد اولایق ۲۲۱۰:۵	تا شود پیدا وقار ۳۲۹۱:۶
تا سر رشته ۲۹۴۳:۶	تا شدستی سست ۳۷۲۸:۱	تا شود تاریک ۲۹۲۸:۶
تا سرش شویی ۲۳۱۸:۵	تا شدند آن ۲۸۴۴:۶	تا شود حل ۲۱۶۱:۶
تا سزای ۱۱۸۲:۱	تا شده دانه ۵۰۸:۱	تا شود در آخر ۲۳۶۷:۵
تا سَقَاهُمْ ۳۲۱۹:۳	تا شده ظاهر ۳۱۰:۴	تا شود در امتحان ۲۷۹۱:۴
تا سَقَطْها بشنوم ۲۶۹۳:۵	تا شعار ۲۸۳۵:۲	تا شود درد ۴۳۱۱:۶
تا سیگالد ۱۰۹۳:۳	تا شَفَقَ غَمَازِ ۱۴۹۸:۶	تا شود روح ۱۴۴۶:۲
تا سگش گردد ۳۰۳۷:۵	تا شِکالت ۱۳۶۸:۳	تا شود رویت ۱۲۸۱:۶
تا سگم بندد ۳۰۳۵:۵	تا شکسته ۳۵۶۲:۲	تا شود زار ۱۲۱۶:۴
تا سگی چندی ۱۶۶۳:۶	تا شما بی من ۶۸۱:۶	تا شود زَقْتُ و عظیم ۲۸۵۶:۵
تا سلوک ۴۵۸۴:۳	تا شما رارو ۸۴۸:۳	تا شود زفت و، نماید ۱۵۷۹:۴
تا سلیمان گشت ۳۶۲۰:۱	تا شما رانحو ۲۸۴۶:۱	تا شود زنده همان ۲۵۲۳:۳
تا سلیمان گفت ۸۳۹:۵	تا شناسد ۱۴۷۶:۲	تا شود زین ۲۷۱۱:۱
تا سلیمان لَسن ۳۷۴۲:۲	تا شناسی از طنین ۷۹۳:۳	تا شود سَرَوَر ۱۹۸۳:۲
تا سمرقند آمدند ۱۸۶:۱	تا شناسی علم ۲۱۱۹:۵	تا شود شب ۲۸۳۸:۲
تا سمرقند و، دهم ۲۵۴۲:۶	تا شناسی گرد ۳۹۵۹:۱	تا شود شیرین ۶۷۰:۴

تا شود غالب ۲۷۱۹:۴	تا صفات ۳۶۷۹:۲	تا غلام ۱۵۷۱:۲
تا شود فاروقی ۲۹۶۸:۲	تا ضعیفی ۱۵۰۰:۱	تا فت اندر ۴۴۴۸:۳
تا شود قریه ۳۶۰۸:۴	تا طبعی ۳۶۰۲:۴	تا فت بر آن مار ۱۰۴۱:۳
تا شود کم این ۶۶۳:۵	تا طلاق ۹۹۸:۶	تا فت بر تو ۹۱۹:۴
تا شود کم، گردد ۶۸۰:۵	تا طلب ۷۲۵:۴	تا فت ز آن روزن ۲۴۶۲:۲
تا شود لاغر ۲۸۶۱:۵	تا طمع ۱۴۱۴:۴	تا فت نور ۱۸۰۹:۱
تا شود معلوم ۱۷۱۱:۲	تا ظفر یابم ۴۵۵۰:۳	تا فته بر ۳۰۶۹:۶
تا شود معیش ۱۰۲۱:۴	تا عَجَّیان ۳۰۱۲:۴	تا فدای ۲۸۹۴:۵
تا شود نار ۱۳۳۳:۱	تا عدم ها را ۱۳۶۱:۶	تا فراق ۴۷۱۷:۳
تا شوم غرقه ۲۶۹۳:۵	تا عذابِ آخرت ۲۴۷۰:۲	تا فراوان ۲۸۳۴:۲
تا شوم مضحوب ۱۹۶۸:۳	تا عذابم ۶۰۳:۵	تا فرستد ۳۰۳۳:۴
تا شوم مقبول ۹۸۸:۴	تا عروس ۳۱۴۷:۴	تا فرشته ۱۹۸۳:۱
تا شوم من خاک ۱۱۶۶:۶	تا عزیز ۳۴۸۹:۴	تا فرو آید ۱۶۰۲:۵
تا شوم من گوی ۲۶۶۴:۵	تا عصا را ۴۳۵۴:۶	تا فرو خواند ۳۳۷۸:۵
تا شوند از جوع ۲۸۳۵:۵	تا عصای موسوی ۳۸۰۸:۵	تا فرو خوانی ۱۸۶۸:۳
تا شوند از ذوق ۱۱۳۳:۴	تا علاج آن ۸۷۰:۲	تا فرود آرند ۲۹۹۶:۳
تا شوی ایمن ۷۸:۴	تا علاجش ۲۸۹:۴	تا فرود آمد ۳۸۷۵:۵
تا شوی با روح ۲۵۲۲:۱	تا علف چینه ۸۰۹:۳	تا فروشد آن ۲۱۷۳:۴
تا شوی با عشق ۳۷۶۰:۳	تا عُلُو عشق ۲۷۴۰:۵	تا فروشد در ۲۷۹۳:۳
تا شوی تاج ۱۱۷۶:۲	تا عَلَیها ۷۱۰:۶	تا فروشی ۱۲۸۲:۶
تا شوی تشنه ۳۲۱۴:۳	تا عُمَر آمد ۱۳۹۰:۱	تا فروگیرند ۲۴۴۲:۴
تا شوی چون بوی ۳۳۴۹:۵	تا عُمَر را ۲۱۸۰:۱	تا فرو نآید ۲۹۷۲:۲
تا شوی چون موزه‌یی	تا عناصر ۴۴۲۷:۳	تا فرید مرغ ۳۱۷:۱
۴۸۶۱:۶	تا عوانان ۴۰۶۵:۳	تا فرید نفس ۱۵۶:۵
تا شوی خورشید ۲۵۱۳:۵	تا عِوض بینی ۴۴۷:۱	تا فریبی ۲۰۸۷:۴
تا شوی خوش ۳۲۸۹:۴	تا عِوض گیری ۲۳۴۸:۵	تا فزاید قصر ۱۱۶۳:۶
تا شوی راکب ۳۴۵۱:۱	تا عوض یابی ۲۲۲۷:۱	تا فزاید کوری ۸۱۴:۵
تا شوی ز آن سایه ۲۲۱۶:۲	تا غذا گردی ۴۱۶۴:۳	تا فزون ۱۹۳:۲
تا شوی علم ۴۲۰۷:۳	تا غذای ۱۹۵۷:۴	تا فسرده ۱۰۵۸:۳
تا شویم از اولیا ۳۰۶۹:۲	تا غَرَض بگذاری ۲۸۷۲:۶	تا فضیحت های ۲۴۹۹:۲
تا شویم اَعْجوبه ۳۴۲۴:۱	تا غرورش ۴۸۵۴:۶	تا فگند ۱۶۸۴:۶
تا شوی نامه سیاه ۳۱۲۴:۵	تا غریبی ۲۸۳۴:۲	تا فنا شد ۳۳۹۷:۵
تا شُهب می راندشان ۳۳۲۵:۴	تا غریمان ۳۹۴:۲	تا قبول آرم ۲۶۸۲:۱
تا صدف، قانع ۲۱:۱	تا غریو ۱۱۱۰:۶	تا قبول اندر ۲۵۵:۵
تا صُطْرلابی ۱۹۰۳:۵	تا غلاف، اندر ۷۱۳:۱	تا قضا ۷۶۵:۲

تا کند شیرش ۵: ۲۵۶۴*	تا کدامین سو کند ۲: ۲۶۷۸*	تا قلاووزت ۴: ۱۴۲۹*
تا کند صدرِ ۶: ۳۸۲۸*	تا کدامین سوی ۶: ۴۹۱۰*	تا قوی گردد، کند ۵: ۲۳۴۰*
تا کند عقلِ ۶: ۱۱۸*	تا کُسوف آید ۱: ۳۵۳۰*	تا قوی گردد مرا ۵: ۲۴۰۴*
تا کند محبوسش ۱: ۱۴۵۷*	تا کسی در ۴: ۱۰۲۹*	تا قیامت آرمایش ۲: ۸۱۵*
تا کند ناگاه ۱: ۱۷۳۸*	تا کسی که هست ۱: ۲۹۷۸*	تا قیامت آن ۴: ۲۷۰۰*
تا کند یارانش ۲: ۲۱۷۲*	تا کسی گردی ۲: ۲۵۸۶*	تا قیامت باقیش ۳: ۱۲۰۷*
تا کند یوسف ۶: ۳۶۳۷*	تا کسی نآید ۴: ۲۴۴۲*	تا قیامت تازه ۲: ۲۸۳۲*
تا کنم با حق ۶: ۱۹۶*	تا کسی نهد ۲: ۴۲۵*	تا قیامت تُف ۶: ۲۱۰۰*
تا کنم بر جمله ۳: ۴۵۶*	تا کشاند آن ۲: ۶۴۰*	تا قیامت زین ۴: ۱۳۷۱*
تا کنم من ۴: ۲۵۹۶*	تا کشاند مر عدم ۱: ۳۰۷۹*	تا قیامت عزّشان ۶: ۴۳۸۰*
تا کنند این ۶: ۲۲۷۳*	تا کشان فرصت ۵: ۲۱۶۵*	تا قیامت عمر ۵: ۷۶۸*
تا کنون اختر ۱: ۱۰۷۶*	تا کشد از جان ۳: ۳۸۷۵*	تا قیامت عین ۵: ۱۵۰۵*
تا کنون از ۳: ۲۴۵۰*	تا کشد بی‌اختیاری ۵: ۳۰۹۰*	تا قیامت گر بگویم بشمرم
تا کنون اندر ۳: ۳۵۱۹*	تا کشد شکر ۵: ۲۴۲۶*	۱۱۸۸:۲
تا کنون حلم ۳: ۲۴۴۷*	تا کشم از بیم ۵: ۷۵۵*	تا قیامت گر بگویم زین
تا کنونش ۵: ۲۸۲۸*	تا کشم من ۵: ۳۸۳۷*	۳۶۰۱:۳
تا کنون فرمان ۱: ۱۰۷۵*	تا کشی خندان ۶: ۲۱۴۸*	تا قیامت ماند ۵: ۳۲۲۱*
تا کنون کردی چنین ۴: ۲۴۸۰*	تا کشیدت اندرین ۱: ۳۶۸۱*	تا قیامت می‌خورد ۳: ۲۰۹*
تا کنون کردی و، این ۳: ۱۳۱۸*	تا کف دریا ۵: ۲۴۵۲*	تا قیامت می‌دهد ۴: ۲۸۷۲*
تا کنون معبود ۴: ۲۷۳۰*	تا کلاه ۴: ۳۷۷۶*	تا قیامت می‌زند ۳: ۴۲۸۴*
تا کنون واماند ۳: ۷۹۸*	تا کلوخ و سنگ ۲: ۶۷۷*	تا قیامت هر که ۱: ۷۴۵*
تا کنون، هر لحظه ۵: ۷۹۹*	تا کله بر دارد ۵: ۶۳۶*	تا قیامت هست از موسی
تا کنی ادراکِ ۱: ۱۴۶۰*	تا کلیدِ ۴: ۳۰۱۴*	۱۲۵۴:۳
تا کنی از وام ۶: ۳۳۰۲*	تا کمالِ ۲: ۲۵۴۱*	تا قیامت هست باقی
تا کنی ایثار ۳: ۴۱۶۹*	تا کمندش ۶: ۲۸۳۴*	۳۷۳۹:۱
تا کنی رُسوی ۱: ۲۳۳۷*	تا کند آن بانگِ ۴: ۹۲۶*	تا قیامت، یک بود ۳: ۳۶۹۵*
تا کنیزک ۱: ۱۹۹*	تا کند آن خصم ۶: ۲۹۳۰*	تا کیت از ۳: ۴۱۵۰*
تا کنی شهراه ۶: ۱۳۴۸*	تا کند آن خواجه ۲: ۷۵۰*	تا کُتب‌های ۴: ۱۲۹۳*
تا کنی صد ۳: ۲۸۹۸*	تا کند او جنسِ ۴: ۱۰۵۵*	تا کجا؟ آنجا ۶: ۲۱۴۵*
تا کنی فهم ۱: ۱۴۶۰*	تا کند او سعیدِ ۶: ۳۱۵۶*	تا کجا است ۱: ۱۲۱۸*
تا کنی کمتر ۴: ۲۴۸۸*	تا کند جان ۲: ۲۹۳۵*	تا کجا شب ۶: ۲۴۲۷*
تا کنیم آن کار ۴: ۱۳۳۷*	تا کند جولان ۲: ۱۹۴۸*	تا کجا باید ۳: ۱۰۶*
تا کنی مر غیر ۵: ۳۱۹۶*	تا کند خالق ۲: ۳۲۸۶*	تا کدامش ۱: ۱۸۱۸*
تا کنی مشغولشان ۶: ۷۰۰*	تا کند رحمت ۶: ۲۳۷۱*	تا کدامین را تو ۴: ۱۶۲۲*
تا کنی هر باد ۴: ۱۳۵۰*	تا کندشان ۳: ۱۸۰۴*	تا کدامین سو رهد ۶: ۴۲۰۴*

تا که جنبش های ۲: ۳۲۵۶	تا که باشند این ۱: ۳۳۰۲	تا که آب شور ۲: ۱۱۱۸
تا که چهل ۳: ۱۰۸۵	تا که با شیرت ۲: ۳۵۹۷	تا که آب نیل ۴: ۳۴۳۳
تا که چرخ ۵: ۶۱۸	تا که باقی ۳: ۱۳۳۶	تا که آدم ۲: ۹۱۰
تا که چوبش ۴: ۹۸	تا که بالغ گشت ۶: ۴۸۳۳	تا که آن بازی ۲: ۱۹۸۲
تا که حجت ها ۱: ۲۶۶۸	تا که با مه ۵: ۳۶۸۸	تا که آن بوجاذب ۲: ۳۲۳۳
تا که حزم ۳: ۴۱۴	تا که بانگی ۶: ۳۴۸۲	تا که آن بونور ۲: ۳۲۳۳
تا که حوض ۵: ۱۰۰۳	تا که با یوسف ۱: ۳۱۶۹	تا که آن بیچارگان ۳: ۱۷۱۶
تا که حیران ماند ۳: ۲۲۳۲	تا که بر تو ۲: ۲۵۷۹	تا که آن کشتی ۵: ۷۱۴
تا که خیرانی بود ۶: ۴۲۰	تا که بر حس ها ۶: ۲۸۱۵	تا که آن کهنه ۳: ۲۶۹۹
تا که خالی ۳: ۱۲۵	تا که بر رهوار ۱: ۳۴۵۲	تا که آید ۵: ۳۶۲۶
تا که خاموشانه ۵: ۲۱۴۷	تا که بر مجرم ۴: ۹۸۲	تا که ابر ۱: ۵۰۷
تا که خلق ۴: ۳۱۸۳	تا که بس سلطان ۱: ۳۶۳۲	تا که اَبْغَضَ لِلَّهِ، آید ۱: ۳۸۰۳
تا که خود را جنس ۶: ۱۴۲۷	تا که بی این ۱: ۱۷۳۰	تا که اَبْغَضَ لِلَّهِ آیی ۵: ۱۲۴۰
تا که خود را خواهر ۶: ۱۴۲۶	تا که بی پرده ۵: ۲۵۱۴	تا که از تن ۵: ۴۱۸۰
تا که خود را در ۳: ۴۲۰۰	تا که بینا از قضا ۴: ۳۳۳	تا که از زر ۱: ۲۹۱۲
تا که خوفت ۲: ۱۵۵۳	تا که بینایان ۶: ۱۴۲۹	تا که از من ۲: ۲۰۸۹
تا که خویش ۱: ۲۱۰۴	تا که بیند ۶: ۲۱۳۲	تا که اصل ۴: ۱۱۹۲
تا که داری ۶: ۱۷۹۰	تا که پا از چاه ۳: ۲۷۹۹	تا که اَعْطَا لِلَّهِ ۱: ۳۸۰۴
تا که در آب سیه ۴: ۷۸۸	تا که پایم ۲: ۱۳۵۹	تا که افزون تر ۴: ۲۱۸۶
تا که در چاه ۵: ۲۰۶۱	تا که پشکی ۵: ۲۴۷۲	تا که اَمْسَكَ ۱: ۳۸۰۴
تا که در شب ۶: ۲۸۹۰	تا که پنداری ۱: ۳۲۲۶	تا که امشب ۳: ۹۲۲
تا که در ظلمت ۲: ۳۷۶۳	تا که پیدا ۳: ۳۷۲۸	تا که اندر ۶: ۳۶۰۱
تا که در عقل ۳: ۲۷۳۷	تا که پیش از خبط ۵: ۱۰۴	تا که اَوْفَى ۵: ۱۱۸۳
تا که در غیبت ۱: ۳۶۳۴	تا که پیش از مرگ ۳: ۴۶۰۵	تا که او مسجود ۲: ۳۴۶۳
تا که در هر کوزه ۶: ۶۵۰	تا که پیغامش ۱: ۳۳۷۷	تا که ایمان ۳: ۳۳۷۶
تا که در هر گوش ۱: ۱۷۶۲	تا که پیکان ۲: ۱۵۰۳	تا که این ترکیب ها ۳: ۴۴۳۱
تا که دریابد ۶: ۱۱۷	تا که تَشْمَاجِی ۲: ۳۲۴	تا که این دیوار ۲: ۱۲۱۰
تا که دریا گردد ۵: ۱۹۰۷	تا که تَحْتَ الْأَرْضِ ۲: ۴۲	تا که این هر ۴: ۱۷۱
تا که دزدان ۶: ۲۸۵۰	تا که تخم ۱: ۳۴۲۰	تا که این هفتاد ۵: ۳۲۱۹
تا که دشمن زادگان ۲: ۶۳۱	تا که تنها ۶: ۵۱۵	تا که باز آید به ۶: ۲۵۲۹
تا که دوغ ۴: ۳۰۴۵	تا که تیشه ۴: ۲۵۵۲	تا که باز آید خَرَد ۵: ۷۳۸
تا که دهری ۲: ۲۳۱۸	تا که جان ۶: ۱۳۷۹	تا که بازان ۶: ۱۸۷۹
تا که دیوت ۵: ۱۳۷۵	تا که جَرَح ۶: ۴۳۵۳	تا که باشد حق ۶: ۳۹۳۰
تا که را باشد خسارت ۲: ۳۴۹۱	تا که جَزُوسْت ۳: ۱۸۱۰	تا که باشد کاندرا ۱: ۲۵۸
تا که راضی باشی ۳: ۳۲۵۵	تا که جمع ۳: ۱۰۳۴	تا که باشد ماده ۵: ۲۹۵۲

تا که راضی گشت ۱۰۳۳:۶*	تا که صدیق ۸۹۱:۶	تا که مردانی ۱۲۰۹:۵
تا که رحمت ۲۱۲۳:۵	تا که صورت‌ها ۲۴۷۲:۴*	تا که مرگ ۱۳۸۱:۶*
تا که رحمن ۵۹۳:۳*	تا که ضیفم ۳۵۳۵:۶*	تا که مستانت ۹۴۹:۵
تا که روبه افکند ۳۸۷۰:۵*	تا که عاجز ۳۰۶۵:۳*	تا که مستی ۳۵۶۵:۶*
تا که روزش ۴۰۲:۱	تا که عاشق ۳۸۹۲:۳*	تا که معشوقت ۳۲۹۳:۴
تا که روزی کین ۳۱۱۱:۴	تا که عجز ۴۷۱:۱	تا که من باشم ۱۳۸۱:۴
تا که روزی ناگهان ۱۴۸۵:۳	تا که عدل ۳۶۷۶:۴	تا که موج ۱۰۱۲:۲*
تا که ره بنمودن ۳۵۸۷:۴	تا که عکس آید ۴۱۸۰:۶*	تا که موسیٰ ۷۶۸:۲
تا که ریح‌الله ۱۹۴۵:۲*	تا که عین ۳۱۲۹:۵*	تا که مهمان ۴۱۷۲:۳
تا که ریحان ۵۵۰:۴*	تا که غازی ۳۲۹۰:۳*	تا که می خورده ۲۶۶:۴
تا که زاغان ۱۸۷۹:۶*	تا که غسل آرند ۴۱۹۳:۵	تا که می نوشید ۱۵:۳*
تا که زر را ۵۶۵:۴*	تا که غفاری ۱۹۸:۵	تا که میوه ۳۵۸۵:۱*
تا که زوتر ۳۶۶۷:۵	تا که غمّازی ۱۵۳۵:۳*	تا که ناصح ۸۹۸:۵*
تا که زیرک ۳۲۵۶:۳	تا که غیبی‌ها ۱۸۳۳:۳*	تا که ناموسش ۳۲۳۷:۱
تا که سازد ۳۰۹۳:۱	تا که فردوسی ۱۱۶۲:۶*	تا که نامه ۱۸۰۴:۵*
تا که سرمایه ۴۱۶۷:۳*	تا که فرش ۳۲۶۱:۴*	تا که نان نشکست ۲۹۳۲:۱
تا که سفره ۱۲۷۲:۶	تا که قلب ۲۳:۴	تا که نبض ۱۶۱:۱
تا که سود آید ۴۱۰۶:۳*	تا که کالای ۲۰۸۶:۴*	تا که نسیان ۴۱۰۴:۵*
تا که سوء‌العین ۴۹۸:۵*	تا که کان‌الله پیش ۷:۴*	تا که نفروزد ۳۶۸:۱*
تا که شاخ افشان ۹۴۲:۱	تا که کان‌الله له ۲۶۱۳:۴*	تا که نفریبد ۱۱۷۷:۲
تا که شارع ۲۴۴۶:۴*	تا که کز و قرّ ۱۱۹۳:۴*	تا که نفس ۲۸۰۷:۳
تا که شب آید ۵۴۲:۳*	تا که کزخوانی ۶۹۳:۱*	تا که نگشاید ۶۸۲:۲*
تا که شد استاره ۹۰۰:۳*	تا که کی آن ۱۹۵۲:۲*	تا که نوراو ۱۲۴۶:۲
تا که شد در ۱۴۸۳:۳	تا که گردد جمله ۲۵۲۱:۱*	تا که نور چرخ ۴۷۵۴:۶
تا که شد کانه‌ها ۶۷۷:۴*	تا که گردد سخت ۳۸۱۶:۵	تا که نورش چون ۷۳۷:۱*
تا که شد ملعون ۲۷۹۲:۳*	تا که گفتارت ۴۶۶۵:۶	تا که نورش کامل ۲۴:۴
تا که شکر ۱۷۴۲:۴*	تا که لعنت ۷۷۶:۵	تا که وحی ۳۴۷۶:۴*
تا که شه با ۸۶۳:۲*	تا که لقمان ۱۵۱۱:۲	تا که هذا ۲۶۵۳:۵
تا که شه را ۱۵۷۵:۲*	تا که ما از ۳۱۱۹:۱	تا که هرگوشی ۱۷۸:۴*
تا که شیرین می‌شد ۱۸۹:۳*	تا که ما باشیم ۶۰۱:۱*	تا که هیزم ۳۷۰۴:۱
تا که شیرینی ۱۷۶۱:۱	تا که مادر ۳۲۸۸:۳*	تا که یابد ۲۵۲۶:۲*
تا که شیطان ۳۵۰۱:۵	تا که ماند؟ ۲۱۶۴:۶*	تا که یا ربّ ۳۶۶:۲*
تا که صبح ۱۹۷۶:۵*	تا که ما یطق ۴۶۷۰:۶	تا که ینجو ۱۸۷۸:۶*
تا که صحت ۱۳۲۸:۶*	تا که مثلی ۴۲۳:۴*	تا که پهلک ۱۸۷۸:۶
تا که صد دولت ۱۰۰۲:۵*	تا که مُرداری ۶۲۸:۵	تا کی آرد ۲۵۵:۳*

تا کیان را ۱۰۴۰:۱	تا لب بحر ۸۰۲:۵	تا مقیر ۱۰۱۶:۴
تا کیاند ۲۰۵۵:۳	تا لب جو ۲۷۲۱:۶	تا مقلد ۳۲۲۶:۵
تا کیت باشد ۳۸۷۷:۱	تا لب دریای ۱۸۸۸:۴	تا مقیم ۲۵۰:۳
تا گذارم فرض ۳۰۶۰:۳	تا لدن علم ۱۱۲۵:۳	تا مگر این ۲۸۵:۶
تا گران بینی ۴۳۰۵:۳	تا لگد بر ۲۴۰۲:۲	تا ملایک ۱۵۶۴:۵
تا گره با ۲۲۰۳:۱	تا لویای راز ۲۴۶۰:۳	تا ملک بکشد ۵۲۷:۵
تا گره بندیم ۳۷۳۴:۲	تا لویای عدل ۲۴۷۳:۳	تا ملک بی خود ۲۶۵۰:۱
تا گریزد آنکه ۴۷۵۱:۳	تا مبادا کین ۲۹۳۵:۵	تا من از خویش ۳۹۱۹:۶
تا گریزد او ۹۵:۵	تا مبادا یاغی ۵۰:۵	تا من اسب ۱۳۹۱:۴۱
تا گریزی از ۲۱۷۴:۶	تا مبارک ۲۸۳۲:۲	تا منافق از ۳۶۰۳:۴
تا گریزی و، شوی ۲۶۷:۳	تا مبدل ۹۴۸:۲	تا منافق وار ۱۵۷۳:۴
تا گزارد ۱۵۵۸:۵	تا مثنّا بشنود ۱۳۵۱:۳	تا منجم ۳۶۰۲:۴
تا گزید این ۲۸۴:۲	تا مثنّا بشنوم ۱۳۵۰:۳	تا من و توها ۱۷۸۸:۱
تا گشاید دخمه ۲۴۲:۶	تا مجرّه ۴۷۱۸:۳	تا من و تو هر دو در آتش
تا گشاید شه ۲۷۲۱:۱	تا محال از ۱۹۱۷:۲	۲۸۶۰:۴
تا گشاید عقده ۵۵۹:۵	تا مدد گیرد ۳۷۴۴:۶	تا من و تو هر دو در بحر
تا گشاید قفل ۱۱۰۸:۵	تا مرا آن ۲۹۷۴:۳	۲۸۶۱:۴
تا گلستانشان ۳۱۳:۳	تا مرا از خیر ۲۷۹۲:۲	تا من و ماهای ۳۷۷۷:۴
تا گلستان و چمن ۲۸۶۸:۳	تا مرا باشد ۴۵۵۴:۳	تا موگل ۴۵۲۷:۳
تا گمان آید که او ایشکسته	تا مرا بویکتر نام ۸۵۱:۵	تا میان اندر ۲۷۵:۴
۳۸۲۱:۶	تا مراد آن ۲۸۳۹:۲	تا میان را بهر ۲۱۶۷:۱
تا گمان آید که او مست	تا مرا رجمی ۲۶۹۹:۱	تا میان، رسته ۲۸۵۸:۵
۲۶۳۱:۱	تا مرا زینجا ۹۶۰:۱	تا میان قهر ۲۹۵۸:۲
تا گمان آید که ایشان بنده اند	تا مرا صحت ۲۲۵۵:۲	تا میسر ۲۲۹۶:۲
۱۴۹۱:۲	تا مرا هم و اخرد ۳۴۰۲:۶	تا می ۲۶۹۴:۴
تا گمان آید که ایشان زان	تا مریدان ۳۸۴۹:۴	تا نبارد ۳۱۹۶:۲
۲۹۲۶:۲	تا مزین ۲۰۸۵:۳	تا نباشد از سبب ۴۸۴۰:۶
تا گمان آید که هست	تا مسبب ۱۵۵۳:۵	تا نباشد با شما ۳۴۹۰:۲
۲۲۷۴:۱	تا مسبب ۹۳۹:۵	تا نباشد بر بلاشان ۲۳۴۵:۳
تا گناه و جرم ۲۴۷۳:۳	تا مشرف گردی ۱۹۶۴:۵	تا نباشد بر تو ۴۵۲۴:۶
تا گواریده ۲۵۸۷:۱	تا مشرف گشتمی ۲۱۱۲:۶	تا نباشد برقی ۱۶۵۵:۲
تا گواو من ۳۲۷۵:۱	تا مصالح ۲۱۹۸:۶	تا نباشد جاده ۳۴۵۵:۱
تا گواهی بدّم ۱۷۳:۵	تا معلم ۱۵۲۳:۳	تا نباشد خوردتان ۷۳:۳
تا گواهی داده ۲۶۲۷:۱	تا معیت ۷۴۵:۵	تا نباشد در ۳۷۰۴:۴
تا گیاهش ۲۳:۳	تا معین ۳۱۶۶:۳	تا نباشد راست ۲۹۳۰:۲

تا نداند شیر ۱:۱۵۰	تا نبینم این ۲:۳۰۷۸	تا نباشد عشق ۵:۳۲۸۹
تا نداند عقل ۱:۲۴۴۰	تا نبینم خواب ۳:۴۱۹۹	تا نباشد غیر ۶:۴۱۸۸
تا نداند که ۲:۲۵۱۴	تا نبینم روی ۵:۲۶۲۰	تا نباشد قلعه ۶:۳۶۰۲
تا ند او ۴:۱۲۹۸	تا نبینی آن در ۱:۹۴۰	تا نباشد هیچ خاین ۶:۴۳۴۳
تا ندراند ۶:۱۰۶	تا نبینی ایمنی ۶:۴۵۲۶	تا نباشد هیچ محسن ۶:۴۳۴۳
تا ندرد پرده ۶:۳۵۲۸	تا نبینی پیش ۱:۱۱۲۱	تا نباشند از حسد ۵:۱۲۰۰
تا ندرد دامن ۳:۲۲۷۶	تا نبینی رنگ ۱:۲۹۲۳	تا نباشی از ۱:۲۲۲۷
تا نذرزد از تو ۴:۱۳۸۷	تا نبینی مو ۶:۱۱۴۳	تا نباشی پیششان ۳:۳۶۰۸
تا نذرزد مرکب ۶:۴۶۶	تا نبینی نور ۳:۳۴۸۴	تا نباشی تو پشیمان ۳:۱۶۲۳
تا ندش پوشید ۵:۱۲	تا نبرد تیر ۳:۹۳۴	تا نباشی همچو ۴:۱۶۱۶
تا ندید او ۵:۲۹۷۵	تا نبرد زود ۴:۲۶۰۹	تا نباید دیگران ۳:۴۲۳
تا نرفتی ۱:۲۰۶	تا نپنداری به مرگ ۴:۱۲۰۵	تا نباید رخت ۶:۳۳۱
تا نرنجد ۱:۹۹۹	تا نپنداری تو ۱:۲۰۰۹	تا نباید زو ۲:۱۴۸۷
تا نروید خصم ۳:۹۴۷	تا نپنداری که این ۴:۳۶۵۹	تا نباید غصب ۵:۲۳۸۴
تا نروید ریش ۲:۳۰۴۳	تا نپنداری که بی ۳:۱۶۲۸	تا نباید کز دهان ۵:۳۲۴۳
تا نروید زشت خاری ۳:۳۶۱	تا نپنداری که حق ۲:۲۲۴۸	تا نباید که ببرد ۵:۳۲۴۸
تا نریزی ۳:۲۰	تا نپنداری که کسب ۲:۲۵۹۵	تا نباید که خدا ۳:۴۷۷
تا نرزد او ۱:۳۵۱۹	تا نپوشد بحر ۶:۲۳۱۱	تا نبرد ۶:۱۳۴۸
تا نراید بخت ۲:۲	تا نپوشد روی ۲:۳۲	تا نبندد دام ۳:۲۸۵۹
تا نراید طفلک ۳:۳۲۱۳	تا نیچد ۶:۲۴۷۰	تا نبوت یابی ۵:۴۶۹
تا نسازی ۲:۳۰۲۵	تا نیبندد ۳:۱۹۳۷	تا نبیند این ۴:۲۷۳۳
تا نسوزاند ۲:۲۷۸۳	تا نتابی ۶:۳۳۹۹	تا نبیند تیر ۱:۱۱۱۴
تا نسوزانی ۲:۲۶۵۵	تا نثار ۱:۱۷۱۴	تا نبیند چشم، گُحل ۳:۳۸۲
تا نسوزد او ۲:۱۲۵۹	تا نجاست ۲:۱۸۰۳	تا نبیند چشم من آن ۱:۳۹۳۹
تا نسوزد پرده‌های ۴:۳۷۴۰	تا نجوشد ۶:۸۳	تا نبیند چشم من بر ۴:۲۷۳۲
تا نسوزد جان ۱:۳۸۵۰	تا نچربد ۱:۳۳۵۴	تا نبیند خصم ۵:۱۰۲
تا نسوزد جسم ۲:۳۴۴۸	تا نخسپد ۳:۱۱۱۵	تا نبیند داده ۳:۳۳۵۱
تا نسوزد عدل ۲:۱۲۵۹	تا نخسپم ۲:۲۲۵۹	تا نبیند دَرگشا ۵:۹۹
تا نسوزم ۶:۶۱۷	تا نخستین ۵:۱۷۵۸	تا نبیند دل ۱:۱۱۱۴
تا نسوزی تو ز ۱:۸۵۰	تا نخوانی ۵:۱۲۴۱	تا نبیند رایگان ۲:۳۴۷۷
تا نسوزی ز آتش ۴:۹۶۱	تا نخواهی تو ۶:۱۴۳۸	تا نبیند، رُو ۳:۸۵۲
تا نسوزی نیست ۲:۸۶۱	تا ندارد آن ۴:۲۲۳	تا نبیند قُبَح ۱:۳۲۲۳
تا نشان باشد ۱:۲۶۳۲	تا ندارم ۳:۴۸۰۷	تا نبیند کودکی ۳:۳۳۵۵
تا نشان حق ۱:۵۱۱	تا نداند خصم ۱:۱۰۵۳	تا نبیند هیچکس ۵:۹۵
تا نشد آهن ۴:۳۶۲۲	تا نداند خویش ۵:۱۶۰۷	تا نبینم آن ۱:۳۹۳۸

تا نشد او ۲۰۳۱:۵	تا نگرود غالب ۲۲۶۰:۳	تا نکوید خضر ۲۹۷۰:۱
تا نشد بُر ۱۱۱۱:۱	تا نگرود فوت این ۲۶۲۱:۶	تا نکوید دزد ۲۳۷۶:۲
تا نشد تحقیق ۵۶۸:۲	تا نگرود فوت و، نَجْهَد	تا نکوید کس ۹۱۲:۶
تا نشد زر ۳۴۷۴:۲	۹۳۲:۳	تا نکوید لقمه ۱۹۰۰:۳
تا نشد شه ۳۴۷۴:۲	تا نگرود گیرد ۱۰۱۵:۱	تا نکویم آنچه ۲۳۲۶:۱
تا نشد فارغ ۳۶۰۹:۲	تا نگرود گیج ۲۳۴:۳	تا نکویم رازها تان ۲۸۶۷:۲
تا نشوید ۲۳۴۷:۴	تا نگرود مضطرب ۴۶۴۰:۳	تا نکویندش که ۲۱۲۳:۱
تا نشیند ۲۱۶۴:۲	تا نگرود ملزم ۳۲۱۸:۵	تا نکویی دوزخ ۲۸۱۰:۴
تا ن عمارت کرد ۲۵۴۲:۴	تا نگرود مُنْهَدِم ۳۵۲۷:۶	تا نکویی دیدم ۱۳۰۲:۵
تا نغرد ۲۰۶۹:۱	تا نگرود نظم ۲۳۴۵:۴	تا نکویی سِر ۲۰:۳
تا نفخت ۳۲۰۳:۴	تا نگرود نیکویی ۸۴۱:۲	تا نکویی مر مرا ۳۵۰۵:۲
تا نقوش ۳۴۹۸:۱	تا نگرودم در ۲۳۰۶:۵	تا نگیرد آن ۳۸۳۳:۶
تا نکاری ۲۳۹۲:۳	تا نگرودم گیرد ۴۱۷۸:۶	تا نگیرد با تو ۱۲۳۲:۴
تا نکوبد ۳۹۳۸:۳	تا نگرودی او ۷۵۷:۶	تا نگیرد بانگ ۸۶۴:۳
تا نکویی ۲۳۵۳:۴	تا نگرودی بُت تراش ۳۷۰۷:۶	تا نگیرد بر تو ۱۲۴۰:۵
تا نگرود از ستم ۴۶۴۱:۳	تا نگرودی تو ۹۳۱:۶	تا نگیرد خون ۳۸۴۶:۵
تا نگرود او حجاب ۷۰۳:۵	تا نگرودی تو گرفتار ۷۳۶:۲	تا نگیرد زر ۴۳۵۵:۳
تا نگرود او ز رویم ۴۰۱۴:۵	تا نگرودی جبری ۱۳۹۳:۴	تا نگیرد شیر ۱۰۱۶:۱
تا نگرود این کر ۵۶۷:۱	تا نگرودی جمله ۷۱۷:۵	تا نگیرد عقل ۲۲۷۹:۳
تا نگرود تلخ ۹۰۳:۱	تا نگرود از گمان ۳۱۴۴:۱	تا نگیرد مادران ۲۵۱۸:۲
تا نگرود تیغ ۶۶۷:۵	تا نگرود از منی ۶۸۴:۶	تا نگیرد مرغ ۳۲۴۷:۵
تا نگرود جامه ۳۹۹۳:۳	تا نگرودی عاجز ۳۳۲:۶	تا نگیرد هم قضا ۹۱۰:۱
تا نگرود جانت ۳۵۸:۴	تا نگرودی غرق ۱۳۰۹:۳	تا نگیری این ۳۵۲:۳
تا نگرود خسته ۸۸۵:۴	تا نگرودیم از ۱۳۵۴:۴	تا نکین حلقه ۱۲۷۲:۶
تا نگرود خنجرم ۶۶۷:۵	تا نگرودی مُنْتَحَن ۲۳۷۶:۶	تا نلرزد ۴۴۱:۳
تا نگرود دوست ۱۹۷۸:۴	تا نگرودی همچو ۱۶۰۳:۶	تا نلرزی ۱۷۶۹:۳
تا نگرود دیو ۱۱۵۱:۴	تا نگرید ابر ۱۳۴:۵	تا نمازت کامل ۳۳۲۹:۵
تا نگرود رازهای ۲۵۲۷:۶	تا نگرید طفل ۱۳۴:۵	تا نماز دیگر ۴۱۱:۲
تا نگرود ز اعتراض ۲۸۹۱:۲	تا نگرید کودک ۴۴۲:۲	تا نماز صبحدم ۱۹۹۰:۱
تا نگرود زشت ۲۳۴۴:۴	تا نکری زو خواه ۱۴۹۷:۵	تا نمائد اُمّتی ۳۸۰۴:۶
تا نگرود شاد ۲۵۰۳:۲	تا نگشت او ۴۱۱۱:۳	تا نمائد بر ذهب ۲۸۹۰:۱
تا نگرود شرمسار ۹۸:۵	تا نگشتند ۷۳۱:۶	تا نمائد تیرگی ۲۸۰۹:۵
تا نگرود صبر ۱۳۲۴:۶	تا نکویی جبریه ۳۰۴۹:۵	تا نمائد جُرم ۱۸۴۸:۵
تا نگرود طبع ۲۴۹۹:۴	تا نکویی در شکایت ۳۱۶۳:۳	تا نمائد خون ۳۲۵۴:۴
تا نگرود ظاهر ۲۴۲۶:۳	تا نکوید جنس ۱۱۲۸:۵	تا نمائد در جهان ۳۴۳:۱

تا نیامیزد ۳:۴۳۴۴	تا نمیری ۶:۷۲۴	تا نمائد در می ۵:۳۳۰۴
تا نیامیزند ۴:۱۰۲۵	تا ننالد با خدا ۳:۱۹۹	تا نمائد دو سری ۱:۳۱۰۲
تا نیاید آن خُسوفِ ۶:۹۳۵	تا ننالد خلق، ۳:۴۶۳۹	تا نمائد دیگِ ۶:۳۵۲۸
تا نیاید بر فلک ۳:۴۶۴۲	تا ننالد سوی ۳:۲۰۱	تا نمائد شاهزاده ۴:۳۱۶۹
تا نیاید بر من ۳:۸۸۸	تا ننوشد زین شرابِ ۲:۳۴۷۸	تا نمائد شُبهات ۳:۱۷۶۸
تا نیاید بر ولا ۴:۲۱۴۹	تا ننوشد هر خُسی ۵:۲۶۸۵	تا نمائدش رنگ و بو
تا نیاید زخم ۱:۹۱۱	تا ننوشم ۵:۲۶۳۰	۳:۲۰۶۸
تا نیاید طعنه ۵:۱۰۷۲	تا نه آرد ۳:۱۵۶	تا نمائد گنجِ ۴:۳۰۲۸
تا نیایند این ۴:۲۴۴۵	تا نه آید ۱:۳۸۵	تا نمائد همچو ۲:۱۵۵۸
تا نیفتد بانگ ۳:۳۹۳۶	تا نهالِ ما ۲:۲۳۱۶	تا نمائی در تحیرِ ۶:۸۵۲
تا نیفتد ز آن ۵:۱۰۴	تا نهان نکند ۶:۲۸۳۳	تا نمائی صفر ۱:۸۵۰
تا نیفتد سرنگون ۱:۲۱۳۰	تا نه د بر گورِ ۶:۳۰۰۸	تا نمائی غرق ۵:۱۹۶۸
تا نیفتی چون ۶:۳۲۰	تا نه دوزخ بر ۶:۴۶۱۱	تا نمائیم از ۱:۳۵۲۳
تا نیفتی در نشیبِ ۵:۲۳۹۶	تا نه د هنگامه‌یی ۳:۱۰۳۰	تا نمائی همچو ۱:۲۸۷۲
تا نیفتی همچو ۳:۴۷۹۳	تا نه من ۱:۲۶۹۸	تا نماید آنچه ۴:۳۰۴۹
تا نیندازد ۴:۱۲۷۰	تا نه هستی ۳:۴۱۷۸	تا نماید انتقام ۳:۱۰۶
تا نینداید ۶:۸۸	تا نه‌یی ایمن ۲:۳۰۴۲	تا نماید باغ ۱:۳۸۶۹
تا نیندیشی ز خواب ۴:۲۵۰۱	تا نهیم ۱:۳۴۲۴	تا نماید بیخ ۵:۳۶۸۲
تا نیندیشی فسادِ ۴:۲۱۷	تا نیآرد یاد ۴:۳۶۲۱	تا نماید خر ۶:۱۳۶۵
تا وجودش بود ۶:۳۸۰۱	تا نیآری سجده ۵:۸۵۷	تا نماید زین ۴:۳۱۱۳
تا وجودش خوشهٔ ۱:۲۷۹۰	تا نیآشامد ۵:۲۹۰	تا نماید سنگِ کمتر ۵:۱۵۹
تا وِرای ۴:۲۳۹۸	تا نیآید آفت ۳:۴۷۳۸	تا نماید سنگ‌گوهر ۱:۱۲۰۰
تا هزاران مُرده ۴:۱۴۷۸	تا نیآید از ۱:۳۸۴۷	تا نمایدشان ۱:۲۵۶۹
تا هلاک ۲:۳۰۵۷	تا نیآید در ۶:۳۴۱۴	تا نماید وجهِ ۵:۱۴۷
تا هلال ۲:۱۱۳	تا نیآید گرگ ۳:۶۴۹	تا نمایم کینِ نُقوش ۲:۲۰۹۰
تا هِلْد آن مغزِ ۳:۴۶۸۱	تا نیآید نفرست ۶:۳۲۹	تا نمایم نَخْل ۱:۳۵۳۰
تا هلیله ۱:۲۹۳۳	تا نیآید وحی ۴:۱۶۵۸	تا نمایی زلف ۴:۲۳۸۸
تا هماره ۴:۱۹۸۰	تا نیآید هر دو ۳:۴۶۴۸	تا نمرده‌ست ۲:۱۲۶۸
تا همان ۱:۱۰۶۹	تا نیابم زین تنِ ۲:۱۲۱۱	تا نَمُردی ۶:۴۰۵۳
تا هم ایشان ۱:۳۷۳۸	تا نیابدم ۲:۳۰۰۳	تا نمی‌بینم ۶:۶۲۹
تا همورا ۵:۱۴۹۵	تا نیارد گرگ ۱:۸۵۷	تا نمیرد تن ۵:۳۸۱۳
تا همه تن ۵:۲۲۱۹	تا نیاریدم ابوبکر ارمغان	تا نمیرد هیچ ۵:۲۲۶۹
تا همه زآن ۴:۳۶۶۹	۵:۸۵۵	تا نمیرم، این ۱:۶۵۴
تا همه زوَار ۶:۴۳۷۷	تا نیاریدم ابوبکری ۵:۸۵۰	تا نمیرم من، تو ۱:۶۵۵
تا همه شهرش ۲:۶۶۱	تا نیامد ۱:۲۲۳	تا نمیرم من، مگو ۳:۱۷۰۹

تخم‌ها می‌کاشت ۳۸۷:۲	تخت او سیّار ۴۸۱:۴	تا همه طاعت ۲۲۲۵:۵
تخم‌های پاک ۱۷۵۹:۴	تختِ دادش ۴۵۳۰:۶	تا همه ناله ۱۶۱۲:۵
تخم‌های فتنه‌ها ۷۰۵:۱	تخت دل معمور ۳۶۶۵:۱	تا همی پوشیش ۴۷۳۳:۳
تخمه بودند ۲۴۰۲:۶	تختِ شاهان ۴۷۲۱:۳	تا همی خایید ۴۴۷۵:۳
تُخمه بودی ۲۶۶۵:۳	تَخْتَنِی الرِّیْحُ ۳۳۱۱:۵	تا همی زد ۱۵۵:۳
تربیت‌ها می‌کنم ۲۶۹۱:۲	تختِ ما ۴۴۸۴:۳	تا همی سوزید ۴۴۰:۵
تَرْبِیَةُ آن ۲۵۸۸:۵	تخت و تخته ۳۴۵۸:۵	تا همی گفت ۳۶۱۷:۲
تَرْتَقِیْ أَنْفَاسُنَا ۸۸۳:۱	تخته‌بندان ۴۱۵:۵	تا هوا تازه‌ست ۱۰۷۹:۱
ترجمانِ فکرت ۱۷۱۵:۱	تخته بندست ۶۶۱:۴	تا ی چندی مست ۳۰۱۷:۳
ترجمانِ هر زمین ۱۳۱۷:۴	تخته تخته ۲۶۵۹:۵	تا یَدَ اللَّهِ فَوْقَ ۲۹۷۲:۱
ترجمانی ۹۸:۱	تخته را آن موجها ۴۸۰۳:۶	تا یقین تر شد ۳۰۱۶:۶
ترس از جانت ۱۹۱۰:۲	تخته‌ها بر ۲۸۲۱:۶	تا یقین گردد ۳۵۷:۴
ترس ترسان بگذرد ۳۵۵۴:۵	تخته مرده‌کشان ۸۶۵:۵	تا یکی بینی ۸۵۵:۲
ترس ترسان رَو در ۲۱۴۹:۴	تخم از من ۳۷۷۲:۶	تا یکی تُو ۲۳۹۷:۴
ترس ترسان که ۶۳۸:۴	تخم افگندن ۲۲۶۴:۴	تا یکی تیری ۳۷۸۱:۵
ترس جان، در ۲۱۵۰:۴	تخم باطل ۵۲۵:۲	تا یکی را از ۱۵۴۱:۳
ترس جوع ۲۸۴۲:۵	تخم بَطْی ۳۷۶۶:۲	تا یکی روزی بی‌آمد ۱۹۳۰:۴
ترسد ار آید ۲۵۸۵:۶	تخمِ پاک ۱۴۴۵:۱	تا یکی روزی که شاه ۳۱۷۴:۵
ترس دارد ۲۲۱۲:۶	تخم تو بد ۲۶۹۸:۲	تا یکی روزی که گشته
ترسد از دزدی ۲۶۴۰:۳	تخم ثانی ۱۰۵۹:۲	۳۳۵:۶
ترسد از وی ۱۴۲۵:۱	تخمِ حکمت ۲۲۶۵:۴	تا یکی گردند ۳۷۲۵:۲
ترس درویشی ۹۶۲:۱	تخم خدمت بر ۲۶۶۰:۱	تا یکی مستور ۲۳۳۴:۲
ترسم ار خاُمَش ۶۹۶:۶	تخم خدمت را ۲۸۱۵:۱	تا یکی مو ۱۰۹:۲
ترسم از فوْتِ ۳۹۴:۵	تخم در خاکی ۳۵۳۱:۶	تا یکی مهمان ۲۹۳۱:۳
ترسم از وحشت ۲۶۴:۳	تخم دولت ۳۰۰۸:۲	تا یکی یاری ۲۸۸۸:۲
ترسم ای رهرو ۵۸۵:۳	تخم را در ۱۷۶۳:۵	تا یُوَاش ۲۰۱۰:۴
ترسم ای فِصَاد ۲۰۱۸:۵	تُخمِ رحمت ۷۶۴:۳	تب بگیرد ۲۷۱۹:۲
ترس، مویی ۲۱۸۴:۵	تخم طعن ۴۲۸۵:۳	تَبْصِرُون ۳۴۸۳:۶
ترس و عشق ۱۹۷:۳	تخم فردا ۳۴۷۹:۳	تجربه کردند ۳۸۴۰:۶
ترس و لرزه ۲۲۱۷:۶	تخم فسق ۳۷۹:۳	تجربه، گر ۲۵۸۹:۵
ترس و مِهری ۱۱۷۱:۳	تخم کارد ۱۹۶۲:۵	تجربه و تعلیم ۱۵۴۱:۳
ترس و نومیدیت ۱۹۵۷:۲	تخمِ مایه ۱۸۳۸:۲	تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ ۳۰۹۱:۱
ترسِ وهمی ۱۵۶۱:۳	تخمِ مردی ۳۸۶۴:۵	تَحْجَبُ الْأَبْصَارُ ۳۸۱:۳
ترسی، وَزِ تفریقِ ۱۷۱۹:۳	تخمِ منحوسِ ۴۵۵۸:۳	تحفه او را آر ۸۸۳:۵
ترکِ آن پنداشت ۲۲۵۳:۳	تخمِ نادر ۱۲۷۹:۶	تحفه می‌بَر ۸۱۱:۵

ترک ماهیات ۱: ۲۶۴۲	تُرک را از ۶: ۱۶۹۶	تسُرکِ آن کردی عوض
تُرکِ مردم ۶: ۱۲۲۹ *	تُرکِ راز آن ۳: ۵۲۹ *	۶: ۲۲۸۷ *
تُرکِ مستقبل ۵: ۲۸۶۸ *	تُرکِ رفتن ۶: ۲۰۸۸ *	ترکِ آن کردیم ۳: ۴۶۰۵
ترک معشوقی ۵: ۳۱۸۹	ترک سجده ۲: ۲۶۴۲	ترکِ آن کن ۶: ۶۸۵
ترک مکر ۶: ۳۷۹۷	تُرک، سرمست ۶: ۱۶۹۷ *	ترکِ آن گیرید ۴: ۶۶۰
ترک من گو و برو ۵: ۱۵۶۱	تُرکشان گو ۳: ۲۰۳۶ *	ترکِ ایستنا ۱: ۴۹
ترکِ من گوی، ای ۶: ۱۲۸۰ *	تُرکشش ۱: ۴۲۰ *	تُرک، اغلب ۵: ۱۴۸۴
ترک می‌گوید ۵: ۳۰۳۴	تُرکشِ عمرش ۱: ۴۲۱	ترکِ او کن، تا مَنّت ۲: ۲۰۲۰ *
ترکِ نازش گیر ۵: ۵۴۵ *	ترک شکرش ۶: ۳۲۵۵	ترکِ او کن، لا اُحِبُّ ۴: ۱۵۲۶ *
تُرک و کُرد و پارسی ۱: ۲۱۰۸	ترک شهوت‌ها ۲: ۱۲۷۲	ترکِ این تزویر ۴: ۱۰۴۹
تُرک و کُرد و رومیان ۲: ۶۶۳ *	ترکِ عِشوه ۲: ۲۶۱ *	ترکِ این تُون ۴: ۲۴۲
تُرک و هندو در من ۱: ۲۳۷۰ *	ترک عیسی ۲: ۱۸۵۰	ترکِ این چشمه ۳: ۲۷۴۶
تُرک و هندو، شهره ۱: ۳۵۲۴ *	تُرکِ غافل خوش ۶: ۱۷۰۰ *	ترکِ این سخته ۶: ۲۳۵۱
تُرک هم گوید ۵: ۲۹۵۷	ترکِ فَن گو ۲: ۳۱۷۳ *	ترکِ این سودا ۳: ۳۳۰۲
تُر نمی‌بینم ز باران ۱: ۲۰۳۱ *	تُرکِ قِشر ۶: ۳۷۱۰ *	ترکِ این شُرب ۱: ۱۳۷۲
تُر و خشکِ خانه ۵: ۴۱۶۱ *	ترک کردم ۳: ۶۲۱ *	ترکِ این فکر ۴: ۱۳۴۲
تُر و خشک و پُر ۶: ۲۵۷۴	ترک کرکس ۶: ۴۱۴۱	ترکِ این ما ۵: ۳۳۴۸ *
تُرّهات از ۱: ۲۳۱۶	ترک کفرش ۳: ۱۹۱۲	تُرک، بی‌الهام ۴: ۲۱۱۵ *
تُرّهات چون ۶: ۲۰۷۱	ترکِ کمتر ۲: ۱۵۰۹ *	ترکِ پایانِ بینی ۴: ۳۵۸۴ *
تُرّی تن ۳: ۴۴۲۴	تسُرک کن این جبر جمع	تُرکتاز ۶: ۱۹۶۸
تزکیه باید ۵: ۲۵۲	۵: ۳۱۸۸	ترکِ تو گفتن ۲: ۱۹۲۵ *
تزکیه‌ش صدقی ۵: ۲۵۲ *	ترک کن این جبر را ۵: ۳۱۸۷	ترکِ تُون را ۴: ۲۴۲ *
تزکیه ما ۲: ۲۸۶۳ *	ترک کن بهر ۴: ۷۶۴ *	ترکِ جان کن ۳: ۴۴۲۱ *
تَسْطِیْعُوا ۱: ۱۹۲۴ *	تُرک کن تا چند ۴: ۱۰۷۴ *	ترکِ جلدی ۳: ۴۴۵۳
تَسْخَرُ آمد ۵: ۲۹۲۹ *	ترک کن تا ماند ۵: ۲۱۲۷	ترکِ جنگ ۱: ۲۳۹۱
تَسْخَرُ و باز بچه ۱: ۳۴۲۷ *	ترک کن، خواهیم ۲: ۳۶۸۴ *	تُرکِ جُوشش ۳: ۳۷۴۹
تَسْخَرُ و خُنبکِ زدن ۵: ۱۸۰۸ *	ترکِ کُن خوی ۵: ۵۵۶ *	تُرکِ جُوشی هم ۶: ۱۷۷۶ *
تسخر و طنزی ۴: ۲۲۴	ترک کن گلگونه ۵: ۳۵۶۸ *	تُرکِ چون باشد ۲: ۴۵۶
تَسْخَرِی باشد که ۲: ۹۱ *	ترک کن، هَمی پیر ۶: ۴۱۲۰ *	ترکِ حیلِت ۲: ۳۱۷۲ *
تَسْخَرِی می‌کرد ۵: ۱۸۷۳ *	تُرکِ گل کرده ۳: ۲۲۵۰	ترکِ خِدْمَت ۲: ۱۴۹۰
تَسْتَكِي شَكْوٰی ۵: ۳۴۸ *	ترک گوید ۳: ۶۳۸ *	ترکِ خشم ۵: ۴۰۲۶
تُس مَمَرِ می‌بینی ۶: ۸۱۸ *	تُرکِ ما رازین ۶: ۷۰۹ *	تُرک، خندیدن ۶: ۱۶۹۳
تشنگان بودند ۳: ۸۵۶ *	ترکِ ما گو ۳: ۲۱۶۸ *	ترکِ خواب و غفلت ۱: ۱۱۵۶
تشنگان را کِی ۱: ۲۹۰۷ *	ترک مال ۴: ۸۶۳	ترکِ دنیا ۱: ۴۷۹
تشنگانِ فضل ۵: ۱۵۸۶ *	تُرکمان را ۵: ۲۹۴۰	تُرکِ را آن ۶: ۱۶۸۱

تن بُمُردت ۶: ۲۱۸۳	تلخ آمد بر دل ۶: ۲۷۴۲	تسنگان گر ۱: ۱۷۴۱
تن بُود اما ۵: ۷۰۹	تلخ از شیرین لبان ۳: ۳۵۸	تسنگی را نشکند ۳: ۲۹۲۱*
تن به پیش ۶: ۹۴۹	تلخ، با تلخان ۲: ۲۷۶	تسنگیش از ۶: ۴۰۳۵
تن به جان ۴: ۱۵۵	تلخ، با شیرین ۱: ۲۵۸۱*	تشنه باش ۳: ۳۲۱۹*
تن به زندان ۶: ۳۴۰۵*	تلخ ترا ز ۱: ۳۹۰۲	تشنه چون ۶: ۳۶۲۹*
تن تقلّب ۶: ۳۳۰۹*	تلخ خواهی ۶: ۴۱۵۶	تشنه خون ۶: ۳۹۶۵*
تن تو را در حبس ۱: ۷۲۵*	تلخ را خود ۱: ۳۹۳۱*	تشنه را خود ۴: ۷۵۲
تن چو اسماعیل ۳: ۲۱۴۵	تلخش آمد ۴: ۸۷۳*	تشنه را درد ۲: ۳۷۸۴
تن چو اصطرلاب ۵: ۱۹۰۱	تلخشان ۵: ۱۱۴۹*	تشنه را گر ۱: ۸۹۶
تن چو با برگ است ۵: ۱۴۴	تلخ شد ۱: ۲۶۶۷*	تشنه زارم ۳: ۳۸۳۳*
تن چو شد بیمار ۶: ۱۴۰۵	تلخ کی باشد ۵: ۱۷۲۰	تشنه شد از ۵: ۲۸۷۱
تن چو مادر ۱: ۳۵۱۴	تلخ کی گردی ۲: ۲۰۸۱*	تشنه گفت: آبا ۲: ۱۱۹۸
تن چو مرداری ۶: ۲۲۹۹*	تلخ گردانم ۳: ۴۱۵۱	تشنه محتاج ۵: ۲۴۶۸
تن، خوش است ۱: ۱۰۸*	تلخ گردد ۳: ۲۹۷۲*	تشنه می نالد ۳: ۴۳۹۸
تند بادی ۳: ۲۱۸۱	تلخ گشتش ۶: ۲۵۳۰*	تشنه بی را چون ۲: ۳۵۹۳
تندتر گشتی ۵: ۲۴۴۳*	تلخ گوهر ۲: ۱۵۶۹*	تَظْهَرُ الْأَرْضُ ۴: ۲۴۲۲*
تن درستی ۳: ۱۷۳۱*	تلخ نبود ۵: ۱۷۱۳	تعبیت ها هست ۲: ۱۴۹۵*
تند و بد پیوند ۱: ۲۸۷۳*	تلخ و تیز ۴: ۱۰۵	تَعْرِجُ الرُّوح ۱: ۳۴۴۰
تند و خونخواری ۴: ۲۴۳۴*	تلخ و خونی ۶: ۳۹۶۶*	تعزیت جامه ۳: ۴۲۵۴*
تن ز آب حوض ۲: ۱۳۶۹*	تلخ و شیرین در ۳: ۴۰۲۶	تُف به رویش ۶: ۲۰۹۹
تن ز آتش های ۵: ۳۴۶۳	تلخ و شیرین، زین ۱: ۲۵۸۲	تُفّ دل از ۳: ۲۰۷۱*
تن ز جان، جامه ۱: ۲۷۷۲*	تلخ ها هم ۲: ۱۸۳۶*	تُفّ دوزخ ۴: ۳۷۳۹*
تن ز جان و جان ۱: ۸۰	تلخی آن آب ۱: ۲۹۵*	تفرقه آرد ۲: ۳۶۹۹*
تن زدم ۳: ۴۱۱۴*	تلخی آن طفل ۶: ۴۸۰۶*	تفرقه برخیزد ۴: ۳۸۲۹
تن ز سیرگین ۵: ۱۴۸	تلخی دریا ۵: ۳۶۴۰*	تفرقه، جویان ۴: ۲۰۴۱
تن ز عشق ۴: ۱۵۴۵*	تلخی و مکروهی ۱: ۳۹۳۲*	تفرقه در ۲: ۱۸۸
تن زخم ۶: ۷۰۵*	تلخی هجر از ذُکور ۵: ۴۱۱۶	تُف زدی ۱: ۳۸۴۱*
تن سپید و دل ۶: ۱۰۲۸	تلخی هجر تو ۵: ۴۱۱۷*	تُف سوی ۶: ۲۰۹۹*
تن سلیمان است ۲: ۱۰۳۷*	تن بیوش ۶: ۸۷*	تک مَران ۱: ۳۶۱۱
تن شناسان ۳: ۳۱۹۰	تن بخفته ۳: ۱۲۱۲	تکیه بر عقل ۶: ۳۷۸۱
تن فدای ۶: ۸۸۸	تن بروید ۶: ۳۷۲۰*	تکیه بروی کرد ۳: ۱۱۰۷
تن فنا شد ۶: ۴۷۱۵*	تن برهنه، بو که ۵: ۳۷۸۰*	تکیه بروی کم ۶: ۳۶۹۰*
تن، قفص شکل ۱: ۱۸۴۹	تن برهنه، سر ۴: ۱۷۴۴	تکیه کردی ۶: ۱۲۱۹
تَنْقِیَةُ تن ۵: ۳۸۵۹*	تن برهنه شاخ ۶: ۹۶۵*	تکیه کم کن بردم ۳: ۳۸۷۶*
تنقیه شرطست ۵: ۲۸۰۸*	تن برهنه می شدم ۵: ۳۷۸۱	تکیه کم کن بر فن ۴: ۵۴۲*

تو کند چون ۲: ۲۱۴۰*	تو از این دهلیز ۵: ۱۸۰*	تو بدان نادر ۳: ۴۷۹۵*
تنگ آرد ۶: ۳۶۳۴*	تو از این صوفی ۲: ۳۵۰۷*	تو بدان نیت ۶: ۷۶۴*
تنگ آمد عرصه ۱: ۲۶۵۲*	تو ازو آن رزق ۶: ۳۱۷۱*	تو بدانی ۵: ۹۹۳*
تنگ آمد لفظ ۲: ۳۰۱۲*	تو ازو بستان ۲: ۱۸۵۴*	تو بدیدی ۶: ۲۴۹۸*
تنگ آید در فغان ۵: ۱۸۸۵*	تو ازین سو ۳: ۱۱۳۹*	تو بدین احوال ۵: ۳۶۳۶*
تنگ آیی ۳: ۳۵۴۵*	تو اَعُوذ آری ۳: ۳۷۸۰*	تو بدین اولی تری ۶: ۱۹۶۱*
تنگ، بالا ۶: ۱۶۸۷*	تو اگر انگشتی ۴: ۱۲۷۸*	تو بدین تزویر چون ۴: ۳۴۵۳*
تنگ بود آن ۴: ۱۵۱۰*	تو اگر خواهی ۴: ۱۰۸۱*	تو بدین تزویرها هم ۶: ۳۶۱۸*
تنگ بینی ۴: ۲۳۷۱*	تو اگر در ۳: ۱۲۱۰*	تو بر آ، ای حسرت ۶: ۲۷۰۸*
تنگ تر آمد ۱: ۳۰۹۷*	تو اگر شلتی ۴: ۱۷۹۲*	تو بر آن رنگی ۶: ۱۷۸۴*
تنگ تر آمد خیالات ۱: ۳۰۹۵*	تو اگر شهدی ۲: ۳۴۳۰*	تو بر آن عاشق ۴: ۸۹۱۰*
تنگ تر صد ره ۴: ۱۴۸۷*	تو اگر صد ۶: ۳۸۷۳*	تو بر آن فرعون ۳: ۹۷۲*
تنگشان آورد ۵: ۸۴۶*	تو اُنارَب ۵: ۴۱۲۸*	تو بر آن هم ۳: ۵۵۳*
تنگ شد بر وی ۴: ۱۵۵۲*	توانگری پنهان ۶: ۳۵۶۹*	تو بر آنی ۵: ۲۸۱۱*
تنگ گرداند ۵: ۲۸۹۸*	تو بیخشا ۵: ۱۱*	تو برادر! موضعی ۵: ۱۹۶۳*
تنگ می آید بر ۴: ۱۴۸۵*	تو بیند آن ۵: ۱۱۱۳*	تو برادر! هم مدد ۳: ۱۵۲۸*
تنگ می آید شما ۶: ۱۷۳۱*	تو بین اسرار ۲: ۳۹۸*	تو بر او ۵: ۱۴۶۷*
تنگ می شد ۳: ۲۶۵۹*	تو بین پس ۵: ۷۵۶*	تو بر این تخت ۶: ۱۳۹۰*
تنگ و تاریکست ۲: ۳۱۳۰*	تو بین کان شیر ۱: ۱۳۰۱*	تو برای وصل ۲: ۱۷۵۱*
تنگ های قند ۵: ۲۵۲۶*	تو بیننی خواب ۲: ۱۶۷۰*	تو برفتی ۵: ۲۸۵۰*
تنگِ هیزم را ۴: ۷۰۰*	تو بیننی روی ۵: ۲۹۹۰*	تو برو بنشین ۳: ۱۵۵۱*
تنگِ هیزم گفت ۳: ۱۶۶۴*	تو پیرس از ۳: ۲۳۸۴*	تو برو، تحصیل ۶: ۴۴۳۶*
تن مبین و، آن ۶: ۳۱۹۶*	تو بجز نامی ۵: ۱۱۶۳*	تو برو در سایه ۱: ۲۹۶۷*
تن مپوشان، ز آنکه ۱: ۲۰۵۵*	تو بجو هستی ۳: ۳۰۱۹*	تو برو در کارگه ۲: ۷۵۹*
تن مپوشانید ۱: ۲۰۴۶*	تو بخُسپ ۳: ۱۲۱۱*	تو برون رُو ۶: ۳۴۴۸*
تن مزین چندان ۲: ۳۵۶۸*	تو بخوان آن ۶: ۱۹۱۳*	تُوبره با نور ۶: ۳۰۸۰*
تن مناره ۶: ۱۱۴۵*	تو بخوان که اِکْسَبُوا ۵: ۵۸۰*	تُوبره پُر ۵: ۳۳۲*
تن همان بهتر ۵: ۱۰۹۷*	تو بد آن بُز ۶: ۱۵۷۶*	تُوبره گفت ۶: ۳۰۶۲*
تن همی نازد ۱: ۳۲۶۷*	تو بد آن خور ۳: ۵۵۹*	تو بر یار ۳: ۳۷۸۱*
تواز آن اعراض ۵: ۱۵۱۵*	تو بد آن فخر ۴: ۲۷۴۳*	تو برین دکان ۳: ۳۰۶۰*
تواز آن بگذشته ۳: ۱۷۱۹*	تو بد آن قالب ۲: ۳۸۴*	تو برین قانع ۵: ۱۶۳۸*
تواز آنجایی ۵: ۲۴۳۴*	تو بد آن گُلگونه ۴: ۱۶۵۸*	تو برین مُصَحَف ۶: ۱۱۹۵*
تواز آن خود ۶: ۳۳۸۷*	تو بدان عادت ۱: ۳۹۹۸*	تو بزن یا ۱: ۱۳۳۴*
تواز آن روزی ۵: ۷۸۹*	تو بدان غره ۳: ۱۰۷۳*	تو بسی اُشتر ۴: ۲۲۴۶*
تواز آن، مُرغ ۶: ۴۰۱۵*	تو بدان مانی ۴: ۳۰۱*	تو بسی کردی ۴: ۳۶۷۲*

توبه بوسی گاوان ۲۲۴۶:۴	توبه پذیرفت ۲۸۷۱:۳	توبه کردم، اعتراض ۲۴۱۲:۱
توب بلی، بر ۳۷۷۲:۲	توبه پیغمبر ۲۲۰۲:۲	توبه کردم من ۲۲۶۵:۵
توب فرمودی ۳۳۲:۳	توبه تأویلات ۲۴۳۰:۴	توبه کردم، نو ۳۴۲:۲
توب برگردی ۸۸۹:۵	توبه تن حیوان ۳۷۷۶:۲	توبه کردن ۸۹۸:۶
توب بگوئی: زنده‌ام ۱۷۳۶:۵	توبه تواز گناه ۲۲۰۵:۱	توب، به کردی ۱۰۸۸:۴
توب بگوئی: نه ز بلخ ۷۱۵:۶	توبه تو گنده ۲۹۰۰:۲	توبه کرم ۹۷۰:۶
توب بگو: داده ۱۵۴۵:۳	توبه تون رفتی ۴۰۴۷:۳	توبه کن آنها ۲۲۲۱:۵
توب بگوئی: آفتابا ۲۷۲۰:۳	توبه تویش گنده، ۱۲۴۸:۶	توبه کن، بیزار ۱۲۳۴:۵
توب بگوئی او نکرد ۲۱۱۸:۴	توبه جای آن ۳۴۵۴:۳	توبه کن، مردانه ۴۳۱:۶
توب بگوئی: یاده ۲۱۱۹:۴	توبه جای خنده ۱۷۱۹:۶	توبه کن، وز ۲۰۰۹:۲
توب بگوئی: فال بد چون می‌زنی ۲۹۶۲:۳	توبه جای مادری ۲۷۴۶:۶	توبه گورستان ۱۴۵۶:۶
توب بگوئی: فال بد چون می‌زنی ۲۹۵۸:۳	توبه جد در ۴۰۲:۵	توبه مُرداری، ۱۰۴۲:۴
توب بگوئی مرد ۲۲۹۶:۳	توبه جد کاری ۱۳۳۲:۴	توبه معنی ۳۵۱۸:۲
توب بگوئی: نک ۸۸۶:۵	توبه جذب ۲۹۰۴:۶	توبه من بگذار ۱۲۲۱:۴
توب بگوئی: نه شراب ۷۱۸:۶	توبه جلدی ۱۷۷۴:۴	توبه من خود ۲۷۱۱:۵
توب بگوئی: نیک ۲۹۷۵:۳	توبه خشم شه ۶۹:۵	توبه من ده ۲۷۷۶:۲
توب بمان ای آنکه ۱۶:۱	توبه دلق ۳۴۴۹:۵	توبه می‌آرند ۳۴۵:۶
توب بماندی چون ۱۱۱۰:۴	توبه ده رکعت ۳۵۳۷:۲	توبه نادر ۲۱۱۱:۳
توب بماندی در ۳۴۳:۳	توبه را از ۲۵۰۴:۴	توبه نام حق پیشیزی ۵۰۲:۲
توب بمانی ۱۵۲۴:۵	توبه را بار ۹۴۲:۶	توبه نام حق، فریبی ۲۳۳۷:۱
توب بگیری، ۳۱۶۲:۶	توبه رازین ۹۰۱:۶	توبه نام هر ۲۱۱۳:۳
توب بنال از ۲۷۱۸:۲	توبه را گنجا ۹۰۰:۶	توبه نندیشد ۳۳۷۹:۲
توب بنشیدی ۱۶۵۱:۶	توبه زیر ۳۵۴۸:۴	توبه نُور او ۶۰۹:۴
توب پنه نامش ۱۲۴۴:۶	توبه، سایه‌ست ۵۶۹:۶	توبه نورش ۶۷۶:۱
توبه آرم روز ۳۳۰۰:۴	توبه سر ۲۸۹۷:۴	توبه وصف ۹۷۰:۶
توبه آرند ۳۶۲۴:۶	توبه سه سنگ ۲۴۹۶:۳	توبه‌ها را ۲۵۸۳:۵
توبهاری ۳۳۱۲:۵	توبه شیرین ۲۳۰۷:۵	توبه‌ها کرده‌ست ۲۵۸۲:۵
توبه از من ۱۲۰۰:۳	توبه صد تلطیف ۱۵۳۲:۵	توبه‌ها می‌کرد ۲۲۳۵:۵
توبه‌ام بپذیر ۲۲۶۶:۵	توبه صورت ۳۶۷۰:۲	توبه‌ها و عهدها ۲۲۵۶:۵
توبه‌انه ۵۵۹:۱	توبه عکس آن ۳۰۳۶:۵	توبه هر حالی ۱۴۳۹:۳
توبه او جوید ۸۳۲:۵	توبه عکسی ۳۲۲۱:۲	توبه هر صورت ۸۰۴:۴
توبه بالاتر ۸۴۲:۱	توبه غربت ۳۸۰۸:۳	توبه‌ی، چو سبّی ۱۵۷۱:۵
توبه، بی‌توفیقت ۵۶۸:۶	توبه قصید ۲۲۶۹:۶	توبه یک خوابی ۴۳۱۸:۶
	توبه قعر ۱۳۵۲:۱	توبه یک خواری ۱۱۶۳:۵
	توبه کردم از ۲۴۵۵:۴	توبه‌ی کردم ۲۳۲۴:۵

تو به یی کن ۲۵۱۲:۵	تو چینی با من ۲۴۰۴:۱	تو حریصی ۲۰۶۹:۲
تو پذیرای ۳۷۳۱:۵	تو چو جانی ۳۳۱۳:۵	تو حریف ۶۹۵:۳
تو پسِ خود ۱۴۸۵:۱	تو چو سگ ۱۰۵۲:۴	تو حسودی ۸۰۴:۲
تو بَیِ اُشتر ۲۹۱۵:۲	تو چو شیطانی ۱۱۷۱:۵	تو حقیقت ۱۳۹۳:۵
تو بیِ دَفْع ۲۵۸۸:۶	تو چو عزم ۴۳۲۶:۳	تو حیاتِ جانِ ۱۵۶۵:۵
تو تبار و اصل ۳۹۸۳:۱	تو چو عقلی ۳۳۱۴:۵	تو حیاتی می‌دهی بس ۳۲۷۸:۶
تو تَبَرّا ۲۴۰۶:۱	تو چو کِرمی ۱۸۷۰:۴	تو حیاتی می‌دهی در ۳۲۷۷:۶
تو ترازوی ۳۹۸۲:۱	تو چو کوهی ۲۶۶۹:۲	توخته شد ۴۱۸۶:۶
تو تَصَرّف ۳۸۰:۴	تو چو کُل خندان ۳۲۵۷:۳	تو خرابه ۹۶۱:۶
تو تَکَبّر ۲۶۳۳:۴	تو چو موری ۳۷۰۴:۲	تو خِرِ احمق ۳۰۹۶:۲
تو تماشاکن ۲۸۵:۶	تو چه بر جفسی ۳۶۷۸:۲	تو خِلَافِ آن کُن ۲۲۷۱:۲
تو تَمَنّا می‌بری ۱۷۲۱:۶	تو چه خود را ۶۹۹:۳	تو خلافش ۲۲۶۷:۲
تو توانی ۲۲۱۴:۳	تو چه دارویی؟ ۱۲۸۹:۴	تو خلیل ۳۱:۵
تو توهم ۷۰۱:۳	تو چه داری که چنین ۳۳۹۰:۴	تو خوری حلوا ۲۷۱۹:۲
تو تَیّایِ دیده ۳۴۲:۴	تو چه داری که فروشی	تو خوش و خوبی ۳۵۷۳:۵
تو تَیّایِ کبریای ۱۱۲۴:۲	۱۱۱۷:۵	تو خیالی بینی ۴۹۰۴:۶
تو جگربندی ۵۵۱:۲	تو چه داری و چه ۹۳۹:۲	تو دُرستش کن ۳۸۸۳:۱
تو جوان بودی ۲۳۰۵:۱	تو چه دانی ای ۱۴۱۳:۴	تو درشتی ۱۴۸۹:۲
تو، جهان راستان ۱۱۷۹:۳	تو چه دانی بانگ ۳۷۵۹:۲	تو درونِ آب ۲۶۶۶:۶
تو جهان را قدر ۱۹۰۶:۵	تو چه دانی تا ۴۷۶۷:۳	تو درون چاه ۲۸۳۰:۳
تو جهانی بر ۷۰۱:۱	تو چه دانی ذوق آب ۱۶۳۸:۱	تو درون خانه ۱۵۶۹:۳
تو جِهَتِ گو ۲۸۱۱:۲	تو چه دانی ذوقِ صبر ۳۱۴۹:۲	تو درین جوشش ۴۱۹۸:۳
تو جهود از ۲۴۹۵:۶	تو چه دانی سَرّ این ۲۷۸۹:۳	تو درین طالب ۲۰۴۱:۴
تو چرا بر باد ۱۳۵۰:۶	تو چه دانی سِرّ چیزی ۲۷۸۷:۳	تو درین ظلمت ۵۸:۳
تو چرایِ جُرم ۲۶۹۵:۲	تو چه دانی شَطّ ۲۷۲۵:۱	تو درین مُستَعْمَلی ۲۹۴۶:۴
تو چرا بیدار ۲۷۵۶:۲	تو چه دانی کردن او ۳۶۶:۴	تو دعا تعلیم ۲۵۰۶:۲
تو چرایِ رُویی ۳۲۳:۴	تو چه دانی، کو ۳۳۵۸:۱	تو دعا را ۷۵۷:۳
تو چرا خود ۳۵۷۳:۵	تو چه دانی مَخو ۲۷۲۶:۱	تو دل خود ۸۷۱:۵
تو چرا سویی ۲۳۱۳:۱	تو چه دانی مرگ ۳۵۱۹:۲	تو دلش خوش ۲۸۶:۶
تو چرا مخصوص ۱۱۲۳:۵	تو چه طاقت ۲۴۸۲:۲	تو دو قُلّه ۲۱۷۵:۶
تو چرامی شیر ۱۰۶۹:۵	تو چه کاریدی ۴۱۸:۶	تو دهی آخر ۳۵۰۰:۴
تو چنان جلوه ۷۷۵:۳	تو چه کردی با من ۴۷۷۴:۶	تو رسن بازی ۱۳۵۳:۶
تو چنین خشکی ۱۷۸۳:۶	تو چه مرغی ۱۲۶۴:۶	تو رعیت ۳۴۵۴:۲
تو چنین عُریان ۳۱۸۴:۲	تو چه می‌دانی ۲۸۳۵:۴	تو روا داری، خداوند ۱۶۹۶:۵
تو چنین گفتی ۲۱۰۴:۴	تو حبیب ۸۷۰:۲	تو روا داری روا ۳۱۳۶:۵

تو شوی معذور ۵: ۳۱۰۶*	توز طاوسان ۳: ۴۰۳۴*	توروا داری که آیم ۳: ۴۴۴
توشهیدی ۵: ۱۳۹۰*	توز طفلی ۳: ۳۱۵۳	توروا داری که این ۵: ۲۱۶۱
توضعیف ۴: ۳۴۰۲*	توز عیب ۴: ۱۳۴۹*	توروا داری که من ۳: ۲۳۹۰
توطع داری ۳: ۱۰۶۴	توز غفلت ۵: ۳۵۵۱	توروا یا ناروایی ۳: ۲۶۵۱*
تو عدو او ۳: ۳۶۳۰	توز فعل ۱: ۴۵۰*	تورهاکن ۱: ۲۳۰*
تو عدو این ۳: ۲۶۸۰	توز قرآن ای ۳: ۴۲۴۷	تورهانیدی ۲: ۲۸۱۰*
تو عدو بودی ۴: ۳۴۱۱*	توز قرآن باز ۱: ۶۱۵	توز اوقوا ۲: ۲۱۳۹
تو عدو را ۵: ۳۴۹۲	توز کرمنا ۲: ۳۷۷۳	توز اولاد ۴: ۳۴۰۶
تو عذاب الخزی ۵: ۱۳۹۱	توز گفتار ۴: ۲۰۲۵	توز این دهلیز ۵: ۱۸۰*
تو عذاب خویش ۲: ۱۲۴۳*	توز گفت خواب ۱: ۵۶۹*	توز بالا ۲: ۳۸۰۳*
تو غسل بفر ۲: ۱۸۶۸*	توز من با حق ۲: ۲۷۱۸	توز بخش ۴: ۲۷۸۱*
تو غسل، ما ۲: ۱۸۶۷	توز منع این ۳: ۴۵۰۳*	توز بونی ۵: ۷۵۰
تو عصاکش ۱: ۳۹۲۰	توز یارانی ۲: ۲۰۷۴*	توز بیم ۳: ۴۳۲۹
تو عطا بیگانگان ۶: ۴۲۲۱	توز یان کی ۴: ۱۲۸۹	توز بیش خود ۳: ۱۳۰۰*
تو علی بودی ۱: ۳۸۲۹*	توز یک قطره ۶: ۱۴۹۷*	توز تلخی ۳: ۴۱۹۵
تو علی وار ۲: ۱۲۴۴*	تو سپس تر ۸: ۱۷۷۸*	توز جایی ۵: ۱۱۱۰
تو عمارت ۴: ۲۳۴۳*	تو سپیدش خوان ۱: ۲۸۹۶*	توز چرخ ۵: ۲۵۴۹
تو غلامی، خواجه ۳: ۲۴۷۴*	تو ستوری ۴: ۲۰۰۳	توز چشم ۱: ۱۴۰۳
تو غلامی، کسب ۳: ۲۴۷۸	تو ستیزه ۴: ۲۴۵۳	توز حال خود ۳: ۳۵۶۵*
تو غم بُردی ۳: ۳۲۴۸*	تو ستر مردم ۴: ۷۶۲*	توز حسرت ۴: ۲۵۵۹
تو فرشته آسمانی ۱: ۱۳۵۹	تو سزایی ۴: ۲۶۳۴	توز خرمن های ۶: ۸۰۹
تو فرشته رحمتی، رحمت نما	تو سفر کردی ۳: ۱۹۷۹	توز خشم ۴: ۱۴۶۷*
۵: ۱۶۲۷	تو سگی با خود ۵: ۳۰۳۸	توز خود کی ۴: ۱۱۲
تو فرشته رحمتی، رحمت نما	تو سلیمان وار ۴: ۱۳۱۵	توز خود می آیی ۳: ۴۳۷۰
۵: ۱۶۴۳	تو سنش سر پستد ۶: ۵۳۲*	توز دوری دیده ۳: ۴۲۶۴
تو فروغ شمع ۱: ۳۹۸۳*	تو سواره ۱: ۳۵۹۲*	توز دوری می نبینی ۳: ۴۲۶۵
تو فسرده ۳: ۳۸۷۰	تو شب و روز ۲: ۱۸۶۴	توز دی ۶: ۴۷۷۶*
تو فقیهی این ۲: ۲۱۷۴*	تو ش خداوند ۳: ۳۰۰۷*	توز رعنايان ۳: ۴۰۳۴
تو فقیهی، ظاهر ۲: ۲۱۹۲*	تو شده در حرب ۶: ۴۷۷۷*	توز سرمستان ۲: ۱۷۶۹
تو فگنده ۶: ۲۳۵۳*	تو شدی بی هوش ۲: ۱۶۹۹	توز شادی ۴: ۱۰۴۴
تو قبا می خواستی ۵: ۲۹۲۳	تو شدی سوی ۶: ۳۳۳۰	توز شح ۴: ۳۱۳۰
تو قلاووزی ۲: ۳۴۴۲	تو شدی غافل ۴: ۳۶۸۲	توز صاحب دل ۲: ۳۴۷۳*
تو قیاس از چرخ ۱: ۳۳۳۱	تو شغالی ۳: ۷۸۳*	توز صد ینبوع ۶: ۳۵۹۷
تو قیاس از حالت ۱: ۱۸۰۵	تو شکستی ۶: ۴۰۶*	توز ضعیف چشم ۴: ۳۴۰۲
تو قیاس از خویش ۱: ۲۴۶	تو شوی پست ۴: ۲۱۲۱*	توز ضعیف خود ۲: ۳۵۵۲

تو مدان روشن ۳۶۶۲:۱*	تو گمان بُردی که کرد ۲۳۱:۱	تو قیاس گریه ۱۳۰۴:۵
تو مده اِلّا ۲۲۲۵:۱*	تو گمان بُردی ندارم ۲۲۸:۴*	تو قیاسی ۲۸۵۵:۳
تو مرا باور ۱۱۱۳:۲	تو گمان‌داری ۴۳۶۹:۳*	تو کجائی تا شود ۳۲۹۹:۶*
تو مرا بگذار ۱۰۶۷:۱	تو گناهی ۳۴۵۰:۳	تو کجا در می‌روی ۲۷۷۴:۲
تو مرا بیدار ۲۷۹۱:۲	تو گنه بر ۲۷۲۵:۲	تو کجایی تا بری ۳۰۲:۶
تو مرا بین ۴۸۰۹:۳*	تو گواهی ۲۷۰۰:۱	تو کجایی تا شوم ۱۷۲۱:۲
تو مرا پُر درد ۴۳۲۹:۶	تو گیاه و استخوان، پیشش ۲۶۷۸:۲	تو کجایی تا که ۳۳۰۰:۶
تو مرا جویان ۱۸۹۸:۲	تو گیاه و استخوان را ۲۶۸۱:۲	تو کجایی تا مرا ۳۳۰۱:۶
تو مرا چون ۲۲۸:۴	تو لَوای جُرم ۳۳۸:۲*	تو کُشیش ۱۳۲۳:۴*
تو مرا در خیر ۲۷۹۲:۲	تو مبین او را جوان ۲۱۶۰:۴*	تو کم از خرسی ۱۹۹۱:۲
تو مرا در دردها ۲۳۹۹:۱	تو مبین این پای‌ها ۱۹۷۶:۳	تو کم از مُرغی ۷۵۳:۵
تو مُراقب ۴۵۳۲:۶	تو مبین این خلق ۱۱۱۷:۴*	تو که باشی؟ ۳۶۶۹:۱
تو مرا، کافسانه ۱۸۹۷:۵*	تو مبین این قحط ۱۷۳۴:۶*	تو که بی‌دردی ۱۳۸۵:۳
تو مرا گویی: حسد ۳۱۹۲:۵	تو مبین این واقعات ۱۷۳۳:۶	تو که بینایی ۲۳۶۴:۳
تو مرا گویی که ۱۱۹۷:۶	تو مبین بازی ۱۳۰:۲*	تو که پنجه ۳۱۶۴:۵
تو مرا می‌دار ۱۰۷۷:۶	تو مبین تحشیر ۱۷۳۴:۶	تو که تریاقی ۱۳۴۶:۶
تو میری با ۳۴۴۹:۲	تو مبین ز افسونش ۴۲۶۲:۳	تو که جُزوی ۱۵۲۳:۱
تو مرید و میهمان ۲۲۶۵:۱	تو مبین ز افسونِ عیسی ۴۲۶۱:۳	تو که خود ۱۵۱۹:۱*
تو مزن لاف ۲۳۲۲:۱*	تو مبین قَلّایی ۱۷۲۶:۶	تو که داری ۱۹۶۴:۶*
تو مسیحی ۲۴۹۶:۶	تو مبین که ۴۸۰۹:۳	تو که در جان ۲۴۰۵:۱
تو مشو بر ظاهر ۳۵۵۸:۴*	تو مبین مر آن ۴۲۶۳:۳	تو که در حسی ۱۸۴۲:۲*
تو مشو غره ۱۱۷۰:۵	تو مترس از نسخ ۱۲۰۷:۳*	تو که ز اصطرلاب ۱۹۰۵:۵
تو مشو منکر، ۱۸۰۴:۱*	تو مَترس و، سويِ ۳۷۷۱:۲*	تو که فرعونى ۲۳۹۶:۴
تو معسر ۴۸۹:۱	تو مترس و، مهلتش ده ۱۰۹۸:۳	تو که کُرد ۱۰۸۵:۴
تو مکانی ۶۱۲:۲	تو مثال دوزخی ۱۲۴۷:۲	تو که کَلّی خاضع ۱۲۹:۵
تو مَکَش ۳۷۵۵:۳*	تو مثال شادی ۳۳۱۵:۵	تو که کَلّی خوار ۱۳۰:۵
تو ممکن آن ۳۱۷۲:۵*	تو مَجْواين ۴۱۱:۴*	تو که می‌گوئی ۱۲۳۵:۲
تو ممکن با ۲۶۰۵:۱	تو مجو بدنامی ۹۹۹:۱	تو که یک جُزوی ۹۲۷:۶
تو ممکن تهدید ۳۸۳۳:۳	تو مُخاطب ۱۳۴۳:۳*	تو که یوسف ۱۹۰۴:۱
تو ممکن هم ۲۸۹۶:۶*	تو مخوان دو ۳۷۰۳:۵	تو کی؟ گفتا ۲۸۰۲:۳*
تو مگر آبی ۴۱۰:۵	تو مخوانم جفت ۲۳۲۳:۱	تو گران‌کردی ۱۰۳۸:۶*
تو مگر از شیشه ۲۶۱:۱*	تو می‌خوان، می‌رائش ۱۹۹۰:۶*	تو گرفته ۱۰۹۹:۴*
تو مگر اندر ۱۳۰۲:۱*		تو گشودی ۱۹۵۲:۳*
تو مگر خود ۱۳۴:۱		تو گُل بُستان ۴۱۷۹:۳*
تو مگس پَرّی ۲۳۲۵:۲*		تو گمان بُردی که آن ۳۱۵۸:۶*

تو نه بی مرغاب ۵: ۲۸۴۰*	تو نگنجی ۳: ۱۳۴۲	تو مگو آن ۱: ۱۸۵۷
تو نه بی مست ۵: ۴۲۰۷*	تو نگونی: مست ۳: ۲۳۰*	تو مگو فرعی ست ۵: ۳۷۰۴
تو نه بی مضطر ۴: ۹۸۱*	تو نگونی، من ۶: ۱۴۵	تو مگو کو بنده ۶: ۱۱۶۹
تو نیایی آن ۳: ۳۰۲۷*	تو نگویی حال ۳: ۳۱۲۱*	تو مگو کو لایق ۱: ۱۷۹۱*
تو نیان را ۴: ۲۴۵	تو نگردي ۶: ۳۲۷۴	تو مگو که مردم ۴: ۳۶۶۴*
تو نیایی ۲: ۵۵۴	تو نمودی کشتی ۲: ۲۷۹۱*	تو مگو که: من ۱: ۲۴۷۹
تو نیفتادی ۲: ۳۰۴۵	تو نمودی همچو ۵: ۲۷۴*	تو مگو که نیستش ۵: ۲۱۱۶*
تو وجود ۱: ۶۰۲*	تو نمی بینی به ۲: ۳۱۴۲*	تو مگو کین مایه ۱: ۱۴۷۱
تو ورای ۲: ۲۴۱۹	تو نمی بینی که ۳: ۳۷۸۷	تو مگو کین مس ۱: ۱۴۷۲
تو وزیری؟ ۲: ۳۱۸۷*	تو نمی بینی هلال ۴: ۲۸۴۸	تو مگو: گندم ۶: ۲۹۶۰
تو وطن بشناس ۴: ۲۲۳۰*	تو نمی دانی زآسار ۱: ۳۸۹۵*	تو مگو ما ۱: ۲۲۱
تو وکیل ۶: ۹۹۰	تو نمی دانی کزین ۳: ۳۰۸۲	تو ملاف، از ۴: ۱۷۷۵
تو هلا در ۴: ۲۴۵۰	تو نمی دانی که آن ۲: ۲۹۷۴	تو منی، من ۴: ۳۰۹
تو هلاکی ۲: ۲۱۶۵*	تو نمی دانی که از ۳: ۳۰۸۴	تو منی و من ۱: ۳۸۲۹
تو همان دیدی ۳: ۲۲۹۹*	تو نمی دانی که خصمانت	تو مهی، ما شب ۲: ۲۸۳۷*
تو هم از بیرون ۴: ۱۹۱۸	۳۶۹۴: ۱	تو میفت از مکر ۲: ۲۱۳۳*
تو هم از دشمن ۶: ۳۱۵۰	تو نمی دانی که دایه ۵: ۱۳۶	تو نبینی برگ ها ۳: ۱۰۰
تو همان اندیش ۳: ۲۲۵۳	تو نمی دانی که نقاشش	تو نبینی پیش ۳: ۱۷۵۴
تو همان کن، کآن ۵: ۱۶۴۴	۵۴۱: ۵	تو نبینی خون شدن ۳: ۹۲*
تو همان کن که ۲: ۱۸۶۶	تو نمی رفتی ۳: ۳۴۲۴*	تو نبینی، لیک ۳: ۹۹
تو هم ای عاشق ۴: ۳۴۶	تو نمی گری ۳: ۱۷۷۷	تو نتانی ابروی ۴: ۲۳۲۸
تو همه کار ۱: ۹۶۹	تو نمی گفתי ۲: ۳۴۰۵	تو نتانی کز ۵: ۷۳۰
تو همه کردی ۵: ۱۲۵۵	تو نمی یاری ۵: ۲۹۵۸	تو نترسیدی ۶: ۳۶۱۷
تو همی آموزیم ۶: ۴۹۰۸	تو نه آن روحی ۲: ۱۸۷۳*	تو نخواندی ۳: ۲۸۲
تو همی ترسی ۴: ۶۴۱	تو نه آن عودی ۲: ۱۸۷۳	تو نخواهی یافت ۳: ۶۴۱*
تو همی خسبی ۳: ۱۶۴	تو نه آیی در سر ۳: ۱۷۴۷	تو نداری عقل ۴: ۲۲۸۸*
تو همی خواهی لب ۵: ۱۰۷۳*	تو نه افگندی ۳: ۳۶۶۰*	تو ندانستی ۳: ۱۶۹۱*
تو همی دانی که ۳: ۱۳۳۸	تو نه ای کامل، ۱: ۱۶۲۱*	تو ندانی بحر ۱: ۱۱۳۷*
تو همی دانی و ۳: ۲۳۷۴	تو نه این باشی ۲: ۵۵	تو ندانی واجبی ۶: ۳۷۷۳
تو همی گفתי ۲: ۵۶۰	تو نه بی این جسم ۶: ۸۱۱	تو نشانی ده ۲: ۹۹۲
تو همی گوئی که می بینم	تو نه بی پروانه ۴: ۳۸۰۷*	تو نظرداری ۶: ۲۱۸۰
۲۹۰۶: ۵	تو نه بی رخت ۲: ۲۷۰۲*	تو نکردی او ۳: ۳۳۹۸*
تو همی گوئی: خُمش ۳: ۲۹۶۸	تو نه بی ز آن ۵: ۲۸۴۵	تو نکردی فصد ۳: ۳۴۱۶
تو همی گوئی: عجب ۶: ۴۶۲۶	تو نه بی زینجا ۶: ۴۲۶۸	تو نگاریده ۱: ۳۹۷۸
تو همی گوئی که من ۳: ۳۴۴۹	تو نه بی شیعه ۶: ۷۸۹*	تو نگشتی ۴: ۲۲۴۷

تیغِ آلهی ۵۰۸:۴*	تیرِ خونِ آلود ۱۳۰۸:۲*	تو همی گویی: مرا ۲۲۴۵:۳
تیغِ اندر دستِ ۶۵۷:۵*	تیرِ داد، انداخت ۱۹۵۷:۶*	تو همی گیری ۳۷۷۹:۳
تیغِ بختش ۳۶۲۱:۱*	تیر، دُورِ اُولی ۶۴۰:۵*	تو هنوز از ۱۰۶۸:۵
تیغِ بگرفته ۲۴۶۰:۵*	تیر را بگشاد ۶۵۲:۳	تو یِ آخر ۳۷۷۵:۶
تیغِ بهرِ ۲۷۵۹:۴	تیر را مَشکن ۱۳۰۵:۲	تو یِ بر تو، برف ۱۹۳۱:۴
تیغِ چوبین را بد آن ۲۵۰۶:۵*	تیر، سوییِ راست ۳۶۸۳:۶	تو یِ بر تو بُوی ۲۷۴:۴*
تیغِ چوبین را مَبرِ ۷۱۴:۱	تیر سوییِ من ۶۴۴:۵*	تو یِ تو در ۳۷۷۶:۶
تیغِ چوینشان ۱۰۹۳:۱*	تیرِ شَه بنماید ۳۷۰:۵*	تو یقین دان که خریدت
تیغِ، حُرمتِ ۳۴۲۷:۳	تیرِ غمزه ۳۷۶۴:۶	۳۲۶۰:۳*
تیغِ حَقَم، هم ۸۳۰:۱*	تیرِ قَهَرِ ۲۵۵۸:۵	تو یقین دان که مرا ۴۰۷:۲*
تیغِ حلم از ۳۹۸۹:۱	تیر، کز پَرْدِ ۳۴۰۶:۴*	تو یقین می‌دان که بهرِ
تیغِ حِلْمَتِ ۳۷۴۶:۱	تیرِ گِیِ رفت ۱۳۴۳:۲*	۴۲۳۷:۶*
تیغِ حِلْمَمِ ۳۸۰۰:۱	تیرِ گِیِ و دُرْدی ۱۶۲۰:۲*	تو یقین می‌دان که جُرمی ۲۸۲۲:۲
تیغِ خورشید از ضیا ۱۷:۴*	تیر می‌انداخت ۱۹۵۶:۶*	تو یقین می‌دان که دَمِ دَمِ
تسِغِ خورشیدِ حُسام الدّین	تیر می‌انداز ۳۷۴:۶*	۲۶۹۰:۳*
۹۰:۶*	تیرها پَران ۵۱۳:۳	تو یقین می‌دان که هر شیخی
تیغِ دادن ۱۴۳۷:۴	تیرها خوردم ۱۲۴۳:۵*	۲۱۲۹:۶
تیغِ در دستش ۳۲۹۰:۳	تیرها را کِی ۲۷۶۱:۴*	تو یکی بنگر ۸۰۱:۲
تیغِ در زَرادخانه ۷۱۶:۱	تیره باشد ۲۱۸۱:۴*	تو یکی تُو ۱۳۰۲:۳
تیغِ را از دستِ ۲۱۵۹:۴*	تیره چشمیم ۱۲۷۲:۳*	تو یکی شاخی ۳۵۰۹:۴
تیغِ را اندر ۳۸۰۲:۱*	تیره کردی آب ۲۴۸۰:۴*	تو یکی قصر ۲۹۲۰:۵
تیغِ را در دستِ ۳۷۱۸:۱*	تیره کردی، زنگ ۲۴۷۹:۴	تَهْلُکَه خواندی ۳۴۲۲:۳*
تیغِ زن ۱۸۸۵:۲*	تیره گردد ۱۰۴۶:۱*	تَهْلَکَه ست این ۱۳۳۴:۶
تیغِ غازی ۲۷۱۶:۲*	تیزتر بنگر ۷۵۰:۴*	تَهْمَتی بر بنده ۲۰۹۶:۵
تیغِ قَهَرِ ۱۸۹۱:۶*	تیز چشم و صیدگیر ۴۸۰:۵*	تَهْمَتی بر ما ۴۰۸۴:۳
تیغِ لَاحُولی ۲۸۵۶:۳*	تیز رَو، گو ۱۰۹۴:۳*	تَهْمَتی کردند ۳۴۸۳:۲*
تیغِ لا در ۵۸۹:۵	تیز گوشان زین ۴۶۲۷:۶*	تیر، اندازد ۴۲۰:۱
تیغِ او بستاند ۶۶۱:۵*	تیز می‌گردی ۲۳۱۱:۲*	تیر اندازی ۳۱۶۴:۲
تیغها در گرد ۳۸۴۱:۵*	تیزی دندان ۳۰۷۹:۳*	تیرِ او دلکش تر ۱۷۴۶:۱*
تیغ، هست از ۴۰۶۰:۶	تی شو و خوش ۴۲۱۵:۶	تیر، پَران از ۴۱۲۵:۶*
تیه را بر خود ۳۶۵۷:۳*	تیشه پستان ۲۵۵۱:۴*	تیر، پَران بین ۱۳۰۴:۲
تیه را راه ۲۴۸۶:۲*	تیشه را ۳۳۲۷:۱	تیر پَرانید ۱۹۴۳:۶*
	تیشه زن در ۲۴۰۵:۳*	تیر جَسته ۱۶۶۹:۱*
	تیشه هر ۲۴۰۵:۳*	تیر چشم آمد ۴۵۷۰:۳
	تیغِ آن تیغ ست ۳۸۲۸:۵	تیر خوردن ۳۷۸۲:۵

ث

ثالثاً تا ۴۷۰۵:۳

- ثانیاً باشد ۴: ۲۵۳۰
ثانیاً بشنو ۳: ۴۷۰۴
ثانیث ۴: ۲۲۴۹
ثبت و محوی ۶: ۳۳۳۳
ثروتی بی رنج ۳: ۱۴۵۱
ثُمَّ تَأْتِينَا ۱: ۸۸۴
ثُمَّ خَلِّتُمْ ۳: ۴۲۶
ثُمَّ يُلْجِنَا ۱: ۸۸۵
- ج
جَنَّتْ أَقْرَبُ ۶: ۶۶۸
جِثْمُونَا ۱: ۳۱۷۳
جاء اسعادی ۶: ۳۱۱۰
جاء هم بعد ۳: ۲۰۳۶
جایر اشکستگان ۴: ۱۶۸۵
جادوان فرعون را ۵: ۳۱۰۹
جادوی کردت ۱: ۸۲۸
جادوی کمپیر ۴: ۳۱۷۹
جادوی مردی ۲: ۲۲۸۱
جادوی ها را ۴: ۱۶۶۳
جادویی بین ۶: ۱۳۷۸
جادویی خواندن ۳: ۱۱۹۵
جادویی رخنه ۴: ۲۳۶۱
جادویی کردش ۴: ۳۱۴۶
جادویی کرده ست ۶: ۳۳۵۳
جادویی کردیم ۳: ۴۴۸۵
جادویی که حق ۳: ۱۱۹۵
جادویی کی دید ۴: ۲۳۶۲
جاده باشد ۳: ۳۰۲۹
جاده شاهست ۶: ۲۷۷۶
جاذب آب ۲: ۲۶۹۷
جاذبش جنس ۴: ۲۶۷۱
جاذبه جنسیت ۴: ۲۷۱۶
جاذب هر جنس ۴: ۲۶۶۷
جاریه پیش ۳: ۳۰۴۱
- جام پردازیم ۶: ۴۷۴۵
جام تن بشکست ۲: ۳۴۱۰
جامد، افسرده ۳: ۱۰۰۸
جامدت بینده ۴: ۵۶۱
جامد و نامیش ۳: ۳۲۳۶
جام صحت ۶: ۱۶۴۸
جام ظاهر ۲: ۳۴۰۸
جامع این ۳: ۱۷۶۰
جامگی او ۲: ۱۰۴۸
جامگی سی ۶: ۳۸۶
جامگی هاشان ۵: ۴۰۵۱
جام مغفوران ۴: ۳۴۵۲
جام می هستی ۲: ۳۴۰۹
جامهات شویم ۲: ۱۷۲۲
جامه از دیگش ۴: ۱۹۵۳
جامه ازرق ۵: ۳۶۷۱
جامه اش تر ۲: ۳۷۹۷
جامه اش دوزد ۵: ۳۰۱۴
جامه اش سوزد ۵: ۳۰۱۴
جامه اطللس ۵: ۳۱۶۶
جامه اندرمه دست ۶: ۳۳۳۸
جامه بیرون کن ۱: ۲۷۷۱
جامه پوشان ۲: ۳۵۲۳
جامه چاکان ۲: ۱۷۶۹
جامه چه درانیم ۶: ۷۹۷
جامه خفته ۴: ۳۳۰۵
جامه خواب آورد ۳: ۱۵۷۷
جامه خواب پُر حَدَث ۵: ۱۰۷
جامه خوابش ۳: ۱۵۸۳
جامه خواب مرا ۳: ۱۵۷۵
جامه را بدرید ۲: ۱۷۴۹
جامه صد رنگ ۱: ۵۰۱
جامه صد سالگان ۶: ۱۷۱۴
جامه شویی ۱: ۳۸۸۰
- جامه کم کن ۲: ۳۵۲۵
جامه کی پیمود ۶: ۸۳۵
جامه ما ۱: ۲۲۵۵
جامه ها از دزد ۶: ۴۶۳
جامه ها برکند ۶: ۴۷۴
جامه ها را بُرد ۶: ۴۷۴
جامه هایت ۱: ۲۰۳۱
جامه های خلق ۲: ۱۲۳۰
جامه های زرکشی ۴: ۱۵۱۵
جامه هر کس ۱: ۱۱۶۶
جان آتش ۱: ۱۹۵۵
جان آن بیچاره ۳: ۲۱۷۱
جان ابراهیم از ۲: ۹۱۳
جان ابراهیم باید ۲: ۱۵۵۷
جان از او آمد ۵: ۱۶۷۹
جان از او دُری ۲: ۱۱۸۳
جان ازین ۴: ۳۷۹۲
جان امت ۲: ۳۵۹۹
جان او آنجا ۱: ۲۰۹۱
جان او از باد ۴: ۱۸۰۶
جان او افزون ترست ۲: ۳۳۳۰
جان او با جان ۱: ۵۰
جان او بشنید ۲: ۳۳۸۹
جان او بیند ۲: ۱۴۴۳
جان او پست ست ۴: ۳۱۲۷
جان او را تو ۱: ۹۶۷
جان او را در ۵: ۱۶۰۳
جان او را طالب ۱: ۱۴۴۳
جان اول ۶: ۱۵۲
جان او مجنون ۴: ۱۴۴۰
جان ایشان بود ۲: ۱۶۸
جان ایمن ۲: ۳۸۵
جان این سه ۶: ۴۰۰۰
جان این کشتن ۶: ۲۰۹۲

جان چو افزون ۲: ۳۳۳۳	جان به حق ۵: ۲۲۷۸	جانبِ آن صدر ۳: ۳۹۱۶
جان، چو بازگان ۴: ۳۶۰۹	جان به سوي ۱: ۱۴۷۹	جان بابا این ۳: ۱۱۹۶
جان چو باز و ۵: ۲۲۸۰	جان به شیرینی ۲: ۱۳۷۴	جان بابا چون بخسبد ۳: ۱۱۹۲
جان، چو بی این ۵: ۳۸۵	جان بی کیفی ۵: ۳۵۸۲	جان بابا، چونکه ۳: ۱۲۱۵
جان چو خفته ۵: ۱۷۳۸	جان بی معنی ات ۱: ۱۰۱۸	جان بابا گویدت ۲: ۱۲۸
جان چو مور و تن ۶: ۲۹۵۵	جان بی معنی در ۱: ۷۱۲	جانِ باقی بایدت ۲: ۹۴۳
جانِ چون دریای ۱: ۱۲۴۲	جانِ پاکان خویش ۴: ۲۳۸۶	جانِ باقی‌تان ۱: ۱۹۲۷
جان چون طاووس ۶: ۴۷۸۵	جان پاکان، طَلَب ۴: ۹۲۳	جانِ باقی یافتی ۲: ۱۳۷۸
جان چه باشد با خبر ۶: ۱۴۸	جان پذیرفت ۲: ۱۳۳۳	جان پُرد ۴: ۲۱۳۳
جان چه باشد که تو ۶: ۳۱۷۰	جانِ پروانه نبرهیزد ۴: ۳۸۰۸	جانب تبریز ۶: ۳۰۱۴
جانِ حیوانی بدیشان ۳: ۲۷۰۳	جان پروانه همی ۵: ۴۳۹	جانبِ ترکیب ۱: ۳۰۹۸
جان حیوانی بُود ۴: ۴۵۳	جان پیر ۱: ۲۲۰۸	جانبِ جانِ باختن ۱: ۱۷۵۰
جان حیوانی، فزاید ۳: ۴۲۱۹	جانتان را ۳: ۲۸۷۸	جانبِ حُجره ۵: ۱۸۶۸
جان حیوانی ندارد ۴: ۴۱۱	جانت جوید ۵: ۱۹۳۲	جانبِ خورشید ۳: ۵۵۲
جان خفته ۵: ۱۷۳۹	جان، تن خود ۵: ۱۷۷۵	جان بدادند ۴: ۳۹۳
جانِ خود ۳: ۲۶۴۸	جانِ تو با تو ۴: ۷۸۲	جان بدادی ۱: ۴۶۲
جان داود ۲: ۹۱۵	جان تو بخريد ۴: ۲۹۵۷	جان بداند ۲: ۲۶۳۴
جانِ دختر ۱: ۲۰۳	جانِ تو تا آسمان ۴: ۱۸۸۲	جانبِ دُکان ۶: ۱۹۲۳
جان دریم ۱: ۳۵۶	جان تو کاندز ۳: ۴۶۶۶	جان بده از بهر ۳: ۲۱۱
جان دشمن ۱: ۲۰۰۲	جانِ تو، ما را ۳: ۱۶۰۱	جانبِ ده صبر ۳: ۵۶۴
جان دهد ۱: ۱۹۱۸	جانِ تو نه این ۲: ۱۰۵۶	جانبِ دیگر خَلِش ۱: ۲۹۹۶
جان دهم ۱: ۱۵۵۵	جانِ تو همچون ۳: ۳۴۴۲	جانبِ دیگر گرفت ۱: ۲۹۹۳
جان دهی ۱: ۲۲۳۶	جانِ جان تن ۵: ۱۵۶۸	جان برافشانید ۵: ۲۵۳۰
جان ز بالا ۱: ۱۴۴۶	جانِ جانِ جان، بُود ۴: ۳۰۵۷	جان برای ۳: ۲۹۲۹
جان، ز پیدایی ۱: ۱۱۲۰	جانِ جانِ جانِ جانِ ۵: ۸۸۷	جان بسی کندی ۶: ۷۲۳
جان ز خِفَت ۳: ۳۵۷۱	جانِ جان، چون ۱: ۳۲۷۴	جانبِ شیرین‌زبانی ۶: ۱۰۶۰
جان ز دستِ ۵: ۳۸۱۴	جانِ جان خود ۶: ۱۵۲	جانبِ قصه ۳: ۱۹۴۲
جانِ زرگر ۵: ۱۷۷۶	جانِ جان سازد ۶: ۳۷۱۵	جانبِ قلعه ۴: ۲۴۴۱
جان، ز ریش ۴: ۱۸۸۶	جانِ جان و تابشِ ۱: ۱۸۰۸	جانبِ کعبه ۶: ۲۷۴۶
جانِ زشتِ ۴: ۱۴۴۸	جانِ جاهل ۳: ۱۹۸	جانبِ مایید ۵: ۱۲۲۲
جان ز هجر ۴: ۱۵۴۵	جان جمله عِلْم‌ها ۳: ۲۶۵۴	جانبِ هاروت ۱: ۳۳۴۳
جان سپردن به ۳: ۳۲۳۵	جان جمله مُعجزات ۳: ۲۵۰۲	جان به اوجِ ۶: ۳۹۷۸
جانِ سپردن جان ۵: ۱۶۶۸	جان چنان گردد ۱: ۳۲۷۴	جان به جان پیوست آن ۵: ۲۱۷۵
جانِ سپردن، خود ۱: ۲۲۳۵	جان چنین افعال ۵: ۲۵۰	جان به جان پیوست و ۶: ۳۹۵۹
	جان چنین باید ۱: ۱۸۴۸	

جان سپرده ۴۰۳۳:۵	جانِ طاقِ ۱۵۱۷:۳	جانِ ما بر رُو ۲۱۴۱:۶
جان، سپر کُن ۳۱۷۰:۲	جان عاشق ۳۱۱۹:۳	جانِ ما چون ۲۱۴۲:۶
جان سر ۳۱۰۶:۴	جان عالم ۱۷۷۷:۵	جان مادر ۱۴۳۲:۶
جان سفر رفت ۲۲۶:۵	جانِ عریان ۳۵۲۳:۲	جانِ ما راهم ۳۴۲۲:۲
جان، سگِ ۳۳۲۳:۵	جان فدا کردن ۷۱۱:۵	جان ما، فارغ ۲۹۴۹:۳
جانِ سلطانانِ ۴۷۲۰:۳	جان فدا کردیم ۹۹۸:۱	جانِ ما مشغولِ ۲۲۰۴:۳
جان سنگین ۲۲۶۳:۵	جان، فدای تو ۳۶۱۳:۶	جانِ ما و جسمِ ۱۱۰:۵
جان سیه گشته ۱۷۳۲:۲	جان فدایِ خفتگانِ ۱۲۲۷:۳	جان، مجرد ۱۷۲۱:۵
جانش ار نقصانِ ۱۸۶۲:۴	جان فدایِ یارِ ۱۷۷۷:۱	جان مده، تا ۱۱۲۷:۲
جانش از درد ۳۳۶۵:۶	جانِ فرعونانِ ۲۴۸۹:۱	جان مردم ۲۴۸۴:۴
جانش از رفتن ۴۵۸۶:۳	جانِ فزا و دستگیر ۱۸۷:۶	جانِ مُرده یافت ۱۹۵۵:۱
جانِ شاگردانِ ۲۸۲۹:۱	جانِ فزایی ۳۷۰:۱:۳	جانِ مسکینم ۴۴۴۲:۳
جانِ شاگردش از او محوِ	جانِ فشان افتاد ۲۲۲۰:۱	جانِ مطلوبش ۴۰۴۲:۳
۲۸۳۳:۱	جان فشان، ای ۲۲۲۱:۱	جانِ من از رنج ۲۴۷۷:۲
جانِ شاگردش از او نحوی	جانِ قربت دیده ۲۸۹۳:۶	جانِ من باشد ۴۶۷۸:۳
۲۸۳۲:۱	جانِ قسمت ۳۲۹۶:۴	جان من بستان ۵۷۲:۶
جانشان از ناف ۶۵۰:۳	جان کز اصطربلاب ۱۹۰۴:۵	جانِ من چون ۳۷۹۴:۵
جانشان بخش ۴۱۱۲:۵	جانِ کُل با ۱۱۸۳:۲	جانِ من دید آن ۳۰۰۲:۲
جانشان در بحرِ ۱۷۱:۲	جان، کم است آن ۱۰۲۱:۱	جان من سهل است ۴۴:۱
جانشان شاگردِ ۲۶۷۴:۴	جان کمال است ۱۹۸۶:۱	جانِ من، عزمِ ۳۸۰۶:۳
جانش خندان ۳۱۰۹:۶	جان کورَش ۲۲۰:۱:۴	جانِ مَنْ کَانَ ۸۲۳:۵
جانش خوگر بود ۶۲۴:۳	جان که اندر ۲۸۳۱:۳	جان من کمتر ۱۸۴۸:۱
جانش را این ۷۴۴:۶	جان که او دنباله ۱۳۱۱:۴	جان من کُوره ۱۳۷۶:۲
جان شرع ۲۰۹۰:۶	جان که باشد ۱۶۸۰:۵	جانِ من لرزید ۱۲۶۵:۱
جانش رفت ۲۲۰۹:۱	جان که بی تو ۳۹۰۷:۱	جانِ من مستغرقِ ۱۰۸۴:۶
جانِ شرک ۳۲۹۵:۴	جان که فانی ۲۰۱۴:۵	جانِ من مست و ۹۴۹:۶
جانش گردد ۲۲۵۴:۶	جان که من ۴۶۷۹:۳	جانِ من نوبتگِه ۴۰۹۸:۳
جان شناسان ۳۱۹۱:۳	جان که یا بُشْرائِ ۶۷۴:۴	جانِ موسی او ۳۲۵:۱
جان شود ۲۵۲۲:۴	جان گرفت و بانگ ۳۳۳۴:۴	جانِ موسی طالب ۱۶۳۸:۴
جان شورِ ۲۲۴۲:۱	جانِ گُرگان ۴۱۴:۴	جان نادانان ۲۳۶۳:۶
جان شو، و از ۳۱۹۲:۳	جان گشاید ۱۵۴۶:۴	جان ناکرده ۲۶۰۸:۳
جانِ شیرانِ ۱۱۰۵:۳	جان لقمان ۱۹۶۵:۱	جان نامحرم ۴۶۸۰:۳
جانِ شیرین ۲۵۷۲:۲	جان ما آن ۸۴۹:۵	جان نباشد ۳۳۲۶:۲
جانِ صاحبِ ۳۵۹۰:۲	جان ما از جان ۳۳۲۷:۲	جان نیبوند ۴۱۷۳:۶
جانِ صافی ۱۵۱۶:۱	جانِ ما از وصلِ ۳۹۹۲:۶	جان نشد ناقص ۱۵۷:۶

جان نو آمد ۱۵۳:۶*	جاهل اربا ۱۴۲۴:۶	جبرئیل‌اگر شریفی ۳۸۰۷:۴
جان نهاده ۱۱۹۰:۴*	جاهل است ۲۷۴۸:۲	جبرئیلش ۹۶۴:۵
جان، نهان اندر ۳۳۰۹:۶	جاهلان، آخر ۱۶۲۲:۳*	جبرئیل صدق ۱۵۵۷:۵
جان و جسم ۹۴۸:۶*	جاهلان را کار ۶۳۸:۱*	جبرئیل عشقم ۱۹۹۸:۶
جان وحی آسای ۱۴۱۷:۴*	جاهلان محروم ۱۴۰۹:۵*	جبرئیل مؤتمن ۲۷۱۸:۵*
جان و دل را ۵۱۴:۱	جاهلانه جان ۱۴۰۴:۵*	جبرئیلی را ۳۹۹:۳
جانور فربه شود از ۲۹۱:۶*	جاهلست و اندرین ۴۶۷۳:۳	جبرئیلی گشت ۳۶۴۸:۶*
جانور فربه شود، لیک ۲۹۰:۶	جاهل و گیج ۳۰۳۲:۵*	جبر، باشد ۱۴۴۲:۶
جانورم، جان دارم ۲۶۲۵:۵*	جاهلی از عاجزی ۳۰۳۳:۵*	جبر بودی ۱۶۴۴:۴
جان و سرکز ۲۴۰۰:۱	جاهلی تو ۲۷۴۹:۲	جبر تو، انکار ۹۳۸:۱*
جان و سیر نام‌ها ۱۲۴۶:۱*	جاه و مال ۱۹۴۰:۵*	جبر تو، خفتن ۹۴۰:۱
جان و عقل من ۱۳۵۸:۲	جای آن بُو ۲۲۲۸:۴*	جبر، چه بُود؟ ۱۰۷۱:۱
جان و مال ۳۷۸:۲*	جای آن کُل ۲۷۱:۲*	جبر را از ۲۸۲۲:۲*
جان، وی است ۱۱۳:۶	جای ترکان ۳۷۷۹:۵*	جبر را ایشان ۱۴۶۶:۱
جان‌ها پیدا ۱۳۰۴:۲*	جای تغییرات ۳۷۸۸:۴	جبر را بگذاشتند ۹۳۳:۱*
جان‌ها در اصل ۱۵۹۸:۱	جای خرج است ۶۸۹:۲*	جبر، نعمت ۹۳۹:۱*
جان‌ها سر ۱۹۲۸:۱*	جای دخل است ۶۸۹:۲	جبر، و خفتن ۹۴۳:۱
جان‌ها مان ۱۶۳۸:۴	جای دور ۱۹۶۳:۲*	جبر، هم ۱۴۴۲:۶*
جان‌های انبیاء ۳۹۷۳:۳	جای دیگر خاک ۲۸۴۵:۶	جبری از تسبیح ۱۵۰۱:۳*
جان‌های بسته ۱۳۴۶:۱	جای دیگر رَو ۱۶۳۳:۳*	جبه را برد ۴۶۱:۶
جان‌های خلق ۹۲۵:۱	جای دیگر سود ۳۷۰۱:۵	جد تراو ۲۹۸۸:۴*
جان‌های مرده ۱۹۳۱:۱	جای را هموار ۳۳۵۶:۲	جد جد ۲۵۴۴:۵*
جان هر دُری ۲۱۴:۵	جای روح پاک ۳۵۹۴:۵	جد خطا ۱۶۹۷:۲*
جان هر مرغی ۸۳۸:۴	جای زاهد ۳۷۹۰:۲	جد را باید ۱۳۴۲:۵
جان همچون ۳۰۷۰:۴	جای سوز اندر ۱۱۶:۶	جد طلب آسیب ۳۷۹:۵
جان، همه روز ۴۱۱:۱	جای سیم‌رغان ۴۰۱۶:۶*	جد گود ۸۶۵:۲
جان همی افشاند ۱۱۶۰:۶*	جای گند و شهوتی ۱۲۳۰:۱*	جد و خویشان مان ۴۴۸:۶
جان همی بازند ۸۷۵:۶*	جای هر دو ۱۲۴۹:۴*	جدب آب‌ست ۴۳۹۹:۳
جان همی گفتش ۳۴۵۳:۵*	جبر آن ۱۴۶۵:۱*	جدب اجزا در ۱۷۵۶:۳*
جاوَزَ الاَوْهَامَ ۴۵۶۹:۶*	جبرئیل آمد ۳۷۷۰:۴*	جدب اجزا روح ۱۷۵۹:۳
جاه پندارید ۱۴۴۷:۴*	جبرئیل از سوی ۲۹۹:۵	جدب تو ۲۲۵۶:۳*
جاه، چون ۴۴:۵*	جبرئیل رَو ۴۲۱۶:۳	جدب جنسیت ۲۹۹۰:۶
جاه خود ۳۲۵۳:۶*	جبرئیل از بیم ۱۸۸۹:۴*	جدب حق او را ۴۵۹۷:۳*
جاهدوا عَنَّا ۲۳۵۸:۶*	جبرئیل سجده ۹۶۶:۵	جدب خیل ۷۱۸:۴*
جاهدوا فینا ۲۳۵۸:۶*	جبرئیل‌اگر چه ۴۲۱۷:۳	جدب سمع است ۱۶۵۶:۶

- جذبِ صادق ۱۳۲۱:۴
جذب صورت ۳۲۶۱:۵
جذبِ ما ۱۹۶:۳
جذبِ این ۴۴۳۰:۳
جذبِ باشد ۳۳۵۳:۶
جذبِ حَقست ۴۲۱۶:۵
جذب یزدان ۱۰۷۱:۶
جذب یک راهه ۲۰۴:۶
جراتِ او بر ۲۸۲۵:۵
جرات و جهلت ۳۷۶:۴
جراتی ۳۱۷۰:۵
جَرَح شد ۱۹۱:۵
جرعه‌ای بر ریختی ۳۷۲:۵
جرعه بر خاک وفا ۱۰۰۴:۵
جُرعه جُرعه ۳۸۹۱:۳
جُرعه حُسن‌ست ۳۷۴:۵
جرعه خاک ۳۷۵:۵
جرعه دیگر ۳۹۱:۵
جُرعه گوییش ۳۷۸:۵
جُرعه می ۲۶۸۳:۴
جرعه‌یی برخاک تیره ۱۶۳۲:۵
جرعه‌یی بر خَمَر ۳۸۰:۵
جرعه‌یی بر روی ۳۸۱:۵
جرعه‌یی بر زَر ۳۸۰:۵
جرعه‌یی بر عرش ۳۷۷:۵
جرعه‌یی بر گورتان ۴۲۹۰:۳
جرعه‌یی بر ماه ۳۷۷:۵
جرعه‌یی چون ۳۹۰:۵
جرعه‌یی زان ۳۴۴۷:۵
جَر کند ۱۹۵:۲
جرم آنکه ۹۸۲:۵
جرم او اینست ۹۵۷:۶
جرم بر خود ۴۲۷:۶
جرم پیدا ۱۸۱۱:۵
جرم خود را بر ۴۲۶:۶
- جرم خود را چون ۴۱۳:۶
جرم گردون ۱۵۰۴:۶
جرم‌ها ۲۳۰۴:۵
جرم یکساله ۳۲۵۷:۵
جَر و مَد و دخل ۳۳۳۴:۱
جَره‌ها پُر ۲۷۸۳:۶
جز از آن خَلّاق ۱۶۷۷:۵
جز از آن میوه ۱۶۳۶:۳
جز اشارت ۱۱۸۶:۵
جز امید ۳۰۹۲:۳
جز بدآن سلطان ۴۹۰:۵
جز بدان شاه ۱۶۷۵:۵
جز بدین ۲۴۹:۲
جز بر امر ۳۴۹۲:۶
جز بر امید ۳۰۸۱:۲
جز برای این ۲۹۹۶:۴
جز برای حق ۳۸۰۱:۵
جز برای یاری ۱۴۰۳:۳
جز بنادر ۱۸۸۴:۶
جز به آب ۲۰۹۳:۳
جز به آثار ۱۲۹۶:۲
جز به اندازه ۲۲۶۰:۳
جز به باد ۳۷۹۸:۱
جز به تدبیر ۴۰۷۳:۶
جز به حاجت ۳۲۷۸:۲
جز به خالق ۲۳۵۹:۳
جز به خصم ۳۲۹۲:۵
جز به خلوت گاه ۵۹۱:۲
جز به خواری در ۳۷۹۳:۳
جز به خواری ننگرد ۱۰۸۶:۶
جز به خواری و ۲۶۸۹:۵
جز به درد دل ۱۸۴۹:۲
جز به دزدی ۳۲۸۶:۲
جز به دست خود ۳۱۶:۴
جز به دستوری ۲۰۷۸:۳
- جز به دنیا ۴۵۲۴:۳
جز به رمز ۱۹۱:۶
جُز به زیر ۹۴۱:۱
جز به سلطان ۴۵۱۴:۶
جز به شب، جلوه ۱۸۴۹:۲
جز به ضد، ضد ۵۹۹:۵
جز به عدل ۲۵۴۴:۳
جز به عشق خویش ۴۴۲۲:۶
جز به عقل ۳۷۲۷:۴
جز به فرمان ۱۹۰۳:۳
جز به فضل ۳۸۱۷:۱
جز به کاری که ۱۲۸:۳
جز به مصنوعی ۵۶۸:۵
جز به مغز پاک ۵۴۹:۴
جز به مقراض ۳۰۶۶:۱
جز به نسبت ۳۹۷:۴
جز به نفخ ۳۲۰۴:۴
جز به وقفه ۸۳۵:۳
جز پذیرای ۱۲۹۵:۴
جُز پشیمانی ۴۸۷:۱
جز بی قصد ۳۰۰۰:۴
جز بی گنگل ۸۳۷:۶
جُز تبسم ۲۸۴۹:۲
جز تقاضای ۱۹۹۴:۱
جز توای شه ۱۸۱۹:۴
جز تو، پیش ۳۴۹۹:۴
جز تو دلّاکِی ۲۳۱۹:۵
جُز توکل ۴۶۸:۱
جز چنین خرّقه ۳۰۶۴:۶
جز حبیب ۱۳۱۴:۳
جُز حس حیوان ۶۶:۲
جز خدای بی نظیر ۴۲۴۶:۳
جُز خدای واحد ۱۰۴۵:۲
جز خسارت ۴۸۷:۱
جز خضوع ۱۳۲۳:۳

جز خیال و جز ۲: ۹۶۸#	جز سیه رویی ۲: ۱۲۶۳#	جز که خام ۵: ۳۸۲۴#
جز خیال وصلی ۵: ۲۸۰۳#	جز شباب ۴: ۲۵۷۹#	جز که درگاه ۵: ۱۴۵۰#
جز خیالی را ۶: ۴۰۱۷#	جز شکسته ۱: ۵۳۲#	جز که در لابه ۵: ۱۴۹۳#
جز خیالی عارضی ۳: ۳۷۷۵#	جز طیب ۱: ۱۴۶#	جز که زردی ۴: ۲۸۵۳#
جز خیالی مُعَقَّد ۵: ۱۵۵۵#	جز طریق ۵: ۲۶۹۲#	جز که سحر ۵: ۴۳۷#
جز خیالی نیست ۴: ۳۲۳۵#	جز طمع ۲: ۴۹۱#	جز که شمع ۳: ۱۳۱۲#
جز درین ویرانه ۴: ۱۳۳۱#	جز عبادت ۳: ۲۹۸۸#	جز که صاحب خوان ۵: ۱۷۵۷#
جز دوقی، تا درین ۳: ۱۹۲۳#	جز عصا ۳: ۱۱۷۸#	جز که صاحب ذوق ۱: ۲۷۶#
جز دلِ اسید ۲: ۱۵۹#	جز عطای ۲: ۱۶۱۷#	جز که صندوقی ۶: ۴۴۹۷#
جز دلِ محبوب ۶: ۴۲۷۷#	جز عمادالملک زنهارى ۶: ۳۳۶۵#	جز که طاعت ۱: ۶۲۶#
جز دلی دلتنگ تر ۶: ۲۳۲۹#	جز عمادالملک نامی ۴: ۲۹۳۶#	جز که طنز و تَسْخُر ۲: ۳۶۶۷#
جز دویی ۶: ۲۰۳۴#	جز عنایت ۳: ۸۳۸#	جز که طنز و جز ۱: ۸۶۹#
جز ذَکَر نه ۲: ۳۱۵۱#	جز غم و حسرت ۶: ۱۴۳۲#	جز که عفو ۵: ۴۰۹۴#
جز رَحِیق ۱: ۲۷۲۲#	جز غم و شادی ۱: ۱۷۹۳#	جز که کشتیان ۵: ۴۲۲۸#
جز روان ۴: ۵۸۵#	جز فروتنی ۶: ۱۲۰۴#	جز که گویی ۳: ۳۶۳۷#
جزر و مدّش ۶: ۳۳۲۳#	جز فساد ۲: ۱۸۰۶#	جز که لاأُخْصی ۴: ۳۷۱۰#
جز رَوْنده ۴: ۲۹۰۱#	جز فسون ۵: ۲۵۱۹#	جز که نادر ۳: ۵۹۱#
جز زاکرام ۲: ۲۴۵۰#	جز قرنفل ۵: ۲۴۷۴#	جز که نطق ۱: ۱۶۲۹#
جز زاهل ۵: ۱۰۰۰#	جز کسانی را ۶: ۳۶۲۳#	جز که نور ۳: ۳۷۱۸#
جز زبونِ رأی ۵: ۲۹۲۴#	جز کسانی که ۳: ۳۵۶۳#	جز که یزدانشان ۳: ۳۶۶۷#
جز زبون و جز ۱: ۳۹۱۷#	جز کسانی واقف ۳: ۴۵۸۳#	جز کیا و ۱: ۱۱۰۳#
جز ز تصریف ۶: ۳۶۷۶#	جز کسی، کاندَر ۳: ۴۷۲#	جز گلابه ۵: ۲۸۱۰#
جز ز دل، هم ۱: ۳۴۹۰#	جز کسی کز ۵: ۱۷۱۹#	جز لب ۳: ۲۳۲۶#
جز ز عکسِ ناقه ۲: ۲۹۸۸#	جز کسی که ۵: ۴۳۱#	جز محبت ۳: ۸۳۸#
جز ز عکسِ نخله ۵: ۲۸۰۶#	جز کنار ۴: ۲۱۵۳#	جز مر آنرا کو ۲: ۱۵۶۰#
جز زنی ۶: ۴۸۰۲#	جز که آزار ۵: ۱۸۰۷#	جز مر آنها ۳: ۸۳۷#
جز ز یک رو ۱: ۲۸۱۲#	جز که آن قسمت ۱: ۹۵۳#	جز مزیدِ حلم ۵: ۲۰۹۶#
جز سپیدی ۶: ۴۴۳۱#	جز که از بعد ۶: ۴۱۷۹#	جز مقام ۴: ۲۳۰#
جز سعادت ۳: ۱۴۰#	جز که این ره ۱: ۱۵۴۴#	جز مگر آن تیز ۵: ۳۶۹#
جز سلام ۳: ۳۳۶۰#	جز که بر ۱: ۳۳۲۸#	جز مگر آن صوفی ای ۲: ۵۳۳#
جز سلیمان ۵: ۱۴۴۲#	جز که تسلیم و رضا چاره ۶: ۱۹۵۰#	جز مگر آنها ۳: ۸۲۶#
جز سَمندر ۵: ۲۲۹#	جز که تسلیم و رضا کو ۶: ۵۷۷#	جز مگر آید ۵: ۲۱۹۴#
جز سَنابرق ۶: ۲۱۴۵#	جز که حیرانی ۱: ۳۱۲#	جز مگر از مگر ۲: ۲۰۵۷#
جز سوي خُسران ۵: ۲۴۶۲#		جز مگر بنده ۵: ۱۳۶۷#
جز سه کس که ۴: ۲۷۹۷#		جز مگر پیری ۲: ۳۱۰۰#

جز مگر داود ۳: ۲۵۶۱*	جُز و را از کُلّ خود ۲: ۲۵۸۱*	جُست سقا ۶: ۱۳۷۱*
جز مگر در جان ۶: ۳۶۰۵*	جُز و را بگذار ۳: ۹۸۸*	جَست عیسی ۱: ۲۷۸۹*
جز مگر دزدی ۵: ۳۱۶۰	جُز و، سَوِی کُلّ خود ۲: ۲۷۵	جُست قاضی ۶: ۴۴۷۷*
جز مگر کآن ۴: ۳۴۵۱*	جُز و، سَوِی کُلّ دوان ۶: ۲۰۸۹	جُستن از غیر ۴: ۱۹۷۴*
جز مگر مرغی که بُد ۴: ۸۶۰	جُز و شش از ۲: ۲۶۴۹	جُستن دفع ۳: ۱۸۸۱*
جز مگر مرغی که حزمش ۲۳۴:۳	جُز و شید و ابر ۳: ۴۱۸۵	جَستن کامست ۵: ۹۹۹*
جز مگر مستی ۲: ۵۸۱	جُز و وظیفه ۱: ۹۰۳	جُستنم آورد ۲: ۳۰۰۷*
جز مگر مفتاح ۶: ۱۰۳	جُز و عقل این ۴: ۳۶۴۳	جُستن مُهلت ۳: ۳۹۸۸
جز مگر نادر ۶: ۳۴۰۵	جُز و کُلّ، نئی ۱: ۲۹۰۵	جُستن یوسف ۳: ۹۸۲*
جز من بی مثل ۲: ۱۶۳۵*	جُز و ماند و آن ۶: ۱۷۹۹	جُست و جو کردند ۵: ۲۲۵۱*
جز من داهی ۴: ۳۱۶۶*	جُز و مرگ ار ۱: ۲۳۰۰	جُست و جَوِی آزموده ۴: ۱۱۶۷*
جز نظاره ۵: ۴۲۲۹	جُز و مرگ از خود ۱: ۲۲۹۸*	جُست و جَوِی اهل ۵: ۸۷۱*
جز نَفْعَت ۶: ۳۵۹۴	جُز و مقصودم ۳: ۱۴۱۶*	جُست و جَوِی چون ۲: ۳۶۴۹
جز نیاز و آو ۱: ۱۹۰۸*	جُز و نارم ۳: ۲۴۶۵	جُست و جَوِی از ۱: ۲۲۱۱
جز نیاز و جز ۳: ۲۷۸۲	جُز و ها بر ۶: ۱۴۹۸	جُست و جَوِی کرد ۲: ۸۶۷*
جزو آن کُلّ ۲: ۲۷۴۴*	جُز و ها را رویِها ۱: ۷۶۳	جَست هاما ۴: ۲۷۲۳*
جُز و از کُلّ ۳: ۱۹۳۶	جُز و ها را سوی ۱: ۸۷۵*	جُسته او عاقبت ۲: ۳۶۵۷*
جُز و ازین کُلّ ۳: ۱۹۳۹	جز همان جان ۳: ۴۶۸۰*	جَسته بیرون ۲: ۲۹۱۶*
جُز و او، بی او ۳: ۳۲۰۵	جز همان خاصیت ۶: ۲۹۱۳	جسم احمد ۴: ۳۷۹۱
جُز و ایشان چون ۱: ۱۲۹۰*	جز همین میلی ۴: ۳۶۴۰	جسم از جان ۴: ۱۸۸۱
جُز و بادی ۴: ۱۲۷	جز هوای تو ۶: ۴۴۱۲*	جسم او چون ۶: ۴۵۷۱*
جُز و باید ۶: ۲۲۵۶*	جُز و یکی رمز ۲: ۳۳۹۱*	جسم او همچون ۴: ۱۸۴۲
جُز و تو از ۱: ۲۰۵۳	جز یکی لقیه ۴: ۴۳	جسم بر درگاه ۶: ۷۹*
جُز و جُز و آبستن ۶: ۴۵۴۶	جَست از بیم ۳: ۴۸۰۴*	جسم پاکان ۱: ۲۰۰۰*
جُز و جُز و تا ۶: ۱۷۹۷	جَست از جا ۶: ۱۶۸۳*	جسم پیش ۴: ۱۸۸۰*
جُز و جُز و گفت ۳: ۳۲۰۵*	جَست از خواب ۳: ۱۸۵۶*	جسم تو جان ۲: ۲۹۸۲*
جُز و جُز و لشکر ۴: ۷۹۳	جَست از رِقّ ۶: ۲۷۶۷*	جسم تو که ۲: ۳۱۲۱
جُز و جُز و تو ۶: ۱۷۹۶*	جَست از سوی ۱: ۲۵۰	جِسم، جسمانه ۱: ۱۷۹۰*
جُز و جُز و خم ۱: ۲۸۶۸	جَست از صَفّ ۱: ۳۶۶۸*	جسم، جوی ۲: ۳۲۹۲*
جُز و جُز و را تو ۵: ۳۶۰۶	جُست اَلّاقی تا ۶: ۲۵۱۱*	جسم خاک از ۱: ۲۵
جُز و جُز و نمره ۶: ۴۶۴۸*	جَست او از ۶: ۱۱۸۹*	جسم خاكت ۱: ۲۶۶۴
جُز و جُز و ۳: ۳۸۹۷*	جُست او را ۱: ۱۴۱۲	جسم، خاکست ۴: ۳۴۹۱
جُز و خاکی ۶: ۲۶۹۸	جُست باید ۴: ۸۸۴*	جسم خاکی ۱: ۲۵۱۹
جُز و از کُلّ چرا ۳: ۱۹۳۵*	جُست بِنّا ۶: ۱۳۷۰	جسم خود بشناسد ۵: ۱۷۷۶
	جُست در خر ۵: ۲۸۷۳*	

جُفته اندازد ۱۱۵۱:۵	جسمیان را دِه ۴۶۷۱:۶*	جسم دیدند ۳۱۱۳:۲*
جُفته می‌انداخت ۱۵۶:۱*	جعفر طیار را ۲۵۶۵:۲	جسم را از رنج ۱۲۹۳:۴*
جُلُشِ اطلس ۱۰۵۳:۶*	جعفر طیار ز آن ۲۱۰۱:۴	جسم را با فَرِ ۸۸۱:۴*
جَلّٰ فینا ۱۳۹۲:۳*	جعفر عیار ۳۵۶۵:۲*	جسم را بر باد ۳۰۴۵:۶*
جلوه آری ۱۴۳:۶*	جغدِ بَد کِی ۱۱۱۶:۵*	جسم را نبود ۱۸۸۰:۴*
جلوه بیند ۱۴۳۶:۱	جغد چه بُود ۱۱۵۴:۲	جسم را هم ۲۸۸:۵*
جلوه کرده ۱۴۳۷:۱	جغد را ویرانه ۹۵۸:۶	جسم، سایه ۳۳۰۷:۶*
جلوه کردی ۱۴۱:۶	جُغد که بُود ۱۱۶۱:۲*	جسم سلطان ۱۰۳۰:۲*
جلوه گاه ۶۵۱:۵	جغد گفتا: ۱۱۴۲:۲	جسمشان چون ۴۵۴۶:۶*
جلوه گر خورشید ۳۶۴۹:۱*	جُغدها بر ۹۵۶:۶	جسمشان را ۸:۳*
جلوه گردد ۳۵۸۶:۴*	جغتِ آن گاوم ۲۴۷۸:۶	جسمشان، رقصان ۱۳۴۸:۱
جلوه ها دارند ۷۷۴:۳*	جغتِ آن گاوی کِش ۲۴۷۷:۶*	جسمشان مِشکات ۳۰۶۹:۶*
جمع آرزُشان ۱۱۵۸:۳*	جغتِ انصافم ۲۳۲۳:۱*	جسمشان معدود ۴۰۸:۴*
جمع آرم ۱۰۸۵:۳	جغتِ او ۳۵۱۸:۳	جسمِ ضخمی ۷۵:۵
جمع آمد خلق ۲۶۰:۴	جُغت باید بر ۲۳۰۹:۱	جسم، طبع ۵۳۳:۴*
جمع آمد رنجتان ۷۲:۳*	جغت باید، جغت ۳۰۹:۲*	جسم، ظاهر، روح ۳۲۵۳:۲
جمع آمد صد هزاران خام	جُغتِ بَد حالان ۵:۱*	جسم ظاهر عاقبت ۴۸۷۳:۶
۱۰۳۳:۳	جُغتِ تابش ۱۸۸۹:۶*	جسم عارف را ۵۴۸:۴*
جمع آمد صد هزاران ژاژ	جغت جغت ۴۴۰:۱:۳*	جسم، کِی اندر ۳۳۰۷:۶*
۱۰۳۶:۳	جُغت خواهم پورِ ۳۱۲۰:۴*	جسم گوید: من ۱۶۲۸:۶
جمع آمد لشکر ۳۶۲۲:۱*	جغت در، یک ۲۳۱۱:۱	جسم، لرزان ۹۲۹:۴*
جمع آید، بَر ۲۲۳:۳*	جُغت شد با آن ۳۸۶۱:۵*	جسم ما از جان ۱۹۸۰:۳*
جمع آید، نالئی ۳۸۹۴:۵*	جُغت شد با او، امانت ۸۸۳:۳	جسم ما جوز ۲۰۰:۲
جمع باید ۳۲۸۹:۴	جغت شد با او به ۳۸۹۱:۵	جسم ما روپوش ۸۲۳:۴
جمعشان دارد ۴۴۳۲:۳*	جغت شد در حبس ۲۳۸۰:۶*	جسم ما مر ۳۹۰۳:۱*
جمع شد، تا کور ۳۳۷۱:۲*	جغتِ شیرِ بیشه ۲۳۱۱:۱*	جسم ماند ۹۷۴:۶*
جمع شد در چهره ۸۱۰:۱*	جغت، طاقِ آید ۱۰۴۵:۱*	جسم مجنون ۱۹۹۹:۵
جمع صورت ۱۳۹۳:۳	جغت کرد آن هر ۲۰۰:۱*	جسمِ موسی ۸۶۸:۱*
جمع ضدّین ۱۳۹۵:۳*	جُغت کردن ۹۵۲:۲	جسم و جان و هر ۲۳۹۷:۱
جمع فرزندانِ ۱۴۷۹:۵*	جُغت کردیم ۲۸۷۴:۳	جسم و حاجت ۱۷۳۵:۲*
جمع کن خود ۳۲۹۴:۴	جُغت گشته ۱۵۹:۴	جسم و عقل ۳۲۲۴:۴*
جمع گردد ۱۹۵۷:۵	جُغتِ مایی ۲۳۰۸:۱	جسم و مالِ ۳۳۴۰:۳*
جمع گشتند آن ۱۳۵۷:۱	جُغت می‌آید ۲۸۷۵:۳*	جسم‌ها چون ۶۵۰:۶*
جمع گشتندی ۲۹۹:۳	جغت و فرزندانِ ۳۳۱۹:۱	جسم‌ها در پیشِ ۵۹۰:۱*
جمع گشته ۲۵۲۰:۶	جغت و همراه ۱۱۶۹:۱*	جسم، همچون ۳۲۵۳:۲*

- جمع گشتی چند ۳۰۴۶:۶
جمع گفتم ۴۱۵:۴
جمع مرغان کز ۳۷۴۹:۲
جمع مرغان هر یکی ۲۳۸۶:۶
جمع معنی ۳۰۴۴:۶
جمع می آید ۱۲۱۳:۵
جمع می نآید ۳۸۳:۱
جُمعه را کردند ۴۲۲:۳
جُمعه شرطست ۴۸۰:۶
جملگان از بام ۱۶۱۱:۵
جملگان از جنبشش ۱۰۴۵:۳
جملگان بر بام ۱۶۱۰:۵
جملگان بر سنت ۱۹۵۵:۵
جملگان چون ۳۰۵:۳
جملگان دانند ۲۴۸۴:۶
جملگان کیسه ۱۱۸۰:۴
جملگان گشتند ۱۶۰۰:۳
جُمَلگان لا حَوْلَ گو ۲۶۰:۴
جملگی آوازاها ۱۶۱۴:۵
جملگی او بر ۳۶۹۷:۶
جملگی بر خواب ۴۲۷:۴
جُمَلگی بگریختند ۱۴۵۶:۲
جملگی پیدا ۳۹۷۴:۵
جملگی طومارها ۶۶۰:۱
جملگی یک رنگ ۱۸۶۲:۶
جمله آن توست ۷۵۵:۴
جمله اجزاء در ۴۶۴:۳
جمله اجزای تنش ۷۵۰:۳
جمله اجزای جهان پیش ۸۶۰:۶
جمله اجزای جهان را ۹۶۹:۲
جمله اجزای جهان زان ۴۴۰:۱۳
جمله آجزایش ۱۶۵۵:۶
- جمله احوالت ۴۶۶۱:۶
جمله ادراکات بر ۳۷۲۱:۳
جمله ادراکات پس ۳۷۲۰:۳
جمله ادراکات را ۳۷۲۳:۳
جمله ارکان را ۴۰۳۵:۵
جمله ارواح ۴۰۰:۴
جمله از نقصان ۱۵۴۰:۲
جمله اُستادان ۱۴۶۸:۶
جمله اُستادند ۱۵۴۷:۳
جمله اسرائیلیان ۹۳۹:۳
جمله اُشیاح ۴۰۰:۴
جمله اُطباق ۳۳۳۹:۱
جمله اعیان ۲۶۸۸:۵
جمله افتادند ۹۵۴:۱
جمله اقلیم ها ۲۳۷۶:۴
جُمْلَةُ التَّدْبِيرِ ۲۹۴:۵
جمله اندر ۴۱۵۴:۶
جمله انسان ۳۳۰۹:۱
جمله اهل بیت ۷۹:۵
جمله اهل محکمه ۶۴۶:۲
جمله این سویی ۷۱۶:۳
جمله با خرگور ۵۱۱:۳
جُمْلَه با شمشیر ۳۴۳۶:۱
جمله بالا ۳۴۰۴:۵
جمله با وی ۹۴۸:۱
جمله بر ترتیب ۲۸۲۳:۴
جمله برخیزید ۲۴۴۳:۳
جمله بر فهرست ۱۵۶۹:۴
جمله بنشستند ۲۱۹۱:۶
جمله بهر نقد ۲۹۶۴:۲
جمله بی معنی ۳۴۳۵:۱
جمله، پاکی ها ۱۸۸۱:۵
جمله پَرندگان ۱۱۷۴:۴
جمله پستی ۳۴۰۴:۵
جمله تصویرات ۳۱۸۳:۶
- جمله تلوین ها ۲۰۷۴:۳
جمله تمثال ۳۶۳۶:۶
جمله جاسوسان ۴۴۶۸:۶
جمله جانِ مُطَلَّق ۲۰۰۱:۱
جمله جان هاماں ۱۸۵۲:۱
جمله جان های ۳۵۱۵:۱
جمله جُستی ۴۲۸:۵
جمله جمع اند ۱۵۹۳:۶
جمله جُوها ۷۲:۵
جمله چشم ۳۹۲۲:۵
جمله حَجَّت ها ۲۴۶۷:۵
جمله حِرْفَت ها ۱۲۹۷:۴
جُمْلَه حِس ها را در ۳۲۴۵:۲
جمله حس های ۴۳۱:۴
جمله، جمله ۳۷۲۶:۳
جمله حیوانات ۳۳۱۱:۱
جمله حیوان را ۲۳۰۹:۱
جمله خاصیت ۲۸۲۲:۶
جمله خَلْقان، سُخْرَه ۳۵۵۹:۲
جمله خَلْقان، مُردَه ۱۷۳۶:۱
جمله خَلْقان، مست ۱۷۳۷:۱
جمله خَلْقان منتظر ۳۹۱۷:۳
جمله خواهانش ۱۴۸:۴
جمله خوش ها ۲۸۳۳:۵
جمله خُوها ۱۸۵۰:۴
جمله دانایان ۷۱۷:۱
جمله دانسته ۲۲۶:۶
جمله دانند ۴۷۸۵:۳
جمله در اِنعام ۲۱۰۳:۶
جمله در ایزای ۱۳۳۸:۶
جمله در بازار ۴۱۰۵:۳
جمله در تشویش ۲۵۲۷:۶
جمله در خشکی ۵۶۳:۱
جمله در زنجیر ۴۵۸۲:۳
جمله در قَعده ۲۰۵۴:۳

- جمله در لَا یَنْفَعُ ۱: ۳۴۳۶*
 جمله در میدان ۳: ۸۷۰*
 جمله دریا گوهر ۲: ۸۵۰*
 جمله دریاها ۳: ۹۶۸*
 جمله دنیا را ۶: ۱۶۴۰*
 جمله دیدند ۳: ۲۸۲۶*
 جمله ذرات در ۲: ۱۳۹۷*
 جمله ذرات زمین ۴: ۷۸۳*
 جمله ذرات ۴: ۸۰۹*
 جمله ذل او ۶: ۴۳۵۲*
 جمله را آملای ۴: ۱۱۴۷*
 جمله را با ۳: ۱۸۴۳*
 جمله را بیرید ۳: ۱۶۸۰*
 جمله را بینی ۴: ۱۴۵*
 جمله را جستند ۲: ۳۴۷۹*
 جمله را جستیم پیش ۵: ۲۷۳*
 جمله را جستیم نتوانی
 ۲: ۳۴۸۱*
 جمله را چون ۱: ۳۵۲۶*
 جمله را حمال ۶: ۳۲۵*
 جمله را خاصیت ۶: ۲۶۵۰*
 جمله را خورد ۶: ۴۲۰۶*
 جمله را در داد ۱: ۳۹۷*
 جمله را در صورت ۱: ۳۹۸*
 جمله را رزاق ۵: ۲۳۹۱*
 جمله را رو ۶: ۲۴۱۹*
 جمله را ز آن جای ۶: ۴۳۷۶*
 جمله را ز آن مشک ۳: ۳۱۴۶*
 جمله راضی ۲: ۲۱۱*
 جمله را گویم ۵: ۳۲۱۱*
 جمله را وعده ۱: ۱۵۵۰*
 جمله راه، استخوان ۳: ۸۳۳*
 جمله را هم باز ۶: ۴۷۰۸*
 جمله رنجوران ۶: ۴۵۹۸*
 جمله رنجورش ۲: ۲۴۵*
 جمله رندان چونکه ۳: ۳۲۹۷*
 جمله رندان نزد ۲: ۳۴۲۰*
 جمله روپوش است ۶: ۴۷۱۰*
 جمله ره ۶: ۴۳۳۷*
 جمله زشتی ها ۲: ۲۴۵۰*
 جمله سرسبزند ۴: ۱۷۶۹*
 جمله سرهاشان ۵: ۴۱۸۹*
 جمله سرهای ۶: ۳۸۹۸*
 جمله سوي طور ۶: ۲۴۴۴*
 جمله شان از ۳: ۲۲۰۷*
 جمله شان گشته ۱: ۳۴۳۷*
 جمله شاهان، بنده ۱: ۱۷۳۶*
 جمله شاهان پست ۱: ۱۷۳۵*
 جمله شب او همچو ۳: ۸۹۷*
 جمله شب با روي ۶: ۲۸۵۸*
 جمله شبها پیش ۶: ۸۵۴*
 جمله شهرستانان ۳: ۸۷*
 جمله شیر ۴: ۱۰۵۳*
 جمله صحرا را ۵: ۲۸۵۶*
 جمله صحرا فوق ۶: ۱۳۸۰*
 جمله صحرا مار ۴: ۱۴۴۳*
 جمله صورت ها درو
 ۴: ۲۴۷۸*
 جمله ظاهرها ۶: ۲۰۸۱*
 جمله ظل صورت ۶: ۳۷۲۸*
 جمله عالم آکل ۳: ۳۰*
 جمله عالم ازو ۴: ۸۳۸*
 جمله عالم خود عرض ۲: ۹۷۶*
 جمله عالم خود مستبح ۳: ۳۲۸۹*
 جمله عالم در ۱: ۱۲۵۳*
 جمله عالم را، بخوان
 ۱: ۲۴۹۶*
 جمله عالم را مسخر ۴: ۲۷۲۶*
 جمله عالم را نشان ۶: ۳۹۰۰*
 جمله عالم زاختیار ۶: ۲۲۴*
 جمله عالم زان ۱: ۱۷۶۳*
 جمله عالم زین سبب ۱: ۲۶۴*
 جمله عالم زین غلط ۶: ۸۲۲*
 جمله عالم، شرق ۳: ۴۷۹۸*
 جمله عالم صورت ۱: ۱۰۳۰*
 جمله عالم گر ۴: ۲۳۸۷*
 جمله عالم مؤخر ۵: ۱۰۸*
 جمله غمازان ۵: ۳۱۴۹*
 جمله فرزنداناش ۶: ۲۹۷۷*
 جمله فرزین بندها ۲: ۲۵۱۵*
 جمله فرع ۵: ۳۵۷۵*
 جمله فسق ۵: ۲۱۵۳*
 جمله قرآن امر ۵: ۳۰۲۶*
 جمله قرآن شرح ۶: ۴۸۶۲*
 جمله قرآن هست ۳: ۲۵۲۰*
 جمله قربانند ۵: ۲۱۸۴*
 جمله قصد ۳: ۲۷۸۰*
 جمله کفار ۶: ۱۵۳۱*
 جمله کف ها ۶: ۲۴۴۵*
 جمله کوران را ۲: ۱۱۲۶*
 جمله کوران مرده ۱: ۲۱۳۳*
 جمله گر مُردند ۳: ۱۸۱۸*
 جمله گفتند ای حکیم با ۱: ۹۰۸*
 جمله گفتند: ای حکیم رخنه
 ۱: ۵۷۸*
 جمله گفتند: ای شغالک ۳: ۷۲۵*
 جمله گفتند ای وزیر! ۱: ۵۹۵*
 جمله گفتندش که تدبیری
 ۳: ۸۴۴*
 جمله گفتندش که جانبازی
 ۱: ۴۶*
 جمله گفتندش: میندیش
 ۶: ۲۷۵۲*
 جمله گویندت ۱: ۱۸۷۱*
 جمله لذات ۶: ۴۰۹۴*

جمله لَّه ام ۳۸۰۵:۱*	جمله هستی ها ۱۱۱۶:۲*	جنسِ آبست ۳۵۹۵:۲*
جمله ماضی ها ۲۲۲۴:۵	جمله هفتاد و دو ۳۲۸۸:۱	جنس از ناجنس ۱۵۰۵:۳
جمله مالِ خویش ۲۴۲۵:۳*	جمله یک باشند ۶۳۲:۶*	جنسِ این ۳۱۸۶:۶*
جمله ما و من ۳۱۳۸:۱	جمله یک چیز ۳۶۶۹:۶*	جنس بر جنس ۲۶۶۵:۴*
جمله ما یُؤفکُ ۲۹۰۲:۱*	جمله یک رنگ اند ۴۷۰۹:۶*	جنسِ تن ۲۶۷۳:۴*
جمله محتاجان ۲۰۱۹:۴*	جمله یک یک ۴۰۵۲:۵*	جنسِ تو ۲۱۰:۲*
جمله محروم ۲۷۴۰:۳	جُنُبِ آن ۱۹۰۱:۳*	جنس چیزی ۶۲:۳
جمله مَحوند ۴۳۳:۴*	جنُبِش از ۴۱۵:۶*	جنسِ حیوان هم ۳۷۷۵:۲*
جمله مرغانِ آب ۱۸۷۷:۶	جنُبِش او ۱۸۷۲:۴	جنسِ خود، خوش ۲۶۶۶:۴*
جمله مرغان، ترک کرده چیک	جنُبِش اهل ۲۹۴:۴	جنسِ خود را هر ۲۹۰۰:۶*
چیک ۱۲۰۴:۱	جنُبِش این جزو باد ۱۲۸:۴	جنسِ دل شو ۹۰۲:۵*
جمله مرغان، ترک کرده چیک	جُنُبِش این سایه ۳۶۴۳:۴*	جنس را با جنسِ ۲۸۰:۲*
چیک ۲۶۵۸:۶	جنُبِش باد ۱۲۹:۴	جنس را بین ۲۵۸۲:۲
جمله مرغان منازع ۳۷۴۳:۲	جنُبِش برگت ۱۲۹۷:۶*	جنس، سوی ۲۶۵۶:۴
جمله مرغان هر یکی ۱۲۰۹:۱	جُنُبِش جُفتی ۹۶۴:۲*	جنس شاه است ۱۱۴۸:۲
جمله مستان را ۳۵۶۷:۵*	جنُبِش خلق ۳۰۷۹:۳	جنسِ ما چون ۱۱۷۳:۲
جمله مَطْوِی ۱۱۷۸:۴*	جُنُبِشش چون ۱۴۳۰:۴*	جنس مایی ۴۴۲۲:۳
جمله معشوق است ۳۰:۱	جنُبِش فانیم ۱۰۶۲:۴	جنس و ناجنس ۲۹۷۱:۶
جمله معشوقان ۱۷۳۹:۱*	جنُبِش کف ها ۱۲۷۱:۳	جنس ها با ۲۸۱:۲
جمله مفروران ۱۳۶۸:۴	جنُبِشم اکنون ۱۰۶۱:۴*	جنگِ او ۴۰:۶*
جمله مقلوب است ۲۸۵۸:۲*	جنُبِش ما، هر دمی ۳۳۱۶:۵	جنگِ پیغمبر ۳۸۶۶:۱
جمله مهمانان ۳۱۱۴:۳	جُنُبِشم باقی ست ۱۰۶۲:۴*	جنگ حَقّالان ۱۸۳۵:۲
جمله می پیچید ۹۶۱:۳*	جنُبِشم زین ۱۰۶۱:۴	جنگ خلقان ۳۴۳۵:۱
جمله می گفتند ۲۰۲۰:۳*	جنُبِشِ مِس ۳۲۵۶:۲*	جنگش اکنون ۴۱:۶*
جمله می گویند ۴۱۴۵:۶	جنُبِش و آرامش ۳۸۰۱:۵	جنگشان ۱۵۰۴:۳*
جمله می ها ۳۴۲۱:۲*	جنُبِش و آمد شد ۲۳۸۶:۵	جنگِ طبعی ۴۶:۶
جمله ناخوش از ۲۸۳۳:۵	جنُبِش هر ۱۳۲۱:۴	جنگِ فعلیشان ۳۸:۶*
جمله ناخوش گشت ۲۶۷۹:۳*	جنُبِشی اندک ۳۱۸۰:۱	جنگِ فعلی هست ۳۹:۶
جمله ناخوش ها ۱۵۷۳:۱*	جنُبِشی بایست ۳۰۴۵:۴	جنگِ کردی ۱۳۹۳:۶*
جمله نالان پیش ۱۱۷۱:۴*	جنُبِشی بینی ۳۲۵۵:۲	جنگِ کس ۴۵۰:۴*
جمله نخچیران ۲۷۳۹:۳*	جَنّت است، ار چه ۳۸۱۱:۳*	جنگِ ما و صلح ما ۴۵:۶
جمله نعمت ها ۴۱۷۳:۳*	جَنّت است و گُلِستان ۵۷۸:۳*	جنگ می کردند ۳۷۵۵:۳
جمله نودوزان ۳۳۵۲:۴*	جَنّتُ المَآوِی ۳۳۴:۶*	جنگ و یُهتان ۷۵۳:۱*
جمله واگویم ۳۱۸۶:۳*	جَنّتان و اِنّستان ۴۲۴۳:۳	جنگ ها بین ۶۴:۶
جمله هستی ۱۸۸۰:۵*	جَنّتِ بنمود ۱۰۸۹:۶*	جنگ ها کرده ۳۷۴۰:۵

- جنگ‌ها می‌آشتی ۹۹۳:۳
جنگ‌های خلق ۹۸۹:۳
جَنِّ و انس ۱۱۱۴:۴
جَنَّةٌ مِنْ ۱:۲۶۵۶
جَنِّ از نارست ۳۹۸۱:۵
جَنِّ است از نار ۲۴۰۶:۴
جَوَّجَوِ ۳۲۹۰:۴
جوحی آمد ۴۵۶۰:۶
جوحی هر سالی ۴۴۴۹:۶
جُود جمله ۸۹۷:۲
جُود، محتاج ۲۷۴۴:۱
جود می‌جوید ۲۷۴۵:۱
جورِ دُوران ۱۷۵۶:۶
جورِ کفر نوحیان ۲۰۴۳:۶
جَوْر می‌کش ۳۴۷۵:۲
جور و احسان ۱۸۰۶:۱
جَو رها کردم، کم از اخراج ۶۷۳:۲
جَو رها کردم، کم از یک مشت ۲۳۷:۲
جوزِ بوسیدست گفتار ۲۲۶:۳
جوزِ بوسیده‌ست ۳۴۷۱:۶
جوز را در ۲۱۴۴:۵
جَوَز را و لَوَز ۱۱۷۹:۵
جَوَزها بسیار ۳۳۹۵:۲
جوزها بشکست ۷۰۶:۱
جوزها، خود ۷۴۷:۴
جو سوي گندم ۲۹۵۸:۶
جوشِ أَحَبِّتُ ۶۹۸:۶
جوش دادن ۱۸۲۰:۲
جوش ده آن ۱۹۹۹:۶
جوشِ دیگر ۴۲۰۸:۳
جوشش خون ۲۴۹۱:۳
جوششِ عشق است ۱۰:۱
جوششِ عشق‌ست ۳۶۷۷:۳
- جوششِ فکرت ۳۹۹۰:۱
جوشش و افزونی ۳۵۷۴:۶
جوشِ صدق ۴۷۷۶:۳
جوش کرد آن ۳۹۱:۵
جوش کردی گرم ۴۷۶۰:۳
جوشِ مُل دیدی ۱۹۰۰:۱
جوشِ موجش ۷۲۰:۴
جوش نطق از ۲۶۳۸:۶
جوش و نوش ۴۷۷۶:۳
جوع ازین روی ۳۰۳۴:۳
جوع، خود سلطان ۲۸۳۲:۵
جوع در جان نه ۲۸۳۲:۵
جوع، رزق ۲۸۴۶:۵
جوع مر خاصان ۲۸۳۸:۵
جوع و ضعف ۱۶۷۵:۳
جوع، هر چلف ۲۸۳۹:۵
جوع یوسف ۳۰۳۵:۳
جو فرو بر ۴۳۰۵:۳
جُو فطام ۱۲۸۵:۳
جوق پروانه ۳۴۲:۵
جَوَق جَوَقِ اسپاه ۲۷۸۲:۶
جوق جوق و ۴۳۳:۵
جوق جوقی ۳۰۲:۳
جَوَقِ کوران ۱۴۷۰:۴
جوق مرغان ۳۹۵۳:۳
جَوَکجا، از ۲۳۶۳:۵
جَوَلَقِی ۵۹:۱
جوهر آن باشد ۸۰۸:۴
جوهرِ آهن ۱۰۱۴:۳
جوهر انسان ۱۸۷۵:۶
جوهرِ خود را نبینی ۲۶۵:۲
جوهرِ خود گُم مکن ۳۰۲۹:۴
جوهرست انسان ۳۵۷۵:۵
جوهر صدقت ۳۰۳۰:۴
جوهرِ فرزند ۹۵۱:۲
- جوهرِ کَره ۹۵۲:۲
جوهر و أعراض ۲۱۱۰:۱
جوهری چون ۳۵۷۷:۵
جوهری داری ۹۴۵:۲
جوهری ز آن ۹۵۴:۲
جـوهری، زربـخشـی ۳۴۴۰:۵
جوی، آن جوی ۳۳۲۸:۶
جويِ جیحون ۲۷۱۶:۱
جُويِ خَمَر ۱۶۲۹:۵
جوی، خود ۳۲۲۱:۱
جوی دیدی ۳۹۱۲:۳
جويِ شیرِ خُلد ۳۴۶۱:۳
جُويِ شیر و ۱۶۲۹:۵
جویکی کوچک ۳۵۰۷:۳
جوی‌های نفس ۳۲۲۰:۱
جهد بنماید ۱۸۰۶:۳
جهد بی‌توفیق ۸۳۹:۳
جهد پیغمبر ۳۹۴۸:۱
جهد، جَز ۹۵۵:۱
جهد، حق است ۹۹۱:۱
جهد را خوف ۳۸۳۹:۶
جهد فرعونی ۸۴۰:۳
جهد کُن، باشد ۲۵۷۵:۵
جهد کن تا از تو او ۳۶۹۹:۵
جَهْد کُن تا از تو حکمت ۳۲۰۱:۲
جهد کن تا این خیال ۹۲۴:۵
جهد کن تا این طلب ۷۳۵:۵
جهد کن تا پیر ۱۷۸:۴
جهد کن تا جان ۸۲۶:۵
جهد کن تا سنگی‌ات ۰۳۹:۵
جهد کن تا صد ۶۸۹:۱
جهد کن تا گرددت ۴۶۶۴:۶
جهد کن تا مزد ۴۵۸۹:۳

جهد کن تا مست ۲۴۸۵:۵	چار جُو در ۱۶۲۸:۵	چاره آنجا بود ۲۱۶۷:۳
جهد کن تا نور ۴۵۸۴:۳	چار جُو هم ۳۴۶۴:۳	چاره آن دل ۱۵۳۷:۵
جهد کن چندانکه ۳۰۸۲:۳	چارجوی جَنّت ۲۵۶۰:۱	چاره، آن مکر ۳۴۲:۱
جهد کن، در ۳۲۱۸:۴	چارچشمی ۱۱۱۵:۵	چاره، احسان ۲۵۹۰:۶
جهد کن، رنگِ ۲۹۸۵:۱	چارچوب ۲۲۴۹:۶	چاره‌اش است ۳۰۷۳:۲
جهد کن، سوی دل ۱۱۰۳:۵	چار دشمن ۳۶۹۰:۲	چاره اکنون ۵:۵
جهد کن کز جام ۳۱۰۵:۵	چارصد دینار ۴۲۸:۲	چاره او را ۳۱۵۶:۴
جهد کن کز گوش ۳۹۲۰:۵	چارطبع و علت ۱۶۲۵:۲	چاره دفع ۲۵۹۰:۶
جهد می‌کرد ۳۹۴۹:۵	چار عنصر، چار ۴۸:۶	چاره ساحر ۱۱۸۸:۳
جهد می‌کُن ۹۷۵:۱	چار عنصر نیز ۱۱۹۳:۵	چاره کرباس ۲۹۲۴:۵
جهد ها کردید ۲۵۶۰:۲	چارق او پوشد ۱۷۳۶:۲	چاره می‌جوید ۴۱۵۴:۳
جهد های انبیا ۹۷۱:۱	چارق اینجا ۲۰۷۰:۵	چاره نبوّد بر ۶۷۰:۱
جهل آید ۱۶۱۲:۱	چارقت این ست ۱۸۵۸:۵	چاره نبود هر ۱۱۹:۴
جهل او شد ۳۵۸۰:۲	چارقت دوزم، بـبوسم	چار هندو ۳۰۲۷:۲
جهل او مر علم ها ۴۶۷۶:۳	۳۳۲۱:۵	چاره ها کردیم ۴۴۸۱:۳
جهل باشد ۱۴۰۴:۳	چارقت دوزم، کنم ۱۷۲۱:۲	چاره یی بر وی ۲۵۹۴:۳
جهل تر سا ۱۴۰۱:۲	چارقت دوزم من ۱۰۹۲:۶	چاره یی سازند ۱۷۷۳:۶
جهل را بی علتی ۲۷۵۲:۲	چارقت رُبّع ۳۲۵۶:۵	چاره یی می‌باید ۱۱۷۰:۳
جهل شد علمی ۱۶۱۲:۱	چارقت نُطفه ۲۱۱۵:۵	چاشت خوردت ۳۱۰۵:۱
جهل و غفلت ۱۶۴۵:۱	چارق و پاتابه ۱۷۳۰:۲	چاشنگه بیرون ۳۰۱:۳
جنت اقرب ۶۶۸:۶	چارقی بذریده ۲۰۶۹:۵	چاش گل ۱۸۲۷:۶
جیفه بینی ۳۲۱۶:۴	چارکس بردند ۳۳۸۰:۳	چاشنی ای دان ۳۱۸۶:۱
جیفه اللَّیل ۲۰۶۲:۶	چارکس را ۳۶۸۱:۲	چاشنی تلخی اش ۱۸۳۱:۴
جیم گوش و عین ۳۶۹:۶	چار مرغ معنوی ۴۰:۵	چاشنی گیر ۲۷۵۵:۲
	چار مرغند ۴۴۲۸:۳	چاک حمق ۲۲۶۵:۴
	چارمیخت ۲۷۵۸:۲	چاکرانت ۱۲۰۶:۳
چ		
چابک ۱۷۲۶:۳	چارمیخ حاسدی ۱۷۰۷:۴	چاکرت شاها ۹۸۰:۲
چاپلوس ۲۷۴۳:۴	چارمیخ شه ۱۷۰۷:۴	چاکری خواهند ۳۶۰۶:۳
چاپلوس و زرق ۲۵۷۲:۶	چار میخ عقل ۳۰:۵	چاکری و ۲۵۷۳:۲
چاپلوس و لفظ ۲۵۸۴:۲	چارمیخ معده ۱۷۴۵:۵	چالیش است آن ۳۷۷۶:۵
چاپلوسی کرده ۸۳۱:۱	چارمیخ و هیبت دار ۳۴۹۶:۶	چالیش و پیکار ۲۱۵۶:۶
چادر خود ۱۸۶:۴	چارمین جلدست ۳۹:۴	چاه بابل ۲۴۶۹:۲
چادر و سربند ۲۲۳۳:۵	چار وصف تن ۳۳:۵	چاه را تو ۳۶۹۵:۶
چاربارہ ۱۴۷۸:۵	چار وصف ست ۳۰:۵	چاه شد بر ۲۳۴۲:۳
چار یا را ۵۷۹:۱	چاره آن باشد ۷۸:۲	چاه مظلم ۱۳۰۹:۱

چشم او مانده ست ۲۷۸۵:۲	چرکن و آلوده ۳:۱۱۱۲	چاه مغ را ۱:۱۱۸۴
چشم او من ۴:۷۹	چُست در دُزد و ۶:۱۶۴۱	چاه می بینی ۳:۱۶۴۶
چشم او یَنْظُرُ ۲:۱۵۸۰	چشم آخرین بیست ۲:۱۵۶۸	چاه ناکنده ۵:۲۰۴۵
چشم این زندانیان ۴:۲۰۴۳	چشم آخرینت را ۴:۳۳۷۰	چاه و خندق ۳:۸۰۷
چشم، باری ۳:۲۸۲۳	چشم آخرین تواند ۱:۲۵۸۳	چاه‌ها کنده ۶:۳۶۸۶
چشم باز آر ۲:۸۶	چشمِ آخرین غرورست	چپ مرو ۲:۴۴۹
چشمِ بازش راست‌بین	۱:۲۵۸۳	چربش اینجا ۳:۲۹۷
۳۳۹۶:۶	چشمِ آخرین، گشاد	چُرَبکی می گفت ۶:۱۲۵۵
چشم بازش سخت ۶:۲۸۰۸	۲:۱۵۶۸	چرب می کردی ۳:۷۶۱
چشم باز و گوش باز و این	چشمِ آدم ۱:۱۲۴۶	چرب و شیرین ۵:۹۴۷
۳:۱۱۰۹	چشم، آن باشد ۱:۲۰۲۶	چرب و نوش ۳:۲۱۹
چشم باز و گوش باز و دام	چشمِ آن پایان نگر ۶:۳۴۷۳	چرخ آن چرخ است ۶:۳۳۲۸
۳:۱۶۴۹	چشم ابلیسانه ۳:۲۳۰۰	چرخِ اخْضَرُ ۱:۲۸۲۰
چشم باشد اصل ۳:۲۰۸۹	چشم احمد ۱:۲۶۸۸	چرخ، بازی ۲:۳۴۵
چشم بدبخت ۶:۱۰۴۹	چشم احوال ۴:۲۳۹۵	چرخ، بر خوانده ۳:۴۷۱۸
چشم بد را چشم نیکو می کند	چشم از اوّل بند ۶:۱۳۶۰	چرخ، پانصد ۴:۵۱۶
۶:۲۸۰۷	چشم از معنی ۲:۱۰۹۰	چرخ چارم ۵:۲۵۴۸
چشم بد را چشم نیکویت	چشم ازین آب ۶:۳۲۳۸	چرخ در گردش ۱:۱۸۱۱
۶:۲۸۰۶	چشم ازین دیده ۴:۳۱۴۰	چرخ را چرخ ۶:۳۹۳۷
چشم بد را لا کند ۵:۵۱۳	چشم اسب از ۲:۱۲۸۸	چرخ را در خدمتش ۴:۱۰۳۱
چشم بد محصول ۵:۵۱۴	چشم اسبان ۲:۱۲۸۹	چرخ را در زیر پا ۲:۱۹۴۲
چشم بد یا گوش ۶:۱۹۳	چشم اُشتر ۴:۳۳۷۶	چرخ را گویم ۲:۱۶۲۹
چشم بر اسباب ۳:۲۵۱۵	چشم افتد ۶:۲۵۷۹	چرخ را معنیش ۱:۳۳۳۰
چشم بر خورشید ۳:۳۸۵۵	چشم اگر داری ۳:۲۷۶	چرخ سرگردان ۱:۱۲۸۷
چشم بسته، بیهده ۵:۱۴۵۴	چشم اندر شاهباز ۳:۱۹۳۰	چرخ گردان را قضا ۵:۲۸۹۷
چشم بسته خفته ۲:۲۲۳۴	چشم، اندر نجم ۶:۲۶۴۴	چرخ گردید ۳:۴۲۵۴
چشم بسته عالمی ۱:۲۰۹۵	چشم او آنجاست ۲:۱۰۵۳	چرخ، گویی ۵:۴۱۲۰
چشم بسته عقل ۶:۱۷۰۳	چشمِ او بسرکشت‌های	چرخ مهر ۱:۳۰۰۳
چشم بسته می شود ۳:۳۸۲	۲:۱۰۵۲	چرخ می زد، جامه‌ها
چشم بستی ۴:۲۳۸۸	چشم او بر من ۴:۶۳۸	۳:۳۰۱۴
چشم بشناسد ۶:۳۷۸۵	چشم او بگشاد ۳:۱۶۷۷	چرخ می زد شادمان ۱:۱۳۴۰
چشم بگذشته ۴:۲۶۴۳	چشم او بی چشم ۲:۱۲۸۸	چرخه گردان ۱:۸۴۸
چشم بگشا، تا ببینی ۲:۳۱۴۳	چشم او پُر ۶:۸۹۲	چرک‌تر ۴:۲۵۱
چشم بگشا حشر ۳:۱۷۶۸	چشم او تاریک ۳:۸۱۱	چرک در پالیز ۵:۲۳۵۰
چشم بگشا، در دل ۲:۱۰۲۴	چشمِ او روشن ۳:۱۲۰	چرک را در ریش، ۶:۲۶۰۵

- چشم بگشا، قلمه ۳۰۳۵:۶
چشم بگشا، کآن ۱۱۰۷:۶
چشم بگشایم به ۱۳۰۳:۱
چشم‌بند آمد ۳۵۴۴:۳
چشم‌بند آن ۱۱:۲
چشم‌بند از ۳۳۴۱:۶
چشم‌بند است آتش ۷۸۷:۱
چشم‌بند است این ۸۲۷:۱
چشم‌بند ختم ۲۲۷۸:۶
چشم‌بند خلق ۲۳۱۳:۶
چشم‌بندش ۲۷۶۰:۶
چشم‌بند ما ۲۸۸۹:۶
چشم‌بندی بُد ۱۹۹۰:۳
چشم‌بندی بود ۲۵۱۲:۲
چشم‌بندی تو ۱۶۸۹:۴
چشم‌بندی کرده‌اند ۴۳۶:۵
چشم بنهادند ۲۵۳۴:۱
چشم بهتر ۲۶۴۶:۶
چشم، بی این نور ۱۸۸۵:۴
چشم بینا ۳۷۸۵:۶
چشم بیند ۴۴۶:۲
چشم پاکت ۲۰۳۳:۱
چشم پُر بودند ۱۴۹۲:۲
چشم پُرَد بر ۳۳۱۸:۶
چشم پُر درد ۳۵۲۵:۵
چشم پُر و بی ۴۵:۴
چشم تاریک است ۱۹۷۰:۱
چشمستان تر ۲۱۹۳:۳
چشمستان را ۲۸۲۷:۳
چشم تنگش ۱۶۹۳:۶
چشم تو ادراک ۳۷۵۱:۱
چشم تو بیدار ۲۵۵۰:۲
چشم تو در اصل ۳۷۰۵:۵
چشم تو روشن ۲۹۸۲:۲
چشم تو گر ۱۷۵۵:۴
- چشم تیز من ۲۲۹۰:۳
چشم تیز و گوش ۲۳۰۸:۶
چشم جانت ۵۸۱:۶
چشم، جذّاب ۲۹۰۲:۶
چشم، چَشمه ۱۸۴۴:۲
چشم چندین ۱۰۸۷:۱
چشم چون بستی ۸۴:۲
چشم چون بگشاد ۲۶۰۶:۲
چشم چون بندی ۱۱۱۴:۵
چشم چون نرگس ۳۴۹۰:۶
چشم حس، اسب ۱۲۸۶:۲
چشم حس افسرد ۸۱۸:۶
چشم حس را ۶۱:۲
چشم حس همچون ۱۲۶۹:۳
چشم، حق است ۳۹۰۸:۵
چشم خاکی را ۱۲۸۴:۲
چشم خر چون ۱۷۱۵:۴
چشم خشم ۱۳۰۷:۲
چشم خُم چون ۸۱۳:۶
چشم خوابانید ۲۸۵۳:۲
چشم خواهد ۲۷۱۱:۶
چشم خودبر ۷۶:۴
چشم خود بگذاشت ۳۴۷۷:۶
چشم خود را آشنای ۲۷۴۳:۲
چشم خود را کور ۷۹۵:۲
چشم داری ۳۳۴۲:۶
چشم داند فرق ۲۸۸:۲
چشم داند گوهر ۲۸۹:۲
چشم، داند لعل ۲۸۸:۲
چشم در استارگان ۱۵۹۶:۶
چشم در اصل ۶۹۶:۵
چشم در خورشید ۲۸:۵
چشم در زنجیر ۷۶۸:۶
چشم دریا بسطتی ۲۶۴۱:۴
چشم دریا دیگرست ۱۲۷۰:۳
- چشم دزدیدی ۲۰۵۱:۲
چشم دشمن بسته ۱۱۹:۳
چشم دل ۱۳۹۵:۱
چشم دولت ۲۵۳۶:۵
چشم دیوانه ۲۷۶۰:۳
چشم را از خَس ۲۹:۲
چشم را از غیر ۳۶۱۵:۳
چشم را ای چاره‌جو ۶۸۶:۲
چشم را این نور ۳۲۲۴:۴
چشم را با روی او ۲۶۴۵:۶
چشم را باشد ۲۳۸۷:۴
چشم را بر خصم ۲۹۶۰:۶
چشم را بر نقش ۲۵۶۵:۴
چشم را بندد ۶۶:۳
چشم را چشمی ۲۴۰۲:۴
چشم را چون ۱۴۲:۵
چشم را در روشنایی ۱۹۷۶:۲
چشم را در صورت ۴۶۴۶:۶
چشم را ز آن می‌خلد ۲۸۹:۲
چشم را سویی ۱۹۷۴:۲
چشم را نم آمده ۱۲۲۳:۲
چشم را وا کرد ۳۷۶۵:۵
چشم روشن باید ۲۰۸۶:۳
چشم، روشن به ۲۰۸۸:۳
چشم روشن دشمنان ۲۷۳۶:۴
چشم، روشن کرد ۹۱۷:۲
چشم روشن گشتم ۴۱۲۷:۳
چشم سختش ۴۶۹۰:۶
چشم سر با ۳۹۳۵:۵
چشم سر، حیران ۳۶۰۴:۵
چشم سلطان ۳۳۷۵:۶
چشم، سویی ۲۹۹۸:۲
چشم سیر و مؤثرست ۵۸:۵
چشمشان افتاده ۳۹۶۱:۶
چشمشان باشد ۱۷۰۰:۵

- چشمشان بر راه #۳۴۸۵:۵
چشمشان بستیم #۲۰۱۸:۳
چشمشان خانه ۱۰۷:۲
چشمشان طاقت #۸۲۳:۲
چشم شه از اشک #۵۲:۱
چشم شه بر ۲۸۰۸:۶
چشم شه دو #۳۴۷۳:۶
چشم شه را #۳۳۴۷:۶
چشم، صاحب حال #۸۵۸:۲
چشم صدیقه ۲۰۲۸:۱
چشم ظاهر سایه ۶۱۱:۲
چشم ظاهر، ضابط ۳۶۰۴:۵
چشم عارف‌دان #۲۸۶۰:۶
چشم عارف سوي #۱۲۶۷:۱
چشم عاقل #۳۷۴۱:۳
چشم، غایب #۱۸۱۱:۶
چشم غره #۲۹۶۸:۶
چشم غیبی افعی #۳۹۳۴:۵
چشم غیبی جوی #۳۳۱۳:۴
چشم فرع و چشم #۶۱۰:۲
چشم فرعونی #۳۸۰۹:۵
چشم، کز کردی #۸۵۴:۲
چشمکم زد #۲۰۹۸:۲
چشم کودک #۳۷۴۱:۳
چشم کوران آن #۷۹۴:۶
چشم کوران را #۳۶۴۰:۲
چشم، گردان سوی ۱۸۰۵:۵
چشم، گردان کرده یی ۱۶۸۸:۲
چشم گردانید #۳۷۶۵:۵
چشم گردد #۲۴۰۱:۴
چشم گریان بایدت #۱۴۳:۵
چشم گریان، دست #۳۴۲۰:۲
چشم گفت: از من #۸۵۷:۲
چشم گوید ۲۲۱۵:۵
چشم مازاغش #۲۶۴۰:۴
- چشم از سبزی ۲۰۰۳:۳
چشم مریخیش #۴۸۶۶:۶
چشم مست #۱۸۲۱:۴
چشم من از #۲۸۹۰:۶
چشم من پرست #۳۳۵۱:۶
چشم من تاریک #۲۳۸۷:۳
چشم من چون دید #۲۰۴۰:۶
چشم من چون سرمه ۱۰۸:۲
چشم من خفته، دلم بیدار
#۲۵۴۸:۲
چشم من خفته، دلم در
#۳۵۵۰:۲
چشم من در روی #۲۶۳۸:۲
چشم من ره #۲۸۵۸:۶
چشم موسی #۳۹۳۶:۵
چشم مهتر #۳۴۷۵:۶
چشم می‌انداخت #۹۲۷:۴
چشم می‌دزدند ازین
#۲۰۲۵:۱
چشم می‌دزدند و آنجا ۲۰۲۶:۱
چشم می‌مالم به هر ۲۰۲۶:۳
چشم می‌مالم که ۲۰۵۵:۳
چشم می‌مالیم #۲۰۴۰:۳
چشم نرگس را از #۷۵۴:۲
چشم نرگس کور ۳۹۱۶:۱
چشم نگشاید #۱۲۳۵:۶
چشم نهاده‌ست #۳۲۸۴:۲
چشم نیک از چشم #۲۶۴۰:۴
چشم نیکوباز #۲۲۴۹:۲
چشم نیکو شد #۵۱۳:۵
چشم واشد #۱۳۳۸:۴
چشم و دل از ۱۳۹۵:۱
چشم و دل بر بست #۳۹۴۹:۱
چشم و دل را #۳۲۱۸:۶
چشم و گوش و هوش ۲۱۵۲:۳
- چشم و گوشی داند #۳۲۶۶:۵
چشم آن آب ۱۲۵۳:۲
چشم آن در #۱۹۶۴:۴
چشم آن ماست #۲۷۴۴:۳
چشمها بگشاد در #۱۱۹۱:۶
چشمها بگشا و #۲۲۷۰:۱
چشمها بیرون ۱۸۰۳:۵
چشمها پر آب ۳۱۶۷:۳
چشمها پر نطفه #۳۸۵۷:۶
چشمها چون #۱۴۸۱:۶
چشمها را پیش #۱۰۷۶:۵
چشمها را چار کن در احتیاط
#۱۵۸۸:۶
چشمها را چارکن در اعتبار
۱۵۸۹:۶
چشمها را کرد ۳۸۰۲:۲
چشمه افسرده #۲۱۸۰:۶
چشمها مخمور #۲۵۳۵:۵
چشمها و گوشها ۸۳۷:۳
چشمهای پر خمار #۲۸۰۵:۶
چشمهای حاضران #۳۷۵۱:۱
چشمهای نیک ۱۸۸۳:۵
چشمه چشمه #۵۱۰:۲
چشمه حیوان #۲۲۶۳:۲
چشمه خورشید ۱۶۳۱:۲
چشمه خون #۱۶۳۱:۲
چشمه دارو #۲۴۳۶:۶
چشم، هدهد ۱۶۰۴:۲
چشمه رحمت #۲۲۷۲:۶
چشم هر سه #۳۷۵۴:۱
چشم هر قومی ۸۸۸:۱
چشمه شد چشم #۴۲۸۰:۶
چشمه شیرست ۱۰۶۹:۵
چشمه کرده از عنب #۱۶۳۵:۵
چشمه کرده باطن #۱۶۳۶:۵

چشمه کرده سینۀ ۵: ۱۶۳۴#	چند باران ۱: ۵۰۶#	چند حرفی از ۵: ۲۱۴۱#
چشمه می بینم ۳: ۱۴۱۳	چند بارش ۲: ۲۱۲۵	چند حرفی نقش ۵: ۳۱۰
چشمه ها را خشک ۲: ۱۶۳۴#	چند باری ۳: ۱۵۱	چند حسرت ۵: ۳۳۹۰#
چشمه ها و گلستان ۳: ۵۱۵#	چند بازرگان ۶: ۴۳۷۲	چند خواهی ۴: ۱۰۸۱#
چشمه های آب ۶: ۴۸۰۹	چند بازی ۲: ۱۰۲۱	چند خورشید ۱: ۵۰۷
چشمه های قوت ۲: ۱۲۱۸	چند باشد ۳: ۳۹۸۹#	چند خوش ۳: ۲۶۷۹
چشمه های لطف ۲: ۲۶۲۶#	چند باشی ۱: ۱۹#	چند دُبوسی ۲: ۱۸۸۰#
چشمه یی در ۴: ۳۵۱۴#	چند باید ۲: ۲۹۵۰#	چند در آتش ۲: ۱۶۸۵
چشمه یی دید ۳: ۳۱۶۵	چند بُت بشکست ۲: ۳۶۶	چند درد فُرقتش ۶: ۴۰۵۸
چشم یعقوبان ۳: ۴۷۷۸#	چند بر عَمّیا ۶: ۴۱۴۲	چند در دهلیز ۵: ۱۷۷
چَغَزِ آبی را ۶: ۲۹۴۷#	چند بفرید ۱: ۱۰۵۸#	چند در عالم ۶: ۴۳۷۳
چَغَزِ آبی کی ۶: ۲۹۴۸#	چند بگریزد ز کار ۲: ۷۲۹#	چند دزدی حرفِ ۶: ۱۲۸۲
چَغَزِ جان در ۶: ۲۷۳۶#	چند بگریزی ۴: ۲۵۰۲	چند دزدی عَشَر ۶: ۱۲۸۱
چَغَزِ را روزی ۶: ۲۶۶۵#	چند بنمودند ۲: ۲۰۶۲#	چند دعوی ۱: ۲۳۱۹
چغزِ گفتا ۶: ۲۹۴۹	چند بوسیدند ۵: ۳۵۶۳#	چند دَم پیش ۶: ۴۴۴۴#
چَک چَک ۲: ۱۲۵۷#	چند بیخود ۲: ۱۷۷۴	چند دید از ۲: ۳۳۶۵
چل هزار ۲: ۵۷۷	چند بینی صورت ۳: ۲۳۰۰#	چند روزی با شما ۶: ۴۶۸۱#
چنبِرَه حُجْرَه ۳: ۳۶۲۷#	چند بینی گردش ۵: ۲۹۰۵	چند روزی در ۱: ۳۶۱۳#
چنبِرَه دید ۴: ۲۳۸۴	چند پالان دوزی ۲: ۷۲۴#	چند روزی سیر ۴: ۳۶۱۹
چند آن فرعون ۴: ۱۲۴۰	چند پختی ۵: ۲۱۵۰	چند روزی که ۲: ۲۶۳۸
چند آن لنگی ۳: ۳۰۸	چند پَرید ۲: ۱۷۷۴#	چند روزی هم ۵: ۳۹۰۲
چند ازین الفاظ ۲: ۱۷۶۲	چند پنداری تو ۱: ۵۴۱#	چند زنبور ۵: ۷۳۲
چند ازین زنبیل؟ ۲: ۵۲۳	چند پیش تیغ ۲: ۱۶۸۵#	چند سیخ و چند ۶: ۵۱۵
چند ازین صبر و ازین ۲: ۵۲۳#	چند تانَد بحر ۶: ۴۵۸۳#	چند سیلی ۶: ۳۹۳۹
چند ازین صبر و زحیر ۶: ۵۷۴#	چند تلخی زین ۶: ۲۷۳۷#	چند شادی ۶: ۱۷۹۷#
چند ازینها ۳: ۱۳۲۵	چند تیرانداز ۵: ۶۴۴	چند صنعت ۴: ۹۰۰
چند اسبی ۶: ۲۵۱۹#	چند جا بندش ۳: ۲۸۵۰	چند صورت ۱: ۱۰۱۸
چند افسانه ۶: ۱۷۰۹#	چند جانت ۳: ۳۰۸#	چند صیادی ۴: ۲۲۰۴
چند الله می زنی ۳: ۱۹۱#	چند جان داری؟ ۴: ۳۸۰۶#	چند فرعونا ۴: ۱۹۲۱
چند امانم ۱: ۱۷۰۴	چند جویی برزمین ۴: ۲۱۲۵#	چند کردم ۳: ۲۱۱۲
چند اندر ۳: ۲۸۸۳	چند جویی لاغ ۶: ۱۷۱۱#	چند کسبِ خَس ۲: ۲۶۰۲#
چند او یاسین ۶: ۵۳۳	چند چند آخر ۳: ۳۳۲۹	چند کس همچون ۶: ۳۰۳۷
چند این آتش ۱: ۱۷۰۰#	چند چندت ۲: ۳۳۶۹	چند کوبد ۳: ۱۱۲
چند با آدم ۶: ۴۴۷۰	چند چوپانِشان ۳: ۳۹۲	چند کوییم ۳: ۳۰۷۸
	چند حرفِ طُمُطَرّاق ۱: ۲۳۱۷	چند گاهش ۲: ۱۶۲

چند گاهی او ۱۶۶:۴	چند یاری ۳۱۳۵:۳	چون از اینجا ۵:۱۰۶
چند گاهی بر ۲۴۵۰:۴	چند یزدان ۲۱۸۰:۱	چون از این دو رشت ۱۷۷:۲
چند گاهی بی لب ۲۱۴۸:۵	چنگ اندر ۲۵۹۲:۲	چون از این سو ۲۲۸۱:۵
چند گرداند ۷۵۴:۵	چنگ، بالین ۲۰۸۸:۱	چون ازو بیرید ۶۶۹:۵
چند گردی؟ ۱۹۶۵:۳	چنگ، بهر تو ۲۰۸۵:۱	چون ازو غالبتری ۳۱۴۷:۳
چند گفتم ۱۹۰:۲	چنگ حکمت ۳۴۸۴:۶	چون ازو نومید ۲۹۳۱:۶
چند گفتندش ۳۳۶۸:۵	چنگ در صلب ۲۴۴۶:۴	چون ازین فتح ۴۵۲۲:۳
چند گفتی ۲۱۴۹:۵	چنگ را برداشت ۲۰۸۶:۱	چون اساس ۱۸۳۰:۲
چند گلگونه ۱۲۷۰:۶	چنگ رازد بر ۲۱۸۶:۱	چون اسیران ۳۹۳۶:۶
چند گنجد؟ ۲۰:۱	چنگ زد بسیار ۲۰۸۸:۱	چون اسیر دوستی ۱۰۶۲:۲
چند گویی آن ۹۳۸:۲	چنگ شعر مثنوی ۵:۲	چون اسیری بسته ۳۹۸:۳
چند گویی ای ۲۰۹۱:۴	چنگلکوم ۳۵۵۶:۳	چون اسیری بند ۲۱۳۷:۲
چند گویی با ۳۲۵۴:۵	چنگ و، چنگی ۲۰۸۹:۱	چون اشارت هاش ۹۳۴:۱
چند گویی پیش ۲۰۸۳:۴	چنگی را ۱۶۵۷:۶	چون آلف از استقامت ۳۶۱۲:۵
چند گویی چند؟ ۲۰۴۵:۳	چوب برگرد ۲۶۰۳:۶	چون الف از خود ۲۲۴۵:۶
چند گویی؟ چون ۱۷۹۶:۲	چوب حق ۳۰۸۵:۵	چون آلف، او خود ۱۵۱۴:۱
چند گویی خویش ۶۵۲:۴	چوب خشک ۲۲۸۵:۵	چون الف چیزی ۲۳۲۹:۶
چند گویی کین ۱۹۶۹:۱	چوب در دست ۳۳۳۷:۶	چون آلف در بشم ۲۲۳۹:۶
چند گویی من ۵۴۲:۱	چوب را ماری ۳۵۲۳:۴	چون امام ۳۰۶۱:۳
چند گویی: می ندانم ۶۲۷:۶	چوب رد ۱۷۰:۳	چون امان ۲۷۱۴:۴
چند گویی همچو ۹۳۸:۵	چوب کی ۳۴۵۲:۳	چون امیدت ۱۳۷۳:۶
چندگیری ۲۳۰۴:۱	چوب گز ۱۲۰:۱	چون امیران ۳۸۵:۶
چند لشکر ۴۳۷۱:۶	چوب ها ۴۲۶۵:۶	چون امیر جمله ۴۱:۵
چندلی را ۴۷۳۲:۶	چون ابوبکر آیت ۹۲۲:۲	چون امیرش ۲۷۵۲:۵
چندمان سوگند ۳۷۶۹:۶	چون ابوبکر از ۲۰۵۹:۲	چون آنالحق گفت ۲۰۹۵:۶
چند مثنی زد ۲۳۱۴:۳	چون آیت ۳۷۴۰:۱	چون انار از ۶۸۵:۴
چند می ارزد ۴۰۵۴:۵	چون اثر زاید ۱۰۰:۱	چون انار و سیب ۷۰۷:۱
چند نازی ۶۳۱:۶	چون اثر کرده ست ۲۸۲۵:۱	چون آنای ۲۰۹۶:۶
چند نالی ۳۲۲:۶	چون اجل آید ۴۶۸۲:۶	چون انیس ۱۳۷۴:۶
چند نقدست ۲۸۲۷:۶	چون اجل شهوت ۸۱۲:۴	چون اویس ۱۸۳۰:۴
چند نوشیدی ۲۹۳:۳	چون آدم طایفی ۱۰۲:۴	چون ایاز آن ۱۹۵۹:۵
چند واولی ۳۲۹۱:۱	چون از آن اقبال ۱۲۹۶:۳	چون ایاز از ۳۲۰۸:۵
چند وعده؟ ۲۵۳:۳	چون از آن او کند ۲۳۲۱:۳	چون بیازی ۳۲۳۶:۵
چند همچون ۳۳۱۴:۶	چون از آن سوشان ۱۰۱۳:۳	چون بیاید ۱۲۱۲:۱
چند هنگامه ۳۲۰۵:۵	چون از ایشان ۱۸۴:۲	چون ببندی تو ۲۶۹۹:۴

چون بدانی ۵۶۵:۵	چون بتازد ۲۷۰:۳	چون بیندی شهوتش ۱۱۲۳:۶
چون بدرد شرم ۵۷۴:۶	چون بُت سنگین ۲۷۶۴:۳	چون بیند رویِ زرد ۳۶۳۰:۵
چون بدزدد، دزد ۲۳۵۱:۲	چون بچُست از ۱۴۴۹:۵	چون ببیند رویِ یوسف ۲۸۳۱:۳
چون بدزدد دست ۳۱۳۵:۵	چون بجنبانم ۲۸۳۹:۶	چون ببیند زخم، بشناسد ۵۹۹:۵
چون بدزدم ۴۱۳۸:۳	چون بجنبد پرده ۴۸۹۰:۶	چون ببیند زخم، گردد ۶۸۷:۳
چون بدزدی ۱۹۱۲:۶	چون بجنبد، تو ۴۸۹۷:۶	چون ببیندشان ۱۵۶۵:۲
چون بدو پیوست ۸۹۰:۱	چون بجنبد ریش ۲۸۳۸:۶	چون ببیند، شد ۱۰۵۷:۴
چون بدو زنده ۲۷۶۷:۴	چون بجنبد گوشت ۲۹۷۸:۵	چون ببیند کآن ۳۸۴۰:۱
چون بدی بی ره زن ۱۷۵۱:۶	چون بجوشید ۳۵۹۸:۶	چون ببیند کاله‌ی ۴۱۰۷:۳
چون بدید آن چشم‌های ۹۵۸:۵	چون بجویی تو ۴۷۴۲:۳	چون ببیند گرمی ۳۶۱۷:۳
چون بدید آن خسته ۱۰۶۱:۶	چون بجویی، جملگی ۱۳۱۷:۶	چون ببیند مستقر ۳۶۵۶:۴
چون بدید، آن دردها ۱۸۹۵:۲	چون بخارا ۳۸۱۴:۳	چون ببیند نان ۶۳۸:۵
چون بدید آن را ۲۶۵۷:۱	چون بخندید او ۴۵۲۰:۳	چون ببیند نور ۲۴۵۱:۵
چون بدید آن عالم ۳۲۵:۴	چون بخواند در ۳۹۳۷:۶	چون ببینم ۳۳۶۳:۱
چون بدید آن غمزه‌های ۳۷۱۲:۳	چون بخواند نامه ۱۸۱۰:۵	چون ببیندت ۱۸۷۰:۱
چون بدید از خود ۱۸۹۴:۲	چون بخوانی آن ۲۵۷۹:۳	چون ببینی بر لب ۲۷۲۲:۶
چون بدید از وی ۱۶۸۵:۶	چون بخوانی رایگانش ۳۴۵۹:۴	چون ببینی روی ۶۰۳:۳
چون بدید او چهره ۴۶۱۶:۳	چون بخوانیش ۱۸۸۷:۱	چون ببینی، شب ۲۶۷۶:۶
چون بدید او را خلیفه ۳۹۰۴:۵	چون بخواند، باز ۱۷۳۸:۳	چون ببینی کز ۳۲۱۶:۴
چون بدید او را دهانش ۳۹۴۳:۶	چون بخواند، جسم‌ها ۱۴۲۱:۳	چون ببینی، کُن ۱۵۵۲:۱
چون بدی در زیر ۲۶۳۲:۵	چون بخواند رُست ۳۹۶۹:۵	چون ببینی محرمی ۲۰۳۷:۶
چون بدیدش، گفت ۳۳۸۶:۵	چون بخواند، عین غم ۸۳۷:۱	چون ببینی مرشکر ۶۴۳:۴
چون بدیدش یاد ۲۹۹۵:۲	چون بخوام از ۳۵۶۰:۲	چون ببینی مشک ۲۰۳۸:۶
چون بدیدم آن ۲۶۲۸:۵	چون بخوام کز ۲۰۱۴:۶	چون ببینی نور ۱۲۹۸:۲
چون بدیدم لطف ۲۸۰۳:۶	چون بخورد آن ۵۳۳:۶	چون ببینی واقعه ۳۲۵۶:۳
چون بدیدند از ۲۷۹۶:۴	چون بخورد از ۱۵۱۹:۲	چون ببخت ۱۲۹۵:۳
چون بدیدندش، بگفتندش ۸۶۱:۵	چون بخوردی ۱۳۷۴:۵	چون بیراند ۱۱۵۸:۲
چون بدیدندش به صورت ۳۸۴۷:۴	چون بدادی ۷۴۱:۵	چون برسیدند ۶۰۵:۳
چون بدیدندش که ۱۲۲۹:۳	چون بدان آسیب ۴۷:۴	چون برسیدی ۳۰۱۵:۴
	چون بداند ۱۵۰۰:۳	چون بپوشانید ۲۲۹۳:۳
	چون بدانستی سبب ۲۷۳:۴	چون بپوشیدی ۳۹۹۳:۵
	چون بدانستی که ۳۶۹:۴	چون پیوستی ۳۲۲:۶
		چون بتابد ۲۳۹۳:۶

چون بزادش ۲: ۳۶۱۰	چون برآیم ۳: ۱۷۵۱	چون بدیدی او غلام ۵: ۳۱۶۵*
چون بزادم ۱: ۷۹۲	چون برآیند ۵: ۳۳۳	چون بدیدی او مِهَارِ ۴: ۱۵۳۸*
چون بزاید ۱: ۳۵۱۷	چون برابر ۲: ۳۶۰۴	چون بدیدی حضرتِ ۵: ۴۲۰*
چون بزد صوفی ۴: ۱۶۰	چون برادر ۳: ۴۲۱۷*	چون بدیدی صبح ۶: ۱۴۸۰*
چون بزد، هم مست ۴: ۲۱۵۴*	چون بُراقت ۴: ۵۵۲*	چون بدیدی گردش ۵: ۲۹۰۰
چون بزرگان ۵: ۳۰۴۴*	چون براندی ۳: ۲۱۳۶	چون بدیدی نامه ۵: ۱۸۲۴
چون بسازی ۶: ۲۱۴۹	چون بر او بنشست ۱: ۲۶۱۱	چون بدیدی هَجَرِ ۴: ۲۴۱۸*
چون بسی ابلیس ۱: ۳۱۶	چون بر او پیدا ۴: ۲۱۰*	چون بدیشان ۳: ۱۱۶۶
چون بسی بگریست خدمت	چون بر او زد ۶: ۳۰۸۶*	چون بدی عاجز ۴: ۱۳۴۷
۵: ۱۲۹۹	چون برای حق ۶: ۱۵۱۴	چون بدینجا ۱: ۲۶۰۰*
چون بسی بگریست و از	چون برای خود ۴: ۳۴۳۷	چون بدین رنگ ۱: ۱۶۹۳
۱: ۲۱۸۶	چون بُرد یک ۵: ۳۰۷۲	چون بدین قبض ۳: ۳۵۷
چون بسی دید ۲: ۳۶۵۵	چون بُرُست از ۳: ۴۳۸۹	چون بدین لطف ۴: ۲۶۰۵
چون بسی می‌کرد ۶: ۱۲۷۶	چون برفت آن خواب ۵: ۳۸۶۲	چون بدین نیت ۵: ۶۶۴
چون بشاید ۳: ۲۷۶۵	چون برفت آن ظلمت ۴: ۲۲۹۹	چون برآرد پَر ۱: ۵۸۴
چون بشد درد ۳: ۲۸۹۴	چون برنجد ۵: ۲۳۴۱	چون برآرد، سَر ۴: ۴۳۶*
چون بشوراند ۱: ۳۲۱۸	چون بُرو برخواند ۶: ۲۶۹۶*	چون برآرد یوسفی ۶: ۴۵۷۰*
چون بغایت تیز شد ۲: ۳۳۰۱	چون برویی ۳: ۱۶۳۲	چون برآرند از ۶: ۳۶۲۵
چون بغایت ممتلی ۲: ۳۳۰۲	چون بُرو پیدا ۴: ۲۱۰*	چون برآمد آفتاب ۴: ۲۱۰*
چون بقا ممکن ۵: ۱۱۴۷*	چون بُرون آیی ۲: ۲۵۹۳*	چون برآمد این ۴: ۳۱۴۴
چون بکاری جو ۶: ۴۲۵	چون برون انداخت ۵: ۳۸۸۰	چون برآمد بر درخت ۴: ۳۵۴۶
چون بکاری در ۵: ۱۴۹۱	چون برون رفتند ۳: ۲۴۷۲	چون برآمد بر هوا ۶: ۲۹۴۵
چون بکرد آن ۶: ۳۶۵۷	چون برون شد این ۶: ۱۴۴۹	چون برآمد روزگار ۱: ۲۰۷۴
چون بکوشم ۳: ۴۷۳۴	چون برون شد جان ۲: ۷۰۴*	چون برآمد موسی ۳: ۴۲۶۷
چون بگردانید ۶: ۴۶۷۸	چون بُرون شد، سوختن	چون برآمد نور ۳: ۴۶۳۶
چون بگریانم ۲: ۳۷۳	۱: ۷۱۳*	چون برآن شد ۲: ۲۸۵۷
چون بگرید ۵: ۴۹۱	چون برون شو شان ۵: ۳۲۱۶	چون برآورد ۱: ۶۱
چون بگشت ۶: ۳۰۰۳*	چون برهنه ۵: ۳۶۱۴	چون برآید آفتاب ۵: ۱۷۹۶
چون بگفت آن ۶: ۲۹۶	چون بُرید از ۴: ۳۳۳۸	چون برآید از تَفَرُّج ۲: ۱۰۹۷*
چون بگفتی ای شجاع	چون برید و داد ۲: ۱۵۱۵	چون برآید شمس ۱: ۱۱۸*
۶: ۱۷۵۰*	چون بریده شد ۳: ۱۷۰۳	چون برآید صبحدم ۵: ۳۴۰
چون بگفتی ای صبور ۶: ۱۷۵۰	چون بریده گشت ۱: ۳۸۷۲	چون برآید صبح، گردد
چون بگفتی موم ۶: ۴۰۲۳	چون بُریشم ۶: ۴۷۳۱	۵: ۲۸۵۸
چون بگنجد ۶: ۳۳۰۴*	چون برین ره ۵: ۱۹۵۳	چون برآید گوهر ۴: ۸۸۲
چون بگوئی ۴: ۱۳۸۸	چون برین عذر ۵: ۳۰۶۳	چون برآید میوه ۳: ۳۶۳*

چون بگوید بس ۳۷۱۸:۴	چون بُود بی کاتبی ۳۶۹:۶	چون بهانه ۱۸۰۰:۱
چون بگوید حال ۱۴۲۱:۳	چون بود بیهوده ۲۰۴۱:۳	چون بهای خشت ۴۷۴۹:۶
چون بگوید، شد ۳۷۶۲:۱	چون بُود جانا ۱۴۸۳:۴	چون به ایمان ۳۳۶۶:۵
چون بگوید، هم ۲۳۷۸:۲	چون بُود جان، خالق ۱۴۸۶:۱	چون بهایم بی ۱۷۱۰:۴
چون بگویم: چونی ۳۳۶۴:۱	چون بُود جانِ غریب ۴۴۳۴:۳	چون به باطن ۳۶۸۲:۳
چون بگویم: هَل تری ۳۶۲۹:۱	چون بُود، چون او ۱۷۲۵:۱	چون به بُستانی ۲۲۳۶:۳
چون بگویند آیش ۳۱۱۵:۵	چون بُود چون بندگی ۲۴۲۱:۱	چون به بی‌رنگی ۲۴۶۸:۱
چون بگویندش ۱۲۳۴:۶	چون بود حسی ۲۷۴۹:۶	چون به پای خود ۳۱۸۳:۳
چون بگیری سخت ۲۵۲۹:۲	چون بُود خر ۳۸۵۹:۶	چون به تذکیر ۱۶۷۵:۱
چون بگیری شَه‌رهی ۲۴۴۷:۴	چون بود خُلقش نکو ۱۰۱۹:۲	چون به ترکش ۴۸۶۷:۶
چون بلال از ۳۵۱۷:۳	چون بُود در پیش ۳۰۸:۶	چون به جان ۱۲۵:۶
چون بمالی چشم ۳۱۸۳:۶	چون بُود دستان ۴۴۸:۵	چون به جدّ تزویج ۲۶۸:۶
چون بماند از ۲۳۷۴:۲	چون بُود دفع خیال ۸۴۳:۳	چون به جدّ جویی ۲۹۱۶:۳
چون بماند دیر آن ۱۴۵:۴	چون بُود شک ۳۵۹۲:۲	چون به جدّ حاکم ۱۲۳۱:۲
چون بماند دیر گویند ۳۷۲۹:۳	چون بُود فایده ۲۹۹۷:۴	چون به جد مشغول ۱۶۰۴:۳
چون بمانی ۳۴۶:۳	چون بود لطفی ۴۸۳۸:۶	چون به جمعه ۸۵۷:۱
چون بُردم ۳۱۲۵:۱	چون بود میسی ۱۰۶۴:۶	چون به حق بیدار ۴۱۰:۱
چون بُردی تو ۲۸۴۳:۱	چون بُود مکر ۴۰۹۰:۶	چون به حکم ۱۹۸۴:۱
چون بُردی طالبت ۴۱۴۲:۵	چون بود مویش ۱۷۹۷:۳	چون به حیل‌شان ۸۶۸:۳
چون بمیرد ۲۸۴۹:۵	چون بود هر دو ۳۷۲۵:۵	چون به خانه آمدی ۲۲۰۴:۱
چون بمیرم ۲۷۰۹:۶	چون به آثار ۱۳۱۶:۶	چون به خانه مرغ ۴۶۶۹:۳
چون بمیری ۷۲۲:۶	چون به آخر ۴۴۳:۶	چون به خدمت ۹۴۹:۴
چون بنادر ۱۱۹۱:۴	چون به آزادی ۴۵۴۱:۶	چون به خرگوش ۹۹۷:۱
چون بنالد، چرخ ۴۹۱:۵	چون به آمد ۴۱۱۰:۳	چون به خواری ۳۸۵۴:۳
چون بنالد زار ۱۵۷۷:۱	چون به احسان ۳۲۵۴:۶	چون به خود آید ۲۱۱۶:۴
چون بندریدی ۲۹۷۳:۳	چون بهارست ۲۰۵۴:۱	چون به خود بازآمدی ۱۵۴۰:۴
چون بنوشیدم ۴۲۰۴:۳	چون به اَصْل ۲۶۱۷:۴	چون به خوی ۱۹۰۵:۶
چون بُود آدم ۴۲۵۷:۳	چون به امر اِهْبَطُوا ۹۲۶:۱	چون به خویش آمد بدید ۳۷۶۱:۵
چون بود آن بانگ ۷۵۲:۲	چون به اَمْر توست ۳۴۷۰:۳	چون به خویش آمد، ز شادی ۱۰۶۲:۶
چون بود آن تشنه‌یی ۱۱۸۵:۶	چون به امرش ۳۵۷۸:۴	چون به خویش آمد ز غرقاب ۵۷:۱
چون بود آن چون ۱۱۹۲:۶	چون به انگوری ۲۶۰۱:۱	چون به خویش آمد ز غیبت ۱۹۱۷:۶
چون بُود اَرْضُ اللّٰه ۱۷۶۱:۴		
چون بود اکراه ۱۳۹۶:۴		
چون بُود بی تو ۴۰۹:۳		

چون بیایی اش ۱۴۱۹:۳	چون به ماهیت ۲۶۴۱:۱	چون به دانش ۳۷۳۶:۶
چون بیایی، چون ۲۹۱۱:۲	چون به مرغان ۸۵۲:۴	چون به دانه ۶۲۱:۴
چون بیایی صحبت ۷۱۳:۴	چون به مصر از ۱۲۱۷:۳	چون به درد آمد ۳۴۸۴:۲
چون بیامد از ۲۸۶۶:۲	چون به مطلوب ۱۴۰۱:۳	چون به درد دیگران ۳۹۰۸:۶
چون بیامد پیش ۳۱۸۱:۳	چون به معراج ۴:۲	چون به دریا راه ۸۱۴:۶
چون بیامد در تن ۲۶۸۷:۳	چون به معنی ۳۶۸۰:۲	چون به دریا، رفت ۱۲۹۴:۵
چون بیاید، نبود ۴۶۲۱:۳	چون به مقصد ۲۰۴۷:۶	چون به دست آن ۳۰۴۰:۳
چون بیاید نوبت ۳۰۷۳:۵	چون به من زنده ۴۶۷۸:۳	چون به راهش کرد ۱۳۶۰:۵
چون بیایی، خاص ۱۸۹:۱	چون به موسی ۲۴۶۱:۱	چون به رتبت ۴۹۲:۴
چون بیفتد ۲۳۵۲:۶	چون به ناکام ۴۲۰۷:۶	چون به ره کردش ۲۱۹۲:۲
چون بیفزاید ۴۷۴۴:۳	چون به نزد دانه ۷۵۴:۵	چون به ره کردند ۲۱۸۱:۲
چون بیفگندی ۳۴۵۴:۳	چون به نزدیک ولی ۲۵۵۰:۳	چون به سرخی ۱۳۴۹:۲
چون پدر هستم ۱۹۳۴:۳	چون به نزدیکی ۲۰۵۶:۳	چون بهشت از ۳۶۷۲:۵
چون پدید آمد که ۳۰۱۶:۲	چون به نسیان ۱۶۷۶:۱	چون بهشتی ۲۹۸۱:۶
چون پدید آمد مهش ۵۹۸:۶	چون به نورش ۶۷۹:۱	چون به صاحب دل ۷۲۲:۱
چون پذیرفت ۲۸۵۹:۱	چون به وقت ۱۴۹۲:۱	چون به صحرای ۵۶۴:۴
چون بر مرغ ۳۷۶۶:۳	چون به هامان ۱۲۴۲:۴	چون به صد الحاح ۶۲۰:۳
چون پری از آدمی ۸۳۵:۴	چون به هر فکری ۱۵۰۵:۲	چون به صد حرمت ۲۰۴۸:۶
چون پری دورست ۲۳۲۴:۲	چون به هوش آمد ۳۱۲۴:۶	چون به صورت آمد ۶۸۸:۱
چون پری را این ۲۱۱۴:۴	چون به یک دگان بگفتی ۳۲۲۱:۶	چون به صورت بنگری ۶۷۶:۱
چون پری را قوت ۳۱۶۹:۶	چون به یک دگان عمر ۳۲۲۹:۶	چون به طوفی ۲۲۰۴:۱
چون پری راهست ۲۱۱۶:۴	چون به یک شب ۳۴۴۴:۶	چون به عشق آمد ۱۱۴:۱
چون پری غالب ۲۱۱۲:۴	چون بیاریند ۱۷۸۰:۳	چون به عشق آیم ۱۱۲:۱
چون پری، نه سال ۲۹۷۴:۶	چون بیامد آن ۸۶۶:۲	چون به غیر ۳۵۲۵:۳
چون پسر چشم ۲۷۷۵:۶	چون بیامد در ۱۱۷۶:۵	چون به فعل ۱۳۱۵:۶
چون پسندی ۱۵۶۹:۶	چون بیامد، دید ۱۲۲۰:۳	چون به قمر ۱۳۲۴:۱
چون پشیمان شد ۱۶۷۰:۱	چون بیامد، سوخت ۳۴۷:۶	چون به قول ۱۴۰۲:۲
چون پشیمان نیست ۱۴۹۹:۱	چون بیاید شام ۴۷۴۰:۳	چون به قوم ۱۱۰۶:۳
چون پشیمانی از آن ۱۹۳:۳	چون بیاید، مرو را ۲۱۷۸:۲	چون به کشتی ۲۸۵۷:۱
چون پشیمانی ز دل ۶۴۴:۳	چون بیابان را ۳۳۶۵:۵	چون به گرد آمیخت ۲۴۸۴:۴
چون پگه تر ۱۵۱۳:۵	چون بیاید، او ۴۰۵۲:۶	چون به گور آن ۳۲۶۳:۶
چون پیایی بینی اش ۳۷۱۳:۶	چون بیاید مشتری ۳۲۶۵:۲	چون به گورستان ۲۷۴:۳
چون پیایی شد ۵۶۷:۲	چون بیایم ۲۳۳۵:۵	چون به گوش ۱۸۹۳:۳
چون پیایی گشت آن آواز ۴۴۹۴:۶		چون به ما بویی ۳۰۷:۵
		چون به ما نسبت ۱۹۹۷:۱

چون پیایی گشت آن امر	چون تو آن ۶:۲۰۰۰	چون تو را کفریست ۴:۳۴۵۰*
۳۵۹۰:۴	چون تو اسرافیل ۴:۱۴۷۹	چون تو را وهم ۵:۲۶۶۲
چون پیاده ۳:۳۹۸۶	چون تواند ساخت با آزر	چون تو را یاد ۲:۳۵۸۹
چون پی دانه ۲:۲۴۳۰	۶:۲۱۲۵	چون تو زندقی ۶:۳۸۵۵
چون پیمبر از ۲:۳۵۹۹	چون تواند ساخت با رهن	چون تو زیشانی ۲:۳۱۱۵*
چون پیمبر در ۳:۱۷۷۳	۶:۲۱۲۵*	چون تو شیرین ۱:۱۹۷۹
چون پیمبر دید ۲:۲۲۵۲	چون تواند نور ۲:۲۶۶۲*	چون تو عاشق ۶:۴۶۵۹
چون پیمبر سروری ۴:۲۰۳۰	چون توانم کرد ۱:۳۱۳۶*	چون تو کانِ جهل ۲:۲۰۵۲*
چون پیمبر گفت ۶:۴۲۱۳	چون توانی ۴:۲۳۲۸*	چون تو کاهل ۳:۳۴۱۲
چون پیمبر نیستی ۲:۳۴۵۳	چون تو بآید ۱:۱۵۶۴*	چون توکل کردن ۴:۲۹۰۰*
چون پی یسکن ۱:۲۴۲۶	چون تو بایی ۱:۳۷۶۳	چون توکل کرد یوسف
چونّت آزاریم؟ ۱:۳۱۱۱*	چون تو با پرّ ۴:۲۳۶۶	۵:۱۱۰۶*
چونتان بُرید ۳:۴۲۵*	چون تو باشی ۴:۱۱۱۱	چون تو گوشتی ۱:۱۶۲۲
چون تبع ۳:۳۹۳*	چون تو با مایی ۱:۳۸۷*	چون تو می بینی ۶:۳۴۸۷
چون تجلی حق ۵:۹۶۱	چون تو با من ۱:۲۴۰۳	چون تو می دانی ۲:۹۹۳*
چون تجلی کرد ۳:۱۳۹۱	چون تو برگردی ۱:۲۳۶۴	چون تو نااهلی ۲:۳۱۸*
چون تحرّی ۱:۲۲۸۵	چون تو بسیاران ۳:۴۰۸۶	چون تو ندهی ۱:۳۹۰۷
چون ترازو دید ۶:۱۴۹۳	چون تو بینائی ۲:۷۲۴	چون تو تنگی ۶:۲۱۱۰
چون ترازوی ۵:۱۸۳۱	چون تو جبر ۱:۶۳۴	چون تو وردی ۳:۳۴۹
چونّت صبرست ۴:۳۲۱۲*	چون تو جزو دوزخی ۲:۲۷۵	چون، تویی از ۲:۲۴۴۸*
چون تضرّع را ۵:۱۶۱۷	چون تو جزو عالمی ۴:۲۳۶۸	چون تویی گویا ۱:۱۶۹۹*
چون تضرّع می نکردند	چون تو خدمت ۵:۱۱۳*	چون تهی شد ۶:۴۲۱۲
۵:۱۶۰۵	چون تو خفاشان ۶:۲۰۸۳	چون تهی گشت ۵:۲۲۷۶
چون تعلق ۱:۱۵۳۲	چون تو در بستی ۶:۲۲۹۵*	چون تیمّم ۴:۱۴۱۸
چون تفحص کرد از ۵:۱۳۴۳	چون تو را آن ۲:۲۱۵۵	چون جدا بینی ۶:۳۲۱۷
چون تفحص کرد لقمان	چون تو را در دل ۴:۷۶۷*	چون جُدا شد ۳:۲۵*
۱:۳۵۸۹	چون تو را دیدم بدیدم ۶:۱۰۸۳	چون جدا گردد ۵:۱۲۸۰
چون تقاضا آمد ۵:۸۳*	چون تو را دیدم خود ۶:۱۰۸۵	چون چرا کم دید ۴:۱۴۹۳*
چون تقاضا بر ۱:۲۲۱۵	چون تو را دیدم محالم ۶:۱۰۸۴	چون جری کم آمدش ۴:۱۷۲۲
چون تقاضا می کنی ۳:۱۴۹۰*	چون تو را ذکر ۲:۳۳۹	چون جزا سایه ست ۵:۱۸۳۳
چون تلف کردی ۳:۲۳۷۹*	چون تو را رحمی ۳:۱۷۷۸	چون جزای سیکه ۵:۴۰۰۰*
چون تَمَنّا ۳:۳۹۳۷	چون تو را روز ۵:۱۰۴۸	چون جُعَل گشتست ۴:۲۷۸
چون تنازع ۲:۳۲۵۱	چون تو را سودای ۳:۴۲۱۱*	چون جفا آری ۳:۳۴۸
چون تن زَرّاق ۶:۴۴۸۶	چون تو راشه ۲:۲۸۲۱	چون جمادند ۶:۸۹
چون تن مردم ۴:۲۱۳۶*	چون تو را غم ۲:۱۳۷۹	چون جمادی ۳:۳۱۱۹

چون خدا پوشید ۳: ۲۴۲۰	چون چنین رفتی ۶: ۳۷۹	چون جماع ۱: ۳۴۳۳
چون خدا پیوستگی ۶: ۳۳۸۰	چون چنین شد ۱: ۱۱۹۵	چون جمال ۶: ۶۷۶
چون خدا خواهد کرد که پرده ۱: ۸۱۵	چون چنین گشتی ۱: ۱۸۷۷	چون جنازه نه ۶: ۳۲۴
چون خدا خواهد که پوشد ۱: ۸۱۶	چون چنین گویم ۴: ۲۱۰۶	چون جنید از ۲: ۹۲۶
چون خدا خواهد که مان ۱: ۸۱۷	چون چنین وسواس ۴: ۳۸۵	چون چنین بود ۳: ۵۰
چون خدا خواهد که مردی ۵: ۱۷۰۵	چون چنینی خویش ۵: ۳۵۷۶	چون چنین را در ۳: ۱۷۵۶
چون خدا سوگند ۲: ۲۸۸۶	چون چهارم ۶: ۱۷۰۵	چون چنین را نوبت ۱: ۳۷۷۴
چون خدا فرمود ۶: ۱۶۱۰	چون حدیث کردی ۲: ۳۵۱۹	چون چنین، کیش ۳: ۳۹۶۴
چون خدا ما را ۱: ۳۵۵۰	چون حدیث امتحان ۳: ۷۹۶	چون جواباتِ خَضر ۲: ۳۵۲۷
چون خدا مر ۴: ۵۳۵	چون حدیث روی ۱: ۱۲۳	چون جواب احمق ۴: ۱۴۸۸
چون خدا می‌خواست ۵: ۲۹۱۸	چون حرامش کرد ۴: ۳۴۵۳	چون جوالی ۴: ۱۵۷۴
چون خدو انداختی ۱: ۳۹۷۶	چون حَرَس ۶: ۶۰۵	چون جوان بودی ۳: ۳۴۲۴
چون خَرانِ چشم ۳: ۵۲۳	چون حریص است ۳: ۸۵۴	چون جهان را ۳: ۳۷۰۹
چون خران، سیخش ۳: ۲۵۴۹	چون حریصان ۳: ۵۹۵	چون جهان رنجور ۱: ۱۲۹۵
چون خر پیرش ۴: ۱۶۰۷	چون حریصِ خوردنی ۵: ۱۳۷۶	چون جهان ظلمت ۵: ۳۲۲۰
چون خر تشنه ۶: ۲۲۲۸	چون حشیشی ۶: ۱۷۸۷	چون جهانی ۵: ۲۱۴۲
چون خِرَد با توس ۴: ۳۶۷۸	چون حقت داد ۳: ۳۳۹۸	چون جهت شد ۳: ۳۶۵۸
چون خِرَد با نفس ۶: ۲۳۷۸	چون حقیقت پیش ۵: ۳۹۳۸	چون جهند ۳: ۹۷
چون خِرَد ساکن ۴: ۳۷۱۹	چون حقیقت شد ۵: ۱۰۳۴	چون جهنم ۶: ۱۵۸۵
چون خِرَد سالار ۳: ۱۸۳۲	چون حکیمک ۱: ۲۴۸۲	چون چراغِ خُفیه ۲: ۳۳۲۳
چون خری پا ۴: ۱۴۹۵	چون حمارست ۶: ۴۸۵	چون چراغی بی ۶: ۴۴۲۷
چون خریدارش ۲: ۲۴۳۷	چون حوا گفتش ۶: ۴۴۷۰	چون چراغی در ۴: ۶۹۵
چون خرید او ۱: ۴۰	چون حیات از ۳: ۱۲۸۳	چون چراغی نور ۱: ۱۹۴۷
چون خری در ۲: ۳۳۵۵	چون خبر داری ۱: ۲۱۵۵	چون چگونه ۶: ۱۶۲۳
چون خریدی ۳: ۴۱۶۱	چون خبر شد ۵: ۱۹۴۲	چون چنان افگند ۴: ۱۵۵۴
چون خری را ۵: ۱۳۷۱	چون خبرها ۶: ۱۵۱	چون چنان چشم ۶: ۲۳۴۱
چون خُسوف آمد ۱: ۲۴۵۲	چون خبر یابد ۴: ۲۵۸۶	چون چنان شاهی ۳: ۲۷۸۹
چون خُسی آمد ۱: ۳۹۵۵	چون خبر یابید ۴: ۹۸۳	چون چنان کردی ۲: ۲۳
چون خضر و الیاس ۶: ۱۸۸	چون خبیثان ۶: ۲۷۰۱	چون چنین افتاد ۶: ۲۴۷۴
چون خطائین ۶: ۴۱۸۲	چون خدا آمد ۳: ۴۶۵۸	چون چنین بُد ۴: ۱۲۰۹
چون خطا باشد ۴: ۱۸۵۴	چون خدا از ۵: ۲۲۴۴	چون چنین بردی ست ۳: ۴۱۸۷
	چون خدا اندر ۱: ۶۷۳	چون چنین جنگد ۴: ۱۴۰۰
	چون خدا با توس ۳: ۱۹۵۱	چون چنین خواهی ۴: ۶
	چون خدا بگماشت ۳: ۲۷۵۵	چون چنین درویشم ۲: ۳۰۵۰
		چون چنین رشکی ۶: ۶۹۵

چون خطاب یار ۱۱۹۵:۲	چون دبیرستان ۱۱۷۳:۳	چون درخت و سنگ ۲۸۳۲:۴
چون خطِ قوس ۱۶۰۰:۲	چون درآرد ۲۸۲۷:۱	چون درختی ۱۵۶۳:۲
چون خفاشی ۳۶۴۸:۱	چون درآمد آن ۶۷۲:۶	چون در زرادخانه ۴۱۳۴:۳
چون خفی نبود ۱۲۹۹:۲	چون درآمد تیغ ۳۲۳۹:۱	چون در معنی ۲۸۷۰:۱
چون خلاف افتاد ۲۴۰۸:۶	چون درآمد، جس ۳۰۲:۱	چون در و دیوار ۴۷۳:۴
چون خلافت یافت ۴۸۷:۴	چون درآمد خوش ۵۲:۴	چون درون چشمه ۲۷۵۱:۳
چون خلاف خوی ۳۴۶۷:۲	چون درآمد در ۲۸۰۲:۱	چون درون خود ۴۷۸۰:۶
چون خلیش ۳۷۶۷:۶	چون درآمد، دید ۳۰۱۰:۲	چون دریدی ۳۶۱۷:۱
چون خلف دادستان ۳۸۵:۲	چون درآمد عزم ۳۸۸:۴	چون دری می‌گفت ۴۸۰۳:۳
چون خَلَقْتُ الخلق ۴۱۷۳:۵	چون در آن حالت ۹۶۷:۴	چون درین تزویر ۲۰۴۸:۲
چون خلقناکم ۴۵۴:۳	چون در آن خُم ۱۳۴۶:۲	چون درین جو ۳۱۹۴:۶
چون خلیفه بر ۳۶۵۰:۱	چون در آن دم ۸۹۵:۴	چون درین دل ۴۳۹۵:۳
چون خلیفه دید ۲۸۵۳:۱	چون در آن کوجه ۶۲۹:۵	چون درین ره می‌نهد
چون خلیل آمد ۷۴:۲	چون درآید، از فنی ۲۷۴۳:۶	۲۹۵۱:۵
چون خلیل از ۱۵۵۹:۲	چون درآید اندرون ۳۹۹۷:۳	چون درین شد ۲۷۶۲:۶
چون خلیل حق اگر ۴۳۸:۵	چون درآید در ۲۳۰۸:۲	چون درین غالب ۴۵۶۹:۳
چون خلیل حق و جمله	چون درآید سوی ۱۵۷۹:۴	چون دُعایان ۳۵۵۰:۱
۸۱۴:۴	چون درآید نام ۱۸۸:۳	چون دقوقی ۲۲۰۸:۳
چون خلیلی راکه ۲۶۴۹:۵	چون درآید نزع ۱۹۶۷:۵	چون دل آن آب ۲۸۱۲:۵
چون خُمش کردی تو ۲۸۴:۳	چون درآیی از ۱۵۲۹:۳	چون دل آن شاه ۱۴۰۳:۲
چون خمیر آمد ۳۹۴۶:۶	چون درازی ۲۱۶۰:۶	چون دل او ۱۵۹۳:۲
چون خِناق ۲۱۷۱:۶	چون درافتادی ۶۰۷:۳	چون دلِ اهل ۳۱۱:۳
چون خوری، سردی	چون درافتد ۱۴۱۰:۵	چون دل بوزینه ۲۵۹۵:۵
۳۶۹۵:۲	چون درافگندت ۳۱۹۱:۴	چون دلش آموخت ۳۰۰۵:۱
چون خوری، گرمی ۳۶۹۷:۲	چون درافگندش ۴۸:۴	چون دل و جانش ۳۹۵۶:۳
چون خوری یک بار ۱۹۵۹:۴	چون درافگندند ۲۳۳۸:۳	چون دلیل آری ۲۷۱۵:۲
چون خیال آن ۱۷۹۴:۵	چون درافگندت ۳۶۷۴:۳	چون دلیل ۲۵۰۷:۶
چون خیالات ۳۵:۳	چون در او آثار ۱۸۱۰:۴	چون دُمادُم ۱۰۱۴:۲
چون خیال، او ۴۷۶:۶	چون در او گامی ۱۴:۲	چون دم رحمان ۱۲۰۳:۲
چون خیالت ۲۰۴۶:۲	چون در ایشان ۱۴۷۳:۱	چون دم مردان ۴۶۹۱:۶
چون خیالی در دلت ۳۷۷۴:۳	چون در این آتش ۷۹۳:۱	چون دم و حرف ۱۰۷۰:۶
چون خیالی در دلِ شه ۳۳۹۶:۵	چون در اینجا ۱۲۵۸:۶	چون دمی حیران ۳۴۵۵:۶
چون خیالی دید ۳۸۶۱:۵	چون در این ره ۱۰۷۲:۱	چون دوا نپذیرد ۱۷۰۳:۵
چون خیالی که ۳۷۰۶:۳	چون درخت ست ۱۱۶۶:۵	چون دوایت ۲۰۶۷:۲
چون خیالی می‌شود ۲۸۱۶:۵	چون درخت موسوی ۳۵۷۰:۴	چون دواي رنج ۱۷۰۴:۵

چون رود در خانهٔ ۲: ۳۱۲۱ *	۵: ۳۸۵۰	چون دو تاشد ۳: ۳۵۴۰ *
چُون رود در خُونشان	چون رسول آمد به پیش	چون دو چشم دل ۲: ۲۱۵۲
۲: ۲۷۴۸ *	۵: ۳۸۴۸	چون دو چشم گاو ۴: ۱۷۱۱
چون رود در ناف ۱: ۱۴۷۱ *	چون رسولان ۱: ۲۸۱۳	چون دو دل شد ۲: ۲۴۹۰
چون رود نور ۶: ۹۷۳	چون رسول روم ۱: ۱۴۰۸	چون دو دیدی ۶: ۳۲۱۹
چون روم من ۶: ۴۱۰۷ *	چون رسید آن زن ۵: ۲۱۹۷	چون دو سه سال ۵: ۱۴۹۳
چون روند از چاه ۵: ۱۷۱۳ *	چون رسید آن کارد ۳: ۶۱۹	چون دو کس برهم ۲: ۲۱۰۱
چون روی آن سو ۵: ۳۸۹۵ *	چون رسید آن وعده ۱: ۶۶	چون دو کوری ۲: ۱۹۹۴ *
چون رَوی بر ۵: ۳۷۵۸ *	چون رسید آن وقت ۴: ۱۸۴۸	چون دوم از ۵: ۷۹۸
چون رَوی چون در کفِ	چون رسید از راه ۱: ۱۹۵	چون دوم بار ۳: ۳۵۷۶
۶: ۳۷۵ *	چون رسید از هاتقانش	چون دو مرغ ۶: ۳۹۵۹ *
چون رَوی چون نَبُوَدَت	۶: ۳۱۱۸ *	چون دو مطلب ۵: ۳۰۰۵ *
۶: ۴۰۷۳ *	چون رسید اندر ۴: ۸۳۹	چون دو ناطق ۳: ۱۴۹۹
چون روی در ظلمتی	چون رسید او ۱: ۱۱۵۳	چون دهان باز ۶: ۴۰۸۶ *
۳: ۲۸۲۸ *	چون رسید اینجا بیانم ۳: ۹۷۰	چون دهان بُر شد ۶: ۴۰۸۵
چون روی نزدیک ۶: ۳۱۷ *	چون رسید اینجا سخن	چون دهانم ۳: ۴۱۲۷
چون رها کردی ۶: ۳۵۰۱	۴: ۲۱۴۴	چون دهد قاضی ۱: ۳۳۵
چون رها ند ۲: ۲۶۴۸	چون رسید اینجا قلم	چون دُهل شو ۲: ۲۲۰۶ *
چون رها نم ۳: ۲۶۴۷	۴: ۲۱۴۴ *	چون دَی آمد ۶: ۱۷۱۵ *
چون رهانیت ۳: ۳۶۵۷	چون رسیدم در ۴: ۹۳۹	چون ذَکر سوی ۵: ۳۸۸۱
چون رَهم زین ۳: ۳۸۳۸ *	چون رسیدم سوی ۳: ۱۹۸۴	چون ذَنب ۱: ۳۹۹۱ *
چون رهند از آب ۱: ۱۳۴۶ *	چون رسیدم، مستِ ۱: ۲۷۸۴ *	چون رُباید ۳: ۲۸۷۵
چون رهند از دستِ ۳: ۹۷	چون رسیدند آن ۲: ۱۴۴۷	چون رجا و خوف ۲: ۳۲۱۷
چون رهید آن ۳: ۲۲۸۱	چون رسیدند این ۶: ۲۳۹۵	چون رُخت را ۶: ۱۲۹۲
چون رهید از صبر ۶: ۴۷۹۴ *	چون رسیدندی بدان ۱: ۷۲۹ *	چون رسد آنجا ۲: ۷۵۱
چون رهیدی، بینی ۶: ۳۴۹۹	چون رفیقی ۱: ۱۳۹۸	چون رسد آن نان ۶: ۴۲۳۴
چون رهیدی، شکر ۳: ۲۸۸۰	چون رمی از ۴: ۱۴۱۱	چون رسد باده ۶: ۳۷۰۹ *
چون رهیدی و ۳: ۳۸۱۷	چون رمید و رفت ۵: ۳۶۶۸ *	چون رسد بر در ۳: ۲۸۷ *
چون ز آبَراری ۴: ۳۲۱۴ *	چون روا دارم ۵: ۴۰۳۹	چون رسد پیری ۲: ۳۰۹۳ *
چون ز ابرِ فضلِ ۳: ۲۳۰۹ *	چون روان باشی ۴: ۱۱۰۶	چون رسد جُفتی ۳: ۲۸۷۴ *
چون ز استغراق ۲: ۳۷۹۶	چون رود جان، جسم	چون رسد در علم ۳: ۴۱۱۹
چون ز اسمِ ۳: ۲۰۶۲ *	۴: ۱۸۸۱ *	چون رسد در وی ۱: ۸۹۶ *
چون ز بالا سويِ ۴: ۳۵۴۶ *	چون رود جان می‌شود	چون رَسَن تابان ۱: ۲۳۰۷ *
چون زبانی حق ۲: ۳۴۵۶ *	۴: ۲۳۱۷	چون رَسَن یک ۶: ۷۲۶
چون زبان‌های ۳: ۳۲۶۸	چون رود خواجه ۲: ۱۴۸۵	چون رسول آمد بگفت

چون زبانه شمع، او ۵:۶۷۳*	چون ز دانش ۱:۱۱۳۹	چون ز عکس ماه ۲:۳۶۲۰*
چون زبانه شمع پیش ۳:۳۶۷۱	چون ز دریا ۲:۵	چون ز علت ۱:۳۶۶۴
چون زبان «یا هو» ۶:۳۳۲۰*	چون ز دست رُست ۳:۳۴۶۰	چون ز غیبت ۶:۴۲۹۹
چون ز بطنِ حوتِ ۶:۲۳۰۶*	چون ز دست زخم ۳:۳۴۷۱	چون ز فهم ۴:۳۷۴۹
چون ز بغداد ۶:۴۲۴۴	چون ز دش سیلی ۶:۱۳۳۵	چون ز قربانی ۴:۷۱۵
چون ز بند ۵:۲۰۶۲	چون ز دُگان ۶:۴۲۹۸	چون ز قندیل ۵:۱۸۰۰
چون ز بیرون شد ۵:۳۲۷۰*	چون ز دم من ۱:۲۵۵۰*	چون ز کاتِ ۲:۱۶۸۳*
چون ز بی صبری ۶:۱۴۱۷	چون ز ذات ۶:۱۲۹۹	چون ز کودک ۴:۱۱۳۴
چون ز بیم ۴:۳۷۷۰	چون ز ذره ۶:۴۱	چون ز کوری ۲:۲۳۷۵
چون زیایت ۱:۲۱۰۲*	چون ز راز و ناز ۳:۴۷۳۲	چون ز که آن ۲:۱۳۳۱
چون ز پرهیزی ۲:۹۴۸*	چون ز راندود ۲:۷۱۲	چون ز که در ۱:۳۰۲۵
چون ز ترک ۴:۱۳۴۶	چون ز رخت ۵:۴۱۶۱	چون ز گرگی ۲:۲۰۵۸
چون ز تن جان ۶:۲۱۸۷*	چون ز رنجور آن ۱:۱۶۹	چون ز گرمابه ۲:۱۰۰۵
چون ز تنهایی ۲:۲۲	چون ز رنجوری ۱:۲۰۳	چون ز گریه ۵:۶۴۱
چون ز تو بگذشت ۴:۲۲۵۳*	چون ز روی این ۶:۳۲۱۱	چون ز گفتِ ۳:۴۰۴۹*
چون ز تو بود ۶:۳۲۶۰*	چون ز رویش ۲:۹۲۵	چون ز گورستان ۱:۲۰۲۷
چون ز جزو ۱:۲۲۹۹	چون ز ره بر آب ۱:۱۰۹۶*	چون ز لب جُنبان ۱:۳۳۵۹*
چون ز جو جَست ۲:۳۲۴۲	چون ز ره دان ۶:۱۴۰۶	چون ز لقمه ۱:۱۶۴۵
چون ز چاهی ۳:۴۷۸۴	چون ز ره سازی ۳:۲۴۹۸*	چون ز لیخا ۶:۴۸۲۹
چون ز چشم آن ۵:۳۷۶۹	چون ز ری با ۳:۵۵۵	چون ز مادر ۶:۴۸۰۵
چون ز چشم خویش ۴:۸۳۷	چون ز زنده ۵:۵۵۰	چون ز مُرده ۵:۵۴۹
چون ز چشمه ۵:۲۴۳۸	چون ز ساعت ۳:۲۰۷۵	چون ز مسکینان ۶:۱۶۳۲*
چون ز حد بُرد آن ۴:۲۰۸۱*	چون ز سنگی ۵:۳۲۸۳	چون ز مغناطیس ۱:۲۴۸۶
چون ز حد بردند ۳:۳۷۷	چون ز سینه ۴:۱۹۶۵	چون ز مفلس ۳:۱۴۹۲
چون ز حد بیرون ۵:۱۳۲	چون ز شوی ۲:۲۴۱۳	چون ز مکرِ نفس ۲:۲۴۵۸*
چون ز حد رفت ۶:۲۱۶۳*	چون ز صد پایه ۶:۷۲۵	چون ز من سازی ۶:۴۱۲۹
چون ز حدش بُرد ۲:۳۶۳۵*	چون ز صندوق ۶:۴۴۹۹	چون ز زمین با ۳:۹۳۶
چون ز حد شد ۶:۷۰۹	چون ز صُنْعش ۴:۳۷۰۹	چون ز زمین بر ۳:۳۵۶۷
چون ز حرف ۶:۷۱	چون ز صُنْع ۳:۳۱۵۶*	چون ز زمین بوسید ۶:۲۵۲۵*
چون ز حس بیرون ۳:۱۰۲۸	چون ز صوفی ۲:۲۱۸۹	چون ز زمین دانیش ۴:۲۸۳۰
چون ز حیرت ۱:۱۲۵۳	چون ز طفلی ۳:۴۱۱۳	چون ز زمین را ۳:۱۴۵۹
چون ز خالق ۳:۱۶۱۵	چون ز ظنّ ۳:۱۵۱۳	چون ز زمین زین ۶:۹۰
چون ز خشم ۳:۳۴۷۲	چون ز عادت ۲:۳۴۵۹	چون ز زمینِ شان ۵:۱۵۳۰*
چون ز خوابش ۳:۲۶۴۱	چون ز عطر ۴:۲۸۳	چون ز زمین، که زاید ۵:۱۷۹۲*
چون ز خود رستی ۲:۱۳۲۰	چون ز عفو ۱:۲۴۱۲	چون ز زمین و چون ۳:۳۸۹۲

چون ز نامردی ۲۵۱۱:۵	چون ستاره، خانه ۳۶۸۶:۵	چون سگِ اصحاب را ۱۰۲۲:۱
چون زنان او ۳۸۲۴:۶	چون ستاره زین ۳۰۷۰:۶	چون سگِ اصحاب کُهِف ۲۰۱۱:۲
چون زنان جمله ۹۴۶:۳	چون ستاره سیر ۱۲۸۸:۳	چون سیگالِش اوش ۳۰۳۵:۱
چون زنانِ زشت ۳۹۰:۱:۶	چون ستانی ۲۳۸۰:۲	چون سگان کوی ۱۱۳۷:۲
چون زنان، مر نفس ۳۰۶۱:۲	چون ستد او ۱۰۴۱:۵	چون سگان هم ۳۱۵:۳
چون زنج را ۴۴۵:۶	چون ستد زو ۱۲۳۸:۶	چون سگِ باسط ۲۹۴۹:۵
چون زند افمی ۲۹۷۲:۳	چون ستوری ۹۲۸:۶	چون سگ صیاد، جنبان ۱۱۰۱:۳
چون زند او ۳۱۴۸:۱	چون سجودی ۳۴۵۷:۳	چون سگِ صیادِ دانا ۱۱۰۰:۳
چون زند شهوت ۳۸۷۸:۵	چون سحر از ۶۰۳:۶	چون سگِ کُهِف، از ۲۰۵۸:۲
چون زن صوفی ۲۱۳:۴	چون سخن در وصف ۴۱۹۵:۵	چون سگ کُهِفی ۲۰۸:۳
چون ز نقشی ۱۵۰:۲:۵	چون سخن در وی ۲۷۱۶:۲	چون سگی بانگی ۲۸۴۲:۶
چون زَنَم بر آلتِ ۳۸۵۳:۱	چون سخن گوید ۳۰۰۰:۵	چون سلاحت ۴۴۵۰:۶
چون زَنَم دم ۱۷۲۴:۱	چون سخن نُوشد ۳۶۱۷:۲	چون سلاحش ۱۴۳۵:۴
چون زندی خویش ۳۱۰۴:۲	چون سر بریان ۱۵۸۱:۶	چون سلاح و جَهل ۴۷۲۳:۶
چون ز نور ۲۸۸۵:۲	چون سر رشته به ۲۹۳۷:۱	چون سلیمان از ۴۰۱۴:۶
چون زنی از ۵۳۵:۱	چون سر رشته ضمیرش ۹۹۸:۲	چون سلیمان باش ۱۱۵۰:۴
چون زنی که ۱۸۰۴:۶	چون سر رشته نگه ۳۵۲۸:۴	چون سلیمان بُد ۹۱۶:۲
چون ز وحدت ۸۸۱:۴	چون سر سفره ۱۲۲۳:۶	چون سلیمان در ۴۸۳:۴
چون ز هفصد ۸۲۶:۲	چون سرش بیرید ۱۴۸۹:۳	چون سلیمان را ۱۲۰۲:۱
چون زیاد از نَرَد ۲۰۰۲:۱	چون سیرشتِ ما ۲۶۶۱:۱	چون سلیمان سوی ۸۵۹:۴
چون زید؟ ۴۳۰:۴	چون سر قُنفذ ۴۰۵۹:۳	چون سلیمان شاه ۱۲۵۲:۴
چون ز یک دریاست ۱۶۰۶:۶	چون سرِ گاو ۳۴۵۹:۶	چون سلیمان شو ۱۱۴۹:۴
چون ز یک سرمه‌ست ۱۶۰۸:۶	چون سر و ماهیت ۱۴۹:۶	چون سلیمان کرد ۴۶۷:۴
چون سبب دانی ۲۷۱:۴	چون سری ۳۷۱:۴	چون سلیمان کز ۳۷۰۰:۲
چون سبب ساز ۹۰:۴	چون سزای ۷۷۱:۱	چون سلیمان، گشتمی ۴۶۹۴:۶
چون سبب کردی ۴۰۰۱:۵	چون سزد ۲۱۱۷:۲	چون سلیمانی دلا ۳۵۷۸:۱
چون سبب معلوم ۲۷۲:۴	چون سفالین ۷۹۲:۳	چون سماع آمد ۵۳۵:۲
چون سبب نبود ۱۵۵۰:۵	چون سفر فرمود ۲۶۶۷:۱	چون سَمَک ۲۷۰۹:۲
چون سبب‌ها ۳۱۵۵:۳	چون سفر کردم، بیابم ۴۱۷۶:۶	چون سوادِ آن ۳۸۶۶:۳
چون سبد در ۱۲۷۹:۵	چون سفر کردم مرا ۱۸۰۹:۲	چون سوارِ مُرده ۳۲۵:۶
چون سبو بشکست ۲۰۹۹:۳	چون سفرها ۴۱۸۱:۶	چون سؤال است ۸۵۴:۲
چون سپاه ۳۶۰۹:۶	چون سفیهان ۱۳۹۹:۲	
چون سپردی تن ۳۳۹۶:۳	چون سُقواماء ۳۶۰۰:۱	
چون ستاره با ۱۰۹۲:۲		
چون ستاره چرخ ۳۱۷۳:۶		

چون شکبه ۵:۲۹۷۷#	چون شدی نومید ۶:۱۸۴۶	چون سوی معشوق ۴:۵۵۷#
چون شکوفه ریخت میوه	چون شراری ۵:۲۷۰۷	چون سوی موسی ۴:۳۵۷۰#
سرکند ۱:۲۹۲۹	چون شرر، کیش ۱:۱۱۴۶#	چون سوی هر ۵:۱۴۷۰#
چون شکوفه ریخت میوه شد	چون شعاعی ۱:۳۷۶۳#	چون سه پیل ۳:۲۶۲۲#
۱:۲۹۳۱	چون شعیب این ۲:۳۳۸۸	چون سیهرو ۶:۴۷۱۴
چونش گویا ۴:۳۷۳۰	چون شعیبی ۲:۱۶۴۶	چون سیه شد ۲:۳۳۷۴
چون شما این جمله ۲:۲۵۶۴	چون شکارت شد ۳:۲۶۸۸#	چون سیه گشتی؟ ۱:۳۲۳۵#
چون شما این، نفس ۲:۲۵۵۹	چون شکار خوک ۵:۴۰۸۰	چونش این ۳:۲۵۶۸#
چون شما بسته ۳:۲۷۱۱	چون شکارِ سگ ۵:۲۹۶۲#	چون شب آمد ۱:۳۶۷۳
چون شما تاریک ۱:۳۶۶۰	چون شکار فقر ۶:۱۴۰۳	چون شبانه ۲:۶۷۲۰
چون شما در ۳:۲۷۱۲	چون شکاری می نماید	چون شب و روزی ۲:۱۸۶۴#
چون شما را حاجت ۱:۳۰۸۹	۳:۳۷۲۶	چون شد آدم ۶:۲۶۴۸
چون شما را دید ۵:۳۳۶۴#	چون شکاری نیست ۵:۶۳۴#	چون شد آن ناشف ۶:۲۲۳۳
چون شمارد ۵:۱۸۴۴	چون شکافد توبه ۲:۱۶۴۵#	چون شد اندر ۶:۲۹۴۸
چون شما سوی ۳:۱۰۲۰	چون شکایت کردن ۴:۷۷۶#	چون شد او بیدار ۴:۱۵۲۵#
چون شناسد اندک ۴:۳۸۳۲	چون شکر باید ۱:۱۸۶۶	چون شدم دیوانه ۵:۱۸۹۱#
چون شناسد جان ۴:۳۸۳۰	چونش کردم ۲:۳۷۴#	چون شدم من ۳:۴۲۰۸
چون شناسی بانگ ۲:۳۵۷۵#	چون شیرین ۶:۹۰۲#	چون شدم نزدیک ۲:۲۱۰۵
چون شنود آهن ۶:۲۶۵۹#	چون شکر گردی ۱:۱۹۸۰	چون شدند از منع ۶:۳۷۰۱
چون شنید آن شخص ۶:۱۹۵۰	چون شکر لب ۶:۴۷۶۸	چون شدند از نام ۴:۹۷۸#
چون شنید آن مرغ ۱:۱۶۹۱	چون شکست آن ۵:۲۲۷۷	چون شدی اول ۴:۱۶۸۳
چون شنید از سنگها بوجهل	چون شکست او بال ۳:۴۴۶۰	چون شدی بر ۳:۱۴۰۲
۱:۲۱۶۰	چون شکست او، شیشه	چون شدی بی خود ۶:۱۵۲۳
چون شنید از سنگها پیر	۱:۳۳۱#	چون شدی پیر ۳:۳۴۲۵
۴:۹۶۴	چون شکست او گوهر ۵:۴۰۷۱	چون شدی تو پاک ۴:۲۳۸۶
چون شنید از سوی ۳:۲۱۷۸#	چون شکستش ۵:۱۷۱۸	چون شدی تو حُر ۱:۳۳۱۴#
چون شنید از گاو ۶:۲۴۷۹	چون شکستِ ما ۳:۴۴۹۶#	چون شدی تو سیر ۱:۲۸۷۴
چون شنید از گربگان	چون شکسته بند ۱:۳۸۸۲	چون شدی تو شرح جو
۳:۳۹۷۷#	چون شکسته دل ۴:۱۶۸۵	۵:۱۰۷۱#
چون شنید انجام ۱:۳۱۲۲#	چون شکسته گشت ۲:۳۰۳۷	چون شدی تو صید ۴:۱۶۰۳#
چون شنید او ۶:۳۲۲۶	چون شکسته می رهد ۴:۲۷۵۷	چون شدی در خوی ۱:۱۸۷۶
چون شنید این پند ۵:۶۱۳	چون شکستی ۵:۳۴۲۷	چون شدی در ضد ۶:۳۷۹#
چون شنید اینها ۳:۳۳۶۷	چون شکم پُر آب ۱:۱۱۲۰#	چون شدی زیبا ۶:۳۱۰۰
چون شنیدند این مثال ۶:۲۴#	چون شکم پُر گشت ۴:۳۶۲۰	چون شدی سر ۳:۳۳۷
چون شنیدند این وعید	چون شکم خود ۳:۷۵۸	چون شدی من ۱:۱۹۳۹

چون عزانامه ۵: ۱۷۸۵#	چون شهیدان ۴: ۲۶۰۷#	۲۵۳۴:۱
چون غسل خوردی ۶: ۴۱۷	چون شهیدی ۵: ۳۷۸۵	چون شنیدند مژده ۳: ۸۵۶
چون عصا از ۲: ۹۱۹	چون شیاطین ۴: ۱۷۸۴	چون شنیدی او ۴: ۱۲۴۰#
چون عصا، خم ۵: ۱۳۲۸#	چون صبا ۴: ۸۴۵#	چون شنیدی بعضی ۶: ۱۱۱۱
چون عصا را ۶: ۲۱۷۹	چون صبری ۴: ۳۲۱۳#	چون شنیدی تو ۳: ۴۹۴#
چون عصا شد آلت ۱: ۲۱۳۷	چون صفا بیند ۴: ۱۰۸	چون شنیدی شرح ۶: ۱۴۶۶
چون عصا شد مار، آنها	چون صفت باجان ۳: ۲۷۷۵	چون شنیدی کاندیرین ۳: ۴۳۰۴
۴: ۱۶۷۳#	چون صفر آید ۴: ۲۵۸۷	چون شود آن قالب ۴: ۳۱۱۸#
چون عصا شد مار و اُستُن	چون صفر پای ۴: ۲۵۸۹#	چون شود از ۲: ۲۷۳۸
۱: ۲۱۴۱#	چون صغیری ۱: ۳۴۰۷	چون شود بیدار ۵: ۱۷۸۳
چون عصا و خرقة ۶: ۲۴۴۴	چون صلا زد ۶: ۴۷۴۳#	چون شود پُر ۶: ۴۲۱۴
چون عصا و سنگ ۴: ۲۸۲۶#	چون صلاي وصل ۳: ۴۶۸۷	چون شود تیره ز غدر ۵: ۲۲۲
چون عصایش دان ۳: ۱۲۱۰#	چون صَنَم بودم ۱: ۲۴۰۷#	چون شود تیره نبینی ۴: ۲۴۸۲#
چون عصای موسی آمد	چون صُور بنده‌ست ۶: ۳۷۴۸	چون شود جاننش ۱: ۳۱۴۹
۵: ۱۳۱۶#	چون ضرورت ۵: ۳۷۱۹	چون شود جتنی ۵: ۱۲۱۷#
چون عصای موسی اینجا	چون ضعیف آتش ۵: ۶۳۲#	چون شود چشمه ۶: ۳۵۸۹
۳: ۱۰۱۰	چون ضیاء الحق ۲: ۳	چون شود عَنقا ۲: ۱۴۵۰#
چون عطارد ۲: ۲۵۷۹	چون طبق خالی ۲: ۴۰۰	چون شود فانی ۲: ۱۵۷۲
چون علامت ها ۳: ۸۸۹#	چون طبق را ۲: ۴۳۰	چون شود فردا ۲: ۱۶۷۴#
چون علف کم ۵: ۲۸۳۹#	چون طیبیان را ۳: ۲۷۳۰	چون شود واقف ۳: ۴۵۸۶
چون علی تو ۴: ۲۲۳۲#	چون طلب کردی ۲: ۱۶۹۷	چون شود وحشی ۱: ۳۳۱۵#
چون علی سَر ۶: ۲۰۱۴#	چون طمأنینست ۶: ۲۵۷۶	چون شود هر دم ۳: ۲۶۸۹#
چون عمارت ۱: ۲۴۷۶	چون طمع بستی ۵: ۳۶۳۱	چون شوم آلوده ۵: ۲۰۶
چون عمر از ۱: ۱۵۰۴	چون طمع خواهد ۵: ۲۶۹۵	چون شوم غمگین ۱: ۲۵۵۵
چون عمر اغیار ۱: ۱۴۴۳	چون طمع کردی ۲: ۲۷۵۳#	چون شوم گُل؟ ۶: ۲۷۰۵#
چون عمر بر ۲: ۱۱۴	چون عبادت ۳: ۲۹۸۶	چون شوم هشیار ۵: ۴۲۰۳
چون عمر شیدای ۲: ۹۲۳	چون عتاب ۵: ۳۶۱۹	چون شوی بیدار ۵: ۷۳۱#
چون عُمَر می‌گرد ۶: ۳۲۳۲#	چون عدم باشند ۶: ۳۰۵۴#	چون شوی تمییزده ۶: ۲۶۲۹
چون عمل کردی ۲: ۹۷۲	چون عدم، یک رنگ	چون شوی چون بینی ۵: ۳۸۲#
چون عِنانِ خود ۶: ۴۷۶۴#	۳: ۳۰۲۴#	چون شوی؟ چون پیش
چون عنایت‌ها ۳: ۴۳۶۸	چون عدو نبود ۵: ۵۷۵	۱: ۲۴۲۲#
چون عوض ۳: ۱۸۷۵#	چون عذاب ۳: ۵۹۶#	چون شوی دور ۲: ۲۲۱۴
چون عیادت بهر ۱: ۳۳۸۲	چون عرب با ۵: ۳۲۵۵	چون شوی محرم ۴: ۵۸۴
چون عیادت کرد ۲: ۲۴۵۶#	چون عرق ۴: ۱۸۰۷#	چون شهادت ۴: ۲۱۷۶
چون عیالِ کافر ۶: ۲۱۱۰#	چون عروسی ۶: ۱۲۶۸	چون شهان، رفتند ۳: ۳۵۳۸#

چون غبار تن ۴۰۶۱:۶	چون فرو رفتند ۲۷۵:۳*	چون قضا آهنگ ۴۶۶:۳
چون غبار نقش ۱۴۶۰:۶	چون فرو گیرد ۱۸۲۴:۶	چون قضا آید چه ۵۱۶:۲*
چون غرض آمد ۳۳۴:۱	چون فزاید ۳۹۶۱:۱*	چون قضا آید شود تنگ ۳۸۰:۳
چون غرض دلالة ۳۴۶۱:۶	چون فزونی ۴۰۰۹:۵	چون قضا آید شود دانش ۱۲۳۲:۱
چون غروب آری ۴۱۳۷:۵*	چون فسرده ۲۳۸۳:۴*	چون قضا آید، شود زشت ۱۲۸۳:۱*
چون غریب ۳۵۱۸:۶*	چون فسون ۱۴۴۸:۱*	چون قضا آید طیب ۱۷۰۷:۵
چون غزا ندهد ۱۸۸۳:۶	چون فشارم خلق ۱۶۹۵:۵*	چون قضا آید فرو ۲۴۴۰:۱
چون غفورست ۳۰۸۷:۲*	چون فشاندی ۱۹۱۰:۴*	چون قضا آید نبینی ۱۱۹۴:۱
چون غلام او ۳۳۲۴:۳	چون فشردی ۳۷۱۷:۲*	چون قضا این بود ۴۰۵:۶*
چون غلام هندوی ۷۹۶:۲	چون فضولی ۹۲۴:۱	چون قضا بگذشت ۲۴۴۱:۱
چون غلام یاغی ای ۲۲۳۰:۱	چون فضیل ۳۱۶۱:۵	چون قضا بیرون ۴۶۹:۳
چون غلط شد ۲۷۹۰:۳	چون فطامش ۴۸۳۴:۶	چون قضای حق ۱۹۰۶:۳
چون غم جان ۱۵۰:۲*	چون فقیر آید ۳۱۳۹:۱	چون قضایش ۴۴۶۱:۳
چون غم خود ۱۵۰:۲	چون فقیه از ۳۹۳۳:۶*	چون قضاایف ۱۹۱۸:۳*
چون فتادم زار ۴۱۶۵:۶*	چون فقیهش ۳۹۶۶:۶	چون قفص اندر ۱۲۲۴:۱*
چون فتاده ماند ۱۹۲۷:۶*	چون فگندی اندر ۳۱۲۳:۳*	چون قفص را ۲۳۸۴:۶
چون فدای ۳۳۸:۳	چون فگندی تیر ۱۹۴۲:۶	چون قلاووزان ۱۱۲۷:۵*
چون فرار از ۷۶۱:۵	چون فگندی زود ۳۱۲۲:۳	چون قفص هشتن ۳۹۵۱:۳*
چون فراق آن ۸۸:۲	چون فلاسنگ است ۱۵۲۸:۱*	چون قلاووزی ۳۹۷۸:۶
چون فراق نقش ۳۲۱۱:۴	چون فنا را ۳۱۰۲:۴	چون قلم از ۱۰۹۹:۱
چون فراموش ۳۰۷۵:۳	چون فناش از ۶۷۲:۵	چون قلم اندر ۱۱۴:۱
چون فراموش خودی ۳۰۷۶:۳	چون فنا شد ۱۱۷۴:۲	چون قلم اینجا ۴۶۶۳:۳*
چون فراموشم شد ۳۶۵۲:۴*	چون قبور ۴۱۸:۵	چون قلم، بر تو ۳۹۴۱:۱*
چون فراموشی ۱۶۸۱:۱	چون قبول آرند ۷۵۶:۴*	چون قلم در پنجه ۳۹۳:۱*
چون فرستادم ۲۱۷۶:۵*	چون قبول حق ۱۶۱۰:۱	چون قلم در دست غداری ۱۳۹۸:۲
چون فرستادی ۴۷۵۲:۳	چون قتیل ۱۴۳۷:۲*	چون قلم در دستِ کاتب ۲۷۷۷:۳*
چون فرشته بود ۷۱۳:۲	چون قُج ۳۸۲۲:۴*	چون قمر که ۲۸۳۱:۴
چون فرشته گردد ۳۴۵۷:۶*	چون قدم با ۲۳۲۴:۱	چون قناعت ۲۳۹۵:۵
چون فرشته گشت ۳۱۸۵:۵	چون قدم بنهاد ۳۶۱۵:۶	چون قیامت پیش ۲۱۴۷:۳
چون فرشته و عقل ۴۰۵۴:۳	چون قدیم آید ۱۳۱۳:۵	چون قیامت کوه‌ها ۱۳۳۸:۲
چون فرو آمد ۱۱۶۰:۶	چون قراری ۹۱۴:۶	
چون فرود آمد ۳۵۵۲:۴	چون قرانِ دیو ۱۱۰۱:۲*	
چون فرود آیی ازو ۳۵۶۵:۴	چون قرانِ مُرد ۱۰۹۳:۲	
چون فرود آیی ازین ۳۵۶۳:۴	چون قریش از ۴۰۳۷:۳	
چون فرود آیی ببینی ۳۵۴۳:۴	چون قضا آورد ۱۳۳۸:۴	

چونکه آوردش ۵: ۲۸۵۳	چون کند تقصیر ۲: ۱۱۹۰	چون کبوتر پَر زَم ۶: ۱۹۹۷*
چونکه آید او ۱: ۶۴	چون کند تن ۳: ۳۳۵۰*	چون کبوتر سَوِی ۵: ۴۱۷۷*
چونکه آید خیزخیزان ۶: ۱۲۸۵	چون کند جان ۱: ۳۲۹۱	چون کبوترهای ۱: ۱۶۹۰
چونکه آید در نیاز ۱: ۲۴۲۳*	چون کند چک چک ۲: ۱۲۵۸	چون کتاب الله ۳: ۴۲۳۷
چونکه آید نوبت ۵: ۳۰۷۱	چون کند حُکم ۶: ۴۲۴*	چون کراهِت رفت آن ۳: ۴۶۱۲
چونکه اِخوان را حسودی ۴: ۳۲۵۷*	چون کند در ۳: ۴۵۸۸	چون کراهِت رفت مُردن ۳: ۴۶۱۳
چونکه اِخوان را دِل ۶: ۲۰۱۵	چون کند دعوی ۳: ۶۸۴	چون کرم این ۴: ۲۵۳۸
چونکه ارضُ الله ۶: ۶۳۵*	چون کند موشی ۳: ۲۷۹۰*	چون کریمی ۳: ۳۱۰۹
چونکه از امروز ۳: ۱۶۷۶	چون کنم؟ در ۱: ۲۶۸۳	چون کساد ۴: ۵۶۹
چونکه از جلوه گری ۵: ۶۵۴*	چون کنم صبری ۵: ۲۸۳۶*	چون کسم کردی ۵: ۴۱۵۹
چونکه از زشتی ۶: ۶۷۵*	چون کنم که نی ۶: ۳۸۶۵*	چون کسی با ۴: ۳۲۶۰
چونکه از عقلش ۲: ۱۸۸۰	چون کنم مر غیر ۵: ۳۴۵*	چون کسی بی ۵: ۲۹۲۶
چونکه از هستی ۶: ۲۳۷	چون کنند ۴: ۲۷۴۲*	چون کسی را خار ۱: ۱۵۰
چونکه اِستادند ۶: ۲۸۵۲	چون کنون میرانی ام ۵: ۹۶۶*	چون کسی را داد ۵: ۴۰۲۲
چونکه اُستا گشته ۳: ۳۳۶۹*	چون کنی از ۲: ۳۳۲	چون کسی را زَهره ۲: ۹۸۷*
چونکه استنجا ۴: ۲۲۱۶	چون کنی بر ۱: ۴۳۵	چون کسی کو از ۲: ۱۰۸۰
چونکه استنشاق ۴: ۲۲۱۴	چون کنی پا را ۳: ۱۲۸۲	چون کسی کو خورده ۱: ۳۳۷۸
چونکه اسماعیل ۲: ۹۱۴	چون کنی پنهان ۳: ۶۹۱*	چون کسی کو گم کند ۲: ۱۶۹۰*
چونکه اصل کارگاه ۶: ۱۴۶۷	چون کنی خامش ۶: ۱۱۰۲	چون کشانیدت ۳: ۴۵۶۸
چونکه اصلی ۴: ۳۴۱۵	چون کنی در راه ۱: ۲۸۷۵*	چون کشد از ساحلش ۱: ۳۳۴۲
چونکه اعمی ۲: ۲۰۶۸	چونکه آب جمله ۱: ۲۸۲۲	چون کشیدت ۴: ۶۲۴
چونکه آلائسان ۶: ۳۶۵۹*	چونکه آب خوش ۴: ۲۵۹۴	چون کشیدندش ۳: ۳۱۴۵
چونکه اندر عالم ۵: ۲۶۵۰*	چونکه آیش ۵: ۲۸۸۵	چون کفم زین ۶: ۲۳۲۷
چونکه اندر قمر ۲: ۲۸۱۴	چونکه آتش ۴: ۱۱۲۳*	چون کف موسی ۴: ۳۱۶۷
چونکه اندر مرد ۶: ۲۹۹۵	چونکه آگه ۶: ۴۶۸	چون کفی بر بحر ۶: ۱۶۲۲*
چون که اندر مرگ ۱: ۳۹۶۶	چونکه آمد ۴: ۲۹۳۹	چون کلاهش رفت ۱: ۲۳۴۴*
چون که او آمد، شود ۱: ۳۳۶۷*	چونکه آنجا ۶: ۴۷۴۸	چون کُلُوا خواندی ۵: ۱۴۰۷*
چونکه او آمد، طریقم ۲: ۳۶*	چونکه آن خلّاق ۴: ۱۱۹۵	چون کلیم الله ۶: ۳۲۸۰*
چونکه او افکند ۵: ۲۶۳۷	چونکه آن سبزش ۱: ۳۹۹۵	چون کمالی یافت ۴: ۳۰۱۹*
چونکه او بنیاد ۴: ۱۱۱۴	چون که آن گم شد ۱: ۲۹۳۱*	چون کنار ۳: ۲۶۳۶
چون که او تر کرد ۲: ۱۱۷	چونکه آن مخفی ۳: ۳۶۵۳	چون کند اصرار ۲: ۳۳۷۸
چونکه او جانی ۶: ۳۷۶۶	چونکه آن مرد ۳: ۱۰۶۲	چون کند او خویش ۳: ۴۴۸*
	چونکه آن نبود ۵: ۳۷۴۶*	چون کند این ۵: ۲۹۶۲
	چونکه آوازش ۲: ۲۰۰۴	

- چونکه اَوْحٰی ۱۲۲۹:۵
چونکه او سوزن ۲۹۸۷:۱
چونکه اول دیده ۱۶۱۵:۴
چونکه او مبدل ۴۵۲۱:۳
چونکه او مَر خویشت
#۲۳۵۰:۲
چونکه ایشان ۷۹۸:۶
چونکه ایمان ۳۳۷۷:۳
چونکه این ارض ۱۷۶۱:۴
چونکه این را ۱۹۴۷:۶
چونکه با او جمع ۳۳۷۷:۴
چونکه با او ضد ۳۷۸۷:۳
چونکه با ایمان ۳۳۷۷:۳
چونکه با بی برگی ۴۷۶۱:۳
چونکه با تکبیرها ۲۱۴۲:۳
چونکه با جاروب ۱۳۵۴:۵
چونکه با حق ۴۰۴۰:۶
چونکه با خویشت آمدن
#۷۰۵:۴
چونکه با خویشتند ۱۱۱۳:۳
چونکه بادی ۸۴۶:۲
چونکه باران ۲۳۴۳:۶
چونکه بازرگان ۱۵۴۸:۱
چونکه بازش ۱۵۸۹:۴
چونکه با شیخی ۵۴۰:۴
چونکه با کودک ۲۵۷۷:۴
چونکه با معشوق ۲۰۶۸:۴
چونکه بجهد در ۸۱۴:۳
چونکه بحر افگند ۱۴۵۶:۶
چونکه بحر عشق ۳۳۲۴:۵
چونکه بد کردی ۱۶۵:۴
چونکه بدنامست ۴۰۸۳:۳
چونکه بد یعقوب ۳۰۳۷:۳
چونکه بر بحر ۴۲۰۸:۵
چونکه بر بُوک ۳۰۹۱:۳
- چونکه بر سر ۳۰۳۶:۲
چونکه بر کوهش ۲۵۶۴:۵
چونکه برگردد ۲۷۴۵:۴
چونکه برگِ روح ۱۵۹۶:۲
چونکه برگیری ۴۱۷:۴
چونکه بر می بست ۱۲۷۲:۶
چونکه بر میخت ۹۲۹:۶
چونکه بر قطعش ۲۶۴۵:۲
چونکه بر وجد ۲۰۳:۲
چونکه بر وی ۴۷۶۰:۳
چونکه برّه ۱۷۷۸:۵
چونکه بسپارید ۲۶۸۹:۲
چونکه بشنود ۴۳۵۰:۳
چونکه بشنید ۱۶۳۷:۲
چونکه بگشاید ۹۲۹:۶
چونکه بَلْغ ۳۰۸۱:۳
چونکه بلقیس ۸۶۲:۴
چونکه بنده ۱۳۲۰:۲
چونکه بودم ۲۷۹۹:۶
چونکه بویی ۴۴۲:۱
چونکه بی آتش ۱۸۷۶:۳
چونکه بی این ۳۲۱۴:۴
چونکه بی تمیزیان ۲۵۴۵:۵
چونکه بیخ ۳۶۱:۳
چونکه بی دف ۱۹۸۷:۶
چونکه بی رنگی ۲۴۶۷:۱
چونکه بی سوگند پیمان
۲۱۳۵:۲
چونکه بی سوگند گفتمش
۲۱۳۳:۲
چون که بی عقلم ۳۷۸۴:۳
چون که بیند ۳۷۴۲:۱
چونکه بینی ۴۵۳:۳
چونکه پایانی ۱۹۹۶:۳
چونکه پای چپ ۱۸۳۲:۵
- چونکه پرده ۲۹۹۰:۵
چونکه پُر شد طشت ۱۱۱۱:۱
چونکه پُرش سوخت ۲۲۹۲:۴
چونکه پُرید ۳۴۵۸:۳
چونکه پنداری ۳۱۵۷:۶
چونکه پیداگشت سر ۲۴۹۲:۳
چونکه پیداگشت کو ۲۲۸۲:۱
چونکه پیغمبر ۲۷۷۴:۲
چونکه تا اقصا ۱۵۸۷:۱
چونکه تابستان بیاید از
۲۸۸۸:۳
چونکه تابستان بیاید من
۲۸۸۷:۳
چونکه تماجش ۲۶۳۲:۴
چونکه تخم ۴۱۵:۱
چونکه ترک از ۲۹۵۶:۵
چونکه تعویق ۱۹۵۹:۶
چونکه تقصیر و فسادی
۳۴۸۸:۶
چونکه تقوی ۱۸۳۱:۳
چون که تن بشکست
۲۹۲۹:۱
چونکه تنها شد ۲۱۷۱:۲
چونکه تنهائش ۱۲۰:۴
چونکه تو گل خوار ۲۴۶۰:۲
چونکه تو نظر ۱۳۳۲:۱
چونکه جادو ۴۴۸:۵
چونکه جامه ۳۲۰۵:۱
چونکه جان باشد ۴۳۸:۳
چونکه جان جان ۷۹۷:۴
چونکه جانداران ۳۲۷:۴
چونکه جانش غرق ۱۰۲۳:۱
چونکه جانش وارheid ۲۲۷۹:۵
چونکه جاهل ۱۴۴۳:۴
چونکه جزو باد ۱۳۹:۴

چونکه جزو دوزخ ۱۳۸۲:۱	چونکه خواب ۱۳۷۰:۴	چونکه در صنعت ۱۷۲:۶
چونکه جزوی ۲۸۰۲:۱	چونکه خوارمشه ۳۳۶۲:۶	چونکه درعهد ۱۱۸۱:۵
چونکه جعفر ۳۰۲۹:۶	چونکه خواهد ۸۰:۶	چونکه درقرآن ۱۵۳۷:۱
چونکه جفتِ آخولانیم	چونکه خواهِ نفس ۲۹۲۹:۵	چونکه درمانی ۱۹۷۰:۵
۲۰۳۳:۶	چونکه خواهی برکنی	چونکه درمدّاح ۱۷۳۵:۴*
چونکه جفتی ۲۸۷۳:۳	۱۱۵۰:۵*	چونکه درمعه ۳۵۷۱:۲
چونکه جمع ۳۰۸۷:۱	چونکه خواهی کرد ۲۱۶۸:۴*	چونکه درملکش ۸۳۷:۶
چونکه جمله از ۱۶۰۵:۶	چونکه خوبی ۹۵۶:۵	چونکه درنورش ۶۷۷:۱*
چونکه جنسِ ۸۹۵:۱*	چونکه خود را او ۳۸۸۸:۵	چونکه دریا بر ۳۶۲۹:۶
چون که چشمت را ۵۲۳:۱*	چونکه خود را پیش ۲۵۹۲:۲	چونکه در یاران ۱۵۹۲:۶
چونکه چشمش باز ۲۴۵۴:۵	چونکه خوردی جرعه‌یی	چونکه دریاهای ۲۲۸۲:۵
چونکه چشمش را ۱۲۸۲:۵	۱۵۶۲:۱*	چونکه دزدی، باری ۱۴۲۹:۲
چونکه چشمِ غیب ۹۳۲:۵*	چونکه خوردی و شد ۴۷۰۷:۶	چونکه دزدی‌های ۱۶۶۵:۶
چونکه چشم ۲۲۷:۴	چونکه خوی ۳۰۲۶:۳*	چونکه دست خود ۷۳۹:۵
چونکه چوپان ۱۱۹۳:۳	چونکه دارالضرب ۱۶۰۹:۶	چونکه دست عقل ۱۸۲۹:۳
چونکه چیزی ۱۵۰۹:۲	چونکه دارد از ۱۲۱۳:۱	چونکه دشمن ۳۶۰۱:۶
چونکه حارث ۴۰۴۸:۳	چونکه دارد عهد ۳۰۲۶:۶	چونکه دعوی ۳۲۵۰:۲
چونکه حاکم ۴۲۴:۶	چونکه داری آب ۳۴۸۵:۳*	چونکه دل ۱۲۹۵:۶
چونکه حامل ۱۴۲۹:۲*	چونکه دانستیم ۲۸۷:۶*	چونکه دندانِ تو ۱۳۳۵:۳
چونکه حرفی ۲۲۴۳:۶	چونکه داود ۲۳۷۶:۳	چونکه دندان‌ها ۵۸۲:۱
چونکه حُرّم ۳۸۲۵:۱	چونکه در بازار ۲۵۷:۴*	چونکه دو مثل ۱۶۲۱:۶
چونکه حسّ‌ها ۳۲۴۹:۲	چونکه در بدنامی ۱۸۷۳:۱	چونکه دید ۱۴۰۷:۱
چون که حق را ۱۱۳۱:۱*	چونکه در تو می‌خَلَد	چونکه دیگی ۲۴۳۰:۱
چونکه حق رَش ۱۸۹:۲	۱۰۳۷:۱*	چونکه رفتند ۳۰۲۲:۱
چونکه حق قهری ۲۱۷۱:۶	چونکه در تو می‌شود ۳۵۶۸:۲	چون که رفتی ۲۲۲۵:۲*
چونکه حقّ و باطلی ۲۹۶۶:۲	چونکه درجَنّت ۲۱۰۵:۵	چونکه رقه ۱۹۷۵:۶
چونکه حکم اندر ۱۳۹۳:۲	چونکه درجنگند ۱۰۲۰:۴*	چونکه رنج ۵۸۴:۵
چونکه حیران ۳۷۵۲:۴	چونکه در چشم ۱۳۹۴:۱	چونکه روغن ۲۴۷۱:۱
چونکه خاتون ۲۷۵:۶	چونکه در چه ۱۳۰۵:۱	چونکه ریگی ۳۷۱۱:۶
چونکه خرگوش از ۱۳۳۹:۱	چونکه درخَلّاقی‌ام ۱۸۳۹:۶	چونکه زاغان ۴۰:۲
چونکه خرگوشی ۲۵۱۸:۵	چونکه دردت رفت ۱۱۴۱:۳*	چونکه زاید ۳۵۲۵:۱*
چونکه خرمین ۳۱۳۱:۱	چونکه درد دُنبَلش ۲۰۶۵:۵	چونکه زد خرطوم ۲۷۵۰:۳
چونکه خصم ۱۳۰۷:۱	چونکه درد و شور ۳۰۱۶:۳	چونکه زربیش ۱۴۱۸:۲*
چونکه خفت ۱۱۹۳:۳*	چونکه در ریش ۱۳۹۰:۲	چونکه زشت ۲۰۴:۱
چونکه خلق از ۶۶۳:۱	چونکه در سبزه ۲۷۲۲:۲	چونکه زنهارش ۴۶۶۶:۳*

چونکه ساکن ۱:۳۳۴۱	چونکه ظاهرها ۵:۱۳۳۱	چون که کرخی ۲:۹۲۸
چونکه سجده ۳:۲۹۹۹*	چونکه عاجز آمدی ۴:۳۷۵۴*	چونکه کرد ابلیس ۲:۳۴۶۲
چونکه سدّ ۴:۲۹۰۴	چونکه عاجز شد ۶:۳۸۲۴	چونکه کرد الحاح ۴:۳۷۶۸
چون که سرکه ۶:۱۷	چون که عاشق اوست ۱:۱۷۴۲	چونکه کردش ۵:۱۳۱۴*
چونکه سلطان ۳:۴۰۹۱	چونکه عاشق توبه ۳:۳۸۴۵	چونکه کردند آشتی ۶:۶۶۴
چونکه سوی ۲:۲۴۳۳	چونکه عثمان ۲:۹۲۴	چونکه کردند ۶:۲۷۴۸
چونکه شاهی ۴:۲۷۵۱	چونکه عذر آرد ۱:۲۴۴۴*	چونکه کردی دشمنی ۴:۱۹۸۱
چونکه شب آن ۱:۱۱۲۳	چونکه عقلت نیست ۴:۲۲۹۰	چونکه کردی دُم ۶:۱۱۲۵
چونکه شب این ۲:۱۶۸۷	چونکه عقل تو ۱:۲۳۲۹	چونکه کُشته ۲:۱۴۴۲
چونکه شد از پیش ۱:۶۷۱	چونکه عقلش ۴:۲۱۶۴*	چونکه کعبه ۵:۳۳۰
چونکه شد از دیدنش	چونکه عمر اندر ۱:۵۷۳	چونکه کف بگشاد ۱:۳۶۲۴
۶:۳۱۹۵*	چونکه عمرت ۶:۵۵۲	چونکه کلیات پیش ۶:۹۲۶
چون که شد حاضر ۱:۳۶۲۶*	چونکه عمر شیخ ۲:۳۸۸	چونکه کلیات را ۱:۱۲۹۰
چونکه شد خورشید ۱:۶۷۰	چونکه عهد حق ۵:۲۵۹۳*	چونکه کلی میل ۵:۳۰۵۶
چونکه شد دریا ۴:۳۴۲۵*	چونکه عیبی نیست ۲:۲۹۴۰*	چونکه کونه ۴:۲۰۷۶
چونکه شد رنج ۴:۲۲۹۷	چونکه عین تو ۴:۱۱۱۲*	چونکه کوری ۲:۱۹۹۰*
چونکه شد فانی ۶:۲۲۴۷*	چونکه غالب ۵:۲۹۳۴*	چونکه کوه ۴:۳۷۳۰*
چونکه شکر گام ۲:۱۶۳	چونکه غم بینی ۱:۸۳۶	چونکه گاو آرد ۲:۶۶۶*
چونکه شکر و ۴:۱۴۱۲*	چونکه غوره پخته ۲:۳۷۱۸*	چونکه گردانید ۲:۱۸۱۳
چونکه شیر اندر ۱:۱۳۰۴	چونکه غیب ۱:۳۶۴۱	چونکه گردش رفت ۴:۲۴۸۵*
چونکه شیرین ۵:۲۵۳۱*	چونکه فاروق ۱:۲۲۰۸	چونکه گشتی ۵:۵۳۲
چونکه صاحب ملک	چونکه فرصت یافت	چونکه گفتت ۲:۲۹۴۸
۶:۴۸۴۵*	۶:۲۳۸۸*	چونکه گفت من ۴:۷۶۸
چونکه صانع ۵:۱۵۵۶	چونکه فرعونیم ۳:۳۷۸۵*	چونکه گفتی ۵:۳۰۹۹
چونکه صبرت ۴:۳۲۱۳	چونکه فِصَاد ۳:۱۸۱۵*	چونکه گل بگذشت ۱:۶۷۲
چونکه صحرا ۳:۲۰۳۸*	چونکه قُبَح ۶:۳۱۵۴	چونکه گل رفت ۱:۲۹
چونکه صد آمد ۱:۱۱۰۶*	چونکه قبض آید ۳:۳۷۳۹	چونکه گم شد ۶:۳۷۵۹
چونکه صدیق ۶:۹۵۲	چونکه قبضی ۳:۳۷۳۴	چونکه گنجی ۲:۲۱۵۳
چونکه صورت بهر ۴:۲۹۹۵*	چونکه قدرت رفت ۳:۳۲۹۸	چونکه گوهر ۴:۲۲۹۴
چون که صورت شد ۱:۳۹۹۷*	چونکه قدرت نیست ۵:۶۲۷	چونکه گوینده ۵:۲۴۸۱
چون که صورت گشت	چونکه قَسَام ۵:۲۳۵۸	چونکه لاغ اِثلی ۵:۱۲۷۳*
۱:۳۹۹۳*	چونکه قشر ۳:۲۵۳۰	چونکه لایتنی ۲:۹۴۶*
چونکه صوفی ۲:۲۴۴	چونکه قصه ۱:۲۲۱۶	چونکه لبیکش ۲:۱۱۹۰*
چونکه صیدش ۶:۱۳۶*	چونکه قوت ۲:۲۵۰	چونکه لشکر ۳:۴۳۸*
چونکه طَوْعاً ۱:۱۹۸۵*	چونکه کار ۳:۴۴۱۱*	چونکه لقمان تن ۳:۱۸۴۹

۲۲۷۵:۵	چونکه موسی کِشت ۳۰:۱۷:۴	چونکه لقمان را ۳۵۹۷:۱
چونکه هوشش رفت و پایش	چونکه موصوفی ۹:۳	چونکه ما دُزدیم ۳۷۸۳:۳*
۲۲۸۱:۵	چونکه مؤمن ۳۰:۲	چونکه ما زادیم ۴۶۳۵:۳
چونکه هیزم ۳۷:۵:۱	چونکه مویی ۱۱۹:۲	چونکه مال و مُلک ۹۸۶:۱
چونکه یار این ۲۹۲۸:۵*	چونکه می‌بینی ۲۰:۷۷:۴*	چونکه ماند ۲۲۶۶:۴*
چون که یکتایی ۳۰:۶۴:۱*	چونکه میکاییل ۱۵۸۲:۵	چونکه مجلس ۱۲۴۲:۶
چون که یک لحظه ۳۱۷۳:۲	چونکه نایبناست ۱۸۳۷:۳*	چونکه محمولُ به ۵۸۳:۵
چون که یک‌ها ۱۷۸۶:۱*	چونکه ناپیدا ۳۷۲۷:۳	چونکه محمولی ۳۱۸۵:۱
چونکه یوسف ۳۶۳۸:۶	چونکه ناله ۲۰:۷:۲	چونکه محنت ۱۱۴۲:۳*
چون گدا آینه ۲۷۴۸:۱	چونکه نامحرم ۲۳۸۱:۱	چونکه مخزن‌های ۳۹۵۵:۱
چون گدا بر دلق ۳۲۱۵:۲*	چونکه نزد ۱۲۶۳:۱	چونکه مخلص ۱۳۱۶:۲
چون گداز تن ۲۳۹۴:۶*	چونکه نگذارد ۱۶:۶	چونکه مردی ۲۵۰:۱:۵
چون گدایان زَلّه‌ها ۸۴:۱*	چونکه نورالله ۲۶۳۶:۱	چونکه مریم ۳۷۶۷:۳
چون گذاره ۱۹۲۲:۶	چونکه نور حس ۱۲۹۸:۲	چونکه مستغنی ۳۶۲۶:۴
چون گذر سازد ۳۵۵۴:۵	چونکه نور حق ۲۴۳۳:۶*	چونکه مستم ۴۲۰:۲:۵
چون گذشت آن حال ۲۱۰:۴:۴	چونکه نورش راند ۲۴۳۲:۲*	چونکه مطرب ۲۰:۸۲:۱
چون گذشت آن مجلس ۱۰:۱:۱	چونکه نومیدم ۳۶۶۱:۲*	چونکه مطلوبی ۲۹۸۱:۵
چون گذشت آن نوش ۵۳۹:۲	چونکه نیکو ۱۵۹۱:۶*	چونکه معشوق ۴۶۲۰:۳*
چون گذشت احمد ۳۸۰:۱:۴	چونکه وادیدیم ۴۴۹۰:۳	چونکه مغز ۱۹۰:۹:۵
چون گذشت از ۱۶۶۰:۱	چونکه واگردد ۲۸۵۵:۱*	چونکه مقصود از شجر
چون گذشت و رفت ۲۲۵۹:۴	چونکه واگردید ۱۱۱۹:۳	۱۹۶۹:۲
چون گران دیدی ۴۳۰:۶:۳	چونکه واگشتم زیبیکار	چونکه مقصود از وجود
چون گرانی‌ها ۱۸۳۶:۲	۱۳۸۶:۱	۳۵۸۸:۴
چون گرسنه ۲۸۷۳:۱	چونکه واگشتم زحیرت‌های	چونکه مقضی ۳۲۱۷:۵
چون گرفت آن ۳۵۸:۶*	۹۴۳:۴	چونکه مکرث ۴۹۶:۵
چون گرفتار آمدی ۱۲۲۴:۱	چونکه وقت آید ۳۷۷۵:۱	چونکه ملعون ۱۵۳۶:۲
چون گرفتار گنه ۲۴۶۴:۲	چونکه وقت مرگ ۳۸۳:۵	چونکه من از ۱۹۲:۲
چون گرفتت ۲۹۶۹:۱	چونکه ویران ۴۰:۵۱:۳	چون که من باشم ۳۰:۴۶:۱*
چون گرفتم ۳۵۰:۹:۴*	چونکه هر جزوی ۴۴۳۴:۳	چونکه من پا بفشرم ۴۵۳۷:۳*
چون گرفتی ۳۱۱۳:۱	چونکه هر دم ۵۲:۶	چونکه من غارب ۳۲۶۴:۱*
چون گرو بستند ۲۸۶۷:۴	چونکه هر سرمایه ۵۶۲:۴*	چونکه من فارغ ۶۹۲:۴
چون گریزانی ۱۷۹۸:۱	چون که هستی‌اش ۱۷۹۲:۳	چونکه من من ۳۱۲۶:۱
چون گریزد ۴۴۸:۳	چونکه هفت ۲۷۴۹:۳	چونکه موسی این ۱۷۷۷:۲
چون گریزم ۵۷۱:۶	چونکه هنگام ۳۴۶۲:۶	چونکه موسی باز ۱۱۵۷:۳
چون گریست ۳۷۵:۲*	چونکه هوشش رفت از	چونکه موسی رونق ۳۵۶:۲

چون معلم زد ۱۵۱۸:۶	چون مُجِیم ۲۶۴۵:۱	چون گزند سگ ۲۳۵۳:۲
چون مقرر ۸۱۴:۲	چون محک آمد ۲۹۲۰:۴	چون گزیده ۸۶۱:۱
چون مقلب ۳۶۹۴:۶	چون محک پنهان ۱۶۷۷:۴	چون گزیدی ۲۹۷۹:۱
چون مُقلد بُد ۲۴۹۴:۵	چون محک دیدی ۷۸۷:۳	چون گشادت ۳۴۱۷:۶
چون مقلد بود ۱۰۷۳:۶	چون مَحک، مر قلب	چون گشادش ۷۵۷:۴
چون مگس افتاد ۳۹۰۱:۵	۲۳۰۴:۴	چون گشاده شد دری ۳۷۶۸:۱
چون مگس حاضر ۶۱۷:۲	چون محله ۳۵۱۷:۵	چون گشاده شد ره ۲۳۸۳:۶
چون مگس در ۴۲۰۷:۵	چون محمد این عَلم ۳۹۷۱:۱	چون گشاید ۲۲۳۴:۲
چون مگو ۴۷۴۵:۳	چون محمد با ۱۶۰۵:۲	چون گِل آلو ۳۸۲۹:۳
چون ملالم ۳۵۶۳:۲	چون محمد بوی ۵۵۱:۴	چون گِل از خارست ۲۴۷۲:۱
چون ملایک اعتراضی	چون محمد پاک ۱۳۹۷:۱	چون گلستان ۷۶۸:۳
۱۸۱۷:۲	چون محمد گفت ۹۵۵:۴	چون گِل سرخ ۲۹۷:۶
چون ملایک او ۳۴۳۶:۶	چون محمد یافت ۹۲۱:۲	چون گلو، تنگ ۴۷۰۴:۶
چون ملایک گو که ۳۱۷۵:۲	چون محیط ۱۴۸۶:۱	چون گلی بشگفت ۳۸۲۸:۱
چون ملایک گوی ۱۱۳۰:۳	چون مُذکر نیست ۲۲۹۴:۴	چون گناه و فسق ۳۳۴۴:۱
چون ملایک مانع ۱۷۲:۲	چون مرا پنجاه ۳۵۳۶:۲	چون گناه و معصیت ۳۸۳۶:۱
چون ملخ بر ۶۳۵:۳	چون مرا تو ۱۴۵۲:۳	چون گنه کمتر ۹۳۶:۶
چون ملخ را ۲۳۲۴:۱	چون مرا خوانی ۷۵۶:۳	چون گوارد ۳۰۸۰:۲
چون ملخ ها ۳۸۳۹:۵	چون مراد و ۲۱۵۱:۶	چون گواهِت تزکیه ۲۵۹:۵
چون ملک از ۳۱۷:۵	چون مراد دیدی ۲۲۴۷:۲	چون گواهِت خواهد ۴۰۱۰:۳
چون ملک انوار ۱۲۴۷:۱	چون مرا سوی ۳۹۳۰:۱	چون گواهِت نیست ۴۰۰۹:۳
چون ملک با ۳۱۹۳:۳	چون مراقب باشی ۲۴۶۱:۴	چون گواه رحم ۱۸۱۶:۳
چون مَلک باکی ۲۰۵:۵	چون مُراقب گشتم ۲۰۷۲:۳	چون گواهِی بندگان ۳۸۲۳:۱
چون ملک تسبیح ۲۹۸:۵	چون مرا ماهی ۴۷۶۵:۶	چون گواهِی داد حق ۳۶۴۶:۱
چون مناره ۱۰۲۸:۵	چون مُراهق ۲۵۳:۶	چون گواهِی دادی ۲۴۱۹:۴
چون من از تسبیح ۱۵۰۰:۳	چون مرا یابی ۷۹۹:۴	چون گهر در ۱۰۸۰:۵
چون مناسب های ۳۲۶۲:۲	چون مری کردند ۱۶۱۵:۱	چون گیاهش ۲۴:۳
چون منافق از ۱۰۵۶:۶	چون مزاج آدمی ۴۴:۳	چون لَیْمان ۳۰۱۰:۳
چون منافق، اندرون ۱۵۸۱:۴	چون مزاج زشت ۴۵:۳	چون لَب جو ۱۱۵۶:۳
چون منافق سر ۳۰۳۷:۱	چون مسَبَح ۱۴۹۵:۳	چون لسان و جان ۲۹۰۷:۶
چون منی تو ۳۴۶۶:۳	چون مسلم ۴۷۵۹:۶	چون مبارک ۳۱۷۴:۲
چون موکل آن ۱۸۱۵:۵	چون مُسن گشت ۱۲۴۴:۶	چون مبدل گشته اند ۳۱۹۲:۶
چون موکل می شود بر ۲۴۵۶:۳	چون مُشَبِّک ۳۶۱۴:۲	چون مبدل می کند ۳۸۳۷:۱
چون موکل می شود ظلم	چون مُشَرَّف ۳۰۰۹:۶	چون مثالش ۴۲۸۱:۳
۲۴۵۸:۳	چون معلم بود ۱۰۶۵:۱	چون محبت ۲۶۳۸:۱

چون ندارد عقل ۴۰۷۵:۶*	چون نبودش صبر ۳۳۸۰:۱*	چون موکل نیست ۳۸۱۹:۳*
چون ندارد مُدَرکی ۲۳۷۶:۴*	چون نبودى بدگمان ۲۰۴۵:۲*	چون مَه و خورشید ۳۷۰۲:۳*
چون ندارد مرد ۲۸۷۳:۲*	چون نبودى فانی ۳۰۵۱:۱*	چون میانِ پایِ ۳۹۴۴:۵*
چون ندارد نورِ ۲۳۷۷:۲*	چون نبودى مُرده ۳۱۰۳:۱*	چون مَی اندر ۴۷۳۷:۳*
چون ندارم زور و ضبط ۶۴۵:۵*	چون نبی آگه ۲۹۶۰:۳*	چون مَی پُر زهر ۲۷۴۸:۴*
چون ندارم زور و یاریِ ۶۶۱:۵*	چون نبی باشد ۱۷۷۴:۳*	چون نبات اندر ۱۷۹۴:۵*
چون ندارم عقل ۶۵۹:۵*	چون نبی برخواندی ۳۲۴۴:۵*	چون نبات اندیشه ۱۳۷:۳*
چون ندارند ۳۵۹۸:۵*	چون نبی سیف ۴۹۳:۶*	چون نباشد از تضرع ۱۶۰۲:۵*
چون نداری آبِ ۸۱۶:۵*	چون نبی که جنگِ ۶۴:۶*	چون نباشد حارس ۶۰۸:۴*
چون نداری دید ۲۷۷:۳*	چون نبیند آنچه ۱۵۲۰:۱*	چون نباشد حفظ ۶۵۰:۵*
چون نداری فطنت ۳۲۲۳:۲*	چون نبیند اصل ۲۲۱۲:۶*	چون نباشد حکم ۲۹۴۸:۵*
چون نداری، گیرد ۱۹۰۶:۱*	چون نبیند مغز ۱۹۴۴:۵*	چون نباشد خانه ۲۹۲۶:۶*
چون نداری مرگ ۷۱۶:۳*	چون نبینی ۲۷۲۰:۲*	چون نباشد خوی ۳۴۶۹:۲*
چون نداری نوحه ۱۸۱۵:۳*	چون نرسیدی ۲۱۵۹:۲*	چون نباشد دل ۲۵۰۱:۵*
چون نداند آنچه ۴۷۷۱:۶*	چون نرسی، زودتر ۱۸۴۷:۳*	چون نباشد روح ۲۸۷۸:۵*
چون نداند او ۱۶۶۹:۳*	چون نتانی جست ۳۸۲:۶*	چون نباشد روز ۲۹۴۱:۳*
چون نداند جان ۱۷۷۹:۵*	چون نتانی شد ۲۳۱:۵*	چون نباشد ضد ۵۷:۶*
چون نداند جذبِ ۱۷۵۹:۳*	چون نترسیدی ۴۰۱۵:۳*	چون نباشد طفل ۲۶۳۸:۳*
چون نداند راه ۱۸۱۱:۳*	چون نتیجه ۲۲۱۵:۲*	چون نباشد عشق ۳۱:۱*
چون نداند ره ۴۰۲۹:۳*	چون نجاساتِ ۲۰۹۳:۳*	چون نباشد قوتی ۴۹۶:۶*
چون نداند سیر ۲۸۹۹:۴*	چون نجس ۲۰۹۴:۳*	چون نباشد منتش ۱۴۱۲:۴*
چون نداند کو ۳۷۸۴:۲*	چون نجوید آب ۲۳۴۳:۶*	چون نباشد نورِ دل ۲۸۷۸:۵*
چون نداند همره ۶۶۶:۳*	چون نخواست آن ۴۱۹۹:۶*	چون نباشد نورِ یارم ۳۲:۱*
چون ندانستم ۳۶۵۳:۴*	چون نخواست ۴۱۹۲:۶*	چون نباشم ز اشکِ ۲۳۴۰:۶*
چون ندانند ۱۷۹۷:۴*	چون نخواهند ۳۵۸۳:۴*	چون نباشم سختِ رو؟
چون ندانی دانش ۱۳۸۱:۵*	چون نخواهی ۳۳۴:۶*	۴۱۳۸:۳*
چون ندانی مر مرا ۶۶۵:۳*	چون نخورد او ۱۶۶۸:۲*	چون نباشی پیشِ ۹۲۷:۶*
چون ندید از مزدِ ۴۵۸۷:۳*	چون ندادت ۲۲۳۹:۳*	چون نباشی راست ۲۱۵۷:۵*
چون ندید افزون ۴۱۰۹:۳*	چون ندارد جان تو ۱۰۲۳:۳*	چون نباشی منتظر ۱۷۵۳:۵*
چون ندید اندر ۳۱۶۱:۲*	چون ندارد جان جاوید	چون نبه بوجهل ۲۰۶۰:۲*
چون ندید او خیره ۹۲۹:۴*	۲۸۲۵:۵*	چون نبشتی ۱۲۰۷:۶*
چون ندید او را ۱۶۶۶:۲*	چون ندارد راه ۱۸۱۱:۳*	چون نبود از ۸۳۰:۶*
چون ندید او عمر ۵۹۶:۵*	چون ندارد روی ۲۹۱۹:۱*	چون نبودش آن ۱۵۶:۶*
چون ندید او مار ۵۹۷:۵*	چون ندارد سیر ۲۳۷:۵*	چون نبودش تخم ۳۵۵:۶*
چون ندیدستی ۳۷۵۹:۲*	چون ندارد شرح ۲۳۵۷:۳*	چون نبودش تیشه‌یی ۶۳۶:۴*

- چون ندیدش ۱:۳۰۴۹
چون ندیدم ۵:۶۶۶
چون ندیدند ۲:۱۶۰۶
چون ندیدی تو ۳:۵۶۰
چون ندیدی زیر ۱:۱۲۲۳
چون نرفتی ۶:۳۸۵۲
چون نروید، چه ۳:۴۱۶۸
چون نروید در دل ۳:۴۳۸۹
چون نزاید از لبش ۶:۲۹۲۵
چون نزد بر ۴:۲۹۸
چون نسوزد ۱:۸۲۷
چون نسوزی؟ چیست ۱:۸۲۶
چون نسوزد ۳:۳۱۱۶
چون نشان جویی ۶:۱۵۹۴
چون نشان راست ۲:۲۹۸۰
چون نشان شد ۲:۱۶۹۳
چون نشان مؤمنان ۳:۴۴۹۹
چون نشان یابی ۲:۲۱۵۴
چون نشانی چند ۲:۲۸۶۹
چون نشانی در تو ۵:۲۴۳۹
چون نشاید بر ۳:۳۲۰۰
چون نشاید زنده ۳:۲۷۶۶
چون نشاید عقل ۳:۲۷۶۵
چون نشد اعمال ۱:۳۳۱۲
چون نشد بر ۳:۴۴۶۱
چون نشد پیدا ۶:۱۳۱۶
چون نشد، گوید ۳:۱۸۰۶
چون نشد هستی ۳:۴۴۶۰
چون نشیند ۶:۴۰۸۱
چون نشینی ۳:۴۷۸۳
چون نظر افتادش ۴:۳۵۸۲
چون نظر اندر ۱:۲۱۷۸
چون نظر بر ۵:۲۸۸۴
چون نظر پس ۴:۲۹۰۵
- چون نظر در پیش ۴:۲۹۰۷
چون نظر در فعل ۶:۱۳۱۴
چون نظر در قرص ۲:۱۸۷
چون نظرشان کیمیایی ۱:۲۶۸۷
چون نظرشان مست ۵:۱۷۱۲
چون نظر کردی ۲:۳۰۲۶
چون نفاذ ۲:۳۳۳۶
چون نفخت ۳:۳۹۳۵
چون نکرد آن ۴:۲۵۴۵
چون نکردت سست ۳:۳۰۹۶
چون نکردید ۵:۳۰۲۸
چون نکردی شکر ۶:۳۲۶۱
چون نکردی صبر ۵:۲۵۶۸
چون نکردی فهم ۴:۲۸۲۵
چون نکردی هیچ ۲:۳۱۷۲
چون نگردد گرد ۵:۲۵۲۳
چون نگشتم ۴:۲۲۴۲
چون نگفتی ۴:۲۶۰۲
چون نگنجد ۴:۳۷۹
چون نگه کردم ۳:۲۲۸۸
چون نگیری ۶:۱۳۱۹
چون نماز آرند ۳:۱۲۰۳
چون نمازِ شام ۳:۲۴۰۳
چون نماز مُستحاضه ۲:۱۷۹۷
چون نماند بیشه ۶:۲۲۵۱
چون نماند پا ۲:۱۳۵۹
چون نماند تری ۳:۴۴۰۵
چون نماند حرص ۴:۱۱۳۰
چون نماند خاک ۶:۲۲۵۰
چون نماند خانه‌ها ۴:۴۱۸
چون نماند رُو ۵:۶۶۳
چون نماند شیشه‌های ۵:۹۹۰
چون نماند گرمی‌ش ۳:۴۴۰۵
- چون نماند مایه‌اش ۵:۲۱۶
چون نماند، محرم ۳:۲۰۷۵
چون نماند واسطه ۵:۲۳۴
چون نماید ذره ۴:۵۸۷
چون نمایی؟ چون ۴:۱۴۵۱
چون نمایی مستی ۱:۱۲۲۶
چون نمرد از ۵:۲۶۷۳
چون نمردی گشت ۶:۷۳۰
چون نمردی و ۴:۲۷۶۶
چون نمودی ۲:۲۵۰۵
چون نمی‌آید ۳:۱۵۲۴
چون نمی‌آیند ۲:۱۱۰۶
چون نمی‌بینم ۲:۱۱۵
چون نمی‌بینند رویم ۴:۳۴۷۴
چون نمی‌بینند نور ۴:۳۴۷۵
چون نمی‌باید دمی ۱:۲۲۹۰
چون نمی‌باید، همی ۱:۱۸۶۵
چون نمی‌توانست آوازی ۶:۴۵۵۸
چون نمی‌توانست کف ۶:۱۴۸۹
چون نمی‌ترسی تو ۵:۲۰۰۵
چون نمی‌ترسی که ۲:۳۱۱۴
چون نمی‌خواهی کز ۲:۳۳۵۸
چون نمی‌داند ۶:۳۶۴
چون نمیرد پیش ۲:۴۷۳
چون نمیرد؟ گر ۱:۵۳۰
چون نمی‌سوزی ۱:۸۲۴
چون نمی‌گویی ۶:۳۶۵
چون نمی‌ماند ۵:۳۹۲۶
چون ننالم تلخ ۱:۱۷۷۵
چون ننالم؟ چون ۶:۵۷۰
چون ننالم همچو ۱:۱۷۷۶
چون نویسی بر ۲:۳۲۸۳
چون نویسی کاغذ ۲:۳۳۸۲
چون نهاد از ۴:۲۹۷۱

چون همی دیدند ۵۶۴:۳	چون وزیر از ۴۴۴:۱	چون نهادی سر ۲۰۴۵:۲
چون همی سوزند ۱۲۰:۱:۵	چون وزیر شیر ۳۶۲۰:۲	چون نهالی ۷۵۷:۴
چون همی شاید ۲۶۱۰:۶	چون وصیت ۲۱۰۷:۴	چون نهان کرد ۱۰۳۵:۵
چون همی کرد ۳۱۳۵:۶	چون وفا آن ۷۰۷:۲	چون نه‌ای در وجه ۳۰۵۲:۱
چون همی گنجد ۳۳۰۴:۶	چون وفات ۱۱۷۴:۵	چون نه‌ای سبّاح ۱۶۰۷:۱
چون همی گیرد ۲۴۵۹:۳	چون وفا بینند ۲۹۸۳:۳	چون نه پس بیند ۱۰۵۹:۱
چون همی مالی ۲۸۲:۵	چون ولّی ۲۳۴۴:۲	چون نه‌د در تو، تو ۲۹۹۳:۶
چون هوا بگذاشتی ۱۱۰:۱:۱	چون هدف‌ها ۲۷۶۲:۴	چون نه‌د در تو صفات ۲۹۹۷:۶
چونی از رنج ۲۱۸۲:۱	چون هریسه ۳۴۶۰:۵	چون نه‌د در تو صفت‌های ۲۹۹۹:۶
چونی ای درویش؟ ۱۸۸۴:۳	چون همان ۳۹۹۵:۱	چون نه‌د در زن ۲۹۹۶:۶
چونی ای دریای ۱۴۴۹:۲	چون هُمای ۲۱۲۳:۴	چون نه شیری ۳۹۹۸:۳
چونی ای عیسی ز دیدار ۱۸۶۳:۲	چون همه اجزات ۱۲۰:۲	چون نهی بر ۳۰۸۳:۳
چونی ای عیسی عیسی ۱۸۶۲:۲	چون همه اجزام ۱۵۲۶:۲	چون نه‌یی با جنگ ۳۷۷۱:۵
چونی ای یوسف ۱۸۶۳:۲	چون همه انوار ۱۶۰۷:۶	چون نه‌یی «باز»ی ۱۲۵۹:۶
چون یینلو ۴۲۸۳:۶	چون همه اوصاف ۳۰۹۸:۲	چون نه‌یی خری ۲۵۴۲:۵
چون یُجَبون ۲۱۸۶:۵	چون همه تن ۲۸۲۶:۱	چون نه‌یی رنجور ۳۱۰۴:۵
چون یدالله ۱۹۱۸:۲	چون همه چوب ۲۹۴۱:۲	چون نه‌یی کامل ۳۴۵۵:۲
چون یزید ۲۲۰۴:۲	چون همه در ۲۵۳۸:۱	چون نیارد ۲۵۱۸:۵
چون یُضَلک ۲۹۵۷:۱	چون همه ره ۱۷۵۳:۶	چون نیارودی ۱۵۲۳:۲
چون یفرّ المرء ۱۵۰۰:۵	چون همه شب ۲۸۶:۲	چون نیایی ۵۵۸:۲
چون یقینت ۱۳۵۰:۶	چون همه صاف ۱۶۰۱:۶	چون نیابد از دهان ۱۶۲:۳
چون یقین دیدم ۹۹۴:۴	چون همه لطف ۲۱۴۲:۲	چون نیابد بوی ۱۶۱:۳
چون یقین شد ۱۶۱۱:۶	چون همه نارست ۳۹۲۶:۶	چون نیابد شاخ ۲۲۳۴:۶
چون یقین گشتش رخ ۳۳۸۳:۵	چون همه آورد ۹۱۸:۴	چون نیابد صورت ۶۴۰:۲
چون یقین گشتش که خواهد ۴۰۶۱:۵	چون همی بینی ۳۰۴۰:۵	چون نیابد گوش ۱۶۵۷:۶
چون یقین گشتش که غیر ۲۱۷۴:۱	چون همی جویی ۸۳۴:۴	چون نیابد نصّ ۳۵۸۲:۳
چون یکی آمد؟ ۱۲۳۶:۴	چون همی حُرّاقه ۱۰۳۸:۳	چون نیابد هیچ ۵۳۰:۵
چون یکی باشد ۴۹۷:۱	چون همی خایی ۳۰۴۰:۵	چون نیایی آن ۲۲۵۸:۳
چون یکی بشکست ۳۳۲:۱	چون همی خواندند ۱۵۸۷:۳	چون نیایی این ۱۳۱۱:۶
چون یکی حرفی ۲۲۴۴:۶	چون همی خوانی ۱۸۵۸:۳	چون نیاموزی ۳۱۶۷:۵
	چون همی دارد جهان ۱۴۱:۵	چون نیم ۱۷۷۵:۱
	چون همی دانست مؤمن ۲۴۱۳:۴	چون نیی ۲۳۲۵:۱
	چون همی دانست می ۲۴۱۳:۴	چون وثاق ۳۱۱۶:۶
		چون ورا نوری ۲۲۶۷:۱

چون یکی حس در ۲: ۳۲۴۰	چه زیان دارد ۴: ۳۴۰۹	چه کُشد این ۱: ۳۷۰۱
چون یکی حس غیر ۲: ۳۲۴۱	چه زیانستش ۱: ۱۰۲۳	چه کُشد در چشم‌ها ۱: ۲۲۶۸*
چون یکی زین ۴: ۱۶۲۹	چه سقایه؟ ۶: ۳۹۶۰	چه کشید از ۶: ۲۵۰۳
چون یکی موی ۳: ۱۷۹۶	چه شرف یابد ۳: ۲۷۵۷	چه کنم ۵: ۲۶۷۹*
چه امیدستش ۴: ۱۱۷	چه شکم ۱: ۲۹۹۸*	چه گنه ۳: ۲۸۳۰*
چه بَرَد گندم‌نمائی ۲: ۲۹۳۲*	چه شکنی ۲: ۱۵۸۶*	چه محل دارد ۵: ۱۸۷۲
چه بُزان ۵: ۱۳۶۴	چه شنوم ۲: ۱۰۶۹*	چه مه و؟ چه ۳: ۲۸۱۲
چه بهانه ۶: ۴۸۵۶*	چه عجب؟ در ماهی ۶: ۸۱۷*	چه نشستی پُر منی ۵: ۲۶۶۳*
چه تصرف ۴: ۳۸۱	چه عَجَب رنجور ۱: ۱۲۹۵*	چه نشستی خیره ۶: ۳۹۶۷*
چه تعلق آن ۲: ۳۲۹۱	چه عجب که سِر ۲: ۱۵۰۰	چه نگری پس؟ ۵: ۱۸۲۴*
چه تعلق فهم ۲: ۳۲۹۱*	چه عجب که مرغ ۶: ۲۶۵۹	چه هنر زاید ۲: ۱۸۶۵*
چه جوانمردی ۲: ۸۹۲*	چه عجب گر بر دل ۵: ۲۷۷۴*	چیره زین شد ۵: ۵۱۵*
چَه چه باشد؟ ۶: ۲۰۱۶*	چه عجب گر پشت ۵: ۳۰۵۷*	چیره گردد ۱: ۲۲۲۸*
چه حسد آرد ۵: ۳۱۹۲*	چه عجب گر خالق ۴: ۳۶۸۰	چیز دیگر تازه ۳: ۲۶۹۷
چه حلال؟ ای ۲: ۳۰۷۲	چه عجب گر روح ۴: ۳۶۳۲	چیز دیگر گشت ۵: ۲۷۱۷*
چه حلالی ۵: ۲۳۰۱	چه عجب گر کوه ۱: ۸۶۸	چیز دیگر گو ۳: ۲۶۹۶*
چه حلاوت؟ ۶: ۴۴۳۵	چه عجب گر مرگ ۳: ۴۰۶۹	چیز دیگر ماند ۳: ۱۲۹۸
چه حیا؟! چه دین؟ ۶: ۳۹۶۰*	چه عطا؟ ما ۱: ۲۲۶۲	چیزکی از ۴: ۷۴۰
چه خبر جان ۴: ۳۴۲۸	چه عقول و؟ ۳: ۲۸۱۲*	چیزکی ماند ۴: ۷۳۲*
چه خبر داری ۶: ۲۴۵۲	چه غزا؟ ما ۱: ۲۲۶۱	چیز ناقص ۳: ۱۹۴۰*
چه خرابت ۳: ۹۷۴	چه غلام؟ ار ۵: ۳۱۵۸	چیزی از بخشش ۲: ۱۴۶۵*
چه خریداری ۲: ۲۴۴۰*	چه غم آتش ۳: ۳۶۳۰*	چیست آخر؟ ۵: ۳۲۵۱*
چه خموشی؟ ۶: ۳۹۳۴*	چه غم آن ۳: ۲۵۹۹*	چیست آکنده؟ ۲: ۳۱۷۹*
چه خیال است این؟ که این	چه غم ار ۲: ۱۷۶۸*	چیست آن جاذب ۶: ۳۳۶۰
چرخ ۳: ۱۱۷	چه غم آشتش ۶: ۳۰۲۵*	چیست آن خر ۵: ۱۳۵۵*
چه خیال است این؟! که این	چه غم‌ست ۵: ۱۷۳۸*	چیست آن خس؟ ۲: ۱۳۲۰*
هست ۳: ۱۱۶*	چه غم ۵: ۴۱۱۸	چیست آن ذات الشَّمال؟
چه دراز ۴: ۵۳۴*	چه فزاید؟ ۱: ۲۲۳۲*	۳۱۸۹:۱
چه درافتادیم ۵: ۲۵۵۱	چه فقیه؟ ۲: ۲۲۰۸*	چیست آن ذات الیمین
چه رئیسی ۳: ۲۷۵۶	چه قَدَر باشد ۴: ۳۸۳	۳۱۸۹:۱
چهره‌اش تابان‌تر ۴: ۳۱۳۹*	چه قَدَر داند زچرخ و آفتاب؟	چیست آن کوزه ۱: ۲۷۰۸
چَه رها کن ۳: ۴۷۹۹*	۵: ۱۹۰۴*	چیست آن کین ۱: ۱۶۵۴*
چهره را ۳: ۴۱۳۲*	چه قَدَر داند ز چرخ و آفتاب؟	چیست احسان ۲: ۲۵۶۹
چه زنی طعنه ۲: ۳۰۳۱*	۲: ۳۰۱۴*	چیست از تسلیم ۱: ۹۱۶*
چه زیان است ۴: ۳۰۸*	چه قلاووز ۱: ۲۵۰۰	چیست اصل ۲: ۹۶۸

حاجت تو ۳:۲۲۱۶	چیست عقل ۵:۳۸۷۸*	چیست امان ۶:۲۱۸۷
حاجت خود عرضه ۴:۳۴۸	چیست مُرده؟ ۲:۳۳۲۵*	چیست اندر باطنت ۴:۱۷۵۱*
حاجت خود گر ۵:۲۷۹۹	چیست مزد ۲:۵۷۶	چیست اندر خانه ۴:۸۱۰*
حاجتِ خود می‌نماید	چیست مستی؟ بند ۱:۱۲۰۰	چیست اندر خُم ۴:۸۱۰*
۲:۳۲۸۱*	چیست مستی؟ حَسِّها	چیست اندر دست ۵:۴۸۳
حاجتش نآید به ۵:۲۴۰	۱:۱۲۰۱	چیست این بغض ۲:۳۱۰۳*
حاجتش نآید که ۴:۲۴۶۲*	چیست مطلوبِ تو ۲:۳۶۶۴*	چیست این ترس ۵:۲۸۶۴*
حاجتش نبود به سوی ۳:۴۲۵۳	چیست معراج ۶:۲۳۳	چیست این شمشیر ۳:۱۱۵*
حاجتش نَبُود پس ۱:۲۶۳۸	چیست نام این ۴:۱۲۳۵	چیست این غم؟ ۶:۷۸۴*
حاجتش نَبُود تقاضای	چیست نامت؟ ۳:۳۲۳*	چیست این؟ گفت ۵:۱۰۷۷*
۱:۹۵۵*	چیست نامش ۴:۱۸۳۷	چیست این لاغرتر ۵:۲۴۳۵*
حاجت غیری ۳:۲۲۶۱*	چیست نام و پیشه ۶:۷۸۷	چیست با ایشان ۲:۳۱۰۲*
حاجتِ نو ۴:۱۱۶۸*	چیست هستی ۱:۵۱۸*	چیست بر شیر ۱:۳۳۲۲*
حاجتی خواهم ۵:۲۹۵۵*	چیست؟ یعنی با ۵:۳۱۲۱*	چیست بر ما؟ ۴:۵۷۰*
حاجیان آنجا ۲:۳۷۸۹	چیست؟ یعنی چرکِ ۴:۲۵۳*	چیست بر وی ۲:۳۲۹۴*
حاجیان جمله ۲:۳۸۰۷*	چینه و نُقلش ۶:۱۹۹۳	چیست برهان ۴:۲۸۳۸
حاجیان حیران ۲:۳۷۹۱	چینیان چون ۱:۳۴۷۸	چیست پرده ۶:۱۲۰۴
حادثات اغلب ۴:۵۸۲	چینیان را ۱:۳۴۷۳*	چیست پس ۶:۳۷۳۸*
حادث است ۲:۱۷۴۷*	چینیان، صد رنگ ۱:۳۴۷۲	چیست تسبیح؟ ۲:۳۱۳۷*
حادثان میرند ۱:۱۸۰۶*	چینیان گفتند ما ۱:۳۴۶۷	چیست تعظیم ۱:۳۰۰۸*
حادثی ابر ۴:۲۸۳۴*	چینیان گفتند: یک ۱:۳۴۷۰	چیست توحید ۱:۳۰۰۹*
حاذقان ۱:۱۸۵*	چینیان و رومیان ۱:۳۴۶۹	چیست جان‌کندن ۱:۳۶۸۷
حارسان ۴:۷۲۷*		چیست جز ۶:۵۶۸*
حارسی از ۴:۱۹۷۴	ح	چیست جنسیت؟ ۶:۲۹۹۲
حارسی دارم ۴:۲۳۳	حاتم ار بودی ۶:۳۰۱۷	چیست جبل‌الله؟ ۶:۳۴۹۳
حازمانه ۳:۳۷۰۹*	حاتم ار مُرده ۶:۳۲۷۶	چیست حجت ۴:۲۷۸۷*
حازمی باید ۶:۴۷۵	حاتم طایی ۵:۲۷۹۸*	چیست حکمت؟ ۲:۳۰۵۰*
حاسدِ حق ۲:۸۱۲*	حاجب آتش ۲:۸۳۱	چیست خود آلاچی ۴:۱۴۷۶
حاسدِ ماه ۵:۲۷۰*	حاجب من ۱:۳۷۹۱*	چیست خود پنهان ۵:۱۸۶۱*
حاسد و خودبین ۲:۲۵۱۳*	حاجت آوردش ۶:۴۲۲۳	چیست؟ دارم ۵:۱۸۷*
حاشِ لله از ۲:۱۴۳۳	حاجت، او ۱:۲۷۷۵	چیست در عالم ۲:۱۰۷۷*
حاشِ لله آیش ۵:۲۹۳۷	حاجتِ این جملگانتان	چیست در هستی ۴:۱۱۳*
حاشِ لله، این ۱:۲۹۰۰	۳:۳۰۳*	چیست دنیا ۱:۹۸۳
حاشِ لله بل ۲:۳۴۹۵	حاجت این مُنتهی ۶:۲۷۰۸	چیست دولت ۴:۱۳۳۰*
حاشِ لله، ترک ۵:۲۹۶۰	حاجت نآید ۴:۲۴۶۱*	چیست ظاهر تر ۶:۲۰۸۰*

حاشیٰ لِلّٰه تو، ۳۳۰۵:۶	حافظِ فرزند ۱۵۸۳:۶*	حالشان دریافت ۳۹۹:۶*
حاشیٰ لِلّٰه، حاش ۲۸۷۰:۲*	حاکم آمد ۲۹۳۷:۵*	حالی ظاهر ۳۶۳۸:۵*
حاشیٰ لِلّٰه طمع ۲۳۶۲:۱	حاکم آن ۲۱۳۷:۲*	حال عارف ۳۹۲:۱
حاشیٰ لِلّٰه که ۲۵۴۸:۵*	حاکم است ۱۶۱۹:۲	حال فرعونى ۱۱۹۱:۱
حاصل آمد ۱۶۱۴:۶*	حاکم اصحاب ۱۵۴۴:۶*	حال کآخر ۱۳۳۶:۴
حاصل آن آمد ۱۲۴۴:۱	حاکم اندیشه‌ام ۳۵۵۸:۲	حالی ما این ۲۲۶۹:۱
حاصل آن روضه ۴۸۳۱:۶	حاکمانشان ۴۵۸:۱*	حال من اکنون ۱۷۹۱:۲
حاصل، آن زن ۳۴۰۸:۳	حاکمی بر ۳۰۸۹:۵	حالی نمرودی ۱۱۹۱:۱*
حاصل آن شه ۴۵۹۶:۶	حاکمیم ۲۷۸۴:۴*	حال و یار ۱۳۴۲:۴*
حاصل آن کز ۱۴۳۰:۶	حاکمی اندیشه ۱۳۲۶:۲	حال‌ها موقوف ۱۴۲۷:۳
حاصل آن کودکی ۱۳۸۷:۶	حالی آن آواره ۴۳۷۹:۳*	حال هر روزی ۳۶۴۲:۵
حاصل آنکه هر ۴۴۴۲:۳	حالی آن عالم ۳۰۷۶:۵*	حامل از تمثال‌های ۱۸۱۰:۶*
حاصل، آن هامان ۲۷۷۱:۴	حال آن کو ۱۱۹۰:۱	حامل‌اند، و خود ۳۴۳۸:۱
حاصل: افعال ۲۶۳۲:۱	حالی او، ای ۹۹۵:۴*	حاملان و بچگان‌شان ۱۸۰۶:۶
حاصل اندر خواب ۱۷۳۲:۳	حال او اینست ۴۰۹:۳	حامل دین ۱۰۷۴:۱
حاصل اندر وصل ۱۴۰۰:۳	حالی او بُد ۲۱۹۸:۲*	حاملش دریا ۴۰۵۱:۶*
حاصل اندر یک ۵۳۱:۴	حالی او چون ۱۲۸۷:۱*	حامل عرش این ۱۵۷۲:۵
حاصل این آمد که: بد ۳۰۰۹:۳	حالی او را ۴۶۳۱:۶*	حاملِ عرشی ۱۶۲۷:۵*
حاصل این آمد که یار ۲۱۵۰:۲	حال او، زان ۱۹۳۴:۴	حامله شد از ۱۱۸۴:۲*
حاصل این ایشکست ۴۵۱۷:۳	حال ایشان ۳۷۴۰:۲	حامله شد ناگهان ۳۷۲۵:۵
حاصل اینجا ۳۹۵۷:۶	حال این اسپان ۲۳۷۴:۵	حامله گریان ۳۵۶۱:۳
حاصل این کز ۳۰۷۸:۶	حال باطن ۳۶۳۸:۵	حاملی تو ۳۱۸۴:۱
حاضر آرم پیش ۹۰۴:۴*	حالت اندر ۱۴۱۵:۳*	حاملی، محمول ۹۳۶:۱
حاضر آرم، تا تو ۹۰۳:۴*	حالت صورت‌پرستان ۱۰۳۱:۶	حایط، آن ۲۱۲۷:۳*
حاضر آرم ۱۸۳:۱*	حالتِ عامه ۳۶۵۰:۳*	حایط و عرصه ۲۰۷۸:۵*
حاضر آمد ۹۰۶:۴	حالت من ۳۵۴۷:۲	حُبّ جاه ۲۷۱۳:۳*
حاضر آوردند ۶۵۷:۲	حالی تو ۳۵۳:۱*	حبّدا آن خرمن ۳۸۸:۵
حاضران از غایبان ۲۹۷۶:۱*	حالتی خوش ۱۴۱۶:۱*	حبّدا آن شرط ۵۸۵:۵
حاضران را نور ۴۳۷۶:۳*	حالتی دیگر ۱۸۰۴:۱	حبّدا آن کس ۱۱۵۱:۵*
حاضران گفتند ۲۳۶۹:۱	حال، چون جلوه‌ست ۱۴۳۵:۱	حبّدا آن مطبخ ۳۸۷:۵
حاضرم، اینک ۴۳۵۳:۳*	حال، چون دست ۳۰۲:۲*	حبّدا ارواح ۳۴۹:۵
حاضری‌ام ۱۶۲۸:۴	حال خود تنها ۳۳۹۶:۴	حبّدا اسپان ۱۱۲۶:۶
حافظان در ۵۳۹:۵*	حال دریا ۱۲۸۶:۱	حبّدا ای ۲۱۷۲:۱*
حافظان را ۲۰۸۱:۳	حال رفت و، ماند ۱۸۲۳:۶	حبّدا بی باغ ۱۳۰۷:۶*
حافظ علم ۳۰۳۸:۳*	حالشان چون ۲۹۰۴:۲*	حبّدا خوان مسیحی ۱۳۰۷:۶

حَصَّ رُؤیت ۲: ۱۸۲۲*	حَجَّ زیارت ۴: ۱۵	حَبْذا خوانی ۵: ۳۰۰
حَرْصِ شهوت ۵: ۵۱۷*	حُجَّةُ اللَّهِ آم ۴: ۲۳۰۹	حَبْذا دریای ۵: ۳۸۹
حَرْصِ صیادی ۵: ۷۵۲	حَدَّ اعیان ۵: ۵۶۴	حَبْذا دو چشم ۶: ۱۳۵۷
حَرْصِ غالب ۵: ۲۰۵۹	حَدَّثُوا ۶: ۲۲۵۲*	حَبْذا کاریز ۶: ۳۵۹۶
حَرْصِ، کارت ۴: ۱۱۲۶	حَدَّ جَسَمَت ۴: ۱۸۸۲	حَبْذا نان ۶: ۱۳۰۶*
حَرْصِ، کورت کرد ۵: ۱۴۶۸	حَدَّ خود بشناس ۵: ۲۳۹۶	حَبْسِ آن ۱: ۱۵۱۵*
حَرْصِ، کور و احمق ۵: ۲۸۲۳	حَدَّ خود داند ۴: ۳۷۰۹*	حَبْسِ آهو ۵: ۸۳۴*
حَرْصِ ما ۶: ۱۳۲۰*	حَدَّ خود را ۵: ۵۶۴*	حَبْسِ باشی ۵: ۱۷۷*
حَرْصِ مَبْرَسَت ۵: ۱۴۰۲*	حَدَّ کجا آنجا ۵: ۲۱۹۰*	حَبْسِ خشم ۱: ۹۲۶*
حَرْصِ مردان ۳: ۱۹۵۷	حَدَّ من این بود، ای ۱: ۱۰۶۷*	حَبْسِ کردی ۱: ۱۵۱۸
حَرْصِ میری ۱: ۳۹۴۵*	حَدَّ من این بود، کردم ۴: ۲۲۱۹	حَبْسِ و زندانش ۲: ۳۱۳۶*
حَرْصِ، نابیناست ۳: ۲۶۲۹	حَدَّ ندارد این سخن ۵: ۹۰۷	حُبُّکَ الْأَشْیَاءِ يُعْمِیکَ
حَرْصِ و کوشش ۱: ۹۶۲*	حَدَّ ندارد این مثل ۶: ۴۴۳۶	۲: ۲۷۲۴*
حَرْصِ وَهُمْ ۵: ۲۸۳	حَدَّ ندارد وصف ۲: ۲۴۷۲	حُبُّکَ الْأَشْیَاءِ يُغْمِی وَ
حَرْصِ ها بیرون ۱: ۲۰۶۵*	حَرْبُ ۳: ۲۴۱۰*	۶: ۲۸۷۴*
حَرْصِ های ۵: ۶۳۰	حَرْصِ آدم ۲: ۲۷۳۹	حَبْلِ و هیزم ۳: ۱۶۶۵
حَرْصِ هر که ۵: ۱۱۵۳*	حَرْصِ از درهاست ۵: ۱۲۰*	حَبَّه‌ای را ۱: ۳۱۹۴
حَرْفِ آموزد ۵: ۱۴۴۰	حَرْصِ اندر عشق ۳: ۱۹۵۵	حَبَّه‌ی آن ۴: ۳۱۳۴
حِرْفَتِ آموزی ۵: ۱۰۶۲*	حَرْصِ اندر غیر ۳: ۱۹۵۵*	حَبَّه‌ی چندست ۴: ۶۹۲*
حَرْفِ، چه بود؟ تا ۱: ۱۷۲۹	حَرْصِ، اندر کار ۴: ۱۱۳۰	حَبَّه‌ی را آمدت ۴: ۲۶۱۲*
حَرْفِ، چه بُود؟ خَارِ ۱: ۱۷۲۹*	حَرْصِ بَطَّ از ۵: ۵۱۸	حُبِّ یَعْنِی ۳: ۲۳۶۲*
حَرْفِ حکمت بر ۲: ۶۷۰	حَرْصِ بَطَّ یکتاست ۵: ۵۱۷	حَتَّى إِذْ ۳: ۲۰۳۳
حَرْفِ حکمت خور ۳: ۱۲۸۶	حَرْصِ تازد ۵: ۲۰۵۸	حَجَّةُ اللَّهِ آم ۴: ۲۳۰۹
حَرْفِ درویشان بدزد ۱: ۳۱۹	حَرْصِ تو چون ۴: ۲۴۹	حَجَّتِ انکار ۴: ۸۹۳
حَرْفِ درویشان بدزدیده	حَرْصِ تو دانه‌ست ۶: ۴۶۵۷*	حَجَّتِ ایشان ۶: ۲۶۲۴*
۲۲۷۴:۱	حَرْصِ تو در ۴: ۱۱۲۲	حَجَّتِ بارد ۳: ۲۳۱۶
حَرْفِ درویشان بسی ۵: ۱۴۴۳	حَرْصِ جوید ۵: ۱۴۰۲	حَجَّتِ باقی ۴: ۲۸۶۰*
حَرْفِ درویشان و ۴: ۱۷۰۳	حَرْصِ، چون خورشید	حَجَّتِ حُسْنِ ۴: ۲۸۵۴*
حَرْفِش ۶: ۱۲۴۰*	۳۰۵۷:۵	حَجَّتِش اینست ۵: ۳۹۳۰
حَرْفِ طُوبی ۴: ۳۳۴۴*	حَرْصِ چون شد ۴: ۱۱۲۴*	حَجَّتِش این که ۲: ۶۲۰*
حَرْفِ، ظرف ۱: ۲۹۶	حَرْصِ خلق ۵: ۵۲۲	حَجَّتِ شرعی ۳: ۲۳۸۹*
حَرْفِ قرآن را، بُد آتسار	حَرْصِ خوردن ۵: ۲۴۹۶	حَجَّتِ منکر هماره ۴: ۲۸۶۹
۱۱۵۰:۳*	حَرْصِ در پیری ۶: ۱۲۲۸	حَجَّتِ مُنْکِرِ هَمین ۴: ۲۸۷۸
حَرْفِ قرآن را بدان ۳: ۴۲۴۴	حَرْصِ دنیا رفت ۳: ۱۲۰	حَجَّ رَبِّ ۴: ۱۵*
حَرْفِ قرآن را ضریبان ۲: ۷۲۳	حَرْصِ رفت ۴: ۱۱۲۶*	حَجْرَه را با ۵: ۲۰۶۶

- حرف گفتن ۶: ۶۹۹
حرف گو و حرف ۶: ۷۲
حرف گوید ۴: ۲۰۷۰
حرف می رانیم ۵: ۲۱۴۲
حرف می گوید ۵: ۱۴۳۱
حرف و صوت و گفت ۱: ۱۷۳۰
حرف و صوتی کی ۴: ۲۹۷۹
حرف ها دام ۲: ۱۱۸۹
حرف ها ماند ۵: ۱۳۱۷
حرف های خط ۴: ۲۰۵۷
حرفهای طرفه ۵: ۳۱۴
حرمت آن ۳: ۲۲۱۶
حرمت این ۲: ۲۷۷۹
حرمت ذات ۳: ۲۵۸۴
حرمت و آب ۵: ۲۷۵۵
حزم آن باشد که بر ۳: ۲۸۴۵
حزم آن باشد که چون ۳: ۲۳۰
حزم آن باشد که ظن ۳: ۲۶۷
حزم آن باشد که گویی ۳: ۲۲۲
حزم آن باشد که نفریید ۳: ۲۱۹
حزم ازو راضی ۳: ۲۸۶۹
حزم، بهر ۳: ۲۸۴۷
حزم چه بود؟ بد ۳: ۲۲۰۱
حزم چه بود؟ در ۳: ۲۸۴۲
حزم را خود ۳: ۲۱۳
حزم را سیلاب ۳: ۲۲۰۰
حزم را مگذار ۵: ۲۷۷۰
حزم، سوء الظن ۳: ۲۶۸
حزم کردن ۳: ۲۱۴
حزم کن از خورد ۳: ۲۱۴
حزم نبود ۶: ۴۷۵
حسن ابدان ۲: ۵۱
حسن، اسیر عقل ۳: ۱۸۲۴
حسنی الله ۴: ۱۴۰۸
حسن پیل از ۶: ۲۷۴۹
حسن تجری ۱: ۲۷۱۸
حسن تواز ۲: ۳۳۵۷
حسن جان ۲: ۵۱
حسن چو ۲: ۱۶۰۴
حسن حیوان ۶: ۲۲۰۷
حسن خشکی ۱: ۵۷۱
حسن خفاشت ۲: ۴۷
حسن دُرُباش ۲: ۴۷
حسن دل ۲: ۳۵۵۱
حسن دنیا ۱: ۳۰۳
حسن دینی ۱: ۳۰۳
حسن را آن ۲: ۱۲۹۲
حسن را بی خواب ۳: ۱۸۳۳
حسن را تمیز ۱: ۲۶۳۴
حسن را حیوان ۵: ۳۰۲۰
حسن را مُنکر ۵: ۲۹۶۷
حسرت آزادگان ۵: ۳۳۵۴
حسرت آن ۶: ۱۴۵۴
حسرتا بر ۶: ۱۲۰۰
حسرتا یا لیتنی ۲: ۱۸۰۷
حسرت جان ها ۴: ۱۶۹۰
حسرتش آنست ۵: ۱۷۶۶
حسرتش را هم ۴: ۱۵۹۸
حسرت و زاری ۱: ۶۲۳
حسن، سوي روح ۲: ۳۲۵۴
حسن شیخ ۲: ۱۲۵۶
حسن ضعیف است ۴: ۳۷۵۷
حسن مردم ۶: ۴۱۳۱
حسن مِس ۲: ۵۰
حسن حق بینند ۶: ۳۶۴۶
حسن نداری ۲: ۱۲۴۱
حسن دختر ۴: ۳۱۴۰
حسن را ۵: ۳۲۷۹
حسن سلطان ۶: ۲۳۶
حسن صورت ۶: ۲۵۶
حسن ظنّ ست ۳: ۱۸۶۶
حسن ظنی ۳: ۱۸۸۳
حسن لیلی ۵: ۳۲۸۶
حسن نمی یابد ۶: ۳۹۲۳
حسن و مال ۴: ۳۱۴۱
حسن یوسف دیده ۵: ۳۹۳۳
حسن یوسف عالمی ۲: ۱۰۷۳
حسن و فکر ۲: ۱۲۵۶
حسن ها با حسن تو ۲: ۳۲۴۶
حسن ها را ذوق ۲: ۳۲۳۹
حسن ها و اندیشه ۳: ۱۸۲۶
حسن ها و عقل هاشان ۱: ۳۶۷۲
حسن های ۴: ۱۵۲۳
حشر اصغر ۵: ۱۷۸۸
حشر اکبر ۵: ۱۷۸۰
حشر بر حرص ۲: ۱۴۱۳
حشر تو گوید ۲: ۱۸۲۵
حشر گردانم ۳: ۱۳۵۵
حشر هر ۲: ۹۶۱
حصر کرده ۴: ۲۹۳۱
حصن، ما را ۳: ۴۳۷
حضرت پُر ۱: ۲۴۴۵
حضرتش گفتی ۳: ۱۹۵۰
حضرتش گوید ۳: ۲۱۶۳
حقّ الجَنّه بمکروهاتنا ۲: ۱۸۳۷
حقّ الجَنّه مکاره ۵: ۴۰۳۰
حقّ الجَنّه به چه ۵: ۱۶۴
حقّ الجَنّه شنو ۳: ۴۴۶۷
حقّ النار ۵: ۴۰۳۰
حقّ التیران ۲: ۱۸۳۷
حفره دیوار ۵: ۲۰۷۶
حفره کردی ۲: ۲۶۵۳
حفره کن ۱: ۹۸۲
حفره گر ۳: ۱۶۶۱

حق چو سیمایا ۱: ۱۲۶۷	حق بفرماید که تُم ۲: ۲۹۴۶	حفره هاشان ۵: ۲۰۷۳
حق چو فرماید ۶: ۴۶۸۴	حق بفرماید که نه ۶: ۴۲۲۲	حُفره ها کنند ۵: ۲۰۷۲
حق چه بخشد ۶: ۲۷۰۰	حق بگشت او را ۶: ۱۵۵۱	حفظِ ایمان ۲: ۲۸۷۵
حق حریصش ۳: ۱۷۵۸	حق بگفته ۱: ۲۵۴۷	حفظ حق ۴: ۳۵۴
حق حقیقت گردد ۶: ۳۲۳۷	حق بگوید ۵: ۸۸۱	حفظِ عهد ۵: ۲۵۳
حق خدمت‌های ۵: ۲۹۹۸	حق بود تاویل ۵: ۳۱۲۵	حفظِ غیب ۱: ۳۶۳۳
حق خریدارش ۳: ۴۱۱۵	حق، به حکمت ۴: ۳۱۱۹	حفظ کردم من ۳: ۳۳۶
حق دهد ۶: ۲۱۷۲	حق، به دَوْر ۱: ۱۳۶۸	حفظ کردی ساقی ۵: ۴۱۰۸
حق ذات ۵: ۲۶۳۴	حق به عزرائیل ۶: ۴۷۹۷	حفظ کردی، یا ۱: ۴۰۳
حق را خواند ۳: ۱۸۰۵	حق به عشق ۶: ۳۱۷۰	حفظ لفظ ۵: ۲۵۳
حق را کافر ۳: ۱۳۷۰	حق به گوش ۱: ۱۴۵۶	حق آن آنی ۲: ۹۳۵
حق ز ایجاد ۴: ۱۶۶۶	حق به من بنمود ۲: ۹۹۱	حق آن حقی ۲: ۲۲۴۴
حق ز غیرت نقش ۵: ۳۸۰۷	حق به من گفتست ۳: ۴۶۴۷	حق آن شه ۲: ۲۳۱۷
حق ز غیرت نیز ۱: ۱۷۳۳	حق بی‌آلود ۴: ۴۶	حق آن قدرت ۱: ۲۴۵۹
حق، زمین و آسمان ۱: ۲۳۸۶	حق پدید است ۱: ۱۴۰۰	حق آن قوت ۲: ۲۴۹۷
حق زهر جنسی ۶: ۵۲۳	حق پذیرد ۳: ۲۱۱۶	حق آن کس ۱: ۲۶۷۹
حق ستون ۶: ۲۲۰۱	حق بی شیطان ۶: ۳۶۱۰	حق آن کف ۱: ۲۶۷۸
حق سلامت ۱: ۲۱۸۲	حق تعالی، اِعْمَلُوا ۶: ۱۳۲۶	حق آنکه چرخه ۲: ۲۳۱۴
حقشان ست ۳: ۲۳۶۸	حق تعالی جهدشان ۱: ۹۷۲	حق آن که دادت ۳: ۳۲۳۲
حق شاهی ۵: ۱۶۵۵	حق تعالی خلق را ۱: ۳۱۷۲	حق آنکه دایگی ۲: ۲۳۱۶
حق، شب قدرست ۲: ۲۹۳۵	حق تعالی داد ۵: ۱۴۰۰	حق آن نعمت، فرو مگذار
حق شده ۵: ۷۳۶	حق تعالی زین ۲: ۱۷۳۴	۳: ۲۹۲
حق شکنجه ۵: ۷۵۸	حق تعالی عادل است ۱: ۲۳۵۴	حق آن نعمت گروگان ۳: ۲۹۱
حق، شه شطرنج ۳: ۸۸۵	حق تعالی، فخر ۳: ۳۲۳	حق آن نور ۲: ۹۳۳
حق فرستاد انبیا ۲: ۲۸۴	حق تعالی گر سماوات ۳: ۳۲۰۹	حق ازو ۵: ۸۷۴
حق فرستاده‌ست ۵: ۱۴۸۲	حق تعالی گرم ۲: ۲۹۶۳	حق اگرچه ۴: ۳۴۸۴
حق فشاند ۱: ۷۶۰	حق تعالی گفت در ۲: ۳۳۶۶	حق او لاشک ۶: ۳۲۵۵
حق قدم بر ۱: ۱۳۸۱	حق تعالی گفت کین ۲: ۲۵۹۶	حق بیردش ۵: ۲۰۱
حق قیامت ۲: ۲۹۲	حق تعالی، وحی ۳: ۱۰۹۲	حق بدید آن ۵: ۲۳۰۶
حق کجا ۲: ۲۳۰۹	حق تو را آنجا ۶: ۱۲۳۹	حق، بر او آن ۱: ۱۰۱۰
حق کشیدت ۶: ۳۳۲۵	حق چنین ۲: ۲۲۵۷	حق بر او افکنده ۶: ۳۳۴۹
حق کند آخر ۴: ۳۴۴۴	حق چو بخشش ۶: ۳۱۶۴	حق بر او نسیان ۶: ۳۵۵
حق کند، چون ۱: ۳۶۶۶	حق چو خواهد زلزله ۴: ۳۷۱۶	حق برای آن ۴: ۶۵۷
حق که را خوانده ۵: ۳۷۱۲	حق چو خواهد، می‌رسد	حق برای تو ۲: ۲۰۸۲
حق گشاده ۵: ۲۶۳۱	۴: ۵۱۳	حق برویانید ۱: ۲۰۲۱

حق گشاید ۱۸۳۱:۳	۲۸۷۲:۶	حکمتِ لولا رجال ۴۵۷۳:۳
حق گواهِ ۱۱۶۹:۲	حق همی خواهد که نومیدان	حُکمِ تو جان ست ۱۳۵۸:۳
حقِ مادر ۳۲۵:۳	۳۶۱۲:۱	حکَمِ تو عدل است ۱۵۶۸:۶
حق، محیط ۱۴۸۷:۱	حق همی خواهد که هر	حکمتی بی فیض ۳۲۰۲:۲
حق مرا چون ۲۱۱۷:۲	۳۶۱۵:۱	حکمتی کز ۳۲۰۲:۲
حق، مرشد ۳۱۲۵:۱	حق همی دید ۱۶۹۵:۶	حکمتی که ۳۴۲۸:۵
حق مرا گفته ۲۵۵۰:۱	حق همی گوید چه ۲۱۴۹:۳	حکم چون در ۱۴۴۷:۴
حق معیت ۴۱۸۰:۶	حق همی گوید که آخر ۹۲:۴	حُکمِ حق است، ای دو
حق منزّه ۲۱۰۶:۴	حق همی گوید که آری ۴۱۰:۳	۳۰۵۹:۵
حق میان داد ۳۱۷۳:۵	حق همی گوید که ای ۵۰۸:۲	حکمِ حق است این ۳۰۶۱:۵
حق نبشته ۲۴۶۹:۵	حق همی گوید که دیوار ۴۷۲:۴	حکم حق، بر ۱۹۲۴:۴
حق نجس ۳۴۲۷:۲	حق همی گوید: نظرم آن	حکم حق، بی عقل ۱۹۲۲:۴
حق جنباند ۳۴۸۷:۴	۲۲۴۴:۳	حکم حق گر ۳۰۶۶:۵
حق ندادش پیشوائی	حق همی گویم ۱۱۷۹:۱	حکم حق گسترد ۲۶۷۰:۱
۳۲۸۹:۶	حق یزدان نشکنم ۳۹۶۳:۵	حُکم، حکم ۳۱۱۵:۵
حق ندادش درد ۲۰۲:۳	حکم، آن خوراست ۱۴۱۸:۲	حکمِ خُذها ۲۲۸۷:۲
حق ندارد خاصِگان ۳۹۲۲:۶	حکم، اغلب ۲۱۵۹:۴	حُکم داری، تیغ ۲۶۴۳:۱
حق، نزاییده ست ۲۷۵۸:۱	حکم او بر ۳۱۸۶:۵	حُکم داری، هین ۱۳:۴
حق نگیرد ۳۳۵۹:۲	حکم او را بنده ۱۹۰۶:۳	حُکم صالح ۲۵۳۷:۱
حق نمودت ۳۵:۴	حکم او مؤمن ۲۱۷۶:۴	حکم، غالب ۲۰۰۳:۴
حق نمودش ۲۴۱۶:۳	حکم او هم ۴۸۷:۶	حکم و تقدیرش ۲۱۶۷:۵
حق نهاده ست ۲۱۱۴:۳	حکم این طومار ۶۶۱:۱	حکم و فرمان ۲۳۹۷:۱
حق، نه قادر ۱۲۱۳:۶	حکم بر آشکال ۲۱۷۵:۴	حُکم های ۴۶۴:۱
حق نیاید ۴۶۴۸:۳	حکم بر دل ۳۶۶۶:۱	حکم یزدان ۴۵۸:۲
حق و باطل چیست ۳۹۰۷:۵	حکم بر ظاهر ۲۰۸۰:۶	حل این اشکال ۵۶۳:۵
حق و باطل را ازو ۸۵۱:۲	حکمت اظهار ۳۳۰۲:۴	حَلِ سِحْرِ ۳۱۹۶:۴
حق و باطل را چو ۹۲۳:۲	حکمت، این ۳۴۲۲:۵	حل شد ۱۹۴۱:۱
حق، وسیلت ۴۳۴۱:۶	حکمتِ باران ۲۰۶۰:۱	حلق از لارسته ۳۸۷۶:۱
حق ها بر وی ۲۶۰:۳	حکمتِ بالغ ۲۶۵۶:۶	حلق انسان چون ۳۸۷۴:۱
حُقه بر لعل ۱۰۴۷:۶	حکمت حق در ۴۴۰۰:۳	حلقِ انسان رُست ۳۸۷۳:۱
حق، هزاران ۳۲۸:۳	حکمت حق، مانع ۴۴۳۲:۳	حلق بُبَریده جهد ۲۵۲۴:۳
حُقه سربسته ۱۰۴۶:۶	حکمت دنیا ۳۲۰۳:۲	حلق بُبَریده خورد ۳۸۷۶:۱
حقِ همسایه ۳۳۸۷:۱	حکمتِ دینی ۳۲۰۳:۲	حَلَقِ بخشد بهر ۱۸:۳
حق همی خواند ۴۰۲۷:۵	حکمت قرآن ۲۹۱۰:۲	حلق بخشد جسم ۱۸:۳
حق همی خواهد که تو	حکمت لقمان ۳۵۹۸:۱	حلق بخشد خاک ۲۲:۳

حمله بر خود ۱: ۱۳۲۳	حلم ایشان ۱: ۲۶۷۶	حلق بخشد سنگ ۳: ۱۴
حمله بردند ۴: ۲۴۴۱	حلم حق شو ۴: ۷۷۹	حلق بخشید ۳: ۳۷
حمله بردی ۴: ۲۴۴۵	حلم حق گر ۳: ۲۴۸۷	حلق بخشی، کار ۳: ۱۷
حمله بروی ۵: ۲۹۴۲	حلم در حلمست ۴: ۳۷۸۱	حلق پیش آورد ۲: ۳۸۳
حمله بیند ۱: ۸۳۲	حلمش اسیر ۲: ۲۴۹۱	حلق ثالث ۱: ۳۸۷۵
حمله بینی ۳: ۴۵۶۸	حلمشان بیدار ۴: ۲۰۹۳	حلق جان از ۳: ۴۲
حمله دیگر بمیرم ۳: ۳۹۰۳	حلمشان همچون ۴: ۲۰۹۴	حلق حیوان ۱: ۳۸۷۳
حمله دیگر تو ۳: ۴۵۶	حلم مشکل ۳: ۱۱۷۳	حلق خود بریده ۴: ۲۱۳۰
حمله دیگر زیسپارش ۳: ۷۹۹	حلم موسی وار ۶: ۳۲۹۳	حلق خود را ۳: ۲۸۷۰
حمله زن ۵: ۲۴۵۹	حلم ها ۳: ۴۷۰	حلق خود قربانی ۲: ۳۸۲
حمله شان از باد ۱: ۶۰۳	حل نشد ۲: ۳۷۴۱	حلق کو بنود ۶: ۴۱۶۹
حمله شان پیدا ۱: ۶۰۴	حله می پرد ۵: ۹۶۷	حلق نی بیرید ۱: ۳۹۱۶
حمله کرد او ۳: ۱۳۸۰	حله ها پوشیده ۶: ۴۵۴۵	حلق و دندان ها ۶: ۴۶۸۴
حمله کرده ۴: ۲۹۱۸	حله های ۲: ۶۷۰	حلقه آن در ۵: ۲۰۴۹
حمله ماده ۵: ۲۴۶۵	حلیه آن ۴: ۱۸۴۱	حلقه آن صوفیان ۲: ۲۰۳
حمله می آرد ۳: ۲۹۶۷	حلیه اش ۴: ۱۸۳۷	حلقه او سُخره ۵: ۱۹۱۵
حمله می آورد چون ۲: ۲۳۵۴	حلیه تن ۴: ۱۸۴۰	حلقه حلقه ۱: ۳۶۷۴
حمله می آورد و ۴: ۱۰۴۵	حلیه روح ۴: ۱۸۴۱	حلقه خاصش ۳: ۳۵۳۱
حمله می کن ۵: ۲۹۵۲	حلیه و نام ۶: ۲۸۴۸	حلقه در زد ۶: ۱۰۰۹
حمله نا آوردند ۴: ۲۴۴۴	حلیه های ۴: ۱۸۳۹	حلقه در گوش ۱: ۲۹۱۳
حمله ها و رقص ۱: ۳۳۴۰	حمد ایزد را ۶: ۲۲۰۲	حلقه دیگر ۶: ۲۴۴۹
حمیت دین خواند ۱: ۳۳۴۸	حمد تو نسبت ۲: ۱۷۹۵	حلقه زد بر ۱: ۳۰۶۱
حمیت دین را ۱: ۳۳۴۹	حمدشان چون ۴: ۱۷۷۰	حلقه زد خواجه ۳: ۶۱۹
حمیتی بُد ۳: ۳۹۵	حمد عارف ۴: ۱۷۶۴	حلقه زن زین ۴: ۸۹۸
حفظ از معشوق ۳: ۵۳۹	حمد گفتی ۴: ۱۷۶۳	حلقه کرد اهل ۳: ۴۷۱۳
حوت اگرچه ۵: ۴۲۳۴	حمدلله عاقبت ۴: ۳۵۰۷	حلقه کردند ۱: ۱۳۵۸
حور جستم ۶: ۱۰۸۷	حمدلله کین ۲: ۱۲۷۸	حلقه کرده ۳: ۱۰۳۶
حور را این ۵: ۶۹۱	حمد می گوید ۱: ۲۲۹۳	حلقه کوران! ۱: ۲۱۳۹
حوریان گشته ۵: ۴۱۸۶	حمد و تسبیح ۳: ۳۴۵۹	حلقه گر ۲: ۱۳۶۰
حیث لا صبر ۲: ۶۰۰	حمزه بی باید ۵: ۳۷۷۷	حلقه گشت ۱: ۸۷۳
حیث ما کُتُم فَوَلُّوا وَجْهَکُم	حمل را ۳: ۳۷۵۶	حلقه مان در گوش ۵: ۸۴۷
۳۳۵۴:۲	حمل نبود ۶: ۱۸۰۵	حلقه و در ۴: ۴۸۱
حیث ما کُتُم فَوَلُّوا وَجْهَکُم	حمله آرم ۶: ۴۹۰۷	حلقه های ۲: ۱۳۸۲
۳۷۴۵:۲	حمله آرند ۱: ۳۶۷۷	حلقه بی در گوش ۶: ۲۷۱۲
حیث وَلَّیْتُم ۶: ۳۶۴۲	حمله آوردند ۲: ۵۵۰	حلم او خود ۴: ۲۰۸۸

حیدری کاندَر ۴: ۱۶۰۶	حیله را خوردند ۳: ۸۵۷	خار از گلزار ۳: ۵۳۸*
حَقِّ را هَقِّ ۳: ۱۷۲*	حیله را دانسته ۶: ۴۹۱۱*	خارین دان ۲: ۱۲۴۰
حیرت آن ۵: ۳۲۵۰	حیله کرد انسان ۱: ۹۱۸	خارین در قوت ۲: ۱۲۳۷
حیرت اندر حیرت آمد این	حیله کرد انسان ۱: ۹۱۸	خارین در ملک ۵: ۲۹۲۶*
قصص ۴: ۳۸۰۵	حیله کرد او ۵: ۸۷	خارین هر ۲: ۱۲۳۸
حَیْرَت اندر حَیْرَت آمد بر دلش	حیله کردند ۱: ۹۰۲	خاری معنی ۱: ۲۹۲۲
۴: ۹۳۱	حیله کرد و، کرد ۲: ۲۱۷۲	خارپشتا ۴: ۱۰۲۸
حَیْرَت اندر حیرت اندر	حیله کم کن ۵: ۴۶۷*	خارج آن ۲: ۷۶۰*
۴: ۹۶۸*	حیله می کردند ۳: ۴۷۵	خارج اندیشه ۲: ۳۵۵۷*
حیرت اندر حیرتست ۵: ۳۴۲۰	حیله و افسون گری ۵: ۲۳۵۲	خار، جمله ۱: ۳۰۰۷
حیرتِ او دَم به دم ۵: ۱۴۴۹*	حیله و تدبیر ۳: ۳۰۷۲*	خار خار دو ۱: ۳۴۲۰
حیرتت باید ۵: ۲۹۰۷*	حیله و مکر و ۳: ۴۱۸*	خارِ خار و حی ها ۱: ۱۰۳۸
حیرتِ تو ۵: ۷۹۵*	حیله و مَکْرِی ۲: ۲۶۰۳*	خاردان آن ۱: ۱۹۶۴
حیرت محض ۶: ۳۷۱۴	حیله ها با ۳: ۴۴۶*	خار، در پا ۱: ۱۵۲
حیرت و مشغولی ۱: ۳۸۲۱*	حیله ها چون ۳: ۲۱۸۹*	خار، در دل ۱: ۱۵۲*
حیرتی آمد ۱: ۲۲۱۰	حیله ها سازم ۵: ۲۳۵۱*	خار دل را ۱: ۱۵۳
حیرتی آید ۵: ۳۲۴۱	حیله هاشان، جمله ۱: ۹۷۳	خار را گلزار ۵: ۱۸۵۰*
حیرتی باید ۳: ۱۱۱۶	حیله هاشان را ۳: ۱۰۹۵	خار رویده ۲: ۱۵۲*
حیز چه بُود؟ ۵: ۳۹۱۹*	حیله ها و چاره چویی ها ۳: ۱۹۶	خار زارم ۴: ۲۵۲۱*
حیز و نامرد ۲: ۸۷۶*	حیله ها و چاره ها ۳: ۹۶۹	خارِ سه سویست ۳: ۳۷۵
حیف آمد ۶: ۱۶۷۱*	حیله ها و خشم ها ۱: ۱۸۳۶	خارش دل ها ۳: ۲۴۹۱*
حیف بودی ۵: ۱۵۱۲*	حیله ها و مکرها ۲: ۱۰۵۴*	خارش و مالش ۵: ۲۳۷۱
حیفش آمد ۵: ۳۸۱۴	حیله های تیره ۴: ۳۲۱	خار غم ها ۳: ۴۵۰۸*
حیف می آمد ۱: ۳۵۷	حیله یی کردند ۳: ۲۷۴۰*	خارکن در ۲: ۱۲۳۷*
حیف نبود ۶: ۲۷۹*	حَقِّ و قایم ۵: ۳۲۶۶	خارکن هر روز ۲: ۱۲۳۸*
حیلَتِ اخوان ۶: ۴۰۶۹*		خار می خور ۱: ۲۸۱۱*
حیلت او ۳: ۳۶۲۷	خ	خار و خس ۳: ۱۶۱۹*
حیلت و مردی ۲: ۱۹۷۱	خاتم از ۱: ۳۵۷۹*	خار و نِشتر ۳: ۱۴۲۴*
حیله آموزان ۲: ۳۲۰۵	خاتم تو ۴: ۱۱۵۱	خارهای ۳: ۸۲۷*
حیله ات ۴: ۳۴۵۵*	خاتم ملک ۱: ۱۰۳۰	خازنش عمران ۳: ۸۷۳
حیله اندیشی ۳: ۴۱۵۳	خادع درداند ۶: ۴۳۰۵	خاص آن جان ۲: ۱۷۰۴*
حیلهٔ باریک ۳: ۲۲۳۱*	خادم آمد شیخ ۲: ۴۲۹	خاص، آن دریا بیان ۶: ۴۶۲۳*
حیلهٔ تفهیم ۶: ۳۷۱۹*	خادم آمد گفت ۲: ۵۴۴	خاص او بُد ۳: ۳۰۳۰*
حیلهٔ خود را ۲: ۱۹۷۳*	خادم این گفت ۲: ۲۱۷	خاص بود ۱: ۲۴۱*
حیلهٔ فرعون ۱: ۹۱۹*	خادمه سفره ۳: ۳۳۰۶	خاص خاص ۵: ۱۸۷۱

خاصّ دلّاکش ۲۲۹۵:۵	خاصه چون باشد عزیز	خاطر تو ۲۹۲۷:۴
خاص را ۱۸۹۷:۳ *	۴۵۶:۲ *	خاطر رنجور ۳۳۷۷:۱
خاص ز امر ۱۱۶:۵ *	خاصه چون باشد کُله	خاطر ساده‌دلی ۴۲۲۸:۳ *
خاص کرده ۱۰۷۹:۶ *	۲۶۰۱:۴ *	خاطرش شد ۱۹۷:۲
خاص گفتندی ۳۵۳۸:۴	خاصه خرقه ۴۴۲۰:۶	خاطر مجرم ۴۳۸۱:۳
خاص و عام شهر ۲۵۱۷:۶	خاصه خود ۱۲۲۲:۱ *	خاطر ویرانش ۱۴۳۲:۱ *
خاص و عامه ۲۷۴۱:۱	خاصّه خورشید ۴۴:۲	خافض است ۱۸۴۷:۶
خاصه آن ارضی ۱۰۸۹:۴	خاصه در جو عست ۲۸۳۱:۵ *	خاک آدم چونکه ۱۶۱۴:۲
خاصه آن خمري ۲۹۴۲:۱ *	خاصه در زنجیر ۱۳۸۴:۲ *	خاک آن دُم باش ۱۳۳:۶ *
خاصه آن را ۳۶۸۴:۵	خاصه در وقت ۳۶۴۰:۴ *	خاک از تاب ۳۶۰۳:۳ *
خاصه آن سیلی ۲۷۱۸:۶	خاصه درویشی ۱۴۷۲:۶	خاک از خود ۱۰۲۸:۵ *
خاصه آن کو دید ۸۰۵:۶ *	خاصه در هنگام ۲۴۵۷:۳	خاک از دُردی ۱۶۱۶:۲ *
خاصه آن کو عشق ۱۷۰۶:۲ *	خاصه، رنجور ۳۳۶۲:۱	خاک از همسایگی ۳۰۰۹:۶ *
خاصه آن منفق ۳۸۲:۲	خاصه شاعر ۱۱۸۸:۴ *	خاک استیلا ۳۱۵۷:۶
خاصه از بالای ۳۳۷۹:۴	خاصه شهبازی ۲۱۰۶:۲	خاک اکنون ۲۹۵۹:۵
خاصه از بهر ۱۱۶۳:۱	خاصه صبر ۳۱۴۹:۲ *	خاک، امین ۵۰۹:۱
خاصه اکنون ۱۳۲۶:۳ *	خاصه عمری ۷۷۴:۵	خاک اندر چشم ۳۳۷۸:۲ *
خاصه ای خواجه! ۳۳۹۴:۱	خاصه فکری ۵۳۰:۴ *	خاک اندر دیده توبه ۲۸۷۶:۳ *
خاصه این آتش که از ۵۷۲:۵	خاصه کان لیلی ۱۵۵۹:۱ *	خاک اندر دیده شیطان
خاصه این آتش که جان	خاصه کشتی ۲۷۵۷:۳ *	۲۸۸۴:۳ *
۴۴۲:۵	خاصّه که بی چون ۲۶۴۹:۲ *	خاک او را سرمه ۳۲۱۰:۶ *
خاصه این باده ۲۰۹۷:۴	خاصه که در چشم ۲۵۷۹:۶	خاک او کردند ۶۶۶:۱
خاصه این دریا ۲۴:۶	خاصه ماهی ۴۲۲:۲ *	خاک او گردی ۱۳۲:۳
خاصه، این روزن ۳۱۹۹:۶	خاصه مرد ۱۱۹۶:۴	خاک او هم ۳۰۱۱:۶ *
خاصه این سر ۱۹۰۷:۲	خاصه مرغی ۲۷۶۴:۱	خاک باشد موش ۳۲۷۱:۲ *
خاصه این گَرّ ۱۹۴۳:۴ *	خاصه من ۲۶۴۶:۵	خاک باشی جُست ۴۵۴:۳ *
خاصه باغی ۳۲۳۱:۲	خاصه نیکی ۲۹۵۸:۴ *	خاک بر احوال ۳۶۳۷:۵ *
خاصه بسپارید ۳۴۷۰:۱ *	خاصه وقت ۲۴۵۹:۳ *	خاک بر باد ۱۲۸۱:۲
خاصه بُعدی ۲۸۹۴:۶ *	خاصه هر شب ۱۸۹۰:۱	خاک، بر دل‌داری ۱۲۴:۲ *
خاصه پنجه ۱۱۵۲:۵	خاصیت بنهاده ۲۶۸۴:۴	خاک بر سر استخوانی ۴۷۵:۲
خاصه تقلید ۵۶۴:۲	خاصیت در ۲۹۱۷:۶	خاک بر سر کرد و ۲۴۲۷:۳
خاصه، جزوی ۱۲۹۱:۱	خاضع اندر ۱۲۸۷:۴ *	خاک بر سر کرده ۹۰۷:۳ *
خاصه چرخي ۳۰۱۵:۲	خاطر آرد ۱۱۳۵:۳	خاک، بر سر کُن ۴۳۶:۱ *
خاصه چشم ۳۳۸:۴	خاطر از ۶۲۰:۱ *	خاک بر فرق قناعت ۲۶۹۵:۵ *
خاصه چندین ۳۶۳۴:۴	خاطر او ۶۳۷:۵ *	خاک بر فرق من ۳۳۱۸:۵ *

خاک، بر قانون ۱۶۵۲:۵	خاک را گویی: صفات ۲۹۰۴:۳	خاک ما را ۲۳۱۸:۶
خاک، بر وی کو ۷۶:۲	خاک را گویی که گِل ۲۹۱۲:۳	خاکم از زاری ۱۵۹۵:۵
خاک بودی ۵۸۰:۶	خاک را مشغول ۱۶۹۱:۵	خاک مردان ۳۱۲۰:۳
خاک بو کرد ۲۸۴۳:۶	خاک را من ۲۷۴۲:۵	خاک، مسجود ۳۱۹۳:۶
خاک، بی بادی به ۴۲۱۷:۵	خاک را می کند ۱۰۵۶:۱	خاک مشغول ۱۶۹۲:۵
خاک، بی بادی کجا ۱۴۵۹:۶	خاک را و نطفه ۸۸۹:۴	خاک می کردند ۱۶۱۳:۵
خاک بین ۱۶۱۶:۲	خاکِ رنگین ۴۷۰۶:۶	خاک نعل ۲۹۵۴:۴
خاک پاکان ۶۳۹:۳	خاک ره چون ۳۲۱۰:۶	خاک و آب و باد ۲۳۷۰:۲
خاک پایش ۱۱۷۶:۲	خاک ریزی اندرین ۲۸۱۱:۵	خاک و گِل ۵۳۶:۱
خاک، تو بر عکس ۳۱۵۵:۶	خاک ریزی بر سر ۱۹۵۹:۴	خاک ها پر ۲۲۷۳:۶
خاک چون سوسن ۱۰۱۹:۴	خاک زر شد ۷۴۱:۶	خاک ها را ۱۰۱۱:۳
خاک، چه بُود ۵۳۴:۱	خاک زن در ۱۶۰۷:۲	خاک همچون ۱۲۸۳:۲
خاکِ خوار ۲۲۷۶:۶	خاک سازد ۲۲۵۰:۶	خاک هم یکسان ۴۷۶۹:۳
خاک، خود را ۱۵۵۹:۵	خاک، سِرّها ۵۱۱:۱	خاکی است آن ۲۴۵۳:۵
خاک خوردی ۴۷۰۴:۶	خاک، سوی ۳۴۲۷:۵	خاکیان را بحر ۳۰۷۱:۳
خاک در چشمش ۱۱۳۴:۲	خاک شد جان ۱۱۷۵:۲	خاکیان را سر ۶۵۸:۴
خاک در چشم قلاووزان ۳۴۸۷:۵	خاک شد صورت ۷۵:۶	خاکی را داده ایم ۳۳۲۹:۴
خاک در چشم مروت ۶۶۷:۳	خاک شو، تا گُل ۱۹۱۱:۱	خاکی را گفت ۱۶۲۲:۲
خاک در چشم مُتَیَز ۴۷۳۱:۶	خاک شوره ۱۲۲۱:۲	خالدین شد ۳۱۶۵:۶
خاک درگاهت ۷۶:۲	خاک شو مردان ۴۳۶:۱	خالدین فی ۴۲۰۵:۵
خاک دیگر ۷۸۰:۵	خاک صد ره ۱۵۲۷:۲	خالق آب ۲۹۰۵:۳
خاک را بر سر ۳۴۲۵:۵	خاک غم در ۳۹۲:۳	خالق است آن ۲۴۳۷:۱
خاک را بر سیم ۲۴۰۴:۱	خاک غم را ۱۷۷۹:۱	خالق افلاک او ۲۹۰۵:۳
خاک را بین، خلق ۱۸۵۷:۶	خاک قابل را ۱۶۵۰:۲	خالق افلاک و انجم ۲۵۱۲:۴
خاک را بینی ۱۰۲۹:۵	خاک، قارون را چو فرمان ۸۶۴:۱	خالق تزویر ۳۴۵۴:۴
خاک را تابان تر ۲۸۶۲:۱	خاک، قارون را چو ماری ۱۰۱۷:۳	خالق جان ۲۷۵۰:۵
خاک را تصویر ۸۹۴:۴	خاک گردند ۲۳۱۸:۴	خالق دریا ۲۵۱۳:۴
خاک را دادیم ۲۷۴۳:۵	خاک گرگین ۵۶۶:۶	خالق عیسی ۳۵۰۵:۳
خاک را در ۲۰۱۳:۱	خاک گور از ۳۰۰۸:۶	خالقی که ۳۰۳۱:۵
خاک را دیدی ۲۹۰۱:۵	خاک گوید ۴۴۲۱:۳	خاله را خایه ۵۱۱:۴
خاک را رنگ ۴۷۱۷:۶	خاک، گه گندم ۴۶۴۲:۶	خالی از خود ۴۰۴۱:۶
خاک را زربخش ۳۸۰۳:۶	خاک لرزید ۱۵۸۳:۵	خالی از فطنت ۱۶۵۰:۶
خاک را سلطان ۲۸۶۳:۱	خاک لیلی ۲۸۲۹:۶	خالی از کدیه ۲۸۰۲:۵
خاک را شاهان ۳۷۳:۵		خالی از مقصود ۱۵۹۴:۵
		خام باشد ۱۰۵۷:۱

خانه وحیش ۵: ۱۲۲۹*	خانه تنگ آمد ۶: ۴۷۵۷*	خام خامی ۵: ۲۸۹۹*
خانه و دیوار ۶: ۲۱۷۶*	خانه تنگ و در او ۳: ۳۵۵۵*	خام خوردن ۲: ۷۳۲*
خانه ویران گشت ۳: ۴۶۶۹*	خانه تنگی ۴: ۲۰۶*	خام را جز آتش ۱: ۳۰۵۸*
خانه‌ها پر گند ۳: ۴۵۰۱*	خانه حیل ۲: ۳۰۱۶*	خامشان، بی لاف ۶: ۴۵۴۷*
خانه‌ها را روفتیم ۶: ۲۵۵۲*	خانه خالی ماند ۱: ۱۴۶*	خامش اند و ۳: ۳۸۴۸*
خانه‌ها سازد ۱: ۱۰۱۰*	خانه خالی یافت ۴: ۱۶۳۱*	خامشان را بود ۶: ۳۸۱۱*
خانه‌ها و قصرها ۲: ۱۰۳۵*	خانه خانه، جابجا ۳: ۳۳۶۰*	خامشانه بر سرم ۲: ۱۹۰۶*
خانه‌های ۲: ۱۱۴۳*	خانه خانه کرده ۱: ۱۸۱۳*	خامش اینجا ۳: ۱۰۱۲*
خانه هستی ۲: ۱۰۸*	خانه خود را شناسد ۳: ۲۱۱۳*	خام شوخی ۶: ۲۷۶۶*
خانه همسایه ۴: ۴۵۴*	خانه خود را همی ۶: ۶۱۸*	خامش و، در ۳: ۲۷۲۳*
خانه یک در ۴: ۱۵۸*	خانه خود رفتی ۲: ۲۳۹۸*	خامشی اینجا ۶: ۲۲۴۴*
خانه‌یی از ۳: ۲۸۸۶*	خانه داماد ۶: ۲۵۵۰*	خامشی بحرست ۴: ۲۰۶۲*
خانه‌یی پُر نقش ۶: ۳۴۲۵*	خانه دل بین ۴: ۴۸۰*	خام و ۳: ۴۱۹۶*
خانه‌یی را کیش ۶: ۳۰۹۴*	خانه دل را ۴: ۱۷۷۷*	خانقاهی ۶: ۳۸۵۶*
خانه‌یی معمور ۲: ۱۲۱۹*	خانه دیواست ۲: ۲۵۲*	خانقه تا ۲: ۵۲۹*
خانه‌یی نو ۲: ۲۲۲۷*	خانه را او ۵: ۴۴۷*	خانقه چون ۶: ۳۸۵۹*
خایفان راه، ترس ۳: ۴۳۸۴*	خانه را بخريد ۲: ۳۶۲۸*	خانقه خالی ۲: ۵۴۰*
خایفان راه ۵: ۲۵۰۸*	خانه را پر نقش ۶: ۳۶۳۸*	خان و مان چُند ۵: ۱۱۵۴*
خایش کرد ۵: ۴۰۰۳*	خانه را گردنده بیند ۴: ۲۳۶۹*	خان و مان چون ۵: ۱۱۵۳*
خبث و ظلم و جور ۴: ۸۷*	خانه را گردنده بینی ۱: ۲۳۶۴*	خان و مان رفته ۳: ۱۶۵۲*
خبث یارش ۲: ۱۰۱۱*	خانه را من ۵: ۲۸۰۴*	خانه آمد ۶: ۴۳۸۵*
ختم شد ۲: ۱۹۲۲*	خانه را می‌روفتم ۵: ۱۳۵۳*	خانه، آن توست و ۳: ۲۲۱*
ختم کرده ۳: ۲۰۱۲*	خانه را ویران ۱: ۳۸۸۶*	خانه، آن توست هر ۵: ۲۷۸۰*
ختم کن واللہ اعلم بالرشاد	خانه سر ۶: ۴۴۵۹*	خانه آن دل ۲: ۳۱۲۹*
۳۷۸۵:۴*	خانه سمع ۵: ۷۱۰*	خانه آن شاه ۶: ۲۰۴۷*
ختم کن واللہ اعلم بالصواب	خانه شادی ۶: ۴۷۸۱*	خانه اجرت ۴: ۲۵۴۸*
۲۰۶۳:۴*	خانه شکر ۴: ۱۱۶۱*	خانه از غیر ۵: ۳۴۶۳*
ختم‌هایی ۶: ۱۶۵*	خانه عاشق ۶: ۶۱۹*	خانه همخانه ۳: ۵۳۹*
خجلت ما ۱: ۶۱۸*	خانه کی ۵: ۱۱۳۶*	خانام پُرس ۵: ۲۸۰۴*
خدمت اکسیر ۲: ۳۴۷۵*	خانه گنده دون ۳: ۱۴۷۷*	خانه با بتا ۶: ۳۶۷*
خدمت او، خدمت ۶: ۳۱۹۸*	خانه ما راست ۲: ۳۱۲۶*	خانه برکن ۴: ۲۵۴۰*
خدمت او هست ۶: ۱۵۱۷*	خانه مارست ۱: ۲۲۸۱*	خانه بی‌زینهار ۲: ۳۱۲۲*
خدمت او هم ۶: ۳۲۵۷*	خانه مرغست ۳: ۴۶۷۰*	خانه بی‌مکناس ۴: ۴۷۹*
خدمت بسیار ۳: ۳۴۱۱*	خانه معشوقه‌ام ۳: ۱۴۱۷*	خانه پر از ۵: ۲۸۱۳*
خدمت این ست ۵: ۲۶۸۲*	خانه می‌روید ۵: ۳۶۷۹*	خانه پر دود ۳: ۴۸۵*

خدمت بر ۳۵۷۷:۵	خردشان ۴۶۷۸:۶	خرم آن حیوان ۲۴۳۲:۵
خدمت خود ۳۳۸:۲	خرد کردش ۴۰۵۶:۵	خرم آن کین ۴۸۲۷:۶
خدمت ذره ۱۶۳۰:۶	خرد کوبد ۱۷۲۷:۳	خرم مَقْشِیَّاً ۱۰۶۱:۶
خدمت شیخی ۲۴۶۳:۶	خرد می‌خایید ۱۱۰۲:۳	خرمگس ۳۶۳۴:۵
خدمت من ۲۲۴۸:۲	خرد نبود ۳۳۰۵:۲	خرمن آن ماست ۹۸۳:۵
خدمتی می‌کن ۸۴۵:۶	خرد دو سه حمله ۲۴۹۴:۵	خرمن فرعون ۲۷۷۳:۴
خرازین می‌خسید ۲۲۹۷:۳	خرده کاری، بود ۸۷۹:۴	خرمنی بودی ۱۷۶۲:۵
خر بدو بسپرد ۲۳۶۸:۵	خرده کاری‌های ۱۵۱۶:۴	خر، مؤدب ۱۳۸۶:۵
خر برفت آغاز ۵۳۸:۲	خرده گیرد ۲۲۷۵:۱	خر مهذب ۱۳۴۷:۵
خر برفت و خر ۵۳۶:۲	خرده‌های ۱۴۹۱:۴	خر نبیند ۳۰۶۹:۴
خر برهنه بر ۷۲۷:۲	خر ز بهر ۱۵۶:۱	خر نبیند ۷۲۳:۲
خر برهنه نه ۷۲۷:۲	خر ز دورش ۲۵۶۷:۵	خر نخواندت ۲۰۰۴:۴
خریزه آورده ۱۵۱۴:۲	خر ز هر سو ۲۳۶۹:۵	خر نداند ۱۵۴:۱
خریزه چون ۳۷۱۸:۵	خر ز هندستان ۳۰۶۹:۴	خر نشاید ۳۳۱۵:۱
خر بسی کوشید ۲۸۱۷:۵	خرس، بازی ۱۴۲۳:۲	خر نه‌یی ۲۵۴۷:۵
خربطان ۱۱۳۰:۶	خرس چون ۱۹۷۰:۲	خر همه شب ۲۳۷:۲
خربط و ۲۶۵۳:۵	خرس، حارس ۲۰۱۲:۲	خر همی شد ۱۳۳۸:۵
خرطی ناگاه ۴۲۳۲:۳	خرس را دانست ۲۰۳۵:۲	خر همی گاید ۱۳۴۵:۵
خر به سوی ۲۳۵۷:۳	خرس را مگرین ۲۰۱۸:۲	خر همی گیرند ۲۵۴۱:۵
خرج آن ۲۵۸۸:۱	خرس رست ۱۹۹۱:۲	خس بس آنکه ۱۸۲۸:۳
خرج او کردی ۲۵۱:۳	خر سکیزه ۱۰۹۴:۵	خُسپد و بیند ۱۷۲۲:۵
خرج این ۵۶۳:۵	خرس هم از ۲۰۱۰:۲	خسته بود ۵۲۶:۲
خرج را ۳۷۳۵:۳	خر شود ۱۵۱۱:۴	خسته شد ۲۳۳۰:۵
خرج کردم ۲۱۹۱:۱	خر فروشان، خصم ۳۰۱۴:۴	خسته کرده ۳۷۵۴:۵
خرج کردی بر ۳۷۷:۲	خر فروشانه ۲۴۲:۲	خسته و مانده ۶۸۹:۴
خرج کردی، چه ۲۱۵۲:۳	خر فروشی ۵۱۹:۲	خس چو ۱۸۲۸:۳
خرج کم‌کن ۱۱۷۶:۵	خرقه بر ریش ۱۱۵۰:۵	خس، خسانه ۴۱۹:۲
خرج کن این ۲۱۸۳:۱	خرقه تسلیم ۱۴۸۴:۶	خسروا، اول ۲۷۳۳:۴
خرج کن، چون ۲۱۶۶:۱	خرقه را ۲۵۸۶:۳	خسروان هوش ۳۷۱۳:۳
خر جماع ۱۳۳۴:۵	خرقه ما ۱۷۴۳:۳	خسرو شیرین ۲۵۲۵:۵
خر، جهنده ۲۴۳:۲	خرقه‌یی بر ریش ۱۱۵۰:۵	خس فزاید ۱۸۲۹:۳
خر چو بار ۳۶۲۶:۴	خر کجا؟ ناموس ۳۸۶۰:۶	خَسَف قارون ۲۳۶۸:۲
خر چو هست ۷۲۵:۲	خر، کمیز ۹۲۴:۵	خَسَف گردد ۳۵۵۷:۱
خر چه داند ۳۸۶۰:۶	خر گریزد ۱۸۹۹:۲	خس نگردد ۲۵۷۷:۶
خر خریداری ۲۰۹۲:۲	خرگه ۲۳۷:۳	خس نه‌یی، دور ۲۰۲۹:۶

خشم ظلم ۱: ۲۳۳۰	خشم خونخوارش ۵: ۲۵۶۲	خشت اگر پُر است ۶: ۳۸۷۱
خشم فرزندان ۱: ۳۶۹۶*	خشم در تو ۵: ۳۰۴۹	خشت اگر زَرین ۶: ۴۷۴۹
خشم کردند ۵: ۱۵۲۳*	خشم دل‌ها ۳: ۲۸۱۶*	خشت را مگذار ۶: ۳۸۷۶
خشم گفتش ۳: ۲۳۶۹	خشم را هم ۱: ۳۷۹۹*	خُشت و خُشت ۵: ۳۹۴۵
خشم مظلومان ۳: ۲۴۳۶*	خشم زشتش ۴: ۱۱۶*	خشت‌ها را ۶: ۳۸۴۸*
خشم من بادیست ۳: ۴۶۵۱*	خشمش آتش ۲: ۲۴۹۱	خشک آر ۳: ۴۲۲۶*
خشم منکر ۶: ۴۳۴۹	خشم شاه ۳: ۳۸۲۲	خشک امیدی ۵: ۱۸۱۹*
خشم هر شیر ۶: ۲۲۳۸	خشم شحه ۶: ۳۴۹۶	خشک بر میخ ۴: ۲۳۸۰
خُصیه مرد ۵: ۲۲۰۳*	خشم کرد ۴: ۳۸۳۳*	خشک دید آن ۲: ۲۳۰۷
خضر کشتی ۴: ۲۷۵۶	خشم گیرد مهرها ۴: ۲۶۳۲*	خشک شد از تاب ۴: ۳۰۸۷
خِضروار ۶: ۱۲۷*	خشم گیرد میرو، هم ۳: ۳۰۰۸*	خشک شد از قحط ۳: ۳۱۳۰*
خضر وقتی ۴: ۱۴۶۱	خشمگین با ۳: ۱۵۶۳	خشک شد او ۴: ۱۷۶*
خِضریان را ۴: ۶۷۸*	خشمگین شد با ۲: ۲۱۲۶*	خشک شد کِشتِ ۱: ۲۱۹۳*
خط، با کاتب ۶: ۳۶۸	خشمگین شد، زود ۲: ۲۰۳۰*	خشک گردد برگ ۶: ۳۵۸۹*
خط بکش ۲: ۳۶۰۷*	خشمگین و تند ۱: ۱۱۵۱*	خشک گردد موش ۶: ۳۰۵۱
خطبه شاهان ۱: ۱۱۰۳	خشم محض ۴: ۱۵۰۹*	خشک گوید باغبان ۲: ۲۶۹۳
خطوتینی بود ۴: ۱۵۴۹	خشم مردان ۳: ۲۸۱۶	خشک گوید راستم ۲: ۲۶۹۵
خفت اندر ۵: ۱۳۸۳*	خشم مریخی ۱: ۷۵۸	خشکِ ما، بحر ۱: ۵۸۶*
خفت پنهان ۵: ۳۵۱۳*	خشم می‌آرد ۶: ۳۳۳۴	خشکِ مغزی ۵: ۳۴۶۲*
خفت در مسجد ۳: ۴۳۲۲	خشم و ذوقت ۶: ۴۶۶۲	خشکِ می‌آورد ۴: ۱۹۳۸
خُفت کیرش ۵: ۳۹۴۵*	خشم و شهوت، مرد ۱: ۳۳۳	خشکِ نانه ۶: ۱۲۵۰*
خفتم اندر ۳: ۱۴۵۵*	خشم و شهوت، وصف ۱: ۲۴۳۶*	خشکی لب ۳: ۱۴۴۱
خفته آن باشد ۱: ۴۱۳	خشم‌های خلق ۳: ۹۹۰	خشکی نخلش ۶: ۳۵۹۰
خفته از احوال ۱: ۳۹۳	خشیّت پیلان ۳: ۲۸۱۰*	خشم آید ۲: ۳۴۵۹*
خُفته اُستا ۳: ۱۵۹۸*	خشم، بینی ۵: ۲۱۳۲*	خشم ابراهیم ۲: ۵۶۴*
خفته‌ام ۶: ۱۱۰۶*	خشم تنها ۳: ۴۶۴۹	خشم احیا ۶: ۱۵۵۰
خفته اندر ۴: ۳۳۰۵*	خشم چون نبود ۵: ۵۷۶*	خشم اشتر ۵: ۳۰۵۱
خفته اومیدش ۶: ۳۱۰۷*	خشم خود را رَوُ ۳: ۴۶۵۰*	خشم بتر ۵: ۳۱۰۱*
خفته‌اید ۴: ۳۳۰۴*	خشم خود را می‌کشیدم ۲: ۲۸۱۰*	خشم بر شاهان ۱: ۳۷۹۹
خفته این دم ۴: ۳۷۸۶*	خشم در ده ۶: ۴۴۶۶	خشم بنشان ۴: ۳۴۴۹
خفته باشم ۶: ۲۱۸	خشم دیدم ۵: ۶۶۶*	خشم پیغمبر ۳: ۱۷۶
خفته باشی ۴: ۳۲۲۸	خشم را می‌داند ۶: ۴۱۶*	خشم تو، تخم ۳: ۳۴۸۰
خُفته بُد ۲: ۲۶۰۴*	خشم شد ۲: ۲۱۸۱*	خشم چون ۵: ۳۰۳۹*
خفته بود آن شه ۴: ۷۲۷		خشم حق ۱: ۳۸۰۰*
خفته بود آن شیر ۴: ۳۷۹۵		خشم خود بشکن ۲: ۱۳۰۷

خفته بود او ۸۶۱:۵	خلعتی پوشید ۳۶۱۵:۵	خلق در صف ۸۷۵:۶
خفته بودستید ۷۹۵:۶	خَلَفِ من ۵۲۵:۴	خلق در ظلمات ۲۳:۵
خَفْتُهُ بیدار ۱۱۱۴:۳	خلفهم سَدَّ ۳۲۴۳:۱	خلق در ماندند ۲۶۶:۴
خُفْتَه پندارد ۳۶۵۴:۴	خلق آبی ۶۹:۴	خلقِ دریاها ۱۰۳۱:۱
خفته، پویان ۳۲۴۰:۴	خلق آمد ۳۷۱۲:۱	خلق، دلدار ۳۴۴۲:۵
خفته خود آن ۴۶۲۹:۶	خلق از خَلَّاق ۹۳۹:۶	خلق دیدند ۴۳۰:۲
خفته را گر ۳۲۳۸:۴	خلق اطفال اند ۳۴۳۰:۱	خلق، دیوانند ۱۱۱۶:۴
خفته سازد ۳۷۹۶:۴	خلق آئینه ۳۵۶۶:۶	خلق دیوانه ۵۵۱:۱
خفته کرده ۱۹۳:۵	خلق اندر خواب ۱۸۲۲:۳	خلق را از بند ۴۵۰۴:۶
خفته می بیند ۳۲۴۱:۴	خلق اندر ریگ ۳۱۳۴:۳	خلق را از جنبش ۱۰۴۴:۳
خفته نه روز ۱۱۵۲:۶	خلق، اندرکار ۳۶۱:۱	خلق را از گرگ ۳۲۸۰:۶
خفته یی، کو بود ۱۲۲۰:۳	خلقِ او بر ۳۳۷۳:۶	خَلَقِ را این پَزْدِه ۲۰۲۲:۳
خفته یی هر خفته ۴۵۹۲:۶	خلق بر وی ۱۱۲۱:۵	خلق را با ۱۵۲۲:۵
خفض ارضی ۱۸۴۸:۶	خلق بَدَندم ۹۷۴:۴	خلق را بشکافت ۲۷۰:۴
خفض و رفع این زمین ۱۸۴۹:۶	خلق بی پایان ۱۰۳۲:۲	خلق را بنگر ۲۰۳۲:۴
خفض و رفع این مزاج ۱۸۵۱:۶	خلق بیرون ۳۵۱۸:۵	خلق را تاب ۱۳۸۹:۲
خفض و رفع روزگار ۱۸۵۰:۶	خلق بیند مردی ۳۷۹۶:۵	خلق را تو ۴۴۴:۱
خُفیه اند ۱۸۸۵:۶	خلق پرسیدند ۳۴۲۱:۳	خلق را چون ۳۱۷۲:۶
خُفیه بسپارم ۳۵۳۹:۶	خلق پندارند زر ۴۴۸۴:۶	خلق را خواند ۱۸۰۵:۳
خفیه ز آن ۱۹۱۰:۶	خلق پندارند عشرت ۲۱۳۸:۳	خلق را در ۱۶۵۲:۶
خفیه کردندش ۴۰۷۰:۶	خلق پنهان ۱۰۳۵:۱	خلق را دو دیده ۳۶۸۸:۱
خفیه می گفتند ۴۷۷:۳	خلقت آدم ۱۲۱۶:۶	خَلَقِ را زین بی ثباتی ۱۱۹۷:۵
خِلْمُ سُخْرِيَّة ۱۶۷۷:۱	خلقت طفل ۱۲۱۵:۶	خلق را طاق ۱۱۰۳:۲
خُلد بر وی ۴۷۸۳:۶	خلقت من نیز ۲۲۴۵:۲	خلق را کُشتی ۱۰۶۷:۳
خَل، دوشاب ۴۱۸۴:۶	خلق، جمله سر ۲۴۹۳:۳	خلق را گر ۲۸:۵
خَل ز عکس ۱۱۳۵:۴	خلق، جمله عَلَتی ۲۵۶۳:۳	خلق را من ۴۵۹:۶
خِلْمَتِ پاکم ۲۰۷:۵	خلق، جویان ۱۹۸۹:۳	خلق را می خواندی ۱۰۷۰:۳
خِلْمَتِ حق ۱۰۳۹:۴	خلق، چندان ۶۶۴:۱	خلق را می راند ۲۸۹:۴
خِلْمَتش داد ۲۱۷۹:۴	خلق چون ۲۳۰۵:۶	خلق را می زد ۲۴۶۵:۶
خلمت طاوس ۷۷۷:۳	خلق حق، افعال ۱۴۸۲:۱	خلق را هم خواب ۳۹۵:۱
خلمتِ عاشق ۲۷۳۰:۵	خلقِ خاکی ۶۹:۴	خلق را یا لیت ۲۳۱۶:۵
خِلْمَت و، هرکس ۹۴۰:۳	خلق، خایف ۳۳۷۰:۵	خلق، رنجور ۱۳۲۷:۶
خلمت هستی ۱۸۴۳:۵	خلق، خود را ۸۰۴:۱	خُلُقِ زشت ۳۱۵۳:۶
	خلق در بازار ۳۵۱۵:۳	خلق شد ۲۰۰۰:۲
	خلق در زندان ۳۴۹۴:۶	

خنده را در ۳۰۹۸:۴	خلوتی ۲۰۶۷:۳	خلق، صورت ۷۸:۶
خنده را من ۳۲۵۹:۳	خَلَّ هَذَا اللَّغْب ۴۶۲:۶	خلقِ عالم، باطل ۲۶۲۴:۱
خنده زد بر کار ۳۸۹۴:۱	خَم با جیحون ۸۱۴:۶	خلقِ عالم را ۱۴۹۷:۴
خنده‌ش آمد چون ۵۷۳:۴	خُم باده ۸۲۵:۳	خلق کی بیند ۸۳۶:۴
خنده‌ش آمد مال ۳۸۱۶:۶	خمر، تنها ۳۶۱۳:۴	خلق گفتند: این سلیمان
خنده‌ش آید ۱۲۸۳:۵	خَمَر خواران ۱۴۱۴:۲	۱۲۶۷:۴
خنده می‌آمد ۲۸۱۸:۱	خمر، دفع ۱۶۳۵:۵	خلق گفتند: این فسونی
خنده نگذارد ۳۲۵۸:۳	خمرش از تبدیل ۴۰۰۰:۳	۲۹۲:۴
خنده‌ها بینید ۳۵۳۹:۴	خُم، روان کرده ۴۷۳۰:۶	خلق گفتند: این مسلمان
خنده‌ها در ۱۵۸۶:۶	خمر و چنگ آورد ۹۵۲:۵	۲۳۲۷:۳
خنده‌یی زد رَحْمَةً ۱۰۸:۵	خُمُس بَدْم ۴۷۱:۶	خلق گفتندش که: او ۱۲۱۴:۴
خنده‌یی زد زن ۲۰۵۰:۶	خمس صدینار ۴۷۲:۶	خلق گفتندش که بگذشت
خواب آرد ۳۳۰۹:۴	خَم شکسته ۲۸۶۷:۱	۳۱۱۶:۶
خواب احمق ۴۳۱۹:۶	خَم که از دریا ۲۳:۶	خلق گفتندش که: در ۳۷۱۵:۱
خواب بُردش ۲۰۸۹:۱	خُم مُل ۱۷۸:۶	خلق گوناگون ۲۰۲۳:۳
خواب بنمودی ۲۳۶۵:۳	خُنَب‌های ۲۵۲۱:۵	خلق گویان ۲۰۳۸:۳
خواب بیداری ۳۹:۲	خنجر اندر کف ۳۹۴۰:۱	خلق گوید: تُخْمه ۲۷۲۹:۲
خواب بیند ۳۰۶۸:۴	خنجر تیزی ۲۳۱۲:۲	خلق گوید: مُرد ۱۷۳۶:۵
خواب پندارد ۳۵۴۷:۲	خنجر و شمشیر اندر ۲۵۵۴:۳	خلق ما، بر ۱۱۹۴:۴
خواب تو، آن ۳۵۵۲:۳	خنجر و شمشیر شد ۳۹۴۴:۱	خلق مانند رَمه ۴۱۴۶:۳
خواب تو بیداری ۲۴۹۹:۶	خنجری ۴۰۹۱:۶	خَلَق، مانند شب‌اند ۲۹۳۹:۱
خواب چون در ۴۱۰۰:۵	خند خندان ۳۶۹۳:۵	خلق، مست ۲۷۴۲:۲
خواب چه بُود؟ ۲۰۲۷:۳	خندق و میدان ۸۰۷:۳	خلق، مُفلس ۲۷۰۰:۵
خواب خرگوش و سگ	خندقی از ۴۱۵۳:۶	خلق می‌خندید ۱۴۶۳:۳
۲۲۳۷:۴	خندُمین تر ۱۷۱۰:۶	خلق می‌گفتند ۲۹۴۷:۶
خواب خرگوشی ۲۱۸:۲	خنده آمد حاضران ۷۶۳:۳	خلق می‌میرند ۳۲۴۶:۴
خواب، خود در ۲۲۳۷:۴	خنده آمد شاه ۳۹۶۸:۶	خَلَق و خوی ۱۴۳۲:۴
خواب خود را ۱۹۹۶:۵	خنده آید ۲۶۳۴:۳	خلق هم اندر ۲۴۳۳:۳
خواب در بنهاده‌یی ۳۵۶۸:۶	خنده‌اش گیرد ۳۶۵۶:۴	خلق یکدل ۲۳۶۱:۴
خواب دید او کآن ۳۰۸۶:۴	خنده‌اش او گریه، فخرش	خِلَم بهتر ۲۸۹۹:۲
خواب دید او، هاتقی ۴۲۴۰:۶	۳۵۴۴:۳	خلوت از اغیار ۲۵:۲
خواب دیدم خواجه بیدار	خنده او گریه‌ها ۱۶۱۶:۶	خلوت اندر شاه ۱۴۳۷:۱
۳۵۶۳:۶	خنده بوی ۴۰۴۲:۶	خلوت او را بود ۱۶۱۴:۳
خواب دیدم خواجه مُعطی	خنده پنهانش ۱۰۱۲:۴	خلوت شب ۱۸۴۸:۲
۳۵۶۴:۶	خنده چه؟ ۱۷۱۹:۶	خلوت و چله ۳۶۰۹:۵

خواب دیده ۳۵۶۱:۶	خواجه باز آمد ۲۲۶۲:۴	خواجه زاده ما ۲۷۹:۶
خواب را بگذار ۶۲۱:۶	خواجه بر توبه ۲۲۲۶:۵	خواجه شد ۶۰۶:۳
خواب را یزدان ۲۶۸۵:۴	خواجه برجست ۶۶۳:۳	خواجه شمع ۳۱۲۸:۶
خواب زن کمتر ۴۳۲۰:۶	خواجه، بر لقمان ۳۵۸۸:۱	خواجه فردا ۱۶۱۰:۲
خوابشان انداخت ۳۵۲۲:۶	خواجه بود و ۱۴۶۴:۲	خواجه گفت: ای پائی مرد ۲۵۲۴:۶
خوابشان سرمایه ۳۸:۲	خواجه تاشان کیه آن ۱۱۷۱:۱	خواجه گفت: این ۳۶۱:۶
خواب عام ست ۳۰۶۷:۴	خواجه تاشانیم ۲۴۵۶:۱	خواجه گفتش: ۱۸۴۶:۱
خواب مُرده ۳۶۹۳:۱	خواجه تاشب ۵۴۳:۳	خواجه لقمان از این ۱۴۹۶۷:۲
خواب، مرغ ۴۳۲۳:۳	خواجه جمعیت ۲۹۹:۶	خواجه لقمان به ظاهر ۱۴۷۱:۲
خواب می بیند ۲۶۴۰:۳	خواجه چون بیلی ۹۳۲:۱	خواجه می پنداشت ۳۶۰:۶
خواب می بینم خیال ۲۰۲۶:۳	خواجه چون دیدش ۱۶۹۲:۱	خواجه نُقلم ۳۱۲۸:۶
خواب می بینم، ولی ۴۰۶۶:۶	خواجه حازم ۴۳۹:۳	خواجه و بچگان ۵۳۲:۳
خواب می بینند ۳۵۵۴:۳	خواجه حیران ۱۸۲۷:۱	خواجه، هر سالی ۲۵۱:۳
خواب ناقص عقل ۴۳۲۱:۶	خواجه خفت ۳۶۹۳:۱	خواجه هم در ۳۲۱۶:۶
خوابناکی کو ۵۸۸:۶	خواجه خیرست ۱۶۹۱:۲	خواجه یک روز ۲۱۴۹:۵
خوابناکی، لیک ۳۲۳۶:۴	خواجه درجست ۱۶۹۳:۱	خواجه بی بوده ست ۳۷۱۶:۵
خوابناکی هرزه ۳۰۷۰:۲	خواجه در خانه ست ۲۱۷۱:۵	خواجه بی را بود ۲۴۹:۶
خواب نسیان ۴۱۰۰:۵	خواجه در عیب ۲۳۴۹:۱	خوار کرده ۵۷۷:۴
خواب و بیداریت ۱۷۳۶:۳	خواجه درکار ۴۹۷:۳	خوار، که بُود ۶۳۳:۶
خواب ها بیزار ۵۶۳:۶	خواجه را از چشم ۳۱۸۸:۶	خوارکی بودی ۲۵۹۶:۵
خواب ها می دید با ۲۲۰:۲	خواجه را از ریش ۲۰۲۲:۶	خوار گردی، ضحکه ۱۰۷۴:۳
خواب ها می دید جانم ۱۰۸۰:۶	خواجه را جان ۳۱۸۷:۶	خوار گردی و ۴۳۲۸:۳
خوابگان این ۱۴۹۱:۲	خواجه را چون ۳۱۸۵:۶	خوار و عاشق شد ۱۹۴۳:۵
خوابگان و شهرها ۱۶۵:۱	خواجه را در خانه ۲۱۷۳:۵	خوار و مسکین ۵۹۰:۴
خوابگي خواجه ۱۰۵۹:۵	خواجه را کشته ست او ۲۵۰۴:۳	خواری و دونی ۳۲۰۹:۱
خواجه از ایام ۱۱۱۴:۶	خواجه را کشته ست این ۲۴۴۶:۳	خواست آبی ۳۲۳۹:۳
خواجه از دورش ۳۱۷۷:۳	خواجه را کشتی به ۲۴۷۹:۳	خواست، آن اوست ۳۱۱۷:۵
خواجه اشکسته بند ۳۲۰۷:۱	خواجه را کشتی و ۲۴۷۵:۳	خواست آن خاتون ۲۸۰:۶
خواجه اش می داشتی ۱۴۶۳:۲	خواجه را که در ۳۱۸۶:۶	خواست او چه سود ۲۹۱۸:۵
خواجه اش می زد ۸۸۸:۶	خواجه را گفتند ۳۵۸۸:۱	خواست تا از وی ۲۹۳۳:۴
خواجه ام من ۱۹۲۳:۵	خواجه را مال است ۲۳۴۹:۱	خواست تا او ۷۸۵:۱
خواجه اندر ۱۸۱۵:۱	خواجه روحم ۳۹۴۲:۲	خواست خود را ۳۰۹۹:۵
خواجه با خود ۱۸۴۷:۱	خواجه زاده عقل ۲۵۱۰:۳	خواست دختر ۱۹۲:۴
خواجه! باری ۳۲۹۶:۶		خواست دقّی ۴۲۴۷:۶
خواجه باز آ از ۲۰۲۹:۴		

خواه قول ۵:۲۴۶*	خواندن بی درد ۳:۲۰۴	خواست دیوانه ۵:۱۶۹
خواه کز ۴:۲۳۹۴*	خوانده‌یی: الْقَلْبُ ۴:۱۰۵۶*	خواست سوزن ۲:۳۲۲۵*
خواه گلگونه ۶:۱۲۹۲*	خوانش ۳:۱۸۹۵*	خواستش می‌گوی ۵:۳۰۹۸
خواه مال ۳:۲۲۵۷*	خوان فرستاد ۱:۸۳*	خواست صوفی ۶:۱۳۳۶
خواه نیک ۶:۹۳۸	خوان کشید او را ۵:۳۶۴۸	خواست گشتن ۵:۳۵۰۳
خواه هندو ۱:۲۸۹۴*	خوان نهادش ۳:۲۵۲*	خواست گشتن ۳:۲۴۱۲*
خواهی اوّل ۱:۱۶۱۷*	خوان نهاده‌ست ۵:۱۳۴۷*	خواستم این ۲:۲۳۳۶
خوب‌تر از تو ۵:۴۰۱۵*	خوان و مهمانی ۵:۱۸۵	خواستم تا آن ۶:۳۵۳۸
خوب‌تر ز آن ۶:۳۷۶۱	خواه آن انوار ۶:۷۵۷*	خواستم تا در ۴:۷۱۰
خوب، خوبی را ۲:۸۰	خواه احمق ۶:۴۳۲۷	خواستم تا دین ۱:۳۵۰
خوب‌دزد ۵:۲۶۳۶*	خواه از آدم ۱:۱۹۴۴	خواست مُردن ۴:۳۰۸۹
خوب را آینه ۱:۳۲۰۰*	خواه از خُم گیر ۱:۱۹۴۴*	خواستم گفتن ۳:۷۹۸
خوب را من ۲:۲۶۸۷	خواه از نسلِ عُمَر ۲:۸۱۷*	خواست، همچون ۴:۳۵۰*
خوب‌رویان ۶:۳۱۸۱	خواه از نور ۱:۱۹۴۹	خواست یاری ۶:۳۴۰۱
خوب گشته ۳:۵۳۷	خواه بالا ۶:۳۲۴۵*	خواستی از ما حضور
خوب گوید ۲:۲۵۵۰	خواه بین نور، از ۱:۱۹۵۰	۵:۳۲۴۵*
خوب می‌آید ۵:۳۰۲۱*	خواه بین نورش ۱:۱۹۵۰*	خواستی مسجد ۵:۲۹۲۱
خوب و زیرک ۴:۱۹۴*	خواه تا او ۵:۲۰۲۹*	خوانِ اِنعامش ۳:۸۰۳*
خوبی روی ۶:۱۴۱*	خواه خود را ۵:۲۰۲۹	خوان بیاوردند ۲:۲۰۴
خوبی و عقل ۶:۱۴۰*	خواهد آن رحمت ۱:۳۶۱۴	خوان: جَمیعُ ۴:۴۴۴*
خُوپذیری ۶:۳۰۰۷*	خواهد از ۶:۲۷۱۰*	خواند آن رُقعه ۴:۱۸۶۵*
خود اجل مهلت ۶:۳۵۳۹	خواه دانا ۳:۱۵۰۶*	خواند آن شاگرد ۱:۲۸۳۰*
خود ازو یابد ۶:۳۷۳۹	خواه در خشکی ۳:۱۷۴۸*	خواند افسون که ۳:۴۰۳۶*
خود ازین پالوده ۵:۱۹۶۵	خواه در صد سال، خواهی	خواند افسون‌ها ۲:۲۲۰۰
خود اگر کفرست ۲:۲۶۵۱	۵:۱۸۲	خواند او آن ۲:۱۶۰۳
خود ببیند ۳:۱۶۰۹	خواه در صد سال و ۲:۷۳۰*	خواند او را ۲:۶۲۵
خود ببینی باشد ۶:۳۴۹۱*	خواهرانت را ۴:۱۰۴۳	خواند بر شوی ۱:۲۳۴۱*
خود ببینید ۳:۲۷۳۰*	خواهرانت ساکن ۴:۱۰۴۲	خواند بر شیر ۱:۱۲۹۶
خود بدان قلعه ۶:۳۶۵۵	خواهرانت یافته ۴:۱۰۹۹	خواند بر قاضی ۶:۴۴۶۹
خود بداند ۳:۳۶۱۹*	خواهرش گفتش ۵:۳۳۸۱	خواند بر وی ۶:۲۱۳۵
خود بدانی چون برآری	خواه روغن ۵:۳۱۳۰*	خواندش در ۶:۱۵۳۰
۱۹۲۲:۲	خواه سبب ۶:۱۱۴۵*	خواند عیسی ۲:۴۵۷
خود بدانی چون بر من ۴:۸۰۰	خواه شِحنه ۴:۱۹۹۱*	خواندم آن را ۳:۲۵۸۸
خود بدیدم ۲:۲۱۰۵*	خواه صاف ۱:۲۲۹۰	خواند مزمل ۴:۱۴۵۳
خود بدیدیت ۳:۴۲۸۶	خواه عشق ۲:۷۰۳*	خواندن با درد ۳:۲۰۴*

خود برین ۱۶۳۳:۵	خود چه بالا؟ ۸۰۷:۲	خود سگ ۲۹۱۶:۶
خود بزرگی ۲۶۵۸:۱	خود چه بیند ۱۲۲۲:۳	خود سیاه ۴۶۵۶:۳
خود بگفتی ۴۰۵:۶	خود چه پرسم ۲۳۷:۴	خود شفیع ۱۷۸۰:۳
خود بگو من ۷۱۷:۶	خود چه جای ترک ۲۱۰۹:۱	خود شما ۴۵۶۰:۳
خود بگیری ۴۳۹:۴	خود چه جای حد؟ ۱۳۰۴:۳	خود صفورا ۳۰۸۳:۶
خود بمیرم ۶۲۹:۲	خود چه جنس ۱۱۴۷:۲	خود صلاح ۱۴۳۳:۴
خود بُن و نگاه ۳۷۷۲:۳	خود چه چیز ۳۱۰۱:۲	خود ضمیرم ۶۹۴:۴
خود به پای ۱۹۳:۱	خود چه شد گر ۴۴۹۴:۳	خود، طواف ۲۹۶۷:۴
خود، به راه ۸۶۳:۵	خود چه کارستی ۴۶۹:۲	خود عجب‌های ۲۴۵۵:۶
خود به عشر ۱۰۳۷:۶	خود چه گم گشتی ۱۶۴۹:۶	خود عدوت ۱۹۱۹:۴
خود به هر قرنی ۹۰:۳	خود چه گویم؟ پیش ۲۶۷۷:۱	خود عصا معشوق ۱۳۹۶:۳
خود بیامد ۳۳۷۰:۵	خود چه گویم حال ۳۰۲۴:۲	خود غراب‌البین ۲۹۴۴:۶
خود، پشیمانی ۳۶۱۷:۳	خود چه گویم؟ ۷۹۷:۳	خود غرض زین ۲۲۱:۵
خود پناهش ۸۱۵:۳	خود چه ماند ۲۲۸۸:۱	خود، غریبی ۱۱۹:۱
خود تورا که ۴۰۹۹:۳	خود، حسد نقصان ۸۰۵:۲	خود فرود آمد ۳۳۶:۶
خود تسلی ۱۷۱۷:۳	خود حسود ۷۷۳:۲	خود فروشد ۵۲:۴
خود تو پوشیدی ۱۸۳۶:۵	خود، حقیقت معصیت ۳۲۸۵:۱	خود فزون، آن ۱۵۴۴:۳
خود تو دانی کآفتابی ۱۰۶۸:۶	خود، حقیقت نقد ۳۵:۱	خود فنا ۲۹۷:۲
خود تو دانی هم ۱۰۶۹:۶	خود خدا پیدا ۳۶۴۲:۱	خود قضا بر ۷۶۶:۲
خود، تو در ضمن ۱۳۵:۱	خود خداوندیت ۲۷۷۴:۴	خود قوی‌تر ۲۹۴۲:۱
خود تو را کاری ۲۰۵۱:۶	خود خرد آنست ۳۳۱۰:۴	خود کدامین ۲۰۷۸:۱
خود تو می‌خوانی ۱۸۹۸:۵	خود خیالش ۲۱۱۹:۳	خود کلوخ ۴۸۹:۶
خود تو می‌دانی ۴۸۰۵:۶	خود دل این مرد ۴۴۸۱:۳	خود کند ۱۲۱۳:۱
خود جگر چه بُود؟ که خارا ۳۸۲۰:۱	خود دلت چون ۵۳۸:۵	خود کنم ۳۵۲۴:۴
خود جگر چه بود؟ که گه‌ها ۹۱:۳	خود دو پیغمبر ۱۶۵۲:۴	خود که بیند ۳۵۲۴:۳
خود، جهان آن ۲۹۲۶:۱	خود دهانم ۲۹۲:۶	خود که را آید ۲۶۲۱:۴
خود چرا دارد ۴۷۵۰:۳	خود رمیدی ۱۳۵۰:۴	خود که کوبد ۴۲۳۹:۶
خود چه باشد؟ ای ۱۴۷۷:۴	خود رواداری ۲۲۶۴:۴	خود که یابد ۲۶۱۱:۴
خود چه باشد پیش ۱۸۵۲:۵	خود رها کن ۷۹۸:۴	خود کی اندایشان؟ ۴۵۳۷:۳
خود چه باشد غیر ۲۴۶۵:۱	خود زبون ۳۷۳۷:۲	خود گذارد ۶۸۴:۱
خود چه باشد قوت ۳۷۱:۱	خود زبیم ۱۹۵۸:۱	خود گرفتست ۳۳۶۰:۲
خود چه باشد گر ۱۷۴۵:۶	خود زشبه ۴۳۶۸:۶	خود گرفتم که ۲۹۲۶:۳
خود چه باشد گوهر؟ ۲۷۳۴:۱	خود زن عمران ۹۴۸:۳	خود گرفتم مال ۱۷۵۴:۴
	خود سخن ۴۵۲۷:۳	خود گرفتی ۱۴۷:۲
	خود سزای ۱۰۵۳:۶	خود مبین ۳۲۵۴:۱

خوردنِ او خوردن ۶: ۲۴۲۴*	خود نشد یک ۶: ۱۹۵۳*	خود مجالش ۴: ۴۴*
خوردنِ تن ۴: ۳۶۰۹*	خود نکردی ۶: ۱۷۸۵*	خود مخنث ۳: ۶۸۷*
خوردنِ ریحان ۵: ۲۴۷۶*	خود نگفتم ۶: ۲۲۹۱*	خود مدان ۴: ۱۴۹۶*
خوردن و بُو ۲: ۲۸۴۱*	خود نگفتندی ۶: ۲۹۷۷*	خود مرا آگه ۳: ۱۵۶۴*
خورده‌ام چندان ۲: ۱۵۲۴*	خود نگفته ۶: ۳۶۸۲*	خود مرا اُستا ۲: ۱۵۸۴*
خورده‌ام حلوا ۶: ۲۴۹۷*	خود نمازت ۲: ۳۵۲۰*	خود مران ۲: ۳۴۵۴*
خورده بودی ۱: ۳۹۹۸*	خود نمکسار ۶: ۱۸۵۸*	خود مسلمان ۲: ۱۷۲۷*
خورده حیرت ۳: ۱۱۱۶*	خود نمی‌افتاد ۶: ۳۶۵۵*	خود ممی ۱: ۲۶۱۴*
خورده گندم ۶: ۴۷۸۳*	خود نمی‌گوید ۶: ۳۶۰۹*	خود مقاماتش ۲: ۹۲۶*
خورده می‌ها ۲: ۱۸۰۰*	خود نمی‌یابم ۴: ۲۶۴۴*	خود مگیر این ۴: ۲۸۷۵*
خوش امانت ۶: ۳۹۵۵*	خود نه آن بوی ست ۴: ۱۸۲۲*	خود ملایک ۴: ۲۰۱۶*
خوش بینِ کَوَش ۴: ۱۶۰۹*	خود نه من می‌مانم ۶: ۲۲۹۹*	خود مؤثرتر نباشد زهره ۶: ۱۰۰*
خوش بین، وَاللَّهِ ۱: ۲۸۶۹*	خود نیامد ۲: ۲۰۳۳*	خود مؤثرتر نباشد مه ۶: ۹۹*
خوش پیرس ۶: ۱۹۹۹*	خود ورا بکشید ۲: ۳۰۵۴*	خود نباشد آفتابی ۳: ۳۷۱۸*
خوش بـجوشم، یاریم ۳: ۴۱۹۷*	خود ورا پروای ۱: ۳۹۵۱*	خود نباشد جوع ۵: ۲۸۳۷*
خوش بجوش و، بر مجه ۳: ۴۱۶۲*	خود همان بُد ۴: ۸۳۵*	خود نباشد فصل ۳: ۱۸۱۷*
خوش بخوردند ۱: ۳۵۸۷*	خود همان آمد ۵: ۳۶۶۲*	خود نباشد، و ر بُود ۳: ۱۳۹۴*
خوش بُدی جانم ۱: ۲۰۹۲*	خود همو آب است ۲: ۷۱۷*	خود نباید ۶: ۲۹۲۰*
خوش بُراقی ۴: ۵۵۵*	خود همو بود ۵: ۵۹۱*	خود نبود آن دِه ۳: ۵۸۶*
خوش بسازی ۵: ۲۹۲۲*	خود همه کس ۶: ۲۴۸۲*	خود نبود از ۶: ۱۷۷۹*
خوش بسوز این ۶: ۶۱۹*	خود همی بینی ۶: ۲۶۳*	خود نبودش عقل ۴: ۲۱۹۳*
خوش بکش این ۴: ۱۴۰*	خود همی گوید ۶: ۲۳۰۰*	خود نبودش قَوّت ۵: ۲۵۶۶*
خوش بکَوِش ۶: ۱۳۳۴*	خود همینجا ۵: ۲۱۵۵*	خود نبوده ست ۴: ۲۷۳۴*
خوش بگویی ۶: ۱۴۰۱*	خود هنر ۶: ۲۵۰۵*	خود نبودی نقص ۲: ۴۶۱*
خوش بنالی ۶: ۱۲۶۲*	خود هوایش ۶: ۱۱۸۷*	خود نبینی ۶: ۴۱۰۰*
خوش بنوشد ۳: ۴۵۴۸*	خود یکی ۶: ۱۹۴*	خود نَبَرَد ۳: ۳۳۲۹*
خوش بود پیغام‌های ۱: ۱۱۰۲*	خورد آن بُوْقْط ۵: ۷۸*	خود نتوانم ۴: ۳۷۹۳*
خوش بُود خوش ۳: ۸۲۲*	خورد آن چندان ۳: ۳۷*	خود ندا آن است ۱: ۲۱۰۷*
خوش به خان ۶: ۱۲۳۸*	خورد امکان ۵: ۲۰۶۸*	خود، ندارد ۳: ۲۶۴۵*
خوش بیان کرد ۳: ۴۲۲۹*	خورد باده ۵: ۳۱۳۵*	خود ندارم ۶: ۲۳۳۴*
خوشر آن باشد ۱: ۱۳۶*	خورد سوگند آن ۶: ۴۴۸۹*	خود نداند ۴: ۲۹۲۴*
خوشر آید از دو صد ۴: ۶۶۵*	خورد سوگند و ۵: ۳۹۶۴*	خود ندانی ۳: ۲۶۵۰*
خوشر آید از شرابم ۶: ۳۹۱۸*	خوردشان آن ۵: ۹۳۳*	خود ندید از گنج ۶: ۱۹۴۵*
	خوردم و دانه ۵: ۱۱۸۷*	خود ندیدی تو ۳: ۱۳۳۴*
	خوردنِ آن ۲: ۱۰۸۶*	خود نشد حرص ۳: ۴۲۹*

خون به جوش آمد ۵:۲۰۰۰	خوش همی شوید ۵:۱۲۲	خوشر از این سم ۶:۴۵۹۹
خون به خون سُستن ۳:۴۷۲۷	خوش همی مالید ۵:۲۲۳۴	خوشر از تجرید ۳:۱۷۴۵
خون پلیدست ۲:۱۷۹۹	خوشه‌ها آنکه ۴:۳۲۵۰	خوش درآریم ۳:۱۷۴۴
خون چکان رُو ۶:۲۴۶۸	خوشه‌ها در ۴:۳۲۵۱	خوش دلم در ۶:۱۵۷۸
خونِ چون من کس ۱:۲۱۳	خوشه‌های زفت ۳:۲۶۶۳	خوش دم است او ۲:۶۶۸
خونِ خود جوید ۳:۲۵۲۴	خوشه هایش ۴:۳۰۱۷	خوش دوان ۳:۳۰۶
خون خود را ریخت ۳:۳۳۳۹	خوشه‌های فکرش ۳:۴۷۶۲	خوش زبان ۱:۵۷
خون خوری ۳:۵۹	خوشی ناز ۵:۵۴۷	خوش، زیهرِ عارض ۱:۲۸۸۵
خونداریم ۴:۱۸۱۷	خوض کن ۱:۲۸۲۴	خوش سراپان ۲:۲۵۶۶
خون دوید از ۱:۲۰۷	خوف، آن کس ۳:۴۹۶	خوش سلامتشان ۳:۲۲۱۰
خونِ رزکو ۳:۶۹۹	خوف، او را ۵:۳۹۱۱	خوش سلامیشان ۳:۷۱
خون روان شد ۱:۷۰۴	خوف ایشان ۳:۳۰۰۴	خوش شفیع ۳:۱۹۳۲
خون ز خورشید ۲:۱۰۹۸	خوف بین ۶:۴۳۶۶	خوش شگفت ۶:۳۴۱۸
خون شده‌ست اندر ۳:۲۴۴۶	خوف حرمانِ ازل ۳:۳۰۹۶	خوش شود دارو ۴:۱۰۸
خون شو، آن ۱:۳۸۲۲	خوفِ حرمان هست ۳:۳۰۹۵	خوش غنیمت ۶:۲۷۱۹
خون شود روزی ۱:۳۸۲۲	خوفشان کی ۳:۳۰۰۴	خوش فرود ۴:۳۲۴
خون شود که‌ها ۲:۹۲	خوف، فانی شد ۵:۴۰۷۰	خوش قلاووز ۵:۳۳۵۰
خون، شهیدان ۲:۱۷۶۷	خوفِ فوتِ ذوق ۶:۲۵۸۶	خوش کند دلشان ۵:۱۰۰۵
خونِ صد مؤمن ۴:۲۱۷۷	خوف نبود ۵:۲۱۸۷	خوش کننده‌ست ۱:۱۹۷۸
خونِ عالم ۱:۱۷۴۹	خوف و او مید ۶:۲۰۹	خوش مُدارا کن ۶:۲۰۴۰
خون کند دل ۲:۱۸۲۸	خوف و جوع ۲:۲۹۶۴	خوش مرّیع ۲:۳۴۸۹
خون کند زید ۶:۴۱۴	خوک و سگ ۶:۳۱	خوش معلق ۱:۱۴۴۹
خونِ ما را می‌کند ۳:۳۳۳۶	خونِ آن بیچارگان ۳:۴۰۵۰	خوش نباشد ۵:۴۰۲۳
خونِ مظلومان ۴:۳۹۲	خون آنها ۱:۳۳۱۲	خوش نشسته ۶:۴۱۳۲
خون نباشد ۴:۳۴۳۷	خون ازو بسیار ۳:۱۶۰۹	خوش نشین ای ۱:۱۷۲۸
خون نبوشد ۱:۳۷۹۳	خونِ افزون ۳:۳۴۱۶	خوش نگر این ۵:۳۲۶۸
خون نخسپد بعد ۴:۳۶۶۴	خونِ او را هیچ ۳:۴۷۲	خوش نگردد از ۴:۱۷۳۵
خون نخسپد در ۳:۲۴۸۸	خو نباید کرد ۶:۴۴۳	خوش نگردد گر ۵:۵۹۳
خون نگردد ۲:۲	خون بسی رفته‌ست ۴:۳۹۴	خوش نماید ۶:۳۲۱
خون نیامیزم ۴:۳۵۲۴	خونهایِ اُشتی ۱:۲۵۱۴	خوش نوازش ۲:۲۲۵۲
خون و مال ۵:۳۰۶۴	خونهایِ جرم ۵:۲۱۰۱	خوش نوایی ۱:۲۴۷
خون همی گوید ۳:۳۷۸۶	خونهایِ خود ۲:۲۴۳۹	خوش نیامد گفت ۳:۱۳۱۶
خونی و غداری ۴:۲۳۲۲	خون‌بهایِ خویش ۱:۱۹۲	خوش همی آید ۶:۴۲۲۶
خو و طبعِ زشت ۵:۲۶۰۶	خون‌بهایِ عقل ۲:۱۳۵۸	خوش همی بازند ۶:۸۶۳
خوی آن را ۶:۱۹۰۴	خونهایِ من ۲:۲۴۳۹	خوش همی خوانند ۳:۳۹۵۳

خوی آن هاروت ۳۰۰۳:۶	خویشتن باید ۳۷۳۲:۵	خویشتن را در میفکن ۴۸۱:۱
خُویِ او این ۶۳:۶	خویشتن بر آتشی ۳۳۷:۵	خویشتن را دوست ۲۰۳۳:۵
خویِ این خوش‌خو ۱۶۸۶:۱	خویشتن بر تیغ ۳۳۸۱:۳	خویشتن را دید ۹۸۰:۵
خویِ این را مست ۱۹۰۴:۶	خویشتن بر کیمیایی ۱۱۸۱:۳	خویشتن را ساز ۱۶۰۳:۶
خوی با او کن کامانهای ۱۴۱۹:۶	خویشتن بشناس ۳۴۱:۲	خویشتن را سـوختندی ۳۷۳۱:۳
خوی با او کن که خو را ۱۴۲۰:۶	خویشتن بنموده ۱۴۹۳:۲	خویشتن را عاشق ۶۹۷:۳
خوی با حق ۱۴۱۵:۶	خویشتن بی گوش ۴۳۹:۱	خویشتن را علم ۲۶۴۴:۳
خوی بد در ۳۴۱۲:۴	خویشتن پرهیز ۳۷۲۰:۵	خویشتن را کر ۱۶۲۷:۳
خویِ بد را بیش ۱۱۱۲:۶	خویشتن پیچیده ۴۳۷:۶	خویشتن را کور ۲۵۰۱:۴
خویِ تو باشد ۱۳۱۹:۱	خویشتن چون ۲۸۵۳:۵	خویشتن را گم ۳۶۱۱:۴
خویِ حق ۲۲۲۲:۳	خویشتن داری ۳۰۹۸:۲	خویشتن را گنگ ۱۶۲۵:۱
خویِ حیوانی ۹۳۰:۵	خویشتن درباخت ۴۳۶۵:۳	خویشتن را مَخلَصی ۲۹۶۶:۱
خُویِ خود ۶۲:۶	خویشتن در خاک ۲۰۶۸:۳	خویشتن را مسخ ۵۳۸:۱
خوی دارد ۴۰۰۳:۶	خویشتن، در خواب ۸۷:۵	خویشتن را من نمی‌بینم فنی ۹۸۷:۴
خوی دارم ۲۴۰۱:۳	خویشتن در موج ۲۹۴۷:۴	خویشتن را من نمی‌بینم هنر ۹۸۸:۴
خوی زشت کرد ۱۰۵۰:۶	خویشتن را آدمی ۱۰۰۱:۳	خویشتن را نور ۱۳۶۶:۵
خوی زشت تو ۱۷۸۲:۶	خویشتن را ابله ۱۵۱۵:۵	خویشتن را نیک ۳۹۲۵:۳
خویش ابله ۱۴۱۹:۴	خویشتن را اجمی ۹۱۵:۳	خویشتن رسوا ۴۱۴۳:۶
خوی شاهان در ۲۸۲۰:۱	خویشتن را اندکی ۲۰۸۸:۴	خویشتن کم بین ۱۰۸۴:۳
خوی شاهانه ۲۴۱۱:۱	خویشتن را این ۲۲۶۸:۴	خویشتن گر ۲۰۹۰:۴
خویش با او ۲۵۵۵:۳	خویشتن را با شما ۴۰۲۳:۳	خویشتن گولی ۳۱۷۴:۲
خویش بر ۷۱۰:۲	خویشتن را با یزیدی ۲۵۴۸:۶	خویشتن، مُرده ۱۸۳۱:۱
خویش بنما ۱۴۸۰:۴	خویشتن بر شغلان ۷۲۴:۳	خویشتن مشغول کردن ۳۴۶۶:۴
خویش بین، چون ۳۳۴۷:۱	خویشتن را بر علی ۲۱۹۵:۲	خویشتن مشغول می‌سازند ۲۰۲۵:۱
خویش بین و در ۵۴۳:۴	خویشتن را بر ندانم ۳۶۶۵:۳	خویشتن مکشید ۱۱۴۰:۲
خویش بینی ۳۸۹۴:۱	خویشتن را بهر جلوه ۸۵۷:۳	خویشتن نشاخت ۱۰۰۰:۳
خویشتن آراسته ۳۹۵۱:۱	خویشتن را بهر کور ۲۳۸۹:۱	خویش جالینوس ۱۵۶:۵
خویشتن آویخت ۳۹۹۵:۳	خویشتن را پیش او ۳۰۳۷:۶	خویش چون مُردار ۷۱۳:۵
خویشتن افگند اندر ۱۵۵۲:۴	خویشتن را پیش واحد ۳۰۰۹:۱	خویش در آینه ۳۳۴۶:۱
خویشتن افگند در دریای ۲۲۴۰:۴	خویشتن را تُرش ۹۱۶:۳	خویش در ویرانه ۸۹:۵
خویشتن افگند در صد ۸۰۶:۲	خویشتن را خواجه ۲۵۰۵:۳	
	خویشتن را خوار ۳۰۰۸:۱	
	خویشتن را در بلا ۲۶۴۶:۲	

خویش را از رهروان ۳: ۶۹۵	خویش را زین ۶: ۲۷۶۳	۳: ۱۵۵۰*
خویش را از کوه ۵: ۳۵۳۵*	خویش را سازی ۵: ۲۶۸۰*	خیر باشد نیم ۳: ۲۸۰۲*
خویش را افکند ۶: ۳۹۸۴*	خویش را سَر ۵: ۳۶۲۱*	خیر تو اینست ۶: ۲۴۶۹
خویش را اندازه ۱: ۱۰۰۵*	خویش را سُنّی ۲: ۶۲*	خیر تو باشد ۶: ۲۰۵۹*
خویش را اندر ۶: ۴۵۲۷*	خویش را صافی ۱: ۳۴۶۰	خیر دین کی ۲: ۲۸۵۹*
خویش را بدخو ۵: ۳۱۹۶*	خویش را عریان ۶: ۲۳۷۱	خیرشان اینست ۶: ۲۴۶۴
خویش را بدگو ۱: ۱۳۳۰*	خویش را منصور ۳: ۶۹۲	خیر کن، امروز ۱: ۵۶۱*
خویش را بر اُسْتَنی ۳: ۱۰۵۲	خویش را من نیک ۶: ۴۳۳۲*	خیر کن با ۴: ۱۹۷۹
خویش را بر گریه ۶: ۳۰۴۷*	خویش را موزون ۶: ۲۳۴۶	خیر مطلق ۶: ۲۵۹۸
خویش را بر نخل ۳: ۳۹۱۵	خویش را نشناخت ۱: ۱۳۱۷*	خیر ناس آن ۶: ۴۸۲
خویش را بهر ۳: ۶۹۴*	خویش را واصل ۱: ۳۲۵۹*	خیر و شر ۶: ۱۳۵*
خویش را بین چون ۱: ۳۶۸۴	خویش را واله ۳: ۶۶۷	خیره ام ۳: ۱۱۰۹*
خویش را ببند ۵: ۱۴۳۷*	خویش را و خویش ۲: ۲۵۹۰*	خیرها نغزند ۴: ۱۱۳۱
خویش را ببیند چون ۱: ۳۲۶۶*	خویش را هم لَحْنِ ۱: ۳۳۵۶	خیره بگریزد ۲: ۳۳۳*
خویش را ببینی در آن ۵: ۱۱۱۳*	خویش را یک دم ۶: ۱۱۱۰	خیره شد در ۲: ۳۲۱۳
خویش را تاویل کن نه ۱: ۳۷۴۴*	خویش رسوا کردن ۳: ۲۷۲۴*	خیره شد دَلاک ۱: ۲۹۹۹
خویش را تاویل کن، نی ۱: ۱۰۸۰*	خویش زد بر ۶: ۳۴۸*	خیره گردد ۵: ۳۶۳۰*
خویش را تسلیم ۲: ۱۵۰۲	خویش کُشت ۱: ۶۶۲*	خیره گشتم ۳: ۱۹۸۷
خویش را تعلیم ۵: ۳۱۹۴	خویش مجرم ۴: ۱۳۸۷	خیره گشت و جام ۵: ۳۸۳۴*
خویش را تو صید ۶: ۳۶۸۴*	خویش من واللّه ۱: ۲۴۰۱	خیره گویان ۳: ۴۷۱۴
خویش را جلوه کند ۶: ۳۱۸*	خویش می بینی ۶: ۱۷۸۹*	خیره یوسف وار ۵: ۱۱۰۷*
خویش را در خواب ۶: ۴۴۶۳	خویش و بیگانه ۱: ۲۲۵۸	خیره یی، کی ۶: ۱۲۵۱*
خویش را در صبر ۶: ۴۲۴۸*	خویش و ما ۳: ۴۰۸۷*	خیز ای پس ۶: ۲۴۸۹
خویش را در طبع ۶: ۳۹۱۳*	خویشی و بی ۵: ۹۹۸	خیز ای داود ۶: ۲۲۸۷
خویش را در غزو ۵: ۳۷۸۹*	خویشی و پیوستگی ۱: ۱۴۸*	خیز ای گَریزنده ۵: ۱۶۱۸*
خویش را در کَفّة ۳: ۳۶۷۸*	خوی عشاق است ۲: ۱۶۸۶*	خیز ای مُدبّر ۶: ۱۱۰۰*
خویش را در مضحکه ۳: ۹۲۱*	خوی، کآن با شیر ۲: ۲۶۲۹	خیز ای نمرود ۶: ۴۱۳۷
خویش را دزدید ۶: ۲۸۴۹	خوی کن بی ۵: ۹۹۱	خیز، بگریزم ۳: ۲۶۱۵*
خویش را دیده ۶: ۳۶۸۶*	خوی معده ۵: ۲۴۷۶	خیز بلقیسا بیّا، باری ۴: ۱۱۰۱
خویش را دیدیم ۲: ۲۴۹۸	خوی های ۶: ۱۴۲۰*	خیز بلقیسا بیّا و ملک ۴: ۱۰۴۱
خویش را رنجور ۱: ۱۵۴۵	خیر باشد، اوستا احوال ۳: ۱۵۲۹*	خیز بلقیسا چو ۴: ۸۲۸
	خیر باشد اوستاد این ۳: ۱۶۰۱	خیز بلقیسا کنون ۴: ۱۰۹۶
	خیر باشد رنگ تو ۳: ۱۵۲۷	خیز بلقیسا که ۴: ۱۰۹۵
	خیر باشد، رنگ رویت	خیز بنگر ۴: ۱۴۶۰
		خیز در دم ۴: ۱۴۷۸

دادن حاجت ۴: ۱۱۸۰*	داد خود از ۱: ۲۱۹۶*	خیز، دفع چشم ۶: ۹۴۵*
داد واگیرند ۶: ۴۴۸۴*	دادِ خودِ پستان ۳: ۲۴۸۵*	خیز، شیران ۴: ۱۰۵۲*
داد و انصاف ۳: ۴۶۳۲*	داد، داد ۶: ۳۱۶۱*	خیز فرعوناً ۳: ۱۷۴۲*
داده بختست ۶: ۴۰۲*	داد در حملش ۳: ۳۲۶*	خیز، که سلطان ۵: ۸۶۲*
داده بودش ۶: ۳۰۳۹*	داد دریا ۶: ۸۱۷*	خیز لا اُقسیم ۱: ۱۷۰۹*
داده تو ۱: ۱۸۱۰*	داد دزدی ۴: ۱۶۷*	خیز هنگام ۵: ۳۷۸۹*
داده دل را ۵: ۳۰۹*	داد ده ما را ازین ۳: ۴۶۳۱*	خیگ اشکم ۳: ۳۸۸۸*
داد هدیه ۳: ۳۳۳۴*	داد ده ما را، که پس ۳: ۴۶۲۷*	خِکِ پدیده‌ست ۴: ۱۱۹۷*
داد هر حلقه ۲: ۱۳۸۳*	دادَرِ آن تاج ۵: ۳۴۷۲*	حیل و فرزندان ۳: ۲۴۳*
داده کرمانرا ۶: ۴۸۳۷*	دادِ رزقِ ۵: ۱۵۷۰*	خیمه در خیمه ۳: ۳۴۳۳*
داده من ایوب ۶: ۴۸۳۶*	داد سوگندش، بسی ۵: ۱۶۵۲*	خیمه را بر باروی ۵: ۱۰۱۴*
داده نوری ۵: ۱۹۶*	داد سوگندش که ۵: ۳۹۰۳*	خیمه گردون ۴: ۲۶۹۰*
داده و، تحفه ۶: ۳۲۶۷*	داد، سویی راستی ۲: ۲۷۳۰*	خیمه ویران ۶: ۱۴۸۷*
دادی انصاف ۴: ۳۴۱۱*	دادش‌ان تشریف‌های	
دادِ یزدان ۵: ۲۷۹۰*	۳: ۱۲۴۵*	
دار با من ۲: ۲۴۵۹*	دادشان چندان ۳: ۲۶۵۸*	دائم است ۱: ۸۵*
دارد آوازی ۵: ۲۱۴۵*	دادش و بس ۵: ۹۶۷*	داد او از ۱: ۲۲۴۶*
دارد از زاغان ۵: ۸۴۳*	داد صد دینار ۶: ۴۵۳۶*	داد او را جمله ۳: ۲۰۲*
دارد از سیران ۶: ۳۰۹۴*	داد صد شادی ۳: ۴۴۹۷*	داد او را قابلیت ۵: ۱۵۳۷*
دارد اندر خانه ۶: ۲۱۱۹*	داد کاغذ ۵: ۳۸۴۸*	داد او و صد ۵: ۳۵۶۱*
دارد اندر قهر ۴: ۳۷۷۸*	داد کن ۲: ۶۲۳*	داد بخشش‌ها ۱: ۲۸۵۴*
دارد او مید ۱: ۴۱۳*	داد، که دهد ۳: ۴۰۴*	داد بدلتنا ۵: ۱۹۳۳*
دارد و، کتال ۵: ۱۵۸۷*	داد، لُب ۵: ۱۵۳۸*	داد بر باد ۴: ۱۶۹۳*
دار را ۴: ۲۱۰۰*	داد ما را ۵: ۴۱۲۴*	داد بسیار ۶: ۳۸۰۰*
دار قتل ما ۵: ۴۱۳۴*	دادم از ۳: ۳۳۴*	داد پیغمبر ۱: ۳۵۴۳*
دار، کی ماند ۶: ۴۲۱*	داد مال ۱: ۳۹*	دادِ تو ۳: ۴۰۴*
دارم اندر ۳: ۳۰۹۸*	دادمت ۳: ۲۱۶۴*	داد جان ۱: ۲۷۸۵*
دارم ایمان ۵: ۳۳۶۱*	داد مرفرعون را ۳: ۲۰۰*	داد جمله ۵: ۳۳۹۳*
دارِ مُلکِ ۵: ۴۱۳۴*	داد مهمان ۵: ۳۶۶۱*	داد حق، اهل ۳: ۲۸۵*
داروش کن ۲: ۱۱۲۳*	داد می آن ۶: ۲۱۱۲*	داد حق با ۶: ۳۱۶۶*
داروی تن ۶: ۲۷۱*	داد می بینی ۶: ۳۸۳*	داد حق بر جای ۴: ۲۰۵۹*
داروی دیده ۲: ۳۱۵*	داد می در دست ۳: ۲۵۱۳*	داد حق دلایم ۲: ۵۷۵*
داروی دیوانه ۵: ۳۵۰۰*	دادمی من ۶: ۱۰۴۳*	داد حق عمری ۱: ۲۱۹۰*
داروی رنج ۴: ۲۷۲*	دادِ نادر ۵: ۲۱۲۱*	داد حق مان ۵: ۴۰۰۸*
داروی ظلمت کُشِ ۲: ۱۱۲۴*	دادنِ تیغی ۴: ۱۴۳۶*	داد خواهم ۱: ۲۱۹۵*

دارویِ ما ۲۷۰:۹*	دام، دان ۱۱۹۲:۱*	داند اندر ۳۳۹۵:۴*
دارویِ مردی بخور ۲۵۱۳:۵	دام دیگر بُد ۲۹۷۰:۶	داند او بادی ۲۳۳:۴*
دارویِ مردی کن ۱۹۴۷:۲	دام دیگر خواهم ۹۵۱:۵	داند او پاداش ۸۹۵:۲*
دارویِ مغزِ پلید ۲۹۱:۴*	دام را بدران ۴۶۵۸:۶*	داند او خاصیت ۲۶۴۹:۳
دارویِ مَنبِل ۲۰۹:۲*	دام را تو ۳۶۹۵:۶*	داند او کآن تیغ ۱۹۹۸:۵
دارویِ مو ۹۵۰:۲*	دام را چه ضرّ ۳۹۸:۵	داند او کان زهر ۲۷۴۵:۴*
داسِ بگرفت ۳۰۱۸:۴	دام را چه علم ۳۹۷:۵*	داند او کو ۱۴۰۲:۴
داستانِ آن ۱۹۷۲:۳*	دام راحت ۹۹۰:۳*	داند او که سوی ۱۸۱۰:۵*
داستانِ بدر ۱۲۰۷:۶*	دام زُفتی ۹۴۲:۵*	داند او که نیست ۳۳۵۶:۲*
داستانِ ذوق ۴۰۳۴:۵	دامِ گولان ۲۰۵۷:۶*	داند این را ۲۴۸۳:۶
داستانِ مغز ۲۱۴۳:۵*	دامِ گیرد ۴۷۰:۳*	داند و بیِ خواهشی ۳۳۷:۶*
داستانی ۳۰۸۴:۴*	دامِ مردانداز ۹۵۱:۵*	داند و پوشد ۱۶۷۰:۳
داشت اندر ۲۴۱۷:۶*	دامِ مکر اندر ۲۱۳:۴*	داند و خر را ۳۰۳۰:۱
داشت بر یوسف ۱۴۰۸:۲*	دامِ مکر او ۱۱۸۷:۱	دان ز مهرست ۴۱۴۸:۳*
داشتش آن دَم ۱۳۵۷:۵*	دامنِ آن ۲۵۲۸:۲*	دانش آن بود ۴۱۸۴:۶
داشت طغیان‌شان ۳۶۷۵:۴	دامنِ اندر ۹۴۸:۳*	دانش آن را ۱۰۶۴:۶
داشت کاری ۲۵۱۱:۶	دامن، او امر ۳۰۵۰:۳	دانش آوردند ۲۸۲۵:۴*
داشتندی ۴۰۰۹:۶*	دامن او گیرای ۳۴۴:۳	دانشِ اسباب ۲۷۳:۴*
داعیُ الله ۸۶۲:۳*	دامن او گیر زوتر ۴۲۴:۱	دانشِ او محو ۲۲۶۲:۶*
داعیِ حق ۲۵۶۷:۲	دامن او گیر کو ۲۱۴۰:۱	دانشِ بیشه ۱۳۰۰:۴
داعیِ فعل ۳۷۲۷:۶*	دامنِ پاکِ ۱۱۸۰:۶*	دانشِ فقر است ۲۸۳۴:۱*
داعیم من ۲۶۸۶:۲*	دامنت می‌گیرد ۳۰۹۹:۳*	دانش من ۲۴۲۷:۲
داعیِ هر ۳۰۹۳:۳	دامن تو ۲۲۷۵:۳	دانش ناقص کجا ۱۵۳۳:۲
داغ‌ها ۳۴۶۴:۵*	دامنِ رحمت ۲۲۶۰:۵*	دانش ناقص نداند ۱۵۳۵:۲
دافع هر ۲۸۰۵:۶	دامنش را دید ۳۱۹۴:۶*	دانشی باید ۱۱۲۴:۳
دام آدم ۲۷۹۰:۱	دامنِ شه ۴۲۷:۱*	دانشی دیگر ۲۲۶۳:۶
دام افگندند ۲۲۸۰:۴	دامنِ صدقت ۲۲۷۸:۳*	دانشِ یک نهی ۱۲۴۹:۱*
دام باشد ۲۷۲۲:۲*	دامنِ فضلش ۳۰۴۹:۳	دان که آنجا ۳۰۲۲:۲*
دام، بر تو ۴۰۵:۵*	دامنِ مردِ ۲۶۳۱:۳*	دان که اندر ۱۸۴۱:۲*
دام بگذاری ۴۱۰:۵*	دامنی پر ۴۷۳۴:۶	دان که او آن ۱۴۱۱:۶*
دام بگزیدی ۴۷۸۹:۶	دامنی زر ۱۰۴۴:۶*	دان که او بگریخته ۲۵۸۸:۲*
دام بین ۲۵۶:۲*	دامنِ یعقوب ۴۹۹:۶*	دان که این نفس ۱۳۹۲:۵
دامِ پاگیرش ۸۱۸:۳*	دام و دد جمله ۲۳۹۰:۵	دان که این هر ۲۹۸:۱
دامِ تو خود ۷۶۱:۵*	دام‌هاشان ۹۷۴:۱	دان که با دیو ۱۶۴۱:۱*
دام خود را ۱۰۶۷:۲	داند آن عقلی ۲۰۱۹:۵	دان که با عاجز ۷۶۷:۶*

دانه پیدا ۲۸۵۸:۳ *	دان که با یوسف ۲۰۰۸:۲
دانه جو را ۳۷۰۵:۲ *	دانکه بر چرخ ۳۱۸۰:۶ *
دانه چندی ۴۳۶:۶ *	دانکه پنهان ۷۳۱:۶ *
دانه چون آمد ۱۵۳۱:۱ *	دان که چشم ۸۶:۲ *
دانه چون زهرست ۱۴۱۱:۵ *	دان که حج ۲۲۴۲:۲ *
دانه چین ۸۲۱:۵ *	دان که دارند ۲۴۹۱:۱ *
دانه خوردن ۱۴۱۰:۵ *	دان که در ۲۰۴۵:۴ *
دانه دامش ۸۰۳:۳ *	دان که روح ۲۴۴۶:۵ *
دانه کشتی ۳۴۵۰:۳ *	دان که شیرین ۲۳۰۰:۱ *
دانه کمتر ۱۴۰۷:۵ *	دان که گلش ۲۲۹۹:۱ *
دانه کی مانند ۳۹۷۹:۵ *	دان که گوش غیب گیر
دانه گم شد ۴۰۵۳:۶ *	۳۳۹۵:۱ *
دانه گندم ۳۳۰۸:۳ *	دانکه گوش کر ۳۰۴۰:۴ *
دانه ما ۳۵۲:۵ *	دان که معزولست ای
دانه مردن ۳۹۳۳:۱ *	۲۳۹۵:۴ *
دانه معنی ۳۶۲۳:۲ *	دان که معزولست گندم
دانه گوید ۶۲۳:۴ *	۳۷۱۱:۶ *
دانه لایق ۳۰۲۱:۴ *	دان که نبود ۳۴۴۵:۳ *
دانه‌ها بر ۳۰۱۸:۲ *	دانکه هر رنجی ۲۲۹۸:۱ *
دانه‌ها چون ۱۷۷:۱ *	دانکه هر شهوت ۳۶۱۲:۴ *
دانه‌های ۴۹:۵ *	دانکه هر مدحی ۲۱۲۵:۳ *
دانه هرگز ۲۹۶۲:۶ *	دانم آنجا ۳۲۹۷:۶ *
دانه هر مرغ ۵۸۰:۱ *	داننش ۲۲۷:۴ *
دانه هر میوه ۴۵۹:۳ *	دان مقلد ۱۰۷۳:۶ *
دانه هم از دور ۶۴۴:۴ *	دانه آبی ۳۵۱۲:۳ *
دانه بی را صد ۲۶۱۲:۴ *	دانه آن ۳۲۵۱:۲ *
دانه بی راه، کمترین ۱۷۶۲:۴ *	دانه از ۲۸۶۰:۳ *
دانه بی مرغ ۲۷۲۷:۵ *	دانه‌ای که تلخ ۳۹۳۲:۱ *
داو مَرَضاک ۲۵۹۱:۶ *	دانه باشد ۳۴۲۱:۵ *
دایر اندر ۲۷۸۴:۶ *	دانه باشی ۱۸۳۳:۱ *
دایرم بر گرد ۲۳۶۴:۳ *	دانه بنما ۴۴۵۲:۶ *
دایره مرد ۸۵۹:۱ *	دانه بی مغز ۳۳۹۷:۲ *
دایگان را دایه ۲۷:۳ *	دانه بینی ۱۷۵۴:۳ *
دایم آتش را ۳۳۴۶:۲ *	دانه پُر مغز ۲۰۶۷:۳ *
دایم آنجا ۳۳۱۶:۶ *	دانه پنهان ۱۸۳۴:۱ *
دایم آن ضحاک ۴۷۱۶:۶ *	
دایماً آن ۳۹۹۳:۵ *	
دایماً با حق ۱۵۶۴:۵ *	
دایماً بازار ۳۲۶۶:۲ *	
دایماً باشد ۷۶۷:۵ *	
دایماً پُر ۲۷۲۳:۱ *	
دایماً پهلوی ۲۰۳۶:۴ *	
دایماً پیدا ۲۷۸۳:۶ *	
دایماً تر ۲۹۳۶:۳ *	
دایماً خاقان ما ۴۷۴۲:۶ *	
دایماً در آب ۳۱۸۲:۶ *	
دایماً در بغض ۱۵۷۴:۳ *	
دایماً در مرگ ۳۷۰۶:۵ *	
دایماً دستان ۲۵۳۲:۶ *	
دایماً صیاد ۲۸۵۸:۳ *	
دایماً غفلت ۴۰۹۶:۵ *	
دایماً قره ۳۲۳۵:۲ *	
دایماً محبوس ۴۵۱۱:۶ *	
دایم اندر ۳۵۹۵:۳ *	
دایماً نه ۱۱۹۶:۵ *	
دایماً هر ۳۰۳۹:۴ *	
دایم اینم ۷۷۸:۵ *	
دایهات ۳۷۶۷:۲ *	
دایه‌اش پنبه‌ست ۱۸۷۵:۴ *	
دایه را بگذار بر ۳۷۷۰:۲ *	
دایه را بگذار، که ۳۷۶۹:۲ *	
دایه عاریه ۶۹۸:۵ *	
دایه و سواس ۵۸۸:۶ *	
دایه و مادر ۱۹۵۲:۲ *	
دایه‌ی کو ۴۶:۳ *	
دَجَلَةُ آب ۸۸:۳ *	
دختران خسروان ۲۲۳۴:۵ *	
دختران را ۳۵۹۷:۵ *	
دختر او چرب ۶۳۲:۴ *	
دختر خود ۳۷۲۴:۵ *	

دخترِ سلطان ۲۳۱۷:۵	در بُروج چرخ ۴۲۲۷:۵	در بیابانِ فراخی ۳۵۴۸:۳
دخترِ شاهت ۲۳۱۸:۵	در بزرگی مردمک ۱۰۰۴:۱	در بیابانِ مان ۲۴۸۸:۲
دختری خواهم ۳۱۲۱:۴	در بزرگی هست ۱۰۲۶:۲	در بیابانِ نزد ۲۴۰۳:۵
دختری دارم ۳۳۷۴:۵	در بشر، روپوش ۲۹۶۴:۱	در بیابان‌های بسی آب
دَخْلِ آن ۹۵۶:۲	در بشر واقف ۳۳۳۳:۳	۱۲۲۰:۱
دخل از آنجا ۱۴۸۹:۵	در بصرها ۲۶۱۹:۶	در بیابانهای پُر ۶۰۱:۴
دخل را ۱۳۷۴:۵	در بغل زد، گفت ۱۹۲۵:۶	در بیابانی اسیر ۱۶۴۱:۳
دخل‌ها رویان ۳۵۷۱:۶	در بغل زد هر چه ۵۱:۵	در بیابانی که ۲۷۹۶:۳
دخل‌ها و میوه‌ها ۱۴۸۲:۵	در بغل کرده ۳۱۷۵:۴	در بیانِ آنکه ۲۱۹۰:۶
در اثر افزون ۱۶۶۵:۴	در بغل همیان ۲۱۶۸:۱	در بیان آورد ۲۸۶۹:۲
در اثر مایه ۳۶۹۳:۲	در بلا، از غیر ۲۹۲۹:۴	در بیان این ۱۰۴۷:۱
در اثر نزدیک ۵۱۶:۴	در بلا چون ۱۹۶۸:۶	در بیان با جبرئیل ۳۲۲۵:۳
در اجابت ۲۸۵۰:۲	در بلا خوش ۳۶۸۹:۵	در بیانِ جوهر ۲۶۴۹:۳
در آدایِ شکر ۱۹۹۴:۶	در بلا و آفت ۱۴۶۰:۲	در بیانِ حال ۴۴۰۷:۶
در ادب ۳۳۹۷:۶	در بلا هم ۲۶۴۷:۲	در بیانش قصه‌ای ۲۱۱۲:۱
در اذان ۳۳۳۵:۳	در بنالش ۴۶۸:۴	در بیانِ فضل ۱۱۹۲:۴
در ازل ۳۷۱۹:۲	در بنا هر ۴۶۹:۴	در بیان ناید جمال ۱۹۱:۲
دُر اگر چه ۳۴۲:۴	در بن چاهی ۲۳۱۳:۵	در بیان ناید که ۳۸۳۳:۵
در آلت آن‌کو ۲۳۵۳:۳	در بُنِ دیوار، حُقره ۲۷۹۹:۳	در بیوع آن ۲۵۴۳:۶
در الهی نامه بس ۲۵۶۷:۴	در بُنِ دیوار، مَرَدی ۲۳۸۷:۲	در پذیر از ۲۷۰۹:۱
در الهی نامه گر ۲۷۷۱:۳	در بن طشت ۳۶۱۷:۵	در پذیرم ۲۰۵:۵
در الهی نامه گوید ۳۷۵۰:۳	در بهار آن ۳۹۷۲:۵	در پذیری تو ۳۴۰۹:۴
در امامت ۲۰۸۷:۳	در بهارست ۲۲۶۴:۲	در پیر سوزیده ۲۸۷۹:۳
در امانت ۴۰۱۶:۵	در بهارِ فضل ۳۶۲۳:۶	در پری خوانی ۳۲۴:۵
در امیدِ عفو ۳۵۵۱:۵	در بهاری تو ۱۲۹۲:۳	در پس آینه ۱۴۳۱:۵
در امیدی ۱۸۱۸:۵	در به در این ۲۷۰۲:۵	در پسِ خَرگه ۳۷۴۷:۵
در امیری ۳۳۷۱:۶	در به در گردم ۲۶۹۰:۵	در پشیمانیِ نگفتی ۱۹:۲
در بیست از ۳۴۷۹:۶	در بهشت، آن لحن‌ها ۷۳۶:۴	در پناه پنبه ۱۸۷۷:۴
در بیستم ۱۸۹:۴	در بهشتی، خازجینی	در پناه جان ۵۴۱:۴
در بیست و دشمن ۹۱۹:۱	۳۳۴۷:۲	در پناوِ خلق ۲۱۳۲:۱
در بخارِ و هم ۲۶۵۴:۵	در بیابان، از ره ۲۴۰۶:۵	در پناوِ روح ۲۵۸۷:۲
در بخارا بنده ۳۶۸۶:۳	در بیابان خورده‌ام ۲۷۵۹:۵	در پناوِ شیر، تا ۱۳۰۴:۱
در بخارا خوی ۳۷۹۹:۶	در بیابان در پی ۱۷۷۷:۲	در پناه شیر کم ۲۲۴۲:۳
در بخارا در ۳۸۵۴:۳	در بیابان، در میان ۴۳۹:۶	در پناوِ طاعت ۱۴۸۱:۵
در بُد و نیک ۲۶۴۴:۱	در بیابان، طوطی ۱۵۸۷:۱	در پناوِ عاقلی ۲۱۹۹:۴

در پناه قطب ۱۹۸۴:۲ *	در تجارت ۸۳۸:۶	در تنازع ۳۶۸۵:۲
در پناه لطف ۱۸۳۹:۱	در تحیات ۲۱۲۲:۳	در تنت ۱۸۰۳:۶ *
در پناه نام ۷۳۲:۱ *	در تحیر ۲۲۹۳:۳	در تن خود بنگر ۲۳۸۹:۶
در پی آب‌ست ۳۲۶۸:۳ *	در ترازو، جو ۳۰۲۰:۱	در تن خود، غیر ۴۶۳۸:۶ *
در پی آن بایدت ۴۲۴۲:۶ *	در ترازو هر دو ۱۹۹۹:۱	در تن گنجشک ۱۴۸۰:۲
در پی آن مقتدای ۲۱۴۱:۳ *	در ترازوی خدا ۳۱۴۵:۵ *	در تن مردم پدید ۳۵۱۳:۲ *
در پی‌ات کس ۲۵۷۱:۳ *	در تردد مانده‌ایم ۴۰۸:۶	در تن مردم شود ۱۴۷۴:۱ *
در پی‌اش ۱۴۸۷:۲	در تردد می‌زند ۲۰۹:۶	در تنور انداخت ۹۵۲:۳ *
در پی او تا ۳۲۸۲:۶	در تردد هر که ۱۴۵۶:۱	در تنور پر ۳۱۱۳:۳
در پی او رفت ۲۱۷۸:۵ *	در ترو و در ۴۶:۵ *	در تن همچون ۳۴۳۷:۶ *
در پی او رَو ۲۸۰۴:۲ *	در تزیید ۱۸۱۴:۲ *	در تو آویزان ۳۷۵۴:۱ *
در پی او کی ۱۳۲۶:۴	در تسلس ۲۱۴۸:۱ *	در توازن من ۲۴۱۵:۱
در پی تعبیر ۳۰۶۵:۴	در تصرف ۱۶۲۵:۲ *	در تو بنهم ۲۶۷۳:۱ *
در پی جنت ۱۰۸۹:۶	در تصور در نیاید ۲۷۴۸:۵	در تو تا کافی ۱۲۳۰:۱
در پی خُوباش ۳۰۰۷:۶	در تصور، ذات ۱۲۲:۱	در تو جوعی ۴۲۹۴:۶
در پی خورشید پوید ۹۰۵:۶ *	در تصور گنجد ۳۵۴۱:۲ *	در تو گل ۲۸۵۴:۵ *
در پی خورشید وحی ۱۱۵۶:۶	در تضرع ۳۷۴۹:۶	در تو نمرودی است ۱۶۰۶:۱
در پی سودی ۳۶۸۵:۶	در تعجب مانده ۳۴۷۴:۴	در تو نوری ۳۴۸۲:۵
در پیش رفت ۲۲۰۰:۲ *	در تعجب نیز ۲۰۴۳:۳ *	در تو هر قوت ۲۵۲۹:۲ *
در پی ما ۱۵۳۱:۳ *	در تمدی ۴۲۶۳:۶ *	در تو هست اخلاق ۳۱۱۴:۲
در پی موسی ۲۴۲۹:۶	در تفحص آمدند ۳۷۸۶:۶	در ثنای ۱۱۶۴:۴
در پی نیکو ۱۹۶۴:۳ *	در تفحص اندر ۱۳۴۱:۵	در ثواب ۲۶۰۰:۶ *
در پی هستی ۲۲۰۷:۳ *	در تقاضا ۱۰۹۸:۶ *	در جحیم نفس ۲۵۶۷:۲ *
در پی هم این ۲۶۷۵:۶ *	در تکی چون ۲۷۰۸:۲ *	در جدال ۲۸۴۰:۴
در پی هم، تارسی ۲۸۹۱:۴ *	در تگ آب ۲۸۰۷:۵	در ج درافسانه ۲۶۰۲:۳ *
در پی هم سوی ۲۷۸۱:۶ *	در تگ جو ۳۲۱۹:۶	در ج در خوفی ۳۵۸۰:۶
در تائی بر دهد ۱۲۱۰:۶ *	در تگ چاهست ۳۱۴۶:۶ *	در جزا، زیرا ۱۷۵۰:۴ *
در تائی بر یقینی ۲۶۰۹:۶	در تگ دریا ۸۶۶:۳	در جزا هر زشت ۳۶۷۶:۴ *
در تائی درد ۳۸۱۶:۵ *	در تگ هفتم زمین ۳۳۰۶:۱ *	در جزای آن ۴۷۷۶:۶
در تائی گوید ۱۲۱۱:۶	در تلافی ۲۲۲۷:۶	در جزایرها ۲۱۴۶:۱ *
در تبار و خویش ۲۱۶۹:۳ *	در تلون غرق ۳۲۷۰:۲ *	در جگر، افتاده ۲۲۵۹:۵
در تبع آید ۲۲۲۲:۲ *	در تماشا بود ۴۳۸۴:۶ *	در جلاب ۴۴۷:۱ *
در تبع دنیاش ۳۱۴۲:۴ *	در تماشای ۱۵۷۴:۲	در جمادات از ۲۸۲۰:۴
در تبع، عرش ۲۲۲۶:۲ *	در تمامی کارها ۱۲۸:۳	در جمادات این ۳۰۲۱:۲
در تبع قایم ۲۲۰۰:۶ *	در تموز ۱۸۱:۲	در جماد از ۲۸۲۱:۴

در جمادی گفتمی ۴۲۰۷:۳	در جهان ساده ۲۰۹۰:۱	در چنین ظلمت چراغ
در جمادی می‌دمی ۳۲۵۴:۵	در جهان صلح ۵۵:۶	۲۲۱۶:۳
در جمال حال ۱۸۱۱:۶	در جهان غیب ۳۴۸۱:۶	در چنین ظلمت نمد ۴۳۳۶:۳
در جمال و فضل ۱۸۵۱:۱	در جهان کهنه ۳۱۸۹:۴	در چنین گاوی ۲۰۶۱:۶
در جنابت ۱۱۹۴:۶	در جهان، گردان ۲:۶	در چنین مَسْبَع ۵۰۱:۶
در جواب او ۳۳۶۶:۲	در جهان گر لقمه ۴۰۴:۴	در چنین مستی ۱۳۹۴:۳
در جواب پرسش ۱۰۳۵:۶	در جهانگیری ۳۴۹۱:۴	در چنین تنگی ۱۳۹۱:۵
در جوابش بر ۳۲۰:۴	در جهان ماند ۳۲۱۹:۵	در چنین وقتش ۴۲۶۵:۶
در جواب شیخ ۳۵۳۰:۲	در جهان مرده‌شان ۳۵۹۲:۵	در چه افتادند ۳۹۶:۳
در جواب فکر تم ۶۹۷:۴	در جهان معروف ۳۰۴۱:۲	در چه افتی ۴۱۱۲:۶
در جوار دوستی ۲۰۲۹:۲	در جهان نبود ۳۶۰۵:۶	در چه اندازم ۶۶۰:۵
در جوال آن ۱۵۷۷:۴	در جهان نقلی ۳۰۴:۵	در چه بابل ۳۰۰۴:۶
در جوال نفس ۴۵۵۲:۶	در جهان، والله ۸۳۹:۳	در چه بُعداند ۳۶۲۰:۶
در جهاد اکبر ۳۷۸۶:۵	در جهان هر چیز چیزی جذب	دُر چه؟ دریا ۱۳۹۵:۲
در جهاد و ترک ۲۵۲۵:۲	۸۱:۲	در چه دنیا ۳۱۴۴:۶
در جهان، او را ۳۹۲۹:۱	در جهان هر چیز چیزی	در چه سودند ۳۱۰۰:۳
در جهان، او فلسفی ۳۲۸۵:۱	می‌کشد ۱۶۳۳:۴	در چه کاری تو ۱۲۶۴:۶
در جهان این ۳۲۹۶:۳	در جهان هم ۱۶۳۰:۵	در چه کاری گفت ۲۸۰۳:۳
در جهان، باریک ۱۵۱۳:۴	در جهانی ۷۹۲:۱	در چه کردی ۴۱۸:۶
در جهان بازگونه ۱۴۷۲:۲	در چرا از ۳۲۴۳:۲	در چه و زندان ۲۳۳۵:۳
در جهان بنشسته ۳۹۲۱:۶	در چراغ غیر ۹۹۲:۵	در چهی افتاد ۳۸۱۸:۱
در جهان، پوشیده ۲۵۹۳:۲	در چراگاه ۱۷۰۵:۱	در چهی انداخت ۳۸۱۹:۱
در جهان پیدا کنم ۳۵۲۸:۱	در چله، کس ۱۴۵۰:۵	در حِبال ۵۹۷:۵
در جهان تابیده ۳۳۶۰:۶	در چله وامانده‌ام ۱۴۵۱:۵	در حجاب، از عشق ۶۳۵:۵
در جهان، تو ۱۲۷۹:۶	در چنان حضرت ۷۷۲:۵	در حجاب از نور ۶۱۹:۵
در جهان جان ۱۴۷۸:۲	در چنان روز ۱۷۸۱:۳	در حجاب روئش ۱۷۶۱:۱
در جهان، جز ۳۵۲۴:۳	در چنان روی ۶۰۴:۳	در حجاب غیب ۲۹۸۹:۵
در جهان جنگ ۲۷۲۰:۴	در چنان تنگی ۱۳۵۰:۱	در حجاب نغمه ۷۰۳:۶
در جهان حَتّی ۶۲۸:۶	دُر چند انداخت ۳۴۸۸:۲	در حُجُب بس ۶۷۹:۲
در جهان خاک ۲۲۴۷:۱	در چنین بی‌خویشیم ۶۷۰:۳	در حدّث افتد ۳۳۵:۴
در جهان دارو ۱۹۳۸:۲	در چنین جو ۳۲۱۲:۶	در حدّث پنهان ۱۶۶۵:۵
در جهان دیدن ۱۹۰۵:۵	در چنین چَه ۱۸۲۵:۵	در حدّث کرده‌ست ۵۵۹:۵
در جهان رد گشته ۲۱۲۴:۱	در چنین خانه ۱۲۵۸:۶	در حدّث مدفون ۹۵۵:۶
در جهان روح‌بخشان ۱۷۳:۶	در چنین درخواست ۲۴۷۶:۲	در حد و تعزیر ۱۵۱۱:۶
در جهان روح، هر ۷۶:۶	در چنین راه ۳۴۸۶:۵	در حدّیبه ۷۴۳:۵

- در حدیثِ آخرون ۲: ۳۰۵۶*
 در حدیث آمد که دل ۳: ۱۶۴۱
 در حدیث آمد که روز ۵: ۱۷۷۲
 در حدیث آمد که مؤمن ۴: ۲۷۱۴
 در حدیث آمد که یزدان ۴: ۱۴۹۷
 در حدیث دیگر ۳: ۱۶۴۳
 در حدیث راست ۲: ۲۷۳۶
 در حدیث لرزه ۵: ۲۴۸۳
 در حدیقه ۵: ۱۴۵۲
 در حذر شوریدن ۱: ۹۰۹
 در حرامش ۵: ۱۸۹
 در حروف ۱: ۲۹۱۵
 در حریف ۵: ۱۱۶۵
 در حساب و، آفتاب ۳: ۳۴۷۸
 در حساب و در ۳: ۲۱۴۷
 در حسد ابلیس ۱: ۴۲۹
 در حسد شد ۵: ۱۳۴۶
 در حشایش ۶: ۴۰۸۰
 در حشم ۴: ۴۸۶
 در حضورِ حضرت ۲: ۳۲۱۸
 در حضورِ شیر ۵: ۷۷۴
 در حضور مصطفای ۴: ۲۰۸۱
 در حضور و غیبت ۳: ۷۹
 در حقِ آن بنده ۲: ۱۷۳۹
 در حقِ آن بینوای ۱: ۲۸۷۹
 در حق او، خورد ۵: ۲۷۰۵
 در حق او شهید ۲: ۱۷۵۴
 در حق او مدح ۲: ۱۷۵۴
 در حق او نافع ۱: ۲۲۸۳
 در حقایق ۲: ۲۹۶۷
 در حقِ پاکِ ۲: ۱۷۴۴
 در حق تو ۶: ۸۵۶
 در حق دیگر بُود قهر ۲: ۳۶۷۵
- در حقِ دیگر بُود لطف ۲: ۳۶۷۵
 در حقِ شخصی دیگر باشد ۲: ۳۶۷۴
 در حقِ شخصی دیگر، سلطان ۴: ۷۱
 در حقِ قارون ۴: ۲۸۳۰
 در حقِ ما ۵: ۴۱۳۱
 در حقیقت آن نظر ۴: ۳۷۰۱
 در حقیقت از دلیل ۶: ۲۵۰۶
 در حقیقت بنده ۲: ۱۴۷۱
 در حقیقت خالق ۳: ۳۵۷۴
 در حقیقت در فنا ۴: ۳۹۹
 در حقیقت دوستان ۴: ۹۶
 در حقیقت رهن ۲: ۷۹۹
 در حقیقت گشته‌یی ۲: ۲۲۱۴
 در حقیقت ماح ۳: ۲۱۳۰
 در حقیقت نفع ۲: ۲۵۰۹
 در حقیقت هر دلیلی ۶: ۷۰۲
 در حقیقت هر عدو ۴: ۹۴
 در حقیقت هر یکی ۶: ۳۸۷۲
 در حکایت ۱: ۲۸۷۹
 در حلیمی ۶: ۲۱۶۸
 در حیا پنهان ۶: ۵۷۵
 در حیاستان ۶: ۱۱۹۲
 در خبر آمد ۲: ۲۶۰۴
 در خبر بشنو ۳: ۴۰۶۶
 در خبر، خیرالامور ۲: ۳۵۱۲
 در خجالت ۵: ۴۲۱۲
 در خدا بگریز ۶: ۴۷۷
 در خداوندی ۴: ۲۳۲۴
 در خدای ۱: ۷۸۱
 در خرابات ۲: ۳۴۲۱
 در خرابِ خود ۵: ۱۷۷۵
 در خرابی اهل ۲: ۳۱۰۹
- در خرابی کرد ۵: ۳۸۶۸
 در خرابی هاست ۶: ۱۸۳۱
 در خرابی‌ها نهد ۶: ۱۶۳۴
 در خراج و خرج ۶: ۳۲۶۶
 در خرد، جبر ۵: ۳۰۰۹
 در خریداری ۶: ۱۰۳۶
 در خزان آن ۱: ۱۸۹۲
 درخزان چون ۲: ۳۵
 درخزان و باد ۶: ۴۴۶۱
 در خطاب آدمی ۱: ۲۴۹
 در خطابِ اُسجُدُوا ۵: ۲۹۹۷
 در خطابِ اِضْرِبُوهُ ۳: ۳۸۹۹
 در خطرها پیش ۶: ۳۶۱۱
 در خلاص او ۶: ۲۷۹۱
 در خلاصت سحرها ۱: ۱۷۱
 در خلافت ۱: ۲۷۹۵
 در خلائق روح‌های ۴: ۳۰۲۵
 در خلائق می‌رود ۱: ۷۴۶
 در خلای گوش ۶: ۱۰۲۱
 در خلد ۳: ۳۷۵
 در خلل ۴: ۱۳۸۰
 در خلیفه ۴: ۲۹۰۶
 در خم چوگانش ۴: ۱۵۵۵
 در خمِ مالی ۳: ۷۷۹
 در خموشی گفت ۶: ۶۹۷
 در خموشی مغز ۵: ۱۱۷۵
 در خموشی هر ۶: ۳۸۸۹
 در خنوری ۶: ۳۵۴۰
 در خود آن ۱: ۱۳۲۲
 در خور آمد ۳: ۲۷۷۲
 در خور آن بیخ ۳: ۴۳۸۷
 در خورِ آن، رزق ۶: ۱۹۰۳
 در خورِ آن، گوهرش ۶: ۱۵
 در خور آید ۱: ۳۴۷۴
 در خور دریا ۳: ۳۳۸۸

در خور سر ۴: ۲۴۲۸	در دُرّافشانی ۶: ۸۷۴*	درد عسر افتاد ۵: ۳۶۰
در خورِ سوراخ ۳: ۳۹۷۹*	در درخت ۳: ۴۳۸۷*	در دغا ۵: ۲۲۳۰*
در خورش ۲: ۳۵۰۹*	در دَرخشی ۴: ۳۳۱۹*	درد غیرت ۶: ۴۷۷۸
در خور عقل تو ۵: ۷۶۳	در درنگ ۳: ۱۰۴۱	در دقایق ۶: ۷۷۶
در خور عقل عوام ۴: ۳۲۸۶	در درو، پرده ۲: ۲۶۰۹*	درد، کآن از ۶: ۴۷۹۳
در خورِ قمرش ۱: ۳۸۱۹*	در درو دیوار ۶: ۲۶۹۵*	در دکان بودی ۱: ۲۴۸
در خورِ نای ۲: ۱۷۹۳*	در درونِ آب ۶: ۳۶۴۳*	در دکان کفشگر ۶: ۱۵۲۶
در خور و لایق ۴: ۲۸۲*	در درونِ آن ۴: ۱۵۸۲*	درد، کئی ۳: ۳۴۵۳*
در خور هر ۵: ۳۱۳	در درونِ او ۲: ۳۱۰۰*	در دگر ریز ۲: ۳۱۸۲*
در خیال آرد ۱: ۱۷۹۰*	در درون بیشه ۶: ۱۸۷۳	در دیگر، ریگی ۲: ۳۱۸۰*
در خیالاتش ۱: ۵۴۸*	در درونِ جان ۴: ۲۸۴۷*	در دلِ آتش ۲: ۸۳۱*
در خیال از ۶: ۲۱۸۴	در درونِ خویش ۲: ۳۷۵۵*	در دل از ۴: ۷۶۶*
در خیال افتاد ۲: ۲۰۳۰	در درون دل ۲: ۱۴۷۹	در دل افتادی ۶: ۱۳۹۶*
در خیال او ۶: ۱۳۸۰	در درونِ روزن ۲: ۱۸۶*	در دلِ اکسیر ۱: ۱۴۷۲*
در خیالت صورتی ۶: ۳۴۶۸	در درون سینه مهرش ۱: ۳۷۲	در دلالت، دان ۶: ۱۵۹۵*
در خیالت گوهری ۲: ۱۰۹*	در درون سینه نقّانات ۴: ۳۱۹۵	در دلالت همچو ۱: ۲۶۴۱
در خیالش جان ۲: ۷۵*	در درونش صد ۴: ۱۰۱۳*	در دل انگور ۲: ۱۸۲
در خیالش مُلک ۱: ۱۹۴	در درون، شیران ۵: ۹۳۴	در دلِ او بایلی ۶: ۴۰۹۲*
درد آمد بهتر ۳: ۲۰۳	در درون، صد ۴: ۱۷۵۸*	در دلِ او بیش ۲: ۲۰۶۵*
درد آن ۱: ۲۹۸۷*	در درون کعبه ۲: ۱۷۶۸	در دلِ او، تا ۱: ۳۹۸۰*
دردِ او در ۶: ۴۰۳۶*	در درون هر دو ۵: ۳۶۷۴	در دلِ او، خویش ۲: ۳۴۷۰*
درد او دیدند ۱: ۶۶۶*	در درون، هرگز ۱: ۳۷۶۷*	در دل، او سوراخ ها ۳: ۴۰۵۷
درد او را از ۲: ۲۵۱۷*	در درونه گنج ۶: ۲۱۰۶*	در دل او مهر ۵: ۳۳۷۶
در دباغی ۵: ۱۰۵۹	در درون یک ۶: ۴۴۰۳	در دلت خوف ۶: ۴۱۸۸
درد باید ۲: ۲۵۲۰*	درد زه گر ۳: ۲۵۶۰	در دلت ضیفست ۵: ۳۶۴۶*
درد بودم ۵: ۴۱۶۵	در دسر افزاید ۳: ۱۵۸۸	در دلت نآید ۴: ۱۹۸۰*
درد پشتم ۲: ۲۲۵۸	در دِ سرافزون ۳: ۱۵۸۹*	در دل تو ۳: ۴۳۹۶
درد جو ۶: ۴۳۰۴*	درد صاحب ۵: ۴۰۰۷	در دلِ خلقان ۳: ۱۰۷۳*
در دِ چشم ۴: ۷۹۴*	در دعا ایشان ۳: ۲۱۹۰	در دل خوارمشه ۶: ۳۴۶۰
درد خیزد ۲: ۲۵۱۷	در دعا بود ۴: ۳۵۰۴	در دلِ خود آفتابی ۶: ۳۵۶۲*
درد، داروی ۶: ۴۳۰۲	در دعا ببند ۳: ۱۹۱۹*	در دل خود، دید ۶: ۴۶۳۹
دردِ دل ها ۲: ۳۹۰*	در دعا کردن ۶: ۲۲۹۶*	در دلِ داود ۳: ۲۳۹۶*
در دِ دندان ۱: ۱۳۱۶*	در دعا می خواستی ۲: ۱۳۸	در دلِ دریای ۶: ۲۰۰۸*
در دِ دندان، دازدش ۶: ۴۶۸۵*	در دعا و شکر ۴: ۸*	در دلِ رنجور ۱: ۳۳۸۸*
در دِ آن ۱: ۳۱۷۷*	در دعایی ۶: ۳۵۳۷*	در دلِ سالار ۵: ۳۱۵۸*

در دل سالک ۵: ۱۰۶۵	در دلِ هر کور ۳: ۴۳۵۹*	در دو موضع ۶: ۲۴۶۱*
در دل سفره ۱: ۱۴۷۵	در دلِ هر مُقبلی ۱: ۲۱۴۵*	در دویدن ۶: ۴۷۴۴*
در دل سلطان ۲: ۱۱۵۷	در دلِ هر مؤمنی ۳: ۲۳۴۴*	دردها از ۱: ۲۳۰۱
در دلش آمد ۶: ۳۸۲۶*	در دِماغش ۱: ۲۶۲۲*	دردها بخشید ۲: ۲۲۵۹*
در دلش، اِدبار ۳: ۴۷۹۱*	در دِماغ و دل ۵: ۱۵۴*	دردها را آفریند ۱: ۱۶۶۴*
در دلش انکار ۲: ۲۸۸۸*	درد، مریم ۲: ۹۸*	دردها می‌زاید ۱: ۱۶۶۵*
در دل شاهان ۵: ۳۹۵۹	در دمِ قصاب ۳: ۴۶۸۱	در دهانِ ازدهایی ۲: ۱۹۸۸*
در دلش بَشّار ۶: ۱۸۴۵*	در دمنده و خسته‌ام ۱: ۴۴*	در دهانِ تو ۴: ۶۸۱*
در دلش تاویل ۱: ۱۲۵۱	در دَمَندهٔ روح ۶: ۶۳۷*	در دهانِ خفته‌یی ۲: ۱۸۷۸*
در دلش چون ۵: ۱۷۹۱*	در دمندی ۲: ۲۰۶۱	در دهانِ زنده ۱: ۲۰۱
در دل شحنة ۶: ۴۲۲	درد، مهمان ۸: ۳۹۰۸*	در دهانش بهر ۶: ۴۰۷۹*
در دلش خورشید ۶: ۲۸۷۵	در دمی، از ۵: ۱۶۲۳	در دهانش تلخ ۶: ۸۳۰
در دلش شمع ۶: ۲۵۰*	در دَمی در خیک ۳: ۷۱۸*	در دهان و گوش ۵: ۲۲۵۰*
در دلش ظُلُمَت ۱: ۲۲۷۱*	در دمی در صور ۵: ۱۶۲۴	در دهانِ هر یکی دُرّ و
در دلش نه ۳: ۲۳۹۷	در دمیدم ۱: ۲۱۹۱*	۲: ۳۴۸۶*
در دلِ صدر ۳: ۴۳۷۸*	در دمیدن ۳: ۳۰۷۸*	در دهانِ هر یکی دُرّی
در دل عاشق ۶: ۲۶۸۰	در دَوام ۴: ۲۸۶۷*	۲: ۳۴۸۵*
در دلِ عَذْرا ۶: ۲۶۷۹*	در دو جفت ۱: ۲۳۰۹*	در دِه ای ساقی ۶: ۲۰۲۲*
در دل کُهِ ۶: ۲۰۱۲	در دو چشمش ۲: ۱۰۱*	در دِه جندان ۶: ۹۶۰
در دل ما ۳: ۲۹۳۵	در دو چشم غیر ۲: ۱۰۵	درد، هر شاخ ۶: ۴۳۰۲*
در دلِ مردم ۳: ۳۹۹۶*	در دو دیده ۳: ۱۸۶۳*	در ده ضروان ۵: ۱۴۷۴
در دلم زین ۵: ۳۹۵۶	در دو صد من ۳: ۳۶۷۴	در دِه ما ۳: ۲۴۳*
در دل معشوق ۶: ۲۶۷۹	در دو صورت ۳: ۴۰۵۳*	در دِهی ۶: ۱۱۳۱*
در دلم گنجای ۳: ۶۶۸*	در دو عالم آفتابی ۲: ۱۱۰۹*	در دَیش ۴: ۱۳۲*
در دل من آن دعا ۳: ۲۳۳۲	در دو عالم بهره‌مند ۵: ۳۵۴۷*	در ذکر کردی ۵: ۱۳۳۶
در دل من آن سخن ۶: ۴۹۱۶	در دو عالم تو چنین ۵: ۳۷۹۸*	دُرّ را آن ۵: ۴۰۴۹*
در دل موش ۶: ۳۰۴۶	در دو عالم تو مُرایی ۵: ۳۷۹۸	در رُباید از ۲: ۲۷۰۵*
در دل مؤمن بگنجم ۱: ۲۶۵۵	در دو عالم خفته ۶: ۴۸۲۷*	در رُباید هفت ۴: ۱۴۰۵*
در دل مؤمن بگنجیدم ۶: ۳۰۷۳	در دو عالم خود ۴: ۲۰۰*	در رُباید همچو ۴: ۱۲۱۷*
در دل نه ۵: ۱۲۰۷	در دو عالم دعوت ۶: ۱۷۰*	در رُباید این ۱: ۱۹۵۲*
در دل و جان روید ۱: ۲۰۴۲*	در دو عالم دل ۲: ۱۴۵۴*	در ربود آن را ۳: ۳۳۰۷
در دل و جان شعله‌ای	در دو عالم غیر ۶: ۱۰۲۳*	در ربود آن موزه ۳: ۳۲۶۲*
۱: ۳۷۳۰*	در دو عالم هر ۶: ۲۲۲۰*	در ربود او ۴: ۱۵۸۵
در دل و در گوش ۴: ۳۸۴۲*	در دو عالم، همچو ۵: ۱۰۹۹*	در رُبود و، شد ۲: ۳۴۳۶*
در دل هر اُمّتی ۲: ۳۵۹۸	در دوم، رُو ۱: ۲۵۲۶*	در ربیع اول ۴: ۲۵۸۵*

- در رَجِم با ۳۷۷۸:۱
در رَجِم بود او ۲۴۰۲:۴
در رَجِم بود و ۳۵۱۲:۱
در رَحِم پیدا ۳۵۲۵:۱
در رَحِم طاوس ۴۶۹۰:۳
در رَجِم هر دَم ۳۴۱۷:۶
در رُخ آتش ۸۲۲:۴
در رُخ آینه‌ای ۳۱:۲
در رُخت خندد ۳۰۳۰:۱
در رخت کو ۸۰۴:۶
در رُخ خورشید ۱۴۵۳:۱
در رخ مه، عیب ۲۳۴۷:۲
در رُخ مهمان ۷۳:۱
در رخ و رخسار ۳۰۵۸:۶
در رخی بنهد ۳۰۵۶:۶
در رَزِ معنی ۳۸۲۳:۴
در رسد در تو ۲۴۶۵:۴
در رسد سُغراق ۳۵۰۱:۶
در رسد شومی ۲۵۹۰:۵
در رسولی چون ۲۰۴۹:۲
در رسید ۱۰۷۳:۱
در رکاب او ۱۰۳۵:۴
در رکاب شیر ۳۰۲۲:۱
در رکوع ۲۱۵۶:۳
در رواندر چاه ۳۱۴۷:۶
در رَوَ آندر عین ۳۱۲۵:۳
در رود در قلب ۱۴۷۷:۲
در رَوَد در گوش ۳۰۳۵:۴
در روش، گویی ۲۰۰۰:۳
در روش یمشی ۲۶۱۰:۶
در ره آمد بعد ۱۱۰۸:۱
در ره آمد سوی ۳۱۰۶:۶
در ره اسلام ۲۵۵:۲
در روایمان ۹۷۷:۱
در ره، این از ۱۵۴۶:۱
- در ره، این ترس ۵۰۹:۶
در ره تاریک ۱۵۸۴:۴
در رو خشم ۲۸۹۲:۵
در رو دعوت ۸۴۴:۶
در رو قُدسش ۸۹:۳
در ره نفس ۱۳۹۳:۵
در رهی ۱۴۴۵:۵
در ریاست ۵۱۸:۵
در ریاضت، آینه ۳۴۵۹:۱
در ریاضت سخت‌تر ۳۷۹۲:۵
در ریاضت کردن ۳۷۸۶:۵
در ریاضی غیب ۳۴۳۵:۶
در زبان آرد ۲۴۸۰:۵
در زبان او ۳۳۱۸:۲
در زبان پنهان ۱۵۳۸:۳
در زبانم چون ۴۸۲:۴
در زبان می‌ناید ۲۸۵۲:۴
در زحیم ۳۰۸۸:۲
در زده تن ۱۵۴۶:۴
در زراعت ۲۴۷۸:۶
در زُلال ۹۱۷:۵
در زمان آخرچیان ۲۰۸۰:۳
در زمان آمد ۱۶۸۲:۳
در زمان، ابری ۲۷۸۸:۴
در زمان از ۸۹۰:۳
در زمانِ امن ۳۶۰۰:۶
در زمان، انداخت ۳۷۲۵:۱
در زمان، او از ۱۴۷:۶
در زمان، او یک ۱۵۴:۳
در زمان برجست ۴۳۹۰:۶
در زمان بشکست ۴۳۵۴:۳
در زمان بیهشی ۲۳۳۲:۶
در زمان، پیش ۶۲۰۰:۲
در زمان، چون ۴۱۲۲:۶
در زمان حال ۳۷۳۲:۵
- در زمان، خادم ۳۹۵:۲
در زمانِ خالی ۴۲۱۳:۶
در زمان خواب ۳۵۴۱:۳
در زمان در دیر ۳۴۵۴:۵
در زمان در رو ۲۸۹۸:۲
در زمان، دریای ۱۰۱۱:۲
در زمان دیدم ۷۰۴:۴
در زمان، شاخ ۱۹۶۸:۲
در زمان، شَه ۲۹۳۷:۴
در زمان عدلش ۳۷۰۱:۲
در زمانه صاحب ۴۰۷:۵
در زمان، همچون ۱۸۷۱:۳
در زمانه مر تو را ۱۰۴۵:۵
در زمانِ هوش ۲۳۳۲:۶
در زمانه هیچ ۶۶:۴
در زمان هیزم ۷۰۸:۴
در زمستان باشدم ۲۸۹۳:۳
در زمستانشان اگرچه ۲۰۱۹:۱
در زمستانشان اگر محبوس ۲۰۱۸:۱
در زمستان لرز لرزان ۳۱۶۹:۵
در زمین آن کارد ۲۴۸۳:۳
در زمین بودیم ۲۶۶۶:۱
در زمین حق را ۲۸۷۷:۶
در زمین حق زراعت ۱۷۵۹:۴
در زمین گر ۱۳۱۷:۴
در زمینم با ۳۵۵۵:۲
در زمین مردمان ۲۶۳:۲
در زمین می‌راند ۴۷۸۶:۶
در زمین، می‌گفت ۲۹۸۷:۶
در زمین، نَم نیست ۳۲۴۵:۴
در زمین و آسمان ۲۶۵۴:۱
در زمین‌ها ۱۹۰۲:۳
در زمینی ۱۴۹۲:۵

در سؤالت ۲: ۱۰۶۸ *	در سرِ خاری ۱: ۱۹۷۱ *	در زن و در ۲: ۲۷۱۲ *
در سوم گردد ۱: ۲۵۲۷ *	در سر خود ۵: ۱۰۷۴ *	در زن و فرزند ۲: ۲۷۹۹ *
در سُویدا نور ۱: ۳۸۶۵ *	در سرشت ۶: ۳۵۷۸ *	در زیان و حیف ۶: ۹۸۷ *
در سه تاریکی ۳: ۶۶۵ *	در سر و پایان ۴: ۲۸۴۹ *	در زیان و سود ۱: ۲۰۴۱ *
در سه روزه ۴: ۱۵۴۱ *	در سر و رو ۴: ۳۴۶۲ *	درس آدم ۲: ۳۲۶۸ *
در سه گز تن ۵: ۳۵۷۹ *	در سر و سیرت ۴: ۱۱۵۳ *	درسِ بالغ ۳: ۳۲۳۳ *
در سه گز قالب ۱: ۲۶۴۸ *	در سرِ هر ۴: ۴۵۷ *	در سبب، از جهل ۳: ۳۱۵۳ *
در سیاست پوستش ۱: ۳۰۴۹ *	درستان آشوب ۳: ۳۸۴۹ *	در سبب چون ۶: ۳۶۸۷ *
در سیاستگاه ۳: ۲۸۱۷ *	در سفر سودی ۲: ۱۸۱۰ *	در سبب منگر ۳: ۲۵۱۶ *
در سیاه آبه ۲: ۲۶۶۳ *	در سفر شد ۱: ۲۷۲۹ *	در سببِ ورزیدن ۵: ۴۱۰۳ *
در سیاهی ۵: ۸۱۸ *	در سفر گر ۲: ۲۶۲۰ *	در سَبَقِ هر یک ۴: ۲۰۱۷ *
در سیه رویی ۶: ۹۳۰ *	در سفر گم ۴: ۱۰۸۹ *	در سپندم نیز ۶: ۲۸۰۴ *
در سیه کاران ۱: ۳۳۵۰ *	در سفر معظم ۳: ۱۹۴۶ *	در ستیز و ۴: ۳۴۹۰ *
در شبِ ابری ۵: ۳۴۸۳ *	در سفر، می‌دار ۱: ۱۲۱۹ *	در سجود افتاد ۱: ۱۲۴۷ *
در شبِ ار خفّاش از ۶: ۳۳۹۴ *	در سفرها رفته ۳: ۱۱۶۲ *	در سجودت ۲: ۱۸۰۱ *
در شبِ ار خفّاش کرمی ۳۳۹۳:۶ *	در سفر یک ۵: ۳۶۶۶ *	درس چه دُهی ۱: ۱۴۳۱ *
در شبانروزی ۶: ۲۶۸۹ *	در سفینه خفته‌یی ۴: ۵۳۷ *	در سَخا و در ۶: ۳۵۸۴ *
در شبِ بَدْرنگ ۱: ۳۶۹۱ *	درس کرد از ۱: ۲۶۴۹ *	در سخای ۴: ۱۷۴۷ *
در شبِ تاریک، برگشته ۳۷۰۳:۶ *	درس که دُهد ۳: ۶۷۵ *	در سخن آباد ۴: ۳۱۸ *
در شبِ تاریک، جوی ۱: ۳۶۹۰ *	در سگ اصحاب ۲: ۱۴۲۵ *	در سخن آید ۱: ۳۲۷۷ *
در شبِ تعریس ۱: ۱۹۹۱ *	درس گوید ۶: ۱۲۱۰ *	در سخن افتاد ۱: ۳۱۰۰ *
در شبِ دنیا ۶: ۲۸۶۲ *	درس گیرد ۴: ۱۹۲۶ *	در سخن بسیار ۲: ۳۵۰۹ *
در شبِ معراج شاهدباز ۲۸۸۴:۶ *	در سَلایل مانده‌یی ۲: ۳۳۶۹ *	در سخن گفتن ۳: ۱۶۶ *
در شبِ معراج، مُسْتَضِجِب ۱۱۸۸:۶ *	در سلیمان ۲: ۳۷۸۰ *	در سخن هم ۶: ۳۸۸۹ *
در شبِ مهتاب ۲: ۴۱۶ *	در سَماع آورد ۱: ۱۴۰۸ *	درس خوانید ۳: ۱۵۸۶ *
در شب و در روز ۳: ۱۸۳ *	در سَماع از ۲: ۴۲۳ *	در سر آنچه ۶: ۶۶۲ *
در شبیکه ۴: ۳۲۰۷ *	در سَماع جان ۴: ۲۰۲۰ *	در سر آید هر ۴: ۳۳۸۵ *
در شتای ۶: ۲۳۹۲ *	در سمرقندست ۳: ۳۸۶۳ *	در سر آید همچو ۲: ۲۵۵ *
در شجاعت ۱: ۳۷۳۲ *	در سمر گفتند ۵: ۳۶۵۴ *	در سرآیم هر دَم ۴: ۳۳۸۱ *
در شدن، خرگوش ۱: ۱۱۰۷ *	در سمر می‌خواند ۶: ۱۶۵۴ *	در سر آیم هر زمانی ۴: ۳۳۷۹ *
در شرابی ۶: ۲۰۲۱ *	درس می‌خوانند ۳: ۱۵۸۴ *	در سَرار ۶: ۶۶۲ *
	در سوادِ چشم ۶: ۳۵۸۰ *	در سراعِدلِ ۱: ۹۵۶ *
	در سوادِ ری ۴: ۱۸۰۴ *	در سرایت ۴: ۱۷۸۸ *
	در سوادِ غم ۳: ۳۸۶۶ *	در سرت آمد ۶: ۴۷۹۰ *
	در سوم دفتر ۳: ۲ *	در سر حیوان ۶: ۱۰۰۳ *

در شرار ۵: ۱۳۶۳*	در شما بس ۱: ۳۲۸۷*	در طریقت ۵: ۱۳۶۸*
در شیری ۶: ۴۵۶۱*	در شما چون ۱: ۲۵۵۴*	در طریق عشق ۶: ۲۳۴*
در شریعت مرگواهی ۱: ۳۸۱۳*	در شماراندر ۲: ۱۷۰۸*	در طریق و ۱: ۲۹۸۱*
در شریعت نیست ۲: ۲۴۲۳*	در شمال ۶: ۱۸۵۴*	در طلب از تو ۲: ۳۰۰۱*
در شریعت هست ۳: ۲۰۸۷*	در شنود ۲: ۸۵۹*	در طلب زن ۳: ۹۷۹*
در شریعت، هم ۶: ۲۵۹۵*	در شهادت ۱: ۲۱۵۸*	در طلب می‌باش ۱: ۱۶۳۶*
در شعاع، از بهر ۵: ۶۷۵*	در شهیدان ۲: ۱۰۸۸*	در طلب نه ۳: ۳۰۸۹*
در شعاع بی‌ظنیرم ۶: ۶۷۹*	در صبحی با ۱: ۱۸۰۹*	در طلوعش ۴: ۵۸۵*
در شعاع شمس ۲: ۱۸۱*	در صبحی، کای ۵: ۲۰۲۰*	در طمع خود ۶: ۴۱۸۹*
در شعاع نور ۶: ۲۹۲۳*	در صبوری چُست ۶: ۳۹۷۶*	در طواف ۶: ۳۶۳۱*
در شفاعت ۴: ۲۹۳۶*	در صحابه ۳: ۱۳۸۶*	در طویله ۳: ۲۰۷۹*
در شقاوت ۲: ۳۷۲۰*	در صریح امر ۵: ۱۶۵۸*	در عبادت غرق ۲: ۳۷۸۸*
در شکار آرند ۴: ۶۴۸*	در صف آای ۴: ۱۶۷۷*	در عبادتها ۱: ۳۶۷*
در شکار بیشه ۱: ۲۲۱۹*	در صف آید ۲: ۲۸۴۵*	در عبادش ۴: ۳۴۱۹*
در شکار پیل‌بچگان ۳: ۱۳۹*	در صفات آن ۲: ۲۸۱۲*	در عتاب ۱: ۳۵۸۹*
در شکار خود ۵: ۷۲۰*	در صفات حق ۴: ۴۴۳*	در عجب افتاد ۱: ۲۱۰۵*
در شکارش ۳: ۱۰۰۵*	در صفاتش باز ۳: ۴۱۸۲*	در عجب درماند کین ۵: ۵۰۱*
در شکار عشق ۶: ۳۹۸۸*	در صفات فقر ۶: ۳۳۷۱*	در عجب درمانده از ۵: ۳۸۹۰*
در شکار موش ۶: ۲۹۴۴*	در صفات مردم ۳: ۳۵۲۶*	در عجب ماندم ۲: ۲۱۰۴*
در شکاف ۵: ۲۲۵۱*	در صفا، غش ۱: ۲۳۱*	در عجب ماندند ۵: ۲۸۰*
در شیکال ۲: ۳۷۳۴*	در صف‌اند ۴: ۲۰۲۳*	در عجب می‌ماند ۳: ۱۸۴۴*
در شکایت ۵: ۱۲۵۰*	در صف پاکان ۵: ۴۱۹۳*	در عجیهاش ۴: ۳۷۰۸*
در شکرخانه ۵: ۶۰۱*	در صفت از سنگ ۲: ۱۹۶۷*	در عجوزه جان ۶: ۱۴۶*
در شکر غلطید ۵: ۲۵۲۹*	در صفت از کان ۴: ۳۷۶۵*	در عجوزه چیست ۶: ۱۴۴*
در شکست از ۱: ۵۲۷*	در صفت ناید ۳: ۵۸*	در عدد آورده ۲: ۱۸۵*
در شکست پای ۳: ۴۸۰۸*	در صف معراجیان ۴: ۵۵۲*	در عدد شک ۲: ۳۱۰*
در شکستند ۲: ۳۷۱۶*	در صِناعت جایگاه ۶: ۱۳۶۹*	در عدم افشوده ۱: ۳۶۷۹*
در شکسته‌بند ۱: ۳۸۸۱*	در صِناعت، عاقبت ۴: ۱۶۰۴*	در عدم بودی ۶: ۳۷۶*
در شکسته دُر ۵: ۴۰۷۳*	در صوامع ۶: ۱۳۶۵*	در عدم پنهان ۶: ۳۵۷۸*
در شکسته عقل ۳: ۴۷۲۳*	در ضرورت ۲: ۳۴۱۶*	در عدم در ۳: ۳۵۵۴*
در شکستی ۱: ۲۱۳۵*	در ضعیفی ۲: ۳۴۸*	در عدم زاول ۱: ۳۶۷۸*
در شکم‌خواران ۳: ۸۶۵*	در ضلالت در ۳: ۱۷۱۴*	در عدم، ما ۶: ۲۳۱۶*
در شکنجه او ۵: ۷۵۹*	در ضلالت هست ۶: ۴۸۵۷*	در عدم من ۳: ۳۷۷۱*
در شکنجه بود ۵: ۹۰۸*	در ضیای ۱: ۳۵۳۳*	در عدم، نادیده ۳: ۳۹۶۳*
در شکنجه طَلَق ۴: ۱۵۱*	در طریق انبیا ۱: ۹۷۵*	در عدم، هستی ۵: ۱۰۱۸*

در فرو بستند و صیقل ۱: ۳۴۷۵	در غریبی، فرد ۳: ۸۱	در عذاب منکرست ۳: ۱۳۵
در فرو بست و برفت ۳: ۲۴۱۵	در غزا بجهم ۵: ۳۷۹۶	در عذاب و درد ۵: ۳۳۷۷
در فرو بست و، همی ۱۳۶۱: ۵	در غزا بر ۱: ۳۷۲۲	در عرب تو ۱: ۲۲۶۰
در فرو بسته‌ست ۵: ۲۳۸۵	در غزا چون ۳: ۴۰۰۳	در عریش او ۳: ۱۷۰۵
در فرو سیمای ۳: ۱۸۹۱	در غلام خویش ۲: ۱۴۸۵	در عریشم ۳: ۱۷۰۶
در فروغ ۶: ۴۴	در غلولی ۳: ۳۹۴۴	در عطای ۵: ۲۷۹۱
در فره دادن ۳: ۴۵۷۳	در غم افگندید ۳: ۲۹۴۹	در عقالش ۶: ۲۷۶۳
در فریب داخِلان ۱: ۱۸۴۹	در غمِ حرفشان ۶: ۸۴	در عقب ۵: ۲۳۶۳
در فریبِ مردمت ۶: ۴۲۹۸	در غم‌انگیزی ۳: ۲۹۵۴	در عقول ۶: ۳۰۷۲
در فزونی ۳: ۲۲۴۹	در غمت ۶: ۵۶۳	در عقیده ۵: ۲۴۸۶
در فسانه ۳: ۲۶۰۱	در غمِ خود ۶: ۳۹۰۷	در علاجش ۱: ۶۵
در فسون ۶: ۴۳۲	در غمِ مانند ۲: ۱۹۵۵	در علامت ۴: ۲۱۶۷
در فضای ۱: ۲۱۰۳	در غمِ ما روزها ۱: ۱۵	در علو ۴: ۳۳۶۴
در فِطام ۳: ۳۷۴۸	در غم و اندیشه ۴: ۸۰۵	در عمادالملک ۶: ۳۴۳۴
در فغان و جُست ۱: ۱۱۱۷	در غم و راحت ۱: ۴۶۸	در عمارت‌ها ۶: ۱۸۳۱
در فغان و در ۴: ۱۰۰۴	در غنیمت ۶: ۱۳۸۴	در عمارت، هستی ۱: ۲۴۷۷
در فُقاعی ۲: ۱۵۷۶	در فتاد از ۳: ۲۲۴۳	در عِمامه ۴: ۱۵۷۸
در فکن در ۳: ۹۶۰	در فتاد اندر بنا ۱: ۳۷۰۸	در عمل ظاهر ۲: ۹۷۱
در فکندی در صف ۳: ۳۴۲۰	در فتاد اندر چهی ۱: ۱۳۰۸	در عمل فوقی ۲: ۱۹۶۴
در فکندی در عذاب ۲: ۲۶۶۲	در فتادند از ۶: ۳۰۰۴	در عِنا افتاد ۱: ۹۲۴
در فگندی ۴: ۳۴۱۷	در فتادند و سر ۶: ۱۳۵۱	در عناصیر جوشش ۶: ۹۱۶
در فلان پیشه ۲: ۳۶۵۲	در فتد ۶: ۴۰۸۱	در عناصیر در نگر ۶: ۴۷
در فلان جایی ۲: ۳۶۵۱	در فتند ۱: ۲۱۲۷	در عوض بر روید ۲: ۱۸۰۴
در فلان حجره ۶: ۵۹۷	در فُتی ۵: ۱۷۴۳	در عوض حقاً ۵: ۳۶۸۳
در فلان دفتر ۶: ۳۵۳۸	در فُرات ۵: ۴۱۹۲	در عوض ده ۶: ۱۰۲۸
در فلان سالی ۳: ۴۸۰۰	در فراخی ۱: ۲۶۵۲	در عوض قربان ۶: ۴۷۹۹
در فلان سوی ۶: ۴۳۱۵	در فرار ۶: ۴۹۶	در عیادت رفتن ۲: ۲۱۴۳
در فلان صحرا ۳: ۲۴۴۴	در فراز ۳: ۱۷۴۶	در عیادت شد ۲: ۲۲۱۳
در فلان طاقیش ۶: ۳۵۴۱	در فِراقِ دوست ۱: ۳۰۵۹	در عیان آرایش ۴: ۳۸۳۸
در فلان کوی ۶: ۴۲۴۶	در فِراقِ روی ۳: ۴۰۵	در عیانِ دیده‌ها ۲: ۸۵۹
در فلان موضع ۶: ۴۲۴۲	در فِراقش ۶: ۱۴۱۷	در غبار ۶: ۱۲۹۶
در فلان وادیست ۴: ۱۰۳۴	در فراق و جُستن ۳: ۴۱۵۳	در غدیری ۱: ۱۲۸۴
در فلک تابان ۶: ۳۳۰۸	در فرج جویی ۶: ۳۶۵۳	در غریبی بس ۵: ۹۲۱
در فلک، خانه ۲: ۲۵۷۸	در فرو بست آن ۵: ۱۳۸۲	در غریبی چاره ۵: ۲۴۵۳
	در فرو بستند اهل ۳: ۶۰۶	در غریبی خوار ۴: ۲۳۲۳

- در فناها ۵: ۸۰۷
در فَنایِ جسم ۱: ۸۰۸
در فَنایِ محض ۲: ۱۸۲
در فن و در ۴: ۳۱۶۲
در قباب ۳: ۲۲۹۲
در قَبَا گویند ۲: ۱۴۷۴
در قبول آرند ۴: ۷۵۶
در قبولِ حق ۳: ۱۷۸۹
در قبولش ۶: ۱۶۸۸
در قِتالِ انبیا ۶: ۴۸۶۳
در قِتالِ خویش ۶: ۷۳۴
در قِتالِ سبزواری ۵: ۸۴۵
در قَدَحِ آبست ۲: ۳۵۹۳
در قران ۶: ۲۶
در قضا ذوقی ۳: ۱۸۸۲
در قضا و در بلا ۳: ۲۱۷۹
در قضای حاجت ۴: ۱۷۲۹
در قضا یعقوب ۲: ۹۱۷
در قفای خود ۶: ۱۳۳۹
در قفایِ همدگر ۶: ۱۳۳۸
در قفس بودن ۵: ۸۴۱
در قفص افتند ۶: ۲۳۸۰
در قفص محبوس ۱: ۱۵۴۷
در قفصها ۶: ۴۵۱۲
دُرُ قلبت ۲: ۷۲۶
در قناعت ۴: ۳۱۳۲
در قیام این ۳: ۲۱۵۵
در قیامت این ۴: ۲۴۲۱
در قیامت بنده ۶: ۳۲۵۹
در قیامت شمس ۵: ۶۹۶
در قیامت کئی ۲: ۹۸۸
در قیامت، هم ۱: ۳۶۷۷
در قیام و در ۱: ۳۱۸۷
در کدامین خانه ۳: ۲۸۸۹
در کدامین دفترست ۳: ۲۳۳۰
- در کدامین روضه ۳: ۲۲۹۲
در کدامین شهر ۱: ۱۶۳
در کَرَمِ شرمنده ۶: ۳۰۱۸
در کژی ۲: ۲۵۰۰
در کِ سُسْتَم ۵: ۱۲۸۶
در کسی ۲: ۱۵۵۰
در کشاکشهای ۵: ۱۵۶۲
در کَشْدشان ۶: ۴۰۸۵
در کَشْدَمَه ۲: ۲۳۵۵
در کشید از ۶: ۳۹۳۹
در کشید او ۲: ۳۵
در کشید ای ۶: ۶۷۸
در کُشی در ۶: ۷۱۶
در کشیدش ۳: ۸۸۲
در کشیده روی ۲: ۴۱۲
در کشیده یکدگر ۱: ۳۵۳۹
در کف آید ۵: ۲۱۵۱
در کفِ او از ۳: ۳۰۴۱
در کف او خار ۱: ۱۹۶۳
در کف او نرمه ۵: ۱۳۵۳
در کَفْتِ دَلْ ۶: ۲۵۰۸
در کفِ تو ۵: ۲۷۸۹
در کفِ جوش ۵: ۲۱۱۰
در کف حق ۳: ۴۲۵۹
در کف داود ۲: ۱۴۸۳
در کفِ دَرکَش ۳: ۳۳۰۰
در کفِ دریا ۴: ۲۶۲۰
در کفِ شاهم ۴: ۱۰۶۴
در کفش بنهند ۵: ۱۷۸۲
در کفش تیر ۳: ۶۲۹
در کفش زنبیل ۵: ۲۷۵۰
در کفِ شیر ۶: ۵۷۷
در کفِ طفلان ۲: ۱۳۹۴
در کفِ نقاش ۶: ۳۳۳۲
در کف هر ۳: ۱۲۶۸
- در کلام آن ۶: ۱۳۸۶
در کلیله ۴: ۲۲۰۳
در کم آمدیابی ۱: ۲۸۴۷
در کمال زشتی ام ۶: ۲۷۰۷
در کمال صنع ۵: ۱۹۳۰
در کمان نهند ۱: ۱۳۸۴
در کمانِ نِه تیر ۶: ۲۳۵۱
در کمانِ نِه گفت ۶: ۲۳۴۹
در کمی افتاد ۲: ۱۲۳
در کمی رفتی ۵: ۴۷۱
در کمینات ۱: ۱۰۴۸
در کمین، این سوی ۳: ۵۱۲
در کمینِ «لا» ۶: ۱۳۷۵
در کمی و خشکی ۲: ۱۸۱۳
در کنارِ رحمت ۵: ۲۲۷۷
در کنارِ لطف ۶: ۲۵۱
در کنایت ۱: ۱۰۵۱
در کُنی اندر ۱: ۱۳۷۲
درک وجدانی ۵: ۳۰۲۲
درکها ۵: ۱۹
در گداز آید ۶: ۲۳۹۴
در گداز این ۶: ۱۴۶۳
در گدایی طالب ۶: ۱۳۶۳
در گدایی لفظ ۵: ۲۶۹۲
در گذار ۳: ۲۲۱۱
در گذراز صورت ۴: ۱۲۸۵
در گذراز فضل ۶: ۲۵۰۰
در گذراز نام ۲: ۳۶۷۹
در گذشت از وی ۶: ۲۷۵۸
در گذشت او ۶: ۴۱۶۲
در گذشته ۵: ۱۷۰۰
در گذشتی ۲: ۲۷۸۲
در گرانی ۳: ۶۲۳
در گیرهها ۲: ۳۷۲۳
در گریز ۶: ۳۷۸

- در گریوه ۳۳۷۸:۴
در گشادِ آسمان‌ها ۲۶۵۱:۱
در گشادِ حُجره ۱۸۶۷:۵
در گشاد ختم‌ها ۱۷۳:۶
در گشاد عقده‌ها ۵۶۱:۵
در گشادن ۸۵:۵
در گشاد و بُرد ۲۳۱۴:۶
در گشاد و گشت ۹۸:۵
در گشای ۱۷۷۳:۳
در گل تیره ۲۲۴۶:۳
در گلستان اندر ۴۴۲۸:۶
در گلستانِ رضا ۲۶۲۵:۲
در گلستانِ عدم ۲۹۴۲:۳
در گلستان، نوحه ۱۸۹۳:۱
در گلو بگرفت ۱۳۹۸:۵
در گلو ماندن ۱۳۲:۲
در گِل و، می‌خنددش ۳۴۲۸:۱
در گلو و معده ۱۲۳:۶
در گلویت مانع ۱۳۳:۲
در گِلّه سلطان ۳۳۴۵:۶
در گمان افتاد جان ۲۰۳۵:۳
در گمان افتاد زن ۲۲۰۰:۵
در گنه او ۱۴۹۰:۱
در گنه خِلعت ۴۳۴۵:۶
در گواره شیر ۴۷۵۶:۶
در گواهی ۱۷۷۲:۴
در گو و، در غارها ۳۸۰۶:۲
در گوی و در ۲۲۳۵:۳
در گِه سودست ۱۴۸۳:۵
در گِه و بیگه ۸۵۱:۳
در گهی بود ۸۴۶:۶
در گهی را ۱۱۶۸:۴
در لب و کفش ۹:۴
در لحد کین ۹۴۱:۲
- در لغت ۲۹۳۰:۴
در لگن قی ۳۵۶۹:۲
در لواطه ۱۷۳۲:۶
در لَهَب‌ها ۲۸۸۱:۵
در متاع ۲۰۳۲:۴
در مثالِ عکس ۳۱۹۰:۶
در مثال قصه ۲۹۵۴:۳
در مثالی ۱۰۵۳:۱
در مجاعت، پس ۳۶۷۱:۶
در مجاعت، منتظر ۱۷۵۲:۵
در مجالس ۲۶۱۷:۶
در محاق ار ۳۱۶۳:۱
در محبت ۱۲۰۲:۳
در می‌حکّی‌اش ۲۰۸۷:۲
در محلّ دخل ۱۴۸۳:۵
در محلّ قهر ۳۷۸۶:۱
در مُخَنَّت ۱۹۵۷:۳
در مدارس ۱۳۶۵:۶
در مدزد ۲۷۲۰:۶
در مدیح این ۱۸۶۰:۱
در مدیحت ۴:۵
در مدینه ۱۳۹۰:۱
در مراتب از ۴۵۹:۵
در مراتب، هم ۷۴:۶
در مَران ۴۵۶۷:۳
در مرض ۱۶۹۸:۵
در مروت، ابر ۳۷۳۳:۱
در مَرَوّت خود ۳۷۳۲:۱
در مری‌اش ۲۶۲۴:۶
در مریدان ۵۵۰:۱
در میزاجش ۶۵:۱
در مزارع ۱۳۶۴:۶
در مَزیدست ۱۸۱۲:۲
در مشارق ۲۹۸۶:۶
در مصاف آن ۳۷۳۵:۶
- در مَصاف آید ۶۳۸:۵
در مَصاف و جنگ ۱۸۵۱:۳
در معاصی ۳۵۳:۳
در معانی تجزیه ۶۸۱:۱
در معانی، قسمت ۶۸۱:۱
در مَقَارِس ۱۳۶۴:۶
در مَقَاقِی ۴۱۴۷:۵
در مَقَاذِة مُظْلِمِی ۴۰۹۸:۶
در مَقازه هیچ ۲۷۰۶:۱
در مقالات آن ۲۶۸۴:۵
در مقالاتِ نوادر ۲۷۳:۵
در مقامِ احتمال ۳۰۵۳:۲
در مقامِ امن رفت ۱۳۱۶:۲
در مقامِ امن و ۲۸۶۷:۳
در مقامِ سخت ۲۲۲۳:۳
در مقامِ سیرکگی ۲۶۰۲:۱
در مقامِ سنگی ۱۹۴۶:۵
در مقامِ عاقلان ۱۸۵۸:۲
در مقامی زهر ۲۵۹۹:۱
در مقامی کفر ۲۵۹۹:۱
در مقامی مسکنی ۱۹۲۶:۳
در مقامی هست ۲۵۹۸:۱
در مکافاتِ تو ۱۰۷۱:۳
در مکافاتِ جفا ۱۵۰:۱
در مُکَنَّم پرده ۳۷۹۰:۶
در مکن در ۱۰۸۷:۴
در ملاححت ۳۱۳۹:۴
در ملامت کئی ۳۶۸۳:۴
در ملولان ۳۶۱۲:۳
در مَمالک ۳۸۵۷:۱
در من آمد آنکه از ۱۲۷۵:۱
در من آمد آن که دست ۱۲۷۳:۱
در من آن بَدَرگ ۲۱۱۸:۲
در من آویزید ۱۱۶۵:۲

- در من آی ۴۳۶:۵
در مناجاتم ۲۲۵۹:۵
در من و ما ۳۰۱۲:۱
در مَنّی او ۱۳۱:۳
در مهندس بود ۹۶۵:۲
در مهندس بین ۱۷۹۱:۵
در میا با آن ۱۱۳۴:۶
در میانِ آخر ۲۳۶۸:۵
در میان آرا ۱۰۴۱:۱
در میان آن بیابان ۳۱۳۱:۳
در میانِ آن دو عالم ۲۷۴۶:۲
در میانِ آن دو لشکرگاه ۲۱۵۶:۶
در میانِ آن زنان ۳۳۲۶:۵
در میانِ اژدها ۶۰۹:۴
در میانِ اِصْبَعین ۷۵۹:۱
در میان اَمّت ۴۸۳:۶
در میانِ این دو افزونی ۱۶۶۷:۴
در میان این دو فرقی ۱۴۶۵:۶
در میان این دو مرگ ۳۰۹۳:۴
در میانِ این محیط ۲۴۸۳:۱
در میان این مناجات ۳۸۰۵:۲
در میانِ باغ ۱۰۸۳:۴
در میان بحر ۱۹۵۳:۳
در میان، بس ۲۳۸۶:۱
در میانِ بندگان ۳۵۸۴:۱
در میان بیست ۶۶۲:۳
در میان بیضه ۳۴۴۹:۶
در میان بیوگان ۳۸۲۵:۶
در میانِ پایِ زن ۳۸۸۰:۵
در میانِ پنبه ۱۵۹۵:۱
در میانِ تونیان ۲۵۴:۴
در میان جان ایشان ۲۵۷۸:۲
در میان جانِ تو را ۲۵۷۷:۲
- در میانِ جانِ خودمان ۵۰۳:۳
در میان جانسان ۴۳۹۸:۶
در میانِ جان فتادش ۲۳۴۱:۳
در میانِ جاهلان ۳۵۷:۱
در میانِ جبری ۳۲۱۴:۵
در میانِ جزوها ۴۶:۶
در میانِ جغد ۱۱۳۴:۲
در میانِ چوب ۳۰۳:۵
در میانِ حیس ۵۹:۳
در میانِ حدّ ۱۲۸۶:۴
در میانِ حوض ۲۶۹۹:۴
در میانِ خاک ۲۹۰۱:۵
در میان خانه آوردش ۱۳۸۳:۵
در میان خانه افتاد ۳۵۶۶:۶
در میانِ خرگهی ۳۵۱۰:۶
در میانِ خواب ۳۵۸۶:۲
در میان خون ۲۴۵۰:۲
در میان دلق پوشان ۲۹۳۷:۲
در میانِ دولت ۱۷۶۷:۵
در میان راهِ بی‌گل ۵۰۰:۵
در میانِ راه می‌افتد ۲۰۹۶:۴
در میانِ روزِ روشن ۲۸۸۹:۵
در میان روز گفتن ۲۷۲۴:۳
در میانِ روزن ۳۲۰۳:۶
در میانِ ره مَباش ۳۴۴۲:۲
در میانِ رَه نشاند ۱۲۲۷:۲
در میان سنگلاخ بی ۲۳۲۷:۵
در میانِ سنگلاخ و ۲۳۵۵:۵
در میانِ آنکه ۳۶۲۳:۱
در میانِ نشانِ بَرَزَخْ لَا یَبْقِیان ۲۹۷:۱
در میانِ نشانِ بَرَزَخْ لَا یَبْقِیان ۲۵۷۰:۱
در میانِ نشانِ بَرَزَخْ لَا یَبْقِیان
- ۱۳۷۱:۲
در میانِ نشان صد ۲۵۷۲:۱
در میانِ نشانِ فارق ۲۶۸۰:۶
در میانِ نشان، کوه ۲۵۷۱:۱
در میانِ نشان هست ۲۱۰۱:۲
در میان شاه ۴۵۵:۱
در میانِ شصت ۳۲۹۶:۴
در میانِ شمس ۳۲۰۱:۶
در میان شهر چون ۲۷۱۷:۱
در میان شیر ۳۶۱۹:۲
در میان صالحان ۲۶۲۲:۶
در میان صد خیالی ۲۱۳۷:۵
در میان صد گرسنه ۵۵۲:۲
در میانِ عمق ۲۶۷۲:۵
در میان قصرها ۳۵۰۹:۶
در میان قوم ۸۱:۱
در میانِ کافرستان ۳۳۶۷:۵
در میانِ کوی می‌گیری ۱۰۴۸:۴
در میانِ کوی یابد ۳۳۴۵:۳
در میانِ گریه ۶۲:۱
در میانِ لشکر ۷۹۲:۴
در میانِ لوطیان ۴۱۱۰:۶
در میانِ لیلی ۲۰۱۹:۵
در میانِ ماتمی ۱۸۷۳:۳
در میان مار ۵۹۶:۲
در میانِ مَاند ۲۴۸۶:۱
در میانِ ما و ۳۳۹۱:۴
در میانِ مُستراحی ۳۷۲:۴
در میانِ مصرِ ۴۱۲۷:۵
در میانِ منعمان ۷۳۳:۳
در میان موج دید ۲۱۷۹:۳
در میانِ موج و بحر ۲۰۲۹:۶
در میانِ ناقدان ۱۷۸۲:۴
در میانِ بیدلی ۲۴۶۷:۶

در نماز: اِهْدِ ۱: ۲۲۳۴*	در نظر آتش ۱: ۱۱۴۷*	در میانه داشتی ۲: ۷۴۱*
در نماز این ۳: ۲۱۷۴*	در نظر آنج ۶: ۳۴۵۸*	در میان هر دو بحر ۶: ۴۲۸۲*
در نماز جمعه ۶: ۱۵۹۳*	در نظر بودش ۶: ۲۸۶۶*	در میان هر دوشان ۴: ۱۱۵۵*
در نماز و روزه ۱: ۲۸۶*	در نظر چون ۱: ۱۰۰۳*	در میان هر دو فرقی ۲: ۴۹۷*
در نمد پیچید ۶: ۳۸۳۱*	در نظر رَوُ ۶: ۱۴۶۳*	در میان هر دو کوه ۳: ۸۱۴*
در نمد در ۱: ۲۷۲۱*	در نظرشان ۲: ۱۴۷۲*	در میانه، گریه‌ای ۱: ۲۴۱۸*
در نمک لان ۲: ۱۳۴۴*	در نظر کند ۵: ۱۴۵۷*	در میان همدگر ۳: ۴۰۰۳*
در نوا آرم ۶: ۷۲۲*	در نظرمان ۶: ۴۷۳۴*	در میان هوشیار ۴: ۲۸۱۷*
در نوای طوطیان ۱: ۲۴۹*	در نظر ناید ۳: ۲۶۲۵*	در میان یارب ۵: ۲۲۷۲*
در نوردید ۶: ۳۱۱۹*	در نظرها ۶: ۴۶۴۳*	در میان، یک زَقت ۵: ۷۴*
در نهادِ من ۴: ۳۵۳۰*	در نعیم ۵: ۱۲۰۱*	در میفتید ۱: ۳۴۱۴*
در نهان، جان ۱: ۱۷۰۱*	در نُغولی ۴: ۷۴۵*	در میفکن ۱: ۱۶۰۷*
در نهان، خاکی ۱: ۲۴۶۱*	در نفاق ۲: ۵۷۲*	در نبرد آید ۳: ۱۲۴۳*
در نهانخانه ۳: ۳۳۹۴*	در نفیرم مرد ۱: ۲۰*	در نبرد و غالبی ۳: ۴۵۶۵*
در نهانش ۶: ۳۲۳*	در نگر ای ۴: ۱۴۸۱*	در نُبی آورد ۱: ۲۵۳۹*
در نهانی ۲: ۱۵۷۰*	در نگر، بشناس ۵: ۲۹۹۹*	در نُبی ان استطعتم ۶: ۴۵۱۳*
در نیاموزید ۲: ۳۰۷*	در نگر پس ۳: ۳۸۱۳*	در نُبی انداز ۱: ۲۲۳۱*
در نیاید در ۵: ۱۱۹۵*	در نگر تا جانی ۱: ۲۶۸۳*	در نُبی بشنو ۶: ۲۰۷*
در نیاید نکته‌ای ۲: ۵۸۴*	در نگر حاصل ۲: ۹۶۹*	در نُبی شارکهم ۵: ۲۷۲*
در نیایند ۶: ۱۴۲۹*	در نگر در ارتعاش ۶: ۲۵۶۴*	در نُبی فرمود کای ۱: ۳۹۶۸*
در نیابد آن ۱: ۲۳۳۵*	در نگر در درد ۵: ۳۵۴۹*	در نُبی فرمود کین ۶: ۶۵۶*
در نیابد جز ۵: ۳۷۸۲*	در نگر در شرح ۵: ۱۰۷۲*	در نُبی که لا أُجِبَ ۶: ۹۵*
در نیابد حال ۱: ۱۸*	در نگر در صنعت ۳: ۱۷۶۶*	در نُبی که ماعَلَى ۲: ۱۵۴۱*
در نیابد ذات ۲: ۱۷۱۷*	در نگر ز آن ۵: ۵۸۹*	در نثار ۳: ۲۹۳۴*
در نیابد زین ۶: ۱۰۴۲*	در نگر کآدم ۱: ۲۱۴۰*	در ندارم ۶: ۲۳۳۵*
در نیابد عقل ۲: ۳۲۶۰*	در نگنجد در هزاران ۳: ۱۲۲۸*	در ندامت ۲: ۳۳۵۲*
در نیابد کو ۶: ۴۵۱۶*	در نگنجد عشق ۵: ۲۷۳۱*	در ندیدی ۶: ۱۰۴۵*
در نیابد لطف ۵: ۲۳۳*	در نگنجیدی در او ۱: ۲۰۹۸*	در ندیمی ۶: ۳۹۴۰*
در نیابی ۵: ۱۲۴۱*	در نگنجیدی ز رَفَستی	در نَرش کردی ۵: ۱۳۳۵*
در نیاز ۱: ۱۹۰۹*	۳: ۲۶۲۳*	در نزاع ۲: ۳۳۴۰*
در نیاورند ۱: ۱۰۰۶*	در نگیرد این سخن ۶: ۴۷۱۹*	در نشاط ۶: ۵۱۳*
در نیاید، بر ۲: ۳۷۴۲*	در نگیرد با خدای ۶: ۳۸۳۸*	در نصیحت خویش ۴: ۲۸۶*
در نیاید زود ۴: ۱۸۹*	در نلغزی ۳: ۴۲۰۹*	در نصیحت من ۱: ۲۵۵۲*
در نیفتادم ۲: ۳۰۳۲*	در نماز آمد ۲: ۳۰۲۸*	در نصیحت هر دو ۵: ۲۰۶۵*
در نیفزاید ۵: ۲۹۳۸*	در نماز استاده بُد ۲: ۳۷۹۲*	در نظاره ۴: ۱۰۵۴*

در وِثاقِ اندر ۲: ۲۷۹۳#	در هزیمت در دَهی ۳: ۲۶۱۸#	در هوا می کرد ۳: ۱۱۰۳#
در وِثاقِ او ۶: ۳۱۳۰#	در هزیمت رخت ۳: ۳۷۰۸#	در هوای آسمان ۵: ۱۷۳۱#
در وِثاقِ مُصطفیٰ ۵: ۱۲۱۰#	در هزیمت رفته ۱: ۱۸۹۲#	در هوای آنکه ۳: ۲۲۴۰#
در وِثاقِ موش ۳: ۲۱۱۹#	در هزیمت زین ۳: ۲۰۳۱#	در هوای بحر ۲: ۹۱۲#
در وجود آدمی ۱: ۲۲۲۲	در هزیمت کشته شد از رای ۳: ۱۰۶۶#	در هوای جنس ۶: ۲۳۸۵#
در وجود آید ۱: ۷۴۵#	در هزیمت کُشته شد مردم ۳: ۱۰۶۸#	در هوای دستبوس ۶: ۱۱۰#
در وجود از ۳: ۳۶۵۲	در هلاکِ آن یکی ۲: ۳۰۴۷#	در هوای شینگ ۶: ۲۱۱۷#
در وجودت رهزین ۴: ۱۲۴۶#	در هلاکِ قوم ۱: ۷۴۰#	در هوای عشق ۱: ۱۳۴۷#
در وجود تو ۱: ۲۶۴۵	در هم آمیزد ۲: ۱۵۹۴#	در هوای غیب ۶: ۳۳۰۶#
در وجودِ جَدّ ۳: ۳۳۶#	در هم آید ۳: ۲۸۹۲#	در هوای گرم ۳: ۱۰۶۲#
در وجودِ خود ۲: ۳۸۸#	در هم افتادند ۱: ۷۰۲#	در هوای نابکاری ۳: ۱۶۵۱#
در وجودِ زنده ۱: ۱۵۳۵#	در هم افتاده ۳: ۲۰۱۵#	در هوس افتاد ۶: ۳۶۵۷#
در وجودش ۵: ۱۷۰۶	در همان دَم ۱: ۳۲۸۳#	دُرّه های ۱: ۲۹۳۷#
در وجود ما ۲: ۱۴۱۷	در همش آرد چو ۴: ۵۱۸#	در یکی باشد ۳: ۲۲۷۰#
در وجودم، جز ۵: ۲۰۲۳#	در همش آرد گهی ۶: ۳۹۴۸#	در یکی پیهی ۲: ۳۲۹۰#
در وجوه و وجه ۶: ۲۲۳۹	در هم و آشفته ۵: ۲۱۹۹#	در یکی ترّه ۵: ۳۰۶۲#
در وحل، تأویل ۲: ۳۳۵۸	در همه خمخانه ها ۲: ۳۴۱۸	در یکی حُقه ۵: ۹۰۹#
در وصال، آیات ۲: ۲۸۱۱#	در همه ز آیینّه ۶: ۱۰۱۴	در یکی دُرُست ۴: ۳۰۲۶#
در وصالِ حق ۲: ۴۴۷#	در همه عالم اگر ۶: ۷۶۱#	در یکی راه ۱: ۴۶۵#
در وضو هر ۴: ۲۲۱۳	در همه عالم نمی گنجم ۵: ۲۳۱۳#	در یکی کان ۶: ۲۸۲۸#
در وفا بنگر ۴: ۲۵۷۲#	در همه عمرش ۳: ۲۰۱#	در یکی گفته بکش ۱: ۴۷۷#
در وفا بودند ۳: ۲۸۶#	در همه کاشان ۶: ۳۲۲۹#	در یکی گفته ریاضت ۱: ۴۶۶#
در وفای آن اشارت ۱: ۹۳۴#	در همه ملکم ۲: ۳۱۹۳#	در یکی گفته کزین ۱: ۴۷۴#
در ولادت، ناطق ۴: ۳۰۴۳#	در هنر از شاخ ۲: ۱۹۶۸#	در یکی گفته که آنچت ۱: ۴۸۰#
دُرّها از قعر ۴: ۱۵۱۵#	در هنر من ۵: ۱۹۲۴	در یکی گفته که اُستادی ۱: ۴۹۰#
دُرّها بودند ۳: ۲۲۹۱	در هوا آویخته ۶: ۲۹۴۶#	در یکی گفته که اُستاهم ۱: ۴۹۳#
در هر آنجا ۴: ۱۹۸۸	در هوا برداشت ۶: ۲۴۸۰#	در یکی گفته که امر ۱: ۴۷۰#
در هر آن کاری که میل است ۱: ۶۳۵	در هوا تو ۵: ۲۵۰۹#	در یکی گفته که این ۱: ۴۹۵#
در هر آن کاری که میلست ۱: ۶۳۶	در هوا چون بشنود ۲: ۲۶۶۰	در یکی گفته که بگذار ۱: ۴۸۲#
در هزار آتش ۴: ۲۷۳۱	در هوا چون موج ۵: ۳۸۸۵#	در یکی گفته که جَوّع ۱: ۴۶۷#
در هزاران ۱: ۳۰۲	در هوا، که ۵: ۴۱۸۱#	در یکی گفته که صد ۱: ۴۹۶#
در هزیمت از ۳: ۱۰۶۸	در هواکی ۱: ۱۱۴۳#	در یکی گفته که عجز ۱: ۴۷۲#
در هزیمت بس ۳: ۱۰۴۸		در یکی گفته که واجب ۱: ۴۶۹#
		در یکی گفته مکش ۱: ۴۷۵#

دست حق باید ۳۰۶۷:۱	دست زاهد ۱۶۸۱:۳	دستگیر صد ۳۲۷۶:۵
دست حق می‌راندش ۲۹۷۳:۱	دست زد ۱۵۰۷:۶	دست گیرنده ۲۵۳۱:۲
دست خاید، جامه‌ها ۳۲۷۹:۳	دست زن در ۳۳۳۴:۵	دست‌گیری ۹۸:۱
دست خایند ۳۷۱۸:۶	دست زیر ۲۷۹۲:۵	دست لرزان ۱۶۲۹:۳
دست خایی بعد ۲۵۴۶:۴	دست سوی آسمان ۲۲۵۶:۱	دست لرزد ۱۶۳۰:۳
دست خاییدن ۳۳۴۵:۱	دست سوی خاک ۱۵۵۹:۵	دست ما چون ۳۹۰۴:۱
دست خود خایان ۱۶۵۲:۱	دست سوی موزه ۳۲۴۱:۳	دست ما را دست ۱۹۱۸:۲
دست خود خشمین ۴۰۴۹:۳	دستشان کز ۲۵۶۶:۱	دستم اندر ۲۲۱۷:۴
دست خوش می‌باش	دستشان گیرای شه ۲۲۰۹:۳	دست ما و پای ۱۶۹۰:۳
۳۴۵۵:۲	دستشان گیرد ۳۶۲۶:۶	دست ما و دامن ۱۷۸۲:۳
دست داده‌ست ۲۴۲۰:۵	دست شد بالای ۹۶۷:۳	دستمزد ما رسد ۲۷۰۸:۳
دست، داری ۹۳۱:۱	دست طمع اندر ۲۲۳۳:۳	دستمزد و اجرت ۵۸۶:۵
دست در آب ۳۶۸۷:۱	دست ظالم ۱۵۷۵:۶	دستمزدی ۲۷۰۸:۳
دست در تسلیم ۳۰۷۳:۳	دست ظاهر ۳۱۱۰:۵	دست من اینجا ۲۲۱۷:۴
دست در تقلید ۵۲۲:۳	دست عقل آن ۱۸۲۷:۳	دست من بر بسته ۳۹۵:۴
دست در دست ۳۵۷۱:۱	دست عقل مصطفی ۱۶۹:۵	دست من بسته ۳۰۶۷:۵
دست در دیوانگی ۲۳۲۸:۲	دست فضل توس ۲۲۱۸:۴	دست من بشکسته ۲۵۵:۱
دست در زیر ۲۷۸۸:۵	دست، گان لرزان ۱۴۹۷:۱	دست من بنمود ۱۹۲۰:۲
دست در شاخ ۲۰۳۲:۳	دست، کاری می‌کند ۴۷۸:۳	دست موسی ۳۵۲۲:۴
دست در فتراک این دولت	دستکت بوسم ۱۷۲۳:۲	دست می‌برد ۱۹۲۳:۶
۴۴۰۹:۶	دست کرد او ۱۵۸۲:۵	دست می‌خاید و جامه
دست در فتراک این رحمت	دست کرده ۱۷۵:۴	۲۱۸۴:۱
۲۹۲۳:۳	دست کوتاهی ۴۵۷۴:۳	دست می‌خاید و می‌گفت
دست در کرده ۲۱۳۸:۵	دست، کورانه ۳۴۹۲:۶	۳۷۶۸:۶
دست درکن ۴۰۱:۵	دست، کی بودی ۱۵۳:۱	دست می‌دادش ۲۰۶۵:۴
دست در وی ۲۱۹۲:۴	دست کی جنبه به ۳۳۵۱:۳	دست می‌زد بهر ۲۰۸۳:۴
دست، دست ۲۳۵۷:۲	دست کی جنبه چو ۸۳۱:۶	دست می‌زد جا ۱۵۷:۱
دست دیگر ۳۵۱۰:۵	دست کی جنبه مرا ۴۰۴۷:۵	دست می‌زد چون ۱۳۴۱:۱
دست را اندر ۷۸۲:۱	دست گوید ۲۲۱۳:۵	دست می‌مالید ۵۰۵:۲
دست را بر ازدها ۳۳۸۶:۳	دست‌گیر، ار نه ۲۷۰۶:۲	دست ناید ۴۸۶:۵
دست را بر حرف ۱۸۵۹:۳	دست‌گیر از ۲۴۴۴:۲	دست ناقص ۱۶۱۱:۱
دست را برداشت ۳۷۹۸:۲	دست‌گیر، ای دست ۴۶۳۱:۳	دست نه ۵۵۸:۴
دست را در هر ۱۸۱۷:۱	دستگیر این ۲۶۶۲:۴	دست، نی تا ۶۱۴:۱
دست را دستان ۱۴۷:۲	دست‌گیرد ۲۵۳۳:۲	دست، نی و جزو ۱۷۶۵:۳
دست را مسپار ۷۳۶:۵	دست‌گیرش ۳۱۵۸:۴	دست نی و گو ۳۰۲۲:۳

دست و آلت ۳۰۹:۲	دست‌ها در ۲۱۸۳:۳	دشمنِ عیسی ۳۲۴:۱
دست وادار ۲۲۳۵:۳	دست‌ها را شرحه ۲۰۹۹:۴	دشمنِ ما را ۶۹۲:۵
دست و پا انداخت ۸۲۲:۴	دست‌های مصطفی ۳۱۷۱:۳	دشمن و باطل کُن ۲۲۹۰:۴
دست و پا باشد ۲۳۷۵:۶	دست هر نااهل ۳۲۷:۲	دشمنِ هر جا ۲۱۸۵:۴
دست و پا بدهد ۲۲۱۲:۵	دستِ گل ۱۱۱۲:۳	دشمنی آن ۸۹۵:۵
دست و پایِ بی‌میل ۱۶۱۹:۳	دست هم بالای ۷۴۹:۵	دشمنی با جان ۷۹۷:۴
دست و پا دامت ۲۱۵۳:۳	دست همچون ۹۳۳:۱	دشمنی داری ۴۰۵۵:۳
دست و پا دادند ۳۱۶۳:۵	دست همدیگر ۳۵۴۰:۱	دشمنی عاقلان ۱۹۳۰:۲
دست و پا در امر ۳۵۶۸:۱	دستِ چه؟ ۱۸۲۳:۴	دشمنی‌گیری ۳۶۲۵:۳
دست و پا در جُرم ۱۶۲۰:۱	دست می‌دید ۲۷۱:۳	دعوتِ اهل ۸۵:۴
دست و پا در حق ۱۷۴۴:۲	دست‌ها را ۱۹۶۰:۶	دعوت ایشان ۲۳۱:۳
دست و پا در خواب ۱۶۱۲:۳	دشمن آب است ۲۰۳۹:۶	دعوتِ دین کن ۸۴۳:۶
دست و پا شاهد ۳۲۰۶:۳	دشمن آن باشد کزو ۷۹۳:۲	دعوت زاریست ۱۵۹۹:۵
دست و پا مَرِیخ ۱۱۱:۶	دشمن آن باشد که ۷۹۰:۲	دعوتش کردند ۷۶۴:۳
دست و پا و آشنا ۱۳۱۱:۳	دشمن آن نَبود ۷۹۰:۲	دعوت مکارشان ۸۶۳:۳
دست و پاهاشان ۲۱۵۳:۱	دشمن ارچه ۱۱۹۲:۱	دعوی‌اش افزون ۲۲۷۲:۱
دست و پای او ۲۱۵۲:۱	دشمنان، او ۱۸۳۷:۱	دعوی او در ۶۹۹:۱
دست و پایش خشک ۷۷۰:۲	دشمنان را بازشناسی	دعوی پیغمبری ۱۱۴۰:۵
دست و پایش را پُر ۳۰۴۵:۵	۱۱۹۴:۱	دعوی دیدن ۱۰۲۴:۳
دست و پایش ماند ۳۱۶۸:۳	دشمنان رازین ۳۰۹۹:۶	دعوی شاهی ۶۵۵:۱
دست و پای ما ۳۱۱۰:۵	دشمنان، شَهوات ۲۶۸۵:۲	دعوی شمع ۴۱۳:۵
دست و پای می‌زند ۱۸۱۸:۱	دشمن این حرف ۳۴:۴	دعوی ما ۲۷۱۶:۳
دست و پیشانیش ۹۴:۱	دشمن این خواب ۱۱۱۵:۳	دعوی مرغ آبی ۴۰۶۳:۶
دست و جامه ۴۴۹:۱	دشمن بیداری ۲۷۵۶:۲	دفترِ تقلید ۴۵۹۵:۳
دست و چشمِ خَویشت	دشمن تو ۲۷۳۸:۴	دفترِ خود ۱۲۸۷:۶
۳۳۵۲:۴	دشمن جان ۲۰۷:۱	دفترِ صوفی ۱۵۹:۲
دست و دامن ۶۶۹:۱	دشمن خود بوده‌اند ۷۸۹:۲	دفترِ طب ۱۹۸۱:۶
دست و رُو را شُست ۳۲۳۹:۳	دشمنِ خود را ۳۳۹۵:۶	دفتر و درس ۳۸۴۷:۳
دست و رُو می‌شُست	دشمنِ درویش ۲۶:۴	دفتر و دیوان ۱۰۸۲:۳
۱۳۲۹:۶	دشمن راه است ۲۹۵۴:۱	دفتری باشد ۱۵۸:۲
دست و سَر ۱۴۹۴:۵	دشمن راه خدا ۳۴۸۹:۵	دف زند ۲۵۱۷:۵
دست‌ها بپیرده ۳۵۳۲:۱	دشمن روزند ۲۹۰:۲	دفع آن عَلت ۲۶۸۴:۳
دست‌ها بر کرده‌اند ۲۰۱۴:۱	دشمنش می‌دار ۱۲۳۷:۵	دفع او را ۲۹۵:۶
دست‌ها بر کسب ۲۴۱۹:۵	دشمنِ شه ۹۱۰:۳	دفع او می‌خواهد ۲۹۳۳:۵
دست‌ها بسته ۳۷۵۲:۵	دشمن طاوس ۲۰۸:۱	دفع این صفا ۱۸۶۷:۲

دفع این کوری ۲۷۳۱:۳	دل بیارامد ۴۲۷۶:۶	دل قوی دار ۴۹۰۵:۶
دفع پندارید ۳۳۸۵:۳	دل تو این ۲۲۶۳:۳	دل کباب و جان ۴۶۰۱:۶
دفع تیغ جوع ۲۱۷۰:۶	دل تو را در ۷۲۵:۱	دل کباب و، سینه ۲۶۶۱:۲
دفعشان کرد ۲۸۶۵:۲	دل چرا ۴۴۷:۶	دل که او بسته ۱۷۹۱:۱
دفع علت ۲۶۹۸:۳	دل چو بر انوار ۴۳۱۶:۳	دل که دلبر ۲۶۳۹:۶
دفع کن از ۱۹۴۵:۲	دل چه داند ۱۹۷۷:۳	دل که گر هفصد ۸۷۲:۵
دفع کن دلگان ۲۰۶۸:۴	دل چه می گوید ۳۵۷۴:۱	دل گواهی ۱۵۸۸:۲
دفع می خواهی ۱۴۹:۴	دلخوشی ۱۰۹۵:۲	دل میوشان ۲۶۸۲:۱
دفع می گفتم ۲۴۲۱:۲	دل در آن لحظه ۳۲۴۹:۳	دل، محیط ست ۲۲۷۲:۳
دفع وهم ۱۷۲۰:۳	دل درون ۲۲۳۵:۲	دل مدزد از ۱۱۶۰:۵
دفع کردش ۱۳۰۷:۴	دل ز اندیشه ۳۰۲۹:۱	دل مده ۷۲۳:۱
دفع می کرد ۴۳۵۷:۳	دل ز پایه ۱۳۶۹:۲	دل مگر رنجور ۲۷۳۷:۲
دل از این بر کن ۱۰۷۲:۳	دل ز جان ۴۲۲۰:۵	دل مگر مهر ۳۵۷۵:۱
دل اسیر ۴۰۶۴:۳	دل ز دانش ها ۱۱۲۳:۳	دل نباشد تن ۸۳۷:۲
دل ببیند سیر ۱۳۵۷:۴	دل ز رأی ۲۲۳۱:۴	دل نباشد غیر ۲۲۶۹:۳
دل ببیند نار ۴۴۳:۵	دل ز هر علمی ۱۰۸۹:۲	دل نجوید ۸۳۷:۲
دل ببینیم ۲۱۷۴:۴	دل ز هر یاری ۱۰۸۹:۲	دل ندادش ۲۱۳۲:۴
دل بخواهد پا ۳۵۶۹:۱	دل شده ۶۶۱:۶	دل ندارم ۱۷۰۵:۲
دل بخواهد دست ۳۵۷۰:۱	دل شدی ۴۴۶۴:۳	دل نظرگاه ۲۲۶۹:۳
دل بخور تا ۲۴۴۲:۲	دل شکسته، سینه ۴۲۲۵:۶	دل نگردانم ۴۲۹۱:۳
دل بدو داند ۳۷۱:۱	دل شکسته گشت ۲۸۳۷:۱	دل نگردد ۳۱۸۳:۱
دل بر آن شهوت ۱۹۰۶:۴	دل شود صاف ۳۶۳۵:۴	دل نگه دارید ۳۲۱۸:۲
دل بر آن کم ۱۸۴۰:۴	دل طَبان ۳۸۶۰:۳	دل نهادم ۱۳۳۳:۳
دلبران را ۱۷۳۹:۱	دل طلب کن ۷۱۵:۲	دل، نیارامد به گفتارِ دروغ
دل بر او بنهند ۲۸۴۵:۲	دل فراخان ۳۶۴۰:۲	۲۵۷۶:۶
دل برنجاند ۱۱۵۴:۲	دل فرازِ عرش ۲۲۴۵:۳	دل نیارامد به گفتارِ دروغ
دلبر و مطلوب ۲۹۳۴:۳	دل فرو بسته ۲۹۳۳:۳	۲۷۳۵:۲
دلبری می کند ۷۵۲:۵	دل فُردَت ۲۱۸۳:۶	دل نیایی ۱۷۵۱:۱
دل بسختی ۱۶۴۵:۲	دل ق بیرون ۳۴۸۲:۲	دلِ او در اَصْبَعین ۴۵۷۵:۶
دل بمیراند ۱۷۴۰:۲	دل ق چرکین ۲۰۷:۵	دلِ او فارغ ۴۵۷۳:۶
دل، به دستِ او ۱۳۲۴:۲	دل ق خود می دوخت ۳۲۱۱:۲	دلِ او قوت ۴۵۷۴:۶
دل به دستم ۲۸۹۴:۲	دل ق از ده ۲۵۶۰:۶	دلِ او پر آبست ۴۲۳۳:۵
دل به رضوان ۳۳۸۴:۱	دل ق اندر ۲۵۱۳:۶	دلِ او چه و حبل چه ۴۵۷۶:۶
دل به کعبه ۵۳۳:۴	دل ق و اشکی ۱۶۳۲:۱	دلِ او غَوَاص ۴۵۷۴:۶
دل بیابد ۳۴۷۱:۴	دل قوی تر ۱۴۲۲:۱	دلِ او وابسته ۴۵۷۵:۶

دل‌وهای دیگر ۶: ۴۵۷۳	دَم به دَم ز انبار ۴: ۳۷۳۸*	دم نمی‌گردد ۴: ۱۳۶
دل همو ۶: ۴۰۴۶*	دَم به دم قوت ۵: ۱۷۴۹*	دَم نمی‌گیرد تو ۲: ۳۱۳۳*
دل همی خواهد ۵: ۸۶۸*	دم به دم ما ۱: ۳۷۵	دم نیاری ۵: ۳۲۴۸
دل همی سوزد ۵: ۱۶۶۰	دَم به دم من پرده ۵: ۶۰۸*	دُنبه کی ۳: ۲۷۲*
دل همی گوید ازو ۱: ۱۷۸۲	دَم به دم می‌بین ۵: ۲۰۴۰*	دنبه مسپارید ۲: ۱۱۴۵*
دل همی گوید خموش ۴: ۲۶۵۰	دم به دم می‌خوان ۴: ۳۱۹۱*	دو به دو ۳: ۶۹۸*
دل همی لرزد ۴: ۱۱۴۳	دَم به دم می‌کرد ۶: ۴۶۴۱*	دو جَوَالِی ۲: ۳۱۷۶*
دُم این ۶: ۱۱۲۱	دم به دم نقش ۵: ۳۱۳*	دو جوان بودند ۳: ۱۱۶۱
دُم بجنابیم ۳: ۲۲۳۲	دَم به دَم یا لَیْت ۳: ۲۰۱۶*	دو جهان، محکوم ۱: ۳۵۸۰*
دَم بخور در ۴: ۴۳۸	دمدمه ایشان ۱: ۱۰۵۸	دو جهانی، خالص ۴: ۲۵۶۹*
دمدم هر ۱: ۲۷۳۸	دمدمه این ۶: ۲۰۰۵	دو جهان یک دانه ۵: ۲۷۲۶*
دَم بُود بر روی ۱: ۲۷۴۸*	دمدمه رُوبه ۵: ۲۴۹۵*	دوخته ۴: ۶۸۸*
دَم به دَم آن دَم ۲: ۲۵۳۱*	دم دهد تا پوستت ۲: ۲۵۹	دو خورد ۲: ۳۵۳۳*
دم به دم از آسمان ۵: ۱۷۳۲	دَم دهد تا خونت ۲: ۲۶۰*	دود آن عشق ۳: ۴۴۴۹
دَم به دَم از بیم ۳: ۴۰۶۱*	دم دهد گوید ۲: ۲۵۸	دود آن نارم ۳: ۳۷۱۷
دم به دم از نیستی ۵: ۱۰۲۲	دَم زند تا ۳: ۴۰۳۵*	دُود ازین ۴: ۸۲۸*
دَم به دَم انکار ۶: ۱۰*	دَم زند، دین ۱: ۲۱۵۱*	دودِ او ظاهر ۱: ۱۸۵۶*
دَم به دَم او را ۵: ۱۸۹۰*	دُمّ عقرب ۴: ۸۸۳*	دود، پیوسته ۳: ۳۵۶۹
دم به دم بر ۵: ۱۷۳۱	دَم فرو ۲: ۳۲۰*	دودِ تلخ ۳: ۴۸۶*
دَم به دم بیند ۳: ۲۲۰۱*	دم که مرد ۲: ۱۷۹۳	دود در حلقش ۲: ۲۸۹۷
دَم به دَم جُنبد ۲: ۳۳۵۵*	دَم گاو ۳: ۲۵۲۳	دودِ دوزخ ۲: ۳۷۲۲*
دم به دم چون تو ۶: ۳۸۳*	دُمگِه او ۱: ۲۹۹۱*	دود را با ۲: ۳۳۷۵*
دَم به دَم چون می‌کند ۶: ۳۵۱۲*	دُمگَهَم ۳: ۳۷۱۶*	دودِ مَسَنگ ۴: ۱۸۸۴
دَم به دَم چون نسل ۶: ۱۲۳۲*	دُمّ ماران ۳: ۲۷۶۸*	دود گلخن ۲: ۱۴۵۰*
دَم به دَم خاصیتش ۴: ۵۱۷*	دم مزن تا بشنوی از ۳: ۳۰۵	دودِ گندی ۳: ۴۲۲۷*
دم به دم خط ۴: ۱۷۸۶	دم مزن تا بشنوی زان ۳: ۱۳۰۶	دود مطبخ ۲: ۵۳۰
دَم به دَم خوش ۵: ۳۲۶۹*	دم مزن تا دم ۳: ۱۳۰۷	دود می‌بینم ۳: ۲۹۶۷
دَم به دَم در تو ۱: ۱۸۹۶*	دم مزن سه ۲: ۱۶۷۷	دَو دَوان ۴: ۳۲۳۲*
دَم به دَم در جانِ ۶: ۴۷۶۱*	دَم مزن، وَاللهِ أَعْلَمُ بِالصَّوَابِ	دو دهان داریم ۶: ۲۰۰۲
دم به دم در رُو فتد ۴: ۳۲۲۶	۴: ۲۱۴۵*	دور از آن دریا ۶: ۲۰۳۱*
دم به دم در سوز ۳: ۳۸۰۵	دَم مَزْن، وَاللهِ أَعْلَمُ بِالصَّوَابِ	دور از آن شَه ۳: ۳۷۱۷*
دم به دم در صفحه ۶: ۳۳۳۳	۳: ۱۳۰۴*	دور از او و ۲: ۳۳۰۶
دَم به دَم در می‌رسد ۶: ۲۷۸۰*	دَم مَزْن وَاللهِ أَعْلَمُ بِالصَّوَابِ	دُور از تورنج ۶: ۳۶۰۸*
دَم به دَم در نَزَع ۶: ۷۶۱*	۱: ۱۵۸۴*	دُور از سلطان ۱: ۳۶۳۵*
	دم نزد در ۵: ۱۳۸۸	دور از عاشق ۶: ۴۴۱۸

دور از عقل ۲:۲۰۹۷	دور عثمان ۴:۴۹۰	دوزخی، چون ۴:۱۲۷۸*
دور از و ز ۴:۱۷۱۸	دور عیسی ۵:۳۴۴۲	دوزخی که ۵:۱۹۳۳
دور این خصلت ۵:۱۹۷۲	دور کن آلت ۵:۶۵۰*	دو سبب بستد ۵:۳۴۵۴
دُور بادا ۳:۱۵۹۰*	دور کن ادراک ۶:۳۰۹۸*	دوست از دشمن ۴:۲۷۳۷
دور باشد ۴:۲۵۲۹*	دور کن هم خویش ۱:۱۴۴*	دوستان بین ۲:۱۴۵۸
دورباش غیرت ۵:۳۶۷	دور گردون‌ها ۵:۲۸۵۴	دوستان در ۲:۱۴۳۰
دورباش و نیزه ۴:۳۷۷۳	دور ماند از ۲:۱۵۶۲	دوستان را ۲:۱۴۵۸*
دُور باش هر ۴:۳۲۸*	دور مانند ۳:۹۲۲*	دوستانِ رفته ۴:۲۸۸۳*
دُور باشید ۶:۳۶۳۵*	دور می اندازدت ۳:۹۷۴*	دوستان شهر ۱:۱۶۲
دور بر آن ۲:۳۱۹۷	دُور می بینش ۵:۹۲۸*	دوستان و خال ۳:۲۱۸۷*
دُور بنشین ۲:۸۶۸*	دور می بینی ۴:۳۲۲۹	دوستان هم ۱:۱۸۳۷*
دور بود از ۵:۲۵۶۵	دور می شد ۲:۲۳۹۱	دوست بهر ۴:۱۹۷۲*
دُور بودن ۵:۳۸۰۴*	دو ریاست جو ۵:۵۲۶*	دوست، بی آزار ۶:۴۸۷۴*
دور بود و حمله ۵:۲۵۷۱	دوزخ آن باب ۳:۲۹۹۷*	دوست بینی ۵:۲۱۳۲
دُور بودی ۴:۱۶۸۳*	دوزخ آن بود ۲:۲۵۵۸	دوست پُر بین ۶:۳۲۳۴*
دورِ بیناند ۴:۳۳۰۸	دوزخ آن خشم ست ۴:۱۰۷۸	دوست جمله شد ۵:۲۶۶۵*
دور بیند ۴:۳۲۲۷	دوزخ آنها را ۳:۲۹۹۵*	دوست، حق است ۳:۴۶۱۴
دور بینی ۲:۳۷۳۲	دوزخ از تهدید ۲:۲۲۶۰*	دوست دارد ۱:۱۸۱۹
دورت اندازد ۵:۲۱۲۰*	دوزخ از فرقت ۳:۳۶۹۴	دوست، دشمن ۲:۳۷۲۶
دُورتر ۳:۳۶۵۲*	دوزخ از مؤمن ۴:۲۷۱۲	دوست را چون ۵:۴۲۳۴*
دور توس، ایرا ۲:۳۵۵	دوزخ از وی ۴:۲۷۱۵	دوست را در نزع ۶:۷۶۵*
دُورِ توس، این دم ۶:۳۹۰۴*	دوزخ است از ۲:۲۲۹۰*	دوست را مآزار ۴:۱۹۷۸
دُورِ توس این دُور ۲:۳۵۴*	دوزخ است این ۱:۱۳۷۵	دوست شو وز ۵:۴۲۳۷
دور خواهی ۱:۳۶۰۶*	دوزخ اندر ۳:۲۹۴۵	دوست، کو باقی ۱:۱۴۰۷*
دورِ دائم ۱:۱۳۷۱*	دوزخ اوصاف ۳:۱۹۲۲	دوست کی باشد ۶:۲۲۵۹*
دور دارای مُجرمان ۵:۴۱۱۶*	دوزخت را ۵:۳۰۷۴	دوست کی گردد ۶:۱۱۷۸*
دُوردار این ۲:۳۴۰۸*	دوزخ درویش ۴:۲۵۲۷	دوست گیری ۶:۱۳۱۸
دور دارد ۶:۱۷۴۶	دوزخ ست آن ۳:۲۴۰۴	دوست بُنُود ۳:۴۶۰۷*
دور دور از ۲:۱۴۳۲	دوزخ ما ۲:۲۵۶۸	دوست همچون ۲:۱۴۶۱
دُورِ دُور افتاده ای ۱:۲۴۴۶*	دوزخ و جَنّات ۱:۳۵۳۵	دوستی ابله بتر ۲:۲۰۱۵
دور دور عیسی ۱:۳۶۰	دوزخ و جَنّت ۲:۳۱۰۶	دوستی ابله بود ۲:۱۹۳۱
دور دور و قرن قرن ۶:۲۱۶۲	دوزخی افروخت ۲:۲۲۸۹	دوستی با عاقل ۳:۲۶۹۲*
دور شوای ۴:۹۶۰	دوزخی بودم ببخشیدم	دوستی بیرید ۴:۲۹۵۱*
دور شو بهر ۴:۹۶۱	۵:۲۳۱۰*	دوستی بُردش ۲:۷۳۹*
دور شو تا ۲:۲۴۱۴	دوزخی بودم پُر ۵:۴۱۶۶	دوستی بی خِرَد ۲:۱۷۳۴

دوستی، تخم ۲۶۴:۳	دولتِ خود ۱۱۱۰:۴	دید آلوده ۲۲۰:۱:۵
دوستی تو ۳۵۰:۷:۴	دولت رفته ۱۰۰:۱:۵	دید، آن است ۱۴۰:۶:۱
دوستی جاهل ۱۴۳۱:۶	دولقب را ۲۱۸۹:۶	دید آن باز ۳۲۴:۲
دوستیِ خور ۲۰:۲۷:۵	دو مگو و دو ۳۲۱۵:۶	دید آنجا زلزله ۳۹۶۳:۳
دوستیِ خویش ۲۰:۲۸:۵	دومه و سه ماه ۲۳۸:۳	دید آنجا کاروانی ۳۱۳۳:۳
دوستی و وهم ۳۲۶۰:۵	دون‌ترین کسی ۱۰۵۴:۵	دید آنچه ۲۸۶۳:۶
دو سر انگشت ۱۴۰:۱:۱	دِه امانم ۲۰:۳:۶	دید آن را ۲۹۰:۶:۵
دو سه گویان ۳۱۲:۲	دِه به ۲۷۹۳:۵	دید آن مرشد ۱۴۴۵:۱
دوش ای جان ۴۷۲۹:۳	ده چراغ ار ۶۷۸:۱	دید احمد ۲۳۶۵:۱
دوش چیزی خورده‌ام افسانه ۲۵۱۴:۳	ده چه باشد ۵۲۲:۳	دید از دورش ۸۷۳:۴
دوش چیزی خورده‌ام ورنی ۲۵۱۳:۳	ده حس ۳۵۷۷:۱	دید از زاریش ۱۰۸:۱
دوش خوش ۳۳۸۴:۵	دِه خداوندی ۲۷۷۸:۴	دید اعرابی ۱۴۱۳:۱
دوش دیگر ۱۹۶۰:۱	دِه درِ سنگ اندرونم ۲۲۶۱:۴	دید آنس ۳۱۱۱:۳
دو غم بر ۲۱۵۵:۶	دِه درِ سنگ ست ۲۲۵۴:۴	دید او آن ۹۶۱:۵
دوغ خورده ۲۶۳۰:۱	دِه دهش اکنون که چون ۳۳۱:۶	دید او را شرمسار ۲۱۷۸:۱
دوغ خوردی ۶۸۹:۳	ده دهش اکنون که صد ۳۳۲:۶	دید او را کز ۳۷۱۱:۴
دوغ در ۳۰۴۶:۴	دِه دِه و صد صد ۳۲۴۶:۴	دید او مغلوب ۴۵۷۶:۳
دوغ را ۳۰۳۳:۴	دِه زکاتِ جاه ۲۶۹۱:۶	دیدبان دل ۳۰۴۶:۳
دوغ، روغن ۳۰۴۸:۴	ده زکات روی ۱۷۹۵:۱	دید بر پشت ۱۶۶۴:۳
دو فرشته خوش ۲۲۲۳:۱	دِه زکاتم ۳۸۱۲:۶	دید بر دانش ۳۸۵۸:۳
دو فرشته می‌کند ۳۸۰:۲	دِه گهر ۵۶۶:۶	دید بُرده ۱۲۵۳:۱
دو قبیلہ ۳۷۱۳:۲	دِه مده ۳۴۱:۶	دید بس ۱۳۷۴:۴
دو قضیه ۳۵۵۶:۶	ده مرو ۵۱۷:۳	دید پامرد ۳۵۲۳:۶
دو کس از ۳۰۴۷:۲	دِه مُعرف ۴۴۰:۱:۶	دید پروغن ۲۵۲:۱
دو کِ نطق ۱۸۶۸:۶	ده منادی ۶۶۳:۲	دید پیری ۲۲۳۲:۲
دو لَبش ۷۱۶:۲	ده هزاران زین ۱۲۱۴:۴	دید پیغمبر ۴۴۷۳:۳
دولت آن ۱۷۵۷:۶	ده هزاران وام ۳۷۷:۲	دید پیلی ۱۴۹:۳
دولتِ آینده ۱۰۰:۱:۵	ده هزارش داد ۱۱۶۱:۴	دید تعبیرش ۲۴۳۱:۴
دولت، امشب ۵۲۴:۲	ده هزارش هدیه ۱۱۵۸:۴	دید جانداران ۳۲۸:۴
دولتِ اِنّا ۴۵۰:۲:۳	ده هزاری که ۱۱۵۹:۴	دید چشمش ۲۲۹۱:۵
دولت او را ۳۱۵۷:۵	دِه یکی ۱۰۴۸:۲	دید چون ۲۱۶۷:۲
دولت پاینده ۱۶۹۶:۲	دی چرا تو ۴۰۴۲:۳	دید حکمت ۳۳۵۵:۱
دولت تو ۲۲۵۵:۴	دید آدم ۳۴۶۲:۲	دید خاتون ۱۴۱۷:۵
		دید خفته ۱۳۴۳:۵
		دید خواهد ۴۴۰:۵

دید خود را ۷۲۴:۳	دید علت ۱۷۰۰:۳	دید و لاف خفته ۳۲۳۵:۴
دید خود مگذار ۳۴۸۹:۶	دید قومی ۲۷۴۰:۱	دید و، می بیند ۲۰۵:۴
دید دارد ۹۰۰:۲	دید کآبش ۳۷۹۷:۲	دیده آ، بر دیگران ۴۷۹:۲
دید دانایی ۶۹:۳	دید کآن خرگوش ۱۱۵۰:۱	دیده ابلیس ۲۷۵۹:۳
دید در ایام ۱۸۳۵:۳	دید کآن شربت ۴۷۸۴:۶	دیده ادراک ۴۳۶:۴
دید در خواب ۱۹۲:۳	دید کآن لُبت ۳۸۶۲:۵	دیده را گرد ۴۲۶۶:۳
دید در خواب او شبی ۱۹۰۸:۶	دید کافر ۳۷۵۰:۵	دیده از جان ۹۱۰:۴
دید در خواب او، که ۶۲:۱	دید کاینجا ۷۸۷:۵	دیده از ما ۲۲۱۳:۳
دید در خود ۱۶۹۹:۳	دید کم ۴۸۶۷:۶	دیده اش ۱۳۳:۵
دید در قصری ۳۴۰۹:۳	دید کو سابق ۴۰۶۸:۵	دیده ام آثار ۹۹۰:۴
دید در گاهی ۲۷۳۷:۱	دید کو می کرد ۱۸۴۲:۳	دیده ام پا ۴۵۴۳:۳
دید در وی جمله ۳۴۱۴:۳	دید گرد ۳۸۵:۳	دیده ام خود ۴۳۱۷:۶
دید در وی فر ۲۲۳۲:۲	دید ما را ۹۲۲:۱	دیده ام را ۱۷۵۲:۳
دید دوزخ ۱۳۵۸:۶	دیدم اندر چشم ۱۰۰:۲	دیده ای اسبی ۱۶۴۶:۱
دید ربّ خویش ۱۶۶۷:۲	دیدم اندر خانه ۲۵۶۲:۴	دیده ای باید منور ۱۰۰۲:۲
دید رفته ۵۴۳:۶	دیدمت در ۲۶۱۸:۵	دیده ای پیدا ۷۵۶:۲
دید رنج ۱۰۶:۱	دید مریم ۳۷۰۱:۳	دیده ای دلّال ۳۴۵۵:۱
دید روی ۲۸۹۸:۶	دیدمش سوی ۴۲۲:۵	دیده ای، کآن دیده ۲۵۰۰:۱
دید زاغی ۱۳۰۴:۴	دید موسی ۱۷۲۰:۲	دیده ایم ۳۹۴۰:۳
دید زاید ۴۱۲۴:۳	دیدن آخر ۱۹۴۸:۱	دیده این شاهان ۱۳۹۲:۲
دیدش از دور ۲۱۳۳:۶	دیدن آمد ۲۹۷۹:۵	دیده این هفت ۱۰۴۲:۶
دیدشان در ۴۴۷۴:۳	دیدن آن ۱۶۶۳:۳	دیده باشندت ۱۸۰۱:۴
دید شخصی ۱:۶۸:۱	دید ناگه ۳۳۰:۲	دیده بان ۲۱۳۹:۱
دیدش و بشناختش ۳۸۲۲:۶	دیدن او ۳۱۹۷:۶	دیده بُد ۴۲۵۶:۶
دید شیر ۳۸۸۳:۵	دیدن ایشان ۷۱۶:۱	دیده بر ۱۸۳۳:۶
دید شیشه ۳۴۰۴:۲	دیدنت ۱۰۰۸:۲	دیده بودی ۳۰۸۸:۶
دید شیطان ۴۰۳۸:۳	دیدن دیده ۳۲۳۸:۲	دیده، بینا ۲۳۰۹:۲
دید صایب، ۶۵۹:۳	دیدنش با ۱۲۶۱:۳	دیده پیش از ۱۷۹:۲
دید صد چندان ۳۹۰۵:۵	دیدن فرعون ۸۴۹:۳	دیده پیشش ۵۸۸:۴
دید صد شَقّی ۲۰۶۰:۲	دیدنم آن غیب ۳۲۵۰:۳	دیده تن ۶۵۴:۶
دید صد یقش ۲۳۶۷:۱	دیدن ناجنس ۸۹۶:۵	دیده توبی نم ۱۸۱۶:۳
دید صوفی ۱۴۸۵:۶	دیدن نور ۱۱۲۹:۱	دیده تو چون ۹۹:۲
دید طین ۱۶۱۷:۴	دیدن و تمیز ۲۹۴۹:۲	دیده جان ۶۵۴:۶
دید عرش و کرسی ۱۳۵۹:۶	دیدن و گفتن ۱۷۷۳:۲	دیده چون بی کیف ۱۷۹:۲
دید عطار ۶۳۹:۴	دیدن هر چیز ۷۵۶:۶	دیده حس، دشمن ۱۶۰۷:۲

دیده حس را ۱۶۰۸:۲	دیده‌های عقل ۲۶۷۵:۴	دیگری جویم ۱۸۹۴:۴
دیده حسی ۵۹۵:۴	دیده هر ۳۴۶۵:۵	دیگری را غیر ۴۴۴۷:۶
دیده در وقتی ۹۱۱:۴	دیده‌یی باید ۱۵۵۲:۵	دیگری را گفت: ۳۹۱:۶
دیده دل کو ۷۸۷:۵	دیده‌یی عمری تو ۱۷۷۷:۶	دیگری ز آن ۳۶۸۸:۶
دیده را از ۳۴۸۲:۱	دیده‌یی کاندر ۱۰۳۳:۵	دیگری که ۲۱۹۱:۴
دیده را بر جستن ۱۴۰۹:۱	دیده‌یی کواز ۸۲۶:۶	دیگ ز آتش ۳۰۳:۴
دیده را بر لب ۱۹۴۹:۵	دید یوسف ۲۳۳۴:۳	دیگ شیرینی ۴۸۹۸:۶
دیده را قوت ۵۹۰:۴	دید هر چشمی ۱۳۲۲:۲	دیگ‌های ۲۹۰۲:۵
دیده را نادیده خود ۲۳۲۸:۶	دیر باید ۲۲۸۰:۱	دین احمد را به فن ۱۶۹۵:۴
دیده را نادیده می‌آرید ۲۸۲۷:۳	دیزگیر و، سخت ۲۵۳۲:۲	دین احمد را ترهب ۴۷۸:۶
دیده زبانی ۵۹۵:۴	دیر ماند آن ۳۷۴۸:۵	دی نبردی ۱۶۴۷:۶
دیده سوء القضا ۳۳۲۷:۳	دیر یابد ۵۳۲:۲	دینت پنهان ۱۲۰۴:۳
دیده سوی دانه ۲۸۶۲:۳	دی زعیم ۴۰۴۶:۳	دین تو گیرد ۱۲۰۶:۳
دیده‌شان ۳۷۸۹:۲	دی سوالی ۱۳۶۲:۳	دین چنین ۲۵۹۶:۳
دیده صبر ۲۸۴۴:۵	دی شوی بینی ۵۵۲:۵	دین خود ۳۳۹:۱
دیده عقل ۶۱:۲	دیگ ادراکات ۸۳:۶	دین من از ۴۰۵۹:۶
دیده عقلت ۲۶۳۹:۵	دیگ تی و بُر ۳۵۶۷:۲	دی نمی‌گفتی ۲۴۸:۲
دیده غیبت ۳۶:۴	دیگدان ۳۸۱۶:۴	دین ندارد ۳۴۰:۱
دیده فرعون ۲۳۰۸:۲	دیگ دولت ۴۳۴۹:۳	دین و دل باریک ۶۳:۵
دیده کافر ۳۶۳:۶	دیگر آنکه چشم ۳۴۰۴:۴	دین و دل را ۴۵۴:۱
دیده کو نبود ۴۱۷۰:۶	دیگر آنکه خلقت ۳۴۰۴:۴	دیو، آدم ۴۲۴۷:۳
دیده گردد ۱۶۹۹:۴	دیگر آنکه فهم ۸۴۹:۶	دیو آن دم ۲۱۹۱:۳
دیده ما ۹۲۱:۱	دیگ را تدریج ۱۲۱۲:۶	دیو افکنده‌ست ۱۸۵۴:۱
دیده معدوم بین را ۸۲۵:۶	دیگ را گر ۲۰۸۹:۴	دیو اگر عاشق ۳۶۴۸:۶
دیده معدوم بینی ۱۰۳۲:۵	دیگران از ۳۱۵۲:۴	دیو الحاح ۳۵۸۹:۴
دیده منزل‌ها ۱۱۲۷:۵	دیگران، اندر ۲۰۴۹:۳	دیو با آدم ۲۱۰۳:۵
دیده نایبنا ۲۲۳۳:۲	دیگران بسته ۴۶۳۷:۳	دیو با او ۲۶۷:۵
دیده نادیده ۱۳۰۹:۵	دیگران چون ۵۸۷:۶	دیو با خاتم ۱۱۵۲:۴
دیده و جانی ۳۲۲۶:۴	دیگران را بس ۳۹۷۶:۶	دیو، بانگت ۴۳۲۶:۳
دیده و دل ز آب ۱۴۱۲:۳	دیگران را تو ۸۰۳:۴	دیو بد ۲۶۹:۵
دیده و دل هست ۲۷۷۷:۳	دیگران را، ز آدم ۱۹۴۳:۱	دیو بر دنیاست ۲۹۱:۵
دیده‌ها بسته ۳۶۱۴:۲	دیگران را گر ام ۴۸۵۵:۶	دیو بر شبه ۴۰۱۳:۶
دیده‌ها را کرد ۱۳۲۱:۲	دیگران کردند ۳۲۵۷:۳	دیو، بی‌شکی ۲۶۸:۵
دیده‌هاشان ۹۹۹:۶	دیگری آمد که ۲۵۹۲:۴	دیو، پنهان ۶۳۹:۲
	دیگری آمد مر آن ۲۹۲۱:۵	دیو چون باز آمد ۴۳۴:۳

دیو چون عاجز ۱۲۲۱:۵	دیو می‌میزد ۳۴۰۵:۲	ذره ذره پیش او ۴۶۴۱:۶
دیوچه وار ۴۷۶:۲	دیو ننموده ۲۲۷۳:۱	ذره ذره حق ۸۵۲:۲
دیو، چیزی ۲۰۲۵:۳	دیو و غول ۹۹۷:۶	ذره ذره عاشقان ۳۸۵۸:۵
دیو حرص و آرزو ۲۲۸۹:۶	دیو و مردم ۴۹۰۹:۶	ذره ذره کاندرین ۲۹۰۰:۶
دیوخانه ۲۴۳۹:۴	دیو هر دم ۲۹۳۳:۵	ذره ذره گردد ۴۵۸۱:۶
دیو داده‌ست ۳۳۰۲:۳	دیو، همچون ۱۴۶۸:۵	ذره ذره گر شود ۳۰۷۴:۳
دیو در بندست ۴۶۳۸:۳	دیو هم خود ۸۰۹:۱	ذره ذره گشته ۵۰۱:۲
دیو در شیشه ۱۴۹۲:۶	دیو هم وقتی ۱۱۵۴:۴	ذره لاغر ۲۲۸۳:۵
دیو در مستی ۲۱۰۲:۵	دیو، یک تُف ۳۳۸۷:۴	ذره نبود جز ۳۴۰۱:۵
دیو در نسلش ۲۷۱:۵	دیو یک دم ۱۱۴۸:۴	ذره نبود شارِق ۳۴۰۱:۵
دیو دزدانه ۱۷۸۹:۴	دی همی گفتی ۴۰۴۵:۳	ذره‌ها چون ۲۵۳۴:۵
دیو، دَلال ۳۴۶۲:۶	دی یکی می‌گفت ۲۸۳۳:۴	ذره‌ها دیدم ۲۶:۳
دیو را با ۱۵۲۷:۵		ذره‌ها را آفتاب ۲۶۳۲:۲
دیو را بر ۲۴۵۴:۵	ذ	ذره‌ها را کی ۱۷۰۶:۲
دیو را چون ۴۱۴:۱	ذاب جسمی ۱۸۹۵:۵	ذره‌های ریگ ۲۷۸۳:۱
دیو را حق ۱۲۷۰:۴	ذاتِ او ۲۶۱۸:۴	ذره‌یی از عقل ۱۹۰۸:۵
دیو را در ۱۲۱۱:۵	ذات ایمان ۲۸۷:۵	ذره‌یی بالا ۳۸:۶
دیو را نطق ۵۸۵:۱	ذاتِ بی تمیز ۱۴۹۵:۳	ذره‌یی خود ۲۸۳۵:۴
دیو را تنگ ۱۸۷۳:۱	ذاتِ خود ۱۰۲:۲	ذره‌یی را بیند ۲۰۱۳:۳
دیو رفت از ۳۶۲۱:۱	ذات را افزونی ۱۶۶۵:۴	ذره‌یی زان ۱۶۱۱:۲
دیو ز آن لوتی ۲۹۰:۵	ذات زرش ۲۸۹۱:۱	ذره‌یی سانه ۳۸۶۹:۶
دیو سوی ۱۸۷۴:۱	ذاتِ ظَلَمانی ۱۵۳۳:۱	ذره‌یی عقلت ۴۵۴:۵
دیو شان از ۱۲۷۲:۴	ذاتِ که ۳۱۹۱:۱	ذره‌یی کآن ۴۰:۶
دیو که بود ۲۵۰۸:۲	ذات نبود ۲۷۵۷:۱	ذره‌یی گر جهد ۳۱۴۵:۵
دیو، گرچه ۴۰۱۲:۶	ذات و وصفی ۳۶۵۳:۳	ذره‌یی گر در ۳۱۴۰:۵
دیو گر خود ۱۲۶۵:۴	ذاتِ هستی ۸۲۶:۶	ذکر آرد ۱۴۷۶:۶
دیو گرگ است ۴۹۹:۶	ذاتِ فلازِلَت ۸۸۶:۱	ذکر آن اریاح ۱۸۲۰:۶
دیو گشتش ۹۱۶:۲	ذاکِ اَوَامُضی ۱۹۶۹:۳	ذکرِ آن این است ۴۰۴۰:۶
دیو گوید ای ۲۹۹۲:۵	ذاکِ ریح ۸۵۰:۴	ذکر استننا ۳۶۶۶:۶
دیو گوید بنگرید ۱۹۷۱:۵	ذره با ذره ۳۶:۶	ذکر او کرد و ۳۹۴۳:۵
دیو ملعون ۲۲۸۴:۵	ذره، چون ۳۱۴۱:۵	ذکرِ او کردیم ۴۵۲:۲
دیو می‌آورد ۲۱۱۸:۶	ذره ذره آب ۲۸۲۱:۳	ذکر با او ۲۷۰:۲
دیو می‌ترساندت ۱۵۰:۵	ذره ذره‌اش ۹۷۶:۵	ذکرِ تَزاور ۳۰۰۶:۱
دیو می‌سازد ۳۶۸۳:۱	ذره ذره امرِ جو ۲۹۵۰:۵	ذکرِ تو آلوده ۱۷۹۸:۲
دیو می‌گفتی ۱۲۶۹:۴	ذره ذره اندر ۷۹۴:۱	ذکرِ جَباری ۶۱۷:۱

رازها دانسته ۵:۲۲۳۹*	ذوقِ گریه بین ۶:۱۵۸۴*	ذکر جسمانه ۲:۱۷۱۸
رازها را می‌برآرد ۵:۳۹۷۰*	ذوقِ گفت ۴:۶۸۳*	ذکر حق پاک است ۳:۱۸۶
رازها را می‌کند ۵:۳۹۶۹	ذوقِ نکته ۳:۱۳۷۵	ذکر حق کن ۲:۷۵۴
رازها گوید ۵:۳۲۶۵		ذکرِ دلق و چارُق ۵:۱۹۶۷*
رازهای کهنه ۳:۴۶۸۴*	ر	ذکر را خورشید ۶:۱۴۷۶*
رازهایِ گفتنی ۶:۶*	رابعاً چون ۳:۴۷۰۶	ذکرِ شه ۶:۱۳۸۳*
رازهایی کآن ۲:۱۷۷۲*	راتبهٔ انعام ۶:۱۸۲۵*	ذکر کوکب ۵:۲۶۵۱
رازِ هُدهُد ۴:۱۷۰۱*	راتبهٔ این ۶:۳۵۹۹*	ذکرِ ماضی ۱:۱۴۶۷*
رازی ۴:۳۸۱۴*	راتبهٔ جانی ۶:۴۷۶۱	ذکر موسی بند ۳:۱۲۵۱
راز، یعنی ۶:۳۲۲۷*	راتبه کردی ۶:۲۶۸۹*	ذکر موسی بهر ۳:۱۲۵۲
راست آمد اُقتُلونی ۳:۴۱۸۶*	راجع آن باشد ۱:۳۹۳۷	ذکر نعمت‌های ۶:۱۷۹۵
راست آمد اِن ۳:۴۱۸۷*	راجعون گفت ۳:۱۱۱۸	ذکر نفس ۶:۴۸۶۳
راستان را ۲:۲۸۷۴	راحتم این ۵:۳۳۸۵	ذکر و تسبیحات ۳:۴۶۵
راست بینند ۴:۱۳۷۰*	راح رُوح ۱:۱۶۹۵*	ذکر و فکری ۱:۲۰۹۴
راستِ بینی بخشد ۴:۳۵۶۶*	رازِ اَصْبَحْنَا ۱:۳۴۶۵*	ذکر هر چیزی ۳:۳۸۵۳
راست بینی گر بُدی ۴:۳۵۶۷	راز اندر ۶:۸*	ذکر هندستان ۴:۳۰۷۱
راست آن جان ۴:۳۰۳۱*	راز بگشا ۱:۳۷۵۷	ذکرِ یعقوب ۳:۴۲۴۰*
راست چون جویی ۵:۱۸۳۱*	راز پنهان ۴:۳۳۰۳	ذکر یوسف ۳:۴۲۴۰
راست خوان، کز ۱:۲۵۵۸	راز جز با ۶:۸	ذُل شده ۶:۴۳۴۶*
راست دارد ۲:۳۶۳۸*	رازِ خواجه ۵:۳۱۷۸*	ذَلَّة الارواح ۴:۸۴۸
راست را داند ۲:۲۷۵۵*	رازدانِ یَقْلُ ۴:۳۱۹۸*	ذَم خورشید ۵:۱۰
راست را دانم ۲:۲۷۵۸*	راز را از بهر ۵:۱۳۵۰*	ذَوُالْفَقَار ۵:۳۸۸۲*
راست را دید ۶:۲۲۲۱	راز را اندر ۲:۱۴۵۳	ذوق آزادی ۶:۴۵۱۰
راست شد ۵:۳۴۲۴*	راز را غیر ۶:۴۰۰۸	ذوق باید ۲:۳۳۹۶
راست شو چون ۱:۱۳۸۵	راز را گر ۵:۱۹	ذوقِ بی صورت ۶:۳۷۵۱*
راست فرموده‌ست ۳:۲۱۹۶	رازقِ اَلله ۵:۲۴۱۷*	ذوق پنهان ۳:۲۵۴۳
راست کردی ۳:۲۳۹*	رازقِ خلق ۳:۴۰*	ذوقِ توبه ۲:۱۶۴۳*
راست کن اجزات ۲:۱۲۱	رازِ کَوْنِیْنَش ۶:۲۶۴۲*	ذوقِ جزو ۱:۸۸۹*
راست کُن بهر ۲:۲۰۵*	رازِ گویان با خدا ۶:۳۳۸۴*	ذوق جمعیت ۳:۲۹۵۰
راست کی گفتی ۲:۵۷۳*	رازِ گویان با زبان ۶:۲۶۳۶	ذوق جنس از ۱:۸۸۹
راست گردان ۲:۸۵۵	رازِ گویی ۵:۳۲۶۲	ذوق جویی ۵:۳۵۷۸*
راست گفته است ۶:۱۴۵۰	رازِ ما را ۴:۱۶۴۵*	ذوق خنده ۶:۱۵۸۴
راست گفته‌ست ۴:۲۴۰۱	راز می‌دانست ۲:۱۴۹۷	ذوق دارد ۲:۲۷۶۹
راست گفتی، گرچه ۱:۲۳۶۶*	راز می‌دانی ۵:۲۴۱۶*	ذوق در غم‌هاست ۶:۱۵۸۷
راست گو با من ۲:۲۶۱۱*	رازها بُد ۶:۳۷۸۸*	ذوق طاعت ۳:۳۴۶۲

راست گو، تا ۲: ۲۷۳۱	راند او کشتی ۶: ۳۱۲۰	راو زادن ۳: ۸۴۴*
راستگو، دانیش ۳: ۳۶۴۶	راند حق این ۱: ۱۳۶۱	راو زاری ۵: ۱۶۰۱*
راستگو گفتی ۱: ۲۳۶۹*	راند دیوان ۴: ۳۳۲۹	راهزن هرگز ۴: ۲۷۵۵
راست گوی ای ۵: ۳۷۹۱	راند سوی او که هین ۲: ۲۴۰۱	راهزن همچون ۵: ۳۳۸۹*
راست گویی در نهادش ۲: ۸۷۸	راند سوی او و گفتش ۲: ۲۴۱۱	راو سنت کار ۵: ۲۴۲۴*
راست گویی من ۲: ۸۷۷*	راند عمران ۳: ۹۰۴	راه شد، هر ۶: ۲۳۸۷
راست گیرم ۲: ۲۸۷۶*	راندگانیم ۳: ۱۱۸۲*	راو صد موسی ۳: ۱۰۵۵*
راست می شد ۴: ۱۹۰۹*	ران گاوت ۴: ۷۱۶*	راو طاعت ۲: ۲۶۱۷*
راست می فرمود ۲: ۲۸۵۴	ران و زانو ۵: ۲۲۰۲*	راو عقل ۲: ۷۹۹*
راست می کرد از برای	راویان، این ۱: ۲۰۴۹	راه فانی ۱: ۲۲۰۰
۱۳۳۱: ۶*	راویه پُر آب ۳: ۳۱۳۹*	راه کردی ۶: ۴۱۰۴
راست می کرد از پی ۶: ۱۵۶۵	راویه پر کرد ۳: ۳۱۴۷	راه کن در ۶: ۳۰۹۸
راست می کرد او ۴: ۱۹۰۳	راویه ما ۳: ۳۱۷۸	راو گردون ۲: ۱۶۲۱*
راست می گردی گهی	راه آتش ۴: ۱۹۶۸	راه گم کرد ۵: ۳۹۰۱
۱۱۲۱: ۲*	راو آبم ۳: ۱۴۱۳*	راه لذت ۶: ۳۴۲۰
راست نآید بر شتر ۱: ۲۳۱۲	راه، آن باشد ۲: ۳۲۰۷*	راه مرگ ۳: ۲۶۲۵
راست نآید، فرق ۱: ۳۴۲۵*	راو آن خلوت ۲: ۳۵۹*	راو معشوق ۶: ۳۹۸۲*
راست همچون ۳: ۴۴۰۲*	راو او گیرم ۱: ۱۸۴۷*	راه می ندهد ۵: ۱۸۶۰
راستی آری ۵: ۳۱۳۳*	راه بان ۵: ۳۴۴۱*	راه نبود ۶: ۴۰۴۹*
راستی پیش ۳: ۷۵۲	راه بیند ۲: ۲۳۱۰*	راه نتوانند ۴: ۱۶۴۸*
راستی کن ۱: ۱۷۸۳	راو توبه ۲: ۱۶۴۴*	راه نذهد ۳: ۳۷۹۳*
راستی گو، تا ۶: ۴۲۶۸*	راه جان بازی ۶: ۵۰۷	راه ندهند ۵: ۱۷۰۲*
راستی گو، عشوه ۵: ۳۹۵۶*	راه جان، مر ۱: ۳۰۶	راه، نزدیک ۴: ۱۵۵۰
راستی ها ۲: ۲۷۳۶*	راه جست و راه ۶: ۲۵۲۵	راهها داند ۲: ۳۲۷۲
راسخان، در ۱: ۷۵۶	راه چه بود؟ ۶: ۵۱۰	راههای آمدن ۳: ۱۲۹۰
راسخی شهوت ۲: ۳۴۵۸*	راه حس، راه ۲: ۴۸	راههای چاره ۳: ۴۷۵۶
راضی ام کز ۳: ۳۹۶۱	راو حیل ۳: ۱۱۱۱*	راههای صعب ۳: ۲۹۴۷
راضیم در ۳: ۱۳۶۹	راه داری ۵: ۳۶۱*	راههای مختلف، آسان ۱: ۴۸۳
راضیم گر آتشش ۳: ۱۸۷۶*	راو دور ۴: ۲۲۳۸*	راههای مختلف می راندش
راضیم گر کرد ۴: ۲۹۳۹*	راه ده آلودگان ۵: ۴۱۹۲	۲۲۰: ۵
راضیم من ۳: ۱۰۷۷	راو دین پویم ۳: ۴۳۳۰*	راه، هموار است ۱: ۱۰۶۰
راکب محمول ۱: ۳۴۳۸*	راه دین ز آن ۶: ۵۰۸	رای آن کودک ۳: ۱۵۳۶
راکب و مرکوب ۶: ۷۹	راه را بر ما ۲: ۲۵۵۳	رای او گشت ۶: ۲۵۶۰*
راند اندر ۴: ۴۰*	راه را گم کرد ۲: ۱۱۳۲	رای، این ۳: ۸۴۵*
راند او را ۱: ۳۶۲	راه روزی ۳: ۱۴۶۵	رایت اکرام ۱: ۲۲۴۵

رحمت من ۱: ۲۶۷۲*	رحم ایمانی ۴: ۱۱۱	رایت‌ان این ۳: ۹۲۵
رحمتی آریدشان ۴: ۲۳۰۸*	رحم بر دزدان ۶: ۴۲۶۱	رایت علم‌الیقین ۱: ۳۴۹۳*
رحمتی افشان ۳: ۳۳۹۴	رحم بر عیسی ۲: ۱۸۵۳	رایحه جنت زبینی ۴: ۲۲۲۴
رحمتی، بی‌علتی، بی ۵: ۳۶۲۴	رحم بیشستم ۵: ۱۶۶۱*	رایحه جنت کی ۴: ۲۲۲۴*
رحمتی، بی‌علتی، در ۱: ۲۵۵۹*	رحمت، از ما ۴: ۳۲۴۴	رای زن بوجهل ۴: ۲۶۵۴*
رحمتی دان ۶: ۱۷۳۶	رحمت است ۱: ۷۸۷*	رایض چستی ۶: ۳۶۷۵*
رحمتی کن ای امیر ۲: ۲۴۹۷*	رحمت اندر ۲: ۱۹۴۱	رایض و شب‌خیز ۶: ۳۳۶۸*
رحمتی کن، ای رحیمی ۵: ۴۰۱۰*	رحمت او سابق ۴: ۳۲۰۵	رایگان ۴: ۲۳۰*
رحمتی که ۲: ۲۳۸*	رحمت او سبق ۴: ۲۴۳۶	رای و تدیرم ۶: ۲۳۲۴*
رحم حق ۴: ۱۸۵۸*	رحمت بی چون ۳: ۳۶۳۴	رب ادنی ۳: ۳۰۰۵*
رحم، خواهی ۱: ۸۲۲*	رحمت بیحد ۴: ۳۳۰۴	رب اعلی ۵: ۲۴۴۵*
رحم خود را ۳: ۱۹۲۱	رحمت تو ۵: ۱۶۲۶	رب انظرنی ۲: ۶۳۰*
رحم، سوی ۵: ۴۷۴*	رحمت جزوش ۳: ۱۸۰۸	رب اوزغنی ۵: ۳۶۹۵
رحمش آمد بر ۲: ۳۱۸۵	رحمت جزوی بود ۳: ۱۸۰۷	رب بر مربوط ۵: ۴۱۲۹
رحمش آمد، گفت ۳: ۳۱۳۵	رحمت جزوی، به کل ۳: ۱۸۰۹	رب سلیم رب ۳: ۳۶۹۶*
رحمشان آمد ۵: ۲۴۱۳	رحمت حق از غم ۳: ۳۶۳۳*	رب سلیم وزد ۱: ۲۷۳۱*
رحم فرما ۶: ۱۰۹۴	رحمت حق است ۱: ۲۵۰۴*	ربع قرآن ۳: ۱۳۹۲
رحم، قسم ۴: ۱۸۵۷*	رحمت دریا ۳: ۱۸۰۸*	رب، می‌گوید ۳: ۳۱۵۶
رحم کرد ۱: ۳۳۲۶*	رحمتش افراشت ۱: ۳۷۳۶*	ربنا انا ظلمنا، سهو ۵: ۴۰۱۰
رحم کم جو ۵: ۵۳۱*	رحمتش بر قهر ۳: ۴۱۶۷	ربنا انا ظلمنا گفت و آه ۱: ۱۲۵۴
رحم کم کن ۳: ۱۰۵۹*	رحمتش بر نعمتش ۵: ۵۱۵	ربنا انا ظلمنا گفت و بس ۴: ۳۲۷
رحم کن بر عاشقان ۲: ۱۶۹۶*	رحمتش سابق ۳: ۴۱۶۶	ربنا انا ظلمنا نفسنا؟! ۶: ۴۰۴*
رحم کن بر عُمَر ۱: ۲۱۸۹*	رحمتش مشتاق ۳: ۴۴۵۱	ربنا گفت ۴: ۱۳۸۹*
رحم کن بر وی ۵: ۴۱۱۳	رحمتش نه ۳: ۳۶۳۲	ربنا و ربناها ۳: ۳۱۵۵*
رحم کن پنهان ۱: ۲۴۱۷	رحمت صد ۲: ۱۶۰۱	رب هب لی ۱: ۲۶۰۴
رحم کن کآن ۶: ۴۷۹۳*	رحمت عالم ۳: ۴۴۷۹	ربی الاعلاست ۳: ۳۰۰۵
رحم‌هاشان ۳: ۷۶۳*	رحمت کل را ۳: ۱۸۰۹*	ربی الاعلی از ۵: ۲۵۸۸*
رحمة الله آن ۱: ۲۸۰*	رحمت کُلی بُود ۳: ۱۸۰۷*	رب یسر ۲: ۱۹۲۴*
رحمة الله علیه ۶: ۱۳۸۳	رحمت کُلی، قوی‌تر ۲: ۱۹۵۱*	رجعتش دادی ۲: ۲۵۰۷*
رخت آنجا ۴: ۲۵۰۸*	رحمت مادر ۶: ۳۲۵۷	رجف کرد ۲: ۲۳۶۹
رخت از حجره ۲: ۵۴۱	رحمت ما را ۳: ۴۲۸۰*	رحم آرید ۵: ۸۲۵*
رخت بر بندد ۳: ۱۸۶*	رحمتم بُرست ۳: ۳۱۵۹*	رحم آمد ۵: ۱۶۱۴*
رخت بر چارم ۱: ۶۴۷*	رحمت مخلوق ۳: ۳۶۳۳	رحم آمد بر وی ۶: ۱۷۰۶
	رحمتم کن ۱: ۱۲۷۱*	رحم آمد مر ۲: ۳۴۵۱
	رحمتم موقوف ۲: ۳۷۵	رحم او جوشید ۳: ۲۲۰۸*

رخت خود را ۱:۳۷۹۰	رزق جانی ۳:۲۵۴۴	رُسته اند ۲:۱۵۲۶
رخت دادم ۵:۱۵۱۰	رزق جویی ۲:۳۸۰۳	رُسته ای از ۱:۳۸۲۸
رخت دزدی بر تن ۵:۱۸۱۳	رزق حق ۳:۳۷۴۶	رُسته اید از ۱:۳۳۵۱
رخت دزدیده ۲:۱۰۶۵	رزقِ خاصی ۴:۶۹۱۱	رسته باشد ۲:۱۳۵۴
رخت را امشب ۶:۹۴۳	رزق را می ران ۳:۱۴۵۸	رُسته بودی ۳:۳۸۷۸
رخت را بر ۳:۴۹۸	رزق سوی ۵:۲۴۱۸	رُسته چون یونس ۶:۲۳۰۴
رخت را در ۶:۱۲۸	رزق ما ۶:۱۹۰۲	رُسته ز آوازش ۱:۲۰۷۲
رخت را نزدیکتر ۴:۲۹۱۶	رزقها را ۳:۲۸	رُسته زین ۵:۱۷۷۰
رخت را واسب ۱:۱۴۰۹	رزقها هم ۶:۲۱۰۷	رُسته و بر ۳:۲۵۶۷
رخت عقلت ۳:۳۸۷۱	رُست از تقلید ۳:۴۳۰۶	رُستی از پیکار ۶:۴۷۰۳
رختِ غُربت ۲:۲۲۳۸	رُست از تلوین ۳:۲۰۷۴	رُستی از قَلاب ۵:۱۵۲۰
رخت، مانده ۲:۲۹۱۵	رُست از خُسران ۳:۳۳۲۵	رسم دامادان ۶:۳۰۹
رخت ما هم ۱:۳۹۰۳	رُست او از ۶:۴۵۶۸	رسمِ مهمانش ۳:۴۶۶۸
رختها بُردند ۶:۵۴۵	رستخیز و غلغل ۵:۳۸۸۱	رشته اومید ۲:۳۶۵۷
رختها جستند ۵:۲۲۴۹	رستخیزی ساز ۴:۱۴۷۹	رشته آیمان ۱:۱۱۷۸
رختها دادی ۲:۱۶۸۴	رستخیزی، و آنگهانی ۶:۹۰۷	رشته پیدا ۴:۱۳۲۲
رختها را زیر ۶:۵۴۲	رُست کشتی ۳:۲۲۲۵	رشته را باشد ۱:۳۰۶۵
رختها را سوی ۶:۱۵۹۴	رُستگی زین ۴:۱۴۱۹	رشته یاری ۵:۱۵۱۸
رختها را می ستایند ۳:۳۴۹۱	رُستم ارچه ۳:۸۱۸	رشته یکتا ۱:۳۰۷۸
رخ درید ۵:۲۴۵۶	رُستم از آب ۱:۲۷۹۹	رشک از آن ۶:۶۹۳
رَخش ۲:۲۸۴۸	رُستم از سه ۳:۳۳۲۶	رشکم آید ۳:۳۸۸۹
رُخصت ۶:۲۰۶۶	رُستمان را ۴:۲۹۱۹	رشک و غیرت ۵:۴۰۲۱
رخنه می جویی ۲:۳۳۴۹	رُستم زال ۱:۲۴۲۷	رغبت افزون ۶:۹۸۴
رَدّ باب است ۱:۳۰۵۵	رُستم و حمزه ۶:۱۷۵۲	رغبت ما ۵:۴۲۱۶
رَدّ مِن بَعْد ۵:۱۰۰۵	رُستمی جان ۲:۳۷۲۲	رغبتی باید ۵:۵۸۱
رَدّ مِن بَهر ۴:۶۵۳	رُستمی خوش ۶:۱۹۰۶	رغبتی زین ۶:۳۶۵۸
رد نکردیم ۳:۳۲۷۸	رُستمی، شیری ۶:۳۶۱۳	رغم انقم ۳:۴۷۳۵
رد نکردند ۳:۱۷۱۶	رُستن از بیداد ۱:۱۳۳۷	رغم این نفس ۵:۶۶۲
رَز بُدی، پُر ۱:۲۳۰۶	رُست و، سوزید ۴:۲۸۶۳	رَغْم تو ۵:۲۹۲۳
رز بسوزد ۵:۳۶۸۵	رُسته از چاه ۶:۴۵۷۲	رفت آخر ۴:۲۲۳۹
رزق آید ۵:۲۳۹۲	رُسته از خشم ۴:۱۵۰۷	رفت آنجا ۳:۶۳۴
رزق از وی ۵:۱۴۹۶	رُسته از زندان ۳:۲۲۵۰	رفت آن طاوس ۶:۳۱۱۸
رزق تو بر ۵:۲۸۵۱	رُسته از صد ۳:۳۴	رفت آن ماهی ۴:۲۲۳۸
رزق تو در ۶:۴۱۹۸	رُسته از موش ۶:۲۷۳۶	رفت آن مسکین ۱:۳۰۵۹
	رُسته ام از چارزدانگ ۵:۱۳۶۲	رفت از اعضای ۳:۱۰۴۲

رفت از بهر ۱۱۵۵:۶	رفت در گوش ۴۵۲۸:۳	رفتش بی‌فرسخ ۵۳۵:۴
رفت از دل ۱۶۹۶:۶	رفت در مسجد سوی ۵۶:۱	رفتش در آسیا ۳۰۸۸:۱
رفت از دنیا ۱۲۲۸:۴	رفت در مسجد میان ۱۳۵۵:۴	رفتشم سوی ۲۴۰۹:۳
رفت از ما حاجت ۱۰۰۹:۵	رفت درویشی ۲۰۴۴:۶	رفت نور ۶۸۵:۵
رفت از ما صاحب ۱۲۳۱:۴	رفت ذوالقرنین ۳۷۱۱:۴	رفت یک ۱۶۴:۲
رفت از وی ۴۲:۶	رفت روبه ۲۵۸۱:۵	رفت و آمد ۳۹۲:۶
رفت از یادم ۲۱۹۲:۱	رفت ز آن سان ۹۹۸:۵	رفت و پرسید ۳۹۰:۶
رفت اندر ۱۴۲۴:۲	رفت زشتی ۴۵:۳	رفت و تو ۶۷۵:۲
رفت اندیشه ۳۶۲۴:۱	رفت سوی ۲۸۷۱:۵	رفت، و ز آخر ۲۱۸:۲
رفت او پیش عمادالملک ۳۳۷۶:۶	رفت شادان ۲۲۷۹:۵	رفت و شد ۴۶۱۷:۶
رفت او پیش کفن ۳۸۲۷:۶	رفت شاعر ۱۲۰۰:۴	رفت و می‌پیچید ۱۹۷۶:۶
رفت ایشان ۳۶۷۰:۵	رفت صورت ۲۰۷۰:۳	رفت و می‌لرزید ۲۲۵۵:۵
رفت این ۱۰۰۸:۶	رفت صوفی سوی آن ۱۵۰۷:۶	رفته از مستوریان ۳۴۹۵:۶
رفت بر بام ۲۸۰۱:۳	رفت صوفی سوی صافی ۳۵۸:۵	رفته است ۲۴۲۲:۳
رفت بوبکر ۴۸۸:۴	رفت صوفی، گفت ۲۱۷۴:۲	رفته‌ام در ۱۴۲۰:۱
رفت بی‌خود ۱۰۰۹:۶	رفت طغیان ۴۲۱۶:۶	رفته‌اند ۲۲۵:۲
رفت پیش از ۱۷۱۷:۴	رفت عریان ۳۶۶۱:۵	رفته بودند از طلب ۳۰۱۳:۱
رفت پیش شیخ ۳۶۶۲:۲	رفت عزرائیل ۱۶۵۱:۵	رفته بودند از مقام ۲۲۸۹:۳
رفت پیش عارفی ۲۲۳۶:۵	رفت عمرش ۴۶۱۵:۶	رفته در صحرائی ۳۹۶:۱
رفت پیش میر ۳۴۹۴:۵	رفت فکر ۳۴۹۴:۱	رفته در عالم ۱۲۴۹:۱
رفت پیغمبر ۱۱۷۳:۶	رفت کنج ۱۹۲۶:۶	رفته در مخدوم ۴۴۴۹:۳
رفت پیکان‌ها ۲۳۷۶:۵	رفت لقمان ۱۸۴۲:۳	رفته درهم ۱۰۳۷:۳
رفت تا جویای ۱۴۲۵:۲	رفتم از خود ۳۷۶۷:۵	رفته سوی ۴۸۴۹:۶
رفت تا هیزم ۲۱۱۶:۶	رفتم اندر خلوت ۳۷۸۵:۵	رفته گیر ۳۹۳۳:۳
رفت جانت ۳۱۶۹:۲	رفت مرغی ۴۳۵:۶	رفته نطق ۱۲۲۴:۲
رفت جوحی ۳۳۲۶:۵	رفت موسی بر ۲۳۰۸:۴	رفته‌بی در خون ۲۶۲۳:۵
رفت چون ۹۱۴:۳	رفت موسی کاتش ۲۷۸۸:۱	رفتی اندر ۳۴۱۹:۴
رفت خادم ۲۱۹:۲	رفت میکائیل ۱۵۹۴:۵	رفت یک صوفی ۳۷۳۷:۵
رفت خواهی ۱۶۰۶:۱	رفت نادان ۱۰۵۰:۳	رفض اسباب ۲۵۲۵:۳
رفت در آخر ۵۴۲:۲	رفت ارواح ۱۹۷۸:۳	رقص، آنجا ۹۵:۳
رفت در حمام ۳۱۰:۶	رفت او ۲۸۴۶:۲	رقص، اندر ۹۶:۳
رفت در سودای ۳۱۹۱:۵	رفت این ۳۰۸۸:۱	رقص بی‌مقصد ۹۴:۳
رفت در صندوق ۴۴۷۸:۶	رفت بنده ۲۲۲۰:۵	رقص می‌آرند ۸۹۴:۳
رفت در کُهارها ۲۵۳۰:۱	رفت جو ۲۹۵۹:۶	رقص و جولان ۹۶:۳
		رقعه‌اش بردند ۱۸۶۵:۴

رقعه پنهان ۱۸۹۳:۴	رنج دیدند ۱۵۲۲:۳	رنج رُو از ۱۲۷۱:۱
رقعه تعویذ ۱۵۱:۴	رنج دیده ۳۵۲۱:۵	رنج رُو و نبض او ۱۶۴:۱
رقعه دیگر ۱۸۹۴:۴	رنج را باشد ۴۲۸:۶	رنج روی جملتان ۲۵۲۵:۱
رقعه را آن ۱۹۵۱:۶	رنج را صد ۲۸۸:۴	رنج روی سرخ ۱۲۷۲:۱
رقعه را از خشم ۱۹۶۰:۶	رنجش از سودا ۱۰۷:۱	رنج روی و صِحت ۲۹۸۱:۲
رقعه سوی ۱۸۶۴:۴	رنج کوشش ها ۲۳۹۲:۵	رنج روی و قوت ۱۲۷۳:۱
رقعه گر بر ۴۷۵۵:۳	رنج کیش اند ۲۲۷۱:۶	رنج زَر ۲۴۶۲:۱
رقعه بی در مشق ۱۹۰۹:۶	رنج کی ماند ۱۷۷۰:۶	رنج زشتان ۷۶۵:۱
رقعه بی شکش ۱۹۱۱:۶	رنج، گنج آمد ۲۲۶۱:۲	رنج سبزت ۱۲۲۱:۶
رُکنِ توبه ۴۶۵:۱	رنج معقولات ۳۵۲:۳	رنج شک ۴۷۱۳:۶
رگِ رَگ است ۷۴۶:۱	رنج، مغز ۱۴۵۹:۲	رنج صحرا ۳۲۴۴:۱
رگ زدن باید ۲۰۰۲:۵	رنج، مهمان ۴۱۷۱:۳	رنج صدق ۴۷۱۲:۶
رگ زنی ۲۰۰۲:۵	رنج و بیماری ست ۲۸۴:۴	رنج طین ۱۱۳۹:۶
رَمِ الْأَسْلَام ۹۲۵:۵	رنج و غم را ۱۱۳۰:۱	رنج، کی خالی ۲۴۶۹:۱
رمز الکاسب ۹۱۴:۱	رنج و کوری ۲۵۹۲:۳	رنج لاله ۹۷۱:۵
رمز دانی ۱۰۶۵:۵	رنجهاش ۴۵۹۴:۶	رنج لَخمش داد ۴۷۰۷:۶
رمز مُردن ۷۷۶:۶	رنج ها بسیار ۲۲۳۹:۴	رنج مرگ افتاد ۳۵۱۷:۳
رمز مَوْتُوا ۷۵۴:۶	رنج ها داده ست کآن نیست	رنج می ۷۵۵:۲
رَمِ نَحْنُ الْآخِرُونَ السَّابِقُونَ	۲۹۱۳:۳	رنج و بودر ۲۵۷۵:۴
۳۷۶۴:۴	رنج ها داده ست کان را چاره	رنج و بو، غماز ۱۲۶۸:۱
رَمِ نَحْنُ الْآخِرُونَ السَّابِقُونَ	هست ۲۹۱۴:۳	رنج و بو مَیْرست ۴۰۸۲:۵
۵۲۶:۴	رنج ها در کار ۲۶۰:۳	رنج و بوی ۲۴۶۷:۵
رمز نَسَخ ۳۸۵۹:۱	رنج یک جزوی ۳۲۴۸:۴	رنج و رو ۱۰۳:۱
رمز، یعنی ۷۳۴:۳	رنج آتش ۱۳۴۷:۲	رنج ها بینی ۷۵۷:۲
رنج آرد ۱۰۷۰:۱	رنج آن باقی ۴۷۱۴:۶	رنج های ۷۶۵:۱
رنج او خورشید ۷۹۲:۲	رنج آهن ۱۳۴۸:۲	رنج هندورا ۲۷۶۵:۱
رنج او کم ۴۲۶۲:۶	رنج با بیرنگ ۲۴۷۰:۱	رو آشداء ۱۲۴:۲
رنج این تن ۳۳۶۵:۳	رنج باقی ۴۷۱۱:۶	رو، بیرس آن ۳۸۹:۶
رنج بدخویان ۴۸۱:۶	رنج بر بسته ۱۲۸۳:۶	رَو، بتاب از ۱۵۶۱:۵
رنج بی حد ۴۰۸:۵	رنج پوشیدن ۳۶۵:۵	رَو بتابم ۱۶۵۶:۵
رنج جان ۸۲۵:۲	رنج، چون ۳۴۷۶:۱	رو بتابید ۸۵۵:۵
رنج جوع از ۲۸۳۱:۵	رنج، دیگر ۳۱۸۹:۳	رو بترس و طعنه ۳۸۹:۱
رنج جوع، اولی ۲۸۳۰:۵	رنج رخساره ۲۵۴۰:۵	رَو، بجراحی ۳۲۲۲:۱
رنج در خاک ست ۳۱۸۶:۵	رنج رنگ توست ۱۳۹۲:۴	رَو، بجو آن ۱۰۲۱:۱
رنج دیدم ۲۳۳۵:۶	رنج رنگ مختلف ۲۵۲۵:۱	رَو بجو اقبال ۷۲۶:۱

- رَو، بَجُو لَیْس ۳: ۱۶۱۰*
 رَو، بَجُو وَا م ۳: ۲۳۹۴*
 رَو بَجُو یَا ر ۲: ۲۳*
 رَو بَخْسَپ ای ۶: ۵۸۹*
 رَو بَخْوَان ۲: ۳۴۳۴*
 رَو بَخْوَاهَم ۶: ۴۴۴*
 رَو بِدَان ۵: ۷۲۸*
 رَو بِدَو آری ۴: ۱۱۸۴*
 رَو بِدَو کَرْد آن ۶: ۱۷۳۰*
 رَو بِدَو کَرْد و ۲: ۳۲۲۸*
 رَو بِدِه مال ۳: ۲۳۹۴*
 رَو بِدین بَا لَآ ۳: ۳۲۱۴*
 رَو بِر آنْهَآ ۲: ۳۵۲۱*
 رَو بِرَایِ مَن ۲: ۳۴۱۴*
 رَو بِر دَل ۴: ۳۳۴۱*
 رَو بِر سُلْطَان ۱: ۲۷۱۸*
 رَو بِرُون آ ر ۱: ۳۲۷*
 رَو بِر یَا رِی ۲: ۲۲۷۶*
 رَو بِشَو ۱: ۳۰۴۲*
 رَو بِگَرْدَانْد بَه سَوِی ۳: ۲۱۶۹*
 رَو بِگَرْدَانْد چَو ۲: ۲۸۴۶*
 رَو بِگَرْدَانْد، گَرِیْزْد ۴: ۲۷۲۹*
 رَو بِگَرْدَانِیْد اَز آن ۱: ۳۳۴۶*
 رَو بِگَرْدَانِیْد و، آن ۴: ۲۷۹۵*
 رَو بِگَرْدَانِیْدِی ۲: ۲۰۷۳*
 رَو بِگِیْر اِیْن ۴: ۱۲۳۲*
 رَو بِه آَب ۲: ۴۸۳*
 رَو بِه آَتَش ۱: ۸۲۳*
 رَو بِهَآ اِیْن ۳: ۲۲۴۱*
 رَو بِهَآ پَا ۳: ۲۲۲۹*
 رَو بِهَآ، تَو سَوِی ۳: ۲۲۴۲*
 رَو بِهَآ! چَوْن ۱: ۳۱۱۱*
 رَو بِهَآ، خَرگُوش ۱: ۳۰۴۵*
 رَو بَهْ اَفْتَد ۶: ۴۰۸۸*
 رَو بِهَآ نَ بَر شِیْر ۵: ۴۰۹۳*
 رَو بِهَآ نَ تَر سَنْد ۲: ۳۱۶۲*
 رَو بِه اَنْدَر ۵: ۲۵۱۶*
 رَو بِهَآ نَ مُرْدَه ۱: ۱۵۹۷*
 رَو بِهَآ نَه ۵: ۲۳۴۹*
 رَو بِه اَو ۴: ۵۷۶*
 رَو بِه اِشَان ۴: ۱۲۳۴*
 رَو بِه اِیْقَاظَا کَه ۶: ۴۴۶۴*
 رَو بِه بِیَش ۳: ۳۰۰۷*
 رَو بِه تَارِیْکِی ۵: ۳۰۵۶*
 رَو بِه تَو کَرْدَنْد ۵: ۴۱۹۱*
 رَو بِه جُسْت ۲: ۱۶۹۵*
 رَو بِه حَاط ۴: ۲۹۵۱*
 رَو، بَه حَقِّ آنکَه ۵: ۱۶۵۴*
 رَو، بَه حَق رَحْمَت ۵: ۱۶۵۴*
 رَو بِه خَاک آریْم ۶: ۴۴۷*
 رَو بِه خَوَارِی، تَا ۵: ۱۲۹۲*
 رَو بِه خَوَارِی، نِی ۳: ۱۱۴۶*
 رَو بِه خُود کَرْد ۱: ۲۵۵۷*
 رَو بِه دَرگَاه ۵: ۱۸۲۰*
 رَو بِه دَرِیَا، کَار ۲: ۹۷*
 رَو بِه دَرِیَا بِی ۶: ۲۰۲۸*
 رَو بِه دَسْت ۳: ۲۱۶۵*
 رَو بِه رَو ۵: ۲۷۷۷*
 رَو بِه زَن کَرْد و بَگَفْت: ای ۶: ۴۵۵۳*
 رَو بِه زَن کَرْد و، بَگَفْتَش ۳: ۱۸۱۷*
 رَو بِه زَن کَرْدِی کَه ۶: ۴۴۴۹*
 رَو بِه سَوِی ۶: ۴۲۴۳*
 رَو بِهَش گَر ۴: ۳۷۹۴*
 رَو بِه شَه آوَرْد چَوْن ۶: ۲۹۰۶*
 رَو بِه شَهْر آوَرْد آن ۵: ۲۶۸۶*
 رَو بِه شَهْر آوَرْد سِیْل ۴: ۲۷۸۹*
 رَو بِه شَهْرِی ۳: ۲۴۰*
 رَو بِه شِیْخ آوَرْدَه ۲: ۴۰۹*
 رَو بِه صَحْرَای ۵: ۲۴۷۴*
 رَو بِه عَقْل ۶: ۱۶۷۶*
 رَو بِه کُشْتِیَا ن ۵: ۲۸۷۲*
 رَو بِه کُشْتِیَا ن ۱: ۲۸۳۵*
 رَو بِه گُورِسْتَان ۳: ۴۷۶۴*
 رَو بِه مَصْر، آنْجَا ۶: ۴۲۴۱*
 رَو بِه مَعْنِی ۱: ۷۱۰*
 رَو بِه مَن آرَنْد ۶: ۳۸۵۷*
 رَو بِه وَا هُو ۱: ۹۹۳*
 رَو بِه هَسْتِی ۲: ۷۶۴*
 رَو بِه هَم کَرْدَنْد آن ۶: ۲۴۲۱*
 رَو بِه هَم کَرْدَنْد هَر سَه ۶: ۳۸۸۷*
 رَو بِه، اَشْکَا ر ۲: ۳۱۶۰*
 رَو بِه یَک زَن ۶: ۱۷۲۹*
 رَو بِه یِ کَه ۶: ۳۰۲۸*
 رَو بِه یِ و خَدْمَت ۵: ۴۷۲*
 رَو بِیَا وِر ۵: ۸۹۳*
 رَو بِیِ مَرغِی ۶: ۴۴۵۲*
 رَو ت بَس ۵: ۳۴۸۱*
 رَو تُرُش کَرْد و دَو ۵: ۱۳۵۲*
 رَو تُرُش کَرْدَه، ۵: ۳۵۲۵*
 رَو تُرُش کَرْدِی ۵: ۱۳۵۵*
 رَو تُرُش کِی دَارْد ۳: ۱۷۴۱*
 رَو تَمَام ۱: ۱۴۳*
 رَو، تَو رَو بِه ۱: ۱۰۲۹*
 رَو تَو کَل ۱: ۹۰۹*
 رَو تَو کَهْگَل ۲: ۱۸۴۷*
 رَو چَنین عَشْقِی ۳: ۱۴۳۶*
 رَو چَو بُرْهَان ۲: ۱۳۱۹*
 رَو چَه سَوِی ۳: ۲۳۶۹*
 رَو چَه وَا پَس ۵: ۱۸۲۲*
 رَو چ آن کَس ۲: ۱۶۶۷*
 رَو چ اَز اَنْگُور ۲: ۱۷۸*
 رَو چ اَز مَعْدُوم ۲: ۱۷۸*
 رَو چ، اَصُول ۶: ۴۵۰*

روح اندر ۱: ۲۵۱۵#	روح را مین ۶: ۲۸۷۸#	رُو در افتادی ۶: ۲۵۳۴#
روح او با ۲: ۱۰۵۰#	روح زهن ۵: ۳۸۲۷#	رُو در دل زن ۵: ۱۰۷۴#
روح او چون ۱: ۲۵۱۵#	رُو حریف ۶: ۴۴۴۶#	رُو، دعا کن ۶: ۲۱۱۴#
روح او خود ۶: ۴۵۰#	روح زیبا ۶: ۴۶۴۴#	رُو دعا می خواه ۳: ۱۷۹#
روح، او را کئی ۳: ۳۵۸۴#	روح سلطانی ۶: ۷۹۷#	رُو دماغی ۳: ۴۷۷۷#
روح او، سیمرغ ۱: ۲۹۶۲#	روح شان آسوده ۱: ۳۹۶#	رُو، دو تا ۶: ۳۸۷۷#
روح او کی بود ۱: ۱۰۹۱#	روحشان بشکست ۳: ۲۸۲۱#	رو دهد ۳: ۳۷۶۳#
روح او گردان ۲: ۳۷۷۸#	روح شد ۵: ۲۵۳۶#	روده ها ۵: ۱۳۸۷#
روح او، نی ۱: ۱۰۹۰#	روح صالح، قابل آزار ۱: ۲۵۱۸#	رُو رُو ای جان ۵: ۱۹۱۶#
روح او و ریح ۴: ۱۹۴۸#	روح صالح، قابل آفات ۱: ۲۵۱۶#	روز آخر ۶: ۱۶۴۵#
روح، بازست ۵: ۸۴۳#	روح ظالم ۵: ۱۷۷۷#	روز، آن باشد ۴: ۵۸۶#
روح با علم است ۲: ۵۶#	روح، قالب ۱: ۳۰۲۱#	روز آوردند ۶: ۳۰۹#
روح باقی ۴: ۳۷۸۸#	روح کی گشتی ۵: ۳۸۵۶#	روز آید، شب ۶: ۲۵۵#
روح، بی قالب ۵: ۳۴۲۳#	روح گشتم ۳: ۴۲۰۶#	روز از ۵: ۳۰۰۱#
روح، پنهان کرده ۱: ۳۲۶۷#	روح محبوب ۴: ۴۴۶#	روز اندر ۳: ۱۹۳۰#
روح چون آب ۵: ۷۱#	روح، می بردت ۱: ۵۳۷#	روز اول، رویتان ۱: ۲۵۲۶#
روح چون مین ۶: ۳۳۱۰#	روح می بیند ۴: ۲۱۵۱#	روز اول، روی خود ۱: ۲۵۳۵#
روح حیوان را ۵: ۳۷۱۳#	روح نو ۱: ۲۵۹۶#	روز، او و روزی ۶: ۴۰۴۶#
روح حیوانی ۴: ۱۵۲۳#	روح واصل ۴: ۴۴۶#	روز باران است ۱: ۲۰۱۱#
رُوخ خواهی ۵: ۳۶۲#	روح واله ۳: ۱۶۰۶#	روز برجست ۲: ۱۶۴۱#
روح خود را چابک ۳: ۱۸۵#	روح وخی ۲: ۳۲۵۹#	روز، بر شب ۶: ۲۶۷۶#
روح خود را متصل ۴: ۴۴۸#	روح وحی از عقل ۲: ۳۲۵۸#	روز، بشناسم ۶: ۲۸۲۳#
روح داند ۵: ۱۳۰۷#	روح وحیش ۲: ۳۲۵۹#	روز بنماید ۲: ۲۹۲#
روح در عین ۲: ۳۳۱۱#	روح وحی ۲: ۳۲۶۰#	رُو زبون گیر!! ۵: ۷۴۸#
روح را از ۶: ۲۷۹۸#	روح ها را می زند ۶: ۳۳۲۲#	روز، بیگه شد ۱: ۲۸۱۴#
روح را اندر ۴: ۱۸۸۳#	روح ها را می کند ۶: ۵۷۸#	روز، بیگه، لاشه ۲: ۱۲۲۵#
روح را با تازی ۲: ۵۶#	روح ها که خیمه ۴: ۱۷۸۸#	روز پاداش ۶: ۳۵۳۲#
روح را باش ۶: ۳۵۹۴#	روح های تیره ۴: ۳۰۲۵#	روز پیروزست ۵: ۱۸۸۹#
روح را با مرد ۱: ۱۹۷۵#	روح های مرده ۴: ۸۴۰#	روز، پیش ۲: ۲۹۳#
روح را تابان ۶: ۲۷۸۷#	روح های منبسط ۱: ۳۹۹#	روز تا شب بی نوا و ۵: ۲۳۲۷#
روح را تأثیر ۶: ۱۵۰#	روح هایی ۱: ۱۵۴۲#	روز تا شب خون ۳: ۳۸۹۳#
روح را توحید ۳: ۱۶۱۱#	رُو، خُمش کن ۳: ۲۴۲۰#	روز تا شب، شب ۳: ۱۴۶۲#
روح را در غیب ۶: ۳۴۹۸#	رو در افتادن گرفت او ۲: ۲۴۴۴#	روز تعبیر ای ۴: ۳۶۶۰#
روح را در قعر ۲: ۲۶۸#	رُو در افتادن گرفتند ۳: ۱۲۳۴#	روز ثالث ۳: ۳۳۲۲#
روح را روحی ست ۳: ۱۲۷۴#		رُو ز حکمت ۳: ۳۷۴۴#

روز، خاص ۶۰۷:۴*	روزشان ۲۶۹۵:۱*	روز مرگ این ۹۴۰:۲
روز، خفاشک ۳۶۲۰:۳	روز شد، بیدار ۵۴۳:۶	روز مُلک است ۸۰۰:۶
روز در خوابی ۱۷۳۵:۳	روز شد، چون ۳۰۰۳:۵	روزِ من ۲۷۰۳:۶*
روز در دیوان ۲۸۴۹:۶*	روز شد، خادم ۲۴۱:۲	روز، موسی ۲۴۴۸:۱
رَو، درِ درمان ۴۳۱۱:۶*	روز شد گفتش ۹۰۳:۳	روز می‌دوزید ۲۵۶:۵*
روز، دل‌ها ۱۶۸۳:۱	روزِ شَه ۳۲۹:۲	روز میلادش ۹۳۲:۳
روز دیدن ۳۱۹۸:۶*	روز، صیّاد ۴۸۰:۵	روزن از بهر ۲۲۲۹:۲
روز دیدی، بی ۲۸۵۳:۶*	روزِ عاشورا نمی‌دانی ۷۹۰:۶	روزن جانم ۲۴۰۲:۳
روز دیدی طَلعت ۱۵۹۷:۴	روزِ عاشورا و آن ۷۸۲:۶*	روزن چشم ۳۰۸۹:۶
روزِ دیگر آن ۳۳۲۸:۳	روزِ عاشورا همه ۷۷۷:۶	روز نحر ۱۸۷۶:۶
روزِ دیگر از ۸۹۵:۶	روزِ عبدالله ۳۴۰۳:۲	روز، نور و مَكْسَب ۲۶۸۷:۶
روزِ دیگر با ۳۸۲۰:۶	روزِ عدل و، عدل ۱۸۸۷:۶	روز نیکو ۲۶۲۳:۲
روزِ دیگر بر تَهیِ دستان ۳۸۰۷:۶	روزِ عرضش ۲۹۱۸:۱*	روز و شبِ آرنده ۲۸۴۴:۴*
روزِ دیگر بر عَلَویان ۳۸۰۶:۶	روزِ فردا سیر ۳۳۱۲:۳*	روز و شب از ۱۲۵۷:۱*
روزِ دیگر بر گرفتاران ۳۸۰۷:۶*	روزِ فردا نک ۳۳۴۴:۳*	روز و شبِ اِشکنجه ۳۱۷۷:۵*
روزِ دیگر بیوگان ۳۸۰۵:۶*	روزِ کُتاب و ۱۵۹۲:۳*	روز و شب افسانه ۱۷۹۶:۶
روزِ دیگر جمله ۲۴۱۷:۳*	روزِ کِشتن ۳۵۳۱:۶	روز و شب اندر دعاند ۲۳۲۴:۳
روزِ دیگر رفت ۲۷۵:۶*	روزِ کی چندی ۲۵۳:۱	روز و شب اندر دعا و ۲۳۸۱:۳*
روزِ دیگر رُو ۳۸۲۲:۶*	روزگارِ خود ۸۵۰:۶*	روز و شب اندر قفس ۴۷۲۸:۳*
روزِ دیگر، وقت ۹۶۴:۱	روزگار بُرد ۳۰۸۳:۲*	روز و شب بُدِ خر ۲۳۲۸:۵*
روزِ دیگر همچنان ۳۳۱۵:۳	روزگاری ۵۲۱:۳*	روز و شب، بر وی ۳۹۲۵:۱*
روز را ضایع ۴۵۸:۶*	روز گشت و آمدند ۱۵۴۶:۳	روز و شب چفسیده ۳۴۶۵:۵*
روز رفت و، شد ۳۸۴۴:۶*	روز گشت و، آن ۲۱۳۴:۴	روز و شب در بــــــندگی ۱۴۶۲:۲*
روزِ روشن از کجا ۲۰۶۸:۶*	روز گشت و جمله ۵۳۹:۲*	روز و شب در جــــــتجوی ۱۳۶۲:۶*
روزِ روشن بر دلم ۲۳۳۷:۴*	روز گشتی ۶۰۴:۴	روز و شب درجنگ و اندر ۱۵۳۲:۴*
روزِ روشن را بر ۱۹۰۱:۴*	روزِ مَحْشر، این ۶۵۷:۴*	کشمکش ۲۶۱۹:۱*
روزِ روشن گردد ۱۰۶۷:۶	روزِ مَحْشر صورتی ۱۷۹۳:۵*	روز و شب در جنگ و اندر ۵۴۰:۴*
روزِ روشن، هر که ۲۷۲۱:۳	روز مَحْشر هر ۲۲۱۱:۵	روز و شب ظاهر ۴۴۱۸:۳
روز، روی از ۵۳۶:۳	روز مَحْشر، هشت ۱۵۷۳:۵	روز و شب کردار ۴۴:۲*
روز رویت ۳۱۵:۶	روزِ مَحْشر یک ۳۶۵۷:۴*	
روز زادن ۳۵۱۱:۱	روز محفل ۳۴۷۷:۵	
رَو ز سایه ۴۲۷:۱*	رَو، ز محمود ۱۴۴۶:۶*	
روز، سرد ۲۳۱۸:۱*	روز مُردن گند ۲۶۶:۲*	
	روز مُردن نیست ۲۹۱۲:۶*	

روز و شب گردان ۹۱۱:۶*	روسپید از ۳۵۷۳:۳	روضه جانت ۱۳۷۹:۲*
روز و شب مانند ۱۲۴:۳*	روستایی بین ۵۹۹:۳	روضه گشتم ۳۸۰۱:۱*
روز و شب می کرد افغان ۲۳۰۶:۳*	روستایی چون ۲۳۷:۳	روضه و حفره ۳۵۳۶:۴*
روز و شب می کرد قربان ۳۱۵۴:۴*	روستایی، خواجه ۴۱۲:۳*	روغن اندر ۳۰۴۶:۴
روزها آن ۹۰۸:۵	روستایی در تملق ۴۱۴:۳	روغن بادام ۵۳:۱*
روزها با سوزها ۱۵:۱*	روستایی را بدان ۱۴۵۹:۵*	روغن جان ۳۰۳۲:۴*
روزها با هم ۲۳۸۲:۶*	روستایی را گریانش ۶۶۳:۳*	روغن گل ۳۱۹۱:۶*
روزها سوزد ۱۸۵۸:۱*	روستایی ریش ۶۴۹:۳*	روغن کاید ۱۶۴۳:۱
روزها گرفت ۱۶:۱	روستایی شد ۵۰۴:۲	روغن کوه ۳۱۳۰:۵
روزه داران ۳۶۳۴:۵	روستایی شهری ۴۶۶:۳*	روفته از ۲۵۵۱:۱*
روزه گوید ۱۸۹:۵	روستایی کیست؟! ۶۴۲:۳*	رو فسونش ۲۳۳۴:۵*
روز، همچون ۳۴۰۲:۲*	روستایی، گاو ۵۰۳:۲	رو فلان ۱۳۵۸:۵*
روزی آدم ۳۸۹۳:۱	روستایی، های ۶۵۳:۳*	رو فنا ۹۲۱:۱*
روزی آن ۱۸۰۳:۴	رو، سخن از ۲۳۱۶:۱*	رو کزین جو ۶۲۶:۶*
روز یاران ۴۵۲:۶*	رو سرافیلی ۶۳۷:۶*	رو کسی جو ۱۹۷۲:۴
روزی ام ده ۱۴۵۴:۳*	رو سر خود ۴۹۴:۱*	رو، کسی دیگر ۲۳۲۱:۵*
روزی بی رنج او ۲۵۰۸:۳	رو، سگان ۳۲۱:۳*	رو که اکنون ۳۴۱۷:۴*
روزی بی رنج جو ۲۵۴۰:۳	رو، سگ کھف ۱۶۶۴:۶*	رو که، بر لوت ۴۳۲۶:۶*
روزی بی رنج می دانی ۲۵۱۱:۳	رو، سوی ۳۷۹۰:۳*	رو که بی یسمع ۱۹۳۸:۱*
روزی بی رنج و ۲۵۰۷:۳*	رو سیاه اند ۳۶۱۹:۶*	رو که رستی از خود ۳۴۱۶:۴*
روزی تو چون ۲۳۹۰:۱*	رو بیبه کردند ۳۱۶۲:۵*	رو که رستی تو ۳۴۱۰:۴*
روزی من بود ۲۳۱۳:۳*	روش دید ۲۹۷۶:۵*	رو که فرزندان ۲۴۳۱:۳*
روزی وافر ۳۳۱۳:۳*	روشن اندر ۳۹۲۰:۳*	رو که شناسم تبر ۶۹۰:۳*
روزی بنوشته یی ۱۴۵۶:۳*	روشنای جستن ۳۳۹۰:۶*	رو که شناسم تو را ۷۰۰:۳*
روزی بی دام ۲۸۸۱:۳*	روشنای دید ۴۱۲۲:۶*	رو که هم از پهلوی ۶۴۰:۴*
روزی خواهم بنا که ۱۴۶۱:۳	روشنست این ۳۰۵۵:۵	رو مکن در ابر ۱۴۵۳:۲*
روزی خواهم حلال ۲۳۸۲:۳*	روشنی بخشد ۱۹۷۵:۲	رو، مکن زشتی ۳۳۷:۲*
روزی دارند ۲۳۵۳:۱*	روشنی بر ۳۰:۴	رو مگردان ۳۸۸۰:۱*
رو سب و پُرکن ۳۴۴۵:۵*	روشنی خانه ۱۵۸۲:۶	رو مگس می گیر ۲۷۸۹:۲*
رو سپس کردم ۱۸۴۱:۵	روشنی عقل ها ۱۱۶۰:۲	رو میان آن ۳۴۸۳:۱
رو سپس کردی ۱۵۳۹:۴*	روشنی که ۲۴۶۲:۲*	رو میان از ۳۴۶۹:۱*
روسی باشد ۳۷۱۵:۵	روشنیها ۴۳۷۴:۶*	رو میان گفتند: ما را ۳۴۶۷:۱*
	روشنی کو ۸۲۵:۲	رو میان گفتند: نئی، لون ۳۴۷۴:۱
	روشنی کو ۸۲۵:۲	رو میان گویند: نئی، ۳۵۱۶:۱*
	روضه اندر ۳۵۷۱:۶	رومی شد ۷۴۰:۶*

روی زرد و لب ۵:۲۲۵۴*	رویِ او را ۶:۳۶۳۹*	رو ندارد ۶:۴۵۶*
روی زشت را ۵:۲۶۲۱*	رویِ او ز آلودگی ۲:۳۰*	رَوَندوزد ۵:۳۵۰۰۶*
روی زشت توست ۳:۳۴۴۲	رویِ ایمان ۵:۲۴۴۹*	رَوَ نَعْمَرَه ۲:۷۱۵*
روی سرخ، از ۳:۳۵۷۲	روی، بالا ۱:۱۸۲۸	رونق را ۳:۱۲۰۱
روی سَوی آسمان‌ها	روی باید ۵:۳۵۰۰۶*	رونق دنیا ۴:۱۷۳۴
۳:۲۳۷۱*	روی بر ۶:۱۱۸۱*	رونق کار ۴:۱۷۳۳
روی، سویِ آن ۴:۱۱۸۵*	روی پس ۴:۶۰۲*	رونق و طاق ۴:۱۶۶۱
روی سوی مدرسه ۴:۱۵۸۳	روی پنهان ۳:۶۰۰*	رونقِ هر قصر ۶:۳۲۶۸*
رویش آن سو ۴:۶۳۷	رویِ پوشی کرد ۶:۱۰۲۰*	رونقی یابد ۵:۱۲۶۹*
رویش اَبْلَق ۲:۳۳۷۶*	رویِ پوشی می‌کند ۴:۱۲۸۴*	رو نکرد اَیوب ۵:۳۶۹۱*
رویش از غم ۷:۹۵۷	رویِ تاریکش ۵:۶۹۴*	رو نگردانید ۳:۴۱۴۲
رویش از گلزار ۴:۱۸۳۶	رویِ جمله دلبران ۶:۱۹۸۲*	رَو نگردانی ز کشتی ۴:۳۳۶۰*
رویشان ۳:۲۱۸۵*	رویِ چون گُلنار ۳:۳۷۶۱*	رو نگردانیم ۶:۳۶۶۴
روی شستند ۶:۲۴۱۷	رویِ حلم ۶:۲۵۸۱*	رو نماید ۵:۳۸۹۳
رویِ شَه ۱:۱۱۷۴*	روی خوبان ۱:۲۷۴۶	رو نمایم ۶:۶۸۴
رویِ شیخ ۳:۲۵۴۸*	رویِ خوبم ۵:۶۶۵*	رو نهاد آن ۳:۳۸۶۰
روی صحرا هست ۳:۲۶۹	روی خود بر روی ۲:۱۳۵۲*	رَو نهادندی ۱:۷۳۰*
رویِ عزرائیل ۵:۲۲۷۰*	رویِ خود بنمودشان ۳:۸۶۸*	رَو نهاده ۵:۳۲۱۰*
روی کردی ۵:۳۱۶۶*	رویِ خود را ۴:۲۴۹۰*	رَو نهان کرده ۴:۳۴۶۲*
روی، مَخراش ۵:۵۵۳*	رویِ خود سوی ۶:۳۴۵۵*	رَو و پشت این ۴:۲۸۰*
رویِ من زیشان ۱:۱۴۲۰*	رویِ خود محسوس ۲:۸۸۶*	رو و پشت بُرج‌هاش ۶:۳۶۳۶
روی موسی ۶:۳۰۵۹	رو، یدالله ۵:۲۷۹۵	رو و خال ۵:۹۶۰
رویِ ناشسته ۳:۳۰۳۳	روی داود ۳:۴۲۶۸	رو و سر در ۱:۱۴۰۵
روی نفس ۵:۵۵۷	روی در اَطلال ۳:۱۳۴۶	رو همی گرداند ۶:۳۹۲۴
روی نماید ۵:۳۲۹۱*	روی در انکار ۳:۲۰۸۳	رو همی مالید ۳:۳۳۶۸
روی ننمود ۱:۹۵۳*	روی در او مید ۳:۹۵۹*	رَو، هوا بگذار ۵:۹۰۵*
روی نهاده‌ست ۵:۳۲۷۰*	روی در داود ۳:۲۴۴۰	روی آب ۲:۳۲۹۶
رَوی و آواز ۲:۳۵۹۸*	روی، در دیوار ۱:۶۴۵	رویِ آن یاری ۲:۹۶*
رویِ واپس ۲:۱۸۱۱	روی در رَو کرده ۳:۴۷۶*	روی آورد آن ملک ۶:۳۰۳۲
روی و خوی ۴:۳۱۷۹*	روی در روی ۶:۱۹۸۳	روی آوردم به ۵:۳۲۰*
روی‌ها باشد ۳:۶۰۲*	روی در ره کردنش ۲:۱۸۱۱*	روی آورده به ۱:۱۳۸۶*
روی هر یک چون ۴:۱۶۱۵	روی، در قوت ۲:۱۰۸۱*	رویِ احسان ۱:۲۷۴۶*
روی هر یک می‌نگر ۱:۳۱۵	روی دینار ۴:۲۸۷۲	روی، از غیر ۱:۷۶۱*
رَه بر اهل ۳:۲۹۴۷*	رویِ زرد، از ۳:۳۵۷۲*	روی از نَقاش ۵:۱۵۰۲
رَه بَرَد ۳:۱۸۱۲*	روی، زرد و پای ۲:۱۰۸۵	رویِ او از دُم ۶:۱۳۲*

ریگ‌ها هم ۲۵۱۹:۳	ریختی بر سر ۳۸۲۶:۳	رَه به هفتم ۱۵۱۷:۴
	ریده‌یی، آنگاه ۲۴۳۰:۳	رِه دهم ۴۱۵۵:۳
ز	ریزه دل ۲۲۷۱:۳	رَه روان ۳۶۵۶:۱
ز آب آتش ۱۲۵۵:۲	ریزه ریزه ۳۸۳:۱	رِه زده و رَه زن ۳۶۲۰:۶
ز آب بارانی ۲۸۱۷:۱	رِسمان پِسکُست ۱۲۷۰:۵	رهزن اند و ۴۳۰۵:۶
ز آب باشد ۴۲۱۹:۵	رِسمان و سوزنی ۱۷۶۷:۳	رهزنان را بر تو ۴۰۶۲:۳
ز آب تتماجی ۲۹۴۴:۵	ریش او بیرید ۱۳۷۸:۳	رَه زنان را بشکند ۲۱۵۱:۲
ز آب حیوان هست ۴۲۲۲:۵	ریش او پُر باد ۲۷۱۵:۱	رَه زنی مردان ۹۰:۱
ز آب حیوانی ۲۸۰۷:۳	ریش او پُر خون ۳۷۵۵:۵	رهزنی اعراب ۳۲۲۴:۵
ز آب داود ۳۴۳۲:۵	ریش بد را ۲۶۰۳:۱	رَه زنی را بُرده ۱۳۴:۲
ز آب دیده ۲۳۴۶:۶	ریش بر می‌کند ۲۵۴:۱	رِه زنی و، من ۲۷۰۱:۲
ز آب سرد ۴۱۹۴:۳	ریش تشبیه ۱۳۵۵:۲	ره‌شناسی ۱۴۵۹:۴
ز آب شور ۱۰۱۰:۵	ریش تو ۳۲۲۴:۱	رهگذر بود ۸۶۰:۵
ز آب شیرینی ۴۳۰۷:۶	ریش خر ۲۵۱۶:۵	ره‌گذریاننش ۱۲۲۸:۲
ز آب صافی ۳۴۳۰:۶	ریش خندت ۲۹۱۸:۲	رَه نبودش ۳۴۱۵:۴
ز آب من ۱۱۱۹:۲	ریشخند سبَلت ۹۰۶:۶	رَه، نتاند ۲۵۵۳:۳
ز آب و خاک ۱۲۹۱:۱	ریشخندی شد ۵۹۰:۳	ره نداند ۲۱۹۴:۴
ز آب و روغن ۲۵۶۱:۶	ریشخندی کرده‌اند ۱۰۸۰:۴	ره ندانی ۴۲۸:۱
ز آب و گل ۶۹۶:۲	ریش خود برکنده ۴۰۸۶:۳	ره نما و الله ۸۵۸:۴
ز آب هر آلوده ۱۳۶۸:۲	ریش سر چون ۲۵۵۶:۱	ره نمایم جِلْم ۴۱۵۳:۵
ز آتش ار علمت ۸۶۰:۲	ریش، شانه ۳۳۴۷:۵	ره نمایم، هَم‌رهت ۲۱۷:۳
ز آتش امراض ۹:۳	ریش گاوینده ۲۸۰۳:۱	ره‌نمایی جُستن ۳۳۸۹:۶
ز آتش این ۱۸۷۱:۲	ریش گاوی کرد ۳۹۲۵:۵	ره نمی‌داند ۱۴۴۸:۴
ز آتش تعظیم ۴۰۹۷:۵	ریش و سبَلت را ۲۵۱۲:۵	ره نمی‌دانی ۴۹۱:۳
ز آتش جوعش ۱۶۷۲:۳	ریش و سبَلت موجب	ره نیابد از ستاره ۴۲۲۸:۵
ز آتش دل ۱۶۳۷:۱	۲۵۱۱:۵	ره نیابد کاله ۲۳۵۱:۱
ز آتش رشک ۶۹۴:۶	ریش و مو برکنده ۹۰۷:۳	ریخت آن صیّاد ۲۰۹:۱
ز آتشش سوزد ۱۷۱۴:۲	ریش و مو سوزد ۱۳۸۱:۵	ریخت بهر ۱۵۴۰:۶
ز آتش شهوت ۸۶۲:۱	رَنِعِ تقصیرست ۴۰۳:۶	ریخت چندان اشک ۹۳۴:۴
ز آتش عاشق ۴۶۰۸:۶	رَنِع را چون ۲۳۹۱:۳	ریخت چندان زر ۴۳۵۵:۳
ز آتشم آگه ۲۷۵۷:۵	ریگ آمون ۳۸۶۱:۳	ریخت خونم ۲۱۱:۱
ز آتشی ۱۳۴۸:۲	ریگ اندر ۱۸۶۹:۲	ریخت دندانهاش ۱۲۲۴:۶
ز آدم و ابلیس ۱۰۸۰:۳	ریگ را گویی ۲۹۱۲:۳	ریخت دندانهای سگ ۱۲۲۹:۶
ز آدمی که ۲۷۵۹:۳	ریگ شد، کز ۲۵۸۹:۳	ریختم سرمایه ۲۱۸:۵
ز آرزوی سایه ۲۰۱۰:۳	ریگ کز تَغش ۳۷۹۲:۲	ریختند اندر ۲۴۱۵:۵

ز آنچه وهم ۵: ۱۳۰۸ *	ز آن بیابان این ۶: ۲۷۷۱	ز آرزوی گوش ۳: ۴۶۹۸ *
ز آن چه یابد؟ ۶: ۴۴۳ *	ز آن بیابان عدم ۶: ۲۷۷۲	ز آرزوی ناقه ۳: ۲۳۵۲
ز آنچه یابی ۳: ۱۴۸۱ *	ز آن بیاورد ۳: ۱۸۰۴	ز آرزوی نیم ۳: ۲۰۲۹ *
ز آن حجاب غیب ۶: ۱۹۲۱ *	ز آن بيفشاند ۵: ۱۴۸۶	ز آزمون من ۴: ۳۲۵۲
ز آن حدیث بانمک ۱: ۲۰۰۴ *	ز آن پدر ۵: ۳۳۰۰ *	ز آستان او ۲: ۳۶۶۰ *
ز آن حدیث تلخ ۳: ۴۱۹۳	ز آن پدید ۴: ۲۹۲۰ *	ز آسمان چل ۲: ۲۰۴۱
ز آن حروف ۵: ۳۱۲	ز آن پذیراند ۲: ۲۷۴۲ *	ز آسمان حق ۴: ۱۴۸۳
ز آن حسد ۱: ۴۳۵ *	ز آن پیمبر گفت: ۲: ۳۰۱۳ *	ز آشنایان ۶: ۲۲۲۶ *
ز آن حلاوت ۲: ۳۰۱ *	ز آن تیش تنگ ۳: ۳۵۴۶ *	ز آشنایی ۴: ۳۰۱۱
ز آن خداوندی ۲: ۱۴۰۱ *	ز آن تیش دل ۴: ۵۰۲ *	ز آفتاب ارکرد ۵: ۳۹۱۰
ز آن خورانم بندگان را ۶: ۳۹۷۲	ز آن تجلی ۳: ۳۴۰۸ *	ز آفتاب تیز ۴: ۳۲۴۴ *
ز آن خورم ۶: ۳۹۷۱	ز آن تعلق ۱: ۲۵۲۱	ز آفتاب چرخ ۳: ۲۷۳۶ *
ز آن خیالات ۵: ۳۲۵ *	ز آن تغافل ۴: ۳۵۸۵	ز آفتاب حسن ۵: ۹۸۵ *
ز آن دعا کردن ۲: ۳۳۹ *	ز آن تقاضا ۳: ۴۱۶۹	ز آکلی ۵: ۷۲۷ *
ز آن دعا و زاری ۵: ۲۶۳۱ *	ز آن تَلَطُّف ۵: ۳۷۴۳	ز آمد ماهی ۲: ۳۳۳۶ *
ز آن دگر ۵: ۳۲۳۵ *	ز آن تلف ۴: ۲۳۵۲ *	ز آن اثر ۳: ۳۵۸۵ *
ز آن دم جان ۲: ۳۳۸۸ *	ز آن نگشاید ۶: ۲۶۱ *	ز آن امیران ۵: ۴۰۷۱ *
ز آن دم نومیدکن ۶: ۱۸۲۴ *	ز آن توهم ۱: ۲۴۷۵ *	ز آن انای ۵: ۴۱۳۹
ز آن دمی کادم ۱: ۱۹۸۸	ز آن جرّای خاص ۴: ۱۸۶۱	ز آن بیستم ۱: ۳۶۲۸ *
ز آن دمی کاندرا ۱: ۱۹۸۷ *	ز آن جرّای روح ۴: ۱۸۶۲	ز آن پیوشانم ۶: ۳۹۷۳ *
ز آن دوی تمکین ۴: ۲۰۱۲ *	ز آن جَلَب ۳: ۴۲۳ *	ز آن پوشیدند ۶: ۱۶۱۸ *
ز آن دو چشم ۴: ۲۶۳۹	ز آن جماعت ۲: ۳۷۹۶ *	ز آن بخواندند ۵: ۱۷۸ *
ز آن دو، یک ۱: ۱۴۵۸ *	ز آن جهان، ابدال ۳: ۶۳ *	ز آن بروید ۳: ۴۳۸۶ *
ز آن رحم بیرون ۶: ۳۴۱۹	ز آن جهان اندک ۱: ۲۰۶۹	ز آن بگرداند ۳: ۴۴۵۷
ز آن رسن ۳: ۴۲۱۰ *	ز آن جهان کو ۶: ۱۰۹۶	ز آن بلا سرهای ۶: ۱۶۴۲ *
ز آن رسولی ۵: ۲۸۱۹	ز آن چنان ۴: ۱۱۳۶ *	ز آن بلاها ۶: ۱۱۰۸
ز آن رهش ۵: ۳۵۲۸	ز آن چنین ۴: ۳۱۳	ز آن بماند ۱: ۲۴۸۸ *
ز آن ز آهر من ۱: ۳۹۱۹	ز آن چهار ۵: ۱۶۳۲ *	ز آن بود اسرار ۳: ۳۳۶۴ *
ز آن زیون ۶: ۴۶۵۲	ز آنچه حق آراست ۱: ۲۴۲۵ *	ز آن بود جنس ۴: ۲۶۶۹
ز آن زگرم ۱: ۲۰۵۶ *	ز آنچه حق گفت: ۳: ۳۷۴۵ *	ز آن بود که اصل ۳: ۴۴۳۶ *
ز آن زمانی ۳: ۳۱۸۷	ز آنچه خوردی ۴: ۱۸۱۸ *	ز آن بود که ترک ۴: ۱۹۹۵
ز آن زمرد ۵: ۱۹۵۲	ز آنچه دادم ۶: ۳۵۴۸	ز آن بود که عیش ۴: ۱۳۵۲ *
ز آن زنان ۴: ۲۰۹۹	ز آنچه کوه ۵: ۱۵۳۵	ز آن بود که مرد ۴: ۱۶۲۰ *
ز آن زندی ۵: ۶۸ *	ز آنچه گشتی ۳: ۳۶۹۸	ز آن به ظاهر ۱: ۳۹۴۶
	ز آنچه گفتم ۱: ۲۱۱۲	ز آن به قرصی ۳: ۳۵۸۸

ز آن سبب آدم ۲: ۳۳۳۰	ز آن ضلالت‌های ۵: ۲۰۷۶	ز آن کیش ۳: ۲۰۷۶
ز آن سبب با او ۲: ۸۱۳*	ز آن ضیا گفتم ۴: ۱۶	ز آنک عشق ۵: ۳۲۷۴
ز آن سبب باشد ۱: ۳۰۹۵*	ز آن طرف آمد ۶: ۲۵۵۳	ز آن کُله ۴: ۳۳۳۷*
ز آن سبب خسته ۲: ۳۵۵۹*	ز آن طرف آورده‌ام ۶: ۷۵۵*	ز آن کنار ۴: ۲۱۵۰*
ز آن سبب صوفی ۲: ۵۳۲*	ز آن طرف آید ۱: ۸۸۷*	ز آن کنیزک ۱: ۱۵۸
ز آن سبب، عالم ۱: ۱۳۲۹*	ز آن طرف جنبید ۳: ۲۷۶۰*	ز آنکه آب از ۲: ۳۲۹۸*
ز آن سبب فانی ۵: ۲۰۲۴	ز آن طرف هم پیشت ۲: ۵۹۰*	ز آنکه آب او دوش ۲: ۵۴۳*
ز آن سبب فرمود ۲: ۲۹۵	ز آن عجب بیشه ۲: ۱۴۲۷	ز آنکه آب شور ۵: ۸۱۴*
ز آن سبب «قل» ۶: ۸۱۵	ز آن عجبر ۲: ۲۰۵۴	ز آنکه آتش ۵: ۱۹۳۹
ز آن سبب کز ۵: ۴۰۱۹	ز آن عَجَب، گم کرد ۴: ۹۶۷*	ز آنکه آدم ۱: ۱۶۳۳
ز آن سبب که ۳: ۱۹۳۵	ز آن عرب بنهاد ۳: ۴۷۴۱	ز آنکه آگندست ۴: ۳۲۶۹*
ز آن سپس گوشت ۵: ۳۹۲۱	ز آن عزب خانه ۶: ۳۸۴۵	ز آنکه آلت ۱: ۲۶۹۷
ز آنشت کاندز ۶: ۱۴۵۴*	ز آن عصا چون ۳: ۳۴۵۵*	ز آنکه آن بت مار ۱: ۷۷۲*
ز آن سخن بنشانند ۴: ۳۴۶۷*	ز آن عُلُوم ۳: ۳۲۲۹*	ز آنکه آن ترکیب ۶: ۵۶*
ز آن سخن‌ها ۱: ۱۵۹۶*	ز آن عمامه ۴: ۱۵۹۰	ز آنکه آن تقلید ۲: ۵۷۰
ز آن سر دیگر ۶: ۲۷۴۰*	ز آن عنایت ۳: ۳۲۴۳*	ز آنکه آنجا جمله ۶: ۴۷۴۶
ز آن سفر در ۳: ۴۶۷*	ز آن عوانان ۳: ۳۸۲۳*	ز آنکه آنجا گفت ۴: ۳۳۰۷
ز آن سگالش ۵: ۲۰۷۴	ز آن عوان سر ۳: ۴۰۶۵	ز آنکه آن جو نیست ۲: ۴۸۹*
ز آن سگان آموخته ۴: ۲۶۷۷	ز آن عوان مقتضی ۳: ۴۰۶۴	ز آنکه آن خاران ۲: ۱۲۶*
ز آن سلام آورد ۵: ۲۹۸۶*	ز آن غذا، زاده ۶: ۳۵۷۷*	ز آنکه آن دم ۶: ۲۲۱۴
ز آن سلام او سلام ۳: ۳۳۶۳	ز آن غذایی ۶: ۴۷۶۲*	ز آنکه آن دندان ۱: ۲۳۶۰
ز آن سلیمان ۱: ۹۸۶*	ز آن غَرَض ۲: ۳۶۵۶*	ز آنکه آن صاحب‌دل ۵: ۹۰۱
ز آن سوی حد ۴: ۲۲۱۹*	ز آن غنا ۳: ۳۲۸۲	ز آنکه آن گُرگان ۲: ۱۲۷*
ز آن شب قدرست ۳: ۲۵۳۳*	ز آن فراخ آمد ۵: ۲۵۳	ز آنکه آن گرمی ۲: ۳۶۹۶
ز آن شراب زهرناک ۵: ۹۴۰*	ز آن فرود آ ۱: ۲۳۶۳*	ز آنکه آن لب‌ها ۳: ۴۶۸۵
ز آن شراب لعل ۶: ۹۴۴	ز آن فسون‌هایی ۵: ۲۳۳۷*	ز آنکه آن لقمه رُبا ۲: ۵۸۷*
ز آن شکار ۵: ۴۰۱	ز آن فکنده ۶: ۲۹۲۴	ز آنکه آن هردو ۱: ۱۹۹۹*
ز آن شناسی ۴: ۳۰۵۳	ز آن فناها ۵: ۷۹۷	ز آنکه آوازت ۱: ۱۸۳۱
ز آن شود آتش ۶: ۳۰۸۲	ز آن قلم، بس ۱: ۳۸۵۱*	ز آنکه آواز و رخس ۵: ۲۲۳۲
ز آن شود در وی ۱: ۳۰۹۶*	ز آن قوی‌تر بود تمکین ۶: ۲۳۸	ز آنکه ابر آنچه ۴: ۱۷۳۰
ز آن شود هر ۵: ۱۵۰۱	ز آن قوی‌تر گفت ۴: ۲۱۲۴*	ز آنکه ابر از ۵: ۴۶۲
ز آن شهنشاه ۲: ۱۳۳۲	ز آنک ازو شد ۴: ۲۵۰*	ز آنکه احسان‌های ۲۶۲۸
ز آن شهی جو ۵: ۱۶۸۳*	ز آنک ازیشان ۲: ۲۵۸۷	ز آنکه اَرْضُ اللّٰه ۴: ۱۰۸۸*
ز آن صدف گر ۶: ۳۴۱	ز آنک جاری ۵: ۳۲۸۴*	ز آنکه از دل جانب ۶: ۴۹۱۶*
ز آن ضعیفم ۱: ۳۶۶۲	ز آن کزو بستان ۱: ۲۰۵۸	ز آنکه از شیشه ۳: ۱۲۵۶*

ز آنکه بی خود ۴: ۲۱۳۹	ز آنکه این آب ۲: ۲۹۶۲	ز آنکه از عاقل ۲: ۱۸۷۶
ز آنکه بی دردی ۲: ۲۵۲۱*	ز آنکه این اسما ۴: ۲۹۶۹	ز آنکه از عزّت ۵: ۸۲۸
ز آنکه بی شب ۳: ۴۴۲۰	ز آنکه این تن ۵: ۳۷	ز آنکه از قرآن ۳: ۴۲۱۰
ز آنکه بی شدیار ۶: ۴۸۸۶*	ز آنکه این دمها ۱: ۲۶۷۲	ز آنکه از کون ۲: ۱۷۴۷
ز آنکه بی شکری ۱: ۹۴۶	ز آنکه این رامن ۱: ۳۸۵۲*	ز آنکه از نقشم ۵: ۴۱۶۰
ز آنکه بی شمشیر ۱: ۳۷۴۷*	ز آنکه این راهم ۱: ۹۷۶*	ز آنکه اُستارا ۱: ۴۹۳*
ز آنکه بی ضد ۲: ۱۲۵۰*	ز آنکه این زاغ ۵: ۸۹۹	ز آنکه استعداد ۴: ۱۵۲۷
ز آنکه بی فرمان ۶: ۲۲۸*	ز آنکه این فانی ۴: ۳۰۵۰	ز آنکه استفهام ۵: ۲۱۲۶
ز آنکه بی گریه ۱: ۲۴۱۹*	ز آنکه این نوری ۳: ۳۵۸۹	ز آنکه استکمال ۵: ۴۱۰۲
ز آنکه بی گلزار ۲: ۴۱	ز آنکه این هر پنج ۲: ۳۲۳۶*	ز آنکه اصل ۱: ۲۵۸۰*
ز آنکه بی لذت نروید لحم	ز آنکه این هردو ۵: ۲۷۱۵*	ز آنکه اطلاق ۳: ۱۳۴۸
۳: ۴۱۶۸	ز آنکه این هوی ۴: ۲۶۱۴	ز آنکه افتاده ۴: ۱۰۰۲*
ز آنکه بی لذت نروید هیچ	ز آنکه با جامه ۱: ۲۷۷۲	ز آنکه اَلْأَذْنَان ۶: ۱۰۲۴*
۶: ۱۷۹۸	ز آنکه با جان ۱: ۲۰۴۷	ز آنکه اَلنَّاسُ ۲: ۲۰۷۲*
ز آنکه بینا را ۱: ۱۵۰۸	ز آنکه باد ناموافق ۱: ۳۷۹۵*	ز آنکه انبوهی ۲: ۲۱۵۱
ز آنکه بینی ۴: ۳۰۱*	ز آنکه با سرکه ۱: ۳۲۱۱*	ز آنکه اندر دام ۱: ۱۶۱۱*
ز آنکه بی یاران ۶: ۴۹۸*	ز آنکه باقی ۵: ۲۳۳۲	ز آنکه اندر غفلت ۶: ۴۳۲۳*
ز آنکه پایت ۴: ۲۲۱۰*	ز آنکه با یاران ۲: ۲۸۳۵*	ز آنکه انسان ۳: ۴۲۰۱
ز آنکه پستان ۳: ۴۸	ز آنکه بخت ۳: ۴۴۹۷	ز آنکه او از اصل ۵: ۸۲۲
ز آنکه پنبه گوش ۶: ۷۳۲*	ز آنکه بر بانگ ۳: ۴۲۲	ز آنکه او از من ۱: ۲۱۹۶*
ز آنکه پندارند ۶: ۵۲۷*	ز آنکه بردل می رود ۳: ۱۹۷۶*	ز آنکه او بازست ۵: ۸۹۶
ز آنکه پنهان است ۳: ۴۷۶۷*	ز آنکه بردل نقش ۲: ۴۸۳	ز آنکه او بنمود ۴: ۱۶۱۰
ز آنکه پیراهان ۳: ۳۰۴۰	ز آنکه بر دیوار ۶: ۳۰۹۳	ز آنکه او بیش ۲: ۳۳۳۴*
ز آنکه پیش از عرضه	ز آنکه بر مرصاد ۶: ۴۵۲۹	ز آنکه او پاک است ۱: ۳۱۴۰
۵: ۲۹۸۳*	ز آنکه، بس ارزان ۱: ۱۷۵۵*	ز آنکه او در ۳: ۲۵۵۸
ز آنکه پیش از مرگ ۶: ۷۴۵	ز آنکه بس مردانه ۳: ۳۹۳۲*	ز آنکه او را بهر ۶: ۱۵۱۷
ز آنکه پیش نور ۴: ۴۳۱*	ز آنکه بس نان کور ۱: ۱۹۶۴*	ز آنکه او را فاتحه ۶: ۳۳۵۵
ز آنکه پیلم ۵: ۱۸۹۲	ز آنکه بعث از ۶: ۸۲۱*	ز آنکه او سنگ ۵: ۲۰۳۷
ز آنکه پیوسته ۱: ۲۸۲۴	ز آنکه بتّا ۲: ۳۵۵۸*	ز آنکه او غیب ۲: ۳۲۵۸*
ز آنکه تأویل است ۱: ۳۷۴۲	ز آنکه بود ۱: ۳۸۲۴*	ز آنکه اول ۱: ۱۶۲۷
ز آنکه تاریخ ۵: ۲۱۹۰	ز آنکه بویش ۴: ۳۲۲۱*	ز آنکه او مغزست ۲: ۳۳۲۲*
ز آنکه تاریکی ۱: ۱۵۹۵	ز آنکه بی برگ اند ۴: ۱۰۷۶*	ز آنکه او متاع ۵: ۲۰۳۳*
ز آنکه تخم ۴: ۱۶۵*	ز آنکه بی حاجت ۲: ۳۲۷۴	ز آنکه ایشان در فراق ۲: ۴۸۲
ز آنکه تصویری ۳: ۶۱*	ز آنکه بی حق ۲: ۲۹۲۸	ز آنکه ایشان را دو ۲: ۲۸۷۴*
ز آنکه تقلید ۲: ۴۸۴	ز آنکه بی خواه ۵: ۳۱۰۰	ز آنکه ایشان ز آبهای ۱: ۲۷۲۳

- ز آنکه تقوی ۱: ۳۷۰۵*
 ز آنکه تکمیل ۲: ۱۵۳۹*
 ز آنکه تواز آتشی ۲: ۱۲۵۴*
 ز آنکه تو اولیتری ۲: ۴۸۱*
 ز آنکه تو علت ۲: ۲۷۵۰*
 ز آنکه تو هم ۵: ۷۱۸*
 ز آنکه جان چون ۱: ۳۹۰۶*
 ز آنکه جان‌شان ۵: ۳۵۸۹*
 ز آنکه جان لامکان ۳: ۴۴۳۷*
 ز آنکه جانی ۴: ۱۵۱۲*
 ز آنکه جاهل ۶: ۲۳۶۴*
 ز آنکه جباران ۳: ۲۹۹۷*
 ز آنکه جبری ۵: ۳۰۰۹*
 ز آنکه جدّ جوینده ۵: ۱۳۴۲*
 ز آنکه جدّش ۴: ۱۰۰۳۵*
 ز آنکه جز ۱: ۲۷۵۱*
 ز آنکه جسمت ۱: ۲۶۶۳*
 ز آنکه جمله ۵: ۲۴۲۲*
 ز آنکه جنّت از ۴: ۱۸۵۷*
 ز آنکه جنّت را ۴: ۴۷۵*
 ز آنکه جنس بانگ ۲: ۳۶۰۰*
 ز آنکه جنس نار ۴: ۲۷۱۳*
 ز آنکه جنس هم ۶: ۲۹۸۴*
 ز آنکه جنسیت ۴: ۲۶۷۱*
 ز آنکه جویای ۲: ۲۵۴۴*
 ز آنکه چشم آدمی ۴: ۱۷۱۴*
 ز آنکه چشم وهم ۴: ۳۲۷۸*
 ز آنکه چندل ۴: ۱۷۰۴*
 ز آنکه چون بدرید ۱: ۳۹۱۳*
 ز آنکه چون مرده ۴: ۳۰۵۹*
 ز آنکه چون مغزش ۳: ۱۳۸۷*
 ز آنکه حاجت ۲: ۳۲۸۴*
 ز آنکه حادث ۲: ۲۶۴۰*
 ز آنکه حال این ۴: ۱۳۱۶*
 ز آنکه حد ۴: ۳۷۰۷*
- ز آنکه حشر ۲: ۱۴۱۲*
 ز آنکه حقّ ۳: ۳۳۲*
 ز آنکه حکمت ۲: ۱۶۶۹*
 ز آنکه حل شد ۶: ۷۵۰*
 ز آنکه حلوا ۶: ۲۶۰۱*
 ز آنکه حیوانی است ۱: ۲۴۳۵*
 ز آنکه حیوانی نبودش ۳: ۳۸*
 ز آنکه خریدن ۱: ۲۹۱۰*
 ز آنکه خاکی ۳: ۲۵۹۳*
 ز آنکه خبث ۵: ۲۶۰۷*
 ز آنکه خربنده ۲: ۱۸۵۵*
 ز آنکه خر را ۶: ۳۶۹۲*
 ز آنکه خوارمشاه ۶: ۲۵۳۷*
 ز آنکه خود ممدوح ۳: ۲۱۲۴*
 ز آنکه خور، برجی ۱: ۷۵۰*
 ز آنکه خوش خو ۴: ۷۷۴*
 ز آنکه خوی بد ۲: ۳۴۷۱*
 ز آنکه خویشانش ۵: ۹۲۶*
 ز آنکه دارد خاک ۴: ۱۰۰۷*
 ز آنکه دارد طبع ۱: ۳۶۹۹*
 ز آنکه دارد هر ۳: ۳۸۵۳*
 ز آنکه داند کین ۴: ۲۹۸۹*
 ز آنکه داند هر که ۱: ۳۸۹۰*
 ز آنکه دانی ایزدت ۵: ۲۲۴۱*
 ز آنکه در الاست ۱: ۳۰۵۴*
 ز آنکه در باغی ۴: ۳۴۷۲*
 ز آنکه در پرتو ۳: ۴۲۲۵*
 ز آنکه در چشمت ۲: ۶۰۳*
 ز آنکه در حرص ۴: ۱۵۶۹*
 ز آنکه در خامی ۳: ۱۲۹۴*
 ز آنکه در خرجی ۳: ۳۷۳۵*
 ز آنکه در خلوت ۱: ۱۲۹۹*
 ز آنکه در راه‌ست ۲: ۱۳۱۴*
 ز آنکه در زنجیر ۳: ۴۴۷۶*
 ز آنکه در صحرای ۳: ۵۱۴*
- ز آنکه در غیب ۳: ۳۰۸۸*
 ز آنکه در فقر ۱: ۲۳۷۴*
 ز آنکه در قربت ۵: ۲۲۹۴*
 ز آنکه در قهر است ۱: ۳۸۵۶*
 ز آنکه در گرمابه ۴: ۲۳۹*
 ز آنکه در لب ۵: ۲۴۵۷*
 ز آنکه درویشان ۱: ۲۳۵۳*
 ز آنکه دریابد ۶: ۲۴۷۱*
 ز آنکه دل با اوست ۱: ۳۴۸۹*
 ز آنکه دل بر کند ۳: ۳۹۸۱*
 ز آنکه دل، پهلوی ۱: ۳۱۵۱*
 ز آنکه دل جوهر ۲: ۱۷۶۱*
 ز آنکه دل حوض ۲: ۱۳۶۴*
 ز آنکه دلشان ۲: ۳۲۲۰*
 ز آنکه دل نهاد ۳: ۶۲۴*
 ز آنکه دل ویران ۶: ۱۱۹*
 ز آنکه دنیا را ۳: ۳۸۵۹*
 ز آنکه دوزخ ۴: ۲۷۰۹*
 ز آنکه ده مرده ۵: ۳۱۶۱*
 ز آنکه دید او ۴: ۲۴۳۴*
 ز آنکه دید دوست ۳: ۴۶۰۶*
 ز آنکه دیدش دید ۲: ۸۸۵*
 ز آنکه رازی ۶: ۴۰۰۱*
 ز آنکه راه ده ۳: ۵۸۷*
 ز آنکه رحمت ۱: ۳۸۲۶*
 ز آنکه رشک ۶: ۶۷۴*
 ز آنکه روزست ۲: ۲۹۱*
 ز آنکه زادو کم ۳: ۴۰۲۱*
 ز آنکه زان ۳: ۳۷۵۶*
 ز آنکه زن جزوی ۲: ۲۲۷۲*
 ز آنکه زنگار ۱: ۳۴*
 ز آنکه زهرستان ۱: ۲۵۵۴*
 ز آنکه زین ترکیب ۵: ۱۳۲۷*
 ز آنکه زین محسوس
- ۱۷۸۱: ۴*

ز آنکه گاو ۳: ۲۵۰۹*	ز آنکه طبع ۴: ۲۷۱۱*	ز آنکه ساعت ۳: ۲۰۷۳*
ز آنکه گر آب‌ست ۳: ۲۲۴۷*	ز آنکه طفل ۶: ۲۳۷۵*	ز آنکه سرپوشیده ۳: ۴۷۷۵*
ز آنکه گردد ۶: ۲۶۴۶*	ز آنکه ظاهر ۴: ۱۰۱۳*	ز آنکه سروی ۳: ۵۴۳*
ز آنکه گرگ ۶: ۲۴۷۲*	ز آنکه ظلمانی‌ست ۵: ۲۰۳۲*	ز آنکه سرها ۳: ۳۶۲*
ز آنکه گفتن از ۴: ۳۲۹۵*	ز آنکه ظلمت ۵: ۸۹۴*	ز آنکه سگ چون ۱: ۲۸۷۷*
ز آنکه گفتندش ۱: ۱۶۱۷*	ز آنکه ظلمش ۱: ۱۳۰۸*	ز آنکه سمعش ۴: ۶۹۴*
ز آنکه گِلِ خواری ۱: ۲۸۷۱*	ز آنکه ظنّ ۵: ۲۲۹۴*	ز آنکه سنگ ۱: ۳۲۹۲*
ز آنکه گل‌گر ۳: ۳۲۵۸*	ز آنکه عاجز ۱: ۲۱۶۱*	ز آنکه سوگندان ۲: ۲۸۷۲*
ز آنکه گندم بی‌غذایی ۳: ۲۸*	ز آنکه عادت ۳: ۳۷۰۸*	ز آنکه سوی ۵: ۲۴۶۶*
ز آنکه گندم را حکیم ۴: ۳۷۳*	ز آنکه عاشق در دم ۴: ۳۲۸۰*	ز آنکه سیری ۳: ۴۷۴۱*
ز آنکه لایحسی ۳: ۱۹۹۶*	ز آنکه عاشق را ۳: ۱۳۸۹*	ز آنکه سیف ۶: ۴۰۶۰*
ز آنکه لایه تو ۴: ۲۹۴۱*	ز آنکه عاقل غم ۳: ۳۷۵۱*	ز آنکه شاه ۳: ۲۸۶۸*
ز آنکه لایلقوا ۶: ۱۳۳۳*	ز آنکه عشق افسون ۵: ۳۲۷۴*	ز آنکه شخص ۵: ۳۶۷۷*
ز آنکه لاشرقی ۶: ۹۳*	ز آنکه عشق اوست ۱: ۲۹۵۲*	ز آنکه شد حاکمی ۵: ۲۶۶۶*
ز آنکه لالا ۲: ۳۱۴۸*	ز آنکه عشق مردگان ۱: ۲۱۷*	ز آنکه شرح ۲: ۱۷۷۵*
ز آنکه لطف ۱: ۲۸۱۹*	ز آنکه عفت هست ۵: ۵۷۷*	ز آنکه شرط ۵: ۵۷۴*
ز آنکه لقمان را ۲: ۱۴۹۹*	ز آنکه عقلت ۵: ۴۵۵*	ز آنکه شعشاع ۱: ۳۶۴۷*
ز آنکه لقمان گرچه ۲: ۱۴۶۴*	ز آنکه عقلش ۴: ۲۷۰۳*	ز آنکه شکر ۳: ۲۸۹۶*
ز آنکه مأمورم ۶: ۴۶۹۳*	ز آنکه علم خطّ ۱: ۳۱۵۲*	ز آنکه شکل ۴: ۳۷۵۴*
ز آنکه ما فرعیم ۶: ۶۲*	ز آنکه غالب ۲: ۱۸۵۹*	ز آنکه شمع از گریه ۲: ۴۸۰*
ز آنکه مال از زور ۳: ۱۵۷*	ز آنکه غمازست ۶: ۲۵۶۵*	ز آنکه شمع من ۶: ۶۲۰*
ز آنکه ماهیات ۳: ۳۶۵۱*	ز آنکه فرزین ۲: ۱۳۱*	ز آنکه شهوت ۳: ۲۱۳۴*
ز آنکه مثل ۵: ۴۰۰۰*	ز آنکه فصل ۴: ۳۶۹۶*	ز آنکه شه هر زشت ۲: ۳۳۶*
ز آنکه محتاج‌اند ۶: ۳۳۸۸*	ز آنکه قرب ۳: ۴۵۱۳*	ز آنکه شیرین کردن ۱: ۸۰۵*
ز آنکه محدود ۱: ۳۴۸۸*	ز آنکه قصدش ۶: ۱۲۶۷*	ز آنکه شیطان خشت ۶: ۳۸۷۰*
ز آنکه محسوسات ۲: ۱۲۹۵*	ز آنکه قفل ۵: ۲۰۵۲*	ز آنکه شیطان‌ش بترساند ۵: ۶۰*
ز آنکه محسوسست ۵: ۳۰۲۱*	ز آنکه قوت ۴: ۱۱۸۹*	ز آنکه صبر آمد ۶: ۳۹۰۰*
ز آنکه محمول ۴: ۲۹۴۶*	ز آنکه قهر ۳: ۴۵۶۳*	ز آنکه صحتّ ۱: ۱۶۰۴*
ز آنکه مخلص ۲: ۱۳۱۳*	ز آنکه کان و مخزن ۶: ۱۳۶۷*	ز آنکه صندوقی بود ۳: ۱۳۹۸*
ز آنکه مردم ۴: ۲۴۸۲*	ز آنکه کَرَمنا ۳: ۳۲۹۱*	ز آنکه صورت، مانع ۱: ۲۸۹۰*
ز آنکه مردن ۶: ۷۲۳*	ز آنکه کس چیزی ۲: ۸۹۹*	ز آنکه صورت‌ها ۵: ۱۳۹۴*
ز آنکه مردود ۶: ۴۲۷۹*	ز آنکه کس را ۲: ۸۱۲*	ز آنکه صوفی ۱: ۲۹۰۱*
ز آنکه مرده ۱: ۲۱۷*	ز آنکه کشتی ۱: ۲۸۴۰*	ز آنکه صیّاد ۱: ۳۱۷*
ز آنکه مرغی را ۵: ۱۶۴۳*	ز آنکه کلّ را ۱: ۲۹۰۴*	ز آنکه ضدّ از ۶: ۳۴۹۹*
ز آنکه مرغی کو ۳: ۲۸۶۰*	ز آنکه کمیاب ۲: ۱۰۲۵*	ز آنکه ضد را ۱: ۳۲۱۱*

ز آنکه هر یک ۱۷۰۳:۵	۲۱۳۶:۲	ز آنکه مرگم ۳۹۲۶:۱
ز آنکه هست از عالم	ز آنکه نفسی ۲۶۹۱:۳	ز آنکه مشغولم ۵۹۴:۱
۱۷۳۴:۴	ز آنکه نفع ۲۵۴۲:۳	ز آنکه معشوق ۳۱۵:۵
ز آنکه هست اندر طریق	ز آنکه نقشی ۱۰۴۱:۲	ز آنکه معنی، بر ۷۱۰:۱
۴۱۲۰:۳	ز آنکه نور از ۴۳۱۵:۳	ز آنکه من در ۹۰۴:۲
ز آنکه هست اندر قضا	ز آنکه نور انبیا ۴۵۱:۴	ز آنکه من ز اندیشه ها ۳۵۵۷:۲
۲۳۵۷:۵	ز آنکه نور علتی اش ۴۳۰:۴	ز آنکه منزل ها ۸۰۳:۵
ز آنکه هستم ۳۴۰۵:۴	ز آنکه نوعی ۲۱۳۳:۵	ز آنکه منعم ۱۰۰۷:۵
ز آنکه هستند ۴۵۸۵:۳	ز آنکه نهی از ۲۹۳۱:۱	ز آنکه موسی جادویی
ز آنکه هستی ۱۹۲۰:۵	ز آنکه نیک نیک ۲۷۲۳:۵	۳۴۳۳:۴
ز آنکه هشیاری ۲۲۰۰:۱	ز آنکه نیم او ۳۰۳۵:۲	ز آنکه موسی را تو ۲۴۵۱:۱
ز آنکه هفتصد ۸۲۱:۲	ز آنکه نیم علم ۳۰۰۸:۴	ز آنکه موسی را منور ۲۴۵۰:۱
ز آنکه یارب گفتش ۱۹۸:۳	ز آنکه وافی ۱۱۹۱:۵	ز آنکه موسی می بداند
ز آنکه یک من ۲۰۳۱:۵	ز آنکه واقف ۶۷۳:۶	۱۸۹۹:۵
ز آنکه یک نوشت ۲۲۴:۳	ز آنکه وجد ۲۳۴۲:۵	ز آنکه موقوف است ۳۲۶۱:۲
ز آن گذشتم ۴۱۶۳:۶	ز آنکه وحشی اند ۳۳۱۹:۱	ز آنکه مؤمن آینه ۳۱۴۷:۱
ز آن گرو می کرد ۲۱۰۱:۴	ز آنکه وقت ضیق ۴۰۳۲:۳	ز آنکه مؤمن خورد ۳۲۹۳:۳
ز آن گره زن ۲۲۹۱:۶	ز آنکه ویرانه ۸۸:۵	ز آنکه می بافی ۳۱۸۱:۵
ز آن گلستان ۴۶۵۱:۶	ز آنکه هر بادی ۴۳۰۹:۳	ز آنکه می دیدم ۴۴۱:۶
ز آن گلوها ۴۵۵۵:۳	ز آنکه هر بدبخت ۲۶۷۹:۴	ز آنکه می دیدند ۱۲۳۵:۳
ز آن گنه برخود ۱۴۹۰:۱	ز آنکه هر جنسی ۲۰۵۶:۲	ز آنکه میراث ۲۶۱۸:۶
ز آن گنه، گشته ۴۷۸۲:۶	ز آنکه هر چاره ۳۱۵۵:۴	ز آنکه می کاری ۳۱۸۱:۵
ز آن گنه، ما را ۳۸۳۹:۱	ز آنکه هر چیزی ۳۳۷۳:۲	ز آنکه میکایل ۱۵۸۷:۵
ز آن گیاه ۴۰۰۰:۱	ز آنکه هر دارو ۲۱۳:۵	ز آنکه می گوئی ۲۴۳۹:۵
ز آن لقب شد ۳۶۰۶:۶	ز آنکه هر دو ۲۲۸۹:۱	ز آنکه ناقص ۱۵۳۷:۲
ز آن مثال ۲۸۰۲:۶	ز آنکه هر راغب ۲۰۷:۳	ز آنکه نامی ۳۳۶۵:۵
ز آن محمد ۲۸۶۱:۶	ز آنکه هر طالب ۱۷۳۴:۵	ز آنکه نبود باز ۴۳۴۱:۳
ز آن مکان، بنگر ۳۵۴۱:۳	ز آنکه هر کره ۱۶۴۱:۴	ز آنکه نبود خرج ۵۷۹:۵
ز آن مناسب آمدن ۳۲۵۷:۲	ز آنکه هر مرغی ازینها ۳۲:۵	ز آنکه نبودشان ۴۳۱۰:۳
ز آن مناصب ۲۹۱۱:۶	ز آنکه هر مرغی به سوی	ز آنکه نبود طبع ۶۳۳:۱
ز آن موالید ۱۶۶۶:۱	۶۳۹:۱	ز آنکه نبود گنج ۸۴۸:۲
ز آن مهمان ما ۳۶۰۰:۵	ز آنکه هر مرغی جدا	ز آنکه نبود مثل ۴۱۹:۴
ز آن مهم تر ۳۲۱۲:۵	۲۰۱۵:۴	ز آنکه نسبت کو ۱۵۲۲:۴
ز آن میی گان ۲۶۵۵:۶	ز آنکه هر معشوق ۲۶۹۳:۴	ز آنکه نشو او ۳۷۴۷:۴
ز آن نبات ۳۶۴۰:۵	ز آنکه هر نعمت ۲۳۶۰:۵	ز آنکه نفس آشفته تر

ز آن نباید کم *۱۵۷۴:۴	ز آن همه میلش ۱۸۱۰:۲	ز اجنحه نور ۳۶۵۲:۱
ز آن نبی ۳۱۹۳:۴	ز آن همی برّ ۴۵۵۵:۳	ز احقان بگریز ۲۵۹۵:۳
ز آن تثار ۷۶۲:۱*	ز آن همی پرسی ۲۹۹۴:۴	ز احولی ۳۶۹۳:۶*
ز آن نجاسات ۱۲۶۱:۵	ز آن همی تانی ۱۳۳۳:۴	ز اختران می‌ساخت ۳۱۳۶:۶
ز آن نجوشانم ۴۱۶۳:۳	ز آن همی ترسم ۱۹۴:۳*	ز اختلاط ۲۲۴:۵
ز آن ندا دین‌ها ۸۴۲:۴	ز آن همی خندم ۴۵۷۸:۳	ز اختلاف ۳۷۴۴:۲
ز آن ندانی ۲۷۲۳:۲	ز آن همی خوردند ۲۶۲۱:۳	ز اختیار خویش ۳۰۲۵:۵*
ز آن ندیدی ۳۸۲۷:۳*	ز آن همی دنیا ۳۸۵۸:۳*	ز اختیارست ۳۲۹۶:۳*
ز آن نسج ۳۹۱۰:۶*	ز آن همی رنجی ۹۶:۶*	ز اختیار همچو ۲۱۴:۶*
ز آن نشان با ۱۶۷۵:۲	ز آن همی کردم ۴۵۵۳:۳	ز آخروهن مرادش ۱۸۵۶:۲
ز آن نشد فاروق ۴۲۳۸:۵	ز آن همی گردانند ۱۵۵۲:۲	زاد آتش ۳۷۶۱:۴*
ز آن نصیبی هم ۴۳۱۶:۳*	ز آن یکی بازی ۱۹۷۹:۲	زاد از این ۲۶۸۰:۲*
ز آن نصیبی یافت ۲۸۳۱:۶*	ز آن یکی چینی ۳۴۷۱:۱*	زاد خواهد ۴۸۵۱:۶*
ز آن نظر برکند ۲۸۶۵:۳*	ز آن یکی درد ۹۳۷:۵	زاد دانشمند ۱۶۰:۲
ز آن نظر روپوش‌ها ۳۱۶۶:۳	ز آن یکی نان ۳۲۲۲:۶*	زاد صوفی ۱۶۰:۲*
ز آن نماید این حقایق ۸۲۸:۶	ز آن یکی تنگ ۴۱۰۸:۶*	زاد مردی ۹۵۶:۱
ز آن نماید چند ۲۱۱۷:۵	ز آهن پولاد ۱۸۴۳:۳*	زاده آتش ۳۴۰۳:۱*
ز آن نماید ذوالفقاری ۲۳۰۰:۲	ز آهن تیره ۲۴۸۷:۴	زاده از پشت ۲۳۱۲:۴*
ز آن نماید شیر ۲۳۰۰:۲*	ز آهن و سنگ ۱۹۶۵:۲*	زاده از وی ۳۲۶۳:۵*
ز آن نماید مختصر ۲۲۹۱:۲	ز آهنین دیوارها ۳۰۸۰:۶	زاده‌اند ۱۷۶:۶*
ز آن نماید مر شما ۳۲۵۳:۴*	ز آینه خود ۱۹۸۴:۵*	زاده ثانی است ۷۵۱:۶
ز آن نمی‌برم ۴۵۵۴:۳	ز آینه دل ۳۴۸۶:۱*	زاده خاکی ۳۴۰۳:۱
ز آن نمی‌پرد ۳۲۱۳:۱	ز ابتدای کار ۱۶۲۳:۳	زاده دنیا ۱۶۵۰:۴
ز آن نمی‌خندم ۴۵۷۷:۳	ز ابر خواهد ۴۷۰۸:۳*	زاده شد ۱۸۴۸:۴*
ز آن نمی‌گردد ۲۰۰۵:۲*	ز ابر گریان ۴۸۰:۲	زاده صدگون ۳۷۱۴:۶*
ز آن نمی‌یابی ۳۶۷۰:۲*	ز ابر و خورشید ۴۱۸۳:۳	زاده گفتیم ۱۸۱۴:۶
ز آن نوا بیزارم ۲۳۸۱:۵	ز ابر و رعد ۱۰۳۹:۲*	زار می‌نالید ۳۱۱۶:۲*
ز آن نهادیم ۴۶۴۲:۳	ز ابلهی ۱۳۵:۲*	زار و رنجور ۱۵۶۳:۶
ز آن نیامد ۲۹۶۸:۴	ز اتحاد نور ۲۰۳۸:۵*	زاری از مانی ۵۹۸:۱*
ز آن وجودی ۵۳۸:۱*	ز اتحاد هردو ۴۴۱۶:۳*	زاری سرد دروغ ۴۷۵:۵*
ز آن هزاران ۳۷۰۶:۶	ز اتصال ۳۸۹۲:۵	زاری ما ۶۱۸:۱
ز آن همان رنجور ۱۱۴:۳*	ز اتفاق بانگشان ۴۲۹۶:۳*	زاری مضطر ۴۷۵:۵
ز آن همه جنگند ۴۵۰:۴	ز اتفاق منکری ۲۰۳۵:۳*	زاری و گریه ۱۹۵۱:۲
ز آن همه غرها ۳۱۰۷:۴	ز اتفاق نمره ۴۲۹۷:۳*	زاری و مسکینی ۱۴۰۷:۳*
ز آن همه کار ۱۷۳۲:۴	ز اجتهاد و از ۳۸۰۷:۱	زاری می‌کن ۱۹۹۰:۲

زاسپ و خوارمشاه ۶: ۳۴۵۰*	ز امر شاه ۶: ۳۷۷۸	زانکه افیون شان ۶: ۳۷۶۲
ز اسپه تو یاغیانه ۶: ۴۶۹۷*	ز امر مادر ۶: ۴۹۰۷*	زانکه امروز ۶: ۲۷۱۶*
ز استخوانهاشان ۱: ۲۵۴۴	زان احد ۶: ۸۹۲*	زانکه اندر انتظار ۵: ۳۶۲۷*
ز استراق ۶: ۳۵۹۸*	ز انبیهی برگ پنهان ۱: ۱۸۹۸	زانکه او کف ۲: ۱۶۰۹
ز استقامت ۱: ۳۳۳*	ز انبیهی برگ پیدا ۳: ۲۰۰۴	زانکه او گر ۲: ۲۵۱۶
ز استمالت ۵: ۸۹۷*	ز انبیهشان ۳: ۴۱۴۵*	زانکه این دانش ۳: ۱۱۲۳*
ز اشتیاق روی تو ۵: ۳۵۷۰*	ز انبیهی عشق ۵: ۲۰۰۷*	زانکه این دیوانگی ۶: ۱۹۸۰
ز اشتیاق و حرص ۳: ۲۰۳۰	ز انبیهی گل ۱: ۱۸۹۸*	زانکه اینها بگذرد ۶: ۱۷۵۷
ز اشتیاق و وجد ۲: ۵۳۰*	ز انبیا ناصح تر ۵: ۱۵۳۴	زانکه باطل ۶: ۲۸۹۹*
ز اضطرابات ۵: ۲۴۵۱*	ز انتجاع ۶: ۴۲۴۹*	زانکه با عقلی ۲: ۲۰۰
ز اعتبار آخر ۱: ۸۹۲*	ز انتظار آمد ۶: ۴۰۵۴*	زانکه بد مرگی ۶: ۷۹۶*
ز اعتراض خود ۱: ۳۸۵۵*	ز انتظار تو ۵: ۱۳۵۶*	زانکه بس ۵: ۳۲۸۰
ز اعتقاد سست ۶: ۲۷۶۹	ز انتظارم شاه ۳: ۴۴۱*	زانکه بوش ۱: ۱۱۰۴
ز اعتماد آن نبودش ۳: ۲۳۳۶	زان تعلق ۱: ۲۵۲۱	زانکه بی تو ۶: ۵۷۲*
ز اعتماد او دل ۱: ۲۴۱۶*	ز انتقام ۴: ۲۹۴۲*	زانکه بی دریا ۶: ۲۶۷۲*
ز اعتماد بعت کردن ۵: ۴۲۲۴*	ز انتها ۱: ۱۷۰۸*	زانکه تدریج ۶: ۱۲۱۵*
ز اعتماد جود خلاق ۶: ۱۹۸۷*	زان خورش ۱: ۳۹۹۴*	زانکه ترک کار ۶: ۱۴۷۸
ز اعتماد خود بد ۶: ۳۶۶۵*	ز اندرون او ۵: ۹۱۰	زانکه ترکیب ۶: ۱۴۷۸*
ز اعتماد هر کریم ۳: ۳۱۲۷*	ز اندرون، خود ۱: ۱۲۶۶*	زانکه حالی ۲: ۱۶۰۹*
زاغ از الهام ۴: ۱۳۰۷*	ز اندرونم ۴: ۲۰۶۱	زانکه حس ۶: ۲۹۰۳
زاغ اگر زشتی ۱: ۲۳۳۲	ز اندکی پیدا ۵: ۳۲۱۳*	زانکه داری ۶: ۱۳۷۶
زاغ او را سوی ۴: ۱۳۱۱*	ز اندکی دانی ۴: ۲۵۰۰*	زانکه در اسرار ۶: ۲۲۵۸*
زاغ ایشان ۲: ۳۷۵۲	زان سبب جانش ۳: ۳۹۷۸	زانکه در انکار ۶: ۸۰۱*
زاغ پوشیده ۱: ۱۸۹۳	زان سبب کاندرا ۱: ۱۰۵۶	زانکه در خلوت ۵: ۳۸۰۰
زاغ چون بشنود ۱: ۱۲۲۱	زان سوی حس ۱: ۳۰۹۹	زانکه در ظلمات ۳: ۱۵۵۸*
زاغ در رز ۶: ۲۸۰	زان شود عیسی ۶: ۲۹۶۴	زانکه سُر مه ۲: ۱۰۶
زاغ را و جغد را ۶: ۴۲۲۹	ز انعکاس روزی ۶: ۴۳۳۷*	زانکه شاکر ۴: ۱۰۰
زاغ کو حکم ۱: ۱۲۲۹	ز انعکاس لطف ۵: ۶۹۹*	زانکه عاشق ۳: ۱۳۶۲*
زال پُتر بُنجد ۴: ۲۶۳۶*	زان کز این پالوده ۵: ۱۹۶۶	زانکه غیر حق ۶: ۴۸۶
ز امتحان آخرین ۳: ۷۴۷*	زانکه آن تابوت ۶: ۳۲۷	زانکه فیضی ۴: ۱۹۴۹*
ز امتحان پیدا ۳: ۶۸۵*	زانکه آن، حُسن ۶: ۹۷۲	زانکه قدر ۶: ۱۲۴۱
ز امتحان شرمنده ۵: ۲۱۱۱	زانکه آهنگر ۳: ۱۶۶۱	زانکه کان ۶: ۹۸۰
ز امتحانها ۲: ۴۷۷*	زانکه احسان، کینه ۲: ۲۱۴۸*	زانکه گر پیدا ۲: ۹۸۵
ز امر او را هم ۶: ۴۱۰۲*	زانکه از دل ۶: ۲۵۵۵*	زانکه گردشهای ۶: ۹۱۷
ز امر حق و ابکوا ۶: ۱۵۸۱	زانکه از گلگونه ۶: ۱۲۲۱*	زانکه گل خوارست ۲: ۲۴۴۱*

زانهک لولای ۶:۲۱۰۳	زخم تیر و ۵:۳۸۴۱	زر از آن ۶:۳۱۳۱
زانهک ما غرقیم ۶:۲۰۱۸*	زخم خار ۶:۹۴۷*	زر ازو درکان ۶:۳۸۰۳*
زانهک ما یطق ۶:۱۶۰۲	زخم خواری ۳:۱۴۵۲*	زر اگر پنجاه ۳:۲۲۵
زانهک ملت ۶:۱۹۷۳	زخم خورد و بست ۵:۳۸۱۲	زر بیخشش ۳:۱۴۹۲*
زانهک منبع ۳:۱۵۴۸	زخم دَبوس ۲:۱۸۹۰	زر بداد ۵:۳۴۵۵
زانهک نبود ۵:۱۸۰۵*	زخم در معنی ۶:۲۶۰۳	زر بده، بستانش ۶:۱۰۲۵*
زانهک هر فرعی ۳:۱۱۲۴	زخم دیگر ۵:۳۸۱۸	زر بده، سرمه ۴:۶۷۲*
زان گدا رویان ۱:۸۷	زخم سرما ۳:۲۸۸۵*	زر بماند ۵:۲۴۸*
زان گمان بد ۵:۱۶۷۲*	زخم طاس ۱:۲۴۵۵*	زربه از جان ست ۵:۲۰۵۶
زان ندارد ۱:۳۸۷۸	زخم کرد این ۲:۱۴۱۰	زربه کاغذ پاره‌ها ۶:۳۸۰۱
زانو آن دم ۱:۲۵۴۰	زخم کش ۱:۱۸۶۸	زربه هدیه بردن ۴:۵۶۷*
زان وسیلت ۱:۱۱۱۳*	زخم کیکی ۴:۲۳۳۹	زر چه باشد؟ ۵:۲۷۲۰*
زانیان را ۲:۱۴۱۴	زخم ماری ۴:۲۳۳۹*	زر خالص در دل ۲:۱۴۶۱*
زاو ابدان را ۶:۳۵۰۸	زخم ناخن بر چنان ۵:۵۵۵	زر خالص را چه ۴:۱۶۸۱*
ز اول والنجم ۶:۴۶۶۹*	زخم ناخن‌های ۵:۵۵۷*	زر خالص را و ۲:۱۴۰۴
ز اولیا اهل ۳:۱۸۷۹	زخم نیش اما ۱:۳۲۵۰	زرد بینی ۱:۳۹۵۸*
ز اهتمام ۴:۲۷۹۵	زخم‌های تیر خوردند ۵:۲۳۷۶	زرد درآمد ۴:۸۲۱*
زاهدان را ۵:۳۵۳۳	زخم‌های روح فرسا ۶:۱۹۰*	زرد در انبان‌ها ۳:۴۱۰۶
زاهد با ترس ۵:۲۱۹۲	زخم یابد ۱:۳۱۳۴	زرد در اندازد پی ۶:۳۸۲۹*
زاهد چندین ۱:۱۰۱۴	زد بر آن حیوان ۳:۶۵۲*	زرد در اندازید ۶:۳۸۳۲
زاهد و فاسق ۳:۲۱۸۸	زد بر آن فرعون ۲:۳۵۰*	زردرو و لب کبود ۵:۲۵۳۸*
زاهدی بد ۲:۳۷۸۸	زد برین باد ۴:۱۲۶*	زرد شد ۲:۳۱۵۵*
زاهدی بیند ۳:۱۶۵۳	زد برین صافی ۱:۳۴۸۱*	زرد کرده ۱:۱۲۷۶*
زاهدی در ۵:۲۶۶۷	زد بسی تشنیع ۴:۱۷۲۲*	زرد کردم ۱:۲۴۶۴*
زاهدی را گفت ۲:۴۴۵	زد به شمشیر ۵:۳۸۸۷	زرد و بدرنگ ۳:۴۴*
زاهدی را یک ۵:۲۱۶۳	زد در آن ناکفو ۲:۳۰۲۱*	زرد و بی مغز ۵:۹۷۸*
زاهل دل جو ۲:۲۳۸۳	زد دل فرعون ۳:۱۵۵۵*	زرد و ریزان ۳:۳۶۹۲*
زاید از لقمه ۱:۱۶۴۸	زد ز خشم ۱:۲۱۶۰*	زردی رو ۵:۳۶۲۷
زبده را گویم ۴:۳۱۷۲*	زد ز دارالملک ۶:۳۱۰۸	زردی زر، سرخ ۴:۲۰۵۵*
زبَل گشته ۶:۳۵۷۷	زد ز غیرت ۵:۳۴۹۳	زر ز روی ۳:۵۵۸
زجر استادان ۱:۶۲۰	زد ستاره ۳:۹۱۲	زر سرخ است ۶:۱۰۴۱
زخم بر خود ۲:۷۸۹*	زد شراری ۱:۲۴۲۰*	زر شدی خاک ۵:۲۷۹۸
زخم بر رگ‌های ۵:۲۰۹۴*	زد طپانچه ۲:۱۶۳۹*	زر شما را ۴:۶۱۴*
زخم، بر ناقه بود ۱:۲۵۱۶*	زد منادی بر سر ۶:۲۵۴۱*	زر طلب گشتی ۱:۲۳۰۵*
زخم بر ناقه، نه ۴:۲۶۴۸*	زد منادی هر که ۶:۲۵۱۲	زر عاشق ۴:۶۱۶*

زرن جان را ۳:۳۲۱۸	زشت و دشمن رو ۳:۲۹۳۱*	زن پیامد ۵:۳۶۶۰
زر عقلت ۴:۳۲۸۷	زشت و نزد کس ۱:۲۰۷۶*	زن پشیمان ۵:۳۶۶۸
زرق این ۴:۱۰۷۳	زشت ها را خوب ۵:۱۳۶۹	زن توقف ۳:۱۵۷۶
زرق چون برقست ۴:۱۶۴۸	زشت ها را نقر ۳:۴۰۷۱	زن چنان کرد ۴:۲۶۶۶
زر قلب ۱:۲۹۹	زشتی آن ۱:۲۹۵	زن چو دید ۱:۲۳۹۴
زرق و، دستانش ۳:۲۵۵۱*	زشتی آواز ۲:۲۰۰۰	زن چو عاجز ۵:۳۹۶۵
زرکان بود ۴:۹۹۹	زشتی ات پیدا ۳:۷۸۶	زن درآمد ۱:۲۳۹۶
زرگمان بردند ۳:۵۶۲	زشتی اعمال ۲:۱۶۴۴	زندگانی ۱:۱۲۹۳
زرنثار آوردمت ۳:۴۶۶۵*	زشتی او نیست ۲:۲۵۳۹*	زندگی بخشی ۳:۲۵۰۱*
زرنثار جان ۵:۲۰۵۶*	زشتی خط ۳:۱۳۷۲	زندگی تن ۲:۴۵۳
زرنخواهد ۶:۳۸۰۸*	زشتیم آن تو ۴:۲۴۹۱*	زندگی جاودان ۶:۳۵۷۶*
زرنسوزد ۴:۸۱۹	زعفرانی، اندر ۴:۱۰۸۶*	زندگی خود ۳:۱۹۰۸
زرنماید ۴:۳۶۱۵*	زفت زفتست ۴:۳۷۵۳	زندگی در ۶:۴۸۳۰
زرنهاده ۴:۱۱۸۷*	زفت گردد پاکشد ۳:۲۸۹۰	زندگی را مرگ ۵:۱۷۶۴*
زروسیم ۵:۹۴۳	زفت گردد، وزائر ۱:۲۶۳۷*	زندگی زین جان ۶:۴۰۵۹*
زرو نقره ۱:۱۷۸	زفت گشت و فربه ۶:۲۹۷	زندگی و مردگی ۳:۱۹۰۹*
زرهمی افشاند ۳:۲۲۷۲*	زلت آدم ۵:۵۲۰	زندگی و مرگ ۳:۱۸۸۷
زرهمی ریزید ۳:۴۳۵۴*	زلت او ۱:۱۵۷۹	زن دو شمع ۶:۴۴۷۶
زرهمی گوید ۴:۱۶۸۰	زلتت را مغفرت ۵:۳۵۵۰*	زنده از تو ۳:۱۳۳۹
زشت آن زشت ۶:۴۷۱۶	زلزله افتد ۴:۳۷۹۳*	زنده از نفخ ۳:۱۴۲۷*
زشت آوازم ۲:۱۹۹۸	زلزله افکند ۳:۳۱۶۸*	زنده از وی ۲:۱۰۳۶*
زشت آوازی و ۲:۱۹۹۶*	زلزله هست ۴:۳۷۲۰*	زنده ایم از ۳:۱۳۴۱*
زشت آید ۲:۳۳۷*	زلف جمع ۴:۱۶۰۸	زنده باشد ۴:۴۷۳*
زشت باشد جستن ۳:۱۴۰۵*	زمهریر ار پرکند ۳:۲۵۹۹	زنده بودن در ۶:۴۰۵۷*
زشت باشد روی ۱:۱۹۰۷	زن ازین گونه ۱:۲۳۴۱	زنده بود و، او ۳:۱۰۰۶*
زشت را در بزم ۴:۳۴۹۵*	زن بترسید ۱:۷۸۴*	زنده بود و، شکل ۳:۱۰۰۷*
زشت را در غایت ۲:۲۵۴۰	زن بخوردش ۵:۳۴۱۲	زنده چه بود؟ ۱:۲۹۷۳*
زشت را و خوب ۲:۲۶۸۷*	زن بدید آن ۵:۳۹۴۷	زنده خود را ۳:۴۴۵*
زشت را، هم زشت جفت	زن بر او افتاد ۳:۸۷۹	زنده زین دعوی ۶:۴۰۶۵
۳۶۰۴:۱*	زن بر او زد ۱:۲۳۱۵	زنده شان ۱:۲۰۱۹*
زشت را هم زشت و ۶:۳۵۱۳*	زن بر قاضی ۶:۴۵۵۵	زنده شد او ۲:۲۲۵۳
زشت گرداند به ۶:۹۹۸	زن برون کرد ۶:۲۰۴۸*	زنده شد، در ۶:۲۶۴۰*
زشت گرداند لطیفان ۴:۸۶۶*	زن بسی گفتش ۵:۳۶۶۹	زنده شد کشته ۲:۱۴۳۹
زشت گوید ۲:۲۵۴۹	زن به دست ۶:۳۹۴۶	زنده کردن ۱:۱۹۳۲*
زشت نقشی ۱:۲۳۶۵*	زن به وحی ۳:۹۵۵	زنده کرده مرده ۶:۳۱۰۱*

زنده کرده و معتق ۵:۲۶۵	زو تبر آورد ۶:۱۹۴۴	زود سوی ۵:۳۸۸۷
زنده کن ۳:۳۷۹۸	زوتَرش از ۵:۷۸۶	زودشان دریاب ۳:۳۱۲
زنده گردانم ۱:۳۷۹۲	زوتَرش بردار ۶:۴۳۷۰	زود شمشیر از ۵:۳۹۵۵
زنده گردد از ۱:۳۰۶۹	زو جهان گریان ۲:۲۳۰۴	زود، شمشیری ۱:۳۷۲۲
زنده گردد نان ۲:۱۳۴۲	زو چو استعداد ۴:۱۵۲۹	زود طاغی گردی ۴:۳۳۴۷
زنده گردد هستی ۲:۱۴۴۲	زو حیات ۶:۳۱۷۱	زود عبدالمطلب ۴:۹۸۵
زنده گشته چون ۱:۲۷۴۱	زود آن صندوق ۶:۴۴۹۰	زود قصابانه ۶:۱۵۵۱
زنده گشته هم ۱:۲۲۵۱	زود استر ۳:۳۳۲۱	زود، کالله ۶:۲۷۹۱
زنده معشوق ۱:۳۰	زود اسرافیل ۵:۱۶۴۵	زود، کایشان ۳:۴۲۹۹
زنده نی تا ۴:۲۲۰۰	زود او قصد کنار ۴:۱۲۰	زود کبریت ۶:۴۶۱۱
زنده‌یی زین ۵:۵۵۱	زود با ارواح ۴:۴۴۸	زود، که ان‌الله ۴:۷۲۳
زنده‌یی، کئی ۵:۴۱۴۳	زود بابا رخت ۶:۲۷۷۵	زود گردد ۱:۱۷۶
زنده‌یی و زنده زاد ۲:۳۱۳۳	زود باش و باز ۲:۲۷۹۷	زود دل سنگین دلان ۲:۲۰۰۴
زن ز غیرت ۵:۲۱۶۴	زود باش و روزگار ۲:۱۲۳۹	زود مستانه ۶:۴۳۹۲
زن فرو ریزد ۴:۲۶۳۷	زود برنه ۵:۱۳۷۷	زود معشوقش ۱:۲۸۰۲
زن کشید ۴:۳۵۵۲	زود بیند حضرت ۱:۱۳۹۶	زود مهمان ۵:۳۶۶۵
زن کنیزک ۵:۲۱۹۹	زود بینی ۶:۱۰۴۶	زود دواسبه ۱:۱۴۵۰
زنگ تُو بر ۲:۳۳۷۰	زود پالان ۲:۲۴۱	زود ویران ۶:۳۶۶
زنگیان گویند ۱:۳۵۱۶	زود پیدا شد ۲:۳۸۰۵	زود هم پیدا ۱:۶۰
زنگی شب ۶:۴۴۶۸	زود پیش افتاد ۶:۲۱۲۶	زور آدمزاد ۳:۳۶۶۱
زنگی دیدیم ۶:۲۳۱۰	زود تجری ۲:۲۴۵۵	زور بگذار ۶:۲۳۵۲
زن مصلّا ۱:۲۷۳۱	زود تر بر می‌کند ۲:۱۲۱۲	زور جان جان ۱:۱۴۷۸
زن مکرّر ۴:۳۵۵۰	زود تر زین ۶:۳۵۰۴	زور جان کوه کن ۱:۱۴۷۸
زن نمی‌دانست ۱:۲۷۱۶	زود تر، والله ۴:۳۲۱۸	زور را بگذار ۵:۴۷۴
زن همی خواهد ۱:۲۶۲۰	زود تریاق‌اتشان ۶:۳۵	زور را بگذاشت ۱:۱۲۵۷
زو بجو ۶:۱۲۹۵	زود تسلیم ۱:۲۴۹۳	زور شیرش ۵:۹۷۱
زو بخندد ۲:۱۵۹۴	زود خیز ۶:۲۱۶۷	زور میدی ۴:۱۳۳۵
زو برآرد ۶:۳۹۴۷	زود در باز ۳:۴۱۰۴	زور می‌یابند و ۳:۴۷۹۴
زو برآمد ۲:۱۸۹۳	زود درمان ۴:۲۶۶۳	زو سیه‌روتر ۶:۹۷۸
زو برون شو ۲:۲۴۰۳	زود دریاب ۴:۲۵۹۸	زو شنیده ۶:۴۵۶۱
زوبعان ۲:۳۲۰۴	زود، روی ۱:۱۶۹۸	زو عمارت‌ها ۳:۲۶۶
زو بگیرانم ۴:۳۱۰۸	زود زاری کن ۵:۳۹۸۹	زو قیامت ۶:۷۵۲
زو پری و دیو ۱:۱۰۳۳	زود زاغ ۴:۱۳۰۶	زو کند ۲:۳۳۰۰
زو پلنگ و شیر ۱:۱۰۳۲	زود زد آن ۳:۲۴۱۸	زو گریزان ۲:۱۸۸۱
زو پناه آری ۶:۲۱۷۴	زود زود ۵:۴۸	زو ملازم‌تر ۵:۲۲۹۶

زیر بالش‌ها ۵: ۳۵۱۳	زُهره تو ۲: ۱۹۰۹	زو نبردی ۶: ۳۸۱۰
زیر بینی ۴: ۲۰۸۵	زُهره چنگ ۶: ۱۰۹	زو نهان ۲: ۲۰۶۱
زیر پا بنهاد ۶: ۴۸۴۷	زُهره خدی ۵: ۳۷۱۶	زو نهنگ ۱: ۱۰۳۲
زیر پاشان ۵: ۲۳۷۰	زُهره دارد ۴: ۳۴۵۶	زو نیابی ۵: ۱۴۶۶
زیر پای مادران ۵: ۸۸۴	زهره که بود ۵: ۲۱۳۵	زو تیمان ۵: ۲۱۵
زیر پتک و آتش ۲: ۸۳۰	زُهره کی دارد ۳: ۱۴۹۳	زهد اندر ۶: ۲۰۹۱
زیر پَر ۲: ۳۷۶۶	زُهره نبود ۵: ۳۲۴۱	زهد و پیری ۵: ۳۵۲۰
زیر پشم آن ۵: ۳۵۰۴	زهره نه با ۳: ۴۴۷۶	زهد و تقوی را گزیدم ۶: ۴۴۱
زیر تر از گاو ۳: ۲۰۰۶	زهره نه کس را که پیش	زهد و تقوی، فضل ۱: ۳۳۹۹
زیر ثقل ۳: ۲۳۵۱	۶: ۳۰۳۱	زهر آمد ۵: ۳۷۰۶
زیر چادر رفت ۶: ۲۰۷۰	زهره نه کس را که گوید ۴: ۴۹۷	زهر آن ما ۶: ۴۷۸۴
زیر چادر مرد ۴: ۱۸۷	زهره نه کس را که لقمه ۲: ۵۸۷	زهر اندر جان ۴: ۲۷۴۴
زیر خاک ۱: ۲۰۱۳	زهره نی تا دفع ۱: ۳۶۸۳	زهر او در جان ۱: ۴۳۸
زیر خرمابن ۱: ۱۴۱۴	زهره نی تالب ۶: ۴۰۰۱	زهر او در جمله ۳: ۲۶۸۳
زیر خشم دل ۳: ۲۸۲۴	زهره نی عمران ۳: ۸۹۹	زهر او نوشید ۲: ۳۰۴۵
زیر دام من ۶: ۲۳۲۵	زهره نی کس ۴: ۲۸۷۶	زهر ایشان ۲: ۱۹۳۰
زیر دریا ۱: ۱۷۴۶	زهره نی مر ۳: ۳۷۱۵	زهر باشد ۵: ۳۲۹۵
زیر دست تو ۶: ۵۶۱	زهره وهم ۵: ۲۱۸۳	زهر پارینه ۵: ۲۲۲۴
زیر دست و پای ۵: ۳۷۷۴	زهره هاشان ۱: ۱۹۵۷	زهر پندارد ۶: ۴۳۷۳
زیر دیوار ۱: ۲۲۸۱	زهره های پُردلان ۲: ۱۹۱۲	زهر تن را ۵: ۱۰۹۷
زیر زینت ۳: ۵۵۷	زهره بی از ۵: ۳۵۸۱	زهر جان ۴: ۲۶۱۰
زیر سایه این درختم ۵: ۴۱۸۴	زید، اندر ۴: ۷۱	زهر خواری ۳: ۴۵۰۸
زیر سایه این سید ۶: ۳۲۰۸	زید پرانید ۱: ۱۶۶۳	زهر دد باشد ۵: ۲۷۲۳
زیر سایه خفته ۱: ۱۴۱۴	زید چون ۲: ۳۶۳۳	زهر در جانش ۴: ۲۷۴۹
زیر سایه یار ۲: ۲۲	زید را اکنون ۱: ۳۶۶۸	زهر در قندی ۲: ۲۹۳۱
زیر سنگ مکر ۱: ۱۱۹۶	زید رامی، آن دم ۱: ۱۶۶۵	زهر قاتل ۶: ۴۰۹۳
زیر صدگونه ۳: ۱۰۳۹	زید رامی زین ۱: ۱۶۶۶	زهر قتالست ۵: ۹۸۰
زیر ظاهر ۳: ۴۲۴۴	زید واقف ۲: ۳۶۳۵	زهر مار آن مار را ۴: ۶۸
زیر ظلّ امر ۴: ۳۳۴۸	زید و عمرو ۲: ۳۶۳۲	زهر مار و کاهش ۴: ۳۴۵۷
زیر ظلّش ۴: ۳۵۷۲	زید یک ۴: ۷۳	زهر نوش ۲: ۲۳۲۹
زیرکان با ۶: ۲۳۷۴	زیر آب شور ۳: ۲۲۰۵	زهرهات ندرید ۴: ۲۶۰۶
زیرکان که ۵: ۲۷۶۲	زیر آمد، شد ۳: ۴۶۰	زهره‌اش بدرید و ۱: ۱۶۵۶
زیرکان گفتند ۵: ۲۴۴۳	زیر آن باطن ۳: ۴۲۴۵	زهره‌اش بدریدی و ۲: ۵۰۶
زیرکان و عاقلان ۶: ۱۸۳۳	زیر او بودن ۵: ۱۳۹۲	زهره او ۶: ۱۹۱۸
زیرک صد چشم ۴: ۲۰۹۳	زیر این دکان ۴: ۲۵۵۰	زهرها هر چند ۶: ۳۵

زیرکم اندر وفا #۱۵۶:۴	زین بشارت ۴۳۲۴:۶	زین چنین نفرین ۱۳۹۴:۶
زیرک و داناست ۱۹۸۳:۱	زین بفرموده‌ست ۶۰۴:۵	زین چو سگ را ۳۱۵۹:۵
زیرک و دانا و ۲۱۰۶:۵	زین پشیمان گردی ۱۵۰:۵	زین چه شش گوشه ۴۵۷۰:۶
زیرکی بارت ۲۰۴۴:۲	زین پشیمانی، پشیمان‌تر	زین چه و زندان ۳۱۳۴:۲
زیرکی بفروش ۱۴۰۷:۴	#۱۳۴۰:۴	زین حجاب این ۳۴۳۰:۶
زیرکی بگذار ۲۳۷۲:۶	زین پشیمانی که ۱۴۹۹:۱	زین حرارت، جمله ۵۳۶:۲
زیرکی چون ۱۴۲۱:۴	زینت او ۸۰۲:۴	زین حراره ۵۳۷:۲
زیرکی دان ۲۳۷۳:۶	زین تائی ۳۵۰۸:۳	زین حکایت ۳۰۷۱:۶
زیرکی زابلیس ۱۴۰۲:۴	زین تجانس ۲۸۱:۲	زین حواله ۱۴۴۱:۶
زیرکی سبّاحی ۱۴۰۳:۴	زین تحرّی ۲۳۷۱:۱	زین حیل ۳۷۹۸:۶
زیرکی ضدّ ۲۳۷۲:۶	زین تخالف ۳۹:۶	زین خبر جوشد ۹۶۳:۴
زیرکی ظنّ‌ست ۱۴۰۷:۴	زین ترش ۱۰۱۲:۴	زین خبر لرزان ۹۶۳:۴
زیرکی و عقل ۳۸۸۱:۳	زین تسلسّ‌ها ۲۴۴:۵	زین خران تا ۱۰۹۸:۴
زیر لب، طعنه زنان ۴۴۸۰:۳	زینت طاووس ۲۷۰۶:۶	زین خرد جاهل ۲۳۲۸:۲
زیر لب گفت ۱۳۵۷:۵	زین تعجّب ۲۹۵۲:۴	زین خسیسان ۱۰۹۵:۴
زیر لب لاحول‌گویان	زین تعدّی ۲۴۲۳:۳	زین خفایشان ۳۴۳۲:۶
#۲۰۶۴:۲	زین تعرّف ۲۱۲۳:۶	زین خورش‌ها ۱۹۵۶:۴
زیر لب می‌کرد ۷۶۶:۲	زین تفکّر راه ۳۳۰۶:۴	زین خیال آنجا ۱۷۹۰:۵
زیر لب می‌گفتی ۱۰۹۹:۶	زین تقلّب ۲۷۸۲:۳	زین خیال رهن ۲۶۵۶:۵
زیر منبر جمع ۳۳۲۵:۵	زین تگ جو ۳۲۴۴:۶	زین خیال و وهم ۱۹۲۶:۱
زیر نافم ۱۶۸۶:۶	زین تلوّن ۶۳۰:۶	زین درخت آن ۲۰۵۱:۴
زیر، واسع ۱۶۸۷:۶	زین تنازع‌ها ۲۰۴۳:۳	زین دغل ۱۵۹۱:۴
زیر و بالا ۲۰۰۸:۱	زین تن خاکی ۲۰۴۴:۵	زین دکان با مکاسان ۱۲۶۵:۶
زیر ویران ۱۷۴۴:۱	زین تواضع ۳۵۶۶:۴	زین دکان رفتن ۳۱۰۱:۳
زیره رامن ۳۱۹۵:۱	زین جواهر ۲۰۵۸:۱	زین دلالت دل ۳۵۹:۵
زیر هر سنگی ۲۳۴۷:۲	زین جهان پاک ۶۰۲:۵	زین دو آموزند ۶۲۲:۵
زیر هر یارب ۱۹۷:۳	زین جهان خود ۱۸۲۳:۳	زین دواى ۲۹:۴
زیر هفتم خاکی ۱۶۲۳:۲	زین چراغ ۴۴۷:۴	زین دو بر ۲۳۶:۵
زین بتان خلقتان ۲۱۳۳:۳	زین چمن ای ۴۸۱۴:۶	زین دو پرده ۴۷۲۴:۳
زین بترها ۲۴۹۹:۴	زین چنین آتش ۲۲۳۷:۶	زین دو، جانها ۱۸۵۳:۶
زین بد ابراهیم ۳۰۷۸:۴	زین چنین امداد ۴۳۱۴:۳	زین دو جنبش ۲۷۵۴:۴
زین بدانی ۳۶۸۵:۴	زین چنین بیچارگی‌ها ۱۶۸۶:۲	زین دو جوشش ۴۲۰۶:۳
زین بدن اندر ۸۴۲:۵	زین چنین رسوایی ۹۱:۵	زین دوره گرچه بجز ۲۰۶:۶
زین برادر آن ۳۰۶۲:۴	زین چنین قحط ۶۲۱:۲	زین دوره گرچه همه ۲۰۵:۶
زین برادر عار ۳۴۷۶:۵	زین چنین مکرى ۴۰۶۲:۳	زین دو شاخه ۲۰۰:۶

زین قبل فرمود ۱۵۳۸:۳	زین سپس من ۱۰۹۴:۱	زین دو کس ۱۱۶۹:۳
زین قدح های ۳۷۰۷:۶	زین سپس نه کم ۳۹۱۴:۳	زین دو نسبت ۳۶۶۲:۳
زین قدر خرپشته ۳۷۵۸:۵	زین ستوران ۲۰۰۷:۴	زین دو وصفش ۳۷۶۶:۳
زین قدر گمراه ۳۲۳۱:۱	زین سخن قاضی ۴۵۶۴:۶	زین رئیس ۳۱۶۸:۵
زین قدم وین ۳۳۱۳:۴	زین سخن گر ۱۶۳۲:۱	زین رسالات ۲۵۵۴:۶
زین قضا راضی ۵۶۱:۲	زین سخن، واللّه ۱۵۷۱:۴	زین رسالت سنگ ها ۹۸۰:۴
زین قضا و زین ۶۴۵:۵	زین سخن هرگز ۳۵۴۵:۲	زین رسالت مُعرض ۶۰:۳
زین قفص ۳۹۷۳:۳	زین سراز حیرت ۱۴۲۶:۴	زین روش بر ۴۹۳:۳
زین قیامت صد ۱۴۸۱:۴	زین سری ز آن ۲۱۱۳:۴	زین ره بیراهه ۱۱۱۱:۵
زین کششها ۲۹۰۴:۶	زین سفر چون ۲۸۶۴:۲	زین سبب آمد ۲۹۶۳:۶
زین کلوخان ۴۸۹:۶	زین سفر کردن ۱۸۰۹:۲	زین سبب بد ۳۰۱۱:۳
زین کلوخ تن ۳۸۳:۵	زین شدن ۸۱۶:۴	زین سبب بر آسمان ۲۰۱۶:۴
زین کمین بی صبر ۲۱۳:۳	زین شفیع آزد ۲۹۵۰:۴	زین سبب بر انبیا ۱۰۰:۴
زین کمین فریاد ۲۰۲:۶	زین شفیع خویشتن ۲۹۵۲:۴	زین سبب پس پس ۱۱۲۱:۶
زین کنایات ۷:۶	زین شکاف ۲۶۲۶:۳	زین سبب پیغمبر ۴۵۳۸:۶
زین کند نفرین ۱۵۵۶:۴	زین شکایت ۳۴۰۲:۳	زین سبب تو ۲۰۷۳:۲
زین کنیزک سخت ۴۰۲۱:۵	زین شکست آن ۲۲۶۰:۲	زین سبب جان ۳۸۳۴:۴
زین گذر کن ای ۹۳۹:۶	زین شکنجه ۴۰۲:۳	زین سبب خلاق ۲۵۴۲:۲
زین گذر کن پند ۲۷۶۷:۵	زین شود مرجوم ۳۸۳۸:۱	زین سبب در ۳۵۱۳:۶
زین گرفت ۳۹۸:۵	زین ضرورت ۲۴۲۴:۲	زین سبب عیسی ۳۰۷:۲
زین گِل تیره ۱۶۵۵:۳	زین طلب بنده ۹۸:۲	زین سبب فرمود استثنا
زین گنه بهتر ۴۶۰۰:۶	زین عبادت ۳۶۱۲:۱	۱۶۳۸:۳
زین گنه کآمد ۳۴۰۸:۶	زین عجب تا ۲۰۴۴:۳	زین سبب فرمود حق ۳۲۵۸:۶
زین لسان الطیر ۴۰۱۰:۶	زین عجب تر ۳۵۳۵:۴	زین سبب که ۴۵۰۷:۶
زین لعب خواندست ۳۶۶۶:۴	زین عجب، واللّه ۳۸۰۹:۲	زین سبب من ۶۹۳:۱
زین للناس ۲۴۲۵:۱	زین عذاب ۲۸۲۱:۵	زین سبب می گویم ۴۸۵۸:۶
زین مرض ۴۵۹۹:۶	زین عرض، جوهر ۹۵۵:۲	زین سبب نبود ۱۸۷۲:۳
زین مقام ۱۷۶۸:۵	زین عصا تا ۲۷۹:۱	زین سبب های ۱۷۰۸:۵
زین مناره ۱۳۵۱:۶	زین عمل ۲۷۹:۱	زین سبب هفتاد ۱۶۳۶:۶
زین منی چون ۴۷۶۹:۶	زین غرض ۶۴۵:۲	زین سبب هنگامه ها ۴۶۰۶:۶
زین نبردازم ۶۸۷:۴	زین غمام ۸۵:۶	زین سبب روید ۳۲۰۷:۶
زین نسق اوصاف ۳۱۲۳:۲	زین غم و شادی ۶۹۸:۲	زین سپس از بهر ۶۹۰:۴
زین نسق غمخوارگان ۳۴۲۸:۳	زین فزون جویی ۴۶۷۲:۳	زین سپس بستان ۵۶۰:۳
زین نسق می گفت آن ۲۴۵۰:۶	زین قبل آمد ۱۱۳۴:۳	زین سپس جویم ۲۳۳۸:۲
زین نسق می گفت با زن	زین قبل آید ۱۸۳۴:۵	زین سپس سودی ۶۴۴:۳

ساخت سرگین ۳:۳۰۰۰	سابقون ۵:۳۷۳۹*	۲۳۱۴:۱*
ساخت طوماری ۱:۴۶۳	سابقه دانش ۵:۴۰۶۷*	زین نسق می‌گفت با لطف
ساخت موسی ۳:۲۹۹۶	سابق هر ۲:۱۸۲۶*	۲۴۱۸:۱
ساخته از ۲:۳۴۷۸*	سابقی خواهی ۴:۳۲۰۵*	زین نشان ۲:۲۹۸۸
ساختی خود ۳:۶۹۰	سابقی، لیکن ۵:۳۳۴۷*	زین نظروین ۴:۳۳۱۵
ساختی، در یک دم ۴:۱۲۴۵*	ساجد اندر ۵:۳۰۹۵*	زین نمط او ۳:۴۴۶
ساختی مکرری ۱:۱۸۲۹*	ساجدانِ مخلص ۵:۲۹۹۵*	زین نمط بسیار ۱:۹۹۲
ساده گردند ۶:۷۳*	ساجد و راکع ۶:۴۳۳۶*	زین نمط دارند ۲:۳۱۲۸
ساده و یکرنگ ۱:۵۰۱*	ساجد و مسجود ۴:۹۱۰	زین وصیت ۴:۳۷۰۰
ساریانا ۶:۳۱۱۳	ساحران آورده ۶:۴۳۵۳	زین وطن ۴:۲۳۲۱*
سارغوا ۳:۳۴۳۵*	ساحران، او ۱:۱۶۱۶*	زین همه انواع ۱:۲۸۳۴
سازد اسرافیل ۱:۱۹۱۸	ساحران چون ۱:۱۶۲۰	زین همه بگذر ۳:۴۶۹۲
ساعت از بی ۳:۲۰۷۶	ساحران در ۱:۱۶۱۵	زین همی گوید ۶:۲۱۸۱
ساعتی آنجایکه ۲:۲۸۳۶	ساحران را اجر ۶:۴۳۶۱*	زین هوس ۶:۲۵۵۲*
ساعتی افتاد ۳:۳۸۶۷	ساحران را چشم ۶:۲۳۱۲*	زین پینلو ۶:۴۲۸۵
ساعتی او ۵:۳۵۲۹	ساحران را خون بهای	زین یجیب ۳:۴۴۴۰*
ساعتی با آن ۳:۲۰۷۲	۵:۴۱۱۹*	زین یکی دگش ۶:۳۴۷۶
ساعتی با بخت ۵:۳۵۳۰	ساحران را سیرین ۶:۴۳۶۳*	زین یکی سرگین ۱:۲۶۹*
ساعتی با دم ۴:۹۶۹	ساحران رانی ۳:۱۷۲۱	
ساعتی بسیار ۵:۲۷۷۸	ساحران را وصل ۶:۴۳۶۲*	ژ
ساعتی بگریست ۴:۳۴۰۸	ساحرانشان ۵:۴۵۰	ژاژ بینید ۳:۲۳۲۰*
ساعتی بنشست ۴:۳۴۴۴	ساحران قصد ۳:۱۲۳۰	ژاژ می‌خاید ۲:۴۲۰*
ساعتی بی خود ۲:۱۵۲۰	ساحران موسی ۱:۲۷۸	ژاژ می‌دانند ۳:۲۳۶۷*
ساعتی بی هوش ۳:۱۹۹۹	ساحران مهتاب ۵:۱۰۳۷	ژاژ و گستاخی ۲:۱۷۳۳*
ساعتی تأخیر ۱:۱۰۵۵	ساحران واقف ۶:۳۰۲۷	ژغوغ آن زان ۵:۲۱۴۷
ساعتی در روی ۲:۲۰۹۸	ساحرانه او ۵:۱۰۴۰*	ژغوغ آن عقل ۳:۲۲۷
ساعتی در وی ۶:۳۱۳	ساحرانه در ربود ۵:۱۶۹۲	ژغوغ آواز ۵:۲۱۴۶*
ساعتی دیگر ۱:۱۲۷۸*	ساحران هستند ۳:۴۰۷۵*	ژغ ژغ دندان ۳:۱۱۰۵
ساعتی زاهد ۲:۱۳۱۲*	ساحران هم ۴:۲۱۰۰	ژنده‌ها از ۴:۱۵۸۰
ساعتی سنگم ۴:۹۶۹*	ساحرش گفتند ۴:۲۷۹۷*	ژیع ژیع تلخ ۴:۳۱۰۴
ساعتیشان ۵:۴۰۴۲	ساحره دنیا ۴:۳۱۹۶	
ساعتی شد ۴:۲۹۲	ساحری اُستاد ۴:۳۱۵۹*	س
ساعتی کافر ۲:۱۳۱۲	ساحری صحن ۵:۴۴۶	سانلِ شه ۱:۲۸۱۶*
ساعتی گرگی ۲:۱۴۲۰	ساحلِ یم ۴:۲۳۷۰*	سابقِ لطفی ۵:۴۱۵۰*
ساعتی یوسف رُخی ۲:۱۴۲۰*	ساخت او را ۵:۳۶۴۷*	سابق و مسبوق ۴:۳۷۴۴*

سایهات ۳: ۴۲۲۴*	سال‌ها پَرم ۳: ۱۹۷۰	ساعت‌ش مسکن ۲: ۹
سایه‌اش فانی ۴: ۳۶۴۴	سال‌ها تو سنگ ۱: ۱۹۱۲	ساعت‌ش یابد ۱: ۲۷۹۱*
سایه‌اش گرچه ۶: ۳۱۱۹	سال‌ها جستم ۲: ۳۶۶۷	سافرُوا ۳: ۵۳۳*
سایه اندیشه ۶: ۳۷۴۰*	سال‌ها چه بود؟ ۳: ۱۹۷۰*	ساق می‌مالید ۳: ۳۳۸۰*
سایه او بر زمینی ۶: ۳۳۰۶*	سال‌ها خربنده ۲: ۱۸۵۵	ساقیم ۵: ۲۱۰۸*
سایه او را نبود ۴: ۴۲	سال‌ها خوردی ۵: ۲۸۶۸	ساکتانی عرش ۲: ۲۶۱۸*
سایه‌ای ام کدخدا ۱: ۳۷۹۱	سال‌ها دریند ۶: ۵۹۴	ساکتانی مَقْعِدِ ۱: ۳۴۹۹*
سایه برده ۶: ۳۰۱۳	سال‌ها در حسرت ۳: ۲۲۹۵	ساکتش کرد ۵: ۱۳۳
سایه بُز ۲: ۹۵۷*	سال‌ها دفع ۳: ۹۲۹	ساکتِ گلزار ۴: ۱۷۶۷*
سایه تو کز ۵: ۱۸۳۳*	سال‌ها ره می‌رویم ۲: ۲۴۸۵	ساکتم ۴: ۳۷۱۸*
سایه حق ۳: ۴۷۸۱	سال‌ها زواین ۶: ۱۸۴۰	سال، اندر ششصد ۲: ۷*
سایه خواب آرد ۱: ۱۱۸	سال‌ها زیشان ۵: ۳۲۰۴*	سال بیگه ۲: ۱۲۶۳
سایه خود از ۶: ۵۶۲	سال‌ها شد ۵: ۲۹۶۱*	سال دیگر آمد ۵: ۲۰۲
سایه خود را ۳: ۱۷۲۶	سال‌ها گر ۱: ۳۷۷۱	سال دیگر گر ۳: ۲۴۸
سایه در روز است ۵: ۳۴۸۳	سال‌ها گفتید ۳: ۲۹۱۸	سال قحط از ۶: ۱۵۸۰
سایه دل چُون ۳: ۲۲۶۶*	سال‌ها گوید ۲: ۵۰۰	سالکان، این ۳: ۱۷۳۴*
سایه را با ۴: ۲۱۱۱*	سال‌ها مردی ۴: ۳۶۲۸	سالکان راه را ۲: ۲۶۱۸
سایه را تو ۲: ۱۰۴۲	سال‌ها می‌کرد ۵: ۲۲۳۱	سالکان راه هم ۳: ۱۸۸۹
سایه را نبود ۵: ۶۷۴*	سال‌ها می‌گشت ۲: ۳۶۴۵	سالکان رفتند ۳: ۴۳۷۲*
سایه رهبر ۶: ۳۷۸۴	سال‌ها نتوان شتودن ۳: ۱۹۹۵*	سالم از دزدان ۱: ۲۷۳۶
سایه شاخ ۴: ۳۶۴۵	سال‌ها نتوان نمودن ۳: ۱۹۹۴*	سال و مه در ۵: ۳۴۶۶
سایه شاهان ۲: ۲۲۱۶	سال‌ها، نسبت ۶: ۴۶۰۰*	سال و مه رفتم ۳: ۱۹۷۴
سایه طوبی ۴: ۳۳۴۵	سال‌ها همصحبتی ۶: ۴۴۹	سال‌ها ابلیس ۲: ۳۰۴۰
سایه فانی ۵: ۶۸۲*	سامری را ۶: ۲۵۰۲	سال‌ها ادرار ۳: ۹۲۴
سایه فرع‌ست ۳: ۱۷۳۵*	سامری وار ۲: ۱۹۸۰	سال‌ها اندر دعا ۶: ۱۹۸۵*
سایه کافکنده‌ست ۴: ۲۷۵۹*	سامریی خود ۲: ۲۰۴۷	سال‌ها اندر میانشان ۶: ۲۱۶۳
سایه که بود ۳: ۳۷۱۹	سایران در ۱: ۷۵۵	سال‌ها اندر نباتی ۴: ۳۶۳۸
سایه، کی گردد ۱: ۲۸۰۸*	سایس است ۶: ۱۱۷۲*	سال‌ها او ۳: ۴۳۳۶
سایه مردان ۵: ۱۹۵۱*	سایس و بنده ۶: ۱۱۳۵*	سال‌ها این است ۵: ۲۸۶۲*
سایه مرغی ۱: ۲۸۰۹	سایسی کردی ۶: ۱۱۳۶	سال‌ها این دوغ ۴: ۳۰۳۲
سایه‌هایی ۳: ۴۶۶۰	سایل آن باشد ۶: ۱۴۷۳	سال‌ها این مرگ ۶: ۷۷۳
سایه یزدان بود ۱: ۴۲۳	سایلی آمد ۶: ۱۲۵۰	سال‌ها باید در آن ۵: ۲۴۷۲*
سایه یزدان چو ۱: ۴۲۲	سایلی بگذشت ۵: ۴۷۸	سال‌ها باید که اندر ۱: ۲۵۹۲
سایه یی و عاشقی ۳: ۴۶۲۳	سایلی پرسید ۵: ۳۳۲۷	سال‌ها بر وعده ۱: ۲۲۷۹
سَبَّحَ لِلَّهِ ۵: ۳۸۵۹	سایه آن ۳: ۲۰۱۱	سال‌ها بگریست ۳: ۲۸۵۳*

سبز پوشد ۴۶۸۸:۳*	ستر چه در ۴۷۳۳:۳	سجده می‌کردند ۳۸۳۸:۴
سبز کرد ۱۱۹۰:۵*	ستر کن تا ۴۵۲۶:۶	سجده ناوردند ۳۲۹۹:۱
سبز گردم ۲۴۶۴:۱	سجده آدم ۲۰۷۷:۶	سجده نتوان ۱۲۱۱:۲
سبز گردی ۳۳۳۲:۴	سجده آرد پیش آن ۵۰۵:۱	سجده وزاری ۳۶۷۰:۵
سبز گشت از ۳۶۱۷:۴	سجده آرد پیش او ۳۷۲۴:۱*	سجده‌ها می‌کرد ۱۹۲۷:۲
سبز گشته بود ۲۷۶۰:۵*	سجده آرد مغز ۲۰۷۷:۶*	سجده‌ی دیدم ۳۶۰۶:۲*
سبز می‌گردد ۱۲۱۸:۲*	سجده آمد ۱۲۰۹:۲	سجده‌ی کرد ۴۰۸۹:۵
سبزوار اندر ۸۷۳:۵*	سجده آورد آن ۱۸۹۴:۲*	سجّین دنیا ۶۴۰:۱*
سبزوارست ۸۶۷:۵*	سجده افسوسیان ۷۸۰:۳*	سجّر آموز ۱۲۵۷:۴*
سبزوار طبع ۸۹۵:۵*	سجده آوردند ۸۴۷:۵	سجّرأ و حق ۴۰۷۹:۳*
سبز و رقصان ۱۳۴۱:۱*	سجده پیش ۲۲۶۰:۶*	سحر ایشان ۱۱۶۱:۳*
سبزه تقوی ۲۵۶۱:۲*	سجده خود را ۲۲۶۰:۶*	سحر خواند ۲۲۰:۳*
سبزه جان ۳۳۳۳:۴	سجده شکر ۹۷۵:۴*	سحر را از ما ۶۲۳:۵*
سبزه رُسته ۲۴۳۱:۵*	سجده کُردندش همه	سحر را با ۲۷۷:۱
سبزه رویاند ۳۳۳۱:۴	سجده ۱۳۵۸:۱*	سحر رفت و معجزه ۱۶۷۵:۴
سبزه گشت ۲۵۶۸:۲*	سجده کردند و بگفتند ای خدیو	سحر عین است ۳۷۵۵:۱
سبزه‌ها گویند ۳۲۶۵:۱	۹۲۸:۳	سحر، گاهی ۴۰۷۰:۳
سبزه‌ی ۲۳۳۷:۶*	سجده کردند و بگفتند ای کریم	سحر و ضد ۶۲۲:۵
سبطی آن دم ۳۴۹۸:۴	۱۵۹۰:۳	سحر و مکرش ۱۱۹۲:۳*
سبطی اند ۲۰۶۱:۶	سجده کرد و بر ۳۱۷۵:۴	سحرهای ۱۶۶۲:۴
سبیطیان را ۲۸۱۶:۴*	سجده کرد و رفت ۳۳۳۹:۲	سخت از جا ۸۹۸:۳*
سبیطیان زو ۳۴۳۴:۴	سجده کرد و گفت این ۳۱۰۵:۱	سخت باشد ۱۹۰۷:۱*
سبق برده ۱۹۶:۵	سجده کرد و گفت کای	سخت بر بندند ۳۰۱۴:۱*
سبق بی‌چون ۳۷۴۴:۴	۲۳۹۶:۳	سخت بیدارست ۲۰۹۰:۴*
سبق رحمت بر ۱۵۹۱:۵	سجده کردی که ۲۰۴۳:۲*	سخت بی‌رحمی ۱۳۹۵:۶
سبق رحمت راست ۵۱۴:۵	سجده کن صد ۳۹۹۰:۵	سخت بی‌صبر ۳۷۹۰:۳
سبق رحمت گشت ۱۶۴۸:۵	سجده گاه از اشک ۵۶:۱*	سخت پس پس ۱۱۲۰:۶
سبق یابی ۲۹۶۸:۱*	سجده گاه جمله ۳۱۱۱:۲*	سخت پنهان ست ۴۷۲۰:۳
سبلتان توبه ۵۶۹:۶	سجده گاه لامکانی ۴۵۸۶:۶	سخت پیدا ۱۸۷:۴*
سبلتان و، ریش ۹۳۷:۳*	سجده گاهم ۳۴۲۸:۲	سخت تر افشردام ۷۷۰:۶
سبلت را ۲۴۵۱:۴	سجده گه را ۳۸۶:۴	سخت تر شد ۳۸۳۱:۳
سبلت تزویر ۱۰۱۴:۵	سجده می‌کرد از حیا ۲۸۵۷:۱*	سخت تر کرد ۲۷۵۳:۳*
سبلت گنده ۱۹۵۳:۴	سجده می‌کرد او که ای ۱۲۸:۵	سخت تر می‌گشت ۲۹۱۸:۳*
سبلت تو ۲۴۵۲:۴	سجده می‌کرد او که فرمانت	سخت تنگ آمد به ۳۵۴۳:۳*
سبلت و ریشش ۱۳۳۶:۶*	۳۱۵۷:۴	سخت تنگ آمد، ندارد ۱۳:۳*

سخت جانی ۱۹۶۴:۶	سُخره و بیگار می‌پنداشتیم	سر بیسته، رُوکشیده ۱۵۹۹:۳*
سخت خاک آلود ۴۰۰۱:۱	۳۰۰۸:۲*	سر بیسته می‌خرم ۴۵۲۵:۶*
سخت خوش ۵۰۴:۴	سُخره و سَجده ۹۲۶:۶*	سر پوشان ۹۶۷:۶*
سخت خوفم ۷۹۱:۱*	سُخره هر قبله ۲۶۲۸:۶*	سر بجنابند ۳۱۹۱:۵
سخت در گِل ۲۱۶۶:۳*	سیدره چه بود؟ ۲۰۰۵:۳*	سر بجنابی ۱۲۸۰:۳*
سخت درماند ۱۰۵۹:۱	سَد شده ۳۸۷۵:۶*	سر بدی پیوسته ۳۹۱۲:۶
سخت دل چونی ۱۷۷۵:۳*	سَد شدی در ۲۴۴۸:۴	سر برآرد آفتاب ۸۸۳:۴
سخت دل یارا ۶۱۵:۶*	سُدّه چون شد ۲۹۲۰:۳	سر برآرد از رکوع ۲۱۵۸:۳
سخت راسخ ۲۴۴۵:۳	سیر آن بشنو ۲۹۶۶:۵*	سر برآرد از زمین ۲۷۶۲:۴
سخت رنجورم ۲۵۷۹:۵*	سر آن خرگوش ۲۸۰۶:۳	سر برآرد از ضمیر ۲۴۸۹:۳*
سخت رُو باشد ۴۱۳۹:۳*	سیر آن را در نیابد ۲۲۴:۱*	سر برآرد او ۲۱۶۰:۳*
سخت رویی که ۱۹۶۹:۶	سیر آن سر سیزی ۱۷۷:۱*	سر برآرد چون ۴۷۳۴:۳*
سخت رویی گر ۳۴۹:۴	سیر آن کز ۲۸۰۵:۳*	سر برآر و ملک ۴۱۲۵:۵
سخت زَفَت ۲۶۰۵:۳*	سیر آب چه ۱۹۳۱:۵*	سر برآورد از ۶۵۱:۳*
سخت زیبا ۶۳۱:۴	سر از آن خواب ۱۹۹۰:۱	سر برآوردند از ۳۲۲۷:۲
سخت طَناز ۳۴۰۹:۵*	سر از آن رو ۳۲۷۵:۱	سر برآوردند باز ۱۰۱۶:۵
سخت طَیره ۱۶۶۶:۶*	سر استناست ۳۶۹۲:۶	سر برآورد و حریف ۱۳۴۲:۱*
سخت کمیاب ۱۰۶۲:۱*	سر الناس ۲۸۲۶:۶	سر برآورده است ۱۹۳۴:۶*
سخت گیرد ۱۲۹۴:۳	سیر آلنوم ۴۰۰:۱*	سر برآوردی ۲۲۶۳:۶*
سخت گیر و حق گزار ۳۱۶:۳*	سر امام ۱۵۴۸:۳*	سر برآور همچو ۱۷۵۸:۵
سخت گیری ۱۲۹۷:۳	سر امسینا ۳۴۶۵:۱	سر برون آرد ۳۶۳۶:۴
سخت مُستسقی ۲۶۷۱:۶*	سیر انگلیون ۳۶۴۴:۱*	سر برون آمد ۳۸۳۴:۶*
سخت مست و بیخود ۴۷۲۹:۳	سر او با من ۳۱۷۶:۵	سر برون آورد ۴۲۳۲:۳*
سخت می آید ۳۲۱۰:۴	سر او دانست ۲۲۳۷:۵	سر برون کردند ۳۴۸۴:۲*
سخت می تولی ۱۷۲۲:۶	سیر او را به ۱۸۶۳:۵*	سر برون کن ۲۹۰۵:۵*
سخت می خندید ۳۹۵۰:۵	سر او را چون ۴۹۱۲:۶	سر برون می کرد ۴۲۹:۵*
سخت می رنجی ۱۷۲۳:۶	سر این آن ۴۴۰:۲	سر برون نآرم ۳۷۹۹:۵*
سخت ناپیدا ۲۶۲۷:۳*	سیر باحق ۲۲۷۵:۵*	سر برهنه جانب ۱۶۱۱:۵*
سخت و زیبا ۳۹۴۲:۶*	سر بیخشد ۲۶۷۳:۳	سر برهنه در بلا ۱۶۵۰:۳*
سُخره استاد ۳۳۱۴:۴*	سر بیر این ۴۲:۵	سر برهنه در سجود ۲۱۸۵:۳
سُخره حس ۶۲:۲	سر بپر، تا ۴۰۵۸:۶*	سر برهنه کرد ۳۳۷۶:۶*
سُخره خشم ۹۸۸:۶*	سر بپر زین ۳۸۰:۵*	سر برید این ۱۹۷۱:۵*
سُخره دیو ۱۳۲۵:۴*	سر بپرشان ۳۴:۵*	سر بریدن چیست ۲۵۲۵:۲
سُخره کرده ستش ۳۲۷۶:۳*	سر بپرش تا ۳۷۴۵:۵	سر بریدنش برای ۲۱۰:۱*
سُخره و بیگار، ما را ۴۶۶:۲*	سر بپرّم ۴۱۷۶:۳	سر بریدنش که این ۹۴۷:۳

سر بریدن واجب آید ۱۲۲:۳	سر خون و نطفه ۱۸۲۶:۲	سر غیب ۳۳۸۷:۳
سُسر بُسردن واجب است	سرد باشد جست ۱۴۰۲:۳	سیرِ فاسد ۱۶۹۱:۴
۲۵۲۴:۲	سرد باشد راه ۱۴۰۳:۳	سرفدا کردی ۱۶۸۴:۲
سر بریده از ۵۱۰:۵	سرد بود آن ۲۳۴:۴	سرفرازاند ۹۳۱:۲
سر بریده مرغ ۴۲۰:۴:۶	سرد خواهد ۸۸۰:۴	سرفرو آورد ۲۴۷۹:۶
سر بزن ۲۳۱۹:۳	سر در اندازم ۳۱۲۷:۳	سرفرو افگند ۳۸۲۵:۶
سر بکوب آن را ۱۴۳۲:۴	سرد شد از فرقی ۴۶۱۷:۳	سرفرو انداختند ۴۰۸۳:۵
سر بلندم ۳۳۹۲:۴	سرد شد اندر ۳۶۷۰:۶	سرفرو کردند ۸۳۲:۴
سر پنهانی ۴۱۷۴:۳	سرد شد بر ۱۲۹۶:۳	سرقدم کن ۱۶۶۹:۵
سر پنه در سایه ۳۳۴۵:۴	سرد گردد سوز ۳۱۴۸:۳	سرکجا ۱۲۷۹:۴
سر پنه، شکرانه ۳۳۹۷:۳	سرد گردد عشقش ۴۱۰۷:۳	سرکشد گوش ۱۰۲:۳
سر به پیش ۴۱۷۵:۳	سیرِ دل‌ها ۱۷۹۹:۵	سرکشی از ۲۴۹۱:۱
سر به چه ۲۱۲۹:۳	سرد همچون ۲۱۷۳:۶	سرکشی بگذارد ۱۴۹۳:۶
سر به زانو ۱۱۷۲:۳	سردی از صد ۱۷۰۵:۵	سرکشیده ۲۱۴۷:۱
سر به سجده ۲۴۹۳:۳	سیرِ دی پیدا ۱۸۰۱:۵	سرکشیدی تو ۲۲۶۱:۳
سر به سر زر ۶۵۶:۴	سرد دیگر ۱۵۸:۶	سرکشی ز استاد ۳۳۵۰:۴
سربه سر فکر ۱۷۶۳:۲	سردی و افسردگی ۴۱۹۴:۳	سرکشی فرعون ۲۴۸۱:۱
سربه سر گوش ۱۰۳:۳	سیرِ رمز ۱۲۳۸:۱	سرکلاه ۳۳۳۶:۴
سربه گوشش ۲۹۰:۴	سر ز آتش ۴۲۸:۵	سرکند آن ۱۱۲۳:۶
سر بیخ ۳۹۷۴:۵	سر ز چه ۴۷۹۷:۳	سرکند قوت ۱۱۲۴:۶
سر پنهان است ۳۴۱:۱	سر ز خفتن ۳۶۹۲:۱	سرکه افزودیم ۱۸۶۸:۲
سر توانی ۲۴۹۶:۶	سر ز زیر ۴۴۶۳:۶	سیرکه را بگذارد ۳۶۶۴:۱
سیر توی ۱۹۳۸:۱	سر ز شکر ۳۷۱:۲	سرکه را گر راه ۱۵۲۷:۱
سیر جنسیت ۲۹۵۳:۶	سر ز هر سوراخ بیرون	سرکه را گر گرم ۳۶۹۵:۲
سر چارق ۳۳۵۱:۵	۳۹۵۵:۳	سر، که عقل ۹۴۵:۱
سر چرا بندم ۴۷۶۷:۶	سر ز هر سوراخ می‌آرد	سرکه مفروش ۲۳۷۵:۱
سر چنین جُنباند ۳۴۸۵:۴	۴۰۵۷:۳	سرکه نه ۲۵۳۳:۵
سر چنین کرد او ۹۱۴:۵	سیرِ پیرِ پوستین ۳۳۵۲:۵	سرگیر ۳۷۲۲:۲
سر چنین کردند ۲۰۷۱:۳	سر سَری در ۲۷۶۱:۵	سرگذشت ۳۶۵۴:۵
سر جو صوفی ۱۰۲۸:۴	سر سَری گفت ۲۴۵۵:۵	سر ما را ۳۱۴۷:۱
سر چه می‌پیچی ۳۶۷۸:۱	سر سَری مشنو ۱۱۹۸:۴	سر مَبَد ۳۰۷:۵
سرخ روی ۱۰۹۸:۲	سر سیه از جُرم ۱۸۰۶:۵	سر میوشان ۲۶۸۱:۱
سرخ شد روی ۲۵۳۶:۱	سر سیه چون ۲۱۵۲:۵	سر مخلوقات ۱۴۸۱:۲
سرخ گردد ۳۶۲۶:۵	سر شکسته ۹۷۸:۱	سر مدزد از ۱۱۶۱:۵
سرخ و سبز ۱۶۰۰:۲	سیرِ صحن ۸۴۶:۲	سرمدی ۴۲:۵

سر وزن ۲۱۷۵:۳	سرنگون خود را ز ۱۵۵۱:۴	سست و ریزیده ۲۹۷۹:۱
سر مکش از ۳۶۰۷:۱	سرنگون رفت ۲۵۰۴:۶	سستی او ۹۷۵:۵
سر مکش اندر ۱۴۵۴:۴	سرنگون زآن ۳۶۲۱:۵	سعد دارش ۵۸:۴
سر مکش ای ۱۲۱:۲	سرنگونسار ۳۰۳۸:۶	سعد دیدی ۲۷۸۵:۶
سر مکش زین ۲۷۲۰:۶	سرنگون شد ۲۳۳۵:۴	سعد را ۲۹۸۷:۴
سر من از ۷:۱	سرنگون کرده ست ۲۸۱۴:۳	سعد و نحس اندر ۳۶۸۶:۵
سیرِ مین بغدی ۲۶۰۶:۱	سرنگون گشتند ۹۵۵:۴	سعد ها و نحس ها ۲۶۵۳:۳
سیرینه گوساله ۲۳۴۳:۲	سرنگونم هی ۴۱۶۴:۶	سعی تو ۱۵۶۹:۵
سر موتوا ۳۸۳۷:۶	سرنگون می افتد ۷۹۷:۲	سعی شکر ۹۳۸:۱
سر مه توحید ۱۷۰۱:۵	سرنگونی آن بود ۳۷۰۶:۴	سعی، ضایع ۲۸۰۷:۱
سر مه جو ۱۴۶۵:۶	سرنگونی مکرهای ۴۵۱:۵	سعیم شتی ۲۵۶:۵
سر مه چشم ۳۰۱۱:۶	سر نهاد اندر ۱۷۴۹:۲	سُغبه چون ۲۴۹۵:۱
سر مه را در ۱۰۹۵:۵	سر نهادم ۱۱۶۷:۱	سُغبه شد ۳۲۹۸:۱
سر مهر ما ۶۱۶:۳	سر نهاد و خواب ۲۱۰۶:۱	سُغبه صورت ۵۸۱:۳
سر مه کن تو ۳۳۷۵:۴	سر نهادی ۳۰۱۷:۶	سفره او ۳۰۳۲:۳
سیرِ میل ۳۶۴۱:۴	سر نهد بر ۲۶۰:۲	سفره رویش ۱۲۷۰:۶
سر نیکزد ۱۳۰۰:۱	سروران ۲۲۳۳:۱	سفره یی آویخته ۳۰۱۸:۳
سر نیچیم ۴۸۸۳:۶	سرور لشکر ۲۰۴۷:۴	سِفلی و عِلوی ۲۶۱۵:۶
سر نخواستی بُرد، اکنون	سروری جاودانه ۳۲۹۷:۶	سقف چون ۵۲۰:۶
۱۶۱۴:۱	سروری جو ۲۰۲۹:۴	سقفِ سمتِ ۳۲۷۱:۶
سر نخواستی برد هیچ از	سروری چون ۳۴۶۶:۲	سقف، سوی ۱۱۵۴:۳
۴۱۵۱:۶	سروری را کم ۳۲۸:۶	سقفِ گردون را ۱۸۴۷:۲
سر نخواستی که ۱۹۸۴:۲	سروری زهرست ۳۴۶۴:۲	سقف گردون کو ۵:۳
سر ندارد ۲۸۹۸:۱	سروری وامر ۲۷۸۲:۴	سکته ای ۳۸۶۴:۱
سر نشاید ۱۴۸۳:۶	سرهما نجا ۳۴۲۶:۱	سکته و بی عقلیش ۱۵۳۰:۴
سیرِ نصح ۳۹۲۵:۶	سرهمی برداشت ۴۲۹۴:۳	سکسکانید ۲۰۱۰:۴
سرنگون آید، خدا ۱۱۹۰:۳	سست چشمانی ۲۶:۵	سکّه احمد ۲۸۷۳:۴
سرنگون آید زخون ۹۳۵:۳	سست خندید ۲۲۴۱:۵	سکّه شاهان ۲۸۷۳:۴
سرنگون از ۱۷۹۰:۴	سُست رای ۳۹۶:۶	سگ بچه اندر شکم بُد
سرنگون افتادگان را ۱۳۵۲:۶	سُست سُستش ۲۸۵۱:۳	۱۴۴۶:۵
سرنگون افتادی ۷۸۶:۳	سُست گردد بدر ۱۳:۶	سگ بچه اندر شکم چون
سرنگون افتید ۳۴۱۷:۱	سُست گردد چارمینگ	۱۴۴۷:۵
سرنگون افکندش ۲۴۹۷:۵	۲۵۱۵:۴	سگ بچه اندر شکم ناله کنان
سرنگون بر بُوی ۲۶۰۳:۴	سُست گردد در قرار ۳۷۱۰:۵	۱۴۴۸:۵
سرنگون خود را در ۲۶۲۷:۵	سست گیرد ۱۲۹۵:۳	سگ بخته ۲۹۷۷:۵

سنگ‌شان ۶: ۱۰۳۱*	سنت و عادت ۵: ۱۵۴۵	سگ بشورد ۵: ۳۰۳۸*
سنگ شد ۳: ۱۱۱۱*	سنتی بنهاد ۵: ۱۵۴۳	سگ چو بیدارست ۶: ۲۹۱۸
سنگ کی ۵: ۴۲۲۶*	سندیان ۲: ۱۷۵۷*	سگ چو عارف ۲: ۲۳۶۴*
سنگلاخی ۲: ۱۶۴۸*	سنقر آنجا ۳: ۳۰۶۲	سگ چو عالم ۲: ۲۳۶۴
سنگ مرغی ۳: ۲۵۲۲*	سنقر آن دم ۳: ۳۰۵۷	سگ چه باشد ۵: ۲۹۶۰*
سنگ مرگ ۴: ۱۶۷۴*	سنگ آورد ۲: ۲۱۲۷	سگ دلان ۲: ۴۰۵۰*
سنگ می‌بارید ۴: ۷۸۹	سنگ از ضنع ۳: ۴۱۴۴*	سگ زمستان ۳: ۲۸۸۵
سنگ میزان ۴: ۶۲۸*	سنگ اندر ۵: ۳۲۸۳*	سگ ز نور ۶: ۲۰۸۷*
سنگ می‌دهد ۳: ۲۴۷۱	سنگ با تو ۳: ۲۴۹۵	سگ شکاری ۳: ۴۱۹۶
سنگ و آهن اول ۲: ۱۹۶۶	سنگ باشد ۳: ۴۱۴۳	سگ شناسا ۲: ۲۳۶۵
سنگ و آهن خود ۱: ۸۴۲	سنگ بر آهن زدی ۳: ۴۷۸۶	سگ کسی ۶: ۲۱۰۱*
سنگ و آهن را به دم ۳: ۱۱۰۲	سنگ بر آهن زنی ۱: ۸۴۰	سگ کلیچه ۳: ۲۶۶۵
سنگ و آهن را مزین ۱: ۱۵۹۴	سنگ بر احمد ۳: ۱۰۱۸	سگ کند آهنک ۲: ۲۳۵۵
سنگ و آهن ز آب ۱: ۷۷۴	سنگ بر سینه ۳: ۲۴۳۲	سگ ندای بر ۲: ۴۷۶
سنگ و آهن زین ۲: ۱۹۶۴	سنگ بر گیل ۲: ۳۰۸*	سگ نیم تا ۳: ۴۵۵۲
سنگ و آهن فایق ۲: ۱۹۶۱*	سنگ بُرند ۴: ۱۱۴۹	سگ وظیفه ۲: ۴۱۷
سنگ و آهن مولد ۴: ۳۷۶۱	سنگ بودی ۱: ۳۸۲۷*	سگ هماره ۳: ۲۴۳۷
سنگ و کوهم ۴: ۹۷۰*	سنگ بی جرم ست ۴: ۹۸۱	سلسله از گردن ۶: ۴۸۵۸*
سنگ و مرمر ۵: ۲۵۳۳*	سنگ بی حمال ۴: ۴۷۱	سلسله این ۳: ۳۸۵۰
سنگ‌ها از عشق ۵: ۳۱۰*	سنگ پر کردی ۳: ۲۲۷۷	سلسله زرین ۶: ۲۴۴
سنگ‌ها اندر ۱: ۲۱۵۴	سنگ، تا فانی ۵: ۱۹۴۵*	سلسله هر ۲: ۱۳۲۶*
سنگ‌ها در ۵: ۴۰۵۶	سنگ چه بُود؟ ۴: ۶۲۹*	سلطنت بینی ۵: ۴۱۴*
سنگ‌هاش اندر ۲: ۲۸۹۶	سنگ خارا ۳: ۲۵۸۹	سلطنت زین ۳: ۴۴۵۱*
سنگ‌ها و کافران ۱: ۱۳۷۷	سنگ داد ۵: ۳۴۵۵*	سلطنت‌ها مُرده ۶: ۴۰۰۶*
سنگ‌ها هم ۵: ۲۲۸۲*	سنگ را حد ۳: ۲۹۰۳	سله بر سر ۳: ۲۶۶۱
سنگ‌های آسیا ۱: ۳۰۸۷*	سنگ را گر گیرد ۵: ۳۰۲۳	سُم اسب ۲: ۲۴۱۴*
سنگ‌های امتحان ۳: ۷۴۴	سنگ را، گرمی ۶: ۳۴۵۳*	سُمج ۴: ۱۸۲*
سنگ‌هایت ۳: ۲۴۹۷	سنگ را گویی ۳: ۲۹۱۱	سُمشان ۶: ۳۶۷۴*
سُنی از تسبیح ۳: ۱۵۰۱	سنگ را می‌کرد ۳: ۱۱۰۱*	سمع شو ۵: ۲۰۴۳
سوبه سو ۲: ۶۶۱	سنگ را و لعل ۶: ۳۴۵۲*	سمع و طاعه، ای ۵: ۳۶۵۱*
سوخت خود ۱: ۸۷۶*	سنگ را هرگز ۵: ۲۹۶۸	سمع و طاعه می‌کنیم ۶: ۴۸۸۲
سوخت ما را ۳: ۷۴۹*	سنگ روی ۲: ۲۱۲۹	سنبلات ۶: ۲۷۹۳*
سوختم بیچاره ۱: ۱۵۹۲*	سنگ ریزش ۱: ۲۸۲۸*	سنبل و لاله ۵: ۹۲۰
سوخت مرا و صافی ۳: ۱۹۲۲*	سنگریزه ۴: ۲۴۱۹	سنت احمد ۶: ۴۸۳*
سوختم من ۱: ۱۷۲۱	سنگ سرمه ۱: ۱۵۳۴	سنت بد ۱: ۷۴۲

سوخته آتش ۱۸۳۸:۲ *	سوی آن آتش ۴۲۴:۵ *	سوی اصلِ لطف ۹۸۷:۳ *
سوخته پستان ۱۷۲۲:۱ *	سوی آن افسانه ۱۹۸:۲ *	سوی اضلال ۹۵۳:۵ *
سوخته جان ۱۷۶۴:۲ *	سوی آن اومید ۱۸۴۲:۵ *	سوی افسانه ۱۲۴۳:۶ *
سوخته چون ۱۷۲۲:۱ *	سوی آن پیر ۳۶۴۲:۴ *	سوی آملای ۳۶۳۰:۶ *
سوخته دل‌ها ۲۶۶۸:۲ *	سوی آن تزویر ۵۸۴:۳ *	سوی انگوری ۳۷۲۴:۲ *
سوخت هندو ۲۶۸۸:۲ *	سوی آن دانه ۲۸۸۰:۳ *	سوی او داری ۲۱۹۸:۱ *
سوخته هم ۳۲۰۳:۱ *	سوی آن درگاه ۲۷۸۵:۳ *	سوی او کش ۳۷۳:۶ *
سوختی از نار ۳۷۴۱:۴ *	سوی آن دولاب ۵۶۳:۳ *	سوی او که گفت ۷۳۴:۵ *
سوختی جان را ۱۷۲۰:۱ *	سوی آن دو یار ۳۰۷۶:۱ *	سوی او مشتاب ۲۵۶۹:۳ *
سود جان ۳۳۹۵:۳ *	سوی آن روباه ۲۵۶۳:۵ *	سوی او می‌غیز ۹۸۰:۳ *
سود کرد ۲۵۹۰:۳ *	سوی آن زن ۳۹۴۲:۵ *	سوی او نفرین ۷۴۳:۱ *
سود نامدشان ۴۷۸۹:۳ *	سوی آن سر ۹۸۶:۳ *	سوی او نه مرد ۳۷۹۱:۶ *
سود نبود جز ۲۵۹۸:۲ *	سوی آن شیر ۹۹۶:۱ *	سوی او نه هاتف ۱۹۸۸:۶ *
سود نبود خود ۳۹۶۲:۵ *	سوی آن صدری ۳۸۰۴:۳ *	سوی اهل ۱۰۴:۳ *
سود نبود در ۴۱۲۳:۶ *	سوی آن قلعه ۳۷۰۱:۶ *	سوی ایشان ۲۷۰۲:۴ *
سود و سرمایه ۲۳۳۰:۲ *	سوی آن کان ۵۵۸:۳ *	سوی ایمان ۱۷۶۵:۱ *
سور او خوردی ۱۵۱۲:۲ *	سوی آن کز ۲۳۸۷:۶ *	سوی این آثار ۱۳۶۱:۴ *
سور تاریکی ۴۰۹۴:۶ *	سوی آن کفیر کو ۳۲۳:۲ *	سوی این رُوبه ۳۱۲۷:۱ *
سوره بر خوان زُلزِلَتْ ۲۴۲۰:۴ *	سوی آن کفیر و آن ۳۲۹:۲ *	سوی این روپوش ۳۱۵۴:۳ *
سوره بر خوان: وَالسَّما ۷۴۱:۱ *	سوی آن مرغابیان ۳۴۸۷:۳ *	سوی باده بخش ۳۷۰۹:۶ *
سُورَةُ الْاِنْعَام ۲۵۹۴:۱ *	سوی آن مسجد روان ۲۸۶۴:۲ *	سوی بازار ۳۶۰۳:۴ *
سوز او پیدا شد ۴۲۷۵:۶ *	سوی آن مسجد، قدم ۲۸۳۱:۲ *	سوی باغ آبی ۱۴۲۸:۴ *
سوز خواهم ۱۷۶۲:۲ *	سوی آن وسواس ۴۳۱۸:۳ *	سوی بام آمد ۲۶۶۷:۴ *
سوزش از امر ۸۳۴:۱ *	سوی آهویی ۳۶۸۴:۶ *	سوی بخت ۲۴۲:۱ *
سوزش حاجت ۷۵۵:۳ *	سوی اخترهای ۵۱۹:۴ *	سوی بغداد ۱۰۰۳:۳ *
سوزش خورشید ۳۷۳۶:۳ *	سوی اژدرها ۴۵۵۹:۳ *	سوی بلقیس ۷۲۲:۴ *
سوز مهر ۱۴۱:۵ *	سوی آسفل ۳۱۵۱:۲ *	سوی بی‌جایی ۱۱۰۸:۵ *
سوزنان را ۳۳۳۵:۲ *	سوی ایشکسته ۴۹۳:۵ *	سوی پستان ۳۵۴۸:۶ *
سوزن زر ۳۲۲۶:۲ *	سوی اصلِ اصل ۲۰۶:۵ *	سوی پیغمبر بیاورد ۲۸۷۱:۲ *
سوزنی باشی ۳۳۷۴:۴ *	سوی اصلِ خویش باز ۱۲۶۲:۵ *	سوی پیغمبر دوان ۳۲۲:۳ *
سَوْفَ تَنْجُو ۲۹۵:۵ *	سوی اصلِ خویش رفتند ۸۷۴:۱ *	سوی پیلان ۲۷۴۱:۳ *
سوی آبِ زندگی ۱۱۶۲:۵ *		سوی تاریکی ۷۲۴:۱ *
سوی آب و گل ۵۳۷:۱ *		سوی تخت شاه ۳۱۷۴:۴ *
سوی آتش ۴۵۲:۵ *		سوی تذکیرش ۱۴۷۲:۳ *
		سوی تو آرند ۲۷۲۷:۴ *

سوی گورستان، عمر ۲۱۶۸:۱	سوی میدان، بزم ۸۴۶:۳	سهو باشد ۴۷۸:۲
سوی گورستانِ یسرب ۲۰۸۶:۱	سوی میدان، شاه ۹۱۸:۳	سهو کرد ۳۳۸۴:۳
سوی گوشِ آن مَلِک ۲۶۶۳:۶	سوی میدان غافل ۹۴۵:۳	سهو و نسیان از ۴۰۹۸:۵
سوی گوش قاضی ۱۵۶۶:۶	سوی میدان و، مُنادی ۹۳۸:۳	سهو و نسیان را ۷۸۲:۵
سوی لانه ۱۵۰۹:۳	سوی میر خود ۳۱۳۶:۳	سه هزاران ۵۱۷:۴
سوی لطف ۲۸۴۲:۲	سوی نبض ۱۶۰:۱	سیّات را مبدل ۲۲۲۵:۵
سوی ما آید ۲۱۵:۱	سوی نخچیران، دَوان ۱۳۳۹:۱	سیّاتم چون ۳۰۰۵:۲
سوی ما آیند ۳۱۴۹:۵	سوی نخچیران دوید ۱۳۵۳:۱	سیّاتم شد ۳۰۰۴:۲
سوی ما آید ۲۰۱۷:۳	سوی نور حق ۳۱۸۸:۴	سیب پوسیده بسی ۱۸۸۲:۲
سوی مادر آ ۳۲۷:۲	سوی وحدت ۳۹۳۷:۱	سیب پوسیده همی ۲۰۱۵:۳
سوی مَبَرَز ۳۹۴۱:۶	سوی ورد ۲۴۱۸:۶	سیب چندان ۱۸۸۳:۲
سوی مجلس ۳۹۶۴:۶	سوی هر ادبیر ۲۶۸۶:۱	سیب روید ۳۲۰۵:۶
سوی محبوبت ۸۰:۴	سوی هر ویران ۳۷۶۹:۱	سیب و آبی ۸۲۸:۲
سوی محراب ۲۴۱۵:۳	سوی هستی ۵۵۵:۴	سیب های پخته ۲۰۵۲:۴
سوی مخدومی ۲۹۹۶:۵	سوی هندستان ۱۵۴۸:۱	سید ترمذ ۲۵۱۰:۶
سوی مخزن ۵۶۶:۴	سوی هندوستان ۳۶۴۴:۲	سیدست از ۲۱۷۶:۲
سوی مردن ۳۴۳۰:۳	سه پسر بودش ۴۸۷۸:۶	سیر باطن ۵۷۰:۱
سوی مرغ و ۱۵۸۵:۱	سه درم ۱۵۶۳:۶	سیر بیرونی است ۵۷۰:۱
سوی مسجد ۲۶۱۲:۲	سه شبانروز ۳۱۸۳:۴	سیر پنهان ۱۰۹۳:۴
سوی معدن ۴۲۲۳:۳	سهل از بی صبریت ۱۸۴۸:۳	سیرتر گشتم ۲۷۹:۵
سوی معنی ۲۸۳:۳	سهل باشد خون ۱۰۵۱:۳	سیر تو ۴۶۶۵:۶
سوی مَکّه ۲۲۱۸:۲	سهل باشد رنج ۲۴۷۲:۲	سیرتی کآن ۱۴۱۹:۲
سوی من آید ۳۱۳۷:۳	سهل باشد نیز ۲۵۷:۶	سیر جان بی ۱۹۸۰:۳
سوی من آمد ۷۰۰:۴	سهل بگذشت آن ۱۷۲:۴	سیر جان، پا ۵۷۲:۱
سوی من آید ۶۴۲:۵	سهلتر از بُعد ۱۷۵۶:۶	سیر جانش ۱۱۲۹:۶
سوی من آید ۷۴۹:۲	سهلتر باشد ۲۴۷۱:۲	سیر جسمانه ۱۹۸۱:۳
سوی من آیی، گمان ۳۳۹:۳	سهل دادی ۱۰۴۵:۶	سیر جسم خشک ۵۷۲:۱
سوی من از مکر ۲۶۳۳:۵	سهل دانستیم ۳۷۷۹:۶	سیر چشمان ۳۰۶۴:۲
سوی منزلها ۹۳۲:۴	سهل دیدن ۷۷۸:۱	سیر خورد ۵۳۳:۲
سوی منطق ۱۶۲۷:۱	سهل شد ۱۶۱۶:۳	سیر را نگذارد ۱۴۶۴:۴
سوی من مَنگر ۲۳۲۶:۱	سهل شیری ۱۳۸۹:۱	سیر روح ۲۸۷۶:۶
سوی موسی ۱۲۳۷:۳	سهل گردان ۱۴۹۱:۳	سیر زاهد ۲۱۸۰:۵
سوی مؤصل ۳۸۳۵:۵	سهل و آسان ۷۱۴:۴	سیر عارف ۲۱۸۰:۵
	سهم آن مار ۱۸۹۵:۲	سیر گشتم ۱۵۵۰:۴
		سیر گشتند ۳۲۳۸:۵

شاخ و برگ نخل ۱۱۶۸:۵	سینه باز ۳: ۳۴۲۰	سیر گشته ۳: ۵۹۷
شاخه‌ها رقصان ۴: ۳۲۶۷	سینه باید ۲: ۲۰۷۹	سیر گشتی ۱: ۱۳۷۹
شاخه‌های تازه ۶: ۷۰	سینه پر آتش ۶: ۴۱۶۰	سیرم از فرهنگی ۵: ۵۷۳
شاخه‌های خشک ۲: ۲۶۷۵	سینه خواهم ۱: ۳	سیرم از هستی ۵: ۱۷۳
شاخه‌هایش ۳: ۲۴۴۴	سینه را پا ۴: ۲۲۳۵	سیرمان در ده ۱: ۳۵۹۱
شاد آن شاهی ۴: ۱۲۵۰	سینه سوزان ۵: ۱۵۸۴	سیرنوشی ۳: ۲۸۹۹
شاد آن صوفی ۴: ۱۸۶۰	سینه، صیقل‌ها ۱: ۳۱۵۴	سیر و گردش ۵: ۵۱۱
شاد آن‌کو ۴: ۱۰۶۸	سینه کوبان ۴: ۹۳۵	سیری از حَقست ۵: ۲۳۲
شاد از غم ۳: ۵۰۹	سینه‌های عاشقان ۵: ۲۷۶۹	سیری معده ۵: ۲۸۱
شاد از وی ۳: ۵۰۷		سیزده پیغمبر ۳: ۲۶۶۹
شاد با احسان ۶: ۱۴۸	ش	سیصد و نه سال آن ۳: ۲۹۳۹
شاد باش، الله ۴: ۳۴۲۲	شانهم ۵: ۳۵۴۸	سیصد و نه سال گم ۴: ۲۰۹۸
شاد باش ای چشم ۶: ۲۸۸۶	شاخ آتش ۱: ۱۱۴۷	سیف و خنجر ۵: ۲۶۷۷
شاد باش ای عشق خوش ۱: ۲۳	شاخ اوئی ۴: ۳۵۷۱	سیل آمد، گشت ۴: ۲۷۸۸
شاد باش ای عشقِ شرک‌سوز ۵: ۵۹۰	شاخ او بر ۴: ۳۵۶۴	سیل اگر بگذشت ۴: ۱۷۵۴
شاد باش و فارغ ۱: ۱۷۲	شاخ بر بسته ۶: ۱۲۸۳	سیل بود آنکه ۴: ۳۵۱۰
شاد باشید ۴: ۱۰۸۲	شاخ تلخ ۲: ۲۶۹۹	سیل چون آمد ۱: ۱۵۳۱
شاد پَر و بال ۳: ۲۸۶۶	شاخ تیزت ۴: ۲۴۴۰	سیل و جوها ۳: ۱۸۸۶
شاد دارد ۲: ۸۹۸	شاخ جان ۵: ۱۴۴	سیل‌ها ریزد ۶: ۹۲
شادشادان ۵: ۱۵۱۰	شاخ جَنّت ۶: ۲۹۸۲	سیلی‌اش ۶: ۱۳۳۳
شاد شد جانش ۳: ۴۵۲۳	شاخ جِلْم ۵: ۲۱۲۴	سیلی‌ام زد ۶: ۱۵۵۹
شاد گردد ۲: ۱۷۱۲	شاخ خشک از ۳: ۷۰۹	سیلی ای آورد ۶: ۱۵۶۶
شادگشتی هر که ۲: ۱۰۰۸	شاخ خشک و تر ۳: ۷۰۷	سیلی بابا ۶: ۱۴۳۶
شادمانان ۳: ۴۹۹	شاخ دست ۵: ۲۰۸۵	سیلیش از ۶: ۲۶۰۱
شادمان تا ۳: ۹۴۴	شاخ دیگر ۱: ۲۴۵۷	سیلی نقد ۶: ۲۷۱۷
شادمانه سوی ۳: ۵۳۳	شاخ را بر ۱: ۲۴۵۸	سیلی در ۶: ۲۶۰۲
شادمانه لاجرم ۵: ۱۳۸۲	شاخ رحمت ۳: ۷۵۱	سیلی‌یی را ۶: ۱۶۴۰
شادمانی دان ۴: ۳۶۶۱	شاخ زد، بشکست ۳: ۱۴۸۶	سیم از کف ۵: ۱۰۳۸
شاد می‌شد ۴: ۲۲۷۶	شاخ شاخش ۱: ۳۳۲۳	سیم اندامی ۶: ۲۵۲
شاد و خندان از ۱: ۱۳۵۷	شاخ گستاخ ۴: ۲۴۲۶	سیم بر بایند ۵: ۱۰۳۸
شاد و خندان پیش ۱: ۲۲۷	شاخ گل هر ۶: ۱۷۸	سیم برده ۳: ۱۱۶۴
شاد و خندانیم ۱: ۳۲۶۵	شاخ لب‌خشکی ۶: ۱۲۹۰	سیم شد ۵: ۱۰۴۱
شاد و خوش ۵: ۱۰۲۰	شاخ و اشکوفه ۵: ۳۹۷۸	سینه‌اش بشکافت ۴: ۲۱۳۱
شاد و زَفت ۵: ۲۳۱۲	شاخ و برگ از ۱: ۱۳۴۲	سینه‌اش را ۳: ۴۰۵۰
	شاخ و برگِ دل ۴: ۸۴۲	سینه‌ام پُر ۵: ۱۶۶۰

شادی آنکه ۲۳۸۷:۳*	شاه باید ۱۲۹۱:۲*	شاه را باید ۲۴۳۶:۴
شادی اندر ۱۱۸۱:۲	شاه، بخشد ۲۹۶۳:۴*	شاه را بر تخت ۲۸۵۴:۶
شادی بچگان ۲۸۸۳:۴	شاه بس بیچاره ۳۱۵۴:۴	شاه را بروی ۱۸۷۳:۵
شادیت را ۳۵۲۵:۴	شاه بود و شاه ۲۴۱:۱	شاه را پنهان ۴۵۵:۱*
شادی تن ۳۰۹۷:۴	شاه بویی ۳۵۱:۱	شاه را تا خود ۲۵۳۶:۶*
شادی عقلی ۱۶۵۳:۴*	شاه بیدارست ۱۲۲۷:۳	شاه را در ۱۴۴۶:۴
شادی قوّاده ۴۶۶۲:۶*	شاه بیرون ۳۸۷:۶	شاه را دل ۴۷۷۲:۶
شادی هر روز ۳۶۴۳:۵	شاه پرسیدش ۱۲۲۶:۵	شاه را زآن ۱۸۲:۱*
شادیی آمد ۳۰۹۰:۴	شاه، پنهان کرد ۳۷۹۱:۶*	شاه را شرم ۲۹۱۵:۶
شادیی را نام ۳۷۸۲:۳*	شاه، پیغامی ۱۱۷۶:۳*	شاه را صدر ۲۵۹۵:۶*
شادیی می‌کردم ۱۲۸۵:۵*	شاه پیل آمد ۲۷۴۹:۳*	شاه را غافل ۲۰۹۸:۵
شارب خمرست ۳۳۰۴:۲	شاه پیلا ۲۷۴۳:۳	شاه را غیرت ۱۷۷۰:۱
شاربِ شورابه ۸۱۵:۵*	شاه چون از ۴۸۶۶:۶	شاه را گفتند: اشکنجه‌ش
شاعر از فقر ۱۱۶۶:۴*	شاه چون با ۳۱۲۸:۴	۱۱۲۸:۵
شاعر اندر ۱۲۲۳:۴	شاه چون دید ۴۶۱۹:۳	شاه را گفتند: او ۱۸۵۹:۵
شاعری آورد ۱۱۵۶:۴	شاه چون شیرین ۱۳۷۴:۲	شاه را گوید ۱۷۱۹:۲
شاعری را نبوّد ۱۲۱۲:۴*	شاه خلعت ۴۰۴۸:۵	شاه را لازم ۲۶۲۶:۴*
شأنهْم ۳۵۴۸:۵*	شاه خود این ۳۱۲۲:۴	شاه را ما ۹۱۹:۳*
شاوروهْن ۲۹۵۶:۱	شاهدِ آخبال ۱۸۱۸:۶*	شاه را مکشوف ۴۳۹۳:۶
شاه آمد ۳۹۶۳:۶	شاهدِ ایشان ۲۸۶۹:۶*	شاهراه باغ ۲۴۵۴:۲
شاه آن باشد ۳۲۰۸:۲	شاهدت گه ۲۶۲۹:۱	شاه روزی ۴۰۳۵:۵
شاه آن خون ۲۳۰:۱	شاهد تو ۳۲۴۵:۱	شاهزاده پیش شه حیران
شاه آن دان ۱۴۶۹:۲	شاهد شاهد ۱۷۷۲:۴	۴۵۸۹:۶
شاه آیین ۳۱۷۶:۴	شاهدِ عدل‌اند ۱۸۱۷:۶*	شاهزاده پیش شه زانو ۴۴۰۱:۶
شاه احوّل ۳۲۶:۱	شاهدِ عدلست ۲۸۸۱:۶*	شاهزاده در ۳۱۸۰:۴
شاه از آن اسرار ۱۵۷۳:۲	شاهد مطلق ۲۸۸۰:۶	شاهزاده مانند ۳۱۹۹:۴*
شاه از آن هیبت ۸۹۱:۳	شاهدیّ اش ۲۴۳:۵	شاهش از اوصاف ۳۶۱۴:۵*
شاه از حقد ۳۳۶:۱	شاه دید آن ۳۴۷۲:۶	شاه شاهان ست ۱۸۸۲:۵
شاه امروزینه ۲۰۹۴:۶	شاه دید او را ۱۹۷:۱	شاه شد ۱۹۵۹:۶*
شاه اندیشید ۳۱۰۰:۴	شاه دیدش بس ۱۱۲۹:۵	شاه عادل ۱۲۵۱:۴
شاه با او ۱۰۰۳:۲	شاه دیدش گفت ۴۶۳۵:۶	شاه عشقت ۱۹۹۶:۶*
شاه با خود آمد ۳۹۹۵:۵	شاهدی کز ۹۸۱:۵	شاه فرعون ۱۲۵۳:۴
شاه با خود گفت ۳۰۹۴:۴	شاه دین را ۸۲۴:۴	شاه فرماید ۱۴۸۶:۶*
شاه با دلّک ۳۵۰۷:۵	شاه را او ۲۵۳۲:۶*	شاه فرمود ۱۸۶۱:۵
شاه با صد ۳۳۷۴:۶*	شاه را اهلّیت ۱۱۶۲:۴*	شاه قاصد ۲۰۸۰:۵

شاه کاری ۴۴۱:۳	شب به هر خانه ۴۲۵:۴	۱۸۷:۳
شاه گشتم ۳۵۳۶:۳	شب پدید آید ۳۷۳۳:۳	شب گریزد چونکه ۱۳۱۱:۵
شاه گفت اکنون ۹۳۸:۲	شب پران را ۲۶۹۵:۱	شب مخسب ۳۹۲۹:۳
شاه گفتش پس ۳۴۲:۱	شب پَرستی ۳۴۳۱:۶	شب مُسَبِّح ۲۵۰:۲
شاه گوید جیش ۸۰:۶	شب چراغت ۱۸۴۶:۲	شب نبذ ۱۱۲۸:۱
شاه گوید چونکه ۴۱۴۸:۶	شب جَره ۳۱۰۷:۱	شب نخفستم ۳۵۰۲:۱
شاه لاتأسوا ۵۵۶:۶	شب چنین با ۴۴۱۷:۳	شب ندزدیدی ۱۶۴۷:۶
شاهمات ۵۹۴:۶	شب چو روز ۱۶۶۷:۶	شب نرفتی ۲۳۲۵:۶
شاه ما خود ۴۱۴۶:۶	شب چو شه محمود ۲۸۱۶:۶	شب، نَعُوذُ ۳۴۰۳:۲
شاه مردان ۳۴۴۱:۵	شب درآن حجره ۵۹۹:۶	شب، نمآند ۵۸۶:۴
شاه، مُکَرِّم ۱۱۵۷:۴	شب روان را خرمن ۴۰۶۸:۶	شب نمی ۲۲۲۹:۶
شاه موصل ۳۸۴۳:۵	شبروان را رهنما ۴۷۶۲:۳	شب نهالین ۲۲۵۵:۱
شاه می خواند ۸۴۷:۳	شبروان را زودتر ۳۷۶۰:۱	شب یتیم ۲۰۸۸:۲
شاه می دانست ۱۹۸۵:۵	شبروان را گشته ۱۹۲۵:۳	شب همه شب جمله ۶۳۶:۳
شاهنامه ۳۴۶۳:۴	شبروان و هم‌رهان ۲۰۸۸:۶	شب همه شب می‌سگالیدند
شاه نبود ۳۱۴۴:۵	شب رَو و، پنهان ۲۲۳۳:۴	۴۷۶:۳
شاه واقف ۳۴۹:۱	شب ز اختر ۵۳۶:۳	شب همی جوشم ۳۸۹۳:۳
شاه و سلطان ۱۴۶۷:۳	شب ز اندیشه ۲۸۵۷:۵	شب همی رفتیم ۶۰۰:۴
شاه و لشکر جمله ۱۱۶۹:۳	شب ز درد ۲۳۷۳:۵	شبهه‌ای انگیزد ۲۱۲۷:۱
شاه و لشکر حلقه ۳۷۱۳:۳	شب ز دولت ۳۹۰:۱	شحم تو در ۱۴۶۲:۶
شاه و مُلکش ۱۲۳۹:۴	شب ز زندان ۳۹۰:۱	شحم و لحم زندگان ۴۷۶۶:۳
شاه هم بر ۱۲۰۹:۴	شب ز سایه ۴۷۵۴:۶	شَحْم و لَحْم و کِیر ۱۹۴۸:۵
شاه هم بشنید ۹۲۰:۳	شب ستاره ۹۱۱:۳	شحنگی و پادشاهی ۴۷۰۲:۶
شاهی و شه‌زادگی ۴۴۱۴:۶	شب، شبی‌ها ۲۰۹۱:۵	شحنه آمد ۱۶۸۵:۳
شاید اراز ۲۸۲۵:۲	شب شکسته ۲۳۲۱:۶	شِحنه، آن ۱۰۱۵:۴
شاید اراز در ماندگان ۲۹۰۵:۶	شب شود در خانه ۲۵۹۹:۲	شحنه اجسام ۳۴۹۷:۶
شاید اراز مخلوق ۷۱۷:۳	شب شود در دام ۴۰۵:۵	شِحنه احکام ۳۴۹۷:۶
شب بردش ۳۴۰۱:۲	شب غلط بنماید ۶۵۹:۳	شِحنه، او را ۲۹۵۶:۲
شب بخسبد ۲۲۶۳:۱	شب، قرار ۲۶۸۷:۶	شِحنه با خصمانش ۷۲۱:۵
شب بخفت و دید ۱۶۳۹:۲	شب کجاند ۹۲۲:۶	شِحنه بیچاره ۲۱۱۰:۴
شب بر او ۲۴۱۴:۶	شب کشان‌شان ۴۵۳:۶	شحنه تقدیر ۲۹۵۵:۲
شب بُرون آمد ۳۶۲۰:۳	شب کند منسوخ ۳۸۶۱:۱	شِحنه رادزد ۳۶۳۱:۱
شب پَر و، ورتو ۳۶۸۹:۱	شب که شاه ۲۹۶۶:۴	شحنه را غماز ۱۶۷۹:۳
شب به خواب اندر ۲۷۷۸:۲	شب گذشت ۲۳۰۴	شحنه صدر ۳۸۷۷:۳
شب به سرما ۶۰۸:۳	شب گریزد، چون برافروزد	شحنه عشق ۱۹۹۵:۶

شحنه قهر ۱:۲۵۱۴	شد چنین خورشید ۵:۲۷۶۵*	شد ز صدیقی ۶:۷۴۸*
شحنه گاهش ۲:۲۹۵۷	شد چنین شیخی ۵:۲۷۳۴	شد ز عیسی ۴:۱۰۶۸*
شحنه بی از ۶:۳۸۷۴	شد حسود ۵:۱۱*	شد ز فال ۳:۲۹۵۰*
شخص از آن شد ۲:۱۰۴۲*	شد حقیر ۳:۲۶۸۱*	شد ز فعلی ۶:۲۵۸*
شخص خفت و خرس ۲:۲۱۲۴	شد حواس و نطق ۱:۳۶۷۱	شد زلیخای ۶:۱۲۸۸*
شخص را ۲:۱۷۰۲*	شد خرنفس ۲:۷۲۹	شد زمستان ۴:۱۲۲۲*
شخص ها ۳:۶۵۸*	شد خلای ۶:۱۰۶۰*	شد زمین ۴:۱۰۱۸*
شد از آن باران ۱:۲۴۲۰	شد خلیفه راستی ۴:۳۳۵۹*	شد زن او ۶:۴۴۵۴*
شد از آن مخجوب ۱:۲۳۷*	شد خلیفه عشق ۲:۹۲۸*	شد زنش را ۶:۲۹۷۵*
شد از وفارغ ۲:۲۲۰۸	شد خیال غایب ۱:۳۶۲۶	شد ز نور ۱:۱۱۲۲*
شد ازین اعراض ۶:۴۱۱۶*	شد در آن بستر ۵:۳۶۵۵*	شد زیان ۳:۳۳۳۸*
شد ازین رنجور ۱:۳۳۷۰*	شد در آن عالم ۳:۳۴۵۷*	شد ز یک بازی ۵:۲۱۰۵*
شد اسیر ۶:۲۸۸۶	شد دراز و کو ۶:۳۹۶۲	شد سپید آن ۳:۳۱۷۳*
شد اشاراتش ۶:۴۵۶۹	شد درخت خار ۲:۱۲۳۲*	شد سخن از ۴:۶۸۵*
شد بسم الله ۳:۲۱۴۶*	شد درخت کز ۴:۳۵۷۴	شد سرافراز ۶:۱۹۲۰*
شد برهنه جان ۵:۳۶۱۳*	شد دریده ۱:۸۱۱*	شد سر شیران ۱:۱۰۲۲*
شد برهنه وقت ۶:۴۵۴	شد دلاله ۵:۲۹۸۰*	شد سرم کالیوه ۲:۱۹۰۷*
شد بهاران ۱:۲۹۲۰*	شد دل نادیده ۲:۹۹*	شد سوی تبریز ۶:۳۱۰۷*
شد به بازار ۶:۱۶۸۲*	شد دلیل ۶:۱۸۰۶*	شد سیه، روز ۱:۲۵۳۷*
شد به پیری ۵:۹۶۸*	شد دو پر ۳:۱۵۱۳*	شد شب و بازی ۶:۴۵۶*
شد به خواب ۵:۸۸*	شد دهان تلخ ۲:۹۴۹*	شد شتا ۶:۱۸۰۱*
شد به کعبه ۴:۹۱۸*	شد دهانشان ۶:۲۵*	شد شریف از ۲:۲۲۰۵*
شد به گور ۶:۳۲۵۱*	شد رسول ۲:۳۶۱۹*	شد صفر ۶:۲۸۱۱*
شد بیان ۱:۳۳۰۸*	شد روان و ۵:۱۲۵*	شد طلبکاری ۳:۱۴۰۱*
شد پشیمان او ۵:۳۹۰۲*	شد زبوی ۱:۱۹۰۲*	شد عبادتگاه ۳:۲۹۸۶*
شد پشیمان خواجه ۱:۱۵۹۰	شد زبی کسبی ۱:۲۰۸۲*	شد عدد ۱:۶۸۸*
شد پشیمان، زین ۱:۸۰۷*	شد ز جیب ۶:۱۹۳۳	شد عدو ۱:۳۲۳۴*
شد پیایی ۴:۹۲۵*	شد ز حد ۳:۴۱۲	شد عزازیلی از این ۵:۱۹۲۲*
شد ترنجیده ۵:۹۴۴*	شد ز حس ۶:۲۱۸۵*	شد عزازیلی ز جرات ۱:۹۲*
شد تفحص ۵:۱۳۴۱*	شد ز خاک ۴:۱۶۵۷*	شد عصا اندر کف ساحر
شد تقاضا ۵:۸۶*	شد ز خشم ۴:۱۷۲۷*	۲:۳۰۶*
شد تمام ۳:۱۸۴۹*	شد ز دنیا ۴:۱۲۰۳*	شد عصا اندر کف موسی ۲:۳۰۶*
شد جزای ۵:۳۹۹۶*	شد ز دید ۵:۱۹۴۳*	شد عصای جان ۲:۲۲۸۶*
شد جهان ۵:۴۱۳۹*	شد ز رنج ۱:۱۲۸۰*	شد عصا و دست ۵:۳۳۳۷*
شد چنان ۲:۹۱۸*	شد ز رنگ و طبع ۲:۱۳۵۰*	شد عیال الله ۱:۲۲۹۵*

شرح حق پایان ۱۰۸۱:۳	شد نشان صدق ۴۶۰۹:۳	شد غذای ۱۰۸۷:۲
شرح دارالملک ۱۱۵۶:۵	شد نفاقش ۹۰۰:۵	شد غلام ۳۸:۱
شرح رمزی ۱۲۴:۱	شد نماز آن جماعت ۲۲۸۱:۳	شد فراقی ۱۵:۲
شرح روضه ۲۴۳۶:۵	شد نماز جمله ۲۷۷۹:۲	شد فراموشش ۳۱۶۷:۳
شرح عشق ارمن ۲۱۸۹:۵	شد نماز دیگر ۴۲۶:۲	شد فنا ۳۲۱۲:۶
شرح عشق و عاشقی ۱۱۵:۱	شد نمازش ۱۹۸۹:۱	شد قیام ۱۱۰۶:۳
شرح قهر ۱۸۹۲:۶	شد نیاز ۷۴۸:۱	شد قیامت ۴۳۴۸:۳
شرح کن احوال ۲۶۴۲:۱	شد وزیر ۴۵۳:۱	شد کبوتر ۳۷۰۲:۲
شرح کن اسرار ۳۲۶۹:۲	شد هوای ۳۹۶۷:۱	شد کمینی ۲۵۱۲:۱
شرح کن این ۱۸۹۲:۳	شد یئیلو ۴۲۸۶:۶	شد که صید ۴۴۳۹:۶
شرح کن با من ۲۵۱۰:۴	شد یکی ۱۸۶۳:۶	شد گذاره ۲۹۰۴:۴
شرح گل بگذار ۱۸۰۲:۱	شد حق ۳۸۷۵:۱	شد گوا بر صدق ۳۵۷۸:۲
شرح مستوری ۲۱۰:۴	شد شربتی خوردم ۳۵۱۳:۴	شد گوا و آن که ۱۸۶:۵
شرح می خواهد ۲۷۶۱:۱	شد شربتی که ۳۵۵۶:۵	شد گوا و صدق ۲۵۳۹:۳
شرح می کردش ۶۱۴:۳	شرح آن دشمن ۱۹۱۱:۲	شد گوا و مستی ۲۳۵۰:۳
شرح نتوان کرد زان ۳۸۶:۵	شرح آن گردک ۳۹۶۶:۵	شد مثل در ۱۴۸۴:۳
شرح نتوان کرد و ۱۹۰۳:۳	شرح آن یاری ۱۳۰:۱	شد مُحَرَّم ۸۲۹:۶
شرح و حد ۴۲۳۶:۳	شرح اندر ۱۰۶۷:۵	شد محمد ۸۴۵:۵
شرط او آن ۳۸۰۸:۶	شرح اوکی ۵۰۶:۴	شد مسلم ۴۵۰۶:۳
شرط باشد؟ تا نماز ۳۳۳۰:۵	شرح این از ۳۲۵۱:۱	شد مصور ۱۲۷۷:۶
شرط باشد مرد ۱۹۰۲:۵	شرح این بگذارم ۱۷۷۳:۱	شد مطیعش ۳۳۳۳:۲
شرط تبدیل ۴۳:۳	شرح این توبه ۲۲۲۷:۵	شد مفاز ۳۱۲۴:۴
شرط تسلیم ۴۱۲۳:۶	شرح این در ۲۷۶۸:۴	شد مکرر ۱۰۴۶:۴
شرط تعظیم ۲۴:۵	شرح این را ۶۹۰:۱	شد ملازم ۲۰۱۱:۲
شرط روز ۸۲۱:۶	شرح این زانو ۲۵۳۹:۱	شد ملول ۱۳۵۹:۴
شرط شد برق ۱۶۵۳:۲	شرح این غالب ۶۵:۶	شد ممثل ۳۴:۴
شرط کفویت ۳۱۲۹:۴	شرح این فرض ۲۶۱۵:۱	شد متمیز ۲۷۶۸:۶
شرط کن سه ۳۴۹۶:۳	شرح این کوه ۱۵۸۴:۱	شد مناسب حرف‌ها ۲۷۷۶:۳
شرط من جا بالحسن ۹۴۴:۲	شرح این گفتن ۴۶۳۲:۶	شد مناسب عضوها ۲۷۷۳:۳
شرط نبود ۵۸۴:۵	شرح این هجران ۱۳۱:۱	شد مناسب وصف‌ها با ۲۷۷۳:۳
شرط‌هایی ۲۵۵۱:۶	شرح باید ۱۷۱۰:۲	شد مناسب وصف‌ها در ۲۷۷۶:۳
شرع، او را ۶۷۱:۳	شرح بلبل ۱۸۰۲:۱	شد مَوکَل ۹۹۷:۲
شرع، بر اصحاب ۱۵۳۶:۶	شرح تو غبن ۷:۵	شد نشان آنکه ۲۰۵۴:۴
شرع بهر دفع ۱۲۱۱:۵	شرح جان ۱۷۹۵:۱	
شرع بهر زندگان ۱۵۳۶:۶	شرح حالت ۱۹۱:۶	

شکر ارزان ست ۵: ۲۵۲۸ *	شسته در باطن ۴: ۱۱۰۲ *	شرع بی تقلید ۲: ۲۹۰۹ *
شکر او آن ۶: ۴۸۴۳ *	شسته در زین ۶: ۳۰۳۶ *	شرع جُستی ۳: ۲۴۷۸ *
شکر او شکر ۶: ۳۲۵۴ *	شسته صیّادان ۳: ۸۱۶ *	شرع چون ۵: ۱۲۱۴ *
شکر ایزد ۱: ۳۵۸ *	شش جهت خالی ۴: ۹۲۵ *	شرع، مَستان ۵: ۴۲۰۲ *
شُکر این که ۶: ۴۷۲۱ *	شش جهت را مَظْهَر ۶: ۳۶۴۰ *	شرع نَپذیرد ۱: ۳۸۱۴ *
شُکرِ باره ۳: ۲۸۹۵ *	شش جهت را نور ده ۶: ۴۰ *	شرع و تقوی ۶: ۲۰۶۵ *
شُکرِ باری ۶: ۴۷۲۰ *	شش جهت عالم ۳: ۳۱۰۸ *	شرفه بی بشنید ۶: ۳۵۷ *
شُکرِ باها ۶: ۱۳۵۳ *	شش جهت مگریز ۲: ۶۱۳ *	شرق خورشیدی ۴: ۳۰۵۸ *
شکر، جان نعمت ۳: ۲۸۹۶ *	شش خورد می دان ۲: ۳۵۳۵ *	شرق و مغرب ۶: ۲۱۰۲ *
شکر حق را ۲: ۱۳۹ *	شُشْدَره است ۲: ۶۱۳ *	شرق ها ۲: ۴۶ *
شکر حق گوید ۲: ۱۹۲۹ *	شش نمد ۵: ۳۵۱۲ *	شرقی و غربی ۱: ۲۱۱۶ *
شکر دانستیم ۲: ۲۳۱۹ *	شصت سال از شب ۴: ۵۹۸ *	شِرک باشد ۱: ۴۶۷ *
شُکر را دزدیده ۴: ۱۷۴۴ *	شصت سال از شست ۴: ۳۲۰۰ *	شِرکت اندر ۱: ۳۹۷۷ *
شکر طوفان را ۳: ۱۳۴۷ *	شصت سالت سیری	شِرکتش ۴: ۲۳۲۶ *
شکر قدرت ۱: ۹۳۹ *	۶: ۴۲۹۹ *	شِرک جز ۵: ۵۹۱ *
شُکر کز عیش ۵: ۱۵۰۷ *	شعر اندر شکر ۴: ۱۲۰۰ *	شرم دار از ریش ۴: ۶۶۳ *
شکر کن ای ۶: ۴۷۲۴ *	شَعْنَعَاتِ آفتاب ۴: ۵۹۶ *	شرم دار ای اَحْوَل ۶: ۳۱۸۵ *
شُکر کن، چون ۱: ۲۵۶۵ *	شَعْنَعَه عرشی ۶: ۳۱۱۴ *	شرم دارد رُو ۳: ۶۱۶ *
شکر کن غره ۱: ۳۲۵۷ *	شعله آن جانب ۱: ۷۴۹ *	شرم دارم ۶: ۳۹۷۴ *
شکر کن که ۶: ۱۵۴۹ *	شعله ای از آتش ۱: ۳۷۱۳ *	شرم دار و لاف ۴: ۱۷۹۳ *
شکر کن مر ۱: ۴۴۳ *	شعله در بنگاه ۵: ۱۸۵۰ *	شرم داری ۴: ۲۱۴ *
شکر، که باز ۳: ۴۶۹۴ *	شعله راز انبوهی ۱: ۳۳۲۹ *	شرمسارست ۵: ۱۲۸ *
شکر که مظلومی ۶: ۴۷۲۵ *	شعله شعله ۵: ۶۳۳ *	شرمساری آیدت ۲: ۹۰۴ *
شکر کی روید ۳: ۳۰۱۳ *	شعله می زد ۵: ۱۹۲۷ *	شرمساریشان ۴: ۵۶۹ *
شکر کین زر ۵: ۱۵۱۱ *	شعله و نورش ۴: ۱۸۷۷ *	شرم شیران راست ۳: ۲۴۳۸ *
شکر گوید ۵: ۳۶۸۸ *	شعله ها از ۱: ۷۴۸ *	شِرِّ مطلق ۶: ۲۵۹۸ *
شکر گویم ۵: ۲۳۵۷ *	شعله ها با ۱: ۷۴۹ *	شرم آمد که یکی ۲: ۱۵۲۵ *
شکر گوید ۱: ۳۳۵۱ *	شعله ها را ۲: ۸۳۵ *	شرم آمد گشتم ۵: ۱۵۷۹ *
شکر منعم ۳: ۲۶۷۱ *	شق باید ۶: ۲۶۰۵ *	شرم می آمد ۳: ۴۴۵۰ *
شُکر می روید ۳: ۳۰۱۳ *	شُکرِ آب ۶: ۴۵۴۴ *	شرم ناید ۳: ۳۳۸۲ *
شکر می کرد ۶: ۴۸۷۲ *	شُکرِ آن از ۱: ۳۳۷۵ *	شِست بر ۲: ۳۳۸۰ *
شکر می کن ۶: ۳۲۵۶ *	شکر آن کز دار ۵: ۴۱۳۳ *	شِست در ۶: ۳۹۱۶ *
شکر می گوید ۱: ۲۲۹۲ *	شکر آنکه کرد ۳: ۳۴۳۳ *	شِستِ دل ۶: ۱۳۷۶ *
شکر نعمت خوشتر ۳: ۲۸۹۵ *	شکر آن نعمت ۳: ۲۸۸۲ *	شِسته بر ۳: ۳۰۲ *
شُکرِ نعمت گو ۶: ۲۲۲۲ *	شکر آن نگزاردند ۳: ۲۸۶ *	شِسته بهلوی ۶: ۱۳۸۷ *

شوره‌اش ۳۸۶:۵*	شمع او گوید ۳۴۴:۵	شکرها می‌کرد ۳۲۲۶:۳
شوره‌ام را ۲۵۲۱:۴	شمع بود آن ۴۳۶۵:۳	شکرها و مدح‌ها ۱۷۴۲:۴
شوره‌گردد ۹۳۶:۳*	شمع تاجر ۳۶۱۰:۴	شکرهای آن جماعت ۲۸۵۰:۲
شوره‌گشت ۱۱۰۰:۲*	شمع جان ۶۸۱:۵*	شکرهای تو ۲۳۱۵:۵*
شو غذا ۴۱۸۱:۳	شمع جمله ۶۷۴:۵	شکر یزدان را ۷۵:۲
شوق از حد ۴۴۳۷:۶*	شمع چون در ۶۷۸:۵	شکر یزدان طوق ۱۵۲۵:۱
شو قلیل‌النوم ۳۱۷۹:۱	شمع چون دعوت ۳۸۰۸:۴	شِکری نفرستد ۳۷۰:۴*
شوم او، ۱۹۴۴:۴*	شمع حق را ۲۰۷۸:۶	شکلی او از گرگی ۶۵۵:۳*
شوم ساعت ۱۸۸۶:۲	شمع دل ۳۱۱۰:۴*	شکلی بی‌کار ۳۵۴۸:۲*
شومی آمیزش ۳۶۱۷:۵*	شمع راه‌نگام ۳۰۵:۶	شکلی دیگر ۳۲۱۳:۲*
شومی آنکه ۸۶۲:۳*	شمع روشن ۳۷۰:۶*	شکل شعله ۴۳۷۶:۳
شومی فرج ۱۶۹۶:۳*	شمع روی ۲۵۷۵:۲*	شکلی شیری ۱۳۰۶:۱*
شومی یاری ۲۸۹۲:۲	شمع فانی ۳۱۱۲:۴*	شکلی صحبت کن ۲۵۹۷:۲*
شو نبود ۳۷۱۷:۵*	شمع کی میرد ۲۰۸۲:۶*	شکل کرباسی ۱۱۶۳:۳
شوهر از خجلت ۳۶۵۶:۵	شمع مرده، باده رفته ۳۴۷:۵	شکلی ماهی ۲۷۵۴:۱*
شوی خود را ۲۲۰۰:۵	شمع، مُرده باشد ۳۶۷۴:۴*	شَکوتی نَبود ۴۸۴۱:۶*
شوی را برداشت ۲۲۰۱:۵	شمع مریم ۳۷۸۹:۳	شَلّه از مردان ۱۴۲۷:۶
شوی گفتش ۲۲۸۸:۱	شمع مقصد ۱۶۹۸:۴	شَلّه‌یی سازیم ۱۴۲۸:۶*
شوی وزن را ۳۹۵۴:۶	شمع نه تا ۲۱۹۶:۴	شمس آید، ۴۶۲۳:۳*
شه بچه شد ۳۱۴۷:۴	شمع و حلوا ۳۳۷۱:۵	شمس اگر شب ۴۲۳۵:۵
شه بدو بخشید ۲۰۰:۱	شَمّه‌ای مراهِل ۱۷۱۱:۲*	شمس باشد ۱۱۱۱:۲
شه بر آن عقل ۲۰۵۲:۲	شَمّه‌ای واگو ۳۷۴۵:۱*	شمس، پیش توست ۹۷:۶*
شه برای ۱۱۶۲:۲	شَمّه‌یی از حال ۳۱۸۶:۲*	شمس جان باقی ۱۱۹:۱*
شه برفت ۸۷۸:۳	شَمّه‌یی ز آن گُلنستان	شمس جان کو خارج ۱۲۱:۱
شه برو بگریست ۳۳۰:۲*	۱۸۱۶:۴*	شمس چارم آسمان ۱۲۳:۱*
شه به جای ۷۴:۱	شمه‌یی زین حال اگر ۱۹۰۴:۲	شمس چون عالی ۲۰:۴
شهری بگرفته ۳۷۶۹:۴	شمه‌یی زین حال عارف	شمس در خارج ۱۲۰:۱
شَه تنی را ۳۳۳۷:۲*	۳۹۵:۱	شمس دنیا ۱۰۷:۶*
شه چو حوضی ۲۸۲۱:۱	شَمّه‌یی گفتم ۸۷۷:۵*	شمس را قرآن ۱۹:۴
شه چو دوزخ ۳۹۶۵:۶	شور چندان ۱۳۸۷:۲	شمس، هر دم ۱۱۷:۱*
شه چو عجز ۵۵:۱	شورش مرگ‌ست ۳۳۷۹:۳	شمس هم معده ۲۶۹۷:۶
شه حسام‌الدین ۱:۵	شورش معده‌ست ۲۸۷:۴*	شمع از برق ۳۶۰۳:۳
شَه، خزینه ۳۴۷۲:۱*	شورشی در وَهم ۲۵۱۶:۶*	شمع از پروانه ۳۷۹۰:۴*
شَهْد خویش ۳۴۲۳:۴*	شور می‌ده ۸۱۶:۵	شمع اندر شب ۱۴۵۶:۴*
شه درآمد ۳۴۷۹:۱	شور و شرّ ۲۳۹۷:۵*	شمع او گریان ۳۴۵:۵

شهید را خود ۱۳۷۲:۵ #	شه که او از حرص ۳۱۳۵:۴	شیخ راند اندر ۲۴۰۹:۲
شهید گردد ۲۵۱۷:۴ #	شه لطیفی ۱۱۳۳:۵ #	شیخ را هر ۲۷۸۴:۵ #
شهر از آن ایمن ۳۷۷۸:۴	شه مسلم ۱۹۷۵:۶ #	شیخ رو آورد ۳۵۱۱:۲
شهر بغداد ۲۶۸۵:۱ #	شه معین ۲۸۴۸:۶	شیخ روزی بهر ۳۵۶۹:۲
شهر پر دزدست ۱۹۹۱:۴	شه نباشد ۲۱۴۵:۲ #	شیخ روزی چار ۲۷۴۹:۵
شهر تبریزست ۳۱۱۳:۶ #	شه نگیرد ۲۵۷۰:۶	شیخ سوزن ۳۲۲۵:۲
شهر دید ۲۵۴۲:۱ #	شه نوازدش ۴۶۳۷:۶	شیخ فارغ ۴۱۲:۲
شهر دیگر ۳۶۲۹:۴	شهوت از خوردن ۱۳۷۳:۵	شیخ فرمود ۴۳۹:۲
شهر را بفریید ۲۵۵۳:۳	شهوت او را ۱۱۲۲:۶	شیخ فعال ۱۳۲۳:۲
شهر را بگذاشت ۷۸۳:۶	شهوت نبود ۵۷۵:۵ #	شیخ کامل ۱۴۴۴:۱
شهر را هشتند ۲۶۱۸:۳	شهوتِ حالی ۱۹۷۷:۲ #	شیخ کویتظر ۱۵۶۷:۲
شهر شد و ۱۹۴۵:۴ #	شهوت خوردن ۲۸۹۴:۴	شیخ که بود؟ پیر ۱۷۹۰:۳
شهر شهر از ۳۶۴۶:۲	شهوت دنیا ۲۳۸:۴	شیخ که بُود؟ عین ۳۳۴۵:۲ #
شهر شهر و خانه ۱۶۶:۱	شهوتِ رانده ۲۱۳۳:۳ #	شیخ که بُود؟ کیمیای
شهر غزنین ۲۶۸۶:۵ #	شهوت رنجور ۶۳۷:۵	۳۳۴۳:۲ #
شهر ما فردا ۲۵۲۸:۵	شهوت کاذب ۲۵۸۶:۶	شیخ گفتا: از ۴۰۱:۲
شهرها را ۴۵۱:۳ #	شهوتِ مادر ۲۷۹۶:۶ #	شیخ گفتا: خالقا ۲۷۱۳:۵
شهره اندر ۱۴۷۴:۵ #	شهوت ناری ۳۷۰۳:۱	شیخ گفت او ۱۷۹۹:۳
شهرها نزدیک ۳۷۰:۳	شهوت و حرص ۱۹۵۶:۳	شیخ گفت این بدگمانان ۳۹۱:۲
شهره تر باشد ۷۹۲:۶ #	شهوتی است ۹۴۰:۵	شیخ گفت این خود ۳۴۱۲:۲
شهره تو در ۴۶۲۹:۳ #	شه یکی جان ۷۱:۵	شیخ می شد ۲۸۴۱:۵
شهره خلقان ۳۱۰۴:۳ #	شیخ آگه ۲۸۴۳:۵	شیخ نبود ۱۷۹۵:۳ #
شهره کاریزیست ۴۳۰۱:۳	شیخ اشارت ۳۹۳:۲	شیخ نورانی ۲۴۸۴:۵
شهره ما ۴۶۲۹:۳	شیخ اقطع ۱۷۰۴:۳	شیخ واقف ۳۲۱۶:۲
شهر هم همرنگ ۴۷۱۵:۳	شیخ، إلحاح ۳۵۸۹:۴ #	شیخ وامی ۲۸۶:۲
شهریان خود ۶۴۲:۳	شیخ برخود ۳۸۹:۲ #	شیخ و نور ۳۳۲۰:۲ #
شهری با ۲۳۶:۳ #	شیخ برمی گشت ۲۶۹۸:۵	شید آوردی ۹۶۲:۶
شهبازان ۱۱۳۰:۶	شیخ چون شیرست ۳۲۱۶:۲ #	شید کردی تا ۷۲۸:۳
شهباز عقل ۲۵۲۷:۳ #	شیخ خندید ۳۶۶۸:۲	شید کردی، یا ۷۲۷:۳ #
شه شبانگه ۸۷۲:۳	شیخ، دیده بست ۴۱۱:۲ #	شید می آری ۲۳۷۰:۳
شه طبیبان ۴۳:۱	شیخ را بشناخت ۳۲۱۲:۲ #	شیر آن است ۱۳۸۹:۱ #
شه، عدو ۲۸۱۷:۲ #	شیخ را چون ۱۲۷۲:۵	شیر آن ایام ۲۲۳:۶
شه غلام ۳۱۰۵:۶	شیخ را که ۳۷۴:۴	شیر اندر ۱۱۵۰:۱
شه فرستاد ۱۸۵:۱	شیخ را گفتند ۳۵۰۷:۲	شیر او نوشد ۱۷۳۶:۲
شه کند توده ۱۱۵۵:۲	شیخ را می جُست ۲۱۱۵:۶ #	شیر این سو ۱۶۳۱:۶

شیر و آهو ۱۴۷۲:۳	شیر را بر عکس ۳۸۰۹:۴	شیر با این ۳۰۳۹:۱
شیر و اژدرها ۱۲۵۵:۱	شیر را بر گردن ۳۱۶۱:۱	شیر باطن ۱۳۷۴:۱
شیر و اشتر ۴۷۱۹:۶	شیر را تا ۳۰۵۳:۶	شیر بود آنجا ۲۳۲۹:۵
شیر و شَهدی ۲۵۵۳:۱	شیر را چون ۱۳۴۰:۱	شیر بودی، شیر ۴۱۸۱:۳
شیر و صید ۳۱۳۹:۱	شیر را خرگوش ۱۳۴۹:۱	شیر بی‌دم باش ۲۹۹۲:۱
شیر و گرگ و خرس ۲۰۰۶:۵	شیر را در ۱۳۲۵:۱	شیر بی‌دم و سر ۳۰۰۱:۱
شیر و گرگ و دد ۲۷۲۱:۵	شیر را شاباش ۲۸۵۲:۲	شیر پشمین ۳۲۱:۱
شیر و گرگ و روبهی ۳۰۱۳:۱	شیر را عارست ۳۰۰۲:۳	شیر پنداری ۴۰۰۱:۳
شیره بر جوشید ۴۷۴۶:۳	شیر را کردی ۴۷۸۷:۶	شیر پند از مهر ۲۵۴۸:۱
شیرِ هَجَر ۱۷۲۴:۱	شیر را مَفریب ۳۵۰۵:۶	شیر پند افسرد ۲۵۴۹:۱
شیره را زندان ۴۰۱۴:۳	شیر را مگمار ۱۱۹۷:۱	شیر، پیشست ۱۷۲۲:۲
شیری اندر ۱۱۷۰:۱	شیرِ سنگین ۹۱۲:۴	شیر تازه ۲۵۵۳:۱
شیرِ یک بُز ۲۷۷:۵	شیرِ صافی ۱۳:۲	شیرِ تو، خون ۱۴:۲
شیر یک روباه ۲۳۳۳:۵	شیر، عکس ۱۳۰۶:۱	شیرِ جان، مانا ۳۷۹۴:۴
شیشه دل از ۱۸۸۶:۵	شیر غُران ۲۱۲۷:۶	شیر چون دانست ۳۰۳۱:۱
شیشه دل را ۱۸۸۷:۵	شیرکشتن ۳۹۶۷:۵	شیر چون رنجور ۲۳۳۲:۵
شیشه‌های رنگ رنگ ۹۸۹:۵	شیر، گاوش ۵۰۳:۲	شیر چون واگشت ۲۸۷۳:۵
شیشه‌های روغن ۲۵۰:۱	شیر گفت: آری ۹۷۱:۱	شیر چه کان ۲۸۱۰:۶
شیشه یک بود ۳۳۱:۱	شیر گفت: ای ۳۰۴۶:۱	شیرِ حق آن ۳۹۶۴:۱
شیطنت گردن‌کشی ۵۲۵:۵	شیر گفتش ۱۲۹۷:۱	شیرِ حق را دان ۳۷۲۱:۱
شیعه، عاشورا ۷۷۹:۶	شیر، گویی ۲۵۷۰:۳	شیر حَقَم ۳۷۸۸:۱
شَینَا خَیر ۳۶۸:۳	شیر گیر آر خون ۲۱۱۸:۴	شیرِ حَقّی ۲۹۵۹:۱
شَیءِ اللَّهِ، خواجه ۲۶۹۸:۵	شیر گیر و خوش ۳۹۴۱:۶	شیرِ خر ۱۶۴۲:۴
شَیءِ اللَّهِ شَیءِ ۲۶۹۹:۵	شیرگیری ۱۰۲۹:۱	شیر خواره چون ۱۲۸۴:۳
	شیر، مثل ۱۹۴۱:۳	شیرخواره کی ۳۰۲۵:۳
	شیر، مُرداری ۶۱۰:۳	شیر خواهد ۳۳۲۴:۱
	شیر مردانند ۱۹۳۳:۲	شیر خود را ۱۳۱۷:۱
	شیرِ مُرده ۳۰۵۲:۴	شیر داد ۱۶۳۴:۵
	شیرِ مردی رفت ۱۹۳۲:۲	شیر، دانست ۳۰۲۷:۱
	شیرِ مردی کرد ۱۹۷۰:۲	شیر دنیا ۳۹۶۵:۱
	شیر مستی ۱۷۲۶:۱	شیر دوشیده ۱۱۶۲:۳
	شیرِ مَولی ۳۹۶۵:۱	شیر ده ای ۲۹۶۹:۲
	شیر می‌گفت ۱۰۹۲:۱	شیر را با ۲۳۳۰:۵
	شیرِ نردر ۲۵۰۲:۱	شیر را بچه ۲۲۰۲:۲
	شیر نرگنبد ۳۸۸۵:۵	شیر را برداشت ۴۱۹۶:۵

ص

صابران را ۴۸۲:۵
صابرین و صادقین ۱۷۵۱:۶
صاحبِ آن باشد ۲۷۵۹:۲
صاحبِ آن گاو ۲۵۴۶:۳
صاحبها، در ۲۵۶۷:۶
صاحبِ اُشتر ۶۶۰:۲
صاحب باغ ۳۰۷۸:۵
صاحب تأویل، ایاز ۱۹۹۴:۵
صاحب تأویل باطل ۱۰۸۸:۱

صبر آرد ۱:۳۰۰۴	صاف کرده ۱:۲۵۵۱	صاحب خانه بخواند ۳:۳۳۴۴
صبر از ایمان ۲:۶۰۰	صاف گردد ۵:۹۳۶*	صاحب خانه بدین ۵:۲۹۲۷
صبر اگر کردی ۶:۱۴۱۴	صاف گشتی ۲:۲۲۴۳*	صاحب خانه بگفتش ۵:۲۵۳۹
صبر باشد ۱:۱۶۰۱	صافی عالم ۴:۳۰۸۶*	صاحب خانه و ۴:۱۷۷۹*
صبر با نااهل ۶:۲۰۴۱	صافی و شایسته ۱:۲۱۷۱*	صاحب خرا ۵:۲۵۴۵*
صبر باید، صبر ۵:۲۳۵۸*	صالح، آن بشنید ۱:۲۵۴۵	صاحب خرمن ۶:۸۰۸
صبر، بس سوزان ۶:۴۶۱۵*	صالح از خلوت ۱:۲۵۴۲	صاحب خوان ۵:۱۷۵۶*
صبر بگزیدند ۶:۳۹۸۱	صالح از یک دم ۴:۲۶۴۹	صاحب دام ۵:۱۴۱۵
صبر تا مقصود ۳:۱۸۴۶*	صالحان ۳:۱۷۸۶	صاحب دل آینه ۵:۸۷۴
صبر جمله ۶:۱۴۱۰	صالحم، افتاده ۳:۴۰۶*	صاحب دل جو ۵:۹۰۲
صبر چون پول ۲:۳۱۴۷	صالح و ناصالح ۲:۱۴۱۷*	صاحب دل داند ۴:۱۵۲۰*
صبر چون داری از ۲:۳۰۷۶*	صانع بی آلت ۱:۳۷۴۸	صاحب دل را ۱:۱۶۰۳
صبر چون داری ز آلتی	صبح آمد، خواب ۳:۳۹۲۵*	صاحب دل، شاه ۱:۱۶۷۸*
۲:۳۰۷۵*	صبح آمد، شمع ۴:۲۱۰۹*	صاحب ده ۱:۱۶۷۸
صبر چون داری ز نعم	صبح آن ۵:۹۷*	صاحب رأیست ۲:۲۳۴۱
۲:۳۰۷۴*	صبح، حشر ۵:۱۷۸۰	صاحب سَری ۲:۳۶۸۷*
صبر دارم من ۲:۱۱۱۳*	صبحدم چون اختران	صاحب سَلّاخ ۴:۱۲۳۱*
صبر در صحرای ۵:۲۴۲۹	۳:۳۹۲۴*	صاحبش در پی دوان ۴:۱۹۹۸
صبر دیدی ۵:۲۹۰۴*	صبحدم چون تیغ ۶:۲۳۰۲*	صاحبش در پی ز ۲:۱۸۹۹*
صبر را با ۳:۱۸۵۳	صبح شد ای ۱:۱۸۰۷	صاحب گاو از چه ۵:۳۱۰۳*
صبر را بنهیم ۶:۲۴۰۶*	صبح صادق را تو ۵:۱۹۷۹*	صاحب گاوش ۳:۲۳۱۰
صبر را سلم ۶:۴۹۱۳	صبح صادق، صبح کاذب از	صاحب مالی ۲:۴۲۷
صبرشان بخش ۵:۱۱۹۹	۶:۱۶۰۷*	صاحب مسجد ۲:۳۰۱۸
صبرشان در وقت ۶:۱۲۱۱*	صبح صادق، صبح کاذب، هر	صاحب نقب ۴:۱۷۸۶*
صبر شیر اندر ۶:۱۴۰۹	۴:۱۶۹۲*	صاحب هر ۲:۳۶۷۶*
صبر، شیرین ۲:۵۹۸	صبح کاذب آید ۵:۱۹۷۵	صادق الوعدانه ۶:۶۰۰*
صبر، صافی ۶:۲۰۴۱*	صبح کاذب خلق ۵:۱۹۷۸	صادقان را مرگ ۱:۳۹۶۸*
صبر کرد آن ۵:۳۵۰۹*	صبح کاذب را ۲:۷۵۵	صادقان را یک ۲:۲۹۰۱*
صبر کردن بر ۲:۲۲۶۲*	صبح کاذب، صدهزاران	صادقش دان، کو ۱:۶۴*
صبر کردن بهر ۳:۲۱۲	۴:۱۶۹۳	صادقم، جان ۳:۳۹۳۷*
صبر کردن، جان ۲:۳۱۴۵	صبح کاذب عالم ۵:۱۹۷۵*	صادقی، هم ۳:۱۲۰۸*
صبر کرد و بود ۳:۱۸۴۱	صبح کاذب، کاروانها	صار دگّا ۳:۱۶
صبر کن از حرص ۱:۱۶۰۰*	۵:۱۹۷۷	صاعداً ۱:۸۸۲*
صبر کن، الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ	صبح نزدیک است ۳:۴۱۱	صاف چون ۵:۳۶۰*
۱:۲۹۰۸*	صبح نو بگشا ۲:۲۲۸۸*	صاف خواهی ۲:۵۶۹

صد بُود نسبت ۴:۴۱۶*	صحبتِ او عینِ ۶:۴۸۵*	صبر کن، اَلصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرْجِ ۲:۳۱۴۶*
صد بیابان ۶:۴۷۷	صحبتِ این خلق ۶:۲۲۲۵*	صبر کن اندر ۵:۲۰۴۰
صد پدر صد ۱:۲۶۷۵	صحبتِ چون ۶:۱۴۱۸	صبر کن، اندیشه ۶:۲۶۰۸*
صد پراکنده ۱:۱۸۱۵*	صحبتِ ده ساله ۱:۳۳۹۳*	صبر کن با ۱:۲۳۷۴
صد پُرت ۶:۲۹۹۹*	صحبتِ کمپیر ۴:۳۱۵۱	صبر کن بر ۱:۲۹۷۰
صد تدارک ۲:۵۵۶	صحبتِ گِل‌های ۶:۲۹۳۹*	صبر کن در ۴:۳۳۵۱
صد تُقو ۳:۲۰۱۱*	صحبتِ مردانت ۱:۷۲۱*	صبر کن، کانتست ۲:۳۱۴۵*
صد ثواب ۴:۱۴۶۸*	صحبتِ ناجنس ۲:۲۱۰۲*	صبر کن کَالصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرْجِ ۳:۲۱۲*
صد جوال ۵:۸۸۱	صحبتی باشد چو شمشیر ۳:۲۶۵	صبر کن کَالصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرْجِ ۶:۳۲۰
صد جهان گردد ۲:۱۰۲۹*	صحبتی باشد چو فصل ۳:۲۶۶	صبر کن کَالصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرْجِ ۶:۳۸۹۴*
صد جهت را ۶:۳۶۶۷*	صحبتِ آن حسّ، بخواهید ۱:۳۰۴*	صبر کن، نک ۳:۳۰۶۴*
صد جهت ز آن ۶:۱۵۳۷*	صحبتِ آن حسّ، ز ویرانی ۱:۳۰۵*	صبر کن، وَاللَّهُ ۱:۴۰۰۳*
صد چراغت ۴:۴۴۹	صحبتِ این تن، سَقَامِ ۴:۳۲۰۹*	صبر کنی داند ۳:۳۶۸۹*
صد چنانم، صد ۵:۱۸۳۵*	صحبتِ این حسّ، بجوید ۱:۳۰۴*	صبر گُل ۶:۱۴۰۸*
صد چنان ناقه ۴:۲۶۴۹*	صحبتِ این حسّ، زمعموری ۱:۳۰۵*	صبر گیریم ۶:۲۴۰۵
صد چنین آری ۳:۱۰۷۴	صحبتِ رنجور ۱:۳۲۹۹*	صبر من از کوه ۵:۲۰۱۵*
صد چنین اِدبارها ۴:۶۲*	صحبتش چون ۳:۲۹۶۵*	صبر من مُرد ۶:۴۱۶۲
صد چنین سگ ۵:۶۳۴	صحبتِ و زورِ ۲:۱۲۱۶*	صبر مه با ۶:۱۴۰۸
صد چنین، وَاللَّهُ ۴:۵۰۵*	صحبتی باشد ۴:۲۵۲۸*	صبر، می بیند ۳:۳۷۶۱
صد چنین ویران ۲:۱۱۳۸*	صحن اَرْض ۵:۲۵۶۰	صبر، نبود ۵:۵۷۶
صد چو توفانی ست ۳:۴۶۲۲	صحنِ پُر ۵:۴۴۶*	صبر و ایثار ۲:۳۲۰۶
صد چو حاتم ۶:۳۲۷۵*	صحن خانه ۵:۱۳۸۹	صبر و پرهیز ۶:۱۳۲۵
صد چو عاج ۲:۲۳۰۵*	صد اثر در ۴:۵۱۴	صبر و حلمش ۵:۳۴۶۶*
صد چو عالم در نظر ۱:۵۲۳	صد ازینها ۴:۲۴۵۴	صبر و خاموشی ۳:۲۷۲۵
صد چو عالم هست ۱:۵۲۲۲*	صد اساس ۶:۸۶۲*	صبر و عظم ۵:۲۵۷۳*
صد چو ماه است ۶:۳۴۴۵	صد امید اندر ۳:۲۳۳۲*	صبغة الله گاه ۵:۱۰۱
صد حجاب از دل ۱:۳۳۴*	صد امیدست ۴:۵۳۶	صبغة الله، نام ۱:۷۶۶
صد حکایت ۲:۵۸۴	صد بدن پیشش ۵:۲۷۱۶*	صبغة الله هست ۲:۱۳۴۵
صد خبر آرد ۵:۱۱۵۵*	صد پلیس نو ۱:۳۸۹۷*	صحبتِ احمق ۳:۲۵۹۵*
صد خلیفه ۵:۳۸۷۹	صد بلیسی ۶:۱۲۸۰	صحبتِ او با ستور ۶:۱۱۷۲
صد خُم ۳:۶۷۳*		صحبتِ او خیر من ۳:۴۲۸
صد خورنده ۵:۵۲۶		
صد خیالِ بد ۱:۲۷۶۲*		
صد خِیالت می‌فرود ۲:۲۰۳۸*		
صد دُرستی در ۱:۲۳۶*		

صد درستی زین ۱:۲۸۶۷*	صد عنایت ۶:۴۸۳۹	صد کتاب ار ۶:۳۶۶۷
صد در محمت ۶:۳۵۵۴*	صد غزل ۶:۲۶۵۷*	صد کرامت دارد ۳:۷۰۲*
صد دروغ آرید ۳:۱۵۹۵	صد غلامی ۲:۸۷۴*	صد کراحت ۴:۱۷۵۲
صد دریچه ۴:۳۱۰۳	صد فسون ۵:۱۶۵	صد کس از گرگین ۴:۱۹۴۳
صد دریغ و درد ۱:۳۲۵۸	صد فناگن ۵:۳۷۷۴*	صد کس گوینده ۵:۱۵۳۳*
صد دل و جان ۶:۱۹۳	صدق احمد ۵:۲۷۷۶	صد کمان و تیر ۶:۴۵۷۸*
صد دلیل آرد ۵:۲۴۷۰	صدق او، بیخ ۵:۳۱۶۰*	صد کمر آن ۲:۲۹۰۲
صدر، بروسواس ۶:۴۴۵۹*	صدق او هم ۵:۲۷۷۳	صد گیره ۴:۳۳۹*
صدر پنداری ۴:۶۶۱*	صدق بیداری ۲:۲۲۳۹	صد گمانت ۲:۲۰۳۷
صدر خوانندش ۴:۳۱۲۷*	صدق تو آورد ۲:۳۰۰۷	صد گمان دارند ۱:۳۶۸۸*
صدر خویشی، فرش ۴:۸۰۷*	صدق تواز بحر ۵:۳۷۰۸*	صد متاع ۳:۳۲۵۷
صدر را بگذار ۳:۱۹۶۱*	صدق، جان دادن ۵:۳۸۲۰	صد مثل ۳:۲۷۹۵*
صدر را چون ۵:۵۴۸*	صدق دان إلحاق ۵:۳۸۹۷*	صد مدد ۳:۳۹۷۱*
صدر را صبری ۶:۴۱۶۱	صدق را بهر ۶:۳۴۶۵*	صد نشان باشد ۴:۱۷۵۷
صدرشان در ۶:۱۲۱	صد قضای ۱:۱۸۳۵*	صد نشانست ۶:۲۵۵۷
صدر عالم ۵:۱۹۲۶*	صدق عاشق ۵:۲۷۷۴	صد نشان نادیده ۵:۱۴۶۰*
صدر گشتم ۱:۲۷۹۶*	صد قفص ۳:۳۹۵۹*	صد نشانی دارد ۴:۱۷۷۰*
صدر می جویم ۳:۳۸۶۵*	صدق موسی ۵:۲۷۷۵	صد نمائد ۱:۶۸۰*
صدره اریبنی ۳:۲۹۶۴	صدق می خواهد ۱:۲۷۰۲	صد وزیر ۴:۱۲۳۷*
صدره و مخلص ۳:۳۸۸۳	صدقوارسلا ۳:۲۸۳۴	صد هزار آثار ۵:۴۲۱۴
صد زبان بین ۴:۲۸۷۵*	صدقواروحاً ۳:۲۸۳۴*	صد هزار آزاد ۶:۴۴۴۳*
صد زبان دارند ۴:۱۷۹۴*	صدقوامن ۳:۲۸۳۸*	صد هزار آلودگان ۴:۲۰۴۴
صد زبان گردد ۱:۲۳۸۰*	صدق وعده ۴:۳۵۱۶*	صد هزار ابلیس لاحول ۲:۲۵۷
صد زبان و، هر ۳:۲۵۵۱	صدقوهم هم بدور ۳:۲۸۳۶	صد هزار ابلیس و بلعم
صد زمین ۳:۳۵۰۱*	صدقوهم هم شمس ۳:۲۸۳۵	۱:۳۳۰۱
صد سبو را ۱:۷۷۷	صدقوهم هم مصابیح ۳:۲۸۳۷	صد هزار احوال ۵:۳۶۴۱
صد سخن گوید ۶:۱۰۷۱*	صدقه بخش خویش	صد هزار الحمد ۶:۴۳۲۴*
صد سخن می گفت ۵:۱۲۵۰	۶:۲۱۰۸*	صد هزاران آفرین ۶:۱۷۵
صد سقم بینند ۴:۱۷۹۸*	صدق هر دو ۵:۳۲۲۷	صد هزاران آید ۳:۲۱۵۴*
صد سگی خفته ۵:۶۲۹*	صدقه سلطان ۳:۳۶۱۱*	صد هزاران امتحان ۳:۶۸۲
صد سؤال ۳:۴۲۷۹	صدقه نبود ۶:۲۵۹۲	صد هزاران انبیا ۳:۴۷۹۰
صد شکایت ۴:۹۱*	صد قیاس ۱:۳۴۱۰*	صد هزاران اهل ۱:۲۱۲۵
صد عزیمت ۳:۴۴۵۶	صد قیامت بگذرد ۱:۳۶۰۱*	صد هزاران این چنین آشباه
صد عطارد ۵:۲۸۹۷*	صد قیامت بود ۶:۷۵۱*	۱:۲۷۱
صد علامت ۴:۱۷۵۷*	صد قیامت در ۲:۳۱۰۵*	صد هزاران این چنین می

صد هزاران سال و ۱:۳۵۰۴*	صد هزاران حُجَّت ۳:۲۵۵۲*	۲۶۸۷:۴
صد هزاران ساله راه ۱:۲۹۴۹	صد هزاران حشر ۵:۷۹۹	صد هزاران بار ای ۳:۴۶۹۸
صد هزاران ساله ز آن ۲:۱۷۸۸*	صد هزاران حلم ۴:۲۰۹۲	صد هزاران بار بُریدم ۲:۱۱۱۲
صد هزاران ساله گویم ۴:۵۱۲*	صد هزاران خام ۶:۲۰۵۸	صد هزاران بار و ۳:۲۵۸۸*
صد هزاران سایه ۶:۱۸۶۳	صد هزاران خانه ۴:۲۵۴۰*	صد هزاران بحث ۶:۴۶۲۸
صد هزاران سحر ۲:۲۷۱۱*	صد هزاران خِرْمَن از ۲:۱۱۵۵*	صد هزاران بحر و ماهی ۱:۵۰۵
صد هزاران سَر بر آرد ۱:۳۸۸۷*	صد هزاران خِرمن اندر ۶:۴۵۷۹*	صد هزاران بَدْر ۳:۳۷۱۴*
صد هزاران سِر بُرید ۱:۳۸۶۷	صد هزاران خشم از ۵:۳۰۴۶	صد هزاران بسته ۲:۱۱۶۲*
صد هزاران سر به ۶:۴۰۰۲	صد هزاران خشم را ۴:۲۹۴۰	صد هزاران بلبل ۲:۱۵۹۵
صد هزاران سر خَلَف ۶:۴۶۰۳*	صد هزاران خلق از ۳:۲۰۰۹*	صد هزاران پادشاهان ۲:۹۳۱
صد هزاران سر نهاده ۵:۳۷۱۴	صد هزاران خلق تشنه ۶:۸۷۷	صد هزاران پاره ۶:۴۷۵۳
صد هزاران شاه ۳:۳۷۱۴	صد هزاران خلق ز اژدرها ۳:۱۰۶۶	صد هزاران پاسبان‌ست ۴:۹۷۷*
صد هزاران شهر ۳:۲۸۱۴	صد هزاران خلق نان‌ها ۳:۴۷۹۴*	صد هزاران پَرده آمد ۴:۳۷۰۲*
صد هزاران شیر بود ۱:۳۱۳۰	صد هزاران خوی ۴:۲۶۷۵	صد هزاران پرده‌اش ۴:۱۸۲۲*
صد هزاران شیر زیر ۶:۲۱۳۱	صد هزاران دارو ۵:۲۱۳	صد هزاران پیر ۶:۴۱۳۴*
صد هزاران صفع ۵:۴۱۵۴	صد هزاران دام ۱:۳۷۴	صد هزاران پیش ۱:۱۵۲۱*
صد هزاران ضَدَّ ۱:۱۸۸۸	صد هزار اندر هزار از ۱:۹۴۹	صد هزاران ترجمان ۱:۱۲۰۸
صد هزاران طَبَّ ۱:۵۲۸	صد هزار آندر هزار و ۳:۸۴*	صد هزاران جان، بشاید ۱:۲۲۱۸*
صد هزاران طفل بی‌تلویم ۶:۴۸۵۰*	صد هزاران دفتر ۱:۵۲۹	صد هزاران جان تلخی ۱:۲۳۷۶
صد هزاران طفلِ بی‌جرم ۴:۲۳۳۲*	صد هزاران ذَرَّه ۲:۳۷۲۷*	صد هزاران جان خدا ۲:۸۹۲
صد هزاران طفل کشت آن ۱:۹۲۰*	صد هزاران را چو ۲:۲۶۵۳	صد هزاران جان دهد ۵:۱۶۷۹*
صد هزاران طفل کشت او ۲:۷۶۷	صد هزاران ز انبیای ۳:۹۰	صد هزاران جانِ عاشق ۲:۲۵۷۴*
صد هزاران طفل می‌کشت او ۳:۹۶۲*	صد هزاران زخم ۱:۱۳۶۴*	صد هزاران جان نگر ۳:۳۹۱۱*
صد هزاران ظلمت ۴:۳۴۴۸	صد هزاران زنده ۶:۳۰۱۳*	صد هزاران جانور ۳:۲۱۰۷
صد هزاران عاشق ۴:۱۰۰۴	صد هزاران زیرکان ۵:۱۳۷۰*	صد هزاران جُنیش ۶:۱۶۱۲*
صد هزاران عاقل ۴:۱۱۷۱	صد هزاران زین ۴:۲۸۶۶	صد هزاران چشم دل ۳:۲۵۰۰
صد هزاران عقل با هم ۲:۱۰۶۶	صد هزاران ژاز ۶:۴۷۶۹	صد هزاران چشم را ۴:۲۰۲۱
	صد هزاران ژنده ۴:۱۵۸۹*	صد هزاران چَشْمه ۲:۱۳۳۰*
	صد هزاران سال، ابلیس ۱:۳۲۹۶	
	صد هزاران سال بودم ۶:۲۲۰	

صد هزاران عقل بیند	۳۲۲۶:۲	صرصرش چون ۸۰۵:۳*
*۳۶۴۹:۴	صد هزاران مرد پنهان ۴۵۷۸:۶	صرصری بر ۲۶۶۰:۶
صد هزاران عقل را ۲۲۷:۳*	صد هزاران مرد ترسا سوی	صرصری می برد ۲۶۶۱:۶
صد هزاران علمش ۱۲۳۴:۱*	۳۶۳:۱	صفدران در مخفّش ۱۲۹۳:۵*
صد هزاران عیب ۲۸۹۰:۲*	صد هزاران مرد ترسا کشته	صفّ صفاند ۸۲۲:۲*
صد هزاران غیب، پیشش	۷۰۳:۱	صفع شاهان ۲۵۸۶:۲
۴۶۴۵:۶	صد هزاران مرد را ۲۴۹۶:۳*	صف کشیده ۲۰۴۸:۳*
صد هزاران غیب و اسرار	صد هزاران مرغ، پرهاشان	صَفَوْتِ آینه ۲۰۴۲:۶*
۲۳۴۴:۲	۳۷۳۹:۲	صَلِّ اِنَّکِ ۱:۱
صد هزاران فایده ست ۱۵۲۱:۱	صد هزاران مرغ را آن ۲۶۵۹:۲	صلح این ۳۸۶۶:۱*
صد هزاران فصل ۲۶۴۸:۳	صد هزاران مرغ مطرب	صلح کن با این ۲۲۶۱:۴
صد هزاران قرن پیشین	۴۸۱۰:۶	صلح کن با مَه ۳۴۴۷:۴*
۱۹۲۱:۵	صد هزاران مرگ ۴۱۱۵:۵	صلح ها باشد ۵۹:۶*
صد هزاران قرن ز آغاز ۹۵۰:۱	صد هزاران مُضَحَفَش	صُمّ و بُکُم ۱۶۸۱:۵*
صد هزاران قصر ۲۸۵:۳*	*۲۱۳۴:۲	صُنع از صانع ۳۳۴۱:۶*
صد هزاران کشتی ۲۶۵۹:۵	صد هزاران معجزات ۱۵۴۰:۵	صُنع بی صورت ۳۷۲۰:۶*
صد هزاران کف ۱۸۰۸:۶*	صد هزاران معجزه ۲۰۳۸:۲	صنع بیند ۲۸۱۲:۲
صد هزاران کوه ها ۳۷۵۷:۵*	صد هزاران مکر دارد ۸۹۹:۵*	صنعتِ خلق ست ۲۸۸۰:۵*
صد هزاران کیمیا ۱۸۵۴:۳	صد هزاران مکر در ۴۰۹۰:۶*	صنعت خوب ۳۷۱:۶
صد هزاران گرگ ۱۴۱۱:۲	صد هزاران مُلکِ ۳۱۰۲:۶*	صنعت زَراد ۱۸۴۴:۳
صد هزاران گُل برُویم	صد هزاران مُتَنَش ۳۵۵:۱*	صنعتِ قَواسی ۲۳۵۰:۶*
*۱۳۱۹:۴	صد هزاران مؤمن ۳۳۷:۱	صنع حق با ۱۰۷۰:۶
صد هزاران گُل شکفتی	صد هزاران موی ۲۸۵۳:۲	صُنع، مغزست ۱۹۳۱:۵*
۱۵۹۲:۲	صد هزاران می ۳۷۴۹:۱	صُنع های کاشف ۳۵۹۳:۱
صد هزاران گور ۳۰۵۴:۶	صد هزاران نادره ۱۰۹۶:۶*	صورت آتش ۴۳۹۹:۶
صد هزاران گوش ها ۲۰۱۹:۴	صد هزاران نام او ۳۶۷۶:۲	صورت آمد چون جماد
صد هزاران لشکرش	صد هزاران نام خوش ۱۳۷۰:۵	۲۹۵۴:۶
۱۰۳۰:۲	صد هزاران نام گر ۴۰۳۳:۶	صورت آمد چون لباس
صد هزاران لوح ۲۶۴۱:۶*	صد هزاران نور از ۹۲۰:۴*	۳۷۲۷:۴
صد هزاران مار ۱۰۰۲:۳	صد هزاران نوع ۱۸۶۱:۶*	صورتِ آن استخوان ۴۵۸:۲*
صد هزاران ماهی از دریای پر	صد هزاران نیزه ۵۲۷:۱	صورت، آن چشم دان
۳۴۸۶:۲	صد هزاران نیک ۱۶۸۲:۱	*۳۹۰۶:۵
صد هزاران ماهی از دریای	صد هزاران همچنین ۱۱۶۵:۳	صورت آواز ۴۰۱۱:۶
زُرف ۳۴۸۵:۲	صد هزاران یار ۲۶۴۴:۵*	صورت اربانگی ۲۳۸۹:۴*
صد هزاران ماهی اللّهی	صد هنر ۱۹۲۳:۵*	صورت از بی صورت آید

صورت محتاجی ۳۷۲۶:۶	صورت زخمی ۳۷۲۳:۶	صورت ۳۷۱۲:۶
صورت مردان ۳۱۵۸:۲	صورت‌ست از جان ۸۰۱:۴	صورت از بی‌صورتی ۱۱۴۱:۱
صورت مرد وزن ۳۷۲۳:۶	صورت سرکش ۶۸۳:۱	صورت از معنی، چو ۱۱۳۶:۱
صورت مرگ‌ست ۴۶۱۲:۳	صورتش بُت ۷۴:۲	صورت از معنی، قریب ۲۶۴۰:۱
صورت معشوق ۴۶۱۷:۶	صورتش برجاست ۷۰۵:۲	صورت امثال ۱۸۴:۶
صورت من ۱۰۶۰:۴	صورتش بر خاک ۱۵۸۱:۱	صورت اندر دست ۳۷۴۲:۶
صورت مهلت ۳۷۲۲:۶	صورتش بگذار ۲۸۹۳:۱	صورت اندر سیر ۱۲۶۶:۴
صورت نان و نمک ۳۷۴۳:۶	صورتش بنماید ۷۰۴:۵	صورت انگورها ۳۷۱۷:۲
صورت نعمت ۳۷۲۲:۶	صورتش بیرون ۴۴۰۰:۶	صورت او را مدارید ۱۲۷۱:۴
صورت نفس ۷۷۹:۱	صورتش جنت ۲۴۵:۶	صورت او مید ۲۵۳۱:۱
صورت نقض ۳۲۰:۳	صورتش خندان ۲۷۶۷:۱	صورت ایشان بُد ۲۴۴۸:۶
صورت و معنی ۴۸۷۶:۶	صورتش دیدند ۳۶۷۱:۵	صورت ایشان به ۲۴۴۹:۶
صورت هر آدمی ۱۰۹۰:۲	صورتش دیدی ۱۰۲۲:۲	صورت این ۳۱۱۵:۴
صورت هر دو ۳۰۰۲:۵	صورتش را ۹۲۷:۵	صورت بازووری ۳۷۲۶:۶
صورت هر نعمتی ۳۲۹۶:۵	صورتش غمگین ۲۷۶۷:۱	صورت برهم ۲۵۷۷:۱
صورت هر یک دگرگونم ۲۴۴۶:۶	صورتش کرمست ۱۸۷۳:۴	صورت بی‌جان ۳۳۹۷:۲
صورت هر یک عَرَض ۹۶۳:۲	صورتش نورست ۳۲۲۵:۴	صورت بی‌صورت ۳۴۸۶:۱
صورت یاری ۳۷۵۳:۶	صورت شهری بود ۳۷۲۴:۶	صورت پنهان ۳۲۲۲:۴
صورتی از صورت ۴۵۹۲:۶	صورت شهری که ۳۷۵۱:۶	صورت خرگاه ۵۳۰:۳
صورتی از صورتی ۳۷۴۶:۶	صورت شهزاده ۳۷۸۹:۶	صورت صِفَر است ۱۲۴۱:۱
صورتی بشنیده ۱۴۲۹:۵	صورت صندوق ۴۴۸۵:۶	صورت تن ۳۹۳۴:۳
صورتی بود ۱۲۴۳:۱	صورت ظاهر ۱۰۲۰:۲	صورت تیری بود ۳۷۲۴:۶
صورتی پیدا ۳۲۶۱:۵	صورت عاریتش ۲۸۸۹:۱	صورت حرف ۳۸۲۳:۴
صورتی دیدند ۳۷۶۰:۶	صورت عاشق ۳۶۴۵:۶	صورت خندان ۲۷۶۹:۱
صورتی را چون ۳۴۴:۶	صورت غیبی بود ۳۷۲۵:۶	صورت خوبان ۳۷۲۵:۶
صورتی را من ۴۵۸۷:۶	صورت فکرست ۳۷۳۰:۶	صورت خود بیند ۳۶۴۴:۶
صورتی ضال ۶۵۵:۶	صورت قصه ۲۶۲۳:۱	صورت خود چون ۵۷۹:۳
صورتی کآن ۳۷۵۰:۶	صورت کار ۱۲۶۶:۴	صورت خوکی ۱۴۱۳:۲
صورتی کردت ۳۲۶:۳	صورت کل پیش ۳۲۶۰:۴	صورت درویش ۲۲۷۱:۶
صورتی کرده‌ست ۱۲۶۹:۴	صورت کل را ۵۷۹:۳	صورت دیوار ۳۷۴۰:۶
صورتی کم گیر ۳۸۵۰:۵	صورت که بُود ۳۷۸۶:۶	صورت رحمی ۳۷۲۳:۶
صورتی کو ۸۶۸:۶	صورت گرمابه، گر ۱۴۷:۶	صورت رفعت برای ۵۹۰:۱
صورتی که ۳۷۰۵:۳	صورت گرمابه‌ها را ۱۴۶:۶	صورت رفعت بود ۵۸۹:۱
	صورت ما اندرین ۱۱۱۰:۱	صورت روزه ۲۶۲۵:۱
	صورت ما موج ۱۱۱۲:۱	

صورت یوسف ۳۳۰۰:۵	صومعه عیسااست ۲۹۸:۳	ضایع ۳۱۴۷:۵
صوفی ای در خانقاه ۵۱۴:۲	صَیحه‌یی ۲۱۶۶:۶	ضبط ودرک ۲۲۹۳:۴
صوفی ای می‌گشت ۱۵۶:۲	صید او ۱۰۳۳:۳	ضَحکه باشد ۳۴۸۱:۵
صوفی آن ۱۹۹:۲	صید ایشان ۷۵:۳	ضد ابراهیم ۲۱۵۹:۶
صوفی ابن‌الوقت باشد ای ۱۳۲:۱	صید بود آن ۳۷۲۹:۳	ضد اندر ضد، پنهان ۳۵۷۰:۶
صوفی، ابن‌الوقت باشد در ۱۴۲۶:۳	صید بودن ۴۱۱:۵	ضد اندر ضد، چون ۱۰۱۸:۵
صوفیا، خوش ۱۶۳۷:۶	صید چشم ۵۰۳:۵	ضد به ضد پیدا بود ۱۱۳۲:۱
صوفی از ره ۲۲۰:۲	صید حق‌ست ۸۱۲:۵	ضد به ضد پیداکنان ۱۵۵۲:۲
صوفی است ۴۴۱۵:۶	صید خود ۴۶۴:۲	ضد را از ضد ۱۳۴۵:۴
صوفی افتاده ۳۷۵۳:۵	صید دین کن ۳۱۴۱:۴	ضد را با ۲۱۲۰:۶
صوفیان از ۱۵۳۸:۶	صید راناکرده ۴۴۴۰:۶	ضد، ضد را بود ۱۶۱۹:۶
صوفیان بدنام ۳۸۰۶:۵	صید گرگاند ۱۴۲۸:۵	ضد، ضد را می‌نماید ۱۱۳۳:۱
صوفیان بر ۳۵۰۶:۲	صید گیرد تیر ۴۶۶۶:۶	ضد طبع ۲۲۷۷:۶
صوفیان، تقصیر ۵۱۷:۲	صید مردم ۴۰۰:۵	ضد من گشتند ۱۵۰۵:۵
صوفی اندر ۲۳۴:۲	صید مرغابی ۳۲۳۱:۵	ضد نار ۲۷۱۳:۴
صوفیان را پیش رو ۳۱۵۳:۱	صید، نزدیک ۲۳۵۴:۶	ضد نور ۲۱۵۷:۶
صوفیان را صَفَع ۱۵۶۰:۶	صید نعمت ۲۸۹۷:۳	ضد و نَدَش ۱۶۱۸:۶
صوفیانش ۵۲۷:۲	صیدها گیرند ۳۰۱۵:۱	ضربت فرعون ۴۱۲۱:۵
صوفیان صافیان ۴۱۸۷:۵	صیرفی‌ام ۲۶۷۴:۲	ضرب دق ۳۰۷:۶
صوفیان طبل‌خوار ۴۰۵:۲	صیف خندان ۳۷۳۸:۳	ضعف اندر ۳۳۸۸:۴
صوفیان کردند ۳۵۱۰:۲	صیقِل او را ۴۵۷:۵	ضعف ایمان ۵۹۹:۲
صوفیان گفتند ۶۰۰:۴	صیقِل جان ۳۱۵۶:۱	ضعف تو ۲۵۷۱:۵
صوفیانه روی ۱۳۵۸:۴	صیقِلش کن ۲۴۷۳:۴	ضعف درکشی ۲۳۴۴:۵
صوفی کامل ۸۶۷:۱	صیقِل عقلت ۲۴۷۵:۴	ضِعْفُ ذَاک ۸۸۴:۱
صوفی آمد ۱۵۸:۴	صیقِلی، آن ۲۴۷۱:۴	ضعف سر بیند ۴۱۶:۱
صوفی آن ۳۸۰۵:۵	صیقِلی دید ۲۴۷۲:۴	ضعف قطب از ۲۳۴۴:۵
صوفی از فقر ۱۸۵۶:۴	صیقِلی را بسته‌یی ۲۴۷۶:۴	ضوء جان آمد ۱۵۰۷:۱
صوفی بدرید ۳۵۴:۵	صیقِلی را دست ۲۴۷۷:۴	ضیف با همت ۱۷۵۶:۵
صوفی بر ۳۰۱۴:۳	صیقِلی کردن ۹۵۵:۲	
صوفی در باغ ۱۳۵۸:۴	صیقِلی کن، صیقِلی ۲۴۶۹:۴	
صوفی دیگر ۳۸۱۰:۵	صیقِلی کن یک دو ۱۲۸۷:۶	
صوفی را ۲۷۱۴:۶	ضال مه ۲۱۲۸:۳	
صوفی گشته ۳۶۴:۵		
صوفییم و خرقه‌ها ۱۰۰۸:۵		

ض

ضالّه چه بود؟ ۲۹۱۲:۲

ط

طاس آوردش ۳۵۱۲:۴
طاس را از ۳۴۴۱:۴
طاس را کثر ۳۴۴۲:۴
طاس و منديل ۳۰۵۶:۳

طاعت سنگ ۲۸۲۷:۴	طالب گنجش ۲۲۵۹:۶	طبع، طاوس ۴۰۳۵:۳
طاعتش نغزست ۳۳۹۵:۲	طالب گنج و ۲۰۵۰:۵	طبع کُل ۱۳۸۲:۱
طاعت عامه ۲۸۱۶:۲	طالب مردی ۲۸۹۳:۵	طبع گاوی ۹۳۰:۵
طاعتِ ناکرده ۲۳۰۸:۵	طالب مسکین ۱۶۰۴:۱	طبع مسکینت ۴۱۹:۵
طاعت و ایمان ۳۶۴۰:۱	طالب معروفی ۳۴۹۷:۵	طبع من دیگر ۸۳۰:۱
طاعتی‌اش ۳۸۳۷:۱	طالب موسی ۱۲۱۷:۳	طبع ناف ۱۴۷۰:۱
طاعمش ۳۲۹۹:۵	طالب یزدان ۳۴۶۹:۵	طبع‌ها شد ۱۵۱۸:۲
طاعنان را از ۱۱۹۹:۳	طالبی کی ۴۱۴۳:۵	طبلِ افلاشش ۶۴۹:۲
طاعنان همچون ۱۴۶۵:۴	طالع آن کس ۱۷۱۲:۲	طبل افلاسم ۶۷۵:۲
طاقت من ۴۰۵۶:۶	طالع خر ۱۸۵۱:۲	طبلِ او ۷۷۵:۶
طاق طاقی ۳۷۷۲:۵	طالعش گر ۷۵۲:۱	طبلِ باز می‌زند ۱۱۶۸:۲
طالب آغاز ۱:۵	طالع عیسی ۱۸۵۱:۲	طبلِ باز من ۱۱۶۹:۲
طالب آن ۲۸۶۶:۲	طالعش شیر ۲۹۸۵:۱	طبل خوارانید ۹۲۵:۳
طالب است و ۳۲۱۴:۶	طالعش مُقْبِل ۲۷۸۶:۶	طبل خواری ۲۴۲۴:۵
طالبِ اشکار ۵۲:۳	طامع تأیید ۴۵:۵	طبلِ عشق ۳۸۹۰:۳
طالب الدنیا ۳۸۸۴:۶	طامع شرکت ۵۱۹:۵	طبلکی در دفع ۴۰۸۹:۳
طالبُ العِلْم و تَذْییر ۳۸۸۴:۶	طايفة نخجیر ۹۰۰:۱	طبل و رایت ۲۱۰۱:۶
طالبانِ دوست ۳۴۸۴:۵	طايفة نصرانیان ۷۲۹:۱	طبل و کوس ۳۷۸۲:۴
طالبان را زان ۱۹۱۹:۱	طبّ جمله ۱۹۸۲:۶	طبله‌ها بشکست ۲۸۳:۲
طالبان را زیر ۱۵۴۳:۵	طب را ارشاد ۱۹۸۰:۶	طبله‌ها در ۲۸۰:۲
طالب انگشتری ۵۴:۴	طبع از او ۱۴۰۰:۶	طبله‌ها را ۶۲۵:۶
طالب اویی ۴۱۴۲:۵	طبع اصلش ۳۶۹۶:۲	طُرفه خرگوشی ۱۱۸۷:۱
طالب این ۱۱۴۹:۱	طبعش ای آتش ۲۶۵۵:۲	طُرفه در من ۳۷۶۴:۵
طالب حیرانی ۲۲۳۳:۳	طبع تو ۳۲۸۶:۶	طُرفه کوری ۹۳:۳
طالب خاصان ۱۹۴۵:۳	طبع تیز ۱۶۰۷:۴	طُرفه و صلت ۳۵۷۴:۱
طالب خضرم ۱۹۶۳:۳	طبع خواهد ۱۹۸۴:۴	طُشتِ آتش ۱۹۹۵:۶
طالب خورشید ۳۳۷۰:۶	طبع، در حیرت ۱۲۵۱:۱	طُشتِ سیمین ۲۱۶۹:۵
طالب دل ۱۲۲۴:۳	طبع را بر خوردن ۱۶۷۴:۳	طعم، تلخ ۲۵۷۵:۱
طالب رَیّی ۶۸۸:۲	طبع را بر عقل ۱۸۵۳:۲	طعم، شیرین ۲۵۷۴:۱
طالب رسوایی ۱۴۴۴:۴	طبع را جنس ۱۱۷۲:۲	طعمِ قند ۲۸۸۷:۱
طالب زر ۷۴۴:۲	طبع را کشتند ۷۷۸:۴	طعمِ کذب ۲۷۳۸:۲
طالب زن ۲۹۹۶:۶	طبع را هِل ۱۸۵۴:۲	طعمه بنموده ۴۶۷:۲
طالب علم است بهر ۲۴۳۱:۲	طبع، سیر آمد ۵۵۵:۳	طعمه جوی و خاین ۳۰۰۱:۶
طالب علم است غَوَاص	طبع شاهان ۹۱۰:۵	طعمه در بیمار ۲۶۷۸:۳
۳۸۸۱:۶	طبع شوریده ۲۴۳۳:۴	طعمه گرگیم ۳۹۴:۳

طعمه موران ۱:۳۲۷۰*	طفل ماهیت ۳:۳۶۳۷	طوطبی در ۵:۱۴۳۰
طعمه هر مرغ ۱:۵۸۰*	طفل مسکین ۱:۵۸۱*	طوطبی ز آن ۱:۱۵۸۹
طعن اوت ۵:۲۶۳۹*	طفل نورا ۶:۴۴۳۵	طوطبی کآید ۱:۱۷۱۷
طعن بر ۲:۲۰۳۹*	طفل نوزاده ۶:۲۶۵۶	طوطبی کو ۶:۱۵۸*
طعن چون ۶:۴۳۵۱	طفل و غوره ست ۶:۴۷۳۷*	طوف می کن ۴:۱۱۰۵
طعن قرآن ۳:۴۲۸۲*	طفل یک روزه ۵:۱۳۵	طوقِ اَعْطِنَاک ۵:۳۵۷۴*
طعنه خلقتان ۳:۴۳۱۹*	طفلی و، خود ۶:۱۲۱۷*	طوق دولت ۶:۳۵۶۹*
طفل از او بستد ۱:۷۸۴	طَقَطَقِ آهسته اش ۳:۲۸۰۰*	طوق زرین ۴:۱۶۱۲
طفل با دایه ۱:۵۹۷	طَقَطَقِ و های ۴:۸۲۹*	طول سایه ۴:۵۱۸*
طفل تا گیرا ۱:۹۲۳	طُمَطْرَاق این ۳:۴۰۶۷*	طول و عرض ۶:۱۳۸۶
طفل تو گرچه ۴:۱۰۳۰	طُمَطْرَاق و سروری ۶:۴۰۱۰*	طهراییتی ۱:۴۳۴
طفل جان از ۱:۱۶۴۰	طُمَطْرَاقی در جهان ۵:۱۸۵۵*	طیبات آید ۲:۲۷۲
طفل حاجات ۲:۱۹۵۳	طَمَعِ برگ ۳:۱۴۲*	طیبات از ۱:۱۴۹۵
طفل خویان را ۶:۴۷۱۷*	طمع خام است ۲:۷۳۲	طیبات لِلطَّيِّبِین ۲:۸۰*
طفل داند ۶:۴۰۴۹	طمع داری ۶:۴۱۹۷	طیبن را تا چه ۶:۲۷۰۱*
طفل در زادن ۲:۲۵۱۸*	طَمَعِ در آبِ ۳:۱۳۹۵*	طی کنند ۶:۲۸۳۹*
طفل دیدی ۵:۲۶۲۶*	طَمَعِ در نَعْجَه ۳:۱۹۵۴*	طین که باشد ۴:۸۲۷*
طفل را آنجا ۴:۹۴۳*	طمع لوت و طمع ۲:۵۷۱	
طفل را از ۳:۴۵۹۳	طمع ناقه ۲:۲۹۹۱	
طفل را استیزه ۶:۴۷۲۱	طَمَعِ یاری ۴:۲۹۳۲	
طفل را با ۶:۴۷۳۵	طمنه ادراک ۵:۲۴۹۵	
طفل را بگذار ۶:۴۸۰۴*	طَمَنَه جادو پَرستآن ۴:۱۰۷۲*	
طفل را بنهادم ۴:۹۴۰*	طور بر جا ۶:۲۴۳۹*	
طفل را چون ۳:۱۴۶۰	طور، مست ۱:۲۶*	
طفل را حق کی ۶:۴۷۳۵*	طوطیان خاص ۶:۱۵۹	
طفل را گر ۱:۵۸۱	طوطی اندر ۱:۲۶۰	
طفل راه ۴:۱۴۴۹	طوطیانِ عام ۶:۱۵۹*	
طفل ره را ۵:۱۲۸۷	طوطیانِ کور ۵:۲۵۲۴*	
طفل شد مکتب ۱:۲۷۹۲	طوطیان و بلبان ۶:۴۲۲۸	
طفلکانِ خلق ۴:۱۹۱۶*	طوطی ایشان ۲:۳۷۵۶	
طفلکان را زود ۶:۴۷۵۷*	طوطیک پَرید ۱:۱۸۲۵*	
طفلک نوزاده ۴:۲۲۲	طوطیک پنداشته ۵:۱۴۳۲	
طفل کی ۵:۳۳۴۳*	طوطی مرده ۱:۱۸۲۶	
طفل گوید ۲:۳۵۹۷	طوطی من ۱:۱۷۱۵	
طفل گیرش ۴:۲۱۶۵	طوطی نقل ۳:۲۹۵۱	

ظ

ظالم آن قومی ۱:۱۵۹۶
ظالم از ظلم ۳:۳۵۴۲
ظالم از مظلوم آن کس ۳:۲۴۳۵
ظالم از مظلوم کی ۳:۲۴۳۴
ظالمان مردند ۴:۱۲۰۲
ظالم ست او ۳:۴۶۷۵
ظالمی را ۶:۱۵۷۴
ظالمی و، کاذبی ۳:۳۳۱۶*
ظانین بالله ۱:۳۰۳۷
ظاهر آن اختران ۴:۵۲۰
ظاهر، آن ره ۱:۲۴۴۷*
ظاهر آن شاخ ۴:۵۲۲
ظاهر آید ۲:۲۹۵۸*
ظاهراً او ۴:۲۰۹
ظاهراً بر ۱:۲۴۳۱
ظاهراً حادی ۴:۱۱۰۲*

ظلم مستورست ۲۴۵۳:۳	ظاهر نقره ۴۴۹:۱	ظاهراً دستار ۱۵۸۰:۴
ظَلَّ مولانا ۶۲۱:۲	ظاهر و باطن لطیف ۲۳۵:۶	ظاهراً دورم ۲۰۹۵:۵
ظَنِّ افزونیست ۷۷۳:۵	ظاهر و باطن ندارد ۶۶۵:۲	ظاهراً کار ۲۳۴۰:۴
ظن ببرد از ۳۸۲۲:۴	ظرفِ خود ۲۷۰۱:۴	ظاهر الفاظشان ۲۱۵۰:۱
ظَنِّ بد کَم بر ۱۷۵۷:۵	ظَلَّ او اندر ۲۹۶۲:۱	ظاهراً می خواندت ۲۴۸۰:۱
ظَنَّتَن این است ۳۰۳۳:۱	ظَلَّت الارباح ۳۴۸:۵	ظاهر این ۳۷۶۵:۴
ظَنِّ لا یغنی ۴۱۰۵:۶	ظَلَّ ذَلَّت ۳۳۴۶:۴	ظاهرت از ۱۰۲۴:۴
ظن مبر بر دیگری ۱۹۱۴:۴	ظلم آری ۳۱۳۴:۵	ظاهرت با ۱۰۲۰:۴
ظن مَبَر صورت ۳۷۴۸:۶	ظلم او مر ۴۶۷۶:۳	ظاهر دستار ۱۵۸۱:۴
ظَنِّ نیکش ۲۰۳۴:۲	ظلم بر صادق ۱۰۱۲:۶	ظاهر رقعہ ۱۷۳۱:۴
ظَنِّ نیکو ۲۶۴۳:۵	ظلم بودی ۱۶۴۴:۴	ظاهرت آثار ۳۶۳۵:۳
	ظلم بین ۴۶۷۵:۳	ظاهرت و، هر کسی ۴۲۴۱:۳
ع	ظلمت آمد ۲۴۲۹:۳	ظاهرش ابتر ۳۹۲۸:۱
عابدُ الشَّمس ۴۰۴۵:۶	ظلمت اشکال ۲۱۸۶:۴	ظاهرش با باطنش در ۱۰۱۱:۴
عابدان ۲۰۶۴:۶	ظلمت افزود ۲۷۵۵:۳	ظاهرش با باطنش گشته
عاجز آمد آخِرُ الأمر ۳۶۵۵:۲	ظلمت افزون ۲۷:۲	۱۰۰۸:۴
عاجز آمد از پریدن ۱۵۵۴:۲	ظلمتِ جهل ۲۵۶۲:۲	ظاهرش با تو ۳۴۱:۱
عاجز آورد ۲۲۵۷:۶	ظلمت چَه ۱۳۰۰:۱	ظاهرش چوبی ۴۲۶۰:۳
عاجز از تکسیر ۱۶۶۲:۳	ظلمتش با ۱۰۲۲:۴	ظاهرش دیدی ۱۴۱۹:۵
عاجزان، چون پیش ۶۱۲:۱	ظلمتِ شب، پیش ۲۱۸۲:۴	ظاهرش را پشه ۳۷۶۷:۴
عاجزانه ۱۶:۵	ظلمتِ صد ساله ۱۱۲۵:۲	ظاهرش را شهره ۹۹۸:۴
عاجزم در ۳۳۰۸:۳	ظلمتی دارم ۳۶۶۱:۱	ظاهرش را یادگیری ۳۴۰۷:۱
عاجزم من ۲۶۶۳:۵	ظلمتی را ۱۹۴۲:۱	ظاهرش زَفَت ۳۵۳۹:۳
عاجز و بسته ۶۱۱:۱	ظلم چه بود؟ آب دادن	ظاهرش گم ۲۶۱۸:۴
عاجزی از جلوہ ۷۸۴:۳	۱۰۸۹:۵	ظاهرش گوید ۱۰۰۹:۴
عاجزی بی ۱۳۴۸:۴	ظلم چه بود؟ وضع در ناموضعی	ظاهرش گیر ۵۲۶:۳
عاجزی پیشه ۱۳۰۰:۲	۱۰۹۱:۵	ظاهرش ماند ۱۳۲۹:۵
عاجزی را بازجو ۱۳۴۷:۴	ظلم چه بود؟ وضع در ناموقعش	ظاهرش مرگ ۳۹۲۸:۱
عاجزی و خیره ۴۸۲۵:۶	۲۵۹۶:۶	ظاهرش منکر ۱۰۱۰:۴
عَادَتِ الْأَوْلَادُ ۸۴۶:۴	ظلم چه بود؟ وضع غیر	ظاهرش می گفت ۴۴۸:۱
عادت خود را ۱۶۲۷:۲	۱۵۵۸:۶	ظاهرش نور ۹۷۲:۶
عادتِ شیرین ۳۷۰۰:۵	ظلم را پیوند در ۸۷۱:۱	ظاهر صنعت ۱۴۲۲:۵
عاد را آن ۴۶۷۷:۶	ظلم را ظلمت بُود ۴۶۳۶:۳	ظاهر قرآن ۴۲۴۸:۳
عاد را باد است ۴۶۷۵:۶	ظلم ظاهربین ۲۴۶۸:۶	ظاهر کافر ۲۰۹۵:۳
عاد را تو ۲۶۶۲:۲	ظلم کرده ست ۴۶۳۳:۳	ظاهر ما ۲۲۷۱:۱

عاشقان لعبتان ۱۲۰۳:۵	عاشق آینه ۳۱۵۶:۱	عاذلا چند ۶۰۷:۶
عاشقان و تشنه ۳۵۲۱:۴	عاشقا خروب ۱۳۸۶:۴	عاذلانسان ۴۱۰۱:۳
عاشقانه‌ای ۵۳۶:۴	عاشق از خود ۱۹۸۱:۱	عارفاتو ۲۶۳:۶
عاشقانه درفتد باکر ۲۰۶۸:۵	عاشق از معدوم ۳۷۵۴:۳	عارف از معروف ۲۸۸۷:۶
عاشقانه سوی ۳۹۸۷:۱	عاشق از معشوق ۷۵۹:۴	عارف است او ۲۲۳۶:۲
عاشقانی ۲۵۷۵:۲	عاشق است آن ۱۶۱۷:۳	عارف است و باز ۴۰۶۹:۵
عاشقا، واجو ۷۰۵:۲	عاشق است او ۹۶۸:۶	عارفان از ۴۸۸۶:۶
عاشقِ او هم ۲۴۴۵:۱	عاشقان از بی مرادی‌های	عارفان را ۱۹۰۷:۵
عاشق تصویر ۲۷۵۹:۱	۴۴۶۶:۳	عارفان رو ترش ۱۰۲۶:۴
عاشق حالی ۱۴۲۸:۳	عاشقان از درد ۲۲۹:۴	عارفان ز آغاز ۴۰۶۶:۵
عاشق حق است ۲۷۵۶:۱	عاشقان، ایشکسته ۴۴۷۰:۳	عارفان زآند ۴۳۶۴:۶
عاشق حقی ۴۶۲۱:۳	عاشقان اندر ۳۰۲۴:۳	عارفانش ۶۷۷:۴
عاشق خود را ۶۰۱:۶	عاشقان پَران تر ۲۱۹۲:۵	عارفان که ۲۲۳۹:۵
عاشقِ خود کرده ۶۰۶:۱	عاشقان پنج روزه ۳۲۰۳:۵	عارف بی خویشم ۷۰۰:۳
عاشقِ خویش است ۱۵۷۴:۱	عاشقانت ۳۲۰۲:۵	عارفِ شه بود ۲۸۵۶:۶
عاشقِ خویشید ۲۷۶۸:۳	عاشقان جام ۲۲۹:۱	عارفِ ضاله ۴۵۰۷:۶
عاشق رنج است ۱۷۰۹:۱	عاشقان چون ۱۶۱۵:۶	عارفی پرسید ۱۷۸۰:۶
عاشقِ روزند ۲۹۰:۲	عاشقان در سیل ۹۱۰:۶	عار نبود ۳۱۶۰:۱
عاشقِ روی ۲۴۳۶:۲	عاشقانِ درگه ۲۶۲۱:۲	عاریت باشد ۵۴۸:۳
عاشقِ زمر ۱۲۲۷:۶	عاشقان را باده ۳۴۸۵:۵	عاریت باقی ۸۹۴:۱
عاشق ست و می زند ۲۸۵۲:۵	عاشقان را تشنگی ۱۲۴۸:۵	عاریت کن ۷۶:۴
عاشقستی هر ۷۰۶:۲	عاشقان را تو ۲۷۶۷:۵	عاریت می دان ۷۱۱:۲
عاشقِ شکر ۴۱۳۵:۳	عاشقان را، زیر ۴۳۲۳:۳	عاریه است ۶۶۹:۲
عاشقِ شه زاده ۳۱۴۵:۴	عاشقان را شادمانی ۵۸۶:۵	عاریه ست این ۳۵۹۳:۶
عاشق صنع توام ۱۳۶۰:۳	عاشقان را شد ۳۸۴۷:۳	عاریه شتم ۴۶۹۵:۶
عاشق صنع خدا ۱۳۶۱:۳	عاشقان را فی صلاۃ ۲۶۶۹:۶	عاریه ست و، ما ۲۳۲۷:۲
عاشقِ ظلمت ۳۷۶۲:۲	عاشقان را کار ۳۰۲۱:۳	عازر ۲۷۶:۵
عاشق عشق ۲۷۱۸:۵	عاشقان را مذهب ۲۳۳:۶	عاشق، آزادی ۲۷۲۹:۵
عاشق کُل است ۱۱۵۷۴	عاشقان را ملت ۱۷۷۰:۲	عاشق آمد ۱۱۴۵:۵
عاشقم بر رنج ۱۷۷۸:۱	عاشقان را هر زمانی ۳۸۳۴:۳	عاشقِ آن بینش ۳۲۲۹:۴
عاشقم، بر زخم‌ها ۲۰۱۶:۵	عاشقان را هر نفس ۱۷۶۵:۲	عاشقِ آن عاشقان ۳۲۰۳:۵
عاشقم بر قهر ۱۵۷۰:۱	عاشقان راهست ۳۰۲۱:۳	عاشقِ آن لیلی ۲۷۱۹:۵
عاشقم بر نام ۱۳۵۰:۳	عاشقانش، شگرّی ۴۴۷۱:۳	عاشقِ آنم ۴۱۳۶:۳
عاشقِ مصنوع او ۱۳۶۱:۳	عاشقان عریان ۳۶۳۳:۵	عاشقِ آن وقت ۲۵۸۶:۴
عاشقِ مصنوع کی ۱۳۶۰:۳	عاشقان کلّ ۲۸۰۱:۱	عاشقِ آن وهم ۲۷۶۰:۱

عاشقم من بر فن ۵۷۳:۶	عاقبت این ۲۵۴۳:۴	عاقبت زین جمله ۱۹۵:۵
عاشقم من کشته ۴۰۹۸:۳	عاقبت باز آید ۲۵۱۴:۲	عاقبت زین نردبان ۲۷۶۳:۴
عاشق می باشد ۲۵۲۲:۵	عاقبت بر روید ۱۰۵۷:۲	عاقبت زینها ۱۴۹۸:۵
عاشق میدان ۱۲۲۷:۶	عاقبت بر شاه ۳۸۵:۶	عاقبت ظاهر ۵۲۶:۳
عاشق نامست ۱۱۹۱:۴	عاقبت بر هاندت ۷۵۷:۳	عاقبت که بُود ۸۰۱:۲
عاشق نانی ۱۶۳۸:۱	عاقبت بنگر ۴۸۹:۱	عاقبت ما را ۱۱۱:۱
عاشق و جویان ۲۳۶۲:۵	عاقبت بیرون ۱۱۶۹:۵	عاقبت مستغرق ۱۷۸۸:۱
عاشق و صاحب ۱۹۲۴:۳	عاقبت بین است ۱۵۴۸:۲	عاقبت معیوب ۱۵۰۸:۵
عاشق و مستی ۴۷۳۱:۳	عاقبت بین باشد ۲۹۶۶:۶	عاقبت نَجْهَد ۲۲۰۱:۴
عاشق و معشوق را ۶۹۸:۳	عاقبت بینی تو ۴۷۸۳:۳	عاقبت واحسرتا ۱۰۴۸:۶
عاشق و معشوق مرده ۹۸۲:۶	عاقبت بینی که ۱۹۷۸:۲	عاقبت هم از خری ۲۸۲۲:۵
عاشق و معشوق و ۳۵۴۷:۵	عاقبت بینی نشان ۱۹۷۷:۲	عاقبت آن باشد که او ۲۱۸۸:۴
عاشق هر پیشه ۴۶:۴	عاقبت بینی، نیایی ۴۹۰:۱	عاقبت آن باشد که گیرد ۳۱۱۴:۱
عاشق هر جا ۲۱۸۵:۴	عاقبت پیدا شود ۸۸۹:۳	عاقبت از انگور ۳۷۵۴:۳
عاشقی بر غیر ۹۷۱:۶	عاقبت تو رفت ۱۲۹:۳	عاقبت از سر ۳۱۲۲:۱
عاشقی بر نفی ۴۶۲۲:۳	عاقبت جوینده یابنده بود	عاقبت از گور ۱۵۴۷:۶
عاشقی بوده ست ۵۹۳:۶	۵۹۵:۶	عاقبت اشکسته اش ۴۴۷۰:۳
عاشقی پیدا ست ۱۰۹:۱	عاقبت جوینده یابنده بُود	عاقبت بیند ۲۱۹۷:۳
عاشقی تو ۱۴۱۵:۳	۴۷۸۱:۳	عاقبت خود ۱۶۲۲:۳
عاشقی زین ۱۷۹۴:۱	عاقبت چون ۱۲۸۴:۶	عاقبت اندر ۲۲۸۹:۱
عاشقی شو ۳۲۳۱:۵	عاقبت خواهد ۲۱۹۲:۳	عاقبت را چون ۲۴۲۶:۶
عاشقی کآلوده ۱۳۵:۶	عاقبت خود قلعه ۲۵۴۷:۲	عاقبت را کرده ۵۱۳:۱
عاشقی کز ۲۷۱۶:۵	عاقبت دانست ۴۴۹۵:۶	عاقبت را یک ۱۲۴۸:۵
عاشقی کو ۴۴۹۶:۶	عاقبت دَرْد گلویش ۲۶۶:۵	عاقبت سرها ۱۴۵۲:۴
عاشقی گر ۱۱۱:۱	عاقبت در مصر ۱۰۷۵:۳	عاقبتش ۴۴۷۱:۳
عاشقی و توبه ۹۶۹:۶	عاقبت دریافت او را ۱۷۸۳:۲	عاقبت، کی جان ۱۱۷۳:۴
عاصم ست آن ۱۳۱۳:۳	عاقبت دریافت روزی	عاقبت کردند ۴۶۹:۳
عاصیان و اهل ۱۷۸۵:۳	۴۸۰۳:۳	عاقبت و زیرکانشان ۲۰۲۴:۳
عاطلان را ۲۰۵۵:۲	عاقبت دیدند ۴۹۱:۱	عاقبت یاری ۷۸۹:۴
عافیت کم ۳۹۴۷:۳	عاقبت دیدن نباشد ۴۹۲:۱	عاقبت، اول بیند ۳۳۷۲:۳
عاقبت آید ۳۹۸۹:۳	عاقبت را ۱۶۸۶:۴	عاقبت، اول دید ۲۱۹۸:۳
عاقبت از توبه ۸۹۸:۶	عاقبت رسوا شود ۱۴۱۱:۲	عاقبت چندان ۳۱۶۲:۲
عاقبت اندر ۴۷۸۴:۳	عاقبت ز آن ۴۷۸۲:۳	عاقبت و جاهل ۲۱۹۹:۳
عاقبت اندیش ۳۸۱۲:۳	عاقبت زاری ۱۸۴۰:۶	عاقبت و مجنون ۶۷۰:۳
عاقبت او ۲۷۶۷:۶	عاقبت زخمت ۱۴۲۴:۶	عاقبت جانم ۲۴۷۰:۳

عاقلی باید که ۱۵۵:۱	۲۶۴۸:۵	عُجَب آرد ۶۴۷:۵
عاقلی براسب ۱۸۷۸:۲	عالم وهم و خیال و ۲۶۵۲:۵	عجز از ادراک ۳۶۵۰:۳
عاقلی جو خویش ۴۱۴۳:۶	عالمی از قَوَّح ۴۵۰۰:۳	عجز بخش ۱۳۱۰:۶
عاقلی را از ۲۰۳۵:۲	عالمی اندر ۱۲۲:۶	عجز، بهتر ۳۲۸۰:۳
عاقلی را دیده ۲۱۹۱:۴	عالمی پُر ۱۱۰۸:۳	عجز تو، تابی ۴۸۲۵:۶
عاقلی گفتش که ۷۴۷:۴	عالمی در ۴۰۷۸:۶	عجز را عذری ۸۳۹:۵
عاقلی گفتش مزین ۴۰۹۶:۳	عالمی را لقمه ۱۳۸۰:۱	عجز زنجیری است ۷۶۸:۶
عاقلی هرگز ۳۹۳۱:۵	عالمی را می بُرد ۴۴۷۹:۳	عجز نبود ۳۰۳۳:۵
عالم آرایست ۲۰۸:۵	عالمی را یک ۱۵۹۷:۱	عجزها داری ۴۸۲۶:۶
عالم آغاز ۱۴۶۴:۵	عالمی زوروشنایی ۲۶۸۴:۱	عجل با آن ۲۰۷۳:۶
عالم ابرفست ۱۹۳۳:۴	عالم یک رنگ ۱۸۶۹:۶	عجلوا الطاعات ۲۶۱۳:۲
عالم اره زده ۳۷۵۶:۱	عالم اگر خفاش ۳۴۱۱:۶	عجلوا أصحابنا ۵۰۴:۳
عالم از سر ۳۱۷۷:۴	عالم عشق است ۴۴۲۲:۶	عُدَّت یا ۳۸۰۳:۳
عالم از وی مست ۱۳۹۷:۲	عالم ما و خاص ۲۱۴۱:۶	عدل آری ۳۱۳۴:۵
عالم اسباب ۲۳۸۳:۵	عالم می خوانند ۴۰۳۸:۶	عدل آن عدل است ۳۱۷۶:۶
عالم افسردست ۱۰۰۸:۳	عالم نآرد ۲۴۶۳:۶	عدل، او باشد ۳۸۲۳:۱
عالم البَیْرست ۸۹۴:۶	عالم و خاص از ۲۸۵۸:۴	عدل این یاغی ۲۲۳۲:۱
عالم اندر ۱۰۳۹:۲	عالمه را از ۱۶۶۲:۶	عدل باشد ۷۳۰:۴
عالم اول ۹۷۹:۲	عالمه را تا ۲۹۸۳:۴	عدل توزیم ۳۴۲۳:۱
عالم پس ۱۲۷۹:۲	عالمه گفتندی ۳۵۳۷:۴	عدل چه بود آب ۱۰۸۹:۵
عالم تاریک ۱۸۷۸:۴	عالمه مظلوم ۲۴۳۹:۳	عدل چه بود وضع ۲۵۹۶:۶
عالم ثانی ۹۷۹:۲	عامیانه ۳۰۸۰:۵	عدل شه را ۵۶:۵
عالم خاموشی ۱۲۸۶:۶	عائنه من گشته ۳۳۳۲:۵	عدل فرموده ست ۱۳۱۰:۱
عالم خلقت ۳۶۹۲:۴	عایشه بگریخت ۶۷۲:۶	عدل قسامست ۱۶۴۳:۴
عالم سفلی ۶۲۱:۵	عایشه روزی ۳۴۲۴:۲	عدل و انصاف ۸۲۹:۳
عالمش چندان ۱۰۸۷:۱	عبد عَزَى ۳۲۳۱:۳	عدل وضع ۱۰۹۰:۵
عالمش می راند ۹۸۱:۵	عبرت از یاران ۳۴۴۹:۴	عُذْر آرد ۳۰۶۵:۵
عالم کبرا ۲۵۰۶:۱	عبرت جاننش ۸۸۷:۴	عذر آن را ۳۹۱۵:۳
عالم زاد ۴۶۹۲:۳	عبرت ست آن ۳۲۵۵:۳	عذر آن گرمی ۲۰۸۷:۵
عالم معنی ۱۰۲۰:۲	عبرت و بیداری ۳۲۷۱:۳	عذر آوردند کای ۱۵۹۳:۳
عالم من ۲۳۹۰:۴	عبرتی حاصل ۳۲۶۷:۳	عذر آوردند و گفتند ۹۰۹:۳
عالم و دانا ۱۲۹۲:۴	عبرتی گیر اندر آن ۵۰۵:۵	عذر احمق بدتر ۱۱۶۰:۱
عالم و عادل بُود ۱۰۲۴:۱	عبرتی گیرند از ۳۱۲۳:۱	عذر احمق را ۱۱۵۹:۱
عالم و عادل همه ۱۰۲۵:۱	عبرتی گیر و مران ۲۹۵۰:۱	عذر اِستم دیده ای ۱۱۶۲:۱
عالم وهم و خیال چشم	عُجَب الی القلب ۵۱۶:۳	عذر او اندر ۱۵۲۸:۴

عشق اندر عشق ۴: ۲۳۹۹#	عرق مردی ۶: ۴۹۲	عذرت ای خرگوش ۱: ۱۱۶۱
عشق او پیدا ۲: ۷۰۱	عروة الوثقی ۲: ۱۲۷۴	عذرجویان ۵: ۴۰۸۳#
عشق او خرگاه ۵: ۳۳۲۳	عزت آن ۳: ۱۰۸۰	عذرخواه عقل ۱: ۱۸۰۸
عشقی او در جانِ ما ۲: ۲۶۲۲#	عزّت اینجا ۵: ۱۹۴۵	عذر خواهم ۱: ۲۴۱۶
عشق او ز آورد ۵: ۳۳۶۶	عزّت کعبه ۵: ۳۲۲۴	عذر خود از ۳: ۳۹۹۰
عشقی ایشان ۶: ۳۱۸۱#	عزّت مخزن ۵: ۳۲۲۲	عذر را با آن ۲: ۳۵۲۶#
عشق با دیو ۳: ۶۹۷#	عزّت مقصد ۵: ۳۲۲۳	عذرِ ما چه ۱: ۲۴۲۴#
عشق بازی ۵: ۱۴۶۵#	عزّت وحشی ۱: ۳۳۱۳	عذرِ مخدومی ۱: ۱۸۰۷#
عشق باشد کآن ۶: ۱۹۶۶#	عزّ درویش ۳: ۲۵۲۰#	عذرِ نادان ۱: ۱۱۶۰#
عشق باشد لوت ۳: ۳۰۳۴	عزم خواهی کرد ۳: ۲۴۶#	عذر و حجت ۶: ۲۶۲۵#
عشق با صد ۵: ۱۱۶۴#	عزم راه ۴: ۲۲۰۶#	عرش با آن ۱: ۲۶۵۷
عشق بحری ۵: ۳۸۵۳	عزم رفتن ۱: ۲۱۷۶#	عرش لرزد ۶: ۳۶۲۵#
عشق بُرد بحث ۵: ۳۲۴۰	عزم ره کردند ۶: ۳۶۳۰	عرش معدن ۵: ۱۶۲۸
عشق بر مرده ۵: ۳۲۷۲	عزمش آن شد ۶: ۱۴۸۹#	عرش و ۳: ۱۲۲۱#
عشق بر تقدست ۳: ۱۴۱۷#	عزم کرده ۶: ۳۵۴#	عرشی و ۶: ۲۳۹۰#
عشق بشکافد ۵: ۲۷۳۶	عزم و فسخت ۳: ۲۷۸۱#	عرصه‌ای دان ۱: ۳۱۸۲#
عشق بینایان ۶: ۹۷۹	عزم‌ها و قصدها ۳: ۴۴۶۲	عرصه بس ۱: ۳۰۹۴
عشق پنهان ۳: ۳۸۲۰	عِزَّةُ الْأَشْبَاح ۴: ۸۴۸#	عرصه و دیوار ۶: ۴۶۴۰
عشقت افزون ۶: ۶۴۶#	عُشْرُ آن ره ۶: ۴۱۰۴#	عرصه‌یی کش ۴: ۵۶۷
عشق تو بر ۳: ۵۵۴	عَشْرُ أَثَالَت ۵: ۳۲۳۶#	عرض، او خواهد ۱: ۲۹۱۷#
عشقی جانان ۳: ۱۹۷۱#	عَشْرها افتادی ۶: ۱۲۷۵#	عرضه دارد از هنر ۱: ۱۲۱۲#
عشق جانِ طور ۱: ۲۶	عشرها بر ۶: ۱۲۷۳	عرضه دارد می‌کند ۵: ۲۹۸۲#
عشق جوشد باده ۳: ۴۷۴۲	عشرهای مصحف ۶: ۱۲۷۱	عرضه را آورده ۳: ۱۲۵۹#
عشق جوشد بحر ۵: ۲۷۳۵	عشر هر دخلی ۵: ۱۴۷۸	عرضه کرد ایمان ۵: ۲۶۱#
عشق چون دعوی ۳: ۴۰۰۹	عشق آب ۳: ۳۸۸۶#	عرضه کردش ۶: ۳۹۱۷
عشق چون کشتی ۴: ۱۴۰۶	عشق آمد، توبه ۶: ۸۹۷#	عرضه کردند ۶: ۱۹۴۹
عشق چون وافی ست ۵: ۱۱۶۵	عشق آمد لَأُبَالِی ۵: ۲۷۳۴#	عرضه کرده بود ۵: ۲۷۱۲#
عشق حق و سر ۶: ۲۸۸۳	عشق آن بگزین ۱: ۲۲۰	عرضه کردی نور ۲: ۱۸۲۴
عشق، خشم آلوده ۶: ۴۰۰۲#	عشق آن زنده ۱: ۲۱۹	عرضه کردی هیچ ۶: ۱۴۲#
عشق خواهد ۱: ۳۳	عشق آن شعله‌ست ۵: ۵۸۸	عرضه کن بر ۱: ۳۹۸۶
عشقی خود بر ۶: ۱۷۲۶#	عشقی آن مَسْکَن ۳: ۱۹۲۷#	عرضه کن بیچارگی ۲: ۱۹۵۰#
عشق خود بی خشم ۶: ۴۰۰۳	عشق ارزد ۶: ۴۴۱۹	عرضه می‌دارند ۶: ۳۹۲۳
عشق دان ای ۵: ۱۹۳۲	عشق از اول ۳: ۴۷۵۱	عرضه می‌کردم ۵: ۲۹۹۲#
عشق در دریای ۲: ۱۷۷۱#	عشقی اسپش ۵: ۴۰۶۳#	عرق جنسیت چنانش ۴: ۲۶۵۵
عشق در هنگام ۴: ۸۶۶	عشق، اُسْطَرلاب ۱: ۱۱۰#	عرق جنسیت چو ۳: ۱۱۷۲#

عشو حر ۲۲۳۱:۶	عشق ۴۳۹۴:۳	عشق، دریایی ست ۲۷۳۱:۵
عشو گردد ۸۲۹:۵	عشق معشوقان دو رُخ	عشق را با ۵:۶
عشو نو ۱۹۳۸:۳	۴۴۴۶:۳	عشق را بر حی ۳۲۷۲:۵
عفو از دریای ۴۱۷۵:۵	عشق مولی ۱۵۵۷:۴	عشق را پانصد ۲۱۹۱:۵
عفو او را عفو ۳۲۵۸:۵	عشق می گوید ۴۱۱:۵	عشق را خود ۳۸۴۳:۳
عفو باشد ۳۱۵۳:۵	عشق نان بینان ۳۰۲۰:۳	عشق را در ۱۹۷۸:۶
عفو خلقان ۴۱۷۶:۵	عشق نان مرده ۲۰۱۴:۵	عشق را صد ۱۱۶۴:۵
عفو فرماید ۲۶۴۷:۵	عشق نبود، عاقبت ۲۰۵:۱	عشق را عشقی ۲۹۱:۵
عفو کرد آن ۴۸۶۹:۶	عشق نبود، هرزه سودایی	عشق را نشناخت ۳۸۳۱:۳
عفو کردم ۴۰۱۱:۵	۵۸۷:۵	عشق ربانیت ۹۸۳:۶
عفو کرد و در ۱۲۴۰:۳	عشق و جان هر دو ۱۹۹۲:۱	عشق را و صاف ۹۷۱:۶
عفو کن از مست ۴۲۰۰:۵	عشق ورزی ۳۰۹۶:۶	عشق زاید ۱۵۳۳:۲
عفو کن ای خوب ۱۹۰۸:۲	عشق و رقت آید ۱۶۴۴:۱	عشق زنده ۲۱۸:۱
عفو کن ای عفو ۴۱۵۰:۵	عشق و سودا ۱۵۳۶:۴	عشق ساید ۲۷۳۵:۵
عفو کن ای میر ۳۵۴۹:۵	عشق وصف ۲۱۸۵:۵	عشقشان از ملک ۳۹۹۹:۶
عفو کن تا ۳۵۵۲:۵	عشق و ناموس ۶۱۲:۶	عشقشان بی پا ۳۹۸۳:۶
عفو کن زین ۴۱۷۵:۵	عشقها با دُم ۲۲۲۸:۳	عشقشان و حرصشان ۱۲۳۲:۶
عفوها گفته ۴۱۱۱:۵	عشقها بازیم ۲۲۳۱:۳	عشق شش ساله ۲۱۷۲:۵
عفوها هر ۴۱۷۷:۵	عشقها داریم ۱۰۰۲:۴	عشق شنگ ۲۸۲۷:۱
عفوهای ۴۱۱۰:۵	عشقهای اولین ۱۷۵۷:۱	عشق شوی ۱۲۲۵:۶
عقبه ای و مانعی ۳۲۲۵:۵	عشقهایی ۲۰۵:۱	عشقی شه ۱۰۵۹:۴
عقبه یی زین ۴۳۱:۱	عشق هر دم ۲۷۷۳:۵	عشق صورت در ۳۷۶۷:۶
عقد کردش ۴۰۲۴:۵	عشق، یک کَرْت ۳۹۹۷:۶	عشق، صورتها ۳۲۷۷:۵
عقد چندی ۵۶۱:۵	عشو آن ۳۸۶۳:۵	عشقی صید ۱۲۲۵:۶
عقد را بگشاده ۵۶۰:۵	عشو جان ۴۷۰۰:۳	عشقی عاشق ۴۴۴۶:۳
عقد هائی سحر ۳۱۹۵:۴	عشو شان را ۴۲۶۰:۶	عشق غیرت ۲۷۶۵:۵
عقد هائی سخت ست ۵۶۰:۵	عشو ها در ۴۳۰۰:۶	عشق قهارست ۹۰۲:۶
عقد هائی کان ۵۶۲:۵	عشو ها کم ده ۱۰۹۱:۳	عشقی کمپیرک ۳۱۵۵:۴
عقل، آنجا کمترست ۵۶۸:۴	عشوهای یار ۲۵۶:۲	عشق کو و بیم ۲۱۷۹:۵
عقل، آنجا گم ۱۹۸۱:۱	عصمت از فحشاء ۳۵۷۴:۶	عشق گردی ۷۵۸:۶
عقل آنجا هیچ ۱۳۰۵:۵	عصمت جان ۲۰۰۹:۶	عشق گیرد ۲۵۱۵:۵
عقل آن جوید ۱۹۶۷:۶	عصمت و آنت ۱۴۰۳:۲	عشق لرزاند ۲۷۳۶:۵
عقل آید ۲۱۰۸:۵	عصمت یا ۹۵۴:۳	عشق مستسقی است ۲۶۷۵:۶
عقل ابدالان ۴۱۳۹:۶	عصمتی که ۳۳۵۳:۱	عشق، معروفست ۲۷۲۴:۵
عقل، اثر را ۳۵۸۷:۳	عضو از تن ۱۹۳۶:۳	عشقی معشوقان، خوش

عقل احمد ۲: ۲۲۵۹	عقل باید نوره ۵: ۶۵۸	عقل جمله عاقلان ۵: ۱۹۱۰
عقل از آن آشکالشان ۳: ۲۰۰۷	عقل بایستی ۳: ۳۸۱۳	عقل، جنس آمد ۴: ۲۷۰۳
عقل از آن بازی ۶: ۲۲۵۵	عقل بحثی ۳: ۳۶۵۴	عقل چون باران ۴: ۲۸۲۲
عقل از جان ۳: ۳۵۸۴	عقل، بر نفس ۴: ۱۹۸۴	عقل چون جبریل ۱: ۱۰۶۶
عقل از سر ۵: ۱۹۲۰	عقل بروی ۶: ۶۸۹	عقل، چون شاه ۲: ۹۷۸
عقل از سودای ۶: ۱۹۷۹	عقل بفروش ۳: ۱۱۴۶	عقل چون شهنهست چون ۴: ۲۱۱۰
عقل از عاقل ۴: ۲۸۲۰	عقل بودی ۴: ۱۴۹۴	عقل، چون شهنهست در ۴: ۱۹۸۵
عقل ازین غالب ۳: ۴۵۶۹	عقل بی تمیز ۴: ۱۶۷۱	عقل چون شمع ۲: ۱۱۸۱
عقل، اسیر روح ۳: ۱۸۲۴	عقل پنهان است ۱: ۱۱۱۲	عقل حارس ۵: ۲۱۶۶
عقل اسیرست ۳: ۲۵۰۷	عقل تحصیلی ۴: ۱۹۶۷	عقل حیران که ۳: ۴۷۱۷
عقل، اندر شرح ۵: ۱۵۰	عقل تراز عقل ۴: ۳۶۹۴	عقل حیران کین ۳: ۴۴۵۲
عقل او از روح ۱: ۱۰۶۴	عقل تواز آفتابی ۶: ۹۳۴	عقل حیوانی ۵: ۳۰۵۴
عقل او بر بست ۲: ۵۷۰	عقل تواز بس ۴: ۳۶۵	عقل خَلْقان ۲: ۲۲۸۴
عقل او بر زرق ۴: ۱۶۸۴	عقل تو افزون ۴: ۱۹۶۲	عقل خود را از ۱: ۲۳۲۷
عقل او بر عقل ۴: ۱۹۲۲	عقل تو دستور ۴: ۱۲۴۶	عقل خود را می نماید ۲: ۲۳۲۴
عقل او، بی سیر ۴: ۲۸۹۵	عقل تو قسمت ۴: ۳۲۸۸	عقل خود زین ۱: ۲۶۲۲
عقل او پَرید ۳: ۳۸۶۷	عقل تو گر ۵: ۲۶۳۸	عقل دَرَاک ۳: ۳۶۹۳
عقل او در پیش ۳: ۱۵۳۶	عقل تو نگذاردت ۴: ۱۹۸۳	عقل در تن آور ۳: ۲۳۱۶
عقل او را ۴: ۲۱۶۲	عقل تو همچون ۱: ۲۴۹۷	عقل در رنگ ۵: ۴۰۸۰
عقل او کم ۴: ۱۴۹۳	عقل جزو، از ۱: ۲۲۱۴	عقل در شرحش ۱: ۱۱۵
عقل او مشغول ۵: ۷۲۲	عقل جزوی آفتش ۳: ۱۵۵۸	عقل دشنام ۴: ۱۹۴۹
عقل او موشی ۵: ۳۷۱۵	عقل جزوی اش ۵: ۲۴۶۴	عقل دفترها ۳: ۲۵۳۱
عقل او می گفت ۱: ۲۵۶۱	عقل جزوی را ز استبداد ۴: ۳۳۳۹	عقل دو عقل ست ۴: ۱۹۶۰
عقل ایمانی چو ۴: ۱۹۸۶	عقل جزوی رانموده ۱: ۲۸۶۸	عقل دیگر ۴: ۱۹۶۴
عقل ایمانی که ۴: ۱۹۸۹	عقل جزوی را وزیر ۴: ۱۲۵۸	عقل را از ساکنان ۳: ۱۰۱۰
عقل اینجا ۱: ۳۴۸۹	عقل جزوی عاطل ۲: ۲۱۰	عقل را افغان ۶: ۲۹۵۱
عقل، این سو ۴: ۲۸۲۲	عقل جزوی عشق ۱: ۱۹۸۲	عقل را اندیشه ۴: ۱۲۶۰
عقل با حس ۲: ۱۶۰۵	عقل جزوی عقل استخراج ۴: ۱۲۹۵	عقل را باشد که ۴: ۲۲۹۳
عقل باشد ایمنی ۶: ۳۸۶۱	عقل جزوی عقل را ۵: ۴۶۳	عقل را باشد وفای ۴: ۲۲۸۸
عقل باشد در ۳: ۳۵۷۰	عقل جزوی کرکس ۶: ۴۱۳۸	عقل را با عقل ۵: ۱۶۷
عقل باشد، کرم ۲: ۲۳۲۳	عقل جزوی گاه ۳: ۱۱۴۵	عقل را بی نور ۳: ۵۱۷
عقل باشد مرد ۶: ۴۰۷۵	عقل جزوی می کند ۴: ۱۳۰۹	عقل را خدمت ۴: ۳۴۸۶
عقل با عقل ۲: ۲۶	عقل جزوی همچو ۴: ۳۳۱۹	عقل را خط خوان ۵: ۳۱۶
عقل باید که نباشد ۵: ۲۶۴۵		

عقل را دارو ۲۸۸:۴*	عقل کامل نیست ۲۱۹۹:۴	عقل موشی خود ۳۲۶۴:۲*
عقل را دو ۱۲۶۱:۴	عقل کَلّ آنجاست ۱۶۲۶:۶*	عقل می‌کارید ۳۱۳۴:۶*
عقل را ره نیست ۳۵۰۵:۱*	عقل کَلّ بر نفس ۲۰۵۳:۱*	عقل می‌گفت از درون ۵۰۴:۳*
عقل را سودای ۱۵۳۷:۴*	عقل کل را ساز ای ۱۲۵۸:۴*	عقل می‌گفتش: آلم ۲۲۸۲:۴*
عقل را سیل ۲۱۲۴:۴	عقل کل را گفت ۱۳۰۹:۴	عقل می‌گفتش حماقت ۲۲۸۷:۴
عقل را شو ۲۹۰۳:۱	عقل کَلّش چون ۳۷۱۵:۳*	عقل می‌گفتش که ۲۹۵۲:۶*
عقل را قربان ۱۴۲۴:۴	عقل کَلّ کی ۲۵۳۰:۳*	عقل می‌گفتی ۲۷۱:۶*
عقل را گر ۲۳۰۶:۴	عقل کَلّ مغز ۳۷۴۳:۱*	عقل ناقص ۲۱۹۴:۲*
عقل را من ۲۳۳۷:۲	عقل کَلّی، ایمن ۱۱۴۵:۳*	عقل نورانی ۲۵۵۷:۳
عقل را می‌دید ۳۳۵۴:۴*	عقل کَلّی را کند ۲۷۵۱:۵*	عقل و ایمان را ۹۹۳:۶*
عقل را واقف ۱۳۰۶:۵*	عقل کودک ۳۳۲۲:۴	عقل و تخیلات ۴۱۴۵:۵*
عقل راه ۱۹۶۶:۶	عقل، کو عقل ۳۹۳۸:۶	عقل و جان، جاندار ۴۱۳۶:۳*
عقل را یاد ۲۲۸۹:۴	عقل کو مغلوب ۱۵۴۹:۲	عقل و جان، عین ۲۰۵۱:۱*
عقل رفت ۳۹۴۳:۶*	عقل کو و؟ از خلیفه ۳۸۷۷:۵*	عقل و حس را سوی ۱۲۹۴:۴*
عقل رنجور ۳۳۲۳:۴	عقل که بود ۲۱۶۷:۵*	عقل و حس و درک ۱۴۵:۶*
عقل زاغ ۱۳۱۰:۴*	عقل کی چنگی ۳۰۲۹:۵*	عقل و دانش را گهر ۳۱۹۲:۲*
عقل زیرک ۳۷۲۹:۴*	عقل کی حکمی ۳۰۲۹:۵*	عقل و دل‌ها ۶۱۹:۵*
عقل سایه ۲۱۱۱:۴	عقل کی ماند ۴۶۶۱:۳	عقل و دین ۴۶۵:۴*
عقل سَرْتیزست ۱۱۹:۶	عقل گاهی ۲۵۴۷:۳	عقل و روح ۱۲۷:۱*
عقلشان در ۱۲۰:۶	عقل گردی ۷۵۸:۶	عقل و عاقل ۳۸۸۰:۳*
عقلشان می‌گفت ۲۰۵۷:۵*	عقل گم شد ۲۱۶۱:۲*	عقل‌ها آن سو ۱۴۲۵:۴*
عقلشان یک دم ۳۲۳۸:۵	عقل گوید: بر ۲۹۶۸:۶*	عقل‌ها از ۱۴۷۵:۴*
عقل صد چون ۱۱۵۳:۶*	عقل گوید چشم ۲۹۶۲:۶	عقل‌ها باری ۱۴۲۴:۴*
عقل ضدّ ۲۳۰۱:۴	عقل گوید کین ۱۶۲۹:۶	عقل‌ها در دانش ۱۱۸۲:۲*
عقل عقل، آفاق ۲۵۳۱:۳*	عقل گوید مر ۱۶۲۷:۶	عقل‌ها را تیره ۴۷۲۹:۶*
عقل عقلت ۲۵۲۸:۳	عقل گوید: مژده چه ۳۲۷۰:۴*	عقل‌ها زین ۲۱۸۳:۵
عقل عقلند ۲۴۹۸:۱	عقل گوید: نیک بین ۲۰۵۸:۵*	عقل‌ها، مر عقل ۱۰۴۳:۱*
عقل فاسد ۱۲۵۶:۴*	عقل لرزان ۴۲۲۶:۵	عقل‌های اولیش ۳۶۴۸:۴
عقل فرعون ۲۶۶۵:۲	عقل ما زاغ ست ۱۳۱۰:۴	عقل‌های پخته ۷۱۱:۳*
عقل قربان ۱۴۰۸:۴	عقل ما کو ۳۳۲۲:۶	عقل هر عطار ۶۲۵:۶*
عقل قوّت ۲۲۷۷:۲	عقل محجوبست ۳۳۶۱:۶	عقل همچون ۶۲۴:۶*
عقل کآن باشد ۲۵۸۵:۵	عقل، مر موسی ۲۳۰۷:۴*	عکس آخر ۳۱۶۳:۶*
عقل کاذب ۱۷۶۴:۵	عقل من گنج است ۲۴۲۵:۲	عکس آن الهام ۱۶۴۶:۵*
عقل کامل داشت ۱۴۷۳:۵*	عقل موسی بود ۳۲۶۲:۲*	
عقل کامل را ۷۳۸:۵	عقل موسی چون ۳۲۶۴:۲	

علم او بالای ۴:۱۰۷*	عکسِ لطف ۴:۱۳۶۵*	عکس آن اینجاست ۶:۴۵۵۱
علم باشد ۲:۳۲۱*	عکسِ ماه و، عکس ۶:۳۱۷۸*	عکسِ آن بر جسم ۴:۱۸۴۵*
علم بودش ۶:۲۶۰	عکسِ مه در آب ۴:۱۴۵۱*	عکس آن تصویر ۱:۳۴۸۱
علم بود و ۳:۲۹۹۰*	عکس مه زویان ۱:۷۲*	عکسِ آن داد ۶:۳۱۶۱*
علم تقلیدی بود ۲:۳۲۶۵	عکس می‌بیند ۶:۳۲۳۸*	عکسِ آن کن ۱:۲۹۵۵*
علم تقلیدی و بال ۲:۲۳۲۷	عکس می‌دان ۶:۴۴۴۲	عکس آن نورست ۴:۱۹۵۸
علم تقلیدی و تعلیمی ۲:۲۴۲۹	عکس می‌گویی ۲:۳۳۶۸	عکس او را دیده ۱:۱۷۱۸*
علم تیراندازیش ۶:۲۳۶۸	عکس نورانی ۳:۳۲۵۲	عکس بیرون ۵:۲۸۰۷*
علم جوای ۳:۴۱۲۱	عکس‌ها را ۶:۳۱۹۰	عکسِ بیگانه ۳:۳۲۵۳*
علم جویی ۵:۳۵۷۸	عکس‌ها واگشت ۳:۴۲۲۵*	عکس پنهان ۶:۳۱۵۸
علم چون آموخت ۲:۲۳۶۳	عکس هر کس ۳:۳۲۵۴	عکسِ توست ۶:۷۳۳*
علم چون بر تن ۱:۳۴۴۷*	عکس هر نقشی ۱:۳۴۹۰	عکس چندان ۲:۵۶۶
علم چون بر دل ۱:۳۴۴۷	علت آید ۳:۴۴۲۷	عکس، چون ۴:۳۱۲۳*
علم چون قش‌رست ۵:۱۱۷۰*	علت ابلیس ۱:۳۲۱۶	عکسِ حق ۱:۳۵۴۴*
علم دریایی است ۶:۲۸۸۱	علت از وی رفت ۶:۳۰۱*	عکس حکمت ۱:۳۲۵۴
علم دیگ ۵:۱۳۷۹	علتِ او را طیبی ۶:۲۷۰*	عکسِ خوری ۴:۲۴۷۴*
علم را دو ۳:۱۵۱۰	علتِ او که نتیجه‌اش	عکسِ خشم شاه ۵:۷۰*
علم را علت، کز ۲:۲۷۵۲*	۵:۱۳۳۹*	عکس خود در ۶:۷۳۴
علم راه ۴:۱۵۲۰	علت اولی ۳:۳۵۷۷	عکس خود را از عدو ۱:۱۳۱۸
علمشان را علت ۲:۲۷۵۱*	علت پنهان ۶:۳۷۸۳	عکسِ خود را پیش ۵:۱۴۳۰*
علمشان و عدلشان ۶:۳۱۷۳	علت تنگی است ۱:۳۰۹۸	عکسِ خود را خصم ۶:۷۳۵*
علم عندالله ۵:۲۵۸۷*	علت جزوی ۳:۳۵۷۷*	عکسِ خود را دید ۶:۳۱۴۴*
علم کآن نبود ۱:۳۴۴۹	علتِ حادث ۵:۱۹۳۰*	عکسِ خورشید ۳:۲۴۰۶*
علم کمتر ۳:۴۱۲۰*	علتِ دیدن ۴:۲۴۰۳	عکسِ دردِ شاه ۶:۴۷۷۸*
علم گفتاری ۲:۲۴۳۶	علت عاشق ۱:۱۱۰	عکس ذوق ۲:۵۶۵
علم مکرش هست ۶:۴۰۱۳*	علت و پرهیز ۵:۳۶۱۱	عکس راز ۲:۲۹۴
علم نارنجات ۵:۲۷۶۳	علتِ بتر ۱:۳۲۱۴	عکسِ روها ۵:۲۸۱۲*
علم نقلی ۴:۱۴۱۸*	علتِ دارد تو ۶:۳۳۹۸*	عکسِ ستاریش ۲:۲۹۴*
علم و آدایش ۶:۲۵۰	علتِ را پیش ۵:۱۹۲۸*	عکس طمع ۱:۳۰۲۷
علم و حکمت باطل ۶:۱۷۵۲*	علم آموزی ۵:۱۰۶۲	عکسِ ظلمانی ۳:۳۲۵۲*
علم و حکمت بهر ۶:۱۷۵۳	علم ازین رو ۶:۲۵۹۹*	عکس عبدالله ۳:۳۲۵۳
علم و حکمت زاید ۱:۱۶۴۴	علم الاسما ۴:۲۹۷۰	عکسِ عفوت ۵:۴۱۱۰*
علم و حی دل ۴:۱۴۱۶*	علم الانسان ۵:۲۵۸۷	عکسِ غول ۴:۱۱۲۹*
علم و مال ۴:۱۴۳۸	علم اندر ۵:۲۴۸۸	عکسِ غیرست ۶:۴۶۶۰*
علم‌های اهل تن ۱:۳۴۴۶*	علم او از ۶:۱۱۴۹	عکس کاؤل ۲:۵۶۷

علم‌های اهل حس ۱: ۱۰۱۶	عنکبوت ار ۳: ۳۹۸۲	عیب باشد گو ۱: ۱۹۹۵
علم‌های اهل دل ۱: ۳۴۴۶	عنکبوتان می‌مگس ۳: ۴۳۴۱*	عیب بر تصویر ۵: ۲۷۴۸*
علم‌های با ۶: ۴۶۵۱	عنکبوت دیو ۳: ۴۳۴۲	عیب بر خود ۴: ۳۷۴۶
علم‌های نادره ۶: ۱۹۳۲*	عنکبوتش درس ۶: ۳۱۴۱*	عیب بنهاده ۴: ۱۸۹۵*
علم هیأت ۵: ۲۷۶۲*	عنکبوت و این ۶: ۳۱۴۲	عیب جز ۱: ۱۴۰۲*
عمر اگر بگذشت ۵: ۲۲۲۲	عنکبوتی تو ۲: ۲۷۸۷	عیب چینان را ۶: ۱۸۰۶
عمر او اندر گِره ۲: ۳۷۳۶*	عنکبوتی کی ۲: ۲۷۸۸*	عیب خلقان ۳: ۲۶۲۹*
عُمر با ایشان ۵: ۱۵۰۶*	عنکبوتی نه که ۲: ۲۳۲۰*	عیب خود یک ۳: ۲۶۳۰
عمر بی توبه ۵: ۷۷۰	عود سوزد ۲: ۱۸۷۴	عیب دان ۳: ۵۷۱*
عمر بیشم ده که تا پس ۵: ۷۷۵	عور ترسان ۳: ۲۶۴۷	عیب دیگر ۲: ۹۰۱
عمر بیشم ده که تا گه ۵: ۷۷۸	عورتی را ۱: ۵۳۶	عیبش این دم ۴: ۱۳۳۲*
عمر تو مانند ۳: ۱۲۴	عور می‌ترسد ۳: ۲۶۳۱	عیب شد ۱: ۱۹۹۶
عمر خود را ۳: ۲۱۵۰	عهد او سست ۲: ۲۱۳۱	عیب ظاهر ۱: ۳۶۸*
عمر خوش در ۵: ۷۷۷	عهد بندی ۳: ۱۶۴۵*	عیب کار بد ۴: ۱۳۵۳*
عمر در صندوق ۶: ۴۴۹۷	عهد تو چون ۲: ۲۴۹۵*	عیب کار نیک ۴: ۱۳۵۴
عمر در محمول ۵: ۵۶۶	عهد تو کوه ۲: ۲۴۹۶*	عیب کردن ۲: ۳۰۳۷
عُمر را بگرفت ۱: ۱۶۶۳*	عهد داود ۶: ۱۸۴۲*	عیب کل را ۴: ۲۶۰۱
عمر رفت ۶: ۸۴۰*	عهد عَمَر ۴: ۱۶۷	عیب کم گو ۲: ۳۴۷۷
عمر زاغ از ۵: ۷۷۷*	عهد عیسی ۱: ۳۲۵	عیب کی بیند ۱: ۱۹۹۵*
عُمر شد ۲: ۳۰۸۴*	عهد فاسد ۵: ۱۱۶۷	عیب گویان بیشتر ۲: ۳۰۳۳*
عمر ضایع ۲: ۷۵۱*	عهد کردم با خدا ۵: ۲۶۲۹	عیب گوی و عیب ۲: ۹۰۲
عُمر طالب ۱: ۲۲۸۲*	عهد کردم زین ۳: ۱۶۳۵*	عیب نَبود، این ۱: ۳۸۱۱*
عمر گر صد ۲: ۲۲۸۰	عهد کردم، نذر ۵: ۲۶۳۰*	عیب نَبود گر ۶: ۳۲۰۵*
عُمر مانده ۴: ۳۰۸۹*	عهد ما بشکست ۲: ۲۴۹۵	عیب‌ها از ۲: ۳۳۵۱
عمر من بُردی ۶: ۴۴۴۸*	عهد ما کاه ۲: ۲۴۹۶	عیب‌های ۳: ۵۷۱
عمر و را جرّمش ۲: ۳۶۳۰	عهد و پیمان ۱: ۶۲۶	عید پندارد ۶: ۴۳۷۲*
عمر و مرگ این ۵: ۷۷۱	عهد و قرض ۵: ۱۱۸۴	عید قربان اوست ۳: ۳۸۹۵*
عَمرو یک واوی ۲: ۳۶۳۴*	عهد‌ها کردند ۱: ۹۹۴	عیسوی‌ست این ۵: ۱۳۱۹
عمرها باید ۴: ۳۳۳	عهد‌ها و نذرها ۳: ۲۱۸۴*	عیسی آمد ۶: ۲۹۷۲*
عمرها بایست ۲: ۱۴۶	عیب آن از باد ۱: ۲۰۴۴*	عیسی از افسونش ۵: ۲۷۵*
عمرها بر ۶: ۴۰۶۲	عیب آن فکرت ۴: ۱۳۳۴*	عیسی است از ۶: ۴۳۷۰*
عمرها بوده ۶: ۳۹۴۴	عیب او صدق ۲: ۸۹۰*	عیسی‌ام، آیم ۳: ۴۵۵۲*
عمرها در شوق ۳: ۲۲۹۵*	عیب او مخفی ۴: ۱۴۴۲	عیسی‌ام لیکن ۴: ۱۰۶۷
عمره کردی ۲: ۲۲۴۳	عیب او مهر ۲: ۸۹۰	عیسی اندر خانه ۶: ۴۳۶۷*
عمر همچون ۱: ۱۱۴۵	عیب باشد اوّل ۳: ۱۷۵	عیسی اندر مهد ۳: ۱۷۹۴

غالب آمد خنده بر ۵: ۳۹۵۰*
 غالب آمد خنده زن ۵: ۳۹۴۹*
 غالب آمد شاه ۴: ۳۱۳۸*
 غالب آید بر قمر ۳: ۴۳۶۴*
 غالب آید، پست ۱: ۲۰۶۷*
 غالب آید سخت ۱: ۲۴۳۳*
 غالب آییم ۳: ۱۲۴۹*
 غالب از وی گردد ۶: ۴۹۰۹*
 غالب است و چیر ۶: ۶۵۰۶*
 غالب و مغلوب ۳: ۳۶۰۳*
 غالبی بر جاذبان ۶: ۲۹۰۵*
 غالبی بر خواجه ۳: ۴۵۶۴*
 غایب آفاق ۲: ۳۶۱۲*
 غایب از شه ۱: ۳۶۳۷*
 غایبان را چون چنین ۱: ۲۹۷۶*
 غایبان را چون نواله ۱: ۲۹۷۷*
 غایب و پنهان ۳: ۱۸۱۸*
 غایبی مندیش ۳: ۸۰۰۳*
 غایت حرص ۳: ۵۸۳۰*
 غایت لطف ۳: ۳۶۲۴*
 غایة القرب ۶: ۶۶۶۶*
 غدر خیطان ۶: ۱۶۵۱*
 غدر را آن مقتدا ۵: ۱۹۵۴*
 غدر را، ورجنگ ۲: ۲۸۶۷*
 غدر کردی ۳: ۳۸۷۸*
 غرّ او دیدی ۵: ۱۵۲۰*
 غربت من ۳: ۴۴۳۵*
 غرق این کشتی ۶: ۷۲۷۰*
 غرق بازی گشته ۶: ۴۶۱۰*
 غرق بیکاری ۳: ۲۶۴۶*
 غرق تسبیح ست ۴: ۳۵۳۲*
 غرق حق خواهد ۱: ۱۷۴۵*
 غرق دَبّاغی ۴: ۲۷۵۰*
 غرق شد ۱: ۲۸۰۳*
 غرق طوفانیم ۲: ۲۶۷۰*

عینِ هری آلتی ۱: ۲۶۹۶*

غ

غار با او ۱: ۴۰۰۶*
 غارت عشقش ۳: ۳۸۶۹*
 غازیان بی مغز ۳: ۴۰۲۲*
 غازیان حمله ۴: ۲۴۴۳*
 غازیان غیب ۴: ۲۴۴۴*
 غازیان کشتند ۵: ۳۷۵۹*
 غازیی بر ۵: ۵۷۸۰*
 غاشیه بر ۵: ۲۷۵۶*
 غافل از اکرام ۶: ۱۳۹۸*
 غافل از حکم ۵: ۲۸۹۵*
 غافل از خود ۵: ۱۰۷۵*
 غافل از شهنه ست ۵: ۷۲۲۰*
 غافل از قصه ۶: ۲۱۷۵*
 غافل از گنجی ۱: ۲۶۶۶*
 غافل از لایشتوی ۲: ۳۳۲۰*
 غافل از لعل ۲: ۴۸۲۰*
 غافل از ماهیت ۵: ۴۱۲۸*
 غافل اند اینجا ۶: ۳۶۲۲*
 غافلان را ۴: ۳۷۴۰*
 غافلست از حال ۶: ۴۰۱۱*
 غافلست از طالب ۵: ۷۲۳۰*
 غافلند این ۲: ۸۸۲۰*
 غافل و بی بهره ۶: ۳۶۷۳*
 غافلی، باری ۲: ۱۲۴۳*
 غافلی کآید ۳: ۳۹۳۰*
 غافلی ناگه ۱: ۳۷۶۹*
 غافلی هم حکمت ست و این ۴: ۲۶۰۸*
 غافلی هم حکمت ست و نعمت ۹: ۲۶۰۹*
 غالب آمد چشم ۵: ۳۹۳۵*
 غالب آمد حرص ۵: ۲۸۱۸*

عیسی جان ۱: ۵۷۱۰*

عیسی روح ۲: ۴۵۰۰*
 عیسی قادر ۳: ۳۵۰۴*
 عیسی مریم ۳: ۲۵۷۰*
 عیسی و ادريس ۴: ۲۶۷۲*
 عیش پنهان ۴: ۱۰۲۶*
 عیش رفته ۳: ۹۲۷۰*
 عیش، کم نآید ۲: ۴۵۴۰*
 عیش ما و رزق ۶: ۳۲۷۴*
 عیش ها کردی ۶: ۲۷۳۸*
 عیثَة ضَنکَا ۳: ۳۵۴۰*
 عین آتش ۳: ۴۲۲۲*
 عین آن تخیل ۱: ۵۴۵۰*
 عین آن حکمت ۱: ۳۲۳۱*
 عین آن زهرآب ۱: ۵۴۵۰*
 عین آن عزمت ۴: ۳۲۳۳*
 عین آن مکر ۶: ۴۳۵۵*
 عین اظهار سخن ۶: ۶۹۹۰*
 عین این آواز ۲: ۳۵۸۱*
 عین ایوبی ۱: ۲۰۹۶*
 عین بند پای ۱: ۸۳۷۰*
 عین تازی ۲: ۳۵۸۳*
 عین تأخیر ۶: ۴۲۲۲*
 عین تجهیل ۶: ۱۶۳۳*
 عین جُستن ۳: ۳۷۲۱*
 عین خورشیدست ۶: ۱۷۹۰*
 عین ذلّ ۶: ۴۳۴۷*
 عین رفع سدّ ۵: ۱۰۸۲*
 عین سعی ۶: ۴۳۷۹*
 عین صنع آفتاب ۲: ۱۱۱۴*
 عین صنع از ۲: ۱۱۱۵*
 عین فقرش ۴: ۱۸۵۶*
 عین کفران ۶: ۲۲۸۱*
 عین مشغولی ۲: ۳۵۵۳*
 عین معزولیت ۶: ۴۴۲۳*

غرق عشقی ام ۱۷۵۷:۱	غصّه آن کس ۴۹۶:۳	غم، فرح شد ۷۴۱:۶
غرقگانِ نور ۴۱۹۴:۵	غصّه بینخ است ۳۵۹:۳	غم قوی باشد ۳۲۵۰:۱
غرق گشته ۲۶۵۴:۵	غصّه را با ۲۷۴۶:۵	غم کند بینخ ۳۶۸۲:۵
غرق نورم ۳۸۰۱:۱	غصّه ها زندان ۳۵۹:۳	غمگساری ۴۸۷:۳
غرقه آن نور ۳۵۹۰:۳	غفلت از تن ۳۵۶۶:۳	غم مخور از ۴۴۹:۲
غرقه ای نی ۲۲۱۳:۱	غفلت و کفرست ۲۳۶۳:۴	غم مخور که ۹۹۴:۵
غرقه دریای ۳۱۹۱:۳	غفلت و گستاخی ۴۰۹۵:۵	غم مخور یاوه ۹۷۶:۴
غرقه دست ۲۴۶۴:۲	غفلت و نسیان بد ۴۰۹۷:۵	غم نباید ۳۳۰۱:۲
غرقه شد در آب ۴۶۳۰:۶	غلّ بخل از ۱۹۴۹:۲	غم یکی گنج است ۵۱۰:۳
غرقه صد فرعون ۷۸۰:۱	غلط غلطان در خم ۱۵۵۸:۴	غنچ و نازت ۳۲۶۹:۱
غرقه کردی ۳۱۶۲:۳	غلط غلطان رفت ۲۲۷۸:۴	غنچه باشی ۱۸۳۳:۱
غرقه گشته در ۲۲۱۲:۱	غلط غلطان، مُتَهَرِّم ۱۲۳۴:۳	غنچه پنهان کن ۱۸۳۴:۱
غرقه گشتی ۳۷۶۹:۵	غلغلِ اجزای ۱۰۲۱:۳	غنچه را از ۲۲۸۳:۶
غرقه نوری ۱۴۳۵:۳	غلُغُل افتد ۱۳۱۵:۱	غنّ لی یا ۳۸۰۱:۳
غرقه گه باشد ۳۰۲۹:۳	غلُغُل و تشویش ۲۵۲۱:۶	غَوَاشان ۳۸۴۰:۴
غرقه بی اندر ۳۰۸۴:۳	غلغل و طاق ۲۵۰۹:۶	غُوره بودی ۳۴۲۱:۴
غِرّه آن ۱۸۱:۴	غلغله در شهر ۱۰۳۱:۳	غوره تو ۳۰۵:۴
غِرّه او حاکم ۱۹۹۰:۴	غلُغُلی افتاد ۸۳۹:۴	غوره و انگور ۳۷۱۸:۲
غِرّه اوّل مشو ۱۶۹۶:۴	غلُغُلی افکند ۴۶۵:۳	غوره ها اکنون ۳۰۵:۴
غِرّه المسکن ۱۹۲۸:۳	غلغلی در ۲۳۷۲:۳	غوره های نیک ۳۷۲۳:۲
غُرّه این شیر ۱۱۵۶:۱	غلّ و زنجیری ۱۶۱۲:۴	غوره بی کو ۳۷۱۹:۲
غِرّه شد ۱۹۰:۱	غم به امر ۸۳۶:۱	غوطه خورد ۳۴۷:۵
غُرّه شیران ۳۱۲۸:۱	غم جگر را ۳۷۴۰:۳	غوطه ده موسی ۳۵۸:۲
غُرّه شیرت ۷۸۹:۳	غم جو آینه ست ۳۷۶۲:۳	غولت از ره ۲۹۴۷:۱
غِرّه گشتم ۳۴۶:۵	غم جو بینی ۳۷۵۳:۳	غوله بی راکه ۱۱۲۷:۴
غِرّه گشت و زهر ۲۷۴۰:۲	غم چه ریزی ۱۷۹۸:۱	غیب آینده ۱۴۶۷:۱
غُرّه گشتی ۳۸۲۸:۳	غم خورد ۹۹۴:۳	غیبت ایشان ۱۰۷:۳
غِرّه هستی ۴۵۱۶:۳	غم خور و نان ۳۷۵۱:۳	غیبت خورشید ۴۱:۲
غُرّه بی کن شیروار ۳۴۲۷:۴	غم را بنمود ۲۵۶۲:۶	غیب را ابری ۲۰۳۵:۱
غُرغزان آمد ۲۶۶۸:۴	غم زد دل هر چه ۳۶۸۳:۵	غیب را بیند ۲۹۰۹:۴
غُسل داده ۱۹۷:۵	غمز کردندش ۹۵۰:۳	غیب را چشمی ۳۱۴۳:۶
غسل ناکرده ۱۱۹۷:۶	غمزه تنهای ۴۵۵۸:۶	غیب را شد ۳۶۱۷:۱
غصب کردم ۴۰۰۲:۵	غمزه دُزد ۳۸۵۸:۶	غیب مطلوب ۳۶۱۰:۱
غصب کردند ۴۰۰۲:۵	غمزه های چشم ۴۱۳۴:۳	غیب، مؤمن ۱۳۳۱:۱
غصّه آن بی مُرادى ۳۵۳۴:۵	غم شما ۲۵۵۵:۱	غیب و مستَقْبَل ۲۹۰۳:۴

غیر، فانی شد ۳۱۹۵:۵
غیر فصل و وصل پی ۳۶۹۷:۴
غیر فصل و وصل نندیشد
۳۶۹۶:۴
غیر فهم ۴۰۹:۴
غیر گرمی ۴۲۳۱:۳
غیر مردِ پیر ۲۰۴۸:۴
غیر مردن ۳۸۳۸:۶
غیر مرغی ۱۱۴۶:۶
غیر معشوق ۵۸۷:۵
غیر من پیشست ۲۹۲۸:۴
غیر مهر و رحم ۳۲۸۵:۶
غیر نبود آنکه ۱۳۳۷:۳
غیر نطق ۱۲۰۸:۱
غیر نقش ۲۱۴۰:۴
غیر واحد ۱۵۲۸:۶
غیر هفتاد ۴۷۲۱:۳

ف

فَابْتَعَثْتُ ۳۶۴:۲
فَابْتَعُوا ۸۶۹:۵
فاتحه خواند ۳۳۵۴:۶
فاتحه در جرّ ۳۳۵۵:۶
فاتحه‌ش در ۳۳۵۴:۶
فاتحه می‌خواند ۲۲۴:۲
فَاتَّقُوا النَّارَ ۳۳۸۹:۱
فَاجْتَهِدْ ۳۵۴۲:۶
فَإِذَا جَاءَ ۳۷۱:۳
فارسان راندند ۳۷۳۸:۵
فارسان گشته ۳۶۷۶:۱
فارِس منصب ۳۲۶:۶
فارغ آید او ۱۰۶۳:۱
فارغ آیی از ۳۴۷۰:۶
فارغ آیی ز امتحان ۳۶۸:۴
فارغ از اسراف ۲۷۰۹:۵

غیرتش بر دیو ۳۶۴۷:۶
غیرتش بر عاشقی ۳۶۴۷:۶
غیرتش را ۲۶۵۱:۴
غیرتشویش ۱۹۵۸:۶
غیرتِ عشق ۸۶۷:۴
غیرت عقل است ۶۸۸:۶
غیرتم نآید ۳۲۰۱:۵
غیرت من بر ۲۱۱۴:۲
غیر تو هرچه ۳۹۲۱:۱
غیرتی دارد ۳۷۹۲:۶
غیر جسم و ۲۸۰۰:۱
غیر چستی ۳۳۴۹:۶
غیر چشمی ۲۹۱۴:۶
غیر حُسنِ تو ۳۱۹۶:۱
غیر حق بر مُلک ۳۱۵۷:۴
غیر حق جان ۲۹۳۰:۳
غیر حق جمله ۲۳۵۹:۵
غیر حق، خود ۱۳۸۳:۱
غیر حق را اگر ۳۰۳۹:۵
غیر حق را، من ۳۷۹۰:۱
غیر خُبثِ جوهر ۲۶۰۲:۵
غیر خوبی جُرم ۹۵۷:۶
غیر خون، او ۶۸:۳
غیر خون تو ۳۰۷۲:۲
غیر دنیا باشد ۳۸۸۵:۶
غیر دنیا پس ۳۸۸۶:۶
غیر راه ۳۲۰۳:۶
غیر زوتر ۷۰۹:۳
غیر شه را ۲۹۶۲:۴
غیر شیر او ۴۵۹۳:۳
غیر صبر ۴۰۰۹:۵
غیر صد دینار ۳۲۵۰:۶
غیر صدوقی ۴۴۷۸:۶
غیر ظاهر، دست ۱۶۱۱:۳
غیر عِلّامِ سِر ۲۳۶۸:۳

غیب‌ها از رَشک ۳۳۵۱:۲
غیب‌ها بین ۲۵۸۲:۲
غیبیان ۹۷۱:۴
غیر آن، بر بسته ۴۷۱۱:۶
غیر آن پیر ایچ ۳۸۱۷:۶
غیر آن پیرو نبود ۲۱۶۹:۱
غیر آن جعد ۶۱۱:۶
غیر آنچه ۳۳۰۳:۵
غیر آن، رخنه ۲۵۸۹:۶
غیر آن زنجیر ۱۹۱۷:۵
غیر آتش کز ۱۶۳۱:۴
غیر آن قطب ۲۱۲۹:۱
غیر آنکه ۴۷۳:۳
غیر آن یک ۳۶۳۴:۶
غیر آواز ۲۰۷۹:۱
غیر اگر دعوی ۲۳۲۷:۴
غیر او را زهر ۳۲۹۵:۵
غیر این دو ۳۹۹۹:۶
غیر این شادی ۶۸۶:۴
غیر این ظاهر ۲۸۷۸:۴
غیر این عجلی ۱۷۹۲:۶
غیر این عَذبی ۸۰۱:۱
غیر این عقل ۳۲۳۴:۵
غیر این معقول‌ها ۳۲۳۳:۵
غیر این منطق ۴:۵
غیر این هفت ۷۵۵:۱
غیر بینی هیچ ۳۷۷۲:۱
غیر پیر استاد ۴۱۲۱:۶
غیرت آن باشد ۱۷۱۳:۱
غیرت، آن خورشید ۶۷۷:۶
غیرتِ حق، بانگ ۲۸۵۷:۲
غیرتِ حق بر مثل ۱۷۷۱:۱
غیرتِ حق بود ۱۷۱۲:۱
غیرتِ حق پرده‌ی ۲۶۱۵:۶
غیرتش از ۹۷۳:۴

فجفجی افتادشان ۳: ۲۲۸۲	فال بد رنجور ۳: ۱۵۷۹	فارغ از تشنّیع ۲: ۴۱۳
فجفجی در جمله ۶: ۲۵۱۶	فال چه؟ ۳: ۲۹۵۸	فارغ از حسّ است ۳: ۴۱۱۳
فجفجی در شهر ۶: ۱۹۴۷	فالق الاصبح ۱: ۳۹۸	فارغ از رنگ ۳: ۳۱۸۹
فحش آغازید ۲: ۱۴۵۵	فَانْتَظِرْهُمْ ۵: ۲۶۰	فارغ از مُردارم ۴: ۴۱۶۰
فحم باشد ۴: ۱۱۳۲	فانتقمنا منهم است ۱: ۳۱۰۳	فارغ است از چشم ۲: ۳۲۸۵
فخر آن سر ۴: ۲۹۶۵	فَأَتَتْقُمْنا مِنْهُمْ بِرِخْوَانَدَش	فارغ است از خِشت ۶: ۳۸۶۷
فخر دنیا ۳: ۷۶۹	۱: ۳۱۳۳	فارغان از ۱: ۳۸۹
فخرِ دین ۱: ۱۳۵۰	فانی است و گفت ۵: ۲۲۴۳	فارغت ۶: ۳۵۹۶
فخر را دادند ۳: ۱۱۲۱	فانی است و مُرده ۶: ۳۲۱۶	فارغست از شرح ۵: ۸
فخرِ رازی ۵: ۴۱۴۴	فانیست این جرخ ۴: ۲۸۳۳	فارغست از واقعه ۴: ۷۲۹
فخرها اندر ۳: ۸۶۶	فایده آن ۲: ۲۱۴۳	فارغم از ۳: ۴۱۰۲
فَرّاو کَرّویان ۲: ۲۳۴۲	فایده او بی خودی ۶: ۳۷۳۲	فارغیم از ۴: ۶۵۸
فرهش کن ۴: ۱۰۷۶	فایده اوّل سماع ۲: ۱۱۹۹	فارقم، فاروقم ۲: ۲۰۸۹
فَرّی پنهانت ۶: ۳۱۶۸	فایده اول که ۲: ۲۱۴۴	فازن بالحرّه ۱: ۲۸۰۵
فرهیی گر ۶: ۳۱۶۸	فایده تو گر ۲: ۱۰۷۲	فَاسْرِقِ الدُّرّه ۱: ۲۸۰۵
فَرّتان ۱: ۲۷۷۸	فایده چه ۲: ۱۱۹۷	فاسقی بدبخت ۴: ۳۲۰۱
فرج استر ۴: ۶۱۶	فایده دیگر ۲: ۱۲۰۶	فاش اندر شهرها ۱: ۱۸۷
فرج گوید: ۵: ۲۲۱۴	فایدهش آن قوّت ۶: ۳۷۳۴	فاش تسبیح ۳: ۱۰۲۲
فرجه او شد ۱: ۲۷۸۶	فایدهش بی صورتی ۶: ۳۷۳۵	فاش سیروا ۴: ۴۶۹
فرجه صندوق ۶: ۴۵۱۶	فایدهش بی هوشی ۶: ۳۷۳۳	فاش کرد ۶: ۸۹۹
فرجه کن چندانکه ۶: ۶۸	فایده شد ۱: ۱۵۲۲	فاش گردد ۴: ۳۵۸۷
فُرجه بی ۶: ۶۷	فایده هر ظاهری ۴: ۲۸۸۰	فاش می بینم ۱: ۳۵۲۶
فَرّخ آن ترکی ۳: ۳۶۱۳	فایده هر لعب ۴: ۲۸۸۹	فاش می گفتم ۶: ۲۶۵۰
فَرّخ آن کس ۲: ۳۶۲۸	فتنه آمد ۴: ۱۴۳۸	فاش و مطلق ۳: ۱۱۸۴
فَرّخ او ۴: ۳۱۱۴	فتنه اش هر ۶: ۳۷۶۶	فاضلان ۶: ۳۱۷۴
فرد بود ۱: ۲۵۰۵	فِتْنَةُ ذاتُ ۵: ۳۳۵	فاطمه مدح ۲: ۱۷۴۳
فردی ما جفتی ۶: ۲۱۴۲	فتنه افهام ۲: ۳۷۲۱	فَاعْفُ عَنّا ۵: ۳۳۰۷
فرش آن را ۴: ۵۶۴	فتنه توست ۵: ۵۳۵	فاعل چه؟ کو ۳: ۳۶۸۵
فَرّ شادی ۵: ۲۰۸۱	فتنه که لرزند ۵: ۴۲۱۰	فاعل مطلق ۶: ۳۷۴۲
فرش افسرده ۵: ۲۱۳۱	فتنه و آشوب ۱: ۱۴۲	فاعل و مفعول در ۶: ۳۶۱۹
فرش، بی فَرّاش ۴: ۴۷۹	فتنه و تشویش ۶: ۹۶۰	فاعل و مفعول، رسوایی
فرشِ خاکی ۵: ۲۲۸۳	فتنه ها ساکن ۶: ۱۴۹۲	۶: ۱۷۳۲
فرشِ دولت ۲: ۷۳	فتنه ها و شورها ۵: ۳۴۵۷	فاعلی ها ۳: ۳۶۸۵
فرش سوزان ۵: ۲۱۳۱	فتویات این ۲: ۲۲۰۹	فاقه جان ۳: ۴۸۴
فرش و سقف ۲: ۲۸۲۹	فجفجه افتاد اندر ۵: ۲۸۲	فال بد با توست ۳: ۲۹۶۹

فرصت آمد ۹۴۲:۶*	فرق‌ها بی‌حد ۴۲۰:۴	فعلِ دزدی ۴۲۰:۶*
فرصت آن ۶۴۸:۳	فرّ و نور ۲۶۴۷:۴*	فعل را در غیب اثرها ۱۶۶۱:۱
فرستی ۵۰۳:۶*	فسق و تقوی ۱۷۸۲:۵*	فعل را در غیب صورت ۴۲۰:۶*
فرض باشد ۲۳۸۲:۵*	فصلِ او ۱۲۰۸:۲*	فعلِ ما، آثار ۱۴۸۲:۱*
فرض شد ۴۵۷۴:۳*	فصل تابستان ۳۲۶۶:۱	فعلِ ما می‌دید ۲۸۵۷:۶*
فرض گشته ۹۵۲:۴*	فضل آمد ۳۰۵۱:۱*	فعلِ من، بر دین ۳۷۸۸:۱*
فرض می‌آری ۴۸۶۰:۶*	فضل آن آتش ۳۳۹:۵	فعل و قول آمد ۲۳۶:۵
فرطِ نور ۶۹۱:۶*	فضل آن مسجد ۱۱۳۹:۴	فعل و قول آن ۲۳۸:۵
فرع بیند ۱۷۰۹:۵*	فضل بودی ۱۶۱۹:۴*	فعل و قول اظهار ۲۵۸:۵
فرع دید آمد ۱۶۷۹:۱	فضل تو گوید ۴۲۰۶:۵	فعل و قولِ ما ۱۷۵:۵*
فرع گفتن ۳۰۶۶:۴*	فضل حق با ۱۹۵:۵	فعل و قول و صدق ۴۱۸۸:۳
فرع، ماییم ۲۸۹۶:۵*	فضل حق راکی ۲۸۶۱:۲*	فعل‌ها و مکرها ۳۲۰۵:۲*
فرّ فردوسی ۳۱۱۴:۶*	فضل طاعت ۳۶۸:۱	فعلِ هر دو ۱۴۲۵:۶*
فرق آنکه ۳۴۶۴:۴	فضل کرد ۹:۴*	فَقْدِ استعداد ۴۴۲۴:۶*
فرق بسیارست ۱۵۵۳:۶	فضل مردان بر زنان ۱۶۱۸:۴	فقر آن محمود توسست ای بی
فرق بنهادم زبَد ۳۱۳۹:۵*	فضل مردان بر زن ای ۱۶۲۰:۴	سعت ۱۴۰۰:۶*
فرق بنهادم میان ۳۱۳۹:۵	فضل، مس‌ها ۱۶۸۷:۴	فقر آن محمود توسست ای بیم
فرق بین ۳۳۴۳:۴	فضل و رحمت را ۱۲۷۸:۲*	دل ۱۴۰۲:۶*
فرقت از قهرش ۲۶۳۳:۲	فضل و رحمت‌های ۲۹۲۲:۳*	فقر ازین رو ۳۲۸۱:۳
فُرْقَتِ تلخ ۴۱۳:۵*	فُضْلُهُ آن ۱۶۰۱:۴*	فقرخواهی ۱۰۶۳:۵
فرقت صدر ۳۷۹۵:۳	فضل‌ها ۱۰۱۶:۴	فقر را از ۱۳۲۲:۲
فرقِ تو ۲۷۸۰:۳*	فضله ماند زین ۳۵۳۷:۶	فقر، فخرست ۲۳۴۲:۱*
فرقتی لَوْلَمْ تَكُنْ ۳۹۳۶:۱	فعل آتش ۱۳۷۸:۵	فقر فخری از ۲۳۵۷:۱
فرق چون ۲۴۱۲:۴*	فعل او کرده ۲۲۱۰:۵	فقر فخری بهر ۷۱۵:۵
فرق را آخر ۱۰۸۸:۵*	فعل باران ۲۰۴۳:۱	فقر فخری را ۶۷۳:۵
فرق راکی ۲۸۳:۱*	فعل برارکان ۳۷۳۱:۶	فقر لقمه ۲۷۵۳:۱
فرق زشت و نفز ۲۹۶۷:۶	فعل، بودی ۹۶۰:۲*	فقر و حاجت ۲۲۴۵:۱*
فرق‌شان ۲۷۱:۱*	فعل، پندارد ۳۹۴:۱*	فقر و خواریش ۴۵۱۹:۳*
فرق کن ۳۴۹۲:۳*	فعل توسست این ۳۱۸۲:۵	فقر و رنجوری ۳۰۴۱:۱
فرق، گئی ۸۵۳:۱*	فعل تو که ۴۱۹:۶	فقه خواند ۲۸۳۱:۱*
فرق نبود از امین ۳۱۴۲:۵*	فعل تو وافی‌ست ۱۰۵۰:۵	فقه فقه ۲۸۴۷:۱
فرق نبود هر ۳۱۴۴:۵	فعلِ حق ۳۰۱۰:۵*	فقه گفت ۱۱۶۰:۴
فرق نتوان ۶۷۹:۱	فعلِ خوابست ۳۶۵۳:۴*	فکر آن باشد ۳۲۰۷:۲
فرق، واجب ۳۰۲۲:۴*	فعل خود ۲۷۲۷:۲*	فکرِ آن، فکرِ ۷۲۹:۵*
فرق و اشکالات ۴۱۹:۴	فعل دارد ۱۵۸۱:۳*	فکر اگر جامد ۱۴۷۵:۶*

- فکر، پنهان ۱۰:۳۱ #
فکر از ماضی ۱۷۷:۲
فکر بد ۵۵۸:۵
فکرت گو ۸۵۶:۲
فکرتش بازیچه ۲۵۸۴:۵
فکرت و انکار ۸۹۵:۴
فکر تو نقش ۱۹۸۶:۲
فکرت هر ۳۶۴۳:۵
فکرتی کز ۳۷۰۲:۵
فکر خفته ۳۲۳۹:۴
فکر خود را ۱۶۵۹:۵
فکر در سینه ۳۶۹۳:۵
فکر را ای ۳۶۷۷:۵
فکر زنبورست ۷۳۱:۵
فکرشان ۱۲۰:۶
فکرش اینکه ۱۸۵۷:۲
فکر، شیر ۲۹۰۹:۱
فکر شیرین ۲۸۹:۶
فکر طفلان ۱۲۸۸:۵
فکر غم را ۳۶۹۸:۵
فکر غم گر ۳۶۷۸:۵
فکر کان از ۳۰۵۵:۴
فکر کن ۲۸۱۵:۴
فکر کو آنجا؟ ۱۱۴:۶
فکرگاهش ۳۰۸۴:۲
فکر ما تیری است ۱۱۴۳:۱
فکر می جنباند ۳۰۵۴:۴
فکر و اندیشه ست ۲۴۹۲:۵
فکر و ذکر ۲۲۶:۶
فکرها اسرار ۱۳۱۸:۴
فکرها را اختران ۲۷۸۴:۶
فلسفه گفتش ۳۹۹۴:۶
فلسفی از ۲۹۲۴:۲
فلسفی خود را ۲۳۵۶:۶
فلسفی را ۲۱۵۱:۱
فلسفی کو ۳۲۸۰:۱
فلسفی مر ۳۲۸۳:۱
فلسفی منطقی ۱۶۳۶:۲
فلسفی منکر ۳۲۷۸:۱
فلسفی و آنچه ۱۲۱۳:۳
فلسفیی گفت ۲۸۳۴:۴
فنی من اینست ۲۳۹۲:۴
فنی من، جز حرف ۲۳۹۰:۴
فوت اسپ ۴۰۶۱:۵
فوت شد از ما ۹۳۰:۳
فوت شد از من ۲۲۶۷:۴
فوت کردی ۲۲۵۶:۴
فوق آمد ۲۴۲۵:۶
فوق املاکی ۱۳۸۹:۶
فوق قهر ۲۹۶۷:۴
فوق گردون ۴۵۱۱:۳
فوقینی آنجاست ۱۹۶۳:۲
فهم، آبست ۲۰۹۹:۳
فهم آن چون ۳۶۱۸:۲
فهم آن می کرد ۱۲۶۶:۳
فهم آید ۳۲۵۷:۲
فهم این ۲۶۸۳:۶
فهم تو چون ۶۵۸:۶
فهم را ترسم ۳۷۳۰:۲
فهم کرد از حق ۲۳۶۹:۲
فهم کرد از نیک بختی ۱۱۶۴:۲
فهم کردست آن ندا ۲۱۰۹:۱
فهم کردم ۲۸۶۸:۴
فهم کردند پس ۳۰۹۳:۶
فهم کرده آن ۲۱۰۸:۱
فهم کردی ۱۵۳۹:۴
فهم کز کرده ۲۲۱۸:۶
فهم کن آن را ۱۵۴:۴
فهم کن، اینجا ۲۴۶۴:۴
فهم کن تبدیل های ۱۲۸۶:۱
فهم کن کان جمله ۱۴۱:۴
فهم کن کان وقت ۳۷۳۴:۵
فهم کن گر ۱۰۲۱:۵
فهم کن موقوف ۲۷۶۹:۵
فهم کن واللّه أعلم بالصواب ۲۹۶۴:۱
فهم کن واللّه أعلم بالصواب ۳۳۸۸:۳
فهم کن، وز جستجو ۷۶۳:۵
فهم کو در جمله ۴۱۶۴:۶
فهم گرد آریم ۴۶:۱
فهم می کن حالت ۱۲۸۹:۱
فهم نان کردی ۳۷۴۵:۳
فهم ناید، خواندنش ۳۳۸۳:۲
فهم و خاطر ۵۳۲:۱
فهم و ضبط ۱۱۴۱:۵
فهم های ۲۷۶۲:۱
فهو لا یرضی ۳۷۲:۳
فی السماء رزقکم روزی ۱۷۴۲:۵
فی السماء رزقکم کرده ۳۸۰۴:۲
فی السماء رزقکم نشیده بی؟ ۱۹۵۶:۲
فی القواد ۳۲۶۱:۳
فی المقام ۱۷۵۵:۳
فی امان الله ۳۶۳۳:۶
فی شجون ۱۵۹۸:۶
فیصل آن ۲۱۶:۶
فیض آن جان ست ۱۹۵۸:۴
فیض شادی ۱۲۷۸:۵
فیه آیات ۲۹۸۴:۲
فیه أشجار ۵۱۶:۳

قبض و دل تنگی ۳: ۳۵۵*	قاضیانی ۴: ۲۱۷۵	ق
قبض‌ها بعد ۳: ۳۵۳*	قاضی زیرک ۶: ۴۴۷۵*	قابل امر ۱: ۹۳۷
قَبْطِ اینک ۴: ۳۴۳۵*	قاضی مسکین ۲: ۲۷۴۷*	قابل این ۱: ۲۹۱۲
قبطی اندر ۴: ۳۴۴۳*	قاضی بنشانند ۲: ۲۷۴۴	قابل تعلیم ۴: ۱۲۹۶
قَبْلَ أَنْ یُلْقَوْکُمْ ۳: ۲۸۳۶*	قاطع الأسباب ۶: ۳۶۰۴	قابل خوردن ۲: ۱۰۹۷
قبله از دل ۶: ۱۹۸۴	قاطعانِ راه ۴: ۸۱*	قابل ضو ۶: ۴۱۱۶
قبله‌اش دنیاست ۴: ۱۶۵۶*	قاطع جنگ ۶: ۱۴۹۱*	قابل فرمان ۱: ۱۰۷۴*
قبله افعال ۴: ۱۱۴۳*	قاعده هر ۴: ۱۳۵۶	قابله گوید ۲: ۲۵۲۰
قبله باطن ۶: ۱۹۰۰	قافله حیران ۳: ۳۱۶۱	قابلیت نور ۲: ۲۶۰۱*
قبله بی آن نور ۶: ۲۰۷۳*	قافیه اندیشم ۱: ۱۷۲۷	قابلی گر ۵: ۱۵۴۲
قبله‌تان غول‌ست ۵: ۴۰۷۷*	قافیه دولت ۱: ۱۷۲۸*	قابلی، مقبول ۱: ۹۳۶*
قبله جان ۵: ۲۲۸۰	قال أطعمنی ۱: ۱۳۲۰	قادر است ۶: ۱۷۴۲*
قبله حاجت ۱: ۲۲۴۹	قالب از ما ۱: ۱۸۱۲*	قادری بر خوب ۲: ۲۵۴۹*
قَبْلَ هَدم ۶: ۵۳۷*	قابلیت بی‌جان ۵: ۳۴۲۳*	قادری بی‌گاه ۶: ۵۵۵
قبله را از لابه ۳: ۲۳۱۲*	قابلیت پیدا ۵: ۳۴۲۴	قاصداً آن ۴: ۱۶۲۰
قبله را چون ۶: ۲۶۲۶	قالب خاکی ۲: ۳۷۷۸	قاصداً آورد ۵: ۱۰۷۰*
قبله زاهد ۶: ۱۸۹۸	قالب کفش ۶: ۱۵۲۶*	قاصداً تا خواجه ۲: ۱۵۱۱*
قبله‌سازِ اصل ۶: ۳۱۳۳*	قال و حالی ۱: ۲۲۱۲	قاصداً چیزی ۵: ۲۴۰۸*
قبله صورت پرستان ۶: ۱۸۹۹*	قامت تو ۳: ۴۲۲۴	قاصداً خود ۲: ۳۵۶۰
قبله ظاهر پرستان ۶: ۱۹۰۰*	قانع آن باشد ۶: ۱۴۷۳*	قاصداً رفته ۲: ۱۴۳۵*
قبله عارف ۶: ۱۸۹۷	قانعی با ۵: ۹۹۲۰	قاصداً زیر ۲: ۳۵۶۲
قبله عَبْدُالبَطون ۶: ۱۸۹۶*	قاهری ۳: ۴۵۶۳	قاصداً سایل ۴: ۳۰۰۷
قبله عقلِ مفلِس ۶: ۱۸۹۷*	قایل این بانگ ۳: ۲۳۴۰	قاصداً قلع ۵: ۵۴۲۰*
قبله کردم ۶: ۱۴۵۳	قایلِ این، سامع ۶: ۲۲۷۰*	قاصدان را ۳: ۱۲۱۱
قبله کردی ۶: ۹۴*	قایم است اندر ۲: ۱۰۳۴*	قاصدان زو ۲: ۲۸۷۰
قبله مُطْمَع ۶: ۱۸۹۸*	قایم است و، جمله ۱: ۲۱۲۶*	قاصدانش ۱: ۱۸۴۳*
قبله معنی وران ۶: ۱۸۹۹	قایمی ده ۵: ۱۱۹۸*	قاصد او ۴: ۱۰۲۵
قبله نی ۱: ۲۲۸۵*	قُبْحان را ۶: ۲۴۶۴*	قاصدِ اِهلاک ۵: ۳۸۳۹*
قبله وحدانیت ۶: ۳۱۹۳	قبضِ آن مظلوم ۳: ۳۵۶*	قاصدِ خون ۲: ۵۵۳*
قبله‌یی سازیده ۴: ۲۴۳۹*	قبضِ اَعْمی ۳: ۳۰۴۹*	قاصد شه ۲: ۳۶۵۳
قُبّه قُبّه دید ۴: ۱۹۳۱*	قبض دل، قبض ۳: ۳۵۸	قاصدی دانا ۲: ۳۶۴۴
قبه‌یی بر ساختستی ۴: ۱۶۴۷	قبض دیدی ۳: ۳۶۲	قاصرات الطرف آمد ۵: ۳۲۹۳
قتل الانسان ۳: ۲۷۳	قبض و بسطِ اندرون ۳: ۳۶۰*	قاصرات الطرف باشد ۵: ۳۲۹۲
قحبه گشتند ۲: ۲۳۳۵*	قبض و بسط چشم دل ۶: ۳۵۱۲	قاصر از معنی ۳: ۱۱۵۵*
قحبه‌یی را خواستی ۲: ۲۳۳۳*	قبض و بسطِ دست ۵: ۳۳۱۳*	قاضیان را در ۶: ۲۸۶۹

قحط از مصرش ۶: ۲۷۹۴	قدر حاجت، موش ۲: ۳۲۷۳*	قرعه بر هرک ۱: ۹۹۶
قحط، بیخ ۴: ۳۲۴۳*	قدر خود ۳: ۲۷۸۳*	قرن حمله فکر ۵: ۳۹۱۸*
قحط ده سال ۱: ۲۲۷۰	قد ردی ۱: ۱۰۰*	قرن قرن از ۶: ۴۸۶۴
قحط دیده ۴: ۳۶۱۸*	قدر عشق ۶: ۷۹۱*	قرن ها بر ۶: ۳۱۷۷
قحط معنی ۱: ۱۰۶۰*	قدر فندق ۲: ۳۴۹	قرنها بگذشت ۶: ۳۱۷۵
قحط و جذب ۶: ۱۸۵۲*	قدر من دانسته ۵: ۴۱۸۳*	قرن ها را ۶: ۳۷۶۵
قحط ها و دردها ۳: ۳۰۱۵*	قدر هر روزی ۵: ۲۱۸۲	قره العینان ۶: ۳۵۸۵*
قد او ۴: ۱۸۳۸	قدر همت ۴: ۲۹۱۲	قره العینت ۶: ۳۵۹۹
قد توله ۳: ۴۸۱*	قدس دیگر ۱: ۲۶۵۰*	قسم او خاکست ۵: ۳۰۲
قد جعلنا ۴: ۱۱۲۰	قد علوت ۵: ۳۳۰۸*	قسم باطل باطلان را می کشد
قدح او را ۶: ۱۰۹۳	قد فضضم ۳: ۴۲۶	۵: ۲۱۲۹*
قدر آن دادی ۵: ۲۸۰۰*	قد کذبت ۲: ۲۸۸۷*	قسم باطل باطلان را می کشند
قدر آن ذره ۵: ۳۱۴۱	قد کمان ۶: ۱۲۲۴*	۸۲:۲
قدر او قدر سکره بی ۳: ۲۶۰۴*	قد هلکنا ۲: ۶۳۷*	قسمتان از ۳: ۴۳۴۷*
قدر پشه ۵: ۲۸۲*	قرب آوازش ۲: ۳۵۷۷	قسمت حقست روزی ۳: ۳۰۴۲
قدرت آتش ۵: ۱۹۳۵*	قرب بر انواع ۳: ۷۰۵	قسمت حقست مه را ۶: ۴۰۲
قدرت آن ۱: ۷۹۸	قرب بی چون، چون ۴: ۳۶۸۷	قسمت خود، خود ۲: ۲۸۲۴
قدرت از عزل ۵: ۱۵۴۶*	قرب بی چونست ۴: ۳۶۸۶	قسمت خود را ۲: ۲۸۲۴*
قدرت سرمایه ۳: ۳۲۹۹	قرب پنجه ۱: ۳۹۸۷	قسمتش کاهی ۲: ۴۶۵
قدرت تو بر ۵: ۳۰۹۶	قرب جان شد ۴: ۱۱*	قسمتم حق ۵: ۲۲۵۶*
قدرت تو نعمت ۱: ۴۷۳*	قرب حق ۳: ۴۵۱۴*	قسم تو گرمی ست ۴: ۲۰۸۰
قدرت حق ۱: ۴۷۱*	قرب خلق ۳: ۷۰۴	قسمت هر یک ۵: ۲۳۹۱*
قدرت خود بین ۱: ۴۷۳	قرب ماهی ۳: ۵۸۷	قسمتی کرده ست ۳: ۲۹۰۸
قدرت خود را ۱: ۶۳۵*	قرب نه بالا ۳: ۴۵۱۳	قسم دیگر با خران ۴: ۱۵۰۹
قدرتست ۶: ۳۳۱۵*	قرب وحی ۳: ۷۰۴*	قسم، دیگر را دهی ۶: ۲۴۱۲*
قدرتش بر ۵: ۳۰۹۷	قرص او ۴: ۱۸۴۳*	قسم سادس ۶: ۳*
قدرتش جا ۶: ۳۰۶۷*	قرص خورشیدست ۵: ۳۶۱۰	قسم من بود ۳: ۱۶۹۱
قدرت مطلق ۵: ۱۵۴۸*	قرص مه را قرص ۱: ۲۲۵۶	قسم موش ۵: ۳۰۱*
قدرت نسیان ۱: ۱۶۷۴*	قرص مه را کرد ۲: ۹۲۱*	قسم هجده ۵: ۸۰*
قدر تو ۵: ۱۵	قرص نان از قرص ۵: ۱۳۲۹*	قسم هر روزش ۱: ۹۹۵
قدرت یزدان ۵: ۱۰۲*	قرض تو کردی ۶: ۴۲۵*	قسم هر مفضل ۶: ۲۴۲۳*
قدر جان از پرتو ۳: ۲۵۳۵*	قرض ده زین ۵: ۱۰۰۲	قشر پیوسته ۴: ۳۲۸۳*
قدر جان زان ۶: ۴۲۰۹	قرض ده، کم ۵: ۱۴۷	قشر جوز ۳: ۱۳۸۸
قد رجعتا ۱: ۱۳۸۷*	قرض نهد کس ۲: ۶۶۴*	قشر قصه ۴: ۲۲۰۳*
قدر حاجت، مرد ۲: ۳۲۷۹*	قرض نهد هیچ کس ۲: ۶۵۰*	قشر گفتن ۵: ۱۱۷۷*

قصر و عکس ۳۰۵۸:۴	قصه من آن ست ۷۵۱:۴	قصه ۴۸۶۵:۶
قصرها بر روی ۳۲۹۷:۲	قصه من از خلق ۲۶۳۵:۲	قصه کوتاه کن که قاضی
قصرها را مغز ۳۲۹۸:۲	قصه من ز آنها ۲۱۱۲:۳	۴۴۵۵:۶
قصرهای ۳۲۸۳:۴	قصه من کردی؟! ۱۸۸۴:۲	قصه گنج و فقیر ۱۹۳۸:۶
قصه آزار ۳۷۴۸:۲	قصه هر درویش ۲۱۵۴:۲	قصه گواز ۳۴۶۶:۱
قصه آن دلال ۳۴۶۴:۶	قصه هر دو ۱۱۷۰:۱	قصه گویم ۸۴۵:۴
قصه آن مه ۳۸۷۷:۵	قصر چیزی ۳۴۲۲:۶	قصه محمود ۱۸۹۱:۵
قصه او آن ۲۱۹۶:۶	قصر را از ۲۶۰۵:۲	قصه واگفت ۲۰۱۴:۲
قصه او و خواه ۴۰۳۳:۶	قصرها از ۲۶۸۸:۵	قصه ها آغاز ۲۱۰۹:۳
قصه ایشان ۲۸۵۹:۲	قصرها خود ۳۵۳۷:۳	قصه های عشق ۱۳:۱
قصه تو آنست ۲۴۰۷:۶	قصرهای منتقل ۳۵۰۸:۶	قصه یونس ۱۶۱۶:۵
قصه جست و جوی ۷۸۳:۶	قصه آن آبگیر است ۲۲۰۲:۴	قطرُ اِلّا ۱۱۲۱:۴
قصه جفت ۳۹۹۷:۵	قصه آن خواب ۴۲۷۴:۶	قطب آن باشد ۲۳۴۵:۵
قصه جنگ ۳۱۱۳:۲	قصه اش گویند ۳۶۴۵:۳	قطب شیر ۲۳۳۹:۵
قصه خفت ۳۹۴۳:۵	قصه اصحاب ضروان ۴۷۴:۳	قطب گوید ۳۶۵۵:۳
قصه خون تو کند ۱۷۴۲:۲	قصه اهل سبا ۴۱۳:۳	قطب و شاهنشاه ۲۱۹۶:۳
قصه خون تو کنند ۱۱۴۸:۵	قصه با طالب ۲۰۶۷:۲	قطره آبی ۳۴۹۰:۴
قصه خون من ۳۰۴۹:۲	قصه بسیار ۹۶:۵	قطره ای از دجله ۲۸۶۱:۱
قصه خون ناصحان ۳۷۹:۳	قصه پاره ۱۶۵۳:۶	قطره ای باشد ۲۷۱۹:۱
قصه دارد ۱۵۶۴:۳	قصه پر ۱۵۶۳:۴	قطره ای بی علت ۲۵۶۰:۱
قصه در معراج ۲۲۲۶:۲	قصه پیغمبرست ۴۲۳۳:۳	قطره ای دانش ۱۸۸۲:۱
قصه دش آنکه ۲۱۹۴:۶	قصه خرگوش ۲۸۱۰:۳	قطره ای را سوی ۳۱۹۴:۱
قصه شان آن ۲۴۱۴:۶	قصه دور ۱۸۲۲:۶	قطره ای زین است ۲۷۳۳:۱
قصه شان تفریق ۲۸۶۱:۲	قصه دوزخ ۷۷۹:۱	قطره های ۱۸۸۱:۵
قصه شان ز انکار ۴۳۴۷:۶	قصه راز ۹۱۵:۴	قطره ای کز ۱۶۱۲:۲
قصه شه آن ۲۱۹۴:۶	قصه را پایان بر ۳۸:۴	قطره ای کو ۱۸۸۶:۱
قصه شه از ۷۲۸:۴	قصه رنجور ۱۰۲:۱	قطره با قلمز ۳۶۲۶:۳
قصه صورت ۱۱۷۸:۲	قصه شاه و امیران ۱۵۶۱:۲	قطره دل ۱۰۱۷:۱
قصه کردستند ۲۰۱۱:۶	قصه طوطی جان ۱۵۷۵:۱	قطره را ۲۶۲۱:۴
قصه کعبه ساختند ۲۹۰۴:۲	قصه عاد ۳۳۰۷:۱	قطره علم است ۱۸۸۳:۱
قصه کعبه کن ۲۲۲۵:۲	قصه عثمان ۴۸۷:۴	قطره قطره ۴۱۶۹:۵
قصه گنجی ۲۲۲۲:۲	قصه عهد ۴۵۷۵:۳	قطره گرچه ۱۴۹۶:۶
قصه از الفاظ ۷۵۸:۴	قصه کوتاه کن برای ۱۵۶۲:۴	قطره می بارید و بالا ۷۰۶:۵
قصه از انشایش ۷۵۸:۴	قصه کوتاه کن کز آن ۳۷۶۷:۵	قطره می بارید و حیران
قصه ما بسترست ۲۰۰:۴	قصه کوتاه کن که رشک	۲۵۶۰:۱

قطره‌ها اندر ۱:۱۴۶۹ #	قلب مؤمن ۳:۴۲۵۹ #	قوت اندر ۲:۱۱۰۱ #
قطره‌های بحر ۵:۲۷۳۲	قلب می‌زد ۴:۳۸۴۹	قوت ایمانی ۲:۶۳۵
قطره‌یی از باده‌ها ۳:۸۲۳	قلب می‌گوید ۴:۱۶۷۹	قوت برکندن ۲:۱۲۲۶ #
قطره‌یی از بحر خوش	قلب و نیکو در جهان ۲:۲۸۶	قوت پا ۳:۲۱۶۲
۳:۴۳۴۴ #	قلب و نیکو را محک	قوت پیران ۲:۴۲۵ #
قطره‌یی از بحر عدل ۶:۱۴۹۵ #	۲:۲۷۳۳ #	قوت از قوت ۳:۳
قطره‌یی بر ریز ۴:۱۸۱۶	قلب‌ها را خرج ۲:۲۹۲۹ #	قوت تجرید ۵:۳۲۸۰ #
قطره‌یی بر هر ۳:۱۱۰۴ #	قلب‌های ۳:۴۷۰۱	قوت جان است ۱:۱۴۷۶
قطره‌یی ده ۴:۲۶۲۲ #	قلبانا ۶:۷۱۳	قوت جانِ جان ۳:۴۲۸۷ #
قطره‌یی ز آن ۶:۲۳۴۲	قل تعالوا قل تعالوا ای ۴:۲۰۲۸	قوت جبریل ۳:۶
قطره‌یی ز ایمانش ۵:۳۳۹۴	قل تعالوا قل تعالوا گفت	قوت حق ۲:۳۴۳۲
قطع خویشی ۵:۵۲۸ #	۴:۲۰۱۱	قوت حیوانی ۲:۱۰۸۳ #
قطع و وصل ۳:۱۹۴۰	قل تعالوا گفت از ۴:۲۰۰۶	قوت ذوق ۲:۶۳۶ #
قمر جو پر ۴:۲۴۸۳	قُلْ تَعَالَوْاْ كُفُّواْ جَانِم ۳:۴۱۰۲ #	قوت شُکرت ۲:۱۹۲۸ #
قمر چَه بگزید ۱:۱۲۹۹	قل تعالوا گفت حق ۱:۲۶۹۴	قوت علّت ۲:۱۰۸۲ #
قل بر دل‌های ۳:۲۹۰۱	قلتی کآن ۴:۳۱۳۳	قوت بخشید ۱:۱۳۶۶
قل را بر ۵:۲۰۵۱	قُلزمست و ۳:۱۳۰۳ #	قوت بشکست ۱:۳۱۳۶
قل زفتست ۳:۳۰۷۳	قلعه پیش ۶:۳۰۲۹	قوت می، بشکند ۳:۴۷۴۴
قل کردن ۵:۲۱۳۷	قلعه داری ۱:۳۶۳۵	قوت می‌خوردی ۶:۴۷۶۰
قل نه ۲:۳۵۷۱ #	قلعه را چون ۶:۳۶۰۰	قوت نفس و ۲:۲۶۸۱ #
قل‌ها بر ۳:۲۹۲۶ #	قلعه سلطان ۲:۲۵۴۶	قوت نقاش ۳:۱۳۷۳
قل‌های ۶:۱۶۶	قلعه نفروشد ۱:۳۶۳۶ #	قوت و قوت ۳:۲۱۵۰ #
قل أَعُوذُ ۵:۱۰۴۲	قلعه ویران ۱:۳۱۰۰	قوتی کآن ۶:۱۳۱۵
قلب، آتش ۴:۳۸۴۸	قلعه‌ها ۳:۴۵۰۶	قوت یک، قوت ۲:۳۲۳۷
قلب اعیان ست ۵:۷۸۸	قند او را ۶:۲۱	قوتی گیرد ۴:۷۴۳
قلب اگر در ۴:۱۶۸۲	قند بیند ۲:۲۳۱۰	قوتی گیرند ۳:۳۷۳۰ #
قلب، بین ۶:۳۵۱۶ #	قند حکمت ۶:۱۸۸۱	قوتی و راحتی ۳:۲۳۴۱
قلب پهلوی می‌زند ۱:۳۲۹۴	قند خر را ۶:۱۶۲	قوس ابرو ۶:۴۴۵۱
قلب چون آمد ۴:۸۲۱	قند شادی ۳:۳۷۵۲	قوس اگر از ۵:۴۲۳۳
قلب را ابله ۲:۲۹۲۸ #	قند می‌خوردید ۳:۴۵۴۷ #	قوس نورت ۳:۱۲۱۳ #
قلب را در قلب ۴:۳۸۴۸ #	قوت ارواح ست ۳:۲۵۱۱ #	قول ان من ۲:۳۷۰۸
قلب را که ۶:۹۷۷	قوت از حق ۱:۱۳۸۸	قول بنده ۵:۳۱۱۱
قلب را من ۲:۲۶۷۴	قوت استادان ۳:۲۱۵۶	قول پیغمبر به ۱:۹۰۷ #
قُلْ بَلٰی ۵:۱۹۱۳ #	قوت اصلی بشر ۲:۱۰۸۳	قول پیغمبر شنو ۳:۵۱۸
قلب ماندی ۵:۱۵۱۲	قوت اصلی را ۲:۱۰۸۱	قول پیغمبر قبوله ۳:۱۵۸۰

قول حق را ۲۲۹۲:۶	قوم گفتندش که او ۱۳۹۲:۱	قهر کردی ۲۴۴۱:۳
قول دشمن مشنو ۱۲۲۷:۱	قوم گفتندش که ای چون	قهر گردد ۱۱۷۸:۶
قول دیگر ۲۹۶:۲	۵۴۶:۶	قهر می‌کردید ۴۵۶۰:۳
قول و فعل بی ۲۵۵:۵	قوم گفتندش که‌ای خر	قهر نفس از ۲۶۸۴:۶
قوم اسرایلیان‌اند ۸۹۳:۳	۱۰۰۵:۱	قهر و لطفی جفت ۲۶۸۰:۲
قوم بُردند ۲۸۴۷:۶	قوم گفتندش که چندین ۹۹۸:۱	قهر و لطفی چون ۲۱۲۸:۵
قوم بروی ۲۰:۶	قوم گفتندش که قطب ۲۸۴۰:۶	قهرها را جمله ۲۹۸۳:۶
قوم بی‌سرور ۱۹۹۴:۴	قوم گفتندش که کسب ۹۱۵:۱	قهقهه خندید ۱۴۵۷:۲
قوم تو در ۱۰۴۸:۴	قوم گفتندش که ما ۲۷۸۴:۴	قهقهه زد ۱۰۳۴:۶
قوم خاتون ۱۹۵:۴	قوم گفتندش که: نامش	قی چه سودت ۳۳۷۹:۳
قوم دختر ۲۵۵۰:۶	۱۲۳۵:۴	قید بین بر ۴۷۹۰:۶
قوم دیگر پا ۳۷۵۸:۶	قوم گفتندش که هین ۳۹۳۸:۳	قی در افتادند ۳۵۹۶:۱
قوم دیگر را ۳۸۰۹:۲	قوم گفتندش: مکن ۳۹۹۳:۳	قیمت آنرا ۳۵۴۲:۶
قوم دیگر سخت ۳۱۰۴:۳	قوم گفتندم ۲۰۵۷:۳	قیمت خود ۲۶۵۲:۳
قوم دیگر، منتظر ۲۷۴۰:۱	قوم گفته ۲۶۷۴:۳	قیمتش افزود ۳۱۶۶:۱
قوم دیگر می‌شناسم ۱۸۸۰:۳	قومم آنگه ۳۵۳۴:۳	قیمتش بگذار ۴۰۴۷:۵
قوم دیگر ناپذیرا ۳۸۱۰:۲	قوم معکوس‌اند ۲۲۷۶:۶	قیمت صندوق ۴۵۲۲:۶
قوم دیگر نام ۲۰۵۴:۵	قوم موسی را نه ۳۳:۴	قیمت هر ۲۶۵۲:۳
قوم را پیغام ۴۴۷۴:۶	قوم موسی شو ۳۴۴۷:۴	قیمت همیان ۲۵۳۴:۳
قوم عیسی ۴۵۸:۱	قوم نوح ۲۶۶۱:۲	قیمتی گوهر ۴۰۷۴:۵
قوم فرعون‌اند ۱۶۶۰:۴	قوم، همچون ۲۱۴۰:۳	
قوم گفتا: دیر ۳۷۴۸:۵	قوم یونس ۱۶۰۸:۵	
قوم گفتند: ارشما ۲۹۴۸:۳	قهر آمد ۲۵۴۱:۱	کآب بر روشن ۳۵۳۶:۱
قوم گفتند: ای امیر ۲۷۸۷:۴	قهر او اَبَلَه ۲۸۱۹:۴	کآب جوشان ۱۶۴۳:۳
قوم گفتند: ای صحابی ۳۱۱۶:۳	قهر او را ۵۴۶:۴	کآب حیوانی ۳۹۰۷:۳
قوم گفتند: ای گروه این	قهر بر بندد ۳۷۵۰:۴	کآب راگر در وضو ۳۷۴۶:۵
۲۹۱۷:۳	قهر بر وی ۲۶۳۱:۲	کآب رو بُردی ۳۸۷۸:۱
قوم گفتند: ای گروه مدعی	قهر بین ۱۸۹۰:۶	کآتش اندر ۳۳۶۳:۳
۲۷۱۰:۳	قهر حق آن کِبَر ۱۹۳۹:۵	کآتش پنهان ۳۴۸۴:۳
قوم گفتند: ای نصوحان	قهر حق آورد ۳۲۳۳:۱	کآتشش از آب ۱۲۵۵:۲
۲۹۰۰:۳	قهر حق بهتر ۱۶۶۶:۵	کآتشش را ۴۷۲۶:۶
قوم گفتند: این همه ۲۷۳۳:۳	قهر را از ۱۵۰۶:۳	کآتش غم ۷۴۱:۴
قوم گفتندش: به پیکار ۳۷۶۸:۵	قهر سرکه ۱۸:۶	کآتش ما ۳۷۱۲:۱
قوم گفتندش: ز دیناری	قهر شد ۲۹۸۲:۴	کآتش وسواس ۳۴۶۷:۴
۲۸۲۱:۶	قهر شیرین ۲۵۸۱:۱	کآتشی بود ۱۹۲۷:۵

ک

کآ تشی دید ۳:۴۳۶۷*	کآن بلندی ها ۲:۲۲۶۳*	کآن خیالی ۵:۲۶۱۹*
کآ تشی مانده ۶:۱۴۱۶*	کآن بلیس از ۶:۲۹۳۳*	کآن درختان از ۳:۳۴۶۹*
کآ دم اید ۶:۲۲۶۴*	کآن بنای ۲:۲۸۷۶*	کآن درختان را ۲:۱۵۶۶*
کآ رزو را ۶:۱۳۳۲*	کآن بُود ۴:۷۱۲*	کآن در و دیوار ۵:۲۲۷۱*
کآ رمت ۱:۱۵۵۱*	کآن به دست ۶:۱۵۷*	کآن دریشان ۵:۱:۳۳۰*
کآ سمان از ۳:۶۱۸*	کآن به عاصی ۲:۱۲۰۴*	کآن دعا شد ۶:۲۶۲۳*
کآ سمان بیضه ۱:۲۴۸۲*	کآن به مقدار ۵:۳۳۳۳*	کآن دلیر آخر ۴:۴۲۲*
کآ سمان را فرش ۵:۲۱۹۳*	کآن پُل ۲:۲۸۴۲*	کآن دلیل غفلت ۴:۲۰۷۱*
کآ سمان را منتظر ۳:۳۴۷۹*	کآن تبسم ۱:۳۰۴۱*	کآن دو برجا ۳:۱۲۳۲*
کآ سمان هرگز ۵:۲۴۸۹*	کآن تَجَمُّش ۶:۱۱۰۸*	کآن دو چشم ۴:۳۴۸۰*
کآ سمانی شاه ۳:۴۶۴۳*	کآن تحمل ۶:۲۱۳۷*	کآن دو نشستند ۴:۴۹۱۰*
کآ شکارا تو دوايي ۲:۱۰۱۰*	کآن تف خورشید ۳:۱۰۶۰*	کآن دهنده ۴:۲۰۴۲*
کآ شنا بودند ۱:۳۱۵۸*	کآن جمال ۲:۷۱۶*	کآن رود ۴:۱۹۶۷*
کآ شنای صاحب ۵:۲۳۶۴*	کآن جوان در ۳:۴۷۸۰*	کآن ز قهر ۲:۱۲۵۱*
کآ قتاب از وی ۶:۶۹۲*	کآن جهان همچون ۶:۱۸۵۶*	کآن زمان شیر ۱:۳۳۸۱*
کآ قتاب حق ۶:۴۳۲*	کآنچنان پا عاقبت ۶:۴۱۷۴*	کآن زمین و آسمان ۱:۲۰۹۹*
کآ قتابش جان ۱:۳۷۷۶*	کآنچنان ماهی ۱:۱۷۲۳*	کآن ستیره ۴:۶۳۱*
کآ قتاب شرق ۱:۱۸۲۶*	کآن چنان نقد ۴:۱۲۲۷*	کآن سخنگویان ۵:۲۹۹۱*
کآ قتاب عدل ۱:۵۱۰*	کآنچه اصل ۵:۱۲۵۳*	کآن سر کوه ۵:۱۷۵۹*
کآ قتاب نعمتم ۱:۲۵۴*	کآنچه با او ۶:۳۹۵۶*	کآن سر مکتوم ۳:۲۴۴۲*
کآ فرید از ۱:۲۶۴۷*	کآنچه بگرفتی ۶:۳۵۹۳*	کآن سگ دوزخ ۱:۱۳۵۴*
کآ فرینش بر ۵:۲۲۰۷*	کآنچه، خواهی ۵:۳۱۱۴*	کآن سلیمان ۲:۳۷۴۶*
کآ مد از وی ۱:۳۷۳۳*	کآن چه دارد ۲:۱۰۲۵*	کآن سیاهی ۲:۳۳۸۴*
کآ مد این ۲:۲۲۵۴*	کآنچه دوزخ ۵:۴۱۶۹*	کآن شکر گاهی ۱:۱۹۷۹*
کآ مدش از حق ۱:۲۱۰۶*	کآنچه ما کردیم ۴:۳۵۹۲*	کآن شهنشه ۶:۱۱۵۹*
کآ مدش پیغام ۴:۳۵۷۵*	کآنچه می کاری ۶:۳۷۷۱*	کآن شهی که ۴:۳۶۷۷*
کآ مدند ایشان ۳:۳۶۰۹*	کآنچه می گوید ۱:۳۲۳۲*	کآن طبیبان ۶:۳۶۷۳*
کآ مدیم ای شاه ۵:۶۵*	کآن حریصان ۱:۹۴۸*	کآن طرف ۱:۸۸۸*
کآ من است ۶:۴۰۱۸*	کآن خدای ۵:۱۷۵۰*	کآن طمع که ۱:۱۸۵۹*
کآن آجل گرگ ۳:۳۹۹۸*	کآن خر بیرست ۲:۲۰۷*	کآن عجب زین ۲:۳۵۰۴*
کآن اسیران ۳:۸۴۹*	کآن خرش در ۲:۲۲۱*	کآن عدد را ۱:۶۶۵*
کآن امان نامه ۶:۳۸۷۲*	کآن خوشی در ۳:۵۵۷*	کآن عرض ۳:۳۴۴۶*
کآن بُد اندر ۴:۲۵۷۰*	کآن خیالات فَرَج ۲:۵۹۸*	کآن علم ها ۲:۳۱۵۴*
کآن بزد ۶:۴۸۷۲*	کآن خیال اندیش ۱:۵۳۳*	کآن عوض ها ۳:۲۱۰۶*
کآن بلا بر تن ۳:۳۳۴۹*	کآن خیالت ۲:۵۹۷*	کآن غذای ۳:۶۷*

کار او اینست ۲۰۸:۵	کآن نشاند ۲۶۴۷:۶	کآن غله‌ش ۱۴۸۶:۵
کار او بی‌رونق ۱۲۱۵:۳	کآن نشان و آن ۱۶۸۸:۲	کآن فراق ۳۵۱۴:۲
کار او دارد ۵۸۶:۶	کآن نظر بختست ۲۶۲۱:۶	کآن فزون آمد ز کوشش‌های
کار او زآن ۳۶۲۷:۴	کآن نظر شیرین ۴۱۱۹:۵	۳۳۵۹:۵
کار ایشان بد ۲۷۷۵:۱	کآن نظر نوری ۵۹۷:۴	کآن فزون آمد زماه ۱۹۳۳:۶
کار ایشان را ۴۸۸۷:۶	کآن نفس خواهد ۱۴۵:۲	کآن فسون ۲۵۸۵:۳
کار بخت است آن ۷۳۴:۲	کآن نمی‌گنجد ۲۸۶۱:۱	کآن فلان کس ۴۷۸۸:۳
کار بخت است این ۳۷۸۴:۵	کآن یزد ۴۸۷۲:۶	کآن فلانی ۷۲۳:۲
کار بی‌استاد ۱۴۰۴:۵	کآن یکی جان ۴۱۵:۴	کآن فلک پیمای ۹۵۴:۶
کار بی‌چون ۳۱۱:۱	کآن یکی دریاست ۹۶۸:۳	کآن قبول ۴۸۲:۱
کار بی‌علت ۱۹۲۹:۵	کآن یکی گنجیست ۱۹۱۸:۵	کآن کسا از ۳۰۶۳:۶
کار پاکان ۲۶۳:۱	کآیدم میوه ۴۱۹۰:۶	کآن کشنده ۳۸۹۰:۱
کار پروانه ۴۴۲:۵	کآیم آیم ۴۳۲۴:۳	کآن کلوخ از حسن ۳۷۶:۵
کار پنهان ۱۵۰۱:۲	کآینه جان‌اند ۳۱۵۳:۱	کآن کلوخ از خشت ۴۱۴۴:۳
کار پیشش ۲۶۷۴:۵	کابشروا ۱۳۵۳:۱	کآن کند کو ۲۰۴۸:۱
کارت این بوده ۴۰۰:۵	کابله طرار ۶۶۴:۳	کآن کنم کو ۱۴۵۷:۱
کار ترکان است ۳۷۷۹:۵	کابلی جادو ۳۱۹۰:۴	کآنکه از زجر ۱۵۱۰:۶
کار تقوی ۲۶۴:۶	کاتب آن ۳۴۱۲:۱	کآنکه این بت ۷۷۰:۱
کار تو تبدیل ۷۸۱:۵	کاتب و خط ۳۵۸۴:۲	کآن که دزدید ۱۱۱۸:۱
کار چون بر ۷۶۰:۲	کاحمقان ۲۰۵۳:۲	کآنکه زنده ۱۵۴۹:۶
کار حق بر ۱۳۰۶:۲	کاختران گریان ۹۳۵:۴	کآنکه می‌جستی ۱۹۳۴:۶
کار حق و کارگاهش	کاخیاری ۳۰۶۹:۵	کآن گدایی ۲۷۰۳:۵
۱۴۷۰:۶	کاد قَقْرُ آن یعی ۵۱۷:۲	کآن گروهی ۳۰۰۳:۱
کارحق هر لحظه ۳۳۵۷:۶	کاد قَقْرُ آن یَکُون ۲۸۱۹:۵	کآن گلوگیرت ۳۷۴۶:۳
کار، خدمت ۲۵۰۰:۶	کاذبی با ۲۹۹۳:۲	کآن گوا ۳۹۹۲:۳
کار خواجه ۲۸۰۴:۱	کار آن دارد خود ۱۱۹۶:۵	کآن لباس ۳۰۶۲:۶
کار خود را ۳۸۴:۶	کار آن دارد که پیش ۱۰۵۱:۲	کآن لب خشکت ۱۴۴۰:۳
کار خود کن روزی ۳۶۰۸:۴	کار آن دارد که حق ۱۰۶۱:۲	کآن لَمَع ۱۲۸۱:۵
کار خود کن، کار ۲۶۳:۲	کار آن شیر ۱۳۲۶:۱	کآن مثالی ۱۴۵۳:۵
کارد آوردند ۲۴۱۴:۵	کار آن کارست ۴۶۰۸:۳	کآن مسلمان ۹۶۵:۱
کارد از اشتاب ۲۴۸۰:۳	کار آن کس ۳۸۰۳:۵	کآن معلّم ۱۵۱۹:۶
کارد بر حلقش ۳۸۳:۲	کار آن مسکین ۲۲۴۲:۵	کآن ملاح ۷۱۳:۲
کار، در بوک ۳۵۲۷:۵	کار ازین ویران ۲۲۹۸:۳	کآن منافق ۷۳۸:۲
کار، در بی‌آلتی ۲۶۹۷:۱	کار افزایان ۴۲۹۸:۳	کآن نباشد ۲۵۶۸:۶
کار درویشی ۲۳۵۲:۱	کار او از ۴۴۸۵:۳	کآن نبه معروف ۳۶۵۶:۶

کارها را کرده اند ۲: ۱۴۹۲*	کارگاه هست کن ۵: ۱۹۶۰*	کار دست ۵: ۱۱۱*
کارها ز آغاز ۳: ۲۱۹۸	کارگه چون جای باش ۲: ۷۶۱	کار دش ۲: ۲۴۴۵*
کارهای بسته ۳: ۱۸۲۵*	کارگه چون جای روشن	کار دل ۵: ۱۰۹۵*
کارهایت آبر ۳: ۱۲۹*	۷۶۳: ۲	کاردمی زد ۴: ۲۱۲۷*
کار هر نازک دلی ۵: ۳۷۷۸	کارگه ویران ۲: ۱۲۲۵	کار د و اشته ۵: ۳۵۳۳*
کار یزدان ۶: ۴۸۸۸	کار ما این ست ۴: ۱۰۰۵	کار دوزخ ۴: ۳۶۰۷
کاژدهایی گشته بی ۴: ۲۸۰۶*	کار ما تسلیم ۳: ۲۹۲۷*	کار دونان ۱: ۳۲۰*
کاژدهایی مُرده ای ۳: ۱۰۰۵	کار مردان روشنی ۱: ۳۲۰	کاردها بر من ۴: ۲۱۰۵*
کاشب من بس ۲: ۲۴۰۱*	کار مردانست ۴: ۱۵۶۸*	کاردها در جسم ۴: ۲۱۲۶*
کاستخوان او بر ۴: ۲۷۶۴*	کار من بی علت ۲: ۱۶۲۶	کار دین اولی ۳: ۳۰۹۱*
کاستخوان و اجزاء ۶: ۱۸۸۰	کار من در خاک ها ۶: ۲۸۲۵*	کار را با بخت ۴: ۲۷۲۶*
کاسفلی بر ۴: ۲۶۲۴*	کار من دستان ۳: ۲۳۵۲*	کار رزاقیم ۶: ۱۸۳۹*
کاسه بر کاسه ۵: ۲۸۴۸	کار من سربازی ۴: ۲۹۶۴	کار سازانند ۴: ۳۰۷۵*
کاسه پیدا ۵: ۳۲۹۹	کار من سهوست ۵: ۷۸۱*	کار سازی های ۵: ۳۶۷۸*
کاسه خاصان ۵: ۲۱۲۷*	کار می کن ۵: ۲۰۴۶	کار سحر اینست ۳: ۴۰۷۲
کاسه زن، کوزه ۲: ۱۵۹۱	کار نآید ۶: ۱۲۱۲*	کارش از لطف ۶: ۴۳۸۵*
کاسه ها دان ۵: ۳۲۸۵	کار ناو مید ۳: ۲۹۷	کارشان تا نزع ۳: ۱۲۳۶*
کاسه ها محسوس ۶: ۳۷۶۲*	کار نتوان کرد ۱: ۱۶۷۶*	کارشان کفران ۳: ۳۶۴*
کاش از خاکی ۲: ۱۸۰۸	کاروان بر ۶: ۲۷۷۳	کار شاهنشاه من ۴: ۲۹۶۴*
کاشتران قربان ۱: ۲۲۲۸	کاروان بگذشت ۱: ۲۱۹۴*	کار شب ۶: ۴۴۶۷*
کاش جانت ۱: ۲۴۰۲	کاروان دایم ۳: ۴۱۹۱	کار عارف ۲: ۱۰۵۲
کاش جولاهانه ۶: ۳۳۲۱*	کاروان در باز کردن ۲: ۲۹۱۳	کار، فقر ۶: ۱۴۷۲*
کاش چون اصحاب ۱: ۴۰۳	کاروان را هالک ۵: ۳۴۸۷*	کار، کار ۵: ۳۱۱۳*
کاش چون طفل ۴: ۱۴۱۵	کاروان شد دور ۲: ۲۹۱۴*	کارک خود ۲: ۴۱۸
کاشف اسرار ۶: ۲۰۹۳*	کاروان گم شده ۶: ۱۰۶۵*	کارکن در ۲: ۷۵۹
کاشف السّریم ۴: ۱۰۱۴	کاروان ها ۳: ۲۰۱۴	کارکن دیو!! ۱: ۳۶۸۲*
کاشف این مکر ۶: ۲۵۷۱*	کاروانی دید ۶: ۳۸۸	کارکن، موقوف ۶: ۱۴۷۷*
کاش کآن هم ۱: ۲۰۶	کاروانی راه ۵: ۲۴۰۵	کارکن هین ۵: ۳۱۸۴
کاشکی آن ۱: ۳۱۳۵	کاروانی مرگ ۳: ۳۱۳۱	کار کوته ۵: ۱۸۱*
کاشکی او ۴: ۱۴۱۴	کار و بار ۶: ۳۴۴۷	کار کوثر ۵: ۴۱۶۸
کاشکی بحرم ۳: ۳۸۸۷*	کار و باری کت ۶: ۴۱۱۹	کارگاه خشم ۴: ۱۱۲
کاشکی کژ بودی ۲: ۲۶۹۶*	کار و باری که ۶: ۴۱۲۰	کارگاه خویش ۳: ۳۳۷*
کاشکی گفتی ۵: ۷۶۹*	کار و حال ۱: ۲۳۱۷*	کارگاهش نیستی ۶: ۱۴۶۹*
کاشکی مادر ۵: ۲۲۶۱	کار هادی این بود ۴: ۱۴۷۱	کارگاه صنع حق ۲: ۶۹۰
کاشکی من ۲: ۴۰۴	کارها دیدم ۵: ۳۵۲۱*	کارگاه و گنج ۳: ۴۵۱۶

کاشکی هستی ۴۷۲۵:۳	کافر و مُلجِد ۲۱۸۳:۳	کام فرعونى ۴۵۳:۲
کاصل او آمد ۲۴۵۲:۵	کافر و مؤمن خدا ۴۹۷:۲	کاملُ الْعُقلى ۲۰۵۲:۱
کاصل نعمتهاست ۳۴۰۵:۳	کافر و مؤمن نگفتی ۹۸۵:۲	کاملان از ۱۸۰۰:۴
کاصل هر ۳۵۹۷:۴	کافری کُشته ۳۸۲۵:۵	کاملی گر ۱۶۰۹:۱
کاعتراضی من ۲۱۲۱:۶	کاف کافی ۳۵۱۶:۴	کان اسیران ۸۴۹:۳
کاغذِ اسپید ۱۹۶۳:۵	کافکنم در دین ۴۵۷:۱	کان بلا ۳۲۶۵:۳
کاغذی جوید ۱۹۶۲:۵	کاف و نون همچون ۳۰۷۹:۱	کان بود ۳۱۹۴:۵
کاغ کاغ ۷۶۷:۵	کافیم بدهم ۳۵۱۷:۴	کان بهاران ۲۰۴۷:۱
کاغه پندارد ۳۷۲۰:۱	کافیم بی داروت ۳۵۲۰:۴	کان به دریاها ۱۰۱۷:۱
کافتاب از چرخ ۳۰:۴	کافیم بی نان ۳۵۱۸:۴	کان به غیر ۱۸۰۰:۲
کافر ارگشتم ۳۷۹۶:۳	کالبد از جان ۱۷۶۴:۱	کانبیا را ۷۸۷:۲
کافر از ایمان ۳۳۵۵:۵	کالبد نامه‌ست ۱۵۶۴:۴	کانبیا رنج ۲۱۵۰:۶
کافران اندر ۲۸۱:۱	کالتماسش ۴۴۱۰:۶	کانِ تریاق است ۱۳۴۵:۶
کافران برعکس ۲۴۴۳:۴	کالْخِلاصِ ۱۶۵۶:۳	کان جوان ۴۷۸۰:۳
کافران چون ۶۴۰:۱	کالْصَلَا ۲۴۲۴:۳	کان جهان ۳۸۱۵:۶
کافران خود ۳۲۹۲:۳	کالَّه الله ۲۵۷:۳	کان چنان وَزِد ۳۹۹۶:۱
کافران در کارِ ۶۳۷:۱	کاله پُر سودِ ۴۲۸۴:۶	کانچه پنهان ۷۴۹:۳
کافران دیدند ۱۶۰۶:۲	کاله حکمت ۲۳۸۱:۲	کانچه جاهل ۲۱۹۷:۳
کافران را بیم ۱۳۹۶:۵	کاله را صد ۸۳۵:۶	کانچه کاری ۲۳۹۳:۳
کافران را درد ۳۲۷۹:۴	کاله معیوب بخریده ۱۵۰۷:۵	کاندَر آتش دَر فتنه ۲۸۵۷:۴
کافران قانع ۳۵۹۹:۵	کاله معیوب قلب ۴۲۸۴:۶	کاندَر آتش شاه ۸۰۰:۱
کافران قلب اند ۸۲۰:۴	کاله‌های خویش ۴۱۰۸:۳	کاندَر آن بحرند ۹۳۳:۲
کافران کارند ۲۹۸۲:۳	کاله‌یی که ۱۲۶۶:۶	کاندَر آن ترکیب ۱۳۲۵:۵
کافران گفتند: ۱۳۹۶:۵	کام از ذوق ۷۱۸:۳	کاندَر آن خانه ۸۴۷:۲
کافران مهمان ۶۴:۵	کام بنما و کن ۴۴۵۳:۶	کاندَر آن رَه صرفِ ۳۵۴۴:۵
کافران همجنس ۲۶۷۴:۴	کامتحان را ۶۲۵:۵	کاندَر آن سُستی ۹۷۵:۵
کافر بسته ۳۷۴۹:۵	کامتحان کردیم ۱۲۳۸:۳	کاندَر آن، صرصر ۴۸۱۷:۶
کافر پیر ۲۴۴۴:۱	کام خود ۴۴۳:۲	کاندَر آن ظلمات ۲۳۰۵:۶
کافر جبری ۳۲۱۰:۵	کام دشمن ۱۶۵۲:۳	کاندَر آن کار ۴۶۰۸:۳
کاف رحمت ۸۶۵:۲	کام دنیا ۴۶۳:۵	کاندَر آبی ۲۲۰۹:۲
کافرک را ۱۱۸:۵	کامَرش آمد ۳۵۷۶:۴	کاندَر افتاد ۷۳۹:۱
کافرم دان ۳۴۳۵:۲	کامِشان پُر زخم ۳۶۷۴:۶	کاندَر او آن ۱۲۸۰:۵
کافرم گر بُردمی ۲۳۹:۱	کامشب آن ۸۷۲:۳	کاندَر او اصلي ۳۶۹۷:۱
کافرم من ۹۷۷:۱	کامشب ای خاتون ۳۶۴۹:۵	کاندَر او اندر نگنجد بَولِ
کافر و فاسق ۲۴۵۲:۳	کام شیرین ۴۱۱۲:۵	۳۴۰۹:۲

کای آب ۲:۲۳۸۴*	کان عوض ها ۳:۲۱۰۶	کاندر او اندر نگنجد یک
کای اچی بس ۶:۳۴۵۶	کان غم ها ۳:۱۸۷۴*	۲:۳۴۰۶*
کای امیر آن ۵:۱۹۸۶	کان فزود ۴:۱۵۶۰*	کاندر او صد زندگی ۵:۳۵۴۶*
کای امیر از ۵:۳۵۶۴	کان فلان چون ۳:۲۴۹۰	کاندر او گشتی ۲:۳۴۳۹*
کای امیر صید ۲:۲۳۵۷	کان فلان طوطی ۱:۱۵۵۳	کاندر ایشان ۱:۲۴۳۴*
کای بخیل ۴:۱۷۱۷*	کان فن ۶:۲۵۰۲*	کاندر ایمان ۱:۸۰۸
کای بداندیش ۲:۲۰۳۶*	کان قندم ۲:۲۴۲۸	کاندر و ذاکر ۳:۲۹۸۵*
کای برادر ۳:۲۱۶*	کان کلاه ۶:۴۵۵*	کاندر و شور ۲:۱۳۸۶*
کای بسوزیده ۱:۳۹۱۵	کانکه آن جان ۲:۵۲۵*	کاندر و صبح ۲:۳۵۶*
کای پدر آخر ۲:۳۱۱۷	کان لله بوده یی ۴:۷	کاندر و پُشک ۴:۲۹۶*
کای پسر ۴:۳۱۸۵*	کان لله دادن ۴:۲۶۱۳	کاندر و پوست ۱:۳۵۲۰*
کای تری ۳:۴۴۲۴*	کان نصیحت ها ۴:۲۶۵۵*	کاندر و دام ۵:۱۴۱۴
کای تو منبر ۶:۱۲۹*	کان نگنجد ۵:۱۵۴۰*	کاندر و نش پُر ۵:۲۳۵*
کای حلیمه ۴:۹۳۶*	کان همه ۱:۲۲۳۱*	کاندرین ادمبار ۳:۱۶۵۴
کای خبیر ۴:۹۸۶*	کان یدالله ۵:۱۲۲	کاندرین بیعت ۱:۹۹۴*
کای خدا افغان ۳:۴۰۳	کاوهَن ۶:۳۵۲*	کاندرینجا گر ۱:۲۰۹۱*
کای خدا ایمان ۳:۳۳۸۳*	کاه باشد کو ۳:۲۱۵	کاندرینجا هر که ۳:۳۹۳۹*
کای خدا این بنده ۳:۲۳۷۳	کاه برگی پیش ۶:۹۰۷	کاندرین چشم ۲:۱۰۴
کای خدا اینها ۲:۲۸۹۸*	کاه برگی می نماید ۲:۲۳۰۳	کاندرین خواری ۳:۴۵۰۴
کای خدا پیش ۳:۲۱۴۳*	کاه خرمین ۱:۱۷۷۱*	کاندرین ده ۴:۱۸۳۴*
کای خداتان ۶:۳۶۲۷	کاه خود ۲:۲۲۲۳*	کاندرین ره ۴:۴۶۶*
کای خدا تو منافقان ۲:۳۸۱	کاهدان مراسب ۵:۲۷۲۷*	کاندرین زندان ۲:۶۳۱
کای خدا تو و از هائم ۴:۳۸۶*	کاه در انبار ۴:۳۰۲۱*	کاندرین سوراخ ۳:۳۹۸۰*
کای خدا خصم ۳:۲۴۶۹	کاه را می خورد ۵:۸۳۶*	کاندرین سوزش ۵:۳۰۷۴*
کای خدا رسوا ۳:۷۵۴	کاه، کوهی را عجب ۱:۱۱۸۶*	کاندرین ضد ۳:۳۷۶۲*
کای خدا زین ۵:۳۱۶۷	کاهلان امرود بُن ۴:۳۵۶۰	کاندرین عز ۲:۱۱۰۶*
کای خدا گر ۶:۳۳۸۶	کاهلان و سایه ۳:۱۴۵۶	کاندرین ویرانه ۵:۸۵۸*
کای خداوند کریم ۶:۲۰۳	کاهلم چون ۳:۱۴۵۴	کاندرین یک ۲:۶۰۴
کای خداوند و ۶:۱۸۳۵*	کاهلم من ۳:۱۴۵۵	کان دعای ۵:۲۲۴۳
کای خدایا ۱:۲۲۲۴	کاهلی جبر ۶:۱۴۴۱*	کان رسول ۶:۳۸۸۳
کای خدای عالم ۴:۳۴۹۸*	کاهلی را ۶:۴۸۸۷	کان ز چشم بد ۵:۵۰۲*
کای خروس زاواخا ۳:۳۳۲۸*	کاهلی، سیری ۳:۲۸۹۰*	کان زمان ۶:۵۳۶
کای خروس عشوه ۳:۳۳۱۶	کاهلی و جهلشان ۴:۲۲۰۸*	کان سبیل ۳:۷۳۷*
کای خسان ۳:۱۷۷	کاه می کوشد ۳:۴۴۴۷*	کان عجوزه ۴:۳۱۶۱
کای دریغا آن من ۴:۲۵۶۰	کاوه هستی ۱:۲۴۹۲*	کان عودی ۲:۱۸۷۲

- کای درینا صد هزارم ۵: ۴۳۹* کای کنیزک آمدم ۵: ۱۳۴۹* کای کنیزک چند ۵: ۱۳۴۸* کای گزیده ۴: ۲۹۲۱* کای لطیف استاد ۱: ۱۸۷* کای مُجیب ۶: ۴۲۱۹* کای محب ۱: ۳۲۵۳* کای محمد ۶: ۸۹۹* کای مُدَمِّغ ۳: ۴۷۳۵* کای مُریدان ۱: ۶۴۳* کای مسلمانان ۲: ۲۹۱۶* کای مُقَدِّم ۵: ۳۵۱۸* کای ملائک ۵: ۱۸۴۵* کایمنی ۶: ۱۱۸۶* کای مؤذن ۲: ۳۰۲۹* کای میهان ۵: ۱۸۵* کای نبی ۳: ۲۴۴۰* کاین گُره کورند ۲: ۱۳۹۲* کای نوابخشی ۶: ۶۷۰* کاین همه فقر ۱: ۲۲۵۳* کبر را و نفس ۶: ۲۳۹* کبر ز آن جوید ۵: ۱۹۴۷* کبر زشت و از ۱: ۲۳۱۸* کبر و دعوی ۶: ۴۸۴۸* کبر و کفر آن ۱: ۳۲۴۱* کبک جنگی ۴: ۸۵۷* کِت بشارت‌ها ۱: ۲۱۷۹* کِت زنان ۲: ۵۳۷* کِت کُتند ۶: ۳۸۸۶* کِت همی دادند ۴: ۱۳۹۸* کُتَرِ اعداد ۶: ۳۰۴۰* کحل دیده ۴: ۳۳۷۳* کخ کخی ۳: ۳۰۱۷* کدخدای ۲: ۸۸۸* کُدی ۳: ۱۰۳۵* کذب چون خس ۶: ۲۵۷۷* کای دریغا صد هزارم ۵: ۴۳۹* کای درین این ۵: ۱۷۱۶* کای دو عالم ۴: ۲۱۳۵* کای رُخت تابان ۶: ۳۵۱* کای رسول ۲: ۲۸۳۱* کای رقیب ۶: ۲۸۸۷* کای رها کرده ۶: ۱۱۲* کای رهاننده ۲: ۳۲۸۹* کای ز بحر ۴: ۱۷۲۹* کای زبیم ۵: ۲۸۴۹* کای ز ما غافل ۵: ۳۸۹۹* کای زنان با ۳: ۹۳۹* کای سجودم ۲: ۱۸۰۲* کای سخن‌گوی ۴: ۳۷۳۱* کای سرشیخان ۲: ۴۳۱* کای سعادت ۲: ۱۹۲۷* کای سلیمان ۳: ۴۶۲۵* کای شریف ۲: ۲۱۹۰* کای شِه مسحور ۴: ۳۲۰۶* کای شهید ۵: ۱۷۲* کای طلوع ۲: ۲۱۵۶* کای عجب پیش ۵: ۷۵۵* کای عجب چونم ۴: ۱۸۹۲* کای عجب لطف ۱: ۲۸۵۸* کای عجب نهی ۱: ۱۲۵۰* کای عدو زوتر ۳: ۱۵۷۶* کای عَدوی دزد ۴: ۱۰۲۷* کای عوانان ۳: ۹۵۸* کای غلام بسته‌دست ۵: ۳۰۳۰* کای غلام خاص ۵: ۱۶۵۳* کای قَرَج ۶: ۳۰۰* کای فرشته ۵: ۱۶۲۲* کای قبادی ۵: ۴۰۸۹* کای کریمی ۶: ۲۳۰۷* کای کمینه ۱: ۵۸*
- کَذَبُوا بِالْحَقِّ ۶: ۳۱۹۶* کَرِ اَصْلی ۱: ۱۶۲۶* کَر اَمَل را ۳: ۲۶۲۸* کر بخندد ۵: ۱۲۷۵* کر برون ۱: ۳۳۷۵* کَر به پندار ۱: ۳۴۱۱* کرد آخر ۶: ۴۰۷۰* کرد آگه ۱: ۳۸۴۶* کرد آن پس ۵: ۹۴۵* کرد آن حَمال ۶: ۴۴۹۲* کرد آن رنجور ۱: ۱۷۹* کرد از تنگی ۱: ۲۰۹۹* کرد از عقلی ۱: ۳۳۲۰* کرد اِستغنا ۵: ۳۶۲۲* کرد اِستکبار ۶: ۴۸۴۴* کرد اشارت با ۲: ۳۹۹* کرد اشارت دلق ۶: ۲۵۲۸* کرد اشارت شه ۵: ۴۰۸۵* کرد اشارت عایشه ۶: ۶۸۷* کرد اشارت کش ۶: ۳۹۱۵* کرد الحاحش ۵: ۲۷۸* کرد امینِ مَخْزَنِ ۲: ۳۴۹۸* کرد اندر جنگ ۵: ۳۳۹۶* کرد او اندر ۱: ۳۷۲۵* کرد او این ۶: ۱۷۰۲* کرد او را آرزوی ۶: ۱۳۳۰* کرد او را از جَنینِ ۳: ۳۲۵* کرد او را هم ۶: ۴۶۳۷* کرد او معمار ۶: ۲۲۰۲* کرد ایشار ۵: ۴۰۴۱* کرد با او ۵: ۴۰۱۸* کرد با خر ۲: ۲۴۴۲* کرد با خواجه ۳: ۲۴۸۲* کرد بازرگان ۱: ۱۶۴۹* کرد با کرکس ۶: ۴۱۲۶*

کرد با وی ۱:۳۶۱	کرد رخ را ۶:۱۱۶۱	کرد مردم ۲:۶۶۲*
کرد باید ۴:۱۵۴۳*	کرد زاری‌ها ۶:۳۸۱۹	کرد مردی ۵:۳۹۰۷
کرد بر اندر ز ۲:۲۱۹*	کرد زاهد ۳:۱۶۷۵*	کرد، مُسْتَعْمَل ۲:۳۴۲۶*
کرد بر تو ۵:۱۵۶۳*	کرد سَجده ۲:۳۶۰۴*	کردمش آزاد ۶:۱۰۷۶*
کرد برگشت ۲:۲۶۰۸	کرد سیمای ۲:۳۳۷۰*	کرد مظلومت ۳:۳۴۴۸*
کرد بر مُختار ۳:۲۲۸۷*	کردشان آنجا ۳:۲۸۵۳	کرد معروفش ۳:۱۷۰۴*
کرد بیچاره ۲:۶۵۸	کردشان پیش ۶:۳۲۹۱*	کرد مؤمن را ۲:۲۸۹۲*
کرد بیدارش ۲:۳۴۸۰*	کردشان خاص ۶:۱۴۱۰*	کرد مهمان ۵:۳۶۷۳
کرد پَران ۳:۱۱۶۰*	کردشان مرجوم ۵:۱۴۶۹*	کردمی از ۴:۸۹
کرد پنهان، پیش ۵:۱۳۵۱*	کرد شاهم ۵:۴۱۶۵*	کردمی با ۱:۲۰۹۴*
کرد پنهان نمره ۶:۳۰۷*	کرد شه شمشیر ۴:۲۹۳۴	کردمی بر راز ۶:۴۶۹۵*
کرد پیدا ۱:۳۱۱۷*	کرد شیخ اسلام ۵:۳۴۷۸	کردمی من ۴:۱۲۸۲
کرد پیری ۴:۲۱۶۲*	کرد عالم را ۵:۱۲۳۰*	کرد نادیده ۵:۱۳۴۸
کرد تا گویند ۶:۴۳۴۴*	کرد عزم ۲:۳۶۵۸	کرد نام ۵:۳۵۵
کرد تعظیم ۲:۲۳۵۸*	کرد عمران ۳:۹۱۴	کردن اندر ۳:۲۷۱۴*
کرد تهدید ۳:۱۷۲۱*	کرد عیسی ۱:۶۵۲*	کرد نقاشی ۲:۲۵۳۷
کرد جان ۳:۲۱۴۵*	کرد فضل ۳:۴۶۷۲	کرد نیکو ۲:۲۰۰۱
کرد چندان مشعله ۲:۲۳۱۷*	کرد فعلی ۱:۱۴۸۸*	کرد وصف ۱:۹۵۲
کرد چوپانیش ۶:۳۲۸۸*	کرد قسمت ۶:۲۴۱۱*	کرد ویران، تا کند قصرِ
کرد حق بهر ۲:۳۷۹*	کرد کُدیت ۶:۴۲۴۱*	۳:۳۵۵۵*
کرد خاموش ۵:۱۳۵۰	کردگارِ آن ۴:۲۱۱۴*	کرد ویران تا کند معمورتر
کرد خدمت ۱:۱۴۲۷	کرد گردان ۲:۲۳۱۴*	۳:۳۵۳۴*
کرد خشم ۵:۴۰۲۴*	کرد گفتش ۲:۶۷۲*	کرد ویران خانه ۱:۳۰۷
کرد خود ۱:۲۵۰۶*	کرد ما را پیش ۵:۳۵۵۵*	کرد ویران عالمی را ۴:۱۹۴۶*
کرد در انگشت ۱:۳۶۲۲	کرد ما را دستِ ۳:۹۰۹*	کرده آهنگر ۳:۵۴۲
کرد در باقی ۶:۱۷۰۶*	کرد ما را عاشقانِ ۳:۴۴۰۰*	کرده اسبابِ ۴:۲۹۱۷*
کرد در دعوت ۱:۳۶۲*	کرد ما را مست ۱:۳۰۴۰*	کرده‌ام آنها ۵:۲۲۵۷
کرد در گردن ۲:۷۶۸*	کرد ما را هست‌دان ۱:۱۴۸۰*	کرده‌ام بخت ۱:۲۹۴۰
کرد در گوساله ۴:۳۳۳۳*	کردم از خانه ۶:۴۳۳۹*	کرده‌ام من نذرها ۶:۳۵۵۲*
کرد دستِ فضلِ اویم	کردِ ما و کردِ حق ۱:۱۴۸۰	کرده‌اند از دانه ۵:۱۴۱۳*
۴:۴۱۶۶*	کردم ایشان را ۳:۲۰۵۶*	کرده‌اند اندر ۵:۴۰*
کرد دستِ فضلِ یزدان	کردم اینجا ۶:۳۸۵۱*	کرده او از مکر ۱:۴۴۵*
۳:۳۱۸۴*	کردمت بیدار، ۲:۲۷۶۵*	کرده او را ایمن ۶:۴۸۱۱*
کرد دعوی ۵:۹۸۲*	کرد مجنون ۴:۲۶۸۶	کرده او را ناعیش ۶:۱۴۰۹*
کرد دل‌داری ۳:۸۶۹	کرد مردان را ۴:۳۱۹۰*	کرده او کرده‌توست ۴:۴۰۷

کرده‌ای او کرده‌شاهست ۲۹۸۱:۴	کردی آنچه ۳۲۹۶:۶	کز اگر گفتن ۷۳۷:۲
کرده‌ای تأویل ۱۰۸۰:۱	کردی ای خاتون ۱۴۰۳:۵	کز الهست ۳۴۸۷:۲
کرده‌ای در چشم ۶۹۹:۲	کردی ای نفس ۴۷۸۸:۶	کز امانت ۳۱۵۵:۵
کرده‌ایم آنها ۲۰۹۰:۵	کرد یزدان ۲۴۷۵:۳	کز امید ۳۵۲۰:۶
کرده با چشم ۴۳۸:۲	کرد یک داماد ۲۶۵:۶	کز بُت ۳۶۹:۲
کرده باشد آفتاب ۳۶۷۳:۳	کردیم شاهانه ۲۴۸۰:۲	کز بُخاری ۴۷۷۹:۳
کرده باشد با دغایی ۱۴۱۳:۶	کز را سامع ۲۲۰:۴	کز بدِ اصلی ۳۴۱۲:۴
کرده باشد بسته ۱۴۷۵:۳	کرسی از یک سو ۱۳۸۸:۵	کز برای اوست ۲۶۴:۲
کرده باشی ۲۴۹۹:۲	کر شد این گوشم ۳۵۴۱:۱	کز برای تو ۱۲۴۳:۵
کرده بُد بر عاد ۳۳۳۶:۱	کز قیاسی ۳۳۷۱:۱	کز برای حُرمت ۱۵۶۰:۵
کرده بُد صلح ۳۳۳۷:۱	کرکان مست ۴۲۰۸:۵	کز برای عزّ ۲۸۲۷:۲
کرده بدظن ۱۹۴:۵	کرکست من باشم ۴۱۲۸:۶	کز برای غزو ۲۴۹۵:۳
کرده بدنام ۱۹۴:۵	کرکند خود را ۶۱۸:۲	کز برای من بیوشان ۲۵۴۸:۱
کرده بود اندر بغل ۴۰۵۷:۵	کرم از خورشید ۳۳۹۴:۶	کز برای من بُدش ۵۲۸:۴
کرده بود اندر همه ۲۸۱۹:۱	کرم باشد ۳۵۹۴:۵	کز برای من بگفت ۱۰۰۹:۲
کرده ترک صید ۱۰۵۴:۴	کرم در بیخ ۱۲۶۴:۲	کز بیرون فرمان ۱۶۴۶:۵
کرده تمساحی ۴۰۸۲:۶	کرم را خورشید ۳۳۹۳:۶	کز بُردن، تیغ ۶۹۲:۱
کرده چالیش ۱۵۳۲:۴	کرم سرگین از ۱۸۸۱:۶	کز بُرده گشتن ۴۱۷۶:۳
کرده چشم ۳۲۲۲:۴	کرم سرگین در ۳۰۴:۵	کز بصیرت باشد ۳۶۹۸:۲
کرده حاتم را ۲۲۴۴:۱	کرم کاندَر ۲۳۲۲:۲	کز بُن هر مو ۱۱۰۲:۶
کرده حق ناموس ۳۲۴۰:۱	کرم، کرمی ۲۵۳۹:۴	کز بهاری ۷۵۰:۳
کرده خون ۶۶۷:۱	کرمک ست آن ۱۰۵۶:۳	کز بهشت آورد ۲۵۴۰:۳
کرده ذوق ۴۳۲:۵	کرم کوزاده ۲۹۷:۴	کز بهشت وصل ۲۸۰۲:۶
کرده شاهان ۳۱۹۴:۴	کرمکی را کرده‌ی ۲۳۵۶:۴	کز پدر ۳۷۱:۲
کرده فعل ۳۷۶۳:۶	کرمکی کاندَر ۲۸۳۶:۴	کز پس آن ۳۱۱۵:۱
کرده قصد ۱۲۰۳:۵	کرمکی واز ۱۸۵۵:۵	کز پس این ۶۹۵:۱
کرده کرباسی ۴۷۳۰:۶	کرمها روید ۴۰۸۳:۶	کز پس بانصد ۸۴۹:۲
کرده مغرب ۶۰۶:۴	کز و فرّ اختیار ۱۸۵۲:۵	کز پشن باید ۱۲۳۰:۳
کرده منزل ۲۳۸۱:۶	کز و فر دارد ۴۳۴۲:۳	کز پس صد ۳۴۷۴:۶
کرده موشانه ۲۹:۵	کز فرّ ملّحه ۲۱۴۴:۶	کز پس مُردن ۳۸۳۷:۶
کرده یوسف ۴۰۶۹:۶	کز و فرّ و آب ۷۶۹:۳	کز بی‌اش کُره ۴۲۵۳:۳
کرده‌ی تارسته‌ایم ۹۵۱:۴	کرهمی گوید ۲۶۱۶:۳	کز بی‌تعظیمشان ۳۴۹۶:۲
کرده‌ی تو چارقی ۳۲۵۲:۵	کُره ناقه به سوي ۲۵۲۸:۱	کز بی‌دانه ۶۴۸:۵
کرده‌ی روبوش ۳۱۶۲:۳	کُره ناقه چه باشد ۲۵۳۲:۱	کز بی‌ذوق ۳۷۵۵:۶
کرده‌ی مبدل ۳۴۲۲:۲	کُره و مادر ۴۲۹۲:۳	کز بی‌سنگ ۴۰۸۶:۵

کز بی مرضات ۲۵۷۴:۳	کز خلاف ۲۷۷:۴	کز سمرقندی ۱:۱۶۸*
کز بی هر چیز ۶:۱۹۲۸*	کز خودش ۶:۶۹۳*	کز سوي ما ۴:۳۲۰*
کز بی هر فعل ۴:۲۴۶۷*	کز خیالاتی ۳:۴۱۰۰*	کز سیاست ۵:۳۹۹۴*
کز تردّد ۴:۱۹۶۹*	کز خیالِ خود ۲:۱۱۰*	کز شتاب ۳:۲۵۷۲*
کز تشاور ۶:۲۶۱۲*	کز خیالی ۳:۱۵۳۰*	کز شراب ۱:۲۱۹*
کز تفکّر ۶:۳۷۴۹*	کز درختِ احمدی ۵:۱۲۳۶*	کز شمع ۳:۴۲۳۱*
کز تکبر ۲:۱۹۷۹*	کز درختِ قدرت ۴:۱۸۶۹*	کز شقاوت ۳:۲۱۳۲*
کز تناقض‌های ۶:۵۶۰*	کز درونش خواجه ۴:۸۹۷*	کز شکار ۶:۵۸۳*
کز تو خواهد ۵:۸۶۲*	کز درون، قنّی ۲:۳۷۵۶*	کز شکستن ۴:۳۴۳*
کز تو در اوّل قدح ۱:۱۲۲۵*	کز دلِ او ۴:۸۷۰*	کز شکسته ۱:۱۱۵۲*
کز تو دزدیدم ۲:۲۳۷۶*	کز دَمِ احمق ۳:۲۶۰۰*	کز شمار و حد ۴:۳۷۱۰*
کز تو مجنون شد ۱:۴۰۷*	کز دَمِ داود ۳:۲۵۴۶*	کز شما شاهست ۳:۱۱۶۶*
کز ثباتش ۱:۲۱۲۹*	کز دَمِ پُر ۴:۲۳۶۴*	کز شما من کی ۴:۵۷۳*
کز جماد او ۴:۸۹۹*	کز دو دیده کور ۳:۲۱۱۶*	کز شماها کیست ۱:۳۴۶۸*
کز جمال دوست ۶:۳۰۹۶*	کز دو عالم ۴:۲۶۸۵*	کز شهنشاهان ۴:۱۰۳۷*
کز جُنوداً ۳:۳۸۷۱*	کز دهانِ او ۱:۷۲۰*	کز شهنشه دیدن ۳:۸۵۵*
کز جواب ۱:۹۹۲*	کز دهانش آمدستند ۵:۴۲۱۳*	کز صدا ۳:۱۳۴۹*
کز جوار ۳:۱۴۴۷*	کز دهانش باز ۲:۱۸۸۳*	کز صفاتِ قهر ۶:۳۱۵۱*
کز جهان زنده ۳:۴۶۳*	کز ذکاوت ۴:۳۳۵۵*	کز صفاشان ۲:۳۷۱۰*
کز جهان و ۵:۲۱۹۴*	کز ذنب ۶:۹۳۱*	کز ضجر خود ۵:۲۵۳۴*
کز جهودان ۶:۸۹۳*	کز رحیقت ۵:۳۰۶*	کز ضرورت دُم ۲:۲۳۵۸*
کز چنان رویی ۲:۲۶۳۹*	کز رفاقی ۳:۴۰۲۱*	کز ضرورت هست مرداری
کز چنین شهری ۵:۸۵۳*	کز رمه پیلان ۳:۲۷۳۹*	حلال ۶:۴۶۷۲*
کز چنین نعمت ۳:۲۶۷۲*	کز رَمه شیشک ۶:۵۰۰*	کز ضرورت هست مرداری
کز چه این ۵:۲۳۶۵*	کز ره، آن ۱:۱۲۶۳*	مباح ۲:۵۲۰*
کز چه سو ۶:۴۴۹۲*	کز ره گوشم ۱:۱۰۹۲*	کز ضمیر ۳:۲۴۳۳*
کز چه می آید ۶:۲۷۲*	کز زلیخای ۵:۳۸۷۴*	کز طَرَب ۱:۷۹۹*
کز حجاب ۵:۱۴۵۴*	کز زیارت‌های ۲:۲۶۰۵*	کز طمع عیش ۱:۲۳۵۰*
کز حسد آلوده ۱:۴۳۲*	کز ستم‌ها ۱:۱۹۲۰*	کز عدم بیرون ۵:۴۲۱۴*
کز حسد وز ۵:۵۱۱*	کز ستیزه ۴:۲۲۶*	کز عدم ترسند ۶:۸۲۲*
کز حسد، یوسف ۲:۱۴۰۶*	کز سجودش ۲:۳۶۰۵*	کز عدو خوبان ۲:۱۴۰۵*
کز حسودی بر ۲:۱۱۲۶*	کز سخاوت ۶:۳۱۳۲*	کز عصا گوش ۴:۲۸۰۳*
کز حضورستش ۴:۳۶۸۲*	کز سفر باز ۵:۴۱۸۶*	کز عمل زاییده‌اند ۵:۳۸۹۸*
کز حکایت ۳:۱۱۴۷*	کز سفرها ۳:۵۳۴*	کز عَوان او ۴:۶۳*
کز خُسان ۶:۹۹۵*	کز سَماعش ۱:۱۹۱۷*	کز عَوانی ۱:۲۴۳۸*

کز غریبی ۴۱۵۸:۳*	کز نسیمش ۳۸۵۶:۵*	کز همی گردم چنان ۳۵۸۴:۵*
کز غزای ۱۳۸۴:۶*	کز نسیم نیستی ۲۴۱:۶*	کسب باید کرد ۷۳۴:۲*
کز غلیظی ۳۶۵۹:۵*	کز نظر انداز ۶۱۷:۴*	کسب جز نامی ۹۵۵:۱*
کز غمش ۴۱:۴*	کز نفور ۲۴۲۹:۲*	کس بدین حجت ۳۰۷۵:۵*
کز غمِ فرعش ۱۸۶۸:۴*	کز نفیسی ۳۲۷۷:۶*	کسب دین عشق ۲۶۰۱:۲*
کز فراست ۲۷۰۲:۳*	کز نکویی ۳۱۴۰:۴*	کسب را همچون ۲۳۹۲:۳*
کز فراقی ۲۹۳۳:۳*	کز نهیش ۸۹۲:۳*	کسب شکرش ۲۴۲۶:۵*
کز فضولی ۶۱۶:۵*	کز نیستان ۲:۱*	کسب فانی ۲۶۰۲:۲*
کز فلک راه ۱۰۰۳:۱*	کز وسایط ۷۹۳:۵*	کسب کردن ۷۳۵:۲*
کز فلک می‌گردد ۱۷۳۳:۶*	کز وظیفه ۹۰۲:۱*	کس بگوید؟! ۲۹۷۲:۵*
کز فواتش ۳۲۴۶:۵*	کز همه اعضا ۱۰۲۸:۲*	کسب مردم ۲۳۹۹:۵*
کز قیاس ۳۷۸:۴*	کز همه نومید ۲۱۷۳:۳*	کس بنفروشد ۳۲۲۰:۶*
کز کجا آمد ۱۹۷۳:۲*	کز همه یاران ۶۴۴:۱*	کسب و دکان ۴۴۲:۶*
کز کجا آوردمت ۸۹۰:۴*	کز یزید ۷۸۰:۶*	کس به زیر ۱۵۴:۱*
کز کجا اومیدوارم ۴۳۳۸:۶*	کز یمین است ۱۲۹۷:۶*	کس تو را دشمن ۷۸۵:۲*
کز کدامین رُکن ۳۰۴۶:۳*	کز دم از گندم ۲۷۴۱:۲*	کس چنان ۱۳۹۷:۴*
کز کدامین شهر ۳۸۹:۶*	کز دم غم ۱۳۵:۳*	کس چه داند بخششی
کز کدامین مکّنتی ۲۸۱۵:۵*	کز رود ۳۲۸:۲*	۱۰۶۳:۶*
کز کزشم ۱۷۹۶:۱*	کز روم، با ۱۹۷۳:۴*	کس چه داند مر تو را
کز کزّم ۲۹۰۹:۶*	کز روم، چون ۱۹۰۵:۴*	۱۵۵۶:۲*
کز کف ۲۳۴۱:۵*	کز رو و شبکور ۱۴۳۱:۴*	کس چه می‌داند ۲۳۰۳:۵*
کز کمان ۱۳۸۵:۱*	کز روی، جفّ ۳۱۳۳:۵*	کس درینجا ۸۵۰:۶*
کز کمی ۱۲۰۷:۲*	کز روی را ۴۳۴۲:۶*	کس زکوه ۱۱۴۱:۵*
کز گزاف و ۱۱۵۷:۵*	کز روی کردم، ۱۸۹۶:۴*	کس زند ۲۳۴۸:۴*
کز گزافه ۲۰۳۷:۴*	کز شده پالان ۲۳۵:۲*	کس سوی لقمان ۱۵۱۰:۲*
کز لهیش ۳۳۸:۵*	کز شود پالان ۳۳۸۲:۴*	کس کسی را ۱۷۶۳:۶*
کز محبت ۳۶۹۱:۵*	کز منه ای ۹۳۵:۶*	کس نبردی ۱۳۵۱:۴*
کز میری آن ۱۶۱۹:۱*	کز ندانم ۸۷۹:۲*	کس نبودش ۳۳۲۲:۵*
کز میزاج ۴۳:۳*	کز نگر باشد ۳۳۹۸:۲*	کس نتاند ۱۲۰۰:۳*
کز مُصیبت ۲۰۶۳:۱*	کز نماد فکر ۳۵۶۳:۴*	کس نتانست ۲۵۳۰:۱*
کز ملاقات ۱۹۹۱:۶*	کز نماید ۳۶۳۶:۲*	کس نخواند ۳۲۸۴:۵*
کز من او عقل ۳۱۸۰:۴*	کز نمایی ۱۲۸۱:۲*	کس ندارد پای ۱۲۵۰:۳*
کز میان جان ۷۹۸:۴*	کز نهم تا ۲۴۱۰:۳*	کس ندارد گوش در ۱۴۵:۱*
کز می لاین ۴۲۱۵:۶*	کز همی دیدم ۳۵۵۶:۴*	کس نداند از ۲۳۵۰:۲*
کز نسیم‌اش ۱۹۶۷:۱*	کز همی گردم به هر ۳۵۸۵:۵*	کس نداند بُرد ۲۹۰۱:۳*

- کس نداند جز ۳:۳۶۳۶*
 کس نداند چو نش ۳:۳۴۶۳*
 کس نداند روسپی ۵:۲۶۶۱
 کس نداند سرّ آن ۲:۱۴۹۹*
 کس نداند قیمتِ ۱:۲۱۹۰*
 کس نداند مکر ۶:۴۷۷
 کس ندانستی ۲:۲۸۵*
 کس ندیده‌ست ۴:۱۳۴۸*
 کس نازد ۴:۳۰۰۰
 کس نشان ۴:۹۹۳*
 کس نشاید ۲:۱۶۹۲*
 کس نگرید ۵:۱۷۱۴*
 کس نگوید ۵:۲۹۷۱
 کس نمی‌جنبید ۴:۱۲۳
 کس نمی‌داند ۴:۲۶۸
 کس نیابد بر دل ایشان ظفر ۱:۲۵۱۷
 کس نیابد بر دل ایشان ظفر ۱:۳۴۹۶
 کیش از ایشان ۱:۱۸۸۵*
 کیش بیاید ۳:۱۱۲۶*
 کیش بر آشتی ۲:۳۱۸۵*
 کیش بسوزد ۳:۳۹۱۷*
 کیش بگوید ۳:۱۰۲*
 کیش بُود از جیش ۵:۳۶۹*
 کیش بُود از حال ۴:۹۴۷*
 کیش بُود در دل ۳:۱۵۰۸*
 کیش بیابم ۲:۱۳۸*
 کشتی بی‌لنگر ۳:۴۳۱۱
 کِشت از مرغان ۳:۴۰۹۰*
 کِشتِ اول ۲:۱۰۵۹
 کشت ایشان ۲:۳۰۵۸
 کُشت در خود ۵:۴۰۱۷*
 کشتزار ۳:۲۴۴*
 کُشت شه را ۴:۲۷۵۳*
- کِشت کامل ۶:۴۱۶۰*
 کِشت کُن ۱:۹۴۷*
 کُشتگان ۱:۳۳۰۴*
 کشت گاوم ۳:۲۳۷۸
 کشتم آنرا ۳:۲۳۸۸
 کشتم او را ۲:۷۸۱
 کُشتمش ۲:۷۷۹*
 کشتِ موجودات ۳:۱۲۷۵*
 کُشتنِ آتش ۲:۱۲۴۷*
 کشتنِ این، کار ۱:۱۳۷۴
 کشتن این مرد ۱:۲۲۲
 کشتن این نار ۳:۳۴۸۱
 کشت نو‌کارید ۲:۱۰۵۸
 کشتن و مردن ۱:۷۰۷
 کُشتنی اندر غروب ۵:۳۵۴۵
 کشتنی به ۶:۴۰۰۶
 کشت و باغ ۴:۳۲۴۵
 کشته از ذوق ۶:۱۵۴۲
 کشته از ره ۲:۲۳۶
 کُشته باشی ۱:۴۷۶*
 کشته برجست ۲:۱۴۴۰
 کشته بر قتل ۶:۱۵۴۳*
 کُشته تا یابد ۶:۴۸۵۰*
 کشته شد در ۶:۴۸۷۰
 کشته شد ظالم ۳:۲۵۰۳
 کُشته گشته ۶:۱۵۴۱*
 کشته می‌گردند ۵:۳۸۴۴*
 کشته و خسته ۶:۳۷۸۰*
 کشته و مجروح ۱:۳۰۲۵*
 کشته و مرده ۳:۳۷۹۹
 کُشته‌بی‌خر ۳:۶۵۷
 کشته‌بی‌ذَریت ۴:۲۳۳۴
 کشته‌بی و ۴:۲۳۳۳
 کشتی‌اش ۶:۴۰۶۴*
 کشتی اندر ۴:۵۴۱*
- کشتی بی‌دست و پا ۵:۲۱۲*
 کشتی نوحیم ۴:۳۳۶۰
 کشتی وسواس ۶:۷۲۸*
 کشتی هُش ۶:۷۲۹*
 کشتی، بی‌بحر ۵:۴۲۱۷*
 کشتی سازی ۵:۲۵۰۴
 کیش خُضر ۲:۳۵۲۸*
 کیش زدن ۲:۳۵۰۰*
 کیش زیان ۵:۱۸۴۷*
 کیش عقول ۴:۱۶۳۰*
 کیش غم ۶:۴۷۲۷*
 کشف این نه ۳:۲۵۲۶
 کشف شد این ۶:۲۳۴۷*
 کشف شد پایان ۵:۴۰۵۸*
 کشف شد، زو آن ۶:۴۰۰۰*
 کشف شد، کالِصْبُر ۳:۱۸۴۱*
 کشف کرد آن ۶:۳۷۸۷*
 کشف گردان ۳:۳۰۸۶*
 کشف گردد صاحب ۵:۳۳۳*
 کشف گردد که ۵:۳۳۰*
 کشف گشتش ۳:۱۸۵۵*
 کشف می‌کرد ۶:۱۶۶۷*
 کش کشانش ۳:۳۱۴۴
 کِش کُشد ۶:۴۰۰۵*
 کِش مُسمّی ۴:۲۸۶۵*
 کِش نبات ۶:۲۶۹۹*
 کش نداند ۱:۲۹۶۱*
 کِش نگهدارا ۵:۴۰۴۴*
 کِش نیایی ۱:۱۰۲۵*
 کظم غیظ این ۱:۳۳۷۹
 کعبه او را ۶:۴۳۷۷*
 کعبه با حاجی ۶:۴۲۸۹*
 کعبه جبریل ۶:۱۸۹۶
 کعبه حاجت ۳:۴۲۱۳*
 کعبه درویش ۵:۱۴۷۵*

کعبه را که ۱۱۳۸:۴	کفر گیرد ۱۶۱۳:۱	کلب لیسد ۱۹۷۷:۶
کعبه نادیده ۳۴۰۶:۱	کفر مطلق ۷۱۱:۵	کَلْ بُود ۲۳۴۳:۱
کعبه هر چندی ۲۴۵۵:۲	کفر نعمت آمد ۴۴۲:۱	کَلْتُ أَفْهَامِي ۱۲۸:۱
کعبه بی کردند ۲۹۰۳:۲	کفر نعمت باشد ۳۳۹۱:۶	کُلْ تَوْرًا ۲۴۱۱:۲
کَفَّ احمد ۳۷۹۸:۴	کفر نعمت کردن ۴۷۲:۱	کَلْ تَوِي ۳۵:۵
کَفَّ اَيْدِيكُمْ ۴۵۷۵:۳	کفر و ایمان عاشق ۲۴۴۶:۱	کَلْ خُود رَا ۴۸۹:۵
کَفَّ بر آورد ۱۰۱۲:۲	کفر و ایمان نیست ۳۳۲۲:۲	کُلْ رَا بَر وَصِفِ ۲۳۶۸:۴
کَفَّ به حس ۱۰۳۱:۵	کفر و ایمان هر دو ۳۲۸۱:۴	کُلْ سِرِّ جَاوَزَ الْاِثْنَيْنِ شَاع ۱۰۴۹:۱
کَفَّ به دَه ۱۸۰۹:۶	کَفَّ رود ۲۶۷۶:۱	کُلْ سِرِّ جَاوَزَ الْاِثْنَيْنِ شَاع ۶۱۵:۳
کَفَّ پهل ۱۲۷۰:۳	کفر و فرعون ۱۵۴۰:۲	کُلْ سِرِّ جَاوَزَ الْاِثْنَيْنِ شَاع ۱۹۷:۶
کَفَّ بی دریا ۱۰۳۰:۵	کفر و فسق ۲۲۰۸:۵	کُلْ شَيْءٍ عَنِ ۱۶۴۰:۳
کَفَّ تو ۱۷۳۰:۴	کفرها را در کشد ۱۲۰۹:۳	کُلْ شَيْءٍ غَيْرِ ۳۳۲۱:۲
کَفَّ جَلِيزم ۴۱۹۸:۳	کفرهای ۳۳۹۸:۵	کُلْ شَيْءٍ مَّا سَوَى اللّٰه ۲۸۹۸:۶
کَفَّ چو دیدی ۱۴۶۰:۶	کفر هم نسبت ۱۹۹۷:۱	کُلْ شَيْءٍ مِنْ ظَرِيفِ ۹۷۳:۱
کَفَّ از روی ۱۳۷۰:۳	کَفَّ دریا ۱۴۵۵:۶	کُلْ شَيْءٍ هَالِكٍ اِلَّا وَجْهَهُ ۳۹۰۴:۳
کَفَّ او ۳۶۱۱:۵	کَفَّ زنان ۲۳۱۲:۶	کُلْ شَيْءٍ هَالِكٍ اِلَّا وَجْهَهُ ۴۶۶۱:۳
کَفَّ ایمان شد ۳۳۹:۶	کَفَّ سیه کردم ۲۲۹۰:۶	کُلْ شَيْءٍ هَالِكٍ اِلَّا وَجْهَهُ ۲۲۳۸:۶
کَفَّ ایمان گشت ۲۰۷۵:۶	کَفَّش، آن پا ۱۸۸۷:۶	کُلْ شَيْءٍ هَالِكٍ نَبُودَ ۳۰۵۳:۱
کَفَّ باشد پیش او ۱۸۶۶:۵	کَفَّ سگر هم ۱۴۸۷:۵	کَلْ شَيْءٍ قَالَهُ ۱۲۹:۱
کَفَّ باشد پیش خوان ۸۶:۱	کَفَّ تصدیقش ۲۳۵۰:۳	کَلْ شَيْءٍ مَا خَلَا اللّٰه ۳۹۲۳:۱
کَفَّ باشد غفلت ۳۶۶۴:۶	کَفَّ کز ۲۸۸۳:۱	کَلْ شَيْءٍ هَالِكٍ جَز وَجْهَهُ ۳۰۵۲:۱
کَفَّ بی خواهش ۳۱۰۰:۵	کَفَّ می انداخت ۱۱۰۴:۳	کَلْ عَالَم رَا ۲۸۶۰:۱
کَفَّ تو دیبای ۱۷۲۹:۲	کَفَّ گندم ۲۱۱۸:۵	کَلْ عَالَم صُورَتِ ۳۲۵۹:۴
کَفَّ تو دین است ۱۷۸۵:۲	کَفَّو آن ۴۵۷۷:۶	کَلْکِ دَل ۲۷۷۸:۳
کَفَّ جهل ست ۱۳۷۱:۳	کَفَّو او ۲۶۲۳:۶	کَلْکُمْ رَاعِ بَدَانَد ۴۳۹۵:۶
کَفَّ دارد ۲۸۹:۳	کَفَّو باید ۱۹۷:۴	کَلْکُمْ رَاعِ نَبِي ۴۱۴۶:۳
کَفَّ را حدّست ۳۳۲۰:۲	کَفَّ همی بینی روانه ۱۰۳۰:۵	کُلْ گَشَاد ۱۷۴:۶
کَفَّ شان آید ۱۸۸۲:۳	کَفَّ همی بینی و ۱۲۷۱:۳	
کَفَّ شد ۲۱۳۱:۳	کَفَّ همی مالید ۳۲۸۴:۶	
کَفَّ صرف ۳۳۹۹:۵	کُلْ آتِ آتِ ۷۶۵:۶	
کَفَّ قشر ۳۲۸۲:۴	کُلْ آتِ بَعْدُ ۴۸۶:۶	
کَفَّ کافر را ۱۶۳۳:۴	کُلْ آتِ مُشْغِلِ ۵۰۶:۳	
کَفَّ که کبریت ۴۶۱۰:۶	کَلْ اصباح ۱۶۴۰:۳	
کَفَّ گفتم ۲۴۱۰:۱	کَلْ باد از ۱۴۲:۴	
کَفَّ گفتمی ۲۸۰۸:۳	کَلْب را کُهدانی ۴۲۹:۶	

کلّ لیل ۲۴۰:۱:۶	کمترین خوشان ۲۶۷۶:۴	کم کن ای ۲۸۷۹:۳
کُلُّما نال ۳۷۳:۳	کمترین ز آن ۲۱۸۰:۴	کم گیری تا ۴۴۵:۲
کُلُّما هم ۳۵۳:۶	کمترین سگ ۲۹۳۹:۵	کم گریز ۲۲۲۶:۶
کَلِّمَنی یا حُمَیْرا کَلِّمَی	کمترین عیش ۸۹۱:۲	کم مباد از خانه ۳۵۰۸:۴
۱۹۷۲:۱	کمترین عیب مصوّر ۳۷۳۱:۶	کم مباد ازین ۳۶:۴
کَلِّمَنی یا حُمَیْرا می زدی	کمترین فرعون ۲۶۶۰:۵	کم نباید ۳۱۲۸:۳
۲۴۲۸:۱	کمترین کاریش ۳۰۷۲:۱	کم نخواهد شد ۳۱۹۸:۵
کَلِّه اش بر کند ۴۶۰:۲	کمترین لعبت ۱۶۲۴:۶	کم نخواهد گشت ۱۱۶۵:۱
کَلِّه خر ۲۵۸۴:۵	کم خور آن ۱۴۳:۵	کم نشد یک ذره ۳۰۴:۴
کَلِّه را می کوفت ۱۲۴:۵	کم خوری ۱۷۴۷:۵	کم نشد یک روز ۳۷۳۷:۱
کَلِّ یَوْمَ آلف ۱۲۱۴:۶	کم، دو روز ۱۹۲۶:۳	کم نشین ۴۶۵:۴
کَلِّ یَوْمَ فی القری ۲۴۰۰:۶	کم دهد ۱۳۶:۵	کم نگردد از ۱۸۰۰:۲
کَلِّ یَوْمَ هُوَ فی شَأْنِ ای پسر	کم رهد ۱۴۰۳:۴	کم نگردد سوزش ۱۳۷۶:۱
۱۸۲۱:۱	کم ز آب ۴۶۸۹:۳	کم نگردد فضل ۳۳۱۶:۲
کَلِّ یَوْمَ هُوَ فی شَأْنِ بخوان	کم زیادی ۴۶۹۰:۳	کم نگردد ماه ۳۹۳۲:۵
۳۰۷۱:۱	کم ز ترکی ۸۳۳:۱	کم نگردد نان ۷۲۵:۲
کَمَ أْفارق ۳۹۳۵:۱	کم ز خاکی؟ ۳۳:۲	کم نگردد وصلت ۱۹۹۷:۵
کَمَ أَقَل ۶۶۸:۶	کم ز سگ ۲۰۰۸:۵	کم نمود او ۲۲۹۵:۲
کم بُود آفت ۱۴۰۶:۴	کم ز کوه ۴۶۹۱:۳	کم نمودن ۲۲۹۷:۲
کم بُود شان ۲۴۳۵:۱	کم ز ماه ۶۸۶:۵	کم نمی کرد از ۱۴۸۲:۳
کم بیان ۳۹۳۸:۵	کم زند ۸۱۶:۱	کم نه بی ۱۱۳۲:۳
کم پذیر ۲۵۲:۲	کم ستیز ۴۷۹۹:۳	کم نیاید روز ۳۰۲۴:۱
کم پرست ۲۵۹:۶	کم شنوزین ۱۴۰۲:۶	کم نیاید لقمه بی ۲۳۸۹:۵
کمتر از تو ۲۴۲۳:۲	کم شنو، کآن ۱۴۳۱:۶	کم نیاید مبتدع ۳۲۲۱:۵
کمترست ۳۵۱۹:۵	کم شود ۱۰۲۹:۴	کم همی افتاد ۱۲۲۹:۴
کمترک انداز ۲۸۷۶:۱	کم فُتی ۳۳۸۹:۴	کم همی افتی ۲۳۸۰:۴
کمتر وی مایه ۱۸۰۵:۲	کم فشار ۱۴۵۹:۱	کُنْتُ اَمشی ۲۶۹۳:۱
کمترین آثار ۳۶۷۲:۲	کم فضولی ۲۷۷۲:۳	کُنْتُ کُنْتُ اَرْحَمُهُ ۳۶۴:۲
کمترین آکلان ۷۳۳:۵	کم کسی اندر ۲۳۹۳:۵	کنت کنزاً گفت ۳۰۲۹:۴
کمترین آنکه شود ۱۳۰۱:۶	کم کسی بر ۴۳۰:۵	کنج زندان ۵۹۲:۲
کمترین آن که نماید ۶۷۵:۴	کم کسی داند ۱۵۰۸:۳	کند آن موضع ۱۹۴۴:۶
کمترین جزوش ۳۸۹۸:۳	کم کسی زابدال ۲۶۴:۱	کند بینش ۲۸۹۵:۴
کمترین جغد ۱۱۵۲:۲	کم کسی یک ۲۱۰۱:۱	کُند شد ز آمیز ۲۳۷۲:۲
کمترین حکمت ۳۵۸۶:۴	کم کُش ۳۴۰:۱	کند شد هم ۱۹۴۵:۶
کمترین خلعت ۱۰۴۰:۴	کم کن آتش ۸۲:۶	کُند قهر ۱۳۵۵:۱

کند گردد ۴:۱۱۲۸*	کو بر آن ۳:۲۶۳۶*	کو به بحر ۵:۱۹۹۴*
کندن گوری ۴:۱۳۰۱*	کو بر ارکان ۲:۲۲۲۰*	کو به پهلوی ۶:۱۳۰۲*
کُند و مانده ۱:۳۱۸۴*	کو برای ۴:۳۶۰۶*	کو به پیش ۱:۳۲۷۱*
کُنده آهن ۴:۱۸۷۸*	کو بُرد از سحر ۲:۲۲۷۸*	کو به تگ ۵:۵۱۰*
کُنده تن ۲:۱۹۴۸*	کو بُرد روزی ۱:۳۸۴۵*	کو به جان بازی ۳:۳۴۱۰*
کُنده و زنجیر ۶:۷۹۹*	کو برون آید ۵:۲۱۳۵*	کو به دریا نیست ۵:۲۴۱*
کُنده‌ها را باز ۵:۲۰۷۴*	کو برهنه بود ۳:۳۷۰۴*	کو به دریاها ۱:۱۳۷۵*
کُنده‌های خالی ۵:۲۰۷۳*	کو بغیر ۳:۱۲۲*	کو به دیده ۶:۲۸۷۰*
کُنده‌یی را ۵:۲۴۹۷*	کو بگفت ۶:۲۳۴۸*	کو به زخم ۴:۹۹*
کُنْ ذَلِيلَ النَّفْسِ ۱:۱۸۶۷*	کو بگوید ۳:۲۸۸۶*	کو به عشق ۲:۳۱۵۲*
کُن ز خاک پای ۴:۳۳۷۲*	کو بلی گو ۶:۲۳۰۱*	کو به غیر ۵:۴۹۲*
کُن قرین ۳:۱۹۴۷*	کو بنشناسد ۴:۲۶۸۶*	کو به کد ۶:۴۲۰۸*
کُن قیاس ۱:۹۶۹*	کو بُود از علم ۱:۲۸۶۰*	کو به کف ۴:۲۹۱*
کِنِگِ اُمَرَد ۶:۳۰۴*	کو بُود با خلق ۲:۲۳۷۳*	کو به کو ۲:۶۴۹*
کنگره ویران ۱:۶۸۹*	کو بُود بر هر ۱:۳۰۶۷*	کو به گلشن ۵:۱۷۳۹*
کنگ زفتی ۲:۳۱۵۵*	کو بُود تریاق لانی ۲:۳۴۶۴*	کو به گورستان ۴:۱۳۱۲*
کن میان ۵:۲۱۰۹*	کو بُود چون ۳:۳۷۷۵*	کو به مؤمن ۲:۱۲۴۸*
کوادب از ۶:۱۵۱۳*	کو بُود حادث ۴:۱۶۶۹*	کو به نزد من نیرزد ۶:۱۰۳۸*
کو اسیر آمد ۵:۱۶۸۴*	کو بُود حق ۲:۲۷۶۱*	کو به نزد من همی ۶:۱۰۴۰*
کو اسیر الله ۶:۹۸۸*	کو بُود در اندرون ۲:۳۴۶۵*	کو به نسبت ۱:۱۷۴۰*
کو اسیر و سُنْبَه ۱:۲۴۹۴*	کو بُود در بند ۶:۱۰۰۳*	کو به نسخ ۱:۳۲۲۸*
کو اگر زهری ۲:۳۴۳۰*	کو بُود در عشق ۳:۲۲۶۴*	کو به نیکویی ۱:۲۰۸۷*
کو امانی؟ ۵:۲۶۵۵*	کو بود ز اسرار ۱:۱۹۲۱*	کو به وقت ۶:۴۵۶۰*
کو بیخشد مُرده ۳:۲۵۰۲*	کو بُود زو ۵:۳۸۹*	کو به هر دم ۲:۳۳۱۲*
کو بیخشد هم ۴:۶۱۳*	کو بود سُخره ۳:۲۴۳۴*	کو به هر دو ۳:۱۷۰۵*
کو ببیند جای ۴:۳۴۰۳*	کو بُود مر تشنگان ۲:۱۱۹۹*	کو بیان ۳:۴۲۴۱*
کو ببیند سِر و فکر ۱:۳۱۴۵*	کو بود منبع ۳:۱۵۴۹*	کو پذیرد حرف ۶:۱۰۲۲*
کو بُت تن ۵:۲۵۰۵*	کو بود واقف ۵:۱۹۹۶*	کو پذیرد مر خَبَث ۶:۱۱۹۹*
کو بد است ۲:۳۳۰۳*	کو بُود هم ۱:۳۴۶۲*	کو تحدّت ۱:۳۲۷۷*
کو بداند ۲:۱۱۲۰*	کو به آخر باید ۲:۱۸۵۶*	کو تو را پای ۶:۱۲۱۸*
کو بدزدید ۶:۴۶۵*	کو به آخر بر ۳:۱۴۴۰*	کو تو را می‌خواند ۳:۳۱۰۷*
کو بدل گشت ۲:۳۴۳۱*	کو بهاران زاد ۲:۲۳۲۱*	کو جَذوب ۲:۸۲۹*
کو بدید ۳:۲۹۶۰*	کو به اِشکسته ۳:۴۴۹۸*	کو جهان؟ ۵:۱۹۰۶*
کو بر آب ۱:۳۳۸*	کو به افسون ۴:۳۱۹۳*	کو چرا ۴:۳۴۸۱*
کو برآرد ۳:۴۶۵۷*	کو به بانگ ۶:۲۹۱۷*	کو چکین رنجور ۶:۴۶۳۴*

کو چو ابلیس ۴۰۶۷:۳	کودکان اندر ۱۵۶۶:۳	کودکی دو ۳۲۲۱:۳
کو چو بی آبان ۲۹۴۹:۶	کودکان این ۲۳۸۳:۳	کودکی کو ۴۰۸۹:۳
کو چو خود ۲۶۲:۱	کودکان چون ۵۱۱:۳	کودکی گرید ۳۳۴۲:۵
کو چو سوسن ۲۱:۳	کودکان خانه ۲۹۴۱:۵	کو دل از ۳۴۵۸:۴
کو چو عتاران ۳۸۴۵:۳	کودکان خُرد در ۳۶۴۴:۳	کو دلی کز ۱۷۱۲:۱
کو چو مُشک ۱۴۵۴:۱	کودکان خُرد را ۳۰۴۴:۵	کو دلیل نور ۴۲۵:۱
کو چه آمیزد ۳۶۷:۱	کودکان خرد فهمش ۴۲۳۹:۳	کو دو دست ۴۶۴۴:۳
کو، چه دارد ۲۸۱۹:۶	کودکان خندان ۳۷۴۰:۳	کو دهد بس ۱۹۷۸:۵
کو چه زهر ۲۷۵۰:۴	کودکان خواجه ۲۵۹:۳	کو دهد صلح ۳۷۰۷:۲
کو حقیقت ۱۲۳۸:۵	کودک اندر ۴۷۲۰:۶	کو دهد وعده ۱۶۷۰:۲
کو حمیت ۱۳۳۶:۲	کودکان را باز ۲۴۱۵:۲	کور آن مرغی ۱۴۱۴:۵
کو حیات ۱۵۶۶:۵	کودکان را تیغ ۳۵۹۸:۵	کورِ اخترگوی ۳۳۱۷:۳
کو خلیلی ۳۰۷۷:۲	کودکان را حرصِ گوزینه ۲۰۶۴:۵	کور از خلقان ۲۳۶۰:۳
کو خورد از بهر ۳۳۷۶:۴	کودکان را حرص می آرد ۱۱۳۳:۴	کور اگر از ۳۳۱:۴
کو خورد مال ۵۵۸:۶	کودکان را می بری ۴۵۸۵:۳	کور با رهبر ۴۱۰۸:۶
کو خورنده ۳۷۴۷:۳	کودکان را هم ۹۴۲:۳	کورِ باطن ۲۰۹۱:۳
کو خیال او ۱۲۸۷:۵	کودکان رفته ۲۵۹۹:۲	کور باید ۲۲۶۵:۱
کو خیالی ۷۶۶:۴	کودکان سازند ۲۵۹۸:۲	کور بر اشکم ۱۱۹۱:۶
کو در آتش ۷۹۰:۱	کودکان گرچه به ۲۰۱۷:۴	کور بودم ۲۵۶۰:۴
کو در آن ۳۵۵۰:۳	کودکان گرچه که ۴۵۳:۶	کور پندارد ۲۲۱۳:۶
کو درون ۱۰۹۳:۴	کودکان گفتند ۱۵۹۷:۳	کور چون ۵۰۳:۴
کو درین جُست ۲۹۸۷:۲	کودکان مکتبی ۱۵۲۲:۳	کور، حیران ۱۱۰۵:۶
کو درین دو ۲۸۹۴:۵	کودکانه ۸۸۵:۴	کور، خود ۱۳۹۶:۳
کو درین شب ۵۰۷:۲	کودک اوّل ۱۶۲۳:۱	کورِ دل با ۲۳۸۲:۲
کو درین عالم ۲۸۷۰:۴	کودک بیمار ۳۸۵۱:۶	کور را پرهیز ۲۰۸۹:۳
کو دغا ۶۵۵:۲	کودک حلوایی ۴۱۸۶:۶	کور را تقلید ۴۳۰۴:۳
کو دغینه ۱۹۸۴:۵	کودک دو ماهه ۳۲۳۳:۳	کور را خود ۳۳۴:۴
کودک آن ۴۰۹۵:۳	کودک دیوانه ۲۲۵۶:۶	کور را قسمت ۷۲۲:۲
کودک از ترس ۷۵۹:۳	کودکی از ۱۵۹۹:۴	کور را، گوش ۲۲۱۴:۶
کودک از غم ۴۰۲:۲	کودکیت ۳۴۳۱:۱	کور را هر ۱۷۳۹:۳
کودک امرد ۳۸۴۷:۶	کودکی حلوا ۳۹۲:۲	کور ز آن ۴۹۹:۴
کودکان آنجا ۱۵۸۴:۳	کودکی دارد ۹۵۱:۳	کور ساند ۱۵۸۶:۱
کودکان از ۴۷۱۸:۶	کودکی در ۳۱۱۶:۲	کور شد ۳۴۱۳:۲
کودکان اِسفال ها ۴۳۶۰:۳		کور ظاهر ۲۰۹۱:۳
کودکان افسانه ها ۲۶۰۲:۳		کور عاجز ۲۳۵۶:۲

کوزه گر با ۶:۳۳۳۶	کوری خود ۳:۲۷۲۳	کور کردن ۶:۲۵۹۲
کوزه چشم ۱:۲۱	کوری عشقت ۳:۲۳۶۲	کور کَپیری ۴:۲۶۲۹
کوزه چوبین ۵:۱۹۳۵	کوریِ فرعون ۳:۹۰۲	کور کَپیری ۴:۲۶۲۷
کوزه سربسته ۱:۹۸۷	کوری کوران ۴:۱۷۰۶	کور گردانم ۳:۱۲۰۵
کوزه گر گر ۳:۱۷۳۸	کوریِ ما ۳:۹۱۱	کور گردد مار ۵:۱۹۵۲
کوزه مان ۱:۲۲۵۴	کوری و شلی ۲:۳۲۸۲	کور گشت از تو ۲:۲۶۶۵
کوزه می بینی ۵:۳۲۹۱	کور آدم ۱:۴۳۰	کور گشته ست این ۵:۳۷۳۵
کوزه نو ۴:۱۶۳۲	کور انبان ۳:۱۴۸۳	کور گفت اینک ۳:۲۶۱۵
کوزه ها در ۳:۲۱۲۳	کور اوّل ۲:۱۰۱۳	کور گفتش ۴:۱۰۴۷
کوزه ها سازی ۳:۷۲۰	کور زبان، تا ۲:۲۴۳	کورم از غیر ۳:۲۳۶۳
کوزه یی کواز ۴:۱۸۰۷	کور زبانِ جمله ۲:۳۷۰۰	کورمَد ۳:۴۰۰۸
کور سپس ۴:۱۵۴۰	کور بیم ۳:۳۹۱۰	کور مرغانیم ۲:۳۷۴۶
کوست با ۶:۳۰۸۲	کور پای ۵:۱۱۶۱	کور می جویی ۲:۲۳۶۱
کوست بابای ۴:۳۲۵۹	کور تعظیم ۴:۳۵۳	کور می کردند ۳:۴۴۹۲
کوست پشت ۴:۲۶۵۳	کور جوی ۲:۸۹۴	کور می گیری ۲:۲۳۶۰
کوست سوی ۶:۱۴۷۴	کور حق ۱:۲۹۴۰	کور نشناسد که ۲:۲۳۵۲
کوست فتنه ۲:۲۷۰۷	کور خون ۲:۲۰۰۶	کور نشناسد نه ۲:۲۳۶۶
کوست مغز ۴:۳۲۸۱	کور دَجَله ۱:۲۸۵۰	کور و کر ۴:۲۴۳۰
کور سر آن ۳:۴۰۶۰	کور راهی ۲:۳۲۱۰	کور ها کرد آب ۵:۴۳۱
کور سر نفس ۳:۲۴۳۵	کور زاد ۵:۸۱۸	کور ها کرد آنچنان ۲:۳۲۱۴
کور سری بودست ۵:۱۹۵۷	کور زخم ۲:۳۱۴	کوره این ۲:۱۳۷۶
کور سلیمانی ۶:۴۰۱۲	کور سر ۲:۱۱۰۲	کور و پیغمبر ۶:۲۰۶۷
کور سوی دریا ۴:۲۲۶۷	کور شب مظلّم تر ۴:۲۱۸۳	کوری آن کس ۱:۱۰۱۳
کوسه رابد ۶:۳۸۴۶	کور صد ۳:۴۲۵۲	کوری آن وَهْم ۶:۴۳۲۶
کوسه لشکر ۱:۳۰۷۲	کور عین ۲:۱۶۱۹	کوری ادراک ۴:۲۵۰۲
کوش دایم ۶:۱۴۶۶	کور گفت ۵:۳۲۴۰	کوری افزون ۴:۲۸۶۴
کوششِ بیهوده ۱:۱۸۱۹	کور زمانی ۴:۲۶۸۴	کوری او، بر ۶:۱۰۹۹
کوششش را ۵:۱۹۷	کور زنده؟ ۶:۱۵۳۵	کوری او رست ۶:۴۸۵۳
کوششی کن ۵:۲۲۲۶	کور نورِ عقل ۱:۱۱۲۷	کوری ایشان ۱:۲۰۲۱
کور شکار ۵:۱۹۵۰	کوزه آن ۶:۶۵۱	کوری ترسانی ۳:۴۳۵۸
کور شنیده ۳:۳۹۳۱	کوزه از ۶:۳۳۳۶	کوری تن ۴:۶۱۵
کور طمع ۱:۲۳۷۲	کوزه ای با ۱:۲۷۱۰	کوری تو، حق ۴:۲۳۳۵
کور عدّو ۲:۴۷۴	کوزه این ۶:۶۵۱	کوری تو کرد ۴:۲۴۴۸
کور عُمَر؟! ۶:۲۰۶۵	کوزه بودش ۱:۴۲	کوری چشم ۵:۴۴۰
کور غذای ۲:۱۰۸۵	کوزه پیدا ۵:۳۳۰۵	کوری حرص ۴:۱۷۰۶

کون می گوید ۴: ۱۵۹۵	کو ملولی ۶: ۳-۴۳	کو غریبان ۶: ۳۰۲۰
کونه آن شاه است ۶: ۱۶۳۹	کو منافق ۴: ۱۸۹۳	کو غسول ۵: ۲۲۱
کو نهاد ۶: ۲۴۸۵	کو مُنَزّه باشد ۳: ۳۴۴	کو غلام ما؟ ۳: ۳۱۸۰
کونه اندر ۳: ۴۶۳۴	کو مُنَزّه شد ۲: ۳۳۲۸	کو غلام من؟ ۳: ۳۱۸۴
کو نهد ۱: ۳۷۰۶	کو میان ۴: ۲۸۲۹	کو غنی است ۳: ۳۳۵۴
کون، یک ۳: ۴۲۶۰	کو می لب های ۵: ۲۵۲۲	کو غنی القلب ۴: ۳۱۳۱
کو و کو گو ۲: ۱۹۸۷	کو نباشد بی فغان ۶: ۴۵۱۸	کوفت اندر ۳: ۴۰۵۲
کو و کو می گو ۳: ۲۳۰۳	کو نباشد عاشق ۵: ۲۵	کوفت دستار ۴: ۲۷۲۴
کو و کو و کو ۶: ۳۳۱۴	کو نبی ۵: ۷۴۲	کوفت صوفی را ۲: ۲۱۸۴
کوه اگر بر ۲: ۳۴۶۵	کون بر چاره ست ۲: ۶۸۲	کوفت طبعم را ۶: ۷۱۲
کوه اندر مار ۳: ۹۹۹	کو نتیجه ۵: ۵۱۶	کوفتند ۳: ۲۸۱۸
کوه با داود گردد ۶: ۲۲۸۵	کو نجوید ۵: ۳۵۲۸	کو فرو مُرد ۵: ۳۹۶۸
کوه با داود گشته ۳: ۴۲۶۹	کو ندارد آب ۵: ۱۲۳۴	کو قدوم ۶: ۸۳۶
کوه با وحشت ۶: ۲۲۸۶	کو ندارد خود ۵: ۳۴۹۹	کو قیاس ۱: ۳۹۵۷
کوه بر خود ۳: ۲۸۱۵	کو ندارد رأی ۲: ۲۲۷۰	کو کب ۶: ۱۱۳
کوه برفی می زند بر دیگری ۴: ۳۷۳۷	کو نداند آسمان ۴: ۳۷۰۷	کو کجا ۳: ۵۷۴
کوه برفی می زند بر کوه ۴: ۳۷۳۸	کو نداند نقص ۲: ۳۰۸	کو کرم؟ کو ۲: ۲۸۹۰
کوه بر که ۴: ۳۷۳۶	کون دریده ۶: ۳۱۰	کو کسی، کو مخرم ۱: ۱۵۷۵
کوه بود آدم ۶: ۱۳۴۵	کو نشاط ۵: ۲۴۳۵	کو کسی که پیششان ۱: ۲۹۷۸
کوه بهر ۶: ۴۷۵۰	کو نشان از ۱: ۳۵۰۱	کو کشد پارا ۶: ۳۶۰۶
کوه بیچاره ۵: ۱۸۹۹	کو نشان پاکبازی ۴: ۱۷۵۶	کو کشد دشمن ۵: ۳۱۲۲
کوه پنداری ۳: ۱۵۱۸	کو نشان شکر ۴: ۱۷۴۵	کو کشد کین ۳: ۸۰
کوه، در رقص ۱: ۲۵	کو نشان عشق ۴: ۱۷۵۳	کو کند جلوه ۵: ۳۹۵
کوه در سوراخ ۴: ۳۴۵۱	کو نشان یکرهی ۱: ۳۵۰۶	کو که باشد ۶: ۲۸۱
کوه را از بیخ ۱: ۳۸۹۶	کو نظرگاه خداوند ۴: ۶۱۸	کو که مدح ۱: ۳۶۳۴
کوه را دیده ۱: ۲۰۵۰	کو نظرگاه شعاع ۴: ۶۱۸	کو گرسنه ۲: ۳۶۳
کوه را غرقه ۶: ۸۱۳	کو نقوش ۱: ۳۴۸۵	کو گرفتی ۱: ۳۶۵۷
کوه راکه ۴: ۳۴۵۲	کو نکویی ۱: ۳۳۸۶	کو گریزان ۵: ۴۱۴۱
کوه راکی ۱: ۳۷۹۴	کو نگرداند ۶: ۲۸۵۹	کو گشاد ۶: ۲۴۸۵
کوه را گفتار ۶: ۴۶۶۰	کو نگرد بعد ۳: ۵۴۷	کو گمانی ۱: ۳۲۱۳
کوه را گویم ۲: ۱۶۲۹	کو نگرد کاسد ۳: ۴۳۶۲	کو گواه ۳: ۲۷۱۰
کو هزاران بار ۲: ۲۲۷۹	کو نگیرد ۶: ۱۳۵۶	کو لب و ۵: ۲۵۰۳
کو هزاران لطف ۱: ۱۸۳۹	کو نماز و سُبحه ۶: ۲۰۶۷	کو مبدل ۳: ۲۵۶۲
	کو نماز و، کو ۲: ۲۷۷۰	کو مُراقِب ۱: ۱۴۵۵
	کو نمی بیند ۳: ۲۷۱۸	کو میزاج ۶: ۸۳۶

که از آن پرده ۶: ۳۴۸۰*	کوه‌ها بینی ۲: ۱۰۴۴*	کوه طور از مقدّمش ۳: ۴۲۶۷*
که از آنچه ۵: ۲۵۶۲*	کوه‌ها چون ۵: ۴۲۰۹*	کوه طور از نور ۱: ۸۶۷*
که از آن حیران ۵: ۳۲۱۰*	کوه‌ها را پیش‌ت ۳: ۴۲۷۳*	کوه طور اندر ۳: ۱۵*
که از آن در ۳: ۲۶۷۷*	کوه‌ها را مردی ۳: ۴۲۶۶*	کوه قاف ار ۶: ۳۰۶۵*
که از آن دوری ۲: ۳۶۰*	کوه‌ها را هست ۵: ۲۶۵۵*	کوه کوه اندر ۱: ۷۰۴*
که از آن دوزخ ۴: ۱۱۴*	کوه‌ها و بحر‌ها ۳: ۵۵*	کوه کی ۳: ۲۱۵*
که از آن سو دادیش ۶: ۵۸۵*	کوه‌ها و دشت‌ها ۲: ۱۰۳۵*	کوه گردد دژ‌ه‌یی ۶: ۴۶۸۵*
که از آن سوراخ ۶: ۵۸۲*	کوه‌ها هم ۳: ۱۰۱۴*	کوه گردد گاه ۶: ۲۳۹۳*
که از آن سو مولد ۴: ۳۵۰*	کوه‌های برف ۴: ۳۷۳۵*	کوه‌ها کو ۳: ۲۷۳۶*
که از آن سوی ست ۵: ۲۹۹۴*	کوه یحیی را پیامی ۳: ۱۰۱۸*	کوه همانجا که امید ۶: ۳۳۱۷*
که از آنها ۵: ۱۴۱۶*	کوه یحیی را نه سوی ۱: ۱۸۴۳*	کوه همانجا که به وقت ۶: ۳۳۱۸*
که از اِسپر ۱: ۳۵۰۳*	کوه یکی بد کرد ۵: ۴۰۱۴*	کوه همانجا که دل ۶: ۳۳۱۶*
که از او ۶: ۲۶۴*	کوه یکی دریاست ۵: ۱۸۷۹*	کوه همانجا که صفات ۶: ۳۳۱۵*
که از این شادی ۵: ۲۹۹۳*	کوه یکی مرغی ۱: ۱۵۷۶*	کوه هم و هستی من ۱: ۳۷۹۷*
که از او اندر ۴: ۹۵*	کوه یکی مَلّاح ۵: ۲۵۰۴*	کوه همه مغزست ۲: ۶۹*
که از او این ۵: ۹۷۹*	کوه یم و کشتی ۳: ۳۵۸۶*	کوه همی آمد ۶: ۴۲۹۰*
که از او بازست ۴: ۳۳۳۶*	کوه نومی‌دی ۱: ۷۲۴*	کوه همی آید ۱: ۳۳۷۳*
که از او بُریم ۶: ۲۸۴*	که: اَبادالله ۳: ۷۳۶*	کوه همی بیند ۳: ۲۸۵۷*
که از او بُد ۵: ۸۲*	که ابر بیماری ۲: ۱۴۳۳*	کوه همی ترساندت ۵: ۱۵۲۸*
که از او پاهای ۶: ۱۹۲*	که اتحاد ۲: ۳۷۲۹*	کوه همی جوشد ۴: ۱۹۶۶*
که از او پَرورَد ۴: ۲۳۲۰*	که اثرها ۶: ۱۳۱۲*	کوه همی جوید ۲: ۸۷*
که از او حَتّام ۴: ۲۳۸*	که اجابت کُن ۲: ۳۸۰۲*	کوه همی خواهد ۲: ۲۳۰*
که از او خوشتر ۶: ۲۵۳۱*	که اَجَل آمد ۴: ۱۳۷۹*	کوه می‌داند به قدر ۵: ۱۹۰۰*
که از او فرزند ۴: ۹۵۴*	که اَجَل این ۴: ۱۱۰۰*	کوه همی داند که ۳: ۴۴۵۸*
که از او گریان ۴: ۹۳۴*	که اَجَل دارد ۴: ۲۵۳۰*	کوه همی دوزد ۳: ۱۷۶۶*
که از او مقهور ۴: ۳۷۶۳*	که احتراق ۱: ۷۵۴*	کوه همی گفت ۲: ۱۷۲۰*
که از او مهتاب ۵: ۱۰۳۹*	که احتیاط ۵: ۲۱۷۴*	کوه همی لاغر ۵: ۲۸۶۶*
که از او می‌شد ۳: ۳۷۱۲*	که اختیار آمد ۳: ۳۲۸۸*	کوه هنر؟ کو ۶: ۲۲۹۷*
که از او هر دو ۵: ۲۴۵*	که اختیارش ۴: ۴۰۲*	کوه و دریاها ۴: ۵۵۶*
که از ایشان ۳: ۲۷۹۴*	که از آن آتش ۱: ۳۳۴۹*	کوه و صد کوه ۵: ۲۱۱۲*
که ازین ۵: ۱۹۹۱*	که از آن آگه ۳: ۷۰۶*	کوه و کنعان را ۶: ۲۰۸۶*
که ازین خُو ۳: ۱۸۰۲*	که از آن آید ۴: ۸۹۰*	کوه و مرغان ۳: ۱۴۷۳*
که ازین دستم ۴: ۳۱۶*	که از آن اجزای ۵: ۹۱۶*	کوه‌ها اندر ۳: ۴۲۶۸*
که ازین سُو ۵: ۱۷۱*	که از آن بحرست ۶: ۴۶۳۵*	کوه‌ها با تو ۳: ۲۴۹۹*
که ازین سه پند ۴: ۲۲۵۰*	که از آن بهره ۳: ۱۸۹۴*	کوه‌ها بیرید ۶: ۲۰۴۵*

که ازین شاگردی ۳۳۷۴:۴	که امین ۳۷۶۸:۳	که بترساند ۲۰۳۲:۲
که ازین نعمت ۱۱۸۷:۵	که اَنَا خَيْرٌ ۳۳۴۲:۴	که بترسانید ۲۸۰۹:۳
که اساطیرست ۴۲۳۸:۳	که اِنْلَی ۶۶۵:۶	که بترسد ۳۲۴۲:۵
که اسیرِ پیرزن ۳۱۶۰:۴	که اُولُو الْعِزْم ۳۶۰۳:۲	که بترس و بازگرد ۴۳۳۴:۳
که اسیرِ رنج ۴۳۲۷:۳	که اِهْدِ قَوْمِی ۷۸۰:۴	که بجا آرید ۲۵۳۲:۱
که اسیرم ۴۵۲:۳	که اینچه برماست ۳۴۲۹:۶	که بجنبد ۵۰۷:۴
که اشتراکت ۵۳۵:۵	که بیاید سِرِّ ۳۶۵۸:۶	که بجنبد ۳۳۷۷:۵
که اشتری دیدیم ۲۹۱۹:۲	که بِرُ این باد ۴۶۸۸:۶	که بجوای ۲۰۳۹:۴
که اشتهار ۱۵۴۶:۵	که بِرُ این را بغلطان ۶۸۵:۳	که بجویم ۱۰۹۲:۶
که اَشْدَاء ۲۹۴۳:۵	که ببر این را قبای ۱۶۸۶:۶	که بچِه زود ۲۹۵۷:۳
که اصْبَعَتْ ۳۶۹۰:۴	که ببرد دست ۱۶۰۷:۳	که بچینم درد ۳۶۰۷:۶
که اصبع لاغر ۳۷۲۴:۴	که بیرم ۱۷۲۲:۳	که بخارا ۳۷۸۹:۳
که اصول ۱۴۸۸:۵	که بِرُند ۲۶۱۴:۳	که بخر ۲۰۸۴:۴
که اضطراب ۲۷۵۲:۳	که بیندیم ۱۴۳۶:۲	که بخوادم جُست ۲۱۶۱:۳
که اَصْلُ اعمالهم ۹۹۹:۵	که ببین آن ۱۶۴۹:۵	که بخوادم، یا ۴۲۵۴:۶
که اعتقادم ۲۵۱:۵	که ببیند خفته ۱۷۳۶:۳	که بخور اینست ۴۰۱:۳
که اعتماد ۲۲۹۳:۱	که ببیند غیبها ۲۶۱۸:۶	که بخور تو ۳۴۴۲:۴
که اَعْذَنی ۳۶۹۴:۵	که ببیند مسجد ۱۳۵۶:۴	که بخوردندت ۳۲۰۴:۵
که افگند ۳۹۲۶:۶	که ببیند نیم شب ۳۰۵۷:۶	که بخور که ۲۸۴۰:۵
که اکابر را ۲۴۶۰:۶	که ببین ما را ۱۰۱۶:۵	که: بخویش ۳۱۶۹:۳
که اگر این ۷۳۶:۲	که ببینم رزق ۲۴۰۴:۵	که بدان او را ۲۷۹:۴
که اگر بیرون ۳۹۶۶:۳	که ببینی بر ۲۷۲۰:۴	که بُد آن تریاق ۴۲۳۸:۵
که اگر حق است ۴۷۹۷:۳	که ببینیم که دارم ۲۴۵۴:۳	که بدان تو ۱۴۲:۲
که اگر حق ست ۴۴۸۹:۳	که ببینیم، منم ۲۴۶۴:۳	که بدان یابند ۲۹۹۲:۶
که اگر ندهد ۲۸۳۶:۵	که ببختم ۵۹۶:۶	که بدان یک ۲۳۴۲:۶
که اَلْاَقَانِیم ۲۵۴۷:۶	که بپرس از ۳۹۸:۶	که بدادت حق ۴۲۰۹:۶
که التفات ۷۳۱:۳	که برسید ۲۹۷۵:۴	که بدادی زر ۲۷۹۷:۵
که الم نشرح ۱۰۷۱:۵	که پرور اصل ما را ۱۳۴۵:۱	که بدان پاینده ۱۱۴۷:۶
که امان سبزواری ۸۹۳:۵	که پروردم ۴۸۴۲:۶	که بدان تدبیر ۳۲۳۴:۵
که امانم ۱۵۸۸:۵	که پیوسیدست ۱۷۶۳:۳	که بدان خو ۳۲۸۴:۳
که امتحانی ۲۶۷۸:۱	که بیوشاند ۲۰۱۱:۶	که بداند کو ۴۵۰۵:۶
که امر سلطانت ۱۸۶۹:۵	که بیوشید ۱۳۳۳:۴	که بدان رگ ۳۷۱۷:۴
که امشبان، لوت ۵۲۲:۲	که بیچم ۳۸۲۷:۶	که بدان فهم ۳۲۱۲:۵
که امشبان هم ۲۶۳:۵	که بتاسانید ۴۰۸۲:۳	که بدان که ۴۳۵۹:۶
که امید ۱۳۲۲:۶	که بُت تو ۱۵۰۱:۵	که بدان مانند ۵۰۴:۱

- که بدانم سگ ۶: ۲۸۲۱
 که بدان مفقود ۳: ۲۲۵۹
 که بدانم که ۶: ۴۱۷۷
 که بدانی اصل ۳: ۲۶۵۶
 که بدانی که ۵: ۵۶۲
 که بدانی من کی ام ۳: ۲۶۵۴
 که بدانی و ۳: ۳۶۶۸
 که بُد او فخر ۶: ۲۶۵
 که بدرآند ۵: ۱۵۸۰
 که پدَرْد پرده ۳: ۱۲۴۸
 که پدَرْد گاو ۵: ۹۲۹
 که بُدستش چشم ۵: ۱۸۴۵
 که بُدستش مَسکن ۴: ۳۶۳۲
 که بُدم مُستغرق ۵: ۲۶۱۷
 که بُدم من ۴: ۱۳۹۱
 که بُدندی ۳: ۲۸۲۳
 که بدو ایوب ۱: ۲۰۹۷
 که بدو خصمان ۵: ۱۲۱۴
 که بدو روشن ۴: ۲۴۷۵
 که بدو، مست ۴: ۲۶۸۳
 که بدو یابید ۶: ۲۸۶۰
 که بده باد ۴: ۱۵۰
 که بده زوتر ۵: ۹۵۷
 که بُدی بر آفتابی ۱: ۳۶۵۸
 که بدیدستم ۴: ۹۰۷
 که بدیدم ۶: ۱۱۶۳
 که بُدی زین ۵: ۶۰۶
 که بدیشان ۶: ۴۸
 که بدین آیاتشان ۴: ۱۷۹۹
 که بدین ثانی ۵: ۹۴۳
 که بدین سان ۶: ۱۹۲۷
 که بدین عقل ۵: ۳۲۳۵
 که برآر از دودمان ۴: ۲۵۶۷
 که برآر از قعر ۵: ۹۵۳
 که بر آرد زو ۵: ۱۰۲۴
- که بر آرد فرع ۵: ۱۰۲۵
 که بر آرد نَفَس ۶: ۲۱۲۲
 که بر آرد ۵: ۱۷۷۳
 که بر آمد آفتابی ۴: ۵۰۰
 که بر آمد روز ۳: ۲۷۱۹
 که برآمد موج‌ها ۴: ۷۱۹
 که برآورد ۵: ۱۵۹۰
 که برآید از ۵: ۱۳۱۹
 که برآید جان ۴: ۱۲۵۹
 که برآیم بر سر کوه ۴: ۱۴۱۰
 که برآیم بر فلک ۳: ۱۴۷۹
 که برابر ۵: ۱۶۱۹
 که بر ادراکات ۴: ۲۶۸۷
 که بر افشاند ۵: ۲۸۲۷
 که بر او آن ۲: ۳۱۵۹
 که بر او بُد ۶: ۱۱۵۱
 که بر او بسیار ۵: ۳۲۲۲
 که بر او بگریست ۳: ۴۷۱۲
 که بر او لطف ۶: ۵۶۵
 که بر او مُهر ۴: ۳۳۶۶
 که برای خواب تو ۵: ۳۶۵۷
 که برایشان ۵: ۱۶۰۴
 که برای نَفقه ۶: ۱۵۷۴
 که بَرَد تعظیم ۵: ۴۰۹۶
 که بَرَد ز آن ۴: ۳۱۴۶
 که بَرَم من کار ۶: ۳۷۹۵
 که بُرند ۳: ۴۷۵
 که برو آنجا ۳: ۲۹۱
 که برو آن جمله ۲: ۳۹۳
 که برو آن سوی ۳: ۱۲۱۹
 که برواز ۵: ۵۰۹
 که بروای پیر ۴: ۹۵۶
 که بروای سگ ۵: ۱۸۱۶
 که برو، جَفَّ القلم ۵: ۳۱۵۰
 که بُرو دیده ۴: ۳۵۶۲
- که بِرُو ز آن ۵: ۱۶۲۰
 که برو زین خُلد ۵: ۹۶۴
 که برو کتاب ۴: ۲۵۷۸
 که برو ما ۳: ۳۹۳
 که بروی آب ۴: ۶۶۰
 که برون آرند ۳: ۸۴۶
 که بُرون آی ۴: ۱۴۵۳
 که برون است ۴: ۱۸۱۱
 که برون شد ۱: ۲۲۱۰
 که بروی شهر ۶: ۱۹۳۹
 که برو واپرس ۶: ۳۹۳
 که بِرُو، هستی ۴: ۲۴۹۷
 که بروید ۵: ۱۰۲۱
 که بُری خوردیم ۳: ۴۹۹
 که بُریده ۳: ۱۶۹۳
 که برین افزون ۶: ۱۰۳۲
 که برین جان ۶: ۲۳۱۶
 که برین خامان ۶: ۸۲۸
 که بس آفتهاست ۶: ۳۶۹۱
 که بسازد مسجد ۴: ۳۸۸
 که بسوزد چون ۵: ۹۵۹
 که بسوزد گُل ۶: ۱۹۶۲
 که بسی جاسوس ۴: ۱۷۹۳
 که بسی جُستم ۳: ۴۷۰
 که بسی فرق ۱: ۳۶۵۳
 که بشر آنرا ۴: ۵۷۵
 که بشر دیدی تو ۳: ۲۲۹۷
 که بشر دیدی مر ۳: ۲۲۹۸
 که بَشَر شد ۶: ۵۶۷
 که بَعْلُتان ۵: ۲۰۸۰
 که بکارد ۳: ۲۲۴
 که بکاری ۲: ۲۲۲۴
 که بکرد او ۶: ۱۱۲۸
 که بکردت ۵: ۱۵۸۵
 که بکردم ۳: ۴۵۷۷

که بود هر خرمن ۵: ۳۸۸*	که بماندم ۵: ۳۴۰*	که بکردی غسل ۳: ۴۱۷*
که به آخر ۳: ۳۹۹*	که بمانی ۵: ۱۶۱*	که بگشت ۵: ۳۹۴*
که به احسان ۲: ۲۱۴*	که بمردیم ۶: ۲۱۷*	که بکن ای بنده ۶: ۲۱۸*
که بهاران ۳: ۲۴۴*	که بنشناسم ۳: ۶۹۳*	که بکن ما ۳: ۴۴۸*
که به از جان ۱: ۳۷۳*	که بنگذارد ۳: ۴۸۸*	که بگردان ای ۳: ۱۹۱*
که به از من ۲: ۳۴۶*	که بنگذاری ۳: ۱۷۷*	که بگرداند ۶: ۳۶۹*
که به امر ۳: ۱۰۵*	که بود آهنگ ۴: ۲۶۹*	که بگردانم ۵: ۱۶۹*
که به آنسابش ۱: ۳۴۰*	که بود از عکس ۱: ۲۰۷*	که بگردانی ۶: ۲۴۵*
که به باغ ۶: ۱۱۶*	که بود افتاده ۴: ۲۳۷*	که بگردیم ۳: ۳۳۳*
که به بالای ۴: ۳۵۵*	که بود با او ۶: ۲۱۲*	که بگریم ۵: ۱۳۵*
که به بخششهاش ۶: ۳۰۲*	که بود باتیغشان ۵: ۳۷۷*	که بگفت او ۵: ۶۸۸*
که به بغداد است گنجی در ۶: ۴۳۱*	که بود بارش ۴: ۳۳۸*	که بگفتم ۵: ۳۰۲*
که به بغداد است گنجی مُستتر ۶: ۴۳۱*	که بود بنده ۵: ۳۱۵*	که بگفتی ۲: ۳۳۶*
که به بوی ۵: ۱۹۷*	که بود به ۵: ۲۶۳*	که بگو آن ۴: ۳۰۶*
که به بیداری عیانستش ۶: ۲۴۹*	که بودتان فتح ۳: ۴۰۴*	که بگو تو ۳: ۲۴۵*
که به بیداری نبینی ۴: ۳۰۶*	که بود تقلید ۲: ۴۸۴*	که بگوشم ۵: ۳۳۷*
که به بهوده ۶: ۲۰۵*	که بود تمیز ۴: ۱۲۷*	که بگوید: اوستا ۳: ۱۵۲*
که به بر ۳: ۴۲۳*	که بود حتی ۵: ۲۸۹*	که بگوید دشمنی ۳: ۴۰۸*
که به پیش آید ۲: ۱۶۷*	که بود در پیش ۴: ۲۸۵*	که بگوید گر ۴: ۹۴۵*
که به پیش آید ۶: ۳۸۹*	که بود در خواب ۶: ۲۷۲*	که بگویی ترک ۶: ۹۶۴*
که به پیش ازدها ۵: ۲۶۰*	که بود دعوی ۳: ۳۶۸*	که بگوید از ۱: ۲۶۷*
که به پشت ۳: ۴۲۷*	که بود دید ۴: ۲۱۵*	که بگویدش ۵: ۱۸۲*
که به پیش عظم ۴: ۳۷۱*	که بود رهن ۴: ۳۶۱*	که بگیر ای شیخ ۲: ۳۲۲*
که به پیش ما ۳: ۳۷۷*	که بود زاغی ۴: ۱۳۰*	که بگیر اینک ۵: ۳۵۰*
که به پیش نفس ۳: ۲۸۰*	که بودشان عقل ۳: ۲۶۴*	که بگیرد چند ۳: ۱۵۲*
که به ترک ۴: ۸۶۳*	که بودشان لرزه ۳: ۱۷۲*	که بگیرد در ۲: ۱۳۱*
که به تقوی ۳: ۳۲۸*	که بود غره ۶: ۲۵۷*	که بگیرد همچو ۵: ۳۹۲*
که به تن باز ۳: ۲۹۴*	که بود غماز ۶: ۲۷۲*	که بگیرم مُصحف ۳: ۱۸۶*
که به تو ۴: ۳۲۳*	که بود غم بنده ۵: ۳۶۸*	که بلا بر ۶: ۲۵۵*
که به جای ۱: ۲۶۶*	که بود قوادکان ۵: ۳۵۶*	که بلای ۴: ۱۰۷*
که به جذب ۳: ۴۱*	که بود کان ۶: ۱۹۲*	که بلرزند ۴: ۳۷۷*
که به حق این ۲: ۲۸۷*	که بود که ۴: ۳۴۹*	که بلغزد ۵: ۴۹۹*
	که بود گردون ۳: ۲۵۸*	که بلی گفتم ۵: ۱۷۵*
	که بود مرصاد ۳: ۳۰۴*	که بلی منم ۲: ۲۹۷*
	که بود نسیان ۵: ۴۱۰*	که بمالد ۵: ۲۳۱*

که به حق ذات ۱۶۴۱:۵	که به عقل و رسم ۱۳۴۵:۵	که بیا رابع ۲۷۴۲:۳
که به حق زنده ۱۵۵۰:۶	که به علم سیر ۲۷۸۶:۳	که بیا سوی ۱۹۹۶:۶
که به خانه ۴۲۳۳:۶	که به عمر ۳۹۱۸:۶	که بیا که ۱۴۵۰:۴
که به خدمت ۳۶۳۸:۱	که به قُرجه ۲۸۸۲:۴	که بیا بندش ۵۵:۵
که به خواب ۳۷۲۶:۴	که به قدر ۹۳۷:۶	که بیا بید ۷۱۹:۴
که به خواجه ۲۱۷۰:۵	که به قذف ۱۹۹۲:۵	که بیا آخر ۲۴۱۰:۲
که به خواری ۳۳۸۸:۴	که به کار ۱۰۰۵:۴	که: بیا ای ۲۳۱۵:۳
که به خیری ۲۶۱۴:۲	که به گاو ۲۴۸:۶	که بیابد از ۱۸۷۰:۲
که به دانش ۳۰۲۳:۴	که به گوش ۳۷۸۸:۵	که بیابد اهلت ۱۳۳۲:۳
که به درد ۲۶۶۳:۴	که بپل دزدی ۴۵۳۳:۳	که بیابد خواجه ۲۱۷۲:۵
که به دست آرند ۲۷۳۲:۶	که به ما بتوان ۳۵۵۰:۱	که بیابد منزل ۲۶۸۹:۴
که به دست او ۱۵۷۵:۶	که: به مات ۱۴۴۱:۳	که بیابی فهم ۱۰۲۲:۵
که به دست خویش چیزی	که به ماهیت ۳۶۴۹:۳	که بیا سوی ۱۱۴۶:۵
۵:۲۷۸۱	که به مُردارت ۳۴۸۹:۶	که بیا من باش ۵۷۹:۶
که به دست خویش، خوبانسان	که به من آمد ۳۴۳۳:۶	که بیا من مادرم ۳۵۹۶:۲
۱:۲۲۹	که به من بهر ۱۷۰۸:۶	که بیاموزم ۳۲۶۶:۳
که به دعوی ۱۵۵۷:۳	که به مهمانی ۳۱۱۰:۳	که بیا مهمان ۲۲۱:۳
که به دل ۲۷۰۱:۳	که به میلی ۹۸۴:۴	که بیان بر ۳۷۳۲:۴
که به ده می‌شد ۵۸۱:۳	که به ناکام ۲۵۳۱:۲	که بیاید ۱۰۶:۶
که به روزی ۲۷۵۳:۵	که به نزدیکی ۲۰۳۹:۳	که بیفتی ۲۴۰۸:۲
که به زخم ۶۶۴:۵	که به نقش ۱۲۶۰:۶	که پدر گوید ۷۶۲:۶
که به سیر ۴۴۱:۴	که به وعظ ۲۸۶۲:۲	که پدید آمد ز بالا ۱۶۱۰:۵
که به سوی ۲۹۶۲:۴	که به وقت زندگی ۳۲۷۰:۵	که پدید آمد معاد ۲۶۲۷:۶
که به شب بُد ۲۹۱۳:۶	که به وقت و جو ۲۳۷۰:۵	که پدید آید بر او ۱۶۶۵:۳
که به شب بر روی ۲۹۱۵:۶	که به هر بانگی ۱۷۴۲:۳	که پدید آید نمازش ۱۹۷۲:۵
که بهشتی ۳۵۱۰:۱	که به هر جا می‌روم ۳۸۵۴:۶	که پذیرای دم ۳۰۴۰:۴
که به شر ۲۵۶۶:۶	که به هر دم می‌کنی ۲۴۲۷:۳	که پُرت دیدم ۲۳۶:۴
که به شست ۱۳۷۷:۶	که به هر روزی ۱۲۳۵:۲	که پُرم از تو ۲۰۲۲:۵
که به شهری ۳۳۰:۶	که به هر شب ۲۸۴۴:۳	که بری و آدمی ۱۹۲۳:۱
که به صحبت ۲۰۶۶:۳	که به هر وعظی ۱۴۷۱:۳	که پس این ۲۵۸۷:۴
که به صد دل ۳۷۴:۵	که به هنگام ۳۹۷۵:۱	که پلیدان ۱۲۰۱:۶
که به صد شمشیر ۱۳۹۵:۶	که به یک ایماء ۳۴۴۵:۶	که پناهم ۳۳۷:۱
که به ظن تقلید ۲۱۲۶:۱	که به یک سیلی ۱۱۲۹:۵	که پناه و دافع ۱۸۵۲:۳
که به عالم ۳۸۳۲:۵	که به یک گُل ۲۶۱۱:۴	که تائی ۳۴۹۷:۳
که به عقل آید ۷۱۰:۳	که بیار آن ۱۰۹:۵	که تجافی ۳۰۸۳:۴

که جفاها ۵:۳۱۵۱*	که تو را جلّاد ۵:۱۶۹۴*	که تحدّث ۴:۲۴۲۲
که جُلابِ قند ۴:۳۱۷۸*	که تو را دارند ۵:۲۸۴۵*	که تحرّی ۶:۴۶۷۲*
که جماد آمد ۲:۲۳۸۳*	که تو را در چشم ۵:۲۶۱۲*	که ترازو ده ۳:۱۶۲۴*
که جوان ناگشته ۳:۱۷۹۴*	که تو را در رزم ۶:۳۶۱۰*	که ترازوی ۶:۱۴۹۰
که جهان جسمی ۴:۱۴۵۴*	که تو را در سر ۳:۷۲۵*	که تَرَفُّع ۴:۲۷۶۵*
که جهان در ۳:۱۸۹۸*	که تو را رحم ۲:۶۹۱*	که تسلس ۵:۳۴۹۹*
که جَهْد ۴:۳۰۸۰*	که: تو را رنجور ۱:۳۳۶۰*	که تعلق ۴:۱۵۱۷
که جهودان ۱:۳۹۶۷*	که تو را ز آن ۶:۱۴۴*	که تمامش ۴:۳۷۹۶*
که چرا آتش ۳:۴۱۶۱	که تو را زنده ۴:۲۲۰۹*	که تو آن هوشی ۴:۳۶۱۱
که چرا آدم ۵:۱۹۲۲*	که تو را غمگین ۳:۴۱۴۹*	که تواند جز ۲:۲۴۴۷*
که چرا از ۳:۱۸۰۱*	که تو را گوید ۳:۱۸۶۶*	که تواند کردت ۶:۵۰۴*
که چرا اندر ۳:۲۸۵۴*	که تو را من ۵:۲۶۲۳*	که تو اهل ۲:۸۶۹
که چرا این ۴:۲۳۴۹	که تو را می جوید ۳:۳۸۷۵	که تو بر چَفْسیده یی ۵:۳۹۱۳*
که چرا باشید ۶:۴۲۵۹*	که تو را یاری ۶:۳۶۱۱	که تویی من ۴:۸۰۰*
که چرا بر ۵:۳۰۴۳	که تو رنگ ۵:۶۴۱*	که تو پاکی ۱:۳۹۱۲
که چرا بودش ۴:۸۷۴*	که تو روزی ۳:۲۳۳۹	که تو جانبازی ۵:۴۰۲۳
که چرا تو ۶:۸۸۹	که تو روی ۳:۵۶۶	که تو جنس ۴:۲۷۱۶*
که چرا جز ۶:۹۴	که تو زوری ۵:۱۵۸۰	که تو چُونی؟ ۴:۲۳۷*
که چرا داری ۵:۱۱۳۱*	که تو شش سلّه ۴:۲۵۵	که تو خواهی ۲:۳۱۵۶*
که چرا در کعبه ام ۶:۴۳۷۸*	که تو صاحب ۶:۴۶۱۳	که تو خود را ۱:۳۲۹۰*
که چرا دزدان ۶:۴۲۶۹*	که تو طفلی، خانه ۴:۲۵۶۶*	که تو خورشیدی ۴:۱۶*
که چرا زهره ۶:۱۷۲۴	که تو طفلی، گیر ۶:۶۰۲*	که تو دادی ۵:۱۱۸۶*
که چراغت ۱:۳۹۸۴*	که تو قلبی ۴:۲۸۵۶*	که تو داری ۴:۱۴۵۵*
که چراغ عشق ۳:۱۹۲۱*	که تو کردی ۲:۲۵۰۴*	که تو در عِصیان ۴:۱۳۹۶*
که چرا فَرِه ۴:۱۱۹۹*	که تو میری ۴:۲۷۸۰	که تو دُوری دُور ۴:۱۷۳۲*
که چرا قبله ۶:۱۴۵۲	که تو نوح ۴:۱۴۵۸*	که تو دوری و ندارد ۵:۳۰۵۳*
که چرا کشتی ۴:۳۰۱۹	که تویی آن من ۳:۴۶۱۴*	که تو را آن فضل ۴:۲۹۴۰*
که چرا گشتم ۶:۴۷۹۱*	که تویی تنهازو ۲:۳۱۹۱*	که تو را آورد ۶:۱۵۷۲*
که چرا ما را ۶:۲۷۵۳	که تویی خواجه! ۶:۱۷۸۰*	که تو را از تو ۴:۲۱۲۱
که چرا من تابع ۶:۴۸۴۵	که تویی در شک ۳:۴۱۱۶*	که تو را از عین ۶:۳۲۳۷
که چرا من خدمت ۶:۴۵۸۷	که تویی دیرینه ۴:۱۹۸۲*	که تو را او ۶:۳۱۵۳*
که چرا می یاد ۶:۹۵۹	که تهاون ۵:۴۱۰۴	که تو را اینجا ۶:۴۳۳۱*
که چگونه ۴:۲۷۲۵	که تِمَار ۳:۷۰۸*	که تو را این سو ۵:۳۶۵۶*
که چنان رحمت ۴:۳۲۵۶*	که جزا اظهار ۵:۳۹۹۴	که تو را بر ۵:۱۷۲۷*
که چنان سَرور ۳:۲۸۵۵*	که: جزا او را نیست ۳:۱۸۳۸*	که تو را بس ۵:۳۵۳۶*

که چنان طفلی ۳: ۳۲۰	۵: ۲۸۶۷	که حیاتی دارد ۶: ۴۴۱۹
که چنانکه صورتِ ۴: ۳۷۵۵	که چه خوردی ۵: ۱۱۳۷	که خبر کردند ۶: ۳۷۷۰
که چنان هولی ۵: ۲۶۱۶	که چه داری در ۴: ۱۵۷۵	که خبر نبود ۱: ۳۷۴۹
که چنین آتش ۴: ۹۳۷	که چه داریم از ۴: ۳۶۲	که خبر هرزه ۴: ۲۰۶۵
که چنین اندیشی ۴: ۶۹۸	که چه رویاند ۶: ۴۱۹۶	که خدا آن ۳: ۴۰۶۰
که چنین بادا ۲: ۲۳۴	که چه زشتی ۴: ۲۴۹۱	که خدا از من ۲: ۳۳۶۴
که چنین بر وی ۵: ۲۹۲۷	که چه شان ۱: ۲۹۴۸	که خدا اسبابِ ۶: ۱۶۷۰
که چنین پیران ۲: ۲۸۸۹	که چه شد ۶: ۵۴۴	که خدا افکند ۳: ۱۲۷۶
که چنین تتماج ۴: ۲۶۳۳	که چه غم ۴: ۳۶۵۲	که خدا بدهد ۳: ۳۳۱۱
که چنین رنجی ۳: ۲۹۶۱	که چه کردند ۵: ۱۲۰۴	که خدا بگشادشان ۱: ۱۴۶۷
که چنین سرمستی ۵: ۱۱۳۸	که چه گویند ۶: ۱۹۵	که خدا خواهد ۴: ۲۴۲۵
که چنین صورت ۶: ۴۲۲	که چه مقصودست ۲: ۱۸۱۸	که خدا رسواش ۳: ۱۷۱۳
که چنین کرده ۵: ۱۰۸	که چه مکرست ۵: ۱۱۲۱	که خدا زیشان ۲: ۳۲۱۹
که چنین کی ۳: ۴۷۴۷	که چه می‌خواهی بگو ۶: ۲۰۴۹	که خدا شیرین ۴: ۶۸۱
که چنین گوئی ۲: ۱۴۶۶	که چه می‌خواهی ز ۵: ۳۸۴۴	که خداوندی ۴: ۲۷۳۱
که چنین گوهر ۱: ۳۹۸۵	که چه می‌سازی ۳: ۱۸۴۵	که خدا هر رنج ۲: ۳۰۹۵
که چه بازهرست ۶: ۱۴۴۵	که چه می‌کردم ۴: ۱۱۳۵	که خدا هم ۴: ۱۴۱۱
که چه جزوی ۳: ۲۲۴۳	که چه می‌گفت ۳: ۲۳۸۶	که خدایا ۴: ۲۷۱۵
که چه دزد ۴: ۱۰۹۷	که چه می‌گوید عجب ۳: ۱۴۶۴	که خدایش سُر مه ۳: ۴۵۷۰
که چه رویه ۲: ۲۷۲۱	که چه می‌گوید فسون ۵: ۱۶۳۹	که خدایش عقلی ۲: ۱۶۰۱
که چه روز و شب ۲: ۳۴۷۶	که چه می‌گویند آن ۳: ۲۲۸۸	که خدایش کرد ۴: ۱۷۸۳
که چه شمع ۳: ۲۳۳۷	که چه می‌گویند پیدا ۳: ۲۶۱۳	که خدایی برتر اشد ۲: ۲۰۴۷
که چه شیشه ۵: ۱۱۳۰	که چه نسبت ۶: ۲۱۲۴	که خدایی نیست ۴: ۲۵۱۱
که چه ما او ۶: ۲۶۲۵	که چه حجاب ۴: ۲۵۳۵	که خرامیدند ۵: ۳۷۸۷
که چه آوردم ۳: ۱۰۴۹	که چه حَجَر ۱: ۳۶۰	که خرت را ۲: ۵۵۴
که چه ارزد ۵: ۴۰۴۳	که حدیثِ ۳: ۱۴۶	که خرت لنگ ۲: ۱۲۶۲
که چه باز آورد ۵: ۱۱۵۷	که حرم با ۶: ۳۳۷۷	که خَرَد ۶: ۹۹۴
که چه باشد ۵: ۳۳۵۷	که حسد ۳: ۲۷۲۹	که خریدی آب ۲: ۲۷۷۸
که چه تقصیر ۶: ۳۴۰۹	که حسن باشد ۴: ۱۹۲۶	که خریدی جان ۱: ۳۹۱۹
که چه جای ۴: ۳۲۷۷	که حسودِ دولتی ۵: ۱۱۸۰	که خزان ۵: ۹۷۷
که چه چاره ۶: ۳۰۳۲	که حقش ۲: ۲۲۹۷	که خزینۀ ۵: ۴۰۴۷
که چه خسبی ۴: ۱۳۶۰	که حقیقت ۶: ۲۸۶	که خطاب ۳: ۲۱۶۲
که چه خواهم خورد فردا ۵: ۲۸۶۲	که حملناهم ۲: ۳۷۷۴	که خلاص روز ۶: ۲۸۴۰
که چه خواهم خورد مستقبل؟! ۱: ۴۸۵	که حیاتِ دل ۱: ۴۸۵	که خلا و بی‌نشان ۶: ۱۴۶۷
		که خلیفه ۴: ۱۷۴۱

که خَمَش ۵۴۹:۶	که در اینجا ۳۰۲۰:۴	که دگر هرگز ۹۹۷:۵
که خنوسش ۴۰۵۹:۳	که درختِ دل ۴۴۶۲:۶	که دل آوردم ۸۹۱:۵
که خورد او ۱۰۸۴:۲	که درختی هست در ۳۶۴۱:۲	که دل اندر ۳۱۵:۳
که خورَم این ۹۲:۵	که درختی هست نادر ۳۶۶۶:۲	که دلِ تو زین ۳۳۵۷:۲
که خورم من خود ۳۹۷۲:۶	که درشتی ۱۱۳۲:۵	که دلش از شکل ۹۹۶:۳
که خورید این ۱۳۴۲:۶	که درِ گلزار ۴۶۵۲:۶	که دلش خالی ست ۲۷۰۰:۴
که خوش و زیبا ۸۰۶:۴	که درو باشد ۷۴۲:۴	که دلش را بود ۸۱۶:۶
که خوشی، غیرِ مکان	که درو پنهان ۲۰۶:۴	که دلش می گفت ۱۱۷:۵
۳۷۵۲:۶	که دروغش کرد ۲۲۱۶:۵	که دل شه ۲۵۳۷:۶
که خوشیم ۷۳۱:۳	که درون سینه ۱۰۶۷:۵	که دلم با برگ ۳۲۰۰:۲
که در آخر ۳۷۷۴:۶	که درو نشان پُر ۴۷۶:۵	که دلِ مُرده ۸۹۲:۵
که درآموزی ۱۹۶۰:۴	که درو نشان صد ۱۳۰۱:۶	که دلم سُستی ۲۹۹۲:۱
که در آن تقلید ۱۲۸۳:۵	که دریدم پرده ۶۱۴:۶	که دلِ من ۲۵۶۸:۱
که در آنجا ۳۲۰۷:۱	که دریدم سلسله ۶۱۰:۶	که دِماغ ۱۴۲۷:۴
که در آن خدمت ۳۱۱۲:۵	که دریدن شد ۳۵۳:۵	که دمی ۱۹۴۶:۳
که در آن دانه ۸۰۹:۶	که دریقا ۲۲۷۵:۴	که دَوادو ۲۷۳۹:۴
که در آن دم ۲۶۳۱:۶	که درینجا ۱۱۷:۵	که دَواند ۴۲۳۴:۳
که در آن سُرهاست ۲۶۷۰:۶	که درین خانه ۸۴۹:۶	که دو چشمش ۱۷۱۲:۴
که در آن سودا ۱۳۵۴:۶	که درین زندان ۶۱۶:۲	که دو چشم روشن ۹:۵
که درآید با تو ۱۰۵۰:۵	که درین سینه ۳۴۲۶:۶	که دو چشم کور ۱۰:۵
که درآید در دهانش ۱۱۸۴:۶	که درین سُستن ۱۱۴:۵	که دو دست ۴۰۹:۶
که درآید غُصه ۲۴۳۲:۴	که درین صندوق ۴۴۸۸:۶	که دو صد تشویش ۲۵۴۵:۶
که در آینه عیان ۳۳۷۱:۳	که درین غم ۱۷۱۲:۳	که دو صد جنیدن ۳۴۸۵:۴
که دراز و کوتاه ۲۹۳۷:۳	که درین فرصت ۲۰۷۴:۲	که دو صد لعنت ۵۶۳:۲
که درافتادم به ۲۲۶۸:۵	که درین فکر ۱۳۸۴:۳	که دو مرد او ۱۱۷۷:۳
که درافتادیم ۳۲۷۷:۴	که درین کشتی ۳۴۸۱:۲	که دویدن ۸۱۲:۳
که درافگندم ۶۷۸:۶	که درین مطبخ ۲۸۴۷:۵	که دهانشان ۱۸۸۰:۳
که درافگندی ۲۳۶۰:۴	که درین وادی ۳۵۲۴:۵	که دهد ۴۶۶۳:۶
که دراندازد ۲۶۰۸:۵	که دعا را، بست ۲۳۰۴:۳	که دهی دختر ۲۷۸:۶
که در او بی حرف ۳۰۹۲:۱	که دعایِ من ۲۳۸۸:۳	که دهیمت دست ۱۷۱۵:۳
که در او بینی ۳۵۷۳:۴	که دعایی ۱۶۶۸:۳	که ذیلان ۵۵۴:۶
که در او سه ماهی ۲۲۰۲:۴	که دَفیئه ۳۱۷۵:۵	کههربا دارند ۲۴۹۲:۱
که در او گردد ۴۲۴۵:۳	که دقیقه ۱۳۳۲:۵	کههربا عاشق ۴۴۴۷:۳
که در او نه روی ۳۱۲۲:۲	که دگر تازه ۳۷۳۷:۳	کههربا هم ۱۶۳۴:۴
که در او هم ۳۹۵۲:۱	که دگرگون ۲۳۱۵:۲	کههربای خویش ۲۴۹۳:۱

که زباید ۲۹۸۰:۶*	که ز اشک ۲۸۵۴:۳*	که ز دست رفت ۳۰۸۷:۶*
کهربای فکر ۲۰۸۱:۱*	که ز اصل ۹۵۳:۳*	که ز دست من ۳۱۳۷:۵*
کهربای مسخ ۱۶۵۰:۲*	که ز اغراض ۴۵۹۶:۳*	که ز دل تا ۴۳۹۱:۳*
که زبودی ۳۷۹۷:۴*	که ز الهام ۲۹۸۷:۵*	که ز دم‌های ۱۶۲۲:۵*
که رخ مه ۵۵۵:۵*	که ز بادش ۳۵۸۶:۵*	که زده دلقک ۲۵۱۹:۶*
که رساند ۳۵۵۵:۶*	که ز بادِ کز ۴۳۱۱:۳*	که ز ره ۲۶۸۸:۴*
که رسد او را ۲۶۱۱:۵*	که زبانت گشت ۳۲۲۴:۳*	که ز زانو ۳۴۴۶:۲*
که رسد در جان ۴۸۵:۴*	که زبانی قول ۱۰۴۴:۵*	که ز زور ۲۵۳۴:۶*
که رسم؟ یا ۴۷۳۹:۶*	که ز بحرِ لطف ۲۶۲۳:۴*	که ز زهرم ۴۰۷۷:۳*
که رسول آموخت ۳۵۴۳:۶*	که ز بخشایش ۲۵۰۳:۴*	که ز سایه ۱۲۸۸:۶*
که رسول آن را ۲۸۲۶:۶*	که زبن، برگنده ۹۵۱:۱*	که ز سیرگین ۱۹۴۷:۵*
که رسیدت روزی ۱۴۸۰:۳*	که زبونس ۲۴۹۶:۵*	که ز سرنام‌ها ۳۶۸۵:۲*
که رسیدم، نوبت ۲۷۷۴:۶*	که ز بهر چاشت ۲۱۹۰:۲*	که ز سیلی ۳۳۰۶:۲*
که رعیت ۷۳:۵*	که ز بی جایی ۶۸۷:۲*	که ز شادی ۳۰۹۱:۴*
که رگ دست ۱۲۹۴:۶*	که ز بی چیزی ۱۸۳۴:۶*	که ز شب خیزش ۲۸۶۷:۶*
که رمیدستی ۳۵۶۱:۶*	که ز بیرونم ۳۹۶۸:۳*	که ز شست ۲۲۵۴:۴*
که رواج ۳۵۴۴:۶*	که ز بی صبریت ۲۸۵۲:۵*	که ز صدرم ۴۰۸۵:۵*
که روان ۴۳۳۸:۳*	که ز پُر زهری ۲۷۰۴:۶*	که ز صد فقرش ۲۰۳:۴*
که رود عقل ۳۷۰۹:۵*	که ز تدبیر ۳۷۹۶:۶*	که ز ضدها ۲۸۶۵:۱*
که رود قسمت ۳۰۲۶:۱*	که ز جام حق ۳۱۰۸:۵*	که ز طاقاطاق ۳۷۷۲:۵*
که رود گل ۳۱۰۱:۴*	که ز جانم ۲۳۶۵:۴*	که ز عقل و صبر ۹۵۶:۵*
که روم در ۴۱۰:۶*	که ز جز حق ۲۸۶۱:۶*	که ز فرزند ۳۵۹۰:۶*
که روید آنجا ۳۳۲۶:۴*	که ز جزوی ۱۳۱:۴*	که ز فرعون ۴۷۲۴:۶*
که: رها کن ۱۸۳۰:۱*	که ز جنس ۲۷۰۷:۴*	که ز قدرت ۳۲۸۲:۳*
که رهند آتش ۲۶۰۲:۶*	که ز جواندر ۴۳۰۸:۳*	که ز قرآن ۴۲۳۰:۳*
که رهند روح ۳۱۰۰:۶*	که ز چوپان ۳۹۱:۳*	که ز کشتن ۴۷۸:۱*
که رهنم ۲۸۳۷:۶*	که ز چهره ۲۶۳۹:۴*	که ز کون ۳۹۶۱:۳*
که رهانش ۲۲۴۵:۵*	که ز حالِ بوالحسن ۱۸۰۲:۴*	که ز گفتن ۳۳۸۷:۳*
که رهد در حال ۳۸۴۵:۴*	که ز حضرت ۹۶:۴*	که ز لا حول این ۳۷۷۷:۳*
که رو رستن ۱۵۴۳:۱*	که ز خرمن‌های ۸۰۶:۶*	که ز لا حولی ضعیف ۴۰۸۸:۳*
که ریاستمان ۲۷۵۶:۳*	که ز خلق ۱۲۴۲:۲*	که ز لطف ۳۶۳۹:۵*
که ریاضت ۲۰۰۹:۴*	که ز خنده‌ش ۱۷۰۴:۶*	که ز لعب ۳۵۹۷:۵*
که ز آسیبِ ذنب ۲۷۸۷:۶*	که ز خوف ۲۳۸:۶*	که ز زمانی ۳۵۵۲:۳*
که ز آسیب ۳۷۸:۵*	که ز دریا کن ۱۴۵۸:۶*	که ز محشر ۷۵۳:۶*
که ز آواز ۳۹۳:۴*	که ز دست بر نیاید ۳۸۹:۴*	که ز مُرّد ۳۰۶۰:۶*

که ز مسجد ۲: ۲۷۷۲*	که سَبَق ۴: ۳۴۷۵*	که شب و روز ۵: ۲۶۱۳*
که ز مشغولی ۳: ۱۶۰۵*	که سبک ۵: ۱۷۵۱*	که شد او بیزار ۵: ۱۲۳۹*
که ز مصحف ۳: ۱۸۵۷*	که سبو ۴: ۱۷۳*	که شد او نمرود ۶: ۴۸۴۳*
که ز مکتب ۶: ۱۴۳۳*	که ستانیم ۴: ۶۷۰*	که شدستم ۵: ۴۰۱۸*
که ز منع ۶: ۶۹۷*	که ستودم ۳: ۲۱۱۷*	که شدن ۴: ۲۸۹۲*
که ز من فریاد ۶: ۴۴۸۰*	که سجود تو ۴: ۳۴۸۸*	که شده ست آن ۵: ۹۹۵*
که ز موی ۳: ۸۳۲*	که سُجودش ۴: ۳۳۹۸*	که شده ست این ۵: ۴۰۴۶*
که ز میدان ۲: ۲۴۱۷*	که سخن دعوی ۵: ۱۱۷۴*	که شدی محبوس ۵: ۴۰۶*
که زمین را من ۳: ۶۷۹*	که سخن زو ۶: ۱۵۹۹*	که شفای ۶: ۲۴۳۷*
که زمین گردون ۴: ۲۷۳۴*	که سخن گفت ۴: ۹۱۱*	که شقی در ۴: ۱۷۹۰*
که زمین و آسمان ۵: ۲۶۸۴*	که سراسر ۲: ۱۳۳۲*	که شَقِیّ ۴: ۲۴۹۶*
که زناری ۳: ۴۴۲۵*	که سَر ایشان ۴: ۲۷۴۱*	که شکر افزون ۴: ۶۴۲*
که زنان را ۴: ۲۵۸۳*	که سَر اینها ۳: ۱۳۷۹*	که شِکَر با آن ۳: ۲۶۸۴*
که زنا و ۴: ۲۹۴*	که سَرَت گشت ۴: ۳۵۵۱*	که شما او را ۳: ۲۸۵۷*
که ز نبض ۶: ۱۲۹۴*	که سَر رشته ۶: ۲۹۴۲*	که شما پُر از من ۵: ۶۷*
که زند بر وی ۳: ۳۵۹۳*	که سِرشته ۵: ۳۵۸۸*	که شما پروانه ۳: ۴۵۵۶*
که زند، وز بام ۶: ۲۸۰*	که سری کم ۴: ۳۳۴۰*	که شمارد خویش ۳: ۲۷۱۳*
که زن عمران ۳: ۹۰۰*	که سزاگستاخ تر ۶: ۱۶۲۹*	که شما فانی ۳: ۴۲۸۶*
که زخم ۶: ۲۸۲۴*	که سفر کردم ۶: ۴۱۰۱*	که شما یارید ۵: ۱۲۲۲*
که ز نور ۶: ۲۷۵۶*	که سفیر ۵: ۱۵۶۵*	که شمرد برگ ۳: ۱۹۰۴*
که زنی ۳: ۳۹۸۸*	که: سَقَط ۳: ۳۳۱۸*	که شناسا ۵: ۱۷۷۸*
که ز وَهْمَت بود ۶: ۴۱۹۸*	که سگِ شیطان ۵: ۲۹۴۷*	که شنید ۶: ۱۳۹*
که ز وَهْم «دارم» ۶: ۲۳۳۴*	که سلام ما به قاضی ۲: ۶۱۵*	که شود با دوست ۲: ۲۶۴۳*
که زهر حالی ۲: ۳۵۱۱*	که سلام کرد ۶: ۱۰۸۰*	که شود پوشیده ۲: ۱۴۸۰*
که زهر دل ۳: ۴۳۹۰*	که سلیمان است ۱: ۳۶۱۸*	که شود جنگ ۵: ۳۳۶۸*
که زهر سوراخ ۵: ۲۲۶۲*	که سلیمان باز ۴: ۱۱۴۶*	که شود رخ زرد ۶: ۲۵۶*
که زهر ناشسته رُو ۴: ۲۱۴*	که سَمَن زار ۴: ۱۸۶۳*	که شود زن ۴: ۲۴۳۸*
که زهی مُلک ۵: ۲۵۶۱*	که سوارت ۵: ۱۱۶۰*	که شود زو جمله ۵: ۴۱۷۴*
که زیادت ۳: ۲۶۶۷*	که سویی خضری ۳: ۱۹۵۹*	که شود سُست ۴: ۳۷۷۴*
که زیان کردم ۴: ۵۶*	که سویی شه بر ۴: ۱۵۶۲*	که شود شاهی ۶: ۳۰۵۶*
که زیان ماست ۳: ۲۹۶۸*	که سویی شه یافت ۵: ۲۱۹۵*	که شود علم الیقین ۳: ۴۱۲۵*
که زیان و سود ۶: ۱۹۵۴*	که سیاهی برشتر ۳: ۳۱۳۶*	که شود کور ۳: ۲۵۷۷*
که ز یزدان ۴: ۲۸۲۸*	که سیاهی را پیر ۴: ۵۸۰*	که شود کُ ۵: ۱۸۳۴*
که سببها را بدرند ۵: ۱۶۹۹*	که سیّه، کافور ۴: ۲۱۸*	که شوی از بحر ۲: ۵۶۶*
که سببها نیست ۴: ۳۶۰۱*	که سیه کردند ۵: ۳۴۴۹*	که شوید از بهر ۳: ۲۱۹۳*

که شوی یاوه ۱۶۷۶:۶*	که عمادالملک ۳۳۶۶:۶*	که فشانَد ۱۱۸۸:۵*
که شِه موصل ۳۸۳۱:۵*	که عِمادِ بودِ ۱۵۱۸:۴*	که فغانِ این ۲۰۰:۴*
که شَهِی اندر ۴۴۱۳:۶*	که عنایت ۱۸۲۳:۱*	که فغان می‌کرد ۴۶۹:۶*
که شهیدیم ۱۰۱۲:۵*	که عِوَض ۲۵۱۴:۴*	که فلان افتاده ۲۶۷:۴*
که صباح‌ست ۲۷۲۲:۳*	که عیال ۲۴۴۸:۳*	که فلان جا حوض ۲۶۰۹:۵*
که صفا آید ۴۵۶:۵*	که غذاآش ۲۹۲۴:۶*	که فلان جا دیده‌اید ۲۵۵۷:۲*
که صفاتِ او ۳۰۴۱:۴*	که غرض اظهار ۲۴۷:۵*	که فلانجا شاهی ۱۱۴۵:۵*
که صفاتِ خواجه تاش ۹۳۶:۲*	که غرض تسبیح ۱۰۲۴:۳*	که فلان کس ۷۷۲:۴*
که صفر بگذشت ۲۵۹۰:۴*	که غروبش ۴۷۷۵:۶*	که فلان مشتاقِ ۱۱۵۴:۶*
که صَلا و بانگِ ۳۳۷۲:۵*	که غرورش ۱۴۰۹:۴*	که فلانم من ۶۱۱:۳*
که صوابِ او ۴۴۹۳:۳*	که غریب من ۷۸۶:۶*	که فلانی این چنین ۲۶۶۴:۶*
که صوابِ اینست ۱۳۹۹:۴*	که غریبی ۳۹۳۹:۳*	که فُلانی گنج‌نامه ۱۹۴۹:۶*
که صُور ۲۹۹۴:۴*	که غلط‌بین ۱۱۰۲:۵*	که فلک و ارکان ۲۱۱۰:۳*
که ضرورت ۳۷۲۱:۵*	که غم خود ۲۷۴:۶*	که قَمَن یَعْمَل ۴۳۱:۶*
که طَبَق ۷۰۱:۳*	که غِنای تو ۴۲۴۰:۶*	که فنا شد ۱۲۰۵:۵*
که طیبِ ۲۳۸:۵*	که غنی ۴۶۸:۵*	که فنا گردد ۲۶۱۶:۴*
که طپانچه ۳۵۲۲:۴*	کهف اندر ۷۴۱:۳*	کهفِ هر ۳۴۳۹:۵*
که طُفیلی ۳۴۳۸:۴*	که فتاد از ۱۶۹۹:۶*	که قریب است ۲۲۰۴:۶*
که طلب آهسته ۳۵۰۶:۳*	که فتادم ۲۵۲۹:۶*	که قرینش باد ۱۷۴۱:۴*
که طلب در راه ۹۷۹:۳*	که فتوت ۱۹۷۲:۶*	که قرین شد ۲۵:۶*
که طمع دارد ۲۸۱:۶*	که قُتوح ۷۲۴:۴*	که قصاصِ سیلی‌ام ۱۵۶۵:۶*
که طمع کردی ۱۳۱۵:۳*	که قُتید ۳۶۵۱:۶*	که قِصاصم ۱۴۸۸:۶*
که طمع لاغر ۳۶۲۹:۵*	که فغ ۵۵۹:۶*	که قضا ۲۷۵۸:۶*
که عبادت ۲۹۳۲:۴*	که فراموشی ۴۱۵۷:۵*	که قفا و سیلی‌اش ۲۷۱۸:۶*
که عجایب ۳۷۲۲:۴*	که قَرَج ۵۹۵:۶*	که کبودم زن ۲۹۸۳:۱*
که عدم آمد ۱۰۱۹:۵*	که فرستاد ۴۳۱:۳*	که کجا بوده‌ست ۲۶۳۰:۴*
که عدو آفتابِ ۳۶۲۱:۳*	که فرستد ۱۵۲:۴*	که کجا داری ۱۱۳۴:۵*
که عروسِ ۱۳۷۷:۳*	که فرو آویخت ۱۵۰۳:۶*	که کجا غایب ۱۳۰۳:۴*
که عصا، بی‌کف ۱۰۷۱:۴*	که فرو بردش ۲۵۰۳:۶*	که کجای است ۹۲۷:۴*
که عصا را دستش ۳۳۸۶:۳*	که فرو مگذارم ۱۱۷۷:۴*	که کدامین ۲۸۳۲:۶*
که عقول از ۱۵۴۰:۳*	که فزون باشد ۲۴۵۶:۶*	که کژی بگذار ۳۵۷۵:۴*
که عقولِ خلق ۳۷۴۵:۴*	که فزون‌تر ۶۳۹:۴*	که کسی از خواب ۵۸۹:۶*
که عقیم‌ست ۵۲۹:۵*	که قَسَادِ ۷۸۲:۲*	که کسی برخیزد ۱۷۰:۵*
که علاجِ اهلِ ۱۴۷:۱*	که فسونِ زاهدان ۵۵۷:۶*	که کسی چیزی ۱۹۲۹:۶*
که علامات ۲۴۴۷:۵*	که فُسونِ غیب ۲۵۷۸:۳*	که کسی خواهم ۲۵۴۲:۶*

که کسی مان ۳۲۷۴:۴	که کنی با مُحسن ۳۶۵:۳	که لثیمان ۲۹۸۳:۳
که کسی مبعوض ۲۹۱۰:۳	که کنی بندش ۲۱۳۶:۲	که لثیمست ۲۹۷۹:۳
که کسی ناخواه ۲۹۳۱:۵	که کنی تاویل ۱۶۵۹:۵	که لب ما خشک ۱۸۱۷:۴
که کشد ۴۰۹۷:۳	که که باشد ۸۲۷:۴	که لب نان ۴۸۷:۵
که کشتی او را ۴۰۰:۳	که که بر دُرْدانه ام ۹۳۲:۴	که لقی خُسرَم ۷۷۰:۶
که کشید او ۳۶۸۰:۱	که گدا باشم ۲۶۹۱:۵	که لوازلنا ۵۰۹:۲
که کشیدش سوي ۲۶۲:۳	که گدایانه ۲۷۸۵:۵	که مبادا باشد ۲۹۸:۶
که کلام ۳۴۷۰:۴	که گذر کردند ۴۳۶۴:۶	که مبادا برگزشته ۲۲۵۸:۴
که کلوخ ۴۸۸:۶	که گذشت ۱۰:۴	که مبادا ذات ۱۵۶۷:۳
که کم از تو ۲۴۲۲:۲	که گرامی گوهر ۱۰۰۵:۶	که مبادا کین بود ۱۸۷۵:۵
که کم ام ۳۱۶۶:۲	که گرایشان ۴۰۲۲:۳	که مبادت ۶۵۷:۳
که کمندی ۲۸۳۳:۶	که گرفت از ۲۰۴:۵	که مبارک ۷۰۲:۴
که کمینه ۴۹۷:۵	که گرفته ست ۳۲۰۹:۵	که مُبدَل ۳۵۶۹:۴
که کند آهنگ ۳۶۱۴:۳	که گرفتی ۲۵۳۳:۶	که مثال این دو ۳۸۷۲:۵
که کند از لطف ۱۳۶۴:۴	که گرو این ۱۶۷۹:۶	که مَثَل گشته ۱۳۹۷:۶
که کند از نور ۲۸۹۹:۲	که گروهی بر ۲۰۵۴:۵	که مَجَال ۴۳۹۱:۶
که کند با آلِ یاسین ۲۲۰۳:۲	که گروهی را ۳۱۴۳:۳	که مُحالی ۲۲۵۱:۴
که کند بر ۳۶۵۱:۴	که گریزد از خیالی ۳۷۷۸:۵	که مُجِب ۱۶۲۶:۴
که کند تُف ۲۰۹۸:۶	که گریزد مؤمن ۲۷۱۲:۴	که محمد بود ۳۲۵۸:۶
که کند در سلّه ۱۶۵:۵	که گِزافه ۲۹۸۹:۲	که محمد گفت ۱۸۲۷:۴
که کند ز آن ۷۲۸:۴	که گزیدستش ۱۴۶۸:۳	که مُخَلَّل ۱۵۵۳:۴
که کند سودای ۱۷۳۹:۶	که گشاد این را ۲۸۱۸:۴	که مدار ۱۶۴۱:۵
که کندشان ۳۷۷۵:۴	که گشادندش ۵۰:۴	که مدد از ۲۳۱۶:۴
که کند صیّاد ۲۳۱:۳	که گشادی ۳۸۵۳:۶	که مده غیر ۲۶۰۴:۱
که کند عقل ۹۵۸:۵	که گشاید ای شه ۲۴۴۶:۲	که مر آن بدْخوی ۷۷۳:۴
که کند فرعون ۸۴۲:۳	که گشاید صبر ۱۴۰۷:۶	که مر آن را اوّل ۳۵۴۰:۲
که کند کُحل ۳۴۶۴:۴	که گُشایی زانوی ۳۰۵:۳	که مر آن را دفتری ۱۸۲۹:۲
که کند مه ۶۹۰:۵	که گشود ۲۵۸۴:۴	که مرا از بندگیت ۱۰۷۸:۶
که کند مهمانی ۳۲۵۲:۶	که گله ۱۱۱۸:۳	که مرا از خویش ۶۶۸:۳
که کنم با ۲۶۵۳:۴	که گلی ۳۳۳۲:۲	که مرا از خوی من ۳۴۶۸:۲
که کنم توبه ۱۶۵۲:۲	که گواه حمِد ۱۷۶۴:۴	که مرا از شر ۸۷:۴
که کنم من ۲۷۸۲:۵	که گواه ذوالجلال ۳۳۱۶:۵	که مرا از غیب ۵۷۵:۴
که کنند ۱۶۶۵:۶	که گواهی بندگان ۳۸۱۲:۱	که مرا افسانه ۴۲۸۵:۳
که کنون جامه ۷۹۵:۶	که گُش خَلخال ۹۹۹:۴	که مرا افغان ۴۴۵۴:۶
که کنی با حق ۲۳۲۹:۴	که گه و بی گه ۲۷۲۷:۶	که مرا انباز ۱۰۷۵:۶

که مرا اندر ۳: ۲۵۷۴*	که مرا و را، اوفتادن ۴: ۳۳۴*	که منم آب ۳: ۲۲۶۲*
که مرا او مید ۶: ۲۷۸*	که مرا و را گرگ ۶: ۲۹۷۶*	که منم آن ۵: ۳۲۷۸*
که مرا این ۴: ۳۱۶۸*	که مرا هر روز ۵: ۳۷۹۴*	که، منم این ۴: ۸۰۴*
که مرا با بوی ۴: ۲۲۲۱*	که مرا یشان ۵: ۱۰۰۰*	که منم بینادل ۴: ۳۲۳۰*
که مرا بر بیت ۲: ۲۲۴۴*	که مرض ۱: ۲۶۹۱*	که منم تو ۲: ۱۰۳*
که مرا بشکسته ۲: ۴۰۳*	که مرو ز آن ۳: ۴۳۲۷*	که: منم جزوت ۳: ۳۴۶۷*
که مرا بیدار ۲: ۲۷۶۳*	که: مرو گستاخ ۴: ۱۲۱*	که منم حارس ۴: ۲۳۱*
که مرا پروای ۶: ۲۰۲۰*	که میزاج رحم ۳: ۳۶۳۲*	که منم خورشید ۲: ۲۰۸۵*
که مرا پیش ۴: ۲۳۳۷*	که مزن ۶: ۴۲۶۶*	که منم در بیع ها ۳: ۳۴۹۴*
که مرا تو می‌کشی ۵: ۳۷۹۵*	که مساز ۶: ۳۴۱۳*	که منم در کف ۵: ۱۶۸۲*
که مرا خود ۶: ۲۴۸۱*	که مسافر ۶: ۴۹۲*	که منم رزاق ۳: ۴۲۹*
که مرادات ۳: ۴۴۶۸*	که مسلمان ۶: ۲۴۵۱*	که منم شاه ۴: ۱۰۴۴*
که مرادات زرد ۳: ۳۳۰*	که مسیح ۶: ۲۴۵۳*	که: منم طاوس ۳: ۷۲۲*
که مراد تو شود ۲: ۱۶۷۱*	که مسیر ۶: ۲۷۷۹*	که منم کشتی ۴: ۳۳۵۸*
که مراد تو منم ۶: ۴۳۰۹*	که مضاعف ۴: ۱۲۲۹*	که منم کین ۵: ۱۹۹۰*
که مرادت هست ۴: ۲۹۷۶*	که معانی ۶: ۱۸۶۶*	که منم مجرم تر ۵: ۲۳۰۱*
که مرادر عقده ۶: ۲۷۴۲*	که معطر ۳: ۲۴۲۲*	که منم محکوم ۵: ۲۲۲۰*
که مرادم از کجا ۶: ۴۱۹۴*	که مقالید ۶: ۱۰۳*	که منم یار ۵: ۳۶۷۵*
که مرارنجی است ۲: ۳۴۱۵*	که مقیم ۵: ۷۷*	که من و تو ۴: ۲۸۶۱*
که مرا روزی ۲: ۲۸۲۳*	که مکن ای شوی ۶: ۳۹۵۴*	که منه آن ۴: ۱۲۸۱*
که: مرا زین ۶: ۴۱۵۹*	که مکن این ۵: ۳۵۳۹*	که موافق ۴: ۱۵۷۳*
که مراد ۵: ۳۰۶۷*	که: مکن رسوا ۱: ۳۹۷۳*	که بهار ۱: ۳۵۷۵*
که مرا عذری ۲: ۱۵۲۳*	که مکن ز اخطار ۶: ۴۰۷۱*	که مهان ۵: ۳۲۲۹*
که مرا عیسی ۱: ۶۴۴*	که مگر بازوی ۳: ۲۲۲۶*	که میانِ اَصْبَتینِ ۳: ۲۷۷۹*
که مرا فرمود ۱: ۹۶۷*	که مگر سالوس ۳: ۱۷۱۳*	که میانِ خاک ۴: ۸۹۲*
که مرا فریاد رس ۳: ۳۳۶۸*	که مگر نوعی ۲: ۲۴۵۷*	که میانِ شاهدان ۳: ۱۵۳۷*
که مرا کاری است ۶: ۴۲۳۶*	که ملایک ۲: ۲۱۱۹*	که میانِ غزو ۵: ۳۷۴۳*
که مرا که ۱: ۳۶۷۹*	که من آن جا ۴: ۳۶۳۰*	که میانِ هر دو ۶: ۳۲۰۶*
که مرا گشتی ۵: ۳۳۸۶*	که من آن را ۴: ۱۲۹۰*	که نباشد از پناهی ۵: ۱۹۶۸*
که مرا گویی ۴: ۳۹۱*	که من از خوفی ۳: ۴۳۳۳*	که نباشد بعد ۵: ۳۹*
که مرا مادر ۶: ۱۳۹۱*	که منافق را ۴: ۱۷۴*	که نباشد جانور ۵: ۲۸۷۴*
که مرا مال ۲: ۳۲۸۳*	که من ایشان را ۱: ۳۴۶۳*	که نباشد جز ۵: ۱۰۹۱*
که مرا مبعوض ۵: ۱۶۹۶*	که من این را ۳: ۲۶۹۶*	که نباشد حارس ۴: ۲۳۲*
که مرا انسان ۱: ۳۳۱۳*	که منجم ۶: ۴۸۵۱*	که نباشد خار ۵: ۱۸۱۴*
که مرا والله ۵: ۲۳۲۱*	که منش دیدم ۲: ۳۳۹۹*	که نباشد ز آن خبر ۱: ۳۴۰۹*

که نباشد شمس ۵۸:۶ #	که نخواهد خَلَقَ ۲۶۷۷:۴ #	که نظر بر نور ۱۱۳۲:۱
که نباشد کشفِ ۱۶۷۰:۳ #	که نخواهد شد ۴۱۶:۶	که نظر در ۲۸۸۲:۶ #
که نباشد مثلِ ۲۲۵۶:۴ #	که: نخواهم کشتی ۱۳۰۸:۳ #	که نظرگاه ۶۱۷:۴
که نباشد محرمِ ۱۹۳۷:۶ #	که نخواهم گشت ۴۲۰۳:۵ #	که نظر ناجایگه ۲۲۹:۴ #
که نباشد مر تو را ۲۵۸۲:۳ #	که ندارد تجربه ۱۵۴۲:۳ #	که نفرساید ۱۲۶۲:۴
که نباشد نسبتِ ۳۰۹۸:۵ #	که ندارد در ۱۴۸۵:۵ #	که نفوذِ ۳۰۷۸:۶ #
که نباشم از شما ۲۴۸۲:۶ #	که ندارم در یکی اش ۲۴۱۳:۳ #	که نقاب ۲۹۷۲:۴
که نباشند از ۱۸۰۳:۳ #	که ندارم رحم ۱۷۹۹:۳ #	که نقوشش ۴۲۴۸:۳ #
که نباشی در ۳۳۱:۲ #	که ندارم رُویِ ۱۳۱:۵ #	که نکردت ۳۷۲۸:۵ #
که نباید خورد ۲۴۷۳:۵	که ندارم من ۱۴۶۱:۳ #	که نکردی ۲۴۶۳:۴ #
که نباید کو ۳۱۲:۶ #	که ندارند آبِ جانِ ۲۸۲۴:۵ #	که نِکُورویی ۲۲۵:۴ #
که نیست آن ۴۲۰۰:۶ #	که ندارند اعتراضی ۱۸۷۸:۳ #	که نگاریده ۳۵۹۹:۵ #
که نبُوت را ۳۲۸۷:۶ #	که نداند او ۳۸۷۶:۵ #	که نگرداند ۱۵۳۴:۳ #
که نبود اندر ۱۸۶۲:۲ #	که نداند چاشنیِ ۲۷۳۷:۲ #	که نگردد با تو ۱۰۸۷:۴ #
که نبودت در ۳۶۸۱:۱ #	که: ندانستم ۱۶۸۵:۳ #	که نگردد سَنَت ۳۱۸۳:۵ #
که نبودستش ۳۹۷۶:۳ #	که ندانستی ۲۳۲۳:۴ #	که نگردد صافِ ۲۵۹۵:۴ #
که نبودش ۱۱۳۷:۶ #	که ندانی ۱۷۹۵:۴ #	که نگردد غِرّه ۲۵۸۲:۵ #
که نبودم در ۳۴۹۵:۲ #	که ندایی ۹۴۱:۴ #	که نگردد قلبی ۳۸۵۲:۴ #
که نبودم من ۱۵۷۷:۵	که ندیدستی ۴۰۱۵:۶ #	که نگردد گردِ ۳۷۷۶:۳ #
که نبیند آن ۱۶۵۹:۳ #	که ندیدند ۱۰۱:۴ #	که نکشتی ۱۵۱۶:۵ #
که نبیند پیر ۲۰۲۶:۶ #	که ندیده بود اندر ۳۰۹۰:۴ #	که نگنجد ۲۷۰۲:۶ #
که نبیند دام ۱۶۴۷:۳ #	که ندیده بود دلک ۲۵۳۱:۶	که نگنجیدم ۳۰۷۲:۶
که نبیند شیب ۳۲۲۰:۴ #	که ندیدی لایقش ۲۴۵۸:۴ #	که نگه دار آب ۲۷۳۲:۱
که نبیند کان ۲۲۹۵:۴ #	که ندیم حق شد ۳۱۷۱:۵ #	که نگه دارند ۱۳۵۷:۶ #
که نبیند ماه ۲۰۱۲:۳ #	که نرفت از جا ۴۳۴۵:۳ #	که نگه دارید ۴۴۷۴:۶ #
که نبینی خصم را ۷۵۱:۵ #	که نروید بی تو ۲۲۸۲:۲ #	که نگیرد آخرِ ۳۲۵۸:۳ #
که نبینی زندگانی ۲۰۰۰:۴ #	که نزاده ست ۳۰۴۴:۴ #	که نگیرد صید ۲۴۳۸:۳ #
که نپردازِ ۲۶۸۲:۴ #	که نزاید ۳۵۲۳:۴ #	که نمآند از تَفِ ۳۰۸۷:۴ #
که نپردازِ مرغ ۳۷۹۲:۶ #	که نژادِ ۱۵۷۶:۶ #	که نمآند مُشتَریت ۱۶۸۸:۴ #
که نپوشد رُو ۶۶۲:۵ #	که نسوزیده ۲۸۶۵:۴	که نمآند نورِ ۴۵۸:۴ #
که نپوشند ۱۸۸۳:۳ #	که نشانش ۳۰۸۲:۴ #	که نمآند هیچ مُجرم ۱۷۸۲:۳ #
که نتابد ۲۶۱۹:۶ #	که نشاید ۳۳۸۶:۶ #	که نمآند هیچ مهمان ۱۸۹۶:۳
که نتان ییمود ۴۰۸۵:۳ #	که نصیم ۳۵۲۹:۵ #	که نماید او ۳۹۵۶:۱
که نتیجه ۳۳۱۵:۵ #	که نظاره ۳۹۶۷:۳ #	که نماید مَه ۸۶۸:۴ #
که نجویی ۳۶۸۱:۶ #	که نظر بر حرف ۱۸۶۰:۳ #	که نمایم مر تو را ۹۴۴:۴ #

که نمودند ۶۲۶:۲*	که نه طاعثمان ۲۶۷۵:۳*	که وطن ۲۲۱۱:۴*
که نمودی ۱۰۳۶:۵*	که نه عقلت ۱۷۱۲:۶*	که وفارا ۲۱۴۰:۵*
که نمی ارزید ۴۴۱۷:۶*	که نه غم بودش ۴۴۹۸:۳*	که وفای ۳۵۳۵:۶*
که نمی باید ۳۶۶:۳*	که نه فرزندش ۳۹۲۳:۳*	که هر آنکه کرد ۱۴۵۰:۶*
که نمی بیند به ۳۹۲۴:۶*	که نهم بر ۲۴۵۶:۴*	که هر آنکه مُرد ۶۰۴:۵*
که نمی بیند جز ۸۰۲:۶*	که نه مجنونست ۲۹۵۳:۴*	که هر امسالت ۸۰۹:۵*
که نمی بیند چنان ۸۰۷:۶*	که نه محرومند ۱۰۷۷:۲*	که هزاران بدر ۱۱۷۰:۶*
که نمی بینم ۲۵۰۹:۶*	که نه مرد ۳۶۶۲:۱*	که هزاران جرّه ۳۴۴۷:۵*
که نمی پُرد ۴۱۱۷:۳*	که نه معشوقش ۴۳۹۳:۳*	که هزاران خانه ۲۵۴۲:۴*
که نمی دانند ۱۸۳۲:۲*	که نه من هم ۴۷۶۴:۶*	که هزیمت می شد ۱۱۰۳:۳*
که نمی دانی ۲۱۵۲:۲*	که نه و گندیده ۸۱۱:۵*	که هلا بشتاب ۳۵۰۵:۴*
که نمی گنجی ۳۵۶۰:۶*	که نه ها بفروش ۸۸۵:۶*	که هلا بگریز ۲۸۰۸:۴*
که نمی گوید ۳۴۸۲:۴*	که نه هر دیدار ۱۵۵۱:۵*	که: هلا پیش ۳۲۹:۴*
که نمی ماند ۹۹۱:۴*	که نه بی اهل ۲۳۰۵:۴*	که هلا فردا ۴۳۲۰:۳*
که نمی یابد ۲۳۶۶:۵*	که نیارد بُرد ۱۶۷۷:۶*	که هلاکت ۷۵۷:۵*
که نمی یابد ۳۰۸۸:۴*	که نیارد کرد ۳۲۴۱:۱*	که هلاک قوم ۷۰۲:۵*
که نواله ۱۰۰۶:۴*	که نیارد یاغی ۵۲:۵*	که هلاکم ۳۸۴۶:۱*
که نه داش ۱۵۶۱:۴*	که نیامد مثل ۲۴۵۳:۴*	که هله نعمت ۲۶۷۰:۳*
که نه اد من ۲۴۸۳:۶*	که نیاید بر زبان ۱۹۹۳:۳*	که هماره خلق ۵۹:۴*
که نهان ست ۲۹۶۸:۴*	که نیابد بحث ۳۶۸۷:۴*	که هم اکنون باز ۳۶۴۵:۵*
که نهان شد ۱۷۹۵:۶*	که نیابد حدّ ۲۲۴۰:۴*	که هم اکنون رُخ به تو ۹۹۶:۴*
که نه ایشاند ۱۱۵۸:۵*	که نیابد خصم ۳۷۱۰:۳*	که همه پَران ۳۵۳۰:۵*
که نه ایم ۴۰۸۴:۳*	که نیابد در اجابت ۴۲۳۹:۶*	که همه ترکیب ها ۱۳۲۵:۵*
که نه بر کهنه ۸۱۰:۵*	که نیابد صوفی ۴۶۳۹:۶*	که همه در ۷۹:۵*
که نه بیرون کُن ۱۲۷۰:۲*	که نیابد غیر ۱۹۱۴:۶*	که همه دیوانگان ۱۳۸۵:۲*
که نه پس ۲۸۲۴:۴*	که نیابدم ۱۶۴۴:۶*	که همه مَیلش ۳۳۳۷:۴*
که نه چربش ۲۲۰:۳*	که نیابی سویی ۳۵۲۵:۴*	که همی بُردند ۴۴۷۳:۳*
که نه حبس ۱۷۴۵:۵*	که نیابی فهم ۲۷۶۷:۴*	که همی بیند ۱۲۷۴:۵*
که نه تَه بر ۲۴۸۲:۲*	که نیارد دَم زدن ۲۹۳۲:۵*	که: همی بینم ۴۰۴۰:۳*
که نه دوزان ۳۳۵۲:۴*	که نیارد کرد کس ۵۶:۵*	که همی ترسند ۴۵۱۰:۳*
که نه دین ۴۷۹۵:۶*	که نیاید در بها ۴۰۳۹:۵*	که همی جُنبد ۳۹۴۶:۵*
که نه راصد ۲۹۰۳:۳*	که نه نیرزیدی ۱۷۶۱:۵*	که همی جویی ۱۶۸۰:۲*
که نه راه هر ۵۰۸:۶*	که نه نیم کوهم ۳۷۹۴:۱*	که همی خواند تو ۳۹۸۶:۳*
که نه زندان ۳۴۱۵:۶*	که نه نیم من ۴۲۷۲:۶*	که همی خواندم ۲۳۷۴:۳*
که نه شایق ۳۵۴۵:۵*	که وجود ۱۸۴۲:۵*	که همی دانم زبان ۳۵۸۲:۲*

کی بگفتندت که ۶:۲۳۴۸*	کی بینم من ۴:۲۳۹۳*	که همی دانه یجوز ۳:۲۶۵۰*
کی بگنجد ۶:۱۶۲۶*	کی بینی حالت ۳:۴۷۶۸*	که همی دانیم ۶:۲۰۲۴*
کی بگوید ۲:۱۶۶۲*	کی بینی سرخ ۱:۱۱۲۱*	که همی رانند ۱:۳۴۳۳*
کی بمانم ۴:۱۰۶۶*	کی بجستی کلب ۵:۲۰۰۹*	که همی زد بر ۴:۳۱۸۱*
کی بمیرد ۱:۳۷۰۴*	کی بجند، گر ۴:۳۶۴۵*	که همی زد یک ۶:۳۰۳۹*
کی بنفشه ۲:۱۶۵۷*	کی بجوشد ۲:۱۶۵۶*	که: همی سازم ۶:۲۹۹*
کی بود آسان ۶:۲۲۹۴*	کی بداند آخر ۴:۲۸۳۶*	که همی سوزد ۶:۴۲۹۴*
کی بود آنجا ۴:۳۷۸۰*	کی بداند چوب ۲:۲۳۲۲*	که همی گردد ۳:۱۱۶۸*
کی بود آواز ۱:۲۳۸۴*	کی بدانی ۱:۱۳۹۸*	که همی گوید ۲:۱۰۰۷*
کی بود از عاشقان ۱:۲۷۵۹*	کی بدست ۳:۱۴۷۰*	که همی گویند ۳:۲۳۹۵*
کی بود از لطف ۴:۱۴۰*	کی بدندی؟ ۴:۲۰۴۴*	که همی گیرند ۳:۲۰۲۸*
کی بود آند ۴:۱۷۵۲*	کی بدهست ای فر ۶:۶۷۶*	که همی لرزد ۵:۲۵۳۹*
کی بود او را درین ۳:۳۹۵۸*	کی بدهست این غم ۶:۷۹۳*	که همی لرزید ۴:۲۴۵۲*
کی بود او را میانه ۲:۳۵۴۲*	کی بدی این بازنامه ۵:۲۰۹*	که همین دزد ۶:۳۰۶۸*
کی بود این جسم ۵:۳۷۱۲*	کی بدی این بددلی ۶:۱۹۹*	که: همین دم ۱:۲۳۹۳*
کی بود این کفو ۴:۱۹۶*	کی بدی پزان ۵:۳۸۵۷*	که: همینی ۱:۲۰۱۰*
کی بود بر من ۲:۳۵۶۱*	کی بدی حاجت ۱:۲۱۴۳*	که هویدا کن ۳:۲۴۵۸*
کی بود بوبکر ۵:۸۵۴*	کی بدیدندی ۱:۳۸۳۵*	که یدالله ۵:۷۴۰*
کی بود پروای ۶:۱۶۶۲*	کی بدی فارغ ۲:۸۸۱*	که یزیدی ۶:۳۶۴۹*
کی بود تمیز ۳:۳۴۲۷*	کی بدی؟ گر نیستی ۴:۲۰۴۳*	که یقین آید ۵:۲۴۰۱*
کی بود چون ۵:۱۳۱۸*	کی بدی معمور ۵:۱۴۰*	که یقین دیدم ۲:۳۶۰۳*
کی بود حیوان ۶:۱۰۰۲*	کی بدینجا آمدی ۵:۲۸۷۵*	که یقین سستم ۴:۲۲۰۷*
کی بود خوار ۶:۶۳۴*	کی بر آن ابلیس ۲:۲۲۹*	که یکی را پا ۴:۶۶*
کی بود خود در خور ۵:۲۱۶۲*	کی برآید این ۲:۱۱۳۰*	که یکی راده ۲:۸۹۶*
کی بود خود دیده ۵:۳۹۰۵*	کی برآید خانه ها ۶:۵۱۹*	که یکی را صد ۶:۳۶۷۱*
کی بود در حب ۱:۳۹۴۸*	کی برآید یک دمی ۶:۴۵۱۹*	که یکی رقه ۴:۱۹۳۶*
کی بود دزدی ۵:۳۹۸۴*	کی برابر ۲:۱۵۶۵*	که یکی سگ ۵:۲۹۵۹*
کی بود سرمست ۳:۸۰۶*	کی برد جان ۳:۱۰۸*	که یکی موجش ۴:۳۳۶۴*
کی بود سیری ۳:۲۹۴۱*	کی برو والی ۳:۴۵۶۲*	کیات افگند ۳:۳۲۲۳*
کی بود شب ۲:۵۷۷*	کی بروید ۲:۱۶۵۶*	کی از اینجا ۴:۲۲۲۹*
کی بود طاعت ۵:۳۹۸۴*	کی بری تو ۵:۲۰۱۱*	کی اسیر حبس ۱:۶۳۱*
کی بود طاووس ۲:۳۵۰۴*	کی بری ز آن ۵:۳۲۳۲*	کی اکتیم ۶:۶۶۹*
کی بود که حلم ۲:۲۴۹۲*	کی برین می دارد ۶:۴۱۵۶*	کی آنا دان ۵:۴۱۲۹*
کی بود؟ که گرفت ۵:۱۵۳۴*	کی بگرداند حدت ۴:۳۳۶۷*	کی ببیند ۵:۱۴۳۸*
کی بود ماهیت ۳:۲۶۳۸*	کی بگرداند ز خاک ۶:۲۰۷۱*	کی بینم روی ۲:۹۲*

کی دَوان ۳:۲۰۴۶*	کی توانی ۵:۳۷۷۱	کی بود معذور ۱:۳۳۱۷*
کی دهد آن ۶:۱۸۸۳*	کی تو را با باد ۵:۳۰۴۸*	کی بُود یک روز ۵:۲۱۸۱*
کی دهد زندایی ۶:۳۴۰۳	کی تو را پُرْهائِم ۵:۳۴۴۴*	کی به پیش آیند ۶:۳۰۴۳
کی دهد نان؟ ۶:۴۲۳۲*	کی تو را وهم ۶:۶۵۸*	کی به حبسِ مشترک ۲:۶۷*
کی دهم ۶:۳۹۷۰*	کی توکلِ هات ۳:۴۳۰*	کی به رنگِ آب ۲:۲۸۱۴*
کی دهند ۴:۷۳۸*	کی تهی باشد؟ ۲:۳۶۴۹*	کی به سنگِ امتحان ۴:۳۸۵۱*
کی دهی ۵:۳۹۹۱*	کی جمادی را ۵:۳۰۹۶*	کی به صورت ۵:۳۹۸۲*
کییر او ۵:۳۳۳۴*	کی جمادی محو ۵:۳۸۵۵	کی به غیر جنس ۲:۲۱۰۰*
کی رخ آوردی ۲:۲۰۹۹*	کی جوانِ نو ۲:۷۹*	کی به گفت ۶:۴۸۳۵*
کیِر دیدی ۵:۱۴۲۰	کی چَهد ۴:۱۴۲*	کی به وهم ۳:۲۹۴۳*
کیِر زشتت ۶:۳۱۵*	کی چشد درویش ۶:۱۶۰	کی بی‌آید بلبل ۲:۱۶۶۱
کی رسانند ۳:۳۶۰۸	کی چناری ۲:۱۶۵۸	کی پَرَد بر ۳:۶۹۶*
کی رسد بر چرخ ۴:۳۷۴۶*	کی چنان کردی ۴:۳۶۸۴*	کی پرد مرغی ۲:۲۱۰۲
کی رسد بی واسطه ۵:۲۳۲۲*	کی چنین تخم ۵:۲۱۳۶*	کی پَرَد؟ ۱:۳۰۵۸*
کی رسدتان ۳:۲۷۸۵	کی چنین صدقی ۵:۳۱۶۴*	کی پسندد ۲:۳۳۳۲
کی رسد جاسوس ۳:۳۰۴۸	کی چنین گفتی ۲:۲۱۹۹*	کی پی ایشان ۴:۱۳۲۷*
کی رسد مر بنده ۴:۲۵۹	کی چنین گوید ۴:۱۴۰۰	کی تراشد ۱:۳۲۲۲
کی رسد همچون ۴:۳۵۲	کی چو طالب ۲:۱۶۶۱*	کیِت و امی دارد؟ ۳:۳۰۶۷*
کی رسند آن ۵:۲۱۹۳	کی حجاب آرد ۵:۳۶۱۰*	کی توان آن را ۲:۲۶۲۹*
کی رسی از ۳:۷۷۷	کی حجاب چشم ۲:۷۹۵	کی توان اندود این ۴:۸۲۵
کی رسیدی خوانمان	کی خدا نایب ۳:۲۷۳۳*	کی توان اندود خورشیدی
۲:۲۴۸۷*	کی خَرَد ای مُقْتَری ۴:۳۴۵۴*	۶:۲۰۱۰*
کی رسیدی مر تو ۵:۷۹۰*	کی خَرَد جز ۶:۴۵۰۴*	کی توان او ۵:۱۱۳۰
کی رمد از ۶:۳۶۶۲	کی خود او ۱:۱۶۹۶*	کی توان با ۳:۳۲۰۱
کی رمد قصاب ۱:۳۳۲۹*	کی خورد او باده ۵:۳۵۹۳*	کی توان بَرِبط ۳:۳۲۰۱*
کی روان گردد ۳:۳۲۱۳*	کی خورد بنده ۲:۳۴۲۳*	کی توان حق ۵:۳۵۱۵
کی رود آن خو ۵:۹۱۸*	کی خورد دانه ۶:۴۴۵۳*	کی تواند آب ۳:۲۹۰۷*
کی رود او ۶:۴۴۱۵*	کی خورد غم ۲:۴۱۵*	کی تواند آدم ۱:۲۴۲۶*
کی رَوَد شورش ۴:۲۳۴۷*	کی خورد یک لحظه ۲:۳۰۸۱*	کی تواند آسمان ۳:۲۹۰۷
کی رود هر ۳:۴۰۳۱*	کی درآرد ۳:۲۲۹۶*	کی تواند جز ۵:۱۰۳۳*
کی رَوَم ۶:۶۸۰*	کی درختی ۲:۱۶۵۸*	کی تواند صید ۵:۱۰۰۴*
کی رهد از مکر تو ۲:۲۶۷۰	کی دروغی ۶:۲۲۲۰	کی تواند قطره ایش ۲:۳۳۰۹*
کی رهد از وهم ۵:۱۲۱۵*	کی دریغ ۶:۳۰۲۶*	کی توان کرد ای پدر ۵:۱۰۵۳*
کی ز ارواح ۵:۲۸۱۴*	کی درین عالم ۲:۹۸۷	کی توان کردن ۵:۱۸*
کی ز اشارت ۵:۱۲۴۹*	کی دَم باطل ۲:۲۷۶*	کی توان نوشید ۴:۱۸۲۰

کی شود نیکو ۴:۲۳۴۶*	کی سوی ۱:۲۸۷۷*	کی زبون ۵:۲۸۴۶*
کی شود یک دم ۱:۱۴۸۳*	کیسه و همیان‌ها ۳:۳۳۷۰*	کی زدی بر ما ۵:۴۱۳۲*
کی شویم آیین ۱:۳۵۵۱*	کیسه‌های زر ۵:۲۱۰*	کی زدی نان ۵:۲۰۱۲*
کیش‌ها زین روی ۳:۲۱۲۴*	کیسه‌یی ۵:۴۷۳*	کی ز سنگی ۲:۲۴۸۸*
کی صلاح ۲:۸۲۷*	کی سیه گردد ۱:۳۷۰۶*	کی ز طوفان ۶:۴۰۶۳*
کی ضعیف ۱:۲۵۰۷*	کی شدی آن ۱:۲۴۳*	کی ز فکر ۴:۱۳۰۱*
کی طفیل ۴:۳۴۵۰*	کی شدی پیدا ۳:۴۴۶۵*	کی ز نادیده ۴:۲۴۲۱*
کی طواف ۵:۲۶*	کی شدی جسم ۵:۱۳۹*	کی زند طعنه ۴:۱۳۹۹*
کی عجب ۱:۱۲۵۰*	کی سُغالی ۳:۷۷۱*	کی ز وحدت ۱:۴۹۸*
کی علف‌خوار ۶:۴۳۹۵*	کی شکوفه ۲:۱۶۵۹*	کیست آن ظالم ۳:۴۶۳۳*
کیف آسئ ۱:۲۵۵۸*	کی شما ۳:۲۷۱۲*	کیست آن کیت ۳:۴۴۵۵*
کیف أَصْبَحْتُ ۱:۳۵۰۰*	کی شناسد آن ۲:۲۳۵۳*	کیست آن کس ۶:۶۱۸*
کی فتد بر روی ۶:۵۲۱*	کی شناسد ظالم ۱:۳۳۵*	کیست آن گم‌گشته ۳:۴۶۲۶*
کیف تَلَقَّى الرِّزْقَ ۴:۶۹۸*	کی شناسد کور ۲:۲۳۷۷*	کیست آن لوطی ۴:۳۵۴۷*
کی فدای ۵:۳۸۵۵*	کی شناسد معدن ۳:۵۶۱*	کیست آن یوسف؟ ۳:۳۹۸*
کی فرار ۵:۶۶۸*	کی شناسد موش ۴:۳۴۲۸*	کیست ابدال ۳:۴۰۰۰*
کی فراق ۲:۲۲۱۵*	کی شناسی ۵:۲۸۱۵*	کیست اُستاتر ۶:۱۶۷۲*
کی فرستادی خدا ۴:۳۳۱۸*	کی شود آراسته ۴:۲۳۵۳*	کیست اینجا ۵:۲۷۵۴*
کی فرستادی دمی ۴:۲۴۵۹*	کی شود از قدرتش ۶:۵۵۶*	کیست این صوفی ۲:۲۱۷۷*
کی فروزد از خلاف ۲:۳۴۶۹*	کی شود از قشر ۶:۳۹۲۷*	کیست بر پشتت ۴:۳۵۵۰*
کی فروزد لاله را ۲:۱۶۶۰*	کی شود این ۶:۲۲۷۴*	کیست بوی ۵:۳۳۵۰*
کی فسردی ۱:۵۲۰*	کی شود باریک ۱:۳۰۶۶*	کیست بیگانه ۲:۲۶۴*
کی فسون ۱:۲۳۳۴*	کی شود بستان ۴:۲۳۴۵*	کیست حاضر ۴:۱۲۳*
کی فقیری ۳:۳۳۵۴*	کی شود بی آسمان ۲:۱۶۶۳*	کیست دلدار ۲:۳۴۷۶*
کیف مَدَّ ۱:۴۲۵*	کی شود پزمرده ۴:۱۶۵۳*	کیست کافر؟ ۲:۳۳۲۵*
کیف یأتی ۵:۱۸۹۳*	کی شود پوشیده ۳:۲۰۶۱*	کیست کز دستِ تو ۲:۲۶۵۴*
کیف یغفل ۳:۴۸۰*	کی شود چون ۱:۳۲۰۸*	کیست کز ممنوع ۶:۳۶۵۹*
کیقبادی ۳:۱۹۶۵*	کی شود خود ۱:۲۹۳۳*	کیست کو نشنید آن ۳:۲۸۲۰*
کیک چه بُود ۵:۱۶۸۰*	کی شود خورشید ۶:۲۰۷۹*	کیست کو نشنید احوال ۳:۲۸۲۲*
کی کران گیرد ۲:۱۴۵۹*	کی شود خُویش ۵:۳۵۳۲*	کیست کین گستاخی ۲:۲۶۰۷*
کی کزی کردی ۴:۲۴۵۸*	کی شود دریا ۶:۲۰۷۹*	
کی کُشد ۱:۲۴۸۷*	کی شود کشف ۵:۴۱۴۶*	
کی کشید این را ۳:۲۳۲۸*	کی شود گلزار ۴:۲۳۴۴*	کیست لایق ۲:۲۴۰۴*
کی کشیدیشان ۱:۳۸۳۴*	کی شود محبوب ۵:۱۷۰۸*	کیست ماهی ۱:۵۰۴*
کی کشیدی شیر ۶:۲۱۳۸*	کی شود مغزش ۶:۴۴۲۸*	کیست مولا ۶:۴۵۴۰*

کین جهان چاهی است ۶۴:۳	کیمیاداری دوی ۳۰۹۹:۶	کی کم از بره ۲۳۲:۴
کین جهان خوردی ۳۸۱۵:۶	کیمیاداری که ۶۹۴:۲	کی کنار ۴۶۷۴:۳
کین جهان ماند ۲۰۸۳:۶	کیمیا را گیر ۳۸۷۹:۱	کی کند آن مست ۳۱۰۸:۵
کین چراغی ۲۸:۴	کیمیا را هیچ ۲۰۲۶:۴	کی کند آن میوه‌ها ۲۹۲۸:۱
کین چنین اندر ۲۷۲۲:۱	کیمیا سازان ۳۰۷۴:۴	کی کند استمگری ۲۳۵۴:۱
کین چنین بانگ ۹۲۸:۴	کیمیا سازست ۵۱۶:۱	کی کند تصدیق ۲۱۲۲:۱
کین چنین پُرجوش ۲۰۰۷:۶	کیمیا و نافع ۹۴:۴	کی کند، چون ۷۲۰:۳
کین چنین جسمی ۲۴۸۱:۶	کیمیای بس شگرف ۲۰۲۵:۴	کی کند دل ۱۰۵۵:۲
کین چنین دارو ۲۴۲۴:۴	کیمیای حال ۱۴۲۳:۳	کی کند فضل ۲۲۳۸:۱
کین چنین رهزن ۴۹۰:۶	کیمیای زهر ۱۵۵:۲	کی کند قاضی ۴۳۴۹:۶
کین چنین زن را ۲۱۱۹:۶	کیمیا، یُصلِح ۱۸۵۱:۵	کی کند مکرش ۲۴۸۶:۳
کین چنین شاهی ۱۰۱۸:۴	کیمیای فضل ۱۶۸۴:۴	کی کند وقف ۲۰۸۹:۶
کین چنین فعلی ۲۷۰۵:۳	کیمیای مرگ ۲۶۸۶:۳	کی کنم من ۴۱۷۹:۶
کین چنین کس ۳۸۳۷:۴	کیمیای مس ۳۱۹۲:۲	کی کنند اندر ۲۸۱۳:۲
کین چنین مردی ۱۴۱۱:۱	کیمیای نو ۴۳۰۳:۶	کی کنند؟ این ۴۲۲۹:۶
کین چنین نوشی ۱۸۲۳:۲	کیمیایی بود ۳۵۰۸:۴	کی کنی توبه ۲۲۰۶:۱
کین چو داودست ۴۹۳:۲	کیمیایی که ۵۹۱:۴	کی کنی ز آن ۳۲۳۲:۵
کین چه باشد ۳۳۵۰:۶	کیمیایی همچو ۱۸۵۴:۳	کی کُنی دعوی ۱۱۳۹:۵
کین چه بدبختی ۵۵۸:۱	کین اباحت ۲۰۶۶:۶	کی کُهی گردد ۲۹۰۸:۳
کین چه بی‌باکی ۴۰۷۲:۵	کین اگر نه ۳۸۵۱:۴	کی گذارد آنکه ۱۹۴:۲
کین چه شاید ۱۸۴۵:۳	کین او مهرست ۲۱۳۰:۲	کی گذارد حافظ ۱۹۲۹:۶
کین چه شکر ۳۳۷۱:۱	کین ایاز ۳۸۶:۶	کی گذارد گنج ۳۰۹۰:۶
کین چه غُلّ ۲۴۴۹:۱	کین بخواند ۲۹۳:۴	کی گذارد موعظه ۳۳۶۷:۴
کین حروف ۲۹۸۴:۴	کین بُراق ۳۴۳۷:۱	کی گذارم ۱۷۸۳:۳
کین حُسام ۱۷:۴	کین برهنه ۱۸۲۴:۴	کی گذارندش ۳۶۵۰:۴
کین حقیقت بود ۱۲۸۴:۵	کین بود ۲۰۸:۶	کی گزافه ۱۵۳۲:۲
کین حقیقت، قابل ۳۲۴۷:۲	کین به یک لفظی ۳۸۱۶:۱	کی گُل از ۱۶۶۰:۲
کین حکایت‌هاست ۱۲۵۱:۳	کین تأتی ۵۹:۵	کی گلستان ۱۶۵۷:۲
کین حیات، او ۲۶۷۴:۵	کین تعلق ۲۶۶۱:۱	کی گمان بردی ۸۷۷:۳
کین خبیثان ۲۸۵۸:۲	کین تفکرمان ۴۴۹۳:۳	کی گُهر جویی ۳۷۷۰:۱
کین خرّ اِدبار ۱۵۰۸:۶	کین تو در ۱۰۶۹:۳	کیل ارزاق ۱۵۸۶:۵
کین خطر دارد ۳۲۷۰:۳	کین تو را سود ۱۵۷:۵	کی مرا پرورد ۲۶۲۸:۲
کین خلل ۳۷۸:۱	کین جزا ۳۶۶۶:۴	کی مرا و را ۸۳۱:۵
کین خوشی ۳۶۶۷:۵	کین جفا ۲۹۵۶:۴	کی مقازه ۵۳۲:۴
کی ندا کردی ۳۳۶۳:۲	کین جهان جیفه ۴۵۵۱:۳	کیمیا از میس ۳۳۴۴:۲

- کین دلم ۲۳۹۲:۱ * کین نشنید ۱۶۵۵:۲ * کین نظر، چون ۴۷۵:۱ *
 کین دلیل هستی ۵۱۷:۱ * کین شود ۱۰۸۷:۵ * کین نظر، کرده‌ست ۸۲۴:۴ *
 کین دم ۳۵۷۷:۲ * کین شیطانی ۱۱۱:۴ * کین نمازم ۳۳۹۲:۱ *
 کین دو باشد ۱۸:۶ * کین ضیا ما ۳۶۵۰:۱ * کین نهان‌ها ۱۰۱۴:۴ *
 کین دو دایه ۱۹۴۸:۵ * کین طرف ۱۶۹۸:۴ * کین نه برجای ۱۲۴۸:۴ *
 کین دو دیده ۱۹۸۸:۳ * کین طلب در ۱۷۳۴:۵ * کین نیابت ۶۹۸:۱ *
 کین دو می‌زایند ۸۴۱:۱ * کین طلب کاری ۱۴۴۲:۳ * کین ولی الله ۱۰۱۱:۶ *
 کین رَصَد ۳۹۲۷:۳ * کین طلسم ۵۷۳:۳ * کین نهادی ۱۳۰۲:۴ *
 کین روا باشد ۳۳۵۹:۲ * کین طمع ۶۵:۳ * کین نهد اسپر ۲۸۸۶:۲ *
 کین ز بیهوشی ۱۶۶۶:۳ * کین نظاره ۸۳۲:۶ * کین دان اصل ۱۱۲:۴ *
 کین ز حکم ۳۰۶۰:۵ * کین عدو و آن ۷۷۳:۲ * کین نهد بر جسم ۳۵۰۷:۶ *
 کین زمان در ۱۴۴۱:۲ * کین علف جز ۳۵۹۲:۵ * کین نهد بر کس ۲۹۷۰:۵ *
 کین زمان رضوان ۷۲۱:۴ * کین علف زاریست ۲۸۳۷:۵ * کین نهد دل ۳۷۸۷:۲ *
 کین زمان گلشن ۲۴۱:۳ * کین عمر را ۳۲۲۷:۶ * کین همه اعجاز ۳۵۸۳:۴ *
 کین زمان هستید ۶۵۰:۴ * کین غذای ۱۹۵۶:۴ * کین همه کردیم ۱۵۸۵:۳ *
 کین زمین را ۲۳۴۲:۴ * کین غرض‌ها ۲۸۷۳:۶ * کین همی گوید ۱۱۲۰:۵ *
 کین سبب را ۸۴۳:۱ * کین فضولی ۲۲۸۲:۳ * کین نهند این ۳۰۲۷:۶ *
 کین سبک بود ۴۳۰۸:۳ * کین فقیر ۳۴۸۰:۲ * کین هوا پر ۱۲۶۰:۴ *
 کین سبُو پُر ۲۸۵۵:۱ * کین قران ۲۷۸۳:۴ * کین هوا جز ۱۰۷۹:۱ *
 کین ستاره ۳۱۵۶:۶ * کین کدو ۱۹۴۵:۱ * کین هوا شد ۳۴۹۳:۶ *
 کین سخن پست ۴۲۳۳:۳ * کین که جوید ۳۶۴۷:۲ * کین کینه‌ها از ۲۵۷۸:۱ *
 کین سخن دُرست ۳۴۱:۴ * کین گمان ۱۰۱۳:۶ * کین کینه‌ها خیزد ۳۴۶۷:۲ *
 کین سخن را ۱۰۲۸:۱ * کین گواهِ ۷۳۵:۳ * کین کینه‌های ۳۷۱۴:۲ *
 کین سخن کار ۱۴۴۱:۵ * کین گواهی ۲۷۰۱:۱ * کین کی نیایی ۱۶۷۵:۲ *
 کین سفر ۱۵۵۹:۴ * کین نماید خاک ۱۶۶۳:۲ * کین وجودی ۲۷۳۹:۵ *
 کین سکوت ۱۶۷۷:۲ * کین نماید قوتی ۱۰۶۷:۲ * کین وزیر ۳۱۵۴:۵ *
 کین سگ زن ۳۳۸۰:۱ * کین نماید کودکان ۲۲۷۹:۳ * کین وفا ۷۰۷:۲ *
 کین سلاح ۶۶۰:۵ * کین محالست ۶۱:۳ * کین هراس آید ۳۳۲۷:۱ *
 کین سلاطین ۳۸۷:۵ * کین مدار آنها ۲۷۳:۲ * کین هزاران ۶۰۸:۴ *
 کین سؤال ۱۱۳۷:۳ * کین مدق ۲۸۱۰:۱ * کین هِلْد ۲۸۸۸:۱ *
 کین سوم جانب ۲۹۹۷:۱ * کین مریدان ۱۰۵۰:۴ * کین هوا زاید ۱۶۰۲:۶ *
 کین سه را ۱۰۴۸:۱ * کین مگر قاصد ۱۴۳۱:۲ * کین یَطُوف ۴:۶ *
 کین سیه رُو ۲۶۸۸:۲ * کین مگر قصد ۲۰۳۱:۲ * کین یَكُون ۱۹۲۹:۳ *
 کین نشاندی ۵۲۳:۴ * کین منی از ۲۱۹۷:۱ * کین یَنَالُ الْعَبْد ۸۸۵:۱ *
 کین شده‌ست ۲۷۲۲:۵ * کین نبوده‌ست ۱۷۹۶:۲ * کین یَنَالُ دَائِمًا ۴۵۹۸:۳ *

گ

- گازری بود ۵: ۲۳۲۶
گازری گر ۲: ۸۰۰
گام آهو دید ۲: ۱۶۱
گام آهورا بگیر ۳: ۴۹۲
گام اندازیم ۶: ۴۷۴۵
گام پای ۲: ۱۷۷۹
گام، ترسان ۳: ۴۰۲۸
گام خستی ۵: ۳۲۰۵
گام خود ۳: ۴۲۵۱
گام در صحرای دل ۳: ۵۱۴
گام ز آن سان ۳: ۲۷۹
گام‌های ۴: ۸۳۰
گاو آبی ۶: ۲۹۲۲
گاو آوردش ۶: ۱۸۴۲
گاو اگر خسپد ۳: ۳۸۹۶
گاو باشی ۵: ۹۳۱
گاو بشتابد ۶: ۲۱۹۷
گاو بیند ۶: ۳۵۸۲
گاو، جویان ۶: ۲۹۲۹
گاو چون معذور ۵: ۳۱۰۳
گاو خواهد ۳: ۳۳۴۳
گاو در بغداد ۴: ۲۳۷۷
گاو دوزخ ۳: ۲۴۵۴
گاو را تو ۳: ۲۳۳۰
گاو را داند ۲: ۲۰۹۲
گاو را رنگ ۱: ۷۶۴
گاو را می‌جست ۲: ۵۰۴
گاو زرین ۲: ۲۰۵۳
گاو، سوی ۲: ۲۰۵۶
گاو طبعی ۶: ۱۷۹۳
گاو قربانی ۳: ۳۳۴۶
گاو کشتن ۲: ۱۴۴۵
گاو کوهی ۱: ۳۰۲۳
گاو که بود ۱: ۵۳۴
- گاو کی داند ۶: ۲۹۳۳
گاو گر واقف ۴: ۱۳۲۷
گاو گر یوغی ۵: ۳۱۰۲
گاو گستاخ ۳: ۱۴۸۷
گاو گفنا ۶: ۲۴۷۷
گاو من در خانه ۳: ۲۳۷۷
گاو من کشت ۳: ۲۳۷۸
گاو موسی بود ۳: ۳۸۹۸
گاو موسی دان ۳: ۳۸۹۷
گاو می‌شاید ۲: ۲۰۴۹
گاو نفس ۲: ۱۴۴۶
گاو و خر را ۲: ۱۰۷۸
گاو اندر ۳: ۲۳۸۴
گاو آهو ۵: ۸۳۷
گاو او ۳: ۴۷۵۹
گاو با اطلال ۳: ۱۳۴۵
گاو بانگ ۱: ۲۲۰۷
گاو بحرش ۲: ۳۶۷۱
گاو بدظن ۶: ۱۸۴۴
گاو بر خاکی ۲: ۱۷۸۲
گاو بندد ۲: ۳۷۳۵
گاو بند گردن ۴: ۱۰۰۰
گاو پوشیدست ۳: ۱۱۴۴
گاو بهنش ۶: ۳۹۴۸
گاو تاج ۴: ۱۰۰۱
گاو تاریک ۶: ۹۲۴
گاو جنگش ۴: ۱۹۱۵
گاو جیمش ۱: ۳۳۳۵
گاو چون ماهی ۲: ۱۷۸۱
گاو چون موجی ۲: ۱۷۸۱
گاو حیوان ۴: ۲۴۹۴
گاو خاکی ۱: ۲۶۲۱
گاو، خشمش ۴: ۱۹۱۵
گاو خصم ۲: ۲۴۹۰
گاو خورشید ۲: ۵۴
- گاه در بر ۶: ۷۰۷
گاه در جان ۲: ۲۳۶
گاه در سعد ۶: ۹۲۳
گاه در نحس ۶: ۹۲۳
گاه در وی ۶: ۳۹۴۹
گاه دست افشان ۲: ۵۳۱
گاه دم را مدح ۴: ۱۳۰
گاه دم را هجو ۴: ۱۳۰
گاه دیو و، گه ۲: ۱۴۲۶
گاه ریش ۴: ۲۵۵۹
گاه سرخ ۴: ۱۸۱۲
گاه سودای ۱: ۱۸۱۶
گاه صحت ۶: ۱۸۵۱
گاه صلحش ۱: ۳۳۳۵
گاه طفلم ۴: ۹۷۱
گاه علم ۵: ۲۱۰۴
گاه قدرت ۵: ۱۵۴۴
گاه کوه قاف ۲: ۵۴
گاه کوه و گاه ۱: ۵۷۳
گاه گاهی ۳: ۴۴۶۲
گاه گریه ۱: ۲۲۰۷
گاه گفتی: کین بلای ۳: ۴۷۵۸
گاه گفتی: نه حیات ۳: ۴۷۵۸
گاه لنگان ۴: ۲۱۹۵
گاه ماهی ۲: ۶۰۴
گاه مفلس ۶: ۴۴۸۱
گاه می‌دید ۴: ۲۴۹۳
گاه نقش خویش ۲: ۶۰
گاه نقشش دیو ۱: ۶۱۳
گاه نقشش، شادی ۱: ۶۱۳
گاهوارم ۲: ۲۶۲۷
گاه وصل ۳: ۱۴۰۸
گاه هستی ۳: ۴۷۵۹
گیر این بشنید ۱: ۳۹۸۰

گبر ترسان ۴۰:۲۷:۳	گر پرسی ۲۲۰:۶:۵	گر بدانستی و، دیدی
گبر دیدی ۱۳۲۵:۴	گر بیوشد ۶۶۹:۲	۴۶۷۴:۳*
گبر را در ۸۳:۵	گر بیوشی تو ۳۱۶۹:۲	گر بدانی رحم ۱۴۰:۱:۶
گبر گویان ۱۲۶:۵*	گر بیوشمش ۳۲۳:۴	گر بدانی سرّ ما ۴۱۲۲:۵
گبر گوید ۳۰:۱۶:۵	گر بیمایی ۸۵۷:۵*	گر بدانی، گنج ۱۵۲۱:۵*
گبر می‌خایید ۳۷۵۳:۵	گر بییوندی ۲۶۸۶:۱	گر بدزد گرگت ۳۱۸۰:۵*
گبر می‌گوید ۴۱۱۸:۵	گر بترسندی ۲۲۰:۶:۳	گر بدزدی و توانی ۱۱۸۸:۳
گراثر بر ۱۳۰:۴:۶	گر بت زَرین ۲۸۸۸:۱	گر بدزدی وز گِل ۶۴۰:۴
گراز آن معنی ۳۳۵۲:۱	گر بجا آید ۲۵۳۳:۱	گر بُدش ۴۰:۲۵:۵
گراز آن می ۷۱۲:۳*	گر بجوید ۳۷۴۶:۶*	گر بُدم کافر ۲۴۴۲:۱*
گراز آن یک ۱۵۰۰:۶*	گر بجویم ۲۷۱۳:۵*	گر بَدَم، هم ۲۳۷۳:۳*
گراز این انبار ۲۶۳۰:۶	گر بخسپد ۱۲۲۳:۳*	گر بدو این ۴۹۰:۶:۶*
گرازو واقف ۳۸۲۵:۳	گر بخواند ۲۴۹۵:۶*	گر بُدی آنجا ۳۶۸۷:۲*
گرازین دولت ۲۷۴۰:۴	گر بخواهد بر ۳۵۷۲:۱	گر بُدی ادراک ۷۵۹:۶*
گرازین زوتر ۶۰۹:۵	گر بخواهد رفت ۳۵۶۳:۱	گر بدی این ۱۳۰:۲:۴
گرازین سایه ۳۳۴۷:۴	گر بخواهد سوی کلیات	گر بدی با تو ۱۵۹۲:۲
گراف چیزی ۳۳۱۶:۲*	۳۵۶۵:۱	گر بدی پرده ۳۰:۷۹:۶
گرامین آید ۳۳۳۵:۴	گر بخواهد سوی محسوسات	گر بدی جان ۲۵۳۶:۳
گرامینم ۵۹۲:۱	۳۵۶۴:۱	گر بُدی چیزی ۳۹۳۰:۵*
گراناری ۷۱۸:۱	گر بخواهد عین ۲۲۰:۹:۶	گر بدی خون ۲۳۹:۱
گرانیس ۱۳۷۵:۶	گر بخواهد مرگ ۱۴۲۴:۳	گر بدید آن ۱۰۰:۴:۲
گر بیارد ۲۷۲۴:۶	گر بخواهد، ورنخواهد	گر بدیدی بحر ۸۰:۴:۶*
گر بیاری ۵۶۱:۴	۱۶۴۸:۳*	گر بدیدی برف ۳۴۳۱:۵
گر بیخی جرم ۲۰:۹۱:۵	گر بخوام ۲۲۵۹:۱	گر بدیدی حسّ ۶۵:۲
گر بیخی یافت ۲۰:۹۲:۵	گر بخواهی تو ۱۳۱۵:۵	گر بدیدی ز آینه ۲۲۶۱:۶
گر بیرد ۲۹۶۳:۴	گر بخواهی ورنخواهی با	گر بدیدی کارگاه ۷۷۰:۲
گر بیند ۴۷:۳	۱۶۹۹:۴	گر بدیدی مطلعش ۳۰:۴۷:۳
گر بیندی ۳۶۸۰:۶	گر بخواهی ورنخواهی رزق	گر بدیدی یک ۱۲۳۶:۶
گر بیند ۴۴۷:۲	۲۴۰:۲:۵	گر بُدی صبر ۶۵۵:۵
گر بیننی، آن ۱۰۵:۲*	گر بدان ره ۵۲۵:۳*	گر بُدی غیر ۵۰:۳:۵
گر بیننی خواب ۱۷۳۱:۳	گر بدان سو ۷۱۵:۳	گر بدی کردی ۲۹۵۸:۴
گر بیننی میل ۱۶۲۰:۳	گر بدادی ۳۰:۱۸:۶	گر بدین راضی ۱۳۶۵:۳*
گر بیننی یک ۳۲۱۵:۴	گر بدارد باقی ۱۷۴۳:۶*	گر برآرد گرگ ۶۳۲:۳*
گر بیرانیم ۶۱۶:۱	گر بدانند ۴۷۱:۲	گر برآرم ۴۲۲۴:۶
گر پرسد ۱۰:۷۴:۶	گر بدانستی گدا ۴۹۹:۲	گر بر آن آتش ۲۰:۶۴:۱

گر بر آن حالت ۷۹۰:۵	گر بگویم آنچه او ۳۷۲۱:۲	گر بلاذُر ۱۵۳۰:۴
گر برآید ۳۱۵۲:۲	گر بگویم آنچه دارم ۲۷۶۹:۴	گر بلی گویی ۳۷۴۹:۴*
گر بُراق ۱۱۱۶:۲*	گر بگویم آن زحل ۱۷۱۴:۲	گر بمانیم ۳۱۹:۴*
گر برانی ۱۹۹۲:۶	گر بگویم آن سبب ۸۷۴:۴	گر بمیرد استخوانش ۹۷۶:۵
گر برد اسپش ۴۰۶۲:۵	گر بگویم از جمادات ۷۸۹:۴	گر بمیرد این ۴۵۴:۴
گر برد این ۳۳۷۹:۶	گر بگویم از فراق ۳۶۹۵:۳	گر بمیرد دید ۸۸۵:۲
گر برد مالت ۱۳۴:۲	گر بگویم او ۱۵۸۱:۳	گر بمیرد، روح ۷۴۴:۶*
گر بَرَد مُردم ۳۳۷۸:۶*	گر بگویم تا ۲۹۶۳:۱	گر بمیرد نیز ۱۱۹۶:۳*
گر بروید ۱۰۵۷:۲	گر بگویم چیز ۹۷۴:۴	گر بمیرم، گو ۲۰۰۴:۵*
گر بریزد برگهای ۲۲۳۷:۱	گر بگویم خوردشان ۲۶:۳*	گر بمیرم، هست ۳۸۸۸:۳*
گر بریزد خونم آن ۳۸۹۱:۳	گر بگویم شرح این ۴۴۴۱:۳	گر بمیری تو ۱۱۹۷:۳*
گر بریزد خونم امرش	گر بگویم شرح نعمت‌های	گر بنالیدی ۱۶۴۲:۲
۱۰۷۶:۳*	۲۶۶۷:۳	گر بنشکافی ۳۷۱۸:۵*
گر بریزد خون من ۳۸۳۷:۳	گر بگویم شتهای ۱۹۲۸:۱	گر بود آب ۱۶۶:۵
گر بریزی بحر ۲۰:۱	گر بگویم فوت ۴۷۱۰:۳	گر بود آن ۴۲۰:۳
گر بریزی خاک ۸۲۶:۴	گر بگویم قیمت ۱۰۰۷:۶	گر بُود اعداد ۳۰۵۱:۶*
گر بریزی خون ۲۰۸۹:۵	گر بگویم کز ۲۶۵۹:۴*	گر بُود این حالت ۱۳۳۶:۴*
گر بزد مر ۴۰۱۳:۳	گر بگویم، گم کنی ۱۰۱۵:۶*	گر بود بد ۶۰۷:۵
گر بُزند و عاقل ۲۴۷۰:۲*	گر بگویم متهم ۱۵۷۸:۳	گر بود چوبین ۷۱۵:۱
گر بُز و دانا ۲۶۹۰:۴*	گر بگویم نک ۱۶۹۳:۲	گر بود داد ۳۱۶۲:۶
گر بسوزد ۱۸۷۳:۳	گر بگویم نیم ۳۵۷۴:۲	گر بود در ۲۸۴۶:۳
گر بشد باده ۳۵۶۴:۵*	گر بگویم وین ۹۱:۳	گر بود زنگی ۳۵۱۸:۱
گر بغزد ۶۹۸:۶	گر بگویند آنچه می‌خواهد	گر بُود شیری ۳۱۵۹:۵*
گر بفرماید ۲۰۷۳:۴	۳۱۱۷:۵	گر بود صَبّار ۶۳۹:۵
گر بفرمایند ۵۷۲:۴	گر بگویند آنچه می‌خواهی	گر بود عاقل ۲۱۵۷:۴
گر بکاوی ۲۹۰۰:۲	۳۱۱۳:۵	گر بود فردوس ۲۳۸۳:۴
گر بکشم ۲۳۳۰:۴	گر بگویند این ۲۲۳:۴	گر بود مشک ۲۳۹۲:۴
گر بکشتی ۳۱۸۲:۳*	گر بگویی احولی ۳۶۳۷:۲	گر بود نیکو ۱۰۵۲:۵
گر بگیرد ۳۶۲۴:۴	گر بگویی از ۱۶۳۳:۶	گر بُود یوسف ۲۸۳۰:۶*
گر بگوید چشم ۷۹۴:۴	گر بگویی تا ۳۰۸۵:۳	گر بُه آمد، پوست ۷۵۸:۳*
گر بگوید زان ۱۲۷۸:۳	گر بگویی چون ۳۶۴۳:۳	گر بُه آمد ناگهانش ۷۶۲:۳
گر بگوید فقه ۲۸۸۱:۱	گر بگویی خلق ۲۱۸۶:۶*	گر بُه باد ۳۱۰۹:۴*
گر بگوید کز ۲۸۸۶:۱	گر بگویی شکر ۳۶۹:۲	گر بُه باشد ۳۰۰۳:۳
گر بگوید کیمیا ۲۷۱۱:۵	گر بگیرم ۲۳۵۹:۱	گر بُه بر سوراخ ۵۸۲:۶
گر بگویم آسمان ۵۹۲:۱*	گر بگیرم ۲۶۹۴:۳	گر بُه بیند ۲۴۲۸:۶*

گر به پیش امتحان ۱:۲۶۸۰	گر به فضلش ۴:۳۳۱۸	گر پلیدی ۶:۳۱
گر به پیش تو ۱:۳۱۹۵*	گر به کرده ۳:۳۹۸۳	گرت برهان ۱:۱۶۷۳
گر به تازی ۵:۱۹۱۴	گر به مال ۵:۳۳۸۸	گر تجلی کرد ۱:۳۵۵۲*
گر به تن ۱:۱۱۹۳*	گر به، مرگست ۳:۳۹۸۴	گر ترازو را ۲:۵۷۳
گر به جز ۳:۵۴۹*	گر به مصر اندر ۶:۴۳۵۸	گر ترازو نبود ۵:۱۲۱۵
گر به جهل آییم ۱:۱۵۱۰	گر به مظروفش ۶:۶۵۲	گر ترشح ۱:۲۰۷۰
گر به چه ۴:۱۹۸۹	گر به معنی ۱:۱۴۸۴	گر ترش روبودن ۱:۱۵۲۶
گر به خاری ۳:۳۴۴۴	گر به می‌بیند ۳:۳۹۶۲	گر ترش روی است ۳:۳۷۳۸
گر به خلوت ۶:۴۴۵۷	گر به ناهنگام ۳:۳۳۳۵	گر ترش رویی ۵:۳۶۸۵
گر به خواب اندر ۳:۱۷۳۰	گر به نزدیک ۳:۴۲۸۰*	گر تقصُّص ۴:۳۱۲*
گر به خویشم ۶:۲۳۲۴	گر به هامان ۴:۲۷۱۷	گر تقاضا بر ۱:۲۲۱۴*
گر به دامی ۲:۹۹۰	گر به هر خون‌ریزی ۵:۳۸۲۵	گر تقاضا گر ۴:۱۲۱۸*
گر به در انبانم ۶:۹۰۸	گر به هر دم ۶:۱۸۲۶	گر تمامش می‌کنی ۴:۳۷*
گر به دُر ره ۳:۵۲۵	گر به هر زخمی ۱:۲۹۸۰	گر تن خاکی ۴:۲۴۷۳
گر به دل در ۲:۵۰۱	گر بی‌آغازید ۴:۲۸۵	گر تن سیمین ۴:۱۶۰۰
گر به دیگر ۶:۵۸۳	گر بی‌ماسد ۳:۳۸۸۶	گر تن من ۵:۱۷۳۷
گر به دنداننش ۱:۱۳۱۶	گر بی‌آید باز ۵:۱۱۵۵	گر تو آدم ۴:۸۰۹
گر به را من ۵:۳۴۱۵*	گر بی‌آید ذره ۴:۳۷۷	گر تو آن خدمت ۳:۶۳۰
گر به رانه ۶:۳۰۴۲*	گر بیابان ۶:۱۹۳۰	گر تو آن را ۱:۳۸۸۳
گر به راهم ۴:۲۰۸۹*	گر بیابد ۳:۱۰۵۴	گر تواسش بالمش ۳:۲۹۸۹*
گر به ریش ۵:۳۳۴۵	گر بیاموزم ۳:۳۲۷۷	گر تو اشکالی ۱:۲۹۰۸
گر به ریگی ۳:۲۹۲۹*	گر بیاموزی ۱:۳۳۵۸	گر توانی بار ۵:۲۵۷۴
گر به سوی استخوان ۲:۲۶۷۹	گر بیان معنوی ۱:۲۶۲۴	گر توانی در ۶:۴۷۱
گر به سوی رَبِّ ۳:۴۸۷*	گر بیان نطق ۶:۴۸۹۲	گر توانیدش ۱:۲۵۲۹
گر به شب جوید ۶:۳۳۹۷	گر بیاید سیل ۵:۳۰۴۷	گر تو او را ۴:۱۵۴
گر بهشت ۲:۳۳۴۸	گر بیایم ۳:۴۴۰*	گر تو اوّل ۶:۳۴۷۰
گر به صورت آدمی ۱:۱۰۱۹	گر پدر زد ۶:۱۵۱۶	گر تو اهل ۳:۱۲۲۴
گر به صورت از ۴:۵۲۴*	گر پدید آید ۴:۱۲۷۱	گر تو این انبان ۱:۱۶۳۹
گر به صورت من ۴:۵۲۷	گر پذیرد چیز ۲:۳۰۶۵	گر تو باشی تنگ‌دل ۴:۲۳۷۱
گر به صورت می‌روی ۲:۱۰۲۶	گر پذیرد، شد ۳:۳۹۸۷*	گر تو باشی راست ۲:۱۳۷۲
گر به صورت وانماید ۴:۲۱۸۱	گر پذیرند ۵:۹۰۰	گر تو با گاوی خوشی ۵:۹۳۱*
گر به طبع این ۶:۴۸۲۲	گر پذیری ۴:۲۳۵۵	گر تو با یارت ۱:۱۱۷۳*
گر به طرّاری ۵:۱۹۱	گر پشیمانی ۳:۳۶۱۶	گر تو بر تمییز ۲:۲۹۷۱
گر به ظاهر ۳:۴۲۵۵	گر پلیدان ۶:۳۲	گر تو برگردی ۴:۲۳۶۹
گر به فرصت ۵:۷۱۹*	گر پلیدم ۶:۱۱۹۶	گر تو بهتر می‌زنی ۴:۷۷۰*

گر تو بی تقلید ۵۱۲:۲	گر تو را قندی ۱۱۹۳:۱	گر جدا از ۴۱۸۰:۳
گر تو بی نوری ۳۴۸۲:۳	گر تو را مادر ۳۷۷۱:۲	گر جسد خانه ۴۳۳:۱
گر تو پایش ۳۴۹۱:۵*	گر تو را من ۱۹۱۰:۲	گر جگر بودی ۲۸۷۷:۵
گر تو پیغام ۱۱۴۴:۵	گر تو را میل ۶۲۷:۴*	گر جماع اینست ۳۳۹۲:۵
گر تو پیلی ۱۳۱۴:۱	گر تو رامینی ۲۲۸:۳*	گر جنین را ۵۳:۳
گر تو ترک ۴۱۲۶:۵	گر تو را وسواس ۳۴۳۴:۲	گر جوابش بر نویسی
گر تو جان داری ۱۳۲۱:۵*	گر تو سنگ ۷۲۲:۱	۱۹۳۹:۴*
گر تو جایی ۲۹۵۶:۳	گر تو صاحب ۲۵۴۹:۳	گر جوابش نیست ۳۲۲۸:۵
گر تو چیری ۱۰۸۸:۳	گر تو صد سیب ۶۸۰:۱	گر جهاد و صوم ۱۷۶۹:۶
گر تو خاک ۳۳۳۲:۴*	گر تو صراف ۳۴۹۲:۳	گر جهان باغی ۳۰۱:۵
گر تو خواهی آتش ۱۳۳۶:۱	گر تو طعنه ۳۹۰۸:۱	گر جهان پر برف ۵۴۳:۱
گر تو خواهی باقی ۴۸۱۰:۳	گر تو علامه ۲۸۴۵:۱	گر جهان پر شد ۶۳۴:۶
گر تو خواهی شرح ۲۵۳۴:۲	گر تو فرمایی ۹۵۸:۲*	گر جهان پیش ۵۲۴:۱
گر تو خواهی کو ۷۴:۴	گر تو کردی ۹۹۴:۵	گر جهان را ۲۳۹۰:۱
گر تو خواهی کی ۳۲۰۱:۲	گر تو کل ۹۴۷:۱	گر جهان، فرعون ۱۱۹۰:۳
گر تو خواهی یک ۸۷۱:۳*	گر تو کعانی ۳۳۶۵:۴	گر جهان ویران کند ۱۶۶۰:۱*
گر تو خود را بشکنی ۲۱۴۳:۵	گر تو کور و کر ۱۵۷۲:۳	گر چپی با ۲۱۶۰:۵
گر تو خود را پیش ۲۰۰۷:۱	گر تو کوری ۷۰:۲	گر چراغت شد ۱۸۷۷:۳*
گر تو خونم ۶۲۶:۳*	گر تو گویی فایده ۱۰۶۸:۲	گر چنان گشتی ۲۵۹۰:۲
گر تو دیدستی ۱۲۵۵:۴*	گر تو گویی کان ۲۹۱۱:۴	گر چنان گند ۴۲۹۰:۳
گر تو را آنجا ۱۷۳۳:۵	گر تو محوی ۲۸۴۱:۱*	گر چنان مدح ۲۱۱۵:۳
گر تو را آید بدین ۲۴۶۹:۱	گر تو مردی را ۱۷۴۱:۲	گر چنین بودی گدایان ۲۳۲۳:۳
گر تو را آید ز جایی ۳۴۴۸:۳	گر تو مردی، زین ۲۰۰:۲*	گر چنین بودی همه ۲۳۲۲:۳
گر تو را استاد ۱۴۱۸:۵*	گر تو مشک ۴۵۰۰:۳	گر چنین و گر ۴۵۹۷:۳
گر تو را اشکال ۱۰۷۷:۱	گر تو می خواهی ۳۴۲۶:۵	گر چونئی ۱۱۶۷:۲*
گر تو را بازست ۲۳۴۷:۲	گر تو میخی ۲۹۹۱:۳	گر چه آتش سخت ۱۸۰۹:۶
گر تو را پرسم ۳۴۱:۳*	گر تو نپذیری ۳۳۵:۲*	گر چه آتش نیز ۱۸۷۹:۴
گر تو را تا ۳۴۴۷:۲	گر تو شناسی ۱۶۴۰:۴	گر چه آسانت ۲۲۹۴:۶
گر تو را چشمی است ۲۰۹۷:۶	گر تو نقدی ۷۴۳:۳	گر چه آلت ۱۴۴۵:۳
گر تو را حق ۸۰۲:۲	گر تو نیکو ۱۱۰۹:۴	گر چه آلوده ست ۱۶۳۱:۵
گر تو را ز اصل است ۱۸۸۵:۲	گر تو هستی ۳۵۷۳:۲	گر چه آمرزم ۱۹۴۲:۴
گر تو را صبری ۲۸۵۳:۵	گر تو هم رحمت ۱۰۹۳:۶*	گر چه آنجا ۲۶۰۰:۱
گر تو را صدقی است ۱۰۱۲:۶	گر تو هم می کند ۲۷۵۷:۱	گر چه آن صورت ۳۴۸۷:۱
گر تو را عقل ست ۲۸۰۲:۴	گر تو یک ۸۰۰:۶*	گر چه آن صوفی ۱۳۵۵:۶
گر تو را عقلیست ۲۱۷۹:۶*	گر تو ینوع ۳۲۳۶:۱	گر چه آن محسوس ۲۱۳۰:۶

گرچه آن مطعوم ۲۸۸:۵	گرچه با ذاتش ۹۲۶:۵	گرچه تقلیدست ۴۰۵۳:۵
گرچه آن معنیست ۲۷۴۵:۵	گرچه با روباه ۲۴۵۵:۵	گرچه تنها ۳۸۲۴:۳
گرچه آن وصلت ۴۶۵۹:۳	گرچه باشد بی نمک ۵۵۳:۶	گرچه تو هستی ۶۸۳:۲
گرچه آورد ۵۸۰:۵	گرچه باشد لقمه ۱۳۹۹:۵	گرچه جان پنداشت ۲۲۸۴:۱
گرچه آهن ۳۲۶۱:۱	گرچه باشد مستمع ۳۰۳۹:۳	گرچه جانِ جمله ۱۸۰۰:۳
گرچه آید ظاهر ۲۶۴۳:۵	گرچه باشد مو ۴۷۳۸:۶	گرچه جسم ۲۹۳۵:۱
گرچه از باد ۱۷۸۷:۶	گرچه باشد وقت ۲۴۳۷:۲	گرچه جفدانید ۱۱۶۵:۲
گرچه از بیضه ۳۵۰۹:۳	گرچه باشند ۳۶۲۵:۵	گرچه جمله این ۹۸۹:۱
گرچه از تو ۱۷۴:۱	گرچه با عقلست ۲۲۵۵:۶	گرچه جمله زنده اند ۱۰۲۳:۲
گرچه از حلقوم ۱۹۳۶:۱	گرچه بذهی ۵۸۱:۲	گرچه جو صافی ۳۲۱۹:۱
گرچه از شب‌دیز ۳۱۸۸:۳	گرچه بر آتش ۳۵۶:۶	گرچه جوی خون ۶۹۴:۲
گرچه از لذات ۴۰۵:۴	گرچه بر اخوان ۱۰۷۳:۲	گرچه جهل ۲۱۳۰:۳
گرچه از مآشد ۳۲۲۹:۵	گرچه بر ما ۷۳۷:۴	گرچه چون دریا ۱۶۷۲:۴
گرچه از میری ۱۳۹۳:۱	گرچه برناید ۴۰۶:۴	گرچه چون سیرگین ۲۵۰:۴
گرچه از یک رُو ۲۹۱۵:۱	گرچه بر وی ۲۸۸:۳	گرچه چون نفسش ۱۸۸۵:۱
گرچه از یک وجه ۲۹۷۳:۴	گرچه بشکستند ۴۱۹۸:۵	گرچه حافظ ۲۰۸۸:۳
گرچه استحقاق ۲۷۷۹:۵	گرچه بنماید ۱۹۸۲:۱	گرچه حکمت ۳۱۸:۲
گرچه اصلش ۲۴۰۷:۴	گرچه بود ۱۳۳۶:۳	گرچه حیوان ۳۶۱۸:۳
گرچه اکنون ۶۱۹:۴	گرچه بهر ۲۵۴۹:۵	گرچه خرا را ۳۳۱۶:۱
گرچه اندر پرورش ۱۴۰۴:۶	گرچه بیرونست ۴۴۹۶:۶	گرچه خفته ۳۶۵۰:۴
گرچه اندر لاف ۴۰۳۳:۳	گرچه بیروند ۱۸۲۰:۳	گرچه خلقان ۱۶۶۱:۴
گرچه اندر مکر ۱۲۹۹:۴	گرچه پُر مکرست ۳۰۸۲:۲	گرچه خواجه ۳۱۲۵:۶
گرچه او با ۳۳۲۳:۱	گرچه پرنقش ۳۴۲۴:۶	گرچه خود اندر ۳۷۴۱:۶
گرچه او خواهد ۳۳۸۷:۶	گرچه پندارد ۱۰۸۰:۲	گرچه خود بروی ۲۳۵۲:۲
گرچه او خود ۲۳۵:۶	گرچه پنهان است ۱۳۱۴:۶	گرچه خود بوبکر ۵۷۶:۲
گرچه او فتراک ۴۸۷۵:۶	گرچه پنهان بین ۲۰۸۲:۵	گرچه خود را ۳۲۱۷:۱
گرچه اوّل خیرگی ۱۹۷۵:۲	گرچه پنهان خار ۱۰۳۷:۱	گرچه خود نسبت ۱۵۰۵:۱
گرچه او محو ۲۹۸۰:۴	گرچه پیدا ۱۶۶۰:۳	گرچه خوش خو ۱۷۴۲:۲
گرچه این دم ۲۰۰۰:۶	گرچه پیران ۲۴۶۱:۶	گرچه خوی آن ۵۹:۴
گرچه این دو ۲۶۸۴:۲	گرچه پیل ۵۳۷:۴	گرچه خویش از ۱۷۱۱:۵
گرچه این عاشق ۳۸۴۶:۳	گرچه تازی ۳۵۸۳:۲	گرچه دارد بحث ۱۲۸۹:۵
گرچه این کلک ۸۷۵:۴	گرچه تخت ۵۰۸:۳	گرچه دانی دقت ۲۶۱:۶
گرچه این مستی ۶۳۶:۶	گرچه تدبیرت ۱۰۶۰:۲	گرچه دانی کو ۱۸۵۹:۱
گرچه بابای ۱۲۳۸:۵	گرچه ترکیبش ۱۳۲۲:۵	گرچه در آب ۱۸۰۸:۶
گرچه با تو ۳۴۱:۲	گرچه تفسیر ۱۱۳:۱	گرچه در ایمان ۳۳۶۰:۵

- گرچه گوید ۲:۶۳*
 گرچه گه گه بر تنش ۵:۲۸۲۸*
 گرچه گه گه شد ۵:۳۹۵۹*
 گرچه مات ۵:۴۱۹۰*
 گرچه ماران ۶:۳۳*
 گرچه ما زین ۶:۴۷۴۳*
 گرچه ماند در نبشتن ۱:۲۶۳*
 گرچه ماند، فرق‌ها ۳:۳۵۱۲*
 گرچه ماهیت ۳:۳۶۴۶*
 گرچه مشغولم ۴:۶۴۲*
 گرچه مصباح ۱:۲۹۳۶*
 گرچه مفتی‌تان ۶:۳۸۰*
 گرچه مقصود از بشر ۳:۲۹۹۲*
 گرچه مقصود از کتاب ۳:۲۹۸۹*
 گرچه من تنگ ۵:۲۶۲۵*
 گرچه مؤمن را ۶:۲۴۶*
 گرچه مُهرم ۵:۳۳۶۲*
 گرچه می‌بینی ۵:۲۴۶۰*
 گرچه می‌دانم ۳:۳۸۸۴*
 گرچه می‌دانی ۳:۴۶۹۷*
 گرچه می‌گردد ۳:۱۷۷۱*
 گرچه می‌نالد ۶:۴۲۲۵*
 گرچه میوه ۳:۱۱۲۹*
 گرچه ناخن ۲:۳۴۴*
 گرچه ناصح ۵:۱۵۳۱*
 گرچه نان بشکست ۱:۳۸۸۱*
 گرچه نحو و فقه ۱:۳۴۹۷*
 گرچه نسیان ۵:۴۱۰۳*
 گرچه نشانسد ۵:۲۷۶۳*
 گرچه نشنید ۳:۴۵۲۸*
 گرچه نطفه ۳:۳۴۵۹*
 گرچه نمره ۱:۲۵۸۶*
 گرچه نفس ۵:۲۰۹۵*
 گرچه هاروتید ۱:۳۴۱۵*
 گرچه هر جزویش ۶:۱۶۳۵*
- گرچه سیم‌رگست ۴:۱۰۶۳*
 گرچه سیمین‌بر ۶:۴۴۲۶*
 گرچه شاخ و برگ ۲:۹۷۳*
 گرچه شاهی ۲:۱۹۸۵*
 گرچه شد ۶:۱۵۷۸*
 گرچه شرمین ۵:۱۲۰*
 گرچه شوقی ۳:۱۳۸۶*
 گرچه شویم ۱:۲۷۳۳*
 گرچه شهدی ۲:۱۹۸۵*
 گرچه شه عارف ۶:۴۴۰۲*
 گرچه شه ناخوش ۲:۸۶۷*
 گرچه شیری ۴:۵۴۳*
 گرچه صد چون ۲:۱۳۵۷*
 گرچه صرصر ۱:۳۳۲۵*
 گرچه طفلی ۱:۲۹۷۱*
 گرچه ظلمت ۱:۳۸۶۳*
 گرچه عاجز ۵:۱۶*
 گرچه عالم ۴:۱۱۸*
 گرچه عفریت ۴:۹۰۵*
 گرچه عقلت ۲:۲۳۲۶*
 گرچه عقلش ۲:۳۳۱۵*
 گرچه عمری ۶:۱۷۸۶*
 گرچه عَورم ۶:۱۷۶۰*
 گرچه فاضل ۵:۳۴۷۴*
 گرچه فردست ۲:۳۶۷۳*
 گرچه قادر ۳:۲۵۰۳*
 گرچه قرآن ۴:۲۱۲۲*
 گرچه کشت این ۶:۱۵۴۰*
 گرچه کشتی ۱:۲۹۷۱*
 گرچه که بُد ۳:۴۶۸*
 گرچه گردد ۴:۶۱۲*
 گرچه گردنشان ۳:۳۰۹۳*
 گرچه گرمابه ۳:۳۵۴۶*
 گرچه گفتِ لفظ ۲:۱۷۶۰*
 گرچه گفتی ۲:۳۶۲۶*
- گرچه در ترکیب ۵:۱۳۲۳*
 گرچه در تقلید ۵:۱۳۰۱*
 گرچه در خشکی ۱:۵۰۳*
 گرچه در خود ۱:۳۲۵۶*
 گرچه در خورد ۶:۲۰۴۶*
 گرچه دُرَدانه ۱:۳۱۶۴*
 گرچه در زُهدست ۵:۳۵۳۱*
 گرچه در صورت از آن ۶:۴۳۹۶*
 گرچه در صورت به پهلویش ۲:۱۹۶۲*
 گرچه در صورت، به خاکی ۳:۱۱۷۹*
 گرچه در صورت، میان ۱:۷۸۶*
 گرچه دزد از ۴:۱۰۱۵*
 گرچه دزدی ۲:۶۷۱*
 گرچه دعوی ۲:۳۵۹۰*
 گرچه دل چون ۳:۳۸۰۶*
 گرچه دوری ۲:۳۳۵۴*
 گرچه دوزخ ۶:۲۴۷*
 گرچه دیوار ۱:۲۱۴*
 گرچه رایی ۱:۳۰۱۹*
 گرچه رخنه ۵:۱۱۰۷*
 گرچه رو آرد ۴:۱۶۵۰*
 گرچه ز آن ۶:۳۷۵۴*
 گرچه زاهد ۵:۲۱۸۱*
 گرچه زو قاصر ۴:۳۶۷۸*
 گرچه زیشان ۱:۳۰۱۶*
 گرچه زین ره ۲:۱۳۹۱*
 گرچه ستارست ۴:۱۶۴*
 گرچه سَر اصل ۶:۳۷۵۶*
 گرچه سر بر ۱:۱۷۶۹*
 گرچه سَرَقَصَه ۱:۲۶۲۳*
 گرچه سوی ۲:۳۱۵۳*

گرچه هر چه ۱۷۰:۱:۱*	گر خری یابی ۲۳۳۴:۵	گرد این بام ۱۹۹۷:۶
گرچه هر دو بر ۲۸۸:۱	گر خزینه اش ۲۷۰۷:۱	گرد بازاری ۲۸۸۷:۵*
گرچه هر دو سبز ۱۱۰۰:۵*	گر خضر در ۲۳۶:۱	گرد بر گیرد تو ۲۰۰۶:۵*
گرچه هر غیبی ۳۲۴۹:۳	گر خطا کشتم ۲۴۷۰:۳	گیرد بر گیرد رَمه ۸۵۶:۱*
گرچه هر قرنی ۲۵۳۸:۳	گر خطا گفتیم ۶۹۳:۲	گرد بر گیرد سراپرده ۳۶۷:۵*
گرچه هست آن ۱۶۶۷:۱*	گر خطا گوید ۱۷۶۶:۲	گرد بر گردش ۳۹۵۷:۳*
گرچه هست او مر ۸۸۹:۲*	گر خطایی شد ۱۵۱۴:۶*	گرد بر می گرد ۳۱۲:۲*
گرچه هست این دم ۸۵۳:۶	گر خفاشی را ۲۰۸۴:۲	گرد پای حوض ۷۵۲:۴*
گرچه همچون ۴۴۲۳:۳*	گر خفاشی رفت ۳۴۱۲:۶	گرد پایه ۱۳۷۰:۲
گرچه همرنگ ۶۹۵:۵	گر خمش کردی ۲۳۹۳:۱	گرد جو ۷۵۳:۴
گرچه هم نغمه ۱۹۲۲:۱	گر خورد او ۱۶۰۳:۱*	گرد چادر ۴۶۵۴:۶*
گرچه یکتا ۳۰۸۰:۱*	گر خورد این ۴۱۲:۴	گرد خاکی ۴۵۵:۳*
گرچه یک جنس ۱۷۴۱:۲*	گر خورد خرما ۳۰۷۹:۵*	گردخان او ۵۷۱:۵
گرچه یکسانند ۱۵۶۶:۲*	گر خورد دریا ۲۹۲۰:۳*	گرد خشم و کینه ۱۵۴۸:۶
گرچه یک مو ۱۷:۲	گر خورد سوگند هم آن	گرد خط ۴۸۲۲:۶*
گر حجاب از ۱۵۹۹:۱	۲۱۳۵:۲*	گرد خُمخانه ۳۴۱۷:۲
گر حجاب است ۴۱۹۷:۵	گر خورد سوگند هم باور	گرد خواجه ۳۱۲۲:۵
گر حدیث ۱۷۱:۳	۲۱۳۲:۲	گرد خوانش ۱۱۹۳:۶*
گر حشیش ۷۲۴:۵	گر خورم نان ۳۰۷۹:۲*	گره خود برگرد ۴۱۵:۶
گر حَقْد ۱۵۱۴:۵*	گر خوری سوگند ۱۶۷:۳	گرد خود چون ۱۳۱۲:۱
گر حکیمی ۲۹۹۹:۴	گر خوری کم ۱۷۴۶:۵	گرد آتش ۱۰:۳
گر حلال آمد ۳۴۸۴:۵	گر خیالاتش ۵۹۴:۲*	گرد آن دیوار ۹۷۶:۶*
گر حیات این ست ۲۸۲۱:۵*	گر خیالی ۴۹۰۳:۶*	گرد آنگه ۱۸۶۷:۶
گر خبر آید ۶۰:۴	گرد آتش ۱۳۷۸:۵*	گرد آن نور ۳۰۶۱:۶*
گر خبر خواهی ۷۴۱:۱	گرد آمد ۴۰۶:۲*	گرد از وی ۴۱۶۸:۵*
«گر خدا خواهد» به ۱۶۳۸:۳*	گرد آن ۲۲۷۹:۱*	گرد اندر ۲۹۳۱:۵*
«گر خدا خواهد» نگفتند ۴۸:۱	گرد آید ۷۷۸:۶	گرد، او با ۳۴۵۶:۴*
گر خدا دادی ۴۲۱۱:۵	گرد از پره ۱۷۷۸:۲*	گرد او چون ۲۸۵۷:۵*
گر خدا رنجت ۱۰۶:۴*	گرد از دریا برآوردم ۲۰۴۰:۲	گرد او دُر ۲۸۶۴:۶*
گر خداع ۲۰۷۸:۵	گرد از دریای ۲۴۱۱:۳*	گرد او را ۳۸۴۰:۱*
گر خدایش ۲۴۳۴:۲	گرد از رخت آن ۵۴۰:۲*	گرد این ۲۴:۵*
گر خر اوّل ۲۸۲۲:۵	گرد او جمع ۱۶۵۴:۶*	گرددت هنگام ۳۶۵۸:۴*
گر خرم گیرند ۲۵۴۳:۵*	گرد او ظُلُمات ۴۰۹۵:۶*	گرددش روشن ۴۱۸۲:۶*
گر خریداری ۴۵۲۱:۶*	گرد او گردان ۳۱۱۸:۵	گرد دندانهاش ۴۰۸۲:۶*
گر خری را ۲۵۳۷:۵	گرد او می گشت ۵۶۸:۳	گرد دید ۳۹۶۱:۱

گر در آبی ۲۸۰۶:۵	گردکان‌های ۳۲۷۶:۶*	گر دوارا ۲۹۱۹:۳
گر در آمیزد ۳۰۶۶:۲	گردکانی ۶۰۲:۶	گر دو پا گر ۳۰۸۱:۱
گر در آمیزند ۲۸۲:۲	گردِ کعبه ۲۲۴۷:۲*	گر دو پنداری ۶۷۴:۱*
گر در آن آدم ۱۹:۲	گردِ کوهستان ۹۹۵:۳*	گر دو تا بینی ۳۰۷۸:۱*
گر در آید ۱۸۸۷:۱	گردگانی ۶۰۲:۶	گر دو چشمش ۱۷۱۵:۴*
گر در آیم ۸۱۵:۴	گردگورستان ۲۱۶۹:۱	گر دو حرف ۱۵۹۷:۶
گرد را تو ۳۹۶۰:۱*	گردِ دلت را ۱۱۱۸:۵	گر دو دیده ۸۲۷:۶
گر در افتد ۱۹۵۷:۱	گردِ دلم خوی ۶۶۵:۵	گر دو سه ابله تو را تهمت
گر درخت ۲۰۴۴:۱	گردِ دل موسی ۲۴۸۶:۲	۲۰۸۲:۲
گرد رخت ۲۷۰۲:۲	گردِ دلی داری ۳۰۱۰:۶*	گر دو سه ابله تو را منکر
گردِ درست ۱۷۵۳:۴*	گردِ دلی، رو ۱۰۹۶:۵	۲۰۸۱:۲
گردِ دروغست ۳۶۳۲:۲*	گردِ دلالت باید ۱۱۶:۱*	گر دو سه پرنده ۱۰۵۰:۱
گردِ دری بر ۴۷۳:۶	گردِ دلالت هست ۲۵۰۶:۵	گر دو صد بارت ۲۱۱۰:۵
گردِ درین مکتب ۱۱۳۱:۳	گردِ دلیلی ۳۳۱۴:۲	گر دو صد بارش ۳۸۸۵:۳*
گردِ درین مُلکت ۳۵۷۹:۱	گردِ دم خلع ۳۸۵۲:۳	گر دو صد چندین ۳۳۶۵:۴*
گردِ سرگردان ۲۷۷۰:۳	گردِ صلح ۳۲۴۸:۴*	گر دو صد خشت ۳۸۷۰:۶*
گردِش افلاک ۲۳۴۵:۵*	گردِ معده ۱۰۵:۳*	گر دو صد زنجیر آری بر دَرَم
گردِش او را ۳۲۸۸:۳	گردِ معقولات ۳۶۶:۶	۱۹۱۷:۵*
گردِش این باد ۳۳۳۳:۱	گردِ مَنگیزان ۲۶۴۵:۶*	گردِ دو صد زنجیر آری، بگسلم
گردِش این قالب ۳۳۳۲:۱	گردِ می‌گردند ۹۱۹:۶*	۶۱۱:۶*
گردِش چرخه ۸۴۸:۱	گردِ می‌گشتی ۲۲۲۰:۲	گر دو صد سالتش ۳۵۴۷:۱*
گردِش چشمش ۳۷۶۶:۵	گردِ می‌منکر ۱۹۹۴:۶	گر دو عالم ۶۳۲:۶
گردِشِ دولا ب ۹۱۳:۶*	گردِ نادر ۲۳۹۴:۵*	گر دو گز ۱۵۶۰:۳*
گردِش سنگ ۳۳۱۷:۵	گردن اسب ۴۶۴:۴	گردها ۳۶۳۴:۴*
گردشش از ۳۳۳۱:۱*	گردنِ ایشان ۸۶۱:۳*	گر دهد خود ۲۲۶:۳
گردشش بر ۹۱۲:۶	گردن این ۳:۴	گر دهد دستوری‌ش ۲۶۴۶:۴*
گردش کف ۲۹۰۷:۵	گردنت بندد ۱۲۲۰:۲*	گر دهد عفو ۱۱۵۷:۱*
گردِ شمعِ خود ۳۳۷:۵*	گردنت زین ۱۶۴۱:۶	گردِ هر ۲۹۵:۳*
گردِ شمعی ۳۳۶:۵*	گردنِ خرگیر ۲۹۵۱:۱	گردِ هندوستان ۳۶۴۵:۲*
گردش و نور ۲۱۰۴:۶*	گردنِ خود را بدین ۴۱۵۴:۶*	گردهی ۳۴۶:۲*
گردِ شهر ۶۴۸:۲*	گردنِ خود کرده‌اند ۱۱۰۵:۲*	گردی اندر ۲۱۴۹:۶*
گردِ عالم حلقه ۳۷۱۲:۴	گردنش با تیغ ۴۱۴۷:۶*	گر رسد تیری ۶۵۳:۵*
گردِ عالم می‌رود ۲۰۲۳:۱*	گردنش بستند ۱۱۲۰:۵	گر رسد جذبه ۲۰۴۵:۵
گردِ فارس ۳۹۶۰:۱	گردنش را ۱۴۷۳:۴*	گر رسد مرغی ۷۶۰:۶*
گردکان ما ۶۰۶:۶	گردِ نفس ۱۰۶۳:۲	گر رسول آن‌ست ۱۱۲۲:۵

گر زنی بر ۱: ۳۳۰۶	گر ز دجله ۱: ۲۸۵۱	گر رسولی ۱: ۲۱۵۵
گر زنی در ۶: ۹۱۵	گر ز درویشی ۱: ۲۳۹۸	گر رسیدی ۵: ۴۱۰۸
گر زها و تیغ‌ها ۳: ۱۱۸	گر ز دریا ۳: ۲۱۰۴	گر رضا دادی ۴: ۲۳۵۹
گر زیادت ۴: ۱۲	گر ز دلق ۵: ۲۱۳۶	گر رگ عشقی ۵: ۲۰۰۹
گر ز یک تلخی ۲: ۱۵۲۷	گر ز را بگرفت ۶: ۷۱۱	گر روا بُد ۵: ۳۹۲
گر سپد خواهی ۶: ۲۲۳۲	گر ز روگر ۴: ۵۷۱	گر روانم ۶: ۳۵۵۴
گر ستانی ۳: ۲۶۳۷	گر ز روی ۱: ۳۱۲۸	گر رود پس ۶: ۱۱۲۵*
گر ستایم ۱: ۱۲۴۸*	گر ز زخم ۶: ۹۴۸	گر رَوَد در خواب ۳: ۱۷۲۹*
گر ستودی ۶: ۴۰۳۲	گر ز زندانم ۲: ۶۲۹	گر رود در سنگ ۵: ۳۵۵۹
گر سختتان ۲: ۳۶۹۳	گر ز سقف ۵: ۳۰۴۱	گر رود روز ۲: ۱۶۸۹*
گر سخن خواهی ۱: ۱۶۰۰	گر ز شادی ۳: ۵۸۵	گر رود سوی ۴: ۳۱۱۴
گر سخن کش ۴: ۱۳۱۹	گر ز شیر ۳: ۳۷۴۸	گر رود صد ۶: ۴۱۵۷
گر سخن گوید ۲: ۴۸۶	گر ز صندوقی ۶: ۴۵۱۵	گر روم من ۲: ۴۰۸
گر سرش جنبد ۴: ۲۸۹۷	گر ز صورت ۳: ۵۷۸	گر روی، رو ۴: ۱۳۱۳
گر سر هر ۵: ۲۳۱۵	گر ز عزرائیل ۳: ۱۱۳	گر رهاند ۳: ۲۲۵۵
گر سعیدی ۶: ۱۳۴۹	گر ز عیسی ۲: ۱۸۶۱	گر رهایی ۵: ۴۹۴
گر سفر داری ۲: ۲۲۱۷	گر ز قرآن ۴: ۴۴۴	گر رهید از ۳: ۱۷۹۵
گر سگی کردیم ۱: ۱۱۹۷	گر ز کُ ۳: ۱۲۶	گر ریاضت ۵: ۱۷۸۴
گر سلیمان را ۱: ۱۶۹۶	گر ز گوری ۶: ۱۵۴۷	گر ز باغ دل ۱: ۲۰۵۹*
گر سلیمان وار ۶: ۴۶۹۴	گر ز گوشش ۶: ۳۹۲۵	گر زیانت ۴: ۱۷۴۶
گر سمای ۱: ۳۶۲۷	گر ز لیخا ۵: ۱۱۰۵	گر ز بر خود زن ۶: ۷۳۲
گر سنه بودی ۶: ۴۰۳۴	گر ز مستی ۲: ۳۴۳*	گر ز بر خود می زنی ۶: ۷۳۳
گر سنه چون ۶: ۴۷۵۲	گر ز مغرب ۶: ۱۷۹	گر ز بغداد ۶: ۱۷۷
گر سنه مانده ۳: ۷۰	گر ز مقصود ۴: ۱۳۲۹*	گر زبون ۵: ۴۱۵۴*
گر سیاه است ۱: ۲۸۹۶	گر ز من آگاه ۲: ۳۳۶۳	گر ز بی سویت ۶: ۵۸۱
گر سیه کردی ۵: ۲۲۲۱	گر ز مین ۴: ۲۹۴۲	گر ز پشت ۱: ۱۶۳۶
گر سیه گردد ۵: ۸۱۹*	گر ز نام و حرف ۱: ۳۴۵۸	گر ز تو راضی ست ۵: ۸۸۲
گر سیه مو باشد ۳: ۱۷۹۲*	گر ز نای ۴: ۶۴۵	گر ز تو گویند ۳: ۹۷۳
گر شتران ۵: ۳۰۵۰	گر ز ند آن دود ۲: ۳۳۷۲	گر ز جبرش ۱: ۶۳۰
گر شدم در ۴: ۳۱۵	گر ز ند آن نور ۵: ۱۲۵۸*	گر ز چشمم ۴: ۱۹۹۹
گر شدیت ۳: ۴۲۱۵	گر ز ند بانگی ۳: ۴۱۴۸	گر ز حرف ۴: ۳۸۲۰*
گر شدی عطشان ۶: ۶۷	گر ز ند بر خاک ۳: ۳۵۹۴	گر ز خسته ۲: ۱۲۴۲
گر شدی محسوس ۴: ۱۳۲۴	گر ز ند بر شب ۶: ۱۰۶۶*	گر ز خواجه ۳: ۴۵۶۲
گر شریف و لایق ۲: ۲۲۰۷	گر ز نم پَری ۴: ۳۸۰۴*	گر ز خود ۵: ۱۲۷۹*
گر شکال آرد ۲: ۷۸۶	گر ز نم صد ۵: ۱۹۹۷	گر ز خوش چشمان ۳: ۲۵۱۵*

گرگ از آهو ۲: ۲۶۷۷	گر فراموشت ۲: ۳۱۳۸	گر شکرخواری ۱: ۳۶۸۶*
گرگ اغلب ۶: ۵۰۰	گر فراموشم ۶: ۲۲۱	گرش می‌خوانم ۴: ۲۶۵۸
گرگ اگر با ۶: ۱۴۲۳	گر فروپاشی ۶: ۱۵۸۲*	گر شنیدی ۵: ۳۴۳۰
گرگ با برّه ۵: ۲۲۸۶	گر فروماندی ۵: ۳۲۱۵	گر شود بیشه ۶: ۲۲۴۸
گرگ برخیزی ۴: ۳۶۶۲*	گر فزون آید ۳: ۱۲۴۷*	گر شود بیمار ۲: ۷۹۸
گرگ بروی ۳: ۶۴۶	گر فزون گردد ۴: ۵۰*	گر شود پرشاخ ۱: ۳۳۲۴
گرگ بر یوسف ۲: ۲۰۵۷	گر فسونی ۵: ۲۵۰۳	گر شود پرنور ۱: ۳۲۶۲
گرگ بیچاره ۲: ۲۷۲۸	گر فلاطون ۴: ۱۹۲۳*	گر شود ذرات ۳: ۴۴۷
گرگ جویان ۳: ۶۴۶*	گر قچی شد ۶: ۴۷۳*	گر شود صدساله ۶: ۴۷۳۷
گرگ خود چه ۱: ۳۰۴۷	گر قدم را ۲: ۲۸۴۳	گر شود عالم ۲: ۳۴۲۳
گرگدازی ۵: ۱۵۱	گر قضا انداخت ۵: ۹۱۸	گر شود قلبی ۲: ۲۰۸۷
گرگداگشتم ۵: ۹۱۹	گر قضا پوشد ۱: ۱۲۵۸	گر شود مات ۶: ۲۷۶۴
گرگدایان ۳: ۸۶۵	گر قضا صد ۱: ۱۲۵۹	گر شوم مشغول ۱: ۲۹۰۷
گرگ درنده‌ست ۶: ۴۸۵۶	گر قیامت ۳: ۴۷۱۶*	گر صَبّی ۴: ۲۹۲۸*
گرگ دریابد ۶: ۲۴۷۱	گر کسی تاجی ۵: ۳۱۷۳*	گر صدایت ۱: ۳۱۹۱
گرگ را آنجا ۳: ۱۱۹۴*	گر کسی را ۵: ۱۲۲۳	گر ضریری ۲: ۴۸۵
گرگ را بر کند ۱: ۳۱۰۲	گر کسی شاید ۳: ۵۵۰*	گر ضعیفی ۱: ۱۳۱۵
گرگ را بیدار ۳: ۱۰۵۰	گر کسی گرید ۵: ۱۲۶۵*	گر ضیا خواهی ۴: ۳۲۲۵*
گرگ را جویان ۳: ۶۴۵*	گر کسی گوید ۳: ۳۶۴۲	گر طیبی را ۶: ۱۹۸۱
گرگ را خود ۲: ۲۳۱	گر کسی مهمان ۱: ۲۲۶۳	گر طیبی گویدت ۳: ۲۹۶۱
گر گران ۳: ۹۷۸	گر کسی می‌گفتشان ۳: ۲۰۱۹	گر طپانجه ۵: ۱۶۶۲
گر گریزانی ۲: ۲۱۱۳	گر کشد، عاجز ۴: ۷۹۰*	گر طَرَب امشب ۲: ۵۲۸*
گر گریزد ۳: ۳۷۲۲	گر کشم کینه ۵: ۴۰۰۵	گر طَرَب را بازدانی ۱: ۱۷۴۷*
گر گریزی ۲: ۵۹۰	گر کشندت ۴: ۵۸۱	گر طمع در ۲: ۵۷۲
گر گزیند ۱: ۱۷۶۸*	گر کف خاکی ۲: ۱۶۱۳	گر عتابی ۲: ۲۶۳۰
گر گشاید ۱: ۱۴۷۹	گر کمالم ۱: ۵۹۳	گر عَرَض کآن ۲: ۹۵۹*
گر گشایم بحث ۳: ۱۳۷۴	گر کمر بخشیم ۲: ۳۴۶	گر عروسش ۱: ۱۹۹۲*
گر گشایم روزنش ۱: ۳۶۲۹	گر کم عقلی ۴: ۱۹۴۴	گر عصا بستانی ۵: ۳۳۳۸
گرگ ظاهر ۲: ۱۴۰۹	گر کند او ۲: ۲۶۸۳	گر عصاهای ۴: ۱۰۷۳
گرگ، گرگ ۴: ۲۷۵۵*	گر کند بر ۱: ۳۸۵۵	گر عمر نامی ۶: ۳۲۲۰
گر گلایی بر ۲: ۲۷۹	گر کند رد ۵: ۸۷۶	گر غذای ۲: ۲۶۸۲
گر گلایی را ۲: ۲۰۸۶	گر کند سفلی ۲: ۱۶۱۸	گر غریبی ۱: ۶۳*
گر گل است اندیشه ۲: ۲۷۸	گر کنی بالای ۳: ۳۳۳۲*	گر غلام ۵: ۲۳۴۶*
گر گلی را خار ۶: ۲۱۹۰*	گر کنی تف ۴: ۲۱۴۱	گر فتادندی ۳: ۸۵۰
گر گلی گیرد ۲: ۱۵۴	گر که گفتی ۲: ۳۶۲۴*	گر فراق ۱: ۱۵۶۴

گرگ محنت ۳: ۳۹۰#	گرم رو چون ۶: ۱۱۲۷	گرمی و جدّ ۶: ۱۶۵۶#
گرگ می دیدند ۴: ۳۲۵۷	گر مریدی ۴: ۳۷۴#	گر نباشد آنها ۶: ۱۱۹۹
گرگ نادیده ۵: ۱۴۵۶	گرم زان ۳: ۴۱۰۸	گر نباشد از علوقش ۵: ۳۸۹۳#
گر گواه ۵: ۲۵۴	گر میزاحی ۵: ۳۶۶۹#	گر نباشد این ۱: ۱۲۲۸
گرگ و خرس ۵: ۲۰۰۸	گر مستبح ۲: ۳۱۴۱	گر نباشد جاه ۴: ۱۰۷۵
گرگ و روبه ۱: ۲۰۲۶	گر می گردد ۴: ۲۰۲۶	گر نباشد جوع ۵: ۲۸۲۹
گرگ و یوسف ۶: ۱۴۲۲#	گرم شد پشتش چو دید	گر نباشد در خور ۴: ۱۵۶۶
گر لطیفی ۲: ۹۱	۶: ۴۲۴۴#	گر نباشد درد ۳: ۳۵۵۷
گرم باش ای ۲: ۳۰۱۱	گرم شد پشتش ز خورشید	گر نباشد سایه ۱: ۲۹۴۶
گرم پرسیدش ۶: ۱۶۸۴	۶: ۳۰۲۵	گر نباشد فعل ۱: ۱۴۸۱
گرم تر شد ترک ۶: ۱۶۷۷	گر معلم ۶: ۴۸۵۹	گر نباشد، کی ۱: ۳۲۰۹#
گرم تر شد مرد ۳: ۳۲۷۲	گر مکان را ۲: ۲۳۸۶	گر نباشد گندم ۲: ۲۹۳۲
گرم تر صد ۱: ۴۳۰#	گرم کن خود ۶: ۳۹۰۲#	گر نباشد یاری حبر ۶: ۵۲۱
گرم تر گردد ۳: ۳۲۷۲#	گرم کن ز آن شرق ۶: ۹۱#	گر نباشد یاری دیوارها ۶: ۵۱۹
گر مثل خواهی ۴: ۲۰۵۹	گر میکیسی ۶: ۱۰۴۳	گر نباشی نامدار ۳: ۱۱۳۲
گر محبت ۱: ۲۶۲۵	گرم گرداند ۳: ۳۶۱۴	گر نباشی نخل وار ۵: ۸۱۰
گر مُحَبِّ حق ۳: ۴۵۹۸	گرم، گرمی ۲: ۸۱#	گر نبندی دست ۵: ۳۴۹۱
گر محک داری ۲: ۷۴۶	گر مگس تاویل ۱: ۱۰۸۹	گر نبندی زین ۲: ۱۷۳۱
گرم دارانت ۱: ۳۲۷۰	گرم گوید سرد ۱: ۲۰۵۶	گر نبودت این ۵: ۴۱۳۲
گر مرا اوّل ۱: ۳۱۱۶	گرم گوید وعده های ۲: ۲۲۸۱	گر نبودی آن ۶: ۴۱۱۳
گر مرا این ۵: ۲۲۶۵	گر ملّک ۱: ۱۸۷۹#	گر نبودی احوال ۶: ۳۲۲۳
گر مرا باران ۵: ۱۶۸۸	گر منافق خوانی اش ۱: ۲۹۳	گر نبودی اختیار ۱: ۶۱۹
گر مرا جویی ۱: ۲۶۵۵#	گر منافق زفت ۳: ۷۹۱	گر نبودی امتحان ۳: ۶۸۶
گر مرا چشمه ۵: ۱۶۸۷	گر منش کردم ۳: ۲۴۶۹#	گر نبودی او مستبح ۲: ۳۱۳۶
گر مرا خود ۲: ۲۳۹۸	گر منی گنده ۶: ۱۲۵	گر نبودی او نتیجه ۲: ۲۱۹۹
گر مرادت را ۱: ۱۷۴۸	گرم و سردش ۱: ۲۰۵۷	گر نبودی او نیابیدی بحار
گر مرادت ملک ۵: ۳۸۴۵	گرمی آن ۳: ۷۳۰	۶: ۲۱۰۵
گر مرا روزی ۲: ۴۶۹	گرمی ات را ۳: ۲۵۹۷	گر نبودی او نیابیدی زمین
گر مرا ساغر ۵: ۱۶۸۶	گر میان ۲: ۲۶۶	۶: ۲۱۰۶
گر مرا صد ۶: ۴۰۶۷	گرمی تن ۳: ۴۴۲۵	گر نبودی او نیابیدی فلک
گر مرا عقلی ۵: ۶۵۷	گرمی خاصیتی ۲: ۳۶۹۴#	۶: ۲۱۰۴
گر مراقب ۴: ۲۴۶۰	گرمی خورشید ۱: ۵۱۹#	گر نبودی این بزوغ ۶: ۱۸۳۲
گر مرا ماری ۵: ۱۶۸۹	گرمی تر ۱: ۴۸۴	گر نبودی این پلیدی های
گر مرا او را ۱: ۱۲۲۳	گرمی ش را ۴: ۵۰۲	۵: ۲۰۹
گر مرا یک رمز ۲: ۱۹۰۵#	گرمی عاریتی ۲: ۳۶۹۴	گر نبودی این تَف ۵: ۱۴۰#

گر نبودی این چنین ۳۷۳۹:۴	گر نبودی کور ۵۱۹:۱	گر نخواهی نکس ۲۷۲۷:۳
گر نبودی با ۲۰۰۶:۶	گر نبودی کوشش ۳۶۷:۲	گر نخواهی هر ۳۳۷۲:۴
گر نبودی بهر ۲۷۳۹:۵	گر نبودی گوش‌های ۱۶۵۹:۶	گر ندادستش ۴۱۳۳:۶
گر نبودی پای ۱۷۶۰:۵*	گر نبودی لاف ۷۳۸:۳	گر ندارد این ۱۰۶۹:۲
گر نبودی تنگ ۳۵۴۰:۳	گر نبودی مر ۹۶۰:۲	گر ندارد صبر ۳۸۷۹:۱
گر نبودی جان ۳۵۴:۱	گر نبودی میل ۵۲۳:۴	گر نداری از ۱۹۸۰:۵
گر نبودی جذبِ آن ۴۶۰:۱:۳*	گر نبودی، نآفریدی ۳۲۷۶:۲*	گر نداری بو ۴۷۷۷:۳
گر نبودی جذبِ موش ۲۷۳۸:۶	گر نبودی نسبت ۲۱۱۱:۶	گر نداری پاس ۲۳۳۸:۴*
گر نبودی جنبش ۳۰۵۲:۴	گر نبودی نوبت ۲۴۱۳:۶*	گر نداری تو دَم ۱۷۹:۳
گر نبودی چشمِ دل ۲۴۱۸:۴	گر نبودی نوح ۳۱۲۹:۱	گر نداری تو سپر ۶۹۱:۱*
گر نبودی چشمِ فهمت ۸۷۷:۴*	گر نبودی نیل ۲۴۱۵:۴	گر نداری دانه ۱۱۸۹:۵
گر نبودی حاجت ۳۲۷۵:۲	گر نبودی واقف ۸۵۳:۱	گر نداری زهری‌اش ۲۷۵۰:۴
گر نبودی حاضر ۳۶۸۳:۴	گر نبیند کودکی ۳۹۳۱:۵	گر نداری سنگ ۶۳۳:۴
گر نبودی حبس ۲۰۳۸:۴	گر نبیند کور ۴۳۰۷:۳	گر نداریم ۹۳۳:۳
گر نبودی حسّ ۶۶:۲	گر نبینی آب ۴۳۰۳:۳	گر نداند عامه ۶۸۳:۳
گر نبودی خَرُخْشَه ۱۶۴۹:۶*	گر نبینی این ۱۴۰۲:۱	گر نداند ماهیت ۳۶۴۰:۳*
گر نبودی خصم ۱۰۷۷:۴	گر نبینی چوب ۱۱۳:۳*	گر ندانی آن ۳۹۸۹:۵
گر نبودی خلق ۳:۵	گر نبینی خلق ۳۰۷۶:۴	گر ندانی تا ۱۱۱۱:۵
گر نبودی دام ۲۳۳۴:۱	گر نبینی رفتن ۳۲۹۹:۲	گر ندانی ره ۲۹۵۵:۱
گر نبودی در جهان ۲۹۲۹:۲	گر نبینی سیر ۳۲۹۴:۲	گر ندانی یار ۴۸۹۵:۶
گر نبودی رفیق ۱۹۱۸:۶*	گر نبینیش ۲۰۵۹:۶	گر ندیدندی ۱۱۷۳:۴
گر نبودی زحمت ۲۱۴۱:۵	گر نبینی کشتی ۲۲۱۱:۶	گر ندیدی آن ۳۷۴۵:۴
گر نبودی سحرشان ۳۸۳۴:۱	گر نبینی واقعه ۲۲۰۰:۳	گر ندیدی دیو ۳۲۸۴:۱
گر نبودی سمع ۵۵۹:۴*	گر نبوشد ۱۲۳۱:۱*	گر ندیدی سود ۲۴۳:۱
گر نبودی سور ۱۳۹:۵	گر نبیوند ۵۲۲:۶*	گر ندیم شاه ۳۱۷۲:۵
گر نبودی شب ۳۷۳۱:۳	گر نتانی خورد ۱۸:۵	گر نروید ۱۷۶۰:۴
گر نبودی طُمُطَرَاقِ ۱۸۹:۶*	گر نتانی سوی ۷۳۵:۵*	گر نشان خواهی ۲۵۲۸:۱
گر نبودی عشق، بِفُسرَدی	گر نجس شد ۷۴۱:۴	گر نشد ایمان ۴۶۱۰:۳
۳۸۵۴:۵*	گر نخوانی ۳۹۱۸:۱*	گر نشد غره ۴۵۱۷:۶
گر نبودی عشق هستی	گر نخواهد بی ۱۷۴۲:۵	گر نشد مشهور ۲۰۱۰:۵*
۲۰۱۲:۵	گر نخواهد زیست ۱۷۴۱:۵	گر نظایر ۳۷۳۰:۲
گر نبودی عکس آن ۱۳۶۶:۴	گر نخواهم داد ۳۷۴:۲	گر نظر بالا ۳۵۳۱:۳*
گر نبودی عکسِ جهل ۳۷۴۱:۴	گر نخواهی در ۱۴۵۹:۱	گر نظر در ۱۲۵۶:۳
گر نبودی غیرت ۱۲۸۲:۴*	گر نخواهی دوست ۲۶۹۲:۳	گر نفرمودی ۳۸۸۸:۱
گر نبودی کارش ۲۳۴:۱	گر نخواهی رشک ۱۱۷۳:۵	گر نکردی رحمت ۲۱۳۵:۱

گر نکردی شرع ۱۲۱۰:۵	گر نه بهر ۹۴۱:۵	گر وطن خواهی ۲۲۱۲:۴
گر نگر دم زود، این ۲۷۹۸:۲*	گر نه بینایان ۲۱۳۳:۱	گر وظیفه ۱۱۸۰:۱
گر نگر دم زود، پیش ۲۸۰۰:۲*	گر نه پیدا اند ۳۱۰۲:۲	گر ولی زهری ۲۶۰۳:۱
گر نگشتی آخر ۴۰۳:۴*	گر نه تصویرات ۲۷۸۱:۶	گر وی است این ۳۶۱۹:۱
گر نگشتی دیو ۲۸۹:۵	گر نه جنسیت ۲۰۹۹:۲	گر وی اینست ۳۴۰۷:۵
گر نگشتی هیزم ۴۲۲۰:۳	گر نه خر دانیم ۲۸۴۹:۱*	گر هزاران اند یک ۳۵:۳
گر نگویی آنچه ۳۹۶۱:۵*	گر نه خصمی هاستی ۱۵۰۴:۶	گر هزاران بنده ۳۸۱۴:۱
گر نگویی راست ۳۷۹۲:۵	گر نه خفّاشش ۳۶۲۴:۳*	گر هزاران چرخ ۲۶۴۲:۴
گر نگوییم آشتی ۴۳۸۹:۶	گر نه خفّاشی ۱۹۷۶:۲*	گر هزاران دام ۳۸۷:۱
گر نگوییم آن ۴۳۸۷:۶	گر نه خوش آوازی ۲۱۴۶:۵	گر هزاران رطل ۱۷۴۴:۵
گر نماز از ۲۷۶۷:۲	گر نه در گُلخن ۲۴۴۹:۲*	گر هزاران سال ۳۸۸۲:۶
گر نمازت ۲۷۸۱:۲	گر نه دیدی جنس ۲۱۰۰:۲	گر هزاران ست ۲۶۰۸:۳*
گر نماز و روزه ۲۲۷۴:۲	گر نه ز آن گونه ۲۶۱۴:۵	گر هزاران طالبند ۳۶۰۴:۳
گر نماند از ۲۲۳۸:۱	گر نه زهرست ۲۷۵۳:۴	گر هزاران عقل ۱۲۲۹:۱*
گر نماند اشتهای ۳۱۶۷:۶	گر نه ساقی ۲۱۰۳:۵	گر هزاران مدعی ۲۸۶۸:۶
گر نماند او جان فزا ۱۷۵۵:۴*	گر نه سنگی ۴۸۲:۶*	گر هزاران موش ۳۰۴۲:۶
گر نماید آینه ۳۲۶۸:۴*	گر نه صبرم ۲۱۳۸:۶	گر هلالم ۹۰۴:۶
گر نماید خواجه ۴۶۶۹:۶	گر نه فرزند ۳۹۶۳:۱	گر هماره ۳۷۳۶:۳
گر نماید رخ ۳۴۰۳:۵*	گر نه کوری ۱۳۳۰:۱	گر همان عیبت ۳۰۳۸:۲
گر نماید غیر ۳۳۵۶:۶	گر نه کوه ۲۴۱۶:۴	گر همو ۱۹۹۳:۱*
گر نمودی ۱۳۵۱:۴	گر نه گه خوارست ۷۷۹:۵	گر همه عالم ۱۵۱۶:۳
گر نمی آید ۲۱۱۱:۱	گر نه محرومی ۴۷۹۵:۳*	گر همه کیر ۱۳۳۷:۵
گر نمی بینی تو تدویر ۹۱۶:۶	گر نه معیوبات ۲۹۳۹:۲	گر همی ارزد ۱۵۷۵:۴*
گر نمی بینی تو جو را ۹۱۳:۶	گر نه من ۴۱۰۲:۶	گر همی پرم ۳۸۰۸:۱
گر نمی بینی کنار ۲۱۵۱:۴	گر نه موشی ۳۸۲:۱	گر همی جویید ۳۳۲۷:۴
گر نمی خواهی ۲۶۳۵:۴*	گر نه نامعقول ۲۱۴۳:۱	گر همی خواهی تو ۱۲۵۲:۲
گر نمی دانند ۱۴۷:۴	گر نه نفس از ۴۰۶۳:۳	گر همی خواهی، ز کس
گر نمی دیدم ۲۴۷۹:۲	گر نه بی خر ۵۱۶:۶*	۳۳۳:۶*
گر نمیراند ۱۷۴۴:۶*	گر نه بی در ۴۰۸۲:۵	گر همی خواهی سلامت
گر نمی گفت ۳۶۵۴:۶	گر نه یاد ۱۴۶:۴*	۱۳۶۰:۶
گر نمی ماند ۳۹۸۷:۵*	گر نیابی ۱۹۶۵:۶	گر همی خواهی که آن ۴۴۴:۲
گر نه از بیمش ۱۹۵۹:۱*	گر نیام لایق ۵۶۴:۶	گر همی خواهی که پدھی
گر نه از هم ۴۴۱۲:۳	گر نیاند ۲۰۱۲:۴	۱۵۶۱:۱*
گر نه انکار ۴۳۴۸:۶	گر نیتندی ۲۱۲۴:۱	گر همی خواهی که بفروزی
گر نه این نام ۲۹۴:۱	گر ورا مغزی ۴۶۱:۲	۳۰۱۰:۱

گشت بر شه زاده #۳۱۴۸:۴	گریه و، خنده‌ش #۲۶۳۸:۳	گر همی دانند #۳۱۰۸:۲
گشت بس تاریک #۹۳۱:۴	گریه و خنده، غم #۳۹۵۲:۵	گر همی دانی ره #۱۳۴۴:۴
گشت بی خود #۳۷۰۷:۳	گریه و درد #۳۶۶۱:۴	گر همی دانی که #۱۷۳۳:۲
گشت بیدار او #۸۸۰:۳	گریه‌یی می‌کرد #۱۲۹۷:۵	گر همی دزدی #۱۰۹۸:۴
گشت بیدار و بدید #۹۰:۵	گز کند کرباس #۱۰۳۹:۵	گر هنر بودی #۲۵۹۶:۵
گشت بی صبر #۱۸۵۷:۳	گستریدیمی #۸۲۹:۳	گر هوا را #۲۴۷۷:۴
گشت بی طاقت #۳۶۸۸:۳	گشت آزاد از #۲۰۹۰:۱	گر هوا و نار را #۱۶۲۰:۲
گشت بیمار #۲۶۹:۶	گشت آزاد و، بر #۲۲۵۲:۴	گرید او #۵۹۷:۱
گشت بینایی #۱۵۳۴:۱	گشت آمرزیده #۱۴۶۹:۴	گر یقین دعوی #۲۵۶۷:۳
گشت بیهوش آن #۲۲۷۳:۵	گشت آن اسمای #۲۹۷۱:۴	گر یقین گشتی #۴۱۲۳:۳
گشت بی هوش و پرو #۳۱۸۲:۴	گشت آواز #۲۰۷۶:۱	گر یکی خلطی #۳۵۱۳:۲
گشت پاره #۲۷۵۸:۴	گشت آویزان #۲۳۱۱:۵	گر یکی خواهی #۳۰۹۹:۱
گشت پَران #۲۱۷۳:۵	گشت اَحْوَل #۳۳۶:۱	گر یکی دم #۲۹۵۳:۱
گشت پَرسان #۲۷۷۲:۲	گشت ارسلناک #۳۸۲۴:۱	گر یکی سر #۳۸۸۷:۱
گشت پرهیز #۹۴۹:۲	گشت از انکار #۴۳۶:۲	گر یکی فصلی #۲۷۰۵:۲
گشت پیدا، باز #۲۹۷۸:۶	گشت از جذب #۲:۶	گر یکی کَرَت #۹۲۸:۳
گشت پیدا که #۴۴۹۱:۳	گشت اُستا #۱۵۶۲:۳	گر یکی کفش #۲۳۱۰:۱
گشت پیدا گفت #۳۷۲۷:۵	گشت اندر حشر #۱۴۱۵:۲	گر یکی گامی #۱۰۶۶:۱
گشت پیش #۳۵۱۵:۴	گشت اندر نذر #۱۶۷۶:۳	گریکی گویی #۳۱۳:۲
گشت ثابت #۶۲۶:۲	گشت او خـُـورشیذ رأی	گر یکی موری #۱۴۴۸:۳
گشت جان #۴۰۳۹:۳	#۹۳۰:۲	گریه ابرست #۱۳۸:۵
گشت جزو #۴۶۱:۳	گشت او سلطانِ سلطانان	گریه اِخوان #۴۷۶:۵
گشت جنسِ ما #۸۹۱:۱	#۹۲۹:۲	گریه از هجران #۱۸۲۱:۳
گشت جوهرکِشت #۹۵۳:۲	گشت او سلطان و قُطب	گریه او خنده او آن #۱۳۰۸:۵
گشت چندین #۳۱۴۹:۳	#۱۷۰۲:۳	گریه او خنده او نطق #۱۳۳۰:۵
گشت چونی #۱۱۹۳:۶	گشت او شیرِ خدا #۹۲۵:۲	گریه او نه #۱۳۰۷:۵
گشت حاصل #۳۴۲۸:۵	گشت او لابه کنان #۱۵۸۳:۵	گریه با صدق #۶۱۸:۵
گشت حاکم #۳۵۸۰:۴	گشت ایمن #۱۹۷۶:۶	گریه، بوهای #۴۰۴۲:۶
گشت حَمّات #۲۳۱:۵	گشت این دست #۳۴۶۰:۳	گریه پر #۱۳۰۳:۵
گشت حیران آن حلیمه #۹۲۴:۴	گشت با عیسی #۱۴۱:۲	گریه چون از #۲۴۱۹:۱
گشت حیران آن مبارز #۳۷۲۶:۱	گشت باقی دایم #۲۶۱۵:۴	گریه چون از #۲۴۱۹:۱
گشت حیوان #۲۴:۳	گشت بالایش #۲۴۴۱:۶	گریه را در #۳۰۹۹:۴
گشت خاک‌آمیز #۴۰۰۰:۱	گشت بالغ #۳۷۱۷:۵	گریه کردی #۱۳۸۸:۶
گشت خشت‌انداز #۱۱۹۶:۲	گشت بر جان #۳۶۳۹:۵	گریه گوید #۳۰۹۸:۴
گشت دریاها #۱۱۹۳:۵	گشت بر دوزخ #۱۲۴۱:۳	گریه می‌دید #۱۲۹۸:۵

گشت دَلّاله ۳: ۱۴۰۰ *	گشت محسوس ۳: ۳۵۸ *	گشته بود آن خواجه ۶: ۳۱۲۰ *
گشت دل‌ها ۱: ۲۳۵۰ *	گشت مستک ۳: ۷۸۱ *	گشته بود از عشقش ۳: ۴۳۷۷ *
گشت دیوانه ۲: ۳۳۳۹ *	گشت مشکات ۶: ۳۰۶۸ *	گشته بود انبوه ۶: ۴۲۶۴ *
گشت رسوا، بین ۲: ۳۰۴۰ *	گشت مشکل‌هاش ۲: ۳۵۲۹ *	گشته بی‌کبر ۶: ۲۳۶ *
گشت رسوا، همچو ۱: ۳۲۹۷ *	گشت معجز ۴: ۳۵۷۹ *	گشته پنهان ۵: ۲۰۶۰ *
گشت رنج افزون ۱: ۵۱ *	گشت معروفی ۲: ۳۰۴۱ *	گشته پیدا ۵: ۱۸۱۳ *
گشت رنجور، او ۲: ۲۱۶۱ *	گشت ممکن ۲: ۱۶۴۷ *	گشته جاری ۶: ۳۵۸۸ *
گشت رنجور و ۳: ۱۵۹۴ *	گشت مؤمن ۵: ۲۶۳ *	گشته جوشان ۶: ۳۴۳۴ *
گشت رویش ۳: ۴۱۴۰ *	گشت مهمان ۵: ۲۷۷ *	گشته چون ۲: ۱۰۳۲ *
گشت ز آمیزش ۴: ۷۳۹ *	گشت ناخوش ۳: ۲۶۸۰ *	گشته در پیری ۵: ۹۷۰ *
گشت زهر ۳: ۲۷۵۴ *	گشت نامعقول ۶: ۱۴۴۹ *	گشته در سودای ۵: ۳۱۹ *
گشت ساقی ۱: ۳۵۹۴ *	گشت واقف ۳: ۲۴۱۶ *	گشته در مجلس ۶: ۳۹۲۰ *
گشتان ۳: ۱۰۴۴ *	گشته آن دشنام ۱: ۲۸۸۵ *	گشته دَه چشمه ۵: ۱۸۰۳ *
گشت ششصد ۴: ۷۸۷ *	گشته ابر ۵: ۷۰۷ *	گشته دین را ۱: ۲۷۹۵ *
گشت شهرستان ۳: ۸۸ *	گشته از توبه ۵: ۲۵۹۹ *	گشته رهرو ۶: ۲۳۶۹ *
گشت شیرین ۶: ۲۴۳۵ *	گشته از حرص ۳: ۱۶۹۵ *	گشته زندان ۲: ۵۸۹ *
گشت طُغیانی ۶: ۴۷۶۳ *	گشته از قوّت ۶: ۴۷۲۲ *	گشته صد تُو ۵: ۲۰۶۰ *
گشت طینش ۵: ۳۴۵۲ *	گشته از محنت ۵: ۲۳۶۱ *	گشته طاووسان ۱: ۲۰۱۷ *
گشت عاشق ۵: ۳۸۵۲ *	گشته است از ۶: ۱۹۰۷ *	گشت هفتاد ۵: ۲۶۵۶ *
گشت عالی‌همت ۶: ۱۰۸۶ *	گشته است اندر ۱: ۱۲۸۲ *	گشته گرگان ۴: ۳۶۶۳ *
گشت عقلت صید ۲: ۲۰۵۰ *	گشته‌ام امروز ۴: ۳۴۳۲ *	گشته گریان ۵: ۲۷۷۷ *
گشت عقل و جان ۱: ۳۱۶۷ *	گشته‌ام بر اهل ۴: ۲۵۲۴ *	گشته، لیکن ۴: ۱۲۱۱ *
گشت غرقه ۳: ۳۳۸۹ *	گشته‌اند از مسخ ۵: ۱۲۲۰ *	گشته مُبْدَل ۵: ۷۰۹ *
گشت غیبی ۲: ۳۲۴۱ *	گشته‌اند از مکر ۶: ۳۶۷۹ *	گشته مردان ۶: ۳۹۹۱ *
گشت فرد از ۵: ۳۶۱۳ *	گشته ایشان ۴: ۳۲۷۲ *	گشته منکر زین ۳: ۲۰۲۴ *
گشت فرعونی ۶: ۴۷۲۳ *	گشته‌ایم آن ۱: ۳۵۸ *	گشته ناسی ۶: ۳۵۴ *
گشت قاضی طیره ۶: ۱۵۶۸ *	گشته ایمن ۳: ۲۶۶۶ *	گشت هَنگامه ۴: ۲۸۴۰ *
گشت قحط ۳: ۱۴۳ *	گشته باشد از ۵: ۲۹۵۳ *	گشته و، پایش ۴: ۶۰۴ *
گشت کشته ۳: ۲۱۴۶ *	گشته باشد خُفیه ۶: ۱۸۸۴ *	گشته و، نالان ۳: ۱۶۶۷ *
گشت گریان، آب ۵: ۱۲۷۲ *	گشته باشد همچو ۶: ۳۵۴۹ *	گشته ویران ۶: ۱۳۷۰ *
گشت گریان زار ۶: ۳۲۶۳ *	گشته با یک ۴: ۳۸۴۶ *	گشته یاغی ۲: ۲۵۴۷ *
گشت گریان، گریه ۱: ۲۳۹۴ *	گشته بُد ۲: ۳۴۱۸ *	گشته‌بی تو ۴: ۳۵۶۱ *
گشت لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ۶: ۲۲۶۶ *	گشته بنده ۱: ۴۶۰ *	گفت آب این ۲: ۱۳۶۷ *
گشت ما را ۴: ۲۷۳۶ *	گشته بود آن توپره ۶: ۳۰۸۱ *	گفت آب دیده ۵: ۱۲۶۷ *
گشت مُبْدَل ۵: ۳۶۵۸ *	گشته بود آن خر ۵: ۲۸۲۰ *	گفت آبش ۲: ۲۱۲ *

گفت آن دنبه ۷۶۱:۳	گفت: آری حق ۲۱۵۷:۱ #	گفت آتش ۸۲۹:۱
گفت آن دیگر ۲۲۸۶:۳	گفت آری خوش ۲۲۶۳:۴	گفت آثارش ۱۳۶۲:۴
گفت آن دینار ۴۴۱:۲	گفت آری گر بود ۴۹۵:۶	گفت آخر آن ۲۵۷۷:۳
گفت آن را جمله ۵۶۲:۲	گفت آری گر توکل ۹۱۲:۱	گفت آخر از چه ۲۰۰۵:۵
گفت: آن را مشنو ۲۱۳۳:۶ #	گفت آری، گر خدا ۲۵۷۶:۵	گفت آخر از خدا ۳۰۸۳:۵
گفت آن رامن ۱۱۱۹:۶	گفت آری، گر وفا ۹۰۴:۱	گفت آخر، امر ۱۶۵۷:۵
گفت آن زیرک ۱۵۸۶:۳	گفت آری، گفت آن ۲۵۷۸:۳	گفت آخر او ۳۰۵۲:۲
گفت آن سالوس ۲۰۵۷:۶	گفت آری، گفت پس ۲۵۸۱:۳	گفت آخر ای ۴۷۷۳:۶
گفت آن شش ۴۵۶۵:۶	گفت: آری گول‌گیری ۹۰۸:۴ #	گفت آخر چشم ۱۱۴۳:۶
گفت: آن شهری ۳۸۰۹:۳ #	گفت آری لاف ۹۲۱:۵	گفت آخر چه ۳۵۰۸:۲
گفت آن شیر اندرین ۱۲۹۸:۱	گفت: آری، لیک خود	گفت: آخر چیست ۶۲۰:۳ #
گفت آن شیر: ای ۴۶۸:۲	۱۰۷۸:۵ #	گفت آخر خلوت ست ۱۲۲:۴
گفت آن صادق ۲۹۹۹:۲	گفت آری لیک کو ۷۹۳:۶	گفت آخر در ۲۳۸۹:۲
گفت آن صوفی ۱۶۴۵:۶	گفت: آریم آب ۱۶۳۷:۲ #	گفت آخر شیر ۲۹۸۹:۱
گفت آن طالب ۲۴۰۰:۲	گفت آری، موی ۱۱۸:۲	گفت آخر مسجد ۳۰۶۷:۳
گفت آن طوطی ۱۵۵۲:۱	گفت آصف ۹۰۴:۴	گفت آخر من ۳۸۵۴:۶
گفت آن فرع است ۲۲۳۰:۲	گفت آلوده که: دارم ۱۳۶۶:۲ #	گفت آخر نه ۳۰۳۴:۶
گفت آنکس را ۷۸۰:۲	گفت آن آتش ۳۷۱۳:۱	گفت: آخر نیست جو ۱۲۵۴:۶ #
گفت آنکه با ۲۴۹۹:۵	گفت آن آن ۳۴۶۸:۵	گفت: آخر نیست دکان
گفت آنکه بسته ۳۰۶۸:۳	گفت آن الله ۱۹۵:۳	۱۲۵۲:۶ #
گفت آنکه ترک ۳۰۳۳:۶	گفت آن بر ۶۶۱:۳	گفت آخر هیچ ۳۵۵۳:۱
گفت: آنکه در سبو ۲۳۹۰:۲ #	گفت آن تاویل ۱۶۵۸:۵	گفت: آخر یار ۲۰۲۸:۲ #
گفت آنکه هست ۳۳۴۴:۴	گفت آنچه خورده ۲۳۹۰:۲	گفت آدم توبه ۳۸۹۸:۱
گفت آن ماهی ۲۲۳۱:۴	گفت آن حجره ۱۱۹:۵	گفت آدم راهمین ۱۵۷:۵ #
گفت آن مرغ ۵۵۷:۶	گفت آن خاتون ۲۹۲:۶	گفت آدم که ۱۴۸۹:۱
گفت آن مور اصبعست ۳۷۲۳:۴	گفت آن خادم ۵۴۳:۲	گفت آری آن ۲۵۸۰:۳
گفت آن مور سوم ۳۷۲۴:۴	گفت آن خر ۲۴۹:۲	گفت آری انقطاع ۳۰۹۳:۲
گفت آنها ۲۶۷:۶	گفت: آن خنده ۴۵۳۵:۳ #	گفت آری او ۳۵۵:۴
گفت آن هندوی ۳۰۳۰:۲	گفت آن خواهم ۲۱۱۸:۱	گفت آری اینچه ۴۵۳۳:۶
گفت آن یعقوب ۹۸۲:۳	گفت: آن دادست ۹۶۵:۵ #	گفت آری بُد ۱۷۴۰:۴
گفت: آن، یک خشم ۱۴۶۸:۲ #	گفت آن دانم ۱۱۴:۵	گفت: آری برگتم ۱۲۳۱:۲ #
گفت آن یک که ۲۵۱۱:۴	گفت آن درویش ای ۲۲۸۸:۶	گفت آری بعد ۳۲۷۵:۴
گفت آوه بعد ۹۶۳:۵	گفت آن درویش یارب	گفت آری بنده ۲۱۶۱:۲
گفت آوه بی ۲۶۹۲:۱	۱۶۳۵:۳	گفت آری پهلوی ۷۴۲:۲
گفت: آوه چیست ۳۳۹۱:۵ #	گفت آن دم ۵۴۹:۶	گفت آری تجربه ۲۵۷۹:۵

گفت: اصلش ۵: ۱۲۵۴*	گفت: از جان، شرع ۶: ۴۵۶۲*	گفت آه چون ۲: ۲۷۴۶
گفت اطفال ۳: ۸۱	گفت: از جان، مار ۲: ۱۳۷*	گفت آه من ۴: ۲۲۴۲
گفت أغللاً فهم ۱: ۳۲۴۲	گفت از چوب ۵: ۳۰۸۴	گفت آه و دود ۲: ۲۷۷۵
گفت افزون را ۳: ۲۷۲۸	گفت: از چه اندام ۱: ۲۹۸۹*	گفت آیا ۳: ۱۸۵۸
گفت افزون ز آنچه ۵: ۴۰۵۵	گفت از حمام ۵: ۲۴۴۱	گفت ابراهیم ۴: ۲۹۷۷
گفت اکنون ای ۵: ۴۰۱۲	گفت از درد ۳: ۱۳۸۴	گفت ابلیسش ۲: ۲۶۷۲
گفت اکنون چون ۱: ۳۰۶۳	گفت از درویشی ۵: ۲۳۶۶	گفت ابلیس لعین ۵: ۹۴۲
گفت اکنون راست ۲: ۲۷۸۶	گفت از دمگاه ۱: ۲۹۹۰	گفت احسنت ۴: ۲۵۹۶
گفت: اکنون زود ۵: ۴۰۵۵*	گفت از رنجش ۶: ۱۱۷۱	گفت احمد را رضيع ۴: ۹۳۸
گفت اکنون عیب‌های ۲: ۸۸۷	گفت از روح ۳: ۹۸۴	گفت احمد راست ۱: ۲۳۶۸
گفت اگر آسان ۳: ۴۲۴۲	گفت از ریشم ۳: ۱۳۷۷	گفت احمد مر و را ۱: ۲۳۶۶
گفت اگر از ۶: ۴۹۱۱	گفت: از سختی ۶: ۱۷۶۳	گفت احوال ۱: ۳۲۸
گفت اگر اسمی ۳: ۲۰۶۳	گفت: از شوق ۳: ۸۸۱*	گفت ادب ۴: ۱۵۷
گفت اگر این ۶: ۴۹۰۲	گفت از ضعف ۵: ۲۳۸۸	گفت ادخل ۱: ۲۶۵۶
گفت: اگر بگرفت ۲: ۳۳۸۹*	گفت از من ۳: ۳۴۱۵	گفت ادعوالله ۲: ۱۹۵۴
گفت اگر پایم ۵: ۸۶۳	گفت از ناچار ۲: ۳۶۳۴	گفت اذا جاء القضا ضاق القضا
گفت اگر پایه ۴: ۴۹۳	گفت ازین خشم ۴: ۱۱۵	۳۸۱:۳
گفت اگر جدت ۶: ۱۰۳۶	گفت: ازین خوردم ۲: ۲۳۸۸*	گفت: اذا جاء الْقُضَا ضَاقَ الْقُضَا
گفت اگرچه ۲: ۱۷۱۶	گفت ازین ره ۱: ۳۵۰۶	۳۸۸۲:۳*
گفت اگر خواهد ۵: ۲۹۱۳	گفت اسبابی ۵: ۱۶۹۷	گفت ارزد ۵: ۴۰۴۴
گفت اگر داری ۶: ۳۸۵۲	گفت استاد آن ۱: ۳۲۹	گفت: ارکشم ۳: ۳۱۸۳
گفت اگر در ۶: ۵۴۸	گفت استاد احولی ۱: ۳۲۷	گفت: از آنکه ۲: ۲۳۸۹*
گفت اگر دیوست ۴: ۲۹۳۸	گفت اُستاراست ۳: ۱۵۸۹	گفت از احمق ۳: ۲۵۷۶
گفت اگر رانند ۱: ۳۹۷۲	گفت اُستا: ز آن ۱: ۳۳۰*	گفت: از افراط ۳: ۱۷۰۷*
گفت اگر رویش ۶: ۱۳۲	گفت استا: نیست ۳: ۱۵۵۱	گفت از اقرار ۲: ۲۰۸۳
گفت اگر زر ۴: ۱۲۲۴	گفت استر با ۳: ۱۷۴۶	گفت: از این خور ۲: ۱۸۸۲*
گفت اگر صد ۴: ۱۹۰۵	گفت استر راست ۴: ۳۴۰۷	گفت از باغ ۵: ۳۰۷۹
گفت: اگر مُشتش ۶: ۱۴۸۵*	گفت استعداد ۶: ۴۴۳۸	گفت از بانگ ۶: ۱۲
گفت: اگر مکرست ۵: ۲۸۲۰*	گفت اسرار ۳: ۳۱۸۶	گفت از پیری است آن ۲: ۳۰۸۹
گفت اگر من گفتمی ۲: ۱۹۰۹	گفت اسرافیل ۵: ۱۶۲۰	گفت از پیری است ای شیخ
گفت اگر من نیستم ۲: ۱۴۸	گفت اُشتر: ای ۲: ۳۴۴۰*	قدیم ۲: ۳۰۹۰
گفت اگر نانم ۵: ۱۱۳۹	گفت: اُشتر، بام‌بر ۴: ۸۳۳*	گفت از پیری است ای شیخ نزار
گفت الأیام ۲: ۱۲۳۴	گفت اُشتر تا ۲: ۳۴۴۴	۳۰۹۱:۲
گفت الا يعلم ۳: ۴۷۹	گفت: اُشتر چند ۲: ۳۱۸۹	گفت از تو ۱: ۲۳۹۵
گفت الحق ۴: ۲۳۶۰	گفت اصحاب ۳: ۴۲۱*	گفت از تهمت ۲: ۳۴۹۴

گفت: الْخَلْقُ ۱: ۹۲۷#	گفت: او آن ماه روی	گفت او گر ابله ۴: ۱۵۶
گفت الدین ۳: ۳۹۴۳#	۳: ۳۱۴۱#	گفت او گر می‌نداند ۶: ۴۳۳۲
گفت: الصَّدَقُ طَمَانِیْنُ	گفت او از اهل ۳: ۱۳۳۴	گفت اوّل ۲: ۱۰۱۰
۲: ۲۷۳۴#	گفت او از بعد ۶: ۴۲۷۲	گفت: او واپس رَو ۶: ۱۱۱۹#
گفت الصدقه ۶: ۲۵۹۱	گفت او ای ناصحان ۳: ۳۹۴۶	گفت او هم ۲: ۲۳۵۹
گفت المرء ۵: ۷۴۷	گفت او این را ۲: ۷۴۰	گفت اه ماهی ۲: ۳۳۳۷
گفت المعنی ۱: ۳۳۳۸	گفت: او با آن ۶: ۳۸۶۶#	گفت ای ابله برو ۴: ۲۳۴۳
گفت: النَّاسُ ۵: ۱۵۹۳#	گفت او با خود ۵: ۹۱۶	گفت ای ابله چه ۲: ۲۸۰۵
گفت: النَّجْمُ ۳: ۲۰۵۱#	گفت او بفروخت ۳: ۳۳۲۳	گفت: ای احمد بگو ۱: ۲۱۵۴#
گفت أَلْهَنَا فِي ۴: ۱۱۷۰	گفت او بهر ۵: ۶۷۶	گفت ای احمق ۲: ۳۰۹۴
گفت: امانت ۶: ۵۲۶#	گفت او پس ۱: ۲۸۵۴	گفت ایاز ای ۵: ۴۰۷۵
گفت ائت ۲: ۲۲۶۹	گفت او: خود ۶: ۴۷۲#	گفت ای اُستا ۱: ۳۳۰۰
گفت امر آمد ۳: ۱۰۹۹	گفت او در گردن ۱: ۴۵۲#	گفت ای اییک بیآور ۵: ۳۰۸۱
گفت امکان نیست، چون	گفت او دزد ۲: ۸۷۶	گفت ای اییک ترازو ۵: ۳۴۱۵
۴: ۳۱۸#	گفت او دیوانگانه ۲: ۱۴۵۵#	گفت: ای بابا ۲: ۳۱۲۵#
گفت، امکان نیست، خامش	گفت او را آن ۳: ۳۳۱۸	گفت: ای بگزیده ۴: ۳۴۰۸#
۳: ۵۷۷#	گفت او را ای عَدُو ۳: ۱۷۰۶	گفت ای بوده ۱: ۲۱۸۷
گفت: امکان نئی و، باطن	گفت او را: ای مَلِیک ۶: ۳۹۸۹#	گفت ای پشت ۶: ۳۲۶۴
۳: ۱۵۷۷#	گفت او را بس ۵: ۳۴۷۹	گفت ای جان رمیده ۳: ۴۶۸۲
گفت امیرا بنده ۵: ۲۷۵۷	گفت او را: چند ۵: ۲۸۴۳#	گفت ای جان و جهان ۴: ۳۴۳۹
گفت امیرالمؤمنین ۱: ۳۹۷۵	گفت او را: در چه ۳: ۲۸۰۱#	گفت: ای جوینده ۴: ۱۰۳۳#
گفت امیران را ۶: ۳۹۷	گفت او را قایلی ۶: ۸۴۷#	گفت: ای حمال ۶: ۴۵۰۰#
گفت امیر او ۲: ۲۶۵۲	گفت او را کی بود ۵: ۲۴۸۱#	گفت ای خاتون ۵: ۱۴۱۸
گفت امیر ای ۲: ۲۷۰۰	گفت: او را کی زدم ۳: ۴۰۱۶	گفت ای خر ۲: ۲۲۰۱
گفت امیری را ۶: ۳۸۸#	گفت او را کیستی ۶: ۴۳۹	گفت ای خواجه بیارم ۳: ۱۵۷۳
گفت اندر تو ۴: ۱۳۷۷	گفت او را گو نرو ۲: ۳۹۶	گفت ای خواجه پشیمانی
گفت اندر جو ۲: ۲۱۳	گفت او را محتسب ۲: ۲۳۹۲	۱: ۱۶۵۴
گفت: اندر حلقه ۳: ۳۵۳۰#	گفت او را ناصحی ۳: ۳۸۱۲	گفت ای خورشید ۳: ۶۲۶
گفت اندر قصر ۲: ۲۶۰۷	گفت او را نیست ۴: ۱۸۶۶	گفت ای خوش ۴: ۱۹۷۰
گفت اندر محکمه ست ۶: ۴۴۵۶	گفت او را و دو ۴: ۱۲۲۱	گفت ای دانای رازم ۵: ۲۶۷۹
گفت اندر مه نگر ۳: ۳۵۳۳#	گفت او را هین ۴: ۳۸۰۲	گفت ای دانای سر ۵: ۱۵۹۵
گفت اندر یک ۲: ۳۱۸۰	گفت او را یک ۵: ۳۳۵۶#	گفت ای داود ۳: ۲۳۸۱
گفت أنظرنی ۵: ۷۶۹	گفت: او ز آن سوی ۱: ۱۴۰۴	گفت ای دل ۵: ۲۴۱۶
گفت: إِنْ عُدْتُمْ بِهِ ۵: ۴۰۰۸#	گفت او زَفْت ۲: ۲۱۳۱#	گفت ای رندان ۲: ۳۴۱۹
گفت ان عُدْتُمْ کَذَا ۳: ۲۸۷۲	گفت او سحرست ۳: ۴۰۷۸	گفت ای روبه ۱: ۳۱۰۸

گفت ایزد در بُی ۲۶۴۳:۳*	گفت ای عمران ۸۷۴:۳	گفت اینجا ای ۱۸۳۷:۳
گفت ایزد: ما رَمِيتَ ۶۱۵:۱*	گفت ای عنقای ۴۶۹۴:۳	گفت اینجا حاضری ۱۴۱۰:۳
گفت ایزد هُم رَقودُ ۳۹۲:۱*	گفت: ای غِش ۲۸۷:۲*	گفت این دانش ۳۰۲۳:۴
گفت ایزد یَحْمِلُ ۳۴۴۸:۱	گفت: ای قَجَبه ۱۲۷۷:۶*	گفت این دانم ۲۷۵۵:۶
گفت ای زن تو ۲۳۴۲:۱	گفت ای قِصَاص ۱۶۷۲:۶	گفت این دم با ۶۱۳:۳
گفت ای زن هین ۳۵۵۱:۴	گفت ای قوم دغل ۲۸۶۸:۲	گفت این دم کارها ۴۴۰:۳
گفت ای زن یک ۱۷۶۴:۶	گفت ای قومی ۲۵۴۶:۱	گفت این دم من ۴۰۴۳:۳
گفت ای ستار ۴۵۲۵:۶	گفت ای گریان ۱۳۰۰:۵	گفت این را ۳۴۴۵:۴*
گفت ای سگ جد ۲۴۷۴:۳	گفت ای گشته ۱۸۶۱:۳	گفت: این رُو خود ۳۵۱:۴*
گفت ای سگ صوفی ۲۱۸۲:۲	گفت ایمن ۳۱۵۶:۲	گفت این سوآ بیامد ۱۷۰:۵
گفت ای سقَر ۳۰۶۳:۳	گفت ای منصف ۲۹۱۶:۵	گفت این سوآ مکن ۱۷۱:۵
گفت ایشان ۶۴۴:۲	گفت ای موسی از ۱۷۸۷:۲	گفت این سهل ست ۱۹۴۱:۴
گفت ای شاهان ۳۰۴۸:۲*	گفت ای موسی بیاموزش	گفت این سی ۳۸۵۰:۶
گفت ای شاه جهان ۳۱۰۹:۱*	۳۲۷۸:۳	گفت: این صوفی ۳۵۰۸:۲*
گفت ای شه با چنین ۲۴۱۸:۲	گفت ای موسی چو ۳۲۷۳:۳	گفت اینک آدم ۳۱۶۵:۴*
گفت ای شه بر من ۱۲۲۷:۱	گفت ای موسی چهارم ۲۵۷۳:۴	گفت اینک اندر ۴۵۷:۱
گفت ای شه تو ۲۳۹۵:۳	گفت ای موسی دهانم ۱۷۴۸:۲	گفت: اینک اهل ۶۴۳:۲*
گفت: ای شه جملگی ۲۱۳۴:۵	گفت ای موسی زمن ۱۸۰:۳	گفت اینک بین ۲۸۰۳:۲
گفت ای شه خرجها ۱۲۱۲:۴	گفت ای موسی کدامست آن	گفت اینک دادمت ۴۲۶۷:۶
گفت ای شه خلوتی ۱۴۴:۱	چهار ۲۵۱۴:۴	گفت اینک دشت ۳۷۳۵:۴
گفت ای شه راست ۱۸۹۱:۳	گفت ای موسی کدامست آن	گفت اینک راست ۳۶۳۶:۲
گفت ای شه شرم ۱۴۶۶:۲	یکی ۲۵۱۰:۴	گفت اینک نایب ۶۹۷:۱
گفت ای شه گاو ۳۰۴۴:۱	گفت ای میر من ۳۰۵۹:۳*	گفت اینک یادم ۲۴۶۳:۲
گفت ای شه گوش ۳۴۴:۱	گفت این آب ۳۴۴۳:۲	گفت: این گوش ۲۹۹۴:۱*
گفت ای شه مرگ ۴۶۵۶:۳	گفت این از ۲۰۶۳:۱	گفت این مرد ۲۴۰۶:۵
گفت ای شه مزده ۶۳:۱	گفت: این است ۲۹۹۷:۱*	گفت این معکوس ۲۳۹۷:۵
گفت ای شه من ۸۸۹:۲	گفت ای ناصح ۳۸۳۰:۳	گفت این مغلوب ۳۹۷:۴
گفت ای شه ناکسی ۱۱۶۲:۱	گفت ای ناچه ۱۵۴۲:۴	گفت این نبود ۲۱۷۰:۱
گفت: ای شه، نیست ۱۱۷:۲*	گفت این اوباش ۲۴۲۰:۲	گفت این نیکو ۱۸۵۱:۳
گفت ای شه هستم ۱۱۳۵:۵	گفت این ایمان ۳۳۵۸:۵	گفت ای نوح ۱۳۵۵:۳
گفت ای شه یک ۱۲۱۵:۱	گفت این بارارکنم ۲۱۰۵:۴	گفت اینها ۲۳۳۶:۴
گفت ای شیدا ۱۲۴:۴	گفت این باری ۱۸۹۸:۳	گفت این هدیه ۲۸۱۶:۱
گفت ای صدیق ۱۰۷۵:۶	گفت: این بنده ۹۸۶:۶*	گفت این هر ۳۱۸۸:۲
گفت ای طوطی ۱۶۹۴:۱	گفت این پیمانه ۳۶۳۱:۲	گفت: این هست ۲۸۴۳:۶*
گفت ای عَزَى ۹۵۱:۴	گفت این تکرار ۷۱۲:۶	گفت ای هدیه ۹۶:۱

گفت ای همراه ۱۴۲:۲	گفت: باران آمد ۲۰۳۰:۱*	گفت بر من ۳۷۲۷:۱
گفت ای یاران از ۴۰۸۸:۳	گفت باری آب ۱۲۵۴:۶	گفت بر هیچ ۳۸۶۳:۵
گفت ای یاران حقم ۱۰۰۸:۱	گفت باری اندکی ۱۲۵۲:۶	گفت: بس بس ۱۶۲۶:۳*
گفت ای یاران روان ۳۸۰۴:۳	گفت باری نطق ۳۳۰۳:۳	گفت بس بی‌شرم ۳۸۱۴:۶
گفت ای یاران زمان ۲۴۴۲:۳	گفت باز: ار یک ۱۱۵۳:۲	گفت بسپارش ۲۳۶۷:۵
گفت ای یاران مرا ۱۰۰۰:۱	گفت: بازی کن ۲۶۴۵:۲*	گفت بستان ۲۱۶:۲
گفت ای یاران من ۶۷:۵	گفت با سنگ ۱۴۵۱:۱*	گفت بس جدند ۲۵۴۳:۵
گفت ای یاران نه ۲۴۰۸:۶	گفت باشد کآن ۲۷۹۸:۲	گفت بسم‌الله بیا ۱۱۸۱:۱
گفت ای یار نکو ۲۸۰۲:۲	گفت باشد کین ۸۹۵:۳	گفت بسم‌الله مشرف ۱۱۶۲:۶
گفت ای یحیی ۱۸۴۴:۱	گفت باشد من ۶۱۲:۳	گفت بسیار ۲۷۶۴:۲
گفت با آن کس ۱۷۲۶:۲	گفت با صدر ۳۸۳۵:۶	گفت بشکن گفت ای ۴۰۴۵:۵
گفت با امر ۱۰۷۶:۳	گفت با قاضی، شکایت	گفت بشکن گفت چونش
گفت با او ۲۲۷۱:۲	۶۲۴:۲*	۴۰۳۸:۵
گفت با این شکل ۸۶۸:۲	گفت با قاضی و بس ۴۸۸۰:۶	گفت بشنو ۱۱۶۷:۱
گفت با اینها مرا ۲۱۶۹:۲	گفت با موری ۳۷۲۱:۴*	گفت بشنیدم ۱۶۲۸:۳
گفت با اینها ندارم ۲۲۰۷:۴	گفت با هامان برای ۲۷۲۱:۴*	گفت بعد از ۹۶۵:۵
گفت بابا چون ۳۷۲۹:۵	گفت با هامان بگویم ۲۶۲۶:۴	گفت بفشارم ۱۲۱۶:۴
گفت بابا چه ۱۳۲۷:۳	گفت با هامان چو ۲۷۲۳:۴	گفت: بنگر ۳۴۰۱:۲*
گفت بابا سال‌ها ۱۳۲۴:۳	گفت با هامان مگو ۲۶۲۷:۴	گفت بنما تا ۳۷۵۸:۴
گفت با جسم ۱۴۵۲:۱	گفت: بچهم ۳۷۰۷:۳*	گفت بنما جزو جزو ۳۵۶۸:۴
گفت با خواجه که ۲۸۲:۶*	گفت بخشش ۳۱۰۴:۱*	گفت: بنما خانه ۳۴۹۵:۵*
گفت با خود آنچه ۳۹۹۶:۵	گفت بخشیدم ۳۳۹۰:۳	گفت: بنما، یا فتادم ۲۶۷۰:۵*
گفت با خود: این ۸۳۰:۴*	گفت بُد فضل ۲۳۰۰:۵	گفت: بنمایم تو را ۳۴۳۸:۲*
گفت با خود پیش ۶۲۹:۴	گفت بُد موقوف ۴۳۲۵:۶	گفت بنمودم ۱۵۹۲:۴
گفت با خود کز ۹۹۲:۶	گفت بر جمله ۴۷۹۸:۶	گفت بوجهل ۲۱۵۷:۱
گفت با خود گنج ۴۳۲۲:۶	گفت: بر چشم ۳۰۸۹:۲*	گفت بوی ۱۸۲۶:۴
گفت با خود من ۱۴۱۸:۱	گفت بر چه ۲۹۸۶:۱	گفت: پنه‌ارزد ۴۰۳۷:۵*
گفت با خود هستش ۲۷۴:۴	گفت: بر خرسی ۲۰۱۴:۲*	گفت بهتر ۶۳۲:۴
گفت با خود هین ۴۳۵۱:۳	گفت برخیزم ۳۷۹۶:۳	گفت بهر آن ۲۰۳۳:۱
گفت با خورشید ۱۴۵۲:۱*	گفت: بر درهم ۳۰۶۲:۱*	گفت بهر تو ۱۵۴۹:۱*
گفت با درویش ۴۳۳۱:۶	گفت برزن صورت ۲۹۸۴:۱*	گفت بهر سخره ۲۵۴۱:۵
گفت: با دریش ۱۴۵۷:۲*	گفت: بر شانه ۲۹۸۶:۱*	گفت بهر شاه ۲۹۵۹:۴
گفت با دلقک ۲۳۳۳:۲	گفت: بر قصد ۲۰۴۹:۶*	گفت بهر فهم ۳۳۱۴:۲*
گفت: باده ۳۴۶۷:۵*	گفت بر کی ۴۸۰۰:۶	گفت بهر مصلحت ۱۷۱۹:۴
	گفت بر گو ۱۲۱۶:۱	گفت بهلول ۱۸۸۴:۳

گفت پیغمبر که حُلُم ۱۷۳۳:۳ #	گفت پیغمبر: چه می جویی	گفت بی برهان ۲۸۴۵:۴
گفت پیغمبر که خسب ۱۲۲۶:۳	۲۰۳۰:۱	گفت بی جرمی ۳۹۲:۴
گفت پیغمبر که دایم ۲۲۲۳:۱	گفت پیغمبر: خدایش ۶۰۱:۲	گفت بی چون ۴۲۱:۵
گفت پیغمبر که در بازارها	گفت پیغمبر: خنک ۱۲۰۳:۴	گفت بیدارم ۲۶۱۱:۲
۳۸۰:۲	گفت پیغمبر رکوع ۲۰۴۸:۵	گفت بیرون ۳۸۰۴:۴
گفت پیغمبر که در بحر ۱۵۹۵:۶	گفت پیغمبر ز سرمای ۲۰۴۶:۱	گفت بی رویت ۴۵۲۳:۶
گفت پیغمبر که دست ۵۴۸:۲	گفت پیغمبر ز غیب ۲۷۳:۵	گفت بیزارم ۱۳۳۷:۳
گفت پیغمبر که رحم ۸۲۳:۵	گفت پیغمبر سبهدار ۴۰۰۴:۳	گفت بیماری ۲۲۵۴:۲
گفت پیغمبر که رنجوری	گفت پیغمبر: سلام ۱۴۲۷:۱ #	گفت پاره ۱۲۵۳:۶
۱۰۷۰:۱	گفت پیغمبر شما ۱۹۳۴:۳	گفت پالانش ۲۰۹:۲
گفت پیغمبر که روز ۱۷۸۳:۳	گفت پیغمبر صباحی ۳۵۰۰:۱	گفت پا واپس ۱۲۶۴:۱
گفت پیغمبر که زن ۲۴۳۳:۱	گفت پیغمبر عداوت ۱۸۷۷:۲	گفت: پایش ۳۳۷۴:۱ #
گفت پیغمبر که سوگند ۲۸۷۶:۲	گفت پیغمبر علی را ۲۹۵۹:۱	گفت پس از گفت ۹۹۳:۲
گفت پیغمبر که شیخ ۱۷۷۴:۳	گفت پیغمبر قناعت ۲۳۲۱:۱	گفت پس از نقد ۳۱۹۱:۲
گفت پیغمبر که عینای ۳۵۴۹:۲	گفت پیغمبر که آری ۲۸۶۳:۲	گفت: پس تمیز ۳۰۲۴:۴ #
گفت پیغمبر که معراج ۴۵۱۲:۳	گفت پیغمبر که آواز ۲۸۸۰:۲	گفت پس چون ۱۸۱۴:۳
گفت پیغمبر که نفحت های	گفت پیغمبر که احمق ۱۹۴۷:۴	گفت پس من ۱۴۱۴:۳
۱۹۵۱:۱	گفت پیغمبر که از ۳۴۲۷:۲	گفت: پس هر روز ۷۸۰:۲ #
گفت پیغمبر که وقت ۲۷۹۰:۴	گفت پیغمبر که أصحابی	گفت: پُشتم ۳۰۹۰:۲ #
گفت پیغمبر که هر که از ۸۹۵:۲	۳۶۵۶:۱	گفت پشه ۴۶۴۴:۳
گفت پیغمبر که هر که سر	گفت پیغمبر که انّ فی البیان	گفت: پنداری ۱۲۵۳:۶ #
۱۷۶:۱	۴۰۷۹:۳	گفت پیر آن ۳۴۱۴:۲
گفت پیغمبر که هست از	گفت پیغمبر که ای طالب	گفت پیرا ۹۶۸:۴
۳۴۶۲:۱	۱۶۰۵:۱	گفت پیرش ۹۷۵:۴
گفت پیغمبر که هستند ۴۵۷۱:۳	گفت پیغمبر که ای ظاهر	گفت پیری ۳۰۸۸:۲
گفت پیغمبر که یزدان ۶۸۴:۲	۲۱۶۰:۴	گفت پیش آ ای ۳۰۴۸:۱
گفت پیغمبر مرآن بیمار را	گفت پیغمبر که با ۸۲۵:۵	گفت پیش آ زخم ۱۳۰۱:۱
۲۴۵۶:۲	گفت پیغمبر که بر ۲۳۸۵:۵	گفت پیغمبر برای ۶۸۶:۶
گفت پیغمبر مرآن بیمار را	گفت پیغمبر که جاد ۴۱۰۳:۳	گفت پیغمبر بکن ۱۰۴۴:۱
۲۵۵۱:۲	گفت پیغمبر که جَنّت ۳۳۳:۶	گفت پیغمبر به آواز ۹۱۳:۱
گفت پیغمبر نشانی ۲۷۳۳:۲	گفت پیغمبر که چون ۴۷۸۲:۳	گفت پیغمبر به اعرابی ۳۳۹۰:۱
گفت پیوسته ۸۷۷:۲	گفت پیغمبر که حق فرموده	گفت پیغمبر به تمیز ۱۲۷۰:۱
گفت تأیید ۱۳۶۵:۱	است ۲۶۵۳:۱	گفت پیغمبر به گوش ۳۸۴۵:۱
گفت تا اشکم ۲۹۹۸:۱	گفت پیغمبر که حق فرموده	گفت پیغمبر: چه خواهی
گفت تا اکنون چه ۶۷۴:۲	است ۲۶۳۵:۲	۲۱۱۴:۱

گفت تا اکنون فسوسی ۲: ۳۰۰۰	گفت جاروبی ۳: ۱۶۲۶	گفت چون دانی ۲: ۲۷۳۲
گفت: تا این حد ۵: ۴۸۵*	گفت جالینوس ۲: ۲۰۹۵	گفت چون در ۱: ۳۱۱۰
گفت تا این رقعہ ۶: ۱۹۵۲	گفت جامم ۲: ۳۴۰۶	گفت چون دید ۱: ۳۰۵۰
گفت تاب ۳: ۳۶۸۹	گفت: جان افشان ۴: ۲۵۹۷*	گفت: چون ریزم ۵: ۱۵۸۹*
گفت: تا تنها ۲: ۳۱۸۱*	گفت جانم از فراقت ۱: ۲۱۱۴*	گفت چون ست ۵: ۴۰۳۷
گفت: تا جا چیست ۴: ۱۹۰۴*	گفت جانم از محبان ۱: ۵۵۶	گفت چون شاه ۱: ۲۶۹۶
گفت تا جا کز ۴: ۱۹۰۲	گفت: جانِ هر دو ۱: ۴۳*	گفت: چونش کرد ۲: ۳۶۲۹*
گفت تا چشمش ۵: ۳۷۳۵	گفت جایش ۲: ۲۱۴	گفت چون طفلی ۴: ۲۹۲۳
گفت تا زانوست ۲: ۳۴۴۵	گفت: جرمت این ۵: ۹۶۳*	گفت چون فرمود ۶: ۲۴۹۴
گفت تا سالی ۳: ۱۷۰۱	گفت جرمم ۴: ۳۹۱	گفت چون قدر ۵: ۳۳۳۱
گفت تا شاهی ۶: ۴۴۱۲	گفت جفت امشب ۳: ۳۵۲۸	گفت چون قصد ۵: ۳۷۶۴
گفت تا گوشش ۱: ۲۹۹۵	گفت جفتش ۳: ۳۵۲۷	گفت چون قلبی ۴: ۲۸۵۶
گفت تا من ۴: ۱۳۸۰	گفت جوحی با ۲: ۳۱۲۴	گفت چون می دید ۲: ۵۲۸
گفت: تا نور ۲: ۲۲۲۹*	گفت جوحی را ۲: ۳۱۲۵	گفت چون ندھی ۵: ۴۸۵
گفت تا هیبت ۲: ۳۰۵۱	گفت جوحی زود ۵: ۳۳۳۲	گفت چون وهم است ۲: ۳۰۳۵
گفت تدبیر ۱: ۱۸۳	گفت جوع از ۵: ۲۸۳۵	گفت: چونی اندرین ۵: ۲۳۵۵
گفت ترسایان ۱: ۳۳۹	گفت: جوعُ الْکَلْب ۵: ۴۸۱*	گفت چونی گفت ۱: ۳۳۷۰
گفت ترسیدم ۱: ۱۴۹۳	گفت چارم ۴: ۲۵۷۴	گفت چه بر سر ۱: ۲۰۳۲
گفت: ترکِ خشم ۴: ۱۱۵*	گفت چاره چیست ۲: ۲۲۵	گفت چه خصلت ۴: ۲۹۲۲
گفت ترکن آن ۲: ۲۰۷	گفت: چاره نیست ۵: ۲۰۰۱*	گفت چه صورت ۱: ۲۹۸۴
گفت ترکن دست ۲: ۱۱۶	گفت چشم من ۳: ۱۷۵۰	گفت چه عذر ای ۱: ۱۱۵۸
گفت تشنه ۲: ۳۵۰	گفت چندان ۳: ۴۰۱۵	گفت حاجب ۴: ۱۹۳۹
گفت تمیزم ۴: ۳۰۲۴	گفت چون از ۲: ۲۰۶۵	گفت حارث ۳: ۴۰۴۲
گفت تو بحثی ۱: ۱۵۱۷	گفت چون اقرار ۴: ۳۴۱۰	گفت حاشا از ۳: ۳۳۳۰
گفت: تو بگرین ۳: ۱۱۷۸*	گفت: چون اینست ۶: ۴۱۱۴*	گفت حاشاکه ۴: ۲۳۲۴
گفت توبه کردم از بهر ۲: ۳۴۵۰	گفت چون باشد خود ۶: ۱۱۸۴	گفت حال ۶: ۹۵۳*
گفت توبه کردم از جبر ۵: ۳۰۸۶	گفت چون باشد سگی ۶: ۱۱۸۹	گفت حجّت در ۴: ۲۸۴۷
گفت توبه کردم ای ۲: ۲۴۸۳	گفت چون باشد کسی ۳: ۱۸۸۵	گفت حجّت های ۱: ۵۹۱
گفت تو چون بار ۲: ۳۱۸۱	گفت چون بخت ۳: ۲۴۲۹	گفت: حرص من ۴: ۲۰۸۰*
گفت تو زان ۶: ۴۶۶۱	گفت چون بودی ۱: ۳۱۶۲	گفت حسرت ۶: ۳۰۸۸
گفت تو سودش ۴: ۲۰۲۷*	گفت چون بیرون ۱: ۱۶۳	گفت حق آموخت ۳: ۳۲۲۵
گفت: تو سی خشت ۶: ۳۸۵۰*	گفت: چون ترسد ۳: ۴۳۵۰*	گفت حق آن را ۳: ۳۸۵
گفت تو کوهی ۴: ۳۷۱۳	گفت چون ترسم ۳: ۴۳۴۶	گفت حق آن سگ ۴: ۳۵۹۸
گفت تیره در تبع ۶: ۱۵۹۷*	گفت چون توفیق ۶: ۳۲۵۲	گفت حق آن طفل ۶: ۴۸۰۷
گفت تیری ۳: ۳۳۷۵	گفت چون خواهی ۱: ۲۱۵۶	گفت حق اِدبار ۲: ۱۵۲

گفت حق است این ۲۶۳:۳	گفت: خامش چون ۴۰۸:۱	گفت خیاطی است ۱۶۷۳:۶
گفت حق است ۲۶۱:۲	گفت خامش کن ۱۴۴:۲	گفت خیرست ۹۰۸:۳
گفت حق: إِنْ تَنْصُرُوا	گفت خان ار ۱۲۳۹:۶	گفت دادم ۲۷۷۷:۲
۲۳۴۷:۵	گفت خان و مان ۶۲۸:۲	گفت دارم از ۲۲۴۰:۲
گفت حق اندر ۲۲۲۱:۲	گفت: خانه اش ۳۶۲۷:۲	گفت دارم بر ۳۱۲۴:۳
گفت حق ایوب ۲۹۰۳:۵	گفت: خانه این ۴۴۶۵:۶	گفت: دارم در ۱۵۶۱:۶
گفت: بحق بر جان ۱۴۴۷:۱	گفت خانه تو ۴۴۵۸:۶	گفت دارم من ۱۱۶۶:۱
گفت حق تمیز ۱۶۷۱:۴	گفت خدمت ۲۶۸۰:۵	گفت دانایی ۳۶۴۱:۲
گفت حق چشم ۱۸۱:۶	گفت خراز ۲۶۰۰:۵	گفت دانستم تو ۱۰۱۵:۲
گفت حق خود ۳۶۱۸:۶	گفت خر: گر ۲۳۵۶:۵	گفت دانستم که ۱۷۱:۱
گفت حق دانم ۳۰۰۳:۴	گفت خرگوش ۱۱۵۷:۱	گفت دانم کز ۷۲:۳
گفت حق در ۳۰۰۶:۱	گفت: خَرُوب ۱۳۷۶:۴	گفت دانم مرد ۴۹۰۰:۶
گفت حق زاهل ۴۰۰۲:۳	گفت خسیم ۸۷۵:۳	گفت داودا تو ۴۲۷۱:۳
گفت حق سیماهم ۲۵۶۵:۶	گفت خصمان ۲۷۴۹:۲	گفت داود این ۲۳۸۹:۳
گفت حقشان ۳۳۵۰:۱	گفت خصم جان ۲۴۳۹:۱	گفت داودش بگو ۲۳۷۹:۳
گفت حقش ای پیمبر ۲۸۶۷:۲	گفت خلقان ۳۵۰۷:۱	گفت داودش خمش ۲۴۱۹:۳
گفت حقش ای کمند ۲۸۳۵:۶	گفت خوابستم ۲۰۲۸:۲	گفت دختر چیست ۳۳۷۹:۵
گفت حق فرمود ۲۱۷۱:۱	گفت خوابم ۹۲:۵	گفت دختر را ۳۷۲۰:۵
گفت حق: فی جیدها ۱۱۱۹:۴	گفت خواجه جسم ۲۵۴:۳	گفت دختر کای ۳۷۲۳:۵
گفت حق که بندگان ۸۳۴:۳	گفت خواجه رو ۱۶۲۵:۳	گفت در باطن ۲۱۷۷:۱
گفت حق که: کز ۷۴۰:۳	گفت خواجه صبر کن ۲۸۴:۶	گفت در بیعی ۳۴۹۶:۳
گفت حق گر ۷۵۶:۳	گفت خواجه مال ۲۵۵:۶	گفت در چشم ۳۲۴۹:۴
گفت حق: لیس ۶۷۶:۳	گفت خواجه نی ۲۹۴:۶	گفت دردت ۴۳۱۰:۶
گفت حق نی ۳۳۹۹:۱	گفت خواری ۲۳۳۸:۴	گفت در رُو ۳۵۰۵:۵
گفت حکمت چیست ۲۵۹۰:۳	گفت خواهم از ۲۰۸۷:۱	گفت در ره ۲۴۲۸:۶
گفت حکمت را ۱۷۱۱:۳	گفت خواهم مُرد ۲۸۹۲:۵	گفت در ریشم ۲۸۳۷:۶
گفت حمدالله ۹۰۷:۴	گفت خود آن ۱۲۲۷:۵	گفت درزی ۱۷۱۷:۶
گفت حمزه ۳۴۲۹:۳	گفت: خود این ۱۲۶۵:۳	گفت در شطرنج ۳۶۲۷:۲
گفت خاتون را ۲۷۳:۶	گفت: خود پیداست ۲۴۴۱:۵	گفت: در ظلمت ۲۱۷۴:۱
گفت خاتون زیر لب ۱۳۵۴:۵	گفت خود تو ۱۸۹۶:۲	گفت: در عالم ۳۰۰۰:۱
گفت خاتونی ست ۱۸۸:۴	گفت خود خالی ۳۷۰۹:۲	گفت: در قسمت ۴۶۳:۲
گفت خادم را ۲۰۵:۲	گفت خود را اندر ۳۵۶:۴	گفت در کافرستان ۳۳۶۹:۵
گفت خادم: ریش بین ۵۴۴:۲	گفت خود را چند ۳۱۹۰:۵	گفت در گوش ۱۴۵۱:۱
گفت خاکت ۴۸۷:۵	گفت: خوکی ۳۱۶۱:۲	گفت در ملکم ۴۷۹:۵
گفت: خاکِ مخزن ۲۸۴۵:۶	گفت خونی ۳۹۲۵:۱	گفت: در من کرد ۲۰۹۷:۲

گفت درویشی ۴۲۰:۵	گفت رنج احمقی ۲۵۹۲:۳	گفت رو که ۳۱۶۷:۲
گفت در یک ۱۹۲۷:۳	گفت رنجش ۴۸۱:۵	گفت زو من ۳۱۸۷:۴
گفت دزدان ۵۴۵:۶	گفت رنجور ۳۳۷۶:۱	گفت رو مه ۱۵۷۴:۳
گفت دزدی ۳۰۵۸:۵	گفت: رو آن ۱۱۱۸:۶*	گفت رو هر ۳۱۳۷:۴
گفت: دستش ۲۴۷۲:۳*	گفت رو بر ۲۰۲۶:۲	گفت رو هین ۱۳۲۷:۶
گفت دستوری ۲۷۸۱:۵	گفت رو بفروش ۳۳۶۹:۳	گفت رویت ۲۵۲۰:۳
گفت دل دانه ۲۴۱۷:۵	گفت روبه آن توکل ۲۳۹۳:۵	گفت ریش ۱۷۸۲:۶*
گفت دلک ای ۲۵۸۱:۶	گفت روبه آن طلسم ۲۶۱۲:۵	گفت: ز آن زو ۴۶۲:۲*
گفت دلک با ۲۵۶۷:۶	گفت روبه این ۲۴۱۹:۵	گفت زآنکه ۳۱۱۷:۳
گفت دلک را ۲۵۷۲:۶	گفت روبه جستن ۲۳۸۲:۵	گفت زاهد از ۴۴۶:۲
گفت دلک من ۲۶۰۷:۶	گفت روبه را ۲۸۷۴:۵	گفت زاهد در ۳۴۶۷:۵
گفت: دُم بگذار ۲۹۹۰:۱*	گفت روبه شیر را ای ۲۵۶۸:۵	گفت زاهد نه ۵۵۸:۶
گفت: دُمش را ۱۱۲۰:۶*	گفت روبه شیر را خدمت	گفت زشت آوازم ۱۹۹۶:۲
گفت دنیا ۳۴۳۱:۱	۲۳۵۱:۵	گفت زن آیا ۲۶۴۶:۱
گفت دور از تو ۳۲۵۰:۳	گفت روبه صاف ۲۶۴۰:۵	گفت زن ای خواجه ۱۵۷۰:۳
گفت دور از دولت ۲۴۳۲:۴	گفت روبه صد ۳۱۱۵:۱	گفت زن این گربه ۳۴۱۴:۵
گفت دهلیزی ست ۱۷۲۰:۴	گفت رو تواز کجا ۲۳۹۶:۲	گفت زن: این هست ۳۵۵۵:۴*
گفت دیدم ۲۸۳۹:۴	گفت: زو تو مُکثری ۳۵۱۶:۲*	گفت زن خدمت ۳۶۵۱:۵
گفت دیدیت ۲۵۳۱:۱	گفت روحم ۱۱۶۵:۶	گفت زن خیرست ۱۵۶۷:۳
گفت دیگر ۲۲۵۳:۴	گفت: زو زو، بر ۱۷۵۳:۱*	گفت زن صدق ۲۷۰۳:۱
گفت: دینارم ۲۲۵۳:۴*	گفت زو زو دست ۲۳۲۰:۵	گفت زن من ۲۰۲:۴
گفت: دینارم ۴۰۰:۲*	گفت زو زو کار ۲۰۱۹:۲	گفت زن: نه ۳۵۵۴:۴
گفت دی نیم ۲۷۱۶:۶	گفت: زو زو من ۳۸۰۲:۴*	گفت زن هی ۴۴۸۹:۶
گفت را آموخت ۱۴۳۵:۵	گفت زو زو نقش ۳۰۱۹:۳	گفت زن یک ۲۶۸۴:۱
گفت را گر ۱۵۲۴:۱	گفت زو زو هین ۲۶۲۰:۵	گفت زوتر ۲۵۴۰:۶
گفت راندم ۲۰۴۶:۳	گفت روزی حاکمش ۱۲۳۳:۲	گفت: زین افزون ۹۴۶:۵*
گفت راه ۳۵۳۱:۲	گفت روزی کشتی ۴۸۰۱:۶	گفت زین پس ۳۱۵۷:۳
گفت رحمت ۱۰۲۵:۶	گفت روزی می شدم ۱۹۸۲:۳	گفت زین دو ۱۶۴۰:۲
گفت رخت ۳۱۹۰:۲	گفت روزین ۲۳۸۵:۲	گفت زین سو ۱۸۳۴:۴
گفت: رختش ۳۹۲:۶*	گفت روزی یار ۵۹۶:۶	گفت سائل چون بماند ۲۴۸۳:۱
گفت: رفتم، چون ۲۰۲۵:۲*	گفت: رو شد ۳۵۱۲:۴*	گفت سازنده ۴۸۰۵:۳
گفت: رفتم در ۱۵۹۰:۱*	گفت روشن ۱۴۴۱:۲	گفت: سافرْتُ ۱۹۷۳:۳*
گفت: رفتم گاه ۲۱۷:۲*	گفت: زو، فرزند ۱۵۱۴:۲*	گفت سایل آن ۳۳۳۰:۵
گفت رگ‌های ۳۷۱۴:۴	گفت رو کآن ۳۷۳۲:۴	گفت سایل: چون بدین
گفت رمزی ۱۰۰۹:۲	گفت رو کشتی ۳۴۹۰:۲	۲۸۳۴:۵*

گفت سایل هم ۳۲۹۰:۶	گفت شاه ما ۶۰۴:۶	گفت شه هی ۳۵۱۴:۵
گفت سبجانا ۲۱۵۸:۲	گفت شاهنشاه ۳۶۶۵:۲	گفت شیخ آن ۲۲۲۸:۲
گفت ستارم ۳۳۹۱:۲	گفت شاهنشہ چرالاش ۱۴۹۲:۴	گفت: شیخا، مر تو ۳۴۰۴:۲*
گفت سیر خنده ۳۹۵۵:۵*	گفت شاهنشہ چنین ۹۸۳:۲	گفت شیخا وقت ۳۶۶۳:۲
گفت: سیرگین دان ۱۱۷۹:۶*	گفت شاهنشہ که ۱۱۷۲:۱	گفت شیر آری ۹۲۹:۱
گفت سگ ۳۳۰۷:۳*	گفت شاهی ۱۴۶۵:۲	گفت شیرار ۵۰۶:۲
گفت سلطان اسپ ۳۵۰۴:۶	گفتش ای جان ۱۱۴:۴	گفت شیرای ۳۰۴۲:۱
گفت سلطان امتحان ۳۴۶۸:۱	گفتش ای عم ۱۹۶:۶	گفت شیطان: آخر ۱۹۰:۳
گفت سلطان بلکه ۴۰۳:۶	گفتش ای غر ۱۵۷۱:۳	گفت شیطان که ۱۴۸۸:۱
گفت سلطاننش ۱۲۲۰:۴	گفتش ای فرزند ۹۴۴:۴	گفت صاحب پیش ۲۵۷۱:۶
گفت: سَمْعاً طَاعَةً أَصْحَابِنَا!	گفت شب بیرون ۴۲۵۰:۶	گفت صاحبخانه ۱۲۵۱:۶
۲۴۱۵:۶*	گفت شحنة ۳۰۵۹:۵	گفت صالح چونکه ۲۵۲۳:۱
گفت: سَمْعاً طَاعَةً ای جان پناه	گفت شخصی ۲۲۲۲:۴	گفت صالح را ۳۱۳۱:۴
۲۶۸۲:۵*	گفت: شد بر ۲۶۵۷:۴*	گفت صبر اولیٰ ۲۸۲:۶
گفت سوداناک ۳۵۶۲:۶	گفت شرمی ۴۵۲۲:۶	گفت صبری ۴۸۲:۵
گفت: سوزیدم ۱۵۵۱:۴*	گفت: شکل پیل ۱۲۶۴:۳*	گفت صَحَّالْک ۱۰۰۶:۲
گفت سه گونه ۲۴۰۵:۲	گفت شو من ۱۷۶۰:۶	گفت صد خدمت کنم ای
گفت «سیروا» ۲۶۱۶:۶	گفت شوهر را ۳۵۴۷:۴	۱۶۸۸:۶
گفت سیلی ۱۳۸۱:۳	گفت شوهر کیست ۳۵۵۳:۴	گفت صد خدمت کنم پانصد
گفت سیمام ۲۷۲۳:۶	گفت شوهر نه ۳۵۴۹:۴	۱۰۲۷:۶
گفتش آن عاشق ۱۲۵۴:۵	گفت شه آن ۱۴۶۸:۲	گفت صد خدمت کنم تو ۶۳۱:۳
گفت: شاباش ای ۳۱۸۳:۲*	گفت شه از ۴۶۰۲:۶	گفت صد خدمت کنم رفت
گفت شاباش و بدادش ۴۰۴۰:۵	گفت شه او را ۱۳۸۸:۶*	۹۹۱:۶
گفت شاباش و ترش ۹۴۴:۵	گفت شه با ۳۹۳۴:۶	گفت صدق ۴۹۷:۶
گفتش ابراهیم ۴۱۲۸:۶	گفت شه پوشید ۹۸۹:۲	گفت: صد لعنت ۱۲۷۶:۶*
گفتش از بهر ۱۱۶۴:۶	گفت شه جلدی ۹۰۳:۲	گفت صدیقش ۱۰۳۵:۶
گفتش: اکنون ۳۱۷۴:۳*	گفت شه حکمت ۹۹۴:۲	گفت صدیقہ ۲۰۶۰:۱
گفتشان چون ۱۷۸۷:۳*	گفت: شَه شَه، شَه شَه	گفت صورت ۳۲۸۸:۵
گفتش اندر ۳۱۷۹:۵	۳۵۱۴:۵*	گفت صوفی آن ۲۱۸۵:۲
گفتشان شاه ۹۱۷:۳	گفت شه شه و آن ۳۵۰۸:۵	گفت: صوفی با ۱۷۷:۴
گفتشان و نفسان ۲۰۰۱:۱	گفت شه لعنت ۲۵۴۵:۶	گفت صوفی پس ۱۵۵۹:۶
گفت شاهای بی قنوت ۹۵۸:۲	گفت شه: من ۲۸۱۷:۶*	گفت صوفی چون ۱۶۰۴:۶
گفت شاهای صید ۴۴۰۸:۶	گفت شه نه ۲۰۹۳:۵	گفت صوفی چیستش ۱۹۰:۴
گفت شاهد ۲۸۷۰:۶	گفت شه نیکوست ۲۵۹۳:۶	گفت صوفی خود ۲۰۵:۴
گفت شاهش ۳۱۶۵:۴	گفت شه هر ۴۴۱۰:۶	گفت صوفی در ۱۴۸۳:۶

گفت صوفی را ۲۱۷۳:۲	گفت عمر حاش لله ۱۶۹:۴	گفت قاضی خیز ۶۲۷:۲
گفت صوفی قادر ۱۷۳۹:۶	گفت: عمر، نک ۱۴۱۳:۱ #	گفت قاضی رو ۴۵۵۹:۶
گفت صوفی ما ۱۹۵:۴	گفت عمر و مهلت ۲۰۸۳:۱	گفت قاضی سه ۱۵۶۲:۶
گفت صوفی: هی هی ۱۳۳۵:۶ #	گفت عیاضی ۳۷۸۰:۵	گفت قاضی صوفیا ۱۶۱۳:۶
گفت ضعف ۳۰۹۲:۲	گفت عیسی چون شتابش	گفت قاضی کش ۶۴۸:۲
گفت: طالب ۳۴۶۸:۵ #	۴۶۲:۲	گفت قاضی گر ۱۷۴۷:۶
گفت طاوسا ۵۳۷:۵	گفت عیسی چون نخوردی	گفت قاضی مفلسی ۶۴۳:۲
گفت: طاوسِ نر ۷۷۳:۳ #	۴۶۳:۲	گفت قاضی من ۱۵۴۴:۶
گفت طبل ۴۲۵:۳	گفت عیسی را ۱۱۳:۴	گفت قاضی واجب ۱۵۷۷:۶
گفت طراری ۲۸۰۹:۲	گفت عیسی که ۲۵۸۳:۳	گفت قاضی هر یکی ۴۸۸۴:۶
گفت طفلی ۲۶۶۴:۴	گفت عیسی یارب ۱۴۹:۲	گفت قابل ۳۶۶۹:۳
گفت طوبی ۱۹۴۶:۱	گفت غایب ۲۶۶۲:۶ #	گفت قطبی ۳۴۹۴:۴
گفت طوطی ارمغان ۱۶۵۱:۱	گفت: غُضُوا ۲۷۱۴:۱ #	گفت قج با ۲۴۷۴:۶
گفت طوطی را ۱۵۵۱:۱	گفت غمازان ۳۱۴۸:۵ #	گفت قج بخش ۲۴۵۸:۶
گفت طوطی کو ۱۸۳۰:۱	گفت غمازی ۳۱۴۷:۵	گفت قج مرج ۲۴۷۶:۶
گفت طوفی ۲۲۴۱:۲	گفت غیر این ۲۳۱۹:۴	گفت قسام ۲۴۱۱:۶
گفت عاشق امتحان ۳۰۶:۴	گفت غیر راستی ۲۷۳۰:۲	گفت قصد کعبه ۲۲۳۹:۲
گفت عاشق دوست ۴۶۲۰:۳	گفت فردا بشنوی ۲۸۰۴:۳	گفت قصدم ۷۵۰:۴
گفت عبدالله ۵۹۸:۴	گفت: فردایش ۳۳۲۳:۳ #	گفت قول ۴۶۵۱:۳
گفت عبدالمطلب ۱۰۳۲:۴	گفت فرعونش بگو ۲۳۰۸:۴ #	گفت: کارم ۲۰۱۹:۲ #
گفت عبداً مومنأ ۳۵۰۱:۱	گفت فرعونش چرا ۱۰۶۷:۳	گفت کاری ۷۷۹:۲
گفت: عَجَل ۱۲۳۴:۲ #	گفت فرعونش ورق ۱۰۸۲:۳	گفت: کان الله ۷۸:۴ #
گفت عذر ۱۶۴۵:۵ #	گفت فرعونی ۲۰۳۵:۵	گفت: کاندَر حلق ۴۸۶۸:۶ #
گفت عزرائیل در ۹۵۸:۱	گفت: فرما باد را ۹۵۹:۱ #	گفت کان زنجیر ۳۱۵۹:۱ #
گفت عزرائیل: رَوُ ۱۹۴:۱ #	گفت فرمان حکمت ۹۳۹:۵	گفت: کاوازش ۳۳۷۳:۵ #
گفت عزرائیل می آید ۳۳۷۴:۱	گفت فرمانم ۲۷۸۵:۵	گفت کای یار ۲۶۸۶:۶
گفت عزم تو ۲۲۳۸:۲	گفت فرما یا ۳۷۷۳:۱	گفت کر آری ۲۶۱۳:۳
گفت: عزمش ۳۹۰:۶ #	گفت فلیکوا ۱۳۷:۵	گفت: کردم آن ۲۰۳۲:۱ #
گفت عفرتی ۹۰۳:۴	گفت قایل ۱۳۰۸:۴	گفت: کردم توبه ۸۹۴:۶ #
گفت عقل ۴۸۴:۶	گفت: قاصد کرده ۳۰۵۲:۲ #	گفت کرّه ۴۲۹۶:۳
گفت عکّاشه ببرد ۲۵۹۲:۴ #	گفت قاصد می کنید ۱۷۲۳:۴	گفت کر صورت ۳۷۲۶:۴
گفت عکّاشه: صَفَر ۲۵۹۱:۴	گفت قاضی ای ۴۴۶۵:۶	گفت کس ۳۱۴:۶
گفت عمران این ۸۸۱:۳	گفت قاضی بس ۱۶۵۰:۶	گفت کشتیان ۲۸۳۸:۱ #
گفت عمران شاه ۸۹۳:۳	گفت قاضی تو ۱۵۶۱:۶	گفت کلّ ۲۸۴۰:۱
گفت عمرت ۱۱۱۵:۶	گفت قاضی ثبت ۱۵۳۴:۶	گفت کمتر ۳۷۳۴:۴

گفت کم گیرم ۳: ۳۹۳۳	گفت: گنجی یافتم ۱: ۹۵*	گفتم آخر آینه ۲: ۹۴
گفت کو آن ۶: ۴۸۶۸	گفت گیر این ۶: ۱۹۶۱	گفتم آخر چون ۳: ۲۰۵۸
گفت: کو بانگ ۳: ۲۸۰۳*	گفت گیرم بر ۶: ۳۲۸۶	گفتم آخر خویش ۲: ۱۰۱۰
گفت کو پایم ۱: ۱۲۶۵	گفت گیرم کز ۲: ۵۵۳	گفتم آخر غرق ۱: ۱۷۵۳
گفت کودک آن ۶: ۴۹۰۶	گفت لابد ۵: ۳۵۹	گفتم آری ۳: ۲۰۶۵
گفت کودک سَلَمَ اللّٰه ۳: ۳۲۲۲	گفت لا تأسوا ۳: ۳۲۶۴	گفت ما اوّل ۲: ۲۶۱۷
گفت کودک گریه‌ام ۶: ۱۳۹۱	گفت لا حول آخر ۲: ۲۱۰	گفتم ما چون ۱: ۵۹۵*
گفت کودک: نیم ۲: ۳۹۶*	گفت: لا حَوْلَ از توام ۲: ۲۱۲*	گفت مادر: تا جهان ۳: ۴۲۹۸
گفت کوران ۳: ۱۳۹۷	گفت: لا حَوْلَ، ای پدر شرمی	گفتم مادر نشنود ۴: ۳۰۳۸*
گفت کور اینک ۳: ۲۶۱۲	۲: ۲۱۶*	گفت ما دو ۶: ۱۰۷۶
گفت کورم ۳: ۲۳۵۸	گفت لا حول ای پدر لاحول	گفت: ما را از ۳: ۱۸۱*
گفت کوری ۳: ۱۵۶۸	۲: ۲۱۵	گفت: ما را در ۵: ۲۲۳۶*
گفت کو شهر ۴: ۳۱۳۶	گفت لا حول این چه افزون	گفت: ما را کو ۲: ۳۱۹۰*
گفت کو قصر ۱: ۱۳۹۱	۲: ۲۰۶	گفتم ار چیزی ۴: ۶۸۶
گفت کو گفتا ۳: ۳۲۲۶	گفت لا حول این چه سان	گفتم ار خوبم ۲: ۷۷
گفت کوی ۱: ۱۷۰	۲: ۲۲۲	گفتم ار سوی ۳: ۲۰۶۲
گفت که جَنّت ۴: ۲۵۹۱*	گفت لا حول این چه می‌گویی	گفتم ار عریان ۱: ۱۳۹
گفت که نسبت ۴: ۲۳۱۱	۲: ۲۰۸	گفتم ار هر ۱: ۳۹۴۰
گفت کی بی‌آلتی ۱: ۲۶۹۸	گفت: لا حَوْلَ، این سخن	گفت ما زاغیم ۱: ۳۹۵۴
گفت کی بیرون ۶: ۳۹۵	۲: ۲۱۳*	گفتم، از گردن ۳: ۲۷۴۵*
گفت کی دانم ۵: ۳۷۳۳	گفت لاغی خندُمین تر ۶: ۱۷۰۲	گفت ما گشتیم ۶: ۲۹۰۸
گفت کین مَه ۲: ۱۱۴*	گفت لاغی خندُمینی ۶: ۱۶۹۹	گفت: ما مستیم ۶: ۴۴۷۶*
گفت گر بودی ۵: ۲۸۷۵	گفت: لاغی گوی ۶: ۱۷۰۱*	گفت: مانا او ۳: ۳۱۴۲*
گفت گرچه نیست ۴: ۹۱۴	گفت: لا یُغَرِّقُهُم ۳: ۳۶۶۶*	گفت مانا کین ۳: ۲۲۸۵
گفت گرچه هر ۴: ۳۳۹۱	گفت لا یَنْظُرُ ۵: ۸۶۹	گفتم: او را ۶: ۴۸۳۲*
گفت گرد آید ۳: ۲۳۲۰	گفت لبش ۶: ۴۶۱۸	گفت ماهی ۴: ۲۲۶۶
گفت گر کودک ۲: ۲۲۷۰	گفت لَبِیکم ۳: ۱۹۴	گفتم ای دل ۲: ۹۷
گفت گستاخی ۲: ۳۴۴۸	گفت لقمان سَیِّدا ۱: ۳۵۹۰	گفتم ایشانرا ۴: ۶۷۹
گفت: گشتم سیر ۵: ۲۷۸*	گفت لقمان صبر ۳: ۱۸۵۲	گفتم این فتنه‌ست ۴: ۶۸۴
گفت گفت تو ۱: ۳۵۲	گفت لوطی ۵: ۲۵۰۰	گفتم ای نفس خبیث ۵: ۳۷۹۰
گفت گفتم آن ۱: ۱۶۵۵	گفت: لَوْ کَانَ ۲: ۳۵۴۳*	گفتم ای نفسک ۵: ۳۷۹۷
گفت گفتم آه ۲: ۲۳۹۳	گفت لیکن تا ۶: ۳۸۳۶	گفتم این ماخولیا ۶: ۱۰۸۲
گفت گفتم من ۴: ۱۹۸	گفت لیکن فاش ۶: ۱۹۷	گفتمت هان ۴: ۴۴۷*
گفت گفتمی ۶: ۸۵۲	گفت لیکن مر ۴: ۲۷۸۵	گفت مجنون تو ۳: ۵۷۲
گفت کِل ۴: ۶۲۷	گفت لیلی ۱: ۴۰۷	گفت مجنون من ۵: ۲۰۱۵

گفت من گفتم که سوی	گفت من ایثار ۱۷۴۸:۴	گفت مخفی ۹۸۴:۲
۳۷۳۱:۵	گفت من اینها ۲۸۵۵:۴	گفت مرد ۴۴۰:۶
گفت من گفتم که عهد ۱۰۵۷:۱	گفت من با ۲۳۱۸:۳	گفت مرغش ۴۹۰:۶
گفت: من محروم ۳۷۴۲:۵	گفت من بسیار ۳۳۷۸:۴	گفت مریم ۳۶۰۶:۲
گفت من مستقیم ۳۸۸۴:۳	گفت من به ۲۴۲۵:۵	گفت: مزده ده ۱۷۸۳:۲
گفت من مضطرب ۵۲۸:۶	گفت: من پس ۱۲۹۶:۱	گفت مستانه ۲۱۰۳:۴
گفت من مغلوب ۵۵۰:۲	گفت من پنداشتم ۲۵۷۲:۵	گفت مست ای ۲۳۹۷:۲
گفت من نشانم ۳۱۴۱:۳	گفت من تخم ۳۹۸۱:۱	گفت: مستی خیز ۲۳۹۶:۲
گفت من نوید ۳۶۶۰:۲	گفت من تیغ ۳۷۸۷:۱	گفتمش این علم ۳۳۸۵:۳
گفت: من هم بوده‌ام ۳۲۹۰:۶	گفت من چند ۳۱۹۳:۱	گفتمش این کفر ۱۳۶۷:۳
گفت من هم بی خبر ۱۶۰۲:۳	گفت: من حیرانم ۱۹۷۵:۳	گفتمش بگذار ۱۱۷۴:۱
گفت: من هم پاس ۱۴۹۳:۱	گفت: من خاک ۲۳۹۶:۱	گفتمش پوشیده ۱۳۵:۱
گفت: من هم در فنا ۶۷۶:۵	گفت: من خامش ۴۹۱۲:۶	گفتمش ما ۱۱۷۱:۱
گفت من هم نیز ۱۹۲۷:۴	گفت من خرا ۵۴۵:۲	گفت مطرب: زانکه ۷۲۰:۶
گفت من یک ۵۴۷:۶	گفت من دانم ۲۱۱۳:۵	گفت معشوق این اگر ۱۴۰۸:۳
گفت موتوا ۲۲۷۳:۴	گفت من در تو ۲۰۲۲:۵	گفت معشوق این همه ۱۲۵۲:۵
گفت مور توست ۳۴۴۶:۲	گفت من در ده ۲۵۴۱:۶	گفت معشوقم ۷۶:۱
گفت موسی آن ۲۵۶۹:۴	گفت من دریا ۱۰۸۳:۱	گفت معشوقی به عاشق ز
گفت موسی ای خداوند	گفت: من رستم ۱۳۷۷:۴	امتحان ۲۰۲۰:۵
۳۰۰۱:۴	گفت من رعدست ۴۷۰۸:۳	گفت معشوقی به عاشق کای
گفت موسی ای کریم ۱۸۱۶:۲	گفت من رنجش ۲۷۱:۴	۳۸۰۸:۳
گفت موسی این جهان ۳۳۹۲:۳	گفت من روزی ۲۳۱۲:۳	گفت مغلوب ۳۹۵:۴
گفت موسی این مرا ۱۰۸۷:۳	گفت: من، سحرست ۴۰۷۸:۳	گفت مفتی ۵۳۰:۶
گفت موسی این ملامت	گفت من سوزیده‌ام ۱۳۰۲:۱	گفت مکشوف ۱۳۷:۱
۱۹۶۷:۳	گفت: من شاد ۲۳۹۳:۲	گفت: من آرد ۳۶۹۱:۲
گفت موسی با کیست	گفت من شه ۲۶۸۹:۱	گفت من آن آهوم ۲۰۹:۱
۱۷۲۵:۲	گفت منصوری ۲۰۳۵:۵	گفت من آن حق‌ها ۶۲۱:۳
گفت موسی با یکی ۲۰۳۶:۲	گفت من ضامن ۱۶۷۴:۶	گفت: من آنکه ۱۲۱۶:۱
گفت موسی رابه وحی ۲۹۲۱:۴	گفت من عظم ۲۳۰۹:۴	گفت من آیین‌ام ۲۳۷۰:۱
گفت موسی را یکی ۳۲۶۶:۳	گفت منفذ ۴۵۱۴:۶	گفت: من از آتشم ۲۲۹۹:۳
گفت موسی رو ۳۲۷۰:۳	گفت من کردم ۲۹۷۶:۳	گفت من از حق ۲۸۰۸:۲
گفت موسی سحر ۱۶۷۰:۴	گفت منکر گشته ۲۸۴۴:۴	گفت من از خشم ۹۶۶:۱
گفت موسی عفو ۱۲۴۱:۳	گفت من کی ۱۳۱۵:۳	گفت من از خودنمایی ۲۶۸۹:۵
گفت موسی کاوّلین ۲۵۲۸:۴	گفت: منگر ۳۰۳۴:۶	گفت من از دست ۱۵۲۴:۲
گفت موسی لطف ۲۷۷۴:۴	گفت من گفتش ۳۰۵۷:۱	گفت: من آوفی ۳۲۲۳:۳

گفت نه از ۳۹۷:۲	گفت نآمد ۲۶۷۱:۵	گفت موسی من ۱۸۱:۳
گفت: نه این ۳۱۸۹:۲*	گفتن «آن کو» ۱۰۸۱:۵	گفت موسی های ۱۷۲۷:۲
گفت نه برخیز ۱۶۷۴:۵	گفت نااهلان ۳۲۶:۲	گفت موسی هین ۳۳۰۴:۳
گفت نه بر دل ۳۳۳۶:۵	گفت نادر ۲۸۹۵:۵	گفت موسی یارب ۳۲۷۶:۳
گفت نه دزدی ۴۳۱۲:۶	گفت نار از ۳۳۹۷:۱	گفت: مولا ۶۴۷:۲*
گفتن هر ۱۵۵۶:۳	گفت ناصح ۱۳۸:۳	گفت مولع ۱۷۰۷:۶
گفت: نهصد ۴۵۲۰:۶*	گفت نافرجام ۲۰۵۴:۶	گفت مؤمن امشب ۲۴۰۶:۶
گفت: نه که ۱۷۲۳:۴*	گفت نافم ۹۲۲:۵	گفت مؤمن بشنو ۲۹۶۳:۵
گفت نه مستور ۲۳۳۶:۲	گفت نالان ۴۷۰:۶	گفت مهر ابلهان ۲۰۱۷:۲
گفت: نه، مُطرب ۷۱۱:۶*	گفت نامت ۱۳۷۶:۴	گفت مهمان ۳۵۵۹:۶
گفت نه من آن ۳۶۳۳:۲	گفت نامم پیش ۳۲۳۱:۳	گفتمی از ۱۸۹:۶
گفت نه من پیش ۱۷۸۱:۶	گفت: نامم فاش ۲۶۱۰:۲*	گفتمی برهان ۷۵۹:۶
گفت: نه، من نیستم ۱۹۸:۴*	گفت نامی ۱۵۷۸:۵	گفت می بینی تو ۳۲۲۸:۳
گفت: نه نه، الوصال ۳۵۲۷:۳*	گفت نان در ۳۷۱۶:۱	گفت: می بینی جَعاشیش
گفت نه نه بلکه ۳۵۲۹:۳	گفت نان و زاد ۴۸۴:۵	۴۰۴۳:۳*
گفت نه نه من ۳۵۸۳:۵	گفت ناهنگام ۳۳۳۶:۳	گفت می ترسیدم ۳۶۶۲:۵
گفت نه نه یا ۲۰۴۷:۴	گفت نایب: قاضیا ۲۷۴۴:۲*	گفت می جویم به هر ۲۸۹۰:۵
گفت نه واللّه ۹۰۵:۲	گفت نایب یک ۴۵۳۴:۶	گفت: می جویم کسی ۸۵۸:۳*
گفت نی آن ۱۳۹۷:۵	گفت: نبضم ۱۲۹۳:۶*	گفت: می خُسم ۴۲۱۲:۳*
گفت نی اوّل ۱۶۱۸:۱	گفتن بیهوده ۱۹۰۴:۲*	گفت می خواهد ۲۹۱۴:۵
گفت نی، ای خوش ۲۸۳۹:۱*	گفت نتوانم ۱۶۵۶:۵	گفت می خواهم ۲۴۰۴:۲
گفت: نی، این ۶۵۴:۳*	گفت نتوانی ۳۷۵۷:۴	گفت می خواهی ۲۱۱۶:۱
گفت نی بادی ۶۵۶:۳	گفت نحوی ۳۶۲۹:۲	گفت می دانم تو را ۱۹۸۲:۴
گفت نی خامش ۲۳۱۰:۴	گفت نخود ۴۱۹۷:۳	گفت می دانم سبب ۱۶۸۷:۳
گفت نی رفتم ۱۳۱۳:۳	گفتن ذره ۳۴۰۲:۵	گفت می دانم که ۹۱۵:۵
گفت نیکوتر ۶۵۸:۳	گفت نرهانید ۸۵۰:۵	گفت میر او را ۲۷۷۸:۵*
گفت نیکویی ۸۶:۴	گفتنش تکلیف ۸۸۰:۵*	گفت میری ۲۷۸۲:۴
گفت: نیم عُمر ۲۸۳۶:۱*	گفتن طوطی ست ۱۴۳۲:۵*	گفت: میزان ده ۱۶۲۵:۳*
گفت نیم گندم ۳۱۸۲:۲	گفت نفقه ۴۵۶۲:۶	گفت می شاید ۱۵۵۵:۱
گفت نی من آشنا ۱۳۱۰:۳	گفت نقش ۳۷۸۹:۶	گفتمی شرح ۴۲۱۱:۵*
گفت نی من خود ۱۶۵۲:۱	گفت نکته ۱۳۶۳:۳	گفت میکاییل ۱۵۸۱:۵
گفت نی نی این ۲۶۱۴:۲	گفت نوح ۳۱۲۴:۱	گفت: می گوید ۲۸۴۲:۶*
گفت نی نی راضیم ۱۳۵۷:۳	گفت نورِ غیب ۳۴۰۶:۳*	گفت می گیرند ۲۵۴۲:۵
گفت نی نی مهلتی ۱۰۹۱:۳	گفت: نوشت! صحّه! ۳۳۷۲:۱*	گفت میلش ۱۹۱:۴
گفت واپس رفتام ۱۸۰۷:۲	گفت: نوشید ۳۱۴۵:۳*	گفت: می نگذاردم ۳۰۶۳:۳*

گفت: هم ۱: ۳۸۵۴#	گفته باشد ۵: ۲۲۱۹#	گفت واپس واپس ۶: ۱۱۱۷
گفته ما که ۶: ۳۸۹۷#	گفته بود اندر ۶: ۴۸۷۷#	گفت و از حد ۱: ۲۲۵۲#
گفت: همچون در مُحاق	گفته بودیم ۶: ۳۶۷۲	گفت وَاَسْجُدْ ۴: ۱۱
۱: ۳۱۶۲#	گفته بیزاریم ۲: ۲۳۷۳	گفت واعظ: بر دلش ۵: ۳۳۳۵#
گفت: همچون ناودان‌ست	گفت هجده ۶: ۱۱۱۶	گفت واعظ چون ۵: ۳۳۲۸
۳: ۱۲۶۲#	گفت: هَذَا رَبِّ، هان ۲: ۳۰۷۷#	گفت واگو ۲: ۳۶۶۴
گفت همره ۱: ۱۱۷۵	گفت هَذَا رَبِّي ۵: ۲۶۵۰	گفت واللّه آمدم ۲: ۵۵۹
گفته من خورشید ۶: ۴۸۱۲	گفت: هَذَا لَيْسَ ۲: ۲۰۵۹#	گفت واللّه از ۲: ۲۰۱۶
گفت: هَمَّيَان ۶: ۴۷۰#	گفتِ هر جانی ۱: ۱۵۹۹#	گفت واللّه تا ۵: ۲۶۴
گفته ناگفته ۱: ۱۶۷۱	گفت هر چت ۶: ۱۳۲۳	گفت واللّه عالم ۱: ۲۶۴۷
گفت هنگام ۲: ۲۶۱۲	گفت هر چند ۲: ۳۳۱	گفت واللّه نیست ۲: ۳۱۹۳
گفته‌های اولیا ۱: ۲۰۵۵	گفت هر چه در کفم ۶: ۴۸۷۹	گفت واویلی ۳: ۲۴۲۱
گفته های بس ۳: ۹۱۵#	گفت: هر چه می خورم	گفت وجهم ۱: ۲۷۷۷
گفته هر برگ ۳: ۲۰۱۶	۲: ۳۰۹۱#	گفت: وقتِ دَم ۲: ۳۰۹۲#
گفت: هَی تو کیستی ای	گفت هر دارو ۱: ۱۰۴	گفت وقت فقر ۴: ۱۱۶۷
۶: ۳۸۴۹#	گفت هر رازی ۱: ۱۰۴۵	گفت وگو بسیار ۴: ۲۸۴۹
گفت هیچ از ۱: ۲۸۳۶	گفت هر شش ۶: ۱۵۶۷	گفت وگوی ۱: ۵۷۷
گفت هی کیستی؟ نام ۲: ۲۶۱۰	گفت هر کس ۴: ۲۵۸۹	گفت و مَحْرَم ۴: ۲۷۲۲#
گفت هی مستی ۲: ۲۳۸۸	گفت هر کو ۶: ۴۵۳۹	گفت وهمم ۲: ۱۰۲
گفت هین از ۳: ۱۹۳	گفت هر گاهی ۲: ۳۷۹۹	گفت و هو معکم ۶: ۲۸۵۷
گفت هین اکنون ۱: ۹۵۹	گفت هر مردی ۲: ۲۷۱۴	گفت ویران ۳: ۳۵۳۳
گفت هین امروز ۳: ۲۳۹۹	گفت هر نوعی ۶: ۳۸۱۹#	گفته آید در حدیث ۱: ۱۳۶#
گفت: هین با خود ۲: ۲۲۳۹#	گفت هر یک تان ۲: ۳۶۹۱	گفته آید در مقام ۳: ۴۱۹۰#
گفت: هین پستان ۳: ۳۲۴۴#	گفت هر یک را ۱: ۶۵۱	گفته آید، شرح ۳: ۷۹۹#
گفت: هین بگریز ۳: ۲۸۷۷#	گفت هر یک من ۳: ۲۲۸۴	گفت: هاتف ۶: ۴۴۹۴#
گفت: هین چون‌ست ۳: ۲۳۷۶#	گفت هستم در ۴: ۶۲۸	گفته است ۲: ۲۷۳۴
گفت هین در کُش ۱: ۳۵۴۴	گفت هستم غرق ۴: ۲۳۶۲	گفته امثال ۱: ۲۵۵۲#
گفت هی هی این ۲: ۲۴۸۱	گفت هستم یار ۴: ۳۴۳۲	گفت هان ای ۱: ۵۶۵
گفت هی هی گفت ۶: ۱۲۵۷	گفت هستند ۳: ۲۴۹	گفته او جمله ۶: ۸۱۶
گفته‌یی اندر ۵: ۱۶۰۴	گفته شد آن ۶: ۴۱۸۷	گفته او را ۱: ۱۹۳۷
گفت یا حادی ۶: ۳۱۱۰	گفته شد در ۶: ۳۶۶۶#	گفته ایشانش ۱: ۱۰۵۲#
گفت یادم ۲: ۲۴۵۹	گفته شد که ۶: ۱۳۶۹	گفته ایشان نیست ۱: ۵۵۳
گفت یارا ۴: ۲۸۵۰	گفته فرزندان ۶: ۴۸۸۱	گفته‌ایم این ۴: ۱۰۴۶
گفت یا ربّ آن ۲: ۳۵۷	گفته کی بی ۳: ۲۱۸۶	گفته اینک ما ۱: ۲۶۶
گفت یا ربّا چه ۶: ۱۱۸۳	گفته کین ۶: ۳۳۰۳#	گفته با خود ۳: ۴۳۷۹

گل مخور ۲:۲۴۴۱	گفت یزدان: نَسْفَعَن ۳:۴۰۶*	گفت یا ربّ او ۳:۳۲۷۹
گل نماند ۵:۹۷۸	گفت یزدان وصف ۴:۱۸۵	گفت یا ربّ بارها ۵:۲۲۵۶
گل نموده ۶:۳۶۷۷*	گفت یک اصبع ۱:۳۵۵۵	گفت یا رب بر غلامت ۲:۳۴۸۳
گلّه گلّه ۵:۲۹۴۹	گفت یک خاصّیتم در بازو ۶:۲۸۲۴	گفت یا رب برگ ۶:۴۲۱۱
گمره آن جان ۴:۱۵۴۴*	گفت یک خاصّیتم در بینی ۶:۲۸۲۵	گفت یا رب بندگان ۵:۱۶۹۹
گمرهان را ۳:۲۶۶۹*	گفت یکروز ی ۶:۱۲۳۷	گفت یا رب بیش ۵:۹۴۸
گمرهی را تو ۱:۱۱۶۳*	گفت یک کوریت ۲:۱۹۹۵	گفت یا رب تا ۳:۳۴۱۳
گمرهی را منتهج ۶:۴۳۴۲	گفت یک گوشه ست ۳:۶۲۸	گفت یا رب توبه ۶:۲۲۹۵
گم شد از ۵:۹۹۷	گفت یک نک ۶:۲۸۳۳	گفت یا رب دشمنم ۵:۱۶۹۵
گم شده ۲:۱۶۹۱*	گفت یوسف این ۲:۳۲۳۴	گفت یا رب دفع ۲:۳۳۹۰
گم شود از مرد ۴:۲۱۱۲*	گفت یوسف هین ۱:۳۱۹۲	گفت یا رب ز آن ۴:۳۰۲۰
گم شود چون ۴:۹۵۹	گفتی خود ۶:۲۷۴۷	گفت یا رب زین ۵:۱۴۵۱
گم شود ز آن ۶:۱۲۸۵*	گفتی در ۲:۸۵۰	گفت یا رب گر ۴:۷۰۲
گم کنی هم ۶:۳۲۱۷*	گفتی سرمست ۲:۳۷۹۳	گفت یا رب منگر ۳:۲۲۰۹
گم نکردی راه ۶:۱۸۳۲*	گِل از ۴:۶۳۷*	گفت یا ربّ می فریبد ۴:۳۵۹۵
گنبدی کرد از ۵:۲۵۶۶	گِل بینی ۶:۲۰۳۷*	گفت یا ربّ نام ۴:۱۲۳۶
گنبدی کرد و ز ۲:۱۷۸۹*	گِل برآرند ۲:۱۸۳۱*	گفت یا رب نیست ۲:۲۱۶۰
گنج آدم ۵:۳۴۵۲	گِل بریزد ۴:۱۶۲۴*	گفت یارش کاندرا ۱:۳۰۷۷
گنج از زیرش ۴:۲۵۴۳*	گِل بمآند ۳:۲۲۵۵*	گفت یارش: کیستی ۱:۳۰۵۶*
گنج اگر ۲:۲۴۲۵*	گلشکر آن را که ۳:۲۳۴۷	گفتی: از دامن ۳:۲۸۸۳*
گنج اندر ۳:۲۵۱۲*	گُلشکر آن را گوارش ۳:۲۳۴۶*	گفتی اش: ای ۶:۱۸۲۵
گنج باید ۱:۲۴۷۴*		گفت یا عمر ۱:۱۵۱۵
گنج جو ۶:۳۴۲۴*		گفت یا موسی ۲:۳۵۹
گنج در ویرانه ها ۶:۱۵۸۶*	گلشکر خوردم ۴:۱۷۷۶	گفتی ای اصحاب ۳:۳۰۳
گنج در ویرانه یی ۶:۳۵۸۱*	گُلشکر نگوید ۳:۳۲۸۵*	گفت یزدان آنکه ۵:۱۷۱۰
گنج در ویرانی است ۶:۳۴۲۲*	گُل شکوفه می کند ۵:۲۵۳۵*	گفت یزدان ات ۲:۶۰۶
گنج، در وی نیست ۳:۲۶۱۰*	گُلشن آرنده ۵:۳۶۹۷*	گفت یزدان از ۳:۷۴۵
گنج را تو ۱:۲۳۲۱*	گُلشن و بزمی ۳:۲۳۴۲*	گفت یزدان تو ۳:۳۲۸۶
گنج رحمت ۶:۲۳۰۷*	گلشنی کز بقل ۶:۴۶۴۹	گفت یزدان ز آن ۶:۱۴۲۸
گنج رفت ۴:۲۵۴۷*	گلشنی کز دل ۶:۴۶۵۰*	گفت یزدان زود ۵:۱۶۴۹
گنج زر، یا ۲:۸۴۷*	گلشنی کز عقل ۶:۴۶۴۹*	گفت یزدان که به علم ۵:۱۶۹۴
گنج زرّی که ۳:۳۷۵۸	گلشنی کز گِل ۶:۴۶۵۰	گفت یزدان که تراهم ۴:۳۴۷۹
گنج زیر ۴:۲۵۴۱	گل فروشست ۵:۲۱۷۸	گفت یزدان ما ۵:۲۹۷۰
گنج مخفی بد ز پری جوش ۱:۲۸۶۳	گِل گرفته ۳:۲۲۵۴*	گفت یزدان مر ۳:۷۹۰

گوشتِ او ۱۹۱۹:۶ *	گو بران بر ۳:۲۸۹۵	گنج مخفی بد ز پتری چاک ۲۸۶۲:۱
گوشت بر ۴:۳۳۲۴ *	گو: برو، سر ۱:۳۲۷۸ *	گنج می‌پندار ۲:۲۱۵۵ *
گوشت بعضی ۴:۲۰۱۳	گو: بشو ۱:۱۵۲۷ *	گنج می‌جو ۳:۲۶۰۳ *
گوشت بگشا ۵:۱۲۵۲ *	گو: بگیر ۶:۳۵۴۷ *	گنج نبود ۱:۲۴۷۶ *
گوشت بنهاد ۳:۳۳۶۶	گو بمیر ۶:۲۹۳ *	گنج نور است ۱:۴۳۴ *
گوشت بی‌گوشتی ۳:۴۶۸۶	گو تو مرگِ خواره ۴:۳۸۱۹	گنج نه ۶:۱۹۵۲ *
گوشت از ۴:۳۰۳ *	گو چنانکه ۶:۱۰۷۴ *	گنج و گوهر ۵:۲۴۵۱
گوشت پاره آدمی ۱:۱۴۷۷	گور او هرگز ۲:۳۰۲۴	گنج‌ها بنهاد ۳:۴۳۵۸
گوشت پاره آلت ۵:۱۸۵۳	گورِ بابا کو؟ ۳:۱۱۷۴ *	گنج‌ها پیوسته ۵:۳۴۵۱ *
گوشت پاره‌اش ۲:۴۸۵ *	گور چه از صید ۴:۱۰۵۳	گنج‌ها را ۵:۷۱۶
گوشت پاره که ۲:۲۴۵۲	گور خانه راز ۱:۱۷۵	گنج‌هاشان ۳:۲۲۰۶ *
گوشتِ تو ۵:۲۲۹۳ *	گور خانه و قبه‌ها ۳:۱۳۳	گنج‌ها گیرید ۳:۹۴۳ *
گوشت دارد ۵:۱۳۲۴	گور خوشتر ۲:۳۱۳۲	گنج‌ها و مُلک‌های ۱:۳۸۴۳ *
گوشتِ دیگر خر ۵:۳۴۱۴ *	گور را در مُرده ۶:۱۵۴۶ *	گنج‌های خاک ۵:۲۷۱۲
گوشتِ عاشق ۵:۲۷۲۵ *	گور را و چاه ۴:۳۵۲۰ *	گند کفر ۲:۱۷۲۹
گوشت کاندز ۲:۳۰۱۹	گورشان پهلوی ۲:۲۷۳ *	گندم اربشکست ۴:۳۴۵
گوشت نیم من ۵:۳۴۱۷	گورِ عقل ۳:۵۱۸ *	گندم از بالا ۳:۴۵۸
گوشت تو او ۳:۴۸۶	گور می‌جویند ۲:۲۳۶۱	گندم اعمال ۱:۳۸۲ *
گوشتِ تو بیگاه ۶:۷۷۳ *	گور می‌گیرند ۲:۲۳۶۰	گندم جمع آمده ۱:۳۷۷ *
گوشت تو بر ۲:۶۷۶	گورها در ۶:۱۵۴۵ *	گند مخفی ۲:۱۴۱۵
گوشتِ تو تسبیحشان ۲:۳۱۴۴ *	گورها را ۴:۱۹۳۰ *	گندم خود ۵:۱۵۲۶ *
گوشت‌های بندگان ۳:۱۰۷	گورها یکسان ۴:۳۵۳۶	گندم و جو ۳:۳۳۰۹
گوشتِ جانش ۵:۳۶۰۳ *	گو: سپه ۳:۱۰۹۸ *	گندمی پستان ۲:۳۶۳۱ *
گوشت جان و ۱:۱۴۶۲	گوسفند از گرگ ۲:۳۷۰۲ *	گندمی خورشید ۱:۳۹۹۱
گوشت چون ریگست ۳:۲۱۰۲ *	گوسفند از ماندگی ۶:۳۲۸۳	گندمی را ۱:۳۱۶۵
گوشت چون نافذ ۲:۸۶۲	گوسفندان بوی ۳:۳۸۷	گندنا و تَره ۱:۳۷۳۸ *
گوشت حس ۱:۳۳۹۵	گوسفندان حواست ۲:۳۲۴۳	گندها از ۲:۲۶۹ *
گوشت خربروش ۱:۱۰۲۸	گوسفندان را ۱:۲۳۰۳	گنده پیران ۶:۶۷۵
گوشت خواهم ۳:۴۶۹۶ *	گوسفندان گر ۳:۴۱۴۵	گنده پیرست ۶:۳۱۸
گوشت دار اکنون ۳:۴۶۱۵	گوسفندی از کلیم الله ۶:۳۲۸۱	گنده گشتی ۴:۱۰۳ *
گوشت دار ای ۲:۳۱۵	گوسفندی هم ۱:۸۵۸ *	گنده و پُر کزدم ۶:۲۳۶۵ *
گوشت دارد ۵:۳۲۶۷ *	گوشتِ آن سنگین ۳:۲۸۳۲ *	گو: بیر ۵:۲۵۳۷ *
گوشت دار و ۱:۳۲۵۷ *	گوشت آنکس ۳:۲۱	گو بدو چنانکه ۶:۲۳۵۷
گوشت داری ۶:۳۳۴۳	گوشتِ امیدش ۶:۱۹۸۸ *	گو: بدو کو ۶:۲۳۵۶ *

گوش دلآله‌ست ۸۵۸:۲	گوشمالش ۹۳۳:۶	گونه گونه شربت ۳۳۰۴:۵
گوشِ دل باید ۱۰۰:۳	گوشمال محنت ۳۴۶۴:۵	گونه گونه می نمودت ۲۴۲۷:۴
گوش را اکنون ۴۸۲:۳	گوشمال من ۲۶۰۹:۶	گوهر آورده‌ست ۹۱۱:۵
گوش را بر بند و آن ۱۲۹۱:۳	گوشمان را ۴۷۴۲:۶	گوهر احمد ۲۱۵۹:۱
گوش را بر بند و ۲۵۱۹:۵	گوش ما هوش ۵۸۶:۱	گوهر ار برده‌ست ۲۲۹۶:۵
گوش را بر چار ۹۸۵:۳	گوش من از ۱۶۷۸:۵	گوهر از ۴۰۴۰:۵
گوش را بگذار ۲۹۹۵:۱	گوش من کَرست ۱۶۸۲:۵	گوهران ۷۵۷:۲
گوش را بگرفت ۳۹۰۸:۵	گوش من لا ۹۰۷:۱	گوهرت پیداست ۲۴۶۲:۳
گوش را بندد ۶۶:۳	گوش می گوید ۲۰۷۹:۴	گوهر جان ۶۳:۶
گوش را چون پیش ۴۸۳:۳	گوش نه اَوْفُوا ۱۱۸۳:۵	گوهر جُود ۱۷۲۸:۴
گوش را چون حلقه ۳۰۵:۵	گوش نه تو ۷۸۸:۲	گوهر چه ۷۵۸:۲
گوش را رهن ۴۴۰۴:۶	گوش و بینی ۲۴۰۰:۴	گوهر دیده ۲۱۵۱:۳
گوش را نزدیک ۱۹۲۹:۱	گوش و چشم ۱۸۲۴:۱	گوهرست ۱۷۸۰:۱
گوش سر بر بند ۱۰۱:۳	گوش وریکبار ۱۲۷۳:۵	گوهرش رازنگ ۳۳۸۱:۲
گوش، سوي قصه ۱۰۲۷:۱	گوش و هوش ۱۹۵۲:۱	گوهرش غماز ۲۹۳۸:۶
گوش، سوي گفت ۱۲۶۱:۶	گوش و هوشی خر ۱۰۰۴:۶	گوهرش گوینده ۲۵۵۳:۵
گوش شو ۳۸۴۴:۳	گوش و هوشی کو ۱۹۱۴:۵	گوهر معقول ۳۵۷۰:۲
گوش ظاهر ۲۶۰۳:۵	گوش هات ۱۶۰:۵	گوهر و تابندگی ۴۳۶۳:۳
گوش عقل ۱۴۶۲:۱	گوش ها را حق ۱۶۲۲:۱	گوهر و ماهیش ۲۰۳۰:۶
گوش فابانگ ۴۳۲۰:۳	گوشه افسار ۲۰۸۰:۳	گوهر هر یک ۱۵۰۵:۳
گوش، قاضی ۲۸۶۸:۶	گوشه بی گوشه ۱۱۳۸:۳	گوهری از حلقه های ۲۲۴۷:۵
گوش کان نبود ۴۱۷۱:۶	گوشه دامن ۳۴۴۱:۱	گوهری از دختر ۲۲۴۶:۵
گوش کزان ۷۹۴:۶	گوشه عرشش ۴۵۳۱:۶	گوهری از لُج ۳۲۴۲:۵
گوش کن تو ۱۲۶۲:۱	گوشه گوشه می جهد ۳۹۸۵:۳	گوهری بیرون ۴۰۳۶:۵
گوش کن چون ۲۵۸۸:۲	گوشه گوشه نقل ۳۲۳۳:۶	گوهری دادی ۱۰۳۹:۶
گوش کنعان ۳۳۶۶:۴	گوشه بی خالی ۶۳۴:۳	گوهری دارم ۱۸۸:۵
گوش کُن قَسام ۲۴۱۰:۶	گوشه بی رو ۱۵۶۵:۴	گوهری، طفلی ۱۷۵۶:۱
گوش کن هاروت ۸۰۰:۳	گو غلام ۳۱۸۲:۳	گوهری گردد، بَرَد ۳۴۹۰:۴
گوش گولان را ۳۳۴۳:۶	گو که ما را ۲۷۰۶:۱	گوهری گردد دو ۳۹۲۱:۵
گوش گوید: چیده ام ۲۲۱۵:۵	گول را و غول را ۳۶۲۱:۶	گوِه می خور ۲۵۰۷:۶
گوش گوید من ۲۳۸۹:۴	گول من کن ۴۱۲:۵	گوی آنکه ۳۱۴:۲
گوش گیری آب را ۳۲۱۷:۳	گو: نگنجد ۳۸۵۱:۳	گوی تقوی ۱۹۴۳:۳
گوش گیری آوریش ۴۲۲۵:۵	گونه گون می دید ۲۲۴:۲	گوی چوگانیم ۱۳۱۰:۲
گوش ما را گفت ۵۸۵:۱	گونه گونه خوردنی ها ۳۶۶۹:۶	گوید آری لیک ۴۴۲۳:۳
گوش ما گیر ۳۰۶:۵	گونه گونه سایه ۱۸۶۴:۶	گوید آری نه ۲۱۲۳:۱

گویم آتش ۱۶۲۸:۲*	گوید این شرمنده ۲۳۴۸:۱	گوید آن استاد ۱۵۸۳:۲
گویم آنکه ۳۸۸۷:۳	گوید ای یزدان ۱۷۲۳:۵	گوید آن بد ۶۰۸:۵
گویم از کُل ۲۲۲۴:۶*	گویدت: ای کور ۲۷۲۰:۳*	گوید آن رنجور ۱۱۵:۳
گویم افگندم ۳۷۹۸:۳	گویدت: این دوست ۳۶۳۷:۲*	گوید احمد ۱۱۸۷:۶
گویم اندر ۶:۵*	گویدت این گورخانه ۸۹۲:۵	گوید ار آیم ۱۸۹۰:۴
گویم ای خورشید ۱۶۳۰:۲	گویدت: پُرس ۸۸۶:۵*	گوید ار بهر رجوع ۵۰۵:۶*
گویمت چیزی ۲۷۵۲:۵*	گویدت تریاق ۴۰۷۷:۳	گوید از بهر غم ۱۹۳۷:۲*
گویمش رو ۴۷۳۶:۳	گویدت: چونی؟ ۱۷۷۰:۶*	گوید از جام ۴۷۳۹:۳
گویمش ز آن ۴۷۳۸:۳	گویدت خندان ۴۰۹۲:۶	گوید از چندین ۱۲۸۴:۵
گویمش واده ۴۷۴۰:۳*	گویدت: سوی ۳۵۱۹:۲*	گوید از خاری ۳۲۵۹:۳
گویی آنجا ۶۰۲:۵	گویدت: منگر ۱۶۹۴:۲*	گوید از کارم ۲۶۴۶:۳
گویی آن دل ۸۹۴:۵	گویدش: با گم‌هی ۱۵۲۰:۳*	گوید اندر ۷۷۴:۶
گویی آن دم ۲۲۵۳:۲*	گویدش بگذر ز من ۱۲۴۹:۲	گوید او آن ۱۶۰۳:۴
گویی از آدمی ۱۵۰۸:۴*	گویدش بگذر سبک ۴۶۰۹:۶	گوید او چون ترک ۴۱۰۷:۶
گویی او نیز ۳۱۲۱:۶*	گویدش بنشین زمانی ۴۲۳۳:۶	گوید او چون زفت ۲۸۸۹:۳
گویی پَریدش ۴۶۱۶:۳*	گویدش: بنشین که ۴۲۳۴:۶*	گوید او: خوش ۲۹۷۱:۳*
گویی ثالث ۴۷۰۵:۳*	گویدش جَنّت ۴۶۱۲:۶	گوید او: درخانه ۲۸۹۱:۳*
گویی حق تافت ۹۶۰:۵*	گویدش حق نه ۳۲۶۱:۶	گوید او را این ۳۶۱۱:۲*
گویی از توبه ۲۸۹۳:۳	گویدش دل ۲۸۹۱:۳	گوید او که پرتو ۳۲۸۱:۱
گویی شرقی ۳۰۳۶:۶*	گویدش ردّوا ۳۱۵۸:۳	گوید او که روزگرم ۲۶۴۵:۳
گویی هستند ۸۲:۳*	گویدش: رُز رُز ۳۶۱۶:۶*	گوید او کین ۲۲۰۷:۵
گویی: پستان آن ۳۳۰۰:۶*	گویدش عیسی ۴۱۱۷:۶	گوید او مجبوس ۴۷۳۷:۳
گویی: بوبکرست ۴۹۴:۴*	گویدش کای ۳۲۶۸:۱	گوید او: معذور ۴۱۰۵:۵*
گویی پنهان ۱۵۸۷:۲	گویدش گیرم ۳۳۹۸:۶	گوید او: من آتشم ۱۳۵۰:۲*
گویش خاموش ۲۹۷۱:۳	گویدش لیکن ۴۱۰۶:۵	گوید او، من برجّه‌انم ۳۷۱۶:۴*
گویش خیرست ۱۶۹۲:۲	گویدش: نَک ۴۰۳:۳*	گوید او من کی ۳۴۵۱:۳*
گویش من صاحبی ۱۶۹۵:۲	گویدش یزدان ۱۷۲۴:۵	گوید او منگر ۱۰۵۹:۴
گویی گرچه ۳۰۹۷:۳	گویدم که: اِنّا ۳۹۰۶:۳*	گوید ای اجزا اجل ۴۴۳۳:۳
گویم: غلبیر ۱۶۳۲:۳*	گویدم که پاسبانی ۲۶۱۵:۲*	گوید ای اجزای ۴۴۳۵:۳
گویی دل ۲۷۶۲:۶	گویدم مَندیش ۱۷۲۷:۱*	گوید ای بنده ۱۴۸۸:۲
گویی صرّص ۳۴۴۲:۶*	گوید و، از ۱۴۹۶:۳*	گوید: ای جان ۳۰۵۴:۳*
گه بدین سو، گه بد آن سو،	گویدی کز ۷۷۹:۵*	گوید ای ربّ ۳۲۶۰:۶
سرفشان ۷۱۵:۳*	گوی شو می‌گرد ۱۵۵۸:۴	گوید این آواز ۱۹۳۲:۱
گه بدین سو، گه بد آن سوی	گو: یکی آیت ۴۲۴۳:۳*	گوید: این چندین ۱۱۰۳:۶*
۴۰۹۹:۶*	گوئی گشتن ۱۵۵۷:۴*	گوید ای بخود ۴۱۷۱:۳

لا ابالی گشته ام ۴۰۵۵:۶	که سرِ خود ۲۴۹۴:۴*	گه بر آویزد ۲۹۵۷:۲*
لا ابالی گشته زو ۳۰۲۳:۶	که سیاستگاه ۹۲۵:۶*	که بلندش ۱۳۰۱:۲
لا ابالی لا ابالی ۲۹۸۴:۶	که شما بر ۱۵۵۶:۱*	که بهار و صیف ۹۲۵:۶
لا ابالی مر ۱۸۴۷:۵	که غریق ۲۴۹۵:۴*	که به چاهی ۲۲۳:۲*
لا ابالی وار آزادش ۱۸۴۶:۵	که غزل گویان ۳۵۵۸:۶*	که به حال ۱۴۲۵:۳*
لا ابالی وار اِلا ۲۰۹۹:۵*	که فکندندم ۲۸۰۱:۶*	که به درویشی ۶۳۴:۲
لا ابالی وار با تیغ ۳۴۲۶:۳	که گلستانش ۱۳۰۲:۲*	که به زلف ۶۳۴:۲*
لا احبُّ ۴۲۶:۱*	که گه آن بی صورت ۳۷۴۳:۶	که به سَجده ۵۳۱:۲*
لا اَعُوذُ ۱۹۲۹:۳	که گهی می گفت ۲۹۸:۶	که به فعل ۴۸۴:۴*
لا اَفْتِخارُ ۳۸۹۹:۱*	که مشبه ۵۸:۲	که به گفت ۹۸۱:۳
لا اِلهَ اِلاَّ اَنَا ۲۱۰۳:۴*	که موحد ۵۸:۲*	که پُر است ۱۳۲۷:۲*
لا اله الا هو ۸۶۸:۴	که ندات آمد ازین ۲۴۹۶:۴	که ترنج ۱۰۰۱:۴
لا اله گفت اَلَّا ۲۱۵۹:۱	که ندات آمد صریحاً ۲۴۹۷:۴	که تناقض ۱۸۱۶:۱
لا اله گفت و اَلَّا ۲۲۶۶:۶	که ندا می آمدت ۲۴۹۸:۴	که تو را گوید ۵۹:۲
لا بُدَّ آن ۲۵۹۰:۱*	که نگون اندر ۲۴۹۵:۴	که توی گویم ۱۹۴۰:۱
لا بِضِیقِ ۳۷۲:۳*	که نماید ۳۵۱۱:۶*	که جنون بیند ۳۲۶۱:۲
لا بود چون ۱۹۸۵:۱	که هم او ۱۰۰۳:۴*	که چپ ۱۶۴۲:۳*
لا بهات را ۲۹۴۱:۴	که همی دوزند ۱۸۷۹:۳*	که چنین بنماید ۳۱۲:۱
لا به کردش ۱۶۹۸:۶	که یمینش ۱۳۰۲:۲	که چنین شاهی ۱۰۰۳:۴
لا به کرده ۸۵:۱	گیج کرد این ۴۰۵۰:۶	که جو کا بوسی ۳۵۱۱:۶
لا به کردی در ۱۸۳۵:۶	گیج گشتیم ۲۰۳۹:۳	که حسیض و گاه ۱۲۸۸:۱
لا به کردیمش ۱۱۷۶:۱	گیج نبود ۴۰۵۱:۶	که حمایل های ۱۰۰۰:۴
لا به گویان ۲۳۲۴:۳*	گیر این دام ۹۴۶:۵	که خبر ۴۶۹۲:۶*
لا به مستان ۳۰۵۰:۴*	گیر در رویت ۱۵۸۹:۲	گه خراسان ۳۶۸۷:۳*
لا به مندیش ۱۶۷۵:۵	گیر عالم ۲۸۲۸:۳	که خیال علم ۶۴۱:۲*
لا به می کردش ۳۵۹۱:۴*	گیر فرزندان ۲۵۶:۳*	که خیال فرجه ۶۴۱:۲
لا به و زاری ۵۵۲:۱	گیرم آن گرگت ۵۱۱:۶	گه در آخر ۹۲۸:۶*
لا به و سجده ۱۶۷۳:۵*	گیرم اکنون ۱۴۹۲:۵	که درختش ۳۶۷۱:۲
لا به ها ۲۵۸:۳*	گیرم او بُرده ۳۱۲۲:۳*	که دُرستش ۱۳۰۱:۲*
لا تُخَرِّمَنی ۳۶۹۴:۵*	گیرم ای کر ۴۲۸۱:۳	که دهان ۲۴۹۳:۴*
لا تخافوا ز ۳۰۳۹:۲	گیرم این وحی ۱۲۲۸:۵	گه زدود ۸۳۷:۵*
لا تخافوا هست ۱۴۲۹:۱	گیر همچون ۳۵۵۷:۵*	گه ز روی ۱۵۹۴:۱*
لا تخالفهم ۳۸۱۲:۴		گه ز صورت ۷۶:۶*
لا تخف دان ۴۹۵:۳		که ز عکس جوشش ۲۵۲۵:۴
لا تَذَرْنی ۱۵۲۴:۵*		که ز عکس مار ۲۵۲۴:۴

ل

لا ابالی عشق ۱۹۶۷:۶

لاترغ قلباً ۱: ۲۹۰۰	لاجرم بنمود ۲: ۴۴۰	لاجرم گفت ۴: ۳۷۶۴
لا تَضَلُّوا ۳: ۲۸۳۸	لاجرم بی بهره ۶: ۴۶۶۶	لاجرم گویند ۲: ۸۸۲
لا تَطْرُقْ ۶: ۳۵۰۲	لاجرم بر تو ۳: ۴۲۲۳	لاجرم ما جنگییم ۶: ۵۰
لا تَتَّقِبْ ۵: ۳۶۹۵	لاجرم تنها ۶: ۱۴۱۶	لاجرم محبوب ۵: ۱۳۳۲
لا تَكْلَفْنِی ۱: ۱۲۸	لاجرم جوینده ۱: ۱۴۱۲	لاجرم مردم ۳: ۱۰۶۹
لا تَكُنْ طَوْع ۶: ۳۵۰۳	لاجرم چون پوست ۵: ۱۹۳۸	لاجرم مستور ۶: ۱۸۱۳
لا تَكُونْ ۳: ۹۵۴	لاجرم چون خر ۲: ۱۸۵۰	لاجرم مغلوب ۵: ۲۴۶۲
لا تُمَارِیْ ۱: ۳۴۴۳	لاجرم چون سایه ۳: ۲۱۲۸	لاجرم منظور ۶: ۱۸۱۲
لا تُنَّحْ ۶: ۵۳۸	لاجرم چه ۶: ۱۳۸۱	لاجرم موسی ۲: ۱۹۸۲
لا تَوَاخِذْ ۵: ۴۱۰۱	لاجرم حَقِّش ۶: ۳۲۹۴	لاجرم می خواست ۲: ۷۶۵
لاجرم آماس ۳: ۲۹۲۱	لاجرم حق هر ۳: ۲۹۹۵	لاجرم نامش ۶: ۲۸۶۶
لاجرم آن راه ۳: ۳۱۱	لاجرم خورشید ۲: ۱۵۳۵	لاجرم نشاید ۵: ۵۷
لاجرم آن فتنه ها ۳: ۱۰۶۳	لاجرم در حرص ۲: ۵۸۳	لاجرم نشکید ۲: ۲۷۶۹
لاجرم ابصارنا ۱: ۱۱۳۵	لاجرم در شهر ۵: ۲۵۲۵	لاجرم وامانده ۲: ۳۷۴۷
لاجرم از خون بها ۶: ۱۵۲۱	لاجرم در ظرف ۵: ۲۸۸۱	لاجرم هر دم ۵: ۳۹۳۹
لاجرم از زخم ۵: ۳۰۳۶	لاجرم دل ۳: ۲۲۶۳	لاجرم هر دو ۳: ۳۱۹۵
لاجرم از سحر ۵: ۴۴۹	لاجرم دنیا ۵: ۶۰۰	لاجرم هر روز ۶: ۹۷۹
لاجرم از صدر ۴: ۲۷۰۷	لاجرم ذالَّتُون ۲: ۱۳۹۳	لاجرم هر مرغ ۲: ۲۵۲۴
لاجرم از کارگاهش ۲: ۷۶۴	لاجرم رفت ۶: ۲۳۶۴	لاجرم گوی ۳: ۳۴۹۳
لاجرم از کفر ۴: ۳۲۸۰	لاجرم ز آتش ۵: ۴۳۴	لاجرم آمد باز ۲: ۱۹۸
لاجرم استاد ۶: ۱۴۶۹	لاجرم ز آن ۲: ۱۶۳	لاجرم آمد یَقْتُلُون ۲: ۱۳۹۹
لاجرم اسفل ۴: ۱۵۲۶	لاجرم زنجیرها ۴: ۳۰۷۹	لاجرم آید مُشْرِکانه ۶: ۲۰۳۳
لاجرم اشفقن ۲: ۲۳۷۲	لاجرم زین صبر ۴: ۱۰۱۱	لاجرم است این ۲: ۳۳۱۹
لاجرم اغلب ۴: ۲۰۰۹	لاجرم زین گرگ ۲: ۱۴۰۸	لاجرم و ملزوم ۱: ۱۵۰۷
لاجرم اندر ۴: ۳۴۱۴	لاجرم زین لُغَب ۵: ۴۳۲	لاجرم لاسمع ۵: ۳۴۲۹
لاجرم او زود ۵: ۵۲۱	لاجرم سرگشته ۵: ۱۰۳۴	لاجرم لاسِوَاهُ ۳: ۴۵۹۹
لاجرم او عاقبت ۵: ۱۹۵۹	لاجرم شاهش ۶: ۴۶۶۷	لاجرم لاشْجَاعَه قَتِل ۵: ۳۹۱۶
لاجرم با بوی ۴: ۲۹۵	لاجرم شد ۴: ۱۶۳۶	لاجرم لاشْجَاعَه یا قَتْنِی ۳: ۴۰۰۴
لاجرم با دیده ۱: ۱۴۰۵	لاجرم غافل ۲: ۵۱۱	لاجرم پهلوی ۴: ۲۹۴۸
لاجرم بازارها ۴: ۲۲	لاجرم قَنَدیل ها ۲: ۴۳۴	لاجرم این ترک ۶: ۱۷۶۸
لاجرم باشند ۶: ۴۳۶۵	لاجرم کافر ۵: ۶۳	لاجرم لاشِبی بر ۶: ۱۴۴۸
لاجرم بدتر ۵: ۳۰۱۵	لاجرم کَفَّار را ۱: ۳۳۱۸	لاجرم لاصَلَوَة تَم ۱: ۳۸۱
لاجرم بر خویش ۱: ۱۳۱۸	لاجرم کم کس ۵: ۴۳۰	لاجرم لاصَلَوَة گفت ۳: ۳۰۳۳
لاجرم بر من ۴: ۲۳۶۶	لاجرم کید ۶: ۲۷۹۸	لاجرم لاغ از آن ۶: ۱۷۰۵
لاجرم بسیار ۴: ۲۱۵۵	لاجرم گشتند ۱: ۴۹۱	لاجرم لاغ او گر ۶: ۱۷۱۵

لاغ این چرخ ۱۷۱۳:۶	لایقُ ۷۴۷:۵	لبِ گزید آن ۲۰۸۲:۴
لاغ با خوبان ۱۱۰۹:۶	لایق آن دیدم ۳۱۹۷:۱	لبِ گزیدش مصطفی ۳۵۲۷:۱
لاغ راه، پس کَلّی ات ۱۷۲۵:۶	لایق آنکه ۱۹۰۳:۶	لبِ لبِ جو ۲۷۲۱:۶
لاغ کردی سعد ۱۷۲۱:۶	لایقِ آن هست ۳۱۳۲:۵	لِتَزُول ۹۵۲:۱
لاغ می گو ۱۶۹۸:۶	لایقِ انقاس ۱۴۴:۲	لجم بیند ۲۹۳۲:۶
لاف از شه ۱۱۴۶:۲	لایق این ۳۰۰۱:۳	لحظه ای ماهم ۲۴۶۵:۱
لاف تو ما ۷۳۷:۳	لایق جذبام ۹۰:۲	لحظه ای، مغزم ۲۴۶۳:۱
لاف تو محروم ۲۲۵۳:۳	لایقِ چون ۲۷۱۵:۱	لحظه لحظه امتحانها ۱۷۹۹:۵
لاف حلوا ۳۹۲:۲	لایق ذکر ۲۲۰۴:۵	لحظه لحظه مُبتلای ۱۲۷۹:۱
لاف درویشی ۶۷۸:۳	لایقِ زنجیر ۳۸۱۴:۳	لحم او و شحم او ۳۷۸۸:۳
لاف شیخی ۲۵۴۸:۶	لایق ست ۲۲۰۵:۵	لَحْمِ تو ۱۴۶۲:۶
لاف عشق ۲۲۷۰:۳	لایق سیران ۲۳۷۹:۴	لحم عاشق ۲۷۲۴:۵
لاف کم بافی ۲۱۱:۴	لایقِ گلّه ۹۶۲:۲	لحن خواندن ۱۷۵:۳
لاف کم زن ۴۴:۶	لایقِ لطفت ۳۲۷۴:۳	لحن داودی به سنگ ۲۸۳۲:۳
لافِ کیشی ۲۰۶۰:۶	لایقند و درخورند ۲۷۷۰:۳	لحن داودی چنان ۱۰۷۴:۲
لاف واداد ۷۵۱:۳	لایقِ هر دو اثر ۱۰۹۲:۲	لحن مرغان ۳۳۵۷:۱
لاف و دعوی ۳۵۶۷:۲	لایمَسُ ذَاکَ ۳۷۹:۵	لحنِ هر مرغی ۸۵۲:۴
لاف و غره ۴۰۲۰:۳	لایَنَامُ قَلْب ۳۵۴۹:۲	لذت آواز ۳۵۷۸:۲
لاقت الاشباح ۸۴۶:۴	لب بیست و پیش ۳۳۸۴:۶	لذت از جوعست ۴۲۹۶:۶
لا لَآن اربح ۴۱۷۴:۵	لب بیست و، عزم ۲۴۱۴:۳	لذَتِ الهام ۲۰۸۱:۱
لال باشد، ۱۶۲۶:۱	لب بیسته ۳۲۶۷:۲	لذت انعام ۶۰۷:۱
لاله می کارد ۲۷۰۶:۵	لب بیند ارچه ۲۱۴۵:۴	لذَتِ او فرع ۴۰۴:۴
لاله و نثرین ۱۲۶۰:۲	لب بیند اَللّهُ اَعْلَمُ ۴۴۵۳:۳	لذت تخصیص ۴۲۰۱:۵
لامِساسی ۳۴۳۴:۵	لب بیند اینجا ۱۰۰۸:۶	لذت دست ۱۵۲۸:۲
لامکانی فوق ۱۵۸۱:۱	لب بیند، در ۴۹۰۲:۶	لذَتِ دوشاب ۲۴۸۷:۵
لامکانی که ۱۱۵۱:۳	لب بیند سخت ۳۲۴۳:۵	لذَتِ ذاتُ الیمین ۱۵۵۳:۲
لامکانی نی ۱۵۸۲:۱	لب بیند و خویشتن ۲۰۳۸:۶	لذت هستی ۶۰۶:۱
لانسلَم ۱۸۷۵:۳	لب بیند و غور ۳۵۵۸:۱	لذَتی بود ۴۰۵:۴
لانَصَدَع ۵۰۹:۲	لب بیند و کفّ پر ۱۲۷۱:۲	لذَتی می دید ۴۴۶:۱
لانفوذ ۲۳۰:۶	لب بجناب ۳۶۱۶:۴	لرز لرزان ۲۸۰:۳
لانی اند و ۴۴۲:۴	لب بگوید ۲۲۱۳:۵	لرزه بر اعضای ۳۷۰۴:۳
لاهدی ۲۳۱:۶	لب به ذکر ۳۵۵۶:۶	لرزه بر هر ۷۰۱:۴
لا یسع فینا ۳۹۵۳:۱	لب خموش ۲۲۳۸:۵	لرزه ها بین ۲۲۱۱:۶
لا یَسَعُ فیهِ ۲۹۶۰:۴	لب فروبند ۱۷۳۰:۵	لشکر آرد ۴۳۵۶:۶
لا یَعْدُ ۱۸۳۸:۶	لب فرو مالید ۱۳۵۲:۵	لشکر اندیشه ۴۷۵۶:۳

لفظ چون و کُرسِت ۳۲۹۲:۲	لطف کآید ۲:۲۸۴۰	لشکر بلقیس ۴:۱۱۱۳*
لفظ در معنی ۳۰۱۳:۲	لطف کن ای رازدان ۴:۱۸۲۵	لشکرت خصمت ۴:۷۸۱*
لفظ را مانده ۶:۶۵۳	لطف کن این ۳:۳۶۷	لشکر حق است ۶:۴۶۸۱
لفظ شیرین، ریگ ۱:۱۰۶۱*	لطف گشت ۲:۳۴۳۱*	لشکر حق‌اند ۴:۷۸۳*
لفظ مؤمن ۱:۲۹۲*	لطف مخفی ۵:۱۶۶۵	لشکر حق می‌شود ۴:۷۹۱*
لفظ‌ها و نام‌ها ۱:۱۰۶۱	لطف معروف ۶:۲۸۹۱	لشکر زُفت ۳:۲۵۲۱*
لقمه اندازه خور ۵:۱۳۹۹	لطف مه بنگر ۵:۶۸۸	لشکری از ۱:۳۰۷۵
لقمه اندازه نخورد ۵:۱۳۹۸	لطف و احسان، چون	لشکری را ۲:۳۴۳۳
لقمه اوپی ۳:۱۰۵۸*	۶:۳۳۰*	لشکری ز ارحام ۱:۳۰۷۴
لقمه‌ای کآن ۱:۱۶۴۲	لطف و احسان و ۲:۲۵۶۹*	لشکری ز اصلاب ۱:۳۰۷۳
لقمه بحر ۱:۱۶۴۷*	لطف و سالوس ۱:۱۸۵۵	لطف آب از لطف ۵:۳۵۶۵*
لقمه بخشی ۳:۱۷	لطف‌ها کردی ۱:۲۰۸۳*	لطف آب بحر از ۶:۱۴۹۶*
لقمه تخم است ۱:۱۶۴۷	لطف‌های شه غمش ۶:۴۴۳۹	لطف آب بحر کو ۱:۲۸۲۸
لقمه تزویر ۱:۹۱۵*	لطف‌های شه که ۶:۴۸۴۶	لطف آواز ۲:۲۰۰۱*
لقمه جُسته ۳:۲۸۱*	لطف‌های مضمَر ۵:۱۶۶۸	لطف از حق ۵:۲۳۳
لقمه چندی ۱:۱۹۶۰*	لعبت مرده ۳:۴۱۱۱	لطف اندر ۴:۲۶۲۴
لقمه حرص ۱:۹۶۱*	لعب کودک بود ۵:۴۰۳۲*	لطف او عاقل ۴:۲۸۱۹
لقمه حکمی ۳:۲۳۴۶	لعب معکوس ۵:۴۶۷	لطف باشد ۲:۲۰۲۷*
لقمه دوزخ ۴:۳۶۰۴*	لعل، اندر لعل ۶:۹۴۴*	لطف تو خواهم ۴:۷۰۳
لقمه دولت ۴:۲۷۷۲	لعل او گویا ۶:۲۶۵۳	لطف تو در فضل ۶:۲۷۰۷*
لقمه راز انکار ۳:۲۳۴۷*	لعل راز آن ۶:۳۴۵۳	لطف تو فرمود ۵:۴۱۷۳*
لقمه گشتی ۳:۴۱۸۰*	لعل رازو ۵:۴۲۳۵*	لطف تو، لطف خفی ۲:۲۴۴۳*
لقمه زندانیان ۲:۵۸۶	لعل را گر ۲:۱۷۷۱	لطف تو ناگفته ۱:۶۱۰*
لقمه ونکته‌ست ۱:۱۶۲۱	لعل زاید ۶:۸۴۲*	لطف چون انگاشتی ۲:۱۵۲۱*
لقمه‌های شهوتی ۲:۲۷۵۴*	لعل و یاقوت است ۶:۳۵۴۰	لطف حق این ۱:۱۲۹۴
لقمه‌های نور ۴:۱۹۵۷*	لعل و یاقوت و ۵:۱۸۷۲*	لطف حق غالب ۵:۴۱۲۱*
لقمه هر گربه ۱:۵۸۳*	لعل یابد رنگ ۱:۲۵۹۲*	لطف رحمان‌ست ۵:۲۵۷۰*
لقمه هر مرغی ۱:۲۷۶۳*	لعنت این باشد که سوزانت	لطف رویش ۳:۳۹۶۵
لقمه بی را ۶:۲۱۷۰	۲:۲۶۵۶	لطف سابق ۲:۲۶۴۱
لک چه باشد ۲:۱۶۶۲*	لعنت این باشد که کز ۲:۲۵۱۳	لطف سبزه ۱:۲۹۰۶
لکلک ایشان ۲:۳۷۵۳	لعنت حاسد ۲:۲۵۰۹*	لطف شاه‌شاه ۱:۲۸۲۵
للخیشین ۲:۲۷۲*	لعنت و کوری ۳:۲۷۶۴*	لطف شه جان را ۲:۳۳۶
للسری قُدوه ۶:۱۱۵۷*	لعنة الله این ۱:۲۸۰	لطف شیر و انگین ۳:۲۲۶۵
لم یذق لم ۳:۲۹۴۳	لَعْنَةُ اللَّهِ، بوی ۱:۷۶۶*	لطف عقل ۱:۲۸۲۶
لم یقل ۱:۳۹۳۶*	لفظ جبرم ۱:۱۴۶۳	لطف، غالب بود ۵:۱۵۹۱*

لیک آهن را ۸۲۹:۲	۲۹۱۲:۴	لَمْ يَكُنْ ۶:۶۲۶
لیک احمد ۱۰۱۷:۴	لَيْسَ لِلنَّاسِ إِلَّا مَا سَعَى	لَمْ يَلِدْ لَمْ يُولَدْ أَنْ ۳:۱۴۳۵
لیک ادراک ۳۰۲۰:۵	۳۵۰۳:۴	لم يلد لم يولد است ۳:۱۳۱۹
لیک اِذَا جَاءَ ۴:۳۳۲	لَيْسَ لِلنَّاسِ إِلَّا مَا سَعَى	لم يلد لم يولد او را ۲:۱۷۴۵
لیک از احوال ۳:۱۳۵۶	۱۹۸۴:۶	لنکر عقلست ۳:۴۳۱۲
لیک از اُشتر ۳:۹۳	لَيْسَ لِلنَّاسِ إِلَّا مَا سَعَى	لنگری دَرِیُوزِه ۳:۴۳۱۲
لیک از ایمان ۵:۳۳۹۰	۲۵۴۵:۴	لنگ گشتی ۳:۲۱۳۶
لیک از تأثیر ۳:۱۶۶۷	لیس للجن ۶:۲۲۹	لنگ و لوک ۳:۹۸۰
لیک از تأنیت ۱:۱۹۷۵	لیس من مستقذر ۴:۱۱۲۱	لوت آوردند ۲:۵۲۱
لیک از تلخی ۶:۱۷۶۸	لیس يَأْلِفُ ۵:۳۴۳۵	لوت ایمانیش ۵:۲۸۴
لیک از جُنیدن ۴:۱۵۵۵	لیک آب آب ۵:۴۲۲۲	لوت چربی ۳:۷۳۳
لیک از جوهر ۲:۹۴۷	لیک آتش ۵:۱۹۳۴	لوت خواره شد ۳:۱۲۸۴
لیک از چشم بد ۶:۱۹۰	لیک آخر خشک ۶:۱۲۲۰	لوت خوردند ۲:۵۲۹
لیک از چشمِ خسیسان ۳۰۰:۵	لیک آخر می شود ۶:۳۴۶۹	لوتش آورد ۶:۳۵۲۰
لیک از خورشید ۳:۴۲۸۸	لیک آدم ۵:۱۹۵۸	لُوتِ فردا ۵:۲۸۶۷
لیک از دَه وجه ۴:۲۹۷۳	لیک آمد ۵:۵۰۴	لُوت نوشد ۱:۲۷۵۵
لیک از راه ۶:۳۲۰۰	لیک آن از خلق ۴:۱۱۰۳	لوت و پوت ۵:۲۸۶۹
لیک از رشک ۳:۳۶۶۵	لیک آن از نفخ ۴:۹۰۵	لوت ها خوردی ۳:۶۱۴
لیک از صد ۶:۱۴۰۴	لیک آن بر چشم ۶:۲۱۳۰	لوح ایشان ۶:۳۰۰۵
لیک از عامه ۲:۹۸۹	لیک آن تو ۴:۲۵۴۴	لوح حافظ باشی ۴:۱۹۶۳
لیک از علّت ۲:۱۰۸۴	لیک، آن جمله ۳:۲۶۰۷	لوح حافظ، لوح ۱:۱۰۶۴
لیک از لطف ۳:۲۰۱۳	لیک آن دم کرد ۱:۲۸۳۷	لوح دلّشان ۱:۳۴۹۸
لیک از لیلی ۵:۲۰۱۷	لیک آن ذوق ۶:۱۷۷۱	لوح را اول ۲:۱۸۲۷
لیک از معنی مرغان ۵:۱۴۴۲	لیک آن را ۵:۹۲۳	لوح شرح ۳:۷۷۰
لیک از معنی و ۵:۱۴۳۵	لیک آن رسوا ۱:۸۹۷	لوح محفوظ از ۶:۳۰۰۵
لیک از نور ۳:۳۴۳۱	لیک آن سر ۶:۳۷۵۷	لوح محفوظ اوست ۴:۱۹۶۳
لیک ازو فرعونتر ۳:۹۶۵	لیک آن صد تُو ۶:۴۵۵۷	لوح محفوظ ست ۴:۱۸۵۱
لیک ازو مقصود ۳:۲۹۹۰	لیک آن صدیق ۴:۲۵۱	لوح محفوظیست ۶:۲۶۴۲
لیک از وی ۵:۹۲۷	لیک آن صوفی ۲:۵۸۳	لوطی دب ۶:۳۸۴۸
لیک ازدرهات ۳:۹۷۱	لیک آن فتنه ۶:۱۵۳۰	لوله ها بر بند ۱:۲۷۱۴
لیک استننا ۶:۳۶۶۵	لیک آن کاوّل ۲:۲۸۲۰	لَوَيْشَا يَمْشِي ۳:۳۸۴۱
لیک استغفار این ۳:۹۳۱	لیک آن مستی ۴:۳۳۰۱	لیتنی کنت ۱:۲۶۹۳
لیک استغفار هم ۲:۱۶۴۳	لیک آن مو ۲:۱۷	لی حیب ۳:۳۸۴۱
لیک اغلب بر سبب ۵:۱۵۴۹	لیک آن نسبت ۲:۱۷۹۵	لیس الّا ۵:۳۴۳۵
	لیک آن نُقصان ۲:۲۵۳۵	لَيْسَ لِلنَّاسِ إِلَّا مَا سَعَى

لیک بگریزید ۲۰۴۸:۱	لیک این هر دو تنند ۱۹۶۶:۲	لیک اغلب چون ۲۱۵۸:۴
لیک پندیش ۱۷۶۵:۶	لیک با احوّل ۲۰۳۲:۶	لیک اغلب هوش‌ها ۳۳۹۲:۶
لیک بنگر ۲۸۰۷:۴	لیک با او ۱۱۳۱:۵	لیک افزون ۱۶۶۷:۴
لیک بنمایم ۱۱۸۵:۳	لیک با این ۶۳۵:۶	لیک اکرام ۲۷۳۱:۳
لیک بوی ۴۸۹۲:۶	لیک با باگندمان ۴۴۳۳:۶	لیک اگر ابلیس ۲۱۲۱:۲
لیک بهر ۴۰۱:۱	لیک با بی رغبتی‌ها ۳۶۱۱:۳	لیک اگر در ۳۷۶۰:۱
لیک بی اصلی ۳۹۸۶:۵	لیک با خانه ۲۱۱۳:۶	لیک اگر میرم ۴۵۶۳:۶
لیک بی خورشید ۲۹۳۵:۱	لیک با خود ۳۰۳۲:۱	لیک اگر یکرنگ ۴۷۶۵:۳
لیک بیرون آمدن ۵۵۶:۱	لیک با خورشید ۳۴۰۵:۱	لیک الله ۷۳:۳
لیک بیرون از ۱۸۳۷:۵	لیک باشد حسرت ۶۰۵:۵	لیک اندر برده ۲۱۰:۳
لیک بی غم ۳۹۴۲:۱	لیک باشد در صفات ۱۳۱۷:۵	لیک اندر چشم ۲۰۸۵:۶
لیک بی فرمان ۱۰۴:۶	لیک باشد موش ۳۵۳۲:۲	لیک اندر حق ۱۱۰:۴
لیک بیگار ۴۵۱:۲	لیک باطن ۱۷۹۹:۲	لیک اندر سر ۸۲:۳
لیک بی هیچ ۳۰۹۱:۵	لیک باید رفت ۳۳۶۲:۱	لیک اندر غیب ۳۸۹۵:۵
لیک پاسخ ۳۵۲۵:۶	لیک بپذیرد ۲۱۱۵:۳	لیک اندر مزرعه ۲۲۳۹:۱
لیک پایت ۱۲۸۱:۳	لیک بخش ۲۶۵۲:۲	لیک اندر هر ۱۰۲۴:۲
لیک پذیرفتند ۲۸۱۸:۱	لیک بد مقصودش ۷۳۱:۴	لیک اندک گو ۲۰۷۳:۴
لیک پرش ۳۷۳۷:۲	لیک بر برگی ۳۳۲۸:۱	لیک او بر ۱۳۵۵:۶
لیک پریدن ۲۳۸۶:۶	لیک بر پنداشت ۲۱۲۶:۳	لیک او ببند ۵۴۹:۴
لیک پشت ۱۳۴۴:۶	لیک بر خوان ۱۰۴۴:۵	لیک اوسط نیز ۳۵۳۱:۲
لیک پندارد ۱۸۰:۴	لیک بر شیری ۲۹۶۰:۱	لیک او کی ۴۰۹:۵
لیک پنهان ۱۰۶:۱	لیک بر قلاب ۲۵:۴	لیک اوّل ۶۲۳:۵
لیک پوشیده ۱۰۲۸:۲	لیک بر گردون ۴۱۲۷:۶	لیک او مقصود ۲۹۸۷:۳
لیک بی بردن ۳۶۹۷:۴	لیک بر محرم ۳۳۰۶:۵	لیک ای پولاد ۲۱۸۲:۶
لیک پیچیدم ۱۹۵۳:۶	لیک بر محروم، بانگ ۱۰۷۴:۲	لیک ای جان در ۷۴۲:۲
لیک پیدا ۱۲۹۶:۲	لیک بر محروم و ۱۰۷۵:۲	لیک ایشان را در ۱۴۶۱:۵
لیک پیکار ۴۹۰:۲	لیک بر مقتل ۳۷۸۴:۵	لیک این بار ۱۲۱۰:۴
لیک تأثیرش ۱۰۷۲:۶	لیک بر من ۶۵۴:۵	لیک این بهتر ۱۷۶۹:۶
لیک تا آب ۲۸۰۸:۵	لیک بس جادوست ۳۲۵۹:۵	لیک این دو ۳۰۸۵:۱
لیک، تا حق ۳۰۸۶:۱	لیک بس کن ۲۵۵۷:۶	لیک این صورت ۳۸۲۸:۵
لیک تا من ۶۵۴:۱	لیک بشنو ۴۱۰:۳	لیک این گرمی ۵۰۱:۴
لیکنان از ۱۹۶۳:۱	لیک بعضی رو ۳۷۵۶:۶	لیک این مسکین ۳۱۵۸:۴
لیک تانجهی ۳۴۹۸:۶	لیک بعضی زین ۲۹۸۶:۴	لیک این نامه ۱۷۸۹:۵
لیک تخیلات ۲۶۴۰:۵		لیک این هر دو، به یک ۲۶۸۴:۲
لیک ترسم امر ۴۷۹۸:۶		

لیک ترسم تا نلفزد خاطری #۶۹۰:۱	لیک چون پروانه ۴۷۳:۵	لیک دارم ۱۱۷۰:۲
لیک ترسم تا نلفزد وهم #۸۴۰:۲	لیک چون تو ۴۶۹۶:۶	لیک دامن های ۲۶۱۱:۳
لیک تعویق آمد ۲۳۰۸:۳	لیک چون جلم ۲۲۳۷:۵	لیک داند، چون ۴۳۰۷:۳
لیک تفریق ۲۸۲۹:۲	لیک چون خیری ۲۵۹۳:۶	لیک داند هر که ۲۰۰۴:۶
لیک، تکمیل ۱۵۳۹:۲	لیک چون در ۱۱۲۲:۱	لیک دانی ۲۹۷۴:۲
لیک تمثیلی ۱۱۷:۶	لیک چون دَف ۴۳۹۶:۶	لیک در اِشکست ۴۴۹۹:۳
لیک تن بی جان ۱۸۸۶:۴	لیک چون رنجی ۲۹۱۵:۴	لیک در ایمان ۳۳۶۰:۵
لیک تو آیس ۳۰۷۳:۴	لیک چون سیلی ۱۰۳۳:۲	لیک، در باطن صغیر ۳۶۵:۱
لیک تو باشی ۱۹۶۲:۴	لیک چون شمع ۱۲۵۱:۵	لیک در باطن همانم ۲۴۲۴:۲
لیک تو پستی ۲۵۷۵:۴	لیک چون گفتم ۱۶۵۷:۱	لیک در باطن یکی ۳۷۵۹:۴
لیک، جان از جنس ۳۱۰۰:۴	لیک چون من ۴۱۴۵:۵	لیک، در بنّاش ۱۱۳۹:۴
لیک جان از دست ۳۵۵۷:۵	لیک چون موج ۱۱۳۸:۱	لیک در تأثیر ۳۷۳۱:۶
لیک جان با جان ۴۵۹۰:۶	لیک حاضر ۱۶۴۳:۶	لیک درخواهم ۳۳۷۶:۳
لیک جان در ۳۵۸۵:۳	لیک حرص ۱۷۰۵:۴	لیک در سیمای ۹۹۰:۴
لیک جانش ۱۸۷۱:۴	لیک حق اصحابنا ۲۳۱۴:۶	لیک در شیخ ۷۷۵:۴
لیک جای ۱۹۴۶:۶	لیک حق بهر ۶۶۹:۴	لیک در ظلمت ۳۸۵:۱
لیک جرم ۴۰۹۷:۶	لیک حق راکی ۲۰۵۴:۲	لیک در کش ۳۵۵۲:۱
لیک جز علت ۳۵۷۴:۳	لیک، حق لطفی ۱۶۶۴:۵	لیک در گه ۳۵۹۶:۳
لیک جسمی ۷۶۳:۴	لیک حکمت ۱۰۵:۵	لیک در گردش ۵۱۲:۵
لیک جمع اند ۲۱۶۹:۲	لیک حیوانی ۱۱۹۴:۳	لیک در محسوس ۴۶۳۳:۶
لیک جمعیت ۳۰۵۰:۶	لیک خادع ۴۳۰۷:۶	لیک در وقت ۴۲۱:۴
لیک جمله سه ۲۶۰۶:۳	لیک خاری ۲۳۴۰:۴	لیک در وی بود ۱۲۲۳:۶
لیک جنت به ۲۴۷:۶	لیک خاطر ۹۰۲:۴	لیک در وی شیر ۹۳۵:۵
لیک جوغ الکلب ۲۸۱۷:۵	لیک خاکی ۴۷۰۵:۶	لیک در وی لفظ ۲۱۲۶:۵
لیک چشم و گوش ۷:۱	لیک خامش بر ۳۸۰۹:۶	لیک دعوت ۹:۶
لیک چوپان ۴۳۹۴:۶	لیک خامش کرده ۱۹۰۶:۲	لیک دعوی ۲۵۴۶:۲
لیک چون آرم ۲۵۷۸:۵	لیک خر آمد ۱۶۱:۶	لیک دل بشناخت ۲۳۴۰:۳
لیک چون آمیخت ۷۳۸:۴	لیک خشنودی ۱۴۹۸:۲	لیک دلهاشان ۱۶۰۶:۵
لیک چون از حد بَری #۱۶۹۵:۶	لیک خُفاش ۲۱۸۳:۴	لیک دید یک ۲۹۲۵:۱
لیک چون از حد بشد #۲۴۸۷:۳	لیک خود با این ۸۸۴:۴	لیک ذره گوشت ۲۶۱۹:۳
لیک چون این ۳۴۵۰:۱	لیک خود جان کندن ۲۰۵:۶	لیک ذوق ۶۶۵:۴
	لیک خود را می نبیند ۱۱۰:۶	لیک راز از پیش ۱۱۸۴:۳
	لیک خود کو ۶۴۸:۶	لیک رحمتشان ۲۴۳۵:۴
	لیک خورشید ۲۲۸۰:۶	لیک رفت از ۲۶۱۷:۵
	لیک دادش ۲۱۹۸:۶	لیک رمزی ۱۲۹۰:۳

لیک کی باشد ۳۰۷:۴	لیک صافی ۱۴۲۶:۳	لیک روز از بخت ۱۴۸۴:۴
لیک کی بیند ۳۱۲۸:۲	لیک صد اومید ۴۳۸۱:۳	لیک روز چند ۱۱۷۱:۶
لیک کی خُسد ۱۲۲۶:۳	لیک، صورت ۲۶۵۸:۱	لیک ریش ۲۰۲۳:۶
لیک کی داند ۳۶۳۵:۳	لیک صیقل ۳۴۸۴:۱	لیک ز آصف ۹۰۶:۴
لیک کی دانی ۳۹۷۶:۵	لیک خُداوند ۳۴۸۸:۳	لیک ز آن آبت ۲۲۴۶:۳
لیک کی درگیرد ۵۱۰:۳	لیک عاجز شد ۴۶۰۴:۳	لیک ز آنچه رفت ۱۵۷۷:۵
لیک گر آن ۱۰۷۹:۲	لیک عزل آن ۱۵۴۷:۵	لیک ز آن درمان ۶۸۵:۲
لیک گر آینه ۴۵۷:۵	لیک، عشق بی زبان ۱۱۳:۱	لیک ز آن ندیشم ۲۲۶۸:۴
لیک گر باشد ۹۷۴:۵	لیک عشق عاشقان ۴۳۹۴:۳	لیک ز اوّل آن بقا ۴۶۵۹:۳
لیک گر بودیش ۱۹۹:۶	لیک، عکس جان ۳۵۲۱:۱	لیک زهر اندر ۲۵۸۴:۱
لیک گر درده ۳۲۰۲:۳	لیک عمر ۲۴۵۹:۶	لیک زیر پای ۲۴۴۰:۶
لیک گر در غیب ۴۷۰۱:۶	لیک، عیب ۳۳۴۵:۱	لیک زین رفتند ۳۷۶۱:۶
لیک گر من ۲۲۱۱:۵	لیک غیرت ۳۷۸۲:۲	لیک زین شیرین ۱۰۷۴:۴
لیک گر واقف ۳۴۷۰:۴	لیک فاعل ۳۶۸۳:۳	لیک سازد ۳۴۸۷:۴
لیک گفت آن ۲۹۷۹:۲	لیک فتح ۱۵۶۷:۴	لیک سر تا پای ۱۱۹۱:۲
لیک گفت سالفان ۲۵۳۸:۳	لیک فردا استرش ۳۳۲۰:۳	لیک سرخی بر رخ ۳۶۲۸:۵
لیک گفتم ۷۶۱:۴	لیک فردا خواهد ۳۳۴۳:۳	لیک، سر خیل دلی ۲۹۳۶:۱
لیک گفتم ۶۰:۱	لیک قاصد کرده ۴۳۹۸:۶	لیک سلطان ۱۱۳۶:۶
لیک گوهر ۲۷۳۴:۱	لیک قاصیر بود ۳۳۲۲:۵	لیک سوراخ دعا ۲۲۲۲:۴
لیک گوید ۲۲۷۵:۶	لیک قدرت بخش ۱۳۱۰:۶	لیکش آن فرهنگ ۲۴۷۲:۶
لیک لطف ۲۶۹۲:۶	لیک قریبی ۷۰۶:۳	لیکش از ناموس ۴۴۵۰:۳
لیک لطفی ۱۵۰۷:۳	لیک قسم ۲۳۹:۴	لیک شادش کن ۱۲۲۰:۴
لیک لعب بازگونه ۴۲۵:۵	لیک، قصد او ۲۵۴۵:۲	لیکشان حافظ ۴۱۴۷:۳
لیک لعب هر ۳۹۵۳:۶	لیک قلب از زر ۷۴۴:۲	لیک شاه ۲۷۲۶:۶
لیک لقمه ۵:۵	لیک کار از کار ۷۶:۱	لیک شَتان ۶۴۷:۶
لیک مادر هست ۷۶:۳	لیک کار من ۲۹۸۰:۴	لیک شد زان ۲۶۸:۱
لیک ما را استخوان ۹۱۴:۴	لیک کرد اِکرام ۳۰۱۶:۱	لیک شرح عزّت ۲۹۴۴:۴
لیک ما را ذکر ۱۰۰۴:۲	لیک کس را دید ۸:۱	لیک شرم و همتش ۴۲۴۸:۶
لیک ما را قحط ۲۲۸۶:۱	لیک کم خایش ۵۴۴:۵	لیک شمع ۳۹۲۰:۳
لیک مانع ۱۰۳:۵	لیک کو آن ۷۰۸:۳	لیک شهبازی ۳۳۹۶:۶
لیک مانند ۴۳۳:۴	لیک کوه ۲۶۸۵:۵	لیک شهوت بنده ۸۱۹:۴
لیک محبوسی ۱۵۰۵:۶	لیک کو خود ۴۴۶۹:۳	لیک شهوت کامل ۲۲۳۲:۵
لیک محسوس ۲۲۰۵:۶	لیک کورَش ۱۱۳۳:۲	لیک شیرینی ۴۱۵۷:۳
لیک، مَخو ۳۴۹۷:۱	لیک کو سوز دل ۴۹۲:۲	لیک صاحب وحی
لیک مخفی ۱۷۰۸:۳	لیک کوشیدند ۲۷۶۴:۵	۱۲۹۶:۴

لیک هرگز مست ۱۷۱۷:۲	لیک می گوید ۴۵۴۳:۶	لیک مرج ۴۰۰۵:۶
لیک هر یک ۲۹۹۲:۳	لیک می لافی ۲۲۵۲:۳	لیک مرد ۱۹۸۳:۴
لیک هست آب ۴۸۶:۵	لیک میل عاشقان ۴۴۴۵:۳	لیک مر فرعون را ۸۷۶:۳
لیک هست از ۴۵۱:۱	لیک می نشکیم ۱۳۵۷:۲	لیک مرکب ۴۶۵:۶
لیک هست اندر ۲۵۱:۵	لیک نادانسته ۱۷۸:۴	لیک مُستبدل ۳۱۷۶:۶
لیک هست او ۳۷۶۰:۴	لیک نادر ۲۲۸۳:۱	لیک مستی ۴۰۰۱:۳
لیک هم ایمن ۳۸۷۶:۶	لیکن از من ۳۸۶۴:۳	لیک مسجد را برآرد ۴۰۶:۴
لیک هم بعضی ۱۷۱۰:۲	لیک ناقه ۱۵۳۸:۴	لیک مسخ دل ۲۵۹۴:۵
لیک هم بهتر ۲۴۶:۶	لیک نبُود آن چَمین ۱۱۹:۴	لیک معنیشان ۷۴:۶
لیک هم جُرمی ۳۹۹۲:۵	لیک نبود پیک ۳۴۳۶:۵	لیک مقصودِ ازل ۴۱۷۷:۳
لیک همچون ماه ۳۸۴۶:۶	لیک نبود در دوا ۳۳۲۳:۴	لیک مقصودش ۲۶۶۹:۵
لیک همره شد ۳۰۱۷:۱	لیک نبُود مسجد ۱۱۳۷:۴	لیک مقصودم ۱۸۲۱:۲
لیک هم می دان که ۴۵۳۳:۶	لیک نتواند ۳۳۲۲:۴	لیک من آن ۳۱۵۹:۳
لیک هم می دان و خر ۳۰۸۱:۳	لیک، نتوان کرد ۱۴۹۸:۱	لیک من اینک ۲۲۷۰:۶
لیک هنگام ۶۰۷:۳	لیک نسبت ۳۶۳۹:۳	لیک من پروا ۱۳۱۵:۵
لیک هین ۲۰۲:۲	لیک نشکینند ۱۳۷۳:۲	لیک منصب ۵۲۲:۵
لیک یک باشد ۴۱۷:۴	لیک نفس زنده ۳۸۲۲:۵	لیک موسی ۱۶۱۶:۱
لیک یک ذَرّه ندارد چاشنی	لیک نفس نحس ۲۹۱۵:۵	لیک موقوف ست ۲۵۱۲:۳
۳۳۹۴:۲	لیک نفقهش ۴۲۴۷:۶	لیک موقوفِ غریو ۴۴۱:۲
لیک یک ذَرّه ندارد ذوقِ	لیک نقدِ حال ۳۲۷۹:۴	لیک مؤمن بود ۱۲۴۱:۱
۳۳۹۳:۲	لیک نقلِ آن ۱۹۲۹:۱	لیک مؤمن دان ۲۵۴۴:۲
لیک یکرنگی ۱۸۶۵:۶	لیک نماید ۱۸۶۲:۱	لیک مؤمن زاعتماد ۵۳:۵
لیک یک یک ۲۱۳۲:۶	لیک نور سالکی ۲۴۲:۵	لیک موی اندر ۱۱۴۱:۶
لیک یوسف ۳۴۱۴:۶	لیک نورش نیست ۱۲۵۵:۳	لیک، مَه چون ۳۰۸۹:۶
لیل گردی ۵۵۲:۵	لیک نه اندر ۲۹۷۰:۴	لیک می آید مَحک ۱۶۸۰:۴
لیلی آنِ ما ۲۸۸:۶	لیک نه مرغ ۳۰۰:۴	لیک — ترسم ز آزار
لیلیات از صبر ۴۷۸:۱	لیک نی چندانکه ۲۶۱۰:۴	۳۵۴۲:۱
لی مع الله ۲۹۶۰:۴	لیک وهابان ۲۰۰۳:۲	لیک — ترسم ز آفهام
	لیک هر تحویل ۲۵۴:۳	۲۷۶۱:۱
م	لیک هر جانی ۳۵۱۴:۳	لیک می ترسم ز کشف ۲۹۰۸:۲
ما از آن او ۴۳۹۹:۳	لیک هر جولاهه ۱۱۵۴:۴	لیک می ترسم که ۳۲۵۱:۱
ما از آنجا ۱۱۲۳:۵	لیک هر دو، یک ۴۴۱۸:۳	لیک می خواهی ۳۰۰۵:۴
ما از آن قصه ۱۵۰۹:۱	لیک هر دیوانه ۲۳۴۳:۲	لیک می کردی ۴۴۰۲:۶
ما اشتیاق ۱۹۱۲:۵	لیک هر کس ۳۴۷۳:۲	لیک می گوید ۱۹۹۴:۱
ما اگر فلّاش ۲۵۷۱:۲	لیک هرگز رزم ۲۰۶:۶	لیک می گویم ۳۳۶۸:۴

ما چو اهل ۳: ۴۳۴۸*	ماتِ او گشتند ۶: ۱۶۷۵*	ما التَّصَوَّف ۳: ۳۲۶۱
ما چو چنگیم ۱: ۵۹۸	مات او و مات ۶: ۲۰۲۴	ما بدادیمت ۵: ۲۷۸۷*
ما چو دریا ۴: ۸۲۳*	ماتِ اویم ۲: ۲۶۴۷*	ما بدانستیم ۵: ۳۳۴۰
ما چو رو باهیم ۳: ۲۲۳۰	مات بر وی ۲: ۲۵۱۵*	ما بر او چون ۳: ۱۲۹۳*
ما چو زنبوریم ۱: ۱۸۱۳	مات بود، ۶: ۴۳۱۰*	ما برای خدمت ۵: ۱۱۳
ما چو شطرنجیم ۱: ۶۰۰	مات زید ۳: ۳۶۸۳	ما بری از پاک ۲: ۱۷۵۵
ما چو طفلانیم ۱: ۵۵۵	مات شو در ۶: ۷۳۰*	ما بری از دعوت ۳: ۴۳۶
ما چو کزان ۲: ۴۳۵	مات کردش ۵: ۳۵۰۷*	ما برین درگه ۳: ۲۹۳۲
ما چو کشتی‌ها ۳: ۱۲۷۲	مات کرده ۲: ۲۶۶۷*	ما برین گردون ۱: ۳۴۲۲
ما چو کوهیم ۱: ۵۹۹*	مات کن او ۳: ۱۰۵۹	ما بشویم ۵: ۱۱۱
ما چو مرغانِ ۱: ۳۷۴*	مات گشتم، ۶: ۲۰۱*	ما بقی تو ۲: ۲۷۷*
ما چو مصنوعیم ۱: ۳۹۱۷	ماتمِ آخرِ زمان ۴: ۱۴۷۱*	ما بقیِ جس‌ها ۲: ۳۲۴۰*
ما چو ناییم ۱: ۵۹۹	ماتمِ آن ۶: ۷۷۸*	ما بقی را هر ۲: ۳۲۳۷*
ما چو واقف ۶: ۳۵۲۶	ماتم این ۱: ۱۵۶۷*	ما بمردیم ۱: ۱۹۳۳
ما چه باشد ۱: ۱۷۳۴	ماتمِ جانی ۶: ۷۹۰*	ما به اکرامِ ۳: ۱۷۸۱*
ما چه خود را ۳: ۱۱۴۷	ماتمی در ۴: ۶۲	ما به امید ۳: ۱۷۷۹
ما حَسَدْتُ ۵: ۱۹۱۲*	مات و برد ۳: ۸۸۶	ما بها و خونبها ۱: ۱۷۵۰
ما خروسان ۳: ۳۳۳۱	ما تو را ۱: ۳۱۱۲	ما به بحر ۶: ۴۳
ما خَلَقْتُ الْإِنْسَ ۶: ۲۵۰۱*	مات و مستأصل ۶: ۲۸۰۶*	ما به بوش ۴: ۱۲۷۹
ما خلقت الجن ۳: ۲۹۸۸	ما جرا بسیار ۶: ۴۵۳۶	ما به بیداری ۵: ۱۱۲۶
مادحت گر ۱: ۱۸۵۸	ما جرا را گفت ۵: ۳۴۹۴*	ما به پرِ دانشِ ۲: ۲۱۷۵*
مادح خورشید ۵: ۹	ما جرا را مُوجَزَ ۶: ۵۲۵*	ما به حرص ۴: ۱۹۹*
مادر آن پیل ۳: ۱۵۸	ما جرا و آغازِ ۴: ۲۹۰۵*	ما به خویشی ۶: ۴۴۸*
مادر ار گوید ۳: ۴۰۱۷	ما جرای بلبل ۲: ۳۶۲۴	ما به دل‌بی‌واسطه ۳: ۲۷۰۲
مادرا ما را ۵: ۶۹۸*	ما جرای شمع ۲: ۳۶۲۵	ما به دین ۱: ۱۵۴۴
مادران بچگان ۵: ۱۶۱۲	ما جرای مرد و زن افتاد	ما به زخم ۲: ۱۶۳۸
مادران را ۶: ۴۸۳۸	۲۶۱۷: ۱	ما به شمشیرِ ۱: ۲۲۶۱*
مادرانشان ۳: ۱۵۹۲	ما جرای مرد و زن را ۱: ۲۶۱۶	ما به صد حیل ۴: ۱۲۳۳
مادران گفتند ۳: ۱۵۹۵	ما جرایِ مشورت ۴: ۱۹۷۰*	ما به عکس ۲: ۲۳۷۱
مادرِ او را ۲: ۲۱۹۳*	ما جنون ۵: ۱۸۹۴	ما به فتوای ۲: ۲۱۷۵
ما در این انبار ۱: ۳۷۷	ما جهانی ۴: ۱۰۳۱	ما به گفتار ۱: ۵۶۰
ما در این دعوت ۶: ۲۷۵۴*	ما چرا چون ۱: ۲۲۸۷	ما به لغو و لهو ۴: ۲۸۶
ما در این دهلیز ۵: ۱۷۴	ما چنان پزمرده ۳: ۲۶۷۵	ما بیاموزیم ۵: ۶۲۴
مادر بت‌ها ۱: ۷۷۲	ما چو آن کَرَه ۳: ۴۳۱۸	ما پس این ۶: ۲۵۸۰
مادر تو ۲: ۳۷۶۷	ما چو اسمعیل ۶: ۴۸۸۳	ما بی گل ۶: ۳۶۷۷

مادرش آنجا ۳۱۲:۶	مار گوید ۲۳۳۶:۱	مار و کژدم مرتورا ۵۹۷:۲
مادرش از ۳۲۲۳:۳	مارگیر، آن ۱۰۰۳:۳	ما ز آ ز و حرص ۲۲۱۵:۳
مادرش پرسید ۴۲۹۵:۳	مارگیر از بهر حیرانی ۹۹۸:۳	ما زبان را ۱۷۵۹:۲
مادرش گر ۲۹۲۵:۴	مارگیر از بهر یاری ۹۹۳:۳	ما ز خود، سوی ۲۴۴۸:۲
مادر شه زاده ۳۱۲۹:۴	مارگیر از ترس ۱۰۴۹:۳	ما ز دادِ کردگار ۲۵۸۶:۵
مادر طبعم ۳۵۵۸:۳	مارگیر اندر ۹۹۷:۳	ما ز دزدی های ۱۷۸۵:۴
مادر فرزند، جویای ۸۷۸:۱	مارگیر، اینت ۹۹۸:۳	ما ز از زرافین ۶۵۵:۴
مادر فرزند دارد ۴۰۱۹:۵	مارگیرش ۱۳۷:۲	ما ز شیر حکمت ۵۶۰:۱
مادر فرزند را ۴۰۲۰:۵	مازگیر و ماری ۲۳۳۱:۱	ما ز ظلم ۴۴۴۵:۳
مادر مُشْفِق ۲۴۴:۱	مارگیری ازدها ۱۰۳۲:۳	ما ز عشق ۱۱۲۲:۲
مادرم کو؟ ۱۳۹۹:۶	مارگیری رفت ۹۷۷:۳	ما ز مال ۱۹۹:۴
مادر و بابا و اصل ۸۸۵:۵	مار من ۲۳۵۸:۴	ما ز مرگ ۱۷۷۶:۳
مادر و بابای ۲۸۵۲:۳	مار موسی ۲۴۴۲:۵	ما ز موسی ۴۳۶:۲
مادرون را ۱۷۵۹:۲	ما رمیت از رمیت ابتلاست	ما سیوها ۲۸۴۹:۱
مادر یحیی به مریم ۳۶۰۲:۲	۱۷۲۵:۴	ما سپاه ۳۸۹۹:۶
مادر یحیی کجا ۳۶۱۱:۲	ما رمیت از رمیت از نسبت	ما ستاره بار ۹۱۲:۳
مادر یحیی که ۳۶۱۳:۲	۳۶۵۹:۳	ما سَخَتی ۳۷۱۵:۱
ما درین رنجیم ۱۵۷۲:۳	ما رَمِیتَ اِذْ رَمِیتَ، ایمنی	ما سمیعیم ۱۰۱۹:۳
ما درین فن ۱۲۵۰:۳	۱۵۲۳:۶	ما سیواک ۱۹۱۱:۵
مادگی خوش ۱۹۰۶:۶	ما رمیت از رمیت بی وی است	ما شدیم از شکر ۲۶۷۴:۳
ما دو ضد ۱۵۴۲:۴	۲۲۴۶:۶	ما شقی ۳۳۳۸:۲
ماده بُز ۸۱۰:۳	ما رمیت از رمیت خواجه است	ما شکاریم ۱۳۱۰:۲
ما ذخیره ۵۰۲:۳	۳۱۹۷:۶	ماش گردانیم ۲۷۱۷:۳
مار، استاده‌ست ۴۰۷۹:۶	ما رمیت از رمیت خوانده	ما شما را ۶۵۹:۴
مار با آن ۱۸۹۳:۲	۷۶۲:۴	ما صباح آیم ۱۵۹۶:۳
مار بد جانی ۲۶۳۵:۵	ما رمیت از رمیت راست دان	ماضی و مستقبلت ۲۲۰۱:۱
مار بودی ۴۶۵۶:۶	۲۵۳۰:۲	ماضی و مستقبلش ۱۱۵۲:۳
مار در موزه ۳۲۵۱:۳	ما رمیت از رمیت گشته	ماضی و مستقبل و ۱۱۵۱:۳
مار را از سحر ۳۵۹۸:۳	۲۹۴۷:۴	ما طیبیان فعالیم ۲۷۰۴:۳
مار را با او کجا ۳۵۹۵:۳	ما رمیت از رمیت گفت حق	ما طیبیانیم ۲۷۰۰:۳
مار را بگرفته ۲۱۲۸:۶	۱۳۰۶:۲	ما عدم‌هاییم ۶۰۲:۱
مارش از سوراخ ۱۴۴۲:۴	ما رمیت از رمیتیم ۳۷۸۹:۱	ما عدوی عقل ۲۵۸۳:۵
مار شهوت ۳۴۷۲:۲	ما رمیت از رمیتی ۴۵۷۹:۶	ما عوض دیدیم ۱۰۰۹:۵
مار کُشت ۱۳۶:۲	ما رمی جُست ۹۹۷:۳	ما عیال ۹۲۷:۱
مار، کی ماند ۳۴۵۳:۳	مار و کژدم گشت ۳۴۷۵:۳	ما غلام ۴۴۲۱:۶

ما فرستادیم ۱۸۵۱:۵	مال را کز ۹۸۴:۱	ما نخواهیم ۲۷۱۴:۳
ما کجا بودیم ۳۱۳۴:۶	مال رفت و آبرو ۹۲۳:۳	ماند آن احمق ۲۲۷۸:۴
ما کساد ۹۵۷:۴	مال رفت و زور ۱۲۴۴:۵	ماند آن خنده ۱۲۵۷:۵
ما کم از سنگیم ۱۳۳۳:۲	مال رفته ۱۵۰۹:۵	ماند از آلفافی ۱۶۸:۵
ما کمان ۶۱۶:۱	مالشت بدهم ۳۳۹۹:۶	ماند از کُلّ ۲۸۰۱:۱
ما کنون دیدیم ۳۷۶۹:۶	مال شه ۲۲۳۰:۱	ماند الا الله ۵۹۰:۵
ما کنیم آن ۲۸۵:۴	مالک الملک است ۶۶۴:۴	ماند اندر حال ۱۵۵۴:۳
ما که ایم؟ اوّل تویی ۱۴۳۹:۶	مالک الملکست بدهد ۳۰۵۵:۶	ماند اندر طبع ۳۵۶:۵
ما که ایم؟ ای خواجه ۲۱۷۰:۳	مالک الملکست جمعیت ۳۰۵۳:۶	ما ندانستیم ای ۲۸۷:۶
ما که باشیم ۶۰۱:۱	مالِکُ المُلکُش ۳۵۱۵:۶	ما ندانستیم کآنجا ۹۳۳:۴
ما که باطن ۲۱۷۴:۴	مالِکُ المُلک و به ۹۰۵:۲	ما ندانستیم کو ۳۳۷۶:۱
ما که کورانه ۴۳۴:۲	مالک الملکی ۲۸۱۵:۶	ما ندانستیم، ما ۴۳۳:۲
ما که واپس ۱۱۰۹:۲	مالِکِ خود ۶۴۹:۵	ماند او حیران ۸۶:۵
ما کی ایم اندر ۱۵۱۴:۱	مالِکِ دازین ۴۷۰:۱	ماند این ۱۰۰۱:۱
ما کییم این را؟ بیا ای شاه ۲۷۸۶:۶	مالِکِ دوزخ ۱۹۳۶:۵	ماند بی مخلص ۲۱۰۹:۳
ما کییم این را؟ بیا ای یار ۲۷۰۳:۶	مالِکِ مُلک آنکه ۶۵۰:۴	ماند پنبه ۱۸۰۰:۶
ما گمان ۲۸۳:۶	مالک ملکم ۱۱۶۸:۲	ماند پیغمبر ۴۲۴:۳
مال افزون کرد ۳۳۴۸:۳	مال، مار آمد ۷۸۲:۳	ماند چون جفدان ۴۲۱۰:۶
مال، او یابد ۵۹۲:۳	مال مان خوردی ۴۱۰:۲	ماند چون خر ۲۳۹۱:۲
مال ایتم ۵۲۷:۶	مال میرانی ۴۲۰۷:۶	ماند حسرت ۱۴۷۲:۵
مال ایشان ۱۵۷:۳	مال ناید ۱۰۴۷:۵	ماند حیران آن ۳۹۵:۶
مال، تخم است ۳۷۱۸:۱	مال و تن برفاند ۴۱۱۵:۳	ماند حیران اندر ۳۷۱۲:۴
مال، چون مارست ۱۹۵۱:۵	مال و تن در ۸۶۳:۶	ماند حیران گفت: با ۳۹۳:۶
مال حق را ۲۲۲۶:۱	مال و جان ۱۵۰۹:۵	ماند خاکستر ۳۲۷۴:۵
مال خس باشد ۱۳۳:۲	مال و زر، سر را ۲۳۴۳:۱	ماند خصمی ۱۳۷۳:۱
مال خواهم ۷۵۲:۲	مال و زر و نعمت ۱۶۵۴:۳	ماند خون‌های ۴۸۵۳:۶
مال خود، ایثار ۳۲۵۳:۶	مال و منصب ۱۴۴۴:۴	ماند در زندان ۳۴۰۸:۶
مال دادم ۱۷۵۰:۴	مال‌ها ۹۲۱:۳	ماند در سودای ۱۲۶۴:۵
مال داران ۳۲۰۲:۱	ماله غیر ۲۴۰۰:۶	ماند در سوراخ ۲۴۴:۶
مال در ایثار ۱۷۵۸:۴	مالهم ۲۴۰۱:۶	ماند در مسجد ۷۵۰:۵
مال دنیا، دام ۶۴۷:۴	ما مُحِبّانیم ۱۴۵۱:۲	ماند رنج زرع ۸۲:۱
مال دنیا شد ۳۰۴۰:۱	ما محبّ جان ۲۹۹۵:۵	ماند شاعر ۱۲۲۶:۴
	ما محبّ و صادق ۱۴۵۴:۲	ماند صوفی ۳۷۳۸:۵
	ما نبودیم ۶۱۰:۱	ماند کار ۹۵۴:۱
		ماند کرجی ۱۵۱۷:۲

ماندگان ۳: ۱۸۸۹#	مانع آید لعل ۲: ۷۹۳#	ماوِ جاننش ۶: ۴۷۶۰#
ماندگی رفت ۱: ۳۱۸۵#	مانع اظهار ۵: ۲۰۹۸#	ماوِ جانم را ۱: ۲۴۵۱#
ماندم از قصه ۵: ۱۸۹۶#	مانعانی راوِ ۲: ۳۴۶۱#	ماوِ جان من ۶: ۴۰۶۱#
ماند مجنون ۴: ۱۵۴۱#	مانع این سر ۲: ۱۲۱۰#	ماوِ حق ۱: ۶۲۱#
ماند مهمان ۵: ۳۶۵۳	مانع این سگ ۲: ۴۷۵#	ماه دان ۶: ۳۲۴۶#
مانده از جود ۱: ۲۲۵۰#	مانع باران ۶: ۲۱۷۷	ماه را با ۶: ۹۰۵
مانده‌ام از ذکر ۲: ۲۴۷۸	مانع بدفعلی ۲: ۲۰#	ماه را بر ۲: ۹۹۲#
مانده‌ام در ره ۴: ۱۵۴۹#	مانع خویشند ۲: ۷۹۴	ماه را ز آن ۱: ۲۴۵۴#
مانده‌ام در نفقه ۲: ۳۰۶۷#	مانعش از ۲: ۱۱۹۳	ماه را سایه ۵: ۶۸۳#
مانده‌اند این ۱: ۲۴۹۰#	مانع صد ۴: ۲۵۳۵#	ماه را گر ۴: ۳۷۹۹#
مانده این سو ۴: ۱۴۲۵#	مانع طوع ۴: ۲۹۱۴#	ماه را هرگز ۴: ۱۴۵۰#
مانده بُد ۲: ۳۷۹۵#	مانع عقل ست ۳: ۴۰۵۵#	ماوِ روزه ۲: ۱۱۲
مانده بود از ۴: ۶۸۸	ما نَقص مالِ ۶: ۳۵۷۳	ما هزاران گم شده ۴: ۹۴۹
مانده خلق ۶: ۳۸۱۳#	ما نگون ۴: ۹۵۷	ما هزاران مرد ۳: ۴۴۸۲
مانده در زندان ۲: ۵۸۵#	ما نگه داریم ۳: ۹۳۱#	ماه عرصه ۶: ۳۴۴۳
مانده در کاروانسرا ۶: ۲۳۸۲	ما نمی‌بینیم ۳: ۱۱۶	ماه کوافزود ۱: ۱۲۸۰
ماند هر دیوار ۵: ۹۸۷#	ما نمی‌خواهیم اسباب	ماه‌گانه داده ۱: ۲۷۹۳#
مانده روزِ ۲: ۱۰۶۵#	۳: ۲۶۷۶#	ماه گردون ۶: ۹۲۴
مانده زیر ۵: ۳۴۲#	ما نمی‌خواهیم این ۳: ۳۶۹	ماه ما بی نطق ۶: ۴۵۴۸
ماند عاجز ۵: ۱۳۳۸#	ما نمی‌خواهیم نعمت ۳: ۲۶۷۶	ماه ما را ۵: ۶۹۲
مانده گشتند ۵: ۲۴۲۷#	ما نمی‌گفتیم ۶: ۳۸۹۶	ما هم از ایام ۳: ۴۴۹۵
مانده گشت و غیر ۱: ۲۱۷۰#	ما ننویشیم ۳: ۴۳۶#	ما هم از خلقیم ۲: ۵۲۴
مانده ماهی ۶: ۹۸۲#	ما نه زان پیلان ۳: ۲۷۵۲	ما هم از مستان ۲: ۲۶۲۱
مانده مرغ ۵: ۲۰۷۵#	ما نه مرغان ۵: ۲۵۲	ما هم از وی ۴: ۳۰۱۳
ماند هندو ۶: ۳۰۵#	ما نه نر ۶: ۳۸۹۲#	ماهم و خورشید ۱: ۳۸۰۹#
مانده بی ۶: ۱۷۸۸#	ما و اصحابم ۴: ۵۳۹	ما همه اجزای ۴: ۷۳۶
ما ندیدیم اندرین ۲: ۲۵۵۵#	ما و ایشان ۱: ۲۶۶#	ما همه پیغمبریم ۵: ۱۱۲۲#
ما ندیدیم اینکه ۶: ۱۴۵۵	ماؤکم ۲: ۱۶۳۳#	ما همه شیران ۱: ۶۰۳
ماند یک قسم ۴: ۱۵۳۱	ما و من ۱: ۱۷۸۴#	ما همه ظلمت ۳: ۴۴۹۰#
ماند یک گز ۴: ۱۵۹۰#	ماه، آن ماه ۶: ۳۱۷۵#	ما همه کوران ۳: ۲۴۹۴
ماند یوسف ۶: ۳۴۰۶#	ماوِ او، چون ۱: ۳۹۹۲#	ما همه گوشیم ۶: ۳۵۲۹
مانع آمد ۲: ۵۷۱#	ماوِ او در بُرج ۵: ۲۶۶۰#	ما همه لاشیم ۶: ۱۴۴۰#
مانع، آن بُد ۵: ۲۷۸۳#	ماه با احمد ۳: ۱۰۱۶	ما همه مرغایانیم ۲: ۳۷۷۹
مانع آید از ۳: ۲۶۶۸	ماه بی گفتن ۱: ۳۷۶۲	ما همه میسیم ۴: ۹۹۱#
مانع آید او ۴: ۲۴۸۵	ماه بین بر ۲: ۳۵۳#	ما همه نُطقیم ۶: ۳۵۲۹#

متصل گردد به بحر ۳: ۱۸۱۲	ماید، عقل ست ۴: ۱۹۵۴	ما همه نفسی ۱: ۳۹۱۸
متصل گردد به پنهان ۶: ۱۳۰۴	مایِ ما ۲: ۱۱۷۳*	ما همه نی ۴: ۲۸۲۸*
متصل نبود ۳: ۴۳۹۲	مایه آنجا ۶: ۸۳۹*	ما همی گردیم ۴: ۸۳۲*
متصل نی ۳: ۱۳۴۰	مایه ایدا ۳: ۲۹۷۷*	ما همی گفتیم ۶: ۳۸۹۴
متفق باشند ۲: ۳۱۱*	مایه بُرده ۵: ۲۵۲۱*	ماه می‌گوید به خاک ۱: ۳۶۵۹
مُتفق گشتند ۳: ۱۵۳۴	مایه خشم ۲: ۱۹۹۸*	ماه می‌گوید که اصحابی ۶: ۱۱۵۷
متفق گویند ۳: ۱۵۳۲*	مایه خونابه ۲: ۱۸۲۰	ماه می‌گوید که: ای ۳: ۲۷۴۴
متقی آنست ۴: ۳۴۴۶	مایه در بازار ۶: ۸۳۹	ماه نادیده ۵: ۱۴۵۹
متقی گوید ۲: ۴۹۸*	مایه زو یابند ۴: ۱۱۷۶*	ماه نو یا ۱: ۳۶۵۱
متقی و، زاهد ۳: ۳۲۹۷*	مایه صدق ۱: ۲۰۵۷*	ماه و ابر ۳: ۲۵۹*
متن نامه ۴: ۱۵۷۲*	مایه کُبر ۱: ۱۸۶۱*	ماهیا آخر ۴: ۱۷۰۸
متهّم باشد ۲: ۲۷۲۸*	مایه کوری ۳: ۲۷۱۵*	ماهیا، او گوشت ۳: ۲۲۵*
متهّم چون ۲: ۳۴۹۸	مایه نارِ ۳: ۳۴۷۲*	ماهیا از سرگنده ۳: ۳۰۸۰*
متهّم حسّ ۲: ۳۴۹۹*	مایه ها، تا گشته ۶: ۳۵۹۲*	ماهیان از پیر ۲: ۳۳۳۸
متهّم دارم ۲: ۸۷۹*	مایه بی کو ۵: ۱۲۹۱	ماهیان افتند ۳: ۴۷۰
متهّم را ۵: ۲۰۹۷	ماؤکُم ۲: ۱۶۳۳*	ماهیان بحرِ ۱: ۱۵۳۸*
متهّم شد پیشِ ۱: ۳۵۱*	مبتدا ۳: ۱۴۱۸*	ماهیان جان ۲: ۳۱۴۲
متهّم شد، گشت ۳: ۳۶۸۶*	مبتلایان ۶: ۳۸۰۵	ماهی اندر ۶: ۳۴۹۵
متهّم کرد و بیستش ۵: ۳۱۷۴*	مبتلایِ گربه ۲: ۵۹۳*	ماهیان را با ۱: ۵۰۳*
متهّم کم کُن به دزدی ۲: ۳۴۷۷*	مبتلی چون ۵: ۱۹۹۳	ماهیان را بحر ۳: ۳۰۷۱
متهّم کم کن جزای ۶: ۴۳۰*	مبتلی گردد ۵: ۸۲۷*	ماهیان را پاسبان ۲: ۳۵۲۲*
متهّم کن ۶: ۴۳۰	مبتلی گردی ۶: ۲۶۳۱*	ماهیان را گر ۲: ۳۱۴۴
متهّم گشتم ۲: ۲۷۲۷	مبدع آمد ۵: ۱۰۲۵	ماهیان را نقد ۶: ۴۰۴۷
متهّم نفس است ۲: ۳۴۹۹	مبدع است او ۱: ۱۶۳۰	ماهیان، سوزنگر ۲: ۳۳۳۵
مثقلان خاک ۵: ۳۷۳۹	مبدع تن ۳: ۲۵۸۳*	ماهیانِ قعر ۳: ۳۵۹۹
مثلِ آن را، ۵: ۴۰۰۱*	مبدلش گرداند ۴: ۳۵۶۵*	ماهیان واقف ۴: ۲۲۰۵*
مثلِ آن نبُود ۲: ۱۹۷۸*	مَتحد جان‌هایِ ۴: ۴۱۴*	ماهیانیم ۳: ۱۳۴۱
مثلِ او نه بود ۶: ۱۷۱*	متحد گشتند ۵: ۳۸۹۱*	ماهی بریان ۶: ۲۶۴۰
مثلِ جُودِ ۴: ۸۴۷*	مَتحد، نقشی ۴: ۴۲۳	ماهی بیچاره ۲: ۱۷۰۳
مثل غوطه ۳: ۲۲۹۴*	مُتحفّا ۱: ۸۸۳*	ماهی پژمرده ۶: ۱۰۶۵
مثلِ ما لایشتیه ۳: ۳۶۶۳*	مُتصل با ۶: ۳۵۹۱*	ماهی خاکی ۱: ۲۷۵۴
مثلِ ماهیاتِ ۳: ۳۶۳۸*	متصل چون ۵: ۳۱۹۷	ماهیی با آبِ ۵: ۲۱۳۹*
مثل، مثل خویشتن ۶: ۱۶۲۰*	متصل را کرد ۳: ۳۲۷*	ماهیی گر ۲: ۸۰۰*
مثلِ من نبُوند ۴: ۳۷۱۴*	متصل گردان ۱: ۱۸۸۲*	ماید از ۱: ۸۰
	متصل گردد بدآن ۴: ۳۴۲۵	

مثل میزانی ۵: ۱۲۱۳	محتسب گفت ۲: ۲۳۹۵	مختلط خوش ۴: ۳۸۳۱
مثل نبود آن ۳: ۳۴۰۷	محتشم چون ۳: ۲۶۳۹	مختلف جان‌اند ۱: ۲۹۱۴
مثل نبود لیک ۶: ۱۱۸	محتشم شاه‌ی ۴: ۹۲۱	مختلف در صورت ۳: ۴۴۱۷
مثنوی از ۴: ۸	محتشم گشته ۳: ۲۳۲۳	مخزن آن ۲: ۱۴۷۰
مثنوی اندر فروع ۴: ۷۵۵	محرم آن آه ۴: ۲۲۳۳	مخزن زر ۱: ۱۹۷
مثنوی اندر نگنجد ۶: ۴۸۲۱	محرم‌ان را سیر ۶: ۴۰۲۲	مخزن هر ۶: ۱۴۵۲
مثنوی پویان ۴: ۴	محرم این ۱: ۱۴	مخلص است ۶: ۱۴۹۰
مثنوی چندان ۴: ۷۹۰	محرم جان ۳: ۱۰۲۰	مخلص این ۵: ۳۰۰۴
مثنوی در ۱: ۲۰۹۸	مخرم درسش ۲: ۳۲۶۸	مخلصت نبود ۴: ۲۸۰۹
مثنوی، دکان ۶: ۱۵۲۵	محرم دریا ۵: ۳۴۰۲	مخلص تو ۶: ۳۶۱۲
مثنوی را چابک ۶: ۵۲۵	محرمش ۶: ۱۹۷۸	مخلصش را ۲: ۳۱۳۵
مثنوی را چون ۴: ۵	محرم مردیت ۶: ۲۰۱۳	مخلص مرغست ۶: ۲۹۶۹
مثنوی را مسرح ۶: ۱۸۴	محرم ناسوت ۲: ۱۷۹۰	مخلصم زین ۵: ۱۷۹۵
مثنوی را معنوی ۶: ۶۸	محسان با ۴: ۱۱۸۷	مدت ده ۳: ۳۶۸۷
مثنوی را نیست ۶: ۲۲۴۸	محسان مردند ۴: ۱۲۰۱	مدت شش ماه می‌رانند
مثنوی که ۲: ۶	محسان هستند ۶: ۳۳۲۹	۲۰۱: ۱
مثنوی ما ۶: ۱۵۲۸	محسنی از مطبخ ۶: ۲۳۹۶	مدت شش ماه و افزون
مثنوی هشتاد ۳: ۴۴۴۱	محض بخشایش ۵: ۱۸۴۴	۱۹۵۶: ۶
مجتهد هر ۳: ۳۵۸۱	محضرون معدوم ۴: ۴۴۵	مدت ماهی ۶: ۱۹۵۴
مجرمانت ۵: ۲۱۲۲	محض مهر ۲: ۱۹۳۶	مدتی از ۵: ۲۶۸۱
مجرمان را از ۲: ۲۴۶۵	محفلی واکرده ۶: ۲۵۴۹	مدتی افتاده ۵: ۴۱۸۷
مجرمان را چون ۶: ۲۸۳۸	مخلبی، ۵: ۱۰۶۸	مدتی این ۲: ۱
مجرم شاهیم ۳: ۱۲۳۹	محو شد در ۲: ۳۷۱۴	مدتی بُد ۶: ۴۶۰۱
مجرم، بودم ۶: ۳۱۲۴	محو شد، واللّه ۳: ۹۷۰	مدتی بر ۳: ۱۶۳۷
مجلس و جا ۴: ۱۷۶۸	محو علم ۱: ۳۶۷۱	مدتی بسیار ۳: ۱۴۶۲
مجلس و مجمع ۱: ۱۹۱۵	محو گردد پیش ۵: ۴۰۹۱	مدتی بگذار ۶: ۴۴۴۴
مجمع و پای ۶: ۳۳۳۱	محو گردد چون ۴: ۴۳۴	مدتی بنشین ۲: ۴۷۹
مجمّلتش گفتم ۱: ۱۷۵۸	محو گردد در وی ۳: ۳۹۱۳	مدتی جوشیده‌ام ۳: ۴۲۰۵
مختّز ز آتش، ۵: ۴۳۳	محو می‌باید ۱: ۲۸۴۱	مدتی حسّ ۴: ۲۳۸۵
مختّز گشته‌ست ۶: ۴۵۶۷	محو و هم‌شکل ۱: ۳۶۰۵	مدتی خاموش باشد ۱: ۱۶۲۳
محترم‌تر ۶: ۳۳۶۷	مخبی المَوَناست ۶: ۳۱۶۵	مدتی خاموش خُو ۱: ۵۷۷
محتسب بُد ۶: ۳۰۱۶	مخبری ۴: ۳۰۵۱	مدتی در فکر ۱: ۱۰۸۳
مختّیب بر ۱: ۲۱۷۷	مختصر کردم، چو آمد ۳: ۵۸۶	مدتی دندان ۶: ۴۶۱۶
محتسب در ۲: ۲۳۸۷	مختصر کردم من ۵: ۱۳۵۹	مدتی دیگر ۳: ۴۲۰۵
محتسب کردن ۲: ۲۸۲۰	مختلط چون ۱: ۲۵۷۳	مدتی رو ۶: ۴۴۴۶

مَدَنی زن ۲۱۶۵:۵	مر، اثر ۲۶۳۶:۱	مر تور سازند ۹۶۲:۶
مدتی سالی ۱۶۶۴:۱	مر اسیران ۳۱۲۳:۴	مر تور شش‌گِرد ۳۵۳۶:۲
مَدَنی سگ ۳۰۲۱:۱	مر بدان را ۳۳۷۳:۶	مر تور اصدق ۳۰۰۶:۲
مدتی، شش ۴۵۳:۱	مر بَدی ۱۸۰۲:۲	مر تور اصد مادرست ۳۳۷:۴
مدتی فردا ۱۲۳۲:۲	مر بشر را پنجه ۴۷۹۵:۶	مر تور اعلقی است ۲۰۵۲:۱
مَدَت یک ۳۱۷۷:۵	مر بشر را خود ۴۷۹۴:۶	مر تور اکفشی ۱۷۴۷:۴
مدتی معکوس ۳۶۳۱:۱	مر پلیسان ۴۵۸۶:۶	مر تور لابه کنان ۹۲:۴
مدتی می‌بایدش ۱۶۲۴:۱	مر پلیسی را ۳۵۰۶:۴	مر تور الیک ۴۱۱۲:۶
مَدَنی واماند ۲۳۳۱:۵	مر بیابان را ۱۴۷۳:۲	مر تور ماتم ۳۵۵۴:۲
مدح او، مه ۲۱۳۱:۳	مر پدر را ۱۴۳۳:۶	مر تور امشغولی ۲۶۸۲:۴
مدح تعریف ست ۸:۵	مر پری را ۳۰۲۵:۳	مر تور می‌گوید ۵۱۶:۶
مدحت و تسبیح ۳۲۰۴:۶	مر پیمبر را ۲۲۹۲:۲	مر تور آنک شد ۲۷۴۱:۶
مدح تو حیف ست ۶:۵	مر تبّه انسان ۲۴۹۵:۱	مر تور انه ۱۹۲۳:۲
مدح تو گویم ۲۱۲۱:۳	مر تبّه هر یک ۳۶۵۱:۱	مر تور او مسجدت ۱۳۸۵:۴
مَدَح جمله ۲۱۲۲:۳	مُرْتَجی ۳۲۶۴:۶	مر تور اهادی ۴۶۱:۴
مدح حاضر ۲۴۹۳:۲	مر تَضی را ۳۵۳:۴	مر تور اهر ۱۶۳۸:۶
مدح خود ۹۰۳:۲	مر تور آن فهم ۲۳۴۵:۲	مر تیه سازم ۷۸۸:۶
مدح شه ۱۱۶۵:۴	مر تور آن می‌رسد ۳۹۰۸:۱	مر تج پندارند ۴۰۸۴:۶
مدح‌ها جز ۲۱۲۶:۳	مر تور آن نام ۲۳۱۹:۴	مر جع این ۲۳۱۴:۴
مدح‌ها شد ۲۱۲۳:۳	مر تور اکنون ۷۹۳:۴	مر جع تو هم ۲۳۱۴:۴
مَدْخَل أعواض ۲۱۰۵:۳	مر تور، ای شیخ ۹۴۶:۴	مر جَعَل ۲۱۱۶:۲
مدرسه و تعلیق ۳۷۳۶:۶	مر تور ای هم ۲۱۲:۴	مر جفاهای ۳۴۷:۳
مِذْرَکَش دو ۱۸۵۴:۵	مر تور ابادا ۸۴۴:۴	مر جمادی ۵۱۳:۱
مُدْرِکِ صدق ۱۰۲۱:۶	مر تور بالا کشان ۱۲۷۵:۲	مر جهان ۲۲۲۱:۱
مدعی دیده‌ست ۲۸۷۱:۶	مر تور تا برخوردی ۳۴۱۱:۳	مر حَب آن از ۳۴۴۱:۶
مَدْعی را ۲۲۸۶:۱	مر تور تا صاف ۳۷۵:۵	مر حَبای ۹۸۰:۶
مدعی گاو نفس آمد ۲۵۵۲:۳	مر تور چون فایده‌ست	مر حبا یا ۹۹:۱
مدعی گاو، نفس توس	۱۰۷۲:۲	مر حسودت ۱۱۲۷:۲
۲۵۰۵:۳	مر تور چون نسل ۳۲۷۲:۶	مر حسود و دیو ۱۰۸۷:۲
مدعی گفت ۲۳۷۷:۳	مر تور چیزی ۳۴۸۸:۴	مر خبت را ۱۶۰۲:۴
مَدْعی هستم ۴۰۶۶:۶	مر تور خاصیت ۲۸۳۶:۶	مر خبیثان را ۲۸۲:۴
مذهب ایشان ۳۲۱۵:۵	مر تور دشنام ۲۵۸۵:۲	مر خدا را پیش ۱۰۹۱:۶
مذهبی‌ام بخش ۲۱۳:۶	مر تور دیدم ۳۹۸۶:۱	مر خدا را خویشی ۱۳۱۷:۳
مَرْء مَخْفِئ ۱۲۷۰:۱	مر تور رام ۳۹۹۰:۶	مر خران را ۱۰۰۴:۶
مر ابوبکر ۷۴۸:۶	مر تور ره نیست ۲۷۰۰:۲	مر خروسان ۸۵۷:۴

مرد خری را ۵:۲۳۳۳*	مرد خفته روح ۶:۳۳۰۸	مرد قربان ۶:۵۹۸
مر خلیفه ۵:۳۸۳۱	مرد، خود زر ۲:۱۸۳۳	مرد کارنده ۵:۱۰۲۰
مر خلیلی ۶:۸۸۴*	مرد در جَست ۳:۱۴۸۷*	مرد کاندَر ۴:۱۶۲۱
مر خیالش را ۵:۳۹۱۵*	مردِ درویشم ۶:۱۷۶۴*	مردِ کشتی بان ۱:۱۰۸۴*
مر خیالِ محض ۱:۳۴۰۸*	مرد دق ۴:۱۸۰	مرد کم گوینده ۵:۱۱۷۷
مردِ آخِرین ۱:۸۱۹*	مرد دنیا ۳:۲۶۳۲	مردگان از گورِ ۴:۸۴۰*
مرد آمد ۵:۳۴۱۲*	مرد را از ۳:۱۰۳۷	مردگان باغ ۴:۲۰۴۲
مرد آن باشد ۵:۳۳۴۴*	مرد را با ۵:۴۰۶۳	مردگان را این جهان ۳:۳۵۳۹
مرد آهنگر ۲:۳۳۷۵	مرد را بر بود ۳:۲۲۰۲*	مردگان را جان ۱:۱۹۱۶*
مردِ احمق ۴:۱۹۴۱*	مرد را بر عاقبت ۱:۱۲۴۵	مردگان را و از هانید ۴:۸۴۳*
مرد، آخوَل ۱:۳۳۲*	مرد را بر نقش ۲:۷۲۱*	مردگان کهنه ۵:۱۱۵۹
مرد افسونگر بخواند ۱:۲۳۳۳	مرد را خوش ۵:۹۳۶	مرد گفت آری ۱:۲۷۲۰
مرد افسونگر ز حرص ۱:۲۳۳۵	مرد را ذوق ۲:۳۱۵۰	مرد گفت اکنون ۱:۲۶۴۳
مُرد او بر ۶:۱۸۹۳	مرد را ز نور ۱:۳۲۴۹	مرد گفت ای ۱:۲۴۴۲
مرد اوسط ۶:۱۱۴۶	مرد را زن ساخت ۴:۱۸۶*	مرد گفتش ای ۱:۱۴۴۶
مرد، اوّل ۴:۱۸۷۶	مرد را صد ۳:۴۲۴۹	مرد گفتش گوشت ۵:۳۴۱۳
مرد او و، بُرد ۵:۱۳۸۹*	مرد را گویی ۲:۱۷۴۳*	مرد گلخن ۳:۲۶۶۴
مرد ایقان ۵:۲۶۵۷	مرد رومی ۲:۳۳۷۶	مردل ترسند ۱:۱۴۳۰*
مرد بازرگان ۱:۱۵۸۶	مرد، ز آن گفتن ۱:۲۴۳۸	مردلم را ۲:۳۵۵۱
مرد باش و سخره ۱:۴۹۴	مردِ زاهد را ۳:۱۷۰۳*	مُردم از حیوانی ۳:۳۹۰۲
مرد، بالغ ۶:۷۴۰	مردِ زاهد گشت ۵:۳۵۰۳*	مردم از مسجد ۲:۲۷۷۱*
مرد با نامحرمان ۱:۱۲۰۵*	مرد زاهد می شنید ۵:۳۵۰۴	مردم از نطقه ست ۵:۳۹۸۰*
مرد برجست ۵:۲۱۹۸*	مرد زرگر ۱:۱۸۴	مرد مال ۱:۱۹۰
مرد بُرنا زان ۴:۲۰۹۶	مرد زندان را ۲:۶۱۹	مردمان اند ۵:۲۸۹۱*
مردِ بقال ۱:۲۵۳*	مردِ زندانیِ دیگر ۶:۳۴۰۳*	مردم اندر ۳:۲۰۹۸*
مرد بینا ۳:۱۷۴۰	مردِ زندانی ز فکرِ ۳:۳۵۴۲*	مردمان را ۵:۱۱۳۳
مرد پنداری ۱:۹۴۴*	مرد، زن را ۵:۳۶۴۹	مرد محسن ۴:۱۲۰۴
مردِ تو گردد ۵:۹۵۰*	مرد سازی ۳:۴۳۳۲*	مردم ده ۳:۲۶۰۶
مرد جانِ ۳:۴۳۵۱*	مرد سفلی ۱:۲۳۸۸	مردم دیده بُود ۳:۳۵۲۳*
مرد، چابک ۱:۱۴۴۴*	مردِ شاعر ۴:۱۲۱۳*	مردم دیده سیاه ۳:۳۵۲۲*
مرد حجّی ۱:۲۸۹۴	مردِ شهنوائی ۵:۲۲۳۳*	مردمش چون ۱:۱۰۰۴
مرد حق باشد ۱:۲۳۴۵	مرد غرقه گشته جانی ۱:۱۸۱۷	مردمِ شِخته ۳:۱۶۷۹*
مرد حق را چون ۳:۴۳۶۹	مردِ غرقه گشته چون	مرد مضطر بود ۵:۳۴۱۰*
مردِ حق را در ۴:۳۷۸*	۳:۴۳۲۲*	مردم نادیده ۳:۳۵۲۳
مرد خفته، در ۴:۱۸۴۵	مرد قانع ۱:۲۳۱۴	مردم نفس ۱:۹۰۶

مردم و دیو ۴: ۲۵۱۲*	مردہ پیش ۵: ۲۳۵۰	مر زبان را داد ۳: ۴۱۳۳
مرد مهمان را ۵: ۳۶۶۳	مردہ خود را ۲: ۱۵۱	مر، زبان را مشتری ۱: ۱۴*
مرد مهمان صبر ۳: ۱۸۵۵	مردہ در دنیا ۵: ۳۸۲۶*	مر زنان را ۳: ۹۴۲
مردم هنگامه ۳: ۱۰۳۵	مردہ را چون ۵: ۳۵۹۰*	مر زنی را ۶: ۴۵۵۵*
مرد می جو ۲: ۲۲۲۴*	مردہ را خانه ۳: ۳۵۳۷*	مر سپہ را ۶: ۳۸۹۷
مرد میرائی چو ۶: ۴۲۳۸	مردہ را خواهی ۶: ۷۴۲*	مر سرت را ۲: ۳۷۰
مرد میرائی چه ۲: ۳۷۲	مردہ را در خور ۴: ۱۶۵۵*	مر سرِ خر ۱: ۳۶۰۳*
مردن تن ۳: ۳۳۶۵	مردہ را زیشان ۱: ۱۹۳۰*	مر سفہان ۳: ۴۳۱۰
مرد نحوی ۱: ۲۸۴۶	مردہ را زین ۲: ۱۲۰۰*	مر سگان را باشد ۳: ۳۳۲۰*
مردن عشاق ۳: ۳۸۳۴*	مردہ زنده ۴: ۱۰۶۵	مر سگان را چون ۳: ۳۲۱
مرد نیکی ۶: ۴۳۱۲*	مردہ زین سواند ۳: ۱۰۱۲	مر سگان را عید ۳: ۳۳۱۳
مرد وار آن ۵: ۹۴۹*	مردہ شد، دین ۶: ۴۸۲۸*	مر سگی را ۳: ۲۸۷
مرد وار اللہ ۳: ۱۰۶۱*	مردہ شو تا ۵: ۵۵۱	مر سلیمان را ۶: ۲۶۶۰*
مرد و زن از ۶: ۳۱۱۷*	مردہ شو چون من ۱: ۱۸۳۲*	مر سؤال ۲: ۳۵۲۷
مرد و زن بر ۳: ۲۳۸۳	مردہ صد سالہ ۵: ۲۲۸۴	مر سیہ رویان ۲: ۲۹۰۵
مرد و زن چون ۱: ۱۷۸۶	مردہ عقلی ۴: ۱۴۹۰*	مرشد تو ۱: ۳۲۴۵*
مرد و زن خُرد ۳: ۴۷۱۴*	مردہ کشتن ۳: ۴۵۳۶*	مر شکسته ۱: ۳۸۸۴*
مرد و زن درهم ۳: ۴۷۱۵*	مردہ گردد ۴: ۱۵۱۱	مر شما را ای ۱: ۳۰۳۲*
مردہ آن ۴: ۲۱۹۸	مردہ گردم ۴: ۲۲۷۱	مر شما را بسته ۳: ۴۵۳۸*
مردہ از جان ۴: ۲۰۳۳*	مردہ گشت ۱: ۱۵۳۶*	مر شما را بس نیآمد ۱: ۳۰۳۳
مردہ از زیر ۶: ۳۸۳۴	مردہ گیرد ۵: ۲۳۴۹*	مر شما را بود ۱: ۳۰۳۶*
مردہ از یک ۶: ۱۵۳۸	مردہ نان‌اند ۵: ۲۸۸۶*	مر شما را بیش ۱: ۳۳۵۲*
مردہ است از ۳: ۳۳۶۴	مردہ نی ۴: ۲۲۰۰*	مر شما را دادم ۵: ۱۹۸۸
مردہ اش خوان ۶: ۴۸۷*	مردہ و، پیش ۶: ۸۶۰*	مر شما را سرکہ ۵: ۳۲۸۹
مردہ اند ایشان ۳: ۴۵۳۶	مردہ و جانش ۶: ۷۴۳*	مر شما را عاریہ ۴: ۲۷۸۵*
مردہ انم را ۴: ۱۹۱۲*	مُردہ یی باشم ۵: ۴۰۲۸	مر شما را نیز ۶: ۸۳۱
مردہ اوید ۶: ۱۸۳۵*	مردہ یی را ۶: ۷۴۷*	مر شما را وقت ۳: ۴۵۴۳
مردہ ای از گور ۱: ۱۸۷۱*	مردی آن ۵: ۳۹۶۵*	مر شهیدان را ۱: ۳۸۷۱*
مردہ این عالم ۱: ۴۲۳*	مردی او مانده ۵: ۳۸۸۹*	مر صبا را ۴: ۱۳۴*
مردہ باشد، ۳: ۱۹۳۷*	مردی او همچنان ۵: ۳۸۸۸*	مر صُور را ۶: ۳۷۴۳*
مردہ باید ۱: ۹۱۱	مردی این مردی ۵: ۳۷۱۱	مر، ضعیفان ۱: ۱۳۱۳
مردہ بود، افسون ۴: ۲۹۳*	مردی خر کم ۵: ۴۰۳۱*	مر ضعیفی ۱: ۱۰۰۸*
مردہ بودم، جان ۲: ۱۸۹۷*	مردی خود را ۵: ۲۲۲۹*	مر عدم را بر عدم ۵: ۱۲۰۶*
مردہ بود و زنده ۳: ۱۰۴۳	مردی مردان ۲: ۲۷۱۲	مر عدم را خود چه ۶: ۵۶۵
مردہ بیگانه ۲: ۱۵۱*	مر رسن را ۳: ۴۲۱۱	مر عدم را، کآنچه ۱: ۱۸۹۴*

مرغ عدم را نیز ۱:۳۶۸۴*	مرغ جانش در ۱:۳۹	مرغ فتنه ۴:۶۲۰
مرغ عرب را ۱:۲۲۶۰	مرغ جانش، موش ۳:۳۹۷۷	مرغ، کآب ۱:۲۷۲۴
مرغ عزیزان ۲:۲۲۱۹*	مرغ جان‌ها را چنان ۲:۳۷۱۰	مرغک آمد ۶:۴۳۸
مرغ عس را ۴:۵۳	مرغ جان‌ها را در این ۲:۳۷۰۶	مرغکان بینند ۶:۴۰۸۴
مرغ عصا را ۵:۳۹۳۴	مرغ جبری ۴:۸۵۳	مرغکان در ۳:۵۸۴
مرغ علی را ۳:۱۹۴۱	مرغ جذبه ۶:۱۴۸۰	مرغ کان موی ۶:۱۱۴۸
مرغ عمر را دید و در ۱:۱۴۱۵*	مرغ جنت ساختش ۳:۳۴۵۸*	مرغک لاغر ۲:۱۱۵۱*
مرغ عمر را دید و ماند ۱:۲۱۷۶	مرغ جنت شد ۱:۸۶۶*	مرغ، کو اندر ۱:۱۵۴۱
مرغ عمر را قصر ۱:۱۳۹۲*	مرغ چون بر ۵:۲۴۴۸	مرغ، کوبی این ۲:۳۷۶۲
مرغ آبی در وی ۶:۱۳۰۹*	مرغ، حیران ۱:۲۸۰۹*	مرغ کو ناخورده ۵:۵۹۸
مرغ آبی غرق دریای ۱:۲۰۹۶	مرغ خاکی بیند ۲:۲۳۹*	مرغکی اندر ۵:۷۱۹
مرغ ابله می‌کند ۳:۲۵۶۵*	مرغ خاکی، مرغ ۳:۳۴۸۸	مرغ کی ماند ۳:۳۵۰۹
مرغ از بادست ۴:۲۴۰۸	مرغ خانه است ۱:۲۷۵۵	مرغ گردونی ۶:۲۹۷۳*
مرغ اندر ۵:۱۴۱۱	مرغ خانه اشتری ۳:۴۶۶۸	مرغ گفتش: خواجه ۶:۴۷۸
مرغ او را گفت ۴:۲۲۴۵*	مرغ خانه بر ۵:۸۲۱	مرغ گفتش: نی ۴:۲۲۵۸
مرغ بایلی ۳:۲۵۲۱*	مرغ خویشی ۴:۸۰۷	مرغلامان را ۱:۳۵۹۴*
مرغ با پر ۶:۱۳۴	مرغ دولت ۶:۴۷۷۹	مرغلام خویش ۲:۱۴۸۶*
مرغ، بر بالا ۱:۴۱۷	مرغ را اندر ۳:۳۹۵۴	مرغ مرده پیش ۳:۲۳۲
مرغ بس در ۶:۵۳۲	مرغ را پرها ۶:۳۴۹۴*	مرغ مرده خشک ۳:۲۶۲۰
مرغ بی اندازه ۱:۱۴۴۷	مرغ را جولانگه ۴:۳۷۴۷	مرغ مردهش ۴:۱۰۵۷
مرغ بی وقتی ۱:۱۱۵۹	مرغ را گر ۱:۸۹۵	مرغ مرده مضطر ۴:۱۰۵۶
مرغ بی هنگام شد ۳:۱۲۱	مرغ را نگرفته ۲:۱۳۱۵*	مرغ مرگ‌اندیش ۳:۲۹۵۱*
مرغ بی هنگام، کی ۱:۹۴۳*	مرغ رُوح ۵:۸۴۲*	مرغ می‌بیند ۳:۳۹۵۲*
مرغ بی هنگام و راه ۶:۱۲۲۶	مرغ زان دانه ۴:۶۴۴	مرغ و ماهی داند ۳:۲۱۱۷
مرغ بی هنگامی‌ای ۳:۲۱۶۸	مرغزاری ۵:۲۴۳۱	مرغ و ماهی در ۳:۴۶۲۶
مرغ پراشکسته ۴:۸۵۳*	مرغ زیرک ۱:۵۳۱*	مرغ و ماهی مرورا ۳:۳۲۳۷
مرغ پر برکنده ۲:۱۹۱۷*	مرغزی و رازی ۶:۲۳۷۹	مرغ و ماهی و پری ۲:۳۳۳۴
مرغ پر نارسته ۱:۵۸۳	مرغش آپس ۳:۳۹۶۲*	مرغ‌ها زایند ۳:۳۵۱*
مرغ پرنده ۵:۸۲۰	مرغشان را ۴:۱۱۴۴	مرغ هر جزوی ۳:۴۴۳۱*
مرغ پری ۱:۳۴۱۳	مرغ صابر ۴:۸۵۴	مرغ هر عنصر ۳:۴۴۲۹*
مرغ پندارد که او ۶:۴۰۸۰*	مرغ صبر ۳:۱۸۴۷*	مرغی آمد ۶:۲۵۵۳*
مرغ پندارد که جنس ۳:۲۳۳	مرغ عزمش ۳:۴۹۷*	مرغ یک پر ۳:۱۵۱۱
مرغ تقلیدت ۲:۲۳۲۶*	مرغ عتقا را ۴:۸۵۴*	مرغفلک‌ها ۲:۳۲۴۹*
مرغ جانت ۱:۱۵۴۰*	مرغ غافل ۵:۱۴۱۲	مرغ قصابان ۶:۱۲۳۳*
مرغ جانشان ۴:۱۱۴۲*	مرغ غره ۲:۲۶۵۹*	مرکب استانید ۱:۱۵۸۸

مر مُخَنَّت را بُود ۲: ۳۱۵۰*	۲۲۷۲:۴	مَرْکَبِ اِسْتِيزَه ۱: ۸۷۰*
مر مُخَنَّت را نگیرم ۲: ۲۷۶۰*	مرگشان خفیه ۳: ۴۵۴۹*	مرکب اعناق ۶: ۳۲۹
مر مرا آموز ۲: ۱۴۳	مرگِ تبدیلی ۶: ۷۳۹*	مرکب توبه ۶: ۴۶۴
مر مرا از خانه ۳: ۱۵۸۲	مرگ تن هدیہ ست ۴: ۱۶۸۱	مرکب چوبین ۶: ۴۶۲۳
مر مرا از خود ۴: ۲۳۹۶*	مرگِ جو باشی ۴: ۲۵۳۳	مَرْکَبِ خود ۲: ۵۱۴*
مر مرا اصل ۳: ۳۷۷۸	مرگ، چوبی ۴: ۱۶۶۲*	مَرْکَبِش جز ۱: ۹۲۳*
مر مرا اغیار ۲: ۲۱۸۶	مرگ چون قاضی ۳: ۳۹۸۵*	مَرْکَبِ شکر ۳: ۲۶۷۰*
مر مرا اکنون ۱: ۱۸۴۶*	مرگِ حاضر ۵: ۷۷۰*	مَرْکَبِ ظن ۱: ۳۴۴۲*
مر مرا این صبر ۶: ۴۰۵۵*	مرگِ خود ۳: ۲۶۲۸*	مرکب عشقش ۵: ۳۸۶۵
مر مرا بخریده اند ۳: ۱۰۸۳	مرگدا را ۲: ۸۴۲*	مرکبوتر ۴: ۸۵۵*
مر مرا بر تخت ۶: ۱۳۹۹*	مرگ دان آن ۳: ۳۹۰۷	مَرْکَبِ هر سعد ۶: ۹۲۰*
مر مرا بنما ۴: ۳۷۵۶	مرگ، درد ۱: ۳۵۱۴*	مرکب همت ۲: ۳۷۸۶
مر مرا تا آن ۲: ۲۰۹۵*	مرگ را بر ۵: ۲۸۲۳*	مرکی دو ۶: ۲۵۱۴
مر مرا تقلیدشان ۲: ۵۶۳	مرگ را بگزین ۶: ۷۳۸*	مرکی را ۶: ۳۳۰*
مر مرا تو دوست تر ۵: ۲۰۲۱	مرگ را تو ۵: ۱۷۶۳	مَرْکَبِی سازیده اید ۱: ۳۴۴۴*
مر مرا تو هیچ ۲: ۱۴۸۹*	مرگ، شیرین ۳: ۳۹۵۱	مر کریمان ۳: ۲۹۹۴*
مر مرا جدّ و طلب ۲: ۳۰۰۶*	مرگ، کین جمله ۱: ۳۴۹۵	مرکز و مثنوی ۶: ۲۴۵۴*
مر مرا چه جای ۱: ۲۳۹۲	مرگ گردد ۳: ۲۶۸۶*	مرکلوخ ۳: ۳۱۲۰
مر مرا چه می بُری ۲: ۲۶۹۳*	مرگ مانند ۶: ۷۷۲*	مرکه را باشد ۵: ۳۰۳*
مر مرا خر مُرد ۳: ۱۳۳۱*	مرگِ من در بخت ۱: ۳۹۲۶*	مرکه رازهره ۱: ۳۸۸۹
مر مرا دختر ۶: ۴۱۴۹	مرگِ من شد ۱: ۳۹۴۴*	مرگ آشامان ۵: ۴۲۲۰
مر مرا در سر ۳: ۳۳۷۳*	مرگ می دیدم گه زادن ۱: ۷۹۱	مرگِ آن خو ۳: ۴۰۱۷*
مر مرا ز آن هم ۱: ۲۴۵۰*	مرگ می دیدم، وداع ۳: ۳۴۲۹*	مرگ، آن کاندلر ۱: ۱۲۹۳*
مر مرا زان نور ۱: ۳۴۶۳	مرگِ نادیده ۵: ۱۷۲۵*	مرگ اسب ۳: ۳۳۴۷
مر مرا زین ۲: ۳۱۹۵	مرگ و جَشک ۳: ۲۱۹۲	مرگِ اصغر ۵: ۱۷۸۸*
مر مرا سجده ۳: ۷۶۸*	مرگ و رنجوری ۳: ۴۴۲۸*	مرگ او آب ست ۳: ۳۹۰۹
مر مرا سوی ۴: ۶۸۰*	مرگ هر یک ۳: ۳۴۳۹	مرگِ او را ۴: ۱۵۹۷*
مر مرا شاگرد ۲: ۳۴۶۸*	مرگ همسایه ۶: ۴۴۲	مرگِ او گردد ۳: ۴۷۹۲*
مر مرا صد گز ۲: ۳۴۴۷*	مرگِ یاران ۱: ۳۱۱۴*	مرگ او و مرگ ۳: ۱۹۱۷
مَرْمَراکُشتی ۱: ۲۹۸۸*	مرگ یک قتل ۶: ۱۵۳۹	مرگ بد با صد ۵: ۱۳۹۰
مر مرا کن ۱: ۳۸۴۹*	مرلثیمان ۳: ۲۹۹۴	مرگ بی مرگی ۱: ۳۹۲۷
مر مرا گشته ۳: ۳۲۲۷*	مرلب هر ۳: ۱۵۲	مرگ بینی ۳: ۴۳۳۱
مر مرا گمراه ۶: ۴۱۰۱*	مر محبّان را ۲: ۱۴۵۲	مرگِ پیش از مرگ، اَمْنست از
مر مرا گوید ۱: ۲۲۵۹*	مر محک را ۴: ۱۷۸۳	۴: ۲۲۷۱*
مر مرا لطف ۳: ۲۳۶۶	مر محمّد را ۱: ۳۲۲*	مرگ پیش از مرگ اَمْنست ای

مست آن باشد ۳۶۱۵:۴	مَرْهَمَت بر خویش ۳۰۳۶:۲*	مر مرا محروم ۳۲۷۴:۳
مستِ آن ساقی ۲۵۷۱:۲*	مَرْهَمَش سازد ۲۷۵۲:۴*	مر مرا مگذار ۲۸۹۳:۲*
مست آنکه خوش ۳۴۲۳:۶	مر هوا را تو ۱۲۵۹:۴	مر مرا هست آن ۳۲۳۲:۱*
مست ادب بگذاشت ۲۱۵۵:۴	مر هوا را ساخت ۳۴۸۸:۲*	مر مرا هم ذوق ۵۶۲:۲*
مست از میخانه‌ای ۳۴۲۷:۱	مر یتیمی ۲۸۶۴:۶	مر مرا هم می‌نماید ۲۲۸۶:۳*
مستِ این صحرا ۲۰۹۲:۱*	مر یقین‌دان ۲۸۵۱:۴*	مر مروت ۵۸۹:۲
مست باشد ۲۳۴۸:۳*	مر یقین را باز ۳۰۰:۱*	مر مُریدان ۳۳۰۴:۲*
مست بود او ۳۶۱۴:۴*	مر یقین را چون ۳۹:۳	مر مسلمان ۱۳۶۴:۳*
مست بودند از ۸۰۱:۳	مر یکی را او ۲۹۸۰:۳*	مر مُغنی را ۲۹۱۲:۵
مست بودند و رهیده ۸۰۴:۳	مر یکی را پا ۶۷:۴	مر مگس را در ۲۲۶۲:۱*
مست، تُرکِ مدعی ۱۷۰۳:۶*	مر یکی را زهر ۶۷:۴*	مر مگس را نیست ۴۳۴۰:۳*
مستجاب آمد ۷۵۵:۳	مریما بنگر ۳۷۷۳:۳	مر ملایک را سوی ۳۷۷۵:۲
مستحاضه ۳۴۲۶:۲	مریمان بی‌شوی ۴۵۴۷:۶	مر ملایک را نمودی ۱۸۲۳:۲
مستحقّ شرح ۳۲۰۳:۳	مریم اندر ۳۶۰۸:۲	مر ملک را ۲۶۹۷:۴*
مُستحقّ لعنت ۵۲۵:۵*	مَرْءِ مَخْفِی ۱۲۷۰:۱*	مر منِ کمّ عقل ۲۳۲۷:۱*
مستِ حق، ناید ۶۸۸:۳*	مزد تبلیغ ۲۹۳۱:۳	مر نبی ۱۸۲۹:۴*
مست حق هشیار ۶۸۸:۳	مزد حق کو؟ ۳۷۵۷:۳	مروحه تصریف ۱۲۶:۴
مُستَحیلش جان ۱۴۷۵:۱*	مُزدَجیم می‌گردیم ۲۰۷۵:۲	مروحه تقدیر ۱۳۸:۴
مُستَحیل و جنس ۲۹۵۶:۶*	مُزد خود بستان ۲۰۰۴:۵	مروحه جنبان ۱۳۷:۴
مست را بین ۲۰۹۵:۴	مُزدِ رحمت ۱۶۵۱:۲*	مر ورا آزاد ۱۴۹۸:۲
مست را پروای ۳۱۰۹:۵*	مزدِ روزِ تو ۴۱۷:۶*	مر ورا از مال ۱۸۸:۴*
مست را چون ۶۳۸:۶	مزد مزدوران ۳۴۴۶:۳	مر ورا ای کور ۲۳۴۶:۲*
مُستَرَدِّجِله ۳۵۴۹:۶*	مزدِ ویران ۲۵۴۴:۴*	مر ورا با اختر ۷۵۱:۱*
مست شد ۷۰۸:۴*	مُزمنِ عقل ست ۲۰۵۷:۴*	مر، ورا بگذاشت ۱۳۰۷:۱*
مستِ صَبَاغیم ۳۹۵۴:۱*	مزدگانی دِه ۲۲۸۹:۵*	مر ورا بگشا ۴۸۵:۳*
مستعدّ آن صفا ۳۳۴۶:۴*	مزدگانی می‌دهم ۲۹۱۷:۲*	مر ورا بی‌کار ۳۰۷۱:۱*
مستِ عقل است ۲۳۸:۱*	مژده مژده، ای ۱۳۵۴:۱	مر ورا درد ۳۵۲۴:۵
مُستَغاث ۶۷۱:۶*	مژده مژده، کان ۱۳۵۵:۱	مر ورا فرمان ۳۰۰۴:۱*
مستفید ۳۰۱۲:۴	مژده مژده، نک ۲۹۲۷:۱*	مر ورا که صابر ۲۴۳:۴*
مست کرد ۱۱۹۵:۲*	مژده وَر باشم ۲۵۹۰:۴*	مر ورا گفتند ۸۵:۴
مست، گاهی ۲۶۲۹:۱*	مژده‌ها آمد ۲۲۸۷:۵*	مَر ورا نآزرد ۱۵۱:۳*
مست گردم ۲۵۱۹:۴*	مسئله دَوَرست ۳۸۵۰:۳*	مر ورا نه ۲۷۷۵:۴*
مست گشت او ۲۱۰۸:۴	مسئله کیس ۳۸۵۱:۳	مر ورا یاری‌گری ۱۱۵۲:۲*
مست گشتم ۲۰۱۶:۶	مس اگر ۳۳۴۴:۲	مر وزیری ۲۸۱۷:۲
مست گشت و شاد ۳۹۴۰:۶	مست آب ۱۰۷۹:۵	مر ولی را ۲۳۴۹:۲*

مستمردان ۶: ۳۹۳۰#	مستی و جُفت ۵: ۱۶۷۰#	مس خود را ۶: ۸۷۳
مستمَر و مستقرّ ۵: ۱۹۲۹#	مستی و حیرانی ۳: ۱۹۹۲#	مسخی از تو ۴: ۳۴۹۶
مُسْتَمِرّی می‌نماید ۱: ۱۱۴۵#	مستی و شوق ۳: ۳۴۶۲#	مَس را گویی ۳: ۲۹۱۱#
مستمع از ۳: ۳۰۳۹	مستی هستی ۵: ۱۹۲۱#	مسکل از پیغمبر ۴: ۵۴۲
مستمع او ۶: ۱۰۲۴	مستی انداخت ۴: ۳۳۰۲#	مِس کند زر ۲: ۱۶۴۹#
مستمع چون تازه ۱: ۲۳۸۰	مستی کا‌ید ۳: ۶۷۳	مسکن ما را ۶: ۹۶۱
مستمع چون تشنه ۱: ۲۳۷۹	مسجد اقصی بر آری ۴: ۳۹۰#	مِس کنون ۲: ۳۰۰۲#
مستمع چون یافت جاذب ۱۶۵۵:۶	مسجد اقصی بسازید ۴: ۱۱۴۶	مسکن یارست ۳: ۳۸۰۷
مستمع چون یافت همچون ۹۸۵:۶	مسجد اقصی مُخَلَّل ۴: ۱۳۸۱#	مسلکی دارند ۴: ۱۷۸۵
مستمع خفته ۴: ۱۰۹۴	مسجد اگر ۳: ۴۲۱۳	مُسلِمات ۵: ۳۴۹#
مُستمع خواهند ۳: ۳۶۰۵#	مسجد اندر ۴: ۴۸۳#	مُسلِمون ۲: ۳۷۱۱#
مستمع داند ۵: ۳۲۶۸	مسجد اهل ۲: ۳۰۲۰#	مسمع او ۵: ۱۸۵۴
مُستمع رافت ۲: ۱۹۶#	مسجد ایشان ۲: ۲۸۹۵#	مسندت من ۱: ۲۱۱۵
مُستمع شو ۵: ۴۱۵۹#	مسجد دین تو ۴: ۳۸۷#	مُسنَد جمله ۱: ۱۶۳۰#
مستمع گشتند ۲: ۲۰۷۰#	مسجد روزِ ضرورت ۲: ۲۸۳۳#	مِس و نقره ۱: ۲۴۴۶#
مست می‌گردد ۴: ۳۲۶۶#	مسجد روزِ گل ۲: ۲۸۳۳	مشت بر اعمی ۶: ۲۲۱۳
مست و بنگی ۳: ۶۷۲	مسجدست آن ۴: ۱۳۸۳	مشت برهم ۲: ۳۶۸۶
مست و بیخود این ۶: ۳۵۶۵	مسجد طاعاتشان ۳: ۲۹۸۴	مُشتِ خَاک اشکست ۳: ۳۶۶۱#
مست و بی‌خود زیر ۶: ۲۱۳۹#	مسجد واصحاب ۲: ۲۸۳۷	مُشتِ خاکی از ۵: ۱۵۵۷#
مست و بی‌خود نفس ۲۱۰۲:۵	مسجد و، سجده گُنان ۲: ۱۸۱۹#	مُشتِ خاکی در ۵: ۱۵۸۱#
مست و رقاّص ۶: ۴۵۴۵#	مسجد و ما ۳: ۴۰۸۰#	مُشتِ خاکی هین ۵: ۱۶۵۰#
مستهان و خوار ۱: ۷۳۵	مسجدی بُد ۳: ۳۹۲۲#	مُشتی با نقد ۶: ۱۰۹#
مست، هُو هُو ۲: ۲۳۹۲#	مسجدی بر جسر ۲: ۲۸۶۰	مُشتی بی حد ۲: ۳۲۶۷#
مستی آن مستی ۳: ۸۲۱#	مسجدی بر ره ۳: ۳۰۵۸	مشتی خواهی به هر ۵: ۱۱۱۷
مستی‌ات، آرد ۴: ۲۶۹۵#	مسجدی جُز ۲: ۲۸۲۸#	مشتی خواهی که ۶: ۸۷۹
مستی از سغراق ۳: ۲۹۴۲#	مسجدی سازیم ۲: ۲۸۲۷#	مشتی را او ۵: ۴۲۳۲#
مستی از وی ۵: ۱۴۹۶#	مسجدی کآن ۲: ۳۱۱۱	مشتی را باد ۵: ۱۴۶۲#
مستی‌اش نبود ۴: ۲۶۹۲#	مسخره ابلیس ۴: ۳۳۸۴	مشتی را صابران ۵: ۱۴۷۰
مستی ایشان ۵: ۴۱۹۹	مسخره او ۶: ۲۵۱۰#	مشتی را منتظر ۴: ۶۳۶#
مستی‌ای دارد ۲: ۴۸۷	مسخ ظاهر ۵: ۲۵۹۸	مشتی شو تا بجنبد ۶: ۸۴۲
مستی دل ۶: ۱۲۹۸	مسخ کرد او ۱: ۵۳۵#	مشتی شو، قبض ۶: ۹۹۰#
مستی شهوت ۳: ۸۱۹#	مسخ گردی ۴: ۳۳۴۹#	مشتی علم ۲: ۳۲۶۶
		مشتی کو ۵: ۱۴۶۱
		مشتی گر ۶: ۸۴۳

- مُشتری، مات ۱۵۴۹:۲ *
 مشتری ماست ۱۴۶۳:۵
 مشتری من ۲۴۳۸:۲
 مشتری نبود ۲۷۰۳:۲
 مشتری هر مکان ۲۳۸۸:۱ *
 مشتری جو ۱۴۶۴:۵
 مُشْتَعِل گشته ۲۶۱۴:۶ *
 مشعل ماندند ۳۸۴۴:۶
 مُشت، مشت ۳۶۶۲:۳
 مشت و چوبش ۴۲۵۵:۶ *
 مشرف و اهل ۳۱۵۲:۱
 مشرق او غیر ۴۳:۲ *
 مشرق او، نسبت ۱۱۰۸:۲
 مشرق این ۳۰۵۶:۴
 مشرقت کردم ۲۱۵۷:۲
 مشرق خورشید ۱۱۰۷:۲
 مشرق و مغرب چو ۲۷۴۱:۴
 مشرق و مغرب که ۲۷۴۲:۴
 مشرقی و مغربی ۲۰۱۸:۴
 مشرکان را ۲۹۶:۴
 مشعله بر ۱۸۶۸:۵
 مشعله دین ست ۲۳۶۳:۴ *
 مشفقان گردند ۳۷۱۱:۲
 مشفقی بر ۱۹۳۲:۳
 مشفقی گر ۲۶۴۵:۵
 مشفقی، مسکین ۳۴۴۰:۵
 مُشک آلوده ست ۲۴۷۱:۵
 مُشکِ او روپوش ۳۱۶۵:۳ *
 مُشک با سقا ۳۳۳۹:۶
 مُشک چون عرضه ۹۲۴:۵ *
 مُشک چه بُود؟ ۲۶۷:۲ *
 مُشک خود روپوش ۳۱۵۰:۳
 مُشک را بر ۲۶۷:۲
 مُشک را بیهوده ۲۳۸۵:۱
 مشکلات هر ۴۶۲۸:۳
- مشکلاتی دارم ۲۰۶۵:۳ *
 مشکل از تو حَل ۹۷:۱ *
 مشکل ما ۳۸۰۰:۲
 مُشک و عَنبر ۹۰۶:۵ *
 مُشک هاشان ۱۵۹۲:۵ *
 مُشک های آب ۳۷۱۰:۱
 مشنو آن را ای ۳۰۶۳:۴ *
 مشنو آن را، کَانَ ۴۱۹:۳ *
 مشنو از خصمی ۴۶۴۷:۳ *
 مشنو این دفع ۲۵۶۴:۶
 مَشْنُوش چون ۲۲۶۶:۲ *
 مَشْنُوش گر ۱۱۴۷:۲ *
 مشورت آرم ۲۳۳۸:۲ *
 مشورت، ادراک ۱۰۴۳:۱
 مشورت با نفس خود ۲۲۷۳:۲
 مشورت با نفس خویش ۲۲۷۵:۲
 مشورت با یار ۱۹۸۱:۴ *
 مشورت جوینده ۲۳۸۴:۲
 مشورت دارند ۱۰۵۱:۱
 مشورت در ۲۲۶۸:۲
 مشورت را ۲۲۰۹:۴
 مَشُورَت کَالْمُسْتَشَارِ ۱۰۴۴:۱ *
 مشورت کردند ۱۵۲۳:۳
 مشورت کردی پیمبر ۱۰۵۲:۱
 مشورت کردی، که ۱۲۴۲:۴ *
 مشورت کن با گروه ۲۶۱۱:۶
 مشورت کن با یکی ۳۸۶۷:۵ *
 مشورت کو؟ ۳۸۶۸:۵
 مشورت می رفت ۱۷۱:۲
 مشورت می کرد ۱۹۶۹:۴
 مُصَحَف اندر دست ۲۸۷۷:۲ *
 مصحف و سالوس ۲۵۵۵:۳
 مُصَحَفی در خانه ۱۸۳۵:۳ *
 مصحفی در کف چو ۴۰۹۱:۶
- مصر بودیم ۲۵۰۲:۲ *
 مصریان را ۸۵۹:۳
 مصطفایی ۵۹۳:۳
 مصطفی آمد عیادت ۲۱۴۲:۲
 مصطفی آمد که ۱۹۷۲:۱
 مصطفی اش در کنار خود کشید ۱۳۲:۵ *
 مصطفی اش در کنار خود کشید ۱۰۶۳:۶
 مصطفی بردش ۷۶:۵
 مصطفی بشنید ۳۲۳۸:۳ *
 مصطفی بهر ۱۱۵۵:۶
 مصطفی بی خویش ۱۹۸۹:۱
 مصطفی بین ۳۹۷۹:۶
 مصطفی، پیدا ۳۱۳۲:۳ *
 مصطفی چون برد ۱۶۲:۳
 مُصْطَفی چون دُرِّ ۲۶۱۳:۲ *
 مصطفی دست ۳۱۷۲:۳
 مصطفی را بر زمین ۹۲۶:۴
 مصطفی را بر مکان ۹۳۰:۴ *
 مصطفی را چون ۹۱۶:۴
 مصطفی را رأی زن ۲۶۵۴:۴
 مصطفی را کرده ۲۸۳۲:۴ *
 مصطفی را وحی ۱۱۵۰:۶ *
 مصطفی را وعده ۱۱۹۷:۳
 مصطفی را هجر ۳۵۳۵:۵
 مصطفی روزی ۲۰۱۲:۱
 مصطفی زادی ۱۹۶۶:۱ *
 مصطفی زین قصه ۹۸۴:۶
 مصطفی زین گفت: اصحابی ۲۶۴۳:۶ *
 مصطفی زین گفت کآدم ۵۲۵:۴
 مصطفی زین گفت کای ۷۴۲:۶
 مصطفی ساکن ۳۵۳۷:۵
 مصطفی صبح ۹۷:۵

معجزه بحر ۶: ۱۳۰۹	مطربان خواهی ۳: ۴۲۷۳	مصطفی فرمود از ۲: ۱۲۴۸
معجزه بخش ۱: ۵۱۶*	مُطْرِبان را تُرکِ ۶: ۶۶۴*	مصطفی فرمود خود ۶: ۳۲۸۸
معجزه بنمود ۶: ۵۱۸*	مطربانشان از درون ۳: ۹۸	مصطفی فرمود: دنیا ۱: ۱۱۴۲*
معجزه بیند ۲: ۳۵۰۱	مُطْرِبانشان سویی ۶: ۶۶۰*	مصطفی فرمود کای ۱: ۳۲۳۵
معجزه پیغمبری ۵: ۷۰۷	مطرب ایشان را ۶: ۶۴۵	مصطفی فرمود: گر ۲: ۱۹۱۱
معجزه داود ۳: ۲۴۹۲*	مطرب جان ۶: ۶۴۴	مصطفی کرد ۶: ۳۹۷۵
معجزه کآن ۶: ۱۳۰۳	مطرب عشق ۳: ۴۷۲۲	مصطفی که اَلْوَلَد ۴: ۳۱۱۶*
معجزه گر ۵: ۲۴۴۴	مطرب و قوال ۳: ۴۲۷۴	مصطفی کی خواستی
معجزه موسی ۱: ۲۱۴۱	مطربی کز ۱: ۲۰۷۲	۴: ۳۵۶۷*
معجزه می داد ۶: ۴۳۵۱*	مَطْرَحَه ۲: ۳۰۱۷*	مصطفی گفتش که اکنون ۶: ۹۸۶
معجزه و برهان ۶: ۴۳۴۸*	مَطْلَع بر ۲: ۱۷۳	مصطفی گفتش که ای ۶: ۹۸۹
معجزه همچون ۶: ۴۳۵۰	مطلع تاریخ ۲: ۷	مصطفی گویان ۱: ۱۹۸۶*
مَعْدِلَت رانو ۱: ۳۰۴۲*	مطلع شمس ۲: ۴۵	مُصْطَفی گوید ۵: ۳۶۳۱*
معدن دنبه ۳: ۵۶۱	مَطْلَع گردند ۴: ۱۷۷۸*	مصطفی مه ۲: ۴۲۰
معدن رحم ۵: ۱۵۸۹	مَطْلَع گشتند ۳: ۱۷۱۰*	مصطفی می دید ۵: ۱۰۳
معدن شرم ۵: ۱۵۷۵	مطلق آن ۱: ۱۹۳۶	مصطفی می گفت ۴: ۳۷۵۵
معدن گرمی است ۶: ۴۶۰۷	مطمعانش ۶: ۱۶۷۸	مُصْلِحِ امراضِ ۴: ۲۴۲۹*
معدن لعل ۲: ۲۰۷۸	مظهرِ بخشایشِ ۱: ۲۲۴۷*	مصلحت آن بُد ۶: ۴۳۹۷*
معدنی ۲: ۲۰۷۷*	مظهرِ عَزَّست ۶: ۲۰۷۶	مصلحت آن ست ۳: ۳۷۳۰
مَعْدَةُ آدم ۴: ۱۶۳۹*	مظهرِ فرهنگِ ۱: ۳۲۰۵*	مصلحت در دینِ عیسی
معددهاش نمره زنان ۱: ۱۳۸۰*	مظهرِ لطف ۳: ۷۷۰	۶: ۴۹۴*
معددهاش نفرین ۳: ۷۴۸*	معبد مرد کریم ۳: ۲۹۹۳	مصلحت در دین ما ۶: ۴۹۴
معدۀ تن ۵: ۲۴۷۷	مَعْبِدِ مردِ لثیم ۳: ۲۹۹۳*	مُصْلِحِی تو، ۲: ۶۹۳*
معدۀ چون ۵: ۲۸۶*	مَعْبِرِ صدرِ ۶: ۳۸۳۱*	مضطرب در ۵: ۹۰۹
معدۀ حلوایی ۵: ۲۱۳۰	معتدل ارکان ۲: ۱۲۱۹*	مضطرب شد ۳: ۲۷۵۰*
معدۀ حیوانش ۵: ۷۲۴*	مُعْتَقَانِ ۶: ۲۳۱۵*	مضطرب گردد ۳: ۲۷۴۷*
معدۀ حیوان همیشه ۳: ۲۵۲۸*	مُعْتَمَد ۳: ۳۸۷۷*	مضطرب می گشتم ۲: ۲۴۶۶
معدۀ خر ۴: ۱۶۳۹	معجبی، یا ۱: ۱۰۰۷	مُضْمَرِ این ۶: ۳۱۳۷*
معدۀ دل ۵: ۲۴۷۷*	معجزات از بهر ۶: ۱۱۷۷	مطبخی ده ۴: ۱۷۲۱
معدۀ را بگذار ۵: ۲۵۱۴	معجزات از همدگر ۴: ۱۶۵۲*	مَطْبَخِی که دیده یی ۵: ۱۹۶۵*
معدۀ را خو ۵: ۲۴۷۵	معجزات اینجا ۶: ۳۴۵۰	مطرب آغازید بیتی ۶: ۶۶۵
معدۀ صفرایی ۵: ۲۱۳۰*	معجزاتِ خویش ۳: ۲۵۱۷*	مطرب آغازید پیش ۶: ۷۰۳
معدۀ طبلی خوار ۵: ۸۰	معجزاتش ۳: ۱۴۶۹	مُطْرِبِ آغازید یک ۲: ۵۳۵*
معدۀ نان را ۶: ۲۹۰۱	معجزاتی ۶: ۱۳۰۰	مطرب آن خانقه ۵: ۲۵۱۷
معرفت، آن ۶: ۲۰۹۱*	مُعْجَزِ نو ۲: ۳۵۸۹*	مُطْرِبِ است او ۶: ۸۵۷*

معرفت را زود ۲۶۹۱:۳	معنی را ۱۵۱۷:۱	مغز هر میوه ۳۴۱۷:۳
معرفت مَتراش ۲۳۹۵:۲	مفتدی ۱۳۳۹:۳	مغفرت می خواهد ۳۲۸۲:۵
معرفت محصول ۲۰۹۰:۶	مُتَمِّم دارد ۱۲۱۵:۲	مِفْقَری، گَلّی ش ۱۹۸:۵
معرفت های ۲۶۵۸:۲	مغرب این ۳۰۵۶:۴	مفترق شد ۱۸۶:۲
معشرالجن ۱۹۲۴:۱	مغربی را ۶۰۶:۴	مُفْتَرِق هرگز ۱۸۹:۲
معصیت، طاعت ۳۸۳۵:۱	مغز، آن ۳۲۵۰:۲	مُفْلِس است او ۶۵۶:۲
معصیت کردی ۳۸۳۰:۱	مغز او خشک ست ۳۵۱۹:۵	مفلس است این ۶۶۴:۲
معصیت ورزیده ام ۲۰۸۴:۱	مغز او خود ۱۰۳۸:۴	مفلس است و ۶۷۷:۲
معنی آتش ۴۳۹۹:۶	مغز این مسکین ۲۰۲۱:۳	مفلسان گر ۸۹۷:۱
معنی آن باشد ۷۲۰:۲	مغز باید ۳۳۹۶:۲	مُفْلِس این ۴۵۶۳:۶
معنی آن نبود ۷۲۱:۲	مغز بیرون ۳۹۲۷:۶	مفلسی ابلیس ۶۵۴:۲
معنی است آن ۱۶۰:۶	مغز بین ۳۱۸۷:۶	مُفْلِسی بر ۱۰۶۴:۶
معنی اش پنهان ۸۳۶:۴	مغز، تازه شد ۲۲۶۱:۲	مُفْلِسی، قلبی ۶۶۵:۲
مَعْنِی الصَّبْرُ ۹۶:۱	مغز جَوّزی ۴۶۰:۲	مُقْبِلان ۷۶۰:۱
معنی الله ۱۱۶۹:۴	مغز جوی، از پوست ۲۵۲۹:۳	مُتَقَدِّی ۹۰۴:۶
معنی اندر شعر ۱۵۲۸:۱	مغز، جویان ۲۹۰۲:۶	مقتضای ۲۳۶۳:۳
معنی اندر معنی ۴۷۴۶:۶	مغز چون ۱۳۸۸:۳	مقدم موسی ۸۴۲:۳
معنی اندر وی ۳۶۲۲:۲	مغز حیوانات ۳۸۸:۳	مُقرِیا، بر خوان ۱۹۲۰:۲
معنی انسان ۱۹۳۶:۵	مغز خر خوردیم ۲۷۳۵:۳	مقریان را ۴۸۲۴:۶
معنی او ۳۱۱۵:۴	مغز خود از ۳۲۸۴:۴	مقری می خواند ۱۶۳۳:۲
معنی این ۱۷۹۰:۳	مغز را بدگوی ۳۷۴۴:۱	مقصد او جز ۵:۶
معنی تکبیر ۲۱۴۳:۳	مغز را پس ۳۹۳۱:۶	مقصد ما را ۵۰۰:۳
معنیت مَلّاح ۵۳۰:۳	مغز را خالی کن ۵۵۰:۴	مَقْصِد خود ۵۷۰:۳
معنی تو ۷۱۹:۲	مغز علم افزود ۱۳۸۹:۳	مَقْصِدِ صِدق او ۳۸۱۹:۵
معنی جَفّ ۳۱۵۱:۵	مغز کو از ۳۵۷۵:۳	مقصد صدق و ۱۷۷۰:۵
معنی رَفَعَتْ ۵۸۹:۱	مغز مردی ۴۰۲۹:۵	مقصد صدقی که ۱۷۶۹:۴
معنی سُبْحان ۱۸۰۱:۲	مغز، نگران ۲۵۲۹:۳	مقصد صدقی نه ۱۷۶۹:۵
مَعْنِیش را ۶۵۳:۶	مغز نغز و قشرها ۳۹۳۱:۶	مِقْتَنه و حَلّه ۳۰۴:۶
معنی قرآن ۳۱۲۸:۵	مغز نغزی ۳۴۱۸:۳	مُكْتَبَس ۲۲۷۴:۶
معنی قُرْه ۲۴۰:۱:۳	مغز نمرود ۲۶۶۴:۲	مکر آن باشد ۹۸۱:۱
معنی مردن ۱۹۰۹:۱	مغز نیکو ۱۰۹۸:۱	مکر آن فارس ۳۸۳:۳
معنی معشوق ۴۴۰۰:۶	مغز و بینی ۲۹۰۳:۶	مکر آن فرعون ۴۳۵۲:۶
معنی نختم ۱۶۳:۶	مغز و روغن ۲۱۴۴:۵	مکر اندر آدمی ۲۴۷۳:۶
معنی نور علی نور ۱۲۹۳:۲	مغزها می بیند ۱۴۸۱:۶	مکر او سرزیر ۳۰۸۳:۲
معنی و مغز ۱۹۳۴:۵	مغزها نسبت ۹۳۵:۲	مکر حق را ۴۹۵:۵

ملک ملک اوست فرمان	ملت عشق ۱۷۷۰:۲	مکر حق سرچشمه ۳۵۱۶:۶
۲۹۳۹:۵	ملتیس بودند ۳۶۶:۱	مکر خود ۲۷۸۰:۲
مُلک، ملکِ اوست، مُلک	مُلجِدان، جایز ۱۸۸۷:۲	مکر دیگر ۵۴۹:۱
۳۱۳۸:۱	مُلکِ آن سَجده ۶۶۶:۴	مکر زن بر ۴۴۷۳:۶
مُلکِ نَرودی ۳۴۷:۲	مُلکِ اِکمالِ ۳۹۱۱:۱	مکر زن پایان ۴۴۷۵:۶
مِلک وارث ۲۴۷۷:۳	مُلکِ با پهنای ۲۵۵۸:۵	مکرشان گر ۳۵۹۷:۳
مُلک و شاهی ۲۷۷۱:۶	مُلکِ بخش آمد ۴۴۳۳:۶	مکرِ شاهی ۹۶۴:۳
ملک و مال ۲۴۳:۶	ملک بر بسته ۲۷۹۸:۴	مکرِ شیطان باشد ۲۱۶۶:۲
ملک هفت اقلیم ۳۲۱۵:۲	مُلک بُرد ۱۲۶۵:۴	مکر شیطان ست ۲۵۷۰:۵
مُلهم ما ۲۷۰۴:۳	مُلکِ بر رُسته ۲۷۹۸:۴	مکر شیطان هم در او ۸۰۹:۱
معتلی و خواناک ۱۸۹۱:۲	ملک برهم ۷۲۶:۴	مکرِ عقلِ تو ۲۳۳۰:۱
ممکن اندای ۲۰۷۷:۵	مُلکتِ او بی حد ۲۵۱۳:۴	مکر کُن تا فرد ۴۷۰:۵
مملکت برهم ۳۰۷۹:۴	ملکت او را فروگیرد ۲۹۳۲:۵	مکر کن تا کمترین ۴۷۱:۵
مملکت کآن ۳۹۲۷:۵	مُلکتِ تعبیر ۳۱۰۳:۶	مکر کن تا وارهی ۴۷۰:۵
مملکت‌ها ۹۲۴:۳	ملکت حسنش ۳۱۰۴:۶	مکر کن در ۴۶۹:۵
مَنْ آخر اصل ۷۲۸:۶	مُلکتِ شاهان ۱۱۰۱:۴	مکر که کرد ۳۵۱۵:۶
من از آن حلوائی ۱۹۵۱:۴	مُلکتِ علمش ۳۱۰۴:۶	مکر می‌سازند ۱۵۷۵:۲
من از آن روزن ۳۵۳:۱	مُلکتِ فرعون ۹۱۹:۲	مکر نفس و تن ۲۵۶۰:۳
من از ایشان خیره ۱۱۱۰:۳	مُلکت و سرمایه ۲۷۰۴:۱	مکرِ نفس و فتنه ۱۷۴۶:۶
من از ایشان زخم ۸۸:۴	مُلکِ جِسمت ۷۶۴:۴	مکرِ نَشاند ۲۷۳۱:۲
من از این دعوی ۴۰۶۵:۶	ملک حق و جمله ۲۴۱۲:۶	مکر و ترویری ۲۰۶۳:۶
من از این صنعت ۱۱۹۸:۲	مُلک در چشم ۹۸۹:۱	مکر و تلبیسی ۱۵۱۴:۴
من ازین تقلیب ۱۶۴۲:۵	مُلکِ دل ۳۲۲۸:۲	مکرها از مکر ۱۴۷۵:۴
من ازین چشمه ۱۴۱۲:۳	مُلکِ دنیا بودش ۳۶:۱	مکرها با خویشتن ۱۱۰۷:۱
من ازین شیطان ۲۹۷۴:۵	ملک دنیا تن پرستان ۴۴۲۱:۶	مکرها بس ۹۰۴:۱
من اگر این ۲۲۶۷:۵	مُلکِ دولت‌ها ۳۱۴۳:۱	مکرها در ترکِ ۹۸۰:۱
من اگر با ۲۳۹۹:۲	مُلک را برهم ۶۶۸:۴	مکرها در کسب ۹۸۰:۱
من اگر دامی ۱۲۵۶:۱	ملک را بگذار ۷۹۹:۴	مکرها کردند ۹۵۱:۱
من اگر ننگ ۲۹۳۰:۵	ملک را تو ۳۹۲۶:۵	مکرهای ۱۰۹۳:۱
من اگر هولم ۳۱۵۷:۲	ملک زآن داده ۴۶۳۹:۳	مکر هر کس ۳۴۹۵:۳
من الیف ۹۱۷:۵	مُلکِ شهری ۴۶۵۵:۶	مکسب کوران ۲۳۲۶:۳
من امیرم ۴۳۶۹:۶	مُلکِ عالم ۲۷۱۹:۵	مَنکَسبی کن ۲۴۲۰:۵
من بیخشدیم ۲۱۵۳:۳	مُلکِ عَفی ۶۴۷:۴	مَنکَیان را ۴۳۸۰:۶
من بینم آب ۱۲۱۷:۱	مُلکِ علم ۳۱۰۵:۶	مَنکَیان گفتند ۹۳۳:۴
من بینم دام را ۱۲۳۱:۱	مُلک گیرم ۴۳۵۲:۳	مَنلِیس دُل ۱۰۶۱:۵

من به دستِ خویش ۴۰۰:۴:۵	منبع حکمت ۱۰۶۳:۱	من بینم روی ۸۸۳:۲
من به دلِ کوریت ۲۳۵:۴	منبع گفتار ۴۹۴:۲	من بینم عرش ۲۵۰:۷:۱
من به ذوق ۳۵۸۳:۵	من بگفته ۲۵۴۸:۱	من بیرسم ۷۱۵:۶
من به ربع ۱۲۱۳:۴	من بگویم او ۱۳۵۳:۳	من بترسانم ۴۳۸۲:۳
من به رنجم زین ۳۶۶:۳	من بگویم بس ۳۳۶۷:۱	منبتش را ۳۷۳۷:۳
من به سوی تو ۱۸۹۰:۴	من بگویم شرح ۹۰۲:۴	من بُتی ام ۴۶۱۳:۶
من به سوی جمع ۲۸۴۱:۴	من بگویم: شکر، چه ۳۳۶۵:۱	من بجز شمع تو ۱۳۱۰:۳
من به شیران ۵۷۶:۳	من بگویم: صح ۳۳۶۶:۱	من بدان افراشتم ۲۷۴۰:۵
من به صحرا ۴۵۹:۶	من بگویم وصف ۲۲:۵	من بدانم در ۳۹۵۸:۵
من به ظاهر ۱۷۳۸:۴	من بگیرم کفش ۱۴۸۸:۲	من بدانم کو ۴۹۱۵:۶
من به عزّت ۳۵۹۳:۴	منبل ام بی ۲۰۱۶:۵	من بدم آن ۳۵۸۷:۲
من به فقر ۲۳۸۰:۵	منبلی ام زخم جو ۳۹۴۷:۳	من بدم افسوس ۸۱۴:۱
من به کف ۱۰۶۵:۴	منبلی ام لاابالی ۳۹۴۸:۳	من بدم غافل ۱۶۰۳:۳
من به معنی ۵۲۷:۴	منبلی چُستی ۳۹۴۹:۳	من بدی کردم ۲۷۲۶:۲
من به نام حق ۲۳۳۹:۱	منبلی نی کو بود ۳۹۴۸:۳	من بدین حال ۱۵۶۳:۳
من به وقت ۱۱۶۸:۱	منبلی نی کو به کف ۳۹۴۹:۳	من بدین شمشیر ۳۹۶۲:۵
من به هرجایی ۲۸۸۹:۳	من بمانم ۱۹۸:۶	من بدین وقت ۲۶۶۸:۶
من به هر جمعیتی ۵:۱	من بمردم ۲۳۲۳:۵	من بر آن دیوی ۴۰۱۶:۳
من به هر شهری ۳۷۱۵:۴	من به اوج ۳۸۰۳:۴	من برآویزم ۹۲۰:۳
من به هر مویت ۲۹۰۳:۵	من به بادی ۲۰۷۲:۶	من برآیم ۳۵۴۵:۴
من به هفت ۱۴۲۳:۱	من به بُلغار ۱۴۱۴:۳	من برانم ۳۵۶۰:۵
من پشیمان گشتم ۱۶۵۷:۱	من به بُودانم ۸۷۲:۶	من برای ۱۱۶۴:۶
من پشیمانم ۲۸۹۴:۳	من به بوی آب ۳۵۱۱:۴	من برم صندوق ۴۴۸۷:۶
مَنّت او را ۱۴۱۳:۴	من به بیداری ۱۸۲۲:۳	منبر مهتر ۴۸۸:۴
مَنّت بسیار ۲۵۷۵:۵	من به پانصد ۳۵۳۷:۲	من برّو رحم ۴۴۱:۵
مِنّ تجاویف ۲۳۰:۶	مِن به پشت ۱۴۰۹:۳	منبر و محراب ۱۲۰۲:۳
من ترازوی ۱۶۲۷:۳	مِن به تبلیغ ۱۴۱:۳	منبر و محفل ۱۴۴۳:۵
منتشر گردیم ۲۳۰۴:۶	مِن به جادویان چه مانم ای	من برون کردم ۱۴۰:۳
منتصب بر ۲۰۷۸:۳	جُنُب؟ ۲۳۶۵:۴	من پرویانم ۴۱۶۷:۵
منتظر استاده ۱۵۸۴:۴	مِن به جادویان چه مانم ای	من برّی ام ۱۳۱۶:۳
منتظر ایشان ۱۰۳۴:۳	وقیح؟ ۲۳۶۴:۴	منبری کو ۲۸۷۱:۴
منتظر بنشسته ۱۴۲۲:۳	من به جانم ۱۰۴۰:۶	من برین در ۲۷۹۶:۱
منتظر بنهاد ۲۹۹۸:۶	من به جای خود ۱۰۹۹:۳	منبسط بودیم ۶۸۶:۱
منتظر بودند ۱۱۵:۵	من به حجّت ۲۷۰۷:۲	من بسوزم ۱۰۰۷:۶
منتظر، چشمی ۳۷۲۸:۳	من به حیل کردم ۴۳۹:۲	مَن بَشَر ۳۶۵۹:۱

من چو خورشیدم ۲۴۰۸:۳	منتہای کار ۲۳۷:۶	منتظر در ۳۹۰۰:۵
من چون صبح ۳۷۷۶:۳	منتہی در عشق ۲۷۳۸:۵	منتظر رایہ ۳۳۱۶:۴
من چو کلکم ۱۶۹۰:۵	منتہی در مُنتہا ۲۲۵۱:۲	منتظر کہ روید ۱۹۶۳:۶
من چو لا گویم ۱۷۵۹:۱	من تہی دست ۲۳۴۰:۶	منتظر کہ کی شود ۹۴:۵
من چو لب گویم ۱۷۵۹:۱	منتہی شد ۳۳۲۳:۶	منتظر گشتند ۲۵۴۱:۱
من چو مرغ ۳۵۶۱:۲	منتہی ما ۴۶۳۰:۳	منتظر گو ۲۰۱۸:۶
من چو مُشرک ۴۰۷۸:۵	منتہی نبود ۱۴۲۲:۳	منتظر مانی ۳۴۷۸:۳
من چو میزان ۲۰۹۱:۲	منتی بر ۹۲۲:۵	منتظر، موقوف ۲۵۰۱:۱
من چو ہاروت ۲۴۶۸:۲	من جفاگر ۳۸۴۲:۱	منتظر می‌ایستد ۱۸۱۸:۵
من چہ باشم ۲۶۵۷:۲	مُنجمِد، چون ۱۹۴۱:۵	منتظر می‌باش آن ۳۸۹۷:۵
من چہ خرگوشم ۱۱۶۱:۱	مِنْ جَنَابِ اللہ ۳۵۰۲:۶	منتظر می‌باش ای ۴۲۳۶:۶
من چہ دارم غیر ۴۴۸۳:۶	من جہان را ۷۹۳:۱	منتظر می‌باش خِلعت
من چہ دارم کہ ۴۴۸۰:۶	من چرا افشانم ۴۸۰۱:۳	۱۶۳۸:۶
من چہ دانستم ۳۵۳۰:۴	من چرا باشم ۴۷۶۵:۶	مَنْ تَفَانی ۴۲۰۵:۵
من چہ دانم ۹۰۳:۶	من چرا بالا کنم ۳۲۱۱:۶	من تماشا ی ۱۳۲۷:۶
من چہ دریابم ۳۳۶۱:۱	من چرا پیغام ۱۶۵۳:۱	من تمام ۱۶۸۰:۱
من چہ سان ۲۰۴۷:۳	من چشیدم ۲۳۲۳:۵	مِنْتِ نوحم ۱۴۱۰:۴
من چہ غم دارم ۱۷۴۴:۱	من چگونه گشتی ۱۵۹۸:۵	من توانم ۴۱۵۵:۳
من چہ کارہ ۱۰۸۹:۳	من چگونه ہوش ۳۲:۱	من تو خر ۲۸۰۶:۲
من چہ کردم ۴۷۷۴:۶	من چنان اطلال ۱۳۴۹:۳	من تو را افسوس ۸۱۴:۱
من چہ گویم پیشت ۴۱۵۵:۵	من چنان خواہم ۳۵۸۴:۵	من تو را اندر ۱۱۹۹:۳
من چہ گویم؟ چون تو ۵۸:۱	من چنان مردم ۲۸۴۴:۱	من تو را باشم ۱۹۳۹:۱
من چہ گویم چونکہ ۴۰۰۴:۶	من چو آدم ۳۵۳۵:۳	من تو را با وی ۹۶۰:۳
من چہ گویم؟ کہ ۳۷۱۶:۳	من چو آن الحان ۹۴۰:۴	من تو را بر چرخ ۴۷۷۷:۶
من چہ گویم یک ۱۳۰:۱	من چو ابرم ۸۸۵:۳	من تو را بر خر ۵۴۵:۲
من چہ مخصوصم ۲۳۷۴:۵	من چو اسماعیلیانم ۴۱۰۱:۳	من تو را بی این ۱۷۱۷:۳
من چہ می‌بستم ۱۲۸۶:۵	من چو او بگریستم ۱۳۰۲:۵	من تو را بیدار ۲۷۸۳:۲
مِنْ جِرَاسِ الشُّہبِ ۲۳۱:۶	من چو با سودا بیانش ۴۷۲۸:۳	من تو را بی هیچ ۱۹۷۵:۴
من حسودم ۲۷۸۵:۲	من چو بینم‌شان ۱۸۱۹:۳	من تو را خود ۲۶۱۶:۵
من حفر بُرأ ۱۵۷۱:۶	من چو پوشم ۳۹۷۳:۶	من تو را غمگین ۴۱۵۰:۳
من حقم ۲۱۵۷:۲	من چو تو بودم ۴۲۰۳:۳	من تو را کی ۱۹۷۵:۴
من حقیقت ۲۸۰۷:۲	من چو تو غافل ۴۶۹۳:۶	من تو را ماهی ۴۷۷۵:۶
من حالات ۳۹۳۹:۱	من چو تیغ پرگرہای	من تو را نوعی ۳۹۸۱:۱
من حالش ۱۷۹۷:۱	۳۷۹۲:۱	منتہای اختیار ۴۰۲:۴
من حواس ۱۹۳۷:۱	من چو تیغ، و آن ۳۷۸۹:۱	منتہای دست‌ها ۳۱۶۳:۴

من زیان پنداشتم ۱۳۹:۲ *	من ز تو، کز توست ۲۳۶:۳ *	مُنْخَسِف ۹۳۶:۶ *
من سبب باشم ۲۳۳۶:۵ *	من ز جان جان ۱۷۸۱:۱	من خلیلم ۴۱۷۴:۳
من سبب را ۲۶۴۰:۲	من ز جان سیر ۴۰۵۷:۶	من خلیل و قتم ۲۹۷۴:۴
من سپند از ۲۸۰۴:۶	من ز جان، مُرده ۳۱۲۴:۱ *	من خُمُشِ گردم ۷۶۸:۴ *
مُنْجِب شد ۲۹۴۵:۶ *	من ز حق ۱۸۶۲:۳	من خوشم جُفتِ ۳۴۹۱:۲ *
من سرو جان ۱۶۷۴:۵ *	من ز خاک ۲۸۲۷:۶	من در آبِ جو ۲۷۶۲:۲ *
من سر هر ۱۸۸۸:۵	من ز خود ۲۷۸۲:۵	من در آن بی خود ۷۰۵:۴
من سفاناخ ۲۴۰۹:۱	من ز دستان ۲۰۱:۶	من در آن دم ۱۸۶۸:۳
من سقیم ۱۹۹۸:۶ *	من ز دمِ مِشتی ۲۳۳۱:۴	من در آن وادی ۱۲۸۵:۵
من سگی کِشتم ۲۳۳۲:۴	من ز دیگی ۲۲۹۰:۶	من در این حبس ۱۵۵۷:۱ *
من سلامی ۳۳۵۹:۳ *	من ز رحمت ۷۹۹:۱	من در این ره ۴۱۰۳:۶
من سلیمان ۶۴۹:۴	من ز رنج ۳۴۱۵:۲ *	من در خانه ۳۹۹۸:۵
مِنْ سِمَاتِ اللّٰهِ ۳۵۱۳:۱ *	من ز سدره ۱۷۸۸:۲	من درون ۳۳۷۱:۳
مُنْسِی است این ۳۳۰۱:۴ *	من ز سرکه ۲۷۶۰:۲	من درین ره ناجیم ۳۰۸۶:۳
من شتابیدم ۲۵۴۳:۶	من ز سرگین ۲۷۶۲:۲	من درین زندان ۳۵۵۷:۳ *
من شدم با ۲۴۵۴:۶	من ز سگ کم ۸۳۳:۱	من دعاشان ۸۶:۴ *
من شدم رنجور ۱۷۳۸:۲ *	من ز سهو ۳۳۹:۳	من دعا کورانه ۲۳۵۹:۳
من شدم سودایی ۹۷۲:۴	من ز شرح ۱۱۸۸:۲ *	من دلش جُسته ۱۷۵۲:۱
من شدم عریان ۴۶۱۹:۶	من ز شه بر ۴۰۷۸:۵	من دلیلم ۵۷۵:۲
من شفیع ۱۷۸۴:۳	من ز شه هر ۴۶۰۲:۶ *	من دو بنده ۱۴۶۷:۲
من شکستم حرمت ۱۶۸۸:۳	من ز شیرینی ۱۷۶۰:۱	من دو کوری ۱۹۹۳:۲ *
من شکستم ز امر ۴۸۰۱:۶ *	من ز شیطان ۲۷۶۳:۲	من دهانت ۳۳۸۸:۵ *
من شکستم عهد ۱۶۸۹:۳	من ز صاحب ۸۷۰:۵	مُنْذُ عَایْنَتُ ۱۸۹۵:۵ *
من شکوفه ۱۶۲۴:۴	من ز صد یک ۳۵۰۵:۲ *	من رباح اللّٰه ۵۰۵:۳
من شما را بَرَدَرَم ۹۲۶:۳	من ز عزّی ۳۲۳۲:۳	من رسولِ ماهم ۲۷۳۸:۳ *
من شما را خود ۱۲۴۲:۳	من ز عکس ۲۵۲۶:۴	من روان گشتم ۳۶۶۶:۵
من شما را سرنگون ۴۵۴۵:۳	من ز فخرِ ۲۴۹۷:۶	من روم بیرون ۳۸۴۶:۵
من شما را هیزم ۹۲۷:۳	من ز گفتِ ۱۳۹۶:۶	من روم سوی ۲۳۱۳:۱
من شنوده ۳۵۳۴:۶	منزل اندر ۱۸۰۵:۱ *	من ز آتش ۱۹۲۵:۵
من شنیدم ۳۴۳۱:۴	منزلِ جان‌هایِ ۹۲۲:۴ *	من ز آن زرها ۱۹۸۸:۵ *
من شوم آزاد ۱۵۶۷:۶ *	منزلِ ما، خود ۲۵۵۳:۲ *	من ز ادب ۳۲۴۵:۳ *
من شوم توزیع ۳۸۶۳:۶ *	من ز مکر ۲۲۷۸:۲	من ز استیزه ۱۰۳۷:۶
منصب تعلیم ۳۳۱۷:۴	من ز نار ۳۳۹۷:۱ *	من ز اوّل ۱۶۳۳:۳
مَنْصِبِ خَرَقِ ۱۸۴۳:۲ *	من ز نمره ۴۶۲۷:۶	من ز بُد ۲۷۲۵:۲ *
مَنْصِبِ دیدار ۲۰۱۸:۴ *	من ز هرکس ۲۷۵۹:۲	من ز پُری ۱۷۶۰:۱ *

منکران همچون ۱: ۲۰۲۴	من غلام آن چراغ ۱: ۳۹۸۴	منصبی کاتم ۶: ۴۴۲۳
مُنکِرِ این فضل ۴: ۸۹۱*	من غلام آنکه اندر ۱: ۳۲۵۹	من صمت منکم ۶: ۳۸۱۱
منکر بحر ۶: ۱۰۰۲	من غلام آنکه نفروشد ۵: ۴۹۰	من ضعیفم ۲: ۳۱۶۵*
منکر حس ۵: ۳۰۱۰	من غلام آن مس ۵: ۴۹۲	من طفیل ۴: ۳۴۳۸
مُنکِرِ جِلَم ۱: ۲۶۷۴*	من غلام زَلَّتِ ۵: ۴۱۰۹*	منطق الطیران ۲: ۳۷۵۸
منکر فعل ۵: ۳۰۱۱	من غلام مرد ۶: ۳۷۷۶*	منطق الطیر سلیمانی بیا ۴: ۸۵۱
مُنکِرِ کُل شد ۶: ۱۸۲۷*	من غلام موج ۱: ۳۹۸۵	مَنْطِقُ الطَّیْرِ سُلیمانی کجاست؟
مُنکِر و دزد ۲: ۲۹۶۲*	من غلام و آلتِ ۵: ۳۰۸۵*	۲: ۳۷۵۸*
مُنکِرِی اش بهر ۴: ۲۹۹۱*	من غم آن یار ۶: ۳۵۴۱*	منطق الطیری به صوت ۱: ۳۴۱۰
مُنکِرِی اش پرده ۴: ۳۸۳۲*	من غم تو ۱: ۱۷۳	مَنْطِقُ الطَّیْرِ ز عُلَمَنَاش
منکری این ۶: ۹۷	منفجر کرده ۶: ۲۲۸۲*	۴: ۴۰۱۴*
مُنکِرِی را چند ۳: ۳۲۰۶*	منفذش نه ۶: ۴۵۱۲	منطقی بیرون ۶: ۴۹۱۴*
مِن کریم صالح ۵: ۱۰۵۶*	منفذی داری ۵: ۱۰۷۰	منطقی کز ۶: ۴۶۶۸
من کریم نان ۲: ۳۶۱	منفذی یابد ۴: ۳۴۲۶	منظر حق ۶: ۲۸۸۲
مِن کریم مِّن رَحیم ۲: ۱۶۶۴*	مُنْفِرِد از ۳: ۱۹۳۱*	من عجب دارم ۳: ۴۰۰۸
منکری مهمانیش ۱: ۳۱۷۶	من فسونِ ۱: ۲۳۱۵*	من عدم و افسانه ۳: ۱۱۴۸
منکسرتر ۵: ۴۲۱۳	منفعت دادن ۶: ۴۸۱*	من عدو را می‌کنم ۱: ۲۳۶۰*
من کسی در ۱: ۱۷۳۵	منفعت‌های ۵: ۲۷۴۱	من عَدُوَم چاره ۴: ۱۹۷۳
من کشیدم بیست ۴: ۲۵۵*	من فقیرم ۶: ۴۶۰۳	من عَدُوَم، کارِ ۲: ۲۷۸۵*
من کلام ۳: ۴۲۸۷	منقبض کردند ۴: ۲۰۱۵	من عَدُوَم مر تو ۴: ۱۹۷۱
من کلّیل ۶: ۱۸۳۸*	من قَدَح‌ها ۱: ۱۵۶۰*	مِن عُرُوجِ ۱: ۳۴۴۰*
من کم از خرسی ۲: ۲۰۲۰	منقطع از ۳: ۱۹۳۱	من عصا ۴: ۱۰۶۹
من کنم او ۳: ۴۶۷۹	منقطع شد ۱: ۸۲	منع کرد از ۶: ۳۸۱۳
من کنم پنهان ۳: ۱۷۱۱*	منقطع می‌گردد ۴: ۱۰۹۰*	منع کردن جان ۵: ۱۶۶۶*
من کنون در خونِ ۲: ۱۷۸۷*	من قلاووزم ۳: ۲۱۷*	منع کرد و گفت ۲: ۷۳۷*
من که باشم با ۶: ۲۱۲۲	مُنْقَلِبِ رَوْ ۱: ۷۵۸*	مُنْعَکَس ادراک ۵: ۳۱۲۰*
من که باشم؟ چرخ ۶: ۲۰۲	من قیاسی ۱: ۳۳۶۳*	منعکس صورت ۴: ۳۵۴۰*
من که باشم که بگویم ۵: ۴۱۵۱	من کتاب ۳: ۱۱۹۸	منع کن تا کشف ۲: ۷۵۳*
من که باشم که بوم ۵: ۴۱۵۲	من کجا باور ۲: ۲۶۱۶	من عِلْم اکنون ۶: ۴۱۶۸
من که بودم ۶: ۲۴۹۴*	مُنکِرِ استادیش ۲: ۲۵۴۱*	منع می‌آید ۱: ۱۶۸۰*
من که جُزوم در ۵: ۱۳۰*	منکران با صد ۳: ۳۶۶۴*	منع می‌کردند ۱: ۸۰۶*
من که جُزوم، ظالم ۵: ۱۲۹*	مُنکِرِ اندر جَحَدِ ۱: ۹۹۱*	من عینِ خواهم ۲: ۳۶۸۲*
من که خرویم ۴: ۱۳۷۸	مُنکِران را درد ۶: ۴۶۹۰*	من غریبم، از بیابان ۱: ۲۷۸۲
من که خصم ۵: ۶۷۰	منکران را قصد ۶: ۴۳۴۶	من غریبِ مصرم ۶: ۴۲۷۳*
من که را گیرم؟ ۲: ۵۵۷	منکران گویند ۱: ۲۰۲۰	

من نخواهم مزدِ ۵۷۴:۲	من مناره ۱۲۰۵:۳	من که صلح ۳۲۶۳:۴
من نخواهم هدیه‌ات ۴۳۷:۳	من مَهَم ۱۶:۶	من که طور ۱۸۹۸:۵
من ندارم بی رُخَت ۲۶۸۶:۶	من میان ۴۷۰۹:۳	من که فرعون ۲۴۵۵:۱
من ندارم طاقت ۳۳۵۹:۵	من نبینم در ۸۸۰:۲	من که گاوان ۱۱۵۴:۱
من ندانم آنچه ۱۷۵۴:۱	من نبینم روی ۸۸۳:۲	من که گوش ۱۱۵۴:۱
من ندانم تا ۷۰۴:۶	من نپندارم ۵۰۱:۵	من کی آرم ۴۱۵۳:۵
من ندانم خیر ۱۶۸۱:۵	من نتانستم حقوق ۱۵۹۷:۵	من گدا بودم ۳۵۳۶:۳
من ندانم که تو ۷۰۴:۶	من نتانستم که آرم ۱۵۹۶:۵	منگر آن که ۱۴۳۸:۳
من ندانم که چه ۷۰۵:۶	من نتانم باز گفت آن ۱۰۶۷:۶	منگر از چشم خودت ۷۵:۴
من ندانم گفت ۳۷۶۶:۵	من نتانم باز گفتن ۲۰۵۴:۶	منگر از چشمِ سفیدی ۳۳۴۲:۶
من ندیدم بر ولی ۹۹۲:۴	من نتانم شد ۴۴۲:۳	منگر از خود ۲۳۹۷:۴
من ندیدم تشنگی ۳۳۰۹:۴	من نتانم فهم کردن ۴۴۵۶:۶	منگر اندر جُستن ۱۴۴۸:۳
من ندیدم جز ۱۲۵۵:۴	من نتانم گفت ۳۸۵:۵	منگر اندر زشتی ۲۷۰۴:۶
من ندیدم در ۸۱۰:۲	من نجس زین ۲۰۳:۵	منگر اندر عجز ۱۷۳۳:۵
من ندیدم ظلمتی ۵۹۹:۴	من نجسم ۲۵۸۰:۵	منگر اندر غایر ۲۸۶۹:۵
من ندیدم ترکِ گدا ۲۷۵۴:۵	من نجویم ۴۱۲۴:۶	منگر اندر غبطه ۲۹۴۵:۲
من ندیدم یک دمی ۳۸۵۶:۶	من نجینم ۱۶۳۶:۳	منگر اندر ما ۶۰۹:۱
من نسازم ۲۲۸۵:۴	من نخسبم ۶۳۲:۳	منگر اندر نقش زشت ۱۴۳۷:۳
من نسوزم ۶۴۸:۱	من نخواهم بود ۱۱۳۹:۲	منگر اندر نقش و اندر ۲۸۹۵:۱
من نشسته ۲۸۵۵:۲	من نخواهم چشم ۳۶۷:۳	منگر ای مردود ۱۰۱۴:۶
من نکردم آنچه ۲۵۴۷:۴	من نخواهم دایه ۷۰۱:۵	منگر ای مظلوم ۴۶۴۳:۳
من نکردم امر ۱۷۵۶:۲	من نخواهم در بلا ۲۹۷۴:۴	من گرفته بودم ۲۸۰۵:۲
من نکردم با ۲۲۷:۲	من نخواهم در دو ۳۰۷۸:۲	منگر و نسبت ۳۱۸۸:۶
من نکردم لایبالی ۲۸۹۶:۶	من نخواهم رحمتی ۲۹۶۱:۴	من گریزان ۱۸۹۸:۲
من نگاریده ۳۷۷۹:۳	من نخواهم رفت ۳۰۸۷:۳	من گزیده ۹۰۵:۱
من نگردم ۱۷۵۸:۲	من نخواهم زد ۴۱۶۷:۶	من گمان بردم ۳۵۲۹:۴
من نگفتم، جهل ۱۹۰۳:۲	من نخواهم شد ۵۹۴:۱	من گنه کار ۲۴۴۳:۱
من نگفتم که ازو ۳۷۲۷:۵	من نخواهم عشوه ۶۰۸:۶	من گواهم ۲۶۹۰:۲
من نگنجم، این ۲۶۵۴:۱	من نخواهم غیر ۲۹۶۱:۴	من مثالی ۲۵۳۶:۲
من نگنجم در ۲۶۵۳:۱	من نخواهم کآن ۱۷۱۴:۳	من محکم ۲۶۷۲:۲
من نگویم ۴۲۰۳:۶	من نخواهم کرد زندان ۶۶۷:۲	من مراد ۴۳۲۸:۶
من نلاقم ۴۱۳۷:۳	من نخواهم کرد، هست ۲۰۹۳:۵	من مراو را ۳۱۳۳:۶
من نمی آرم ۲۹۵۸:۵	من نخواهم که ۱۸۷۵:۵	من مرین را ۱۲۹۱:۴
من نمی آیم ۴۵۲۱:۶	من نخواهم لطف ۷۰۲:۵	من معین ۳۹۹۲:۵
من نمی بینم ۳۳۶۱:۶		

من نمی‌پرّم ۲۵۸۲:۶*	من نیم شاکی ۱۷۸۱:۱*	من همی رانم ۴۵۵۷:۳
من نمی‌خواهم عینب ۳۶۸۳:۲*	من نیم گستاخ ۱۸۳۹:۳*	من همیشه ۱۸۴۳:۵*
من نمی‌خواهم که ۲۳۹۹:۱*	من نیم وزیر ۱۷۸۸:۳*	من همی کوشم ۴۱۱:۳*
من نمی‌دانم ۲۲۱۱:۱*	مِنْ وَفُورٍ ۶:۶۶۷*	من همی گفتم: حلال ۱۷۹۷:۱*
من نمی‌رنجم ۴۲۲۸:۳	من ویم اندر ۱۹۹۸:۵*	من همی گفتم که ۲۴۷۵:۲
من نمی‌کردم سخن ۶۹۹:۴	منهزم کردند ۲۰۱۴:۴	من همی گویم برو ۳۸۵۱:۱
من نمی‌کردم غزا ۴۵۵۰:۳	من هلاک ۹۰۵:۱	من همی گویم بس ۳۳۰۳:۶*
من نمی‌کردم گزافه ۲۳۳۳:۳	من همان خواهم ۷۳۳:۲*	من همی گویم: تحرّی ۲۶۰۷:۶*
من نمی‌گویم ۵۷۴:۴	من هم از بهر خداوند ۸۷۸:۶	من همی گویم چو ایشان ۲۰۴۲:۳
من نمی‌یابم ۱۴۱۰:۳*	من هم از بهر دوام ۳۱۲۰:۴	من همی گویم چو مرگ ۲۸۴۸:۱
من ننوشم ۱۵۲۵:۲*	من هم از شَرّت ۱۰۷۱:۳	من همی لرزیدی ۱۳۹۸:۶
من نه آن جانم ۴۲۱۸:۳*	من هم او را ۹۹۵:۴	من همی نوشم ۳۳۶۲:۳*
من نه اثباتم ۱۷۳۴:۱*	من همه خلمم ۷۸۲:۵*	من هنا یشفع ۲۰۹۹:۵
من نهادم سر ۱۲۲۸:۱*	من همه عمر این چنین ۳۳۸۰:۵	منهیان انگيختند ۸۵۸:۵
من نه تنها ۱۲۵۶:۱*	من همه عمر این نیندیشیده‌ام ۱۲۷۸:۶	مُنِيش أَنکە ۴۵:۵
من نه خارم ۲۰۹۳:۲*	من همی آیم ۱۷۴۷:۳*	مَنْ يُعاین ۴۸۰:۳*
من نه دریا ۲۴۶۰:۱*	من همی افتم ۱۷۴۸:۳	من یقین دارم دعا ۲۳۱۹:۳
من نه عکسم ۳۲۴۴:۶*	من همی بینم به هر ۳۲۵۰:۴	من یقین دارم نشانش ۲۸۵۱:۴
من نه گاوم ۲۰۹۳:۲	من همی بینم جهان را ۳۲۶۵:۴	من یقین دانم که عین ۱۸۲۱:۲
من نه مردارم ۱۰۶۰:۴	من همی بینم، مکن ۲۸۴۸:۴*	من یقین دانم نخواهم ۳۳۷۹:۶*
من نه مرد دزدی ۴۲۷۳:۶	من همی ترسم، دو ۳۶۱۷:۶*	موبه موبیند ۹۴:۳
من نه نورم ۲۴۶۵:۳*	من همی ترسم ز ۳۴۴۳:۲*	موبه موزّره ۳۶۹:۱
من نیارم رو ۴۶۵۰:۳	من همی ترسم که ۶۴۱:۴*	موبه موملک ۲۶۰۷:۱*
من نیارم کرد ۱۶۷۱:۵*	من همی دانستم بی ۳۰۷:۴	موبه موی ۶۳۱:۵
من نیایم ۳۱۴۳:۳*	من همی دانستم پیش از لقا ۲۲۶:۴	موت را از ۲۶۷۵:۵
من نیارم این ۴۰۰۷:۵*	من همی دانستم پیش از وصال ۲۲۵:۴	موت را چون ۲۶۷۶:۵
من نیارم ترک ۴۴۲:۳	من همی دانم که ۱۷۵۵:۶	موج آبی ۵۷۵:۱*
من نیام آتش ۴۳۵:۵*	من همی دانم و آن ۲۳۰۴:۵	موج آن دریا ۲۲۱۵:۱*
من نیام در امر ۲۱۴۰:۶	من همی دزدم ۶۲۳:۴*	موج آن مُلکش ۲۶۱۰:۱*
من نیام فرعون ۴۵۲:۵	من همی دیدم ۳۵۳۳:۶*	موج او ۳۳۵:۳*
من نیم ای سگ ۲۷۸۷:۲*		موجبِ آن؟ ۲۹۲۲:۴
من نیم جنس ۱۱۷۰:۲		
من نیم خود ۲۲۶۱:۴		
من نیم در عهد ۳۸۵۱:۵		
من نیم سگ ۳۹۶۴:۱		

موسی و هارون چو ۷۸۵:۳	مور سوي ۲۹۵۸:۶	موجبِ اعزاز ۴۳۷۹:۶
موسی و هارون شوند ۳۸۳۱:۴	مورِ شهوت ۳۴۷۱:۲	موجب ایمان ۱۱۷۶:۶
موسی آنرا عصا ۲۷۸۸:۳	مورکی بر ۳۷۲۱:۴	موجب تأخیر ۴۴۲۴:۶
موسی با موسی ۲۴۶۷:۱	مور لنگم ۳۶۴۸:۳	موجِ بخشایش ۱۴۶۹:۳
موسی باید ۱۰۶۵:۳	مورِ لنگی ۸۱۰:۶	موج بر وی ۳۲۴۰:۴
موسی بر عرش ۳۰۰۶:۶	موزه بر بودی ۳۲۴۸:۳	موجبِ قریبی ۱۲۰۹:۲
موسی رادل ۳۵۲۱:۴	موزه چپ ۲۱۵۶:۵	موجب کین ۲۶۰۲:۵
موسی، فرعون را با ۱۱۸۸:۱	موزه دارم ۳۶۶۵:۵	موجبِ لعنت سزای ۱۵۳۸:۲
موسی، فرعون را زیر ۸۵:۳	موزه را اندر ۳۲۴۲:۳	موجبِ لعنت شود ۲۵۹۱:۵
موش آنجا ۳۴۴۰:۲	موزه را پر بود از ۳۴۲۱:۳	موجبِ منسخ ۲۵۹۲:۵
موش تا انبار ۲۷۹:۱	موزه را پر بود یک ۳۲۴۰:۳	موج حیرت ۱۹۸۷:۳
موش تن زان ۲۷۳۷:۶	موسپیدی ۴۴۳۲:۶	موج خاکی ۵۷۵:۱
موش در متقار ۲۹۴۶:۶	موسی آمد در مناجات ۳۲۸۳:۳	موج، خود ۱۱۴۰:۱
موش را شاید ۱۳۵۲:۳	موسی آمد در وغا ۳۵۰:۲	موج در موج ۳۶۷۲:۱
موش، غره شد ۳۴۳۷:۲	موسی آن را نار ۲۳۱۰:۶	موج دریا چون ۸۶۳:۱
موشکافان ۳۷۰:۱	موسیا آداب ۱۷۶۴:۲	موج دریا را کجا ۵۷۴:۱
موش که بود ۳۰۰۳:۳	موسیا بسیار ۳۵۱۷:۲	موج را گفتم ۴۸۰۷:۶
موش کی ترسد ۳۰۰۶:۳	موسیا تخی ۳۰۱۶:۴	موج رحمت ۲۲۷۸:۵
موشکی در ۳۴۳۶:۲	موسیا تو غالب ۱۶۷۲:۴	موج طوفان گشت ۳۵۲:۲
موش گفتم ۳۲۷۱:۲	موسیا تو قوم ۱۹۶۴:۳	موج طوفان هم عصا ۱۰۷۲:۴
موضع رخ ۲۵۹۴:۶	موسیا خود ۱۰۸۴:۳	موج لشگرهای ۵۳:۶
موضع سنگ ۶۲۶:۴	موسیا در ۳۸۱۵:۴	موج می زد ۴۳۹۰:۳
موضع شه ۲۵۹۴:۶	موسیا کشف ۳۹۱۴:۵	موج نورش ۲۴۵۱:۲
موضع معروف ۱۱۳۴:۳	موسی ام من ۷۰۱:۵	موج ها آشوفت ۲۱۸۱:۳
مُکَنان ۶۶۴:۱	موسی اندر زیر ۱۲۱۸:۳	موج های تیز ۲۰۸۴:۶
مولیم ۳۷۳۳:۲	موسی اندر صدر ۹۶۲:۳	موج های جنگ ۲۵۷۹:۱
مُول مُولت ۳۹۰۰:۵	موسی جان ۲۵۲۴:۵	موج های صلح ۲۵۷۸:۱
مُول مُولی ۲۱۰۳:۱	موسی رحمت ۳۵۲۷:۴	مؤذن آمد ۳۰۲۹:۲
موم از خویش ۶۷۵:۵	موسیم پنهان ۱۰۶۹:۴	مور آسود ۲۹۶۱:۶
موم چه بود ۱۴۸۳:۲	موسی و عیسی ۱۲۷۵:۳	مور بر دانه بدان ۸۰۶:۶
موم، در دست ۷۰۳:۳	موسی و فرعون دارد ۲۴۶۸:۱	مور بر دانه چرا ۱۵۰۰:۶
موم گردد ۲۷۶۱:۶	موسی و فرعون در ۱۲۵۳:۳	مور، پنهان ۲۹۶۱:۶
مؤمن آن باشد ۳۳۵۵:۵	موسی و فرعون، معنی ۲۴۴۷:۱	مور داند کآن ۲۹۵۶:۶
مؤمن آن قلمه ۲۵۴۸:۲		مور دیگر ۲۹۵۷:۶
مؤمن ارینظر ۱۳۳۱:۱		مور را بین ۲۹۵۹:۶

مهر زاد ۲۲۰۸:۴	موی ابروی وِست ۲۱۲۰:۳	مؤمنان آیینۀ ۱۳۲۸:۱
مُهرشان بُنهاد ۶۶۹:۴	مُوی، در دیده ۱۸:۲	مؤمنان از ۲۱۹۱:۶
یهرشان کُز ۲۵۶۶:۱	موی را نادیده ۲۸۵۲:۲	مؤمنان خویشند ۳۲۴۷:۴
مُهر صد ۳۵۱۹:۶	موی عانه ۳۳۲۷:۵	مؤمنان در ۲۵۵۴:۲
مُهر کردند ۲۲۴۰:۵	موی کُز چون ۱۲۰:۲	مؤمنان را اِتصالی ۴۰۷:۴
مهر من داری ۱۹۵۱:۳	موی، همچون ۲۵۷۴:۴	مؤمنان را برد ۲۸۷:۱
مُهر مومش ۱۳۲۵:۲	مَه به بالا بود ۲۱۳۲:۳	مؤمنان را در بیانش ۱۷۹۵:۵
مهر و رَقَت ۲۴۳۶:۱	مَه به بالا دان ۳۴۵۷:۱	مؤمنان را زآنکه ۲۹۷۸:۴
یهر و کُلّ ۲۴۱۳:۲	مَهترانِ بَزم ۱۰۳۶:۴	مؤمنان را ز انبیا ۴۵۴۱:۶
مهر و هیبت ۱۴۱۷:۱	یَهترِ موران ۳۷۲۵:۴	مؤمنان را عید ۱۸۷۶:۶
مهرها را جمله ۲۹۸۳:۶	مَهتری نفطست ۲۷۶۰:۴	مؤمنان کان ۳۲۹۲:۳
مُهرها را می‌کُند ۲۵۷۹:۱	مَهتری و حُسن ۲۶۶:۶	مؤمنان گویند ۷۳۵:۴
یهرها رویاند ۵۴۶:۱	مه جمادست ۳۰۵۷:۴	مؤمنان مانند ۴۱۸:۴
مُهره را از ۲۲۸۳:۶	مه چوبی این ۳۸۶:۵	مؤمنان معدود ۴۰۸:۴
مُهره زو دارد ۳۹۳۸:۶	مه، خیالی ۶۸۷:۵	مؤمن ایمان ۳۳۶۲:۵
مُهره کو ۲۲۹۳:۶	مهدی و هادی ۸۱۸:۲	مؤمنان بنظر ۱۸۵۵:۴
مَه، سیه ۱۲۳۲:۱	مهر آن در ۱۰۱:۶	مؤمن خویش ۲۱۹۰:۴
مه شکافد ۴۲۷۹:۶	مهر ابله ۲۱۳۰:۲	مؤمنش خوانند ۲۹۰:۱
مه فراغت ۶۸۹:۵	مُهر او گه ننگ ۱۳۲۴:۲	مؤمن کَیس ۲۹۳۸:۲
مه فشانند نور و سگ عوعو ۱۴:۶	یهرِ اوّل کی ۲۶۱۹:۲	مؤمنم بنظر ۲۰۲۳:۲
مه فشانند نور و سگ و عوعو ۲۰۸۷:۶	یهر این خورشید ۱۰۸۵:۶	مؤمن و ترسا ۲۴۱۹:۶
مه کنارش ۳۸۷۳:۳	مهربان بی رَشوتان ۲۲۲۳:۳	مؤمن و کافر ۲۵۵۵:۲
مَه گرفت ۲۴۵۳:۱	مهربانی شد ۱۹۳۸:۲	مؤمنی، آخر ۱۷۲۷:۵
مهلتش دِه ۱۰۹۲:۳	مهربانی مر تو ۲۹۵۷:۳	مؤمنی باشم ۲۷۱۵:۵
مُهلتم دِه تا چهل ۱۰۸۶:۳	مُهر برچشم ۴۰۶:۱	موم و هیزم ۱۵۳۳:۱
مُهلتم ده، مُعْصِرم ۲۱۳۹:۳	مُهر بر لبهای ۳۵۲۶:۶	مونس احمد ۱۸۹۵:۶
مُهلتم دِه، وین ۲۳۹۹:۳	مهر پاکان ۷۲۳:۱	مونس بوجهل ۱۸۹۵:۶
مُهلّتی بایست ۱:۲	مهر پیوندند ۱۰۹۷:۳	مونسِ گور ۳۷۵۹:۳
مُهلّتی پیداست ۲۵۹۱:۱	مهر، تلخان را ۲۵۸۰:۱	مونسی مگزین ۵۴۸:۳
مهلتی می‌خواست ۲۴۴۲:۵	مهر جاهل ۳۲۸:۲	مونمی گنجد ۲۲۸۰:۳
مهلتی می‌خواهی ۳۹۸۷:۳	مُهر حق بر ۱۹۲۳:۴	موهبت را ۸۷۸:۵
مُهلّک و ناسور ۲۵۱۶:۲	یهرِ حیوان را ۲۴۳۲:۱	موی آن نوری است ۱۱۴۷:۶
مُهلّم افزون ۷۷۵:۵	یهرِ خلق ۱۹۹۷:۲	موی ابرو پاک ۱۲۶۸:۶
	مهر دانایش ۷۱:۳	موی ابرو را ۲۶۵۷:۵
	مهر در گوش ۲۸۸۱:۲	موی ابروی کُزی ۲۶۵۸:۵

می بجز آنجا: ۵: ۲۴۳۰*	می بسوزد نسل: ۳: ۳۴۸۶*	مُهْمَل و ناکوفته: ۵: ۱۷۶۲*
می چرد آن: ۴: ۳۶۰۶*	می بسوزد هر خزان: ۱: ۳۹۱۴*	مه، وظیفه: ۲: ۴۱۷*
می چَرَد از: ۶: ۲۹۲۳*	می بشوراند: ۱: ۳۳۷۸*	مه همه کفست: ۴: ۳۷۹۹*
می چرد در: ۶: ۲۹۲۷*	می بگیرندش: ۵: ۹۷۲*	می بیاید: ۲: ۱۶۵۳*
می چَرَم: ۶: ۲۱۷*	می بلرزد آفتاب: ۳: ۳۶۲۹*	می بیایستم شدن: ۴: ۲۲۴۳*
می چشم: ۶: ۲۲۳*	می بلرزد عرش: ۱: ۲۴۰*	می بیخشد هوش: ۱: ۶۲۷*
می چکید آن: ۴: ۲۶۴۵*	می بماند: ۵: ۱۳۲۲*	می بیند: ۴: ۳۰۶۴*
می چکید از: ۵: ۶۱۷*	می بنگذارد: ۳: ۳۰۶۹*	می بیننی، چُون: ۲: ۱۵۹۶*
می چه باشد: ۵: ۲۵۸۰*	می بیآموزد: ۳: ۲۲۲۹*	می پیوشد: ۶: ۴۸۹۱*
می چه گوید: ۶: ۱۰۶۹*	می بیآموزند: ۴: ۳۱۱۷*	می پیوشی: ۲: ۳۳۴۹*
می حکایت کرد: ۶: ۱۶۵۳*	می پذیری: ۱: ۱۷۱۹*	می بجفسانید بر اطراف:
می حلالی: ۵: ۲۲۹۲*	می برد آن: ۵: ۲۲۸۱*	۶: ۱۲۷۴*
می خدایم: ۵: ۳۲۸۸*	می پَرَد او: ۱: ۶۳۹*	می بجفسانید بر رُو: ۶: ۱۲۷۱*
می خَراشد: ۵: ۵۵۸*	می پَرَد با پَر: ۵: ۱۷۲۱*	می بدانند: ۳: ۳۸۸*
می خرامد: ۶: ۹۴۱*	می پَرَد تا ظِل: ۶: ۴۱۳۹*	می بدانند: ۳: ۳۸۷*
می خِرامم: ۶: ۴۶۱۹*	می پَرَد تسبیح: ۲: ۳۲۸۷*	می برآرد: ۶: ۳۸۵۵*
می خرد از: ۶: ۸۸۰*	می پَرَد تمیز: ۲: ۲۷۴۱*	می برآمد: ۱: ۳۵۹۷*
می خرد با: ۶: ۹۹۳*	می برد چون: ۳: ۳۵۷۸*	می بَرَد از: ۳: ۴۴۷۷*
می خَرَد جرم: ۵: ۱۴۸۷*	می پرستدشان: ۳: ۲۲۶۸*	می برد اصحاب: ۵: ۳۳۴۶*
می خورد از: ۴: ۳۳۸۶*	می پرستید آفتاب: ۴: ۵۷۷*	می بَرَد اندر: ۶: ۳۴۴۳*
می خورد شه: ۲: ۴۲۳*	می پرستید اختر: ۴: ۵۷۶*	می بَرَد بی شُکر: ۱: ۹۴۶*
می خورد عَمرو: ۶: ۴۱۴*	می پرستیدی: ۲: ۳۶۷*	می بَرَد تا بُکشدش: ۶: ۴۶۷۶*
می خورد وَاللّٰهُ: ۳: ۳۹۰۹*	می پَرَم بر: ۲: ۱۱۵۸*	می بَرَد تا خُلد: ۱: ۱۹۰۱*
می خورم بر خوان: ۶: ۳۹۷۱*	می پَرند از: ۵: ۴۱۷۹*	می برد شادیت: ۱: ۱۷۱۹*
می خورم زین: ۵: ۲۸۶۳*	می پریدند: ۱: ۹۲۵*	می بُرم: ۲: ۲۶۹۲*
می خورند از زهر: ۶: ۲۲۷۲*	می تند بر: ۶: ۲۹۴۲*	می پرند از: ۴: ۱۷۸۰*
می خورند، از من: ۴: ۱۰۵۰*	می توان بافید: ۴: ۱۲۳۸*	می بَرَنَدَت از: ۴: ۱۶۷۸*
می خور و می ده: ۳: ۲۰۳۷*	می تواند: ۲: ۳۲۸۵*	می برندت خانه: ۲: ۳۱۱۸*
می خوری صد لوت: ۴: ۱۱۰۶*	می توان، هم: ۱: ۱۲۰*	می برندش: ۵: ۱۸۱۶*
می خوریم: ۳: ۴۳۰۲*	می توانی خورد: ۳: ۳۳۰۹*	می بُریدند: ۲: ۳۸۰۸*
می درآید: ۲: ۱۵۰۶*	می توانی دید آخر: ۴: ۳۳۷۰*	می بُرید و: ۶: ۱۶۹۲*
می دراندازی: ۳: ۳۴۲۳*	می جهد آنفاسشان: ۶: ۸۹*	می پزاید: ۲: ۱۰۹۶*
می دَراند پرده های: ۱: ۳۶۰۹*	می جهد بالا: ۳: ۴۱۵۹*	می بساید: ۱: ۳۵۳۸*
می دَراند حلقه: ۴: ۳۰۸۱*	می جهد خون: ۲: ۱۸۸۸*	می بسوزد جُرم: ۵: ۱۸۴۹*
می دراند کام: ۱: ۳۹۹۶*	می جَهَم در: ۶: ۲۲۲*	می بسوزد که: ۶: ۱۵۴۲*

می‌درانند از ۳۶۶۲:۴	می‌دوید و می‌چشانید	می‌رُبود آن عقل ۳۴۷۹:۱
می‌درانید ۱۵۴:۳	۱۸۷۵:۱	می‌ربودند ۳۳۲۵:۴
می‌دَرَد می‌دوزد این خیاط	می‌دویدی ۲۱۰:۲	می‌ربودی رنگ ۳۴۴۱:۶
۱۳۱۱:۲	می‌دَوِی سَوِی سَراب	می‌رُبودی قطره‌اش ۲۶۴۵:۴
می‌دَرَد می‌دوزد این درزی	۳۲۲۸:۴	میر بیرون ۳۵۰۲:۵
۱۷۱۴:۶	می‌دَوِی سَوِی شِهان ۳۰۶۵:۴	میر، تقصیری ۱۷۴۸:۴
می‌دریغش ۸۶۹:۴	می‌دویم اندر ۲۴۶۶:۱	میر چون آتش ۳۴۹۵:۵
می‌دمد بر ابلهان ۱۴۲۵:۵	می‌دهد پاداش ۴۵۲۹:۶	میر دیدی ۳۸۲۷:۳
می‌دمد در گوش ۱۱۰۰:۶	می‌دهد، پس ۱۹۰:۵	میر را گفتند ۱۱۵۸:۶
می‌دمد در مسجد ۱۳۱۴:۴	می‌دهد تقطیع ۲۲۴۹:۶	می‌رساند برف ۳۷۳۷:۴
می‌دمد، می‌سوزد ۱۳۱۱:۲	می‌دهد حق آرزوی ۶:۴	می‌رساند بی‌دریغی ۱۲۱۷:۲
می‌دمند اندر ۱۰۴۳:۵	می‌دهد حق هستی ۱۹۷۱:۶	می‌رساند شعله‌ها ۱۸۷۵:۴
می‌دمید از سنگ‌ها ۲۸۹۶:۲	می‌دهد داد ۳۷۵۷:۶	می‌رساند قدرتش ۵۱۴:۴
می‌دمید از لامکان ۳۱۶۴:۳	می‌دهد دل ۵۶۲:۱	می‌رسد از غیب، چون
می‌دوا سازند ۲۸۱:۴	می‌دهد رنگ ۳۵۲۲:۱	۲۲۲۲:۱
می‌دواند اسب ۱۱۱۵:۱	می‌دهدشان ۳۲۱۷:۵	می‌رسد از غیبتان ۳۸۹۲:۵
می‌دواند در میان ۲۳۴۰:۲	می‌دهد کوثر ۸۸۲:۶	می‌رسد از لامکان ۴۲۷۹:۳
می‌دود بر امر تو ۳۴۶۷:۳	می‌دهد مُلکی ۸۸۱:۶	می‌رسد، از من ۴۴۳:۳
می‌دود بر خاک ۴۱۷:۱	می‌دهد نور ۸۸۰:۶	می‌رسد از واسطه ۸۳۶:۲
می‌دود بی ۱۱۵۱:۱	می‌دهد هر آه ۸۸۳:۶	می‌رسد اندر ۱۸۱۵:۴
می‌دود تا ۲۲۳۶:۴	می‌دهد هر چیز ۲۴۵۷:۴	می‌رسد بی‌واسطه ۲۴۰۲:۳
می‌دود چندانکه ۴۱۸:۱	می‌دهد هر شوره ۱۴۸۹:۴	می‌رسد خود ۳۵۲۹:۳
می‌دود چون دید ۴۱۴۱:۵	می‌دهند آفون ۱۵۰۳:۲	می‌رسد در گوش ۲۸۸۰:۲
می‌دود چون کاسه‌ها	می‌دهی تو مال ۳۳۴۱:۳	می‌رسد در هر زمان ۳۷۳۶:۴
۱۱۱۰:۱	می‌دهیم این ۳۰۷۷:۳	می‌رسد در هر مسا ۲۷۷۳:۶
می‌دود حَمال ۱۸۳۴:۲	می‌دَنه بر رَو ۲۲۵:۵	می‌رسد سَوِی ۱۲۰۳:۲
می‌دود در خانه ۳۴۲۵:۲	میرِ آبی ۴۷۲:۲	می‌رسد، یا رَب ۹۲۸:۴
می‌دود کانه‌ای ۳۳۰۶:۴	میر آخر بود ۲۰۰۵:۴	می‌رسند اندر ۲۷۷۲:۶
می‌دوم بر ۳۵۵۵:۲	میر آخر دید ۲۳۶۴:۵	میر، سُنقر ۳۰۶۲:۳
می‌دوی این ۲۹۱۴:۲	میر آخور دیگر ۲۵۵۰:۵	می‌رسید از امر ۳۱۵۰:۳
می‌دوی بهر ۲۹۶:۳	میر احوال‌ست ۱۴۲۰:۳	می‌رسید از خلق ۸۹۰:۳
می‌دوید از جهل ۲۴۳۲:۳	میر ازو نشنید ۲۷۶۴:۲	می‌رسید از دور ۶۹:۱
می‌دوی در ۱۶۹۰:۲	می‌رُبايد ۱۸۳۴:۲	می‌رسید از وی ۱۳۸۷:۲
می‌دویدندی میان ۳۵۹۵:۱	می‌ربایی ۳۳۱۰:۳	می‌رسید او را ۳۷۱۱:۱
می‌دوید و باز ۱۸۹۰:۲	می‌رُبود آن سبزش ۱۳۷۴:۴	می‌رسیدش ۲۵۴:۶

- می رسیدند ۷۰:۳*
 می رسید و دل ۴۳۲۵:۳*
 می رسید و می شنیدم ۹۳۹:۴*
 میر شد محتاج ۳۰۵۵:۳*
 میر کونی، خاک ۳۰۲:۵*
 میر گفت: او ۳۵۵۳:۵*
 میر لشکر ۱۹۹۳:۴*
 میر مجلس ۱۸۱۹:۴*
 می رمد آن ۲۷۱۱:۴*
 می رمد اثبات ۷۲۱:۶*
 می رمیدندی ۲۶۵۷:۳*
 می رمیدی ۲۴۸۹:۴*
 می رمی هر ۴۲۹۵:۳*
 می رود از ۱۴۲۱:۲*
 می رود اندر ۲۱۹۵:۴*
 می رود این ۳۱۹۰:۱*
 می رود با ۵۰۴:۶*
 می رود بی بانگ ۳۰۹۱:۱*
 می رود بی چون ۱۹۸۱:۳*
 می رود بی روی ۶۹۱:۶*
 می رود، ندارد ۳۷۰۶:۴*
 می رود تا عرش ۳۸۴۸:۳*
 می رود چون زندگان ۷۴۳:۶*
 می رود چون کفشی ۳۱۷:۲*
 می رود دانایی ۱۴۲۲:۲*
 می رود در جو ۲۱۴:۵*
 می رود در ره ۴۰۲۸:۳*
 می رود در وقت ۳۳۱۷:۶*
 می رود دود لَهَب ۶۳۳:۵*
 می رود سَبَّاح ۳۸۸۰:۶*
 می رود سويِ ریاض ۳۵۸۷:۶*
 می رود سويِ صفی ۲۰۲۴:۴*
 می رود سیلاب ۲۴۵۲:۲*
 می رود کودک ۴۵۸۷:۳*
 می رود، می آید ۵۳۱:۴*
- می رود هر پنج حس ۳۵۶۷:۱*
 می رود هر روز در حجره برین ۱۹۱۹:۵*
 می رود هر روز در حجره خلا ۱۸۵۸:۵*
 می رود هر سو ۲۱۰:۵*
 می روم بر ۲۲۷۰:۴*
 می روم تا ۱۹۶۸:۳*
 می روم نوید ۳۳۲۵:۶*
 می روم یعنی ۱۹۷۱:۳*
 می روند این ره ۴۵۸۲:۳*
 می روند و، نیست ۲۸۲۵:۳*
 می روی اندر ۴۱۸۴:۳*
 می روی پاک ۱۷۴۴:۵*
 می روی در ۱۱۱۲:۵*
 می روی گه ۱۳۲۲:۴*
 می روی هر ۱۷۸۹:۶*
 می رهند جان ۲۲۲۸:۳*
 می رهندمان ۲۲۳۰:۳*
 می رهند، می برد ۸۸۰:۱*
 می رهنم خویش ۲۵۷۶:۳*
 می رهنم، می بزم ۲۹۵۹:۳*
 می رهنیمان ۴۱۲۲:۵*
 می رهنی می کنی ۳۸۸:۱*
 می رهنی هر دمی ۳۷۶:۱*
 می رهم زین ۲۲۲:۶*
 می رهند ارواح ۳۸۹:۱*
 میری عاریتی ۲۷۸۶:۴*
 میری من ۲۷۸۶:۴*
 می زد اندر ۸۹۰:۶*
 می زد او بر پشت ۳۰۸۲:۵*
 می زد او بر سر ۱۲۷:۵*
 می زد او بر سینه ۱۲۷:۵*
 می زد او دو ۱۲۴:۵*
 می زدند ۲۵۳۵:۱*
- می زدی از ۲۷۸۱:۲*
 می زدی اندر ۴۰۹۴:۳*
 می زدی خُبک ۱۵۷۴:۲*
 می زری چه بود ۳۱۲۵:۳*
 می زن آن حلقه ۳۳۲۸:۴*
 می زند از ۱۷۷۶:۴*
 می زند اندر ۴۱۱۸:۳*
 می زند او ۳۸۲۳:۳*
 می زند بر آب ۳۱۵۵:۶*
 می زند بر آسمان سبز فام ۱۶۴:۳*
 می زند بر آسمان ها ۱۸۳۵:۴*
 می زند بر پشت ۳۰۸۴:۵*
 می زند بر تن ۱۰۲۶:۱*
 می زند بر جان ۱۲۰۵:۲*
 می زند بر دامنش ۲۰۳۵:۴*
 می زند بر دل ۱۰۳۵:۱*
 می زند بر روش ۱۱۰۴:۶*
 می زند بر روی ۲۱۳۸:۲*
 می زند برگوش تو ۱۰۱:۶*
 می زند بر گوش های ۱۰۵:۶*
 می زند بر مرغ ۳۹۸۴:۳*
 می زند بر نور ۳۱۷۹:۳*
 می زند جان ۱۷۴۰:۵*
 می زند خورشید ۷۰۵:۳*
 می زند فرزند ۲۴۵۰:۳*
 می زند کای خس ۲۱۱۴:۲*
 می زند کفلیز ۴۱۶۲:۳*
 می زند نعره ۱۴۴۴:۳*
 می زند یا لَیْت ۴۱۲۳:۵*
 می زنم با ۱۰۸۹:۳*
 می زنم بر در ۸۷۸:۶*
 می زنم تا ۱۰۹۰:۳*
 می زنم شه شه ۳۵۱۶:۵*
 می زنم نعره ۲۳۱۶:۵*

می‌زنند آن ۲۴۵۴:۱	می‌شدند از ۳۷۰۶:۶	می‌شود آن زفت ۳۷۵۳:۴
می‌زنند از ۵۰۶:۵	می‌شدند این ۱۱۸۵:۱	می‌شود بافیده ۳۷۱۶:۶
می‌زنند این ۲۰۳۰:۳	می‌شد و صحرا ۳۶۷۲:۵	می‌شود دلخوش ۱۲۳۴:۶
می‌زندش کآنچنان ۹۳۲:۶	می‌شدی او ۴۰۳۴:۶	می‌شود دوزخ ۴۶۰۸:۶
می‌زنی این ۲۵۵۳:۴	می‌شدی پُرسانِ ۱۴۱۰:۱	می‌شود رُویت ۱۸۱۲:۴
می‌زنی بر خانه ۲۵۳۴:۴	می‌شدی پیدا ۴۰۳۹:۶	می‌شود ز الهام‌ها ۲۹۸۵:۵
می‌زنی در ۳۲۳۰:۴	می‌شکافد آسمان ۱۰۱۹:۴	می‌شود سوزان ۸۳۴:۲
می‌زنی دستی ۷۹۳:۳	می‌شکافد بی‌مُحابا ۱۱۸۹:۱	می‌شود صیاد ۱۷۳۸:۱
می‌زنیدش ۲۵۷۳:۶	می‌شکافد شاخ ۲۴۵۶:۱	می‌شود لاغر ۲۸۶۵:۵
می‌زنیم از ۵۵۹:۱	می‌شکافد کوه ۱۴۷۷:۱	می‌شود مبدل به خورشید
می‌زهاند کوه ۱۳۳۰:۲	می‌شکافد مو ۳۵۵۲:۵	۱۲۸۹:۶
می‌زید خوش‌عیش ۲۲۹۱:۱	می‌شکافد نور ۱۹۹۱:۳	می‌شود مبدل به سوز ۱۲۹۰:۶
می‌زید در شک ۴۰۲۷:۳	می‌شکافیدند ۲۳۷۹:۵	می‌شود مسجود ۳۳۵۸:۶
می‌سپارد باز ۱۹۷۱:۶	می‌شکافی و ۲۳۴۲:۴	می‌شود نزدیکتر ۲۶۱۶:۳
می‌ستاند آه ۸۸۳:۶	می‌شکنجد ۱۱۰۵:۶	می‌شوی در پیش ۳۴۰:۳
می‌ستاند این ۸۸۱:۶	می‌شمارد ۱۲۵:۳	می‌شوی در ذکر ۱۱۴۰:۳
می‌ستاند قطره ۸۸۲:۶	می‌شمارم بانگ ۱۷۰۷:۲	می‌طبد اندر ۳۴۳:۵
می‌ستانم ۶۳۳:۲	می‌شمارم برگ‌های ۱۷۰۷:۲	می‌طیم تا ۴۲۰۳:۶
می‌ستانی ۲۵۸۴:۲	می‌شمارم بهر ۱۷۰۸:۲	می‌طلب ۲۲۶۵:۲
می‌سیتد ۳۸۶:۲	می‌شمرد، آن ۳۳۵۶:۱	می‌عجب داری ۲۰۵۳:۳
می‌ستودندش ۳۶۵۱:۲	می‌شمرد از ۱۲۴۲:۵	می‌فتاد از جوزین ۷۴۶:۴
می‌سراید ۱۳۴۴:۱	میش مشغولست ۴۳۹۴:۶	می‌فتاد از خنده ۳۸۶۲:۳
می‌سرایندش ۷۳۴:۴	می‌شناسا، ۲۶۹۴:۴	می‌فتادی در شباک ۳۰۹۱:۶
می‌سُکُست از ۲۴۳۴:۶	می‌شناسد قهر ۵۴:۵	می‌فتد از ۴۷۱۱:۳
می‌سُکُست او ۱۰۴۶:۳	می‌شناسم، باد ۶۶۱:۳	می‌فُتد، ای جان ۴۶۵۳:۶
می‌شتابد، تا ۲۵۸۴:۶	می‌شناسم چون ۶۶۲:۳	می‌فُتد این سو ۲۴۲۸:۱
می‌شتابد در ۳۸۵۸:۵	می‌شناسم من ۱۶۸۷:۳	می‌فتد این عقل‌ها ۴۱۴۷:۵
می‌شتابیدم ۲۶۱۸:۵	می‌شناسم، همچنانک ۶۵۶:۳	می‌فتد چون ۳۵۸۰:۳
می‌شتابیدند تفت ۲۰۵۷:۵	می‌شناسند ۱۶۸۴:۱	می‌فتد در خانه‌ام ۲۴۰۳:۳
می‌شتابیدند مغروران ۵۶۲:۳	می‌شناسیدند ۳۶۹:۱	می‌فُتی این ۷۱۴:۳
می‌شخولیدند ۴۲۹۳:۳	می‌شنود او ۳۳۶۶:۳	می‌فرستاد او ۳۵۸۵:۱
می‌شد از شُباکه ۳۳۴۴:۱	می‌شنودم دوش ۴۱۵۴:۳	می‌فرستادش ۳۶۵۴:۲
می‌شد اندر ۳۱۶۳:۲	می‌شنید از ۳۶۵۳:۲	می‌فرستد پیش ۱۵۶۳:۴
می‌شدم از ۲۴۸۰:۲	می‌شنیدم ۱۹۲۴:۲	می‌فرو پوشد ۳۶۳۳:۴
می‌شدم بی ۱۹۹۸:۳	می‌شنیدند از ۲۹۸۹:۶	می‌فروزد ۲۷۵۵:۶

می‌فروشی بهر ۱:۲۶۶۹	می‌کشد بالا ۲:۲۴۳۸	می‌کشید و گشت ۱:۳۸۳۳
می‌فروشی هر زمانی ۶:۳۴۶۶	می‌کشد بالشرک ۱:۱۱۸۸	می‌کشی سر ۴:۱۹۹۶
می‌فریباند ۶:۴۲۲۷	می‌کشد پا بر سر ۵:۱۸۱۷	می‌کشی هر سو ۶:۲۲۳۱
می‌فریبد ۴:۳۵۹۵	می‌کشد چون ۳:۲۳۴۹	می‌کند آری ۵:۸۹۸
می‌فزاید در وسایط ۵:۵۶۹	می‌کشد حق ۵:۲۱۲۹	می‌کند آن بنده ۳:۱۹۲۰
می‌فزاید کمتری ۲:۸۰۴	می‌کشد خرگوش ۳:۴۶۷۳	می‌کند آن کور ۲:۲۳۷۵
می‌فزایی در ۵:۷۸۵	می‌کشد دانش ۳:۴۱۲۳	می‌کند آه ۵:۳۴۳
می‌فنارد در ۵:۵۰	می‌کشدشان بی ۱:۳۱۸۸	می‌کند ابلیس ۴:۲۶۰۴
می‌فشاند آن ۵:۳۰۷۷	می‌کشدشان سوی دگان	می‌کند از باغ ۱:۳۸۶۹
می‌فشاند برگ ۵:۳۶۸۰	۴:۱۱۱۶	می‌کند از تو ۳:۴۰۲
می‌فشاند خاک ۴:۳۰۸۱	می‌کشدشان سوی نیک	می‌کند افسانه ۶:۱۸۲۱
می‌فشاندم ۵:۳۶۷۵	۴:۱۱۱۹	می‌کند افسوس ۵:۱۱۴۲
می‌فشدند ۵:۲۴۱۵	می‌کشد شیر ۳:۲۲۰۴	می‌کند اندر ۴:۳۱۰۳
می‌فکنند ۱:۸۰۴	می‌کشد گوش ۲:۱۹۵۷	می‌کند او توبه ۴:۲۳۰۰
می‌فکندی ۵:۳۵۳۸	می‌کشد مر آب ۶:۲۹۰۱	می‌کند او تیز ۳:۳۸۱۶
می‌کشاند آب ۳:۲۱۰۳	می‌کشد همسایه ۳:۴۳۳۱	می‌کند، او را گدا ۴:۳۱۳۵
می‌کشاند بر زمینش ۶:۲۷۳۵	می‌کشم پیش ۱:۲۴۱۳	می‌کند این بانگ ۳:۲۳۲۲
می‌کشاند سوبه سو ۶:۲۹۵۵	می‌کشتان تا ۳:۴۵۸۰	می‌کند بر ۳:۲۲۷۳
می‌کشاند سوی حرص	می‌کشتان سوی ۳:۴۵۷۸	می‌کند بقدر ۳:۵۹۹
۵:۱۶۰	می‌کشند این ۳:۴۵۸۳	می‌کند بیخ ۵:۳۶۸۱
می‌کشاند سوی کان ۴:۱۱۱۸	می‌کشندت ۵:۲۹۱۵	می‌کند تکرار ۵:۱۲۴۹
می‌کشاندشان سوی کسب	می‌کشی آن ۴:۳	می‌کند تهدیدت ۵:۶۱
۴:۱۱۱۸	می‌کشی از عشق ۵:۳۲۵۵	می‌کند چون ۵:۳۹۱۷
می‌کشاندشان موکل ۳:۴۴۷۷	می‌کشی این ۵:۳۰۸۳	می‌کند در بیشه‌ها ۲:۲۳۶۳
می‌کشاند مر تو ۳:۴۴۵۶	می‌کشی بوی ۴:۱۸۱۳	می‌کند دندان ۱:۳۸۷۰
می‌کشاند مکر ۶:۴۰۹۸	می‌کشید آبی ۶:۳۵۸۶	می‌کند روها ۲:۱۵۹۷
می‌کشاند هر طرف ۱:۲۴۹۷	می‌کشید آن مار ۳:۱۰۲۹	می‌کند ره ۳:۳۵۵۸
می‌کشانش ۳:۱۰۶۱	می‌کشید از بیهشی‌اش ۳:۴۶۶۴	می‌کند زنبور ۴:۴۳۶
می‌کشانم ۵:۴۸۴	می‌کشید از عشق ۵:۳۳۰۲	می‌کندشان ۲:۲۸۸۹
می‌کشد آن پیش ۴:۱۵۳۳	می‌کشیدش از پی ۳:۱۰۰۴	می‌کند صد گونه ۵:۱۶۴۰
می‌کشد آن خالقی ۴:۳۶۴۶	می‌کشیدش تا به داود ۳:۲۳۱۵	می‌کند طاعات ۲:۳۳۹۴
می‌کشد آن دانه ۶:۸۰۷	می‌کشیدش تا به درگاه	می‌کند ظاهر ۳:۲۴۵۷
می‌کشد استارگان ۱:۳۸۶	۱:۳۸۳۲	می‌کند غارت ۵:۵۳
می‌کشد این را ۴:۲	می‌کشیدند اهل ۳:۱۰۳۸	می‌کند کشتی ۳:۲۷۹۶
می‌کشد، این سو ۵:۷۳۲	می‌کشیدندش ۵:۸۶۶	می‌کند گستاخ ۵:۲۴۸۲

می‌کند مغمور ۲: ۲۵۴۸*	می‌گیرند از خودی ۶: ۲۲۷	میلِ شاهی ۳: ۲۲۳۹*
می‌کند موصوف ۲: ۲۹۲۳*	می‌گریزی از پشه ۶: ۴۱۰۹	میلِ شهوت ۵: ۱۳۶۵
می‌کند هر رهنی ۴: ۶۱۰*	می‌گریزی از جفا‌های ۶: ۴۱۱۰	میلِ عاشق ۳: ۴۶۰۳*
می‌کند هر شب ۱: ۱۶۸۲*	می‌گریزی از زهارش ۶: ۳۴۱۹*	میلِ کلّی دارد ۱: ۷۵۲*
می‌کند یک باد را ۴: ۱۳۴	می‌گریزی در یمی ۶: ۴۱۰۹*	میلِ کن ۴: ۶۰۳*
می‌کند یک رنگ ۶: ۱۸۵۷*	می‌گریزی همچو ۶: ۴۱۱۱	میلِ ما را ۱: ۸۱۷*
می‌کنش با نور ۴: ۸۵۶*	می‌گریست از ۲: ۴۰۳	میلِ مجنون ۴: ۱۵۳۴
می‌کنم او را ۴: ۱۹۳*	می‌گزنش کای ۳: ۳۱۸	میلِ معشوقان، خوش ۳: ۴۴۴۵*
می‌کنم خدمت ۶: ۴۶۹۶*	می‌گزنش کز ۳: ۳۱۷	میلِ معشوقان نهان ۳: ۴۶۰۳
می‌کنم لا حول نه ۴: ۷۶۵	می‌گزنش که ۳: ۲۹۲	میلِ می‌جوشد ۶: ۱*
می‌کنم لا حول یعنی ۴: ۷۶۷	می‌گشاید بی‌مراد ۴: ۳۲۹۸*	میلِ ناقه ۴: ۱۵۳۴*
می‌کنم هر روز در ۴: ۳۰۹*	می‌گشاید راو ۲: ۳۷۵۱*	میلِ و رغبت ۳: ۱۹۰۱*
می‌کنند آگاه ۳: ۲۹۶۶*	می‌گواهی ۳: ۳۵۲۱*	میلِ و عشق ۳: ۴۴۴۰*
می‌کنند این قوم ۱: ۳۴۹۵*	می‌گود: یا لیتنی ۳: ۴۰۸*	میلِ ها همچون ۵: ۶۲۶
می‌کنی از جُرم ۱: ۶۲۴*	می‌گوند ۲: ۳۳۶۱	میلِ هر جزوی ۳: ۴۴۱۶
می‌کنی جزو ۵: ۷۸۵	میلِ آن ۳: ۱۶۱۸*	میمِ اُم تنگست ۶: ۲۳۳۰*
می‌کنیم از ۲: ۳۷۴۸	میلِ اندر ۳: ۴۴۱۵	میمِ دلتنگ ۶: ۲۳۳۱*
می‌کنی نیت ۱: ۶۲۵*	میلِ این ۲: ۱۴۹*	می‌مُرد استاره ۶: ۳۶۱*
می‌گدازد ۲: ۵۹۵*	میلِ بادش ۴: ۲۷۰۱	میمِ و واو ۱: ۲۹۲
می‌گدازید ۶: ۲۴۴۰*	میلِ تن، در باغ ۳: ۴۴۳۸*	می‌نبخشایی ۱: ۸۲۵
می‌گذشت آن یک ۶: ۳۹۱۴*	میلِ تن در سبزه ۳: ۴۴۳۶	می‌نبخشد ۲: ۳۲۷۴*
می‌گذشت از سوي ۲: ۱۶۳۶*	میلِ تن، در کسب ۳: ۴۴۳۹*	می‌نبندد پرده ۴: ۱۲۷۴*
می‌گریزانیدش ۴: ۹۱۷	میلِ تو سوی ۱: ۱۹۶۸	می‌نبودش ۴: ۱۵۳۶*
می‌گریزانی ز داور ۳: ۳۳۴۲*	میلِ جان اندر ترقی ۳: ۴۴۳۹	می‌نبیند، گرچه ۳: ۲۶۳۰*
می‌گریزد از تو دیو ۱: ۱۸۷۶*	میلِ جان اندر حیات ۳: ۴۴۳۷	می‌نبینم از اجابت ۶: ۲۷۲۸*
می‌گریزد، از تو هم ۴: ۴۴۰*	میلِ جان در ۳: ۴۴۳۸	می‌نبینی این ۳: ۱۵۷۱*
می‌گریزد از گوا ۳: ۳۹۹۲*	میلِ جُست و جوي ۳: ۲۴۸۸*	می‌نبینی حال ۳: ۱۵۶۹*
می‌گریزد اندر ۵: ۹۰۷*	میلِ خدمت ۱: ۱۶۴۸*	می‌نبینید این ۳: ۲۷۱۶*
می‌گریزد او سپس ۳: ۳۹۶۴*	میلِ خشکی ۲: ۳۷۶۹	می‌نبینی صنع ۱: ۳۶۸۰
می‌گریزد در سر ۶: ۲۲۴*	میلِ دریا ۲: ۳۷۶۸	می‌نبینی غیر ۳: ۴۰۴۴
می‌گریزد ضدها ۳: ۱۸۷	میلِ دُبه ۲: ۲۷۲۳*	می‌نبینی، قاصد ۶: ۲۷۷۷*
می‌گُریزد نکته‌ها ۴: ۱۳۲۰*	میلِ روحت ۲: ۱۸۱۴	می‌نبینی؟ کن ۳: ۳۲۲۶*
می‌گریزم ۵: ۶۶۸	میلِ سوی ۶: ۴۴۱۶	می‌نپاید ۲: ۳۱۶*
می‌گریزند از اصول ۴: ۱۳۶۹	میلش اندر ۱: ۸۱۵*	می‌نناند ۶: ۸۸۷*
می‌گریزند از تو ۲: ۶۴۴*		

می نرسد ۲۴۰۷:۵ #	می نگنجد ۱۹۱۷:۶ #	می نمود افسانه‌های ۱۶۵۲:۶ #
می نجسش ۲۹۹۷:۲ #	می نگیرد ۲۸۰۹:۶ #	می نمود این، عکس ۱۲۷۲:۴ #
می نجباند ۳۴۸۳:۴	می نماند ۴۵۱۷:۳ #	می نمودت ۲۴۸۶:۴ #
می نجوید رستن ۱۵۴۱:۱ #	می نماید آتش ۳۹۲۱:۳ #	می نمودش آنقدر ۱۰۸۵:۱ #
می نجوید لطف ۲۶۹۳:۶	می نماید آن ۶۷۶:۴ #	می نمودش شُنع ۱۹۴:۶ #
می نخُسیم ۱۳۸:۱ #	می نماید اعتقاد ۳۲۸۶:۱	می نواخت از مهر ۳۲۸۴:۶ #
می نخواهد شمع ۲۶۷۹:۴ #	می نماید او تُرش ۳۵۳۸:۴ #	می نوازد نیش ۱۸۳۳:۲ #
می نخواهد غوث ۴۲۱۵:۳	می نماید او که ۳۴۹۳:۴	می نوازی ۱۹۲۱:۴ #
می نخورده ۳۹۲۰:۶	می نماید او وفا ۱۸۶۵:۵	می نویسد ۱۷۱۶:۴ #
می ندادش ۴۷۴۹:۳	می نماید اهل ۱۳۶۸:۱ #	می نه آیدشان ۲۰۰۷:۵
می نداند بانگ ۳۵۷۹:۲ #	می نماید بر ۶۲۵:۱	می نهاد آنجا ۲۵۹:۶
می نداند خلق ۲۳۶۷:۳	می نماید بی قصوری ۳۴۹۱:۱ #	می نهان گردد ۴۰۶۱:۳
می نداند دزد ۲۳۸۲:۲ #	می نماید پست ۳۳۶۲:۴	می نهاد انگشت ۳۸۵:۱ #
می نداند که نخُسب ۲۱۲:۱ #	می نماید پیش ۱۰۳۸:۲	می نهاد با صد ۲۳۵۵:۳ #
می ندانم خامسه ۴۷۰۶:۳ #	می نماید تا ۲۳۰۵:۲	می نهاد پا ۲۸۰:۳ #
می ندانم در دو ۲۴۲۵:۵ #	می نماید در نظر ۳۱۷:۶	می نهاد ظالم ۲۴۵۳:۳ #
می ندانم کرد ۲۴۰۸:۳ #	می نماید دل ۷۱۹:۱ #	می نهم پیش ۲۴۱۳:۱
می ندانم که مرا ۷۰۷:۶	می نماید زنده ۳۲۶۵:۵ #	می نهند از شهد ۳۴:۶ #
می ندانم من کجام ۷۰۶:۶ #	می نماید سرعت‌انگیزی	می نیارد ۳۶۳۳:۴
می ندانم می ندانم در ۷۱۴:۶ #	۱۱۴۸:۱ #	می نیاید با همه ۱۴۷۶:۳ #
می ندانم، می ندانم ساز ۷۰۸:۶ #	می نماید سیری ۱۱۴۴:۲	می نیاید راه ۸۳۲:۳ #
می ندید آتش کُشی ۳۶۲:۶ #	می نماید صورت ۳۴۸۰:۴	می نیابد از ۲۸۰۴:۴ #
می نشد ۱۵۳۵:۵ #	می نماید قعر ۲۳۰۶:۲	می نیایی ۱۳۹۴:۶
می نظر کردند ۴۴۷۴:۳	می نماید کوه، پیشش	می نیاسایند ۴۸۸۸:۶ #
می نکردی او دعا ۸۴:۴	۲۳۵۲:۳ #	می نیاید، پس ۲۳۸۳:۵ #
می نکردی جز خبیثان ۸۴:۴ #	می نماید کوهِ فکرت ۳۳۶۲:۴ #	می نیاید پیش ۳۰۶۲:۵ #
می نگنجد ۲۹۶:۶ #	می نماید که ۳۶۹۶:۶ #	می نیاید یک جواب ۱۹۱:۳
می نگر تو ۱۳۵۲:۶ #	می نماید مار ۲۹۴۴:۲	می نیزد تَره‌یی ۱۰۸۴:۵ #
می نگرداند به عنبر ۲۹۷:۴	می نماید موج ۲۳۰۶:۲	می نیزد خاک، آن ۲۲۹۷:۴ #
می نگردد ۱۹۰۵:۳ #	می نماید نور ۴۱۳۶:۵	می نیزد خاک، خون ۴۸۸:۵ #
می نگر در ۵۴:۶ #	می نمایند این ۹۸۹:۵ #	می نیندیشیم ۳۷۸:۱
می نگردم از بیانش ۴۲۹۲:۶ #	می نماید دار ۳۴۲۶:۳ #	میوه‌ات باید ۲۳۰۷:۱
می نگردم از مُحاکات	می نمایمت ۳۹۴۵:۳ #	میوه‌اشان ۲۰۲۷:۳
۲۶۶۸:۶ #	می نمود آن مرغ ۲۵۸:۱	میوه او مایه ۳۶۶۶:۲ #
می نگنجد در فلک ۱۰۲۶:۱ #	می نمود آن مکر ۲۸۵۱:۲	میوه جنت ۲۸۶:۵

نار را کُشتید ۲: ۲۵۶۰*	ناامیدی میس ۲: ۳۳۸۶*	میوه شیرین ۶: ۳۵۷۶*
نار را نکشد ۳: ۳۴۸۳*	ناامیدی‌ها ۲: ۳۳۸۷*	میوه گر کهنه ۶: ۴۷۳۶*
نار سیده از وی ۵: ۲۶۰۳*	ناپدید ۴: ۴*	میوه، معنی ۱: ۲۹۳۰*
نار سیده زحمتش ۵: ۲۶۰۴*	ناتراشیده ۱: ۳۲۰۶*	میوه مکروه ۴: ۶۹۱*
نار سیده سود ۶: ۳۶۸۵*	ناجوانمردا چه ۵: ۲۶۰۱*	میوه می‌روید ۶: ۳۲۰۴*
نار سیده، عمر ۶: ۴۶۱۶*	ناجوانمردا که ۳: ۶۵۴*	میوه‌ها در ۲: ۹۷۱*
نار شهوت تا ۱: ۳۶۹۸*	ناحمولی انبیا ۴: ۷۷۷*	میوه‌ها ز آن ۴: ۶۸۰*
نار شهوت را از آن ۲: ۳۲۲۲*	ناحمولی گر ۴: ۷۷۸*	میوه‌ها گویند ۲: ۱۸۲۵*
نار شهوت را چه چاره ۱: ۳۷۰۰*	ناخن زین ۴: ۲۶۳۰*	میوه‌ها لایه کنان ۴: ۱۱۰۴*
نار شهوت می‌نیارآمد ۱: ۳۶۹۹*	ناخنش بترید ۲: ۳۲۵*	میوه‌ها لب خشک ۶: ۲۱۰۷*
نار، ضدّ ۲: ۱۲۵۱*	ناخن و منقار ۴: ۲۶۳۱*	میوه‌ها و سبزه ۲: ۱۰۹۴*
نار علّت‌ها ۴: ۳۱۰۶*	ناخنی که ۴: ۲۶۲۹*	میوه‌ها هر یک ۳: ۳۵۱۳*
نار کز وی ۳: ۳۴۷۴*	ناخوش او ۱: ۱۷۷۷*	میوه‌های پخته ۳: ۳۱۳*
نار می‌پنداشت ۳: ۴۳۶۸*	ناخوش آید إذا ۶: ۹۸*	میوه‌های رسته ۶: ۷۰*
نار و خار ۳: ۴۳۷۰*	ناخوش آید مقال ۶: ۹۵*	میوه‌یی که بر ۳: ۲۰۰۸*
ناریان، خصم ۱: ۳۶۹۴*	ناخوش و تاریک ۶: ۳۴۱۶*	میهمان مُحسِنان ۱: ۲۲۶۴*
ناریان مر ۲: ۸۳*	ناخوش و خوش ۳: ۳۴۴۳*	می‌یقین ۴: ۱۸۲۰*
ناز آن ابله ۶: ۲۱۴۳*	نادار روزی ۶: ۳۸۱۲*	
ناز بابایان ۳: ۱۳۲۰*	نادراست ۱: ۱۴۳۸*	ن
ناز را بگذار ۳: ۱۳۲۲*	نادرافتد ۶: ۱۹۶۳*	نأتِ خیراً ۱: ۳۸۵۹*
ناز را رویی ۱: ۱۹۰۶*	نادراکسیری ۴: ۵۹۲*	نافریدی ۲: ۳۲۷۵*
ناز غیر ۶: ۴۷۶۶*	نادراین باشد ۵: ۳۰۹۵*	نآمد او ۳: ۹۵۰*
ناز فرزندان ۳: ۱۳۲۰*	نادری ۳: ۵۹۲*	نآمدش ۴: ۳۶۳۹*
ناز کردن ۵: ۵۴۴*	نادی رحمت ۲: ۳۰۵۷*	نآید آن الاّ ۱: ۲۰۳۶*
نازکی در خورد ۶: ۱۴۷۸*	نار، ابراهیم ۳: ۱۰۱۶*	نآید آن دانش ۶: ۴۱۸۴*
ناز می‌کن ۲: ۳۲۲۴*	نار از آن ۱: ۳۶۰۱*	نآید آن سویی ۶: ۲۲۳۳*
ناز نازان ۱: ۳۶۷۵*	نار بنماید ۶: ۴۳۶۰*	نآید از بنده ۲: ۱۴۹۴*
نازنینان اند ۲: ۲۹۰۸*	نار بودی ۴: ۳۴۲۱*	نآید اندر حصر ۲: ۱۷۰۹*
نازنین شعری ۴: ۱۲۰۸*	نار بیرونی ۱: ۳۶۹۸*	نآید اندر و هم ۳: ۳۶۳۴*
نازنین یاری ۵: ۱۵۱۸*	نار، پیش نور ۴: ۵۹۷*	ناامید از رفتن ۲: ۲۴۳۵*
نازینی تو ۱: ۳۳۰۵*	نار تو اینست ۱: ۱۵۶۷*	ناامید از هر دو ۳: ۸۲۷*
نازهای هر ۶: ۶۷۷*	نار خصم ۱: ۳۶۹۵*	ناامیدان خوش‌رگ ۵: ۲۲۸۶*
ناسپاسی عطای ۶: ۴۷۷۲*	نار خندان ۱: ۷۲۱*	ناامیدانیم ۳: ۱۱۸۲*
ناسپاسی و فراموشی ۳: ۳۱۰*	نار دوزخ ۶: ۳۹۲۸*	ناامیدم ۲: ۳۶۶۳*
ناسزایم را ۳: ۳۳۷۴*	نار را با هیچ ۶: ۳۹۲۸*	ناامیدی را ۱: ۳۸۳۶*

ناسزایی را ۵۶۴:۶*	ناقه چون سر ۴۶۷۱:۳	نالَم و ترسم ۱۵۶۹:۱
ناس، غیر جان ۷۶۱:۴*	ناقه صالح به ۲۵۰۹:۱	نالِهات نَبود ۲۰۰۷:۲*
ناس، مردم ۷۶۲:۴	ناقه صالح چو ۲۵۱۲:۱	نالِه از اجزای ۲۵۴۳:۱
ناشده واقف ۳۶۷۵:۶	ناقه گردیدی ۱۵۳۵:۴*	نالِه از اخوان ۲۸۰۱:۶
ناشیکسته ۲۹۳۲:۱*	ناقه‌یی ۴۶۹۱:۳*	نالِه از باطن ۲۱۷:۵
ناشکیا ۴۶۰۲:۳	ناکس اندر ۳۸۲۰:۶*	نالِه، از وی ۱۸۲۰:۱*
ناشناسا توسبب‌ها ۴۸۰۶:۳	ناکسان را ۲۸:۴	نالَه خر ۱۸۵۲:۲
ناشناسا گشت ۳۸۳۴:۴*	ناگرفته ۶۲۱:۴*	نالِه دارد ۲۲۵۷:۴*
ناصحان او ۲۸۱:۴	ناگشاده ۳۷۶۶:۱*	نالَه سرنا ۷۳۲:۴
ناصحان را ۸۷۱:۱	ناگهان آمد سواری ۱۶۹۸:۲	نالَه سگ در ۲۰۷:۳
ناصحانشان ۳۷۸:۳	ناگهان آمد قطاریق ۳۷۳۷:۵*	نالَه کافر ۲۰۰۵:۲
ناصحان گفتند ۸۷۰:۱	ناگهان آن ذره ۴۵۸۰:۶*	نالِه کرد ۳۴۰۰:۳*
ناصح دین ۴۴۵:۱	ناگهان آواز سگ ۱۴۴۶:۵	نالَه گرگان ۳۶۷۰:۴
ناصحی ربّانی ۱۲۴۷:۴	ناگهان آوازه ۲۳۷۵:۵	نالَه ما را خوش ۱۹۹۲:۲*
ناطق آنکس ۳۰۳۹:۴*	ناگهان از ۷۶۹:۴*	نالِه می‌زد ۲۱۱۳:۱*
ناطقان کِیا نا ۴۶۴:۳*	ناگهان انداخت ۱۱۹۴:۲	نالِه می‌کن ۱۱۹۶:۱
ناطق کامل ۱۸۹۵:۳	ناگهان اندر ۴۸۶۴:۶*	نالِه و تسبیح ۱۱۹۵:۱*
ناطقه او ۲۶۴۸:۶*	ناگهان بجهد ۳۷۲۲:۵	نالِه و گریه ۴۰۲:۲*
ناطقه چون ۳۶۰۹:۱	ناگهان بجهم ۵۷۵:۶*	نالِه و نوحه ۷۷۹:۶
ناطقه سوی ۳۰۹۰:۱	ناگهان تمثال ۶۵۱:۳	نام آن کردند ۱۵۱۹:۴*
ناطقه ناطق ۳۲۰۷:۳*	ناگهان چشمش ۲۱۷۸:۳	نام آن کودک ۹۵۴:۴*
ناطقی گردد ۳۲۰۳:۳*	ناگهان در ۱۴۸۶:۳	نام آن محراب ۳۰۰۰:۳*
ناطقی یا ۱۴۸۳:۱	ناگهان دید اسپ ۳۳۴۶:۶*	نام آن نُور ۱۲۵۱:۴*
ناظر حق ۲۸۶۲:۶*	ناگهان دیدند ۱۴۴:۳	نام احمد این ۷۳۷:۱
ناظر فرعی ۲۸۹۶:۵	ناگهان رفت ۲۲۴۳:۴	نام احمد تا ۱۱۰۵:۱*
ناظر قلییم ۱۷۶۰:۲	ناگهان روزی ۳۷۰۱:۵*	نام احمد چون ۷۳۸:۱
نافع آمد ۳۵۱۲:۲*	ناگهان کردی ۲۳۱۴:۵*	نام احمد داشتندی ۷۳۴:۱*
نافع از علم ۳۲۲۱:۱*	ناگهان گردد ۲۹۲۷:۶*	نام احمد را، دهانش ۸۱۲:۱*
ناف ما بر ۲۶۲۲:۲	ناگهان مردی ۲۶۰۶:۲	نام احمد، نام ۱۱۰۶:۱
ناقص آمد ۱۵۱۰:۳*	ناگهان واگرد ۳۹۹۴:۶*	نام اصلم ۲۳۱۱:۴*
ناقص ار زر ۱۶۰۹:۱*	ناگهانی آن ۳۱۳۲:۳	نام، امیران ۳۱۲۶:۴*
ناقصان سرمدی ۳۸۱۰:۲*	ناگهانی از ۲۸۶۴:۳*	نام او باشد ۴۸۸:۱*
ناقه‌الله آب خورد ۲۵۱۱:۱	ناگهانی خود ۴۲۵۵:۶	نام او خوانند ۳۶۴۵:۳
ناقه‌الله و سقیاها ۲۵۱۳:۱*	نالِد این ۴۵۹۸:۶*	نام او در ۴۰۲۲:۶
ناقه جسم ۲۵۲۲:۱	نالَم ایرا ناله‌ها ۱۷۷۴:۱	نام او محبوب ۲۹۱:۱

نام او و القاب ۷۸۶:۶	نام ما و فخرِ ما ۳۲۷۳:۶	نان از آن ۳۱۳۱:۶
نام او و دولتِ ۲۸۰۰:۴	نام من اینست ۱۲۹۱:۴	نان ازینجا ۳۲۳۰:۶
نام این سگ ۲۴۸۲:۳	نام من در ۲۳۱۰:۵	نان برون راند ۲۷۹۸:۱
نام این فردوس ۹۶۳:۶	نام موسی ۲۴۹۳:۲	نان بیاوردند ۲۴۱۱:۵
نام این مبغوض ۲۹۱:۱	نام، میری ۳۲۳:۶	نای بی سفره ۲۵۴۳:۳
نامبارک ۷۲۰:۱	نامناسب بُد ۲۷۴۷:۵	نان پرستی ۱۲۳۷:۶
نام پنهان ۴۰۵۸:۳	نامناسب چون ۴۲۳:۶	نان توشد ۲۰۱۳:۵
نام تأنیش ۱۹۷۴:۱	نامناسب را خدا ۲۴۰۸:۴	نان جو حَقّا ۳۴۸۸:۵
نام تواز ۱۲۰۳:۳	نامناسب می نمود ۳۲۶۳:۲	نای جو در ۲۸۳۵:۵
نام تو بر زرّ ۱۲۰۱:۳	نام نیک ۲۸۲۶:۳	نان چرا ۳۲۰۹:۶
نام تهدیداتِ ۲۰۸۳:۳	نام و رنگی ۱۴۷۳:۲	نان چو اطلاق ۳۲۰۹:۶
نام جمله ۴۰۲۱:۶	نام و ناموس ۱۰۱۳:۱	نان چو معنی بود بود ۳۹۹۷:۱
نام چنگش ۳۹۸۳:۳	نام‌هات آنست ۱۸۲۳:۵	نان چو معنی بود خوردش ۳۹۹۳:۱
نام حق بستاند ۲۳۳۹:۱	نامۀ اقبال ۲۴۹۰:۶	نان چون در سفره ۱۴۷۴:۱
نام حق را دام ۲۳۳۸:۱	نامۀ بگشادن ۱۵۶۸:۴	نان خوری را ۲۷۰۸:۵
نام حق، عدلست ۲۸۸۱:۶	نامۀ بیرون کرد ۱۴۰۶:۳	نان دهنده ۷۳:۶
نام حَقّم ۲۳۳۸:۱	نامۀ پَرَد ۱۷۸۱:۵	نان دهی از ۲۲۳۶:۱
نام خانه ۴۳۱۶:۶	نامۀ پر ظلم ۲۲۰۵:۵	نان ز خوکان ۲۳۹۹:۵
نام خود کرده ۱۲۸۴:۴	نامۀ چون آید ۱۸۳۲:۵	نان شدی ۱۴۷۷:۵
نام خود کردی ۶۵۱:۴	نامۀ خواند از ۲۰۷۰:۴	نان فرستد ۴۹۵:۳
نام خود و آنِ علی ۴۵۳۸:۶	نامۀ خود خواند ۱۹۸۱:۵	نان کجا اصلاح ۳۴۵۸:۴
نام دولت ۲۳۳۳:۶	نامۀ دیگر نوشت ۱۹۳۵:۴	نان کور و آب کور ۲۵۱۰:۱
نام دیوی ۵۰۲:۲	نامۀ دیگر نویس ۱۵۶۶:۴	نان که سدّ ۲۳۴۵:۶
نام زر ۴۳۶۰:۳	نامۀ را تصحیف ۴۷۵۳:۳	نان گرم و صحن ۲۳۹۷:۶
نامشان از ۹۳۲:۲	نام هر بنده ۴۴۴۲:۶	نان گِل است و گوشت ۲۸۷۲:۱
نامشان بین ۲۷۹۹:۴	نام هر چیزی ۲۶۴۹:۶	نانمان نی ۲۲۵۴:۱
نامشان را سیل تیز ۲۸۰۰:۴	نام هر یک ۷۵۰:۲	نان، مرا ۲۷۹۸:۱
نامشان را نشنوند ۳۱۰۶:۳	نامۀ سُنی ۲۹۶۵:۵	نان مرده چون حریف ۱۳۴۲:۲
نامشان شد ۳۷:۵	نامۀ عذر ۲۹۶۵:۵	نای مُرده زنده ۱۵۳۲:۱
نام شهری ۱۶۴:۱	نامۀ می آید ۴۵۱:۶	نان و آب ۴۰۴۷:۶
نامُصوّر سر کند ۳۲۷۷:۵	نامۀ و باران ۲۴۰۳:۳	نان و آتش ۷۸:۵
نامصور یا مصور پیش ۶۹:۲	نامۀ و دلّاله ۲۰۶۹:۴	ناودان بارش کند ۲۴۹۰:۵
نامصور یا مصور گفتنست ۶۸:۲	نامۀ می آید ۱۸۰۶:۵	ناودان همسایه ۲۴۹۳:۵
نام قُطبُ العارفین ۹۲۷:۲	نامۀ بی در نور ۱۵۴۶:۲	نای او بُرم ۷۸۱:۲
نام، کالانعام ۱۵۲۲:۴	نام یوسف ۴۰۳۵:۶	

نایب آمد ۴۵۲۰:۶	نحس آنجا ۳:۳۶۰۰	نرم کردش ۶:۲۷۷
نایب است ۱:۲۲۶	نحس این سو ۶:۳۱۶۰	نرم گردد ۴:۱۲۱۹
نایب حق است ۶:۱۵۱۲	نحس، خرگوشی ۳:۳۸۸۱	نرم گشت ۵:۱۹۴۲
نایب حق اند ۱:۶۷۳	نحس دیدی ۶:۲۷۸۵	نرم گفتیم ۱:۳۶۰۲
نایب حقم ۱:۲۲۷۷	نحس شاگردی ۲:۱۵۷۸	نرم گویکن ۴:۲۸۱۷
نایب حق و خلیفه ۱:۶۵۱	نحس کیوان ۲:۱۷۰۹	نرم می شد ۱:۸۵۴
نایب رحمان ۱:۲۶۸۵	نحس مایید ۳:۲۹۴۸	نرم نرمک ۱:۱۴۷
نایب عیسی ۱:۳۷۲	نح علی ۶:۵۳۸	نرم و خوش ۱:۸۶۰
نایب عیسی، منم ۱:۶۹۷	نحل ها بر ۶:۳۴	نرمی فاسد ۴:۳۸۱۹
نایم را زودتر ۶:۴۵۰۱	نخن ۳:۲۸۷۲	نر و ماده ۴:۳۰۰۲
نایب من ۱:۳۰۴۳	نخوه ۲:۳۷۴۵	نری خر ۵:۴۰۲۷
نایی باید ۱:۶۷۱	نخل تر ۱:۳۱۸۳	نزد آن قاضی ۱:۲۷۰۱
ناید اندر خاطر ۳:۴۷۹۰	نخوت شاهی ۴:۲۶۵۲	نزد آنکس ۴:۲۷۲۰
نای را بر ۴:۷۷۰	نخوتش بر ۶:۲۰۲۳	نزد آنکه لم ۲:۳۵۶۶
نبت را چه ۴:۲۸۹۶	نخوت و خشم ۵:۲۴۴۴	نزد پیغمبر به لابه ۲:۲۸۳۰
نبت نو ۴:۳۰۷۷	نخوتی دارند ۳:۳۶۰۶	نزد پیغمبر منازع ۴:۲۷۷۹
نبض او بر ۱:۱۶۷	ند چه بود ۶:۱۶۲۰	نزد خالق ۱:۱۲۴۰
نبض او بگرفت ۶:۱۳۲۲	نذر کردم ۵:۳۷۹۹	نزد دانا ۲:۷۴۶
نبض، جست ۱:۱۶۸	نزع و نلقب بیرد ۳:۴۱۷	نزد سگانی آفتی ۲:۳۵۶۶
نبض عاشق ۳:۳۶۷۸	نزع و، نلقب، به ۳:۴۱۶	نزد شه بهتر ۱:۳۶۳۸
نبود آن حس ۶:۲۸۱۴	نردبان خلق ۴:۲۷۶۳	نزد عاقل، اشتیری ۳:۴۵۳۹
نبود آن دشنام ۴:۱۹۵۰	نردبانش ۲:۹۲۰	نزد عاقل ز آن پری ۳:۴۲۵۶
نبود آن مهمانیش ۴:۱۹۵۰	نردبان هایی ۵:۲۵۵۶	نزد مالک ۲:۱۰۶۴
نبود از اصحاب ۳:۱۳۳	نردبانی پیش ۱:۹۲۹	نزد من خون ۶:۸۵۵
نبود از رأی ۴:۱۹۷۱	نردبانی نایدت ۶:۴۱۳۷	نزد من عمر ۳:۳۶۰۲
نبود الا بعد ۴:۱۳۸۲	نرد بس نادر ۶:۲۲۸۱	نزد من نزدیک ۶:۸۵۳
نبود او را ۵:۶۰۵	نرد خدمت چون ۴:۹۱۲	نزد موسی ۱:۱۲۴۰
نبودش خود ۵:۱۴۶۶	نرد خدمت های ۲:۵۲۷	نزد هر دانا ۳:۱۴۵۰
نبودش در دم ۴:۳۳۷۱	نرد دل با ۶:۲۶۳۴	نزد یزدان ۴:۱۲۰۴
نبودش در ذهن ۱:۱۲۱	نرد را کورانه ۴:۲۷۳۷	نزع فرزندان ۳:۱۹۱۸
نجم اندر ریگ ۶:۲۶۴۴	نردهای ۳:۹۱۶	نر کسی ۴:۹۴۲
نجم او ۳:۹۰۱	نرگس چشم ۴:۱۶۰۵	نسبت است ۵:۳۹۰۹
نجم ناقب ۳:۴۵۳۳	نرگس و گلبرگ ۳:۳۵۲۰	نسبت اصلم ۴:۲۳۱۳
نجد از ۵:۳۷۰	نرگس و نسرين ۵:۲۶۷۷	نسبت این، از یکی ۴:۷۰
نحر ۱:۳۴۹۴	نرم باید ۴:۳۸۱۵	نسبت این فرع ها ۴:۲۴۰۹

نبره می‌زد ۳۸۶۵:۵	نصرت از وی خواه، نه	نسبت زیر ۱۱۵۴:۳
نبره‌ و اوایل‌ها ۲۱۸۲:۳	۱۴۹۷:۵	نسبتش با آدمی ۶۸:۴
نبره و فریاد ۴۲۶۶:۶	نصرتش ده ۴۴۸۷:۳	نسبتش بخشید ۲۴۰۵:۴
نبره‌ها زد ۱۲۶:۵	نصف قیمت‌ ارزد ۱۷۱۲:۴	نسبتش دادی ۶۹۷:۲
نبره‌هاشان می‌رسد ۳۵۳۸:۱	نصفِ قیمت‌ لایقست	نسبتش نبود ۲۴۵۵:۶
نبره‌هاشان می‌رود ۷۸۱:۶	۱۷۱۳:۴	نسبت و نام ۲۳۱۰:۴
نبره‌هایِ او ۱۹۷۳:۵	نصّ، وحی ۳۵۸۳:۳	نسبتی باید ۲۶۹۰:۱
نبره‌هایِ عشقِ ۴۶۲۵:۶	نطفه از نان است ۳۹۸۰:۵	نسبتی گر ۲۴۱۱:۴
نبره‌هایِ لا اُحِبُّ ۲۸۱۱:۶	نطفه‌اش جَست ۹۳۰:۳	نسخ می‌کُن ۳۱۲:۵
نبره یا حسرتا ۲۸۰۴:۳	نطفه را ۸۹۴:۴	نسکُلد ۳۷۳۸:۲
نبره یا لَیْتُ ۱۷۴۰:۵	نطفه کی ۳۹۷۸:۵	نسلِ آن ۳۴۶۶:۳
نبره یا نارکونی ۲۰۰۹:۶	نطق آب ۳۲۷۹:۱	نسل ایشان ۷۳۳:۱
نبره‌یی زد سخت ۳۳۳۵:۵	نطقِ آدم ۴۵۴۹:۶	نشف کرد از ۲۲۲۹:۶
نبره‌یی زد مرد ۳۱۲۱:۶	نطق، اسطرلاب ۳۰۱۴:۲	نشکند، بر بست ۳۲۳۷:۱
نبره‌یی زن ۵۴۸:۶	نطقِ این ۳۳۰۴:۳	نشکند صف ۲۴۵۹:۵
نعت من اعرض ۳۵۴:۳	نطق، تشویش ۱۵۹۶:۶	نشکنم تا ۲۳۲۴:۵
نعل او هست ۱۶۲:۵	نطقِ تو ۳۱۹۷:۲	نشود آن ۱۹۲۰:۱
نعلبندان ایستاده ۲۳۷۸:۵	نطق جان را ۳۸۲۰:۴	نشود ادراکِ ۶۲:۳
نعل‌بندان را نمود ۱۳۳۹:۵	نطق در دیده ۳۲۳۸:۲	نشود از حکم ۴۷:۵
نعل بینی ۴۱۵:۵	نطق عیسی ۴۵۴۹:۶	نشود او راست ۲۷۱۴:۲
نعلِ معکوس ۱۷۳۸:۶	نطق، کان موقوف ۱۶۲۹:۱	نشود او صافِ ۱۱۵۴:۵
نعل‌های بازگون است ۲۴۸۱:۱	نطقِ مرغ ۳۳۰۳:۳	نشود بیگانه ۱۲۱۴:۲
نعل‌های بازگونه‌ست ۲۷۵۱:۵	نطق موسی ۳۵۱۵:۲	نشود پند ۲۰۶۳:۵
نعمت آرد ۲۸۹۷:۳	نطق می‌خواهد ۱۹۲:۲	نشود گوشِ ۳۱۰۴:۴
نعمت از دنیا ۱۴۰۹:۵	نطق، نئی ۶۱۴:۱	نشود نغمه ۱۹۲۱:۱
نعمت از وی ۲۶۷۸:۳	نطق‌ها ۲۰:۵	نشوم از جانِ ۱۶۷۷:۵
نعمتِ دادم ۲۱۶۴:۳	نظم و تجنیس ۱۴۹۴:۳	نشوم بی حجت ۲۸۴۶:۴
نعمت جَنّات ۸۲۹:۶	نعتِ او ۳۸۳۶:۴	نشوند آن ۴۵۳۰:۳
نعمتِ حق را بیاید ۲۸۸۲:۳	نعتشان ۱۵۳۶:۵	نشوی از غیر ۳۷۸۱:۴
نعمت حق را به جان ۱۰۹۲:۵	نبره او ۱۹۹۰:۴	نشوی تسبیح ۳۴۴۹:۶
نعمت شکر ۲۸۹۸:۳	نبره عقل ۲۰۵۹:۵	نشوی در آب ۲۶۶۷:۶
نعمتم زوتر ۳۴۰۱:۳	نبره لاضیر بر ۳۳۳۹:۵	نشوی زان ۲۹:۱
نعمت و اقبال ۲۶۳۴:۴	نبره لاضیر بشنید ۴۱۲۰:۵	نشود دیگر ۳۸۲۵:۴
نِعْمَ رَبُّ الْعَالَمین ۱۶۶۷:۵	نبره مستان ۹۴۶:۶	نصرت از وی خواه، کو
نِعْمَ ما رَوْحَت ۳۸۰۳:۳	نبره مؤذن ۱۶۰۰:۵	۴۵۰:۲

نفس کافر توبه‌اش ۲۲۳۵:۵*	نفس بانگ آورد ۳۷۹۳:۵	نغم مال ۹۸۴:۱*
نفس کافر نعمت ۴۷۹۶:۶*	نفس بُتگر ۷۷۶:۱*	نغم جای ۲۲۳۷:۳*
نفسک السّودا ۲۷۲۴:۲*	نفس بی عهدست ۱۶۵۴:۴	نغم گردانید ۷۳۵:۴*
نفس کشتی ۷۸۵:۲	نفس از درهاست ۱۰۵۳:۳	نغم می آید ۳۰۲۳:۵
نفس گوید ۲۵۰۹:۳	نفس تو است آن ۷۸۲:۲	نغم نغم ۲۰۹۴:۴*
نفس لّوامه ۲۰۶۲:۵*	نفس تو با ۳۱۹۵:۵	نغم را زشت ۴۰۷۱:۳*
نفس ما را ۱۳۹۴:۵	نفس تو تا ۲۴۴۶:۵	نغم اجزای ۴۲۷۶:۳
نفس، مر آب ۷۷۵:۱*	نفس تو هر ۲۴۶۴:۳	نغم آرنی ۲۴۴۵:۶*
نفس، مگارست ۲۲۷۴:۲*	نفس، جُنید ۳۹۷۶:۱*	نغم دل ۱۹۲۲:۱*
نفس موشی ۳۲۷۳:۲	نفس، جنس ۲۷۰۴:۴*	نغمه های ۱۹۲۵:۱
نفس مؤمن ۹۹:۴	نفس چون با ۲۵۴۵:۳	نغمه آمد ۱۹۵۳:۱
نفس ناری ۲۵۶۵:۲	نفس چون خرگوش ۱۳۵۱:۱*	نغمه انا ۳۴۷:۴*
نفس نمرودست ۳۳۱۱:۲	نفس چون مبدل ۳۸۲۹:۵	نغمه دیگر ۱۹۵۴:۱
نفس واحد از رسول ۳۷۱۲:۲	نفس خرگوش ۱۳۵۲:۱	نغم او این ۳۲۰۲:۴
نفس واحد، روح ۱۸۸:۲*	نفس خس گر ۲۶۰۳:۲	نغم تو ۱۵۶۷:۵*
نفس و شیطان بود ۳۱۹۷:۳	نفس خودبین ۳۷۷۷:۴*	نغم حق باشم ۳۹۳۵:۳*
نفس و شیطان خواست ۲۹۱۹:۵	نفس خود رازن ۲۲۷۲:۲	نغم حق نبود ۱۵۵۲:۶*
نفس و شیطان هر دو ۴۰۵۳:۳	نفس خود را کش ۲۵۰۴:۳	نغم در وی ۱۵۵۲:۶
نفس و عقلی ۲۷۱۸:۴*	نفس خونی ۲۵۱۰:۳*	نغم صور امرست ۱۷۷۳:۵
نفس و فعل ۴۱۸۵:۳*	نفس را تسبیح ۲۵۵۴:۳	نغم صور حرص ۶۲۸:۵*
نفسها را تا ۲۰۰۷:۴	نفس را جوع البقر ۲۴۶۸:۵*	نغم قهرست این ۳۲۰۴:۴*
نفسها را لایق ۱۶۵۵:۴	نفس را در پیش نه ۳۴۸۸:۵*	نغم تو ۵۵۱:۳*
نفس همچون ۲۶۲۱:۱	نفس را زان ۲۲۸:۶	نغم خفاشکان ۲۰۸۵:۲
نفع باران ۲۰۳۸:۱	نفس را زین ۲۹۷۹:۳	نفس، آن گاوست ۲۸۶۶:۵
نفع و ضرر ۲۵۹۹:۶	نفس زشتش ماده ۲۴۶۳:۵*	نفس از باطن ۳۷۸۸:۵
نفعه و کسوهست ۱۷۶۱:۶	نفس زشتش نر ۲۴۶۱:۵*	نفس از درهاست ۲۵۴۸:۳
نفی آن یک ۳۶۵۸:۳	نفس زشت کفرناک ۴۸۵۷:۶*	نفس اگر چه ۱۶۵۶:۴
نفی بگذار و زبنت ۶۴۰:۶*	نفس، زندهست ۳۸۲۳:۵*	نفس اثنی ۲۴۶۴:۵*
نفی بگذار و همان ۶۴۲:۶	نفس زنده سوي ۵۵۰:۵*	نفس او کفار ۷۵۷:۱*
نفی بهر ۶۴۰:۶	نفس زین سان است ۳۷۴:۳	نفس اول ۳۰۸۰:۳
نفی خورشید ۱۱۳۰:۲	نفس، سوفسطایی ۳۵۰۰:۲	نفس او میرست ۲۱۳۴:۲
نفی را اثبات ۱۰۳۲:۵	نفسش اندر ۷۷۵:۲	نفس، این ست ۲۴۶۷:۳*
نفی ضد کرد ۵۸:۶	نفس شهوانی ۲۳۵:۴	نفس باشد ۱۵۴۸:۲*
نفی، ضی هست ۷۳۶:۶	نفس، ظلمانی ۲۵۵۷:۳*	نفس با نفس دگر چون ۲۱:۲
	نفس فرعونیست ۳۶۲۱:۴	نفس با نفس دگر خندان ۲۷:۲

نقی کرد، اما غبار ۱۵۵۲:۳	نقش او می‌گشت ۳۸۴۲:۴	نقش ما این ۲۹۰۲:۳
نقی کردم تا ۷۲۱:۶*	نقش باشد ۶۱۱:۱	نقش ماهی ۲۷۶۵:۱
نقی نکند ۳۰۹۷:۵*	نقش با نقاش پنجه ۹۳۷:۳	نقش ما یکسان ۴۷۶۹:۳
نقی و اثبات ست در ۲۱۲۵:۵*	نقش، با نقاش، چون ۶۰۸:۱*	نقش من از ۱۰۳:۲
نقی و اثبات ست و ۳۶۵۹:۳*	نقش با نقاش چه ۳۰۳۵:۱	نقش موشی ۳۲۷۳:۲
نقب زن زد ۲۸۴۶:۶	نقش بت باشد ۱۴۳۲:۳*	نقش می‌بینی ۱۷۹۲:۲
نقبوا فيها ۳۷۴۰:۲*	نقش بُت بر نقدِ ۲۸۹۱:۱*	نقش و صورت ۵۲:۱*
نقدِ او ببند ۱۴۷۷:۲	نقش بر دیوار ۱۰۲۰:۱	نقش و قشر ۳۴۹۳:۱
نقدِ تو ۱۹۸۶:۲*	نقش بگذارم ۶۱۳:۶*	نقش‌ها بینی ۷۲:۲*
نقد جو ۱۲۹۱:۶*	نقش بنداند ۳۰۷۵:۴	نقش‌ها را ۳۸۰۹:۵
نقد حال ۲۹۰۰:۱*	نقش تن را ۴۵۴۰:۳	نقش‌ها گر ۳۳۲۲:۶
نقد را از ۲۵۶۶:۳	نقشِ تو در ۲۱۴۳:۴*	نقش‌ها مان ۱۸۶۶:۶*
نقد را چون ۱۶۰۹:۶*	نقشِ تو ست ۱۷۹۲:۲*	نقش‌های این ۲۶۴۹:۵
نقدِ را و نقدِ ۳۵۳۱:۱*	نقش جان ۹۳:۲	نقش‌های زشت ۲۴۸۹:۴
نقد رفت و کاله ۴۲۱۰:۶*	نقش جنسیت ۸۹۲:۱	نقش‌های صاف ۲۵۳۷:۲*
نقدِ زَر ۳۲۷۸:۶*	نقش چون کف ۱۴۵۹:۶	نقش‌های غیب ۳۱۴۶:۱*
نقدِ قلب ۱۷۹۸:۵*	نقش حق را ۳۹۷۹:۱	نقش‌هایی ۲۷۷۰:۱
نقد ما و جنس ما ۳۲۷۳:۶	نقشِ حَمّامند ۳۴۷۹:۴*	نقشِ هر طومار ۴۶۳:۱*
نقدِ نیک و بد ۱۷۹۷:۵*	نقشِ خدمت ۱۳۷۵:۳*	نقشِ هیزم ۱۵۵۶:۶*
نقد نیکو شادمان ۱۷۹۸:۵	نقش دارد از ۱۸۳۲:۴*	نقش یوسف ۲۵۳۸:۲
نقد و قلب اندر ۲۹۶۶:۲*	نقش در کاغذ ۳۸۳۴:۵	نقص از آن ۴۰۲۶:۳*
نقد و قلبی را ۲۸۵۹:۴*	نقش درویش است ۲۷۵۲:۱	نقص عقل است ۱۵۳۸:۲
نقد و کالا ۶۵۲:۲*	نقشِ دین ۹۸۶:۲*	نقص گفتم ۱۱۴۵:۴*
نقره ۲۱۴۹:۱*	نقش را کَالْعَوْدُ ۳۷۰:۳*	نقص‌ها آیینۀ ۳۲۱۰:۱
نقش آب است ۱۱۰۰:۱	نقش رستم ۳۹۱۸:۵	نقص‌ها شان ۹۷۴:۱*
نقشِ آخر ۱۶۲۸:۴*	نقشِ سگ را ۲۷۵۲:۱*	نقض توبه ۲۵۹۲:۵
نقش آدم ۱۵۰۷:۴	نقشِ شیر و، آنکه ۷۸۹:۳*	نقض میثاق و شکست ۲۵۹۱:۵
نقش اگر خود ۸۰۱:۴	نقشِ شیری رفت ۷۸۷:۳*	نقض میثاق و عهد ۲۸۷۵:۲
نقش، اگر غمگین ۲۷۶۶:۱	نقش صوفی ۳۸۰۶:۵	نقطه و پرگار ۴۲۰۹:۵*
نقشِ او، آن کِش ۱۳۲۵:۱*	نقش ظاهر ۲۸۸۷:۴	نُقل آمد ۲۱۰۹:۴
نقشِ او اینست ۳۸۳۳:۵*	نقشِ غفیرتان ۲۵۳۸:۲*	نقل اعراض است این بحث ۹۷۵:۲
نقش او بر ۳۸۴۴:۴	نقش کردی ۳۰۰۱:۴*	نقلِ اعراض است این شیر ۹۷۵:۲*
نقش او را ۳۸۴۳:۴	نقش کُرمز ۱۸۱۷:۲	نقل افتادش ۱۷۶۸:۵*
نقش او فانی ۲۱۴۰:۴	نقش، کم ناید ۳۹۳۴:۳*	
نقش، او کرده ۲۳۲۷:۴	نقش گل در ۱۸۴۴:۴	

نقل باشد ۷۴۶:۶	نَک جزا ۱:۱۳۱۴*	نم نبارد ۴:۱۹۴۵
نُقل بر نُقل ۵:۲۵۳۲	نک جهان در ۱:۱۰۲۵	ننگِ آن سر ۴:۲۹۶۵*
نُقل بنهادند ۵:۳۶۵۳*	نک، جهان نیست ۱:۷۹۵	ننگ باشد ۵:۱۵۲۹*
نقل خارستان ۶:۳۰	نَک حُسام الدّین ۱:۱۱۴۹*	ننگت آمد ۵:۱۴۰۵*
نُقل ز اغان ۶:۱۸۸۰*	نک خیال ۶:۲۲۵۷	ننگِ خمر ۶:۲۲۵*
نقل کردن ۴:۸۷۸*	نک درافتادیم ۶:۳۷۸	ننگ دار از ۵:۱۰۷۰*
نقل کن ز امرود ۴:۳۵۶۱	نَک ریاضی ۶:۳۶۲۷*	ننگ دارد از وجود ۱:۲۲۷۵*
نقل کن زینجا ۵:۲۴۳۰	نک ز درویشی ۱:۹۶۱	ننگ دارد از هزاران ۴:۲۹۶۶*
نُقل من ۲:۱۱۷۷*	نک سرش با ۳:۲۴۸۱	ننگ درویشان ۱:۲۲۵۷
نقل نتوان ۲:۹۴۷	نک شبانگاه ۶:۴۶۲	ننگرد پیمانه ۲:۳۶۲۳*
نُقل و باده ۱:۶۰۷*	نک شیاطین سوی ۴:۳۳۲۴	ننگرد در خویش ۱:۳۳۴۸*
نُقل و قوت ۶:۶۴۴*	نک، شیاطین کسب ۳:۴۶۳۷	ننگرد عقلش ۳:۴۷۸۷*
نقل هر چیزی ۲:۹۶۲	نک صریح ۲:۲۸۸۲	ننگرم در ۵:۸۸۳
نقمتی دان ۶:۱۷۳۶*	نک عصا آورده ام ۴:۲۸۰۵	ننگرم سوي ۳:۳۱۵۷*
نک انا مائیم ۵:۴۱۳۰	نک عصا ام ۴:۲۴۴۰*	ننگرم عهد ۳:۳۱۶۰
نک بیسته ۲:۲۲۴۰*	نَک فرو بُردش ۱:۳۴۱۳*	ننگرم کس ۳:۱۳۵۹
نک پیرانیده ای ۱:۱۷۰۵	نک، فلان شه ۱:۱۸۸	ننگرد اندر ۵:۱۷۰۲
نک بدان سو ۴:۳۲۳۱	نَک فلان قلعه ۳:۴۵۰۴*	ننگری تو ۳:۲۶۵۳*
نَک بر آرم ۴:۳۱۶۷*	نک، فناي این ۱:۲۸۴۵*	ننگری در ۵:۱۹۶۹*
نک به سوفسطایی ۶:۲۱۸۴*	نک قراضه ۱:۲۱۸۳	ننگش آید ۴:۲۱۹۴*
نک بهشت و بارگاه ۲:۲۵۵۶	نَک قفا ۶:۲۷۱۷*	ننگِ شیري ۱:۱۳۴۹*
نَک به نامش ۴:۲۴۴۹*	نک مرا در ۲:۲۲۵۷	ننگِ موشان ۶:۳۰۰۲*
نک پیایی ۳:۲۶۲۶	نَک منادی ۵:۲۰۸۳*	نَنهدش سر ۲:۲۱۲۰*
نَک تیرک ۲:۳۹۹*	نک منم سرهنگ ۴:۲۴۴۹	نوبتِ او مید ۱:۲۵۳۶*
نکته ای دیگر ۱:۲۵۹۷	نک منم ینوع ۳:۴۲۸۹	نوبتِ توبه شکستن ۶:۹۴۱*
نکته ای کآن ۱:۱۶۵۸	نَک من و، تو ۲:۵۴۹*	نوبتِ تو شد ۶:۳۹۰۵*
نکته دان اند ۵:۳۵۹۱*	نک ندایی ۴:۸۴۱*	نوبتِ تو گشت ۶:۳۹۰۳*
نکته گفتی با همه ۱:۲۴۸*	نَکندش ۵:۸۷۵*	نوبت جستن ۵:۲۲۵۸
نکته گفتی جبریا نه ۵:۲۹۶۶	نک نشان آن ست ۳:۲۷۴۷	نوبت روز ۶:۳۸۱۸
نکته لاینبفی ۱:۲۶۰۶	نک نشان پای ۲:۲۸۰۴	نوبت زنگی است ۶:۱۸۷۰
نکته ها چون ۱:۶۹۱	نک هلالی ۶:۹۴۷	نوبت صد رنگی ۶:۱۸۶۹
نکته ها می گفت ۱:۴۴۷	نک همی میرد ۵:۴۷۹*	نوبت قِبط است ۶:۱۸۷۱*
نکته های ۵:۲۷	نَگذرد ۱:۳۷۷۱*	نوبت گرگ است ۶:۱۸۷۱
نکته یی زآن ۵:۲۱۱۹	نگذری زین ۶:۱۷۹۰	نوبت ما ۶:۳۹۰۱
نکته یی گویم ۴:۲۶۴۴*	نگذریم ۶:۴۸۸۱*	نوبتم گر ۱:۲۴۵۳

نوبت من رفت ۴۵۶۶:۶	نوحه و گریه ۶۱۴:۵	نور پاکش ۲۱۷۰:۴
نوبت من شد ۴۴۴۷:۶	نوحه‌ها از ۲۱۳۴:۴*	نور، پنهانست ۲۰۳۷:۴
نوبت هدهد ۱۲۱۴:۱	نوحه‌ها می‌کرد ۲۲۷۰:۵	نورت ۳۳۵۳:۵*
نوب‌بریده جُنبد ۸۲۹:۵*	نور، آبی ۳۴۸۵:۳	نورِ جان داری ۲:۹۴۰*
نوبهار حسن ۲۷۰۶:۶	نور آن خانه ۴۵۵:۴	نورِ جان در تار ۳۰۶۳:۶*
نوبه نوبیند ۲۳۸۲:۴*	نورِ آن خورشید ۹۸۶:۵*	نورِ جان، واللّه ۴:۶۱۳*
نوبه نودر می‌رسد ۳۲۹۵:۲*	نور آن رخسار ۲۲۲۳:۴	نور جستم ۱۰۸۷:۶
نوح از آن ۹۱۲:۲	نور آن صد ۴۵۸:۴	نورِ جمله ۴:۴۶۰*
نوح اندر ۲۷۹۵:۳	نور آن گوهر ۲۴۴:۵	نورِ چشم، از نورِ دل‌ها ۱:۱۱۲۶
نوح چون بر ۴۴۷۲:۶	نورِ ابراهیم ۱:۳۷۰*	نورِ چشم از نورِ روزن ۲:۸۴*
نوح چون شمشیر ۲۵۲:۲	نورِ احمد ۱:۷۳۳*	نور چشمانم ۳:۱۱۸۶
نوح را دریا ۲۰:۶*	نور از آن خوردن ۱۶۶۴:۴	نورِ چشمش آسمان ۲:۴۳۷*
نوح را شد ۲۰۴۳:۶*	نور از آن ماه ۱۸:۴	نورِ چشم و دل ۱:۳۱۶۴*
نوح را گفتند ۱۴۰۴:۱	نور از دیوار ۵۵۹:۳	نور چشم و مردمک ۴:۳۶۹۱
نوح، شرق و غرب ۳:۸۶*	نور افزاید ۵:۲۷۰*	نور چشمی ۵:۲۷۶۶
نوح گفت: ای ۳:۱۳۳۱	نور، افزون ۲:۲۶*	نور حس با ۲:۱۲۹۹
نوح، نهصد سال در ۶:۲۶۵۲	نورِ او از نورِ ۲:۸۸۴*	نور حس را ۲:۱۲۹۳
نوح نهصد سال دعوت ۶:۱۰	نورِ او بالای ۴:۱۸۴۲*	نورِ حسّی ما ۴:۴۵۱*
نوح وار، ار ۳:۳۵۸۶	نور او بر ۶:۲۸۶۵	نور حس و جان ۴:۴۳۲
نوح و کشتی ۶:۲۰۸۵*	نورِ او پُر ۵:۲۴۲*	نور حسّی کو ۲:۱۲۹۷
نوح و موسی ۱:۱۸۴۱	نور او را ۶:۲۶۹۴	نور حسّی می‌کشد ۲:۱۲۹۴
نوحه‌ات ۱:۲۵۵۷*	نور، او یابد ۳:۳۰۹۰*	نور حسّی نبود ۲:۸۸۶
نوحهٔ اِنّا ۲:۲۷۱۰	نور این تسبیح ۱:۲۶۶۹	نورِ حق است ۲:۲۰۲۲*
نوحه، بر نوحه ۱:۲۵۴۵*	نور این دانی ۳:۲۴۰۷	نورِ حق بر ۲:۱۲۹۰
نوحه پیدا ۱:۲۵۴۳*	نور این شمس ۴:۶۰۷	نورِ حق دریا ۲:۱۲۹۵*
نوحه خواهد ۶:۲۷۱۱	نور باقی، پهلوی دنیا ۲:۱۳	نورِ حق را کس ۴:۱۰۳۹
نوحه را صورت ۶:۳۷۱۸	نورِ باقی را همه ۲:۱۵۴۵*	نورِ حق را نیست آن ۴:۲۱۲۰*
نوحه‌گر باشد ۲:۴۹۱	نور باید پاک از ۲:۱۴۷۶	نورِ حق را نیست ضدّی
نوحه‌گر را ۲:۴۹۶*	نور باید تا بُود ۲:۱۴۷۵*	۱۱۳۴:۱
نوحه‌گر گوید ۲:۴۹۲	نور بر نورست ۴:۱۲۵۲*	نورِ حقّش ۲:۱۲۹۴*
نوحه می‌دارند ۵:۱۲۲۴*	نور، بی این ۴:۱۸۸۵	نورِ حقّی ۵:۲۳
نوحه می‌داریم ۳:۱۷۷۶*	نورِ بی رنگت ۵:۹۹۰*	نور خوان ۳:۴۳۷۱*
نوحه می‌کرد ۶:۴۷۹۱	نورِ بی سایه بُود ۶:۴۷۴۷*	نور خواهی ۱:۳۶۰۶
نوحه می‌کن ۳:۱۶۲۱*	نور بی سایه لطیف ۵:۳۶۳۲	نورِ خور از ۳:۳۵۸۷*
نوحه و زاری ۵:۴۷۸*	نورِ پاکت ۱:۲۶۶۴*	نورِ خوردن ۵:۲۷۰۸*

نور خورشید آر بیفتد ۳۴۱۱:۲	نورِ فایض بود ۹۲۴:۲	نوش چون کردی ۱۵۲۱:۲
نورِ خورشیدست ۹۸۸:۵	نورِ فرقان ۸۵۲:۲	نوشدن ۴۲۹۵:۶
نور خورشیدم ۴۲۸۸:۳	نُورُکَ اَطْفَاءُ ۳۴۸۱:۳	نوش را بگذاشته ۱۰۸۲:۲
نور دارم ۳۶۶۱:۱	نُورُکُم اَطْفَاءُ ۳۷۰۰:۱	نوشِ لطف ۳۸۴۴:۱
نور در چشم ۳۳۹۷:۴	نور، کی ۲۲۶۷:۱	نوشِ نیشِ آلوده ۳۱۹:۶
نورِ دل از ۲۷۴۴:۶	نور گشت ۳۳۵۳:۳	نوش و خوش ۱۰۹۶:۳
نورِ دل در ۱۱۸۰:۲	نور گوهر ۸۵۳:۲	نوع دیگر ۱۸۵۰:۶
نورِ دل، مر دست ۱۳۶۶:۱	نورِ لَاحَوَلی ۳۷۷۸:۳	نوعِ رسی دید ۳۱۸۱:۴
نور دید آن مؤمن ۲۸۸۳:۵	نورِ ما را ۳۰۶۴:۶	نوعِ رسی یافتم ۶۳۰:۴
نور دید و بست ۳۴۶:۶	نورِ ماهش ۲۵۳۲:۳	نوع نوع ۸۵:۵
نور دیده ۱۲۶۴:۵	نور محشر ۱۶۸۹:۴	نوع‌ها تعریف ۳۱۴۲:۳
نور دیگر از دل ۲۴۳۱:۶	نور مردان ۲۰۶۹:۶	نوگیاهی رسته دیدی ۱۲۸۸:۴
نور، دیگر نیست ۱۲۵۴:۳	نور مصباح ست ۲۸۸۰:۵	نوگیاهی رُسته همچون
نور را با ۲۴۰۵:۴	نورِ مطلق ۱۴۹۹:۴	۱۳۷۳:۴
نور را حاصل ۱۲۶۱:۵	نور موسی دید و ۲۳۶۸:۲	نوگیاهی، هر ۱۳۱۴:۴
نور را در ۸۲۰:۲	نورِ موسی تقدِ ۱۲۵۲:۳	نوم عالم ۳۸۷۸:۶
نورِ ربّانی ۳۴۰۰:۴	نور مه آلوده ۱۲۵۸:۵	نوم ما چون ۳۰۶۲:۴
نورِ رفته ۱۶۴۲:۲	نور مه بر ۶۹۴:۵	نوب ابرو ۳۱۱:۵
نورِ روحش ۱۸۸۴:۴	نور مه راجع ۹۷۵:۶	نوندیدم ۴۵۴۶:۳
نور روزن ۷۵۰:۱	نورِ مه را سایه ۴۷۴۸:۶	نه آنچنان ۵۱۵:۲
نورِ روی او ۳۰۸۴:۶	نور می‌تابد ۳۵۳۲:۳	نه اثر ۶۷۸:۵
نور رویش آن چنان ۳۰۶۰:۶	نور می‌نوشد ۲۷۰۶:۵	نه ادیشان ۱۱۴۱:۴
نورِ رویش بی جهات	نورِ نامحدود ۱۱۶:۶	نه از این باران ۲۰۱۱:۱
۱۴۷۴:۳	نور ندهد ۲۲۶۶:۱	نه از این رو ۱۳۶۹:۳
نور روی یوسفی ۳۰۹۱:۶	نور نور چشم، خود ۱۱۲۶:۱	نه از برای بَوش ۱۲:۴
نور، ز آهک پاره‌ها ۴۷۰:۴	نورِ نور نور ۲۱۴۶:۶	نه از برای ترس ۳۷۱۷:۱
نورشان حیران ۳۰۷۰:۶	نورهای چرخ ۱۵۴۴:۲	نه از برای حَمَیْتِ ۱۱۴۸:۵
نورشان ممزوج ۴۳۹۲:۳	نور هر دو ۶۷۷:۱	نه از برای روی ۳۸۰۰:۵
نورشان می‌شد ۲۰۰۱:۳	نور هر گوهر ۸۵۱:۲	نه از برای مَتّی ۱۲۴۷:۵
نور شش قندیل ۲۸۸۲:۵	نور یابد ۲۵:۵	نه از بی سود ۱۹۰۰:۲
نور شعله ۱۹۸۶:۳	نوریان مر نوریان ۸۳:۲	نه از حُلُول ۴۱۴۹:۵
نورِ شمعی ۳۰۱۲:۵	نورِ یزدان بین ۴۶۲:۵	نه از خراش ۶۰۵:۴
نورِ عقل‌ست ۱۹۵۴:۴	نورِ یزدان، سَغْبَه ۲۵۱۸:۱	نه از طریق ۳۷۸۸:۶
نور غالب ۷۵۹:۱	نور، یَسعی ۶۱۱:۴	نه از طناب ۵:۳
نورِ فایض از دو ۱۶۴۱:۲	نوش بین ۴۵۳۲:۶	نه از عُرُوقی ۳:۳

نه جزای ۳: ۲۴۵۲	نه به زیر ۶: ۹۰۹	نه از عیان ۳: ۱۸۱۳
نه جزیره ۲: ۳۶۴۶	نه به شب ۴: ۷۳۰	نه از فتیل ۳: ۴
نه جلیس ۲: ۸۶۹	نه به طبع ۵: ۱۰۹۲	نه از قیاس ۵: ۱۳۱۰
نه جوالی ۴: ۱۸۳	نه به عرش ۱: ۳۴۸۷	نه از کتاب ۳: ۳۲۷۱
نه چنان بازی ۲: ۳۲۳	نه به قلب ۲: ۱۵۸۷	نه از لثیمی ۴: ۳۱۳۲
نه چنان شیری ۶: ۱۱۹۰	نه به لابه ۴: ۴۵	نه از لباس ۵: ۳۶۳
نه چنان که افسانه‌ها ۲: ۲۶۱۶	نه به مخزن‌ها ۲: ۳۲۰۸	نه از ممت ۲: ۱۵۸۵
نه چنانکه حیز ۶: ۲۶۵۱	نه به منزل ۶: ۴۰۹۶	نه اسیر ۴: ۸۱۳
نه چنان مرغ ۳: ۳۹۵۷	نه به نفرین ۳: ۳۶۲۲	نه امیدی مانده ۶: ۲۳۲۱
نه چنان مرگی ۶: ۷۳۹	نه به نورش ۶: ۴۰۹۶	نه بجنبید ۳: ۴۶۱۸
نه چو آن ابله ۴: ۷۱۴	نه به وقت خشم ۵: ۳۷۱۰	نه بدانجا ۵: ۳۲۶۳
نه چو آهن ۲: ۸۲۸	نه به وقت شهوت ۵: ۳۷۰۹	نه بدان کز ۳: ۴۳۸۳
نه چو توای ۶: ۱۲۱۷	نه به هر بیخی ۵: ۱۰۹۰	نه بدان میلستم ۵: ۳۳۶۳
نه چو تو پس رو ۶: ۱۱۱۳	نه به هندست ۵: ۶۷۱	نه بدن ۲: ۱۳۳۴
نه چو فرعونیت ۵: ۴۱۲۴	نه پذیرای ۶: ۱۲۴۵	نه بدی وحشت ۴: ۲۰۳۸
نه چو کنعان ۶: ۲۳۶۷	نه پشیمانی ۵: ۲۷۹۱	نه بر اعداشان ۱: ۱۸۴۱
نه چو لک لک ۶: ۱۲۶۳	نه پی خشم ۴: ۷۷۵	نه برای بخل ۴: ۱۷۱۹
نه چو معراج بخاری ۴: ۵۵۴	نه پی کسب‌اند ۵: ۲۳۹۰	نه برای بردن ۶: ۲۱۹۷
نه چو معراج زمینی ۴: ۵۵۳	نه پی نادیدن ۴: ۲۴۶۶	نه برای عیض ۶: ۱۵۱۳
نه حراره ۶: ۱۶۵۸	نه تیش ۶: ۱۲۴۹	نه برای نفس ۴: ۲۳۳۰
نه حسن ۶: ۳۹۶۱	نه تنش ۲: ۱۹۱۳	نه برون ۴: ۱۷۶۳
نه حلیمی ۴: ۲۴۳۸	نه تنوری ۴: ۱۸۳	نه، بکش اول ۴: ۲۷۳۲
نه حیاتش ۲: ۳۰۲۳	نه تو اعطیناک ۵: ۱۲۳۲	نه بگفتست ۴: ۳۲۰۸
نه خداوند ۵: ۱۱۸۵	نه تواند ۳: ۳۶۲۲	نه، بگویم چون ۱: ۳۶۴۴
نه خراج ۵: ۸۵۲	نه تو را از ۵: ۱۸۲۶	نه بگیرم ۳: ۴۲۹۱
نه خرد کآنرا ۴: ۳۳۱۰	نه تو را بر ۵: ۱۸۳۰	نه بهانه ۴: ۱۳۹۰
نه خرد هشت ۴: ۳۱۴۹	نه تو را حفظ ۵: ۱۸۲۸	نه به پنج ۶: ۲۶۷۰
نه خرد یار ۴: ۱۲۵۴	نه تو را در روز ۵: ۱۸۲۷	نه به تقلید ۳: ۳۹۴۲
نه خموش است ۶: ۴۶۳۱	نه تو را در سیر ۵: ۱۸۲۶	نه به تلخی ۳: ۴۱۲۹
نه خورش مانده ۳: ۳۹۵۴	نه تو را شبها ۵: ۱۸۲۷	نه به جامه ۵: ۱۷۰۶
نه خوشی ۴: ۳۲۰۰	نه تو صیادی ۳: ۴۱۵۲	نه به حاجت ۲: ۹۰۶
نه خیال و نه ۶: ۲۲۳۷	نه تو گفتم ۴: ۱۴۶۸	نه به درس ۳: ۳۸۴۶
نه درآید ۶: ۴۸۱۶	نه تو گویی ختم ۶: ۱۷۲	نه به درگاه ۴: ۵۸۰
نه درازی ماند ۶: ۱۸۶۴	نه تو لا تُلُقُوا ۳: ۳۴۲۲	نه به دندان ۴: ۲۵۸۲
نه در او معنی ۶: ۱۲۴۶	نه جدا ۳: ۴۳۹۱	نه به روز ۴: ۵۹۹

نه در او نفع ۱۰۵۷:۶*	نه ز مردان ۳۸۶۵:۶	نه قدید ۷۱۹:۶
نه درش معمور ۳۱۲۷:۲*	نه زمین را ۱۱۸۵:۵	نه کباب ۶۴۵:۴*
نه دلش را ۱۹۱۳:۲	نه ز نامم پاره ۵۰۸:۲*	نه کب ۲۵۰۵:۶*
نه، دو باشد ۶۷۵:۱	نه ز نقص ۴۵۷۲:۳*	نه کتیشان ۱۱۴۰:۴
نه دو روزه ۴۷۰۲:۶*	نه زیادات ست ۳۸۴۹:۳*	نه کثیرستش ۴۴۲۷:۶*
نه ده انگشتش ۱۶۵۸:۶*	نه سیبها ۱۳۱۷:۶	نه کسی در پیش ۹۲۴:۴*
نه دهند ۱۲۴۶:۶	نه سیس زو ۱۱۲۶:۶*	نه کم از خاک ۴۶۸۸:۳
نه رساله خوانده ۲۶۵۳:۶*	نه سپیدی ۲۱۶۳:۴*	نه کمی در ۲۵۸۳:۴
نه رود ره ۱۹۱۲:۲*	نه سحابش ۳۵۹۱:۳	نه که اَلْمَغْلُوبُ ۳۹۶:۴*
نه ره و پروای ۱۹۲۳:۲*	نه سلیمان ۴۶۷۴:۶*	نه که اول کهنه ۲۳۵۰:۴*
نه رهی بریده ۱۲۴۹:۶	نه سما بینی ۱۰۴۵:۲	نه که اول هم ۳۶۵۶:۳*
نه رهیده ۳۲۰۱:۴*	نه شب ۳۵۶۷:۳*	نه که با ما ۲۲۶:۲*
نه ز آتش های ۳۵۶۹:۳*	نه شعاع ۶۷۷:۵*	نه که تأثیر ۱۰۷۲:۶
نه ز ابراهیم ۴۱۲۶:۶	نه شفاعت ۴۴۷۸:۳*	نه که تقدیر ۱۴۹۲:۱
نه ز اولاد زنا ۳۴۰۵:۴*	نه شکارانگیز ۱۴۵۵:۵*	نه که صادق ۲۷۸۴:۵
نه ز باده ۴۱۹۹:۵*	نه شما چون ۱۱۲۴:۵	نه که فلّاحان ۱۴۳:۴*
نه زبانت ۱۰۶۳:۵*	نه شود او پیر ۳۶۴۲:۲*	نه که لقمان ۱۴۶۲:۲
نه زبان، نه ۱۲۴۷:۶	نه شود زور ۲۵۸۲:۴	نه که ما بهر ۱۷۶:۵*
نه ز بخل ۲۰۵۳:۵	نه شود گنده ۱۹۶۵:۴*	نه که ما را ۲۶۲۴:۲
نه ز بغداد ۷۱۶:۶	نه صدای ۱۳۳۵:۲	نه که مخلوق ۲۳۷۲:۵
نه ز پهلوی ۱۰۱۷:۶*	نه صفای ۱۳۳۵:۲*	نه که هر مغلوب ۳۹۶:۴*
نه ز پیه ۱۰۲۰:۶	نه طریق ۱۷۵:۴	نه که یعقوب ۲۷۵۰:۶
نه ز جان یک ۱۳۳۴:۲	نه طلب ۱۴۴۹:۳*	نه گدایانند ۳۶۱۰:۳
نه ز جز تو ۱۲۷۸:۶*	نه عفیفی ۳۹۵۷:۶*	نه گِل آنجا ۴۶۷۱:۳*
نه ز خاک ۶۰۵:۴	نه عمارت ۲۱۳۴:۱*	نه گمانی ۲۷۷۰:۵
نه ز دست ۳۲۶۲:۶*	نه غضب غالب ۲۴۳۷:۴	نه، گناه ۱۹۱۰:۵
نه ز راه دفتر ۱۰۶۴:۵*	نه غلط گفتم که بد ۱۹۲۸:۵	نه گو ۱۸۴:۴*
نه ز رحم ۱۹۲:۵*	نه غلط گفتم که نایب ۶۷۴:۱	نه لَوای ۱۳۹۰:۴*
نه ز رنجی ۲۵۳۲:۴*	نه، غلط، هم این ۳۸۲۶:۴*	نه مثالِ جانِ ۴۵۶:۴*
نه ز رُوحست ۱۸۷۹:۴*	نه فدایی ۴۴۷۸:۳	نه مثالِ علّتِ ۲۱۹:۴*
نه ز شاگردی ۳۱۶۸:۴*	نه فراق ۴۰۱۸:۶	نه مرا او ۳۴۹۲:۲
نه ز عشق ۲۱۴۳:۶*	نه فطام این ۴۳۷۲:۳	نه مرا، پروایِ دینِ ۳۰۶۸:۲*
نه ز عقل ۲۲۹۶:۴*	نه فلک گشتی ۱۶۶۰:۶*	نه مرا پروایِ سر ۳۰۶۸:۲*
نه ز گلخن ها ۱۲۶۳:۵	نه قبول اندیش ۱۴۷۹:۶	نه مرا خانه ست ۱۱۳۶:۵
نه ز گلشن ها ۱۲۶۳:۵*	نه قدِ چون سَرِو ۲۵۸۱:۴*	نه مرا او را ۱۲۴۵:۶

نه مر این را ۴۶۱۴:۶*	نی اخی، نی نفس ۳۷۲۰:۲*	نئی تو عزرائیل ۱۳۵۹:۱*
نه مساجدشان ۱۱۴۰:۴*	نئی از آنکه ۳۰۲۰:۱*	نی، تو گویی ۱۲۹۹:۳*
نه مقیم ۱۱۴۰:۲*	نی ازو نقشی ۳۶۷۰:۱*	نئی تو مانی ۱۳۹:۱*
نه ممتش ۳۰۲۳:۲*	نی ازین سو ۲۱۷۱:۳*	نئی جدال ۱۵۲۵:۱*
نه مهارم ۳۴۹۲:۲*	نی اسیر حرص ۳۱۲۲:۴*	نئی جنون ۳۵۵۴:۱*
نه مهم بارست ۳۴۰۱:۳*	نئی امید توبه ۲۴۶۷:۲*	نی جهان بر ۱۹۱۵:۳*
نه مه ۳۵۵۶:۳*	نئی برآمد ۱۱۰۸:۲*	نی جهان را ۲۰۰۶:۶*
نه می ۲۰۹۷:۴*	نئی بر آن کو ۱۲۴۵:۱*	نی چراغی ۳۱۱۹:۲*
نه نبی فرمود ۲۹۸۲:۶*	نی برای آنکه تا ۲۶۳۷:۲*	نی چنان حیران ۳۱۳:۱*
نه نجس ۳۵۰۷:۳*	نئی برای جنت ۱۹۱۱:۳*	نئی چو بوی ۲۹۰۵:۱*
نه نجومست ۱۸۵۲:۴*	نئی به آشفل ۲۴۸۴:۱*	نئی چو تو ۱۹۴۵:۱*
نه ندا ۹۴۲:۴*	نی به چپ، نی ۲۲۹۰:۳*	نی چو حاکم ۳۱۲۴:۵*
نه نژد ۲۵۸۱:۴*	نی به سباحی ۲۲۷۰:۴*	نی چو عبّاد ۳۶۶:۵*
نه نشان دوستی ۱۴۶۰:۲*	نی به سحر ۲۸۳۳:۱*	نی چو عیسی ۳۴۵:۳*
نه نشانست ۸۰۵:۵*	نئی به سنگست ۱۳۰:۳*	نی چو قارون ۳۴۵:۳*
نه نظر کردن ۱۸۲۸:۵*	نئی به سوی ۴۱۲:۱*	نی چو مرغ ۳۷۷۲:۲*
نه نعلاس ۱۱۴۱:۴*	نئی به کلی ۲۹۲۷:۲*	نی حدیث ۱۳:۱*
نه نیاز و نه ۱۱۴۸:۶*	نئی به گامی بود ۱۹۷۹:۳*	نی حریف ۱۱:۱*
نه هر آنکه ۲۵۵۰:۵*	نئی به معلولی ۱۳۴۲:۳*	نی حصیر و، نه ۳۱۲۷:۲*
نه هزارش ۳۰۱۵:۶*	نئی به نسبت با خداوند ۱۹۹۶:۱*	نی خدا را ۱۹۷۴:۶*
نه هزارم ۳۳۲۴:۶*		نئی خیال ۳۹۱:۱*
نه هُش ۱۲۴۷:۶*	نی به نسبت با صنیع ۳۵۹۵:۶*	نئی در آخر ۳۱۶۳:۱*
نه همه جا ۲۱۵۶:۴*	نی به نقش ۸۷۰:۵*	نی در آن دل ۳۱۳۱:۲*
نه همه شب‌ها بُود خالی ۲۹۳۶:۲*	نئی به نوروز ۲۴۴۸:۳*	نی در آن دم ۲۷۶۹:۳*
	نئی به هم پیوسته ۷۵۶:۱*	نی در آن سر ۲۷۶۹:۳*
	نی پدر از ۱۳۲۹:۳*	نی در آن ظلمت ۳۸۶۴:۱*
	نی پدر دارد ۱۳۱۹:۳*	نئی در او بوی ۳۱۱۹:۲*
	نی پدید آید ۱۱۰۷:۴*	نی در او قالی ۳۱۱۸:۲*
	نئی پلیدی ۱۸۸:۳*	نی در سود ۱۹۷۴:۶*
	نی پی‌ات، شیر ۲۵۷۵:۳*	نی در معمور ۳۱۲۰:۲*
	نئی پی امید ۲۲۲:۱*	نئی درون ۳۸۶۳:۱*
	نی پی ذوق ۱۹۰۸:۳*	نی دل اندر ۲۲۷۰:۳*
	نی تأشی ۲۲۸۹:۶*	نئی دمی ۱۳۲۹:۳*
	نی تکلف ۱۹۰۷:۳*	نی دهان خوش ۱۱۰:۳*
	نئی تو را دانم ۶۱۷:۳*	نی دهان دزدیدی ۱۱۰:۳*
نه یکی کحال ۳۵۲۶:۵*		
نهی لا تُلقُوا بآیدی تهلکَه ۲۴۲۸:۵*		
نهی لا تُلقُوا بآیدیکُم ۳۹۳۰:۱*		

نی رسالت ۱:۱۵۲۹*	نیست آب ۳:۲۸۴۳*	نیست اندر دوستی ۱:۲۶۲۶*
نئی رگش جُنید ۱:۱۶۶*	نیست آتش ۵:۴۵۳*	نیست اندر دیدگاه ۴:۲۴۰۴*
نئی ریاضت ۳:۱۹۱۳*	نیست آسان ۵:۲۸۲۴*	نیست اندر عنصرش ۴:۱۴۹۹*
نی ز امر ۳:۲۳۴۵*	نیست آگه آن کیش ۵:۳۲۵۹*	نیست اندر نورشان ۵:۲۸۸۲*
نیز اندر ۳:۴۵۷۶*	نیست آگه، چون بُود ۳:۱۴۹۹*	نیستان را ۱:۳۹۱۲*
نیز این ۴:۲۹۱۱*	نیست آلت حاجت ۳:۱۴۴۵*	نیست انگارد ۵:۶۵۲*
نئی ز بیم ۳:۱۹۱۲*	نیست آن اغلال ۱:۳۲۴۲*	نیست او از ۵:۳۶۱۹*
نیز تا باشد ۶:۴۱۹۳*	نیست آن باران ۱:۲۰۳۴*	نیست او را جز ۳:۴۰۱۳*
نیز تا حیران ۶:۴۲۰۱*	نیست آن تسبیح ۳:۳۲۸۹*	نیست او را خود ۵:۱۴۶۷*
نیز جوع ۵:۲۵۷۳*	نیست آن جز ۲:۳۰۸۶*	نیست ای فرعون ۳:۱۷۴۵*
نی ز چیشان ۳:۲۱۸۹*	نیست آن جنبش ۴:۳۶۸۸*	نیست ای مفتون ۶:۱۹۸۳*
نی ز چشمی ۶:۲۹۶۷*	نیست آن سو ۴:۱۴۲۷*	نیست این از ۴:۷۱۶*
نئی ز خاری ۱:۳۸۳۱*	نیست آن کس ۶:۸۳۴*	نیست این باری ۳:۱۴۰۹*
نی ز دریا ۳:۴۹۴*	نیست آن من ۴:۳۶۳۰*	نیست اینجا جز ۱:۳۸۲۵*
نیز روزی ۳:۲۴۶۸*	نیست آن موی ۳:۱۷۹۳*	نیست اینجا چاره ۴:۳۳۵۷*
نیز رویده ست ۳:۴۰۷۶*	نیست آن بنظر ۴:۳۴۰۰*	نیست این درد ۳:۲۹۱۵*
نئی ز شرقی ۱:۲۳۶۷*	نیست از ابلیس ۲:۲۷۲۱*	نیست این دم ۳:۱۴۱۱*
نی ز غفلت ۳:۶۰۹*	نیست از اسباب ۵:۱۵۴۱*	نیست این غم ۵:۳۹۹۰*
نیز فوق حیلۀ ۲:۱۹۷۲*	نیست از انکار ۴:۳۰۰۳*	نیست این کار ۶:۱۹۶۲*
نیز کوران را ۶:۱۱۰۹*	نیست از پیری ۵:۹۷۴*	نیست این نادر ۲:۲۴۹۲*
نی ز کوران کشت ۱:۲۱۳۴*	نیست از عاشق ۶:۱۹۷۹*	نیست این و نیست ۶:۶۴۱*
نی ز گفت ۶:۴۲۸۰*	نیست از ما ۶:۴۵۰*	نیست اینها ۴:۲۱۸*
نئی ز گِل ۳:۲۵۸۰*	نیست از من ۳:۳۲۵۱*	نیست این هجده ۱:۳۷۵۶*
نیز مسجود ۲:۱۳۵۴*	نیست از وی ۵:۱۳۳۰*	نیست با ایشان به غیر ۳:۱۱۶۸*
نیز می کن ۶:۳۲۵۶*	نیست اسباب ۵:۱۵۵۴*	نیست با ایشان سلاح
نی زنان ۳:۳۶۹*	نیست اِستم ۶:۲۵۶۹*	۳:۱۱۷۸*
نی ز نسل ۴:۳۱۲۱*	نیست اِلّا حَمَل ۴:۷۷۱*	نیست بازی ۴:۱۲۷۳*
نیزه بازان ۴:۱۴۸۶*	نیست اِلّا حیلَت ۲:۲۹۰۵*	نیست باشد روشنی ۳:۳۶۷۳*
نیزه بازی ۴:۱۴۸۶*	نیست اِلّا کَف ۱:۲۶۷۷*	نیست باشد طعم ۳:۳۶۷۵*
نیزه برگیر ۵:۳۰۳۰*	نیست اِلّا مُفَسِّدَه ۴:۱۳۹*	نیست باشد، هست ۳:۳۶۷۱*
نیزه گردانی است ۲:۱۱۲۱*	نیست امکان ۲:۱۳۹۱*	نیست باطل ۶:۲۵۹۷*
نیزه ها را گر ۴:۲۷۹۹*	نیست اندر بحر ۶:۲۰۳۲*	نیست پاک ۳:۱۷۳۲*
نیزه ها را همچو ۴:۲۷۹۳*	نیست اندر جان ۱:۳۲۱۴*	نیست بالغ ۱:۳۴۳۰*
نیزه ها گم ۴:۲۷۹۴*	نیست اندر جُبّه ام ۴:۲۱۲۵*	نیست بُت ۶:۳۳۵۹*
نی سبو پیدا ۱:۲۸۶۹*	نیست اندر چشم ۴:۳۴۰۱*	نیست بر این ۴:۵۳۲*

نیست دستوری گشاد ۵: ۱۰۲۳	نیست جنسیت به صورت ۶: ۲۹۷۲	نیست بر صورت که ۳: ۲۲۴۴*
نیست دستوری و گر ۳: ۲۴۱۱	نیست جنسیت ز روی ۲: ۱۱۷۱	نیست بر صورت، نه ۲: ۷۰۲*
نیست دعوی ۲: ۳۵۷۳*	نیست جیحون ۴: ۱۴۰۴*	نیست بر قاضی ۶: ۱۵۱۱*
نیست دلبر ۳: ۱۴۳۰*	نیست چپ و راست ۴: ۳۶۸۶*	نیست بر مرحوم ۲: ۱۵۳۷*
نیست دندان ۳: ۱۳۳۵*	نیست چندان ۴: ۱۲۴۸*	نیست بر معراج ۳: ۴۵۱۲*
نیست دون القلتین ۲: ۳۳۰۹	نیست چون تو ۲: ۲۴۲۱*	نیست بر من ۴: ۲۴۹۲*
نیست دید ۱: ۱۱۲۴	نیست چون دیوارها ۴: ۴۷۲۲*	نیست بر وی ۳: ۱۷۹۶*
نیست ذکر ۳: ۴۲۳۴	نیست چون شهوت ۵: ۱۳۶۹*	نیست بود ۱: ۶۹*
نیست را از هست‌ها ۱: ۲۴۷۷*	نیست چیره ۱: ۲۲۶۶	نیست بوسه ۴: ۱۹۵۲*
نیست را بنمود ۵: ۱۰۲۶	نیست حاجتتان ۴: ۳۳۲۹	نیست بهر قوت ۴: ۱۶۱۸*
نیست را چه ۳: ۴۵۱۵	نیست حاجت شهره ۳: ۲۴۶۳	نیست بی پامزد ۲: ۵۹۲۰*
نیست را نه زود ۳: ۴۵۱۵*	نیست حاصل ۲: ۳۱۹۵*	نیست بی خاشاک ۲: ۳۲۹۶*
نیست راهست ۵: ۱۲۰۷*	نیست حاکم ۱: ۲۸۰۴	نیست بی‌ماری ۱: ۱۰۹*
نیست ره ۶: ۲۳۲۲*	نیست جس ۶: ۲۲۰۶*	نیست پرتاوی ۲: ۱۳۰۵*
نیست ز آن رنجی ۳: ۲۹۱۷*	نیست حق را ۲: ۳۹۱۰*	نیست پنهان‌تر ۶: ۲۸۷۷*
نیست زر غباً وظیفه عاشقان ۶: ۲۶۷۱	نیست حق مأکول ۵: ۷۲۶*	نیست پیدا آن ۵: ۸۰۵
نیست زر غباً وظیفه ماهیان ۶: ۲۶۷۲	نیست حکمت این ۴: ۳۰۲۲	نیست پیدا او ۶: ۳۶۸۲*
نیست زندانی ۶: ۳۴۱۶	نیست حکمت کآن ۴: ۲۹۹۸*	نیست پیدا سر ۴: ۲۸۵۳
نیست زین دو ۶: ۴۶۳۲	نیست حمزه ۵: ۳۷۷۷	نیست بر ۴: ۱۵۴۳
نیست زین زندان ۳: ۴۵۲۱*	نیست خفاشک ۲: ۷۹۱	نیست تخصیص ۴: ۲۹۱۴
نیست سرگردانی ۶: ۳۶۷۶	نیست خلقش ۴: ۲۳۲۶	نیست تخمی ۱: ۳۱۹۶
نیست سنت ۳: ۳۳۷۵*	نیست خود از ۳: ۱۶۴۷	نیست تخیل ۱: ۳۸۰۶*
نیست سنگ ۶: ۳۷۴۱*	نیست خود بی ۲: ۲۳۶۷	نیست تعمیقی ۳: ۴۲۳۸*
نیست سوزن ۱: ۳۰۶۴	نیست دایم ۳: ۳۵۸۹*	نیست تن را ۵: ۵۹۲۰*
نیستشان از جستجو ۶: ۲۶۷۷	نیست در آتش ۳: ۴۱۳۷*	نیست جامد را ۶: ۲۹۵۴*
نیستشان از همدگر ۲: ۳۷۰۶*	نیست در تقدیر ۴: ۳۹۰	نیست جانش ۱: ۲۷۵۶*
نیست شاه ۵: ۲۵۴۶	نیست در خور با ۱: ۳۰۶۵*	نیست جز امر ۳: ۴۲۳۹*
نیستش بانی ۴: ۲۸۴۳*	نیست در خور بینی ۴: ۲۳۹۱*	نیست جز عشق ۱: ۳۷۹۸*
نیستش بر ۶: ۱۵۵۶	نیست در ضبطت ۶: ۱۶۰۰	نیست جز مختار ۵: ۲۹۷۳*
نیستش درد فراق ۴: ۱۸۶۷	نیست دستان ۲: ۲۷۱۰*	نیست جمعیت درون ۶: ۳۰۴۳*
نیستش درد و دریغ ۶: ۱۴۵۱	نیست دستوری بدینجا ۳: ۳۰۹۲	نیست جمعیت ز بسیاری ۶: ۳۰۴۵*
نیست شرح ۳: ۲۹	نیست دستوری کزین ۴: ۱۹۱۱	نیست جنش از ۴: ۱۰۳۸*
نیست شه را ۱: ۳۱۴۲		نیست جنس کاتب ۴: ۸۷۵*

- نیست صاحب درد ۱۳۸۵:۳
نیست صورت ۴۵۸۸:۶
نیست ضایع ۳۴۳۶:۵
نیست عاقل تا که ۲۶۵۹:۴
نیست عاقل جز ۲۳۳۹:۲
نیست عقلت ۴۳۱۳:۶
نیست عقلش ۲۱۹۷:۴
نیست غافل ۲۳۴:۴
نیست غایب ۱۲۲۵:۳
نیست غم گر ۲۵۳۲:۲
نیست غیر عکس ۳۷۳۹:۶
نیست غیر نور ۱۹۵۵:۴
نیست غیر نیستی ۱۳۶۷:۶
نیست «فردا گفتن» ۱۳۳:۱
نیست فرقی ۳۴۶۰:۵
نیست قاصر ۳۶۷۹:۴
نیست قدرت ۳۲۸۰:۳
نیست قدری ۳۸۱۳:۱
نیست کامل ۴۶۱۰:۳
نیست کرد ۲۴۳۰:۱
نیست کسب، امروز ۲۰۸۵:۱
نیست کسی ۹۱۶:۱
نیست کس، چون ۸۶۱:۶
نیست کف را ۱۲۶۹:۳
نیست کُفوش ۴۱۱۱:۵
نیست کُلی ۴۳۲:۴
نیست کم ۳۳۳۱:۴
نیست گُربه ۱۹۸۸:۴
نیست گرداند ۵۴۴:۱
نیست گردد چون ۴۶۶۰:۳
نیست گردد غرق ۱۸۹۰:۱
نیست گردد وسوسه ۳۴۷۱:۴
نیست گشته این ۱۰۴۴:۲
نیست گشته وصف ۳۶۷۰:۳
نیست گنجایی ۳۰۶۳:۱
- نیست لایق از تو ۸۷۱:۲
نیست لایق تیغ ۶۵۶:۵
نیست لایق عُود ۱۸۸۲:۶
نیست لایق غزو ۱۸۸۲:۶
نیست لایق مر مرا ۱۷۱۶:۲
نیست لایق، نام ۹۳۴:۲
نیست ما را از خود ۲۹۲۸:۳
نیست ما را از قضای ۳۱۶۰:۱
نیست ما را روی ۳۵۹۲:۴
نیست آغیار تر ۲۱۸۶:۲
نیست مانند هیولا ۳۹۷۹:۵
نیست مانند ای آتش ۲۴۰۷:۴
نیست مانند فراق ۴۱۱۵:۵
نیست اومیدوار ۴۷۴۱:۶
نیست این ۳۴۳۱:۳
نیست بی رحم ۱۶۶۱:۵
نیست مثل آن ۱۱۵۵:۳
نیست مثل شیر ۴۲۲:۴
نیست حافظ ۱۸۶۳:۳
نیست محجوب ۳۹۱۰:۵
نیست محرم ۴۱۱۴:۳
نیست مخفی بر وی ۳۲۱۷:۲
نیست مخفی در ۴۳۴۵:۶
نیست مخفی سیر ۴۳۶۳:۶
نیست مخفی مزد ۴۳۶۱:۶
نیست مخفی وصل ۴۳۶۲:۶
نیست در عزم ۲۶۹۰:۵
نیست در وصف ۱۶۹۰:۵
نیست مر پایان ۳۵۴۴:۲
نیست زاکرام ۳۱۲۴:۳
نیست مسجد ۳۱۱۰:۲
نیست شوهر ۱۳۲۲:۳
نیست مُضطر ۴۰۱:۴
نیست معبود ۱۴۲۹:۳
نیست معشوقی ۱۷۷۴:۶
- نیست غافل ۳۰۶۴:۳
نیست ملک تو ۲۵۴۸:۴
نیست ممکن، بود ۵۸۳:۵
نیست ممکن جز ۱۳۹۳:۳
نیست مولود ۱۳۲۱:۳
نیست والد ۱۳۲۱:۳
نیست موهوم ۲۹۴۴:۳
نیست می گوید ۳۰۱۳:۵
نیست نادر ۳۴۶۷:۶
نیست نایب ۶۵۷:۱
نیستند از خلق ۳۱۹۲:۶
نیست نقدی ۱۶۹۴:۴
نیست نور ۳۳۲۰:۴
نیست نیکو ۲۸۴:۴
نیست واجب ۱۵۲۰:۶
نیست ستوری را ۵۲۴:۵
نیست وش باشد ۷۰:۱
نیست وقت کین ۴۰۰۴:۵
نیست وقت مشورت ۲۲۳۲:۴
نیست را صورت ۱۱۹۹:۱
نیست ها را طالب اند ۱۳۶۶:۶
نیست ها را قابلیت ۱۵۴۱:۵
نیست ها راهست ۱۰۷:۲
نیست هدیه ۳۵۵۱:۶
نیست هر بُرجی ۳۴۳۷:۵
نیست هر عقلی ۲۷۳۶:۵
نیست هر مطلوب ۱۸۸۹:۶
نیست همتا ۳۱۶۶:۴
نیست همچون ۱۳۰۳:۵
نیست همدم ۱۳۵۴:۳
نیستی بر ۳۲۰:۱
نیستی جویند ۱۴۶۸:۶
نیستی چون هست ۱۴۷۱:۶
نیستی طaos ۱۲۶۰:۶
نیست یکرنگی ۵۰۲:۱

نیم بیند ۱۶۱۶:۴ *	نیک را چون ۲۶۸۶:۲	نیست یکسان پیش ۳۱۳۸:۵ *
نیم تو مُشک ست ۲۴۷۹:۵	نیک را نیکی ۳۱۸۳:۵ *	نیست یکسان حالتِ ۴۷۶۵:۳ *
نیم جان بستاند ۲۴۵:۱	نیک کرد او ۲۲۵:۱ *	نیستی کین ۲۰۸۰:۱ *
نیم حبه زر ۳۸۱۷:۶ *	نیک کردند ۲۴۷۱:۲	نیستی و نقص ۳۲۰۴:۱
نی میحک باشد ۳۸۵۳:۴ *	نیک نیکو ۹۵۸:۳ *	نیش آن زبور ۳۲۴۹:۱ *
نیم حیوان ۱۵۳۱:۴ *	نیکوان راره ۲۶۷۵:۲	نی شتا ۱۴۰۶:۶ *
نی مخالف ۳۰۷۷:۱ *	نیکوان راهست ۷۴۷:۱	نیش را ناگاه ۲۰۱۸:۵ *
نیم خر، خود ۱۵۰۳:۴	نیکوان رفتند ۷۴۴:۱	نیش زهر آلوده‌ی ۲۳۱۲:۲ *
نیم خرگوشی ۱۱۵۵:۱	نیک وبد در همدگر ۲۸۳:۲ *	نیش، عقلی ۳۵۲۶:۵ *
نیم خنده زد ۹۵۲:۵ *	نیک وبد را ۱۹۳۳:۳ *	نیشکر پاکان ۳۰۰۱:۳ *
نیم دانش ۲۱۳۳:۴	نیکوی را ۱۳۳۲:۱ *	نی شکر کامل ۲۲۷۷:۲ *
نیم در خُسران ۳۵۱۶:۳ *	نی که اوّل ۱۹۳۶:۶	نیشکر کوبید ۲۵۳۰:۵
نیم دیگر تلخ ۲۵۷۵:۱	نی که تا یابد ۲۴۳۱:۲ *	نیشکر گردید ۳۳۳۰:۴ *
نیم دیگر در ۱۳۴۱:۴ *	نی که دوزخ ۲۵۵۴:۲ *	نی شما گفتید ۲۵۷۰:۲
نیم دیگر، مایل ۱۵۰۳:۴ *	نی که عاشق ۱۳۴۵:۳	نی شنیدی ۴۵۷:۶
نیم دینارت دهم ۳۹۷:۲ *	نی، که قلب ۲۴۶۳:۱	نی صفای ماندش ۴۱۲:۱
نیم دینارِ دیگر ۴۲۸:۲ *	نی که هست از ۲۴۷۸:۱	نی علی وجه ۱۵۱۴:۳ *
نیم ذره زان ۳۷۹۶:۶	نی که هم تورات ۲۵۳۹:۳	نی غلط گفتم ۸۶۱:۴
نیم ذره طیرگی ۳۲۸۵:۶	نی که هم نقاش ۳۸۲:۴ *	نی غم و اندیشه ۳۹۱:۱
نی مروّت ۶۲:۵ *	نی گهی ۳۶۷۰:۱ *	نی فسرده ۴۶۸:۴ *
نیم روز اندر ۲۵۹:۴ *	نیکی، کز ۲۴۵۹:۴ *	نی قرین چشم ۳۵۰۳:۲ *
نیم، زنبور ۳۲۹۱:۳ *	نی گشاد ۳۱۳۱:۲ *	نی قرینی ۱۷۰۹:۳ *
نیم زیرش ۶۳۲:۵	نی گناه ۳۸۳۲:۱	نی قضای ۱۳۶۵:۳
نیم ساعت ۲۶۳۰:۶ *	نیل، تمیز ۲۸۱۸:۴	نی قلاووزست ۲۱۸:۳
نیم سالی ۱۸۴۹:۶ *	نیل خون ۳۵۲۷:۴ *	نی قماش ۹۸۳:۱ *
نیم سودی ۲۶۰۶:۶ *	نیل ذوق ۳۵۲۸:۴ *	نیک بایست ۲۶۱۸:۱ *
نیم شب آمد به ۳۵۰۲:۵ *	نیل را بر ۲۸۱۶:۴	نیکبخت آن ۳۱۲۴:۴ *
نیم شب آمد پی ۸۷۸:۳ *	نیل را در ۴۱۲۶:۵ *	نیکبختی را چو ۲۹۱۶:۴
نیم شب آن ۱۸۶۷:۵	نیل می آمد ۳۵۹۰:۴ *	نیکبختی که ثقی ۳۰۵۰:۳ *
نیم شب آواز با ۴۳۲۴:۳ *	نیم اسپم ۳۳۵۲:۶ *	نیک بنگر اندرین ۲۳۰۴:۳ *
نیم شب آواز قرآن ۱۸۵۶:۳	نیم او حرصِ آوری ۶۰۵:۲ *	نیک بنگر ما ۲۷۷۷:۶
نیم شب بگذشت ۳۵۲۲:۶	نیم او زافرشته ۱۵۰۲:۴ *	نیک حالی جُست ۹۷۹:۱ *
نیمشب بگشای ۱۸۶۲:۵ *	نیم او مؤمن ۶۰۵:۲	نیک خاتونی ۱۹۱:۴ *
نیم شب جانُشان ۱۱۴۴:۴ *	نیم پیر ۳۹۷۷:۱ *	نیکخواه مخزن ۴۰۳۸:۵ *
نیم شب چون ۳۰۰۰:۵	نیم بیداری ۲۸۰۰:۳	

- نیم شب، فرعون ۱: ۲۴۴۸*
 نیم شب که باشد ۵: ۱۹۸۶*
 نیم شب مرگ ۳: ۳۹۴۱*
 نیم شب می زد ۶: ۸۴۷*
 نیم شب نثود ۶: ۸۴۸*
 نیم شمعى نه ۴: ۲۱۹۶*
 نى مشو نومید ۱: ۳۲۵۲*
 نیم شهر از ۱: ۳۷۰۹*
 نیم عاقل ۴: ۲۲۴۱*
 نیم عقلی نه ۴: ۲۱۹۷*
 نیم عمر از آرزوی ۶: ۴۶۰*
 نیم عمر از غصه های ۶: ۴۶۰*
 نیم عمرت ۴: ۱۳۴۱*
 نى مقرر دارد ۳: ۴۴۹*
 نى مقام ۲: ۲۴۶۷*
 نیم کاره ۵: ۱۳۵۶*
 نیم گشتش ۲: ۲۱۸۴*
 نیم کشتهش ۵: ۳۷۵۵*
 نیم گفته ۱: ۲۲۱۷*
 نیم لحظه مدرکاتم ۶: ۳۳۳۵*
 نیم مُرده ۶: ۳۱۲۳*
 نیم موجی ۶: ۲۰۸۶*
 نى من و، نى غیر ۳: ۱۲۹۹*
 نى مؤکّل ۳: ۱۶۵۷*
 نیمه دیگر ۲: ۶۰۷*
 نى ندایی ۳: ۱۳۴۸*
 نى نشان پا ۳: ۲۲۹۱*
 نى نگویم ۳: ۱۲۹۲*
 نى نماید ۶: ۲۵۶۳*
 نى نهنگ ۴: ۱۱۰۷*
 نى ودیعه ۶: ۳۱۹۹*
 نى، ولیکن ۶: ۲۵۵۵*
 نى هزاران ۱: ۲۳۵۷*
 نى همین ۱: ۴۹*
 نى هنر ماند ۱: ۲۰۷۰*
- نئی هویدا ۱: ۳۴۳*
 نى یکی از ۵: ۹۵۴*
 نى یکی همسایه ۲: ۳۱۲۰*
- و
 و آب چشمه ۱: ۷۷۷*
 و آخر آن ۴: ۱۶۰۹*
 و آفتاب چرخ ۲: ۵۳*
 و آفرید او ۳: ۲۹۱۰*
 و آن آن ۳: ۱۰۲۷*
 و آن ابلیس ۵: ۵۲۰*
 و آن ابوبکر ۵: ۸۶۵*
 و آن از آن ۶: ۲۷۷۶*
 و آن امامان ۳: ۳۶۴۴*
 و آن امیران خسیس ۵: ۱۹۸۳*
 و آن امیران دگر ۱: ۶۵۲*
 و آن برای آن ۴: ۲۸۹۰*
 و آن برای غایب ۴: ۲۸۸۷*
 و آن بنا از ۴: ۴۷۶*
 و آن بنی آدم ۵: ۱۲۱۹*
 و آن به اصل ۴: ۴۷۷*
 و آن بها کآنجاست ۵: ۱۶۱۷*
 و آن به صورت ۳: ۴۳۷۴*
 و آن به کین ۳: ۳۰۳۱*
 و آن بیابان ۶: ۲۴۴۳*
 و آن بیاشام ۵: ۱۵۲*
 و آن بیان ۱: ۱۲۱۴*
 و آن پری رویان ۴: ۳۷۸۳*
 و آن پشیمانی ۵: ۳۰۲۵*
 و آن تبسم های ۳: ۴۶۹۹*
 و آن تن خاکی ۲: ۲۹۹*
 و آن توانگر ۵: ۸۲۶*
 و آن جماد ۳: ۱۴۹۷*
 و آن جماعت جمله ۵: ۴۰۷۳*
 و آن جماعت در ۳: ۲۱۷۷*
- و آن جنین خندان ۳: ۳۵۶۱*
 و آن جوانی ۲: ۱۲۱۷*
 و آن جهان گوید ۶: ۱۶۸*
 و آن جهان و سالکانش ۳: ۳۱*
 و آن جهان هست، بس
 ۲: ۱۲۸۰*
 و آن جهان هست شکل
 ۱: ۷۹۵*
 و آن جهانی را ۳: ۳۸۵۹*
 و آن جهود ۲: ۴۲۱*
 و آنچنان فعلی ۳: ۲۷۰۵*
 و آنچنان قولی ۳: ۲۷۰۶*
 و آنچنانکه ۵: ۳۱۶۲*
 و آن چو فرعونان ۵: ۱۸۰۹*
 و آنچه آن بایبل ۴: ۷۸۶*
 و آنچه از وی ۳: ۴۱۳۰*
 و آنچه افزایند ۳: ۱۰۹۵*
 و آنچه او خواهد ۲: ۶۸۱*
 و آنچه اینجا ۵: ۱۰۱۷*
 و آنچه باشد ۶: ۲۵۸۴*
 و آنچه با قارون ۴: ۷۸۵*
 و آنچه بپنهد ۱: ۱۵۹۳*
 و آنچه پشه ۴: ۷۸۶*
 و آنچه بوسیده ۱: ۷۰۹*
 و آنچه خاکی ۳: ۴۱۳۱*
 و آنچه دادی ۲: ۱۶۸۳*
 و آنچه لله ۱: ۳۸۰۶*
 و آنچه مقصودست ۲: ۲۸۴۷*
 و آنچه می گوید ۲: ۳۰۸۶*
 و آنچه ناپیدا، چنان ۲: ۱۳۰۹*
 و آنچه ناپیداست ۲: ۷۰۰*
 و آنچه یادست نیست ۵: ۴۱۵۶*
 و آن حدّث از ۶: ۲۶۹۴*
 و آن حسد ۲: ۲۵۶۳*
 و آن حقارت ۱: ۳۲۱۰*

- و آن حیات ۶: ۱۵۵۴*
و آن حیزان ۳: ۱۹۵۶*
و آن خدایا ۶: ۴۲۲۶*
و آن خری کز ۴: ۲۱۹۳*
و آن خری گفتی ۵: ۹۱۲*
و آن خزان ۲: ۲۹۵۹*
و آن خطاها ۵: ۱۸۴۶*
و آن خفاشی ۴: ۸۵۶*
و آن خلیفه ۱: ۲۸۴۸*
و آن خیال چون ۵: ۱۰۸۰*
و آن خیالش ۱: ۳۴۵۴*
و آن خیالِ مؤمنی ۲: ۶۰۳*
و آن خیالی ۶: ۳۴۶۴*
و آن در توبه ۴: ۲۵۰۷*
و آن درختِ دیگر ۳: ۴۷۷۴*
و آن درختی که ۲: ۱۵۶۴*
و آن دِرَم‌ها ۲: ۲۲۴۲*
و آن در و دیوارها ۴: ۴۷۱*
و آن دُرورگر ۶: ۱۳۷۱*
و آن درین خیره ۵: ۲۵۵۹*
و آن دقایق ۵: ۱۳۳۱*
و آن دگر از پوششش ۴: ۲۶۴*
و آن دگر از زَرَق ۲: ۲۹۲۵*
و آن دگر از مکر ۵: ۴۵۳*
و آن دگر از وَهْم ۶: ۲۵۲۲*
و آن دگر اندر ۳: ۳۷۲۵*
و آن دگر با حق ۵: ۳۶۰۲*
و آن دگر بخشد ۱: ۲۷۴۹*
و آن دگر بس ۳: ۲۶۱۰*
و آن دگر بشناخت ۴: ۳۲۷۶*
و آن دگر بوی ۴: ۲۶۵*
و آن دگر بهر ۵: ۳۲۲*
و آن دگر پَرنده ۵: ۸۲۲*
و آن دگر تَشخُر ۵: ۹۱۱*
و آن دگر، چون بر ۱: ۲۵۸۵*
- و آن دگر چون تیر ۳: ۳۷۲۴*
و آن دگر چون کشتی ۳: ۳۷۲۵*
و آن دگر حرص ۳: ۱۹۵۸*
و آن دگر خرگوش ۱: ۳۱۰۷*
و آن دگر، خود ۳: ۴۵۹۴*
و آن دگر دخلش ۶: ۲۸۲۸*
و آن دگر در باغ ۶: ۳۴۲۱*
و آن دگر در چشم ۲: ۲۴۷*
و آن دگر در زیر ۲: ۲۴۶*
و آن دگر در صابری ۶: ۸۷۶*
و آن دگر در نعل ۲: ۲۴۷*
و آن دگر در هر ۲: ۲۹۲۵*
و آن دگر، دل داده ۳: ۴۵۹۲*
و آن دگر را از ۶: ۴۲۸۶*
و آن دگر را بر ۶: ۲۴۶۶*
و آن دگر را بعد ایام ۱: ۲۵۸۹*
و آن دگر را بعد مرگ ۱: ۲۵۸۹*
و آن دگر را در بدن ۱: ۲۵۸۷*
و آن دگر را در حدث ۱: ۲۵۸۸*
و آن دگر را در گلو ۱: ۲۵۸۷*
و آن دگر را عیسی ۶: ۲۴۸۸*
و آن دگر را کرده ۶: ۲۳۲۳*
و آن دگر را که ۶: ۴۲۳۲*
و آن دگر را، نی ۳: ۴۵۹۱*
و آن دگر سِرست ۵: ۱۴۳۹*
و آن دگر سوراخ ۶: ۳۰۴۹*
و آن دگر سوی ۶: ۳۷*
و آن دگر عور ۳: ۲۶۱۱*
و آن دگر کاری ۴: ۱۳۵۲*
و آن دگر که بُرد ۵: ۳۳۴*
و آن دگر که سنگ‌ریزه ۵: ۳۳۴*
و آن دگر کَهْکَل ۴: ۲۶۳*
و آن دگر گفت: ار ۶: ۴۹۰۱*
- و آن دگر گفت: این ۴: ۲۸۴۳*
و آن دگر گِل دید ۶: ۱۱۴۴*
و آن دگر گوشش ۶: ۳۰۴۸*
و آن دگر گوید: جُلش ۲: ۲۹۲۰*
و آن دگر گوید: زَکَر ۲: ۲۹۲۱*
و آن دگر نبضش ۴: ۲۶۵*
و آن دگر نقشش ۵: ۳۶۰۱*
و آن دگر نیمی تو را ۲: ۲۴۰۶*
و آن دگرها را شناسد ۵: ۷۳۳*
و آن دگر همباز ۱: ۳۰۸۳*
و آن دگر همچون ۵: ۱۸۰۲*
و آن دگر یار ۵: ۳۶۰۷*
و آن دل سوزیده ۱: ۳۸۴*
و آن دوا در نفع ۵: ۱۷۰۷*
و آن دو بر تو ۲: ۱۴۶۷*
و آن دو پستان ۲: ۳۶۳*
و آن دو عالم ۲: ۲۷۵۱*
و آن دولشکر ۶: ۲۱۵۹*
و آن دوم بهر ۴: ۲۸۹۳*
و آن دوم پندت ۴: ۲۲۶۰*
و آن دوم می‌دید ۶: ۱۱۴۱*
و آن دهان ۳: ۱۸۴*
و آن ذَکَر ۵: ۳۹۶۷*
و آن رسول ۳: ۴۲۷*
و آن رَمه ۶: ۳۲۸۲*
و آن رمیدن ۲: ۳۰۶۲*
و آن رهی که برق ۱: ۳۷۸۱*
و آن رهی که پخته ۱: ۳۷۸۲*
و آن رهی که دل ۱: ۳۷۸۲*
و آن رهی که سرخ ۱: ۳۷۸۱*
و آن رهی که سنگ ۱: ۳۷۸۰*
و آن ز پرتودان ۱: ۳۲۲۷*
و آن زخورشیدست ۲: ۱۰۹۹*
و آن ز دُم داند ۳: ۲۲۲۷*

و آن زر تو ۳: ۱۶۳۰	و آن صحابه در ۶: ۱۱۵۶*	و آن فضای خَرَقِ ۴: ۲۳۸۱
و آن زکاتش ۵: ۱۹۰	و آن صدف بُرد ۳: ۴۷۸۸*	و آن فلاح ۵: ۱۶۰۰*
و آن زکوه افتادن ۵: ۲۸۷۶*	و آن صُدور ۶: ۴۴۶۰*	و آن قبول ۳: ۷۸۲*
و آن زمان ۴: ۵۸۲*	و آن صفای ۵: ۹۵۹	و آن قد صف ۵: ۹۷۰
و آن زمستان ۲: ۲۹۶۰	و آن صف پیش ۲: ۸۲۴	و آن قوی تر ۳: ۲۵۰۱
و آن زنان ۶: ۳۹۹۱*	و آن صلاتت ۳۶: ۳۵۷۵*	و آن قیاس ۳: ۳۵۸۳*
و آن زیان، منع ۳: ۳۲۶۵*	و آن صیاد آنجا ۶: ۴۳۶*	و آن کبوترشان ۲: ۳۷۵۴
و آن زید شیرین ۱: ۳۸۱۶*	و آن ضرورت ۴: ۳۶۲۰*	و آن کرامت ۶: ۱۳۴۷*
و آن زیک روی ۴: ۳۰۹۵*	و آن طَبَق ۲: ۴۲۹*	و آن کَرَم با خونی ۱: ۳۹۲۴*
و آن سبب ها راست ۱: ۸۴۶*	و آن طیبِ روح ۵: ۲۳۹	و آن کرم ز آن ۲: ۲۰۱۰*
و آن سبب ها کانییا ۱: ۸۴۴	و آن طیب و آن ۴: ۲۴۳۱	و آن کَرَم می گویدم ۶: ۴۷۴۱*
و آن سبوز اشکست ۱: ۲۸۶۶*	و آن ظریفان ۵: ۱۴۱۵*	و آن کسی ۶: ۴۶۳۰
و آن سپاس ۶: ۱۸۲۹*	و آن عجب مانده ۳: ۳۰۵۲*	و آن کمین گاه ۲: ۳۷۳۹*
و آن ستمکار ۶: ۱۵۳۳*	و آن عدم کز ۱: ۳۰۷۰	و آنکه آفل ۳: ۱۴۳۰
و آن سر و فرق ۵: ۹۶۹	و آن عروسانِ چمن ۶: ۱۸۲۲*	و آنکه آگه ۴: ۲۱۳۲
و آن سفر ۴: ۱۵۵۹*	و آن عروس ناامید ۴: ۳۱۷۶*	و آنکه آنش ۵: ۹۷۷
و آن سقامت ۶: ۴۵۹۳*	و آن عزیزان رُو ۵: ۳۵۰*	و آنکه آن معنی ۱: ۲۶۴۰
و آن سگ آگاه ۶: ۲۹۱۶	و آن عصاکش ۶: ۳۴۹۱	و آنکه آواز ۲: ۲۰۰۲
و آن سگان را ۶: ۱۹۰۲*	و آن عطارِد ۶: ۱۱۱۰*	و آنکه از مغرب ۴: ۳۰۵۵*
و آن سلامت ۲: ۳۷۹۱*	و آن عظیم ۴: ۳۷۸۷	و آنکه اُشتر ۲: ۲۹۷۵
و آن سلامِ سلیم ۶: ۲۸۰۳*	و آن عِمادُالملک ۶: ۳۴۷۲*	و آنکه اندر قرص ۳: ۳۵۹۰
و آن سلیمان جوی ۲: ۳۷۰۵*	و آن عمارت کردن ۳: ۱۳۰	و آنکه اندر لابه ۶: ۴۲۲۷
و آن سوم آن ۵: ۸۲۷	و آن عمل ۶: ۳۷۳۰*	و آنکه اندر وهم ۴: ۳۷۰۵
و آن سوم پندت ۴: ۲۲۵۰	و آن عنایت قهر ۵: ۲۹۱۹*	و آنکه او آن ۴: ۵۰۶
و آن سوم کاهلترین ۶: ۴۸۷۶	و آن عنایت های ۶: ۳۷۷۹*	و آنکه او دانست ۳: ۱۶۹۲
و آن سیوم وافی ست ۵: ۱۰۴۶*	و آن عنایت هست ۶: ۳۸۴۰	و آنکه او را ۴: ۲۱۳۱
و آن سوم هیچ ۲: ۲۴۰۷	و آن غریمان ۲: ۴۰۹	و آنکه او می جُست ۱: ۹۲۰*
و آن شتاب ۵: ۵۹*	و آن غمی را ۱: ۱۷۳۲*	و آنکه او نگذاشت ۳: ۴۸۰۲
و آن شرراز ۲: ۱۹۶۵	و آن فرار از ۲: ۳۰۶۲	و آنکه او یَنْظُرُ ۶: ۱۱۴۲
و آن شقیق از ۲: ۹۳۰	و آن فرشته خیرها ۵: ۲۹۸۲	و آنکه ایشان را ۵: ۱۷۱۲
و آنش گوید ۱: ۱۸۵۰*	و آن فرشته گویدت ۵: ۲۹۹۳	و آنکه با حق اند ۱: ۲۷۵۰*
و آن شود در ۵: ۱۷۸۹*	و آن فرونی ۴: ۲۹۹۳	و آنکه با همت ۱: ۲۷۴۳*
و آن شه ۶: ۲۱۵۲*	و آن فسادش ۴: ۱۵۹۵*	و آنکه بهر حق ۶: ۱۵۱۵*
و آن صاحب دل ۴: ۳۳۱۱*	و آن فسون ۲: ۳۱۷	و آنکه پایش ۱: ۱۰۷۳
و آن صحابه بیعتی ۵: ۷۴۳*	و آن قضايع ۶: ۱۶۷۰*	و آنکه پنهان ۲: ۱۲۸۲*

- و آنکه پوشیده ۷۰۸:۱*
و آنکه تشنه ۳۵۳۷:۱*
و آنکه چشم ۵۹۵:۵*
و آنکه چون سگ ۸۳۱:۵*
و آنکه خواهی ۱۶۰۳:۵*
و آنکه داند عهد ۲۱۴۰:۲*
و آنکه داند، نیستش ۲۶۶۱:۵*
و آنکه در انبار ۲۲۴۰:۱*
و آنکه در ظلمت ۳۹۹۱:۳*
و آنکه در عقل ۱۱۴۴:۳*
و آنکه دریا دید، او بی‌غش ۲۹۱۱:۵*
و آنکه دریا دید، او حیران ۲۹۰۸:۵*
و آنکه دریا دید، دل ۲۹۰۹:۵*
و آنکه دریا دید، شد ۲۱۹۰:۵*
و آنکه دستی ۱۴۹۷:۱*
و آنکه دیدش ۳۲:۴*
و آنکه را طالع ۱۷۱۳:۲*
و آنکه سرتا پا ۲۹۲۱:۱*
و آنکه سنگ انداخت ۷۸۷:۴*
و آنکه شد سوی ۴۲۹:۵*
و آنکه شد محبوب ۱۸۷:۲*
و آنکه صد ۳۰۳۷:۳*
و آنکه صرصر ۲۸۲۲:۳*
و آنکه طعنه ۳۱۴۳:۵*
و آنکه عاشق ۱۴۶۳:۱*
و آنکه فانی ۳۰۴۷:۴*
و آنکه قصد ۳۰۴۶:۵*
و آنکه کان ۴۱۳۳:۳*
و آنکه کشتی ۲۲۰۸:۶*
و آنکه کهنه ۱۸۹۳:۶*
و آنکه گردش‌ها ۱۱۱۷:۲*
و آنکه گوش ۲۰۱۵:۱*
- و آنکه گوید ۲۹۳۲:۲*
و آنکه لنگ و لوک ۳۷۶۵:۲*
و آنکه ماهی ۵۲۱:۳*
و آنکه مردن ۲۴۳۵:۳*
و آنکه می‌پرسید ۶۱۵:۵*
و آنکه میراث ۳۹۶۲:۱*
و آنکه می‌رنجد ۱۱۲۸:۲*
و آنکه می‌سوزی ۱۶۱۸:۲*
و آنکه ناموسی است ۳۸۵۸:۶*
و آنکه شناسم ۱۹۴۹:۳*
و آنکه نور عُمَرَش ۲۶۵۸:۵*
و آنکه نورِ مؤتمن ۳۱۹۸:۳*
و آنکه نیمی ۲۴۱۲:۲*
و آنکه هیچ ۲۴۱۲:۲*
و آن گرسنه ۱۴۸:۳*
و آن گروه ۷۳۴:۱*
و آن گزین آینه ۴۵۸:۵*
و آن گلستان ۱۷۷۱:۴*
و آن گلوی ۱۶۶۹:۶*
و آن گلی کز ۲۹۳۹:۶*
و آن گناه ۳۸۱۸:۱*
و آن گنه در ۳۱۵۲:۶*
و آنکه آن دیدار ۱۳۹۵:۱*
و آنکه آن کَر و فر ۲۰۱۷:۶*
و آنکه ار نادیدگان ۱۷۷۷:۶*
و آنکه از ظلمت ۲۱۵۴:۶*
و آنکهان از قوس ۱۹۴۱:۶*
و آنکهان، اَلْحَمْد ۱۷۳۶:۴*
و آنکهان ایمن ۳۸۷۷:۶*
و آنکهان بفرستد ۵۰۸:۵*
و آنکهان چون لب ۲۱۴۸:۵*
و آنکهان در جمع ۳۸۰:۱*
و آنکهان دریای ۱۴۰۵:۴*
و آنکهان رحمت ۷۵۲:۳*
و آنکهان گفته ۱۷۳۸:۴*
- و آنکهان نَظَّارَه ۳۴۴۸:۶*
و آنکهان ویران ۳۰۰۲:۴*
و آنکهانی آن امیران ۶۵۰:۱*
و آنکهانی اندر ۱۱۳۳:۶*
و آنکهانی هرچه ۱۴۰۳:۱*
و آنکه او گندمِ نمای ۱۸۶۵:۵*
و آن گِه و صلت ۴۳۷۵:۳*
و آنکهی بنمودشان ۲۹۴۰:۳*
و آنکهی مفتاح ۲۰۳۴:۴*
و آن لعین ۵۲۱:۵*
و آن مُجَبَّ ۴۵۹۶:۳*
و آن مرادان ۴۴۴۴:۳*
و آن مراد او ۲۳۶۸:۶*
و آن مُرادت ۴۱۸۹:۶*
و آن مریدان ۵۵۷:۱*
و آن مسافر ۵۲۶:۲*
و آن مَشام ۹۰۵:۵*
و آن مُصَوِّر ۳۰۹۳:۵*
و آن مَقْلَد ۴۹۴:۲*
و آن مکرر ۲۰۱:۴*
و آن ملخ‌ها ۳۶۰۰:۴*
و آن مَعاتی ۴۱۳۵:۵*
و آن مَنی از ۲۸۹۴:۴*
و آن مَوالیدش ۱۶۶۱:۱*
و آن نثار ۷۶۱:۱*
و آن نجاست ۲۰۹۶:۳*
و آن ندیم ۲۹۵۰:۴*
و آن نصیحت ۳۷۹۴:۶*
و آن نظرهایی ۲۹۰۱:۴*
و آن نیاز ۱۹۵:۳*
و آن وفا ۳۱۵۲:۵*
و آن همی خندید ۱۴۸۱:۳*
و آن همی گوید ۱۵۰۴:۳*
و آن هوا را کرده‌یی ۲۴۷۶:۴*
و آن هوا، گردد ۳۱۵۱:۳*

و آن هوای ۲۷۰۴:۴	و اَرَوْد آن ۹۷۴:۶	و اِسْتان شمشیر ۱۴۴۰:۴
و آن یتیمانَن ۲۹۷۵:۶	و اَرود زر ۹۸۱:۶	و اِسْتانم ۱۶۸۰:۶
و آن یقین ۴۱۲۱:۳	و اَرَوْد عککش ۹۷۵:۶	و اِسْتان هین ۱۲۴۳:۶
و آن یکی اندر ۳۲۲:۵	و اَرَوْم آنجا ۳۷۹۷:۳	و اِسْتانیم ۹۸۳:۵
و آن یکی بانگش ۱۶۲۳:۴	و اَرهاند از خیال ۴۲۲:۱	و اِسْطه اطلال ۱۳۴۷:۳
و آن یکی بیکار ۵۸۵:۶	و اَرهاند زین ۳۲۰۳:۴	و اِسْطه افراشت ۵۹۴:۳
و آن یکی بینی ۱۳۷:۳	و اَرهانش از ۱۸۸۳:۱	و اِسْطه حَمّام ۲۳۰:۵
و آن یکی پهلوی ۳۰۵۰:۳	و اَرهانشان از ۱۱۹۹:۵	و اِسْطه، دیگی ۸۳۳:۲
و آن یکی، تاریک ۳۷۵۲:۱	و اَرهانم از ۱۷۸۵:۳	و اِسْطه، زحمت ۲۹۷۷:۴
و آن یکی تا مسجد ۳۵۳۸:۲	و اَرهانم چرخ ۳۰۳۸:۱	و اِسْطه شرطست ۲۲۸:۵
و آن یکی جان ۳۵۳۹:۲	و اَرَهْد از ۳۶۵۵:۴	و اِسْطه کم ۷۹۴:۵
و آن یکی حارس ۵۸۴:۶	و اَرَهْد این ۳۷۰۲:۱	و اِسْطه مخلوق ۲۲۲۱:۳
و آن یکی را روی ۳۱۴:۱	و اَرَهْد، پا ۹۳۷:۵	و اِسْطه هر ۷۹۴:۵
و آن یکی، سه ۳۷۵۳:۱	و اَرَهْم زین ۲۲۸۴:۴	و اَشْکافد از ۴۷۵۲:۶
و آن یکی گفتی ۳۹۳۰:۳	و اَرَهی از اختران ۵۸۳:۴	و اَشْکافد تا ۵۰۷:۵
و اَبْتَعُوا مِنْ ۲۳۸۴:۵	و اَرهی از تنگی ۲۳۹۹:۴	و اَشْناسی صورت ۲۰۶۳:۲
و اَبَس آید ۱۶۸۸:۱	و اَرهی از جسم ۸۱۱:۶	و اَشْناسی مَر ۷۹۱:۳
و اَتَّخَذْنَا ۱۱۲۰:۴	و اَرهید آن ۱۳۶:۲	و اَصْرَفِ السَّوء ۳۹۰۰:۱
و اَجِب آید ابر ۱۶۵۴:۲	و اَرهید از سَر ۳۳۳۵:۴	و اَصْلان چون ۲۸۱۳:۲
و اَجِب آید، چون که ۱۲۴:۱	و اَرهید او از فتادن ۲۶۶۸:۴	و اَصْلان را ۳۳۱۳:۲
و اَجِب آید که کنم ۲۲۴۳:۶	و اَرهید او از فراق ۳۵۹۱:۳	و اَطْلَب اصلی ۷۰۹:۲
و اَجِست اظهار ۳۰۲۷:۴	و اَرهیدم ۳۱۸۷:۴	و اَطْلَبُ الْقَنَّ ۱۰۵۷:۵
و اَجِست و جایزست ۲۷۷۱:۵	و اَرهیدند ۱۷۱۴:۵	و اَطْلُبُوا الْاَغْرَاضَ ۱۶۲۸:۱
و اَحَد، اندر ۲۳۲۵:۴	و اَرهیده از جهان ۱۷۶۷:۴	و اَعْتَجِلْ ۱۳۲:۱
و اَحِدْ کَا لَآلَفْ اِنْ ۳۵۶۴:۶	و اَرهیده از همه ۳۵۸۵:۵	و اَعْتَقَادِ ۳۵۷:۴
و اَحِدْ کَا لَآلَفْ در ۳۲۷۵:۶	و اَرهیدی از ۳۲۳۵:۶	و اَعْظِ اَر مُرده ۲۳۷۹:۱
و اَحِدْ کَا لَآلَفْ که ۲۲:۶	و اَرهیدی این ۴۰۴:۱	و اَعْظی بُد ۳۳۲۵:۵
و اَخْرِید از تیغ ۳۹۸۸:۱	و اَرهی زین ۱۷۴۳:۵	و اَعْظی را ۱۲۹:۶
و اَخْرِیدش ۲۹۵۴:۴	و اَز چه زاید ۶۱:۶	و اَفِی ۲۹۷:۵
و اَدهد، ایشان ۱۰۰۷:۵	و اَز زبانه ۳۴۱۶:۴	و اَفیان را ۱۱۷۱:۵
و اَدهد هرچه ۳۵۹۹:۴	و اَز سوادش ۳۱۸:۵	و اَقعات ار ۲۹۰۷:۲
و اَرانم ۳۵۴۵:۶	و اَز کد امین حبس ۱۶۵۸:۳	و اَقعات سهمگین ۲۴۲۷:۴
و اَرث این ۳۴۰۱:۱	و اَزدها کز ۱۰۳۹:۳	و اَقعاتی دیده ۲۴۲۵:۴
و اَرثی نابوده ۳۲۷۹:۶	و اَسبِ خود ۱۱۱۶:۱	و اَقعاتی که در ۲۴۸۷:۴
و اَرْدی بالای ۴۵۷۱:۶	و اَسْتان از ۱۴۳۴:۴	و اَقعاتی که کَنوْت ۳۶۵۶:۳

واقعه آن ۳۲۴۸:۶	وام‌داران گرد او ۳۸۹:۲	واندرون اندیشه‌اش ۳۳۸۵:۶
واقعه بی‌خواب ۱۹۰۸:۶	وام‌داران گشته ۳۹۰:۲	واندرون او ۱۵۷۶:۱
واقعه، تا شد ۲۹۰۶:۲	وام دارد از ۳۵۳۶:۶	واندرون، خوش ۱۹۱۸:۴
واقعه چون‌ست؟! ۲۵۴۰:۵	وام‌دارست ۱۲۰۶:۴	واندرون دل ۳۳۵۷:۳
واقعه ما ۲۳۳۱:۳	وامدار شرح اینم ۲۳۵۶:۳	واندرین خانه ۲۲۴۶:۲
واقعه من ۴۰۵۶:۶	وامدار شرح این نکته ۲۱۳۹:۳	واندرین فکر ۴۲۵۲:۶
واقف آن غلغل ۹۰۳:۳	وامدارم، می‌روم ۴۰۱:۲	واندرین یم ۳۵۹۸:۳
واقف از سوز ۴۳۹۷:۶	وام را از بعضی ۳۵۳۶:۶	واندک اندک ۱۳۹۶:۲
واقف بر علم ۳۵۶:۱	وام‌رو ۱۷۲۴:۵	وان دو صد ۳۸۳۵:۳
واقفند ۱۷۸۴:۴	وامشورانید ۱۷۸:۳	وان قمر ۱۹:۴
واکشد ۳۴۶۰:۲	وام کردم ۳۲۹۹:۶	وانکرد ۲۴۰۹:۵
واگریزی ۴۳۲۹:۳	وامکن ۳۸۱۰:۴	وانکه او ۲۰۶۲:۲
واگزارد ۲۶۱:۳	وامگردان ۸۸۸:۳	وانکه گرد ۱۳۴۸:۱
واکشایم مُصَحَف ۱۸۶۹:۳	وامگیر از ۱۴۵۱:۲	وانکه هست ۶۳۵:۲
واکشایم هفت ۲۵۳۳:۱	وامگیریش ۱۴۸۰:۵	وانگردد ۱۶۵۹:۱
وَالْتَمَسْنَاهَا ۱۱۷۰:۴	وانتقام تو ۱۵۶۶:۱	وانگشت او ۳۸۱۱:۵
والد و مولود آنجا ۶۶۳:۶	وانجنا ۲۸۹۲:۶	وانگشتند ۳۹۰:۳
والد و مولود را ۱۷۴۵:۲	وان جوابات ۳۳۱۱:۶	وانگفت ۳۰۳۱:۱
والدین و ملک ۳۹۸۲:۶	واندارد ۱۴۸۷:۱	وانگویم ۱۷۸:۳
وَالَّذِي كَانَ ۸۲۴:۵	واندانستی ۲۳۴۵:۲	وانگه از خود ۱۵۰۲:۴
وَالَّذِي يُبْصِرُ ۱۹۴۶:۱	واندر آب افکن ۲۹۶۹:۲	وانگهان خور ۱۹۴۰:۲
وَالصَّحَى ۲۹۵:۲	واندر آتش ۴۴۵:۵	وانگه او، بر جمله ۹۰۹:۲
والله ارزین ۱۵۷۱:۱	واندر آردشان ۲۳۰۱:۲	وانگهی، از ۳۴۰۸:۱
والله ارسوراخ ۵۹۳:۲	واندر آن بیماریش ۲۱۴۱:۲	وانما بر سکه ۲۸۷۴:۴
والله از جمله ۱۱۴۴:۲	واندر آن پُرسش ۳۱۷۸:۲	وانما، تارحم ۲۷۰۰:۱
والله از عشق ۱۵۴۳:۶	واندر آن زهدش ۳۵۲۰:۵	وانما سَری ۳۸۰۱:۲
والله این ۳۱۲۴:۲	واندر آن سوراخ ۴۰۵۸:۳	وانما یاران ۴۲۷۰:۶
وَالْمَلِكُ ۳۹۵۳:۱	واندر آن شهر ۱۴۸:۱	وانماید خونیان ۱۴۴۴:۲
وَالنَّبِيُّ ۷۲۸:۲	واندر آن قصه ۸۹۹:۱	وانماید دام ۱۴۴۴:۲
واله اندر ۱۵۳۰:۱	واندر اندازد ۲۵۵۶:۳	وانماید هریکی ۳۴۰:۵
وام او را ۳۷۹:۲	واندر اوتخم ۱۸۱۸:۲	وانمایم حوض ۳۵۳۶:۱
وامبر ۳۹۰۱:۱	واندر اوقوت‌ست ۳۲۹۷:۵	وانمایم راز ۳۵۳۱:۱
وام بی‌حد ۳۰۲۱:۶	واندرو افزون ۳۸:۳	وانمایم رنگ ۳۵۳۲:۱
وام‌داران را ۲۷۹۶:۵	واندرو بین ۲۴۸۱:۴	وانمایم من ۳۵۳۴:۱
وام‌داران روترش ۳۰۲۴:۶	واندرون ازعکس ۱۱۲۵:۱	وانمایم هر سبک ۲۰۹۱:۲

وان مریدان ۴:۲۱۲۹*	وای به صحبت ۶:۳۵۱*	ور ازین افزون ۴:۲۴۶۸*
وانمود آن ۲:۱۴۴۰*	وای بیداری ۲:۳۹۰*	ور ازین، دیوان ۴:۱۱۴۷*
وان یکی ۳:۲۷۹۷*	وای جانی ۴:۱۲۰۲*	ور اشارتهاش ۱:۹۴۴*
واهب این ۱:۳۷۴۸*	وای جهان ۲:۱۲۰*	وربخشی ۵:۲۰۸۹*
واهب همت ۴:۲۹۱۳*	وای کز آواز ۱:۲۱۹۴*	وربیند ۶:۲۵۵۰*
واهل کشتی ۳:۲۲۲۵*	وای کز تری ۱:۲۱۹۳*	وربیندی ۶:۲۸۴*
واهل برتابه ۶:۴۴۷۲*	وای کوگستاخ ۳:۲۲۴۶*	وربیند ۳:۸۵۳*
وای آن افسوسی ۳:۱۰۹*	وای گل رویی ۲:۱۳۴۱*	وربینی، رُوگرسانی ۶:۴۱۰۰*
وای آن جان ۴:۱۶۹۴*	وای همه هستی ۵:۳۵۷۱*	وربینی روی ۴:۲۱۴۲*
وای آن دل ۶:۳۷۹۳*	وجه نه ۲:۴۶۵*	وربینی عیسی ۴:۲۱۴۲*
وای آن زنده ۱:۱۵۳۶*	وحدتست ۴:۳۸۲۹*	وربینی میل ۳:۱۶۲۱*
وای آن شه ۴:۱۲۴۹*	وحدت محض ۴:۲۷۶۷*	ورپرسی ۳:۱۸۴۸*
وای آن کز ۴:۲۷۴۶*	وحدتی که ۶:۱۶۱۲*	وربجند ۳:۱۹۳۸*
وای آن کس را ۳:۳۷۹۴*	وحشت همچون ۴:۲۰۳۹*	وربجنگد ۴:۱۴۹۲*
وای آن، کو عاقبت ۱:۲۵۰۸*	وحی آمد سوی زن ۳:۹۵۳*	وربجوشد ۶:۴۹۱۴*
وای آن کو مُرد ۴:۱۲۰۵*	وحی آمد سوی موسی ۲:۱۷۵۰*	ور بجه گیرد ۵:۲۷۱*
وای آنکه در درون ۶:۱۲۸۶*	وحی پیغمبر چو خواندی ۱:۳۲۲۹*	وربخسبد ۲:۳۵۱۰*
وای آنکه عقل او ۵:۲۴۶۱*	وحی چه بود؟ ۱:۱۴۶۱*	وربخسبی ۵:۱۱۱۶*
وای آنکه یابمش ۴:۲۵۲۷*	وحی حق را، هین ۶:۴۶۹۱*	وربخندیم ۱:۱۵۱۲*
وای آن مرغی ۶:۴۰۷۴*	وحی حق، واللّه ۴:۱۸۵۲*	ور بخوانی تو ۲:۲۷۹۰*
وای ازین پیران ۶:۴۷۲۲*	وحی خورشیدم ۱:۳۶۶۰*	ور بخوانی صد ۶:۱۹۳۱*
وای اگر بر دل ۵:۳۳۳۶*	وحی دل گویند ۴:۱۸۵۳*	ور بخوانی، نه ای ۱:۱۵۳۹*
وای اگر برعکس بودی این ۶:۴۳۳۰*	وحی دل گیرش ۴:۱۸۵۴*	ور بخواهد، بر ولی ۱:۳۵۷۲*
وای اگر برعکس بودی درد ۶:۴۳۳۳*	وحی دل ها باشد ۳:۴۳۱۷*	ور بخواهد، رفت ۱:۳۵۶۳*
وای اگر صد ۲:۲۲۹۹*	وحی آمد ۶:۱۱۵۴*	ور بخواهد، سوي جزویات ۱:۳۵۶۵*
وای اگر گُربهش ۲:۲۲۹۸*	وَحْيِش از زنبور ۵:۱۲۳۱*	ور بخواهد، سوي ملبوسات ۱:۳۵۶۴*
وای او کز حدّ ۵:۵۳۴*	وحی غایب بین ۶:۲۹۷۰*	ور بخواهد کفچه ای ۱:۳۵۷۳*
وای او کز دشمنان ۲:۲۵۹*	وحی کردش ۴:۳۸۹*	ور بخواهد، همچو ۱:۳۵۷۳*
وای او کز کف ۲:۱۲۷۳*	وحی ناوردی ۶:۱۶۵۹*	ور بخواهی ۴:۱۱۸۳*
وای بر احکام ۶:۱۵۷۳*	وحی و برق نور ۳:۱۳۹۰*	ور بخوردی بی دل ۲:۱۵۱۳*
وای بر تو ۶:۱۷۱۷*	وَحْيِ و مکشوف ۵:۲۴۹۲*	ور بخوردی کی ۴:۱۳۲۹*
وای بر مشتاق ۶:۱۲۰۰*	ور اثر نبود ۱:۲۶۳۵*	ور بداند ره ۳:۴۰۳۱*
وای بر وی ۴:۵۰۸*	ور ازو غافل ۴:۳۶۸۴*	ور بداند کرم ۲:۲۳۲۳*

ور بود بر ۳۹۲۹:۶	ور بگفتی گل ۴۰۲۶:۶	وربداند، نشنود، ۲۶۶۰:۴*
وَر بُود پُر خون ۱۷۶۶:۲*	ور بگفتی مَه ۴۰۲۴:۶	ور بدانستند ۳۶۱۸:۲
ور بُود تر ۲۱۴:۲*	ور بگفتی هست ۴۰۳۰:۶	وربدانی، از ۳۳۵۹:۱
ور بود جغدی ۱۳۷:۶	ور بگوئی راست ۳۹۶۳:۵	وربدانی نفلت ۲۷۲۷:۱
ور بُود خَبر ۱۶۶:۵*	ور بگوئی، ور ۴۶۲۱:۶	ور بُد او دی پاک ۱۷۸۶:۵
ور بُود خاری ۲۷۸:۲*	ور بگوید او ۳۵۴۷:۶	ور بُد او دی خام ۱۷۸۵:۵
ور بُود درویش ۳۶۶۹:۳*	ور بگوید در ۱۲۷۹:۳	ور بُدی بُد ۲۶۴۷:۵
ور بُود رومی ۳۵۱۸:۱*	ور بگوید کفر ۲۸۸۲:۱	ور بُدی دردی ش ۴۰۳۶:۶
ور بُود زنده ۲۸۴۲:۱*	ور بگویم ۱۷۷۶:۲	ور بدیدی شاخی ۲۸۶۴:۱
ور بُود شهوت ۸۱۳:۴	ور بگویند ۳۰۶۳:۴	ور بدیدی کئی ۸۹۳:۲
ور بود صورت ۱۰۱۹:۲	ور بگوئی بایکی ۱۰۴۹:۱	ور برای ۱۷۳۷:۲
ور بُود عیبی ۲۳۴۷:۱	ور بگویی، خود نگردد ۲۲۶۹:۶	ور برد جان ۳۹۰۵:۱
ور بُود مَرِخی ۷۵۳:۱	ور بگویی خود همیش ۲۱۲۰:۵	ور بُرد کفشت ۸۰۳:۲
ور بُود، هِل ۱۵۲۴:۱*	ور بگوئی راست ۳۹۶۳:۵	ور بُرو خند ۳۶۳۸:۲
ور بُود یخ بسته ۳۶۹۷:۲	ور بگوئی، شکل ۳۴۵۷:۲	وربروید هیزمی ۱۰۹۸:۵*
ور بوی بی صبر ۳۳۵۱:۴*	ور بگویم آن، دلت ۴۳۸۷:۶*	ور بشد، اندر ۲۳۵۴:۳
ور به امر ۳۳۸:۶	ور بگویم آن سخن ۴۳۸۹:۶*	ور بفرماید ۲۰۷۴:۴
ور به بیداری ۱۵۱۱:۱*	ور بگوئی من ۳۶۴۷:۳	ور بکاوی ۹۲۹:۵
ور به حکم آرید ۶۶۷:۲	ور بگوئی نی، زند ۳۷۵۰:۴	ور بکردی ذَره ۳۰۱۹:۶
ور به خرگه ۸۳۲:۱	ور بگوئی ور ۴۶۲۱:۶	ور بکردی نیز ۲۷۰۴:۵
ور به خشم ۱۵۱۳:۱	ور بگیرد ۴۶۴۴:۴*	ور بگریم ۴۷۱۰:۳*
ور به خواب ۱۵۱۱:۱	ور بگیری، کیت ۶۰۸:۱	ور بگریم ۱۵۱۲:۱
ور به دندان ۷۹۵:۴	ور بگیری مهر ۲۶۹۴:۳*	ور بگفتی برگ‌ها ۴۰۲۵:۶
ور به رنگ ۲۸۱۵:۲	ور بگیری نکته ۲۶۹۵:۳	ور بگفتی چه ۴۰۲۷:۶
ور به سوی ۴۷۵۳:۳	ور پلیسی کرد ۲۹۳۸:۴*	ور بگفتی: خوش ۴۰۲۵:۶*
ور به شک گوید ۲۸۸۲:۱*	ور بمانم ۲۶۹۲:۱*	ور بگفتی: درد ۴۰۳۱:۶*
ور به صد حیل ۶۱۹:۲*	ور ببنهد ۳۱۲۳:۱	ور بگفتی دوش ۴۰۲۹:۶
ور به صلح و عذر ۱۵۱۳:۱*	ور بُود اُشر ۳۱۴۳:۴*	ور بگفتی: سبز ۴۰۲۴:۶*
ور به ظرفش بنگری ۶۵۲:۶*	وَر بُود الماس ۷۱۵:۱*	ور بگفتی: شَه ۴۰۲۶:۶*
ور به عقل ۲۶۸۴:۶	ور بُود این جبر ۱۴۶۵:۱	ور بگفتی: عکس ۴۰۳۰:۶*
ور به علم ۱۵۱۰:۱*	ور بود این گوشت ۳۴۱۸:۵*	ور بگفتی که: برآمد ۴۰۲۸:۶*
ور به غفلت ۱۲۸۰:۴	ور بُود بدخوی ۲۱۵۷:۴*	ور بگفتی که: برافشانید ۴۰۲۷:۶*
ور به کُل بیزار ۲۴۸۷:۲	ور بود بد، در ۱۰۵۲:۵*	ور بگفتی که: به درد ۴۰۳۱:۶
ور به کُلّی ۴۴۶۴:۳		ور بگفتی که سقا ۴۰۲۸:۶
ور به موسی ۲۷۱۷:۴*		

ور به هر دو ۲۷۱۸:۴	ور چه بنویسی ۳۱۹:۲	ور دهان یابم ۱۸۸۵:۵
ور به یک دگان ۳۲۳۰:۶	ور چه پَرَم ۳۴۵:۲	ور دهد، ترکش ۳۸۳۷:۵
ور بیامیزی ۲۱۱۵:۲	ور چه تلخان مان ۳۳:۶	ور دهد حلوا ۱۶۶۲:۵
ور بیابد خسته ۲۷۵۲:۴	ور چه عقلت ۱۲۶۳:۴	ور دهندش ۲۵۹۰:۱
ور بیایی ۱۹۶۵:۶	ور چه می لافی ۳۱۹:۲	ور رسد خاری ۳۱۰۱:۴
ور بیامد ۳۰۴۸:۵	ور حذر از ۱۷۷۳:۶	ور روا دارند ۳۵۵۳:۶
ور بیاید ۴۴۱۸:۶	ور حریر ۳۴۴۴:۳	ور رود بی ۲۶۹:۵
ور پدر زد ۱۵۲۱:۶	ور حسد گیرد ۴۲۹:۱	ور رود در بحر ۲۶۸۳:۲
ور پذیرایی ۱۵۴۰:۱	ور حَضَر باشد، ۲۲۱۷:۲	ور رود غیر ۳۳۵۶:۶
ور ترازو ۱۴۹۴:۶	ور حقیقت ۳۵۰۲:۲	ور روی کُز ۱۸۹۸:۴
ور تقی ۶۰۷:۵	ور حکیمی هست ۲۹۹۹:۴	ور ره نَبَخش ۱۹۶۶:۴
ور تنی ۱۰۹۶:۵	ور خبر آید ۶۱:۴	ور رهی خواهی ۳۶۰۷:۱
ور تو آن را ۳۷۰۵:۵	ور خدایی باشد ۱۱۸۰:۳	ور ریاضت ۳۳۹۷:۳
ور تو اندر ۲۰۱:۲	ور خری ۲۸۰۲:۴	ور ز ابدالی ۳۹۹۹:۳
ور تو پیغام ۱۱۴۶:۵	ور خلاف ۳۹۵۷:۵	ور ز تو مُعْرِض ۸۸۲:۵
ور تو چون ۲۷۹:۲	ور خود این ۳۰۵۸:۲	ور، ز جالینوس ۳۹۷۵:۳
ور تو خواهی ۳۳۹۰:۳	ور خورد خود ۲۷۲۵:۵	ور زدست ۳۵۸۱:۱
ور تو خوش باشی ۳۳۷۲:۴	ور خورد طالب، ۲۶۰۳:۱	ور ز دیگر، ۹۷۳:۳
ور تو درکشتی ۲۳۷۰:۴	ور خورد هر ۳۵۳۴:۲	ور ز رَشِ نور ۲۹۹:۴
ور تو دست اندر ۳۶۸۵:۱	ور خوری، باری ۵۳۱:۶	ور ز رنج ۱۲۷۰:۵
ور تو را زه پیش ۳۱۹۸:۲	ور خوری پُر ۱۷۴۶:۵	ور ز غیر جنس ۸۹۳:۱
ور تو را شکگی ۸۸۶:۶	ور خوری حلوا ۱۸۶۴:۱	ور ز غیر صورتت ۳۷۵۰:۶
ور تو ریو ۳۵۸۳:۱	ور خیالاتش ۵۹۵:۲	ور ز گُل ۱۶۱۸:۲
ور تو شمس و ماه ۳۹۰۹:۱	ورِ بینی ۲۲۲۳:۴	ور ز مثقالی ۳۲۹۱:۴
ور تو عرش و چرخ ۳۹۱۰:۱	ورِ خود کن ۱۹۱۵:۶	ور زمین و آب را ۱۶۲۱:۲
ور تو قَدِ ۳۹۰۹:۱	ور در آزادیت ۴۴۴۵:۶	ور زنی ۲۱۴۱:۴
ور تو کان ۳۹۱۰:۱	ور در آن حوض ۲۸۲۳:۱	ور سبب گیری ۳۶۹۱:۶
ور تو گویی: جزو ۲۸۱۱:۱	ور در آید ۲۳۸۲:۱	ور سخن پردازد ۲۱۱۹:۴
ور تو گویی غافل ۶۲۱:۱	ور دروغ است ۱۱۸۲:۱	ور سخن کُش ۱۳۲۰:۴
ور تو گویی هم ۲۵۳۵:۲	ور دلت بیدار ۱۲۲۵:۳	ور سر مویی ۱۷۹۸:۳
ور تو می بینی ۶۳۲:۱	ور دمی هم ۴۶۵۴:۶	ور سگی آید ۲۹۰:۳
ور تو نافِ آهویی ۲۴۳۸:۵	ور دو چشم ۳۲۳۴:۶	ور سؤالت ۱۰۷۰:۲
ور تو نگدازی ۶۸۴:۱	ور د و ریحان ۲۰۹۵:۱	ور سُوْم باره ۳۳۸۵:۲
ور جراحت کهنه ۲۰۰۹:۲	ور دو شاخست ۸۰۳:۲	ور سوی شهرست ۱۳۳:۶
ور جهان از ۱۰۷۱:۲	ور دو کس در ۳۰۰۱:۵	ور سوي یاری ۱۵۴:۲

ور نباشد هر دو او ۴۸۷۱:۶	ور کنی خدمت ۱۹۳۲:۶	ور شتابست ۲۳۵۶:۳
ور نباشی ۳۲۰۷:۳	ور کنی عادت ۱۳۴۰:۴	ور شدی ذره ۲۹۴۳:۴
ور نبود این ۳۹۲:۵	ور کنی یک ۱۷۱۳:۴	ور شکستی ۴۵۰۱:۳
ور نبودى او ۵۲۰:۱	ور که باور ۳۴۰۰:۲	ور شود آن ۱۹۱۴:۶
ور نبودى حاجت ۳۲۷۷:۲	ور که خور را ۲۰۲۸:۵	ور شود صد ۵۰۷:۴
ور نبودى حلق‌ها ۳:۵	ور کهی، بر کهر با ۱۶۳۵:۴	ور شود غِره ۱۶۶۳:۵
ور نبودى خوب ۱۷۴۷:۶	ور گداگوید ۲۳۵۱:۱	ور شوم چون ۳۷۹۷:۱
ور نبودى دیدهای ۱۶۶۰:۶	ور گریزم ۳۸۶۲:۶	ور شوم نومید ۱۱۱۴:۲
ور نبودى زخم ۱۷۴۸:۶	ور گریزند، او ۳۷۲۲:۳	ور صبا را ۴۷۵۴:۳
ور نبودى نفس ۱۷۴۸:۶	ور گشادی ۳۱۹۷:۴	ور ضرورت ۵۳۱:۶
ور نبیند ۳۹۳۲:۵	ور گواو ۲۵۴:۵	ور عدو باشد ۲۱۴۷:۲
ور نبینی ۲۴۶:۴	ور گیا خواهد ۲۶۷۹:۲	ور عصای ۲۷۸:۳
ور نتاند ۱۶۸۰:۶	ور لباسم ۹۱۹:۵	ور عیان خواهی ۱۳۲۱:۲
ور نتانی، هان و هان ۱۱۸۹:۳	ور مثال احمق ۲۱۸۲:۴	ور غذای روح ۲۶۸۲:۲
ور نجوید ۲۴۳۵:۲	ور مثالی ۳۴۶۶:۱	ور غرض‌ها ۷۶۶:۶
ور نخوانی ۳۲۱:۲	ور مرا آتش ۱۶۸۷:۵	ور غلام ۳۱۵۷:۵
ور نخواهد ۴۴۸:۲	ور مرا خنجر ۱۶۸۶:۵	ور فرو افتی، ۲۶۷۱:۵
ور نخواهی، آب ۱۳۳۶:۱	ور مُرادت ۳۸۴۷:۵	ور فزاید فضل، ۲۹۱۳:۵
ور نخواهی خدمت ۱۹۸۸:۲	ور مرا ناوک ۱۶۸۸:۵	ور فزون دیدی ۲۲۹۳:۲
ور ندارد ۱۱۶۹:۵	ور مرا یاری ۱۶۸۹:۵	ور قبول آرد ۸۷۶:۵
ور نداری بو ۲۴۷:۴	ور مکاس ۱۰۴۴:۶	ور قوی شد ۱۴۰۵:۶
ور نداری پا ۱۱۰۴:۵	ور ملولی ۱۹۰۱:۶	ور کُست شیرین ۳۲۴۹:۵
ور نداری چشم ۲۷۶:۳	ور منافق ۲۹۰:۱	ور کُسی بر ۳۳۶:۴
ور نداری کار ۱۳۴۳:۴	ور منجم ۲۹۶۳:۳	ور کُسی جان ۱۲۲۴:۵
ور نداند ۲۵۴۲:۲	ور نباشد آن، تو ۴۵۰۷:۳	ور کُسی را ۷۱۲:۴
ور ندانم ۳۶۴۱:۳	ور نباشد آن، چو ۳۰۶۰:۴	ور کشد آن ۱۹۱۵:۶
ور ندانی این دو ۳۴۹۳:۳	ور نباشد اهل این ۱۴۸۲:۴	ور کشد بار ۴۱۲:۴
ور ندانی، چون ۱۳۴۴:۴	ور نباشد اهل، ز آن ۱۱۹۷:۴	ور کشم باری ۳۸۰۹:۱
ور ندانی ره، ۷۴۷:۲	ور نباشد حق، ۴۴۸۹:۳	ور کند دعوت ۱۸۱۳:۳
ور ندیدش ۳۶۱۵:۲	ور نباشد صبر ۶۴۰:۵	ور کند سست ۳۱۲۶:۵
ور ندیدی ۵۸۰:۶	ور نباشد طفل ۳۰۳۸:۴	ور کند کودک ۷۹۸:۲
ور نرفتی، خشک ۳۵۲۰:۲	ور نباشد قطب ۲۱۴۵:۲	ور کند نرمی ۸۹۷:۵
ور نرفتی، وز ۳۵۱۸:۲	ور نباشد گوش ۱۶۲۵:۱	ور کنم خدمت ۲۷۱۴:۵
ور نشیند ۲۷۰:۵	ور نباشد گوهر ۳۷۰۰:۵	ور کنی او ۶۵۶:۲
ور نظر بر ۱۲۵۷:۳	ور نباشد، وای ۲۸۴۶:۳	ور کنی با ۳۴۳۵:۲

ور نکاریدی ۴۴۶۵:۳	ور نه آن ظالم ۲۴۳۶:۳	ور نه بر تونه ۲۶۴۱:۵
ور نکردی زندگانی ۱۷۷۱:۵	وَرَنه، ابلیسی ۳۴۲۹:۲	ور نه بر فانی ۲۹۷:۲
ور نکردی شکر ۹۵۵:۵	ور نه ادهم ۶۶۸:۴	ور نه بُرم ۳۱۷۶:۵
ور نکوید ۳۹۳۳:۶	ور نه از جائت ۲۳۵۹:۴	ور نه بس ۲۱:۵
ور نکوهیدی ۴۰۳۲:۶	ور نه از چاهی ۱۷۶۷:۵	ور نه بغدادی ۱۰۲۳:۵
ور نگردد ۲۱۴۸:۲	ور نه، از خود چون بدوزد	ور نه بگریزم ۲۹۷۶:۶
ور نگون سازی ۱۸۱۵:۲	۳۳۳۸:۶	ور نه، بگشاید ۲۶۷۱:۳
ور نگوید، دانمش ۴۹۰۰:۶	ور نه از خود چون شود	ور نه بودی ۳۷۱۱:۵
ور نگوید، در سخن ۴۹۰۱:۶	۳۳۳۹:۶	ور نه بهتر ۳۳۳۱:۲
ور نگوید، کیت ۱۷۷۱:۶	ور نه اکنون ۲۱۱۴:۶	ور نه بی شک ۴۱۵۰:۶
ور نگوید هیچ ۱۲۷۸:۳	ور نه اندر خرج ۱۳۶۵:۲	ور نه پشک ۳۴۶۵:۴
ور نگویم ۱۵۷۸:۳	ور نه اندر قهر ۳۳۰۳:۳	ور نه پیش شاه ۱۲۸۷:۲
ور نگویی ۷۴۲:۳	ور نه اندر من ۲۶۳۲:۵	ور نه پیش نور ۶۷۹:۶
ور نمانم ۲۳۳۸:۶	ور نه، اندیشه ۴۶۹:۱	ور نه پیلی ۳۰۷۳:۴
وَر نماید ۲۷۰۳:۲	ور نهان کردید ۲۰۸۱:۵	ور نه تأدیب ۳۰۰۴:۴
ور نمودی عِلّت ۱۳۵۰:۴	ور نه او خندد ۷۸:۲	ور نه، تا خود ۴۸۴۱:۶
ور نمودی عیب ۷۳۹:۳	ور نه او در اصل ۳۶۱۸:۵	ور نه، تَسخُر ۲۲۰:۴
ور نمی بینی ۲۷۲۲:۳	ور نه او در بند ۳۸۲۱:۳	ور نه تلخ ۱۰۳:۴
ور نمی تانی به کعبه ۱۹۵۰:۲	ور نه اوّل ۸۱۹:۶	ور نه تنگ ۱۹۷:۴
ور نمی تانی که ۳۵۲۵:۲	ور نه، او مفعول ۳۶۸۴:۳	ور نه توزیعی ۵۵۵:۲
ور نمی توانی رضا ۱۰۶:۴	ور نه ای منکر ۳۱۷۷:۱	ور نه جای ۶۳۰:۳
ور نمی توانی شدن ۲۲۴۳:۱	ور نه این بیداد ۲۳۹۳:۳	ور نه جنسیت ۲۲۸:۲
ور نمی داندشان ۳۱۰۳:۲	ور نه اینجا، شربت ۱۰:۲	ور نه چالاکست ۸۱۷:۳
ور نمی شویی ۴۵۹۵:۶	ور نه اینجا نیست ۳۵۴۹:۴	ور نه چون بگزیده یی ۳۰۷۰:۵
ور نمی فرمود ۳۶۵۴:۶	ور نه این خواهی ۱۵۵۶:۲	ور نه چون خندد؟ ۴۵۲۵:۳
ور نمی گویی ۲۳۹۱:۱	ور نه این دَم لایق ۱۰۰۷:۱	ور نه چون شد ۷۱۲:۲
ور نویسم ۱۷۷۶:۲	ور نه این زاغان ۱۷۰۰:۴	ور نه چون فرعون ۹۷۵:۳
ور نه آدم ۴۰۴:۶	وَر نه اینک ۳۴۷۲:۲	ور نه، چون گردد ۳۳۳۷:۶
ور نه آرد ۷۷۰:۱	ور نه این گفتن ۲۹۹۵:۴	ور نه چون لطف ۱۸۶۹:۱
ور نه آسانست ۱۵۷۹:۵	ور نه با تو ۲۶۱۹:۵	ور نه حَمّال حَطَب ۱۰۹۹:۵
ور نه آمد ۱۳۷۶:۵	ور نه با من ۳۵۱۷:۲	ور نه حَمّالست ۷۷۷:۴
ور نه آن پیغام ۴۲۷۸:۶	ور نه بختم ۴۳۳۵:۶	ور نه خاکی ۲۳۱۹:۶
ور نه آن خنده ۴۱۲:۶	ور نه بدهد ۲۳۸۸:۵	ور نه خالی ۱۵۷۶:۴
ور نه آن دَم ۱۱۵۸:۵	ور نه بر اخوان ۶۹:۵	ور نه خامش کن ۲۸۳۸:۴
ور نه آن شیر ۳۱۴۵:۶	ور نه بر تو کوید ۳۸۴:۳	ور نه خرسی ۲۰۱۶:۲

- ورنه خرگوشی ۱:۱۳۶۵*
 ورنه خَس ۶:۲۷*
 ورنه خُفَاشی، ۴:۲۱۸۴*
 ورنه خلعت ۶:۱۶۴۴*
 ورنه خواب ۴:۲۴۰۳*
 ورنه خود آن ۱:۳۰۹۰*
 ورنه خود أَشْفَقْنَ ۱:۱۹۵۹*
 ورنه خود باطل ۱:۲۸۱۲*
 ورنه خود تیری ۴:۲۴۶۵*
 ورنه خود خندید ۲:۷۷*
 ورنه خود دستش ۴:۵۱۰*
 ورنه، خود ما ۳:۱۷۴۳*
 ورنه خود مرغ ۱:۲۵۲۹*
 ورنه خود، نسبت ۲:۱۷۶*
 ورنه خون ۵:۲۲۶۳*
 ورنه دَرَانِید ۴:۲۶۵۰*
 ورنه، در دلشان ۶:۱۷۷۴*
 ورنه در عالم ۴:۳۷۹۷*
 ورنه، درمانی ۴:۲۸۰۹*
 ورنه در وَی ۲:۳۱۴۱*
 ورنه دَسْتَبُوی ۴:۲۵۶۳*
 ورنه دشمن ۱:۱۳۲۲*
 ورنه دل را ۲:۲۸۹۴*
 ورنه مهرم ۱:۳۲۲۵*
 ورنه دنیا ۵:۴۱۳۶*
 ورنه رُسوایی ۱:۱۷۴۳*
 ورنه، رَوُکَالِصَبْرِ ۲:۷۰*
 ورنه زآتس‌های ۶:۴۶۰۹*
 ورنه زآنچم ۵:۲۳۰۰*
 ورنه ساکن ۶:۲۱۰*
 ورنه سنگ ۶:۲۰۳۹*
 ورنه سوزیدی ۴:۲۶۵۱*
 ورنه سیمای ۱:۳۶۱۹*
 ورنه شیر ۴:۱۶۱۹*
 ورنه، صد چون ۵:۲۰۹۲*
- ورنه، عقل ۴:۱۶۱۱*
 ورنه غُل ۱:۲۴۴۹*
 ورنه قادر ۳:۳۵۰۱*
 ورنه قربانی ۱:۱۱۷۵*
 ورنه، قُل ۲:۸۶۲*
 ورنه کارت ۳:۲۴۲۶*
 ورنه کی اندر ۶:۲۴۷۳*
 ورنه کی با زاغ ۲:۳۶۲۱*
 ورنه کی بودی ۱:۴۹۲*
 ورنه کی کردی به یک چوبی ۳:۸۵*
 ورنه کی کردی به یک نفرین ۳:۸۶*
 ورنه کین ۶:۴۲۷۱*
 ورنه کی وسواس ۵:۳۲۳۰*
 ورنه گاوآن ۵:۹۳۴*
 ورنه گرچه ۴:۳۳۴۹*
 ورنه گردد هر چه ۶:۴۶۱۲*
 ورنه گوئی: در تکبیر ۲:۳۰۶۶*
 ورنه گوئی: زرق ۲:۳۰۶۵*
 ورنه لَاعِیْنُ ۳:۳۴۰۶*
 ورنه ما را ۲:۱۱۴۱*
 ورنه مانه ۲:۱۱۲۲*
 ورنه محبوس ۵:۲۵۹*
 ورنه مرغی ۲:۳۴۳۲*
 ورنه، مرگ ۳:۳۹۲۹*
 ورنه من آن ۵:۲۱۱۳*
 ورنه من از ۵:۲۶۱۳*
 ورنه من بیناترم ۲:۱۱۵*
 ورنه، من تان ۳:۲۷۴۵*
 ورنه موسی ۲:۲۴۹۴*
 ورنه می پوشید ۳:۲۴۵۱*
 ورنه می دانی ۵:۱۸۳۶*
 ورنه می گردد ۳:۳۲۸۷*
 ورنه نآموزد ۵:۱۴۳۴*
- ورنه نان ۵:۲۰۱۳*
 ورنه نسیان ۵:۴۱۰۲*
 ورنه نفس ۵:۳۷۹۱*
 ورنه نومیدیت ۱:۲۵۳۳*
 ورنه وقت ۳:۱۴۳۶*
 ورنه هر کس ۴:۱۵۶۷*
 ورنه، هر یک ۲:۳۷۱۲*
 ورنه هم ۱:۱۷۵۸*
 ورنه هیبت ۵:۲۱۰۰*
 ورنه یاران ۶:۴۹۷*
 ورنه یی آگه ۶:۸۰۱*
 ورنه یی از ۲:۵۴۹*
 ورنه یاری ۶:۷۶۷*
 ورنه یاید ۴:۲۴۶۶*
 ورنه یابد ۱:۱۵۱*
 ورنه نیاموزم ۳:۳۲۷۷*
 ورنه نیایی ۵:۳۰۰۷*
 ورنه، نیم، این ۱:۵۹۳*
 ورنه نیم راضی ۳:۱۳۶۶*
 ورنه وی آن روح ۵:۳۴۱۹*
 ورنه وی آن است ۵:۳۴۰۸*
 ورنه، ترسم ۴:۲۶۵۸*
 ورنه همه عیب ۲:۲۹۴۱*
 ورنه همه گویند ۳:۱۵۱۸*
 ورنه همی بیند ۶:۸۰۳*
 ورنه همی بینند ۴:۳۴۷۶*
 ورنه همی بینی ۱:۶۳۴*
 ورنه همی داند ۲:۳۱۰۴*
 ورنه همی دانی ۶:۷۱۳*
 ورنه همی طوفان ۳:۴۵۱*
 ورنه همی گردم ۱:۳۸۰۸*
 ورنه یکی عیبی ۱:۱۹۹۸*
 ورنه اثر می گفت ۱:۴۴۸*
 ورنه ادب معصوم ۱:۹۱*
 ورنه اسیری ۵:۴۶۶*

- وز اگر گفتن ۷۳۸:۲ #
 وز امید ۱۴۴۲:۱ #
 وز بخیلان ۱۶۹۱:۶
 وز برای چشم ۱۸۸۲:۵ #
 وز برای حیل ۶۳۱:۵ #
 وز برای زاد ۶۳۲:۲ #
 وز برای عذر ۲۲۹۹:۵ #
 وز برای قهر او ۷۶۹:۲ #
 وز برای قهر هر ۱۳۷:۴ #
 وز برون آن لعل ۳۴۵۰:۵ #
 وز برون برسته ۱۰۵۴:۶ #
 وز برون تهمت ۱۹۱۹:۴ #
 وز برون، مثله ۴۸۱۸:۶ #
 وز برون می‌گشت ۷۷۱:۲ #
 وز برهنه من ۲۶۳۷:۲ #
 وز بقایش ۲۵۹۳:۴ #
 وز بلاها ۲۵۷۶:۲ #
 وز بلیسی ۶۱۱:۵ #
 وز پس ۲۰۸:۴ #
 وز پشیمانی ۱۷۴۸:۲ #
 وز بی ۵۲۸:۴ #
 وز تحرّی ۲۲۷:۵ #
 وز تحریر ۱۹۲۶:۶ #
 وز تعصب ۳۴۹:۱ #
 وز تکبر ۶۱۰:۵ #
 وز تکی زندان ۱۷۶۵:۴ #
 وز تکلف‌ها ۲۴۳:۵ #
 وز تن ما ۷۶۸:۱ #
 وز تو ۱۵۰۳:۵ #
 وز تری ۳۷۶۱:۲ #
 وز تمار ۱۱۶۷:۵ #
 وز جراحت‌های ۴۰۷۸:۶ #
 وز جلالت ۸۲۴:۳ #
 وز جمادات ۲۸۲۷:۴ #
 وز جمادی در ۳۶۳۷:۴ #
 وز جمادی یاد ۳۶۳۸:۴ #
 وز جهان چون ۳۱۸۱:۱
 وز جهان فکرتی ۱۰۴۰:۲
 وز جهان مانند ۱۴۱۱:۱ #
 وز چراگاه ۴۰۲:۱ #
 وز چنان بانگ ۹۸۴:۴
 وز چنان برقی ۴۱۰۵:۶ #
 وز چنین زانو ۲۵۴۰:۱ #
 وز چنین گنج ۲۳۵۵:۶ #
 وز چو تو ۳۸۶۷:۶ #
 وز حدود چرخ ۲۸۶۸:۴ #
 وز حسد او ۳۸۳۸:۱ #
 وز حسد خود ۸۰۸:۲ #
 وز حسودی ۱۲۰۰:۵
 وز حق آزاری ۳۴۹۴:۲ #
 وز حقیقت ۲۱۳۴:۲ #
 وز خجالت ۲۱۵۵:۳ #
 وز خدای دیو ۱۳۳۷:۶ #
 وز خدای خواست ۲۳۰۷:۳
 وز خطر بیرون ۱۹۸۹:۲ #
 وز خمار خمر، ۶۴۳:۶ #
 وز خموشی ۴۳۸۸:۶ #
 وز خوش ۷۴۳:۲ #
 وز خیال، این ۳۲۳:۵ #
 وز خیال دیده ۲۷۶۹:۶ #
 وز خیال و وهم ۱۸۳۸:۵ #
 وز خیالی آن دگر ۳۲۱:۵
 وز خیالی دوزخ ۳۰۴۴:۳ #
 وز خیالی فخرشان ۷۱:۱ #
 وز درخت ۱۸۷۰:۴ #
 وز درون، خاک ۱۰۵۶:۶ #
 وز درون دارد ۱۰۰۷:۴ #
 وز درون، ز اندیشه‌ها ۱۳۶:۳ #
 وز درونشان ۳۵۱۰:۶
 وز درونش خون ۱۰۵۵:۶ #
 وز درون می‌راندت ۲۴۸۰:۱ #
 وز دعایم جوی ۲۰۴۱:۲ #
 وز دغا، واز ۱۹:۳ #
 وز دلال ۱۷۲۲:۶
 وز دلی چون ۳۰۵۹:۲ #
 وز دلش، دیو ۳۴۰۷:۶ #
 وز دلیری ۱۱۵۲:۱ #
 وز دم المؤمنون ۳۷۱۶:۲
 وز دم شادی ۳۰۹۲:۴ #
 وز دو دیده ۳۱۲۳:۲ #
 وز او و صد وزیر ۵۴۴:۱ #
 وز رضاع ۴۳:۶ #
 وز روان شیخ ۱۹۲۷:۴ #
 وز رو پنهان ۴۲۳۵:۶ #
 وز رو جان ۲۳۹:۵ #
 وز ریاضت ۲۰۲۱:۳ #
 وز زبک ۱۷۱۰:۱ #
 وز زمانی ۱۴۴۰:۱
 وز زنا ۸۸:۱ #
 وز زیان ۴۱۱:۱ #
 وز سبک داری ۳۰۶۰:۲
 وز ستیز آمد ۲۱۲۴:۲ #
 وز سخنان ۲۹۹۱:۵
 وز سر سوزن ۱۵۱:۱
 وز سر و رو ۱۷۷۳:۴ #
 وز سفرهای ۱۴۳۹:۱ #
 وز سفر یابید ۵۳۵:۳ #
 وز سلیمان ۴۶۲۴:۳ #
 وز سوالش ۱۰۵۴:۱ #
 وز سویی ۳۱۰۵:۴ #
 وز شراب لعل ۳۹۱۵:۶ #
 وز شراب و شاهدان ۲۵۵۲:۵ #
 وز شکافش ۳۰۹۵:۶ #
 وز شکرریز ۵۹۷:۳ #
 وز شما چاره ۱۵۵۴:۱ #

وز نکال ۲۸۲۱:۴*	وز قِران هر ۱۰۹۱:۲*	وز شما من پیشِ ۲۵۴۶:۱*
وز نماز و از ۳۳۹۳:۲*	وز قضا ۲۷۵۷:۶*	وز صداع ۲۸۹۲:۱*
وز نما سویی ۸۰۰:۵*	وز کجا ۴۳۳۸:۶*	وز صدایش ۲۰۷۳:۱*
وز نما مُردم ۳۹۰۱:۳*	وز کرم آن جور ۱۵۶۹:۱*	وز صفاتِ پاکِ ۱۴۳۳:۱*
وز نمودن عفو ۳۷۲۶:۱*	وز کَرَم می‌نشنود ۱۴۰:۲*	وز صفت، اصلِ ۳۷۶۶:۴*
وز نوازش‌های حق ۱۴۳۴:۱*	وز کَرَم نگرفت ۳۳۶۷:۲*	وز صفیری ۳۹۷:۱*
وز نوای او ۱۹۱۵:۱*	وز کَرَم‌ها ۱۶۹۰:۶*	وز صلاح ۲۰۹:۴*
وز نهاد زشتِ ۲۱۸۷:۴*	وز کَرَم یزدان ۳۳۶۵:۲*	وز صُورهای ۹۹۱:۲*
وز نهیبِ ۲۸۵۱:۶*	وز کسی کاتش ۳۱۲۸:۵*	وز ضعیفی ۱۸۶۰:۲*
وز نیاز ۱۸۳۸:۵*	وز کفِ جلّاد ۳۰۷۵:۵*	وز طبایع ۳۱۳۶:۶*
وز وجودِ خویش ۶۴۵:۱*	وز کفش آن ۸۷۸:۵*	وز طیبیان ۳۶۷۲:۶*
وز وجودِ نقدِ ۱۷۱۱:۱*	وز کفِ مُعْطیر ۲۲۸۴:۶*	وز طراوت ۱۲:۵*
وز وفاداریِ ۶۹۴:۱*	وز گرانی بار ۲۰۰۲:۴*	وز طمع بر ۲۱۲۲:۵*
وز همان گنجش ۳۰۷:۱*	وز گلاب، آن ۲۶۱:۴*	وز طمع در ۳۰۰۰:۲*
وز همه آبِ ۲۸۲۱:۱*	وز لَیْمان ۷۴۴:۱*	وز ظریفان بانگ ۱۴۱۶:۵*
وز همه اِشکال‌ها ۲۰۴۸:۲*	وز لبان هم ۳۵۴۰:۱*	وز ظلالِ ۱۴۴۷:۳*
وز هوا و عشق ۳۰۸۳:۶*	وز لطافت کس ۱۵۶۸:۱*	وز عجایب‌های ۸۰۱:۳*
وز هوایی ۱۴۴۱:۱*	وز لگد بر ۳۵۱۷:۵*	وز عدو ۲۵۴:۲*
وز هوس، وز ۳۰۶۱:۲*	وز لَویْشه ۱۵۸:۵*	وز عرب کینه ۴۳۷۸:۶*
وز سوسه این ۳۸۴:۴*	وز مَجاغت ۲۴۱۳:۵*	وز غذایِ ۳۰۱۱:۴*
وز سوسه تاویل‌ها ۱۰۲۲:۳*	وز میزاج ۵۰۰:۱*	وز غرض ۱۹۹۲:۵*
وز سوسه، تا خُفیه ۲۱۱۸:۶*	وز مُعْطِر ۸۴۱:۳*	وز غم دزدش ۲۶۳۳:۳*
وز سوسه کرد ۲۱۸۰:۲*	وز معلّم ۱۹۸۱:۲*	وز غمِ مرد ۲۷۳۵:۱*
وز سوسه مَفروش ۳۸۱۷:۴*	وز مقامِ اولین ۳۱۷:۳*	وز فراغت ۳۰۶۰:۲*
وز صفِ آدم، ۳۱۳۸:۶*	وز مقامِ جبرئیل ۳۸۰۱:۴*	وز فرشته ۱۴۵:۲*
وز صفِ آن سنگی ۲۰۲۶:۵*	وز مقامِ قدس ۱۴۴۰:۱*	وز فسادِ ۲۰۴۶:۲*
وز صفِ او از ۱۲۹۸:۶*	وز مُکاری ۳۳۸۲:۴*	وز فِطام شیر ۵۱:۳*
وز صفِ او فانی ۳۹۱۴:۳*	وز ملامت ۴۱۲۶:۳*	وز فِطام لقمه ۵۲:۳*
وز صف، باقی ۲۴۷:۵*	وز ملک جان ۳۳۲۹:۲*	وز فلان سوی ۳۰۳۵:۵*
وز صفِ بنده ۲۱۸۵:۵*	وز ملک هم ۳۹۰۴:۳*	وز فَنِ دلّک ۲۵۳۹:۶*
وز صفِ بیداری ۱۲۲۸:۳*	وز نباتی ۳۶۳۹:۴*	وز فَنش انبارِ ۳۷۹:۱*
وز صفِ پاکی ۱۲۶۰:۵*	وز نتیجه ۳۹۶:۵*	وز قران خاک ۱۰۹۴:۲*
وز صف، تصویرست ۳۹۰۶:۵*	وز نُحوس ۱۷۲۳:۶*	وز قران خَرَمی ۱۰۹۶:۲*
وز صفِ جبریلی ۱۵۱۰:۴*	وز نفاقِ ۱۷۸۲:۱*	وز قران سبزه‌ها ۱۰۹۵:۲*
وز صفِ حادث کو ۲۱۸۸:۵*	وز نفوس ۵۱۹:۴*	وز قِران سنگ ۱۰۹۳:۲*

وصفِ حالت ۳: ۱۱۴۹*	وعده‌ها بدهد ۲: ۲۲۷۹	وقت تنگ و فرصت ۵: ۵۱
وصفِ حالِ عاشقان ۵: ۲۷۴۴*	وعده‌هاشان ۳: ۱۲۴۶	وقت تنگ و می‌رود ۳: ۴۳۰۰
وصفِ حق‌دان ۶: ۲۷۴۴	وعده‌ها و لطف‌های ۱: ۱۷۹	وقتِ جمعه ۶: ۴۸۱۵*
وصفِ حق‌کو؟ ۵: ۲۱۸۸	وعده‌های آن کلیم‌الله ۴: ۲۷۲۲	وقتِ جوش ۳: ۴۰۰۵*
وصفِ حیوانی ۵: ۲۴۶۶	وعده‌های آن لب ۱: ۱۵۶۳*	وقتِ حاجت ۲: ۶۸۳*
وصفِ سنگی ۵: ۲۰۴۱	وعظ‌ایشان خیره ۱: ۳۷۰*	وقتِ حذف ۶: ۲۲۴۱*
وصفِ شاهانه، از ۲: ۱۷۱۸*	وعظ را بگذاشت ۱: ۵۴۹*	وقتِ حرص ۵: ۳۷۳۶*
وصفِ صورت ۱: ۱۰۲۴	وعظ را ناآموخته ۶: ۲۶۵۴	وقتِ حیرت ۳: ۳۱۷۰
وصفِ لعلی ۵: ۲۰۴۱*	وعظ و گفتار ۱: ۵۶۵*	وقتِ خاکست ۵: ۱۶۱۶*
وصفِ ما، از ۴: ۱۱۹۴*	وقت آمد، زود ۱: ۴۵۶*	وقتِ خشم آن دست ۶: ۴۶۸۷*
وصفِ مستی ۵: ۲۰۴۲*	وقت آن آمد که حیدروار ۳: ۴۳۵۲	وقتِ خشم و حرص ۵: ۳۹۶۰*
وصفِ مطلوبی ۳: ۱۳۹۰	وقت آن آمد که گوش ۶: ۲۲۶۷*	وقتِ خشم و وقت ۵: ۲۸۹۳
وصفِ وحدت ۳: ۱۲*	وقت آن آمد که من ۶: ۶۱۳	وقتِ خفتن ۵: ۸۱
وصف‌هایی ۳: ۲۹۰۹*	وقت آن شد ۶: ۲۹۰۹	وقت خلوت نیست اندر ۴: ۱۴۶۳
وصف هر جانی ۳: ۲۷۷۴	وقت آهنگ ۲: ۲۹۸۵*	وقتِ خلوت، نیست جز ۱: ۱۴۳۶*
وصف هستی ۵: ۲۰۴۲	وقت اندیشه ۳: ۴۰۰۷	وقتِ خواب آید ۲: ۱۷۲۳*
وصف هیبت ۶: ۲۴۳۴	وقت ایجادش ۱: ۳۰۷۰*	وقتِ خواب و بیهوشی ۶: ۲۳۲۶*
وصلِ او گلشن ۲: ۱۲۴۶*	وقت بازی ۴: ۶۷۶	وقتِ خواب و مرگ ۴: ۳۶۸۹
وصل باشد ۶: ۶۰*	وقت بخیریدن ۶: ۴۸۹۹*	وقت خودبینی ۶: ۱۲۳
وصلِ بی و سین ۶: ۲۲۴۲*	وقت بدرودن ۶: ۳۵۳۲	وقتِ خوردن گر ۶: ۴۳۰۶*
وصل، پیدا ۲: ۳۰۱	وقتِ بیداری برَد ۵: ۱۷۸۶*	وقت درد چشم ۵: ۳۲۰۷
وصلتِ عامه ۲: ۲۸۱۶*	وقتِ بیداری قرینش ۴: ۳۶۸۹*	وقتِ درد و غم ۵: ۳۲۰۶*
وصل جویی ۱: ۹۳۷*	وقتِ بیداری همان ۵: ۱۷۸۴*	وقت درد و مرگ ۳: ۱۱۴۱
وصلِ سالی ۶: ۲۶۷۴*	وقتِ بیماری ۱: ۶۲۳*	وقت دم آهنگر ۵: ۱۰۶۰
وصل کن ۲: ۱۲۴۵*	وقت پند ۶: ۳۹۰۷	وقت ذبح ۳: ۲۱۴۴
وصلِ ما ۳: ۴۶۸۲*	وقتِ پیچاپیچ ۳: ۳۹۹۵*	وقت ذکر ۳: ۴۰۰۶
وعده‌اش زر ۶: ۳۱۲۹*	وقتِ پیری ۵: ۹۶۹*	وقت را همچون ۳: ۱۴۳۳*
وعده امروز ۱: ۳۱۷۵*	وقت تحلیل ۵: ۲۹۸۶	وقت رجعت ۵: ۲۲۶*
وعده اهل ۱: ۱۸۱	وقت تنگ آمد ۵: ۲۲۶۴	وقتِ روی زرد ۶: ۴۷۶۷*
وعده دادی ۳: ۲۴۵	وقت تنگ‌ست ۴: ۱۴۸۵	وقت سرما ۶: ۴۰۳۷
وعده فردا ۳: ۳۴۷۷	وقت تنگ و خاطر ۴: ۱۴۸۷	وقتِ شادی شد ۶: ۷۹۸*
وعده کردی ۳: ۱۳۳۲		
وعده نااهل ۱: ۱۸۱*		
وعده‌ها باشد حقیقی ۱: ۱۸۰		
وعده‌ها باشد مجازی، ۱: ۱۸۰*		

و هو یطعمکم ۷۲۶:۵	وقتِ واگشتن، تو ۱۱۲۷:۳	وقتِ شادی و ۲۷۴۵:۲
وی بداده ۲۳۱۷:۶	وقت و بی وقت ۲۶۸۸:۶	وقتِ شام ایشان ۶۴:۵
وی بساکس رفته تا هند	وقتها خواهم ۲۶۶۶:۶	وقت شد ۴۸۲۶:۶
۲۳۷۴:۴	وقت هشیاری ۳۴۵۹:۵	وقت شستن ۱۸۲۹:۲
وی بساکس رفته ترکستان	وقفِ ایشان ۴۸۷۸:۶	وقتِ شه شه ۳۵۱۱:۵
۲۳۷۵:۴	وقف کن ۲۲۴۱:۳	وقت صحت ۳۲۰۶:۵
وی تکبر ۲۲۲۵:۴	ولوله افتاد اندر ۵۲۲:۲	وقت صید ۱۳۷۲:۶
وی خدا ۳۸۱:۲	ولوله افتاد در ۱۱۳۶:۲	وقت طفلی ام ۲۶۲۷:۲
ویس و رامین ۱۲۰۴:۵	ولوله در خلق ۲۴۸۴:۳	وقتِ عبرت ۱۰۲۵:۳
ویسه و معشوق ۲۲۹:۳	ولوله که ۲۵۵۱:۶	وقت عرضه ۲۳۴۶:۱
وی که بی ره ۷۸۴:۵	وه که جان ۲۲۵۸:۵	وقتِ عشرت ۳۷۸۲:۴
وی که نانِ مرده ۷۸۳:۵	وه که روزی ۳۲۸۸:۱	وقت عصر آمد ۳۸۱۸:۴
وین اثرها ۱۳۱۲:۶	وهم آن کز ۳۹۴۶:۵	وقت غارت ۴۰۹۹:۵
وین اسیران ۱۰۱۵:۵	وهم آید ۴۹۳:۴	وقتِ فترت ۹۵۸:۴
وین آنا ۲۰۳۶:۵	وهم از سبطی ۴۳۵۸:۶	وقتِ قر او وانگشت ۳۸۱۷:۵
وین بدن که ۲۷۱۷:۵	وهم افتد ۳۵۷۰:۳	وقتِ قدرت ۳۲۹۹:۳
وین برونی ها ۲۲۹:۳	وهم او آنست ۳۷۰۳:۴	وقتِ قهرش ۲۹۲۳:۴
وین بزاز بهر ۳۱۰۶:۱	وهم او بول ۱۰۸۸:۱	وقت کز و قر ۴۰۰۶:۳
وین بساط ۳۱۳۵:۶	وهم تفریق ۱۷۲۰:۳	وقت کشت آمد ۲۵۹۹:۴
وین بشر با دو ۱۵۰۴:۴	وهم، حیران ۹۲۹:۳	وقت لافست ۱۶۷۸:۴
وین بشر هم ۱۵۰۵:۴	وهم خوانش ۲۳۰۲:۴	وقت لاف غزو ۴۰۰۵:۳
وین بگوید ۷۲:۴	وهم در وهم ۲۵۳۶:۶	وقتِ لقمان ۱۹۶۱:۱
وین به ضد ۱۱۲۹:۱	وهم را مرده ۳۲۷۸:۴	وقت محشر ۹۶۳:۲
وین پسر ۳۱۵۳:۴	وهم زاییده ۲۷۵۸:۱	وقت محنت ۱۱۴۲:۳
وین تجش ۳۷۷۱:۴	وهم، قلب ۲۳۰۲:۴	وقت مرگ از ۱۵۰۴:۲
وین توهم ۳۲۴۷:۲	وهم مثلی ۴۹۵:۴	وقت مرگش ۲۶۳۴:۳
وین جهانی ۲۱۰۰:۱	وهم مرفرعون ۲۳۰۷:۴	وقتِ مستی ۳۴۵۹:۵
وین چراغ ۱۷۱۸:۳	وهم موسی ۲۳۷:۱	وقتِ مسکین گشتن ۱۹۴۶:۵
وین چنین ران ۲۲۰۴:۵	وهم می افزود ۲۵۲۷:۶	وقتِ موج ۸۰۴:۵
وین چنین شربت ۲۱۸۷:۲	وهم و اندیشه ۸۹۵:۳	وقتِ مهر ۲۶۳۱:۴
وین حجابِ ظرفها	وهم و تخوفند ۱۷۲۳:۳	وقت میدان ۳۷۲۳:۳
۳۲۹۳:۵	وهم و سودایی ۹۶۳:۶	وقتِ میوه ۲۳۰۶:۱
وین حدیث احمد ۷۴۶:۵	وهم و ظن ۱۵۷۰:۳	وقت نازک ۲۷۶۸:۵
وین حدیث بی عدد ۳۵۴۶:۲	وهم و فکر ۳۴۴۵:۱	وقتِ ناهنگام ۲۵۱۵:۶
وین حریر ۳۷۸۴:۴	وهم و یذکر ۱۱۳۵:۱	وقت واگشت حدیبیه ۴۵۰۲:۳

وین حضور: ۶: ۴۱۳۶*	وین شراب: ۶: ۶۴۶*	وین یکی در کاهدان
وین حواست: ۶: ۹۲۱*	وین صله: ۲: ۲۲۱۲*	۲: ۲۱۱۱*
وین خِرَد: ۳: ۳۱۹۴*	وین صَوَر چون: ۶: ۳۴۲۵*	وین یکی کِرمی: ۲: ۲۱۰۹*
وین خزانی: ۱: ۲۰۳۹*	وین صَوَر هم: ۲: ۹۷۷*	وین یکی کوری: ۲: ۲۱۰۸*
وین خیال: ۱: ۳۰۹۴*	وین طرف: ۶: ۳۷۷۱*	وین یکی گُرگی: ۲: ۲۱۱۰*
وین دریغ: ۱: ۶۱۹*	وین عبارت: ۶: ۱۸۱۴*	وی همایون: ۱: ۸۱۸*
وین دعا: ۳: ۲۲۱۵*	وین عجب تر: ۱: ۲۸۵۸*	
وین دکان: ۴: ۲۵۵۸*	وین عجب ظَنّ: ۳: ۴۱۱۷*	ه
وین دگر خُفاش: ۲: ۲۱۰۷*	وین غم و شادی: ۱: ۲۷۶۸*	ها آنا: ۴: ۱۹۳۲*
وین دگر را بر سر: ۱: ۲۳۵۵*	وین فروشده: ۳: ۲۳۲۷*	هاتف است این: ۶: ۴۴۹۳*
وین دگر را بی: ۴: ۲۷۵۴*	وین قدم: ۴: ۳۳۱۲*	هاتفان: ۶: ۴۵۳۷*
وین دگر را صید: ۵: ۴۰۳*	وین قلم: ۴: ۳۷۲۳*	هاتفی گفتش: ۶: ۱۹۰۹*
وین دگر را گفت: ۲: ۸۷۴*	وین کبوتر: ۵: ۳۵۱*	هادم بنیاد: ۴: ۱۳۷۸*
وین دگر شه زاده: ۲: ۲۱۷۶*	وین کمان های: ۵: ۳۷۱*	هادی بعضی: ۶: ۶۵۶*
وین دلم ز آن عکس: ۲: ۵۶۵*	وین کَنده: ۲: ۱۲۳۶*	هادی راه است: ۶: ۲۶۴۳*
وین دلیل: ۳: ۲۷۰۷*	وین که لغزیدی: ۵: ۵۰۴*	هالک آید: ۳: ۴۶۶۲*
وین دو بایسته: ۱: ۲۶۱۹*	وین مراعاتش: ۲: ۳۶۵۰*	هان بین این: ۶: ۴۱۵۵*
وین دو چشم حسّ: ۴: ۳۳۸*	وین مرض: ۱: ۳۲۱۶*	هان بگولا حول: ۲: ۶۴۲۲*
وین دورا دیده: ۳: ۳۱۹۹*	وین مزاجت: ۳: ۱۱*	هان ز پایه: ۲: ۱۳۷۰*
وین رِباط: ۵: ۶۹۷*	وین معانی: ۶: ۳۱۷۷*	هان ضیاء الحق: ۲: ۱۱۲۳*
وین رَسَن: ۲: ۱۲۷۶*	وین مقام: ۱: ۱۴۳۵*	هان کدام ست: ۵: ۸۴۱*
وین، رِصْفَع: ۲: ۳۶۵۰*	وین مُقَلَّب: ۳: ۲۷۶۳*	هان که بویای: ۳: ۱۰۸*
وین رِصّادی: ۵: ۴۶۴*	وین نباشد: ۴: ۲۵۳۱*	هان مخسب ای: ۱: ۹۴۱*
وین رِقْصَاب: ۳: ۳۷۴۲*	وین ندانم هات: ۶: ۶۲۹*	هان مشو: ۲: ۸۰۲*
وین زگنج: ۲: ۳۱۳۴*	وین نشان جُستن: ۳: ۲۷۲۵*	هان مکن: ۱: ۱۶۰۵*
وین زمان: ۳: ۴۰۴۶*	وین نشان چرب: ۳: ۷۳۵*	هان و هان او: ۲: ۱۵۳*
وین زمخدومی: ۵: ۴۶۵*	وین نشان ساتری: ۱: ۳۵۵۶*	هان و هان، ای: ۳: ۲۹۸*
وین زمین کدبانویی ها: ۳: ۴۴۱۰*	وین نَصوح: ۵: ۲۳۲۰*	هان و هان این دلق: ۳: ۸۴*
وین زمین گوید: ۴: ۱۱۷۹*	وین نفس: ۱: ۸۸۱*	هان و هان این راز: ۱: ۱۷۴*
وین زمین مضطرب: ۲: ۳۲۷۶*	وین نکوتر: ۲: ۲۲۴۱*	هان و هان با: ۲: ۶۶۶*
وین سخن: ۲: ۱۶۷۸*	وین نیاز ارچه: ۵: ۵۴۸*	هان و هان، بگریز: ۲: ۲۰۲۳*
وین سگان: ۳: ۲۵۵۹*	وین وصیت: ۶: ۳۵۴۵*	هان و هان بی خصم: ۳: ۴۶۴۹*
وین سگ بی مایه: ۲: ۲۳۶۲*	وین همه برخاست: ۶: ۱۱۷۴*	هان و هان ترک: ۲: ۳۴۲۹*
وین سلام: ۳: ۳۳۶۲*	وین همه سیم ست: ۳: ۳۴۴۷*	هان و هان زین: ۱: ۸۴۹*
وین سؤالت: ۶: ۱۷۵۵*	وین همی بیند: ۵: ۳۰۱۳*	هان و هان گر: ۲: ۱۷۹۴*

هرچه آید ز آسمان ۳: ۴۴۹	هر امین را ۶: ۱۵۱۹	هان و هان منگر ۲: ۳۱۶۶
هر چه آید زین ۶: ۴۶۲۰	هر بدی که ۶: ۳۴۰	هان و هان هشدار ۳: ۴۷۳۰
هرچه از تو ۳: ۳۲۶۰	هر بدی کین ۲: ۱۳۴۰	هاون گردون ۳: ۱۷۲۷
هرچه از وی ۳: ۳۶۹۷	هر بُرونی ۴: ۳۰۰۸	هاویه ۱: ۸۷۷
هرچه از یارت ۳: ۴۱۹	هر بُزی ۵: ۳۳۴۵	های ای فرعون ۳: ۷۸۳
هرچه افزونتر ۶: ۲۳۶۰	هر بنای ۴: ۲۳۵۰	های و هو و ۱: ۲۶۳۰
هرچه اندر ابر ۱: ۳۴۷۷	هر بها که ۶: ۹۸۷	های و هوئی ۳: ۳۲۰۲
هرچه اندر جیب ۲: ۲۹۵۳	هر پرت را ۵: ۵۳۹	های هورا کرد ۵: ۴۰۶۹
هرچه اندر وی ۶: ۳۲۴۳	هر پری بر ۳: ۱۱۲۵	های هوئی روح ۶: ۲۰۰۵
هرچه اندیشی پذیرای ۲: ۳۱۰۷	هر پشه هر ۳: ۶۴۷	های هوئی عاشقانه ۳: ۸۰۴
هرچه اندیشی تو ۲: ۳۱۰۶	هر پیمبر این چنین ۶: ۱۱۳۹	های هوئی مستیان ۳: ۶۷۸
هرچه اندیشید ۵: ۳۹۵۱	هر پیمبر در ۱: ۱۰۰۲	های هوئی در فگنده ۶: ۲۰۰۳
هرچه اندیشی و ۲: ۱۵۰۶	هر پیمبر سخت زو ۳: ۴۱۴۱	های هوئی کرد ۲: ۲۴۱۵
هرچه او خواهد ۵: ۳۱۲۳	هر پیمبر فرد ۱: ۲۵۰۵	هدده ایشان ۲: ۳۷۵۱
هرچه او درخواست ۶: ۱۲۵۵	هر پیمبر که ۳: ۹۰۱	هددهی نامه ۲: ۱۶۰۲
هرچه او می دوخت ۳: ۸۴۰	هر تنی را ۱: ۳۹۹	هدیه آوردم ۵: ۳۳۸۵
هرچه او هموار ۴: ۲۷۶۱	هر جدی هزلست ۴: ۳۵۵۹	هدیه آورد و ۵: ۳۳۷۱
هرچه بادا باد، آنجا ۳: ۳۸۰۵	هر جفا که ۳: ۲۳۴۳	هدیه بفرستاد ۲: ۴۲۷
هرچه بادا باد، ای ۶: ۴۱۰۳	هر جمادی با ۶: ۴۲۸۹	هدیه بلقیس ۴: ۵۶۳
هرچه بدهد ۶: ۳۸۳۰	هر جمادی که ۶: ۱۲۶	هدیه ساز ۱: ۲۷۰۵
هرچه بر تو ۱: ۸۹	هر جوابی کآن ۲: ۸۵۷	هدیه شاعر ۴: ۱۱۸۶
هرچه بر خاکست ۴: ۳۵۹۷	هر جهود ۱: ۴۸۴	هدیه شان ۶: ۲۳۹۵
هرچه بُردی ۵: ۱۰۰۶	هر چپی را ۵: ۲۱۵۸	هدیه نآرید ۵: ۸۵۱
هرچه بر مردم ۳: ۶۲۵۰	هر چشنده ۵: ۳۲۶	هدیه ها را ۵: ۱۷۵۰
هرچه بستاند ۳: ۱۸۷۲	هرچه آن انداخت ۳: ۴۴۰۴	هدیه ها می داد ۱: ۲۵۶
هرچه بنویسی ۱: ۱۰۹۹	هر چه آن بیند ۲: ۶۱۱	هدیه ها و ارمغان ۵: ۱۸۶
هرچه بود آن نر ۳: ۹۴۶	هر چه آنجا دید ۱: ۳۴۸۲	هدیه های ۱: ۲۶۲۶
هرچه بود، ای یار ۶: ۳۹۸۰	هرچه آنجا رفت ۶: ۱۸۵۶	هر ادبشان ۳: ۳۶۰۹
هرچه بینم ۵: ۲۸۰۵	هر چه آن حادث ۲: ۲۶۴۱	هر الف لامی ۵: ۱۳۲۱
هرچه بینی ۲: ۲۳۲۹	هر چه آن را گفت ۱: ۶۵۸	هر آلم ۱: ۴۷
هرچه تو در ۴: ۳۶۵۷	هر چه آن ماضی ۱: ۲۹۰۱	هر امیری، جنس ۵: ۳۴۴۳
هرچه جز عشق خدای ۱: ۳۶۸۶	هرچه آن نه کار ۲: ۱۰۶۳	هر امیری را چنین ۱: ۶۵۷
هرچه جز عشقت ۵: ۲۷۲۶	هرچه آوردی ۵: ۳۴۱۰	هر امیری کوشبانی ۶: ۳۲۹۲
هرچه جز معشوق ۵: ۵۸۸	هرچه آید از ۵: ۳۶۴۶	هر امیری کو کشد ۱: ۶۵۳
هرچه جسم آمد ۲: ۱۷۴۶	هرچه آید بر ۱: ۲۶۷۱	هر امیری نیزه ۴: ۲۷۹۱

هرچه چشمش ۸۱۲:۶*	هرچه زین سی ۴۰۰:۶*	هرچه محبوبم ۱۸۷۷:۵
هرچه چیزی بود ۳۲۷۳:۳*	هرچه شهوانیست ۳۶۱۳:۴*	هرچه محسوس ۷۰۰:۲
هرچه خواهد آن ۱۵۴۸:۵	هرچه صد روز ۱۲۴۵:۴*	هرچه مردم ۲۸۲:۱
هرچه خواهد تا ۳۵۷۲:۲*	هرچه صورت ۱۱۱۳:۱	هرچه معقول است ۲۱۴۴:۱*
هرچه خواهد خاطر ۱۳۲۴:۶*	هرچه عقلت ۱۴۰۱:۴*	هرچه مکروهست ۸۰:۴
هرچه خواهد دل ۱۳۲۵:۶*	هرچه غیر اوست ۵۰۸:۳	هرچه مولودست ۱۷۴۶:۲*
هرچه خواهد، گو ۱۸۷۶:۵*	هرچه غیر شورش ۶۰۹:۶*	هرچه می آید ۲۵۱۴:۳*
هرچه خواهند ۲۷۹۰:۵	هرچه فرماید ۲۲۵:۱*	هرچه می خواهد دل ۱۷۸۴:۲*
هرچه خواهی از ۲۷۷۹:۵	هرچه کازد ۲۵۳۰:۲*	هرچه می خواهید ۳۳۲۶:۴*
هر چه خواهی کن، ولیکن این	هرچه کاری ۱۰۶۲:۲*	هرچه می کاریش ۴۷۸۵:۳*
مکن ۴۱۱۴:۵*	هرچه کردم ۲۳۰۸:۵*	هرچه نطق احمدی ۸۱۵:۶*
هر چه خواهی کن، ولیکن این	هرچه کردند از بخور ۴۶۱۸:۳*	هرچه نفست ۱۴۰۱:۴*
مکن ۲۴۴۱:۱*	هرچه کردند از علاج ۵۱:۱	هرچه هستی ۱۳۶۰:۱*
هر چه خواهی کن، ولیکن این	هرچه کوبی ۳۱۰۷:۵*	هرچه یابد ۵۳۰:۵
مکن ۳۱۷:۴*	هرچه کوشد ۱۸۲۴:۱*	هرچه یابی ۱۸۶۳:۵*
هر چه خواهی گو ۴۳۲۸:۶*	هرچه گوئی باشد ۲۴۸۹:۵*	هر حدینی ۲۶۹۸:۳*
هر چه خواهی می کنی	هرچه گوید آن پری ۲۱۱۳:۴*	هر حرون از ۳۰۶۸:۱*
۲۵۸۱:۳*	هرچه گوید آن دو ۲۱۵۲:۱*	هر حریصی ۵۹۵:۳*
هرچه خوردهست ۳۹۷۲:۵*	هرچه گوید، عکس ۲۲۷۵:۲*	هر حسات پیغمبر ۳۲۴۵:۲*
هرچه داری ۱۴۴۹:۳*	هرچه گوید، کن ۲۲۷۳:۲*	هر حس خود ۹۸۳:۳*
هرچه در الواح ۲۶۴۸:۱*	هرچه گوید مرد ۲۸۸۰:۱*	هر حسد از ۲۶۴۳:۲*
هرچه در پستی ۱۹۷۴:۲*	هرچه گوید، من ۸۷۸:۲*	هر حسی را چون ۲۸۱۴:۶*
هرچه در دل ۳۲۲:۴*	هرچه گویم، آفتاب ۱۹۴۰:۱*	هر حسی را قسمتی ۲۸۱۳:۶*
هرچه در دوشاب ۲۴۸۶:۵*	هرچه گویم عشق را ۱۱۲:۱*	هر حوایج ۲۳۹:۳*
هرچه در وی ۳۱۳۹:۶*	هرچه گویم من ۱۱۴۵:۴*	هر حویجی ۱۰۸۳:۴*
هرچه دزدیدهست ۲۹۵۴:۲*	هرچه گویی ای ۴۷۲۶:۳*	هر خراج وصلتی ۸۴۸:۵*
هرچه ذوق ۴۸۶:۱*	هرچه گویی باز ۱۱۴۲:۵*	هر خری را کو ۲۸۰۵:۴*
هرچه را فروخت ۳۸۸۵:۱*	هرچه گویی باشد ۲۴۸۹:۵*	هر خری کز ۵۱۴:۶*
هرچه را خوب ۲۳۸۳:۱*	هرچه گوئی: پُخت ۲۴۰۸:۱*	هر خسی دعوی ۲۵۶۴:۳*
هرچه زویی ۳۱۰۷:۵*	هرچه گوئی خندد ۱۵۸۹:۲*	هر خسی را این ۱۰۶۵:۳*
هرچه روزی ۱۷۱۶:۱*	هرچه گویم از غم ۶۰۶:۶*	هر خسی را بر سر ۱۱۶۴:۱*
هرچه روید ۳۲۰۸:۳*	هرچه گویی من ۲۶۴۴:۱*	هر خماری ۹۴۳:۶*
هرچه ز آن صد ۳۵۹۷:۶*	هرچه گیرد ۱۶۱۳:۱*	هر خموشی ۴۶۲۵:۶*
هرچه زو زاید ۲۴۷۷:۳*	هرچه گیری تو ۲۶۹۳:۳*	هر خوشی را ۲۲۶۵:۳*
هرچه زیر ۳۵۶۲:۳*	هرچه ما دادیم ۳۵۳۰:۶*	هر خوشی کاید ۲۶۸۵:۳*

- هر خیالش پیش ۳۶۸:۵
هر خیالِ شهوتی ۳۳۱۷:۴
هر خیالی را بروید ۱۱۳۶:۳
هر خیالی را خیالی ۷۲۹:۵
هر خیالی را نباشد ۴۰۱۶:۶
هر خیالی کو ۱۷۹۳:۵
هر درخت از بیخ ۱۲۷۴:۱
هر درختی از زمینی ۲۵۶۰:۵
هر درختی از قدومش ۳۴۳۳:۵
هر درختی در ۱۸۰۷:۶
هر درختی شاخ ۲۰۰۵:۳
هر درِ نشان ۲۲۲۴:۱
هر در و دیوار ۳۲۶۳:۱
هر درونی ۲۷۱۵:۲
هر دکانی ۱۵۲۵:۶
هر دل ار سامع ۲۹۷۹:۴
هر دلی را ۱۶۵۱:۲
هر دلی رفته ۲۵۲۳:۶
هر دلی کاندِر ۱۸۹۰:۵
هر دلیلی ۵۶۷:۵
هر دم آرد رُو ۱۱۱۷:۲
هر دم آسیب ۳۰۷۷:۴
هر دم اِرد ۳۳۷۵:۶
هر دم از غیبت ۱۸۱۴:۴
هر دم از مطلب ۴۳۴۰:۶
هر دم افسانه ۱۸۱۹:۶
هر دمت طوفان ۲۲۱۰:۶
هر دمت گوید ۳۳۱۹:۵
هر دمش صد ۱۵۷۸:۱
هر دمش لابه ۱۱۷۷:۴
هر دم و، هر لحظه ۲۰۳۷:۳
هر دمی آن ۱۲۲۹:۲
هر دمی از ۲۱۱۰:۱
هر دمی او باز ۳۳۱:۴
- هر دمی او را یکی ۱۵۸۰:۱
هر دمی باشد ۲۱۸:۱
هر دمی بیند ۳۴۹۲:۱
هر دمی پر ۳۳۴۰:۶
هر دمی تی ۲۲۲۰:۱
هر دمی در گوش ۴۲۷۶:۳
هر دمی در وی ۱۵۸۲:۱
هر دمی دندان ۱۲۳۰:۶
هر دمی راجی ۴۹:۴
هر دمی رنجی ۴۴۳۰:۳
هر دمی زین ۳۰۷۷:۶
هر دمی شوری ۱۶۴۶:۶
هر دمی صندوقی ۴۵۳۷:۶
هر دمی فکری ۳۶۷۶:۵
هر دمی قصد ۷۸۳:۲
هر دمی مرگی ۴۲۲۳:۵
هر دمی می‌شد ۳۴۳۶:۶
هر دمی می‌گشت ۲۸۴۲:۵
هر دمی یعقوب ۱۸۱۵:۴
هر دو، آدم را ۳۱۹۶:۳
هر دو امرند ۱۶۵۷:۵
هر دُو ان بگریختند ۱۲۳۳:۳
هر دو اندری وفایی ۱۶۴۹:۴
هر دو اندر وقت ۱۴۷۳:۳
هر دو او باشد ۳۴۲۱:۵
هر دو با هم در ۲۱۷۵:۵
هر دو با هم مَرُوزی ۲۸۸:۱
هر دو بحری ۷۵:۱
هر دو برهم ۲۵۷۶:۱
هر دو بر یک ۴۸۰۳:۶
هر دو بستر ۳۶۵۲:۵
هر دو بشانند ۳۴۶۹:۴
هر دو بوسیدند ۱۲۱۶:۳
هر دو پاشست ۳۲۴۰:۳
هر دو پایش ۱۴۹۵:۴
- هر دو پیدا ۲۵۸:۵
هر دو تن مربوط ۲۶۳۳:۶
هر دو جانب جز ۲۰۳۰:۵
هر دو جان، بی دوختن ۷۵:۱
هر دو جُفتش ۲۳۱۰:۱
هر دو جنبش ۱۴۹۸:۱
هر دو چشمت ۱۳۷۹:۶
هر دو چشمِ خویش ۲۹۴۴:۲
هر دو چون در ۱۲۰۶:۶
هر دو چون دوزخ ۲۷۰۸:۴
هر دو خط ۳۲۸۴:۲
هر دو خود را ۲۸۶۲:۴
هر دو خوش‌رو ۳۱۹۵:۳
هر دو در جنگند و ۲۴۷۲:۱
هر دو در جنگند هان ۲۷۱۹:۴
هر دو در زندان ۱۹۲۳:۱
هر دو درماندند ۱۶۰:۴
هر دو در یک ۳۰۲۲:۵
هر دو دست من ۲۸۵۶:۲
هر دو دَلان ۳۴۹۱:۳
هر دو را از بام ۱۶۷۵:۴
هر دو را این ۴۶۰۰:۳
هر دو را بر ۲۷۷:۱
هر دو را در ۳۲۵۳:۵
هر دو را دل ۲۶۳۵:۶
هر دو را سازم ۱۶۳۰:۲
هر دو را سوي ۲۳۰۳:۴
هر دو را نَبُود ۱۲۵۳:۴
هر دو روزه را ۵۸۸:۳
هر دو روزی ۳۷۲۴:۵
هر دو زاهد ۱۸۳۶:۳
هر دو سبزند ۱۰۸۷:۵
هر دو سَرُمست ۸۵۱:۱
هر دو سوزنده ۲۷۰۸:۴
هر دو صورت ۲۷۵:۱

هر دو عاشق ۵:۲۱۷۴	هر رهی را ۴:۱۴۵۹*	هر زمینی ۲:۱۱۰۰
هر دو عالم چیست؟ ۲:۱۹۱۱*	هر زبان ۶:۴۵۴۸*	هر زنی نوزاده ۳:۹۴۵
هر دو عالم خود ۴:۱۰۳۰*	هر زدن بهر ۳:۹۹۱	هرزه داند ۵:۱۵۵۳*
هر دو عالم را ۶:۱۷۵۴*	هر زمان از ۴:۹۷۷	هرزه گویان ۲:۴۳۵*
هر دو عالم می نماید ۴:۲۶۴۱*	هر زمان جُودِ ۲:۸۹۶*	هر سبب بالاتر ۲:۱۹۶۱
هر دو کار ۵:۳۸۰۲*	هر زمان چون خر ۴:۳۲۱۹*	هر سبب مادر ۲:۱۰۰۰*
هر دو کی ۳:۱۳۷۱*	هر زمان خواند ۵:۲۶۰۸	هر ستاره خانه ۶:۱۱۵
هر دو گامی ۴:۳۱۰۷*	هر زمان در سینه ۲:۱۴۲۶	هر ستاره ش ۱:۱۷۴۹
هر دو گریک ۶:۶۴۷	هر زمان در گلشن ۲:۳۲۸۸	هر ستوری ۴:۲۰۱۳*
هر دو گفتند ۱:۳۴۱۸	هر زمان دل را دگر رأیی	هر ستونی ۶:۴۹
هر دو گون آهو ۱:۲۶۹	۳:۱۶۴۴	هر سَرِ مویت ۴:۱۴۲۶*
هر دو گون تمثال ۶:۱۸۱۷	هر زمان دل را دگر میلی	هر سَرِ مویش زبانی ۶:۹۸۵*
هر دو گون حسن ۶:۱۸۱۸	۳:۱۶۳۹	هر سَرِ مویش یکی ۶:۳۰۱۶*
هر دو گون زنبور ۱:۲۶۸	هر زمانش ۲:۲۴۵	هر سه از یک رنج ۶:۳۸۸۸*
هر دو گون شیطان ۵:۱۲۲۳*	هر زمان کز ۲:۱۷۰۲	هر سه با هم ۱:۳۰۱۵
هر دو گونه ۲:۲۵۳۹	هر زمان که ۳:۱۸۶۷	هر سه جان ۶:۷۲*
هر دو لشکر ۳:۴۰۳۷*	هر زمان گفتی ۵:۳۶۷۴*	هر سه در یک ۶:۳۸۸۸
هر دو مستی ۴:۲۶۹۵	هر زمان گوید ۳:۴۱۴۹	هر سه را انداخت ۶:۳۷۶۳*
هر دو مطرب ۳:۴۲۶۹*	هر زمان مبدل ۴:۲۳۸۲	هر سه را برگیر ۱:۳۱۱۰*
هر دو معقول اند ۳:۳۴۹۰*	هر زمانم غرقه ۳:۱۳۵۸	هر سه را یک رنج ۶:۳۸۸۷*
هر دو معنی بود ۲:۳۵۷۶*	هر زمان می دزد ۴:۲۵۵۴	هر سه ز آن ۳:۲۶۲۲
هر دو می خایند ۵:۱۲۲۵	هر زمان می کرد ۵:۱۳۱	هر سه سایه ۶:۲۴۳۰
هر دو می گفتند ۳:۳۲۳۵	هر زمان می گفت او ۲:۱۸۸۹	هر سه صاحب ۶:۳۵۸۳*
هر دو نان خواهند ۶:۴۲۳۱	هر زمان می گفت ای ۳:۸۹۸	هر سه گُم گشتیم ۶:۲۴۳۲*
هر دو نی خوردند ۱:۲۷۰	هر زمان می گفتم ۲:۱۹۲۶	هر سه مان گشتیم ۶:۲۴۲۹*
هر دو هستند ۵:۳۰۰۴*	هر زمان نَخود ۳:۴۱۶۰	هر سه یک شد ۲:۷۱۷*
هر دو هم آواز ۳:۴۲۷۰*	هر زمان نزعی ۳:۱۲۳	هر سه دل ۳:۲۵۲۲
هر دو یک چیزند ۳:۱۱۵۲*	هر زمان نو ۴:۳۲۶۴	هر شب افکندی ۵:۳۸۱۵*
هر دو یکسانست ۴:۳۴۶۵*	هر زمان، والله ۳:۲۸۳۳*	هر شبی از ۱:۳۸۸
هر دهان را ۳:۱۰۵	هر زمانی بشکند ۲:۲۸۷۳*	هر شبی تا ۴:۲۵۸۸
هر دهانی ۲:۱۵۸۲*	هر زمانی روی ۵:۱۸۲۰	هر شبی تدبیر ۶:۲۲۹۸
هر رسول شاه ۳:۲۷۳۴	هر زمانی فوج ۶:۳۱۱۵	هر شرابی ۵:۳۵۶۷
هر رسولی ۲:۳۵۱	هر زمانی که ۴:۲۱۴۷	هر شَرَر را، ۵:۳۳۹*
هر رَوش را ۵:۲۵۵۷*	هر زمانی هین ۴:۳۲۱۹	هر شریعت ۱:۳۸۶۰
هر روش هر ۵:۳۲۲۵	هر زمرد را ۴:۸۶۷	هر شکار و هر ۱:۳۱۴۱

هر کجا باشد ریاضت ۲۰۰۸:۴	هر طرف گرگی ست ۱۹۹۸:۴*	هر شکستی ۸۵۴:۶
هر کجا باشد شه ۳۸۱۰:۳	هر طرف می‌رفت ۱۰۴۶:۳*	هر شکم خواری ۲۶۱۴:۵*
هر کجا باشم، ۲۶۴:۵*	هر طروقی ۱۹۲۳:۳	هر شمالی ۲۱۵۹:۵
هر کجا باشند ۸۱۳:۵	هر طعامی کآن نخوردی	هر صباح از فقر ۵۳۲:۵*
هر کجا بوی ۹۸۶:۳	۱۵۱۲:۲*	هر صباح و هر مسا سرهنگ
هر کجا بیماری ۳۸۴۱:۴	هر طعامی کآوریدندی	۴۴۳:۳
هر کجا بینم درخت ۲۶۹۲:۲	۱۵۱۰:۲	هر صباح و، هر مسا، یک
هر کجا بینم نهال ۲۶۹۱:۲	هر طویله و خیمه ۳۸۸۴:۵*	۲۶۶۱:۶*
هر کجا بینی ۲۵۸۸:۲	هر عبارت ۳۰۲:۲	هر صباحی از ۳۴۷۳:۱
هر کجا پستی ۱۹۳۹:۲*	هر عداوت ۲۲۸:۲	هر صباحی چرب ۷۳۲:۳*
هر کجا پیوند ۹۱۵:۶*	هر عشیق ۳۹۵۱:۶*	هر صباحی چون ۱۲۸۷:۴
هر کجا تا بم ۱۹۴۱:۱	هر غدیری ۱۸۱۰:۳*	هر صباحی درس ۳۱۷:۵*
هر کجاتان ۳۶۳۳:۶	هر غذایی کو ۱۵۲۹:۴*	هر صباحی رو ۱۹۲۸:۴
هر کجا حرب ۳۸۴۰:۴	هر غلام و هر ۱۵۴۹:۱	هر صباحی سخت تر ۲۳۶۱:۶*
هر کجا خوانی ۱۲۸۹:۲*	هر غلامی را ۱۶۵۰:۱	هر صباحی ضیف ۳۶۴۴:۵*
هر کجا خواهد، ببخشد	هر غمی کز ۳۹۷۵:۵	هر صباحی گوشه‌یی ۲۶۳۳:۶*
۱۸۸۸:۳*	هر فریقی در رو ۳۲۲۷:۵*	هر صباحی یک ۳۸۰۴:۶
هر کجا خواهد خدا ۲۸۱۱:۴	هر فریقی مرا میری ۴۵۹:۱	هر صحابی ۲۹۰۶:۲
هر کجا خواهد فرستد ۱۸۸۸:۳	هر قدم دامی ۲۶۹:۳*	هر صفا را ۳۴۳۸:۵*
هر کجا خواهیم ۳۵۶۱:۱	هر قدم را از سر ۱۷۵۳:۳	هر ضدی ۱۸۶۵:۱*
هر کجا دامست ۷۴۸:۵	هر قدم را دام ۲۶۸:۳*	هر ضریری ۴۱۱۵:۶
هر کجا دانه ۲۸۵۹:۳	هر قدم زین ۳۲۳۲:۴	هر طرف اندر ۱۴۱۰:۱
هر کجا دردی دوا آنجا رود	هر قفا ۱۵۷۷:۶*	هر طرف او خاک ۳۲۷۲:۲*
۱۹۳۹:۲	هر ک از ایشان ۳۰۵۹:۲	هر طرف، پُرسان ۱۱۱۷:۱*
هر کجا دردی دوا آنجا رود	هر کیوتر ۳۵۱:۵	هر طرف چه ۲۹۹۴:۶
۳۲۱۰:۳	هر کجا آب ۸۲۰:۱	هر طرف خواهی ۳۴۶۵:۳
هر کجا دلبر ۴۵۱۱:۳	هر کجا آوازه ۲۹۵۲:۳*	هر طرف در ۲۴۳۳:۵
هر کجا دو کس ۳۸۹۴:۵	هر کجا آیی ۱۶۶۸:۶	هر طرف رانید ۹۸۳:۳*
هر کجا رو کرد ۱۳۹۷:۱*	هر کجا اشکی ۸۲۰:۱*	هر طرف غولی ست ۱۴۶۰:۴*
هر کجا سایه ست ۳۵۶۸:۳	هر کجا افتد ۱۱۶۶:۲*	هر طرف غولی همی خواند
هر کجا سخته ۱۹۵۷:۶	هر کجا افسانه ۲۹۵۲:۳	۲۱۶:۳
هر کجا سنگی ۵۱۵:۱*	هر کجا امر ۱۹۰۹:۳	هر طرف کنند ۲۰۷۲:۵
هر کجا شد ۳۳۶۸:۱*	هر کجا اندر ۲۹۵۳:۳	هر طرف که بنگری ۳۱۰۸:۳*
هر کجا شمع ۲۵۷۴:۲	هر کجا او ۲۹۹۲:۲	هر طرف که دل ۳۵۶۷:۱
هر کجا فقری ۳۲۱۰:۳*	هر کجا این ۱۴۷۰:۶	هر طرف که ساحری ۱۱۶۰:۳

هر کجا کشتی ۳: ۳۲۱۱#	هر کسی را خود ۶: ۴۶۰۵#	۴: ۱۶۱۴#
هر کجا که من روم ۲: ۱۱۵۶#	هر کسی را دعوی ۴: ۱۶۷۴#	هر که آخر بین تر، او مطرودتر
هر کجا که می گریزی ۳: ۳۷۷۴#	هر کسی را سیرتی ۲: ۱۷۵۳#	۴: ۱۶۱۴#
هر کجا که یوسفی ۳: ۳۸۱۱#	هر کسی را شربت ۳: ۴۳۸۵#	هر که آخر کافر ۱: ۱۲۳۷#
هر کجا گوشه ۱: ۵۱۵#	هر کسی را غالب ۳: ۴۴۹۴#	هر که آخر مؤمن است ۱: ۱۲۳۷#
هر کجا لشکر ۲: ۲۸۴۴#	هر کسی را کی رسد ۵: ۲۳۹۵#	هر که آرد حرمت ۱: ۱۴۹۴#
هر کجا لطفی ۳: ۹۸۷#	هر کسی را کی زو ۵: ۲۳۹۴#	هر که آرد قند ۱: ۱۴۹۴#
هر کجا مثنی ۳: ۲۹۵۳#	هر کسی را گر ۱: ۲۶۵۷#	هر که آن تقدیر ۱: ۳۸۹۱#
هر کجا مشکل ۳: ۳۲۱۱#	هر کسی را هست ۴: ۵۰#	هر که آنجا بگذرد ۶: ۳۵۵۱#
هر کجا نوحه ۲: ۴۸۱#	هر کسی زو جانبی آورده اند ۵: ۳۲۸#	هر که آنجا بود ۵: ۶۱۴#
هر کجا هست ۲: ۱۳۲۸#	هر کسی زو جانبی می آورند ۱: ۳۶۳۰#	هر که آن حق ۳: ۳۲۹#
هر کجا یابی تو ۳: ۴۷۰۷#	هر کسی رویی ۵: ۳۵۰#	هر که آن مسجد ۳: ۳۹۴۱#
هر کجا یابی نمازی ۲: ۳۴۲۵#	هر کسی زاشتر ۲: ۲۹۷۳#	هر که آن نیمه ۲: ۶۰۸#
هر کراماتی ۲: ۳۶۵#	هر کسی شد ۵: ۳۱۹#	هر که از استا ۲: ۲۵۹۱#
هر کراهت ۶: ۲۷۴۳#	هر کسی فالی ۶: ۲۵۲۴#	هر که از جام آلت ۵: ۸۳۰#
هر کس از پندار ۱: ۳۶۱۱#	هر کسی کاری ۵: ۲۴۲۳#	هر که از جام تو ۵: ۴۲۰۴#
هر کسی از ۱: ۶#	هر کسی کز ۲: ۳۶۴۲#	هر که از خورشید ۳: ۴۱۳۹#
هر کسی اندازه ۴: ۲۹۰۹#	هر کسی کواز حسد ۱: ۴۳۹#	هر که از دیدار ۲: ۵۸۲#
هر کسی بر خلقت ۶: ۱۴#	هر کسی کواز صف ۴: ۲۰۲۴#	هر که از سر ۴: ۳۴۷۲#
هر کسی بر قوم خود ۱: ۳۷۲۰#	هر کسی کو حاسد ۵: ۱۴#	هر که از شاهان ۶: ۴۱۴۷#
هر کسی پس ۵: ۳۰۶۵#	هر کسی کو دور ۱: ۴#	هر که از طفلی ۴: ۲۰۶۹#
هر کسی پیش ۵: ۳۷۶#	هر کسی کوشد ۵: ۱۸۷#	هر که از همسایگی ۵: ۲۶۸#
هر کسی چیزی ۵: ۳۳۱#	هر کسی کو شیشه دل ۲: ۸۱۶#	هر که اندر شش ۵: ۸۷۵#
هر کسی دادی ۳: ۳۷۳۲#	هر کسی کو عیب ۲: ۸۸۱#	هر که اندر شیخ ۴: ۲۱۲۸#
هر کسی دانند ۶: ۲۴۵۶#	هر کسی گشتی ۳: ۳۹۲۶#	هر که اندر عشق ۵: ۱۸۶۶#
هر کسی در ضالۀ ۲: ۲۹۱۰#	هر کسی مشغول ۲: ۲۶۳۹#	هر که اندر کار ۳: ۴۶۱۱#
هر کسی در طاعتی ۱: ۲۹۶۶#	هر کسی می جست ۵: ۱۱۰#	هر که اندر وجه ۱: ۳۰۵۳#
هر کسی در مکشی ۵: ۲۴۲۱#	هر کسی یابد ۳: ۱۸۹۶#	هر که او آگاه تر با جان تر
هر کسی را اصطلاحی ۲: ۱۷۵۳#	هر کش افسانه ۴: ۳۲#	۶: ۱۴۹#
هر کسی را بهر ۳: ۱۶۱۸#	هر کمانی کو ۶: ۲۳۶۲#	هر که او آگاه تر رُخ زردتر
هر کسی را پیشه یی ۳۳: ۴۶۵#	هر کنیزک ۱: ۱۶۵۰#	۱: ۶۲۹#
هر کسی را جفت ۶: ۱۸۹۴#	هر که آخر بین بود ۴: ۳۳۷۱#	هر که او ارزان ۱: ۱۷۵۶#
هر کسی را خدمتی ۶: ۱۵#	هر که آخر بین تر او مسعودتر	هر که او از صلب ۱: ۳۱۵۵#
		هر که او از همزبانی ۱: ۲۸#
		هر که او اندر ۴: ۲۰۶۷#

هر که او این ۹۴۳:۳	هر که باشد ۱۹۷۶:۴	هر که تازد ۵۸۹:۳
هر که او بر خُو ۹۰۴:۵	هر که باشد از ۲۱۹۶:۲	هر که ترسد ۱۴۳۰:۱
هر که او بر در ۳۰۵۵:۱	هر که باشد در ۳۰۲۴:۱	هر که ترسید ۱۴۲۵:۱
هر که او بنهاد ۷۴۳:۱	هر که باشد شاه ۱۱۶۷:۲	هر که تنها ۲۹۷۴:۱
هر که او بیدارتر ۶۲۹:۱	هر که باشد شیر ۳۰۲۸:۱	هر که جبر آورد ۱۰۶۹:۱
هر که او بی سر ۱۴۳۰:۴	هر که باشد طالع ۷۵۷:۱	هر که چَدی کرد ۲۰۴۷:۵*
هر که او بیگانه ۲۶۸۲:۳	هر که باشد قوت ۲۹۲۵:۶	هر که جز آگاه ۴۵۲:۱
هر که او بی مایه بی ۸۴۰:۶	هر که باشد، گر پیاده ۲۱۴۶:۲	هر که جز ماهی ۱۷:۱
هر که او تن را ۲۳۰۲:۱*	هر که باشد همشین ۱۹۷۶:۴	هر که جنس ۲۵۶۱:۳
هر که او چل ۱۴۶۹:۴	هر که بالاتر ۲۷۶۴:۴	هر که جویای ۴۴۴۱:۶
هر که او در پیش ۳۱۳۲:۱	هر که با ناراستان ۱۲۳:۲	هر که جوید پادشاهی ۲۳۸۹:۵
هر که او در حوض ۱۱۹۸:۶*	هر که بَدُظن نیست ۲۳۳:۲	هر که جوید نام ۳۶۷۷:۲
هر که او دو بیند ۴۹۵:۱*	هر که بدعت ۴۶۷۳:۶	هر که چون زنبور ۲۹۲۶:۶
هر که او را اشتها ۳۵۳۵:۲	هر که بر شمع ۲۰۸۲:۶	هر که چون هندوی ۲۹۱۸:۱
هر که او را برگ ۳۲۸۹:۱	هر که برگردد ۲۱۹۷:۲	هر که حلوا خورد ۱۶۰۲:۱*
هر که او را قوت ۶۳۲:۲	هر که برگوید ۲۹۱۷:۲	هر که خست او ۱۹۵۳:۵*
هر که او را مقتدا ۲۸۶۷:۳	هر که بستاید ۲۳۳۰:۲	هر که خوابش ۲۴۲۳:۶
هر که او زین کور ۱۳۷۷:۲*	هر که بشکست ۳۴۶۶:۲*	هر که خوابی ۲۳۴۸:۳
هر که او زین مرغ ۱۰۵۸:۴	هر که بشناسد ۱۱۴۳:۳*	هر که خواهد از ۲۷۸۸:۵
هر که او سوی ۲۱۳۰:۴	هر که بگریند ۲۶۶:۵	هر که خواهد عافیت ۲۳۸۱:۵*
هر که او شد آشنا ۲۶۸۱:۳	هر که بنهد ۱۹۵۶:۵	هر که خواهد قسم خود بر جان ۲۴۰۹:۶
هر که او شد غرّه ۲۰۶۲:۶*	هر که بویش ۴۴۱:۱	هر که خواهد، قسم خود پنهان ۲۴۰۹:۶*
هر که او عاقل ۱۹۴۸:۴	هر که بی پاکی ۹۰:۱	هر که خواهد که ۷۴۷:۶
هر که او عصیان ۱۱۸۰:۵	هر که بی تمییز ۲۵۶۴:۳*	هر که خواهد، گوهر ۲۷۹۴:۵*
هر که او یک بار ۲۹۲۰:۶	هر که بیدار ۴۰۹:۱	هر که خواهد همشینی ۲۱۶۳:۲
هر که این آتش ۹:۱*	هر که بی روزی ۱۷:۱*	هر که خود بشناخت ۲۱۱۴:۵*
هر که این باور ۱۱۵۱:۲	هر که بیرون بود ۸۵۵:۱	هر که خود را ۲۷۴۳:۲
هر که این پُر نور ۴۰۷۲:۵*	هر که بیرون شد ۶۴:۲	هر که داد او ۱۸۳۵:۱
هر که این نیمه ۶۰۸:۲	هر که بی سر بود ۳۱۷۰:۲*	هر که در آتش ۴۲۶:۵
هر که با امر ۴۰۹۴:۵*	هر که بی من ۲۶۶۵:۵	هر که در اشکار ۴۴۴۰:۶
هر که با اهل ۳۹۹۹:۵	هر که بینا ۴۹۹:۴	هر که در اَلاست ۳۰۵۴:۱*
هر که با این ۴۸۸:۶	هر که بیند ۴۱۰۴:۳	
هر که با خود ۱۰۲۱:۴	هر که بینی ۳۸۲۴:۳	
هر که با دشمن ۱۹۷۷:۴	هر که پایان ۲۹۸۸:۴	
هر که با سلطان ۱۷۶۷:۱	هر که پایندان ۴۰۶۰:۵	

هر که در پوشد ۵:۵۳۳*	هر که را افعال ۴:۲۳۶۷	هر که را دیدی به زر ۲:۱۸۴۱
هر که در تون ۴:۲۴۳	هر که را او خواست ۲:۲۳۴۹*	هر که را دیدی ز کوثر خشک
هر که در حس ۲:۶۳	هر که را این ۶:۱۵۰*	۵:۱۲۳۷
هر که در حمام ۴:۲۴۴	هر که را با اختری ۱:۷۵۱	هر که را دیدی ز کوثر سرخ رو
هر که در خلوت ۳:۳۸۵۶	هر که را باشد ز سینه ۱:۱۳۹۹	۵:۱۲۳۵
هر که در دنیا ۲:۲۵۴	هر که را باشد ز یزدان ۱:۲۱۲۱	هر که را دیو ۲:۲۱۶۵
هر که در رُستا ۳:۵۱۹	هر که را باشد طمع ۲:۵۷۹	هر که را سوزید ۵:۴۱۶۷
هر که در روز ۲:۲۹۷۰	هر که را باشد مزاج ۵:۱۱۷۲	هر که را شب ۶:۲۸۲۳
هر که در ره ۳:۵۸۸	هر که را با ضد ۵:۸۳۸	هر که را صبری ۲:۶۰۱*
هر که در زندان ۲:۱۸۳۹	هر که را با مرده ۳:۵۴۵	هر که را فتح ۵:۴۰۵۹
هر که در شش ۲:۲۶۵۰	هر که را بدهی ۱:۲۶۱۳	هر که را فرج و گلو ۵:۳۹۴۰
هر که در شهوت ۲:۱۲۷۲*	هر که را بود ۲:۳۵۳۳	هر که را گلشن ۵:۳۵۹۳
هر که در قصری ۲:۱۸۴۰	هر که را بینی شکایت ۴:۷۷۲	هر که را گویی ۲:۲۹۷۸
هر که در مان ۱:۴۵	هر که را بینی طلب ۳:۱۴۴۶	هر که را مردم ۴:۲۷۴۴
هر که در مردی ۶:۱۸۸۶*	هر که را بینی یکی ۶:۱۴۱۱	هر که را مشک ۴:۲۹۵
هر که در مکر ۴:۱۴۷۳	هر که را با نیست ۳:۱۴۵۷*	هر که را می خواست ۱:۱۹۵۳*
هر که در وی رفت ۲:۶۳۸*	هر که را پای ست ۳:۱۴۵۷	هر که راهست ۱:۱۳۹۶
هر که در وی لقمه ۲:۳۵۷۲	هر که را پر سوخت ۵:۳۴۱	هر که رنجی ۵:۲۰۴۷
هر که دست اندر ۴:۵۳۹*	هر که را پرسید قاضی ۲:۶۴۷	هر که زیباتر ۶:۶۷۴
هر که دعوی ۲:۶۵۱	هر که را پرسید کردش	هر که سازد ۵:۷۸۶
هر که دندان ۱:۱۳۲۶	۲:۳۶۴۷	هر که سردت ۲:۶۳۹
هر که دور از حالت ۳:۴۷۷۳	هر که را جامه ۱:۲۲	هر که سوی آب ۵:۴۲۷
هر که دور از دعوت ۲:۵۸۸	هر که را حق در ۳:۲۵۶۲*	هر که سوی خوان ۵:۲۶۷
هر که دور اندازتر ۶:۲۳۵۵	هر که را خواهد ۶:۳۹۳۵*	هر که سوی راست ۵:۴۲۸
هر که دید آن بحر ۲:۳۱۳۹*	هر که را خواهی ۶:۸۶۷	هر که شاگردیش ۶:۱۷۷۸
هر که دید آن راه یقین ۱:۱۹۴۷	هر که را خوی ۲:۸۱۶	هر که شب گردد ۶:۴۲۵۸*
هر که دید آن مال ۳:۷۸۰	هر که را دامان ۱:۷۶۲	هر که شد ۱:۱۷۶۶
هر که دید الله ۲:۳۱۳۹	هر که را دامن ۳:۲۲۷۴	هر که شیرین ۱:۲۳۰۲
هر که دید او مر تو ۳:۳۵۵۰	هر که را در جان ۱:۳۰۰	هر که صاحب ۱:۴۴۶
هر که دید او نباشد ۳:۴۶۰۷	هر که را دزد است ۱:۶۲۸*	هر که صبر آورد ۱:۱۶۰۲
هر که دید این ۲:۱۳۴۰	هر که را در دل ۱:۳۲۸۵	هر که صوفی ۳:۳۰۱۶*
هر که دیدش ۳:۳۸۷۴	هر که را درد مجاعت ۶:۴۲۹۵	هر که صیقل ۴:۲۹۱۰
هر که را آتش ۱:۳۹۲۲	هر که را دل ۳:۲۳۰۵	هر که ظالم تر ۱:۱۳۱۰
هر که را اسرار ۵:۲۲۴۰	هر که را دید او کمال ۴:۲۶۷۸	هر که عاشق تر ۲:۱۲۱۳
هر که را افزون ۲:۳۳۲۶*	هر که را دیدی برهنه ۶:۱۴۱۲	هر که عاشق دیدیش ۱:۱۷۴۰

هر مقلد ۴۵۸۱:۳	هر که نقص ۳۲۱۲:۱	هر که عدل ۳۵۹۶:۵
هر مَلک را قوتِ ۳۱۶۹:۶*	هر که نمرودی ۳۳۱۰:۲*	هر که عیبی ۳۰۳۴:۲*
هر منافق ۲۸۷۱:۲	هر که نورِ حق ۲۴۷۸:۵*	هر که قلبی ۹۸۱:۶
هر منجم ۹۰۵:۳	هر که هستید ۲۲۵۲:۵*	هر که کارد قصد ۲۲۲۳:۲
هر موکل ۳۸۲۱:۳	هر که یابد ۲۹۷۶:۲*	هر که کارد گردد ۲۲۳۹:۱
هر نبات و شکری ۲۵۹۱:۱	هر که یوسف ۳۴۳۸:۳	هر که کامل تر ۱۱۱۷:۳
هر نباتی ۱۲۷:۶	هر گدایی ۹۳۲:۲*	هر که کاه ۲۴۷۸:۵
هر نبی ز آن ۱۳۵۱:۳	هر گران قیمت ۴۲۱۰:۵*	هر که کردی ۳۸۱۰:۶
هر نبی و هر ۳۰۸۶:۱	هر گرانی ۳۵۷۱:۳	هر که کز جنبد ۱۰۶۳:۴
هر نبیی اندرین ۵۱۸:۶	هر گرسنه ۱۷۵۵:۵	هر که کوشد ۱۰۲۳:۴
هر نبیی زو ۱۱۸۱:۴	هر گزّه را ۲۵۵۷:۵	هر که گرگش ۳۴۳۸:۳*
هر نبیی گفت ۵۷۴:۲	هر گز از شوره ۱۲۲۱:۲*	هر که گلِ خوارست ۳۵۸:۵
هر ندایی که تو را بالا ۱۹۵۸:۲	هر گزای آتش ۸۲۶:۱	هر که گوید: حق ۲۱۲۲:۴*
هر ندایی که تو را حرص	هر گشادی ۲۳۰۲:۳*	هر که گوید: شد ۷۵:۶*
۱۹۵۹:۲	هر گله ۹۹۱:۳*	هر که گوید کو قیامت ۱۴۸۰:۴
هر نفر را ۲۰۷۷:۳	هر گلی چون خار ۱۱۱۲:۳*	هر که گوید کو گواه ۲۷۱۸:۳
هر نفس آیان ۴۶۸۳:۶*	هر گلی کاندردرون ۲۰۲۲:۱	هر که گوید من شدم ۶۸۲:۳*
هر نفس بر دل ۱۶۳۹:۳*	هر گلی کاندردل ۲۹۳۸:۶	هر که گوید های ۴۰۳۰:۳
هر نفس خواهد ۲۴۰۱:۱*	هر گلیمی را ۲۳۴۸:۲*	هر که گیرد او ۱۳۱۸:۵
هر نفس زاید ۲۶۷۵:۱*	هر گمان تشنه ۴۱۱۸:۳	هر که گیرد پیشه ۵۹۰:۳
هر نفس، قلب ۴۰۷۲:۳*	هر گو و هموار ۳۳۹۳:۴*	هر که لرزد ۲۳۱۳:۶*
هر نفس مکری ۷۸۰:۱	هر گهی که ۸۸:۴	هر که ماند از ۱۰۶۸:۱
هر نفس نو ۱۱۴۴:۱	هر گیا را ۱۸۱۲:۲	هر که محبوس ۳۵۳۱:۵
هر نکالی ۲۱۵۲:۴	هر گیاهی را ۳۳۲۵:۱*	هر که محجوب ۳۳۴۴:۵
هر نواحی بهر ۱۱۵۹:۳*	هر لباساتی که ۲۷۰۱:۲*	هر که محراب ۱۷۶۵:۱
هر نواحی منجینی ۳۸۴۰:۵	هر لباس و حُله ۴۰۴۱:۵*	هر که مرد اندر ۳۰۰۴:۱
هر وجودی ۴۲۳۶:۵	هر لقب کو ۱۲۳۶:۱	هر که مُرده گشت ۵۴۹:۵*
هر وفا را ۳۴۳۸:۵	هر مثالی ۳۳۱۰:۶*	هر که مستوحش ۱۴۱۳:۶
هر ولی را ۲۲۲۵:۶	هر محال از ۳۰۶۸:۱	هر که مه خواند ۶۹۳:۵*
هر هلاک ۱۷۰۴:۴	هر محدث ۱۲۴۰:۶	هر که می آمد بگفتا ۸۶۰:۳
هر هنر که ۲۸۲۹:۱	هر مُختث ۶۸۶:۳*	هر که می آمد زده ۵۶۵:۳
هر هوا و ذره ۳۷۶۶:۱	هر مرادی ۴۴۴۳:۳*	هر که می پرسید ۲۵۲۶:۶
هر یک آهنگش ۳۷۶۱:۲	هر مرض دارد ۱۷۰۴:۵	هر که میرد ۶۰۶:۵
هر یک از ره ۲۹۲۶:۲	هر مریدی ۲۱۰۷:۴*	هر که می زاید ۴۸۵۲:۶*
هر یکش خوش تر ۳۳۴۸:۶*	هر مزاجی ۱۱:۳	هر که نانی ۳۱۹۴:۲*

هر یکی آبی دهد ۲۸۲۲:۱*	هر یکی دانه ۳۰۰۹:۲*	هر یکی قولی ۴۹۷:۱
هر یکی از ترس ۲۲۰۱:۶*	هر یکی در بخش ۲۷۸۱:۴	هر یکی گرباز ۳۷۵:۱*
هر یکی از حال ۲۵۵۸:۵	هر یکی در پرده‌یی ۳۷۰۳:۴	هر یکی گفتش ۱۵۳۳:۳
هر یکی از خوردنش ۲۶۲۱:۳*	هر یکی در جای ۱۰۳۳:۱*	هر یکی گویا ۴۸۹:۳*
هر یکی از درد ۳۵۶۳:۳	هر یکی در دفع ۴۲۳۱:۵	هر یکی گوید ۲۳۰۶:۶
هر یکی از دیگری ۳۵۸۴:۶	هر یکی در کف ۱۴۲۵:۵	هر یکی لوله ۲۸۲۳:۱*
هر یکی از مایه‌ی ۳۵۴۲:۵*	هر یکی درّی ۳۴۸۷:۲	هر یکی مر ۳۴۸۹:۳
هر یکی از مایه‌ی مسیح ۴۷:۱	هر یکی دیوار ۵۲۰:۶	هر یکی معزول ۲۰۲۲:۴*
هر یکی از مخزن ۲۸۴۶:۶*	هر یکی را او به گُریزی ۳۰۳۸:۶	هر یکی می‌گفت ۲۰۸۸:۵*
هر یکی از نو ۲۵۰۳:۳*	هر یکی را او یکی ۶۵۹:۱	هر یکی ناید ۲۸۲۴:۴
هر یکی از وی ۱۵۵۰:۱	هر یکی را بر زمین ۳۷۲۹:۶*	هر یکی نام ۲۹۹۱:۶
هر یکی از یک‌دگر ۲۹۰۱:۲	هر یکی را تیغ ۷۰۲:۱	هر یکی هر خصم ۲۴۹۷:۳*
هر یکی با آن ۲۲۸۳:۳	هر یکی را خلعتی ۴۰۵۰:۵*	هر یکی همیانِ زر ۱۸۶۹:۵*
هر یکی با جنس ۱۰۸۴:۴	هر یکی را خون‌بهای ۱۵۳۹:۶*	هر یکی یاری ۷۴:۵
هر یکی با دیگری ۵۳:۶*	هر یکی را دستِ حقّ ۳۲۹۰:۵*	هر یکی تعلیم ۳۵۵۸:۴
هر یکی باشد ۶۷۸:۱*	هر یکی را زان ۲۱۷۱:۲	هر یکی شد ۳۰۰۴:۲*
هر یکی با هم ۵۱:۶*	هر یکی را سویی ۳۰۴۲:۳*	هر یکی جَدست ۳۵۵۹:۴*
هر یکی بر جا ۳۸۵۷:۵	هر یکی را صورت ۳۸۹۸:۵*	هر یکی گویند ۲۶۰۳:۳
هر یکی بر درد ۲۲۰۰:۶	هر یکی را کرد ۶۵۸:۱	هست آتش ۲۸۵۷:۴
هر یکی بر نیتی ۳۰۲۸:۲	هر یکی را مخزنی ۳۹۵۳:۵	هست آثار ۱۳۶۷:۳*
هر یکی بر وفق ۲۸۹:۱*	هر یکی را معدنی ۳۹۵۲:۵*	هست آن آهن ۸۳۰:۲
هر یکی پروازش ۱۴۴۲:۱	هر یکی را ملّتی ۴۸۳:۱*	هست آن از ۱۳۰۵:۵
هر یکی تاریخ ۲۴۷۵:۶	هر یکی را هست ۴۰۴۳:۶	هست آن اندیشه ۱۰۳۳:۲
هر یکی ترسان ۲۶۴۴:۳	هر یکی زان ۲۲۷۵:۴	هست آن بستان ۹۵۳:۲
هر یکی تسبیح ۱۴۹۶:۳	هر یکی زاجزای ۴۲۸۷:۶	هست آن پندار ۳۷۰۲:۴
هر یکی جان ۳۸۳۶:۳	هر یکی زایشان ۲۱۳۸:۵*	هست آن پیدا ۱۱۰۳:۵
هر یکی چونکه فدایی ۳۵۴۴:۵	هر یکی زَنار ۲۴۸۴:۳*	هست آن سلطان ۸۸۸:۵*
هر یکی چون ملحدان ۲۱۲۷:۴	هر یکی زینها تو را ۲۲۵۸:۳	هست آن عنوان ۱۵۷۲:۴
هر یکی حاکمی ۱۸۰۴:۶*	هر یکی زینها رسول ۹۷۳:۵*	هست آن فکرت ۸۵۶:۲*
هر یکی حلقه ۱۳۸۲:۲*	هر یکی سوی ۲۸۹:۱	هست آن موی سیه وصف ۱۷۹۳:۳
هر یکی جَلَمی ۲۰۹۲:۴*	هر یکی شان را ۱۱۴۲:۴	هست آن موی سیه هستی ۱۷۹۱:۳
هر یکی خاصیت ۲۹۱۰:۶	هر یکی شوخی ۲۱۶۸:۲*	هست آن نفرت ۲۱۱۳:۲*
هر یکی خصم ۳۴۸:۲*	هر یکی خِیدِ دگر ۶۵۹:۱*	هست آن یخ ۱۸۰۲:۶
هر یکی خواهان ۴۴۱۹:۳		

هست آوازش نهان ۵:۲۱۴۵#	هست ایاک نستین ۴:۲۹۳۱	هست بر زلف ۵:۳۷۳
هست آهنگر ۵:۳۰۹۴	هست ایمانش برای ۳:۱۹۱۱	هست بر سمع ۲:۶۷۹
هست اباحت کز خدا ۶:۲۰۷۴#	هست ایمان شما ۵:۳۳۸۹	هست بر کوسه ۶:۲۰۲۷#
هست اباحت کز هوا ۶:۲۰۷۴	هست این ایاک نعبد ۴:۲۹۳۰	هست بر لپهای ۶:۲۹۴۰#
هست ابد را ۱:۳۵۰۵	هست این بالا ۴:۴۹۵	هست بر ما ۴:۸۸۶
هست ابری دیگر ۱:۲۰۳۴#	هست اینجا ۳:۶۲۸#	هست بر مؤمن ۲:۱۰۷۶
هست احوال تو ۵:۳۶۳۶	هست این جمله ۱:۳۰۱۲#	هست بُرهان وجود ۵:۳۹۷۱#
هست احوالم ۶:۵۱	هست این دگان ۴:۲۵۵۱	هست بُرهانی ۴:۲۴۲۳#
هست احوال را ۶:۳۲۳۳	هست این ذرات ۶:۴۳۳	هست بس بالا ۵:۱۳۲۶#
هست اَرْضُ اللّٰه ۴:۲۳۸۱#	هست این را خوش ۱:۶۲۲	هست بس پُرآفت ۱:۲۹۴۳#
هست از آغاز ۶:۳۴۶۹	هست این را دوزخ ۵:۳۲۹۶#	هست بسیار ۱:۱۴۳۸
هست از افلاک ۶:۳۴۴۷#	هست این زنجیر ۴:۱۱۱۷	هست بَنّا ۵:۳۰۹۴#
هست از خاکئی ۴:۲۳۱۵#	هست این نسبت به تو ۶:۱۰۹۰#	هست بهر محشر ۴:۲۹۸۹#
هست از خورشید ۳:۳۶۴۳#	هست این نسبت به من ۶:۱۰۹۰#	هست بی جان ۴:۸۷۶#
هست از روح مُسْتَرّ ۱:۳۳۳۲#	هست این هنگامه ۶:۴۶۰۶#	هست بسی چون، ارچه ۴:۲۴۰۹#
هست از روی ۳:۳۶۷۰	هست با ابله ۲:۲۷۱۷#	هست بسی چون و چگونه ۵:۸۷۹#
هست از عکس ۴:۱۳۶۷#	هست بادام ۳:۴۰۲۵	هست بی چون و، خِـرَد ۴:۲۴۱۱#
هست اشارات ۶:۱۷۴	هست باران از پی پروردگی ۱:۲۰۳۷	هست بی حزمی ۳:۲۳۵
هست اعلام ۵:۳۳۸۱#	هست باران، از پی پژمردگی ۱:۲۰۳۷#	هست بیداری، چو ۱:۴۱۰#
هست افزونی اثر ۴:۱۶۶۸	هست بازی‌های ۴:۳۰۵۱	هست بیداریش ۱:۴۰۹#
هست افزونی هر ۴:۱۶۶۹	هست باشد ۳:۳۶۷۲	هست بی رنگی ۶:۵۹
هست الوهیت ۵:۵۳۳	هست باقی، در کف ۵:۳۸۲۷#	هست بیرون، عالمی بس ۳:۵۳#
هست انجیر ۶:۷۶۰	هست باگردنده ۶:۳۶۴۴#	هست بیرون، عالمی بی‌بو ۳:۶۴#
هست اندر دفع ۵:۶۷۹	هست با هر خوب ۲:۳۱۴۷#	هست بیگار ۶:۴۶۲۱#
هست اندر کاهلی ۳:۳۰۹۷#	هست بر اسباب ۳:۲۵۱۶	هست پاسخ‌ها ۶:۴۳۸۶#
هست اندر نقش ۱:۳۱۲۷	هست بر اندازه ۳:۴۱۵۷#	هست پای او ۴:۲۸۹۶#
هست اندیشه ۲:۱۰۳۸#	هست بر باران ۵:۲۷۲۵#	هست پندت ۵:۳۷۲۳#
هست او چون سنگی ۳:۱۵۲۵#	هست بر بی صبری ۶:۱۴۱۲#	هست پنهان حاکمی ۶:۳۹۳۵
هست او در پسم ۶:۲۲۴۰#	هست بر جان ۶:۲۴۳#	هست پنهان در سواد ۲:۱۲۹۷#
هست او در بوستان ۴:۱۹۷۷#	هست بر حلمش ۵:۲۱۰۱#	
هست او در هستی ۲:۹۰۱#	هست بر خاکش ۲:۱۱۷۵#	
هست اَوْقِیه ۳:۳۶۷۵#		
هست او محسوس ۶:۲۲۰۵		
هست او مقراض ۶:۱۴۹۱		

هست پنهان معنی ۱۳۱۳:۶	هست خاصیت ۲۸۲۰:۶	هست دوزخ همچو مرگ
هست پیدا از سُوم ۴۸۹۳:۶	هست خُسران ۱۷۶۶:۱	۴۱۷۱:۵
هست پیدا بر رُخ ۲۴۴:۴	هست خوارمشاء ۸۶۸:۵	هست دِه‌ها ۸۰۳:۵
هست پیدا، چون ۴۸۹۶:۶	هست خورشید ۱۷۵۹:۵	هست دیوان ۳۷۸۳:۴
هست پیدا در نفس ۴۸۹۴:۶	هست دانا ۷۱۷:۱	هست ذَرَات ۴۳۴:۶
هست پیدا گفتن ۱۱۸۳:۳	هست داود ۱۴۶۷:۳	هست راز نَسِیه ۱۳۴:۱
هست پیدا نعره ۲۱۵۷:۵	هست در آخِبَار ۹۴۸:۴	هست را بنمود ۱۰۲۶:۵
هست پیدا همچو بُت	هست در انکَار ۳۰۱۱:۵	هست رَبُّ النَّاس ۷۶۰:۴
۳۵۰۸:۱	هست در بازار ۹۰۱:۵	هست رسوا ۴۰۵۳:۵
هست پیر ۳۲۲۰:۱	هست در بط ۳۹۴:۵	هست رنجوریش ۲۱۶۲:۲
هست آنچه گور ۹۴۱:۲	هست در پیشانیش ۱۲۷۷:۴	هست، روزن‌ها ۳۲۰:۱:۶
هست تبدیل ۳۱۲۶:۵	هست در تعبیر ۳۰۹۹:۴	هست ره‌رو را ۲۶۴۸:۵
هست ترکیب ۱۳۲۳:۵	هست در چاه ۶۷۵:۴	هست ز آن ۱۳۰۶:۵
هست تسبیح ۸۶۶:۱	هست در حکمِ بهشتی	هست زاهد ۴۰۶۵:۵
هست تصویر ۴۲۱:۶	۳۵۵۹:۱	هست زندان ۲۹۸۵:۳
هست تعبیرش ۱۹۹۵:۵	هست در حکمِ دل ۳۵۶۲:۱	هست زین‌گریه ۱۳۰۴:۵
هست تعجیل ۳۴۹۷:۳	هست در خانه ۴۳۱۶:۶	هست سرگردان ۴۴۰۹:۳
هست تعلیم ۳۱۹۳:۵	هست در خور از برای	هست سَرِ مرد چون ۴۳۸۶:۳
هست تفصیلات ۲۶۳۹:۱	۱۴۲۹:۱	هست سلطان ۱۱۴۹:۲
هست تفصیلش ۱۵۲۴:۶	هست در خور از بی ۲۴۲۴:۴	هست سَنَت ۵۰۲:۶
هست تقدیر ۱۶۲۶:۲	هست در دل ۴۸۲:۴	هست سَنی را ۱۵۰۲:۳
هست تمیزش ۲۵۴۶:۵	هست در ره ۷۴۳:۳	هست سُوفسطای ۳۰۱۷:۵
هست تن چون ۲۷۳۵:۶	هست در ظاهر ۳۰۸۲:۱	هست سَوی ظلم ۲۶۰۷:۵
هست تَنقیح ۷۱۷:۶	هست در فرمان ۲۴۲۷:۱	هست شادی ۲۵۷۶:۴
هست جانی ۴۱۰:۴	هست در کوشش ۳۰۹۸:۳	هست شاکر ۳۰۱۲:۳
هست جبری بودن ۹۳۰:۱	هست در گریش ۲۶۷۷:۲	هستش امسال ۸۳۰:۵
هست جبری را ۱۵۰۲:۳	هست در گُلخَن ۱۹۷۶:۴	هستشان بر باز ۹۵۸:۶
هست جمعیت ۳۰۴۴:۶	هست در خانه ۴۵۹:۴	هستشان پیش ۲۳۵۱:۴
هست جَنّت را ۲۵۰۶:۴	هست دریا ۳۲۹۴:۵	هست شاهان را ۳۷۷۲:۴
هست چندین پیر ۲۰۵۰:۴	هست دست ۱۱۲۰:۲	هست شد این دَم ۸۸۷:۳
هست حق را ۴۳۹۶:۳	هست دَکَّالَه ۳۹۲۳:۵	هست شد ز آن هُوی
هست حق، کُلُّ لَدَینَا ۳۳۳۱:۶	هست دل مانده ۱۷۷۷:۴	۲۶۱۴:۴
هست حلوا ۱۶۰۱:۱	هست دنیا ۱۸۹۰:۶	هست شرط ۲۶۴۴:۲
هست حیوانی ۹۷:۴	هست دوزخ همچو سرمای	هست صافی ۱۴۳۴:۳
هست خاشاک ۳۲۹۵:۲	۴۱۷۰:۵	هست صحرا ۳۸۱۰:۳

هست مناج ۴: ۲۰۴۰	هست قاضی ۶: ۱۴۹۵	هست صد چندان که این خاکی
هست موسی ۴: ۱۶۳۷	هست قاهر ۴: ۳۷۶۲	* ۲۴۸۴:۶
هست مهمان جان ۲: ۲۱۱۰	هست قرآن حال‌های ۱: ۱۵۳۸	هست صد چندان که این گفتار
هست مهمانخانه ۵: ۳۶۴۴	هست قرآن مر ۳: ۱۲۰۹	* ۹۳۶:۲
هست مئی‌های سعادت	هست قوت ۴: ۲۸۷	هست صد چندان که بُد
۲۶۸۹:۴	هست کرها ۲: ۲۵۴۵	* ۲۰۸۴:۶
هست مئی‌های شقاوت	هست کوثر بر مثال ۵: ۴۱۷۱	هست صد چندانکه نقش
۲۶۸۸:۴	هست کوثر چون ۵: ۴۱۷۰	* ۱۰۲۷:۲
هست ناقص آن سر ۶: ۲۴۵۹	هست که کآواز ۲: ۱۳۲۹	هست صد چندان میان ۵: ۸۰۶
هست ناقص، جان ۲: ۳۷۲۹	هست که کآوا متنا ۲: ۱۳۲۹	هست صد چندین ۳: ۲۸۸۲
هست نفت انداز ۵: ۴۲۳۱	هست گربه روزه‌دار ۵: ۱۹۳	هست صد دینار ۶: ۳۳۲۴
هست واگشت نهانی ۶: ۲۴۲۰	هست گربه نیم من ۵: ۳۴۱۷	هست صندوقِ صُور ۶: ۴۵۱۰
هست‌ها را بنگری ۶: ۱۳۶۱	هست گنجی ۶: ۴۲۴۶	هست صورت سایه، معنی
هست‌ها را سوی پس ۶: ۱۳۶۶	هست لایق با چنین اقرار او؟! ۵: ۲۲۰۸	۴۷۴۷:۶
هست هامان، پیش ۴: ۱۶۳۷	هست لایق با چنین اقرار راست ۵: ۲۲۰۹	هست صورت‌ها ۶: ۲۹۶۳
هست هر اسبی ۴: ۲۰۱۴	هست لایق شاه را؟ ۴: ۱۵۶۴	هست صوفی آنکه ۵: ۳۶۳
هست هر جان ۲: ۱۰۷۸	هست لیبکی ۲: ۱۱۹۱	هست صوفی صفا جو ۳: ۱۴۳۳
هست هر جزوی ۳: ۴۴۰۲	هست لرزان ۶: ۴۶۱۴	هست صیاد ۵: ۱۹۲
هست هر جسمی ۵: ۳۲۹۸	هست مادر ۶: ۱۴۳۷	هست طاغی ۳: ۳۰۱۲
هست هر لحظه ۶: ۸۷۱	هست مارا ۵: ۱۷۸۷	هست ظلمانی ۵: ۲۰۳۲
هست هر مخلوق ۵: ۳۰۸۹	هست مانند ۵: ۱۱۰۲	هست عاشق ۵: ۲۴۰۰
هست هشیاری ۱: ۲۲۰۱	هست مایه ۶: ۴۴۸۳	هست عذرت ۴: ۳۶۵
هست هفتاد ۳: ۴۴۲۶	هست محتاج ۴: ۴۲۶	هست عشقش ۳: ۱۱۳۶
هست هفتصد ۶: ۱۱۲۸	هست محسوس ۱: ۳۲۷۹	هست عقلِ عاقلان ۵: ۳۲
هست هم آثار ۱: ۲۱۹۹	هست محکوم یکی ۲: ۱۰۳۱	هست عقلی چون چراغی
هست همچون تیغ ۱: ۷۱۲	هست مُردار این ۶: ۵۲۸	۴۶۱:۵
هست همچون ماه ۵: ۳۲۸۷	هست مردی گفت این ۵: ۲۸۹۱	هست عقلی چون ستاره
هستی ات ۱: ۳۰۱۱	هست مردی و رگ ۵: ۴۰۲۶	* ۴۶۱:۵
هست یاد آن فلانه ۴: ۴۳۷	هست مسجود ۲: ۱۳۵۳	هست عقلی کمتر ۵: ۴۶۰
هست یارب کاروان ۱: ۱۸۸۹	هست مطلق ۵: ۱۹۶۰	هست عقلی همچو ۵: ۴۶۰
هستی‌اش در هست ۳: ۳۶۷۶	هست معذوریش ۲: ۲۱۶۲	هست عکس ۶: ۱۹۳۵
هستی اندر جس ۴: ۳۴۰۱	هست معشوق ۳: ۱۴۱۸	هست عیسی مست ۴: ۲۶۹۱
هستی اندر نیستی بتوان	هست مفتاحی ۵: ۲۳۸۶	هست غفلت ۶: ۵۵۳
۳۲۰۲:۱		هست فتنه ۶: ۴۵۵۷
هستی اندر نیستی، خود		هست فرقی ۱: ۲۶۷

هم ازو گیرند ۳۱۶۴:۴	هفت شمع اندر ۲۰۰۱:۳	۴۶۶۲:۳
هم ازو مخمور ۲۹۲۴:۴	هفتصد دینار ۲۱۶۴:۱	هستی، او دارد ۱۴۷۰:۲
هم ازین بدبختی ۲۲۸۲:۶	هفت گاوِ فرید بس ۹۳۳:۵	هستی بهتر ۷۹۱:۵
هم ازین عقلش ۳۶۴۸:۴	هفت گاوِ قَرِهش ۲۷۹۲:۶	هستی حیوان ۴۱۸۶:۳
هم ازین پهدی ۳۶۶۱:۶	هفت گاوِ لاغری ۲۷۹۲:۶	هست یک نامش ۳۶۰۸:۵
هم اشارت ۲۶۶۰:۴	هفت گردون باز ۱۵۷۸:۵	هست یک نَفَش ۳۶۰۸:۵
هم اِنابت ۳۰۸۳:۴	هفت گردون دیده ۴۵۸۹:۶	هستی ما جمله ۶۰۵:۱
هم انیس ۱۷۰۳:۱	هفت گردون ناوریدی	هستی ما راز طفلی ۳۵۵:۴
هم بیویمش ۳۴۹۹:۳	۳۲۷۷:۲	هستی نفی تو ۶۸۰:۳
هم بینم ۷۵۱:۴	هفت مصحف ۳۹۶۴:۵	هستی همچون شب ۳۰۱۰:۱
هم بینی ۷۳:۲	هفت می شد ۲۰۴۷:۳	هشت بارش ۱۹۰۴:۴
هم بجیدی ۱۴۰۶:۵	هفت نوبت ۳۰۶۵:۳	هشت جَنّت در ۱۷۳۷:۵
هم بختند ۳۸۴۵:۶	هفته‌یی بر ۲۱۷۸:۲	هشت جَنّت گر ۲۷۱۴:۵
هم بدان جا پای ۱۶۸۰:۳	هفته‌یی کرد ۳۸۴۲:۵	هشت جَنّت، هفت ۳۵۰۸:۱
هم بدانجا ناله ۱۸۰۵:۴	هکذا یَمُحُو ۲۶۹۸:۶	هشت روزی ۴۸۱۸:۶
هم بدان سو ۳۱۵۹:۶	هکذی تعرج ۸۸۶:۱	هشت سال او با ۲۹۸۵:۶
هم بدان قانع ۲۸۶۱:۳	هکذی یبلوهم ۳۳۵:۵	هشت سالت جوش ۳۰۴:۴
هم بدان نوری ۲۱۹۰:۴	هل تو دُرَدانه ۵۲۴:۳	هشت سالت ز آن ۲۳۶:۴
هم بدان تیغش ۲۴۸۶:۳	هل جنونی ۱۹۱۳:۵	هشت کَرّت ۱۹۰۹:۴
هم بدانجا شد ۱۶۸۹:۱	هل رَأِیْتُم ۱۶:۳	هشته‌اند این ۲۰۶۳:۶
هم بداند راز ۸۷۲:۴	هل سباحث ۱۴۰۴:۴	هُسّ چه باشد ۳۳۱۰:۱
هم بدان دریای ۴۱۷۶:۵	هل که صحت ۲۹۵:۶	هفت اندامت ۱۷۴۶:۴
هم بداند هم نداند ۲۷۶۱:۶	هل مرا تا پرده‌ها ۳۵۲۹:۱	هفت بحر ۱۶۱۲:۲
هم بدان سان که ۳۱۷۳:۱	هل مرا تا که ۲۲۴۸:۴	هفت بُز ۷۶:۵
هم بدانشش ۳۸۲۳:۶	هم از آنجا ۲۱۱:۶	هفت چرخ ۱۰۸:۶
هم بدان قوّت ۳۷۰:۲	هم از آن خورشید ۳۲۰۰:۶	هفت خوشه ۲۷۹۳:۶
هم بد او را یک ۲۱۶۳:۵	هم از آن ده ۳۲۲۰:۳	هفت دریا اندر ۱۸۸۰:۵
هم بدو باشد ۳۱۶۴:۴	هم از آن سرگین ۲۷۹:۴	هفت دریا پیش ۲۷۳۲:۵
هم بدین فن ۴۲۳۵:۶	هم از آن سو جو جواب	هفت دریا را ۱۳۷۶:۱
هم بدین نیت ۱۵۳:۵	۱۱۳۷:۳	هفت دریاگر ۳۵۴۴:۲
هم برآرد خصم ۱۵۹:۳	هم از آن سو جو که ۱۱۴۰:۳	هفت دوزخ ۴۶۰۷:۶
هم بر آن بو ۴۹:۴	هم از او حبل ۱۱۱۱:۲	هفت سال از ۲۷۵۹:۵
هم بر آن تصویر ۱۴۱۹:۲	هم از او صَحّت ۱۸۶۱:۲	هفت سال او ۲۶۶۸:۵
هم بر آن در باشدش ۲۸۹:۳	هم از این انکار ۸۹۶:۴	هفت سال ایّوب ۳۶۸۹:۵
هم بر آن در گرد ۳۱۴:۳	هم از اینجا ۴۱۶:۳	هفت شمع از ۱۹۸۵:۳

هم توانی کرد ۶:۲۲۳۲*	هم به فرمان ۴:۵۷۲*	هم بر آن صورت ۱:۲۰۴۹*
هم تو باش آخر ۵:۴۱۶۳*	هم به قدرِ آن شکر ۴:۶۳۵*	هم بر آن عادت ۴:۱۳۵۵*
هم تو باشی افضل ۵:۱۵۷۳*	هم به قدرِ ضعفِ ۶:۳۴۴۶*	هم بر آن کرسی ۵:۱۳۸۴*
هم تو بر خوان ۲:۱۴۸*	هم به گرد ۶:۱۹۹۲*	هم بر افلاس ۲:۶۴۴۶*
هم تو بودی ۵:۴۱۶۳*	هم به لطف و، هم به خفت ۵:۲۸۳۰*	هم برای آنکه ۲:۲۹۶*
هم توتانی ۶:۸۲۵*	هم به لطف و، هم به خوبی ۱:۱۱۷۷*	هم برای عقلِ ۶:۳۳۴۴*
هم تو خود را ۶:۵۹۰*	هم به مادر ۴:۲۹۲۵*	هم بر این اوصاف ۴:۲۳۲۲*
هم تو خورشید ۵:۲۱۹*	هم به نرمی ۵:۱۱۳۲*	هم برون افکن ۶:۱۱۳۴*
هم تو را و هم ۱:۱۱۷۳*	هم به نسبت دان ۳:۳۶۸۰*	هم برین بشنو ۶:۱۳۸۲*
هم تو سوزی ۶:۲۰۷۸*	هم به نسبت گیر ۳:۳۶۶۸*	هم برینجا خواجه ۳:۲۴۷۹*
هم تو شاه و، هم تو طبلِ ۶:۴۷۰۳*	هم به وام او ۲:۲۷۸*	هم برین مقیاس ۴:۵۹۴*
هم تو شاه و هم تو لشکر ۴:۱۱۰۸*	هم به وقتِ ۶:۳۳۰۵*	هم بسوزد، هم بسازد دیده را ۴:۳۳۷۵*
هم تو صید ۵:۷۵۰*	هم به یاریِ ۱:۲۹۷۴*	هم بسوزد هم بسازد شرح ۲:۷۱*
هم تو گردی ۴:۳۷۵*	هم بیابد لیک ۳:۱۶۳*	هم بغل را ۱:۳۵۵۴*
هم تو گفستی ۴:۲۰۴۹*	هم پیامِ حق ۳:۳۳۶۱*	هم بگو تو ۶:۱۴۴۰*
هم تو گویی خویش ۴:۳۳۵۳*	همت او ۵:۳۹۶*	هم بگویمش ۳:۳۳۰۹*
هم تو گویی آخر ۶:۳۷۷۳*	همت پیغمبر ۲:۲۴۶۱*	هم بمیرد ۴:۴۵۳*
هم توماری ۱:۲۳۳۱*	هم ترازو را ترازو راست ۲:۱۲۲*	هم به اصل ۶:۳۱۸۲*
هم تو نیکو بخت ۴:۱۱۰۸*	هم ترازو را ترازو کاست ۲:۱۲۲*	هم به امرِ حق ۱:۸۴۰*
هم تو و هم ۴:۲۳۱۸*	همت سیر ۶:۱۱۲۹*	هم به اومیدی ۱:۳۶۱۳*
همت تا ۳:۱۶۵۵*	همت شاهی ۴:۲۹۱۳*	هم به بذل ۶:۳۳۷۰*
همت می دار از بهرِ ۳:۱۶۵۳*	همت بین ۳:۵۷۴*	هم به بیداری ۳:۱۸۳۴*
همت می دارد در ۶:۳۳۲۶*	همت شیخ ۲:۴۲۴*	هم به پشت ۶:۳۰۲۲*
هم جُحودِ ۲:۲۱۲۲*	همت عالی ۴:۲*	هم به تقلیب ۶:۲۱۹*
هم جُلابِ ۳:۵۶۸*	هم تواند آفرید ۳:۲۴۶۱*	هم به خشکی ۲:۳۷۷۳*
هم چراغِ ۴:۳۲۹۳*	هم تواند زشت کردن ۳:۱۳۷۳*	هم به خود ۱:۵۸۲*
همچنان آمد ۴:۱۹۲۵*	هم تواند کرد این دی ۶:۱۷۴۱*	هم به زخم خنجر ۲:۷۷۶*
همچنان آن ۳:۲۴۱۸*	هم تواند کرد این را ۶:۱۷۴۰*	هم به ستاری ۶:۱۸۰*
همچنان ای خواجه ۶:۱۷۶۷*	هم تواند کوز رحمت ۱:۹۲۸*	هم به سعی ۶:۱۸۶*
همچنان این دو ۶:۲۱۵۸*		هم به شهر آمد ۳:۸۷۳*
همچنان این قوتِ ۳:۷*		هم به صورت دست ۲:۱۰۲۷*
همچنان باشد چو مؤمن ۴:۳۱۸۸*		هم به صورت می نماید ۳:۱۱۴*
		هم به طبع آور ۶:۳۹۷۷*

همچنان لرزانی ۲۶۴۲:۳	همچنان که آرزوی ۳۹۶۹:۱	همچنان باشد که دل ۱۱۴۰:۵*
همچنان مرد مجاهد ۳۰۸۶:۶	همچنانکه آن جنین ۶۷:۳	همچنان باشد که قرآن ۳۴۶۳:۴*
همچنان مرد و شکم ۲۲۷۴:۴	همچنانکه آن حسن ۱۲۶۸:۴*	همچنان باشد که موی ۵۸۰:۲*
همچنان مقصود ۷۵۴:۴	همچنانکه این جهان ۳۵۳۲:۴	همچنان بسته ۴۵۸۱:۳*
همچنان می رو ۸۵۸:۴	همچنان که بر زمین ۳۷۶۷:۳*	همچنان بیگانه ۱۲۴۳:۳
همچنان می گفت ۱۳۲۸:۳*	همچنانکه بوی ۱۱۷۵:۶*	همچنان تا دور ۲۱۶۵:۶
همچنان نمرود ۴۸۴۷:۶	همچنانکه بی قراری ۱۶۱۴:۶	همچنان ترکیب ۱۳۲۶:۵
همچنان هر جزو ۱۸۰۳:۶	همچنانکه تلخ ۳۰۱۰:۴*	همچنان جمله ۳۱۶:۶
همچنان هر کاسی ۲۱۹۹:۶	همچنانکه جوشد ۲۴۹۰:۳*	همچنان چون ۵۸۱:۵
همچنین اجزای ۱۸۱۰:۶	همچنانکه چشم ۳۰۶۱:۴	همچنان دان ۱۵۲۹:۶*
همچنین از بغل ۶۱۱:۵	همچنانکه خار و گل ۳۰۰۹:۴*	همچنان در آینه ۱۴۳۷:۵
همچنین از پشه ۲۲۹۵:۱	همچنان که خلق ۶۳:۳	همچنان در مرگ ۳۵۱۶:۳
همچنین اشکسته ۳۴۴:۴	همچنانکه در ۱۱۱۵:۴*	همچنان در منزل ۲۴۸۵:۲*
همچنین اقلیم ۳۶۴۷:۴	همچنانکه دور دیدن ۳۲۲۷:۴*	همچنان دنیا ۳۶۵۴:۴
همچنین این ۳۳۳۶:۱	همچنان که دید ۳۳۹۴:۴	همچنان دور ۲۱۵۷:۶
همچنین باد ۸۶۰:۱	همچنانکه ذوق ۲۳۴۴:۳	همچنان دوغی ۱۷۸۵:۶
همچنین بار ۱۷۰۱:۶	همچنانکه سهل ۱۶۱۶:۳	همچنان ست آفتاب ۵۸۷:۴*
همچنین بحث است ۳۲۱۴:۵	همچنان که شه ۷۱۸:۴	همچنان شبیان ۸۵۶:۱
همچنین برعکس ۱۶۴۹:۲	همچنانکه عقد ۲۵۷۳:۱	همچنان کآن زاهد ۳۲۴۲:۴
همچنین بر می شمرای ۷۰:۴	همچنانکه قدر ۲۵۳۵:۳	همچنان کآن شخص ۱۸۶۴:۴
همچنین بر می شمر تازہ ۱۹۰۱:۶	همچنانکه کافر ۹۳:۵*	همچنانک از آتشی ۳۷۱۲:۶*
همچنین بر می شمرد و ۱۵۷۴:۵*	همچنانکه گفت ۳۲۴۴:۵	همچنانک از پرده ۲۷۸۰:۶
همچنین بسته ۴۵۰۲:۶*	همچنانکه گوش ۳۰۳۷:۴	همچنانک اصحاب ۱۴۶۹:۵
همچنین بوده ست ۳۳۰۱:۱*	همچنانکه لشکر ۲۲۹۲:۲	همچنانک اظهار ۳۰۲۷:۴*
همچنین پیغام های ۲۱۵۴:۳	همچنانکه مرده ام ۷۵۵:۶	همچنانک ایاک ۲۹۲۹:۴
همچنین پیوسته ۲۰۶۴:۴	همچنانکه مرتبی ۱۸۲۶:۴*	همچنان کاینجا ۸۵۸:۳
همچنین تاج ۱۹۰۱:۴	همچنانکه معدن ۱۵۹۰:۵	همچنان کرد آن فقیر ۳۸۳۰:۶*
همچنین تاسی ۳۹۶:۶	همچنانکه موسی ۲۸۸۳:۲	همچنان کردند چون ۲۴۸۳:۳
همچنین تا صد چراغ ۱۹۴۸:۱	همچنانکه وسوسه ۳۴۹۰:۳	همچنان کردند و در ۲۸۶۲:۴
همچنین تا صد هزاران ۷۹۲:۵	همچنانکه وقت ۱۷۷۰:۳	همچنان کرد و هر ۱۸۶۹:۳
همچنین تا مخلصی ۱۰۰۲:۱*	همچنانکه هر کسی ۲۹۲۳:۲	همچنان کرد و هم ۳۶۱۷:۴
همچنین تا وهم ۱۵۵۴:۳	همچنان کین شاهزاده ۴۸۴۴:۶	همچنان کز بیم ۲۱۴۶:۱
همچنین تاویل ۳۱۳۱:۵	همچنان کین ظالم ۲۴۶۶:۳	همچنان کز چشمه ۱۰۱۹:۶
	همچنان کین یک ۴۰۰۶:۵	همچنان که آب ۳۶۹۵:۱*

همچو آن اصحابِ کُهِف اندر	همچنین هر جزو ۱۶۱۳:۴	همچنین تشنِیع ۲۴۲۴:۳
۳:۳۵۵۳*	همچنین هر حسّ ۲۰۲۲:۴	همچنین جمله ۲۲۴۱:۶
همچو آن اصحابِ کُهِف ای	همچنین هر روز تا ۲۸۰۱:۴*	همچنین جویای ۴۶۵۸:۳
۶:۴۴۶۴	همچنین هر روز تیر ۱۹۴۶:۶	همچنین حبّ الوطن ۲۲۳۰:۴
همچو آن بَرّه ۳۶۰۵:۴*	همچنین هر زرّ ۴۳۰۸:۶	همچنین خندان ۵۶۳:۳
همچو آن چوپان ۳۳۲۰:۵	همچنین هر شهوتی ۲۲۵۷:۳	همچنین دان ۱۸۵۲:۶
همچو آن حَجَره ۳۶۳۷:۶	همچنین هر فکر ۱۳۳۴:۴	همچنین در درد ۱۴۹:۴
هم چو آن خر در سرّ ۲۵۳:۲*	همچنین هر قوم ۳۳۶:۵	همچنین در ذبح ۲۱۴۴:۳*
همچو آن خرگوش ۱۰۹۱:۱	همچنین هر کس ۲۹۰۳:۴	همچنین در طلق ۱۴۶:۴
همچو آن دَلّاه ۶۳۰:۴	همچنین هر نام ۳۵۷:۵	همچنین در غیب ۲۰۴۱:۱
همچو آن رنجور ۲۴۱۱:۱	همچنین هر هستی ۷۲۵:۵*	همچنین دنیا ۱۵۹۳:۴
همچو آن روبه ۳۱۳۷:۱	همچنین هر یک ۱۲۶۶:۳	همچنین دیده ۲۸۹۱:۴
همچو آن زن ۳۳۹۱:۵	همچنین هم ۵۵۴:۶	همچنین رنگِ ۱۱۲۴:۱*
همچو آن زنگی ۲۴۹۰:۴	همچنین یکسان ۴۷۷۰:۳	همچنین ز آغاز ۲۵۲۵:۳
همچو آن شخص درشت	همچو آب از مَشک ۳۸۰۶:۲	همچنین سرما ۲۰۴۰:۱
۲:۱۲۲۷	همچو آب از میوه ۲۰۰۸:۳*	همچنین سگ ۳۰۵۲:۵
همچو آن شخصی ۱۸۴۱:۶	همچو آب نیل آمد ۲۹۸۷:۴	همچنین سوراخ‌های ۲۱۰۳:۳
همچو آن شیرِ شکاری	همچو آب نیل دان این	همچنین شَرمین ۲۰۷۴:۴*
۱:۲۱۷۳*	۶:۱۴۴۳	همچنین علم و هنرها ۴۱۰۹:۳
همچو آن شیری که بر	همچو آب نیل دانی ۲۸۲۹:۴	همچنین قال الله ۲۲۴۶:۶*
۱:۱۳۲۳*	همچو آب و نان ۸۹۱:۱	همچنین کشت ۱۶۶۸:۱
همچو آن شیری که در ۷۳۵:۶	همچو آتش باکسش ۵۲۹:۵*	همچنین که ۲۰۷۵:۴
همچو آن صوفی ۳۷۵۶:۵*	همچو آتش بر زمین ۷۰۴:۴*	همچنین لب ۷۰۸:۶
همچو آن طفلی ۲۵۹۷:۲	همچو آتش خشک ۳۶۱۵:۳*	همچنین موسی ۲۵۹۵:۴
همچو آن کر ۳۳۸۶:۱	همچو آتش در ۳۳۶۴:۶	همچنین می‌بود ۲۵۴۰:۵
همچو آن کو با تو ۲۱۹۸:۱	همچو آتش کرد ۱۶۹۲:۶	همچنین می‌رفت بالا ۳۷۲۵:۴
همچو آن کوزیر ۲۵۹۷:۳*	همچو آدم باز ۹۶۲:۵*	همچنین می‌رفت بر ۲۲۱۷:۳
همچو آن گُم کرده ۲۹۷۵:۲*	همچو آدم دور ۴۷۸۶:۶	همچنین می‌گفت او ۱۳۲۸:۳
همچو آن مجنون ۲۶۹۱:۱	همچو آدم زَلتش ۳۴۱۴:۴	همچنین می‌گفت داود ۲۴۱۲:۳
همچو آن مرد ۳۳۵۴:۴	همچو آن ابله ۴۵۲:۲	همچنین می‌گفت سرمست
همچو آن مستی ۳۸۷۳:۳	همچو آن ابلیس ۱۳۹۵:۴	۱:۳۵۴۳
همچو آن میوه ۱۸۲۱:۶	همچو آن اصحابِ فیل	همچنین نَجّار ۲۳۵۱:۴
همچو آن وقتی ۱۳۰۰:۳	۲:۲۹۰۳	همچنین هر آرزو ۱۳۴۹:۴
همچو آن یک ۴۱۶:۴	همچو آن اصحابِ کُهِف از	همچنین هر آلت ۸۷۶:۴
همچو آوازِ خر ۲۰۷۷:۱*	۶:۲۱۷	همچنین هر پنج ۳۵۶۶:۱

- همچو آهن ۳۴۵۹:۱
همچو آهو ۲۲۳۶:۴
همچو ابراهیم ۳۹۸۳:۶
همچو ابری خالی ۱۰۵۷:۶
همچو ابری، گریه‌های ۳۱۲:۳
همچو ابلیس از خدای ۷۶۸:۵
همچو ابلیس لعین ۳۴۸:۴
همچو ابلیسی که گفت ۴۰۶:۶
همچو ابلیسی که می‌گفت ۶۳۰:۲
همچو احمد بُری ۱۱۳۱:۳
همچو احمد که برد ۲۸۳۱:۶
همچو احمد که کمند ۲۸۳۴:۶
همچو اختر، پیش آن ۴۴۳:۴
همچو اختر در شعاع ۴۱۴۸:۵
همچو اختر که براو ۳۶۶۹:۱
همچو از آب ۴۷۰:۴
همچو از سنگی ۱۰۱۷:۶
همچو از درها ۹۵۰:۱
همچو اسپاه ۳۷۴:۶
همچو استوری ۱۹۹۷:۴
همچو اسرافیل ۱۹۱۶:۱
همچو اسماعیل ۲۲۷:۱
همچو اُشتر بر نشین ۳۱۵۷:۲
همچو اُشتر پیش ۲۸۳۰:۲
همچو اصحاب عزا آوازشان ۹۰۶:۳
همچو اصحاب عزا بوسید ۹۰۵:۳
همچو اعداد ۳۷۱۵:۲
همچو اعرابی ۲۷۸۷:۱
همچو اعمش ۲۲۶۸:۱
همچو امرد ۱۸۷۲:۱
همچو اندر بحر ۱۰۹۱:۴
همچو اندر دام ۱۴۱۲:۵
همچو اندر دوغ ۲۰۶۷:۵
همچو اندر شیر ۳۱۴۵:۱
همچو اندر کف ۳۵۶۸:۱
همچو او با گریه ۱۹۰۴:۱
همچو او بی قیمت ۴۳۱۹:۶
همچو اوصال ۸۷۹:۴
همچو او بی داند ۳۶۴۷:۳
همچو اهل ۳۹۲۱:۶
همچو این خامان ۲۵۴۷:۶
همچو این درویش ۲۳۶۱:۶
همچو این دو چشمه ۳۵۶۲:۱
همچو این سرگشتگان ۵۸۹:۳
همچو این ناری ۱۳۹۷:۵
همچو باران سبزکن ۲۷۹۶:۵
همچو باران می‌رسم ۵۹۱:۶
همچو بازی‌های ۲۸۸۹:۴
همچو بُتگر ۲۱۵۰:۲
همچو بخت ۲۳۰۹:۵
همچو بدر روز ۳۱۷۳:۳
همچو برف ۲۳۳۲:۱
همچو برگ، از بیم ۳۲۸۹:۱
همچو برگ از نخل ۹۶۷:۵
همچو بره پیش گرگ ۱۹۱۴:۲
همچو بره در کف ۴۶۷۵:۶
همچو بطن ۲۰۱۷:۱
همچو بلبل ۱۵۷۱:۱
همچو بند سیل ۳۹۵۱:۵
همچو بویگر ربابی تن زده ۱۵۷۳:۲
همچو بویگر ربابی تن زنم ۱۹۱۶:۲
همچو بویگری به شهر ۸۴۴:۵
همچو بی باکان ۴۱۵۸:۶
همچو بی گندم سوي ۳۱۷۱:۱
همچو بی گندم شده ۴۴۳۱:۶
همچو بیمار ۲۷۰:۶
همچو بیني بدی ۲۹۵۱:۶
همچو پا را ۸۳۳:۲
همچو پروانه بسوزاند ۳۹۶۶:۱
همچو پروانه به گرداگرد ۷۷۲:۳
همچو پروانه به وصلت ۶۲۲:۶
همچو پروانه ز دور ۳۴۶:۶
همچو پروانه شرر ۳۹۱۹:۳
همچو پروانه شما ۲۸۵۶:۲
همچو پروانه، مسوزان ۳۸۱۳:۳
همچو پرویزن ۵۰۹:۶
همچو پره‌های ۳۶۵۳:۱
همچو پشمنی ۳۳۶۴:۶
همچو پوران ۳۲۷۱:۴
همچو پیغمبر ۳۳۰۰:۴
همچو پیل خواب‌بین ۴۲۰۱:۳
همچو پیلیم ۴۱۹۹:۳
همچو پیلی دیده ۲۲۲۳:۲
همچو تابستان ۱۸۰۰:۶
همچو تابه سرخ ۴۴۰۸:۳
همچو تاری ۲۹۴۳:۶
همچو تبت ۲۱۰۰:۶
همچو ترسا ۳۲۵۷:۵
همچو تشنه ۵۹۰:۶
همچو تن آن روح ۱۵۴:۶
همچو تو سالوس ۱۰۷۵:۳
همچو تو کز ۳۷۵۶:۵

همچو تو نوید ۳۶۷۷:۲	همچو چوبانی ۱۸۱۴:۳	همچو خورشیدش به نور ۲۲۱۹:۱
همچو تیرانداز ۳۶۹۳:۳	همچو چه کن ۲۰۴۴:۵	همچو خورشید و چو بدر ۴۱۵۸:۵
همچو تیره ۱۵۴۸:۴	همچو حاجی ۷۵۳:۴	همچو خورشید و چو ماه ۱۱۰۵:۴
همچو جالینوس ۳۹۶۹:۳	همچو حاضر ۳۶۳۷:۱	همچو خورشید و چو ماه ۲۸۰۲:۶
همچو جان، او ۲۵۹۷:۱	همچو حالِ اهل ۱۴۷۲:۵	همچو خورشید و مَطَر ۲۷۳۹:۱
همچو جان باشد ۱۲۵۶:۴	همچو حالِ سیر ۲۸۵۲:۴	همچو خورشیدی کَفَش ۱۵۳۹:۵
همچو جان بی ۲۲۰۹:۱	همچو حسّ آنکه ۱۵۲۵:۴	همچو خویشان سوي ۶۰۵:۳
همچو جانِ پاک ۲۲۸:۱	همچو حق، بی عِلّت ۱۹۳۶:۲	همچو خویشان گرد ۲۷۲۱:۵
همچو جان، پیدایی ۴۷۳۶:۳	همچو حلّوای ۱۹۱۴:۳	همچو خویشت ۱۹۱۰:۱
همچو جانِ کافران ۲۲۸۳:۴	همچو حَیْدَر ۵۸۰:۳	همچو خویشی ۲۶۳۵:۱
همچو جان و چون ۳۷۹۰:۶	همچو حیوان ۱۵۰۰:۴	همچو دارُالْحَرْب ۲۱۵۳:۵
همچو جان و عقل ۱۲۵۷:۵	همچو خادم ۲۶۲:۲	همچو دانه خشک ۱۱۸۴:۵
همچو جرجیس‌اند ۱۵۴۱:۶	همچو خار ۳۹۹۴:۱	همچو دانه کِشت ۳۰۳:۲
همچو جزو ۳۲۷:۳	همچو خاشاکی ۳۳۳۹:۱	همچو داودم ۱۹۵۴:۳
همچو جسم ۷۰۴:۵	همچو خاک مفترق در ۳۷۲۸:۲	همچو در حُکم ۱۵۸۳:۱
همچو جفدان دشمن ۳۷۴۷:۲	همچو خاکی دانه بی ۱۸۰۸:۲	همچو در کان ۲۵۷۲:۱
همچو جفدان، سوي ۳۷۲۷:۳	همچو خاکی در هوا ۴۶۶۸:۶	همچو درویشان ۱۳۹۳:۱
همچو جنبش‌های ۱۹۵۶:۱	همچو خر، در جُو ۴۷۰:۲	همچو در هنگام ۲۱۸۸:۳
همچو جنگ ۲۴۷۳:۱	همچو خر، مُضخَف ۵۰۰:۲	همچو دزد ۴۷۰۰:۶
همچو جو اندر ۳۶۴۲:۵	همچو خَس برگرفته ۱۸۲۶:۳	همچو دست ۲۷۹۵:۵
همچو جوی ۳۴۶۸:۶	همچو خَس، جَاروب ۱۳۵۶:۱	همچو دشنام لب ۲۸۸۴:۱
همچو جویست ۴۸۸:۲	همچو خَس در ۲۰۲۸:۶	همچو دَلّاه ۱۶۶۹:۲
همچو چارُق ۶۸۳:۶	همچو خشخاشی ۲۷۵۷:۲	همچو دلق ۸۸۷:۴
همچو چاش گل ۱۸۲۶:۶	همچو خَفّاش‌اند ۳۳۹۲:۶	همچو دَلَوَت سیر ۴۴۴۵:۶
همچو چرخ ۳۳۳۳:۱	همچو خفتن ۴۲۲۴:۵	همچو دودی ۴۰۸۴:۵
همچو چشمه پیش ۲۶۴۲:۴	همچو خفته ۳۷۳۲:۲	همچو دوکی ۱۶۸۲:۲
همچو چشمه سلسبیل ۳۵۵۹:۱	همچو خَمَری ۲۷۵۷:۲	همچو دَی آید ۳۶۰۴:۶
همچو چشمه مُشْرِقَت ۱۷۹۹:۱	همچو خوبان ۲۷۴۵:۱	همچو دَی در بوستان ۲۶۵:۳
همچو چُغدی ۴۷۸۵:۶	همچو خوبی ۴۴۲۹:۶	همچو دیوار ۲۲۷۴:۵
همچو چغزیم ۴۳۸۸:۶	همچو خود در حال ۳۹۹۵:۶	همچو دیواز ۱۶:۲
همچو چوب خشک افتاد ۴۶۱۷:۳	همچو خود شاگرد ۱۵۸۴:۲	
همچو چوب خشک، می‌خورد	همچو خود، گردنده ۲۱۹۷:۲	
	همچو خورشید جهان	

همچو طاووسان ۶۸۲:۶	همچو سنگ آسیا ۹۱۱:۶	همچو ذَرَاتِ هوا ۶:۲۲۰
همچو طاوسی ۲:۳۲۲	همچو سنگ منجینی ۴:۱۲۴۴	همچو ذَرّه ۴:۵۸۹
همچو طعم ۴:۳۰۳	همچو سنگی ۵:۲۰۲۵	همچو رازِ عشق ۵:۷
همچو طفل است ۳:۶۷۲	همچو سیلی ۶:۴۰۵۲	همچو رسمِ مصر ۴:۲۹۹
همچو طفلان تاکی از ۲:۱۹۹	همچو سیماب است ۶:۳۰۳۵	همچو رَمّالی ۲:۱۷۸۲
همچو طفلان جمله تان	همچو سیماب این ۴:۲۰۶۰	همچو رنجوری ۴:۳۷۹۲
۳۴۴۱:۱	همچو شاخ ۵:۳۵۸۶	همچو رویّه، پاس ۱:۳۱۱۹
همچو طفلان، سوی کز	همچو شاخی ۶:۱۱۲۴	همچو رویه صیدگیر ۵:۲۳۴۸
۱۳۸۶:۴	همچو شبکوکی ۶:۴۲۵۱	همچو روحُ الله ۴:۱۴۶۱
همچو طفلان عشقها	همچو شرط ۲:۲۶۴۴	همچو روی ۳:۴۱۴۰
۲۵۶۵:۴	همچو شکر ۲:۱۵۱۵	همچو ریحان ۴:۳۷۲۲
همچو طفلانِ یگانه ۱:۲۶۷۱	همچو شکلِ حرف ۱:۶۶۰	همچو زآتش ۵:۳۳۹۵
همچو طفلست ۶:۴۰۴۸	همچو شمعِ سَرزُزیده	همچو زاستیزه ۱:۳۰۸۴
همچو طفلم ۵:۶۵۶	۱۷۲۹:۵	همچو زر باشد ۴:۲۳۰۶
همچو طفلی ۶:۳۴۶۶	همچو شمع ۶:۴۰۶۷	همچو زَرِ دَهْدَهی ۵:۷۴۴
همچو طوطی ۵:۲۵۲۹	همچو شمعی پیش ۵:۱۷۲۸	همچو زَرین ۲:۲۲۵۰
همچو عادش ۶:۴۶۷۴	همچو شهد و سرکه ۱:۳۶۶۳	همچو زندانی ۵:۱۷۲۲
همچو عارف ۴:۳۱۱۰	همچو شهزاده ۴:۳۲۱۷	همچو زنگی در سیه رویی تو
همچو عاشق، روز ۱:۸۳۹	همچو شه نادان ۱:۵۲۱	شاد ۵:۸۱۷
همچو عالم ۶:۱۲۲	همچو شیان ۶:۴۸۱۵	همچو زنگی در سیه رویی تو
همچو عرصه ۴:۱۸۴	همچو شیخان بر سر ۲:۲۳۹۹	شاد ۶:۱۰۴۷
همچو عَزِ مُلکِ ۲:۳۲۰۹	همچو شیخان بُودمی	همچو زنگی کوبود ۶:۴۵۳۵
همچو عشق، اندر دل ۱:۹۳	۲:۲۳۸۶	همچو سایه ۵:۲۰۸۶
همچو عکس ۶:۳۱۲۹	همچو شیر، آن دم ۱:۱۴۲۱	همچو سبزه تُون ۲:۲۸۴۰
همچو عنبر ۴:۱۱۹۳	همچو شیران ۵:۳۸۷۴	همچو سبزه گُوْلَخَن ۲:۱۰۱۷
همچو عَنقا در جهان ۴:۸۳۷	همچو شیری خفته ۵:۳۷۵۱	همچو سِخَر اندر ۱:۳۵۶۱
همچو عَنقا، نام ۶:۱۹۵۸	همچو شیری در ۵:۹۲۸	همچو سحرست ۳:۳۴۹۵
همچو عَنقا وصف ۴:۴۲	همچو شیری صید ۲:۲۶۱	همچو سحر و صنعت
همچو عَنینی ۶:۴۴۲۶	همچو شیطان ۳:۴۰۳۶	۶:۱۳۱۳
همچو عیسی با ۴:۱۵۰۶	همچو شین بر نقش ۲:۳۶۱۶	همچو سِرکه ۵:۲۰۲۴
همچو عیسی بر ۶:۱۱۸۶	همچو صاحب ۲:۷۷۲	همچو سرو و سوسن آزادی
همچو عَنین ۶:۲۳۳۸	همچو صاف ۲:۲۸۸۲	۶:۴۵۴۲
همچو قَرخی ۶:۲۹۹۷	همچو صیادی سوی ۲:۱۶۱	همچو سرو و سوسنم ۵:۲۳۰۹
همچو فرزندان ۳:۳۶۶۴	همچو صیادی که ۱:۲۸۰۸	همچو سگ در قحط ۲:۱۰۱۳
همچو فرزندات ۶:۴۱۹	همچو طالب علم ۲:۲۴۳۰	همچو سگ سودای ۳:۲۸۹۴

همچو ماه و آفتابی ۱۱۵۹:۲	همچو کودک اشک ۱۴۰۳:۶	همچو فرزندش ۴۶۷۶:۶
همچو ماهی ۳۱۹۹:۴	همچو کودک مان ۴۷۳۳:۶	همچو فرزین مست ۲۰۹۵:۴
همچو میختر ۳۳۷۶:۵	همچو کوره ۱۳۷۷:۲	همچو فرعونی تو ۱۹۲۰:۴
همچو مجنون از ۳۲۵۲:۵	همچو کوه طور ۳۰۶۵:۶	همچو فرعونی که ۱۹۱۶:۴
همچو مجنون اند ۱۵۳۳:۴	همچو کوه قاف ۳۸۴۰:۵	همچو فرعونی مرصع ۷۷۸:۳
همچو مجنون بو کنم ۲۸۲۹:۶	همچو کوهی ۴۶۵۹:۶	همچو قاضی باشد او ۴۵۱۹:۶
همچو مجنون کو ۵۶۷:۳	همچو گاوی ۶۰۷:۲	همچو قاضی جوید ۴۵۱۷:۶
همچو مدح ۱۰۹۱:۶	همچو گبران ۲۷۶۱:۲	همچو قرآن ۱۸۹۷:۳
همچو مردار ۲۵۹:۴	همچو گریه ۱۹۸۷:۴	همچو قربان ۲۱۴۲:۳
همچو مردان ۴۴۰۹:۳	همچو گردون ۳۴۷۵:۱	همچو قرصِ بذر ۱۳۴۷:۱
همچو مرغان در دو ۲۵۳۸:۱	همچو گرگ، آن ۳۱۳۳:۱	همچو قطره ۲۶۱۶:۴
همچو مرغان در هوای ۱۵۹۱:۳	همچو گرگ غافل ۲۳۲۸:۱	همچو قطع ۸۲۸:۵
همچو مرغان گشته ۴۰۰۰:۶	همچو گرمابه ۳۵۴۵:۳	همچو قلابان ۲۱۴۹:۱
همچو مرغ خاک ۴۴۳۰:۶	همچو گز ۳۷۶۴:۲	همچو قندیلی ۲۴۸۴:۱
همچو مرغ مرده شان ۱۰۵۵:۴	همچو گل، آغشته ۲۳۷۶:۱	همچو قوم موسی ۱۷۸۸:۶
همچو مرغی، سوی دانه ۵۸۲:۳	همچو گل پیشش ۳۷۰۶:۳	همچو قومی ۳۲۹:۵
همچو مرغی کو گشاید ۳۷۳۵:۲	همچو گل خندان ۳۰۲۴:۶	همچو کار عاشقان ۲۸۹۷:۱
همچو مرهم ۳۷۱۹:۴	همچو گل درباخت ۱۲۵۶:۵	همچو کافر جَنَم ۶۲۸:۲
همچو مریم، جان ۱۱۸۴:۲	همچو گم کرده ۹۸۴:۳	همچو کبکش ۱۵۲۸:۵
همچو مریم حامل ۱۸۰۷:۶	همچو گنجش ۲۱۴۸:۴	همچو کرمی ۲۵۳۷:۴
همچو مریم درد ۱۱۹۰:۵	همچو گندم ۳۵۰۹:۱	همچو کزدم کوگرد ۲۶۰۳:۵
همچو مریم گوی ۳۷۰۰:۳	همچو گور کافران بیرون ۴۱۷:۵	همچو کزدم می خَلَد ۲۹۳:۱
همچو مریم میوه ۲۸۵:۵	همچو گور کافران پردود ۱۰۵۴:۶	همچو کشته گاو ۱۴۳۸:۲
همچو مس از ۱۴۳۹:۲	همچو گویی ۳۹۱۶:۳	همچو کشتی ام ۵۳۸:۴
همچو مستان ۷۱۳:۳	همچو لب های ۱۵۹:۵	همچو کشتی بان ۱۰۸۲:۱
همچو مُستقی حریص ۳۹۰۸:۳	همچو ما احمق ۴۰۷:۵	همچو کشتی غرقه ۲۲۹۸:۶
همچو مُستقی کز آبش ۱۹۶۰:۳	همچو ما اندر ۲۱۶:۵	همچو کشتی ها روان ۱۸۷۷:۶
همچو مستی ۴۱۰۵:۵	همچو ما باشید ۲۷۱۱:۳	همچو کفاری ۸۲۶:۳
همچو میس در کیمیا ۳۰۱۱:۱	همچو ما، در وقت ۴۵۱۸:۳	همچو گفتاری ۱۸۱:۴
همچو مشتاقان ۷۳۱:۴	همچو مال ۱۰۵۵:۶	همچو کم عقلی ۳۳۸۳:۴
	همچو ماه اندر فلک ها ۳۹۷۴:۳	همچو کنعان سر ۱۴۰۹:۴
	همچو ماه، اندر میان ۱۴۰۰:۱	همچو کنعان سوی ۳۳۶۱:۴
		همچو کنعان کاشنا ۱۳۰۸:۳
		همچو کنعان کو ۲۳۵۹:۶

همچو مَصْدَر ۳: ۷۹۵#	همچو نوری ۳: ۲۱۲۷	هم خلق گردم ۵: ۲۹۲۸
همچو مطبوخ است ۱: ۱۸۶۳	همچو نی دان ۱: ۳۴۴۵#	هم خمیری ۶: ۱۷۸۶
همچو معزول آید ۵: ۳۱۳۶#	همچو نی دمساز ۱: ۱۲#	هم خیالاتش ۶: ۲۲۶۲
همچو مقراض ۱: ۳۰۸۱#	همچو نی زهری ۱: ۱۲	هم خیالی باشدت ۶: ۳۶۹۸#
همچو من از ۳: ۸۱۹	همچو نیلوفر ۳: ۳۹۰۸	هم در آب ۶: ۲۳۳۶
همچو من که ۶: ۱۱۸۸	همچو نی من ۱: ۲۷#	هم در آخر ۶: ۴۸۲۸
همچو موج بحر ۱: ۱۷۴۵#	همچو وحشی ۱: ۳۳۱۸#	هم در آن بازیچه ۶: ۴۲۲۴#
همچو موری ۲: ۱۹۳	همچو وعده ۶: ۱۰۵۸	هم در آنجا ۵: ۱۴۸۹#
همچو موسی بود ۳: ۴۳۶۷	همچو وقت صبح ۵: ۱۷۷۴#	هم در آن چه ۶: ۱۵۷۰#
همچو موسی زیر ۱: ۲۹۶۹#	همچو هاروتش ۵: ۳۶۱۹#	هم در آن دم آن ۲: ۵۲۱
همچو موسی شیر ۲: ۲۹۷۰#	همچو هاروت و چو ماروت آن ۵: ۶۲۰	هم در آن دم حال ۳: ۳۳۷۸
همچو موسی نور کی ۴: ۳۳۱۴	همچو هاروت و چو ۵: ۶۲۰	هم در آن دم شد ۵: ۱۲۵۶
همچو موسی نور مه ۵: ۲۳۴#	ماروت شهیر ۱: ۳۳۲۱	هم در آن دم گوشمال ۳: ۱۶۷۷
همچو موشی پیش ۲: ۱۹۱۴	همچو هر جو تو ۶: ۳۲۳۶#	هم در آن ساعت، ز حَمِیت ۵: ۳۷۵۹#
همچو موشی هر ۲: ۲۴۳۲	همچو هندو بچه ۶: ۱۴۴۶	هم در آن ساعت ز ساعت ۳: ۲۰۷۳
همچو موهومان ۳: ۲۹۴۴#	همچو هندو شمع را ۶: ۳۵۰#	هم در آن طفل ۶: ۴۷۳۸#
همچو مه اندر ۶: ۴۵۹۷#	همچو هیزم پاره ها ۵: ۶۲۷#	هم در آن ظلمات ۲: ۲۴۳۳#
همچو مهتاب ۶: ۱۱۶۷#	همچو یخ کاندلر ۶: ۱۸۱۹	هم در آن مجلس ۴: ۲۶۰۲
همچو مه در آب ۶: ۳۶۴۶#	همچو یغما جی ۵: ۴۸	هم در امر توست ۳: ۳۴۶۸#
همچو مه، همچون ۶: ۳۴۴۲	همچو یک چشم است ۴: ۱۷۱۱#	هم در اموال ۵: ۲۷۲#
همچو میل کودکان ۴: ۳۶۴۱	همچو یوسف اتم ۶: ۳۸۶۲#	هم درخت ۴: ۴۷۴
همچو میل مفرط ۴: ۳۶۴۲	همچو یوسف خواب ۵: ۱۹۹۵#	هم دروغ و دوغ ۲: ۲۷۹۰#
همچو میوه تازه ۴: ۱۷۳۳#	همچو یوسف دیده ۳: ۲۳۳۳#	هم دروگر ۵: ۲۴۲۲#
همچو نافرجام ۲: ۱۷۹۴#	همچو یوسف کش ۳: ۴۱۷	هم درین سوراخ ۳: ۳۹۷۹
همچو نایی ۲: ۴۹۰	همچو یوسف کو ۴: ۳۳۹۸	هم درین شهرش ۴: ۳۶۳۱#
همچو نخل موم ۵: ۴۱۹#	همچو یوسف که ۵: ۴۰۵۸	هم درین عالم بدانکه ۵: ۳۹۲۹
همچو نخلی ۵: ۲۹	همچو یوسف مُعْتَصِم ۵: ۳۸۷۳#	هم درین عالم یران ۲: ۲۴۷۵#
همچو نربالای ۵: ۳۷۵۱	هم حدیث ۶: ۲۹۸۶#	هم درین نحسی ۲: ۱۵۵۰
همچو نفع صور ۵: ۱۳۲۷#	هم خبر ده ۳: ۱۱۸۱	هم دعا از تو ۲: ۶۹۲
همچو نفخی ۵: ۲۹۷۹#	هم خدا ۱: ۳۶۴۴#	هم دعا از من ۵: ۴۱۶۲
همچو نفع اندر ۴: ۲۸۸۰#	هم خر و خرگیر ۶: ۳۶۲۲	هم دعا و هم اجابت ۴: ۳۴۹۹#
همچو نقش ۵: ۳۱۹۳#	هم خطا اندر ۴: ۳۲۳۹#	همدگر را ۶: ۲۶۳۵#
همچو نقلی ۶: ۷۴۶#		هم دلت حیران ۶: ۴۱۹۶
همچو نور خور ۵: ۴۱۸۸#		
همچو نور عقل ۵: ۱۲۵۹#		

هم مدلی از ۱:۷:۱۲*	هم ز خاکی ۶:۸:۴۷*	هم سَرَت برجاست ۳:۱۷۳*
هم ذکی داند ۳:۲۶۳۵*	هم ز خود داند ۴:۲۳۶*	همسری آغازد ۲:۱۵۷۸*
هم رقیبِ آفتاب ۳:۳۳۳۱*	هم ز خود سالک ۶:۲۵۴۹*	همسری با ۱:۲۶۵*
هم رَوَد از دل ۴:۲۲۹۹*	هم ز خود هر ۵:۲۲۱۱*	هم سیری بود ۶:۱۵۳۱*
همرهان بر حالتش ۶:۳۱۲۲*	هم ز خوشه ۵:۱۴۷۶*	هم سریر ۴:۴۷۸*
همره انفاس ۳:۱۶۵*	هم ز دادِ توست ۵:۱۵۲۵*	هم سلیمان هست اکنون
همرو او ۶:۱۰۸۱*	هم ز دریا ۳:۳۵۹۷*	۲:۳۷۳۱*
همره جانت ۴:۶۷۲*	هم ز دندان ۴:۲۸۱۲*	هم سلیمان هست اندر
همره خورشید ۶:۳۱۸۹*	هم ز دورش ۲:۲۸۴۱*	۲:۳۷۰۷*
همره غم ۲:۲۲۶۵*	هم ز دینداری ۳:۱۹۴۴*	هم، سواری داند ۲:۱۲۸۵*
همره و همسفره ۶:۲۳۷۹*	هم ز سگ ۵:۲۹۵۷*	هم سواری می کند ۶:۲۱۲۹*
همره‌ی کردند ۶:۲۳۷۷*	هم ز سنگِ سیم ۳:۲۲۷۷*	هم سؤال از ۴:۳۰۰۹*
همره‌ی نه ۶:۵۰۳*	هم ز عزرائیل ۵:۱۵۷۱*	هم سؤال و هم ۲:۸۵۳*
هم ز آب ۱:۳۳۴۰*	هم ز قَر شمس ۲:۱۱۱۰*	هم شب و هم ابر و هم باران
هم ز آتش ۱:۸۷۵*	هم ز قدرِ ۶:۶۶*	۳:۶۶۰*
هم ز ابراهیم ۲:۳۲۱۰*	هم ز قعرِ ۳:۴۸۰۸*	هم شب و هم ابر و هم موج
هم ز استعداد ۴:۳۳۵۰*	هم ز قوتش ۳:۳۲۹۴*	۳:۲۱۸۰*
هم ز اولِ توده‌ی میل ۴:۳۵۰۰*	هم ز گامِ ۲:۱۷۷۹*	هم شده حَمال ۶:۲۶۶۲*
هم ز اولِ روز ۴:۳۳۶۹*	هم ز گردون ۳:۱۸۳۴*	هم شدی توزیع ۲:۴۲۴*
هم ز اینها ۵:۱۴۸۸*	هم ز گندم ۵:۱۴۷۶*	هم شکارِ توست ۶:۲۸۱۰*
هم زبان کرد ۲:۱۵۱۹*	هم ز لطف و جوش ۶:۳۴۲۸*	هم شناسیدش ۶:۲۸۲۶*
هم زبانِ کودکان ۴:۲۵۷۷*	هم ز لطف و عکس ۶:۳۴۲۷*	هم شنیدی، راست ۳:۲۱۰۱*
همزبان و محرم ۱:۱۲۰۳*	هم ز لُبت گو ۶:۲۲۵۳*	هم صغیر مرغ ۵:۱۴۴۱*
همزبان و یارِ ۶:۲۶۵۸*	هم ز مرغ و ۶:۱۱۴۲*	هم صغیر و خدعه ۱:۱۷۰۳*
همزبانی ۱:۱۲۰۵*	هم ز من ۲:۲۴۲۸*	هم ضلال از ۴:۳۰۱۰*
هم ز بیم ۱:۲۱۴۷*	هم ز میدانِ ۶:۱۸۴۳*	هم طلب از ۶:۱۴۳۹*
هم ز ترس آن بددل ۴:۲۹۱۹*	هم ز زمینِ تار ۱:۳۶۲۷*	هم عجم هم ۱:۲۲۵۰*
هم ز ترس است ۱:۳۶۸۵*	هم زمین و بحر ۲:۱۰۳۶*	هم عرب ما ۱:۲۹۰۲*
هم ز تو زایید ۲:۳۱۷۱*	هم ز نبض ۴:۱۷۹۸*	هم عرض دان ۲:۹۵۴*
هم ز جان بیزار ۱:۲۴۰۳*	هم ز نبض و ۴:۱۷۹۶*	هم عرق کرده ۳:۱۵۹۹*
هم ز جنس او ۵:۲۰۱۰*	هم ز نساخی ۱:۳۲۳۴*	هم عطا، هم وعده‌ها ۳:۸۶۹*
هم ز جنسیت ۶:۲۹۸۱*	هم ز نورِ دل ۶:۲۱۳۴*	هم عطا یابی ۱:۷۱۱*
هم ز حق بینی ۱:۸۵۲*	هم سجود ۲:۲۱۲۲*	هم علاماتش ۱:۱۰۳*
هم ز حق ترجیح ۱:۱۴۵۸*	همسخن دیدی ۲:۳۴۰*	هم عیال ۲:۷۴۱*
هم ز حق دان ۳:۷*	هم سر است و پا و ۱:۲۸۹۹*	هم فزون ۲:۳۵۱۵*

هم فسانه ۱۷۷۵:۶	هم نجیب ۲۴۰۹:۵	هم یکی باشند ۱۸۴:۲
هم قفان ۸۷۱:۴	هم نداد ۱۹۳۷:۴	هندوان را ۱۷۵۷:۲
هم قضا جانت ۱۲۵۹:۱	هم نشین آن لب ۲۲۰۳:۱	هندوک فریاد ۳۰۶:۶
هم قضا دست ۱۲۵۸:۱	هم نشینان نشوند، او ۴۲۷۷:۳	هندو و قفچاق ۴۷۰۹:۶
هم قلم بشکست ۴۱۹۵:۵	هم نشین او نبرده ۴۲۷۸:۳	هندوی آن ترک ۲۸۳۹:۳
هم قناعت ۱۲۸۳:۴	هم نشین اهل معنی ۷۱۱:۱	هود دادی ۴۶۸۰:۶
هم کرامتشان ۳۱۰۶:۳	هم نشینا هین درآ ۳۰۵۴:۳	هود گرد ۸۵۴:۱
هم کشنده خلق ۴۸۷۱:۶	هم نشینت ۳۵۵۶:۲	هوش اهل آسمان ۱۹۸۸:۱
هم کشیدش از ۲۷۳۰:۱	هم نشین حق ۳۷۱۹:۱	هوش با حق دار ۱۰۸۳:۵
هم کشیدش عشق ۳۹۸۶:۶	هم نشین نیک ۲۹۵۰:۶	هوش باید ۸۵۱:۶
هم کم از وحی ۱۲۲۸:۵	هم نشینی ۲۶۸۷:۱	هوش بر اسرارشان ۲۹۱۹:۶
هم کند بر من ۱۹۴۲:۴	هم نکر سازید از ۲۱۶۶:۶	هوش تویی می ۳۴۷۰:۵
هم کنی غرقه ۱۳۵۷:۳	هم نکر سازید بر ۲۱۶۸:۶	هوش تو کو؟ ۶۷۴:۲
هم گناهی ۲۸۱۸:۲	هم نکر سازید بهر ۲۱۶۷:۶	هوش جزوی ۳۳۱۰:۱
هم گواہ اوست کُفران	هم نگرده ساکن از ۱۳۷۸:۱	هوش خود بگذاشت
۲۱۲۳:۲	هم نگرده مثنوی ۳۵۵۷:۶	۳۴۷۷:۶
هم گواہ اوست اقرار ۲۱۲۳:۲	هم نگرده سیر ۲۲۴۷:۴	هوش را بگذار ۱۲۹۱:۳
هم گواهی دادنت از اعتقاد	هم نگون شکم ۲۵۵۵:۵	هوش را توزیع ۱۰۸۴:۵
۱۸۳:۵	هم نمائد، جان ۲۴۹:۵	هوش صالح ۴۶۷۰:۳
هم مثال ۴۲۴:۴	هم نوشته ۳۵۸۵:۲	هوش و حس رفته ۱۷۶۱:۳
هم گواهی دادنت از سر	هم نهاد اندر ۳۸۴۷:۶	هوش و عقلش رفت
۱۸۴:۵	هم نهان و هم نشسته ۸۱۸:۲	۲۲۷۴:۵
هم مجوسی ۳۹۲۲:۱	هم نه چیزند ۱۲۰۵:۵	هوش و گوش ۴۲۶:۶
هم مختلط ۷۳۶:۱	هم نهی بلبل ۱۲۶۲:۶	هوش ها باید ۳۴۷۰:۵
هم مزاج ۱۸۵۷:۲	هم نهی طوطی ۱۲۶۱:۶	هوشیاری آب، ۲۰۶۸:۱
هم مُشبه، ۵۷:۲	هم نهی هدهد ۱۲۶۳:۶	هوشیاری آفتاب ۲۰۶۸:۱
هم مقلد نیست ۴۹۶:۲	هم نیفتادی رسن ۱۴۰۶:۵	هوشیاری، این ۲۰۶۶:۱
هم ملک هم ۳۱۹۶:۳	هم ورا هم مکر ۹۶۵:۳	هوشیاری ز آن ۲۰۶۷:۱
هم مُنادی ۶۵۴:۲	هم وی اندر چشم آن ۶۰۲:۲	هول سرهنگان ۳۷۷۲:۴
هم منافق می مری ۳۷۹۷:۵	هم وی اندر چشم یعقوبی	هوی فانی ۲۶۱۵:۴
هم من و هم ملک ۳۹۹۳:۶	۶۰۹:۲	هوی هوی باد ۱۹۵۵:۲
هم من و هم موسی ۲۴۳۲:۶	هم هلالم ۳۷۷۳:۳	هوی هوی میخوران ۲۳۹۴:۲
هم موکل ۶۵۸:۲	هم هویدا او بود ۱۴۱۹:۳	هیبت این مرد صاحب دلق
هم نباتش بخش ۴۱۶۲:۵	هم هویدا پرس و هم ۲۳۸۵:۳	۱۴۲۴:۱
هم نبود ۱۷۷۹:۶	هم یکی بادی ۱۲۸۵:۱	هیبت این مرد، هوشم

هیج چیزی ۱:۲۹۵۸*	هیج این ترکیب ۵:۱۳۲۴*	۱:۱۴۱۹*
هیج حرفت ۴:۱۲۹۸	هیج این جان ۲:۱۱۷۹*	هیبت باز ۳:۴۳۴۰
هیج حبله ۳:۴۷۳*	هیج این سودا ۵:۳۳۷۵	هیبت بانگِ خدایی ۳:۴۳۳۹*
هیج خار ۲:۳۳۴۸*	هیج با او شرکت ۲:۶۵۵*	هیبت بانگ شیاطین ۳:۴۳۳۷
هیج خالی ۶:۳۳۳۵*	هیج بازگانی ۳:۳۰۸۸*	هیبت حق است ۱:۱۴۲۴
هیج خانه ۶:۱۱۵*	هیج با سنگی ۵:۳۰۰۸*	هیبتش بیداری ۵:۴۰۹۸
هیج خدمت ۳:۳۴۴۵*	هیج با سیل ۵:۳۰۴۷*	هیبت شه ۴:۳۷۷۹*
هیج خشمی ۵:۳۰۴۲	هیج باشد این ۶:۴۱۰*	هیبت و ماهی ۶:۲۱۰۵*
هیج خطاطی ۴:۲۸۸۶	هیج باشد لایق ۲:۱۱۴۸*	هیبتی بنشسته ۴:۴۹۸
هیج خُمی ۲:۳۴۱۹*	هیج بانگ ۳:۴۳۹۷	هیبتی ز آن ۱:۱۴۱۶
هیج دامی ۳:۲۸۶۱*	هیج، بر قصد ۵:۴۷۲*	هیبتی که که ۴:۳۷۶۸*
هیج دانا ۵:۳۰۲۷	هیج برگی ۳:۱۸۹۹	هی بیآ در ۳:۱۳۰۹
هیج دانی آشنا ۱:۲۸۳۹	هیج بسیاری ۶:۱۷۳۰*	هی بیآ من ۶:۳۶۱۶
هیج دانی از چه ۶:۲۲۷۸*	هیج بُغضی ۱:۳۸۵۲	هی بیبا ۲:۲۰۱۸
هیج دانی چه خبر ۴:۹۶۲*	هیج بودش ۵:۲۵۹۷*	هی تو مادر ۲:۷۷۸
هیج دانی راو آن ۵:۱۱۱۲*	هیج بویی ۳:۱۵۰*	هیج آدابی ۲:۱۷۸۴
هیج در گوش ۳:۶۵	هیج بی ارشاد ۵:۱۰۵۴*	هیج آدم ۴:۳۶۳
هیج در یادش ۴:۳۶۲۹*	هیج بی تأویل ۱:۳۷۴۱	هیج آزادی ۶:۱۰۷۷*
هیج دندان ۳:۱۸۹۰	هیج بینی ۱:۱۴۰۱*	هیج آژنگی ۴:۲۵۸۰
هیج دیگر ۶:۲۳۳۳	هیج پنهان خانه ۴:۱۸۲	هیج آن را مَقَطَع ۱:۲۹۶۳*
هیج دیوانه ۴:۱۱۷۲	هیج پنهان می‌نشد ۴:۶۹۶	هیج آن کُفُو ۶:۳۱۲۵*
هیج روزی ۵:۲۸۶۴	هیج پیشه راست شد	هیج آینه ۲:۱۳۱۷
هیج زندانی ۵:۱۷۱۹	۱:۲۶۹۰*	هیج از او رنجد ۵:۱۷۱۵*
هیج ساکن ۵:۳۹۵۴	هیج پیشه رام ۴:۱۲۹۹*	هیج از گفتن ۶:۱۱
هیج سحر ۴:۱۲۷۴	هیج پیلی داند ۱:۱۰۱۱*	هیج از مقصود ۲:۳۶۵۶
هیج سودی ۵:۸۵۶	هیج تابد روی ۳:۲۹۴۵*	هیج اصلی ۵:۳۹۸۵
هیج شاخ ۱:۲۴۵۸*	هیج تأویلی ۲:۳۲۴۸*	هیج اطلس ۳:۱۳۴*
هیج شام ۵:۱۲۴۵*	هیج تحویلی ۳:۳۵۰*	هیج اندر غار ۶:۱۱
هیج شان این ۶:۳۶۷۸	هیج ترسند ۶:۲۲۰۳*	هیج اندر کین ۵:۳۰۴۲*
هیج شو واره ۵:۵۳۱	هیج تسیحی ۲:۳۱۴۶	هیج انگوری دگر ۲:۱۳۱۸
هیج شه ۴:۲۷۷۳*	هیج تو باور ۴:۲۲۶۰*	هیج انگوری نمی‌ماند
هیج صبحم ۵:۱۲۴۵	هیج تیمارم ۶:۱۷۵۹	۵:۳۹۸۳*
هیج طالب ۴:۲۶۲۵*	هیج چاره می‌ندانستم ۵:۳۳۷۸	هیج او حسرت ۵:۱۷۲۶
هیج عاریت ۶:۱۱۴۸*	هیج چاره نیست ۲:۳۰۷۱	هیج او رانیست ۳:۲۶۳۲*
هیج عاشق ۳:۲۳۹۳	هیج چشمی ۴:۲۰۲۱*	هیج اهلیت ۲:۸۱۰*

هیچ عاقل افگند ۳۷۲:۴	هیچ گرد خود ۱۸۹۶:۴	هیچ می‌دانی چه وعده ۲۶۰۴:۴
هیچ عاقل مرکلوخی ۳۰۰۸:۵	هیچ گردد مستحلی ۱۰۸۲:۶	هیچ می‌دانی که آن ۱۰۴۳:۴
هیچ عقدی ۲۹۹۰:۴	هیچ گرگی ۸۵۸:۱	هیچ می‌گویند کآن ۸۶۴:۶
هیچ علّت ۱۳۴۰:۵	هیچ گفتی ۲۵۳۶:۳	هیچ می‌گویند کین ۸۷۰:۶
هیچ غنّی ۳۶۰۹:۵	هیچ گندم ۱۶۴۶:۱	هیچ می‌نایی ۲۴۰:۳
هیچ فرقی نیست ۱۹۴۹:۱	هیچ گوید تشنه ۳۵۹۴:۲	هیچ می‌نمود ۹۳:۲
هیچ قرنی ۳۱۱۲:۲	هیچ گوید نان ۳۲۸۳:۲	هیچ میوه پخته ۱۳۱۸:۲
هیچ قلبی بی ۲۲۱۹:۶	هیچ گویی ۳۰۰۷:۵	هیچ نآورد ۳۲۵۰:۶
هیچ قلبی پیش ۱۲۶۷:۶	هیچ لالا مرد ۳۳۰:۴	هیچ نامی بی حقیقت ۳۴۵۶:۱
هیچ کاسه ۲۸۸۵:۴	هیچ ما را ۲۹۲۷:۳	هیچ نانی ۱۳۱۷:۲
هیچ کافر را ۲۴۵۱:۶	هیچ مال ۸۶۹:۴	هیچ نبود ۲۹۹۱:۴
هیچ کرّمنّا ۱۳۹:۶	هیچ مان بروای ۳۶۰۰:۵	هیچ نشنیدم ۳۳۸۰:۵
هیچ کس از حال ۱۱۵۲:۶	هیچ ماند آب ۳۴۵۶:۳	هیچ نعمت ۶۸۷:۴
هیچ کس از خود ۲۲۱۷:۶	هیچ ماند این ۳۷۱۷:۶	هیچ نفرستد ۳۷۳:۴
هیچ کس از سِرّ ۱۳۴۰:۵	هیچ ماند بانگ ۳۷۱۷:۶	هیچ نقاشی ۲۸۸۱:۴
هیچ کس از ما ۲۴۵۸:۶	هیچ ماند نیشکر ۳۴۵۶:۳	هیچ نکشد ۲۵۲۸:۲
هیچ کس با خود ۲۶۸۲:۶	هیچ ماه و اختر ۳۶۵۸:۱	هیچ نگریزیم ۲۳۰۹:۶
هیچ کس با خویش ۲۶۸۲:۶	هیچ ماهیات ۳۶۳۶:۳	هیچ نندیشد که چندین ۲۸۶۳:۵
هیچ کس بر ۲۵۵۶:۱	هیچ محتاج ۳۵۶۸:۵	هیچ نندیشد که هر جا ۲۸۷۹:۴
هیچ کس در شش ۲۶۴۸:۲	هیچ مرده ۱۷۶۶:۵	هیچ نندیشم ۸۷۵:۳
هیچ کس در ملک ۲۹۳۸:۵	هیچ مستقی ۳۸۸۵:۳	هیچ نی را بار ۲۳۱۸:۶
هیچ کس در وی ۳۹۲۳:۳	هیچ معدومی ۱۵۴۲:۵	هیچ نی مر هیچ ۱۴۴۸:۶
هیچ کس دیده‌ست ۱۴۴۸:۵	هیچ معذورش ۳۳۱۶:۱	هیچ وازر و زر غیری بر نداشت ۷۳۱:۲
هیچ کس را این ۳۷۹۳:۶	هیچ معهودش ۱۶۱:۴	هیچ وازر و زر غیری بر نداشت ۱۷۸۸:۳
هیچ کس را با زنان ۳۸۷۲:۵	هیچ مگذار ۱۹۴۶:۲	هیچ واگرد ۱۲:۶
هیچ کس را تا ۲۳۲:۶	هیچ مگشا ۳۸۲۸:۶	هیچ وهمی ۲۲۱۹:۶
هیچ کس را تو ۴۱۵۸:۵	هیچ مُلجِد را مبادا این ۲۲۶۹:۵	هیچ ویران ۲۱۵۳:۲
هیچ کس را خود ۱۴۷۰:۳	هیچ مُلجِد را مبادا این ۲۷۵۶:۵	هیّ چه بسیارید ۱۷۲۹:۶
هیچ کس را زهره ۲۹۳۵:۴	هیچ ممکن ۴۵۹۰:۶	هیّ چه پختی ۸۴۱:۶
هیچ کس را نیست ۳۷۹۵:۵	هیچ من از ۴۳۱۸:۶	هیچ هست ۱۱۱۵:۲
هیچ کس نذرود ۷۳۱:۲	هیچ مؤمن را ۲۰۹۰:۳	هیّ چه می‌گویی؟ ۳۱۸۵:۳
هیچ کس نسبه ۶۵۰:۲	هیچ مهمانی ۲۲۶۹:۱	
هیچ کنجی ۵۹۱:۲	هیچ می‌بینی ۱۱۰۹:۵	
هیچ کوزه‌گر ۲۸۸۴:۴		
هیچ گاوی ۳۱۰۲:۵		

هین به صبر ۲۹۰۴:۵	۲۶۲۰:۴	هیچ هیچی ۳۵۰۱:۴
هین به عکسی ۳۴۱۴:۱	هین بده ای قطره خود را بی‌ندم	هیچ یابد ۲۳۵۱:۲
هین، به کمتر ۷۴۶:۳	۲۶۱۹:۴	هیچ یک با خویش ۳۷۲۶:۲
هین به مسجد ۴۵۳۴:۳	هین بده، ورنه کنون ۳۸۴۹:۵	هیچ یک ذره ۱۵۲۱:۳
هین به ملک ۱۳۶۹:۱	هین برآراز ۹۱:۶	هی در آدر ۴۱۰۶:۶
هین به هر مستی ۲۶۹۱:۴	هین بر آ زین قعر ۱۵۵۵:۶	هی ز چه معلوم ۸۲۰:۶
هین به یک چوب ۳۲۴۰:۶	هین برو، جلدی ۴۰۸۵:۳	هیزم تیره ۱۳۴۳:۲
هین بیآ ای جان ۲۷۱۹:۶	هین برو کوتاه ۴۰۸۷:۳	هیزم دوزخ ۱۰۹۸:۵
هین بیآ ای طالب ۷۲۴:۴	هین بزن آن ۱۰۸۶:۵	هیزم ناریم ۳۹۴:۳
هین بیآ این ۱۹۳۳:۴	هین بزیر آ مُنکرا ۳۴۱۲:۲	هی سخن گفتی ۳۰۳۰:۲
هین بیآ بلقیس ۷۸۱:۴	هین بشو ۴۵۸۲:۶	هی کجا بودی برادر ۸۴۱:۶
هین بیآ بینی ۲۳۹۱:۴	هین بفرما ۱۱۶۵:۶	هی کجا بودی؟ به ۲۰۲:۵
هین بیآ ورجت ۲۸۴۶:۴	هین بکش او ۷۸۳:۲	هیکل آنجا ۱۱۹:۵
هین بیآ یید ۲۰۴:۵	هین بکش این ۳۴۸۰:۳	هیکلش از یاد ۱۲۳:۵
هین بیا زین ۴۱۲۳:۵	هین بکن در ۴۸۵۲:۶	هی میآ ویزید ۴۳۶۹:۶
هین بیا که ۸۱۲:۴	هین بگردان از تحرّی ۲۶۲۷:۶	هین ازو بگریز اگر ۲۵۶۶:۳
هین بیا و دفع ۱۱۸۰:۱	هین بگردانش ۳۰۴۹:۴	هین ازو بگریز چون ۲۵۶۹:۳
هین بیاور میخ‌های ۲۰۷۱:۵	هین بگو احوال ۴۷۷۹:۳	هین ازو بگریز و ۱۳۸۴:۴
هین بیفشان ۶۶:۵	هین بگو: چون ۱۲۸۹:۳	هین ازو خواهید ۱۱۸۲:۴
هین بیندازید ۴۱۸۴:۵	هین بگو که ۲۵۳۷:۳	هین امید اکنون ۱۶۱۸:۵
هین پراکنده ۲۳۸۰:۳	هین بگو، مهراس ۳۱۹۷:۵	هین پُر که جان ۳۳۳۹:۵
هین تَرْفَع ۳۳۴۲:۲	هین بگو نک روز ۱۵۰۴:۵	هین بین کز ۱۴۶۱:۶
هین تلف ۳۱۹۹:۵	هین بگویم ۳۵۲۷:۱	هین بجنابان آن ۳۵۹۹:۴
هین توکار ۴۲۹۹:۳	هین بگیرید ۲۷۸۳:۴	هین بجنابان لب ۳۵۹۴:۴
هین توکل ۲۸۵۱:۵	هین بمگذار ۱۴۶۷:۴	هین بجو این ۲۲۲۴:۳
هین جواب ۲۱۷۰:۳	هین بمگریز ۲۰۰۲:۴	هین بجو که ۲۳۰۲:۳
هین چرا خشکی ۳۰۵۳:۳	هین بمیر ۱۲۵۵:۵	هین بجه زین ۱۴۳۶:۶
هین چرا زردی؟ ۳۰۵۳:۳	هین بنه بر ۶۱۰:۶	هین بجل کن ۱۶۸۶:۳
هین چرا کشتی ۲۳۱۱:۳	هین بنه چون ۶۸۶:۲	هین بخر زین ۱۰۰۰:۶
هین چه آوردی تو ۳۱۷۰:۱	هین به بالا پُر ۳۶۲۶:۲	هین بخوان ربّ بما ۱۳۹۳:۴
هین چه آوردید ۳۱۷۴:۱	هین به بیرون ۴۳۴:۳	هین بخوان قرآن ۴۵۱:۵
هین چه تقصیر ۳۴۱۰:۶	هین به پشت ۱۶۵۲:۲	هین بخور پاک ۶۸۲:۴
هین چه راحت ۳۳۷۳:۵	هین به جاروب ۲۹:۲	هین بدار از ۴۱۲۷:۵
هین چه کردی ۳۲۵۹:۶	هین به جای ۳۹۱۹:۶	هین بده ای زاغ ۸۰۸:۵
هین چه لاف است ۱۰۰۶:۱	هین به دستوری ۵۲۹:۶	هین بده ای قطره خود را این

هین چه می جویی به	هین ز نقّات ۵: ۱۰۴۲	هین که گرگاند ۴: ۳۶۶۹
۲۸۸۸:۵	هین ز هر ۲: ۳۷۴۴	هین که معکوس است ۶: ۲۱۰۸
هین چه می جویید ۴: ۸۳۳	هین سخن ۶: ۲۱۸۶	هین که نورت ۲: ۱۲۴۹
هین چه می گردی ۵: ۲۸۸۹	هین سَرَت ۴: ۳۵۵۴	هین که یک بازی ۴: ۲۶۲۵
هین حدیث ۶: ۱۵۳۳	هین سگ نفس ۲: ۴۷۴	هین گریز از ۵: ۷۳۴
هین حکایت ۵: ۳۶۳۷	هین سلیمان ۲: ۳۷۰۴	هین گلوی خود ۳: ۲۹۴۶
هین خمش کن ۶: ۱۸۱۵	هین سوار ۶: ۴۶۳	هین گلوی صبر ۶: ۶۱۶
هین درآ خواجه ۳: ۸۶۰	هین صلا بیماری ۳: ۲۷۰۹	هین گو آمد ۴: ۶۰۲
هین دریچه ۶: ۳۰۹۵	هین طلب کن ۴: ۳۱۹۸	هین گواهی های ۳: ۲۸۴۰
هین درین ۶: ۸۸۵	هین طلسم ۴: ۳۴۹۲	هین لَکُم دین ۶: ۱۰۵۲
هین دهان بر بند، فتنه ۳: ۴۲۲۶	هین عَزَّیرا ۳: ۱۷۶۳	هین مبادا غیرت ۱: ۳۴۱۷
هین دهان بر بند و ۳: ۱۰۸۱	هین عصا لم کَش ۶: ۳۴۹۰	هین مبادا که طمع ۳: ۱۴۲
هین رَحم بگشا ۳: ۳۵۵۹	هین عُمَر آمد ۶: ۳۲۲۸	هین مبادا که هوستان ۶: ۳۶۵۱
هین روان کن ۴: ۱۴۷۲	هین عنان درکش ۳: ۴۵۶۷	هین مباحش اَعَوَر چو ابلیس
هین روان گردید ۳: ۳۰۴	هین غذای ۱: ۷۲۶	خَلَق ۶: ۴۰۷
هین روش بگزین ۵: ۳۳۴۸	هین غنی را ۶: ۲۱۰۹	هین مباحش اَعَوَر چو ابلیس لعین
هین رَوید ۱: ۵۲۵	هین غنیمت دار در ۴: ۲۵۰۸	۱۷۰۹:۴
هین رها کن آن ۴: ۳۶۶۸	هین غنیمت دارشان ۳: ۲۲۲۴	هین مباحش ای شاه ۶: ۲۷۹۴
هین رها کن بدگمانی ۵: ۱۶۶۹	هین فَنیلش ساز ۲: ۱۲۶۸	هین مَبَر اومید ۳: ۲۳۰۱
هین ره صبر ۶: ۲۶۰۸	هین فرود آ ۴: ۳۵۵۷	هین مبر آلا ۴: ۵۴۴
هین ز بدنامان ۶: ۲۹۱۹	هین فسون ۴: ۳۱۹۴	هین مترس ۲: ۳۵۷۴
هین ز جاهل ۶: ۱۴۳۰	هین قَم اللیل ۴: ۱۴۵۶	هین مَجَنبان ۶: ۴۵۳۱
هین ز چارُم ۴: ۳۱	هین کرم بیند ۳: ۲۶۷۲	هین مَجُو ۶: ۱۹۱۳
هین ز حدّ ۶: ۴۸۸۹	هین کمالی ۴: ۲۶۸۰	هین مخور ۶: ۴۰۷۲
هین ز حرص ۵: ۱۴۰۱	هین که آن که ۲: ۲۳۰۴	هین مَدُزد ۶: ۴۰۲۰
هین ز دستان ۶: ۲۷۹۵	هین که از تقطیع ۲: ۲۵۰۲	هین مَدو اندر بی ۴: ۱۳۱۲
هین ز رَشک احمدی ۴: ۹۶۰	هین که اسرافیل ۱: ۱۹۳۰	هین مَدو گستاخ ۳: ۸۳۱
هین ز رنج ۶: ۴۲۶۲	هین که امروز ۵: ۱۸۸۹	هین مرا بگذار ۳: ۴۲۱۴
هین ز قرآن ۵: ۱۴۰۰	هین که إِنَّ اللَّهَ ۴: ۲۰۲۸	هین مرا بنمای ۴: ۹۴۷
هین ز گنج ۵: ۲۷۸۹	هین که این هَذِیه ۱: ۲۷۲۰	هین مراقب ۴: ۲۴۶۷
هین ز لای ۱: ۱۹۲۶	هین که بنده ۴: ۳۳۴۱	هین مرا مرده ۴: ۱۰۶۴
هین ز ما صورت ۴: ۳۸۲۶	هین که تا سرمایه ۳: ۳۲۹۸	هین مران از ۶: ۲۸۹۷
هین ز مرهم ۱: ۳۲۲۷	هین که تاکس نشنود	هین مران کورانه ۳: ۸۳۱
هین زمن پذیر ۴: ۲۵۰۹	۱۱۰۱:۶	هین مرو بی صحبت ۶: ۴۰۹۳
هین زنان امسال ۳: ۹۴۱	هین که را خواهی ۵: ۱۴۹۸	هین مرو تنها ۱: ۲۹۴۵

هین مرو سوي ۳: ۸۷۴*	هین مگو ژاژ ۶: ۲۲۹۲*	یا بخواندی ۳: ۲۸۲*
هین مرو معکوس ۴: ۲۲۲۶*	هین مگو فردا ۲: ۱۲۶۹*	یا بخوردی ۴: ۱۳۲۸*
هین مزن تو ۶: ۴۳۰۴*	هین مگو کاینک ۳: ۴۸۰۰*	یا بدادی ۴: ۱۳۲۸*
هین مسلمان شو ۵: ۲۹۱۲*	هین مگو کین ۵: ۳۶۴۵*	یابد از بحر ۴: ۳۴۲۴*
هین مشو پنهان ۴: ۱۴۵۵*	هین منه بر ۶: ۴۰۷۲*	یابد از بو ۳: ۳۰۲۷*
هین مشو چون ۵: ۷۱۲*	هین منه تو ۲: ۱۳۸۸*	یابد از من ۶: ۳۰۷۴*
هین مشو شارع ۶: ۱۵۹۹*	هین منه در ۳: ۲۲۷۵*	یابد اندر ۶: ۴۲۴۵*
هین مشو صورت پرست ۶: ۲۹۵۳*	هین مهل خر ۱: ۲۹۵۲*	یا بدزد ۴: ۲۸۷۶*
هین مشو غره بدان ۲: ۴۹۵*	هین میآور ۲: ۱۶۷۸*	یابد و تری ۴: ۳۴۹۷*
هین مشو غره بدانکه ۵: ۳۹۱۵*	هین میفزا ۵: ۲۴۷۹*	یا بدو گرگی ۳: ۳۱۸۰*
هین مشو قانع ۴: ۳۲۲۳*	هین نخواهی ۳: ۳۱۸۵*	یا بده برگی ۶: ۴۲۱۱*
هین مشو مغرور ۶: ۳۱۹*	هین نگه دار ای دل ۱: ۳۰۲۹*	یا بده دستور ۲: ۱۵۵۵*
هین مشو نومید ۴: ۵۱۳*	هین نگه دارید ز آن ۶: ۳۶۵۰*	یا بده ست این ۲: ۲۲۱۰*
هین مقابل ۳: ۴۶۵۳*	هین نماز آمد ۳: ۲۰۸۴*	یا بر آن پُل ۶: ۲۴۶۲*
هین مکش او را ۳: ۱۰۵۷*	هین و هین ای ۲: ۱۲۶۵*	یا بر آن یعقوب ۶: ۲۸۰۰*
هین مکش پیر ۱: ۳۴۵۱*	هی نه اسب ۵: ۱۰۷۸*	یا برای حکمتی ۶: ۲۴۰*
هین مکش هر ۵: ۱۴۶۵*	هین هوا بگذار ۶: ۴۱۴۴*	یا برای راحت ۴: ۱۹۷۹*
هین مکن بابا ۳: ۱۳۱۷*	هین ید بیضا ۲: ۲۲۸۸*	یا برای سحر ۶: ۴۱۱*
هین مکن با نقشی ۶: ۱۵۴۸*	ی	
هین مکن باور ۶: ۱۴۲۳*		
هین مکن تعجیل ۵: ۴۱۳۷*	یأس باشد ۳: ۳۲۷۵*	یا برون آید ۴: ۴۹۷*
هین مکن تکلیف ۴: ۲۳۹۳*	یا لَهَوَن ۴: ۱۱۶۹*	یا بریزد ۵: ۲۱۱*
هین مکن تیره ۴: ۲۴۸۳*	یا آیت ۶: ۲۰۰۸*	یا بسوزد ۴: ۲۴۵۶*
هین مکن جلدی ۳: ۴۰۸۰*	یا از آن بازان ۵: ۲۵۵۵*	یا بشوید ۵: ۲۱۱*
هین مکن خود ۵: ۵۷۷*	یا از آن دریا ۵: ۲۵۵۳*	یا بکُش، یا بازخوانم ۳: ۴۰۷*
هین مکن در ۶: ۱۵۵۸*	یا از آن مرغان ۵: ۲۵۵۴*	یا بکُش یا خود ۱: ۶۵۳*
هین مکن روباه بازی ۲: ۱۲۵*	یا از او واپرس ۶: ۱۸۲۳*	یا بکن ثابت ۶: ۴۱۴۸*
هین مکن زین ۴: ۲۵۰۳*	یا الهی سَکِرَت ۵: ۳۳۰۷*	یا بگویم یا بگویم ۳: ۴۷۰۹*
هین مکن سجده ۴: ۱۲۸۱*	یا الهی، غَیَر مَأ ۲: ۳۱۷۵*	یا بگوید آنکه ۱: ۲۱۵۶*
هین مکن که کوه ۳: ۱۳۱۴*	یا امید ۱: ۳۱۷۵*	یا بگوید صوفی ۲: ۳۵۸۶*
هین مکن کین موج ۳: ۱۳۱۱*	یا برسیدم ۶: ۷۱۸*	یا بگویم آنچه ۱: ۳۷۵۸*
هین مکن لا حَوَل ۳: ۳۷۷۷*	یا بیوستن ۱: ۱۰۷۱*	یا بگیرانده ۶: ۳۷۰*
هین مگرد از هر ۵: ۳۸۹۶*	یا بجز آن ۵: ۱۴۴۴*	یا بگیرد ۵: ۲۱۲*
هین مگردان ۵: ۱۵۴*	یا بجز فِی ۳: ۱۰۷۲*	یا بلایی ۶: ۲۵۱۸*
	یا بخُسی ۵: ۷۳۰*	یا پلیسی ۴: ۳۴۹۶*
		یا بُرد آن ۶: ۲۷۴۷*

یا بود اشتر دلی ۵۰۵:۶	یابی آن بخت ۳۰۷۵:۳	یا چو بر درویش ۱۲۰۲:۲
یا بود کز عکس آن جوهای	یا بیا و محو ۴۸۲۳:۶	یا چو بر محبوس ۱۲۰۲:۲*
آب ۲۵۱۹:۴	یا: بیا ای کور ۲۹۶۹:۵	یا چو بوی احمد ۱۲۰۴:۲
یا بود کز عکس آن جوهای	یا بیابان ست ۲۰۴۰:۳	یا چو بوی یوسف ۱۲۰۵:۲
خمر ۲۵۲۰:۴	یابی اندر دید ۹۲۲:۱	یا چو چشمه ۳۹۶۸:۳
یا بُود مقبول ۱۵۱۹:۵	یابی اندر عشق ۳۲۲۳:۵	یا چو خاکی ۱۸۰۰:۵*
یا به آشکم ۹۸۹:۴	یا پری ام می کند ۴۴۹۳:۶	یا چو دیوی ۲۶۰۴:۵
یا بهانه چرب ۳۹۵۷:۵	یا پلیدی ۶۱۲:۳	یا چو غواصان ۳۳۱:۵
یا به تاویلی ۱۲۵۰:۱	یا بی تعلیم ۲۴۰:۶	یا چو ماهی ۸۶۰:۴*
یا به تابستان ۲۴۲:۳	یا تُنی الموت ۲۲۷۳:۴	یا چو مُستغرق ۱۴۲۱:۵
یا به تازی ۳۵۸۲:۲	یا تبر برگیر ۱۲۴۴:۲	یا چو نازک مغز ۲۰۲۴:۱*
یا به جز دریا ۲۲۱۳:۱	یا تُرُش با ۲۴۰۹:۱	یا چه حاصل ۱۲۲۶:۵
یا به حال ۲۸۴۱:۳	یا تقاضا ۱۴۹۱:۳	یا چه دولت ۱۲۲۷:۵*
یا به حیلَت کشف ۲۶۴۶:۱	یا تو آن سو ۳۱۹۸:۲	یا چه شد ۲۶۸:۴*
یا به حیلَه به ۲۵۳۸:۶	یا تو آن کشتی ۴۱۰۶:۶*	یا حریص البطن ۲۹۳:۵
یا به خانه ۳۸۵۳:۶	یا تو بافیدی ۲۹۲۲:۵	یا حوایج ۴۰۲۹:۶*
یا به خواب این ۴۰۵۷:۵	یا تو پنداری که تو ۳۴۵۷:۴	یا خدائی ۱۸۹۶:۲*
یا به دریوزه ۱۶۴۸:۲	یا تو پنداری که حرف ۳۴۵۹:۴	یا خری یا ۲۳۳۷:۵
یا به دفع ۱۳:۵	یا تو پنداری که روی ۳۴۷۳:۴	یا خفیاً قَدْ ۳۳۰۸:۵
یا به رُوبوش ۱۴۵۲:۲*	یا تو را چون ۲۳۴۰:۱*	یا خفیّ الذّات ۳۳۱۰:۵
یا به زخم درّه ۱۵۰۹:۶	یا تو واگو ۳۷۵۸:۱	یا خِلافِ طبع ۸۲۸:۱*
یا به زخم من ۲۳۴۰:۱	یا جبال ۴۲۷۰:۳	یا خود از اوّل ۴۵۰۹:۶*
یا به زلفی ۲۷۸۷:۳	یا جزا ۳۵۲۳:۵	یا خود از بهر ۱۷۵۱:۲*
یا به سوی ۷۳۵:۵	یا جَمیل البَیتر ۴۷۳۲:۳*	یا خیالاتی ۲۲۶۸:۳
یا به شب ۳۴۰۴:۱*	یا جواب ۱۷۰۶:۱	یا خیانت کرد ۱۸۹۲:۴*
یا به طعن ۱۵۲۱:۳	یا چرا ۴۲۶۰:۶*	یاد آرد از رِواق ۳۰۹۰:۶*
یا به طفل شیر ۳۵۹۶:۲	یا چو آدم ۳۰۴۲:۴	یاد آرد روزگار ۲۸۷۱:۴*
یا به طفلی ۴۵۰۹:۶	یا چو آواز ۱۱۳۶:۱*	یاد آرد لطف ۲۶۳۸:۴*
یا به علم ۱۴۱۶:۴	یا چو ابراهیم ۳۹۸۴:۶	یاد آرند ۳۸۳۰:۴*
یا به فقر ۳۴۹۷:۴	یا چو اُخول ۲۰۳۵:۶	یاد آرید ۱۵۵۸:۱
یا به گلبن ۱۲۴۵:۲	یا چو اسمعیل ۳۹۸۵:۶	یاد آمد ۲۱۷۶:۵
یا به گورستان ۴۹۰۴:۶	یا چو ایشان ۳۵۲۴:۲*	یادآور چه ۲۴۵۸:۲
یا به مستی ۲۲۷:۶*	یا چو بازآیم ۴۱۷۵:۶*	یاد آورد آن ۴۵۶۴:۶
یا به نوبت ۲۰۳۶:۶	یا چو بازانند ۶۳۵:۵	یادآور زان ۳۱۸۶:۴*
یا به یاد ۱۵۶۲:۱	یا چو بانگ ۱۲۰۱:۲	یاد النَّاس ۲۰۷۷:۲

یار، چشم ۲۸:۲	یاد ناید ۴۵۵۶:۶	یاد اوشان ۳۸۴۱:۴
یار چه بُود؟ ۵۱۰:۶	یادهاشان ۲۲۲۷:۶	یا دَبورست ۳۰۵۳:۴
یارِ خود پنداشتند ۴۶۷۷:۶	یا دهان بَرْدُوَز ۲۰۳۵:۶	یادتان ناید ۲۱۹۴:۳
یارِ خود را یافت ۴۸۰۴:۳	یا دهان خویشتن ۱۸۵:۳	یادِ جُرم ۳۹۹۵:۵
یار را اغیار ۳۷۸۲:۳	یاد یاران ۱۵۵۹:۱	یاد دادش ۳۱۵۹:۱
یار را باش و ۱۵۹۰:۶	یاد یوسف ۳۴۰۷:۶	یاد ده مارا ۶۹۱:۲
یار را با یار ۲۶۴۱:۶	یار آمد ۴۰۴۴:۶	یا در آتش ۳۷۳۰:۵
یار را ترسان ۵۰۶:۶	یار آن ۲۹۱۷:۵	یا در آخر ۱۴۴۴:۵
یار را چندین ۴۱۷۷:۶	یار آید ۱۰۴۷:۵	یا در آن عالم ۲۱۱۷:۱
یار را خوش کن ۱۴۹۵:۱	یار آینه است ۳۱:۲	یا در آن لوتی ۲۴۶۲:۶
یارِ روزم ۴۷۳۹:۳	یارِ او باشم ۲۹۱۶:۵	یا درافتد ۱۹۰۱:۲
یا رسایل ۱۹۱۷:۱	یارِ او شو ۱۴۴۶:۳	یا در او گنج است ۸۴۸:۲
یا رسول‌الله بگویم ۳۵۲۸:۱	یا رَب آن تمیز ۲۶۳۳:۱	یا دری بودی ۳۹۶۷:۳
یا رسول‌الله تو ۳۴۲۴:۲	یا رَب آن گوهر ۲۷۳۲:۱	یا درین ره ۴۱۷۵:۶
یا رسول‌الله جوان ۲۰۴۸:۴	یارب آنها ۱۹۴۸:۳	یادش آمد طشت ۲۱۶۸:۵
یا رسول‌الله در آن ۵۰۶:۵	یارب اَتیم ۲۸۹۲:۶	یادش آمد مردی ۳۹۴۸:۵
یا رسول‌الله درین ۲۰۵۰:۴	یار باشد ۱۵۹۱:۶	یاد صنعت ۷۷۲:۶
یا رسول‌الله رسالت ۲۷۴:۵	یار باش و ۱۲۶۳:۴	یاد کردم ۲۰۵۱:۳
یا رسول‌الله قَدْ ۳۲۲۲:۳	یارب این ۲۴۴۳:۲	یاد کردن ۲۰۵:۳
یا رسولی ۲۷۳۰:۶	یارِ بد آرد ۲۶۳۵:۵	یاد کن: فی جیدها ۷۶۴:۵
یار شب را ۲۸۹۳:۶	یارِ بد او را ۲۶۳۸:۵	یاد کن لطفی ۳۳۳:۳
یارِ شَبشان ۲۸۵۲:۶	یارِ بد چون ۱۳۸۴:۴	یادگارِ صَیْف ۱۸۰۲:۶
یار شد یا ۳۴۵۵:۳	یارِ بد خُرُوبِ ۱۳۸۳:۴	یادگارم هست ۲۲۱:۶
یار شو تا ۴۹۸:۶	یارِ بد نیکوست ۱۴۰۷:۶	یادم آمد آن حکایت ۲۳۰۶:۳
یارِ علّت ۲۵۶۳:۳	یا رَبش ۳۴۳۰:۴	یادم آمد قصه اهل ۲۶۰۰:۳
یار غالب ۲۸۷۷:۴	یارب و یارب اِجْرَنی	یادم آمد قصه هاروت ۷۹۶:۳
یارِ فرعون ۳۲۵۳:۴	۴۲۱۲:۶	یادمان آمد ۷۳۷:۴
یارِ فسقت ۳۴۲:۳	یارب و یارب برآرد ۴۶۸۸:۶	یاد من کن پیش ۳۴۰۲:۶
یا رَکان ۴۵۲:۶	یار، بیرون ۷۰۱:۲	یاد می‌کن آن ۲۴۰۷:۱
یار کرد او ۱۹۷۷:۶	یارِبی زو ۱۵۷۸:۱	یاد نآرد ۲۲۹۱:۴
یار کن ۱۵۸۹:۶	یا رَبی گوید ۳۰۱۶:۵	یاد نآری ۱۹۶۹:۵
یار گوید ۱۰۴۸:۵	یارِبی نآمد ۲۴۶۸:۳	یاد نآورد آن ۳۱۰:۳
یا زگیر ۲۳۵۸:۱	یارِ بینش شو ۳۱۹۲:۳	یاد نآورد او ۲۴۴۹:۳
یا رما آنجا ۵۰۰:۳	یار تو چون ۱۵۱۴:۵	یاد نآورده ۳۲۷۱:۶
یارم از زفتی ۱۱۷۷:۱	یار تو خورجین ۲۲۸:۳	یاد نآوردی ۷۷۲:۲

یار مغلوبان ۴: ۲۸۷۷#	یا سرم ۳: ۲۲۳	یافت شد گم ۵: ۲۲۸۸#
یارِ من ۱: ۱۱۷۶#	یا سر و سجده ۴: ۹۸۹	یافت شد و اندر ۵: ۲۲۸۹
یار موسی ۴: ۳۲۵۴	یا سَقیم ۳: ۲۲۲	یافتش رهن ۴: ۲۰۴۰#
یار ناخوش ۵: ۳۶۱۸	یا سَموم ۲: ۳۷۹۴#	یافتش زیرک ۲: ۸۴۴
یار نیکت ۳: ۳۴۲	یا سواره ۲: ۳۷۹۳#	یافت عقلی ۴: ۲۰۵۸#
یارها کن ۲: ۱۵۵۵	یا سويِ آخر ۳: ۲۸۴۱#	یافتم خلوت ۵: ۱۳۶۲
یاری از ۶: ۱۶۲۸#	یا سويِ ذاتِ الشَّمال ۶: ۲۱۹	یافتم در وی ۶: ۳۳۲۷#
یاریت در ۵: ۲۳۴۷	یا سه این بد ۳: ۸۵۱	یافتند از ۱: ۲۲۰#
یاری یارانِ ۵: ۲۴۲۱#	یا سه مه یا ۳۰: ۳۴۰	یافتند اندر ۶: ۲۴۵۷#
یاری ده ۵: ۲۳۴۶	یا سیاہ ۴: ۲۲۱#	یافتند و کارِ ۱: ۳۰۲۳#
یا ز اخترها ۳: ۴۴۸۳#	یا سیه رو ۶: ۱۲۰۶#	یافته از ۴: ۲۶۴۳#
یا ز بالایم ۳: ۲۹۷۴	یا شب مهتاب ۶: ۱۳	یافته، رسته ۵: ۱۷۰۱#
یا زبان همچون ۶: ۴۸۹۷	یا شفیع ۴: ۲۹۳۵#	یافته زان ۱: ۲۷۳۸#
یا ز بختِ ۱: ۸۲۴#	یا صَغیر ۲: ۵۹	یافتی از تیغ ۶: ۴۱۴۹#
یا ز بُرجی ۶: ۴۲۰۵#	یا طمع دارد ۲: ۲۰۳۱#	یافتی صحت ۳: ۳۰۷#
یا زبونِ ۳: ۲۲۶۷#	یا ظَعیناً ۴: ۳۸۱۳#	یافت یوسف ۵: ۱۱۰۵#
یا ز پاییزی ۱: ۲۰۶۲#	یا عدم دیده ۳: ۳۹۶۳	یا فراموش ۶: ۱۵۰۳
یا ز پنجه ۳: ۴۲۸۳#	یا عدوی ۶: ۲۵۱۸	یا فروزی ۴: ۲۹۹۲#
یا ز جنس ۳: ۲۳۲۹#	یا عصا ۶: ۱۳۰۳#	یا قلم را ۴: ۳۷۳۳
یا ز چاهی ۳: ۲۱۲۹	یا علم باشد ۴: ۲۲۱	یا کجا کردی ۵: ۳۴۳۰#
یا ز خونِ ۲: ۲۰۰۸#	یا علی از ۱: ۲۹۶۵	یا کدامین خاک ۶: ۲۸۳۲#
یا ز دردِ ۳: ۳۶۳۱#	یا غریباً ۴: ۳۸۱۲#	یا کدامین سقف ۱: ۲۰۷۸#
یا ز راهی ۶: ۴۲۰۲#	یا غیاث المستغیثین ۱: ۳۸۹۹	یا کرامی اذبحوا ۳: ۳۹۰۰
یا ز زندان ۲: ۶۲۲	یا غیاثان ۴: ۳۸۳۹#	یا کرامی ارحموا ۵: ۳۵۴۸
یا ز عریانان ۲: ۳۵۲۴	یا غیبی باشی ۴: ۲۷۶۶#	یا کسی دادست ۳: ۱۴۶۴#
یا ز عکسِ آن ۴: ۲۵۲۶#	یافت آسان ۳: ۴۵۲۳#	یا کسی کرد ۳: ۶۳۷#
یا ز عکسِ جوی ۴: ۲۵۱۸	یا فتاد ۶: ۲۹۷۶#	یا کسی کو ۴: ۳۳۵۹
یا ز قصر ۶: ۹۵۹#	یافت از غم ۳: ۳۳۲۱#	یا گشش ۳: ۴۴۵۲#
یا ز گشتی ها ۶: ۲۲۲۳#	یافت اندر ۶: ۳۰۶۶#	یا کلام بنده ۴: ۳۰۳۵
یا ز گاف و لامِ ۱: ۳۴۵۶#	یافت او ۶: ۴۶۴۷#	یا کلام حکمت ۴: ۳۴۶۰
یا ز مُصحف ها ۳: ۱۸۶۷#	یافت بار ۱: ۲۱۲۱#	یا کلوخ خشک ۵: ۸۵۴#
یا ز ناموس ۵: ۹۱۵#	یافت بینی ۶: ۲۸۱۳	یا کند آب ۴: ۲۸۱۳
یا ز نور ۵: ۱۳	یافت پالان ۱: ۴۱	یا کند بخل ۴: ۱۴۴۵
یا سخا آرد ۴: ۱۴۴۵#	یافت جانِ ۱: ۱۹۹۱#	یا که این ۵: ۴۰۷۶#
یا سراندازی ۶: ۴۱۶۸#	یافتش درویش ۲: ۲۲۳۷#	یا که بود آن ۵: ۳۵۲۳

یا که بی‌بنا؟ ۶:۳۶۷*	یا مرا شیر ۵:۲۲۶۱*	یا نمی‌دانی کرم‌های ۳:۳۱۰۷
یا که بی‌کاتب؟ ۶:۳۶۸*	یا مریض‌القلب ۵:۲۹۴	یا نمی‌دانی که ۳:۲۴۰۶
یا که بی‌گفتی ۴:۱۹۲۹*	یا مسلمان ۵:۳۳۹۹*	یا نویسند ۲:۳۵۸۴
یا که پانزده ۶:۱۱۱۶*	یا مسیحی ۴:۳۰۴۳	یا نهاله ۵:۱۹۶۱*
یا که پایش ۲:۳۷۹۴	یا مَصافِ ۳:۲۸۲۰*	یا نهان شد ۵:۱۰۰
یا که چوبا ۵:۲۹۷۱*	یا مظفر ۶:۴۰۷۶	یا نه این است ۱:۲۴۷۴
یا که خود را؟ ۵:۲۰۲۱*	یا معلم ۶:۴۸۲۴*	یا نه جنگ است ۱:۲۴۷۳
یا که دید چارقش ۶:۲۴۱	یا مکانی ۲:۸۳۴	یا نهنگی ۶:۲۳۰۱*
یا که رحمت ۳:۱۷۷۷*	یا مگر آن ۱:۸۹۰	یا نیامد ۵:۳۵۲۲*
یا که فردا ۶:۲۷۱۵*	یا مگر ابری ۵:۷۰۳	یا وصال ۶:۴۲۰۲
یا که قهری ۳:۱۵۰۷*	یا مگر از ۶:۲۲۱۵*	یا وظیفه کن ۲:۶۲۲۲*
یا که کفش ۳:۳۵۴۸	یا مگر با ۳:۱۲۸۱*	یا ولی ۳:۳۳۵۳
یا که کُنجد ۶:۲۱۹۶*	یا مگر پیش ۲:۱۵۲۲*	یا وه تاز ۲:۶۱۶*
یا که لنگی ۳:۱۵۴۵*	یا مگر حِلمی ۵:۲۵۷*	یا وه دید ۵:۱۱۸*
یا که وا یاد ۵:۴۱۵۵*	یا مگر خود ۴:۳۳۸۰*	یا وه شد همیان ۲:۳۴۷۹
یا گرو بسته‌ست ۲:۲۰۳۲	یا مگر دیوت ۶:۲۰۵۳	یا وه کم رَو ۵:۳۱۲۳*
یا گریز از ۶:۳۷۵	یا مگر زین ۶:۵۵	یا وه گشت ۵:۲۲۴۷*
یا گریزد ۱:۳۵۶۹*	یا مگر فرعون ۵:۱۲۳۳	یا همه بسط ۳:۳۷۶۵*
یا گریزی ۵:۳۱۱۹	یا مگر مرده ۳:۲۷۶۷	یا همی دانی ۵:۵۴۲
یا گواه و حجتی ۲:۳۵۹۵	یا ملول ۶:۲۰۵۲*	یا خرج ۵:۱۰۱۹
یا گهی باشد ۱:۱۹۷۷*	یا منافق وار ۲:۳۰۶۷	یا یَخْنِی ۱:۳۱۰۶*
یا لقب ۴:۲۲۲*	یا منم دیوانه ۳:۲۰۲۵	یا یُرْزُقُونَ ۱:۳۸۷۲*
یا مُبْدَل ۳:۳۵۹۲*	یا مُنیرُ الْخَدَّ ۳:۳۸۴۰	یا یُرْزُقُونَک ۵:۴۹۹*
یا مبین ۳:۶۰۳*	یا مویز و جَوَز ۴:۲۵۷۸*	یا یَسْتَوِی الاعمی ۳:۱۷۵۵*
یا مثال شیخ ۴:۱۹۲۹	یا مویز و جَوَز یا ۵:۱۲۸۸*	یا یسر با عسر است ۵:۳۶۱
یا مثال کشتی ۱:۴۵۵*	یا نبود آن ۵:۳۵۲۲	یا یشم را آنکه ۲:۱۱۰
یا مثال یخ ۶:۱۸۰۱	یا نثار ۴:۳۱۳۶*	یا یَشْهَدُ اللَّهُ ۱:۳۶۴۵
یا مجیرالعقل ۵:۱۹۱۱	یا نجوم ۴:۱۵۱۶*	یا یُطِعم و ۱:۳۷۴۰*
یا محبت ۱:۲۶۳۷	یا ندیدی ۳:۳۱۰۰	یا یُطلب الإنسان ۳:۳۷۱
یا محب حق ۳:۴۵۹۹	یا نظَر و ۶:۴۰۷۶*	یا یُعْجَبُ ۱:۳۱۶۸*
یا محک باید ۲:۷۴۷	یا نکاحی ۵:۱۳۷۳*	یا یعرفون ۳:۳۶۶۳
یا محمد ۳:۳۱۶۱*	یا نکردی ۴:۲۲۵۹*	یا یعنی آب رَو ۱:۲۶۲۰*
یا مرا خواندست ۳:۲۲۳*	یا نگفتی ۱:۳۸۸۸*	یا یعنی آمد ۱:۱۲۵۴*
یا مراد ۶:۴۲۰۵	یا نمازش ۵:۱۲۶۶*	یا یعنی او ۴:۱۳۷۲*
یا مرا ز اسباب ۱:۱۷۰۶*	یا نمی‌بینی ۵:۵۵۶	یا یعنی ای شاهان ۳:۲۱۶۶

یعنی ای مطرب ۱:۱۸۳۲	یک جماعت ۲:۲۸۰۸	یک دل و یک قبله ۴:۳۸۲۸*
یعنی این غم ۵:۱۹۵۴	یک جوابی ۶:۲۵۵۴*	یکدل و یک کار ۱:۳۰۸۵*
یُقْتَنُونَ ۳:۷۴۵*	یک جوالم ۲:۳۱۹۹	یک دم ار مجنون ۴:۱۵۳۵
یقطه آمد ۴:۱۵۲۴	یک جوانی بر ۳:۴۷۴۹	یک دَمَت غایب ۲:۲۵۳۳*
یقطه‌شان ۲:۳۸	یک جوانی را ۴:۱۹۹۳	یک دَمَت زخم ۱:۱۵۹۸*
یک ابوبکری ۵:۸۵۹*	یک جهان بی ۵:۲۶۱۵	یک دَمَم با ۲:۱۱۶۳
یک اثر نه ۴:۲۱۲۹	یک جهان پُر شب ۴:۱۶۶۳*	یکدم هجران ۶:۲۶۷۴
یک از ایشان را ۳:۲۲۸۹	یک جهان پُر گل ۴:۳۵۴۳*	یک دَمی آن ۳:۳۴۱۸*
یک امیری آمد ۲:۳۲۱۱*	یک جهودی ۱:۳۹۷۱	یک دمی بالا ۶:۹۰۸*
یک امیری زان ۱:۶۹۶	یک چراغی ۵:۳۹۶۰	یک دمی بگذار ۶:۲۵۲۸*
یک بدست ۲:۲۱۶۶	یک حدیث‌انداز ۲:۳۱۷۷*	یک دمی دیگر ۳:۲۴۲۸
یک برادر ۴:۲۶۹	یک حکایت بشنواز ۳:۹۷۶	یک دوباره ۳:۲۹۶۴*
یک بلا از ۶:۲۷۶۵	یک حکایت بشنو ای	یک دو پندش ۱:۱۸۴۵
یک بمیرد ۴:۴۵۲	گوهرشناس ۲:۱۱۱	یک دو چرخ ۳:۴۶۹۳*
یک بُود ۴:۴۵۲*	یک حکایت بشنو اینجا	یک دو دَم ۵:۱۷۷۱*
یک بهانه ۲:۲۱۸۹*	۶:۲۳۷۶	یک دورمزی ۳:۱۷۶*
یک به یک پُش ۶:۲۲۸۹*	یک حکایت گوش ۳:۳۹۲۲	یک دوروز از ۱:۳۲۶۸*
یک به یک با آن ۵:۳۹۶۶*	یک حکایت گویمت ۲:۵۷۸	یک دوروزش ۶:۲۷۵۲*
یک به یک برخوان ۱:۶۵۶*	یک حکایت هست ۳:۴۶۰۴	یک دوروزی ۱:۹۷۸*
یک به یک تنها ۱:۶۵۰*	یک حکیمی ۵:۵۳۶	یک دو کاغذ ۱:۲۹۳۴*
یک به یک را حاجبه ۵:۲۲۵۳	یک خرش گفتی ۵:۹۱۰	یک دو گامی ۵:۲۵۱۵
یک به یک را نام ۱:۳۵۳۷*	یک خلافی ۶:۴۱۳۵	یک دو میدان ۳:۲۵۷۳
یک به یک ز آن ۲:۲۸۵۱*	یک خلیفه ۱:۲۲۴۴	یک دهان پنهانست ۶:۲۰۰۲*
یک به یک واگفت ۴:۱۸۳۸*	یک خیال زشت ۳:۳۰۴۳*	یک دهان خواهم ۵:۱۸۸۴
یک به یک و امی‌شناسم	یک خیال نیک ۳:۳۰۴۳	یک دهان دارم ۵:۴۲۱۲
۱:۳۵۰۹	یک دَر از ۴:۱۹۶*	یک دهان نالان ۶:۲۰۰۳
یک بیمه ۲:۱۵۷	یک در توبه‌ست ۴:۲۵۰۶*	یک رگم زیشان ۲:۲۱۱۸
یک پَر ۶:۴۱۴۱*	یک درخت از ۳:۲۰۴۹	یک ز دیگر ۲:۳۷۱۳*
یک پسر دارد ۴:۱۹۴	یک درخت بخت ۴:۳۵۶۴	یک زمان از آتش ۶:۳۸۹۱
یک پلنگی ۶:۴۸۳۲	یک دَرمتان ۲:۳۶۹۰	یک زمان از رهزنی ۵:۱۲۱۸*
یک ترش در ۵:۲۵۳۱	یک درم خواهی ۶:۲۷۱۵	یک زمان از وی ۴:۳۷۲۹
یک تنه ۳:۴۱۴۲*	یک دعا ۳:۲۳۲۲*	یک زمان بگذار ۲:۱۹۰
یک تنی او ۳:۱۱۵۳	یکدگر را بنگریدند ۳:۲۰۵۹*	یک زمان بیکار ۲:۹۹۶
یک جزیره ۵:۲۸۵۵	یک دگر را جد ۳:۴۵۵۹	یک زمان پُریاد ۴:۵۴۷*
یک جفا از ۳:۶۲۳	یکدگر را مزده ۴:۸۴۱	یک زمان تنها ۴:۸۰۵

یک کنیزک یک ۱۳۳۳:۵	یک صباحی ۱۷۷۵:۳	یک زمانی هر ۲۴۱۸:۶
یک گروه از ۱۱۱۵:۴	یک صبحی در ۱۵۵۸:۱*	یک زمین ۵۴:۳
یک گروه دیگر ۱۵۰۰:۴	یک صغیری ۸۵۹:۴*	یک زنی آمد ۲۶۵۷:۴
یک گُزه را بر ۴۸۲۰:۶	یک صَنَم چون ۷۶۷:۳*	یک زنی با ۷۸۳:۱
یک گُزه را جمله ۱۴۹۸:۴	یک طبق ۴۲۶:۲*	یک زیان دفع ۳۳۴۰:۳
یک گُزه را خود ۱۴۷۴:۲	یک طبیبی ۷۳۹:۳*	یک سبب انگیخت ۲۲۴۵:۵
یک گُزه را ظاهر ۱۴۷۵:۲	یک طرب ز آواز ۱۹۱۴:۱*	یک سبد پُر ۱۰۷۳:۵
یک گره مستغرق ۱۵۰۶:۴	یک عذاب ۸۴۰:۵*	یک سبوشان ۳۷۲۸:۲*
یک گزی ره ۳۷۶۴:۲	یک عرابی ۳۱۷۶:۲	یک ستاره ۳۳۹۷:۵
یک گلیم آور ۲۱۷۳:۲*	یک عروسی ۳۱۷۸:۴	یک سخن از دوزخ ۴۲۸۱:۶
یک گمانِ نیک ۲۰۳۳:۲*	یک عنایت ۳۸۳۹:۶	یک سخن از شهر ۴۲۸۱:۶*
یک گهر بودیم ۶۸۷:۱	یک غریبی ۷۸۲:۶	یک سر انگشت ۳۵۵۶:۱
یک مثال ای ۱۴۹۶:۱	یک فرح آن ۱۹۱۹:۶	یک سَرَت بود ۴۶۵۶:۶*
یک مثال دیگر ۲۸۲۵:۲	یک فسانه ۱۰۴۶:۲	یک سر رشته ۲۷۴۰:۶
یک مثالی در ۱۶۱۳:۶*	یک فقیه از ۳۸۱۸:۶*	یک سر مواز تو ۳۹۴۱:۱
یک مُرید او ۱۸۱۰:۴*	یک فقیه و یک ۲۱۶۸:۲	یک سر مویی ۴۲۴۹:۳*
یک مریدی ۱۲۷۱:۵	یک فقهی ۱۵۷۸:۴	یک سَری بر ۲۷۳۳:۶
یک مناره ۲۸۷۰:۴	یک قدح می نوش ۱۵۶۱:۱	یک سرینه ۱۹۹۲:۴
یک مؤذن داشت ۳۳۶۷:۵	یک قدم آن ۲۰۲۳:۳*	یک سنگ است ۶۳۸:۲
یک مؤذن کاو ۱۷۴:۳*	یک قدم چون پیل ۱۷۸۰:۲*	یک سگی در ۲۳۵۴:۲
یک مهی مهمان ۲۹۷۹:۶	یک قدم چون رخ ۱۷۸۰:۲	یک سلامی نشنود ۲۴۷۰:۶
یک نشان آدم ۲۱۱۹:۲	یک قدم ز آن ۱۷۸۴:۶*	یک سلامی نشنوی ۳۳۵۸:۳
یک نشان آنکه ۳۳۹۲:۲	یک قدم زد ۱۵۰۲	یک سواره تاخت ۳۰۳۰:۶
یک نشان بر ۲۸۶۹:۲*	یک قدم فا پیش ۴۲۶۴:۳*	یکسواره کوفت ۴۱۴۱:۳*
یک نشان دیگر ۲۱۲۰:۲	یک قلاووزست ۲۴۹۹:۱*	یک سواره نقش ۳۷۷۲:۳*
یک نشان، که ۱۶۷۳:۲*	یک قناعت پُ ۳۷۸۴:۶*	یک سواره می‌رود ۱۳۹۴:۲
یک نشانی آنکه او ۱۶۷۲:۲	یک کدویی ۱۳۳۵:۵	یک سواری ۳۱۶۳:۲
یک نشانی آنکه این ۱۶۷۴:۲	یک کریمی ۷۳۸:۳*	یک سؤال اَشْتَم ۱۳۰:۶
یک نشانی سهل‌تر ۷۹۰:۳*	یک کس نامستمع ۱۵۳۳:۵	یک سؤال مانند ۲۴۱۶:۲*
یک نشانی که بخندد ۱۶۷۳:۲	یک کف گندم ۱۴۱:۴	یک سؤالی دارم ۱۳۸۲:۳*
یک نشانی که تو ۱۶۷۲:۲*	یک کفی پُز بود ۱۶۹۱:۵*	یک سیه دیوی ۳۱۴۸:۴
یک نشد با جان ۱۵۵:۶*	یک کمین ۸۰۵:۳	یک شب اعرابی ۲۲۵۲:۱
یک نصاب ۱۰۳۳:۶	یک کنیزک بود ۳۹۴۲:۶	یک شبی بر ۶۲۱:۶*
یک نظر انداخت ۹۵۸:۱*	یک کنیزک دارد ۳۸۳۲:۵	یک شفالی ۷۲۷:۳
یک نظر او ۲۸۶۳:۳	یک کنیزک دید ۳۸:۱	یک شه دیگر ۷۴۰:۱

یک نشان آدم ۲: ۲۱۱۹	یک یهودی ۱: ۳۹۷۲*	یوسفم، گرگ ۳: ۳۷۸۶*
یک نشان آنکه ۲: ۳۳۹۲	يَنْفُذُوا ۶: ۲۲۹*	یوسف مه رُو ۲: ۹۱۸
یک نشان بر ۲: ۲۸۶۹*	يَنْفَعَنَّ ۳: ۷۴۰*	یوسف وقتی دو ۶: ۳۹۹۰
یک نشان دیگر ۲: ۲۱۲۰	یورتگه نزدیک ۳: ۳۷۱۱*	یوسف وقتی و خورشید
یک نشان، که ۲: ۱۶۷۳*	یوسفا آمد ۲: ۱۲۷۷	۲: ۳۱۳۴
یک نشانی آنکه او ۲: ۱۶۷۲	یوسفا، داری ۶: ۳۴۱۱*	یوسف و موسی ۶: ۳۰۵۸
یک نشانی آنکه این ۲: ۱۶۷۴	یوسف از زن ۶: ۳۸۶۳	یوسفی جستم ۶: ۱۰۸۸
یک نشانی سهل تر ۳: ۷۹۰*	یوسف است ۶: ۳۰۹۲*	یوسفی را، تا بُود ۶: ۳۰۵۵*
یک نشانی که بخندد ۲: ۱۶۷۳	یوسفا کم ۳: ۲۱۸*	یوسفی را چون ۵: ۱۳۷۱*
یک نشانی که تو ۲: ۱۶۷۲*	یوسفان از رشک ۲: ۱۴۰۵	یوسفی شد ۳: ۳۱۷۴
یک نشد با جان ۶: ۱۵۵*	یوسفان از مکر ۲: ۱۴۰۶	یوغ بر گردن ۲: ۱۶۳۲*
یک نصاب ۶: ۱۰۳۳	یوسفان چنگال ۶: ۴۵۷۲	يَوْمَ تُبْلَى السَّرَايِرُ ۱: ۳۵۹۹*
یک نظر انداخت ۱: ۹۵۸*	یوسف اندر ۲: ۶۰۹	يَوْمَ تَبْيَضُّ وَ تَسْوَدُّ وُجُوهُ
یک نظر او ۳: ۲۸۶۳	یوسفان زایند ۳: ۴۶۸۹*	۱: ۳۵۱۱*
یک نظر حرصش ۳: ۲۸۶۳*	یوسفان غیب ۵: ۲۵۲۶	يَوْمَ تَبْيَضُّ وَ تَسْوَدُّ وُجُوهُ
یک نظر دو کُون ۶: ۱۴۶۴*	يُوسُفَانَهُ آن ۴: ۶۷۳*	۱: ۳۵۲۴*
یک نظر دو گز ۶: ۱۴۶۴	یوسف حسنی ۲: ۱۲۷۶	یوم دین که ۱: ۳۲۷۶
یک نظر قانع ۲: ۲۹۴۷	یوسفِ خود ۶: ۲۷۵۳*	یوم لایخزی ۴: ۶۱۱
یک نفس حمله ۳: ۴۰۵۶	يُوسُفِستَانِي ۶: ۱۰۸۸*	يَهْرَبُ الْمَوْلُودُ ۵: ۱۵۰۰*
یک نماید سنگ ۱: ۲۹۲۴*	یوسفِ صدیق ۱: ۳۱۵۷*	يَوْمُنُوكُمْ ۳: ۲۸۳۵*
یک هبوطش ۶: ۲۷۶۵*	یوسفم در حبس ۶: ۲۷۹۵	يَوْمُنُونَ بِالْغَيْبِ ۱: ۳۶۲۸*
یک همی گویم ۱: ۱۷۶۲*	یوسفم را ۶: ۲۰۱۵*	یونس ات در بطن ۲: ۳۱۳۵
یک یک از ۵: ۳۵۰۸*	یوسفِ مظلوم ۶: ۲۷۹۰*	یونسِ محجوب ۲: ۳۱۴۰*

فهرست تفصیلی

عنوان‌ها، حکایت‌ها و تمثیل‌های مثنوی

دفتر اوّل

- * حکایت عاشق شدن پادشاهی بر کنیزکی و خریدن پادشاه، کنیزک را. ۳۵:۱
- * تمثیل خر و پالان. ۴۱:۱
- * تمثیل کوزه و آب. ۴۲:۱
- * ظاهر شدن عجز حکیمان از معالجه کنیزک بر پادشاه، و روی آوردن پادشاه به درگاه خدا و خواب دیدن شاه، ولی را. ۵۵:۱
- * از خداوند ولیّ التّوفیق درخواستنِ توفیق، رعایتِ ادب در همه حال‌ها و بیان کردنِ وخامتِ ضررهای بی‌ادبی. ۷۸:۱
- * ملاقاتِ پادشاه با آن طیبِ الهی که در خوابش بشارت داده بودند به ملاقاتِ او. ۹۳:۱
- * بردن پادشاه، آن طیب را بر سر بیمار تا حال او را ببیند. ۱۰۲:۱
- * خلوتِ طلبیدنِ آن ولی از پادشاه با کنیزک، جهت دریافتنِ رنجِ کنیزک. ۱۴۴:۱
- * تمثیل خلیدنِ خار در پا. ۱۵۰:۱
- * تمثیل خر و خار. ۱۵۴:۱
- * دریافتنِ آن ولی، رنج را و عرض کردنِ رنج او را پیش پادشاه. ۱۸۲:۱
- * فرستادنِ شاه، رسولان به سمرقند به آوردنِ زرگر. ۱۸۵:۱
- * بیان آنکه کشتن و زهر دادنِ مرد زرگر به اشارتِ الهی بود نه به هوای نفس و تأملِ فاسد. ۲۲۲:۱
- * حکایتِ مرد بقال و طوطی و روغن ریختنِ طوطی در دکان. ۲۴۷:۱
- * تمثیل صیاد و صغیر. ۳۱۷:۱
- * داستانِ آن پادشاهِ جهود که نصرانیان می‌کُشت از بهرِ تعصّب. ۳۲۴:۱

- * تمثیل استاد و شاگردِ اَحوَل. ۳۲۷:۱
- * آموختن وزیر، مکر، پادشاه را. ۳۳۸:۱
- * تلبیس وزیر، با نصارا. ۳۴۸:۱
- * قبول کردنِ نصارا، مکر وزیر را. ۳۶۳:۱
- * متابعت کردنِ نصارا، وزیر را. ۳۷۱:۱
- * تمثیل موش و انبار گندم. ۳۷۷:۱
- * تمثیل دزد و شرارهٔ آتش. ۳۸۴:۱
- * تمثیل شب و زندانیان. ۳۹۰:۱
- * قصهٔ دیدن خلیفه، لیلی را. ۴۰۷:۱
- * تمثیل خفتهٔ محتمل. ۴۱۳:۱
- * تمثیل صیاد و سایه پرنده. ۴۱۷:۱
- * بیان حسد وزیر. ۴۳۷:۱
- * فهم کردنِ حاذقانِ نصارا، مکر وزیر را. ۴۴۶:۱
- * پیغام شاه، پنهان مر وزیر را. ۴۵۵:۱
- * بیان دوازده سبط از نصارا. ۴۵۸:۱
- * تخلیط وزیر، در احکام انجیل. ۴۶۳:۱
- * بیان آن که این اختلاف در صورتِ روش است، نئی در حقیقتِ راه. ۵۰۰:۱
- * بیان خسارت وزیر در این مکر. ۵۲۱:۱
- * مکر دیگر انگیزتنِ وزیر در اِضلالِ قوم. ۵۴۹:۱
- * دفع گفتنِ وزیر، مریدان را. ۵۶۵:۱
- * مکرر کردنِ مریدان که خلوت را بشکن. ۵۷۸:۱
- * جواب گفتنِ وزیر که خلوت را نمی‌شکنم. ۵۹۱:۱
- * اعتراضِ مریدان، بر خلوتِ وزیر. ۵۹۵:۱
- * نومید کردنِ وزیر، مریدان را از رفضِ خلوت. ۶۴۳:۱
- * ولیعهد ساختنِ وزیر، هریک امیر را جدا جدا. ۶۵۰:۱
- * کشتنِ وزیر، خویشتن را در خلوت. ۶۶۲:۱
- * طلب کردنِ اَنتِ عیسی علیه السَّلام از امرا که: ولیعهد از شما کدام است؟ ۶۶۸:۱
- * منازعتِ امرا در ولیعهدی. ۶۹۶:۱
- * تعظیمِ نعتِ مصطفی علیه السلام که مذکور بود در انجیل. ۷۲۷:۱
- * حکایتِ پادشاه جهود دیگر که در هلاک دین عیسی سعی نمود. ۷۳۹:۱
- * حکایتِ پادشاه جهود دیگر که در هلاک دین عیسی سعی می‌نمود. ۷۶۹:۱
- * به سخن آمدنِ طفل در میان آتش و تحریض کردنِ خلق را در افتادن به آتش. ۷۸۳:۱
- * کز ماندنِ دهان آن مرد، که نام محمّد (علیه السلام) به تسخّر خواند. ۸۱۲:۱

- * عتاب کردن آتش را، آن پادشاه جهود. ۸۲۳:۱
- * قصه باد که در عهد هود (علیه‌السلام) قوم عاد را هلاک کرد. ۸۵۴:۱
- * طنز و انکار کردن پادشاه جهود، و قبول نا کردن نصیحت خاصان خویش. ۸۶۹:۱
- * بیان توکل و ترک جهد گفتن نخچیران به شیر. ۹۰۰:۱
- * جواب گفتن شیر، نخچیران را، و فایده جهد گفتن. ۹۰۴:۱
- * ترجیح نهادن نخچیران، توکل را بر جهد و اکتساب. ۹۰۸:۱
- * ترجیح نهادن شیر، جهد و اکتساب را بر توکل و تسلیم. ۹۱۲:۱
- * ترجیح نهادن نخچیران، توکل را بر اجتهاد. ۹۱۵:۱
- * باز ترجیح نهادن شیر، جهد را بر توکل. ۹۲۹:۱
- * باز ترجیح نهادن نخچیران، توکل را بر جهد. ۹۴۸:۱
- * نگرستن عزرائیل بر مردی، و گریختن آن مرد در سرای سلیمان و تقریر ترجیح توکل، بر جهد و قلت فایده جهد. ۹۵۶:۱
- * باز ترجیح نهادن شیر، جهد را بر توکل و فواید جهد را بیان کردن. ۹۷۱:۱
- * مقرر شدن ترجیح جهد، بر توکل. ۹۹۲:۱
- * انکار کردن نخچیران، بر خرگوش در تأخیر رفتن بر شیر. ۹۹۸:۱
- * جواب خرگوش، نخچیران را. ۱۰۰۰:۱
- * اعتراض نخچیران، بر سخن خرگوش. ۱۰۰۵:۱
- * جواب خرگوش، نخچیران را. ۱۰۰۸:۱
- * ذکر دانش خرگوش و بیان فضیلت و منافع دانش. ۱۰۲۷:۱
- * تمثیل خار و جویبار. ۱۰۳۶:۱
- * باز طلبیدن نخچیران از خرگوش، سر اندیشه او را. ۱۰۴۱:۱
- * منع کردن خرگوش، راز را از ایشان. ۱۰۴۵:۱
- * تمثیل دام و پرندگان. ۱۰۵۰:۱
- * قصه مکر خرگوش. ۱۰۵۵:۱
- * زیافت تأویل مگس. ۱۰۸۲:۱
- * تولیدن شیر از دیر آمدن خرگوش. ۱۰۹۱:۱
- * هم در بیان مکر خرگوش. ۱۱۰۷:۱
- * تمثیل سوار و اسب گمشده. ۱۱۱۵:۱
- * تمثیل رنگها و نور. ۱۱۲۱:۱
- * آمدن خرگوش نزد شیر و خشم شیر بر وی. ۱۱۵۰:۱
- * عذر گفتن خرگوش. ۱۱۵۷:۱
- * جواب گفتن شیر، خرگوش را، و روان شدن با او. ۱۱۸۱:۱
- * قصه هدهد و سلیمان در بیان آنکه چون قضا آید چشمهای روشن، بسته شود. ۱۲۰۲:۱

- * طعنه زاع، بر دعوی هُدهُد. ۱:۱۲۲۱
- * جواب گفتنِ هُدهُد، طعنه زاع را. ۱:۱۲۲۷
- * قصه آدم علیه السلام و بستنِ قضا، نظر او را از مراعاتِ صریحِ نهی و ترکِ تأویل. ۱:۱۲۳۴
- * پای واپس کشیدنِ خرگوش از شیر، چون نزدیکی چاه رسید. ۱:۱۲۶۳
- * پرسیدنِ شیر، از سبب پا واپس کشیدنِ خرگوش. ۱:۱۲۹۷
- * نظر کردنِ شیر، در چاه و دیدنِ عکسِ خود را، و آن خرگوش را در آب. ۱:۱۳۰۴
- * مژده بردنِ خرگوش سوی نخچیران که شیر در چاه افتاد. ۱:۱۳۳۹
- * جمع شدنِ نخچیران گرد خرگوش و ثنا گفتن، او را. ۱:۱۳۵۷
- * تفسیرِ رَجَعْنَا مِنَ الْجِهَادِ الْأَصْغَرِ إِلَى الْجِهَادِ الْأَكْبَرِ. ۱:۱۳۷۳
- * آمدنِ رسولِ روم تا امیرالمؤمنین (رض) و دیدنِ او، کراماتِ عمر. ۱:۱۳۹۰
- * یافتنِ رسولِ روم امیرالمؤمنین عُمَرُ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ، خفته در زیرِ نخل. ۱:۱۴۱۵
- * سلام کردنِ رسولِ روم، امیرالمؤمنین را (رض). ۱:۱۴۲۷
- * سؤال کردنِ رسولِ روم، از امیرالمؤمنین (رض). ۱:۱۴۴۶
- * اضافتِ کردنِ آدم، آن زلفت را به خویشتن که رَبَّنَا ظَلَمْنَا و اضافتِ کردنِ ابلیس، گناهِ خود را به خدا که بِمَا أَغْوَيْنْتِي. ۱:۱۴۸۰
- * تمثیلِ دستِ لرزان. ۱:۱۴۹۶
- * تفسیرِ وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَمَا كُنْتُمْ. ۱:۱۵۰۹
- * سؤال کردنِ رسولِ از عُمَرُ (رض) از سببِ ابتلايِ ارواح، با این آب و گِلِ اجساد. ۱:۱۵۱۵
- * در سیرِ آن که مَنْ أَرَادَ أَنْ يَجْلِسَ مَعَ اللَّهِ فَلْيَجْلِسْ مَعَ أَهْلِ التَّصَوُّفِ. ۱:۱۵۲۹
- * قصه بازرگان که طوطی، او را پیغام داد به طوطیان هندوستان هنگام رفتن به تجارت. ۱:۱۵۴۷
- * صِفَتِ أَجْنَحِهِ طَيُورِ عَقُولِ الْهَى. ۱:۱۵۷۵
- * تفسیرِ قولِ فریدالدین العطار (قَدَسَ اللَّهُ سِرَّهُ) تو صاحبِ نفسی ای غافل، میانِ خاک، خون می خور که صاحبِ دل اگر زهری خورد، آن انگبین باشد. ۱:۱۶۰۳
- * تعظیمِ ساحران، مرموسی را (علیه السلام) که چه فرمایی؟ اوّل تو اندازی عصا؟ یا ما؟ ۱:۱۶۱۵
- * بازگفتنِ بازرگان، با طوطی آنچه دید از طوطیان هندوستان. ۱:۱۶۴۹
- * شنیدنِ آن طوطی، حرکتِ آن طوطیان، و مُردنِ آن طوطی در قفس، و نوحه خواجه بروی. ۱:۱۶۱۹
- * تفسیرِ قولِ حکیم
- به هرچ از راه و امانی، چه کفر آن حرف و چه ایمان
- به هرچ از دوست دور افتی، چه زشت آن نقش و چه زیبا و در معنیِ قوله علیه السلام: إِنَّ سَعْدَ الْغَيُورِ وَأَنَا أَغْيَرُ مِنْ سَعْدٍ وَاللَّهُ أَغْيَرُ مِنِّي وَمِنْ غَيْرَتِهِ «حَرَّمَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ». ۱:۱۷۶۳
- * رجوع به حکایت خواجه تاجر. ۱:۱۸۱۴
- * برون انداختنِ مردِ تاجر، طوطی را از قفس و پریدنِ طوطی مُرده. ۱:۱۸۲۵
- * وداخ کردنِ طوطی، خواجه را و پریدنِ او. ۱:۱۸۴۵

- * مضرتِ تعظیم خلق و انگشت نمائی شدن. ۱۸۴۹:۱
- * تفسیرِ ما شاء الله کان. ۱۸۷۸:۱
- * داستان پیرِ چنگی که در عهدِ عُمر (رض) از بهر خدا روزِ بینوایی، چنگ زد میانِ گورستان. ۱۹۱۳:۱
- * در بیان این حدیث که إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامٍ دَهْرَكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَّا فَتَعَرَّضُوا لَهَا. ۱۹۵۱:۱
- * قصهٔ سؤال کردن عایشه (رض) از مصطفی (علیه السلام) که امروز باران بارید، چون تو سویی گورستان رفتی جامه های تو چون تر نیست؟ ۲۰۱۲:۱
- * تفسیر بیت حکیم. ۲۰۳۵:۱
- * در معنی این حدیث که اِغْتَنِمُوا بَرْدَ الرَّبِيعِ إِلَى آخِرِهِ. ۲۰۴۶:۱
- * پرسیدن صدیقه (رض) از مصطفی (ص) که سَرِّ بارانِ امروزینه چه بود؟ ۲۰۶۰:۱
- * بقیه قصهٔ پیر چنگی و بیان مَخْلَصِ آن. ۲۰۷۲:۱
- * در خواب گفتنِ هاتف، مرعُمر را (رض) که چندین زر از بیت المال به آن مُرده ده که در گورستان خفته است. ۲۱۰۴:۱
- * نالیدن ستونِ حنّانه چون برای پیغامبر علیه السلام منبر ساختند که جماعت انبوه شده بود، گفتند: ما رویِ مبارکت را به هنگامِ وعظ نمی‌بینیم، و شنیدنِ رسول و صحابه آن ناله را و سؤال و جوابِ مصطفی با ستون، صریح. ۲۱۱۳:۱
- * اظهارِ معجزهٔ پیغامبر (علیه السلام)، به سخن آمدنِ سنگ‌ریزه در دست ابوجهل (عَلَيْهِ اللَّعْنَةُ) و گواهی دادنِ سنگ‌ریزه بر حقیقتِ محمد (علیه الصلوة والسلام). ۲۱۵۴:۱
- * بقیه قصهٔ مطرب و پیغام رسانیدن امیرالمؤمنین عُمر (رض) با او آنچه هاتف آواز داد. ۲۱۶۱:۱
- * گردانیدن عُمر (رض) نظری او را از مقامِ گریه که هستی است به مقامِ استغراق که نیستی است. ۲۱۹۹:۱
- * تفسیر دعای آن دو فرشته که هر روز بر سر هر بازاری مُنادی می‌کنند که اَللّهُمَّ اَعْطِ كُلَّ مُنْفِقٍ خَلْفًا، اَللّهُمَّ اَعْطِ كُلَّ مُسْبِكٍ تَلْفًا و بیان کردنِ آنکه آن منفق، مجاهدِ راه حق است، نئی مسرفِ راهِ هوا. ۲۲۲۳:۱
- * قصهٔ خلیفه که در کَرَم در زمانِ خود از حاتم طایی گذشته بود و نظیر خود نداشت. ۲۲۴۴:۱
- * قصهٔ اعرابیِ درویش و ماجرای زنِ او با او به سببِ قَلَت و درویشی. ۲۲۵۲:۱
- * مغرور شدنِ مریدانِ محتاج به مدعیانِ مُزَوَّر و ایشان را شیخ و محتشم و واصل پنداشتن و نقل را از نقد فرق نادانستن و بر بسته را از بر رُسته. ۲۲۶۴:۱
- * در بیان آنکه نادر افتد که مُریدی در مدعیِ مُزَوَّر اعتقاد به صدق بندد که او کسی است و بدین اعتقاد به مقامی برسد که شیخش در خواب ندیده باشد و آب و آتش او را گزند نکند و شیخش را گزند کند ولیکن به نادر باشد. ۲۲۸۳:۱
- * صبر فرمودنِ اعرابی زن را و فضیلتِ صبر و فقر گفتنِ با زنِ خود. ۲۲۸۸:۱
- * نصیحت کردنِ زن، مرشوی را که سخن افزون از قدم و از مقامِ خود مگویم تقوُلون ما لا تَفْعَلون که این سخن‌ها اگرچه راست است این مقام توکل تو را نیست و این سخن گفتنِ فوق مقام و معاملهٔ خود زیان دارد. و کَبِرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ باشد. ۲۳۱۵:۱

- * نصیحت کردنِ مرد، مرزن راکه در فقیران به خواری منگرو در کارِ حق به گمانِ کمال نگر و طعنه مزین بر فقر و در فقیران به خیال و گمانِ بینوایی خویشتن. ۲۳۴۲:۱
- * در بیان آنکه جنبیدنِ هرکسی از آنجا که وی است هرکس را از جنبه وجود خود ببیند تابه کیود آفتاب را کیود نماید و سرخ، سرخ نماید چون تابه از رنگ ها بیرون آید سپید شود از همه تابه های دیگر او راستگوی تر باشد و امام باشد. ۲۳۶۵:۱
- * مراعات کردنِ زن، شوهر را و استغفار نمودن از گفته خویش. ۲۳۹۴:۱
- * در بیان این خبر که إِنَّهُمْ يَغْلِبُونَ الْعَاقِلَ وَيَغْلِبُهُنَّ الْجَاهِلُ. ۲۴۳۳:۱
- * تسلیم کردنِ مرد، خود را به آنچه التماس زن بود از طلب معیشت و این اعتراض زن را اشارت حق دانستن.
- بـنـزـد عـقـل هـر دـانـنـده ای هـست که با گردنده گرداننده ای هست. ۲۴۳۸:۱
- * در بیان آنکه موسی و فرعون هر دو مسخرِ مشیت اند چنانکه پازهر و زهر و ظلمات و نورو مناجات کردنِ فرعون به خلوت تا ناموس نشکند. ۲۴۴۷:۱
- * سببِ جرمانِ اشقیا از دو جهان که خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ. ۲۴۸۲:۱
- * حقیر و بی خصم دیدنِ دیده های حس، صالح و نافع صالح را، چون خواهد که حق لشکری را هلاک کند در نظر ایشان حقیر نماید خصمان را و اندک اگر چه غالب باشد آن خصم وَيَقْلِلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا. ۲۵۰۹:۱
- * در معنی آن که مَرَجَ الْبُخْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ. ۲۵۷۰:۱
- * در معنی آنکه آنچه ولی کند، مُرید را شاید گستاخی کردن و همان فعل کردن که حلوا طیب را زیان ندارد، اما بیمار را زیان دارد و سرما و برف انگور رسیده را زیان ندارد، اما غوره را زیان دارد که در راه است که لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ نَشده است. ۲۶۰۳:۱
- * مَخْلَصَ مَاجِرَائِ عَرَبٍ وَ جَفَتِ او. ۲۶۱۶:۱
- * دل نهادن عرب بر التماس دلبرِ خویش و سوگند خوردن که در این تسلیم مرا حیلتی و امتحانی نیست. ۲۶۴۳:۱
- * تعیین کردنِ زن، طریق طلبِ روزی، کدخدایِ خود را و قبول کردنِ او. ۲۶۸۴:۱
- * هدیه بردنِ عرب، سبویِ آب باران از میان بادیه، سویی بغداد به امیر المؤمنین، بر پنداشت که آنجا هم قحطِ آب است. ۲۷۰۳:۱
- * در نمد در دوختنِ زنِ عرب، سبویِ آب باران را و مهر نهادن بر وی از غایتِ اعتقادِ عرب. ۲۷۲۰:۱
- * در بیانِ آنکه چنانکه گدا عاشقِ کَرَم است و عاشقِ کریم، کَرَم کریم هم عاشقِ گداست، اگر گدارا صبر بیش بود، کریم بر درِ او آید و اگر کریم را صبر بیش بود، گدا بر درِ او آید اما صبرِ گدا کمالِ گداست، و صبرِ کریم، نقصانِ اوست. ۲۷۴۴:۱
- * فرقی میانِ آنکه درویش است به خدا و تشنه خدا و میانِ آنکه درویش است از خدا و تشنه غیر است. ۲۷۵۲:۱
- * پیش آمدنِ نقیبان و دربانانِ خلیفه از بهر اکرامِ اعرابی و پذیرفتنِ هدیه او را. ۲۷۷۳:۱

- * تمثیل کودک و مکتب خانه. ۲۷۹۲:۱
- * در بیان آنکه عاشق دنیا بر مثال عاشق دیواری است که بر او تاب آفتاب زند و جهد و جهاد نکرد تا فهم کند که آن تاب و رونق از دیوار نیست، از قرص آفتاب است در آسمان چهارم، لاجرم کلی دل بر دیوار نهاد، چون پرتو آفتاب به آفتاب پیوست او محروم ماند ابداً و حیل بینهم و بین ما یشتھون. ۲۸۰۱:۱
- * مثل عرب: إِذَا زَنْتَيْتَ فَازِنْ بِالْحُرَّةِ وَ إِذَا سَرَقْتَ فَاشْرِقِ الدُّرَّةَ. ۲۸۰۵:۱
- * سپردن عرب، هدیه را یعنی سبورا به غلامان خلیفه. ۲۸۱۵:۱
- * حکایت ماجرای نحوی و کشتیان. ۲۸۳۵:۱
- * قبول کردن خلیفه، هدیه را و عطا فرمودن با کمال بی‌نیازی از آن هدیه و از آن سب. ۲۸۵۳:۱
- * در صفت پیر و مطاوعت وی. ۲۹۳۴:۱
- * تمثیل غول بیابانی و مسافر. ۲۹۴۶:۱
- * وصیت کردن رسول علیه السلام علی راکرم الله وجهه که چون هرکسی به نوع طاعتی تقرّب جوید به حق تو تقرّب جوی به صحبت عاقل و بنده خاص تا از همه پیشقدم‌تر باشی. ۲۹۵۹:۱
- * کبودی زدن قزوینی بر شانگاه، صورت شیر و پشیمان شدن او به سبب زخم سوزن. ۲۹۸۱:۱
- * رفتن گرگ و روباه در خدمت شیر به شکار. ۳۰۱۳:۱
- * امتحان کردن شیر، گرگ را و گفتن که پیش آی ای گرگ، بخش کن صیدها را میان ما. ۳۰۴۲:۱
- * قصه آنکه در یاری بکوفت، از درون گفت: کیست؟ گفت: منم. گفت: چون تو توی، در نمی‌گشایم. هیچ کس را از یاران نمی‌شناسم که او من باشد. ۳۰۵۶:۱
- * صفت توحید. ۳۰۷۷:۱
- * تمثیل رختشویان. ۳۰۸۲:۱
- * ادب کردن شیر، گرگ را که در قسمت، بی‌ادبی کرده بود. ۳۱۰۲:۱
- * تهدید کردن نوح علیه السلام، مرقوم را که با من می‌چید که من روی پوشم، با خدای می‌پیچید در میان این به حقیقت، ای مخدولان. ۳۱۲۴:۱
- * نشانیدن پادشاهان، صوفیان عارف را پیش روی خویش، تا چشمشان، بدیشان روشن شود. ۳۱۵۰:۱
- * آمدن مهمان، پیش یوسف (علیه السلام) و تقاضا کردن یوسف از او، تحفه و ارمغان. ۳۱۵۷:۱
- * گفتن مهمان، یوسف را که آینه آورد مت ارمغان، تا هر بار که در وی نگری، روی خود بینی، مرایا دکنی. ۳۱۹۲:۱
- * تمثیل مگسان و زخم. ۳۲۲۳:۱
- * مرتد شدن کاتب وحی به سبب آنکه پرتو وحی بر او زد، آن آیت را پیش از پیغامبر (علیه السلام) بخواند، گفت: پس من هم محلّ وحیم. ۳۲۲۸:۱
- * تمثیل نور و خانه. ۳۲۶۲:۱
- * دعا کردن بَلْعَمِ باعور که موسی و قومش را از این شهر که حصار دادند بی‌مراد بازگردان. ۳۲۹۸:۱
- * اعتماد کردن هاروت و ماروت بر عصمت خویش و آمیزی اهل دنیا خواستن، و در فتنه افتادن.

۳۳۲۱:۱

- * باقی قصه هاروت و ماروت و نکال و عقوبت ایشان هم در دنیا به چاه بابل. ۳۳۴۴:۱
- * به عیادت رفتن کر بر همسایه رنجور خویش. ۳۳۶۰:۱
- * اول کسی که در مقابله نص، قیاس آورد ابلیس بود. ۳۳۹۶:۱
- * در بیان آنکه حال خود و مستی خود پنهان باید داشت از جاهلان. ۳۴۲۶:۱
- * قصه مرئی کردن رومیان و چینیان در علم نقاشی و صورتگری. ۳۴۶۷:۱
- * پرسیدن پیغامبر (علیه السلام) مرزید را: امروز چونی؟ و چون برخاستی؟ و جواب گفتن او که: أَصْبَحْتُ مُؤْمِنًا يَا رَسُولَ اللَّهِ. ۳۵۰۰:۱

- * متهم کردن غلامان و خواجه تاشان، مرلقمان را که آن میوه های ترونده که می آوردیم، او خورده است. ۳۵۸۴:۱

- * بقیه قصه زید در جواب رسول (علیه السلام). ۳۶۰۸:۱
- * تمثیل جوان و سلیمان. ۳۶۱۸:۱
- * تمثیل شاه و مرزبان. ۳۶۳۵:۱
- * گفتن پیغامبر علیه السلام مرزید را که این سیر را فاش تر از این مگو و متابعت نگاه دار. ۳۶۵۶:۱
- * بازگشتن به حکایت زید. ۳۶۶۸:۱
- * آتش افتادن در شهر به ایام عمر (رض). ۳۷۰۷:۱
- * خدو انداختن خصم در روی امیرالمؤمنین علی (کَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ) و انداختن علی، شمشیر را از دست. ۳۷۲۱:۱

- * سؤال کردن آن کافر از علی کَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ که چون بر چون منی مظفر شدی، شمشیر را از دست چون انداختی. ۳۷۷۳:۱

- * جواب گفتن امیرالمؤمنین که سبب افکندن شمشیر از دست چه بود در آن حالت. ۳۷۸۷:۱
- * گفتن پیغامبر (علیه السلام) به گوش رکابدار امیرالمؤمنین علی (کَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ) که کشتن علی بر دست تو خواهد بودن، خبرت کردم. ۳۸۴۴:۱
- * تمثیل باغبان و هرس درختان. ۳۸۶۸:۱
- * تمثیل طیب و دندان فاسد. ۳۸۷۰:۱

- * تعجب کردن آدم (علیه السلام) از ضلالت ابلیس و عجب آوردن. ۳۸۹۳:۱
- * بازگشتن به حکایت امیرالمؤمنین علی کَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ و مسامحه کردن او با خونی خویش. ۳۹۲۴:۱
- * آمدن رکابدار علی کَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ که از بهر خدا مرا بکش و از این قضا برهان. ۳۹۳۸:۱
- * بیان آنکه فتح طلبیدن پیغامبر علیه السلام مکه را و غیر مکه را جهت دوستی ملک دنیا نبود، چون فرموده است که: أَلَدُنْيَا جِيفَةٌ بَلْكَه به امر بود. ۳۹۴۸:۱
- * تمثیل آبگینه و خورشید. ۳۹۵۸:۱

- * گفتن امیرالمؤمنین علی کَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ با قرین خود که چون خدو انداختی در روی من، نفس من جنبید و اخلاص عمل نماند مانع کشتن تو آن شد. ۳۹۷۵:۱

دفتر دوم

- * هلال پنداشتن آن شخص، خیال را در عهد عمر (رض). ۱۱۲:۲
- * دزدیدنِ مارگیر، ماری را از مارگیر دیگر. ۱۳۵:۲
- * التماس کردن همراه عیسی (علیه السلام)، زنده کردن استخوان‌ها از عیسی (علیه السلام). ۱۴۱:۲
- * اندرز کردنِ صوفی، خادم را در تیمار داشتِ بهیمه، و لا حَوْلَ گفتنِ خادم. ۱۵۶:۲
- * بسته شدنِ تقریر معنی حکایت به سبب میلِ مستمع به استماعِ ظاهرِ صورتِ حکایت. ۱۹۴:۲
- * گمان بردنِ کاروانیان که بهیمه صوفی رنجورست. ۲۰۳:۲
- * یافتنِ پادشاه، باز را به خانه کمپیزن. ۳۲۳:۲
- * حلوا خریدنِ شیخ احمد خُضرویه (قَدَسَ اللهُ سِرَّهُ العزیز) جهت غریمان، به الهامِ حق. ۳۷۶:۲
- * ترسانیدنِ شخصی، زاهدی را که کم گیزی تا کور نشوی. ۱۴۴:۲
- * تمامی قصه زنده شدن استخوان‌ها به دعای عیسی علیه السلام. ۴۵۷:۲
- * خاریدنِ روستایی به تاریکی، شیر را به ظنِ آنکه گاوِ اوست. ۵۰۳:۲
- * فروختنِ صوفیان، بهیمه مسافر را جهت سماع. ۵۱۴:۲
- * تعریف کردنِ منادیانِ قاضی، مُفلسی را گردِ شهر. ۵۸۵:۲
- * شکایت کردنِ اهلِ زندان، پیش وکیلِ قاضی از دستِ آن مُفلس. ۶۱۴:۲
- * مَثَل. ۷۳۹:۲
- * ملامت کردنِ مردم، شخصی را که مادرش را کشت به تهمت. ۷۷۶:۲
- * امتحان پادشاه به آن دو غلام که نو خریده بود. ۸۴۳:۲
- * به راه کردنِ شاه، یکی از آن دو غلام، و از این دیگر پرسیدن. ۸۶۴:۲
- * قَسَمِ غلام در صدق و وفاداریِ یارِ خود از طهارتِ ظنِ خود. ۹۰۵:۲
- * حسد کردنِ حَشَم، بر غلامِ خاص. ۱۰۴۷:۲
- * تمثیل باز و جفدان. ۱۱۳۱:۲
- * کلوخ انداختنِ تشنه از سرِ دیوار، در جویِ آب. ۱۱۹۲:۲
- * فرمودنِ والی، آن مرد را که آن خازنِ را که نشانده‌یی بر سر راه، بَرکن. ۱۲۲۷:۲
- * آمدنِ دوستان به بیمارستان، جهتِ ذَالْتُون (قَدَسَ اللهُ سِرَّهُ العزیز). ۱۳۸۶:۲
- * فهم کردنِ مریدان که ذَالْتُون دیوانه نشده است، قاصد کرده است. ۱۴۳۰:۲
- * رجوع به حکایت ذَالْتُون (قَدَسَ اللهُ رُوحَهُ) ۱۴۴۷:۲
- * امتحان کردنِ خواجه لقمان، زیرکیِ لقمان را. ۱۴۶۲:۲
- * ظاهر شدنِ فضل و زیرکیِ لقمان، پیش امتحان کنندگان. ۱۵۱۰:۲
- * تَمَنُّه حسدِ آن حَشَم بر آن غلامِ خاصِ سلطان. ۱۵۶۱:۲
- * عکسِ تعظیمِ پیغامِ سلیمان عَلَیْهِ السَّلَام در دلِ بلقیس از صورتِ حقیرِ هُدُود. ۱۶۰۱:۲
- * انکار فلسفی بر قرأتِ اِنْ أَصْبَحَ مَاءُكُمْ غَوْرًا. ۱۶۳۳:۲
- * انکار کردنِ موسی (عَلِیْهِ السَّلَام)، بر مناجات شویان. ۱۷۲۰:۲

- * عتاب کردن حق تعالی موسی را علیه السّلام از بهر شُبّان. ۱۷۵۰:۲
- * وحی آمدن موسی را علیه السّلام در عذر آن شُبّان. ۱۷۷۲:۲
- * پرسیدن موسی علیه السّلام از حق تعالی سِرّ غلبه ظالمان. ۱۸۱۶:۲
- * رنجانیدن امیری خفته‌یی را که مار در دهانش رفته بود. ۱۸۷۸:۲
- * اعتماد کردن بر تملّق و وفای خرس. ۱۹۳۲:۲
- * گفتن نابینائی سائل که دو کوری دارم. ۱۹۹۳:۲
- * تتمه حکایت خرس و آن ابله که بر وفای او اعتماد کرده بود. ۲۰۱۰:۲
- * گفتن موسی (علیه السّلام)، گوساله پرست را که آن خیال‌اندیشی و حزم تو کجاست؟ ۲۰۳۶:۲
- * ترک گفتن آن مرد ناصح، بعد از مبالغه پند، مغرور خرس را. ۲۰۶۴:۲
- * تملّق کردن دیوانه، جالینوس را، و ترسیدن جالینوس. ۲۰۹۵:۲
- * سبب پریدن مرغی با مرغی که جنس او نبود. ۲۱۰۳:۲
- * تتمه اعتماد آن مغرور، بر تملّق خرس. ۲۱۲۴:۲
- * رفتن مصطفی (علیه السّلام) به عیادت صحابی رنجور و بیان فایده عیادت. ۲۱۴۱:۲
- * وحی کردن حق تعالی به موسی (علیه السّلام) که چرا به عیادت من نیامدی؟ ۲۱۵۶:۲
- * تنها کردن باغبان، صوفی و فقیه و علوی را از همدیگر. ۲۱۶۷:۲
- * رجعت به قصه مریض و عیادت پیغامبر (صلی الله علیه و سلّم). ۲۲۱۲:۲
- * گفتن شیخی، آبا یزید را که کعبه منم، گردد من طوافی می‌کن. ۲۲۱۸:۲
- * حکایت. ۲۲۲۷:۲
- * دانستن پیغامبر صلی الله علیه و سلّم که سبب رنجوری آن شخص، گستاخی بوده است در دعا. ۲۲۵۲:۲
- * عذرگفتن دلفک با سید که چرا فاحشه را نکاح کرد. ۲۳۳۳:۲
- * به حیلّت در سخن آوردن سایل، آن بزرگ که خود را دیوانه ساخته بود. ۲۳۳۸:۲
- * حمله بُردن سگ، بر کور گدا. ۲۳۵۴:۲
- * خواندن مُحْتَسِب، مست خراب افتاده را به زندان. ۲۳۸۷:۲
- * دوم بار در سخن کشیدن سایل، آن بزرگ را، تا حال او معلوم تر گردد. ۲۴۰۰:۲
- * تتمه نصیحت رسول صلی الله علیه و سلّم، بیمار را. ۲۴۵۶:۲
- * وصیت کردن پیغامبر صلی الله علیه و سلّم، مرآن بیمار را و دعا آموزیدنش. ۲۵۵۱:۲
- * بیدار کردن ابلیس، معاویه را، که: خیز، وقت نماز است. ۲۶۰۴:۲
- * از خر فگندن ابلیس، معاویه را، و روپوش و بهانه کردن و جواب گفتن معاویه، او را. ۲۶۱۲:۲
- * باز جواب گفتن ابلیس، معاویه را. ۲۶۱۷:۲
- * باز تقریر کردن معاویه با ابلیس، مکر او را. ۲۶۵۲:۲
- * باز جواب گفتن ابلیس، معاویه را. ۲۶۷۲:۲
- * عَنف کردن معاویه، با ابلیس. ۲۷۰۰:۲

- * نالیدن معاویه به حضرت حق تعالی از ابلیس، و نصرت خواستن. ۲۷۰۶:۲
- * باز تقریر ابلیس، تلبیس خود را. ۲۷۱۴:۲
- * باز الحاح کردن معاویه، ابلیس را. ۲۷۳۰:۲
- * شکایت قاضی از آفت قضا، و جواب گفتن نایب، او را. ۲۷۴۴:۲
- * به اقرار آوردن معاویه، ابلیس را. ۲۷۵۶:۲
- * راست گفتن ابلیس، ضمیر خود را به معاویه. ۲۷۶۴:۲
- * فضیلت حسرت خوردن آن مخلص، بر فوت نماز جماعت. ۲۷۷۱:۲
- * تنعنه اقرار ابلیس، به معاویه، مکر خود را. ۲۷۸۰:۲
- * فوت شدن دزد به آواز دادن آن شخص، صاحب خانه را، که نزدیک آمده بود که دزد را دریابد و بگیرد. ۲۷۹۳:۲
- * قصه منافقان و مسجدِ ضرار ساختن ایشان. ۲۸۲۵:۲
- * فریفتن منافقان، پیغمبر را صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تا به مسجدِ ضرارش بزنند. ۲۸۴۸:۲
- * اندیشیدن یکی از صحابه، رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ به انکار که رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چرا ستاری نمی‌کند؟ ۲۸۸۸:۲
- * قصه آن شخص که اشتر ضالّه خود می‌جست و می‌پرسید. ۲۹۱۱:۲
- * متردد شدن در میانِ مذهب‌های مخالف و بیرون شو و مخلص یافتن. ۲۹۲۳:۲
- * امتحان هر چیزی، تا ظاهر شود خیر و شری که در وی است. ۲۹۴۶:۲
- * شرح فایده حکایت آن شخصِ شتر جوینده. ۲۹۷۳:۲
- * بیان آنکه در هر نفسی فتنه مسجدِ ضرار هست. ۳۰۱۶:۲
- * حکایت هندو که با یارِ خود، جنگ می‌کرد بر کاری و خبر نداشت که او هم بدان مبتلاست. ۳۰۲۷:۲
- * قصد کردن غزان به کشتن یک مردی، تا آن دگر بترسد. ۳۰۴۶:۲
- * بیان حالِ خود پرستان و ناشکران در نعمت وجودِ انبیا و اولیا عَلَيْهِمُ السَّلَام. ۳۰۵۹:۲
- * شکایت گفتن پیرمردی به طبیب از رنجوری‌ها و جواب گفتن طبیب، او را. ۳۰۸۸:۲
- * قصه جوحی، و آن کودک که پیش جنازه پدرِ خویش، نوحه می‌کرد. ۳۱۱۶:۲
- * ترسیدن کودک از آن شخصِ صاحبِ جُثّه و گفتن آن شخص که: ای کودک، مترس که من نامردم. ۳۱۵۵:۲
- * قصه تیر اندازی و ترسیدن او از سواری که در پیشه یی می‌رفت. ۳۱۶۳:۲
- * قصه اعرابی و ریگ در جوال کردن، و ملامت کردن آن فیلسوف، او را. ۳۱۷۶:۲
- * گر امامتِ ابراهیم (قَدَسَ اللهُ رُوحَهُ الْعَزِيزَ) بر لبِ دریا. ۳۲۱۰:۲
- * آغاز منور شدن عارف به نور غیب‌بین. ۳۲۴۰:۲
- * طعنه زدن بیگانه یی در شیخ و جواب گفتن مریدِ شیخ، او را. ۳۳۰۳:۲
- * بقیه قصه ابراهیم قَدَسَ اللهُ رُوحَهُ بر لبِ آن دریا. ۳۳۳۶:۲
- * دعوی کردن آن شخص که: خدای تعالی مرا نمی‌گیرد به گناه، و جواب گفتنِ شعیب، او را. ۳۳۶۴:۲

- * بقیه قصه طعنه زدن آن مرد بیگانه، در شیخ. ۳۳۹۸:۲
- * گفتن عایشه (رض)، مصطفی را علیه السلام که: تو بی مُصَلّا به هر جا نماز می کنی. ۳۴۲۴:۲
- * کشیدن موش، مهار شتر را و مُعْجِب شدن موش، در خود. ۳۴۳۶:۲
- * کرامات آن درویش که در کشتی مُتْهَمَش کردند. ۳۴۷۸:۲
- * تشنّیع صوفیان بر آن صوفی که پیش شیخ، بسیار می گوید. ۳۵۰۶:۲
- * عذر گفتن فقیر به شیخ. ۳۵۲۶:۲
- * بیان دعوی که عین آن دعوی، گواه صدق خویش است. ۳۵۷۳:۲
- * سجده کردن یحیی (عَلَّیه السلام) در شکم مادر، مسیح (عَلَّیه السلام) را. ۳۶۰۲:۲
- * اشکال آوردن بر این قصه. ۳۶۰۷:۲
- * جواب اشکال. ۳۶۱۲:۲
- * سخن گفتن به زبان حال، و فهم کردن آن. ۳۶۲۵:۲
- * پذیرا آمدن سخن باطل در دل باطلان. ۳۶۳۶:۲
- * جُستن آن درخت که هر که میوه آن خورد، نمیرد. ۳۶۴۱:۲
- * شرح کردن شیخ، سر آن درخت با آن طالب مُقَلِّد. ۳۶۵۹:۲
- * منازعت چهارکس جهت انگور که هر یکی به نام دیگر فهم کرده بود آن را. ۳۶۸۱:۲
- * برخاستن مخالفت و عداوت از میان انصار، به برکات رسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ). ۳۷۱۳:۲
- * قصه بطّ بچگان که مرغ خانگی، پروردشان. ۳۷۶۴:۲
- * حیران شدن حاجیان در کرامات آن زاهد که در بادیه تنهاس یافتند. ۳۷۸۸:۲

دفتر سوم

- * قصه خورندگان پیل بچه از حرص و ترک نصیحت ناصح. ۶۹:۳
- * بقیه قصه متعرّضان پیل بچگان. ۱۰۵:۳
- * بازگشتن به حکایت پیل. ۱۳۸:۳
- * بیان آنکه خطای محبان بهتر از صواب بیگانگان است نزد محبوب. ۱۷۲:۳
- * امر حق تعالی بموسی علیه السلام که مرا بدهانی خوان که بدان دهان گناه نکرده ای. ۱۸۰:۳
- * بیان «الله گفتن» نیازمند، عین «لَبَّیک گفتن» حق است. ۱۸۹:۳
- * فریفتن روستایی شهریی را و به دعوت خواندن به لابه و الحاج بسیار. ۲۳۶:۳
- * قصه اهل سبا و طاغی کردن نعمت، ایشان را. ۲۸۲:۳
- * جمع آمدن اهل آفت هر صباحی بر در صومعه عیسی علیه السلام جهت طلب شفا بدعای او. ۲۹۸:۳
- * باقی قصه اهل سبا. ۳۶۴:۳
- * بقیه داستان رفتن خواجه به دعوت روستایی سوی دیه. ۴۱۲:۳
- * دعوت باز بطان را از آب بصره. ۴۳۳:۳
- * قصه اهل ضَروان و حیلّت کردن ایشان، تا بی زحمت درویشان، باغ ها را قِطاف کنند. ۴۷۴:۳

- * روان شدن خواجه به سوی دیه. ۴۹۷:۳
- * رفتن خواجه و قومش به سوی دیه. ۵۳۲:۳
- * نواختن مجنون آن سگ را که مقیم کوی لیلی بود. ۵۶۷:۳
- * رسیدن خواجه و قومش به دیه و نشناخته آوردن روستایی ایشان را. ۵۹۸:۳
- * افتادن شغال در خُم رنگ و رنگین شدن و دعوی طاوسی کردن میان شغالان. ۷۲۱:۳
- * چرب کردن مرد لافی، لب و سبلیت خود را هر بامداد به پوست دُنبه و بیرون آمدن میان حریفان که: من چنین خورده‌ام و چنان. ۷۳۲:۳
- * ایمن بودن بلعم با عور که امتحان‌ها کرد حضرت، او را و از آنها روی سپید آمده بود. ۷۴۷:۳
- * دعوی طاوسی کردن آن شغال که در خُم صباغ افتاد. ۷۶۶:۳
- * تشبیه فرعون و دعوی الوهیت او بدان شغال که دعوی طاوسی می‌کرد. ۷۷۸:۳
- * تفسیر «وَلْتَعْرِفْنَهُمْ فِي لَحَنِ الْقَوْلِ» ۷۹۰:۳
- * قصه هاروت و ماروت و دلیری ایشان بر امتحان حق تعالی. ۷۹۷:۳
- * قصه خواب دیدن فرعون، آمدن موسی را علیه السلام و تدارک اندیشیدن. ۸۴۰:۳
- * به میدان خواندن بنی اسرائیل را برای حیلّت منع ولادت موسی علیه السلام. ۸۵۵:۳
- * حکایت (مغولان و مصریان). ۸۵۸:۳
- * بازگشتن فرعون از میدان به شهر، شاد به تفریق بنی اسرائیل از زنانشان در شب حمل. ۸۷۲:۳
- * جمع آمدن عمران با مادر موسی و حامله شدن مادر موسی علیه السلام. ۸۷۸:۳
- * وصیت کردن عمران، جفت خود را بعد از مُجامعت که: مرانیده باشی. ۸۸۸:۳
- * ترسیدن فرعون از آن بانگ. ۸۹۶:۳
- * پیدا شدن ستاره موسی علیه السلام بر آسمان و غریو منجمان در میدان. ۹۰۲:۳
- * خواندن فرعون، زنان نوزاده را سویی میدان هم جهت مکر. ۹۳۸:۳
- * به وجود آمدن موسی و آمدن عوانان به خانه عمران و وحی آمدن به مادر موسی که موسی را در آتش انداز. ۹۴۸:۳
- * وحی آمدن به مادر موسی که موسی را در آب افکن. ۹۵۹:۳
- * حکایت مارگیر که ازدهای فسرده را مُرده پنداشت و در ریسمانهاش پیچید و آورد به بغداد. ۹۷۶:۳
- * تهدید کردن فرعون، موسی را علیه السلام. ۱۰۶۷:۳
- * جواب موسی فرعون را در تهدیدی که می‌کردش. ۱۰۷۶:۳
- * پاسخ فرعون، موسی را علیه السلام. ۱۰۸۲:۳
- * جواب موسی علیه السلام، فرعون را. ۱۰۸۷:۳
- * مهلت دادن موسی علیه السلام، فرعون را تا ساحران را جمع کند از مداین. ۱۰۹۹:۳
- * فرستادن فرعون به مداین در طلب ساحران. ۱۱۵۷:۳
- * خواندن آن دو ساحر، پدر را از گور، و پرسیدن از روان پدر، حقیقت موسی علیه السلام را. ۱۱۷۴:۳
- * جواب گفتن ساحر مُرده با فرزندان خود. ۱۱۸۳:۳

- * تشبیه کردن قرآن مجید را به عصای موسی و وفات مصطفی را علیه السلام نمودن به خواب موسی و قاصدان تغییر قرآن را به آن دو ساحر بجه که قصد بردن عصا کردند چون موسی را خفته یافتند. ۱۰۹۷:۳
- * جمع آمدن ساحران از مداین، پیش فرعون و تشریف ها یافتن و دست بر سینه زدن در قهر خصم او که این بر ما نویس. ۱۲۴۵:۳
- * اختلاف کردن در چگونگی و شکل پیل. ۱۲۵۹:۳
- * توفیق میان این دو حدیث که: الرِّضَا بِالْكَفْرِ كُفْرٌ وَ حَدِيثٌ دِيْكَرٍ: مَنْ لَمْ يَرْضَ بِقَضَائِي فَلْيَطْلُبْ رَبًّا سِوَايَ. ۱۳۶۲:۳
- * مثل در بیان آنکه حیرت، مانع بحث و فکر است. ۱۳۷۶:۳
- * حکایت (حافظان قرآن) ۱۳۸۶:۳
- * داستانی مشغول شدن عاشقی به عشق نامه خواندن و مطالعه کردن عشق نامه در حضور معشوق خویش، و معشوق آن را ناپسند داشتن، طَلَبُ الدَّلِيلِ عِنْدَ حُضُورِ الْمَذْذُولِ قَبِيحٌ وَ الْاِسْتِغَالُ بِالْعِلْمِ بَعْدَ الْوُصُولِ اِلَى الْمَعْلُومِ مَذْمُومٌ. ۱۴۰۶:۳
- * حکایت آن شخص که در عهد داود علیه السلام، شب و روز دعا می کرد که: مرا روزی حلال ده بی رنج. ۱۴۵۰:۳
- * دیدن گاو در خانه آن دعا کننده به الحاح قَالَ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُلْحِنَ فِي الدُّعَاءِ، زِيْرَا عَيْنٌ خَاسَتْ اَزْ حَقِّ تَعَالٰی وَ الْحَاحُ، خَواهنده را به است از آنچه می خواهد آن را ازو. ۱۴۸۵:۳
- * عذر گفتن نظم کننده و مدد خواستن. ۱۴۹۰:۳
- * بیان آنکه علم را دو پَرست و گمان را یک پَرست. ناقص آمد ظن، به پرواز آبرست، و مثال ظن و یقین در علم. ۱۵۱۰:۳
- * مثال رنجور شدن آدمی به وهم تعظیم خلق و رغبت مشتریان به وی و حکایت معلّم. ۱۵۲۲:۳
- * عقول خلق متفاوت است در اصل فطرت، و نزد معتزله متساوی است، تفاوت عقول از تحصیل علم است. ۱۵۳۹:۳
- * در وهم افگندن کودکان، استاد را ۱۵۴۶:۳
- * بیمار شدن فرعون هم به وهم از تعظیم خلقان. ۱۵۵۵:۳
- * رنجور شدن استاد به وهم. ۱۵۶۲:۳
- * در جامه خواب افتادن استاد از وهم و نالیدن او از وهم رنجوری. ۱۵۷۷:۳
- * دوم بار در وهم افگندن کودکان، استاد را که او را از قرآن خواندن ما در دسر افزاید. ۱۵۸۶:۳
- * خلاص یافتن کودکان از مکتب، بدین مکر. ۱۵۹۰:۳
- * رفتن مادران کودکان، به عیادت اوستاد. ۱۵۹۸:۳
- * در بیان آنکه تن، روح را چون لباسی است و این دست، آستین دست روح است و این پای، موزه پای روح است. ۱۶۱۰:۳
- * حکایت آن درویش که در کوه، خلوت کرده بود و بیان حلاوت انقطاع و خلوت و داخل شدن در این

منقبت که انا جلیس من ذکرنی و آنیس من استأنس بی
گربا همه ای، چو بی‌منی، بی‌همه ای

- ور بی‌همه‌ای، چو با منی، با همه‌ای ۱۶۱۴:۳
- * دیدن زرگر عاقبت کار را و سخن بروفق عاقبت گفتن با مستعیر ترازو. ۱۶۲۴:۳
- * بقیه قصه آن زاهد کوهی که نذر کرده بود که میوه کوهی از درخت باز نکنم و درخت نفشانم و کسی را
نگویم صریح و کنایت که: بیفشان، آن خورم که باد افکنده باشد از درخت. ۱۶۳۴:۳
- * تشبیه بند و دام قضا، به صورت پنهان، به اثر پیدا. ۱۶۵۰:۳
- * مضطر شدن فقیر نذر کرده به کندن امرود از درخت، و گوشمال حق رسیدن بی‌مهلت. ۱۶۷۲:۳
- * متهم کردن آن شیخ را با دزدان و بریدن دستش را. ۱۶۷۸:۳
- * کرامات شیخ اقطع و زنبیل بافتن او به دو دست. ۱۷۰۵:۳
- * سبب جرأت ساحران فرعون بر قطع دست و پا. ۱۷۲۱:۳
- * شکایت آستر پیش شتر که من بسیار در رو می‌افتم و تو نمی‌افتی الا به نادر. ۱۷۴۶:۳
- * اجتماع اجزای خر عزیر علیه السلام بعد از پوسیدن پاذن الله، و درهم مرکب شدن پیش چشم عزیر.
۱۷۶۳:۳
- * جزع نا کردن شیخی بر مرگ فرزندان خود. ۱۷۷۲:۳
- * عذر گفتن شیخ، بهر نا گریستن بر مرگ فرزندان خود. ۱۷۹۹:۳
- * قصه خواندن شیخ ضریر مصحف را در رو و بینا شدن وقت قرائت. ۱۸۳۵:۳
- * صبر کردن لقمان چون دید که داود علیه السلام حلقه‌ها می‌ساخت از سؤال کردن، با این نیت که صبر از
سؤال موجب فرج باشد. ۱۸۴۲:۳
- * بقیه حکایت نابینا و مصحف. ۱۸۵۵:۳
- * صفت بعضی اولیا که راضی‌اند به احکام، و دعا و لایه نکنند که: این حکم را بگردان. ۱۸۷۸:۳
- * سؤال کردن بهلول آن درویش را. ۱۸۸۴:۳
- * قصه دقوقی و کراماتش. ۱۹۲۴:۳
- * بازگشتن به قصه دقوقی. ۱۹۴۱:۳
- * سر طلب کردن موسی، خضر علیه السلام را با کمال نبوت و قربت. ۱۹۶۲:۳
- * بازگشتن به قصه دقوقی. ۱۹۷۳:۳
- * نمودن مثال هفت شمع سوی ساحل. ۱۹۸۵:۳
- * شدن آن هفت شمع بر مثال یک شمع. ۱۹۹۱:۳
- * نمودن آن شمع‌ها در نظر هفت مرد. ۲۰۰۱:۳
- * باز شدن آن شمع‌ها هفت درخت. ۲۰۰۳:۳
- * مخفی بودن آن درختان از چشم خلق. ۲۰۰۹:۳
- * یک درخت شدن آن هفت درخت. ۲۰۴۶:۳
- * هفت مرد شدن آن هفت درخت. ۲۰۵۴:۳

- * پیش رفتنِ دقوقی به امامتِ آن قوم. ۲۱۲۲:۳
- * اقتدا کردنِ قوم، از پسِ دقوقی. ۲۱۴۰:۳
- * بیانِ اشارتِ سلامِ سویی دستِ راست در قیامت از هیبتِ محاسبهٔ حق و از انبیاء استعانت و شفاعت خواستن. ۲۱۶۷:۳
- * شنیدنِ دقوقی در میانِ نماز، افغانِ آن کشتی که غرق خواست شدن. ۲۱۷۶:۳
- * تصوراتِ مردِ حازم. ۲۲۰۲:۳
- * دعا و شفاعتِ دقوقی در خلاصِ کشتی. ۲۲۰۸:۳
- * انکار کردنِ آن جماعت، بر دعا و شفاعتِ دقوقی و پریدنِ ایشان و ناپیدا شدن در پردهٔ غیب و حیران شدنِ دقوقی که بر هوا رفتند یا بر زمین؟ ۲۲۸۱:۳
- * باز شرح کردنِ حکایتِ آن طالبِ روزیِ حلال، بی‌کسب و رنج در عهدِ داود علیه السلام و مستجاب شدنِ دعای او. ۲۳۰۶:۳
- * رفتنِ هر دو خصم، نزد داود پیغامبر علیه السلام. ۲۳۱۵:۳
- * شنیدنِ داود علیه السلام سخنِ هر دو خصم و سؤال کردن از مدعیِ علیه. ۲۳۷۶:۳
- * حکم کردنِ داود علیه السلام بر کشتهٔ گاو. ۲۳۸۹:۳
- * تضرعِ آن شخص از داوریِ داود علیه السلام. ۲۳۹۶:۳
- * در خلوت رفتنِ داود، تا آنچه حق است پیدا شود. ۲۴۱۵:۳
- * حکم کردنِ داود بر صاحبِ گاو که از سرِ گاو برخیز و تشنیعِ صاحبِ گاو بر داود علیه السلام. ۲۴۱۹:۳
- * حکم کردنِ داود بر صاحبِ گاو که جملهٔ مال خود را به وی ده. ۲۴۲۵:۳
- * عزم کردنِ داود علیه السلام به خواندنِ خلق، بدان صحرا که راز آشکار کند و حجت‌ها همه قطع کند. ۲۴۴۲:۳
- * گواهی دادنِ دست و پا و زبان، بر سیرِ ظالم هم در دنیا. ۲۴۵۵:۳
- * بُرون رفتنِ خلق به سویی آن درخت. ۲۴۷۲:۳
- * قصاص فرمودنِ داود علیه السلام، خونی را، بعد از الزامِ حجت بر او. ۲۴۸۶:۳
- * بیانِ آنکه نفسِ آدمی به جایِ آن خونی‌ست که مدعیِ گاو گشته بود و آن گاو کشتهٔ عقل است و داود حق است یا شیخ که نایب حق است که به قوت و یاری او تواند ظالم را کشتن، و توانگر شدن به روزی بی‌کسب و بی‌حساب. ۲۵۰۴:۳
- * گریختنِ عیسی علیه السلام، فرازِ کوه از احمقان. ۲۵۷۰:۳
- * شرحِ آن کورِ دُوربین و آن کرِ تیز شنو و آن برهنهٔ دراز دامن. ۲۶۲۸:۳
- * صفتِ خُرمیِ شهرِ اهلِ سبا و ناشکریِ ایشان. ۲۶۵۷:۳
- * آمدنِ پیغامبران از حق به نصیحتِ اهلِ سبا. ۲۶۶۹:۳
- * معجزه خواستنِ قوم، از پیغامبران. ۲۷۱۰:۳
- * متهم داشتنِ قوم، انبیا را. ۲۷۳۳:۳
- * حکایتِ خرگوشان که خرگوشی را به رسالت پیش پیل فرستادند که بگو که: من رسولِ ماهِ آسمانم

- پیش تو که: از این چشمه آب حذر کن چنانکه در کتاب کلّیله تمام گفته است. ۲۷۳۸:۳
- * جواب گفتنِ انبیاء، طعنِ ایشان را و مَثَلِ زدنِ ایشان را. ۲۷۵۴:۳
- * بیانِ آنکه هرکس را نرسد مَثَلِ آوردن، خاصّه در کارِ الهی. ۲۷۸۵:۳
- * مثل‌ها زدنِ قومِ نوح، به استهزا، در زمانِ کشتی ساختن. ۲۷۹۵:۳
- * حکایت آن دزد که پرسیدندش که: چه می‌کنی نیم شب در بُنِ این دیوار؟ گفت: دُهل می‌زنم. ۲۷۹۹:۳
- * جوابِ آن مَثَلِ که منکران گفتند از رسالتِ خرگوش، پیغامِ پیل از ماهِ آسمان. ۲۸۰۶:۳
- * معنیِ حَزَم و مثالیِ مردِ حازم. ۲۸۴۱:۳
- * وخامتِ کارِ آن مرغ که ترکِ حزم کرد از حرص و هوی. ۲۸۶۲:۳
- * حکایت نذر کردنِ سگان، هر زمستان که این تابستان چون بیاید خانه سازیم از بهرِ زمستان را. ۲۸۸۵:۳
- * منع کردنِ منکران، انبیا را علیه السلام از نصیحت کردن و حجت آوردنِ جبریان. ۲۹۰۰:۳
- * جوابِ انبیا علیهم السلام، مر جبریان را. ۲۹۰۹:۳
- * مکرّر کردنِ کافران، حجت‌های جبریان را. ۲۹۱۷:۳
- * باز جوابِ انبیا علیهم السلام، ایشان را. ۲۹۲۲:۳
- * مکرّر کردنِ قوم، اعتراضِ تَرْجِیّه بر انبیا علیهم السلام. ۲۹۴۸:۳
- * باز جوابِ انبیا علیهم السلام. ۲۹۵۵:۳
- * حکمتِ آفریدنِ دوزخِ آن جهان و زندانِ این جهان تا مَعْبِدِ متکبران باشد که انتیا طَوْعاً او کَرْهاً. ۲۹۸۳:۳
- * بیانِ آنکه حق تعالی صورتِ ملوک را به سببِ مسخّر کردنِ جباران که مسخّرِ حق نباشند ساخته است چنانکه موسی علیه السلام بابِ صغیر ساخت بر ربضِ قدس جهت رکوعِ جباران بنی اسرائیل وقت در آمدن که اُدْخَلُوا الْبَابَ سُجَّدًا و قولوا حِطَّةً. ۲۹۹۸:۳
- * قصهٔ عشقِ صوفی بر سفرهٔ تهی. ۳۰۱۴:۳
- * مخصوص بودنِ یعقوب علیه السلام به چشیدنِ جامِ حق از رویِ یوسف و کشیدنِ بوی حق از بوی یوسف و حرمانِ برادران و غیرُهُم از این هر دو. ۳۰۳۰:۳
- * حکایت امیر و غلامش که نمازبارة بود و اُنسِ عظیم داشت در نماز و مناجاتِ باحق. ۳۰۵۵:۳
- * نومید شدنِ انبیا از قبول و پذیراییِ منکران قَوْلُهُ حَتَّى إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ. ۳۰۷۷:۳
- * بیانِ آنکه ایمان مقلّد، خوف است و رجا. ۳۰۹۳:۳
- * بیانِ آنکه رسول علیه السلام فرمود: اِنَّ لِلّٰهِ تَعَالٰی اَوْلِیَاءَ اَخْفِیَاءَ. ۳۱۰۴:۳
- * حکایتِ مندی در تنورِ پُرِ آتش انداختنِ اُنسِ رَضِیَ اللّٰهُ عَنْهُ و ناسوختن. ۳۱۱۰:۳
- * قصهٔ فریاد رسیدنِ رسول علیه السلام، کاروانِ عرب را که از تشنگی و بی‌آبی در مانده بودند و دل بر مرگ نهاده، شتران و خلق، زبان بیرون انداخته. ۳۱۳۰:۳
- * مَشْکِ آن غلام از غیب، پر آب کردن به معجزه و آن غلام سیاه را سپید رو کردن باذنِ اللّٰهِ تَعَالٰی. ۳۱۶۳:۳
- * دیدنِ خواجه، غلامِ خود را سپید و ناشناختن که اوست، و گفتن که: غلام مرا تو کُشته‌ی بی‌خونت گرفت و

- * دیدنِ خواجه، غلامِ خود را سپید و ناشناختن که اوست، و گفتن که: غلام مرا تو کُشته یی خونت گرفت و خدا تو را به دست من انداخت. ۳۱۷۷:۳
- * بیانِ آنکه حق تعالی هر چه داد و آفرید از سموات و اَرْضین و اَعیان و اَعراض همه به استدعای حاجت آفرید، خود را محتاج چیزی باید کردن تا بدهد که اَمَّنْ یُجِیْبُ الْمُضْطَرَّ اِذَا دَعَا، اضطرار گواه استحقاق است. ۳۲۰۴:۳
- * آمدنِ آن زنِ کافر با طفلِ شیر خواره به نزدیک مصطفی علیه السلام و ناطق شدنِ عیسی و اربه معجزاتِ رسول صلی الله علیه و سلم. ۳۲۲۰:۳
- * ربودنِ عُناب، موزه مصطفی علیه السلام و بُردنِ بر هوا و نگون کردن و از موزه، مارِ سیاه فرو افتادن. ۳۲۳۸:۳
- * وجهِ عبرت گرفتن ازین حکایت، و یقین دانستن که اَنْ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا. ۳۲۵۵:۳
- * استدعایِ آن مرد از موسی زبانِ بهایم یا طیور. ۳۲۶۶:۳
- * وحی آمدن از حق تعالی به موسی که: بیاموزش چیزی که استدعا می کند یا بعضی از آن. ۳۲۸۶:۳
- * قانع شدنِ آن طالب به تعلیم زبانِ مرغِ خانگی و سگ و اجابتِ موسی علیه السلام. ۳۳۰۳:۳
- * جوابِ خروس، سگ را. ۳۳۱۱:۳
- * خَجَلِ گشتنِ خروس، پیشِ سگ به سببِ دروغ شدن در آن سه وعده. ۳۳۲۹:۳
- * خبر کردنِ خروس، از مرگِ خواجه. ۳۳۴۳:۳
- * دویدنِ آن شخص، به سوی موسی به زنهار، چون از خروس، خبرِ مرگِ خود شنید. ۳۳۶۷:۳
- * دعا کردنِ موسی آن شخص را تا به ایمان رود از دنیا. ۳۳۸۳:۳
- * اجابتِ کردنِ حق تعالی دعایِ موسی را علیه السلام. ۳۳۹۰:۳
- * حکایتِ آن زنی که فرزندش نمی زیست، بنالید. جوابِ آمد که: آن عوضِ ریاضتِ توست و به جایِ جهادِ مجاهدان است تو را. ۳۳۹۹:۳
- * در آمدنِ حمزه رَضِیَ اللهُ عَنْهُ در جنگ، بی زره. ۳۴۱۹:۳
- * جوابِ حمزه، مر خلق را. ۳۴۲۹:۳
- * حیلۀ دفعِ مغبون شدن، در بیع و شرا. ۳۴۹۴:۳
- * وفات یافتنِ بلال رَضِیَ اللهُ عَنْهُ با شادی. ۳۵۱۷:۳
- * حکمتِ ویران شدنِ تن به مرگ. ۳۵۳۵:۳
- * تشبیهِ دنیا که به ظاهر، فراخ است و به معنی، تنگ، و تشبیهِ خواب که خلاص است ازین تنگی. ۳۵۴۵:۳
- * بیانِ آنکه هر چه غفلت و غم کاهلی و تاریکی است همه از تن است که ارضی است و سفلی. ۳۵۶۶:۳
- * تشبیهِ نَصِّ با قیاس. ۳۵۸۳:۳
- * آدابِ الْمُسْتَعِینِ و الْمُریدِینَ عِنْدَ فَيْضِ الْحِکْمَةِ مِنْ لِسَانِ الشَّيْخ. ۳۶۰۲:۳
- * شناختنِ هر حیوانی بوی عدو خود را و حذر کردن، و بطالت و خسارتِ آن کس که عدو کسی بُود که او از حَذَرِ ممکن نیست و فرار ممکن نی، و مقابله ممکن نی. ۳۶۱۸:۳

- * فرقی میان دانستن چیزی به مثال و تقلید، و میان دانستن ماهیت آن چیز. ۳:۳۶۳۵
- * جمع و توفیق میان نفی و اثبات یک چیز از روی نسبت و اختلاف جهت. ۳:۳۶۵۸
- * مسأله فنا و بقای درویش. ۳:۳۶۶۹
- * قصه وکیل صدر جهان که متهم شد و از بخارا گریخت از بیم جان باز عشقش کشید رویشان، که کار جان سهل باشد عاشقان را. ۳:۳۶۸۶
- * پیدا شدن روح القدس به صورت آدمی بر مریم، به وقت برهنگی و غسل کردن و پناه گرفتن به حق تعالی. ۳:۳۷۰۰
- * گفتن روح القدس، مریم را که: من رسول حقم به تو، آشفته مشو و پنهان مشو از من که فرمان این است. ۳:۳۷۶۸
- * عزم کردن آن وکیل از عشق، که رجوع کند به بخارا لأبالی وار. ۳:۳۷۸۹
- * پرسیدن معشوقی از عاشق غریب خود که از شهرها کدام شهر را خوشتر یافتی و انبوه ترو محتشم ترو پر نعمت تر و دل‌گشاستر؟ ۳:۳۸۰۸
- * منع کردن دوستان، او را از رجوع کردن به بخارا و تهدید کردن و لأبالی گفتن او. ۳:۳۸۱۲
- * لأبالی گفتن عاشق، ناصح و عاذل را از سر عشق. ۳:۳۸۳۰
- * رو نهادن آن بنده عاشق، سوی بخارا. ۳:۳۸۶۰
- * در آمدن آن عاشق لأبالی در بخارا، و تحذیر کردن دوستان، او را از پیدا شدن. ۳:۳۸۷۲
- * جواب گفتن عاشق، عاذلان را و تهدید کنندگان را. ۳:۳۸۸۴
- * رسیدن آن عاشق به معشوق خویش، چون دست از جان خود بشت. ۳:۳۹۱۶
- * صفت آن مسجد که مهمان‌کش بود، و آن عاشق مرگ جوی لأبالی که در او مهمان شد. ۳:۳۹۲۲
- * مهمان آمدن در آن مسجد. ۳:۳۹۳۱
- * ملامت کردن اهل مسجد، آن مهمان عاشق را، از شب خفتن در آنجا و تهدید کردن مر او را. ۳:۳۹۳۸
- * جواب گفتن عاشق، عاذلان را. ۳:۳۹۴۶
- * عشق جالینوس بر این حیات دنیا بود، که هنر او همینجا به کار می‌آید، هنری نورزیده است که در آن بازار به کار آید، آنجا خود را به عوام یکسان می‌بیند. ۳:۳۹۶۰
- * دیگر باره ملامت کردن اهل مسجد، مهمان را از شب خفتن در آن مسجد. ۳:۳۹۹۳
- * گفتن شیطان، قریش را که به جنگ احمد آید که یاری هاکم و قبیله خود را به یاری خوانم و وقت ملاقات صفین گریختن. ۳:۴۰۳۶
- * مکرر کردن عاذلان، بند را بر آن مهمان آن مسجد مهمان‌کش. ۳:۴۰۷۹
- * جواب گفتن مهمان، ایشان را، مثل آوردن به دفع کردن حارس کشت به بانگ دف از کشت، شتری را که کوس محمودی بر پشت او زدندی. ۳:۴۰۸۸
- * تمثیل گریختن مؤمن و بی‌صبری او در بلا به اضطراب و بی‌قراری نخود و دیگر حوائج در جوش دیگ، و بر دویدن تا بیرون جهند. ۳:۴۱۵۹
- * تمثیل صابر شدن مؤمن، چون بر شتر و خیر بلا واقف شود. ۳:۴۱۹۶

- * باقی قصه مهمان آن مسجد مهمان‌کش و ثبات و صدق او. ۴۲۱۲:۳
- * ذکر خیال بد اندیشیدن قاصر فهمان. ۴۲۲۷:۳
- * تفسیر این خبر مصطفی علیه السلام که لِلْقُرْآنِ ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ وَ لِبَطْنِهِ بَطْنٌ إِلَى سَبْعَةِ أَبْطُنٍ. ۴۲۴۴:۳
- * در بیان آنکه رفتن انبیاء و اولیاء (علیهم السلام) به کوه ها و غارها جهت پنهان کردن خویش نیست، و جهت خوف تشویش خلق نیست، بلکه جهت ارشاد خلق است و تحریر بر انقطاع از دنیا به قدر ممکن. ۴۲۵۰:۳
- * تشبیه صورت اولیا و صورت کلام اولیا به صورت عصای موسی و صورت افسون عیسی علیهما السلام. ۴۲۵۸:۳
- * تفسیر یا جِبَالُ أَوْ بِي مَعَهُ وَالطَّيْرُ. ۴۲۶۸:۳
- * جواب طعنه زننده در مثنوی از قصور فهم خود. ۴۲۸۲:۳
- * مثل زدن در رمیدن کرة اسب از آب خوردن به سبب شخولیدن سائسان. ۴۲۹۲:۳
- * بقیه ذکر آن مهمان مسجد مهمان‌کش. ۴۳۲۱:۳
- * تفسیر آیت وَ اجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ وَ رَجُلِكَ. ۴۳۲۶:۳
- * رسیدن بانگ طلسمی، نیم شب مهمان مسجد را. ۴۳۴۵:۳
- * ملاقات آن عاشق با صدر جهان. ۴۳۷۷:۳
- * جذب هر عنصری، جنس خود را که در ترکیب آدمی، مُحْتَبَس شده است به غیر جنس. ۴۴۲۱:۳
- * منجذب شدن جان نیز به عالم ارواح و تقاضای او و میل او به مقرّ خود و منقطع شدن از اجزای اجسام که کنده پای باز روح اند. ۴۴۳۵:۳
- * فسخ عزایم و تقضیها، جهت با خبر کردن آدمی را از آنکه مالک و قاهر اوست، و گاه عزم او را فسخ ناکردن و نافذ داشتن، تا طمع او را بر عزم کردن دارد، تا باز عزمش را بشکند، تا تنبیه بر تنبیه بود. ۴۴۶۲:۳
- * نظر کردن پیغامبر علیه السلام به اسیران و تبسم کردن و گفتن که عَجِبْتُ مِنْ قَوْمٍ يُجَرِّوْنَ إِلَى الْجَنَّةِ بِالسَّلَاسِلِ وَالْأَغْلَالِ. ۴۴۷۳:۳
- * تفسیر این آیت که إِنَّ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمْ الْفَتْحُ الْآیة. ای طاعنان می گفتید که از ما و محمد علیه السلام آنکه حق است، فتح و نصرتش ده، و این بدان می گفتید تا گمان آید که شما طالب حقیق بی غرض. اکنون محمد را نصرت دادیم تا صاحب حق را ببینید. ۴۴۸۶:۳
- * سر آنکه بی مراد بازگشتن رسول علیه السلام از حدیبیه، حق تعالی لقب آن فتح کرد که إِنَّا فَتَحْنَاكَ بِهِ صُورَتِ، غَلَقَ بُوْد و به معنی فتح چنانکه شکستن مُشک به ظاهر شکستن است و به معنی درست کردن است مُشکی او را و تکمیل فواید اوست. ۴۵۰۳:۳
- * تفسیر این خبر که مصطفی علیه السلام فرمود: لَا تُفْضِلُونِي عَلَى يُونُسَ بْنِ مَتَّى. ۴۵۱۲:۳
- * آگاه شدن پیغامبر علیه السلام از طعن ایشان بر شماتت او. ۴۵۲۸:۳
- * بیان آنکه طاغی در عین قاهری مقهورست، و در عین منصوری، مأسور. ۴۵۶۱:۳
- * جذب معشوق، عاشق را مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُهُ الْعَاشِقُ وَلَا يَرْجُوهُ وَلَا يَخْطُرُ بِنَالِهِ وَلَا يَظْهَرُ مِنْ ذَلِكَ الْجَذْبُ

- أَثَرُ فِي الْعَاشِقِ إِلَّا الْخَوْفَ الْمَمْرُوجِ بِالْيَأْسِ مَعَ دَوَامِ الطَّلَبِ. ۴۶۰۱:۳
- * دادخواستنِ پشه از باد به حضرت سلیمان علیه السلام. ۴۶۲۴:۳
- * امر کردن سلیمان علیه السلام پشه متظلم را، به احضارِ خصم به دیوانِ حکم. ۴۶۴۶:۳
- * نواختنِ معشوق، عاشقِ بیهوش را، تا به هوش باز آید. ۴۶۶۴:۳
- * با خویش آمدنِ عاشقِ بیهوش و روی آوردن به ثنا و شکرِ معشوق. ۴۶۹۴:۳
- * حکایتِ عاشقی، دراز هجرانی، و بسیار امتحانی. ۴۷۴۹:۳
- * یافتنِ عاشق، معشوق را و بیان آنکه جوینده یا بنده بود که فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ. ۴۷۸۰:۳

دفتر چهارم

- * تمامی حکایتِ آن عاشق که از عَسَسِ گریخت در باغی مجهول، خودِ معشوق را در باغ یافت و عسس را از شادی، دعای خیر می‌کرد و می‌گفت که: عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ. ۴۰:۴
- * حکایتِ آن واعظ که هر آغازِ تذکیر، دعای ظالمان و سخت دلان و بی‌اعتقادان کردی. ۸۱:۴
- * تمثیل چوب زدن به اشغر. ۹۷:۴
- * تمثیل پوست دباغی شده. ۱۰۲:۴
- * سؤال کردن از عیسی علیه السلام که: در وجود از همه صعب‌ها صعب‌تر چیست؟ ۱۱۳:۴
- * قصدِ خیانت کردنِ عاشق و بانگ برزدنِ معشوق بر وی. ۱۲۰:۴
- * تمثیل جنس باد. ۱۲۵:۴
- * قصه آن صوفی که زنِ خود را با بیگانه‌یی بگرفت. ۱۵۸:۴
- * معشوق را زیر چادر پنهان کردن، جهتِ تلبیس و بهانه گفتنِ زن که اِنْ كَيْدُكُنَّ عَظِيمٌ. ۱۸۶:۴
- * گفتنِ زن که او در بندِ جهاز نیست، مرادِ او ستر و صلاح است و جواب گفتنِ صوفی این را سرپوشیده. ۱۹۸:۴
- * غرض از سمیع و بصیر و علیم گفتنِ خدا را. ۲۱۵:۴
- * مثالِ دنیا چون گولخن و تقوی چون حمام. ۲۳۸:۴
- * قصه آن دَبَاغ که در بازارِ عطاران از بویِ عطر و مُشک، بیهوش و رنجور شد. ۲۵۷:۴
- * معالجه کردنِ برادرِ دَبَاغ، دَبَاغ را به خُفیه به بویِ سرگین. ۲۸۹:۴
- * عذرخواستنِ آن عاشق از گناهِ خویش به تلبیس و روی پوش، و فهم کردنِ معشوق، آن را نیز. ۳۰۶:۴
- * رد کردنِ معشوقه، عذرِ عاشق را، و تلبیسِ او را در رویِ او مالیدن. ۳۲۰:۴
- * گفتنِ آن جهود علی را کَرَّمَ اللهُ وَجْهَهُ که اگر اعتماد داری بر حافظیِ حق، از سر این کوشک خود را درانداز و جواب گفتنِ امیرالمؤمنین، او را. ۳۵۳:۴
- * قصه مسجد اقصی و خُزُوب و عزم کردنِ داود علیه السلام پیش از سلیمان علیه السلام، بر بنایِ آن مسجد. ۳۸۸:۴
- * شرح اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ وَالْعُلَمَاءُ كَنَفْسٍ وَاحِدَةٍ، خاصه اتحادِ داود و سلیمان و سایر انبیا علیهم السلام که اگر یکی از ایشان را منکر شوی، ایمان به هیچ نبی درست نباشد، و این علامتِ اتحاد است که یک

- که اگر یکی از ایشان را منکر شوی، ایمان به هیچ نبی درست نباشد، و این علامت اتحاد است که یک خانه از آن هزاران خانه ویران کنی آن همه ویران شود و یک دیوار، قایم نماند که لَا تُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ، وَ الْعَاقِلُ يَكْفِيهِ الْإِشَارَةُ. این خود از اشارت گذشت. ۴۰۶:۴
- * بَقِيَّةُ قِصَّةِ بِنَايِ مَسْجِدِ أَقْصَى. ۴۶۷:۴
- * قِصَّةُ آغَاذِ خِلَافَةِ عُثْمَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ خُطْبَةُ وَی در بیان آنکه: ناصح فَعَال به فعل، به از ناصح قَوْل به قول. ۴۸۷:۴
- * در بیان آنکه حکما گویند: آدمی عالم اصغر است و حکمای الهی گویند: آدمی عالم اکبر است زیرا آن علم حکمای صورت آدمی مقصور بود، و علم این حکما در حقیقت حقیقت آدمی موصول بود. ۵۲۱:۴
- * تفسیر این حدیث که مَثَلُ أُمْتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ تَمَسَّكَ بِهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ. ۵۳۸:۴
- * قِصَّةُ هَدِيَةِ فَرَسْتَادِنِ بَلْقِيسَ از شهر سبا، سوی سلیمان علیه السلام. ۵۶۳:۴
- * کرامات و نور شیخ عبدالله مغربی قَدَسَ اللَّهُ سِرَّهُ. ۵۹۸:۴
- * بازگردانیدن سلیمان علیه السلام رسولان بلقیس را به آن هدیه ها که آورده بودند سوی بلقیس و دعوت کردن بلقیس را به ایمان و ترک آفتاب پرستی. ۶۱۴:۴
- * قِصَّةُ عَطَّارِي که سنگ ترازوی او گِلِ سَرشوی بود، و دزدیدن مشتری گِلِ خوار از آن گِلِ هنگام سنجیدن شکر، دزدیده و پنهان. ۶۲۵:۴
- * دلداری کردن و نواختن سلیمان علیه السلام مرآن رسولان را و دفع وحشت و آزار از دل ایشان، و عذر قبول نا کردن هدیه شرح کردن با ایشان. ۶۵۳:۴
- * دیدن درویش، جماعت مشایخ را در خواب، و درخواست کردن روزی حلال، بی مشغول شدن به کسب و از عبادت ماندن، و ارشاد ایشان او را، و میوه های تلخ و ترش کوهی بر وی شیرین شدن، به داد آن مشایخ. ۶۷۸:۴
- * نیت کردن او که این زر بدهم بدان هیزم کش، چون من روزی یافتم به کرامات مشایخ و رنجیدن آن هیزم کش از ضمیر و نیت او. ۶۸۹:۴
- * تحریض سلیمان علیه السلام مر رسولان را بر تعجیل به هجرت بلقیس بهر ایمان. ۷۱۸:۴
- * سبب هجرت ابراهیم أَذْهَمَ قَدَسَ اللَّهُ سِرَّهُ وَ تَرْكِ مُلْكِ خَرَّاسَانَ. ۷۲۶:۴
- * حکایت آن مرد تشنه که از سر جَوَزُئِنْ جَوَز می ریخت در جوی آب که در گُو بود، و به آب نمی رسید، تا به افتادن جَوَز، بانگ آب بشنود و او را چو سماع خوش بانگ آب اندر طَرَب می آورد. ۷۴۵:۴
- * تهدید فرستادن سلیمان علیه السلام پیش بلقیس که اصرار میندیش بر شرک و تأخیر مکن. ۷۸۱:۴
- * پیدا کردن سلیمان علیه السلام که مرا خالصاً لِمِ اللَّهِ جهدست در ایمان تو، یک ذره غرضی نیست مرا نه در نفس تو و حُسن تو و نه در مُلک تو، خودبینی چون چشم باز شود بِنُورِ اللَّهِ. ۸۱۲:۴
- * باقی قِصَّةِ ابراهیم أَذْهَمَ قَدَسَ اللَّهُ سِرَّهُ. ۸۲۹:۴
- * بَقِيَّةُ قِصَّةِ أَهْلِ سَبَا وَ نَصِيحَتِ وَ ارشاد سلیمان علیه السلام آل بلقیس را هر یکی را اندر خورد مشکلات دین و دل او، و صید کردن هر جنس مرغ ضمیری به صفر آن جنس مرغ و طعمه او. ۸۴۵:۴
- * آزاد شدن بلقیس از ملک و مست شدن او از شوق ایمان و التفات همت او از همه ملک منقطع شدن وقت

هجرت، الا از تخت. ۸۵۹:۴

- * چاره کردنی سلیمان علیه السلام در احضارِ تختِ بلقیس از سبأ. ۹۰۳:۴
- * قصه یاری خواستنِ حلیمه از بُتان، چون عقیقِ فِطام، مصطفی را علیه السلام گم کرد، و لرزیدن و سجده بُتان و گواهی دادنِ ایشان بر عظمتِ کارِ مصطفی صلی الله علیه و سلم. ۹۱۵:۴
- * حکایت آن پیرِ عرب که دلالت کرد حلیمه را به استعانتِ بُتان. ۹۳۶:۴
- * خبر یافتنِ جدِ مصطفی عبدالمطلب از گم کردنِ حلیمه، محمد را علیه السلام و طالب شدنِ او گردِ شهر و نالیدنِ او بر درِ کعبه و از حق در خواستن و یافتنِ او، محمد را علیه السلام. ۹۸۳:۴
- * نشان خواستنِ عبدالمطلب از موضوعِ محمد علیه السلام که کجاش یابم؟ و جواب آمدنِ او از اندرونِ کعبه و نشان یافتنِ او. ۱۰۳۳:۴
- * بقیه قصه دعوتِ رحمت، بلقیس را. ۱۰۴۱:۴
- * مثلِ قانع شدنِ آدمی به دنیا، و حرصِ او در طلب و غفلتِ او از دولتِ روحانیان که آبناهی جنسِ وی اند نعره زنان که: یا لَئِثَ قَوْمِی یَعْلَمُونَ. ۱۰۴۵:۴
- * بقیه قصه عمارت کردنِ سلیمان علیه السلام مسجد اقصی را به تعلیم و وحی خدا جهت حکمت‌هایی که او داند و معاونتِ ملائکه و دیو و پری و آدمی، آشکارا. ۱۱۱۳:۴
- * تمثیل پرنده مرده و صیاد. ۱۰۵۵:۴
- * قصه شاعر و صله دادنِ شاه، و مضاعف کردنِ آن وزیر بوالحسن نام. ۱۱۵۶:۴
- * باز آمدنِ شاعر بعدِ چند سال به امیدِ همان صله و هزار دینار فرمودنِ شاه بر قاعده خویش، و گفتنِ وزیر نو، هم حسن نام، شاه را که: این سخت بسیار است و ما را خرج هاست و خزینه خالی است و من او را به ده یکِ آن خشنود کنم. ۱۱۶۶:۴
- * مانستنِ بد رأیی این وزیر دون در افسادِ مروتِ شاه به وزیرِ فرعون یعنی هامان در افسادِ قابلیتِ فرعون. ۱۲۴۰:۴
- * نشستنِ دیو بر مقامِ سلیمان علیه السلام، و تشبه کردنِ او به کارهای سلیمان علیه السلام، و فرقی ظاهر میان هر دو سلیمان، و دیو خویشتن را سلیمان بن داود نام کردن. ۱۲۶۳:۴
- * در آمدنِ سلیمان علیه السلام هر روز در مسجد اقصی بعد از تمام شدن، جهتِ عبادت و ارشادِ عابدان و معتکفان و رُستنِ عقاقیر در مسجد. ۱۲۸۷:۴
- * آموختنِ پیشه گورکنی، قایل از زاغ، پیش از آنکه در عالم، علمِ گورکنی و گور بُود. ۱۳۰۱:۴
- * قصه صوفی که در میانِ گلستان، سر بر زانو، مراقب بود، یارانش گفتند: سر بر آور، تفرّج کن بر گلستان و ریاحین و مرغان و آثارِ رحمة الله تعالی. ۱۳۵۸:۴
- * قصه رُستنِ خَرّوب در گوشه مسجد اقصی و غمگین شدنِ سلیمان علیه السلام از آن، چون به سخن آمد با او و خاصیت و نامِ خود بگفت. ۱۳۷۳:۴
- * بیانِ آنکه حصولِ علم و مال و جاه مرَبَد گوه‌ران را فُضیحتِ اوست، و چون شمشیر یست کی افتاده است به دستِ راهزن. ۱۴۳۶:۴
- * تفسیر یا اَیُّهَا الْمُزَّمِّل. ۱۴۵۳:۴

قصه است که گفته می آید. ۱۴۹۰:۴

* در تفسیر این حدیث مصطفی علیه السلام که «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ الْمَلَائِكَةَ وَرَكَّبَ فِيهِمُ الْعَقْلَ وَخَلَقَ الْبَهَائِمَ وَرَكَّبَ فِيهَا الشَّهْوَةَ وَخَلَقَ بَنِي آدَمَ وَرَكَّبَ فِيهِمُ الْعَقْلَ وَالشَّهْوَةَ فَمَنْ غَلَبَ عَقْلُهُ شَهْوَتُهُ فَهُوَ أَعْلَى مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَمَنْ غَلَبَ شَهْوَتُهُ عَقْلُهُ فَهُوَ أَدْنَى مِنَ الْبَهَائِمِ. ۱۴۹۷:۴

* در تفسیر این آیت که وَ أَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا وَقَوْلُهُ يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا ۱۵۲۷:۴

* چالیش عقل با نفس همچون تنازع مجنون با ناقه، میل مجنون سوی خُرّه میل ناقه واپس سوی کُرّه، چنانکه گفت مجنون:

هَوَى نَاقَتِي خَلْفِي وَقُدَّامِي الْهَوَى وَإِنِّي وَإِيَّاهَا لَمُخْتَلِفَانِ ۱۵۳۳:۴

* نوشتن آن غلام، قصه شکایت نقصانِ اجرای سوی پادشاه. ۱۵۶۲:۴

* حکایت آن فقیه با دستارِ بزرگ و آنکه پُر بود دستارش و بانگ می زد که:

باز کن ببین که چه می بری، آنگه ببر. ۱۵۷۸:۴

* نصیحتِ دنیا، اهل دنیا را به زبانِ حال و بی وفاییِ خود را نمودن به وفا طمع دارندگان از او. ۱۵۹۲:۴

* بیان آنکه عارف را غذایی است از نورِ حق که آیهْتُ عِنْدَ رَبِّي يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِي. وَقَوْلُهُ: الْجُوعُ طَعَامُ اللَّهِ يُحْيِي بِهِ أَبْدَانِ الصَّدِيقِينَ أَيْ فِي الْجُوعِ يَصِلُ طَعَامُ اللَّهِ. ۱۶۴۱:۴

* تفسیر اَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى. ۱۶۷۰:۴

* زَجْرِ مدعی از دعوی، و امر کردنِ او را به متابعت. ۱۶۹۵:۴

* بقیه قصه نوشتنِ آن غلام، رقع به طلب اجرای. ۱۷۱۷:۴

* حکایتِ آن مدّاح که از جهتِ ناموسِ شکرِ ممدوح می کرد و بویِ اندوه و غمِ اندرونِ او و خلافتِ دلّیِ ظاهرِ او می نمود که آن شکرها لاف است و دروغ. ۱۷۳۹:۴

* دریافتنِ طیبیّاتِ الهیِ امراضِ دین و دل را در سیمایِ مُرید و بیگانه و لحنِ گفتار او و رنگِ چشم او و بی این همه نیز از راه دل که إِنَّهُمْ جَوَاسِيسُ الْقُلُوبِ فَجَالِسُوهُمْ بِالْصِّدْقِ. ۱۷۹۴:۴

* مژده دادنِ ابو یزید از زادِ ابو الحسنِ خرقانی قَدَسَ اللَّهُ رُوحَهُمَا پیش از سال ها و نشانِ صورتِ او و سیرتِ او یک به یک و نوشتنِ تاریخِ نویسان، آن را جهتِ رَصْد. ۱۸۰۲:۴

* قولِ رسولِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ: إِنِّي لَأَجِدُ نَفْسَ الرَّحْمَنِ مِنْ قِبَلِ الْيَمَنِ. ۱۸۳۴:۴

* نقصانِ اجرایِ جان و دل صوفی از طعامِ الله. ۱۸۵۶:۴

* آشفتنِ آن غلام از نارسیدنِ جوابِ رُقعهِ از قِبَلِ پادشاه. ۱۸۹۱:۴

* کژ و زیدنِ باد بر سلیمان علیه السّلام به سببِ زَلَّتِ او. ۱۸۹۷:۴

* شنیدنِ شیخِ ابو الحسنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، خبر دادنِ ابو یزید را از بودِ او و احوالِ او. ۱۹۲۵:۴

* رقعهُ دیگر نوشتنِ آن غلام، پیش شاه، چون جوابِ آن رقعهُ اوّل نیافت. ۱۹۳۵:۴

* قصه آنکه کسی به کسی مشورت می کرد، گفتش: مشورت با دیگری کن که من عدوی توأم. ۱۹۶۹:۴

* امیر کردنِ رسولِ علیه السّلام، جوانِ هذیلی را بر سرِ یه بی که در آن پیران و جنگِ آزمودگان بودند. ۱۹۹۲:۴

- * اعتراض کردنِ معترضی بر رسول علیه السلام بر امیر کردنِ آن هُدَیْلَی. ۲۰۳۰:۴
- * جواب گفتنِ مصطفی علیه السلام اعتراض کننده را. ۲۰۸۱:۴
- * قصه سُبْحانی مَا أَعْظَمَ شَأْنِی گفتنِ ابو یزید قَدَسَ اللهُ سِرَّهُ و اعتراضِ مریدان و جواب این مرایشان رانه به طریقِ گفتِ زبان بلکه از راوِ عیان. ۲۱۰۲:۴
- * بیانِ سببِ فصاحت و بسیار گوییِ آن فضول به خدمتِ رسول علیه السلام. ۲۱۵۴:۴
- * بیانِ رسول علیه السلام سببِ تفضیل و اختیار کردنِ او آن هُدَیْلَی را به امیری و سرلشگری بر پیران و کارزدگان. ۲۱۵۹:۴
- * علامتِ عاقلِ تمام و علامتِ نیمِ عاقل، و مرد تمام و نیمِ مرد، و علامتِ شقیِ مغرورِ لاشی. ۲۱۸۸:۴
- * قصه آن آبگیر و صیادان و آن سه ماهی، یکی عاقل و یکی نیمِ عاقل و آن دگر مغرور و ابله مُعْقِلِ لاشی و عاقبت هر سه. ۲۲۰۲:۴
- * سِرِّ خواندنِ وضو کننده، اورادِ وضو را. ۲۲۱۳:۴
- * شخصی به وقتِ استنجا می‌گفت اَللّهُمَّ اَرَحْنِی رَایحَةَ الْجَنَّةِ به جای آنکه اَللّهُمَّ اجْعَلْنِی مِنَ التَّوَّابِیْنَ وَ اجْعَلْنِی مِنَ الْمُتَطَهِّرِیْنَ که وردِ استنجاست و وردِ استنجا را به وقتِ استنشاق می‌گفت، عزیزی بشنید و این را طاقت نداشت. ۲۲۲۱:۴
- * قصه آن مرغ گرفته که وصیت کرد که بر گذشته پشیمانی مخور، تدارکِ وقت اندیش و روزگار مَبَر در پشیمانی. ۲۲۴۵:۴
- * چاره اندیشیدنِ آن ماهی نیمه عاقل و خود را مُرده کردن. ۲۲۶۶:۴
- * بیان آنکه عهد کردنِ احمق وقتِ گرفتاری و نَدَم هیچ وفایی ندارد، که وَلَوْ ذُو الْعَادُو لَمَّا نَهَوْا عَنْهُ و اِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ. صبح کاذب وفا ندارد. ۲۲۸۷:۴
- * در بیان آنکه وَهْم، قلبِ عقل است و ستیزه اوست، بدو مآند و او نیست، و قصه مجابوباتِ موسی علیه السلام که صاحبِ عقل بود، با فرعون که صاحبِ وَهْم بود. ۲۳۰۱:۴
- * بیانِ آنکه عمارت در ویرانی است، و جمعیت در پراکندگی است، و درستی در شکستگی است، و مراد در بی‌مرادی است، و وجود در عدمست، و عَلَى هَذَا بَقِیَّةُ الْأَضْدَادِ و الْأَزْوَاجِ. ۲۳۴۱:۴
- * بیانِ آنکه هر حیثِ مُدَرِکی را از آدمی نیز مُدَرِ کثاتی دیگرست که از مُدَرِکاتِ آن حیثِ دیگر بی‌خبرست چنانکه هر پیشه ورِ استاد، اَعْجَمِ کارِ آن استادِ دگر پیشه ورست، و بی‌خبری او، از آنکه وظیفه او نیست، دلیل نکند که آن مُدَرِکات نیست. اگرچه به حکم حال مُنْکِر بُودِ آنرا، اما از منکری او اینجا، جز بی‌خبری نمی‌خواهیم درین مقام. ۲۳۸۴:۴
- * حمله بردنِ این جهانیان بر آن جهانیان، و تاختن بردنِ تاسینور ذَر و نسل که سرحدِ غیب است و غفلتِ ایشان از کمین، که چون غازی به غزانرود، کافر تاختن آوَرَد. ۲۴۴۱:۴
- * بیانِ آنکه تنِ خاکیِ آدمی همچون آهنِ نیکو جوهر قابلِ آینه شدن است، تا در او هم در دنیا، بهشت و دوزخ و قیامت و غیر آن معاینه بنماید، نه بر طریق خیال. ۲۴۶۹:۴
- * بازگفتنِ موسی علیه السلام اسرارِ فرعون را، و واقعاتِ او را ظَهَرَ الْغَیْبِ، تا به خبریِ حق ایمان آورد یا گمان بَرَد. ۲۴۸۷:۴

گمان بزد. ۲۴۸۷:۴

- * بیان آنکه در توبه بازست. ۲۵۰۳:۴
- * گفتن موسی علیه السلام فرعون را که از من یک پند قبول کن و چهار فضیلت عوض بستان. ۲۵۰۹:۴
- * شرح کردن موسی علیه السلام آن چهار فضیلت را جهت پامزد ایمان فرعون. ۲۵۲۸:۴
- * تفسیر کُنْتُ كُنْزًا مَخْفِيًّا فَأَخْبَيْتُ أَنْ أُعْرِفَ. ۲۵۴۰:۴
- * غره شدن آدمی به ذکاوت و تصویرات طبع خویشتن و طلب نا کردن علم غیب که علم انبیاست. ۲۵۶۲:۴
- * بیان این خبر که کَلَّمُوا النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ لَا عَلَى قَدْرِ عُقُولِكُمْ حَتَّى لَا يُكَذِّبَ اللَّهُ وَرَسُولَهُ. ۲۵۷۷:۴
- * قوله علیه السلام مِنْ بَشَرِنِي بِخُرُوجِ صَفَرٍ بَشَرْتُهُ بِالْجَنَّةِ. ۲۵۸۵:۴
- * مشورت کردن فرعون با ایسیه در ایمان آوردن به موسی علیه السلام. ۲۵۹۷:۴
- * قصه باز پادشاه و کمپیوزن. ۲۶۲۸:۴
- * قصه آن زن که طفل او بر سر ناودان غیزید و خطر افتادن بود و از علی کَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ چاره جست. ۲۶۵۷:۴
- * مشورت کردن فرعون با وزیرش هامان در ایمان آوردن به موسی علیه السلام. ۲۷۲۳:۴
- * تزییف سخن هامان عَلَيْهِ اللَّعْنَةُ. ۲۷۳۷:۴
- * نومید شدن موسی علیه السلام از ایمان فرعون به تأثیر کردن سخن هامان در دل فرعون. ۲۷۷۴:۴
- * منازعت امیران عرب با مصطفی علیه السلام که مُلْكٌ رَامُقَاسَمَتٌ كُنْ بِمَا تَا نَزَاعِي نَبَاشِدٌ وَ جَوَابِ فَرْمُودِي مَصْطَفِي عَلَيْهِ السَّلَامُ که من مأمورم در این امارت، و بحث ایشان از طَرَفَيْنِ. ۲۷۷۹:۴
- * در بیان آنکه شناسای قدرت حق نیرسد که: بهشت و دوزخ کجاست؟ ۲۸۱۱:۴
- * جواب دهری که منکر الوهیتست و عالم را قدیم می گوید. ۲۸۳۳:۴
- * تفسیر این آیت که وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ، نیافریدمشان بهر همین که شما می بینید بلکه بهر معنی و حکمت باقیه که شما نمی بینید آنرا. ۲۸۸۱:۴
- * وحی کردن حق به موسی علیه السلام که ای موسی من که خالقم تعالی تو را دوست می دارم. ۲۹۲۱:۴
- * خشم کردن پادشاه بر ندیم و شفاعت کردن شفیع آن مغضوب علیه را، و از پادشاه در خواستن و پادشاه شفاعت او قبول کردن و رنجیدن ندیم از شفیع که چرا شفاعت کردی؟ ۲۹۳۳:۴
- * گفتن خلیل مر جبرئیل رَاغَلِيَهُمَا السَّلَامُ، چون پرسیدش که أَلَيْكَ حَاجَةٌ؟ خلیل جوابش داد که أَمَّا إِلَيْكَ فَلَا. ۲۹۷۴:۴
- * مطالبه کردن موسی علیه السلام، حضرت را که خَلَقْتَ خَلْقًا وَأَهْلَكْتَهُمْ؟ و جواب آمدن. ۳۰۰۱:۴
- * بیان آنکه روح حیوانی و عقل جزوی و وَهُمْ و خیال بر مثال دُخْ و اندو روح که باقی ست درین دُخْ همچو روغن، پنهان است. ۳۰۳۰:۴
- * مثال دیگر هم درین معنی. ۳۰۵۱:۴
- * تمثیل پیل و خواب هندوستان. ۳۰۶۸:۴
- * حکایت آن پادشاه زاده که پادشاهی حقیقی به وی روی نمود، یَوْمَ يَقْرَأُ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ نَقْدِ

وقتِ او شد، پادشاهی این خاکِ توده‌ی کودکِ طبعان، که قلعه‌ی گیری نام‌کنند: آن کودک که چیره‌آید بر سرِ خاکِ توده بر آید و لاف‌زند که قلعه‌ی مراست. کودکانِ دیگر بر وی رشک‌بَرند که اَلْتَرَابُ رَبِیعُ الصَّبَّیَّانِ. آن پادشاه زاده‌چو از قیدِ رنگ‌ها بَرست گفت: من این خاکِ هایِ رنگین را همان خاکِ دون می‌گویم. زرو اطلس و آکسون نمی‌گویم. من ازین آکسون رَشْتَم به یَکْسُون رَفْتَم، و اَتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا. ارشادِ حق را مُرورِ سال‌ها حاجت نیست. در قدرتِ کُن فَيَكُون هیچکس سخنِ قابلیتِ نگوید. ۳۰۸۵:۴

* عروس آوردنِ پادشاه، فرزندِ خود را از خوفِ انقطاعِ نسل. ۳۱۱۳:۴
* اختیار کردنِ پادشاه، دخترِ درویش زاهدی را از جهتِ پسر و اعتراض کردنِ اهل حرم و ننگ داشتنِ ایشان از پیوندیِ درویش. ۳۱۲۹:۴

* مستجاب شدنِ دعایِ پادشاه در خلاصِ پسرش از جادویِ کابلی. ۳۱۶۰:۴
* در بیانِ آنکه شه‌زاده، آدمی بچه‌است، خلیفه‌ی خداست، پدرش آدم صفی، خلیفه‌ی حق، مسجودِ ملائک و آن کمپیرِ کابلی، دنیاست که آدمی بچه را از پدر بپرید به سحر، و انبیا و اولیا آن طیب تدارک‌کننده. ۳۱۸۹:۴

* حکایتِ آن زاهد در سال قحط، شاد و خندان بود، با مفلسی و بسیاریِ عیال. و خلق می‌مُردند از گرسنگی. گفتندش: چه هنگامِ شادیست؟ که هنگامِ صد تعزیت است. گفت: مرا باری نیست. ۳۲۴۲:۴
* بیانِ آنکه مجموعِ عالم، صورتِ عقلِ کُل است، چون با عقلِ کُل به کُز و ی جفا کردی، صورتِ عالم تو را غم فزاید، اغلب احوال، چنانکه دل با پدر بد کردی، صورتِ پدر غم فزاید تو را و نتوانی رویش را دیدن، اگرچه پیش از آن نور دیده بوده باشد و راحتِ جان. ۳۲۵۹:۴

* قصه‌ی فرزندانِ عَزْزیر علیه‌السلام که از پدر احوال پدر می‌پُرسیدند. می‌گفت: آری دیدمش، می‌آید. بعضی شناختندش، بیهوش شدند. بعضی شناختند، می‌گفتند: خود مُرده داد، این بیهوش شدن چیست؟ ۳۲۷۱:۴

* تفسیر این حدیث که: اِنِّی لَاسْتَغْفِرُ اللهَ فِی کُلِّ یَوْمٍ سَبْعَیْنَ مَرَّةً. ۳۳۰۰:۴
* بیانِ آنکه عقل جزوی تا به گور بیش نبیند. در باقی، مقلدِ اولیا و انبیاست. ۳۳۱۱:۴
* بیانِ آنکه یا اَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوا لَا تُقَدِّمُوا بَیْنَ یَدِیْ اللّٰهِ وَرَسُوْلِهِ

چون نبی نیستی ز اُمت باش چون که سلطان نه بی رعیت باش. ۳۳۴۸:۴
* قصه‌ی شکایتِ آستر به اُشتر که من بسیار در رُو می‌افتم در راه رفتن، تو کم در رُوی می‌آیی این چراست؟ و جواب گفتنِ شتر، او را. ۳۳۷۷:۴

* تصدیق کردنِ آستر، جوابِ هایِ شتر را اقرار آوردن به فضلِ او بر خود و ازو استعانتِ خواستن و بدو پناه گرفتن به صدق و نواختنِ شتر، او را و ره نمودن و یاری دادنِ پدرا نه و شاهانه. ۳۴۰۷:۴
* لابه کردنِ قبطی، سبطی را که یک سبو به نیتِ خویش از نیل پُرکن، و بر لبِ من نه، تا بخورم به حق دوستی و بر اداری که سبو که شما سبطیان بهرِ خود پُر می‌کنید از نیل، آبِ صافست و سبو که ما قبطیان پُر می‌کنیم خونِ صافست. ۳۴۳۱:۴

* درخواستِ قبطی، دعایِ خیر و هدایت از سبطی، و دعا کردنِ سبطی، قبطی را به خیر، و مستجاب شدنِ از اَکْرَمُ الْاَکْرَمِیْنَ و اَزْ حَمُّ الزَّاجِمِیْنَ. ۳۴۹۴:۴

چشم آدمی را سرِ آن امرودین، از سر امرودین فرود آی تا آن خیال ها برود، و اگر کسی گوید که آنچه آن مرد می دید خیال نبود، جواب این مثالی است نه مثل، در مثال همین قدر بس بود که اگر بر سرِ امرودین نرفتی، هرگز آنها ندیدی، خواه خیال، خواه حقیقت. ۳۵۴۴:۴

* باقی قصه موسی علیه السلام. ۳۵۷۵:۴

* أطوار و منازل خلقت آدمی از ابتدا. ۳۶۳۷:۴

* بیان آنکه خلقِ دوزخ، گرسنگانند و نالانند بحق که روزی های ما را فربه گردان، و زود زاد به ما رسان که ما را صبر نماند. ۳۶۶۸:۴

* رفتن ذوالقرنین به کوه قاف، و درخواست کردن که: ای کوه قاف از عظمتِ صفتِ حق، ما را بگو. و گفتنِ کوه قاف که صفتِ عظمتِ او در گفت نیاید، که پیش آن ادراک ها فنا شود و لایه کردنِ ذوالقرنین که از صنایعش که در خاطر داری و بر تو گفتن آن آسانتر بود بگو. ۳۷۱۱:۴

* موری بر کاغذی می رفت، نبشتنِ قلم دید، قلم را ستودن گرفت. موری دیگر که چشم تیزتر بود گفت: ستایش انگشتان راکن که این هنر از ایشان می بینم. موری دیگر که از هر دو چشم روشن تر بود گفت: من بازو را ستایم که انگشتان، فرع بازوانند الی آخره. ۳۷۲۱:۴

* نمودنِ جبرئیل علیه السلام، خود را به مصطفی صلی الله علیه و سلم، به صورتِ خویش و از هفتصد پَر او چون یک پَر ظاهر شد، افق را برگرفت و آفتاب، محجوب شد با همه شعاعش. ۳۷۵۵:۴

دفتر پنجم

* تفسیرِ خُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ. ۳۱:۵

* در سببِ ورودِ این حدیثِ مصطفی صلوات الله علیه که الکافرُ یا کُلُّ فی سَبْعَةِ أَمْعَاءٍ وَالْمُؤْمِنُ یَأْكُلُ فی مِعَاءٍ وَاحِدٍ. ۶۴:۵

* در حُجره گشادنِ مصطفی علیه السلام بر مهمان، و خود را پنهان کردن تا او خیالِ گشاینده را نبیند و خَجَل نشود و گستاخ بیرون رود. ۹۷:۵

* سبب رجوع کردنِ آن مهمان به خانهِ مُصطفی علیه السلام در آن ساعت که مصطفی نهالینِ مُلَوَّثِ او را به دستِ خود می شُست و خَجَل شدنِ او و جامه چاک کردن و نوحه او بر خود و حالِ خود. ۱۱۸:۵

* نواختنِ مُصطفی علیه السلام آن عربِ مهمان را و تسکین دادنِ او را از آن اضطراب و گریه و نوحه که بر خود می کرد در خجالت و ندامت و آتشِ نومیدی. ۱۶۸:۵

* بیانِ آنکه نماز و روزه و همه چیزهای بُرونی گواهی هاست بر نورِ اندرونی. ۱۸۳:۵

* پاک کردنِ آبِ همه پلیدی ها را و باز پاک کردنِ خدای تعالی آب را از پلیدی، لاجَرَمِ قُدُّوس آمد حق تعالی. ۲۰۰:۵

* استعانتِ آب از حق جَلَّ جَلَّاهُ بعد از تیره شدن. ۲۱۷:۵

* گواهی فعل و قولِ بیرونی بر ضمیر و نورِ اندرونی. ۲۳۶:۵

* در بیانِ آنکه نورِ خود از اندرونِ شخصِ منور، بی آنکه فعلی و قولی بیان کند گواهی دهد بر نورِ وی. ۲۴۲:۵

- * عرضه کردنِ مُصطفیٰ عَلَیهِ السَّلَامِ شهادت را بر آن مهمانِ خویش. ۲۶۱:۵
- * بیانِ آنکه نور که غذایِ جان است غذایِ جسمِ اولیا می‌شود تا او هم یار می‌شود روح را که اَشَلَمَ شَیْطَانِی عَلَیْ یَدِی. ۲۸۸:۵
- * انکارِ اهلِ تنِ غذایِ روح را، و لرزیدنِ ایشان بر غذایِ خسیس. ۳۰۲:۵
- * مناجات. ۳۰۵:۵
- * تمثیلِ لوحِ محفوظ، و ادراکِ عقلِ هرکسی از آن لوح، آنکه امر و قسمت و مقدور هر روزه وی است همچون ادراکِ جبرئیل علیه‌السلام هر روزی از لوحِ اعظم. ۳۱۷:۵
- * تمثیلِ روش‌هایِ مختلف و همت‌هایِ گوناگون به اختلافِ تحرّیِ مُتَحَرِّیان در وقتِ نماز، قبله را به وقتِ تاریکی و تحرّیِ غَواصان در قعرِ بحر. ۳۲۹:۵
- * تفسیر یا حسرةً عَلَی الْعِبَاد. ۳۴۶:۵
- * سببِ آنکه فَرَجِی را نامِ فَرَجِی نهادند از اوّل. ۳۵۴:۵
- * صفتِ طاوس و طبعِ او و سببِ کشتنِ ابراهیم علیه‌السلام، او را. ۳۹۵:۵
- * در بیانِ آنکه لطفِ حق را همه کس داند و قهرِ حق را همه کس داند و همه از قهرِ حق گریزانند و به لطفِ حق در آویزان. اما حق تعالی قهرها را در لطف، پنهان کرد و لطف‌ها را در قهر پنهان کرد. نعل بازگونه و تلخیص و مکرُّ الله بود، تا اهلِ تمییز و یَنْظُرُ بِنُورِ الله از حالی بینان و ظاهربینان جدا شوند که لَیْسَلَوْكُمْ اَیُّكُمْ اَحْسَنُ عَمَلًا. ۴۲۰:۵
- * تفاوتِ عقول در اصلِ فطرت، خلافِ معتزله که ایشان گویند در اصل، عقولِ جزوی برابرند این افزونی و تفاوت از تعلّم است و ریاضت و تجربه. ۴۵۹:۵
- * حکایتِ آن اعرابی که سگِ او از گرسنگی می‌مُرد و انبانِ او پُر نان و بر سگ نوحه می‌کرد و شعر می‌گفت و می‌گریست، و سر و رُو می‌زد و دریغش می‌آمد لقمه بی از انبان به سگ دادن. ۴۷۷:۵
- * در بیانِ آنکه هیچ چشمِ بدی آدمی را چنان مُهلک نیست که چشمِ پسندِ خویشتن، مگر که چشمِ او مبدّل شده باشد به نورِ حق، که بی یَسْمَعُ و بی یُبْصِر و خویشتنِ او بی خویشتن شده. ۴۹۸:۵
- * تفسیرِ اِنْ یَکَادُ الَّذِینَ کَفَرُوا لَیْزُلْنَ لِقَوْنِکَ بِاَبْصَارِهِمْ. ۵۰۶:۵
- * قصّه آن حکیم که دید طاوسی را که پَرِ زیبایِ خود را می‌کند به منقار و می‌انداخت، و تن خود را کُل و زشت می‌کرد، از تعجّب پرسید که دریغ نمی‌آید؟ گفت: می‌آید، اما پیش من جان از پر عزیزتر است و این عدویِ جانِ من است. ۵۳۶:۵
- * در بیانِ آنکه صفا و سادگیِ نفسِ مُطمئنّه از فکرِ ها مشوّش شود، چنانکه بر رویِ آینه چیزی نویسی یا نقش کنی، اگرچه پاک کنی، داغی بماند و نقصانی. ۵۵۷:۵
- * در بیانِ قولِ رسولِ علیه‌السلام لَا رَهْبَانِیَّةَ فِی الْاِسْلَام. ۵۷۴:۵
- * در بیانِ آنکه ثوابِ عملِ عاشق از حق هم حق است. ۵۸۶:۵
- * در تفسیرِ قولِ رسولِ علیه‌السلام مَآمَاتٌ مِّنْ مَّآتٍ اِلَّا وَتَمَتَّنِیْ اَنْ یَّمُوتَ قَبْلَ مَآمَاتٍ اِنْ کَانَ بَرًّا لَّیْکُونُ اِلَیَّ وَصُولِ الْبَرِّ اَعْجَلَ وَاِنْ کَانَ فَاجِرًا لَّیَقْلُ فُجُورُهُ. ۶۰۴:۵
- * در بیانِ آنکه عقل و روح در آب و گل محبوس اند، همچون هاروت و ماروت در چاهِ بابل. ۶۲۰:۵

- * در بیان آنکه عقل و روح در آب و گل محبوس اند، همچون هاروت و ماروت در چاه بابل. ۶۲۰:۵
- * جواب گفتنی طاوس آن سایل را. ۶۴۱:۵
- * بیان آنکه هنرها و زیرکی ها و مال دنیا همچون پرهایی طاوس عَدُوّ جان است. ۶۴۸:۵
- * در صفت آن بی خودان که از شرّ خود و هنر خود ایمن شده اند که فانی اند در بقای حق، همچون ستارگان که فانی اند روز در آفتاب، و فانی را خوفِ آفت و خطر نباشد. ۶۷۲:۵
- * در بیان آنکه ماسیوی الله هر چیزی آکل و مأ کول است، همچون آن مرغی که قصدِ صیدِ ملخ می کرد و به صیدِ ملخ مشغول می بود، و غافل بود از بازِ گرسنه که از پسِ قفای او قصدِ صید او داشت، اکنون ای آدمی صیادِ اِکِل، از صیادِ و اِکِل خود ایمن مباش، اگر چه نمی بینیش به نظر چشم، به نظرِ دلیلِ عبرتش می بین تا چشم نیز باز شدن. ۷۱۹:۵
- * سببِ کشتنِ خلیل علیه السلام زاع را که آن اشارات به قمعِ کدام صفت بود از صفاتِ مذمومه مُهلکه در مُرید. ۷۶۵:۵
- * مناجات. ۷۸۰:۵
- * قَالَ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ از حَمُوا ثَلَاثًا: عَزِيزَ قَوْمٍ ذَلَّ، وَ غَنِيَّ قَوْمٍ افْتَقَرُوا عَالِمًا يَلْعَبُ بِهِ الْجُهَالُ. ۸۲۳:۵
- * قصّه محبوس شدنِ آن آهو بچه در آخرِ خران، و طعنه آن خران بر آن غریب گاه به جنگ و گاه به تسخر و مبتلی گشتنِ او به کاه خشک که غذای او نیست، و این صفتِ بنده خاصِ خداست میانِ اهلِ دنیا و اهلِ هوا و شهوت که اَلَا سَلَامُ بَدَأَ غَرِيبًا وَ سَيَعُودُ غَرِيبًا فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ، صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ. ۸۳۳:۵
- * حکایتِ محمدِ خوارزمشاه که شهر سبزوار، که همه رافضی باشند به جنگ بگرفت، امانِ جان خواستند، گفت: آنکه امان دهم که از این شهر پیشِ من به هدیه ابوبکر نامی بیآرید. ۸۴۵:۵
- * بَقِيَّةُ قصّه آهو و آخرِ خران. ۹۰۸:۵
- * تفسیرِ اِنِّي اَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ، آن گاوان لاغرا خدا به صفت شیرانِ گرسنه آفریده بود تا آن هفت گاوِ فربه را به اشتها می خوردند اگر چه آن خیالاتِ صورِ گاوان در آینه خواب بنمودند، تو معنی نگر. ۹۳۲:۵
- * بیانِ آنکه کشتنِ خلیل علیه السلام خروس را، اشارت به قمع و قهرِ کدام صفت بود از صفاتِ مذموماتِ مُهلکات در باطنِ مُرید؟ ۹۴۰:۵
- * تفسیرِ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ وَ تفسیرِ وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ. ۹۶۲:۵
- * تفسیرِ أَسْفَلَ سَافِلِينَ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ. ۹۷۴:۵
- * مثالِ عالمِ هستِ نیستِ نما، و عالمِ نیستِ هستِ نما. ۱۰۲۶:۵
- * در تفسیر قولِ مُصْطَفَى عَلَيْهِ السَّلَام: «لَا بُدَّ مِنْ قَرِينٍ يَذُنُ مَعَكَ وَ هُوَ حَيٌّ وَ تُذَفَنُ مَعَهُ وَ أَنْتَ مَيِّتٌ إِنْ كَانَ كَرِيمًا أَكْرَمَكَ وَ إِنْ كَانَ لَيْثِمًا أَسْلَمَكَ وَ ذَلِكَ الْقَرِينُ عَمَلُكَ فَأَصْلِحْهُ يَأْتِ بِكَ» صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ. ۱۰۵۱:۵
- * تفسیرِ وَ هُوَ مَعَكُمْ. ۱۰۷۳:۵
- * در تفسیر قولِ مُصْطَفَى عَلَيْهِ السَّلَام: مَنْ جَعَلَ الْهُمُومَ هَمًّا وَاجِدًا كَفَاهُ اللَّهُ سَائِرَ هُمُومِهِ، وَ مَنْ تَفَرَّقَتْ بِهِ

* در معنی این بیت

گر راه روی، راه بَرَت بگشایند وَر نیست شوی، به هستی ات بگرایند. ۱۱۰۵:۵

* قصّه آن شخص که دعوی پیغمبری می‌کرد. گفتندش: چه خورده‌ای که گیج شده‌ای و یاوه می‌گویی؟ گفت: اگر چیزی یافتی که خوردمی نه گیج شدمی و نه یاوه گفتمی، که هر سخن نیک که با غیرِ اهلش گویند، یاوه گفته باشند اگرچه در آن یاوه گفتن مأمورند. ۱۱۱۹:۵

* سببِ عداوتِ عام و بیگانه زیستنِ ایشان با اولیایِ خدا که به حقّشان می‌خوانند و به آبِ حیاتِ ابدی ۱۱۴۹:۵

* در بیانِ آنکه مردِ بدکار چون متمکّن شود در بدکاری، و اثرِ دولتِ نیکوکاران ببیند، شیطان شود و مانع خیر گردد از حسدِ همچون شیطان، که خرمن سوخته، همه را خرمن سوخته خواهد آرایت الذی ینهی عَبْدًا إِذَا صَلَّى ۱۱۷۱:۵

* مناجات ۱۰۹۷:۵

* پرسیدنِ پادشاه از آن مدعیِ نبوت که آنکه رسولِ راستین باشد و ثابت شود، با او چه باشد که کسی را بخشد؟ یا به صحبت و خدمتِ او چه بخشش یابند غیرِ نصیحت که به زبان می‌گوید؟ ۱۲۲۶:۵

* داستانِ آن عاشق که با معشوقِ خود برمی‌شمرد خدمت‌ها و وفاهایِ خود را و شب‌هایِ دراز تَنَجافی جُنُوبُهُم عَنِ الْمَضَاجِعِ را و بی‌نواایی و جگر تشنگیِ روزهایِ دراز را می‌گفت که من جز این خدمت نمی‌دانم اگر خدمتِ دیگر هست، مرا ارشاد کن که هرچه فرمایی مُنقادم، اگر در آتش رفتن است چون خلیل علیه‌السلام، و اگر در دهانِ نهنکِ دریا فتادنست چون یونس علیه‌السلام، و اگر هفتاد بار کشته شدن است چون جرجیس علیه‌السلام، و اگر از گریه نابینا شدن است چون شعیب علیه‌السلام، و وفا و جان‌بازی انبیا را عَلَیْهِمُ السَّلَام شمار نیست، و جواب گفتنِ معشوق او را. ۱۲۴۲:۵

* یکی پرسید از عالمی عارفی که اگر در نماز کسی بگرید به آواز و آه کند و نوحه کند نمازش باطل شود؟ جواب گفت که نامِ آن آبِ دیده است، تا آن‌گرينده چه دیده است؟ اگر شوقِ خدا دیده است و می‌گرید، یا پشیمانیِ گناهی، نمازش تباه نشود، بلکه کمال گیرد که لأُصَلِّوهُ إِلَّا بِحُضُورِ الْقَلْبِ و اگر او رنجوری تن یا فراقِ فرزند دیده است، نمازش تباه نشود که اصلِ نماز، ترکِ تن است و ترکِ فرزند ابراهیم وار که فرزند را قربان می‌کرد از بهر تکمیلِ نماز و تن را به آتش نمرود می‌سپرد، و امر آمد مصطفی را علیه‌السلام بدین خصال که: فَأَتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ، لَقَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ. ۱۲۶۵:۵

* مریدی درآمد به خدمتِ شیخ و ازین شیخ پیرِ سنّ نمی‌خواهم، بلکه پیرِ عقل و معرفت، و اگرچه عیسی است علیه‌السلام در گهواره، و یحیی است علیه‌السلام در مکتبِ کودکان، مرید شیخ را گریان دید، او نیز موافقت کرد و گریست، چون فارغ شد و به درآمد، مریدی دیگر که از حال شیخ واقف تر بود از سر غیرت در عقب او تیز بیرون آمد. گفتش ای برادر من ترا گفته باشم: اللَّهُ اللَّه تا نیندیشی و نگویی که شیخ می‌گریست و من نیز می‌گریستم، که سی سال ریاضتِ بی‌ریا باید کرد و از عَقَبات و دریاهایِ پرنهنگ و کوه‌هایِ بلند پُر شیر و پلنگ می‌باید گذشت تا بد آن‌گریه شیخ رسی یا نرسی، اگر رسی، شکرِ زَوَيْتِ لِي الْأَرْضُ گویی بسیار ۱۲۷۱:۵

* داستانِ آن کنیزک که با خرِ خاتونِ شهوت می‌راند، و او را چون بُز و خروس، آموخته بود شهوت راندنِ

آدمیانه، و کدویی در قضیبِ خر می‌کرد تا از اندازه نگذرد. خاتون بر آن وقوف یافت، لکن دقیقه کدو را ندید. کنیزک را به بهانه به راه کرد جایی دور، و با خر جمع شد بی کدو، و هلاک شد به فضااحت. کنیزک بی‌گناه باز آمد و نوحه کرد که: ای جانم وای چشم روشنم کیر دیدی، کدو ندیدی. ذکر دیدی، آن دگر ندیدی. کُلُّ نَاقِصٍ مُلْعُونٌ يَعْنِي كُلُّ نَظَرٍ وَ فَهْمٍ نَاقِصٌ مُلْعُونٌ. و اگر نه ناقصان چشم ظاهر مرحوم‌اند. ملعون نه‌اند، بر خوان: لَيْسَ عَلَى الْآغْنَى حَرَجٌ، نَفِي حَرَجٍ وَ نَفِي لَعْنَةٍ وَ نَفِي عِتَابٍ وَ غَضَبٍ کرد. ۱۳۳۳:۵

* تمثیل تلقینِ شیخ، مریدان را و پیغامبر امت، را که ایشان طاقِتِ تلقینِ حق ندارند و با حق الفت ندارند، چنانکه طوطی با صورت آدمی الفت ندارد که ازو تلقین تواند گرفت. حق تعالی شیخ را چون آینه‌یی پیش مرید همچو طوطی دارد، و از پس آینه تلقین می‌کند: لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ. إِنَّ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى. اینست ابتدایِ مسأله بی‌منتهی، چنانکه منقار جنبانیدنِ طوطی اندرونِ آینه، که خیالش می‌خوانی، بی‌اختیار و تصرفِ اوست، عکسِ خواندنِ طوطی برونی که متعلم است، نه عکسِ آن معلم که پس آینه است، ولیکن خواندنِ طوطی برونی و تصرفِ آن معلم است. پس این مثال آمد نه مثل ۱۴۳۰:۵

* صاحب دلی دید سگی حامله، در شکم آن سگ بچه‌گان بانگ می‌کردند، در تعجب ماند که حکمتِ بانگِ سگ پاسبانی است، بانگ در اندرونِ شکمِ مادر پاسبانی نیست، و نیز بانگ جهت یاری خواستن و شیر خواستن باشد و غیره، و اینجا هیچ ازین فایده‌ها نیست. چون به خویش آمد، با حضرت مناجات کرد و مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ. جواب آمد که آن صورتِ حالِ قومی است از حجاب بیرون نیامده و چشم دل باز ناشده، دعوی بصیرت کنند و مقالات گویند، از آن نه ایشان را قوتی و یاری رسد و نه مستمعان را هدایتی و رشدی ۱۴۴۵:۵

* قصه اهلِ ضَرَوَان و حسدِ ایشان بر درویشان که پدرِ ما از سلیمی اغلب دخلِ باغ را به مسکینان می‌داد. چون انگور بودی عشر دادی، و چون مویز و دوشاب شدی عشر دادی، و چون حلوا و پالوده کردی عشر دادی، و از قصیل عشر دادی، و چون در خرمن کوفتی از کفه آمیخته عشر دادی، و چون گندم از کاه جدا شدی عشر دادی، و چون آرد کردی عشر دادی، و چون خمیر کردی عشر دادی، و چون نان کردی عشر دادی، لا جَرَمَ حق تعالی در آن باغ و کِشتِ برکتی نهاده بود که همه اصحابِ باغ‌ها محتاج او بُدندی هم به میوه و هم به سیم و او محتاج هیچکس نی از ایشان. فرزندانِشان خرجِ عشر می‌دیدند مکرر و آن برکت را نمی‌دیدند، همچون آن زن بدبخت که کیر خر را دید و کدو را ندید. ۱۴۷۳:۵

* بیانِ آنکه عطایِ حق و قدرت، موقوفِ قابلیت نیست، همچون دادِ خلقان که آن را قابلیت باید، زیرا عطا قدیمست و قابلیتِ حادث. عطا صفتِ حق است، و قابلیتِ صفتِ مخلوق. و قدیم، موقوفِ حادث نباشد. و اگر نه، حدوث، محال باشد. ۱۵۳۷:۵

* در ابتدایِ خلقتِ جسمِ آدم علیه‌السلام که جبرئیل را علیه‌السلام اشارت کرد: که برو ازین زمین مشتی خاک بگیر، و به روایتی از هر نواحی مشت مشت بگیر ۱۵۵۶:۵

* فرستادنِ میکائیل را علیه‌السلام به قبضِ حَفَنَه‌یی خاک از زمین، جهتِ ترکیبِ ترتیبِ جسمِ مبارکِ أَبَوَالْبَشَر، خلیفه‌ الحَق، مَسْجُودِ الْمَلِكِ وَ مُعَلِّمُهُمُ آدم علیه‌السلام ۱۵۸۱:۵

* قصه قوم یونس علیه‌السلام بیان و برهانِ آنست که تضرع و زاری دفعِ بلائی آسمانی‌ست و حق تعالی

- مختارست، پس تضرع و تعظیم پیش او مفید باشد، و فلاسفه گویند فاعل به طبع است و به علت، نه مختار، پس تضرع، طبع را نگرداند ۱۶۰۸:۵
- * فرستادن اسرافیل را علیه السلام به خاک که: حَفَنَہِی بِرَکْرِیْرِ خَاکٍ بِہِیْرِ تَرْکِیْبِ جِسْمِ آدَمَ عَلَیْہِ السَّلَامُ ۱۶۲۰:۵
- * فرستادن عزرائیل، مَلِکَ الْعَزْمِ وَالْحَزْمِ را علیه السلام به برگرفتن حَفَنَہِی خَاکٍ، تا شود جسم آدم چالاک علیه السلام ۱۶۴۹:۵
- * بیان آنکه مخلوقی که تو را ازو ظلمی رسد، بحقیقت او همچون آلتی است، عارف آن بود که به حق رجوع کند نه به آلت، و اگر به آلت رجوع کند، به ظاهر نه از جهل کند، بلکه برای مصلحتی، چنانکه ابایزید قَدَسَ اللہُ سِرَّہُ گفت که چندین سال است که من با مخلوق سخن نگفتم و از مخلوق سخن نشنیده‌ام ولیکن خلق چنین پندارند که با ایشان سخن می‌گویم و از ایشان می‌شنوم، زیرا ایشان مخاطب اکبر را نمی‌بینند که ایشان چون صدائد او را نسبت به حال من، التفات مستمع عاقل به صدا نباشد چنانکه مثل است معروف: قَالَ الْجِدَارُ لِلْوَتْدِیْلِمْ تَشَقُّنِی؟ قَالَ الْوَتْدُ انْظُرْ اِلَیَّ مَنْ یَدُقُّنِی ۱۶۸۳:۵
- * جواب آمدن که آنکه نظری او بر اسباب و مرض و زخم تیغ نیاید، بر کار تو عزرائیل هم نیاید که تو هم سببی اگرچه مخفی تری از آن سبب‌ها، و بود که بر آن رنجور مخفی نباشد که وَهُوَ اقْرَبُ اِلَیْہِ مِنْکُمْ وَلَکِنْ لَا تُبْصِرُوْنَ ۱۷۱۰:۵
- * در بیان وخامت چرب و شیرین دنیا و مانع شدن او از طعام اللہ چنانکه فرمود الْجُوعُ طَعَامُ اللہِ یحییٰ بہ اَبْدَانِ الصِّدِّیْقِیْنَ، اَیُّ فِی الْجُوعِ طَعَامُ اللہِ وَقَوْلُهُ اَبِیْتُ عِنْدَ رَبِّیْ یُطْعِمُنِیْ وَ یَسْقِیْنِیْ وَقَوْلُهُ یُرَزِّقُوْنَ فَرَحِیْنَ ۱۷۴۳:۵
- * جواب آن مغفل که گفته است که: خوش بودی این جهان اگر مرگ نبود، و خوش بودی ملک دنیا اگر زوالش نبود، و عَلَىٰ هَذِهِ الْوَتِیْرَةِ مِنَ الْفُشَارَاتِ ۱۷۶۰:۵
- * فیما یرجی مِنَ رَحْمَةِ اللہِ تَعَالٰی مُعْطٰی النِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِہَا وَهُوَ الَّذِیْ یُنْزِلُ الْغَیْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَرُبُّ بَعْدِ یُورِثُ قُرْبًا، وَرُبُّ مَقْصِیَةِ مَیْمُونَةٍ وَرُبُّ سَعَادَةٍ تَأْتِیْ مِنْ حَیْثُ یُرْجٰی النِّقَمُ لَیُعْلَمَنَّ اَنَّ اللہَ یَبْدُلُ سَیِّئَاتِہِمُ حَسَنَاتٍ ۱۷۷۲:۵
- * قصه آواز و حُجره داشتن او جهت چارق و پوستین و گمان آمدن خواجه تاشانش را که او را در آن حُجره، دَفِیْنه است به سبب محکمی در و گرانی قفل ۱۸۵۷:۵
- * بیان آنکه آنچه بیان کرده می‌شود، صورت قصه است، و آنکه آن صورتی است که درخورد این صورت گیرانست و درخورد آینه تصویر ایشان و از قدوسیته که حقیقت این قصه راست، نطق را ازین تنزیل شرم می‌آید، و از خجالت سر و ریش و قلم گم می‌کند و الْعَاقِلُ یُکْفِیْہِ الْاِشَارَةُ ۱۸۹۲:۵
- * حکمت نظر کردن در چارق و پوستین که فَلِیَنْظُرَ الْاِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ۱۹۱۸:۵
- * خَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِنْ نَّارٍ. وَقَوْلُهُ تَعَالٰی فِی حَقِّ اِبْلِیْسَ: اِنَّہُ کَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ ۱۹۲۷:۵
- * در معنی این که ارنا الاشیاء کما هی، و معنی این که لَوْ کُشِفَ الْغِطَاءُ مَا اَزْدَدْتُ یَقِیْنًا وَقَوْلُهُ در هرکه تو از دیده بد می‌نگری از چنبره وجود خود می‌نگری
- «پایه کثر کثر افکند سایه» ۱۹۷۴:۵

* بیان اتحاد عاشق و معشوق از روی حقیقت، اگرچه متضادند از روی آنکه نیاز، ضد بی‌نیاز است، چنانکه آینه بی‌صورت است و ساده است و بی‌صورتی، ضد صورت است، و لکن میان ایشان اتحادی است در حقیقت که شرح آن دراز است، والعاقِلُ یُکْفِیهِ الْإِشَارَةُ ۵: ۱۹۹۹

* معشوقی از عاشق پرسید که خود را دوست تر داری یا مرا؟ گفت: من از خود مُرده‌ام و به تو زنده‌ام، از خود و صفات خود نیست شده‌ام و به تو هست شده‌ام، علم خود را فراموش کرده‌ام و از علم تو عالم شده‌ام، قدرت خود را از یاد داده‌ام و از قدرت تو قادر شده‌ام. اگر خود را دوست دارم تو را دوست داشته باشم، و اگر تو را دوست دارم، خود را دوست داشته باشم

هر که را آینه یقین باشد گرچه خود بین، خدای بین باشد

أَخْرُجُ بِصِفَاتِي إِلَى خَلْقِي، مَنْ رَأَاكَ رَأَانِي وَمَنْ قَصَدَكَ قَصَدَنِي وَعَلَى هَذَا ۵: ۲۰۲۰

* آمدن آن امیر نعام با سرهنگان، نیم شب به گشادن آن حُجره آياز، و پوستین و چارق دیدن آویخته، و گمان بُردن که آن مکرست و روپوش، و خانه را حفره کردن بهر گوشه‌یی که گمان آمد و چاه گمان آوردن و دیوارها سوراخ کردن و چیزی نایافتن و خجل و نومید شدن، چنانکه بدگمانان و خیال‌اندیشان در کار انبیا و اولیا که می‌گفتند، که ساحرند و خویشتن ساخته‌اند و تصدُر می‌جویند، بعد از تفحص، خجل شوند و سود ندارد. ۵: ۲۰۵۰

* بازگشتن نعامان از حُجره آياز به سوی شاه، توبره تهی و خجل همچو بدگمانان در حق انبیا علیهم السلام در وقت ظهور برانت و پاکی ایشان که یَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ وَقَوْلُهُ وَتَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُمْ مُسْوَدَّةٌ. ۵: ۲۰۸۰

* حواله کردن پادشاه قبول و توبه نعامان و حُجره گشایان، و سزا دادن ایشان به آياز که یعنی: این جنایت بر عریض او رفته است. ۵: ۲۰۹۴

* فرمودن شاه، آياز را که اختیار کن از عفو و مکافات که از عدل و لطف هر چه کنی، این جا صواب است. و در هریکی مصلحت هاست که در عدل هزار لطف هست درج، وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ، آن کس که کراهت می‌دارد قصاص را درین یک حیات قاتل نظر می‌کند و در صد هزار حیات که معصوم و محقون خواهند شدن در حصن بیم سیاست نمی‌نگرد. ۵: ۲۱۰۹

* تعجیل فرمودن پادشاه، آياز را که زود این حکم را به فیصل رسان و منتظر مدار و آیات بیننا مگو، که أَلَا تَنْتَظِرُ مَوْتَ الْأَحْمَرِ وَجَوَابَ كَفْتِنِ آياز، شاه را. ۵: ۲۱۳۴

* حکایت در تقریر این سخن که: چندین گاه گفت و گو را آزمودیم، مدتی صبر و خاموشی را بیازماییم. ۵: ۲۱۵۰

* در بیان کسی که سخنی گوید که حال او مناسب آن سخن و آن دعوی نباشد چنانکه کفره، وَلَنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ. خدمت بت سنگین کردن و جان و زر فدای او کردن چه مناسب باشد با جانی که داند که خالق سموات والارض و خلائق الهی است سمعی، بصیری، حاضری، مراقبی، مستولی، غیوری الی آخره؟ ۵: ۲۱۶۳

* حکایت در بیان توبه نصوح که چنانکه شیر از پستان بیرون آید، باز در پستان نرود آنکه توبه نصوحی کرد هرگز از آن گناه یاد نکند به طریق رغبت، بلکه هر دم نفرتش افزون باشد، و آن نفرت دلیل آن بود که

لذت قبول یافت، آن شهوتِ اوّل بی لذت شد، این به جای آن نشست چنانکه فرموده‌اند:

نبرد عشق را جز عشقِ دیگر چرا یاری نگیری زو نکوتر

و آنکه دلش باز بدان گناه رغبت می‌کند، علامت آنست که لذت قبول نیافته است و لذت قبول به جای آن لذت گناه ننشسته است، سَنِيئَرُهُ لِلْيُسْرِی نَشَدَهِ است، لذتِ فَسَنِیئَرُهُ لِلْعُسْرِی باقی است بر وی.

۲۲۲۸:۵

* در بیان آنکه دعای عارفِ واصل و درخواستِ او از حق همچو درخواستِ حق است از خویشتن که کُنْتُ لَهُ سَمْعًا وَ بَصَرًا وَ لِسَانًا وَ يَدًا. قَوْلُهُ: وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى، و آیات و اخبار و آثار درین بسیار است، و شرح سبب سازیِ حق تا مجرم را گوش گرفته به توبه نصح آورد. ۲۲۴۲:۵

* نوبتِ جُستن رسیدن به نصح و آواز آمدن که: همه را جُستیم، نصح را بجوید، و بیهوش شدنِ نصح از آن هیبت، و گشاده شدنِ کار بعد از نهایتِ بستگی، کَمَا كَانَ يَقُولُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَصَابَهُ مَرَضٌ أَوْ هَمٌّ اشْتَدَى أَرْمَهُ تَنْفَرَجِي ۲۲۷۳:۵

* یافته شدن گوهر و حلّالی خواستن حاجبان و کنیزکان شاهزاده از نصح. ۲۲۸۷:۵

* باز خواندنِ شه زاده، نصح را از بهرِ دلّاکِی، بعد از استحکامِ توبه و قبول توبه و بهانه کردنِ او و دفع گفتن. ۲۳۱۷:۵

* حکایت در بیانِ آنکه کسی توبه کند و پشیمان شود، و باز آن پشیمانی‌ها را فراموش کند و آزموده را باز آزماید، در خسارتِ ابد افتد، چون توبه او را ثباتی و قوّتی و حلاوتی و قبولی مدد نرسد، چون درختِ بی بیخ هر روز زودتر و خشک تر بود، نَعُوذُ بِاللَّهِ. ۲۳۲۶:۵

* تشبیه کردنِ قطب که عارفِ واصل است در اجرای دادنِ خلق از قوتِ مغفرت و رحمت، بر مراتبی که حَقُّش الهام دهد، و تمثیل به شیر که در اجرای خوار و باقی خوار وی اند، بر مراتبِ قرب ایشان به شیر، نه قربِ مکانی بلکه قربِ صفتی، و تفصیلِ این بسیارست. وَاللَّهُ الْهَادِي. ۲۳۳۹:۵

* حکایت دیدنِ خرِ هیزم فروش با نوایی اسپانِ تازی بر آخرِ خاص و تمنا بردنِ آن دولت را در موعظه آنکه تمنا نباید بردنِ الا مغفرت و عنایت که اگر در صد لون رنجی، چون لذتِ مغفرت بود، همه شیرین شود، باقی هر دولتی که آن را ناآزموده تمنّی می‌بری با آن رنجی قرین ست که آن را نمی‌بینی، چنانکه از هر دامی دانه پیدا بود و فَنَخِ پنهان، تو درین دام مانده یی تمنّی می‌بری که کاشکی با آن رفتنی، پنداری که آن دانه ها بی دام است. ۲۳۶۱:۵

* ناپسندیدنِ روباه، گفتنِ خر را که من راضیم به قسمت. ۲۳۸۲:۵

* جواب گفتنِ خر، روباه را. ۲۳۸۸:۵

* جواب گفتنِ روبه، خر را. ۲۳۹۳:۵

* جواب گفتنِ خر، روباه را. ۲۳۹۷:۵

* در تقریرِ معنی توکل، حکایتِ آن زاهد که توکل را امتحان می‌کرد از میان اسباب، و شهر بیرون آمد، و از قوارع و ره گذرِ خلق دور شد، و به بُنِ کوهی مهجوری مفقودی در غایتِ گرسنگی سر بر سر سنگی نهاد و خفت، و با خود گفت: توکل کردم بر سبب سازی و رزّاقی تو، و از اسباب منقطع شدم، تا ببینم سببیتِ توکل را. ۲۴۰۱:۵

- * جواب دادنِ روباه، خر را و تحریض کردن او، خر را بر کسب. ۲۴۱۹:۵
- * جواب گفتنِ خر، روباه را که توکل بهترین کسب هاست که هر کسی محتاج است به توکل که ای خدا این کار مرا است آرد دعا متضمن توکل است، و توکل کسی است که به هیچ کسی دیگر محتاج نیست الی آخره. ۲۴۲۵:۵
- * مثل آوردنِ اشتر در بیانِ آنکه در مُخبرِ دولتی فرّ و اثر آن چون نبینی، جای مَتَهَم داشتن باشد، که او مقلدست در آن. ۲۴۴۰:۵

* فرقی میان دعوتِ شیخِ کاملِ واصل، و میانِ سخنِ ناقصانِ فاضلِ فضلِ تحصیلیِ برسته. ۲۴۸۴:۵

* حکایتِ آن مُخَنَّث و پرسیدنِ لوطی از او در حالتِ لواطه که این خنجر از بهرِ چیست؟ گفت: از برایِ آنکه هر که با من بداندیشد اِشکَمَش بشکافم، لوطی بر سرِ او آمد شد می کرد و می گفت: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ که من بد نمی اندیشم با تو.

بیت من بیت نیست اقلیم است هزل من هزل نیست تعلیم است

إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا، فِي تَغْيِيرِ النَّفُوسِ بِالْإِنْكَارِ، مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا، وَ

آنکه جواب می فرماید که این خواستم یُضِلُّ به کثیراً و یَهْدِي به کثیراً که هر فتنه همچون میزان است بسیاریان ازو سرخ زو شوند، و بسیاریان بی مراد شوند، وَلَوْ تَأَمَّلْتَ فِيهِ قَلِيلاً وَجَدْتَ مِنْ تَأْيِيهِ الشَّرِيفَةَ كَثِيراً. ۲۴۹۷:۵

- * غالب شدنِ حیلۀ روباه بر اِستعصام و تعفّفِ خر، و کشیدن روبه، خر را سوی شیرِ بیشه. ۲۵۱۶:۵
- * حکایتِ آن شخص که از ترس، خویشتن را در خانه انداخت. رخ ها زرد چون زعفران، لب ها کبود چون نیل، دست لرزان چون برگِ درخت. خداوندِ خانه پرسید که خیرست، چه واقعه است؟ گفت: بیرون خر می گیرند به سُخره، گفت: مبارک خر می گیرند، تو خر نیستی، چه می ترسی؟ گفت: سخت به جد می گیرند. تمییز بر خاسته است امروز، ترسم که مرا خر گیرند. ۲۵۳۸:۵
- * بردنِ روبه، آن خر را پیشِ شیر، و جُستنِ خر، از شیر و عتاب کردنِ روباه با شیر که هنوز خر دور بود تعجیل کردی، و عذر گفتنِ شیر و لابه کردنِ روبه را شیر که پرو بار دیگرش بفریب. ۲۵۶۴:۵
- * در بیانِ آنکه نقضِ عهد و توبه موجب بلا بود، بلکه موجبِ مسخ است چنانکه در حق اصحابِ سَبْت و در حق اصحابِ مایده عیسی که وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرْدَةَ وَالْخَنَازِيرَ، و اندرین اَمّت، مسخِ دل باشد و به قیامت تن را صورتِ دل دهند. ۲۵۹۱:۵

- * دوم بار آمدنِ روبه بر آن خرِ گریخته، تا باز بفریبش. ۲۶۰۰:۵
- * جواب گفتنِ روباه، خر را. ۲۶۲۰:۵
- * جواب گفتنِ روبه، خر را. ۲۶۴۰:۵
- * حکایتِ شیخِ محمدِ سَرَزِی غزنوی قَدَسَ اللهُ سِرَّهُ. ۲۶۶۷:۵
- * آمدنِ شیخ بعد از چندین سال از بیابان به شهرِ غزنین و زنبیل گردانیدن به اشارتِ غیبی و تفرقه کردن آنچه جمع آید بر فقرا

هر که را جانِ عِزّ لَبِیک است نامه بر نامه پیک بر پیک است

چنانکه روزنِ خانه باز باشد، آفتاب و ماهتاب و باران و نامه و غیره منقطع نباشد. ۲۶۸۶:۵

- * در معنی لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ. ۲۷۳۴:۵
- * رفتن آن شیخ در خانه امیری بهر کُدیهِ، روزی چهاربار به زنبیل به اشارتِ غیب، و عتاب کردنِ امیر، او را بدان وقاحت، و عذرگفتنِ او، امیر را. ۲۷۴۹:۵
- * گریان شدنِ امیر از نصیحتِ شیخ و عکسِ صدقِ او و ایثار کردنِ مخزن بعد از آن گستاخی و استعصام شیخ و قبول ناکردن و گفتن که من بی‌اشارتی نی‌آرم تصرفی کردن. ۲۷۷۲:۵
- * اشارت آمدن از غیب به شیخ که این دو سال به فرمان ما بستندی و بدادی، بعد ازین بده و مستان، دست در زیر حصیر می‌کن که آن را چون انبان بُوهریره کردیم در حق تو. هرچه خواهی بیایی، تا یقین شود عالمیان را که وَرایِ این عالمی ست که خاک به کف گیری زر شود، مُرده در او آید زنده شود، نحسِ اکبر در وی آید سعدِ اکبر شود، کفر در او آید ایمان گردد، زهر در او آید تریاق شود. نه داخلِ این عالم ست و نه خارجِ این عالم، نه تحت و نه فوق، نه متصل، نه منفصل، بی‌چون و بی‌چگونه، هردم از او هزاران اثر و نمونه ظاهر می‌شود، چنانکه صنعتِ دست با صورت دست و غمزۀ چشم با صورت چشم و فصاحت زبان، با صورتِ زبان نه داخل ست و نه خارج او، نه متصل و نه منفصل. وَالْعَاقِلُ يَكْفِيهِ الْإِشَارَةُ. ۲۷۸۶:۵
- * دانستن شیخ، ضمیرِ سایل را بی‌گفتن، و دانستن قدرِ وامِ وام داران بی‌گفتن، که نشانِ آن باشد که: أَخْرُج بِصِفَاتِي إِلَى خَلْقِي. ۲۷۹۹:۵
- * سببِ دانستنِ ضمیرهایِ خلق. ۲۸۱۲:۵
- * غالب شدنِ مکرِ روبه بر استعصامِ خر. ۲۸۱۷:۵
- * در بیانِ فضیلتِ احتما و جوع. ۲۸۳۲:۵
- * مَثَل. ۲۸۳۴:۵
- * حکایتِ مریدی که شیخ از حرص و ضمیرِ او واقف شد او را نصیحت کرد به زبان، و در ضمنِ نصیحت قوَت توکل بخشیدش به امرِ حق. ۲۸۴۱:۵
- * حکایتِ آن گاو که تنها در جزیره ای است بزرگ، حق تعالی آن جزیره بزرگ را پُر کند از نبات، و ریاحین، که علفِ گاو باشد. تا به شب آن گاو همه را بخورد و فربه شود، چون کوه پاره بی، چون شب شود خوابش نبرد از غصه و خوف که همه صحرا را چریدم فردا چه خورم؟ تا ازین غصه لاغر شود همچون خلال، روز برخیزد همه صحرا را سبزتر و انبوه تر بیند از دی، باز بخورد و فربه شود، باز شبش همان غم بگیرد، سال هاست که او همچنین می‌بیند و اعتماد نمی‌کند. ۲۸۵۵:۵
- * صید کردنِ شیر آن خر را و تشنه شدنِ شیر از کوشش، رفت به چشمه تا آب خورد، تا باز آمدن شیر، جگر بند و دل و گُرده را روباه خورده بود، که لطیف ترست. شیر طلب کرد، دل و جگر نیافت. از روبه پرسید که: کو دل و جگر، روبه گفت: اگر او را دل و جگر بودی آنچنان سیاستی دیده بود آن روز و به هزار حيله جان بُرده کی بر تو باز آمدی؟ لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ. ۲۸۷۰:۵
- * حکایتِ آن راهب که روز با چراغ می‌گشت در میانِ بازار از سرِ حالتی که او را بود. ۲۸۸۷:۵
- * دعوت کردنِ مسلمان، مَغ را. ۲۹۱۲:۵
- * مَثَلِ شیطان بر درِ رحمان. ۲۹۳۷:۵

- * جواب گفتن مؤمن سنی، کافر جبری را و در اثبات اختیار بنده دلیل گفتن. سنت راهی باشد کوفته اقدام انبیاء علیهم السلام. بر یمن آن راه بیابان جبر، که خود را اختیار نبیند و امر و نهی را منکر شود و تأویل کند، و از منکر شدن امر و نهی لازم آید انکار بهشت، که بهشت جزای مطیعان امر است، و دوزخ جزای مخالفان امر، و دیگر نگوییم به چه انجامد که الْعَاقِلُ یُکْفِیهِ الْإِشَارَةُ، و بر یسار آن راه، بیابانِ قدرست که قدرتِ خالق را مغلوبِ قدرتِ خلق داند، و از آن فسادها زاید که آن مُغ جبری بر می شمرد. ۲۹۶۳:۵
- * درک وجدانی چون اختیار و اضطرار و خشم و اضطراب و سیری و ناهار، به جای حس است که زرد از سرخ بداند و فرق کند، و خُرد از بزرگ و تلخ از شیرین و مُشک از سرگین، و درشت از نرم به حسّ مَس، و گرم از سرد و سوزان از شیرگرم، و تر از خشک و مَسّ دیوار از مَسّ درخت. پس منکر وجدانی منکر حسّ باشد و زیاده که وجدانی از حس ظاهرست، زیرا حس را توان بستن و منع کردن از احساس، و بستنِ راه و مدخلِ وجدانیات را ممکن نیست وَالْعَاقِلُ یُکْفِیهِ الْإِشَارَةُ. ۳۰۲۲:۵
- * حکایت هم در بیان تقریر اختیار خلق و بیان آنکه تقدیر و قضا سَلَب کننده اختیار نیست. ۳۰۵۸:۵
- * حکایت هم در جواب جبری و اثبات اختیار صحّت امر و نهی، و بیان آنکه عذر جبری در هیچ ملّتی و در هیچ دینی مقبول نیست و موجب خلاص نیست از سزای آن کار که کرده است، چنانکه خلاص نیافت ابلیس جبری بدان که گفت: بِمَا أَغْوَيْتَنِي، وَالْقَلِيلُ يَدُلُّ عَلَى الْكَثِيرِ. ۳۰۷۷:۵
- * معنی ماشاء الله کان یعنی خواست خواست او و رضا، رضای او جوید، از خشم دیگران و زِد دیگران دلنگ مباحثید. آن کان اگرچه لفظ ماضی است لیکن در فعلِ خدا ماضی و قبل نباشد که لَیْسَ عِنْدَ اللَّهِ صَبَاحٌ وَلَا مَسَاءٌ. ۳۱۱۱:۵
- * و همچنین قَدْ جَفَّ الْقَلَمُ وَكُتِبَ: لَا یَسْتَوِی الطَّاعَةُ وَالْمَعْصِيَةُ وَلَا یَسْتَوِی الْأَمَانَةُ وَالسَّرِيقَةُ. جَفَّ الْقَلَمُ أَنْ لَا یَسْتَوِی الشُّكْرُ وَالْكَفْرَانُ، جَفَّ الْقَلَمُ أَنَّ اللَّهَ لَا یُضِیغُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ. ۳۱۳۱:۵
- * حکایت آن درویش که در هری غلامان آراسته عمید خراسان را دید، و بر اسپان تازی و قباهای زربفت و کلاه های مُعَرَّق و غیر آن، پرسید که: این ها کدام امیرانند و چه شاهانند؟ گفتند او را که: این ها امیران نیستند، این ها غلامان عمید خراسان اند، روی به آسمان کرد که: ای خدا غلام پروردن از عمید بیاموز، آنجا مستوفی را عمید گویند. ۳۱۶۵:۵
- * باز جواب گفتن آن کافر جبری آن سنی را که به اسلامش دعوت می کرد و به ترک اعتقاد جبرش دعوت می کرد، و دراز شدن مناظره از طرفین که مادّه اشکال و جواب را بُرِّد الا عشق حقیقی، که او را پروای آن نماند، وَذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ. ۳۲۱۰:۵
- * پرسیدن پادشاه قاصد آياز را که چندین غم و شادی با چارق و پوستین که جمادست می گویی؟ تا آياز را در سخن آورد. ۳۲۵۱:۵
- * گفتن خویشاوندان مجنون را که حُسْنِ لیلی به اندازه ای است چندان نیست، ازو نفزتر در شهر ما بسیارست، یکی و دو و ده بر تو عرضه کنیم، اختیارکن، ما را و خود را وارهان. و جواب گفتن مجنون، ایشان را. ۳۲۸۶:۵
- * حکایت جوّحی که چادر پوشید و در وعظ میان زنان نشست و حرکتی کرد. زنی او را بشناخت که مردست و نعره زد. ۳۳۲۵:۵

- * فرمودن شاه به ایاز بارِ دگر که شرح چارق و پوستین آشکارا بگو، تا خواجه تاشانت از آن اشارت پند گیرند، که *الَّذِينَ النَّصِيحَةُ*. ۳۳۵۱:۵
- * حکایت کافری که گفتندش در عهد ابایزید که مسلمان شو و جواب گفتنِ او، ایشان را. ۳۳۵۶:۵
- * حکایتِ آن مؤذنِ زشت آواز، که در کافرستان بانگِ نماز داد و مردِ کافری او را هدیه داد. ۳۳۶۷:۵
- * حکایتِ آن زن که گفت شوهر را که گوشت را گربه خورد، شوهر گربه را به ترازو بر کشید. گربه نیم من برآمد. گفت: ای زن گوشت، نیم من بود و افزون، اگر این گوشت است گربه کو؟ و اگر این گربه است گوشت کو؟ ۳۴۰۹:۵
- * حکایتِ آن امیر که غلام را گفت که می‌بیار. غلام رفت و سبوی می‌آورد، در راه زاهدی بود، امر معروف کرد، زد سنگی و سبو را بشکست. امیر بشنید و قصدِ گوشمالِ زاهد کرد و آن قصه در عهد دین عیسی علیه السلام بود که هنوز می‌حرام نشده بود. ولیکن زاهد تقزّزی می‌کرد و از تنعم منع می‌کرد. ۳۴۳۹:۵
- * حکایتِ ضیاءِ دلق که سخت دراز بود و برادرش شیخ اسلام تاج بلخ بغایت کوتاه بالا بود و این شیخ اسلام از برادرش ضیا ننگ داشتی. ضیا درآمد به درسِ او و همه صدورِ بلخ، حاضر به درسِ او. ضیا خدمتی کرد و بگذشت. شیخ اسلام او را نیم قیامی کرد سرسری. گفت: آری سخت درازی، پاره بی در دزد. ۳۴۷۲:۵
- * رفتنِ امیر خشم آلود برای گوشمالِ زاهد. ۳۴۹۵:۵
- * حکایتِ مات کردن دلقک، سید شاهِ ترمذ را. ۳۵۰۷:۵
- * انداختنِ مُصطفی علیه السلام، خود را از کوهِ جری از وحشتِ دیر نمودنِ جبرئیل علیه السلام، و نمودنِ جبرئیل علیه السلام، خود را به وی که مینداز که تو را دولت‌ها در پیش است. ۳۵۳۵:۵
- * جواب گفتنِ امیر مر آن شفیعمان را و همسایگان زاهد را که گستاخی چرا کرد؟ و سبوی ما را چرا شکست؟ من در این باب شفاعت قبول نخواهم کرد سوگند که خورده‌ام که سزای او را بدهم. ۳۵۵۳:۵
- * دوم بار دست و پای امیر را بوسیدن، و لابه کردن شفیعمان و همسایگان زاهد. ۳۵۶۳:۵
- * باز جواب گفتنِ امیر، ایشان را. ۳۵۸۳:۵
- * تفسیر این آیت که *وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ* که در دیوار و عرصه آن عالم، و آب و کوزه و میوه و درخت، همه زنده‌اند و سخن گوی و سخن شنو. و جهتِ آن فرمود مصطفی علیه السلام که: *الدُّنْيَا جِيفَةٌ وَطُلَاهُهَا كِلَابٌ*، و اگر آخرت را حیات نبودی، آخرت هم جیفه بودی. جیفه را برای مُردگیش جیفه گویند نه از برای بوی زشت و فِرَخچی. ۳۵۹۱:۵
- * دگر بار استدعای شاه از ایاز که تأویلِ کار خود بگو، و مشکل مُنکِران را و طاعنان را حل کن، که ایشان را در آن التباس رها کردن، مروت نیست. ۳۶۳۵:۵
- * تمثیلِ تنِ آدمی به مهمانخانه، و اندیشه‌های مختلف، عارف در رضا بدان اندیشه‌های غم و شادی چون شخص مهمان دوستِ غریب نوازِ خلیل وار، که در خلیل به اِکرام ضیف پیوسته باز بود بر کافر و مؤمن و امین و خاین، و با همه مهمانان رو تازه داشتی. ۳۶۴۴:۵
- * حکایتِ آن مهمان که زنِ خداوند خانه گفت که باران فرو گرفت و مهمان در گردنِ ما ماند. ۳۶۴۷:۵
- * تمثیلِ فکر هر روزینه که اندر دل آید، به مهمان نو که از اوّل روز در خانه فرود آید و تحکّم و بدخویی

کند به خداوندِ خانه و فضیلتِ مهمان‌نوازی و نازِ مهمان کشیدن. ۳۶۷۶:۵

* نواختنِ سلطان، آياز را. ۳۷۰۸:۵

* وصیت کردنِ پدر، دختر را که خود را نگهدار تا حامله نشوی از شوهرت. ۳۷۱۶:۵

* وصفِ ضعیف دلی و سستی صوفی سایه پروردِ مجاهده ناکرده درد و داغِ عشق ناچشیده، به سجده و دست بوسِ عام و به حرمت نظر کردن و به انگشت نمودنِ ایشان که امروز در زمانه صوفی اوست غره شده و به و هم بیمار شده، همچون آن معلّم که کودکان گفتند که رنجوری. و با این و هم که من مجاهدم، مراد در این ره پهلوان می‌دانند. با غازیان به غزا رفته که بظاهر نیز هنر بنمایم در جهادِ اکبر مستثنایم، جهادِ اصغر خود پیش من چه محل دارد؟ خیال شیر دیده و دلیری ها کرده و مستِ این دلیری شده و روی به پیشه نهاده به قصد شیر، و شیر به زبانِ حال گفته که کَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ثُمَّ کَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ.

۳۷۳۷:۵

* نصیحتِ مبارزان، او را که با این دل و زهره که تو داری که از کلایسه شدنِ چشمِ کافرِ اسیری دست بسته بیهوش شوی و دشنه از دست بیفتد، زنهار زنهار ملازمِ مطیخِ خاتقاه باش و سویی پیکار مرو تا

رسوا نشوی. ۳۷۶۸:۵

* حکایتِ عیاضی رحمه الله که هفتاد غزو کرده بود سینه برهنه، و غزاها کرده بر امید شهید شدن. چون از آن نومید شد از جهادِ اصغر رو به جهادِ اکبر آورد و خلوت گزید، ناگهان طبلِ غازیان شنید، نفس از اندرون زنجیر می‌درانید و سویی غزا، متهم داشتنِ او، نفسِ خود را درین رغبت. ۳۷۸۰:۵

* حکایت آن مجاهد که از همیان سیم هر روز یک درم در خندق انداختی به تفاریق از بهر ستیزه حرص و آرزوی نفس و وسوسه نفس که چون می‌اندازی به خندق، باری به یک بار ببنداز تا خلاص یابم که أَلْيَأْسُ إِحْدَى الرَّاحَتَيْنِ، او گفت که این راحت نیز ندهم. ۳۸۱۵:۵

* صفت کردنِ مردِ غماز و نمودنِ صورتِ کنیزک مصور در کاغذ و عاشق شدنِ خلیفه مصر و فرستادنِ خلیفه امیری را با سپاهِ گران به درِ موصل، و قتل و ویرانی بسیار کردنِ بهر این غرض ۳۸۳۱:۵

* ایشار کردنِ صاحبِ موصل آن کنیزک را به خلیفه تا خونِ مسلمانان بیشتر نشود ۳۸۴۸:۵

* پشیمان شدنِ آن سرلشکر از جنایت که کرد و سوگند دادنِ او آن کنیزک را که به خلیفه باز نگوید از آنچه رفت ۳۹۰۲:۵

* حجتِ منکرانِ آخرت، و بیانِ ضعفِ آن حجت، زیرا حجتِ ایشان بدین باز می‌گردد که این نمی‌بینیم ۳۹۳۰:۵

* آمدنِ خلیفه نزد آن خوب روی برایِ جماع ۳۹۴۲:۵

* خنده گرفتن، آن کنیزک را از ضعفِ شهوتِ خلیفه، و قوتِ شهوتِ آن امیر، و فهم کردنِ خلیفه از خنده کنیزک ۳۹۴۷:۵

* فاش کردنِ آن کنیزک آن راز را با خلیفه از بیمِ زخمِ شمشیر و اکراهِ خلیفه که: راست گو سببِ این خنده را و گرنه بکشم ۳۹۶۵:۵

* عزم کردنِ شاه چون واقف شد بر آن خیانت، که پیوشاند و عفو کند و او را به او دهد، و دانست که آن فتنه جزای او بود، و قصدِ او بود و ظلم او بر صاحبِ موصل که وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَأَنْ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ و

ترسیدن که اگر انتقام کشد آن انتقام هم بر سر او آید، چنانکه این ظلم و طمع بر سرش آمد ۳۹۹۵:۵
 * بیان آنکه نَحْنُ قَسَمْنَا که یکی از شهوت و قوتِ خران دهد، و یکی راکیاست و قوتِ انبیا و فرشتگان دهد.

سر زهوا تافتن از سَرزوریست ترکِ هوا قوتِ پیغمبر است
 تخم‌هایی که شهوتی نبود بر آن جز قیامتی نبود ۴۰۲۵:۵

* دادنِ شاه‌گوهر را میانِ دیوان و مجمع به دستِ وزیر، که این چند ارزد و مبالغه کردن و زیر در قیمتِ او و فرمودنِ شاه او را که اکنون این را بشکن، و گفتنِ وزیر که این را چون بشکنم؟ الی آخرِ الْفِصَّة. ۴۰۳۵:۵

* رسیدنِ گوهر از دست به دست آخر دور به ایاز، و کیاستِ ایاز و مقلدِ ناشدنِ ایشان را و مغرور ناشدنِ او به گال و مال دادنِ شاه و خلعت‌ها و جامگی‌ها افزون کردن و مدح عقلِ مخطئان کردن، که شاید مقلدِ را مسلمان داشتن، مسلمان باشد اما نادر باشد که مقلدِ ثبات کند بر آن اعتقاد، و مقلدِ از این امتحان‌ها بسلامت بیرون آید که ثباتِ بینایان ندارد، الْأَمْنُ عَصَهُ اللَّهُ، زیرا حق یکی است و آن را ضدِ بسیار غلط افکن و مشابه حق. مقلدِ چون آن ضد را شناسد از آن رُو حق را شناخته باشد. اما حق با آن ناشناختِ او، چو او را بعنایت نگاه دارد آن ناشناخت، او را زیان ندارد. ۴۰۵۴:۵

* تشنیع زدنِ اُمرا بر ایاز که چرا شکستن؟ و جواب دادنِ ایاز ایشان را. ۴۰۷۵:۵

* قصدِ شاه به کُشتنِ امرا و شفاعت کردنِ ایاز پیشِ تختِ سلطان که اَلْعَفْوُ أَوْلَى. ۴۰۸۸:۵

* تفسیرِ گفتنِ ساحرانِ فرعون را در وقتِ سیاست که لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ. ۴۱۲۰:۵

* مجرم دانستنِ ایاز، خود را درین شفاعت‌گری و عذرِ این جرمِ خواستن، و در آن عذرگویی خود را مُجرم دانستن، و این شکستگی از شناختِ عظمتِ شاه خیزد که أَنَا أَعْلَمُكُمْ بِاللَّهِ وَأَخْشَاكُمْ لِلَّهِ. وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ. ۴۱۵۳:۵

دفتر ششم

* سؤال سایل از مرغی که بر سر رَیضِ شهری نشسته باشد، سِرِّ او فاضل‌ترست و عزیزتر و شریف‌تر و مکرم‌تر، یا دُمِ او؟ و جواب دادنِ واعظ، سایل را به قدرِ فهم او. ۱۲۹:۶

* نکوهیدنِ ناموس‌های پوسیده را که مانع ذوقِ ایمان و دلیلِ ضعفِ صدق‌اند و راهزنِ صد هزار ابله، چنانکه راهزنِ آن مخنث شده بودند گوسفندان و نمی‌یازست گذشتن، و پرسیدنِ مخنث از چوپان که این گوسفندانِ تو مرا عجب گزند؟ گفت اگر مردی و در تو رگِ مردی هست همه فدای تو اند، و اگر مخنثی هر یکی تو را از اژدرهاست، مخنثی دیگر هست که چون گوسفندان را ببیند در حال از راه بازگردد، نیارد پرسیدنِ ترسد که اگر پیرسم گوسفندان در من افتند و مرا بگزند. ۱۸۳:۶

* مناجات و پناه جستن به حق از فتنهٔ اختیار و از فتنهٔ اسبابِ اختیار، که سماوات و ارضین از اختیار و از اسبابِ اختیار شکوهیدند و ترسیدند، و خلقتِ آدمی مواعِد افتاد بر طلبِ اختیار و اسبابِ اختیار خویش، چنانکه بیمار باشد، خود را اختیار کم بیند، صحت خواهد که سببِ اختیارست تا اختیارش بیفزاید، و منصب خواهد تا اختیارش بیفزاید، و مَهَبَطِ قهر حق در اَمَمِ ماضیه فرطِ اختیار و اسبابِ اختیار بوده است، هرگز فرعونِ بی‌نواکس ندیده است. ۲۱۰:۶

* حکایت غلام هندو که به خداوند زاده خود پنهان هوا آورده بود، چون دختر را با مهتر زاده‌یی عقد کردند، غلام خبر یافت، رنجور شد و می‌گذاخت، و هیچ طیب علت او را در نمی‌یافت، و او را زهره گفتن نه. ۲۴۹:۶

* صبر فرمودن خواجه مادر دختر را که غلام را زجر مکن، من او را بی‌زجر از این طمع باز آورم که نه سیخ سوزد و نه کباب خام ماند. ۲۸۴:۶

* در بیان آنکه این غرور تنها آن هندو را نبود، بلکه هر آدمی به چنین غرور مبتلاست در هر مرحله‌یی، **الْأَمْنُ عَصَمَهُ اللَّهُ**. ۳۲۲:۶

* در عموم تأویل این آیت که **كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ**. ۳۵۳:۶

* قصه‌یی هم در تقریر این. ۳۵۷:۶

* وانمودن پادشاه به امر و متعصبان در راه ایاز سبب فضیلت و مرتبت و قربت و جامگی او برایشان بروجه‌یی که ایشان را حجت و اعتراض نماید. ۳۸۵:۶

* مدافعه امر آن حجت را به شبهه جبر یانه، و جواب دادن شاه ایشان را. ۴۰۱:۶

* حکایت آن صیادی که خویشتن در گیاه پیچیده بود و دسته گل و لاله را کله‌وار به سر فرو کشیده، تا مرغان او را گیاه پندارند. و آن مرغ زیرک بوی برد اندکی که این آدمیست، که بر این شکل گیاه ندیدم، اما هم تمام بوی تبرد، به افسون او مغرور شد زیرا در ادراک اول قاطعی نداشت. در ادراک مکر دوم قاطعی داشت و **هُوَ الْجَرَصُ وَالطَّمَعُ سَيِّئًا عِنْدَ فَرْطِ الْحَاجَةِ وَالْفَقْرِ**. **قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَذَا الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا**. ۴۳۵:۶

* حکایت آن شخص که دزدان، قوج او را بدزدیدند، و بر آن قناعت نکردند، به حيله جامه‌هایش را هم دزدیدند. ۴۶۷:۶

* مناظره مرغ با صیاد در ترهّب و در معنی ترهّبی که مصطفی علیه السلام نهی کرد از آن اُمت خود را که **لَا رُهْبَانِيَّةَ فِي الْإِسْلَامِ**. ۴۷۸:۶

* حکایت آن پاسبان که خاموش کرد تا دزدان، رخت تاجران بُردند بکلی، بعد از آن هیهای و پاسبانی می‌کرد. ۵۴۲:۶

* حواله کردن مرغ، گرفتاری خود را در دام، به فعل و مکر و زرق زاهد، و جواب زاهد، مرغ را. ۵۵۷:۶

* حکایت آن عاشق که شب بیامد بر امید وعده معشوق، به آن وثاقي که اشارت کرده بود، و بعضی از شب منتظر ماند و خوابش بر بود. معشوق آمد بهر انجاز وعده، او را خفته یافت، جیبش پر جوز کرد، و او را خفته گذاشت و بازگشت. ۵۹۳:۶

* استدعاء امیر ترکی مخمور مطرب را بوقت صبح، و تفسیر این حدیث که **إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى شَرَابًا أَعَدَّه لِأَوْلِيَائِهِ إِذَا شَرِبُوا سَكِرُوا طَابُوا إِلَى آخِرِ الْحَدِيثِ**.

تا هر که مجرد است از آن می نوشد

می در خم اسرار بدان می جوشد

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ

ما می نخوریم جز حلالی

این می که تو می خوری حرام است

وز شراب خدای مست شوی ۶۴۳:۶

جهد کن تا ز نیست هست شوی

* در آمدن ضَریر در خانه مصطفی علیه السَّلام و گریختن عایشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا از پیشِ ضَریر، و گفتنِ رسول علیه السَّلام که چه می‌گریزی؟ او تو را نمی‌بیند، و جواب دادن عایشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا رسول را صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. ۶: ۶۷۰

* امتحان کردن مصطفی علیه السَّلام عایشه را رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا که چه پنهان می‌شوی؟ پنهان مشو که اعمی تو را نمی‌بیند. تا پدید آید که عایشه از ضمیر مصطفی عَلَيْهِ السَّلام واقف هست یا خود مُقَلِّدِ گفتِ ظاهرست؟ ۶: ۶۸۶

* حکایتِ آن مُطرب که در بزمِ امیرِ ترک این غزل آغاز کرد:
گُلی یا سوسنی یا سَرو یا ماهی؟ نمی‌دانم ازین آشفته بی دل چه می‌خواهی؟ نمی‌دانم
و بانگِ برزدنِ ترک که: آن بگو که می‌دانی، و جوابِ مُطرب، امیر را. ۶: ۷۰۳
* تفسیر قَوْلُهُ عَلَيْهِ السَّلام: مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا.

بمیر ای دوست پیش از مرگ اگر می‌زندگی خواهی

که ادریس از چنین مُردنِ بهشتی گشت پیش از ما ۶: ۷۲۳
* تشبیه مُغَفَّلِی که عمر ضایع کند، و وقتِ مرگ در آن تنگاتنگ، توبه و استغفار کردن گیرد، به تعزیت داشتنِ شیعهٔ اهل حَلَب هر سالی در ایامِ عاشورا به دروازهٔ انطاکیه، و رسیدنِ غریبِ شاعر از سفر، و پرسیدن که این غریو چه تعزیه است؟ ۶: ۷۷۷

* نکته گفتنِ آن شاعر جهتِ طعنِ شیعهٔ حَلَب. ۶: ۷۹۳

* تمثیلِ مردِ حریصِ ناپیونده، رَزَاقی حق را، و خزاینِ رحمتِ او را به موری که در خرمنگاهِ بزرگ با دانه گندم می‌کوشد و می‌جوشد و می‌لرزد و به تعجیل می‌کشد و سَقَتِ آن خرمن را نمی‌بیند. ۶: ۸۰۶
* داستانِ آن شخص که بر درِ سرایی نیم‌شب سحوری می‌زد همسایه او را گفت که آخر نیم‌شب است سَحَر نیست و دیگر آنکه درین سرای کسی نیست، بهر که می‌زنی؟ و جواب گفتنِ مطرب، او را. ۶: ۸۴۶
* قصهٔ أَخَدَ أَخَدَ گفتنِ بلال در حَرِّ حجاز از محبَّتِ مصطفی علیه السَّلام، در آن چاشتگاه‌ها که خواهه‌اش از مَتَصَّبِ جهود به شاخِ خَارَش می‌زد پیشِ آفتابِ حجاز، و از زخمِ خون از تنِ بلال بر می‌جوشید، از او أَخَدَ أَخَدَ می‌جست بی قصد او، چنانکه از دردمندانِ دیگر ناله جهد بی قصد، زیرا که از دردِ عشقِ مُمتلی بود، اهتمامِ دفعِ دردِ خار را مَدخل نبود، همچون سَحَرهٔ فرعون و جرجیس و غَيْرُهُمْ لَا يَعُدُّ وَلَا يُحْصَى. ۶: ۸۸۸

* بازگردانیدنِ صَدِیقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ واقعهٔ بلال را رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، و ظلمِ جهودان را بر وی، و أَخَدَ أَخَدَ گفتنِ او و افزون شدنِ کینهٔ جهودان و قصه کردنِ آن قضیه پیشِ مصطفی علیه السَّلام و مشورت در خریدنِ او از جهودان. ۶: ۹۵۳

* وصیتِ کردنِ مصطفی علیه السَّلامِ صَدِیقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ که چون بلال را مشتری می‌شوی هر آینه ایشان از ستیز برخوانند در بها فزود، مرا در این فضیلتِ شریکِ خود کن، وکیلِ من باش و نیم بها از من بستان. ۶: ۹۸۹

* خندیدنِ جهود و پنداشتن که صَدِیقِ مغبون است در این عقد. ۶: ۱۰۳۴

* معاتبهٔ مصطفی علیه السَّلام با صَدِیقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ که تو را وصیت کردم که به شرکتِ من بخر، تو چرا بهر

- خود تنها خریدی؟ و عذر او. ۱۰۷۵:۶
- * قصه هلال که بنده مخلص بود خدای را، صاحب بصیرت، بی تقلید، پنهان شده در بندگی مخلوقان جهت مصلحت، نه از عجز چنانکه لقمان و یوسف از روی ظاهر، و غیر ایشان، بنده سائیس بود امیری را، و آن امیر مسلمان بود اما کور،
- داند اعمی که مادری دارد لیک چونی به‌وهم در نارد
- اگر با این دانش تعظیم این مادر کند، ممکن بود که از غمی خلاص یابد که اذا اراد الله بعبده خيراً ففتح غيبي قلبه ليُبصره بهما الغيب. ۱۱۱۱:۶
- * حکایت در تقریر همین سخن. ۱۱۱۸:۶
- * مثل. ۱۱۳۱:۶
- * رنجور شدن این هلال و بی خبری خواجه او از رنجوری او، از تحقیر و ناشناخت، و واقف شدن دل مصطفی علیه السلام از رنجوری و حال او، و افتقاد و عیادت رسول علیه السلام، این هلال را. ۱۱۵۰:۶
- * در آمدن مصطفی علیه السلام از بهر عیادت هلال در ستورگاه آن امیر، و نواختن مصطفی هلال را رَضِيَ اللهُ عَنْهُ. ۱۱۷۳:۶
- * در بیان آنکه مصطفی علیه السلام شنید که عیسی علیه السلام بر روی آب رفت. فرمود: «لَوَازِدَا يَتَقَيَّنُهُ لَمَشْنَى عَلَى الْهَوَاءِ». ۱۱۸۶:۶
- * داستان آن عجزه که روی زشت خویش را جَندَره و گُلگونه می ساخت و ساخته نمی شد و پذیرا نمی آمد. ۱۲۲۲:۶
- * داستان آن درویش که آن گیلانی را دعا کرد که خدا تو را به سلامت به خان و مان باز رساند. ۱۲۳۷:۶
- * صفت آن عجز. ۱۲۴۲:۶
- * قصه درویش که از آن خانه هرچه می خواست، می گفت: نیست. ۱۲۵۰:۶
- * رجوع به داستان آن کمپیر. ۱۲۶۸:۶
- * حکایت آن رنجور که طبیب در او امید صحت ندید. ۱۲۹۳:۶
- * رجوع به قصه رنجور. ۱۳۲۱:۶
- * قصه سلطان محمود و غلام هندو. ۱۳۸۳:۶
- * لَيْسَ لِلْمَاضِيْنَ، هُمُ الْمَوْتُ إِنَّمَا لَهُمْ خَشَرَةُ الْقَوْتِ. ۱۴۵۰:۶
- * بار دیگر رجوع کردن به قصه صوفی و قاضی. ۱۴۸۳:۶
- * طَیْره شدن قاضی از سیلی درویش و سرزنش کردن صوفی، قاضی را. ۱۵۶۸:۶
- * جواب دادن قاضی، صوفی را. ۱۵۷۷:۶
- * سؤال کردن آن صوفی، قاضی را. ۱۶۰۴:۶
- * جواب گفتن آن قاضی، صوفی را. ۱۶۱۳:۶
- * باز سؤال کردن صوفی، از آن قاضی. ۱۶۴۵:۶
- * جواب قاضی، سؤال صوفی را، و قصه ترک و درزی را مثل آوردن. ۱۶۵۰:۶
- * قَالَ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ يُلْقِنُ الْحِكْمَةَ عَلَى لِسَانِ الْوَاعِظِينَ بِقَدْرِ هِمِّ الْمَسْتَمْعِينَ. ۱۶۵۶:۶

- * دعوی کردنِ تُرک و گرو بستن او که: درزی از من چیزی نتواند بُردن. ۱۶۷۳:۶
- * مضاحِکِ گفتنِ درزی، و تُرک را از قوَتِ خنده بسته شدنِ دو چشمِ تنگِ او، و فرصتِ یافتنِ درزی. ۱۶۹۳:۶
- * گفتنِ درزی، تُرک را: هَی خاموش، که اگر مضاحِکِ دگر گویم قَبَاتِ تنگ آید. ۱۷۱۷:۶
- * بیانِ آنکه بی‌کاران و افسانه جویان مثلِ آن ترک‌اند، و عالم غَرَّارِ غَدَّارِ همچو آن درزی، و شهوات و زنان، مَضاحِکِ گفتنِ این دنیاست، و عُمر همچو آن اطلَس پیشِ این درزی، جِهَتِ قَبایِ بقا و لباس تقوی ساختن. ۱۷۲۰:۶
- * مَثَل. ۱۷۲۷:۶
- * باز مکرّر کردنِ صوفی، سؤال را. ۱۷۳۹:۶
- * جواب دادنِ قاضی، صوفی را. ۱۷۴۷:۶
- * حکایت در تقدیرِ آنکه صبر در رنجِ کار سَهلتَر از صبر در فِرَاقِ یار بود. ۱۷۵۸:۶
- * مَثَل. ۱۷۸۰:۶
- * باقی قصّه فقیرِ روزی طلب، بی‌واسطه کسب. ۱۸۳۴:۶
- * قصّه آن گنج‌نامه که پهلوی قَبّه‌یی روی به قبله کن و تیر در کمان نه، بینداز، آنجا که افتد گنج است. ۱۹۰۸:۶
- * تمامی قصّه آن فقیر و نشانِ جایِ آن گنج. ۱۹۳۹:۶
- * فاش شدنِ خبر این گنج و رسیدن به گوشِ پادشاه. ۱۹۴۸:۶
- * نومید شدنِ آن پادشاه از یافتنِ آن گنج و ملول شدنِ او از طلبِ آن. ۱۹۵۹:۶
- * باز دادنِ پادشاه، گنج‌نامه را به آن فقیر که بگیر، ما از سرِ این برخاستیم. ۱۹۷۵:۶
- * حکایتِ مُریدِ شیخِ حَسَنِ خَرَقانی (قَدَسَ اللّهُ سِرَّهُ). ۲۰۴۴:۶
- * پرسیدنِ آن وارد از حَرَمِ شیخ که شیخ کجاست؟ کجا جوییم؟ و جوابِ نافرِجامِ گفتنِ حَرَم. ۲۰۵۶:۶
- * جوابِ گفتنِ مُرید و زَجَرِ کردنِ مُریدِ آن طَعّانه را از کفر و بیهوده گفتن. ۲۰۶۸:۶
- * واگشتنِ مُرید از وثاقِ شیخ و پرسیدن از مردم، و نشان دادنِ ایشان که شیخ به فلان پیشه رفته است. ۲۱۱۵:۶
- * یافتنِ مُرید، مُراد را و ملاقاتِ او با شیخِ نزدیکِ آن پیشه. ۲۱۲۶:۶
- * حکمت در اَنّی جاعِلُ فی الْأَرْضِ خَلِیقَةً. ۲۱۵۳:۶
- * معجزه هود علیه السّلام در تَخْلِصِ مُؤمِنانِ اَمّت به وقتِ نزولِ باد. ۲۱۹۱:۶
- * رجوع کردن به قصّه قَبّه و گنج. ۲۲۵۷:۶
- * انابَتِ آن طالبِ گنج به حق تعالی بعد از طلبِ بسیار و عجز و اضطراب که ای وَلِیّ الْإِظْهَارِ توکن این نهان را آشکار. ۲۲۸۸:۶
- * آواز دادنِ هاتفِ مرطالِبِ گنج را، و اعلام کردن از حقیقتِ اسرارِ آن. ۲۳۴۷:۶
- * حکایتِ آن سه مسافرِ مسلمان و ترسا و جهود که به منزلِ قوتی یافتند، و ترسا و جهود سیر بودند، گفتند این قوت را فردا خوریم. مسلمان صایم بود، گرسنه ماند از آنکه مغلوب بود. ۲۳۷۶:۶

- * حکایت اُشتر و گاو و قُج که در راه بند گیاه یافتند، هر یکی می گفت: من خورم. ۲۴۵۷:۶
 * مَثَل ۲۴۶۵:۶
- * جواب گفتنِ مسلمان، آنچه دید، به یارانش جهود و ترسا، و حسرت خوردنِ ایشان. ۲۴۸۶:۶
- * منادی کردنِ سیدِ مَلِکِ تَرَمَد که هر که در سه یا چهار روز به سمرقند رود به فلان مُهم، خلعت و اسب و غلام و کنیزک و چندین زر دهم، و شنیدنِ دلچک، خبر این منادی در ده و آمدن به اُلاقی نزد شاه که من باری نتوانم رفتن. ۲۵۱۰:۶
- * حکایتِ تعلقِ موش با چغز، و بستنِ پایِ هردو به رشته‌یی دراز و برکشیدنِ زاغ، موش را، و معلق شدنِ چغز و نالیدنِ او و پشیمانی او از تعلق با غیر جنس خود ناساختن. ۲۶۳۲:۶
- * تدبیر کردنِ موش به چغز که من نمی توانم بر تو آمدن به وقتِ حاجت، در آب، میان ما وصلتی باید که چون من بر لبِ جُو آیم تو را توانم خبر کردن، و تو چون بر سرِ سوراخ موش خانه آیی مرا توانی خبر کردن، اِلی آخره. ۲۶۶۵:۶
- * مبالغه کردنِ موش در لابه و زاری و وُصلت جُستن از چغزِ آبی. ۲۶۸۶:۶
- * لابه کردنِ موش، مرچغز را که بهانه میندیش و در نسیه میندازد اِنجاح این حاجتِ مرا که فی التَّأخیرِ آفاتُ والصَّوْفی اِبْنُ الْوَقْتِ و این دست از دامن پدر باز ندارد، و آبِ مشفقِ صوفی که وقت است، او را به نگرش به فردا محتاج نگرداند، چندانست مستغرق دارد در گلزارِ سریعُ الحسَابی خویش نه چون عوام، منتظرِ مستقبل نباشد، نه‌ری باشد نه ده‌ری، که لأَصْبَحَ عندالله ولاَمساء، ماضی و مستقبل و ازل و ابد آنجا نباشد. آدم سابق و دَجَالِ مسبوق نباشد که این رسوم در خطهٔ عقل جزوی است و روح حیوانی. در عالم لامکان و لازمان این رسوم نباشد. پس او این وقتی است که لَا یَفْهَمُ مِنْهُ إِلَّا نَفْیُ تَفْرِقَةِ الْأَرْزَمَةِ چنانکه از الله واحد فهم شود نفی دویی، نی حقیقتِ واحدی. ۲۷۱۴:۶
- * حکایتِ شبِ دزدان که سلطان محمود، شب در میان ایشان افتاد که: من یکی ام از شما، و بر احوال ایشان مطلع شدن اِلی آخره. ۲۸۱۶:۶
- * قصهٔ آنکه گاوِ بحری گوهرِ کاویان از قعر دریا برآورد، شب بر ساحل دریا نهد، در درخش و تابِ آن می چرد، بازرگان از کمین بیرون آید، چون گاو از گوهر دورتر رفته باشد، بازرگان به لَجْم و گِل تیره گوهر را بپوشاند و بر درخت گریزد، اِلی آخرِ القِصَّة والتَّقریب. ۲۹۲۲:۶
- * رجوع کردن به قصهٔ طلب کردنِ آن موش، آن چغز را لب لبِ جو، و کشیدنِ سرِ رشته، تا چغز را در آب خبر شود از طلبِ او. ۲۹۴۱:۶
- * قصهٔ عبْد الغوث و ربودنِ پریان او را و سال‌ها میانِ پریان ساکن شدنِ او، و بعد از سال‌ها آمدنِ او به شهر و فرزندانِ خویش، و باز ناشکیفتنِ او از آن پریان به حکم جنسیتِ معنی و همدلی او با ایشان. ۲۹۷۴:۶
- * داستانِ آن مرد که وظیفه داشت از محتسبِ تبریز، و واماها کرده بود برامیدِ آن وظیفه، و او را خبر نه از وفات او، حاصل از هیچ زنده‌یی وام او گزارده نشد، اِلّا از محتسبِ متوفی گزارده شد، چنانکه گفته‌اند.
- لَيْسَ مَنْ مَاتَ فَاسْتَرَاحَ بِمَيِّتٍ اِنْسًا اَلْمَيِّتُ مَيِّتُ الْاَحْيَاءِ ۳۰۱۴:۶
- * آمدنِ جعفرِ رَضِیَ اللّهُ عَنْهُ به گرفتنِ قلعه‌یی به تنهایی، و مشورت کردنِ ملکِ آن قلعه در دفعِ او، و گفتنِ آن وزیرِ مَلِکِ را که زنه‌را! تسلیم کن و از جهل تهوّر مکن، که این مرد مؤید است و از حق جمعیتِ عظیم

دارد در جانِ خویش، الی آخره. ۳۰۲۹:۶

* رجوع کردن به حکایت آن شخص و ام کرده، و آمدن او به امید عنایت آن مُحْتَسِب، سویی تبریز. ۳۱۰۶:۶

* با خبر شدن آن غریب از وفات آن محتسب و استغفار او از اعتماد بر مخلوق و تمویل بر عطای مخلوق و یادِ نعمتهای حق‌کردنش و انابت به حق از جُرْمِ خود ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَقْدِرُونَ. ۳۱۲۴:۶

* مَثَلِ دویین، همچو آن غریبِ شهر کاش، عُمَر نام که از یک دکانش به سبب این به آن دکان دیگر حواله کرد، و او فهم نکرد که همه دکان یکی است در این معنی که به عُمَر نان فروشنده هم اینجا تدارک کنم که من غلط کردم، نامم عُمَر نیست. چون بدین دکان توبه و تدارک کنم، نان یابم از همه دکانهای این شهر، و اگر بی تدارک همچنین عُمَر نام باشم، از این درگذرم، محرومم، و اَحْوَلَم و این دکانها را از هم جدا دانسته‌ام. ۳۲۲۰:۶

* توزیع کردنِ پائیِ مرد در جمله شهر تبریز، و جمع شدنِ اندک چیز، و رفتن آن غریب به تربت محتسب به زیارت، و این قصه را بر سر گور او گفتن، به طریق توجّه الی آخره. ۳۲۴۸:۶

* دیدنِ خوارزمشاه رَحْمَةُ اللَّهِ در سَیْران در مَوَکِبِ خود اسیبی پس نادر، و تعلق دلِ شاه به حُسن و چُستی آن اسپ، و سرد کردنِ عمادُالملک آن اسپ را در دلِ شاه، و گزیدنِ شاه گفتِ او را بر دیدِ خویش، چنانکه حکیم رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ در الهی نامه فرمود:

چون زبان حسد شود نحّاس یوسفی یابی از گزی کرباس

از دلّالی برادران یوسف حسودانه، در دلِ مشتریان آن چندان حُسن پوشیده شد و زشت نمودن گرفت و کَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ. ۳۳۴۵:۶

* مؤاخذه یوسف صدیق صلوات الله علیه به حبس بَضْعِ سنین به سبب یاری خواستن از غیر حق و گفتنِ أَذْكَرُنِي عِنْدَ رَبِّكَ مَعَ تَقْرِيرِهِ. ۳۴۰۰:۶

* رجوع کردن به قصه آن پائیِ مرد، و آن غریب و ام‌دار و باز گشتن ایشان از سر گورِ خواجه، و خواب دیدن پائیِ مرد، خواجه را الی آخره. ۳۵۱۸:۶

* گفتن خواجه در خواب به آن پائیِ مرد و جوهر و ام آن دوست را که آمده بود و نشان دادنِ جای دفنِ آن سیم، و پیغام کردن به وارثان، که البته آن را بسیار نبینند و هیچ باز نگیرند، و اگرچه او هیچ از آن قبول نکند یا بعضی را قبول نکند، هم آنجا بگذارند، تا هرآنکه خواهد بگیرد، که من با خدا نذر کرده‌ام که از آن سیم به من و متعلقان من حبه‌یی بازنگردد الی آخره. ۳۵۳۳:۶

* حکایت آن پادشاه و وصیت کردن او سه پسرِ خویش را که در این سفر در ممالکِ من فلان جا چنین ترتیب نهید، و فلان جا چنین نواب نصب کنید، اِنَّا اللَّهُ اللَّهُ به فلان قلعه مَرَوید و گِردِ آن مگردید. ۳۵۸۳:۶

* بیانِ استمدادِ عارف از سرچشمه حیاتِ ابدی و مستغنی شدن او از استمداد و اجتذاب از چشمه‌های آبهای بی‌وفا که عَلَامَةُ ذَلِكَ التَّجَافِي عَنْ دَارِ الْفُرُورِ که آدمی چون بر مدهای آن چشمه‌ها اعتماد کند در طلبِ چشمه باقیِ دایم سست شود.

کساری ز درونِ جانِ تو می‌باید کز عاریه‌ها تو را دری نگشاید

- یک چشمه آب از درون خانه به ز آن جویی که آن زیرون آید: ۳۵۹۶:۶
- * روان شدن شهزادگان در ممالک پدر بعد از وداع کردن ایشان شاه را، و اعادت کردن شاه، وقت وداع، وصیت را. ۳۶۳۰:۶
- * رفتن پسران سلطان به حکم آنکه *الْإِنْسَانُ حَرِيصٌ عَلَى مَائِنِهِ*.
- ما بندگی خویش نمودیم ولیکن خوی بد تو بنده ندانست خریدن
- به سوی آن قلعه ممنوع عنه آن همه وصیت ها و اندرزهای پدر را زیر پا نهادند تا در چاه بالا افتادند و می گفتند ایشان را نفوس لوامه: *أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ*، ایشان می گفتند گریان و پشیمان: *لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ*. ۳۶۹۹:۶
- * دیدن ایشان در قصر این قلعه ذات الصور نقش روی دختر شاه چین را، و بیهوش شدن هر سه و در فتنه افتادن و تفحص کردن که این صورت کیست؟ ۳۷۶۰:۶
- * حکایت صدر جهان بخارا که، هر سایی که به زبان بخواستی، از صدقه عام، بی دریغ او محروم شدی، و آن دانشمند درویش به فراموشی و فرط حرص و تعجیل، به زبان بخواست در مؤکب، صدر جهان از وی روبگردانید، و او هر روزه حیلۀ نو ساختی، و خود را گاه زن کردی زیر چادر و گاه نابینا کردی و چشم و روی خود بسته، به فراستش بشناختی، *إِلَى آخِرِهِ*. ۳۷۹۹:۶
- * حکایت آن دو برادر یکی کوسه و یکی امّرد، در عزب خانه بی خفتند، شبی اتفاقاً امّرد خشت ها بر مَقْعَدِ خود انبار کرد، عاقبت دَبَابِ دَب آورد و آن خشت ها را به حیلۀ و نرمی از پس او برداشت کودک بیدار شد به جنگ که این خشت ها کو؟ کجا بردی و چرا بُردی؟ او گفت: تو این خشت ها را چرا نهادی *إِلَى آخِرِهِ*. ۳۸۴۳:۶
- * در تفسیر این خبر که مصطفی صلوات الله علیه فرمود: *مَنْهُمَا لَا يَشْبَعَانِ طَالِبُ الدُّنْيَا وَ طَالِبُ الْعِلْمِ* که این علم غیر علم دنیا باید، تا دو قسم باشد. اما علم دنیا هم دنیا باشد *إِلَى آخِرِهِ*، و اگر همچنین شود که *طَالِبُ الدُّنْيَا وَ طَالِبُ الدُّنْيَا* تکرار بود نه تقسیم، مع تقریر. ۳۸۸۴:۶
- * بحث کردن آن سه شهزاده، در تدبیر آن واقعه. ۳۸۸۷:۶
- * مقالت برادر بزرگین. ۳۸۹۲:۶
- * ذکر آن پادشاه که آن دانشمند را به اکراه در مجلس آورد و بنشاند، و ساقی، شراب برداشتمند عرضه کرد، ساغر پیش او داشت، رؤبگردانید و ترشی و تندی آغاز کرد، شاه، ساقی را گفت که هین در طبعش آر. ساقی چندی بر سرش کوفت و شرابش در خورد داد *إِلَى آخِرِهِ*. ۳۹۱۴:۶
- * روان گشتن شاهزادگان بعد از تمام بحث و ماجرا، به جانب ولایت چین، سوی معشوق و مقصود، تا به قدر امکان به مقصود نزدیکتر باشند، اگر چه راه وصل مسدود است، به قدر امکان نزدیکتر شدن محمود است *إِلَى آخِرِهِ*. ۳۹۸۰:۶
- * حکایت امّرو القیس که پادشاه عرب بود و به صورت عظیم به جمال بود، یوسف وقت خود بود و زنان عرب چون زلیخا مرده او و او شاعر طبع، *قِفَانَبِكْ مِنْ ذِكْرِ حَبِيبٍ وَ مَنْزِلٍ*. چون همه زنان او را به جان می جستند، ای عجب غزل او و ناله او بهر چه بود؟ مگر دانست اینها همه تمثال صورتی اند که بر تختهای خاک نقش کرده اند، عاقبت این امّرو القیس را حالی پیدا شد که نیم شب از مُلک و فرزند گریخت و خود

رادر دلقی پنهان کرد و از آن اقلیم به اقلیم دیگر رفت در طلب آنکس از اقلیم منزّه است، يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ آخِرِهِ. ۳۹۸۶:۶

* بعد مَكَثِ ایشان متواری در بلادِ چین در شهر تخت‌گاه، و بعدِ دراز شدنِ صبر، بی‌صبر شدنِ آن بزرگین که من رفتم، اَلْوَدَاعِ، خود را بر شاه عرضه کنم.

إِنَّمَا قَدَمِي تُنِيلُنِي مَقْصُودِي
یا پای رساندم به مقصود و مُراد
أَوَّالِقَى رَأْسِي كَفُؤَادِي ثَمَّه
یا سر بنهم همچو دل از دست آنجا

و نصیحتِ برادران، او را سود نداشتن

يَا غَاذِلَ الْعَاشِقِينَ دَعْ فِتْنَةً
یا غافلِ عاشقین، کیف تَرُشِدُهَا؟

إِلَىٰ آخِرِهِ. ۴۰۵۴:۶

* بیانِ مجاهد که دست از مجاهده باز ندارد، اگر چه داند بَسْطِ عَطَاءِ حق را، که آن مقصود از طرفِ دیگر و به سبب نوعِ عملِ دیگر بدو رساند که در وَهْمِ او نبوده باشد، و همه وَهْمِ و اومید در این طریقِ معین بسته باشد، حلقهٔ همین در می‌زند، بو که حق تعالی آن روزی را از در دیگر بدو رساند، که او آن تدبیر نکرده باشد، وَ يَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ الْعَبْدُ يُدَبِّرُ وَاللَّهُ يَقْدَرُ و بود که بنده را وَهْمِ بندگی بود که: مرا از غیر این در برساند اگر چه من حلقهٔ این در می‌زنم، حق تعالی او را هم از این در روزی رساند، فِی الْجُمْلَةِ این همه، درهایِ یک سرایی است، مَعَ تَقْرِيرِهِ. ۴۱۷۵:۶

* حکایتِ آن شخص که خواب دید که آنچه می‌طلبی از یَسار، به مصر وفا شود، آنجا گنجی است در فلان محله در فلان خانه، چون به مصر آمد، کسی گفت: من خواب دیده‌ام که گنجی است به بغداد در فلان محله، در فلان خانه. نام محله و خانهٔ این شخص بگفت آن شخص فهم کرد که آن گنج در مصر گفتن جهت آن بود که مرا یقین کنند که در غیر خانهٔ خود نمی‌باید جُستن، ولیکن این گنج یقین و محقق جز در مصر حاصل نشود. ۴۲۰۶:۶

* سبب تأخیر اجابت دعای مؤمن. ۴۲۱۷:۶

* رجوع کردن به قصهٔ آن شخص که به او گنج نشان دادند به مصر و بیان تَضَرُّعِ او از درویشی به حضرت حق. ۴۲۳۸:۶

* رسیدنِ آن شخص به مصر، و شب بیرون آمدن به کوی از بهر شبکوکی و گدایی، و گرفتنِ عسس، او را و مراد او حاصل شدن از عسس بعد از خوردنِ زخمِ بسیار، وَ عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ قَوْلُهُ تَعَالَى: سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا، وَ قَوْلُهُ تَعَالَى: إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا، وَ قَوْلُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ اشْتَدَّتْ أَرْمَةُ تَنْفَرِجِي، وَ جَمِيعُ الْقُرْآنِ وَالْكِتَابِ الْمُنَزَّلَةِ فِي تَقْرِيرِ هَذَا. ۴۲۵۵:۶

* بیانِ این خبر که اَلْكَذِبُ رَيْبَةٌ وَالصَّدَقُ طُمَأْنِينَةٌ. ۴۲۷۴:۶

* مَثَل. ۴۳۳۱:۶

* بازگشتنِ آن شخص، شادمان و مراد یافته و خدای را شکرگویان و سجده‌کنان و حیران در غرایب اشارات حق، و ظهور تأویلاتِ آن در وجهی که هیچ عقلی و فهمی بدانجا نرسد. ۴۳۳۶:۶

* مکرّر کردنِ برادران، پند دادنِ بزرگین را، و تاب ناآوردنِ او آن پند را و در رمیدن او از ایشان، شیدا و بیخود رفتن و خود را در بارگاهِ پادشاه انداختن بی‌دستوری خواستن، لیک از فرطِ عشق نه از گستاخی

و لا اُبالی اِلَیْ اٰخِرِه. ۴۳۸۶:۶

* مفتون شدنِ قاضی بر زنِ جوحی، و در صندوق ماندن و نایبِ قاضی صندوق را خریدن، باز سال دوم آمدنِ زنِ جوحی بر امیدِ بازیِ پارینه و گفتنِ قاضی که مرا آزاد کن و کس دیگر را بجوی اِلَیْ اٰخِرِ الْقِصَّة.

۴۴۴۹:۶

* رفتنِ قاضی به خانه زنِ جوحی و حلقه زدنِ جوحی به خشم بر در و گریختنِ قاضی در صندوق اِلَیْ اٰخِرِه. ۴۴۷۵:۶

* آمدنِ نایبِ قاضی میانِ بازار و خریداری کردنِ صندوق را از جوحی اِلَیْ اٰخِرِه. ۴۵۲۰:۶
* در تفسیر این خبر که مصطفی صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ فرمود: من کنت مولاہ فعلی مولاہ تا منافقان طعنه زدند که بس نبودش که ما مطیعی و چاکری نمودیم او را؟ چاکری کودکی خلم آلودمان هم می فرماید اِلَیْ اٰخِرِه. ۴۵۳۸:۶

* باز آمدنِ زنِ جوحی به محکمه قاضی سالِ دوم، بر امیدِ وظیفه پارسال و شناختنِ قاضی او را اِلَیْ اِثْمَامِه. ۴۵۵۳:۶

* باز آمدن به شرح قصه شاهزاده و ملازمتِ او در حضرتِ شاه. ۴۵۸۹:۶
* در بیانِ آنکه دوزخ گوید که قنطره صراط بر سرِ اوست: ای مؤمن از صراطِ زودتر بگذر زود بشتاب، تا عظمتِ نور تو آتشِ ما را نکشد، جُزْیَا مُؤْمِنٌ فَإِنَّ نُورَکَ أَطْفَأُ نَارِی. ۴۶۰۸:۶

* متوفی شدنِ بزرگین از شهزادگان، و آمدنِ برادرِ میانین به جنازه برادر که آن کوچکین صاحبِ فراش بود از رنجوری، و نواختنِ پادشاه، میانین را تا او هم لنگِ احسان شد، ماند پیشِ پادشاه، صد هزار غنایم غیبی و عینی بدو رسید از دولت و نظر آن شاه، مَعَ تَقْرِیرِ بَعْضِه. ۴۶۳۴:۶

* وسوسه یی که پادشاه زاده را پیدا شد، از سببِ استغنائی و کشفی که از شاهِ دل او را حاصل شده بود، و قصدِ ناشکری و سرکشی می کرد، شاه را از راهِ الهام و سِرِّ خبر شد، دلش درد کرد، روحِ او را زخمی زد چنانکه صورتِ شاه را خبر نبود اِلَیْ اٰخِرِه. ۴۷۵۹:۶

* خطابِ حق به عزرائیل که تو را رحم بر که بیشتر آمد، ازین خلاق که جانشان را قبض کردی؟ و جوابِ عزرائیل، حضرت را. ۴۷۹۷:۶

* کراماتِ شیخ شیبانی راعی قَدَسَ اللّٰهُ رُوحَهُ الْقَزِیزَ. ۴۸۱۵:۶
* رجوع کردن به قصه پروردنِ حق تعالی نمرود را بی واسطه مادر و دایه در طفلی. ۴۸۳۱:۶

* رجوع کردن بدآن قصه که شاهزاده زخم خورد از خاطر شاه، پیش از استکمالِ فضایلِ دیگر از دنیا برفت. ۴۸۶۵:۶

* وصیت کردن آن شخص که بعد از من او برد مال مرا از سه فرزند من که کاهل ترست. ۴۸۷۷:۶
* مَثَل. ۴۹۰۳:۶

Sharh e Jame'
Mathnavi e Ma'navi

Fehrest e Rahnama

Karim Zamani

A Comprehensive Commentary of Mathnavi e Ma'navi

Index

Karim Zamani

A Comprehensive Commentary of
Mathnavi e Ma'navi

Index

آخر آسمان ما و زمین ما همه سخن است
پیش آن کس که ادراک می کند

سوره
سجده
ایمساکن زمین

Karim Zamani